پرس و جو با موضوع

فرهنگ و اجتماع



بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگ و اجتماع

نویسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فرهنگ و اجتماع

مشخصات کتاب

نویسنده : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

مسائل اجتماعی

روابط اجتماعی

این مَثَل "خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو" را در چه موقع به کار می برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شویم، باید همرنگ شویم و اگر هم یک رأی دادند، ما بی دلیل قبول کنیم؟

پرسش

این مَثَل "خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو" را در چه موقع به کار می برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شویم، باید همرنگ شویم و اگر هم یک رأی دادند، ما بی دلیل قبول کنیم؟

پاسخ

در ابتدا باید توجه داشتکه این تنها یک ضرب المثل است و حکم قطعی عقلانی یا حکم شرعی نیست که لازم باشد تا آن را به هر گونه که شده حفظ کرد.

با صرف نظر از این مسئله، این ضرب المثل به عنوان یک مسئله رایج در جامعه ما، دو معنا می تواند داشته باشد:

۱ گاهی انسان در جامعه ای زندگی می کند که ارزش و سنت های مشروع و مقبول در آن فراموش شده و اکثر مردم به فرهنگ و سنت های غیر منطقی عادت کرده، همان سنت ها را قبول دارند. در چنین فضایی گاهی گفته می شود: خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو. اگر انسان در چنین جامعه ای قرار گیرد، نه تنها نباید با جماعت همرنگ شود، بلکه باید با رعایت شرایط، با سنت های غیر مشروع مبارزه نماید. هنر مؤمنان و دین مداران در جوّ زدایی چنین جامعه ای ظهور می کند؛ چنان که پیامبران و بزرگان دین با سنت های غیر منطقی جوامع خویش مبارزه نموده و با فضای جامعه خویش همسو و همرنگ نشده اند. از این رو عدم همرنگ شن آنان با سنت های غیر منطقی و غیر مشروع از امتیازات انبیا به حساب آمده است. حضرت ابراهیم(ع) در جامعه ای زندگی می کرد که بت پرستی و خرافه گرایی به اوج خود رسیده بود، ولی به رغم آنکه

تنها بود، با مردم عصر خویش همسو نشد و تحت فضای جامعه خویش قرار نگرفت، گرچه عدم همسویی او با سنت های پذیرفته شده عصر خود، سختی را در پی داشت؛ از این رو خداوند او را ستود.[۱۷]

پیامبر اسلام(ص) در زمانی مبعوث شد که فرهنگ جاهلیت جزیره العرب را فرا گرفته بود.[۱۸] و پیامبر نه تنها جذب و همرنگ جامعه آن روز نشد بلکه عملاً با سنت های جامعه مبارزه نمود و به فرهنگ سازی پرداخته و پیام آور عدل و معنویت بود و در راه رسیدن به این هدف سختی ها و اهانت ها را تحمل نمود تا آنجا که به او ساحر گفتند![۱۹]

به طور کلی اگر قرار بر این بود که همرنگ جماعت شوند، هیچ پیامبری نباید به تبلیغ دین خدا و دستورهای الهی می پرداخت و به آداب و سنت ها و عقاید باطل جامعه زمان خود به مبارزه می پرداخت.

ائمه(ع) نیز از وضعیت جامعه خویش راضی نبوده و با سنت های اشتباه همرنگ نمی شدند، گرچه در جامعه ای که آنها زندگی می کردند، دین و ارزش های آن نادیده گرفته شده بود؛[۲۰] از این رو امام علی(ع) یکی از اهداف حکومت خویش را حکامیت دین و ارزش های آن بیان نمود.[۲۱] و مدیران خود را به دین سالاری و ارزش مداری دعوت کرد.[۲۲]

امام حسین(ع) نیز یکی از اهداف قیام خویش را امر به معروف و نهی از منکر بیان نمود.[۲۳]

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ناهنجارها است. البته مبارزه با وضع جامعه غیر مطلوب باید بر اساس شرایط و سازکارهای خاص

صورت گیرد. از این رو در آموزه های دینی تقیه و سکوت نمودن نیز در برخی موارد خاص مدّ نظر قرار گرفته است. بنابراین اگر جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند، مطلوب نباشد، نباید با آن همسو شد و به بهانه همرنگی با جماعت کارهای خلاف شرع انجام داد و یا به آن رأی مثبت داد و تنها اکثریت را در نظر داشت. اگر مبارزه با سنت های جامعه غیر مطلوب، پیامدهای منفی را در پی داشت و شرایط مبارزه فراهم نبود، لازم نیست مبارزه نمود، بلکه انسان یعی کند گناه و کارهای خلاف شرع انجام ندهد.

۲ گاهی مقصود از همرنگ شدن جماعت بدان معنا است که انسان در جامعه ای زندگی می کند که بر اساس سنت ها و ارزش های دینی اداره می شود و فضای جامعه، فضای دین داری وارزش محوری است. طبیعی است در چنین جامعه ای همسویی و همرنگی وظیفه همه ارزشمداران و دین باوران است. عدم همگرایی و وادادگی از جامعه مطلوب نه تنها ارزش نیست، بلکه نوعی مخالفت با نظام دینی به حساب می آید. در جامعه آرمانی همسویی همگان لازم است.

شاید لزوم بیعت نمودن همگان وحضور همه مردم، به ویژه شخصیت ها بدان جهت است که همسویی و همرنگی در جامعه مطلوب ضروری است.

در یک جامعه کوچک به نام خانواده و محفل دوستانه نیز دو احتمال مذکور را می توان لحاظ نمود؛ از این رو در خانواده و محافل دوستانه که در ان خلاف شرع صورت می گیرد، نمی توان به بهانه همرنگ شدن با جماعت کار خلاف شرع انجام داد. با خانواده و محفلی که در

آن ارزش و دین مداری حاکمیت دارد؛ باید همرنگ شد.

در مورد آداب و سنت های قومی وملی که مخالف با ارزش های دینی نیست و چه بسا پسندیده نیز هست، همرنگی و همسویی وحداقل احترام به آنها مطلوب و پسندیده است.

[۱۸] فروغ ابدیت، ج ۱ - ۲، ص ۴۳ به بعد.

[۱۹] ص(۳۸) آیه ۳۸؛ یونس (۱۰) آیه ۲.

[۲۰] مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۱۴۵.

[۲۱] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

[۲۲] همان، نامه ۵۳.

[۲۳] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۴؛ مقتل مقرم، ص ۱۳۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۳۲۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۹۱.

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پرسش

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پاسخ

هدف نظام های اجتماعی مادی و غیر الهی , بهره مندی از مزایای زندگی دنیا و به عبارتی سعادت دنیایی است . از این رو آنها اساس زندگی اجتماعی را قوانین موردپذیرش و قراردادی میان اعضای اجتماع می دانند . اما اسلام از آنجا که برای انسان سعادت اخروی نیز قایل است و می داند که نیل به این سعادت ممکن نیست مگر از طریق معارف الهی که جمله آنها به توحید برمی گردند . اساس اجتماع را دین توحیدی قرارداده است و بر اساس همین دین توحیدی است که قوانین گوناگون جعل کرده است . ضمان اجرای این قوانین را نیز اولا به دست حکومت اسلامی سپرده و سپس بر عهده جامعه اسلامی قرار داده است .

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پرسش

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام مسآله ای وجود دارد که در ملتهای دیگر امروز دنیا به صورت یک قانون دینی وجود ندارد (البته نمیگوئیم پیغمبران سلف نداشته اند) و آن این است که اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسؤول و متعهد میداند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسؤول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسؤول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسؤولیت و تعهد داری. آیا می توان گفت چنین دینی دین قضا و قدری است؟ البته قضا و قدری به مفهومی که آنها می گویند که کارها را خدا باید انجام دهد و بشر از این جریان و مسیر خارج است و مسؤولیتی ندارد، آنچنان قضا و قدری که از بشر نفی و سلب آزادی و مسؤولیت و تعهد می کند. قرآن چنین قضا و قدری را نمی پذیرد. آیا شما در این زمینه جمله ای بالاتر از آن آیه کوچک که با تفاوت مختصری در دو جای قرآن آمده است پیدا میکنید: «اِنَّ اللّهَ لا یُغَیِرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیرِّوا ما بِاَنفُسِهِم» رعد/۱۱ این آیه آب بسیار صاف و پاکی است که بر سر منتظرها، آنهایی که به انتظار هستند که همیشه خدا از یک راه غیر عادی کارها را درست کند، می ریزد. انتظار بیهوده نکشید. «اِنَّ» یعنی تحقیقا مطلب این است. تحقق و واقعیت این است که

هرگز خداوند اوضاع و احوال را به سود مردم عوض نمیکند «حَتّی یُغَیِّروا ما بِاَنْفُسِهِم» مگر وقتی که خود آن مردم آنچه مربوط به خودشان است، آنچه که در خودشان هست: اخلاق، روحیه، ملکات، جهت، نیات و بالآخره خودشان را عوض کنند. آیا شما می توانید صریحتر از این، مسؤولیت پیدا کنید؟ آنهم مسؤولیت در برابر یک اجتماع، یعنی اجتماع را برای مسؤولیت مخاطب قرار بدهد.

: قرآن برای «امّت ها» (جامعه ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی

پرسش

: قرآن برای «امّت ها» (جامعه ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است.

جامعه ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلّف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامه عمل دارند و به سوی نامه عمل خود خوانده می شوند.

یک امّت، شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکّر خاص پیدا می کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصّی قضاوت می کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امّتی ذوق و ذائقه ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیده امّتی زیبا و در دیده امّتی دیگر نازیباست؛ جوّ اجتماعی امت است که ذائقه ادراکی افراد خود را اینچنین می سازد.

پاسخ

: قرآن برای «امّت ها» (جامعه ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است.

جامعه ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلّف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامه عمل دارند و به سوی نامه عمل خود خوانده می شوند.

یک امّت، شعور واحد، معیارهای

خاص، طرز تفکّر خاص پیدا می کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصّی قضاوت می کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امّتی ذوق و ذائقه ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیده امّتی زیبا و در دیده امّتی دیگر نازیباست؛ جوّ اجتماعی امت است که ذائقه ادراکی افراد خود را اینچنین می سازد.

چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟

پرسش

چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟

پاسخ

انسان خصایصی دارد که به موجب آن خصایص، زندگی اجتماعی اش متکامل است. یکی از آن خصایص و استعدادها، حفظ و جمع تجارب است؛ آنچه را که وسیله تجربه و اکتساب به دست می آورد، آن را نگهداری می کند و پایه تجارب بعدی قرار می دهد.

یکی دیگر استعداد یادگیری از راه بیان و قلم است. تجارب و مکتسبات دیگران را نیز از راه زبان و در مرحله عالی تر از راه خط به خود منتقل می کند. تجارب یک نسل، از طریق مکالمه و از طریق نوشتن برای نسلهای بعد باقی می ماند و روی هم انباشته می شود.

ویژگی سوم، مجهّز بودن انسان به نیروی عقل و ابتکار است. انسان به واسطه این نیروی مرموز، قدرت آفرینندگی و ابداع دارد، مظهر خلّاقیت و ابداع الهی است.

چهارمین ویژگی او، میل ذاتی و علاقه فطری به نوآوری است.

چرا قرآن, انسانهای نخستین را «امت واحده» می نامد؟ پرسش

اشاره

چرا قرآن, انسانهای نخستین را «امت واحده» می نامد؟

پاسخ

انسان های اوّلی, بر اساس اندیشه و فطرت ساده خود, از بینش و منش مشترکی بر خوردار بودند؛ یعنی هم در جهان بینی, بینش واحدی داشتند و هم در تشخیص حق و باطل و مصالح و مفاسد, روش مشترکی داشتند. از این رو, خداوند آنان را به «امّت واحده» ستوده است

«کان الناس أَمه واحده...» بقره / ۲۱.

«امّت» به جمعیّتی می گویند که مقصد خاص و مقصود و امام معیّنی را دنبال می کنند. و وصف تأ کیدی «واحده» در «اُمّه واحده» نشان گر آن است که مردم در فطرت اوّلی خویش , سمت و سوی واحدی را دنبال می کردند و هیچ گونه اختلاف و مشاجره ای در بین آنان نبوده است؛ چون یا اختلاف فکری و علمی نداشتند یا بسیار کم بود و اختلافات عملی نیز اگر در بین آنان راه پیدا می کرد, به وسیله فطرت توحیدی و نصایح انبیای پیشین از حضرت آدم (ع) تا نوح (ع) حلّ می شد؛ چون وحی آسمانی در حدّ موعظه در رفع اختلاف راه گشاست.

نفی اختلاف و مشاجره در انسانهای اوّلی, یا برای آن است که همه آنان مانند فرشتگان به فعلیّت و کمال خویش رسیده بودند.از این رو, اختلاف و مزاحمتی با یک دیگر نداشتند, یا این که مردم اوّلی در بساطت زندگی می کردند و هنوز به سوی کمال حرکت نکرده بودند تا با یک دیگر بر خوردی داشته باشند؛ نظیر درختی که هنوز به فعلیّت نرسیده است و در هسته است وبه تنه و شاخه و خوشه تبدیل نشده, هیچ مشاجره و مزاحمتی در بین آنها نیست؛ چون همه این کمالات

را «بالقوّه» دارد؛ نه «بالفعل».

امّا هسته , وقتی در درون خاك, جا گرفت و زمین را شکافت و جوانه زد و به سوی کمال حرکت کرد, یا مزاحمت هایی را بر سر راه خود می یابد, یا شاخه ها با یک دیگر برخورد می کنند؛ چون می خواهند به فعلیّت برسند و اگر از اختلاف بین انسان ها به مشاجره یاد می کنند, به خاطر همین تنازع شاخه های درخت است.

انسان های اوّلی همانند هسته جامد, بدون مشاجره بودند؛ چون آنان از نظر جهان بینی, محیط زیست و روابط اجتماعی در بساطت به سر می بردند و در حدّ حیات حیوان زندگی می کردند (حیوان بالفعل و انسان بالقوّه بودند)؛ نیازی به وسایل کشاورزی و دامداری و صنعتی نداشتند و جز تحصیل مواد غذایی رنجی را تحمّل نمی کردند؛ چون, نه نیاز به ذخیره سازی آن داشتند و نه نیاز به حمل و نقل آن به مکان های دور دست.زندگی بسیط و بی آلایش آنان همراه با اندیشه ابتدایی, زمینه وحدت و اتّحاد آنان را فراهم می کرد؛ ولی کم کم بر اثر پیشرفت علم و اندیشه و صنعت و گسترش روابط اجتماعی, اختلافات علمی عمیق و عملی در آنان راه پیدا کرد و زمینه بعثت پیامبران اولوالعزم و نزول کتاب و قانون را فراهم کرد تا بار دیگر به اتحاد مطلوب دست یابند.

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پرسش

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پاسخ

حقیقت این است که ادعای جدا بودن خون ها و نژادها خرافه ای بیش نیست. نژاد سامی و آریائی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکدیگر فقط در گذشته بوده است اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است.

بسیاری از مردم امروز ایران که ایرانی و فارسی زبانند و داعیه ایرانی گری دارند یا عربند یا ترک یامغول، همچنانکه بسیاری از اعراب که با حماسه زیادی دم از عربیت میزنند از نژاد ایرانی یا ترک یا مغول میباشند. شما اگر همین حالا سفری به مکه و مدینه بروید، اکثر مردم ساکن آنجا را میبینید که در اصل اهل هند یا ایران یابلخ یا بخارا یا جای دیگری هستند. شاید بسیاری از کسانی که نژادشان از کورش و داریوش است، الآن در کشورهای عربی تعصب شدید عربیت دارند و بالعکس شاید بسیاری از اولاد ابو سفیانها امروز سنگ تعصب ایرانیت به سینه میزنند.

چند سال پیش یکی از اساتید دانشگاه تهران کوشش داشت با دلیل اثبات کند که یزید بن معاویه یک ایرانی اصیل بوده تا چه رسد به فرزندانش، اگر در این سرزمین باشند.

پس آنچه به نـام ملت فعلاً ـ وجود دارد این است که مـا فعلاً ـ مردمی هستیم که در یک سـرزمین و در زیر یک پرچم و با یک رژیم حکومتی و بـا قوانین خاصـی زنـدگی میکنیم، امـا اینکه نیاکـان و اجـداد ما هم حتماً ایرانی بودهانـد یا یونانی یا عرب یا مغول یا چیز دیگر، نمیدانیم.

اگر ما ایرانیان بخواهیم بر

اساس نژاد قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بدانیم که نژاد آریا داشته باشند، بیشتر ملت ایران را باید غیر ایرانی بدانیم و بسیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم، یعنی از این راه بزرگترین ضربت را بر ملیت ایرانی زدهایم. الآن در ایران قومها و قبایلی زندگی میکنند که نه زبانشان فارسی است و نه خود را از نژاد آریا میدانند.

به هر حال در عصر حاضر دم زدن از استقلال خونی و نژادی خرافهای بیش نیست.

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پرسش

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پاسخ

حقیقت این است که ادعای جدا بودن خون ها و نژادها خرافه ای بیش نیست. نژاد سامی و آریائی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکدیگر فقط در گذشته بوده است اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است.

بسیاری از مردم امروز ایران که ایرانی و فارسی زبانند و داعیه ایرانی گری دارند یا عربند یا ترک یامغول، همچنانکه بسیاری از اعراب که با حماسه زیادی دم از عربیت میزنند از نژاد ایرانی یا ترك یا مغول میباشند. شما اگر همین حالا سفری به مکه و مدینه بروید، اکثر مردم ساکن آنجا را میبینید که در اصل اهل هند یا ایران یابلخ یا بخارا یا جای دیگری هستند. شاید بسیاری از کسانی که نژادشان از کورش و داریوش است، الآن در کشورهای عربی تعصب شدید عربیت دارند و بالعکس شاید بسیاری از اولاد ابو سفیانها امروز سنگ تعصب ایرانیت به سینه میزنند.

چند سال پیش یکی از اساتید دانشگاه تهران کوشش داشت با دلیل اثبات کند که یزید بن معاویه یك ایرانی اصیل بوده تا چه رسد به فرزندانش، اگر در این سرزمین باشند.

پس آنچه به نام ملت فعلاً ـ وجود دارد این است که ما فعلاً ـ مردمی هستیم که در یك سرزمین و در زیر یك پرچم و با یك رژیم حکومتی و با قوانین خاصی زندگی میکنیم، اما اینکه نیاکان و اجداد ما هم حتماً ایرانی بودهاند یا یونانی یا عرب یا مغول یا چیز دیگر، نمیدانیم.

اگر ما ایرانیان بخواهیم بر

اساس نژاد قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بدانیم که نژاد آریا داشته باشند، بیشتر ملت ایران را باید غیر ایرانی بدانیم و بسیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم، یعنی از این راه بزرگترین ضربت را بر ملیت ایرانی زده‌ایم. الآن در ایران قومها و قبایلی زندگی میکنند که نه زبانشان فارسی است و نه خود را از نژاد آریا میدانند.

به هر حال در عصر حاضر دم زدن از استقلال خونی و نژادی خرافه‌ای بیش نیست.

دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت های مذهبی چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت های مذهبی چیست؟

پاسخ

دیدگاه قرآن چگونگی برخورد مسلمانان با غیر مسلمانان را مورد توجه قرار داده است می فرماید

۱ «لا یَنْهاکُمُ اللهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یُقاتِلُوکُمْ فِی الدّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُم مِنْ دِیارِکُمْ اَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینَ اِنَّما یَنْهاکُمْ اللهُ عَنِ الَّذینَ قاتَلُوکُمْ فِی الدّینِ وَ اَخْرَجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ وَظاهَرُوا عَلَی اِخْراجِکُمْ اَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ فَاولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ» ممتحنه/۸ و ۹

۲ «قاتِلُوا الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ لا بِالْیَوْمِ الاخِرِ وَ لا یُحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ لا یَدینُونَ دینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذینَ اُوتُوا الْکِتابَ حَتَّی یُعْطُوا الْجِزْیَهَ عَنْ یَدٍ وَ هُمْ صاغِرُونَ» توبه/۲۹

۳ «وَ لا تُجادِلُوا اَهْلَ الْکِتابِ اِلّا بِالَّتی هِیَ اَحْسَنُ اِلّا الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذی اُنْزِلَ اِلَیْنا وَ اُنْزِلَ اِلَیْکُمْ وَ اِلهُنا وَ اِلهُکُمْ واحِد وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» عنکبوت/۴۶

۴ «قُلْ یا اَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا اِلی کَلِمَهٍ سَواء بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ اَنْ لا نَعْبُدَ اِلّا اللهَ وَ لانُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَلا یَتَّخِذَ بَعْضُناً بَعْضاً اَرْباباً مِنْ دونِ اللهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِاَنّا مُسْلِمُونَ» آل عمران/۶۴

۵ «لَتَجِدَنَّ اَشَدَّ النّاسِ عَداوَهً لِلَّذینَ آمَنُوا الْیَهُودَ وَ الَّذینَ اَشْرَکُو وَ لَتَجِدَنَّ اَقْرَبَهُمْ مَوَدَّهً لِلَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ قالُوا اِنّا نَصاری ذلِکَ بِاَنَّ مِنْهُمْ قِسّیسینَ وَ رُهْباناً وَ اَنَّهُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ» مائده/۸۲

۱ [خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد تنها شما را از دوستی کسانی

نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند، یا به بیرون راندن شما کمک کردند، با آنها دوستی نداشته باشید و هر کس آنها را دوست دارد ظالم و ستمگر است.]

۲ [با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا ایمان دارند و نه به روز جزا و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده، حرام می شمرند و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم «جزیه» را به دست خود بپردازند.]

۳ [با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند و (به آنها) بگویید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم و معبود ما و شما یکی است و ما در برابر او تسلیم هستیم.]

۴ [بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را، غیر از خدای یگانه، به خدایی نپذیرد، هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم (و در برابر فرمان خداوند یگانه تسلیم هستیم).]

۵ [به یقین، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند «ما نصاری هستیم» این به خاطر آن است که در میان آنها افرادی عالم و تارک دنیا هستند و آنها (در برابر

حق) تکبر نمی ورزند.]

دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟

پاسخ

(هنگامی که به امام امیرمؤمنان علی(ع) خبر دادند که غارتگران سپاه معاویه به شهر مرزی«انبار» ریخته و نماینده آن حضرت، «حسّان بن حسان» را کشته و اموال مسلمانان و غیر مسلمانان را غارت کرده اند، مردم را به جهاد دعوت فرمود و خطبه معروف جهاد را خواند و در اثناء این خطبه چنین بیان کرد) «به من خبر داده اند که بعضی از مردان آنها به خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمانی که معاهد بوده (و باید جان و مال و ناموسش در پناه اسلام محفوظ بماند) وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره های آنها را از تنشان بیرون آورده، در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع از خود، جز گریه و التماس کردن نداشتهاند... اگر به خاطر این حادثه دردناک، مسلمانی از روی تأسف دق کند و بمیرد ملامت نخواهد شد، بلکه از نظر من شایسته و سزاوار است».

در اینجا امام(ع)، زنان معاهد غیر مسلمان را همطراز زنان مسلمان، در لزوم دفاع از آنها قرار داده و از غارت اموال آنان، آن چنان ناراحت شده که می فرماید «اگر کسی این خبر را بشنود و از اندوه و غصّه بمیرد، جای سرزنش ندارد!».

تعبیری از این گویاتر درباره دفاع از حیثیّت اهل ذمّه و جان و مال و ناموس آنها پیدا نمی شود.

رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟ پرسش

اشاره

رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟

پاسخ

گاه تصور می شود که غیر مسلمانان تنها به دو گروه تقسیم می شوند، «اهل ذمّه» و «محاربین» یعنی گروهی با مسلمانان پیمان همزیستی مسالمت آمیز دارند و گروهی در حال جنگ و نبرد هستند، بنابراین هر کس اهل ذمّه نیست، محارب است و جان و مالش محترم نیست.

ولی غیر مسلمانان در حقیقت چهار گروهند زیرا غیر از دو گروه بالا، گروه سوّمی به عنوان «معاهد» (کسانی که عهد و پیمان

با مسلمانان دارنـد، هر چند در خارج محیط اسـلامی زندگی کنند وصورت اقلیّت نداشـته باشـند) و «مهادن» که نه جزء اقلیّتها است و نه «معاهد» است که پیمانی با مسـلمین داشـته باشد و نه در حال جنگ است، بلکه جداگانه از مسلمانان در کشور خود زندگی می کند و هیچ گونه مزاحمتی با مسلمین ندارد.

در دنیای امروز این چهار گروه، مصادیق روشنی دارد

۱ اقلیتهایی هسـتند که درداخل کشورهای اسـلامی زنـدگی می کنند و مشـمول قوانین آن کشورند و حکومت اسـلامی متعهد است جـان و مال و ناموس آنها را حفظ کنـد و از حقوق آنها دفاع نمایـد، آنها مالیاتی به حکومتهای اسـلامی می پردازنـد که همـان مالیـات را می تـوان به جـای مالیـات «جزیه» حسـاب کرد، زیرا «جزیه»، از مـادّه «جزاء»به معنی چیزی است که حکومت اسلامی به عنوان هزینه و پاداش دفاع از آنها می گیرد و اینها همان اهل ذمّه هستند.

۲ کشورهایی هسـتند که مانند«اسـرائیل» و «آمریکا» که در حال حاضـر با مسـلمین در حال جنگند و از هیچ گونه کارشکنی بر ضدّ آنها کوتاهی نمی کنند، اینها کافران حربی هستند که ما هیچ گونه تعهّدی در

مقابل آنها نداریم.

۳ غیر مسلمانانی هستند که با ما مناسبات دوستی دارند، و سفیر با ما مبادله کرده اند و گاه پیمانهای تجاری و اقتصادی و فرهنگی با آنها داریم، یا از طریق سازمانهای بین المللی در برابر یکدیگر تعهّدهایی سپرده ایم، همه اینها مصداق «معاهد» هستند و باید طبق تعهّداتی که با آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم (از طریق سازمانهای بین المللی) داریم رفتار کنیم و احترام متقابل را رعایت کنیم. بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی را می توان در این گروه نام برد.

۴ ممکن است کشورهایی باشند که نه در حال جنگند و نه پیمانی با ما دارند، نه سفیر با آنها مبادله کرده ایم، نه معاهده ای با آنها داریم، ولی نه آنان مزاحم ما هستندو نه ما مزاحم آنها، در برابر چنین کشورهایی نیز ما باید رعایت اصول انسانی و اخلاقی را داشته باشیم.

از آنچه در بالا ـ گفته شد این نکته روشن است که«اهل ذمّه» تنها آن گروهی از اهل کتاب هستند که در داخل کشورهای اسلامی زندگی می کنند، و احکام جزیه، یا عدم تظاهر به معاصی و گناهان کبیره و مانند آن از احکام ذمّه مربوط به اینهاست و امّا اهل کتاب که در کشورهای خودشان زندگی دارند، مصداق اهل ذمّه محسوب نمی شوند، هر چند با ما پیمانهایی داشته باشند، آنها مصداق«معاهد» و گاه «محارب» و گاه مصداق«مهادن» هستند.

صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می شود؟ پرسش

اشاره

صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می شود؟

پاسخ

منافع مادی، معمولا منشا ایجاد انواع اختلافات و کینه ها و از بین رفتن صمیمیت است. باید برای رسیدن به این هدف، به یک سلسله اصول غیر مادی پایبند بود. یعنی حسن نیت و صمیمیت در سایه ایمان تامین می شود نه به وسیله حساب های بی روح مادی.

به همین جهت، هیچ حکومتی، غیر از حکومت دین و اخلاق قدرت ندارد تا غریزه استخدام و خودخواهی را در بشر کنترل کند، به اجتماع او نظم و آرامش دهد. اگر دستورات صحیح مذهبی به صورت شایسته، مورد استفاده قرار گیرد، در نتیجه جامعه به سوی کمال مخصوص خود، هدایت می شود.

دین با قوانین خود، شرایطی در محیط زندگی افراد بشر ایجاد می کند که باعث رشد و پرورش کافی آنها می شود. به وسیله قوانین محکم و مقررات خود، در بین دلهای افراد، الفت و صمیمیت ایجاد می کند و عللی را که موجب فاصله و دوری افراد از یکدیگر است، از بین می برد. دین به خاطر ایجاد وحدت عقیده، انسان ها را از پراکندگی فکری نجات داده، هدف های

مادی را تعـدیل می کنـد و سـرانجام، افراد یک جامعه راماننـد اعضا یک بـدن، تحت فرمان یک روح، یک اراده و یک فکر قرار می دهد.

اجتمـاعی که افراد آن به اصول ایمـان و اخلاق پایبنـد نیسـتند، صـحنه مبارزه قـدرت های مادی است و هر کس برای اسـتفاده بیشتر خود، تلاش بیشتری می کنـد. در نتیجه، اجتماع به صورت یک صـحنه (تنازع بقاء) و (نبرد زنـدگی) در می آید. لازم به توضیح

نیست که در چنین اجتماعی تامین آزادی برای رشد و نمو افراد و تهیه وسایل ممکن برای کمک به تکامل فکری، اخلاقی و عملی ممکن نیست، زیرا این امور با اصل تنازع، هیچ گونه سازشی ندارد.

اما در اجتماعی که اصل ایمان و اخلاق، حکومت می کند، یک محیط گرم همکاری و هماهنگی کامل برای رفع مشکلات زندگی به وجود می آید که به جای (تنازع بقاء)، (تعاون بقاء) بر آن حکومت می کند. در چنین اجتماعی افراد می توانند از حداکثر آزادی به منظور رشد فکری، اخلاقی و عملی استفاده کنند و به کمک یکدیگر، وسایل رسیدن به این هدف مقدس را برای عموم فراهم سازند.

در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟

پرسش

در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟

پاسخ

در اسلام دو نوع برادری دیده میشود؛ یکی برادری عمومی که تمام افراد مسلمان در آن مشترکند، و دیگری برادری خصوصی که از طریق عقد مواخاه (بستن پیمان برادری) حاصل میشود و هرکدام از این دو نوع اخوت، تعهدات و وظائفی را دربردارد.

نمونه «اخوت خصوصی» همان است که پیغمبر گرامی اسلام (ص) ۵ یا ۸ ماه بعد از آمدن به مدینه، میان یک دسته ۴۵ یا ۵۰ نفری از مهاجران، با دسته دیگری بهمین تعداد از انصار برقرار ساخت، و میان بعضی از مهاجران نیز این معنی را ایجاد نمود.

از جمله طبق روایتی که میان دانشمندان اسلام مسلم است عقد، اخوت میان «خودش» و «علی» (ع) بست.

این پیمان برادری خصوصی اسلامی، به قدری عمیق و ریشه دار بود که حتی طبق پاره ای از روایات اسلامی اینگونه برادران از یکدیگر ارث نیز می بردند، تا بعد از غزوه بدر که آیه شریفه «اولوا الارحام ....» نازل گردید و وارث منحصراً خویشاوندان (در طبقات نخستین ارث) شدند.

و به این ترتیب قرآن بزرگترین سد تشکل اجتماعی که همان امتیازات مختلف از جمله امتیازات (نژادی)، (قبیله ای)، و (طبقاتی) بود برداشت، و راه را برای حکومت واحد جهانی در پرتو قانون واحدی هموار ساخت.

چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می دهد؟ پرسش

اشاره

چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می دهد؟

پاسخ

جامعه شناسان پس از مطالعات فراوان، به این حقیقت اعتراف کرده اند که «بشر طبعا اجتماعی است و بدون اجتماع نمی تواند زندگی کند. بنابراین طبق غریزه فطری و احساسات درونی خود، به زندگی اجتماعی تن در می دهد؛ زیرا می بیند که به تنهایی قادر به حل مشکلات زندگی و رسیدن به کمال نیست و یا حداقل، همکاری با افراد، آسان ترین راه، برای رسیدن به این هدف است و چون بهره هر کس از سرمایه های روحی و جسمی، محدود است و از عهده هر کاری بر نمی آید؛ به ناچار باید از سرمایه های فکری و بدنی که در اختیار دیگران است کمک بگیرد و از طرفی، دیگران هم معمولا حاضر نیستند تا به طور رایگان، سرمایه های خود را در اختیارش بگذارند. نتیجه این می شود که این موضوع از راه مبادله سرمایه های فکری و بدنی و نتایج آنها به انجام برسد.» و این که جمعی از علمای سوسیولوژی معتقدند «که منشا پیدایش مدنیت در ابتدا، ترس انسان از حیوانات درنده بود، تنها یک گوشه از این احتیاجاتی را که با کمک های متقابل افراد، انجام پذیر است و نه تمام جوانب آن را نشان می دهد.»

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پرسش

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پاسخ

گسترش زندگی دسته جمعی بشر، و برچیده شدن زندگی فردی او در بیابانها و بیغوله ها و جنگلها و شکاف کوهها، همگی از یک حقیقت روشن حکایت می کنند، و آن اینکه بشر خواهان زندگی دسته جمعی است که در پرتو معاونت و همکاری یکدیگر، بتواند بر بسیاری از مشکلات چیره گردد، و موانعی را که بر سر راه زندگی سعادتمندانه اوست، از میان بردارد. درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظریات گوناگونی مطرح شده است که ذیلا به آن اشاره می کنیم:

بر پایه یک نظریه، ممکن است ما گرایش انسان به زندگی اجتماعی را جزو سرشت و از فطریات او بشماریم و معتقد گردیم که یکی از غرایز و تمایلات درونی وی این است که در کنار همنوع خود زندگی کند و از زندگی فردی دوری گزیند چنانکه گروهی از دانشمندان بر این عقیده اند، و از قدیم گفته اند, «الإنسان مدنی بالطبع».

نظریه دیگر مقتضی است که یا گرایش مزبور را اثر مستقیم غریزه «استخدام طلبی» بشر بدانیم و بگوییم: «استخدام» و استفاده از هر موجودی به نفع خویش، از غرایز اصلی بشر است، یعنی همانطور که انسان از میوه و شاخه و برگ و ریشه و چوب و هیزم درختها در زندگی استفاده می کند و آنها را در راه مقاصد خود به کار می برد و یا از گوشت و پوست و پشم و خون و شیر و شاخ انواع حیوانات بهره می برد و همه را در راه مقاصد حیاتی خود «استخدام» می نماید، همچنین در راه پیشبرد مقاصد زندگی خود، از وجود همنوعان استفاده نموده، و به حکم غریزه «استخدام» به

زنـدگی دسـته جمعی که از آثار بارز آن اسـتفاده متقابل از دسترنج دیگران است، تن می دهد و این غریزه را درباره همنوعان خود به کار می برد. چیزی که هست، موجودات دیگر در برابر قدرت و نیروی فکری وی بدون قید و شـرط تسلیم می گردند، ولی از آنجـا که انسـان دارای درک و شـعور و تفکر است، نمی تـوان کـار و کوشـش او را رایگـان تملـک نمـود؛ زیرا او نیز انسـانی است هماننـد دیگران، حس و شـعور دارد، «خود خواه» و «خود دوست» است، و خواهان همان چیزی است که دیگری از او می خواهـد، از این نظر انسانی که خواهان اسـتفاده از دسترنـج دیگران است ناچار است مقـداری از نتایج کار و کوشـش خود را در اختیار دیگران بگذارد تا متقابلا از نتایج آنها برخوردار گردد.

اینجـاست که «روح اسـتخدام طلبی» انسـان به صورت بهره برداری متقابـل و بر اسـاس «تعاون» و «همکاری» تجلی می نمایـد و همه افراد، نتایج کار و کوشش خود را روی هم ریخته و هر فردی به اندازه وزن اجتماعی و موقعیت خود، رفع نیاز می کند.

برخی درباره علت زندگی اجتماعی بشـر نظر سومی را ابراز داشـته اند، که تا حدودی از دو نظر گذشـته روشنتر و مفهومتر می باشـد و آن این است که: سرچشـمه میـل انسان به زنـدگی اجتماعی همان غریزه «حب ذات و خود دوستی او» به ضـمیمه یک استدلال و راهنمایی عقلی است. توضیح اینکه: هر فردی به حکم غریزه «خود دوستی»، خواهان تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی خود می باشد، و روی این غریزه می خواهد از مواهب طبیعی و نیروهای نهفته جهان ماده هر چه بیشتر اسـتفاده کند، ولی از

آنجا که مشکلات زندگی بی شمار است و شعاع قدرت هر فردی کاملاً محدود می باشد ، ناچار باید به ضمیمه قدرتهای دیگر، نیروهای سرکش طبیعت را مهار کند، و به جنگ مشکلات حیات رفته و بر آنها پیروز گردد.

این همان راهی است که عقل پیش پای انسانهای خواهان تکامل و ترقی می گذارد، و راه نیل به سعادت را در پرتو زندگی دسته جمعی، آن هم بر اساس تعاون و همکاری، می داند. بنابر این اگر انسان خواهان مدنیت و زندگی اجتماعی است و یا اگر به دنبال استخدام موجودات طبیعی و همنوعان خود می رود، نه از این نظر است که مدنیت جزو سرشت اوست و یا «استخدام موجودات» از غرایز انسان می باشد، بلکه از آنجا که غریزه «خود دوستی» او را به تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی پرلذت دعوت می نماید و راه رسیدن به درخواست این غریزه، در نظر عقل، جز زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری نیست، از این جهت با راهنمایی عقل، به سوی زندگی دسته جمعی کشیده می شود و پایه گذار مدنیت می گردد.

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پرسش

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پاسخ

خداوند عواطف اجتماعی را بر محور ایمان و تقوا و بر اساس دین الهی، کنترل و محدود کرده و اجازه تجاوز از این حدود را نمی دهد. مخالفت قرآن با عواطف و دوستی هایی که از چارچوب ملاک نامبرده تجاوز کرده باشد، شدید است و با تعابیر تند، در آیه های بسیاری، مسلمانان را از آن منع می کند. در این جا نمونه ای از این آیه ها را می آوریم:

(لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شئ الا ان تتقوا منهم تقاه یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر) .

((مؤمنین نباید کافران را دوست خود گیرند و هر کس چنین کند, از سوی خدا چیزی به حساب نمی آید (و رابطه اش با خدا قطع می شود) مگر آن که بخواهد برای حفظ خود از شر آنها تقیه کند. خداوند شما را از عقاب خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.))

شاید بتون گفت که این آیه از صریح ترین و گویا ترین آیه ها در این زمینه است که با لحنی تند، مؤمنان را از برقراری روابط دوستانه با کفار بر حذر می دارد.

چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که براساس قانون تنارع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟ و باید از قانون تعاون بقا پیروی کنند؟

پرسش

چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که براساس قانون تنازع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟ و باید از قانون تعاون بقا پیروی کنند؟

پاسخ

نخست، باید به این نکته توجّه داشت که در بسیاری از حیوانات هم، زندگی اجتماعی و اصل تعاون بقا وجود دارد. و اساساً زندگی به صورت جمعی نمی تواند جز بر اساس اصل تعاون صورت بگیرد. چیزی که هست در حیوانات این امر به صورت غریزی است ولی در انسان ها این امر با قوانین موضوعه صورت می گیرد. که کامل ترین و انسانی ترین شکل آن در جامعه ای که بر اساس وحی و قوانین الهی اداره می شود صورت می پذیرد.

بنابراین، انسان موجودی اجتماعی است. و نکته اجتماعی بودن انسان و حکمت آن این است که نیازهای متنوع و گسترده بشر جز در اجتماع و با اجتماع تأمین نمی شود و از آنجا که انسان موجودی مدنی و اجتماعی است باید زندگی اجتماعی او بر اساس تعاون و همکاری، نه تنازع و درگیری باشد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۵۱

آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟

پرسش

آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟

پاسخ

آنچه از منابع دینی به دست می آید این است که تنش در جامعه ابتدایی انسان به دلیل ترکیب انسان از ابعاد گوناگون و داشتن اختیار پدید آمده است. نخستین اختلاف انسانها، اختلاف هابیل و قابیل، فرزندان آدم((علیه السلام))، بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است: «اذا قرّبا قرباناً فتقبّل من احدهما و لم یتقبّل من الاخر قال لاقتلنّك; آن گاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو(یعنی هابیل) قبول شد و قربانی دیگری(یعنی قابیل) پذیرفته نشد، پس او(قابیل) گفت: «هر آینه تو را خواهم کشت.»

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان

شیعه بسیار زشت و زننده است. برای حفظ این رابطه وظیفه من در مقابل فرد چیست؟

پرسش

من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان شیعه بسیار زشت و زننده است. برای حفظ این رابطه وظیفه من در مقابل فرد چیست؟

پاسخ

ابتدا لازم می دانم از حسن توجه و علاقه شما به ارتباط سالم و سازنده با فرد مذکور تشکر و سپاسگزاری نمایم. در خصوص چگونگی ارتباط با افراد جامعه اعم از همکیشان و غیر همکیشان به نظر می رسد رفتار بزرگان دین از پیامبر بزرگوار اسلام (، امیر المؤمنین (و دیگر امامان و رهبران معصوم (و علماء و رهبران دین بهترین الگو و اسوه رفتاری باشد. در حالات پیامبر اکرم (نقل شده است که فردی یهودی هر روز بر سر راه پیامبر (خاشاک می ریخت و ایشان را اذیت و آزار می کرد. یک روز وقتی حضرت از کوچه عبور کردند و با برخورد هر روز آن فرد مواجه نشدند پرسیدند این مرد چه شده است؟ گفتند در بستر مرض افتاده است. فرمود به عیادتش برویم و به عیادت او رفتند. حضرت هرگز ابراز خوشحالی نکردند که دشمن آزار دهنده ایشان در بستر مریضی افتاده و یک مزاحم از سر راهشان برداشته شده است بلکه درصدد تألیف قلب او بر آمدند و با عیادت از او زمینه مسلمان شدنش را فراهم ساختند. این رفتار در سیره امامان و بزرگان دین اسلام فراوان مشاهده می شود.

شما می توانی با مطالعه سیره زندگی بزرگان دین از این نوع رفتارها بیشتر آگاهی پیدا کنی و مشابه آن رفتار نمایی حتی اگر رفتاری بر گرفته شده از رهبران و شخصیت های

مورد احترام او را برایش تجسّم ببخشی بسیار مجذوب خواهد شد. متأسفانه برخورد سنی ها و شیعیان در برخی موارد دوستانه و برادرانه نیست، بلکه خصمانه است. گاهی تعامل با اقلیت ها راحت تر صورت می گیرد تا برادران ایمانی و مسلمان. باید یاد بگیریم چگونه ضمن حفظ اعتقادات و باورها به اعتقادات و باورهای دیگران احترام بگذاریم و آنها را محترم بشماریم. شما اگر بتوانی با رفتار پیامبر گونه و علوی، قلب او را تسخیر کنی نه تنها رفتار او نبست به شیعیان تغییر خواهد یافت بلکه ممکن است گرایش به تشیع نیز پیدا کند. باید در عمل نیکی و صداقت و برجستگی شیعه را مشاهده و لمس کند. در این صورت نه تنها از مخالفت و برخورد تند و خشن اجتناب خواهد کرد بلکه مرید نیز خواهد شد و به ابراز محبت روی خواهد آورد.

توصیه می کنیم با ایشان رفتاری توأم با ملاطفت و مهربانی و احترام به عقاید و باورهای وی داشته باشید و به سایر همکاران نیز سفارش اکید بکنید از رفتارهای تند و زننده و توهین آمیز به ایشان یا رهبران و بزرگان مورد قبول و احترام شان بشدت اجتناب و احتراز ورزند. طبیعی است وقتی به شخصیت مورد احترام آنان توهین و اهانت شود اگر آنان به شخصیت های مورد احترام ما توهینی نکنند قطعاً به خود ما توهین می کنند. وقتی برخی برادران شیعه به خلیفه دوم که شخصیت مورد احترام برادران اهل سنت است، وقیحانه توهین و لعن می کنند باید انتظار داشته باشیم آنها نیز چنین کنند که معمولاً به امامان شیعه توهین نمی کنند ولی طبعاً به دیگران توهین خواهند کرد. احترام به شخصیت های مورد

احترام آنان بمنزله قبول آنان است. احترام به انسانیت و اعتقادات و باورهای آنهاست.

در مقام بحث و استدلال بصورت منطقی و استدلالی می توان وارد شد ولی توهین به هیچ وجه به صلاح جامعه اسلامی نیست ما باید همه نیرو و توانمان را اعم از شیعه و سنی برای مقابله با دشمن مشترک خودمان بکار گیریم و از تفرقه و هدر دادن نیرو و انرژی خودمان بشدت اجتناب ورزیم.

موفق وپیروز باشی

منابع و مآخذ :

داستان راستان شهید مطهری

آیا اینکه کسی از دیگران مطلقا چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا نه؟ محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران را معین کنید.

پرسش

آیا اینکه کسی از دیگران مطلقا چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا نه؟ محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران را معین کنید.

پاسخ

زندگی اجتماعی، دارای قوانین و روابط خاص خود است که باید رعایت شود. در هر حال در زندگی اجتماعی ما نیازمندیم که حوائج و نیازهای خود را از راه ارتباط با دیگران حل کنیم. بی نیاز مطلق وجود ندارد و همه انسانها در رابطه نیازمندی و تأثیر و تأثری متقابل با یکدیگر هستیم. پس این که کسی مطلقا از دیگری چیزی نخواهد نه تنها مذموم است بلکه شدنی هم نیست و اساس زندگی اجتماعی را منهدم می کند. اما باید توجه داشت که درخواست کمک از دیگران محدوده خاصی دارد:

اولا، رفع نیاز از دیگران با حفظ استقلال و خود اتکایی آدمی باید باشد. گدایی، دریوزگی و تکدی مذموم و ممنوع است. درخواست کمک نباید به عزت نفس انسان ضربه بزند. پس محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران عزت نفس آدمی است. ثانیا، باید توجه داشت که همه انسان ها همانند او نیازمندند و تنها خداوند بی نیاز مطلق است. پس تنها و در واقع باید از خداوند متعال درخواست رفع نیاز کرد و در مقابل از افراد و مردم به عنوان وسیله رفع نیاز و کسانی که خداوند متعال رفع خواسته ها و نیازها را به دست آنها قرار داده درخواست رفع مشکل را کرد.

آیا با گفت و گو می توان همهء اختلافات را حل کرد؟

پرسش

آیا با گفت و گو می توان همهء اختلافات را حل کرد؟

پاسخ

بایـد گفت : بعضـی از موارد اختلاـف , از طریق گفتمان قابل حل نیست , از باب این که یکی حق مسلّم و مسـجّل دیگری را گرفته و به حق او تجاوز کرده و سپس به طرف می گوید: بیا بنشینیم , اختلافمان را ازراه گفت و گو حل کنیم . به عنوان مثال شخصـی بـا زور و به صورت عُـدْوانی زمین , یـا خانهء دیگری را تصاحب کنـدو مالك بیچاره بخواهـد مال خود را بگیرد, اما طرف بگویـد: داد نزن , فریـاد نکن , بیـا بنشـینیم و از طریق گفت و گومشـکلمان را حـل نماییم ! مشـخص است در این گونه موارد, حل اختلاف از راه گفتمان معقول نخواهد بود.

و یا از باب این که طرف , شخصی متکبر و لجباز و قلدر و مکار و غیر منطقی است و به هیچ وجه حاضر به پذیرش حق نیست , مثل صـدام و معاویه و خوارج و خشك مقدّسان بی منطق و امثال طلحه و زبیر و آدم های ریاست طلب ; در این گونه موارد تنها راه حل اختلاف , جنگیدن و اعمال زور و قدرت است .

البته در بعضی موارد می توان از طریق گفت و گو اختلافات را حل کرد, که بسیار مناسب می باشد.

معمولاً وقتی بین دو نفر یا دو قبیله و یا دو کشور اختلاف پیش می آیـد, عـده ای مغرض و دشـمن اما در لباس دوست و یا در واقع دوست , اما نادان , همیشه حرف های طرف مقابل را برای دیگری می آورد و حتی

گاه اضافه و کم می کند و کینهء طرفین را نسبت به هم شدیدتر می کند.

بدیهی است در این گونه موارد یکی از بهترین راه کارها این است که طرفین , به دور از لجبازی و دشمنی کنارهم بنشینند و صادقانه موضوع اختلاف را مطرح کرده و طبق آداب و رسوم خود یا قانون متداول و یا طبق موازین اسلامی حل نمایند, و چون مستقیماً با هم صحبت می کنند و واسطه ای وجود ندارد و اگر هم باشد, ازخودشان است , زودتر به نتیجه خواهند رسید.

در قرآن توصیه های زیادی به گفت و گو, از جمله :

.()(پاورقی ۱.حجرات (۴۹ آیهء ۹

چنان که ملاحظه می فرمایید ابتدا وظیفهء حل اختلاف از طریق گفت و گو مشخص شده است و سپس از طریق جنگ و زور و اعمال قدرت ..

پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند.

اشاره

مرد علی رغم خانواده به ویژه والدین خود میل دارد با همسر مطلقهء خود مجدداً تشکیل زندگی دهد, در صورتی که می داند ازدواج مجددش منجر به قطع رابطه با والدین می شود. به نظر شما چنی

پرسش

پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند.

مرد علی رغم خانواده به ویژه والدین خود میل دارد با همسر مطلقهء خود مجدداً تشکیل زندگی دهد, در صورتی که می داند ازدواج مجددش منجر به قطع رابطه با والدین می شود. به نظر شما چنین امری صلاح است و قطع رحم گناه ندارد؟

پاسخ

در اسلام , صلهء رحم تمجید شده و از قطع رحم نکوهش شده است , تا آن که حضرت امام سجاد۷رمود: خداوند متعال در سه جای قرآن قاطع رحم را لعن کرده است .

۱ بقره (۲ آیهء ۲۵ .

خاسر در قطع رحم , مصداق قطعی ملعون است .

۲ رعد (۱۳ آیهء ۲۶ .

۳ محمد(۴۷ آیهء ۲۴ .

اخبـار زیادی هم در این مورد وارد شـده است , از جمله این که : شـخصب به پیغمبر اکرم ۶عرض کرد: یارسول اللّه ! مبغوض ترین عمل , نزد خدا چیست ؟ فرمود: شـرک به خدا. عرض کرد: بعد از آن : سپس فرمود: قطع رحم .عرض کرد: بعد از آن ؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف .(۱)

و مردی خدمت امام صادق ۷آمد و از بستگان خویش شکایت کرد. حضرت فرمود: خشم خود را فرو ببر و به آن ها نیکی کن . عرض کرد: به من چنین و چنان کردنـد و می کننـد. حضـرت فرمود: آیا می خواهی شـما هم مثل آنان قطع رحم کنی ؟ اگر چنین کنی , خدای تبارک و تعالی در دنیا و آخرت نظر لطفش را از همهء شما بر می دارد>.

خلاصه این که اگر چه اسلام از

قطع رحم بسیار مذمت کرده است , اما اگر قطع از ناحیهء آن زوج نباشد, در پیشگاه خدا مسئول نخواهند بود.

به نظر ما, تشکیل زندگی مجدّد با همسر مطلقه و زیر بال و مهر و عطوفت قرار دادن آن طفل معصوم و تربیت کردن او خیلی مهمّ است , چون در صورت عدم تشکیل زندگی , آن طفل بی گناه باید همیشه از محبت مادر یا پدرمحروم بماند, در حالی که قهر و غضب والدین موقتی است و پس از اندی آشتی خواهند کرد.

(پاورقی ۱.شهید دستغیب , گناهان کبیره , ج ۱ ص ۱۵۹ به نقل از اصول کافی .

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پرسش

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پاسخ

گسترش زندگی دسته جمعی بشر، و برچیده شدن زندگی فردی او در بیابانها و بیغوله ها و جنگلها و شکاف کوهها، همگی از یک حقیقت روشن حکایت می کنند، و آن اینکه بشر خواهان زندگی دسته جمعی است که در پرتو معاونت و همکاری یکدیگر، بتواند بر بسیاری از مشکلات چیره گردد، و موانعی را که بر سر راه زندگی سعادتمندانه اوست، از میان بردارد. درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظریات گوناگونی مطرح شده است که ذیلا به آن اشاره می کنیم:

بر پایه یک نظریه، ممکن است ما گرایش انسان به زندگی اجتماعی را جزو سرشت و از فطریات او بشماریم و معتقد گردیم که یکی از غرایز و تمایلات درونی وی این است که در کنار همنوع خود زندگی کند و از زندگی فردی دوری گزیند چنانکه گروهی از دانشمندان بر این عقیده اند، و از قدیم گفته اند, «الإنسان مدنی بالطبع».

نظریه دیگر مقتضی است که یا گرایش مزبور را اثر مستقیم غریزه «استخدام طلبی» بشر بدانیم و بگوییم: «استخدام» و استفاده از هر موجودی به نفع خویش، از غرایز اصلی بشر است، یعنی همانطور که انسان از میوه و شاخه و برگ و ریشه و چوب و هیزم درختها در زندگی استفاده می کند و آنها را در راه مقاصد خود به کار می برد و یا از گوشت و پوست و پشم و خون و شیر و شاخ انواع حیوانات بهره می برد و همه را در راه مقاصد حیاتی خود «استخدام» می نماید، همچنین در راه پیشبرد مقاصد زندگی خود، از وجود همنوعان استفاده نموده، و به حکم غریزه «استخدام» به

زنـدگی دسـته جمعی که از آثار بارز آن اسـتفاده متقابل از دسترنج دیگران است، تن می دهد و این غریزه را درباره همنوعان خود به کار می برد. چیزی که هست، موجودات دیگر در برابر قدرت و نیروی فکری وی بدون قید و شـرط تسلیم می گردند، ولی از آنجـا که انسـان دارای درک و شـعور و تفکر است، نمی تـوان کـار و کوشـش او را رایگـان تملـک نمـود؛ زیرا او نیز انسـانی است هماننـد دیگران، حس و شـعور دارد، «خود خواه» و «خود دوست» است، و خواهان همان چیزی است که دیگری از او می خواهـد، از این نظر انسانی که خواهان اسـتفاده از دسترنـج دیگران است ناچار است مقـداری از نتایج کار و کوشـش خود را در اختیار دیگران بگذارد تا متقابلا از نتایج آنها برخوردار گردد.

اینجـاست که «روح اسـتخدام طلبی» انسـان به صورت بهره برداری متقابـل و بر اسـاس «تعاون» و «همکاری» تجلی می نمایـد و همه افراد، نتایج کار و کوشش خود را روی هم ریخته و هر فردی به اندازه وزن اجتماعی و موقعیت خود، رفع نیاز می کند.

برخی درباره علت زندگی اجتماعی بشـر نظر سومی را ابراز داشـته اند، که تا حدودی از دو نظر گذشـته روشنتر و مفهومتر می باشـد و آن این است که: سرچشـمه میـل انسان به زنـدگی اجتماعی همان غریزه «حب ذات و خود دوستی او» به ضـمیمه یک استدلال و راهنمایی عقلی است. توضیح اینکه: هر فردی به حکم غریزه «خود دوستی»، خواهان تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی خود می باشد، و روی این غریزه می خواهد از مواهب طبیعی و نیروهای نهفته جهان ماده هر چه بیشتر اسـتفاده کند، ولی از

آنجا که مشکلات زندگی بی شمار است و شعاع قدرت هر فردی کاملاً محدود می باشد ، ناچار باید به ضمیمه قدرتهای دیگر، نیروهای سرکش طبیعت را مهار کند، و به جنگ مشکلات حیات رفته و بر آنها پیروز گردد.

این همان راهی است که عقل پیش پای انسانهای خواهان تکامل و ترقی می گذارد، و راه نیل به سعادت را در پرتو زندگی دسته جمعی، آن هم بر اساس تعاون و همکاری، می داند. بنابر این اگر انسان خواهان مدنیت و زندگی اجتماعی است و یا اگر به دنبال استخدام موجودات طبیعی و همنوعان خود می رود، نه از این نظر است که مدنیت جزو سرشت اوست و یا «استخدام موجودات» از غرایز انسان می باشد، بلکه از آنجا که غریزه «خود دوستی» او را به تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی پرلذت دعوت می نماید و راه رسیدن به درخواست این غریزه، در نظر عقل، جز زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری نیست، از این جهت با راهنمایی عقل، به سوی زندگی دسته جمعی کشیده می شود و پایه گذار مدنیت می گردد.

سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟

پرسش

سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟

پاسخ

در مورد تعهدات اجتماعی، یک دسته از آیات، با تعابیر گوناگون به ما توصیه کرده یا فرمان می دهند که به تعهدات خود، در برابر دیگران، پای بند باشیم یا افراد پای بند به عهد را ستایش می کنند و از این طریق، انسان را متوجه لزوم و رجحان پای بندی به عهد می کنند.

قرآن در یک جا، کارهای نیک را بر می شمارد و افراد نیکوکار را به خاطر کارهای نیکشان ستایش کرده، می فرماید:

(والموفون بعهدهم اذا عاهدوا)(۱)

در این آیه، به وفای به عهد، به عنوان یکی از کارهای نیک اشاره می کند که پای بندی به آن، ستایش بر انگیز است و باید مورد توجه باشد.

در آیه دیگری خداوند با صراحت فرمان وفای به عهد می دهد و انسان را در برابر تعهدات خود مسئول دانسته، می فرماید:

(و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤولا) (۲)

((در برابر عهد (خود با دیگران) پای بند باش که مورد سؤال و بازخواست قرار می گیرد.))

در دو آیه نیز در مقام معرفی مؤمن و بیان صفات لازم و برجسته او می فرماید:

(والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون) (۳)

(مؤمنان) آن کسانی هستند که امانتها و عهد خود را رعایت کنند (و به آن ها پای بند باشند.)

در مورد این گونه آیات، باید توجه داشت که امانت هم در واقع، مصداقی از مصادیق عهد است و شخص امانت دار با قبول امانت از شخص دیگر، در برابر او متعهد شده و با او قرار داد بسته است که تا هنگام مطالبه امانت، آن

را نگهداری و از آن مراقبت کند. بنا بر این، قبول امانت به منزله عهد طرفینی است و ادای امانت، به منزله وفای به عهد و خیانت در امانت، به منزله نقض عهد خواهد بود.

دسته دیگری از آیات، افراد عهد شکن و بی توجه به پیمان های اجتماعی را نکوهش می کند. در یکی از این آیات، در مذمت بنی اسرائیل می فرماید:

(او کلما عاهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لا یؤمنون) (۴)

((چرا هنگامی که عهدی می بندند گروهی از عهد کنندگان پیمان شکنی می کنند.))

در این آیه، در مورد پیمان شکنی، از واژه نبذ استفاده شده که به معنای دور انداختن و پرت کردن است و با استفهام توبیخی، آنان را به خاطر عهد شکنی نکوهش کرده است.

در آیه دیگری می فرماید:

(الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لا یتقون) (۵)

((بد ترین جانوران نزد خدا آنانند که کفر ورزیده، ایمان نمی آورند آن کسانی که تو با آن ها پیمان می بندی، ولی آنان همیشه پیمانشان را نقض می کنند.))

همان طور که ملاحظه می شود، در این آیه، با گزنده ترین تعابیر، عهد شکنان اجتماعی نکوهش شده و از این رهگذر، ارزش بسیار منفی عهد شکنی آشکار می شود.

پاورقی۱: بقره ۱۷۷

پاورقی۲: اسراء ۳۴

پاورقی۳: مؤمنون ۸

پاورقی۴: بقره ۱۰۰

پاورقی۵: انفال ۵۶

آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟

پرسش

آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟

پاسخ

زنـدگی اجتماعی را با همه اهمیتی که دارد و با وجود احکام فراوانی که اسـلام درباره آن صادر نموده است, نمی توان آن را یک ارزش مطلق تلقی کرد, بلکه مطلوبیت آن, تابع شـرایطی است که زنـدگی فرد را با زنـدگی دیگران پیونـد می دهد و در ورای همه این شرایط, بستگی به نیت فرد در مشارکت در زندگی اجتماعی دارد.

عوامل روانی, که زنـدگی فرد را به جامعه پیوند می دهند, عبارتند از: عامل غریزی, عامل عاطفی و عامل عقلانی. این عوامل, شخص را وامی دارنـد تا به جامعه گرایش یابـد و زنـدگی خویش را با زنـدگی دیگران پیوند دهد؛ اما ارزش اخلاقی زندگی اجتماعی, بستگی به انتخاب عقلانی دارد. وقتی که انسان، بر سر دوراهی قرار می گیرد و انگیزه های مختلفی وی را به این سو و آن سو می کشاننـد, این عقل است که تعیین می کنـد کـدام انگیزه, ارزش بیش تری دارد و بایـد به دنبال آن رفت. پس در سایه راهنمایی عقل است که ارزش اخلاقی تعیین می شود.

در مسائـل فردی هم, صـرف وجود انگیزه طبیعی, دلیـل بر ارزش اخلاقی نیست, بلکه با دخالت عقل است که می توان ارزش اخلاقی هر یک از کارها را مشـخص کرد؛ مثلاً شـهوت جنسـی, یک انگیزه طبیعی است و تعیین ارزش اخلاقی آن, بستگی به حکم عقـل دارد. عقـل هم به تناسب شـرایط مختلف, ممکن است به ارزش مثبت یا منفی بودن این میل, حکم کنـد. در واقع, میل های طبیعی, ابزاری برای تحقق اهداف عقلانی اند؛ زیرا هدف خلقت, متوقف

است بر این که نسل انسان باقی بمانـد و این میل, ابزاری است برای تحقق آن هدف. این از الطاف خداوند است که در انسان, ابزارهای طبیعی قرار داده تا او برای انجام کارهایی در مسیر تحقق اهداف ارزشمند, بر انگیزد.

تشکیل زندگی اجتماعی وجود دارد, ولی ارزش اخلاقی آن ها به انتخاب عقل وابسته است. عقل می گوید: رسیدن انسان به مطلوب های مادی و معنوی اش در گرو زنـدگی اجتماعی است و اگر فرد بخواهـد تنها زندگی کند, برای تأمین مصالح مادی و معنوی اش با دشواری ها و مشکلاتی رو به رو خواهد شد.

انسان برای رسیدن به کمال نهایی, آفریده شده است که مقدمات دست یابی به آن, تنها در جامعه فراهم می شود. پس به حکم عقل, زندگی اجتماعی, مطلوب خواهد بود و ضرورت بالقیاس پیدا می کند.

آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزلت برخی از مردان الهی چیست ؟

پرسش

آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزلت برخی از مردان الهی چیست ؟

پاسخ

زندگی اجتماعی در اسلام هدف نیست و ارزش مطلق ندارد، بلکه ارزش آن نسبی است . زندگی اجتماعی ، وسیله ای است برای تامین ارزش های بالاتر.مطلوبیت زنـدگی اجتماعی ، تابع شرایطی است که زندگی فردی را با زندگی دیگران پیوند می دهـد .عواملی که زنـدگی فرد را به جامعه و اجتماع پیوندمی دهند، عبارتند از : عامل غریزی به عامل عاطفی و عامل عقلانی . این عوامل انسان را وا می دارد تا به جامعه گرایش یابـد و زنـدگی خویش را با زندگی دیگران پیوند دهد .کمالات انسان در سایه ی اجتماع حاصل می شود و بدون آن ، انسان از چنین کمالاتی محروم خواهد ماند؛ البته این بدین معنا نیست که بگوییم اجتماع دارای ارزش مطلق است . در قرآن کریم به همان انـدازه که به محبت کردن مردم به همـدیگر اهمیت داده شده است ، به تبری و بیزاری جستن از بعضـی انسان ها هم اهمیت داده شده است . از جمله – در داستا اصحاب کهف آمده است که آن جوانـان صالـح از اجتمـاع فاسـد زمان خود کنار گرفته ، به غاری پناه بردنـد : ((و اذ اعتزلتموهم و ما یعبـدون ...)) ، (سوره کهف آیه ۱۶) . قرآن ایـن کنـاره گیری را می ستاید؛ زیرا آنـان برای آن که دین خـود را حفـظ کننـد از آن جـامعه هجرت کردند و از آن منجلاب فساد کناره گیری کردند .داستان گوشه گیری ابوذر را بعد از رحلت پیامبر می توان در همین

مقوله (فساددستگاه حکومتی) توجیه کرد و الا ابوذر عزلت انتخاب نکرد .اگر تاریخ زندگی ابوذر مطالعه شود، پرخاشگری های ابوذر نسبت به عمال خلفا، نشانگرسوز و گداز اجتماعی اوست . به عبارت دیگر، ابوذر از اجتماع نبرید، بلکه او رااز اجتماع بریدند .کناره گیری حضرت ابراهیم (ع) از جامعه ی شرك آلودنمرودی که در قرآن آمده است ، (سوره مریم ، آیه ۴۸) (و اعتزلکم و ماتدعون ...) یا رهبانیت اصحاب حضرت عیسی (ع) که در سوره مریم آیه ۴۹ و ۵۰آمده است ، به دلیل شرایط بد زنانشان بود که می خواستند دین خودشان راحفظ کنند .اما در جایی که خشنودی خدا در بازگشت به جامعه و اجتماع است ،برای هدایت دیگران و معاشرت با آن ها، رهبانیت و دیرینشی و گوشه گیری و عزلت ارزشی ندارد .پس زندگی اجتماع در اسلام دارای ارزش مطلق نیست ،بلکه نسبی است و تابع شرایط زمانه است ، (معارف قرآن و اخلاق در قرآن ،استاد مصباح یزدی) . ;

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پرسش

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پاسخ

آنچه که از منابع دینی به دست می آید این است که اختلاف در جامعه ابتدایی انسانی به خاطر ترکیب انسان داشتن اختیار به وجود آمده است. اوّلین اختلاف در بین انسان ها، اختلاف هابیل و قابیل، فرزندان آدم((علیه السلام)) بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است:

«اذا قرّباقرباناً منقبّل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنّك;آنگاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو(هابیل) قبول شد و قربانی دیگری(قابیل) پذیرفته نشد. پس او(قابیل) گفت هر آینه تو را خواهم کشت».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۶

نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟

پرسش

نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟

پاسخ

در روایات و احادیث بسیاری درباره صله رحم و پیوند با خویشان تأکید و سفارش به عمل آمده و نتایج خوب و ثوابهای بسیار برای آن نقل شده است. در این زمینه چند حدیث را یادآور می شویم:

در حدیثی از پیامبر اسلام روایت شده که فرمود:«صله رحم عمر انسان را زیاد می کند و فقر را از بین می برد».

و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شده:«گاهی انسان صله رحم می کند، و صله رحم باعث می شود که خداوند عمرش را درجایی که از عمر وی سه سال بیش نمانده، طولانی کرده و سه سال تبدیل به سی سال شود. گاهی هم برعکس است; یعنی از عمر انسان سی سال مانده، اما در اثر قطع رحم تبدیل به سه سال می شود.

همچنین در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده:«صله رحم حساب را آسان

می کند و انسان را از مرگ بد نگه می دارد».

(بخش پاسخ به سؤالات)

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پرسش

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجّه قرار داده است. بخش عمده ای از احکان و نظامهای اسلام، اجتماعی است; از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

چگونه می توان دربرخورد با مسائل جامعه ازگزند تصدیقها وتکذیبهای بی جا درامان بود؟

پرسش

چگونه می توان دربرخورد با مسائل جامعه از گزند تصدیقها وتکذیبهای بی جا درامان بود؟

پاسخ

حضرت امام خمینی (ره) دراربعین حدیث(حدیث ۳۲) مردم رادو طائفه دانند که یایقین ، آنها رابه جایی رسانده که تمام اسباب ظاهری را مسخر اراده حق تعالی دانند وازغیر حق چیزی رانمی بینند ونمی خواهند وبه حقیقت او ایمان آورده اندوقل اللهم مالك الملك توتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء، را باور نمودند ، اینان دارای قلب الهی شده ورضای مردم وسخط آنها راچیزی ندانند وجز رضای حق طالب نباشند ، پس دیدگان خود را ازمردم وعطیات آنها ودنیای آنها ببندند؛ وطائفه دوم آنها هستند که ازحق بی خبرند ، یا اگر خبر دارند خبری ناقص وایمان غیر کامل است ، اینان رضایت مخلوق رامی طلبند وگاه کارشان به جایی می رسد که رضایت مخلوقی ضعیف راجلب کرده واسباب سخط وغضب خداوند رافراهم می کنند.

چنانچه موافقت بااهل معصیت می کنند یا تصدیق وتکذیب بی مورد کنیم، چنانچه در مضمون عبارت حضرت امام خمینی (ره) روشن شد ، اگر بخواهیم ازتصدیق یاتکذیب بی مورد نجات پیدا کنیم، باید ازاهل طائفه اول شدو یقین واعتقاد قلبی به باورها پیدا نمود وراه تقوای الهی را طی نمود ودیگر ازمواضع تهمت اجتناب نمود وخود رادربرابر برداشت اجتماع مسؤول دانست ودرجهت رفع تهمت وکذب تلاش نمود وبرای آنکه انسان خود دچار خطای درقضاوت نباشد نیز علاج حقیقی تقوای الهی است .

چنانکه قرآن کریم می فرماید : " ان تتقواالله یجعل لکم فرقانا" که یک احتمال درفرقان قدرت تشخیص حق وباطل است، اگر انسان حق راحق وباطل راباطل تشخیص دهد دیگر مبتلا به تصدیق

وتکـذیب بی مورد نمی شود ، البته تقوا مفهومی عـام است که یکی ازمصـادیق آن پرهیز ازجهالت وبی خبری است که ملازم باکسب علم ودانش وداشـتن مطالعات وتحقیقات لازم می باشد، که خدای مهربان به واسـطه آن نور معرفت رادردل انسان می تابانـد " العلم نور یقـذفه الله فی قلب من یشاء" خوبست دراین زمینه هم به حدیث ۳۲ اربعین حدیث امام (ره) وهم تفسـیر آیه مذبور مراجعه کنید .

هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ (بطور کامل

پرسش

هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ (بطور کامل

پاسخ

اجتماعی زیستن انسان از ضروریات اجتناب ناپذیر اوست در میان موجودات اجتماعی با توجه به ویژگی آزادی و

انتخابگری انسان ساختار زنـدگی اجتماعی او می تواند بر اساس ارزشـها و زیبائیها اسـتوار گردد بگونه ای که مردم از زیسـتن درکنار یکـدیگر لـذت برده و افتخار همسایگی ، همکاری ، همشاگردی ، همخـدمتی، همسـنگری و پیونـد اجتماعی را داشـته باشـند و این با گذشت از خویشتن و در پیوستن به مردم و پا نهادن بر منیتها بدست می آید و از مؤثرترین عوامل در رسیدن به چنین جایگاه اجتماعی صله رحم و تقویت روزبه روز پیوند خانوادگی می باشد که سنگ زیرین روابط اجتماعی می باشد .

امام صادق(فرمودند :

صله رحم سـبب دارا شدن صـفت جمیله حسن خلق و سـخا و کرم می شود (زیرا برای انجام این تکلیف مهم الهی ناچار است که در معاشـرت ارحـام رعـایت حسن سـلوک را بنمایـد و پس از تمرین و و ممـارست دارای ملکه حسن خلـق می شود حـتی نسـبت به دیگران و همچنین به برکت صـله رحم و تکرار آن دارای ملکه سـخا و جود می شود و از مرض مهلـک بخـل نجات پیدا می کند) و نیز نفسـش از مرض کینه و حسد پاک می شود و از بلای دشـمنی با خلق راحت می شود (چون به سـبب صله رحم محبوب نزدیکان بلکه سایر خلق شده و از شـر آنها در امان خواهد بود) برای اطلاع بیشتر به کتاب گناهان کبیره ج ۱ ص ۷۲ اثر استاد شهید دستغیب مراجعه فرمایید .

ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟

پرسش

ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟

پاسخ

پر واضع است بر آوردن نیازمندیها به صورت دلخواه و غیر قانونمند نظیر درمان بر اساس خواست و میل بیمار پیامد ناگوار . جبران ناپذیر جسمی، روحی و روانی را بدنبال خواهد داشت.

از این رهگذر پدید آورنده انسان و نظام هستی و آگاه به نیازهای واقعی انسان و تأمین آن بگونه ایکه بایسته های روابط پسران و دختران را در بر داشته باشدو و مجاز دانسته است.

گفتگو و ملاقات بدون انگیزه جنسی با رعایت پوشش مناسب و اطمینان به نیفتادن در چالشها و مفاسد.

س۲۴۴: جوانانی که در مدارس و دانشگاهها مشغول تحصیل هستند با دختران هم برخورد و ملاقات دارند و به حکم همکلاسی و همدرس بودن با آنان راجع مسائل درس و غیر آن گفتگو می کنند که گاهی بعضی از صحبتها با خنده و شوخی همراه است که البته به قصد ریبه و لذت نیست آیا این کار جایز است؟

ج: اگر همراه با مراعات حجاب و بدون قصد ریبه و همراه با اطمینان به عدم وقوع در مفاسد باشد، اشکال ندارد، و الا جایز نیست.

خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به همنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکند؟

پرسش

خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به همنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکند؟

پاسخ

"خیانت" در اصل به معنای خودداری از پرداخت حقی است، که انسان پرداختن آن را تعهد کرده، و آن ضد "امانت" است. امانت گرچه معمولاً به امانتهای مالی گفته میشود، ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را در بر میگیرد، لذا در حدیث وارد شده است که "المجالس بالامانه": "گفتگوهایی که در جلسه خصوصی میشود امانت است". و در حدیث دیگری میخوانیم: "هنگامی که کسی برای دیگری سخنی نقل میکند، سپس به اطراف خود بنگرد (که آیا کسی آن را شنید یا نه) این سخن امانت است".

در سوره انفال، آیه ۲۷، میخوانیم: "يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ; ای کسانی که ایمان آوردهاید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود، خیانت روا مدارید، در حالی که متوجهید و میدانید."

بعضی از مفسرین گفتهاند امانت خدا آیین اوست، و امانت پیامبر سنت اوست، و امانت مؤمنان اموال و اسرار آنها میباشد، ولی امانت در آیه فوق همه را شامل میشود.

قرآن کریم، عاقبت و سرانجام "خیانت" را خواری و رسوایی در روز قیامت بیان میکند و میفرماید: "وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ

وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ;(آل عمران،۱۶۱)]شما گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند، در حالی که[ممکن نیست، هیچ پیامبری خیانت کند، و هر کس خیانت کند، در روز رستاخیز آن چه را

در آن خیانت کرده با خود]به صحنه محشر[میآورد، سپس به هر کس آن چه تحصیل کرده داده میشود، و]به همین دلیل[به آنها ستم نخواهد شد]زیرا محصول اعمال خود را خواهند دید[

"یغل" از واژه "غلل" به معنای خیانت گرفته شده و "غلل" در اصل به معنای نفوذ تدریجی و مخفیانه آب در ریشه درختان است، و از آن جا که خیانت به صورت مخفیانه و تدریجی صورت میگیرد، به آن "غلول" میگویند. در هر صورت مفهوم این فراز از آیه که میفرماید: "وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَه..." این است که: هر کس خیانت کند، روز رستاخیز آن چه را در آن خیانت کرده به عنوان مدرک جنایت بر دوش خویش حمل میکند ویا همراه خود به صحنه محشر میآورد و به این ترتیب، در برابر همگان رسوا میشود.(تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۳، ص ۱۵۲; همان، ج ۷، ص ۱۳۶.)

البته خیانت در دوستی، سبب سست شدن روابط اجتماعی و متزلزل گردیدن روابط دوستی و محبتآمیز میان افراد شده و نهایتاً منجر به سلب اعتماد عمومی میگردد، گر چه تمام مصادیق خیانت نکوهیده و مذموم است، اما زشتی برخی از مصادیق آن به گونهای است، که دامنه تبعات آن جامعه را نیز فرا میگیرد.

قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردهای میداند؟

پرسش

قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردهای میداند؟

پاسخ

برادر گرامی، انسان از روی غریزه و فطرت خود، الگوپذیر و تقلید کننده است مخصوصاً در اموری که به عنوان کمال مطرح میباشد و تقلید پسندیده، تنها راه زندگی جمعی است. تقلید یعنی اعتماد انسان، بر اهل خبره که در آن فن آگاهی لازم را دارند ولی برای شخص او ممکن و میسر نیست که به طور کامل از دلیل آن آگاه شود، در جامعه قطعاً، فرصت تخصص در همه کارها، برای همگان، فراهم نمیشود. لذا انسان در غالب کارهای خود ناگزیر است به دیگران که تخصص دارند، اعتماد نماید و برای اصلاح زندگی خود، از رأی آنها تبعیت نماید. و محال است شخصی پیدا شود که خود مستقلاً در همه امور، بتواند تصمیم صحیح بگیرد.(تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۰۸، جامعه مدرسین.)

لذا، اصل تقلید تبعیت چیزی، فطری و ناگریز است. اما قرآن مجید، سعی میکند که این غریزه را همچون، دیگر غرایز، جهتدهی نماید و از فروغلتیدن آن در انحراف جلوگیری نماید، لذا از کسانی که بیچون و چرا و بدون دلیل، از اعمال دیگران تقلید میکنند، انتقاد میکند.

و میفرماید: "وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَىَ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُواْ حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ أَوَ لَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

شَيْ ئًا وَلاَ يَهْتَدُونَ ;(مائده،۱۰۴)، هنگـامی که به آنهـا گفته میشود به سوی آنچه خـدا نـازل کرده و به سوی پیامبر۶ بیائید; میگویند: آنچه از پدرانمان یافتهایم ما را

بس است. آیا چنین است که پدران آنها چیز نمیدانستند و هدایت نیافته بودند؟

قرآن تقلیـد کورکورانه و بیدلیل تبعیت از بتی به نام نیاکان را مذمت میکند این سـنت جاهلی را درهم میشکند.(تفسیر نمونه، آیت الله مکارم، ج ۵، ص ۱۰۶، دارالکتب الاسلامیه.)

لذا، تلاش قرآن در جهتدهی تقلید است و این که از چه کسی باید الگو گرفت؟

قرآن پیامبر اکرمالگو و اسوه، معرفی میکند و میفرماید: **"لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَه"**.

امّا غـالب مردم، به دلیـل این که، اهل تحلیل و تعمق نیسـتند، قادر به جهتـدهی این غریزه نبوده و معمولاً از قـدرت حاکمان و دیگران تبعیت بیچون و چرا دارند(از این رو که اقتدار را نوعی کمال میبینند سـعی میکنند خود را با آن هماهنگ نمایند و اگر خـود به اقتـدار نرسـند در پنـاه اقتـدار قرار میگیرنـد و این واقعیـتی است که در احـادیث اسـلامی و به تبـع، در فرهنـگ و ادب مسـلمین مطرح شـده است. امام علیمیفرمایـد: ان الناس مع الملوک (المیزانالحکمه، ج ۹، ص ۱۸۹) مردم با قدرتمنـدان و امرأ هسـتند یـا جمله معروف النـاس علی دین ملوکهم، مردم به مسـلک حاکمـان خود هسـتند.)، و یـا بعضـی قـدرت تحلیل دارند میفهمند امّا به دلیل منافع و طمع، از قدرت تبعیت میکنند، و لذا اگر قدرت در دست نااهل بیافتد در مسیر تخریبی قرار گرفته و مـذموم میشود، چون اولاً دیگران، میخواهند به آنها تشبیه بیابند، ثانیاً قدرتمندان، مردم را مجبور به تبعیت و الگوگیری میکنند. خلاصه آنکه، قرآن مجید سعی در جهتدهی این غریزه در انسان دارد و اگر در مسیر واقعی خود قرار نگیرد آثار مخرب

و زیانباری به بار خواهـد آورد که یک نمونه آن در آیه شـریفه مطرح شـد نپذیرفتن هدایت الهی و محروم کردن خود از همه مواهب آسـمانی به خـاطر تبعیت کورکورانه هست. اثر دیگری که به آن بار میشود، محرومیت از رحمت الهی و گرفتار شـدن به غضب اوست امام صادقفرمود: قوم یهود، چون تقلید بیچون و چرا از علمای خود داشتند و با این

که میدانستند، حرام الهی را حلال کردهاند، باز هم تبعیت داشتند گرفتار سخط الهی شدند.(میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۵۶.)

لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی درباره خدمت به مردم و وظیفه مسؤولان جامعه آمده است

پرسش

لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی درباره خدمت به مردم و وظیفه مسئولان جامعه آمده است

پاسخ

در مورد عنوان های بالا نمونه ای از آیات و روایات بیان می شود:

دستور بـه عـدل و احسـان و نیکی به نزدیکـان "اِنَ َاللّه َیَأمُرُ بِالعَـدل ِوالاِـحسَن ِوایتـای سً ذِی القُربی َویَنهی َعَن ِالفَحشأِ والمُنکَرِ والبَغی ِیَعِظُکُم لَعَلَّکُم تَذَکَّرون (نمل ۹۰) خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می کند، خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید."

پاداش خدمت به مردم

امام صادق می فرمایـد: "کسـی که حاجتی از مؤمنی بر آورده کنـد خداوند در روز قیامت صد هزار حاجت او را برآورده می کنـد که اولین آن این است که او و خویشان و دوسـتان او را داخل در بهشت می نمایـد." پیامبر اکرم در این باره می فرمایـد: "کسـی که حاجت مسـلمانی را بر آورده کنـد و مشـکل او را حل نمایـد و او را از غم و ناراحتی خاج کنـد، خداوند ثواب ده حسـنه برای او ثبت می کنـد و اجر ده بنـده آزاد کردن به او عطا می کند و ده درجه مقام او را بالاتر می برد و ده بلا از او دفع می کند و روز قیامت ده نفر آماده شفاعت کردن او خواهند بود."

هم چنین آن حضـرت می فرمایـد: "مَن سَـمِع َرَجلاً یُنادی یا لَلمُسـلِمین فَلَم یَجِبه ُفَلَیس َبِمُسلِم ٍ; کسـی که صـدای انسانی را بشنود که فریاد می زند ای مسلمانان به دادم برسید، پاسخ نگوید، مسلمان نیست "

در روایات از رشوه به شدّت نهی شده است "رسول خدا۹ در این باره

می فرماید: "از گرفتن رشوه بپرهیزید، زیرا رشوه کفر است و گیرنده رشوه بوی بهشت استشمام نمی کند." هم چنین در روایت دیگری از آن حضرت آمده است "خداوند گیرنده و دهنده رشوه و آن کس که واسط میان آن دو است را از رحمت خود دور گرداند."(بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴، نشر مؤسسه وفا.)

وظیفه مسئولان و مدیران ۱. رعایت عدالت و تبعیض نگذاشتن بین مردم "وَاِذَا حَکَمتُم بَینَ َالنّاس ِاَن تَحکُموا بِالعَدل ِ; (نسأ، ۵۸) و هنگامی که میان مردم داوری می کنید; از روی عدالت داوری کنید."

۲. خوش رویی و اخلاق نیک در برخورد با مردم "فَبِما رَحمَه ٍمِن َاللّه ِلِنت َلَهُم ولَو کُنت َفَظًّا غَلیظَ القَلب ِلاَـ نفَضّوا مِن حَولِکَ; (آل عمران ۱۵۹) به برکت رحمت الهی در برابر آنان]مردم نرم]و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو، پراکنده می شدند."

علی در نامه ای به اشعث بن قیس می فرماید: "فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست بلکه امانتی است در گردنت تو نیز باید مطیع ما فوق باشی در مورد رعیّت حق نداری استبداد به خرج دهی در مورد بیت المال به هیچ کاری جز با احتیاط و اطمینان اقدام مکن اموال خدا در اختیار تو است و تو یکی از خزانه داران او هستی که باید آن را به دست من بسپاری "

دستور حضرت به یکی از کارگزاران خود: "او را به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی فرمان می دهم و به او

دستور می دهم که]رعیت و زیر دستان را نرنجاند و به آن ها دروغ نگوید و به آن ها به حساب برتری جویی به خاطر این که رئیس است بی اعتنایی نکند، چه این که آن ها برادران دینی هستند."(نهج البلاغه نامه ۴، ص ۸۳۰، و نامه ۲۶، ص ۸۷۵، فیض الاسلام)

پاسخ:

امیدوارم که در پناه خدا پیروز و سربلند و سلامت باشی پرسش های دقیق و کنجکاوانه تو را خواندم همراه با پاسخ این پرسش ها، سه برگه پرسشنامه هم برایت می فرستم که آنها را به دوستانت بدهی یا خودت برای نوشتن پرسش های دیگرت استفاده کنی

خواهرم پرسش اوّلت درباره وجود خدا بود. برای روشن شدن این پاسخ دو مثال بیان می کنم حتماً می دانی که نور ماه باز تاب نور خورشید است پس اگر کسی بپرسد نور ماه از کجاست می گوییم نور ماه از نور خورشید است اما نور خورشید از نور ستاره ای دیگر نیست بلکه مال خود خورشید است مثال دیگر: اگر کسی بپرسد شوری این غذا از چیست می گوییم از نمک است اما اگر بپرسد شوری نمک از چیست پاسخ می دهیم که از خود نمک است

دانشمندان بزرگ مسلمان مانند ابوعلی سینا، خواجه نصیر الدین طوسی ملّا صدرا و دیگران ثابت کرده اند که وجود خدا از جایی نیست بلکه خدا همیشه بوده و خواهد بود. چون ما در دنیا با موجودات محدودی سر و کار داریم که وجود خود را از جای دیگر می گیرند، چنین می پنداریم که هر موجودی باید از جای دیگری وجود خود را به دست آورده باشد. بدون اعتقاد به

وجود خدا نمی توانیم پاسخ روشنی برای ایجاد جهان ارائه کنیم مطالعه کتاب های اعتقادی مخصوصاً کتاب آموزش عقاید استاد مصباح یزدی تو را برای دریافت پاسخ کامل تر یاری خواهد کرد.

در سؤال دوّمت نوشته بودی که پیامبران چگونه آیاتی را که خدا به آنها نازل می کرد دریافت و حفظ می کردند و به مردم می رساندند؟ نزول آیات خدا درباره همه پیامبران یکسان نبوده است اما پیامبر ما آیات قرآن را به وسیله جبرئیل دریافت می کرد. جبرئیل آیات قرآن را بر قلب نورانی پیامبر نازل می کرد و پیامبر هم آن آیات را که بر قلب شریفش نقش می بست برای مردم می خواند.

سوّمین پرسشت مربوط به نوشتن قرآن توسط پیامبر بود. در پاسخ باید بگویم که پیامبر هرگز در دوران پیامبری خود چیزی ننوشت آن حضرت آیات قرآن را برای مردم می خواند و گروهی از آنان که سواد داشتند، قرآن را بر روی پوست حیوانات می نوشتند. این گروه در تاریخ به کاتبان وحی شهرت دارند که از جمله آنها می توان به امام علی اشاره کرد. ضمناً توجّه داشته باش که گرچه پیامبر هرگز به مکتب درس نرفت و با دست خود چیزی ننوشت ولی این به معنای بیسواد بودن پیامبر نیست همچنین باید بدانی که ننوشتن پیامبر بدان خاطر بود که مردم بدانند آیات قرآن از طرف خداست و نه نوشته خود آن حضرت برای همین اگر پیامبر قلم به دست نمی گرفت دلیل بی توجّهی آن حضرت به علم نبوده بلکه برای تقویت ایمان مردم به قرآن کریم بوده است

دستورات قرآنی در زمینه "خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت دنیایی و آخرتی آن را توضیح دهید؟

پرسش

دستورات قرآنی در زمینه "خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت

دنیایی و آخرتی آن را توضیح دهید؟

پاسخ

با توجه به مفهوم "نهضت خدمت رسانی و خدمت به مردم که عام بوده و هم خدمت رسانی از جانب مسئولان و کارگزاران حکومتی را شامل شده و هم خدمت رسانی اقشار مردم نسبت به یکدیگر را، چند مطلب قابل ذکر است

۱. "خدمت ، تنها در حوزه خدمات اقتصادی صنعتی و یا خدمات اجتماعی به مردم خلاصه نمی شود، بلکه این واژه خدمات فرهنگی تربیتی و نظامی یا انتظامی و حتی خدمات قضائی را نیز شامل می گردد.

بنابر این می توان گفت قرآن کریم بزرگ ترین خدمت را همان خدمت فرهنگی انبیأ الهی به مردم می شمارد، پیامبرانی که هر یک در راه هدایت مردم به سوی حق از هیچ چیز دریغ نکرده و تمامی آزارها را تحمل نموده و تا پای جان برای "اقامه دین الهی ایستادند. بزرگ ترین خدمت آنان همان "تزکیه و تعلیم انسان ها و هدایت آنان از تاریکی جهان و کفر به سوی نور بوده خداوند می فرماید: "او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان بر انگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند و آن ها را تزکیه کرده و به آنان کتاب]قرآن و حکمت می آموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند." (جمعه ۲)(ملاحظه کنید بقره ۱۲۹ و ۱۵۱.)

در همین راستا، یکی دیگر از خدمات سیاسی فرهنگی آنان آزادی انسان ها، از بند اسارت بوده می فرماید: "وَیَضَع ُعَنهُم اِصرَهُم والاَغلَل َالَّتی کانَت عَلَیهِم (اعراف ۱۵۷) و بارهای سنگین و

زنجیرهایی را که به آن ها بود]از دوش و گردن شان بر می دارد."(ر. ك تفسیر موضوعی پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۲۵، نشر مطبوعاتی هدف)

۲. افزون بر مطلب فوق در مورد "خدمت به مردم در قرآن کریم به چند دسته از آیات می توان اشاره کرد:

الف آیه تعاون می فرماید: "وتَعاونوا عَلَی البِرّ والتَّقوی ۚ ولا تَعاونوا عَلَی الاِثم ِ والعُدوَن ِ; (مائده ۲)]و همواره در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و]هرگز[در راه گناه و تعدّی هم کار یک دیگر نباشید."

روشن است که خدمت به مردم نوعی تعاون و هم کاری با آنان در رفع مشکلات آن ها است

ب آیه احسان می فرماید: "واَحسِنوا اِن َّاللّه َیُحِب ُّالمُحسِنین (بقره ۱۹۵) و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست دارد."

]ملاحظه کنید: (اسرأ، ۷); (یونس ۲۶); (قصص ۷۷)[روشن است که خدمت کردن به مردم یکی از مصادیق "نیکی کردن به آنها است

ج آیه انفاق خداوند، در آیات بسیاری سفارش به این امر می فرماید و یکی از اوصاف پرهیزکاران را انفاق در حال توانگری و تنگدستی معرفی کرده می فرماید: "بهشتی که وسعت آن آسمان ها و زمین است برای پرهیزکاران آماده شده است . همان ها که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند." (آل عمران ۱۳۳ و ۱۳۴) هر چند انفاق دارای اقسام و درجه های مختلفی است که یک نوع آن صدقه زکات و خمس است

که از نوع انفـاق مـالی است و نوع دیگر انفـاق جـان و یـا انفـاق وقت می باشـد، به هر جهت انفاق و رسـیدگی به محرومان و مساکین یکی از بزرگ ترین خدمت اجتماعی به مردم است]ملاحظه کنید: (بقره ۲۶۷)؛ (توبه ۱۰۳)؛ (ذاریات ۱۹).[

د) آیه اطعام قرآن کریم یکی از عوامل مهم ّعبور از گردنه دشوار قیامت را "اطعام دادن شـمرده می فرمایـد: "و تو نمی دانی آن گردنه چیست آزاد کردن برده ای . یا غذا دادن در روز گرسـنگی . یتیمی از خویشاوندان . یا مسـتمندی خاک نشـین را." (بلد، ۱۲ ۱۶) و در مقابل اطعام نکردن و عدم رسیدگی به مستمندان را یکی از عوامل رفتن به جهنم محسوب فرموده]ملاحظه کنید: (مدثّر، ۴۲ ۴۴).[

Û') آیـه قرض الحسـنه خداونـد قرض الحسنه به مردم را قرض به خـود قلمـداد کرده و می فرمایـد: "مَن ذَا الَّذی یُقرِض ُاللّه َقَرضًا حَسَنًا فَیُضَعِفَه ُلَه ُاَضعافًا کَثیرَه ً؛ (بقره ۲۴۹) کیسـت که به خـدا "قرض الحسـنه ای دهـد، (و از امـوالی که خـدا به او بخشیده انفاق کند) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟

و) امر بـه معروف و نهی از منکر؛ یکی دیگر از مصـادیق خـدمت فرهنگی تربیـتی به مردم را می تـوان این مـورد شـمرد؛ زیرا افزون بر جلوگیری فسـاد و فحشا و اعمال زشت در میان جامعه یک نوع آرامش و امنیّت اجتماعی را، برای مردم به ارمغان می آورد؛ خداوند می فرماید: "کُنتُم خَیرَ اُمَّه ٍ اُخرِجَت لِلنّاس ِ تَأمُرون َبِالمَعروف ِ وتَنهَون َعَن ِ المُنکَرِ وتُؤمِنون َبِاللّه ِ؛ (آل عمران ۱۱۰) شما بهترین امتی

هستید که برای مردم پدیدار شده اید;]چه این که به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید." که این در واقع یک وظیفه عمومی تمام اقشار جامعه می باشد و از طرفی از شئون و وظایف حکومت اسلامی و کارگزاران آن است در مواردی که نیاز به شدت عمل دارد.(ر. ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵، دارالکتب الاسلامیه)

م آیه ایثار: خداوند در مدح انصار چنین می فرماید: "آنان کسانی را که به سوی شان هجرت کنند درست دارند و دل خود نیازی به آن چه که مهاجرین داده شده احساس نمی کنند و آن ها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.(حشر،۹)

۳. در قرآن مجید، آیاتی بیانگر این معنا است که برخی از انبیأ:، افزون بر وظیفه تبلیغی و خدمت هدایتگری مردم خدمات دیگری نیز داشته اند، که بخشی از آن عبارت است

الف زره سازی حضرت داوود۷; می فرماید: "وعَلَّمنَه ُصَنعَه َلَبوس ٍ لَکُم لِتُحصِنَکُم مِن بَأسِکُم فَهَل اَنتُم شَکِرون (انبیأ، ۸۰) و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در چنگ هایتان حفظ کند، آیا شکر گزار (این نعمت های خدا) هستید؟"

ب خزانه داری حضرت یوسف می فرماید: "(یوسف گفت "مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم " و این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم " (یوسف ۵۵ ۵۶) حضرت یوسف در جریان کمک به مردم و مدیریت بحران

اقتصادی شدیدی که کشور مصر را تحدید می کرد، به یاری مستضعفان شتافت تا از تبعیض ها بکاهد و حق مظلومان را از ظالمان بستاند و به وضع آن کشور سروسامان بخشد.(رجوع کنید: تفسیر نمونه همان ج ۱۰، ص ۵.)

ج خدمت رسانی حضرت موسی به دختران حضرت شعیب قرآن می فرماید: "فَسَقی ـ لَهُما ثُم ـَ تَوَلّی ـ اِلَی الظِّل ـِ; (قصص ۲۴) موسی برای (گوسفندان ِ) آن دو زن آب کشید، سپس رو به سایه آورد." که و به وسیله این خدمت فصل تازه ای در زندگانی حضرت موسی گشوده شد.

د) قرآن کریم یکی از اهداف مهم نهضت انبیأ را برقراری و بسط عدالت اجتماعی در میان مردم ذکر کرده]حدید،۲۵[و یکی از وظایف آنان را رفع اختلاف و قضاوت و داوری بین مردم بیان می دارد; می فرماید: "خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد را، با آنان نازل نمود تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند داوری کند." (بقره ۲۱۳) و یکی از دستورهایش به حضرت داوود این است "ای داوود! ما تو را خلیفه]و نماینده خود[در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن " (ص ۲۶) بنابر این یکی از راه های خدمت رسانی به مردم خدمت قضائی است (ر. ک تفسیر موضوعی پیام قرآن همان ج ۷، ص ۳۱ / تفسیر نمونه همان ج ۱۹، ص ۲۶۱.)

'û) در قرآن از خدمات "ذوالقرنین نیز سخن

به میان آمـده هر چنـد او از انبیأ الهی نیست د...بخشـی از آیات به ظلم ستیزی او اشاره شـد و در بخش دیگر به بیان سـدسازی او در برابر هجوم قوم یأجوج و مأجوج می پردازد و می فرماید: "(ذوالقرنین گفت) قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید (و آن ها را به روی هم چینـد) تا کاملاً میان دو کوه را پوشانیـد، سپس گفت (آتش در اطراف آن بیافروزید و) در آتش بدمید. (آنها دمیدنـد) تا قطعات آهن را سرخ و گـداخته کرد، گفت (اکنون مس ذوب شـده برای من بیاوریـد تا به روی آن بریزم " (کهف ۹۶)(رجوع کنید به تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۵۲۳ ۵۵۲، دارالکتب الاسلامیه)

۴. در آیاتی از قرآن کریم خداوند انسان ها را تشویق به کار و تلاش فرموده است و بدیهی است که خدمت به مردم در ضمن کـار و تلاش است می فرمایـد: "او کسـی است که دریا را مسـخّر (شـما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخوریـد و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی ها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر نعمت های او را به جای آورید. (نحل ۱۴)(ر. ک (فاطر، ۱۲)؛ (اسرأ، ۱۲)؛ (قصص ۷۳).) قرآن کریم تلاش برای معاش و خـدمت به مردم را همردیف جهاد در راه خـدا بیان می کند؛ می فرماید: "گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی و

خدمت به مردم به سفر می روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند..." (مزمل ۲۰) و این اهمیت اسلام به این موضوع را نشان می دهد.(ر. ک تفسیر نمونه همان ج ۲۵، ص ۲۰۰ و ج ۹، ص ۲۱.)

در سیره انبیأ و اولیأ خداوند، می خوانیم که آنان با کار و تلاش خویش و ارائه خدمتی به مردم ارتزاق می کردند; مثلاً در حدیثی از امام علی می خوانیم که "حضرت داوود۷ با دست خویش از برگ خرما بوریا می بافت و به همنشینانش می گفت کدام یک از شما برای فروش آن مرا یاری می کند؟ و آن گاه از بهای آن قرص نان جو می خورد."(نهج البلاغه خطبه ۱۶۰.) و یا حضرت ادریس و یا لقمان دو زندگی می کردند.(رجوع کنید به توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث محمد محمدی ری شهری ترجمه سیدابوالقاسم حسینی (ژرقا)، ج ۱، ص ۱۸۲ ۲۵۰، دارالحدیث)

افزون بر این در روایات اهل بیت سفارش اکیدی نسبت به بجاآوردن درخواست برادران ایمانی شده به طوری که یکی از مهم ترین حقوق برادری در پی حوایج و خدمت به مردم شمرده شده است که پرداختن به آن خارج از این پاسخ نامه می باشد. فقط به روایتی از "جمیل بسنده می کنیم که از امام صادق نقل می کند: "مؤمنان خدمت کار یکدیگرند، (جمیل گوید:) عرض کردم چگونه خدمتکار یکدیگرند؟ فرمود: به یکدیگر سود می رسانند."(اصول کافی ثقه الاسلام کلینی رحمه الله ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۹، دارالتعارف رجوع کنید: میزان الحکمه محمدمحمدی

ری شهری ترجمه جمید رضا شیخی ج ۳، ص ۱۳۷۷، دارالحدیث الف حدیث فی المؤمن شیخ هادی نجفی نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مستدرک الوسایل محدث نوری رحمه الله ، ج ۹، ص ۵۰، نشر مؤسسه آل البیت)

۵. پیامدهای دنیوی و اخروی خدمت به مردم از آن جا که زندگی بشر، به طور اجتماعی است و با توجه به مختلف بودن استعداد و توان و ذوق هر فرد اجتماع در زمینه های مختلف ناگزیر از تعامل صحیح افراد یک جامعه با هم هستیم و این همان در خدمت یک دیگر بودن و تعاون داشتن در زمینه های مختلف را می طلبد. قرآن کریم در این مورد می فرماید: "نَحن ُ قَسَمنا بَینَهُم مَعیشَتَهُم فِی الحَیوَه ِ الدُّنیا ورَفَعنا بَعضَهُم فَوق َبَعض ٍ دَرَجَت ٍ لِیَتَّخِذَ بَعضُهُم بَعضًا سُخریًّا; (زخرف ۳۲)، معیشت آن ها را در زندگی دنیا، در میان آن ها تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخّر کرده (و با هم تعاون و خدمت نمایند)."

در مورد پیامدهای دنیوی خدمت رسانی به مردم می توان گفت از برخی آیات قرآن کریم چنین استفاده می شود که خداوند برای مردم آرامش امنیت رفاه را در این دنیا می خواهد، تا در سایه آن ها به عبادت و بندگی خداوند بپردازد و از همین روست که آسمان ها و زمین را مسخّر انسان قرار می دهد.

خدمات مالی به انسان ها، کمترین پیامدش در این دنیا، رفع نیاز مندی مستمندان و درماندگان است افزون بر این که یک حالت قرب معنوی را در همین دنیا، برای خادمین آن به دنبال

دارد. و همچنین است در مورد خدمات فرهنگی که سعادت دنیوی را به همراه داشته و یک نوع آرامش روحی و روانی به انسان ها عطأ می کند.

پیامدهای اخروی آن با توجه به آیات و روایات بهشت جاویدان است (البته اگر برای خدا باشد) و تمام ثواب های مطرح شده برای انفاق و قرض الحسنه و صدقه و جهاد در راه نجات مستضعفان و... را می توان به عنوان پیامدهای اخروی بیان داشت

در روایتی از رسول اکرم آمده است "هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت کند، خداوند به تعداد آنان در بهشت به او خدمتکار دهد."(اصول کافی همان ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۱.)

خلاصه از منظر آیات و احادیث اهل بیت دسته ای دلالت بر تشویق و ترغیب مردم به کار و تلاش و خدمت گزاری می کند، حتی اگر ارائه آن خدمت برای گذران زندگی باشد، به طوری که پیامبر اکرم دست سعد انصاری را که در اثر ریسمان و بیل رشته رشته شده بود می بوسند.

برخی از روایات بیان گر پاداش های اخروی ِخدمت گزاری است که به آن اشاره شد.

بعضی دیگر از احادیث به پاره ای از راه های خدمت گزاری اشاره دارد، مثلاً امام علی در بیان وضع زندگی مردم در روزگار پیشوایی خودشان می فرمایند: "در کوفه کسی نمانده جز آن که از نعمت برخوردار بوده و زندگی آسوده ای دارد; فرومایه ترین مردم نان گندم می خورد، زیر سایبانی مَسکن دارد و از آب گوارای فرات می نوشد.(توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث همان ج ۱، ص ۴۳۰، ح ۷۷۳.)

و در نامه مشهورشان به

مالک اشتر، آن گاه که وی را به گارگزاری مصر می گمارند; می فرماید: "باید بیش از آن که به گردآوری خراج (و مالیات بیندیشی در اندیشه عمران و آبادسازی زمین باشی زیرا خراج گرد نیاید مگر به آبادانی نهج البلاغه سیدرضی رحمه الله کتاب ۵۳).

و روایات فراوانی که حکایت از برآوردن نیاز مردم و محتاجان دارد; امام علی در نامه ای به یکی از کارگزاران خویش چنین آورده اند: "پس از دل و جان با مردم انصاف ورزید و برای برآوردن نیازهایشان شکیبا باشید، که همانا شما خزانه داران ِ مردم وکیلان أمت و سفیران پیشوایان هستید و... ."(نهج البلاغه کتاب ۵۱، رجوع کنید: میزان الحکمه همان ج ۳، ص ۱۳۱۶ ۱۳۲۷).

لطفاً آیاتی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید.

پرسش

لطفاً آیاتی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید.

پاسخ

پاسخ پرسش نیازمند بررسی واژه مدینه در قرآن و بررسی مدینه است واژه "مدینه و مشتقات آن در قرآن مجید حدود هفده بار به معنی "شهر و مدینه منوره به کار رفته و واژه "قریه و مشتقات آن ۳۳ بار به معنی "شهر، بیت المقدس و دهکده به کار رفته است (ر.ک المیزان علاّمه طباطبایی ج ۱ ۱۵، ذیل آیات ۵۸ و ۲۵۹/بقره ج ۸ ص ۲۶۶، ج ۱۵، ص ۵۳۰، ج ۹، ص ۵۱۱، ج ۱، ص ۲۸۵، ج ۲، ص ۵۳۲، تفسیر نمونه ج ۶، ص ۴۱۴، ذیل ۱۶۱ اعراف و...)

بعضی از مفسران "قریه را به معنی "محل اجتماع انسانها، اعم از شهر و روستا" گرفته اند.(تفسیر نمونه ج ۲۴، ص ۲۵۵، ذیل آیه ۸ طلاق)

از آیات قرآن استفاده می شود که واژه "المدینه و مشتقات آن غیر از چند مورد خاص که مراد مدینه النبی ۶ و اهالی آن است در بقیه جاها، مجتمع و به اصطلاح شهری است که عده ای از مردم در آنجا زندگی می کنند.

جامعه مدنی از نظر قرآن

اگر مقصود از جامعه مدنی همان زندگی اجتماعی انسانها باشد، بسیاری از آیات قرآن در مورد آن است و علامه طباطبایی رَحمه ُالله مطالب گسترده ای را در ذیل آیه دویست سوره آل عمران (یا ایّها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطو...) بیان کرده است که در اینجا بخشی از آن را به طور فشرده می آوریم

۱. انسان موجودی است که اجتماعی آفریـده شـده است قرآن با بهترین بیان از این حقیقت خبر داده "یا ایها الناس انّا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیَکُم ای مردم ما شـما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملتها و قبیله های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. شریفترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست (حجرات ۱۳)

۲. قرآن خبر داده اوّلین بـاری که انسـان متوجه منافع و مصالـح اجتماع شـده و در صـدد حفظ آن برآمـده با راهنمایی پیامبران بوده که در میان ایشان مبعوث شـده انـد. "کان الناس امه واحده فبعث الله النبیّن مبشـرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین النـاس فیمـا اختلفوا..." (بقره ۲۱۳) این آیه شـریفه می فرمایـد مردم در ابتـدا امت واحـد بودنـد. در بینشان اختلاف نبود; سـپس اختلاف پیـدا شـد; از این رو، خداوند پیامبران را با کتاب فرسـتاد تا اختلافات را بردارند و با عمل به قوانین شـرع وحدت اجتماع را حفظ کنند. پس تنها ضامن اجتماع دین است "شـرع لکم من الدین ما وصـی َبه نوحاً و الذی اوحینا الیک و ما وصـینا به ابرَهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدّین و لاتتفرقوا فیه (شوری ۱۳) بنابراین دعوت به اجتماع از ناحیه نبوت شروع شده است

۳. اولین نـدایی که بشـر را دعوت کرد تـا به امر اجتمـاع اعتنـا و اهتمـام ورزد و آن را از کنـج اهمـال و تبعیت حکومتها خارج سازند، ندای شارع اسلام خاتم الانبیأ۶ بوده که مردم

را آیات قرآن به زندگانی سعادتمندانه اجتماعی دعوت فرمود: "و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لاتتبعوا السبل فتفرق بکم (انعام ۱۵۳)

۴. اسلام مهمترین احکام و شرایع خود را از قبیل حج جهاد، نماز، انفاق و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داد، و برای حفظ وحدت اجتماعی هدف مشترکی را برای جامعه اعلام کرد که عبارت است از سعادت حقیقی و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا.

۵. دلیل بر ضمانت اجرایی سنت اجتماعی اسلام همین بس که با وجود کوتاه بودن زمان عرصه حکومتش بر عالم سیطره داشته و تحولی شگرف ایجاد کرده که آثارش تا به امروز باقی است اسلام صلاحیتش را برای مردم ثابت کرده و روزی خواهد آمد که زمام امور جامعه را (در سراسر عالم به عهده خواهد گرفت "وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض (نور، ۵۵) با این توضیحات و بیان آیات به خوبی روشن است که مدنیت و زندگی اجتماعی و تشکیل آن در رأس دستورهای قرآن قرار گرفته است (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ج ۴، ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران .

اگر مقصود شما از "مدنیت در قرآن ، این است که آیا "جامعه مدنی مطرح شده در محافل سیاسی اجتماعی امروزه ریشه قرآنی دارد یا نه در این زمینه مطالبی را به طور فشرده به عرض می رسانیم واژه "جامعه مدنی معادل " eivilSociety" است و در قرن هیجدم میلادی در غرب رواج

داشته اما علی رغم طولانی بودن تاریخچه آن کسانی که آن را به کار برده انـد، معنای یکسانی را از آن اراده نکرده انـد. این فکر، همانند فکر "دموکراسی مشروطه و..." از غرب به ایران رسیده و متأسفانه در هاله ای از ابهام قرار دارد.

دانشـمندان غربی در برخی از تعـاریف آن را جـامعه ای می داننـد کـه مردم در آن جـامعه جایگـاه نخسـت را داشـته باشـند و سرنوشت خود را تعیین کنند، و آخرین سخن تعیین کننده نیز سخن مردم و قوانین حاکم بر آن جامعه باشد که برخاسته از میل اکثریت مردم آن جـامعه است حـال از آنجا که زیربنای قوانین در جامعه دینی در قرآن احکام خداونـد است این جامعه مـدنی هیچگونه تطابقی با جامعه قرآنی نـدارد. به همین جهت برخی برای تحقق جامعه مدنی زمزمه دین زدایی را سر داده اند و بعد از رنسانس شعار جدایی طلبان دین از سیاست بوده است

به طور کلی جامعه مدنی در طول تاریخ خود در غرب سه تلقی مهم داشـته است ۱. جامعه مدنی مرادف با مدنیت که مارکس و انگلس در ایـدئولوژی آلمـانی بـه ایـن معنی نظر دارنـد. ۲. جـامعه مـدنی در مقابـل وضع طـبیعی جـامعه و جوامع بـدوی و غیرمتمـدن (جـامعه متمـدن که جـان لاـک توماس هابز و ژان ژاک روسو از نامـداران این انـدیشه انـد. ۳. جامعه مـدنی میدان رقـابت و منـازعه اقشـار و طبقات برای حمایت هرچه بیشتر از منافع صـنفی و گروهی خویش است که هگل وجین کوهن و از متأخران آلتوسر به آن معتقدند.

این واژه طبق این

معانی جایگاهی در فرهنگ قرآنی ما ندارد. عده ای معتقدند که اگر ما به دنبال جامعه ای هستیم که ملهم از مدینه النبی و ارزشهای حاکم بر آن است و مقصود هم همان فرهنگ قرآنی و ارزشهای اسلامی است آیا معقولتر و مناسبتر این نیست که از "جامعه اسلامی سخن بگوییم و از کاربرد چنین واژه های پیچیده بپرهیزیم چرا که ما در فرهنگ قرآنی خود واژه هایی شفافتر، مثل جامعه دینی اسلام حکومت دینی و... سراغ داریم لکن عده ای از نویسندگان اسلامی آن را به گونه ای که شامل جامعه دینی نیز بشود تعریف کرده اند:

۱. جامعه مدنی عبارت است از مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامها سنن آداب و قوانین مشترک به یکدیگر پیوند خورده زندگی مشترک و دستجمعی دارند. نیازها، برخورداری ها، فرهنگها و خلق و خوهای آنان یکسان است و در یک مدینه و شهر با آرامی زندگی می کنند. بدین سان می توان مدینه النبی و تمدن نوینی که پیامبر۶ ایجاد کردند را نیز به این مفهوم "جامعه مدنی دانست ۲. جامعه مدنی تجمع عاملی است که عقلانیت پایه آن عقلانیتی جامع است یعنی هدف کلان ِمطرح شده در آن "نیل به سعادت (توسعه انسانی برای همه اعضاست اگر گروهی از مردم با اختیار خود جمع شوند و تجمع عاملی را تشکیل دهند و سازماندهی خاصی را برقرار سازند تا از این راه تک تک اعضا به سعادت رسند (با بهترین زمینه رشد انسانی خود را بیابند)، در آن صورت یک جامعه مدنی پیدا شده که مطابق تعریف مقسم اصلی

عقلانیت پایه آن است که می توانیم از جامعه مدنی لیبرال جامعه مدنی مارکسیستی و جامعه مدنی اسلامی نیز سخن بگوییم چرا که اینها سه نوع عقلانیت هستند.(ر.ک مجله اندیشه حوزه سال چهارم شماره دوم ویژه جامعه مدنی پاییز ۷۷ مقالات آیت الله محمدهادی معرفت دکتر صادق لاریجانی و علی اکبر نوایی و فرهنگ علوم سیاسی دفتر مطالعات و مدارک علمی ایران فارسی انگلیسی و انگلیسی فارسی شماره ۳۶۸ ص ۵۱.)

آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم ؟

پرسش

آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم ؟

پاسخ

}بله، کلمه «روحانی» از واژه هایی است که بیشتر در فرهنگ غرب کاربرد دارد و در حال حاضر تقریبا به صورتکلمه ای بین المللی در مورد عالمان و پیشوایان دینی مورد استفاده قرار می گیرد.{

بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای از دانشجویان البته به صورت مخفی درست است یا نه ؟

پرسش

بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای از دانشجویان البته به صورت مخفی درست است یا نه ؟

پاسخ

ارایه پاسخ مناسب به این سئوال نیازمند توجه به مطالب ذیل است :

الف-تحقیق و جستجو در امور شخصی افراد از دیدگاه اسلام :

از مسائل بسیار مهمی که دین اسلام به آن شدیدا اهتمام دارد ،نگهداری حرمت و آبروی مسلمین و پرهیز از جستجو و تفتیش عقاید آنها است .تجسس و خبر جویی از اندرون زندگی شخصی مردم جایز نیست و به هیچ کس اجازه داده نشده است که اسرار ولغزشهای مردم را افشا کند . امنیت و آسایش خاطر همگانی مردم با موارد فوق فراهم می شود و ادله متعددی شامل آیات و روایات نیز بر عدم جواز چنین مسئله ای دلالت دارد که عبارتند از :

۱. خداوند متعال می فرمایند «یا ایها الذین امنوا اجتنبواکثیرامن الظن ان بعض الظن اثم ،و لا تجسو ا و لا یغتب بعضکم بعضا ،ایحب احدکم ان یاکل ...» ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمانها درباره دیگران بپرهیزید، به راستی که برخی از

گمانها گناه است درباره یکدیگر جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند ،آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد ؟که البته از آن بدتان می آید .طبق نظر مفسرین منظور از کلمه(و لا ـ تجسوا) تحریم کنجکاوی و دنبال کردن لغزشهای اهل اسلام است چنانچه در مجمع البیان مرحوم طبرسی فرموده است که در پی جستجوی عیبهای مردم

نباشید . امام صادق در این باره می فرماید اگر کسی لغزشها و گناهانی راکه از مومنین با دو چشم خود دیده و یا با دو گوش خود شنیده باشد و برای دیگران بازگو کند او از مصاریق این آیه شریفه است که می فرماید :آنان که نقل و پخش کردن کار بد در میان مومنان را دوست دارند ،در آخرت برایشان عذابی دردناک وجود دارد .(اصول کافی ج ۲ /۳۵۷،کتاب الایمان و الکو ،باب الغیمه والتهمه ،حدیث ۲)

و پیامبر اسلام نیز می فرمایند: در باره لغزشهای مومنین تجسس نکنید ،چون که هر کس لغزشهای برادران مومن خود را پی جویی کند ،خداوند نیز لغزشهای خود او را پی جویی خواهد کرد و او را بی آبرو و رسوا خواهد کرد هرچند که در درون خانه اش باشد .(اصول کافی ج۲ /۳۳۵۵،کتاب ایمان و کو ،باب من طلب ثمرات المومنین ج۵)

امام علی در نامه معروف خود به مالك به عنوان حاکم مصر چنین می نویسد : کم ارج ترین افراد نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به کشف و پخش عیوب و اسرار مردم حریص تر و بی باك ترند برای اینکه نوعا مردم دارای عیوبی هستند که حاکم برای پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر است .پس هرگز در صدد کشف کردن آن لغزشهایی که پنهان از تو (پنهان از حکومت)صورت گرفته بر نیا . چون تو به عنوان حاکم مسلمین فقط مسئول پاکسازی جامعه از آلودگی های آشکار و ظاهری هستی ،درباره لغزشهای پنهان مردم خداوند خود داوری خواهد کرد . بنابراین تا آنجا که می

توانی اسـرار مردم را پنهان نگه دار تا خداونـد نیز اسـرار تو را از مردم پنهان نگه دارد.(نهـج البلاغه نامه ۵۳)مجموعه آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد به خوبی بیانگر آن است که از دیـدگاه اسـلام هرگز نبایـد حقوق افراد مسـلمان با استراق سمع ،تفتیش و تجسس و افشاگری مورد تعرض قرار گیرد .

ب-تحقیق و تفحص در امور شخصـی افراد از دیـدگاه قانون اساسـی :در اصل ۲۳ قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است :تفتیش عقاید ممنوع است و هسچ کس را نمی توان به صـرف داشـتن عقیده ای مورد مواخذه قرار داد .و در اصـل ۲۵قـانون اساسـی نیز آمـده است :بازرسـی و رسانـدن نامه ها ،ضـبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ،سانسور ،عـدم مخابره آنها ،استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون .

ج-موارد اسـتثنا : همچنانکه گذشت اصل کلی از نظر اسـلام و قانون اساسـی بر عدم جواز تحقیق و تفحص در امور شخصی و مسائـل پنهـانی افراد جـامعه است و حتی برای مـاموران امنیتی نیز تفتیش در امور شخصـی جـایز نیست بـا این حـال از بررسـی مجموع آیات و روایات و اصول قانون اساسی مربوط به این موضوع مشخص می شود که قلمرو محدوده این تحریم فقط اسرار شخصـی و خـانوادگی است که بـا مصالـح عمومی جامعه هیـچ گونه ارتباطی نـدارد اما مسائل و اموری که به مصالـح عمومی ،امنیت ،اسـتقلال و منافع ملی و حفظ نظام اسـلامی ارتباط دارنـد به ناچار باید در چارچوب مقررات ویژه ای مورد بازرسـی و مراقبت قرار گیرد و این از نظر عقل سلیم و شرع

مقـدس امری لازم است . و در تمامی حکومت های دنیا نیز چنین مواردی بر آزادی های فردی ترجیح داده شده است . دولت اسـلامی جهت بقاء و اداره هر چه بهتر جامعه و انجام مسـئولیت های خویش هم بایـد از اوضاع دولتی و ملتهای بیگانه و توطئه هـای نقشه هـای آنـان مطلع باشـد و هم بایـد تحرکات و برنامه های جاسوسان و دشـمنان داخلی را زیر نظر داشـته باشـد و هم جهت حفـظ سـلامت خـود و جلـوگیری از نفوذ عناصـر نـامطلوب در دسـتگاههای مهم و اعمـال گزینش صـحیح ،از سوابق و عملکرد افراد مسـئول اطلاع دقیق داشته باشد .چنانکه امام علی در عهد نانه خود با مالک اشتر بعد از آنکه به او دستور داد که کارگزاران و مامورین خود را از میان افراد با حیا و با تجربه ، و از بین خانواده های شایسته و پاک و پیشگام در اسلام برگزیند ،راجع به ضـرورت اعمال تفتیش در کارها و رفتار آنان چنین می فرماید : سپس بر رفتار و کردار آنان مراقبت کن و مراقبین و گزارشـگران مخفی از افراد راسـتگو ،باوفا و متعهد بر آنان بگمار .چون مراقبت و بازرسـی سـری تو درباره آنان ،آنها را وادار می کنـد و انگیزه می دهـد که در منصب خودشان به عنوان یک امانت نگریسـته و کارایی بیشتری به خرج دهند ،و با مردم به خوبی و مهربـانی رفتـار کننـد .البته همچنـانکه مشـخص است اسن اقـدام بایـد توسط دسـتگاههای حکومتی و از طریق مجاری قانونی اعمال شود و افراد غیر مسئول به هیچ وجه مجاز به تحقیق و جستجو در امور شخصی دیگران نبوده

و چنین اقدامی شرعا حرام و غیر قانونی است .

با عرض ســلام نمیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند ؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هســتند ؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این طلبه ها بین مردم حضور پیدا کردند و چقدر مردم خوشحال شدند ... به اطفال عروسک میدادند ... با آنها نقاشی میکشدند و ... همه میدانی

پرسش

با عرض سلام نمیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند ؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هستند ؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این طلبه ها بین مردم حضور پیدا کردند و چقدر مردم خوشحال شدند ... به اطفال عروسک میدادند ... با آنها نقاشی میکشدند و ... همه میدانیم که در کوچکی بهترین مرحله تبلیغ است ... پس چرا کند هستید ؟ چرا حضور شما کمرنگ است در جامعه ؟ با اینکه این همه امکانات عقلی و اجتماعی و روانی دارید ؟ تبلیغات حوزه به نظر من زیر صفر است .. چرا در مدارس حضور ندارید ؟

پاسخ

ارزیابی و قضاوت درباره هر برنامه ای نیازمند بررسی و مطالعه همه جانبه و تسلط بر همه ابعاد آن است. انصاف حکم می کند در مورد فعالیت های فرهنگی و دینی در حوزه های علمیه و کم و کیف آن یا خود از نزدیک شاهد و ناظر باشیم و یا از منابعی که مورد اعتمادند و در جریان این نوع فعالیت ها و تبلیغات می باشند، کسب آگاهی کنیم. بهترین راه آگاهی از این فعالیت ها مطالعه مجلاتی است که در خود حوزه ها منتشر می شود مانند مجله حوزه و پگاه. اکنون حوزه های علمیه علاوه بر اعزام مبلغین در ماه های رمضان و محرم که دو فرصت طلایی برای تبلیغ و رساندن پیام های دین و انتقال آموزه های دینی و معارف الهی می باشد، عده ای از طلاب را که بیشتر طلبه های جوان و مستعد هستند به عنوان روحانی ثابت و مستقر به همه نقاط ایران به ویژه نقاط

محروم اعزام می کند. طرح هجرت که برنامه ای تابستانی برای تبلیغ است، برنامه ای است چندین سال از عمر آن می گذرد و تاثیرات سودمندی بر وضع فرهنگی و دینی مردم داشته است. الان مدارس فراوانی در سراسر کشور، نماز جماعت خود را با امامت طلاب جوان برگزار کرده و برنامه های دینی دیگری نیز مانند بیان احکام و روایات معصومین(ع) و از همه مهمتر تماس و ارتباط با دانش آموزان و نسل جوان در کنار آن دنبال می شود. در فرصت های تبلیغی به ویژه ماه مبارک رمضان و ماه محرم الحرام، کمتر دانشگاهی است که از حضور طلاب فاضل و پرنشاط بی بهره باشد.

پاسخ به شبهات از طریق نامه و تلفن مستقیم و اینترنت و تحقیق درباره مسائل مختلف دینی و اسلامی و تألیف صدها کتاب در راستای پاطخگویی به نیازهای نسل جوان و اعزام عده ای از طلاب محرتم به کشورهای خارجی، همگی نمونه هایی از فعالیت های فرهنگی و دینی حوزه های علمیه است.

البته مدعی نیستیم این فعالیت های بی نقص و جامع و در حد مورد انتظار است، بلکه اذعان داریم که این نوع تبلیغات هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت در حد مطلوب نمی باشد و باید افزایش و بهبود یابد و به ویژه استفاده از شیوه های نو و تازه و استفاده بهینه از فن آوری های روز دنیا در جهت ابلاغ تعالیم دینی باید در دستور کار حوزه های علمیه قرار گیرد. پس تبلیغات حوزه زیر صفر و یخ زده نمی باشد بلکه ولرم و معتدل است که البته باید به تدریج

بـا برنـامه ریزی جـامع و ریشه یـابی کـاستی ها و نقص ها گرم بلکه داغ گردد به گونه ای که جوابگوی نیازهای نسل جوان و عطش معنوی و دینی مردم جهان باشد.

مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا عمامه سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟

پرسش

مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا عمامه سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟

پاسخ

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می فرمایند: «حضـرت رسول(ص) عمّامه بر سـر بستند و یک طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضـرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صـنفی بسـیاری از اقشار جامعه اقتضا می کنـد که از سایر اقشار مردم باز شـناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشـخص می باشـند. ماننـد نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعـدد «العلماء ورثه الانبیـاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشـد. و یا مثلا در موقع نماز جماعت تأکیـد شده که امام جماعت دارای لباس خاصـی روحـانیت باشـد چنـان که امـام صـادق(ع) فرمود: «شایسـته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشـد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱).

چهارم: پوشیدن این

لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

خصوصا در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد.

می مانند مسأله رعایت تواضع و مساوات با مردم که از دیدگاه اسلام یک اصل و ارزش بسیار مهمی است که همه خصوصا رهبران و پیشوایان مذهبی، مکلف به رعایت آن می باشند. هر چند این موضوع نیز گاهی مواقع به تناسب مقتضیات زمان می تواند اشکال مختلفی داشته باشد.

در هر صورت آنچه که از سیره امامان معصوم(ع) و پیامبر اکرم(ص) برداشت می شود اصل رعایت تواضع، مساوات و برابری با مردم است که بحمدالله علماء و بزرگان دینی در طول تاریخ تاکنون نسبت به رعایت آن پای بند بوده و می باشند و مسأله لباس آنها، نه تنها با اصل تواضع و مساوات با دیگران منافات نداشته بلکه خود نقش مهمی در تبلیغ ارزش های اسلامی و تعظیم شعائر الهی و انجام وظایف و کار

ویژه های صنفی روحانیت و مقابله با تهاجم فرهنگی ایفا می نماید.

آنچه که باید به آن زیاد توجه کرد این است که در زمان های قدیم عمامه، عبا و قبا، مختص گروه خاصی از مؤمنان نبود بلکه در آن زمان ها رسم این بود که افراد صالح و متدین این لباس ها را می پوشیدند و بعدها به تدریج تنها علمای دینی در این لباس ماندند و این لباس به عنوان علامت و نشانه علمای اسلام به حساب آمد. در حال حاضر هم یکی از شرایط پوشیدن عمامه، قبا و عبا داشتن صلاحیت لازم است و اگر کسی دارای آن شرایط نباشد اگر بپوشد، کار نادرست انجام داده است و مانند کسی می ماند که لباس پزشکی بپوشد در حالی که شرایط پزشك را ندارد. در زمان های قدیم برای پوشیدن این لباس، تنها صلاحیت اخلاقی کافی بود به همین جهت بسیاری از تاجران و پزشکان هم این لباس را می پوشیدند ولی در عصرهای اخیر یکی از شرایط این لباس، کسب علوم اسلامی و تبلیغ دین شد و در حقیقت باید به عنوان یک انیفروم ولباس کار و اعلام آمادگی برای پاسخ گویی به پرسش های اندیشه دینی، به آن نگاه شود. نه یک امتیاز اجتماعی و از سوء استفاده احتمالی برخی در این لباس باید جلوگیری کرد.

آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا عمامه با هم فرق می کند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه سید. متشکرم

پرسش

آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا عمامه با هم فرق می کند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه سید. متشکرم

پاسخ

در این باره گفتنی است که هر کدام از لباس های ویژه و یا رنگ های مخصوص و یا علامت های خاص دارای پیام جداگانه هستند و حتی گاهی لباس ویژه موجب شخصیت حقوقی برای افراد می شود به طوری که بی احترامی به آن افراد در آن لباس پیگرد قانونی دارد. به طور مثال در میان نظامیان و نیروهای انتظامی رنگ سفید شناسه نیروی دریایی است و رنگ خاکی شناسه نیروی زمینی است و حتی نشانه ها و تعداد درجات هر کدام پیام خاصی دارد. درباره لباس روحانیت نیز علاوه بر اینکه مدل آن شناسه وظیفه اجتماعی آنان است به طوری که هر کس سوال دینی دارد به آنان مراجعه کنند. رنگ عمامه نیز شناسه دو گروه از روحانیان می باشد که برای افکار عمومی مسلمانان و حتی رعایت حقوق آنان موثر است.

لازم است به این نکته توجه شود که لباس فعلی روحانیون، لباس سنتی و اصیل مسلمانان در قرن های گذشته بوده است و بعد از عقب ماندگی مسلمانان در زمان شاهان بی لیاقت قاجار و جریان خودباختگی فرهنگی، شیوه لباس پوشیدن شرقی ها به تبع بسیاری از لوازم فرهنگی دیگرشان تابع فرهنگ غالب زمانه گردید. اما روحانیان تنها قشری بودند که در مقابل این تغییر ایستادند.

بر اساس این توضیح، در گذشته با توجه به جایگاه ویژه فرزندان پیامبر(ص) در میان مردم (اعم از شیعه و سنی) مشخص شدن

آنان از

دیگران نیز به صورت خواسته ای اجتماعی درآمد. تا آن که در مصر به آنان لقب شریف داده و پوشیدن لباس خاص سادات در آن زمان متداول گردید. البته بحث ارتباط لباس با اعتقادات سیاسی و مذهبی و اجتماعی قبل از آن نیز مطرح بوده است کما این که بنی عباس در ابتدای قیام بر علیه بنی امیه به نشانه عزاداری برای شهدای اهل بیت(ع) لباس سیاه پوشیدند و این لباس بعدها نیز به عنوان شعار آنان باقی ماند.

به هر حال از زمان های گذشته سادات اعم از روحانی و غیر روحانی دارای لباس مشخص بودند و این به دلیل خواست عمومی برای شناختن، احترام و ادای سایر وظایف نسبت به فرزندان پیامبر(ص) بود.

بعدها که مرز بین لباس روحانیان و غیرروحانیان مشخص تر گردید. سادات غیرروحانی نیز به تدریج مانند مردم عادی لباس پوشیدند (شما در بین سادات مسن تر، افرادی که کلاه یا شال سبز دارند را مشاهده می کنید) اما سادات روحانی لباس خاص سیادت خود را حفظ نمودند. بنابراین این تفاوت در رنگ نشان دهنده تفاوت در کارکرد نیست.

۱- چرا علماءشیعه آنقدر احادیث ودین و روایات را دربین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند ودربین خود فقط گسترش می دهند ؟

پرسش

۱- چرا علماءشیعه آنقدر احادیث ودین و روایات را دربین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند ودربین خود فقط گسترش می دهند ؟

پاسخ

۱-) ۱. البته علماء و مبلغین شیعه یکی از رسالتهای مهمشان انتشار احکام واعتقادات دین واحادیث پیامبر واهلبیت(ع) دربین مردم است .وعلیرغم فعالیتهای گسترده برنامه ای و خودجوش که دراین مورد وجود دارد زمینه کار خیلی بیشتر ازاینها فراهم است وتلاش وسیع تری را می طلبد.

۲. اگر منظور جنابعالی حوزه های درسی وعلمی است باید گفت : بیان همه احادیث ومطالب چون جنبه گفتنی داشته و فهم دقیق آنها به داشتن علوم ومقدمات ویژه ای نیازمنداست وعموم مردم این آمادگی را ندارند لذا جنبه های تخصصی و دقتهای علمی آنها در حوزه های علمیه مورد بررسی قرار می گیرد.

عیناً همین مسأله درمورد دیگر علوم هم وجود دارد .مثلاً جامعه پزشکی آن مقدار از علم پزشکی را که درحد فهم واستفاده عموم باشد به مردم می گویند ومطالب دقیق وتخصصی درهمان محیط دانشگاه بحث می شود.

لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هیچ کتابی را ندهید.

پرسش

لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هیچ کتابی را ندهید.

پاسخ

همسایگی مقتضی حقوقی است بالا-تر از حقوق برادری، در اسلام همسایه تمام حقوقی را که یک مسلمان دارد، با اضافاتی دارا است.

حق همسایه این است که به او سلام کنی، با او صحبت طولانی نکنی، زیاد از حالش سؤال نکنی، بطوری که خسته شود، و یا نیاز باشد اسرار خود را بازگو کند، در مرض عیادتش کنی، در مصیبت تسلیتش دهی، و در عزا با او شریک باشی، در شادی تبریکش گویی، و شرکتت را در شادی او اظهار کنی از لغزشهایش چشم بپوشی، از بام به امور پنهانیش نگاه نکنی، اگر خواست شاخه ای بر دیوار بگذرد بر او سخت نگیری، در مسأله آب ناودان و خاکروبه ریختن در پشت دیوارش بر او سخت نگیری، یعنی سعی کن در ریختن آب ناودان و ریختن زباله در پشت دیوارش رضایت همسایه راجلب نمایی، راهش را تنگ نکنی، به این معنی که در صورتی که با همسایه از یک راه مشترک استفاده می کنی، با گذاشتن ماشین یا چیزهای دیگر بر سر راه همسایه، موجب اذیت همسایه نشوی، و اگر مجبور به گذاشتن چیزی بر سر راه همسایه شدی، که موجب تنگ شدن راه او شد، از او حلالیت و رضایت بطلبی، دقت نکنی که چه چیزی به خانه می برد، آنچه از اسرارش منکشف می شود بر او بپوشانی، و هنگامی که مصیبتی به او می رسد و زمین می خورد، زیر بغلش را بگیری و

او را بلنـد کنی، به بیـان دیگر وقتی که گرفتاری به او عارض می شود، در رفع گرفتاری از او بکوشـی، و دیگر حقوق همسایه این است که در غیبتش از مـواظبت خـانه اش غافـل نشـوی، پنهـانی به سـخنانش گـوش نـدهی، و از جرمش چشم بپوشـی (به نـاموس همسـایه نظر سوء نداشـته باشـی)، و به خـادمه او نظر نکنی، و به فرزنـدش مهربـانی کنی، واو را در امر دین و دنیـایش ارشاد کنی.

در حـدیثی از پیـامبر اسـلام(، آمـده است که آیـا می دانیـد حق همسایه چیست؟ اینکه اگر یاری خواست یاریش کنی، و اگر طلب قرض کرد قرضش دهی، و اگر تو را طلبید در پیش او آماده شوی، و اگر مریض شد عیادتش کنی، و اگر مرد جنازه اش را تشـییع کنی. و اگر خیری به او رسـید تبریکش گویی، و اگر مصـیبتی به او رسـید تسـلیتش دهی، و بدون اجازه او ساختمان خـانه ات را از او بلنـدتر نکنی، که راه بـاد را بر او ببنـدی، و هنگـامی که میوه ای خریـدی آن را به او هـدیه کن، و اگر هـدیه نکردی در پنهانی برایش ببر،

اگر هدیه کردن میوه سـبب خجالت کشـیدن همسایه در پیش دیگران می شود، پنهانی به او برسان. و بوسیله بوی غذایت او را اذیت نکن، مگر آنکه از آن غذا برایش مقداری ببری."

در حـدیث از امـام صـادق(آمـده است : "خوشـرفتاری در همسـایگی، رزق را زیاد می کنـد." و همچنین می فرمایـد : "از ما نیست کسی که با همسایگانش خوشرفتار نباشد."

امام باقر(می فرماید : "از هر جهت تا چهل خانه، همسایه محسوب می شود."

(۱)

به بیان دیگر، حقوقی که بر همسایه لازم است، در رساله امام سجاد(بطور فهرست وار آمده، که برایتان ذکر می نماییم:

۱. در غیابش حقش را مراعات کنی.

۲. در حضورش اکرامش نمایی.

۳. اگر مورد ظلم قرار گرفت، یاریش دهی.

۴. در اسرار او تجسس نکنی.

۵. زشتیهایش را پرده پوشی.

۶. اگر مطمئن شدی پذیرش نصیحت دارد، او را در پنهانی نصیحت کنی.

۷. در گرفتاریها او را به حال خود رها نکنی.

۸. لغزشهای او را ندیده بگیری.

۹. گناهانش را ببخشی.

۱۰. با او محرمانه معاشرت کنی.

منابع و مآخذ :

۱. ترجمه اخلاق، محمد رضاجباران، باب هشتم، حقوق همسایگی، ص۱۸۹

۲. ترجمه اخلاق،ص ۱۴۰

چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟

پرسش

چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟

پاسخ

بدون تردید، تبلیغ و ترویج اسلام در برابر سایر ادیان، به مراتب کمتر است. و در برابر تبلیغات گسترده جهانی، تبلیغات

اسلامی بسیار ناچیز و محدود است. علاوه بر این که تبلیغات اسلامی در برابر تبلیغات غیراسلامی، محدود و بسیار کم است.

متأسفانه سالهاست که تبلیغات منفی زیادی بر ضدّ اسلام، در سراسر جهان در جریان است. بخصوص با توسعه ارتباطات و راه اندازی ماهواره ها و اینترنت، این تبلیغات مسموم از سرعت محیرالعقولی برخوردار گردیده است. لحظه به لحظه در ذهن و اندیشه جوانان ما شبهه افکنی می کنند. و هنوز بزرگان و رهبران اسلامی به شبهه پاسخ نگفته اند، شبهه وشبهاتی جدید مطرح می گردد.

البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیّت است، که اگر بتوانیم از ابزار و رسانه های جدید برای تبلیغ استفاده کنیم، درصد موفقیت نسبت به گذشته افزایش خواهد یافت. در گذشته شبهات و نسبت های ناروایی به اسلام می دادند، ولی امکان پاسخگویی وجود نداشت. ولی اکنون با استفاده از وسایل ارتباطی، براحتی می توان به آنها پاسخ داد، و احکام و دستورات نورانی اسلام را بر امواج سوار کرد، و به اقصی نقاط دنیا ارسال کرد؛ تا تشنگان حقیقت را سیراب سازد.

پرسشگر گرامی، این احساس که تبلیغات اسلامی نسبت به سایر ادیان کم شده است، شاید دور از واقعیت باشد. ولی بدون تردید هجمه ها به اسلام شدیدتر، وسیع تر، و بی محاباتر شده است. لذا تبلیغات اسلامی به چشم نمی آید. علت این هجوم بیرحمانه، ترس و وحشتی است که اسلام و انقلاب اسلامی ایران، در دل آنان افکنده

است. قبل از وقوع انقلاب اسلامی، اندیشمندان جهان غرب بر این باور بودند، که مذهب به مرور زمان از زندگی مردم حذف شده، به مسأله ای فردی تبدیل خواهد شد. ولی انقلاب اسلامی این تئوری را باطل کرد، و مذهب را در کانون توجه جهانیان و مردم قرار داد، و گرایش به دین بخصوص اسلام، در سراسر جهان افزایش یافت، و قرن اخیر را که می خواستند قرن لاتیک و بی دینی بنامند، قرن مذهب و حاکمیت مذهب کرد. بسیاری از اندیشمندان غربی، عصر حاضر را عصر خمینی نامیدند، و قرن ۲۱ را قرن حاکمیت مذهب در اروپا و غرب، و حتی برخی قرن ۲۱ را قرن سلطه مذهب اسلام بر غرب دانستند. اگر تبلیغات کم شده باشد، با این هجوم وسیع و دامنه دار، چنین تعابیر و تفاسیری چه مفهومی می تواند داشته باشد.

البته ما به آنچه واقع می شود، نباید قانع باشیم. و همه مردم مسلمان همانند شما، باید احساس کنند که تبلیغ کم است، و همت

بکنند که به حجم تبلیغ دین مبین اسلام بیفزایند. و به هیچ حد و سطحی قانع نشوند. که اگر چنین شد، اولین گام به سوی شکست است. لذا باید همگان سعی و تلاششان بر ترویج و تبلیغ اسلام باشد. و البته در این راه، همه مسؤول هستند. و ضمن این که باید این وظیفه را از دیگران مطالبه کنیم، خودمان نیز نباید ساکت و آرام بنشینیم، و بگوییم فلان و فلان مسؤول است، و ما مسؤولیت نداریم. همه ما مسؤول تبلیغ اسلام هستیم. و همه باید از یکدیگر این وظیفه را مطالبه بنماییم.

جهت آگاهی بیشتر از وظایف

مبلغان، و دیدگاههای اندیشمنان، توصیه می کنم دو کتاب زیر را مطالعه کنید :

۱. عصر امام خمینی(

پیرامون انقلاب اسلامی، از شهید مطهری

در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می دهند، سپس یکی از آن ها به عهد خود وفا نمی کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته گناهکار است یا هر دو طرف

پرسش

در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می دهند، سپس یکی از آن ها به عهد خود وفا نمی کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته گناهکار است یا هر دو طرف

پاسخ

چند نکته قابل توجه است

۱. بدون شک سرمایه زندگی اجتماعی اعتماد متقابل افراد جامعه است از جمله گناهانی که رشته اعتماد و اطمینان را در بین جامعه می گسلد و زیربنای روابط اجتماعی را سست می کند ترک وفای به عهد است که باعث هرج و مرج می گردد، به همین جهت در آیات قرآن تأکید فراوانی به وفای به عهد و پیمان شده است

می فرماید: "يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوْفُواْ بِالْعُقُود ;(مائده ۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها (و قراردادها) وفا کنید." که این عهد و پیمان معنای وسیعی دارد که هر نوع قرارداد و عهد و پیمان در میان افراد را شامل می شود چه پیمان های سیاسی و اقتصادی و یا اجتماعی باشد و چه عهد و پیمان خانوادگی و زناشویی]ر.ک (بقره ۱۷۷); (نحل ۹۱); (رعد، ۲۰); (مریم ۵۴); (مؤمنون ۸); (معارج ۳۲)][(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۶۰۰ و ج ۴، ص ۲۴۵ و ج ۱۱، ص ۳۸۲، دارالکتب الاسلامیه)

و در آیه ای دیگر می فرماید: "وَ أَوْفُواْ بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْ ?ولاً ;(اسرأ،۳۴) و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می شود." و در روایات نیز می خوانیم که مسلمانان موظفند که سه برنامه را در مورد همگان انجام دهند خواه طرف مقابل مسلمان باشد

یا کافر، نیکوکار باشد یا بدکار، که آن سه عبارتند از: وفای به عهد، ادای امانت و احترام به پدر و مادر.(ر.ک میزان الحکمه محمدی ری شهری ترجمه حمید رضا شیخی ج ۹، ص ۴۱۰۰، دارالحدیث)

۲. بر طبق مسئله فقهی اگر زن و شوهری در ضمن عقد خود شرطی کنند، آن شرط لازم و واجب است رعایت شود، مثلاً اگر زنی در هنگام خواندن عقد خود با مرد شرط کند که او را از فلان شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.(توضیح المسائل مراجع سید محمد حسن بنی هاشمی ج ۲، ص ۴۲۷، مسئله ۲۴۵۱، دفتر نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

۳. در موردی که عهد و پیمانی بسته می شود، فقط کسی که در ابتدأ آن عهد را شکسته مرتکب گناه شده البته بدیهی است که عهد و پیمان نباید خلاف شرع بوده باشد.

چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن با او رفتار می کنند.

پرسش

چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن با او رفتار می کنند.

پاسخ

قبل از پرداختن به پاسخ ذکر این نکته لازم است که الحمدلله به برکت وجود انقلاب اسلامی و وحدت و همدلیایجاد شده بین سایر گروه های مذهبی و قومی کشور اختلافات مذهبی نسبت به سایر کشورهایی که وضعیت مشابهیبا ما دارند. مانند هند، پاکستان و... و چه نسبت به زمان های قبل از انقلاب، بسیار نادر و به صورت استثنایی وجوددارد. البته این مقدار کم هم، زیبنده جامعه اسلامی ما نمی باشد و وجود آن یکی از خطرات بسیار مهم و اساسی برایامنیت، وحدت و یکپارچگی کشور اسلامیمان می باشد و توجه دشمنان را نیز برای بهره برداری از آن به خود جلبکرده است. اما در مورد عوامل این تعصبات به صورت مختصر می توان به دو دسته از آنها اشاره کرد:

الف) بررسی عوامل داخلی تعصبات: ۱- مسائلی که ریشه در تاریخ گذشته مذاهب گوناگون دارد و پیروان آنتعلق شدیدی به آن داشته و با هرگونه اهانت و تعرض به شدت برخورد می نمایند.

۲- دخالت هوای نفس: از قبیل، خودبینی و برتری جویی، حب جاه و مقام و...

ب) بررسی عوامل خارجی اختلافات مذهبی: از زمان های بسیار گذشته، درگیری ها و تعارضات و جنگ هایمذهبی بین مسلمین به وسیله قدرتمندان جهانی هدایت شده است در زمان حال که کشور ما به اتحاد داخلی بین تمامگروه ها و مذاهب و همچنین اتحاد با سایر ملت های مسلمان به شدت نیاز دارد، فاجعه آمیزترین مانع در راه حاکمیت وسیادت اسلام، اوج گیری اختلافات و تعصبات مذهبی می باشد و برای مقابله با آن راهی جز دست برداشتن ازتعصبات مذهبی و اهانت به

مقدسات دیگر مذاهب و تکیه بر نقاط مشترک بین مذاهب نمی باشد.

البته چه خوب بود در سؤال به صورت جزیی مورد دقیق این مسأله ذکر می شد تا بتوان، مسأله را بهتر مورد بررسیقرار داد.

چرا روحانیان گرفتار تحجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟

پرسش

چرا روحانیان گرفتار تحجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟

پاسخ

- با نگرشی واقع بینانه ومنصفانه به این مسائله درمی یابیم که همچنان که تاریخ حوزه و روحانیت نشان می دهد و در زمان کنونی شاهد آن هستیم نمی توان یک حکم کلی در این زمینه ارائه نمود بلکه هر چند متائسفانه در قبل از انقلاب به دلایل متعددی تا حدودی شاهد تحجر و جمود و بی خبری از مسائل روز و علوم و موضوعات جدید در گوشه و کنار حوزه ها بودیم اما در عین حال در کنار آن نیز شاهد حضور و مشارکت فعال بسیاری از اندیشمندان و متفکران روحانیت در عرصه های مختلف علمی , فرهنگی جامعه و مجامع دانشگاه بوده و می باشیم که به عنوان مثال می توان از متفکرانی مانند: علامه طباطبایی , مرحوم امام (ره), شهید مطهری , دکتر مفتح , دکتر بهشتی , مرحوم طالقانی را نام برد. اما در بعد از انقلاب با توجه به شرایط جدید ونیازهای جدید ناشی از حکومت اسلامی این خلا و نقصان به صورت بسیار جدی در زمینه تطبیق مسائل و موضوعات جدید با احکام و ارزش های الهی و مقتضیات زمان و مکان و یافتن پاسخ های مناسب برای آنان و... احساس شد و حوزه ها به علت این ضرورت ها و با استفاده از فضای باز ایجاد شده بعد از انقلاب به چنان رشد و بالندگی و تحولی دست یافت که شاید تا قبل از این در تاریخ حوزه ها کم سابقه بود مراکز و موئسسات پژوهشی تحقیقاتی و

مطالعاتی متعددی در راستای تائمین نیازهای روحانیون در رشته های مختلف علوم جدید در دانشگاه ها و سایر مراکز علمی می باشیم و در بسیاری از رشته های علوم اجتماعی صاحبنظران و اساتید برجسته ای که به جدیدترین مباحث و موضوعات رایج در محافل آکادمیک و دانشگاهی غرب تسلط و اشراف کامل داشته باشند در میان روحانیون و دین پژوهان حوزه خصوصا" حوزه علمیه قم و جود دارند که معارف و ارزشهای اسلامی را با توجه به شناخت کامل موضوعات و مسائل جدید و با استفاده از پیشرفته ترین و جالب ترین روشهای هنری , تکنولوژی پیشرفته و وسایل ارتباطی به مخاطبان و علاقه مندان انتقال می دهند. کلیه اقدامات فوق در جهت جبران عقب ماندگیهای گذشته حوزه و برقراری رابطه بر اساس تفاهم و تبادل دیدگاه ها با مخاطبین حوزه خصوصا" قشر جوان که تشکیل دهنده اکثریت جامعه و آینده سازان ایران اسلامی عزیز می باشند انجام شده و می شود به عنوان مثال می توان از برگزاری اردوهای تفریحی , سیاحتی و زیارتی برای جوانان و نوجوانان در مقاطع مختلف تحصیلی با استفاده از روحانیون خوش فکر و اندیشمند و در عین حال خوش برخورد و مسلط به اصول روانشناسی و تربیتی برای بررسی و شناخت مشکلات و مسائل مورد نیاز آنها و راهنمایی و ارائه مشورت به آنان نام برد در هر صورت مطالب فوق به معنای موفقیت کامل حوزه در جذب جوانان و مخاطبان خود نیست بلکه گویای اینست که حوزه ها علیرغم وجود مشکلات تاریخی و مالی که دارند شدیدا" به این موضوع بسیار مهم اهمیت داده و در صدد

رفع نواقص خود در حوزه تبلیغ و اطلاع رسانی می باشند.

آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد.

پرسش

آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد.

پاسخ

ابتدا باید منظور از «جاذبه» مشخص شود واین که دانشکده های مختلط چه نوع جاذبه ای دارند که دانشکده های غیر مختلط ندارند؟ و در مرحله بعد باید توجه شود که آیا هر جاذبه ای برای دانشجویان مفید است؟

اگر بخواهیم از منظر جایگاه و کار ویژه های دانشگاه در یک جامعه اسلامی به مسأله نگاه کنیم باید گفت که اصلی ترین و یا به عبارتی واقعی ترین جاذبه یک دانشگاه برای دانشجویان همان بعد علمی و تحصیلی آن است - و الا بقیه جاذبه ها در سایر مکان های غیر دانشگاهی نیز وجود دارد - و چنین ویژگی و جاذبه ای نه تنها در دانشکده های غیر مختلط کم نشده بلکه همانگونه که تجربه به کرات نشان داده است بیشتر نیز خواهد شد و جذابیت علمی دانشگاه را بیشتر نمایان کرده و از سایر جذابیت های کاذب آن خواهد کاست.

شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش را می دهد؟

پرسش

شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش را می دهد؟

پاسخ

برای روشن شدن مفهوم وحدت و ضرورت آن توضیحاتی چند لازم است. وحدت در لغت به معنی یکی بودن - یگانه بودن و یگانه شدن است که این کلمه در علوم مختلف کاربرد مختلفی دارد، مثلا در فلسفه کلمه وحدت به همان معنی یکی بودن حقیقی است. وحدت در عرصه سیاسی وحدت مسلمین و وحدت امت اسلامی است که کاربرد خاصی می یابد. وحدت ملی یعنی اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد چنانکه به منزله مجموعه ای واحد به شمار آیند. همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی در حلول سال شمسی ۱۳۷۹ فرمودند: وحدت ملی یکی از شعارها و اهداف نظام اسلامی در آن سال می بود یعنی همه افراد و مردمی که ساکن کشور ایران هستند با هر نوع دین و مذهب و گرایش فکری و مذهبی برای بدست آوردن یک هدف خاص و یا اهداف متعددی با هم همکاری داشته تا به آن مقصود برسند. بعضی از این اهداف که از اهداف تشکیل حکومت اسلامی را نیز تشکیل در قرآن کریم آمده در آیه ۱۵۷ سوره اعراف آمده است: «الذین یتبعون الرسول الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراه و الانجیل یامرهم بالمعروف و ینههم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم

الخبئث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم فالـذین امنوا به و عزروه و نصـروه و اتبعوا النور الـذی انزل مع اولئک هم المفلحون». همانا که از فرستاده خدا که پیامبر امی است پیروی می کنند. پیامبری که

صفاتش را در تورات و انجیل که نزد آنهاست می یابند. آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد، اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می شمارد و ناپاکیها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند. آنان رستگاراند.

از این آیه شریفه می توان نتیجه گرفت که بخشی از هدف رسالت و به تبع آن حکومت اسلامی امر به معروف و هدایت است به کارهای نیک و آنچه خواسته خداوند تبارک و تعالی است و نهی بندگان از منکر و اعمال خلاف شرع و جلوگیری از ظلم و ستم و در یک جمله می توان اهداف داخلی یک نظام اسلامی را پیروی از قرآن و پیاده کردن احکام و حدود الهی در جامعه اسلامی دانست.

امام علی(ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می فرمایند: «آن اموری که موجب عزت و شوکت امتهای گذشته شد دوری گزیدن از تفرقه و پراکندگی و همت گماشتن و توصیه و ترغیب یکدیگر بر رعایت اتحاد و همبستگی بوده است آنها از هر امری که ستون فقراتشان را می شکست و قدرتشان را سست می کرد اجتناب می ورزیدند؛ اموری مانند کینه توزی، بخل، حسادت، ناهم فکری، پشت کردن و دوری گزیدن از یکدیگر. بنگرید چه حالی داشتند هنگامی که با هم مجتمع بودند و هدف و آرمانشان یک چیز بود - دلهایشان هماهنگ و موافق - دستها و شمشیرهایشان در یک مسیر بود، بصیرتی کافی داشتند و تصمیمها در یک جهت بود، آیا وقتی چنین بودند فرمانروای

اقطار جهان و مالک رقاب عالمیان نبودند؟».

منظور از وحدت امت اسلامی وحدت معقول و وحدت اضافیه است. وحدت اضافی به وحدتی گفته می شود که دو چیز از یک جنس که متصل به یکدیگر هستند و دارای یک حکم نیز می باشند با هم وحدت پیدا کنند مثل دو آب رودخانه که یکی شوند که هر دو باقی هستند و قدرت و توانشان افزون گردد. این وحدت خواسته تمامی دلسوزان، علما و اندیشمندان از قرون اولیه اسلامی تاکنون بوده و هست.

و اما در مورد این بخش از سوال که چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش داده می شود؟

با توجه به بخش اول پرسش شما و پیش شرط طرح سؤال که بحث وحدت می باشد به نظر می رسد منظورتان چاپ کتابهای تاریخی و اعتقادی است که انتقاداتی در مورد حکومتها و خلافتهای اولیه اسلام و یا بعضی اعمال و رفتار مردمان و دوران حکومت امام علی(ع) دارند.

در پاسخ باید گفت هر کتابی که نوشته می شود نویسنده ای ضرورت نوشتن و پرداختن به آن موضوع را از دیدگاه خود تشخیص داده و اقدام به نگارش آن کرده است و بی ارزش بودن یک کتاب را بایستی صاحبان آرا و آگاهان در آن موضوع تشخیص دهند و نمی توان به عباراتی چند زحمات چندین ساله شخصی را نادیده گرفت.

بی شک این کتابها دارای استدلالها، برهانها و ادله ای از قرآن، روایات و یا کتب تاریخی معتبر هستند که می توان با مطالعه دقیق آنها و تحقیق در مورد قسمت ادعاهایشان در مورد آنها قضاوت نمود. در کشور اسلامی ما که حوزه های علمیه متعددی وجود دارد و کتب و نشریات مختلف مذهبی به چاپ می رسد و پیروان

هر یک از مـذاهب آزادانه به تربیت عالمان و مبلغان مـذهبی خود می پردازنـد، نشـر کتاب جای تأمل نـدارد هر چند خوشایند کسـی و یا مـذهبی نباشـد البته اگر کتاب منتشر شـده به اصول اعتقادی پیروان مـذاهب دیگر توهین کرده باشـد جلوی نشـر و خرید و فروش آن گرفته خواهد شد و نویسندگان آنها مورد مجازات قانونی قرار می گیرند.

و در آخر به این آیه شریفه اشاره نماییم که «الذین یستمعون القول فابتعون احسنه» {۱}

از اوصـاف مؤمنـان و دینـداران این است که سـخنان را می شونـد و با مطالعه و دقت واقعی و کامل بهترین آنها را انتخاب می نمایند.

[۱]. سوره زمر، آیه ۳۹.

مگر اسلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکدیگر نمی داند؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسران بدون قصد بد جلوگیری می شود؟

پرسش

مگر اسـلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکـدیگر نمی دانـد؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسـران بـدون قصـد بد جلوگیری می شود؟

پاسخ

در هیـچ آیه و روایتی این مطلب نیامـده که زنـان و مردان، خواهر و برادر یکدیگرنـد. این مغالطه ای بیش نیست و اگر کسـی بگوید، شبیه تعارف است.

ثانیاً: مگر خواهر و برادر بودن دلیل می شود که با همدیگر ارتباط نامشـروع و خلاف شـرع داشته باشند؟ گناه و معصیت الهی چـه از خـواهر و برادر تنی صـورت بگیرد و چه از خـواهر و برادر نـاتنی حرام است. ارتبـاط و اختلاـط بین مرد و زن که خـواه ناخواه با گناه ملازم است، از خواهر و برادر، زشت تر و شدیدتر است. بنابراین اگر بر فرض قبول کنیم زنان و مردان، خواهر و برادر یکدیگرنـد، پس بیشتر بایـد حرمت یکدیگر را حفظ کنند. اگر پسـری ببیند که می خواهند به خواهرش دست بزنند و به او بی احترامی بکننـد، از او دفاع می کنـد. پس بر فرض قبول آن که (مردان و زنان برادر و خواهر یکدیگرنـد، برعکس نتیجه ای که شـما گرفته ایـد، نتیجه می گیریم و می گوییم: پس بایـد در جامعه مردان و زنان حرمت یکدیگر را نگه دارند و نه تنها نگاه بد به یکدیگر نکنند، بلکه از بی حرمتی به هم جلوگیری کنند.

ثالثاً: مگر قابل قبول است که مرد و زن نامحرم مخصوصاً دختر و پسـر که عزب هسـتند و غریزه شهوت در آنان غالب است، با هم ارتباط داشـته باشـند و به یکـدیگر نگاه بـد نکننـد؟ به مقدس اردبیلی که تقوا و قُدس او بی نظیر بوده، گفتند: اگر تو را با زنی یا دختری

نـامحرم در یک باغ تنها بگذارنـد، چه می کنی؟ گفت: به خـدا پناه می برم! بإ؛ ح ح این که مقـدس اردبیلی هم عالم و فقیه با تقوا بود و هم پیرمرد و مسنّ، چگونه قابل قبول است دختران و پسـران که در اوج شـهوت هسـتند، با هم ارتباط داشـته باشند و نگاه بد و شهوت آلود به یکدیگر نداشته باشند؟!

رابعاً: در ارتبـاط بین دخـتران و پسـران، آن که بیشـتر ضـربه می خورد و عفّت و آبرویش از بین می رود، دختران هسـتند. آن وقت بعـد از سوءاسـتفاده از آنان، این بندگان خدا رها می شوند و مردان دنبال صـید دیگری می روند! آیا این بدترین ظلم به بانوان نیست؟ آیا آنان که دم از حقوق زن می زنند، این گونه می خواهند از حقوق زنان دفاع کنند؟

اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جوابش واجب است؟

پرسش

اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جوابش واجب است؟

پاسخ

در مثل ها آمده "سـلام... بی طمع نیست". دختران باید بدانند سـلام هایی که پسران به آنان می کنند، نه از این باب است که می خواهنـد امر مسـتحب اسـلامی را انجام دهند، بلکه می خواهند سدّ گفت و گو را بشـکنند و راه را برای خود باز کنند و به اهداف خود برسند. لذا جواب این گونه سلام ها واجب نیست، بلکه شاید همراه با گناه باشد.

در روایات اسلامی آمده: چند خصلت برای مردان بد است، ولی برای زنان خوب است:

۱ - تکبر؛ تکبر به معنای سنگینی و وقار و خود را به دست بیگانه ندادن و بی اعتنایی به نامحرمان است.

۲ - بخل برای زنان خوب است، اما برای مردان صف بدی است.

۳ - ترسو بودن.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸.

اگر خواهی نشوی رسوا, هم رنگ جماعت شو! به نظر شما آیا باید کارهای یک جمع را اگر اشتباه هم بود, تایید کرد و استقلال فکری و عملی نداشت , مثلاً اگر جمع همگی مشغول نوشیدن شراب هستند, باید شراب خورد تارسوا نشد؟!

پرسش

اگر خواهی نشوی رسوا, هم رنـگ جمـاعت شو! به نظر شـما آیـا بایـد کارهـای یک جمع را اگر اشـتباه هم بود, تاییـد کرد و

استقلال فکری و عملی نداشت , مثلاً اگر جمع همگی مشغول نوشیدن شراب هستند, باید شراب خورد تارسوا نشد؟!

پاسخ

متأسفانه این مثل دستاویز بسیاری از مردم شده است که به غلط از آن استفاده می کنند. در نظام هستی جمع عقلایی جز در مراکز خاص تشکیل نمی شود. این جمع عقلایی نوعاً از میان توده مردم خارج شده و در پناهی مأوی می گیرند و سخت از عادات و رسوم عوام الناس می پرهیزند. این فاصله موجب می شود مردم عادی به رفتارهایی رو آورند که از گردونه اخلاق و حتی عرف عادی خارج است . همین به عرفی ها موجب تشکیل نمودها والگوهای قابل پیروی برای سایرین می شود.

مردمی که از آداب و رسوم و سنت حسنهء اسلامی بهره ای نبرده باشند, به اقتضای حال روی کردهای خاصّی خواهند داشت که هر کدام مظّنهء تأثیر در جمع دیگر دارد و حتی افرادی را به کیش خویش دعوت کرده وادار به پیروی می کنند. عادات کوچه و بازار حتی اگر از گناه و معصیت به دور باشد, نمی تواند جهت الگو گرفتن و تبعیت کردن مناسب باشد, تا چه رسد به حضور در شب نشینی هایی که خدای ناکرده شیطان آن را هدایت می کند.

جمعی به کشیدن سیگار و یا استفاده از مواد مخدر مشغول می شوند و علاوه بر این که خود را آلوده و گمراه می کنند, از دوستان دعوت به عمل آورده و ایشان را نیز به

تباهی می کشانند. اگر شخص به دلایل مختلف , حاضر به حضور در جمع ایشان نشود, او را عقب افتاده پنداشته و طرد می کنند, حال آن که ملاک امتیاز و برتری انسان هانسبت به یک دیگر جز به تقوا و عبودیت نیست . خداوند متعال می فرماید: (۱). خداوند انسان را عاقل و با شعور آفرید که با تکیه بر عقل راه خویش را انتخاب کند و راه از چاه تشخیص دهد و اگر دید جمعی مشغول به کاری هستند, آن را بسنجد; اگر دید مطابق با عقل و مذهب و عرف است , به آن جمع بپیوندد و گرنه از ایشان پرهیز کرده و از شماتت و از ناصواب گویی آن ها در رأس و گفتار نهراسید,چون خدای متعال پشتیبان او است : . (۲)

(پاورقی ۱. حجرات (۴۹ آیه ۱۳

(پاورقی ۲. زمر (۳۹ آیه ۳۸

چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند, بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند, نه اصلی ؟ بیش تر به مستحبات می پردازند, نه واجبات ؟

پرسش

چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند, بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند, نه اصلی ؟ بیش تر به مستحبات می پردازند, نه واجبات ؟

پاسخ

متأسفانه با همه تلخی ها باید بپذیریم مطلب همان است که اظهار کرده اید. از شما به خاطر تیزهوشی واین که طالب مسایل اصلی و وجوبی هستید, باید قدردانی نمود.

البته همهء روحانیون این گونه نیستند. زیادند افرادی که در منابر خواستهء شما را مطرح می سازند.

مگر اثبات وجود خدا, معاد و قبر و برزخ و گفتن حدیث پیامبر۶و امام ۷و ولایت واجاز و عدم تحریف قرآن و... از مسایل اصولی و وجوبی و اعتقادی نیستند که بسیاری از روحانیون پیرامون آن ها بحث می کنند؟

عده ای که غالباً مسایل فرعی را مطرح می سازند, شاید به خاطر جهات زیر باشد:

۱ متأسفانه برخی از توانایی علمی کافی برخوردار نیستند و نمی توانند از عهدهء طرح برآیند.

۲ مثلی است معروف بین طلبه که صرفیون چنان کردند, ما هم چنین می کنیم . از قدیم رسم چنان بود که مسایل شرعی مثل نماز, روزه , معاملات و اصول دین در ماه رمضان گفته می شد. متأسفانه همان شیوه در امروز هم برای عده ای محفوظ می باشد.

۳ معمولاً ـ در اکثر شـهرها و روسـتاها مجـالس قرائت قرآن و بیـان احکـام برقرار است . لـذا این عـده طرح آن گونه مسایـل را ضروری نمیدانند.

۴ نوعاً در مجالس عمومی افراد مختلفی اعم از بی سواد و کم سواد و با سواد, شـهری و روستایی , اداری وبازاری و... شرکت می کنند. چون طرح مطالب استدلالی , زمان و شرایط

خاصی را می طلبد, از طرح این گونه مسایل خودداری می شود.

۵ در هر عصر و زمانی یکسری مسایل سیاسی و تاریخی و اقتصادی و عقیدتی و... در جامعه پیدا می شود که در مجالس عمومی طرح آن ها ضرورت دارد.

۶ در مواردی مؤسسان و اقامه کنندگان مجالس مقصرند, چون افراد متعددی را در ظرف چند ساعت دعوت می کنند که برای هر کدام بیست الی نیم ساعت وقت بیشتر نیست . بدیهی است طرح مسایل استدلالی در این گونه مجالس خیلی مناسب نیست .

با همهء این توجیهات باید بپذیریم که کیفیت تبلیغات روحانیون مطلوب نیست . امیدواریم بعداً بهتر شود.

پدرم رفتار ما با پسرهای فامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می دهد و اجازه نمی دهد که با آن ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتاق به تماشای تلویزیون و غیره مشغول شویم. آیا این کار صحیح است؟

پرسش

پدرم رفتار ما با پسرهای فامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می دهد و اجازه نمی دهد که با آن ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتاق به تماشای تلویزیون و غیره مشغول شویم. آیا این کار صحیح است؟

پاسخ

قبل از پاسخ دادن به سؤالتان می بایست مقدمه ای را بیان کنیم.

انسان موجودی مدنی و اجتماعی است و در روابط محتاج به همنوع می باشد.

احتیاجاتی که نوع بشر نسبت به یکدیگر پیدا می کنند، متفاوت است. احتیاج در معیشت، احتیاج در فراگیری علوم و صنایع، احتیاج در معاملات و عقود. نیاز به رفاقت ها و دوستی ها .

اما احتیاج دیگری وجود دارد که شاید از همه مهم تر باشد و آن احتیاج زن و مرد نسبت به هم است که به واسطه داشتن غریزه های خاصی لازم می شود.

تمام ادیان و شریعت هایی را که پیامبران برای هدایت بشر به ارمغان آورده اند، می گویند: بشر عاقل آفریده شد تا خوب و بد را تشخیص دهد. با این حال عقل نمی تواند بد و خوب بسیاری از امور را تشخیص داده و راهکار اجرایی نشان دهد، مثلاً در بحث غریزه و تمایلات جنسی، عقل محکوم قدرتی به نام نفس و شهوت است و یا در بحث قدرت طلبی، مال دوستی، افزون خواهی و دنیا پرستی، عقل مقهور است. به همین جهت خداوند عالم پیامبران را فرستاد تا مردم را به راه راست هدایت و عقلشان را در مسیر بهبودی راه بیندازد.

از جمله ادیـان الهی دین اسـلام می باشـد که آخرین و برترین و کامـل ترین دین است و توسط پیامبر گرامی اسـلام، از طرف خداوند متعال به مردم عرضه شد. دین اسلام در تمامی آداب و رسوم

و شئون اجتماعی توصیه و دستورهایی دارد. از جمله آن ها حفظ حریم در روابط زن و مرد و پرهیز از آداب و معاشرت های ولنگار است. خداوند متعال در قرآن می فرماید: "به مردان مؤمن بگو دیدگان را (از نظر بازی) فرو گذارند و ناموسشان را محفوظ بدارند. این برای آنان پاکیزه تر است. بی گمان خداوند به آنچه می کنند، آگاه است.

و به زنان مؤمن بگو: دیدگانشان را فرو گذارند و ناموسشان را محفوظ بدارند و زینتشان را جز آنچه آشکار است، آشکارنکنند. روسری هایشان را بر گریبانهایشان بیندازند و زینتشان را آشکار نکنند، مگر بر شوهرشان یا پدرشان یا پدران شوهرشان یا پسرانشان یا پسران شوهرشان یا برادرشان یا پسر برادرشان یا پسران خواهرشان".(۱)

علاوه بر آیات، روایات بسیاری در این باب آمده است که زن و مرد اجنبی و نامحرم نمی توانند در مکان خلوت، کنار هم باشند، هر چند به دعا و یا نماز مشغول شوند. علت این مسئله کاملاً مشخص است که انسان همواره نسبت به جنس مخالف، میل و هوس دارد، و این جزء غریزه های انسان و سرشت او است.

آفرینش رای انسان چنین مقدر کرده است. رابطه زن با مرد و یا به عکس جایز دانسته نشده است مگر در موارد محرمیت، مثلاً زن در مقابل شوهر یا پدر و یا جد و برادر و برادر زاده یا خواهر زاده و عمو و دایی، یا مرد در مقابل زن، مادر، مادر زن، خاله، عمه، مادر بزرگ، برادر زاده و خواهرزاده.

به جز زن و شوهر که نسبت به یکدیگر کاملاً محرم هستند و اصولاً یکی از علت های زناشویی، تمتع و بهره مندی متقابل است، آن ها با

دیگر محارم و افراد نامحرمی چون پسر عمو، پسر خاله، پسردایی و پسر عمه رفتاری جدا دارند، چون ایشان هر چند خویشاوندی و نسبت فامیلی دارند، ولی در نظر اسلام، پسر خاله و پسر عمه و پسر دایی و پسر عمو با محرم های دیگر تفاوتی ندارند، همان طور که در آیه اشاره به افراد محرم شده است.

پس به نظریات پدر و عمویتان احترام بگذارید، زیرا آن ها افرادی متشرع و دیندار هستند. دین اسلام می گوید: دو نفر نامحرم خصوصاً جوان نمی توانند در یک اتاق باشند، زیرا حضور دو نامحرم در محیط خلوت، موجب جاذبه های شیطانی می شود، اگر چه آن دو با یکدیگر نسبت نزدیکی داشته باشند.

دین مقدس اسلام در این گونه موارد وسواس زیادی به خرج می دهد و حتی در بیانات معصومان(ع) سفارش شده است که وقتی فرزندان در یک خانه به سن ده سالگی برسند، باید رختخواب هایشان از یکدیگر جدا شود.(۱) در این روایت حداکثر سن مجاز تا ده سالگی و در بعضی روایت ها تا شش سالگی آمده است که بستگی به نظر و تشخیص والدین و رفتار فرزندان دارد. احادیث مربوط اشاره به داخل منزل و افراد محرم چون برادر و خواهر دارد. پس اگر از این سن گذشته و وارد مرحله نوجوانی و جوانی شده اند، پیش گیری های وسیع تری باید انجام شود و مثلاً برادر و خواهری که نوجوان یا جوان هستند، نمی بایست در یک اتاق خلوت و به دور از حضور پدر و مادر به استراحت بپردازند. پس تربیت نقش اساسی و پرهیز دهنده ای در تمام شئون زندگی دارد.

علما و فقها در باب اجتناب از ارتباط با نامحرم و حضور در محل خاص

مثل اتاق دربسته و یا مکان های خلوت می فرمایند: "بودن مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود، حرام است، چه به ذکر خدا مشغول باشند یا به صحبت. خواب باشند یا بیدار. نمازشان هم در آن جا صحیح نیست، ولی اگر طولی باشد که شخص دیگری بتواند وارد شود یا بچه ای که خوب و بد را می فهمد، در آن جا باشد، اشکالی ندارد".(۲)

پس اگر می بینید بزرگترها مثل پدر و مادر، دایی، عمو و پدر بزرگ در رفتار شما با فرزندانشان حساسیت نشان می دهند، این مسئله را به فال نیک بگیرید و حساسیت آن ها را مذهبی و غیرت دینی بدانید. افرادی چون پسر عمو و پسر دایی و پسر عمه و پسر خاله مثل بقیه نامحرم ها هستند. اگر چه در بعضی موارد خاص می شود مثلاً در حضور افراد دیگر به بحث های علمی با آنها پرداخت و اگر چیزی می دانند از آنها یاد گرفت. و سعی کنید چنین ارتباط هایی در محل خلوت و بدون حضور دیگران نباشد. چنین دیدارهایی می بایست با رعایت حجاب کامل و پرهیز از شوخی و مزاح و خنده بلند انجام گیرد. ان شاءالله در آینده نزدیک وقتی به مراحل بالاتر زندگی رسیدید، تجربه های بهتری را کسب خواهید کرد.

من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزدم از من می خواهد در کوچه و خیابان آرایش کرده و کمی از موهایم را از روسری بیرون بگذارم. خیلی هم به او می گویم که این کار را درخواست نکند ولی او دوست د

پرسش

من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزدم از من می خواهد در کوچه و خیابان آرایش کرده و کمی از موهایم را از روسری بیرون بگذارم. خیلی هم به او می گویم که این کار را درخواست نکند ولی

او دوست دارد. در این صورت آیا من گناهکار هستم؟ باید چکار بکنم؟

پاسخ

خواهر عزیز! ضـمن احترام به شوهرتان و رعایت ادب به ایشان باید به وظیفه شـرعی خود عمل کنید. البته او چون جوان است، هویً و هوس هایی دارد. شـما با اخلاق و رفتار پسـندیده و با خنـده رویی طوری او را به خود جلب کنید که شـیفته و شـیدای شما بشود. وقتی که محبت او را به خود جلب کردید، حرف ها و نصـیحت های شـما برای او مؤثر تر خواهد شد. در عین حال دلبسـتگی او به شـما بیشتر و مسـتحکم تر خواهـد شـد. او فعلاً نمی داند اگر شـما با چهره ای آراسـته در کوچه و خیابان ظاهر شویـد، برای شـما خطر آفرین است. چه بسا دخترانی که تازه ازدواج کردنـد و با ظاهری آرایش کرده، از خانه بیرون آمدند و در دام صـیادان افتادنـد و بعـد از آن هـا خبری نشـد . در برخی از موارد تـازه دامـاد همراه با عروس خانمِ بزک کرده، سوار بر ماشـین شدنـد و راننـده هوسـباز با ترفنـدهای گوناگون تازه داماد بی تجربه را به دامی انـداخت و عروس را برد. اگر آمار این گونه مسائل را شوهر شما بداند، هرگز از شما درخواست نمی کند این گونه از خانه بیرون آیید. بدانید دام صیادان برای امثال شما گسترده است. باید حواسـتان جمع باشد. با زبان نرم از نامزدتان بخواهید که از درخواست خود صرف نظر کند. بدانید که حجاب محافظ مردان و زنان است، مخصوصاً کسانی که مانند شما تازه داماد و عروس هستند.

ضمناً مسائل دینداری شوخی نیست . همسر نمی تواند شما

را به گناه وا دارد . بایـد دیـد انگیزه ایشـان از این کار چیست؟ مایل است زیبایی همسـرش را به همه مردم نشان دهـد که این علامت بی غیرتی است اگر می خواهـد حسـرت دیگران را بر انگیزانـد بگوینـد عجب شانسـی دارد که این نشـانه کم عقلی و احساس حقارت است.در هر صورت شـما به عنوان یک زن مسـلمان قرص و محکم ایسـتادگی کنیـد و بفرماییـد بنده هرگز به خـاطر رضـای شـوهر، غضب پروردگـار را نمی خرم . اگر بخـواهی پافشـاری کنی از تـو جـدا می شـوم . البته او هرگز به فکر جدایی نمی افتد . اگر مانعی نبود با تلفن مسـتقیمبا مسـئول واحد ،آقای شـریعتی سبزواری صـحبت کرده و گوشـی را به دست شوهر بدهید تا ایشان را با منطق قانع نمایند.

مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جنش ها شرکت می کنند . علّت چیست؟

پرسش

مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جنش ها شرکت می کنند . علّت چیست؟

پاسخ

انسـان طبیعتاً بـا شـادی هـا بیشـتر مـأنوس است. همه انسـان هـا این چنین هسـتند. البته اگر مراسم عزاداری از جـذّابیّت بیشتری برخوردار باشد و از مدّاحان خوش صوت و از منبری های معروف دعوت شود، مردم بیشتر شرکت می کنند.

گاهی انسان به افرادی کمک می کنــد که نه تنها تشــکر نمی کنند، بلکه طلب کار هم می شوند و خیال می کنند وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به چنین افرادی باز کمک نماییم؟

پرسش

گـاهی انسـان به افرادی کمک می کنـد که نه تنها تشـکر نمی کننـد، بلکه طلب کار هم می شونـد و خیال می کننـد وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به چنین افرادی باز کمک نماییم؟

پاسخ

نیکی به دیگران و احسـان به آنـان و برآوردن نیـاز بنـدگان الهی از صـفات بسـیار پسـندیده و مفیـد به حال انسان است. قرآن حـدود چهل بار از نیکو کاران یاد کرده و در حد بالا آن ها را مورد سـتایش قرار داده است:" خدا با نیکوکاران است[۱]" و" خداوند نیکوکاران را دوست دارد[۲]".

یکی در محضر امام حسین علیه السلام گفت: اگر به نا اهل نیکی شود، به هدر رفته است. حضرت فرمود:" چنین نیست. نیکی و احسان بایستیماننـد باران سـیل آسا باشـد که هر نیک و بدی را شامل گردد[۳]". پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود:" کار خیر را درباره هیـچ کسـچه نیک و چه بـد، شایسته و ناشایست، دریغ مدار که اگر وی شایسته نیکی نبود، تو خود به این کار شایسته خواهی بود[۴]". امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:" هرگز ناسپاسی ناسپاسان تو را از احسان و نیکی، بی رغبت و دل

سرد نسازد. چه بسا کسی از تو قدردانی کند که به وی احسانی ننموده باشی. [به علاوه] خداوند نیکوکاران را دوست می دارد[۵]". حضرت در حدیث دیگر فرمود:" هر کس که با بد کار نیکی کند، به حقیقت همه ابعاد فضیلت را دارا شده است[۶]". همان گونه که آن بزرگوار از شیری که برایش آوردند، به ابن ملجم داد. اصولاً ـ سیره اهل بیت این بود که به بدگویان و دشمنان شان نیکی می کردند.

امام زین العابدین علیه السلام پسر عموی مستمند داشت. حضرت

شب هنگام چنان که وی او را نشناسد، نزدش رفت و چند دینار به او بخشید. پسر عمو گفت: علی ابن الحسین رعایت خویشاوندی را نمی کند. خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را شنید و شکیبایی و بردباری کرد، و خود را به پسر عمویش نشناساند. وقتی حضرت شهید شد و آن احسان قطع شد، آن وقت فهمید مرد نیکوکار امام زین العابدین (ع) بود.۱[۷]

تو نیکی می کن و درد دجله انداز

چگونه می توان به فنّ بیان عالی دست یافت؟

پرسش

چگونه می توان به فنّ بیان عالی دست یافت؟

پاسخ

سخنوران معتقدند که خطابه همچون فنون و علوم بشری، اصول و ضوابطی دارد که هرکس بتواند با دقّت کافی اصول و قواعد فنّ خطابه را به کار بگیرد، خطیب ماهری می شود. می گویند: ارسطو واضع فنّ خطابه بود ولی خودش خطیب و سخنور نبود. سخنور کسی است که اسلوب خطابه را در سخنرانی هایش مراعات کند.

رسیدن به مقصد اصلی و اعلا در سخنوری به سادگی امکان پذیر نیست بلکه به تمرین بسیار و اطلاعات وسیع و استقامت نیاز دارد. راه های دست یابی به این هدف عالی را می توان در چند موضوع خلاصه کرد:

الف) استعداد ذاتی:

خطیب موفق کسی است که به طور طبیعی، آهنگی جالب، بیانی فصیح و حنجره ای گرم وگیرا داشته باشد. مخارج حروف را صحیح ادا کند. گرفتار لکنت زبان و سردی بیان نشود. دلی پرسوز و سر پر شور و قلب پاک داشته باشد. به زیبایی منظر و حضور ذهن قوی و هوش سرشار آراسته باشد. چنین فردی با تمرین می تواند به قلّه بلند خطابه دست بیابد.

ب) مطالعه سخنان ادیبان.

سخنران نخست باید گفتار ادیبان و سخنوران زبردست را مطالعه نماید تا اسرار فصاحت و بلاغت را در کلام آن ها بیابد و تعبیرات زیبا و نغز را دریابد و شیوه به کارگیری الفاظ و روش خوب و زیبای آن را بشناسد.

بسیاری از گویندگان معروف، در آغاز از سخنرانی های مکتوب دیگران بهره می جستند تا زمینه ذهنی خود را برای تدوین سخنرانی آماده سازند.

ج) تسلط بر نفس:

خطیب باید خود را برای تحمل شداید آماده سازد و در مقابل اشکالات

و اعتراضات و احیاناً تمسخر ها صبور و بردبار باشد و از سخنرانی دلسر نشود.

د) ریاضت و تمریم مداوم:

دیـده نشده است که سـخنرانی در شـروع امر عیوب زیادی نداشـته باشد؛ از لکنت زبان گرفته تا نارسایی بیان و فقدان الفاظ و جملات. تمامی سخنرانان این گونه عیوب را داشته اند ولی کم کم برطرف شده است.

۵) جرأت و اعتماد به نفس:

ترس و دلهره و عـدم اعتماد به نفس از عوامل بازدارنده از سـخنور شدن است. اگر کسـی بخواهد سـخنور خوبی بشود، باید با تمرین و سخن گفتن در برابر مردم و در اجتماعات، ترس و دلهره را از خود بزداید.

و) معلومات و محفوظات لازم:

سخنران بایـد هر چه می تواند بر محفوظات خود بیافزاید. اشـعار زیبا و مناسب، سـخنان نغز و شـیوا از بزرگانی مانند سـعدی و حفظ احادیث و ایات مناسب با موضوع بحث را در حافظه داشته باشد تا سخنرانی او از جذّابیّت خاصّی برخوردار باشد.[۲۲]

[۲۲] محمد باقر شریعتی سبزواری، درباره سخن و سخنوری، ص ۶۲ به بعد، با تلخیص.

خواهران با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شرّ جوانان بزهکار در امان باشند؟

پرسش

خواهران با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شرّ جوانان بزهکار در امان باشند؟

پاسخ

عامل مهمی که در شـرایط ناسالم، فرد را از آلوده شدن به گناه باز می دارد، شرم و حیا است. هر چه حیا بیش تر باشد، نیروی بازدارنده قوی تر خواهد بود. امام علی(ع) می فرماید: "عفت و پاکدامنی به اندازه شرم و حیای انسان است".[۱۸]

پیشوایان دین به منظور حفظ عفت عمومی و امان بودن از تیررس نگاه های آلوده صـیادانِ هوس ران به زنان توصـیه کرده اند جز به ضـرورت از خانه خارج نشوند. امام علی(ع) می فرماید: "آن ها را در پرده حجاب قرار داده تا نامحرمان را ننگرند، زیرا سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است".[۱۹] اگر از منزل خارج شدند، با متانت و وقار سـخن بگویند و رفت و آمد داشته باشند. قرآن مجید به زنان پیغمبر دستور می دهد که به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند.[۲۰] تجربه نشـان داده است که مراعـات حجـاب و حیا توسط دختران موجب حراست و سـلامت روحی آن ها می شود. جوانـان بزهکـار معمولاًـ سـراغ افرادی می رونـد که چراغ سبزی از آن هـا ببیننـد اما اگر با افرادی متین و با وقار و با شخصـیت مواجه شوند، ممکن است ابتدا سـخنی ناپسـند بگویند اما قطعاً وقتی با عکس العمل سـخن طرف رو به رو شوند، از

ادامه و تکرار آن جلوگیری می کنند.

[۱۸] غررالحکم، ج ۴، ص ۳۱۲.

[۱۹] نهج البلاغه، نامه ۳۱.

[۲۰] احزاب (۳۳) آیه ۳۲.

این که پیامبر اسـلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیا فقط در خصوص مسائل مالی و اقتصادی است یا شامل مسائل علمی و سائر مسائل نیز می شود؟

پرسش

این که پیـامبر اسـلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیـا فقـط در خصوص مسائـل مـالی و اقتصـادی است یـا شـامل مسائل علمی

و سائر مسائل نیز می شود؟

پاسخ

سؤال و پرسش های علمی از اهل علم و متخصّصان لازم و ضروری است قرآن می فرماید: " فاسئلوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون ؛[۱۵] اگر نمی دانید از متخصصان سؤال کنید ". امیرالمؤمنین ع فرمود: " القلوب أقفال مفتاحها السؤال ؛[۱۶] قلبها قفل زده شده کلید آن سؤال است ".

پیامبر(ص فرمود: " العلم خزائن و مفتاحها السؤال فاسئلوا یرحمکم اللّه فانّه یوجر فیه اربعه السائل والمعلّم و المستمع و المسامع والمحبّ لهم ؛[۱۷] کلید خزینه های علم سؤال است پس بپرسید تا مورد رحم الهی قرار گیرید. درباره سؤال چهار دسته اجر می برند: سؤال کننده و معلّم و شنونده و دوستداران علم و عالم ".

باز پیامبر (ص فرمود: " السؤال نصف العلم ؛[۱۸] سؤال نیمی از علم است ".

بنابراین سؤال کردن در باب مسائل علمی نه تنها مذموم نیست بلکه خوب است البته در این باب باید سؤال های علمی مفید و به قصد یادگیری باشد، نه به قصد مفتضح کردن دیگری یا سؤال های بی فائده همان طور که در روایات به آن ها اشاره شده است

قرآن می فرماید: " فقیرانی که مؤمن هستند، از دیگران سؤال نمی کنند. هر کس آنان را نشناسد، می پندارد که غنی هستند، چون ظاهر خود را طوری نشان می دهند که آبروی خود را حفظ کنند ".[۱۹]

پیامبر(ص به ابوذر فرمود: " از سؤال و درخواست از دیگران پرهیز کن چون باعث ذلّت و خواری است و حساب طولانیِ روز قیامت گردنگیر سائل خواهد شد ".[۲۰]

امیرالمؤمنین ع فرمود: " سؤال کردن طوق مذلّت و خواری است که

عزیز را ذلیل

می نماید و حسب و نسب را زائل می کند ".[۲۱]

امام صادق ع فرمود: " شیعیان ما حتی اگر از گرسنگی بمیرند، دست گدایی به سوی کسی دراز نمی کنند ".[۲۲]

پیامبر (ص فرمود: " اگر کسی باب سؤال را روی خود باز کند، بابی از فقر به سوی او باز می شود ".[۲۳]

[۱۵] نحل ۱۶) آیه ۴۳.

[۱۶] میزان الحکمه عنوان ۱۷۰۲.

[۱۷] همان

[۱۸] همان

[۱۹] مضمون آیه ۲۷۲ بقره

[۲۰] میزان الحکمه عنوان ۱۷۰۸

[۲۱] همان

[۲۲] همان

[۲۳] همان عنوان ۱۷۱۱.

همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است

پرسش

همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است

پاسخ

دوست داشتن مردم صفت پسندیده ای است که در اولیای الهی دیده می شود. قرآن مجید پیامبر اسلام ص) را "رحمه للعالمین معرفی می کند و می فرماید: "تو نفرستادیم مگر این که برای جهانیان مهر و رحمت باشی "[۱] حضرت سمبل عشق و محبت انسانی بود و به همه چیز مهر می ورزید، حتی حیوانات و جمادات

در تاریخ آمده است وقتی از کنار کوه احد می گذشت با چشمان پرفروغ و نگاه محبت آمیز اُحد را مورد عنایت قرار داد و

گفت " جبل یحبّنا و نحبّه ؛ کوهی است که ما را دوست دارد و ما آن را دوست داریم "[۲]

استاد مطهری می گوید: معنای محبت آن نیست که با هر کسی مطابق میل و خوشایند او عمل کنیم با او طوری رفتار کنیم که او خوشش بیاید و به سوی ما کشیده شود. این محبت نیست بلکه نفاق و دورویی است [۳] علاوه بر این "محبت تنها داروی علاج بشریت نیست در مذاق ها و مزاج هایی خشونت نیز ضرورت دارد و مبارزه و دفع و طرد لازم است اسلام هم دین جذب و محبت است و هم دین دفع و نقمت [۴] انسان کامل هم جابه ذارد و هم دافعه نمونه اش شخصیت جامع امام علی(ع) است که به قول استاد مطهری مردی دشمن ساز و ناراضی ساز بود.[۵] علی در راه خدا از کسی ملاحظه نداشت بلکه اگر به کسی عنایت می ورزید و از کسی ملاحظه می کرد، به

خاطر خدا بود. این حالت دشمن ساز است و روح های پرطمع و پرآرزو را رنجیده می کند و به درد می آورد.

"در میان اصحاب پیغمبر هیچ کس مانند علی دوستانی فداکار نداشت هم چنان که هیچ کس مانند او دشمنانی این چنین جسور و خطرناک نداشت مردی بود که حتی بعد از مرگ ،جنازه اش مورد هجوم دشمنان واقع گشت .[۶]

تولی و تبری یعنی دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا، که از موضوعات مهم مکتب اسلام است تا جایی که جزء فروع دین و در کنار نماز و روزه است

پاورقی:

۱ - انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷.

۲ - بحارالانوار ج۲۱، ص ۲۴۸.

۳ - استاد مطهری، جاذبه و دافعه، ص ۱۴.

۴ - همان، ص ۱۶.

۵ - همان، ص ۱۰۸.

۶ - همان، ص ۱۰۹.

چه جاذبه ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می گذارد؟

پرسش

چه جاذبه ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می گذارد؟

پاسخ

قبل از هر چیز توجه شما را به دو نکته جلب می نمایم.

نخست آنکه رهبری در جامعه دینی از یک جایگاه خاص، ویژه و والایی برخوردار است که در وهله اول، حاکمیت از آن خداوند، سپس انبیا (ع) و ائمه هدی (ع) است و در زمان غیبت امام معصوم (عج)؛ رهبری برعهده فقیه یا فقیهان جامع الشرائط است.

بنابراین در جامعه اسلامی شیعه، رهبری فقیه، یعنی استمرار رهبری انبیا و اولیا، در قالب و مرحله ی نازل تر، که امروزه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان ولی فقیه تجلی و اشتهار یافت.

نکته دوم اینکه همـان طور که از آیـات و احـادیث اسـتفاده می شود؛ رهبرانی چون انبیا و ائمه هـدی (ع) می بایست مصون از هرگونه عیب و نقص پنهانی و آشـکار باشـند و علاوه بر عصـمت در گفتار و کردار، عصمت در اندیشه نیز داشته باشند؛ و ا ز لحـاظ علمی، اخلاـقی، اجتماعی، فردی و... سـرآمد افراد جامعه باشـند و به عبارت دیگر جامع همه خوبی ها و مبرا از هرگونه عیب باشـند تـا در نزد مردم جایگاه لازم را بـدست آورده و در نتیجه محبوب دلها گشـته و کلامشان در جان ناس و مردم نافذ افتد.

(اگر چه ما قصد مقایسه کسـی را با ائمه هدی نداریم چون احدی را مقایسه با آنان نسـزد) ولی بسـیاری از این ویژگی ها - به غیر از عصـمت به معنـای خاص خودش، علم غیب و... - در مرحله نازلتر نیز می بایست در فردی که رهبری جامعه دینی را در زمان غیبت امام معصوم به عنوان

رهبر و ولی فقیه به عهده می گیرد؛ یافت شود؛ تا هم نزد عده ای از خرده گیران مغرض و کوته نظر که حتی بر پیامبر (ص) ایراد می گرفتند که چرا غذا می خورد، در بازار راه می رود و... مورد طعنه قرار نگیرد و هم نزد آحاد مردم، به جایگاه محبوبیت و نفوذ کلام نائل آید؛ و بتواند همچون ناخدایی با درایت و ماهر، سکان داری امین برای کشتی در حال حرکت جامعه اسلامی باشد و آن را به ساحل سعادت، پیشرفت و تکامل مادی و معنوی رهنمون گردد.

مخاطب گرامی! اگر چه سؤال شما کلی است ولی از آنجا که به نظر می رسد مقصود شما رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای ادام الله ظله علی رئوس المسلمین باشد؛ به طور اختصار درحد بضاعت اندک خویش نکاتی را به قلم می آوریم:

۱ - اخلاص: اگر کسی سعی کند در تمامی مراحل زندگی، برای خداوند متعال زندگی کند و زندگی اش را صبغه ی الهی ببخشد یقیناً کلام او، شخصیت او و حتی نام او به خاطر همین رنگ الهی، محبوب بندگان مخلص خداوند خواهد شد. و رهبری از جمله کسانی است که از دوران طلبگی، دوران مبارزات، دوران تبعید و غربت،

دوران ریاست جمهوری و عزت و دوران کنونی، چرخه ی زندگی و مراحل یاد شده را بر محور اخلاص خدایی بودن به چرخش درآورد.

۲ - ساده زیستن: به طور کلی مردم شخصیتها و چهره های علمی و مذهبی جامعه را که دارای زندگی ساده و دور از تجملات و پرزرق و برق باشد را دوست می دارند. و گفتار او را با عمل او صادق دانسته و نسبت بدان ها، شنوا خواهند بود.

و طبق اظهارات افراد مطلع، زندگی معظم له از همان ابتدا ساده بود و به خصوص در دوران رهبری که چه بسا نقل برخی خصوصیات و ویژگی های زندگی زاهدانه ایشان برای بسیاری قابل باور نباشد.

۳ – مظلومیت: همواره مردم، فرد مظلوم را دوست می داشتند به خصوص مظلومی که خود در رأس حکومت قرار داشته باشد. به یاد سخنی از امام علی (ع) که فرمود: تاکنون می پنداشتم! این حکومت هایند که به مردم خویش ستم می دارند اما اکنون دریافتم که حکومت و رهبری هم ممکن است مظلوم واقع شود.

باور بفرمایید که رهبری انقلاب نیز از سوی برخی دوست نماها و یا دوستان ناآگاه مورد ظلم قرار گرفتند. که فرمود: اگر فردای قیامت اجازه یابم خواهم گفت!

۴ – تسامح و تساهل: گذشت و اغماض نسبت به آن چه که مربوط به حقوق شخصی باشد.

۵ – قاطعیت در برابر حقوق جامعه و ارزش های اسلامی و دینی

۶ – ابهت و صلابت در برابر دشمنان؛

۷ – تواضع و مهربانی در برابر مؤمنان و دوستان؛

۸ – شرح صدر و دریادلی، در جهت تحمل مخالفان؛

۹ – عملکرد فراجناحی؛

۱۰ – غمخواری دلسوزی محرومان و صاحبان اصلی انقلاب؛

۱۱ – دارا بودن مدال افتخار جانبازی؛

۱۲ – افتخار سیادت و کسوت روحانیت ؛

۱۳ – تدبیر و کاردانی در امور داخلی و خارجی و عبور دادن کشور و جامعه از بحرانی ترین حوادث؛

۱۴ – اطاعت، همراهی و پیروی از خط امام خمینی (ره)؛

۱۵ – حسن خلق؛

۱۶ – و...

همه ی این ها از عواملی است که موجب محبوبیت و نفوذ کلام رهبری در جامعه اسلامی است.

چرا خوبی کردن سخت است؟

پرسش

چرا خوبی کردن سخت است؟

پاسخ

خوبی کردن سخت است. واقعیتی است که در بسیاری از انسان ها و بلکه اغلب آن ها وجود دارد: جهت شفافیت مطلب به مقدمه ذیل توجه کنید:

"انسان در بدو تولد حیوان بالفعل و انسان بالقوه است، یعنی بُعد حیوانی انسان که متضمن حفظ و اراده حیات او است، به صورت بالفعل موجود است. تمامی غرایزی که با هدف حفظ و بقای حیات در انسان وجود دارند از قبیل خوردن، خوابیدن، میل جنسی (و هوس گرایی و دنیاطلبی) همگی از بُعد حیوانی او سرچشمه می گیرند.

بر خلاف بُعد حیوانی که در بدو تولد به صورت بالفعل موجود است، بُعد انسانی او در این هنگام به صورت بالقوه است، یعنی به مثابه بذرهایی است که در درون او پاشیده شده و در صورت پرورش صحیح به صورت آن چه که ارزش های والای انسانی یا فطرت انسانی نامیده می شود، درخواهد آمد.

هم چنان که اگر این بذرها در درون انسان در زیر خروارها غفلت و فراموشی دفن گردد یا به دست خود انسان ضایع شود، وی از مرز حیوانیت تجاوز نکرده و احیاناً به مراحلی پست تر از حیوانات Ġ.......می نماید".(۱)

به دیگر بیان: نیکی گرایی و فضیلت طلبی که از ابعاد فطرت انسانی است و به صورت بذرهایی در درون آدمی نهفته می باشد، نیازمند تربیت صحیح و محیط پرورشی مساعد است.

اگر همان گونه که دانه های گندم استعداد رشد و نمو دارد، داخل گونی و در انبار بماند یا در زمین شوره زار و هوای نامساعد افشانده شود، به خوشه و مزرعه گندم تبدیل نمی شود، ابعاد فطرت آدمی (مثل نیکی گرایی که منشأ خوبی کردن است) تا در فضای تربیتی سالم

و محیط پرورشی مناسب قرار نمی گیرد و از غفلت و فراموشی بیرون نیاید، به مقام انسانیت نمی رسد. در این صورت اگر چه به ظاهر انسان است اما در درون یک موجود مسخ شده و منقلب از حقیقت خود و ماهیت انسانی خویش است. از این رو تمایلی به کمالات انسانی از جمله گرایش به خوبی نخواهد داشت. البته باید توجه داشت که اگر چه نیروهای غریزی در انسان ها بالفعل و گرایش به نیکی ها

و ارزش های انسانی به صورت فطری در انسان قرار دارد، اما خداوند برای تأیید و تقویت نیروهای فطری و شکوفایی استعدادهای عالی انسانیت و ارزش ها و فضایل اخلاقی، عقل را به صورت رسول باطنی در انسان قرار داده و پیامبران و رسولان ظاهری را نیز فرستاده است.

از این جهت انسان ها دچار کمبود و نقصان نیستند.

رابطه معرفت و گرایش به نیکی ها

همان گونه که غفلت و توجه بیش از حد به غرایز و تمایلات حیوانی و کم بها دادن به جنبه های انسانی و فطرت خدا جو و کمال طلب انسان، او را از رسیدن به مقام انسانیت محروم می کند، در نتیجه یا گرایش به سوی خوبی ها نخواهد داشت و یا با سختی و بی میلی کارهای خوب را انجام می دهد، شکوفایی و ظهور هماهنگ ابعاد فطرتِ کمال جو و گرایش های عالی انسانی نیز، انجام دادن مطلق کارهای خوب را شیرین و لذّت بخش خواهد کرد. میزان سهولت و شیرینی انجام کارهای خوب (اگر چه سنگین و ذاتاً سخت باشد) به میزان "عشق و علاقه" فرد بستگی دارد. کمیّت عشق و علاقه نیز به میزان شکوفایی فطرت و بروز استعدادهای بالقوه و گرایش های عالی و

خداجوی انسان وابسته است.

چنان که میزان شکوفایی فطرت به میزان معرفت و آگاهی است.

هر چه معرفت و شناخت بیشتر باشد، جنبه قُدسی و معنوی و خشوع و تسلیم پذیری در برابر فرمان خدا بیشتر است: "إنّما یخشی اللّه مِن عباده العلماء".(۲)

چون کارهای خوب را فرمان محبوبش (خدا) می داند و انجام آن را وسیله نزدیکی و تقرب به معشوق می شناسد، عشق به انجامش در وی پدیدار می گردد.

"صفات و ملکات فاضله اخلاقی از طریق تکرار اعمال مناسب با آن ها در درون انسان به وجود می آیند. طبیعی است تا عملی در سایه تکرار به صورت صفت ثابت و مَلَکه در نیامده، انجامش مشکل و غالباً همراه با زحمت و مشقّت است".(۳) باید کارهای خوب را آن قدر تکرار کرد تا به صورت کرامت اخلاقی و ملکه درونی در آید.

پی نوشت ها:

۱. اخلاق اسلامی(درس مشترک کلیه رشته ها) سال اوّل مراکز تربیت معلم، کد ۱۰۲۰، ص ۱۵.

۲. فاطر (۳۵) آیه ۲۸.

۳. اخلاق اسلامی، درس مشترک کلیه رشته ها، سال اوّل مراکز تربیت معلم، کد ۱۰۲۰، ص ۲۰۶.

می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟

پرسش

می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟

پاسخ

طرفداران اخلاق جنسی معتقدند: آتش میل و رغبت بشر در اثر منع و محدودیت فزونی می گیرد و مشتعل تر می گردد اما در اثر ارضا و اشباع، کاهش می یابد و آرام می گیرد. برای این که بشر را از توجه دائم به امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف کنیم، یگانه راه صحیح آن است که هر گونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم و به او آزادی بدهیم.(۱) فروید و پیروان وی بر این اساس معتقد به آزادی غریزه جنسی شده اند اما استاد مطهری می گوید: "اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع بی حد و حصر آن ها است. این ها فقط متوجه محدودیت ها

و ممنوعیت ها و عواقب سوء آن ها شده اند. طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این غریزه باید به آن آزادی مطلق داد. این ها چون یک طرف قضیه را خوانده اند، توجه نکرده اند همان طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن را دیوانه می سازد و چون این امکان وجود ندارد که هر خواسته ای برای هر فردی برآورده شود، بلکه امکان ندارد همه خواسته های بی پایان یک فرد برآورده شود، غریزه بدتر سرکوب می

شود و عقده روحی به وجود می آید".(۲) به نظر استاد مطهری برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: ارضای غریزه در حد نیاز طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن.(۳) اما این که می گویند: انسان نسبت به چیزی که از آن منع شود حریص است، مطلب صحیحی است، ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود. به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند اما او را ممنوع سازند. اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کم تر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کم تر خواهد بود.(۴)

"فروید" که طرفدار سرسخت آزادی غریزه جنسی بود، متوجه شد خطا رفته است، از این رو پیشنهاد کرد باید آن را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد. "راسل" نیز که به آزادی جنسی معتقد است، اعتراف کرده که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آن چه با ارضا تسکین می یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روحی. یعنی روح انسان سیری ناپذیر است و اگر چه شاید از نظر حرارت جسمی در زمانی ارضا شود، اما چون انسان روح سیری ناپذیر دارد، به آن حد قناعت نمی کند و می خواهد از آن هم بالاتر رود. پس باید گفت: آزادی در روابط زن و مرد و یا بی توجهی به حجاب، از حرص و ولع نسبت به شهوت، پیشگیری نمی کند، بلکه سبب شعله ور شدن شهوات می گردد. آمار موجود در جهان گویای این واقعیت است. ره

آورد آزادی جنسی در عصر حاضر، رفتارهای خشونت آمیز در روابط جنسی و استفاده قهر آمیز از زنان و آزار جنسی در محل کار و بیماری های مقاربتی از جمله ایدز است. در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی دچار آزار جنسی می گردند. در مورد تجاوز جنسی نیز بررسی ها در لندن آشکار ساخت که از هر شش تن یک تن مورد تجاوز قرار گرفته بود.(۶) بر این اطلاعات باید آمار همجنس بازی ها و کشانده شدن به راه های دیگر را اضافه کنیم که همه نشان از آن دارد که عطش روحی هیچ گاه سیری پذیری نیست. اگر آزادی جنسی و روابط آزاد زن و مرد، حرص و ولع را کاهش می دهد، پس اتفاقات در غرب ناشی از چیست؟ بهتر است بگوییم آن قدر پیامدهای بد زیاد است که نسبت به آن بی اهمیت شده اند، نه آن که دیگر تجاوزات و راه های انحراف مانند همجنس بازی دیگر وجود ندارد. مانند این که کسی به خانه ای وارد می شود و می بیند بچه های خانه دیوار را خراب کرده، فرش ها را پاره کرده و ظرف ها را شکسته، آن وقت می بیند مادر خانه اصلاً ناراحت نیست یا توجه نمی کند. عدم توجه مادر، نشان آن نیست که وضع خانه به هم ریخته و خراب نیست، بلکه ناشی از بی توجهی مادر به وضعیت است. اسلام نه به صورت مطلق، غریزه جنسی را محدود و سرکوب کرده و نه آن را به طور مطلق آزاد گذارده است. به نظر می

رسد راه میانه ای را مطرح کرده است و آن عبارت است از: ارضای غریزه جنسی به صورت طبیعی و قانونمند با حفظ کرامت انسانی و امنیت روانی جامعه؛ پرهیز از تحریک و تهییج غریزه جنسی و تأکید بر آسان گیری در ازدواج.

فلسفه اصلی پوشش، حیا و عفت است که خصلت بشری است و تمامی انسان ها آن را پذیرفته اند. البته نتایج دیگری نیز بر پوشش مترتّب است، مانند سلامت جامعه و حفظ اصالت خانواده.

جهت مطالعه بیشتر، کتاب مسئله حجاب از استاد مطهری، کتاب زن از مهدی مهریزی را معرفی می نماییم.

پی نوشت ها:

۱. استاد مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص ۲۶.

۲. همان، مسئله حجاب، ص ۱۳۰ ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۰۴.

۴. همان، ص ۱۰۵.

۵. همان، ص ۹۸.

۶. مجلّه کتاب نقد، ش ۱۷، ص ۲۷۵.

چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟

پرسش

چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟

پاسخ

آیا انسان تنها زندگی کردن را دوست دارد؟ آیا می تواند احتیاجاتش را به تنهایی برآورد؟ آیا می تواند جدا از جامعه قرار گیرد؟! روشن است که به تنهایی قادر نیست زندگیش را اداره کند. به چرخش درآورد، بلکه در این امر نیاز به دیگران دارد و با کمک و همیاری آنها می تواند به زندگی ادامه دهد.

تاریخ این مسئله را به خوبی نشان می دهد که انسان ها به طور اجتماعی و دسته جمعی زندگی کرده اند و بنیان آفرینش بر اساس "اجتماعی بودن انسان" نهاده شده است. خدا در قرآن می فرماید: "ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به صورت ملت ها و قبیله ها درآوردیم که یکدیگر را بشناسید".(۱) و "هر یک از شما وابسته به دیگری است".(۲) و "

مردم جز یک امت نبودند که بعداً پراکنده شدند".(۳)

پس می توان نتیجه گرفت که "اجتماعی بودن انسان" اصل است، زیرا هر فرد فطرتاً اجتماعی است.(۴) و از تنهایی و تنها زندگی کردن خوشش نیامده، بلکه آن را بد می داند، چرا که رشد و تکامل انسان در اجتماع است، به همین دلیل اسلام همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را تا آخرین حد ممکن در انسان دمیده است".(۵)

از این رو انسان دوست دارد اجتماعی باشد و در جامعه زندگی کند. البته این نظریه مطابق با نظریه "مدنی بالطبع بودن" انسان است که درباره اجتماعی بودن آدمی بیان شده است.

اما نظریه دیگر این است که در انسان میلی است که او را به

انزوا و زنـدگی فردی می رانـد و او دوست دارد همواره در خود فرو رود و تجرد پیشه کنـد، امـا از آن جا که زیسـتن در انزوا مخـاطره آمیز است و انسـان نمی توانـد به تنهـایی نیازهـای خود را تـأمین کنـد، مجبور است در اجتمـاع به سـر برد. مطابق این دیـدگاه انسـان منزوی بالطبع و مـدنی بالجبر" است؛ (۶) یعنی به اضـطرار و اجبـار زنـدگی اجتماعی را برگزیـده ، زیرا با خود حساب کرده که جز در زندگی اجتماعی نمی تواند به خواسته ها و نیازهای خود دست یابد، به همین خاطر زندگی اجتماعی را به رغم تمام مشکلات و محدودیت هایی که برای انسان ایجاد می کند، برگزیده است.

پی نوشت ها :

۱ – حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

۲ – آل عمران (۳) آیه ۱۹۵.

۳ – یونس (۱۰) آیه ۱۹.

۴ – علامه طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۵.

۵ – همان، ص ۱۱.

۶ – محمد اسفندیاری، بعد اجتماعی اسلام، ص ۱۶.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضـی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصـیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشـیدن یـا نپوشـیدن لبـاس طلبگی ارتباطی به شخصـیت حقیقی افراد نـدارد، نیز تأثیری بر آن نخواهـد گـذارد، اما به عنوان نمـاد و ابزار تبلیغ، کـاربرد وسیعی دارد. شخصـی که طلبه می شود، اگر بخواهـد تبلیغ دین کنـد بـا پوشـیدن این لبـاس مقـدس ، خود را به عنوان عـالم به احکام و معارف دینی معرفی می کنـد تا بشناسـند و بداننـد احکام اسـلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هسـتند کسـانی که خودسـازی نکرده انـد و با پوشـیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء اسـتفاده می کننـد یا ناآگاهـانه موجب بـد گمـانی دیگران می شونـد، با این حال دلیل نمی شود شخصـی که به خاطر تبلیغ اسـلام به طلبگی رو می

آورد و به این هـدف مقـدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضـی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می شود ، از پوشـیدن لبـاس روحـانی منصـرف شود، بر عکس، چنین فردی می بایست در این راه قاطعانه تر عمل کنـد تا با الگو شـدن نزد مردم، نقایص و کاستی های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسـته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نبایـد از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسـلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خـدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسـلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی توانـد مـورد قبـول باشـد. از مهم ترین آفـات این تفکر، جـدایی انـداختن بین دین و روحـانیت است واین فکر اشـتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟

پرسش

چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟

پاسخ

این جمله و مفهوم نمی توانـد کلی باشـد و در مورد همه صادق باشد. در مورد انسان ها ، می تواند نتایج متفاوت داشـته باشد. در طرف عکس آن نیز به گونه کلی، نمی تواند درست باشد.

در هر حـال یکی از عوامـل احسـاس تنهـایی، غفلـت از یـاد خـدا است و در این جهت فرقی نیست بین این که شخصـی سـواد دانشـگاهی داشته باشد یا در این سطح نباشد. البته هر چه به علم انسان افزوده می شود، آسیب پذیری او نیز بیش تر می گردد، زیرا غرور علمی بـاعث می شود برای خود شـأن و منزلـتی قائـل باشـد. در این صورت زمینه غفلت و فراموشـی خـدا فراهم می گردد. قرآن مجیـد تنها عامل آرام بخش دل ها را یاد خدا می داند : "ألا بذکر الله تطمئن القلوب؛ یاد خدا موجب آرامش دل ها است".(۱) کسـی کـه خـدا را فرامـوش کرده و دنیـا را به جـای آن برگزیـده است، همـواره از بـابت آن چه دارد، در بیم و نگرانی می باشد و از بابت آن چه ندارد، در حسرت و اندوه به سر می برد.

قرآن مجید یکی از آثار روگردانی از یاد خدا را تنگی زندگانی دنیوی معرفی کرده است. (۲)

اما کسی که به خدا توجه دارد، برای خود تکیه گاهی مطمئن یافته است و با شدید ترین طوفان ها به تلاطم نمی افتد.

او با خود می گوید که اگر تنها ترین هم باشم ، باز او با من است ، چرا که او همه

جا هست و از رگ گردن به انسان نزدیک تر است.

یکی از مظاهر غرور علمی به خصوص میان قشر تحصیل کرده ما دین گریزی است، زیرا کسی که دچار این حالت شد، روح خضوع را از دست می دهد و نمی تواند با تذلل اظهار بندگی نماید، از این رو اسلام در کنار علم ، تهذیب نفس را مطرح کرده است، زیرا علم اگر با تقوا همراه نباشد، حجاب و مانع خداپرستی خواهد شد.

پی نوشت ها :

۱ – رعد (۱۳) آیه ۲۸.

۲ – طه (۲۰) آیه ۱۲۴.

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پرسش

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پاسخ

هدف نظام های اجتماعی مادی و غیر الهی , بهره مندی از مزایای زندگی دنیا و به عبارتی سعادت دنیایی است . از این رو آنها اساس زندگی اجتماعی را قوانین موردپذیرش و قراردادی میان اعضای اجتماع می دانند . اما اسلام از آنجا که برای انسان سعادت اخروی نیز قایل است و می داند که نیل به این سعادت ممکن نیست مگر از طریق معارف الهی که جمله آنها به توحید برمی گردند . اساس اجتماع را دین توحیدی قرارداده است و بر اساس همین دین توحیدی است که قوانین گوناگون جعل کرده است . ضمان اجرای این قوانین را نیز اولا به دست حکومت اسلامی سپرده و سپس بر عهده جامعه اسلامی قرار داده است .

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پاسخ

از آیات کریمه قرآن استفاده می شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می فرماید:

«يا أَيُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى وَ جَعَلْناكُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إِنَّ إِكْرَمَكَمْ عِنْدَاللهِ إِتْقيكَمْ».

[ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملّتها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی ترین شما نزد خداوند متّقی ترین شماست.]

انسان به گونه ای آفریده شده که به صورت گروههای مختلف ملّی و قبیله ای درآمده است؛ با انتساب به ملّیتها و قبیله ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می گیرد؛ یعنی اگر این انتسابها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان پذیر نبود.

انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خد مت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از

مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطّبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه زندگیِ به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است.

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پاسخ

از آیات کریمه قرآن استفاده می شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می فرماید:

«یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إِنَّ إِکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ إِتْقیکُمْ».

[ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملّتها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی ترین شما نزد خداوند متّقی ترین شماست.]

انسان به گونه ای آفریده شده که به صورت گروههای مختلف ملّی و قبیله ای درآمده است؛ با انتساب به ملّیتها و قبیله ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می گیرد؛ یعنی اگر این انتسابها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان پذیر نبود.

انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خد مت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از

مـواهب برتری داده است و به این وسـیله همه را بـالطّبع نیازمنـد به هم و مایـل به پیوسـتن به هم قرار داده و به این وسـیله زمینه زندگیِ به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است.

از نظر قرآن آیا امت ها حیات مستقل دارند؟

پرسش

از نظر قرآن آیا امت ها حیات مستقل دارند؟

پاسخ

قرآن برای «امّت ها» (جامعه ها) سـرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشـته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است.

جامعه ها از آن جهت که در شـمار موجودات زنـده و شاعر و مکلّف و قابل تخاطب هسـتند و اراده و اختیار دارنـد، نامه عمل دارند و به سوی نامه عمل خود خوانده می شوند.

یک امّت، شـعور واحـد، معیارهای خاص، طرز تفکّر خاص پیدا می کند و فهم و شـعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصّی قضاوت می کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امّتی ذوق و ذائقه ادراکی خـاص دارد؛ بسا کارها که در دیـده امّتی زیبا و در دیـده امّتی دیگر نازیباست؛ جوّ اجتماعی امت است که ذائقه ادراکی افراد خود را اینچنین می سازد.

اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می داند؟

پرسش

اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می داند؟

پاسخ

در اسـلام شـرایط و موانع غالباً و یا همیشه در حول فطرت دور می زند. اسلام شرط پذیرش دعوت خود را پاک بودن، دغدغه و نگرانی و احساس مسؤولیّت در برابر آفرینش داشتن و زنده به حیات فطری بودن می داند. متقابلًا در موانع، از فساد روحی و اخلاقی، اثم قلب (بقره / ۲۸۳.)، ریـن (زنگـار) قلب (مطفّفین / ۱۴.)، مختوم شـدن دلها (بقره / ۷.)، نابینا شدن چشم بصـیرت (حج / ۴۶.)، ناشـنوا شـدن گوش دل (حم سـجده / ۴۴.)، تحریف شـدن کتاب نفس (شـمس / ۱۰.)، پیروی از عادات پـدران (زخرف / ۲۳.)، پیروی از کُبرا و شخصیّتها (احزاب / ۶۷.)، پیروی از ظنّ و گمان (انعام / ۱۱۶.) و امثال این امور یاد می کند.

اسراف و ترف و تنعّم زدگی را نیز از آن جهت مانع تلقّی می کند که خویهای حیوانی را تقویت و آدمی را تبدیل به یک بهیمه و یا یک درنده می نماید. این امور از نظر قرآن مانع حرکت و جنبش در جهت خیر و صلاح و تکامل جامعه است.

از نظر تعلیمات اسلامی، جوانان از کهنسالان و درویشان از ثروتمندان آمادگی بیشتری برای پذیرش دارند.

شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟

پرسش

شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟

پاسخ

جامعه به تعبیر استاد, علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) در صورتی به سمت فلاح حرکت می کند که از سه عامل برخوردار باشد:

۱ – محققانی باشند که معارف الهی را بین مردم گسترش بدهند, و جامعه را به اندیشه های عمیق دینی آگاه کنند.

۲ – وعاظی باشند که دلهای مردم را از راه پند و اندرز نرم کنند.

۳ – دل های افراد جامعه پذیرا و رئوف باشد.

اگر جامعه ای عالم و محقق نداشت که مسائل اعتقادی را عالمانه تحلیل و بازگو کند, یا دانشمندانی محقق داشت؛ ولی واعظ نداشت که با پند و اندرز در بین مردم روحیه پذیرش ایجاد کند, یا دل های مردم پذیرای معارف نبود, هرگز آن جامعه به سمت کمال حرکت نمی کند و راهی مسیر تقوا نخواهد شد و در نتیجه حقیقتی برای آن مکشوف نمی گردد.

قرآن کریم ملتی را می ستاید که هم علما و محقق دارند, هم وعاظ و نصیحتگر و هم دل های افراد آن جامعه رقیق و مهربان است. جامعه ای که دل های افراد آن نرم و پذیرای حق نباشد, هرگز روی فلاح را نمی بیند, نظیر اسرائیل. که قرآن کریم آنها را گرفتار قساوت قلب می داند, لذا نه سخن حقی در آنها نفوذ می کند نه خیرشان به کسی می رسد. اهمیت قلب خاشع همان است که حضرت رسول اکرم صلی لله علیه و آله در مقام نیایش می فرمود: «أللهم إنی وأعوذ بک ... و من قلب لا یخشع» (بحارالانوار ۱۶/۶۳/ح ۱۰؛ مفاتیح الجنان,

تعقیب نماز عصر.)

قلبی که نیت خالص دارد و مبدأ پیدایش عمل صالح است, خاشع است و قلبی که خشوع ندارد, قسی است.

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پرسش

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پاسخ

خداوند عواطف اجتماعی را بر محور ایمان و تقوا و بر اساس دین الهی، کنترل و محدود کرده و اجازه تجاوز از این حدود را نمی دهد. مخالفت قرآن با عواطف و دوستی هایی که از چارچوب ملاک نامبرده تجاوز کرده باشد، شدید است و با تعابیر تند، در آیه های بسیاری، مسلمانان را از آن منع می کند. در این جا نمونه ای از این آیه ها را می آوریم:

(لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شئ الا ان تتقوا منهم تقاه یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر) .

((مؤمنین نباید کافران را دوست خود گیرند و هر کس چنین کند, از سوی خدا چیزی به حساب نمی آید (و رابطه اش با خدا قطع می شود) مگر آن که بخواهد برای حفظ خود از شر آنها تقیه کند. خداوند شما را از عقاب خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.))

شاید بتون گفت که این آیه از صریح ترین و گویا ترین آیه ها در این زمینه است که با لحنی تند، مؤمنان را از برقراری روابط دوستانه با کفار بر حذر می دارد.

(اختلاف امتی رحمه) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟

پرسش

(اختلاف امتی رحمه) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟

پاسخ

مقصود از ((اختلاف)) رفت و آمد و نشست و برخاست می باشد نه تضاد و درگیری ؛ مانند کلمه ((اختلاف)) در آیه شریفه : ((ان فی خلق السموات والارض و اختلاف اللیل والنهار لایات لاولی الالباب)) (آل عمران آیه ۱۹) که به معنای رفت و آمد شب و روز می باشد .و تفاوت آرا را از این رو اختلاف می گویند که گاه نظریه جدیدی می آید و نظر دیگر

رخت بر می بندد .;

اشتغال

مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نُه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصــرارشوهر باز خرید شدم . بعد از طلاق با مشــکلاتی روبه رو و دوباره در شــبکهء بهداشت و درمان خدمتکار هستم . می خواستم ترتیبی بدهید ادارهء

پرسش

مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نُه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصرارشوهر باز خرید شدم . بعد از طلاق با مشکلاتی روبه رو و دوباره در شبکهء بهداشت و درمان خدمتکار هستم . می خواستم ترتیبی بدهید ادارهء بهداری آن نُه سال را جزءخدمت بنده محسوب کند, تا مشکلات من حل شود.

پاسخ

خواهر گرامی ! به علت این که جناب عالی بازخرید خدمت شده ایدبه نظر نمی رسد که سوابق نه ساله خدمت را برای شما مجدداً منظور کنند. اگر غیراز این باشد می توانید از کارگزینی ادارهء مربوطه سؤال بفرمایید.

در هر حال این واحد در مسائل اجرایی دخالت نمی کند و وظیفهء پاسخ گویی به سؤالات مذهبی , اعتقادی , خانوادگی و... را بر عهده دارد. شما می توانید با مسئول واحد حاج آقای شریعتی سبزواری با شماره تلفن ۷۴۳۱۸۳تماس بگیرید.

بر اساس پیشــنهادی که داده بودیــد که مرا به کمیته امــداد معرفی کنیــد, تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن جابنمایید.

پرسش

بر اساس پیشنهادی که داده بودید که مرا به کمیته امداد معرفی کنید, تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن جابنمایید.

پاسخ

برادر عزیز وگرامی ! از خداوند منان می خواهیم با دست بی منّت خود به شما عنایاتش را مبذول دارد. امید است با تلاش و مقاومت و صبر در مقابل مشکلات , همان طور که دیگران به درجات عالیه رسیده اند, شما هم نایل شوید. ماسفارش شما را به کمیتهء امداد امام خمینی شهرتان می نماییم . امیدواریم آنان کمک خود را دریغ ندارند. البته سعی کنید به نماز جماعت حاضر شوید و بعد از نمازهادعا کنید که خداوند وسعت رزق به شما عنایت فرماید.

برای شما آرزوی موفقیت داریم .

فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاًمشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند نتیجه می گیرند و راضی اند; نظر اسلام چیست ؟

پرسش

فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاًمشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند نتیجه می گیرند و راضی اند; نظر اسلام چیست ؟

پاسخ

شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر در عالم اسباب و مسببات , دعا است , همان طور که صله ءرحم باعث طول عمر, یا صدقه , سبب برطرف شدن بلاها می شود, و این ها از سنّت های الهی هستند, دعا هم یکی از این سنّت ها است .

یکی از شرایط استجابت دعا این است که شخصی که دعا می کند یا دعا می نویسد, انسان پاك و با تقوایی باشد, چنان که نمونه هایی در بین مردم و علما داشته ایم که دعاهایشان بی جواب نمی مانده است ; بنابراین , اگردعانویس آدم خوبی بوده و دارای تقوا و نفس پاکی باشد, دعایش مستجاب می شود, اما کسانی هم پیدامی شوند که دعانویسی را وسیله امرار معاش خود قرار داده و مردم را از این راه فریب می دهند, در این صورت نمی توان به آنان اعتماد کرد و مراجعه به آنان جایز نیست .

البته پولی را که به دعانویس ها هدیه می شود, اشکالی ندارد.(۱)

(پاورقی ۱.آیت اللّه فاضل لنکرانی , جامع المسائل , ج ۱ ص ۶۲۹

شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟

پرسش

شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟

پاسخ

انتخاب شغل و این که چه کاری برای انسان مفید است و آینده او را تأمین می کند, کار بسیارمشکلی است . چند نکته در مورد تصمیم گیری راجع به شغل مهم است :

۱ ذوق و سلیقه : چه بسا افرادی که در امور فنی , ذوق و سلیقه ای ندارند و مدتی خود را معطل می کنند وبالاءخره از این

کار سرخورده و ناتوان می شوند و یا افرادی دست به کاسبی می زنند و حال آن که توانایی آن کار راندارند و بعد از مدتی شکست می خورند; بنابراین هر کس مخصوصاً جوانان باید ذوق و سلیقهء خود را نسبت به شغل آینده شان بسنجند و ببینند چه کاری به مذاقشان می خورد.

۲ مشورت کردن با پدر یا بزرگان مخصوصاً با صاحبان حرفه و فن و آگاهی از کم و کیف آن شغل ها, بسیارمهم است هر شغلی را که علاقه دارید یا ذوقتان به آن می خورد, با افراد خوش سلیقه و صاحب همان فن مشورت کنید و از آنان بپرسید: آیا این کار لازم و مفید است ؟ آیا در این شهر یا روستا ظرفیت این شغل وجوددارد؟ گاهی انسان در محلّی سرمایه ای را برای شغلی به کار می زند, ولی آن جا ظرفیت آن شغل را ندارد, درنتیجه با شکست روبه رو می شود. مکانِ شغل بسیار مهم است .

۳ پس از انتخاب شغل , انصاف و صداقت و درستکای و حُسن خلق و برخورد خوب با مشتریان بسیار مهم است .

۴ توکل بر خدا و این که رزق و روزی

به دست خدا است و او وسایل را فراهم می کند, از نکات مهم انتخاب شغل به حساب می آید.

به نظر خودم بدشانس هســتم و کار پیدا نمی کنم , ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد, هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده , ولی چون با صاحب کار دوست قدیمی هستیم نمی توانیم از اوشکایت کنیم و پدرم مجبور شده است شخصاً خود را بیمه کند. لطفاً ما را در این مور

پرسش

به نظر خودم بدشانس هستم و کار پیدا نمی کنم , ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد, هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده , ولی چون با صاحب کار دوست قدیمی هستیم نمی توانیم از اوشکایت کنیم و پدرم مجبور شده است شخصاً خود را بیمه کند. لطفاً ما را در این مورد راهنمایی کنید.

پاسخ

قبل از هر چیز خاطرنشان کنیم اعتقاد به بدشانسی را از ذهنتان حذف کنید, زیرا یک نوع تلقین ناپسند است , که اگر کسی گرفتار آن شد, تا آخر عمر از آن رها نمی شود و در هر جا که زمینه نبود یا کوتاهی شد ویا مانعی وجود داشت , تقصیر را به گردن بدشانسی می اندازد و اگر احیاناً در جایی امکان موفقیت بود, وقتی بااین روحیه گام بر می دارد, چون متزلزل است و از پیش قضاوت می کند که حتماً موفق نخواهد شد, موفق نمی شود و فرصت ها را از دست می دهد.

]تو چون خود کنی اختر خویش را بدمدار از فلک چشم نیک اختری را

]وقتی خودت را بدون دلیل بدشانس معرفی می کنی , باید تسلیم شوی و شیطان همین را می خواهد. وقتی انسان مأیوس و ناامید شد, دیگر حرکتی به سوی بهروزی و خوش وقتی نمی کند و به دنبال نیک بختی نیست .

چنین انسانی که روحیهء کفر در وجودش هست , رفته رفته نا امید و افسرده می گردد و نعمت ها و خوبی ها وتوانایی ها را نادیده می گیرد و رفته رفته به یک انسان ناامید تبدیل می گردد که دیگر امیدی به او نیست

.

هرگز فال بد نزنید و خود را بدشانس ندانید که عاقبت خوبی ندارد.

انسان وظیفه دارد حرکت کند و دنبال کار برود و تلاش کند و امیدوار باشد و اعتماد به نفس را از کسانی یادبگیرد که بدون داشتن امکانات کافی , خود را به آب و آتش می زنند و مطلوب و مقصود خود را به دست می آورند. سعی کنید نعمت های خدادادی و توانایی هایتان را شماره کنید. آن وقت است که به حرکت درمی آیید, ولی اگر نگاهتان به ناتوانایی ها باشد, جز ناتوانی به دست نخواهید آورد.

]برو کارگر باش و امیدوارکه از یأس جز مرگ ناید به بار

]در مورد پدرتان و صاحب کار او لازم نیست از راه شکایت وارد شوید. پیشنهاد می کنیم از راه مسالمت آمیزو دوستی وارد شوید, مثلاً یک نفر بزرگ تر, یک ریش سفید یا کسی که مورد احترام صاحب کار است و حرف اورا می شنود, پیدا کنید و مسئله را با او در میان بگذارید و از او کمک بخواهید, که در این امر خیر پادرمیانی کند وبا صاحب کار صحبت کند و بگوید: چه خوب است در حق فلانی که سال ها کارگر تو و نیازمند است , کارخیری انجام دهی یا او را بیمه کنی یا حق بیمه او را بدهی و یا هر طور که می دانی , به او کمک کنی ; بدانی که این کارخیلی به جا و مناسب و گذشت و جوانمردی است .

اگر چنین کسی یافت نمی شود یا زمینهء چنین اقدامی نیست , با موافقت پدرتان نامه ای محترمانه خطاب به صاحب کار بنویسید و

با تمجید و تکریم از وی درخواست کنید پدرتان را بیمه کند یا مخارج بیمه اش را بپردازدو یا از هر راه دیگری صلاح می داند, به شما کمک کنید. در ضمن گرفتاری های معیشتی خود را بنویسید وبگویید: این یک پیشنهاد دوستانه است که در عمل به آن آزاد است .

در خاتمه خوش حالیم به درس خواندن علاقه پیدا کرده اید. کمی بیش تر دربارهء فواید درس و با سواد شدن و مدرک داشتن فکر کن و آینده را در نظر بگیر. امید است علاقه و تحرک بیش تری پیدا کنی . بی کاری برای روح و روان و جسم بسیار زیان بار است و خمودی و افسردگی را به دنبال دارد. از همین حالا به فکر برنامه های تابستان باشد و در کارها نظم و انضباط را رعایت کن . امیدوایم .

علاقهء فراوانی به قرآن دارم . از سال ۷۴ ۷۹در طرح تابستانی ارشاد اسلامی , سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایهء ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس دارم . با توجه به این آیا ممکن است در جایی به عنوان مربّی قرآن یا مربی پرورشی استخدام شوم ؟

پرسش

علاقهء فراوانی به قرآن دارم . از سال ۷۴ ۷۹در طرح تابستانی ارشاد اسلامی , سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایهء ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس دارم . با توجه به این آیا ممکن است در جایی به عنوان مربّی قرآن یا مربی پرورشی استخدام شوم ؟

پاسخ

خواهر گرامی ! علاقه به قرآن و کلام اللّه مجید بسیار خوب و ارزنده است و یکی از سعادت های بزرگ آدمی آن است که با قرآن انس داشته باشد.. حتماً کسانی مثل شما که سابقهء تدریس چند ساله داشته باشند, برای استخدام در آموزش و پرورش و جاهای دیگر, اولویت دارند. برای آگاهی بیش تر به آموزش وپرورش یا سازمان تبلیغات و یا بسیج مساجد شهرستان خود مراجعه فرمایید.

در پایان باید یادآوری کرد که غرض ما از نامه قبلی این بود که اگر تلفن و نامه بدون مشورت پدر و مادرصورت گیرد, درست نیست و هم چنین موارد دیگری که ذکر کردید همه به صورت کلی و نصیحت گونه بود وگرنه ما نسبت به پاکی و پاک دامنی افرادی چون شما که بی ریا مشکلات خود را با ما در میان می گذارید, شک وتردیدی نداریم .

برای شما در همهء امور آرزوی موفقیت داریم .

اینجانب دارای مدرک دیپلم , مدت دو سال است که بیکار هستم و هر کجا برای کار می روم , کاری برایم میسّر نمی شود, در صورتی که مهارت هایی در زمینه های خطاطی , نویسندگی , مدّاحی , فیلمنامه نویسی ومهارت در مدیریت دارم . خواهشمندم اگر می توانید کار آبرومندی برایم

پرسش

اینجانب دارای مدرک دیپلم , مدت دو سال است که بیکار هستم و هر کجا برای کار می روم , کاری برایم میسّر نمی شود, در صورتی که مهارت هایی در زمینه های خطاطی , نویسندگی , مدّاحی , فیلمنامه نویسی ومهارت در مدیریت دارم . خواهشمندم اگر می توانید کار آبرومندی برایم میسّر نمایید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! مشکل شما دامنگیر بسیاری از جوانان این کشور بلکه بیشتر کشورها است .متقاضی کار فراوان است , اما زمینهء شغل و کار کم است . در نتیجه دسترسی به شغل مطلوب مشکل است , ولی خوشبختانه جنابعالی از هنرها و توانایی هایی برخوردار هستید و می توانید در رشته های مختلف شغلی دست به کارشوید و ضمن این که اقدام به پیدا کردن شغل مناسب می کنید, در زمینه های یاد شده فعالیت کنید. سعی کنید به شغل های آزاد رو بیآورید و منتظر ننشینید. فعالیّت ها و شغل های خصوصی و آزاد از درآمد بیشتر و بهتری برخوردار است و نیز از آزادی بیشتری بهره مند هستید.

مطلب دیگر در مورد شغل یابی این است که به روستا و شهر خودتان اکتفا نکنید و در صورت توان به شهرهای مجاور یا مناطق دیگر برای شغل یابی حرکت کنید. از رحمت خدا نا امید نشوید.

امید به خدا باعث گشایش در کارها است . در ضمن بعد از نمازهایتان دست به دعا بردارید و از خداوند استمدادکنید. از پدر پیرتان هم درخواست دعا کنید, زیرا دعای پدر در حق فرزند مستجاب است .

اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده شغلی و منابع و مطالب مربوط به آن مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده شغلی و منابع و مطالب مربوط به آن مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

رشته مهندسی صنایع گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم ها، رشته ای است که به خاطر آینده شغلی در منصب های مدیریتی صنایع زمینه اشتغال دارد و همین طور در خصوص راه اندازی و گسترش و کنترل خط تولید کارخانه ها یا به اصطلاح گلوگاه های کارخانه ها از جمله کارهای تخصصی مربوط به رشته شما است. از این رو شما فرصت های شغلی متنوعی را مانند صنایع فولاد، ماشین سازی و... فراروی خود خواهید داشت. در مورد کتاب ها و منابع این رشته گفتنی است که بهتر است در دوران تحصیل دانشگاهی درس های اصلی خود را خوب بخوانید اگر از توان علمی بالایی برخوردار بودید، می توانید با مشورت و مساعدت اساتید خود، از منابع دیگر هم استفاده کنید، امّا آن چه در آینده شغلی شما مهم است، بالا بودن توان علمیتان است و این که بتوانید بعد از اتمام تحصیل یک مهندس با سواد و . شرط اولیه آن نیز جدیت در تحصیل و تلاش و کوشش مستمر

است. ما برای شما آرزوی موفقیت در عرصه علم و دانش داریم.

منبع در آمد افغانی ها ی مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟

پرسش

منبع در آمد افغانی ها ی مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟

پاسخ

از آن هایی که مردم مسلمان افغانستان بسیار سخت کوش و پرتلاش هستند و از کارهای سخت وبا زحمت هم به هیچ وجه شانه خالی نمی کنند, درهر کشوری که باشند به خوبی از عهدهء اداره زندگی برمی آیند, به عنوان نمونه الآن در شهر مقدس قم اکثر جوانان محلی بیکارند, اما برادران افغانی مقیم قم تقریباًهمه شان مشغول کار هستن البته ممکن است شخص به علل خاصی مدتی بیکار نماند واین ربطی به تابعیت اوندارد

آیا می توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟

پرسش

آیا می توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟

پاسخ

امکان این که شخص با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان باشد وجود دارد، ولی با تخصصی شدن علوم، امروزه شاهدهستیم هر شخص برای موفقیت بیشتر در عرصه تخصص مورد نظر خود باید بسیار کوشا و جدی باشد تا بتواند ماهر و متخصص شود. جمع بین مشاغل امکان دارد، اما افرادی که مشاغل متعددی دارند، در عرصه هر شغل معمولاً از مهارت و تخصص افراد ماهر در آن رشته برخوردار نیستند. از این رو انسان باید سعی کند در یک رشته صاحبنظر و متبحر گردد و بتواند منشأ خدمات مفید و مؤثری شود. البته این امکان برای معدودی از انسان های بسیار مستعد و قوی مهیا است که در ابعاد مختلف کار کنند، ولی این مطلب عمومیت ندارد و برای عموم مردم بهتر است در یک زمینه تخصص پیدا کرده و اشتغال به کار داشته باشند.

اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟ پیشنهاد شما برای دولت و خانواده در برابر جوانان بیکار چیست؟

پرسش

اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟

پیشنهاد شما برای دولت و خانواده در برابر جوانان بیکار چیست؟

پاسخ

بیکاری یک معضل مهم جامعه کنونی ما است که برای حل آن عوامل مختلفی دخیل است که از سوی کارشناسانِ مسائل اقتصادی و اجتماعی مطرح می شود. به نظر ما مهم ترین امر، به وجود آوردن فرهنگ کار در جامعه است. در این جهت والدین و مسئولان وظیفه خطیری دارند. متأسفانه درحال حاضر فرهنگ کار جای خود را به مدرک گرایی و مصرف گرایی داده و همین امر باعث شده است بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاه در جامعه بیکار باشند و شغل مناسبی را پیدا نکنند. وظیفه نهادهای فرهنگی و صدا و سیما آن است که ایجاد فرهنگ کار و تلاش و فعالیت و اصالت دادن به آموزش های فنی حرفه ای و بها دادن به افراد خلاق و کار آفرین و توجه به قشر کارگر و کشاورز را دستور کار خود قرار دهند، تا جوانان به این باور برسند که کار نه تنها عیب نیست بلکه افتخارات. این توقع که همه پشت میز بنشینند و کارهای اداری را انجام دهند هرگز برآورده نمی شود.

اسلام یکی از وظایف پدران را تعلیم حرفه و کار مناسب به فرزندان می داند. رسول خدا(ص) می فرماید: "حق فرزند بر پدرش آن است که برای وی نام خوب انتخاب کند و در تربیتش بکوشد واو را به کار شایسته ای بگمارد".[۱۴]

نکته دیگر توجه به پروژه های زود بازده و اشتغال زا به خصوص در بخش کشاورزی است.

دولت بایـد همگان را در امر تولیـد تشویق نمایـدو تسـهیلاتی را فراهم کنـد مانند وام های دراز مدت. نیز مراکز آموزشـی فنی حرفه ای را در سـطح کشور فعال نمایـد تا جوانان بتواننـد به سـرعت مهارت های لازم را به دست آورنـد و صادرات تولیدات داخلی را آسان سازد.

از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟

پرسش

از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟

پاسخ

از نظر اسـلام ملاک احراز پست ها و مسـئولیت های اجتماعی، تقوا و توانایی انجام مسـئولیت است. همان چیزی که امروزه از آن به عنوان تعهـد و تخصـص یاد می شود. علی(ع) خطاب به مالک اشتر می فرمایـد: "در امور کارگزارانت ژرف بنگر، و بر مبنـای ارزیـابی درست به کارشان بگمار، نه به انگیزه گرایش های شخصـی و نه بر مبنای خود کامگی، که این دو شاخه های جَور و خیانت را ریشه اند".[۲]

در قانون اساسـی آمـده که مسـئولیت ها باید طبق شایسـتگی افراد و دارا بودن شـرایط احراز آن مسـئولیت محوّل شود. سـید یا روحانی بودن را در هیچ یک از مشاغل و

پست ها به عنوان شرط ذکر نکرده اند.

[۲]نهج البلاغه (فیض الاسلام) نامه ۵۳، ص ۱۰۰۲.

علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفّرند؟

پرسش

علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفّرند؟

پاسخ

در هر جـامعه ای، افزایش بی تناسب مقـدار پول در گردش یا افزایش بی تناسب اعتبارات، نسـبت به احتیاجات اقتصادی، تورم را به همراه دارد.

نتیجه آن است که ارزش پول پایین می آیـد و مردم می کوشـند پول خود را به کالا تبـدیل نمایند.(۱) و قیمت کالاها افزایش می یابد.

افزایش سطح عمومی قیمت ها موجب عدم توازن در توزیع می شود، زیرا افرادی که دارای دارایی های ثابت از قبیل مسکن، اتومبیل، انبارهای کالا- و یا سایر ثروت های حقیقی اند، از تورّم بهره مند می گردند. به این دلیل، قیمت دارایی های ثابت افزایش می یابد، در مقابل، اقشاری که فاقد این نوع دارایی ها هستند، برای دسترسی به آن ها همیشه با مشکلاتی بیش از پیش مواجه می شوند. همچنین در آمدهای متغیر با نرخ تورم هماهنگ می گردند، ولی درآمدهای ثابت و نیمه ثابت مانندحقوق و دستمزد و باید بار سنگین تورم را به دوش بکشند، مالیات غیر مستقیم، قیمت برخی از کالاها را افزایش می دهد و یا عوامل فصلی و طبیعی موجب افزایش قیمت گروهی از کالاهای شود. آنچه نامطلوب است، رشد مدام سطح عمومی قیمت ها در مدت زمان نسبتاً طولانی است که اگر به صورت مستمر افزایش قیمت و گرانی وجود داشته باشد، تورم محسوب می شود.

در جوامعی که نرخ رشد جمعیت درصد بالا-یی دارد و در این جوامع میزان اشتغال زایی در هر سال با روند رو به رشد جمعیت آن کشور هماهنگی ندارد، به تدریج بر میزان بیکاران افزوده می شود امّا بر عکس در جوامعی که از رونق اقتصادی برخوردار است و نرخ رشد جمعیت بالا نیست،

میزان اشتغال زایی بالا است و زمینه های اشتغال برای نسلی که می خواهد وارد عرصه اجتماع شود، فراهم است.(۲)

به جهت افزایش میزان اشتغال در مرحله فعلی، نیاز به استراتژی توسعه صنعتی است که در کشورهای جهان سوم مطرح می باشد. توسعه صنعتی به جهت رقابت با جهان پیشرفته نمی باشد، بلکه نیاز به تأمین اشتغال در سطح کشور است تا این که تکنولوژی مدرن و پیشرفته در فعالیت های اقتصادی به کار گرفته شود و میزان اشتغال در مسیر رو به رشدی قرار گیرد. اگر در جامعه ای برنامه ریزی اقتصادی در مسیری باشد که پاسخگوی خواسته های جامعه و متناسب با اقشار گوناگون جامعه باشد، نیز در مسیر ضد تورمی و در مسیر اشتغال زایی تدوین و تنظیم شود، می تواند در حدّ مطلوبی نیازهای جامعه را برطرف کند.

عوامل مهم بیکاری و گرانی، از یک طرف به تئوری پردازان و سیاست گذاران وابسته است و از طرف دیگر به اقشار جامعه. در عین حال می تواند عوامل بسیاری در ان نقش داشته باشد.

در خصوص مورد دوّم سؤال، جوانان را باید افرادی نامید که سرا پای امید و عشق به آینده و خوبی ها هستند. این گروه از جامعه نقش خلّاق و سازنده ای در هر جامعه ای ایفا می کنند. اگر این نسل به قابلیت ها و توانایی های خود پی ببرد، می تواند جامعه را در یک حرکت رو به جلو پیش ببرد و نشاط و شادابی را در جامعه ایجاد کند. جامعه جوان جامعه ای است که نا امیدی و یأس را به گوشه افکنده و همواره امیدواری و شوق به آینده ای روشن را به همراه دارد. امّا در این مسیر جوان باید اوّلاً خود را بشناسد

و قابلیت ها و توانایی های خود را بدانـد. ثانیاً اراده و عزم را به طور جدی در مسـیری قرار دهد تا بتواند بر اساس قابلیت هایی که دارد در جامعه شخص مؤثر و مفیدی باشد.

نکته مهم و اساسـی که در همه حـال جوان بایـد فراموش نکنـد، یـاد خـدا و دل به او سپردن است. عشق به خـدا، عشق به همه خـوبی هـا و کلیـد مـوفقیت انسـان است. در این صـورت هیـچ گـاه انسـان به سـوی ناامیـدی و تنفر رهنمون نمی شود. امروزه جوانانی هستند که در عرصه های علم، ورزش و زندگی به قلّه های رفیع موفقیت می رسند.

عوامل تنفّر و بدبینی جوان نسبت به زندگی و آینده می تواند در چند چیز باشد:

۱- عدم عشق و امید و ایمان به پروردگار قادر و حکیم.

۲- عدم تلاش و مجاهده برای زندگی سالم و خو کردن به راحتی و تنبلی.

۳- بی اعتمادی نسبت به دیگران و حتی کشور و جامعه ای که در آن زندگی می کنند.

۴- عدم فهم معنای واقعی خوشبختی و راه رسیدن به آن.

۵- تبلیغات نامطلوب فرهنگی از طرف دیگران و کشانده شدن به راه های ناپسند و بعضاً مواد مخدّر.

عوامل بسـیاری دیگر نیز می توانند در این جهت نقش داشته باشند که یک جوان مسلمان با شناخت آن ها و با شناخت هویّت خود و با اسـتمداد از خـدا می توانـد از مشـکلات فکری و عملی نجات یافته و آینده ای روشن و امید بخش برای خود ترسـیم نماید.

پی نوشت ها:

۱. غلامحسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، ج ۱، ص ۶۸۶.

۲. مجله معرفت، شماره ۲۳، ص ۴۰ و ۴۱، با تلخیص.

در حالی که ائمه((علیهم السلام)) برای امرار معاش کار می کردند چرا روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

پرسش

در حالی که ائمه((علیهم السلام)) برای امرار معاش کار می کردند چرا روحانیون برای امرار معاش

کار نمی کنند؟

پاسخ

این صحیح است که امامان ما((علیهم السلام)) کار می کرده اند; ولی باید توجّه داشت که اگر روحانیون بخواهند به تحصیل و اشتغالات علمی و دینی بپردازند امکان اینکه بتوانند به کارهای اقتصادی نیز اشتغال داشته باشند وجود ندارد. امامان چون از علوم لدنّی برخوردار بوده اند و برای علوم خویش به تحصیل نیاز نداشته اند می توانستند به کار اشتغال داشته باشند.

توجّه به این نکته نیز لازم است، که به عنوان مثال امام علی((علیه السلام)) زمانی به کار پرداخت و زمین را شخم زد که از کار کردن بر روی استعداد انسان ها، که کار اصلی پیامبران((علیهم السلام)) و پیروان سیره آنهاست، ممنوع و محروم شده بود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

آیا مدّاحی برای اهل بیت((علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟

پرسش

آیا مدّاحی برای اهل بیت((علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟

پاسخ

مدّاحی برای اهل بیت((علیهم السلام)) بسیار ارزشمند و دارای قداست است. گریاندن دوستان اهل بیت((علیهم السلام)) و ذکر مصایب آنان دارای ثواب است. توجّه به این نکته لازم است که مدّاح باید به مسئولیّت مهمّ خویش توجّه کند و سعی کند اشعاری را انتخاب کند که دارای مضامینی صحیح باشد، نه مضامین نادرستی که موجب هتک حرمت اهل بیت((علیهم السلام)) شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۶۱۹

چرا دروضعیّت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد ؟

پرسش

چرا دروضعیّت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد ؟

پاسخ

در پاسخ باید جهات مختلفی مورد بررسی قرار گیرد که ما به اهم آن اشاره می کنیم . یک مسئله جریان طبیعی وعادی ایجاد اشتغال در گذشته وحال است . این جریان به این صورت است که انسانها در زندگی اجتماعی به هم نیازمند هستند از این رو اگر کسی نانوا ودیگری کشاورز است در این تعامل ورابطه متقابل افراد و اجتماع ، معاملاتی صورت گرفته است. در قرون اولیه معاملات کالا به کالا بوده و بعد که پول جایگزین شد نیز این جریان طبیعی ادامه یافت .

هر چه نیازهای افراد بیشتر شود احتیاج به همکاری افراد با هم نیز زیاد می شود . هر جا کار موجود بود نیازها وبهره هایی به هم می رسانده اند . هیچگاه قابل تصور نیست که این اقتضاء طبیعی از بین برود و مشکلی به نام بیکاری به وجود آیدو نیازی به کار نباشد . پس باید به دنبال علت پدیده بیکاری گشت ، از اسباب و علل اساسی این مطلب این است که افراد به دنبال آن عامل اساسی مذکور که نیاز به کار را دائمی می کند ، نرونـد و به تولیدی که نیاز اصلی است نپردازند و بیشتر به سراغ کارهای دلالی و غیر تولیدی بروند ، این مسیر طبیعی را بر هم می زند .

یا کارها متناسب با نیازهای جامعه پیگیری نمی شود بلکه همه در یک رشته خاصی مثل طبابت مشغول می شوند که در مرحله کار ، نیاز به امکاناتی دارد . در این رشته خاص ، امکانات موجود قدرت جذب معدودی

را خواهد داشت و بقیه بیکار می شوند .

اگر کارها مطابق نیازها انتخاب شود و تراکم در یک کار نشود انسانها همیشه به هم نیازمند هستند که البته در این عامل دوم هم مردم و هم برنامه ریزان دولت و مملکت در این انتخاب ناصحیح نقش دارند که بدون پیش بینی های صحیح ، جوانان را به رشته های تحصیلی جذب می کنند اما در ایجاداشتغال عملاً ناتوان هستند . مطلب دیگر اینکه ، ارزش گذاری و تعیین قیمت کارهای مختلف یکی از علل بحران بیکاری است . مثلاً- در کشاورزی وقتی که به کار کشاورزان ومحصول آنها کم اعتنایی می شود و بهای اندکی در مقابل محصول آنها پرداخت می شود ، کشاورزی بی رونق می شود. در حالی که مملکت نیازمند گندم و وارد کننده آن است و لی مردم به این کار رو نمی آورند و این نتیجه سیاستهای غلط توزیع ثروت در یک مصداق جزئی است . در مقابل ، بهای بسیار زیادی به کارهای غیر تولیدی مثل دلالیها و سایر کارهایی از این قبیل داده می شود . یعنی عملاً- مانع اشتغال مردم به کارهایی می شوند که نیاز مردم درآن است . وحال آنکه زمین عامل عمده بر طرف کننده نیازهای مردم است واگر بهای لازم به این کارها داده شود و قیمت محصولات آن را بالا ببرند ، مردم به این کار رو می آورند و کم نیست زمینهای بایری که منتظر نیروهای کار است که مشکل بیکاری معنی ومفهوم ندارد و نیز عواملی دیگر از جمله : روحیه ثروت اندوزی در مقابل کمال طلبی ومهارت یابی

و غیر آن هم وجود دارد که قابل توجه است . مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند:

" صـدا وسـیما و روزنـامه هـا نبایـد همواره برای جوان الگوی یک جوان اشـرافی بی درد تن به راحت داده ی عیاش را مطرح کننـد . بعضـی از مطبوعات نباید در فلسـفه بافیهای خود طوری حرف بزنند که جوان خیال کند همه هدف انسان این است که از هر راهی شـد ، یـک مشت پـول به دست آورد . اگر توانست یـک گواهی علمی برای خودش فراهم کنـد ، وسـیله ای برای پول در آوردن در دستش هست ، اگر نشد، هر راه دیگری که شد ، ولو قاچاق ، ولو تن دادن به ذلت و خفت و اهانت ، ولو با دسـتبرد زدن به این و آن ! نبایـد پول را عمـده کرد ، پول ارزش نیست، هـدف ، در آوردن پول نیست ، پول یک وسـیله برای گذرانـدن زنـد گی است . پول خیلی کوچکتر از این است که هـدف انسـان بشود . برای جوان ، الگو را یک الگوی غلط قرار ندهند تا او احساس کندکه به جای اسـتعداد و ابتکار و تلاش فراوان و کسب تخصص وعلم ، باید سراغ پول رفت . با این پول اگر بشود بیکار و عیاش و مصـرف کننـده محض بود ، بازهم از نظر او مانعی نـدارد ! آیا این طرز فکر درست است ؟ این طرز فکر غلط ترین طرز فکرها است . بنابراین رسانه های جمعی هم متعهد و مسئو لند ." (۱)

اما پاسخ اصلی سؤال این است که علتهای واقعی اگر اینها هستند هم

مردم مخصوصاً جوانان مسئولند که باید در انتخاب خود تجدید نظر کنند و هم مسئو لان و برنامه ریزان . همچنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند :

" اگر به برنامه ریزی لازم فکر نکنند و برای نسلی که دارد از راه می رسد ، در جامعه جا باز نکنند ، چه پیش می آید ؟ یک لشگر بیکار و بی توان روی دست ملت می ماند ؟ نه احساس امیدی ، نه احساس شوق و شوری ، نه آینده یی ، نه زبانی برای ابراز غرور نسبت به میهن خود ، ونه اصلاً غروری . البته این کمترینش است که گفتم ، از این بدتر هم فرضهایی وجود دارد . همه مسؤو لند ، هم برنامه ریزان ، هم مجریان وهم متصدیان رسانه ها،صدا وسیما هم مسؤول است ، روزنامه ها هم مسئولند . (۲) "

و تا زمانیکه این تغییرات صورت نپذیرد بر مشکلات افزوده خواهد شد و به طور کلی این انتظار نا بجاست که کسی دیگر بیاید و مشکلات ما را حل بکند . دولت و ملت هر کدام به نوبه خود باید در این سازندگی جدّیت کنند .

مقام معظم رهبری دراین خصوص فرمودند : " به نظر من ، مشکل اقتصاد کشور ، قابل حل است و برنامه های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شده است . سال گذشته ، آقای رئیس جمهور به کمک جماعتی ، بعد از تلاش زیاد برنامه یی را فراهم کردند که به نام (برنامه ی ساماندهی اقتصادی) معروف شد ." (۳)

۱) پرسش وپاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶

، ۲۲۵ .

۲) پرسش وپاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۵ .

۳) پرسش وپاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۵ .

چرا دبیرانی که پیرو و فرسوده می شوند، بازنشســته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردند با برج ۱۲۵ هزار یا ۲۵ هزار کار کردند اســتخدام کنند، می گویند خواهیم گرفت ولی اول اقدام آموزش و پرورشهاست، کسی مطمئن نظارت کند؟

پرسش

چرا دبیرانی که پیرو و فرسوده می شوند، بازنشسته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردنـد با برج ۱۲۵ هزار یا ۲۵ هزار کار کردنـد اسـتخدام کننـد، می گویند خواهیم گرفت ولی اول اقدام آموزش و پرورشهاست، کسی مطمئن نظارت کند؟

پاسخ

درک و بینش خوب و مسؤلانه شـما نسـبت به مسایل اجتماعی و اشـتغال نسل جوان قابل تحسـین و تقدیر و خرسندی است. ما نیز همانند شما معتقدیم اشتغال جوانان می تواند به فعالیّت ها و کارهای گوناگون جامعه تحرک و پویایی ببخشد. البته مشکل بیکاری فقط با اسـتخدام در بخشـهای اداری و آموزشـی قابل حل نیست. بیکاری یکی از معضـلات عمده و مهم کشور ماست که بایـد از جنبه هـای گونـاگون مورد بررسـی قرار گیرد و با توجه به افزایش جمعیت ایران در دهه ۶۰، در حال حاضر بحران بیکاری در جامعه نمود و بروز یافته است که برای مقابله با آن همه دستگاههای اداری و غیر اداری دولتی وخصوصی ونیز همه مسئولان و مردم باید همت و تلاش کنند تا انشاءا... بر این معضل فایق آیند، که یکی از روشها همانطور که شما پیشنهاد کرده ایـد بازنشسـته کردن افراد مسن و اسـتخدام نیروهـای جدیـد است که البته با دسـتورات ابلاغ شـده، این طرح حتی قبل از اتمام خدمت (۳۰ سال) صورت می گیرد.

آموزش و پرورش مخصوصـاً اعلام کرده است هر کس در هر مقطعی از سال که ۳۰ سالش تمام شد، باید بازنشت شود، ولی برای کادر آموزشی فقط یک استثناء قایل شده است و اعلام کرده اگر در بین سال تحصیلی ۳۰ سال

خدمتش تمام شد، تا پایان سال تحصیلی ادامه فعالیت بدهد و از سال تحصیلی جدید بازنشسته شود.

در رشــته زراعت و اصــلاح نباتات مشغول تحصیلم و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل ناامید گشته ام راه چاره چیست ؟

پرسش

در رشته زراعت و اصلاح نباتات مشغول تحصیلم و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل نا امید گشته ام راه چاره چیست ؟

پاسخ

در سنین جوانی انسان دائما با تغییر نظریه و حال و هوای خود روبه روست .بنابراین قدری از حالات شما طبیعیاست و نباید خوف داشته باشید. اما با مرور زمان انسان در هر کاری که با حکم عقل سازگار و بدان علاقه داشته و انجامداده است مواجه شود پشیمان نمی شود. بنابراین اگر کسی مطابق علاقه اش عمل کرد لذت می برد و لو آنکه سودمادی بعدا عائد او نشود. بر خلاف اینکه اگر عمری را با بی علاقگی و تحسین دیگران و درآمد خوب بگذراند باز هملذت نمی برد و همیشه یکنوع پشیمانی دارد.

پیشنهاد ما این است که شما به هر کاری که واقعا علاقه دارید (درس یا کار) ادامه دهید و از تذبذب و تغییر پیامبپرهیزید. با عزم جدی مشکلات راه کم کم بیشتر هویدا و راه حل آنها نیز به دنبالش یافت می شود و عاقلانه ترمی توانید تصمیم بگیرید. خدا هم به شرط علاقه داشتن و زحمت کشیدن روزی را می رساند.{J

الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور مازنان را ترجیح می دهند تا مردان؟

پرسش

الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور مازنان را ترجیح می دهند تا مردان؟

پاسخ

یکی از مسایل مطرح در سطح جهان مسأله حقوق زنان است. تاریخ بشریت گواه این مطلب است که در طول دوره های مختلف تاریخ به استثنای مواردی جزئی، زنان مورد ظلم و تعدی و تجاوز و بیرحمی قرار گرفته اند. حتی در ردیف انسان ها به حساب نیامده اند یا انسان درجه ۲ تلقی شده ا ند. از دوره های متمایز تاریخ که می توان مطرح کرد عصر رسول گرامی اسلام(و دوران انقلاب اسلامی ایران است. در این دو دوره زنان به نسبت سایر دوره ها بسیار دارای قرب و منزلت بوده و هستند ولی در دنیا به لحاظ ظلم و تعدی مضاعفی که بر زنان روا داشته شده است امروزه نهضت فمینیستی راه افتاده است. این نهضت عکس العمل بی مهری هایی است که به زنان شده و می شود. در غرب با همه شعارهای بشر دوستانه ای که سر می

دهـد هنـوز که هنوز است زن به طفیـل مرد انسـان است لـذا زنـان پس از ازدواج اسـمشان عوض می شود و به نـام شوهرشـان نامگذاری شده و شناخته می شوند. در ایران پس از انقلاب اسلامی به زنان توجه ویژه ای شده است، و زنان بسیاری از حقوق و آزادی های دینی و مـدنی را به برکت این انقلاب مقـدس بازیافته اند ولی هنوز هم در مناطق مختف کشور شاهد ظلم و بی عدالتی نسبت به این قشر خدوم و ارزشمند که به تعبیر حضرت امام خمینی(پرورش دهنده مردان جامعه هستند، می

باشیم و امیدواریم روزی فرا رسد که هیچ زنی به خاطر زن بودن و هیچ مردی به خاطر مرد بودن مورد ظلم و تعدی و یا توجه و محبت قرار نگیرد.

باتوجه به آنچه اشاره شد بخشی از احساسی که در جامعه در مورد ترجیح بیشتر زنان بر مردان وجود دارد در واقع ترجیح نیست بلکه حق و حقوقی است که در گذشته از آن محروم بوده اند و در عصر حاضر آنرا کسب کرده اند و چون در گذشته وجود نداشته چنین احساس می کنیم که آنها بیشتر مورد توجه هستند و حال آنکه چنین نیست، و هنوز هم زنان از بسیاری از حقوق انسانی و الهی خویش محروم هستند. بنابراین آنچه امروز زنان در جامعه ما کسب کرده اند در بسیاری از موارد هنوز با شرع مقدس فاصله دارد و البته بسیاری از زنان نیز از حدود الهی و انسانی خارج شده و از آزادی های داده شده و احترامی که بر ایشان در جامعه بوجود آمده به خوبی استفاده نکرده و بعضاً از آن سوءاستفاده کرده اند.

نکته دیگری که در بحث اشتغال زنان قابل توجه است این است که متأسفانه بسیاری از کارفرمایان در بخش خصوصی بدلیل تراکم نیروی کار و وجود معضل بیکاری در کشور، از وجود زنان سوء استفاده کرده و آنان را با قیمت های بسیار پایین تر از مردان به کار می گمارند و زنان نیز به دلیل رقابت شدید بازار کار و مشکلات موجود خانوادگی و رسیدن به حداقلی حتی جزئی از درآمد وکسب استقلال نسبی معیشتی واقتصادی با نرخهای بسیار کم تن به کار می دهند. آنان مجبور به

پرداخت هزینه زندگی نیستند بنابراین هر چند درآمد کمی داشته باشند همان درآمد کم هم از نداشتن درآمد برایشان بهتر است و احساس می کنند می توانند بخشی از مشکلاتشان را حل کنند و به خانواده شان یا خرید جهیزیه و تأمین مایحتاج اولیه و ضروری خودشان کمک نمایند.

از سوی دیگر افزایش سن ازدواج، بالارفتن هزینه های زندگی و خرید جهیزیه وتب وتاب حقوق زنان نیز باعث می شود زنان(دختران) بیشتر به دنبال شغل باشند. امروزه وقتی یک دختری تحصیلات متوسطه را به پایان می رساند بلافاصله وارد زندگی مشترک نمی شود بلکه ممکن است چند سالی در خانه بماند واین بیکاری در منزل غیر قابل تحمل است، لذا یکی از راههای سرگرمی و خلاصی از بیکاری و نشستن در منزل، کار کردن در خارج از منزل است. لذا به جستجوی کار می پردازد تا هم از بیکاری خلاص شود و هم اندکی به معیشت خود و خانواده اش کمک برساند. مضافاً بر اینکه به دلیل بالارفتن هزینه های زندگی، بسیاری از پسران در ازدواج دختران (زنان) شاغل را بر بیکار ترجیح می دهند، زیرا چنین استنباط می کنند که در شرایط کنونی با درآمد مرد به تنهایی قادر به ادامه زندگی نیستند. این انگیزه و باور مردان (پسران) نیز موجب می گردد زنان (دختران) برای افزایش شانس ازدواج به دنبال کار بروند.

نکته آخری که در باب اشتغال زنان(دختران) یادآور می شویم این است که با کمال تأسف برخی از کارفرمایان در بخش خصوصی (مغازه ها، مطب های پزشکان و ...) برای جلب و جذب بیشتر مشتری از کارکنان زن جوان استفاده می کنند و در حقیقت

از جسم آنـان سوء اسـتفاده می کننـد، لـذا مشاهـده می کنیـد که اغلب منشـی ها در مراکز مختلف، فروشـنده های بسـیاری از فروشـگاههای بزرگ و ... را زنان جوانی که خود را بزک کرده انـد تشـکیل می دهند ولی خودشان شاید غافل اند که ابزار و وسیله ای در دست طماعان پول پرست شده اند!

در پایان به این نکته اشاره می کنیم که نگرانی شما در مواردی بیجا می باشد و ما نیز معتقدیم که در میدان اقتصادی به مردان نیز باید توجه بیشتری شود چرا که مردان محور درآمد خانواده و جامعه هسـتند اما این توجه نباید به قیمت بی توجهی و نادیده گرفتن نیازهای زنان به کار باشد، زیرا بسیاری از زنان شاغل در واقع نان آور خانه نیز هستند.

جهت اطلاع بیشتر مراجعه کنید به :

۱- نظام حقوق زن دراسلام،استاد شهید مرتضی مطهری

۲- جایگاه زن در اندیشه امام خمینی

۳- زن از دیدگاه مقام معظم رهبری

۴- عشق در نگاه دوم(مقایسه وضعیت زنان ایران و غرب)،سونیا لندگراف

انسجام اجتماعی

رمز شکست و فنای ملتها در چیست ؟

پرسش

رمز شکست و فنای ملتها در چیست ؟

پاسخ

قرآن شـکست را در اثر پدیـد آمـدن کشمکشـها و جنگهای داخلی می دانـد , ملتی که دربرابر هم صف آرایی کنند و سـنگ تفرقه در میانشان انداخته شود و به جای کمک به یکدیگر به جان هم بیفتند و در پی تصـرف اموال و سرزمین های هم برآیند و برای ریختن خون یکدیگر آستین ها را بالا زنند و هر دسته برای آواره ساختن و تصرف اموال دیگری قد برافرازد دیر یا زود نـابود می گردنـد . همچنین یکی دیگر از عوامـل سـقوط ملتهـا همـان تبعیض در اجرای قوانین است که هر قانونی حافظ منافع شخصی شان باشد اجرا کنند و آنچه به سود جامعه است فراموش نمایند .

سرانجام جامعه ها، از نظر احادیث اسلامی چیست؟

پرسش

سرانجام جامعه ها، از نظر احادیث اسلامی چیست؟

پاسخ

۱. تکامل عقول و خردها

مرور زمان و تجارب تلخ و شیرین، مایه شکوفایی عقل انسانی می گردد و بشر در پرتو الطاف الهی در می یابد که: دیگر، سازمانهای بشری و تدابیر انسانی قادر به حل تضادها و مشکلات نیست، از این جهت بی درنگ به ندای حضرت قائم پاسخ می گوید و انسانها با رضایت خاطر، به انقلاب امام می پیوندند.

امام باقر(ع) در این مورد می فرماید: «إِذا قام قائِمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به أحلامهم» (کافی/۱)

[آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دست لطف و رحمت خود را بر سر بندگان خود می گذارد و از این طریق، به عقول آنان وحدت می بخشد و به وسیله او خردهای آنان تکامل پیدا می کند.]

۲. تکامل صنایع

یک انقلاب جهانی، بدون تکامل صنایع امکان پذیر نیست، رهبر انقلاب که می خواهد صدای خود را به آخرین نقطه جهان برساند، بدون تکامل تکنیک، امکان پذیر نمی باشد، از این جهت احادیث اسلامی نوید می دهد که در عصر ظهور امام، صنایع به حدی تکامل پیدا می کند که جهان حکم یک شهر را پیدا می کند و افرادی که در خاور زندگی می کنند، کسانی را که در باختر زندگی می کنند، می بینند و سخنان آنان را می شنوند.

چنان که امام در این مورد می فرماید:

«اِنّ المؤمن فی زَمان القائم و هو بالمَشرق لَیری أَخاه بالمَغرب و کَذا الذَی فی المَغرب یَری أَخَاه الذی بِالمَشرق»

[در زمان قائم، فرد با ایمان که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب زندگی می کند می بیند.]

در حدیث دیگر مطلب به طور روشن تر بیان شده است و آن این است که:

«انّ

قائمنا إذا قام مدّ الله لشیعتنا فی أسماعهم و أبصارهم حتی لا یکون بینهم و بین القائم یرید یکلمهم فیسمعون، وینظرون إلیه وهو مکانه». (منتخب الأثر/۴۸۳)

[آنگاه که قائم ما قیام می کند خدا به دیدگان و گوشهای پیروان او قدرت می بخشد تا آنجا که میان آنان و رهبر خود، حائلی باقی نمی ماند او با آنان سخن می گوید، و سخنان او را می شنوند و به او می نگرند در حالی که او در جای خود قرار دارد. (تکامل وسایل ارتباطی)]

۳. جهانیان در پوشش اسلام در می آیند

احادیث اسلامی نویدهای قرآنی را درباره جهانی گشتن آیین اسلام، بر ظهور امام قائم تطبیق می دهد، آنجا که امام باقر(ع) می فرماید: «یَبلغ سُلطانه المَشرق و المَغرب و یُظهر الله عزّوجلّ بِهِ دینَه علی الدین کلّه و لَو کَرِه المُشرِکون» (منتخب الأثر/۲۹۲)

[قدرت و تسلط او شرق و غرب را فرا می گیرد و خدا بوسیله او، دین خود را بر تمام ادیان پیروز می گرداند هر چند مشرکان دوست نداشته باشند.]

۴. تکامل اخلاقی

احادیث اسلامی از تکامل اخلاقی در عصر ظهور امام دوازدهم گزارش می دهد، آنجا که همه محدثان اسلامی این جمله را از پیامبر نقل می کنند که یکی از ویژگیهای حکومت امام قائم، گسترش عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و ستمگری است و جمله «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً» بیانگر این تکامل اخلاقی است.

۵. ترمیم خرابی ها

احادیث اسلامی از آبادی جهان و تسلط بشر بر گنجینه های نهفته در دل زمین در زمان ظهور امام به روشنی گزارش می دهد و جمله یاد شده در زیر در روایات ما وارد شده است.

«وتظْهر له الکنوزُ ولا یبقی فی الأرضِ خراب إلّا یُعمره» (منتخب الاثر/۴۸۲)

[گنجینه های نهفته در دل زمین در

اختیـار امام قرار می گیرد و او با نفوذ و قـدرت مادی و معنوی که دارد، تمام ویرانی های موروث از تسـلط ظلم و جور را آباد می کند.]

نتیجه این که آنچه را که محاسـبات عقلی و اجتماعی درباره سـرانجام جامعه ها نشان می دهـد، مورد تصـدیق قرآن و احادیث اسـلامی است، چیزی که هست، احادیث اسـلامی، زمان و وقت این تکامل ها را به روشـنی تعیین می کند و ظهور امام قائم را همگام با این تحولات می داند.

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پرسش

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پاسخ

اصلاح و افساد از ریشه صلاح و فساد اشتقاق یافته اند و در مواردی به کار می روند که موجودی، کمال مناسب با نوع خود و آن چه که از او انتظار می رود را به دست آورد یا از دست بدهد. هر موجودی که در این جهان در مسیر حرکت و دگرگونی است، می تواند در شـرایط خاصی به کمالاتی متناسب با نوع خود، دست پیدا کند که اگر به آن کمال دست پیدا کرد، از این وضع، مفهوم صـلاح انتزاع می شود و اگر عواملی او را از وصول به کمال لایق خود، باز داشت، یا پس از وصول به آن، تداوم آن کمال را ناممکن ساخت، در این صورت، مفهوم فساد از آن انتزاع می شود.

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پرسش

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پاسخ

علائم و شرایط جامعه صالح را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

شرط نخست، این است که افراد و اجزای جامعه بتواننـد بی اضـطراب و دغدغه در آن، به زندگی خود ادامه دهند و زندگی و سلامتی آنان تهدید نشود و جان همه در امان بماند. جامعه ای که اعضایش امنیت جانی نداشته باشند، بی شک جامعه فاسدی است.

شرط دوم، آن است که اعضای جامعه، امنیت مالی داشـته باشـند. اگر در جامعه، اموال مردم را نابود کنند، بمب بریزند و خانه

هایشان را ویران کنند، کشتزارهایشان را به آتش بکشند، یا آفتی برای باغها و مزارعشان ایجاد کنند که بازده کامل را نداشته باشد و یا به هر شکل دیگر، زیان مالی به اعضای جامعه وارد شود، این هم نوعی فساد اجتماعی است و کسانی که دست به این گونه خیانت ها بزنند و این کارها را بکنند، مفسد هستند. آیه شریفه ((یهلک الحرث و النسل)) به همه این موارد نظر دارد.

شرط سوم، حفظ آبرو و حیثیت افراد در جامعه است. اعضای جامعه، انتظار دارند عرض، آبرو، شخصیت و حرمتشان، در جامعه محفوظ بماند، اگر در جامعه ای شخصیت افراد مصونیت ندارد، کسانی به ناحق ترور شخصیت می شوند، افراد بی گناه متهم می گردند و آبرویشان تهدید می شود، چنین جامعه ای نیز آلوده به یک نوع فساد اجتماعی است.

شرط چهارم، وحدت، همدلی و عواطف متقابل است که باید در بین افراد جامعه حاکم باشد. در یک جامعه صالح باید بین افراد و گروههای جامعه روابط صحیح برقرار باشد؛ چنان که در زندگی خانوادگی، بین

زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، خواهر و برادر و ... وجود دارد.

شرط پنجم، حفظ حیثیت معنوی اعضای جامعه است. البته ((حیثیت معنوی)) مفهوم وسیعی دارد و به یک معنی موضوع شخصیت و عرض و آبرو را هم می توان حیثیت معنوی تلقی کرد، اما منظور ما از حیثیت معنوی در این جا، صرف ابعاد مربوط به عقل و روان انسان است؛ مثل عقاید و افکار که مربوط به مسائل عقلی و نظری است و اخلاق که مربوط به مسائل روانی است.

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ...نمی شود؟

پرسش

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ...نمی شود؟

پاسخ

هر چندتعطیلات بیش از اندازه را می توان یکی از عوامل موثر درعقب ماندگی رکود اقتصادی و صنعتی و ...دانست . اما با بررسی دقیق می توان به این نتیجه دست یافت که وجودتعطیلات رسمی به این اندازه (مثلا" ۲۵ روز) نمی تواند عامل مهمی در وجودمشکلات وعقب ماندگی های جامعه تلقی شود به دلایل ذیل : اولا"، در بسیاری ازکشورهای پیشرفته ، تقریبا" مشابه این تعطیلات به صورت رسمی وجود داردمثلا" در آلمان در حدود ۱۹ روز تعطیل رسمی می باشد که در حدود ۷۶درصد آن تعطیل مذهبی می باشد (حدد ۱۵ روز) ، (فرامرز رفیع پور، توسیعه و تضاد، ص ۳۰۷) بنابراین نفس این مقدار تعطیلات نمی تواند مانع عمده ای در توسعه باشد .ثانیا"، اهمیت دادن به اعیاد مذهبی (مانند عید قربان ، فطر،غدیرخم و ...) و عزاداری ، سالروز، رحلت یا شهادت بزرگان دین (مانندرحلت رسول اکرم (ص) ، عاشورا و ...) نقش بسیار زیادی در گسترش فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی دارد و خود از تعظیم شعایر بوده که درقرآن کریم خداوند بر آن توصیه فرموده است (حج ، آیه ۳۲) و ایمه معصومین (ع) نیز بر آن تاکید نموده اند .امام باقر (ع) در زمینه برپایی عزا برای امام حسین (ع) دستور می فرمایند : ((که برای امام حسین (ع) ندبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود

دستور دهد که بر او بگریند و مراسم عزاداری برپا کنند)) ، (کامل الزیارات ، ص ۱۷۵) . و همچنین از ایمه اطهار (ع) وارد شده است که شیعیان ما در عزای ما محزون و در شادی ما شادمی باشند .برای این روزها در کتب روایی اعمال و آداب مخصوص وارد شده (مانند نماز در روزهای عید و ..) که نشانگر اهتمام ایمه اطهار به این روزهامی باشد، بنابراین اگر چه از لحاظ اقتصادی در روزهای تعطیل ، جامعه درظاهر پیشرفتی ندارد، ولی از لحاظ معنوی و فرهنگی تاثیر بسیاری درپیشرفت و ترقی جامعه دارد که غیرمستقیم می تواند اثرات آن به بخش های مادی جامعه از قبیل اقتصادی ، صنعتی و ...نیز سرایت کرده و باعث شکوفایی و پیشرفت آنها می شود .به عنوان نمونه بیشترین مشکل دربخش های اداری و دولتی ما نبود وجدان کاری می باشد که باعث ایجاد یک نظام اداری غیرکارآمد همراه با بازدهی خیلی پایین و سایر مشکلات شده است . در صورتی که دستگاه های فرهنگی و رسانه های عمومی بتوانند بر اثرآموزه هایی که در بزرگداشت مراسم مذهبی و ...به افراد می آموزند، باعث تقویت ایمان ، تقوا، تعهد و ...افراد جامعه شوند، بسیاری از مشکلات اداری ، اقتصادی و ...جامعه حل خواهد شد و در تقویت انگیزه و میزان کارآیی نیروهای تولیدی و ...بسیار موثر خواهد بود، لذا در کشورهای پیشرفته به نقش مذهب برای کارکرد بخش های دیگر جامعه و نهایتا" نظام اجتماعی بسیار توجه می شود و بسیاری از روزهای مهم و اعیاد مذهبی خود را به

صورت تعطیل رسمی درآورده اند، (فرامرز رفیع پور، توسعه وتضاد، ص ۳۰۷) . ثالثا"، چرا وقتی سخن از کثرت تعطیلات می آید بلافاصله تعطیلات مذهبی را نشانه رویم . مگر تعطیلات باستانی نوروزی را نمی توان کاهش داد .یکی از سیاست های دولت شهید رجایی همین مساله بود، ولی متاسفانه حتی برای یک سال هم نشد که تعطیلات سیزده روز نوروزی را درمراکز آموزشی به ۵ روز تقلیل دهند .;

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادتمند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیه می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۵۱

اصل محاکات چیست؟

پرسش

اصل محاکات چیست؟

پاسخ

محاکات در لغت به معنای حکایت و بازگور کردن و مانند چیزی را به وسیله کردار یا گفتار آوردن است. محاکات در اصطلاح یعنی همرنگ شدن با دیگران. اصولاـ ترقی فرد و جامعه به واسطه همین اصل است. کودک براساس همین اصل،

حرف زدن، راه رفتن و امور دیگر را یاد می گیـد. آموزش نوآموز و یـادگرفتن مطـالب از آموزگار به واسـطه ی همین اصـل صورت می گیرد.

بنـابراین، محاکـات همـان تقلیـد از دیگران است. نکته ی قابل توجّه اینکه تقلیـد انسان از دیگران چنانچه با فکر و تعقل همراه باشد، بسیار مفید و موجب ترقی فرد و جامعه است. اسلام نیز آن را ستوده و بدان تشویق کرده است.

اما اگر بـدون فکر و به اصـطلاح طوطی وار تقلیـد نمایـد، بسیار بد و مذموم است و موجب بدبختی فرد و جامعه است. بهترین گواه زنده تقلید کورکورانه ی مسلمانان از غرب

است، که بدون توجّه و به طور ناخودآگاه در اعتیادهای خطرناک، شهوت رانی و غیره از آنها تقلید می کنند.

قرآن مجیـد می فرمایـد:«فبشـر عباد الذین یسـتمعون القول فیتبعون احسـنه;ای پیامبر مژده ده بندگان مرا، کسانی که گفتارها را می شنوند، اما خوبهایش را پیروی می کنند».

(بخش پاسخ به سؤالات)

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پرسش

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پاسخ

آنچه که از منابع دینی به دست می آید این است که اختلاف در جامعه ابتدایی انسانی به خاطر ترکیب انسان داشـتن اختیار به وجود آمـده است. اوّلین اختلـاف در بین انسـان هـا، اختلـاف هابیل و قابیل، فرزنـدان آدم((علیه السـلام)) بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است:

«اذا قرّباقرباناً منقبّل مـن احـدهما و لـم یتقبـل من الا ـخر قـال لاقتلنّـک;آنگـاه که آن دو قربـانی کردنـد و قربـانی یکی از آن دو(هابیل) قبول شد و قربانی دیگری(قابیل) پذیرفته نشد. پس او(قابیل) گفت هر آینه تو را خواهم کشت».

(بخش پاسخ به سؤالات)

خواهشاً در مورد جو سیاســی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود دارد تا حدودی شفافیتی نشان دهد.

پرسش

خواهشاً در مورد جو سیاسی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود دارد تا حدودی شفافیتی نشان دهد.

پاسخ

باید دید عوامل بدبینی چیست؟

یا عدم شناخت کافی است، یا سوء ظن است یاپیش فرض هایی است که انسان دارد و ممکن است بعضی از بدبینیها بر اساس یکسری واقعیت ها باشد.

در عین حال یک نظام سیاسی از دو حال خارج نیست یا حق است یا باطل اگر، اصل نظام را نظام حق می دانیم کاستیها در آن مشاهده می شود باید به اندازه توان در صدد رفع آن کاستیها برآئیم.

نکته اساسی در قضاوتها به ملاک مطلوبیت یک نظام در نظر افراد باز می گردد که می تواند رفاه مادی عموم طبقات باشد و نیز می تواند ملاکهای ارزشی مانند استقلال و برپایی حکومت دینی و انتخاب آزادانه مردم و جهت گیری برنامه های نظام برای اجراء قوانین اسلام باشد. طبیعی است برای افرادی که شاخص مطلوبیت در نزد آنها رفاه مادی است ارتفاع و نزول قیمتها تعیین کننده مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت است انصاف حکم می کند که در بخش اقتصادی نیز با توجه به محاصره اقتصادی و دشمنیهای استکبار و فرمولهای پیچیده مبارزه اقتصادی آنها و ده ها عامل مهم دیگر به این حقیقت باور داشته باشیم که جهت گیری قوانین مجلس و اهتمام برنامه های کلان اقتصادی در جهت محرومیت زدائی است و دلایل و نشانه های صدق این ادعا خدمات قابل توجه به مناطق محروم و روستاها است که نسبت به تمام دوره حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. شرایط حاکم بر اوضاع اقتصادی جامعه را می توان به اوضاع فردی تشبیه نمود

که طوفانی سخت همه اساس البیت او را در صحرا پراکنده ساخته است و او می خواهد در ضمن وزش چنین طوفانی اموال متفرق خود را گردآوری کند، هرچه را جمع کرده کنار هم می چیند و به آن نظم می بخشد دوباره طوفان برهم می زند و اگر قسمتی را اصلاح می کند قسمت دیگری از هم می پاشد. در شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه ترورهای اقتصادی و دشمنیهای استکبار

به منزله همین طوفان عمل می کند که قرار و آرام را گرفته اوضاع بسیار سختی ایجاد می نماید ولی غالباً این دشمنیها و عوامل، پنهان از دید عامه مردم است. رقمهای کلان بودجه هایی که دولت آمریکا در ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران تصویب می نماید و طرفندهای سیاسی پنهانی که به کار می گیرد قدرت تشخیص علت نابسامانیها اقتصادی و حل آن را دشوار می سازد و اما در دیدکسانی که شاخص های مطلوبیت نظام نفس جدیت و کوشش در راه دستیابی به ارزشهای متعالی اسلام است فرق نمی کند که در کشاکش مبارزه چه اوضاع و شرایطی پیش آید مهم آن است که به تکلیف الهی عمل شود و در مقابل دشمنیها سر تسلیم فرود آورده نشود. اگر اراده خدای متعال تعلق گرفت پیروزی و غلبه نصیب گردد و یا شهادت و جانبازی در راه اسلام، در منظر چنین کسانی تا وقتی که این جهاد مقدس برپا است و رهبران فداکار و صادقی دارد باید با همه وجود از انقلاب دفاع نمود و خوشبینی و امید با هیچ حادثه ای از دست نخواهد رفت.

قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟

پرسش

قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟

پاسخ

جامعه ایدهآل قرآنی به نحو کامل و اتم در زمان ظهور حضرت مهدیغ تحقق میابد و آرزوی دیرینه بشریت جامعه عمل میپوشد.

برخی از مؤلّفهها و ویژگیهای جامعه آرمانی از دیدگاه قرآن:

جامعه دینی از دیدگاه قرآن ایدهآل و مطلوب است که ضمن تن دادن به حکومت و داوری دین، این مؤلفهها را نیز داراست.

۱. حق مداری، اولین مؤلفه جامعه دینی، پیروی از حق در فکر و عمل است در حوزه فکری، حاکمیت عقل و اندیشه و تبعیت از حق و حق مداری را توصیه و ترغیب میکند و کسانی که از این نعمت خدائی استفاده نمیکنند را مذمت مینماید و میفرماید "أَفَلَا تَعْقِلُونَ ;(بقره،۴۴) چرا تعقل نمیکنید."

در حوزه عملی نیز توصیه به حق محوری مینماید و میفرماید حق مدار باشید و لو به ضرر خودتان یا بستگانتان باشد.

"يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَٰلِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِين ;(نسأ،۱۳۵) ای کسانی که ایمان

آوردهاید به عدالت قیام و عمل کنید و برای خدا شهادت دهید گرچه به زیان شما یا نزدیکانتان باشد."

لذا جامعه دینی پیرو حق است و لو اکثریت با آن سرناسازگاری داشته باشند.

۲. عدالت محوری

دومین شاخصه جامعه مطلوب، عدالت محوری است که هدف اجتماعی بعثت پیامبران نیز همین اقامه قسط و عدل بوده است لذا تحقق بخشیدن به این هدف محوری باید در سرلوحه جامعه ایدهآل قرآنی قرار بگیرد.

"لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَبَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْط؛(حدید،۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با

آن کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند."

رعایت عدالت اجتماعی در عرصه اقتصاد، حقوق و... نیز از رعایت عدالت در منابع و منافع از شاخصههای جامعه ایدهآل قرآنی است.

۳. قانونگرایی

جامعه ایدهآل قرآنی، قانونگر است و از هرج و مرج پرهیز دارد. ضمن آن که قانونی جز قانون الهی را نمیپذیرد و وحی و تعالیم انبیا را منبع قانونگذاری در جامعه میداند و خود را پایبند این قانون میداند.

"اسلام چون دامنه حیات انسانی را منحصر به همین زندگی دنیا ندانسته و حیات واقعی را حیات آخرت میداند قانون را بر این اساس و بر اساس توحید وضع کرده است و در مرحله قانونگذاری، تنها به تعدیل ارادهها در اعمال و افعال مردم بسنده نکرده بلکه آن را با یک سلسله وظایف عبادی و معارف حقه و اخلاق فاضله تکمیل کرده است.

بر خلاف تمدن امروز که قانون را بر اساس بهرهمندی از لذائذ مادی وضع میکند.(المیزان، علامه طباطبایی؛، ج ۴، ص ۱۲۱۱۱.)

۴. حکومت دینی

یکی دیگر از مؤلفههای جامعه ایدهآل قرآنی، برپایی حکومت دینی است که بدون شکلگیری حکومت دینی، احکام و اهداف دین محقق نخواهد شد.

و حکومت دینی در سایه زمامدار دینی میسر است و تفسیرهای ناصواب از حکومت دینی منهای زمامدار دینی در حقیقت، رد و طرح اصل حکومت دینی است.

قرآن مجید میفرماید: "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُو وَالَّذِينَ ءَامَنُواْ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَٰكِعُونَ ؛(مائده،۵۵) سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او و مؤمنانی که نماز به پا میدارند و در حال رکوع زکات میپردازند."

آیت اللّه مکارم میگوید: روشن

است که منظور از ولی در آیه فوق به معنای سرپرستی و تصرف و رهبری مادی و معنوی است.(تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۴، ص ۴۲۴، دارالکتب الاسلامیه.)

اینها نگاهی گذرا به شاخصهها و ویژگیهای کلی جامعه ایده آل از منظر قرآن بود شاخصههای دیگری نیز وجود دارد که در صورت تمایل میتوانید به کتاب جامعه برین نوشته میرمدرس مراجعه فرمایید.

فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟

پرسش

فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟

پاسخ

پرسشگر گرامی قرآن کریم فروپاشی و نابودی اجتماعی جوامع را نتیجه گناه و نافرمانی از دستورهای خداوند متعال می داند و می فرماید: "وَ إِذَآ أَرَدْنَآ أَن نُّهْلِكَ قَرْيَه ً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَق َّ عَلَيْهَا الْقَوْل ُ فَدَمَّرْنَٰهَا تَدْمِيرًا ; (اسرأ، ۱۶) و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم اوامر خود را برای "مترفین آن ها]ثروتمندان مست شهوت بیان می داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آن ها را به شدت در هم می کوبیم

هنگامی که اجتماعی بر اثر عوامل مختلف از جمله گناه و نافرمانی مردم آن اجتماع از دستورهای خداوند متعال فروپاشید دیگر جامعه ای باقی نمی ماند که آثارش بر آن مترتب شود.(ر.ك تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۵۸۶۱، دارالکتب الاسلامیه تهران)

پرسشگر محترم اگر از تأثیر فروپاشی اجتماعی در جامعه تصور و منظور دیگری دارید، در مکاتبات بعدی توضیح دهید.

چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند

پرسش

چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند

پاسخ

گرچه به دلیل تراکم کار، از پاسخ مشروح به نامه دردمندانه شما عذر می خواهیم؛ ولی به اجمال، نامه شما را درچند محور مورد بحث قرار می دهیم:

۱- علت عدم ارائه روشی برای مسائل فکری از سوی علمای اسلام،

۲- ارائه راه حل در تمامی علوم انسانی از سوی دانشمندان،

۳- مسائل مستحدثه،

۴- مشکلات جامعه در حال حاضر و احساس دوگانگی جوانان،

۵- استفاده از راه های علمی و شیوه آزمون و خطا،

۶- عدم ارائه مقاله و کتاب های انبوه،

۷- محافظه کاری و مصلحت اندیشی.

در برخی از زمینه های یاد شده، ما نیز با شما هم داستانیم؛ ولی در مواردی نیز جای نقد و گفت وگو وجوددارد.

۱- دانشمندان اسلامی از قرن ها پیش تاکنون، در مسائل فکری مورد نیاز بشریت گام برداشته اند. آنان بسیاری از نیازها راشناخته و در پرتو وحی به آن پاسخ داده اند. گسترش منطق، فلسفه، ریاضیات، نجوم، طب، اصول زبان شناسی، فقه،علوم قرآن و ده ها رشته خرد و کلان از علوم و معارف بشری، ثمره این تلاش تاریخی است.

البته اگر ما با آنها آشنا نباشیم، نباید تصور کنیم که کسی به آنها نپرداخته است.

فلسفه و کلام اسلامی، لبریز از پاسخ به نیازهای فکری است. علاوه بر این، فرزانگانی در هر عصر به نقد و بررسیافکار پرداخته و آن را در اختیار همگان قرار داده اند. هم چنین علامه طباطبایی(ره)، شهید مطهری(ره)، علامه حسنزاده آملی و... با آثار خود در زمینه های مختلف، گام های بلندی در این عصر برداشته اند.

البته کسی هرگز نباید ادعا کند که آنچه گفته شده، پایان راه است. علم همواره باید رو به کمال باشد؛ ولی منکر شدنانبوه گران سنگ

تراث اسلامی، نشان از بی اطلاعی شخص دارد.

۲– بسیاری از رشته های علوم انسانی در قرن حاضر، به صورت ویژه و به شکل رشته خاصی از دانش درآمدهاست.

جامعه شناسی، روان شناسی و رشته های مختلف آنها از آن جمله است. البته در گذشته نیز موضوعات و مسایل اینعلوم مطرح بوده است؛ مثلاً ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود، درباره «علم الاجتماع و فلسفه تاریخ» نظریاتی را مطرح کرده است، به گونه ای که وی را طرّاح دانش جامعه شناسی می دانند. در آثار فارابی، ابن سینا و ده ها دانشمند دیگر نیزمقولاتی پیرامون روان شناسی و دیگر رشته ها وجود دارد.

متأسفانه در یکی دو قرن گذشته، به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی - که شرح آن مجالی وسیع می طلبد –مسلمانان از تراث خود بیگانه شده و به جای ابتکار و خلاقیت، تنها به نشخوار کردن آموزه های بیگانگان پرداختند؛ که خود آنان با جدیتی تمام در این عرصه وارد شده بودند. از همین رو از تولید کننده فکر، به مصرف کننده آن تبدیل شدند.

فشارهایی که در آن دوران بر حوزه های علمیه – که وارثان دانش پیشینیان بودند – وارد شد، آنان را چنان در تنگناقرار داد که به ناچار در حفظ میراث علمی گذشتگان و توسعه آن، تنها در محدوده ای اندک به تلاش پرداختند. بقیه نیزیا در لابه لای سطور کتاب ها باقی ماند و یا توسط بیگانگان تاراج شد و یا از بین رفت.

مجال کوتاه پس از انقلاب نیز – که به راستی در برابر عمر دانش لحظه ای نیز به حساب نمی آید – بنا به دلایل مختلف، این اجازه را نداد که دانشمندان، به طور کامل به شناخت کامل میراث گذشته و دانش روز بپردازند و درتوسعه بایسته آن

بکوشند. در حقیقت گویا حوزه های علمیه و متفکران اسلامی، از خوابی گران بیدار شدند؛ ولی باانبوهی از موضوعات تحقیق نشده روبه رو گشتند، که می بایست در آنها به ابداع و نوآوری می پرداختند. حال با توجهبه این که حرکت دانش و علم، دارای حرکتی بسیار کند است و به سال ها و دهه ها و حتی قرن ها زمان نیاز دارد، چگونه می توان در عرض یکی دو دهه به تمامی این مسائل پرداخت و در آنها اظهار نظر نمود؟

البته با همه آنچه که گفته شد، متفکرانی در این عرصه گام های بلندی برداشته و برمی دارند؛ ولی انتظار حل یک شبه همه مسائل رؤیایی بیش نیست.

۳- اما درباره مسائل مستحدثه؛ اگر مقصود مسائل فقهی است که در این زمینه فقهای بزرگ گام هایی بلند برداشته اند ومتناسب با نیازها نظرات خویش را اعلام کرده و می کنند؛ ولی اگر مقصود موضوعات علوم و دانش ها است، که درقسمت قبل مورد گفت وگو قرار گرفت.

۴- بلی، یکی از عوامل احساس دوگانگی جوانان، مطرح نشدن راه حل های مناسب و صریح در موارد گوناگون است. ولی نباید این را، تنها عامل به حساب آورد؛ بلکه عوامل مختلف فرهنگی و سیاسی در این زمینه دارای نقش است که بایستی در جای خود به تحلیل آن پرداخت. از سوی دیگر، موانع اجتماعی و اقتصادی از جمله عوامل بازدارنده دراین زمینه است؛ مثلاً نکاح موقت از احکام قطعی فقه شیعه است؛ ولی پیاده سازی آن با موانع عظیم اجتماعی وفرهنگی روبه رو است و... .

۵- مسلما در حل مشکلات، باید از راه حل های علمی بهره برد. تاکنون نیز در موضوع برنامه ریزی های خرد و کلان کشور،از وجود متخصصان رشته های مختلف - که در سازمان ها و

ارگـان هـا حضـور دارنـد - بهره برده می شود؛ ولی تصور اینکه تنهـا بـا تکیه بر این نظریـات همه مشـکلات قابـل حـل است، قضـاوتی سـاده انـدیشانه است. موضوع آزمون و خطا نیز،در بسـیاری از مسائل مورد عمل قرار گرفته است؛ از جمله در مسائل اقتصادی و بعضی از مسائل فرهنگی.

۶- در این زمینه انتقاد شـما را تا حـدودی وارد می دانیم. با توجه به انبوه تبلیغات غرب و بلنـدگوهای نیرومند آنها، برای حفظ فرهنگ و اسـتقلال کشور، باید سـرمایه گذاری های عظیمی صورت گیرد؛ ولی متأسـفانه به دلایل اقتصادی وتنگناهای دیگر، این کار انجام نگرفته است؛ چه گام های بلندی نیز در این عرصه برداشته شده است.

۷- کـاش می دانستیم مقصود شـما از محـافظه کـاری و مصـلحت اندیشـی، مربوط به کـدام موضوع است، تا بهتر می توانستیم درباره آن گفت وگو کنیم!

معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟

پرسش

معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟

پاسخ

خلاصه ویژگی های جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و اسلام:

۱- گذر کرده از خود پرستی به خدا پرستی و عبودیت در برابر او،

۲- آکنده از عدل و قسط در همه ابعاد،

۳- متحد و یکپارچه در برابر دشمنان،

۴- مهربان و با عطوفت در داخل جامعه،

۵- آمر به معروف و ناهی از منکر،

۶- قدرتمند و موفق در عرصه های مختلف اجتماعی - اقتصادی - سیاسی،

۷- دارای نظم و ترتیب و برنامه در همه امور.

آیا تا بحال فکری برای مساءله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است ؟

پرسش

آیا تا بحال فکری برای مساءله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است ؟

پاسخ

ارائه هر گونه راه حلّی برای پیشگیری و مقابله با مسئله طلاق، نیازمند بررسی ریشه ای و دقیق و عوامل جامعه شناختن آن می باشد که به اختصار به بیان مهمترین آنها می پردازیم:

۱. طبق آمار موجود در مجتمع های قضایی خانواده، یکی از مهمترین عوامل طلاق در کشور ناشی از معضل شوم اعتیاد و عواقب ناشی از آن از قبیل بیکاری، فقر، اختلافات خانوادگی و... می باشد. که البته خود این عامل و اعتیاد متأثر از عوامل دیگری است که در ادامه بررسیمی شود.

۲. معضلات اقتصادی و اجتماعی از قبیل، بیکاری و عدم اشتغال، سطح پایین در آمدها، مشکل مسکن و امکانات رفاهی و... یکی از عوامل می باشد که زمینه های طلاق و جدایی را فراهم می آورند.

۳. تغییر ارزش های حاکم بر جامعه از سال ۱۳۶۸ به بعد: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و ناهنجاریهای متعدد گردید به گونه ای که توسعه نتایجی ازقبیل تغییر ارزشهای اجتماعی از سنتی به سوی مدرن، از ساده زیستی به تجمل، از کمک و همیاری و ایثار و گذشت برای جامعه و حتی خانواده به سودجوئی فردی، و از ارزش قناعت به ارزش ثروت و از انسجام به فردگرایی و از ارزش دین و خدا به ارزش پول و دنیا، را در پی داشت.یکی از عواقب شوم تغییر ارزشها، سست شدن بنیاد و کانون خانواده و گسترش طلاق می باشد.

۴. تهاجم فرهنگی: هجوم شوم فرهنگی افسار گسیخته و سراپا مبتذل

و بی بنـدوباری غرب، تمـامی ارکـان جـامعه از جمله خـانواده را مـورد تهدیـد قرار داده اسـت، فرهنـگ غرب کـه ریشـه در فردگرایی اصـالت لـذت و... دارد همـانطور که موجب انحطـاط اخلاـق و فروپاشـی کانونخانواده در غرب شـده این تأثیران را برای سایر جوامعی که در معرض هجوم این فرهنگ قرار دارند نیز به ارمغان آورده است.

خلاصه آنکه زمانی که مشـکلات و معضـلات اقتصادی اکثریت خانواده ها را در فشار قرار داده باشـد و از طرف دیگر ارزش هـای اسـلامی و تعهـدات اخلاقی از قبیل ایمان، توکل، قناعت و صبر احساس مسـئولیت به اعضای خانواده و... نیز در اثر تغییر جوّ و ارزشـهای حاکم درجامعه و همچنین تهاجم فرهنگی، دگرگون شـده باشـد، جامعه با سـست شدن ارکان خانواده و بروز طلاق مواجه می شود. اما در مودر اینکه آیا این مسأله قابل پیشگیری می باشد و اقداماتی انجام شده است یا نه؟ باید گفت که از آنجا که معضل طلاق بصورت مستقیم یا غیر مستقیم نای ازعوامل فوق می باشد، بنابراین مسئولین در برنامه ریزی های خود سعی در حل اساسی و ریشه ای این معضل داشته و اقدامات متعددی را نیز به انجام رسانیده اند.

مثلاًـ برای مبارزه با اعتیاد و جلوگیری از عواقب شوم آن از قبل سـست شـدن ارکان خانواده، اقـداماتی از قبیل: اشـتغال زایی و حـل مشـکل بیکـاری، گسـترش امکانـات تفریحی، ورزشـی، مبـارزه قـاطع بـا پخش مواد مخـدر و همچنین در جهت مقـابله با مشـکلات و معضـلات اقتصـادی،توجه به وضـعیت حقوقی و معیشتی اقشـار مستضـعف و آسـیب پـذیر جامعه مبارزه با مفاسـد اقتصادی به منظور بسط عدالت اجتماعی توجه به بخش مسکن اشتغل مولّد و... و همچنین در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی، بالا

بردن تولیدات فرهنگی داخلی هم از لحاظ کمی و کیفی در جهتترویج، تثبیت و نهادینه نمودن ارزش های اسلامی و تقویت روحیه ایمان و تلاش برای حل مشکلات احساس مسئولیت و وفاداری به کانون خانواده و... چه از طریق صدا و سیما و چه از طریق مطبوعات، اقدامات بسیار مفید و متعددی صورت گرفته است.

علاوه بر اقدامات فوق که بصورت غیر مستقیم و زیربنای موجب حل مشکلات طلاق می شود، ایجاد و گسترش مراکز مشاوره برای حل مشکلات و اختلافات خانوادگی و برخی اقدامات دیگر در مجتمعهای قضایی خانواده برای پیشگیری از جدایی خانواده ها، قابل توجهمی باشد.

انشاءالله امید می روزد با حل عوامل طلاق که در منابع اسلامی به عنوان مبغوفترین حلال خداوند نام برده شده، و آثار و پیامدهای منفی بسیار زیادی بر جامعه دارد، به هیچ وجه شاهد چنین معضلی در جامعه اسلامی نباشیم.{J

منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه ای در این باره گردآوری شده است

پرسش

منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه ای در این باره گردآوری شده است

پاسخ

پیش از پرداختن به آیات اجتماعی لازم است ابتدا مفهوم "علوم اجتماعی روشن شود تا از رهگذر آن بتوانیم حوزه آیات اجتماعی را به درستی شناخته و آیات آن را پی بگیریم

اصطلاح "علوم اجتماعی در معانی گوناگونی به کار رفته است گاه به معنای مترادف با "علوم انسانی (تاریخ اقتصاد، روان شناسی و حقوق گرفته می شود و گاه آن را تنهابر بخشی از علوم انسانی که ناظر به امور و شؤون اجتماعی انسان است تطبیق می کنند و گاه معنا را تنگ تر کرده تنها به علوم انسانی که ناظر به امور و شؤون اجتماعی بوده و جنبه توصیفی داشته باشد (و نه دستوری اطلاق می کنند (علم توصیفی در پی کشف تکوینیات و واقعیت های زندگی اجتماعی انسان است و علم دستوری یا هنجاری و یا ارزش بیان کننده تشریفات و ارزش های زندگی اجتماعی انسان است (برای آگاهی بیشتر ر.ك جامعه و تاریخ از دیدگاه امام خمینی ، محمد تقی مصباح یزدی ص ۱۶ و ۱۷، سازمان تبلیغات اسلامی

بنابراین با توجه به هر یک از تعریف های یاد شده بخشی از آیات قرآن را می توان مورد مطالعه قرار داد.

ولی از آن جا که همه آیات قرآن گاه به جنبه های گوناگونی پرداخته است و هر مفسّری در حوزه فکری و تفسیری خود، به گوشه هایی از آن می پردازد، نمی توان آیات را در یک تقسیم بندی کلی به اجتماعی و غیر آن تقسیم کرد، مگر آن که

جداسازی آیات اجتماعی تنها به ملاحظه جهت های اجتماعی آن ها باشد; به عبارت دیگر یک آیه می تواند هم در دسته آیات اجتماعی قرار گیرد و هم در دسته آیات مربوط احکام فردی

آیات اجتماعی با توجه به معانی وسیع آن بسیار متنوع و فراوان است و شاید بتوان بیشترین آیات قرآن را در این حوزه مطرح کرد; مانند احکام پیروی از ولی امر، قصاص دفاع خمس و زکات نمازهای مسجد و جماعت حج معاملات و... و نیز آیات مربوط به چگونگی معاشرت با دیگران احکام زناشویی و...

آیات اجتماعی متناسب با شاخه ها و عناصر علوم اجتماعی در زیر مجموعه هایی مستقل جای می گیرند; برای مثال آیات اقتصادی نظامی سیاسی فرهنگی روانشناس و... هر یک در مجموعه هایی مستقل بحث می شوند.

درباره آیات اجتماعی تفسیرها و تک نگاری های فراوانی ارائه شده است حتی درباره برخی از شاخه های علوم اجتماعی فرهنگ هایی مستقل تر را تدوین گردیده مانند "الکشاف الاقتصادی لآیات القرآن الکریم اثر محیی الدین عطیّه الدار العالمیه للکتاب الاسلامی والمعهد العالمی للفکر الاسلامی

برخی از منابع آیات اجتماعی عبارت است از: "جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن ، استاد محمد تقی مصباح یزدی "حقوق و سیاست در قرآن ، استاد محمد تقی مصباح یزدی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ; "اسلام و جامعه (چهار جلد)، جمعی از نویسندگان مرکز جهانی علوم اسلامی "زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام ، دکتر احمد شبلی ترجمه دکتر سید محمود اسد اللهی آستان قدس رضوی "نقش

قرآن در جهان معاصر" محمد غزالی ترجمه محمد صدیق خالق پناه "بعد اجتماعی اسلام ; محمد اسفندیاری و...

مسایل اجتماعی و سیر آن ها در قرآن را توضیح دهید؟

پرسش

مسایل اجتماعی و سیر آن ها در قرآن را توضیح دهید؟

پاسخ

مسائل اجتماعی در تعالیم اسلام و قرآن کریم جایگاه ویژه ای دارند و قرآن کریم همواره بر اصلاح و هدایت جامعه و اجتماع تأکید می کند، در این جا به برخی از مواردی که به مناسبت قرآن کریم درباره مسائل اجتماعی بحث کرده است اشاره می شود:

۱. اهمیّت روابط زندگی اجتماعی چنان که خداوند متعال می فرماید: "یَّأَیُّهَا الَّذِین ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّه لَعَلَّکُم تُفْلِحُون ;(آل عمران ۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید."

آیه مذکور در بردارنده یک برنامه جامع چهار ماده ای برای عموم مسلمانان است الف صبر و ایستادگی در برابر حوادث و مشکلات

ب صبر و مقاومت در برابر مقاومت دیگران ج دستور آماده باش در برابر دشمنان و مراقبت دائم از مرزهای کشور و سرزمین های اسلامی

د. پرهیزگار باشید.(ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۳۵، دارالکتب الاسلامیه)

۲. عوامل نابسامانی های اجتماعی مثل خیانت دراموال یتیمان آمیختن مال حلال با حرام و خوردن مال شبهه ناک و...(نسأ،۲)

۳. راهکار دادن در حل برخی مسائل اجتماعی و برداشتن عوامل اختلاف در اجتماع مثل تعیین سهم ارث هر کدام از بازماندگان و....(نسأ،۱۱ و ۱۲)

۴. آزادی های اجتماعی و محدوده آن و دفاع از حقوق زنان (نسأ،۱۹)، (هود،۸۸)

۵. عوامل پایداری گروه های اجتماعی (انفال ۶۶)

۶. ویژگی های مراکز دینی و اجتماعی

(توبه ۱۰۷)

۷. عوامل تحکیم و ایجاد امنیت و پیوندهای اجتماعی (حجرات ۱۲)

۸. رعایت حقوق افراد جامعه مثل نهی از غیبت مسخره نکردن دیگران اجتناب از سوءظن (حجرات ۱۱و۱۲)

۹. مشورت و تعاون و همکاری در امور؛(شوری ۳۸)، (مائده ۲)

۱۰. اخوت و برادری و اتحاد میان مسلمانان (حجرات ۱۰)

۱۱. عدالت اجتماعی (نسأ،۱۳۵)،(حدید،۲۵)

و...

قرآن کریم می فرماید: "إِن َاللَّه َيَأْمُرُ بِالْعَدْل ِوَ الا ْحْسَن ِوَ إِيتَآی سَّ ذِی الْقُرْبَی َوَ يَنْهَی َعَن ِالْفَحْشَآءِ وَالْمُنکَرِ وَ الْبَغْی ِيَعِظُكُم ْلَعَلَّكُم ْتَذَكَّرُون َ؛ (نحل ۹۰) خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید!"

در این آیه شریفه به مسائل اجتماعی انسانی اخلاقی در شش اصل مهم بیان شده است

۱ عدل که قانون وسیع تر، گیراتر و جامع تر از آن تصور نمی شود.

۲ احسان در طول زندگی انسان ها مواقع حساس پیش می آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان پذیر نیست بلکه نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از اصل "احسان باید تحقق یابد.

۳ نیکی به نزدیکان "ایتای سَّ ذی القربی َ"، که بخشی از مسأله احسان است با این تفاوت که احسان مربوط به کل جامعه است و "ایتای ِذی القربی َ" در خصوص خویشاوندان و بستگان است که جامعه کوچک محسوب می شود، و با توجه به این که جامعه بزرگ از جامعه کوچک تر، (یعنی جامعه فامیلی ترکیب شده هرگاه این واحدهای کوچک تر از انسجام بیشتری برخوردار گردند، اثر

آن در کل جامعه ظاهر می شود; افزون بر آن مسأله کمک به جامعه های کوچک یعنی بستگان و خویشاوندان از آن نظر که پشتوانه عاطفی نیرومندی برخوردار است از ضمانت اجرایی بیشتری بهره مند خواهد بود.

۴، ۵، ۶ دوری از "فحشا"، "منکر" و "بغی .

برخی از مفسران در توضیح این قسمت از آیه فرموده اند: "فحشا"، اشاره به گناهان پنهانی "منکر"، اشاره به گناهان آشکار، و "بغی هرگونه تجاوز از حق خویش و ظلم و خود برتربینی نسبت به دیگران است

احیای اصول سه گانه عدل و احسان و ایتای ِ ذی القربی و مبارزه با انحرافات سه گانه فحشأ، منکر و بغی در سطح جهانی کافی است که دنیای آباد و آرام و خالی از هرگونه بدبختی و فساد بسازد، به همین خاطر این آیه شریفه را می توان از جامع ترین آیات قرآن در مورد مسائل اجتماعی شمرد.(ر.ك تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۳۶۶۳۷۲، دارالکتب الاسلامیه)

در ایام فاطمیه و ایام دیگر که از حضرت فاطمه(س) سخن می گویند و ظلم هایی که بر او شده گفته می شود، چرا نامی از ظلم کننده ها بر او عمر و...) برده نمی شود، تا در ذهن مردم و بچه ها بماند؟

پرسش

در ایام فاطمیه و ایام دیگر که از حضرت فاطمه(س) سخن می گویند و ظلم هایی که بر او شده گفته می شود، چرا نامی از ظلم کننده ها بر او عمر و...) برده نمی شود، تا در ذهن مردم و بچه ها بماند؟

پاسخ

این هم یکی از ابعاد مظلومیت آن حضرت است یکی از افرادی که بعد از رسول خدا مورد ظلم فراوان قرار گرفت، حضرت زهرا(س) بود، ولی امیرالمؤمنین علی(ع) و بسیار از شیعیان در آن زمان به خاطر حفظ اسلام و تفرقه نیافتادن بین مسلمانان، سکوت کردند و در عین مظلومیّت، صبر نمودند امیرالمؤمنین(ع فرمود: صبرتُ و فی العین قذی و فی الحلق شجی أری تراثی نهباً[۲]؛ صبر کردم، در حالی که خاری در چشمم و استخوانی در گلویم بود. می دیدم که ارث مرا به غارت بردند". در زمان ما هم هنوز آن مظلومیّت ادامه دارد. خاندان عصمت و طهارت در عین عظمت و بلندی و کمال معنویت همواره مظلوم بوده اند و هنوز به خاطر این که برادران اهل سنّت از ما شیعیان آزرده خاطر نشوند و ما را خارج از اسلام ندانند، مجبوریم کوتاه بیائیم.

([۲] نهج البلاغه، خطبه ۳.

در شهر ما چهار نفر روحانی زندگی می کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده خودشان یک جا جمع شوند، وقتی چهار نفر روحانی نتوانند با هم توافق کنند، از مردم چه انتظاری دارند؟!

پرسش

در شهر ما چهار نفر روحانی زندگی می کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده خودشان یک جا جمع شوند، وقتی چهار نفر روحانی نتوانند با هم توافق کنند، از مردم چه انتظاری دارند؟!

پاسخ

تردیدی نیست که دین مقدس اسلام آیین وحدت و یگانگی است و از هر گونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است. توحید نه تنها یکی از اصول دین است، بلکه تمام اصول و فروع اسلام و همه برنامه های آن بر محور توحید دور می زند.

توحید روحی است در کالبد همه تعلمیات اسلام وجانی است که در پیکر اسلام است.(۱)

اتحاد و یکپارچگی اثر اعجازآمیزی در پیشرفت اهداف اجتماعی دارد.

امرز سدهای عظیمی در جها بر پا شده که مبدء تولید بزرگترین نیرو است و سرزمین های وسیعی را زیر پوشش آب یا روشنایی قرار داده است.

اگر دسرت فکر کنیم می بینیم این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه پیوستن قدرت های ناچیز دانه های باران نیست. آن گاه بهاهملت اتحاد انسان ها واقف می شویم.

رسول خدا(ص) فرمود: "مثل افراد مؤمن در دوستی و نیکی به یکدیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید، اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود".(۲)

برادر عزیر، اگر روحانیون شهرتان همان طوری باشند که شما نوشتید، اما شما وقتل فهمیدید اتحاد و توافق اثر فوق العاده ای دارد، باید طبق آنعمل کنید، خواه گویندگان عمل بکنند و خواه ترک نمایند.

ولی فکر نمی کنیم روحانیون شهرتان چنان باشند و حتماً با هم تماس دارند و با هم تبادل نظر می کنند و از علم یکدیگر

بهره مند می شوند، اما ممکن است شما ندیده باشید.

البته بهتر است تجمع آنان گاهی در انظار مردم باشد تا خدای ناکرده ایجاد تفرقه در دیگران نکند.

پی نوشت ها:

۱ - تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۵۰.

۲ - تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۲، ص ۴۵۰، طبق نقل نمونه، ج ۳، ص ۳۳.

قرآن برای فراهم شدن زمینه هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می کند؟

پرسش

قرآن برای فراهم شدن زمینه هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می کند؟

پاسخ

قرآن، اهل کتاب را مخاطب ساخته و به پافشاری به موارد اشتراک که اصل توحید و شاخه های آن است، دعوت می کند، می فرماید [بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را جز خداوند یگانه به خدایی نپذیرند] «قُلْ یا اَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا اِلی کَلِمَهٍ سَواء بَیْننا وَ بَیْنَکُمْ اَنْ لا نَعْبُدَ اِلّا اللهَ وَ لانُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَلا یَتَّخِذَ بَعْضُناً بَعْضاً اَرْباباً مِنْ دونِ اللهِ». آل عمران/۶۴

و در پایان می افزاید [هر گاه از این دعوت سرپیچی کنند بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم] (و بر خطّ توحید پیش می رویم).

دعوت به سوی قدر مشترک،بهترین راه برای همزیستی دو مذهب مختلف است، چرا که غالباً نمی توان از یک گروه بخواهیم تمام عقاید خود را رها کند و تابع دیگری گردد و اگر هم منطقی باشد، عملی نیست، پس بهتر این است که اگر پیروان ادیان دیگر، بعد از شنیدن دلایل مختلف به اسلام نگرویدند، آنها را در عقاید خاصّ خودشان رها کنیم و در قدر مشترک همکاری نماییم و بهترین قدر مشترک بین همه ادیان آسمانی، همان اصل توحید و یگانگی خدا در ذات و صفات است.

در واقع این دعوت به همزیستی مسالمت آمیز و تکیه بر جنبه های مشترک، یکی از مصداقهای روشن «مجادله بالّتی هی احسن» است و به خوبی نشان می دهد که اسلام هرگز نمی خواهد با توسل به زور،

پیروان مذاهب دیگر را به آیین اسلام بکشاند.

جالب اینکه در سال هفتم هجرت (بعد از فتح حدیبیّه) که پیامبر اسلام (ص) نامه هایی به سران حکومتهای بزرگ جهان مانند «مقوقس» زمامدار مصر و «هرقل» پادشاه روم و «کسری» پادشاه ایران، نوشت و آنها را به سوی اسلام دعوت نمود، در ذیل بسیاری از این نامه ها به آیه فوق اشاره فرمود، یعنی حدّاقل بیایید در آن اصل مهمی که حلقه اتصال همه ادیان آسمانی است، اصل توحید، با یکدیگر همکاری و سپس همزیستی کنیم.

این خود، بهترین نشانه برای روح صلح طلبی اسلام و آمادگی برای همزیستی مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان آسمانی است، که ریشه در عصر پیامبر(ص) دارد.

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب چیست؟

پرسش

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب چیست؟

پاسخ

در روایات اسلامی نکات زیادی در این زمینه به چشم می خورد از جمله

۱ امام علی در فرمان معروف مالک اشتر می فرماید

«وَ اَشْعِرْ قَلْبَکَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعیَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لاتَکُونَنَّ عَلَیْهِمْ سَبَعاً ضاریاً تَغْتَنِمُ اَکْلَهُمْ، فَاِنَّهُمْ صِنْفانِ، اِمّا اَخٌ لَکَ فِی الدِّینِ اَوْ نَظیر لَکَ فِی الْخَلْقِ» [قلب خود را نسبت به ملّت خویش، سرشار از رحمت و محبّت و لطف کن و همچون حیوان درّنده ای مباش که خوردن آنان را غنیمت بدانی، زیرا آنها دو گروهند یا برادر دینی تواند و یا انسانی همانند تو!]

تعبیری از این گویاتر و رساتر درباره همزیستی محبّت آمیز نسبت به غیر مسلمانان پیدا نمی شود و با توجّه به اینکه علی(ع) در این فرمان این محبّت و مدارا و رحمت و لطف را وظیفه رئیس حکومت اسلامی می شناسد، تکلیف افراد یک جامعه در مقابل یکدیگر کاملاً روشن می شود.

۲ در حدیث دیگری از امام صادق(ع) می خوانیم که علی(ع) با یک کافر ذمّی همسفر بود، ذمّی از آن حضرت پرسید شما عازم کجا هستید؟ فرمود کوفه، هنگامی که آن مرد ذمّی سر دو راهی از علی (ع) جدا شد، امیرمؤمنان نیز همراه او آمد، مرد ذمّی گفت مگر نفرمودی که شما عازم کوفه هستی؟! فرمود آری چنین است، عرض کرد پس چرا راه کوفه را رها کردی؟ فرمود دانسته این کار را کردم!، عرض کرد پس چرا با این که می دانستی چنین کردی؟ فرمود

«هذا مِنْ تَمامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ اَنْ یُشَیِّعَ الرَّجُلُ صاحِبَهُ هُنَیْئَةً اِذا فارَقَهُ، وَ کَذلِکَ اَمَرنا نَبِیُّنا» (بحارالانوار ۴۱/۵۳) [این ازکمال حسن

معاشرت است

که انسان هنگامی که همسفرش از او جدا شد، کمی او را بدرقه کند، این گونه پیامبر به ما دستور داده است.]

مرد ذمّی از روی تعجّب پرسید راستی چنین است؟ امام فرمود آری مرد ذمّی گفت بنابراین کسانی که از او پیروی می کنند به خاطر همین اعمال بزرگوارانه اوست، و من گواهی می دهم که به دین توام!»

۳ در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم

«مَنْ ظَلَمَ مُعاهِداً وَ کَلَّفَهُ فَوْقَ طاقَتِهِ فَاَنا حَجیجُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ» (فتوح البلدان/۱۶۷) [هر کس بر غیر مسلمانی که پیمان (دوستی و همزیستی) با مسلمانان دارد ستم کند، یا به او بیش از توان و قدرتش تکلیف نماید، در روز قیامت، من خودم طرف حساب او هستم و حقّ او را مطالبه می کنم!]

۴ در حدیث دیگری که در کتاب خراج ابو یوسف آمده است می خوانیم

«حکیم بن حزام» مشاهده کرد که «عیاض بن غنم» جمعی از اهل ذمّه را در آفتاب نگهداشته به خاطر اینکه «جزیه» خود را نپرداخته بودند (و از این طریق می خواست آنها را تحت فشار قرار دهد) «حکیم» گفت ای عیاض! این چه کاری است می کنی؟ من از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود «اِنَّ الَّذینَ یُعَذِّبُونَ النّاسَ فِی الدُّنْیا یُعَذِّبُونَ فِی الْاخِرَهِ» (الخداج/۱۲۴) [کسانی که مردم را در دنیا آزار می دهند، خداوند آنها را در آخرت مجازات خواهد کرد.]

این مسأله به قدری در میان مسلمین معروف بود که از «عمر بن عبدالعزیز» نقل می کنند که یکی از فرماندارانش به نام «علی بن ارطاه» به او نوشت گروهی نزد ما هستند که خراجشان را بدون اینکه آنها را آزار دهند و ایذاء کنند نمی پردازند، عمر بن عبدالعزیز

به او نـوشت «راسـتی بسـیار عجیب است که تـو از من اجـازه می خواهی انسـانی را شـکنجه کنی! گویی من سـپر تو در مقـابل عـذاب الهی هسـتم و گویی اجازه و رضایت من تو را از عذاب الهی رهایی می بخشد (اگر چنین فکر می کنی، سـخت اشـتباه کرده ای) هنگامی که نامه من به تو می رسـد هر کس خراج خود را با میل خود بپردازد مشـکلی نـدارد و الّا او را سوگنـد بده (که توانایی ندارد و به همین سوگند قناعت کن) سـپس افزود به خدا سوگند من روز قیامت، خدا را در حالی ملاقات کنم که آنان جنایت کرده انـد (و حق بیت المال را نپرداخته انـد) نزد من محبوبتر است از این که خـدا را ملاقات کنم درحالی که آنها را شکنجه یا آزار کرده باشم!»

اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفّقیتهای علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟

پرسش

اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفّقیتهای علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟

پاسخ

در صورتی می تواند، به هدف مطلوب خود برسد که محکمترین پیوند را داشـته باشد وگرنه تبدیل به جهنم سوزانی می شود، که زحمات و مشکلات اجتماع را دارد، بی آنکه از برکات آن بهره مند گردد.

از یک سو بر وحـدت عمومی جهان بشـریت به عنوان اعضای یک خانواده و برادرانی که از یک پـدر و مادر متولـد شـده اند تأکید می نهد.

و از سوی دیگر مؤمنان را عضو یک پیکر، صرف نظر از اختلاف زبان و نژاد می شـمرد و می گوید «بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ» [شما همگی هم نوعید و همجنس یکدیگر و عضو یک پیکر.] آل عمران/ ۱۹۵

و در جای دیگر می فرماید «وَالْمُؤْمِنونَ وَالمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ اَوْلیاءُ بَعْضٍ» [مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند.] توبه/ ۷۱

به این نیز قناعت نمی کنـد و علاوه بر پیونـد بشـریت و پیونـد ایمان نسـبت به پیوندهای خویشاوندی، که در دایره فشـرده تر و نزدیکتری است نیز توصـیه و تأکید می کند و شکستن این پیمان را گناهی بزرگ می شمرد و می فرماید «اَلَّذینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللهِ مِنْ بَعْدِ میثاقِه وَیَقْطَعونَ ما اَمَرَ اللهُ بِه اَنْ یُوصَلَ وَیُفْسِدوُنَ فِی الْاَرْضِ اُولئِکَ هُمُ الْخاسِروُن» [فاسـقان آنها هسـتند که پیمان خـدا را پس از آنکه محکم ساختنـد می شـکنند و پیونـدهایی را که خـدا دسـتور داده برقرار سازند قطع می نمایند و در جهان فساد می کنند اینها زیانکارانند.] بقره/ ۲۷

و در سوره محمد (ص) آیه ۲۲ و ۲۳ می خوانیم «فَهَلْ

عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوا اَرْحامَكُمْ اُولئِكَ الَّذينَ لَعَنَهُمْ اللهُ فَاَصَمَّهُمْ وَاَعْمى اَبْصارَهُمْ» [اما اگر روی گردان شوید، آیا جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوند ی را قطع کنید چنین افراد کسانی هستند که خداوند آنها را از رحمتش دور ساخته، گوشهایشان را کر، و چشمهایشان را کور کرده است.]

و به این ترتیب قطع این پیوندها را همردیف فساد در زمین و مایه کوری و کری چشم و گوش باطن می داند.

اهمیت این پیوندها در اسلام تا آنجاست که هر چیزی که کمک به تحکیم پیوندهای اجتماعی کند، مطلوب شمرده شده حتی دورغی که بدترین گناه است برای اصلاح ذات البین مجاز می باشد.

و به عکس، هر چیزی که مایه از هم گسستگی پیوندها گردد منفور و مردود شمرده شده، تحت هر عنوان و هر نامی که باشد.

قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟

پرسش

قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟

پاسخ

دقت در تعبیرات قرآن نشان میدهد که برای ایجاد این رابطه، نزدیک ترین راه را پیموده، و اخوت و برادری را که نزدیک ترین و عمیقترین رابطه دو انسان با یکدیگر بر اساس مساوات و احترام متقابل است، اصل اساسی پیوند اجتماعی انسان ها شمرده است.

و این اخوت را، هم از نظر جسمانی بخاطر بازگشت همه انسانها به یک پدر و مادر و هم از نظر روحانی، بخاطر پیروی از یک مبدأ واحد فکری، یعنی ایمان به خداوند یگانه و آئین و قانون واحد، معتبر شناخته است.

قرآن روی کلمه «رفیق» یا «همنوع» و مانند اینها که در دنیای امروز بعنوان یک شعار مهم اجتماعی روی آنها تکیه میشود، تکیه نکرده، بلکه همه جا سخن از «برادری» به میان آورده است، آیات زیر شاهد گویای این مدعاست

۱. «اِنَّما الْمُؤمِنُونَ اِخوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ» حجرات/۱۰ [مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین در میان برادرانتان صلح و صفا ایجاد کنید.]

۲. «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُم اِذْ كُنْتُمْ اَعداءً فَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْواناً» آل عمران/۱۰۳ [بخاطر بیاورید نعمت خداوند را بر خود، هنگامیکه دشمن یکدیگر بودید، خداوند در میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و به لطف و نعمت الهی برادر یکدیگر شدید.]

۳. «وان تخالطوهم فاخوانکم» بقره ۲۱۹ [اگر با یتیمان آمیزش داشته باشید آنها برادران شما هستند.]

۴. «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَلِاِخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا بِالْایمان حشر ۱۰ [پروردگارا ما و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آوردند ببخشا.]

۵. قرآن یکی از صفات برجسته بهشتیان را همین «اخوت» شمرده آنجا که می گوید «وَنَزَعْنا ما فی

صُدوُرِهِمْ مِنْ غِلٍّ اِخْواناً عَلى سُرُرٍ مُتَقابِلينَ» حجر ۴۷ [ما تمام کینه ها را از درون سینه های آنها برمی کنیم، در حالی که احساس برادری می کنند، روی تختها در برابر یکدیگر قرار خواهند داشت] (هم برادرند و هم برابر و این دو میتوانند بهشت را در همین دنیا نیز بوجود آورند.)

دیدگاه قرآن درباره فیض حضور مؤمنان در صحنه های اجتماعی چیست؟

پرسش

دیدگاه قرآن درباره فیض حضور مؤمنان در صحنه های اجتماعی چیست؟

پاسخ

خدای سبحان در بیان بخشی از وظایف مؤمنان، نسبت به رسول اکرم(ص) می فرماید: «انما المُؤمنون الَذین امنوا بالله و رَسوله و اذا کان مَعَه عَلی أمر جامع لَم یَذهبوا حتی یستأذنوه اِن الذین یستأذنوک أولئک الذین یؤمنون بالله و رسوله فَاِذا اسَتأذنوک لِبعض شَأنهم فَأِذن لِمن شِئت منهم و استغفر لهم الله ان الله غفور رحیم» نور/۶۲؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیامبر ایمان آورده، در امور اجتماعی که حضور همگان در صحنه لازم است، هرگز پیامبر را تنها نمی گذارند و بدون اجازه پیامبر از صحنه خارج نمی شوند. البته استیذان از پیامبر، ناشی از قصور است، زیرا فرد استیذان کننده موفق به فوز عظیم همراهی با رسول گرامی(ص) نشده و بر اثر ناکامی به او ترخیص داده شده تا با اذن قبلی از محضر پیامبر بیرون رود.

آنگاه خداوند به پیامبر دستور می دهد تا برای چنین معذوری طلب آمرزش کند، زیرا گرچه او معذور است لیکن بر اثر این قصور از فیضی بزرگ محروم شده است و تنها به پاس استیذانش، پیامبر برای او استغفار می کند تا نقص او جبران شود.

بنابر این از آن جا که مراد، اعم از شخصیت حقیقی و حقوقی پیامبر است، این آیه برای همیشه زنده است و هم اکنون نیز در امور اجتماعی، کسی بدون اجازه قرآن و عترت حق ترک صحنه را ندارد ولی در صورت مأذون بودن نیز ولیّ عصر (ارواحنا فداه) برای وی آمرزش می خواهد و به یقین دعا و استغفار پیامبر و وصی او مستجاب است و گرنه دستور به استغفار لغو خواهد بود.

شاهد استجابت دعایشان، آیه ۶۴ سوره نساء است که در باره کسانی که به خود ستم روا داشته اند، می فرماید: اگر توبه کنند و پیامبر برایشان طلب آمرزش کند خداوند تو به آنها و استغفار پیامبر را می پذیرد: «لَوَجدوا الله تواباً رحیماً» نساء/۶۴. گرچه در آیه محل بحث، توبه خودِ تبهکار قید نشد، ولی متمّم پذیرش توبه و آمرزش گناه او، طلب آمرزش رسول گرامی قرار داده شد.

نشانه های وحدت نوعی انسان چیست؟

پرسش

نشانه های وحدت نوعی انسان چیست؟

پاسخ

۱ تبادل آرا و رسیدن به نظر واحد

تمام نسلها در همه عصرها و مصرها به تبادل آرا، تضارب اندیشهها، تعامل فرهنگ و تعاهد حقوقها... مبادرت میورزند. در هر کشور، شرقی یا غربی، شمالی یا جنوبی، حوزه یا دانشگاه تأسیس شود و علوم متنوعی در آن تدریس گردد طالب شرقی در جوار طالب غربی مینشیند و دانشجوی غربی در کنار دانشجوی شرقی میآرمد، همگان با داشتن آداب، رسوم، سنن، و عادات مختلف از رشتههای گونهگون علوم بهره میبرند و از استاد شرقی یا غربی، شمالی یا جنوبی دانش میآموزند، این هماهنگی گسترده در تمام دانشهای بشری نشان میدهد که انسان به منزله جنس نیست که دارای انواع متعدد باشد، بلکه نوع و حقیقت واحدی است که اصناف گوناگون دارد.

۲ انتظار همگانی وحدت و صلح جهان شمول

وحدت نوعی انسان را با شواهد تجربی دیگر میتوان کاملاً روشن کرد و در تأیید آن میتوان گفت که همه انسانها در انتظار روزی به سر میبرند که وحدتی فراگیر و جهان شمول حاکم گردد، همه منتظر روزی هستند که صلح جهانی حاکم شده و مصلح جهانی، حضرت بقیه الله ظهور کند. بنابراین، معلوم میشود، انسانیت دارای یک نوع است؛ زیرا اگر انسانها انواع گوناگون بودند، خواستههای آنها گوناگون میشد و اگر خواستهها گوناگون بود، راهها گوناگون میشد و اگر راهها گوناگون بود اهداف گوناگون میشد و با تعدد هدف و راه و رونده، هماهنگی و اتحاد محال بود. این که میبینیم، همگان میکوشند، تا انسانها را با قانون واحد هماهنگ کنند، برای آن است که همه پذیرفتهاند که انسانیت نوع واحد است، نه

این که انسانیت جنس باشد و اگر اختلافی هست، در صنف یا شخص باشد؛ یعنی انسانها ذاتاً مختلف نیستند بلکه اختلاف خارج از حقیقت انسانی و حریم ذات اوست.

البته بعضی انسانها، از باب خطای در تطبیق، فکر میکنند بدون وحی میتوان وحدت جهان شمول را تحصیل کرد، ولی همین مقدار کافی است که بگوییم: انسان نوع واحد است و با دین و وحی جهان شمول، میتوان او را متحد ساخت.

۳ تکامل اجتماعی

اگر انسانیت به منزله جنس بوده و دارای حقایق متباینه باشد، نه به منزله نوع، هرگز تکامل انسانها میسّر نخواهد بود؛ زیرا اگر انسان پیشین و انسان فعلی و آینده، انواع گوناگون بودند، هرگز با تجارب یک نوع، زمینه رشد نوع دیگر فراهم نمیشد. و در نتیجه نوع فعلی زمینه تکامل نوع آینده را فراهم نمیکرد؛ زیرا نوع گذشته با همه پیشرفتهایش مسیر تکاملی خاص خودش را طی کرده و نوع جدید فعالیت تازه خود را شروع میکند.

اگر مشاهده میشود، تجارب نسل گذشته، زیر بنای رشد نسل فعلی و تکامل عصر حاضر، زمینه تعالی عصر آینده قرار میگیرد، دلیل آن است که انسانیت در همه امصار و اعصار یک نوع است. انسان هم از نظر بعد زمانی و هم از نظر بعد مکانی، نوع واحد است و گرنه تبادل فرهنگ و مناظره و گفتگو و مناقشه و استدلال ممکن و معقول نبود.

این که مشاهده میشود که تمام انسانها، خواه کسانی که همزمان زندگی میکنند و خواه آنها که در عصرهای متعدد به سر میبرند، هم تبادل فرهنگی دارند و هم زمینه رشد بعدی را فراهم میسازند و هم درباره گذشتگان اظهار نظر میکنند

که آنها درست فکر کردند یا نادرست، برای آن است که انسانیت نوع واحد است و اگر انسان نوع واحد بود، ناگزیر دارای یک راه و یک هدف خواهد بود که آن راه واحد، اسلام است و آن هدف واحد، لقاء الله.

براساس این شواهد، انسانیت نوع واحد است و لذا قرآن میفرماید: «فَطَر الناس علیها» نه این که انسان انواع گوناگون بوده، فطرتهای متعدد داشته باشد و در نتیجه اهداف فراوان و راههای جداگانه برای او تصویر شود، بلکه فقط به سمت خدا متوجه است چنانکه از نزد خدا آمده و به سمت خدا میرود و به سمت خدا رفتن، راه مشخص میطلبد.

هدف اصیل آفرینش انسان نیل به مقام شامخ لقاء الله است و اگر از سعادتهای دیگر یاد میشود، در واقع اهداف متوسط و مقاصد میانه است و راه مطلوب فطرت که با پیمودن آن انسان به هدف میرسد اسلام است.

عناصر تقریب مسلمانان چیست؟

پرسش

عناصر تقریب مسلمانان چیست؟

پاسخ

عناصر و مایه هایی که میتواند امت اسلامی را در نقطه واحدی گرد آورد، دو گونه است:

الف: «عقیدتی و آرمانی».

ب: «کرداری و رفتاری».

درباره عنصر نخست، باید بگوییم که قرآن مجید بر یگانگی صراط تاکید می ورزد و می گوید برای پیمودن راه رستگاری بیش از یک راه وجود ندارد و دیگر راه ها همگی انحراف از آن صراط است. چنان که می فرماید:

«و اَنَّ هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فَتَفرق بکم عن سَبیله ذلکم وَصّاکم به لعلکم تتقون». اعراف/۱۵۳

[آگاه باشید که این است راه راست، از آن پیروی کنید و از راه های دیگر که شما را از آن راه پراکنده می سازد نروید، اینها است که خدا شما را به آن سفارش کرده تا به تقوا بگرایید.]

برای رسیدن به کمال از طریق عقیده و عمل، یک صراط بیش نیست و هر نوع راهی برخلاف آن، کژ راهی است که انسان را از پیمودن راه سعادت باز میدارد. تصور نشود که این صراط واحد، مربوط به پیامبر عظیم الشان اسلام است، بلکه تمام پیامبران مردم را به پیمودن یک راه دعوت کرده اند و آن تسلیم در برابر خداوند است.

آنچه که امروزه از آن به «صراط ها» یاد میشود، درست نقطه مقابل وحی الهی است که همواره بر «وحدت صراط» تاکید

داشته و دارد.

بخاطر همین وحدت صراط است که قرآن و حدیث در تمام موارد از «دین واحد» سخن بمیان می آورد نه از «ادیان» و تنها در یک روایت و آن از امام هشتم(ع) است که لفظ «دین» به صورت جمع آمده و

احتمال میرود که حدیث نقل به معنا شده است.

اصـرار قرآن بر لفـظ « دین » به صورت مفرد، برای این است که اصول عقیـدتی و قوانین کلی در مسائـل عملی، در تمام ادوار یکسان بوده و خداوند یک دین بیش نداشته و نخواهد داشت، چنان که می فرماید:

«ان الدین عند الله الاسلام». آل عمران/۱۹

و همه شرایع در جوهر دین و قوانین سعادت، مانند حرمت شراب و قمار، اختلاف ندارند.

اکنون «تبیین عناصر وحدت ساز در قلمرو عقیده و آرمان»

۱. یکتا پرستی و یکتا گرایی

«توحیـد» در جلوه هـای مختلف، رابطه ای است که میتوانـد همه مسـلمانان را در نقطه واحـدی گرد آورد. مسـلمانان جهـان به خدای یکتا، خالق و آفریدگار یکتا و مدبر و گرداننده یکتا اعتقاد و باور دارند و آیات قرآن و همچنین دلایل عقلی، بر توحید در ذات و توحیـد در خالقیت و توحیـد در تدبیر گواهی می دهند. در زیر آسـمان خدا، مسـلمانی پیدا نمی شود که ثنویت در ذات را بپذیرد و به خالقی جز خدا و یا مدبری جز او بیندیشد مگر این که از صراط مستقیم منحرف گردد.

یکی از مراتب توحید، توحید در عبادت است که همگان به آن معتقدیم و در نماز پیوسته می گوییم:

«ایاک نعبد و ایاک نستعین». حمد/۵

اعتقاد به اصل توحید در عبادت، برای یک مسلمان کافی است، دیگر لازم نیست در فروع آن به بحث و گفتگو پردازد.

از توحیـد که بگـذریم، نبوت عـامه و نبوت خـاتم رسولان، عنصـر وحـدت ساز است و همه مسـلمانان در این اصل یک صـدا هستند و یک نظریه دارند.

مساله «خاتمیت» اصل مستحکمی

است که همه مسلمانان در آن وحدت نظریه دارند و معتقدند که با آمدن پیامبر خاتم، باب نبوت لاک و مهر گردید و دیگر این باب به روی کسی باز نخواهد شد.

از این اصل که بگذریم اصل سومی به نام « معاد» مطرح است و همه مسلمانان معتقدند که خداوند بزرگ روزی همه را زنده می کند و نیکوکاران را پاداش و بدکاران راکیفر میدهد.

قال سبحانه:

«کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم الی یوم القیامه» انعام/۱۲

[خداوند رحمت و بخشش را بر خویش واجب گردانید و به یقین شما را در روز قیامت که در آن شکی نیست، گرد خواهد آورد.]

این اصول سه گانه که از آن بعنوان «عقیده و آرمان» تعبیر میشود، عناصری است که یک میلیارد مسلمان در آن وحدت نظریه دارند و اختلاف در جزئیات، جزو مسائل کلامی است و نباید مایه اختلاف شود.

اعتراف به این اصول سه گانه، مایه ایمان، و انحراف از آن مایه کفر است، بنابراین نباید گروهی گروه دیگر را، که هر دو در این اصول وحدت نظریه دارند، تکفیر کنند.

۲. یگانگی شریعت و آیین

مقصود از شریعت و آیین، همان احکامی است که رفتار و کردار ما را از نظر فعل و ترک، محدود می سازد، برخی را واجب و برخی دیگر را مستحب و مواردی را مکروه و ... معرفی می کند.

سر چشمه شریعت، کتاب خدا و سنت پیامبر است و همه مسلمانان در حجیت این دو اصل اختلافی ندارند و خوشبختانه امیر مؤمنان علی(ع) هم نگهبان قرائت قرآن و هم حافظ سنت پیامبر است و در روزگاری که نگارش سنت بدعت بود، او

سنت پیامبر را در کتابی که بعدها به نام «کتاب علی» معروف شد، گرد آورد و تا عصر حضرت صادق (ع) در اختیار عترت بوده است.

۳. وحدت رهبری

از عناصر سازنده « تقریب »، اتفاق مسلمانان بر وحدت رهبری است و این که رهبری را از آن خدا و رسول وی، و اولی الامر می دانند و همگان این اصل را از وحی الهی برگرفته اند، آنجا که می فرماید:

«...اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم....» نساء/۵۹

[از خدا اطاعت کنید و از رسول و صاحبان فرمان از خودتان نیز اطاعت کنید.]

رهبری این گروه، در مسائل خاص سیاسی خلاصه نمی شود، بلکه همه جوانب زندگی جامعه اسلامی را فرا میگیرد. از این جهت باید در گروه سوم، شرایطی مانند تقوا و علم و دانش برتر وجود داشته باشد که صلاحیت آنان را برای امر رهبری بیمه کند.

۴. وحدت درهدف وحدت:وحدت در هدف نیز از عوامل سازنده وحدت است. امت اسلامی معتقد است که باید جامعه را به سوی خوبی ها و نیکی ها و فضیلت و مکرمت سوق داد، چنان که می فرماید:

«کنتم خیر امه اُخرجت لِلناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله و لو آمن اهل الکتاب لکان خیراً لهم منهم المومنون و اکثرهم الفاسقون» آل عمران/۱۱۰

[شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید، به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند، قطعا؛ برایشان بهتر بود، برخی از آنان مؤمنند ولی بیشترشان نافرمانند.]

یکی از اهداف رسالت پیامبر که همه

مسلمانان باید در تحقق آن کوشا باشند، محو شرک و بت پرستی در جهان و جایگزین ساختن توحید به جای آن است و این هدف بزرگ به وسیله مسلمانان در جهان تحقق خواهد پذیرفت و از شرک و بت پرستی اثری باقی نخواهد ماند چنان که می فرماید:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» توبه/۳۳

[او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند]

بنابراین، امت اسلامی در عقیده و شریعت، در امر قیادت و رهبری و در غرض و هدف، وحدت نظریه دارند و باید در مجامع جهانی با هم همکاری کنند، نه این که به تکفیر و تفسیق یکدیگر بپردازند.

موانع تقریب مسلمانان چیست؟

پرسش

موانع تقریب مسلمانان چیست؟

پاسخ

۱. اختلافات کلامی و فقهی

پس از گذشت سه قرن از آغاز اختلافات کلامی، اهل سنت سرانجام در اصول عقاید مقلد یکی از دو امام گردیده اند و آنان عبارتند از: «اشعری» و «ماتریدی».

اما معتزله که از نظر ما شاخه ای از اهل سنت هستند – هر چند از نظر اهل سنت جزو آنان نمی باشند – برای خود مکتب خاصی دارند و به مرور زمان نابود شده و از آنان اثری جز چند کتاب باقی نیست.

شیعه در مسائل کلامی به سه گروه تقسیم میشوند: «اثنی عشری»، «زیدی» و «اسماعیلی» ولی اگر حقیقت این مذاهب کلامی، چه در سنی و چه در شیعه، شکافته شود خواهیم دید اختلاف در مسائلی است که ارتباطی به ایمان و اسلام ندارد و اگر مسلمان درباره آنها سخن نگوید مشکلی نخواهد داشت، مسائلی مانند:

الف: صفات خدا عین ذات اوست یا زاید بر آن؟

ب: قرآن کریم قدیم است یا حادث؟

یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟

پرسش

یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟

پاسخ

همانگونه که پیروزی انقلاب اسلامی دستاورد همدلی و همکاری طلاب و دانشجویان بوده ، دستیابی به آرمان های انقلاب و استحکام آن نیز به رعایت نکات ذیل بستگی دارد : ۱-همدلی و همکاری این دو قشر که می تواند در ابعاد بسیار متنوعی مطرحباشد، مثلا" در بعد فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، پژوهشی . همکاری سیستماتیک علمی و عملی این دو قشر می تواند تولید کننده فکر وهدف گذاری و تامین کننده نیازهای عمیق اندیشه و عمل برای دستیابی واستحکام آرمان های انقلاب اسلامی باشد .۲- جدیت و تلاش برای انجام مسوولیت ها و وظایف شخصی و اجتماعی مانند : تحصیل ، مطالعه ،خودسازی و انجام واجبات ، دوری از محرمات ، حساسیت نسبت به مسایل عمومی و سیاسی و حضور فعال و در جایی که لازم به مشارکت می باشد و...۳- پرهیز از تفرقه و مبارزه با تفرقه افکنی میان طلبه و دانشجو و خنثی نمودن توطیه های دشمن در دستیابی به این مهم ، زیرا دشمن از طریق تهاجم فرهنگی ، این دو قشر را نشانه گرفته تا بتواند این دو را که برای جامعه به منزله روح و جسم هستند از یکدیگر جدا کند .۴- آگاهی بخشیدن به مردم درمورد اهداف و آرمان های انقلاب ، مشکلات راه و گوشزد نمودن توطیه های دشمنان و ...۵- حرکت در خط امام و رهبری که یگانه راه سعادت جامعه واستحکام آرمان های انقلاب می باشد .برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- رسالت حوزه و دانشگاه سید عباس صالحی

۲- مجله حوزه شماره ۱۸ و ۳۵ ;

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟

پرسش

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟

پاسخ

برای حفظ و استحکام وحدت باید از طرح مسایل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسایل مشترک به تحقیق و مطالعه و مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه ها را متوجه دشمنان مشترك نمود .;

چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی بادشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی جمع کرد؟

پرسش

چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی بادشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی جمع کرد؟

پاسخ

مساله دوستی با دوستان اهل بیت (ع) و دشمنی با دشمنان آنان منافاتی با وحدت اسلامی بین شیعه و سنی ندارد؛ زیرا چنان نیست که اهل تسنن از دشمنان اهل بیت (ع) باشند× بلکه بسیاری از آنان به حکم آیه شریفه ((قل لااسیلکم علیه اجرا الاالموده فی القربی - شوری ۲۳)) دوستی و مودت اهل بیت (ع) را واجب می شمارند .بنابراین دستور فوق تنها شامل کسانی می شودکه با اهل بیت (ع) از سرناسازگاری در آمده و با آنان به مقابله برخاستند؛ مانند حاکمان ستمگر و یاوران آنها .افزون بر آن سر منع دوستی با دشمنان اهل بیت قرارگرفتن در خط و جریان انحرافی آنهاست . از این رو پیوندهایی که در این راستا قرار نگیرد چندان اشکالی ندارد .البته این نکته نیز لازم به تذکر است که دوستی با خاندان عصمت و طهارت مراتبی دارد ولیکن از امتیازات شیعه آن است که با تمام ابعاد به این دستور الهی جامه عمل پوشانده است . بنابراین اگر دوست شما از کسانی نباشد که نسبت به ایمه اطهار (ع) اظهار عداوت کند دوستی با او اشکالی ندارد .;

آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟

پرسش

آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟

پاسخ

مسلمانان با اینکه مذاهب مختلفی دارند امّا با وجود اختلاف در مذاهب چون در اصل اسلام با هم متفقند، باید در راه مبارزه علیه کفر و استکبار جهان، با هم متّحد شوند و اختلافات مذهبی آنان، مانع پیکار آنان، علیه کفر جهانی نمی شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۰۴

وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟

پرسش

وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟

پاسخ

بی تردید در حال حاضر، ملت مسلمان ما بیش از هر چیز دیگر نیاز به وحدت داد، ولی توجّه به یک نکته لازم است که معنای وحدت این نیست که شیعه مسائل اعتقادی اساسی خویش را نادیده بگیرد، یا اهل سنت از مسائل اساسی اعتقادی خود دست بردارد، بلکه معنای وحدت آن است که مسلمانان با حفظ آنچه بدان عقیده دارند، به این نکته توجّه داشته باشند که دشمن مشترکی دارند که برای مقابله با آن، باید هر چه بیشتر با یکدیگر همکاری و وحدت داشته و درگیری و نزاع نداشته باشند، بنابراین وحدت با بحث و گتگو درباره مسائل مذهبی با تفاهم و صمیمیت منافات ندارد; آری، طرح این مسائل نباید به گونه ای اختلاف برانگیز باشد، تا باعث برخورد و خصومت شود; بلکه بیان مطالب تنها باید به انگیزه روشن شدن حقیقت باشد،

همچنین باید سعی کرد که توطئه گران و دشمنان اسلام، از این امر سوءاستفاده نکنند و چنانچه زمینه برای چنین سوءاستفاده هایی باشد، مسائل مذکور را نیز نباید طرح کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۶۸

چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟

پرسش

چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟

پاسخ

اتحاد بین مسلمانان به این معنی است که مسلمانان در برابر دشمنان خویش، به طور مشترک مبارزه کرده و با یکدیگر اختلاف و تفرقه نداشته باشند. در برابر دشمنانشان ست نگشته، ناتوان گردند; ولی این بدان معنی نیست که بحث های علمی و منطقی را کنار بگذارند، یا یکی از دو طرف تسلیم معتقدات دیگری شود و درصدد تحقیق و بررسی درباره اعتقادات خویش نباشد.

بدیهی است، مسائلی که به اتحاد اسلامی ضربه وارد می سازد، مسائلی است که اختلاف و نزاع و کینه توزی را به دنبال دارد، ولی بحث علمی و استدلالی برای روشن شدن حق است و برای شخص بی طرف و منصف، منشاء هیچ گونه اختلاف و کینه توزی و دشمنی نخواهد بود.

۱۲۸۰

امروز، دستهای مرموزی در گوشه و کنار، برای دورساختن مردم، بویژه جوانان، از حریم دین و رهبران راستین شیعه، به فعالیت هایی دست زده اند وشبهات و اشکالاتی در این زمینه در میان آنان منتشر می سازند که اگر جوانان ما در معتقدات مذهبی خویش، با دلیل و برهان آشنائی نداشته باشند، تحت تاثیر واقع شده، بتدریج، اعتقادات خویش را از دست می دهند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۸۱

چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟

پرسش

چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟

پاسخ

تفرقه افکنی میان شیعه و سنی یکی از نقشه ها و توطئه های شوم استعمار است; زیرا استعمار برای غارت منابع مادی و معنوی ملتها، از هر راه ممکن وارد می شود. یکی از نقشه های کارساز و ابزارهایی که استعمار، در سایه آن می تواند بخوبی به اهداف پلید خود شود، ایجاد تفرقه میان مسلمانان است; وقتی نیروها در اثرتفرقه به ضعف گرایید، استعمار به مقصد خویش می رسد. البته باید توجّه داشت که اگر شیعه و سنی به این معنی نیست که شیعه از اعتقادات مذهبی خویش دست بردارد; بلکه منظور این است که از موضع گیری خصمانه نسبت به یکدیگر احترام کرد، علیه دشمن مشترک متّحد شوند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۹۶

با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسّر است؟

پرسش

با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسّر است؟

پاسخ

معنای وحدت این نیست که شیعه از اعتقاد خویش دست بردارد و به مذهب آنان گرایش پیدا کند; بلکه به این معناست که مشترکاتی در بین مسلمانان وجود دارد، مانند این که همه مسلمانان به خدا و قرآن و پیامبران الهی و معاد معتقدند. ضمن اینکه دشمنان مشترکی نیز دارند و برای ما وجود دارند، برای مقابله و رویارویی با دشمنان باید متحد شوند و با دشمنان مقابله کنند. در نتیجه اتحاد، منافاتی با بحث در باره مسائل مذهبی ، براساس ادله و براهین ندارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۹۷

ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟

پرسش

ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟

پاسخ

لازم است مسلمانان وحدت خویش را در مقابل دشمنانشان حفظ کنند و نباید اختلافات مذهبی آنان، مانع از مقابله و در صورت لزوم نبود با دشمن به طور دسته جمعی نگردد; اما این بدان معنی نیست که هر یک ، دست از اعتقادات مذهبی خویش بردارد.

اساساً، باید توجّه داشت که در این باره مطلب وجود دارد که نباید با یکدیگر خلط شوند; یکی بحث درباره این که پس از درگذشت پیامبر، جانشین وی که بوده است، که این بحثی اعتقادی و علمی است و بحث و استدلال در باره آن نباید به اختلافات ظاهری کشیده شود.

دیگر این که هر دو گروه، دشمنان مشترکی، مانند صهیونیسم و الحاد غرب دارند و بر هر دو گروه لازم است مبارزه مشترک، این نیست که هر دو، ویژگی ها و اعتقادات مذهبی خویش را رها کنند و تنها به جنبه های اشتراکی توجّه نمایند; بلکه باید به آنچه استدلالی و منطقی است تن بدهند، تا اختلاف اعتقادی و عملی باعث کینه توزی و دشمنی نگردد و آنان را از مبارزه

علیه دشمن مشترک باز ندارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۳۰۱

راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟

پرسش

راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟

پاسخ

بهترین راه برای از بین بردن دشمنی ها و اختلافها، تقویت روح ایمان در افراد است. در این صورت روح گذشت و فداکاری در میان افراد جامعه زنده می شودو اختلافات جزئی باعث تفرقه و دشمنی و کینه توزی نمی گردد.

قرآن مجید مسلمانان را مورد خطاب قرارداده، می فرماید.«واعتصمو بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا وادکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالّف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا; همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا برخودتان را یاد بیاورید، آن هنگام که با یکدیگر دشمن بودید، خدا بین دلهای شما الفت داد در نتیجه در اثر نعمت خدا]نعمت ایمان[با یکدیگر برادر شدید.»

(بخش پاسخ به سؤالات)

(۱)۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۱۲۱۸

وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟

پرسش

وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟

پاسخ

آنچه افراد باید در آن وحدت داشته باشند خط اسلام راستین است که در خط امام متبلور است و اگر افراد اسلام را معیار قرار دهند به هیچ وجه درگیری بوجود نمی آید و اختلاف باقی نمی ماند و اختلاف سلیقه ای بزودی حل می شود و ضرری ایجاد

نمی کند بر این اساس باید توجه داشت که افراد تا چه مقدار معیارهای اسلامی را در نظر بگیرند و تاچه اندازه به اهداف گروهی توجه می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۳۶

آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟

پرسش

آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟

پاسخ

این استدلال که اگر دین یا نظریه ای درست بود مردم درباره آن اختلاف پیدا نمی کردند صحیح نیست چه بسیار حقایق و واقعیتهایی که هر انسان با انصاف و حقیقت جویی می تواند درستی آنها را به خوبی درک کند و به صحت آن اذعان نماید; ولی عوامل گوناگون عده ی زیادی را از درک حقیقت باز می دارد و آنها را در مورد آن دچار شک و تردید می سازد. وجود اختلاف در حقایق دینی و نیز حقایق علمی موجب آن نشده است که انسانهای آزاده و حق جو لحظه ای از تلاش و کوشش برای درک حقیقت و واقعیت باز ایستند، بلکه درباره هر دین و نظریه ای به تحقیق و کاوش خود ادامه می دهند تا با دلیلهای روشن حقایق را درک کنند اسلام نیز یکی از همان حقایق است که اختلافهایی که در باره آن پیدا شده است. هیچ انسان منطقی را از تحقیق و کاوش درباره ی آن باز نمی دارد; زیرا که با وجود اختلافهای مذهبی و فرقه ای اصولی ثابت و مورد اتفاق وجود دارد که از راه آنها می توان حقیقت را درک کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۳۹

آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟

پرسش

آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟

پاسخ

قیام سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدا...الحسین(منبع الهام بخشی است برای به ثمر رساندن حق و عدالت در هر عصر و

زمانی. حسین (دارای چنان ایمان و بصیرت و همت و استقامتی است که برای اقامه و اعتلای حق و عدل از همه چیز خود می گذرد. سخنان و رجزهای مردانه و سرشار از روح ایمان او در روز عاشورا، سراسر درس زندگی است. آنجا که در سخنانش خطاب به لشکر دشمن می فرماید : "ای مردم، رسول خدا(فرمود : هر کس درجامعه ببیند حاکمی بر سر کار است که ظلم می کند، حرام خدا را حلال می شمارد، حکم خدا را کنار می گذارد و عمل نمی کند، و با سنّت رسول خدا(مخالت می کند، در میان مردم با ظلم و ستم و دشمنی عمل می کند، و سپس (این فرد) با زبان و عمل علیه او اقدام نکند، خداوند در قیامت این ساکتِ بی تفاوتِ بی عمل را به همان سرنوشتی دچار می کند که آن ظالم را دچار کرده است."(۱) این سخن بیانگر ایجاد یک حرکت است در انسانهای خمود و افسرده و بی تحرک و زبون و راضی به هر ظلم و ستمی، به سوی یک وحدت و همدلی برای نابودی ستم. و آن زمان که در صحنه جنگ و درگیری امام فریاد بر می آورد که : "هل من ناصر ینصرنی. آیا کسی هست که مرا یاری کند" یعنی آیا هیچ انسان شرافتمندی پیدا می شود که از حریم مقدس رسول خدا(پاسداری کند، در واقع

دعوت به اتحاد و همبستگی برای حفاظت و صیانت از مقدسات الهی است.

امام با قیام خود به بشریت آموخت، ملتی که اسیر و در بند است، ملتی که دچار فساد سران است، ملتی که دشمنان دین بر او حکومت می کنند و زندگی و سرنوشت او را بدست گرفته اند، باید بداند که تکلیفش چیست، و نهضت حسینی تکلیف تک تک افراد را از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد را مشخص کرده و آن تکلیف این است که اگر موطن اصلی ما لقاء پروردگار است، باید چون حسین(و یارانش آهنگ سفر کرد.

در طول تاریخ، درهر زمانی، یک جبهه و خصم جهانی اسلام و مسلمین را تهدید کرده و می کند، لذا باید این جبهه را شناخت و زمان را از دست نداد، و برای مقابله با آن متحد شد و تا پای جان و قربانی کردن همه چیز، دست از مبارزه برنداشت، این پیامی است که عاشورا به ما می دهد، شناخت باطل، دانستن تکلیف در برابر او، آنگاه وحدت و اتحاد در براندازی باطل.

امروز با موج تبلیغاتی گسترده ای که دشمن استکباری از هر سو و به هر طریقی علیه اسلام و مسلمین به راه انداخته، بر آحاد

مسلمانان واجب است که با درس گرفتن از نهضت حسین(و یارانش، برای مقابله با این دشمنیهای آشکار، وحدت نظر و وحدت عمل را بدست آورند، تا پرده های ظلمات را که سالیان سال است آنان را فرا گرفته و تفرقه و جدایی را میان آنان دامن زده، شکافته و علیه دشمن مشترک به مبارزه پردازند. البته این امر مقدس سختیها

و مرارتهای فراوانی دارد؛ و نیاز به همتی والا و استقامتی مثال زدنی، آنگونه که در امام حسین(و اصحاب بزرگوارش بود، دارد. امری است مشکل، ولی شدنی. نمونه عینی این اتحاد و ایمان واستقامت در انقلاب اسلامی سال ۵۷ به وضوح لمس است. آنچه در بهمن ۵۷ اتفاق افتاد، نتیجه درسی است که مردم متدین و شجاع ایران از قیام حسین(گرفتند. با یک وحدت نظری و عملی، باطل را شناختند و تکلیف خود را در برابر او دانستند، آنگاه در یک جبهه واحد و با یک اتحاد ملی، تیشه بر ریشه حکومت ۲۵۰۰ ساله ظلم و بیداد زدند و آن را از بیخ و بن در آورده و این نتیجه همان عشق به حسین (و آرمانهای والای او بود، الهام از همان درس ایمان و استقامت و شهادتی بود که او به پیروانش داد. چیزی که تمام ملل مسلمان شدیداً به آن نیازمند و در عین حال غافل از آن هستند.

منابع و مآخذ :

۱. بحارالانوار، ج۴۴،ص۳۸۲

* حماسه خمینی، شهید مطهری

امانتداران عاشورا، بیانات مقام معظم رهبری

اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه وسنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تکرار می کنیم این سؤال اهل سنت هست فرضاً گذشتگان ما (خلفاء سه گانه) دچار اشتباه شده اند چرا شیعیان هر روز و شب آن را به رخ اهل سن

پرسش

اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه وسنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تکرار می کنیم این سؤال اهل سنت هست فرضاً گذشتگان ما (خلفاء سه گانه) دچار اشتباه شده اند چرا شیعیان هر روز و شب آن را به رخ اهل سنت می کشند و این باعث فاصله و کینه بیشتر مسلمین می شود و چطور انتظار دارند که اهل سنت گفته شیعیان را قبول می کنند در صورتیکه پدران ما

را فحش می ءدهند. اگر کسی پدر و اجداد شما را فحش بدهد آیا شما حاضر هستید که حتی گفته های او را اگر به نفع شما باشد گوش دهید؟

پاسخ

در خصوص سؤال شما باید عرض کرد که هیچ یک از اهل تشیع خصوصاً علمای شیعه، نه با اهل تسنن و علمای آنها، دعوا دارند و نه به آنها فحش می دهند مگر اینکه فردی یا افرادی ساده لوح و جاهل و فریب خورده باشند که دست به چنین کاری بزنند و گرنه هیچ یک از عقلا و علمای شیعه دست به چنین اعمالی نزده و نمی زنند. ولی از آن طرف بارها این مسأله رعایت نشده است و در کتابهای شیعه و سنی مدارک زیادی را می توان از بی انصافی بعضی از علمای سنی نسبت به شیعه بدست آورد. به علاوه اینکه وحدت میان شیعه و سنی هیچ منافاتی با اختلاف نظر و عقیده ندارد بلکه آن چیزی که وحدت را از بین می برد دعوا کردن و فحش دادن و توهین کردن است که از هر دو طرف قبیح و حرام است و این یکی از همان حربه های مهمی است که استعمار گران، بارها توانسته اند به توسط آن، منابع آنها را غارت و ممالک آنها را استعمار و مردم مسلمان را ذلیل کنند. اصل (فَرِّقْ تَسُدْ) [تفرقه بینداز، آقایی کن]، از اصول مهم استعمارگری و چپاول است که هنوز هم به وضوح شواهد آن را می توان در عراق و شهرهای سنی نشین ایران و مناطق دیگر مشاهده کرد.

برای مطالعه بیشتر می توانید به اوائل کتاب شبهای پیشاور مراجعه بفرمایید

که برای شما بسیار مفید و آموزنده خواهد بود و همچنین کتاب دستهای ناپیدا (خاطرات مستر همفر) را اگر مطالعه ننموده اید حتماً رجوع نموده و استفاده کنید.

قسمتی از کتاب شبهای پیشاور آمده (... آقایان محترمی که می گویند تحریک احساسات نباید نمود آیا نظری به کتابها و مقالات و حملات بعضی نویسندگان سنی نما نمی نمایند تا ببینند آن قلمها احساسات می نماید نه دفاعهایی که علماء و دانشمندان شیعه می نمایند)(۱)

در پایان این نکته نیز قابل توجه است که اگر اهل تسنن واقعاً به اشتباه خلفاء سه گانه پی برده اند و فهمیده اند که تمام مصائب امت اسلام به خاطر اشتباهات آنها در غصب خلافت و خانه نشین کردن امیرالمؤمنین علی (ع) است، پس نباید همچنان از آنان دفاع کنند. پس اصل این شبهه ای که بیان فرموده اید (و این شبهه از مکاید استعماری است) فقط برای خلع سلاح کردن تشیع است نه برای حفظ وحدت مسلمین.

منابع و مآخذ :

۱. شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی(رحمه ا...)، ص۱۳

مصلحت جهان اسلام و از طرفی حق گرایی شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همه این ها; چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکنند؟ چرا ما با آن ها سازش نکنیم مگر نه این که برادران اهل سنت مأمور به خطاب "لا تفرقوا" و... می باشند؟

پرسش

مصلحت جهان اسلام و از طرفی حق گرایی شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همه این ها; چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکنند؟ چرا ما با آن ها سازش نکنیم مگر نه این که برادران اهل سنت مأمور به خطاب "لا تفرقوا" و... می باشند؟

پاسخ

آری قرآن همه مسلمانان را به وحدت وعدم تفرقه فراخوانده می فرماید: "همگی به ریسمان خدا]قرآن اسلام و هر گونه وسیله وحدت ، چنگ زنید، و پراکنده نشوید"(آل عمران ۱۰۳) امّا وحدت شیعه و سنی به معنای سازش با اهل سنت و دست کشیدن از مذهب حق اهل بیت نیست چنان که وحدت به معنای شیعه شدن اهل سنت نیست

معنای صحیح وحدت این است که

۱. همدیگر را مسلمان بدانیم به یکدیگر نسبت کفر ندهیم چرا که همه ما معتقد به خدای یگانه نبوت پیامبر اکرم ۶ بوده قبله و کتاب آسمانیمان یکی است

۲. از نزاع ودرگیری با یکدیگر پرهیز کنیم و به حکم مسلمان بودن مدافع یکدیگر باشیم چرا که نزاع و درگیری باعث ضعف مسلمانان و ضربه وارد شدن به اصل اسلام و قرآن خواهد شد: "وَلاَ تَنَزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُم (انفال ۴۶) نزاع و کشمکش نکنید، که سست شوید، و قدرت وشوکت شما از بین برود."

۳. با تأکید بر مشترکات دست به دست هم دهیم و در مقابل دشمنان مشترک که کمر به نابودی اسلام و قرآن بسته اند ایستادگی نماییم

۴. یکدیگر را تحمل کنیم و در موارد اختلافی با یکدیگر برخورد منطقی داشته باشیم به این معنا که افراد

غیرمتخصص از وارد شدن در بحث ها و گفتگوهای بی ثمر پرهیز نموده و افرادی که شایستگی بیان مسائل دینی را دارند، در جای مناسب و با شیوه مناسب مسائل اسلامی را بیان نمایند تا حقیقت برای حقیقت جویان روشن شود. چنان که در این زمینه قدم های مثبتی برداشته شده است به عنوان نمونه الان هر ساله درمناطق اهل سنت ایران (بیشتر در سیستان و بلوچستان ، همایش های علمی تحقیقی برگزار می شود و علما و دانشمندان شیعه و سنی درباره موضوعات مطرح شده مقاله می نویسند و به بحث و گفتگو می پردازند، در پایان نتیجه آن هم اعلام و به صورت کتاب چاپ و منتشر می شود.(ر.ک به سوی تفاهم مجموعه مقالات همایش های علمی تحقیقی دیدگاه های مذاهب اسلامی / ره آورد گفتمان دستاورد ۲۹ کمیسیون علمی تحقیقی علمای تشیع و تسنن / هم اندیشی مذاهب اسلامی مجموعه مقالات همایش علمی تحقیقی مذاهب اسلامی این کتاب توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی مذاهب اسلامی قم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان گردآوری و منتشر شده است)

بنابراین آن چه وظیفه ماست این است که با حفظ مذهب و پرهیز از نزاع و درگیری حق و حقیقت را در جای خود و با شیوه مناسب بیان کنیم

"وَ مَا عَلَيْنَآ إِلآ الْبَلَغ ُالْمُبِين ُ ;(یس ۱۷) و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست . و "إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَن ْأَحْبَبْت َوَ لَكِن َاللَّه َيَهْدِى مَن يَشَآءُ وَ هُوَ أَعْلَم ُبِالْمُهْتَدِين َ ;(قصص ۵۶) تو نمی توانی کسی را که

دوست داری هدایت کنی ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند; و او به هدایت یافتگان آگاه تر است

در پایان لازم به یادآوری است که برادران اهل سنت همه متعصّب نیستند، بلکه در بین آنان افراد حقیقت جو و طالب حق نیز وجود دارد.

چرا با تاکیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟

پرسش

چرا با تاکیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟

پاسخ

حوزه های علمیه شیعه پیوسته درطول تاریخ برآن بوده اند که با وجود مشکلات فراوان دست نیاز به سوی دولت هادراز نکنند و همین امر موجب وجود روح آزادی و حریت و ضامن استقلال حوزه ها از دخالت حکام بوده است. درزمان کنونی نیز هرچند نظام حاکم اسلامی و برخاسته از حوزه است ولی همچنان این اصل باقی است و ضامنسلامت حوزه ها از وابستگی می باشد. لذا هر چند ممکن است بی مهری هایی توسط برخی نسبت به حوزه انجام گیردو در اصل این انتخابی است از سوی حوزویان که حتی الامکان مشکلات را با امکانات محدود داخلی برطرف سازندو از سرازیر شدن سیل امکانات دولتی که سرانجامی نه چندان شایسته دارد خودداری کنند. {J

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پرسش

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پاسخ

مسأله وحدت حوزه و دانشگاه نه تنها ممکن بلکه یک ضرورت حیاتی برای جامعه ماست. جدایی این دو گروهعلمی-فکری در جامعه ما نقش تخریبی بسیار زیانباری دارد و مملکت را به بدنی شبیه می سازد که دارای دو مغزاست. این دو مغز اگر به همفکری بشتابند فعالیت ها و کنش های بدن رابهتر و حساب شده تر می سازند ولی اگر بیگانهاز یکدیگر باشند هرج و مرجی وصف ناپذیر پدید می آورند. البته در رابطه با این که «تعریف این وحدت چیست وچگونه وحدتی بین این دو نهاد مقدس مطلوب و شدنی است» بررسی های انجام شده کافی نیست و از سوی هر دوگروه باید بررسی ها و کاوش های عمیق تری به عمل آید. تاکنون از دو سو شیوه های متعددی پیشنهاد گردیده؛ از جمله:الف) وحدت اخلاقی، ب) وحدت معرفتی، ج) وحدت ایدئولوژیک در معرفت بشری، د) وحدتسازمانی(ارگانیک)، ه) وحدت عملی (پراگماتیک)، و) وحدت سیاسی، ز) وحدت استراتژیک.

مهمترین شیوه از موارد بالا وحدت استراتژیک است.{J

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی , مانند دانشگاه چیست ؟

پرسش

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی , مانند دانشگاه چیست ؟

پاسخ

برای حفظ و استحکام وحدت باید از طرح مسائل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسائل مشترک بهتحقیق و مطالعه و مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه ها را متوجه دشمنانمشترک نمود.{J

برای ازبین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی درپی دارد چه راههائی را پیشنهاد می نمائید ؟

پرسش

برای ازبین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی درپی دارد چه راههائی را پیشنهاد می نمائید ؟

پاسخ

وجود تعصبات واختلافات ذکر شده در نامه جنابعالی علل و زمینه های متعدد فرهنگی تاریخی و ... داشته و درجامعه مورد نظر نهادینه شده و به صورت فرهنگ عام درآمده است طبیعی است مبارزه با چنین پدیده شومی تاحدودی دشوار و نیازمند زمانی طولانی و در عین حال بسیار ضروری و حیاتی است بهترین شیوه تغییر این کیفیتخط دهی از مجاری فرهنگی و نفوذ در عناصر فرهنگ پذیر است به نظر می رسد با توجه به اینکه جنابعالی در آینده بهوظیفه مقدس دبیری اشتغال خواهید یافت موقعیت بسیار ارزنده ای در جهت تصحیح و تنویر افکار نوجوانان آن خطهخواهید یافت و می توانید نقش موثری در دگرگون سازی تدریجی وضعیت فوق در نسل جوان داشته باشید همچنینمشارکت و همکاری در دیگر کانونهای فعالیت فرهنگی و دینی مانند مساجد و ... زمینه خوبی برای افکار صحیحاسلامی در این زمینه است.{J

مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟

پرسش

مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟

پاسخ

وحدت حوزه و دانشگاه، یکی از ره آوردهای عظیم و پربرکت انقلاب اسلامی است. بدون شک تداوم انقلاب وبنیان گذاری تمدن نوین اسلامی و رشد و توسعه فراگیر آن، جز در پرتو وحدت و پیوند گسست ناپذیر این دو نهادمقدس امکان پذیر نیست. آنچه در این روند، بایسته و اجتناب ناپذیر است، در درجه اول شناخت ماهیت این دوپایگاه عظیم، توانمندی ها و کاستی های هر یک و سپس داشتن الگویی مناسب جهت پیوند و وحدت آن دواست.

در رابطه با ماهیت حوزه و دانشگاه، تردیدی نیست که وجه مشترکشان این است که هر دو نهادهایی علمی وپرورش دهنده شخصیت های علمی و فکری هستند. در عین حال هر یک خاستگاهی ویژه و ساختار و روش خاصخود و تاریخچه و کارنامه ای جداگانه دارند.

- خاستگاه اساسی حوزه های علمیه، شور و اشتیاق زاید الوصف دینی و علاقه به ژرفکاوی در معارف سعادتبخش وهدایت آفرین الهی و کنجکاوی در دستورات جامع و زندگی ساز اسلام و شناخت جهان بر اساس رهنمودهای وحیانیو آموختن هنجارهای دینی در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان است. این انگیزه باعث پیدایش حوزه هایبزرگ علمیه در طول تاریخ و پرورش چهره های علمی درخشانی شده است که علاوه بر علوم خاص دینی در دیگررشته ها مانند: فلسفه، ریاضیات، هیئت، طب و ... نیز سرآم د روزگار خویش بوده و افزون بر خدمات علمی، دارایفعالیت های اجتماعی و سیاسی بسیار ارزنده ای نیز بوده اند. در این حیات می توان از چهره هایی چون: بوعلی سینا،شیخ طوسی، شیخ بهایی، ملا صدرا، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت اللّه حسن زاده، حضرت

امام خمینی و ...نام برد. بر اساس آنچه در دستور رضا خان جهت تأسیس دانشگاه تهران - که اولین دانشگاه ایرانی به سبک جدید درایران است - بیان شده در رابطه با خاستگاه دانشگاه های جدید در ایران دو نکته بیان شده است: ۱- آشنایی با علم وتکنولوژی غرب، ۲- تربیت کادر نظام.

این دو نکته در دستور رضا شاه برای تأسیس دانشگاه تهران به چشم می خورد. در این رابطه اولاً توجه به غنایداخلی و رشد و توسعه علمی با تکیه بر امکانات بالقوه و فرهنگ داخلی، فراموش گردیده و این تلقی را در ضمن خوددارد که در راستای رشد علمی همواره باید مصرف کننده تولیدات غرب باشد. ثانیا در تربیت کادر نظام با توجه بهوابستگی کل نظام به سلطه های غربی، شیوه ای را می طلبید که در آن افرادی وابسته و مقلد غرب پرورش یابند. ثمراتاین حرکت به گونه ای شد که ناگهان فریاد شریعتی ها بلند شد و پرده از خیانت های پرورش یافتگان نظام تربیتی غربیبرداشته شد و کسانی چون شریعتی ها بانگ بر آوردند که پای هر قرارداد استعماری، امضای یکی از تربیت یافتگاندانشگاه ها دیده می شود، در حالی که هیچ روحانی حوزه رفته ای در این امور مشارکت ندارد. البته این به معنای آننیست که همه دانشگاهیان این گونه تربیت می شدند، بلکه مقصود آن است که یکی از اهداف بنیان گذاران دانشگاهجدید این بوده است، لیکن دانشگاهیان به دو دسته انسانهای شریف و مستقل و انسان های با گرایش های غربی بدونشک نقش فعال و گسترده گروه اول - بویژه پس از انقلاب اسلامی - بسیار حایز اهمیت و چشمگیر است.

البته در این بین یک واقعیت نیز قابل انکار نیست و آن

این است که حوزه های علمیه در عین آن که در طول تاریخفعالیت خود، علاوه بر آثار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و شخصیت های بزرگی که در خود پرورش داده اند، به دلیلفشارهای سیاسی و اجتماعی و نیز برخی نگرش ها و بینش های درونی خود، در یکی دو قرن اخیر دچار تضیقاتشدیدی شده و از همین رو دچار ضعف هایی نیز گشته است. از جمله آن که به دلیل فشارهای مختلف به خصوص درعهد رضا خان، بسیاری از رشته های علمی کنار گذاشته شد و به حداقل اکتفا گردید؛ مثل رشته های پزشکی، نجوم،هندسه، علوم طبیعی و ... .

علاوه بر این شرایط موج غربگرایی و خود باختگی در برابر آن و نیز شعار غربی جدایی دین از سیاست نیز، بیش ازپیش حوزه ها را دچار اختلاف و محدودیت نمود.

اکنون نیز این باور در بسیاری از اذهان وجود دارد که بایستی دین و رجال دین از سیاست جدا باشند که این نیز ازارمغان های تفکر غربی است.

پیشنهاد نویسنده عزیز نامه در مورد مرتبط شدن حوزه ها با علوم دانشگاهی در همین راستا نکته ای قابل توجهاست؛ ولی نبایستی از وحدت برداشتی فیزیکی داشت. اگر امام راحل «ره» و نیز شخصیت های بارز فرهنگی دیگربرای دفاع از کیان فرهنگ، اسلام و استقلال فکری شعار وحدت حوزه و دانشگاه را سر داده اند بدان معنا نیست کهباید از نظر فیزیکی و اداری در یک چارچوب قرار بگیرند - که چنین وحدتی نه ممکن است و نه مفید - وحدت،وحدت در اهداف و اصول و راهبردها و راهکارهاست، نه وحدت صوری و فیزیکی.

در نوشته دوست عزیز درباره تفکر آزاد نیز بحث شد و ادعا شده که در دانشگاه تفکر آزاد وجود دارد و نه

در حوزهندارد.

اگر مقصود آن است که در حوزه شبهات مورد بحث و نقد قرار نمی گیرد که سخنی برخلاف واقع است از گذشته هایبسیار دور بزرگ ترین شبهات ملحدین و پیروان ادیان و مذاهب دیگر، در حوزه ها مطرح و بدان پاسخ داده می شدهاست.

البته حوزه ها بنا بر رسالت خویش وظیفه تبلیغ و گسترش فرهنگ دینی و آنچه را که حق می دانند بر عهده دارند وکسانی نیز که در این سلک وارد می شوند به همین انگیزه در این راه گام می نهند. از این رو علی الاصول نمی توانند ونبایستی که در مسیری جز آن گام بردارند.

ولی این بدان معنا نیست که فکر خود را نیز سانسور کنند و در مسائل اساسی نیندیشیده و به بررسی و نقدنپردازند.

در مورد مشکل حاکمیت کشور به اقتضای قانون اساسی و نیز ضرورت های انقلاب در حال حاضر، چنین وضعیتپیش آمده است ولی باید توجه داشت که امام راحل «ره» از آغاز نظرشان آن بود که کلیه مناصب اجرایی به غیرروحانی واگذار گردد؛ ولی شرایط ویژه و حساس پس از انقلاب و چند تجربه ناموفق از شخصیت های غیر روحانی آنزمان، این ضرورت را اقتضا کرد که برای مدتی تا پرورش نسل های نو و دارای ویژگی های لازم برای حفظ استقلالفکری و سیاسی مملکت، شخصیت های روحانی قدرت را در دست داشته باشند. امید است شرایط به گونه ای پیشبرود که نیازی به وجود و حضور روحانی در پست های اجرایی نباشد.

مقتضای تفکر آزاد آن است که بیندیشیم در شرایط بحرانی پس از انقلاب و جنگ تحمیلی، کدام سیستم و روشمی توانست کارا باشد؟ به هر صورت تحلیل گذشته ها خود عرصه ای وسیع می طلبد.

درباره پیشنهادهای دوست عزیزمان چند نکته را به اختصار یاد آور

می شویم:

۱- چنان که گفته شد مقصود از وحدت، وحدت فیزیکی حوزه و دانشگاه نیست؛ بلکه وحدت مسیر و هدف است.علاوه بر آن که یکسان شدن محیط آم وزشی حوزه و دانشگاه به دولتی شدن حوزه ها منجر می شود و دولتی شدنحوزه، خطر بزرگی است که همواره حوزه ها از آن پرهیز می کرده اند.

اگر حوزه ها توانسته اند در شرایط مختلفی همانند انقلاب مشروطه انقلاب ضد انگلیسی در عراق و ... و بالاخرهانقلاب اسلامی نقشی ایفا نمایند به دلیل استقلال خود از حکومت بوده است؛ همان خبری که دوست عزیزمان برایآن نگران هستند ولی در پیشنهاد خود عملاً آنچه را از آن می گریخته اند به عنوان راه حل ارائه نموده اند.

۲- پیش از انقلاب بنا به دلایلی - که برخی از آنها اشاره شد - حوزه ها حداقل شرایط را در جذب و گزینش مدّ نظرقرار داده می شد؛ ولی پس از انقلاب گزینش و ورودی ها بر اساس صلاحیت ها انجام گرفت و در مواد درسی و سیستمآموزشی نیز تحولاتی به وجود آمد، گرچه هنوز جای اصلاح فراوان باقی مانده است.

البته شاید با فرمول خاصی مشروط بر آن که منجر به دولتی شدن حوزه نشود از طریق کنکور نیز طلبه پذیرش نمود؛ولی بنا بر همین نکته (دولتی شدن) تاکنون حوزه رغبتی به این امر نشان نداده است. در عین حال پیشنهاد دوستعزیزمان مبنی ر این که از استعدادهای خوب و برتر برای حوزه استفاده شود پیشنهادی بسیار مغتنم و با ارزش است کهباید راهی برای انجام آن یافت (البته ما نیز متصدی حوزه هستیم).

۳- آزادی تفکر در حوزه وجود دارد و دلیل آن وجود صدها دانشمند، نویسنده و متفکر با سلایق و اندیشه هایگوناگون و هم چنین وجود

هزاران کتاب، مقاله، تحقیق و ... که هر کس آزادانه نظر و بینش خود را ارائه می دهد و هیچمنعی تا بحال در این زمینه مشاهده نشده است و این خود بارزترین نشانه بر وجود آزادی تفکر است. البته معیار وچارچوبی در این زمینه وجود دارد و آن قرآن و روایات ائمه معصومین(ع) است که همه خود را موظف می دانند در اینچارچوب حرکت و فعالیت کنند.

۴- درباره شغل نبودن تبلیغ دین؛ این سخنی اساسی است و هرگز نیز مبلّغ دین نبایستی آن را شغلی همانند مشاغلدیگر بداند. ولی نکته ای در این جا قابل بحث است و آن این که با توجه به تخصصی شدن دانش ها و نیاز عظیم جامعهاسلامی و جهان، آیا این امکان وجود دارد که شخص در رشته ای که نیاز به بیست الی سی سال تحصیل دارد متخصصشود در عین حال شغل دیگری هم داشته باشد؟

در شرایط فعلی حتی کسب اطلاعات و آموزش های عمومی و پایه ای با این فرض قابل تحقق نیست مگر بهصورت تیم بند و غیر اصولی.

بنابراین همان گونه که دانش های دیگر منجر به شغل می شوند، این رشته نیز باید منجر به شغل شود.

راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاهها چیست

پرسش

راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاهها چیست

پاسخ

در این زمینه تلاش بسیاری صورت می گیرد، البته باید اذعان نمود که تلاش های موجود کافی نیست. از طرف دیگرعوامل خنثی کننده ای نیز هست که سعی در دور نگه داشتن این دو نهاد علمی از هم دارند؛ لیکن مهم این است که حوزویان و دانشگاهیان، هر دو در این زمینه مسؤولیت دارند و باید با تمام وجود و با به کارگیری بهترین طرح ها وامکانات در نزدیک شدن و روابط و تفاهم با هم ، تلاش کنند.

در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم ؟

پرسش

در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم ؟

پاسخ

چگونگی رابطه با اهل سنت در محیط ها و شرایط مختلف متفاوت است. در هر صورت اصل اخوت و برادری اسلامی رابايد

محفوظ داشت. اما دعوت شخص یا اشخاصی از آنان به تشیع بستگی به توانایی های فکری و استدلالی دعوت کننده و روحیات و قابلیت های دعوت شونده دارد و کار نسبتا دشواری است. و در صورتی که پیش بینی نتیجه سودمندی نسبت به مورد اشاره شده نمی کنید لازم نیست با ایشان وارد گفت وگو در این مقولاتشوید.

جهت آگاهی بیشتر ر.ك:

۱- امامت و رهبری شهید مطهری

۲- شیعه و تهمت های ناروا سید جواد شری

۳- رهبری امام علی(ع) در قرآن، ترجمه المراجعات، ترجمه سیاهپوش

J}

چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است

پرسش

چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است

پاسخ

بحث وحدت حوزه و دانشگاه از اندیشه های بزرگ امام خمینی و بسیاری از مصلحان و متفکران جامعه ما بوده وهست ولی در آغاز باید تعریف صحیحی از آن نموده سپس به بررسی امکان یا عدم امکان آن پرداخت. وحدت حوزه و دانشگاه نه به معنای ادغام فیزیکی است و نه ادغام محتوایی. چه این که هم اکنون نیز حوزه و دانشگاه در بسیاری ازرشته ها با یکدیگر تشابه و هم گونی دارند مانند رشته های: الهیات، ادبیات، حقوق، فقه، تفسیر و... بلکه محور این وحدت اتحادی استراتژیکی برای نیل به آرمان های انقلاب و اعتلای کشور و فرهنگ جامعه است. جامعه ما و بلکه تمامی جوامع اسلامی بارها طعم تلخ جدایی این دو طیف از یکدیگر را چشیده اند. زمانی هجوم و سیطره غربزدگی جایی برای طرح اندیشه های حوزه و تقارب افکار باقی نگذاشته بود. در نقطه مقابل برخی حوزویان نیز دانشگاهیان رابه هیچ می انگاشتند و راه خویش را در تضاد با آن می دیدند. در حقیقت جدایی آرمانی این دو از یکدیگر بهترین راه نفوذ برای بیگانگان و ایادی آنه است. این وحدتی است که امام، حوزویان و دانشگاهیان را به آن فرا می خواندند. ولی اینکه آنان از نظر رشته ها متحد شوند و یا... نه امری عملی است و نه مفید. بنابراین آنان که می گویند این وحدت ممکن نیست اگر وحدت قسم اول را می گویند سخت در اشتباهند؛ ولی اگر مراد آنها قسم دوم است ما نیز برآن مهر تاییدمی زنیم. وحدت حوزه و دانشگاه در کلام امام؛ یعنی وحدت آرمانی و همنوایی برای ساختن کشور و اعتلای فرهنگ وتمدن

و رشد آن از جنبه های گوناگون.

آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم

پرسش

آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم

پاسخ

لازم نیست از عقاید خود دست بکشیم. البته اگر بر بعضی از شعارها تأکید نشود مطلوب است. البته در صورتی که همه مذاهب چنین رویه ای را در پیش گیرند، نه این که یک مذهب از بعضی مشخصه ها و شعارهای خود دست برداردو بقیه کما کان به آن ادامه دهند.

دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟

پرسش

دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که فرمودید نکات زیر قابل توجه است :

۱.روایاتی موجود است که بیان کننده این مطلب می باشند. که دشمن علی، کافر، منافق و مبغوض خدا و رسول (است.

۲- منتها باید به این نکته مهم توجه داشت، که به چند دلیل ما آنها را برادر می خوانیم :

الف : اکثر اهل تسنن، و خصوصاً عوام الناس آنها، به خاطر تبلیغات زیاد و مسمومی که وجود داشته، این اعتقاد را پیدا کرده اند. و خیلی از آنها واقعاً معذورند. و مسأله چند سنّی متعصّب و وهّابی مسلک، از این گروه جداست.

ب : همانطور که تاریخ گواه خوبی بر این مطلب است، بزرگترین حربه و نقشه استعمارگران برای محو و نابودی اسلام، همین ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمین بوده است. به جرأت می توان گفت که استعمارگران منافعی را که به سبب تفرقه به دست آوردند، به هیچ سبب دیگر نمی توانستند به دست بیاورند. زیرا وقتی گروههای مسلمان اتحاد نداشته باشند، و از همدیگر بیزاری بجویند، و یکدیگر را فحش دهند و لعن کنند، دشمن می تواند به راحتی اهداف استعماری خود را پیاده کرده، بر ممالك اسلامی تسلط بیابد. قرآن کریم می فرماید : "ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم"(۱) ، یعنی (نزاع و اختلاف نکنید، به سبب اختلاف آراء و عقیده ها؛ که اگر چنین کنید، بد دل می شوید و آبروی شما می رود.)

ج مسأله دل و درون، با مسأله ظاهر فرق می کند. زیرا توریه، تقیّه و

... ، چیزهایی است که در اسلام، مورد سفارض اکید واقع شده؛ که در مواقع آن، حتماً از آنها استفاده شده است. چه بسا یک فرد شیعه در دل دشمن سرسخت و اهل تسنن متعصب است، که آگاهانه دشمنان حضرت علی(را دوست می دارند؛ اما در ظاهر تقیّه می کند، و به زبان این دشمنی را اظهار نمی کند. زیرا این قبیل کارها در اسلام بسیار سفارش شده است.

خداوند متعال همه ما را از شیعیان واقعی معصومین (قرار بدهد. ان شاءا...

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه انفال/آیه۴۸

شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی"رحمه ا... علیه" ، ص۷۸۲و۷۸۳و۱۰۰۳و۱۰۰۵

مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟

پرسش

مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟

پاسخ

شاید اولین گام و اساسی ترین قدم در پیوند بین این دو مراکز (حوزه و دانشگاه)، همین احساس نیاز و ضرورت باشد، که شما به این مسأله مهم و حیاتی عنایت داشته اید. اگر این توجه و تأمّل در میان حوزویان و دانشگاهیان گسترش یابد، و به صورت امری عمومی و همگانی درآید، و قاطبه عناصر واعضای این دو مرکز، برای محقَّق ساختن آن تفکر و تدبّر کنند، و آنرا از افراد مسؤول و مافوق خودشان مطالبه کنند، پیوند بین حوزه و دانشگاه، جنبه عملی به خودش خواهد گرفت.

ولی تا زمانی که فقط شعار تعداد اندکی از افراد در دو مرکز باشد، شمار کثیری از اعضای شاغل در حوزه و دانشگاه، به این امر نیندیشند ..فکر نکنند، و تنها تعداد اندکی در سالروز شهادت استاد شهید دکتر مفتح، به برپایی مراسمی محدود و سمبلیک اکتفا کنند، مراسمی که حتی قاطبه دانشگاهیان و حوزویان نیز از آن مطلع نشوند، تا زمانی که بخش اعظمی از روحانیان و استادان مراکز آموزش، ممکن است حتی از سالروز شهادت شهید مفتح و روز وحدت حوزه و دانشگاه بی خبر باشند، و بمانند، چه رسد به این که برای تحقق آن فکر و اندیشه کنند، وحدت بین حوزه و دانشگاه عملی نخواهد شد.

بنابراین عمده ترین مانع و مشکل به نظر ما، این است که صاحبان خرد و اندیشه، و حاملان کتاب و فن در این دو مرکز، ضرورت و اهمیّت وحدت حوزه و دانشگاه را به روشنی درك و فهم نکرده اند. اگر این درك و نیاز توأمان در دو قشر بوجود آید،

طبعاً نشستها و تجمّعها و رایزنی ها، منجر به پیدا کردن راهها و روشهای وحدت، و شناسایی موانع و مشکلات، خواهد شد.

علاوه بر آنچه ذکر شد، که مهم ترین مشکل است، می توان مواردی از قبیل سیستم متفاوت آموزشی حوزه و دانشگاه، مدارک اخذ شده متفاوت، تفاوت اعتبار مدارک، و تفاوت دروس و سرفصل دروس، و... از مسایلی است که به عدم وحدت دامن می زند. ولی اگر روزی دو مرکز از یک اعتبار و جایگاه، و دارای مدارک معتبر و شناخته شده، متون آموزشی مورد قبول طرفین، سیستم مورد قبول دو مرکز، و ... برخوردار شوند، و به این صورت راه اندازی شود، شاید در کانون فوق (حوزه و دانشگاه) احساس جدایی بین خودشان نکنند.

ولی تا زمانی که حوزویان احساس کنند آنها هستند که اسلام شناس تربیت می کنند، و در مسایل مهم فلسفه و عرفان و کلام و .... صاحب نظرند، و دانشگاهها در این رشته ها غنا ندارند، و متقابلاً دانشگاهها نیز احساس کنند در این رشته ها از غنای بیشتری از حوزه برخوردارند. تا زمانی که حوزه، سیستم آموزشی خودش را بهترین سیستم و دانشگاه، سیستم خودش را بهتر بداند، تا زمانی که حوزه احساس کند بهترین متون آموزشی با همه تفاوتهایی که در مراکز مختلف وجود دارد، و در سطح کشور از یکنواختی برخوردار نیست را دارد، و دانشگاه نیز چنین احساس متقابلی داشته باشد، تا زمانی که هر کدام از مراکز فوق به انکار دیگری بپردازد، حوزه، دانشگاهها را مرکز پرورش افراد بی دین و لامذهب بشمارد، و دانشگاه، حوزه را به نحو دیگری متهم نماید، تا

زمانی که هر کدام خود را از دیگری برتر بداند، و ... ، وحدت بین حوزه و دانشگاه امری محال و ناشدنی است.

بنابراین در ابتدا باید یک باور عمیق در ضرورت وحدت بین افراد این دوکانون دین و دانش، برقرار گردد، و در مراحل بعد از انکار و تخریب یکدیگر بپرهیزند، و هر کدام مؤید و مکمل دیگری بشود، و... ؛ در این صورت، حوزه و دانشگاه نه تنها به هم نزدیک، بلکه یکی خواهد شد.

آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنّت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟

پرسش

آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنّت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟

پاسخ

علمای شیعه و سنی در حیات فرهنگی شان بارها با هم نشستند و در خصوص مسائل مورد اختلاف با یکدیگر مباحثه و رایزنی کردند.

در عصر حاضر عالمانی همانند "علامه امینی"، "سید عبدالحسین شرف الدین" و "سلطان الواعظین شیرازی" در این امر قدم های خوبی برداشتند که حاصل این تلاش ها در چند کتاب پر ارزش همانند "المراجعات"، "گروه رستگاران یا فرقه ناجیه"، "شب های پیشاور" و "الغدیر" مندرج است.

آیت الله بروجردی و رئیس دانشگاه الازهر، شیخ شلتوت در پی تقریب بین مذاهب اسلامی بر آمدند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به دستور امام خمینی "مجمع جهانی تقریب بین مذاهب تشکیل شد.

علمای شیعه و سنّی در هر سال در آستانه سالروز ولادت پیامبر اسلام(ص) و هفته وحدت دور هم جمع می شوند و مسایل را با هدف تقریب و تفاهم با هم در میان می گذارند. در همین باره دکتر بی آزار شیرازی کتابی تحت عنوان "همبستگی" تدوین نموده است. برای توضیح بیش تر می توان به این کتاب مراجعه نمود.

منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنّی، چه می باشد؟

پرسش

منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنّی، چه می باشد؟

پاسخ

منظور از امت واحد اسلامی این است که در برابر بیگانگان همه مسلمانان از هر گروه و مذهبی که هستند، متحد باشند.

اختلافات جغرافیایی، سیاسی، مذهبی و مانند این ها نباید مانع وحدت در استراتژی مسلمانان گردد.

شهید مطهری درباره مفهوم وحدود وحدت اسلامی در آغاز سه احتمال را ذکر می کند و می گوید:

۱_ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی تنها یک مذهب انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟

۲_ آیا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و همه غیر مشترکات کنار گذاشته شود و از این مشترکات یک مذهب جدیدی ساخته شود که با همه مذاهب موجود فرق داشته باشد؟

۴- آیا مراد از وحدت اسلامی این است که مسلمانان اعم از شیعه و سنی در برابر بیگانگان متحد باشند؟

شهید مطهری می افزاید: مقصود از اتحاد مسلمانان، اتحاد پیروان مذاهب مختلف است. این ها در عین داشتن اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان متحد و در صف واحد باشند. بدیهی است منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذهب و طرد مفترقات آنها نیست، بلکه مراد معنای سوم است.[۱۷]

گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به وجود می آید؟

پرسش

گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به وجود می آید؟

پاسخ

فلسفه قبله تنها دست یابی به اتحاد و وحدت اسلامی نیست، هر چند می تواند یکی از حکمت های آن باشد، زیرا توجه تمام مسلمانان هنگام نماز به سمت و سویی خاص به معنای قرار گرفتن و ایستادن به یک جهت خاص است که در همدلی امت اسلامی بسیار مؤثر است، ولی تنها این امر کافی نیست. همسویی در صورتی مفید است که در کنار آن، عواملی چون: وحدت رویه، پرهیز از عوامل تنش زا، عمل به قرآن و دستورهای دین، تعامل و همکاری دولت های اسلامی، مقابله با تلیغات گسترده دشمن و خنثی سازی توطئه های آنان به کار گرفته شود. اگر می بینیم مسلمانان با وجود قبله مشترک، به وحدت کامل نرسیده اند، دلیلش فاصله گرفتن از اسلام و دامن زدن به اختلافات نژادی و جغرافیایی وغافل ماندن از ترفند شیطانی دشمنان می باشد.

برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم ، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم؟

پرسش

برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم ، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم؟

پاسخ

برای ایجاد وحدت اسلامی راهکارهای متعددی وجود دارد که به بعضی اشاره می شود:

۱) گفتگو (دیالوگ)

اولین و مهم ترین راهکار جهت همگرایی مسلمانان، گفتمان علمی است، بدین معنا که نظریه پردازان و عالمان دینی فرقه های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسایل مشترک تأکید شده و عالمان اسلامی از مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا خیلی از مسایل اختلافی بین مسلمانان ناشی از آن است که فرقه های اسلامی از بعضی اصول و مبانی یکدیگر آشنایی کامل ندارند . عدم آشنایی کامل آنها از اصول یکدیگر موجب شده که مسلمانان که برداشت های نادرستی از هم داشته و نسبت به یکدیگر بدبین گردند، حتی حکم تکفیر یکدیگر را صادر نموده و زمینه های برخوردهای فیزیکی فراهم گردد. بیشتر تعصبات مذهبی و قومی نیز ریشه در عدم آگاهی از مبانی گروه های اسلامی دارد.

عدم آشنایی مذاهب از عقاید یکدیگر موجب می شود دشمنان اسلام و آنها که از تفرقه ها میان فرقه های اسلامی سود می برند . به واسطه جهل و ناآگاهی مردم، موارد اختلاف برانگیز را پررنگ تر کرده و مواردی را که موجب اتحاد بین مسلمانان می شود، نادیده گیرند.

علامه شرف الدین یکی از اندیشمندان شیعی است که به گفتمان علمی پرداخته و بین او و شیخ سلیم بشری (از علمای اهل سنت) سؤال و جواب هایی مطرح شده است که نتیجه آن کتاب "المراجعات" است که نقش بنیادی در زمینه و فرهنگ سازی

برای وحدت اسلامی دارد.

۲ – توجه به نقاط مشترک و دشمن مشترک:

یکی از عوامل مهمی که در جهان معاصر می تواند موجب وحدت بین دو گروه بزرگ اسلام شود، توجه به نقاط مشترک بین این دو مذهب است. مطمئناً مسائل مورد اتفاق میان این دو مذهب بسیار فراتر از موارد اختلاف می باشداما غالباً مسائل مورد اختلاف مورد توجه قرار گرفته و مسائل و اعتقادات مشترک نادیده نگاشته می شود، که یکی از عوامل ایجاد اختلاف و دوری هر چه بیشتر مسلمانان از یکدیگر است.

هم چنین توجه به دشمن مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را مورد مذمت قرار داده است، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می تواند می باشد. اگر به صدر اسلام نیز نگاه کنیم، علت اساسی سکوت امیرمؤمنان و ائمه معصومین (ع) و همراهی با مخالفان فکری و عقیدتی در جهان اسلام، توجه به دشمن مشترک و مورد تهدید قرار گرفتن مرزهای اسلامی به وسیله دشمنان اسلام بوده است.

۳ – تدوین آثار فرشت های علمی

یکی از شیوه های کاربردی در ایجاد وحدت اسلامی تدوین اثار علمی در قالب کتاب ، مجله و روزنامه ، نیز برگزاری نشست های علمی و تبادل افکار و نظریات است . در آثار علمی باید به عوامل وحدت و عوامل اختلاف پرداخته شده و مشکلات جهان اسلام بررسی گردد. تدوین فقه مقارن و عقاید تطبیقی و مقایسه ای نیز باید از محورهای مهم آثار علمی باشند . کتاب هایی مانند "الفصول المهمه" تألیف علامه شرف الدین و انتشار مجله ای مانند "رسالهالتقریب" نقش بنیادی در

زمینه سازی وحدت اسلامی داشتند. از سوی دیگر با تدوین سریال ها و نمایش نامه ها نیز می توان جهت ایجاد وحدت اسلامی زمینه سازی نمود. بهتر است این دست از آثار به زبان های مختلف ترجمه شوند و در اختیار مسلمانان قرار گیرند.

۴ – صدور فتواهای همگرایی

بی تردید صدور فتوای مجتهدان فرقه های اسلامی نقش بنیادی در وحدت اسلامی دارد، همان گونه که نقش اساسی در اختلافات مسلمانان دارد. اگر مجتهدان فتاوایی مانند جواز شرکت نمودن مسلمانان در مراسم عبادی همدیگر را صادر نمایند، زمینه های همسویی مسلمانان را فراهم می کند. بعضی از مجتهدان و عالمان اهل سنت و تشیع در این خصوص پیشگام بوده اند.

شیخ محمود شلتوت ، رئیس دانشگاه الازهر مصر در زمان جمال عبدالناصر یکی از کسانی است که در فتوای معروف خود، مذهب جعفری و فقه شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی و فقهی تأیید کرد.(۱) فتوای معروف او در زمان خود در نزدیکی اهل سنت به شیعه تأثیر به سزایی داشت.

۵ – آشنایی با معارف اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت اسلامی، آشنایی مسلمانان با آموزه های دینی است. در آیات متعدد مسلمانان به همگرایی دعوت شده اند.(۲) در برخی از آیات همه مسلمانان برادران دینی خوانده شده و مرزهای جغرافیایی و ملی نادیده گرفته شده است :"انما المؤمنون اخوه..."(۳)

"واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرّقوا...".(۴) در روایات اسلامی نیز همه مسلمانان به همبستگی و اتحاد اسلامی سفارش شده است. (۵)

چرا مسلمانان وحدت ندارند؟

یکی از عوامل مهم آن فاصله گیری از معارف و آموزه های دینی است. شخصیت هایی مانند امام راحل و علامه شرف الدین بر این

باور بودند که جهت" ایجاد وحدت اسلامی" آشنایی کامل مسلمانان با معارف اسلامی لازم است. نکته قابل دقت آن است که یکی از موارد قانون اساسی "جماعه التقریب بین المذاهب الاسلامیه" که در قاهره تشکیل شده ، آن بود که مسلمانان با معارف اسلامی آشنایی پیدا کنند.

۶ – شناسایی عوامل اختلاف

برای ایجاد وحدت اسلامی، همان گونه که شناخت عوامل و زمینه های همگرایی ضرورت دارد، شناخت عوامل و زمینه های اختلاف نیز بایسته است. بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، باید عوامل اختلاف همانند تعصبات قومی، قدرت گرایی و پیروی از هواهای نفسانی، شناسایی و با آنها مبارزه گردد. دشمنان خارجی نیز نقش بنیادی در ایجاد اختلاف داشته و دارند استعمارگران با شعار "اختلاف بینداز و حکومت کن" بین مسلمانان اختلاف ایجاد کرده اند. داده های تاریخی نشان از آن دارد که استعمارگران در حوادث ناگواری که در جهان اسلام به وجود آمدند، نقش اساسی داشتند. آنان با ایجاد اختلاف جنگ های داخلی را به وجود آوردند. حتی می توان عامل اساسی و ریشه ای ایجاد و پیدایش بعضی از فرقه ها میان اهل سنت و شیعه را استعمارگران دانست و دست های مرموز آنها را پیدا کرد.

بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی ، شناخت عوامل داخلی و خارجی اختلاف ضرورت دارد. مرحوم آیت الله بروجردی در آخرین لحظات عمر خویش یکی از راه های ایجاد وحدت اسلامی را شناسایی عوامل اختلاف دانست وی می گوید : "من برای ایجاد حسن تفاهم میان مسلمانان آرزوهای بسیار داشتم و درصدد بودم در نامه ای به شیخ محمود شلتوت بنویسم و به ایشان یادآور شوم

که موجبات رفع اختلاف را فراهم سازند".(۶)

۷ - اتخاذ سیاست های مشترک

یکی از شیوه های ایجاد وحدت اسلامی ، اتخاذ سیاست مشترک توسط کشورهای اسلامی است. این سیاست ها می توانند در روابط بین المللی و سیاست های اقتصادی و تشکیل بازارهای مشترک اقتصادی شکل گیرد هم چنین می توان در صحنه های سیاسی در برابر دشمنان مسلمانان سیاست های راهبردی اتخاذ نموده و به حمایت از مظلومان و آسیب دیدگان جهان اسلام پرداخت.

پی نوشت ها :

۱ - عبدالکریم بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی . ص ۳۱۰ - ۳۱۱.

۲ - آل عمران، آیه ۱۰۳؛ تفسیر نمونه، ج۳، ص ۴۳.

۳ - حجرات، (۴۹) آیه ۱۰.

۴ - آل عمران، آیه ۱۳.

۵ - تفسیر نمونه، ج۳، ص ۴۶.

۶ - عبدالکریم شیرازی، پیشین، ۱۱۵.

آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست (اختلاف امتی رحمه) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممکن است ؟

پرسش

آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست (اختلاف امتی رحمه) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممکن است ؟

پاسخ

وجود اختلاف نه تنها برای بشر ضروری است بلکه ضروری طبیعت هم هست , یعنی در عالم از نظر شب و روز , سرما و گرما , تابستان و زمستان , مرض و صحت , و امثال آن اختلاف وجود دارد , و در حقیقت اختلاف آراء موجب حفظ نظام عالم و تکامل و پیشرفت بشر است و اینکه بشر در فکر کردن و انتخاب رای و نظر آزاد باشد از مواهب ونعمتهای بزرگ الهی می باشد , و مسلم است که اختلاف آراء و مذاهب موجب دشمنی و بغض و کنیه نمی باشد . و اما وحدتی که قرآن داعی به آن

است وحدت در آراء نیست چون آن وحدت بحسب طبیعت بشر محال است , بلکه مراد وحدت اخلاقی و ایمانی است و قرآن انسانها را به سوی برادری و مودت دعوت می کند , که این وحدت با وجود اختلاف آراء هم میسر است چون اتحاد در اصول و اختلاف در فروع می باشد . گذشته از آنکه حدیث نبوی در معانی الاخبار به گونه ای دیگر تفسیر شده است . امام صادق (ع) آن را به آمد و شد از شهرهای دور برای آموختن دین معنا کرده اند(معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۵۷) .

چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟

پرسش

چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟

پاسخ

حضرت آیت الله بروجردی چون به تاریخ و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است، وهم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند، وهم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق، سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات، بسیار علاقهمند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنّی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند معرفی شود.

از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم له که هنوز ایشان در بروجرد بودند «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شد. معظم له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری کرد. برای اولین بار بعد از چندین صد سال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنّی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت، مفتی مصر و رئیس جامع ازهر روابط دوستانهای برقرار شد و نامهها مبادله گردید.

قطعاً طرز تفکر معظم

له و حسن تفاهمی که بین ایشان و شیخ شلتوت بود موثر بود در این که آن فتوای تاریخی معروف را در مورد به رسمیت شناختن مذهب شیعه بدهد.

معظم له را نباید گفت نسبت به این مسئله علاقه مند بود ، بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می زد.

عجیب این است که از دو منبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اول که عارض شد و مدتی بیهوش بوده اند و بعد به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می کنند و می گویند من آرزوها در این زمینه داشتم .

دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟

پرسش

دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟

پاسخ

اسلام نه تنها به این احساسات تعصب آمیز توجهی نکرد، بلکه با شدت با آنان مبارزه کرد. قرآن کریم در کمال صراحت فرمود: «یا اَیُّها النّاسُ اِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ اُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ اَتْقیکُمْ» حجرات/۱۳ [ای مردم، ما همه شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را گروهها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بشناسید، گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.] این آیه و بیانات و تأکید رسول اکرم(ص) و طرز رفتار آن حضرت با غیر اعراب و نیز قبایل مختلف عرب، راه اسلام را کاملاً مشخص کرد.

به اعتراف همه مورخین، حضرت رسول اکرم(ص) در مواقع زیاد این جمله را تذکر می داد: «اَیَّهَا النّاسُ کُلُّکُمْ لِادَمَ وَ ادَمُ مِنْ تُرابٍ، لا فَضْلَ لِعَرَبِیٍّ عَلی عَجَمِیٍّ اِلاّ بِالتَّقْوی» تحف العقول/۳۴ [همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است، عرب نمی تواند بر غیر عرب دعوی برتری کند مگر به پرهیزکاری.]

پیغمبر اکرم(ص) در روایتی افتخار به اقوام گذشته را یک چیز گندناک می خواند و مردمی را که بدین گونه کارها خود را مشغول می کنند به «جُعِل» [سوسک] تشبیه می کند. اصل روایت چنین است: «لِیَدَعْنَ رِجالٌ فَخْرَهُمْ بِأَقْوام، اِنَّما هُمْ فَحْمٌ من فحم جَهَنَّمَ اَوْ لَیَکونَنَّ اَهْوَنَ عَلَی اللهِ مِنَ الْجِعْلانِ الَّتی تَدْفَعُ بِاَنِّفِهَا النَّتَنَ» (سنن ابی داود،۲/۶۲۴) [آنان که به قومیت خود تفاخر می کنند، این کار را رها کنند و بدانند که آن مایه های افتخار جز زغال جهنم نیستند و اگر آنان دست از این کار نکشند، نزد خدا از

جعلهایی که کثافت را با بینی خود حمل می کنند پست تر خواهند بود.]

پیغمبر اکرم(ص) سلمان ایرانی و بلال حبشی را همانگونه با آغوش باز می پذیرفت که فی المثل ابوذر غفاری و مقداد بن اسود کِنْدی و عمار یاسر را ، و چون سلمان فارسی توانسته بود گوی سبقت را از دیگران برباید به شرف «سَلْمانَ مِنّا اَهْلَ الْبَیْتِ» (سفینه البحار، ماده «سلم») نائل شد.

رسول اکرم(ص) همواره مراقبت می کرد که در میان مسلمین پای تعصبات قومی به میان نیاید. در جنگ احد یک جوانی ایرانی در میان مسلمین بود. این جوان مسلمان ایرانی پس از آنکه ضربتی به یکی از افراد دشمن وارد آورد، از روی غرور گفت: «خُذْها وَ اَنَا الْغُلامَ الْفارِسِیّ» [یعنی این ضربت را از من تحویل بگیر که منم یک جوان ایرانی.] پیغمبر اکرم(ص) احساس کرد که هم اکنون این سخن تعصبات دیگران را برخواهد انگیخت؛ فوراً به آن جوان فرمود که چرا نگفتی منم یک جوان انصاری؛ (سنن ابی داود،۲/۶۲۵.) یعنی چرا به چیزی که به آیین و مسلکت مربوط است افتخار نکردی و پای تفاخر قومی و نژادی را به میان کشیدی؟

آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پرسش

آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پاسخ

مهم ترین آثار وحدت اجتماعی, عبارتند از

۱ عزت ملی.

۲ اقتدار ملی.

۳ امنیت.

۴ حاکمیت بر دنیا.

امیر مؤ منان آن گاه که درباره گذشتگان سخن گفته اند, به آثار یاد شده تصریح کرده اند؛ چنان که در خطبه ۱۹۲ از نهج البلاغه می خوانیم از کیفرهایی که در اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت های پیشین واقع شده است, برحذر باشید و حالات آن ها را در خوبی ها و سختی ها همواره به یاد آرید؛ نکنند شما مانند آنان باشید! پس, آن گاه که در تفاوت حال آنان به هنگامی که در خوبی بودند و زمانی که در شر و بدی قرار داشتند اندیشه نمودید, به سراغ کارهایی روید که موجب عزت و اقتدار آنان شد و دشمنان را از آنان دور نموده , عافیت و سلامت به آن ها روی آورد و نعمت را در اختیارشان قرار

داد و کرامت و شخصیت باعث پیوند اجتماعی آنان شد؛ یعنی از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدند و بر الفت و هم گامی همت گماشتند و یک دیگر را به آن توصیه و تحریض نمودند. از هر کاری که ستون فقرات آن ها را در هم شکست و قدرت شان را سست کرد اجتناب ورزید؛ یعنی از کینه های درونی , بخل و حسادت و پشت کردن به هم و ایجاد فتور و سستی بین جامعه دوری گزینید در شرح حال مؤمنان پیشین تدبر کنید که چگونه در حال آزمایش و امتحان بودند! آیا بیش از همه, مردم در شدت و زحمت نبودند؟ آیا از همه جهانیان درتنگنای بیشتری قرار نداشتند؟ فرعون ها

آنان را برده خویش ساخته بودند و همواره در بدترین شکنجه ها قرار داشتند. تلخی های روزگار را به آن ها چشاندند و این همچنان باذلت هلاکت ومقهوریت ادامه داشت؛ نه راهی داشتند که از این وضع سر باز زنند و نه طریقی برای دفاع از خود می یافتند؛ تا آن گاه که خداوند؛ جدیت و استقامت و صبر در برابر ناملایمات به خاطر محبتش و تحمل ناراحتی ها از خوف وخشیتش را در آن ها یافت؛ در این موقع از درون حلقه های تنگ بلا, راه نجاتی برایشان گشود و ذلت را به عزت و ترس را به امنیت تبدیل کرد؛ یعنی آن ها را حاکم؛ زمامدار و پیشوا گردانید. آن قدر کرامت و احترام از ناحیه خداوند به آنان رسید که حتی خیال آن را هم در سر نمی پروراندند. بنگرید آن ها چگونه بودند؛هنگامی که جمعیت هاشان متحد, خواسته ها متفق, قلب ها واندیشه ها معتدل, دست ها پشتیبان هم, شمشیر ها یاری کننده یک دیگر , دیدها نافذ و عزم ها و مقصود ها شان همه یکی بودند. آیا آن ها مالک و سرپرت اقطار زمین نگردیدند؟ آیا زمامدار ورئیس همه جهانیان نشدند؟

محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی, چیست ؟

پرسش

محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی, چیست ؟

پاسخ

خدای سبحان در آیه «قل یاآهل الکتاب تعالوا...» آل عمران / ۶۴ سه محور اتحاد بین موحدان عالَم را بیان کرده است

۱ پرستش خدا

اولین محور اتحاد در حوزه پیروان ادیان توحیدی, توحید در عبادت (اتفاق بر پرستش خدای سبحان) است (ألّا نعبد الّا الله). بر پایه آیات قرآن کریم, همه پیامبران الاهی, مأمور به توحید عبادی بودند و نیز انسانها را به توحید عبادی فراخوانده اند «وما أَرسلنا مِن قَبلک مِن رَسول إِلّا نُوحی إِلیه أنّه لا إله إلّاأنا فاعبدونِ» انبیاء /۲۵ «... یا قوم اعبُدوا الله ما لَکم من إِله غیره...» اعراف /۶۵ گرچه لسان «اعبدوا الله» در آیه دوم زبان حصر نیست, لیکن جمله (ما لکم من إله غیره) بیان گر حصر عبادت, در خدای سبحان و مفسر گویای کلمه ((لا إله إلّا الله)) است.

۲ نفی شرک

دومین محور اتحاد در حوزه پیروان ادیان توحیدی, نفی شرک ذاتی است «ولا نُشرک به شیئاً». در قرآن کریم هر جا سخن از عبادت ناب و نفی شرک عملی است, میان این دو (عبادت و نفی شرک) «واو» عطف نیامده است؛ مانند «یعبدوننی لایُشرکون بی شیئاً» نور / ۵۵ زیرا عبادت ناب و خالص, باشرک عملی سازگار نیست.

از این رو, اگر گاهی بین عبادت و نفی شرک, «واو» عطف آمده است مانند آیه «قُل یا أهل الِکتاب تعالوا...» آل عمران / ۶۴ در این گونه موارد, مراد نفی شرک ذاتی است؛ زیرا ممکن است کسی در عبارت موحد باشد, ولی در ذات مشرک؛ مانند

یهودیان که «عُزّیر» را پسر خدا می دانند یا مسیحیان که به حلول معتقدند.

بنـابراین, برای آن که هر یـک از شـرک عملی و ذاتی,به طور مجزا به مخاطب تفهیم شود, یک بار مسـتقل وبار دیگر با «واو» عطف ذکر می شود, تا یکی درباره توحید عملی و دیگری برای نفی شرک ذاتی باشد.

۳ نفی سلطه بر یک دیگر

محور سوم در حوزه پیروان ادیان توحیدی, نفی سلطه است «ولا یتّخذ بَعضنا بعضاً أَرباباً من دوُن الله» در بیان این محور , به دو نکته اشاره می کنیم

یـک. افراد جـامعه, اَبعـاض یـک حقیقت و شـریک و شبیه یـک دیگرنـد و از نظر روابط اجتماعی, کسـی را بر دیگری برتری نیست. پس , کسی نمی تواند اراده اش را بر دیگری تحمیل کند؛ مگر أن که معادل آن را از دیگران تحمّل کند.

دو. ربوبیت, از مختصات اُلوهیت است و این دو, با یک دیگر هماهنگ و متلازمند. بنابراین, اولّا دلیل وجود ندارد که بعضـی انسـان هـا که شـریک و شبیه یک دیگرنـد, ربوبیت دیگران رابه عهـده بگیرنـد. ثانیاً ربوبیت از ویژگیهای الوهیت است و تنها خداست که شایستگی ربوبیت انسان و جهان را داراست.

قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟

پرسش

قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟

پاسخ

در این باره به دو آیه از قرآن کریم اشاره می کنیم و درباره آن دو مطالبی بیان می نماییم.

آیه ایمان به همه پیامبران و کتب آنان

«امَن الرَّسول بِمـا أُنزل إِلیه مِن رَبّه والمؤُمنون کـلٌّ امَن بِـالله و مَلائِکته وکُتبه و رُسُـله لانُفرّق بَین أَحـد مِن رُسُـله...» بقره / ۲۸۵ [پیامبر (ص) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده, ایمان آورده است و مؤمنان, همگی به خدا وفرشتگان و کتاب معاد و فرستادگانش ایمان آورده اند [و گفتند]میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم... .]

آیه مزبور, همه موحـدان عـالم را به اتحـاد دعوت می کنـد و مـا بایـد در دو جبهه اتحاد تلاش و کوشـش کنیم یکی اتحاد در داخله مسـلمین, که بیش از یـک میلیـارد مسـلمان به عنـوان امت اسـلام در صف واحـد باشـند و دیگر آن که پس از تحصـیل وحدت اسلامی, باید پای را فراتر نهاده, برای تأمین وحدت موحدان عالم اقدام کنیم تا همه مسلمانان با همه کسانی که دارای کتاب أسـمانی انـد متحـد شـده, بتوانند بر ضد ملحدان جهان قیام کنند؛ زیرا الحاد و انکار ماورای طبیعت و حصـر موجود, در مـاده و انکـار وحی و رسالت و قیامت و معاد و نبوت و معجزه و سایر معارف غیبی, پیامـدهای تلـخ و سوانـح سـنگین غیر قابل

تحمل را به دنبال دارد. لذا, خدای سبحان گذشته از دعوت مسلمانان به اتحاد, موحدان عالم را هم دعوت به اتحاد می کند.

اکنون در دنیای پیشرفته از نظر علوم و صنایع بسیاری از مردم به ذلّت بت پرستی تن داده اند؛ بت پرستی مرامی نیست که

در شرایط کنونی بتواند باقی بماند اگر موحدان عالم, جبهه واحدی تشکیل دهند و از فرهنگ الاهی و توحیدی طرفی ببندند, می توانند بت پرستان عالم را از فرو مایگی رهایی بخشند؛ وگرنه بت پرستان را خطر اِلحاد تهدید می کند که قابل جبران نیست؛ گرچه الحادو بی دینی مورد قبول فطرت نیست و دوام نمی یابد و بت پرستان خود را بر ملحدان ترجیح می دهند.

اتحاد دینی موحدان, سهم به سزایی در رهایی جوامع بشری از ذلت به عزت دارد. لذا خدای سبحان هم به رسول اکرم (ص) دستور داد «قُل یا أَهل الکِتاب تَعالَو إِلی کَلِمه سَواء بَیننا وبَینکم...» آل عمران / ۶۴ و هم به مسلمین آموخت که با همه موحدان عالم از راه جدال اَحسن مجادله کرده, بگویند خدای همه ما یکی است و به آنچه نازل کرده ایمان داریم؛ مگر گروهی که در کسوت اهل کتاب, اهل شرک و الحاد ونفاقند و امید به هدایت آنها نیست «وقُولوا امنّا بِالّذی أُنزل إِلینا وأُنزل إِلیکم وإِلهنا وإِلهکم واحد وَنَحن لَه مُسلمون»؛ عنکبوت / ۴۶ [خدای ما وشما یکی است و ما در برابر خدای یگانه و یکتا مسلِم و متقادیم و شما نیز چنین باشید.] این مکتب می تواند تمامی موحدان عالم را, که اکثریت قاطع انسان های عصر حاضر را تشکیل می دهند و در برابر ملحدان اقلیتی بیش نیستند, در صف واحد قرار دهد.

آیه دعوت اهل کتاب به وحدت

«قُل یا أَهل الکِتاب تَعالوا اِلی کلمه سواء بیننا وبینکم أَلاّ نَعبد إلّا الله ولا نُشرک بِه شَیئاً ولا یَتّخذ بُعضنا بَعضاً أَرباباً من دون الله فَإِن تَولّوا فَقولوا اشْهِدوا بِأَنّا مُسلمون» أل عمران /۶۴ [بگو ای اهل کتاب!

بیاییـد از آن کلمـه حـق که میـان مـا و شـما یکسـان است, پیروی کنیم و آن کلمه این است که جز خـدای یکتـا هیـچ کس را نپرستیم و چیزی را بـا او شـریک قرار نـدهیم و برخی, برخی را به جـای خـدا به ربوبیت تعظیم نکنیم.] پس, اگر آن ها از حق روی گرداننـد, بگوئیـد شـما گواه باشـید که ما تسـلیم فرمان خداونـدیم.گرچه دین, نزد خـدای سـبحان یکی است «إنّ الـدّین عنـدالله الإسـلام ... » آل عمران / ۶۴ لیکن آنچه رایـج است, ادیانی ماننـد یهودیت, مسـیحیت و اسـلام است که دارای اصول مشترک فراوانند که اگر همه موحدان عالم حول آن اصول مشترک گرد آیند, بسـیاری از عقاید شـرک آلود؛ مانند تثلیث, و ثنیت و رفتارهای ظالمانه اجتماعی رخت بر خواهد بست.

از این رو, قران کریم, نه تنهـا همه مسـلمانان را به اتحـاد حول محور حبـل الله دعوت می کنـد «واعتَصـموا بِحَبل الله جَمیعاً ولا تَفرقوا...» آل عمران / ۱۰۳ بلکه همه موحـدان عالم را به اتحاد دعوت می کنـد؛ چنان که می فرمایـد «قُل یا اهل الکِتاب تَعالَوا إلی کَلمه سواءِ بیننا و بینکم آلّا نعبد إلّا الله ولا نشـرک به شـیئاً ولایتَخذ بَعضـنا بعضاً آرباباً مِن دون الله فِإن تولّوا فَقولوا اشْـهدوا بأنّا مسلمون» آل عمران / ۱۰۳

گفتنی است «کلمه» در آیه یاد شـده, به معنای حقیقتی است که در قلب جای می گیرد و در عمل ظهور می کند و در محاوره هـا نیز بیـان می شود و از آن به «حرف» و «قول» نیز تعبیر شـده است. بنـابراین, «قول», «حرف» و «کلمه» برآن معـانی ومعـارفی اطلاق می شود که هم در قلب ریشه دارد, هم در عمل ظهور می کند

و هم بر زبان جاری می شود.

همچنین خطاب بـا کلمه «یـا آهل الکتاب» هماننـد خطاب با کلمه «یا أهل القرآن» به مسـلمانان, زیباترین خطاب به یهودیان و مسیحیان است که جاذبه ای ویژه دارد.

نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست ؟

پرسش

نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست ؟

پاسخ

این اتحـاد, یک اتحاد و وحـدت جهان شـمول است.قران کریم در این زمینه می فرمایـد کافران و مشـرکانی که با شـما کاری ندارنـد و به جـامعه اسـلامی ضـرری نمی رساننـد و تـوطئه ای بر ضـد مسـلمانان نکرده انـد, گرچه دین و اعتقادشـان مبغـوض شماست, ولی خدای سبحان شما را نهی نمی کند که با آنان رابطه مسالمت آمیز و نیکی و عدالت داشته باشید؛ چون خداوند, عـدالت گران را دوست دارد «لا یَنهاکم الله عَن الَذِین لَم یُقاتِلوکم فی الـدّین ولم یُخرجوکم مِن دیارکم أَن تَبرّوهم وتقَسـطوا إِلیهم إنَّ اللهُ یُحبّ المُقسطین». ممتحنه/۸

همچنین قرآن در جای دیگر, صلح و سازش بین دولت اسلامی و دولت کفر را مطرح کرده, می فرماید چنانچه کافران به شما پیشـنهاد صـلح و سازش دادند, اظهار تمایل نشان بدهید «وإن جنحوا للسَّلم فاجْنح لها...» انفال/۶۱ لیکن این پذیرش صـلح, در صورتی است که آنان به شـما تهاجم و حمله ای نداشته باشند؛ زیرا اگر آنان حمله کرده, بعضی از شما را کشتند و اموالتان را به غارت بردنـد, وظیفه تان مبارزه است؛ نه صـلح. هرگز وهن وسـستی به خود راه ندهید و آنان را به سوی صـلح و سازش فرا نخوانید؛ چون شـما برترید و خدا با شـماست و هرگز اعمال شـما را بی نتیجه نمی گذارد؛ بلکه وقتی مبارزه کردید و شـهید یا جان باز یا اسیر دادید, اعمالتان را به هدف می رساند و مشفوع نتیجه قرار میدهد.

محور اتحاد انسانی چیست؟

پرسش

محور اتحاد انسانی چیست؟

پاسخ

انسـان از آن جهـت که به جـامعه نیازمنـد است و بی همـاهنگی بـادیگران, خطـوط اصـیل سـعادت او ترسـیم نمی شـود, بـاید باهمنوعـان خویش متحـد باشـد و چون انسـان, موجودی عینی و تکوینی است؛ نه ذهنی یـا اعتباری و نیز سـعادت او همسان با

هستی او, حقیقتی عینی است؛ نه امری ذهنی یا قراردادی, پیوند او با دیگران نیز باید بر محورهای عینی و تکوینی باشد؛ نه اعتباری همانند قراردادهای تجاری, صناعی و زراعی که تحت عناوین بیع , اجاره, صلح, مضارعه ومانند آن منعقد و با تغییر اوضاع فسخ می گردد و قرارداد جدیدی منعقد می شود.

پیوند و اتحاد انسان با همنوعان خود, در عینِ آن که ربطی عینی و تکوینی است و نه قراردادی و ذهنی, باید سهمی از جاودانگی وابدیت داشته باشد؛ به طوری که در هر زمان و زمینی و در هر عصر ومصر و نسلی قابل اجرا باشد و ا ز دگرگونی های جغرافیایی و تاریخی محفوظ بماند. پیداست چیزی که در دسترس تطاول حوادث واقع نمی شود و با تحول زمان, عوض نمی گردد, جنبه جسمانی و مادّی بشر نیست؛ زیرا جسم او از خاك و گل معیّن و در زمان و شرایط خاص واقع است وناجار رنگ آن ها را به همراه دارد و با فرهنگِ نشأت گرفته از خواص مادی قرین خواهد بود.

ویژگی مزبور , منشأ اختلاف قومی, نژادی و زبانی, و مبدأ تفاوت در سنن, آداب , رسوم و نظایر آن هاست که در عین سودمندی , اصالت ندارد و در ساختار گوهر جاوید آدمی سهم مؤثری نخواهد داشت؛ زیرا از هر سرزمین و در میان هر نژاد و قوم و

از میان مردم هر عصر و مصر, فرد صالح یا طالح پرورش می یابد.

از این رو, خدای سبحان به این گونه امور که جنبه مادی دارد و مایه کثرت است, اصالت نمی بخشد؛ یعنی هم تعدّد ناشی از آن ها را امضا می کند و هم به عدم تأثیر آن ها در تکامل اصیل انسان اشاره می کند «یا أیها الناس انّا خلقناکم مِن ذَکر وأُنثی وجَعلناکم شُعوباً و قبائِل لِتعارفوا إنَّ أَکرمکم عندالله أتقیکم...» حجرات / ۱۳

بر اساس این آیه, تعدد نژاد در شناسایی یک دیگر, به اندازه شناسنامه طبیعی اثر دارد؛ وگرنه در نظام ارزشی اسلام, هیچ مؤثر نیست. هرچند همین کثرت مادی, به نوبه خود, می تواند همانند سایر اختلاف ها وتعددها نشانه قدرت خداوند سبحان باشد, لیکن امتیاز ارزشی به همراه ندارد «ومِن ایاته خَلْق السّموات والأَرض واختلافَ آلسنِتکم وآلوانِکم إِنّ فی ذلک لَایات للعالَمین». روم / ۲۲

بنابراین, مصوبات سازمان ملل بر فرض سداد و صلاح آن و نیز آئین نامه های نژادی و قومی و ملّی, تنها اموری قراردادی است که توان تأمین سعادت تکوینی جوامع بشری را ندارد؛ زیرا حقیقت تکوینی انسان, برتر از قرارداد اعتباری است, و ابدیت او والاتر از امور مادی ناپایدار.

فطرت توحیدی, سرمایه وحدت جهانی

خدای سبحان سرمایه سعادت همه جانبه و وحدت گسترده با همه جوامع بشری را به عنوان اصلی «ثابت», «همسان», «همگانی» و «همیشگی» در نهاد انسان گذارده است؛ به طوری که هیچ فرد درهیچ عصر و مصر و نسلی فاقد آن نیست. این دست مایه تکامل تکوینی, همان زبان فطرت توحیدی است که بدون نیاز به هرگونه اعتبار و قرار داد و تصویب, توان پیوند انسانها را

دارد «فَأَقِم وَجهكَ لِلدّين حَنيفاً فِطرت الله الَتى فَطر الناسَ عَليها لاتَبديل لِخَلق الله ذلكَ الدِّين القَيّم ولكنّ أَكثر الناس لايَعلمون» روم / ۳۰

راز عـدم تبدیل فطرت توحیدی انسان این است که نه خداوند آن را تغییر می دهد چون وی را به «احسن تقویم» ساخت و هیچ نقص و عیبی در نهان توحیدی او نیست تا تبدیل شود و نه هیچ کس جز خداوند, توان تأثیر در نظام آفرینش انسان را دارد. از این رو, به عنوان نفی محض فرمود «لا تبدیل لخلق الله».

تنها محور وحـدت انسان ها و اتحاد جوامع بشـری, فطرت توحیـدی آنان است که امری عینی و تکوینی و نیز جاودانه و پایدار است؛ زیرا فطرت؛ نه از خصوصـیت اقلیمی نشـأت گرفته است تابـا تغییر آن دگرگـون گردد و نه در زمـانه مخصوص محصور است تـا بـا گـذشت آن سپری شود و نه در معرض حوادث دیگر واقع می شود تـا بـا تحول رخـدادها فرسوده گردد؛ بلکه هم چنـان مشـرف بر هر زمین و محیـط بر هر زمـان و حـاکم بر هر سـنت و رسم قومی و نژادی وماننـد آن است؛ زیرا روح انسان, مجرد است و فطرت توحیدی که با هستی او عجین شده, منزّه از ماده و مبرّای از قوانین حاکم بر طبیعت تاریخ است.

از این رو, نه در محـدوده «نفی و دفع» پیرو قواعـد و مبـانی مـادی است و نه در اثبـات و جـذب تابع آن هاست, زیرا اولاً روح ملکوتی و مجرد, سـنخیت بـا مـاده نـدارد وثانیاً کامل تر از آن است وبه این دو جهت, ازقلمرو تأثیر مسـتقیم و اصـیل ماده دور است. از این رو, خدای

سبحان فرمود فقط خداوند است که دل ها ی آنان را همسو وهماهنگ قرار داد و تو ای پیامبر! اگر همه منابع مادی زمین و هر آنچه را که در آن است, هزینه می کردی تا دلهای آن ها را پیوند دهی, توان آن را نداشتی؛ لیکن خدای سبحان آنان را متحد و قلوب آن ها را تألیف کرد «وَألّفَ بَین قُلوبهم لَو أَنفقتَ ما فی الأَرض جَمیعاً ماأَلّفت بَین قلوبهم ولکن الله أَلّف بینَهم إِنّه عَزیز حَکیم». (سوره انفال, آیه ۶۳) در این پیوند قلوب و اُلفت دل ها, دو نام از اسمای حسنای خداوند یعنی عزیز و حکیم سهم به سزایی دارد. از این رو, دل های عزیزان و حکیمان باهم متحد است.

حاصل آن که «وحدت جهانی», بدون پیوند تکوینی و همگانی میسّر نخواهد بود و هرگونه پیوندی که با سرشت توحیدی انسان ها مطابق نباشد, اعتباری و زوال پذیر است.

قرآن,چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟ پرسش

اشاره

قرآن,چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟

پاسخ

در فرهنگ قرآن, اختلاف, گاهی ممدوح و مقدّس است که ار آن به «اختلاف قبل از علم» تعبیر می شود و گاهی اختلاف مذموم و نامقدّس است که از آن به «اختلاف بعد از علم» یاد می شود.

اختلاف مقدّس

اختلافی که برای ظهور حق و واقعیّت, در بین افراد گوناگون پدید می آید, اختلاف مقدس است؛ مانند اختلاف صاحب نظران برای روشن شدنِ حقّ. این افراد به بحث و گفت و گو می نشینند و تبادل نظر می کنند تا در سایه آن, حقیقت آشکار شود.

این اختلاف, چون زمینهرشدو کمال را فراهم می سازد و انسان ها را به قلّه اتحاد و هماهنگی می رساند, ممدوح و مقدّس است.

اختلاف قبل از علم, انسان را محقّق بار می آورد؛ چون تا چیزی برای او معلوم نشده است, نباید آن را بپذیرد . روح تحقیق و پژوهش, مایه ترقّی انسان هاست؛ زیرا اگر بین آنان اختلاف نظر و تضارب آراء نبود, بلکه از اندیشه یکسان بهره مند بودند, علم و صنعت هرگز پیشرفت نمی کرد و زمینه حلّ مسائل پیچیده فراهم نمی شد.

این اختلاف, هیچ گونه منافاتی با «امّت بودن» و «وحدت هدف» ندارد؛ چون هر دو طرف اختلاف, مقصد و هدف واحدی را که همان ظهور حقّ و واقع است, دنبال می کنند؛ همانند دو کفّه مختلف ترازو که هدف واحدی را دنبال می کنند؛ در اثر عدم تطابق کفّه وزن با کفّه کالا و سبک بودن یکی و سنگینی دیگری اختلاف پدید می آید. اگر کفه وزنْ سنگین تر باشد,

با اعتراض می گوید باید مقداری بر کالا بیفزایی و آن را معادل من قرار دهی تا با هم حرکت

کنیم و اگر کفّه کالا ـ و موزون سنگین تر باشد, او نیز اعتراض می کند که چرا وزن, معادل من نیست. دو کفّه ترازو باید هماهنگ و همپای هم حرکت کنند تا اختلاف پایان یابد. بنابراین, نزاع و اختلاف دو کفه ترازو برای رسیدن به مقصد و هدف واحد، یعنی همان برقراری قسط و عدل است.

اختلاف نامقدس

این اختلاف, پس از ظهور حق و واقع است و بر اثر ظلم و هوای نفس پدید می آید. دو صاحب نظر, اگر پس از تبادل نظر و روشن شدن حق برای آنان, خواه به وسیله عقل یا وحی, پیروی شیطان و هوای نفس کرده, در برابر حقّ ایستادند واختلاف کردند, اختلافشان مذموم و برای از بین بردن حق و اِحقاق باطل است؛ نظیر آن که کسی بخواهد پس از هماهنگی دوکفّه ترازو با «تطفیف» و کم فروشی, نیرنگ بزند و بین دو کفه اختلاف ایجاد کند.

خدای سبحان مسلمانان را از این اختلاف مذموم نهی کرده, می فرماید شما مانند آنان نباشید که پس از روشن شدن حق, در دین و متن کتاب اختلاف کردند «ولا تکونوا کاللذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ماجاءهم البیّنات...» آل عمران / ۱۰۵

قرآن و اختلاف مقدّس و نامقدّس

قرآن کریم در آیه «کان الناس أُمّه واحده فَبَعث الله النَّبیّین مُبشّرین ومُنذرین وأَنزل مَعهم الکِتاب بِالحقّ لیَحکم بین الناس فیما اختَلفوا فیه وَما اختَلف فیه إلّا الَذین أُوتوه مِن بَعدما جاءتهم البیّنات بَغیاً بَینهم...» بقره / ۲۱۳ اختلاف ممدوح را تلویحاً و اختلاف مذموم را تصرحاً ذکر کرده است.

خدای سبحان در آغاز این آیه می فرماید مردم گروه واحدی بودند وزندگی ساده وبسیطی داشتند. سپس بر اثر پیشرفت علم

وصنعت, در تشخیص حقّ و باطل و تبیین مصالح و مفاسد, اختلاف کردند. این اختلاف تلویحی, چون پیش ازآمدنِ انبیا و کتاب بوده, ممدوح است. سپس خدای سبحان پیامبران را مبعوث کرد و کتاب الاهی را به همراه آنان نازل کرد تا به اختلافات آنان پایان دهند «... فَبَعثَ اللهُ النَّبیّین مُبشِّرین ومُنذرین وأَنزل مَعهم الکِتاب بِالحقّ لِیحکم بَین النّاس فَیما اختَلفوا...». از این تعبیر استفاده می شود که وِزان آیه چنین بوده است «کان الناس أمّه واحده ثمّ اختلفود فبعث...»؛ چنان که قرینه داخلی و خارجی نیز این برداشت قرآنی را تأیید می کند.

شاهد داخلی جمله «لِیَحکم بین الناس فیما اختلفوا» است؛ چون اگر وحدت انسان های اوّلی محفوظ می ماند و در جهان بینی, ملکات نفسانی و امور فردی و اجتماعی اختلاف نمی کردند, اوّلاً آوردن این جمله لغو بود؛ چون اختلافی نداشتند. ثانیاً نیاز به نزول مجموعه قوانین به نام کتاب نبود. پس, باید اختلافی بین آنان باشد تا زمینه بعثت انبیا و نزول کتاب فراهم آمده باشد.

شاهد خارجی آیه «وما کان الناس إلّا أُمّه واحده فَاختَلفوا و لولا کَلِمه سَبقت مِن رَبّک لَقُضی بَینهم فیما فیه یختلفون» یونس / ۱۹ است که تصریح به اختلاف قبل از وحی دارد.

این اختلاف اوّل, ممدوح و مقدّس است؛ مگر آن که به ظهور حق منتهی نشود که در آن صورت مذموم است.

آن گاه خدای سبحان به دنبال آیه, به اختلاف مذموم تصریح نموده, می فرماید مردم در برابر نزول وحی و ابلاغ آن توسّط پیامبران, دو دسته شدند؛ عدّه ای دستورات آنان را پذیرفتند وتسلیم حق شدند و گروهی از عالمانِ دین و حاملانِ وحی, با وجود آن همه بیّنات

و معجزات الاهی و ظهور حق, از روی بغی و حسد و سرکشی حق را نپذیرفتند و زمینه اختلاف در دین را فراهم کردند «... وَما اختَلف فِیه إلاّ الَّذین أُوتوه مِن بعد ما جاءَتهم البَیّنات بَغیاً بینَهم...». بقره / ۲۱۳

شاید برخی برای توجیه «اختلاف نامقدس» بگویند این اختلاف نیز نوعی اختلاف نظر است و عالمانِ دینی, نظر شخصی خود را در برابر انبیا ارائه داده اند؛ لیکن این سخن نادرست است ؛ زیرا اوّلاً پایه اختلاف مذموم را هوا و هوس و بغی و سرکشی تشکیل می دهد «بغیاً بینهم» بقره /۲۱۳. ثانیاً خدای سبحان برای حلّ اختلاف نظر راه هایی را نشان داده است که پیروی عالمانِ دینی از یک دیگر جایز است؛ مگر آن که به علم وجدانی ثابت شده باشد که طرف مقابل خطا رفته است و وجود علم وجدانی در مسایل فقهی, بسیار اندک است.

محورهای اختلاف مقدس چیست؟ پرسش

اشاره

محورهای اختلاف مقدس چیست؟

پاسخ

اختلاف مقدس که پیش از نزول وحی رخ می دهد و انبیا برای رفع آن آمده اند, محورهای گوناگونی دارد که به آن ها اشاره می کنیم

الف اختلاف در باره آداب زندگی و وظایف فردی؛مانند اختلاف در کیفیّت و مقدار تغذیه و چگونگی خواب و استراحت . گرچه این اختلاف موجب هرج ومرج در جامعه نمی شود, لیکن باید معلوم شود که حق با کیست؟

ب اختلاف در رمینه مسایل اجتماعی و روابط عمومی؛ مانند اختلاف در قوانین تجاری و غیر تجاری. این اختلاف اگر حل نشود, موجب هرج و مرج در جامعه است.

اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟ پرسش

اشاره

اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟

پاسخ

مردم در برابر دعوا و دعوت پیامبران الاهی دو گروهند گروهی که می پذیرند و برخی که انکار می کنند . آنان که نبوّتِ انبیا و وحی الهی را نپذیرفتند و آن را اسطوره یا افسانه پنداشتند, کافر نام دارند واز دایره بحث بیرونند؛ امّا کسانی که نبوّتِ انبیا را

پذیرفته, معجزه را نشانه صِدق دعوای آنان دانستند, درباره دین و متن کتاب, دو دسته شدند گروهی که به وحی الاهی ایمان آوردند و به برکت دستورات حیات بخش انبیا (ع) مشمول هدایت پاداشی خداوند شدند وبه اذن الاهی, حق و وحی را شناخته, در پرتو آن فهمیدند که چگونه در مسایل فردی و اجتماعی و کیفیت بهره برداری از مواهب طبیعی,در کمال صلح و آرامش زندگی کنند «... فَهَدی اللهُ الَذِین امنوا لِمَا اختلفوا فیه مِن الحَقّ بِإذنه...» بقره / ۲۱۳

ولی گروهی فرصت طلب نیز دین را وسیله دنیا قرار دادند و از روی بغی وسرکشی و سوء برداشت, در دین الهی اختلاف کردند. این اختلاف چون اختلاف بعد از علم و نامقدّس است راه علاج و درمانی جز عذاب الاهی به وسیله شمشیر یا آتش دوزخ ندارد.

منشأ اختلاف نامقدس دردین

اختلاف در دین, خطر بزرگی است که موجب پیدایی مذاهب گوناگون شده است. این اختلاف, ناشی از ابهام در دین خدا یاسخن انبیا نیست؛ چون دین و پیام انبیا, نه تنها بیّن و روشن است, بلکه «بیّنه» و «بیّنات» است و هیچ ابهامی در آن نیست «... مِن بعد ماجاءتهم البیّنات...» بقره /۲۱۳ همچنین منشأ اختلاف در دین, جهل, نسیان یاغفلت اختلاف کنندگان نیست؛چون این عناوین, قابل عفو

و اغماض است و موجب وعیدالاهی نیست.

تنها منشأ اختلاف در دین, ظلم, حسد و ریاست طلبی برخی از منسوبان به دین, مانند عالمان سوء است؛ چنان که قرآن می فرماید «... وَما اختلف فیه إلّا الـذین أُوتوه مِن بَعد ما جاءتهم البَیّنات بَغیاً بینَهم...»بقره / ۲۱۳ از این آیه بر می آید که اختلاف در دین, ریشه فطری ندارد؛ بلکه مستند به بغی وتعدّی از حدود و مقرّرات فطرت است؛ زیرا دین الاهی مطابق فطرت است وهرگز از ناحیه دستگاه آفرینش, تغییر واختلافی در آن را ه پیدا نمی کند «فَأقِم وَجهک لِلدّین حَنیفاً فِطرت الله التی فَطر الناسَ عَلیها لا تَبدیل لِخلق الله ذلک الدّین القَیّم...» روم / ۳۰ .

خدای سبحان در آیات دیگر نیز منشأ اختلاف در دین رابغی و سرکشی و خود محوری برخی ازعالمانِ دینی دانسته است؛ مانند «... ولا تتفرّقوا فیه...* وما تفرقوا إلّا مِن بعد ما جا ٔ هم العلم بغیاً بینَهم...» شوری /۳ ۱۴[هرگز در دین تفرقه و اختلاف مکنید... و مردم در دین, راه تفرقه و اختلاف نپیمودند؛ مگر پس از آن که علم و برهان از جانب حق برآن ها آمده؛ آن هم به صرف حسادت و برتری جویی میان یک دیگر.]

پی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟ پرسش

اشاره

پی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

پاسخ

در این جا به سه موضوع اساسی اشاره می نماییم.

۱ زوال قدرت و شوکت

قرآن کریم درباره تنازع میان مسلمانان و آثار شوم آن می فرماید با یک دیگر نزاع نکنید؛ چون تنازع موجب ضعف و سستی شما می شود و با آمدن «فَشل» و ضعف, عزّت وشکوهتان از بین می رود. بنابراین, گرچه حفظ وحدت و تفرقه شکنی کار بسیار دشواری است, لیکن شما این دشواری را تحمل کنید؛ چون خدا با صابران است و سرانجام در سایه صبر و استقامت, موفق خواهید شد «و أَطیعُوا الله وَ رسوُله ولا تَنازعوا فتَفشلوا وتَذهب ریحکم واصْبروا إنّ الله مَع الصابرین» انفال/۴۶

نزاعی که پس از روشن شدن حق از باطل است و از هوای نفس سرچشمه می گیرد, عامل مهمی برای نابودی افراد و جامعه است؛ زیرا نزاع, جدای از آن که اختلاف است, اتحادی نیز در آن نهفته است.

سرّ تأثیر نزاع و ویران گری آن نیز همان اتفاق است؛ چون اختلاف کنندگان, خواه دو فرد یا دو گروه, نتیجه تلاششان دو چیز است از بین بردن قدرت طرف مقابل و هدر دادن توان خود برای مقابله با قدرت طرف مخالف.

بنابراین, اختلاف گران بر نابودی قـدرت یک دیگر اتفاق دارند و همین امر, موجب زوال قدرت و شوکت جامعه خواهد شد. از این رو, قرآن کریم می فرماید «...لا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم...». انفال / ۴۶

۲ ذلّت و بردگی

حضـرت علی (ع) پس از جنـگ با ناکثین و مارقین و قاسـطین, تقریباً در اواخر عمر مبارک خود, مقاطع تاریخی را ترسـیم می کند و هشدار میدهد ومی فرماید مردم! من سه حلقه تاریخ پیامبر زادگان را برای شما

شرح بدهم تا شما خیال نکنید که خداوند, اهل سهل انگاری است و اگر این تجربه تلخ را یک بار چشیدید و به ذلّت افتادید, بار دیگر تلخ کام نشوید.

حلقه اوّلِ تاریخ این سلسله, مرحله قیام خلیل حق, ابراهیم (ع) است که به برکت آن , فرزندان ایشان به عنوان انبیای ابراهیمی و امامزادگان و پیامبرزادگان و به تعبیر قرآن کریم, «ملوك» بر مردم شدند «... وَجعلکم مُلوکاً واتاکم ما لم یؤتِ أحداً من العالَمین» مائده / ۲۰. در این مقطع,شما به برکت خلیل حق (ع) به اوج عظمت رسیدید واین, همان حلقه اول از تاریخ این سلسله است.

آن گاه در تبیین حلقه دوم از تاریخ این سلسله فرمود شما سرگذشت پیامبرزادگان و امامزادگانی چون فرزندان اسماعیل و اسحاق و یعقوب (اسرائیل) (ع) را شنیده اید «فَاعتَبِروا بِحال وَلد إسماعیل و بَنی إسحاق و بَنی إسرائیل (ع) فَما أشَدّ اعتدال الأَحوال و أَقرب اشتباهَ الأمثال» (نهج البلاغه, خطبه۱۹۲, بند۹۳). آنان, انسان های شریف از تبار ابراهیم و پیامبر زاده و امامزاده بودند؛ ببینند چه روزگاری را گذراندند

«تأمّلوا أمرَهم فی حال تَشتّتهم وتَفرُّقهم لَیالی کانت الأکاسِره والقیاصِره أَرباباً لَهم یَحتازونُهم عَن ریف الافاق و بَحر العِراق و خُضرهِ الدنیا الی منابِت الشَیح و مَها فِی الریح و نَکَدِ المعَاش فَترکوُهم عاله مَساکین إِخوانَ دَبَرٍ و وبَرٍ...» (نهج البلاغه, خطبه ۱۹۲, بند ۹۳).

[آیا ندیدید تبه کاران, با امامزادگان و پیامبرزادگان چه کردند؟! از یک سو کسراهای ایران و از سوی دیگر قیصرهای روم , بر امامزادگان حکومت کردند و آنان را به بردگی و گدایی کشاندند.

کسراهای ایران و قیصرهای روم, نه تنها ربّ این امامزادگان بودند, بلکه

آنان را «حیازت» کردند؛ آنان را جزء موات می دانستند. آیا ندیدند که مناطق سرسبز و خرم را از تصرّف آنان خارج کردند و سرزمین های خوش آب و هوا را از دست آنان گرفتند و آنان را به مناطق بد آب و هوا تبعید کرده, در آن جا اسکان دادند و معادن و منابع و ذخایر آنان را غارت نمودند؟ «ونَکَد المَعاشِ».]

آیا به یاد ندارید که قلمرو سلطنت کسراهای ایران, منطقه نفوذ امامزادگان و پیامبرزادگان را زیر پوشش داشت ومنطقه نفوذ سلطنت قیاصره روم, آنان را در بر گرفت تا جایی که آنان گدایان ایران و روم شدند؟ آیا شما فکر می کردید که پیامبر زادگان, روزی «چارپادار» شوند؟!

این حکایت تاریخ است که نوادگان ابراهیم (ع)، نوادگان اسماعیل (ع) و نوادگان اسحاق (ع), «اصحاب دَبَر و وَبَر» شدند و کسراها و قیصرها آنان را یک مُشت گدا کردند. مبادا فراموش کنید که چرا پیامبرزادگان ابراهیم (ع) به گدایی افتادند واصحاب دَبَرْ و وَبَرْ شدند؛ آنچه مایه ذلّت این سلسله گشت, چیزی جز «ترک دین» و «دامن زدن به اختلاف» نبود.

بنابراین, برای این که به آن مقطع ذلّت بار باز نگردید, اوّلاً دین دار و دین باور باشید و ثانیاً هماهنگ و متّحد. این,سرگذشت مقطع دوم از زندگی امامزادگان و پیامبرزادگان است؛ تا پیش از ظهور اسلام.

آن گاه در مقطع سوم از تاریخ این سلسله , به برکت حضرت رسول اکرم (ص) اسلام ظهور کرد و با ظهور خود, «توحید کلمه» و «کلمه توحید» را به ارمغان آورد و فکر آنان را احیا نمود؛ به آنان دین داد و آنان را از باز تشتّت و تفرّق رهایی

بخشید و در نهایت, ازادی و آبادی را به ایشان اهدا کرد؛ چنان که در پرتو اسلام, همین چارپاداران به جایی رسیدند که فرمانروا شدند

«فَهُم حُکّامٌ عَلی العالَمین ومُلوك فِی أَطراف الأَرضین یَملکون الأُمور عَلی مَن کان یَملکها عَلیهم و یُمضُون الأَحکام فیمن کان یُمضیها فیهم لاتُغمز لهم قناه ولا تُقرَعُ لهم صَفاه». (نهج البلاغه, خطبه۱۹۲, بند ۱۰۱)

در سایه همین اسلام که مجد فراموش شده را به آنان بازگرداند همه حاکمان, محکوم گشتند و این اصحاب دَبَر و وَبَر, بر قیاصره روم و اَکاسره ایران سلطه یافتند و غنایم جنگی شرق و غرب را به حجاز آورده, حکّام و ملوك شدند. این مقطع, مقطع سوّم از تاریخ این سلسله است.

امیر المؤمنین (ع) پس از تبیین حلقات سه گانه یاد شده و تحلیل ادوار تاریخی سلسله امامزادگان و پیامبر زادگان, شرایط اجتماعی عصر خود را تشریح می کند و چنین می فرماید ای کسانی که با من نساختید و از اطاعت من سرباز زدید! آیا می خواهید به آن مقطع ذلّت بار که اکاسره و قیاصره شما را حیازت می کردند و اربابتان بودند برگردید یا به مقطع شکوه مندی که در تحت رهبری قرآن و عترت حرکت می کردید «أَلَا وإِنّکم قَد نَفَضّتم أَیدیکم مِن حَبل الطّاعه و ثلمْتُم حِصنَ الله المضروب عَلیکم بِأحکام الجاهلیّه ...» (نهج البلاغه, خطبه۱۹۲, بند ۱۰۳) [شما طناب اطاعت را از دست خود رها کردید و این قلعه مستحکم را سوراخ نمودید و مرا تنها گذاشتید.]

آن گاه فرمود «فَإنّ الله سبحانه قَد امتَن عَلی جَماعه هذه الأُمّه فِیما عَقد بینَهم مِن حبلِ هذه الأُلفه الَّتی یَنتقلون فی ظِلّها و یَأوون إِلی کنِفها بِنِعمهِ لایعرف أحدٌ من

المَخلوقين لها قيمه لأنّها أرجحُ من كُلّ ثَمَنٍ وأجلَّ من كُلّ خطرٍ». (نهج البلاغه, خطبه ۱۹۲, بند ۱۰۳) [خداوند سبحان منّتی بر این مردم نهاد که آنان را در سایه «حبل الله» متحد کرد و نعمتی به آنان داد که احدی نمی تواند آن نعمت را حق شناسی کند؛ زیرا قیمت آن را نمی داند. این نعمت, از هر کالای پر بهایی گران تر و از هر چیز ارزش مندی قیمتی تر و از هر امر خطیری خطیرتر است و شما به این مقطع والا رسیدید.] اکنون اگر در نظام اسلامی از وحدت الاهی خود حراست نکنید و از عترت اطاعت ننمایید, همان مقطع اوّل دامنگیر شما خواهد شد.

۳ دشمنی و قضاوت ناحق

دشمنی های ناصحیح که از اختلاف های نامقدس سرچشمه می گیرد, در نظر دهی و قضاوت انسان تأثیر به سزایی دارد؛ تا آن جا که موجب کوری و کری در برابر حقایق و واقعیّت ها می شود؛ چنان که دوستی ها گاهی این گونه است «حبّک للشئ یُعمی و یصم» (بحار, ۷۴/۱۶۵). انسان اگر چیزی یا کسی را دوست داشته باشد, عیوب و نقاط ضعفش را نمی بیند و نمی شنود و نیز اگر واقعاً از چیزی یا کسی بدش بیاید و با او دشمنی داشته باشد, زیبایی ها و نقاط قوّتش را نادیده ونشنیده می گیرد.

«اختلاف» از گناهانی است که حد و مرزی ندارد؛ لیکن شیطان روان کاوانه کار می کند که انسان به کارهای خود صبغه دینی بدهد و کارهای رقیب خود را کفر آلود ببیند؛ با این وصف, هر روز دامنه اختلافات گسترده تر وعمق کینه و عداوت بیشتر خواهد شد.

مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

پرسش

مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

پاسخ

خدای سبحان, پس از آن که مؤمنان را در حوزه ایمانی و اسلامی به انقیاد واتحاد همگانی که همان راه انبیاست دعوت کرد, آنان را از پیروی گام های شیطان نهی فرمود؛ زیرا شیطان, دشمن آشکار است و قدم های او برای افراد زیان بار است «یا أَیُهَا الَذِین امَنوا ادخُلوا فِی السِّلم کافّه ولا تَتَّبعوا خُطوات الشَّیطان إِنّه لکم عَدوٌّ مبین» بقره / ۲۰۸ از تقابل صدر و ذیل این آیه استفاده می شود که اختلاف وتفرقه, یکی از راه های شیطان است؛ زیرا از این که صدر آیه, مؤمنان را به اتحاد و انقیاد همگانی دعوت می کند و ذیل آیه, از پیروی راه های شیطان, نهی می کند, معلوم می شود که تفرقه, راه شیطان است؛ چنان که صلح و اتحاد, راه انبیاست.

بنابراین, فکر اختلاف در هر کسی پیدا شد, باید بداند که این فکر را شیطان آورده است؛ چون اولاً راه شیطان, در برابر صراط مستقیم و وحی و برهان است «وأنّ هذا صراطی مستقیماً فاتَّبعوه ولا تَتَّبعوا السُّبل فَتَفرّق بکم عن سبیله...» انعام / ۱۵۳. ثانیاً فکر

و انـدیشه, یـک امر وجودی است و خود به خود پیـدا نمی شود؛ بلکه سـبب فاعلی می خواهـد. ثالثاً ایجاد کننـده انـدیشه نمی تواند خود ذهن باشد؛ زیرا ذهن, قبول کننده اندیشه است؛ نه سازنده آن. پس, برای آن که بفهمیم آیا سبب فاعلی افکار تازه, از الهامـات فرشـتگان است «تَتَنَزّل عَلیهم المَلائکه» فصـلت / ۳۰ یـا از القائـات شـیاطین «... وإِنّ الشَیاطین لَیوحُون إِلی أولیائهم لِیجادلوکم...» انعام / ۱۲۱ باید از میزان وحی و عقل سالم بهره ببریم؛ یعنی هر آنچه در مقام نظر

و اندیشه یا در مقام عمل و انگیزه, مطابق با میزان الاهی عقل و وحی نبود, القا و وسوسه شیطان است.

قرآن کریم, بارها مؤمنان را از پیروی گامهای شیطان, در مسائل فردی و اجتماعی , نهی کرده است؛ چون دشمنی شیطان, آشکار است و کار دشمن جز ضرر و زیان زدن نیست «ولاتَتَّبعوا خُطوات الشَّیطان إِنّه لکم عَدوٌ مبین» بقره / ۲۰۸ و سیاست شیطان نیز گام به گام است. او آهسته و پیوسته می آید و وسوسه می کند تا گوهر تابناک ایمان مؤمن را بزداید و او را بی آبرو نماید و در نهایت, او را کافر و گمراه کند «کَمثَل الشَّیطان إِذ قال للإِنسان اکفُر فَلمّا کفَر قال إِنّی بَریءٌ مِنک إِنّی أَخاف الله رَبّ العالَمین» حشر / ۱۶

راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟

پرسش

راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟

پاسخ

۱ اقامه برهان

قرآن کریم درباره تشریح اختلافات می فرماید علل اختلاف و این که گروهی خود را برتر از دیگران دانسته, سایرین را طرد می کنند به امور طبیعی یا به امور اعتباری یا به برداشت های علمی و فقهی برمی گردد. این ها گرچه مایه اختلاف هستند, ولی هیچ کدام ایجاد امتیاز و برتری نمی کنند.

امتیاز نبودن تفاوت های طبیعی

قرآن کریم درباره عوامل طبیعی اختلاف, مانند قومیّت ها و نژادهای گوناگون و لهجه ها و زبان های مختلف, می فرماید این ها شناسنامه طبیعی شناخت افراد است و هرگز مایه افتخار نیست؛ چون تقوا مایه امتیاز و برتری افراد است و تقوا زمینه وحدت را ایجاد می کند «یا أیها الناس إِنّا خَلقناکم مِن ذَکرً و اُنثی وجَعلناکم شُعوباً وقَبائِل لِتعارَفوا إِنَّ أَکرمکم عِندالله أَتقیکم إِنّ الله عَلیم خَبیر» حجرات / ۱۳.

در عصر جاهلیت, بسیاری از اختلاف ها ونزاع ها ناشی از تفاخر به نژاد و قبیله بود. از این رو, قرآن کریم و شخص رسول اکرم (ص) اهتمام زیادی به زدودن این سبب اختلاف داشتند.

پیامبر اکرم (ص) در مکه در خطبه ای به مردم فرمود ای مردم! خداوند ازشما ننگ جاهلیت و تفاخر به پدران و نیکان را زدود. پس, مردم دو گروه بیش نیستند انسان نیکوکار و با تقوا و ارزش مند نزد خدا و انسان بدکار و شقاوت مند در پیشگاه حق. همه مردم, فرزند آدمند و خداوند آدم را از خاک آفرید؛ آن گاه آن حضرت, آیه شریفه پیش گفته را قراءت فرمود. (تفسیر قرطبی, ۸, / ۳۰۹)

آن حضرت (ص) در همین زمینه می فرماید ای مردم!

بدانیـد خدای شـما یکی است و پدرتان یکی؛ نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب و نه سـیاه پوست بر گندمگون و نه گندمگون بر سیاه پوست مگر به تقوا.

آیا من دستور الاهی را ابلاغ کردم؟ همه گفتند آری. فرمود این سخن را حاضران به غایبان برسانند. (تفسیر قرطبی,۸,/۳۰۹)

هنچنین در حـدیث دیگر چنین فرمود خداونـد به وضع خـانوادگی, نسب, اجسام و اموال شـما نگاه نمی کنـد؛ ولی نگاه به دل های شـما می کند؛ کسـی که قلب صالحی دارد, خدابه او لطف و محبت می کند. شـما همگی فرزندان آدمید و محبوب ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست (تفسیر قرطبی, ۸ /۳۰۹)

بنابراین اسـلام با عصبیت جاهلی اعم از نژاد و رنگ و قبیله و هرشـکلی دیگر آن مبارزه کرد تا مسلمانان جهان را از هر نژاد و قوم و قبیله, زیر پرچم واحدی جمع آوری کند.

امتیاز نبودن علل اعتباری

قرآن کریم دربـاره عوامـل اعتبـاریماننـد مال و منال و مقام می فرمایـد این امور اعتباری را برای آزمایش به افراد می دهیم و هرگز مایه تفاخر و برتری افراد نخواهد بود.

پس هر فرد یا اُمّتی که بخواهـد با این امور اعتباری, خود را برتر از دیگران ببینـد و از برتری جویی لـذّت ببرد, بدانـد که لذّت کـاذبی است؛ماننـد لـذتی که معتاد از موادّ مخـدّر دارد و وقتی لـذّت و برجسـتگی او کاذب شـد, رنـج وکوچکی وی صادق است؛ چون ممکن نیست که دو طرف نقیض, صـادق یـا کـاذب باشـد. او به خیال لـذّت بردن, درحقیقت, درد را زیر پوشـش لذّت تحمّل می کند.

بنابراین کسی که می داند امور طبیعی و اعتباری, دلیل افتخار و امتیاز نیست,

ولی به دنبال آن می رود, راه شیطان را می پیماید و شیطنت, با عقل سازگار نیست.

تعیین مرجع برای برداشت های علمی

قرآن کریم درباره برداشت های علمی وفقهی می فرماید گرچه اینها می توانند زمینه اختلاف را فراهم کند, لیکن اگر به کتاب و سنّت مراجعه کنید, این اختلافات حل می شود «... فَإِن تَنازعتم فی شیءٍ فَردُّوه إِلی الله والرّسَول ...» نساء/۵۹ (به شرط آن که رجوع به محضر قرآن و سنّت, با پیش داوری و تحمیل فهم نادرست و منحرف خود به آن ها نباشد؛ بلکه خود و اختلافات را به قرآن و سنّت عرضه کنند تا مشکلشان حلّ شود.

اگر با مراجعه به کتاب وسنّت, اختلاف نظرهای علمی و فقهی حلّ نشد, نباید زمینه تفرقه را فراهم کند؛ چون این اختلاف نظرها آن قدر مقدّس و محمود است که اوّلاً مایه کشف وپدیدار شدن نظریه صحیح و حقیقی است؛ چنان که امیر المؤمنین (ع) فرمود «إِضربوا بعَض الرأس بِبعَض یَتولّد مِنه الصَواب» (غررالحکم آمدی, ۲, ۲۶۶/) ثانیا بزرگان فقهی, در بحث اجتهاد و تقلید, به این مطلب رسیده اند که اختلاف نظرها مانع اقتدای یکی از آنان به دیگری در نماز نمی باشد؛ گر چه اختلافشان در حدّ اجتهاد و فتوا باشد, مگر موردی که جزم و علم وجدانی به بطلان نماز او داشته باشد که این مورد بسیار نادر است؛ چون فتواها نوعاً استظهار از ادلّه است که یقین آور نیست.افزون بر آن, ممکن نیست کسی که با قلب پاک و اراده اصلاح به محکمه قرآن و سنّت برود و اختلاف او حل نشود.

۲ موعظه حسنه

قرآن کریم, ریشه همه اختلافات عملی را هوای نفسانی و دوستی ها و دشمنی های نابه جا و

شیطانی می دانـد. از این رو, همراه ریشه یابی, تلاش فراوان دارد که انسان ها را از نظر اخلاقی به کمال نفس برساند تا از چاه شهوت و غضب بیرون آمده, به اوج وکمال حکمت و معرفت نایل آیند. خدای سبحان, درباره اوصاف بهشتیان می فرماید ما هرگونه کینه و دشمنی را از دل های آنان زدودیم «ونَزَعَنا ما فی صُدور هم مِن غِلٍّ ...» اعراف / ۴۳

مؤمنان صدر اسلام (مهاجر و أنصار) نیز همین صفت وارسته و مقام بلند را در دعاهایشان از خدا مسألت می کردند «... یَقولون رَبّنا اغْفِر لَنا ولِإخواننا الِذَین سَبقونا بالإِیمان ولَا تجَعل فی قُلوبنا غِلاً للّذین امنوا...» حشر /۱۰ [خدایا! ما و برادران ایمانی مان را بیامرز و در دل های ما هیچ گونه کینه و عداوتی نسبت به آنان قرار مده.]

یعنی دیگران با مردن و دیدن برزخ و تحمّل مشکلاتِ آن و پاك شدن به بهشت می روند وبه این صفت وارسته می رسند که بینشان اختلافی و کینه ای نیست؛ لیکن مردان الاهی, این نعمت برزگ بهشتیان را در دنیا از خداونـد طلب می کنند؛ چون زیبا ترین و لذّت بخش ترین زندگی در پرتو وحدت و اتحاد, امکان پذیر است.

بنـابراین, اگر جامعه, حکیم و عاقل باشـند, همیشه در بهشت به سر می برنـد؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) حکمت را به بهشت تفسیر نمودند «أنا مدینه الحکمه وهی الجنّه وأنت یاعلی (ع) بابها ...» (بحار,۴۰ ,۲۰۰/)؛ [من شهر حکمتم که بهشت است و تو ای علی, دَرِآن شهر هستی.]

۳ جلوگیری از مغالطه و اشتباه

قرآن کریم همراه دستور به وحدت و اتحاد, هرگونه دستاویزی را از دست بهانه جویان می گیرد؛ چون شیطان از هر

راهی که بتوانـد جلوی اجرای احکام دین را می گیرد؛ گاهی درمسائل علمی و نظری مغالطه می کند وگاهی در مسائل عملی , انسان را به هوا و هوس می انـدازد؛ در تحلیل مسائل علمی, القای شـبهه در ذهن می کند و از این راه, ایجاد تفرقه می کند و در مسائـل عملی با وسوسه و تحریک هواهای نفسانی, زمینه اختلاف را فراهم می کنـد. از این رو, خـدای سـبحان در این آیه فرمود «... ولا تَتّبعوا خُطوات الشَـیطان إنّه لَکم عَدوٌّ مُبین» بقره / ۲۰۸ [از گام های شـیطان پیروی نکنید؛ چون او دشمن آشکار شماست.]

قرآن کریم, پس از تبیین ادلّه ضـرورت اتحاد و بطلان اختلاف, می فرماید نباید دعوت به سِـلم و اتحاد همگانی, بهانه و زمینه ای برای بی تفاوتی, به مـداهنه کاری و تسامح و تساهل نابجا و ترک امر به معروف و نهی از منکر باشد چون امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خود را دارد. معروف, همان چیزی است که عقل وقرآن و روایات آن را به رسـمیت می شـناسد. و منکر, امری است که برخلاف عقل و قرآن باشد.

امر به معروف و نهی از منکر و تلاـش در جهت قلع ریشه هـای فسـاد و گنـاه, از بهترین زمینه هـای ایجـاد وحـدت و ألفت در جـامعه اسـلامی است, زیرا فطرت انسـان هماهنـگ بـا معروف و مخالف با منکر است وتعامل بر طبق منکر, جز تفرقه به همراه ندارد.

از این رو خداونـد از یـک سو در این آیه می فرمایـد «یـا أَیها الـذَینَ امنوا ادخُلوا فِی السِّلم کافّه...» بقره / ۲۰۸ [ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی به اطاعت خدا در آیید وگام های شیطان را دنبال مکنید که او برای

شما دشمنی آشکار است.]

و از سوی دیگر می فرماید باید امّت و گروهی از شما, همیشه مردم را به سوی خیر ونیکی دعوت کند وامر به معروف و نهی از منکر نمایند «وَلْتکَن مِنکم أُمّه یَدعوُن إلِی الخیر ویَأْمرون بالِمعروف وینهون عَن المُنکر وأولئک هم المُفلحون» آل عمران / ۱۰۴«کُنتم خیر اُمّه أُخرجت لِلنّاس تَأمرُون بالِمعُروف وتَنهون عَن المنکر...»؛ [شما بهترین اُمّتی هستید که برای مردم پایدار شده اید؛ به کار پسندیده فرمان می دهید از کار ناپسند باز می دارید] (آل عمران/ ۱۱۰.

بنابراین , اتحاد و برادری به معنای دست بر داشتن از امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ بلکه اگر با داشتن «حجّت بالغه», موعظه کردید و دین و معارف را به طرف مقابل رساندید و آن شخص, باز هم تعدّی و تجاوز کرد,باید او را امر به معروف و نهی از منکر کنید تا آن جاکه شخص با إذن ولیّ مسلمین, می تواند به وسیله ضرب و قتل که آخرین مرحله نهی از منکر است جلوی فساد او را بگیرد واگر پنهانی مرتکب آن شده, به وسیله حدّ و تعذیر, جلوی او را سدّ کند.

<body/>

<html/>

اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پرسش

اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پاسخ

امیرمؤ منان (ع) وحدت را منّت بزرگ خدای سبحان بر مردم دانسته است؛ آن جا که فرمود

«فَإنّ الله سبحانه قَد اِمتَنّ علی جَماعه هذه الأُمه فیما عَقد بَینهم مِن حَبل هذه الأُلفه الّتی یَنتقلون فی ظِلّها ویأوون إلی کَنفَها بِنعمه لا یعَرف أَحَد من المَخلوقین لَها قِیمه لِأنّها أَرجح مِن کُل ثَمَنَ وأَجلَّ مِن کُلِّ خَطر». (نهج البلاغه خطبه ۱۹۲)

[خداوند بر این اُمّت, منّت گذارده و بین آنان الفت و اتحاد ایجاد کرده است که در سایه آن زندگی کنند و به کنف حمایت آن پناهنده شوند؛ این نعمتی است که احدی نمی تواند بهایی برایش بگذارد؛ زیرا از هر بهایی گران قدرتر و از هر چیز پرارزشی, با ارزش تر است.]

تعبیر منّت اِلاهی از وحدت , بیان گر اهمیّت این موضوع است؛ زیرا به نعمت عظیم , منّت گفته می شود؛ چنان که خدای سبحان از بعثت پیامبر (ص) به عنوان منّت یاد کرده است «لَقد مَنَّ اللهُ عَلی المؤمُنین إذ بَعث فیهم رَسولاً ـ مِن أنفسهم». آل عمران,/ ۱۶۴

حضرت علی (ع) به همراهی با جماعت و کناره گیری از جدایی فرمان داده, می فرماید «أَلَزموا الجَماعه وَاجتَنِبوا الفَرقه». (شرح غرر الحک,۲/ ۲۴۰) نیز می فرمایـد «وَ إیّاکَ وَ الفَرقه فَإنِّ الشاذ مِن النِاس لِلشَـیطان»؛ [از جـدایی دوری کن؛ زیرا نادر از مردم, از آن شیطان است.] (شرح غرر الحکم ۲/ ۳۰۵)

وحـدت, آن قـدر مهم است که حضـرت علی (ع) بـا وجود مصـایب سـنگین, به شـدت, حافـظ اتحاد جامعه اسـلامی بود. آن حضرت در نامه ای به ابو موسی اشعری می فرماید «و لَیَس رَجل فَاعلم أَحرص عَلی جَماعه أُمه محمد (ص) و أُلفتها

مِنّی أبتغی بِذلک حُسن الثّواب وکَرَم الماب» (نهج البلاغه, نامه ۷۸)؛[بدان, هیچ کس نیست که نسبت به وحدت و اتحاد امّت محمد (ص) از من حریص تر و اُنسش به آن از من بیشتر باشد. من در این کار, پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می طلبم.]

صبر آن حضرت (ع) نیز برای حفظ وحدت بود؛ صبری که درباره اش فرمود «فَرأیت أَنّ اَلصَّبر علی هاتا أَحجی فَصبَرتُ وفِی العَین قَذَی وفِی الحَلق شَجاً» (نهج البلاغه, خطبه ۳)؛[عاقبت دیدم که بردباری و صبر به عقل و خرد نزدیک تر است و شکیبایی ورزیدم, ولی به کسی می ماندم که خاشاک چشمش را پرکرده است واستخوان راه گلویش را گرفته است.]

آن حضرت (ع) درباره دلیل سکوت خود فرمود

«وأیم اللهِ لَولا مَخافَهِ الفُرقهَ بَین المُسلمینَ وَ أن یَعود الکُفَر وَ یَبور الدینِ لَکُنّا عَلی غَیر ما کُنّا لَهم عَلیه».(بحار ۳۲/۶۱)

[به خدا سوگند! اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان به گونه ای دیگر بود.] (بحار ۳۲ / ۶۱)

حضرت علی (ع) پس از انتخاب عثمان برای خلافت مسلمانان فرمود

«لَقد عَلِمتم أَنّی أَحقُّ الناس بِها مِن غَیری وَ واللهِ لأُسلِّمنّ ما سَلمت أُمور المُسلمین ولَم یَکن فیها جَور إِلّا عَلیَّ خاصّه».

[شما می دانید که من از همه برای خلافت شایسته ترم. به خدا سوگند ! مادامی که کار مسلمانان رو به راه نباشد و تنها بر من جفا شده باشد, مخالفتی نخواهم نکرد.]

این سخنان نشان می دهد که وحدت از اهمیت ویژه ای بر خوردار است و حضرت علی (ع) از هیچ کوششی برای ایجاد و حفظ وحدت دریغ نورزید.

از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو و مقدس است؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو

و مقدس است؟

پاسخ

اگر اتحاد و اجتماع بر مـدار اجرای حقّ نباشـد, برضـلالت و گمراهی خواهـد بود و چنین اتحادی نمی توانـد مقدّس و مطلوب باشد.

حضرت امیر المؤمنین (ع) درباره جامعه پیش از اسلام که جامعه ای مجتمع بر محور شرک و جاهلیّت بوده است, می فرماید

«ولَقـد کُنّـا مَع الرسول الله (ص) نقَتُل اباؤَنا وأَبناؤنَا وإِخوانَنا وأعمامَنا, ما یَزیـدنا ذلک إِلّا أیماناً و تسـلیماً... فلمّا رأی الله صِدقنا أنزل بِعدَوّنا الکَبْتَ وأنزل عَلینا النَصر...» .(نهج البلاغه,خطبه۵۶)

[ما در رکاب رسول خـدا (ص) بودیم و با پدران, فرزندان, برادران و عموهای خود جنگ می کردیم و این مبارزه, بر ایمان و تسلیم ما می افزود... پس , آن گاه که خدا راستی و اخلاص ما را دید, خواری و ذلّت را بر دشـمنان ما و پیروزی را برما نازل کرد.]

همچنین آن حضرت درباره اتحاد بر تفرقه که امری زیان بخش است و نیز پراکندگی و اختلاف بر محور اتّحاد می فرماید

«... فَاجتمَع القَوم عَلی الفُرقه وافَترقَوا علی الجَماعه کَأَنّهم أَئِمه الِکتاب و لَیس الکِتاب إِمامَهم فَلَم یَبق عِنـدهم مِنه إِلّا إِسـمه وَ لا یَعرفون إِلّا خَطّه وزبْره...» (نهج البلاغه, خطبه۱۴۷)

[مردم در آن روز بر تفرقه و پراکنـدگی اتحـاد می کننـد و در اتحـاد و یگـانگی, پراکنـدگی دارنـد؛ گویا این مردم, پیشوایان قرآنند و قرآن پیشوای آنان نیست. در این هنگام جز نامی از قرآن نزدشان باقی نماند و جز خطوط آن چیزی نشناسد... .]

پس, هر اتحادی مطلوب نیست؛ بلکه بایـد محور و هدف اتحاد مورد دقت قرار گیرد و با توجه به آن ,حق یا باطل بودن اتحاد و مرتبه آن تعیین گردد و به سخن دیگر, حسن اتحاد ذاتی نیست؛ بلکه اتحاد, اقتضای

حسن یا قبح را دارد؛ اگر بر محور حق بود, نیکو است و همگان باید تلاش کنند آن را به و جود آورند و پس از ایجاد نیز در حفظ آن کوشا باشند و اگر اتحاد بر محور باطل بود, قبیح است و نابود کردن چنین اتحادی بر همگان لازم است. به دیگر سخن, می توان با توجه به محور و هدف اتحاد, آن را به احکام خمسه وجوب, حرمت, استحباب, کراهت و مباح تقسیم کرد؛ اگر گروهی بر امر باطلی اتحاد کردند, چنین اجتماعی مقدس نیست؛ مانند اتحاد قریشیان بر ضد حضرت علی (ع) «فَإِنّهم قَد أَجمعوا علی حَربی کَإِجماعهم عَلی حَرب رسول الله قَبلی». (نهج البلاغه, نامه۳۶). و مانند اتحاد شامیان بر امر باطل خود که امیر مؤمنان (ع) درباره اش فرمود «وإِنّی وَالله لأَظَنّ هؤلاء القَوم سیُدالون مِنکم بِإِجتماعهم عَلی باطِلهم» (نهج البلاغه خطبه۲۵)و نیز مانند اتحاد مردم اوباش که حضرت علی (ع) درباره اش فرمود «هُم الذَین إِذ اجتَمعوا غَلبوا وَ إِذا تفَرّقوا لَم یعرفوا ... هُم الذَین إِذا اجتَمعوا ضَرّوا و إِذا تفَرّقوا نفَعوا» (نهج البلاغه حکمت ۱۹۹) که این گونه اتحادها را باید از بین برد.

وحدت صحیح, چگونه حاصل می شود؟

پرسش

وحدت صحیح, چگونه حاصل می شود؟

پاسخ

انسان از یک عامل «کثرت» به نام طبیعت و یک عامل «وحدت» به نام روح ماورای طبیعی, تشکیل یافته است. حال اگر او جنبه طبیعی خود را فربه کند, جز اختلاف و نزاع چیزی نمی یابد؛ ولی اگر جنبه ماورای طبیعی خویش را تزکیه کند, از گزند هر گونه درگیری مصون و به شهد مسالمت و صفا کامیاب می گردد.

خدای سبحان, آفرینش پیکر آدمی را به «تراب», «طین», «حمأمسنون» و «صلصال» نسبت داد که از نشأه کثرت و همواره سبب نزاع است «وَالله خَلقَکم من تُراب... » فاطر/ ۱۱ « . . . إِنّی خالق بَشراً مِن طین» ص/ ۷۱ «... إِنّی خالق بَشراً مِن صَلصال مِن حَمإٍمسَنون» حجر/ ۲۸ و آفرینش روح انسانی را به خود نسبت داد که عین وحدت و همواره سبب اتحاد و رآفت و مایه التیام و محبت است «فَإِذا سَوّیتُه ونَفخَت فیه مِن روُحی...» حجر / ۲۹ «ثُم سَوّاه و نَفخَ فیه من روُحی...» سجده/ ۹

سرّ کثرت طبیعت و ماده را باید در ضیق هستی آن جست جو کرد؛ زیرا هر موجود مادی, شرایط خاصی دارد که نه در دیگری است و نه پذیرای غیر خود.

راز وحدت ماورای طبیعت را نیز باید در سعه وجودی آن یافت؛ زیرا هر موجود مجرد, نه در حضور دیگری محجوب است و نه از شهود غیر خود, محروم. از این رو, نه بهشتیان, کینه و نزاع دارند «ونَزَعنا ما فی صُدور هم مِن غلٍّ» اعراف / ۴۳ و نه در دل های مردان با ایمان که با ماورای طبیعت ارتباط دارند وبه دستورهای وحی آسمانی عمل می کنند , نسبت به یک

دیگر عـداوت و بغض است «... رَبَّنَا اغِفر لَنـا و لِإخواننـا الـذَین سَـبقونا بالإیمـان و لا تَجعل فی قُلوبِنا غِلّاً لِلـّذین امنوا رَبّنَا إنّک رَءُوف رحیم» حشر / ۱۰.

چرا دین, محور وحدت است؟

پرسش

چرا دین, محور وحدت است؟

پاسخ

دین الاـهی, محور وحـدت مسـلمانان جهـان است؛ چنـان که علی (ع) هنگـام نکوهش کوفیـان که در برابر عامـل معاویه یعنی نعمان بن بشـیر بی تفاوت بودند فرمود «... لاأَباً لَکم! ما تَنتظرون بِنَصـرکم رَبّکم؟ أَما دین یَجمعکم و لا حَمیّه تُحمِشکم...» [ای بی اصـل هـا! در یـاری پروردگارتان منتظر چه چیزی هستیـد؟ آیا دینی نداریـد که شـما را گرد آورد؟ یا غیرتی که شـما را به خشم آورد؟] (نهج البلاغه, خطبه۳۹)

امیر مؤمنان (ع) در این خطبه, به وحدت آفرینی دین تصـریح می کند؛ لیکن چون دین , در قرآن و سنّت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) متبلور می شود, باید این سه محور را بررسی نماییم.

محوریت رسول اکرم (ص)

امیر مؤمنان (ع) در باره وجود پیامبر اسلام (ص) می فرماید

به برکت وجودش خداوند کینه ها را دفن کرد و آتش دشـمنی ها را با او خاموش ساخت و به واسـطه وجود او در میان دل ها اُلفت افکند «دَفن الله بِهِ الضَّغائن وَ أَطفأ بِه الثّوائر, أَلّف بِه إِخواناً...». (نهج البلاغه, خطبه ۹۶)

انسان سالک إلی الله, همواره نیازمنـد اُسوه و الگوست تا عقاید و اخلاق و رفتار خود را بر عقیده و خلق و کردار او منطبق کند و چون رسول اکرم (ص) از لحـاظ علمی و عملی سـرآمد همه راهیـان به سوی حق است, اُسوه همگـان قرار می گیرد و قلمرو اُسوه بودن او همسان منطقه رسالت او, جهانی خواهد بود.

خـدای سـبحان حضـرت رسول (ص) را ابتـدا به آداب خـاص متأدّب ساخت, سـپس او را اُسوه دیگران قرار داد و تمام جوامع بشری را به اقتدای به وحی امر کرد. همه اوامر علمی

و عملی أن حضرت خواه در معراج و خواه در غیر معراج و خواه به صورت وحی قرآنی و خواه به صورت الهام و حدیث قدسی, به عنوان تعلیم کتاب و حکمت وتأدیب به آداب الاهی است. رسول اکرم نیز در قبول آن مواهب غیبی, قابلیت تمام داشت و همه فیض هایی را که از مبدأ «تام الفاعلیه» تنزّل یافت, دریافت کرد؛ مانند «خذ العفْو وَاْمُر بالعُرف وأَعرض عَن الجاهلین» اعراف /۱۹۹ «وَمِن الّیل فَتَهجّد بِه نافِله لَک عسی أَن یَبعَثک رَبُّک مَقاماً مَحموداً». إسراء / ۷۹

همچنین آیاتی که کمال های علمی و عملی را در بردارند؛ مانند «شرح صدر», «تلقی قرآن از نزد خداوند به عنوان أُم الکتاب», «استقامت در برابر هر سانحه سنگین و رویداد دردناک», «هجرت و جهاد», «اجتهاد», «قیام به قسط و عدل و انصاف و...», همگی نشانه کمال انسانی حضرت رسول اکرم (ص) است.

آن گاه خدای سبحان به تخلق آن حضرت به خُلق عظیم الاهی اشاره کرد و فرمود «وإنّک لَعلی خُلُقٍ عظیم» (سوره قلم, آیه ۴) گرچه این آیه, قبل از بسیاری از آیات دیگر که شارحِ اخلاقِ برجسته آن حضرت است, نازل شده است؛ ولی سیر طولی بحث و نظم صناعی آن, همین است که قبلاً اصل اتصاف به کمال حاصل شود, سپس تصدیق به خلق عظیم محقّق گردد.

چون رسول اکرم (ص) دارای خلق عظیم است, سنت و سیرت و همه شوؤن زندگی آن حضرت (ص) اُسوه همه سالکان است؛ مگر آن که دلیلی بر اختصاص در مورد وصف یا فعل معین اقام گردد «لَقد کان لَکم فی رَسول الله أُسوه حَسنه لِمن کان یَرجوا الله والیَوم الاخر و

ذَکر الله کَثیراً» احزاب / ۲۱ «... و ما اتاکم الرَسول فَخُذوه ومانَهاکم عَنه فانتَهوا واتّقوا الله إنّ اللّه شدید العِقاب» حشر / ۷

سرّ آن که بایـد همه اوامر و نواهی ان حضـرت را امتثـال کرد, این است که طبق آیه «اَلّـذین یَتّبِعون الّرَسول النّبیّ الأُمی الّـذی یَجـدونه مَکتوبـاً عِنـدهم فِی التّوراه والاِنجیل یَأمرهم بِالمَعروف و یَنها هم عَن المُنکر ویُحلّ لَهم الطَیّبات و یّحرّم عَلیهم الخَبائث ویَضع عنهم إصرهم وَالأَغلال اَلّتی کانت عَلیهم فالّـذین امنوا به وعَزّروه ونَصروه واتّبعوا النُّور الَـذی أُنزل مَعه أولئک هُم المُفلحون» اعراف / ۱۵۷ همه رهنمودهای آنحضـرت, بر اساس مصالـح وحکمت های الاهی است که ضامن کمال همه انسان ها در همه ابعاد و جهات علمی و عملی خواهد بود.

قرآن کریم به صـراحت از پیـامبر (ص) به عنوان محور و حـدت و رفع اختلاف امت یـاد کرده است «... فَإن تَنازعتم فی شَیٔ فَرُدّوه إلی الله والرّسول...» نساء / ۵۹

هچنین امیرمؤمنان (ع) درباره محوریت پیامبر اسلام (ص) می فرماید «من تقدّمها مَرق و من تخلّف عنها زهَق ومن لزِمها لَحِق»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰) [هر کسـی که از آن پیشی گیرد, از دین خارج شود و آن کسی که از آن عقب بماند, هلاک گردد و هر کسی که از آن جدا نشود, به او رسد.]

محوریت قرآن و عترت (حبل الله)

سیر تکاملی انسان به سوی خداونـد, سیر صـعودی است. از این رو, قرآن کریم می فرماید که به حبل و ریسـمان الاهی چنگ بزنید «واعتَصِمـوا بِحَبل الله جَمیعاً ولا تَفرقوا...»؛ آل عمران / ۱۰۳.چنان که کوه نوردان برای صـعود بر صخره های بلند, نیازمند طناب و دستگیره اند تا سقوط نکنند.

قرآن کریم در آیه

دیگر, اعتصام به الله را مطرح کرده, می فرماید «...وَمَن یَعتَصم بِالله فَقد هُدی إِلی صِراط مستقیم»؛ (سوره آل عمران, آیه ۱۰۱) [هرکس به خداوند اعتصام کند, قطعاً به صراط مستقیم هدایت شده است.]

حبل الله, همان دین خداست که مشتمل بر عقاید, اخلاق واحکام است و اعتصام به حبل الله, اعتصام به الله است. دین, حقیقت واحدی است که در قرآن و عترت ظهور کرده است و قرآن و عترت, بیان تفصیلی رسول اکرم (ص) هستند. پس, برای نجات خود, راهی جز تمسک به قرآن نداریم و چون حقیقت قرآن در عقاید, اخلاق و اعمال عترت پاک رسول الله (ع) ظهور کرده است, عترت نیز حبل خدایند؛ چنان که در ادعیه, اهل بیت (ع) را با عبارت «حبل الله المتین» و «العروه الوثقی» (مفاتیح الجنان, زیارت امیرالمؤمنین (ع)) می خوانیم و آنان نیز قرآن را با این وصف معرفی می کنند؛نظیر این که امیرمؤنان (ع) می فرماید «عَلیکم بِکتاب الله فَإِنّه الحَبل المَتین...»؛(نهج البلاغه، ۸۵۶، بند ۷) [بر شما باد عمل به قرآن زیرا آن ریسمان محکم الاهی است... .]

آیا قرآن برای وحدت مسلمانان, کافی است یا عترت هم, عامل لازم وحدت است؟ پرسش

اشاره

آیا قرآن برای وحدت مسلمانان, کافی است یا عترت هم, عامل لازم وحدت است؟

پاسخ

قرآن و عترت, دو حبل مجزا و مستقل و متکثر نیستند؛ زیرا در آن صورت, باید از همدیگر قابل تفکیک باشند؛ حال آن که رسول اکرم (ص) در حدیث ثقلین فرمودند این ها هرگز از یک دیگر جدا نخواهند شد «لَن یَفترقا حَتی یَردا عَلیّ الحَوض» (بحار ۲۳,۱۵۴/).

از این رو, نباید گفت که قرآن کافی است؛ چنان که برخی گفتند «حسبنا کتاب الله» و همچنان نمی توان گفت «حسبنا العتره» و نمی توان با اخذ یکی و ترک دیگری, اهل نجات بود.

قرآن بدون امام معصوم, نه تنها مایه اتحاد نیست, بلکه موجب اختلاف است؛ زیرا دل های مریض با عرضه افکار خود بر آن , مذهب سازی و فرقه سازی می کنند؛ چنان که قرآن می فرماید «هُو الَذی أَنزل عَلیک الکِتاب مِنه ایات مُحکمات هُنّ أُمّ الکِتاب وأُخرَ متشابهات فَأَمّا الَذِین فِی قُلوبهم زَیغ فَیتّبعون ما تَشابه مِنه ابتغاءَ الفتنه...» آل عمران / ۷

برخی نیز به قراءت آن اکتفا می کنند و مفاهیم و اصول و رهنمودهای آن را نادیده می گیرند. از این رو , به تشتت و اختلاف گرفتار می شوند؛ چنان که حضرت امیر (ع) می فرماید «فَاجتَمع القَوم عَلی الفُرقه واَفترقوا عَلی الجَماعه کَأَنّهم أَئمه الکِتاب وَلَیس الکِتاب إِمامهم فَلِم یبقَ عِندهم مِنه إلّا إسمه وَلا یَعرفون إِلّا خَطّه و زِبره». (نهج البلاغه , خطبه ۱۴۷)

امام علی بن الحسین (ع) فرمود معصوم کسی است که به حبل اللهی اعتصام می کند و حبل الله همان قرآن است. معصوم و

قرآن, تا روز قیامت, از یک دیگر جدا نخواهند شد و امام به قرآن هدایت

می کند و قرآن به امام و این است معنای سخن خدای تبارک و تعالی که فرمود «إِنّ هذا القرآن یَهدی لِلّتی هِی أَقوم» اسراء / ۹.

«... فقال (ع) هُو مُعتصم بِحَبل الله و حَبل الله هو القرآن لایفترقان إِلی یَوم القیامه والإِمام یَهدی إلی القُران و القُران یَهدی إِلی الإِمام وَذلک قَول الله عزوجل «إِنّ هذا القران یَهدی لِلّتی هِی اقوم». (نورالثقلین, ۱/۳۷۷)

امام باقر (ع) درباره آیه «... ولا تفرّقوا» فرمود «اِنّ الله تَبارک و تعالی عَلم اَنّهم سَیفترقون بَعد نَبیّهم و یَختلفون فَنَهاهم عَن التّفرق کَما نَهی مَن کان قَبلهم فَأَمرهم أَن یَجتمعوا عَلی وِلایه ال محمد (ص) وَلا یتفرقوا»؛ [خداوند می دانست که مردم,پس از رحلت رسول اکرم (ص) متفرق خواهند شد. پس, آنان را همانند امت های پیشین از تفرقه نهی فرمود و به آنان امر کرد که بر ولایت آل محمد (ص) اجتماع کنند و متفرق نشوند. (نورالثقلین, ۱/۳۷۸) بنابراین, امام همان قطبی است که آسیاب جامعه بی آن راکد است و جامعه راکد, گرفتار تشتت و سیر قهقرایی خواهد بود.

گفته شد که عترت پیامبر (ص), مصداق حبل الله هستند.اکنون به روایاتی در این زمینه اشاره می کنیم

۱ امام کاظم (ع) در پاسخ به پرسشی درباره آیه «واعتَصِموا بِحَبل الله جَمیعاً« آل عمران / ۱۰۳ فرمود «علیّ بن أبی طالب (ع) حبل الله المتین». (نوالثقلین, ۱ /۳۷۷)

۲ امام باقر (ع) فرمود «ال محمد (ص) هم حبل الله الذی أمر بالإعتصام به فقال «واعتَصموا بِحبل الله جَمیعاً...»؛ [آل محمد (ص) همان حبل الله هستند که خداوند فرمان اعتصام به آنان را داده است.]پس ازآن فرمود «واعتصموا...» (نورالثقلین, ۱ /۳۷۷)

۳ حضرت امام صادق

(ع) درباره آیه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً» فرمود «نحن الحبل» (نورالثقلین۱/۳۷۷)

زمینه های پیدایی وحدت اسلامی کدامند؟ پرسش

اشاره

زمینه های پیدایی وحدت اسلامی کدامند؟

پاسخ

زمینه های پیدایی وحدت, عبارت است از

۱ دادن هدف مشترک.

۲ ارائه اصول و مبانی خط مشی مشترک .

۳ راهنمایی خط مشی مشترک.

۴ تعلیم فروغ جزئی زیر پوشش خط مشی کلّی.

۵ پیروی از راهنمای واحد و رهبر مشترک.

عناوین کلی زمینه های پیدایی وحدت را می توان در سخن حضرت علی (ع) یافت؛ آن جا که فرمود

«تَرد عَلی أَحدهم القَضـیه فی حُکم مِن الأَحکام فَیَحکم فیها بِرأیه ثُمّ ترد تِلک القَضـیه بِعینها عَلی غَیره فَیَحکم فیها بِخلاف قوله ثُمّ یَجتمع القُضاه بِذلک عِند الإمام الَذی استَقضاهم فیُصوّب اراءهم جمیعاً وإِلههُم واحد! وبنیُّهم واحد و کتابهم واحد آفآمَرَهم الله سُبحانه بالِإختلاف فَآطاعوه! أَم نَهاهم عَنه فَعَصوه!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

[گـاهی دعـوایی مطرح می شـود و قاضـی به رأی خـود حکم می کنـد. پس از آن, همین دعـوا نزد قاضـی دیگری عنـوان می گردد, او بر خلاـف قاضـی اول نظر می دهـد. سـپس همـه نزد پیشوایشـان کـه آنهـا را نصـب کرده می آینـد و او رأی همه را تصدیق می کند! در صورتی که خدای آن ها یکی! و پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است!]

سخن ان حضـرت به خوبی نشان می دهد که هدف و اعتقادات مشترک «إلههم واحد» و رهبری واحد «نبیّهم واحد» و برنامه و خط مشـی مشترک «وکتابهم واحـد», وحـدت آفرین است. بنابراین, مسـلمانان بایـد از این عوامل وحدت زابه خوبی پاسداری کنند تا به وحدت جوامع اسلامی آسیبی وارد نشود؛ آن گونه که در زمان حضرت علی (ع) واقع شد.

آن حضرت در این باره می فرماید

«فَلقد كُنّا مَع رسول الله(ص) وَإِنّ القَتل لَيدور عَلى الاباء والأبناء والإِخوان والقرابات فَما نَزداد عَلى كُلّ مُصيبه و شِدّه إلّا إِيماناً

و مُضیّاً عَلی الحَق و تَسلیماً لِلأمر وصَبراً عَلی مُضض الجِراح ولکِنّا إنّما أَصبحنا نُقاتل إِخوانَنا فِی الإِسلام عَلی ما دَخل فیه مِن الزَیغ و الإِعوجاج والشُّبهه والتّأویل فَإِذا طَمِعنا فَی خِصله یلُم الله بِها شَعتنا ونَتدانی بِها اِلی البقیّه فیما بَیننا رغَبنا فیها و أمسکنا عمّا سواها!».

یعنی [در زمان پیامبر (ص) ما با پیامبر بودیم و قتل و کشتار گرداگرد پدران, فرزندان, برادران, و خویشان دور می زد و با وارد شدن هر مصیبتی بر ایمان ما افزوده می شد و شکیبا و مصمّم بودیم؛ اما امروز با پیدایش زنگارها در دین و ظهور کژی ها و نفوذ شبهه ها در افکار و تفسیر و تأویل دروغین در دین, با برادران مسلمان خود به جنگ خونین کشانده شدیم. پس, هر گاه احساس کنیم چیزی باعث وحدت ماست و به وسیله آن به یکدیگر نزدیک می شویم و شکاف ها را پر و باقیمانده پیوندها را محکم می کنیم, به آن تمایل نشان می دهیم و آن را گرفته و دیگر راه جنگ را ترک می کنیم.]

امیر مؤمنان (ع) در جای دیگر نیز به وحدت آفرینی اعتقاد به نبوّت و پیروی از رهبری الاهی, اشاره کرده است «فَانظُروا إِلی مَواقع نِعم الله عَلیهم حین بَعث إِلیهم رَسولاً فَعقد بِملّته طاعَتهم و جَمع عَلی دَعوته أُلفتهم...»؛(نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۹۸) [حال به نعمت های بزرگی بنگرید که خداوند به هنگام بعثت پیامبر اسلام به آنان ارزانی داشت که اطاعت آنان را با آیین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را متحد ساخت... .]

نیز در جای دیگر می فرماید

«فَصَدع بِما أُمر به وبلِّغ رِسالات رَبّه فَلمّ الله بِه الصَّدع و رَتق به

الفَتق وأَلّف به الشِّمل بَین ذوِی الأرحام بَعد العَداوه الواغره فی الصّدور و الضّغائِن القادِحه فی القلوب».(نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱)

[پیامبر برای انجام فرمان خدا قیام کرد و رسالت های پروردگارش را ابلاغ کرد و خداوند به وسیله او شکاف های اجتماعی را پر کرد وفاصله ها را پیوستگی بخشید و بین خویشاوندان یگانگی برقرار ساخت؛ پس از آن که آتش دشمنی در سینه ها و کینه های برافروخته در دل ها جایگزین شده بود.]

نقش اجتماعی

تاریخ جنگهای مذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد بشر شده اند ؟

پرسش

تاریخ جنگهای مذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد بشر شده اند ؟

پاسخ

اولاـ : اختلافات در حقیقت میان پیروان راستین و حقیقی مذاهب نبوده بلکه میان پیروان و مخالفان مذهب صورت گرفته , و این نه به خاطر تعلیمات مذهبی آنها بوده بلکه بخاطر تحریف مذاهب و تعصبهای ناروا و آمیختن مذاهب آسمانی با خرافات صورت گرفته است ثانیا : امروز مذهب یا لااقل تاثیر مذهب از قسمتی از جوامع بشری برچیده شده در حالی که جنگها به صورت وحشتناکتری گسترش یافته است و این افرادسرکش هستند که گناهکارند و آتش جنگها را به بهانه های گوناگون شعله ور می سازندثالثا : مذاهب آسمانی مخصوصا اسلام بر اثر خاصیت ضد نژاد پر... əو ملیت پرستی سبب شدند که بسیاری از مرزهای نژادی و جغرافیایی و ...ęşای برچیده شود و به این ترتیب جنگها در پرتو مذهب از تاریخ زندگی بشر حذف شد . رابعا : یکی از رسالتهای مذاهب آسمانی آزاد ساختن طبقات محروم و رنجدیده بوده است به همین دلیل جنگهایی در میان پیامبران و پیروان آنها با ستمگران و استعمار کنندگان همچون فرعونها ونمرودها درمی گرفته است و این جنگها که در حقیقت جهاد آزادی بخش انسانها محسوب می شدند نه تنها برای مذاهب عیب نبودند بلکه نقطه قوت آنها به حساب می آیند .

معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟

پرسش

معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟

پاسخ

این جمله در برابر کسانی گفته می شود که می گویند انسان باید همرنگ با جماعت شود و با رفتار و کردار آنان هماهنگی کند. انسان باید سازنده محیط خود باشد یعنی اینکه تحت تأثیر افکار و اعمال حاکم و بر محیط قرار نگیرد و با استواری اراده و تصمیم کاری کند که در دیگران اثر بگذارد; تحت تأثیر محیط قرار نگیرد، بلکه محیط را تحت تأثیر عقاید و فضایل اخلاقی و اعمال نیک خویش قرار دهد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷۵

چرا سکوت می کنیم یا سکوت می کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می گذارند؟

پرسش

چرا سکوت می کنیم یا سکوت می کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می گذارند؟

پاسخ

یکی از مشکلاتی که جامعه اسلامی بدان مبتلی است متاسفانه همان نکته ای است که شما نوشته اید و حضرت امام خمینی (هم در نامه ای که به فرزند خود نوشته از چنین کاری او را پرهیز داده اند و می فرمایند: "آنچه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنار بکشی و گوشه گیر وکل بر خلق الله باشی که این از صفات جاهلان متنسک است یا درویشان دکان دار، سیره انبیاء عظام (و ائمه اطهار (که سر آمد عارفان بالله و رستگاران از هر قید و بند و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوی علیه حکومتهای طاغوتی و فرعونهای زمان بوده و در اجراء عدالت در جهان رنجها برده و کوششها کرده اند به ما درس می دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم راه گشایمان خواهد بود "من اصبح و لم یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم"(۱)

و اینکه علت چنین امری چیست؟ باید گفت گاه برداشت غلط از مبانی دینی و اینکه برخی فکر می کنند اگر گوشه گیری کنند نشان پیوستن انسان بخدا و عدم توجه به دنیا است و حال آنکه ملاک انگیزه و قصد آدم است، و گاه راحت طلبی است. چون آدمی هر چه بدور از صحنه اجتماع باشد و دردها را ندبیده و به درمان آن نپردازد راحت تر خواهد بود، این راحت طلبی هم چون آفتی بسیاری را دور نگه داشته و البته توجیهاتی هم برای خویش درست خواهند نمود.

(۱)

تفصیل فرمایشان امام (را می توانید در کتاب ره عشق صفحه ۱۳ مطالعه فرمایید.

چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط

پرسش

چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط

پاسخ

برای تاثیر گذاری در محیط، راه کارهای زیر توجه کنید و متناسب با

روحیات خود و محیط پیرامون، عمل به آنها را در راس برنامه های خود قرار

دهید:

۱. به گفتارها و کردارهای خود، یقین و اعتقاد داشته باشید و هیچ وقت از

روی اجبار و یا ظاهر سازی عمل نکنید;

۲. به آنچه می گویید، عامل باشید و قبل از بیان مطلب یا نصیحت و

سفارشی، خود به آن عمل کنید.

۳. خوش برخورد و عطوف باشید و در برخوردهایتان هیچ وقت نقطه

ضعفی از خود بروز ندهید.

۴. دیگران را دوست داشته باشید و همواره به آنان احترام بگذارید.

۵. رفتار و برخوردهای پیامبر(ص)، امامان معصوم، اولیای الهی و عالمان

دین را الگو و اسوه ئ خود قرار دهید (و لکم فی رسول الله اسوه حسنه).

۶. در کارهای خوب خود، هیچ وقت منت نگذارید و آن را برای خدا انجام

دهید.

۷. در محافل مذهبی (نمازهای جماعت، جلسات دعا، جشن های مذهبی،

کارهای خیر و...) شرکت کرده و پیشقدم باشید.

۸. راستگویی، صداقت و درستکاری را در راس کارهای خود قرار دهید.

علت بیکاری در ایران چیست ؟

پرسش

علت بیکاری در ایران چیست ؟

پاسخ

این مسأله علل مختلفی دارد و یک مسأله جهانی است. ۱) یکی از علل عمده این مسأله در سطح بین المللی رشد تکنولوژی و امکان تولید ماشینی است زیرا یک دستگاه واحد ممکن است جای صدها کارگر را بگیرد. ۲) عامل دیگر آن به ویژه در کشور ما کمبود سرمایه گذاری در کارهای تولیدی و اشتغال زا است. ۳) عامل دیگر فرهنگ کار در جامعه است. متأسفانه این مشکل از دوران پهلوی در ایران پدید آمد که بسیاری از افراد به ویژه عناصر تحصیل کردهدر جستجوی مشاغل اداری و به اصطلاح (پشت میزنشینی) هستند و به هر کاری تن نمی دهند. این مسأله پس از انقلاب با گسترش کمی آموزش عالی شدیدتر می شود زیرا به طور طبیعی فارغ التحصیلان این مرحله آموزشی انتظارات شغلی خاص خود را دارند در حالی که جامعه توان پاسخ گویی به این نیاز را ندارد از این رو افراد ناچار می شوند به خاطر کاریابی هم سوابق علمی خود را نادیده بگیرند و به کارهای دیگری روی آورند.

آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شده ء سربازان مسوءول نیستند؟

پرسش

آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شده ء سربازان مسوءول نیستند؟

پاسخ

اصل نظام وظیفه یکی از نیازهای جامعه است و بدون آن آمادگی دفاعی لازم از دست خواهد رفت. در تمام دنیا این اصل وجود دارد که پرسنل نظامی - اعم از کادر و وظیفه - مدت های مدید ممکن است معطل بمانند؛ اما وجود آنها نوعی آماده باش رزمی برای واکنش سریع در شرایط خطر اجتماعی است. بنابراین رسالت آنها همین حفظ آمادگی است و اگر کار عینی خاصی نیز در شرایط صلح نداشته باشند به معنای هدر دادن وقت نیست.

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پرسش

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پاسخ

اعتقاد به وحدانیّت خداوند عالی ترین نقش را در اجتماع دارد بدین لحاظ که یکی از ابعاد توحید یگانه دانستن خداوند از جهت عبادت است و همانگونه که باید تنها خدا را پرستید تنها باید از خدا اطاعت کرد و اگر از رهبران الهی مانند پیامبر و امام اطاعت می شود از این لحاظ است که اطاعت آنها به خداوند برمی گردد بر این اساس کسی که معتقد به یگانگی خدا است تنها از فرمان خداوند الهام می گیرد و زیر بار اطاعت و بندگی طاغوتها که به زور بر مردم فرمانروایی می کنند نمی رود.

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پرسش

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پاسخ

اولین شرط برای یک نفر مبلغ شناسایی خود مکتب است، شناسایی ماهیت پیام است؛ یعنی کسی که می خواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد، باید فهمیده باشد که هدف این مکتب، اصول و پایه های این مکتب و راه این مکتب چیست و به کجا می رسد، اخلاق و اقتصاد و سیاست این مکتب چیست، معارف این مکتب ، توحید و معاد این مکتب، احکام و مقررات این مکتب چیست. آخر مگر کسی می تواند پیامی را به مردم برساند بدون آنکه خودش آن پیام را شناخته و درک کرده باشد؟! این مثل این است که بگوییم یک نفر مرجع تقلید باشد اما فقه نخوانده باشد. چطور می شود کسی مرجع تقلید باشد و بخواهد بر اساس فقه فتوا بدهد و فقه نخوانده باشد؟! و یا مثل این است که یک نفر می خواهد طبیب باشد اما پزشکی نخوانده باشد. از اینجا معلوم می شود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و شناخت اسلام، آنهم به صورت یک مکتب لازم است

دومین شرط برای کسی که حامل یک پیام است اولا مهارت در به کار بردن وسایل تبلیغ و ثانیا شناسایی آنهاست؛ یعنی باید بداند چه ابزاری را مورد استفاده قرار بدهد و چه ابزاری را مورد استفاده قرار ندهد و بلکه خودش از نظر ابزارهای طبیعی، چه ابزاری را داشته باشد و چه ابزاری را نداشته باشد. داستان بعثت موسی بن عمران به رسالت را حتماً شنیده اید. بعد از ده سال که دوباره

می خواهد به مصر برگردد، با همسرش حرکت می کند. شبی تاریک و بارانی است. زن حامله اش را درد زایمان می گیرد. هوا هم سرد است و باید زنش را گرم کند ولی وسیله گرم کردن هم ندارد. ناگهان در نقطه ای از آن بیابان نوری را می بیند (در وادی طور، وادی سینا). فکر می کند آتش است. می رود آنجا، معلوم می شود که آتش نیست؛ جریان، جریان دیگری است. در همان جا موسی بن عمران مبعوث می شود؛ ندا می رسد که از این به بعد رسول ما هستی یعنی مبلغ خدا هستی، پیام ما را باید به فرعون و فرعونیان برسانی. موسی می فهمد که یک مبلغ شرایطی دارد. پیغمبری خودش را کافی نمی داند، تقاضاهایی دارد: «رَبِّ اشْرَح لی صَدری» خدایا به من حوصله فراوان بده، شرح صدر بده آنچنان که عصبانی نشوم، ناراحت نشوم، به تنگ نیایم، دریادلم کن که کار تبلیغ دریادلی می خواهد، «وَ یَسِّر لی امری» طه/۲۵ و ۲۶ این مأموریت سنگین را بر من آسان گردان (ببینید کار تبلیغ را ما چقدر کوچک می شماریم و موسی بن عمران چقدر بزرگ می شمارد). مؤید این مطلب مطلبی است راجع به پیغمبر اکرم. قرآن کریم به پیغمبر اکرم راجع به مأموریتش یعنی تبلیغ اسلام و هدایت مردم می فرماید: «اِنّا سَنُلقی عَلَیکَ قَولاً ثَقیلاً» مزمل /۵ عن قریب یک بار سنگین به دوش تو خواهیم گذاشت. باری است که به دوش پیغمبر سنگینی می کند، به دوش پیغمبران سنگینی می کند! چه می گوییم ما؟! موسی(ع) در ادامه تقاضاهای خود گفت: «وَ احلُل عُقدَةً من لسانی» خدایا گره را از زبان من

باز کن، به من بیانی رسا و گوارا بـده، قدرت سـخنوری و ناطقه بده، «یَفقَهوا قَولی» طه/۲۷، ۲۸ به من قدرت تفهیم بده که آن حقیقـتی را کـه بـه مـن وحی می کنی به مردم القـاء کنم و مردم بفهمنـد، درک کننـد؛ رابطه ای بین من و مردم برقرار کن که مردم مطلب را عینـا آن طـوری که تو می خواهی از من بگیرنـد نه اینکه من چیزی بگـویم و آنهـا پیش خود چیز دیگری خیـال کننـد و من نتوانم آنچه را که دارم بیـان کنم. قـدرت و قوه بیان یک امر طبیعی است (البته مقـداری از آن اکتسابی است) ولی امور طبیعی بایـد با تمرین و اکتساب تقویت بشونـد، مثل کارهای ورزشـی که شـخص بایـد یک اسـتعدادی داشـته باشد و این استعداد در اثر تمرینهای ورزشی تکمیل می شود.

انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟

پرسش

انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟

پاسخ

انتظار اساسـی از آنهااین است که : ۱- وضـعیت فرهنگی و نقاط ضـعف و قوت آن را به خوبی بازشناسند و همواره به ارتقای سطح بینش خود در جریان شناسـی فرهنگی بپردازند؛ ۲- برای اصـلاح نقصان های فرهنگی برنامه های خوب ، جذاب ومتنوع داشته باشند؛ ۳- در فعالیت های فرهنگی بنا را بر همکاری و تفاهم ، نه رویا رویی و با یکدیگر بگذارند.;

وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟

پرسش

وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟

پاسخ

در این مقطع انقلاب هر دانشـجوی متعهـد و با ایمان با سه جهاد پیگیر وپردامنه روبه روست : ۱- جهاد علمی و تلاش پیوسـته جهت شـناخت هر چه بیشـتر اسـلام و معـارف آن و محتویـات دین در عرصه هـای مختلـف و شـناخت ودرک درست مسـایل سیاسـی و اجتماعی . ۲- جهـاد عملی در راسـتای تقویت بنیـان معنوی و ایمـانی خویش از طریق ارتباط پیوسـته با خـدا ، قرآن وپیشوایـان دین . ۳- جهـاد اجتمـاعی ؛ یعنی ، تلاش در جهت گسترانـدن نورمعنویت در محیط دانشـگاه و تقویت بخشـیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی در دانشگاهیان . ;

چگونه می توان در زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و راحت زندگی کرد؟

پرسش

چگونه می توان در زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و راحت زندگی کرد؟

پاسخ

انسان ها در زندگی اجتماعی از حوق متقابلی نسبت به یکدیگر برخوردارند که در صورت آشنائی با آن حقوق و بکار بستن آن، روابط اجتماعی باموازنه انجام خواهد شد. پس وظیفه ما در مرحله نخست، آشنایی با این حقوق، و در مرحله بعد، به کار گرفتن آن می باشد. و اگر در جامعه تصادم و تزاحمی هست، از کمبود در یکی از این مراحل است; یعنی یا حقوق و موازین را نمی شناسیم و یا آن ها را درست بکار نمی گیریم.

با رعایت موازین و حقوق اجتماعی، به طور قطع انسان ها زندگی راحتی را کنار هم خواهند داشت، اما از آنجا که تصور کامل امینت و راحتی به سادگی ممکن نیست، اندیشه دینی به انسان بینش و ظرفیتی را می بخشد که توقع راحتی مطلق را در دنیا نداشته باشد، در دعای روز سه شنبه می خوانیم: «واصلح امر آخرتی فانها دار مقرّی و الیها من

مجاوره اللئام مفرّی(۱); خدایا! امر آخرتم را سامان بخش، چون آنجا خانه پایدار من است و همان جا گریزگاه من از آدمهای پست است».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - مفاتیح الجنان، دعای روزها، سه شنبه.

اخلاق و تربیت

فضائل اخلاقی توکل

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پرسش

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پاسخ

اعتقاد به وحدانیّت خداوند عالیترین نقش را در اجتماع دارد بدین لحاظ که یکی از ابعاد توحید یگانه دانستن خداوند از

جهت عبادت است و همانگونه که بایـد تنها خـدا را پرستید تنها باید از خدا اطاعت کرد و اگر از رهبران الهی مانند پیامب رو امام اطاعت می شود از این لحاظ است ک اطاعت آنها به خداونـد برمی گردد براین اساس کسـی که معتقـد به یگانگی خـدا است تنهـا از فرمـان خداونـد الهـام می گردد و زیر بار اطاعت و بنـدگی طاغوتها که به زور بر مردم فرمانروائی می کننـد نمی رود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۲

آفریدگار

خداشناسی انگیزه های انکار خدا

یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟

پرسش

یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟

پاسخ

مسـلمانی که بخواهد خدا و مردم از وی راضی باشند، باید به دستوراتی که در رابطه با خداست مانند احکام عقیدتی و عبادی اسلام و نیز به دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام که در رابطه با دیگران است، عمل کند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳۳

وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟

پرسش

وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟

پاسخ

وظیفه دینی و الهی مـا که شـهدای اسـلام هم براسـاس همین وظـایف جـان باخته انـد، این است که برای اجرای احکـام اسـلام تلاش کنیم و جهت پیشرفت انقلاب تا جایی که می توانیم فعّالیّت نماییم.

چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبه اجتماعی داشته باشیم؟

پرسش

چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبه اجتماعی داشته باشیم؟

پاسخ

از دیـدگاه قرآن کریم، آنچه که میزان فضـیلت انسان و سـبب ایجاد محبت در دل دیگران است، باعث جاذبه انسان در اجتماع خواهد بود; برخی از آن فضیلتها عبارتاند از:

۱. تقوا: قرآن کریم، اصالت و واقعیت را به مسأله تقوا و پرهیزکاری و خداترسی داده و درباره آن میفرماید: "إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَغکُم;(حجرات،۱۳) به درستی گرامیترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است." آری! تقوای الهی و احساس مسئولیت درونی و ایستادگی در برابر شـهوات و پایبند بودن به راستی، درستی، پاکی، حق و عدالت، تنها معیار ارزش انسان و برتری او در بین افراد دیگر است.

۲. علم: از نظر قرآن کریم، عالمان، از عظمت و مقام ویژهای در برابر جاهلان برخوردار هستند: "قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لَا یَعْلَمُون;(زمر،۹) بگو: آیا کسانی که میدانند، با کسانی که نمیدانند یکسانند؟".

امام امیرالمؤمنین علیـدرباره ارزش علم میفرمایـد: مردم، به سـبب]کسب[علوم]مختلف[و عقلهایشان، به هم برتری مییابند، نه به سبب اموال و اصل و ریشه و نسبشان."(میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۳، ص ۲۰۶۲، ح ۱۳۶۳۱، دارالحدیث.)

۳. ایمـان: اظهـار خضوع، قبول شـریعت در آن چه نبی اکرمآورده و انجام واجبات و ترک محرمات، از صـفات شـخص مؤمن است. قرآن کریم دربـاره فضـیلت مؤمن و ارزش ایمـان به سـایرین میفرمایـد: "یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ مِنکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُواْ الْعِلْمَ دَرَجَت;(مجادله،۱۱) خداوند آنها را که ایمان آوردهاند و کسانی را که از علم بهره دارند، درجات عظیمی میبخشد."

۴. حب و دوستی با خداوند: کسی که مدّعی حبّ پروردگار است، باید

آثار علاقه قلبی خود را در عمل نسبت به خداوند منعکس نماید. نخستین نشانه آن، این است که از پیامبر۶ و فرستاده او پیروی کند: "قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی يُحْبِبْكُمُ اللَّه...;(آلعمران،۳۱) بگو: اگر خدا را دوست میدارید، از من پیروی کنید، تا خدا]هم[شما را دوست بدارد." به ناچار، کسی که مورد علاقه خداوند واقع شود، مورد علاقه مردم نیز قرار میگیرد و... . (ر.ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۹، ص ۳۹۶; ج ۲، ص ۳۸۶; ج ۲۳، ص ۴۴۲، دارالکتب الاسلامیه.)

وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست

پرسش

وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست

پاسخ

یک طلبه از جهت این که یک مسلمان است تمام وظایف یک مسلمان را بر عهده دارد و باید انجام دهد، و از جهت این که طلبه است وظایف ویژه ای بر عهده دارد.

۱. تفقه در دین و دین شناسی "...فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِ ّفِرْقَه ٍ مِّنْهُم ْطَآغ فَه ٌلِّيَتَفَقَّهُواْ فِی الدِّين ..;(توبه ۱۲۲)...چرا از هر گروهی از آنان طایفه ای کوچ نمی کنند، تا در دین]و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند...

۲. تبلیغ احکام و معارف اسلامی "...وَ لِيُنذِرُواْ قَوْمَهُم ْإِذَا رَجَعُوَّاْ إِلَيْهِم ْلَعَلَّهُم ْيَحْذَرُون َ;(توبه ۱۲۲)...و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنان را بیم دهند، شاید]از مخالفت پروردگار[بترسند و خودداری کنند.

۳. شب زنده داری از آن جا که مسئولیت یک طلبه سنگین است باید برای به سر منزل رساندن این بار سنگین از شب زنده داری و نماز شب کمک بگیرد. از همین روست که خداوند به پیامبرش دستور می دهد: "يَّأَيُّهَا الْمُزَّمِّل قُم ِ الَّيْل َ إِلاَّ قَلِيلاً نِّصْفَه ُوَّ أَوِ انقُص ْمِنْه ُقَلِيلاً أَوْ زِدْ عَلَيْه ِ وَ رَتِّل ِ الْقُرْءَان َ تَرْتِيلاً ;(مزمل ۱۴) ای جامه به خود پیچیده شب را، جز کمی بپا خیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن یا بر نصف آن بیفزا و قرآن را با دقت و تأمّل بخوان "

۴. آگاهی از مسائل سیاسی و پیدا کردن بینش سیاسی

بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟

پرسش

بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟

پاسخ

طبیعی است هر اندازه درك و آگاهی خود را نسبت به مسائل اجتماعی شرایط ویژه انقلاب خطرات و زیان هایی كهممكن است بر انقلاب وارد شود و ... بالا ببرید در برابر آن نیز می توانید راه حل هایی بیندیشید و خدماتی را ارائهدهید. بنابراین بهتر است به چند توصیه عمل كنید:

الف) اولا- بكوشید همواره روح خدمت گزاری و عشق به خدمت به جامعه و انقلاب را در خود زنده نگهدارید ومسائل و منافع شخصی شما را از این آرمان باز ندارید.

ب) آگاهی های دینی سیاسی و اجتماعی خود را پیوسته افزایش دهید.

ج) ارتباط خود را با جوانان و نوجوانان حفظ كنید و حتی الامكان بكوشید در برابر كژی ها و ناهنجاری هایی كه درمیان آنان رخ می دهد و رشد می نماید نقش سازنده ارشادی و بازداشتن از انحراف داشته باشید.

د) در صحنه های مسائل سیاسی و اجتماعی مانند راهپیمایی هاو ... حضور فعال داشته باشید.

ه) در آثار گفته ها و پیام های حضرت امام سیری بكنید و همواره در جهت حفظ راه و آرمان امام(ره) جدیباشید.{J

از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نكردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست ؟ چه كسی باید پاسخگوی سؤالات و شبهات فراوان جوانان و هدایت صحیح آنان باشد؟

پرسش

از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نكردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست ؟ چه كسی باید پاسخگوی سؤالات و شبهات فراوان جوانان و هدایت صحیح آنان باشد؟

پاسخ

همهء ارگان ها و همهء مسلمانان وظیفه دارند در صورت توانایی به اصلاح امور مسلمانان و هموطنان خود به ویژه ساكنان مناطق محروم بپردازند. در این میان وظیفهء حوزه های علمیه در اصلاح امور معنوی و فكری جوانان به خصوص در سرزمین های دور افتاده و محروم , بسیار سنگین است و اولین مسئولیت متوجه آنان است .امیدواریم با توجه به اظهارات اخیر مقام رهبری خطاب به حوزه ها و به ویژه حوزهء علمیهء قم , زمینهء اجرای این مسئولیت آماده شود و نتیجهء مطلوب به بار آید.

در ضمن جوانان باید خود پیشقدم شوند و با فرستادن نامه و طومار به دفتر مقام رهبری و حوزه های علمیه خواهان حضور فردی جامع و كامل و اسلام شناس در شهر خود باشند تا مسایل و مشكلات فكری و مذهبی خود رابا او در میان بگذارند. به امید موفقیت شما.

آیا نمی توان گفت:ززندگی بازی است و ما خود صحنه می سازیم تا بازیگر بازی های خویشتن باشیم؟

پرسش

آیا نمی توان گفت: ززندگی بازی است و ما خود صحنه می سازیم تا بازیگر بازی های خویشتن باشیم؟

پاسخ

هنگامی که فضای تیره و آلوده به انواع گناهان و ظلم ها و تبعیض ها مشاهده می شود و در عرصه جهانی، واژه های مقدس مانند حق، عدالت، حقوق بشر و... حقیقت خود را از دست می دهند ممکن است گروهی بپندارند که زندگی یازی است! اما این دیدی سطحی و ابتدایی است. لحظاتی به جای "بصر" از "بصیرت" مدد جوییم و به عمق و باطن هستی بیندیشیم. خدا را می بینیم. خدای مهربان، رؤوف، بخشنده، کریم، لطیف و خطاپوشی که عیب های بندگانش را از دیگران مخفی و مستور می سازد. عذر گناه را زود می پذیرد و توبه را قبول می کند و با لطافت و شفقت به گناهکاران می گوید: بنده گنه کارم! کجا می روی؟ فرار نکن! بیا به سوی من، خوشبختی و سعادت و هر چه می خواهی،

نزد من است. با همه گناهانت باز تو را دوست دارم.(۱) اگر خدا و جهان و انسانی را که او آفریده می شناختیم، جهان را مجموعه ای هماهنگ هدفدار و رهسپار به سوی "هدف آفرینش" می دانستیم و با عشقی گدازنده و سر از پا نشناخته، برای فتح قله های آن به حرکت در می آمدیم.

اما انسانی که قرآن او را "ظلوم و جهول" (۲) نامیده است، به خاطر کثرت نادانیش، به گناه و فساد و نافرمانی رو می آورد.

آیا هر چیزی و هر کسی "نفس" می کشد، حرکت می کند، می خورد و می آشامد و ارضای شهوت می کند، تعامل و تنازع دارد، می توان گفت او زنده است و زندگی می کند؟ اگر زندگی معنایش همین است، آیا نمی توان گفت:

گاوان و خران باربردار

به ز آدمیان مردم

آزار

خواهر! زندگی بازی نیست، بلکه این بازیگران آدم نما و میمون صفت، مظلوم و جهول هستند که عرصه زندگی را به صحنه بازی تبدیل نموده اند. زنده کسی است که "حیاتش" را با حیات آفرین مرتبط ساخته است.

جامعه ای که با حیات آفرین پیوند و ارتباط داشته باشد، صفا و صمیمیت، یکی رنگی و همدلی، مهر و محبت در آن خواهد بود و زندگی جهت و معنی و حقیقت خواهد داشت. در غیر این صورت بازی بیش نیست. چنان که قرآن می فرماید: "انما الحیاه الدنیا لعب و لهو؛(۳) زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است به بیان دیگر: "اگر ایمان و تقوا نباشد، زندگی پوچ و بی هدف و بازی و سرگرمی است.

به انتظار روزی در تلاش و تکاپوییم که خورشید منتظر بیاید و زمان و زمین تفتیده و جامعه مرده انسان نما را حیاتی الهی بخشد و سراسر گیتی را با ندای توحیدی خویش به سوی وحدت و یگانگی سوق دهد و به انسانیت و زندگی، حیات حقیقی هدیه نماید.

پی نوشت ها:

۱ – لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لما تواشوقا؛ اگر پشت کنندگان به خدا می دانستند، چقدر خدا مشتاق آنان است، از شوق و ذوق می مردنند، ر. ک: تذکره المتقین، شیخ محمد بهاری همدانی، ص ۱۰۱.

۲ – احزاب (۳۳) آیه ۷۲.

۳ – محمد(۴۷) آیه ۳۶. به آیات ۳۲ سوره انعام و ۶۴ عنکبوب و ۲۰ حدید مراجعه شود.

بسیجی کیست؟

پرسش

بسیجی کیست؟

پاسخ

بسیج در لغت به معنای ساختگی کارها، کارسازی ها و ساخته شدن و آماده گردیدن است.[۵۰] در اصطلاح عبارت است از وجود نیروهای مردمی به منظوز حفظ نظام و تأمین امنیت.

بعد از پیروزی انقلاب به دستور امام بسیج تشکیل شد و نقش بنیادی در حفظ نظام و هشت سال دفاع مقدس داشت.

روحیه ایثار گری، دین مداری و اخلاص بسیجیان موجب شد که امام خمینی(س) از بسیجیان ستایش کند و آرزو نماید

بسیجی باشد. از سوی دیگر از بسیج به عنوان مدرسه عشق یاد نمود.

[۱] لرداویری خوشی های زندگی، ص ۶۷.

[۲] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷؛ غررالحکم، ج۲ ص ۱۲۳؛ نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱.

[۳] غررالحکم، ج ۳، ص ۴۲۶.

[۴] بحارالأنوار، ج ۱۵، ص ۵۱ و همان، ج ۷۸، ص ۲۵۱ (چ ایران).

[۵] تصنیف غررالحکم، ص ۴۱۴، ج ۹۴۵۵.

[۶] توبه( ) آیه ۱۱۹.

[۷] نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۸.

[۸] نهج البلاغه کلمات قصار، شماره ۳۸.

[۹] نساء( ) آیه ۶۹.

[۱۰] هود( ) آیه ۴۶؛ تفسیر نمونه ج ۹، ص ۱۱۴ به بعد.

[۱۱] فرقان( ) آیه ۲۸.

[۱۲] صافی گلپایگانی منتخب الاثر، ص ۵۷۷ – ۵۷۹.

[۱۳] هود( ) آیه ۸۸.

[۱۴] منتخب الاثر، ص ۴۶۸؛ محمد نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۷.

[۱۵] صافی گلپایگانی ، منتخب الاثر ، ص ۵۸۰.

[۱۶] مهدی موعود، ص ۱۰۷۴.

[۱۷] منتخب الاثر، ص ۴۶۹.

[۱۸] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۳۰۸ ، ۳۰۹.

[۱۹] میزان الحکمه، ج۱، ص ۲۹۲.

[۲۰] هاشم بحرانی البرهان، ج ۲، ص ۴۰۱۲۱؛ کنزالعمال، ج ۱۴ ص ۲۶۴.

[۲۱] قمر( ) آیه ۱.

[۲۲] المیزان (مترجم)، ج ۱۹، ص ۱۱۵.

[۲۳] تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۸- ۹.

[۲۴] المیزان (مترجم)، ج ۱۹، ص ۱۱۶ – ۱۱۸.

[۲۵]

تفسیر نمونه، ج۲۳، ص ۱۳ - ۱۶.

[۲۶] بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۹.

[۲۷] همان، ج ۷۳، ص ۲۹۷؛ سفینه البحار، ج۱، ص ۴۱۰؛ اصول کافی ج ۲ ص ۱۲۲.

[۲۸] قلم ( ) آیه ۴.

[۲۹] مشکوه الانوار، ج ۱۷۹.

[۳۰] فرقان( ) آیه ۶۳.

[۳۱] نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۳.

[۳۲] مستدرک الوسایل، ج۲، ص ۳۰۵.

[۳۳] امالی طوسی، ص ۵.

[۳۴] محدث نوری، دار السلام، ج ۲، ص ۱۷۲.

[۳۵] نساء آیه ۸۶و ابراهیم آیه ۲۳.

[۳۶] بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱.

[۳۷] حجرات (آیه ۱۲؛ وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۸؛ جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۴؛ محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۵۱.

[۳۸] جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۵؛ انوارالنعمانیه، ص ۲۵۹.

[۳۹] اصول کافی، ج۲، ص ۳۵۷.

[۴۰] کشف الریبه، ص ۶.

[۴۱] کشف الریبه، ص ۷؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۳۳.

[۴۲] من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۳.

[۴۳] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۲.

[۴۴] زمر( ) آیه ۹.

[۴۵] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.

[۴۶] الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۲.

[۴۷] نساء ( ) آیه ۹۵.

[۴۸] عین الله خادمی، مطالعه روشمند، ص ۷۰.

[۴۹] جواد محدثی روش ها، ص ۱۸ – ۱۹؛ عین الله خادمی، پشین، ص ۷۲.

[۵۰] علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، واژه بسیج؛ محمد معین، فرهنگ معین، واژه بسیج.

وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟

پرسش

وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟

پاسخ

یکی از یاران امام سجاد(ع) نامه ای خدمت حضرت نوشت و از حقوقی که یک انسان بر عهده دارد و وظایف و مسئولیت های مختلفی که بر گردن او است، سؤال کرد. امام چهارم(ع) در پاسخ نامه ای نگاشت که به رساله حقوق معروف است.

این حقوق یا شرح وظایف و مسئولیت های انسان در زمینه های فردی و خانوادگی و اجتماعی است و شامل پنجاه و یک حق است. از جمله آن ها است: حق خداوند بر بندگان، حق خویشتن بر خود، حق کسانی که بر ما ولایت دارند و عهده دار امور دنیوی ما هستند، حقوق عامه مردم و مسئولیت هایی که در برابر جامعه داریم حقوق غیر مسلمانانی که در کشور اسلامی زندگی می کنند، حقوق پدر و مادر، همسر، فرزند، برادر، معلم، شاگردان، زیردستان و آنان که عهده دار امور آنان هستیم، حقوق همسایه، همراه و هم سفر، همکار، هم منزل، بزرگ تر ها و کوچک تر و ... .

کتاب های بسیاری در شرح و توضیح نامه چهارمیت امام شیعه، تحت عناوین مختلف از جمله "رساله حقوق" نوشته شده است. آیت الله جوادی آملی قسمت هایی از آن نامه را در کتاب "فلسفه حقوق بشر" آورده است. آقای علی غفوری همه آن رساله را با عنوان "راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد(ع)" با نثری روان و آزاد ترجمه نموده است.

می توانید این کتاب را تهیه کنید و با مطالعه دقیق پاسخ بسیاری از سؤالات خویش را، در زمینه وظایف و مسئولیت های انسان در

عرصه های مختلف دریافت دارید. به یک نمونه از آن اشاره می شود:

حق خداوند بر بندگان: نخستین تکلیف و مسئولیّتی که بر عهده انسان وجود دارد و امام سجاد (ع) بر فراز حقوق دیگر از آن یاد کرده، حق خداوند است. اولی حقی که خدا بر انسان دارد این است که او را بشناسد: "بدان - خدایت رحمت کند که همانا خدا بر تو حقوقی دارد که آن حقوق برخاسته از نعمت های بی شمار او است که در هر حال و در هر موقعیت و منزلتی که باشی، چه در حال حرکت و چه در سکون بر تو احاطه دارد. بعضی از این حقوق از بعضی دیگر بزرگ تر است و بزرگ ترین آن ها همان است که برای نَفْس خویش بر تو واجب ساخته و ریشه و اساس پیدایش حقوق دیگر است. آن گاه نوبت به حقوقی می رسد که برای نفس خودت بر تو واجب ساخته، حقوقی نیز برای همه اعضای بدنت از سر تا قدم است.

امّا حق بزرگ تری که خدا بر تو دارد این است که فقط او را بپرستی و به او شرک نورزی و کسی یا چیزی را جز او در سرنوشت خویش مؤثر ندانی. پس هر گاه با اخلاص، این گونه و این حق را بگزاری خدا به عهده گرفته که در امر دنیا و آخرت تو را بی نیاز گرداند و کارهای این جهان و آن جهان تو را به خوبی اصلاح نماید".

برای فهم وظایف خویش در برابر انقلاب باید دید مردم به رهبری امام خمینی(ره) برای احیای چه ارزش هایی انقلاب کردند؛ شهدا برای پاسداری

از کدامین ارزش ها جان عزیز خویش را تقدیم کردند، این حقیقت، را با خواندن وصیت نامه های آنان به آسانی می توان به دست آورد. در دنیای پر آشوبی که سیاست بازان دغل کار ایجاد کرده اند، تنها با اطاعت از ولی فقیه و پیروی از رهبری حضرت آیت الله خامنه ای می توان از ارزش های انقلاب و خون شهدا پاسداری نمود.

جهت آگاهی در این زمینه کتاب های : ۱_نهضت های صد ساله اخیر.

۲_ پیرامون انقلاب اسلامی.

۳_ پیرامون جمهوری اسلامی ، هر سه از شهید مطهری را مطالعه کنید.

دختران و پسرانی که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینه ازدواج آنان را فراهم می کرد. چرا هم اکنون روحانیون این کار را انجام می دهند؟

پرسش

دختران و پسرانی که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینه ازدواج آنان را فراهم می کرد. چرا هم اکنون روحانیون این کار را انجام می دهند؟

پاسخ

وساطت و میانجیگری در امر ازدواج و تهیه مقدمات، امری مستحب و پسندیده است. امام هفتم (ع) فرمود: "سه کس روز قیامت که جز پناه عرش سایه ای نیست، در پناه عرش الهی قرار دارند...".

اولین فردی را که حضرت نام برد، کسی است که مقدمات ازدواج برادر و خواهر مسلمانی را فراهم می سازد.[۳]

خداوند متعال می فرماید: "زنان و مردان مجرد وغلام و کنیزهای شایسته تان را همسر دهید (مقدمات ازدواج آن ها را فراهم سازید). اگر فقیر باشند، خدا از فضل خود بی نیازشان گرداند. خداوند بخشنده و دانا است".[۴]

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "یکی از نشانه های بخت بلند و خوشبختی مسلمان این است که زمینه ازدواج دختران و زنان بی شوهر را فراهم سازد و با وساطت خود آنان را به خانه شوهر فرستد".[۵]

سیره عملی منقول از پیامبر اکرم(ص) و برخی از امامان نیز بر استحباب و پسندیده بودن این عمل دلالت دارد. بنابراین پیشنهاد شما قابل بررسی و تأمل است و به صورت جزئی توسط برخی از روحانیون در زمان ما نیز انجام می گیرد. طرح گسترده و وسیع آن در اوایل پیروزی انقلاب توسط یکی از بزرگان مطرح شد، لیکن با توجه به توسعه جوامع بشری و اختلاط فرهنگ ها و آداب و رسوم ها از یک سو، و تنوع گرایی افراطی و تعدّد دام ها و کیدهای شیطان

صفتـانِ آدم نما و فرصت طلبانی که با توجه به دگرگونی اوضاع جامعه، لباس و چهره عوض می کننـد ضـرورت تأمل و تـدبّر بیشتر و برنـامه ریزی جامع و دقیق تری را می طلبـد، عمومیت دادن به طرح و اجرای پروژه های گسترده ای مثل "همسـریابی" که راهکار مجرّب و آزمایش شده ای ندارند دور از عقلانیت و خردورزی است.

پروژه هـای مهمی که به افکـار یـا حیثیت خانواده ها و عفت عمومی جامعه بسـتگی دارد، بایـد در آغاز در محیط کوچکی، با رعـایت احتیـاط لازم، شـروع گردد و حساسـیت هـا امتحـان شود. نیز نقاط ضـعف و قوّت آن توسط کارشـناسان مسایل دینی واجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد.

در صورت موفقیت آمیز بودن طرح، می توان با نظارت و ارزیابی مسـتمر و آسیب شناسی و آسیب زدایی طرح را توسعه داد و فراگیر نمود.

مدتی است که این امر در سطحی محدود در قم شروع شده است. می توانید با نشانی زیر مکاتبه کنید:

قم، خیابان انقلاب (چهار مردان)، چهار راه سجادیه، بنیاد حضرت فاطمه زهرا(س).

[۳] شیخ الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ۲۷، چاپ بیروت تصحیح و تحقیق آیت الله ربانی شیرازی.

[۴] نور ( ) آیه ۲۳.

[۵] علی مشکینی، ازدواج در اسلام، باب اوّل، فصل اوّل، حدیث شماره ۱، ص ۱۱.

آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خوانند و فیلم مدیر کل را می بینند، می توانند مدعی اعمال دینی باشند؟

پرسش

آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خواننـد و فیلم مـدیر کل را می بیننـد، می تواننـد مدعی اعمال دینی باشند؟

پاسخ

دیـدن این فیلم و نظائر آن که زنان بی حجاب در آن ایفای نقش می کننـد، برای همه افراد حکم واحدی ندارد. حضـرت امام خمینی(ره) در پاسخ به سؤال، حکم نگاه کردن به فیلم های تلویزیونی که گاهی زن های بی حجاب نیز دارد" فرموده اند: نظر به فیلم اجنبیه (زن نامحرم) که صاحبش را نمی شناسد و ریبه و فساد در آن نیست، اشکال ندارد.[۷]

بنابراین اگر کسی فیلم مذکور را با این شرایط دیده باشد، گناهی مرتکب نشده و منافاتی با دیانت ندارد، ولی اگر کسی أن را به قصـد لـذت و شـهوت ببینـد، گناه کرده و او را نمی توان دینـدار واقعی دانست. انسان نمی توانـد از قصد و نیت افراد اطلاع داشته باشد و یا درباره آن ها حکم کند که با قصد شهوت نگاه می کردند.

بنابراین انسان از لحاظ دینی باید متوجه قضاوت کردن در مورد دیگران باشد.

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پرسش

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام مسآله ای وجود دارد که در ملتهای دیگر امروز دنیا به صورت یک قانون دینی وجود ندارد (البته نمیگوئیم پیغمبران سلف نداشته اند) و آن این است که اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسؤول و متعهد میداند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسؤول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسؤول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسؤولیت و تعهد داری. آیا می توان گفت چنین دینی دین قضا و قدری است؟ البته قضا و قدری به مفهومی که آنها می گویند که کارها را خدا باید انجام دهد و بشر از این جریان و مسیر خارج است و مسؤولیتی ندارد، آنچنان قضا و قدری که از بشر نفی و سلب آزادی و مسؤولیت و تعهد می کند. قرآن چنین قضا و قدری را نمی پذیرد. آیا شما در این زمینه جمله ای بالاتر از آن آیه کوچک که با تفاوت مختصری در دو جای قرآن آمده است پیدا میکنید: «اِنَّ اللّهَ لا یُغَیرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّروا ما بِاَنفُسِهِم» رعد/۱۱ این آیه آب بسیار صاف و پاکی است که بر سر منتظرها، آنهایی که به انتظار هستند که همیشه خدا از یک راه غیر عادی کارها را درست کند، می ریزد. انتظار بیهوده نکشید. «اِنَّ» یعنی تحقیقا مطلب این است. تحقق و واقعیت این است که

هر گز خداونـد اوضـاع و احـوال را به سـود مردم عوض نمیکنـد «حَتّی یُغَیِّروا ما بِاَنْفُسِهِم» مگر وقـتی که خود آن مردم آنچه مربوط به خودشان است، آنچه که در خودشان هست: اخلاق، روحیه، ملکات، جهت، نیات و بالآخره خودشان را عوض کنند. آیا شـما می توانیـد صـریحتر از این، مسؤولیت پیدا کنید؟ آنهم مسؤولیت در برابر یک اجتماع، یعنی اجتماع را برای مسؤولیت مخاطب قرار بدهد.

چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجمع کرد؟

پرسش

چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجمع کرد؟

پاسخ

تعهد و احساس مسؤولیت شما در قبال مسائل فرهنگی در خور تحسین است. امید است این روحیه هم چنان درشما زنده بماند.

مشـکلی را که در مورد ندانسـتن وظیفه مطرح کرده ایـد به نظر می رسـد بیشتر در مورد طرح های عملی و برنامه ایباشـد، زیرا اصل وظیفه معلوم و مشخص است.

اگر دانشجو در حین تحصیل بی تفاوت باشد بازگشت او به تعهد پس از ایام تحصیل امری غریب می نماید.

بنـابراین جوش و خروش داشـتن در ایام تحصـیل نیز جزئی از زنـدگی هدفـدار و مکتبی فرد است. این نکته نیز روشـناست که درس خواندن و پیشرفت علمی نیز جدای از این وظیفه نیست. حال چگونه باید بین این دو جمعکرد؟

این جاست که ضرورت برنامه ریزی و کار گروهی و جذب افراد متعهد مطرح می شود. یعنی باید به نحوی تقسیمکار صورت پذیرد تا از یک سو افراد مختلف جذب تشـکل ها شوند و از سوی دیگر با تقسیم کارها و تنوع آن، جاذبه هاافزایش یابد و نیز فرصت بیشتری برای هر یک از افراد باقی بماند تا به جنبه درسی و تحصیلی آنان لطمه ای واردنیاید.

تردیدی نیست که در این صحنه دانشجویان متعهد می بایستی از فرصت های آسودن خود سرمایه گذاریکنند.

بنـابراین می توان بـا برنـامه ریزی حسـاب شـده - جـذب افراد - تقسـیم کار هم به درس ها رسـیدگی کرد و هم درتشـکل ها فعالیت داشت. مشورت با دیگر تشکل ها در دانشگاه های مختلف نیز می تواند راهکارهایی را به شما نشاندهد.

گنجاندن برنامه های درسی و مباحثات علمی در کار تشکل ها نیز می تواند به این امر کمک نماید.{J

روش های جلب اعتماد مردم چگونه است

پرسش

روش های جلب اعتماد مردم چگونه است

پاسخ

جلب اعتماد دیگران، مرهون ارزش واقعی شخصیت هر فرد است. به هر اندازه شخصیت فرد، ثبات و ارتقای بیشتری داشته باشد، به همان مقدار اعتماد دیگران به او افزایش خواهد یافت.

اما چگونه می توان ارزش خود را بالا برد و به ثبات شخصیت رسید؟ پیش از هر چیز از این که به فکر ارتقای کمالات و دستیابی به ثبات شخصیت خود هستید، اظهار خوشوقتی می کنیم؛ چرا که اولین مرحله هر کمال، «بیداری»است؛ بیداری و آگاهی نسبت به نواقص و سعی برای جبران آنها. بنابراین، این کشمکش های فکری و روحی را، بایدروندی سازنده و مثبت تلقی کرد. حضرت عیسی(ع) فرموده است: «مریض کسی نیست که دردی دارد؛ بلکه مریض واقعی کسی است که بیمار است، ولی خود را سالم می پندارد».

اما ثبات شخصیت؛ ثبات شخصیت (نوع مثبت آن) گوهری گران سنگ است که آسان به کف نمی آید و به سرعت حاصل نمی شود. «ثبات شخصیت»، در مرحله اول رهین معرفت است. تا آدمی معرفت خویش را نسبت به هستی وآفریننده آن و جایگاه خود در هستی و نیز وظایفی که برای او ترسیم می گردد بالا نبرد و به سطح مناسبی از کمال نرساند، همواره دستخوش بی ثباتی خواهد بود و هر روز تحت تأثیر موج ها به این سو و آن سو خواهد رفت.

اگر کشتی لنگری نداشته باشد، امواج دریا، آن را به هر طرف خواهند کشید و چه بسا در این کشاکش، آسیب سختی هم ببیند و یا منهدم گردد.

لنگر آدمی در اقیانوس بی کران هستی، همان «معرفت» است؛ معرفتی منطقی و عقلانی درباره حیات و آن گاه به مقتضای معرفت، عمل کردن.

قرآن مجید به زیبایی

هر چه تمام تر این حقیقت را بدین گونه بیان فرموده است: «آدمی ناپایدار و بی ثبات آفریده شده است؛ زمانی که ناگواری به او رو کند، ناله سرمی دهد و زمانی که خیر به او رسد، بخل می ورزد، مگر نمازگزاران؛آنانی که بر نماز خود مداومت می کنند و کسانی که در اموالشان حقی معلوم برای سائل

و محروم است (حق فقرا و نیازمندان را پرداخت می کنند) و کسانی که روز جزا را تصدیق می کنند و از عذاب پروردگارشان ترسان هستند... و کسانی که خود را از نامحرمان باز می دارند... و کسانی که به امانت و عهد خویش وفامی کنند و کسانی که [در جای لازم خود [شهادت های خود را ادا می کنند و بدان استوارند و کسانی که بر نماز خودمحافظت دارند...»، (سوره معارج، آیه ۱۹ به بعد).

عصبانیت و کم ظرفیتی نیز ناشی از بی ثباتی است. انسان فهمیده و دارای معرفت، هرگز عنان اختیار خویش را، به دست نفس سرکش نمی سپارد؛ زیرا نفس بد اندیش را دشمن می دارد و می داند که اگر مهار نشود، آدمی را به ورطه سقوط خواهد کشاند. بنابراین او به کنترل نفس خویش می پردازد و هنگام هیجان نه سخنی می گوید و نه تصمیمی عجولانه می گیرد.

شرکت در تظاهراتهایی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا کاری پیش بیاید یا امتحان داشته باشیم و ظیفه ما چیست؟

پرسش

شرکت در تظاهراتهایی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا کاری پیش بیاید یا امتحان داشته باشیم و ظیفه ما چیست؟

پاسخ

دفاع از اسلام و مستضعفین وظیفه هر مسلمان است. گاهی این دفاع فقط در حد راهپیمایی است در نتیجه آن راهپیمایی واجب می شود.

بله، اگر برای شخصی عذر موجهی پیش آید، مسلما معذور خواهد بود.

چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند ؟یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فردا که آخوند گردید در قسمتی از جامعه مشغول به کار می شود یک آخوند باید یک ساعت در حوزه باشد و پنج ساعت فعالیت اجتماعی داشته ب

پرسش

چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند ؟یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فردا که آخوند گردید در قسمتی از جامعه مشغول به کار می شود یک آخوند باید یک ساعت در حوزه

باشد و پنج ساعت فعالیت اجتماعی داشته باشد . آیا این علتی مهم برای جدایی روحانیت و اجتماع نمی باشد؟

پاسخ

همه افراد از آن حیث که عضوی از جامعه هستند باید به نوبه خود فعالیت اجتماعی داشته باشند. سهم مشارکت هر فرد در امور اجتماعی را هم، منزلت اجتماعی وی تعیین می کند.

حال افرادی که به نوعی عهده دار نهاد فرهنگی کشور می باشند، سهم بیشتری را دارا هستند. از آن جمله می توان به روحانیون در نهاد دینی کشور اشاره کرد. روحانیون به عنوان اعضاء نهاد دینی نیز ملزم به شرکت در چنان فعالیت هایی هستند. پس تا به حال به بحث در مورد ضرورت فعالیت اجتماعی پرداخته شد.

اما مسأله دیگر تعیین مصداق برای شکل فعالیت اجتماعی هر فرد است. آیا همان طور که یک کارمند اداره فعالیت اجتماعی یک استاد دانشگاه هم باید به همان شکل و به همان اندازه فعالیت داشته باشد؟ به عنوان مثال محققی که در منزل خویش تنها با کتاب سر و کار دارد، فعالیت اجتماعی ندارد؟ بالاخره اجتماع به نوعی از محصولات فکری اوست که منتفع می گردد.

در حوزه علمیه نیز به طور خاص روحانیونی که وظیفه و هدف تحقیق دارند اهتمام اجتماعی ایشان در مورد مقولات فکری و ذهنی است. اما آن دسته که هدفشان تبلیغ است به

ناچار باید با مردم و مخاطبین خویش تعامل داشته باشند.

نتیجه: در هر قشر از اقشار جامعه بسته به نوع اهداف و وظایف معین شده برای آنها باید فعالیت اجتماعی متناسب با آن را تعریف کرد. البته این به معنای عمل کردن تمام روحانیون به وظایف خویش نیست.

البته ممکن است در قشر حوزوی نیز افرادی بدون درک حساسیت زمانی و موقعیت خطیر روحانیت آنچنان که شما عزیزان و جامعه انقلابی ما توقع دارید، در عرصه فعالیت های اجتماعی حضور نداشته باشند و یا کنج انزوا اختیار کنند که این مسأله از نظر ما و جامعه روحانیت قابل قبول نیست ولی تفکر و عمل عام حوزه و حوزویان چنین نیست.

چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است ؟

پرسش

چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است ؟

پاسخ

این مسأله دارای دلایل متعددی می باشد که در ذیل به صورت مختصر مهمترین آنها را در دو بخش عوامل داخلی وعوامل خارجی مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) بررسی عوامل داخلی کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی: منظور از عوامل داخلی، مجموعه کارکردها واعمال و رفتار این اقشار می باشد که مسأله فوق را به وجود آورده است که عبارتند از:

۱- برخی رفتاره او اقدامات ناشایسته بعضی از مدیران، کزارگزاران و مأموران دستگاه ها و نهادهای دولتی وحکومتی، موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشت. مردم انتظار داشتند که نهتنها در رده های سطح اول مسؤولان نظام، که در سایر رده ها و به خصوص در بدنه نظام اداره کننده کشور، شاهدصداقت، درستکاری، امانت داری و گرایش خدمت به مردم و حل مشکلات باشد، ولی رفتار برخی دست اندرکاراندر جهت توجیه و ترجیح منافع شخصی و خانوادگی، تظاهر و ریاکاری، بی اعتنایی به اقشار ضعیف و محروم جامعهو... موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به افارد مذهبی و روحانیون و کاسته شدن از وجهه آنانگردید.

۲- اختلاف و تفرقه میان جناح ها و گروه های متشکل از روحانیون و افراد مذهبی و تضعیف افراد هر جناح توسطجناح مقابل و در نتیجه ایجاد بدبینی در بین مردم نسبت به همه افراد دو جناح.

۳- کوتاهی و کم کاری حوزه های علمیه و مراکز فرهنگی کشور در شناساندن صحیح معارف و تاریخ اسلام و ارائهعمل اسلام به جهان معاصر و شناخت صحیح مقتضیات زمان و مکان و استفاده کارآمد از روش های نوین و وسایلارتباطاتی مدرن، برای شناساندن احکام و ارزش های

اصیل اسلام به مردم از جمله جوانان و تقویت هویت دینی ومذهبی و ملی در آنان.

ب) بررسی عوامل خارجی کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی:

۱- مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... ناشی از وقوع جنگ و پیامدهای آن، محاصره های سیاسی، اقتصادی و...سبب می شود که مردم وقتی تحت فشار مادی و فقر و مشکلات بیکاری، مسکن و... قرار گیرند کم و بیش و دیر یا زودتمایل آنها نسبت به مسببین این فشارها و کسانی که از نظر آنها با این مشکلات مستقیما یا به طور غیرمستقیم دررابطه اند کم خواهد شد.

۲- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفتهشد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید، به گونه ای کهتوسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود.

۳- تحول نسل در جامعه و به صحنه آمدن نسل جدید که باورها و یافته های آنان با نسل انقلاب تا حدی متفاوتاست، فقدان برنامه های جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آن و نیز بی توجهی به ایجاد تغییرات اساسیو ریشه ای در نگرش خانواده ها به اصول و آداب تربیت نسل جوان، موجب بروز شکاف در دیدگاه های دو نسل کنونیو پیشین گشته و اصول و شاخص های ارزشی نسل نو را متفاوت با اصول و شاخص های انقلاب نموده است و این امراز یک طرف موجبات فاصله گرفتن از افراد مذهبی و از طرف دیگر استقبال از الگوهای و ارزش های غربی شدهاست.

۴- سازماندهی تهاجم فرهنگی توسط دشمنان اسلام به خصوص آمریکا با استفاده از ابزارهای جدید اطلاع رسانیو تبلیغات گسترده و نیروهای سکولار، روشنفکران

غربزده و مزدوران اجیر شده در داخل و با سوء استفاده ازنارسایی ها، معضلات و ضعف های مدیریتی و اجرایی برای حمله و هجوم به ماهیت اسلام و قوانین الهی و ایجادروحیه یأس و ناامیدی در مردم، به ویژه در نسل جوان، با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی درجامعه و ناکارآمد بودن تئوری حکومت دینی و در نتیجه ایجاد شکاف میان نسل جوان جامعه با مدیران حکومتی کهعموما از افراد روحانی و مذهبی می باشند و ایجاد بدبینی نسبت به آنها و شک و تردید در توان مدیریتی افرادمذهبیبرای رفع مشکلات و پیشبرد جامعه در ابعاد مختلف لازم است بدانید که حداقل یک قرن است که جهان استکباری باتمام توان و با بکارگیری همه ایادی خود برای کوبیدن روحانیت تلاش می کند، زیرا روحانیت را محکم ترین سد دربرابر سلطه استعماری خود می بیند.

۵- اصولاً قدرت در دست هر کس باشد مردم به طور طبیعی مقداری از آنها فاصله می گیرند (من ملکاستأثر).

مجموعه این عوامل سبب شده تا مقداری از وجهه روحانیون و افراد مذهبی در بین پاره ای از افراد کاسته شده وبخشی از نسل جوان به طرف الگوهای خارجی متمایل گردند. البته نکته ای که قابل توجه می باشد این است کهعلیرغم این مسأله به واسطه بالاـ بودن سطح بینش و آگاهی های سیاسی، مردم و اقشار جوان بین روحانی و فرد مذهبیمتعهد، دلسوز و فعال با افراد غیر متعهد تفاوت قائل می باشند و نسبت به افراد مذهبی و روحانیون متعهد و دلسوزعلاقه مند می باشند و یا با مختصر برخوردی به شدت جذب شده و بدبینی ایجاد می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- انقلاب و ارزش ها علی زوعلم

۲- ایران و آمریکا حسن واعظی

۳-

مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟

پرسش

مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟

پاسخ

مهمترین وظایف جوان دانشجو عبارتند از:

۱- قدردانی از جوانی: مهمترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این ناآلودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خودتان را در زمینه های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این انشاءالله ذخیره همه زندگی شما خواهد شد. راهش هم رعایت دو نکته است: ذکر و توبه. ذکر یعنی یاد، یاد در مقابل غفلت است. غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از آن هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت عالم بعد از عبور از جسمانیت و محاسبه بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت، اینها یاد است... نکته دیگر توبه است ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته است که مثل شما ها گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه این درست نیست. توبه وظیفه همیشگی انسان است. پاکترین انسانها هم باید توبه کنند. توبه یعنی برگشت به خدا.(پرسمان، سال دوم، شماره دهم، تیر، ص۲)

۲- جدی گرفتن علم و تحقیق: شما باید در محیط دانشگاه مسئله علم و تحقیق را جدی بگیرید ... بدون پیشرفت علم نمی شود کشور را پیش برد. امروز حتی دشمنان بشریت از علم استفاده می کنند. ما برای آرمانهای والا برای ارزشهای حقیقی برای فضایل انسانی و گسترش آنها ناگزیریم از علم و شرافت ذاتی علم استفاده کنیم.(همان، ص۸؛ پاسخ و پرسش رهبر معظم انقلاب با دانشجویان)

۳- در مقابل جریانهای سیاسی از اندیشه ناب اسلامی بگوید و به

فرموده رهبری «درست فکر کردن، درست تحلیل کردن، تحلیل درست را به دیگران منتقل کردن، سعی در روشن و آگاه کردن کسی که فکر می کنید ناآگاه است وظیفه دانشجوی آگاه و آماده است.»

۴- هر دانشجوی مسلمانی علاوه بر تحصیل علم و نگهبانی از صفای درونی خویش باید از وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چشم پوشی نکند و با محبت و مهربانی به اصلاح دیگران بپردازد.

چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانست تشخیص دهد پیامبر خدا آن هم با این عظمتش کدام است در حالی که روحانی الان ما از کیلومترها قابل تشخیص است؟

پرسش

چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانست تشخیص دهد پیامبر خدا آن هم با این عظمتش کدام است در حالی که روحانی الان ما از کیلومترها قابل تشخیص است؟

پاسخ

درباره قسمت اول سؤال (لباس روحانیان) نکات ذیل قابل توجه می باشد:

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می فرمایند: «حضرت رسول(ص) عمّامه بر سر بستند و یك طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثه الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشد. و یا مثلا در موقع نماز جماعت

تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق(ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱).

چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

خصوصا در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد.

اما در مورد قسمت دوم سؤال گفتنی است آنچه از سیره پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) برداشت می شود این است که منظور از چنین رفتارهایی نشان دادن نهایت تواضع رهبر جامعه اسلامی و مساوات آن با سایر مردم است نه این که منظور عدم شناسایی آنان توسط مردم باشد.

به عبارت دیگر مشخص نبودن آن بزرگواران اصالتا و بالذات هدف آنان نبوده است، بلکه پیامدی طبیعی و ناشی از دو موضوع است:

۱. رعایت تواضع و مساوات آنان با مردم در همه زمینه ها حتی در نشستن.

۲. یک دست بودن لباس

همه.

اما در زمان ما موضوع یک دست بودن لباس – به دلیل این که جامعه به غیر از علماء لباس سنتی را کنار گذاشته اند – منتفی است. می مانـد مسأله رعـایت تواضع و مسـاوات بـا مردم که از دیـدگاه اسـلام یک اصل و ارزش بسـیار مهمی است که همه خصوصا رهبران و پیشوایان مذهبی، مکلف به رعایت آن می باشـند. هر چند این موضوع نیز گاهی مواقع به تناسب مقتضـیات زمان می تواند اشکال مختلفی داشته باشد.

در هر صورت آنچه که از سیره امامان معصوم(ع) و پیامبر اکرم(ص) برداشت می شود اصل رعایت تواضع، مساوات و برابری با مردم است که بحمـدالله علماء و بزرگان دینی در طول تاریخ تاکنون نسبت به رعایت آن پای بند بوده و می باشـند و مسأله لبـاس آنهـا، نه تنهـا بـا اصـل تواضع و مساوات با دیگران منافات نداشـته بلکه خود نقش مهمی در تبلیغ ارزش های اسـلامی و تعظیم شعائر الهی و انجام وظایف و کار ویژه های صنفی روحانیت و مقابله با تهاجم فرهنگی ایفا می نماید.

آنچه که باید به آن زیاد توجه کرد این است که در زمان های قدیم عمامه، عبا و قبا، مختص گروه خاصی از مؤمنان نبود بلکه در آن زمان ها رسم این بود که افراد صالـح و متـدین این لباس ها را می پوشـیدند و بعـدها به تدریج تنها علمای دینی در این لبـاس ماندنـد و این لبـاس بهعنوان علامـت و نشانه علمای اسـلام به حساب آمـد. در حال حاضـر هم یکی از شـرایط پوشـیدن عمامه، قبا و عبا داشتن صلاحیت لازم است و اگر کسی دارای آن شرایط نباشد اگر بپوشد، کار نادرست

انجام داده است و مانند کسی می ماند که لباس پزشکی بپوشد در حالی که شرایطپزشک را ندارد. در زمان های قدیم برای پوشیدن این لباس، تنها صلاحیت اخلاقی کافی بود به همین جهت بسیاری از تاجران و پزشکان هم این لباس را می پوشیدند ولی در عصرهای اخیر یکی از شرایط این لباس، کسب علوم اسلامی و تبلیغ دین شد و در حقیقت باید به عنوان یک انیفروم ولباس کار و اعلام آمادگی برای پاسخ گویی به پرسش های اندیشه دینی، به آن نگاه شود. نه یک امتیاز اجتماعی و از سوء استفاده احتمالی برخی در این لباس باید جلوگیری کرد.

آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟

پرسش

آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟

پاسخ

در باب وظایف اقشار مختلف جامعه از ۲ حیث می توان بحث کرد: هست ها و بایدها. یعنی آنچه اقشار و طبقات جامعه در حال انجام آن هستند و آنچه باید به آن عمل کنند. یکی از اقشار جامعه ما نیز طبقه روحانیون هستند. این قشر نیز به عنوان عضوی از جامعه، وظیفه خدمت رسانی به دیگر افراد جامعه را دارد (یعنی در قبال استفاده از امکانات جامعه باید سودی نیز برساند).

حال در بحث از بایدها و نبایدهای مربوط به وظایف این طبقه باید گفت: خدمت رسانی ایشان از قبیل خدمات معنوی و فرهنگی در یک جامعه است. زیرا ایشان متولیان نهاد دینی در جامعه می باشند از وظایف اصلی ایشان آشنا کردن دیگر اقشار مردم با دین حقیقی است. ایشان وظیفه دارند تا غبار خرافات و اوهامی که به دور دین بسته شده را بزدایند و دین اصلی و بدون پرده را به مردم بنمایانند. همچنین وظیفه دارند تا مردم را برای طی این مسیر تشویق و تحریض کنند.

اما از بعد هست ها و این که اکنون شاهد چه نوع عملکردی هستیم باید گفت: همانند دیگر اقشار جامعه شاهد عمل کردن مشفقانه و مخلصانه برخی از این گروه به وظایفشان هستیم. (لازم به ذکر نام نیست و برای همگان آشنایی دارند) اما برخی نیز در ایفای وظایف خود کوتاهی می نمایند.

مطلبی که مسأله را خطیر می کند، رسالت سنگینی است که بر دوش این

طبقه بوده و با تشکیل حکومت اسلامی بیش از پیش برایشان به وجود آمده.

توصیه می شود در این خصوص به مباحث مقام معظم رهبری در کتاب «حوزه و روحانیت» مراجعه گردد.

بنابراین روحانیت و مراجع تقلید با ایفاء نقش تاریخی خود نه تنها اسلام را در ایران معرفی کردند به طوری که کودکان نیز امروز با آموزه هایی آشنا هستند که در سابق حتی بزرگسالان نیز با بسیاری از آنها آشنا نبودند جز در خانواده های متدین و... بلکه صدای اسلام به گوش جهانیان نیز رسیده است و امروز اسلام گراها رشد عجیبی در غرب دارد. اما در عین حال هم کاستی های فراوانی داریم و هم پس از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی در مسیر آن توقعات و زمینه های زیادی برای تبلیغ دین اسلام ایجاد شده است.

ضمنا از یاد نبریم با توجه به عمق نداشتن ایمان بسیاری از مردم، عملکردهای نادرست حکومت اسلامی یا کارگزاران و سایر افراد مسلمان تا حد زیادی تبلیغات را خنثی می کند بلکه به لحاظ مغایرت عمل با حرف، تأثیر معکوس دارد.

چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو مساله توجه نداشتند.

پرسش

چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو مساله توجه نداشتند.

پاسخ

در پاسخ به سؤال فوق گفتنی است:

اولاً باید مشخص شود منظور شما از علم چیست. اگر علوم تجربی است که طبیعی است حوزه چنین علومی جدا بوده و موضوعا با تخصص فقها و کار ویژه آنان متفاوت است اما اگر مطلق علم منظور است در این صورت مسائل فقهی قطعا مسائلی علمی می باشند. نظیر علم حقوق و...

ثانیا، تعبیر علمای ما (اسلام) فقط منحصر به فقه نیست، بلکه علومی نظیر فلسفه اسلامی، تفسیر، کلام و الهیات، منطق، رجال و درایه، حدیث وحتی اگر علومی را که در حوزه های فرهنگی اسلامی رشد و نما یافته اند، مانند علم نجوم [برای آشنایی با این علوم ر.ک: کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب] و... را هم از علوم اسلامی بدانیم، باز هم در حوزه تخصص علمای اسلامی می باشند. به عنوان نمونه ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، بوعلی سینا، ملاصدرا، شیخ بهایی و... از علمای اسلام می باشند.

ثالثا، سیره فقها در گذشته فراگیری علوم مختلف بوده است و هنوز نیز فقیهان بزرگواری وجود دارند که علاوه بر تخصص در

علم فقه در علوم دیگری مانند ریاضیات، هندسه، نجوم، طب و... تخصص دارند.

اما باید به این نکته مهم توجه داشت همچنان که پیشرفت جوامع بشری و گسترش موضوعات، باعث تفکیک و استقلال بسیاری از علوم در مجامع آکادمیک و دانشگاهی دنیا شد و در هر علم و رشته ای متخصصان ویژه ای به خود اختصاص داد،

در علوم اسلامی نیز تکامل و گسترش این علوم تفکیک و استقلال آنها را به دنبال داشت، لذا مشاهده می نماییم که در زمان حاضر علمای اسلامی برخلاف گذشته، دیگر به دنبال تخصص در علومی نظیر طب، نجوم، ریاضیات و... نیستند.

به عبارت دیگر به وجود آمدن مجامع دانشگاهی که متکفل تعلیم و تعلم این علوم اند، این بار را از عهده علمای اسلامی برداشته تا آنان بهتر و بیشتر بتوانند در حوزه علوم اختصاصی خویش به تحقیق، تفحص و نوآوری بپردازند.

رابعا، هر چند داشتن تخصص در علوم جدید برای علماء امری ضروری نیست، اما این مسأله به معنای بی نیازی علوم اسلامی و علماء از آشنایی با علوم جدید نمی باشد. به عنوان نمونه فقیه قبل از تشخیص حکم باید موضوع را بشناسد تا بتواند حکم آن را صادر نماید و از طرف دیگر احکام شرعی شامل جمیع شؤونات زندگی و در نتیجه شامل همه موضوعات موجود در جهان می باشد، بنابراین تشخیص حکم شرعی در گرو شناخت همه موضوعات و داشتن حد لازم و ضروری از علوم روز به تناسب موضوعات احکام است (ر.ک: مرجعیت، سید هدایت الله طالقانی، تهران، نشر ارغنون، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶).

بنابراین اطلاع فقها و علمای اسلامی از برخی مسائل و ابعاد علوم جدید لازم است. از این رو مراجع، فقها و علمای اسلامی در مسائل و موضوعات مبتلابه در حد نیاز و ضرورت و حتی بیش از آن از علوم جدید مطلع و آگاهند و حتی در مواقع نیاز با متخصصان این علوم به مشورت پرداخته توضیحات و اطلاعات لازم را کسب می نمایند.

چطور شده که در دانشگاه های ما قباحت کارهای زشت و وجاهت کارهای خوب رخت بربسته و دانشگاه ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز تجمع عشاق تبدیل شده و چه طور می شه که وضع اسلامی برگرده و دانشجویان حق دانشگاه و جامعه را بر دوش خودشان حس کنند که کارشان درس خواندن

پرسش

چطور شده که در دانشگاه های

ما قباحت کارهای زشت و وجاهت کارهای خوب رخت بربسته و دانشگاه ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز تجمع عشاق تبدیل شده و چه طور می شه که وضع اسلامی برگرده و دانشجویان حق دانشگاه و جامعه را بر دوش خودشان حس کنند که کارشان درس خواندن است به ازاء استفاده از خوابگاه و سلف و نوارخانه و ... باید درس بخوانند و باید این حق را اداء کنند و الا ـ حق الناس را اداء نکرده اند ،وظیفه مسولان و دانشجویان چیست و تا وضع درست می شود چه کنیم که افراد بیشتری از راه به بیراهه نروند و بتوانند خودشان را حفظ کنند.

پاسخ

چگونگی احیاء ارزش های اسلامی در جامعه همه مراکز فرهنگی از جمله حوزه علمیه قم، وزارتخانه های دولتی، مخصوصا اداره ارشاد و صدا و سیما و... و در دانشگاه ها در درجه اول عبارتند از:

- دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

- مدیر فرهنگی دانشگاه ها

- تشکل های اسلامی دانشجویی مخصوصا بسیج

- تشکل های اسلامی اساتید دانشگاه ها از جمله بسیج اساتید دانشگاه ها

اما واقعیت این است که براساس حدیث شریف نبوی «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته» همه ما درا ین زمینه مسؤول هستیم و حتی اگر عده ای شانه از زیر مسؤولیت های خود خالی کنند نه تنها بهانه ای برای ترک وظیفه ما نخواهد بود، بلکه بار مسؤولیت آنها را نیز باید به دوش بکشیم و از این طریق ادامه دهندگان راه شهدا و پرچمداران حق باشیم.

ضمنا به منظور تکمیل این پاسخ و نیز راهکار عملی برای پاسخ سؤال شماره ۲ و

۳ نکات ذیل را یادآوری می کنیم:

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چندان مفصل نیستند مراجعه فرمایید:

مجله پرسمان، چرایی پوشش بانوان، آقای حسینی

مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسر، آقای احمدی

تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

شش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است:

اولا، آگاهی دقیق و عمیق برادران و خواهران متعهد و حزب اللهی در دانشگاه ها نسبت به موارد و مصادیق معروف و منکر.

ثانیا، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی بسیج و سایر تشکل های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در ضمن از این طریق می توانید:

۱- کلاس های آشنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید.

۲- در شورای فرهنگی دانشگاه و سایر مراکز فرهنگی دانشگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید.

۳- گاهی برخورد با بعضی از منکرات به لحاظ حساسیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشکل منسجم نیروهای خودی در این راستا، کارآیی خوبی می تواند داشته باشد.

ثالثا، کار مطبوعاتی و نشریاتی و درج مقالات علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از شعار.

رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا و غیرمنطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی

مذکور صورت پذیرد.

خامسا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعا محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است.

سادسا، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسؤولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد; از جمله : اولا": فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا", احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا", شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا", در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه

ی پایین تر, جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت , روی بر گرداندن و.. از او, ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی , موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن , گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم , مرحله ی اقدامات عملی است . اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت , واجب است از اعمال قدرت استفاده کند, (تحریرالوسیله , امام خمینی , ج ۲, ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور, موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند, (استفتاآت آیت الله خامنه ای , ترجمه ی فارسی , ج ۱, ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی , قوه قضائیه , دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی , ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر, ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون , نسبت به انجام مسئولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه

با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است , ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات , مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است . راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی , اشتغال , مسکن , ازدواج , تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی , اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر, فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه , مطلوب است . در مورد محیط و اطرافیان : مسلما حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای موئمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت : خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش . حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد

ارزش هـا ارزش هـا مطرح شود. بنابراین سـعی کنیـد با اعتماد به خـدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنیـد. از مطـالعه قرآن و توجه به معـانی آن و همچنین کتـاب هـای سودمنـد دیگر و شـرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنیـد. بایـد بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شـما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ بایـد به مبارزه با گناه برخیزیـد و همواره کوشـش کنیـد که برای اولین بار که میل به گناه آمـد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشـکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا مچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

برخی از کارهای فرهنگی که در دانشـگاه ها می توانید انجام دهید و در برخورد با فساد از زاویه کارهای فرهنگی عمل نمایید عبارتند از:

الف) برگزاری جلسات دینی اعم از کلاس، سمینار، فوق برنامه و...

ب) برگزاری مسابقات جهت دار که به روشنگری و اشاعه افکار ناب اسلامی و انقلابی بپردازد.

یکی از بهترین مسابقات، مسابقات قرآنی، نهـج البلاغه، کتب مـذهبی و سیاسـی خوبماننـد پرسـش ها و پاسخ های آیت الله مصباح یزدی است. البته باید طرح این مسابقات با یک کار کارشناسی، از حالت

کلیشه ای و قالب خشک درآید تا با جذابیت خوب برگزار گردد.

ج) نشریات دیواری، هفتگی، ماهیانه و یا فصلنامه و یا گاهنامه با مطالب مفید و متنوع و جذاب.

د) خنثی کردن تبلیغات سوء افراد جاهل یا مفرض به طرق مختلف از جمله پاسخ گویی به شبهات در سخنرانی ها، نشریات، بردها و...

و) برگزاری اردوهای مفید به دور از اختلاط و اجرای برنامه های اطلاع رسانی (جلسه گفتگوی صمیمانه با حضور برخی صاحب نظران فرهنگی اسلامی) و...

ناگفته نماند که کار فرهنگی یک تعریف مشخص و معینی ندارد و ما به برخی از مصادیق و نیز راهکارهای اجرایی آنها بود.

ما چند وظیفه در قبال مشکلات جامعه داریم:

۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسؤلیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید.

۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید.

۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشتهباشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه ای که می توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است.

۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی ها

می شوند را پر نمایید.

۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا درکناردیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام های مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید.

جهت انجام فعالیت های فرهنگی در دانشگاه نکاتی را باید رعایت نمود تا فعالیت فرهنگی از نظر کمی و کیفی نتیجه مطلوب را داشته باشد. برخی از آن نکات عبارتند از:

۱. درست شناختن کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگاری آشنایی کافی را دارند.

۳. از افراط و تفریط پرهیز نمایید.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶.

از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و صرفا برای وقت گذرانی یا کسب درآمد به آن کار نپرداخته اند.

۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بازرسی و دیدن و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

چرا از آموزه های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم؟

پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم؟

پاسخ

اسلام با ظهور خود، فرهنگ نوینی را به بشریت عرضه داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگون ساخت. این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا(ص) – که ترجمان حقیقی وحی بود – نازل شد و با عمل و رفتار مؤمنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت؛ بنیان های تکوین یک «امت واحد جهانی» را فراهم آورد.

قرآن شریف، سفارش های مکرری به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این رهنمودها کاملاً منطقی است. این کتاب عظیم همان طور که عقل را راهنمای انسان می داند، از افراد بشر می خواهد تا حکمت و رشد خود را گسترش دهند. در این باب نگا: عباس محمود عقاد، تفکر از دیدگاه اسلام، ترجمه محمدرضا عطائی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: چاپ اول ۱۳۷۱ ش، صص ۹-۲۶. همچنین در این کتاب بی نظیر، آموزه هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است. آموزه هایی در باب اخلاق، خداشناسی، انسان شناسی، جهان شناسی، تاریخ و....

حضرت رسول(ص) با سیره عملی و گفتار زبانی و بعد از او ائمه(ع)، کوشش کردند تا این آموزه ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیر کنند؛ هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود، به بشریت ارزانی دارند.

اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف، کدام یک از این آموزه ها بوده است؟ آیا علاوه بر طرح مسائلی چون خداشناسی، انسان شناسی، راهنماشناسی و اخلاق؛ مواردی چون جهان شناسی به معنای شناخت جهان و طبیعت (مانند فیزیک، گیاه شناسی،

زمین شناسی، ستاره شناسی) و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟!

قرآن، کتاب انسان سازی است تاآنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی؛ یعنی، تقرب به خدای متعال نیاز دارد، به او بیاموزد. بر این اساس، آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مسأله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی، در باب خداشناسی، انسان شناسی، معادشناسی، راهنماشناسی، اخلاق و احکام عبادی.

اما درباره جهان، طبیعت و مسائل فیزیکی و جسمانیِ بدن، قرآن به طور اجمالی و استطرادی، بحث کرده است و شاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلاً و مستقیماً، به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد.

در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده ها، برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی او به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی است که خداوند در آفرینش به کار برده است. در پاره ای مواضع، نعمت های خدا در آسمان و زمین، به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای برای شکر و حق شناسی باشد. و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که انسان، با نگرش به عالم - از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر او است - «معرفت فطری» و «شناخت حضوری» خود را شکوفا کند و به آن شدت و نیروی بیشتری بخشد. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، مؤسسه در راه حق، قم: چاپ اول ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۵.

با توجه به این نکته، در پاسخ به این پرسش خاطرنشان می شویم که اگر مقصود از «نظریات قرآن» در باب

آموزه هـایی باشـد که هـدف اولی و اصـلی قرآن است؛ بله در این جهت مـا بایـد کوشـش کنیم تا آموزه های قرآنی را محور نظریـات علمی خـود قرار دهیم و از آنهـا سـود جوییم. به راسـتی مـا در انسـان شناسـی و اخلاـق و حـتی مبـاحث خداشناسـی، راهنماشناسـی و معادشناسـی، هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقی آنها، می توانیم مسائل جدیدی را در این ساحت ها، به جهان بشری عرضه کنیم.

امـا اگر منظور، آموزه هـایی در سـاحت دانش تجربی باشـد - که هـدف اولی و اصـلی قرآن نبوده و در این مورد تنهـا به ذکر کلیـاتی اکتفـا شـده است - به نظر مـا نبایـد تلاـش بیهوده ای را آغـاز کنیم؛ همـان گونه که برخی چون رشـید رضا در تفسـیر «المنار» و طنطاوی در تفسـیر «الجواهر فی تفسـیر القرآن» کوشـش کرده اند که بسـیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهنـد. این آیـات از آن جـا که جنبه غیراصـلی و اسـتطرادی دارد، در هیـچ زمینه، هیـچ گاه به بحث های تفصـیلی در این باب نـپرداخته اسـت؛ بلکـه بـه همـان انـدازه کـه هـدف قرآن در هـدایت مردم تـأمین می شـده، بسـنده کرده است. به همین جهت برخلاـف بسیاری از آیـات دیگر، این آیـات غالبـاً دارای ابهـام هـایی است و کمـتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، صص ۲۲۸ - ۲۳۲.

در این جا تذکر چند نکته لازم و ضروری است:

۱. هر چند قرآن به دانش تجربی - چنان که توضیحش گذشت - نپرداخته است؛ ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باره به کند و کاو

و جست و جو و کشف عالم طبیعت بپردازد. (نگا: اعراف، آیه ۱۸۵؛ غاشیه، آیه ۲۰ – ۱۷ ؛ بقره، آیه ۱۶۴ و...)

۲. خداونـد، عقـل را به عنـوان «حجت بـاطنی» برای انسـان قرار داده است تـا در پرتو آن، بشـر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن، مجهولات جهان طبیعت را کشف کنـد. در حقیقت، این موضوع به انسان واگـذار شده است؛ از این رو در این باره باید از عقول دیگران و تجارب آنان، سود جوید.

۳. علوم اسلامی، همچون تفسیر، فقه، اصول، حدیث، نحو، بلاغت، تاریخ، اخلاق، فلسفه و کلام، هر چند در پرتو هدایت های رسول خـدا(ص) و پایه گذاری حضـرت علی(ع) پدید آمده است؛ ولی بسط و تسدید آن به وسـیله ی انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود، آن را توسعه بخشید. بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند با خود آدمی، رشد و بالندگی خود را به دست آورد. در این بـاب نگـا: علامه سیدمحمدحسـین طباطبایی، ظهور شـیعه، انتشارات فقیه، تهران: چاپ اول، ۱۳۶۰ ش، ص ۳۳ و ۳۴.

۴. طفیلی و اسـتطرادی بودن بعضـی از آموزه های قرآنی درباره ی «دانش تجربی»، به این معنا نیست که آنها پنـدارهای خیالی انـد که برای ارائه یک پیام ارزشـی ساخته و پرداخته شـده باشـند. هرگز چنین نیست! گزارش های «وحی» از خلقت آسـمان و زمین، کلام آن خداونـدی است که بهتر و برتر از همگان به اسـرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است. قرآن، در پی تبیین چنین آموزه هـایی نبوده است و از این رو این سلسـله آیـات، بـا ابهـام مطرح شـده است. در واقع با این سلسـله آیات، خـداوند آدمی را تحریک، تشویق و ترغیب کرده

است تا با استمداد از عقل خود، به کشف رازهای مجهول آن نایل آید.

۵. ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ، از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است؛ زیرا قرآن، همراه با طرح این مسائل، به «علت فاعلی و غایی» حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجّه نشان می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال «هو الاول» و «هوالاخر» تا اوج گاه «مبدأ» و «معاد» پرواز می دهد. آیت اللّٰه عبداللّٰه جوادی آملی، شریعت در آیینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۱۶۴ - ۱۶۶. به هر حال ما باید در بعضی از آموزه های قرآنی - که اهتمام اولی به آن شده است - نظریات آن را استخراج کرده، به جهانیان عرضه نماییم؛ ولی در بعضی از دانش ها (چون دانش تجربی و تاریخی) باید با استمداد از عقل بشری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان، در کشف مجهولات خویش استفاده کنیم.

چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟

پرسش

چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟

پاسخ

روحانیت عظیم الشأن در جهان تشیع، از عظمت و قداست بسیار بالا و والایی برخوردار بوده، و پرچمدار نهضت ها و مبارزات ضدّ استکباری و ضدّ استبدادی در دوره های مختلف تاریخ بوده است. نگاهی کوتاه و اجمالی به سابقه درخشان روحانیت، نشانگر این حقیقت است. نهضت مشروطه، ملّی شدن صنعت نفت، نهضت تنباکو، مبارزات سیدجمال الدین اسدآبادی، و بالاخص انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(، حاصل و نتیجه فعالیت مبارزاتی و هدایتگر روحانیت است.

اما به نظر می رسد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به چند دلیل عمده روحانیت آنگونه که باید، نتوانسته است پاسخگوی جامعه، بخصوص نسل جوان باشد :

۱.با پیروزی انقلاب اسلامی، و تشکیل حکومت اسلامی، و حاکمیت اسلام و مقررات بر شؤون کشور، بسیاری از رسانه ها از جمله صدا و سیما، روزنامه، مجلات، و ... ، فعالیت های فرهنگی و تبلیغی را که قبل از انقلاب به عهده روحانیت بود، در برنامه کاری خودشان قرار دادند. لذا بخشی از اعضای جامعه، با بهره برداری از این رسانه ها، خود را بی نیاز از برقراری ارتباط با روحانیت دیدند، و کمتر در مجالس و محافل حضور یافتند، و مساجد کم رونق شد. از سوی دیگر برادران روحانی نیز که با عدم استقبال مردمی مواجه شدند، برای برقراری ارتباطی دوستانه تلاش نکردند، و چنین احساسی در آنها نیز بوجود نیامد. شاید ضرورتی نمی دیدند که همانند گذشته فعّال و پرتلاش باشند، چون احساس می کردند که سایر دستگاهها کار آنان را انجام می دهند. مباحثی که

در سطح رسانه ها مطرح می شد، با توجه به این که از استادان عالیرتبه و مجتهدان والامقام دعوت می شد، تا به وعظ و خطابه و نگارش مقاله بپردازند، طبعاً گیرایی و استحکام سخن و کلام و قلم آنها، بیش از طلاب جوانی بود که در یک محلّه و از یک مسجد، به وعظ و خطابه می پرداختند.

۲. متأسفانه برادران عزیز و روحانی، که انتظار داشتند مردم و جوانان به سوی آنان بروند (همانند قبل از انقلاب)، چون احساس کردند جوانان نمی آیند، آنها نیز برای برقراری ارتباط دوستانه و صمیمی ضرورتی احساس نکردند. و نیز در ارائه مواعظ و سخنرانی ها، به مطالعه عمیق نپرداختند، تا مراجعان و جوانانی که پای صحبت آنان می نشینند، احساس کنند مطالب نویی می شنوند. در اکثر موارد، مسائل و مطالب تکراری که از رسانه ها شنیده بودند، در مساجد طرح شده، موجب زدگی مردم شده است.

۳. برادران عزیز روحانی، متناسب با پیشرفت و تحول جامعه، متحول نشده اند. و حال آنکه یکی از شرایط واعظ و مبلغ، درک زمانه است. ولی این اتفاق حاصل نشده، و موجب بی اقبالی جوانان به مجالس و محافل گردیده است.

۴. اشتغالات سیاسی، فرهنگی و اداری برخی از روحانیون، و احتمالاً ـ خطاها و اشتباهات آنان، یا حداقل برآورده نساختن خواسته های مردم، به حق یا به ناحق موجب شده که چهره بسیاری از افراد خدوم و با تقوای روحانی، نیز خدشه دار شود، و از اقبال مردم به آنان بکاهد.

در پایان توصیه می کنم مصاحبه استاد شهید مرتضی مطهری را، در خصوص وظایف روحانیت بعد از انقلاب، که قبل از شهادتشان

صورت گرفته است، و کتاب نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر را، بطور دقیق مطالعه بفرمایید.(۱)

یک فرد در خانواده خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟

پرسش

یک فرد در خانواده خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟

پاسخ

هر فرد در خانواده با توجه به جایگاهی که دارد، نقش و مسئولیت مخصوصی که هر کدام با دیگری متفاوت است ; برای مثال مسئولیت پدر و مادر، با مسئولیت فرزندان و جایگاه آنان فرق دارد که در این جا به گوشه ای از آن ها از دیدگاه قرآن اشاره می شود:

الف جایگاه و مسئولیت مشترک پدر و مادر

۱. ایجاد آرامش و امنیّت و حفاظت از انحراف یک دیگر: "اُحِلَ لَکُم لَیلَه الصِّیام الرَّفَث اِلی نِساکُم هُن لِباس لَکُم واَنتُم لِباس لَهُن عَلِم اللّه اَنَّکُم کُنتُم تَختانون اَنفُسَکُم فَتاب عَلَیکُم وعَفا عَنکُم فال ?َن بَشِروهُن وابتَغوا ما کَتَب اللّه لَکُم وکُلوا واشرَبوا حَتّی یَتَبَیَّن لَکُم الخَیطُ الاَبیَض مِن الخَیطِ الاَسوَدِ مِن الفَجرِ ثُم اَتِمّوا الصِّیام اِلَی الَّیل ولا تُبَشِروهُن واَنتُم عَکِفون فِی المَسَجِدِ تِلکَ حُدودُ اللّه فَلا تَقرَبوها کَذَلِکَ یُبَیِّن اللّه ءایَتِه لِلنّاس لَعَلَّهُم یَتَّقون (بقره ۱۸۷) آن ها]=زنان لباس شما هستند و شما]=مردان لباس آن ها هستید." لباس افزون بر جهت امنیتی از سرما و گرما و... عیوب را می پوشاند و زینت محسوب می شود. دو همسر، یک دیگر را از انحرافات حفظ می کنند و عیوب یک دیگر را می پوشانند و وسیله راحتی و آرامش یک دیگرند، و هر یک زینت دیگری محسوب می شود.(تفسیرنمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ص نشر دارالکتب الاسلامیه)

۲. تولید نسل و تربیت فرزندان صالح "نِساؤُکُم حَرث لَکُم فَأتوا حَرثَکُم اَنّی شِئتُم وقَدِّموا لِاَنفُسِکُم واتَّقوا اللّه واعلَموا اَنَّکُم مُلَقوه وبَشِّرِ المُؤمِنین (بقره ۲۲۳)زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند; پس هر زمان

که بخواهید، می توانید با آن ها آمیزش کنید. و]سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته با پرورش فرزندان صالح اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید." در روایتی از پیامبر۹ وارد شده است که فرمود:" وقتی که انسان می میرد، امید او جز از سه چیز قطع می شود: ۱.صدقات جاریه ۲.علمی که از آن سود می برند; ۳. فرزند صالحی که برای او دعا می کند."(همان ج ص ۱۴۱۱۴۲.)

ب مسئولیّت سرپرست خانواده

۱. تربیت صحیح همسر و فرزندان خداوند در سوره فرقان این ویژگی را از صفات مؤمنان راستین بر می شمارد و می فرماید: "والَّذین َیَقولون َرَبَّنا هَب لَنا مِن اَزوَجِنا وذُرّیّتِنا قُرَّه َاَعیُن ٍواجعَلنا لِلمُتَّقین َاِماما;(فرقان ۷۴)آن ها]=مؤمنان راستین کسانی هستند که می گویند: پروردگارا!از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده " بدیهی است که منظور این نیست که فقط در گوشه ای بنشینند و دعا کنند، بلکه دعا، علامت شوق درونی و رمز تلاش و کوشش است (همان ج ۱۵،ص ۱۶۷.)
۲. امر به معروف و نهی از منکر همسر و فرزندان "یَاَیُّهَا الَّذین َءامَنوا قوا اَنفُسَکُم واَهلیکُم نارًا وقودُهَا النّاس ُوالحِجارَه ُعَلَیها مَلغ کَه ٌغِلاظٌ شِدادٌ لا یَعصون َاللّه َما اَمَرَهُم ویَفعَلون َما یُؤمَرون (تحریم ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید!خود و خانواده خویش را از آتش که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است نگاه دارید." هنگام نزول این آیه شخصی از پیامبر۹ پرسید:چگونه خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنم پیامبر۹ فرمود: "آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کن اگر از تو

پذیرفتند، آن ها را از آتش دوزخ حفظ کرده ای و اگر نپذیرفتند، وظیفه خود را انجام داده ای "

ج مسئولیت مادر از جهت مادری و همسری

۱. رازداری "وإِذ اَسَرَّ النَّبی ُّاِلی َبعض ِازوَجِه ِحَدیثًا فَلَمّا نَبَّات بِه ِواَظهَرَه ُاللّه ُعَلیه ِعَرَّف َبعضَه ُواَعرَض َعَن بَعض ٍفَلَمّا نَبَّاها بِه ِقالَت مَن اَنبَاکَ هَذا قال َنَبَّاَنِی َالعَلیم ُالخَبیر ;(تحریم ۳) به خاطر بیاورید هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود." از مجموع آیه به دست می آید که همسر انسان بایستی رازدار اسرار شوهر خود باشد.

۲. رسیدگی به امور خانه مانند نظافت غذا و...: "والوَلِدَت ُیُرضِعن َاَولَدَهُن َّحَولَین ِکامِلَین ;(بقره ۲۳۳) مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند."

د مسئولیت فرزندان ۱. اطاعت از پدر و مادر: در اسلام اطاعت از پدر و مادر لازم شمرده شده است مگر آن که انسان را به گناه و یا به ترک واجب امر کنند، که در این صورت اطاعت آنان لازم بلکه جایز نیست (عنکبوت ۸)

۲. احسان و نیکی به آن ها: "ووصَّینَا الاِنسَن َبِوَلِدَیه ِحُسنًا واِن جَهَداکَ لِتُشرِکَ بی ما لَیس َلَکَ بِه ِعِلم ٌفَلاتُطِعهُما اِلَی َّمَرجِعُکُم فَاُنَبِّئُکُم بِما کُنتُم تَعمَلون (عنکبوت ۸) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند."

۳. تشکر و قدردانی از آن ها: "ووصَّینَا الاِنسَن َبِوَلِدَیه ِحَمَلَته ُ

اُمُّه ُوَهنًا عَلی َوَهن ٍ وفِصَلُه ُفی عامَین ِ اَن ِ اشکَر لی ولِوَلِدَیک اِلَی َّ المَصیر;(لقمان ۱۴)]آری به او توصیه کردم که شکر برای من و برای پدر و مادرت به جا آور."

۴. رفتار شایسته با آنان "وان جَهَداک عَلی َاَن تُشرِک بی ما لَیس َلَک بِه ِ عِلم ٌفَلا تُطِعهُما وصاحِبهُما فِی الدُّنیا مَعروفًا واتَّبع سَبیل َمَن اَناب َاِلَی َّ ثُم َّاِلَی َّ مَرجِعُکم فَاُنَبِّئُکم بِما کُنتُم تَعمَلون (لقمان ۱۵) و با آن ها در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن "

برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟

پرسش

برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟

پاسخ

وظیفه دانشجو در درجه اول خوب درس خواندن است. البته انجام فعالیت های فرهنگی نیز وظیفه بزرگی است؛ ولی نباید درس را به خاطر آنها فدا کرد. بنابراین در حد امکان طریق اعتدال و میانه روی را پیش گیرید.{J

تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟

پرسش

تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟

پاسخ

مهمترین تفاوتی را که می توان میان یک دانشجو با یک طلبه برشمرد, تفاوت در نوع مسئولیت و وظیفه هر کدام می باشد که خود برخواسته از هویت صنفی و شغلی است . به عبارت دیگر در جایگاه و نقشی که هر کدام از ان ها در جامعه دارند وظایف و کارکردها و اهدافی مورد انتظار می باشد که هر کدام برای تحقق آن پرورش یافته اند. مثلا" مهمترین مسئولیت یک طلبه تلاش و کوشش در جهت فراگیری احکام و معارف اسلامی برای تبلیغ و عرضه آنها به جامعه و تحقق عملی آنها در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی می باشد و مسئولیت یک دانشجو خوب درس خواندن و کسب تخصص در رشته تحصیلی خود برای پیشرفت و توسعه کشور است . ضمن این که هر دو گروه باید با یکدیگر تعامل داشته و علاوه برخودسازی دست در دست یکدیگر برای اعتلای فرهنگی و علمی و استقلال و سربلندی جامعه کوشا باشند.

اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید.

پرسش

اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید.

پاسخ

یـک بسـیجی نمونه به نظر مـا دارای صـفات و ویژگی هـایی است که او را از سایرین ممتاز می سازد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

اول، نقش الگویی: یک بسیجی نمونه یعنی یک الگوی اخلاقی و رفتاری، یک انسان ارزشی، یک مسلمان و مؤمن واقعی. در جامعه اسـلامی کنونی ایران که اکثریت افراد آن را جوانان تشـکیل می دهند، بسیجی ها می توانند الگوی مناسبی برای ایمان، اخلاـق و رفتـار سایرین، خصوصا جوانان باشـند. مردم نیز به آنها به دیـده یک انسان خود ساخته نظر می کننـد کاری که یک بسـیجی انجام می دهد به هر کیفیت که باشد به پای اسـلام و نظام اسـلامی نوشته می شود و مردم به هیچ وجه از یک بسیجی توقع رفتار یا گفتار نامناسب را ندارند.

بسـیجی یعنی یـک انسـان موفق، کسـی که هم در تحصـیل علم و شـناخت زمین و زمـان موفق می باشـد و هم اهـل آسـمان و معنویت است و در تحصـیل ایمـان و اخلاـق موفق می باشـد. بسـیجی از این منظر یعنی ارزش های نهادینه شـده در یک انسان والا.

دوم. عشق و اطاعت از رهبری: یکی از ویژگی های یک بسـیجی نمونه عشق او نسـبت به رهبر و مقتـدای خویش است. بسـیج مدرسه عشق است و بسیجی یعنی عاشق؛ یعنی مطیع رهبر یعنی یک مخلص، یک مرد خدا. بسیجی ولایت فقیه را می شناسد و به آن اعتقـاد دارد و تنهـا فقیه عـادل را شایسـته رهبری امت و حکومت بر جامعه اسـلامی می دانـد. بسـیجی اطاعت از رهبر را واجب می شمارد،

نیرویی است که به اشاره رهبر حرکت می کند و بازوی توانمند رهبری در حفظ نظام اسلامی است.

۳. روحیه ایثار و فداکاری: بسیجی یعنی یک انسان هدفدار. هدفی که فراتر از اهداف مادی و زمین است. هدف بسیجی اعتلای کلمه الله در زمین است و در مسیر تحقق این مقصد، از هیچ فداکاری دریغ نمی کند. بسیجی یعنی یک فدایی راه خدا و یک قربانی راه ایمان. کسی که از خودش گذشته، برای خودش هیچ نمی خواهد و منیت و خودخواهی خویش را فدای خواست و رضایت خداوند ساخته است.

بسیجی یعنی یک انسان آماده شهادت، کسی که حاضر است برای رسیدن به آرمان الهی خویش جانش را نثار کند. این حالت اصلی ترین مشخصه یک بسیجی نمونه و واقعی است. هنگامی که آدمی که احساس می کند در هر لحظه حاضر است از مال و جان خویش در راه رضایت خداوند بگذرد یک بسیجی واقعی است.

۴. حضور در صحنه: یکی ازخصوصیات بسیجی نمونه حضور در صحنه است بسیجی در هر شرایطی که احساس کند آرمانش و موجودیت ارزش ها و اهداف انقلاب اش در خطر است، در صحنه حضور مؤثر دارد. بسیجی هم در صحنه های دفاع حضور دارد و هم در صحنه های سازندگی کشور هم در عرصه های دفاع و سازندگی فرهنگی حاضر می شود و هم در میدان های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.

بسیجی یعنی یک نیروی آماده است، یک امداد الهی، کسی که در هر لحظه آماده دفاع و تأمین منافع اسلام و انقلاب است و در هر کجا که کشور به او نیاز دارد، حضور دارد. یک نیروی منتظر. یک منتظر واقعی

امام زمان(عج) و کسی که معتقد است، تنها با جهاد و اجتهاد زمینه ظهور حضرت(ع) فراهم می شود.

۵. روحیه عدالت خواهی و ستم ستیزی: یکی از ابعاد مهم کار بسیجی، عدالت خواهی و ستم ستیزی در سطح جامعه است. بسیجی یعنی کسی که تحمل ستم را ندارد و برای اجرای عدالت واقعی تلاش می کند. اساسی ترین اصل در سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی، تأمین و گسترش عدالت در سطح جامعه بشری است آرمانی که تمامی انبیاء و اولیاء الهی برای تحقق آن کوشیده اند و عدالت، یعنی (اعطاء کل ذی حق حقه) هر کس به حق و حقوق خویش برسد، هر کس در جای خویش بنشیند و هر کاری به موقع انجام شود. یکی از آرمان های بزرگ یک بسیجی نمونه احقاق حقوق و توزیع عادلانه ثروت و قدرت در سطح جامعه است و برای این منظور تلاش می کند.

و بالاخره بسیجی نمونه ، یعنی یک شیعه واقعی، کسی که در اخلاق و عمل به مولا و امیر مؤمنان علی و اولاد طاهرینش(ع) اقتدا می کند و پیرو آنها است.

کسی که دوستدار ولی فقیه است , چه وظیفه ای دارد؟

پرسش

کسی که دوستدار ولی فقیه است , چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ

انجام وظایف و تلاش و جدیت برای تحصیل و پیشرفت علمی، غافل نبودن از شرایط زمان و داشتن بینش سیاسی والزام به احکام دین مهمترین پایه هایی است که رضایت خدا و رضایت امام زمان و نایب ایشان را در پی دارد.

چرا سخنرانان فقط در یک زمینه – مثلا اخلاقی – سخنرانی می کنند* آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟

پرسش

چرا سخنرانان فقط در یک زمینه – مثلا اخلاقی – سخنرانی می کنند* آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟

پاسخ

وظیفه سخنران مذهبی و کسانی که مسوئولیت خطیر تبلیغ را بر عهده دارند این است که همه مسائل اسلامی اعم از اخلاقی و اعتقادی , احکام و سیاسی را بیان کنند و مردم را به شناخت دشمنان و وظایف آنها در قبال فرد وجامعه متوجه سازند و مطابق شائن مخاطبین سخن بگویند و در صورتی که سخنرانی افراط در یک جهت دارد می توانید با او با آرامی سخن بگوییم و با مطرح کردن نیاز مخاطبان سعی کنید مجلس پربارتر و مفیدتر گردد.

وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟

پرسش

وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟

پاسخ

هر انسان متعهد و مسؤول دارای دو وظیفه است: یک وظیفه فردی و یک وظیفه اجتماعی:

وظیفه فردی نسبت به شخص خود، آن است که با اراده ای قوی و عزمی راسخ و ایمانی راستین، خویشتن را از عوامل گناه و فساد بر کنار دارد و دامن خویش را از ناپاکی ها و آلودگی ها پاکیزه نگه دارد و این مطلب، نیاز شدیدی به خودسازی و تقویّت روح و اراده و ایمان دارد. کسی که اراده وی در مسیر خواسته های عادّی و معمولی در جریان است و در کارهای زندگی هم رنگ جماعت است و آزادی و استقلال اراده ندارد، نمی تواند خویشتن را از انحراف نجات دهد. و امّا وظیفه اجتماعی، آن است که تا می تواند با راهنمایی و دلسوزی و امر به معروف، دیگران را به فضیلت و پاکی رهنمون گردد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

عدالت اجتماعی

تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟

پرسش

تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟

پاسخ

تساوی منفی، یعنی به حساب نیاوردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری؛ تساوی مثبت، یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلّق مکتسبات هر فرد به خویش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه.

تساوی منفی از قبیل تساوی ای است که در داستانها آورده اند که جبّاری در کوهستانی زندگی می کرد و از عابرانی که از آنجا می گذشتند به عنوان مهمان پذیرایی می نمود. هنگام خواب، مهمان باید روی تختخواب معیّنی بخوابد. غلامان میزبان، مهمان را روی تختخواب می خوابانیدند. اگر اتفاقاً اندام مهمان از تخت نه کوتاه تر بود و نه بلندتر، اجازه داده می شد که بخوابد، اما وای به حال مهمان نگونبخت اگر اندامش با تخت مساوی نبود. اگر اندامش بلندتر بود، از طرف پا یا سر با ارّه

مساوی می کردند و اگر کوتاهتر بود، آنقدر از دو طرف می کشیدند تا برابر شود و به هر حال پایان کارش معلوم بود.

امـا تسـاوی مثبت از نوع بی نظری یـک معلّم مهربـان دلسوز است که به همه شاگردان با یک چشم نگاه می کنـد؛ در صورت تساوی جوابها نمره مساوی می دهد و در صورت اختلاف در جوابها به هر کس همان نمره را می دهد که استحقاق دارد.

قرآن چه اصلی را به عنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته است؟ ۱ قرآن اصل «عدالت» را بعنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته و می گوید حکومت و قضاوت حتماً باید بر پایه عدالت باشد «وَاِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النّاسِ اَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدلِ»

پرسش

قرآن چه اصـلی را به عنوان زیربنـای همه قوانین اجتماعی پـذیرفته است؟ ۱ قرآن اصـل «عـدالت» را بعنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پـذیرفته و می گویـد حکومت و قضاوت حتماً بایـد بر پایه عـدالت باشـد «وَاِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النّاسِ اَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدلِ» نساء/ ۵۸ [هنگـامی که میـان مردم قضـاوت و حکـومت میکنیـد به عـدالت حکم کنیـد.] سـخن حـتی در غیر دایره دادرسـی و حکومت باید از روی عدالت باشد،

و حب و بغضهای ناشی از دوستی و خویشاوندی، یا بیگانگی و عداوت، نباید مانع از این امر باشد «وَاِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ کانَ ذَاقُرْبی» انعام/۱۵۲ [هنگامیکه سخن می گوئید عدالت را رعایت کنید اگرچه در مورد خویشاوندان باشد.] سرچشمه ظلم و بیدادگری هوا پرستی است، و ظلم باید همچون هواپرستی محکوم گردد «فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی اَنْ تَعْدِلوُا» نساء/۱۳۵ [پیروی از هوی شما را از عدالت باز ندارد.] مبادلات اقتصادی همه باید روی «عدل و داد» صورت گیرد «اُوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمیزانَ بِالْقِسْطِ» انعام/۱۵۲ [پیمانه و وزن را با عدالت وفا کنید.] سرپرستی یتیمان باید از روی عدالت باشد «وَاَنْ تَقوُموُا لِلْیَتامی بِالْقِسْطِ» نساء/۱۲۷ [درباره یتیمان قیام به عدالت کنید.] خلاصه همه چیز باید بر پایه عدالت، و از آن بالاتر نیکوکاری و گذشت باشد «اِنَّ اللَه یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسانِ وَایتاءِ ذِی الْقُربی وَیُنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْکَرِ وَالْبَغْیِ» نحل/۹۰ [خداوند به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان میدهد، و از اعمال زشت و ناپسند، و ستم، نهی می کند.] همانطور که هواپرستی بطور مطلق و علاقه بی حساب به بستگان و نزدیکان از اجرای عدل بازمی دارد، دشمنی و خصومت با افراد نیز ممکن است مانع از این کار گردد «وَ لا یَجْرِ مَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی اَلّا تَعْدِلوُا اِعدِلوُا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقوی» مائده/۸ بنابراین باید به شدت از این خطراتی که اصل عدالت را تهدید میکند برحذر بود، همچنین از اینکه علاقه بخود یا پدر و مادر و سایر نزدیکان و یا ملاحظه ترحم و عواطف کاذب، مانع از اجرای عدالت گردد باید برحذر بود «یا اَیُّهَا الَذینَ آمَنُوا کوُنوُا قَوّامینَ بِالْقِسْطِ

شُهَداءَ لِلّهِ وَلَوْ عَلی اَنْفُسِکُمْ اَوِالْوالِدَیْنِ وَالْاَقْرَبینَ اِنْ یَکُنْ غَنیاً اَوْ فَقیر اَفَاَللّهُ اَوْلی بِهِما» نساء/۱۳۴ [ای کسانی که ایمان آورده اید همواره بعدل و داد قیام کنید و برای خدا شهادت به حق دهید، گرچه به زیان شما یا پدران و مادران و بستگانتان باشد، اگر آنها غنی یا فقیر باشند خداوند نسبت به آنها (و کمک به ایشان) شایسته تر است.] با توجه به کلمه «قوّامین» روشن می شود که قرآن تنها قیام به عدالت را کافی نمی داند، بلکه روی کلمه «قوّام» که صیغه مبالغه است و دلالت بر تأکید و شدت و تکرار و ادامه دارد، تکیه نموده است. ۲ قرآن اصل عدالت را به عنوان «هدف نهائی بعثت پیامبران» پذیرفته و می گوید «لَقَدْ اَرْسَلْنا بِالْبَیِّناتِ وَاَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَالْمیزانَ لِیَقوُمَ النّاسُ بِالْقِسْطِ» حدید / ۲۵ [پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و بهمراه آنها کتاب آسمانی و قانون نازل گردانیدیم تا مردم (جهان) عدالت را برپا دارند] و به این ترتیب نقش اساسی پیامبران از نظر اجتماعی، همان اقامه اصول عدل و داد می باشد. ۳ قرآن «قتل آمران به عدل و داد» را در ردیف کفر نسبت به خدا و قتل پیامبران دانسته و می گوید «اِنَّ الَّذینَ یَکْفُروُنَ بِآیاتِ اللهِ وَیَقْتُلوُنَ النَّبیینَ بِغَیْرِ حَقٍ وَیُقْتُلُونَ الَّذینَ یَأْمُروُنَ بِالْقِسْطِ مِنَ النّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ اَلیم» آل عمران/۲۱ [کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بدون دلیل بقتل میرسانند و آمران بعدل و داد را، می کشند، به آنها بشارت ده که عذاب دردناکی در انتظارشان است.] ۴ در آیات متعددی از قرآن به این مطلب تصریح شده که اجرا

کننـدگان اصول عدالت محبوب پروردگار عالمند «اِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِـطینُ» مائده/۴۲ حجرات/۹ ممتحنه/۸ [خداوند عادلان را دوست می دارد.] لذا این اصل بعنوان «روح» در بزرگترین و کوچکترین مقررات اجتماعی اسلامی حلول کرده، تا آنجا که به دادرسان دستور داده شده که نه تنها در اجرای حکم میان دادخواهان کمترین انحرافی از اصل عدالت پیدا نکنند، بلکه در تشریفات جلسات دادرسی، و حتی در سلام و تعارف، نشستن و ایستادن و سخن گفتن عادی و معمولی در میان طرفین دعوا، رعایت عدالت و مساوات و برابری را فراموش ننمایند.

پاسخ

مساوات در اسلام چگونه است؟

پرسش

مساوات در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام، ارزش های موهومی که معیّار برای فضیلت و برتری انسانها شمرده شده، نفی شده است و تنها ارزش بر مبنای تقوی و علم و مجاهد است. بنابراین ملیّت و رنگ و نژاد و ثروت و امثال اینها، معیار فضیلت نیست و هیچ ملّتی از این جهات بر ملّت دیگر فضیلت و برتری ندارد و بنابر فرمایش حضرت رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) «لافضل لعربی علی عجمی و لعجمی علی عربی و لا لابیض علی اسود و لا لاسود علی ابیض الاّ بالتقوی; هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب و هیچ سفیدی بر سیاه و هیچ سیاهی بر سفید برتری ندارد جز به تقوی»(۱).

از نظر حقوق نیز افراد از حقوق مساوی برخوردار هستند و قوانین اسلامی براساس قسط و عدل استوار شده است، یادآوری یک نکته لازم است و آن اینکه تساوی به گونه ای که برخی از گروه ها تحت عنوان جامعه ای طبقه مطرح می کنند و می گویند باید تساوی مطلق و از تمام جهات در جامعه حکومت کند، صحیح نیست. زیرا تساوی به این معنی، موجب ظلم بر بسیاری از افراد می شود. برخی افراد هستند که تلاش و کار بیشتری انجام می دهند; اگر حقوق اینان به اندازه افرادی باشد که کار کمتر انجام می دهند، این ظلم است.

بنابراین وقتی گفته می شود انسان ها از حقوق مساوی برخوردار هستند، اندازه استحقاقها و کارها نیز ملحوظ است و در این گونه موارد تعبیر صحیح تر این است که به جای «تساوی» از «قسط» و «عدل» استفاده شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟

پرسش

چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟

پاسخ

اگر رفتار مسئولین در یک جامعه براساس عدالت باشد و متمکنین نیز حقوق مالی خویش را بپردازند نه بر فقرا ظلم می شود و نه عده ای رشد مادی غیرمعقول خواهند داشت لذا در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی آنگونه که در روایات آمده است فقیر پیدا نخواهد شد به گونه ای که زکات را از شهری به شهر دیگر می برند تا فقیری پیدا کنند. اما حکومت اسلامی ما گرچه در راستای تحقق برنامه های اسلام است لکن تا رسیدن به این آرمان فاصله زیادی دارد.

خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد "فقر" چه میفرماید و در این باره چه وظیفهای را برعهده مسئولان نهاده است؟

پرسش

خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد "فقر" چه میفرماید و در این باره چه وظیفهای را برعهده مسئولان نهاده است؟

پاسخ

در قرآن کریم، فقر به طور کلی به دو معنا آمده است:

الف فقر ذاتی; که این نوع فقر برای همه موجودات عالم است. که همان احتیاج و نیاز همه موجودات است به خداوند متعال در اصل وجودشان، میفرماید: "یَٰٓأَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِید ;(فاطر،۱۵) ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید، تنها خداوند است که بینیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است."

که این آیه در واقع "برهان فقر و غنی" است که یکی از دلائل توحید خداوند به شمار میآید.(رجوع کنید به: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۸، ص ۲۲۰; ج ۲۲ ص ۵۲۵، دارالکتب الاسلامیه.)

ب فقر نسبی; که همان فقر مادی است که بعضی از افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر دارند، که از این نوع فقر میتوان به "فقر عارضی" تعبیر کرد. این نوع فقر در قرآن به چند شکل مطرح شده: ۱. قرآن کریم از این نوع فقر گاهی به عنوان نقمت و عذاب الهی یاد کرده و میفرماید: "خداوند (برای آنان که کفران نعمت میکنند،) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و

آرام و مطمئن بود و همواده روزیش از هر جا میرسید، امّا به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام میدادند، لباس گرسنگی و ترس را براندامشان پوشانید."(نحل، ۱۱۲)(رجوع کنید به: آل عمران، ۱۱۲; ابراهیم، ۲۸.)

۲. و گاهی فقر مادی افراد به سبب آزمایش الهی

است که در واقع سنت خداوند میباشد که در این مورد میفرماید: "وَلَنَبْلُوَنَّکم بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الاْ ئَمْوَ لِ وَ الاْ ئَنفُسِ وَ الثَّمَرَ تِ وَبَشِّرِ الصَّبِرِینَ ;(بقره،۱۵۵) قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش میکنیم; و بشارت ده به استقامت کنندگان."

که در واقع این نوع فقر هم آزمایشی است از برای فقرأ و هم امتحان و آزمونی است برای ثروتمندان جامعه.

۳. نوع دیگر فقر مادی که قرآن کریم از آن یاد میکند; فقری است که جهادگران در راه خدا دچار آن گشتهاند، کسانی که جهادشان به آنان اجازه تجارت و کسب را برای تأمین هزینه زندگیشان نمیدهد; میفرماید: "(انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفتهاند; (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته، و شرکت در میدان جهاد به آنها اجازه نمیدهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتی بزنند;) نمیتوانند مسافرتی کنند (و سرمایهای به دست آورند;) و از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بینیاز میپندارند; امّا آنها را از چهرههایشان میشناسی، و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمیخواهند."(بقره، ۲۷۳)

امّا وظیفه مسئولان در قبال فقر: بیگمان فقر، بیش از آنکه یک مشکل فردی باشد معضل اجتماعی محسوب شده و همه افراد جامعه در قبال آن مسئولند، به همین جهت خداوند متعال در آیات فراوانی از قرآن کریم، همه مؤمنان را تشویق به "صدقه" میکند و حتی به انفاق مال در راه خداوند، از برای فقرأ و

مساکین، امر میفرماید.(رجوع کنید به: بقره، ۲۶۱ ۲۷۴.)

و در این میان وظیفه مضاعفی را بر دوش مسئولان نهاده و در تقسیم "زکات" و "خمس" که در واقع یک نوع مالیات اسلامی است، از فقرأ و مساکین، به عنوان اولین گروهی که باید مورد حمایت مالی دولت اسلامی از این بودجه قرار گیرند یاد کرده و میفرماید: "زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت میکشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام میشود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه، این یک فریضه (مهمّ) الهی است."(توبه، ۶۰)(رجوع کنید به: انفال، ۴۱; حشر، ۷; ذاریات، ۱۹; معارج، ۲۵.)

البته پرداختن بخشی از زکات و خمس و فیء، تنها عمل به حداقل وظیفه درا ین مورد است و اِلّا وظایف دیگری نیز مسئولین در این زمینه برعهده دارند که به اختصار عبارتند از: اجرای عدالت اقتصادی، مراقبت از بازار، تأمین مایحتاج اساسی عامه مردم، جلوگیری از ریخت و پاش در اموال عمومی و... که در این مورد روایات فراوانی داریم.

خلاصه وظیفه مهم دولت مردان در ریشه کنی فقر از نظر قرآن کریم، این است که چارهای اندیشه کنند تا ثروت فقط در دست اغنیأ و ثروتمندان و ثروت اندوزان گردش نکند; میفرماید: "آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است; "کَیْ لاَ یَکُونَ دُولَهَ بَیْنَ الاْ ئَغْنِیَآءِ مِنکُم; (حشر، ۷) تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما

دست به دست نگردد."(برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: التنمنیه الأقتصادیه فی الکتاب و السنه، محمد ری شهری، ص ۲۵۷، دارالحدیث / الأخلاق، آیت اللّه سید عبداللّه شبّر، ص ۱۸۸، منشورات مکتبه بصیرتی.)

چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟

پرسش

چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟

پاسخ

آنچه در جامعه وجود دارد سطوح مختلف طبقاتی است نه تضاد طبقاتی و علت وجود آن هم یکی دو تا نیست. بهعلاوه جود طبقات در تمام جوامع بشری هست وحتی در نظام های مارکسیستی نیز نتوانسته اند آن را ریشه کن سازند.بلکه چنین چیزی شدنی نیست. آنچه می توان و باید در پی آن بود ایجاد عدالت و مناسبات صحیح انسانی و تبعیضزدایی در میان طبقات مختلف اجتماعی است.{J

در فقر و بدبختی و گرسنگی و برهنگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید چنین باشد

پرسش

در فقر و بدبختی و گرسنگی و برهنگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید چنین باشد

پاسخ

با تشکر از اینکه مسائل خود را با ما درمیان گذاشته اید و ضمن تبریك به شما بدان جهت که توانسته اید در شرایطیدشوار و طاقت فرسا به تحصیلات عالیه، در رشته ای ممتاز بپردازید. مناسب دیدیم، که با شما صحبت بیشتری داشتهباشیم. شما و خانواده اتان، در شرایطی دشوار بوده وهستید، لیکن همواره می دانیم که بسیاری از مردان بزرگ تاریخ،در زمینه های مختلف، علمی، هنری و... در شرایط دشوار و سخت قرار داشته اند. درست است که شما رنج می برید وملالت می کشید، ولی همین سختی هاست که شخصیت آدمی را پرورش و همت های بلند را شکل می دهد. شرایطیکه شما در آن قرار گرفته اید، بهترین انگیزه برای تلاش بیشتر و کوشش جدی تر شماست. بحمدالله مسیر شما مشخصاست. بسیاری از افراد با داشتن بهترین امکانات، از موقعیت فردی چون شما برخوردار نیستند و چه بسا آرزو می کنندهیچ نداشتند ولی دانشجوی رشته پزشکی و دارای استعدادی مثل شما بودند. این شرایط می تواند احساسات انسانیو روحی رأفت و رحمت نسبت به بینوایان و بیچارگان را در شما پرورش دهد، تا انشاءالله در آینده بتوانید از آناندستگیری کنید و درد آنها را حس نمایید. افزون بر این

در این جا نکته دیگری نیز مطرح است و آن این که ارزش آدمیبه چیست؟ آیا کسی که مال و منال و وضعیت بهتری دارد، از ارزش بیشتری نیز برخوردار است؟ در دید اهل دنیا چنیناست، ولی نزد خدا ارزش به چیست؟ آیا نزد خدا که

حق و حقیقت جهـان است، سـرمایه داران بزرگ دنیا بیشتر ارزشدارنـد یا همان پـدر ومادر شـما که با وجودبیماری و کهولت سن، با فـداکاری سـعی در آن دارد که فرزندشان را به جاییبرساند؟ و با وجود احتیاج از لقمه نان خویش می گذرد تا گرسـنه ای را سـیر نمایـد. پیـامبر خـدا(ص) فرمود: «الفقرفخری». «بی چیزی افتخار من است». بایـد روی ارزش های حقیقی بیشتر تکیه کرد و حقایق را از اعتبارات عرفی جدانمود. آری روی پای خود بایستید و به فقر خود افتخار کنید. چرا که شـما با چنین زمینه هایی به این جا رسـیده ایـد. البتهنه آن که اظهار فقر کنیـد بلکه عزت خود را حفظ کنید. واز تنگدستی خود احساس کمبود و کوچکی نکنید. شـما ارزشدارید یا آن کس که با وجود شـرایط نسـبتا خوب و آماده برای تحصیل، همیشه بهانه می گیرد و به جای استفاده از شرایطدر مقابل خدا وخلق خدا ناسپاس است؟ شما وقتی لیوانی آب سرد می نوشید وبه فکر خانواده اشک می ریزید،بهترین صـفات انسانی در شـما تجلی یافته است و امید آن می رود که این احساس تبدیل به درکی عمیق از مشکلاتهمه محرومان و مستضـعفان گردد و در آینـده ای نه چندان دور، با پیمودن مدارج عالیه تحصـیلی، خدمتگزاری صادق ولایق برای جـامعه و خواهران و برادران ایمـانی خود باشـید. مشـکلات با توکل به خـدا و عنایات الهی قابل حل است و باقـدری پایـداری بیشتر رفع خواهد شد. تردیدی نیست که شـما مشـکلات و سـختی های فراوانی را تحمل کرده و با آندست به گریبان بوده اید ومشکلات زیاد فشار روانی مضاعفی را بر شما وارد کرده است.. ولی در عین حال وضعیتشما در مقایسه با افراد بسیاری

نسبتا روشن تر و بهتر است. نمونه های فراوانی وجود دارد (انبوه نامه های ما شاهد آناست) که برخی در وضعیتی صدها بار اسفبارتر و دردناک تر زندگی می کنند. نمونه های رنج و سختی فراوان است کهسخن گفتن از آن عمر نوح می خواهد و هفتاد هزار تن کاغذ نه مثنوی هفتاد من. برادر من. از اینها که بگذریم، درستاست که سختی های شما جانکاه و کمرشکن بوده و هست، ولی می دانید که سختی ها خود سکوی ترقی و رشد وکمال انسانی است؛ مگر نه این است که اکثریت قریب به اتفاق شخصیت های بزرگ علمی، هنری، اجتماعی، سیاسیو ... از کوره سختی ها بیرون آمده اند. کسانی که با سختی ها دست و پنجه نرم نکرده و هیچ گاه طعم نداری و محرومیترا نچشیده اند، احساسات متعالی را نیز کمتر در وجود خود می یابند، گرچه الان از ما و شما بهتران در ناز و نعمتند ولیآنها کجا می توانند احساس شما و امثال شما را در مورد محرومیت، جهل و ... داشته باشند. می دانید که مرتاضان، چهرنج ها بر خود هموار می کنند تا بتوانند به قدرت روح دسترسی پیدا کنند. شما سختی ها را پشت سرگذاشته اید، از آننیرو بگیرید نه اینکه آنها را در راه تخریب شخصیت خود به کار گیرید. آیا شما که این همه بار گران غم و اندوه را پشتسر گذاشته اید، باید از خود بی زار و متنفر باشید یا آنانی که اگر کمترین دشواری ببینند فریادشان به آسمان بلندمی شود. قدر خود را بدان، که کوهی از صبر، استقامت و احساس های متعالی هستی و این ویژگی ها آسان و ارزان به دست نیامده است. آینده ای را برای خود ترسیم کن که با موقعیت شغلی بتوانی دست افتادگان را

بگیری و بهخانواده خود رسیدگی کنی و مرهمی بر زخم ها و دردهای آنان باشی.

<Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD> دنیـا و هر چـه در اوسـت هیـچ اسـت و تـو همـه </E <TD> <TD>چیز تـا چنـد ای همـه چیز غـم بهر هیـچ خـوری </<TR><TD></Table>> اهـدافی بلنـد، زندگانی آبرومند، شخصـیتی ممتاز و به تمام معنا انسان و دلسوز، و همسـری مناسب مهربان و ... اینهـارا در نظر بگیر و بـا توکـل بر خداونـد عزم خـود را برای رسـیدن به آن جزم کن، بـدون کمـترین تردیـد به آنهـا خـواهی رسـید.واقعیت خود را بشـناس و به آن ایمـان داشـته بـاش و خود را دست کم نگیر. تو همـان هستی که کوه رنـج و سـختی را بردوش داشـته ای و بـه ایـن جـا رسـیده ای اسـتقامت کـن.. نیرویـت را بـه جـای تلـف کردن برای گذشـته در اهـداف آتیه خویشـمتمرکز کن. از گذشـته فقـط درس های آن را به یاد داشته باش. برخیز، بکوش، دگرگون شو، دگرگون کن، بشـتاب، همتکن، و شـکر خداونـد مهربـان بگـذار که ترا از گردنه هـای بلنـد حوادث، سـالم عبورداد وهم از او مـدد بجوی که همواره یاورو پشتیبانت خواهد بود.. و بالاخره بگذار که بازبان حافظ شیرازی حرف را به آخر برسانیم.

<Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD> یوسف گم گشته باز آیـد بـه کنعـان غـم مخـور </E <TD> <TD>کلبـه احزان شـود روزی گلسـتان غـم مخـور </TR> <TR></TD><TD>align=Center><TD> ای دل غمدیـده حـالت به شـود دل بـد مکن </E <TD> <TD>وین سر شوریده بازآید به سامـان غم مخـور </TD><TR align=Center> <TR></TD> دور گردون گر دو روزی بر مراد مـــــا نرفت </E <TD> <TD>دائمـا یکسـان نباشـد حـال دوران غم مخور </TD><TR align=Center> <TR></TD>

هان مشو

نومید چون واقف نیی از سر غیب </E <TD> <TD>باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور </></TR><TD </Table>> ضمنا درموقع اندوه این ذکر راتکرار کن. لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین در کتاب «تهذیب» (ج ۶ ، ص ۱۷۰) از امام صادق(ع) روایت شده است که ذکر فوق برای رفع اندوه است و چون بنده آن را بگوید خداوندمی فرماید: فاستجبناله ونجیناه من الغم و کذالك ننج المومنین .

ضمنا نامه شما را بدون نام و آدرس به مسؤولین منعکس خواهیم کرد.

بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می کنید؟

پرسش

بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ

در اینکه مقید به عبادت و سایر جهات شرعی هستید، جای بسی خوشوقتی است. امید است این راه را، همیشه وتوأم با معرفت و معنویت ادامه دهید و به درجات و مراحل کمال دست یابید.

در جواب این سؤال که در جامعه چه می گذرد و چرا برخی باید ماشین چهل میلیونی سوار شوند و برخی درمشکلات اوّلیه زندگی گرفتار باشند؟ می گوییم: درست است که جامعه ما نباید چنین باشد ولی این دلیل نمی شود کهشما خود را نگران ساخته و نسبت به آینده خویش بدبین باشید. چون نفس این افکار و تخیلات، منجر به تضعیف وعقب ماندگی شما خواهد شد. البته همگی باید در مورد بی عدالتی، حساس باشیم؛ چرا که عدالت از ارزشمندترینآرمان های انسانی است، ولی در نحوه برخورد با این مسأله، باید دقیق بود و به دور از شتابزدگی عمل نمود؛ زیرابرخوردهای احساسی و شتابزده با این موضوع، عوارض نامطلوبی از خود به جا خواهد گذاشت.

پس درس را با جدیت بخوانید، چون در سایه علم و کسب دانش است که انسان به مدارج عالی کمال نائل می شود.علاوه بر اینکه همین تحصیلات، مایه اشتغال بهتر و حل مشکلات مادی نیز خواهد شد.

اگر افراد درست درس بخوانند و از منفی گرایی برحذر باشند و با شادی و جدّیت وظایف دانشجویی خویش راانجام دهند، مطمئن باشید آینده خوش و سرنوشت درخشانی خواهند داشت. کسی باید از آینده خویش نگران باشدکه دچار سستی، کسالت، منفی گرایی و به بیراهه رفتن است. بلی افراد تنبل، لاابالی و هوسران باید

از آینده خویشنگران باشند، ولی افراد جدی، پرکار، صالح و پرهیزگار، نباید نگران بیکاری آینده باشند. آن همه دانشجو پس ازفراغت از تحصیل، به هر حال جذب بازار کار می شوند. به شما توصیه می کنیم که کتاب هایی را که تحت عناوین رازموفقیت و... نوشته شده مطالعه کنید که حتما در روحیه شما مؤثرخواهد بود. شگفتا که شما نگران این هستید که آیا درآینده کاری پیدا می کنید یا با مشکل بیکاری روبه رو خواهید شد، در حالی که باید در فکر ابتکار، خلاقیت و طرحنوینی در سطح کشور بلکه در سطح جهان باشید، «فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم». ما به شما اطمینانخاطر می دهیم که اگر:

الف) به درستی و با جدیت درس بخوانید،

ب) تقوا و تعهد الهی را شعار و پیشه خود گردانید،

ج) از منفی گرایی بر حذر باشید، آینده درخشانی را در پیش روی خواهید داشت.

بنابر این بدبینی نسبت به آینده را کنار بگذارید، البته منظور از این حرف، داشتن یک خوش بینی کاذب نیست، بلکهمقصود این است که اوّلاً بدانید بدبینی، موجب دلسردی، یأس و همان ناراحتی هایی می شود که از آن رنج می برید.دوم اینکه انسان هدف دار و آرمان خواه، باید از هیچ مشکلی باک نداشته باشد و از مشکلات و سختی ها به گرمیاستقبال کند و با دست و پنجه نرم کردن با ناملایمات، راه را به سوی هدف هموار نماید. تاریخ بشریت نشان می دهدکه انسان های مرفه و کام جو، در هیچ زمینه ای برجستگی و فرزانگی نیافته اند و بنیانگذاران کاخ رفیع رشد و تکاملبشری در همه امور، انسان هایی بوده اند که از کوره راه و تنگناهای سخت و طاقت فرسای زندگی، عبور کرده و درراستای اهداف بلند خویش

اندکی از پای ننشسته اند. دیگر آنکه مطمئن باشید اگر شما در درس های خود، فردی کوشاو موفق باشید و برای آینده کشور از نظر علمی، فردی توانا و برازنده باشید، لازم نیست دنبال کار بروید؛ بلکه کار بهدنبال شما خواهد آمد و از هر سو دیگران در جست وجوی شما خواهند بود. بنابر این کوشش خود را با عشق وعلاقه مندی و با صلابت و استواری، هم چنین با اخلاص و با اتکا به خداوند متعال صد چندان کنید. بدون شکعنایات ربانی یار و مددکار شما خواهد بود.{J

چرا در جامعه ما, ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟

پرسش

چرا در جامعه ما, ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟

پاسخ

اقتصاد سالم به این معنا نیست که افراد جامعه به هیچ وجه از نظر مالی با هم تفاوت نداشته باشند و همه با هممساوی باشند، بلکه اقتصاد سالم اقتصادی است که هر کس به ازای زحمت و فعالیت اقتصادی خویش به نتیجه برسدو این طور نباشد که بعضی با زحمات طاقت فرسا مستضعف باشند و در مقابل گروهی از ثروت های بادآورده، بهره مندگردند، اما در این که جامعه فعلی ما دارای نواقص و مشکلاتی است، شکی نیست و این نواقص علّت های مختلفیمی تواند داشته باشد، از قبیل: بیماری نظام اقتصادی کشور، عدم تقیّد گروهی از مردم و مسؤولان به احکام و موازینشرع که منجر به رعایت ننمودن حقوق دیگران می شود و عدم عزم همگانی برای رفع این مشکل. امید است با عملبه دستورهای علمی و عملی اسلام و پیروی از نصایح دلسوزان انقلاب، جامعه به جایگاه مطلوب برسد.

در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقا مردم از نظر مادی به دو گروه تقسیم شده اند چه کسی پاسخگوی وضعیت بوجود آمده است؟

پرسش

در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقا مردم از نظر مادی به دو گروه تقسیم شده اند چه کسی پاسخگوی وضعیت بوجود آمده است؟

پاسخ

سؤال دامنه وسیع و گسترده ای دارد، ولی ما تلاش می کنیم که با رعایت اختصار چند نکته را بررسی نماییم:

الف) در این که هم اکنون در جامعه اسلامی ما فاصله طبقاتی رنج آوری وجود دارد جای بحث نیست. البته ممکن است گفته شود شکاف طبقاتی در کشورهای سرمایه داری به مراتب وسیع تر و عمیق تر از ایران اسلامی ماست ولی بدون تردید جامعه ما نیز به نوبه خود به این بلیّه جانکاه مبتلا است.

ب) اما این که چه عواملی منجر به فاصله طبقاتی گشته است طبیعی است که عوامل گوناگونی دخیل است.

۱- آنچه از فاصله طبقاتی هم اکنون در ایران می گذرد مسأله نوظهوری نیست، بلکه میراث شومی است که از گذشته به ما رسیده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۲- استعداد ذاتی افراد رانباید از نظر دور داشت، برخی تواناتر و برخی کندتر هستند و برخی دچار معلولیت های جسمی و ذهنی بوده و در نتیجه عقب می مانند،

۳- مسأله تکنولوژی و صنعت نیز نقش مؤثری را ایفا می کند. به عنوان مثال: دیروز محیط کارگری محدود به کارگاه های کوچک می شد و تفاوت فاحشی بین حقوق کارگر و کارفرما احساس نمی شد ولی «غول صنعت» ناگهان سر برآورد و کارگاه کوچک مبدل به کارخانه عظیمی شد و با افزایش تولید ثروت سرمایه داران به طور تصاعدی افزونی گرفت درحالی که حقوق کارگر تقریبا ثابت ماند؛ (همین نکته را در کشاورزی و

سایر ابعاد تولید و درآمد مقایسه کنید)،

۴- نظام اقتصادی غلط و بیمارگونه،

۵- طفره رفتن از پرداخت حقوق قانونی (مالیات) و حقوق شرعی (خمس و زکات)،

۶- احتکار و گران فروشی،

۷- رباخواری،

۸- خیانت به بیت المال و اموال دولتی،

۹- کلاهبرداری وخیانت به دیگران،

۱۰- احیانا و به ندرت حوادث غیرمترقبه هم دخیل است. نظیر این که تاجری مقدار زیادی از یک جنس را خریده و ناگهان بر اثر پیشامدی قیمت آن چند برابر شده است یا فرض بفرمایید کسی چند هکتار زمین زراعی داشته و بر اثر موقعیت غیرمترقبی که آن زمین پیدا کرده، قیمت آن به چندین برابر افزایش یافته است و...،

۱۱- ضعف مدیریت کارگزاران اقتصادی،

۱۲- نقش واسطه ها و دلال ها در اجحاف به طبقه ضعیف،

۱۳- اسراف و ریخت و پاش های کلان که در نهایت به دوش فقرا و قشر آسیب پذیر بار می شود،

۱۴- فشار و دخالت عوامل خارجی،

۱۵- نبود کار و اشتغال نیز عقب ماندگی و فلاکت را در پی خواهد داشت.

ج) اما چگونه می توان از پیشرفت این فاصله جلوگیری کرد؟ راه کارهای گوناگونی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- در درجه اول باید این نظام اقتصادی بیمار را جراحی و معالجه کرد،

۲- پرورش مدیران کارآمد و با تجربه،

۳- جدی گرفتن پرداخت مالیات های قانونی و هم چنین گرفتن اخماس و زکوات و پرداخت آن در مصالح عامه ای که شرع مقدس تعیین فرموده است،

۴- زمینه کار و تولید را به طور عادلانه برای همه اقشار فراهم ساختن،

۵- تا آنجا که امکان دارد به مقابله با فشارهای خارجی پرداختن و کوتاه کردن دست های مرئی و نامرئی عوامل خارجی،

۶- جلوگیری از اسراف و حیف و میل و با صرفه جویی زمینه رفاه عامه مردم

فراهم کردن،

۷- همان گونه که اسلام اخطار شدید فرموده (سوره توبه، آیه ۳۴) با زر اندوزی و انباشتن ثروت، قاطعانه برخورد کردن،

۸- برخورد جدی با افراد خائن و اختلاس گر در بیت المال،

۹- سیاست تربیتی نظام به گونه ای باشد که مردم از دوران ابتدایی تا مراحل عالی، مملکت را خانه خود و سایر افراد را همچون اعضاء یک خانواده احساس کنند و رهیافت هر کس تنها به منافع شخصی نباشد. ۱۰- حقوق کارگر منصفانه ادا گردد و از بیمه و سهام و سایر مزایا برخوردار شوند و در جمع از میزان سود کارخانه دار کاسته و به میزان حقوق کارگز افزودن،

۱۱- به طوری که ملاحظه می شود پدیده تورم و تبعیض ناشی از عوامل و آسیب های متعددی است و نمی توان این ضعف را ناشی از یک شخص یا سازمان و وزارتخانه دانست. برای حل این مشکل مکانیسم نظام و دولت بسیار سرنوشت ساز خواهد بود و صدا و سیما باید در ترویج الگوی مصرف سالم کمک کند و آحاد مردم باید با نظارت عمومی و همیاری این مشکل را به حداقل برسانند. البته با روشن بینی مردم و دل زدگی از افراطیون سیاسی، امید حضور بیشتر نیروهای ارزشی، کم توقع و پر کار در عرصه های مختلف جامعه می رود.

در خاتمه این قسمت، جهت اطلاع بیشتر مطالعه چند کتاب پیشنهاد می گردد:

۱- اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۳۰۳، سید محمد باقر صدر

۲- اسلام و اجتماع، ص ۳۸ و ص ۹۲، علامه طباطبایی

۳- مسائل عصر ما، ص ۱۰۳، شهید هاشمی نژاد

۴- نابرابری اجتماعی، ادوارد ج. کرب، ترجمه: محمد سیاهپوش

۵- جامعه شناسی قشرها و نابرابری ها، گروهی از

نویسندگان

۶- اسلام و نظام طبقاتی، ص ۱۲۳، محمد قطب

۷- شناخت اسلام، ۵۰۶، شهید بهشتی و باهنر و علی گلزاده غفوری

موضوع ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت

اشاره

نقش نسل نوجوان و جوان کشور درتحقق این آرمانها چیست؟

پرسش

موضوع ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت

نقش نسل نوجوان و جوان کشور درتحقق این آرمانها چیست؟

پاسخ

طبیعی است از جوانی با درایت و درک شما، جز این انتظار نمی رود. این که فقط انسان از دیگران انتقاد و گلایه داشته باشد ولی به نقد خودش نپردازند و در شناخت وظیفه خویش و تکلیف خودش در شرایط گوناگون سیاسی و اجتماعی همّت نگمارد، نباید انتظار داشته باشد تحوّلی در جامعه اش صورت بگیرد، ولی اگر همزمان به ادای تکلیف و وظیفه دینی، ملّی، اجتماعی و صنفی خویش همّت بگمارد و انجام وظیفه را از دیگران نیز مطالبه کند و این تفکر و اندیشه به عنوان یک فرهنگ عمومیت پیدا کند، بسیاری از معضلات اجتماعی و نابسامانیها مرتفع خواهد شد.

در سؤال قبلی توضیح داده شد که در اسلام تساوی در حقوق وجود ندارد و بلکه عدالت مطرح است. آنچه می توان عنوان کرد، این است که در شرایط کاملاً ـ مساوی، افراد از حقوق مشابه و همانندی برخوردارند؛ البته چنین تشابه و تساوی محقق شد!

و نیز در همان سؤال، به وظایف جوانان و نوجوانان اشاره شد. در تکمیل آن نکاتی بیان می شود. امید آن که شما جوان عزیز و باصفا و پرانرژی، با همّت والا و همسو نمودن دیگر دوستانت، بتوانی طرح نو دراندازی و رونق و پیشرفتی مضاعف در امور حاصل شود.

امام خمینی(می فرماید : "راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. دست

فرهنگ ما کارهای بزرگ می کند، نمی گذارد جوانهای ما مستقل بار بیایند، نمی گذارند در دانشگاه جوانهای ما درست رشد بکنند. اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می شود، برای اینکه از فرهنگ است که در وزارتخانه ها می رود، از فرهنگ است که در مجلس می رود، از فرهنگ است که کارمند درست می شود." (۱) برادر عزیز، مشاهده می کنی که آن امام فقید، اصلاح فرهنگ (اعتقادات و باورها و ارزشها و سیستم آموزشی و آداب و رسوم و ...) را شرط اصلاح جامعه می داند. اگر نسل جوان اصلاح بشود، جامعه در آینده نزدیک اصلاح خواهد شد و اگر جوان به فساد کشیده شوند، جامعه در منجلاب تباهی فروخواهد غلطید. باید مراکز آموزشی (مدارس و دانشگاهها)، محیطی باشد که انسانهای مهذّب بپروراند و اصلاح این محیطها تا

حدود بسیار زیادی به فعالیّت و تلاش جوانان پرشور و نشاط حاضر در آن محیطها بستگی دارد. اگر خود جوانان انگیزه برای پیشرفت و تعالی نداشته باشند، معلم کاری از او ساخته نیست؛ البته معلم می تواند نقش ایفا کند ولی برای دانش آموزی که پذیرفته باشد حضورش در مدرسه و عمل به سخنان معلم، موجب سعادت است؛ ولی اگر جوان در کلاس احساس کند برای فرار از خانه یا دل خوشی پدر و مادر یا این که بیسواد نباشد تا مردم مسخره اش کنند و یا رسیدن به مقام و منصب، سرکلاس حاضر باشد و درس را نه به عنوان یک تکلیف، بلکه به عنوان یک وظیفه زوری و جبری بخواند، پیشرفتی حاصل نمی شود.

امام خمینی(، در خصوص چگونگی اصلاح فرهنگی، می

فرمایـد : بایـد در فرهنگ توجه به آن داشـته باشـید و کوشـش بشود که خودتان را پیـدا کنیـد. گم کرده ایم خودمان را. تمام مفاخر شـرقی را گذاشـته ایم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب؛ آن هم نه آنی که آنها دارند، آنی که به ما می دهند.(۲) ملاحظه می کنی که امام راه اصـلاح فرهنگ را، اصـلاح خویش و رسیدن به خودباوری و دوری از خودباختگی می داند. باید گذشته خودمـان را بشناسـیم، مفـاخر را بشناسـیم و بـاور کنیم که مـا هم می تـوانیم مثـل آنـان بشـویم، اگر بخـواهیم. اخلاـق فردی و اجتماعی یکی از مسائل عمده ای است که در اصـلاح فرهنگ تأثیر بسزایی دارد. مثلًا اگر افراد یک جامعه وقت شناس باشند، سرنوشت فوق العاده ای پیـدا می کننـد. اگر وجـدان کاری و انضـباط کاری داشـته باشـند، پیشـرفت و سـعادت فوق العاده ای نصیب آنها می شود. اگر خطرپـذیر باشـند و عافیت طلبی نکننـد و دنبال راحتی خودشان نباشـند و حاضـر باشـند در میدانهای سخت وارد بشوند، مسلّماً پیشرفت خواهند کرد و ...

آرزو می کنم شـما جوانـان عزیز، با همّت والا، در جهت اصـلاح فرهنگ جامعه تلاش کنیـد؛ با فراگیری علم و دانش عمل به آن، اصـلاح اخلاق فردی و اجتماعی و روحیه کار و تلاش و پشـتکار و جدّیت روزافزون و دوری از تنبلی و سستی و رکود و رخوت.

علاج مشـکلات کشور اصـلاح فرهنگی است و اصلاح فرهنگ نیز جز با همّت و پشتکار و جدّیت بی وقفه و تحرک و پویایی و آگاهی و فضیلت خواهی نسل جوان، محقق نمی شود.

موفق و سربلند باشی.

منابع و مآخذ :

۱. ۱۹/۱۰/۱۳۵۶

۲۲/۶/۱۳۵۸

آیا فقیر و غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملاً از بین برود ؟چگونه، لطفاً توضیح دهید.

پرسش

آیا فقیر و

غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملًا از بین برود ؟چگونه، لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

دوست خوبم سلام ؛سؤال شما مرا به یاد مدینه فاضله موعود انداخت .همان مدینه که در قرآن وروایات وعده تحقق آن داده شده است. اگر مروری کوتاه بر تاریخ بشریت داشته باشیم به وضوح در می یابیم که فقیر و غنی در طول تاریخ وجود داشته است . اگر چه فقر و ثروت وسیله آزمایش الهی است اما از این نکته نباید غافل بود که نا برابری طبقاتی و وجود فقیر و غنی در همه جوامع از یک سو به خود افراد بستگی دارد که به دنبال کار و تلاش بروند یا نه از سوی دیگر به عدالت اجتماعی وتوزیع عادلانه ثروتها وابسته است.

آرزوی بهتر زیستن و داشتن زندگی آرام با زندگی بشر عجین شده است.محرومیّت روز افزون طبقه ضعیف ،استمداد گرسنگان جهان وگسترش فقر و بیکاری ، وجدانهای زنده و حسّاس را پریشان نموده است. در این میان مسلمانان آگاه به ویژه شیعیان از یأس و نومیدی دوری گزیده ومنتظر روز موعود اسلام ومدینه فاضله آن هستند.

در عصر ظهور ، مدینه فاضله اسلامی،در حقیقت آرمان شهر و آسایش همگانی . رفاه تنعم به گونه ای خواهد بود که دیگر نیازمندی در سطح جامعه یافت نمی شود ،چون توزیع عادلانه منابع و ثروت جایی برای فقر و طبقه ضعیف باقی نمی گذارد در این جامعه دیگر مانند جوامع امروزی عمل نمی شود . امروزه بیش از ۸۰٪ ثروت در دست کمتر از بیست در صد و ۲۰٪ ثروت دیگر در دست هشتاد در صد مردم است

ودر جامعه مهدوی چنین نخواهد بود .به علاوه در این عصر به جهت اجرای عدالت ،آسمان برکات خود را از مردم دریغ نمی کنـد. و زمین هر چه دارد در اختیـار بشـر قرار می دهـد . بنابر این در شـهر عـدالت رفاه و آسایش عمومی خواهـد بود. حقوق افراد، آنقدر بالا می رود که در هیچ جامعه ای فقیری پیدا نمی شود وهمه به سرحدخودکفائی می رسند.

رسول خدا ? می فرمایند:زمین در آن عصر قطعات کبد خود رابرای او بیرون میفرستد و او ثروت بدون شماره خود را در میان مردم پخش می کند.

و در حدیثی دیگر میفرمایند:شـمارا به ظهور حضرت مهدی ? بشارت می دهم که زمین را پرازعدالت می کند ، همان جورکه پراز جور ستم شده است. ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می شوند واموال وثروتها را به طور صحیح تقسیم می کند.

شخصـی پرسـید:تقسـیم صحیح ثروت چیست ؟فرمود: به طور مساوی درمیان مردم تقسیم شود ودلهای پیروان محمدرا پراز بی نیـازی کنـد و عـدالتش همه را فرا گیرد ، تا آنجا که دسـتور دهـد کسـی با صـدای بلنـد صـدا زنـدکه هرکس نیازمالی دارد ، برخیزد.

هیـچ کس جز یـک نفر بر نمی خیزد،سـپس امـام دسـتور می دهـد مـال قابـل ملاحظه ای به او بدهنـد ، امّا اوبه زودی پشـیمان میشودکه چرا آنقدر حریص بوده و مال را بر می گرداند.

پس هموطن گرامی روزی خواهـد رسـید که فقیر و غنی در جامعه وجود نداشـته باشـندبلکه همه افرادی غنی وبی نیازباشـند . بیائیدبااعمال خودوبادعازمینه ظهورمهدی ? رامهیّا کنیم انشاءالله بزودی شاهد عدالت مهدوی در مدینه فاضله باشیم.

جنبش عدالت خواهی چیست؟ابتدا کجا مطرح شد ؟ راهکارهای عملی کردن آن در سطح جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان چیست.

پرسش

جنبش عدالت خواهی چیست؟ابتدا کجا

مطرح شد ؟ راهکارهای عملی کردن آن در سطح جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان چیست.

پاسخ

: عدالت اجتماعی از آرمانهای مقدس اسلام و همه مصلحان می باشد و در این میان آنچه مهم است , راه رسیدن به عدالت اجتماعی است . تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی , از جمله پایه های اجرای عدالت است ; ولی باید توجه داشت که تقسیم بالسویه امکانات , الزاما مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست.

به عبارت دیگر امکان رشد و بالندگی و برخورداری از مواهب اجتماعی برای همه طبقات و اقشار بدون تبعیض فراهم باشد و عده ای خاص به دلیل برخورداری از قدرت یا نفوذ و ثروت و... رانت خواری نکنند و بدون استحقاق از بیت المال یا امتیازات اجتماعی، استفاده نکنند.

بنا بر این بین معنای مساوات و عدالت نباید خلط شود چون که مساوات دو معنی می تواند داشته باشد. اگر مقصود عدم توجه به استحقاق افراد باشد بی شک با عدالت اجتماعی (رعایت حقوق) منافات دارد و در واقع عین ظلم است . مثلا" اگر کسی دو برابر دیگری از جهت کمی و کیفی کار کند ولی به هر دو مزد یکسان داده شود (در حالی که یکی استحقاق بیشتری از دیگری داشته) چنین عملی بی شک ظلم است . اما مساوات معنای دیگری دارد که در تعابیر عرفی نیز بسیار به کار می رود و آن به معنای عدم تبعیض و برخورد یکسان با افراد است که در واقع به این معنا است که اگر دو نفر استحقاق یکسان دارند بین آنان تفاوت و تبعیض گذاشته نشود, چنین معنایی

بی شک همان عدالت اجتماعی است و عدم رعایت مساوات (در این معنا) ظلم است . مثل آن که یکی را صرفا" به دلیل قرابت فامیلی یا قدرت و نفوذ سیاسی یا مالی بر دیگری ترجیح دهند در حالی که هر دو از استحقاق یکسان برخوردارند و بلکه شاید شخص طرد شده استحقاق بیشتری داشته است . در واقع پارتی بازی و بحث استفاده از رانت و امثال آن که در دوران ما مطرح است نقض چنین معنایی است , (ر.ک : عدل الهی , شهید مطهری , ص ۵۶).

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه , و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص , هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچ وجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده , و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل به صورت مختص بیان نمود:

الف - توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها

را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده , عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است .

حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند, می فرمایند: ((در این مرحله از انقلاب , هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن , رفاه مادی هم راه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی , با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام , تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد, بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد)), (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۶ و ۲۸۷).

و در جای دیگر می فرمایند: ((در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست , بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و رکن دیگر عبارت از عدالت است ... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی , یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند, و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند, فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست)), (روزنامه رسالت , ۹/۳/۱۳۷۲).

ب -

برخورد فیزیکی , مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده : امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند: ۱- مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال .

حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم , جمع شود...)), (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۷). و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر, عزم , همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج - پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه , جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱- اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی (ع) می فرمایند: ((ان الله تعالی فرض علی ائمه الحق ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس , کیلا یتبیغ بالفقیر فقره ; خداوند بر امامان حق فرض و واجب فرموده , خود را با اقشار ناتوان و محروم

جامعه انـدازه گیری کننـد و زنـد گی خود را بـا آنـان برابر نهنـد. تا تنگـدستی فقیر, او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد)), (نهج البلاغه , خطبه ۲۰۹, ص ۳۲۵)

۲- زیر نظر گرفتن رفتـار اقتصـادی نزدیکـان : حضـرت علی (ع) در فرازی از عهـدنامه مالـک اشتر, در این زمینه می فرمـایند ((والی را نزدیکان و خویشاونـدانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارنـد و در داد و سـتد, کمتر حاضـر به رعایت انصافند, وظیفه تو, آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی)), (نهج البلاغه , نامه ۵۳, ص ۴۴۱).

۳- بازرسـی , نظـارت , حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران : حضـرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرماینـد: ((بایـد در گزینش کارمنـدان دولـت دقت لازم صـورت گیرد و به دنبـال گزینش خوبـان , نظـارت بر کـار آنـان نیز ضروری است , چون مقـام و قـدرت , غالبا" اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهـد, بنابراین اگر بعـد از گزینش حتی افراد پارسـا و کـاردان , از بالاـ بر عمـل کرد آنان نظارت دقیقی نشود, ممکن است به تدریـج تغییر رویه داده و به سـبب سـستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسـبت به دسـتگاه حکومت اسـلامی شونـد...)), (فجر انقلاب در بهار قرآن , ص ۲۰۳ و ۲۰۵).

د - بالاـ بردن میزان آگـاهی مردم : با بالا رفتن میزان آگاهی مردم , درک آنها از حقوقشان افزایش می یابـد و بی عـدالتی را نمی پذیرند و به انحا مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این

طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد.

ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه : زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان , تقوا, تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ((اعدلوا هو اقرب للتقوی)), (مائده / ۸) امام علی (ع) نیز می فرماید: ((قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ; هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند)), (نهج البلاغه , خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه , تحقق باوری عمیق , درونی ریشه دارد, عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , و انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده , ایفا می کنند, لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱- رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی , تبلور و تجلی یابد.

و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات , اشتغال , مسکن ; رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور می باشد.

توجه: برای پیدا کردن راهکارهای عملی آن در سطح جامعه و دانشگاه مراجعه و کار پژوهشی عمیق نسبت

به فرمان حکومتی امام علی(ع) به مالک اشتر که در نهج البلاغه نامه ۵۳ (فیض الاسلام) بسیار ضروری و مفید است برای مثال دستگاه نظارتی قوی و سالم که به طور پنهانی بر عملکرد کارگزاران (وزراء و همه مسؤولین حکومت) نظارت کننده، گزارش بازرسی را برای رؤسای حکومت ارسال دارند. ولی مشکل این است که «هر چه بگندد نمکش می زنند وای به روزی که بگندد نمک». لذا علی(ع) مکانیسم نظارت را به گونه ای مطرح می کنند که از زد و بند آنها با دیگر دست اندرکاران حکومت و رانت خواری آنها جلوگیری کند. آیا اگر سازمان بازرسی کشور ما درست عمل می کرد و قوه قضائیه با قاطعیت علی گونه عمل می کرد و برخی از مسؤولین رده بالای مملکت به جای تأیید مبارزه با فساد، به خاطر اشخاص یا جریانات خاص با آن مقابله نمی کردند کار به جایی می رسید که به گفته وزیر اطلاعات برخی از شرکت ها حتی یک درصد آن مالیاتی را که باید پرداخت کنند، پرداخت نمی کنند، می رسید؟!

وظیفه همه آحاد مردم مخصوصا دانشجویان و روشنفکران جامعه این است که عدالت خواهی را با فریاد خود در تریبون ها، رسانه ها و... همگانی و همه جایی و تبدیل به یک فرهنگ عمومی کنند به طوری که از مطالبات درجه اول مردم باشد که حکومت خود را بدان ملزم بداند و پاسخگو باشد. به امید آن روز.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۷, ص ۴۸

فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۸, ص ۲۶ و ص ۵۶

محمدنقی نظرپور, ارزشها و توسعه , ص ۱۹۶

علی

ذو علم , انقلاب و ارزشها, ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرز رفیع پور, آناتومی جامعه , ص ۴۸۰

آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مردم همه مسلمان یا بهتر بگویم مخلوق خدا هستند با عدالت سازگاری دارد یا تبعیض است.

پرسش

آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مردم همه مسلمان یا بهتر بگویم مخلوق خدا هستند با عدالت سازگاری دارد یا تبعیض است.

پاسخ

قبل از پرداختن به سؤال باید به تفکیک تفاوت های منطقی با مواردی که واقعا تبعیض محسوب می گردد توجه داشت زیرا در مواردی به دلیل شرایط خاص جغرافیایی آن استان و یا سایر شرایط ها سیاستگذاری خاصی اعمال می گردد که چه بسا در مورد سایر مناطق نتوان آن کار را کرد. گذشته از این، متأسفانه علی رغم تأکید اصول متعدد قانون اساسی بر رفع تبعیض و بی عدالتی در عرصه های مختلف جامعه و اهتمام ویژه ای که مقام معظم رهبری به این امر دارند به دلایل متعددی هنوز در بخش هایی از جامعه شاهد تبعیضاتی چه در مرحله سیاستگذاری ها و چه در مرحله اجرا می باشیم. در یک بررسی اجمالی می توان دلایل این موضوع را از یک سو در مشکلات ساختاری و غیرساختاری و نیازهای تمامی بخش های کشور و کمبود امکانات موجود - در حدی که بتوان به صورت همزمان به تمامی بخشها توجه نمود - دانست و مهمتر از آن نوع نگاه و رویکرد حاکم بر بخش هایی از مجموعه مؤثر بر قانونگذاری و اجرا در بدنه نظام - خصوصا از دوران سازندگی تاکنون - است که به دلیل فاصله گرفتن از ارزش های انقلابی و اسلامی، در توجه به مهمترین هدف نظام اسلامی یعنی اجرای قسط و عدالت، وقفه هایی به وجود آورد و این دقیقا یکی از

دغدغه های اصلی نظام اسلامی و مقام معظم رهبری است تا جایی که به شدت بر زدودن این نگرش ها تأکید جدی داشته اند و مجموعه نظام را به اتخاذ سیاست ها و راهکارهای اساسی برای حل این قبیل مشکلات رهنمون ساخته اند. نگاهی به چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه که در اصول و مواد متعددی از آنها بر رفع تبعیض در بخش های مختلف جامعه تأکید شده است، مبین این واقعیت می باشد.

کافی است در جهت اثبات این موضوع که نظام اسلامی به رفع تبعیض در بخش های مختلف جامعه خصوصا از اقشار و استان های محروم اهتمام ویژه ای دارد، به این مسأله توجه شود که هم مقام معظم رهبری و هم ریاست محترم جمهور و سایر مسؤولین عالی رتبه همواره در مسافرت های خویش به استان های محروم، اعتبارات قابل توجهی - علاوه بر بودجه های مصوب - در جهت حل مشکلات این مناطق اختصاص داده و بر اجرای طرح های عمرانی و... در این مناطق پیگیری و نظارت می نمایند که بحمدالله نتایج بسیار مطلوبی در پی داشته است هر چند به دلیل نیازهای متعدد و مشکلات ساختاری در این استانها، تا دستیابی به وضعیت مطلوب راه طولانی مانده است.

آیا در این زمان یک مسئول می تواند مطابق دستورهای اسلام عمل کند؟; زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عدل برایشان سخت است , از دور و برش پراکنده می شوند و او را تنها می گذارند; درنتیجه از انجام مسئولیت باز می ماند; پس تکلیف چیست ؟

پرسش

آیا در این زمان یک مسئول می تواند مطابق دستورهای اسلام عمل کند؟; زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عدل برایشان سخت است , از دور و برش پراکنده می شوند و او را تنها می گذارند; درنتیجه از انجام مسئولیت باز می ماند; پس تکلیف چیست ؟

پاسخ

توجه به این نکته ضروری است که دستورهای مدیریتی اسلام ازقاطعیت برخوردار است و بر اساس مدارا با مردم استوار شده است . بنابراین اگرمسئولی درست به وظیفه عمل کند و همهء دستورهای اجرایی رابا رعایت شرایط و توأم با عواطف انسانی به کار بندد, موفق خواهد شد. در این صورت برفرض اگر کسانی از اجرای عدالت ناراحت شدند, باکی نیست و نگرانی وجودندارد, چون نگرانی جایی است که بی عدالتی و تبعیض در اجرای قانون , مایه ءدلسردی افراد شود. مطالعهء کتاب هایی که در زمینهء مدیریت اسلامی نوشته شده است , می تواند در این زمینه برای شما راهنما و راهگشا باشد, مانند که به قلم چند تن از علما شرح شده است و نیز کتاب به قلم آیهالله مکارم شیرازی .

مشکلات اداری مشکل مسکن و تبعیض در جامعه .

پرسش

مشکلات اداری مشکل مسکن و تبعیض در جامعه .

پاسخ

این واحد از پاسخ گویی به مسائل اداری و اجرایی معذور است و تنها به مسائل فکری از فلسفی و کلامی و تاریخی و غیره می پردازد. البته ما قبول داریم در هر مؤسسه و اداره یا نهادی ممکن است تخلفاتی انجام گیرد و مشکلات قشر زحمت کش کارمند با توجه به تورم و گرانی بر کسی پوشیده نیست . این نکته را بایدر نظر داشته باشید که این واحد تازه تأسیس نشده است , بلکه سابقهء ده ساله دارد و معضلات فکری مردم , به ویژه نسل جوان را با استفاده از کلام بزرگان برطرف کرده است . رسالت ما تنها گفتن مستحبات و مکروهات مانند گذاشتن پای چپ یا راست در موقع توالت رفتن نیست , چون این گونه مسائل جزئی اهمیتی ندارد. برای رفع مشکلات و حل معضلات اداری و رفع تبعیض باید از راه های قانونی وارد شوید. اگر واحد حراست آن اداره را قبول ندارید, با مدیر کل حراست یا حتی وزارت اطلاعات یا مجلس شورای اسلامی کمسیون مربوطه و یا نهاد ریاست جمهوری و غیره موضوع را در میان بگذارید. در مورد مسئله ای که سؤال کردید, باید عرض کنیم اگر بدون رضایت شما از حقوقتان پول برداشته اند و با آن فرش خریداری کرده اند, این کار خلاف شرع وحرام است و نماز خواندن با آن فرش جایز نیست .

برای کاهش مشکلات زندگی شغل دومی را در نظر بگیرید تا از این طریق کمکی به مخارج سنگین زندگی باشد. ما تعجب می کنیم چطور در

مدت ۲۵سال خدمت برای منزل مسکونی خود اقدامی نکرده اید. درسال های اوایل انقلاب که مسکن گران نبود و وضع مساعدتری فراهم بود, باید اقدام می کردید. امیدواریم گشایشی فراهم شود و با استفاده از تسهیلات بانکی یا تعاونی مسکن مشکل شما حل شود.

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پرسش

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

عدالت از اصول مهم و از تعالیم و اهداف عمده دعوت اسلام است که آیات قرآن مجید و احادیث شریف با کمال تأکید و صراحت، همه را به آن مأمور و متعهد اجرای آن ساخته است.

از جمله در سوره مائده می فرماید:

«اِعْدِلُو هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی» مائده/۸

[عدالت ورزید که عدل به تقوی نزدیکتر است.]

و در سوره انعام می فرماید:

«وَ اِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» انعام/۱۵۲

[وقتی سخن گفتید، به عدالت سخن بگوئید.]

و در سوره نحل می فرماید:

«اِنَّ اللّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسانِ» نحل/۹۰

[خداوند متعالال امر می فرماید به عدل و احسان.]

در نهج البلاغه حکمت ۳۷۴، پس از آنکه امر به معروف و نهی از منکر را فرموده است، می فرماید:

«وَ أَفْضَلُ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ کَلِمَهُ عَدْلٍ عِنْدَ اِمامٍ جائِرٍ» (نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۰۲۱، نامه ۵۳)

[برتر از امر به معروف و نهی از منکر، سخن عدل است که در حضور پیشوا و زمامدار ستمکار گفته شود.]

و نیز حضرت امیر المؤمنین (ع) در آغاز خلافت ظاهری چنانکه در نهج البلاغه است روش صریح خود را در اجرای عدالت چنین اعلام می نماید:

آگاه باشید هر زمینی که عثمان (از اموال متعلق به حکومت اسلامی که باید عوائد آن صرف مصالح مسلمین و رفع حوائج نیازمندان گردد) به کسی بخشیده باشد و هر مالی را از مال خدا اعطا کرده باشد، به بیت المال برگردانده می شود، برای اینکه حق قدیم است (یعنی با اساس و با ریشه و سابقه است) و چیزی حق را باطل نمی کند.

اگر بیابم آن اموال عمومی را (که عثمان بخشیده است) در حالی که مهر زنان

کرده باشند، یا کنیزان را با آن خریده باشند، آن را به بیت المال بر می گردانم که در عدل، وسعت و گشایش است و آن کس که عدل بر او تنگ باشد، ظلم بر او تنگ تر خواهد بود.

از آن حضرت روایت است که رسول خدا(ص) فرمود:

«لَنْ تُقَدَّسُ اُمَّهٌ لا یُؤْخَذُ لِلضَّعیفِ فیها حَقُّهُ مِنَ الْقَوِیّ غَیْرَ مُتَتَعْتَعٍ»

[هر گز پا ک و مقدس نشود امت و مردمی که در آنها حق ضعیف از قوی بدون ترس گرفته نشود]

برای درک و فهم ابعاد این عدالت اجتماعی مطالعه سیره و روش رسول اکرم(ص) و حضرت(ع) را باید راهنما قرار داد.

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پرسش

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پاسخ

اولاً: قوانین صحیح، روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها را با حکومت، بر اساس عدل و حق و منزه از استکبار و استضعاف مقرر می دارد و به تمام افراد، حق نظارت بر اجرای قوانین داده می شود که طبق:

«وَالْمُؤْمِنُوَن وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بَالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَر» توبه/۷۱

[مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، مردم را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می کنند.]

امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بلکه مسؤول و متعهد باشند که این نظارت را انجام دهند.

علاوه با یکدیگر در روی کار آمدن و روی کار بودن نظام صالح همکاری داشته باشند.

ثانیاً: افراد، به پیروی از قانون و ندای ایمان و وجدان مکلف هستند که تمام مقررات عدل و قسط را در رشته های مختلف، نسبت به خود و دیگران رعایت نمایند که جامعه و افراد، از جانب هر فردی امنیت داشته باشند و حسن ظن و حمل بر صحت در هر مورد، خیال هر کس را راحت سازد و خیانت و غش و تقلب در جامعه مطرود و معدوم یا بسیار نادر و کم زمینه گردد.

ثالثاً: حکومت هم باید در این امور مشارکت کند و برنامه هائی اجرا نماید و وضع سلوک و استقبالش را از مردم متواضعانه و به نحوی قرار دهد که مردم، در نظارت بر امور تشویق و تقدیر شوند. چنانکه باید تعلیم و تربیت و ارشاد نیز در اینجا با نقش مهم و سازنده، افراد را رشید و زنده و آگاه بسازد که خود را مسؤول و

متعهد حسن جریان امور بشناسند و از تجاوز به حق و سهم دیگری و جنایت، پرهیز نمایند.

علاوه بر این ابعاد، ابعاد دیگر نیز هست، مثل : عدل در تعلیم و تربیت که علم و دانش و آموزش و پرورش برای همگان باشد نه فقط قانون، انحصاری بودن آن را لغو کرده باشد، بلکه عملاً نیز به نحوی باشد که افراد مستعد بتوانند ترقی علمی داشته و تا آنجا که امکان دارد برابر امثال و اقران خود جلو بروند.

باید از استعدادها که مواهب خدا به همه خلق است استفاده شود و تعلیم و تعلّم، کار و شغل ، مقدّس، و عبادت خدا تلقی شود و تأسیس مدارس و دانشگاهها برای کسب و جلب منافع مادی نباشد.

بالأخره تمام ابعاد مختلفی که عدل دارد باید تأمین شود تا عدل مطلق مستقر و برقرار شود.

و از همه مهم تر عدل فکری و اعتقادی که به منزله زیر بنا است، باید تأمین شود تا عدل مطلق، مستقر و برقرار شود.

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پرسش

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پاسخ

اولاً: قوانین صحیح، روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها را با حکومت، بر اساس عدل و حق و منزه از استکبار و استضعاف مقرر می دارد و به تمام افراد، حق نظارت بر اجرای قوانین داده می شود که طبق:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بَالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ» توبه/۷۱

[مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، مردم را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می کنند.]

امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بلکه مسؤول و متعهد باشند که این نظارت را انجام دهند.

علاوه با یکدیگر در روی کار آمدن و روی کار بودن نظام صالح همکاری داشته باشند.

ثانیاً: افراد، به پیروی از قانون و ندای ایمان و وجدان مکلف هستند که تمام مقررات عدل و قسط را در رشته های مختلف، نسبت به خود و دیگران رعایت نمایند که جامعه و افراد، از جانب هر فردی امنیّت داشته باشند و حسن ظن و حمل بر صحت در هر مورد، خیال هر کس را راحت سازد و خیانت و غش و تقلب در جامعه مطرود و معدوم یا بسیار نادر و کم زمینه گردد.

ثالثاً: حکومت هم باید در این امور مشارکت کند و برنامه هائی اجرا نماید و وضع سلوک و استقبالش را از مردم متواضعانه و

به نحوی قرار دهـد که مردم، در نظارت بر امور تشویق و تقـدیر شونـد. چنانکه باید تعلیم و تربیت و ارشاد نیز در اینجا با نقش مهم و سازنده، افراد را رشید و زنده و آگاه بسازد که خود را مسؤول و

متعهد حسن جریان امور بشناسند و از تجاوز به حق و سهم دیگری و جنایت، پرهیز نمایند.

علاوه بر این ابعاد، ابعاد دیگر نیز هست، مثل : عدل در تعلیم و تربیت که علم و دانش و آموزش و پرورش برای همگان باشد نه فقط قانون، انحصاری بودن آن را لغو کرده باشد، بلکه عملاً نیز به نحوی باشد که افراد مستعد بتوانند ترقی علمی داشته و تا آنجا که امکان دارد برابر امثال و اقران خود جلو بروند.

باید از استعدادها که مواهب خدا به همه خلق است استفاده شود و تعلیم و تعلّم، کار و شغل ، مقدّس، و عبادت خدا تلقی شود و تأسیس مدارس و دانشگاهها برای کسب و جلب منافع مادی نباشد.

بالأخره تمام ابعاد مختلفی که عدل دارد باید تأمین شود تا عدل مطلق مستقر و برقرار شود.

و از همه مهم تر عدل فکری و اعتقادی که به منزله زیر بنا است، باید تأمین شود تا عدل مطلق، مستقر و برقرار شود.

عدالت به چه معناست؟

پرسش

عدالت به چه معناست؟

پاسخ

عدالت نقطه مقابل ظلم است، نقطه مقابل تبعیض است و به عبارت دیگر: افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیتهایی که میکنند و استعدادهایی که از خود نشان میدهند، استحقاقهایی پیدا میکنند؛ عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود؛ نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند.

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پرسش

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پاسخ

در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثّر در اعتلاها و انحطاطها برمی خوریم.

الف. عـدالت و بی عدالتی: قرآن این مطلب را در آیات بسـیاری منعکس کرده است، از آن جمله است چهارمین آیه از سوره قصص.

در این آیه کریمه پس از آنکه از برتری جـویی فرعـون که ادّعـای ربوبیّت اعلی داشت و دیگران را به منزله بنـدگان خود می دانست، و از تفرقه افکنی میان مردم که به عناوین گوناگون میان آنها تبعیض قائل می شـد و آنها را در برابر یکـدیگر قرار می داد، و از ذلیل ساختن گروه خاصـی از مردم کشور خود و کشـتن پسران آنها و نگه داشتن زنانشان (به منظور خدمت فرعون و فرعونیان) یاد می کنـد، او را به عنوان یکی از تباهگران نام می برد. بدیهی است که جمله «إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدينَ» اشاره اسـت به اینکه این گونه مظالم اجتماعی، جامعه را از بیخ و بن برمی کند.

ب. اتّحـاد و تفرّق: در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ دسـتور صـریح می دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متّحد و متّفق باشید و از تفرّق و تشتّت بپرهیزید.

در سوره انفال آیه ۴۶ می فرماید:

[با یکدیگر نزاع نکنید که نزاع داخلی سستی می آورد و سستی، شما را زایل می کند.]

ج. اجرا یـا ترک امر بـه معروف و نهی از منکر: آیه ۷۹ از سوره مائـده، یکی از علل دور افتادن کافران بنی اسـرائیل از رحمت خدا را، بازنداشتن یکدیگر از منکرات، یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است.

د. فسق و فجور و فساد اخلاق: هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیّت، ظلم است.

ظلم در قرآن در حقیقت مفهوم اعمّی دارد که هم شامل ظلم به غیر می گردد و هم شامل فسق و فجور و کارهای ضدّ اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعمّ را علت هلاک یک قوم شمرده بسیار زیاد است.

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پرسش

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پاسخ

در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثّر در اعتلاها و انحطاطها برمی خوریم.

الف. عدالت و بی عدالتی: قرآن این مطلب را در آیات بسیاری منعکس کرده است، از آن جمله است چهارمین آیه از سوره قصص.

در این آیه کریمه پس از آنکه از برتری جویی فرعون که ادّعای ربوبیّت اعلی داشت و دیگران را به منزله بندگان خود می دانست، و از تفرقه افکنی میان مردم که به عناوین گوناگون میان آنها تبعیض قائل می شد و آنها را در برابر یکدیگر قرار می داد، و از ذلیل ساختن گروه خاصی از مردم کشور خود و کشتن پسران آنها و نگه داشتن زنانشان (به منظور خدمت فرعون و فرعونیان) یاد می کند، او را به عنوان یکی از تباهگران نام می برد. بدیهی است که جمله «إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدينَ» اشاره است به اینکه این گونه مظالم اجتماعی، جامعه را از بیخ و بن برمی کند.

ب. اتّحاد و تفرّق: در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ دستور صریح می دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متّحد و متّفق باشید و از تفرّق و تشتّت بپرهیزید.

در سوره انفال آیه ۴۶ می فرماید:

[با یکدیگر نزاع نکنید که نزاع داخلی سستی می آورد و سستی، شما را زایل می کند.]

ج. اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر: آیه ۷۹ از سوره مائده، یکی از علل دور افتادن کافران بنی اسرائیل از رحمت خدا را، بازنداشتن یکدیگر از منکرات، یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است.

د. فسق و فجور و فساد اخلاق: هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیّت، ظلم است.

ظلـم در قرآن در حقیقـت مفهـوم اعمّی دارد کـه هـم شامـل ظلم به غیر می گردد و هم شامـل فسق و فجـور و کارهـای ضـدّ اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصـداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعمّ را علت هلاک یک قوم شـمرده بسیار زیاد است.

عدالت به چه معناست؟

پرسش

عدالت به چه معناست؟

پاسخ

عـدالت نقطـه مقابـل ظلم است، نقطه مقابـل تبعیض است و به عبـارت دیگر: افراد بشـر در دنیـا به حسب خلقت خودشـان و به حسب فعالیتهایی که میکننـد و اسـتعدادهایی که از خود نشان میدهند، اسـتحقاقهایی پیدا میکنند؛ عدالت عبارت است از اینکه آن اسـتحقاق و آن حقی که هر بشـری به موجب خلقت خودش و به موجب کـار و فعـالیت خودش به دست آورده است به او داده شود؛ نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند.

منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟

پرسش

منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟

پاسخ

عدالتی که در فقه اصغر فقه اصطلاحی مطرح است، عدالتی است که در اثر التزام به واجبات و ملحقات آن و ترک محرمات و ملحقات آن حاصل می شود و کاری با سایر صـفات و ملکات انسان نـدارد. اگر چنین عـدالتی برای کسـی حاصل شد، احکام فقهی آن نیز برای او ثابت می شود. یعنی اقتدای به او جایز، شهادت او در محکمه قضا مسموع است و می تواند شاهد بر ایقاع طلاق باشـد و ... این مرتبه، مرتبه نازله عـدالت است که از آن به حـداقلّ بر تکلیف یاد می شود. بنابراین، شـخص افزون طلبی که از مرز عـدالت تجاوز نمی کنـد به نظر فقه اصـغر عـادل است، در حـالی که در حکمت و فقه اوسط عادل کسـی است که علاوه بر التزام به واجبات و ترک محرمات، ملکات خود را نیز تعدیل کند و آنها را در هسته مرکزی عدل قرار دهد.

توضـیح این که: حکما می گویند: قوای اداره کننده آدمی سه چیز است: فاهمه، شـهویه و غضبیّه. عادل کسـی است که بتواند هر یک از این سه قوه را مهار کند و آنها را در هسته مرکزی آنها، که حالت اعتدال آنهاست، حفظ کند.

قوّه فـاهمه و درّاکه انسـان که که حـالت اعتـدال و هسـته مرکزی آن «حکمت» نامیـده می شود، گاهی حالت افراط دارد و آن زمانی است که وقتی اسـتدلال و برهان برای او اقامه می شود، قبل از بررسی نهایی و دقیق برهان، از این شاخه به آن شاخه می پرد، اشکالات و نقض های بی ربط وارد می کند و زیر بار مطالب مبرهن و مستدلّ نمی رود. از این حالت نفسانی

به «جربزه» تعبیر می شود. چنانکه در مقابل ممکن است اهل تفریط باشد که هر چه استاد می خواهد با اقامه برهان و استدلال، مطلبی را به او تفهیم کند، قدرت درک و فهم مطالب استاد را ندارد. از این حالت به «بلاهت و کودنی» تعبیر می شود.

قوه شهویّه که برای جذب منفعت و امور پسندیده و ملائم با طبع است و حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «عفّت» و سخاوت نامیده می شود نیز گاهی در حدّ افراط است که به مقدار لازم و نیاز خود اکتفا نمی کند بلکه همواره افزون طلب است و سیری ناپذیر (البته در محدوده حلال و نه حرام) این حالت را «شره» می گویند. و گاهی در حدّ تفریط است و قادر به برخورداری و جذب مقدار لازم و مورد نیاز خود هم نیست که به آن «خمود» می گویند.

نیز قوّه غضبیه که برای دفع ناملایمات و ناگواری هاست و حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «شجاعت» نامیده می شود حالت زیاده روی و افراطی دارد که آن را «تهوّر» می نامند و این همان است که انسان را به انتقامجویی و کینه توزی زاید وادار می کند. و حالت تفریط آن «جُبن» است که انسان در آن حالت از اِعمال غضب در جای خودش و دفاع از خودش عاجز می ماند.

اگر کسی توانست قوه فاهمه و قوه شهویّه و قوّه غضبیّه را در هسته مرکزی و حالت اعتدال شان نگه دارد، یعنی حالت حکمت، عفت و سخاوت و شجاعت را حفظ کند، در نظر حکما و فقه اوسط عادل است.

طبق این معیار، کسی که با کوشش برای تولید بیشتر در صدد حلّ مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی بر می آید، البته

در حال عبادت است، لیکن اگر اهل وجود و سخا و دارای روح قناعت نباشد و بخواهد از راه حلال بر ارقام ثروت خود بیفزاید و مال حلال بیشتری به دست آورد (هر چند که همه حقوق واجب را بپردازد و از کسب مال حرام بپرهیزد) از عدالت وسطی بی نصیب خواهد بود. چنانکه اگر از نظر اِعمال غرایز، نتواند خود را به حدّاقلّ استفاده از حلالْ قانع کند و در بهره مندی از حلال اِفراط نماید یا انسان ترسویی باشد و از شجاعت برخوردار نگردد، محروم از این قسم از عدالت است؛ هر چند که هیچ یک از این امور به عدالت صغرای مطرح در فقه اصغر لطمه ای نمی زند.

بنابراین، اگر کسی همه این مراحل را پشت سر گذاشت یعنی هم قوای ادراکی و هم قوای تحریکی او به اعتدال رسید، خوش فهم و نیکوکار شد، ملکات فاضله ای چون سخاوت، قناعت، عفّت، شجاعت، جود و بخشش را تحصیل کرد؛ در حکمت و فلسفه الهی به مقام عدالت می رسد و حکیمانْ او را عادل می خوانند (فلسفه حقوق بشر، ص۲۰۶ ۲۰۳). لیکن هنوز عُرَفا او را عادل نمی دانند؛ زیرا قلمرو شهود عارفْ، بسیار وسیع تر از منطقه فهم حکیم و متکلّم است.

در نظر عارف، عادل کسی است که مظهر همه اسمای حسنای الهی باشد و در هر وقت به اسمی از اسمای حسنای الهی که مناسب همان وقت است، ظهور کرده آن را در جای خود اجرا کند. بنابراین، در بینش عارفانه، عدالت وصف کسی است که مظهریتش نسبت به همه اسمای حسنی همتا و همسان باشد و خود در هسته مرکزی آن قرار گیرد و اختلاف موضعی آنها را برطرف

کند.

ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟

پرسش

ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟

پاسخ

ضمانت اجرایی در نظامات کنونی بشر، از دو عامل ترکیب یافته است: ۱- نیروی بازدارنده از گناه یا قوای انتظامی. ۲- مجازات متخلفان از طریق قوه مجریه.

نیروهای بازدارنده گناه، خلاف را در نطفه خفه می کند و نمی گذارد خلاف در اجتماع پدید آید و از این جهت شایسته است نام چنین قدرتی را «نیروی انتظامی» بنامیم. مجازات و کیفر دادن متخلفان، مربوط به کسانی است که گناه را مرتکب شده اند و اکنون باید قانون درباره انان به وسیله قوه مجریه اجرا گردد. این دو عامل هر چند تأثیر مشترکی دارند زیرا اجرای قانون درباره گنهکاران، خود نیز یکنوع عامل بازدارنده است نسبت به دیگران، ولی در عین حال، دو نوع تأثیر مختلف نیز دارند اینکه بحثی فشرده درباره عامل نخست:

وجود نیروی انتظامی در معابر و مراکز، خود نیروی بازدارنده اجتماع از ارتکاب گناه است. زیرا برخی از مردم در غیاب دیدگاه پلیس، آماده قانون شکنی هستند و با خود چنین می اندیشند که در این فرصت می توانند به مقصد برسند و در چنگال قانون گرفتار نشوند و با وجود مشاهده پلیس حاضر به خلاف نمی باشند برای چنین گروه، نیروهای انتظامی، بهترین عامل بازدارنده از گناه و قانون شکنی است. هیچ حکومتی حتی حکومت اسلامی از چنین قوایی بی نیاز نیست و اصولاـ هیچ حکومتی در جهان نمی تواند بدون چنین نیرویی پایدار باشد. قوای انتظامی در حکومت اسلامی جزئی از گروه امر به معروف است که باید آن را نظارت خصوصی نام نهاد و قرآن آن را با جمله زیر بیان کرده است آنجا

که می فرماید: «و لتکن منکم امه یدعون إلی الخیر یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» آل عمران/۱۰۴ [باید از شما گروهی باشند که نیکی ها را در میان مردم اشاعه دهند و از بدیها باز دارند]. به طور مسلم امر به معروف دارای مراتب مختلف و گوناگونی است و هر مرتبه ای برای خود، مأمور و مسئول مشخصی دارد و مجریان تمام قوانین در تمام مراحل حتی مراقبان مواد غذایی جزو آمران معروفند که ستونی از حکومت اسلامی را تشکیل می دهند. اسلام برای تأمین این اهدف و بازداری مردم از گناه از دو راه دیگر نیز وارد شده است و با تأسیس نظارت عمومی و پرورش ایمان و اعتقاد به خدا و روز رستاخیز توانسته است قوانین خود را در سطوح مختلف اجرا سازد.

بیان این دو قسمت:

الف: نظارت عمومی

نظارت عمومی این است که تمام افراد می توانند بر اجرای قوانین نظارت کنند التبه این نوع نظارت از حدود نصیحت و اندرز و آگاه ساختن مراجع صلاحیتدار از جرمها و مجرمها، خارج نیست و یک چنین نظارت به عنوان یک وظیفه مهم مذهبی است که تخلف از آن گناه و مایه دوری از رحمت حق است.

یک چنین نظارت عمومی که همه جامعه را نسبت به یکدیگر سراپا گوش وچشم، قرار می دهد، نقش مهم در اجرای قوانین دارد. چه بسا در پرتو نظارت عمومی، گناه و جرم در همین مراحل خنثی می گردد و نوبت به مراحل دیگر نمی رسد، هدف آیاتی که همه افراد جامعه را موظف می سازد که باید امر به معروف کنند، نظارت عمومی است و وظیفه این گروه از قوه مجریه که ما آن را نظارت خصوصی

می نامیم کاملا جدا است.

ب: ایمان به خدا و اعتقاد به سرای دیگر

این نوع اجرا در مناطقی می توانـد فعالیت کنـد که از کنترل مأموران نظارت خصوصـی و عمومی بیرون باشـد و اجرای قوانین برای آنـان در آن مراحل ممکن نباشـد. تأثیر ایمان به خـدا و کیفرهای الهی در بازداری انسان از گناه، آنچنان روشن است که ما خود را از هر نوع توضیحی بی نیاز می دانیم و در این مورد به طور فشرده به یک واقعه تاریخی اشاره می کنیم:

جرمهـای مکتوم و پنهـانی در خلوتخـانه هـا و تاریکخانه ها ضامن اجرایی جز ایمان نـدارد و از این جهت قوانین اسـلام از نظر وسـعت ضامن اجرا، جلوه خاصی دارد و عظمت خود را در برابر دیگر قوانین و نظامات مادی که فاقد این نوع ضمانت اجرایی هستند نشان می دهد. این حقیقت را دادستان دیوانعالی ایالات متحده «ماربرت هوگوت جاکسون» در مقدمه کتاب «حقوق در اسلام» به خوبی درک کرده است و پس از گفتاری چنین می نویسد:

«قانون در امریکا فقط یک تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد در حقیقت یک شخص امریکایی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع قانون باشـد، ممکن است یک فرد پست و فاسـدی هم از حیث اخلاق باشـد. ولی به عکس آن، در قوانین اسـلامی سرچشـمه و منبع قانون اراده خـدا است، اراده ای که به رسول او «محمـد» مکشوف و عیان گردیـده است، این قـانون و این اراده الهی، تمام مؤمنان را جامعه واحـدی می شـناسد گرچه از قبایل و عشایر گوناگون تشـکیل یافته در مواضع و محلهای دور و مجزای از یکدیگر واقع شده باشند، در این جا مذهب، نیروی صحیح و

سالم التصاق دهنده جماعت می باشد، نه ملیت و حدود جغرافیایی. در اینجا خود دولت هم مطیع و فرمانبردار قرآن است و مجالی برای قانونگذار دیگری باقی نمی گذارد تا چه رسد به این که اجازه انتقاد و شقاق و نفاق بدهد. به نظر مؤمن این جهان دهلیزی است به جهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوك افراد را نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع آنها معین می کند تا آن تحول سالم را از این عالم به عالم دیگر نماید.

غیر ممکن است تئوریها و نظریات سیای.......قضایی را از تعلیمات پیامبر تفکیک نمود؛ تعلیماتی که طرز رفتار را نسبت به اصول مذهبی و طرز زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی همه را تعیین می کند. دین تعلیمات بیشتر و وظیفه و تکلیف برای انسان تعیین می کند تا حقوق، یعنی تعهدات اخلاقی که فرد، ملزم به اجرای آن می باشد مطرح است و هیچ مقامی در روی زمین نمی تواند فرد را از انجام آن معاف بدارد و اگر از اطاعت سرپیچی کند حیات آینده خود را به مخاطره انداخته است».

از آنجا که آمریکاییها اساس مذهبی و یا فلسفی قوانین اسلامی را قبول ندارند اینطور فکر می کنند که هر چیز بر اساس مذهب مبتنی گردیده نمی تواند نظر و توجه ما را جلب کند. ولی حقیقت این است که همین سیستمی که غیر عملی قلمداد می شود اعمال بزرگی را توانسته است به طرز حیرت انگیزی انجام دهد بگونه ای که نیروی حیاتبخش و التصاق دهنده آیین محمدی را قادر ساخت تا بر سواحل آفریقایی مدیترانه ای، استیلاء یابد. (مقدمه حقوق در اسلام به قلم هوگون جاکسون،

ترجمه زین العابدین رهنما)

عامل دوم

مجازات متخلفان

مجازات و کیفرهای دنیوی دومین رکن تأمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین است و در حقیقت نمی توان موضوع مجازات متخلفان را رکن جداگانه ای شمرد بلکه مجازات به ضمیمه عامل پیشین، عامل واحدی است که می تواند اجرای قوانین را در سطوحی تضمین کند ولی اسلام در مسئله مجازات و کیفرها راه خاصی دارد که می تواند مسئله اجرای قوانین را به صورت کاملتری درآورد.

اولا: اسلام مخالفان و متمردان را تنها به کیفرهای دنیوی مانند قتل و زندان و تبعید و تنبیه های بدنی تهدید نکرده است بلکه برای مجرم دو نوع کیفر قرار داده است:

۱-کیفرهای دنیوی: که باید به وسیله قوه مجریه اجرا گردد از قبیل بریدن دست دزد، قصاص قاتل و شلاق زدن.

۲-کیفرهای اخروی: شاهکار قوانین الهی در همین نقطه است که به کیفرهای دنیوی اکتفا نکرده و برای گناه، کیفر اخروی که چاره و فراری از آن نیست قائل شده است. ممکن است مجرم به عناوینی بتواند از چنگال کیفرهای دنیوی خود را برهاند اما کیفرهای اخروی آنچنان در کمین گنهکار نشسته است که چاره ای از آن نیست چه بسا برخی از این کیفرها لازمه عمل و صورت واقعی گناه است و به این معنی که گناه در روز رستاخیز به آتشی تبدیل می گردد.

راستی اگر فردی به مفاد آیه زیر که درباره زر اندوزان وارد شده است مؤمن باشد، ممکن نیست دور گناه بگردد.

«وَ الـذینَ یکنِزوُنَ الـذَّهَبَ وَ الفِضَّةَ وَ لا یُنفِقُونَها فِی سَبیلِ اللهِ فَبَشِّرهُم بِعَذاب ألیم - یَومَ یُحمی عَلَیها فی نارَ جَهَنَّم فَتُکوی بِها جِباهُهُم و جُنوبُهُم وَ ظُهورُهُم هذا ما کَنَزتُم لِإنفُسِکُم فَذُوقُوا ما کُنتُم تکنِزوُنَ» توبه/۳۵و۳۴

[گروهی را که طلا و نقره را گنج می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی نمایند، به عذاب دردناک بشارت بده روزی همان طلاها در آتش دوزخ سرخ می گردند و پیشانی و پشت آنها داغ زده می شود [به آنان گفته می شود] که این آتشها همان گنجها است پس عذاب دردناک را بچشید.]

همچنین اگر گنهکار از کیفرهای الهی درباره قتل مؤمن و رباخوار و ... آگاه گردد به طور مسلم از میزان جرایم به وضع روشنی کاسته می شود.

از نظر یک فرد با ایمان جهان سراسر چشم و گوش است و دستگاههای گیرنده و منعکس کننده، کلیه افعال و کارهای انسان را ضبط نموده، و منعکس می نمایند و روزی فرا می رسد که تمام این اسناد در برابر محکمه عدل الهی قرار گرفته مطابق این اسناد قطعی کیفر می بیند قرآن این حقیقت را در آیات زیر بیان می کند.

«هذا کِتابُنا یَنطِقُ عَلَیکُم بِالحَقِّ إنا کُنا نَستَنسِخُ ما کُنتُم تَعمَلونَ». جاثیه/۲۹

[این نوشته های ما است که به حق سخن می گوید ما آنچه را عمل می کردیم می نوشتیم.]

«ما یَلفِظَ مِن قَول إلا لَدَیهِ رَقیبُ عَتِیدُ» ق/۱۸ [سخن نمی گوید مگر اینکه مراقبی برای ضبط آن آماده است.]

پاداش ها

ثانیا: اسلام علاوه بر تعدد کیفر، به شرحی که بیان گردید به موضوع پاداش توجه کرده و در پرتو آن به موضوع اجرای قوانین کمک شایان تقدیری نموده است. در قوانین امروز برای عاملِ به قانون، پاداشی در نظر گرفته نشده است. زیرا قانونگذار تصور می کند که عمل به قانون وظیفه انسانی و اجتماعی است که برای تأمین عدالت اجتماعی که سود آن عاید عامل می گردد و این مطلب منطقی است ولی آیا تمام افراد

این منطق را درک می کنند؟ و آیا توده مردم که اکثر قوانین متوجه آنها است خلاف آن را انتظار ندارند؟ آنان با خود می گویند همان طور که تخلف کیفر دارد باید عامل به قانون نیز پاداشی داشته باشد. اسلام با تعیین پاداشها توانسته است این خلأ را در ذهن توده ها پر کند، تا آنان به طور خودکار از گناهان دوری جویند و به اطاعت و پیروی از قوانین بگرایند.

در مضمون آیه زیر دقت بفرمایید که چگونه در افراد، روح آزادگی و گذشت از جان و مال را در برابر گسترش آیین خدا پرورش می دهد:

«إِنَّ اللّهَ اشتَرى مِنَ المؤْمِنينَ أَنفُسَهُم وَ أَموالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الجَنَّهَ وَ يُقاتِلُونَ فى سَبيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقتَلُونَ» توبه/١١١

[خداوند جان و مال افراد با ایمان را در برابر بهشت خریداری نموده است، آنان در راه خدا جهاد می کنند، می کشند و کشته می شوند.]

انگیزه بسیاری از افراد با ایمان برای رعایت قوانین اعم از فرایض و نوافل همین پاداشها است که آنان را به سوی هدف اعزام می کند و هرگز نباید از یک چنین عامل مؤثر غفلت نمود. اسلام برای نفوذ قانون در دل اجتماع، هرگز کیفر متخلف را با پاداش مطیع یکسان نگرفته است بلکه به خاطر رعایت عدالت، کیفر را معادل جرم قرار داده در حالی که پاداش بر عمل نیک را ده برابر معرفی کرده چنانکه می فرماید:

«مَن جاءَ بِالحَسَنَهِ فَلَهُ عَشرُ أَمثالِها وَ مَن جاء ـِبِالسَيِّئَهِ فَلا يُجزى إِلا مِثلَها» انعام/١۶٠.

[هر کس یک کار نیک انجام دهد ده برابر پاداش دارد و هر کس گناهی انجام دهد به مقدار تخلف، کیفر می بیند.]

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پرسش

برای مبارزه با بی عدالتی

موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پاسخ

متاسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه ، و تاکیدات فراوان امام راحل (ره) ومقام معظم رهبری در این خصوص ، هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچ وجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده ، ونظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشدبر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود درجامعه را می توان در موارد ذیل بصورت مختص بیان نمود : الف – توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور : پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی درپیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه ازشاخصهای مطلوب گردید .به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود .این عامل در برخی از تحلیلها و تحقیقات به عمل آمده ،عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است . حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند، می فرمایند : ((در این مرحله از انقلاب ،هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن ، رفاه مادی هم راه باعدالت اجتماعی و توام با روحیه و آرمان انقلابی ، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام ، تامین شود .هر یک

از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد)) ، (حدیث ولایت ، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷) . و در جای دیگر می فرمایند : ((در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل ازهمه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق وشکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد .رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست ،بلکه رشد اقتصادی جزیی از هدف ماست و جز دیگر عبارت از عدالت است ... هربرنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی ، یا در مجموع برنامه هاما را به هدف عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست)) ، (روزنامه رسالت ، ۹/۳/۱۳۷۲) . ب - برخورد فیزیکی ، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان وصاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده : امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی راسرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند : ۱- مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال . حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند : ((... با قوانین لازم و تامین امنیت قضایی در کشور بساط

تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروعزندگی مردم ، جمع شود ...)) ، (حدیث ولایت ، ج ۱، ص ۲۸۷) . و در فرمان مبارزه بافساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند براین امر مهم تاکید نمودند که خود بیانگر، عزم ، همدلی و همکاری قوای سه گانه بابرنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد .ج – پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید : یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه ، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از : ۱– اسوه ونمونه بودن مسوولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی (ع) می فرمایند : ((ان الله تعالی فرض علی ایمه العدل ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس ، کیلا یتبیغ بالفقیرفقره ؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده ، خود را با اقشار ناتوان ومحروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند .تا تنگدستی فقیر،او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد)) ، (نهج البلاغه ، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵) ۲– زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان : حضرت علی (ع) درفرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می فرمایند ((والی را نزدیکان وخویشاوندانی است که خوی

برتری طلبی و گردن فرازی دارنـد و در داد و سـتد، کمترحاضـر به رعـایت انصافنـد، وظیفه تو، آن است که ریشه سـتم چنین افرادی را قطع نمـایی)) ، (نهـج البلاغه ، نامه ۵۳، ص ۴۴۱) . ۳- بازرسـی ، نظـارت ، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کـارگزاران : حضـرت آیـت الله خـامنه ای در این زمینه می فرماینـد : ((بایـد در گزینش کارمنـدان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبـال گزینش خوبـان ، نظـارت بر کـار آنان نیز ضـروری است ، چون مقام و قـدرت ، غالبا"اخلاق و رفتار مسوولان را تغییر می دهـد، بنـابراین اگر بعـد از گزینش حتی افراد پارسـاو کـاردان ، از بالا بر عمـل کرد آنان نظارت دقیقی نشـود، ممکـن است به تدریـج تغییررویه داده و به سـبب سـستی در انجـام وظیفه مـوجب بی اعتمـادی ملت نسبت به دسـتگاه حکومت اسـلامی شوند ...)) ، (فجر انقلاب در بهار قرآن ، ص ۲۰۳ و ۲۰۵) . د- بالا بردن میزان آگاهی مردم : با بالا رفتن میزان آگـاهی مردم ، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابـد و بی عـدالتی را نمی پذیرنـد و به انحا مختلف برای دستیابی به حقوقشـان می کوشـند از این طریق قشـر متوسـط گسترش و نقش آنهـا درتصـمیمگیریهای سیاسـی افزایش می یابـد .ه – توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشـهای اسلامی در جامعه : زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان ، تقوا، تعهدو ...موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ((اعدلوا هو اقرب للتقوی

)) ، (مایده / ۸) امام علی (ع) نیز می فرماید : ((قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و دادآراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند)) ، (نهج البلاغه ،خطبه ۸۷) . لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه ، تحقق باوری عمیق ، درونی ریشه دارد، عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی ، اجرایی ، قضایی ، نظامی ، و انتظامی ، آموزشی ،فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی موثر جامعه نقش تعیین کننده ، ایفا می کنند، لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱-رفتار حقیقی و حقوقی مدیران ، ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی ، تبلورو تجلی یابد .و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات ، اشتغال ، مسکن ؛ رفاه و ...که در اصول متعددی ازقانون اساسی ج . ا .ا .متبلور می باشد .برای آگاهی بیشتر ر.ك : فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۷، ص ۴۸ فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه ، ص ۱۹۶ علی ذو علم ، انقلاب و ارزشها،ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه ، ص ۴۸۰ ;

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه

بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد; استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد; حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،

به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم:

- در سوره فاطر(۴۱) می فرماید:

«اِنْ اللَّه یمسک السموات و الارض ان تزولا»; خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید.

- در سوره فرقان(۲) می فرماید:

«و خلق کل شیی فقدره تقدیراً»; خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود.

- در سوره آل عمران(۱۸) می فرماید:

«شهدالله انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط»; خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

- در سوره فاطر(۴۳) می فرماید:

«فلن تجد لسنه الله تبدیلاولن تجد لسنه الله تحویلا»; هرگز در سنّت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می فهمیم که اولاـ یک قدرت بر تمام جهان مسلّط است که هر موجود را به جای خود و همه جهان را مجموعاً نگهداری می کند. ثانیاً:

هر موجودی به انـدازه معینی و دارای اسـتعداد خاصّی آفریـده شـده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عـدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشـته که از مجموع آنهـا واحـدی به نـام جهان تشـکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشـند که همان قانون جهان یا سـنّت خـدا نامیده می شود؛ رابعاً: سـنّت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهـده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشـر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهـان هستی به قـدرت و عـدالت برپاست. قـدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشـی شـدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسـته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رسانـد. و در نتیجه این قـدرت و عـدالت است که هیـچ چیز از حـد خود تجاوز نمی کنـد و حـد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشـری نیز بایـد قـدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشـی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام

اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشناسد و یا

۵۳۲

بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

(بخش پرسش و پاسخ)

۵۳۳

دیدگاه مرحوم مطهری درباه ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟

پرسش

دیدگاه مرحوم مطهری درباه ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟

پاسخ

شما توضیح مطلبی از کتاب عدل الهی نوشته مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری بود در پاسخ یادآور می شویم همانگونه که خود ایشان توضیح داده اند "استحقاق" این است که یک انسان بطور طبیعی یا اکتسابی دارای حقی باشد که مراعات حق او در این صورت عدالت خواهد بود مثلاً اگر انسان با کارگری قرار داد کرد که یک روز برای انسان کار کند و در مقابل ۲۰۰۰ تومان دریافت دارد این کاردگر در برابر ار یک روز استحقاق دریافت ۲۰۰۰ تومان درا دارد و اگر این استحقاق مراعات نشود و از این ۲۰۰۰ تومان چیزی به او کم داده شود عدالت مراعات نشد و باور ستم شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۷۵

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به

توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون

ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است واندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی

و حکومت الهی آنان میسّر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟

پرسش

با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟

پاسخ

انکار تبعیض نژادی در اسلام معنایش این نیست که واقعیّات زندگی هم نادیده گرفته شود، شکی نیست که سلامتی و شادابی جسم در سلامتی روح اثر دارد و افراد زیبا صورت و خوش قدم و قامت قطعاً بر اثر داشتن بنیه ای نیرومندتر از نظر جسمی در شئون اجتماعی و معاشرتی خوش برخوردتر و با نشاط ترند و این مطلب مسلم است که طبع هر انسانی به کامل هر چیزی تمایل بیشتری دارد تا به ناقص آن و اصولاـ انسانی که از نظر زیبائی و ملاحت بهره یی کافی دارد جاذبه ی بیشتری خواهد داشت.

و روایت هم گویا در مقام ارشاد به همین واقعیّت است که هر انسانی قطرتاً به آن تمایل دارد و اصلا در مقام بیان برتری افراد از نظر جنبه های ایمانی نیست تا گفته شود برنامه اسلام در مقام بربری فقط زیبائیهای ظاهری و جسمی توجّه ندارد بلکه مسلّم

است که زیباترین افراد هم اگر از نظر معنویت فاسد باشد دارای ایمان و تقوی نباشد از زشت ترین فردی که با ایان و تقوی باشد پست تر است، همان که خود پیامبر گرامی اسلام((صلی الله علیه وآله)) برخی از افراد زشت و سیاه که دلشان مملو از نور خدا و ایمان بود بر ثروتمندترین و زیباترین افراد غیر مسلمان و مسلمانان کم تقوی ترجیح می داد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

مساوات در اسلام چگونه است؟

پرسش

مساوات در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام، ارزش های موهومی که معیّار برای فضیلت و برتری انسانها شمرده شده، نفی شده است و تنها ارزش بر مبنای تقوی و علم و مجاده است. بنابراین ملیّت و رنگ و نژاد و ثروت و امثال اینها، معیار فضیلت نیست و هیچ ملّتی از این جهات بر ملّت دیگر فضیلت و برتری ندارد و بنابر فرمایش حضرت رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) «لافضل لعربی علی عجمی و لعجمی علی عربی و لا لابیض علی اسود و لا لاسود علی ابیض الاّ بالتقوی; هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب و هیچ سفیدی بر سیاه و هیچ سیاهی بر سفید برتری ندارد جز به تقوی»(۱).

از نظر حقوق نیز افراد از حقوق مساوی برخوردار هستند و قوانین اسلامی براساس قسط و عدل استوار شده است، یادآوری یک نکته لازم است و آن اینکه تساوی به

۱ -

گونه ای که برخی از گروه ها تحت عنوان جامعه یی طبقه مطرح می کنند و می گویند باید تساوی مطلق و از تمام جهات در جامعه حکومت کند، صحیح نیست. زیرا تساوی به این معنی، موجب ظلم بر بسیاری از افراد می شود. برخی افراد هستند که تلاش و کار بیشتری انجام می دهند; اگر حقوق اینان به اندازه افرادی باشد که کار کمتر انجام می دهند، این ظلم است.

بنابراین وقتی گفته می شود انسان ها از حقوق مساوی برخوردار هستند، اندازه استحقاقها و کارها نیز ملحوظ است و در این گونه موارد تعبیر صحیح تر این است که به جای «تساوی» از «قسط» و «عدل» استفاده شود.

(بخش پاسخ

به سؤالات)

۱۱۹۶

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون

ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است واندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی

۱۳۱

و حکومت الهی آنان میسّر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۳۲

اسلام

مسلمین و انحطاط

آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟

پرسش

آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟

پاسخ

ظلم بالسویه ظلم عمومی است زیرا معنای آن این است که حق همه بطور مساوی پایمال می شود و پایمال کردن حقوق عموم مردم ظلم و تجاوز عمومی نام خواهد داشت همچنانکه نسبت به بعضی از افراد ظلم کردن ظلم خصوصی است و ظلم با عدالت نمی سازد زیرا عدالت به معنای آن است که حق هر شخص به صاحبش داده شود بنابراین اگر جمعیتی باشد و هر کدام حقی داشته باشند عدالت آن است که بدون اینکه بین آنان فرق قائل شوند حق هر کسی را باو بدهند و اگر بخواهند حق یکنفر را بدهند و دیگری را ندهند ظلم است همچنین اگر حق هیچکس را ندهند باز ظلم است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۴۷

چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر

پرسش

چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر

۴۶۱

باشند؟

پاسخ

علت اینکه اسلام تبعیضات نژادی و تبعیض بین طبقات مختلف اجتماع را مردود و محکوم می داند این است که اصولاً دید اسلام نسبت به انسان یک دید وسیع و عمیق است و انسان از نظر اسلام یک حقیقت واحد وداری خواستهای و نیازهای اساسی واحدی است و همه ی افراد نوع انسانی از این لحاظ یکسان می باشند و نژاد و رنگ و سایر خصوصیات، حقیقت انسانی را تغییر نمی دهد بنابراین دلیلی ندارد که سفیدپوست "مثلاً" خود را برتر از سیاهپوست بداند و برای خود حقوق بیشتری قابل باشد با آنکه هر دو در حقیقت انسانیت با هم مساویند، مساوات بین فقیر و غنی از نظر حقوق و قوانین نیز از همین جا سرچشمه گرفته است زیرا که فقیر یعنی شخصی که از نظر مالی متمکن نیست با ثروتمند از نظر انسانیت و سایر شؤن مربوط به آفرینش مساوی است لذا باید به هر دو حقوق اجتماعی واحدی داده شود و نداشتن ثروت نباید ارزش واقعی او را کم کند.

۴۶۲

اسلام ملاک فضیلت و برتری ر روی پایه های معنوی استوار کرده و صریحاً می گوید ان اکرمکم عندالله اتقیکم گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

آن کسی که در راه انجام دستورات دینی و اوامر الهی تسلیم محض باشد وروح پاک خود رابه گناه آلوده نکند او برتر از دیگرانست خواه سیاه باشد یا سفید غنی باشدیا فقیر، شئونات مادی از نظر اسلام ابداً ملاک فضیلت و برتری نیست.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۶۳

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان

به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است

واندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی و حکومت الهی آنان میسّر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

آفریدگار، خداشناسی

راههای شناخت خدا آفاتی عقلی

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد; استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد; حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،

به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم:

- در سوره فاطر(۴۱) می فرماید:

«اِنْ اللّه یمسک السموات و الارض ان تزولا»; خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید.

- در سوره فرقان(۲) می فرماید:

«و خلق کل شیی فقدره تقدیراً»; خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود.

- در سوره آل عمران(۱۸) می فرماید:

«شهدالله انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط»; خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند

در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

- در سوره فاطر(۴۳) می فرماید:

۲

«فلن تجد لسنه الله تبدیلاولن تجد لسنه الله تحویلا»; هرگز در سنّت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می فهمیم که اولا: یک قدرت بر تمام جهان مسلّط است که هر موجود را به جای خود و

همه جهان را مجموعاً نگهـداری می کند. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای اسـتعداد خاصّی آفریده شده است; ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عـدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشـته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشـکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشـند که همان قانون جهان یا سـنّت خـدا نامیـده می شود; رابعاً: سـنّت خـدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهـده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشـر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهـان هستی به قـدرت و عـدالت برپاست. قـدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشـی شـدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسـته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رسانـد. و در نتیجه این قـدرت و عـدالت است که هیـچ چیز از حـد خود تجاوز نمی کنـد و حـد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشـری نیز بایـد قـدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشـی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن

تخلف کند، نابود می شود.

۳

برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشناسد و یا بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

(بخش پرسش و پاسخ)

۴

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون

ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است واندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی

و حکومت الهی آنان میسّر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد; استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد; حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،

به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم:

- در سوره فاطر(۴۱) می فرماید:

«اِنَّ اللّهَ یمسک السموات و الارض ان تزولا»; خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید.

- در سوره فرقان(۲) می فرماید:

«و خلق کل شیی فقدره تقدیراً»; خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود.

– در سوره آل عمران(۱۸) می فرماید:

«شهدالله انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط»; خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

– در سوره فاطر(۴۳) می فرماید:

«فلن تجد لسنه الله تبدیلاولن تجد لسنه الله تحویلا»; هرگز در سنّت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می فهمیم که اولا: یک قدرت بر تمام جهان مسلّط است که هر موجود را به جای خود و

همه جهان را مجموعاً نگهـداری می کند. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای اسـتعداد خاصّ‌ی آفریده شده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عـدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشـته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشـکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشـند که همان قانون جهان یا سنّت خـدا نامیـده می شود؛ رابعاً: سنّت خـدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهـده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشـر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهـان هستی به قـدرت و عـدالت برپاست. قـدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشـی شـدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسـته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رسانـد. و در نتیجه این قـدرت و عـدالت است که هیـچ چیز از حـد خود تجاوز نمی کنـد و حـد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشـری نیز بایـد قـدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشـی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن

تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشناسد و یا

بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

(بخش پرسش و پاسخ)

چرا در خیابانهای شــهر ما یعنی دومین کلانشــهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خانم بدکاری را به خدمت بگیرد؟ چرا اینچنین آزادیهایی را از مردم سلب نمی نمائید؟

پرسش

چرا در خیابانهای شهر ما یعنی دومین کلانشهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خانم بدکاری را به خدمت بگیرد؟ چرا اینچنین آزادیهایی را از مردم سلب نمی نمائید؟

پاسخ

می دانیم که موضوع مورد اشاره یکی از پدیده های شوم اجتماعی است و عوامل متعددی در آن نقش دارند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

۱. بوجود آمدن فاصله طبقاتی (فقر نابجا و ثروت نابجا فساد به دنبال دارد)

۲. افزایش آمار اعتیاد و پایین آمدن سن اعتیاد و به تبع آن از هم پاشیدن بنیان خانواده.

۳. عدم تأمین هزینه عائله مندی توسط سرپرست خانواده که به اعتیاد کشیده شده اند.

۴. افزایش آمار طلاق، (آنگونه که در اخبار عنوان شد ایران مقام چهارم از نظر طلاق بعد از آمریکا، کانادا و مصر را دارد) در شهر بزرگی مثل تهران از هر ۴ ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می شود و بیش از ۶۰٪ طلاقهای انجام گرفته در اثر اعتیاد همسران بوده است. نتیجهچنین طلاقهایی، بوجود آمدن کودکان خیابانی، بی سرپرست و فرار دختران و پسران از منزل را به دنبال دارد.

۵. افزایش افسار گسیخته شهر نشینی بویژه در شهرهای بزرگ و بالتبع بالارفتن هزینه زندگی خانواده.

۶. نقص قوانین در برخورد با چنین معضلاتی.

۷. کمبود امکانات دولتی برای تربیت و تحت پوشش قراردادن چنین افرادی.

۸. ضعف عمل کردن دستگاه انتظامی بخاطر و به محاکمه کشیدن فرماندهی نیرو در شهر بزرگی مثل تهران و برکناری فرماندهی.

۹. نقص دستگاه قضایی

البته با توجه به پیچیده بودن مسائل اجتماعی به همین میزان عوامل و پیش زمینه ها نیز پیچیده می باشند همه عوامل نامبرده شده به ترک نمودن آن اساسی باز می گردد که اسلام بر آن تأکید نموده است و

آن چیزی جز امر بـه معروف و نهی از منکر نیسـت و همه مردم به نـوعی در تعطیلی آن نقش داشـته انـد فلـذا مسـیر انحراف و فحشا اگر برای آن چاره ای اساسی نشود به سویی پیش می رود که پیامبر اسلام (فرموده اند:

"لا‌تزال امـتی بخیرمـا امروا بـالمعروف و نهوا عن المنکر و تعـاونوا علی البر فـاذا لم یفعلوا ذلـک نزعت منهم البرکـات و سـلط بعضهم علی بعض ولم یکن لهم ناصرفی الارض ولافی السماء"

چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟

پرسش

چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟

پاسخ

از آنجـائیکه عـدالت جز تعـدیل قـوا و توان نفسـانی وگزینش میـانه روی و اقتصـاد در امور نیست بـا پرهیز از افراط و تفریـط، تندروی و کندروی و تنظیم زندگی در ابعاد فردی و اجتماعی برآن اساس می توان به عدالت که سـرمنزل مقصود سـیر تکامل است دست یازید.

آنچه در این راسـتا از اهمیت ویژه برخوردار است شـناخت نقطه افراط و تفریط، تنـدروی و کنـدروی و شـفاف نمودن موضـع اعتـدال و میـانه و اقتصـاد است که علم فقه و دانش اخلاـق هریک بگونه ای در صـدد نشان دادن آن موضع که همان تکلیف بشر است می باشند.

بر این اساس عمل به بایدها و نبایدهای الهی که همان تکلیف عادلانه و معتدلانه است را سرمشق قراردادن و درگام اول ترک محرمات و عمل به واجبات و اصـلاح اخلاقیات که مشتمل بر تحصیل فضایل اخلاقی و ترک رذایل آن و نیز عقاید که مشتمل بر زدودن جهل و تحصـیل معارف می باشد حرکت در مسیر اعتدال در قوای ادراکی و تحریکی به تعبیر امام رضوان الله تعالی علیه می باشد که نمودار مختصر آن از کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل ص۱۴۹ چنین می باشد:

عقل نظری که اعتدال آن = حکمت

قوه ادراکعقل عملی که اعتدال آن= عدالت

قوای نفسدفع (غضب) که اعتدال آن= شجاعت

قوه تحریکجذب (شهوت) که اعتدال آن= عفت

آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟

پرسش

پرسش

آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟

پاسخ

از آنجائیکه عدل قراردادن هر چیز بجای خود و انجام شایسته هر کاری است و هر گونه جابجائی خلاف عدالت و ملازم با ظلم می باشد بنابراین رعایت دقیق عدالت در جامعه ملازم با شناخت دقیق همه هستی و همه نیازهای واقعی بشر و تأمین آن بطور شایسته آن است چنین معرفتی از گستره اندیشه های بشر خارج، و فکر بشر ناتوان از دستیابی به آن است از این رهگذر برای اجرای عدالت واقعی چاره ای جز تنظیم عملکردها بر اساس وحی و مقررات الهی نیست مقرراتی از سوی دردآشنای حقیقی و مهندس توانای هستی و بشر، با دانشی نامحدود و محبت و مهر فوق تصور نسبت به انسان و وارسته از هر نیاز به غیر و امداد از دیگران.

بنابراین اساس میزان موفقیت در اجرای بایدها و نباید ها الهی در زندگی فردی و اجتماعی ضریب دستیازی به عدالت واقعی خواهد بود. و بین توفیق اجرای احکام الهی و گسترش عدالت رابطه مستقیم است.

در جامعه ما احدی مدعی اجرای کامل احکام الهی نمی باشد ولی راه برای رسیدن به آن همواره باز است و روندگان آن مورد تشویق خدایند که حکومت اسلامی ایران بسوی آن در حرکت است.

انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرائی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد ادرای و پارتی بازی، خفه شدن و زیر پارفتن فقراء، گفتار شیرین مسئولین و خالی از عمل، در سال ۷۹ اینجانب ور شکست کردم و کلاه مرا برداشتند دو سال در دا

پرسش

انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرائی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد ادرای و پارتی بازی، خفه شدن و زیر پارفتن فقراء، گفتار شیرین مسئولین و خالی از عمل، در سال ۷۹ اینجانب ور شکست کردم و کلاه مرا برداشتند دو سال در دادگستری مشهد دویدم ولی به علت نداشتن امکانات و پول نتوانستم وکیل بگیرم حقم ضایع شد.

پاسخ

از این که با ما ارتباط برقرار کرده ای و درد دل نموده ای خوشحال و سپاسگزاریم. امید است سنگ صبور خوبی برایت باشیم. با تو اظهار همدردی نموده و از این که با مشکل مواجه شده ای بی نهایت نگران و ناراحت شدیم ولی می دانی که دنیای کنونی پر است از مشکلات و اصولاً ـ دنیا زندان صاحبان خرد اندیشه و فضیلت است. ما نیز همانند تو از دنیا طلبی برخی مسئولان کشور در سطوح مختلف کشور استان و شهرستانها بشدت رنج می بریم و آنرا خطری بزرگ برای آینده و سرنوشت

کشور و نظام می دانیم. دنیاطلبی و چسبیـدن به مادیات صـرف برای همه مضّـر است وسم مهلکی است که هماننـد خوره جان افراد را می خورد مـال و ثروت دنیـا و تجـارت و بـاغ و ملـك و خانه و ... خوب است مشـروط بر این که در خـدمت جامعه و محرومان باشد و دردی از دردهای جانکاه دردمندان برطرف سازد.

تاریخ نشان می دهد هرگاه مسئولان کشوری به دنیاطلبی و تجمل گرایی و عیش و عشرت اشتغال ورزیده اند جامعه به سرعت به سوی سـقوط و انحطاط سیاسـی، اخلاقی و اجتماعی فقر و فلاکت پیش رفته است. ثروت اندوزی بی حد و حصر برای همه افراد

و اعضای جامعه مضّر و کشنده است و برای مسئولان یک کشور فاجعه آمیز و خطرناک است. تبعیض و بیعدالتی و اختلاف طبقاتی، پارتی بازی، پایمال شدن حقوق ضعیفان و ... همه و همه ریشه در ثروت اندوزی و ریاست طلبی مسئولان دارد به گونه ای که حتی موجب نابودی و از بین رفتن فضیلت ها و ارزشهای انسانی می شود و انسانهای خدوم، عدالت گستر و والا مقامی همانند امیرالمؤمنین علی (را با شمشیر جهالت و تعصّب به شهادت می رساند. لذا گفته اند علی (در محراب عبادت به شهادت رسید زیرا بشدت عدالت می و رزید و می فرمود: حقوق افراد را به صاحبان آن باز می گردانم حتی اگر به کابین زنان رفته باشد.

دنیا طلبی و ثروت اندوزی و حب ریاست و مقام نه تنها بیعدالتی و تبعیض و ... را به دنبال دارد بلکه ارزشها و فضایل انسانی و سمبل های فضیلت را به کام نیستی و نابودی می کشاند تا در مسیر چپاول و غارت، مانعی برای خود نبیند.

دوست عزیز و بزرگوار آنچه شما بیان کرده ای یک واقعیت تلخ است که روزانه انسانهای مختلفی با آن مواجه هستند و بسیاری از این موارد را من و شما از آن بی اطلاع هستیم. چه بسا افرادی که به دلیل مشکلاتی مشابه مشکل شما از هستی ساقط شده اند. چه خانواده هایی که متلاشی شده اند. چه انسانهای بیگناهی که به مجازات و زندان و ... گرفتار شدند و می شوند و ...

اما همه ما باید این حقیقت را به روشنی بیابیم و درک کنیم که حق چیزی است که باید آن را گرفت. در راه توسعه عدالت باید تلاش و مبارزه کرد. به

افشاگری و بیان حقیقت پرداخت. به افراد مختلف و مسئولان عالی رتبه کشور گوشزد کرد اگر اعتراض و انتقاد و نقد منصفانه عملکرد مسئولان بصورت فرهنگی همگانی درآید یقیناً بسیاری از صاحبان مناصب از ترس فشار افکار عمومی از بسیاری از کارهای ناشایست و خلاف حق و عدالت و وجدان بشری خودداری خواهند ورزید ولی اگر در جامعه هرکس فقط به فکراین باشد که گلیم خویش را از آب بکشد و به دیگری کار نداشته باشد حق مظلومین و دردمندان پایمال خواهد شد.

برادر عزیز، دنیا پر از افکار و اندیشه ها و اعمال ناشایست و نادرست است مهم این است که ما مراقب باشیم اولاً به آن آلوده نشویم و ثانیاً برای مقابله و مبارزه و اصلاح جامعه از تباهی ها و بدبختی ها تلاش خستگی ناپذیر و همگانی را آغاز کنیم و با مشورت با افراد زبده و خبره در راه احقاق حق و عدالت با جدیّت بکوشیم. شما نیز با مشورت با بعضی از افراد نیکوکار و صاحب رأی و اندیشه در این جهاد مقدس سهیم شوید. امید آن که با تلاش همه جانبه و فراگیرشاهد جامعه ای نسبتاً سالم و عاری از مفاسد کلان و گسترده باشیم. امید است در راه اعتلای کلمه حق و حاکمیت عدالت و حقیقت خداوند پشتیبان و یاورت باشد.

چرابایــد همیشه مردم گناباد مورد تبعیض قرار گیرنــد(این سؤالی است که خواهش دارم رهبر یا رئیس جمهور پاسخ بدهند) چرا باید مردم این شهر به طور وحشتناکی مهاجرت کنند ، چرا اگر تبعیض وجود ندارد (از طرف شما آقایان) امکانات و تجهیزاتی که به این شهر و مردم اختصاص داد

پرسش

چرابایـد همیشه مردم گنابـاد مورد تبعیض قرار گیرنـد(این سؤالی است که خواهش دارم رهبر یا رئیس جمهور پاسـخ بدهنـد) چرا بایـد مردم این شـهر به طور وحشـتناکی مهـاجرت کننـد ، چرا اگر تبعیض وجود نـدارد (از طرف شـما آقایان) امکانات و تجهیزاتی که به این شهر و مردم اختصاص داده

شـده بودند از این شـهر هنوز نرسـیده رخت بربسـتند و چرا امکانات وعده داده شده به این مردم خیلی ضـعیف ترتیب اثر داده نمی شود چرا چرا ؟؟؟

پاسخ

مسـئولان و مردم در یک جامعه جلوه و نمود یکـدیگر هسـتند وقتی مسـئولان به سـمت مسأله ای خاص توجه نماینـد مردم نیز اکثریت آنها به همان مسأله توجه عمـده ای پیـدا می کننـد. اگر امروز شاهـد رفاه طلبی و تجمل گرایی و بی عـدالتی هستیم و مردم هر کدام به زور خودشان سـعی می کنند از نظر مادی خودشان را ارتقاء بخشـند و وضعیت برتر و بالاتری پیدا کنند نشان دهنده این است که مسـئولان و کارگزاران کشور نیز در سالهای گذشـته و حاضـر دارای چنین روحیه ای هستند ، طبیعی است که مردم بیشتر بدین جهت سوق پیدا کنند .

برادر عزیز یکی از راه هـای مقابله با این بیعـدالتی و تبعیض های ناروا و تجمل گرایی و رفاه گرایی ها افزیش آگاهی و بینش مردم است تـا از طریق رسانه های مکتوب و غیر مکتوب مسـئولان را مورد مؤاخـذه و بازخواست قرار دهنـد قطعاً و مسـلماً این مؤاخـذه هـا اگر جنبه عمومی و گسترده پیـدا کنـد مسؤلان را به تجدیـد نظر در مشـی و روش خود وادار خواهـد کرد و نیز از ترس افکار عمومی بسـیاری از کارهای خلاف و ناشایست را انجام نخواهنـد داد ولی اگر تعـداد اندکی از مردم آنهم بصورت علنی بلکـه از راه نـق زدن فقـط در جمـع هـای خـانوادگی و . . . به گلاـیه و شـکوه از مسـئولان بپردازنـد بلاشـک تـأثیری در اصطلاح روند موجود نخواهد داشت . ولی اگر بجای نق زدن در جمع های خودمانی ، گلایه ها و شکوه ها و

خلاف ها و اشتباهات مسئولان به رسانه های گروهی کشیده بشود و از آنان حق و حقوق جامعه و افراد مطالبه بشود ناگزیر خواهند شد به افکار عمومی پاسخ بگویند و از بسیاری از خلاف ها و احجاف و تعدی ها دست بر خواهند داشت شما جوانان برومند کشور باید با این انگیزه و نیت، نه برای تخریب و تضعیف بلکه برای اصلاح روند امور به نقد و ارزیابی عملکرد مسئولان با دلایل روشن ومتقن همت بگمارید .

روش دیگر گسترش عدالت و کاهش تبعیض و بیعدالتی نظارت بر عملکرد دستگاهها و مسئولان از طریق نمایندگان منتخب مردم است. نماینده هر شهرستان نه تنها بر روند جاری امور در شهر و منطقه خودش باید نظارت بکند بلکه بر جریان کل امور کشور می تواند نظارت بکند و عملکرد مسئولان را به بوته نقد بگذارد، احزاب ، جمعیت ها ، سازمانها و مؤسسات غیر دولتی نیز می توانند با نقد عملکرد مسئولان بر درستی و صحت روند جریانات امور نظارت کنند و از بسیاری از تخلفات جلوگیری نمایند ، بنابراین برای آنچه دغدغه شما و تمامی جوانان خوب و با فضیلت کشور و شهر شماست باید افکار عمومی بر عملکرد مسئولان نظارت همگانی داشته باشند، دستگاهها و نمایندگان منتخب مردم نیز یکی از وظایف مهم شان نظارت بر درستی عملکرد است. امید است همواره انشاء ا... عدالت گستر و عدالت خواه باشید.

چرا این قدر اجناس گران است؟

پرسش

چرا این قدر اجناس گران است؟

پاسخ

تورم و گرانی یکی از معضلات و گرفتاریهای اجتماعی جامعه امروزی است که بسیاری از جوامع انسانی با آن دست به گریبان هستند و بر اثر فشار تورم شانه های بسیاری از مردم خم شده است. گرانی علل و عوامل گوناگونی دارد که برخی از آنها از حیطه قدرت داخلی، خارج است و بخشی از تورم کشور ما ناشی از تورم جهانی و نوسانات قیمت ها در سطح جهان است. اگر گفته می شود جهان امروز دهکده جهانی است یعنی آنقدر ارتباطات و وابستگی ها زیاد شده است که هر گونه تغییر و تحول در بخشی از کره خاك می تواند سایر بلاد و نقاط را تحت تأثیر قرار دهد. نوسانات قیمت ها، افزایش درآمدها، کاهش درآمدها و قیمت ها در برخی کالاها و خدمات به دلیل وابستگی های جهانی در هر منطقه ای از جهان بوقوع بپیوندد سایر مناطق را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به عنوان مثال وقتی در عراق بحران بوجود می آید و احتمال کاهش یا قطع نفت صادراتی این کشور مطرح می شود قیمت نفت افزایش می یابد طبیعتاً افزایش قیمت نفت برای کشورهای صادر کننده افزایش درآمد را در پی دارد ولی برای کشورهای مصرف کننده افزایش هزینه ها را به دنبال خواهد داشت. طبیعی است که اگر این افزایش استمرار یابد موجب افزایش کالاها و خدمات در کشورهای مصرف کننده خواهد شد لذا تمامی کسانی که مصرف کننده کالاها و خدمات آن کشورها هستند با افزایش قیمت کالاها و خدمات مواجه خواهند شد.

بنابراین برخی از افزایش یا کاهش قیمت ها متأثر از شرایط جهانی و تورم جهانی است که چاره ای جز تحمل آنرا نداریم و

نمی توان مانع

افزایش قیمت ها شد بلکه می توان برای مقابله با آثار و عواقب آن تدبیر و اندیشه کرد زیرا مهار آن از قدرت ما خارج است. بنابراین اگر تورم ناشی از شرایط جهانی باشد باید تدبیرهای خاصی برای کاهش اثرات آن توسط مسئولان عالی رتبه دولتی اتخاذ گردد.

بخشی دیگری از عوامل تورم داخلی است که مهم ترین آن کاهش تولید یا ممکن است ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده کالاها و خدمات باشد در این صورت تولید کننده ناگزیر است کالای تولیدی خودش را با قیمت بیشتری ارایه نماید. در این صورت نیز مسئولان باید با تدابیر خاص و ویژه به مردم افزایش می یابد افراد برای خرید به بازار هجوم می برند و طبعاً وقتی تقاضا برای خرید یک یا چند کالا افزایش پیدا کند ولی تولید و عرضه با تقاضا تناسب نداشته باشد قیمت ها افزایش خواهد یافت و کمبود کالا، احتکار و گران فروشی گسترش خواهد یافت. در این صورت مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران دولتی می توانند با اعمال سیاستهای پولی نقدینگی موجود در جامعه را کاهش دهند و برای تثبیت، کاهش و یا متعادل ساختن قیمت ها اقدام کنند.

عامل دیگری که به افزایش قیمت ها و تورم کمک می کند عامل روانی است. شایعه در ایجاد نیاز کاذب در جامعه و هجوم افراد جامعه برای خرید کالا یا کالاهایی خاص نقش مهمی دارد. افراد سودجو با استفاده از این حربه در مدت زمان کوتاهی موفق می شوند تعداد زیادی کالهای خود را با قیمت های گزاف و چند برابر به جامعه عرضه کنند و از قبل به ثروت های باد آورده ای دست یابند. علل و عوامل دیگری

نیز می توان بر شمرد که مجال بحث آن نیست.

آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟

پرسش

آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟

پاسخ

خیر، تبعیض از نظر عقل و شرع امری قبیح و نامطلوب است و این مسئله نیز مانند آفات دیگر اجتماعی زاییده فقر فرهنگی و دینی است که ریشه کن کردن آن نیاز به کار فرهنگی زیاد و اصلاح جامعه دارد، که البته اصلاح جامعه از اصلاح افراد آن آغاز می شود. پس باید از خود شروع کنیم ولی این نکته نیز قابل توجه است که تشخیص مواردی که واقعاً چنین تبعیض است از مواردی که تبعیض نما می باشد یعنی از نظر ما تبعیض است ولی در واقع چنین نیست نیاز به دقت و سنجش همه جانبه دارد.

راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی شود؟

پرسش

راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی شود؟

پاسخ

می دانیم عدل به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود قرار بگیرد; بنابراین هرگونه انحراف افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است یک انسان سالم کسی است که تمام دستگاه های بدن او، هر یک کار خودش را بی کم و زیاد انجام دهد. جامعه انسانی نیز همانند بدن یک انسان است که بدون رعایت اصل عدالت بیمار خواهد بود: "إِن َاللَّه ِیَأْمُرُ بِالْعَ ِدْل ِوَ الا ْ?حْسَن (نحل ۹۰) خداوند، فرمان به عدل و احسان می دهد."; از این رو، در اسلام عدالت اجتماعی (عبارت است از مساوات بزرگ انسانی که تعادل همه ارزش ها، از جمله ارزش اقتصادی را در نظر دارد; پس در اسلام نه تنها عدالت یک دستور صریح است بلکه روش و سلوک خاصی را به عنوان قصد یا راه میانه و حد وسط، معین نموده است که در همه موارد، خطوط روشن عدالت را مشخص می نماید; برای نمونه قرآن می فرماید: "خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید." (نسأ، ۵۸); "عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است " (مائده ۸); "به هنگام اظهار نظر، هر چند در مورد نزدیکان باشد، به عدالت سخن گویید." (انعام ۱۵۲); "خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر

و ستم نهی می کند، خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید." (نحل ۹۰)

از آیات فوق استفاده می شود که اسلام برای رسیدن به عدالت اجتماعی راه کارهای آن را هم مشخص نموده و به این مطلب اشاره دارد که عدالت اجتماعی با معنویت (پرهیزگاری و تذکر) هم مرتبط است

از سوی دیگر، اسلام افزون بر تأکید بر دادگری و دادخواهی راه های اجرای عدالت و استقامت در دادگری را در نمودهای اخلاقی و تربیتی خود نشان داده است به گونه ای که در موارد متعدد، از حرص و آز نهی نموده و پی آمدهای بد و خطرات ناشی از آن را به صراحت توضیح داده است قرآن در این باره می فرماید: "و کسانی که به آن چه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می ورزند، هرگز تصور نکنند که آن]بخل برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است " (آل عمران ۱۸۰) و همین طور، قرآن از اسراف و تبذیر نهی کرده و به مفاسد آن ها اشاره فرموده است مانند: "اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد." (انعام ۱۴۱); "چرا که تبذیر کنندگان برادران شیطانند" (اسرأ، ۲۷); "هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن و بسیار]هم گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی " (اسرأ، ۲۹)

خداوند در برخورد با حوادث و مصائب به صبر و تحمل مشکلات امر فرموده است و افراد شکیبا را بر صبرشان ستوده و به آن ها نوید پاداش عظیم داده است

(زمر، ۱۰) با این حال دست مظلوم را در مقابل ظالم نبسته و به او اجازه داده است به اندازه ای که مورد تجاوز قرار گرفته آن را جبران نماید تا ریشه فساد را براندازد، و بنیاد عدالت اجتماعی بر قرار گردد. (بقره ۱۹۴؛ اسرأ، ۳۳)

از این آیات نیز بر می آید که راه اجرای عدالت اجتماعی در مسائل کیفری مراعات امور اخلاقی و ارزشی در موضوعات اقتصادی دوری از اسراف و رسیدگی به فقرا، و در مقوله های دفاعی استفاده از قدرت و استقامت در آن است

این در حالی است که در آیات بسیاری مردم را به طلب علم فرا خوانده و در عین حال برای آن ها لذت های زندگی دنیا را حلال قرار داده اعراف ۳۲) و راه های دنیایی را هم در رابطه با مردم به روی آن ها گشوده است مانند: خرید و فروش وفاداری به پیمان و ازدواج و رفتار شایسته با همسر و پدر و مادر. این آیات عبارت است از: بقره ۲۷۵؛ مائده ۱؛ نور، ۳۲ و نسأ، ۱۹و۳۶؛ هم چنین در آیه ای دیگر می فرماید: "و هرگز در زمین در جست وجوی فساد مباش که خدا مفسدان را دوست ندارد." (قصص ۷۷)

این آیات روشن کننده این امر است که اوامر قرآن تنها به امور آخرت محدود نمی شود؛ به همین دلیل می توان گفت قرآن یک کتاب عدالت اجتماعی است که متکفل صلاح دنیا و آخرت است زیرا "قسط" که اساس عدالت اجتماعی و صریح در آن است و فلسفه بعثت

انبیـا را نیز تشـکیل می دهـد، در قرآن کریم مورد اشـاره قرار گرفته است "لَقَـدْ أَرْسَـلْنَا رُسُـلَنَا بِالْبَيِّنَـت ِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُم ُ الْكِتَـب َ وَ الْمِيزَان َ لِيَقُوم َ النَّاس ُ بِالْقِسْـط ;(حدیـد،۲۵) مـا رسولاـن خود را بـا دلایل روشن فرسـتادیم و با آن ها کتاب]آسـمانی و میزان]شـناسایی حق از باطل و قوانین عادله نازل کردیم تا مردم قیام به عـدالت کننـد."; بنابراین اسـلام در تحقق عدالت اجتماعی با دو اصـل بزرگ ۱. وحـدت همه جـانبه متناسب و متعادل ۲. تکامـل و تضـامن عمـومی بین افراد و اجتماعـات پیش می رود. و علت عـدم تحقق این امر در جـامعه ما به صورت واقعی کمبود معنویت و تقوا، رعایت نکرده امور اخلاقی و اعتنا نکردن به امر به معروف و نهی از منکر است (برای اطلاع بیشتر ر.ک عدالت اجتماعی در اسلام سیدجمال الدین موسوی ص ؟، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر / عدالت اجتماعی در اسلام سید قطب ص ؟، نشر شروق)

علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست

پرسش

علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست

پاسخ

هر چند برخی از مسـلمانان به قوانین و دسـتورات اسـلام آن گونه که هست در تمام نقاط دنیا به صورت کامل و صحیح عمل نمی کنند، ولی این بدان معنا نیست که بگوییم همه مسـلمانان به این قوانین عمل نمی کنند و مسـلمانان از عدل اسلامی عدول کرده اند.

آری دنیای غرب و مسیحیت چنین تبلیغاتی را بر ضد اسلام دارند که در واقع تهمت و افترا به مسلمانان است و می خواهند، از طریق این گونه تبلیغات حقیقت را بپوشانند و کاری کنند که مردم دنیا آهنگ حقانیت اسلام را نشنوند.

ایشان در تبلیغات مسموم خود چنین تبلیغ می کنند که اسلام سر راه پیشرفت و ترقی مسلمانان را گرفته و برای آن ها مشکلات فراوان ایجاد کرده است ،فقر، ظلم نبود قانون محروم مانـدن ملل مسـلمان از تحول و انقلابی که در شؤون مختلف مردم دنیا به وجود آمده است وغیره از جمله مشکلاتی است که معول عقاید مذهبی و پیروی آن ها از دستورات دینی است !!.

هر چنـد، برخی از عوامـل فوق در بعضـی از کشورهـای اسـلامی به چشم می خورد، ولی علت آن را بایـد در ادعـای اسـلام و ادعـای پایبنـد بودن مسـلمانان این کشورهـا به تعلیمات دینی انبیأ: بررسـی نمود. با کمال تأسف امروز اصول تعلیمات اسـلام و پیامبران خدا در بسیاری ازجوامع اسـلامی متروک یا نیمه متروک مانده است و چهره این جوامع چهره مسلمانان راستین نیست اگراسلام به صورت کامل و صحیح پیاده شود، صلح و امنیت همه انسان ها را

فرا می گیرد و تمام انسان ها، به سعادت واقعی خود نائل می شوند و به آخرین حد رفاه و آسایش و عزت و سربلندی و بی نیازی و اخلاق نیک می رسند و دیگر در دنیا، ستم از ریشه قطع خواهد شد و محبت و برادری و احترام به قانون در بین همه انسان ها، رعایت خواهد شد و فقر و تهیدستی و فلاکت از صفحه روزگار برچیده می شود.

در حقیقت اوضاع اسفناك و شرم آور در بین این کشورهای اسلامی از همان اول و به سبب عمل نکردن به روح و دستورات واقعی اسلام در بین مسلمانان به وجود آمده است

و علت عقب افتادگی و بی عدالتی و ظلم و ستم ها، دوری از تعلیم اسلام و سبک شمردن قوانین آن است (ر.ك مسائل اعتقادی از دیدگاه تشیع شیخ محمد رضا مظفر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی ص ۶۷۶۴، اسلام و سیمای تمدن غرب سید مجتبی موسوی لاری ص ۴۹، دفتر انتشارات اسلامی)

یکی از اصول مــذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان ها، که خلیفه خدا در روی زمین هستیم چقدر می توانیم در زمینه عدالت کار کنیم ملاک عدل و ظلم چیست از کجا می توانیم تشخیص دهیم کاری که در جامعه انجام می دهیم عین عدالت است و همه ا

پرسش

یکی از اصول مذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان ها، که خلیفه خدا در روی زمین هستیم چقدر می توانیم در زمینه عدالت کار کنیم ملاك عدل و ظلم چیست از کجا می توانیم تشخیص دهیم کاری که در جامعه انجام می دهیم عین عدالت است و همه افراد جامعه از آن بهره مند شده اند؟

پاسخ

برای ایجاد عدالت و رفتار عادلانه باید عدالت و معیارهای تشخیص آن را شناخت

عدالت یعنی هر چیزی در جای خودش باشد، پس هرگونه انحراف افراط، تفریط، تجاوز از حد و تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است برای تشخیص مصادیق عدل باید از عقل و شریعت کمك گرفت عقل انسان به حسن و نیکویی عدل و قبح و زشتی ظلم حکم می کند و مصادیق کلی عدل و ظلم را تشخیص می دهد. مثلاً عقل هر انسانی کشتن کودکان بی گناه را ظلم می داند و زشت می شمارد.

بسیاری از مصادیق جزئی را نمی توان از راه عقل تشخیص داد و باید برای تشخیص آن ها به شریعت رجوع کرد؛ زیرا تمام احکام دین بر پایه عدل استوار است "اِن َاللّه َیَأمُرُ بِالعَدل ِ..." (نحل ۹۰) حضرت امیرالمؤمنین در مورد قرآن کریم می فرماید: قرآن سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است (نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی ص ۴۱۹، خطبه ۱۹۸، انتشارات زهد.) بنابراین از طریق عقل و قرآن و روایات می توان عدالت را تشخیص داد. عدالت در سه زمینه مطرح می شود:

۱. عدالت در اعتقاد؛ عدالت در اعتقاد در صورتی تحقق می یابد که به

آنچه حق است ایمان بیاوریم

۲. عدالت در صفات و رفتارهای شخصی عدالت در این مورد، متوقف بر این که آنچه موجب سعادت انسان انجام دهیم و از آنچه مایه شقاوت است دوری نماییم

۳. عدالت در جامعه عدالت در این مورد، در صورتی تحقق می یابد که هر چیزی را در جای خودش قرار داده هر کسی که از نظر عقل یا شرع مستحق پاداش است پاداش داده شود، و اگر مستحق کیفر است کیفر داده شود، و هر حقی به مستحق آن داده شود. اگر رفتارهای انسان در این سه زمینه با معیارهای تشخیص عدالت سازگار بود، رفتاری عادلانه خواهد بود.(ر.ك المیزان علامه طباطبایی ج ۱۲، ص ۳۳۱، دفتر انتشارات اسلامی / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۳۶۶.)

تکلیف این همه دروغ ریا، بی عدالتی و...، در یک جامعه ای که به نام جامعه اسلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خواندن مسلمانان (که دارای بهترین دین هستند) نیست لطفاً بفرمایید تکلیف ما در این باره چیست

پرسش

تکلیف این همه دروغ ریا، بی عدالتی و...، در یک جامعه ای که به نام جامعه اسلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خواندن مسلمانان (که دارای بهترین دین هستند) نیست لطفاً بفرمایید تکلیف ما در این باره چیست

پاسخ

نکته هایی درباره مطالب بالا شایان یاد است

۱. امور ضدّ ارزشی از قبیل کفر، شرك بی عدالتی دروغ ریا، فساد، ظلم و... در جوامع دیگر به ویژه در دنیای غرب در مقایسه با جامعه ما بیش تر است

۲. وجود امور منفی و ضدّ ارزشی مانند: دروغ ریا، بی عدالتی و...، در جامعه اسلامی انکارناپذیر است و رواج آن حتی اگر کم باشد، سبب تأسف است و برای ریشه کن کردن آن بسیج همگانی را می طلبد. برخی امور به تك تك افراد جامعه باز می گردد برای مثال این فرد است که نباید دروغ بگوید، یا نباید ریا کند، یا نباید ارزش های منفی در وجودش راه دهد; اما بعضی مسائل درباره حکومت و مدیریت است دولت مردان می توانند با قوانین خوب و اجرای خوب بخش عمده ای از بی عدالتی ها و... را از بین ببرند; از این رو، برای از بین بردن ضدّ ارزش ها، هم ملت و هم دولت باید با جدّیت کامل برخورد کنند، و این مهم تنها در سایه ایمان و تقوا، محقق می شود:

" يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ اللَّهَ يَجْعَل لَّكُم فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُم سَيِّ ?َاتِكُم وَيَغْفِرْ لَكُم وَاللَّهُ ذُو الْفَضْل الْعَظِيم ;(انفال ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از [

مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای برای جدایی حق از باطل قرار می دهد]و روشن بینی خاصی که در پرتو آن حق را از باطل خواهید شناخت و گناهان شما را می پوشاند و شما را می آمرزد و خداوند فضل و بخشش عظیم دارد."

بدیهی است راه نجات از بدهی های اخلاقی و عملی تقوا است پیامبر اکرم در این باره می فرماید: "من آیه ای را می شناسم که اگر تمام انسان ها دست به دامن آن زنند، برای حل آن مشکل ها کافی است سپس آیه ۲ سوره طلاق که درباره تقوا است را تلاوت فرمود و بارها آن را تکرار کرد."(بحارالانوار، مجلسی ، ج ۶۷، ص ۲۸۱، مؤسسه الوفأ.)

هم چنین امام علی در این باره می فرماید: "انسان هیچ گاه طعم ایمان را نمی چشد تا دروغ را ترک گوید، خواه شوخی یا جدّی باشد."(کافی کلینی ;، ج ۳، ص ۳۴۰، دار الکتب الاسلامیه)

از این آیات و روایات استفاده می شود، بهترین راه ِاز بین بردن بدی ها در جامعه تقویت ایمان و تقوا در تک تک افراد است

معارف و احکام اسلام همه اش خیر، برکت معنویت عدالت برابری صفا، صمیمیت محبت ایثار، یاری کردن هم نوع پرهیز از صفات ناپسند، مانند: دروغ ظلم و... است این که مسلمانان به بخشی از دستورها عمل نموده به بخش های دیگر آن عمل نمی کنند و چهره اسلام را بد جلوه می دهند، حساب دیگری دارد و اسلام از این گونه افراد ضربه های بسیار دیده است اصل در اسلام رحمت و بخشش است

مگر آن که در جایی ظلم فساد و بی عـدالتی باشـد که با آن مبارزه می کند; اما برخی اعمال از سوی بعضـی مسـلمانان مانند: طالبـان در افغانسـتان بن لادن و القاعـده که که از تربیت یافتگـان دست اسـتکبار هسـتند و بـا تفکرهـای خشک و متحجرانه و اعمـال خشن خود، اسلام را دین ِخشونت معرفی می کننـد و بـاعث می شونـد مسـلمانان را تروریسم بخواننـد، به اسـلام ناب محمـدی ربطی نـدارد و صـدافسوس که اسـلام عزیز، همواره این گونه انحراف هـا را در کنـار خود تحمل کرده است به تعبیر دیگر، عنوان خشونت طلبی به مسلمانان دادن یا مسلمانان را به تروریسم متهم کردن نه به خاطر این است که بن لادن یا طالبان یـا صـدام و... مرتکب پاره ای کارها شـده یا می شونـد، بلکه این اتهامات به عنوان یک دکترین و شـیوه ای است که اسـتکبار جهت مقـابله بـا اسـلام واقعی به کـار گرفته است تـا اسـلام خواهی ملـل مسـلمان و غیرمسـلمان که روز به روز بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی رشد و بالندگی بیش تری می یابد به رکود و ایسـتادگی وادارد.(ر.ك تفسـیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۴، ص ۲۳۶ – ۲۳۸، دار الکتب الاسلامیه / همان ج ۱۱، ص ۴۱۴ – ۴۱۵.)

چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد

پرسش

چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد

پاسخ

عـدالت اجتماعی از آرمانهای مقـدس اسـلام و همه مصـلحان می باشـد و در این میان آنچه مهم است، راه رسـیدن به عـدالت اجتماعی است.

تقسـیم بـالسویه امکانـات در جامعه اسـلامی، از جمله پایه های اجرای عـدالت است؛ ولی بایـد توجه داشت که تقسـیم بالسویه امکانات، الزاماً مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست.

پزشکی که حدود دو دهه از بهترین ایام عمر خود را وقف تحصیل می کند و پس از آن با یک دهه کار و تلاش، تجربه کافی کسب می کند و بالاخره یک طبیب حاذق می شود، اگر بنا باشد باکسـی که زحمتی به خود نداده و به ساده ترینکارها اشتغال ورزیده یکسان باشد، آیا عدالت است؟ پس نتیجه سی سال کار علمی پزشکی کی و کجا باید محاسبه شود؟

بنابراین امکانات بایـد بالسویه تقسـیم شود؛ یعنی همگان از حق تحصـیل و امکانات عمومی آن بهره مند باشـند وهرکس نیز به مقدار زحمت و تلاشی که درمجموع انجام می دهد، بایستی از موهبت های الهی بهره مند گردد.

در مورد مدرک گرایی نیز گفتنی است گرچه مدرک برای برخی، صرفاً ممر درآمد است و آن چیزی که فراموش شده علم و هنراسـت، ولی بایـد تـوجه داشـت که ارزش دادن به مـدرک، درمجمـوع مـوجب رونـق علم و دانش می گردد و رونـق علم و دانش، موجب بالاـرفتن سـطح آگـاهی هـای جامعه و رشـد و بالنـدگی آن خواهـد شـد. در حقیقت مـدرک، عاملیاست برای برانگیختگی مردم جهت تحصیل علم. و درنتیجه باید گفت که تفاوت ها یک ضرورت اجتماعی است؛ ولی تبعیض هرگز روا

نیست.

در این جا ذکر یک تجربه تاریخی نیز مفید است و آن این

که درزمان تسلط کمونیستها بر بلوك شرق، آنان مدتی سعی کردند که دستمزد مساوی برای همه مشاغل برقرار نمایند؛ ولی این کار عملاً به متوقف شدن چرخه اقتصادی جامعه منجر گردید تا آن جا که مجبور به اصلاح آن شدند. و این کار موجب آن گردید که بلوك شرق، از نظر صنعت وپیشرفت در رشته های مختلف باز بمانند و نهایتاً نیز موجب از هم گسیختگی نظام آنان شد.

نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟

پرسش

نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟

پاسخ

در این باره ما نمی توانیم همه آنچه را که در جامعه می گذرد تأیید کنیم، در عین حال باید توجه داشت که صرف بالابودن حقوق در برخی از مشاغل یا داشتن تلفن همراه و یا اتومبیل های پیشرفته را نمی توان تبعیض و خلاف عدالتبرشمرد. در مثل بالا بودن حقوق و مزایای نمایندگان مجلس با توجه به مخارج سنگینی که برای دفاتر و مراجعاتخود دارند توجیه پذیر است. داشتن تلفن همراه نیز برای مسؤولان بالای کشور یک امتیاز نیست؛ بلکه نوعی ضرورتبرای امکان دسترسی به آنان در هر زمان و مکان است و در حال حاضر استفاده از تلفن همراه تا رده مدیر کل ها قطعشده و فقط در مسؤولیت های بالاتر قابل استفاده است. در عین حال مسؤولان نظام همواره باید سیره امام علی(ع) رامد نظر داشته و از امکانات بیت المال تنها در حد ضرورت استفاده کنند و به طور جدی از حیف و میل اموال جلوگیرینمایند.{

به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟

پرسش

به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟

پاسخ

گرچه مورد سؤال دامنه وسیع و گسترده ای دارد، ولی ما تلاش می کنیم که با رعایت اختصار چند نکته را بررسینماییم:

الف) در این که هم اکنون در جامعه اسلامی ما فاصله طبقاتی رنج آوری وجود دارد جای بحث نیست. البته ممکناست گفته شود شکاف طبقاتی در کشورهای سرمایه داری به مراتب وسیع تر و عمیق تر از ایران اسلامی ماست ولیبدون تردید جامعه ما نیز به نوبه خود به این بلیّه جانکاه مبتلا است.

ب) اما این که چه عواملی منجر به فاصله طبقاتی گشته است طبیعی است که عوامل گوناگونی دخیل است.

۱- آنچه از فاصله طبقاتی هم اکنون در ایران می گذرد مسأله نوظهوری نیست، بلکه میراث شومی است که از گذشته به ما رسیده است،

۲- استعداد ذاتی افراد رانباید از نظر دور داشت، برخی تواناتر و برخی کندتر هستند و برخی دچار معلولیت های جسمی و ذهنی بوده و در نتیجهعقب می مانند،

۳- مسأله تکنولوژی و صنعت نیز نقش مؤثری را ایفا می کند. به عنوان مثال: دیروز محیط کارگری محدود به کارگاه های کوچک می شد و تفاوتفاحشی بین حقوق کارگر و کارفرما احساس نمی شد ولی «غول صنعت» ناگهان سر برآورد و کارگاه کوچک مبدل به کارخانه عظیمی شد و باافزایش تولید ثروت سرمایه داران به طور تصاعدی افزونی گرفت درحالی که حقوق کارگر تقریبا ثابت ماند؛ (همین نکته را در کشاورزی و سایرابعاد تولید و درآمد مقایسه کنید)،

۴- نظام اقتصادی غلط و بیمارگونه،

۵- طفره رفتن از پرداخت حقوق قانونی (مالیات) و حقوق شرعی (خمس و زکات)،

۶- احتکار و گران فروشی،

۷- رباخواری،

۸- خیانت به بیت المال و اموال دولتی،

۹- کلاهبرداری وخیانت به دیگران،

۱۰- احیانا

و بـه نـدرت حـوادث غیرمـترقبه هم دخیـل است. نظیر این که تـاجری مقـدار زیـادی از یـک جنس را خریـده و ناگهـان بر اثر پیشامدی قیمتآن چند برابر شده است یا فرض بفرمایید کسـی چند هکتار زمین زراعی داشته و بر اثر موقعیت غیرمترقبی که آن زمین پیدا کرده، قیمت آن بهچندین برابر افزایش یافته است و...،

۱۱- ضعف مدیریت کارگزاران اقتصادی،

۱۲- نقش واسطه ها و دلال ها در اجحاف به طبقه ضعیف،

۱۳- اسراف و ریخت و پاش های کلان که در نهایت به دوش فقرا و قشر آسیب پذیر بار می شود،

۱۴- فشار و دخالت عوامل خارجی،

۱۵- نبود کار و اشتغال نیز عقب ماندگی و فلاکت را در پی خواهد داشت.

ج) امـا چگـونه می توان از پیشـرفت این فاصـله جلوگیری کرد؟ راه کارهـای گونـاگونی وجود دارد که بایـد مورد توجهقرار گیرد:

۱- در درجه اول باید این نظام اقتصادی بیمار را جراحی و معالجه کرد،

۲- پرورش مدیران کارآمد و با تجربه،

۳- جدی گرفتن پرداخت مالیات های قانونی و هم چنین گرفتن اخماس و زکوات و پرداخت آن در مصالح عامه ای که شـرع مقدس تعیین فرمودهاست،

۴- زمینه کار و تولید را به طور عادلانه برای همه اقشار فراهم ساختن،

۵- تا آنجا که امکان دارد به مقابله با فشارهای خارجی پرداختن و کوتاه کردن دست های مرئی و نامرئی عوامل خارجی،

۶- جلوگیری از اسراف و حیف و میل و با صرفه جویی زمینه رفاه عامه مردم فراهم کردن،

۷- همان گونه که اسلام اخطار شدید فرموده (سوره توبه، آیه ۳۴) با زر اندوزی و انباشتن ثروت، قاطعانه برخورد کردن،

۸- برخورد جدی با افراد خائن و اختلاس گر در بیت المال،

۹- سیاست تربیتی نظام به گونه ای باشد که مردم از دوران ابتدایی تا مراحل عالی،

مملکت را خانه خود و سایر افراد را همچون اعضاء یک خانوادهاحساس کنند و رهیافت هر کس تنها به منافع شخصی نباشد؛ زیرا وقتی کشتی صحیح و سالم بود همه را با خود به ساحل نجات می رساند ولیاگر کشتی آسیب دید همه را غرقاب هلاکت خواهد ساخت.

۱۰- حقوق کارگر منصفانه ادا گردد و از بیمه و سهام و سایر مزایا برخوردار شوند و در جمع از میزان سود کارخانه دار کاسته و به میزان حقوق کارگزافزودن،

۱۱- در همه مواردی که ذکر شد، مکانیسم نظام و دولت بسیار سرنوشت ساز خواهد بود.

در خاتمه این قسمت، جهت اطلاع بیشتر مطالعه چند کتاب پیشنهاد می گردد:

۱- اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۳۰۳ سید محمد باقر صدر

۲- اسلام و اجتماع، ص ۳۸ و ص ۹۲ علامه طباطبایی

۳- مسائل عصر ما، ص ۱۰۳ شهید هاشمی نژاد

۴- نابرابری اجتماعی ادوارد ج. کرب، ترجمه: محمد سیاهپوش

۵- جامعه شناسی قشرها و نابرابری ها گروهی از نویسندگان

۶- اسلام و نظام طبقاتی، ص ۱۲۳ محمد قطب

۷- شناخت اسلام، ۵۰۶ شهید بهشتی و باهنر و علی گلزاده غفوری

چرا مسئولان ما مثل ائمه (ع) ساده زیست نیستند؟

پرسش

چرا مسئولان ما مثل ائمه (ع) ساده زیست نیستند؟

پاسخ

}ساده زیستی زمامداران و پیشوایان جامعه توصیه اکید اسلام و تعالیم آن است. سیره پیامبر(ص) و حضرتعلی(ع) نیز چنین بوده واین روش از سازنده ترین برنامه ها برای حفظ مسؤولان از لغزش های مختلف است؛ چرا که بااین کار اولاً از زندگی محرومان جامعه و حداقل ها فاصله نمی گیرند و واقعیت ها را درک می کنند وثانیا در معرضفتنه های اربابان زر قرار نمی گیرند و... .

حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نیز در عمل و گفتار این رویه را مورد تأکید قرار داده و همواره مسؤولان را بهآن توصیه کرده اند. زندگی شخصی مسؤولان نظام گواه روشنی بر این مطلب است؛ گرچه گاه، در رده های دیگر از اینخط روشن فاصله گرفته می شود.

در هر صورت حساسیت جامعه در برابر این موضوع، بسیار به جا است؛ زیرا که این حساسیت خود زمینه ایجادانحراف را تنگ تر می کند. ضمنا هرگونه رفت و آمد و به اصطلاح «برو و بیا» را نیز نمی توان دلیل عدم ساده زیستیدانست؛ چرا که گاه اقتضای ذات کار چنین است نه این که مسؤولی این چنین بخواهد؛ مثلاً طبیعی است که وقتیرئیس جمهور به یک شهر وارد می شود، تمامی دانشگاه ها و بسیاری از مردم به دلایل کاری مراجعاتی دارند که دربرخی موارد شمایی از آنچه که نوشته اید ترسیم می کند. در هر صورت هیچ مصلحتی نمی تواند و نباید این توصیه مهمو اکید اسلام را تحت تأثیر قرار دهد.{

با سلام

اشاره

همان طور که استحضار دارید مظاهر تمدن و تکنولوژی به محض شکل گیری قبل از هر چیز در اختیار سرمایه دار و مرفه قرار دارد و اگر چیزی باقی بماند قشر مستضعف جامعه از آن بهره مند می گردد . با این اوصاف هر گونه تلاش در

جهت ارتقاء سطح زندگی انسانها منجر به

پرسش

با سلام

همان طور که استحضار دارید مظاهر تمدن و تکنولوژی به محض شکل گیری قبل از هر چیز در اختیار سرمایه دار و مرفه قرار دارد و اگر چیزی باقی بماند قشر مستضعف جامعه از آن بهره مند می گردد . با این اوصاف هر گونه تلاش در جهت ارتقاء سطح زندگی انسانها منجر به ازدیاد راحتی و آسایش مرفهین (در درجه اول)می گردد .

حال اگر انگیزه تحصیل ما دانشجویان خدمت به فقرا و مستمندان جامعه اسلامی باشد .این چنین تلاش هایی چه لطفی می تواند داشته باشد ؟

پاسخ

باید توجه داشت که خود انگیزه و نیت انسان بر طبق آیات و روایات فراوان دارای اهمیت به سزایی است و نباید نیت ها و انگیزه ها را کوچک و بی ارزش دانست. در روایت داریم که انسان با نیت خود همراه است و نیز آمده است: نیت مؤمن بهتر از عمل او و نیت کافر بدتر از عمل اوست. بنابراین همین نیت درس خواندن به قصد خدمت به بینوایان و فتوا در جامعه اسلامی، دارای ارزش فراوانی است که منشأ و سرچشمه بسیاری از اعمال خوب و کارهای شایسته است.

از طرف دیگر درس نخواندن و تحصیل نکردن شما به این دلیل که ثمره آن در درجه اول به مرفهین بی درد و سرمایه داران طمعکار می رسد مشکلی را حل نمی کند، چون به هر حال شما هم درس نخوانید و در پیشبرد تکنولوژی سهمی نداشته باشید، این امور مشتری فراوان دارد و کسانی دیگر که اصلا تعهد و انگیزه انسانی و الهی ندارند به جای شما در کلاس درس حاضر می شوند

و همان بهره کمی هم که به فقرا و مستمندان با وجود افرادی خوش نیت همانند شما می رسید دیگر به آنها نمی رسد و این فاصله بین ثروتمند و فقراء بیشتر و عمیق تر می گردد.

از زاویه دیگر درس خواندن شما و کسب افتخار در علم و نوآوری و خلاقیت و پیشبرد سطح علمی کشور، در درجه اول افتخاری برای اسلام و مسلمانان و جامعه اسلامی است که باعث می شود موقعیت جهانی آنها در برابر اردوگاه شرک و استکبار تقویت گردد و وابستگی علمی و صنعتی آنها به استکبار جهانی کمتر گردد و این خود ارزش والاو نکته مهمی است.

در ضمن باید توجه داشت که اگر این پیشرفت های علمی و فن آوری نبود، حال و روز فقرا نیز بهتر از این نبود چون به هر حال هر چند کم و مختصر آنها نیز ازمواهب این پیشرفت ها استفاده می کنند و این خود در بهبود وضع زندگی آنها مؤثر است.

نکته پایانی این است که به هر حال وضع عالم دنیا به گونه ای است که بهره مندی هایی و شایسته با بهره مندی های نابجای آن در هم آمیخته است و این خود انسانها هستند که باید با درایت و تعقل و اندیشه و آینده نگری از هر چیز بهره شایسته و در راستای سعادت دنیا و آخرت خود بردارند. مثلاً نمی شود گفت چون اینترنت مورد استفاده ناشایست قرار می گیرد، پس انسان نباید آن را اختراع می کرد و یا چون تلویزیون و ویدیو، مورد استفاده غیر اخلاقی هم قرار می گیرد. پس اصل بودنش درست نیست، خیر به هر

حال عالم آفرینش، محل آزمایش الهی و امتحان است و هر کسی باید مورد آزمایش قرار گیرد.

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه , چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پرسش

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه , چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پاسخ

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچوجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل بصورت مختص بیان نمود:

الف توجه جدّی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه ازشاخصهای مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیلها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از اینروند، می فرمایند: «در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی هم راه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن

ممکن نخواهد شد»، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷).

و در جای دیگر می فرمایند: «در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آنمبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدفِ عدالتنزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست»، (روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲).

ب برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده:

امام علی(ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدلِ خویش قرار دادند: ۱ مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲ احیاء سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال. حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: «... با قوانین لازم و تأمینامنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدّی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروعِ زندگی مردم، جمع شود...»، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۷).

و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه

گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعیمی باشد.

ج پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقداماتپیشگیرانه عبارتند از:

۱ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی(ع) می فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدّروا انفسهم بضعفه الناس، کیلا یتبیَّغَبالفقیر فقره ؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنانبرابر نهند. تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد{M، (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵)

۲ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی(ع) در فرازی از عهدنامه مالك اشتر، در این زمینه می فرمایند «والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند، وظیفه تو، آن است کهریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی»، (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱).

۳ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: «باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینشِ خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالبااخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا

و کاردان، از بالاـ بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...»،(فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵).

د بالاـ بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایشمی یابد.

ه توجه جدّی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان، تقوا، تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید اعدلوا هو اقرب للتقوی ،(مائده / ۸) امام علی(ع) نیز می فرماید: قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ؛ هر که می خواهد به حُلیه عدل و دادآراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون ر...از خود دور کند{M، (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد، عقلای ومبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند، لازم و ضروری می باشد و باید ایننظام ارزشی در ۱ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ ساختار کلان کشور ۳ برنامه های اجرایی، تبلور و تجلّی یابد.

و فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای

مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن؛ رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی ج. ا. ا. متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸

فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶

محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶

علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰{J

علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟

پرسش

علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟

پاسخ

ضمن تشکر از مکاتبه با این واحد و سؤالات خوب و مهمی که نگاشته اید در آغاز ذکر این نکته لازم است که مسؤولیت و وظیفه این مرکز ارائه نظریات مشورتی، حل شبهات و پاسخ به سؤالات دانشجویان عزیز است و هیچ گونه مسؤولیت اجرایی ندارد. بنابراین نباید از اینرو، انتظار برخورد با بعضی از مشکلات موجود در جامعه را داشت. نکته دیگر این که این مرکز هیچ گونه ارتباطی با دفتر مقام معظّم رهبری ندارد. شما می توانید مطالب و نظرات خود را به دفتر ایشان در تهران ارسال نمایید.

متأسفانه مسأله اشرافی گری، نادیده گرفتن بیت المال، اسراف و تجمل گرایی، فساد اداری و برخوردهای غیراسلامی با ارباب رجوع در ادارات و پارتی بازی و رشوه خواری یکی از مشکلات کشور و مانع تحقق عدالت اجتماعی بوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظامخصوصا مقام معظم رهبری می باشد. معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از مولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشدازاین رو می فرمایند: «در نظام اسلامی، رابطه اخلاق با مردم، رابطه مخصوصی است، مردم را در همه کارها و صاحب امر دانستن یک مُراجع را مزاحم ندانستن حقیقتا مردم ولی نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند» (آیت الله خامنه ای، حدیث ولایت ج ۶ ص ۴۸). در جای دیگرایشان به کارگزاران نظام اسلامی می فرمایند: «شما چگونه می خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم

باید به من و شما اعتماد داشته باشند اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم در خرج کردن بیت المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم مگر حدی که دردسر قضایی درستبکند و هرچه توانستیم خرج کردیم مگر اعتماد مردم باقی می ماند؟». اما در مورد چرایی وجود این پدیده شوم و ارایه پاسخی مناسب و منطقی و واقع بینانه لازم است. از منظر جامعه شناختی باید این مسأله را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. مهمترین دلایل وجود این موضوع عبارتند از: ۱- ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰ ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه خواری، پارتی، روابط را مقدم بر ضوابط دانستن، استبداد رأی جاه پرستی و سلطه پذیری و... .

۲- عدم تثبیت ارزش های اسلامی و قانون گرایی و پایبندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بداند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل: فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آنان، کمکاری یا بعضا عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور، سردر گمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی، فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می باشد.

۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک سو و رعایت ننمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل: لیاقت و شایستگی، تعهد و تقوا، تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینشها چنانچه حضرت علی (ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر می فرماید: ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختیارا و لا-تولهم محاباه و اثره فانهما جماع من شعب الجور و الخیانه

و توخّ منهم اهـل التجربهو الحیـاء من اهـل البیوتات الصالحه والقـدم فی الاسـلام المتقـدمه... ؛ در امور و کارهای کارمنـدان و کـارگزاران خود دقت کن و پس ازاینکه آنها را امتحان نمودی به کار بگمار و در تعیین آنان چنین کن: قبل از این که آنها را به کاری بگماری آنانرا مورد آزمایش و امتحان قرار بده بهخاطر تمایل خاص به شخصی کسی را به کاری منصوب مکن خود سرانه و بـدون مشـورت و یـا اسـتبداد رأی آنهـا را به کـار مگمـار زیرا اینگـونه انتخـاب ومنصـوب نمودن یعنی از روی تمـایل شخصـی و بدون مشورت و آزمایش خود سـتمگری و ظلم و خیانت است و برای انتخاب کارمندان و کارگزاراندولت اینگونه افراد را انتخاب نما افرادی که اهل تجربه هستند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شده اند اهل شرم و حیاء و عفت هستند از خاندانهایپاک دامن و صالح باشـند سابقه و حسن سابقه آنها در اسلام بیش از دیگران باشد...{M، (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و از طرف دیگر ضـعف در بازرسـی نظارت، حراست و مراقبتـدولتی، حضـرت آیت الله خامنه ای می فرماینـد: «بایـد در گزینش کارمنـدان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضـرورت است چون مقام و قـدرت غالبـا اخلاـق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهـد بنابراین اگر بعـد از گزینش حتی افراد پارسا وکاردان از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سـبب سـستی در انجام وظیفه، موجب بی اعتمادی ملت نسـبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند. لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران

و مسؤولان باید نظارت مستمر به کارآنان داشته باشد.» (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳و ص ۲۰۵).

۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول شهرت، مدرک گرایی، رفاه طلبی، و تجمل پرستی و... .

۵- اجرا نشدن امر به معروف ونهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... می باشد حضرت علی(ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین(ع) چنین سفارش می نمایند «امر به معروف و نهیاز منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم می شوند سپس شما برای دفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی شود»، (نهج البلاغه، نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشتم در سهقسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم ومردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی در جامعه تبیین و اجرا نشده است.

۶- ضعت دستگاه های نظارتی و قوه قضاییه در برخورد قاطع با متخلفین.

۷- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت وفاصله ها را تشدید نمود و باعث تغییر ارزش ها و با ارزش شدن پول و ثروت در نزد افراد جامعه گردید.

با توجه به عوامل فوق و عوامل دیگری از این

قبیل می توان به این نتیجه رسید که: تحت شرایط کنونی ایران، وقتی که پول و ثروت با ارزش شود و از طرف دیگر ارزش های اسلامی، ایمان و تقوا و سیستم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی (نظارت دستگاه هایمربوطه، امر به معروف و نهی از منکر) ضعیف باشد، آنها برای ارضاء امیال نفسانی خود به راه های نامشروع از قبیل رشوه خواری، پارتی بازی، اشرافی گری و ریخت و پاش بیت المال روی می آورند، بنابراین هم چنان که ملاحظه می نمایید این چنین نیست که علت مفاسد اداری فقط بهخاطر عدم نظارت مسؤولین حکومتی و فقدان برخورد قاطع آنان باشد، بلکه مسأله بسیار ریشه ای تر و حل کامل آن نیز راه کارهای مناسب و بسیار دقیق، آن هم در طولانی مدت می طلبد، اما ما با شما موافقیم که باید با متخلفین برخورد بشود و این کار هم به کرّات توسط دادگاه ها بامتخلفین شده و می شود ولی در هر صورت باید به ریشه های آن پرداخت و امید می رود ان شاءالله با انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، اداری و... به هیچ وجه شاهد این گونه ناهنجاری ها و تخلفات در جامعه اسلامی نباشیم. نکته مهم قابل توجه این که در این گونه قضاوت ها بایدجایگاه و مسؤولیت رهبری و انتظاراتی را که از ایشان می توان داشت در نظر گرفت. قانون اساسی رهبر را در رأس هرم قدرت حاکمیت قرار داده است. اعمال قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه را تحت نظر رهبری گذاشته و تعیین سیاست های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرایسیاست های کلی نظام از وظایف رهبری شمرده شده است، (اصل یکصد و دهم قانون اساسی).{J

آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده حق مردم مستضعف را نگذارند پایمال شود ایا آنهایی که دم از اصلاحات میزنند کمی هم به فکر مردم فقیر هستند چرا من فارغ التحصیل ب

پرسش

آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به

یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده حق مردم مستضعف را نگذارند پایمال شود ایا آنهایی که دم از اصلاحات میزنند کمی هم به فکر مردم فقیر هستند چرا من فارغ التحصیل بعد از اتمام درس با کوهی از مشکلات روبرو هستم واقعا چه کسی باید جوابگوی این مشکلات باشد آخر این چه جامعه ای است که حرف اول و احر آن را پول میزند به درس عشق می ورزم ملی با این شرایط امکان ارامه تحصیل وجود ندارد توضیح دهید؟

پاسخ

نامه ی شما حاوی موضوعات و مطالب مختلفی است. اما کلیدی ترین تکیه گاه آن، وجود مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر مفاسد اقتصادی، تبعیض، عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی و... در سطح جامعه ی اسلامی است که به هیچ وجه زیبنده ی نظام اسلامی نیست. در این موضوع ما نیز با شما موافق هستیم. اما در مورد این که آیا با وجود این قبیل مشکلات می توان به جامعه ی ما جامعه ی اسلامی گفت یا نه؟ نیازمند شناخت دقیق جامعه ی اسلامی، ویژگی های آن و تطبیق آن بر جامعه ی کنونی ماست:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین»(جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ – ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی جامعه ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی

دینی دغدغه ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). :

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی تابد(نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه ی کنونی ایران مشخص می شود که بحمدالله

جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز

آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است.

حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنگ های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود.

بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امهٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً

اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را

ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسید گی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد.

بنابر آن چه که گذشت مشخص می شود که در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیّت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدّی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

اما در مورد کسانی که دم از اصلاحات می زنند... باید گفت که اینان دو دسته اند: عده ای اصلاح طلبان دروغین هستند که از دیدگاه ابزاری به مردم نگاه می کنند؛ رأی مردم را وسیله ای جهت دستیابی به منافع فردی یا حزبی خود

می داننـد، نه خـدمت به مردم و جامعه. و بر این اساس زشت اصـلاح طلبی و دفاع از حقوق مردم را به خود گرفته اند و برخی دیگر از اینان نیز نه تنها هدف خدمت به مردم هم ندارند، بلکه مقصودشان از اصـلاحات، انجام اصلاحات آمریکایی در ایران به منظور نـابودی نظـام اسـلامی است که با خواست و جانفشانی مردم شـکل گرفته است. مسـلماً این دسـته اصـلاً به فکر مردم نیسـتند. تنها به منافع شخصی، حزبی، یا اربابان خویش می اندیشند. و به فرموده قرآن کریم و اذا قیل لهم لاتفسدوا فی الارض قـالوا انّمـا نحن مصـلحون. الاـ انهم هم المفسـدون و لکن لایشـعرون چون به آنان گفته می شود که در زمین فساد نکنیـد، می گویند: ما مصلحانیم، آگاه باشید که اینان خود تبهکارانند و نمی دانند {M(بقره، آیه ی ۱۱ و ۱۲).

اما دسته ی دوم، اصـلاح طبان راستین هسـتند. آنان که بـدون هیچ گونه ادعایی در راه خدمت به مردم و جامعه ی اسـلامی و سعادت و تعالی آن، صادقانه از تمام هستی خویش گذشته اند و تمامی اهانت ها را در این راه به جان خریده اند و جهت دفاع از حقوق مردم از هیـچ گونه تلاشـی فروگـذار نکرده اند. اما همچنان که گذشت اصـلاح کامل جامعه نیازمند عوامل متعددی است که تـا همه آن هـا به صورت کامـل محقق نشود، این مهم نیز تحقق نخواهـد پـذیرفت. امـام علی(ع) می فرمایـد: فلیسـت تصـلح الرعیّه الا بصـلاح الولاه و لاتصـلح الولاه الا باسـتقامه الرعیّه مردمان اصـلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند مگر به درستی مردم {M(نهج البلاغه، ۶۸۳).

در این فرمایش هم بر نقش مسؤولین و هم بر نقش مردم تأکید می شود.

با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای

اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسّل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته ی تحصیلی مورد علاقه ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

مشاوران این مرکز به خوبی به وجود این قبیل مشکلات در جامعه که بسیاری از جوانان و دانشجویان ما با آن دست به گریبانند، واقف بوده، اما ارائه راهنمایی های دقیق و اساسی مبتنی بر ارائه اطلاعات دقیق از سوی شما عزیزان است، لذا مناسب است در مکاتبات بعدی به صورت دقیق به رشته ی تحصیلی خود، موانع ادامه ی تحصیل خود (از قبیل مشکلات ذهنی، روحی، اقتصادی و..). اشاره نمایید.

چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت ،یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان میز و مبل آنچنانی نداشتند و لباسهای ساده می پوشیدند و با اتومبیل های معمولی رفت و آمد می کردند اما اکنون دیگر خیلی ساده زیستی ا

پرسش

چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت ،یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان میز و مبل آنچنانی نداشتند و لباسهای ساده می پوشیدند و با اتومبیل های معمولی رفت و آمد

می کردنـد اما اکنون دیگر خیلی ساده زیستی اگر باشـد اتومبیل پیکان با قیمت چند میلیون زیر پای یک مسـئول جزئی ملاک ساده زیستی است (با چنـد میلیون تومان چند جوان می توانند ازدواج کنند)اگر بخواهیم بیشتر توضـیح دهیم می توانم اشاره به آن جریـانی بکنم که از یکی از ائمه سـؤال شـد چرا لباسـهای فـاخر پوشـیده انـد در صورتی که مولی علی لباسـهای سـاده می پوشـیدند و آن امـام همام در جواب گفته بودنـد که زمان فرق کرده است وسـطح زنـدگی مردم با زمان حضـرت علی تفاوت دارد.می خواهم بـدانم ایـا زمـان حـال با زمان اول انقلاب و جنگ تحمیلی خیلی تفاوت دارد مگر الان فقیرانی نـداریم که در اتاقی کوچک با غذایی اگر باشد اندک و لباسهای فرسوده و در شرایط بسیار سخت زندگی می کنند.

پاسخ

ما نیز با شـما هم عقیده هستیم و مقام معظم رهبری بارها بر ساده زیستی مسؤولان تأکید ورزیده اند، لذا سؤالات شـما را بدون هرگونه دخل و تصـرف به دفتر ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و توضیحاتی برای برخی از سؤال های شما ارسال می گردد.

در بررسـی این گونه مسائل بایـد با دیـدی واقع بینانه و با در نظر گرفتن مجموعه عوامل و شـرایط محیطی به قضاوت پرداخت. واقعیت این است که:

۱. بررسـی واقعیـات کنونی در بعـد مـدیریت کلاـن جـامعه، طرح چنین ادعـایی را به صورت کلی و فراگیر خصوصا نسـبت به مسؤولان عالی رتبه نظام، زیر سؤال می برد. زیرا مسؤولان عالی رتبه نظام و بسـیاری از مـدیران سـطوح دیگر بحمـدالله افرادی معتقد، متعهد و ملتزم به ارزش های انقلاب و اسلام

هستند. مسلما کسانی که از نزدیک با زندگی آنان ارتباط و آشنایی کامل دارند، ساده زیستی و رعایت کامل بیت المال را در زندگی این مسؤولین، تصدیق می نمایند. حتی برخی از این افراد علی رغم استحقاق بسیاری از حقوق و مزایای قانونی و به خاطر رعایت ساده زیستی و همدردی با اقشار کم درآمد جامعه، دارای زندگی سطح پایین و با حداقل امکانات هستند (ر.ک، ضمیمه «گفتگو با حجت الاسلام محمدی گلپایگانی، روزنامه اطلاعات، ۹ دی ۱۳۷۷).

و به خوبی به این موضوع مهم واقفند که یکی از آسیب ها و آفت های تهدید کننده انقلاب اسلامی رواج روحیه اشرافی گری در جامعه و به خصوص در مسؤولین جامعه است. جامعه اسلامی، مظهر عدالت، تقوا، انضباط، ... و دوری از مظاهر مادی پرستی و پول محوری است. از این رو اگر طبقه اشراف و مترف در آن به وجود آید، علامت خطری جدی برای تداوم انقلاب و نظام اسلامی است، لذا مقام معظم رهبری بارها بر لزوم ساده زیستی مسؤولین و مبارزه با اشرافی گری اشاره کرده و فرموده اند:

«امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی گری می رود، بلا- شک این یک انحراف است؛ برو و برگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمی گوییم همه زهدهای آن چنانی که متعلق به اولیاء الله است؛ نه مسؤولان درجه یک، مسؤولان درجه دو تا آن مسؤولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند؛ بعد هم به عامه مردم می رسد... این وضع زندگی های تجمل آمیز، این روز به روز افزودن بر ظواهر

تجملاتی، در زندگی های شخصی غلط است» (حدیث ولایت، مجموعه سخنان آیت الله خامنه ای، ج ۷، ص ۵۲).

و در جایی دیگر در دیـدار مسؤولان و کارگزاران نظام می فرماینـد: «برادران، نمی شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کننـد؛ مردمی که خیلی شان از اولیات زندگی محرومند،... من و شـما، همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. اما حالا مثل عروسـی اشرافی، عروسی بگیریم؟ مثل خانه اشراف، خانه درست کنیم... نه ما هم مترفین می شویم. والله در جامعه اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه شریفه «و اذا اردنا ان نهلک قریه امرنا مترفیها ففسقوا فیها» (اسراء، آیه ۱۶) بترسیم، ترف، فسق هم دنبال خودش می آورد. از این رو نظام اسلامی مبارزه با این آفت را یکی از وظایف اصـلی خود می دانـد و «اجازه هیـچ گونه انحراف و فسادی را به مسؤولان نمی دهـد و بر مبنای ارزش های اسلامی با رخنه هرگونه فساد در مجموعه مدیریتی کشور برخورد می کند» (حدیث ولایت، پیشین، ص ۲۶۰ و ۲۶۱).

اما متأسـفانه علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری و اهتمام عملی بسیاری از مسؤولین حکومتی، عملکرد و رفتار تعداد محدودی از مسؤولین و افراد روحانی که در دسـتگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشـتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شـکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی مسؤولین نظام روحانیت را فراهم آورده است . مردم انتظار دارند که نه تنها در رده های سطح اول مسؤولان

نظام , بلکه در سایر رده ها نیز شاهد صداقت , درست کاری , امانت داری , گرایش به خدمت به مردم , بی توجهی به تجملات و زخارف دنیا و... باشند; ولی رفتار عده انگشت شماری از آنان موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به روحانیت شده است .

۲. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی , تجمل پرستی , مدرک گرایی و... شد. و برخی از مسؤولین از این خطر در امان نماندند.

۳. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از مسؤولین داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون , و چه در شیوه های سلوک فردی و اجتماعی نیز صحیح نمی باشد. مثلا اگر ما از مسؤولین توقع داشته باشیم که حتی با یک پیکان هم رفت و آمد نکنند، این دیگر با هیچ منطقی سازگار نیست، آیا در زمان امام علی(ع)، شخص ایشان یا زمامدارانشان از داشتن مرکب مناسب آن زمان (اسب، شتر و...) محروم بودند و آیا می توان توقع داشت که در زمان کنونی با این همه پیچیدگی و گستردگی جامعه و لوازم اداره آن، از حد معمول امکانات استفاده نکرد. اگر مشکل هست در استفاده های بی جا و یا خارج از حد متعارف و نیاز برخی مسؤولین باید جستجو نمود.

در هر صورت تمامی امکانات بیت المال باید در جهت اداره صحیح جامعه پیشرفت

و تکامل آن و خدمت به محرومین باشد.

۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت، چنانچه اگر شخصی از یک فردروحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است .

مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض , فساد, معضلات اجتماعی , بیکاری به ستوه آمده بودند را, فراهم آورد. اما در مورد راهکارهای حل این معضل , هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود:

الف . راهکارهایی که خود مسؤولین و روحانیت باید انجام دهد از قبیل , دقت در گزینش ها خصوصا" افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و...

ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا ـ بردن درک و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی , توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... مسؤولین عالی رتبه نظام از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه بوسیله مطبوعات و رسانه های ملی و آشنا نمودن مردم باجزئیات زندگی مسؤولین عالی رتبه و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری و روحانیت و سایر مسؤولین متعهد و دلسوز نظام حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از

انقلاب .

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱. علی ذو علم , انقلاب و ارزشها.

۲. امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, روحانیت , اجتهاد و دولت .

۳. فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد.

ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سـؤال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حضـرت امام خمینی نبودند که اجازه نداده بودند دیوارها را گچ کنند و در آن فضای ساده جماران سخنرانی می کردند اما می بینیم که آیت ال

پرسش

ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سئوال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حضرت امام خمینی نبودند که اجازه نداده بودند دیوارها را گچ کنند و در آن فضای ساده جماران سخنرانی می کردند اما می بینیم که آیت الله خامنه ای در حسینه امام خمینی که با اجر نما مزین شده سخنرانی می کنند و چرا ایشان در در مجالس که عده زیادی دور ایشان نشسته اند روی مبل و صندلی می نشیند مگر پیامبر اسلام به صورت حلقه ای در جلسه نمی نشستند شاید بگویید ایشان در زندگی شخصی ساده اند اما شکل همین جاست که آن کارگری که از صبح تا شب کار کرده و سیاه وسوخته و خسته شده وشب تلویزیون را روشن می کند همان حسینیه را می بیند شما تصور کنید که اگر در یک محل ساده مانند جماران ایشان سخنرانی می کردند روی آن فرد مستضعف چه تاثیری داشت شاید بگویید زمان الان با زمان جنگ و اول انقلاب فرق کرده است اما من می گویم نه .

چرا اجازه نمی دهند زندگی ساده مسئولان انعکاس داشته باشد صحنه های کوتاه از زندگی شهید رجایی که در تلویزیون نشان داده می شود می دانید چه تاثیری بر مردم دارد.

پاسخ

کسانی که از نزدیک با زندگی مقام معظم رهبری ارتباط داشته و در جریان امورات شخصی ایشان می باشند، به سرآمد بودن ساده زیستی ایشان در زمان کنونی آن هم در حد پایین ترین طبقات جامعه اذعان دارند.

جهت آشنایی شما با گوشه هایی از این موضوع، دو

کتـاب «در سـایه خورشـید، هـادی قطبی، انتشارات معبود، ۱۳۸۱(به پیـوست ارسـال می گردد)» و «آب، آینه، آفتـاب، مؤسسـه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲» را مطالعه فرمایید.

اینجانب سؤالی داشــتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شما خواهش می کنم بدون در نظر گرفتن وجه سیاسی خاصی به سؤال اینجانب جواب دهید. چرا که من احساس می کنم وقتی یکســری سؤالات بااین محتوا به ذهن می رسد و مطرح می شود فکر می کنند طرف مال فلان جناح خاص ا

پرسش

اینجـانب سؤالی داشـتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شـما خواهش می کنم بـدون در نظر گرفتن وجه سیاسـی خاصـی به سؤال اینجـانب جواب دهیـد. چرا که من احسـاس می کنم وقتی یکسـری سؤالـات بـااین محتوا به ذهن می رسـد و مطرح می شود فکر می کننـد طرف مـال فلاـن جنـاح خـاص است یا قصـد ضـربه زدن به نظام را دارد. من هیـچ گونه قصـد و غرض خاصی ندارم. و فقط می خواهم جواب سؤال خود را بیابم.

می دانیم که حکومت حاکم بر جامعه ما اسـلامی است . با توجه به دستورات اسلام و بررسی اهداف آن حکومت اسلامی می بایستی دارای یکسـری ویژگی ها باشد. ولی متأسفانه در جامعه ما یکسری مسائلی مطرح است که بر خلاف این اهداف است. چرا در جـامعه مـا فاصـله طبقاتی جامعه بسـیار زیاد است چرا بیشتر مردم در فشارهای اقتصادی و مالی به سـر می برنـد. چرا در جـامعه ماسن ازدواج در میان جوانان بالا رفته است چرا اکثر جوانان بیکار هسـتند در حکومت علی(ع) کسـی گرسـنه در بستر نمی خوابیـد ولی حالاـ هزاران نفر شب هـا نه تنهـا گرسـنه می خوابنـد بلکه بـا چشـمانی غرق از اشک سـر بر بستر می نهنـد و مشکلات دیگر.

حالا ممکن است مطرح شود که در چنین اوضاعی بایـد بر خدا توکل کرد و اوست که رزاق و علیم است و اینها همه از علائم ظهور حضرت مهدی(عج) است ولی حال

اگر کسی که پایه اعتقادی مذهبی قوی ندارد این سؤالات را مطرح کند چه جوابی باید به او داد. من این سؤال را از خیلی ها شنیدم که مطرح می کنند اگر حکومت اسلامی است چرا چنین و چونان است؟

پاسخ

اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت نماییم و واقعیات جامعه را در نظر بگیرم، باید بگوییم که انقلاب اسلامی ایران با هدف اجرای احکام و ارزش های الهی، دفاع از حقوق مظلومان، رعایت عدالت اجتماعی، نفی تبعیض و... شکل گرفت و به پیروزی رسید. از اوّل انقلاب اسلامی تا کنون، مسؤولان عالی رتبه نظام – چه در گفتار و ارائه خط مشی و اصول کلی نظام و تدوین برنامه های دولت و چه در عمل – همیشه بر این اصول تأکید و پافشاری داشته و برای بهبود سطح معیشتی، رفاه و... این اقشار اقدامات متعددی انجام داده اند؛ اما این که در بعضی جاها تبعیض و بی عدالتی وجود دارد و یا حقّی پایمال می شود، ما هم در این مقدار با شما موافقیم و مسؤولین عالی رتبه نظام نیز ضمن اذعان به آن همیشه دغدغه و نگرانی خود را از این وضع اعلام داشته و به مسئولین مربوطه تذکرات و توصیه های لازم را ارائه نموده اند.

در اینجا ابتدا به بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل این قبیل مشکلات و نارسایی ها – که حتی مقدار کم آن نیز زیبنده جامعه اسلامی نمی باشد – نیاز به بررسی دقیق علل و عوامل جامعه شناختی آن دارد که به اختصار مهم ترین آن ها را بیان می کنیم و سپس به ارائه راه کارهای حل این مشکلات می پردازیم:

۱– ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰

ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه خواری، پارتی، روابط را مقدم بر ضوابط دانستن، استبداد رأی جاه پرستی و سلطه پذیری و تقدم منافع شخصی بر منافع اجتماعی و قانون، بی اعتنایی به حقوق محرومان و...

۲- عدم تثبیت ارزش های اسلامی و قانون گرایی و پایبندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بداند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل: فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آنان، کم کاری یا بعضاً عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور، سردر گمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی، فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می باشد.

۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک سو و رعایت ننمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل: لیاقت و شایستگی، تعهد و تقوا، تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینش ها.

۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول، شهرت، مدرک گرایی، رفاه طلبی، و تجمل پرستی و منفعت طلبی و بی توجهی به ارزش های اسلامی.

۵- اجرا نشدن امر به معروف ونهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... می باشد حضرت علی(ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین(ع) چنین سفارش می نمایند «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم می شوند سپس شما برای رفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی شود»، (نهج البلاغه،

نامه ۴۷) و در قـانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصـل هشـتم در سه قسم مردم نسـبت به یکـدیگر دولت نسـبت به مردم ومردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی در جـامعه تـبیین و اجرا نشـده است. بنـابراین، تـا حسّاسـیت قابـل تـوجهی که منجر به عزم ملّی برای برخورد بـا این معضـلات (تبعیض و بی عـدالتی، مفاسـد اقتصـادی و...) به وجود نیایـد، قطعـاً این معضل همچنان باقی می مانـد، هر چنـد بقیه عوامل نیز اصـلاح بشوند؛ قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند»، (سوره رعد، آیه ۱۱).

در اندیشه سیاسـی اسـلام، انسان قادر به تغییر سـرنوشت خویش و سـمت دهی آن در جهت خواست خود و نیز اصلاح ساختار اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود می باشد.

در خاتمه پاسخ را در یک جمله خلاصه می کنیم و آن این که اگر مسؤولی هم در این زمینه بد عمل می کند او از متن همین جامعه برخواسته و تا فرهنگ عدالت طلبی و وجدان کاری و انضباط اجتماعی بر جامعه حاکم نشود و مردم اصلاح نشوند هیچ حاکمی نمی تواند این مشکل را حل کند همان طور که حضرت علی نتوانست چون مردم عملا نخواستند.

در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحاتیت درد جامعه را حس نمی کند.

اشاره

چرا در زمانی که جامعه نمی پذیرد یک روحانی ماشین مدل بالا سوار شود. خیلی از روحانیون سوار می شوند؟

چرا در حالی که حکومت در دست روحانیان است. وضع جامعه و اقتصاد

پرسش

در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحاتیت درد جامعه را حس نمی کند.

چرا در زمانی که جامعه نمی پذیرد یک روحانی ماشین مدل بالا سوار شود. خیلی از روحانیون سوار می شوند؟

چرا در حـالی که حکومت در دست روحانیـان است. وضع جـامعه و اقتصـاد ما و ... به شـکلی است که خیلی از مردم به دیـده نفرت به آنان نگاه می کنند؟

پاسخ

هر چنـد این مسـأله در بـدبینی عـده ای از مردم به روحـانیون مؤثر است، ولی بایـد با دیـدی واقع بینانه مجموعه عوامل مؤثر و میزان تأثیر هر کدام را مورد بررسی قرار داد. واقعیت اینست که:

۱. عملکرد و رفتار تعداد محدودی از افراد روحانی که در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی روحانیت را فراهم آورده است . مردم انتظار دارند که نه تنها در رده های سطح اول مسؤولان نظام , بلکه در سایر رده ها نیز شاهد صداقت , درست کاری , امانت داری , گرایش به خدمت به مردم , بی توجهی به تجملات و زخارف دنیا و... باشند; ولی رفتار عده انگشت شماری از آنان موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به روحانیت شده است .

۲. برخی افراط و تفریط, رفتارها و برخوردهای ناصحیح در بیان احکام شرع و... موجبات بدبینی عده ای از افراد را فراهم آورده است .

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی , سیاسی , اجتماعی و... باعث

افت جایگاه و منزلت روحانیت در دیدگاه مردم شده است .

۴. از دیگر علل آن , حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات , عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی , مبارزه با مظاهر فساد و...) و تحلیل نادرست مردم (یعنی مشکلات را همواره از چشم روحانیت دیدن) است .

۵. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی , تجمل پرستی , مدرک گرایی و... شد. و برخی از روحانیان از این خطر در امان نماندند.

۶. تهاجم شدید و گسترده فرهنگی غرب علیه ارزشهای اسلامی با استفاده از تمامی امکانات نرم افزاری و سخت افزاری , تکنولوژی های پیشرفته , عناصر وابسته داخلی و مطبوعات وابسته و... برای ضربه زدن به مهمترین رکن انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه و حوزه های علمیه و روحانیت با ناکارآمد خواندن مدیریت فقهی و فراهم آوردن موجبات بدبینی مردم نسبت به این گروه شد.

۷. به فرموده امام علی (ع) (من ملك استأثر) قدرت در دست هر کسی باشد مردم به طور طبیعی از آنها فاصله می گیرند.

۸. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از روحانیت داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون , و چه در شیوه های سلوك فردی و اجتماعی .

۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت،

چنانچه اگر شخصی از یک فردروحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است . مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض , فساد, معضلات اجتماعی , بیکاری به ستوه آمده بودند را, فراهم آورد. اما در مورد راهکارهای حل این معضل , هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود:

الف . راهکارهایی که خود قشر روحانیت باید انجام دهد از قبیل , دقت در گزینش ها خصوصا" افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و...

ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا ـ بردن درك و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشكلات اقتصادی و اجتماعی , توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و كارشناسانه بوسیله مطبوعات و رسانه های ملی و... و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری و روحانیت حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از انقلاب .

برای آگاهی بیشتر ر.ك :

۱. علی ذو علم , انقلاب و ارزشها.

۲. امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, روحانیت , اجتهاد و دولت .

۳. فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد.

عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید ؟

پرسش

عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل

به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید ؟

پاسخ

عـدالت اجتماعی از آرمانهای مقـدس اسـلام و همه مصـلحان می باشـد و در این میان آنچه مهم است , راه رسـیدن به عدالت اجتماعی است . تقسـیم بالسویه امکانات در جامعه اسـلامی , از جمله پایه های اجرای عدالت است ; ولی باید توجه داشت که تقسیم بالسویه امکانات , الزاما مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست.

بنا بر این بین معنای مساوات و عدالت نباید خلط شود چون که مساوات دو معنی می تواند داشـته باشد. اگر مقصود عدم توجه به اسـتحقاق افراد باشـد بی شک با عدالت اجتماعی (رعایت حقوق) منافات دارد و در واقع عین ظلم است . مثلا" اگر کسـی دو برابر دیگری از جهت کمی و کیفی کـار کنـد ولی به هر دو مزد یکسـان داده شود (در حالی که یکی اسـتحقاق بیشتری از دیگری داشته) چنین عملی بی شک ظلم است . اما مساوات معنای دیگری دارد که در تعابیر عرفی نیز بسیار به کار می رود و آن به معنای عدم تبعیض و برخورد یکسان با افراد است که در واقع به این معنا است که اگر دو نفر استحقاق یکسان دارند بین آنان تفاوت و تبعیض گذاشـته نشود, چنین معنایی بی شک همان عـدالت اجتماعی است و عدم رعایت مساوات (در این معنا) ظلم است . مثل آن که یکی را صـرفا" به دلیل قرابت فامیلی یا قـدرت و نفوذ سیاسـی یا مالی بر دیگری ترجیح دهند در حالی که هر دو از استحقاق یکسان برخوردارند و بلکه شاید شخص طرد شده استحقاق بیشتری داشته

است . در واقع پارتی بازی و بحث استفاده از رانت و امثال آن که در دوران ما مطرح است نقض چنین معنایی است , (ر.ک : عدل الهی , شهید مطهری , ص ۵۶).

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه , و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص , هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچ وجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده , و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل به صورت مختص بیان نمود:

الف – توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخصهای مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیلها و تحقیقات به عمل آمده , عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است . حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند, می فرمایند: ((در این مرحله از انقلاب , هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در

آن , رفـاه مـادی هم راه بـا عـدالت اجتمـاعی و توأم بـا روحیه و آرمان انقلابی , با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسـلام , تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصـلی ضـعیف یا مورد غفلت باشـد, بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد)), (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۶ و ۲۸۷). و در جای دیگر می فرمایند: ((در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها بایـد مبتنی بر عـدالت باشـد زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسـلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشـد اقتصادی در جامعه ما هدف اصـلی هم نیست , بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و رکن دیگر عبارت از عدالت است ... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی , یا در مجموع برنامه ها ما را به هـدف عدالت نزدیک کنـد, و الاـ اگر مـا را از عـدالت اجتمـاعی دور کنـد, فرض بر این که به رشـد اقتصـادی منتهی بشود کافی نیست)), (روزنامه رسالت , ۹/۳/۱۳۷۲).

ب - برخورد فیزیکی , مصـادره و بـازپس گیری اموال غاصـبان و صاحبـان ثروتهـای نامشـروع و بـادآورده : امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سـرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند: ۱- مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال .

حضرت آیت الله

خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم , جمع شود...)), (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۷). و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر, عزم , همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج - پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه , جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱- اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی (ع) می فرمایند: ((ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس , کیلا یتبیذغ بالفقیر فقره ; خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده , خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند. تا تنگدستی فقیر, او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد)), (نهج البلاغه , خطبه ۲۰۹, ص ۳۲۵)

۲- زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان : حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه مالك اشتر, در این زمینه می فرمایند

((والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد, کمتر حاضر به رعایت انصافند, وظیفه تو, آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی)), (نهج البلاغه , نامه ۵۳, ص ۴۴۱).

۳- بازرسی , نظارت , حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران : حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان , نظارت بر کار آنان نیز ضروری است , چون مقام و قدرت , غالبا" اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد, بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان , از بالا ـ بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود, ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...)), (فجر انقلاب در بهار قرآن , ص ۲۰۳ و ۲۰۵).

د - بالا ـ بردن میزان آگاهی مردم : با بالا رفتن میزان آگاهی مردم , درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحا مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد.

ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه : زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان , تقوا, تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ((اعدلوا هو اقرب للتقوی)), (مائده / ۸)

امام علی (ع) نیز می فرماید: ((قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ; هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند)), (نهج البلاغه , خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه , تحقق باوری عمیق , درونی ریشه دارد, عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , و انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده , ایفا می کنند, لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱- رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی , تبلور و تجلی یابد.

و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات , اشتغال , مسکن ; رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ك :

فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۷, ص ۴۸

فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۸, ص ۲۶ و ص ۵۶

محمدنقی نظرپور, ارزشها و توسعه , ص ۱۹۶

علی ذو علم , انقلاب و ارزشها, ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرز رفیع پور, آناتومی جامعه , ص ۴۸۰

چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر فقط تذکر دادن کافی است. آیا واقعا این جامعه را اسلامی می دانید.

پرسش

چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر

فقط تذکر دادن کافی است. آیا واقعا این جامعه را اسلامی می دانید.

پاسخ(قسمت اول)

گذشته از میزان و عوامل معضلاتی که نام بردید و در ادامه به آن می پردازیم، درباره قسمت اول سؤال گفتنی است: بررسی عمل کرد و اقدامات مراجع عظام تقلید، در مقابل مشکلات و معضلاتی که متأسفانه گریبانگیر جامعه اسلامی شده و به هیچ وجه زیبنده نظام اسلامی نیست؛ این واقعیت را آشکار می سازد که این موضوع یکی از دغدغه های اصلی آنان بوده و به کرات به صورت مستقیم و غیرمستقیم به مسؤولان تذکرات لازم را داده و نارضایتی خود را از وضعیت موجود اعلام کرده اند. به عنوان نمونه می توان از تحصن و اجتماع اعتراض آمیز علما و طلاب حوزه علمیه قم در قبال اوضاع اسفناک فرهنگی جامعه اشاره کرده این اقدام با حضور تعدادی از مراجع همراه بود و منجر به استعفا و کناره گیری وزیر فرهنگ و ارشاد وقت شد یا اخیرا آیت الله مکارم، آیت الله فاضل و... در مورد مشکلات و معضلات جامعه به مسؤولین هشدار داده اند. موارد متعدد دیگری هم هست که معمولاً از طریق رسانه ها به اطلاع عموم می رسد.

بنابراین مراجع عظام تقلید تا آنجا که احساس وظیفه کرده و انجام برخی اقدامات را در راستای بهبود معضلات و مشکلات جامعه مفید ارزیابی نموده، کوتاهی نکرده اند هر چند ما نیز منکر این مطلب نیستیم که نهاد «مرجعیت» با اتخاذ ساز و کارها و تدابیر مناسب تری، می تواند وظایف و کار ویژه های خود را به نحو بسیار مؤثری انجام دهد.

درباره چرایی عدم اتخاذ اقدامات شدیدتر از سوی مراجع و تلاش بر علیه وضع موجود گفتنی است که

می توان دو کار ویژه مهم و اساسی را برای مراجع در قبال مشکلات و معضلات جامعه در نظر گرفت:

یکم. نظارت بر عملکرد مسؤولان انتقاد و ارشاد نسبت به عملکرد آنان و مشکلات و معضلات؛

این کار ویژه محدوده وسیع و گسترده ای داشته و تمامی زمان ها را در برمی گیرد؛ یعنی هم در زمان تشکیل حکومت اسلامی از سوی حاکم اسلامی (مانند ولی فقیه واجدالشرایط در زمان غیبت) و هم در حکومت های جور (البته تا آن جا که شرایط اجازه بدهد).

مراجع عظام شیعه در عمل نیز چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن به این وظیفه مهم مبادرت ورزیده اند.

دوم. قیام و تلاش برای تغییر سیستم سیاسی حاکم،

این کار ویژه، محدوده خاص و شرایط ویژه ای دارد و مسلمااز آنجا که قیام علیه حاکم مسأله مهم و سرنوشت سازی بوده و تأثیرات و نتایج مهمی را به دنبال دارد، دارای شرایط و ویژگی های خاصی نیز است. مهم ترین آن این است که سیستم حکومتی حاکم حکومتی نامشروع بوده و علت و عامل اصلی این معضلات و ناهنجاری ها باشد. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «من رأی سلطانا جائرا مستحّلاً لحرام الله، ناکثا عهده، مخالفا لسنه رسول الله، یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان...» از این رو می بینیم که امام حسین(ع) علیه یزید، و امام راحل(ره) علیه حکومت طاغوتی شاه، قیام کردند.

بنابراین شرط اصلی برای قیام، این است که ثابت شود کسی که خلافت و حکومت را در دست دارد، علّت اصلی این همه جور و فساد است. اما اگر این شرط وجود نداشته باشد؛ بلکه برعکس سیستم سیاسی حاکم، حکومتی کاملاً مشروع و قانونی بوده و در

رأس آن «ولی فقیهی» واجدالشـرائط و مـورد قبـول و اعتمـاد اکـثریت مردم قرار دارد و خـود ضـمن اعلام نارضـایتی از این معضـلات، بیشترین سـعی و کوشـش خود را در جهت بسیج قوای سه گـانه و امکانـات کشور، برای مقابله و مبارزه با مفاسـد سیاسی و اقتصادی و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی دارد؛ در این جا نه تنها قیام علیه چنین حاکمی مخالف اصول و اهداف اسلامی است، بلکه به پاخاستن و قیام مراجع در کنار او برای مبارزه با مفاسد جامعه، امری واجب و بایسته است. همانگونه که بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی مراجع عظـام تقلیـد بـا تمام توان در کنار ولی فقیه ایسـتاده و از مسؤولین اجرایی، قانونگـذار، نظارتی، خواهان حل اساسی مشکلات و معضلات جامعه می باشند.

امـا در مورد قسـمت دوم سؤال و این که آیـا علی رغم وجود معضـلات نامبرده، باز هم جامعه ما اسـلامی است یا نه، در ابتـدا لازم است به مسـأله فسـاد و معضـلات بـا دیـدی واقع بینانه برخورد شود و از هرگونه تغافل یا بزرگ نمایی – که هر دو مضـر برای پیشـرفت و تکامل جامعه اسـلامی است – پرهیز شود. در این که در بخش هایی از بدنه نظام یا جامعه مفاسد و معضـلات وجود دارد شـکی نیست و مسؤولین عالی رتبه نظام ضـمن اعتراف به آن، شدیدا به دنبال حل اساسـی آن هسـتند که این خود نیازمند بررسی و مطالعات دقیق و وسیع و برنامه های طولانی مدت همراه با همکاری و جدیت تمامی بخش های دولت است.

اما کلیـدی ترین تکیه گاه آن، وجود مشـکلات و معضـلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر مفاسد اقتصادی، تبعیض، عدم اجرای کامل عدالت

اجتماعی و... در سطح جامعه ی اسلامی است که به هیچ وجه زیبنده ی نظام اسلامی نیست. در این موضوع ما نیز با شما موافق هستیم. اما در مورد این که آیا با وجود این قبیل مشکلات می توان به جامعه ی ما جامعه ی اسلامی گفت یا نه؟ نیازمند شناخت دقیق جامعه ی اسلامی، ویژگی های آن و تطبیق آن بر جامعه ی کنونی ماست:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین»(جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ – ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی جامعه ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی دینی دغدغه ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ – ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). :

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی تابد(نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار

فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه ی کنونی ایران مشخص می شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی

سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است.

حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

پاسخ(قسمت دوم)

جنگ های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت

مشکلات، گستردگی بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امهٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و

ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در

پیش گیرنـد. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شـرایط محیطی (قوانین اسـلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چنـد در روند تکاملی و اصـلاح جامعه امری کاملاً ضـروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیـاری خـود افراد یـک جـامعه نیز، شـرط دیگر این مجمـوعه است. از این رو شاهـدیم که در طول تاریـخ، بـا این که پیشوایـان الهی (ماننـد پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده انـد و تمام شـرایط و زمینه های رشـد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شـناختِ عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصـلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصـلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسـأله مفاسـد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عـدم رعایت عـدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق بـا تعـالیم دینی مقـدس اسـلام و اصول و ارزش هـا و آرمـان هـای نظـام جمهوری اسـلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشـته و از متولیان امر خواسـتار رسـیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه

با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد.

به عنوان نمونه معظم له در دیدار با نمایندگان مجلس هفتم، در تأکید با مسأله فساد و اهتمام نظام به این مسأله و راهکارهای اجرای آن می فرماید:

از جمله ی مهمترین کارها، مبارزه ی با فساد است. مبارزه ی با فساد، یک جنبه ی اخلاقیِ محض نیست؛ اداره ی کشور متوقف به مبارزه ی با فساد است. بنده دو سه سال پیش که آن نامه را درباره ی مبارزه ی با فساد به مسؤولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه ی وسیع و همه جانبه بود. از هر طرف می رویم، می بینیم اگر با فساد مبارزه نشود، همه ی کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می گیرد - کارهایی که انجام گرفته، کم نیست - اما وجود فساد، بعضی از آنها را خنثی می کند. استخری را در نظر بگیرید که از چند چاه عمیق با لوله های چند اینچی مرتب در آن آب ریخته می شود، اما استخر پُر نمی شود. وقتی نگاه می کنید، می بینید بدنه ی استخر ترک خورده و ته آن سوراخ است؛ هرچه از این طرف آب می ریزید، از آن طرف بیرون می رود؛ به کانالهایی که شما در نظر گرفته اید آبیاری کنید، اصلاً آب نمی رسد.فساد در جامعه، این طوری است. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سرطان است؛ باید با آن مبارزه کرد. البته نباید بزرگنمایی کرد. بعضی ها جنجال و بزرگنمایی می کنند و

طوری حرف می زنند که کانّه این سرطان همه جا را گرفته؛ نخیر، این طوری نیست. این همه ما دستهای پاکیزه، چهره های پاکیزه و انسانهای پاکیزه در دستگاه های گوناگون از بالا تا پایین داریم؛ اکثریت هم با اینهاست؛ منتها یک نقطه ی فساد، همه ی بدن را آلوده می کند. وقتی یک جای بدن بیمار می شود و درد می گیرد - مثلاً وقتی دندان فاسد می شود - انسان شب خوابش نمی برد. قلب، سالم؛ معده، سالم؛ ریه، سالم؛ جریان خون، سالم؛ اما یک دندانِ ناسالم خواب را از انسان می گیرد. فساد، این طوری است؛ باید با فساد مبارزه ی جدی کرد. یک پایه ی مبارزه، شمایید. آن روزی که بنده مسأله ی مبارزه ی با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا ما دیگر احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم؛ اما متأسفانه این طور نشد. آنها نکردند، شما بکنید. البته به قول برادر ظریف و نکته سنج مان، با دستمال کثیف نمی شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید در درجه ی اول مراقب باشد که فساد دامن خودش را نگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشید. دست پاک، دامن پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه ی اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند.

به دنبال این توصیه، این را هم عرض کنم که از لغزشگاه ها بترسید. امام سجاد (علیه الصّلاهوالسّلام) در دعای صحیفه ی سجادیه، وقتی برای سربازان اسلام دعا

می کنند، از جمله ی چیزهایی که روی آن تکیه می کنند، این است که خدایا! یاد و محبت و علاقه ی به «المال الفتون» - مال فتنه انگیز - را از دل اینها بگیر. مال و پول، خیلی خطرناک و فتنه انگیز است و خیلی ها را می لغزاند. ما آدمهای درشتی را در تاریخ دیدیم که وقتی پایشان به این جا رسید، لغزید؛ بنابراین خیلی باید مراقب باشید. در شرع مقدس، اسم این مراقبت چیست؟ تقوا. این که در قرآن از اول تا آخر این همه به تقوا توصیه شده، معنایش همین مراقبت و مواظبت از خود است. نفس انسان، زیاده خواه است. من وقتی در مطبوعات خواندم که شماها تصمیم گرفته اید در بعضی از مسائل مجلس و برخی از برخورداری های بیخودی تجدیدنظر کنید، حقیقتاً خوشحال شدم و به بانیان این کار دعا کردم. مثلاً فرض بفرمایید آدمی خانه دارد، باز خانه می خواهد؛ امتیاز دارد، باز امتیاز می خواهد. واقعاً من تشکر می کنم از این که شما در این راه وارد شدید و همت گماشتید. این راه را ادامه دهید و بر سر این کارها پای بفشرید. هرچه می توانید، منطقی و صحیح رفتار کنید. البته ما توصیه نمی کنیم و توقع هم نداریم که مثلاً در مجلس، نمایندگان گشنگی و تشنگی بکشند و زهد به خرج دهند - نه ما این طوریم، نه شما این گونه اید - ما می گوییم زیاده روی و اسراف نشود و کارهای بی قاعده و خرجهای بیخودی انجام نگیرد. ممکن است سرجمع همه ی این خرجها مبلغ خیلی کلانی هم در مجلس

نشود؛ اما وقتی شما این راه را قطع کردید، دست مردم و دستگاه ها الگو می دهید و راه و جهت را مشخص می کنید. کار شما خیلی ارزش دارد و بسیار خوب است؛ این را دنبال کنید.

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی۲۷ / ۰۳ / ۱۳۸۳).

بنابر آن چه که گذشت مشخص می شود که در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیّت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدّی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

در پایان تذکر این مسأله لازم است که شبیه چنین سؤالی را قبلا در نامه **۹۸۳۳** مطرح نموده بودید، مناسب بود در صورتی که از پاسخ ارسالی این مرکز ایراد و انتقادی داشتید، آن را به صورت دقیق بیان می کردید، تا در راستای نقطه نظرات شما پاسخ جدید را ارسال می داشتیم.

نابسامانی های اجتماع عدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه– عدم وجود عدالت اقتصادی – وضعیت قشر جوان دارد مرا دیوانه می کند . نمی دانم که چه کار کنم نمی توانم توجیهی برای اینگونه مسایل در کشور اسلامی و حکومت اسلامی پیدا نمایم حرف و سخن اطرافیان نیز که مزی

پرسش

نابسامانی های اجتماع عدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه– عدم وجود عدالت اقتصادی - وضعیت قشر جوان دارد مرا دیوانه می کند . نمی دانم که چه کار کنم نمی توانم توجیهی برای اینگونه مسایل در کشور اسلامی و حکومت اسلامی پیدا نمایم حرف و سخن اطرافیان نیز که مزید علت است!!! لطفا مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

آن گونه که از سؤال شما برداشت می شود وجود برخی مشکلات و معضلات در جامعه نظیر بی عدالتی، فقر، فساد و ... موجب شبهاتی برای شما و برخی جوانان شده است و بین وضعیت موجود با باورها، اعتقادات و انتظاراتی که از یک حکومت اسلامی ایده آل داشته اید، ناهمخوانی و دوگانگی، به وجود آورده. رفع این گونه شبهات و ابهامات در گرو توجه به امور ذیل است:

اولاً، اصل وجود این قبیل مشکلات در جامعه امری مسلم و غیر قابل انکار است اما نکته اساسی قضاوت و ارزیابی صحیح پیرامون میزان این امور و علل یا عوامل اصلی آن است: باید اقدامات مثبت و سازنده ای که برای زنان و یا قشر جوان انجام شده آنها را نیز در نظر گرفت و بعلاوه توجه کرد که بزرگ نمایی مشکلات و معضلات ... آیا منصفانه و منطبق بر واقعیات

موجود است؟! درصـد اسـلامیت جـامعه ما و دسـتاوردهای نظام اسـلامی در مقایسه با زمان قبل از انقلاب و یا سایر کشورهای مسلمان، به چه میزان است؟ چه معیارها و ملاک هایی را باید برای شناخت نظام اسلامی و کارآمدی آن در نظر گرفت و ... ؟

آیا واقعا آن چنان که دشمنان تبلیغ می کنند اکثریت جامعه ما از

انقلاب اسلامی ناراضی اند؟! اگر چنین است پس با حضور میلیونی مردم در انتخابات متعدد و راهپیمایی ها و سایر مراسم انقلابی و... که بیانگر حمایت مردم از نظام اسلامی است، چگونه قابل جمع است؟!

افزون بر این، آیا از وجود برخی مشکلات در جامعه، می توان هرگونه نتیجه ای را گرفت؟ آیا به خاطر برخی مشکلات باید منکر تمامی جهات مثبت نظام و منطبق بر تعالیم اصیل اسلامی شد؟ یا این که برعکس باید با بها دادن به این جهات و دستاوردهای مثبت، در صدد رفع کاستی ها و نقاط ضعف برآمد؟ آیا می توان دستاوردهای عظیم نظام اسلامی را در اسلامی کردن و اصلاح جامعه حفظ استقلال، تمامیت ارضی، عزت جهان اسلام، رشد و شکوفایی در عرصه های مختلف و... نادیده گرفت؟ آیا منصفانه است که تلاش های خالصانه رهبری و مسؤولین نظام را در جهت مقابله با مفاسد و مشکلات و نتایج مثبت آن را نادیده گرفت؟

ثانیا، اگر بخواهیم قضاوت صحیح در مورد میزان اسلامیت جامعه و نظام سیاسی خویش داشته باشیم ابتدا باید به شناختی دقیق از جامعه و نظام اسلامی و ویژگی های آن رسیده و سپس با وضعیت کنونی جامعه مقایسه نماییم:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین»(جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ – ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی جامعه ای است که در آن داوری با

دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی دینی دغدغه ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ – ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). :

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی تابد(نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن

جامعه ی کنونی ایران:

بـا نگـاهی به واقعیـات جـامعه ی کنونی ایران مشـخص می شود که بحمـدالله جـامعه مـا از دو معیـار اصـلی جامعه ی اسـلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسـلام عقیـده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسـی جامعه نیز بر اسـاس آموزه هـای دین مبین اسـلام شـکل گرفته است. بنـابر این در اصل اسـلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیـدی نیست. اما این که به چه میزان از اسـلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسـلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصـر بایـد گفت: نظام جمهوری اسـلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسـلام تشـکیل شـد، از ابتـدا تاکنون تمامی سـعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسـلامی در سـطح جامعه به کار بسـته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشـی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظـام سیاسـی و حقوقی منطبق بـا دین در صورتی در اجرای کامـل تعـالیم و ارزش های اسـلامی در سطـح جامعه موفق خواهـد بود که سایر شـرایط و زمینه های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالـح، مردم وفـادار و همیشه در صـحنه، کفـایت منـابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشـکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی،

بـدعت هـا و سـنت هـای غلـط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشـته باشـد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصـلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است.

حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشـروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضـی بودن به دین اسـلام دانسـته شـده است. (مائـده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریـخ پنـج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنـگ هـای داخلی صـفین، جمـل و نهروان، تهدیـدات دشـمنان خـارجی، کمبود نیروی انسانی توانمنـد و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشـکلات موجود در برابر حکومت عـدل امـام علی(ع) است. دنیـاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضـرت و... از مسائلی بودند که آن حضـرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در همان حـال آن حضـرت شایسـته ترین فرد برای حکومت و زمامـداری جامعه اسـلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بـدلیل وجود آن مشـکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت

اسـلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسـلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. اسـتقرار توحیـد و خـداپرستی در زمین و رهانیـدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امهٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» (نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشـد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الـذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین» (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضـعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...» (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضـله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسـلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...» (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسـفه تشـکیل حکـومت، تـأمین نیازهـای مـادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بسـتر رشـد و تکامـل انسـان و در نـتیجه سعـادت و خوشـبختی او در دنیـا و آخرت است. حکـومت اسـلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حـد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با

فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم... خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل

جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد.

بنابر آن چه گذشت، مشخص می شود که در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسؤولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

امام علی(ع) می فرماید: «فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه و لاتصلح الولاه الا باستقامه الرعیه؛ مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند

مگر به درستی مردم(نهج البلاغه، ۶۸۳).

در این فرمایش هم بر نقش مسؤولین و هم بر نقش مردم تأکید می شود.

با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته ی تحصیلی مورد علاقه ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

ثالثا و نکته آخر این که، در ریشه یابی مشکلات جامعه می توان از رهیافت های متعددی استفاده نمود. از قبیل رهیافت تک عاملی که ریشه همه مشکلات را ناشی از یک عامل مثلا اقتصاد یا مدیریت کشور می داند و یا رهیافت چند عامل که به صورت واقع بینانه و با ارائه آمار، شواهد و شاخص های مورد نیاز و به دور از هیاهوهای سیاسی و... به بررسی میزان دخالت و تأثیر عوامل مختلف در ایجاد یک پدیده پرداخته و نقش هر کدام

را مشخص می نماید.

به نظر می رسد از میان این دو رهیافت، رهیافت تک عاملی، خصوصا درباره جامعه کنونی ما نه روش علمی و نه منطبق با واقعیات است لذا باید سراغ رهیافت دوم رفت و در بررسی علمی و محققانه این موضوع، زمینه ها و شرایط و ابعاد مختلف آن، موانع تاریخی، داخلی، بین المللی، امکانات و توانایی ها و... را به صورت واقع بینانه بررسی و ارزیابی نماییم.

مسلما طبیعی است جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظیمی که از نظر ساختار اقتصادی [تک محصولی بودن آن وضعیت وخیم صنعت، کشاورزی و...] و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب به ما منتقل شده و چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ و خسارات عظیم آن [بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار، معادل هزینه ۷۰ سال کشور] و محاصره های بین المللی، تورم بین المللی و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جهت مشکلات ناشی از آن و...

معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و رواج فرهنگ مصرف گرایی، تجمل پرستی و... ماهیتا دارای مشکل می باشد. البته هر چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد و عاری از سوء استفاده و فساد در بخشهای مختلف آن می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازمندی های اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، ولی با توجه به دخالت متغیرهای دیگر به هیچ وجه نباید انتظار معجزه داشته باشیم، بنابراین حل مشکلات اساسی کشور نیازمند عوامل متعددی علاوه بر مدیریت کارآمد و ... می باشد. و مسلما مجموعه این

عوامل می توانند با همیاری و همدلی همه مسؤولین، جناح های سیاسی، مردم و جوانان متعهد ما مهیا شود و روند توسعه، پیشرفت و تکامل در جهت حل مشکلات و دست یابی به سعادت دنیوی و رشد و فضایل معنوی، بیش از پیش ادامه یابد.

به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح با پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چرا در مملکت ما این موضوع اصلا رعایت نمی شود? اگر پاسخ شما این است که رهبر به محلی برای اجتماع عمومی احتیاج دارند باید بگویم

پرسش

به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح با پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چرا در مملکت ما این موضوع اصلا رعایت نمی شود? اگر پاسخ شما این است که رهبر به محلی برای اجتماع عمومی احتیاج دارند باید بگویم که مساجد برای این منظور بسیار مناسب هستند اگر اینگونه از مساجد استفاده می کردیم هم مساجد ما رونق بیشتری می گرفت و هم نماز بیشتر از این ترویج پیدا میکرد .اصلامی توانستیم به جای این همه ساختمانهای مجلل اداراجات از مساجدمان که از رونق آنها کاسته می شود استفاده میکردیم ما مسلمانیم اسراف حرام است ان هم در شرایطی که در سرزمینمان بسیاری از مردم به غذا شبانه شان محتاج اند.

پاسخ

سؤال شما از جنبه های مختلف قابل بررسی و تحلیل می باشد که به اختصار پیرامون هر کدام مطالبی را بیان می نماییم:

اولاً همانگونه که بیان نمودید در آموزه های مبین اسلامی تأکیدات بسیار زیادی بر ساده زیستی حاکم و مسؤولین نظام اسلامی و هم سطح بودن آنان با پایین ترین اقشار مردم شده است و سیره عملی حکومت پیامبر اکرم(ص)، امام علی(ع) و سایر بزرگان دینی مؤید آن می باشد.

اما نکته مهمی که حتما باید بدان توجه شود شناخت نوع و ماهیت این ساده زیستی و زندگی در سطح اقشار مستضعف جامعه است؛ به عبارت دیگر این آموزه گهربار دو نوع قابل تحلیل و تبیین است: حالت اول این که بگوییم مراد از این آموزه، زندگی شخصی فرد حاکم یا مسؤول و خواسته ها انتفاعاتی است که یک صاحب منصب

در دوران عهده داری یک مسؤولیت در نظام اسلامی می تواند داشته باشد.

اما حالت دوم این است که منظور از آن، پایین آوردن سطح وسایل، ابزار و شیوه های حکومت داری باشد. از میان این دو حالت قطعا حالت اول منظور و مراد آموزه های دینی است و از پشتوانه های منطقی و عقلی بسیار متعددی برخوردار می باشد، اما حالت دوم به هیچ وجه منظور این آموزه ها نیست و نه تنها پشتوانه منطقی و عقلی ندارد بلکه آموزه های اسلام، سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص) و سایر بزرگان اسلام مخالف آن می باشد.

توضیح این که: دین مبین اسلام همانگونه که بر ساده زیستی جنبه های شخصی حاکم و مسؤولین تأکید دارد در طرف مقابل بر استفاده حکومت از پیشرفته ترین، منطقی ترین ابزار و شیوه های لازم حکومتی براساس مقتضیات زمان و مکان اهمیت بسیار ویژه ای قائل است، کافی است برای اثبات این موضوع نگاهی به سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص) داشته باشیم:

الف – اقدامات اداری:

یکی از اولین اقدامات آن بزرگوار در بدو ورود به مدینه ارائه برنامه ای برای هر چه اداره بهتر وکارآمدتر آن شهر و در نظر گرفتن ساز وکارهای لازم برای این موضوع بود: «شهر مدینه به چندین ناحیه یا بخش تقسیم می شد، به طوری که جمعیت هر قبیله در یک محل با یکدیگر و به دور از دیگران زندگی می کردند. در هر ناحیه یا بخشی یک رئیس (نقیب) چندین نایب رئیس (عریف) و یک محل اجتماع (سقیفه) نیز وجود داشت.

پیامبر(ص) برای اداره کل نقبا رئیسی تعیین کردند که به او «نقیب النقباء» گفته می شد. به این

ترتیب مجموعه شورای سیاسی دولت مدینه از ۴۹ نفر تشکیل می یافت. هر نقیب دارای سه عریف بود که بر امور مالی، اجتماعی و اطلاعاتی رسیدگی می کردند.

شخص پیامبر(ص) در رأس قدرت قرار گرفته بود و تمامی مسائل اجتماعی در نهایت با تصمیم گیری شخص حضرت محمد(ص) حل می شد» (ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی، سید محمد ثقفی، انتشارات هجرت، ۱۳۷۶، ص ۹۱).

اقدامات بسیار متعدد دیگری نظیر تدوین قانون اساسی دولت مدینه، نصب فرمانروایان و استانداران، تشکیل دیوان رسایل، صدور بخشنامه های دولتی برای فرمانروایان و... در این راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

ب – اقدامات فرهنگی:

پیامبر(ص) برای گسترش اسلام و آموزش قرآن در مدینه خانه مخرمه بن نوفل را به عنوان «دارالقراء» (خانه قاریان) و مرکز اعزام معلم قرار دادند و از این مرکز معلمان قرآن را به خارج از مدینه و به دیگر شهرها اعزام می کردند و یا این که برای گسترش سطح فرهنگی و انتقال آموزه های اسلامی به سایر ملل به برخی افراد نظیر زید بن ثابت دستور دادند که زبان عبری و سریانی را بیاموزد و... (همان، ص ۱۵۳ – ۱۵۱).

د – در زمینه اقتصادی:

بیشتر درآمدهای مالی دولت اسلامی در حکومت پیامبر اکرم(ص) از راه جزیه، خمس غنایم، زکات، صدقات واجبه و خراج یا مالیات بر زمین ها تأمین می شد. پیامبر(ص) برای تنظیم «عایدات مالی» یک سازمان مالی تشکیل داد که مرکب از عاملان صدقات، نگهبانان، نویسندگان اموال و... بود (همان، ص ۱۸۸).

و مرکزی برای جمع آوری این اموال به نام بیت المال یا «خانه صدقات» با مسؤولیت شخص معینی به وجود می آید

و حتی آن بزرگوار در خارج مدینه برای نگهداری اسب های مسلمانان، از انصار و مهاجر، چراگاه مخصوصی ساخته بود و... (احکام السلطانیه، ماوردی، ص ۲۳۳).

ج - در زمینه قضایی:

پیامبر اسلام(ص) علاوه بر این که شخصا به اختلافات رسیدگی و حکم صادر می کرد تشکیلاتی برای اجرای حدود، داشت و حتی برای زنان مجرم، زمان خاصی داشتند (التراتب الادادیه، عبدالحمی الکتانی، ج ۱، ص ۲۹۴ و ۳۰۰).

و یا تشکیل نظامی به نام «حسبه» و «محتسب» برای بازرسی و نظارت بر روابط اجتماعی و اقتصادی و...

د - در زمینه نظامی و امنیتی و سیاست خارجی:

پیامبر اکرم(ص) تشکیلات و نظام اداری خاصی داشتند فرماندهان سپاه را انتخاب و به بالا بردن نظم و انضباط و سطح قدرت نظامیان و تعلیم آنان و داشتن نقشه ها و طرح ها و تاکتیک های جنگی و اعزام مأموران اطلاعاتی و تحقیقاتی، اعزام سفیر و عقد پیمان های سیاسی و... همت می گماردند.

همانگونه که از نمونه های فوق مشخص می شود، پیامبر(ص) در آن جامعه ساده (در مقابل جوامع پیچیده کنونی) تشکیلاتی پیشرفته و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی آن روز به وجود آورده بود و همچنین حکومت امام علی(ع) نیز بر مبنای همین اصل جریان داشت و حتی در موارد زیادی از تشکیلاتی پیشرفته تر استفاده می نمودند مانند تأسیس مکان خاصی به نام زندان و یا استفاده از مرکزی خاص به نام دارالحکومه و... بنابراین منظور از ساده زیستی و در سطح پایین زندگی کردن ارتباطی با شیوه های حکومتی و استفاده از امکانات لازم برای اداره جامعه ندارد.

بله، حاکم و مسؤولین نظام اسلامی باید در

ضمن این که از شیوه ها و راه کارهای مطلوب برای اداره جامعه بهره می جویند، از هرگونه استفاده غیر ضروری از امکانات دولتی و حیف و میل بیت المال خودداری نمایند.

ثانیا، در زمان ما قطعا اداره جامعه نسبت به زمان پیامبر اکرم(ص) بسیار پیچیده تر شده و ابزارها و امکانات پیشرفته تر و حتی متفاوتی نسبت به آن زمان می طلبد و با توجه به گسترش جامعه بشری و تنوع نیازهای آن دیگر نمی شود از یک مسجد یا یک دارالحکومه و امثال آن به اداره جامعه پرداخت. همانگونه که پیامبر(ص) و امام علی(ع) در آن زمان تنها به مسجد اکتفا نکردند و تشکیلات مورد نیاز آن روز را به وجود آوردند، در این زمان به طریق اولی چنین کار ویژه ای از مساجد ساخته نیست و به هیچ وجه نمی توان به آن اکتفا کرد. البته این موضوع به معنای نادیده گرفتن اهمیت و جایگاه مهم مسجد و مکان های مذهبی در نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه برعکس نظام اسلامی ایران به دلیل ماهیت مذهبی خویش همواره به کانون های مذهبی و مساجد وابسته و وامدار می باشد، جرقه های انقلاب اسلامی از مساجد برخواست و به تمامی سطوح جامعه منتشر شد. قطعا تداوم آن نیز باید با تکیه بر نقش مسجد و کانون های مذهبی باشد، البته هر جایگاه و نهادی کار ویژه ای دارد که کار ویژه مسجد فرهنگ سازی، تبلیغ و گسترش آموزه ها و ارزش های اسلامی در سایر ابعاد مختلف جامعه و امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی و... می باشد – چنان که مقام معظم رهبری از

حسینیه امام خمینی بسیاری از سیاستگذاری های کلان نظام و هدایت های لازم برای جامعه را بیان می نماید و بر این اساس مسؤولین نظام اسلامی می توانند با اهمیت دادن به این موضوع و جلب افکار جوانان به این کانون های نورانی گام های اساسی در راه اصلاح و تکامل مادی و معنوی جامعه بردارند. البته متولیان مساجد هم باید با برنامه های مفید و جذاب و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، جاذبه های لازم را برای رویکرد گسترده و مجدد طبقات مختلف جامعه به سوی مساجد را فراهم آورند.

ثالثا، مقام معظم رهبری در زندگی شخصی خویش همواره و در طی تمام مسؤولیت هایی که در دوران انقلاب داشته اند به اصل مهم ساده زیستی و زندگی در سطح اقشار مستضعف جامعه، پای بند بوده و هستند و حتی از امکانات قانونی و شرعی هم در حد بسیار کم استفاده می نمایند (پرتوی از خورشید، علی شیرازی، بوستان کتاب قم ۱۳۸۲).

در مسائل رهبری علیرغم گستردگی وظایف با ابتدایی ترین و کمترین وسایل و امکانات مورد نیاز به انجام مسؤولیت خویش می پردازند و نهادها و بخش های وابسته به ایشان عموما در این سطح هستند و اگر تخلفی مشاهده شود به شدت برخورد می نمایند و همانگونه که بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسؤولین نظارتی کشور بارها اعلام کرده اند، این مجموعه از سالم ترین و کم هزینه ترین بخش های نظام جمهوری اسلامی است. اما متأسفانه علی رغم تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری و اهتمام ویژه ایشان بر ساده زیستی مسؤولین و پرهیز از تجملات و ریخت و پاش

های دولتی خصوصا در شرایط کنونی که بسیاری از اقشار جامعه با مشکلات اقتصادی مواجه هستند، در بخش های دولتی و برخی وزارت خانه ها مواردی مشاهده می شود که به هیچ وجه زیبنده نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی آنها را بر نمی تابد. از این رو برخورد اساسی با این پدیده که خطر اساسی برای مشروعیت و تداوم نظام اسلامی محسوب می گردد، در دستور کار جدی مجموعه کلان نظام قرار دارد که امید می رود با همکاری و همیاری تمامی بخش های نظام و قوای سه گانه و دور شدن از آفات جناحی، دیگر شاهد این قبیل تجاوزات به اموال عمومی نباشیم و بودجه های دولتی به سمت رفع مشکلات مردم و پیشرفت جامعه سوق داده شود، انشاءالله.

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پرسش

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پاسخ

واژه عدالت، درباره انسان دو گونه کاربرد دارد:

۱. گاه درباره فعل انسان نسبت به خویش استعمال می شود که در این صورت، عادل به کسی گفته می شود که آنچه موجب سعادت اوست به جا آورد و از کارهایی که برای سعادتش زیان بار است، دوری گزیند؛

۲. گاه واژه عدالت، درباره فعل انسان نسبت به دیگری به کار می رود؛ بدین معنا که انسان با هر فرد از افراد جامعه، آن چنان که حق اوست، رفتار می نماید و هر کس را در جای مناسب خود قرار می دهد. وقتی معنای اخیر عدالت درباره همه شخصیت های حقیقی و حقوقی یک جامعه، اعم از مردم و دولت، در نظر گرفته شود، مفهوم عدالت اجتماعی پدید می آید. بر این اساس، «عدالت اجتماعی» بدین معنا است که در جامعه حقوق همگان رعایت شود. در مقابل عدالت اجتماعی، ظلم اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است. امیر مؤمنان علی(ع) را شهید عدالت نامیده اند. روشن است عدالتی که زمینه ساز شهادت حضرت شد، عدالت در بُعد اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است. در واقع عدالتی که سبب شهادت آن امام همام گردید، عدالت در بُعد اجتماعی و نوع تفکر مخصوصی بود که آن حضرت درباره عدالت اجتماعی داشت؛ تفکری که نه تنها بارها و بارها در ضمن سخنان خویش بر آن تأکید می ورزید، بلکه در طول عمر مبارك خويش، بويژه در دوران کوتاه حکومتش، در عمل بدان پایبند بود و در این راه هیچ مسامحه و انعطافی را روا نمی دانست تا آن جا که این شیوه قاطع را

حتی نسبت به نزدیک ترین کسان خویش نیز آن را اجرا می کرد؛ چنان که این شیوه در داستان برخورد آن حضرت با برادرش عقیل به خوبی مشهود است. شخصی از آن حضرت پرسید: «أَیُّهُما أَفضَل؟ العَدلُ أَم الجُودُ»؛ عدل برتر است یا جود؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «العَدلُ یَضَعُ الأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الجُودُ یُخْرُجُها مِن جَهَتِها»؛{۱} عدل بهتر است؛ زیرا عدل هر چیزی را در جای خود قرار می دهد و هر حقی را به ذی حق واقعی خود می رساند، اما جود و بخشش، امور را از محل و مدار خود خارج می سازد»؛{۲} سپس فرمود: «وَ العَدلُ سَائِسٌ عامٌّ و الجُودُ عارِضٌ خاص»؛{۳} عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالیکه بخشش گروه خاصی را شامل می شود. عدالت، اداره کننده عموم است و پایه و مبنای زندگی عمومی است، اما جود و بخشش حالتی استثنایی است که در موقعیتی خاص به کسی عطا می شود. جود و ایثار را نمی توان مبنای اصلی زندگی عمومی قرار داد و بر اساس آن مقررات و قانون وضع کرد؛ زیرا در این صورت دیگر جود و بخشش نام نمی گیرد. ایثار وجود، زمانی ایثار وجود است که هیچ قانون و مقررات حتمی و لازم الاجرا نداشته باشد و آدمی تنها از روی کرم و بزرگواری و گذشت و نوع دوستی جود و ایثار کند؛ از این روی اگر در جامعه ای جود نباشد، آن قدر مشکل پیش نمی آید که در صورت عدم وجود عدالت پیش می آید. پاسخ آن حضرت که عدل را از جود بالاتر می داند به روشنی نشان می دهد که آن حضرت با نظر به بعد اجتماعی عدالت این سخن را فرموده اند؛ زیرا افزون بر این

که از نظر فردی و اخلاقی جود بالاتر از عدل است، کسی که تفکر اجتماعی ندارد و با مقیاس های فردی محاسبه می کند، هیچ گاه عدل را از جود بالاتر نمی داند. شخص عادل کسی است که در آن حد از کمال انسانی است که به حق دیگران تجاوز نمی کند، اما آن که جود می کند و ایثار می نماید، نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی کند، بلکه از دسترنج و حق خویشتن می گذرد و آن را به دیگران می بخشد. بنابراین از دیدگاه فردی و اخلاقی جود از عدل بالاتر است. اما از دیدگاه اجتماعی درست به عکس است؛ زیرا عدل در اجتماع به منزله پایه های ساختمان است و جود و احسان به منزله رنگ آمیزی و نقاشی و زینت ساختمان. اول باید پایه درست باشد تا آن گاه نوبت به زینت و رنگ آمیزی برسد. اگر خانه ای از پای بست ویران باشد، دیگر چه فایده که خواجه در بند نقش ایوان باشد؟ اما اگر پایه محکم باشد، در ساختمان بی زینت هم می توان زندگی کرد. ممکن است ساختمانی از نظر زینت و رنگ آمیزی فوق العاده خواب باشد، اما چون پایه اش سست است، با یک باران بر سر اهلش خراب شود. این پرسش و پاسخ به روشنی نشان می دهد که آن حضرت عدالت را از بعد اجتماعی می نگریسته و همین نگرش ها در سیره حکومتی خویش اجرا فرموده است تا آن جا که می توان گفت: عدالت برای آن حضرت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مطرح بود و آن حضرت عدالت اجتماعی را از هر چیز دیگری بالاتر می دانست و سیاست خود را بر مبنای همین اصل تأسیس کرد و در این راه هیچ

منظور و هدف دیگری نتوانسته آن حضرت را از اجرای عدالت باز دارد، هر چند همین مسأله مشکلات فراوانی را برای آن حضرت در طول دوران حکومتش ایجاد کرد. در پایان سخن، تنها به ذکر چند نمونه از سیره حکومتی آن حضرت که به خوبی جایگاه عدالت اجتماعی در آن روشن می شود، بسنده می کنیم:

۱. درباره قطایع عثمان (اراضی ای که متعلق به همه مسلمانان بود و خلیفه سوم آنها را در اختیار اشخاصی خاص قرار داده بود)، فرمود: «وَ اللهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تُزَوِّجَ بِهِ النِّساءُ وَ مُلِکَ بِهِ الإِماءُ لَرَدَدْتُهُ، فَإِنَّ فِی العدلِ سَعَةً»؛ {۴} به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده و یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است/

۲. عمرو عاص در نامه ای به معاویه نوشت: «ما کُنتَ صانِعاً فَاصنَع، إِذا قَشَّرَکَ ابنُ أبی طالِبٍ مِن کُلِّ مالٍ تَملِکُهُ کَما تَقَشَّرَ عَنِ العَصا لَحاها»؛ {۵} هر کاری از تو ساخته است بکن که پسر ابوطالب هر چه را در این مدت جمع کرده ای از تو باز پس خواهد گرفت، آن گونه که پوست عصای دستی را از آن جدا می کنند.

۳. عبدالله بن زمعه {۶} که یکی از یاران آن حضرت بود، در زمان خلافت آن حضرت نزد وی آمد و درخواست کرد که از بیت المال مالی به او ببخشد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّ هذا المالِ لَیسَ لِی وَلالَکَ وَ إِنَّما هُوَ فَیْءٌ للمسلمین، جَلبُ أَسیافِهِمْ، فَإِنْ شَرِکتَهُم فَی حربِهِم، کان لَکَ مِثلُ حَظِّهِمْ»؛ {۷} این اموال که می بینی نه مال من و نه از آن توست،

بلکه غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آورده اند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی. به هر حال نمود عدالت آن خورشید فروزان عالم هستی چنان است که نویسنده ای مسیحی درباره آن حضرت کتابی می نویسد و عنوان آن را «علی، صدای رسای عدالت انسانی» قرار می دهد.{۸}

[۱].نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷/

[۲].لازم به یادآوری است که این کلام به معنای مذمت جود نیست؛ چنان که توضیح داده خواهد شد/

[۳].نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۳۷/

[۴].نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۵/

[۵].شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷۰، (چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی)/

[۶].عبدالله بن زمعه کسی است که پدر و عمو و برادرش در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند. جد او أسود، رسول خدا را فراوان آزار می داد، اما او از یاران امام علی(ع) شد و فکر می کرد در تقسیم بیت المال به او بیش تر توجه می شود، اما پاسخ قاطع امام او را بیدار کرد.

[۷].نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۳۲/

[۸].ر.ک: علی و حقوق بشر، جورج جرداق، ترجمه عطامحمد سردارنیا، (مؤسسه انتشارات فراهانی، تهران)/

برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند ؟

پرسش

برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند ؟

پاسخ

در پاسخ به سوال خوب شما دوست عزیز ابتدا پارتی بازی را معنا می کنیم : "پارتی بازی زمانی صورت می گیرد که کسی باعث شود تا فرصت موجود در یک اداره یا سازمان که متعلق به همه مردم یا گروه معینی (مثلاً واجدین مدرک لیسانس) است به فرد یا گروه خاصی داده شود بدون اینکه ملاکهای تدوین شده آن اداره را داشته باشد ". حال با توجه به معنای پارتی بازی معرفی کردن و راهنمایی کردن افراد یا حتی آشنایان جهت دادن آزمون ورودی و استفاده از فرصتهای موجود پارتی بازی نیست البته به شرطی که حق دیگران در ارتباط با اطلاع یافتن از این موضوع ضایع نشود . اما اگر کسی باعث شود که حق قانونی عموم مردم زیر پا گذاشته شود و به هر نحوی در اختیار افراد غیر شایسته و نالایق قرار بگیرد این پارتی بازی است و متاسفانه افرادی که از این طریق نادرست به استخدام ادارات و نهادها در می آیند کم نیستند .

برای حل این مشکل از دو راه می توان وارد شد : یکی برنامه ریزی و عملکرد قاطعانه مسئولین کشور در کنترل ادارات و سازمانها و دیگری نظارت عمومی مردم بر وضعیت جامعه . در توضیح مورد دوم باید گفت : اگر فردی زشتی پارتی بازی را متوجه شد در مرحله اول خود از این شیوه استفاده نمی کند و در مرحله دوم نسبت به آشنایان یا افراد جامعه تذکر داده و به طور جدی و با توضیح ضررهای استخدام چنین فردی مانع انجام این

امر می شود و در صورت عدم توجه به تذکر دوستانه اش باز هم از تلاش دست بر نداشته مسئولین ذیربط و نهادهای مراقب و برخورد کننده با تخلفات در هر نهاد و اداره را در جریان امر قرار داده و از این طریق مسئولیت خود را در قبال جامعه ادا می کند زیرا همه ما مسئول حفظ و نگهداری یکدیگر هستیم همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند : کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته .

البته باید گفت این دو امر در کنار هم نتیجه مطلوب را خواهد داد و گرنه در صورتیکه برنامه ریزی مسئولین باشد اما مردم همکاری نکرده و اقدامی در جهت بهبود وضعیت موجود نکنند و فقط عیب کار را در عدم کنترل شایسته

مسئولین ببینند و یا مسئولین ، برنامه ریزی قاطعانه ای در این زمینه نداشته و فقط عدم همکاری و رفتار نادرست مردم را مسؤول وضعیت نامناسب موجود ببینند کاربه جایی نخواهد رسید و با اداره سازمانها توسط افراد نالایق جامعه روی ترقی و پیشرفت را نخواهد دید. در این زمینه مولوی مثل جالبی آورده، می گوید : "چهار مرد به مسجدی رفتند و مشغول نماز شدند در این هنگام مؤذن وارد مسجدشد یکی از آنها به او گفت : اذان نشده بود که اذان گفتی؟ مرد دوم به اولی گفت تو در نماز سخن گفتی و نمازت باطل شد، مرد سوم به دومی گفت : برای چه به رفیقت طعنه می زنی نماز خودت باطل شد. چهارمی گفت : خدا را شکر که من مانند شما سه نفر سخن نگفتم و نمازم باطل

نشد وبه این ترتیب نماز هر چهار نفر باطل شد.

پس نماز هر چهاران شد تباهعیب گویان بیشتر گم کرده راه

ای خنک جائی که عیب خویش دیدهر که عیبی گفت آن برخود خرید

چون که بر سر مرترا ده ریش هستمرهمی برخویش باید کار بست

چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است ؟

پرسش

چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است ؟

پاسخ

در پاسخ سوال شما دوست گرامی درابتدا برای واضح تر شدن مفهوم عدالت و تبعیض مقدمه ای عرض می شود : استاد مطهری (ره) در کتاب بیست گفتار در توضیح مفهوم عدالت می گوید : آیا هر نوع تفاوت که در جامعه بین افراد باشد تبعیض و مخالف عدالت است و لازمه عدالت مساوات مطلق است ؟ یا عدالت مستلزم مساوات مطلق نیست و گاهی عدالت ایجاب می کند که تفاوت و امتیاز گذاشته شود اما این تفاوت بی جا و بلا استحقاق نباشد مسلماً تعریف صحیح عدالت تعریف دوم است . به بیان دیگر مقتضای عدالت مساوات است در شرایط حقوقی مساوی نه در شرایط نامساوی یعنی نباید میان شرکت کنندگان در یک مسابقه علمی یا در یک مسابقه قهرمانی در غیر آنچه مربوط به استعداد و هنر و لیاقت است فرق گذاشته شود مثلاً یکی اشراف زاده است و یکی فرضاًفرزند یک فقیر یکی توصیه و پارتی دارد و دیگری ندارد و.... آنچه نباید ملاک قرار بگیرد این امور است که مربوط به لیاقت و استعداد و یا فعالیت و مجاهدت افراد نیست و عدالت هنگامی تحقق می یابد که هیچ ملاحظه شخصی و تبعیض و تفاوت و تقدمی غیر از مبنای فضیلت و تقوی و عمل و لیاقت در کار باشد اما تقدمهایی مبنی بر فضیلت و تقوی و عمل باید وجود داشته باشد قران کریم نیز امتیازات مبتنی بر فضایل را به رسمیت می شناسد و می فرماید : " فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً " یعنی خداوند مجاهدان

بر خانه نشینان را بر اجر عظیمی برتری داده است . بنابراین با توجه به مطالب فوق با مشاهده هر نوع امتیاز و تقدم در جامعه نمی توانیم آنرا از مصادیق تبعیض به شمار آوریم بلکه تبعیض موقعی تحقق پیدا می کند که تقدم و امتیاز در مورد شخصی بکار گرفته شود که شایسته و لایق آن نباشد .

پس از روشن شدن معنای عدالت و تبعیض در پاسخ به سوال شما که فرموده بودید چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است عرض می شود که پیدا شدن تبعیض و فاصله طبقاتی در جامعه از نظر اقتصادی به دلیل اختلاف سطح در آمدها و اختلاف ارزش خدمات که افراد جامعه ارائه می دهند و به دلیل اختلاف سطح علمی و مهارتهای فنی افراد با یکدیگر امر طبیعی

است قران کریم در سوره مبارکه زخرف می فرماید : " ما هستیم که مایه معیشت و استعدادهای گوناگون را در میان مردم تقسیم کرده ایم تا در نتیجه ، اختلاف طبیعی در میان آنها پیدا شود و همین اختلاف و تفاوتها سبب می شود که بعضی افراد مسخر بعضی دیگر قرار گیرند و نظام اجتماعی زندگی بشر استوار شود " و این امر در همه جوامع بشری بدون استثناء وجود داشته و دارد اما آنچه مهم است وجود برنامه ریزی صحیح برای کم کردن این فاصله هاست تا این فاصله طبقاتی به حد متعادل و منطقی و عادلانه خود برسد و تبعیضات ناروا برطرف گردد که در این زمینه علیرغم وجود برنامه های مفید و موثر در مکتب اقتصادی اسلام و اجرا شدن بخشهایی از آن در جامعه

به دلیل عملی نشدن بسیاری از این برنامه ها و گاه دامن زدن به این تبعیضات ناروا توسط بخش خصوصی و دستگاههای حکومتی شاهد نارساییهای موجود هستیم .و ریشه همه این تبعیضها فقدان فرهنگ عدالت و عدالت پذیری است و اگر این فرهنگ ایجاد شود برای رفع تبعیض نیاز به هیچ لایحه و مصوبه ای نداریم . بلکه مصوبه مجلس وجدان انسانها محکمترین مصوبه با ضمانت اجرایی ۱۰۰٪ می باشد .

اما در حال حاضر برای حل مشکلات جامعه از جمله موارد فوق می توان از دو راه وارد شد :

۱- برنامه ریزی و عملکرد قاطعانه مسئولین کشور با توجه به تاکیدات فراوان و راه حلها و راه کارها توسط مقام معظم رهبری

۲- نظارت عمومی مردم بر وضعیت جامعه که در هر کجا فساد اداری ، تبعیض ، و مانند اینها دیدند نسبت به آنها بی تفاوت نبوده و از تذکر زبانی به افراد متخلّف کرفته تا گزارش و خبر گزاری پنهانی یا آشکار به مسئولین ذیربط و نهادی مراقب و برخورد کننده با تخلفات در هر نهاد و اداره .

البته باید گفت این دو امر در کنار هم نتیجه مطلوب را خواهد داد و گرنه در صورتیکه برنامه ریزی مسئولین باشد اما مردم همکاری نکرده و اقدامی در جهت بهبود وضعیت موجود نکنند و فقط عیب کار را در عدم کنترل شایسته مسئولان ببینند و یا مسئولین برنامه ریزی قاطعانه ای در این زمینه نداشته و فقط عدم همکاری مردم را مسئول وضعیت نا مناسب موجود ببینند به جایی نخواهند رسید و مشکلات به قوت خود باقی خواهد ماند .

با تشکر از شما دوست عزیز

که وقت خود را صرف مطالعه این اوراق نمودید امیدواریم مطالب فوق تا حدی راهگشای مشکل شما بوده باشد .

در وضیعت کنونی که اقتصاد مملکت وضعیت بسیار بدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر(که فرمودند : " از هردری که فقر وارد شود ازدر دیگر ایمان خارج می شود" مردم در فقر بسیار زیادی به سرمی برند واین باعث بدبین شدن افراد نسبت به دولت شده است،دراین باره توضیح دهید.

پرسش

در وضیعت کنونی که اقتصاد مملکت وضعیت بسیار بدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر(که فرمودند : " از هردری که فقر وارد شود ازدر دیگر ایمان خارج می شود" مردم در فقر بسیار زیادی به سرمی برند واین باعث بدبین شدن افراد نسبت به دولت شده است،دراین باره توضیح دهید.

پاسخ

اقتصاد کشور وضعیت چندان بدی ندارد. مشکلات موجود بدلیل نابسامانی درامور اقتصادی است توزیع ناعادلانه ثروت، تبعیض اقتصادی، رانت خواری و ثروتهای باد آورده برای عده ای باعث شده است که گروهایی از مردم در فقر بسر برده ومشکلات معیشتی سختی داشته باشند. علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری درخصوص رسیدگی جدی به وضعیت اقتصادی مردم بویژه خدمت رسانی به مردم در سال ۸۲ متأسفانه بخش هایی از دولت و نیز اکثریت نمایندگان مجلس بجای توجه به مشکلات اصلی مردم، گرفتار سیاست زدگی وباندبازی شده و فرصت های طلایی را از دست داده اند وگرنه کشور ما دارای منابع غنی اقتصادی است که اگر بطور صحیح استفاده شود و درآمدها نیز عادلانه توزیع شود ونیز نظارت وبازرسی اساسی و دقیق بر روند استخراج منابع، تولید ومصرف صورت بگیرد امید است که فاصله طبقاتی فقیر وغنی کم شود وقشر آسیب پذیرجامعه از فقر نجات یابند.

در مورد بدبینی که حضرتعالی فرمودید که مردم به دولت بدبین می شوند تا حدودی صحیح است اما دربعضی بخشها هم مردم حامی دولت ونظام و طرفدارآن هستند چراکه مردم جامعه ما انسانهای فهیم وآگاهی هستند و می دانند نباید تمام مشکلات را به گردن تمام دولت نهاد. بخشهایی از دولت ضعیف عمل می کنند وموجب نابسامانیهایی شده اند که

انتقاد مردم هم متوجه همان بخشهاست نه همه دولت ونظام.

۱- چرا قانون گذاری به نفع آحاد مردم فراموش شده است؟

اشاره

۲- چرا تورم و بیکاری مهار نمی شود؟

۳- و ۴- چرا جرم وجنایت وفساد و رشوه خواری وسر گردانی مردم در ادارات زیاد شده است؟ چرا پارتی و تبعیض زیاد شده است؟

پرسش

۱- چرا قانون گذاری به نفع آحاد مردم فراموش شده است؟

۲- چرا تورم و بیکاری مهار نمی شود؟

۳- و ۴- چرا جرم وجنایت وفساد و رشوه خواری وسر گردانی مردم در ادارات زیاد شده است؟ چرا پارتی و تبعیض زیاد شده است؟

پاسخ

۱- مرجع قانو گذاری در کشور مجلس شورای اسلامی است که با رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند و عمدتاً قوانین مصوب در مجلس بدنبال رفع مشکلات و تأمین منافع مردم می باشد، آنچه می تواند مورد نقد باشد متأسفانه عدم اولویت بندی درست درامر قانونگذاری و تأمین منافع مردم است که بعضاً بخاطر بازیهای سیاسی بین احزاب و گروهها و رقابتهای باندی و حزبی صورت می گیرد بگونه ای که این رقابتهای ناسالم خدمات واقعی راهم زیر سؤال می برد بهرحال نمایندگان مجلس ونوع نگاهشان به امر قانونگذاری امری است وبه قولی آشی است که در پختن آن آراء هر یک از افراد جامعه نقش دارد، وبایستی در هنگام انتخابات درست توجه کنیم که چه کسی را با آراء خود به مجلس می فرستیم.

قبل از هر چیز لازم است بدانیم که این مشکل خاص جمهوری اسلامی نیست و مشکل تورم و بیکاری حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان یک مسأله و معضل مورد توجه است رشد صنعت و زندگی مصرفی و انتظار رفاه هر چه بیشتر عمده زندگی ها را با انتظارات فراینده روبرو کرده و از طرفی محدودیتهای اقتصاد کشور و جوان بودن جمعیت کشور که هر سال جمع زیادی را به متقاضیان کار می افزاید از مشکلاتی است که هر چه تلاش صورت می گیرد باز ورود افراد جدید به جمع

متقاضیان کار در حقیقت مشکل همچنان باقی می ماند. کنترل جمعیت از مواردی بوده است که متأسفانه در کشور ما جدی گرفته نشده است و لذا نتیجه آن شده است که در طول ۲۵ سال پس از انقلاب، جمعیت کشور، دو برابر شده که تورم و بیکاری یکی از پی آمدهای امروز آن است .

۳- و ۴- مواردی مانند رشوه خواری و پارتی بازی و تبعیض و فساد اداری دارای ریشه ها و عوامل مختلفی است از مشکلات فرهنگی گرفته تا مشکلات اقتصادی و ناتوانی های مدیریتی و قضائی و... که هر یک می تواند بصورت جداگانه علت این مسائل باشد. متأسفانه در دوران پس از جنگ که برنامه های دولت در جهت توسعه اقتصادی و بازسازی اقتصادی کشور شد لازمه این شرایط وارد شدن سرمایه به جامعه و دنبال سرمایه رفتن بود و رفته رفته بجای ارزشهای انقلاب آنچه که در جامعه تبلیغ شد و می شود مصرف زدگی و رفاه زدگی به جای زندگی سالم و ارزشی است زیرا تولید زیاد نیازمند مصرف کننده است و چون شرایط اقتصادی کشور پاسخگوی نیازهای عمومی نیست. عده ای برای رسیدن به رفاه هر چه بیشتر آلوده به مفاسد اداری و رشوه خواری شده وعده ای بدلیل ناتوانی از رسیدن به این امکانات است به جرم و جنایت می زنند و این از مشکلاتی است که بارها مقام معظم رهبری به مسؤولین امر توصیه کرده اند و امسال را نیز به نام سال خدمات رسانی به مردم نامگذاری کردند و در هفته دولت نیز یکی از مطالباتی که ایشان از دولت مطرح فرمودند رسیدگی به همین

امور بود.

برای ایســتادگی درمقابل آمریکا، انســجام و وحدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض وبی عدالتی نمی بینیم که نتیجه آن ناهنجاری فحشا وسرکشــی وبیهودگی است واز بین رفتن انگیزه برای منافع ملی پس در چه راهی می شود درمقابل د

پرسش

برای ایستادگی درمقابل آمریکـا، انسـجام و وحـدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عـدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض وبی عدالتی نمی بینیم که نتیجه آن ناهنجاری فحشا وسرکشی وبیهودگی است واز بین رفتن انگیزه برای منافع ملی پس در چه راهی می شود درمقابل دشمن ایستاد؟

پاسخ

همـانطور که مقـام معظم رهبری درسـخنرانی هـای اخیر خودشـان دروارمین و دیـدار با نماینـدگان مجلس وغیره مکرراً تأکید فرمودنـد حقیقت مطلب همین است که بهترین وضـروری ترین کار وبرنامه برای ایسـتادن دربرابر توطئه ها وتهدیدات آمریکا، همین است که ملت ایران انسـجام ویکپارچکی خود و وحدت کلمه را حفظ کنند ومسؤلین ودولتمردان برای راضی نگه داشن این مردم و حفظ پایگاه مردمی نظام، واقعاً به مردم صـبور وغیرتمنـد ومسـلمان ایران خـدمت نمایند. وقتی دولتمردان ومسؤلین نظام درکنار مردم باشند وهمه با هم اتحاد داشته باشند هیچ جای نگرانی وجود ندارد.

نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژه اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم رهبری می باشند چه می باشد؟آیا برخورد با این رانت خواری ها موجب دلگرم شدن مردم نسبت به نظام می باشد؟

پرسش

نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژه اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم رهبری می باشـند چه می باشد؟آیا برخورد با این رانت خواری ها موجب دلگرم شدن مردم نسبت به نظام می باشد؟

پاسخ

بر خلاـف گفته هـای بعضـی از گروه هـا، نهادهـایی که زیر نظر مقـام معظم رهبری هسـتند به دلیـل اهمیت مسـأله بیشتر تحت نظارت هستند. علاوه بر نظارت سازمانهای نظارتی دولت، مجلس و قوه قضائیه، از طرف واحد بازرسی دفتر مقام معظم رهبری هم مورد بازرسـی قرار می گیرنـد و تأکیـد ایشان این است که بـدون ملاحظه با افرادی که از موقعیت خویش سوءاسـتفاده می کننـد برخورد شود. مثلاًـ در جریـان پرونـده شـهرام جزایری که بعضـی افراد متهم بودنـد به مقام معظم رهبری نامه نوشـتند که ایشان کاری بکنند، قبول نکردند و فرمودند بایستی طبق قانون پی گیری شود.

در نهایت باید گفت : نظارت مردم بر عملکرد مسئولین وظیفه فرد فرد مردم است و برای پیشرفت جامعه ضروری و لازم است.

نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه درعملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان آقازاده ها و...) آیا برای اصلاح مسئولین و پاسخگویی روش آنها، فکری شده است؟

پرسش

نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه درعملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان آقازاده ها و...) آیا برای اصلاح مسئولین و پاسخگویی روش آنها، فکری شده است؟

پاسخ

بر خلاف گفته های بعضی از گروه ها، نهادهایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند به دلیل اهمیت مسأله بیشتر تحت نظارت هستند. علاوه بر نظارت سازمانهای نظارتی دولت، مجلس و قوه قضائیه، از طرف واحد بازرسی دفتر مقام معظم رهبری هم مورد بازرسی قرار می گیرند و تأکید ایشان این است که بدون ملاحظه با افرادی که از موقعیت خویش سوءاستفاده می کنند برخورد شود. مثلاً در جریان پرونده شهرام جزایری که بعضی افراد متهم بودند به مقام معظم رهبری نامه نوشتند که ایشان کاری بکنند، قبول نکردند و فرمودند بایستی طبق قانون پی گیری شود.

در نهایت باید گفت : نظارت مردم بر عملکرد مسئولین وظیفه فرد فرد مردم است و برای پیشرفت جامعه ضروری و لازم است.

چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را به اوج اعلاء برسانند ولی حمایت نمی شوند، به همین دلیل است که بیشترین آمار فرار مغزها را در جهان، ایران دارد.

پرسش

چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را به اوج اعلاء برسانند ولی حمایت نمی شوند، به همین دلیل است که بیشترین آمار فرار مغزها را در جهان، ایران دارد.

پاسخ

آنچه عقل و منطق و بویژه شرع مقدس ما را به آن توصیه می کند آن است که در قضاوتهای خود در مورد موضوعات مختلف منصفانه و عادلانه قضاوت کنیم. طرح سئوا ل با این عبارات نشانه نوعی پیش داوری عجولانه و قضاوتی غیر منطقی است. بخش اول عبارت را که مدعی عدم حمایت از استعدادها و حتی کشتن و خفه کردن استعدادهاست جالب توجه است چون صرفاً یک ادعا است و سئوال کننده محترم بایستی دلیلی بر صحت مدعای خود بیاورند اما پاسخی که می توان در رد این ادعا ارائه داد حداقل این است که یک مقایسه ای بین وضعیت امروز جامعه با گذشته داشته باشند در تمامی زمینه ها

جمهوری اسلامی زمینه بروز استعدادها و شکوفائی آنها را فراهم کرده است. کشوری که قبل از پیروزی انقلاب وحتی پس از پیروزی انقلاب حتی در شهرستانها و مراکز استان از پزشکهای عمومی هندی و پاکستانی و...برای تأمین کادر پزشکی بیمارستانها استفاده می کرد امروز در دورترین روستاها از پزشکان ایرانی استفاده کرده و حتی مشکل ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان این رشته را دارد و به مرکزی قابل اعتبار برای عملهای جراحی مهم در سطح منطقه تبدیل شده است. کشوری که حتی آسفالت جاده هایش را بایستی ایتالیایی ها و یا کشورهای خارجی

دیگر انجام می دادنـد امروز به لحاظ فن آوری توسط مهندسـین خود بزرگترین اتوبهانهای کشور، خطوط راه آهن، شـهرهای بزرگ، پالایشـگاهها و نیروگاههـای برق و...را توسـط متخصـصان داخلی خـود بـه بهره برداری می رسانـد و کشـوری کـه در ابتـدای جنگ حتی برای سـیم خاردار ، گلوله آرپی جی خود محتاج خارج بود امروز به حـدی از خودکفائی رسـیده است که موشکهای شهاب۳ آن خواب را از چشم صهیونیسـتها ربوده است و امروز در علوم هسـته ای به جایگاهی رسـیده است که این توانـایی به عنوان یـک عامل مهم اختلاف بین ایران و قـدرتهای اتمی بویژه آمریکا شـده است وهمه این پیشـرفتها در شـرایطی صورت گرفته است که همیشه در معرض تهـاجم خارجی و محاصـره اقتصادی و فشارهای گوناگون داخلی و خارجی از سوی آمریکـا و نـوکران منطقـه ایش بـوده ایم. در سـال ۷۱ تـورگرت اوزال رئیس جمهـور وقت ترکیه در یـک مؤسـسه تحقیقـاتی درآمریکـا در پاسـخ به سؤالی پیرامون خطر صـدور انقلاب ایران به ترکیه مطلب جـالبی را در رد این خطر بیـان کرد که قابل توجه است او گفت : در سـال ۵۶ ایران سالانه ۲۵ میلیارد دلار درآمـد نفتی و حدود ۳۵ میلیـون جمعیت داشت، امروز که من (تـورگرت اوزال) بـا شـما صـحبت می کنم ایران ۵/۱۲ میلیـارد دلار درآمـد نفتی و حـدود شـصت میلیون جمعیت دارد یعنی درآمـدش نصف وجمعیتش دو برابر شـده است مضاف بر اینکه از جنگی فارغ شـده است که به ادعای ایران هزار میلیارد دلار خسارت و به ادعای سازمان ملل صد میلیارد خسارت وارد شده و امروز دشمنان بزرگی چون آمریکا و اسرائیل دارد که قبل از

انقلاب حامی ایران بودند با این وضیعت که ایران دارد نمی تواند خطری برای ترکیه داشته باشد به لحاظ صدور انقلاب، اگر چه پیروزی اسلامگرایان در سالهای بعد در ترکیه با طل بودن این تحلیل را ثابت کرد اما صحبت وی از این جهت قابل توجه است که اگر منصفانه قضاوت کنیم کشوری که امروز با حدود هفتاد میلیون جمعیت و درآمد نفتی حدود ۱۷ میلیاد دلار (با توجه به تورم جهانی که ارزش دلار با ۲۵ سال قبل بسیار متفاوت است و پایین تر آمده است) همه این پیشرفتها درعلم و صنعت و کشاورزی و...ناشی از بروز استعدادها و کمک گرفتن ازآنها در اداره کشور بوده است اگر چه باید پذیرفت که به علل مختلف فرهنگی واقتصادی و بعضاً تصمیمات غلط مدیریتی مشکلاتی پیش آمده است که بهتر از این می شد از استعدادها استفاده کرد.

چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند درحالی که این همه مردم فقیر وگرسنه هستند؟چه قانونی است؟آیا اسلام اجازه می دهد؟

پرسش

چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند درحالی که این همه مردم فقیر وگرسنه هستند؟چه قانونی است؟آیا اسلام اجازه می دهد؟

پاسخ

آنچه از منابع اسلامی استفاده می شود، مخصوصاً سیره عملی پیامبر اکرم"ص" وامیر المؤمنین علی "ع" در زمان خلافت وحکومت اسلامی خودشان با کمترین امکانات مادی زندگی می کردند تا با محروم ترین افراد جامعه همدردی کرده باشند وفقرآنها آزارشان ندهد و برایشان بهتر قابل تحمل باشد. این نظر اسلام است. البته در میزان حقوق عوامل حکومتی درهمین منابع اسلامی سفارشاتی شده است که حساسیت مشاغل ملاحظه شود تا افراد خدای نکرده بخاطر تأمین نشدن زندگیشان آلوده به رشوه وتخلفات مالی نشوند. (مانند قضات نیروهای مسلح و...).در مجموع باید عرض کرد در بین همین نمایندگان افرادی هم هستند که این موضوع را فوق العاده رعایت می کنند وبخاطر اینکه از منابع دیگر هزینه زندگیشان تأمین می شود از حقوق مجلس استفاده نمی کنند(مانند آقای دکتر حداد عادل و چند نفر دیگر). ودرنهایت استفاده از حقوق بیت المال حتی الامکان باید به مقدار ضرورت و اقتضای کار و حساسیت و اهمیت شغل کارگزاران ومطابق قوانین اسلامی وجاری کشور باشد والا قابل توجیه نیست.

آنچه دراینجا قابل ذکر است این است که انجام وظائف خطیرنمایندگی مردم مستلزم مقدماتی است که گاهی وصول به این اهداف همراه با هزینه ها ومخارجی است. بطور مثال یک نماینده مجلس برای سکونت در تهران وایاب و ذهاب به شهرستان محل انتخاب خود وایجاد دفتر برای سهولت ارتباط با مردم متحمل هزینه هایی می شود که اگر مساعدت مالی صورت نگیرد حقیقتاً انجام این وظائف درمخاطره قرار می گیرد. تاکنون

از سوی مراجع قانونی و سازمان بازرسی کل کشور تخلف قابل توجهی در این خصوص گزارش نشده است.

با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی وتشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟

پرسش

با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی وتشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟

پاسخ

ذکر این مطلب ضروری است که وجود چنین دغدغه هایی دربین جوانان قابل تقدیر است , مفاسد اقتصادی غده های چرکینی دراندام جامعه اند که باید هر عضوی ازاعضای جامعه نسبت به آنها احساسی نظیر شما داشته باشد .

د رپاسخ نکاتی چند به عرض می رسد . همه ما شاهد تاکیدات مکرر مقام معظم رهبری دررابطه با مبارزه اساسی با فقر وفساد و تبعیض بوده و هستیم . اما متاسفانه ثمرات عملی کار مطابق با انتظار وواقع نبوده است .گویا اندامی مجری این فرامین اساسی است که خود دچار ضعف و سستی است .

این امر حکایت از نفوذ عناصری د رپیکر تشکیلات نظام مقدس ما می کند که جز به خود ومنافع خود نمی اندیشند . واین عناصر به نحوی جریان این مبارزه را یا کند می کند یا خدای ناکرده با مانع مواجه می نماید .

از این روی به نظر می رسد ازطریق راههای ذیل این مبارزه تشدید گردد .

۱- تقویت ابوذرهای زمان , کسانی که بادید روشن وروحیه ای مخلصانه و پاک به افشاگری نسبت به اشخاص وجریان های مفسد از لحاظ اقتصادی واجتماعی می پردازند .

۲- گسترش جریان فوق , یا تقویت آنها از طریق روزنامه ها یا لااقل برخی از آنها , روزنامه ها که حلقه ارتباطی عموم با مسائل هستند هم درشناسایی هم درافشاء مفاسد وهم مراحل بعدی بایستی جدی تر وارد عمل شوند .

۳- نهضتی مردمی درمقابله با مفاسد اجتماعی واقتصادی که این امر می تواند

با شروع از جریانات دانشجویی , بومی و... آغاز گردد . منتهی مطالبه اصلی دراین جریانات مبارزه وتشدید آن با مفاسد است , درمرحل تکمیلی رسیدن محتوای این مبارزه درراهپیماییهای ملی وانقلابی نظیر راه پیمایی ۲۲ بهمن و... است به گونه ای که حرکت مردم لرزه به پیکر مسامحه کاران بیاندازد وبا این جریان خودجوش , تحقق فرامین رهبر معظم انقلاب جامه عمل به خود بپوشاند.

البته دراین میان نکته دیگری نیزهست وآن اینکه قدرت خدای متعال وتقدیراو بی تردیدازحرکت پاک انقلاب اسلامی حمایت کرده وبه هر شکلی که صلاح حضرت حق باشد این جریان که درحال حاضر مانع اصلی اشائه معنویت درعالم است سرکوب خواهند شد .چرا که این انقلاب با خون شهدای بسیاری بیمه شده است وبا خود , دعای صالحان واولیاء خدا را دارد .

چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مسئولین بگویید برای جوانها شغل ایجاد کنند تا جوانها نترستند و ازدواج کنند؟

پرسش

چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مسئولین بگویید برای جوانها شغل ایجاد کنند تا جوانها نترستند و ازدواج کنند؟

پاسخ

مشکل بیکاری که یکی از معضلات جامعه جوان کشورمان است، بارها رهبر بزرگوار انقلاب ودیگر مسئولان نظام بر حل آن تأکید داشته اند و در برنامه های توسعه اقتصادی کشور و طرح ضربتی اشتغال که اخیراً مطرح شده است به دنبال ارائه کار کارشناسی برای حل این مشکل هستند چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند : "اگر به برنامه ریزی لازم فکر کنند و برای نسلی که دارد از راه می رسد، در جامعه جا باز نکنند، چه پیش می آید؟ یک لشگر بیکار وبی توان روی دست ملت می ماند نه احساس امیدی، نه احساس شوق وشوری، نه آینده یی نه زبانی برای ابراز غرور نسبت به میهن خود، ونه اصلاً غروری البته این کمترینش است که گفتیم از این بدتر هم فرضهایی وجود دارد. همه مسئولند، هم برنامه ریزان هم مجریان وهم متصدیان رسانه ها، صدا وسیما هم مسئول است، روزنامه ها هم مسئولند." "۱"

بنابراین همانطور که مشاهده می کنید رهبر معظم انقلاب به این مشکل واقف بوده و در موارد مختلف تأکید بر حل این مشکل داشته اند اما برای اینکه توصیه های رهبری به ظهور برسد ملت، دولت، مجلس و طبق سخن مقام معظم رهبری همه مسئولند و باید در این راه جدیت و تلاش کنند.

مردم باید با انتخاب افراد لایق و شایسته بعنوان نماینده مجلس اعضای

شورای شـهر و رئیس جمهور در این راه قدم بردارند و از طرف دیگر نمایندگان مجلس، رئیس جمهور و وزراء انتخابی ایشان و بطور کلی مسئولین نظام در تحقق توصیه های رهبری قدمهای عملی بردارند.

سؤال کننـده محترم، وظیفه من وشـما و سـایر مردم این است که وظـایف نهادهـای مربوطه در این امر را به آنان گوشـزد کنیم واگر نواقصی به چشم می خورد تذکر دهیم و در واقع آنچه مصوب مجلس است و وظیفه نهادهای دولتی مطالبه نماییم البته به چشم اصـلاح بین و زبان خیرخواه تا خـدای ناکرده خود این وظیفه مردمی تبـدیل به یک معضل و مشـکل جدیـد برای نظام و مردم نشود.

البته بایـد عرض کنیم طبق بیـان رهبر عزیزمـان "مشـکل اقتصاد کشور قابل حل است و برنامه های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شده است." "۲" و طبق آماری که سـتاد اشـتغال اعلام کرده انـد تعداد شـغلهای زیادی در کشور ایجاد شده و کارهای خوبی نیز در دست اجرا می باشد.

اما در خصوص ازدواج نکردن جوانان بایدگفت بخشـی از این مشـکل بر اثر بیکاری است اما این مشکل علتهای دیگری دارد که از آن جمله ضـعف اعتقـاد دیـدگاههای غلـط دربـاب ازدواج و تجمل گرایی می باشـد. امام خمینی"ره" در این رابطه می فرماینـد : "سـزاوارنیست که فقر و احتیـاج مـانع از ازدواج باشـد، بعـد از آنکه خـدای عزوجـل وعـده فرموده که غنی می کند وگشایش در زنـدگی می بخشد به قول خودش"اگر فقیرباشـند خداوند ایشان را از فضـلش غنی می کند" "ان یکونوا فقراءً و یغنهم الله من فضله" (سوره نور/۳۲) پس از پیغمبر(است که : "کسی که ازدواج

را به خاطر ترس از احتیاج ترک نماید تحقیقاً بدگمان به خدای عزوجل شده است." "۳"

بنابراین ترس از ازدواج ریشه در اعتقاد شخصی افراد دارد و همچنین موانعی که خود خانواده ها بر سر راه ازدواج جوانان ایجاد می کنند، مثل مخارج سنگین جشن ازدواج، تجمل گرایی، اسرافها، مهریه های بالا که این موانع با ایجاد فرهنگ صحیح قابل حل می باشد، بنابراین ایجاد اشتغال تنها کافی برای ترغیب جوانان به ازدواج نمی باشد.

در سؤالتان اشاره به فحشاء کرده بودید و خواسته بودید با ایجاد اشتغال و ازدواج جوانان این مشکل حل شود قابل ذکر است. ازدواج یکی از راههای کنترل فحشاء است. عمده جلوگیری از فحشاء در جامعه، رعایت عفت واخلاق جنسی است که اگر این مسأله رعایت نشود فحشاء دامن افراد متأهل را نیز گرفته به کام خود فرود می برد کما اینکه در جامعه مشکلات زیادی از جانب افرادی است که ازدواج کرده اند اما بدلیل رعایت نکردن حجاب و عفت و نداشتن اخلاق جنسی و همچنین عدم تربیت صحیح فرزندانشان از لحاظ جنسی مشکلات زیادی در جامعه ایجاد شده است.

(۱) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب،ص ۳۷۲و۲۲۶و۲۲۵

(۲) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب،ص ۳۷۲و۲۲۶و۲۲۵

تحریرالوسیله امام خمینی"ره"،ج۳،ص۴۲۰

۱- چرا وقتی که ازآدمهای(نسبتاً) فهمیده می پرسیم ثبت نام درحوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی ازآنها جوابشان منفی است واز سـخت بودن درسها وبه تضعیف کردن فرد می پردازند وروحیه فرد را نسبت به آن تضعیف می کنند به نظر شماگفته های ایشان قابل قبول است

پرسش

۱- چرا وقتی که ازآدمهای(نسبتاً) فهمیده می پرسیم ثبت نام درحوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی ازآنها جوابشان منفی است واز سخت بودن درسها وبه تضعیف کردن فرد می پردازند وروحیه فرد را نسبت به آن تضعیف می کنند به نظر شماگفته های ایشان قابل قبول است؟

۲- مردم سلحشور ما انقلاب کردند که مردم جامعه از کارگر و

رئیس همه از نظر احترام و ثروت نسبتاً با هم برابر باشند اما برعکس تضاد طبقاتی و بی حجابی درجامعه امروزی بسیار زیاد شده وکسی نیست به آنها کوچکترین اعتراضی بکند

۳- آیا نگاه کردن تلویزیون حرام است یا خیر؟

پاسخ

۱)درمورد سوال اول شما باید عرض کرد که این گفته های انسانهای بزرگوار درمورد حوزه، تماماً یا اکثر آنها قابل قبول است، زیرا که این بزرگواران این راه را رفته وتا حدود زیادی به سختیهای آن واقفند وفرموده های این عزیزان به هیچ وجه برای تضعیف افراد ونهاد حوزه نیست، بلکه برای این است که روحیه داوطلبان حوزه را قوی نمایند وبرای مشکلات بی شماری که در این راه ممکن است پیش بیاید مهیا باشد حرمت آن را نگه دارد وبا تمام وجود از آن تبعیت کند حتی جانش را دراین راه بدهد. واقعاً مسئولیت روحانیت بسیار دشوار است به خاطر اینکه خدای عزوجل این مسئولیت خطیر را برعهده آنان گذاشته و وظیفه رساندن دینش را به آنان سپرده است، پس باید به وظیفه خود با تمام وجود عمل کنند و گرنه خیانت درامانت کرده اند "ان ا...یأمرکم أن تؤدوا الأمانات الی أهلها""۱"

روحانی به عنوان عالم دین وحامل امانت انبیاء(علیهم السلام) مسئول هدایت مردم است، وظیفه ای که پیامبران وائمه اطهار(علیهم السلام)داشتند، درزمان غیبت برعهده روحانیت است ویک فرد روحانی نباید از این امر شانه خالی کند.

روحانی پاسدار ولایت وحریم ارزشهاست، روحانی وارث انبیاست"العلماء ورثه الانبیاء..." "۲"این نعمت با عظمت را خدای متعال فقط به آنان ارزانی داشته است .

حال با این وجود بایدگفت : دوست عزیز! هر چند که این راه شریفترین وعاشقانه ترین مسلک

است، اما هرکسی نباید

وارد این سلک شود، باید کسی وارد شود که عاشق این لباس وعاشق خدمت به مردم وامام زمان ارواحنا فداه باشد که تمام جوانب این کار را درنظر گرفته وخود را برای تمام سختیهایش آماده کرده باشد، خلاصه باید کسی وارد شود که با تمام وجود حرمت این لباس را نگه دارد، وگرنه هم خود زیان کار می شود وهم گروهی راگمراه وزیانکار خواهد کرد.**"۳"**

۲) در مورد سؤال دوم شما نکات زیر قابل توجه می باشد :

الف اینکه فرمودید کسی نیست که به آنها کوچکترین اعتراضی بکند، قابل قبول نمی باشد، زیرا بسیاری از بزرگان و فضلاء، خصوصاً پرچمدار انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری(حفظه ا...) درمقاطع مختلف به این مسائل و مشکلات اشاره کرده وبارها به گوش مردم خصوصاً مسئولین، این مشکلات را رسانده اند ودرباره آن هشدار داده اند . بطور مثال مقام معظم رهبری در چند سخنرانی مهم به این امور اشاره کرده ند از جمله :

ا)در دیدار جمعی از جوانان با مقام معظم رهبری (حفظه ا...) ۱۳/۱۱/۷۷، ۲)دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان ۷/۲/۷۷ ، ۳) روز عید غدیردراجتماع زائران حضرت امام رضا(ع)۶/۱/۷۹، ۴) دیدار با بسیجیان استان خراسان ۱۰/۶/۷۸ ۵) دیدار کنندگان و معلمان ۱۴/۲/۷۹ ، ۶) دیدار ازدانشگاه صنعتی شریف ۱/۹/۷۸ ، ۷)کتاب شریف حدیث ولایت و...

ب با قبول اینکه درجامعه فساد وتضاد طبقاتی و رانت خواری وبی حجابی و... وجود دارد، نباید آنرا طوری وانمود کرد که حالت یأس ونا‌امیدی حاکم شود باید با تذکروبه حکم سازنده امربه معروف ونهی ازمنکر ازمفاسد پیشگیری نمود. درمورد عوامل ترویج انحراف می توان به دلائل ذیل

اشاره کرد :

۱.تهاجم فرهنگی، با تمام وسائل ممکن وپیشرفته درجهت ناکارآمد نشان دادن انقلاب

۲. فساد مالی وسوءاستفاده های مالی ورانت خواری بعضی افراد واحزاب

۳. سوءتدبیر در بعضی از عملکردهای مسئولین

۴. رواج سیاست زدگی درابعاد جامعه وفراموش کردن طبقات محروم ومستضعف و پابرهنه

۵. اشرافیگری بعضی افراد وفاصله عمیق طبقاتی"۴"

امیدواریم باتلاش مسئولین دلسوز ومردم علاقمند به نظام وتوجه به فرمایشات حکیمانه رهبر معظم انقلاب(حفظه ا...) وهمچنین تلاش پیگیر قشر تحصیل کرده خصوصاً روحانیون ودانشجویان، کشورما براین مشکلات فائق آید، انشاءا...

۳) درمورد سؤال سوم شما باید گفت که نگاه کردن به تلویزیون جمهوری اسلامی ایران فی نفسه اشکالی ندارد مگر اینکه مفسده ای برآن مترتب شود."۵" تفصیل آنرامی توان درکتب فقهی جستجو نمود.

(۱) نساء/۵۸

(۲) وسائل الشیعه، ج۲۷، باب ۸، ص ۷۸

(۳) با استفاده از کتاب مباحثی درباره حوزه آیت ا... مصباح یزدی(حفظه ا...) ص۶۶و۶۷

(۴) با استفاده ازکتاب پرسش وپاسخ ازمحضر رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه ا...) موسسه فرهنگی قدر ولایت

با استفاده از کتاب احکام روابط زن ومرد، سید مسعود معصومی، ص ۷۵ به بعد

چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام اندک ازدواج را هم کسی که پارتی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟

پرسش

چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام اندک ازدواج را هم کسی که پارتی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟

پاسخ

پیـامبر بزرگـوار اسـلام، حضـرت رسول اکرم(فرمود : "سه چیز نشـانه سـعادت انسـان است، زن پارسـا، مرکب راهوار و خـانه وسیع "(۱)

ویل دورانت، فیلسوف مشـهور فرانسوی می گوید : "تشـکیل خانواده راهی برای جاودان ماندن انسان است، از این رو در میان بشر، خانواده اساسی ترین بنیان است." (۲)

دوست عزیز، امر عظیم ازدواج از دیربـاز از دیـدگاه ادیـان و مکـاتب و جوامع مختلف، دارای اهمیت و ارزش فوق العـاده ای بوده است؛ و یکی از مهم ترین انتخـاب هـای انسان در دوران حیات بشـمار می رفته است. این امر مهم امروزه با دشواری های مضـاعفی روبرو گشـته است. تبـدیل جامعه کشاورزی به صـنعتی، و زنـدگی ایلی و روسـتایی به شـهری، و افزایش تجملات و هزینه های جانبی و غیرضروری زندگی و ازدواج، پیدا کردن شغل و درآمد مناسب، ادامه تحصیل و ...، همه مسایلی است که در این انتخاب سرنوشت ساز انسانی مؤثر است.

دوست گرامی، اگر چه وام ازدواج تا حـدود انـدکی می توانـد برای جوانان رهگشا باشـد، ولی باید دانست که تنها مشـکل بر سرراه ازدواج جوانـان فقـط وام نیست، مشـکلات عمـده دیگری وجود دارد که این انتخـاب مقـدس را دچـار نوسـان و بحران ساخته است.

افزایش جمعیت نامتعـادل ایران در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسـلامی، در شـرایط کنونی فشار مضاعفی بر پیکره دولت و جامعه وارد می سازد. کودکان سالهای پس از پیروزی انقلاب اسـلامی هم اکنون جوانان برومندی شده اند، که به انتظار شغل و

مسکن و ازدواج نشده اند، و مشکلات مسکن و شغل و ازدواج برای اولیاء و مسؤولان کشور هم حالت بحرانی به خود گرفته است.

جوانی که صاحب درآمد نشده است، و از شغلی که بتواند زندگی متوسطی را اداره کند برخوردار نیست، چگونه می تواند تن به ازدواج بدهد؟ گیرم مشکل وام ازدواج حل بشود، اگر وام گیرنده صاحب درآمد نباشد تا بتواند اقساط وام را بازپرداخت نماید، چه اتفاقی خواهد افتاد مشکل عمده دیگری که برای برخی جوانان مانع از تشکیل خانواده است، نداشتن مسکن مناسب است؛ هر چند اگر مشکل اولیه (داشتن شغل) برطرف شود، شاید بتوان مشکل مسکن را با اجاره حل کرد.

و مشکل دیگری که بر سر راه جوانان در امر ازدواج جلوه گر است، رقابت های سنگین و کمرشکن در تعیین مهریه، و برگزاری مجالس پرخرج و پرهزینه ای است، که بسیاری از آنها هیچ نفعی به حال زوجین جوان ندارد، و چیزی جز چشم و هم چشمی نیست.

بنابراین برای حل مشکل ازدواج به نظر ما قبل از هر چیز باید جوان شغل مناسب با درآمد مُکْفی برای خودش دست و پا کند، اگر این امر محقق شود، می تواند اقدام به ازدواج نماید؛ و با توکل بر ذات حق که ارتزاق بندگانش را متعهد شده است، بقیه مشکلات هم انشاءا... به مرور مرتفع می شود.

در خصوص وام نیز درست است که شرایط سخت است، که امیدواریم سازمان ملی جوانان بتواند چاره اندیشی نماید ولی راه آن این است که پس از ثبت ازدواج، با ارایه مدرک (فتوکپی قباله) به یکی از بانک ها درخواست وام داده بشود

تا در نوبت اخذ وام قرار گیرید. البته این درخواست باید سریع صورت گیرد و بین زمان ازدواج و درخواست وام فاصله زیادی نباشد.

نکته دیگری که درباره ساده کردن و سهل نمودن ازدواج می توان پیشنهاد کرد، این است که دختر یا پسر پس از این که احساس کردند نیازمند به ازدواج هستند، حتی اگر سایر شرایط مثل مسکن و شغل و ...فراهم نبود، اقدام به ازدواج نمایند، تا به صورت رسمی زن و شوهر بشوند ولی زندگی مشترک خودشان را پس از فراهم شدن حداقل های لازم آغاز کنند، و تا آن زمان هر دو در منزل والدین خودشان باشند (استمرار دوران عقد تا عروسی).

منابع و مآخذ :

۱. راهنمای انسانیت،(ترجمه موضوعی نهج البلاغه)،فرید تنکابنی،ص ۳۸۱

تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی،ص ۴۳۷

چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟

پرسش

چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟

پاسخ

اما اصولاً ـ فقر و ناداری ما علل و عوامل متعدد و مختلفی دارد، که یکی از عوامل مهم آن وجود شکاف طبقاتی در جامعه است. وقتی زمینه و شرایط جامعه به گونه ای باشد که عدّه ای اندک با لطایف الحیل، به ثروتهای کلان و محیرالعقولی دست یابند، و ره صد ساله را یک شبه بپیمایند، عدّه ای دیگر نیز دچار فقر و ناداری خواهند شد، چه آنها که ثروتمند شده اند، حق دیگران را خورده اند؛ و گرنه در شرایط طبیعی و در شرایطی که افراد به حقوق انسانی و شرعی واجتماعی خود پای بند باشند و به آن عمل کنند، و حقوق دیگران و بیت المال را پرداخت کنند، و به دروغ و تزویر و نیرنگ و دزدی و احتکار و قاچاق و گران فروشی متوسل نشوند، هرگز شکاف و تضاد طبقاتی پیدا نخواهد شد. اگر احکام نورانی اسلام در بُعد مسایل اقتصادی و اجتماعی عمل بشود، دچار چنین پدیده و معضل زشتی که شما اشاره کرده ای، نخواهیم شد.

اما از منشأ و علّت پیدایش آن که بگذریم، متأسفانه در جامعه ما عامل دیگری نیز برای وجود این پدیده مشاهده می شود و آن گدا صفتی برخی افراد و دلسوزی نابجای بعضی مردم است. عدّه ای متأسفانه گدایی راشغل خودشان قرار داده اند و از این راه به کنز و جمع آوری ثروت پرداخته اند، و گرنه کمیته امداد امام خمینی(و مؤسسات خیریه، اگر واقعاً کسی نیازمند باشد، او را تأمین می کنند و تحت پوشش قرار می دهند ولی متأسفانه بسیاری از

این افراد حرفه ای هستند و مردم هم حوصله ندارند تحقیق کنند که گدای مورد نظر واقعاً گداست و یا حرفه ای است. ولی اگر مردم به آنها بی اعتنا بشوند و بگویند به کمیته امداد برو و به آنها کمک نکنند، یا مثلاً می گوید در راه مانده ام، او را ببرد و بلیط برایش تهیه کند و سوار اتوبوس نماید، دیگر در راه ماندن، وسیله ای برای گدایی نخواهد.

برادری می گفت : خانمی آمده بود درمانگاه و می گفت : می خواهم بروم دکتر، پول ندارم، شماره بگیرم، بیمه هم نیستم، من رفتم برایش ویزیت پزشک بگیرم. ویزیتور گفت : این خانم الآن شماره خودش را پس داد. معلوم شد قبل از من کس دیگری برایش شماره گرفته بود و او پس داده بود و مجدد می خواست پول بگیرد، یا شماره بگیرد و مجدد پس بدهد و پولش را بگیرد. بله

واقعاً برخی گدایی را وسیله ثروت اندوزی قرار داده اند. و گدایی برایشان پست نیست، عادت کرده اند. مردم نباید به اینها کمک کنند و یا مثل آن برادر که می رود و شماره می گیرد، اقدام کنند. مواردی نیز وجود دارد که مراجعه کنند و اظهار می دارند در راه مانده اند و پولشان را زده اند و مثلاً برای رفتن به زابل ۵۰۰۰ تومان کرایه اتوبوس لازم دارند. برخی افراد دلسوز نیز بلافاصله پول می دهند، ولی اگر بگوییم بیا برویم برایت بلیط بگیرم، پیش می کشند. یا ممکن است حتی بعد بلیط را پس بدهند. اگر افرادی وقت صرف کنند و این افراد را از عمل خودشان باز دارند،

کم کم این عمل از رواج خواهد افتاد.

بنابراین گـدا صـفتی و وجود گـدا در خیابانها و کوچه ها منشأ اقتصادی و اجتماعی دارد : فقر و ناداری و تضاد طبقاتی و گـدا صفـتی برخی افراد و دلسوزی مردم. امیـد است روزی شاهـد جمع آوری این افراد، توسـط سازمانهـای مسؤول باشـیم، که البته وظیفه دارنـد، ولی گاهی اغماض می کننـد و اقـدام به جمع آوری نمی کننـد و گاهی نیز متوجه و خبردار نمی شوند که مردم باید همکاری کنند و این افراد گدا صفت را به عوامل و نیروهای مربوطه (عوامل انتظامی) تحویل دهند.

به امید برچیده شدن پدیده گدایی، از صفحه و صحنه جامعه عزیزمان، انشاءا...

برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟

پرسش

برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟

پاسخ

گرانی و تورم علل و عوامل مختلف و گوناگونی دارد، که می باید در کتابها و مقالات مربوط به اقتصاد و تورم،مطالعه کنی و در جوامع گوناگون و شرایط متفاوت، این عوامل نیز متفاوت است.

یکی از عوامل عمده وجود گرانی، کاهش عرضه و تولید است. وقتی عرضه کالا افزایش یابد، خود به خود قیمتها کاهش پیدا می کند و قیمتها سیر نزولی می یابد؛ ولی وقتی عرضه کم است ولی تقاضا زیاد، خواه ناخواه قیمتها سیر صعودی پیدا می کند.

از عوامل مهم دیگر، شکاف طبقاتی است که در جامعه وجود دارد. آنهایی که از وضع اقتصادی خوبی برخوردارند، توانایی و تمکن برای خریـد کالا با قیمتهای بالا را دارنـد؛ نه تنها توانایی تأمین را دارند، بلکه بیش از مصـرف خودشان هم مصـرف می کنند و به تعبیر دیگر، اسراف می کنند و کالاها را دور می ریزند.

عامل دیگری که در افزایش قیمتها نقش دارد، چشم و هم چشـمی هاست. طبقه مرفّه همیشه می خواهند یک سـروگردن بالاتر از دیگران باشـند و طبقات دیگر نیز همیشه می خواهنـد مثل آنها بشوند، لذا می بینید که طبقه اشـراف مرتب در دکور منزل و معمـاری ساختمـان و مبلمـان و لبـاس پوشـیدن و آداب مسافرت و مهمانیها و ... بطور مرتب تغییر ایجاد می کننـد، تا نسبت به دیگر افراد جامعه، از برجستگی برخوردار باشند و به قول معروف، تک باشند. وقتی آنها چیز جدیدی را مُد می کنند، به مرور دیگران هم می خواهند مثل آنها تک باشند، لذا از مُد پیروی می کنند و به

مرور زمان، مُد جدید یک حالت عمومی پیدا می کند و دیگر مُد به حساب نمی آید، بلکه عادت و رسم جامعه می شود. طبقه مرفه و اشراف می بینند دیگران هم مثل آنها شدند، لذا دوباره سعی می کنند مُدهای جدیدی وارد کنند و این سیر همیشه ادامه دارد و جامعه را دچار مشکل می کند و به قول معروف عوام، برجهای زندگی بیش از خرجهای آن می شود.

برادر عزیز، لحظه ای به زندگی خود و دیگران فکر کن، ببین چقدر از موارد رایج در زندگی می توانی پیدا کنی، که نبودنش

هیچ لطمه ای به ادامه حیات زندگی انسان وارد نمی کند. این که مثلاً انسان حتماً فلان فرش را داشته باشد، حتماً قالی داشته باشد، اگر موکت باشد، نمی توان زندگی کرد و زندگی مختل می شود، یا می گویند چرا این آدم موکت دارد یا صاحب خانه خودش در برابر میهمانان خجالت می کشد. اگر منزل مبلمان نداشته باشد، آیا روی زمین نمی توان نشست؟ ولی می گویند مبلمان بخریم. می گوییم چرا؟ می گویند رسم است. اگر رسومات اجرا بشود، مانعی ندارد، ولی بشرطی که انسان دچار مشکل نشود شب نشینی ها و رفت و آمدهای خانوادگی و دوستانه این چشم و هم چشمی ها را زیاد می کند. عده ای اگر رفت و آمد نکنند، متهم به انزوا می شوند و اصولاً انسان نیازمند و محتاج به معاشرت است ولی قاعدتاً معاشرت باید با افراد هم سطح یا پایین تر از نظر اقتصادی صورت گیرد، تا انسان از زندگی موجود خودش راضی باشد. ولی اگر با انسانهایی که از نظر اقتصادی و

تجملات زندگی در سطح بالاتری قرار دارند، دچار خجلت و سرافکندگی می گردد و گاهی نیز ممکن است مورد سرزنش خانواده و فرزندان قرار گیرد و خود را با آنها مقایسه کند، این چشم و هم چشمی ها تقاضاها را افزایش می دهد و وقتی تقاضا افزایش پیدا کرد، قیمتها نیز افزایش می یابد.

عامل دیگری که در افزایش قیمتها مؤثر است، تنبلی و بیکاری است، که خود باعث کاهش تولید و در نتیجه افزایش قیمتها می گردد. میزان تولید در هر جامعه ای تعیین کننده ثروت آن جامعه است. توجه به تولید و رشد آن و مبارزه با موانع رشد، در اسلام بسیار حائز اهمیّت است. امیرالمؤمنین حضرت علی(در مورد اموالش وصیت می فرماید : "با کسی که سرپرستی اموال را عهده دار شده است، شرط می کنم که اصل اموال مرا باقی بگذارد و فقط عواید آن را به طریقی که دستور داده شده است، انفاق کند وشرط می کنم که جوانه های نخل های این ده نیز فروخته نشود، تا در این زمینه نخلها شاخه درهم فرو برده و بر بینندگان مشکل شود.(۱) ملاحظه می کنی که امام(سفارش می فرماید سرمایه اش به عنوان مبانی تولید محفوظ بماند و انفاق نشود، بلکه سود و عایدی آن انفاق شود، تا مراتب تولید ادامه پیدا کند، ولی اگر اصل آن انفاق شود، تولید مختل می شود. ولی متأسفانه در جامعه ما کارهای دلّالی و تجاری، رونق دارد، نه تولید، برخی از بنگاه های معاملات، خودشان منازل را می خرند و با قیمت بالاتری به دیگران می فروشند و از این خرید و فروش،

علاوه بر حقوق بنگاهی که فروشنده و خریدار می گیرند یک سودی هم می برند. و نیز خرید و فروش تلفن همراه و ...

با کمال تأسف بجای این که سرمایه های سرمایه داران کشور در امور تولیدی و زیربنایی مصرف بشود، در دلال بازی مصرف می شود و اجناس تا زمانی که از تولید کننده به مصرف کننده می رسد، چندین واسطه غیرضروری را پشت سر می گذارد و همه این واسطه ها نیز می خواهند سود ببرند. تولید کننده که به تعبیر این آقایان حماقت کرده، سودی نمی برد و به مرور دلسرد می شود و کارش را رها می کند و تولیدش متوقف می شود و ورشکست و ...و مصرف کننده بیچاره نیز کالاها را با دهها برابر قیمت، باید بخرد و ...

اقتصاد کشور ما بیمار است و مردم و مسؤولان ما هم متأسفانه سوء تدبیر داشته اند و آن گونه که باید، در تولید و افزایش آن همّت نکرده اند : امید می رود نسل جوان کشور با مطالعه عمیق و شناسایی ریشه ها و موانع، موفق شوند این اقتصاد بیمار را نجات دهند و در آینده شاهد شکوفایی اقتصادی باشیم. انشاءا...

موفق و پیروز باشی.

منابع و مآخذ :

نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۲۴

با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟

پرسش

با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟

پاسخ

علت برتری سادات بر غیر سادات را می توان در برخی زمینه ها مورد بررسی قرار داد:

۱. در زمینه برتری مالی با توجه به نکات ذیل اختصاص نیمی از سهم خمس به بنی هاشم با روح عدالت اجتماعی اسلام هیچ گونه منافاتی ندارد:

اولاً**;** سهمی که در خمس برای سادات معین شده فقط به نیازمندان آن ها اختصاص می یابد، آن هم به اندازه نیاز یک سال آن ها، بنابراین تنها از کار افتادگان بیماران کودکان یتیم و یا افراد دیگری که به علّتی مشکل مادی از نظر هزینه زندگی پیدا کرده اند، حق استفاده از آن را دارند.

ثانیاً**;** مستمندان و نیازمندان سادات حق ندارند، چیزی از زکات مصرف نمایند.

ثالثاً; اگر سـهم سادات از نیازمنـدی سادات موجود بیشتر باشـد، بایـد آن را به بیت المال ریخت و در مصارف دیگر مصـرف نمود. حال با توجه به نکات فوق روشن است که در حقیقت هیچ گونه تفاوت و امتیازی از نظر مادّی بین سادات و غیر سادات گذارده نشده است زیرا نیازمندان غیر سادات می توانند مخارج سال خود را از محل زکات بگیرند، ولی از خمس محرومند، و نیازمندان سادات نیز تنها می توانند از محل خمس اسـتفاده کنند، اما حق استفاده از زکات را ندارند; زیرا محروم بودن سادات از دست یـابی به اموال عمومی (زکات در حقیقت برای دور نگهداشـتن خویشاونـدان پیامبر۹ از این سـهم است تـا بهانه ای به دست مخالفان نیفتد که

پیامبر۹ خویشان خود را بر اموال عمومی مسلط کرده است از طرف دیگر، خداوند متعال می خواهد، سادات به خاطر نزدیکی که به پیامبر۹ دارند، منزه و محترم باشند. و به چرک (زکات اموال مردم محتاج نباشند، لذا خمس را تا حدی که رفع نیازشان بکند، برای آنان قرار داد تا به ذلت و خواری نیفتند، بدیهی است این احترام معنوی که خداوند نسبت به سادات مقرر فرموده است یک نوع احترام نسبت به شخص پیامبر۹ و احترام به زحمات بی پایان او در راه هدایت مردم است به دیگر سخن باید پذیرفت که اهل بیت و سادات محترم و مکرمند، لکن نه به عنوان یک قوم یا نژاد، بلکه به اعتبار اینکه ذریه پیامبر۹ هستند، تجلیل از آن ها، تجلیل از پیامبر۹ و تکریم از ارزش ها، توحید، عدالت و... است (ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۸۲; ج ۲۰، ص ۴۰۲، دارالکتب الاسلامیه / تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی ج ۹، ص ۱۵۷; ج ۱۶، ص ۴۸۱، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی / پرسشها و پاسخهای مذهبی آیت اللّه مکارم شیرازی و جعفر سبحانی ص ۱۶۸ ۱۷۲، انتشارات نسل جوان)

قرآن کریم در این باره می فرماید: "قُل لآ َ أَسْ ?َلُکُم ْعَلَیْه ِ أَجْرًا إِلآ الْمَوَدَّه َ فِی الْقُرْبَی ;(شوری ۲۳) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم " از روایات متعدد، استفاده می شود، منظور از محبت به نزدیکان

محبت علی و فاطمه و فرزندان آن دو: می باشد.

آثار این محبت نیز، احترام و قیام به ادأ حقوق آنان می باشد.

۲. در امور و مناصب اجتماعی هر چند اهل بیت پیامبر۹ و امامان معصوم در مورد منصب امامت از همه برتری دارند، زیرا یک منصب الهی و خدادادی است که تمام شئون والا و فضایل را در بردارد و جز بر امامان معصوم بر فرد دیگری تعلق نمی گیرد، برای رسیدن به این مقام و منصب صلاحیت و قابلیت ذاتی لازم است کسی که می خواهد به مقام امامت نایل گردد، باید دارای کمالات نفسانی و شرایط مخصوص باشد، از عهده امتحانات الهی برآید، بر نفس خویش کاملاً مسلط باشد، مرتکب گناه نگردد، در مورد معاصی صبر داشته باشد و خودداری کند و در مورد انجام واجبات بردبار باشد و آن ها را به جای آورد.

ولی در مورد مناصب دیگر اجتماعی فرقی بین سادات و غیر سادات نیست هرکس متعهد و متخصص به حرفه یا رشته ای باشد. او از دیگران به آن منصب لایق تر است

۳. در فضایل و پاداش اخروی اهل بیت ، به جهت سطح بالای معرفت علم و تقوا و قابلیت ها و شایستگی ها و لیاقت های فردی انتساب به پیامبراکرم از جهت فضیلت و پاداش اخروی بر دیگران ارجحیت دارند، امّا غیر از معصومین دیگران چه سادات و چه غیر سادات در کسب فضایل و ثواب اخروی از یک درجه برخوردار هستند، حتی منتسب بودن به اهل بیت ، دلیل بر فضیلت و برتری آنان نیست بلکه معیار تقوا و ایمان آن ها است

البته انتساب به این خانـدان پاداش و کیفرشان را دوچنـدان می کنـد، زیرا مسـئولیت آنان در حفظ حرمت و پاسداری از حریم این خانـدان سـنگین تر است قرآن کریم درباره زنان پیامبر۹ می فرمایـد: "یَنِسَآءَ النَّبِی ِلَسْـتُن َکَأَحَـدٍ مِّن َالنِّسَآءِ إِن ِاتَّقَیْتُن َ..; (احزاب ۳۲) ای همسران پیامبر: شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید..."، آیه فوق بر برابر نبودن زنان پیامبر۹ بر سایر زنان اشاره دارد، واجب است بر آنان که در امتثال تکالیف الهی کوشـش و رعایت بیشتری داشته باشند و بیشتر از زنان دیگر در دین خـدا احتیاط به خرج دهنـد.(ر.ک بررسـی مسائل کلی امامت ابراهیم امینی ص ۵۵، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلام / پیام قرآن آیت ..مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۹۴، ج ۹، ص ۲۷، دارالکتب الاسلامیه)

نظر قرآن و روایات در باره عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطه مردم در اجتماع چیست

پرسش

نظر قرآن و روایات در باره عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطه مردم در اجتماع چیست

پاسخ

از امتیازات بزرگ اسـلام توجّه شدیـدی است که به موضوع عـدالت دارد، تا آن جا که عـدل یکی از پایه های مهّم اسـلام به شمـار می آیـد. اسـلام برای ایجـاد جامعه ای سالم که در آن برادری و برابری مهر و محبت صـفا، و صـمیمیت عشق و دوستی حـاکم باشـد، از همه پیروان خود خواسـته که در تمـام مراحل زنـدگی عـدالت را رعایت کننـد، و هرگز از مسیر عـدل خارج نشونـد. در سوره نسأ می خوانیم "یَأَیُّهَـا الَّذِین َءَامَنُواْ کُونُواْ قَوَّمِین َبِالْقِسْـطِ شُـهَدَآءَ لِلَّه ِوَلَوْ عَلَی َّأَنفُسِـکُم ْأَوِ الْوَ لِـدَیْن ِوَالاْ ?قْرَبِین (نسأ،۱۳۵) ای مؤمنین نگه دار عدالت باشـید و برای خدا]موافق حکم خدا[گواهی دهید، هر چند بر ضـرر خود یا پدر و مـادر و خویشـان شـما باشـد." اسـلام برای تأمین عـدالت اجتماعی هر نوع تبعیض و محرومیت را منع کرده و همه مؤمنان را برادر هم دیگر می دانـد: "إِنَّمَـا الْمُؤْمِنُون َإِخْوَه;(حجرات ۱۰) همانـا مؤمنین با هم دیگر برادرنـد. اسـلام به این مطلب عنایت فراوانی دارد که روابط اجتماعی براساس عـدل باشـد; از این رو، حقوقی برای همه افراد وضع کرده است که حق خـدا، پدر و مـادر، فرزنـد، همسـر، همسـایه یتیم فقیر و جـامعه را شامـل می شود. امام سـجّاد۷ در رسـاله حقـوق برای هر فردی پنجـاه حق مشـخّص کرده اند. بدیهی است اگر مسـلمانان به این حقوق عمل می کردند، رفاه و آسایش صفا و صمیمیت در جامعه برقرار می شد، و زندگی

برای انسان بسیار شیرین و لذّت بخش می گشت اسلام همه افراد را در برابر قانون مساوی می داند، و هرگز فرقی بین ثروتمند و فقیر، شهری و روستایی زن و مرد، نمی گذارد. از دیدگاه اسلام همه انسان ها از یک پدر و مادرند: "يَٰٓأَيُّهَا النَّاس إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَ أُنثَى (حجرات ۱۳) ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم " اهمیّت اصل تساوی همه انسان ها در برابر قانون به اندازه ای است که قرآن اطاعت و تسلیم در برابر قانون را، از شرایط تحقق ایمان می داند.(نسأ، آیه ۶۵.) اسلام برنامه اقتصادی خود را براساس عدالت وضع کرده است و بر حاکم اسلامی واجب نموده که عدالت را در تمام زمینه های اقتصادی و با تمام وسایل ممکن گسترش دهد. و از هر نوع ظلم و تجاوز اقتصادی مانند ربا، اِحتکار، کم فروشی منع کرده با وضع قوانین جزایی دستور مجازات متخلفان را صادر نموده است (ر.ک مبانی حکومت اسلامی جعفرسبحانی ص ۳۸۹.) قرآن مجید، برای ایجاد عدالت اجتماعی به مسلمانان دستور می دهد که اگر بین دو طایفه اختلافی شد و جنگی درگرفت وظیفه دیگران است که میان آن ها، صلح و آشتی برقرار سازند: "و اِن طَاغ فَتان مِن المُؤمِنین اقتَتَلوا فَاَصلِحوا بَینَهُما فَاِن بَغَت اِحدغهُما عَلَى الاُخری فَقَتِلوا الَّتی تَبغی حَتّی تَفیءَ اِلی اَمرِ اللّه (حجرات ۹) اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند، البته شما مؤمنان بین آن ها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آن ها بر دیگری

ظلم کرد، با آن ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید." در احادیثی که از امامان معصوم درباره حقوق مؤمنان و رابطه مردم در اجتماع آمده چند نمونه بیان می شود: امام صادق فرمود: "مسلمان برادر مسلمان است به منزله چشم اوست]خوبی ها و بدی هایش به او می نمایاند.[همانند آینه او است]زشتی ها و زیبایی هایش را نشان می دهد.[راهنمای او است هرگز شخص مسلمان به برادر خود خیانت نمی کند، به او ستم روا نمی دارد، در کارش نیرنگ و خدعه به کار نمی برد، به او دروغ نمی گوید، و عیب جویی و غیبت او را جایز نمی شمارد."(اصول کافی شیخ کلینی ج ص ۱۶۶ و ۱۷۴.) هم چنین آن حضرت در حدیث دیگری فرمود: "مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی کند، او را خوار و کوچک نمی شمرد، به او خیانت نمی کند، و سزاوار است بر مسلمین که سعی و کوشش کنند در هم کاری نمودن و مساعدت و یاری هم دیگر و کمک به کسانی که نیازمند هستند و عنایت و توجّه نمایند بعضی بر بعضی دیگر، تا آن که چنان باشند که خداوند بدان امر کرده "(همان) "رُحَمَآءُ بَيْنَهُم اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح است که می فرماید: "محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوّی دل و سخت و با یک دیگر بسیار مشفق و مهربانند."

باز آن حضرت در روایت دیگری امام صادق فرموده اند: "برای برادر مسلمانت دوست بدار، آن چه را برای خودت دوست داری اگر به چیزی احتیاج پیدا کردی از او بخواه و اگر

او به چیزی احتیاج پیدا کرد، از او مضایقه مکن از خدمت و احسان در حق او خودداری و اظهار ملال مکن و او هم نسبت به تو از نیکی ها، خودداری نکند. پشتیبان او باش که او نیز پشتیبان تو است وقتی غایب است آبرویش را حفظ کن چون او از سفر برگردد، به دیدنش برو. او را تجلیل کن و گرامی بدار. او از تو و تو از او هستی "(همان ص ۱۷۰.)

۴- چرا در جامعه دزدی رواج یافته است ؟

پرسش

۴- چرا در جامعه دزدی رواج یافته است ؟

پاسخ

ج۴- رواج ودزدی در جوامع به عوامل مختلفی بستگی دارد و جامعه ما هم مستثنی از این عوامل نیست .

۱-ضعف ایمان.

۲-فقر .

۳-بیکاری.

۱- ضعف ایمان : ضعف ایمان ناشی از کم توکلی است , کسی که کم توکل است تمام عوامل و پدیده ها را از نگاه مادی می نگرد . ممکن است فردی در فقر زندگی کند. اما با قدرت ایمان و توکل به خداوند بر آن غالب شود و دست تبعدی به حقوق دیگران دراز نکند .

۲- فقر : امام صادق علیه السلام » می فرمایند : {کاد الفقر ان یکون کفرا } ایشان مرز کفر وفقر را بسیار نزدیک به هم معرفی می کنند . شکاف بین فقیر و غنی باعث می شود که فقر دامنه اش درجامعه گسترش یابد و دزدی و تعدی به اموال دیگران زیاد شود .

۳- بیکاری : این خصیصه را می توان زیر مجموعه فقر قرار دارد. یعنی: وقتی کسی شغلی نداشته باشد و برای امرار معاش خود دچار مشکل باشد دست به دزدی می زند .

به هر صورت هر یک از عوامل فوق به اندازه ای بر رواج دزدی در جامعه تأثیر دارد و نمی توان منشأ همه دزدی ها را به یکی از عوامل فوق وابسته دانست در جامعه ما هم متأسفانه زمینه هر سه عامل فوق وجود دارد .

عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نابجای بیت المال چیست ؟

پرسش

عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نابجای بیت المال چیست ؟

پاسخ

ایشان بارها فرموده اند من به طور خصوصـی تذکرات فراوانی به برخی از مسؤولان می دهم و قاطعیت های به جایی نیز اعمال می دارنـد؛ ولی صـلاح نیست همه چیز از رادیـو و تلویزیـون پخش شـود. پخش بسیاری از این مـوارد ممکن است اثر عکس داشته باشد؛ مگر این که شرایط خاص دیگری پیش آید که مصلحت در اعلام عمومی باشد.

علاوه این که همه مشـکلات با قاطعیت یک مسؤول حل نمی گردد و نیاز به تدبیر، سـیاست و برنامه ریزی دارد. آنچه اهمیت دارد، اصـلاح آحـاد جامعه است؛ در غیر این صورت اگر همه کارمنـدهای یک اداره متخلف باشـند، از دست رئیس اداره چه کاری ساخته است؟

نکته دیگر این که وظیفه مهم رهبری ترسـیم سیاست هـای کلی نظام است و اگر یک مسؤول تراز اول در مسائل گوناگون و جزئی دخالت کند، از وظایف اصلی و مهم خود باز می ماند.{J

آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟

پرسش

آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟

پاسخ

افراد بشـر هم از نظر اسـتعداد و هم از نظر شـرایط اقتصادی و سیاسـی در وضـعیت های مختلفی قرار دارند. این تفاوت به دلیل اهداف و فلسـفه خاصـی است که بر جریان آفرینش انسان حاکم است.[PRG] شـما دنیایی را فرض کنیـد که همه انسان های موجود در آن از نظر شـرایط فکری، اقتصادی و... یکسان بودنـد و هیچ تفاوت و تغییری نیز در آن حاصل نبود، آن گاه شـکل زنـدگی و حیـات اجتماعی به چه صورتی در می آمـد؟ آیا در این صورت کارخانه ای به گردش در می آمـد و زمینی کاشـته می شـد؟ مسـلما نه! چرا که کسـی به کس دیگر نیـازی نـدارد و همه یکسان فرض شـده انـد. هم چنین هیـچ تحرّکی در آنان مشاهـده نمی شـد؛ چون هیـچ کس از دیگری عقبنیست تـا بخواهـد به او برسـد. می بینیم که نظام انسانی در این طبیعت، بنا به سلسـله علل و اهـداف آفرینش، به گونه ای خاص تنظیم شـده است. لذا روزی روم و ایران دو ابر قدرت جهان و منبع ثروت و قـدرت بودنـد و روز دیگر اروپا چنین می شود و سپس رو به زوال می گذارد. تمدّن ها، قدرت ها و ... به وجود می آیند و با درگیر شدن با شـرایط خاصـی، متلاشی شده و از بین می روند و از خاکستر آنها تمدّن جدیدی پا به عرصه وجود می گذارد.[PRG] فلسـفه همه این حرکت هـا، در تفـاوت هـا و اختلاـف هـاست؛ چنان که قرآن می فرمایـد: و من آیاته خلق السـماوات والارض و اختلاف السنتکم والوانکم از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ های شماست{M، (روم،

آیه ۲۲).[PRG] اگر از زاویه ای دیگر به بحث نگاه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از ارزش ها در پرتو همین اختلافات شکل می گیرد. عدالت وقتی معنا پیدا می کند که ظلمی نیز مشهود و ملموس باشد و عدالت خواه نیز وقتی منصور است که ستمگری در کار باشد. در تقابل فقر و غنا نیز همین نکات وجود دارد. بسیاری از احساسات عمیق و ارزشمند انسانی در این تقابل ها شکل می گیرد. کتاب بینوایان که حاکی از احساسات متعالی درباره پدیده فقر است، از کجا نشأتگرفته است؟[PRG] نکته دیگر در این باب آن است که تکالیف خداوند و بازخواست او از بندگان در قیامت، متناسب با امکاناتی است که در اختیار آنان قرار دارد.[PRG] حساب و بازخواست از اغنیا در قیامت و نیز مسؤولیت آنان در دنیا، با حساب فقرا و مسؤولیتشان برابر نیست. بنابراین روزی عدالت به طور کامل برقرار خواهد شد، اگر چه در دنیا و بر حسب ظاهر تفاوت ها به چشم بیایند. مسأله مهم دیگر، امتحان نمودن اقشار مختلف مردم است که فقیر و غنی به فقر و غنایشان مورد امتحان قرار گیرند.[PRG] علاوه بر آنچه گفته شد نباید ظلم ستمگران و تبهکاری دنیا طلبان را به حساب ناعدالتی خداوند گذاشت. چنان که معاویه در هنگام گفت و گو با ابوذر درباره کاخ سبز خودش استدلال کرد. خدا خواسته که من این چنین در رفاه باشم و شما در فقر باشید. ابوذر در مقابل گفت: خداوند رزقش را برای همگان نازل کرده است ولی تو در این میان رهزنی کرده و مانع شده ای.[PRG] علاوه بر آنچه گفته شد نباید ظلم ستمگران و تبهکاری دنیاطلبان را به حساب

ناعدالتی خداوند گذاشت. چنان که معاویه در هنگام گفت و گو با ابوذر درباره کاخ سبز خودش استدلال کرد، خدا خواسته که من این چنین در رفاه باشم و شما در فقر باشید. ابوذر در مقابل گفت: خداوند رزقش را برای همگان نازل کرده است ولی تو در این میان رهزنی کرده و مانع شده ای.برای آگاهی بیشتر در این مورد به کتاب «عدل الهی» (شهید مطهری) مراجعه فرمایید.{J

نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟

پرسش

نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟

پاسخ

ما نیز در موضوع فساد اداری و لزوم مبارزه قاطع، با شما هم نظر هستیم و متأسفانه بسیاری از این امور به اسم اسلام تمام می شود.

آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟

پرسش

آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟

پاسخ

یکی از مشخصه های اقتصاد سالم، این است که هر کس با توجه به ارزش کاری که انجام می دهد، مزد دریافت کند.اگر این قاعده به شکل صحیح اجرا شود، اختلاف دستمزد حتما وجود خواهد داشت؛ ولی نه به اندازه ای که ذکرکرده اید. آن هم به شکل وسیع. بلی، ممکن است اشخاص نادری با توجه به مهارت ها و تخصص هایی که دارند،درآمد بسیار زیادی را کسب کنند؛ ولی مسلما این نمی تواند مسأله ای عمومی و وسیع باشد و در دستگاه های اجرایی ودولتی هم قابل توجیه نیست و موجب تحقق فاصله طبقاتی می گردد.{J

چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟

پرسش

چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟

پاسخ

تبعیض و پارتی بازی و بی قانونی از بدترین آفت هایی است که می تواند ارکان یک جامعه را متزلزل نماید که متأسفانه همان گونه که نوشته اید در برخی جاها دیده می شود. وظیفه همه مسؤولین و مردم رفع این ناهنجاری ها است.

ضمنا اگر موارد مستندی سراغ دارید می توانید به مسؤولین مربوطه رجوع نمایید.

چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟

پرسش

چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟

پاسخ

هر چند بررسی عوامل مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور نیازمند تحقیقاتی عمیق است اما به صورت مختصر می توان عوامل آن را به دو دسته (عوامل ارادی و غیر ارادی فقر) تقسیم کرد. گاهی فقر به سبب عواملی که خود فرد در ایجاد آن نقش داشته پدید می آید و گاهی فرد آگاهانه یا ناآگاهانه کاری می کند که نتیجه ای جز فقر ندارد این عوامل عبارت است از: ۱- تنبلی و استقامت نداشتن ; بسیاری از فقرها در تنبلی و پشتکار نداشتن افرا...ریشه دارد حضرت علی (ع) می فرماید هر کس بر رنج (ناشی از کار) بردباری نورزد باید فقر را تحمل کند.(الحیاه ج , ۴, ص ۳۱۸) ۲- بی برنامگی ; رمز موفقیت هر فرد داشتن برنامه ای متناسب با موقعیت خود و جامعه و تنظیم مخارج زندگی است در سطح کلان نیز کشورها با تنظیم برنامه های کوتاه و بلند مدت به سامان دهی وضعیت اقتصادی خود می پردازند. بنابراین بی برنامگی و یا برنامه ریزی نادرست به پیدایش فقر می انجامد به همین جهت امام علی (ع) نداشتن برنامه در زندگی و سوئ تدبیر را عامل فقر دانس...Ə......(ه‎Ơ...Ř, ص ۳۲۱) بعضی از روایات نیز اسراف را سبب زوال نعمت دانسته اند. ۳- امامان معصوم (ع) گناه را سبب کم شدن روزی انسان و از عوامل فقر می دانند دسته ای از این روایات از گناهان خاص مانند دروغ , خیانت , گسستن

پیوندهای خویشاوندی , اسراف و ستم نام برده اند. (میزان الحمکه , ج ۲, ص ۹۹۶) و بعضی دیگر به طور کلی گناه را موجب زوال نعمت دانسته اند.(همان , ص ۹۹۴) در مقابل بسیاری از روایت ها نعمت خداوند و وسعت روزی را به ایمان و تقوا و کردار نیکی چون خوش اخلاقی , امانت داری , دعا و صدقه وابسته ساخته اند. ۴- تکدی و اظهار نیاز ; افرادی که خود را بدین کار می آلایند از تلاش دست برمی دارند و به درمان اساسی مشکل خود نمی اندیشند و حاضر نمی شوند دشواری آن را تحمل کنند در نتیجه روز به روز بر دامنه فقرشان افزوده می شود. ۵- دیدگاه غلط نسبت به دنیا و آخرت ; گروهی چنان می پندارند که نیک بختی دنیا و آخرت , جمع شدنی نیست و اگر بخواهند در جهان دیگر کامیاب شوند باید در دنیا در فقر و بیچارگی به سر برند. اینان به سبب برداشت های نادرست از مفاهیمی پر ارزش مانند زهد تقدیر و تصورد نقش داشتن فرد در سرنوشت خویش تلاش اقتصادی ندارند و دچار تنگدستی می شوند اما در مقابل گاهی افراد در فقر خود نقش ندارند, بلکه این پدیده بر آنها تحمیل شده است و آنان ناگزیرند با آن دست و پنجه نرم کنند. مهمترین عوامل آن عبارت است از: الف) عوامل طبیعی : گاه حوادثی رخ می دهد که شیرازه زندگی ها را فرو می پاشد و زمینه ساز فقری جانکاه می شود, مهمترین عوامل آن عبارت است از حوادثی مانند زلزله , آتش سوزی , سرقت ,

خشکسالی , جنگ و... البته برخی از آیات و روایات نشان می دهد که بخشی از این حوادث نتیجه کردار انسان هاست و بخشی دیگر برای آزمون و ایجاد زمینه ارتقای معنوی آن ها طراحی می شود. (شوری , ۳۰ روم , ۴۱, میزان الحکمه ج ۱, ص ۳۰۰و ۳۰۳و ۳۰۹) ب) عوامل اقتصادی : مهترین عوامل پیدایش فقر تحمیلی را باید در عرصه اقتصاد جست و جو کرد و عامل اصلی در بین این عوامل نوع روابط اقتصادی حاکم بر جامعه است روابط ناسالم اقتصادی بر بسیاری از مردم تاثیر می نهد شکاف طبقاتی میان اقلیت پر درآمد و اکثریت تهیدست را فزونی می بخشد و ممکن است سرانجام اقتصاد کشور را فلج کند برای مثال اجرای افتصاد سرمایه داری در کشورها توسعه نیافته می تواند پی آمدهای زیانبار درپی داشته باشد پی آمدهایی که هر یک از عوامل مهم ایجاد و گسترش فقر به شمار می آید بخشی از این آثار عبارت است از: ۱- توزیع ناعادلانه ثروت : در جوامعی که ثروت ها و منابع طبیعی که براساس آیات قرآن کریم برای بهره برداری فقر فراگیر می شود و به تدریج فاصله طبقاتی روز افزون می گردد. امام صادق (ع) می فرماید: آنچه بر سر فقرا, نیازمندان , گرسنگان و برهنگان می آید همه در اثر گناه توانگران است . (الحیاه , ج ۴, ص ۳۲۹) و در روایتی دیگر آمده : هر گاه میان مردم به عدالت رفتار می شد بی نیاز می شدند. (اصول کافی , ج ۱, ص ۵۴۲) این سخن میزان تائثیر بی عدالتی در تنگدستی

جوامع را نشان می دهـد. ۲- افزایش بی رویه قیمت هـا: یکی از ویژگیهـای اقتصـاد سـالم ثبـات نسبی قیمت هاست تورم های لجـام گسـیخته آثـار سوئ فراوانی در ابعاد مختلف اقتصاد بر جای می نهـد بخشـی از این آثار در توزیع درآمـدها, پس انـداز ,تولیـد, بودجه دولت و موازنه تراز پرداخت ها قابل مشاهـده است که هر یک به نحوی در پدیده فقر تاثیر می نهد. ۳- فقدان امکانات شغلی : بی کاری بلای اجتماعی , اقتصادی شـناخته شده ای است که موجب از دست دادن حیثیت و کاهش تولید و پس انـداز می انجامـد و از عوامل مهم پیـدایش و تشدید فقر شـمرده می شود. ۴- ضـعف مدیریت و تخصص نیروی انسانی : یکی از علل عمده فقر کشورها, فقدان مدیریت متخصـص و کاردان در امور اقتصادی است آیات و روایات بسیاری , موئمنان را از سپردن کارها به غیر متخصـصان و ناآگاهان باز داشـته است در قرآن کریم می خوانیم ; ((ولاتوتوا السفهائ اموالکم التی جعل الله لکم قیاما"; یعنی اموالتان را که خدا مایه سامان یابی زندگی شما قرار داده است , در اختیار کم خردان قرار ندهید)), (نسائ, آیه ۵). ۵- بازدهی پایین و عدم کارآیی در تخصـیص منابع : بیش تر اقتصاددانان اقتصاد را به معنای اسـتفاده بهیمه از منابع کمیاب می دانند هر کشوری که از منابع خود بهتر اسـتفاده کند در توسـعه موفق تر خواهد بود یکی از اشـکال نادرسـت اسـتفاده از این منابع که بسـیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران با آن دست به گریبانند, فروش منابع طبیعی به صورت خام است . کشورهای ثروتمند

و استعمارگران این منابع را به بهای ارزان می خرند و پس از انجام تغییراتی به بهای گزاف به صاحبان اولیه آن ها می فروشند و حتی گاهی از نیروی ارزان و نیز پس انداز همین کشورها در بانک های کشورهای توسعه یافته برای تبدیل این منابع استفاده می شود. ج) عوامل فرهنگی - اجتماعی : ۱- خودباختگی : گروهی از مردم کشورهای جهان سوم در اثر تبلیغات مسموم کشورهای ثروتمند, دچار باورهای غلط شده اند که نتیجه ای جز عقب ماندگی و فقر ندارد خود باختگان چنین می پندارند که کشورهای جهان سوم از نوآوری استعداد و نبوغ بی بهره اند و همیشه باید منتظر بمانند تا نظریه های علمی و اختراع ها و اکتشافات از سرزمین های توسعه یافته به سمت جهان سوم سرازیر شود. ۲- انحصاری بودن دانش و فن آوری : کشورهای توسعه یافته اغلب به جهت خوی استعمارگرانه شان از انتقال این ابزارها به جهان سوم جلوگیری می کنند یکی دیگر از نقشه های استعمار در جهان سوم فراهم ساختن زمینه برای فرار مغزهاست نتیجه این فعالیتها عقب ماندگی و فقر بیش تر این کشورهاست . ۳- اعتیاد, مفاسد اجتماعی و...: ترویج اعتیاد در سطح جامعه از دیگر عوامل اجتماعی فقر است . افکندن جوانان در دام اعتیاد, آسان ترین و موثرترین روش برای از بین بردن روحیه انقلابی و تلاش و فعالیت در یک کشور است و دشمنان برای رسیدن به اهداف خود از آن بهره می گیرند. د) سایر عوامل از قبیل : الف) انتخاب مدلی برای توسعه که به عدالت اجتماعی و ارزشهای اسلامی و

ملی توجه نشده بود. ب) محاصره های اقتصادی , سیاسی و... ج) مشکلات ناشی از بازسازی . د) خسارتهای ناشی از جنگ تحمیلی . ه') کاهش فاحش قیمت نفت پس از پیروزی انقلاب آن هم با توجه به تک محصولی بودن اقتصاد ایران که از سیاستهای استعماری حاکم بر ایران بوده است . و) تاثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی . ز) رشد و افزایش بی رویه جمعیت . ح) تغییر الگوی مصرف در جامعه و پدیدار شدن یک سری نیازها که در گذشته نبوده و... مجموعه این عوامل سبب شده که متاسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی هنوز ما در بخشهایی از کشور شاهد مشکلات اقتصادی و فقر و... باشیم البته این مطلب بدین معنا نمی باشد که نظام جمهوری اسلامی ایران به این وضعیت راضی بوده و یا هیچ اقدامی را در جهت حل این مشکلات انجام نداده باشد بلکه بر عکس مسوئلین عالی رتبه نظام اسلامی خصوصا" مقام معظم رهبری همواره نگرانی شدید خود را از وضعیت بد اقتصادی و مشکلات معیشتی طبقات محروم و مستضعف جامعه اظهار داشته اند و در این زمینه ضمن هشدار به مسوئلین می فرمایند: (در وضعیت کنونی ثروت در کشور می جوشد و کسانی هستند که می توانند ثروت های زیادی را به دست آورند و بسیار مجذوب آن می شوند و از یاد می برند که هدف آنها از قیام و مبارزه چه بوده است لذا در این برهه حساس که خطر فراموشی نیز وجود دارد توجه و مراقبت دولت مردان یک مسئله مهم و اساسی است)

و در جای دیگر ضمن تائکید لزوم رعایت بر عدالت اجتماعی در جامعه می فرمایند: (تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات مشارکت در امور باید متعادل باشد و به گونه ای عمل نشود که برخی افراد زرنگ حتی با استفاده از قوانین بتوانند در سایه مسئله مشارکت در امور ثروت های باد آورده جمع کنند لازمه وجود ثروت های کلان و باد آورده برخی ها, استمرار فقر و محرومیت برخی از قشرهاست و تا وقتی این وضعیت ادامه یابد فقر ریشه کن نمی شود) (روزنامه ایران , ۱۰ / ۶ / ۱۳۷۵)و در راه فقرزدایی و تحقق عدالت اجتماعی و بهبود بخشیدن به مشکلات اقتصادی اقشار آسیب پذیر جامعه از اوائل انقلاب تاکنون اقدامات اساسی و زیر بنایی زیادی توسط ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی مانند جهاد سازندگی , کمیته امداد و... صورت گرفته است ولی برطرف نمودن آن شکل کامل نیازمند حل اساسی زمینه ها و عوامل فقر و بسیج تمامی دستگاهها و امکانات دولتی و بالابردن سطح فرهنگ کار و تولید در جامعه و... می باشد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- سعید فراهانی خرد, نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام , ص ۳۹ ۲- دکتر فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد, ص ۱۸۳

چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر, بی عدالتی , تبعیض , پارتی بازی , رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟

پرسش

چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر, بی عدالتی , تبعیض , پارتی بازی , رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟

پاسخ

اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت نماییم و واقعیات جامعه را در نظر بگیرم , باید بگوییم که انقلاب اسلامی ایران با هدف اجرای احکام و ارزش های الهی , دفاع از حقوق مظلومان , رعایت عدالت اجتماعی , نفی تبعیض و... شکل گرفت و به پیروزی رسید. از اول انقلاب اسلامی تا کنون , مسؤولان عالی رتبه نظام - چه در گفتار و ارائه خط مشی و اصول کلی نظام و تدوین برنامه های دولت و چه در عمل - همیشه بر این اصول تأکید و پافشاری داشته و برای بهبود سطح معیشتی , رفاه و... این اقشار اقداماتی انجام داده اند; بنابراین ما با شما در کلیت مواردی را که ذکر نمودید موافق نیستیم , زیرا بسیاری از مردم که قبل از انقلاب از وضعیت مناسب اقتصادی برخوردار نبودند, به برکت انقلاب اسلامی و برنامه های دولت از اقشار مستضعف , وضعیت مناسب تری دارند. و این با مراجعه به آمار, کاملا" قابل اثبات می باشد; مثلا" مواردی که برای معافیت از سربازی در قانون وجود دارد, از قبیل تک فرزندی , نواقص جسمی , طرح معافیت فرزندان شهدا و جانبازان و آزادگان و اقوام درجه اول آن ها, طرح دوبرادری (عنایت رهبری), خرید سربازی و... همه برای تمامی افراد جامعه اعم از ثروتمند یا مستضعف که شامل این قوانین بشوند, یکسان است . هم چنین تحصیل در دانشگاه های دولتی , بدون هیچ گونه تبعیضی و بر اساس ضوابط و

مقررات مربوط صورت می پذیرد. اما اگر منظورتان این است که در بعضی جاها تبعیض وجود دارد و یا حقی پایمال می شود, ما هم در این مقدار با شما موافقیم و مسؤولین عالی رتبه نظام نیز ضمن اذعان به آن همیشه دغدغه و نگرانی خود را از این وضع اعلام داشته و به مسئولین مربوطه تذکرات و توصیه های لازم را ارائه نموده اند; در فرمان مبارزه با فساد و تبعیض که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ به سران سه قوه ابلاغ گردید, شاهد آن بودیم . بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل این قبیل مشکلات و نارسایی ها - که حتی مقدار کم آن نیز زیبنده جامعه اسلامی نمی باشد - نیاز به بررسی دقیق علل و عوامل جامعه شناختی آن دارد که به اختصار مهم ترین آن ها را بیان می کنیم .

۱. وجود فقر در کشور تا حدودی ناشی از ساختار اقتصادی کشور, وابستگی به صادرات نفت , جمعیت زیاد, عدم رشد صنایع مادر, وابستگی در بسیاری از مواد صنعتی به خارج از کشور, مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی , محاصره اقتصادی و سیاسی و... است . شاید بتوان مهم ترین عامل آن را عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی در کشور دانست ; چنان که مقام معظم رهبری می فرمایند: ((... در وضعیت کنونی , ثروت در کشور می جوشد و کسانی هستند که می توانند ثروت های زیادی را به دست آورند.... عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخوردارهای نا به حق و محرومیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگام که

همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند, احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می گیرد...)), (آیت الله خامنه ای : حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۷).

۲. درباره برخی از مسائلی که ذکر کرده اید (خریدن سربازی , تحصیل در دانشگاه های آزاد و...) حتی کسانی که این قوانین را تصویب نموده اند, این دغدغه ها را نیز داشته اند; از همین رو این مسئله مورد مخالفت های زیاد و با فراز و نشیب بوده و هم اکنون نیز مورد مخالفت است .

۳. معضل پارتی بازی , رشوه , مفاسد اداری و... از منظر جامعه شناختی و روان شناختی دارای عوامل متعددی می باشد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱- ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰ ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه خواری , پارتی , روابط را مقدم بر ضوابط دانستن , استبداد رأی جاه پرستی و سلطه پذیری و... .

۲- عدم تثبیت ارزش های اسلامی و قانون گرایی و پایبندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بداند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل : فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت , آموزش و توجیه آنان , کم کاری یا بعضا" عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور, سردر گمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی , فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می باشد.

۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک

سو و رعایت ننمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل : لیاقت و شایستگی , تعهد و تقوا, تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینشها چنانچه حضرت علی (ع) در عهد نامه خود به مالك اشتر می فرماید: ((ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختیارا" و لا تولهم محاباه و اثره فانهما جماع من شعب الجور و الخیانه و توخ منهم اهل التجربه و الحیاء من اهل البیوتات الصالحه والقدم فی الاسلام المتقدمه ...; در امور و کارهای کارمندان و کارگزاران خود دقت کن و پس از اینکه آنها را امتحان نمودی به کار بگمار و در تعیین آنان چنین کن : قبل از این که آنها را به کاری بگماری آنانرا مورد آزمایش و امتحان قرار بده به خاطر تمایل خاص به شخصی کسی را به کاری منصوب مکن خود سرانه و بدون مشورت و یا استبداد رأی آنها را به کار مگمار زیرا اینگونه انتخاب و منصوب نمودن یعنی از روی تمایل شخصی و بدون مشورت و آزمایش خود ستمگری و ظلم و خیانت است و برای انتخاب کارمندان و کارگزاران دولت اینگونه افراد را انتخاب نما افرادی که اهل تجربه هستند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شده اند اهل شرم و حیاء و عفت هستند از خاندانهای پاك دامن و صالح باشند سابقه و حسن سابقه آنها در اسلام بیش از دیگران باشد...)), (نهج البلاغه , نامه ۵۳) و از طرف دیگر ضعف در بازرسی نظارت , حراست و مراقبت دولتی , حضرت آیت الله خامنه ای می فرمایند: ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به

دنبال گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضرورت است چون مقام و قدرت غالبا" اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه , موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند. لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسؤولان باید نظارت مستمر به کار آنان داشته باشد.)) (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳و ص ۲۰۵).

۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول شهرت , مدرک گرایی , رفاه طلبی , و تجمل پرستی و... .

۵- اجرا نشدن امر به معروف ونهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... می باشد حضرت علی (ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین (ع) چنین سفارش می نمایند ((امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم می شوند سپس شما برای رفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی شود)), (نهج البلاغه , نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشتم در سه قسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم ومردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی

در جامعه تبیین و اجرا نشده است . بنابراین , تا حساسیت قابل توجهی که منجر به عزم ملی برای برخورد با این معضلات (رشوه خواری , پارتی بازی و...) به وجود نیاید, قطعا" این معضل همچنان باقی می ماند, هر چند بقیه عوامل نیز اصلاح بشوند; قرآن کریم می فرماید: ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ; خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند)), (سوره رعد, آیه ۱۱). در اندیشه سیاسی اسلام , انسان قادر به تغییر سرنوشت خویش و سمت دهی آن در جهت خواست خود و نیز اصلاح ساختار اجتماعی اقتصادی , سیاسی و فرهنگی خود می باشد.

۶- وجود مشکلات و نارسایی های اقتصادی , ناکافی بودن درآمدها, وجود تورم و خلاصه عدم تأمین نیازهای معیشتی و رفاهی کارمندان .

۷- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود و باعث تغییر ارزش ها و با ارزش شدن پول و ثروت در نزد افراد جامعه گردید. با توجه به عوامل فوق و عوامل دیگری از این قبیل می توان به این نتیجه رسید که : تحت شرایط کنونی ایران , وقتی که پول و ثروت با ارزش شود و از یک طرف در انسان ها نیاز به انواع کالا به

وجود آیـد و هم زمان درآمـدشان کاهش یابـد و در نتیجه انسان ها نیاز شدیـد به پول داشـته باشـند و از طرف دیگر امکانات برایشان فراهم نباشـد و همه راه های مشـروع بسـته باشد و سـیسم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیسـتم کنترل بیرونی (نظارت دسـتگاه هـای مربوطه , امر به معروف و نهی از منکر) ضـعیف باشـد, آنها برای ارضاء نیازهایشان به راه های نامشـروع از قبیل رشوه خواری , پـارتی بـازی و... روی می آورنـد, بنـابراین هم چنـان که ملاحظه می نماییـد این چنین نیست که علت مفاسـد اداری فقـط به خـاطر عـدم نظـارت مسؤولین حکومتی و فقـدان برخورد قـاطع آنان باشـد, بلکه مسأله بسـیار ریشه ای تر و حل کامـل آن نیز راه کارهای مناسب و بسیار دقیق , آن هم در طولانی مـدت می طلبـد, اما ما با شـما موافقیم که بایـد با متخلفین برخورد بشود و این کـار هم به کرات توسـط دادگـاه ها با متخلفین شـده و می شود ولی در هر صورت بایـد به ریشه های آن پرداخت و امیـد می رود ان شاءالله با انجام اصـلاحات اقتصادی , اجتماعی , اداری و... به هیـچ وجه شاهد این گونه ناهنجاری ها و تخلفات در جامعه اسـلامی نباشیم . این نکته در خور توجه است که هم چنان که مسؤولان عالی رتبه نظام به کرات اعلام کرده انـد که ما این انقلاب را برای تحقق احکام و ارزش های اسـلامی شـروع کرده و به پیش می رویم و تا دستیابی کامل به این هدف فاصله زیادی مانده است ; بنابراین صرف وجود کشور اسلامی , علت تامه برای

برطرف شدن این گونه مفاسد اداری نمی باشد بلکه عوامل دیگری نیز دخیل می باشند که با فقدان آنها, عنصر مدیریتی ایده آل نیز در رسیدن به هدف تأثیر عمده ای نمی تواند داشته باشد. این عوامل عبارتند از:

۱- حاکم شدن ارزش های الهی خصوصا" در سایر مراتب و رده بندی های بدنه اجرایی نظام از مسؤولین گرفته تا رده های پایین (نظارت درونی).

۲- حل شدن مشکلات اقتصادی و معیشتی کارکنان و...

۳- نظارت دقیق و قاطع نسبت به عملکردهای کارکنان و مأموران و... (نظارت بیرونی) و برخورد با متخلفین .

۴- همکاری مردم با مسؤولین و به وجود آمدن یک نوع عزم ملی در مبارزه با مفاسد اداری از قبیل رشوه خواری , پارتی بازی و... با ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و برخورد با افراد متخلف .

۵- وحدت و همدلی میان جناح های سیاسی و مسؤولان قوای سه گانه و سایر دستگاه های دولتی و بسیج کلیه امکانات برای برخورد با این گونه مسائل و حل ریشه ای آنان .

و در آخر ذکر این نکته لازم است که با وجود تمامی این مشکلات نظام اداری ما نسبت به سال های قبل از انقلاب و سایر کشورهایی که در وضعیت مشابهی با کشور ما بوده و دوران گذار و سازندگی و... را پشت سر می گذارند در وضعیت بسیار مناسب تری قرار دارد هر چند تا رسیدن به حکومت عدل الهی و تحقق خواسته های مشروع مردم عزیزمان راه طولانی در پیش داریم . اما درباره مقایسه اوایل انقلاب با وضع فعلی باید بگوییم که اهتمام جدی و بیش تر

جامعه و نظام اداری به رعایت ارزش های اسلامی و پرهیز از سوء استفاده , تبعیض , پارتی بازی , رشوه خواری و... در اوایل انقلاب نسبت به زمان کنونی , ناشی از عوالم مختلفی می باشد که به صورت مختصر عبارتند از:

۱. در دهه اول انقلاب جامعه تحت تأثیر فضای معنوی ناشی از وقوع انقلاب , دفاع مقدس و... بود که باعث تقویت همدلی , همرنگی , پرهیز از مادیات و منافع شخصی , و به طور کلی ارزش های اسلامی در جامعه گردید; بنابراین تحت تأثیر این فضای حاکم , مفاسد اداری و اجتماعی کم تر مجال بروز پیدا می کرد; اما به دلایل متعددی , از جمله :

۱. کم کاری مسؤولین و دستگاه های فرهنگی در تعمیق و تثبیت ارزش ها در جامعه ;

۲. رفتارها و اقدامات ناشایست بعضی از مدیران و کارگزاران نهادهای دولتی و نادیده گرفتن ارزش های اسلامی ;

۳. تغییر ارزش ها پس از دوران دفاع مقدس ; مانند با ارزش شدن پول , شهرت , مدرک گرای , رفاه طلبی , تجمل پرستی و... به بهانه توسعه اقتصادی و اجتماعی و بر اثر تهاجم فرهنگی علیه ارزش های اسلامی و ملی ;

۴. به صحنه آمدن نسل جدیدی که باورها و یافته های آنان با نسل انقلاب متفاوت بود و فقدان برنامه ای جامع برای تربیت و توجیه آنان نسبت به ارزش های اسلامی . در روایات متعددی وجود فقر در جامعه اسلامی نکوهش شده و آثار مخرب اقتصادی , فرهنگی (ضعف عقیدتی و علمی , اضطراب و ناراحتی های روحی و...) و اجتماعی و سیاسی آن

بیان شده است . پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ((اگر رحمت پروردگارم بر فقرا نبود, نزدیک بود فقر به کفر بینجامد)), (الحیاه , ج ۴, ص ۳۰۹).

امام صادق (ع) می فرماید: ((چند چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد, زندگی اش دچار کاستی و عقلش پریشان و ذهنش مشوش است : سلامتی , امنیت , وسعت روزی .)), (الحیاه , ج ۴, ص ۳۰۳).

باید توجه داشت که هرگز فقر به تنهایی نمی تواند دنیا و آخرت انسان را به تباهی کشاند. چه بسیارند انسان هایی که با وجود فقر, توانسته اند دین و ایمان خود را حفظ کنند. البته چنان که پیش تر گفتیم , خداوند هیچ فرد یا ملتی را تکوینا" محکوم به فقر نکرده است ; بلکه در نظام اقتصادی اسلام - بر خلاف نظام سرمایه داری و مارکسیسم - فقر از کمبود منابع طبیعی یا نهاد مالکیت خصوصی بر نمی خیزد. هرگاه نظام اقتصادی مورد قبول اسلام در جامعه محقق گردد و از پیدایش عوامل فقر جلوگیری شود, این پدیده به طور کلی رخت بر می بندد; زیرا بر اساس نصوص دینی , منابع اولیه مورد نیاز همه انسان ها در طبیعت وجود دارد: ((وآتیکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها; هر چه از او خواستید, به شما عطا کرد و اگرنعمت خدا را شماره کنید, نمی توانید آن را به شمارش آورید)), (سوره ابراهیم , آیه ۳۴).

بنابراین , بسیاری از عوامل فقر, انتخابی و ارادی می باشد; مانند: تنبلی و عدم استقامت , بی برنامگی , ارتکاب گناه , دیدگاه

غلط نسبت به دنیا و آخرت , توزیع ناعادلانه ثروت , ضعف مدیریت و تخصص نیروی انسان , خودباختگی , انحصاری بودن دانش و فن آوری , اعتیاد و..., که حل آن نیز به همت و کوشش انسان ها بستگی دارد. اما این که غنی , هم دنیا را در رفاه و هم آخرتش آباد باشد, در صورتی است که هم در کسب ثروت و هم در مصرف آن , از راه های مشروع و طبق موازین شرعی عمل بکند و بتواند از این ثروت در راه رضای خداوند و خدمت به بندگانش استفاده نماید و الا چه بسیار ثروتمندانی که ثروت آنها وزر و وبال دنیا و آخرت می شود.

برای مطالعه بیشتر ر.ك :

فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد

فرامرز رفیع پور, آناتومی جامعه

علی ذو علم , انقلاب و ارزش ها

سعید فراهانی فرد, نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام

عدل و میزان به چه معنا هستند؟

پرسش

عدل و میزان به چه معنا هستند؟

پاسخ

عدل و عدالت دارای مفهوم روشنی هستند عدل این است که انسان حق هر ذی حقی را بطور کامل بدهد ولی میزان وسیله ی سنجش است مثلاًـ کسی که فروشنده است و جنس را بوسیله ی ترازو می کشد و در اختیار مشتری قرار می دهد پرداخت جنس بهمان اندازه که مشتری استحقاق آن را داشته عدل است و ترازو میزان و وسیله ی سنجش و تشخیص اندازه ی استحقاق مشتری است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عـدالتی که از پی آمـدهای توحیـد به حسـاب آمـده، عـدالت جهـانی و همگـانی است. بـدین معنی که تنها اعتقاد به توحیـد و یگـانه پرستی است که می توانـد وحـدت و هم آهنگی راستین ایجاد کنـد به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسـمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسـلماً با تشـتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست.

اساسـاً در جـامعه ای، عـدالت قابـل اجرا است که بین افراد آن، اتحـاد برقرار باشـد و چنین اتحادی محور می خواهـد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شـهرت دارد و بر پایه آن، مثلاً سـرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شـود، قابـل نقـد اسـت زیرا عـدالت به معنـای تسـاوی نیست. بلکه عـدالت به معنـای این است که هر فردی را به حـق و انـدازه اسـتحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، سـتم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرنـد، و ثروت را به طور مسـاوی بیـان آنان تقسـیم کننـد. بـدیهی است که آن امر سـتم محسوب به شـمار می آیـد. و چون عـدالت، رعایت انـدازه شایسـتگی و اسـتحقاق است، بنابراین بشـر نمی تواند اندازه اسـتحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه ای وضع کند، بلکه این کار تنها باید به دست خداوند

که آفریدگار همه است و اندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی و حکومت الهی آنان میسّر است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟

پرسش

تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟

پاسخ

عدالت به معنای این است که حقّ هر کس را ارج نهند و با او به اندازه جایگاه و شایستگی اش رفتار کنند و ظلم در برابر آن عبارت است از ارج ننهادن به حقوق دیگران و در نظر گرفتن حدود اشخاص. بنابراین، ظلم دارای مفهومی گسترده است و شامل انواع تجاوز افراد به حقوق یکدیگر و نافرمانی انسان از خدا و بلکه شامل رفتار ناشایست و زیان رسانیدن انسان به خویش نیز می شود.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد؛ استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد؛ حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،

به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم:

۱ - در سوره فاطر(۴۱) می فرماید:

«اِنْ اللَّهَ یمسکُ السموات و الارض ان تزولا»؛ خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید.

۲ - در سوره فرقان(۲) می فرماید:

«و خلق کل شیی فقدره تقدیراً»؛ خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود.

۳ - در سوره آل عمران(۱۸) می فرماید:

«شهداللَّه انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط»؛ خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

۴ - در سوره فاطر(۴۳) می فرماید:

«فلن تجد لسنه اللَّه تبدیلاولن تجد لسنه اللَّه تحویلا»؛ هرگز در سنّت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می فهمیم که اولاً: یک قدرت بر تمام جهان مسلّط است که هر موجود را به جای خود و همه جهان را مجموعاً نگهداری می کند. ثانیاً: هر

موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصّی آفریده شده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنّت خدا نامیده می شود؛ رابعاً: سنّت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن

قوانین را نشناسد و یا بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

« بخش پرسش و پاسخ »

علّت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علّت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟

پرسش

علّت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علّت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟

پاسخ

۱. کسی که این اشکال را می کند باید نخست کشورهای غربی را در نظر بگیرد و بالا بودن ارقام جنایات و جرایم و انحرافات گسترده که زندگی را در آن منطقه ها در ذائقه افراد تلخ نموده است مشاهده کند و با ممالک شرقی که نسبتاً تحت حکومت دین قرار دارند بسنجد تا معلوم شود تا چه اندازه ایمان و دین می تواند در برکناری انسانها از فساد و انحراف مؤثّر باشد.

۲. بهترین و عالی ترین ضامن اجراء برای عمل به قانون عبارت از ایمان است و این حقیقتی است که با اندک تأمل قابل تصدیق می باشد زیرا اگر نفوذ ایمان و دین نباشد افراد تا آنجا که تحت سیطره قانون می باشند پیروی از قانون را تحمّل می کنند ولی در مواردی که از قلمرو حکومت قانون خارج شدند مانند گوشه های مخفی که هیچ کس از آنها آگاهی ندارد از قانون تخلف می نمایند. امّا ایمان و دین هر جا انسان باشد همراه انسان است و در اندیشه و فکر انسان را کنترل می کند و از تجاوز و ستم به طور کلّی باز می دارد و علّت وجود فساد و انحراف در کشورهای اسلامی عمل نکردن مسلمان به طور کامل به تعلیمات دینی است و این را باید به حساب تقصیر آنان گذارد نه به حساب نقص قوانین اسلام.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ما است.

۳. در تجربه حکومت اسلامی نشان داده شد که احکام اسلام، باید همراه قدرت نیز باشد و نظام برای

کنترل اوضاع دخالت نماید. به همین دلیل است که امام«رحمه الله» فقه را فلسفه عملی حکومت می داند.

یعنی دستورات دین در بستر حکومت به نتیجه می رسند. برای جلوگیری فساد باید هم جنبه ایجابی یعنی قدرت، تبلیغ و امکانات ارشادی و هم جنبه سلبیی باز دارندگی از حرکات مفسدانه انجام گیرد.

۴. در کشورهای اسلامی غیر از جمهوری اسلامی هم فقط نام اسلامی یدک کشیده می شود وگرنه نظامها و دولتها هرگز اسلامی نیستند. با این وجود مقایسه مفاسد و گرفتاریهای غرب و آنجا که دین حضور حتّی کمرنگ دارد قابل مقایسه نیست.

« بخش پاسخ به سؤالات »

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پرسش

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پاسخ

واژه عدالت، در مورد انسان دو گونه کاربرد دارد:

۱. گاه در مورد فعل انسان نسبت به خویش استعمال می شود؛ در این صورت، عادل به کسی گفته می شود که آنچه موجب سعادت اوست به جا می آورد و از کارهایی که برای سعادتش زیان بار است، دوری می گزیند/

۲. گاه واژه عدالت، در مورد فعل انسان نسبت به دیگری به کار می رود؛ بدین معنا که انسان با هر فرد از افراد جامعه، آن چنان که حق اوست، رفتار می نماید و هر کس را در جای مناسب خود قرار می دهد.

وقتی معنای اخیر عدالت در مورد همه شخصیت های حقیقی و حقوقی یک جامعه اعم از مردم و دولت، در نظر گرفته شود، مفهوم عدالت اجتماعی پدید می آید.

بر این اساس می توان گفت: «عدالت اجتماعی» آن است که در جامعه، حقوق همگان رعایت شود. در مقابل عدالت اجتماعی ظلم اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است.

امیر مؤمنان علی(ع) را شهید عدالت نامیده اند. روشن است عدالتی که زمینه ساز به شهادت رسیدن آن حضرت شد، عدالت در بعد اخلاقی و فردی نبود، - هر چند عدالت فردی به معنای صحیح آن از عدالت اجتماعی انفکاک پذیر نیست - /

در واقع، عدالتی که سبب به شهادت رسیدن آن امام همام گردید، عدالت در بعد اجتماعی و نوع تفکر مخصوصی بود که آن حضرت درباره عدالت اجتماعی داشت، تفکری که نه تنها بارها و بارها در ضمن سخنان خویش بر آن تأکید می ورزید، بلکه

در طول عمر مبارک خویش بویژه در دوران کوتاه حکومتش در عمل به شدت بدان پایبند بود و

انـدکی در این راه مسـامحه و انعطـاف را روا نمی دانست تـا آنجـا که نسـبت به نزدیک ترین کسان خویش نیز آن را اجرا می کرد، که در این مورد داستان برخورد آن حضرت با برادرش عقیل مشهور است.

شخصی از آن حضرت پرسید: «ایهما افضل؟ العدل ام الجود»، عدل برتر است یا جود؟ فقال(ع): «العدل یضع الامور مواضعها و الجود یخرجها من جهتها»;{۱} حضـرت در پاسـخ فرمود: عدل بهتر است زیرا عدل هر چیزی را در جای خود قرار می دهد و هر حقی را به ذی حق واقعی خود می رسانـد، امـا جود و بخشـش، امور را از محـل و مـدار خود خارج می سازنـد،{۲} سپس فرمود: «و العـدل سائسٌ عامٌ و الجود عارضٌ خاص»;{۳} عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشـش گروه خاصی را شامـل می شود. عـدالت سـائس و اداره کننـده عموم است و پـایه و مبنـای زنـدگی عمومی است امـا جود و بخشـش حالتی استثنایی است که در موقع خاص کسی به کسی می بخشد و ایثار می کند/

جود و ایثـار را نمی توان مبنای اصـلی زنـدگی عمومی قرار داد و بر اساس آن مقررات و قانون وضع کرد. زیرا در این صورت دیگر جود و بخشـش نـام نمی گیرد زیرا ایثـار و جود زمـانی ایثـار و جود است که هیـچ قـانون و مقررات حتمی و لازم الاجرا نداشـته باشد و آدمی تنها از روی کرم و بزرگواری و گذشت و نوعدوستی جود و ایثار کند؛ لذا اگر در جامعه جود نباشد آن قدر مشکل پیش نمی آید که در صورت عدم وجود عدالت پیش می آید.

پاسخ آن حضرت که عدل را از جود بالاتر می داند به روشنی نشان می دهد که

آن حضـرت با نظر به بعد اجتماعی عدالت این سـخن را فرموده اند زیرا افزون بر این که از نظر فردی جود بالاتر از عدل است – و علمای اخلاق نیز به این مطلب اذعان دارند – کسـی که تفکر اجتماعی ندارد و با مقیاس های فردی محاسبه می کند، هیچ گاه عـدل را از جود بالاتر نمی دانـد چرا که شـخص عادل کسـی است که در آن حد از کمال انسانی است که به حق دیگران تجاوز نمی کنـد اما آن که جود می کند و ایثار می نماید نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی کند بلکه از مال و دسترنج خود و از حق خویشتن گذشته و آن را به دیگران می بخشد، بنابراین از دیدگاه فردی جود از عدل بالاتر است.

اما از دیـدگاه اجتماعی درست به عکس است، زیرا عـدل در اجتماع به منزله پایه های ساختمان است و جود و احسان به منزله رنگ آمیز و نقاشی و زینت ساختمان، اول باید پایه درست باشد تا آنگاه نوبت به زینت و رنگ آمیزی برسد. اگر خانه از پای بست ویران باشـد، دیگر چه فایـده که خواجه در بند نقش ایوان باشد؟ اما اگر پایه محکم باشد، در ساختمان بی زینت هم می توان زنـدگی کرد، ممکن است ساختمان فوق العاده از نظر زینت و رنگ آمیزی خوب باشـد اما چون پایه اش سـست است با یک باران بر سر اهلش خراب می شود.

این پرسش و پاسخ به روشنی نشان می دهد که آن حضرت عدالت را از بعد اجتماعی می نگریسته و همین مسأله است که در سیره حکومتی آن حضـرت نمود یـافته تـا آنجـا که می توان گفت: عـدالت برای آن حضـرت به صورت یک فلسـفه اجتماعی اسلامی مطرح

بوده و آن حضـرت عدالت اجتماعی را از هر چیز دیگری بالاتر می دانسته و سیاست خود را بر مبنای همین اصل تأسیس کرده بـود و می بینیم که در این راه هیـچ منظور و هـدف دیگری نمی توانست آن حضـرت را از اجرای عـدالت بـاز دارد و در واقع همین مسأله بود که مشکلات زیادی برای او در طول دوران حکومتش ایجاد کرد.

در پایان سـخن، تنها به ذکر چنـد نمونه از سـیره حکومتی آن حضـرت که به خوبی جایگاه عدالت اجتماعی در آن روشن می شود، بسنده می کنیم:

۱. درباره قطایع عثمان – یعنی اراضـی که متعلق به همه مسـلمانان بود و خلیفه سوم آنها را در اختیار اشخاصی خاص قرار داده بود – فرمود: «و الله لو وجـدته قـد تزوج به النسأُ و ملـکَ به الاماْ لرددته، فان فی العـدل سعًّ»;{۴} بیت المال تاراج شـده را هر کجا بیابم به صاحبان اصـلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریـده باشـند؛ زیرا در عـدالت گشایش برای عموم است/

۲. عمرو عاص در نامه ای به معاویه نوشت: «ما کنت صانعا فاصـنع، اذا قشـرک ابن ابی طالب من کل مال تملکه کما تقشر عن العصالحاها»;{۵} هر کـاری از تو ساخته است بکن که پسـر ابی طالب هر چه داری در این مـدت جمع کرده ای از تو باز پس خواهد گرفت، و از تو جدا خواهد کرد، آن گونه که پوست عصای دستی را از آن جدا می کنند.

۳. عبدالله بن زمعه{۶} که یکی از یاران آن حضـرت بود، در زمان خلافت آن حضرت نزد وی آمده و درخواست کرد که از بیت المال، مالی به او ببخشد، آن حضرت در

پاسخ فرمود: «ان هـذا المـال لیس لی ولالـک و انما هو فی للمسـلمین، جلب اسیافهم، فان شـرکتهم فی حربهم، کان لک مثل حظهم»;{۷} این اموال که می بینی نه مال من و نه از آن تواست، غنیمتی گرد آمده از مسـلمانان است که با شمشـیرهای خود به دست آوردند، اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی همچون سهم آنان داشتی/

به هر حـال نمود عـدالت آن خورشـید فروزان عـالم هستی چنـان است که نویسـنده ای مسـیحی درباره آن حضـرت کتابی می نویسد و عنوان آن را علی صدای رسای عدالت انسانی قرار می دهد.{۸}

[۱].نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷/

[۲].لازم به یادآوری است که این کلام به معنای مذمت جود نیست؛ چنان که توضیح داده خواهد شد/

[۳].نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۳۷/

[۴].نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۵/

[۵].شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷۰، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی/

[۶].عبـدالله بن زمعه کسـی است که پـدر و عمو و برادرش در جنگ بدر به دست مسـلمانان کشـته شدند، جد او أسود، رسول خدا را فراوان آزار می داد، اما او از یاران امام علی(ع) شد و فکر می کرد، در تقسـیم بیت المال به او بیشتر توجه می شود، اما پاسخ قاطع امام او را بیدار کرد/

[۷].نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۳۲/

[۸].علی و حقوق بشر، جورج جرداق، ترجمه عطامحمد سردارپناه، مؤسسه انتشارات فراهانی تهران/

چرا کســی به فکر وضع معیشتی مردم نیست ؟ چرا عده ای خانه و ماشین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند؟ چرا در یک مملکت اسلامی کسی به فکر تهیدستان نیست .

پرسش

چرا کسـی به فکر وضع معیشتی مردم نیست ؟ چرا عـده ای خانه و ماشـین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند؟ چرا در یک مملکت اسلامی کسی به فکر تهیدستان نیست .

پاسخ

خوشبختانه در این روزهـا شاهـدیم مقـام معظم رهبری در دیـدار با نماینـدگان مجلس شـشم , دررهنمودهای خود, مهم ترین مسئله ای را که مطرح کردنـد, وضع معیشتی مردم بود. همهء مسئولان جمهوری اسـلامی ایران از این مسـئله رنـج می برنـد و

منتظرند به تدریج وضع اقتصادی مردم بهبود یابد. همان طور که شمااشاره کردید, این وضع بسیار تأسف بار و رقت آمیز است که عده ای این همه اموال باد آورده را جمع و ذخیره واسراف کنند و عده ای به نان شب خود محتاج باشند! برای تعدیل ثروت ها و کمک به خانواده های مستضعف وآسب پذیر باید فکری جدّی کرد. نباید منتظر اقدامات آینده و وعدهء سرخرمن شویم . باید همهء ملت مسلمان دست در دست یک دیگر و با بسیج عمومی به یاری تهیدستان بشتابند و حال که مسئولان و دولتمردان نمی توانند کاری اصلاحی برای مردم انجام دهند, کسانی که وضع نسبتاً خوبی دارند, گذشت و فداکاری کنند وبه یاری نیازمندان بشتابند.

در شهری که بنده زندگی می کنم , تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داشته باشند, در بهترین نقطهء شهر به آنان زمین واگذار می شود, ولی به افرادی که نه خانه دارند و نه امکاناتی , در جاهای پست با هزار مشکلا

پرسش

در شهری که بنده زندگی می کنم , تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داشته باشند, در بهترین نقطهء شهر به آنان زمین واگذار می شود, ولی به افرادی که نه خانه دارند و نه امکاناتی , در جاهای پست با هزار مشکلات پس از مدت ها یک قطعه زمین می دهند! تقاضامی کنم این مطلب را به مسئولان متذکر شوید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از جنابعالی تشکر می کنیم . مشکلی که مطرح کرده اید, متأسفانه فراگیر است .شاید در بیشتر مواضع و در بخش های مختلف , این تبعیض ها وجود دارد و این ناشی از فساد اداری است که بایدتحوّلی جدّی در نظام ادارات کشور به وجود آید. اگر با این گونه تبعیض ها که فراوان است , مبارزهء جدّی بشود,بسیاری از بدبینی ها و ناهنجاری های جامعه افول پیدا می کند. ما سعی می کنیم مشکل شما را به مسئولان و درصورت توان به فرماندار سراوان ابلاغ کنیم و نامه ای به فرماندار می نویسیم تا بداند این تبعیض ها به گوش مقامات می رسد.

چرا مسئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی کنند، بلکه از بهترین امکانات زندگی، ساختمان ها و اتومبیل ها برخوردارند در حالی که اکثر مردم از ابتدایی ترین امکانات بی بهره اند

پرسش

چرا مسئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی کنند، بلکه از بهترین امکانات زندگی، ساختمان ها و اتومبیل ها برخوردارند در حالی که اکثر مردم از ابتدایی ترین امکانات بی بهره اند و در فقر و فلاکت دست و پا می زنند؟!

پاسخ

برادر گرامی، غصه ها و درد دل های شـماما را به یاد داستانی انداخت که می گویند: روزی حضرت امیرالمؤمنین از راهی می گذشت. صدای گریه ای شنید. به سوی او رفت و از وی دلجویی کرد. سپس پرسید ای بنده خدا چرا گریه می کنی؟

آیا گرسـنه ای، تشـنه ای یا بیماری تا به شـما کمک کنم؟ آن شخص گفت: نه، به من ظلم شده است. من مظلوم واقع شده ام. حضرت فرمود: پس بیا با هم گریه کنیم. با هم فریاد بزنیم که من هم مثل تو مظلومم. چه کسی همانند من ظلم شده است؟

قسـمتی از غصه ها و ناراحتی های ما از قلم شما بیان شده است. اگر چه نمی خواهیم بگوییم هیچ صاحب منصبی نیست که به درد دل های مردم محروم و مستضـعف توجه کند، چرا هستند، اما این گونه افراد دلسوز که بخواهند همانند اکثر مردم زندگی کنند، در میان صاحب منصـبان آن قدر کم اند که تحت الشعاع و دور از انظار عمومی مردم قرار گرفته اند. قبول داریم که هر چه از زمان صدر انقلاب فاصـله می گیریم، فاصله شیوه زندگی برخی از صاحب منصبان با اکثر مردم بیشتر می شود، اما تذکر سه نکته را لازم می بینیم:

۱ – آیا شـیوه زندگی همه صاحب منصبان و دولت مردان حکومت حضرت علی(ع) مثل خود آن حضرت زاهدانه و هم سطح زندگی آحاد مردم

بود؟

برای این که واقعیات موجود آن عصر را بهتر متوجه شویم، لازم است خطبه ها و نامه های حضرت را در نهج االبلاغه مطالعه کنیم. مخصوصاً نامه های زیر را که به اشخاص مختلف نوشته شده است وما شماره آن ها را از روی نهج البلاغه با ترجمه فیض الاسلام ذکر کرده ایم:

۱ - نامه ۴۵، خطاب به عثمان بن حنیف، استاندار بصره؛

۲ - نامه ۴۳؛ به مصقله، والی بلادی از فارس؛

۳ - نامه ۴۱؛

۴ - درد دل های جان سوز آن حضرت را در نامه ۳۵ که به عبدالله بن عباس نوشته است بخوانید.

۵ - نامه های شماره ۲۰ و ۴۴ را که برای زیاد بن ابیه، معاون و جانشین عبدالله بن عباس که استاندار بصره و اهواز و فارس و کرمان بود، با دقت مطالعه کنید.

۶ - بالاخره نامه شماره سه را به "شریح بن الحارث" که منصب قضاوت کوفه را در زمان حضرت و خلیفه اول و دوم داشت، مطالعه نمایید که حضرت با شریح قاضی به خاطر خرید خانه مجلل چگونه خشمگینانه برخورد می کند.

۲ - رهبریت انقلاب، چه در زمان حضرت امام خمینی (ره) و چه در عصر حضرت آیت الله خامنه ای حفظ الله تعالی نه تنها پیوسته آحاد مردم مخصوصاً دولت مردان و صاحب منصبان را به ساده زیستی و قناعت و پرهیز از اسراف و همانند توده مردم زندگی کردن توصیه کرده اند، بلکه در زندگی شخصی هیچ گه از بیت المال استفاده نمی کنند و بسیار ساده و زاهدانه زندگی می کنند. خانه شخصی رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای هم اکنون با یک فرش که متعلق به جهیزه خانمش است، همراه با چند قطعه موکت مفروش

شده است. فردی که مسئولیت خرید وسایل خانه رهبری را به عهده دارد، می گوید: روزی رهبری چند قطعه "قطیفه و حوله" قدیمی را به من داد و فرمود: این ها را ببر بفروش. گفتم: شما دختر عزب دارید. بگذارید برای جهیزیه دخترتان. فرمود: این ماه برای مخارج منزل کسری آوردم. این حوله ها را سال ها پیش از انقلاب از مال خودم خریده بودم. ببر بفروش، فعلاً به پول آن نیاز داریم.

آیا این گونه زندگی کردن رهبر انقلاب شباهتی به زندگی حضرت علی(ع) ندارد؟ اگر چه کسی نمی تواند عیناً مثل آن حضرت زندگی کند و به قول خود حضرت: "لا یقاس بآل محمد صلی الله علیه و آله من هذه الامه أحد و لا یسوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابداً، هم اساس الدین، و عماد الیقین. الیهم یفی ء الغالی و بهم یلحق التالی و لهم خصایص حق الولایه و فیهم الوصیه و الوراثه؛ هیچ کسی را نمی توان با آل محمد(ص) مقایسه کرد. آنان که از هر جهت از آل محمد بهره مندند، با آن ها برابر نیستند. آل محمد(ص) اساس دین و ارکان یقینند. هر آن که غلو کرده باید به سوی آنان بازگردد و هر که عقب گرد نموده. باید به آنان ملحق شود ویژگی ها و اختصاصات ولایت و زعامت و حکومت از آن آنان است و وصایت وراثت پیامبر(ص) نیز در میان آنان است".(۱)

۳ - نبی مکرم اسلام (ص) خطاب به همه امت اسلام فرمود: "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته، همه شما (نسبت به دیبن و جامعه) نگهبانید و همه شما نسبت به آن چه که نگهبانید، مسئولیت دارید".

نگهبانی از قوانین و ارزش های دین و

پاسداری از حدود و ثغور احکام الهی، وظیفه قشر و صنف خاصی نیست، بلکه همه آحاد امت در پیشگاه حق تعالی باید پاسخگو باشند، آن روزی که خداوند فرمان دهد: "وقفوهم انهم مسئولون".(۲) هر کسی در هر مقامی است، موظف می باشد به اندازه سعی و توان خود در عمل و گفتار به توسعه و تحکیم مبانی احکام و قوانین و حکومت اسلامی بپردازد و قرآن را در عرصه عمل، از "مجوریت" خارج سازیم وگرنه اولین کسی که در قیامت در پیشگاه حق تعالی ازما شکایت خواهد کرد.(۳) پیامبر است.

آری بر اساس "حدیث ثقلین".(۴) تمام بدبختی بشریت به خاطر دور شدن از فرهنگ قرآن و فاصله گرفتن از تعالیم حیات بخش اهل بیت است. آن دو تا قیامت از هم جدا شدنی نیستند.

پی نوشت ها:

۱ - فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۲.

۲ - صافات(۳۷) آیه ۲۴.

۳ - -"یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مجهوراً" فرقان(۲۵) آیه ۳۰.

۴ - شیعه و سنی از پیامبر نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: "انی تارك فیكم الثقلین كتاب الله و عترتی اهل بیتی،ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابداً، و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض".

مدتی است دولت جمهوری اسلامی , خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول هاباید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عمل از عدالت اسلامی است ؟

پرسش

مدتی است دولت جمهوری اسلامی , خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول هاباید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عمل از عدالت اسلامی است ؟

پاسخ

خدمت سربازی وظیفهء همهء مسلمانان است و بر همه واجب است که آمادگی نظامی داشته باشیم تا درمواقع نیاز بتوانیم از اسلام و کشور عزیزمان دفاع کنیم . بر پول دارها هم واجب است که به خدمت سربازی بروند,ولی در برهه ای از زمان به جهت مشکلات اقتصادی مجبور شدند که خدمت سربازی را بفروشند.

آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همه دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضاف داد و به ضعیف انمره؟ عدالت کدام است؟

پرسش

پرسش

آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همه دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضاف داد و به ضعیف ۱نمره؟ عدالت کدام است؟

پاسخ

عدالت این است که به هیچ کدام از دانش آموزان نمره اضافی و ارفاقی داده نشود و به هر دانش آموز به همان اندازه که استحقاق دارد نمره داده شود.

حال اگر معلمی خواست که نمره ارفاقی بدهد باید به هر دانش آموز بر اساس مزایای انظباطی و اخلاقی نمره اضافی بدهد و به آنان بفهماند که این نمره بر اساس انظباط و اخلاق است.

وقتی که به مردم و جامعه خودمان نگاه می کنم احساس می کنم که به شدت جامعه ما طبقاتی شده است . جامعه روستایی و شهری و طبقات مختلف شهری وقتی این چیزها را می بینم ناراحت می شوم به طوری که حتی نسبت به دین و معنویت بی تفاوت می شوم علّت این مسئله چیست؟

پرسش

وقتی که به مردم و جامعه خودمان نگاه می کنم احساس می کنم که به شدت جامعه ما طبقاتی شده است . جامعه روستایی و شهری و طبقات مختلف شهری وقتی این چیزها را می بینم ناراحت می شوم به طوری که حتی نسبت به دین و معنویت بی تفاوت می شوم علّت این مسئله چیست؟

پاسخ

برادر عزیز و دانشجوی گرامی! با درود و سلام خدمت شما امیدواریم در پناه خداوند متعال در تمامی مراحل زندگی .

در مورد سؤال شما باید عرض شود که جامعه ایران از قدیم یک جامعه طبقاتی بوده و حتی گوی سبقت از برخی از کشورها می ربود در زمان های قبل از انقلاب که ما شاهد آن بودیم کأنّ روستائیان، خدمتکار شهرنشینان بودند . بایستی امکانات غذایی از قبیل شیر و ماست و پنیر و تخم مرغ و میوه را برای شهرنشینان تهیه بکنند و تحت فشار زندگی همراه با کمبودهای فراوان زندگی سختی را بگذرانند حتی اگر زنی از روستائیان می خواست زایمان کند یك وسیله نقلیه پیدا نمی شد او را به شهر برساند در همان روستا یا در بین راه از بین می رفت در روستاها نه بهداشتی در کار بود، نه جاده ای ، نه تلفن، نه برق، نه مخابرات، نه پزشك و درمانگاه. انقلاب اسلامی به وجود آمد. در حالی که شاه و دارو دسته او بسیاری از امکانات کشور را به خارج منتقل کردند و اموال زیادی را در کشورها و بانک های خارجی ذخیره کردند که هنوز هم فرزندان شاه معدوم و خاندان او از آن ها استفاده می کنند به اضافه پول های فراوان

و تجهیزات هواپیماهای جنگی و غیر جنگی که از آمریکا خریداری شده بود به ایران انتقال ندادند و اموال فراوانی در کشورهای غربی و آمریکا مصادره شد. در همین حال جنگی فرسایشی بر ایران تحمیل کردند و بیشتر شهر ها و امکانات کشور را از بین بردند و اگر رشادت و جوانمردی مردم و به خصوص جوانان مؤمن این کشور نبود الآن هیچ برای ایران باقی نمی گذاشتند نه عزّت و آبرویی نه امکاناتی. بعد از جنگ دوران سازندگی شروع شد در مدت کوتاهی تمامی شهرهای تخریب شده ساخته شد . کارخانه ها به کار افتاد راه ها ساخته شد حتی به روستاهای دور افتاده راه و برق و تلفن و حتی گاز رسانده شد دانشگاه های فراوانی ساخته و به راه انداخته شد و کشوری که قبل از انقلاب پر از پزشک های هندی و پاکستانی بود الآن آنقدر پزشک دارد که می تواند به کشورهای دیگر صادر بکند قبل از انقلاب مهندسان ما اجازه نداشتند حتی یک پیچ هواپیما را به دون اجازه مستشاران آمریکایی باز کنند الآن نه تنها انواع ماشین ها در داخل به دست متخصصان داخلی ساخته می شود بلکه صنعت هواپیماسازی و کشتی سازی شروع شده است. بحمدالله الآن زمینه رشد و تکامل در تمامی زمینه ها برای تمامی افراد مملکت فراهم است. باید همه همّت کنند در این راه قدم های مثبتی بردارند. در این راستا طبیعی است که برخی از افراد با زرنگی ها و تدبیرها از برخی از امکانات سوء استفاده کنند و برای خود و خاندان خود امکانات ویژه ای را به جیب بزنند . دولت

باید جلوی باند بازی ها و زد و بند ها و رشوه خواری ها را بگیرد و نگذارد دزدان شب و غارتگران روز از این فرصت ها سوء استفاده کنند. بد عمل کردن برخی از افراد دلیل نمی شود که ما نسبت به اصل نظام و نسبت به اسلام بدبین بشویم.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ما ست

پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید.

پرسش

پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید.

پاسخ

پارتی بازی ربودن حق دیگران است. تضییع حق دیگران بدون رضایت آنان حرام است. افرادی که در جامعه زندگی می کنند باید حقوق مدنی خود و دیگران را مراعات کنند. از این رو در اسلام حق همسایگی کنار حق مسلمانی، برادری و خویشاوندی قرار گرفته است. ضایع کردن حقوق دیگران باعث هرج و مرج اجتماعی و قانون شکنی می شود. رعایت قانون از بدیهیات جامعه سالم انسانی است. در اسلام بر رعایت حق حیوانات تأکید فراوان شده، بنابراین پارتی بازی اوّلاً رعایت نکردن قوانین اجتماعی است، ثانیاً پایمال کردن حق دیگران است، ثالثاً در بعضی موارد باعث رواج عادت بد رشوه خواری بین کارمندان یا افراد دیگر می شود. در این صورت آنان که توانایی دادن رشوه ندارند با مشکلات رو به رو خواهند شد.

۱ آیت الله فاضل، جامع المسائل ج ۱، ص ۱۷۹، ص ۶۸۶.

۲ توضیح المسائل مراجع، ج۱، مسئله ۲۷.

۳ توضیح المسائل مراجع، ج۱، مسئله ۱۷۰.

۴ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۷.

۵ مستفاد از مکاسب محرمه امام خمینی، ج۱، ص ۲۸۵.

۶ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۲، ص ۹۶۸.

۷ همان، ج۱ ص ۳۸۵.

۸ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۸۵.

۹ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸.

۱۰ آیت الله تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۰۳.

آیا گرانی تمام می شود، یعنی تا کی می خواهد ادامه پیداکند؟

پرسش

آیا گرانی تمام می شود، یعنی تا کی می خواهد ادامه پیداکند؟

پاسخ

اقتصاد دانان و مجریان امور اقتصادی می گوینـد: چون اقتصاد ایران از پایه و اساس خراب بوده و همه اش بر پایه نفت و ذخائر ارضـی اسـتوار بوده است برای بیرون رفتن از این وضع باید برنامه های طولانی مدت پنج ساله اول و دوم و سوم و... اجرا شود تـا کم کم اقتصـاد کشور سـر و سامـان بگیرد و روال و و جریـان طبیعی خود را بیابـد. در این مـدت طبیعی است که فشارهـای زیـادی بر مردم وارد می شود. برای این که این فشار کم تر بر مردم اثر بگـذارد، دادن سوبسـید برای ارزاق عمومی و برخی از اقلام دیگر این فشار را کم تر می کنـد. در هر صورت اقتصاد کشوری اگر بیمار باشـد،ماننـد مریضـی است که در بیمارسـتان بستری شـده است بایـد بعضـی از دردهـا را تحمـل کنـد تا کم کم بهبودی حاصل شود. در این مـدت با تنش ها و کمبودها و دردها همراه است و بخش ها را بایـد تحمل می کنـد. مسئولان اقتصادی کشور می گویند: همان طور که در زمان جنگ باید مردم شدائد و مصـیبت ها و کمبودها را تحمل کنند، برای برون رفت از وضع بد اقتصادی باید مدتی تحمل و صبر و اسـتقامت داشته باشند.

البته گرانی عوامل دیگر نیز دارد:

۱ بیجـا مصـرف شـدن برخی از هزینه ها و تکرار کاری ها و ناهماهنگی بین ارگان های دولتی مثلاً اداره گاز و سازمان آب و شهرداری در برخی از مواقع هماهنگی نیست یک سازمان خیابان را می کنـد، پس از مـدتی آن را آسـفالت می کننـد، دوباره اداره دیگر می کند. تکرار کارها و ناهماهنگی ها باعث هزینه های

سرسام آور می شود.

از خرج های بیهوده وجود روزنامه های متعدد است در حالی که تمامی مطالب آن ها تکراری و همنواخت است

۲ وجود تبعیض و عدم نظارت بر استفاده صحیح از هزینه ها و مخارج باعث می شود که هزینه ها به برخی جاها می رسد و به برخی نمی رسد، مثل این که بودجه به برخی از مناطق شهر بیش تر می رسد و در برخی مناطق کم تر هزینه می شود.

در هر صورت تا عوامل گرانی برطرف نشود و تولید زیاد نشود و نظارت صحیح و قاطع در کار نباشد و جلوی اسراف کاری ها گرفته نشود، اقتصاد بیمار دیرتر بهبودی حاصل خواهد کرد. البته دست دشمنان خارجی و تحریم های خارجی نیز در این زمینه ها دخالت دارد.

آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می شود؟

پرسش

آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می شود؟

پاسخ

عدالت اجتماعی این است که روابط مردم با یکدیگر براساس عدالت و حفظ حقوق و عدم تجاوز به حقوق یک دیگر باشد و کسی به دیگری ظلم و تجاوز نکند و زمام داران و سردمداران حکومت حق مردم را رعایت نمایند و درباره آنان ستم نکنند.

مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۴۹؛ مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۲۹۱، ماده عدالت.

بنابراین عدالت اجتماعی بدین معنا است که مردم اعم از زمامداران و اقشار مختلف جامعه حقوق یکدیگر را رعایت کنند و نسبت به همدیگر ستم روا ندارند. نه به این معنا که همه افراد جامعه رئیس جمهور باشند، یا رئیس مجلس باشند، یا استاد دانشگاه چون این مسئله، نشدنی است. اصولاً فلسفه زندگی اجتماعی بشر این است که انسان نیازهای گوناگون دارد و به تنهایی قادر نیست همه آن ها را برآورده کند. از این رو زندگی اجتماعی تشکیل داد تا با تعاون و همکاری یک دیگر به ضرورت های زندگی دست یابد.

پس عدالت اجتماعی وجود شغل ها و پست های مختلف در جامعه منافات ندارد. اگر در هر جامعه ای که ضرورتاً دارای افراد مختلف و پست های متعدد و شغل های متفاوت است، مردم حقوق متقابل را رعایت نمایند، عدالت اجتماعی برقرار است و اگر رعایت نکردند، عدالت اجتماعی لگدمال شده است.

پست ها و شغل های دولتی هم اگر طبق شایستگی افراد تقسیم شود و در هر مسندی فرد لایق گذاشته شود، مطابق عدالت اجتماعی است و اما اگر براساس پول

یا پارتی یا رشوه و یا ملاک های دیگری غیر از لیاقت اشخاص تقسیم کار نشود، برخلاف عدالت اجتماعی است.

علّت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟

پرسش

علّت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟

پاسخ

علت فساد و تباهی در جامعه به دو گروه بر می گردد: گروهی که عامل به این امور هستند و به فساد و تباهی دامن زده و یا آن را گسترش می دهند و گروهی که نظاره گر این امور هستند. آنان که عامل فسادند و خودشان در آن غوطه ورند، عوامل متعدّد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می تواند علّت آن باشد.

در بخش اقتصادی، کسانی که صرفاً به فکر منافع خود و تأمین هر چه بیشتر خواسته و شهوات هستند و اشتهای سیری ناپذیر در جمع ثروت به هر طریق و تکاثر و زیاده خواهی دارند و در این راه در پایمال کردن حقوق دیگران و استفاده از هر ابزار و شیوه ای دریغ نمی کنند. در بخش فرهنگی که محسوس تر است، انواع و اقسام رسانه های ارتباطی با شیوه های مختلف تبلیغاتی و با وقت گذاشتن روی نیازهای غریزی انسان ها عمل می کنند.

جهان غرب به خاطر شهوت پرستی و زیاده خواهی و به جهت منافع اقتصادی و برای سلطه سیاسی و فرهنگی از هیچ کوششی در این مسیر فروگذاری نمی کند. با صرف نظر از علل ایجاد کننده فساد و تباهی و عاملین به آن ها، بخشی از این همه فساد مربوط به خود ما است که نظاره گریم.

اگر در جامعه اسلامی شاهد انواع فسادها می باشیم، به دلیل عمل نکردن به اسلام و دستورهای دین است.

از قرآن مجید و روایات معصومین استفاده می شود که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد ممکن نیست. از آیه "کنتم خیر امت أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و

تنهون عن المنکر و تؤمنون باللّٰه".(۱) بر می آید که مسلمانان تا زمانی یک امت ممتاز محسوب می شوند که امر به معروف و نهی از منکر نمایند و هر گاه این دو را ترک کنند، نه بهترین امت اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود.

امـام بـاقر(ع) در این بـاره می فرمایـد: "امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن ها بر پا می شونـد و به وسـیله این دو، راه ها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود. حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه آن زمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و در پرتو آن کارها سر و سامان می گیرد".(۲)

بنـابراین اگر خواهان اصـلاحات در بخش های مختلف اجتماع اعم از بخش های اداری، اقتصادی، قضایی، سیاسـی و غیره می باشیم، باید فرهنگ نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه حاکم سازیم.

پی نوشت ها:

۱. آل عمران (۳) آیه ۱۱۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟

پرسش

چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟

پاسخ

اگر منظور، ظلم آحاد جامعه و عـدم رعایت حقوق یکـدیگراست، بـدیهی است که یکی از علل اصـلی آن را بایـد در ضـعف ایمان و باورهای مذهبی جستجو کرد، زیرا علت و انگیزه ستم به فرمایش امام علی(ع) حرص، خودکامگی، جاه طلبی، خشم و کینه توزی است. همه این عوامل حاکی از فراموشـی خدا و سـست بودن عنصـر ارزشـمند ایمان به خدا است. کسی که خدا را در نظر داشـته باشـد و از حساب روز جزا بترسـد، هرگز حقوق دیگران را پایمال نمی کند، بلکه از سـتم هراس دارد، چنان که امام علی(ع) می فرماید: "به خدا سوگند! اگر شب ها را بر بستر خارهای سـعدان به صـبح آورم و دست و پایم به غُل و زنجیر کشـیده شود، تحملش برایم بسی دلپذیر تر از آن است که در قیامت خدا و رسولش را در حالتی ملاقات کنم که به بنده ای از بندگانش ستم روا داشته یا از دنیا چیزی به ناحق برگرفته باشم".(۱)

امـا اگر منظور از سؤال ظلمی باشـد که از سوی دسـتگاه هـای اجرائی بر مردم صورت می گیرد، بایـد آن را معلول عوامل زیر دانست:

بی کفایتی بعضـی از مسئولان، عدم اجرای صحیح قانون، کوتاهی دستگاه های قضایی، فقدان قانون جامعه که جلو بی عدالتی

ها را بگیرد، اتخاذ تصـمیم های عجولانه و ناپخته، عدم اطلاع کافی مسـئولان از واقعیت های جامعه و یا نفوذ عناصـر وابسته به اجانب و غیر متعهد. بر این باوریم که اگر به اسلام عمل شود

و مجریان قانون اوّلاً به احکام اسلام آشنا باشند، ثانیاً در اجرای آن خود را متعهد بدانند، ثالثاً از تجربیات کشورهای موفق بهره مند گردند، رابعاً خود را از مردم بدانند و دردهای آنان را حس نمایند و خامساً عنصر دنیاپرستی و هواپرستی را از خود دور کنند، دیگر شاهد ظلم و ستم در جامعه نخواهیم بود. امیدواریم این امر هر چه زودتر محقق گردد. البته باید اذعان کرد که با وجود کاستی ها، نظام اسلامی در مقایسه با نظام های دیگر، نقاط قوّت بسیاری دارد و در مواردی در جهت تحقیق عدالت اجتماعی موفق بوده است مانند: گسترش خدمات عمومی مانند برق و گاز و تلفن و توسعه مراکز آموزشی و دانشگاهی و خودکفایی در بخش هایی از امور کشاورزی و صنعتی و قطع وابستگی ها و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵ فیض الاسلام.

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پرسش

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پاسخ

حقیقت آن است که نباید همه رهبران حکومت اسلامی را زیر سؤال برده و آنان را متهم به ثروت اندوزی و دنیا گرایی نمود. رهبران حکومت اسلامی را می توان به سه گروه تقسیم نمود:

۱) عده ای از رهبران جامعه اسلامی، زهد و ساده زیستی را رعایت کرده و مانند توده مردم زندگی می کنند. نمونه بارز آن امام راحل(س) است که یکی از زاهدترین انسان ها بود. امروزه جهانیان وی را به عنوان رهبر موفق قبول داشته و ساده زیستی وی جهانیان را شگفت زده نموده است. امام نه تنها ساده زیست می نمود که همه رهبران و مسئولان حکومت را به ساده زیستی فرا می خواند.

در حوزه های علمیه نیز مراجع و رهبران دینی، ساده زیستی را رعایت نموده و ساده زندگی نمودن آن ها می تواند الگوی خوبی برای دیگران باشد.

۲) برخی از رهبران هستند که مانند گروه اوّل نیستند، ولی زندگی آنان به گونه ای است که در شأن یک رهبر جامعه اسلامی است و افکار عمومی نیز آنان را متهم به دنیا گرایی نمی کند؛ یعنی زندگی آنان قابل قبول بوده و تا اندازه ای درد و مشکلات مردم را درک می کنند. آنان کسانی هستند که در مسیر زندگی خود درد و رنج فقر را چشیده و یا در جامعه با فقیران و محرومان، در

ارتباط هستند؛ مضافاً بر این که برخی از این گروه به رغم آن که امکانات در اختیار دارند، به گونه ای زندگی می کنند که بین آن ها و مردم فاصله چندانی نباشد.

۳) گروهی از رهبران جامعه همان گونه که اشاره کرده اید کسانی هستند که ساده زیستی را رعایت نکرده و چگونگی زندگی آنان با شاخصه های جامعه دینی همسویی ندارد. اینان کسانی هستند که باید در رفتار خود تجدید نظر کنند. یکی از آسیب های جدی نظام جمهوری اسلامی ایران، عدم رعایت ساده زیستی می باشد که بارها حضرت امام(ره) به آنها هشدار داده است.

اینان باید بیشتر از همه سفارش امام علی(ع) را مورد توجه قرار دهند، آن جا که رهبران جامعه را به زهد فرا می خواند و یکی از علل آن را همدردی با فقیران می داند. امام علی(ع) یکی از علل زهد گرایی خود را همدردی با فقرا خوانده و فرمود: "چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراک ها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا "یمامه" افرادی یافت شوند که امید یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است؟! آیا سزاوار است شب را صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد؟!".(۲)

یکی از علت های اساسی که حضرت امیر(ع) این شیوه را در زندگی خود بر گزیده، قرار گرفتن در رأس حکومت و رهبری جامعه اسلامی است. وظیفه رهبران و مسئولان جامعه اسلامی از این جهت بیشتر است. یکی از علت های آن آشنا

شـدن بهتر با دردها و مشـکلات انسان ها و چگونگی زندگی آن ها است تا زمانی که انسان با مشـکلات و سـختی ها زندگی نکند، نمی تواند مشـکلات و سـختی های دیگران و توده مردم را درک نماید. حضرت علی(ع) صراحتاً آن را در نامه خود به عثمان بن حنیف و خطبه ها و نامه های دیگر بیان داشـته، در کلمات و سـخنان امام(ره) و حضرت آیت الله خامنه ای نیز به آن اشاره شده است.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۷ ۲۲۸.

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پرسش

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پاسخ

معنای اسـلامی بودن یک کشور و مسـلمان بودن افراد، این نیست که در آن جامعه همه شاخصه های عـدالت رعایت شود. در جامعه ای که در صـدد تشـکیل جامعه آرمانی است و رهبر آن را انسان های غیر معصوم بر عهده دارند، نباید انتظار داشت که در آن حقوق همه انسان ها به صورت کامل و تمام رعایت شود و هیچ ظلمی در آن وجود نداشته باشد؛ زیرا برای از بین بردن ظلم و ایجـاد عـدالت در ابعـاد گسترده آن، بایـد زمینه هـا به وجود آمـده و موانع رفع گردد. همه انبیا و رهبران الهی در صـدد تشـکیل مـدینه فاضـله بودنـد، ولی عملاً موفق نشدنـد، زیرا عدالت ستیزان نگذاشـتند که قسط و عدالت به وجود آید. از سوی دیگر مردم نیز از نظر فکری به آن حد نرسـیده بودند که خود به گسترش عدالت پرداخته و با سـتمگران و ناهنجاری ها مبارزه همه جانبه داشته باشند.

بی تردیـد امـام علی(ع) طلایه دار و منادی عـدالت بود، ولی وی نیز نتوانست عـدالت همه جانبه را به وجود بیاورد؛ زیرا افکار عمومی آمادگی پذیرش عدالت امام را نداشته و سیاست های عادلانه امام را دشمنان وی و حتی مردم عادی و در برخی موارد یاران او بر نمی تابیدند.

البته این مطلب را نبایـد از نظر دور داشت که در جامعه اسـلامی ایران بایـد عدالت بیشتر از این رعایت شود و جامعه ما بهتر از این که است، باید باشد، زیرا در جامعه ای که

بر اساس قانون اسلامی اداره می شود و مردم آن را مسلمانان تشکیل می دهند، انتظار می رود که در آن عدالت بیشتر رعایت شود. بر اساس ضرورت حاکمیت عدالت است که بارها مقام معظم رهبری، مسئولان نظام را به برقراری عدالت و تبعیض زدایی فرا خواند. رسیدن به مهم ترین و اصلی ترین نیاز جامعه و انسان ها یا حتی نزدیک شدن به آن (که هدف از بعثت پیامبران در قرآن برقراری قسط و عدل شناخته شده) تلاش همه جانبه ای را هم از طرف مردم مسلمان و هم از طرف مسئولان و حاکمان می طلبد.

دولتمردان باید سعی کنند که در تصمیم گیری ها و تعریف سیاست ها به گونه ای عمل کنند که زمینه های بی عدالتی از بین برود. مردم نیز باید با رعایت حقوق یکدیگر و پرهیز از زیاده خواهی و زیاده طلبی با عوامل بی عدالتی مبارزه کرده و عوامل و زمینه های گسترش عدالت را فراهم نمایند؛ زیرا حکومت و مردم مکمل یکدیگر در ایجاد و گسترش عدالت هستند.

۱–چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

اشاره

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه

پرسش

چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی، شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچوجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی گونه های بی عدالتی در جامعه می باشد. بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد زیر به صورت مختصر بیان کرد:

الف توجه جدّی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه و سازندگی کشور:

پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه ازشاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه، نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود.

این عامل در برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند، می فرمایند:

"در این مرحله از انقلاب، هـدف عمـده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم

با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد"، (۱).

در جای دیگر می فرمایند: "در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد، زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدفِ عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست"،(۲).

ب) برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروت های نامشروع و بادآورده:

امام علی(ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدلِ خویش قرار دادند:

۱ مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان

۲ احیای سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال.

حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدّی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروعِ زندگی مردم، جمع شود..."، (۳).

در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه

قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج) پیشگیری از پیدایش ثروت ها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راه های مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است. در این راستا مهم ترین اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی(ع) می فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدّروا انفسهم بضعفه الناس، کیلا یتبغ بالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد".(۴)

۲ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی(ع) در فرازی از عهدنامه مالك اشتر، در این زمینه می فرمایند: "والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند. وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی"، (۵).

۳ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینشِ خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالبااخلاق

و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند..."،(۶).

د) بالا بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیم گیری های سیاسی افزایش می یابد.

ه) توجه جدّی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: وجود ارزش های اسلامی مانند ایمان، تقوا و تعهد موجب اجرای عدالت در سطح جامعه می شود. قرآن کریم می فرماید: " اعدلوا هو اقرب للتقوی"،(۷)امام علی(ع) نیز می فرماید:" من قد الزم نفسه العدل فکان اوّل عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می خواهد به حُلیه عدل و دادآراسته شود، می بایست هوا و هوس های گوناگون را از خود دور کند،(۸). برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد عقلایی ومبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه لازم است، به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاه ها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند. باید این نظام ارزشی در

۱ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ ساختار کلان کشور ۳ برنامه های اجرایی، تبلور و تجلّی یابد.

و) فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصت های

مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن و رفاه که در اصول متعددی از قانون اساسی ج. ا. متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸

شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶

علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰

پی نوشت ها :

۱ - حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۲ - روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲.

۳ - حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۷.

۴ - نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵.

۵ - نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱.

۶ - فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵.

۷ - مائده (۵) آیه ۸.

۸ - نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

پرسش: بعضی از خطیبان جماعت که در ماه های رمضان یا محرم به روستاها می فرستید، بر چه اصولی تعیین می گردند؟

بعضی از آنها حتی از سواد اولیه برای ارشاد مردم برخوردار نیستند و فقط بلدند برای مردم مصیبت تکراری بخوانند!

پاسخ

تبلیغ به معنای رسانیدن پیغام می باشد و در اصطلاح تبلیغ دینی به معنای رسانیدن و انتقال پیام دینی می باشد، آیات و روایات توصیه به تبلیغ و نشر فرهنگ دینی کرده اند،

قرآن کریم می فرماید: "الذین یبلّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الاّ الله و کفی بالله خسیبا؛ آنان که پیام های خدا

را (به خلق خـدا) می رساننـد و از او بیم دارنـد و جز از خدا از کسـی دیگر نمی ترسـند و (همان) خدا در مراقبت و نظارت بر اعمال بس است".

در ایام تبلیغ مبلغان

و مروّجان احکام الهی جهت اقامه وعظ و ارشاد مردم به نقاط مختلف کشور می روند مناطق مختلف را با فرهنگ اصیل اسلامی و دینی خدا آشنا نمایند. در این راستا سعی شده از مبلغان و روحانیون در راستای توانایی های علمی و قدرت سخنوری استفاده شود. در این عرصه ممکن است نقیصه و کمبودی مشاهده شود یا شخصی از توان علمی لازم یا قدرت سخنوری شایسته برخوردار نباشد. اما در هر حال سعی می شود توزیع مبلغان در سطح کشور براساس توانایی مبلغ و میزان استقبال مردم از او به عمل آید و مبلغان با استفاده از ابزارهای تبلیغی و آشنایی با علم روز در جهت پاسخگویی به مشکلات دینی مردم موفق تر می باشند. اما در هر حال حرکت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم براین اساس است که روحانیون و مبلغان حوزه ها، افرادی عالم و آگاه به مسایل علمی و مباحث روز باشند و با این ویژگی برای تبلیغ اعزام شوند و در دورترین نقطه ایران منشأ اثر و مروّج دین باشند . حال ممکن است در این حرکت عظیم و گسترده تبلیغی کمبودی مشاهده شود یا مبلغی در انجام وظایف تبلیغی خود موفق نباشد که امید است با بررسی و بازبینی مجدد عملکرد افراد، این مشکل برطرف شود.

البته این بخش از دفتر تبلیغات اسلامی ، مسؤلیتی در مو رد مبلّغان اعزامی ندارد، بلکه صرفاً به منظور پاسخگویی به سؤالات اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و... تأسیس شده است.

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پرسش

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می

کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پاسخ

حقیقت آن است که نباید همه رهبران حکومت اسلامی را زیر سؤال برده و آنان را متهم به ثروت اندوزی و دنیا گرایی نمود. رهبران حکومت اسلامی را می توان به سه گروه تقسیم نمود:

۱) عده ای از رهبران جامعه اسلامی، زهد و ساده زیستی را رعایت کرده و مانند توده مردم زندگی می کنند. نمونه بارز آن امام راحل(س) است که یکی از زاهدترین انسان ها بود. امروزه جهانیان وی را به عنوان رهبر موفق قبول داشته و ساده زیستی وی جهانیان را شگفت زده نموده است. امام نه تنها ساده زیست می نمود که همه رهبران و مسئولان حکومت را به ساده زیستی فرا می خواند.

در حوزه های علمیه نیز مراجع و رهبران دینی، ساده زیستی را رعایت نموده و ساده زندگی نمودن آن ها می تواند الگوی خوبی برای دیگران باشد.

۲) برخی از رهبران هستند که مانند گروه اوّل نیستند، ولی زندگی آنان به گونه ای است که در شأن یک رهبر جامعه اسلامی است و افکار عمومی نیز آنان را متهم به دنیا گرایی نمی کند؛ یعنی زندگی آنان قابل قبول بوده و تا اندازه ای درد و مشکلات مردم را درک می کنند. آنان کسانی هستند که در مسیر زندگی خود درد و رنج فقر را چشیده و یا در جامعه با فقیران و محرومان، در ارتباط هستند؛ مضافاً بر این که برخی از این گروه به رغم آن که امکانات در اختیار دارند، به گونه ای زندگی

می کنند که بین آن ها و مردم فاصله چندانی نباشد.

۳) گروهی از رهبران جامعه همان گونه که اشاره کرده اید کسانی هستند که ساده زیستی را رعایت نکرده و چگونگی زندگی آنان با شاخصه های جامعه دینی همسویی ندارد. اینان کسانی هستند که باید در رفتار خود تجدید نظر کنند. یکی از آسیب های جدی نظام جمهوری اسلامی ایران، عدم رعایت ساده زیستی می باشد که بارها حضرت امام(ره) به آنها هشدار داده است.

اینان باید بیشتر از همه سفارش امام علی(ع) را مورد توجه قرار دهند، آن جا که رهبران جامعه را به زهد فرا می خواند و یکی از علل آن را همدردی با فقیران می داند. امام علی(ع) یکی از علل زهد گرایی خود را همدردی با فقرا خوانده و فرمود: "چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراک ها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا "یمامه" افرادی یافت شوند که امید یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است؟! آیا سزاوار است شب را صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد؟!".(۲)

یکی از علت های اساسی که حضرت امیر(ع) این شیوه را در زندگی خود بر گزیده، قرار گرفتن در رأس حکومت و رهبری جامعه اسلامی است. وظیفه رهبران و مسئولان جامعه اسلامی از این جهت بیشتر است. یکی از علت های آن آشنا شدن بهتر با دردها و مشکلات انسان ها و چگونگی زندگی آن ها است تا زمانی که انسان با مشکلات و سختی

ها زندگی نکند، نمی تواند مشکلات و سختی های دیگران و توده مردم را درک نماید. حضرت علی(ع) صراحتاً آن را در نامه خود به عثمان بن حنیف و خطبه ها و نامه های دیگر بیان داشته، در کلمات و سخنان امام(ره) و حضرت آیت الله خامنه ای نیز به آن اشاره شده است.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۷ ۲۲۸.

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پرسش

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پاسخ

معنای اسلامی بودن یک کشور و مسلمان بودن افراد، این نیست که در آن جامعه همه شاخصه های عدالت رعایت شود. در جامعه ای که در صدد تشکیل جامعه آرمانی است و رهبر آن را انسان های غیر معصوم بر عهده دارند، نباید انتظار داشت که در آن حقوق همه انسان ها به صورت کامل و تمام رعایت شود و هیچ ظلمی در آن وجود نداشته باشد؛ زیرا برای از بین بردن ظلم و ایجاد عدالت در ابعاد گسترده آن، باید زمینه ها به وجود آمده و موانع رفع گردد. همه انبیا و رهبران الهی در صدد تشکیل مدینه فاضله بودند، ولی عملاً موفق نشدند، زیرا عدالت ستیزان نگذاشتند که قسط و عدالت به وجود آید. از سوی دیگر مردم نیز از نظر فکری به آن حد نرسیده بودند که خود به گسترش عدالت پرداخته و با ستمگران و ناهنجاری ها مبارزه همه جانبه داشته باشند.

بی تردید امام علی(ع) طلایه دار و منادی عدالت بود، ولی وی نیز نتوانست عدالت همه جانبه را به وجود بیاورد؛ زیرا افکار عمومی آمادگی پذیرش عدالت امام را نداشته و سیاست های عادلانه امام را دشمنان وی و حتی مردم عادی و در برخی موارد یاران او بر نمی تابیدند.

البته این مطلب را نباید از نظر دور داشت که در جامعه اسلامی ایران باید عدالت بیشتر از این رعایت شود و جامعه ما بهتر از این که است، باید باشد، زیرا در جامعه ای که

بر اساس قانون اسـلامی اداره می شود و مردم آن را مسلمانان تشکیل می دهند، انتظار می رود که در آن عدالت بیشتر رعایت شود. بر اسـاس ضـرورت حـاکمیت عـدالت است که بارهـا مقـام معظم رهبری، مسـئولان نظام را به برقراری عـدالت و تبعیض زدایی فرا خوانـد. رسـیدن به مهم ترین و اصـلی ترین نیـاز جـامعه و انسـان ها یا حتی نزدیک شـدن به آن (که هـدف از بعثت پیامبران در قرآن برقراری قسط و عدل شـناخته شده) تلاش همه جانبه ای را هم از طرف مردم مسلمان و هم از طرف مسئولان و حاکمان می طلبد.

دولتمردان باید سعی کنند که در تصمیم گیری ها و تعریف سیاست ها به گونه ای عمل کنند که زمینه های بی عدالتی از بین برود. مردم نیز بایـد با رعایت حقوق یکـدیگر و پرهیز از زیاده خواهی و زیاده طلبی با عوامل بی عدالتی مبارزه کرده و عوامل و زمینه های گسترش عدالت را فراهم نمایند؛ زیرا حکومت و مردم مکمل یکدیگر در ایجاد و گسترش عدالت هستند.

۱– چرا حق انسان ها (عدالت)همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟

پرسش

چرا حق انسان ها (عدالت)همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟

پاسخ

آنچه در پاسـخ به این پرسـش و سؤالات مشابه در ابتدا باید توجه داشت، آن است که تمام مواردی که در آفرینش انسان ها و موجودات دیگر به عنوان نابرابری لحاظ می شود ، تفاوت هایی است که در جهان وجود دارد، نه تبعیض ها.

فرق تفاوت و تبعیض آن است که در فرض تبعیض، چنـد موجود قرار دارنـد که همه شایسـتگی و حق یکسان دارنـدو به یکی داده می شود و به دیگری داده نمی شود یـا کم تر داده می شود، اما در صورت تفاوت در آفرینش اصـلاً حقی مطرح نیست یا دارای قابلیت های متفاوت هسـتند و به همان شـکل داده می شود. در مورد آفرینش انسان، از ابتدا انسانی نبوده تا حقی مطرح باشد. بنابر این این تصور که از طرف خداوند حق انسان ها ادا نمی شود تصور صحیحی نیست.

از طرف دیگر دلیلی وجود نـدارد که خداوند بین آفریده ها تبعیض قائل شود یا ظلمی بر کسـی روا ندارد. چون تبعیض و ظلم یـا ناشـی از جهـل است یـا کمبود و نیاز ویا...در حالی که همه آفریـده گان نسـبت مساوی با خداونـد داشـته و همه آفریـده او هستند و او از هر عیب و نقصی مبرا است.

اگر هم نابرابری ها در جامعه انسانی و مربوط به خود اƠ…Əها باشد این بحث مستقل و جدا گانه ای است.

امـا این که راز تفـاوت های انسان ها برای چیست بایـد گفت : اشـیا از نظر خوبی و بـدی اگر تنها و منفرد و مسـتقل از اشـیای دیگر در نظر گرفته

شوند، یک حکم دارند و اگر جزء یک نظام و به عنوان عضوی از اندام در نظر گرفته شوند، حکم دیگری پیدا می کنند، مثلاً اگر از ما بپرسند که خط راست بهتر است یا خط کج، ممکن است بگوییم خط راست بهتر از خط کج است، ولی اگر خط مورد سؤال جزئی از یک مجموعه شد، در یک مجموعه به طور مطلق، نه خط مستقیم پسندیده است و نه خط منحنی. وقتی که جهان را جمعاً مورد نظر قرار می دهیم، ناچاریم بپذیریم که در نظام کل و در توازن عمومی، وجود پستی ها و بلندی ها، فراز و نشیب ها، تاریکی و روشنایی ها، همه لازم است.

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزش به جای خویش نیکو است اگر اختلاف و تفاوت وجود نداشته باشد، دیگر مجموعه و نظام مفهومی ندارد. شکوه و زیبایی جهان در تنوع و اختلاف های رنگارنگ آن است. قرآن کریم وجود اختلاف ها را از آیات و نشانه های قدرت الهی می شمرد.

زشتی ها، نه تنها از این نظر ضروری می باشند که جزئی از مجموعه جهانند و نظام کل به وجود آن ها بستگی دارد، بلکه از نظر نمایان ساختن و جلوه داده به زیبایی ها نیز وجود آن ها لازم است.

اگر در جهان زشتی نبود، زیبایی هم نبود. اگر همه مردم زیبا بودند، هیچ کس زیبا نبود، همان طوری که اگر همه مردم زشت بودند، هیچ کس زشت نبود.(۱)

ممکن است این سؤال پیش آید: چرا زشت زیبا نشد و بالعکس؟ در پاسخ استاد مطهری می گوید: "خداوند متعال به هر موجودی همان وجود و همان اندازه از کمال و زیبایی را می دهد که می تواند بپذیرد.

نقصانات از ناحیه ذات خود آن ها است، نه از ناحیه فیض باری تعالی، نظیر خواص اَشکال هندسی که ذاتی موجودات است، مثلاًـ خاصیت مثلث این است که مجموعه زاویه هایش برابر با دو قائمه است و خاصیت مربع این است که مجموع زوایایش برابر با چهار قائمه است. معنایش این نیست که به آن، خاصیت دو قائمه و به این خاصیت چهار قائمه داشتن را اعطا کرده اند تا گفته شود چرا به مثلث ستم کرده اند. تفاوت موجودات جهان همین طور است. بوعلی سینا گفته است: خدا زردآلو را زردآلو نکرده بلکه زردآلو را ایجاد کرده است.

زردآلو از باب مثال است، منظور همه موجودات است، خدا اشیا را آفریده و آن ها ذاتاً اختلاف دارند. قرآن مجید این مطلب را با یک تمثیل بیان کرده و فرموده است:

"خدا از آسمان آبی فرود آورد و هر رودخانه ای به قدر ظرفیت خودش سیلان یافت".(۲) یعنی رحمت فیض پروردگار هیچ موجود مستعدی را محروم نمی سازد و برای همه یکسان است، ولی استعداد و ظرفیت موجودات یکسان نیست. استعداها مختلف است. هر ظرفی به قدری که گنجایش دارد، از رحمت خدا لبریز می گردد. پس هر موجودی، حق خود را که امکان داشته دریافت دارد، دریافت کرده است." (۳)

نباید تصور کرد که خداوند یکی را که ممکن بود زیبا باشد، زشت قرار داد و دیگری را که ممکن بود زشت باشد، زیبا قرار داد و با قید قرعه و یا یک اراده تبعیض آمیز هر یک از آن ها را انتخاب کرد، بلکه هر جزء از اجزای جهان تنها به همین جور که هست، امکان وجود داشته و خدا همان آفرینش را

به آن داده است. اگر بخواهیم از دیدگاه علمی سخن گوییم، این گونه نمی توان گفت که هر ماده با توجه به ویژگی و شرایط خود از وجود و کمالات وجود برخوردار می شود. تفاوت هایی که در جهان مادی و طبیعی وجود دارد، براساس تفاوت در عناصر مادی است، مثلاً کسی که از نظر زیبایی یا زشتی، شکل و وضعی خاص دارد، بر اثر تفاوت ژنتیکی و عوامل محیطی و مادی و وراثت و... است که هزاران مورد شناخته شده و یا ناشناخته در طبیعت در آن ها دخالت دارد و یا حتی امور غیر مادی مانند نحوه آمیزش یا مواد و غذاهایی که پدر و مادر قبل از آمیزش، یا مادر بعد از آن در دوران جنینی تغذیه می کنند یا مانند تأثیر الکل و مواد اعتیادزا در شکل و حالت و وضع و سلامت و بهره هوشی و استعداد کودک که امروزه بدون تردید شناخته شده است.

طبق این سخن فیض الهی از ناحیه خدا تمام است و او در حق هیچ موجودی تبعیض روا نمی دارد، بلکه موجودات هستند که به فراخور شأن و جایگاه و مرتبه خود و عوامل دیگر قبول فیض می کنند و به اندازه استحقاق، در مرتبه ای از عالم هستی جا می دارند. در جهان خلقت آنچه که وجود دارد تبعیض نیست، بلکه تفاوت است، همان طور که ظرف یک لیتری نسبت به ظرف پنج لیتری مقدار کمتری آب در خود جای می دهد. آری هر موجودی در نظام هستی به میزان ظرفیت خود دریافت فیض می کند.

در عین حال آنچه در پایان می تواند مکمل این پاسخ باشد و هرگونه اشکالی را برطرف کند، آن است که:

نباید نگاهمان را فقط معطوف به دنیا و زندگی دنیا نماییم و همچنان این اشکال برای ما وجود داشته باشد که تفاوت ها ربط به انسان ندارد. درست است که تفاوت های ایجاد شده به سبب وراثت و محیط و... انسان نقشی در آن ها ندارد، اما زندگی انسان که منحصر به این عالم نیست، بلکه این عالم تنها بخش کوچکی از حیات است و در مقابل حیات جاودانه و حقیقی بسیار ناچیز است.

در این نگاه هر چه بیشتر از نعمت های دنیا و کمالات هستی داده شده باشد، به همان اندازه دارای مسئولیت بیشتر باید باشد و در مقابل هر یک از نعمت های الهی از او سؤال شود که آیا حق آن را به جا آورده است؟ اما آن که کمتر به او داده شده، سبک بارتر است. از طرف دیگر با توجه به روایات به دست می آید که خداوند بعضی از کاستی های دنیا را در عالم دیگر جبران می نماید و به هیچ بنده ای ظلم روا نمی شود.

پی نوشت ها:

۱ - استاد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۶۶، با تلخیص.

۲ - رعد (۱۳) آیه ۱۷.

۳ - استاد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۷۲ - ۱۷۱، با تلخیص.

چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

اشاره

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه

پرسش

چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی، شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچوجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی گونه های بی عدالتی در جامعه می باشد. بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد زیر به صورت مختصر بیان کرد:

الف توجه جدّی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه و سازندگی کشور:

پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه ازشاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه، نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود.

این عامل در برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند، می فرمایند:

"در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم

با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد"، (۱).

در جای دیگر می فرمایند: "در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد، زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدفِ عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست"،(۲).

ب) برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروت های نامشروع و بادآورده:

امام علی(ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدلِ خویش قرار دادند:

۱ مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان

۲ احیای سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال.

حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدّی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروعِ زندگی مردم، جمع شود..."، (۳).

در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه

قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج) پیشگیری از پیدایش ثروت ها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راه های مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است. در این راستا مهم ترین اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی(ع) می فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدّروا انفسهم بضعفه الناس، کیلا یتبغ بالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد".(۴)

۲ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی(ع) در فرازی از عهدنامه مالك اشتر، در این زمینه می فرمایند: "والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند. وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی"، (۵).

۳ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینشِ خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالباخلاق

و رفتـار مسؤولان را تغییر می دهـد، بنـابراین اگر بعـد از گزینش حتی افراد پارسا و کـاردان، از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند..."،(۶).

د) بالا بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابـد و بی عدالتی را نمی پذیرنـد و به انحـاء مختلف برای دستیـابی به حقوقشـان می کوشـند از این طریق قشـر متوسط گسترش و نقش آنها در تصـمیم گیری های سیاسی افزایش می یابد.

ه) توجه جدّی به گسترش و تثبیت ارزشـهای اسـلامی در جامعه: وجود ارزش های اسـلامی ماننـد ایمان، تقوا و تعهـد موجب اجرای عـدالت در سـطح جامعه می شود. قرآن کریم می فرمایـد: " اعدلوا هو اقرب للتقوی"،(۷)امام علی(ع) نیز می فرماید:" من قد الزم نفسه العدل فکان اوّل عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می خواهد به حُلیه عدل و دادآراسـته شود، می بایست هوا و هوس هـای گوناگون را از خود دور کنـد،(۸). برای مبـارزه با بی عـدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد عقلایی ومبتنی بر نظام ارزشـی اسلام در مدیران جامعه لازم است، به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی تقنینی، اجرایی، قضـایی، نظـامی، و انتظـامی، آموزشـی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دسـتگاه هـا و نهادهای غیر رسـمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند. باید این نظام ارزشی در

۱ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ ساختار کلان کشور ۳ برنامه های اجرایی، تبلور و تجلّی یابد.

و) فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصت های

مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن و رفاه که در اصول متعددی از قانون اساسی ج. ا. ا. متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸

شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶

علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰

پی نوشت ها :

۱ – حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۲ – روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲.

۳ – حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۷.

۴ – نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵.

۵ – نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱.

۶ – فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵.

۷ – مائده (۵) آیه ۸.

۸ – نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

پرسش: بعضی از خطیبان جماعت که در ماه های رمضان یا محرم به روستاها می فرستید، بر چه اصولی تعیین می گردند؟

بعضی از آنها حتی از سواد اولیه برای ارشاد مردم برخوردار نیستند و فقط بلدند برای مردم مصیبت تکراری بخوانند!

پاسخ

تبلیغ به معنای رسانیدن پیغام می باشد و در اصطلاح تبلیغ دینی به معنای رسانیدن و انتقال پیام دینی می باشد، آیات و روایات توصیه به تبلیغ و نشر فرهنگ دینی کرده اند،

قرآن کریم می فرماید: "الذین یبلّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الاّ الله و کفی بالله حسیبا؛ آنان که پیام های خدا

را (به خلق خـدا) می رساننـد و از او بیم دارنـد و جز از خدا از کسـی دیگر نمی ترسـند و (همان) خدا در مراقبت و نظارت بر اعمال بس است".

در ایام تبلیغ مبلغان

و مروّجان احکام الهی جهت اقامه وعظ و ارشاد مردم به نقاط مختلف کشور می روند مناطق مختلف را با فرهنگ اصیل اسلامی و دینی خدا آشنا نمایند. در این راستا سعی شده از مبلغان و روحانیون در راستای توانایی های علمی و قدرت سخنوری استفاده شود. در این عرصه ممکن است نقیصه و کمبودی مشاهده شود یا شخصی از توان علمی لازم یا قدرت سخنوری شایسته برخوردار نباشد. اما در هر حال سعی می شود توزیع مبلغان در سطح کشور براساس توانایی مبلغ و میزان استقبال مردم از او به عمل آید و مبلغان با استفاده از ابزارهای تبلیغی و آشنایی با علم روز در جهت پاسخگویی به مشکلات دینی مردم موفق تر می باشند. اما در هر حال حرکت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم براین اساس است که روحانیون و مبلغان حوزه ها، افرادی عالم و آگاه به مسایل علمی و مباحث روز باشند و با این ویژگی برای تبلیغ اعزام شوند و در دورترین نقطه ایران منشأ اثر و مروّج دین باشند . حال ممکن است در این حرکت عظیم و گسترده تبلیغی کمبودی مشاهده شود یا مبلغی در انجام وظایف تبلیغی خود موفق نباشد که امید است با بررسی و بازبینی مجدد عملکرد افراد، این مشکل برطرف شود.

البته این بخش از دفتر تبلیغات اسلامی ، مسؤلیتی در مو رد مبلّغان اعزامی ندارد، بلکه صرفاً به منظور پاسخگویی به سؤالات اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و... تأسیس شده است.

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

پرسش

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود

دارد؟

پاسخ

عـدالت کلمه ای زیبـا و خوشاینـد همه انسـان ها است ، ولی دلنشـین تر و شادی بخش تر از آن پیاده شـدن عـدالت در جامعه است که بسـیار سـخت و سـنگین است. قرآن کریم بیش از همه بر اقامه قسط و عدل تأکید دارد و به همه انسان ها دسـتور می دهـد که رعایت عـدالت در تمام شئون فردی و اجتماعی را لازم دانسـته و آن را سـرلوحه زنـدگی خود قرار دهنـد. قرآن می فرمایـد: "ای کسانی که ایمان آورده ایـد، کاملا قیام به عدالت کنید".(۱) پس قرآن و اسـلام با تأکیدهای فراوان از مسلمانان خواسته عدالت را در مورد خود، خانواده و جامعه بر پا کنند، لیکن عمل به این اصل اساسی به عهده همه افراد جامعه است، نه فقط به عهده دولت؛ بلی دولت نقش مؤثرتری در اجرای عدالت دارد. دولت باحمایت از روستائیان و کشاورزان و بردن آب و برق و تلفن و جاده آسـفالت به روسـتاها و تخصـیص بودجه به مناطق محروم، در پی اجرای عدالت اجتماعی است، گرچه این فعالیت ها در حدی نیست که انقلاب اسلامی می طلبد و منابع مالی کشور توانایی پیاده کردنش را دارد.

در مورد رشوه خواری و پارتی بازی ، دولت و ملت مقصرند.

دولت از این جهت که در بازرسـی و دسـتگیری و مجازات متخلفان خیلی جـدی نیست و مردم از جهت اینکه بسـیاری از آنان اقدام به پارتی بازی و رشوه دهی می کنند و با اقدام خود به رشوه خواری و پارتی بازی رسمیت می بخشند. مسئولی که پشت میز اداره نشسته ، انسان است و جایز الخطا می باشد.

اگر

به او پیشنهاد رشوه شود، ممکن است قبول کند، ولی رشوه دهنده نباید بدهد، زیرا همان گونه که با رشوه گرفتن و با پارتی بازی، حقی را ناحق کردن گناه است، رشوه دادن و به وسیله رشوه و پارتی بازی حق کسی را ضایع کردن، حرام است و موجب آتش جهنم می شود.

برای از بین بردن رشوه خواری و پارتی بازی، فرهنگ سازی و عزم ملی لازم است. دولت موظف است زمینه رشوه خواری و پارتی بازی را از بین ببرد و مردم حاضر به استفاده از رشوه و پارتی برای انجام کارشان

نشوند. اگر کارشان انجام نگرفت، به مسئولان بالاتر مراجعه نمایند و حق شان را بگیرند.

عوامل بسیاری می تواند در مشکلات جامعه دخالت داشته باشد، مانند مشکلات اداری و کاغذ بازی و مشکلات اقتصادی ، نیز مشکلات فرهنگی و فکری افراد و ضعف اعتقاد و باورهای دینی و...

به امید روزی که عدالت اجتماعی در کشورمان به نحو احسن برقرار گردد و رشوه خواری و پارتی بازی برچیده شود.

پی نوشت ها :

۱ – نساء (۴) ، آیه ۱۳۵.

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

پرسش

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

پاسخ

عدالت کلمه ای زیبا و خوشایند همه انسان ها است ، ولی دلنشین تر و شادی بخش تر از آن پیاده شدن عدالت در جامعه است که بسیار سخت و سنگین است. قرآن کریم بیش از همه بر اقامه قسط و عدل تأکید دارد و به همه انسان ها دستور می دهد که رعایت عدالت در تمام شئون فردی و اجتماعی را لازم دانسته و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. قرآن می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملا قیام به عدالت کنید".(۱) پس قرآن و اسلام با تأکیدهای فراوان از مسلمانان خواسته عدالت را در مورد خود، خانواده و جامعه بر پا کنند، لیکن عمل به این اصل اساسی به عهده همه افراد جامعه است، نه فقط به عهده دولت؛ بلی دولت نقش مؤثرتری در اجرای عدالت دارد. دولت باحمایت از روستائیان و کشاورزان و بردن آب و برق و تلفن و جاده آسفالت به روستاها و تخصیص بودجه به مناطق محروم، در پی اجرای عدالت اجتماعی است، گرچه این فعالیت ها در حدی نیست که انقلاب اسلامی می طلبد و منابع مالی کشور توانایی پیاده کردنش را دارد.

در مورد رشوه خواری و پارتی بازی ، دولت و ملت مقصرند.

دولت از این جهت که در بازرسی و دستگیری و مجازات متخلفان خیلی جدی نیست و مردم از جهت اینکه بسیاری از آنان اقدام به پارتی بازی و رشوه دهی می کنند و با اقدام خود به

رشوه خواری و پارتی بازی رسمیت می بخشند. مسئولی که پشت میز اداره نشسته ، انسان است و جایز الخطا می باشد.

اگر به او پیشنهاد رشوه شود، ممکن است قبول کند، ولی رشوه دهنده نباید بدهد، زیرا همان گونه که با رشوه گرفتن و با پارتی بازی، حقی را ناحق کردن گناه است، رشوه دادن و به وسیله رشوه و پارتی بازی حق کسی را ضایع کردن، حرام است و موجب آتش جهنم می شود.

برای از بین بردن رشوه خواری و پارتی بازی، فرهنگ سازی و عزم ملی لازم است. دولت موظف است زمینه رشوه خواری و پارتی بازی را از بین ببرد و مردم حاضر به استفاده از رشوه و پارتی برای انجام کارشان

نشوند. اگر کارشان انجام نگرفت، به مسئولان بالاتر مراجعه نمایند و حق شان را بگیرند.

عوامل بسیاری می تواند در مشکلات جامعه دخالت داشته باشد، مانند مشکلات اداری و کاغذ بازی و مشکلات اقتصادی ، نیز مشکلات فرهنگی و فکری افراد و ضعف اعتقاد و باورهای دینی و...

به امید روزی که عدالت اجتماعی در کشورمان به نحو احسن برقرار گردد و رشوه خواری و پارتی بازی برچیده شود.

پی نوشت ها :

۱ – نساء (۴) ، آیه ۱۳۵.

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پرسش

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پاسخ

هنگامی که انقلابی در محیطی روی می دهد مسلما منافع گروهی غارتگر و ظالم و خودکامه به خطر می افتد , آنها نخست با تمسخر و استهزاء و سپس با استفاده از نیروی مسلح , فشار اقتصادی , تبلیغات مستمر اجتماعی , سعی می کنند انقلاب را در هم بشکنند اینها که به خاطر داشتن دو چهره مختلف , منافق نامیده می شوند خطرناکترین دشمنان انقلابند و در یک کلام : بروز نفاق در یک اجتماع معمولا معلول یکی از دوچیز است : نخست پیروزی و قدرت آیین انقلاب موجود و تسلط آن بر اجتماع و دیگرضعف روحیه و فقدان شخصیت و شهامت کافی برای رویارویی با حوادث سخت .

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پرسش

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پاسخ

هنگامی که انقلابی در محیطی روی می دهد مسلما منافع گروهی غارتگر و ظالم و خودکامه به خطر می افتد , آنها نخست با تمسخر و استهزاء و سپس با استفاده از نیروی مسلح , فشار اقتصادی , تبلیغات مستمر اجتماعی , سعی می کنند انقلاب را در هم بشکنند اینها که به خاطر داشتن دو چهره مختلف , منافق نامیده می شوند خطرناکترین دشمنان انقلابند و در یک کلام : بروز نفاق در یک اجتماع معمولا معلول یکی از دوچیز است : نخست پیروزی و قدرت آیین انقلاب موجود و تسلط آن بر اجتماع و دیگرضعف روحیه و فقدان شخصیت و شهامت کافی برای رویارویی با حوادث سخت .

مقصود از جامعه بی امتیاز توحیدی چیست؟

پرسش

مقصود از جامعه بی امتیاز توحیدی چیست؟

پاسخ

مقصود از جامعه بی امتیاز توحیدی، جامعه ای است که افراد در برابر حق و قانون، مساوی و برابر باشند و قانون نسبت به همه، از مرد و زن، کوچک و بزرگ، توانگر و نیازمند، عالم و جاهل و سیاه و سفید، یکسان اجرا شود و تفاوتهای طبقاتی موجب نشود که قانون در حق بعضی اجرا شود و در حق بعضی دیگر اجرا نشود. و یا هر یک از این تفاوتها که به صلاحیّت افراد ارتباط ندارد، موجب شود که برای بعضی به علت این تفاوتها امتیازی قائل شوند، و مثلاً آنها را در کارها بیشتر مداخله بدهند یا بیشتر احترام کنند، که بدیهی است این حرفها در اسلام نیست، و حتی در احادیث است که:

«مَنْ تَواضَعَ لِغَنِيٍّ لِغِناهُ ذَهَبَ ثُلُثا دِينِه» [هر کس برای توانگری برای توانگریش فروتنی کند، دو ثلث دین او می رود.]

اما نظام بی طبقِه توحیدی که بعضی چپ گرایان و گرایشمندان به مارکسیسم و اصالت اقتصاد، آن را شعار خود ساخته اند، و با کلمه «نظام بی طبقه توحیدی» ساده دلان مسلمان را می فریبند و دعوت شعار خود را اسلامی جلوه می دهند، با برنامه های اسلام و آیات قرآن مجید و احادیث شریف، سازگار نیست؛ و وقوع آن در خارج، امکان پذیر نمی باشد، و همانگونه که در عالم تکوین تفاوت و تفاضل وجود داد و همه در برخورداری از نعمتها و مواهب مادی و معنوی یکسان نیستند، در عالم گیاهان و درختان، و انسان و حیوان نیز، همه جا تفاوت به چشم می خورد و این یکی از سنّت های الهیّه است که حتّی می گویند: در عالم تکوین تکرار نیست.

میزان بهره گیری

یک درخت از آب و زمین و هوا با درخت دیگر یکسان نیست، میزان استفاده دو دانش آموز در یک کلاس از یک آموزگار مساوی نیست و استعدادات آنها برابر نیست. آنانکه در مناطق معتدل زندگی می کنند، یک نوع آمادگیهائی برای بترقّی دارند که اهل مناطق دیگر ندارند.

این مسائل در عالم تکوینی با توحید منافی نیست و قابل تغییر نمی باشد. در امور غیر تکوینی نیز همین طور است، جامعه، طبقات مختلف دارد، به حسب استعداداتی که دارند و موجبات و حوادث قهری و اتّفاقی یا کسبی و ارادی، استفاده آنها از نعمتها و مواهب، مختلف می شود؛ چنانکه مشاغل و نقشهای آنها نیز تفاوت پیدا می کند، و بالأخره با اینکه امکانات همه برابر نیست، نمی توان از فعالیت آن کسانی که استعداد بیشتر در استخراج و تصاحب مواهب طبیعی یا نیل به مقامات اجتماعی دارند، یا کوشش بیشتر می کنند جلوگیری کرد. دنیا جائی است که همه باید در میدان کار و کوشش عرض وجود نمایند. می توان برای هر کس به قدر امکاناتی که دارد وسیله استفاده و بهره برداری فراهم کرد و امکانات اختیاری را، برای همه یکسان قرار داد. مثلاً ـ می توان برای همه امکان تحصیل فراهم نمود، اما نمی توان ترقّی همه را در تحصیل، یک نواخت ساخت.

و بالأـخره باید بگوئیم نظام بی طبقه ای، در حدّی با مدنیّت بشر ناسازگار است. زیرا نظام زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بشر، بدون طبقه ای بودن مشاغل و کارها، که قهراً بازده آنها و موضع صاحبان آ نها در اجتماع متفاوت است، امکان پذیر نیست، بنای مدنیّت بر این است که اصناف و طبقات باشند. دسته ای مستقیماً در کار تولید وارد باشند،

دسته ای ابزار تولید بسازند، دسته ای بهداشت تولید کنندگان را متعهّد شوند و دسته ای تبدیل و مبادله اشیای تولید شده و توزیع و رساندن آن را به دیگران عهده دار باشند، دسته ای برقراری عدالت و نظم و امنیت را، و دسته ای هدایتهای اخلاقی و تربیتی و آموزش را به عهده بگیرند.

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پرسش

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

عدالت از اصول مهم و از تعالیم و اهداف عمده دعوت اسلام است که آیات قرآن مجید و احادیث شریف با کمال تأکید و صراحت، همه را به آن مأمور و متعهد اجرای آن ساخته است.

از جمله در سوره مائده می فرماید:

«اِعْدِلُو هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی» مائده/۸

[عدالت ورزید که عدل به تقوی نزدیکتر است.]

و در سوره انعام می فرماید:

«وَ اِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» انعام/۱۵۲

[وقتی سخن گفتید، به عدالت سخن بگوئید.]

و در سوره نحل می فرماید:

«اِنَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسانِ» نحل/۹۰

[خداوند متعالال امر می فرماید به عدل و احسان.]

در نهج البلاغه حکمت ۳۷۴، پس از آنکه امر به معروف و نهی از منکر را فرموده است، می فرماید:

«وَ أَفْضَلُ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ کَلِمَهُ عَدْلٍ عِنْدَ اِمامٍ جائِرٍ» (نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۰۲۱، نامه ۵۳)

[برتر از امر به معروف و نهی از منکر، سخن عدل است که در حضور پیشوا و زمامدار ستمکار گفته شود.]

و نیز حضرت امیر المؤمنین (ع) در آغاز خلافت ظاهری چنانکه در نهج البلاغه است روش صریح خود را در اجرای عدالت چنین اعلام می نماید:

آگاه باشید هر زمینی که عثمان (از اموال متعلق به حکومت اسلامی که باید عوائد آن صرف مصالح مسلمین و رفع حوائج نیازمندان گردد) به کسی بخشیده باشد و هر مالی را از مال خدا اعطا کرده باشد، به بیت المال برگردانده می شود، برای اینکه حق قدیم است (یعنی با اساس و با ریشه و سابقه است) و چیزی حق را باطل نمی کند.

اگر بیابم آن اموال عمومی را (که عثمان بخشیده است) در حالی که مهر زنان

کرده باشند، یا کنیزان را با آن خریده باشند، آن را به بیت المال بر می گردانم که در عدل، وسعت و گشایش است و آن کس که عدل بر او تنگ باشد، ظلم بر او تنگ تر خواهد بود.

از آن حضرت روایت است که رسول خدا(ص) فرمود:

«لَنْ تُقَدَّسُ اُمَّهٌ لا یُؤْخَذُ لِلضَّعیفِ فیها حَقُّهُ مِنَ الْقَوِیِّ غَیْرَ مُتَتَعْتَعٍ»

[هرگز پا ک و مقدس نشود امت و مردمی که در آنها حق ضعیف از قوی بدون ترس گرفته نشود]

برای درک و فهم ابعاد این عدالت اجتماعی مطالعه سیره و روش رسول اکرم(ص) و حضرت(ع) را باید راهنما قرار داد.

کلیات

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پاسخ

از آیات کریمه قرآن استفاده می شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می فرماید:

«یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ اُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إِنَّ إِکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ إِتْقیکُمْ».

[ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملّتها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی ترین شما نزد خداوند متّقی ترین شماست.]

انسان به گونه ای آفریده شده که به صورت گروههای مختلف ملّی و قبیله ای درآمده است؛ با انتساب به ملّیتها و قبیله ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می گیرد؛ یعنی اگر این انتسابها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان پذیر نبود.

انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خد مت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در

بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از

مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطّبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه زندگیِ به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است.

رابطه فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟

پرسش

رابطه فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟

پاسخ

قرآن کریم در عین اینکه برای جامعه، طبیعت و شخصیّت و عینیّت و نیرو و حیات و مرگ و اجل و وجدان و طاعت و عصیان قائل است، صریحاً فرد را از نظر امکان سرپیچی از فرمان جامعه توانا می داند. تکیه قرآن بر آن چیزی است که آن را «فطره الله» می نامد و می خواند. در سوره نساء آیه ۹۷ درباره گروهی که خود را «مستضعفین» و ناتوانان در جامعه مکّه می نامیدند و استضعاف خود را عذری برای ترک مسئولیّتهای فطری خود می شمردند، و در واقع، خود را در برابر جامعه خود مجبور قلمداد می کردند، می فرماید: به هیچ عذر آنها پذیرفته نیست، زیرا حدّاقل، امکان مهاجرت از آن جوّ اجتماعی و رساندن خود به جوّ اجتماعی دیگر بود.

واژه (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پرسش

واژه (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پاسخ

کلمه (ملت) کلمهای عربی است و به معنای راه وروش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا آمده است. این کلمه [پانزده] بار (در۱۵ آیه) درقرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسی زبانان است و از آن کلمه «ملیت» را مشتق کردهاند متفاوت است. «ملت دراصطلاح قرآن به معنی راه وروش و طریقهایست که ازطرف یک رهبر الهی برمردم عرضه شده است؛ مثلاً می فرماید «مِلَّةَ اَبیکُم اِبراهیمَ» حج/۷۸ [یعنی راه وروش پدر شما ابراهیم]، یا میفرماید: «مِلَّةَ اِبراهیمَ حَنیفا» انعام/۱۶۱ راغب اصفهانی در کتاب مفردات القرآن میگوید: «ملت و املال که همان املاء است از یک ریشه است». «فَلیُملِل وَلِیُّهُ بِالعَدلِ» بقره/۲۸۲ [یعنی ولی او را از روی عدالت املاکند.] راغب می گوید: «علت اینکه یک طریقه الهی «ملت» نامیده شده است این است که ازطرف خداوند املاء ودیکته شده است».

پس، از نظر قرآن یک مجموعه فکری و علمی ویک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می شود؛ بنابراین، ملت با دین یک معنا دارد با این تفاوت که یک چیز به اعتباری دین وبه اعتبار دیگری ملت نامیده میشود، به آن اعتبار ملت

نامیده می شود که آن چیز از طرف خدا به پیامبری املاء می شود که به مردم ابلاغ نماید و مردم را بر اساس آن رهبری نماید.

علمای فقه اللغه میگویند: یک تفاوت میان کلمه «دین» و کلمه «ملت» این است که کلمه «دین» را به خدا می توان اضافه کرد و مثلاً گفت «دین الله» یعنی دین خدا، و

همچنین به فرد پیرو نیز اضافه میشود؛ مثلاً گفته می شود «دین زید، دین عمرو». ولی کلمه «ملت نه به خدا اضافه میشود و نه به فرد پیرو، گفته نمیشود: ملت خـدا یـا ملت زیـد یـا ملت عمرو، بلکه به آن رهبری که از طرف خـدا مأمور رهبری مردم بر طبق طریقه خاصی است اضافه می شود، مثلاً گفته میشود: «ملت ابراهیم» یا «ملت عیسی» یا «ملت محمد(ص)»». مثل این است که در مفهوم این کلمه رهبری گنجانده شده است.

از این نظر می توان گفت کلمه «ملت» نزدیـک است بـا کلمه «مکتب» در اصـطلاح جدیـد. کلمه «مکتب» نیز معمولاـ به رهـبر یـک روش و مسـلک اضـافه می شـود. اگر ایـن جهـت را کـه در کلمـه «ملـت» نیز ماننـد کلمـه «مکتب» املاـء و دیکته کردن گنجانیده شده است مورد توجه قرار دهیم، شباهت و نزدیکی این دو کلمه بیشتر روشن می شود.

واژه (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پرسش

واژه (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پاسخ

کلمه (ملت) کلمهـای عربی است و به معنای راه وروش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا آمـده است. این کلمه [پانزده] بار (در۱۵ آیه) درقرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسـی زبانـان اسـت و از آن کلمـه «ملیـت» را مشـتق کردهانـد متفـاوت اسـت. «ملـت دراصـطلاح قرآن به معنی راه وروش و طریقهایست که ازطرف یک رهبر الهی برمردم عرضه شـده است؛ مثلاً می فرماید «مِلَّهَ اَبیکُم اِبراهیمَ» حج/۷۸ [یعنی راه وروش پدر شـما ابراهیم]، یا میفرماید: «مِلَّهَ اِبراهیمَ حَنیفا» انعام/۱۶۱ راغب اصـفهانی در کتاب مفردات القرآن میگویـد: «ملت و املال که همـان املاء است از یک ریشه است». «فَلیُملِل وَلِیُهُ بِالعَـدلِ» بقره/۲۸۲ [یعنی ولی او را از روی عـدالت املاکند.] راغب می گوید: «علت اینکه یک طریقه الهی «ملت» نامیده شده است این است که ازطرف خداوند املاء ودیکته شده است».

پس، از نظر قرآن یک مجموعه فکری و علمی ویک روشـی که مردم بایـد طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می شود؛ بنابراین، ملت بـا دین یـک معنـا دارد با این تفاوت که یک چیز به اعتباری دین وبه اعتبار دیگری ملت نامیـده میشود، به آن اعتبار ملت نامیده می شود که آن چیز از طرف خدا به پیامبری املاء می شود که به مردم ابلاغ نماید و مردم را بر اساس آن رهبری نماید.

علمای فقه اللغه میگوینـد: یک تفاوت میان کلمه «دین» و کلمه «ملت» این است که کلمه «دین» را به خـدا می توان اضافه کرد و مثلاً گفت «دین الله» یعنی دین خدا، و

همچنین به فرد پیرو نیز اضافه میشود؛ مثلاً گفته می شود «دین زید، دین عمرو». ولی کلمه «ملت نه به خدا اضافه میشود و نه به فرد پیرو، گفته نمیشود: ملت خـدا یـا ملت زیـد یـا ملت عمرو، بلکه به آن رهبری که از طرف خـدا مأمور رهبری مردم بر طبق طریقه خاصی است اضافه می شود، مثلاً گفته میشود: «ملت ابراهیم» یا «ملت عیسی» یا «ملت محمد(ص)». مثل این است که در مفهوم این کلمه رهبری گنجانده شده است.

از این نظر می توان گفت کلمه «ملت» نزدیـک است بـا کلمه «مکتب» در اصـطلاح جدیـد. کلمه «مکتب» نیز معمولاـ به رهـبر یـک روش و مسـلک اضـافه می شـود. اگر ایـن جهـت را کـه در کلمـه «ملـت» نیز ماننـد کلمـه «مکتب» املاـء و دیکته کردن گنجانیده شده است مورد توجه قرار دهیم، شباهت و نزدیکی این دو کلمه بیشتر روشن می شود.

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پرسش

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پاسخ

اسـلام زنـدگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجّه قرار داده است. بخش عمده ای از احکان و نظامهای اسـلام، اجتمـاعی است؛ از قبیـل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خـدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد وماننـد اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسـلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سـعادت برسـد، همان گونه که انسان در زنـدگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می توانیم همه را بخوانیم؟

پرسش

با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می توانیم همه را بخوانیم؟

پاسخ

اولاًـ همـان طوری که نوشتیـد دامنه علوم و معارف اسـلامی بسـیار گسترده است که برای یک فرد معمولی "غیر نابغه" ممکن نیست در تمام رشـته های آن "صـرف و نحو، معانی و بیان، فقه، اصول، منطق، فلسـفه، کلام، تفسـیر، علم رجال، علم الحدیث و..." تخصص پیدا کند.

ثانیاً لازم نیست که فرد مسلمان از همه علوم اسلامی آگاهی داشتهب اشد بلکه تنها یاد گرفتن مسائل مورد نیاز و مبتلا به کافی است. مثلاً در مسائل نماز، روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر، عقاید و... فقط آن هائی را که مبتلا می باشد یاد بگیرد کافی است. دیگر لازم نیست حتماً تفسیر، فلسفه، کلام و دیگر علوم را نیز بداند و بالاخره اگر واجبات را عمل، و محرمات را ترک نموده و بقیه ساعات در فکر رفع مشکلات زندگی باشد فردای قیامت مسئولیتی نخواهد داشت.

ثالثاً اگر به خاطر علاقه بخواهد از همه علوم اسلامی به اندازه نیاز آگاهی داشته باشد باید درس بخواند و زحمت بکشد و بیش از اندازه مطالعه نماید.

برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟

پرسش

برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید و خواست های خودرا از ما مطالبه کردید سپاس گزاریم . موفقیت در کار و زندگی از جمله در درس رموزی دارد که به برخی اشاره می شود:

۱ رشته و کار باید مطابق ذوق و سلیقهء فکری باشد;

دستگاه آفرینش همه را یک نواخت نیافریده و در همهء افراد بشر توانایی هرکاری را به ودیعت ننهاده است . بلکه افراد با ذوق و سلیقه های مخصوصی آفریده شده اند, بر این اساس باید هر کسی رشته و کاری را دنبال کند که استعدادو ذوق آن را دارد.

پارهای از شکست ها معلول انحراف از این اصل مسلّم است که گاهی بر اثرتبلیغات غلط و تربیت های نادرست کاری را تعقیب می کنند که استعداد آن راندارند.

از ادیسون پرسیدند چرا اغلب جوان ها موفق نمی شوند؟ گفت : برای این که راه خود را نمی شناسند و در جاده دیگری گام بر می دارند.(۱)

تمایلات درونی ما همانند آهن ربایی است که شبیه خود را جذب کرده و درمخزنی به نام انبار می کند و در موقعیت های مناسب از آن بهره برداری می نماید. اگر آن چه می آموزیم مطابق ذوق و میل درونی و تمایلات باشد به آسانی وارد مخزن شده و تا مدتی قرار خود را حفظ می کند و اگر کاری را پی بگیریم که ذوق آن را نداشته باشیم در اندک زمانی از حافظه فرار می کند و درنتیجه موفّقیّت کم می شود.

۲ کار و کوشش ; یکی از عوامل پیروزی کار و تلاش است

. عدم پیروزی جوان ها عللی دارد از جمله این که روح کارکردن در بعضی از آنان مرده است .

هجوم اکثر جوانها به ادارات و اشغال کرسی های دولتی گواه روشنی است که عشق به کارهای سنگین کم تر شده است , این دسته جوان ها به جای این که مولّد ثروت باشند مصرف کنندهء آن هستند.

زندگی مردان موفق نشان می دهد که مرد کار و زحمت بوده اند.

الکساندر هامیلتن , نابغهء عصر خود می گوید: مردم می گویند: تو نابغه هستی , اما من از نبوغ خبر ندارم فقط می توانم بگویم : که شخص زحمت کشی هستم .

در شرح حال حضرت آیت الله شیخ محمد حسن نجفی , صاحب کتاب نفیس که یکی از مدارک مهم فقه اسلامی است , می نویسند:فرزند ارشد و دانشمندش می میرد موقعی مراسم غسلش به پایان رسید که هواتاریک شده بود. به همین دلیل تصمیم گرفتند جسدش را در یکی از مقبره های صحن مطهّر حضرت علی ۷بگذارند و فردا دفن کنند. مقرر شد خودش آن شب در کنار بدن فرزندش بماند. این مرد بزرگ با این که داغدار بود با این وصف همان شب با کمال صبر و استقامت به مطالعه و نوشتن صفحاتی از کتاب جواهرپرداخت .(۲)

۳ ایمان به هدف ; از جمله عوامل موفقیت ایمان به هدف است . ایمان به هدف محرک درونی است که خواه نا خواه انسان را به سوی هدف می کشاند. درپرتو ایمان به هدف انسان تمام سختی ها و مرارت ها را تحمل می کند و گاهی نیزبرای عشق به هدف از هستی ساقط شده و جان

و مال خود را فدای آن کرده و باچهره بشّاش به استقبال مرگ می روند. در جنگ بدر تعداد سیصد و سیزده نفرمسلمان که از ابزار جنگی و دفاعی تجهیز کافی نداشتند در مقابل ارتش مجهز وقدرتمند و تا دندان مسلّح قریش ایستادند و در ظرف چند ساعت همه را تار ومار کردند.

علّت کام یابی این اقلیت تنها همان ایمان به هدف بود که مرگ و شهادت رابرای آنان آسان کرده بود.

]نشان مرد مؤمن با تو گویم اگر مرگش رسد خندان بمیرد

]۴ استقامت و ثبات قدم ; از جمله عوامل پیروزی صبر و استقامت است .صبر و شکیبایی از شیوه مردان بزرگ است . برخی این صفت ارزش مند وفضیلت عالی انسانی را با یک رذیله اخلاقی به نام سستی و دست روی دست گذاشتن و زیر بار هر نوع ظلم و ستم اشتباه می گیرند و خیال می کنند صبر وبردباری یعنی در مقابل ظلم و جور خاموش بودن و زیر بار ظلم و ستم رفتن است . در صورتی که شکیبایی و ثبات قدم ضامن سعادت است و بی حالی و تن پروری موجب تیره روزی و سیه بختی .

ممکن است کسی بگوید: این عامل چهارم < کار و کوشش > یکی است . اما در پاسخ می توان گفت : این طور نیست که هردو یکی باشد, چون ممکن است کسی در آغاز روحیه کار و کوشش را داشته باشد, ولی وقتی مواجه با سختی ها می شود فوق العاده ناتوان شده و آن روحیه را از دست می دهد, لذا باید بردباری را پشتوانه کار و کوشش دانست نه عین آن

.

یکی از سخن وران بزرگ جهان در فن خطابه و سخن وری پی درپی شکست می خورد, لکنت پیدا می کرد, زبانش می گرفت نمی توانست خوب صحبت بکند, اما هرگز روحیه خود را از دست نداد, در زیرزمین به تمرین می پرداخت . برای این که ثبات قدمش از بین نرود گاهی نصف سر و صورتش رامی تراشید و قیافه خنده آوری پیدا می کرد و به همین دلیل مجبور می شدهفته ها و ماه ها در خانه بماند و مشغول تمرین خطابه گردد.

]پافشاری و استقامت میخ سزد عبرت بشر گردد

بر سر هر چه بیش تر کوبی پافشاریش بیش تر گردد

]۵ تمرکز فکر; یکی دیگر از عوامل پیروزی تمرکز فکر است , تمرکز دادن فکر در یک نقطه و یک موضوع و یک کار معیّن باعث می شود که فشار در همان نقطه متوجه شده و هر گونه مانع را از جلو پای خود بردارد.

نقش تمرکز فکر مثل نقش یک اهرم در فیزیک است , اهرم همهء نیروها را دریک جا جمع می کند و سپس با یک فشار متناسب جسم سنگینی را بلند می کند.

قوای عقلی در حل مشکلات به سان اشعهء خورشید است که اگر به وسیله ذره بین در نقطه ای متمرکز شود آن شیء را می سوزاند. اشعهء فکر انسانی نیز تادر یک نقطه معیّنی نتابد موانع را برطرف نکرده و جوانب موضوع را روشن نمی کند.

اصولاً یکی از وسایل عقب ماندگی گروهی از افراد این است که بنا بر عللی گرفتار تلوّن مزاج می شوند, هنوز کاری را انجام نداده و آن را پایان نرسانده دست به کار

دیگری می زنند و از این شاخه به آن شاخه می پرند, چنین افرادی غالباً و بلکه هیچ وقت در کار موفق نمی شوند.

اگر نهالی را چند بار جا به جا کنید سرانجام پژمرده می شود, ولی نهال های ثابت همیشه خرم و شاداب است .

۶ نظم و انظباط ; عامل دیگر موفقیت نظم داشتن در کار است , کاخ بلندآفرینش روی نظم استوار است .

اگر منظومه شمسی برقرار است و سیارات دور آن می گردند و کوچک ترین خللی در طی قرون در آن رخ نداده است به این دلیل است که بنیاد آفرینش آن رانظم و محاسبه تشکیل داده است . قرآن می فرماید:

وضع المیزان ; و آسمان را برافراشت و میزان وقانون در آن قرار داد.(۳)

حضرت امیرمؤمنان ۷در آخرین لحظات عمر خویش (بعد از ضربت خوردن) نخستین سفارشش به فرزندان گرامیش این بود که .(۴)

حضرت علی ۷می فرماید: (۵)

از وزیر لایقی که به همه همکاران خود به طور دقیق رسیدگی می کردپرسیدند چطور به این همه کار می رسی ؟

گفت : آن چه را امروز می توانم بکنم به فردا نمی اندازم و هیچ وقت تأخیر درکاری را روا نمی دارم .

۷ شروع کار از جای کوچک ; یکی دیگر از عوامل موفقیت این است که کاررا از جای کوچک شروع کنیم . مقصود این است که برای رسیدن به هدف اول بادقت و همت عالی نقشه رسیدن به هدف به طور وسیع طراحی شده و همه ءجوانب و شرایط و امکانات و مقدمات آن بررسی شود, ولی هنگام شروع واقدام به کار همهء نقشه را یک جا پیاده نکنیم

, بلکه پله به پله به مقصود بزرگ جامع عمل بپوشانیم .

ناصرالدین شاه در مسافرتی که به اروپا کرده بود در بازدید از انگلیس درلندن با ملکه انگلستان ملاقات کرد پس از تعارفات از ملکه پرسید رمز موفقیت مردم مغرب زمین در امور مادی مخصوصاً در اقتصاد چیست ؟

ملکه گفت : ملت ما هرگز اسرار پیروزی خود را به ملل بیگانه اظهارنمی کنند, اما من به پاس احترام شما نکته ای را متذکر می شوم : ما مردم مغرب زمین همواره کار را از جای کوچک شروع می کنیم تا اگر سودی نبردیم راه بازگشت داشته باشیم و با دادن ضرر ناچیز نقشه را دگرگون کنیم و اگر سودی بردیم فوراً وضع را توسعه داده و قدم بعدی را بر می داریم , ولی شما شرقی ها برخلاف ما کار را از جای بزرگ شروع کرده و همه نقشه را یکباره پیاده می کنید ودر صورت مواجه شدن با ضرر راه بازگشت ندارید به ناچار با دادن خسارات زیاد نقشه را پیاده کرده و خود را به زحمت به هدف می رسانید.

۸ تقلید و دنباله روی کورکورانه ; از عوامل دیگر پیروزی تقلید و پیروزی نسنجیده است ; غرور و حسادت و یا کم درایتی گاهی سبب می شود که ازکارهای نابخردانهء دیگران تقلید کنیم . مولای متقیان به کمیل فرمود: (۶)

اقبال لاهوری می گوید:

]خلق را تقلیدشان بر باد دادای دو صد لعنت بر این تقلید باد

]هم چنین می گوید:

]چون ز تلّی بر جهد یک گوسفندگله گوسفندان می جهند

]۹ شور و مشاوره و تبادل نظر با خبرگان ; یکی دیگر از عوامل موفقیت

مشورت کردن با صاحب نظران است . از مشاوره و تقابل دو انـدیشه نور می جهدکه گاهی پیش پای انسان را و گاهی نیز افق وسیعی را روشن می سازد. چنان که ازاصطکاک دو سیم مثبت و منفی برق به وجود می آید.

مشاوره یکی از تعالیم اسلامی است , خدای بزرگ به پیامبرش که عقل کل است دستور میدهد در کارها با مردم مشورت کن (۷).

۱۰ مطالعه سرگذشت افراد پیروزمند; با خواندن سرگذشت آنان متوجه خواهد شد که آن ها که بودند و چگونه در کار خود موفق شدند؟ قرآن می فرماید:.(۸)

۱۱ استفاده از فرصت ; یکی از عوامل پیروزی این که از فرصت به دست آمده کمال استفاده را بنماید. یک انسان موفق کسی است که کار امروز را به فردانیندازد. از ابومسـلم خراسانی پرسـیدند راز موفقیت شما چه بود؟ گفت هرگز کارامروز را به فردا نیفکندم .

]سعدیا دی رفت و فردا هم چنان موجود نیست در میان این و آن فرصت شما امروز را

]در شعر منسوب به حضرت علی ۷آمده است :

]مافات مضی و ما سیأتیک فاین قم فاغتنم الفرصه بین العدمین

]آن چه از دست رفته گذشت . آینده هم هنوز نرسیده است برخیز لحظه این عدم را (یعنی الاءن را) غنیمت بشمار.

۱۲ قاطعیت و تصـمیم ; عامل دیگر موفقیت قاطعیت است ; یعنی وقتی سود و زیان کاری را سـنجیدیم و عقل آن را پسندید و فهمیـدیم در مجموع به نفع انسان است باید با قاطعیت و بدون هیچگونه تردیدی آن را تعقیب کنیم وبدانیم هر کاری به اندازه سختی هایش ارادهء راسخ لازم دارد.

گویند: تیمور لنگ و نادر که از

نوابغ نظامی جهان اند, دیر تصمیم می گرفتند,لیکن از تصمیم خود بر نمی گشتند.

در جنگ جمل حضرت علی ۷پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه داد و برای تقویت اراده پسرش فرمود: اگر کوه های اطراف بصره از جا کنده شود توهرگز از جای خود تکان نخور. دندان های خود را روی هم بگذار و فشار ده .(۹)

در بیان دیگر فرمود: واللّه لو تظاهرت العرب علی قتالی لما و لّیت عنها; به خداسوگند اگر همه عرب بر ضد من بسیج شوند هرگز به آن ها پشت نخواهم کرد.(۱۰)

۱۳ آشنایی به اوضاع زمان ; یکی از عوامل پیروزی آشنایی به شرایط ومقتضیات زمان است , اگر دانش آموز و محصل است قبل از انتخاب رشته بایددقت کند مملکت به چه نوع رشته ای نیازمند است . پزشکی , مهندسی ,کشاورزی , معلّمی ,... این طور نباشد که به دلخواه رشته ای را برگزینند و بعد ازپایان کار متوجه شود که مملکت به چنین رشته ای خیلی نیاز نداشته است , اگربازاری است باید اصناف را تشخیص بدهد و بداند چه صنفی بیش از دیگران پررونق ترند و اگر کشاورز است باید دقت کند چه نوع کشتی پر محصول تر و پرمتقاضی تر است .

امام صادق ۷می فرماید: (۱۱)

برای اطلاع بیشتر به کتاب رمز پیروزی مردان بزرگ نوشته استاد جعفرسبحانی رجوع کنید.

(پاورقی ۱.جعفر سبحانی , رمز پیروزی , ص ۱۰ ۱۲

(پاورقی ۲.همان , ص ۱۸ ۲۱

(پاورقی ۳.همان , آیه ۷

(پاورقی ۴.نهج البلاغه , نامهء ۴۷

(پاورقی ۵.نهج البلاغه, کلمات قصار, شمارهء ۳۹۰

(پاورقی ۶.نهج البلاغه , حکمت شمارهء ۱۴۷

(پاورقی ۷.آل عمران (۳ آیهء ۱۵۹

(پاورقی ۸.روم (۳۰ آیه ۹

(پاورقی ۹له

.نهج البلاغه صبحی صالح , خطبه ۱۱

(پاورقی ۱۰.همان , ص ۴۵

(پاورقی ۱۱.علامه محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۶۸ ص ۳۰۷

مشکل اصلی کشور چیست؟

پرسش

مشکل اصلی کشور چیست؟

پاسخ

هر کشوری در اداره امور داخلی خود، و در جهت رسیدن به آرمانها و اهداف خود، مشکلاتی را نیز در پیش رو دارد.کشور ما هم از این قاعده کلّی مستثنی نیست. مخصوصاً با توجه به مشکلات فراوانی که دشمنان این کشور و ملّت برای ما ایجاد کرده اند.

به هر حال اگر بخواهیم مطلبی را به عنوان مشکل اصلی کشور مطرح نماییم، بهتر است به موارد زیر اشاره شود :

۱.برنامه ریزی وسیع و حساب شده، همراه با سرمایه گذاری کافی، برای حفظ و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی، و مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن، در تمام قالبها و اشکال مختلف آن.

۲. شناختن گِرههای اقتصادی، و باز کردن آنها.

۳. رسیدگی فوری و حساب شده به وضع معیشتی و زندگی روزمرّه مردم کم درآمد و محروم جامعه.

۴. ادامه و گسترش فعالیّتهای علمی و صنعتی.

۵. کنترل و نظارت جامع بر دستگاههای اجرائی و مدیریّتی کشور.

برای اطّلاع بیشتر نسبت به این موضوع، می توانید به خطبه نماز جمعه مقام معظم رهبری، در مورد اصلاحات، که محورهای مورد نیاز اصلاحات را در کشور ما بیان فرمودند، مراجعه نمایید.

چگونه جامعه ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟

پرسش

چگونه جامعه ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟

پاسخ

به جهت آنکه از منبع وحی وامام سرچشمه گرفته، و ریشه در علم نامتناهی خالق هستی دارد، و از تمام زوایای درونی و بیرونی انسان آگاه است، برای همه دوره های گذشته و حال و آینده بشر مفید است. زیرا خالق سبحان، علاوه بر علم نامتناهی از اصول درونی و بیرونی انسانها، نسبت به مصلحتها و مفسده های حقیقی انسان، نیز آگاه است. هیچ کس و هیچ مکتب و هیچ فرهنگ و هیچ تمدن دیگری، جز خالق هستی، از چنین علم و آگاهی و احاطه به تمام شؤون بشری و مصالح و مفاسد آنها، آگاه نیست.

در میان ادیان آسمانی، کامل ترین دین، دین اسلام است. اسلام چگونه زیستن، و راههای صحیح زندگی را، حتی در اجزاء اعمال و رفتار، و حتی در افکار نیّتها بیان کرده است، و اگر افراد جامعه اسلامی به احکام و دستورات به درستی عمل کنند، از یک زندگی خوب و متعال برخوردار خواهند شد.

احکام و دستورات اسلام، علاوه بر این که از همه ادیان دیگر کاملتر و وسیعتر است، تعالیم اصلیش از دستبرد تحریف و تغییر، نیز در امان مانده است. بنابراین تنها دین اسلام، و بخصوص مذهب مترقی شیعه است، که دسترسی به تمام اصول و ارکان زندگی صحیح، و آگاهی از راه و رسم بهتر زندگی کردن، و سلامت جامعه، داشته است؛ و هیچ دینی در حدّ اسلام نیست.

آیین اسلام بهترین آیین زندگی است، و پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی و ظاهری و باطنی است. و برای تمام مسائل

زندگی، دستورات محکم، منطقی و روشنی دارد، و الگوهای برتری از دیگر ادیان دارد.

دختر عزیزم، ستاره خانم صادقی، اگر بکوشیم که احکام و دستورات نورانی اسلام به درستی توسط افراد جامعه عمل بشود، و از تندروی و کندروی اجتناب کنند، و جامعه ای معتدل، که جامعه ای قرآنی است، ساخته بشود، چنین جامعه ای، جامعه ای سالم است. بنابراین برای ایجاد جامعه ای سالم، به نظر ما باید بکوشیم که اسلام و مقررات و قوانین و قواعد و دستورالعملهایش را، بصورت درست و صحیح و به دور از برداشتهای سطحی و فردی، از طریق اسلام شناسان حقیقی بشناسیم؛ و در مرحله بعد، به آن عمل نماییم. سالم ترین جامعه را بر پا خواهیم کرد. برای تحقق چنین جامعه ای، همه باید همّت کنند، و تمام نیرو و توان خود را، برای شناخت و معرفی و شناساندن اسلام و دستورات آن، و پیاده کردن آنها، بکار گیرند. در این مسیر، بیشترین نقش را می توانند نوجوانان و جوانان عهده دار شوند. و در بین نوجوانان و جوانان، دختران نوجوان، بیش از پسران می توانند ایفای نقش کنند. که بدون شک، تو دختر خوب و عزیزم، یکی از آنان هستی، که از روحیه ات چنین ایده ای و منشی، استنباط می شود. پس بکوش و بکوشید و بکوشیم که احکام نورانی و مترقی اسلام را بشناسیم و بشناسانیم، و خالصانه به آن عمل کنیم، و عمل به آن را، به روشهای معقول و منطقی، از دیگران مطالبه کنیم.

توفیق روز افزون برای تو و دیگر جوانان فداکار و سلیم النفس این آب و خاک، آرزو می کنم.

درباره یک موضوع اجتماعی در چه مکان هایی می توان قضاوت کرد؟

پرسش

درباره یک

موضوع اجتماعی در چه مکان هایی می توان قضاوت کرد؟

پاسخ

رسیدگی و قضاوت درباره موضوعات اجتماعی از نظر زمانی و مکانی باید به گونه ای باشد که به تأمین آثار مثبت اجتماعی ِ آن قضاوت کمک کند; به همین جهت به نظر می رسد که درباره هر موضوعی باید مکان مناسب آن موضوع را در نظر گرفت برای مثال اگر می خواهیم درباره مسئله ای که صبغه فرهنگی و دانشگاهی دارد، به قضاوت و بررسی بپردازیم بهترین و مناسب ترین مکان برای این کار، دانشگاه ها و مراکز فرهنگی هستند، و اگر درباره مسائل شهر و آبادی آن اظهار نظر کنیم بهتر است در شهرداری ها انجام شود، و درباره اداره شهر در فرمانداری ها و... . البته مسجد از جمله مکان هایی بوده که از صدر اسلام محل ّطرح و بررسی موضوعات اجتماعی بوده است به گونه ای که از طرح مسائل دینی گرفته تا مسائل بین المللی مانند پذیرایی از سفرا و نامه به دولت ها... در مسجد انجام می شده است البته امروزه نیز بهترین مکان برای بررسی برخی مسائل همان مساجد است ولی این فقط منحصر به مسائلی است که مربوط به اصل اسلام و مصالح کلّی نظام اسلامی می شود که جنبه اجتماعی پیدا کرده باشد و امام مسلمانان لازم بداند در حضور مردم به بررسی آن بپردازد. شبیه آن را می توان در قسمتی از خطبه های نماز جمعه مشاهده کرد که چگونه امام جمعه به بررسی برخی امور دینی اجتماعی ِ مردم می پردازد، ولی نمی توان گفت مسجد امروزه جایگاه طرح هر مسئله اجتماعی

است زیرا مسجد جایگاه عبادت و طهارت می باشد و در حدّ امکان باید به همین منظور از آن استفاده شود; چنان که قرآن می فرماید: "لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا;(توبه ۱۰۸) آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن]به عبادت بایستی در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند." تذکراین نکته لازم است که اگر می بینیم در صدر اسلام از مسجد، به عنوان محل طرح همه مسائل استفاده می شده است جهتش این بوده که هنوز ارگان های نظام اسلامی نهادینه نشده بودند; تا امکان آن باشد که هر کدام در محل و مکان مناسب خود، به کار بپردازند; مانند آن که ما در اوّل انقلاب از مساجد، انواع بهره برداری ها را از اقامه نماز تا آموزش نظامی می کردیم ولی امروزه برای نظام یافتن امور و اختصاص مکان های مناسب برای هر یک از کاری نیازی به این امر نیست خلاصه آن که بررسی هر امری باید در مکانی که با آن امر، تناسب دارد انجام بگیرد.

۳درباره بسیج توضیح دهید ؟

پرسش

۳درباره بسیج توضیح دهید ؟

پاسخ

ج۳- در باره بسیج حضرت امام خمینی«ره » که همیشه بر نقش مردم و اهمیت حیاتی آن در تأمین سلامت و موفقیت نظام تأکید می کردند با درایت خاصی در آذرماه ۱۳۵۸ طی بیانات مبارکی , ضرورت تشکیل مدرسه ای عمومی و کار بردی بنام بسیج مستضعفین را اعلام نمودند . درسخنان امام« ره» سابقه بسیج به بیداری قوم بنی اسرا ئیل و قیام آن برضد ظلم فرعونی و به زمان حضرت موسی(ع) بر می گردد و بسیج اصحاب پا برهنه و فقیر صدر اسلام در مقابل بت پرستان مکه در نظر می آید.

مراد امام حضرت امام خمینی« ره» از بسیج فراتر از معانی کلمه مذکور در لغتنامه ها و یا ذهنیت مرد ماست در اندیشه امام به عنوان موسئس یک چنین نهادی بنا شدن سازمانی اجتماعی است با ابعاد متعدد و با مشارکت تمام اقشار جامعه در راه رشد و آزادی .

سابقه بسیج درنظر امام گویای این مطلب است :که ملت ها در قرون و اعصار به دعوت رهبران الهی بسیج شده اند تا ضمن دست یابی به دین الهی به رشد و آزادی و استقلال مطلوب برسند بعد از پیروزی انقلاب امام فرمان دادند تا برای دفاع از ممکلتی که آن موقع ۲۰ میلیون جوان داشت بیسج ۲۰ میلیونی تشکیل شود . بنظر امام این اسلام است که به سوی رشد و آزادی حقیقی ندا میدهد و هم اسلام است که همه قشر ها را در یک جامعه به هم می پیوند و می تواند فعالیتی نو در جامعه بپا کند . بسیج عمومی یعنی:

همین .

اما چرا مساجد به عنوان پایگاه ها انتخاب شد ؟ ریشه اسلامی و وحدت گرایانه و سادگی و دور از تشریفات که از مختصات پیش بینی شده برای این نهاد بود . بهترین مکان را در آغاز انقلاب مساجد دید چون از صدر اسلام همواره مسجد به عنوان یک سنگر و مکان جمعی در حکومت اسلامی مطرح بوده است. امام خمینی حتی جهان اسلام را فرا می خواند . ایشان می فرمایند : من پیشنهادی کردم که اگر عمل کنند إن شاء الله تمام مستضعفین جهان چه مسلمان و چه غیر مسلمان با یک حزب جهانی با حزب مستضعفین که همان حزب الله است اینهمه مشکل را در عالم رفع کنند و هیچ قدرتی نمی تواند با این قدرت های الهی مقابله کند (۳/۶/۵۸)روز قدس که از سوی امام به عنوان یک روز جهانی در آخرین جمعه هر ماه مبارک رمضان تعیین شد قدس در همین راستا بود . بسیج خود یاری برای محرومیت زدایی یکی از ابعاد همگانی این طرح بزرگ ملی است . امام حسابی به شماره ۱۰۰ در تمام شعب بانکی افتتاح کردند, و از تمام کسانی که توانایی داشتند . دعوت نمودند که برای مشارکت در خانه سازی برای محرومان به این حساب پول واریز کنند .

بسیج سواد آموزی یکی دیگر از ابعاد این طرح است . نهضت سواد آموزی ایران امروزه به عنوان یک الگو از طرف سازمان ملل متحد کشورها درحال توسعه و جهانی سوم معرفی می شود .بسیج در امر سازندگی وخود کفائی بویژه در امر کشاورزی منجربه تشکیل جهاد سازندگی شد .در دانشگاه ها

نهـادی بنـام جهـاد دانشـگاهی تأسـیس شـد که امروز واقعا طرح های بزرگ علمی و صـنعتی را به پیش می برد . آری جایگاه بسیج در آن موقعیتی که مردم تصور دارند نیست. بلکه نهضتی است برای رشد و آزادی و ادامه استقلال بر اساس اسلام و در تمـام جنبه هـای زنـدگی . برای اطلاـع بیشتر می توانیـد به کتـاب بسـیج در انـدیشه امـام خمینی« ره » , آثار موضوعی دفتر ۲۹ مراجعه کنید .

۱ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفا بگویید ؟

پرسش

۱ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفا بگویید ؟

پاسخ

ج ۱ ازآنجا که جامعه را افراد تشـکیل می دهنـد پس لازم است ابتدا افراد تربیت شوند ، تابتوانند جامعه ای سـعادتمند متکامل ومتفرقی بوجود آورند ، اگر انسانها مباحث تربیتی را بشناسـند وهدف آن رابدانند وبا روشهای صحیح تربیت آشنایی پیداکنند و اصـلاح نماینـد وبه سوی خوبی هـا وارزشـهای اخلاـقی سوق پیـدا کننـد, همواره به سوی تکامـل وترقی در حرکتنـد وعقب مانـدگی وشـکست ذلت وخواری ومفاسـد اخلاقی و اجتماعی دامن گیرشان نخواهـد شد, که از نظر قرآن کریم ونهج البلاغه هدف اساسی همه أنبیا وپیامبران الهی تحقق این آرمان ارزنده است ومی دانیم که مکتب اسلام کامل ترین مکتب تربیتی است که دسـتورات وقوائـد وروشـهای تربیتی آن از چشـمه سار همیشه جاری, وحی الهی گرفته شـده وبا رهنمودهای مـداوم امامان معصـوم « علیهم السـلام » درتئـوری وعمـل لبـاس حقیقت پوشـیده است اکنـون این سؤال مطرح می شود که آیـا اصـلا تربیت ممکن است ، آیا موانع تربیت را می شود ازمیان برداشت ، روشـهای تربیتی کدامند ، چگونه باید فرد وجامعه را تربیت کرد از آنجاکه نهج البلاغه بهترین و گویا ترین زبان قرآن و تبیین کننده مباحث تربیتی اسـلامی است گوش جان به کلمات گوهر بار مولاـ علی « علیه السـلام »می سپاریم : از دیـدگاه نهـج البلاغه تربیت ممکن وروشـهای تربیتی مشـخص وروشن است وبهترین روشـهای مقـابله بـا موانع وآفـات تربیت نیز مورد ارزیـابی قرارگرفته است . علی « علیه السـلام »می فرمایـد : زنهـار ! زنهار! در تربیت وسازندگی خویشتن تلاش کن ، زیرا خداوند راهی

را که باید بروی ، برایت روشن ساخته است وآینده رفتن تو را مشخص وتبیین فرموده است وسپس امیدواری می دهد که اگر از راه روشن الهی بروید و در تربیت خود ودیگران بکوشید حتما پیروز شده وبه سرچشمه سعادت خواهید رسید .

نکته دوم : تربیت پذیری انسان است ، انسان با برخورداری ازعقل وتدبیر وعواطف انسانی تربیت پذیر تر از دیگر موجودات است ومی شود انسان راتربیت کرد. ودرخودسازی وجامعه سازی موفق نمود . علی « علیه السلام »می فرماید : از کسانی نباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی بخشد مگر آنکه سخت درتوبیخ آنها مبالغه شود زیرا انسانهای عاقل با اندرز وآداب پند می پذیرند اما چهارپایان با زدن. (۲)

با توجه به پندپذیری انسان امام « علیه السلام »سفارش می کنند که در تربیت کودک ، درتربیت نفس و درتربیت افراد جامعه باید شتاب نمود و تربیت را برهرکار دیگر مقدم داشت ، زیرا ممکن است آداب وروشهای زشت وناروا دلهای پاک را آلوده سازد وتربیت وسازندگی را ناممکن . لذا در نامه ۳۱ خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی« علیه السلام »می فرماید : من درتعلیم وتربیت تو پیش از آنکه قلبت سخت شود وعقل و فکرت به امور دیگر مشغول گردد مبادرت ورزیدم ، تا با تصمیم جدی به استقبال کارهایی بشتابی که اندیشمندان واهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده اند.

نکته سوم ارزش وجایگاه تربیت است ، که امام « علیه السلام »آن را بالاترین میراث معرفی می نماید. (هیچ ثروتی مثل عقل نیست هیچ فقری چون جهل نمی باشدوهیچ میراثی چون ادب وتربیت

وجود ندارد.)(۳)

نکته چهارم : هدفداری تربیت می باشد زیرا امکان تربیت وضرورت خودسازی وبازپروی جامعه را بسیاری ازمکتب ها پذیرفتند. اما می پرسند چرا خود راتربیت کنیم ورنج فراوان خودسازی برخود هموارکنیم واز لذتها وخوشی ها بگذریم ؟

اما آنچه اسلام رادربرابر دیگر مکاتب توحیدی ممتاز میکند هدفداری انسان وتربیت اوست بدیهی است تا مبانی اعتقادی قرآن ونهج البلاغه را نپذیریم به هدفداری انسان و حرکت تکاملی بشر به سوی قیامت وبهشت جاویدان را باور نکنیم تربیت ومقررات واحکام تربیتی بدون پشتوانه اخلاقی واجرایی است. پس ابتدا باید مبانی اعتقادی قوی ومحکم بوجود آورد تا افراد باور کنند که دراین دنیا برای هدفی آمده اند وبیهوده آفریده نشده اند پس ازآن با شناخت عوامل تربیت وتقویت آنها وسازندگی فرد وجامعه پرداخت

ازجمله عوامل تربیت : ۱- پدر ومادر آموزشگاه آغازین هر فردی خانه وخانواده می باشند وپدر ومادر ودیگر افراد خانواده می توانند مربی لایق وموفق فرزندان باشند یا عامل اساسی انحراف آنها

۲- خانواده : فرزندان وکودکان از اعضای خانوده الگو می گیرند ازاین رو امام « علیه السلام » سفارش می کند با خانواده خوب وصالح روابط دوستانه برقرارکنید.

۳- استاد وآموزگار : لذا دردستورات دینی به هم نشینی با علما ودانشمندان توصیه شده است.

۴- جامعه ومحیط زندگی : پس درانتخاب مکان زندگی ومحیط اجتماعی باید دقت نمود.

۵- دوستان : امام « علیه السلام »می فرماید بر حذر باش ازدوستی با احمق که می خواهد به تو نفع برساند ولی زیان می رساند. (۴)

۶- علما ونصیحت کنندگان : علما از عوامل مهم تربیت به شمار می آیند که باید به آنان

احترام گذاشت وگوش دل به سخنانشان سپرد .

۷- حکومت ورهبری : که هم مسؤلیت تربیت فرد وجامعه را دارد و هم به عنوان یکی از الگوهای تربیتی مطرح است.

۸- الگوهای موفق تربیت شده.

۹- قرآن وتعالیم انسان ساز آن.

۱۰- همسایه وهمسایگان زیرا بدون روابط با همسایگان نمی شود به زندگی اجتماعی تداوم بخشید لذا باید درخرید منزل وانتخاب همسایه دقت نمود.

۱۱- تبلیغات : که گاهی به شکل وعظ وخطابه یا نصیحت واندرز وزمانی به عنوان امربه معروف ونهی ازمنکر درجامعه اسلامی مطرح می شود.

۱۲- سنن وآداب صحیح اجتماعی.

۱۳- تاریخ گذشتگان وعبرت گرفتن ازآن.

۱۴- انقلاب و قیام وحرکت موفق یک امت : بهترین وارزنده ترین مربی وآموزگار دلهای آماده تربیت است. نعمت انقلاب ازبزرگترین عوامل تربیتی است امید است انشاءالله انقلاب ما به انقلاب مهدی موعود« علیه السلام » متصل گردد.

منابع :

۱- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, نامه ۳۰/۳

۲- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, نامه ۳۱/۱۰۸

۳- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, حکمت ۵۴

۴- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه ,حکمت ۳۸/۲

تربیت درنهج البلاغه, مؤلف دفترنشرامام علی « علیه السلام » انتشارات ضریح آفتاب.

آینده ایران و اسلام را چگونه می بینید؟

پرسش

آینده ایران و اسلام را چگونه می بینید؟

پاسخ

با استفاده از آیات و روایات بسیار متعددی که وعده پیروزی , گسترش و جهانگیر شدن اسلام را داده از قبیل : ((و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)), (قصص / ۵) ((الاسلام یعلو و لا یعلی علیه)) و...., آینده بسیار درخشانی برای دین مبین اسلام وجود دارد و این از وعده های حتمی و تخلف ناپذیر خداوند می باشد. البته زمان تحقق آن را فقط خداوند می داند. ولی می توان علائم و زمینه های تحقق آنرا با توجه به حوادثی از قبیل وقوع انقلاب اسلامی ایران و تأثیراتی که این انقلاب در بیداری مسلمانان و گسترش اسلام در بسیاری از نقاط دنیا داشته است , مشاهده نمود.

مطالعه حوادث تاریخی که در حوزه اسلام و مسلمانان روی داده است این واقعیت را نشان می دهد که علیرغم اینکه روند گسترش اسلام در جهان در مجموع یک روند صعودی می باشد, ولی دارای یکسری فراز و نشیب هایی بوده وقفه های طولانی در این خط سیر بوجود آورده , و برخی از دولتهای اسلامی نابود شده اند, همه این حوادث بیانگر این اصل مهم قرآنی می باشد که ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ; خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند)), (رعد / ۱۱).

در این آیه مبارکه ((ما بقوم)) رو بنا و ((ما بانفسهم)) زیر بنا است . بنابراین بقاء و دوام هر تحولی و

انقلابی , همانند اصل هر گونه تغییر و تحول و انقلاب در جوامع بشری و سرنوشت آنان , بستگی به خودشان دارد. بر این اساس با توجه به در نظر گرفتن واقعیاتی از قبیل تهاجم همه جانبه غرب در مقابل گسترش اسلام , وجود حکومتهای وابسته به غرب , در کشورهای اسلامی وجود اسرائیل به عنوان دشمن اصلی اسلام در قلب جهان اسلام , و... که همه تهدید کننده ماهیت اسلام می باشد, و وجود و استمرار مؤلفه های ذیل می تواند در تداوم و بهبود وضعیت مسلمانان , و گسترش اسلام خواهی در جهان مؤثر باشد:

۱- تداوم انقلاب اسلامی ایران به عنوان ام القری کشورهای اسلامی , به عنوان کانون امید بخش و حامی نهضتهای اسلامی و آزادیبخش در سراسر جهان .

۲- وحدت و همدلی تمامی مذاهب اسلامی , تکیه بر نقاط مشترک و پرهیز از تفرقه .

۳- تلاش مجدانه مسلمانان برای پیشرفت در زمینه های مختلف علمی , صنعتی , تکنولوژیکی و... و رها شدن از عقب ماندگی و وابستگی به غرب در اقتصاد, صنعت , دانش و فن آوری و...

۴- عمل به تعالیم و ارزشهای والای اسلامی و...

اما در مورد آینده ایران اسلامی باید گفت: انقلاب پدیده ای اجتماعی است و به مثابه موجودی زنده در دریای حوادث به حیات خویش ادامه می دهد و چه بسا با موانع و آفاتی روبرو شود، شناخت آفات و دشمنان انقلاب عامل مهم در تحقق یافتن آرمان های انقلاب، حفظ دستاوردها، تنظیم سیاستهای کل نظام، حل مشکلات و حفظ مشروعیت حکومت محسوب شده و آینده هر انقلابی را رقم می زند.

استاد مطهری(ره) پس از پیروزی انقلاب فرمود:

«امروز نیز ما درست در وضعی قرار داریم نظیر اوضاع ایام آخر عمر پیامبر(ص)... اکنون باد از خود ترس داشته باشید. از منحرف شدن نهضت و انقلاب است که باید ترس داشته باشید. اگر با واقع بینی و دقت کامل با مسایل فعلی انقلاب مواجه نشویم، و در آن تعصبات و خودخواهی ها را دخالت دهیم، شکست انقلابمان بر اساس قاعده «واخشون» و بر اساس قاعده ان الله لا یغیّر حتمی الوقوع خواهد بود. درست به همانگونه که نهضت صدر اسلام نیز بر همین اساس با شکست روبرو شد.»، (مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۲۷ ۲۸).

مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با ضرورت و اهمیت آسیب شناسی انقلاب می فرمایند: «میکرب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می یابد، نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمانها، دنیاطلبی،اشتغال به زینت های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه هایی از تأثیر میکرب ارتجاع و عقب گرد است. پرداختن به مال و مال اندوزی دچار شدن به فسادهای اخلاقی مالی و فساد اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی که خود یک فساد بسیار خطرناک است، و نیز جاه طلبی های غلط و نامشروع، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می کند.»، (کیهان، ۱۷/۱۰/۱۳۷۳)

امام راحل در وصیت نامه سیاسی الهی خود رمز تداوم انقلاب را چنین معرفی می کنند: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو

رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می باشد.»

امام علی(ع) مهمترین موانع انقلاب و اسباب شکست نهضت ها را کینه توزی، تفرقه، پشت کردن به یکدیگر و ترک یاری معرفی می نمایند: «ما نظروا الهی ما صاروا الیه فی آخر امورهم حین وقعت الفرقه و تشتت الالفه» ؛ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۸۵).

بر این اساس آینده ایران اسلامی بستگی به این دارد که آیا نظام اسلامی با همکاری مردم می تواند آسیب های متعددی که این انقلاب نوپا را تهدید می کند پشت سرگذاشته و با موفقیت از آنها بیرون آیند یا نه: این آسیبها را می توان در چند دسته خلاصه نمود:

الف آسیبهای فرهنگی اجتماعی عبارتند از:

۱ نفوذ اندیشه های بیگانه.

۲ تغییر جهت دادن اندیشه ها از اهداف و نیات خدایی به اهداف و نیّات غیر خدایی.

۳ تجدد گرایی افراطی یا التقاط و زهدگرایی منفی.

۴ جدا کردن دین از علم و سیاست و تفرقه بین حوزه و دانشگاه.

۵ بوروکراسی مفرط و فساد اداری و اجتماعی.

۶ دنیاطلبی و اشتغال به زینتهای دنیوی.

۷ اشائه فحشاء و مراکز فساد و تأثیر پذیری از جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن.

۸ تغییر ارزشهای انقلاب.

ب آسیب های سیاسی عبارتند از:

۱ ناتمام گذاشتن تحقق آرمانهای نهضت از قبیل، آرمانهای جهانی انقلاب اسلامی، مبارزه با ظلم و اقامه قسط و عدل در سراسر جهان و اتحاد امت اسلامی.

۲ رخنه فرصت طلبان: استاد مطهری در این باره می فرمایند: «... هر چه از دشواریها کاسته می شود و موعد چیدن ثمر نزدیک تر می گردد، فرصت طلبان محکم تر و پرشورتر پای

علم نهضت سینه می زنند، تا آنجا که تدریجا انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به در می کنند...»، (مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲).

۳ تفرقه و درگیر شدن در گرداب اختلافات داخلی و استفاده نکردن از نیروهای بالقوه مردمی.

۴ بی تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت اجتماعی خویش و غیر سیاسی شدن دانشگاهها.

۵ ایجاد تردید نسبت به آرمانهای انقلاب.

۶ جاه طلبی های غلط و نامشروع.

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن استقلال و آزادی.

۸ بازگشت استعمار به طریق آشکار و نهان و وابستگی نظامی و سیاسی به ابر قدرتها و...

ج آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی:

امام علی(ع) علل سقوط اقتصادی سیاسی حکومتها را چنین بیان می کند: «یستدل الادبار باربع: سوء التدبیر، و قبح التبذیر و قله الاعتبار و کثره الاعتذار ؛ می توان چهار علت برای زوال دول برشمرد: سوء تدبیر و ضعف مدیریت تبذیر ناروا و هزینه های زیانبار اقتصادی عبرت نگرفتن از تجارب سودمند عذرخواهی مکرر به جای جبران خطاهای گذشته» (غرر و درر، ص ۳۵۴)

مهمترین آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی را می توان در موارد ذیل برشمرد:

۱ وابستگی اقتصادی به ابرقدرتها، بالاخص آمریکا

۲ تحت الشعاع قرار گرفتن توسعه اقتصادی یا عدم توجه به بحرانهای ناشی از توسعه اقتصادی

۳ وابستگی به نفت به عنوان مهمترین اقلام صادرات و منبع ارزی کشور.

۴ عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی

۵ جدا شدن مردم از برنامه های دولت در طرح های سازندگی

۶ مال اندوزی و تکاثر ثروت اندوزان

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن عدالت اجتماعی و زیاد شدن فاصله فقیر و غنی.

۸ بی توجهی به مستضعفین و ولی نعمتان انقلاب و عنایت علیحده به اغنیاء؛

۹ بی توجهی به

خواسته های مشروع نسل جوان (از قبیل اشتغال مسکن، ازدواج و...) که آینده سازان انقلاب و ایران اسلامی بوده، و عدم شکل گیری روند کامل و صحیح جامعه پذیری در انتقال ارزش های انقلاب و اسلام به نسل جوان در جهت تقویت هویت اسلامی و ملّی آنان و جلوگیری از آفات مخرب تهاجم فرهنگی و...

اما علیرغم آسیبهای فوق که انقلاب اسلامی را تهدید می نماید و آینده ای تاریك و مبهم را برای ما ترسیم می نماید نگاهی به موفقیتها و دستاوردهای مثبت و ارزنده انقلاب اسلامی در حل مشکلات و بحرانهای متعدد, وجود مردمی با ایمان و پایبند به ارزشهای اسلامی , خط امام و رهبری , وجود مسئولان آگاه , دلسوز, و متعهد و عزم جدی آنها برای حل مشکلات و تلاش در جهت پیشرفت مادی و معنوی جامعه و ارتقاء سطح علمی , فرهنگی , صنعتی , تکنولوژیکی و... می توان به آینده ای کاملا" درخشان برای ایران اسلامی امیدوار بود انشاء الله .

چه راهکارهایی را می توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راهکارهایی را می توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

ضمن تشکر از جناب عالی هم به خاطر دغدغه تان نسبت به رشد و تعالی و پیشرفت وضع جامعه و هم به خاطر ارتباط با ما، در پاسخ به پرسش شما نکات ذیل را خاطر نشان می سازیم:

اولاًـ: راهکارهای عملی نه تنها از تئوری جدا نیستند بلکه مبتنی بر آن است، از این رو در پاسخ به همین سؤال هر کس با دیدگاه نظری خود راهکارهائی عملی را ترسیم خواهد نمود.

ثانیاً: با مبنای تئوریك ما دین عامل سعادت دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی بشر است، و دین اسلام جامع ترین ادیان الهی و شریعت محمدی(ص)، شریعت خاتم است، موارد ذیل به نظر می رسد که در بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به عنوان راهکارهای عملی مفید و مؤثر باشد:

۱- اجرای صحیح و تمام عیار و بی مسامحه، بی توجیه، بی شائبه و بی واهمه احکام اسلامی

بر اساس دستورات دینی مفسد فی الارض، حکمش اعدام است، متعدی و متعرض به ناموس مسلمین و اهانت کنندگان به شعایر دینی باید تعزیر شوند، دست دزد قطع گردد، اما آیا ما به ندای رهبر عظیم الشأن انقلاب در این زمینه عمل کردیم؟! آیا مسئولین محترم نظام، آنچنان که بایسته و شایسته بود در راستای مبارزه با فساد اجتماعی و اقتصادی اقدام نمودند.

جنـاح بنـدی و سیاسـی کاری، وا همه از نظرات مـدعیان حقوق بشـر، تبعیض در بین افراد و جریانات در مقام اجرا و نیز برخی فرصت طلب

ها و منفعت طلبان از جمله موانع این راه هستند که باید برطرف شود.

۲- عدالت اجتماعی و اقتصادی

شکاف طبقاتی، تبعیض و بهره مندی وافر عده ای و محرومیت مطلق عده ای دیگر ظلم است که بنیان های یک اجتماع را سست و متزلزل می کند. باید با وضع قوانین مناسب، ترتیبی اتخاذ شود که از فرصت های کاری، همه یا اکثر مردم به حسب تخصص و توانمندی های خود بهره مند گردند، نه این که یک عده از چندین شغل رسمی و غیر رسمی بهره مند باشند و دیگران آه بکشند.

در وضع مالیات ها هم، در موقع قانون گذاری باید دقت شود و هم در هنگام أخذ که متأسفانه در بسیاری از موارد هم در وضع قانون، به نحو غیر کارشناسانه است و هم در مقام گرفتن مالیات با دست و دلبازی های برخی و تبعیض و اهمال برخی دیگر مواجه می شویم.

۳. بازرسی از همه نهادهای حکومتی به گونه ای که علی(ع) به مالک اشتر فرمودند: یا مالک تو باید در دولت خود جاسوس داشته باشی اما نه جاسوس برای مردم و ایجاد محدودیت و سلب آزادی از آنان بلکه جاسوس برای کارگزاران و عمال خودت تا درست کار کنند.

چه نهادی در مجلس، قوه قضائیه، مجریه، شرکت ها و مؤسسات دولتی و ... این مسئولیت را به عهده دارد؟ چه گونه عمل می کنند؟ اگر به گونه صحیح عمل می شد آیا ما شاهد این همه پارتی بازی، رشوه گیری ها و مفاسد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بودیم؟! آیا همه استانداران خود را موظف به این فرمان می دانند؟ آیا اصولاً بر اساس

اعتقاد به این اصول منصوب می شوند؟

۴. قاطعیت در برخورد با حیف و میل کنندگان بیت المال، متصدیان به حقوق عمومی

۵. تشدید روحیه استبکار ستیزی و معامله نکردن ارزش ها با مصالح سیاسی

۶. امر به معروف و نهی از منکر و حضور جدی مردم در افشاء انحرافات، برخورد با انحرافات، پشتیبانی از مقام ولایت.

مهم ترین نیاز جامعهء اسلامی در عصر کنونی چیست ؟

پرسش

مهم ترین نیاز جامعهء اسلامی در عصر کنونی چیست ؟

پاسخ

پاسخ جامع به این سؤال , نیازمند ترسیم ویژگی های مسلمانان عصر کنونی است ; یعنی بدانیم آنان ازلحاظ فکری و فرهنگی و اخلاقی و سیاسی و اجتماعی و نیز از جهات علمی و صنعتی و کشاورزی و استقلال وخودکفایی , در چه موقعیتی قرار دارند و در گذشته چه موقعیتی داشته اند؟ پس از مقایسهء وضع حاضر و گذشته , علل پیدایش وضعیت متفاوت , مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گیرد. این گونه نقد و بررسی و تجزیه و تجلیل به عهده ء است و از حوصله و ظرفیت این گفتار بیرون است , اما جهت آگاهی و هشدار اشاره ای می کنیم تا ازخواب های پریشانی که فتنه انگیزان خود باخته و فرهنگ فروشان بیگانه پرست در یکی دو قرن اخیر, مخصوصاً اززمان پهلوی تا کنون برای امت اسلامی به خصوص جوانان غیرتمند شیعهء علوی دیده اند, بیداری حاصل گردد.

به اعتراف دوست و دشمن هنوز از تولد اسلام نیم قرن نگذشته بود که قسمت عمدهء آباد کرهء زمین از آسیا تاآفریقا و از آن جا تا اروپا, در سیطرهء نفوذ نظامی و علمی و فرهنگی و اخلاقی و سیاسی و سازندگی اسلام قرارگرفت .

مسلمانان هر کجا را فتح می کردند, به آبادانی آن و تبلیغ و تدریس فرهنگ و علوم می پرداختند و به تأسیس مسجد و مدرسه اقدام می نمودند و بر خوردشان با جامعهء مغلوب و افکار و عقاید آنان به گونه ای بود که می گوید:

و در آه و حسرت خویش می سوخت و می گفت :

پروردگارا! ای کاش همهء ملت های اروپا, روش مسلمانان را سرمشق خود قرار می دادند.(۱)

اما در عصر کنونی ورق برگشت و مسلمانان پوستین پیشرفت و ترقی را وارونه به تن کردند و دوران انحطاط وعقب ماندگی را طی می کنند و دنیای غرب , اگر چه در بُعد اخلاقی و انسانی از مرحلهء فاجعه گذشته و به سقوطسرازیر گشته , لکن از جنبه های علمی و فنی پیشرفت نموده اند. آیا جوانان که طلایه داران آیندهء جامعه و امت اسلامی هستند, نباید علل پیشرفت عظیم مسلمانان و پس رفت و انحطاط ذلت آمیز کنونی را مورد بررسی قرار دهیم تا ریشه های عزت و ذلت را شناسایی نماییم ؟

جهت آشنایی با تاریخ درخشان اسلام و خدمتی که دین الهی و پیروانش به فرهنگ و تمدن بشریت در تمامی رشته های علمی و فنی نموده اند, چند کتاب زیر را جهت مطالعه معرفی می کنیم و به اختصار سؤال شما را پاسخ می دهیم :

۱ دانش مسلمین , محمد رضا حکیمی .

۲ خدمات متقابل اسلام و ایران , شهید مطهری .

۳ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی , زین العابدین قربانی .

۴ علل پیشرفت و انحطاط مسلمین , زین العابدین قربانی .

برادر عزیز, نیاز اساسی امت اسلامی در همهء اعصار و قرون , شناخت قرآن و پیروی از آن است . به عبارت دیگر,اقتدار و عظمت مسلمانان و بازگشت قدرت و شوکت ممتاز آنان در سایهء دو امر نهفته است , که یکی اصل و دیگری فرع آن است .

۱ بازگشت به زندگی قرآنی و آن را تابلوی راهنمای زندگی خویش در همهء عرصه های زندگی فردی

واجتماعی قرار دادن .

۲ اتحاد همهء امت اسلام و فرقه ها در زیر پرچم قرآن .

باز گشت به قرآن نیازمند رو آوردن به شناخت و معرفت صحیح آن است و این را باید از اهل البیت و ائمه : که قرآنِ ناطق و مفسران حقیقی قرآن هستند, اخذ نمود. وقتی قرآن , راهنمای عمل انسان قرار گرفت , اتحاد و وحدت محقق می گردد, زیرا قرآن از یک سو می گوید:

زنید و پراکنده نشوید>.(۲)

این امر مهم را مکرر تذکر می دهد و می فرماید دشمنان نه تنها در صددند میان مسلمانان اختلاف ایجاد کنند,بلکه می خواهند در محتوای دین هم نفوذ کنند, زیرا آن ها حیات و هستی و منافع خود را در اختلاف و تفرقه میان مسلمانان می بینند, چنان که با تفرقه و تبعیض میان انبیا در صدد تضعیف دین و ارزش های آن برآمدند:

پیامبرانش جدایی افکنند>.

قرآن در سوره انعام یکی دیگر از طرح های توطئه آمیز آنان را برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان افشا می کند ومی فرماید: . گرچه برای خداشناسی راه های مختلفی و به تعبیر امام خمینی , به شمار انسان ها وجود دارد, ولی دین و راه حق , یکی بیش نیست . راه حق (صراط) را مفرد ذکر کرده , اما راه انحرافی را که جمیع سبیل است , ذکر نموده است .

قرآن با دل سوزی , آثار و نتایج خسارت بار و جبران ناپذیر اختلافات , نزاع ها و کشمکش های داخلی میان مسلمانان را گوشزد می کند و می فرماید: محور وفاق و وحدت باید اطاعت از دستورهای خدا و پیروی از فرامین

رهبری باشد: .

سید جمال الدین اسد آبادی می گوید: .(۳)

از سویی دیگر قرآن می فرماید: .(۴)

چرا قرآن می گوید: بیایید دعوت قرآن را بپذیرید تا شما را زنده کند؟ مگر مخاطبان قرآن , مردگان قبرستان بودندیا انسان های فعال و متحرک در دنیا؟

از دیدگاه قرآن فرد یا جامعه ای که در جهل و نادانی به سر می برد و محبت و مهربانی و تعاون و دستگیری ازضعفا و همدلی و اتحاد, جای خود را به انتقام جویی و اختلاف و تفرقه و دشمنی و تجاوز داده است , آن ها, مرده های متحرکی هستند که به جای قرار گرفتن در زیر خاك , روی زمین راه می روند و لذا خداوند به پیامبر می گوید: و یا می فرماید:

القبور;(۵) تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گورها خفته اند برسانی >. هر مرده ای را داخل قبر می گذارند, اما

کسی که روح حیات و زندگی در او مرده است , در قبرهای مختلفی مدفون است . قبر شهوت , قدرت , ثروت , ملیت وقومیت , تحزّب و جناح گرایی , بلکه جناح پرستی و... شاید تعبیر به در آیهء شریفه به همین نکته اشاره داشته باشد. اقبال لاهوری می گوید:امروز روح اسلامی در مسلمانان مرده است (چون قرآن را از صحنهء زندگی خود کنارگذاشته اند) از تاریخ مردن تفکر اسلامی پانصد سال می گذرد.(۶)

شیخ محمد عبده مصری می گوید: .(۷)

(پاورقی ۱.محمد رضا حکیمی , دانش مسلمین , ص ۱۰۵

(پاورقی ۲.آل عمران (۳ آیه ۱۰۳

(پاورقی ۳.حسن عاشوری لنگرودی , بررسی علل پیشرفت و عقب ماندگی در جهان اسلام و راه

حل ها, ص ۵۱

(پاورقی ۴.انفال (۸ آیهء ۲۴

(پاورقی ۵.فاطر (۳۵ آیهء ۲۲

(پاورقی ۶.مرتضی مطهری , احیای تفکر اسلامی , ص ۸۴ با تلخیص .

(پاورقی ۷.جمعی از نویسندگان , محمد خاتم پیامبران , ج ۱ مقدمه , ص ۱۹

برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است ؟

پرسش

برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است ؟

پاسخ

سعادت به حسب ریشهء لغوی , متضمن مفهوم عون و کمک است . عرب از آن جهت به کسی رااطلاق کرده است که علل و اسباب به کمك و معاونت او آمده باشد, اما به حسب عرف , معنی سرور و خوشی وآسایش را می دهد.(۱) در واقع سعادت به معنای لذت بردن و خوش بودن و نیل به آرزوها نیست , چون سعادت , همه جانبه است . استاد مطهری می گوید: طرح و تنظیم برنامهء سعادت , فرع بر این است که انسان با تمام استعدادهای مکتومی که دارد, شناخته شود, زیرا سعادت از شکفته شدن استعدادها و بروز و ظهور و فعلیت یافتن قوه ها پیدامی شود. سعادت حقیقی وقتی حاصل می شود که تمام استعدادهای انسانی , بالاخص استعدادهای عالیِ وجود وی ,از قوّه به فعلیت برسد.

انسان با همهء استعدادهایش باید شناخته شود, تا طرح و تنظیم چنین برنامه ای ممکن و میسر گردد. از طرف دیگر با توجه به این که با همهء پیشرفت های عظیمی که نصیب بشر در علم و صنعت شده و با همهء کشفیات شگفت آوری که در دنیای جمادات و نباتات و جانداران صورت گرفته , انسان هنوز موجودی ناشناخته است ; پس بایدقبول کرد هنوز علم بشر نتوانسته است مدعی شود می تواند طرح سعادت بشر را تنظیم کند.(۲) بر این اساس برای شناخت عوامل سعادت و خوش بختی باید به سراغ قرآن و عترت برویم . اسلام بشر را از جنبهء جسم و جان و ازجهت معنوی و مادی مورد توجه قرار داده

است و سعادت انسان را در برخورداری از کمالات روحی و استفاده ءصحیح از تمایلات مادی می داند; از این رو عواملی مادی و معنوی را در تحصیل سعادت مؤثر می داند, که عبارتنداز:

۱ ایمان به خدا; قرآن مجید در سورهء عصر, افرادی را از خسران مستثنی کرده است و آن افراد مؤمن ونیکوکارند. آن ها به فلاح و رستگار نائل می شوند.

۲ تقوا و خودسازی ; قرآن مجید پس از یازده سوگند به صراحت می فرماید: .(۳)

استاد مطهری می گوید: پیغمبران الهی آمده اند که به ما راه زندگی و درِ ورودی زندگی و خوش بختی را نشان دهند. آمده اند به بشر بفهمانند بدی , بدکاری , هوس بازی , دروغ , خیانت , منفعت پرستی , کینه توزی و خود پرستی ,راه ورودی زندگی و طریق رسیدن به سعادت و آرامش و رضایت خاطر نیست . درِ ورودی زندگی و خوش بختی ,نیکی و نیکوکاری , راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی است . تنها ایمان و اعتقاد به معنویات و سپس نیکوکاری بر اساس آن اعتقادات مقدس است که قلب را آرام و رضایت خاطر را تأمین می کند وسعادت را میسر می سازد.(۴)

۳ یاد خدا; قرآن مجید مهم ترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد خدا می داند و می فرماید: ,(۵) و روی گرداندن از یاد خدا را عامل سیه روزی می داند و می فرماید:

گرداند, زندگی اش تنگ می شود>.(۵)

۴ عمل صالح ; قرآن کریم اموری همانند جهاد در راه خدا, امر به معروف , نهی از منکر,

شکر نعمت های الهی وتوبه را مایهء حیات و سعادت انسان می شناسد.

۵ هم نشینی با بزرگان ; پیامبراکرم ۶می فرماید: .(۶)

۶ همسر, فرزند و منزل شایسته ; در روایتی رسول خدا۶می فرماید: .(۷)

۷ پند پذیری ; امام علی ۷می فرماید: .(۸)

۸ عاقبت به خیری ; امام صادق ۷از امام علی ۷نقل می کند: .(۹)

در مورد مفهوم گستردهء سعادت , از مطالعهء کتاب کودک از نطر وراثت و تربیت , ج اول بهره مند شوید.

(پاورقی ۱.استاد مطهری , مقالات فلسفی , ج ۲ ص ۶۰

(پاورقی ۲.استاد مطهری , مقالات فلسفی , ج ۲ ص ۹۶

(پاورقی ۳.شمس (۹۱ آیهء ۹

(پاورقی ۴.حکمت ها و اندرزها, ص ۴۰ ۴۱ با تلخیص .

(پاورقی ۵.طه (۲۰ آیهء ۱۲۴

(پاورقی ۶.بحارالانوار, ج ۷۴ ص ۱۸۵

(پاورقی ۷.بحارالانوار, ج ۱۰۴ ص ۹۸

(پاورقی ۸.نهج البلاغهء فیض الاسلام , خطبه ۸۵

(پاورقی ۹.تفسیر نمونه , ج ۹ ص ۲۵۰

بسیج یعنی چه ؟

پرسش

بسیج یعنی چه ؟

پاسخ

بسیج یعنی آمادگی و مجهّز بودن .() بسیج مشتضعفان برای حفظ و حراست از دست آوردهای انقلاب (پاورقی ۱.فرهنگ

معین : ماده ء: بسیج .

و خنثی سازی توطئه های دشـمنان داخلی و خارجی انقلابِ شکوهمند اسلامی ایران به فرمان حضرت امام خمینی ره که تمام سعی و کوشش خود را برای اعتلای کلمهء اسلام و عزت و شرافت ملت ایران صرف کرد, در ۱۳۵۸/۹/۵شکیل شد.

امام خمینی فرمود: .

پس از تشکیل بسیج مستضعفان جوانان عزیز با مراجعه به محل های اعلام شده از طرف سپاه پاسداران در همه ءشهرهای میهن اسـلامی , شـروع به فراگرفتن تعلیمـات نظـامی کردنـد. بسـیجیان قهرمـان در دوران دفـاع مقـدس درجبهه هـای حق علیه باطل حماسه های به یادماندنی آفریدند و با حضور عاشقانه در رزمگاه های سخت و خطوطمقدم جبهه , قلب مولای خود امام زمان ۷و نـایب بر حقش حضـرت امام خمینی را شاد و دشـمن را ناکام نمودنـد. باحضور بسـیجیان در جبهه , نیروهای نظامی اعم از سپاه و ارتش , قوّت روح و قـدرت بازوی بیش تر احساس می کردنـدو حملات مؤثر علیه دشـمن بعثی انجام دادنـد. امروز هم هراس اصـلی دشمنان انقلاب از حضور بسیجیان جان بر کف و مردم مؤمن در صحنه می باشد. مناطق دلاوری های بسیجیان و سـایر نیروهـای نظـامی در میـدان هـای رزم , همه سـاله زیارتگـاه عاشـقان و دلسوختگان و مردم عزیز کشورمان می باشـد. در دیـدگاه امـام خمینی ره بسـیجیان از چنـان ارزشـی برخوردار بودنـد که فرمود: . خداونـدا! به احترام اولیائت , روحیهء بسـیجی رابرای جوانان عزیز کشور در همهء دوران عنایت فرما.

یک فرد مسلمان باید چه خصوصیاتی اعم از سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟

پرسش

یک فرد مسلمان باید چه خصوصیاتی اعم

از سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟

پاسخ

یک مسلمان اسلام را به عنوان یک ایدهء برتر پذیرفته است و باید به آن پای بند و متعهد باشد و نسبت به قوانین اسلام و اجرای آن ها در جامعه کوشا باشد و نگذارد که فساد و گناه جامعه را فرا بگیرد و از مفسدان وغوغاسالاران حمایت نکند و چون در کشور عزیز ما حکومتی به عنوان اسلام بر پا شده است که با چپاولگران داخلی و خارجی سر سازش ندارد و آمریکا را شیطان بزرگ می داند و تمام مفاسدی که در دنیای اسلام به وجود می آیدنقش آمریکا و دیگر قدرتهای استعمارگر را مشاهده می کند آمریکا که با انقلاب اسلامی و با شعار اللّه اکبر و باجانفشانی هزاران مرد و زن و جوان و کودک این مرز و بوم از این کشور رانده شد, سعی می کند از پنجره وارد شود وپس از بیست سال مبازره دوباره به سرخانهء اول برگردد و متأسفانه عده ای غربزده و بی هویت با انواع ترفندها سعی در این کار دارند ولی شما جوانان عزیز با اطاعت از ولایت فقیه که رکن اصلی انقلاب اسلامی است اجازه نخواهیدداد که آمریکا و اسرائیل دوباره بر این کشور مسلط شود و سیاستهای خود را به مسئولان کشور دیکته کند.امام خمینی (ره) فرمود: همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به انقلاب شما آسیبی نرسد.

نکتهء دوم این که باید جوانان با شیطنت هایی که فرهنگ غربی از آسمان و زمین بر این کشور وارد می کند مبارزه کند. فرهنگ غربی که غیرت و عفت و مردانگی و شرافت و کرامت انسانی را

از انسان می گیرد و انسان را از هویت خود تهی می کنـد و سـیل وار به کشور ما هجوم برده و نسل جوان انقلاب را با ماهواره و اینترنت و عکس ها و فیلم ها ونوارهای مبتذل به خود جذب می کند. جوانان ما باید بادقت و بینش از ترفندهای دشـمن و به تعبیر رهبر معظم انقلاب از شبیخون فرهنگی خود را سالم نگه دارد.

نکتهء سوم : با مطالعهء قرآن و نهـج البلاغه و راز و نیاز با خدا و اهمیت دادن به نماز مخصوصاً با حضور در مساجد ونمازهای جمعه بُعد دینی و اسـلامی خود را تقویت کنیم و بر آگاهی های اسـلامی و معرفتی خود بیافزاییم ان شاءاللّه شـما جوانان عزیز در سـایهء محبّت های حضـرت بقیه اللّه الاعظم ۷از گزنـد حوادث مصون و محفوظ بمانید و باعث روشـنی چشم آن حضـرت باشید.

به نظر شما مشکل اصلی جامعه ما و سایر جوامع بشری چیست؟

پرسش

به نظر شما مشکل اصلی جامعه ما و سایر جوامع بشری چیست؟

پاسخ

به نظر مـا مشـکل تمـام جوامع بشـری از ابتـدا تـا کنون کمبود اخلاق و تهـذیب نفس است. بیشترین دردی که دامنگیر جوامع بشـری شـده از ناحیه این کمبود است. اگر همه انسان ها مهـذّب و متخلّق به اخلاق اسـلامی به تمام معنا باشـند جهان گلسـتان بلکه بهشت می شود که همه در کنـار هم بـدون هیـچ ظلم و تجاوزی زنـدگی می کننـد. این همه جنایات در دنیا به خاطر این است که انسان ها دنبال تهذیب نفس نیسـتند. از زبان ها ، قلمها، اسـلحه ها، قدرتها و مقام ها ، مفاسدی در جهان بروز می کنه که بشـریت را زیر سؤال می برد . بی جهت نبود که وقتی خداونـد می خواست انسان را بیآفریند ملائکه گفتند: أتجعل فیها من یُفسد فیها و یسـفک الدّماء و نحن نسبّح بحمدک و نقدس لک.[۵] آیـا می خواهی موجودی بیآفرینی که در روی زمین فساد کند و خونریزی کند . ما ملائکه تو را تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم.

امّا در بین انسان ها ، افراد پاک مهذّبی نیز هستند که از جانب آنان هیچگونه ظلم و جنایتی به افراد دیگر وارد نمی شود.

۱[۵] بقره(۲) آیه ۳۰.

بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟

پرسش

بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟

پاسخ

یکی از رموز کامیابی این است که جوان رشته ای را تعقیب کند که مطابق ذوق و سلیقه و توانایی روحی و فکری او باشد. دستگاه آفرینش همه را یکنواخت نیافریده و در همه افراد بشر توانایی همه کار را به ودیعت ننهاده است، بلکه برای گردش چرخ های اجتماع، افراد را با ذوق و استعداد های مخصوصی آفریده است. تا هر یک رشته ای را دنبال کند که ذوق آن را دارد، و کاری را انجام دهد که از عشق باطن و نیروی فطری او سرچشمه می گیرد.

پاره ای از شکت ها و ناکامی های جوانان، معلول انحراف از این اصل مسلّم است که در هر سری شوری است. خوش بخت کسی است که ذوقش را دریابد. بنابراین اگر شما در هر رشته ای که مورد علاقه تان است تحصیل نمایید، موفقیتش بیشتر است.

البته چنان چه به دورس حوزوی علاقه مند باشید و استعدادش را داشته باشید و آینده اش را از نظر مادی و معنوی در نظر داشته باشید و با ملاحظه همه جوانب باز علاقه داشته باشید بهتر است که علوم حوزوی را انتخاب نمایید.

عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟

پرسش

عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟

پاسخ

درباره این مسأله نظریّاتی به این شکل طرح می شود:

۱. نظریّه نژادی: طبق این نظریّه، عامل اساسی پیش برنده تاریخ، برخی نژادها هستند. بعضی نژادها استعداد تمدّن آفرینی و فرهنگ آفرینی دارند و بعضی دیگر ندارند.

«کنت گوبینو» فیلسوف معروف فرانسوی طرفدار این نظریّه است.

۲. نظریّه جغرافیایی: طبق این نظریه، عامل سازنده تمدّن و به وجودآورنده فرهنگ و تولیدکننده صنعت، محیط طبیعی است. این اقلیمهای خاص و منطقه های خاص می باشند که پیش برنده و نوآفرین می باشند. منتسکیو دانشمند جامعه شناس فرانسوی قرن هفدهم، در کتاب معروف روح القوانین طرفدار این نظریّه است.

۳. نظریّه قهرمانان: طبق این نظریه اکثریّت افراد بشر فاقد ابتکارند، دنباله روند، مصرف کننده اندیشه و صنعت دیگران اند؛ اما همواره کم و بیش در هر جامعه ای یک اقلیّت مبتکر، ابداعگر، پیشرو و پیشتاز، تولیدکننده اندیشه و آفریننده صنعت وجود دارد و آنان هستند که تاریخ را به جلو می رانند و وارد مرحله جدیدی می کنند. «کارلایل» فیلسوف انگلیسی چنین نظریه ای دارد.

۴. نظریه اقتصادی: کارل و مارکس طرفدار این نظریه است.

۵. نظریّه الهی: تحوّلات و تطوّرات تاریخ، جلوگاه مشیّت حکیمانه و حکمت بالغه الهی است. پس آنچه تاریخ را جلو می برد و دگرگون می سازد اراده خداوند است. «بوسوئه» مورّخ و اسقف معروف، طرفدار این نظریّه است.

اینها نظریّاتی است که معمولاً در کتب فلسفه تاریخ به عنوان علل محرّکه تاریخ طرح می شود،

از نظر ما غالباً این نظریات به علت محرّکه تاریخ که در پی کشف آن هستیم مربوط نمی شود. مثلاً نظریّه نژادیک نظریه جامعه شناسانه است و از این جهت قابل طرح است، اما راز فلسفه تاریخ همچنان مهجول می ماند. اینکه عامل،

یک نژاد باشد یا همه نژادها راز تحرّک تاریخ را نمی گشاید.

همچنین نظریّه جغرافیایی. این نظریّه نیز به نوبه خود مربوط به یک مسأله جامعه شناسی مفیدی است. اما پرسش اصلی سر جای خود باقی است.

از اینها بی ربط تر نظریّه الهی است. مگر تنها تاریخ است که جلوه گاه مشیّت الهی است؟ همه عالم، از آغاز تا انجام با همه اسباب و علل و موجبات و موانع، جلوه گاه مشیّت الهی است. نسبت مشیّت الهی با همه اسباب و علل جهان علی السّویّه است. همچنانکه زندگی متحوّل و متطوّر انسان جلوه گاه مشیّت الهی است، زندگی ثابت و یکنواخت زنبور عسل هم جلوه گاه مشیّت الهی است.

نظریّه اقتصادی تاریخ نیز فاقد جنبه فنّی و اصولی است. نظریه اقتصادی تاریخ به این صورت که طرح شده، فقط ماهیّت و هویّت تاریخ را روشن می کند که مادّی و اقتصادی است و همه شؤون دیگر به منزله اَعراض این جوهر تاریخی است.

نظریّه قهرمانان، اعمّ از اینکه درست باشد یا نادرست، مستقیماً به فلسفه تاریخ، یعنی به عامل محرّک تاریخ مربوط می شود.

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پرسش

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پاسخ

علائم و شرایط جامعه صالح را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

شرط نخست، این است که افراد و اجزای جامعه بتوانند بی اضطراب و دغدغه در آن، به زندگی خود ادامه دهند و زندگی و سلامتی آنان تهدید نشود و جان همه در امان بماند. جامعه ای که اعضایش امنیت جانی نداشته باشند، بی شک جامعه فاسدی است.

شرط دوم، آن است که اعضای جامعه، امنیت مالی داشته باشند. اگر در جامعه، اموال مردم را نابود کنند، بمب بریزند و خانه هایشان را ویران کنند، کشتزارهایشان را به آتش بکشند، یا آفتی برای باغها و مزارعشان ایجاد کنند که بازده کامل را نداشته باشد و یا به هر شکل دیگر، زیان مالی به اعضای جامعه وارد شود، این هم نوعی فساد اجتماعی است و کسانی که دست به این گونه خیانت ها بزنند و این کارها را بکنند، مفسد هستند. آیه شریفه ((یهلك الحرث و النسل)) به همه این موارد نظر دارد.

شرط سوم، حفظ آبرو و حیثیت افراد در جامعه است. اعضای جامعه، انتظار دارند عرض، آبرو، شخصیت و حرمتشان، در

جامعه محفوظ بماند، اگر در جامعه ای شخصیت افراد مصونیت ندارد، کسانی به ناحق ترور شخصیت می شوند، افراد بی گناه متهم می گردند و آبرویشان تهدید می شود، چنین جامعه ای نیز آلوده به یک نوع فساد اجتماعی است.

شرط چهارم، وحدت، همدلی و عواطف متقابل است که باید در بین افراد جامعه حاکم باشد. در یک جامعه صالح باید بین افراد و گروههای جامعه روابط صحیح برقرار باشد؛ چنان که در زندگی خانوادگی، بین

زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، خواهر و برادر و ... وجود دارد.

شرط پنجم، حفظ حیثیت معنوی اعضای جامعه است. البته ((حیثیت معنوی)) مفهوم وسیعی دارد و به یک معنی موضوع شخصیت و عرض و آبرو را هم می توان حیثیت معنوی تلقی کرد، اما منظور ما از حیثیت معنوی در این جا، صرف ابعاد مربوط به عقل و روان انسان است؛ مثل عقاید و افکار که مربوط به مسائل عقلی و نظری است و اخلاق که مربوط به مسائل روانی است.

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پرسش

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجّه قرار داده است. بخش عمده ای از احکان و نظامهای اسلام، اجتماعی است; از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟

پرسش

چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟

پاسخ

مسلمانان در صورتی می توانند سعادت و عظمت را کسب کنند که دارای حکومتهای مستقل و غیر متکی باشند; زیرا تا وقتی که ملتها تحت اسارت کشورهای بزرگ استعماری و حکومتهای مزدور و دست نشانده هستند، نمی توانند رشد علمی و عظمت و سعادت داشته باشند و ناگزیز بازاری برای کشورهای مترقی خواهند بود.

امید است با الهام گرفتن ملتها از انقلاب اسلامی ایران با کوتاه کردن دست ابرقدرتها بتوانند در پرتو تعلیمات مترقی اسلام

تعالی و عظمت یابند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۴۱

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادتمند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیه می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۵۱

قرآن کریم، جامعه ایده آل را چگونه معرفی میکند؟

پرسش

قرآن کریم، جامعه ایده آل را چگونه معرفی میکند؟

پاسخ

جامعه ایدهآل، از نظر قرآن کریم، جامعهای است که:

۱. قانون آن، حکم خداست; هنگامی که بپذیریم سراسر عالم آفرینش مخلوق خداست، باید قبول کنیم که "ملک تام" اوست و طبیعی است که "حاکمیت مطلق" بر چنین جهانی قبل از هر کس و هر چیز از آن او خواهد بود: "إِنِ الْحُكْمُ إِلاّ لِلَّه;(انعام، ۵۷) حاکمیت و فرمان تنها از آن خداست، حکومت در درجه اول مخصوص ذات پاک خداوند است، سپس برای هر کس که او حکومت را به او عطا کند، خواهد بود.

۲. رهبری آن، پیامبران الهی و امامان و جانشینان پیامبراکرماست; اطاعت همه پیامبران الهیو امامان معصوم: واجب است: "يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِى الأَمْرِ مِنكُم...;(نسأ،۵۹) ای کسانی که ایمان آوردهاید! اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را..."

۳. در این جامعه، امنیت، قسط و عدل، تعلیم و تربیت و... حاکم است; "هُوَ الَّذِى بَعَثَ فِى الأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَتِهِى وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَب...;(جمعه،۲) او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت، تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد..."، در آیهای دیگر به یکی از اهداف مهم بعثت انبیأ: اشاره کرده و میفرماید: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَبَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْط;(حدید، ۲۵) رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب]آسمانی[و میزان]شناسایی حق و قوانین عادلانه[نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند."

۴. مردم در

این حکومت مؤمن هستند و از قوانین اسلامی تبعیت میکنند; مردم بر اساس حق داوری کرده و از تبعیّت هوا و هوس دوری میورزند، اقامه نماز، ایتأ زکات، امر به معروف و نهی از منکر از برنامههای این مردم است: "الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلَوه...;(بقره،۳) آنان که به غیب ایمان میآورند و نماز را بر پا میدارند و..." و آیه ۴۱ سوره حج.(ر.ك: ولایت فقیه، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجأ / پیام قرآن، آیتالله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۰، ص ۳۵۱۱۱، دارالکتب الاسلامیه / حقوق و سیاست در قرآن، استاد محمد تقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی;.)

استقلال فردی اجتماعی و شیوه هایی که قرآن برای کسب آن ها بیان کرده چیست

پرسش

استقلال فردی اجتماعی و شیوه هایی که قرآن برای کسب آن ها بیان کرده چیست

پاسخ

انسان ها بر حسب طبع مدنی هستند و هر گز از زندگی دسته جمعی بی نیاز نیستند.(ر.ك المیزان علامه طباطبایی ، ترجمه موسوی همدانی ج ۲، ص ۱۷۵۱۷۶، دفتر انتشارات اسلامی / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۳، ص ۳۸۹، دارالکتب الاسلامیه) لذا برای ادامه حیات به یکدیگر نیازمندند. استقلال انسان ها و جوامع به معنای بی نیازی کامل و صد در صد از یکدیگر نیست زیرا هیچ انسانی به تنهایی نمی تواند همه نیازهایش را پاسخ گو باشد.

استقلال یعنی وابسته نبودن و برای برطرف شدن نیازها، اطاعت بی چون و چرا نکردن از دیگران

اگر فرد یا جامعه ای به این مرحله برسد که برای رسیدن به خواسته ها و نیازهایش هر چه دیگران می گویند اطاعت کند، گرچه بر خلاف عزّت و شرف انسانی و عقل و دستورات الهی باشد، چنین فرد یا جامعه از خود استقلال ندارد.

برخی از راه هی بدست آوردن استقلال فردی و اجماعی عبارت است از:

۱. توکل و تکیه بر خداوند و از منبع فناناپذیر قدرت الهی کمك طلبیدن یکی از چیزهایی که ممکن است به استقلال ضربه بزند، مشکلات و حوادث سخت زندگی است توکل بر خدا، سبب می شود تا مقاوت انسان در برابر مشکلات افزایش یابد.

"...وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ;(ابراهیم ۱۲)... و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند."

از مجموع آیات قرآن استفاده می شود که منظور از توکل این است که در برابر عظمت مشکلات

انسـان احساس حقارت و ضـعف نكننـد ،بلكه با اتّكا بر قـدرت بى پايان خـدا، خود را پيروز بدانـد. بنابراين توكل اميـد آفرين نيروبخش و سبب فزونى مقاومت است

توكل بر خدا آدمى را از وابستگى ها كه سرچشمه ذلت و بردگى است نجات مى دهد و به او استقلال و آزادگى مى بخشد.

۲. تلاش و فعاليت در تمام ابعاد زندگى "وَ أَن لَّيْس ـِلِلاْ ?نسَن ـِإلآ مَا سَعَى ـ ;(نجم ۳۹) و اين كه براى انسان جز حاصل تلاش او نيست " "وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّه ٍ...;(انفال ۶۰) و هر چه در توان داريد از نيرو بسيج كنيد..." "هُوَ الَّذِى جَعَل ـَلَكُم ُالاْـ ?رْض ـَذَلُولاً ـ فَامْشُواْ فِى مَنَاكِبِهَا وَ كُلُواْ مِن رِّزْقِه ..;(ملك ۱۵) اوست كسـى كه زمين را براى شـما رام گردانيـد، پس در فراخناى آن رهسپار شويد و از روزى خدا بخوريد..."

اين آيات و مانند آن مسلمانان را به تلاش و فعاليت ترغيب مى كند.

۳. اعتمـاد به نفس و در برابر بيگـانه احسـاس حقـارت نكردن و خود را كوچـك تر از آنان نديـدن و توانايى خود را كم تر از آنان ندانستن

۴. اتحـاد مسـلمانان تفرقه و اختلاف سـبب به هـدر رفتن امكانات و نيروها و زمينه ساز وابسـتگى است "وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْل ِاللَّه ِجَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُوا...;(آل عمران ۱۰۳) و همگى به رسـيمان خـدا چنگ زنيـد و پراكنده نشويد..."; "وَأَطِيعُواْ اللَّه ـَوَرَسُولَه ُو وَلاَ تَنَزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَب ـَرِيحُكُم ..;(انفال ۴۶) و از خـدا و پيامبرش اطاعت كنيـد و با هم نزاع مكنيد كه سـست شويدو مهابت شما از بين برود..."

۵. صبر و استقامت در برابر مشكلات فردى و اجتماعى

و پایداری بر اصول اسلامی "وَ أَلَّوِ اسْتَقَمُواْ عَلَى الطَّرِيقه ِ لَا ?سْقَيْنَهُم مَّآءً غَدَقًا ;(جن ۱۶) و اگر مردم در راه راست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم "(ر.ك الميزان علامه طباطبایی ج ۴، ص ۶۵; ج ۱۹، ص ۳۵۷; ج ۹، ص ۱۱۴۱۱۵، ۹۵; ج ۲۰، ص ۴۶، مؤسسه اسماعیلیان / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۰، ص ۲۹۶۲۹۸; ج ۱۲، ص ۲۳۳ و ۲۴۶; ج ۱۹، ص ۴۲۶; ج ۲۰، ص ۱۴۹; ج ۲۳، ص ۳۰۷، دارالکتب الاسلامیه)

مهمترین مولفه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟

پرسش

مهمترین مولفه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟

پاسخ

مؤلفه های مهم دانشگاه اسلامی - که باید در پی تحقق آنها بود - عبارت است از :

۱- علم و تخصص ۲- معارف دینی ۳- اخلاق و تهذیب ۴- خودباوری و اعتماد به نفس ۴- استقلال و اتکای ذاتیدر عین استفاده از یافته ها و تجارب دیگران ۶- جامع نگری و بینش اجتماعی و سیاسی ۷- آرمان گرایی و هدفداری۸- تعهد و دلسوزی در راستای اصلاح و سامان بخشیدن به امور جامعه.

بنابراین تعهد و تخصّص، دو مؤلفه لازم و همراه در دانشگاه اسلامی هستند.

در رابطه با اسلامی کردن دانشگاه ها، مسلما تلاش هایی صورت گرفته؛ لیکن تا رسیدن به مقصد و مطلوب نهایی،همچنان راه درازی در پیش است و مشارکت جدی همگان را می طلبد.{J

ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست.و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم.

پرسش

ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست.و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم.

پاسخ

ویژگی های دانشگاه اسلامی فراوان و متعدد است: مهمترین ویژگی آن است که باید روح حاکم بر دانشگاه و سیاست ها و مدیریت ها و برنامه ریزی ها سرچشمه گرفته از تعالیم عالیه اسلامی باشد. مسؤولان و اساتید و دانشجویان با مبانی فکری و عقیدتی اسلام عمیقا آشنا بوده و از نظر روش و عملکرد، میزان و ملاك آموزه های دینی باشد. چنین دانشگاه باید سرشار از نشاط و پویایی نشأت گرفته از ایمان و اخلاص باشد و هدف و انگیزه همگی تعالی و تکامل خود و اجتماع و نظام اسلامی و

پیشی گرفتن در علم و دستاوردهای علمی و ترقی کمی و کیفی آن باشد. رفع نیازهای نظام اسلامی و قطع وابستگی های علمی و فنی آن و جبران عقب ماندگی ها و فاصله از دیگر کشورها از هدف های مهم دانشگاه اسلامی است. نوآوری و خلاقیت و ابداع و به کار گرفتن تمام نیرو و فکر و اندیشه در راه تولید علم از ویژگی های دانشگاه اسلامی و دانشجوی مسلمان متعهد است.

هر دانشجو می تواند به نسبت خود در رسیدن به دانشگاه ایده آل اسلامی سهم مهمی بر عهده داشته باشد. با مطالعه عمیق مبانی دینی و اسلامی و سعی در آراسته شدن به فضایل اخلاقی و الهی و ایجاد ارتباط با دیگر دانشجویان همفکر و انتقال افکار و اندیشه های خود به یکدیگر و داشتن اتحاد و در صف واحد بودن و موضع گیری های مناسب و عقلایی در موارد ضروری و مهم و از همه مهمتر

با تلاش پیگیر علمی و تحصیلی و فتح قله های علم و دانش در تحقق این مهم می توان نقش مؤثری ایفا نمود.

مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست.

پرسش

مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست.

پاسخ

عبارتند از:

۱. بحران هویت در جوانان ناشی از تهاجم فرهنگی دشمنان و نفوذ برخی نامحرمان و نا اهلان در ارکان کشور.

۲. مشکلات اقتصادی ناشی از عدم کمبود اشتغال، شکاف طبقاتی و...

۳. مفاسد اداری ناشی از رشوه گرفتن، پارتی بازی، عدم نظارت صحیح و...

۴. سیاسی کاری و باندبازی که آثار مخرب در همه سطوح.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ك:

– آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، نشر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۹

– توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۷

– آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸

– شیوه های درمانی مفاسد اجتماعی، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱

– ۲۵ گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، نشر هماهنگ، ۱۳۸۲

یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات میدانی در دو زمینه اجتماعی فرهنگی را دارند به نظر کارشناسان محترم از کجا باید شروع کرد؟ چه چیزهایی در اولویت قرار دارند؟ گستره فعالیت را چگونه در نظر

پرسش

یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات

میدانی در دو زمینه اجتماعی فرهنگی را دارند به نظر کارشناسان محترم از کجا باید شروع کرد؟ چه چیزهایی در اولویت قرار دارند؟ گستره فعالیت را چگونه در نظر بگیرند؟

پاسخ

کاربرد روش تحقیقات میدانی آنهم در زمینه های اجتماعی و فرهنگی، یکی از نیازها و ضرورت های اساسی جامعه ماست که متاسفانه به دلایلی به این موضوع مهم، توجه جدی نشده است. از اینرو اقدام شما عزیزان مورد تقدیر و تحسین است.

اما اینکه از کجا باید شروع کرد و چه چیزهایی در اولویت قرار دارد؟ و دامنه و گسترهء تحقیق چه مقدار باشد؟ به موضوعاتی نظیر میزان امکانات، زمان و انگیزه و دغدغهء اصلی شما از انجام این تحقیقات ، باز می گردد، که باید با محاسبه صحیح و واقع بینانه، به تشخیص آن بپردازید.

در گام اول باید یک پرسش نامه تنظیم گردد که نیازها و گرایش های جوانان از نتایج آن قابل استحصال باشد. و در این باره می توانید با برخی مراکز نظرسنجی و استادان جامعه شناسی ارتباط برقرار کرده و نمونه گیری کنید.

تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟

پرسش

تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟

پاسخ

در ابتدا باید به این موضوع بپردازیم که منظور از جامعه سالم چیست؟ و چه تعریف و شاخص هایی از جامعه سالم داریم؟ مسلما پاسخ این سوال نسبت به نوع جهان بینی و دیدگاه های افراد متفاوت است؛ دیدگاهی که بر جهان بینی مادی و منقطع از ماوراء استوار است، به ظواهر جامعه و شاخصه های ویژه ای (نظیر نظم، بهداشت، امنیت و ...) که بر این اساس ترسیم شده است، اکتفا می کند، اما دیدگاهی که مبتنی بر جهان بینی الهی است و با دیدی واقع بینانه به تمام ابعاد وجودی انسان نظر دارد، هرگز به چنین تعریفی از جامعه سالم اکتفا نمی کند. بلکه جامعه ای را سالم می داند که علاوه بر این شاخصه های مادی، به ابعاد معنوی و روحی انسان در راستای تکامل فرد و جامعه توجه داشته و آنها را در نظر بگیرد.

بر این اساس از دیدگاه توحیدی جامعه سالم در واقع همان جامعه اسلامی و جامعه مبتنی بر دین است. در هر صورت پی بردن به اینکه آیا جامعه ما جامعه ای سالم است نیازمند شناخت دقیق جامعه ی اسلامی، ویژگی های آن و تطبیق آن بر جامعه ی کنونی ماست:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین»(جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی

جامعه ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی دینی دغدغه ی دین دارد و این دغـدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محـدود نمی شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه ی دینی، جامعه ی مـدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ – ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). :

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی تابد(نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت

آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه ی کنونی ایران مشخص می شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و

فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است.

حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنگ های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم

است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امهٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از

میـان بردارد. امـا آیـا اینکه بـا فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصـلاح و جامع کاملاً اسـلامی خواهـد شـد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسـهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنـای این اصـل مهم هرگونه تغییری در سـرنوشت انسـان هـا و اصـلاح یـا انحطـاط اجتمـاعی و فردی یک جامعه، منوط به خـواست و اراده انسـان است. افراد یـک جـامعه، زمـانی به طور کامـل اصـلاح می شونـد که بر اسـاس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتواننـد از شـرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسـلامی به وجود آمـده اسـتفاده کننـد و راه تعـالی و تکامل خود را در پیش گیرنـد. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شـرایط محیطی (قوانین اسـلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ امـا به هیـچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شـرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهـدیم که در طول تاریـخ، بـا این که پیشوایـان الهی (ماننـد پیـامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده انـد و تمام شـرایط و زمینه های رشـد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان

معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت باید بدانیم که مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی در جامعه ما، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد.

نکته دیگر آنکه در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیّت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدّی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

بر این اساس وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه

نه تنها نبایـد باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصـلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسّل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟

پرسش

راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟

پاسخ

هر خرده گروهی در ابتـدا بایـد هدف وجودی خود را تعیین و تبیین کند، بالاخص اگر بدنبال اهداف فرهنگی هم باشد. یعنی باید قبل از بکارگیری وسایل، هدف نهایی را مشخص نموده، سپس وسایل مشروع را برای رسیدن به آن هدف بکار بست.

شما نیز که مایل به دوام گروه فرهنگی خود هستیـد در ابتدا باید چارتی مشخص را بدور از هر گونه کلی گویی شعار ریخته سپس آنرا با توانائی ها و وسائل خویش بسنجید (سعی کنیـد در این زمینه به افراط و تفریط نیفتیـد) سپس در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکنید. معمولا در ابتدای تشکیل، گروهها بخاطر عدم آگاهی از سختی راه اعلام آمادگی کرده ولی در ادامه مسیر آمادگی کمتری نشان می دهند.

پس در قدم اول بایـد هـدف تشکیل گروه خود را در چارت و سازماندهی مشخص متناسب با نیازهای جامعه و توانائی های خویش ترسیم کنید. سپس باید با استقامت به آن جامه عمل بپوشانید.

در آخر بایـد نکتـه ای را متـذکر شـد و آن اینکـه: علت عـدم اسـتمرار بسیاری از گروه هـای فرهنگی ـ دانشـجویی که حتی سازمانـدهی هم شـده است آن است که خود را از لحاظ تخصـص علمی بالا نیاورده به تولیـد علمی دست نمی زننـد. به انجام برخی کارهای سطحی و تکراری بسنده کرده در حالیکه نیاز اصلی کشور ما در حال حاضر داشـتن تخصـص علمی و تولید فکری است (آنهم متناسب با نیازهای اسلامی). شما نیز اگر برای رسیدن به چنین هدفی برنامه ریزی و سازماندهی دقیق درسی

و فرهنگی داشته باشید، ان شاء الله موفق خواهید بود.

برای اطلاعات بیشتر به سخنان مقام معظم رهبری _حفظه الله_ خطاب به دانشجویان دانشگاه تهران در رابطه با تولید فکری و نهضت نرم افزاری مراجعه کنید.

ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲-موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هستند ۴- به هدف رسیده اند ۵- چه ترکیبی . سنی. جنسی . درآمدی .شغلی . تحصیلاتی رادربردارند ۶- چه آداب ورسومی را دنبال می کنند ۷- چ

پرسش

ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲-موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هستند ۴- به هدف رسیده اند ۵- چه ترکیبی . سنی. جنسی . درآمدی .شغلی . تحصیلاتی رادربردارند ۶- چه آداب ورسومی را دنبال می کنند ۷- چه رسانه ای را برای تبلیغش انتخاب کرده ۸- اجرا و باز خوردش چه بوده ??? معذرت می خواهم اگر تعداده سوالات زیاد بود .....

پاسخ

ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر نسبتا تشکیلات نوپایی است که علاوه بر اینکه اطلاع رسانی دقیق پیرامون ان صورت نپذیرفته، از نظر جایگاه قانونی و حوزه وظایف و اختیارات ان نیز برخی ابهامات و جود دارد، از این رو در راستای پاسخ گویی به ابعاد مختلف سوال شما ابتدا گفتگوی یکی از نشریات با دبیر کل این ستاد اورده می شود و سپس جدیدترین تصمیم گیری پیرامون این ستاد از سوی قوه قضاییه مطالبی اورده می شود

الف. گفتگو با دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

سوال:اصلا ایده تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از کی بوجود آمد و هدف تشکیلش چه بود؟

امر به معروف و نهی از منکر با تعریف صحیح آن یک چیز جدیدی نیست که ما آورده باشیم یا حتی اسلام آن را آورده باشد، در طول تاریخ امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته. این مساله اختصاص به یک دوره و زمان خاص یا حتی اختصاص به یک دین خاص ندارد، در تمام ادیان الهی و حتی

غیر الهی وجود داشته است و اسلام تنها این فرضیه را تایید و تاکید کرده است. اما این تعریف صحیحی که از این مسئله باید بشود و اسلام آن را تایید می کند و عقلی و فطری هم هست ، این است که این مساله به معنای نظارت همگانی است ، نه اینکه یک گروه باشند که دایم به دیگران امر ونهی کنند. باید یک نظارت همگانی در جامعه شکل بگیرد. اگر آن نظارت همگانی وجود داشته باشد، زمینه احیای کارهای خوب فراهم می شود و جلوی بسیاری از مفاسد هم گرفته می شود. احیای امر به معروف و نهی از منکر، یعنی اینکه ما این فرهنگ نظارت همگانی را زنده کنیم.

اما در مورد تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، این کار بر مبنای نظر مقام رهبری صورت گرفت. ایشان فرمودند همانطوری که در مورد نماز و روزه کار شده است ، در مورد این فریضه هم کار بشود.

این طور بود که تعدادی از افراد متدین و مذهبی تصمیم گرفتند تا در این مورد در یک مجموعه و محور مشترک کار کنند و تمامی فعالیتهایشان را در این زمینه متمرکز کنند. ما چند بار به این دلیل خدمت مقام رهبری رفتیم و گفتیم که نظرمان این است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر را تشکیل بدهیم.

حتی برخی از این هم جلوتر رفتند و گفتند «ستاد اجرای امر به معروف و نهی از منکر» را می خواهیم پایه گذاری کنیم. اما ایشان روی این مسأله تأکید کردند که اگر می خواهید کار کنید باید ستاد «احیا»ی امر به معروف

ونهی ازمنکر باشد نه ستاد اجرای آن. مگر با ۲۰ یا ۳۰ نفر می شود کاری به این بزرگی را انجام داد؟ نظر ایشان این بود که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر باید در میان مردم بوجود بیاید نه اینکه ما خودمان برویم مستقیما این کار را انجام دهیم. ایشان معتقد بودند که باید آنقدر کار فرهنگی انجام بدهیم که این فرهنگ در میان مردم جا بیفتد که همانطوری که نماز و روزه واجب است ، این کار هم واجب است. بر اساس رهنمودهای ایشان کار ما از همان اول به صورت یک کار کاملا فرهنگی تعریف شد.

سؤال: اما ذهنیت بعضی مردم این است که شما کار اجرایی می کنید. نمونه ای هم که مد نظر آنهاست برخی برخوردهایی است که در سطح شهر شاهد آن بوده اند؟

ما به هیچ وجه کار اجرایی نمی کنیم. کار ما فرهنگ سازی است. ما در زمینه اجرایی وارد نشده ایم.

به اعتقاد ما برخوردهای انتظامی و قضایی صرف درست نیست ، نمی شود که تمام کارها را با برخورد یا دستگیری حل کرد و یا برای احیای معروفها به فشار متوسل شد. انسان به این نوع برخورد به طور طبیعی عکس العمل نشان می دهد و مقاومت می کند. اما اگر با این دید نگاه کنیم که مردم وظیفه دارند برای امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند، همانطوری که برای نماز و روزه وظیفه دارند، خیلی از مسایل و مشکلات حل می شود.

روی این اصل ما در تمام معاونتهای ستاد، یعنی معاونتهای فرهنگی ، تشکلهای مردمی ، سازمانهای اجرایی ، معاونت ادارات و

کارخانجات خودمان تنها این کار را انجام می دهیم که گروهها و تشکلهای درون سازمانی و مردمی را و حتی خانواده های آنها را برای امر به معروف و نهی از منکر فعال کنیم.

آنچه که در اولویت اول ما قرار دارد این است که نظارت همگانی مردم فرهنگ بشود که اگر این انجام شود خیلی از معضلات را نخواهیم داشت.

سوال: فکر می کنید این کار چقدر زمان و انرژی می برد؟ هدف خیلی بزرگی نیست؟

ببینید یک مثال ساده ای که در مورد هدف خودمان می توانم بزنم این است که من خودم شاهد بودم که در آن زمانی که مقررات تردد پلاکهای زوج و فرد برای تردد ماشینها در روزهای مختلف اجرا می شد، ماشینی که در روز تردد ماشینهای زوج با پلاک فرد به خیابان آمده بود، همه مردم بهش نگاهش می کردند و این می شد که خود فرد دایم در عذاب بود و سرش را می انداخت پایین وزیر چشمی نگاه می کرد و این باعث می شد تا دفعه بعد این مساله را تکرار نکند و اگر هم کرد سرش را بیندازد پایین و این آنقدر تکرار بشود تا او این کار را دیگر نکند. این همان چیزی است که ما از احیای امر به معروف ونهی از منکر دنبال آن هستیم. این که امر به معروف و نهی از منکر فرهنگ شود. این فرهنگ که ۱۰ تا چشم به فرد خاطی جوری نگاه کند که او سرش را بیندازد پایین و دیگر آن کار را تکرار نکند. ما معتقدیم کدام پیامبر تا به مردم چیزی گفت حرفش را فورا گوش

دادند که حرف ما را گوش بدهند؟ نوح (ع) ۹۵۰سال گفت فقط یک عده کمی شنیدند.

اما اگر این فرهنگ در میان خود مردم بوجود بیایید که به فرد خاطی فشار اجتماعی بیاورند که او عمل ناپسندش را ترک کند یا به عمل صالح و معروف تشویق شود، آن وقت است که فعالیت ما مثمر ثمر بوده است.

سوال:طبیعتا شما برای ایجاد این فرهنگ و فرهنگ سازی ، پیش از همه با ذهنیتهای نامناسب موجود در این زمینه مواجهید. در این زمینه چه کارهایی انجام داده اید؟

متاسفانه ذهنیتهای نامناسب قبلی در این مورد مشکل بزرگی است که ما به آن مواجه ایم ، اصلا سختی کار ما همین است. ما نه تنها در زمینه آموزش نیروهایمان با دشواری های زیادی مواجه هستیم ، بلکه ذهنیت منفی و حداقل نادرستی که نسبت به این ستاد و حتی این فریضه در جامعه ایجاد شده است نیز به ما به ارث رسیده است. متاسفانه در اوایل انقلاب عده ای با احساس وظیفه نسبت به اقامه این فریضه وارد کار شدند. بالاخره آنها دغدغه این کار را داشتند، نظرشان ادای تکلیف بود، دیده و شنیده بودند که باید امر به معروف و نهی از منکر بشود، اما درست نفهمیده بودند، آموزش ندیده بودند، فکر می کردند که وظیفه آنها زدودن کامل منکرهاست ، درگیر می شدند و مشکلاتی را بوجود می آوردند.

در حالی که وظیفه امر به معروف ، گفتن و رفتن است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب نه اینکه یک نفر ۱۰دفعه بگوید، بلکه ۱۰ نفر یک دفعه بگویند. آنها نمی دانستند که کار آمر به معروف و نهی از

منکر مبارزه با مفاسد و زدودن آنها نیست ، آن کار نیروی انتظامی و ضابطان است.برخورد هم با قوه قضاییه است ، آن هم تحت ضوابط قانونی و مشخص. متاسفانه این فرهنگ در آنجا بوجود نیامده بود و باعث بوجود آمدن ذهنیت منفی شد، اما ما در سالهای گذشته با آموزشهایی که شروع کرده ایم سعی کرده ایم تا این آموزشها را به افراد بدهیم که معنا و مفهوم صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست.

سوال:مثلا چه آموزشهایی؟

ببینید علاوه بر آموزش و یاد گرفتن مسایل مذهبی و اعتقادی ، خود شیوه امر به معروف و نهی از منکر هم آموزش می خواهد. نماز را یک بار یاد می گیرید، تا همان آخر همین است. شرایطش یکسان است ، روزه هم همین طور، اما امر به معروف این طوری نیست که تا آخر به یک صورت باشد. فرد باید با توجه به زمان و مکان خودش این وظیفه را انجام دهد، هر جا و موقعیتی شرایط خاص خودش را دارد.

ما باید علاوه بر آموزش احکام به افراد، به آنها نحوه بیان احکام را هم یاد بدهیم. یک آدم یک جا می تواند امر به معروف کند و نتیجه بگیرد و در همان جا با شرایط دیگر یک فرد دیگر امر به معروف می کند و نتیجه عکس می دهد، چرا که نه تنها شرایط را در نظر نمی گیرد که حتی نحوه بیان صحیح را هم نمی داند. شرایط مکان و زمان روی این مسأله تأثیر می گذارد. توی کوچه یک جور باید امر به معروف کرد و توی خانه یک جور دیگر. طرف

می گوید در خانه میهمان بودیم ، ۵۰ نفر دیگر هم بودند، دیدم منکر انجام می شود، با صاحبخانه برخورد کردم ، اما در اینجا باید به او گفت تو ممکنست که منکر شرعی را بتوانی تشخیص بدهی ، اما آموزش ندیده ای ، نمی دانی اینجا که در خانه مردم نمی شود درگیر شد.

اگر با اخم شد، که شد وگرنه تو پاشو برو. این را اسلام می گوید، من نمی گویم. پاشو برو، با اخم هم برو، اگر تو رفتی و ۱۰ یا ۱۵ نفر دیگر هم این کار را کردند، طرف می فهمد، این واقعا اثر می گذارد.

این باید اساس کار ما باشد، این یک نمونه از آموزشهای ریز وظریفی است که ما باید به اعضایمان که تمام مردم هستند بدهیم. ظاهرا هنوز هم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر چارچوب خاصی وجود ندارد و این می شود که در بسیاری از موارد اعمال سلیقه می شود.

سوال: از جمله اینکه در برخی از موارد با مسایلی برخورد می شود که از دید جامعه و عرف ممکنست منکر و تخلف نباشد یا اینکه لااقل در آن شرایط نباشد؟

همانطوری که گفتم ما در این زمینه با مشکل مواجهیم ، آموزش ندیده ایم. ببینید ما حرام اجتماعی و واجب اجتماعی داریم ، حرام عرفی ، شرعی و فردی داریم. نمی شود که یک حرام عرفی را یک نفر بگوید که حرام شرعی است. اگر ما می گوییم امر به معروف و نهی از منکر کنید، منظورمان حرام بین (آشکار) است. نمی خواهیم برویم دنبال آن چیزهایی که شک در موردشان وجود دارد. یکی

از مسایل امر به معروف این است که بداند که این قطعا و شرعا منکر است و اگر شک دارد نباید وارد عمل بشود، ما کاری به شبهات نداریم. خیلی وقتها که می گوییم چرا این مسئله بوجود آمد، می گویند که مردم منکر را نمی شناسند و درگیری ایجاد می شود. منظورما از منکر بین (آشکار) آن حرامی است که وقتی خود فرد هم انجام می دهد هم خودش و هم جامعه بدانند که مطمئنا این مساله حرام است. کاری که فرد وقتی کرد و به او انتقاد کردی سرش را بیندازد پایین. کاری که اگر فرد کرد تمام مردم نگاهش کنند.

تفکر اساسی که ما به دنبال آن هستیم این نگاههای انتقادی مردمی است. امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم احساس کنند که چشمهایی آنها را نگاه می کنند و آنهایی که اشتباه کردند مردم نگاهشان می کنند. در این صورت اگر فرد اشتباه کرد پیش خودش ناراحت می شود. اما شاید بعضی مردم به این خاطر کمتر به این فریضه توجه می کنند که خیلی از منکرها را کسانی انجام می دهند که در ساختار قدرت هستند. به این ها نمی شود چیزی گفت ، نمی پذیرند و ممکن است برای کسی که دارد وظیفه اش را انجام می دهد مشکل پیدا شود. خودتان بهتر می دانید که منکر فقط بدحجابی و این حرف ها نیست. سوء استفاده از منصب و مقام و اموال عمومی هم منکر بزرگی است... خب البته مشکل امر به معروف ونهی از منکر همین است. مثل نماز و روزه نیست که طرفت خداوند

بخشنده باشد. طرفت انسانی است که ممکن است قدرتمند باشد.این است که امام علی وقتی بین تمام خوبی ها و جهاد قضاوت می کند، می گوید جهاد از همه برتر است ، اما وقتی بین تمام خوبی ها باضافه جهاد با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می کند، می گوید امر به معروف و نهی از منکر.

سوال:بله این مشکل وجود دارد که طرف عکس العمل نشان بدهد، در این شرایط انتقاد وحتی تشویق سخت می شود. بعضی وقتها هست که شما به خاطر یک کار خوب هم از طرف تشکر می کنی و تشویقش می کنی و طرف می گوید به تو چه؟ مگر برای تو کردم؟ اصلا تو چه کاره ای؟

کار امر به معروف این دشواری را دارد. یعنی هم انتقاد کننده و آمر به معروف و ناهی از منکر و هم کسی که به او انتقاد می شود باید آموزش ببینند. این کار مهمی است. ما باید این را جا بیندازیم که در جامعه فرد تنها نیست ، او در یک اجتماع زندگی می کند که یک سری شرایطی را دارد. یک سری امر و نهی هایی دارد، اینها باید جا بیفتد. اما من به این مساله فرهنگ سازی خوش بینم. تا چند سال قبل ، خیلی از مردم از گلهای پارک می کندند و می بردند خانه شان. اما حالا این فرهنگ جا افتاده است که این گلها مال پارک است و نه تنها بقیه افراد آن را درست نمی دانند که فردهم خودش از این کار معذب است ، خب حالا دیگر این یک فرهنگ شده است

، یک فرهنگ عمومی. این فرهنگ انتقاد کردن و انتقاد پـذیری هم فرهنگی است که کم کم جا می افتـد. البته ممکن است به خاطر ذهنیتهای قبلی کمی مشکل باشد.

متاسفانه جایگاه این فریضه در میان مردم روشن نیست. خیلی از مردم متدین در مورد وجوب فریضه نماز، روزه ، حج ، وهیچ تردیـدی ندارنـد. امـا در مورد امر به معروف و نهی از منکر این طوری نیست ، واقعـا جـا نیفتـاده است. هنوز هم خیلی از مردم حتی متـدیینین وقتی کار منکر و خلافی را می بیننـد ممکنست با خودشان بگوینـد به ما چه ربطی دارد، در صورتیکه در مورد سایر فرایض خیلی دقیق هستند.

این دقت را باید همگانی کرد.

(روزنامه جام جم، ۸ اسفندماه ۱۳۸۲)

ب. مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه گفت: فلسفه تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی، تامین و تضمین حقوق و آزادی های شهروندان و جلوگیری از تعرض های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان است.

سیـداحسان قاضـی زاده دربـاره هـدف تشـکیل این سـتاد که اخیرا طی بخشـنامه ای از سوی رییس قوه قضـاییه به رؤسـای کل دادگستری های سراسـر کشور نیز ابلاغ شده است، به ایسنا گفت: در جامعه ما بخش اندکی از جرایم از سوی ضابطان قضایی کشف می شود و در واقع قسـمت عمـده ای از جرایم، آسـیب هـای اجتمـاعی و سوءرفتارهـای اجتماعی که نتیجه آن منتـج به وقوع جرم می شود، بدون کشف باقی می ماند.

مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه در پاسخ به اینکه آیا «تشـکیل این ستاد منجر به افزایش حدود اختیارات ضابطان قضایی نخواهد شد؟»، گفت: ملاک برخورد با جرایم، قانون است نه تشخیص ضابط؛ بر همین اساس هر فعل یا ترک فعلی که

قانون برای آن عنوان مجرمانه و مجازات در نظرگرفته باشد جرم محسوب می شود و ضابط نمی تواند به تشخیص خود عمل کند.

قاضی زاده با بیان اینکه برخورد خودسرانه ضابطان قضایی آموزش ندیده، به بی نظمی در اجتماع منجر می شود، اظهار داشت: هدف این بخشنامه ایجاد محدودیت اجتماعی و یا گسترش حیطه اختیارات ضابطان نیست، بلکه قوه قضاییه با این بخشنامه درصدد تشکیل یکی از بزرگترین مجموعه های مردمی است تا در کشف جرایم به قوه قضاییه و خصوصا دادسرا کمک شود.

مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه با بیان اینکه جامعه ما از نظر امنیتی و سلامت اجتماعی دچار بحران است، گفت: وقتی نمی توانیم سلامت اجتماعی و امنیت عمومی پایدار را به صورت کامل در جامعه حاکم کنیم باید از کانال دیگری این سلامت و امنیت را ایجاد کنیم، که تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی و کنترل اجتماعی نیز در این راستا است.

از قاضی زاده درباره احتمال اقدامات موازی این ستاد با ستاد امر به معروف نهی از منکر سؤال شد. وی پاسخ داد: ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و یا نهادهای دیگری که در این راستا حرکت می کنند از حمایت لازم قضایی و قانونی برخوردار نیستند، برای رفع این مشکلات قوه قضاییه با چاره اندیشی در این باره، این تشکیلات را بوجود آورده است.

وی با بیان اینکه مدیریت، هدایت و کنترل ستاد حفاظت اجتماعی بر عهده قوه قضاییه است، اظهار داشت: بسیاری از جوانان متدین و انقلابی بنا به احساس وظیفه شرعی شان امر به معروف و نهی از منکر می کنند که قوه قضاییه درصدد است با تشکیل این ستاد ضمن آموزش به این افراد، این اشخاص را تحت

کنترل و هدایت خود قرار دهد تا در این راستا از فعالیت های غیرقانونی جلوگیری شود تا تمامی فعالیت ها تحت کنترل قانون و دستگاه قضایی صورت گیرد.

مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه با تاکید بر اینکه قوه قضاییه درصدد است تا از هر اقدام خودسرانه ای جلوگیری کند، به اصل ۱۵۶ قانون اساسی و وظایف این قوه برای پیشگیری از وقوع جرم اشاره کرد و اظهار داشت: این قوه برای اینکه بتواند از هر اقدام خودسرانه، غیرقانونی و خلاف قانون جلوگیری کند، اقدام به ساماندهی علاقمندانی که دارای شرایط لازم هستند، می کند.

وی تاکید کرد: افراد فعال در این ستاد، ضابط قوه قضاییه محسوب نمی شوند، اما تحت پوشش قانونی و قضایی، به عنوان نیروهای مردمی تحت حمایت دادسراها هستند.

وی رکن قضایی ستاد حفاظت اجتماعی را دادسراها و دادستان و رکن اجرایی این ستاد را معاونت اجرایی قوه قضاییه عنوان کرد.

قاضی زاده در پاسخ به این سؤال مبنی بر اینکه آیا قوه قضاییه با تشکیل این ستاد درصدد ایجاد سازمانی جدید و جذب و استخدام افراد جدیدی است، گفت: دستگاه قضایی با تشکیل این ستاد درصدد جذب و استخدام افراد رسمی نیست، مجموعه ستاد حفاظت اجتماعی یک مجموعه غیرانتفاعی است و شبیه ترین نهاد به شوراهای حل اختلاف است.

(به نقل از: سایت بازتاب، ۱۷/۸/۸۳)

به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی بینند که شیفته مکتب های بیگانه می شوند؟

پرسش

به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی بینند که شیفته مکتب های بیگانه می شوند؟

پاسخ

سؤال کننده محترم توجه دارد که «ندیدن» با نبودن، متفاوت است، به چشم نیامدن عنصری خاص در یک فرهنگ علل مختلف دارد. شماری از این علت ها عبارت است از:

۱. عدم مطالعه کافی

گاه مطالعه کافی در فرهنگ موردنظر نه در سطح و نه در عمق صورت نمی گیرد. اقبال می گوید: مسلمانان آنگاه که از فرهنگ خود بیگانه شدند، جذب فرهنگ بیگانه گردیدند.

در این موقعیت، حتی باید دشمنی با فرهنگ خودی را نیز محتمل می دانست؛ چنان که امام علی(ع) در حکمت ۱۷۳ نهج

البلاغه می فرماید: «الناس اعداء ما جهلوا؛مردم دشمنان آنچه نمی دانند هستند». به قول مولانا:

آدمی مر خویش را ارزان فروخت بود اطلس خویش را بر دلق دوخت

هر که دو ارزان خرد ارزان دهد گوهری طفلی به قرص نان دهد

اقبال لاهوری در این باره می گوید:

آه از قومی که چشم از خویش بست دل به غیر الله داد از خود گسست

تا خودی در سینه ملت بمُرد کوه کاهی کرد و باد او را ببرد۱

به نظر می رسد، اگر به فرهنگ شیعی چنان که باید، معرفت پیدا شود بسیاری از نادیده ها دیده می شود. چنان که از ائمه اطهار(ع) رسیده است: «علم جز از نزد اهل بیت(ع) بیرون نمی آید.»امام باقر(ع) به سلمه بن کُهَیل و حکم بن عَتَیْبه ۲ می فرماید: «به مشرق بروید یا به مغرب علم درست به دست نیاورید جز آنچه از نزد ما خاندان بیرون آمده است».۳

۲. کردار حاملان فرهنگ

سبب دیگر به چشم نیامدن چیزی در فرهنگ شیعی، عمل پیروان و حاملان آن است. معمولاً

کردار و رفتار مربیان وحاملان یک فرهنگ عامل داوری دیگران در مورد محتوای فرهنگ شمرده می شود. این عامل به مسلمانان منحصر نیست. در گزارش هایی که از بی اعتقادی و تمسخر دین داری در اروپای قرن هیجدهم رسیده، جنگ های فرقه ای و نزاع های گروهی مسیحیان عامل اصلی تمسخر دین و دین داری در اروپا۴ شمرده شده است و در واقع مذهب مسیحی را بانی واقعی جنگ ها و خصوصاً جنگ های مذهبی سی ساله در قرن ۱۷م دانسته اند.۵

مارکی در آرژانسون هوشمند در ۱۷۵۳م بر خطای کشیشان انگشت گذاشته، می نویسد: «عامل نابودی دین را نه در نفوذ فلسفه انگلستان که جز صد فیلسوف پاریسی کسی با آن آشنایی ندارد بلکه باید در خشم و نفرت مردم از کشیشان جست و جو کرد. خشم و نفرتی که اکنون به اوج شدت خود رسیده است.»۶

۳. تولید علوم و فنون در فرهنگ بیگانه

وجود توانایی های فرهنگ بیگانه در تولید علوم و فنون و صنایع در مقابل محروم بودن کشورهای اسلامی از هر پیشرفتی در سده های اخیر از عوامل مهم جذب شدن به فرهنگ بیگانه است. حضرت علی(ع) توصیه می فرماید:« والله الله فی القرآن ان لایسبقکم بالعمل به غیرکم ؛۷ خدا را، خدا را درباره قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستورهایش از شما پیشی گیرند».

چنان که ملاحظه می شود، فرهنگ جدیت و تلاش، استقلال و خود اتکایی، نشاط و شادابی، وجدان کاری و تحمل سختی ها و عزم و اراده مصمم که ساخت یک تمدن مرهون آن است، بخشی از آموزه های اصیل قرآن و سنت به شمار می آید. متأسفانه این امر در کشورهای اسلامی مورد غفلت قرار می گیرد و حتی دست هایی خائن علیه دست آوردهای خودی

و کوچک و یا ناچیز نمایاندن فعالیت هایی که برای پیشرفت انجام می شود، تلاش می کنند.۸ در نتیجه امروز دنیای اسلام به جایی می رسد که در تولید علوم نقش بسیار ناچیز دارد و جوانانش که احیاناً قدرت تحلیل علل عقب افتادگی ها را ندارند، به فرهنگ بیگانه روی می آورند.

البته جوانان فراوانی نیز وجود دارند که علوم و فنون را از فرهنگ بیگانه به دست آورده، جذب فرهنگ بیگانه نشده اند و در جهت رفع کاستی ها و عقب ماندگی ها می کوشند.

۴. عدم پاسخ به دغدغه ها و سؤالات جوانان

مرحوم استاد مطهری که خود اسوه و شهید راه تعلیم و تربیت است در موضوع رهبری نسل جوان به ضرورت جنبه طرح جامع دین به این سه نسل اشاره کرده، سر تفوق و جاذبه مکاتب ماتریالیستی در میان این نسل را ارائه و طرح جامع مکتب و پاسخ گویی به تمام نیازهای فکری آن ها می داند. وی در کتاب ده گفتار آورده است: «اتفاقاً دیگران از راه شناختن درد این نسل آن ها را منحرف کرده اند و از آن ها استفاده کرده اند. مکتب های ماتریالیستی که در همین کشور به وجود آمد و اشخاص فداکار درست کرد برای مقاصد الحادی، از چه راه کرد؟ از همین راه! می دانست که این نسل احتیاج دارد به یک مکتب فکری که به سؤالاتش پاسخ دهد، یک مکتب فکری؛ و او عرضه کرد. می دانست که این نسل یک سلسله آرمان های اجتماعی بزرگی دارد و درصدد تحقق دادن به آن ها است، خود را با آن آرمان ها هماهنگ نشان داده در نتیجه افراد زیادی را دور خودجمع کرد با چه فداکاری و صمیمیتی... .

روح هم اگر به حدی رسید

که تشنه یک مکتب فکری شد که روی اصول معین و مشخص به سؤالاتش پاسخ دهد و همه مسائل جهانی و اجتماعی را یکنواخت برایش حل کند و جلویش بگذارد، اهمیت نمی دهد که منطقاً قوی است یا نیست. بشر آن قدرها هم دنبال حرف محکم و منطقی نیست دنبال یک فکر منظم و آماده است که یکنواخت در مقابل هر سؤالی جوابی بگذارد.۸

هر فرهنگی هر چند ریا کارانه دغدغه ها را رفع کند و خود را پاسخگوی خواسته ها و نیازها و سؤالات بداند از جاذبه بیش تری برخوردار است. به دلایل تاریخی و خصوصاً پس از قرن های اولیه ظهور اسلام، به تدریج رهبران فکری، سیاسی و اجتماعی امور حاشیه ای را بر امور اصلی ترجیح دادند. در نتیجه بسیاری از سؤالات بی پاسخ ماند.

۵. پیروزی

باید توجه داشت که نفس پیروزی یک جریان گاه عامل تبعیت و مجذوب شدن دیگران است. فرهنگ های پیروز و موفق زمینه جذب بسیار بالایی دارند. پیروزی یک فرهنگ، هر چند همه جانبه نباشد، چنان چشم ها را خیره می کند که فرصت مقایسه بین فرهنگ ها و سنجش مجموعه توانایی ها را از بین می برد. در این موقعیت، فرهنگ مغلوب هر چند ظرفیت های بالایی در ابعاد دیگر داشته باشد تا مدت ها در محاق فرو می رود. بنابراین یا باید نقص خود را جبران کند و یا باید منتظر سرخوردگی شیفتگان فرهنگ دیگر و بازگشت آن ها به سوی خویش باشد؛ چنان که امروز شاهد بازگشت غرب به معنویت و خیزش روز افزون بشریت به سمت ارزش ها و اوامر اساسی اسلامی هستیم؛ بلکه در جهان اسلام نیز حرکت به سمت عقلانیت گسترش یافته و بازگشت به ارزش های فرهنگ شیعی

شتاب گرفته است. از سوی دیگر شکست یک فرهنگ و عدم توان آن در تأمین اهداف و برنامه های اعلام شده نیز سبب گریز مردم از آن می شود که نمونه روشن آن در مارکسیسم مشاهده شد.

خلاصه آن که روی آوردن به یک فرهنگ و بریدن از فرهنگ دیگر در عوامل متعدد ریشه دارد. امروز باید همه دنیای اسلام، خصوصاً مذهب تشیع، از فرصتی که در پرتو انقلاب اسلامی ایجاد شده و بیداری و معنویت خواهی گسترده ای که در جهان پدیده آمده، بهره گیرد؛ از میان برهای موجود به علوم و فنون دست یابد و خود را در قافله تمدن تثبیت کند؛ به عبارت دیگر، وظیفه، آن است که فرهنگ تشیع را متجلی سازیم و جامعیت اسلام را به اثبات رسانیم؛ سیر پرافتخار پیروزی دین را که امام خمینی آغاز کرد، ادامه دهیم و با وحدت و همدلی و سخت کوشی و صبوری و تحمل مشقات و مشکلات در جهت شکوفایی فرهنگ تشیع بکوشیم.

پی نوشت:

۱. کلیات اقبال، ص ۲۱۸.

۲. مجلسی(ره): این دو نفر از فقهای اهل سنت هستند.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۱، حدیث ۳.

۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۸، ص ۱۰۸.

۵. همان، ج ۷، ص ۶۶۸.

۶. همان، ج ۹، ص ۶۸۰.

۷. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۸. وصیت نامه الاهی و سیاسی امام خمینی(ره).

۹. ده گفتار، ص ۲۱۷ù۲۱۸.

آیا الزام ها وضرورت های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح وعدالت سوق می دهد؟

پرسش

آیا الزام ها وضرورت های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح وعدالت سوق می دهد؟

پاسخ

مقصود از "الزام اجتماعی" آن است که وضع زندگی اجتماعی بشر به چنان مرحله ای برسد که احساس نیاز به مطلبی کند وآن را به عنوان یک ضرورت بپذیرد. ولی مهم آن است که یک نیاز واقعی جامعه آن قدر آشکار گردد که ضرورت بودنش را همه یا حدّاقل متفکّران ورهبران جامعه بپذیرند، واین در درجه اوّل، بستگی به بالإ؛بب)ع ع رفتن سطح آگاهی وشعور اجتماعی مردم دارد، وسپس با آشکار شدن نتایج نامطلوب وضع موجود جامعه وعدم امکان ادامه راه، ارتباط پیدا می کند.

شاید بسیاری از مردم در قرون ۱۷ و۱۸ با مشاهده پیشرفت های چشمگیر صنعتی، ترسیمی که از قرن بیستم داشتند، ترسیم یک بهشت برین بود، ولی باور نمی کردند که انسان صنعتی وماشینی، زندگی مرفه تری نخواهد داشت، بلکه پا به پای پیشرفت تکنولوژی، نابسامانی های تازه ومشکلات جدیدتری پدید خواهد آمد. عفریت جنگ های جهانی سایه وحشتناک خود را بر کانون های ماشین وصنعت خواهند افکند. تازه می فهمند که چقدر زندگی آنها خطرناک شده است. کم کم می فهمند برای حفظ وضع موجود وپیروزی های بزرگ صنعتی وتمدّن، مقررات گذشته هرگز کافی نیستند، وباید تن به مقررات تازه ای داد.

زمانی فرا می رسد که وجود حکومت واحد جهانی برای پایان دادن به مسابقه کمرشکن تسلیحاتی و پایان دادن به کشمکش های روز افزون قدرت های بزرگ و کنار زدن دنیا از لب پرتگاه جنگ، به عنوان یک ضرورت وواقعیت اجتناب ناپذیر احساس می گردد که باید سرانجام این مرزهای ساختگی ودردسرساز برچیده شود وهمه مردم جهان زیر یک پرچم وبا یک قانون زندگی کنند.

بنابر قانون "الزام اجتماعی" عامل مؤثر دیگری وجود دارد که با

کاربرد نیرومند خود، مردم جهان را خواه ناخواه به سوی یک زندگی آمیخته با صلح وعدالت پیش می برد وپایه های یک حکومت جهانی را براساس طرح تازه ای مستحکم می سازد.

آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟

پرسش

آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟

پاسخ

در مورد اینکه اصلاحات اجتماعی باید از چه راه انجام پذیرد عقیده واحدی وجود ندارد، بلکه جمعی طرفدار اصلاحات تدریجی هستند که به آنها "رفورمیست" می گویند. وگروهی دیگر "انقلابیون" هستند که هیچ دگرگونی اساسی را در وضع جوامع انسانی بدون انقلاب ممکن نمی دانند و برخی دیگر می گویند: درجه فساد در اجتماعات متفاوت است، آنجا که فساد به صورت همه گیر وهمه جانبه در نیامده، اصلاحات تدریجی می تواند اساس برنامه های اصلاحی را تشکیل دهد، امّا آنجا که فساد همه جا را فرا گرفت ویا در بیشتر سازمان های اجتماعی نفوذ کرد، جز با یک انقلاب بنیادی نمی توان بر نابسامانی ها چیره گشت.

شواهد زیادی مؤیّد نظر سوم است:

۱ - اصلاحات تدریجی همیشه بر شالوده ها وضوابط والگوهای سالم بنا می شود ودر غیر این صورت باید به سراغ الگوها وضوابط جدید رفت ومسائل زیربنایی را در مسیر دگرگونی قرار داد.

۲ - اصلاحات تدریجی غالباً از طریق مسالمت آمیز صورت می گیرد، واین در صورتی اثر دارد که آمادگی فکری وزمینه اجتماعی وجود داشته باشد. ولی آنجا که این زمینه ها وجود ندارد باید از منطق انقلاب که منطق قدرت است استفاده کرد.

۳ - در جامعه ای که فساد به ریشه ها نفوذ کرده، عناصر قدرتمند ضدّ اصلاح، تمام مراکز حسّاس اجتماع را در دست دارند وبه آسانی می توانند هر طرح تدریجی را از کار بیندازند، مگر آنکه با یک حمله انقلابی غافلگیر شوند.

۴ - نیروهای عظیم اصلاحی وانقلابی را معمولاً نمی توان برای مدّت زیادی پرحرارت وپرجوش نگاه داشت واگر به موقع از آنها استفاده نشود ممکن است با گذشت زمان کارآیی خود را

از دست بدهند.

۵ – با مراجعه به تاریخ به دست می آید که اجتماعاتی که فساد در آنها بنیادی شده، خردمندان آن جوامع خصوصاً انبیا واولیا ومردان اصلاح طلب همواره روش انقلابی را در پیش گرفته اند.

در مورد اصلاح وضع عمومی جهان وبرچیده شدن نظام کنونی که بر اساس ظلم وتبعیض بنا شده و احتیاج به جانشین شدن یک نظام عادلانه است، به طور حتم پدید آمدن یک انقلاب ودگرگونی عظیم را می طلبد، انقلابی وسیع ودر همه زمینه ها.

چرا درجهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟

پرسش

چرا درجهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟

پاسخ

از این که می بینیم نوجوانان و جوانان برومند ایران زمین در برابر فرهنگ ارزشهای اسلامی احساس مسؤلیت می کنند وابهامات وسؤالات بوجود آمده و بدون پاسخ، آنان را رنج وآزار می دهد احساس غرور می کنیم وامیدواریم این احساس جوانان با بازخواست ومطالبه از مسئولان و دست اندرکاران امور فرهنگی، روحانیون بزرگوار، معلمان واستادان ومؤسسات فرهنگی پاسخ ابهامات وسؤالات خود را دریافت کنند ونه تنها به این امر قانع نباشند بلکه با مطالعه وتحقیق قدرت یابند پاسخ دیگران را بدهند واما چرا تاکنون اقدام اساسی صورت نگرفته است دلایلی دارد که برخی از آنها بدین شرح است :

۱– کسانی که وظیفه انتقال مفاهیم فرهنگی را به نسل امروز دارند، بسیاری از مفاهیم بر ایشان واضح و روشن است لذا تصور می کنند جوانان نیز چنین هستند بنابراین درجهت استحکام بخشی به آن مفاهیم تلاشی صورت نمی گیرد.

۲– متولیان امور فرهنگی شبهات و پرسشهای مهم دینی را که امروز نسل جوان با آن مواجه هستند شناسایی نکرده اند؟ و درمرحله بعد دلیل دفاعی دربرابر چالش بوجود آمده نساخته اند. نسل جوان باید از اصول عقایدبصورت عقلانی دفاع کند باید ابتدا با استدلال ومنطق خدا راپذیرد وسپس بفهمد که اگر ایمان به خدا داشته باشد چه حالات روحی و روانی خواهد داشت.

البته این بدان معنا نیست که مخاطبان نسل جوان امروز خدا را قبول ندارند. بلکه مطالعات تجربی نشان می دهد ۹۹٪ مخاطبان قبول دارند خدا هست ویکی است. پیامبری را که از طرف او آمده است قبول دارند. ولی سؤال های دیگری دارند مثلاً به

بعضـی احکام دین ایراد وارد می کنند و چون خدا و پیامبر را قبول دارند می گویند این سـخن، سـخن خدا نیست. او دین خدا را قبول دارد ولی نقل گویندگان را قبول نمی کند. وقتی سند و مدرک ارائه می شود چون با فهم وزبان او تطابق ندارد برایش قابل فهم نیست. متولیان باید دقت کنند وگام به گام او را به

پیش ببرند وبه او بفهمانند دین چیست.

در طول تاریـخ دین بزرگـان از دین دفـاع عقلانی کرده انـد وعلم کلام را بوجود آورده انـد تا ازدین دفاع عقلانی بکنـد. اگر شبهه فلسفی بوجود آمده پاسخ متناسب داده شده است و...

– وجود سازمانهـا ونهادهـای متعـدد فرهنگی یکی از علـل نابسامانیهـای فرهنگی است.نظیر وزارت فرهنـگ وارشـاد اسـلامی، سازمـان تبلیغـات اسـلامی، دفتر تبلیغـات اسـلامی، مراکز وابسـته به حوزه هـای علمیه، مؤسـسات، بنیادهـا، کانونهـای فرهنگی، مساجد، مراکز فرهنگی وابسته به دانشگاهها، وزارتخانه ها وسازمانهای دولتی ، نیروهای مسلح و...

البته وجود مراکز متعـدد در بخشـهای مختلف می توانـد جنبه مثبت داشـته باشـد مشـروط به این که بر اساس اهـداف راهبردها وخط مشـی مشخصـی همگی در جهت تکمیل فعالیت ها وتحقق اهداف تلاش کنند و از موازی کاری وتکرار برنامه های کم محتوا وکم اثر و...اجتناب ورزنـد. بنابراین اگر این مراکز بتواننـد با یک برنامه ریزی مدون ومشـخص، بین خودشان تقسم کار نمایند واهداف نیز دقیقاً تعریف شده باشد و برنامه ها نیز متناسب با نیازها طراحی شده وبا اسـتفاده از ابزار و شیوه های مناسب تأثیر گذار اجراشود تحول عظیمی در وضعیت فرهنگی کشور پیش خواهد آمد.

۴– مجهز نبون مبلغان و مروجان فرهنگی به ابزار وسازوکار مناسب روز

و فقدان آگاهی از شیوه های تبلیغ وتأثیر گذاری وعدم بهره مندی از ابزار و رسانه های مختلف یکی دیگر از عوامل نابسامانی فرهنگی کشور است.

۵- تهاجم وشبیخون فرهنگی و جنگ رسانه ای استکبار وعوامل آن که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و درسالهای اخیر بشدت افزایش یافته است ونیز غفلت و خواب آلودگی برخی متولیان و دست اندرکاران در نهادهای مسؤول به دلیل اشتغالات فراوان وعدیده سیاسی و... از معضلات ومشکلات دیگری است که فرهنگ کشور با آن مواجه است.

با توجه به آنچه ذکر شد مسئولان و متولیان امور دینی در حوزه ودانشگاه و مؤسسات ومراکز مختلف باید با انسجام و وحدت و اجتناب از موازی کار و هدر دادن انرژی انسانی و مادی خود در موارد زیر بصورت یکپارچه اقدام نمایند :

۱. باید هیأتهایی مشخص شودتا دائماً مسایل وسؤالات وابهامات را بیابند وبا کتاب و ...پاسخ بدهند.

۲. در جامعه در حال تحول عمر کتابها دو سال بیشتر نیست باید مرتب کتابهای نو با زبان روز نگاشته شود.

۳. استادان دروس معارف، روحانیان بزرگوار ومبلغان عرصه تبلیغ و وعظ باید چالش ها را کشف، ومهیا برای پاسخگویی به سؤالات باشند.

۴. پاسخگویی به سؤالات دراسرع وقت در یک سیستم فعال باید صورت بگیرد. کندی در پاسخگویی موجب می گردد پاسخها در زمانی عرضه شود که سؤال از میان رفته و سؤالات جدیدی بوجود آمده باشد.

۵. مروجان ومبلغان واستادان باید درمیان مخاطبانشان زندگی کنند، چالش های آنها را کشف و پاسخ دهند.

۶. مراکز مختلف در سطح کشور باید با یکدیگر در ارتباط بوده و ضمن ارائه پاسخ های متمرکز و متین، ازیک مرکز قوی علمی دریافت کنند.

ما وشما

بایـد از همه متولیـان امر فرهنـگ، روحـانیون معزز، اسـتادان دانشـگاه، معلمان بزرگوار، مسؤلان سازمانها ومراکز فرهنگی باید بخواهیم مساعی جمیله خویش را در این امر مهم مصروف سازند.

انحرافات

انحرافات فردی و گروهی

چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود

پرسش

چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود

پاسخ

اولاً، قطع دست دزد حدود بیست شرط دارد که کمتر محقق می شود. ثانیاً، اجرای حد نیز باید در شرایط مناسبصورت بگیرد. در حال حاضر شرایط تبلیغاتی اجازه چنین کاری را نمی دهد.{J

چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟

پرسش

چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟

پاسخ

برخورد با مفسدان و کسانی که سلامت جامعه را به خطر می اندازند، باید بسیار جدّی و شدید باشد. قوانین جمهوری اسلامی نیز در برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر، بسیار قاطع است.

تاکنون در میان کشورهای مختلف، ایران قاطعانه ترین برخوردها را با این عناصر داشته و دارد. آمار کسانی که به همین جهت تاکنون اعدام شده اند، گواه این ادعا است. به هر حال اگر در جایی نیز سهل انگاری و تسامحی برخلاف قانون صورت گیرد، باید آن را با ذکر موارد به مراجع ذی صلاح ارائه نمود تا در جهت اصلاح آن اقدام کنند.

چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟

پرسش

چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟

پاسخ

آلوده شدن جامعه به گناه و فساد، عوامل متعدد و زیادی دارد، که از آن جمله می توان به فقر و ناداری، و تأمین نشدن مایحتاج عمومی، و وجود فاصله طبقاتی بین فقرا و نیازمندان با اغنیاء و ثروتمندان، و تفاوت زندگی مسؤولان و رهبران جامعه با زندگی عامّه مردم، و گرایش و توجه اکثریّت مردم به تجمل گرایی و رفاه زدگی و رواج زندگیهای تجمّلاتی، و ارزش پیدا کردن مادّیات و کالاهای لوکس و اشرافی، و نیز دارایی و ثروت و اجرا نشدن عدالت و رواج بیعدالتی، و تهاجم سهمگین و بی پروای فرهنگی جبهه استکبار و دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی در قالب رسانه های گروهی و اینترنت و ماهواره، مجله و ... ، اشاره کرد. همه اینها از جمله عواملی است که موجب ترویج فساد و تباهی در جامعه می گردد، و نسل جوان را که از شور و نشاط و انرژی بسیار متراکمی برخوردار است، و هنوز بیّنه های علمی و دینیش از استحکام کافی و لازم برخوردار نیست، به کام تباهی و ضلالت فرو می برد.

در قبال هجوم وسیع و بی حدّ و حساب رسانه های بیگانه، برای تخریب اخلاق و مبتلا ساختن نسل جوان ما، استعداد و توانایی ما در برابر آنها اگر چه ناچیز و ناکافی است، ولی اگر به خوبی از آن استفاده شود، بیگانگان و اجانب در مأموریت شیطانی خویش، و به فساد کشاندن جامعه، ناکام خواهند ماند. همانطور که شما مشاهده کردی، درانتخابات اخیر، تمام رسانه های خارجی، مردم را از رأی

دادن منع کردند، پارلمان و کنگره آمریکا ۲ تا ۳ قانون بر ضدّ انتخابات ایران تصویب کرد. اتحادیه اروپا مردم ایران را از شرکت در انتخابات منع کرد. بسیاری از رادیوها مثل رادیو بی بی سی، آمریکا، اسرائیل، و... ، القاء می کردند که انتخابات ایران آزاد نیست، غیر قانونی است و ... . و از مردم درخواست می کردند در انتخابات شرکت نکنند. برخی حرکتها نیز در داخل کشور به این هدف کمک می کرد. ولی مردم بر خلاف خواسته آمریکا و جهان غرب، پرشور و با نشاط در میدان مبارزه، پای صندوق های اخذ رأی حضور یافتند. و آمریکا اعلام کرد : "انتخابات ایران، ما را مأیوس کرد."

دختر خوبم، ستاره خانم، نسل جدید خود به خود نه اصلاح می شود، و نه فاسد؛ بلکه عوامل گوناگونی ممکن است به اصلاح و پیشرفت و سعادت این نسل، یا خدای ناکرده، به فساد و تباهی آنها کمک کند. نسل جدید را نمی توان تشویق و توبیخ کرد بلکه اگر بخواهیم تشویق یا توبیخ کنیم، باید نسلی را که این نسلها راتربیت می کند و می سازد، تشویق یا توبیخ کنیم. اگر بتوانند نسلی تربیت کنند و بسازند، که بتواند در مقابل سیلها و طوفانهای بنیان برافکن دشمنان غدّار ایستادگی و مقاومت کند، و دشمن عنود را زمین گیر و منکوب کند، باید به مربّیان این نسل احسنت و آفرین گفت. و اگر در تربیت نسل جدید اهمال و سستی کنند، مستحقّ توبیخ و تنبیه هستند.

ستاره خانم عزیزم، جامعه از تو و امثال تو، که با وجود کمی سنّ، از درک و فهم خوبی برخورداری، و از روحیه و

عشق و امیـد و نشـاط و انرژی و تحرک و پویایی جوانی و عطوفت و مهربانی زنانه و نوجوانانه برخورداری، انتظار دارد که در هدایت و رهبری و کمک به دوسـتان خودتان، برای حرکت سـریعتر، بادوام تر، با نشاط تر، و پویاتر، با همه تلاش و توان وارد شوید. متأسفانه یکی از اشکالات جامعه ما اینست که همه به همدیگر اشکال می کنند، و دیگران را مقصّر می دانند، و گناه را به گردن دیگران می اندازند. و کمتر کسـی می توان یافت که بگوید مثلاً من کم کاری کردم، و یا اشتباه کردم، اگر هر کس هر آنچه می دانـد عمل کنـد، و در مرحله بعـد تلاش کنـد دیگران را تا جایی که برایش مقـدور است به راه درست و صـحیح هـدایت کنـد، و اشـکالات را برطرف کنـد، و برای اصـلاح جامعه هر آنچه در توان دارد به کار بندد، باور کن دنیا بهشت می شود. ولی افسوس که حرف زدن بیشتر ازعمـل است؛ و اگر عملی باشـد، برای اصـلاح دیگران، از روشـهای درست و صـحیح اسـتفاده نمی کنـد. و گاهی نیز برخی از عزیزان بر اثر ناآگاهی، به جای این که افراد را جذب کنند، با برخوردهای نادرست و غیرمعقول، نسل حسّاس و جوان را دفع می کنند.

سـتاره خانم، دختر خوب و باصـفا، هر چنـد سالهاست عوامل مختلف سیاسـی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه ای اسـتکبار جهانی، برای انهـدام پـایه هـای اخلاـق و ایمـان نسـل امروز، در تلاش و تکاپور هسـتند. و دست انـدرکاران امور فرهنگی و سیاسـی و اجتماعی جامعه، نیز آن گونه که باید برای اقناع و تأمین نسل جدید تلاش و مجاهدت نورزیده

انـد، ولی خوشبختانه اکثریت نسل امروز دانشجویان و دانش آموزان، به خوبی قادر به تشخیص مصالح عالیه کشور و نظام و فضایل و کرامات انسانی هستند، و در تحقیقات متعدد نشان داده شده که به اسلام و نظام وفادارند؛ اگر چه برخی ظواهر را رعایت نمی کنند، و تحت تأثیر جریانات فرهنگی و هجمه های متعدد قرار دارند، ولی گرایش به عرفان و معنویّت در این نسل رو به افزایش است، و این از نشانه های امیدواری است.

آرزو می کنم شما دخترکم، و سایر دختران نوجوان و با محبت، در همه دوره ها و صحنه های زندگی، بخصوص درحفظ اصول و مبانی دینی، و غیرت و پاکی و ترویج فضیلتها و خوبیها و ناپاکیها، و گسترش اخلاق و معنویّت و دوستیها، و کاهش دشمنیها و نزاعها، و گرم شدن روابط دوستانه، با تأسی از مکتب عظیم عاشورا، و رابطه محبت آمیز وصف ناپذیر ابوالفضل العباس و زینب کبری و سیدالشهداء، بیش از پیش موفق و مؤیّد باشی. به خدای لایزال و قادر متعال می سپارمت.

چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زمان آدم نمی تواند به همسایه خود اطمینان کند و با این وجود که در این زمان دین اسلام محکم تر و استوارتر است؟ چرا؟

پرسش

چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زمان آدم نمی تواند به همسایه خود اطمینان کند و با این وجود که در این زمان دین اسلام محکم تر و استوارتر است؟ چرا؟

پاسخ

همین که شما دوست و برادر عزیز احساس می کنی معرفت در گذشته بیشتر بوده و امروزه کمتر شده، و معضلات افزایش یافته است، نشان از این است که هنوز هم معرفت هست و اسلام استحکام دارد و در گذشته نیز استحکام داشته، وگرنه به ما نمی رسید. ولی تفاوت آن درگذشته و حال در این است که استحکام گذشته اش نسبت به همان زمان بوده است و استحکام فعلیش نسبت به زمان فعلی اگر اسلام همانند ۱۶ سال قبل از استحکام برخوردار بود، امروزه در برابر هجمه ها دوام نمی آورد، ولی در آن روزها نسبت به هجوم همان زمان، از استحکام برخوردار بوده و باقی و پایدار مانده است و در آینده نیز استحکامش نسبت به الآن بیشتر خواهد بود، چرا که مخالفتها و هجمه ها شدیدتر و قوی تر خواهد بود.

اگر بپذیریم که اسلام در گذشته ضعیف تر بوده و محکم و استوار نبوده و امروز استوار شده، ولی مردم از نظر دینی ضعیفتر شده اند و ایمانشان را دارند از دست می دهند، فکر نمی کنید به نبوت و امامت و اصل رهبری در اسلام خدشه وارد می شود. خداوند متعال پیامبران و رهبران الهی را برای هدایت بشر فرستاده است : "هوالذی بعث فی الامیین رسولا

منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم ..."(۱) پیامبر آمده است تا مردم راتربیت کند. امامان نیز چنین رسالتی دارند. سایر رهبران دینی در همه دوره های تاریخ نیز چنین مسؤولیتی داشته و دارند. حال اگر مردم روز به روز بدتر می شوند، پس نعوذبالله انبیاء و پیامبران و امامان و رهبران الهی و دینی، در مأموریت تربیت جامعه و مردم، موفق نبوده اند. اگر این حرف درست باشد، پس می توان گفت آمدن و بودن آنها هم ضرورت نداشته است و حال آنکه اینطور نیست. جامعه انسانی بطور مرتب به سوی کمال و سعادت حقیقی در حرکت است و این سیری است که خدای عزوجل برای آن ترسیم فرموده است. و آنچه ما می گوییم واحساس می کنیم، واقعیت خارجی ندارد، احساس است نه حقیقت؛ اگر قرار باشد شرارت در جامعه افزایش یابد و نیکی ها و خیرات کاهش یابد، پس هدایت چه نقشی داشته و دارد؟

آنچه مسلم است این است که روزبروز نیکیها و خوبیها افزایش می یابد و جبهه حق و حقیقت از دوام و بقاء و استحکام بیشتری برخوردار می گردد. به همان نسبت که قدرت حق افزایش می یابد، قدرت باطل نیز افزایش می یابد و چون ما قدرت او را با گذشته مقایسه می کنیم، احساس می کنیم جبهه حق تضعیف شده و باطل تقویت شده، ایمانها ضعیف شده و بی دینی ها افزایش یافته است

و حال آن که در مجموع این گونه نیست.

در شرایط کنونی جامعه، به دلیل گسترش ارتباطات و رسانه ها، شرارتها و بدیها، به سرعت توزیع و پخش می شود و اصولاً انسانها در نقل

قول بدیها بیشتر همّت می گمارند تا خوبیها. کسانی که کار خوب انجام می دهند، به دلایل مختلف، از جمله به این جهت که به ریـا و خودنمایی متهم نشونـد، از ابراز آن خودداری می ورزنـد و از سوی دیگر، افراد جامعه هم وقتی کار نیکی ببیننـد و یا بشـنوند، برای دیگران با آب و تاب نقل نمی کننـد، ولی اگر یک فرد کار بـدی انجام دهد، وقتی افراد به یکدیگر می رسـند، اولین چیزی که مطرح می کنند، همان کار است : – خبر داری فلانی را گرفتند؟– چرا؟ – برای این که فلان ... و...

نکته دیگری که حایز اهمیت است، این است که هر چقـدر جامعه گسترش پیدا کند و جمعیت زیادتر بشود، تعداد متخلفان نیز بطور طبیعی زیـاد می شونـد. همچنانکه افراد نیک نیز با افزایش جمعیت، زیاد می شونـد. در یک شـهر پرجمعیت، تعـداد افراد شرور به مراتب از یک شـهر کم جمعیت بیشتر است، لـذا مردم احساس می کننـد چقـدر افراد ناباب زیاد شده اند، ولی متوجه نیسـتند که بخشی از این افزایش افراد نابکار مربوط به افزایش جمعیت است. عامل دیگری که به تشدید و گسترش مفاسد می انجامد زندگی، ماشـینی و افزایش اوقات فراغت و بیکاری و کاهش ارتباطات عاطفی و تغییر زندگی سنتی به زندگی مدرن و ماشـینی است. نوع زنـدگی، شهرنشـینی و ... نیز به گسترش مفاسـد کمـک می کنـد. فقر و نـاداری و تضاد طبقاتی نیز موجب ضعف و گـاهی حتی نابودی ایمان می شود. توجه بیش ازحـد به زنـدگی مادی و رواج زنـدگی های تجملاتی و ارزش یافتن آنها نیز خود از دلایل

گسترش مفاسد است. افزایش بیکاری و پرسه زدن جوانان بیکار در کوچه و بازار و خیابان، و عدم تأمین معیشتی، افزایش سنّ ازدواج و عدم امکان ازدواج در شرایط و زمان مناسب برای جوانان، افزایش هزینه های غیرضروری زندگی و ازدواج و رواج زندگی اشرافی و ... نیز از عوامل لوطی صفت نبودن برخی از مردم امروزه است.

عدم تخلیه نیرو و انرژی جوانان و نوجوانان به روشها و طریقه های صحیح و عدم ارضاء نیازهای جوان در ابعاد گوناگون و نبود فضای کافی برای تفریح و بازی و ... موجب می شود به جای اینکه انرژی و نیروی خودش را در راه تولید و افزایش سرمایه به کار گیرد در هرزگی و عیاشی و ... مصرف نماید و ...

امید است جوانان رشیدی مثل شما همت کنند با فکر و اندیشه و عمل و سازمان یافتن، بتوانند بخشی از نابسامانیها را تقلیل دهند. انشاءا...

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادتمند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگ ترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیه می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

پرسش

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

پاسخ

اوّلاً؛ بایـد توجّه داشت کسانی که گرایش به فساد و انحراف دارنـد و جز هرزگی و بی بنـدوباری و نشانـدن هوسـهای خویش ایده و اندیشه ای ندارند رفتن به مراکز فساد آنان را از تجاوز باز نمی دارد دلیل آن وقوع این گونه حوادث و جنایات با وجود مراکز مذکور است.

ثانیاً؛ زنان فاسـدی که در آن مراکز بسر می برنـد مگر انسان نیسـتند؟ مگر آنان از احساسات و عواطف انسانی برخوردار نمی باشـند مگر آنهـا دوست ندارنـد که در یک کانون خانواده از زنـدگی خانوادگی برخوردار باشـند؟ چه عاملی آنان را به آنجا کشانـده است؟ چرا بایـد یـک دختر جوان پس از اینکه در اثر لحظه ای غلفت و اشـتباه اغفـال گردیـد برای همیشه از زنـدگی انسـانی محروم باشـد و هر ساعتی برای خاموش ساختن هوس افراد هرزه خویشـتن را آماده سازد؟ آیا وجود این مراکز به سـیه روزی و ت...Љь... بختی آنان کمک نمی کند؟

بر این اساس وجود مراکز فحشاء را بایـد در کنار صدها مفاسد دیگر دانست که باید با همه آنها مبارزه کرد و تمام آنها معلول پایین بودن سـطح ایمان و اخلاق در جامعه است. در ضـمن زنانی که در آن مراکز هستند از کجا تأمین شوند؟ آیا این هم مثل اجنـاس و ارادتی، وارد می شود؟ یـا بایـد عـدّه ای را فاسـد کنیم. برای آنجا بفرستیم؟ این ساختن لجن و به روی خود مالیـدن است. آن وقتماننـد ابلهی خـواهیم بـود که چوب را در لجن فرو کرده و روی دیوار تمیز می نویسـد لطفاً نظـافت را رعـایت کنید!!.

«

موارد چهار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوســتان نایاب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضرّات جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش های کاربردی ترک اعتیاد) را بیان کنید؟

پرسش

موارد چهـار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوسـتان نایاب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضـرّات جسـمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش های کاربردی ترک اعتیاد) را بیان کنید؟

پاسخ

راجع به عناوین چهارگانه برای تحقیق و پژوهش:"

۱- نقش دوستان ناباب و تأثیر سیگار در گرایش به اعتیاد.

۲- عوامل زمینه ساز اعتیاد جوانان و نوجوانان.

۳- مضرّات جسمانی، روانی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی اعتیاد.

۴- روش کاربردی برای ترک اعتیاد و احساس تنفر نسبت به این پدیده شوم..."

به نظر مـا بهترین منبع و مرجع، کتـاب ها و جزوه هایی است که از سـتاد مبارزه با مواد مخـدر انتشار یافته است. از جمله کتاب های بررسـی مواد مخدر در متون اسـلامی و کتاب اضرار به نفس، و ویژه نامه ای درباره وضعیت مواد مخدر در جهان و ایران و... اطلاعات عمومی و ویژه نامه ای درباره ملاقات ها و مذاکرات جناب آقای فلاح دبیر سـتاد مبارزه با حضـرات مراجع عظام تقلید در قم ۱۳۷۵ می باشد. حتماً آن ها را تهیه کرده و مواد مقالات خود را از آن ها آماده نمایید.

علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟

پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟

پاسخ

این گونه پرسش نشانهء پاکی روح و صداقت بیان وصافی قلب و از همه مهم تر عزم و ارادهء والای شما برای شناخت راه های دست یابی به سعادت و خوشبختی و رشد و کمال انسانی است . آدمی نمی تواند به آرمان ها و اندیشه های بلند انسانی الهی نائل گردد. مگر این که موانع یا عواملی را که سدّ راه رشد و ترقی اوهستند و شیاطین شوم خوشبختی نامیده می شوند, بشناسد و این دو را شما در سؤالات خود گنجانده اید.

امیدواریم با چشمانی باز و بصیرتی نافذ و معرفتی ره گشا, با مطالعهء کتب اخلاقی و اسلامی مخصوصاً درزمینهء علوم و معارف قرآنی , حقیقت ناب زندگی انسانی الهی را بر محور خداشناسی و توحید یافته و از پیچ وخم های زندگی اجتماعی امروز به سلامت به منزل مقصود و هدف آفرینش نائل گردی .

پرسش سوم شما را در دو قسمت پاسخ می دهیم :

الف) علل گرایش نوجوانان و جوانان به انحرافات و عبور از مرز اعتدال ;

ب) در بیان علل گرایش به مشروبات الکلی .

الف) علل گرایش نوجوانان و جوانان به انحرافات :

۱ بیکاری : جوان پر از انرژی و موتور محرّکه و چرخ های جامعه است . اگر این انرژی و محرک در مسیرصحیح برای اعتلای فرهنگ و تمدّن جامعه و برطرف کردن فقر و نیازهای اقتصادی و پرکردن خلاءهای گوناگون اجتماعی به کار گرفته نشود, مانند آب جاری حیات بخشی که راکد بماند, به هرز خواهد رفت و در شوره زارهاو لجنزارهای شیطان

دام گستر فرو خواهد رفت و به جای زندگی ساز شدن , زندگی اجتماعی در معرض خطرقرار خواهد داد.

علی ۷فرمود: (۱)

پیامبر اکرم ۶در مذمت بیکاری وانسان بیکار فرمود:

دشمن می دارد>; زیرا نتیجهء بیکاری و نداشتن کار مفید, غلبهء احساس بیهودگی و بی هدفی بر روان و اندیشه ءانسان است که به تدریج او را به پوچگرایی (نیهیلیسم) در مود نظام هستی سوق می دهد.

علی ۷می فرماید: ;(۲) زیرا کار علاوه بر این که وسیله ای برای تأمین معاش

است , طریقی جهت ایجاد نشاط روحی و از میان رفتن افسردگی و رخوت و مخصوصاً زدودن احساس بیهودگی و پوچی و بروز بحران هویت است .

می گوید: .(۳)

۲ فقر اقتصادی : تا فقر وجود دارد, فساد اختلاقی هست , تا فقر مسدود نگردد, انحطاط فکری و ضعف فرهنگی و عقیدتی و کفر و شرک ریشه کن نمی شود, چه این که همسایه دیوار به دیوارند.

علی ۷فرمود: .(۴) و در حدیث دیگر از آن حضرت نقل شده : . (۵)

۳ فقر علمی و فرهنگی : فقر فرهنگی و جهل و نادانی , انسان را به فساد اخلاقی و اجتماعی , از جمله مواردمخدر و انواع پلیدی های دیگر می کشاند. علی ۷فرمود:

جهل موجب تباهی آخرت و معاد است >.

گروهی از دانشمندان علم و کلام و اخلاق معتقدند: .(۶)

اگر چه این عقیده را ما به طور دربست و صددرصد نمی پذیریم , امّا شکی نیست که این اعتقاد یکی از علل عمده است .

۴ ساده اندیشی و سطحی نگری : جوانان به خاطر صافی قلبشان و عدم تجربهء کافی در زندگی اجتماعی ,گاهی از ترفند

و دام هـایی که شـیادان سودجو و منفعت طلب و یا خیانت پیشهء وابسـته به اسـتثمارگران اقتصادی و اسـتعمارگران سیاسـی در مسیر زندگی شان گسترده اند, غافلند و طعمهء دام های غیر انسانی آنان می گردند و اسیر و گرفتار می شوند.

۵ انحراف در تنوع طلبی یا بحران هویت : طبیعت نوجوان و جوان , تنوّع و تجدّد طلب و نوگرا است . این روحیه موجب رشـد و تکامل اندیشه و علم و تمدّن و فرهنگ می گردد. از طرفی شخصـیت طلبی و استقلال گرایی و ابراز وجود و هویت ریشه در سرشت و فطرت آنان دارد.

این دو نوع میـل فطری و طبعی بـالقوهء درونی , گـاهی به علت عـدم آگاهی و بصـیرت و فقـدان تجربهء کافی , به جای سوق دادن فرد یا جامعه در مسیر تکامل و ترقی , آنان را در جادهء پر پیچ و خم , سرگردان و رها می سازد.

تـداوم این تحیّر و اسـتمرار غفلت , گاهی چنان در تار و پود فرد یا جامعه ریشه می دوانـد که آنان را از هویت انسانی خویش در تمامی ابعاد تهی می سازد. بحران هویت حاصله به جای استقلال . وابستگی همه جانبه را به تدریج نصیب آنان می سازد.

رو آوردن جوانان به سـیگار و مشـروبات الکلی و انواع مواد مخدّر و مُدگرایی و حتی انتخاب اسم های خراجی برای اشخاص و امـاکن و لبـاس هـا و خیابـان هـا و جاده ها و تغییر یافتن طرز معاشـرت از حالت ملّی ومـذهبی , از نمودهای بارز یا پیـدایش انحراف در تنوع طلبی است .

۶ خودفریبی : همان گونه که تکوین و شکل

گیری رشد و تکامل جسمی و فکری و علمی و اجتماعی تدریجی است خروج از خط اعتدال و انسانیت نیز دفعی و یکباره نخواهد بود, بلکه از امور ساده و ابتدایی شروع می شود و قدم به قدم تا مرز یا اعتیاد کشیده می شود. جوان می پندارد با یک یا چند بارمصروف کردن , معتاد خواهد شد و قدرت ارادهء خویش را از دست نمی دهد.

۷ رفاقت و مصاحبت با افراد مبتلا: از جنبهء علمی و عملی ثابت شده انسان از دوست و هم نشین , تحت تأثیر قرار می گیرد. آیات و روایات کثیری مؤید این سخن است . رسول اکرم ۶فرمود: ; یعنی تأثیر گذاری افکار و روحیات دوست بر ذهنیات و(۷)

روحیات , به اندازه است که هر کس را می توان از دوستان او شناخت .

امیرالمؤمنین ۷فرمود: .(۸)

اگر چه یکی از نیازهای روحی و عاطفی انسان , داشتن دوست است , اما تنهایی بسی بهتر از دوستی باافراد فاسد و ناباب است .(۹)

۸ محیط یا اجتماع آلوده : همان گونه که محل ریختن زباله ها موجب پیدایش ویروس و عمل رشد میکرب است , محیط و اجتماع فاسد نیز موجب گسترش افکار و عقاید و عملکردهای فاسد می گردد.

محیط خانه و مدرسه و دانشگاه و حوزهء علمیه و فرهنگ عمومی جامعه و اداره و بیمارستان و مجلس و پارسانه هایی که رسالت اطلاع رسانی جامعه را به عهده دارند, اعم از رادیو و تلویزیون و روزنامه ها, اگر در مسیرهجوم ویروس های اعتقادی و اخلاقی قرار گیرند و پادزهرهای مناسب در آن جامعه به موقع تولید نگردد وآفت زدایی

انجام نشود, به تدریج فساد به فضا و فرهنگ عمومی جامعه سرایت می کند و همه را مبتلامی سازد, مگر آن دسته از خواص که حامل پادزهرهای درونی قوی هستند.

عوامل دیگری از قبیل تلقین و تقلید و التقاط و تحریف و جوّ زدگی یا عوام زدگی و تحقیر شخصیت جوانان , زمینه ساز گرایش به انواع فسادهای اخلاقی و اجتماعی اند.

ب) علل گرایش به مشروبات الکلی :

برخی از عوامل که در گسترش شراب خواری به طور ویژه , تأثیر به سزایی دارد, عبارتند از:

۱ تقدیس شراب به نام عیسی ۷ پس از استیلای فاسدان و ناصالحان بر مصلحان کشورهای اروپایی وامریکایی , برای این که قبح اعمال زشت از جمله شراب خواری و مضرات آن را از انظار عمومی مخفی نگه دارند, به تعمیم تولید و مصرف شراب خواری با عنوان پرداختند و این اقدام شیطانی را به یک پیشوای مقدس ربّانی نسبت دادند. امروزه در کلیساها علناً شراب پخش می کنند و به نام حضرت عیسی ۷برّک می گردانند, در حالی که در آداب و اصول دین مسیحیت , چنین بدعتی زشت و مضر وجود نداشته و نامعقول است .

پرفسور پل پرن , استاد طب اجتماعی دانشکده پزشکی نانت فرانسه , در نامه ای به یکی از کشیش های مسیحی می نویسد: (۱۰)

در اثر قرن ها تبلیغ کلیسا, نه تنها شراب مایعی مقدس جلوه داده شد. بلکه حتی انگور که ماده‌ء اولیه به شمار می رود. در نظر برخی از فرق های مسیحی مقدس گردید, تا آن جا که در کشور اسلامی ایران نیز را با آداب و رسوم ظاهراً مذهبی خاص

بر گزار می کنند و از جمله اعیاد رسمی و جشن های مذهبی کلیساهای ارامنه است .

۲ سود اقتصادی : امروزه حکومت ها از فروش مشروبات الکلی همانند فروش سیگار سودهای کلانی می برند. از طرفی مصالحه و سازش محرمانه بین کمپانی ها و صاحبان صنایع مشروب سازی و محافل مسئول اجتماعی در کشورهای غربی موجب شده است علی رغم گسترش فسادهای اخلاقی و بزهکاری های اجتماعی و ناهنجاری های عصبی , از مضرات و عواقب خطرناک میگساری ها کم تر سخن بگویند و وجودشراب را در سر سفره های خود به عنوان تلقّی و تلقین نمایند.

۳ لاقیدی و بی بندوباری و دادن آزادی عمل نامحدود به نوجوانان , قبل از رشد فکری و بلوغ عقلیِ کافی ,به تصور یک امتیاز و تفوق انسانی , سفره را برای سودجویان استثمار گر جهت گسترش فرهنگ میگساری پهن ترنمود.

۴ استعمار سیاسی , جهت شکست حرمت و قداست قوانین اسلامی و تضعیف اعتقادات دینی و پایین آوردن میزان تقیّدات مذهبی , به توسعه شراب خواری به عنوان یک ژست روشنفکری و نشانهء تمدّن وپیشرفت پرداخت تا بدین وسیله جوانان کشورهای اسلامی را از تحصیلات بالا و انجام فعالیت های مفیدعلمی و اجتماعی , به سمت عیاشی و خوشگذارانی سوق دهد و اندیشه و ارادهء سیاسی آنان برای حفظ وحراست از استقلال و ارزش های ملی و مذهبی شان را محو و نابود سازد.

جهت حُسن ختام , کلام و مقال را با روایتی از امیرالمؤمنین ۷تزیین می کنیم :

نفس آدمی به مقتضای طبیعت سر کش خویش در صحنه های اجتماعی , به مخالفت با فضایل اخلاقی می پردازد, اما بندهء درستکار الهی

کوشش می کند مسیر او را از آرزوهای ناروا تغییر دهد.

کسانی که افسار نفس سرکش خود را رها کنند و در ارضای تمایلات نادرست , آزادش بگذارند, به تباهی و فساد و هلاکت نفس خویش کمک کرده اند.(۱۱)

(پاورقی ۱.بینش اسلامی سال اول دبیرستان , (نظام جدید), ص ۷۹

(پاورقی ۲.همان , ص ۷۸

(پاورقی ۳.در جستجوی خوشبختی , ص ۲۲ به نقل از هاشم رسولی محلاتی , کیفر گناه .

(پاورقی ۴.حسین نوری , اقتصاد اسلامی , ج ۲ ص ۵۸

(پاورقی ۵.همان .

(پاورقی ۶.زین العابدین قربانی , تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی , ص ۳۴

(پاورقی ۷.محسن قرائتی , گناه شناسی , ص ۱۶۶

(پاورقی ۸.شرح نهج البلاغهء ابن ابی الحدید, ج ۲ کلمهء ۱۴۷

(پاورقی ۹.غررالحکم , ص ۶۹۵

(پاورقی ۱۰.صبور اردوبادی , بررسی فرآورده های الکل , ص ۱۵۱ با تلخیص .

(پاورقی ۱۱.محمد تقی فلسفی , در مکتب اهل بیت :, ص ۱۱۰

اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخوهیم بحث کنیم , عوامل و ریشه های فساد چیست ؟

پرسش

اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخوهیم بحث کنیم , عوامل و ریشه های فساد چیست ؟

پاسخ

عوامل و ریشه های فساد مختلف است . برخی ریشهء فرهنگی دارد, برخی ریشه در فقر و غنا دارد وبرخی ریشهء سیاسی دارد ممکن است چند عامل موجب فساد در جامعه بشود. دربارهء هر کدام مقداری بحث می کنیم :

۱ فقدان بینش صحیح سیاسی اجتماعی .

بی اطلاعی از ماهیت و اهداف واقعی جریان های موجود در جامعه و اکتفا کردن به مسموعات و شایعاتِ رایج وتحت تأثیر شعارهای میان تهی قرار گرفتن , یکی از عوامل فساد در جامعه است .

چه بسا جوانانی که چشم و گوش بسته تحت تأثیر جریان های خطرناک قرار می گیرند, در حالی که هیچ اطلاع صحیحی از واقعیت قضایا ندارند. ناآگاهی دردی است بزرگ و در شمار بزرگ ترین دردهای بشریت است که مایه ءتباهی همهء امور, از جمله تباهی حیات ابدی آدمی است . بسیاری از لغزش ها, انحرافات و دشمنی ها میوه های گندیده ای هستند که از درخت پر آفت ناآگاهی و بی بصیرتی می رویند. چند روایت در این زمینه ذکر می شود:

(۱).

بی اطلاعی از نفوذ فرهنگ ها و مکاتب بیگانه که از کانال های مختلف علمی به نهان خانهء اندیشه و اعتقاد افراد,سیَلان و سریان می یابد, خواسته یا ناخواسته انسان تحت تأثیر آن ها قرار می گیرد. چه بسا به خاطر بی اطلاعی ,انحرافات فکری بزرگی در عقیده و بینش اسلامی مردم پدید آید و مفاسد بزرگ اجتماعی و بزه کاری های فروانی

ازبیگانه , به جامعه و افراد آن القا کند.

بی اطلاعی و جهل باعث بازیچه شدن دست جاه طلبان فاسد و منافقان زیرک می شود.

ناآگاهی و بی اطلاعی باعث شیوع خرافات و رسومات غلط در قالب های مقدّس مآبانه می شود.

بی خبری و ناآگاهی سبب نفوذ و جاذبه یافتن شعارهای عوام فریبانه و دروغین خیانت پیشگان و سیاست بازان می گردد.

بی خبری و ناآگاهی مردم سبب می شود اندیشه ها و مکتب های بیگانه , با عظمت و پر جاذبه قلمداد شود ومعارف و اندیشه های بلند دینی , کم ارج به نظر آید.

بی خبری و ناآگاهی مردم باعث می شود امام حسین ۷کشته شود و امام علی ۷مظلومانه تنها و بی یاور گرددو وقتی آنان از دست رفتند, مردم به هوش آیند, در حالی که کار از کار گذشته است .

شیطنت ها و مکر و نیرنگ های امثال عمرو عاص و معاویه در فروپاشی حکومت علی ۷به واسطهء ناآگاهی مردم صورت گرفت .

شخصیت های فاسد یک جامعه برای این که خوب به مطامع خود نایل گردند, دو کار می کنند: از طرفی هوس هاو غرائز نفسانی مردم را تحریک می کنند تا مردم همانند آنان شوند و همدل و همراه آنان گردند و از طرف دیگر بامشغول ساختن مردم به مسائل سطحی و کم اهمیّت , در تخدیر و غفلت و بی خبری مردم می کوشند و مسیر صحیح وحقیقی را عوض می کنند.(۲)

۲ فقر و نداری :

یکی از عوامل مهم بزهکاری ها و مفاسد اجتماعی , فقر مردم است . مشکلات اقتصادی علّت عمدهء آسیب های اجتماعی است . بعضی از جامعه شناسان با

مطالعاتی که انجام داده انـد, منشأ عمـدهء انحرافات اجتماعی در سـطح پایین جامعه را در عوامل اقتصادی اعلام کرده اند و در تبیین علل پیدایش بزهکاری جرم و الکلیسم و روسپیگری وامراض روانی , بیش تر به عوامل اقتصادی اشاره کرده اند.(۳)

بـدیهی است که جوان و نوجوانی که در خـانه ای پر از کمبود و فقر بزرگ می شود, برای فرار از آن خـانه لحظه شـماری می کند و خود را به آب و آتش می زند. چون موقع ازدواج اش می رسد, نه هزینهء ازدواج را دارد و نه خانه ومحل زندگی , که خواه نـاخواه به دنبـال مفاسـد اجتماعی می رود یا به دزدی و چپاول مال مردم دست می زنـد یا به موادمخـدّر رو می آورد. از رسول گرامی اسلام ۶نقل شده است : .

البته باید بگوییم فقر تنها عامل و علّت انحرافات اجتماعی نیست , بلکه می تواند یکی از عوامل مؤثر باشد.

۳ غنا و ثروت اندروزی :

یکی از عوامل مهم مفاسد اجتماعی در سـطح بالای جامعه , غنا و توانمندی اقتصادی است . بیش تر انحرافات جنسـی و اعتیاد به الکل و مشروبات و مواد مخدّر, ناشی از استغنا و ثروتمندی است , قرآن نیز این حقیقت را بیان کرده است : (۴).

(پاورقی ۱.غررالحکم .

(پاورقی ۲.غلامعلی نعیم آبادی , آسیب شناسی خواص .

(پاورقی ۳.دکتر محمد حسین فرجاد, آسیب شناسی اجتماعی .

(پاورقی ۴.علق (۹۶ آیهء ۶

اگر گدایی را ببینیم و به او کمک نکنیم , اشکال دارد؟ به بودن این افراد شک داریم و فکر می کنیم درصندوق صدقات بیندازیم بهتر است . بعضی از این افراد کمک های کم را رد می کنند.

پرسش

اگر گـدایی را ببینیم و به او کمـک نکنیم , اشـکال دارد؟ به بودن این افراد شـک داریم و فکر می کنیم درصـندوق صـدقات بیندازیم بهتر است . بعضی از این افراد کمک های کم

را رد می کنند.

پاسخ

یکی از مشکلات جامعهء ما گدا پروری است . بعضی افراد گدایی را شغل خود قرار داده و از این راه به سرمایه های هنگفتی دست می یابند. برای این که چنین افرادی در جامعه رشد نکنند, بایستی مردم به آنها کمک نکنندو در صورتی که افرادی را در خانواده و فامیل و یا در همسایگی خود می شناسند که نیازمندند, به طور شایسته و باحفظ آبروی آنها از راه های مختلف به آنان کمک کنند. اگر کسی را نمی شناسند, همان بهتر که صدقات و کمک های خود را در صندوق های مورد اعتماد مانند کمیته امداد بریزند. از این که گدایی را ببینید و به او کمک نکنید, ترس نداشته باشید ,مگر این که احساس کنید واقعاً نیازمند است . در این صورت صدقه و کمک شما قابل پذیرش است ,زیرا نیّت شما کمک به نیازمند بوده است . گداهایی که کمک های کم را رد می کنند, قابل ترحم نیستند و نبایستی به آنها کمک کرد. .

چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلا دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و عفت خود را از دست می دهند و یک عمر باید با سرشکستگی و بدبختی زندگی کنند)؟

پرسش

چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلا دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و عفت خود را از دست می دهند و یک عمر باید با سرشکستگی و بدبختی زندگی کنند)؟

پاسخ

خوانده می شود,ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گرفته و جوان را از جادهء مستقیم کمال , منحرف سازد. عشق , نوعی وجاذبه ای نیرومند است که بین انسان و یک موجود خارجی , برای رسیدن به یک هدف , ایجاد می گردد. اگر منشأآگاهانه و مبدئی الهی داشته باشد, یکی از عالی ترین تجلیات روحی انسان و از پرشکوه ترین جلوه های آفرینش به شمار می رود. اما اگر به همین جاذبه تنها ریشه ای غریزی و شهوانی داشته باشد و منشأ شیطانی پیدا کند, ازمظاهر نفس اماره بوده و در این حالت , عقل و ایمان را در وجود آدمی تضعیف می کند, به طوری که فرد عاشق ,دیوانه وار برای رسیدن به معشوق خود, به هر کار نامشروعی دست می زند تا به کام خود برسد, حتّی اگر در نظر مردم هم رسوایی هایی به بار آورد. دختران جوان باید مراقب این دام های خطرناک و گوناگون باشند که با نام دروغین بر سر راه آنان قرار می گیرد. دام هایی که پس از افتادن در آن , غالباً رهایی از آن بسیار دشوار است وکفارهء لحظه ای غفلت و خوش بینی بیجا و تسلیم شدن دربرابر الفاظ ریاکارانه و توخالی را گاهی در یک عمرنمی توان پرداخت . دخترانی که از نظر کمبودهایی داشته و در محرومیّت به سر برده باشند,

خیلی زودتسلیم این اظهار عشق ها و محبت های ظاهری دروغین شده و به دام افراد منحرف و حرفه ای می افتند که با کمال تأسف موجب ارتباطهای نامشروع - به صورت نامه , تلفن و ملاقات در کوچه و خیابان - می شود که عشق های دروغین و هوس های زودگذری بیش نخواهد بود و نقطه پایانی آن ارضای کام جویی های گناه آلود و بی قید و شرطاست و پس از آن با فرو نشستن آتش هوس و شهوت از یکدیگر جدا شده و بعد از اندکی همه چیز فراموش می گرددو مبدّل به حالت پشیمانی و غم و اندوه و بی آبرویی و سردرگمی , در آغاز زندگی خواهد شد و این خود اختلال ها و ناسازگاری های مراحل بعدی زندگی را به دنبال خواهد داشت . میدان ندادن به عقل و بازگذاردن عرصهء شهوت , چشم و گوش انسان را کور و کر می کند, به طوری که عواقب وخیم و خطرناک آن را تنها پس ازارتکاب عمل می فهمد; زیرا قبل از عمل , رسوایی کار ناپیدا و پوشیده است . به تعبیر حضرت علی : ربّ شهره ساعهتورث حزناً طویلاً یعنی چه بسا یک ساعت شهوت رانی اندوهی طولانی ببار آورد.(۱) اما

علل پیدایش انحراف جنسی :

مساعد نبودن شرایط خانوادگی و محیط زندگی . رعایت نکردن حریم بین زن و مرد. عدم توجه والدین به احکام دینی زناشویی دربارهء یکدیگر. بی توجهی در مجالست ها و همنشینی با افراد بی بندوبار و لاابالی وخانواده های منحرف فامیل . برنامه نداشتن در اوقات فراغت و بیکار

بودن . رفت و آمد در محیطهای آلوده و چشم چرانی . گوش دادن به گفت وگوهای افراد منحرف و آلوده دربارهء مسائل جنسی و کسب اطلاع نادرست و نامناسب و نداشتن آگاهی صحیح به مسائل بلوغ . نارسایی های ذهنی و عدم کسب موفقیت های تحصیلی و درسی . خیال پردازی های انحراف آمیز در هنگام تنهایی و خلوت گزینی . تحریک های جنسی از طریق عکس ها وتصویرها. ضعف ایمان و نداشتن تربیت صحیح دینی همنشینی با دوست و رفیق منحرف . اگر بخواهیم همهء این عوامل را در یک کلام خلاصه کنیم , باید بگوئیم که رعایت نکردن راه و روش زندگی و سنت های اسلامی در محیطخانوادگی و اجتماعی , چه در زمان کار و یا در ایام فراغت موجبات پدید آمدن این انحرافات را فراهم خواهدساخت .

هشدار:

باید دانست که خطرناکتر از پیدایش حالت انحراف جنسی برای جوان , پس از آگاهی به پی آمدهای شوم آن ,یأس و ناامیدی است که در راه مبارزه با این عادت به خود راه می دهد. پس جوان به جای هرگونه سستی و یأس واضطراب بی فایده , باید با اعتماد کامل به نصرت الهی , اقدام به ترک آن کند و بداند که اگر واقعاً قصد ترک آن را داشته باشد, قطعاً موفق خواهد شد.

بازگشت :

جوان مبتلا به انحراف جنسی با قدری همّت و یاری خواستن از خدا, به زودی می تواند از این رفتار نابهنجار که ویرانگر سلامتی و سرمایهء جوانی اوست دست بردارد و خود را از چنگال

این عادت شوم نجات دهد و به زندگی عادی و پاک خویش بازگردد.(۲) در خاتمه باید گفت از آن جا که دخترها از عاطفه و لطافت خاصّی‌ی برخوردارند و خیلی زود تسلیم الفاظ یا کارانه و توخالی را می خورند, زودتر در دامهای بر سر راهشان می افتند و آسیب پذیرترندو این به آن معنا نیست که پسرها آسیب اخلاقی ببینند, بلکه پسرها نیز آسیب بزرگی از حیث ایمان و اخلاق و حتّی در صورت آشکار شدن این مسئله از حیث اجتماع می بینند, که موجب آبروریزی و هتک شخصیت آن ها است که قطعاً در آینده هر دختر نجیبی حاضر نخواهد شد با او ازدواج نماید. در پایان توصیه های برادرانه را به شما گوشزدمی نمائیم

توصیه ها و مراقبت های لازم دختران جوان :

دختر جوان باید خود را از محیطها و موقعیت های تحریک آمیز دور نگه دارد و از گوش دادن به موزیک های محرک و دیدن فیلم های فاسد اجتناب ورزد. از پوشیدن لباس های تنگ و چسبنده , حتی در مقابل برادر وخویشان محرم خود هم خودداری می کند. خود را از محیطی که مورد نگاه نامحرم است , دور نگاه دارد. تخیلات و تفکرات خود را کنترل کند و بداند هر چه که به ذهن و اندیشه اش می گذرد, خداوند بر آن آگاه است . بیکاری منشأتمام انحراف ها است , دختر جوان باید با یادگرفتن آشپزی , زمینهء موفقیّت آیندهء خود را فراهم سازد. در جلسه های فرهنگی و مذهبی شرکت نماید و پرسش هایی که برایش پیش می آید مطرح

کرده و پاسخ آن ها را بیابد توجه داشته باشد که در ایام عادت ماهانه از ورزش های سخت و کارهای دشوار خودداری و از آب سرد و شنا در آن بپرهیزد با دوستان مؤمن و خوب رفت و آمد و مجالست داشته باشد, حتّی المقدور سعی کند نمازها را در اوّل وقت به جا آورد. قبل از خوابیدن حتماً وضو بگیرد و هنگام خواب سوره های (معوّذتین) و آیهالکرسی را با حضور قلب بخواند. حتّی المقدور هفته ای یکبار روزه بگیرد, این عمل در تقویت اراده اش نقش بسزایی دارد. از پرخوری وتغذیه مداوم از مواد مقوّی و گرم , بپرهیز, زیرا علاوه بر اختلال های جسمی , این نیروی اضافی محرّک میل جنسی است . دختر جوان باید حریم محرم و نامحرم را حفظ نماید و از توقّف در محلّ خلوت با فرد نامحرم جداً دوری گزینند. از شوخی و خندهء با نامحرمان خودداری کرده و در صحبت کردن با آنان مراعات جدّی بودن کلام را بنمایدوحالت و صدا را طوری نازک و ظریف نکند که موجب انحراف پسر جوان شود چنان چه قرآن مجید در آیه ۳۲سوره ءاحزاب به این مسأله اشاره کرده است . جوان باید تمایلات و افکار خود را از توجّه به روابط نامشروع به روابطصحیح و مشروع و به سوی ازدواج و زندگی آینده معطوف سازد و بداند که دیر یا زود این ایام سپری خواهد شد و اودر آینده ای نه چندان دور باید به انتخاب همسری پاک بپردازد و در خود آمادگی های لازم را برای چنین

زندگی سعادتمندانه ای که نیاز به سلامتی جسمی و روانی دارد, فراهم سازد.(۳)

(پاورقی ۱.میزان الحکمه, ج ۱ ص ۳۸۱

(پاورقی ۲.رضا فرهادیان , آنچه یک جوان باید بداند (ویژه دختران) ص ۷۱ ۷۷

(پاورقی ۳.رضا فرهادیان , آنچه یک جوان باید بداند (ویژه دختران) ص ۷ص ۸۲

چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟

پرسش

چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟

پاسخ

در پاسخ سؤال اوّل گفتیم که یکی از خصوصیّات دوره جوانی رسیدن انسان به بلوغ عشق ورزیدن، محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن است. عشق ورزیدن اولین گام در ایجاد ارتباطات اجتماعی و سپس تشکیل خانواده است. از این رو عاشقی کردن بسیاری از موانع در کنار جوانی کردن آمن است:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

منتها باید توجه داشت که عشق ورزیدن در کنار نیاز به محبّت و نیاز به برطرف ساختن نیروی جنسی است و نباید در آن ها افراط کرد. متأسفانه بسیاری از عشق های امروزی از عنصر "هوس" نشأت می گیرند و هوس چیزی نیست جز غلبه میل به ارضای شهوات بر میل دوست داشتن و عشق.

از این رو، دختران و پسران امروز به جای توجه عمیق به مسایل مهم زندگی خویش، تنها در لایه ای سطحی از زندگی به تکاپو می پردازند و با مراودات و ایجاد ارتباطات متنوع، موقّت و بدون ظابطه به رواج بی بند و باری دامن می زنند. از سویی، از آنجا که این روابط در تعالی روح وجان ایشان تأثیر به سزایی ندارد و حتی گاهی اوقات به تخریب روانی می انجامد، دائماً شاهد گسسته شدن این روابط و تشکیل یک سری روابط دیگر هستیم.

در این جا دوست داریم نظر شما را به این نکته جلب کنیم که مفهوم بی بند و باری و فساد تنها در "اعمال منافی عفت" خلاصه نمی شود. این را از آن جهت آوردیم که امروزه در جامعه ما

سخن از محسّنات "عشق آزاد" با عناوینی چون "عشق پاك"، "روابط خواهر برادری"، دوستی های مسالمت آمیز"، "روابط افلاطونی"، "ارتباط روحی" و ... گفته می شود و عده بسیاری این سؤال را دادند که مگر چه عیبی دارد ما این گونه با هم رابطه داشته باشیم؟ ما که گناهی نمی کنیم؟ یا مثلاً می نویسند که "دوست پسر من اهل نماز و روزه و هیئت و ... است و به خاطر همین مذهبی بودنش با او رابطه دارم!؟ ، این ها تمام از جنسِ لباس حق بر پیکر باطل پوشاندن است. فقط الفاظ با تربیت تر و کلیدی تر شده اند وگرنه تمامی آن ها تحت عنوان "روابط بدون ضابطه" می گنجد.

البته شاید شما را این کلام ما خوش نیاید و گمان کنید که ما از سر تعصّب و تزیّد این کلمات را می گوییم، ولی می توانید مطمئن باشید که چنین نیست. علت این امر را در دو مثال و با دو بیان عرض می کنیم:

۱- بیان اوّل سؤالی است از شما و آن این که آیا دوست داری همسر فرضی آینده شما از این نوع عشق های افلاطونی و معاشرت های مسالمت آمیز با دیگری غیر از شما داشته باشد؟

همسر فرضی شما چطور؟ آیا او می پسندد از این عشق های پاک با دیگری داشته باشید؟

از این مثال می خواهیم این نتیجه را بگیریم که در جایی که فطرت و غیرت آدمی از کاری کراهت دارد و حاضر به تحمل آن نیست، چگونه می توان آن را در جامعه توصیه کرد و با هر عنوان زیبا یا زشتی و به هر بهانه ای

به آن اقدام کرد؟!

۲- مسئله دوم: چرا این روابط پنهان است؟ اگر احیاناً آشکار باشد، از آن به "دریدگی" و "بی آبرویی" تعبیر می شود؟ اصولاً مگر فرق میان ازدواج و این نوع روابط چیست؟

به نظر ما فرق این است که ازدواج به صورت آشکار و با ضابطه است و قانونی دارد که طبق آن مرد و زن دارای حقوقی مشخص می گردند و مسئولیت هایی نسبت به هم پیدا می کنند. در حدیثی زیبا از رسول خدا می خوانیم که "فرق میان زنا و نکاح در آشکار بودن آن است". در کدام یک از این روابط خیلی پاک، حقوق عاطفی (بگذریم از مادی) دختران و پسران جوان رعایت می شود؟ مگر عاطفه، روح، علایق و اصلاً خود انسان لباس است که بپوشیم و اگر خوشمان نیامد دورش بیاندازیم و پی نفری دیگر برویم؟! در اطراف مشکلات روحی و روانی این گونه روابط سخن بسیار می توان گفت که مجال آن نیست.

متأسفانه امروزه بسیاری از جوانان گمان می کنند که دستورهای اسلام کهنه شده و عمل به آن ارتجاع، کهنه پرستی و مقدس بازی است. در حالی که اسلام در قلمرو دستورها و تعالیم خود، سلامت روانی جامعه، سلامت روانی افراد و حقوق اجتماع را در نظر گرفته و اهتمام ویژه بر عدم تضییع این هرسه دارد.

علت بسیاری از این روابط آزاد و متنوع که در جامعه می بینیم، عدم توجه افراد به پیامد ها و زمینه های افزایش این گونه روابط و عدم توجه شان به تضییع حقوق متقابل است. نتیجه آن همین است که ما و شما در سطح جامعه مشاهده می کنیم.

چرا بعضی از مردم بد کارند؟

پرسش

چرا بعضی از مردم بد کارند؟

پاسخ

عوامل مختلف در فساد افراد دخالت دارد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱ – محیط ناسالم خانواده:

اولین محیطی که زمینه انحراف را در فرد به وجود می آورد، خانواده است. تحقیقات و شواهد زیادی گویای این واقعیت است که بسیاری از منحرفان به خانواده هایی تعلق دارند که از نظر تربیتی ضعیف می باشند و مادر یا پدر منحرفی داشته اند. از پدر مشروبخوار و مادر بدکار فرزندان صالح کمتر بار می آد. یا در خانواده ای بوده که از محبت و تفاهم چندان خبری نبوده و یا از نعمت پدر محرم بوده است و یا مادرش طلاق گرفته و همواره شاهد درگیری و زاع های پدر ومادر بوده است.

۲ – محیط ناسالم مدرسه و محل زندگی:

دوستان و اطرفیان نقش مؤثری در شکل گیری شخصیت انسان دارند. رفاقت با افراد منحفرف خواه ناخواه در گرایش آدمی به زشتی ها و پلیدی های اخلاقی وعملی مؤثر است .

امام صادق(ع) می فرماید: "آن که با دوست ناباب رفاقت داشته باشد، حتما آلوده می شود".(۱)

۳ – بیکاری:

آن چه بیش تر جوانان را به انحراف می کشاند، بیکاری است، امام علی(ع) می فرماید: "... فراغت زیاد باعث تباهی می شود".(۲)

۴ – فقر:

یکی از عوامل انحراف و بدکاری، فقر و تهیدستی است. امام علی(ع) می فرماید: "فقر باعث نقصان دین، سراسیمگی عقل و برانگیختن خشم می شود".(۳)

۵ – ضعف ایمان:

بسیاری از مفاسد اجتماعی ریشه در عدم التزام به اصول اسلامی دارد.

کسی که ایمان واقعی نداشته باشد، به راحتی دست به جنایت و ظلم و تضییع حقوق دیگران می زند.

پی نوشت ها:

۱ - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۰.

۲ - ارشاد مفید، ترجمه

رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳ – نهج البلاغه، فیض الاسلام، قصار ۳۱۱.

علت خودکشی در جوانان چیست؟

پرسش

علت خودکشی در جوانان چیست؟

پاسخ

خودکشی امری ناپسند، مردود و زشت است.

انسـان عاقـل حتی در بـدترین وضع، بـا جـان خود معامله نمی کنـدو آن را به بازی نمی گیرد، بلکه با صبر و متانت و توکّل به خدا از چنین مهلکه ای می گریزد.

نداشتن هدف، تضعیف پایه های اعتقادی ناکامی و شکست در رسیدن به بعضی از خاسته ها، از دست دادن انگیزه، افسردگی بیش از حدّ و مزمن، نبود امید و توقعات بیش از حدّ از عوامل جدّی زمینه ساز برای خودکشی است.

انسان های ضعیف النفس خودکشی را راه چاره می دانند.

اینان دنیا را برای خود مکانی دائمی می پندارند و در صورت ناکامی و بروز مشکل، همه چیز را تمام شده پنداشته و برای فرار از آن به خودکشـی روی می آورنـد واز این نکته غافلنـد که بعـد از خودکشـی در پیشـگاه خـدا بـا گنـاهی بزرگ و غیر قابل بخشش حاضر و به عذابی بزرگ دچار می شوند و راه هر گونه بازگشت و جبران را به روی خود بسته می بینند. تقویت ایمان و باورهای دینی و مطالعه در مورد قیامت و معاد می تواند در جلوگیری از پوچ گرایی و تصمیم های غلط، مؤثر باشد.

محققان معتقدنـد که ۸۳ درصد از جوانانی که فکر خودکشـی دارند، دچار افسـردگی هسـتند. با این حال اکثر جوانان افسـرده اقدام به خودکشـی نمی کنند. آشـکارترین دلایل خودکشـی نوجوانان، احساسات منفی و ناامیدی و از دست دادن کنترل خود است. احساس گناه شدید، احساس تنهایی و بی کسی و بی پناهی، فقدان حمایت، ضعف روانی برای تأثیر کام روایی، ناتوانی در کنترل فشارهای وارده،

ناتوانی در کنترل احساسات و رشد نیافتگی و عدم آمادگی برای مقابله با مشکلاتی که پیش روی نوجوان قرار می گیرد، مهم ترین دلایلی است که ممکن است او را به فکر یا عمل خودکشی وادار کند. ناامیدی و بی پناهی نوجوان ممکن است ناشی از وضع خانواده، مدرسه، همسالان و حتی شکست در عشق باشد.[۴]

[۴] روزنامه انتخاب، شماره ۹۶۳، تاریخ ۵/۶/۸۱.

با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شهرها قیمت زمین ها و مصالح ساختمانی را بالا می برند و جوانان نمی توانند برای خود سرپناهی داشته باشد، حال چه باید کرد؟ چرا علمای حوزه در این مورد کاری نکرده و نمی کنند؟

پرسش

با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شهرها قیمت زمین ها و مصالح ساختمانی را بالا می برند و جوانان نمی توانند برای خود سرپناهی داشته باشد، حال چه باید کرد؟ چرا علمای حوزه در این مورد کاری نکرده و نمی کنند؟

پاسخ

در خصوص جلوگیری از فعالیت های سودجویان اقتصادی، زمینه ها و راه کارهایی متعددی وجود دارد که باید همه آنها مد نظر قرار گیرد.

۱ - نظارت عالمان دینی

یکی از راهکارهای مهم، تذکر و هشدارهای عالمان دینی است که هم باید به سود جویان اقتصادی صورت گیرد و هم به مسئولان نظام. به نظر می رسد حوزه علمیه و عالمان دینی در انجام وظایف خود مبنی بر هدایت و اندرز سودجویان تا اندازه ای موفق بوده اند، زیرا بارها حوزه های علمیه و مراجع تقلید، مسئولان نظام را به رفع مشکلات اقتصدی و اتخاذ سیاست های راهبردی در خصوص جلوگیری از فعالیت برخی از سودجویان فراخوانده اند، به برخی از سودجویان اقتصادی نیز با بیان احکام الهی و صدور فتواها، هشدار داده اند.

همچنین عالمان دینی به مسئولان نظام در خصوص گران شدن زمین و اشتغال جوانان تذکر داده اند و برخی از موارد، راهکارها را نیز ارائه نموده اند.

۲ - سیاست های درست اقتصادی

جلوگیری از گران شدن زمین و مصالح ساختمانی نیاز به سیاست های اقتصادی مفید و تصمیم گیری کلان دارد و تنها با تذکر عالمان دینی این مشکل حل نمی شود.

باید مسئولان نظام سعی کنند با بهره گیری از هدایت و مبانی عالمان دینی و سازکارهای مفید و کارآمد، جلو افزایش قیمت زمین و مصالح ساختمانی و تورم را بگیرند، البته دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در خصوص رفع مشکلات اقتصادی و جلوگیر از

فعالیت سودجویان، از برخی اهرم ها و استراتژی ها بهره گرفته اند، ولی امید است هم عالمان دینی و هم دولتمردان نظام در خصوص مشکل مردم - بویژه جوانان فعالیت های بیشتری انجام دهند.

چرا برخی از افراد با وجود داشتن زن و فرزند به دنبال ناموس مردم می روند، درحالی که پیامبر فرمود: ازدواج کنید تا به فساد کشیده نشوید؟

پرسش

چرا برخی از افراد با وجود داشتن زن و فرزند به دنبال ناموس مردم می روند، درحالی که پیامبر فرمود: ازدواج کنید تا به فساد کشیده نشوید؟

پاسخ

ازدواج سهم بزرگی در کنترل غریزه جنسی و پیشگیری از فساد در جامعه دارد. رسول اکرم(ص) حفظ نیمی از دین را در گرو ازدواج دانسته اند،(۱) ولی این سخن به معنای آن نیست که با ازدواج، فساد از جامعه رخت بر می بندد، زیرا فساد و بی بند و باری و گناه، معلول عوامل مختلفی است.

ازدواج زمینه عفت عمومی و پاکدامنی را فراهم می کند، ولی علت تمام و کافی برای آن نیست.

اگر کسی با وجود داشتن همسر و فرزند باز به فکر شهوت رانی است و به دنبال ناموس مردم است، علت آن را باید در شخصیت فرد و طرز تربیت خانوادگی و محیط اجتماعی و دوستان نا اهل وی جستجو کرد. چه بسا افرادی به عادت ناپسند چشم چرانی خوگرفته و آن گناه به صورت ملکه (عادت) درآمده است و خواه ناخواه به ناموس دیگران نگاه می کنند، با آن که غریزه جنسی شان ارضا شده است، یا افرادی اراده ضعیفی دارند و نمی توانند نگاه خود را کنترل نمایند، یا این که زیاده خواهی و هوای نفس و شهوت در او قوی بوده و نتوانسته آن را کنترل نماید و یا خانواده و دوستان او را به این سمت و سو کشانده اند.

در بعضی موارد مرد از نظر جنسی تأمین نشده و به خواسته های خود نرسیده و با نگاه به نامحرم خود را ارضا می کند.

پی نوشت ها:

۱ - سفینهالبحار، ج ۱، ص ۶۵۱.

راه مبارزه با علل انحراف چیست ؟

پرسش

راه مبارزه با علل انحراف چیست ؟

پاسخ

بـا توجه به تنوع و گونه گونی علـل و عوامـل انحراف , روشن می شود که مبـارزه وبرخورد بـا هر یـک از آنها شـیوه خاص و محل و شـرایط ویژه ای می طلبد مثلا علل روانی واخلاقی را باید بوسـیله تربیت صـحیح و توجه به ضررهای مترتب بر آنها , و برای جلوگیری از تـاثیر سوء عوامـل اجتمـاعی علاـوه بر جلوگیری عملی از بروز چنین عواملی , می بـایست فرق بین نادرستی دین با نادرستی رفتار دینـداران را روشن ساخت و نیز برای جلوگیری از تاثیرات سوء عوامل فکری بایـد شـیوه های متناسبی را اتخاذ کرد از جمله اینکه عقایـد انحرافی را از عقاید صـحیح تفکیک کرد وو از بکار گرفتن اسـتدلالات ضـعیف و غیر منطقی برای اثبات عقاید دینی اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل نشانه نادرستی مدعی نیست .

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پرسش

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پاسخ

مشـکل اعتیاد بلای خانمان سوزی است که ناشـی از فقر فرهنگی و بیکاری است . ما و شـما بایدتلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی ولاابالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم . شمامی توانیـد با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صـحیح با آنها وراه انـدازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مـذهبی خوب و جـذاب و برگزارنمودن مجـالس مـذهبی و دعوت اهالی ، جوانان را جـذب کرده و خلاهای فکری و فرهنگی آنها را پر نموده آنها را به فکر اشـتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنهاجلوگیری کنیم و از طرف دیگر بـا شـناسایی افراد فاسـد و سودجو وجنایتکـار که جوانـان رامنحرف می کننـد و معرفی آنهـا به نیروهای انتظـامی ومراکز قضـایی و ضابطین آنها جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ؛ ارایه الگوهای صـحیح، گسترش فرهنگ دینی ، هدفمند کردن جوانان در زندگی ، فراهم کردن اشـتغال مناسب ، ایجاد ارتباط و دوستی صـمیمانه و صـحیح، فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم ، سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیادنجات بخشد .شما باید خود در حد توان و امکاناتی که در اختیار دارید بابکارگیری راه های فوق الذکر به

این هـدف ایـده آل دست یابید و بدانید که این کار فعالیتی بس مشـکل و در عین حال سـرشار از ثواب و پاداش است ودنیا و آخرت شـما و دیگران را آبـاد می سـازد .لازم است با ذوق و سـلیقه وپشـتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارایه شـده اسـتفاده کنیدو هرگز احساس خسـتگی و ناتوانی نکنید .به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوید و آنها را جذب کنید تا جذب مراکز فساد نشوند .لذا ایثار و ازخود گذشـتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند شما را به هدف برساند .در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشـی مدبرانه شـما عزیز دانشجوتقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.;

چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

مساله ای را که مطرح فرمودید بسـیار تاثر برانگیز و موجب تاسف فراوان است . از اینکه احساس مسـیولیت نموده و به فکر راه حل مناسبی برای آن هستید خوشحالیم . انشا الله خداوند شما و همهٔ کسانی که قصد خدمت به دین و نهادهای مقدس دینی و انقلابی را دارنـد مویـد فرمایـد .در امور پنهانی ومخفی اولین قـدم آن است که باید علم و یقین به مساله پیدا کنید و به صـرف احتمـال و سـو ظن اکتفـا کنیـد (اگر چه اینگونه مسایـل در ارتبـاط بـا بسـیج و مسـجد که مکانهـای مقدسـی هسـتند از چنـان حساسـیتی برخـوردار است که حـتی بـا احتمـال در معرض اتهـام بـودن فرد نیز بایـد از آن جلـوگیری کرد ومـانع حضور چنین افرادی گردید لیکن نه با آبروریزی و اتهام بلکه با روشـی مناسب و محترمانه) بلکه باید شواهد قطعی و یقینی برای آن داشـته باشید .چنانچه در این حد نمی توانید شواهد قطعی ارایه کنید لازم است بامسوولین بالاتر بسیج که احتمال همدستی با ایشان را ندارنـد مساله را ابتدابه صورت غیر حضوری یعنی به صورت نامه یا تلفن مطرح کنید و کار تحقیق در این زمینه را با خود آنها واگذار نمایید تا خودشان اقدام کنند .اگر دیدیدنتیجه نداد و ایشان به فسق خویش ادامه می دهند باید با تدارک اسنادقطعی و شواهـد یقینی و جمع آوری شاهـدان عینی به مراجع ذی صـلاح از ایشان شـکایت کرده و به هر نحو ممکن جلوی این منکر و فساد را بگیرید و نوجوانان

بی پناه را از افتادن در این دام نجات دهید .باز هم تذکر می دهم چنانکه بر اساس حرف دیگران و بدون شواهد عینی به این نتیجه رسیده اید لازم است ابتدا دربارهٔ قضیه خوب تحقیق کنید .چه بسا ممکن است این مسایل شایعاتی باشد که افراد مغرض برای بد نام کردن بسیج به آن دامن می زنند .اما اگر خود عینا" شاهد قضیه بوده اید و یا شواهد و قراین کافی برای آن دارید وظیفه شرعی شما آن است که از طریق صحیح و کم مفسده ترجلوی این منکر زشت و نا پسند را بگیرید و راه آن هم جمع آوری اسناد گویامانند شهادت افرادی که به وقوع دقیق جرم شهادت می دهند (ضبط آنها) تهیه عکس و یا فیلم - اقرار افرادی که مورد استفاده قرار گرفته اند (ضبطحرفهای آنها بصورت مفصل و تشریح شده) ، در مرحله بعد گزارش ابتدایی بصورت تلفنی ، نامه به مسیولین رده بالاتر و در صورت ترتیت اثر ندادن ارسال نامه به رده بالا و بالاتر و ارسال عکس و یا فیلم به مسوولین) . درعین حال در صورتی که نسبت به مساله یقین دارید و می توانید نام و آدرس پایگاه را همراه با نام و مشخصات دقیق مسوول یاد شده به این واحد ارسال کنید، تا به طور محرمانه مساله پیگیری شد .در پایان مجددا" توفیقات روزافزون شما را از درگاه حضرت حق خواستار و به دقت نظر و خیرخواهی شماآفرین می گوییم امید داریم که حساسیت دینی شما با دقت و تدبیرعقلایی ؟؟؟؟؟ همراه باشد.;

علّت گرایش شدید به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟

پرسش

علّت گرایش شدید

به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟

پاسخ

فروید در کتابی گفته بود سرنوشت آدمی تابع تشریح اوست. این کلام فروید در عین خوبی یک اشکال اساسی داشت. او باید می گفت سرنوشت آدمی تابع تشریح صحیح اوست. آنها انسان را ناقص و محدود تشریح کردند. همین فروید نابهنجاریهای رفتاری را در انسان فقط معلول سرکوبی میل جنسی دانست و به همین دلیل آزادی آن را توصیه کرد. همانطور که افراط در محرومیّت در تاریخ اخلاقی غرب محکوم بود. این توصیه بیمارگونه نیز باعث از هم گسیختگی روابط اخلاقی و عفت عمومی شد. چنانکه یکی از جامعه شناسان غربی گفته است. برای تثبیت عقیده فروید بیست سال کوشش شد. امّا برای جمع آوری آثار مخرب آن دویست سال کار لازم است. انسان ابعاد وسیع و ناشناخته ای دارد که تنها تأمین کننده جامع آن دین و آموزش های انبیاست. و تحلیل صحیح نیز از خالق و آفریننده او صادر می شود.

۲. آن بینش غلط، جهت گیری اجتماعی و سیاسی غلط دیگری را شکل داد که نظامهای حاکم اخلاق در سیاست را کنار نهادند و در نتیجه در برنامه ریزی آنان مبانی اخلاقی ضعیف شمرده شد.

۳. نقش فرقه صهیونیست که عقاید ویژه آنان سیاست ناپاکی را نتیجه می دهد قابل تأمّل و مطالعه است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟

پرسش

اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟

پاسخ

شخصی که باعث انحراف شخص دیگری شده، ابتدا باید توبه کند که دیگر مرتکب آن انحراف نشود. سپس بر او لازم است که شخص منحرف شده را چنانچه زنده است و دسترسی به او دارد، باید به او آگاهی دهد و او را از آن انحراف باز دارد.

پس از آنکه آن شخص آگاهی به انحراف پیدا کرد و فهمید که ارتکاب آن گناه است، وظیفه انسان انجام شده است. این آیه قرآنی بر این وظیفه دلالت دارد که: «الا الذین تابوا و اصلحوا؛(۱) کسانی که توبه کرده و کاستیهای گذشته و خطاها را

اصلاح کنند، توبه شان مورد قبول واقع می شود».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ – سوره بقره، آیه ۱۶۰.

۴

چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است ؟

پرسش

چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است ؟

پاسخ

در خصوص سؤال شما دوست عزیز باید عرض کنیم آنچه بیشتر جامعه ما مبتلا به آن است بد حجابی است نه بی حجابی با این تصحیح کوچک در سؤال شما ، باید گفت که مسأله بد حجابی از معضلات کنونی جامعه است. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه های تاریخی مسأله که بگذریم ، متأسفانه خود باختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را در جامعه دیده اید . البته با وجود آنچه نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات، نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد :

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد . ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی .

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات بسیاری از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است ، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب ، آثار

آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

نکته دیگر این که متأسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی کشور در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوت و بی بند و باری نیز کار آسانی است ؛ چرا که حرکت در سراشیبی سقوط است ، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی ، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است. این نکته را هم فراموش نکنیم که بد حجابی از میوه های شجره خبیثه فساد و بی بند و باری است ، اگر مسئولین امور نیز مدتی به صورت قهری و جبری با این مقوله برخورد کنند گرچه برای دوره ای کوتاه افراد شئونات اسلامی و اجتماعی را رعایت می کنند اما این حالت پایداری نیست و بعد از مدتی دوباره این گونه هنجارهای رفتاری به شکل دیگری در جامعه ظهور و بروز می کند . مانند بیماری که برای معالجه غده سرطانی خود نیاز به اطاق عمل و جراحی داشته باشد ، اما پزشک او مرتب به جای برداشتن غده و علت دردش برایش مسکّن تجویز کند. بهترین درمان برای معالجه مرض بدحجابی در جامعه مبارزه با عوامل و ریشه های این جریان است که آن تهاجم فرهنگی غرب به سر کردگی آمریکا ــ سنبل و نماد استکبار جهانی ــ است. امید است غیرت و

حمیّت اسلامی ، در افراد متدیّن فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راهکاری مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند و باری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز ! زندگی در جامعه سالم و مدینه ای فاضله آرزو و آرمان همه بندگان خداست ؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوا پیشگان همواره در چه شرایطی سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه بر نداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار ، یعنی مبارزه با فساد وتباهی و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابر این به جای یأس و نومیدی و گوشه گیری از فعالیتهای جمعی در مساجد ، از خون شهیدان پیام بگیریم وبا تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری بپردازیم .

و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشیم. در این صورت خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهیم شد. (ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم).

علاوه بر موارد و عوامل فوق ، بی توجهی نسبت به مفاسد اجتماعی ، دلایل مختلفی می تواند داشته باشد . از جمله طبیعی شدن موضوع به خاطر کثرت آن مانند همین پدیده بد حجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم بر خورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفاسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن خود افراد و ضعف

ایمـان، در هر حال برای مؤمنین در هر شـرایطی امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راسـتا بایـد از اطلاعـات کافی در شـناخت معروف و منکر و نحوه انجام آن برخوردار باشـد. به فرمایش شـهید مطهری (ره) امر به معروف و نهی از منکر از پند شروع می شود و به بند ختم می شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت آنها مؤثر واقع نشـد باید از بند اسـتفاده کرد اما متأسـفانه عده ای فکر می کنند اولین وسـیله برای برخورد وامر به معروف و نهی از منکر توسل و استفاده از بند است.

۱ * برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها www.nahad.net

چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟

پرسش

چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟

پاسخ

سوز و گداز و دلسوزی شـما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسـین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می شوند.

بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسـیار پیچیده و گسترده است. متأسـفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند.

مسئولان کشور در مراحل و تقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده اند و تاکنون سرمایه های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدیـده زشت مواد مخـدر از بین رفته است. چه بسـیار انسانهای خـدومی که در مقابله با اشـرار مسـلح و قاچاقچیان حرفه ای بین المللی به شـهادت رسـیده اند، چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شـده ولی تولیـد و انتقـال مـواد و پیچیـدگی موضوع و ابعـاد بین المللی آن آنقـدر زیـاد و گسـترده و حجیم بوده است که این تلاشـها و زحمات و خـدمات نمود و بروز جـدی و چندانی نداشـته است ولی تصور کنید اگر این اقدام ها صورت نمی گرفت آیا حالا می توانستیم حتی با ذره بین هم افراد غیر معتادی پیـدا کنیم، بعیـد بود! مواد مخدر تأمین کننده دنیای بسـیاری از افراد دوست با درآمد کلان آن کشور افغانستان اداره شود. این

مواد خانمانسوز یکی از ابزار مهم و عمده استعمار و استکبار برای مقابله نسل جوان مسلمان و ایرانی است. دشمنان با استفاده از آلوده کردن جوانان و مردم کشور ما می خواهند جامعه ما را به تباهی و نابودی بکشانند ولی با همه هجوم گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته اند خوشبختانه نتوانسته اند به اهداف پلید خودشان نایل آیند.

با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانما ن برانداز را کاهش بدهیم. البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست.

حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم بروند و آن چنان قبح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباحت و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می شود وگرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست.

دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست ؟

پرسش

دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست ؟

پاسخ

اعتیاد دارای زمینه های مختلف فردی و اجتماعی است؛ از جمله:

۱ تقلید کورکورانه از افراد معتاد؛

۲ تخیل بزرگی و رشد؛

۳ رفت و آمد با افراد ناباب و معتاد؛

۴ سرخوردگی ها و مشکلات روحی.{J

چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پرسش

چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پاسخ

در این پرسش چند موضوع دقیق نهفته است

۱. یکی از علتهای ایجاد این پرسش، تصور ناصحیحی است که از اخلاق غربیان داده شده دروغ نمی گویند و... در حالی که حقیقت این نیست . نظام حاکم بر آن جامعه و نظارت های الکترونیکی در خیابانها، فروشگاهها و محل کار، اخلاق امانتدارانه را تحمیل می کند و هیچکس نمی تواند به راحتی خطا کند چنانکه اگر کسی در خیابانها از چراغ قرمز رد شده و یا تخلفی دیگر انجام شود به چشمهای الکترونیکی کنترل و ضبط شده و خلافکار تنبیه می شود.

پس این اخلاق زیربنای صحیحی ندارد و از ارزش اخلاقی که با اراده . تصمیم و انتخاب شخص مشخص می شود، برخوردار نیست. دلیل روشن آن دریکی دو دهه گذشته دو ساعت برق در نیویورک می رود و بدترین دزدیها و تجاوزها انجام می شود که جریان مستند است . البته هیچگاه رفتارهای خوبی را که آنان دارند منکر نیستیم

۲. در ضمن آنکه به بدی بسیاری رفتارهای ؟؟؟ اعتراف داریم اما باید توجه کنیم فرهنگ اسلامی عقاید زیربنای متین و محکمی را به مسلمان ارائه می دهد که بر اساس آن زیباترین جلوه های راستی و صداقت شکل می گیرد. اما شیطان که دشمنی قسم خورده انسان مؤمن است برای تخریب عقیده ها اقدام می کند وقتی نتوانست ریشه را بزند سراغ اعمال می رود سراغ میوه ها می رود و ؟؟؟ را فاسد می کند. در حالی که آن فرد بی اعتقاد و

با فساد عقیده در ؟؟؟ خود شیطان است. دلیلی برای وسوسه او نیست. ؟؟؟ این مسئله را زمانی شاهد می شویم که تصمیم بر اصلاح خویش می گیریم . در آن زمان

۳۸

هجوم شیطان و وسوسه ها گسترده تر می گردند.

۳. اگر برای اصلاح رفتار انسان از مکانیزم مکتبی کمک نگیریم و کنترل و نظارتها مثل امر به معروف و نهی از منکر ترک بشود، چنین فجایع اخلاقی گسترده تر می شود. در حالی که اگر غربی این ساختار دفاعی را ندارد، کنترل و نظارت الکترونیکی و قانونی را اعمال می کند.

۴. فراموش نکنیم در همین جامعه ای که ما از آن شاکی هستیم بسیاری مشکلات اخلاقی هست که باید دقت کرد و دید. و از فسادهای گسترده پنهان و پیدای غرب نیز نباید غافل شد. گزارش های خارجی چیزهای دیگری می گویند.

۵. راه نجات همانا گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد و نظارت های مکتبی و قانونی می باشد که به قاطعیت محتاج است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳۹

برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟

پرسش

برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟

پاسخ

ازنوع سؤالی که مطرح کرده ایی، معلوم می شود که اگر چه جوان هستی، ولی همانند برخی از دختران، تمایلات جوانی و حیوانی برای تو اصل قرار ندارد، بلکه به معنویت وعفت و پاکی و کرامت زن می اندیشی. درود بر تو دختر عزیز و آزاده و پاك و عفیف.

دختر نازنیم، آزاده خانم، توصیه می کنم با مطالعه برخی کتابها، سطح آگاهی و دانش خودت را افزایش بده، تا نسبت به این مباحث و علل و عوامل پیدایش آن آگاهی پیدا کنی، در پایان پاسخ، چند نمونه کتاب برایت معرفی شده است.

تغییر جوامع از سنتی به مدرنیته، تغییرات اجتماعی و رفتاری خاصی را به دنبال آورده است. در جوامع سنتی روابط خانواده ها

و افراد، نوع معاشرتها، نوع زندگیها، خورد و خوراک، مسکن و پوشاک، بکلی با جامعه مدرن متفاوت بود. منازل به شکل خاصی ساخته می شد، که حتی اگر درب منزل هم باز بود، و اعضای خانه بدون پوشش مناسب بودند، هیچ کس نمی توانست آنها را ببیند. ولی مسکنهای امروز به نحوی است که اگر پرده جلو درب منزل یا پنجره ها کنار برود، از خیابان و کوچه هر آنچه درون خانه است، مشاهده می شود. به تعبیر فیلسوف شهیر فرانسوی، ویل دورانت، خانه ها تبدیل به زندان (آپارتمان) شده است. اعضای خانواده که همگی به نحوی مشغول کار و تلاش بودند، از دایره فعالیت و کار کنار ماندند، و پدر به تنهایی مشغول به کار شد، و بقیه مصرف کردند. مادران که اوقاتشان بیشتر صرف رسیدگی به

فرزندان و خانه می شد، به کارخانه و اداره رفتند، و بچه ها به کودکستان، و ... . و در نهایت شرایط سیاسی، اجتماعی، معاشرتها، آداب و رسوم و ... ، با تشکیل شهرها و ایجاد شغل های جدید تغییر کرد، و متناسب با تغییرات و تحولات جدید، ساز و کارهای متناسب معنوی در جوامع ایجاد نشد، و از سوی دیگر، کشورهای غربی با راه اندازی رنسانس انقلاب علمی و صنعتی، تلاش کردند برخی مفاهیم را در جامعه پیاده کنند، و پایه های اخلاق، انسانیت، معنویت و تمایلات فطری و ... را متزلزل سازند. تا جامعه ای سکولار و مبتنی بر اخلاق سودانگارانه بسازند.

بنابراین بخشی از مشکلاتی که امروزه گریبانگیر آن هستیم، محصول تمدن جدید و زندگی مدرن غربی است، که با جامعه مذهبی ما ناسازگار است. بسیاری از اموری که از دیدگاه ما قبیح و زشت است، در جوامع غربی هیچ قباحت و زشتی ندارد. اگر جوامع شرقی و اسلامی و حکومتهایش می توانستند تمدن جدید غربی را متناسب با شرایط مذهبی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

جامعه خودشان بازسازی کنند، امروزه کمتر دچار معضلاتی بودیم که امثال شما دختران جوان و خوب و نیک سیرت جامعه از

وجود آن رنج می برید.

نکته دیگر این است که نزاع بین حق و باطل، پاکی و آلودگی و نور و ظلمت در همه دوره های تاریخ وجود داشته و خواهد داشت. حتی در عصر رسول اکرم(نیز وجود داشته، و در عصر امام زمان(نیز وجود خواهد داشت. آنچه ممکن است تفاوت داشته باشد، میزان و مقدار آن است. در برخی دوره ها ممکن است حتی غلبه و جلوه بیشتری داشته

باشد، و در برخی دوره ها و زمانها جلوه اش کمتر باشد.

دختر خوبم، نگرانی شما بجا و حق است، ولی حتماً به این نکته نیز توجه داری که افراد مبتذل و پست فطرت، همیشه در جوامع وجود داشته و خواهند داشت. وحتی کسانی که افراد خوبی هستند، ممکن است فریب شیطان را بخورند.در عصر پیامبر(، آن حضرت فردی را برای مراقبت از ناموس مجاهدان، در مدینه گمارد. آن فرد شبانگاه تصمیم گرفت از بام منزل یکی از صحابه، به منزل او برود. وسوسه شیطان نزدیک بود او را به بزرگترین گناه آلوده کند (خیانت به برادر دینی خودش، و بی عفتی و بی حرمتی به ناموس برادر مؤمن خودش، که او را امین می دانست.) در عصر ما هم افراد رذل و پست هستند. آنچه ضرورت دارد این است که همه مسؤولان و متولّیان امرتأمین امنیت، و همه صاحبان قلم و اندیشه و تریبون و رسانه ها، موظفند برای افزایش ضریب امنیتی شهروندان، تلاش و مجاهدت نمایند.

عامل دیگر ابله شدن پسران نیز متأسفانه بی عفتی برخی از دختران نوجوان است، که از مسیر پاکی و صداقت و طهارت نفس خارج شده، زمینه تعرض پسران بدکاره را به دختران(اعم از خوب وبد) فراهم می سازند. دختران خوب و نیک همانند شما باید با همنوعان خودتان، با روشهای درست و صحیح و با ترویج ارزشهای والا، این عروسکها را به مسیر صحیح و درست راهنمایی کنند.

یادآوری این نکته نیز ضروت دارد که تنها با برخورد فیزیکی و استفاده از اهرم زور و قدرت، نمی توان معضلات فرهنگی و اجتماعی را از میان برد، و یا میزان

آن را کـاهش داد، بلکـه تلطیـف فضـای فرهنگی و اجتمـاعی جـامعه، فقـط و فقـط بـا شـیوه هـا و ابزارهـای درست فرهنگی و اجتماعی، و با استفاده از تکنیکها و یافته های علمی میسر است.

امیدواریم شما عزیز گرانقدر، در ایفای نقش و رسالت فرهنگی و اجتماعی خویش، بیش از پیش موفق باشي. و سایر دوستانت را نیز به این مسـیر بکشانی. البته گام زدن در این مسیر، نیازمند همت و تلاش مجدانه و فراگیر، روش ها و آگاهیهای متنوع در شناخت انسان و ویژگیهای او، و نیز روشهای تربیت و تأثیرگذاری است.

به عنوان نمونه چند کتاب زیر را جهت مطالعه شما دختر خوبم معرفی می کنم :

۱. تعلیم و تربیت اسلامی، شهید مطهری

۲. لذات فلسفه، ویل دورانت

۳. گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات

۴. اخلاق جنسی، شهید مطهری

۵. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری

۶. آیین بهزیستی اسلام(۴جلد)، دکتر صبور اردوباری

فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، حدّاد عادل

چند وقتی است نسـبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می خوانیم و بسـیاری مسائل دیگر دلیل این شک و تردید ها چست. و راه حل آن کدام است.

پرسش

چنـد وقتی است نسبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می خوانیم و بسیاری مسائل دیگر دلیل این شک و تردید ها چست. و راه حل آن کدام است.

پاسخ

مهم ترین محورهای مطرح شده در نامه شما، عبارت است از:

۱ شک و تردید در همه چیز: توحید و... ،

۲ دلتنگی و اضطراب و اندوه مداوم،

قبل از پرداختن به موضوعات، لازم است این نکته را یادآور شویم که «شک و تردید مقدمه ای برای رشد و کمال فکری است». بنابراین از بروز آن نباید نگران بود.

شک و تردید انگیزه ای است که موجب تلاش فکری می شود و آدمی را از نقاط تاریک، به وادی نور و روشنایی سوق می دهد. پس باید از این انگیزه استقبال کرد و در جست و جوی راه کارهای مناسب جهت حل مشکلات بود. البته اگر آدمی تسلیم تردیدها بشود و برای رسیدن به حقیقت تلاش نکند، بدیهی است که در گرداب اوهام و تردیدهای خویش غرق خواهد شد.

بنابراین از بروز این حالت که تقریبا مسأله ای متناسب با سن شماست نگران نباشید و با برنامه ای منظم و حساب شده، به رفع تردیدها و کشف حقیقت بپردازید.

ریشه اضطراب و دلتنگی شما را نیز در همین حیطه باید جست و جو کرد. می دانید که فطرت آدمی حقیقت طلب است و تا آن را نیابد، آرام نمی گیرد. به گفته مولوی :

کز نیستان تا مرا ببریده اند از نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

آدمی آن

روز آرام می گیرد که جرعه ای از زلال حقیقت بچشد و حلاوت آن را در دل خویش احساس کند. حال چگونه باید حرکت کرد تا این تردیدها برطرف شده و جای خود را به اطمینان بدهد. به گفته بزرگان برای کشف حقیقت و وصول به آن، دو کار لازم است:

۱ سیر فکری و عقلانی، ۲ تهذیب نفس و صفای باطن.

در مقوله اول باید به تفکر منظم و مطالعه مناسب روی آورد. شما بهتر است دفتری را به مجموعه عقاید خود اختصاص داده و هر فصل را پس از تحقیق و تأمل و نتیجه گیری، به اتمام رسانده و به فصل دیگر بپردازید. از هر کجا که می خواهید شروع کنید، ولی بهترین شروع از خداست.

آیا می توان درباره قدرتی بزرگ و شعوری لایزال که جهان بر محور آن در حرکت است تردید نمود؟ و اگر خدایی هست چرا یکی باشد؟ آیا نظم و هماهنگی شگفت انگیز هستی تردیدی در یگانگی طراح و خلاق این عالم باقی می گذارد؟

این مختصر گنجایش بیان همه آنچه که در باب خداشناسی است را ندارد لذا توصیه می کنیم در این زمینه با تعمّق و تفکّر منظم، به مطالعه کتاب های زیر بپردازید:

۱ اثبات وجود خدا احمد آرام

۲ بهترین راه شناخت خدا محمدی ری شهری

۳ اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵ شهید مطهری

۴ خدا در قرآن شهید بهشتی

۵ آفریدگار و آفریده ناصر مکارم

۶ راه خداشناسی جعفر سبحانی

مطالعه دقیق و منظم این کتاب ها و بیش از همه تفکر درباره هستی و پدیده های آن، شما را به این نتیجه خواهد رساند که جهان خدا دارد و اگر دارد یکی بیش نیست.

البته نباید انتظار داشته باشید که پس

از این مرحله، یقین کامل برای شما حاصل شود؛ زیرا تحصیل یقین راهی دشوار در پیش دارد که پس از طی آن، می توان به درجاتی از آن نائل آمد؛ ولی در این مرحله «اطمینان» قابل حصول است.

پس از این مرحله، باید قلب و دل را صفا داد تا نور حق در آن تجلی یابد. تخلق به اخلاق کریمه، پرهیز از رذایل و مراقبت از نفس، زمینه را برای اشراق نور حق فراهم خواهد ساخت. ایمان و اطمینانی که از این طریق به دست می آید، به مراتب بالاتر از آن حدی است که در سیر عقلانی و فکری حاصل می گردد.

برای اثبات تلازم فطری بودن و صدق یک چیز راههای مختلفی وجود دارد یکی از آن روشها که برهان زیست شناختی نامیده می شود این است که گرایشات درونی و ذاتی انسان ربط دهنده درون و عواطف انسان با جهان خارج و واقعیات عینی است یعنی اگر مثلا کسی احساس تشنگی و اشتیاق به آب می کند در متن واقع آبی وجود دارد که شبیه جذبه مغناطیسی از درون انسان را به سمت خود فرا می خواند از این طریق می توان قیاسی اینچنین ترتیب داد:

۱) خداشناسی و خداجویی فطری و طبیعی است.

۲) در برابر هر امر ذاتی طبیعی واقعیتی در خارج هست.

۳) خدایی واقعی وجود دارد.

شبیه چنین استدلالی از نظر فلسفی نیز وجود دارد زیرا گرایش و کشش از امور تعلقی و ذات اضافه طرفینی است و حقایق اضافی و نسبی تقومشان به طرفین نسبت و تعلق است و بدون آنها امکان وجود ندارند. در عرفان نیز استدلال مشابهی وجود دارد و گویند « عشق فعلی بدون

معشوق فعلی محال است » سیر این استدلال همان ماهیت امور اضافی است که بدون وجود عاشق و معشوق محال است.

برای آگاهی بیشتر ر. ک:

۱- خدا در فلسفه (ترجمه الهیات دایره المعارف فلسفی پل ادواردز)، بهاءالدین خرمشاهی

۲- دروس کلام جدید، مصطفی ملکیان

همین احساس دوری از خداوند خود از الطاف آن رب مهربان است و حکایت می کند که رشته ارتباط بین بنده و پروردگارش بریده نشده و هنوز شعاعی از انوار الهی در آینه دل می تابد و این خود بشارتی است:

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

قلب انسان آینه انوار الهی است و گاهی در اثر غفلت ها و غرق شدن در روزمره گی و اشتغال بیش از حد نیاز به امور دنیا این آینه خدای نما زنگار می گیرد و آن ارتباط مستحکم و ازلی سستی و نقصان می پذیرد و در چنین حالی طبیبان روحانی و غمگساران دلسوز و الهی یعنی انبیا و اولیا(ع) راه معالجه و داروی این بیماری را در توبه و ذکر حق و اقبال به درگاه خداوندی دانسته تا در سایه این ذکر و توجه و استغفار از خطاها و تقصیرها زنگار دل پاک گردد و انوار الهی در قلب انسان بتابد و بین بنده و خالقش صلح و آتشی برقرار گردد. تلاوت آیات نورانی قرآن نماز با حضور قلب دعای با توجه و از سر اخلاص و همنشینی با دوستان شایسته و صالحی که دیدنشان خداوند را به یاد انسان آورد و مطالعه زندگی مردان خدا و پاکان درگاه اله برای ایجاد ارتباط و کم کردن فاصله بین بنده و خدایش اثری به سزا دارند.

– در این باره دو

جهاد علمی و عملی لازم است؛ یعنی تلاش پیوسته در جهت معرفت هر چه بیشتر نسبت به خدا. و در عمل نیز ایجاد ارتباط و انس دائمی با او و تطبیق رفتار با خواست و رضای خدا. می بایست انسان عزم خود را جزم کرده و تصمیم قاطع بگیرد همیشه تابع خواست خداوند بوده و همواره در صدد انجام تکالیف الهی باشد. چه در اموری عبادی و چه در امور اجتماعی و دیگر ابعاد زندگی. هر قدمی که بر می دارد و هر سخنی که می گوید و هر برنامه ای که دارد نخست ببیند آیا رضای خداوند در آن می باشد یا نه والا از آن صرف نظر نماید. در حدیثی آمده است: «کمال در این است که انسان خواسته هایش را در مسیر الهی قرار دهد ونیرویش را در جهت رضایت حضرتش صرف کند. در مرحله اول باید انسان خود را مقید به انجام واجبات و ترک محرمات نماید و پس از مدتی که بدین کار عادت کرد و انجام آن برایش آسان شده خود را مقید به انجام مستحبات و ترک مکروهات نماید و گرنه چنین تقیدی در قدم های اولیه آثار سوئی به دنبال خواهد داشت. به هر حال رعایت تقوا و انجام تکالیف الهی در هر مرحله ای خود زمینه ساز درک بیشتر و توفیق افزون تر و توجه و تقرب والاتری به ذات باری تعالی خواهد بود. چنانکه در سوره «انفال آیه ۲۹» آمده است: «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوالله یجعل لکم فرقانا و یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم و الله ذوالفضل العظیم؛ ای اهل ایمان! اگر پرهیزگار بوده و تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای

شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار داده و بدی های شما را پوشانده و شما را بیامرزد و خداوند دارای فضل و رحمت بزرگ است». آری اگر قدم های اولیه برداشته شود زمینه ای برای دریافت برنامه ادامه مسیر فراهم می شود. به قول شاعر:

گر مرد رهی میان خون باید رفت از پای فتاده سرنگون باید رفت

تو پای در راه نه و هیچ مترس خود راه بگویدت که چون باید رفت

و به تعبیر خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم: «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا؛ کسانی که در راه ما تلاش نمایند ما ایشان را به راه های خویش هدایت می کنیم». برای تقویت این حرکت و رشد آن توجه به چند نکته لازم است:

۱- پرهیز از مجالست و همنشینی با اهل دنیا و دور از معنویت. چه آنکه از رسول اکرم(ص) نقل شده است که فرمود: «به خاطر برخورد با اهل دنیا قلبم زنگار گرفته و مکدر می شود و برای جبران آن روزی هفتاد مرتبه استغفار می کنم». خداوند نیز در سوره «نجم آیه ۲۹» می فرماید: «فاعرض عن من تولی عن ذکرنا ولم یردالا الحیوه الدنیا . پس از کسانی که از یاد ما روی گرداندند و جز زندگی دنیا را نخواستند اعراض کن و روی بگردان».

۲- محاسبه نفس که هر شب یا هر هفته و یا لااقل هر ماه گذشته خود را بررسی نماید و به تعبیری به خود نمره بدهد. اگر کار شایسته ای انجام داده سپاسگزار بوده و از خداوند ادامه توفیق را بخواهد و اگر مرتکب خلافی شده استغفار نموده و تصمیم بر ترک آن بگیرد.

۳- بهره گیری از ثقل اکبر و قرآن کریم و انس با آن.

چه این که هم تلاوت و حفظ قرآن به انسان نورانیت بخشیده و معنویت می دهد و هم آشنایی با معارف آن (هرکسی در حد خودش حتی در حد ترجمه) موجب رشد روحی می باشد. زیرا معارف قرآن و آیاتش نسخه هایی است برای درمان دردها و مشکلات. گرچه در برداشت از آیات متشابه باید جانب احتیاط را پیشه کرد و آن را به اهلش واگذار نمود و گرنه ممکن است خود آن موجب گرفتاری گردد. بهره گیری از ثقل اصغر و ائمه هدی(ع) و توسل به ایشان در این باره بسیار مهم است. باید توجه داشت که توسل به حضرات معصومین(ع) هم خود توجه به حق تعالی و عالم ملکوت است و هم زمینه ساز بهره گیری بیشتر از فیض ربوبی و کسب توفیقات بیشتر. بنابراین نمی توان چنین پنداشت که به ائمه(ع) توسل داشته ایم ولی جوابی نگرفته ایم. زیرا همان توفیق توسل خود توجه به حق بوده است و مایه دوری از غفلت. پس خود جواب بوده است و چه بسا که همین روحیه کمال خواهی و به دنبال معنویت بودن از آثار و برکات همان توسلات باشد که باید ادامه یابد. چه بسیارند کسانی که از غفلت خود نیز غافلند و یا پس از توجه در صدد درمان بر نمی آیند. از این رو باید سپاسگزار نعمت ها و معنویات به دست آمده بود و درخواست استمرار و افزایش آن را از خداوند داشت. نیز تقویت ایمان و اعتقاد قلبی و عشق الهی بر آیند تقوا و پرهیزگاری است. هم چنان که در بهاران نهال ناخشکیده شکوفه می زند تقوای الهی انجام واجبات ترک محرمات و تهذیب نفس نیز بوستان دل را خرم

و سرسبز نگه می دارد و جوانه عشق الهی را در آن شکوفا می سازد. بنابراین درگام اول باید بر انجام واجبات و ترک گناهان استواری نمود و در گام دوم به پالودن نفس از رذایل و آراستن به فضایل پرداخت و حب دنیا و تعلقات دنیوی را از ژرفای ضمیر بیرون راند آن گاه دل کانون عشق خدا می شود و با اخراج شیطان نفسانیت و دنیا پرستی که خانه دل را غصب نموده صاحب خانه در آن لانه می گزیند.

ناگفته نماند برای بسیاری از جوانان که دارای جولان فکری هستند و پیگیر حالات معنوی خود می باشند و به سالم سازی فضای فکری خود می اندیشند. این گونه فراز و نشیب های روحی پیش می آید. اوج این شک و تردیدها و هجوم «چرا»ها و «چگونه»ها در سال های نوجوانی و جوانی رخ می نمایاند.

زیرا که جوانی از یک سو هنگامه «نگاه نو» به سنت های گذشته و عادت های بزرگان است و از سوی دیگر هنگام پی ریزی بنیان فکری و ترسیم آینده زندگی است.

از جهت روحی و عاطفی نیز، از یک سو «وابستگی» به خانه پدر و مادر کم می شود و از سوی دیگر هنوز «دلبستگی» به کانون گرم دیگر حاصل نشده است. در میانه این خلاء عاطفی هجوم افکار فزونی می یابد.

اما باید دانست دیری نمی پاید که کشتی در میانه امواج دریا به ساحت نجات لنگر می اندازد و اگر در هنگامه طوفان آدمی به یاد خداوند دل خویش را آرام سازد و خود را در سفینه نجات اهل بیت قرار دهد به طور یقین، بحران ها به آرامش می رسد و شک ها به یقین تبدیل می گردد.

این که ما انسانها با خود می اندیشیم که خداوند چگونه ماهیتی دارد

به خاطر آن است که ما در دنیای خود همواره با ماهیات سر و کار داریم. از همین رو ذهنمان عادت کرده است که هر چیز را در قالب ماهیتی بنگریم و چون سخن از خدا به میان می آید بلافاصله به دنبال قالبی ماهوی می گردیم تا خدا را بدان سان و در آن شکل و قالب تصور نماییم. البته این ویژگی ذهن ناورزیده و نا آشنا به حقایق فلسفی و وجود شناختی است ولی خرد ورزی فلسفی بر این رهبرد خط بطلان می کشد و اعلام می دارد که این گونه خداانگاری از اساس نادرست است. زیرا خداوند وجود و هستیمحض و مطلق است و دارای ماهیت و چیستی نیست تا از چگونگی او سؤال شود. بنا براین خداوند وجود صرف و دارای جمله کمالات وجودی است. عین بلکه آنهاست و چند و چونی برایش متصور نیست.

فکر و اندیشه بشر, به ذات غیبی او راه ندارد و به جز تحیر و سر گردانی یا انحراف و ضلال , بهره دیگری نخواهد داشت . ذات حق که از آن به «هویت غیبیه»، «غیب ذات»، «مقام ذات»، «مرتبه ذات» و گاهی هم به الفاظ دیگر (مانند «عنقاء» و «غیب الغیوب») تعبیر می شود, وجود صرف است ; هیچ گونه حدی ندارد; از جمیع تعینات - چه مفهومی , و چه مصداقی - مبراست ; نه نامی دارد و نه نشانی ; نه اسمی دارد, و نه رسم و صفتی ; نه با اسم یا صفتی مقید است و نه با عدم آن اسم یا صفت ; نه با تعین خاصی متعین است و نه با عدم همان تعین . حتی با

«اطلاق» و «عـدم تعین» هم مقید نیست ; زیرا «اطلاق» و «عدم تعین» نیز به جای خود, نوعی تعین و قید است و مقام ذات از آن هم منزه و مبرا است . اما تعینات اسمی و وصفی (اسما و صفات حق) همه از مقام ذات متأثر بوده و در مقام تجلی به ظهور می رسند. از این رو به مقام ذات خداوند راهی نیست ; نه فکر بدان مقام راه دارد و نه عقل و نه وهم و کشف ارباب شهود. همهء اینها از این مقام قاصر و در این میدان کاملا" عاجزاند. اگر قدم پیش بگذارند, حیران می گردند و یا به راه ضلالت و خطا می روند, علاوه بر نرسیدن , از آن دورتر هم می شوند: «یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون به علما», (طه, آیه ۱۱۰).

ادراک بشر, به آنچه متعین است راه دارد; نه به ذاتی که از همهء تعین ها بالاتر است و تعین ها همه متأخر از آن , بعد از آن و مخلوق آن هستند. اشاره نیز بدان مقام راه ندارد; چه اشارهء حسی باشد و چه اشاره ذهنی, عقلی و وهمی . چگونه می توان به ذاتی که تعین نـدارد, اشـاره نمـود؟ به همین جهت از فکر در «ذات حـق» نهی شـده است . امـام علی بن موسـی الرضـا(ع) می فرمایـد: «... فلیس الله عرف من عرف بـالتشبیه ذاته , و لاـ ایاه و حـد من اکتنهه , و لا حقیقته اصاب من مثله , و لابه صـدق من نهاه , و لا صمد صمده من اشار الیه ; پس ,

خدای را نشناخته , آن کس که ذات او را به چیزی تشبیه کرده است و به توحید او نایل نگشته , آن کس که خواسته است به کنه ذات او برسد, و به حقیقت او نرسیده , آن کس که ذات او را تصویر ذهنی نموده است و به او تصدیق نکرده است آن کس که ذات او را حدی قائل شده و به جانب او روی نیاورده است ; آن کس که به ذات او اشاره نموده است ...», (کتاب التوحید صدوق , باب التوحید و نفی التشبیه , ص ۳۴).

حتی اگر عقل و عشق همگام باشند و با بلند پروازی های خود بخواهند, به سوی مقام ذات اوج بگیرند, راه به جایی نبرده، به حیرت خواهند افتاد، و بر عجز و قصور خود در این میدان با کمال شرمساری اعتراف خواهند کرد.

ناگفته نماند برای قانع ساختن ذهن درباره حقایقی که فراتر از حس و قالب مادی هستند می توان از روش مقایسه ای و فرض عکس و برهان عقلی محض استفاده کرد. مثلا وقتی می گوییم خداوند از چه به وجود آمده، باز سؤال را نسبت به آن چیز قبلی ادامه بدهیم، تا آنجا که از نظر برهان عقلی به این نتیجه می رسیم که تسلسل باطل است و باید به سرچشمه هستی معتقد شد و به تسلسل سؤال ها پایان داد و یا از فرض عکس استفاده کنیم که بر فرض که نتوانیم تصوری از خدا داشته باشیم آیا می توانیم نبود خدا را اثبات کنیم؟ آیا حتی از نظر مادی ما به تمام منظومه ها و کهکشان ها دسترسی

پیدا کرده ایم؟ و آیا از نظر عقلی اگر سرچشـمه هستی فراتر از ماده نباشد آیا می شود که ماده خود به خود به وجود آید؟ و یا ازطریـق مقـایسه ای می تـوانیم خودمـان را قـانع کنیـم که حقیقت بسـیاری از واقعیت هـا را به طـور کامـل درک نمی کنیم اما مطمئن هستیم وجود دارند.

به طور مثـال آیـا حقیقت روح و گستره فعـالیت هـای آن برای انسـان به طور کامـل آشـکار است؟ امـا با وجود کم اطلاعی ما نسبت به روح، وجود آن را به عنوان یک واقعیت می پذیریم و برخی آثار آن برای ما مشهود است.

نسبت به خداونـد نیز بهترین روش تفکر در آثار و آیات اوست و روش روشن تر، رابطه محبتی و کشف شـهودی با خداسـت که در حدیث قدسی آمده است «قلب المؤمن عرش الرحمن» (مجلسی، محمد باقر، بحار، ج ۵۵، ص ۳۹).

برای آگاهی به صـفات خدا و قانع ساختن ذهن خود می توانیم تصوری از صـفات خدا در ذهن داشته باشیم و سپس «او» را از هر آنچه که در محدوده آمده منزه و پاک بدانیم تا به توحید ناب دست بیابیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، ص ۱۳۸.

علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست ؟

پرسش

علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست ؟

پاسخ

بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل ایجاد و بقائ مشکلاتی از این قبیل واقعا" نیاز به کارشناسی دقیق و جامعه شناختی داردکه از حوصـله یـک نـامه خـارج است و نظرات متفـاوت و گوناگون وجود دارد اما به عنوان مثال می توان یکی از عوامل مهـاجرت به خـارج را این چنین مورد تحلیـل قرارداد به واسـطه مجموعه کارکردهـای تهاجم فرهنگی که یکی از نتایـج آن بر جسته تر شـدن نقش تـائمین نیازهـای مـادی و جسـمی انسـان هـا از ره گـذر نشان دادن نمودهای جامعه پیشـرفته غربی است معمولا" در جـوامعی که تهـاجم فرهنگی آثـار خود را تثبیت نموده جـامعه موجود به رشـته هـای تحصـیلی که پاسـخ دهنـده نیازهای جسمی و مادی است پاداش بیش تری می دهد و لذا استعدادهای درخشان بیش از اندازه لازم به سمت رشته های فنی و مهندسـی و پزشـکی هدایت می شوند این پدیده در همه کشورهای جهان سوم آسیب وارد می کند و چون این جوامع مسیر توسـعه منطق خود را نمی تواننـد حل کننـد اسـتعدادهای درخشان امکان جذب در جامعه را پیدا نکرده و زمینه برای مهاجرت آنها به کشورهای توسـعه یافته فراهم می گردد (ر.ک : کتاب آسـیب شناسـی انقلاب اسـلامی مهنـدس حسن بنیانیان ص ۱۵۷ علی ذوعلم انقلاب و ارزشـها). ضـمنا" شـما می توانیـد سوئالات خود را (در صورت جا نشـدن در یک برگ) در برگه های معمولی نوشته و همه را در داخل یکی از این اوراق مخصوص و یا فتوکپی آن قرار دهید و ارسال نمایید

علّت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟

پرسش

علّت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟

پاسخ

علّت آلودگی به فحشاء پنهان، ایمان ضعیف و معرفت اندك است و روشن است که در جامعه اسلامی وقتی تظاهر به فساد جرم محسوب می شود. مجرمین این جریان را مخفی می کنند. این موضوع در کلیت خویش اشکالی بر نظام اسلامی نیست. زیرا حکومت مأمور است که مظاهر آشکار فساد را جمع نماید. امّا افراد با آزادی و اختیار خود فساد پنهان دارند.

البته نظام باید با برنامه ریزی جامع، علّت و اسباب ایجاد را حتی الامکان کمتر نماید. از آنجا که در دین بخشی از پرونده انسان مربوط به آن جهان است. مأمور به تجسس در امور خصوصی افراد نیستیم، مگر دست به شیوع فساد بزنند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

علل انحرافات

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

پرسش

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

پاسخ

اوّلا; باید توجّه داشت کسانی که گرایش به فساد و انحراف دارند و جز هرزگی و بی بندوباری و نشاندن هوسهای خویش ایده و اندیشه ای ندارند رفتن به مراکز فساد آنان را از تجاوز باز نمی دارد دلیل آن وقوع این گونه حوادث و جنایات با وجود مراکز مذکور است.

ثانیاً; زنان فاسدی که در آن مراکز بسر می برند مگر انسان نیستند؟ مگر آنان از احساسات و عواطف انسانی برخوردار نمی

باشند مگر آنها دوست ندارند که در یک کانون خانواده از زندگی خانوادگی برخوردار باشند؟ چه عاملی آنان را به آنجا کشانده است؟ چرا باید یک دختر جوان پس از اینکه در اثر لحظه ای غلفت و اشتباه اغفال گردید برای همیشه از زندگی انسانی محروم باشد و هر ساعتی برای خاموش ساختن هوس افراد هرزه خویشتن را آماده سازد؟ آیا وجود این مراکز به سیه روزی و تیره بختی آنان کمک نمی کند؟

بر این اساس وجود مراکز فحشاء را باید در کنار صدها مفاسد دیگر دانست که باید با همه آنها مبارزه کرد و تمام آنها معلول پایین بودن سطح ایمان و اخلاق در جامعه است. در ضمن زنانی که در آن مراکز هستند از کجا تأمین شوند؟ آیا این هم مثل اجناس و ارادتی، وارد می شود؟ یا باید عدّه ای را فاسد کنیم. برای آنجا بفرستیم؟ این ساختن لجن

۲

و به روی خود مالیدن است. آن وقت مانند ابلهی خواهیم بود که چوب را در

لجن فرو کرده و روی دیوار تمیز می نویسد لطفاً نظافت را رعایت کنید!!.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفاسد جامعه را وزارت ارشاد می دانید یا این قشر محترم؟

پرسش

با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفاسد جامعه را وزارت ارشاد می دانید یا این قشر محترم؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی همچون دیگر پدیده ها و حوادث معلول علل مختلف و نارسائیها و کوتاهی های افراد و گروههای مختلف می تواند باشد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. حاکمان، و دولتمردان، و مدیران جامعه

۲. سازمانها، نهادهای دست اندرکار و مسئول فرهنگ و ارشاد و هدایت جامعه

۳. روحانیت قویترین عناصر تأثیرگذارند در تعالی و تنزل ارزشهای اسلامی و انسانی

۴. معلمان و مربیان مؤثرترین الگوهای ساختار شخصیت افرادند در صعود و سقوط

۵. پدر و مادر به عنوان اولین و مؤثرترین عامل تربیت و شکوفاسازی استعدادهای فرزندان چنانکه سرنوشت سازترین علت رشد و تکاملند در صورت کوتاهی و نارسایی موثرترین علت مفاسد و چالشهای اجتماعی اند.

۶. آحاد و تک تک افراد جامعه که می توانند عامل چالشهای اجتماعی باشند زیرا از توان و استعدادهای الهی خود آنچنان که باید بهره برداری نکرده و کوتاهی و سستی و تنبلی بسترساز مناسبی برای مفاسد اجتماعی اند.

بنابراین، حقیقت مسئولیت داشتن همه متناسب با نقش خود در جامعه می باشد. "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته" لکن ترتیب ذکر شده بر اساس شماره حکایتگر نقش بیشتر قشرهای تأثیر گذار در جامعه می باشد. در پایان نقش دشمنان در وجود ناهنجاریهای موجود را نباید از نظر دور داشت.

رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده وبچه ها را بنویسید.

پرسش

رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده وبچه ها را بنویسید.

پاسخ

طلاق علل گوناگونی دارد از جمله:

۱ ناسازگاری زن یا شوهر و یا هر دو.

۲ اختلاف در ذوق و سلیقه.

۳ فزون طلبی.

۴ تنوّع جویی.

۵ عدم رعایت وظایف محوله و ...

طلاق به هر علتی باشد، باعث ویرانی ارکان زندگی و پدید آمدن رنج و عذاب برای فرزندان می شود.

طلاق، برای فرزندان همانند بریدن عضوی از بدن است که طاقت فرسا است. آنان خانه بی مادر را تاریک می بینند و فکر می کنند در آن جا دیگر نمی توان انس و محبت پیدا کرد، و حتی اگر جوان تحصیل کرده باشند، مفارقت پدر و مادر را نمی توانند تحمل کنند.

طلاق موجب تغییر رفتار فرزندان می شود.

بسیاری از آن ها ، حالت تهاجم به خود گرفته و راه ناسازگاری و سخت گیری را پیش می گیرند. هم چنین عده ای بهانه گیر شده و در فکر خود هستند و احساس ناامنی و کوچکی می کنند و گاهی تصمیم بر فرار از خانه می گیرند.گروهی دچار اضطراب شده و گرفتار بیماری های روانی می شوند.

بی نظمی ، اختلال در اخلاق، هوس بازی ، لجاجت و پر توقعی از جمله آثار طلاق است.

زندگی توأم با درگیری و ناله و نفرین ، که سرانجام آن طلاق باشد، درس بد آموزی برای فرزندان است. دختری که می بیند مادرش مورد ظلم و ستم قرار گرفته، به زندگی آینده و شوهر داری بدبین می شود. به نظر او همه مثل پدرش هستند و پسری

که شاهد نق زدن و سخت گیری های مادر است و

پـدرش را مظلوم می داند، از آینده هراسـناک است و رغبتی به ازدواج ندارد، چون فکر می کند همه زن ها این گونه هسـتند. (۱)

۱. دکتر قائمی ، خانواده و مسایل نوجوان وجوان ، ص ۵۷ ۶۰.

چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و اســتمنا این قــدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاســی ربطی دارد؟ چرا در مناطق محروم و روستایی این انحراف بیش تر است؟

پرسش

چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و استمنا این قـدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسـی ربطی دارد؟ چرا در مناطق محروم و روستایی این انحراف بیش تر است؟

پاسخ

در پیدایش انحراف جنسی به طور کلی و استمنا به طور ویژه، علل مختلفی مؤثر است که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱ - تحولاّـت بلوغ: "به دلیـل تحولاتی که در دوره بلوغ در فرد به وجود می آیـد، فرد تمایل درونی به جنس مخالف در خود احسـاس می کنـد، ولی چون تمـاس بـدنی بـا جنس مخـالف برایش امکـان نـدارد، برای رهایی از تنش ناشـی از این تمایلات درونی به این عمل روی می آورد".

محمود محمدیان، بلوغ تولدی دیگر، ص ۴۰.

۲ - عوامل تحریک زا: عواملی چون نگاه شـهوت آمیز، تخیلات تحریک کننـده، تماس با اجنبی و گفتگو با نامحرم، صـحبت کردن در مورد چیزهـایی که موجب تحریـک جنسـی می شود و دیـدن فیلم ها و عکس های مبتـذل، افراد را به سوی انحراف جنسـی سوق می دهد. متأسـفانه عوامل تحریک زا در روسـتاها بیش تر است، مثلاً بچه روستایی، همه روزه شاهد جفت گیری حیوانات هستند و در مواردی مشکل جغرافیایی روستا و آداب و رسوم خاص آن محل، تحریک پذیری را بیش تر کرده است.

۳ - عقـده حقارت: "به اعتقاد بسـیاری از روان شـناسان، اسـتمناء ناشـی از کمبود توجه و محبت و عقـده حقارت است". یعنی یکی از عوامل مهم آن، همین است.

محمود محدیان، بلوغ تولدی دیگر، ص ۴۰.

۴ - مساعد نبودن محیط خانواده: ریشه بسیاری از انحرافات جنسی را باید در محیط خانواده و شرایط

زندگی افراد جست و جو کرد. مراعات نکردن اصل

مهم حیا و طرز لباس پوشیدن و به کارگیری الفاظ نا مناسب و تماس بدنی با کودکان و عدم کنترل بر روابط کودکان، جدا نکردن محل خواب، فرزندان، زمینه انحراف جنسی در دوران بلوغ را فراهم می کند حتی "خانواده هایی که به علت اختلاف و ناسازگاری میان پدر و مادر و بدرفتاری والدین با فرزندان، فرزندان را بیش تر در معرض انحراف جنسی قرار می دهند".

محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۱، ص ۹۳.

۵ – معاشرت با منحرفان: آلودگی و انحراف، به سرعت از طریق دوستان نا اهل به افراد پاک سرایت می کند.

۶ – ضعف ایمان: غفلت از خدا، زمینه وسوسه شیطان را فراهم می کند و افراد را در منجلاب گناه و انحرافات جنسی غوطه ور می سازد.

علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟

پرسش

علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟

پاسخ

جستجوی علل پیدایش و افزایش بحران ها و جدایی ها در کانون خانواده از منظر دانش های متفاوتی می تواند پیگیری شود. هر گروه از دانشمندان رشته های مختلفی که پیگیر کشف علل این مشکل اجتماعی هستند، از نگاه خود دلایل محکم و همخوان با واقعیت ها ارائه می دهند.

به ذکر برخی علل بسنده می کنیم:

۱ – آشنا نبودن با وظایف خانوادگی

کسی که در اندیشه تشکیل کانون خانوادگی است، نخ...əباید بدن...که سازمان خانواده مانند هر سازمان اجتماعی دیگر دارای اصولی است که تنها در سایه شناخت اصول و انجام وظایف می تواند به هدف های مقدس ازدواج دست یابد ناآگاهی از اصول سبب می شود آسیب های جبران ناپذیری بر پیکر خانواده وارد آید و زن و شوهر نتوانند خوشبختی خود و فرزندان شان را در پیوند زناشویی تضمین کنند.

برخی زوج های جوان بدون آمادگی قبلی و بی آن که با وظایف و مسئولیت های خود و حقوق شریک زندگی اش به درستی آشنا شوند و راه و روش سلوک در زندگی خانوادگی را بیاموزند، به تشکیل خانواده اقدام می کنند و پس از گذشت مدت زمانی در می یابند چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده اند

۲ – عـدم شـناخت زوجین از یکـدیگر: کسـی که در اندیشه ازدواج است ، پس از آشـنایی با وظایف و مسـئولیت های خود و حقوق شـریک زنـدگی اش بایـد بداند با چه کسـی ازدواج می کند. نیز معیارهای مهمی که از دید صاحب نظران ، از شـرایط ازدواج موفق بیان شده، تا چه میزان وجود دارد

. شناخت زن و شوهر از وضعیت اخلاقی و معنوی و تفکر اجتماعی و بینش اقتصادی و میزان پای بندی به آداب و رسوم یا گرایش به مدرنیسم ، قبل از ازدواج امری لازم است.

اسلام اجازه داده است هنگانی که زن و مرد قصد ازدواج دارند، همدیگر را ببینند ، با هم گفتگو کنند، به شرطی که این کار از روی هوسرانی نباشد. باید توجه داشت که تحقیق ، با معاشرت ها و انتخاب دوست غیر همجنس که منشأ آن هوس های زودگذر است ، تفاوت دارد

۳ – سست شدن مبانی اعتقادی و عدم پایبندی و عدم پایبندی به مقررات دینی:

اگر با نگاه جستجوگرانه وضع خانواده هایی را که متلاشی شده اند، مورد مطالعه قرار دهیم، درمی یابیم که مهم ترین عامل آن ضعف اصول اخلاقی می باشد.

تجربه نشان می دهد کسانی که فاقد تعهدات ایمانی هستند و حتی اگر قبل از ازدواج مدت ها با هم آشنایی داشته باشند، پس از تشکیل زندگی مشترک به دلیل نداشتن ارزش های ثابت و یکسان و نداشتن پشتوانه درونی، با کوچک ترین آسیب، پیوندشان سست شده، چه بسا از هم می گسلد.(۱)

غرق شدن در مادیات و لذت جویی ها و روی گردانی عملی از دین (اگر چه در ذهن معتقد باشد) هیچ نقطه مشترک و عاملی برای وحدت باقی نمی گذارد تا موجب استمرار صمیمیت استواری بنیان خانواده گردد.

۴ – گرایش به فرهنگ مصرف غرب و گسترش فساد و بی بند و باری های جنسی و آزادی های افسارگسیخته:

تفکری حاکم بر جامعه امریکا است، مبنی بر این که "خوشی و لذت مقدّم بر استواری

و نگهداری کانون خانوادگی است".

ترویج این اندیشه در جوامع دیگر از جمله ایران یکی از عوامل گسترش جدایی ها و سست شدن بنیان خانواده است.

شهید مطهری در این مورد می گوید:

"در هر جا که آداب و رسوم جدید غربی بیشتر نفوذ کرده است، آمار طلاق هم افزایش یافته است . آمار طلاق ها در شهرها بیشتر از روستاها و شهرهای بزرگ تری که آداب غربی را بیشتر پذیرفته اند، زیادتر است، مثلا بیش از یک چهارم طلاق های ثبت شده سراسر کشور (یعنی ۲۷ درصد) مربوط به تهران است، در حالی که نسبت جمعیت تهران به جمعیت سراسر کشور تقریبا ده درصد می باشد".(۲)

۵ – ازدیاد اعتیاد: اعتیاد به مواد مخدر، قاچاق، الکل، قمار و سایر مفاسد باعث اختلال در سلامت جسمی، روحی و شخصیت خانوادگی و اجتماعی شده، در نتیجه آمار طلاق را بالا برده است.

۶ – بالا ـ بودن میزان مهریه ها: یکی از علل طلاق بالا ـ بودن میزان مهریه ها و هوس گرایی زنان جهت دریافت مهریه ها و ازدواج مجدد با مردی دیگر و اخذ مهریه ای دیگر است.

۷ – قرار گرفتن طلاق به بهانه های مختلف در دست زنان:

یکی از احکام اسلام این است که طلاق را در دست مرد قرار داده است، علاوه بر قرآن که در آیاتی چند نظیر۴۹ احزاب و ۲۳۱ بقره، روایات (۳) معتبر زیادی ، قرار گرفتن طلاق به دست مردان را بحث کرده است.

جهت روش شدن ارزش اینحکم ، و این که یکی از عوامل شکاف بین خانواده ها ، انحراف از این قانون به بهانه های متفاوت است، به گزارش زیرتوجه کنید.

"طلاق های ثبت

شده در دادگاه های فرانسه نشان می دهد که بیش از هفتاد درصد طلاق ها به درخواست زنان بوده است".(۴)

لوسون د انشمند امریکایی ، ضمن بیان آمارهای هولناک طلاق در امریکا می نویسد :"قابل توجه این که هشتاد درصد طلاق ها به تقاضای زنان واقع شده است".

خانم مونیکا ، نویسنده انگلیسی ، ضمن اظهار تأسف شدید از آمارهای وحشت افزای طلاق در آن کشور می نویسد:

"دوام و استحکام هر ازدواجی در درجه اول به درایت و سبکسر نبودن زنان بسته است و با توجه به این حقیقت تلخ اعتراف می کنم که آمارها و پرونده های دادگاه ها در انگلیس نشان می دهد که از هر صد ازدواجی که به طلاق منجر می شود، در نود و نه درصد آنان زنان مقصرند".(۵)

این وضعیت به بهانه های مختلف در سال های بعد از انقلاب در ایران افزایش یافته است.

۸ - صنعتی و ماشینی شدن زندگی زنان و مردان

صنعتی شدن زندگی و زنان و مردان موجب بالا رفتن سطح توقعات بانوان و زیاده طلبی و تنوع خواهی مردان گشته و زمینه را برای بروز اختلاف و جدایی ها فراهم ساخته است.

نویسنده کتاب "طلاق یا فاجعه انحلال" می نویسد : "طبق آمار ، زن و شوهرهای تهرانی ماهانه دو هزار دادخواست طلاق به دادگستری می دهند.

یکی از قضات در این باره اظهار می دارد که : اکثر دادخواست های طلاق از طرف زنان به دادگستری داده می شود. اختلافات این زن و شوهر ها بیشتر در نتیجه ماشینی شدن زندگی و بیشتر شدن توقعات زنان و زیاده طلبی و تنوع خواهی مردان است".(۶)

دکتر آذرمان روانپزشک می گوید: "بخشی

از مشـکلات خانواده های جدیـد، ریشه در تغییر و تحول روحی زنان مـدرن دارد. همان گونه که مشـکلات مردان جدیـد هم شکل عوض کرده و چهره تازه تری را به رخ می کشـد، اما این مشـکل خاص یعنی تحمل ناپـذیری برخی از زنان به خصوص قشر فرهیخته، به دیل تغییر مشکل جامعه است. در واقع جامعه ما به سرعت از جامعه سنتی به سوی صنعتی شدن پیش می رود، طبیعی است که در این مسیر زنانی بیشتر درگیر تحول می شوند که در جریان مستقیم این تغییرات قرار دارند".(۷)

۹ – ناهماهنگی زن و شوهر از جهت وضعیت اقتصادی ، علمی و سطح تحصیلات:

اسـلام توصـیه کرده است بـا کسـی ازدواج کنیـد که "هم کفـو" شـما باشـد، یعنی از جهت اعتقـادی ، فکری ، سـطح علمی و موقعیت مـالی، به هم نزدیک باشـید تا بتوانیـد همـدیگر را درک کنیـد و به احساسات یکـدیگر پاسـخ مناسبی بدهیـد. نادیـده گرفتن این اصـل ، یکی دیگر از علل جـدایی ها و ناسازگارهای زن و شوهر ها می باشـد، به خصوص اگر زن از جهت سـطح تحصـیلات یا موقعیت مالی فراهم شده از طریق خانواده ، ارث یا شـغل و درآمد ، وضـعیت برتری نسـبت به شوهر داشته باشد، زمینه برای تنش و اختلاف سریع تر فراهم می شود.

ناهماهنگی قدرت علمی، اقتصادی و فکری موجب متفاوت شدن انتظارات می شود و زمینه را برای بروز ناسازگاری فراهم می سازد.

عوامل دیگری نیز در گسترش جـدایی ها دخالت دارنـد، ماننـد برق دیـدگاه ها و مبانی نظری در مسـئله طلاق . جهت آگاهی بیشتر به کتاب نظام حقوق زن در اسلام، نوشته شهید مطهری

، از ص ۲۶۳ به بعد مراجعه شود.

پی نوشت ها :

۱ – بینش اسلامی پیش دانشگاهی ، ص ۹۳.

۲ – حقوق زن در اسلام، ص ۲۶۱.

۳ – وسایل الشیعه، ج۷، ص ۳۴۰، باب الطلاق بیدالرجل دون المرأه.

۴ – طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، حسین حقانی زنجانی، ص ۸۶.

۵ – همان، ص ۹۹.

۶ – ص ۹۴.

۷ – روزنامه کیهان، شماره ۱۷۸۵۶ ، شنبه ۲۰ دی ۱۳۸۲، ص ۵.

راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟

پرسش

راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟

پاسخ

با توجه به تنوع و گونه گونی علل و عوامل انحراف ، مبارزه و برخورد با هر یک از آنها شیوه خاصِ و محل و شرایط ویژه ای می طلبد مثلاً «علل روانی و اخلاقی » را باید به وسیله تربیت صحیح و توجه به ضررهای مترتب بر آنها ، و برای جلوگیری از تأثیر سوء « علل اجتماعی » علاوه بر جلوگیری عملی از بروز چنین عواملی ، می بایست فرق بین نادرستی دین با نادرستی رفتار دینداران را روشن ساخت و همچنین برای جلوگیری از تاثیرات سوء « عوامل فکری » باید شیوه های متناسبی را اتخاذ کرد از جمله اینکه عقاید انحرافی را از عقاید صحیح تفکیک کرد و از بکار گرفتن استدلالات ضعیف و غیر منطقی برای اثبات عقاید دینی اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل ، نشانه نادرستی مدعی نیست و ...

باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟

پرسش

باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟

پاسخ

تنها نیروی عقل و وجدان اخلاقی که انسان با آن نیک را از بد تشخیص می دهد نمی تواند از انحرافات بشر جلوگیری بعمل آورد و گر چه این مطلب انکارناپذیر است که عقل و وجدان اخلاقی در سعادت و رستگاری آدمی سهم بسزایی دارند و بسیاری انحرافات، از نادانی و نشناختن راه صحیح ناشی می شود ولی موضوع قابل توجه این است که تنها وجود عقل و وجدان نمی توانند صد در صد سعادت انسان را تأمین کنند از این رو که غرائز سرکشی در انسان وجود دارد که نمی توان به آسانی آنها را مهار کرده وتعدیل نمود.

۲۴۷۷

اما چیزی که در هر حال می تواند انسان را کنترل نموده و از فساد و انحراف نگهدارد اراده ی قوی و تصمیم قاطع او است وآن هم در سایه ی ایمان به مبدأ و معاد بوجود می آید.

یک نفر مؤمن که معتقد است جزئیات کارهای وی ضبط می شود و نسبت به اعمال وی محاسبه ی دقیق صورت می گیرد و در برابر هر یک از کارهای نیک و بد پاداش مناسب به او داده می شود این ایمان وی را از اقدام به اعمال ضد انسانی ودینی که باشرف و شخصیت او نیز سازگار نیست و از نظر دین گناه محسوب می گردد کاملًا جلوگیری می کند، شاهد زنده ی این موضوع این است که در تمام ممالک مترقی علاوه بر وضع وقوانین برای متخلفین از قانون مجازات و کیفرهایی قرارداده می شود تا

ترس از

۲۴۷۸

کیفر و مجازات باعث شود که در مقابل قانون احترام گذاشته و تخلف از آن ننمایند.

از مجموعه گفتار می توان چنین نتیجه گرفت که وجدان (یعنی نیروی دریافت خوب از بد) تحت تأثیر محیط، غریزه، و عادت قرار می گیرد مگر آن که تحت تربیت دینی بارور گردد. البته فراموش نکنیم که انحراف از جادّه حق، گاهی حاصل آزادی و انتخاب آدمی است. در قرآن می خوانیم و حجدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً;(۱)...و این بخاطر ظلم و برتری طلبی آنان بود. که همان توان آدمی در انتخاب است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ – سورع نمل آیه ۱۴

۲۴۷۹

جوانان ، نوجوانی و بلوغ

مسائل دوران بلوغ تحوّل ها در اخلاق

مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟

پرسش

مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟

پاسخ

در معرض فساد بودن، ویژه جوان نیست. با مطالعه کمی درباره انسان می بینیم فساد و صلاح دو نتیجه حتمی است که از انتخاب او سرچشمه می گیرد. و این انتخاب در همه شرایط موجود است فقط گاهی عوامل فساد و صلاح تقویت و تضعیف می شوند آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این انسان و قابلیت های شگفت انگیز اوست که می تواند در هر شرایطی راه فساد و صلاح را دنبال کند. می بینید اکنون که انقلاب در جامعه شده و مظاهر دینی به لطف خدا آشکارتر و مهیاتر است باز عده ای شیفته فسادند و برعکس در غرب فاسد، دلباخته های حق و حقیقت با عطش به اسلام روی می آورند که نمونه هایش را شاهد هستید.

اما آنچه شما خواسته اید که نمونه اصلی فساد را به شما معرفی کنیم و نمره بزرگ را به تهاجم فرهنگی یا مطبوعات نامناسب داخلی، یا فسادهای جنسی از طریق فیلمها را بدهیم، نمی توانیم. آنچه عامل مهم به نظر می رسد همانا غافل ماندن از ارزش خویش و به ویژه در دوران جوانیست. چون ما بر فرض عوامل خارجی را هم کم یا نابود کنیم، عاملی مثل نفس و شیطان را در درون خود داریم که کمر به گمراهی ما بسته است. این غفلت که آدمی همه ارزش ها را جوابگویی به هیجانها و انعکاسات جسم و تمایلات بدهد و تحت تأثیر این فکر قرار گیرد مهم ترین خطر است و آنچه بر این فکر حظ می دهد مهم ترین

عامل انحراف و همچنین آن چیزهایی که جوان را از راه سعادت یعنی انتخاب آگاهانه مکتب اصیل اسلام و تشیع باز می دارد. همانکه توجه بی قید و شرط به معیارهای غربی می دهد در میان همین موانع رشد است. چقدر زیبا فرمود امام ((علیه السلام))که مَنْ کرمت علیه توسر هانت علیه شهواته – نهج البلاغه – آنکه برای نفس خویش

۸

ارزش و قیمتی شناخت، از تسلیم در برابر شهوات سرباز می زند و آلوده نمی شود. انسان آمیز شهوات می شود نه اسیر.

اما راه حل، گفته اند که جوانی یک شعبه از مستی و مدهوشی است . همانطور که شراب مستی می آورد. اما این حالت ویژه کسی است که از دیگر ویژگیهای انسانی غافل بماند پس در این دوره بهترین کار خود یابی، الگویی مثبت، و مکتب را آگاهانه برگزیدن است.

ما مذهب را سنتی و عاطفی برگزیده ایم این است که با موجها از پا می افتیم مذهب اصیل با تفکر شروع می شود که در قرآن واژه عقل و فکر صدبار تکرار شده خود و دیگران و جوانان را به چنین انتخابی دعوت کنید.

نکته آخر آنکه از تأمین نیازهای مشروع جوان اگر غفلت شد، ضربه مهمی به انحراف او زده می شود این کار به عهده همه ما و مسئولین امر است که باید انجام می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۹

علّت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافکاریها در انسان چیست؟

پرسش

علّت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافکاریها در انسان چیست؟

پاسخ

یکی از موجوداتی که از دیر زمان افکار دانشمندان را به خود جلب نموده و آنان را به مطالعه و بررسی وا داشته است انسان است انسان معجونی است که از نیروها و قوای مختلفی ترکیب یافته و غرایز بسیاری در نهاد وی آفریده شده است. در روان آدمی استعدادهای شگرف و قابل ملاحظه ای وجود دارد تا در پرتو بکار انداختن آنها مدارج عالی کمال را به پیماید، سرانجام به سعادت و خوشبختی واقعی که هدف از آفرینش وی بوده است نائل گردد.

یکی از مسایل مهم روانی عبارت از تأثیر و پذیرش روح انسان است که عوامل خارجی از بیرون و عوامل درونی یعنی افکار و اندیشه های وی در درون او اثر می گذارد ولی در عین حال اثر گرفتن روح انسان هم می تواند بر اساس اختیار صورت گیرد. چه اینکه تربیت و پرورش صحیح روح انسان را نیرومند می کند و می تواند در سایه رهبری خود و راهنمائی انبیاء و جانشینان آنان راه صحیحی را انتخاب نموده و در آن گام بردارد و اجتماع طوری نیست که بتواند اختیار را از انسان سلب کرده و او را بی اختیار در دامن فساد و انحراف محیط افکنده و ناخود آگاه انسان را آلوده و گناهکار سازد و همچنین وسوسه های شیطان به اختیار انسان ضربه ای وارد نمی کند بلکه وسوسه شیطان در واقع پیشنهاد و دادن طرحی بیش نیست این انسان است که می تواند با بکار انداختن تصمیم قاطع و اراده آهنین و عزم خلل ناپذیر خود در

سایه رهبری عقل و دین با همه عوامل فساد مبارزه کرده و با عمل کردن به دستورات و تعالیم دینی به سعادت و رستگاری جاودانی نائل گردد.

شاهد زنده وجود برخی از افراد است که در محیط های فاسد و ناپاک خویشتن را نگاه داشتند و علیرغم آلودگی محیط سلامت خویش را حفظ کردند و نه تنها از محیط رنگ نگرفتند بلکه تا سر حدّ امکان محیط را از فساد و انحراف پاک کردند.

پس عوامل انحراف در دو مورد کلّی خلاصه می شوند:

۱. بیرونی؛

۲. درونی.

عوامل بیرونی: طاغوت ها، تشویق های آدمها و حرفها و جلوه های دنیا؛

عوامل درونی: شیطان و وسوسه های نفس. امّا همانطور که ذکر شد عوامل قوی مثبت نیز در درون (مثل اراده و ایمان، شناخت) و عوامل بیرونی مثل هدایت انبیاء و قانونها و تربیت آدمی را کنترل می کنند و اگر عوامل منفی نبود انتخاب منفی نبود انتخاب راه خیر و نیکی معنی و ارزش نداشت.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند

پرسش

چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند

پاسخ

اندک نه بلکه بسیار. مسأله فاصله گرفتن برخی از اقشار با روحانیت، نیازمند بررسی جامعه شناختی از موضوع استکه در این مجال نمی گنجد؛ ولی علل اجمالی آن به شرح زیر است :

الف) مشکلات انقلاب و جنگ تحمیلی

ب) بالا رفتن سطح توقع و انتظار مردم به واسطه شعارهای انقلاب

ج) تبلیغات جهانی علیه انقلاب و رهبران آن

د) عملکرد روحانیت

ه) قدرت در دست هر کس باشد مردم به طور طبیعی مقداری از آنها فاصله می گیرند (من ملک استأثر)

J}

۲– چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا ولواط داده است ؟

پرسش

۲- چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا ولواط داده است ؟

پاسخ

ج۲- ابتدا ضمن پذیرش وجود انحرافات ونابسامانیها درمسائل مختلف ازجمله انحرافات جنسی بی حجابی کم توجهی به نماز وغیره اما باید عرض شود تعداد افراد مقید به مسائل دینی هم درجامعه فراوان ودر یک دیدگاه متعادل خواهیم دید که جمعیت بسیاری را در برمیگیرد در هرصورت برای پاسخ دادن به این سوال ابتدا انگیزه رفتن به سوی انحرافات را مورد توجه قرارمی دهیم هر انسانی دارای غریضه شهوت (میل به سوی خوردن وآشامیدن ومسائل جنسی) است وسرکوب کردن آن دربرخی مسائل غیر ممکن ودرمواردی هم بسیار مشکل است. ودرهرصورت پاسخ متناسب ومثبت به این خواسته ها امری لازم وبرطبق فطرت وعقل است اما این که چرا عده ای در پاسخگویی به این غریضه راه غلط را انتخاب می کنند علل متفاوتی دارد .

۱ – فرهنگ عمومی که در خصوص متعه (صیغه) غیرت بیجا به خرج داده و آن را ناپسند می شمارند که برفرمایش علی (ع) اگر خلیفه دوم متعه را حرام نمی کرد (فرهنگ غلط ایجاد نمی کرد) هیچ مومن غیرتمندی زنا نمی کرد (۴).

۲ – ترویج فرهنگ غیراسلامی وتخریب منادیان دعوت به دینداری.

۳ – نا آگاهی نسبت به آثار مثبت اعمال مشروع و آثار منفی اعمال نامشروع.

۴ سوء استفاده عده ای ازاین عمل مشروع (متعه) وتبدیل آن به یک نوع هوسرانی ۵ – ندانستن کیفیت برقراری یک رابطه مشروع.

جهت اطلاع بیشتر دراین زمینه به کتاب نظام حقوق زن در اسلام اثر استاد شهید مطهری, بخش دوم ازدواج موقت مراجعه کنید.

منابع:

(۱) نهج البلاغه, ترجمه علامه جعفری, ص ۱۰۴۳, کلمات قصار کلمه ۳۱.

(۲) توضیح المسائل مراجع, ج ۲ ,ص ,۶۲۴ مسله ۲۸۲۶ تا ۲۸۳۷

(۳)منتهی الآمال, زندگی امام صادق« علیه السلام » ومعجزات امام صادق(ع).

(۴) رساله متعه, مرحوم شیخ مفید .

علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟

پرسش

علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟

پاسخ

در این باره باید به چند نکته توجه نمود:

اولاً: این مسأله کلیت نـدارد و در کنار افرادی که گرفتار برخی از انحرافات شـده اند، جوانان بسیاری نیز در پناه انقلاب رشـد معنوی و هدایت یافته اند، به گونه ای که وضع جوانان در انقلاب و پیش از انقلاب تفاوتهای چشمگیری دارد.

ثانیـا: بروز انحراف در میـان برخی از جوانـان علـل مختلفی دارد، البته یکی از این عوامـل نیز ممکن است کم کـاری برخی از حوزویـان باشـد، لیکن این نه در مـورد همگـان صـادق است، نه تمـام علت مسـأله می باشـد. بنـابراین به جـای یکسونگری، و انداختن تقصیر به عهده یک عده خاص باید با نگاه دقیق علمی از منظر جامعه شناختی و انسان شناختی به این پدیده نگریست و عوامل گوناگون، میزان تأثیر هر یک و راه اصلاح را بازشناسی کرد.

من فکر می کنم عامل انحراف قشـر تحصیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می بینـد عملکرد کسانی که به اصول عقایـد واقفنـد برخلاف آن اصول است، می بیند معتقدین به دین، اعمالی مرتکب می شوند که با آن عقاید سازگار نیست و چون

پرسش

من فکر می کنم عامل انحراف قشـر تحصـیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می بینـد عملکرد کسـانی که به اصـول عقایـد واقفنـد برخلاـف آن اصـول است، می بینـد معتقـدین به دین، اعمـالی مرتکب می شونـد که با آن عقایـد سازگار نیست و چون نوع تحصـیل کرده ها تازه کارنـد، با دیـدن این ناسازگاری پس می

زنند. وقتی ما مدعی اسلام هستیم، آیا نباید احکام آن را تا آنجا که در حد توانمان هست پیاده کنیم؟

پاسخ

این سؤال یکی از دو انگیزه زیرا را می تواند داشته باشد:

۱. اینکه صاحب سؤال خواسته باشد قشر تحصیل کرده را از این راه تبرئه کند و بگوید که اگر این قشر در صدد تحصیل عقاید حقه از راه استدلال برنمی آید، بخاطر رفتاری است که از بسیاری از افراد بظاهر متدین می بیند/

۲. اینکه بخواهد ازعلت انحراف این قشر (یعنی طبقه متدین) سر درآورد/

اگر منظور از سؤال تبرئه کردن قشر تحصیل کرده است، در پاسخ می گوییم علت و ریشه هر گناهی جهل به مقام پروردگار و نداشتن شناخت به مقام و شرافت انسانیت است و جاهل به این دو مقام، دو نوع است یکی آن جاهلی که در جهلش تقصیری ندارد و دیگری آن جاهلی که در جهلش مقصر است/

آنکه جاهل قاصر است، عذر موجه دارد و خدای تعالی او را مورد مؤاخذه قرار نمی دهد و ما حق نداریم که او را مورد مؤاخذه قرار داده، عملکرد او را معیار کار خود قرار دهیم و آنکه جاهل مقصر است (یعنی می تواند جهل را از خود برطرف سازد ولی کوتاهی می کند) هر چند که در گناهش مؤاخذه می شود

لیکن گناه او از گناه فرد تحصیل کرده که در جاده علم است خفیف تر است/

پس قشر تحصیل کرده نمی تواند در درگاه خدای عزوجل این طور بهانه بیاورد که من دیدم قشر متدین که گفتیم بیشتر جاهل قاصر و مقصرند - اعمالی مرتکب می شد که با عقاید دینی او سازگار نبود، لذا پس زدم و از تحصیل عقاید درست و تشخیص دین صحیح از راه استدلال بیزار شدم، زیرا در تشخیص حق از باطل عملکرد افراد معیار نیست، حق حق است هر چند که همه مردم خلاف آن را بگویند و برخلاف آن عمل کنند و باطل هم باطل است هر چند که همه مردم طرفدار آن باشند و بر طبق آ عمل کنند/

و اگر انگیزه سؤال، پی بردن به علت انحراف باشد می گوییم: تأثیر رفتار ناپسند این طبقه و مخصوصاً آنهایی که تظاهر بیشتری به دینداری می کنند، در افراد ساده لوح قابل انکار نیست و ما اگر بخواهیم این تأثیر را انکار کنیم، همان اشکال بالا به خود ما متوجه می شود یعنی قشر متدین را به ناحق تبرئه کرده ایم،

زیرا عمل زشت، زشت است و سخن باطل، باطل است هر چند که در قشر متدین دیده شود، لیکن اگر به نظر انصاف مسأله را مورد دقت قرار دهیم می بینیم که حداقل ده درصد خلاف کاریهایی که در قشر متدین دیده می شود، به وسیله افرادی ارتکاب می شود که جاهل قاصرند و بیش از پنجاه درصد آن به وسیله افرادی ارتکاب می شود که متدین نیستند یعنی در دل، عقیده راسخی به اصول عقاید اسلامی ندارند و اگر تظاهر به دینداری می کنند، برای این است که می خواهند مردم را

به دام خود بیندازنـد و در حقیقت با زبان شـکار حرف می زنند؛ در سابق نیز گفتیم یک شـکارچی ماهر وقتی می خواهد مثلاً خرس را شکار کند، برای اینکه در تیررس خود قرارش دهد، صدای خرس در می آورد، افراد منافق در هر جمعیتی چه در بین مسلمین و چه مسیحیان و چه جمعیتهای دیگر اگر تظاهر به دینداری می کنند بخاطر همین است که در چشم ها عزیز و بزرگ آیند و دلها را صید نموده، آنگاه در سایه این اعتماد، اغراض شوم خود را به دست آورند/

و اگر چهـل درصـد بـاقی مانـده از خلافکاریها را دقیقاً مورد نظر قرار دهیم خواهیم دیـد که بیش از سـی درصـد آن گناهانی اسـت که افراد متـدین واقعی مرتکب می شونـد که بینش دینی آنـان و چشم عقلشـان از دیـد افتـاده یعنی کـورانی از خشم، یا شهوت، و یا کینه و یا کورانهایی دگیر در دلهایشان بپا خاسـته و در آن حال مرتکب خلافی شـده اند، گناه در این حال، معیار دینداری و بی دینی افراد نیست/

در بحث عدالت می گویند اگر عادلی که مردم دنبال او به نماز می ایسـتند، در حال خشم غیبتی کرد و یا فحش داد باید ببینیم بعد از برطرف شدن خشـمش چه وضـعی دارد اگر دیدیم که شدیداً اندوهگین شد که چرا من جلو خشم خود را نگرفتم و در حال خشم فحش دادم و به درگاه خدا گریه و زاری می کند که خدایا از تقصیرم در گذر - و - در مثل - حالتی در او دیدیم نظیر حالت کسی که در حضور جمعی از افراد محترم حرکت بی ادیانه ای بکند که هر وقت به یاد آن رفتار ناهنجار می افتد،

از خجالت عرق می کنـد چنین کسـی باز هم عادل است و ما می توانیم در نماز جماعت به او اقتدا کنیم، و خدای تعالی هم از گنـاه او درگذشـته است، چون توبه همـان حـالت شـرمندگی است که پس از گناه به انسان متـدین دست می دهـد و وقتی که خـدای تعالی او را مؤاخـذه نمی کنـد، ما حق نـداریم از او انتقاد کنیم و اگر احیاناً خود ما از او خلافی دیدیم، باید رفتارش را حمل بر صحت نموده بگوییم در حالی انجام داده که بینش درستی نداشته است/

بنـابراین از درصـد گناهانی که از قشـر بظاهر متـدین دیـده می شود علت نود درصـد آن معلوم شـد باقی می مانـد درصـد که صدور آن از قشر متدین برای ما و شما معلوم نیست یعنی شایعه است و اگر در مقام تحقیق برآییم خواهیم دید که تهمتی بیش نیست و این مطلب قابل انکار نیست که در زندگی خود، به بسیاری از این موارد برخورده ایم که درباره شخصی چیزی شنیده ایم که بعداً نادرستیش مسلم شده است/

نظارت اجتماعی

نظارت اجتماعی رسمی

چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ءنسرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟

پرسش

چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ءنسرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟

پاسخ

حکم کسانی که مسـلمان بوده و مرتد شده اند، از نظر فقهی کاملاً روشن است. علاوه بر آن که توهین به مقدسات نیز،خود از نظر فقهی دارای احکام معین و مشـخص است. ولی اگر بنا باشد در کلیه این موارد، هماننـد قضـیه سلمانرشدی، از سوی مراجع و یـا مسؤولین حکمی صـادر گردد، به نظر می رسـد در هر چنـد روز بـایستی یـک چنین احکامیصادر گردد و این موضوع در شرایط فعلی نمی تواند چندان معتبر باشد.

اما مسأله سـلمان رشدی دارای ویژگی خاصـی بود و آن حمایت استکبار جهانی از او و تلاش برای گسترش افکارشیطانی وی بود.

این موضوع، امام را بر آن داشت تا موضـعی قوی و نیرومند در برابر آن اتخاذ نمایند تا هم درسـی برای دیگران باشدو هم آن که اسـتکبار جهانی و صهیونیسم، از آن بهره ای نبرند. ولی این بدان معنا نیست که برای هر مرتدی بایداطلاعیه ای صادر کرد. در این صورت چه بسا که نتیجه معکوس دهد و باعث اشاعه آن بشود.

خواهیـد گفت حکم الهی چه می شود؟ احکام الهی در صورتی به اجرا درمی آیند که قدرت بر انجام آن باشد.بسـیاری دیگر

از احکام الهی هست که ما قادر نیستیم آن را در جهان پیاده کنیم؛ آیا باید بر سر آنها هر روز سر و صداییبه پا کنیم؟

پس بایستی شرایط زمان و مکان، کاملاً سنجیده شود و آن گاه حکم صادر گردد و جنبه اجرایی پیدا کند.{J

برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید.

پرسش

برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید.

پاسخ

جهت تعیین امام جمعه برای شهر فردوس از طریق شورای سیاست گذاری ائمه جمعه استان و مرکز باید اقدام کرد. مردم مؤمن و متدین شهرستان فردوس می توانند با نوشتن طومار و نامه درخواست امام جمعه کنند البته زمانی که ما برای شما این مطلب را می نویسیم به نظر می رسد امام جمعه جدید به شهر فردوس منصوب شده باشند و برای ایشان آرزوی موفقیت داریم و برای حل مشکلات می توانید با امام جمعه در تماس باشید.

چرا وزارت ارشاد اجازهء پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟

پرسش

چرا وزارت ارشاد اجازهء پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟

پاسخ

این موضوع شایعه ای بیش نیست . اگر می توانید چند نوع از این گونه نوارها را نام برده , دلایل غیراسلامی بودن آن را بنویسید و برای ما ارسال نمایید, تا ما به وزارت ارشاد ارسال کنیم و علّت پخش آن را جویاشویم . عده ای در این مملکت کارشان شایعه سازی است .

آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟

پرسش

آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟

پاسخ

.۱. پاسخ جامع به سؤال شما نیازمند تحقیق در دو امر است.

اول؛ هدف و روشهای تعلیم و تربیت در قرآن چیست؟

دوم؛ هدف و روشهای تعلیم و تربیت در جامعه چگونه است؟

بعد از معلوم شدن این دو مطلب پاسخ سؤال شما آشکار می گردد.

۲. بدیهی است پاسخ جامع به این دو سؤال نیازمند زمان و بررسی میدانی در این خصوص است اما بطور اجمال اشاره می کنم که :

هدف قرآن کریم از تعلیم و تربیت، در یک کلام به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان و رشد اوست و روشهای متفاوتی را نیز در قرآن کریم به این منظور ارایه نموده است از آن جمله :

۱) آموزش به وسیله عمل ۲) آموزش همراه با ترغیب و تهدید و مانند آن(۱) در این آموزش فراگیری، ممزوج با تزکیه است و به گونه ای صورت می گیرد که فرد، حقیقت مورد نظر را می یابد یا به اصطلاح "وجدان" می کند. یعنی نه تنها از نظر عقلی می فهمد بلکه با تمام وجود آن را می یابد.قرآن بدنبال یاد دادن معلومات نیست بلکه به دنبال ایجاد معرفت و شناخت است.

۳. در این که آیا چنین روشهایی در جامعه پیاده می شود به طور اجمال می توان گفت بخشی از این آموزشها در مدارس و مؤسسات فرهنگی مختلف مورد توجه قرار می گیرد و استفاده می شود اما آنچه که مد نظر قرآن است عملاً کمتر تحقق پیدا می کند چرا که یکی از شرایط تربیت قرآنی، مربی پاک است. یعنی علاوه بر معارف بلندی که

دارد، کسی که آن را منتقل می کند نیز باید پاک وطاهر باشد. لذا گرچه اقدامهای نسبتاً خوبی در این باره صورت گرفته اما تا تحقق کامل تعالیم قرآن راهی بس طولانی را در پیش داریم.

تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست.

منابع و مآخذ :

۱. دانشنامه قرآن، ج۱، ص۵۱۲، ذیل تربیت از دیدگاه قرآن

بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟

پرسش

بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟

پاسخ

احساس مسئولیت شما در قبال حجاب و پوشش زنان جامعه قابل تقدیر و تحسین است و اما در خصوص جلوگیری از بدحجابی و بی حجابی در جامعه لازم می دانیم نکاتی را یادآور شویم .

در خصوص وضعیت موجود اولین نکته ای که باید مورد توجه همگان اعم از مسئولان حکومتی فرهنگی، امامان جمعه و جماعت، مدیران مراکز آموزش (مدارس و دانشگاهها) و حوزه های مقدسه علمیه و عموم گویندگان و خطیبان و رهبران فکری جامعه که وظیفه هدایت جامعه را بر عهده دارند،قرار گیرد این است که علل و عوامل بی حجابی و بدحجابی را موشکافی و ریشه یابی و کالبد شکافی کنند و در مرحله بعد راهکارهایی برای مقابله روند موجود طراحی و برنامه ریزی نمایند. در عصر حاضر و در جهان کنونی قدر مسلم آن است که با روش ها و شیوه های سنتی گذشته و امر و نهی صرف و بدون توجیه و تبیین و تفسیر و اقناع افکار عمومی نمی توان با پدیده ای مقابله و مبارزه کرد و آنرا از میان برد. اگر بدون شناسایی علل و عوامل پیدایش پدیده های اجتماعی همانند بدحجابی و بی حجابی به ممانعت از نوعی پوشش و اجبار به پوشش خاص بپردازیم نه تنها آثار مثبتی به دنبال ندارد بلکه افراد را به عکس العمل متقابل وادار می سازد و از روی لج بازی پرچم مقابله و مبارزه برخواهند افراشت.

به عنوان مثال در یکی از مراکز آموزشی در سال ۱۳۷۲ از دختران دانشجو بصورت غیر مستقیم و بدون این که اسم خودشان را ذکر بکنند سؤال کرده بودند آیا داشتن حجاب را

برای کرامت انسانی لازم می دانید؟

۹۵ درصد جواب مثبت داده بودند ولی در بررسی ظاهری در محیط و فضای دانشگاه متوجه شدند تنها ۳۵ درصد رعایت حجاب شرعی را می نمایند. حال اگر به این دختران دانشجو گفته شود حجاب خودتان را حفظ کنید یا تحت فشاری قرار گیرند تا حجاب را حفظ کنند آیا فکر می کنید نتایج مثبتی در پی داشته باشد. قطعاً خیر. تا زمانی که بترسد رعایت خواهد کرد ولی همین که از درب دانشگاه خارج شد چادرش را بر خواهد داشت و ... و گاهی برای انتقام جویی به برخی کارهای ناشایست اقدام خواهد کرد. نمونه های فراوانی در جامعه که نتیجه عکس العمل تند بوده است مشاهده شده است. زن باید ایمان و اعتقاد قلبی داشته باشد تا حجاب را رعایت کند. به زور و اجبار نمی توان حجاب و پوشش را ترویج کرد: لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی .... در دین زور و اجباری نیست، ایمان امری فردی و اختیاری و آگاهانه است که هرکس خودش باید خداوند را بپذیرد نه به زور واکراه و اجبار. حجاب نیز که از ضروریات اسلام است از این امر مستثنی نیست.

مادر گرامی و ارجمند برای مقابله با بدحجابی و بی حجابی همگان باید تلاش کنند، مسئولان کشوری و بخصوص روحانیان، فرهنگیان، دانشگاهیان، صدا و سیما، روزنامه ها و تمام مردم در این زمینه مسئولیت دارند و همه باید با هم هماهنگ عمل کنند. حال تصور کنید خانواده به فرزندانش اصرار می ورزد چادر بپوشد و فرزندان ،زنان و دختران دیگر را در جامعه و تلویزیون با وضعیت دیگری مشاهده می کنند می پرسند مگر سیمای جمهوری اسلامی سیمای

اسلامی نیست اگر این پوشش که خانواده اصرار می ورزد اسلامی است چرا در تلویزیون و دانشگاهها و بازار و کوچه و ... رعایت نمی شود، بخصوص اگر مورد تحقیر و تمسخر قرار گیرد خیلی زود ممکن است تغییر پیدا کند.

اگر مسئولان دم از اسلام بزنند و خودشان به دستورات اسلامی عمل نکنند، رشوه بگیرند، کار مردم را راه نیندازند، به وعده های خودشان عمل نکنند و ... و از طرف دیگر فریاد وا اسلاما سر دهند که اسلام از بین رفت آیا فکر می کنید اثر مثبت دارد .

وقتی فقر و بیعدالتی، پارتی بازی، رشوه و ... در جامعه رواج پیدا کند. مفاسد اجتماعی و بی حجابی و بد حجابی نیز در جامعه گسترش پیدا می کند و وقتی عدالت اسلامی توسعه یابد،مسئولان خادم و خدمتگذار باشند و رفتار و گفتارشان با هم یکسان باشد و ... جامعه به سوی صلاح پیش خواهد رفت. وقتی اعضای جامعه خود را مقید به رعایت مسایل دینی و اسلامی بکنند خود به خود جامعه اصلاح می شود و حجاب و پوشش اسلامی رواج می یابد. عمل به اسلام وظیفه همگانی است و مقابله با تخلفات نیز.

چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید سؤال من خنده دار باشد ولی خیر منشاء همه اعتیادها جامعه که جوانان ما را به تباهی کشانده بله حرف اصلی بنده این است که چرا آیت ا...

پرسش

چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید سؤال من خنده دار باشد ولی خیر منشاء همه اعتیادها جامعه که جوانان ما را به تباهی کشانده بله حرف اصلی بنده این است که چرا آیت ا... میرزا شیرازی جرأت داشت حرام کند یعنی فتوا داد و مردم انجام دادند ولی نه حضرت امام (این کار را انجام داد و نه

مقام معظم رهبری چرا؟ اگر در جامعه ای سیگار وجود نداشته باشد جوانان ما به ورطه نابودی کشانده نمی شوند منشاء تمام اعتیادها مخدر از سیگار شروع می شود حتی قیمت این وسیله ها آنقدر ارزان است که به سادگی بدست همه پیدا می شود مثال یک شیشه الکل در داروخانه ها ۳۰۰ تومان است اگر بکند ۳۰۰۰۰ تومان هیچ موقع جوان به طرف نابودی نمی رود توضیح دهید؟

پاسخ

سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می شوند.

بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند.

مسئولان کشور در مراحل و مقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده اند و تاکنون سرمایه های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدید زشت مواد مخدر از بین رفته است. چه بسیار انسانهای خدومی که در مقابله با اشرار مسلح و قاچاقچیان حرفه ای بین المللی به شهادت رسیده اند چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی حجیم تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده

است که این تلاشـها و زحمات و خدمات نمود و بروز جدی و چندانی نداشـته است ولی تصور کنید اگر این اقدام ها صورت نمی گرفت آیا حالا می توانستیم حتی با ذره بینی هم افراد غیر معتادی پیدا کنیم. بعید بوده. مواد مخدر تأمین کننده گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته اند خوشبختانه نتوانسته اند به اهداف پلید خودتان نایل آیند.

با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانما ن برانداز را کاهش بدهیم. البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست. مقایسـه زمان کنونی با عصـر میرزای شیرازی نیز درست و صحیح به نظر نمی رسد قدرت و اقتدار دستگاه مرجعیت و روحانیت و تدبر و اطاعت پـذیری مردم در حال حاضـر با آن زمان نیز قابل مقایسه نیست. چنانچه میزان آگاهی و بینش مردم نیز متفاوت است. از طرف دیگر فتوای میرزای شـیرازی جنبه سیاسی و مبارزه با حکومت و قرارداد ننگین دستگاه حکومت ایران با اجانب بود نه منع مصـرف تنباکو. صـرف مصرف نبود بلکه خرید و فروش و مصرف و ... به عنوان کمک به اجانب و اسارت ملت تلقی می شـد. ولی امروز اگر چه بحث مواد مخـدر بعـد اسـتعمار و اسـتکباری دارد ولی برای آحاد جامعه و افراد به عنوان یک معضـل اجتماعی فردی مطرح است نه کمک به اجانب و بیگانگان. حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم

بروند و آن چنان قبیح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباحت و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می شود وگرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست. از شما می پرسم آیا تعدد همسر بوسیله مقامات مسئول منع شده است در حالی که از نظر اسلام داشتن چند زن جایز است ولی چرا جامعه نمی پذیرد و ازدواج مجدد قبیح و زشت شده، چون فرهنگ شده است.

نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه هیچ تقید و پایبندی به تربیت دینی فرزندان وجود ندارد و نظر به جذابیت های کاذبی که در راستای انحراف فرزندان از اصول دینی و معرفتی وجود

پرسش

نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه هیچ تقید و پایبندی به تربیت دینی فرزندان وجود ندارد و نظر به جذابیت های کاذبی که در راستای انحراف فرزندان از اصول دینی و معرفتی وجود دارد و نصایح پدر و مادر و تبلیغات دینی را تحت شعاع قرار داده اندیشیده است و برای به راه آوردن این نسل آینده ساز چه کاری می بایست کرد؟

پاسخ

تربیت امری فراگیر و همه جانبه است و یک فرد یا دستگاه در برابر آن مسؤول نیستند. همه اعضای جامعه، خانواده، مدرسه، حکومت ودستگاههای گوناگون برای تعلیم و تربیت فرزندان جامعه مسؤولیت دارند. همه و همه باید برای رشد تعالی نسل جوان با تلاش و جدیت بیشتر اقدام کنند. این که افراد یکدیگر را مسؤول بدانند یا دولت را مسؤول بشمارند و خود هیچ گونه اقدامی نکنند، نوعی فرار از مسؤولیت است، نوعی شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت سنگینی است که بر عهده دارند.

متأسفانه پس از انقلاب اسلامی همه نابسامانی ها را به دولت ربط می دهیم و همه چیز را از دولت می خواهیم و غافل هستیم از اینکه دولت ما هستیم و ما دولتیم. همه و همه مسؤولیم "کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته" در مرحله اول برای تربیت فرزندان پدر و مادر و خانواده مسؤول هستند در مرحله بعد مدرسه و مربیان و کادر آموزشی و سپس دانشگاه ها و نهادهای مسؤول و کل جامعه برای تربیت نسلی فهیم و با شرافت و فضیلت مسؤولیت دارند.

ما باید به

دیگران مسؤولیت خطیرشان را مرتب یادآور شویم و متذکر شویم که مدرسه و دانشگاه و سازمانهای فرهنگی و آموزشی و وزارت خانه ها و نهادهای مختلف و مسؤولان عالیرتبه کشوری چه مسؤولیت های خطیر و حساسی برای تربیت نسل امروز بر عهده دارند. باید به آنان یادآور شویم که در قبال این نسل باید پاسخگو باشند و همه جدّ و جهد خویش را بکار گیرند تا نسلی پویا، با نشاط، پر تحرک، عالم، اندیشمند و با فضیلت بارآورند و البته همزمان با این یادآوری نباید از مسؤولیت خودمان غفلت کنیم ما و شما که احساس می کنیم نسل امروز در برابر سیل و طوفان سهمگین تهاجم فرهنگی و انواع انحرافات گوناگون قرار دارد در برابر این نسل مسؤولیت بسیار خطیری داریم. آیا اگر دیگران به وظیفه شان عمل نکردند ما نیز نباید آنچه از دستمان ساخته است انجام بدهیم. آیا ما قادر نیستیم حتی یک نفر را هدایت کنیم. تصور کنید هر کدام از ما که چنین احساسی داریم همزمان با اینکه به دیگران مسؤولیت شان را یادآور می شویم خود نیز دست به کار شویم و برای هدایت و تربیت نسل فعلی آنچه از دستمان ساخته است انجام دهیم، چه خواهد شد، اگر هر کدام از ما حداقل یک نفر را هدایت کنیم و از خطا و گناه حفظ کنیم بخش وسیعی از جوانان هدایت می یابند ولی افسوس که همه یاد گرفته ایم انتقاد کنیم که البته انتقاد خوب است ولی کافی نیست. باید هم انتقاد کنیم و هم خودمان به وظیفه خویش عمل کنیم و تا جایی که برای ما مقدور است

از توان و امکان خود و بستگان و دستگاهها برای هدایت نسل جوان استفاده کنیم. تربیت جز با تلاش همگانی و تفکر مقدور نیست. پس پیش بسوی این ایده.

به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. و پوشش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر کنیم تا زمانی که فرهنگ این افراد درست شود که خودشان حجاب را رعایت نمایند. به چه دلیل ما اگر فردی اسلحه به دست بگیرد و خواسته

پرسش

به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. و پوشش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر کنیم تا زمانی که فرهنگ این افراد درست شود که خودشان حجاب را رعایت نمایند. به چه دلیل ما اگر فردی اسلحه به دست بگیرد و خواسته باشد کسی را بکشد همه جلو او را می گیرند ولی این افراد بی حجاب روح مسلمین را نشانه گرفته اند و متأسفانه مسئولین در این زمینه اقدامی نمی کنند و به قدری روی این افراد بی حجاب زیاد شده اند که کسی جرأت نمی کند آنها را امر به معروف بکند چون نتیجه عکس می گیریم آیا اسلام و جمهوری اسلامی در این زمینه فکری کرده است یا خیر؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد.

از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار

بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز کرده است. امید است با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. بهبود وضعیت حجاب نیاز به برنامه ریزی وسیع فرهنگی و اجتماعی دارد. در این راستا علاوه بر تکالیف فردی، در جهت ارشاد دیگران بایستی با برنامه های کلان تلاش کرد. عوامل بد حجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه هایی است که در به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است:

الف)- از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را و قرآن می فرماید: إِنا هَدَیْناهُ اَلسَّبِیلَ إِمَّا شاکِراً وَ إِمَّا کَفُوراً(۱)

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما- که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست-

بعضـی از احکـام الهی (ماننـد حجاب) از طرف برخی افراد نادیـده گرفته می شود، به این اصل و عنصـر روان شـناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بـدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشـی از ضـعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصـیت است و ... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، برخی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقـویت انگیزه، عزم و اراده آنـان در اجرای احکـام الهی و موازین و مقررات اسـلامی در سـطح جـامعه می باشـد. قرآن کریم فرماید: إِنَّ اَللّٰهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ. خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.(۲)

ب)- ریشه های تاریخی این مسأله که به اقـدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعـد برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشـی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یـک هنجـار و ارزش درآورد. رونـد رو این معضـل، هر چنـد بـا وقوع انقلاب اسـلامی و فضای ناشـی از دوران دفاع مقـدس، تا حـد زیادی کنترل شد ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

ج)- کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در

تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی، محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کار و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

د)- بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید

ه)- عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

و)- برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز

و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

ز)- اجرا نشـدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام منـد از طرف احاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسـلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضـعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شـکست نظام اسـلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایـل تکنولوژی- اعم از نرم افزاری و سـخت افزاری، عناصـر وابسـته داخـل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب مجموعه عوامل فوق سـبب گردیده که متأسـفانه علیرغم گذشـت بیش از دو دهه از انقلاب اسـلامی، معضل بـد حجابی در جامعه اسـلامی ما وجود داشـته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد

الف)- راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

ب)- کـار بنیـادی فرهنگی. مسـلماً برخورد بـا این پدیـده به صورت فیزیکی و از طریق دسـتگاههای دولـتی، بسـیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسـئله لباس و پوشـش اسـلامی صـرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، اسـتدلال و منطق نداشـته باشـیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشـش اسـلامی، آثار مثبت و فوایـد و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی

و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند. برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب.

منابع و مآخذ:

۱) انسان، آیه ۳

۲) رعد، آیه ۱۱

یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اعتیاد مرگ تدریجی می گویند. چرا خود دولت دخانیات تولید می کند و چرا مقام معظم رهبری آن را حرام نمی کنند مثل آیت الله شیرازی؟

پرسش

یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اعتیاد مرگ تدریجی می گویند. چرا خود دولت دخانیات تولید می کند و چرا مقام معظم رهبری آن را حرام نمی کنند مثل آیت الله شیرازی؟

پاسخ

حضرت آیت الله خامنه ای:

استعمال سیگار حرام است در صورت داشتن ضرر متشابه.

حضرت آیت الله مکام شیرازی:

کشیدن سیگار و انواع دخانیات اگر به تصدیق اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد حرام است.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

چنانچه موجب اعتیاد شود جایز نیست و معتاد به آن در صورت عدم ضرر آن را ترک کند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

برای هر کس ضرر متعدّبه داشته باشد جایز نیست.

حضر آیت الله تبریزی:

کار خوبی نیست بهتر آن است ترک شود.

حضرت آیت الله سیستانی:

کسی که می داند سیگار برای او ضرر مهمی مانند بیماری های مهلک دارد جایز نیست بکشد و سیگار کشیدن در جمع اگر کسی حاضر باشد که برای او ضرر مهمی دارد مانند بیماران ریوی جایز نیست.

سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می شوند.

بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و

در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند.

مسئولان کشور در مراحل و تقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده اند و تاکنون سرمایه های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدیـده زشت مواد مخـدر از بین رفته است. چه بسـیار انسانهای خـدومی که در مقابله با اشـرار مسـلح و قاچاقچیان حرفه ای بین المللی به شـهادت رسـیده انـد چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی حجم تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده است که این تلاشـها و زحمات و خـدمات نمود و بروز جـدی و چندانی نداشـته است ولی تصور کنید اگر این اقدام ها صورت نمی گرفت آیا حالا می توانستیم حتی با ذره بینی هم افراد غیر معتادی پیـدا کنیم. بعیـد بود مواد مخدر تأمین کننده دنیای بسـیاری از افراد است و بایـد بـا درآمـد کلاـن آن، کشـور افغانسـتان اداره می شود. این مواد خانمـانسوز یکی از ابزار مهم و عمـده اسـتعمار و استکبار برای مقابله با نسل جوان مسلمان و ایرانی است. دشمنان با استفاده از آلوده کردن جوانان و مردم کشور ما می خواهند جامعه ما را به تباهی و نابودی بکشانند ولی با همه هجوم گسترده و بین المللی بسـیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته اند خوشبختانه نتوانسته اند به اهداف پلید خودشان نایل آیند.

با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانما ن برانداز را کاهش بدهیم.

البته مقـابله بـا اعتیـاد و مواد مخـدر تنهـا بـا یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست. مقایسه زمان کنونی با عصـر میرزای شـیرازی نیز درست و صـحیح به نظر نمی رسد قدرت و اقتدار دسـتگاه مرجعیت و روحانیت و تدبر و اطاعت پذیری مردم در حال حاضر با آن زمـان نیز قابـل مقـایسه نیست. چنـانچه میزان آگـاهی و بینش مردم نیز متفاوت است. از طرف دیگر فتوای میرزای شـیرازی جنبه سیاسـی و مبارزه با حکومت و قرارداد ننگین دسـتگاه حکومت ایران با اجانب بود نه منع مصـرف تنباکو. صـرف مصرف نبود بلکه خریـد و فروش و مصـرف و ... به عنوان کمک به اجانب و اسارت ملت تلقی می شـد. ولی امروز اگر چه بحث مواد مخدر بُعد اسـتعمار و اسـتکباری دارد ولی برای آحاد جامعه و افراد به عنوان یک معضل اجتماعی فردی مطرح است نه کمک به اجانب و بیگانگان. حل مشـکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم بروند و آن چنان قبح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباحت و زشتی بکننـد. قبیح بودن مصـرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می شود وگرنه از عهده یک یا چند دسـتگاه ساخته نیست. از شـما می پرسم آیا تعدد همسـر بوسـیله مقامات مسـئول منع شده است در حالی که از نظر اسـلام داشتن چند زن جایز است ولی چرا جامعه نمی پذیرد و ازدواج مجدد قبیح و زشت شده، چون فرهنگ شده است.

منابع و مآخذ:

مسائل

جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۱، ص۱۴۷۱۴۸، سید محسن محمودی

چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می شود که اسباب هتک حرمت زن را فراهم کرده و پاکی و معنویت جامعه را خدشه دار می سازد؟ چه کسی مسئول است

پرسش

چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می شود که اسباب هتک حرمت زن را فراهم کرده و پاکی و معنویت جامعه را خدشه دار می سازد؟ چه کسی مسئول است

پاسخ

دوست عزیز، متأسفانه یکی از معضلات اجتماعی ما فیلمها و نشریاتی است که با صحنه های زشت و به دور از شئونات اسلامی در سطح جامعه پخش می شود که این باعث خون دل خوردن قشر مذهبی و دلسوز جامعه گردیده است اما از آنجا که این امور در حیطه مسئولیت وزارت ارشاد اسلامی است خیرخواهان باید به آن مقامات تذکر دهند.

با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟

پرسش

با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟

پاسخ

انحرافات اجتماعی و ترویج فساد، فحشا و بدحجابی در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش انسان بوده و هست و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با این افراد درگیر بودهاند.

قطعاً افراد بد حجات و مفسد از مرام، فکر و خواستهای اولیا و شهدا فرسنگها دورند. در مقطع کنونی، مقابله با این مظاهر فساد، کار فرهنگی و جدی و ریشهداری میطلبد که باید مردم و مسئولان به آن همت گمارند.

برای مقابله و پیشگیری از بدحجابی و فساد به عنوان یک وظیفه برای فرد فرد مسلمانان به چند راه کار اشاره میشود:

۱. تقویت باورهای دینی: اگر کسی به این مرحله از باور برسد که خداوند را همیشه حاضر و ناظر بر کارهایش بداند دیگر

سعی میکند گناه نکند.

۲. احیای فرهنگ اصیل اسلامی و شناساندن حجاب به عنوان یک ارزش:

۳. امر به معروف و نهی از منکر:

بهترین روش مبارزه با ضد ارزشها امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن درباره یاوران]دین[الهی میفرماید; "همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز بر پا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده وا میدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند و فرجام همه کارها از آن خداست". (حج، ۴۱)

۴. شناساندن الگوهای والا:

امروز یکی از تأسفهای جدی این است که زن مسلمان آن چنان که بایسته و شایسته است با چهرههای بلند تاریخ

اسـلام آشـنا نیست; زندگانی حضرت زهرا۳ و فرزنـد برومنـدش پیامآور عـاشورا حضـرت زینبو دیگر چهرههای والای تاریخ گذشـته و معاصـر بایـد برای زن مؤمن نشـان داده شود تـا بنگرد چه سـان بـا حفظ هویت، شخصـیت، وقار و متانت میتوانـد در جامعه حضور پیدا کند و ایفای نقش نماید; "قل إن کنتم تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی; (آلعمران، ۳۱) (ای پیامبر) بگو: اگر خداوند را دوست میداریـد، از من پیروی کنیـد."(ر.ک: حجاب از دیدگاه قرآن و سـنت، فتحیه فتاحی زاده، ص ۱۸۰ ۱۸۹، دفتر تبلیغات اسلامی.)

اگر در برخی از برنامههای سـیمای جمهوری اسـلامی، حجاب رعایت نمیشود، این یک منکر است و همه مردم مکلّفند، تذکر دهند و نهی از منکر نمایند، رهبر و مراجع تقلید هم، بارها تذکّر دادهاند.

اگر همه مؤمنان همگام با رهبر و مراجع، تـذکّر دهنـد، از منکرات کاسـته شـده و صدا و سـیما به اهداف دینی نزدیکتر خواهد شد.

در ضـمن هر کس مسئول کار خودش است. اگر در برخی از مراکز دولتی، منکری صورت گیرد، کسانی که مسئول آن مرکز هستند، مسئول میباشند.

چرا مسؤولان رده بالای کشوری به مسأله تهاجم فرهنگی اعتنایی ندارند، البته حرفش را میزنند و نصیحتهای خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی به گفتههای خود جامه عمل نمیپوشانند (که شاید مشکل اصلی نظارت نادرست باشد)؟

پرسش

چرا مسؤولا‌ـن رده بالـای کشوری به مسـأله تهـاجم فرهنگی اعتنایی ندارنـد، البته حرفش را میزننـد و نصـیحتهای خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی به گفتههای خود جامه عمل نمیپوشانند (که شاید مشکل اصلی نظارت نادرست باشد)؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی از جمله ابزارها و روشهای دینستیزی و مبارزه با خداپرستی است که همواره از سوی دشمنان خداپرستی به کار گرفته شـده است; نمونههایی از آن را در داسـتانهایی که قرآن از امتهای پیشـین مطرح میکنـد، به خوبی مشاهده میکنیم. (طه، ۸۵ و...) دشـمنان اسـلام نیز با اسـتفاده از پیشـرفتهترین ابزارهای تبلیغاتی، همواره سعی در منحرف کردن مسلمین داشتهاند که نمونه آن را در فریبکاریهـای معـاویه و یزیـد که منجر به شـهادت علیو امام حسـینشد در تاریـخ ملاحظه میکنیم. اسـلام و قرآن برنامهای جامع و عملی جهت مقابله و پیشگیری از این تهاجم را از قبل پیشبینی نموده از جمله: توصیه به پرستش خدا به جای اطاعت از شـیطان (یس، ۶۰۶۱)، حفظ روحیه دشـمنستیزی (فتح، ۲۹)، تقویت و تعمیق باورهـای دینی (انعام، ۷۱ و اسرأ، ۳۶)، اقـامه و احیای فرهنگ نماز در جامعه (عنکبوت، ۴۵)، احیـای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (آلعمران، ۱۰۴) عبرتآموزی از امتهای گذشته (یوسف، ۱۱۱ و حشر، ۲) و...

امّا آنچه موجب ساخته شدن سد محکم در مقابل دشـمن شده و از نفوذ او جلوگیری میکند، عمل کردن به این دستورها است و از آنجا که خداوند انسان را آزاد و با اختیار خلق کرده تا خود مسیر صحیح را انتخاب کند. در مقام انتخاب، عدهای لذتهای دنیوی را بر آخرت ترجیح میدهند. (آلعمران، ۱۵۲ و نسأ، ۲۷)؛ چرا

که نفس آدمی سرکش بوده (یوسف، ۵۳) و اگر آن را در حال افسارگسیختگی رها کنند، همه عمر را به فسق و فجور میگذرانند. (قیامت، ۵)، بنابراین اگر مسلمین از اسلام فاصله بگیرند و به دستورهای قرآن جامه عمل نپوشانند، چنین سدّی هرگز ساخته نخواهد شد. البته بخشی از کار بر عهده دولتها و مسئولین اجرایی و قضایی جامعه اسلامی است ولی بخش عمده آن بر عهده ملت و فرد فرد مسلمین میباشد، به عنوان نمونه، جمعآوری آنتنهای ماهوارهای امری است که به وسیله دولت صورت میگیرد; امّا این خود فرد است که میبایست به گونهای تربیت شود تا در برابر هر ندای انحرافی مصون بماند.(ر.ك: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید / تهاجم فرهنگی، آیت الله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سخنان مقام معظم رهبری / تاریخ تهاجم فرهنگی غرب و رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی و ستیز / تهاجم فرهنگی غرب و... .)

بدیهی است که در مقابله با تهاجم فرهنگی، شیوههای فرهنگی مؤثرتر از شیوههای نظامی و زورمدارانه است و نمیتوان سدّی آهنین بین ایران و سایر کشورها ساخت که فیلم و ماهواره و... وارد نشود. بلکه ما باید نخست خودمان را تربیت اسلامی و قرآنی کنیم و سپس به تربیت سایر جوانان همت گماریم البته دولت هم باید وظیفه خودش را انجام دهد.

امّا وظیفه ما، در برابر تهاجم فرهنگی و گناهان، در وهله اول، آن است که خود و اطرافیانمان را از این آسیبها حفظ کنیم: "یَ اَیُّهَاالَّذینَ ءامَنوا قُوا اَنفُسَکُموَاَهلیکُم نارًا;(تحریم،۶) ای کسانی که ایمان آوردهاید! خود و خانواده خویش را از آتشی]که...[نگه دارید." ما

اگر با وضع امروز دنیا بخواهیم، بر زنانی که با حجاب کامل در جامعه ظاهر نمیشوند، و یا بر کسانی که به اسلام و قرآن و ائمّه اطهار: اهانت میکنند، و یا در مقابل جمهوری اسلامی قد علم میکنند، سخت بگیریم؛ شیاطین دنیا ساکت ننشسته، و با توسّل به عناوینی، مانند آزادی، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان و... که مورد قبول مردم دنیا است، به ما حملهور شده و ما را به عنوان ضدّ آزادی و امنیّت، قلمداد میکنند؛ در این صورت است که به خاطر رعایت مسائل جزئی گر چه در جای خود بسیار اهمیّت دارند مانند بدحجابی، موسیقی و... اصل کیان اسلام به خطر میافتد، و با بهانههای واهی که به دنبال آن هستند، ما را با توسّل قوانین بین المللی، منزوی کرده، سپس نابود میکنند. گاهی مصلحت اسلام اقتضا میکند که مسلمان به قاعده "دفع افسد به فاسد" تمسّک کند. گاهی مصلحت و ناچاری، اقتضا میکند که انسان به قاعده "اضطرار" تمسّک کند. خلاصه آن که اجرای دقیق و کامل احکام اسلام برای فرد یا جامعه زمانی میسّر است که انسان یا جامعه، مزاحمی نداشته باشد؛ به طوری که اجرای آن حکم، از گردن انسان یا جامعه ساقط شود.

به هر حال، وظیفه عمومی "امر به معروف و نهی از منکر" را همه باید به بهترین وجه انجام دهند.

مدت ۲۱ سال است که در شهر سقز در مسجد حضرت علی و در مساجد دیگر کلاس های روخوانی روان خوانی و تجوید برقرار است اما یک رســمی و یک مربی رسمی حقوق بگیر در این مساجد نداریم علاوه من و پدرم ۸ سال است برای ارتقأ سطح فکری و بالا بردن فهم قرآنی دانش آموزان و د

پرسش

مدت ۲۱ سال است که در شهر سقز در مسجد حضرت علی و در مساجد دیگر کلاس های روخوانی روان خوانی و تجوید برقرار است اما یک رسمی و یک مربی رسمی حقوق بگیر در این مساجد نداریم

علاوه من و پدرم ۸ سال است برای ارتقأ سطح فکری و بالا بردن فهم قرآنی دانش آموزان و دانش جویان کلاس تفسیر داریم ولی هیچ گونه خدمتی جهت بارور کردن این کلاس ها از سوی مسئولان به ما نشده است اولاً: چرا مسئولان بی توجه هستند و کمتر ارزش قائلند؟ ثانیاً: تقاضا می شود امکاناتی از قبیل فیلم یا سی دی قرآنی و مذهبی در اختیار ما بگذارند تا به این وسیله خدمت بیشتری به جوانان و جلوگیری از فحشا و منکرات آنان بشود.

پاسخ

نکاتی چند توصیه می شود:

۱. بخشی از پاسخ این پرسش در پاسخ قبل بیان شد.

۲. خداوند متعال می فرماید: "لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا؛(بقره ۲۸۶)، خداوند هیچ کسی را، جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کند."

لذا ضمن آرزوی موفقیت و مقبولیت تلاش هایتان در احیای معارف قرآن و ضمن این که توصیه می کنیم تمام تلاش تان را برای گرفتن امکانات از مسئولان و ارگان های مربوطه شهر خودتان]ولو با رفت و آمدهای مکرر داشته باشید[امّا بدانید خداوند متعال هر کس را به اندازه امکاناتی که دارد تکلیف می خواهد.

۳. این مرکز چون یک مرکز دولتی نیست به خاطر نبود هزینه لازم از کمک مالی و مادی به شما عزیزان معذور است اما می تواند شما را در اموری که مربوط به تفسیر و علوم قرآنی است یاری دهد. ضمناً در صورت اجرای طرح خادمان قرآن انشأ الله از همکاری شما مرکز برخوردار خواهد شد.

چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینه قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به خط مصباح زاده دارم که نسبت به خط عثمان طه خیلی سطح آن پایین است

پرسش

چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینه قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به خط مصباح زاده دارم که نسبت به خط عثمان طه خیلی سطح آن پایین است

پاسخ

بسیاری از کتاب هایی که در زمینه قرآن و علوم قرآنی نوشته شده است کتاب های تخصصی است و برای همگان قابل استفاده نیست لذا نمی توان آن ها را در تیراژ انبوه چاپ و منتشر نمود. قرآن کریم به خط عثمان طه بدون ترجمه و با ترجمه

های مختلف در قطعه های متفاوت به صورت فراوان چاپ و منتشر شده و در دست رس همگان قرار دارد. چاپ و انتشار انبوه قرآن و کتاب های پیرامون قرآن که برای عموم مردم قابل استفاده است و اهدای رایگان آن به طالبان آن ها، مربوط به مراکز تبلیغات دینی مانند سازمان تبلیغات اسلامی وزارت ارشاد و... است شما می توانید، پیشنهادتان را به آن مراکز اطلاع دهید. این مرکز، امکانات انجام چنین کاری را ندارد.

اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن وتهاجم فرهنگی غرب چیست ؟

پرسش

اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن وتهاجم فرهنگی غرب چیست ؟

پاسخ

در رابطه با مقابله با شبیخون فرهنگی دشمنان وظایفی بر عهده دولت و وظایفی بر دوش مردم بویژه جواناناست:

الف) وظایف دولت:

۱) اصلاح برنامه های رادیو و تلویزیون.

۲) احیای مساجد و کانون های دینی فرهنگی و تربیتی.

۳) سرمایه گذاری جدی در اصلاح وضعیت مدارس و دانشگاه ها.

۴) جدیت در برخورد با منکرات اجتماعی.

۵) آگاهی بخشیدن به جامعه از ترفندهای دشمن و خطرات آن و راه های پیشگیری و مقابله و...

۶) ایجاد سرگرمی های سالم و مفید و جاذب که مانع بزرگ از توجه مردم به برنامه های مبتذل دشمن گردد.

ب) وظایف مردم:

۱) حضور هر چه بیشتر در مراسم دینی.

۲) کیفیت و غنا بخشیدن به برنامه های مذهبی.

۳) بالا بردن سطح معلومات و تعمیق آگاهی های دینی و استحکام بخشیدن به ایمان و اعتقادات مذهبی.

۴) احیای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر.

می گویند هرکس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟

پرسش

می گویند هرکس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟

پاسخ

متأسفانه پول و پارتی در کشور ما تا حدی وجود دارد ولی نه باآن شدت که در نامه ذکر شده است. زیرا در بسیاری ازموارد افراد پول و پارتی دار هم از چنگ قانون نتوانسته اند فرار کنند. البته همین مقداری هم که هست نباید باشد و دررفع آن باید با جدیت و قاطعیت تمام گام برداشت. اما این که در این زمینه ضعف از مردم است یا دستگاه های اجراییو قضایی کشور باید گفت بخش عظیمی مربوط به خود مردم است و بخشی نیز به عهده دستگاه هاست. زیرا از طرفیخود مردم ابتدا برای اصلاح سریع و یا خارج از مراحل قانونی کارهای خود پیشنهاد رشوه می دهند و کم کم آن را بهصورت فرهنگ در می آورند و نیروهای اجرایی را به این سمت سوق و عادت می دهند و در صورت گسترش بیش ازحد آن دیگر دستگاه های قضایی نیز از برخورد با آن عاجز می شوند. به هر حال در وضعیت کنونی کشور هنوز به آنحد نرسیده ایم و لازم است مردم و دستگاه های قضایی و اجرایی جهت ریشه کن کردن این گونه مفاسد دست به دستیکدیگر دهند تا شاهد جامعه ای از هر جهت سالم و اسلامی باشیم.{J

کاهش تدریجی گرایش های دینی درجامعه اسلامی –بویژه دربین جوانان –معلول چه عواملی است وآیاتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی واقتصادی واجتماعی چه قدمی برداشته ؟

پرسش

کاهش تدریجی گرایش های دینی درجامعه اسلامی –بویژه دربین جوانان –معلول چه عواملی است وآیاتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی واقتصادی واجتماعی چه قدمی برداشته ؟

پاسخ

کاهش تدریجی گرایشات دینی و معنوی عوامل متعددی دارد؛ از جمله: تغییر سریع و بدون الگوی بافت اجتماعیکاستی در

برنـامه ریزی هـای فرهنگی نارسـایی برخی از تبلیغـات دینی و تهـاجم و شـبیخون فرهنگی غرب. در برابر چنینمـوج خطرنـاکی دولت و اقشار مختلف جامعه بویژه فرهیختگان حوزوی و دانشـگاهی رسالت سنگینی دارند و آناحیای امر به معروف و نهی از منکر در سـطح کلاـن و بـا عمق و ژرفـایی و بینش و برنـامه ریزی دقیق. به صورت انفرادینیز هرکس بایـد آگـاهی هـای دینی خویش را وسعت بخشد و در برخورد با پدیده های انحرافی با جذاب ترین شیوهممکن دیگران را مورد ارشاد و راهنمایی قرار دهد. درکنار این جریان دسـتگاه های تبلیغاتی کشور؛ مانند صدا و سیما واهرمهای قانونی مانند قوه قضائیه نیز باید دارای نقش سازنده و فعالی باشند.{J

طلبه هایی که به دانشگاه می آیند, در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند, چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟

پرسش

طلبه هایی که به دانشگاه می آیند, در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند, چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟

پاسخ

نهـاد نماینـدگی مقام معظم رهبری در دانشـگاه ها بنا دارد از طلاب فاضل و مناسب با محیط دانشـگاهی برای ارتقاییینش های دینی و ویژگی هایی اخلاقی و معنوی اسـتفاده کند. چنان که در مواردی برخی از روحانیون مورد استفاده دردانشگاه را از این جهت ضـعیف یافتید با ذکر دلایل به نهاد نمایندگی آن دانشـگاه گزارش نمایید و در صورت عدمترتیب اثر این واحد را مطلع سازید.{J

حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است , لطفا فهرست وار بیان کنید؟

پرسش

حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است , لطفا فهرست وار بیان کنید؟

پاسخ

فعالیت های حوزویان که بعضا با همکاری های برادران دانشگاهی توأم بوده است ابعاد مختلفی دارد. برخی از آنهاعبارتند از:

(۱) تلاش گسترده جهت تنظیم متون دروس تخصصی مربوط به علوم انسانی و اجتماعی و الهیات

(۲) گنجاندن برخی از دروس دینی و سیاسی در همه رشته ها مانند معارف اسلامی و ...

(۳) اعزام مبلغ جهت بازسازی اندیشه دینی و شخصیت معنوی و اخلاقی دانشجویان

(۴) هدایت فکری و معنوی دانشگاهها و همکاری با تشکلات اسلامی دانشجویی از طریق نهادهای نمایندگی مقاممعظم رهبری و... .{J

در گرایش جوانان به مدهای غربی آیا آنان مقصرند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟

پرسش

در گرایش جوانان به مدهای غربی آیا آنان مقصرند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟

پاسخ

در این موارد مقصر تنها یک طرف نیست و هر کدام به نوبه خود در این رابطه سهیمند مسوءولین نیز در صورتی کهچیزی واقعا برخلاف ارزش های اسلامی و انقلاب باشد باید با هوشیاری و مراقبت کامل برخوردی در خور و شایستهداشته باشند.{J

یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟

پرسش

یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟

پاسخ

مساله ماهواره ها از آغاز مورد بحث بود. برخی معتقد به امکان استفاده علمی از آن بودند ولی با بررسی ها وتحقیقات انجام شده به دست آمد که میزان آموزش علمی آن در برابر تخریب و ویرانگری فرهنگی آن بسیار ناچیزاست.{J

اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟

پرسش

اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟

پاسخ

۱- ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در برنامه های صدا و سیما و افزایش برنامه های سازنده و معنوی.

۲- اجرا و تقویت برنامه های دینی و تربیتی در مدارس دانشگاه ها ادارات و ... مانند طرح نماز و ....

۳- کنترل مرزها و جلوگیری از ورود مواد مخدر و ابزارها و وسایل فساد انگیز.

۴- کشف شبکه های گسترش فساد و انهدام آنها.

۵- ارائه آموزشهایی در سطح مدیران مدارس جهت آشنایی با شیوه های تهاجم فرهنگی در مدارس و راه های برخوردبا آنها.

۶- ایجاد و ممنوعیت و محدودیت استفاده از برنامه های ماهواره ای.

۷- کوشش های فوق و اقدامات دیگر در سطح وسیعی انجام گردیده و با توجه به گستردگی بسیار بالای توطئهدشمنان نتایج درخشانی نیز به بار آمده ولی هرگز نباید پنداشت که این امور کافی است و با این تلاش ها توطئه تهاجمفرهنگی ریشه کن می شود. بلکه هر یک از عوامل فوق تأثیری در حد خود و در زمینه خاصی دارد و بدون همکاریجدی و بی وقفه مردم و مسوءولین مصونیت از گزند تهاجم فرهنگی ممکن نیست.{J

چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟

پرسش

چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟

پاسخ

در این رابطه اقداماتی انجام گرفته است ولی برخورد بیشتر و جدی تری نیز لازم است و راه عملی آن همکاری همهجانبه مردم و مسوءولین می باشد.{J

با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟

پرسش

با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟

پاسخ

دراین رابطه محدودیتهایی از سوی دولت جمهوری اسلامی وضع گردیده ازجمله :

الف : ممنوعیت وبعضامحدود سازی ورود بعضی کالاها

ب : ایجاد تغییراتی در جنبه های مخرب برخی از کالاهای وارداتی {J

آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیردیانه واگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نیست ؟

پرسش

آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیردیانه واگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نیست ؟

پاسخ

نظارت دوگونه است: ۱ کمی ۲ کیفی. آنچه در نوشته شما پیرامون دفتر انجمن اسلامی دانشگاه اقتصاد آمده مربوطبه نوع اول است که نسبت به آن کاری صورت نمی گیرد؛ زیرا انجمن اسلامی و دیگر تشکلات دانشجویی نهادهاییخودجوشند که حدود فعالیتشان وابسته به میزان تحرک اعضاست.{J

در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمائی چرا اقدام نمی شود؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمائی چرا اقدام نمی شود؟

پاسخ

احساس وظیفه و تعهد شما در قبال مسائل فرهنگی کشور قابل تقدیر است. امید است همچنان این روحیه وتیزبینی در شما زنده و تقویت گردد.

چنان که مرقوم کرده اید در برخی از فیلم های پخش شده، صحنه هایی ناسازگار با احکام و ضوابط شرعی وجوددارد.

البته دیدگاه هایی نیز وجود دارد که در حرمت برخی از این موارد تردید می کند؛ چرا که احکام نظر و نگاه را محدودبه موجود زنده دانسته و تصاویر را از این حکم مستثنی می دانند.

برخی نیز این گونه رویارویی با فیلم های غربی را چاره ای موقت برای جلوگیری از بسط فرهنگ غربیمی دانند.

در هر صورت نمی توان آثار مخرب این گونه فیلم ها را انکار کرد.

امید است با تولید فیلم های سازنده وعاری از عوارض نامطلوب، بتوان فضای جدیدی در فرهنگ کشور ایجادنمود.{J

چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست

پرسش

چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست

پاسخ

انتقاد شما از سر دلسوزی و تعهد نسبت به احکام اسلام است، ولی بالاخره با توجه به آن که برنامه های مناسبجایگزین وجود ندارد و خطر فرو رفتن کشور در کام تبلیغات زهراگین جهانی وجود دارد، چه باید کرد؟ البته شعار دادنکار آسانی است، ولی تولید یک فیلم مناسب که بتواند تأثیر گذار و فاقد هر گونه جنبه منفی باشد، بسیار مشکل طاقتفرسایی است. اشکال اصلی در این است که سرمایه گذاری کافی بر روی این بخش انجام نشده است.{J

چرا دولت و مسئولین در مورد بی حجابی اقدامات جدی به عمل نمی آورند؟

پرسش

چرا دولت و مسئولین در مورد بی حجابی اقدامات جدی به عمل نمی آورند؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوسپهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد.

از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها وشهوت

پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچهکه نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تاحدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها ومجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدامکرد:

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونهخواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکمتبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی های دقیق وحساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا

پرسش

دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا

پاسخ

دایر نمودن جامعه یا انجمن اسلامی، تنها با همت دانشجویان میسّر است و منع از ایجاد آن، حرکتی غیر قانونیاست. بنابر این دانشجویان متدین و متعهد باید با جدیت، همدلی و پشتکار، به ایجاد تشکل های سالم اسلامیپرداخته و آنها را فعال سازند و از تهدیدات توخالی و بی اساس نهراسند.

چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد

پرسش

چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد

پاسخ

در رابطه با اقدامات عالمان حوزوی، چنان نیست که دست روی دست گذاشته، مسایل را بدون پاسخ رها کردهباشند. البته چه بسا اقدامات انجام شده، کافی نباشد و در این رابطه از هیچ گونه تلاش و کوششی نباید دریغ کرد. درعین حال تلاش و پیشنهادهای شما جوانان عزیز و دلسوز نیز، به نوبه خود می تواند راهکشا و کارساز و باشد.

چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است

پرسش

چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است

پاسخ

البته در مجموع وضعیت حجاب در دانشگاه ها در حد مطلوبی قرار دارد؛ گرچه در برخی از شهرها بنا به دلایل محیطی و فرهنگی، مواردی از بدحجابی دیده می شود.

این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود، به فرهنگ عمومی جامعه و نیز نفوذ سبک های غربی مرتبط است. اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه های درازمدت و دقیق فرهنگی است؛ چرا که تنها وضع قوانین نمی تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد.

چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟

پرسش

چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟

پاسخ

اسلام دینی است که همراه با ملایمت است و می خواهد افراد خودشان با فکر و توجه و از روی اختیار راه شرع راانتخاب کنند و در مسائل فردی (مثل نماز، روزه، حج، خمس، رعایت حجاب و...) افراد را مجبور به انجام اینهانمی کند و هر مسلمانی اگر واقعا معتقد به مبانی دین باشد و بداند روزی به عنوان معاد و جزا در پیش دارد که از ریز ودرشت اعمالش بازجویی می شود و در مقابل تخلفات باید عذاب سنگینی را تحمل نماید، خود به خود اوامر ونواهی الهی را رعایت خواهد کرد. اما اگر نفع و یا ضرر مسأله ای متوجه جامعه شود (مثل کشتن افراد، سرقت و...) البتهدر این جا حکومت اسلامی وظیفه دارد که فرد نامبرده را مجازات نماید. بنابراین در رابطه با حجاب وظیفه حکومت وهمه ما این است که این افراد را آگاه کنیم و مضرّات عدم

رعایت حجاب را برای آنان توضیح دهیم؛ چون خیلی از اینافراد نسبت به حکم مسأله اطلاعی ندارند و وقتی برای آنها توضیح داده شود، به آن عمل می کنند.{

چرا گروه های امر به معروف , نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان , عکس العمل نشان نمی دهند؟

پرسش

چرا گروه های امر به معروف , نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان , عکس العمل نشان نمی دهند؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال به اختصار باید گفت که این مسأله دارای دلایل متعددی است. تنها بخشی از آن مربوط به کوتاهی و کم کاری گروه های امر به معروف می باشد. به دیگر سخن، رواج و گسترش مفاسد اخلاقی و اجتماعی و مظاهر تمدن غرب در جامعه معلول عوامل تاریخی،فرهنگی، اقتصادی، روان شناختی، تهاجم فرهنگی و عدم اجرای کامل فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر می باشد. برای حل این معضلات تکیه بر یک عامل، ما را به نتیجه غایی و اصلاح جامعه نمی رساند. فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی می تواند مؤثر واقع شودکه اجرای آن به صورت یک فرهنگ و ارزش در تمامی سطوح جامعه عملی شود.

تشکیل گروه های امر به معروف و نهی از منکر، هر چند اقدامی لازم و شایسته است، اما نمی توان از آن ها انتظار اصلاح و مبارزه با تمامی مظاهر فساد را داشت؛ زیرا چنین کاری نه در توان آنها است و نه می تواند مؤثر واقع شود. در هر صورت مبارزه با انواع مفاسد اجتماعی واخلاقی، نیاز به سرمایه گذاری های کلان فرهنگی و اقتصادی و استفاده از کارشناسان و متخصصان متعهد دارد که امید است مسؤولین محترم با برنامه ریزی دقیق و استفاده از تمام امکانات معنوی و مردمی و شیوه های کارآمد تبلیغی و رسانه های جمعی، جامعه اسلامی را از ناپاکی ها ومفاسد پیراسته دارند و کشورمان را شایسته توجه حضرت ولی عصر(عج) بنمایند، ان شاءالله.{J

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی , بر عهده ء چه ارگان هایی است ؟

پرسش

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی , بر عهده ء چه ارگان هایی است ؟

پاسخ

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ ازجمله:

اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد.

رابعا، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدّی کند. در مرتبه اوّل ناراحتی قلبی و تنفّر خود را از فعلمنکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدّت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحلهاقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده

اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵).

البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلّفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسّل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدّر و...) موظّف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت های خودکوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند.

در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عواملبروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکاناتتفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های

اسلامی و تهدید کننده سلامت جامعه، مطلوب است.{J

چرا کنترلی بر بعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟

پرسش

چرا کنترلی ...Ṣبعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟

پاسخ

مسلما کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصا بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیتارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نامبرد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام ....Ṣjباید گفت: علیرغم وجود برخی مشکلات و معضلاتی که به هیچ وجه زیبنده رسانه ملی نظام اسلامی ایران نمی باشد، صدا و سیمای جمهوری اسلامی دستاوردها و برنامه های بسیار مفید و مثبت و سازندهفراوانی داشته و دارد و این چنین نیست که کارش فقط تبلیغ بدحجابی، مدگرایی، تجمل گرایی و... باشد.

گذشته از برخی مظاهر نامناسب با ارزش های اسلامی، اکثریت برنامه های صدا و سیما برنامه هایی آموزنده و در راستای تأمین نیازهای متنوع اقشار مختلف جامعه می باشد که البته به واسطه برخی عوامل، هنوز مشکلات و معضلات و نواقص در دستیابی به نقطه مطلوب وبرآوردن انتظارات مسؤولین نظام اسلامی و مردم عالیقدر وجود دارد که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می باشد.

اما در مورد اول باید

گفت که هم در زمـان امام که این رسانه ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه اداره می شـد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می باشـد و شورایی مرکب از نماینـدگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند، خود این بزرگواران انتقاداتزیادی به برخی از برنامه های این رسانه داشته، تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی آن داده اند.

معظـم له در ۲۴ آذر ۷۸ در دیـدار شورای عـالی انقلاب فرهنگی فرمودنـد: «... من به صـدا و سـیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم؛ اما صدا و سـیما کارهای زیادی به عنوان اسـلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنـامه هـای هنری،اسـلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...» بنابراین چنین نیست که مقام معظم رهبری هیچ گونه نظارت و کنترل بر این رسانه نداشته باشند بلکه برعکس با توجه به جایگاه و وظایف آن نسبت به این رسانه حسـاس بوده و اهتمـام جـدی دارنـد. اما نکته ای که بایـد توجه شوداین است که نظارت و کنترل مقام معظم رهبری به تنهایی نمی تواند علت تامه برای حل مشـکلات و معضـلات جامعه و سازمان ها و نهادها از جمله صدا و سـیما باشد بلکه حل اساسی آنان نیازمند ریشه یابی دقیق مشـکلات و انجام اقدامات اصولی و صحیح برای برطرف کردن آنمشکلات می باشد که عبارتند از:

۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی.

۲- کنارگذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و سیما.

۳- نظارت همه جانبه بر پخش رادیو و

تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم سازان و محتوای فیلم ها.

۴- برخورد با مسؤولان پخش مطالب توهین آمیز یا منافی ارزش های اسلامی.

۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش های اسلامی باید از تقلید برنامه های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل گرایی و... در تهیه برنامه های خود، دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد.

حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند:

اولاً: هر چند برخی از فیلم ها یا سریال های خارجی که از صدا و سیما پخش می شود از نظر شرعی نتوان مشکل ذاتی برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمایجمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی شود.

ثانیا: وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص ها و مهارت های گوناگون، مضاعف می نماید زیرا پاره ای از عوامل این نارسائی ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی گردد.

ثالثا: با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن آوری پیشرفته به حدی که در آینده ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت، مطمئن ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه، تقویت ایمان وتقوای الهی (کنترل درونی)می باشد که البته این موضوع

به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه های صدا و سیما نمی باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می باشد.

اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟

پرسش

اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟

پاسخ

به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئونات اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی باشد، اختلاط پسر و دختر در دانشگاهها مضرات و آفتهایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقاً هنجارهای شرعی رعایت گردد.

اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی و نظر سنجی های آماری و... می باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن ها می پردازیم:

الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می آید مبتنی بر پیش فرضهایی می باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسؤلان دانشگاه و...

مهم ترین آثار اختلاط عبارتند از:

۱- بوجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئونات اسلامی از قبیل حجاب کامل و...

۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و...

۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع.

ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک پیش فرض می باشد

و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می باشد عبارتند از:

۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه ها و بودجه ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و...

۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره.

۳- شناخت روحیات جنسی مخالف و کسب تجربه های علمی و عملی.

۴- پیدا نمودن شریک زندگی کفو و هم شأن.

ج) بررسی وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوصی می فرمایند: «آن چه برای دانشجوها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن ها و دل های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلائی با اعتقاد به علم و فعالیت های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتاً برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در ایام البیض ماه رجب

در مسجد دانشگاه تهران دانشجوها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است» رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل های دانشجویی و در درجه دوم پای بندی در عمل به ارزش ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموردی که می تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می باشد.

۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی توانند نسبت به محیط واطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصاً در جامعه عموماً داشته باشند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسؤلین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است .آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را نمی توان گرفت یا اینکه این یک سیاست است ؟

پرسش

چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است .آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را نمی

توان گرفت یا اینکه این یک سیاست است ؟

پاسخ

این که جوانـان کشور به اسـلام , مسائـل معنوی بی رغیت شـده انـد, تعبیری درست و مطـابق با واقع نیست و بحمـداله جوانان زیادی در محیطهای علمی و دانشـگاهی و... عملا" به اسـلام و ظواهر دین پایبند هستند و آمار و ارقام نیز این موضوع را تائیید می کنـد. از طرفی مایه های تشـکیل دهنـده هویت فرهنگی جامعه اسـلامی ما, از اسـتحکام و توانایی زیادی برخوردار است و جوانان کشور در برابر آسـیب ها و خطرات فراوان در طول تاریخ - حداقل در طول بیست و چند سال گذشته - مقاومت کرده اند و هر موقع به فداکاری , ایثار و حضور آنان نیاز بوده , از ارزش های دینی و اخلاقی دفاع کرده اند. لیکن باید توجه داشت که همواره آفاتی جوانان ما را تهدیـد می کند و گاهی انسان به سـبب اختیاری که دارد, تحت تائثیر عوامل شـیطانی مختلف , گـاهی به این سو و آن سو کشـیده می شود و شـیطان هـای ظـاهری و بـاطنی نیز همیشه و در طول تاریـخ , به دنبال به انحراف کشانـدن اهـل ایمـان بوده انـد; ولی در عین حـال می توان به بعضـی عواملی که بـاعث کم رنگ شـدن و کم رغبتی برخی از جوانان به مسائل معنوی و ارزشـی شده , اشاره کرد. ۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه , ۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیرخودی در عرصه مطبوعات کشور, ۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد, ۴- تلاقی با فرهنگ

بیگانه در پرتو توسعه و تائثیرگذاری آن بر عناصر داخلی , ۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از سوی برخی از عناصر داخلی , حتی در سطح برخی از مسوئولیت های اجرایی و فرهنگی کشور.

موزیکهایی که از صدا و سیما پخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از وزارت ارشاد دارند مگر اینها زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت نمی کنند و مگر رهبر خودشان بارها در سخنرانی ها نفرموده اند که جلوی اشتب

پرسش

موزیکهایی که از صدا و سیما پخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از وزارت ارشاد دارند مگر اینها زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت نمی کنند و مگر رهبر خودشان بارها در سخنرانی ها نفرموده اند که جلوی اشتباه کاری ها را می گیرند؟ این مسأله برای من و جوانان بسیار زیادی سؤال شده است؟

پاسخ

واقعیت آن است که همان طور که شما بیان کردید متأسفانه برخی از موزیک ها و موسیقی هائی که از صدا و سیما پخش می شوند تفاوت ماهوی با ترانه های غیر مجاز و حرام ندارند. ضمن اعتراف به این واقعیت، آنچه که در پاسخ سوال شما می توان گفت آن است که :

اولاـ مقام معظم رهبری بر همه قوای حاکم و دستگاههای حکومتی از جمله صدا و سیما نظارت دارند، لیکن به دلیل گستردگی تمامی ارکان حکومت و شعاع کارها و فعالیت های آنان، نمقام معظم رهبری به طور طبیعی نمی توانند در تمام جزئیات آن فعالیت ها نظارت نمایند. بلکه عمده نظارت ها در بخش سیاست گزاری هاست که دستگاههای حکومتی در مسیر صحیح حرکت کنند اما در مصداق ها احیانا اشتباه کمتر به طور طبیعی خارج از دید مقام رهبری قرار می گیرد. علاوه بر آن که مشی رهبری با توجه به ضرورت قانونمند شدن فعالیت های جامعه و نهادینه شدن مسئولیت و پاسخ گوئی قوای حاکم در برابر ملت، مقام معظم رهبری حتی الامکان نظارت می کنند نه دخالت مگر آن که مسئله بسیار حاد باشد که ناچار به مداخله گردند مانند

طرح مطبوعات در مجلس ششم.

این نکته هم مغفول نماند که مقام معظم رهبری در بسیار موارد به مسئولین تذکر می دهند ولی لازم نیست این تذکرات علنی بوده باعث تضعیف آنان گردد.

ثانیا گرچه تشخیص ها سلیقه ای است و همان چیزی را که من و شما مثل ترانه می پنداریم از دید مسئولین پخش یا عده ای دیگر، عادی و متمایز از ترانه باشد، ولی مع ذلک اصل این مسئله قابل کتمان نیست.

علاوه بر آن که به طور طبیعی همیشه در مرحله عمل و تشخیص مصداق در مرحله ارزیابی خطاها و اشتباهاتی رخ می دهد، اما یک توجیه دیگر از سوی برخی دست اندرکاران ف هنگ مطرح می شود و آن دفع افسد به فاسد است. با این استدلال اگر ما این برنامه های شاد را نگذاریم، بسیاری از مخاطبین به سراغ برنامه های بدتر از قبیل برنامه های ماهواره ای می روند و این خطرش بیشتر است. پس برای پرهیز از زیان بیشتر به زیان کمتر تن در دهیم.

البته به نظر می رسد این معیار قابل تأمل و مورد مناقشه جدی باشد چون این امر حد یقینی ندارد یعنی معلوم نیست مرز این گونه تسلیم شدن در مقابل فساد ها به بهانه دفع افسد تا کجاست و آیا نقطه پایانی دارد یا نه؟

امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفاسد اخلاقی به پرداخت جریمه مبدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین هم در این امر مزید بر علت شده است .آیا این امر باعث رواج فساد اخلاقی در جامعه نمی شود ؟

پرسش

امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفاسد اخلاقی به پرداخت جریمه مبدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین هم در این امر مزید بر علت شده است .آیا این امر باعث رواج فساد اخلاقی در جامعه نمی شود ؟

پاسخ

رشد فساد و بی بند و باری در جامعه ما معلول سه عامل است:

۱- حرکت گسترده و توطئه وسیع استکبار جهانی در جهت نابودی اسلام و انقلاب.

۲- کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور.

۳- عدم اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی.

مبارزه با این پدیده نیز حرکت جدی و سازمان یافته و برنامه ریزی شده گسترده ای با مشارکت دولت و مردم می طلبد.

برای موفقیت در این باره باید فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به طور زبانی در جامعه احیا شود و افراد متدین با رفتار شایسته و موفقیت های علمی و کاری، الگوی مناسبی ارائه دهند تا بی بند و بارها به بهانه نقطه ضعف افراد متدین توجیهی برای کار خود نداشته باشند. افراد متدین به طور دسته جمعی و گروهی حرکت های نمادین در عرصه های مختلف جامعه بدون تنش و درگیری داشته باشند. مثلا کوه نوردی دسته جمعی و علاوه بر حرکت های مردمی، پشتیبانی مسؤولین را نیز باید جلب کرد تا به توفیق الهی رفته رفته این مشکل به حداقل برسد.

ناگفته نماند بسیاری از ناهنجاری ها معلول وضعیت اقتصادی و نابسامانی آینده جوانان می باشد که نیاز به برنامه ریزی و پیگیری جدی دارد.

چرا جلوی سینماهای افتضاح ایران را نمی گیرند؟

پرسش

چرا جلوی سینماهای افتضاح ایران را نمی گیرند؟

پاسخ

با تشکر از اهتمام شما به ارزش های دینی، توجه شما را به نکات ذیل جلب می کنیم:

۱- واقعیت آن است که چون تاکنون یک نظام اسلامی براساس تفکرات شیعه قبل از جمهوری اسلامی ایران تحقق نیافته بوده، به دلیل بی تجربگی، برخی از مشکلات در مرحله عمل رخ خواهد داد و گریزی از آن نیست.

علاوه بر آن که به دلیل سابقه بد سینماها و عرصه های هنری در قبل از انقلاب، معمولاً افراد متدین دراین عرصه حضور پیدا نمی کنند، از این رو با تراکم حضور افراد نه چندان معتقد و احیانا معاند، مشکلات بیشتر خواهد شد.

۲- متأسفانه برخی از مسؤولین مربوطه خود عامل این افتضاح هستند، چه این که تفکرات آنها مقتضی تأیید این برنامه ها هست کافی است در این خصوص به عملکرد وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی نظری بیفکنید که مقام معظم رهبری با صراحت تمام در حضور اعضای شورای انقلاب فرهنگی از جمله آقای خاتمی فرمودند: ایشان در طول این مدت، یک کار برای اسلام نکردند بلکه برخی از کارهای صد در صد ضد اسلامی انجام دادند.

تأسف آنگاه بیشتر می شود که علی رغم تذکر ایشان و نیز هشدارها و تذکرات صریح مراجع معظم تقلید در قم، کسی به این اعتراضات ترتیب اثر ندادند بلکه ایشان تا یک سال دیگر در این سمت ماندند و بعد از استعفا نیز به ریاست مرکز گفتگوی تمدن ها منصوب شدند.

۳- ما و شما و همه مردم موظف هستیم با بصیرت و هوشیاری و آگاهی لازم و کافی در انتخابات شرکت نماییم تا با کارگزاران

شایسته، زمینه را برای تحقق ارزش های اسلامی آماده کنیم نه آن که حتی رهبری نیز خاری در چشم و استخوانی در گلو داشته باشند.

سرعت پاسخ دهی از انتظارات پرسشگران است. خواهشمند است با اولویت بندی و پیرایش سؤالات، ما را یاری کنید. بدیهی است با ارتباط مکرر، پاسخ گوی دیگر پرسش های شما خواهیم بود

برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟

پرسش

برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟

پاسخ

اولاـ با توجه به نهاد مقدس «امر به معروف و نهی از منکر» در شریعت اسلامی، این امر وظیفه ای است همگانی، لکن در سطوح مختلف مسئولیت آن متفاوت می گردد. امر به معروف و نهی از منکر با زبان وظیفه آحاد مردم است. البته باید با توجه به شیوه های صحیح تبلیغ و روانشناسی به نحوی که بیشترین تاثیر و کارائی را داشته باشد ولی در سطوح بالاتر فعلا وظیفه دستگاههای دولتی اعم از وزارت کشور، وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات، نهادهای نمایندگی رهبری در دانشگاهها، قوه قضائیه و ... است. بلکه اگر چنانچه قصور یا تقصیر این دستگاهها به قدری بود که رهبری تشخیص دادند یا اجازه دادند مانند ۲۳ تیر ۷۸ مردم خود وارد صحنه شوند آنگاه رفع مانع می شود.

لابد توجه دارید که منطقی بودن به معنای چشم پوشی کردن نیست، بلکه به معنای معقول، متناسب با روحیات، با شناخت و احترام به طرف مقابل و ... است.

توجه به نکات زیر می تواند توضیح مناسبی باشد:

۱- اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر: یکی از آموزه های حساس و کارآمد در مجموعه قوانین اسلامی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در منطق وحی بر هر زن و مرد مسلمان واجب است و ترک آن موجب گناه و معصیت خداوند و باعث غرق شدن جامعه در گرداب فساد و گمراهی خواهد شد. اسلام به موجب این فریضه (واجب) به پیروان خود واجب کرده است که

کارهای نیک را در جامعه نشر و گسترش بدهند و از کارهای زشت جلوگیری نمایند.

در این باره از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: یک فرد تبهکار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار بر کشتی شود، وقتی کشتی در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن محلی که در آن نشسته است بپردازد. هرگاه افراد دیگر به کار او اعتراض کنند در جواب گوید که من در نقطه ای که نشسته ام تصرف می کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یک باره همگی در دریا غرق شوند.(شیخ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، به نقل از جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه داود الهامی، قم، موسسه علمی و فرهنگی سید الشهدا، پائیز ۱۳۷۰، ص۲۷۷)

۲- شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر اگرچه نسبت به قوانین بشری از گستره و شمول بیشتری (با توجه به جریان آن در دو حوزه فردی و اجتماعی) برخوردار است، اما از آنجا که هر قانونی به دلایلی و حداقل به دلیل حسن تأثیر آن با محدودیت ها و شرایطی روبرو است، لذا این دو فریضه هم دارای شرایط و مراحلی هستند.

اما شرایط آن عبارتند از:

الف) علم؛ آمر به معروف و ناهی از منکر باید معروف و منکر را بشناسد.

ب) احتمال تأثیر؛ آمر و ناهی احتمال بدهد که امر به معروف و نهی از منکر تأثیر دارد. البته لازم

نیست احتمال تأثیر حتما با همین گفتار و بالفعل باشد بلکه اگر من بگویم، شما بگوئید، دیگری نیز بگوید و در همین گفتن ما احتمال تأثیر بدهیم بر همه واجب است اقدام کنیم.

ج) تکرار مرتکب؛ ترک کننده معروف و عامل به منکر، بر ادامه رفتار خویش اصرار داشته باشد.

د) عدم مفسده؛ امر به معروف و نهی از منکر در گناهان کوچک موجب خسارت سنگین جانی، آبروئی و مالی نشود (البته در منکرات بزرگ و ریشه بر انداز و نیز در دفاع، شرط اخیر مطرح نخواهد بود چرا که مصداق دو امر مقدس به نام جهاد و دفاع می شود.)

و مراحل و مراتب آن دو واجب عبارتند از:

ترک معاشرت، ارشاد زبانی، اتمام حجت و اقدام عملی.

با توجه به نکات پیش گفته و به طور خلاصه می توان گفت که امر به معروف موجب تحکیم و استحکام هنجارهای قانونی و شرعی در جامعه و با هدف استقرار نظم و امنیت در جامعه است.

همین طور نهی از منکر نیز مبارزه با هنجار شکنی و هنجار شکنان با همان هدف می باشد.

بنابراین باید در مراحل اجرای این دو فریضه الهی با استفاده از دانش دینی و تجربی به گونه ای اقدام کرد که علاوه بر توفیق انجام یک وظیفه دینی، خسارتی به ارکان نظم و امنیت جامعه وارد نشود.

بر این اساس، نهی از منکر، مبارزه ای است که در دو سطح قابل طرح است:

۱- مبارزه ابتدائی و غیر فیزیکی با هنجار شکنی و هنجار شکنان: در این مبارزه همه مسلمانان مسئولند و باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، یعنی همه شهروندان باید با ابزارهای

لازم اعم از انکار قلبی و انزجار قلبی نسبت به گناه و ارشاد زبانی و رعایت ادب و اخلاق و تکریم انسانیت، به جنگ موارد منکر بروند (به شرطی که به برخورد فیزیکی کشیده نشود، چرا که این برخورد با هر کس، هر کجا و هر زمان خود عامل نا امنی و هنجار شکنی خواهد بود.)

۲- مبارزه جدی و برخورد فیزیکی با هنجار شکنان: در این مرحله که مرحله بسیار حساسی است، شهروندان وظیفه ای در این زمینه ندارند بلکه همه شرایط را برای نهادهای مسئول که دارای امکانات می باشند فراهم کنند. گرچه متأسفانه برخی از دستگاههای حکومتی به جای انجام فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر» با همه چیز حتی رعایت مقدسات با دید تساهل و تسامح می نگرند، و این امر نگران کننده است.

به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟

پرسش

به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟

پاسخ

این مسأله می تواند عوامل مختلفی داشته باشد:

عامل اول؛ مربوط به حکم شرعی آن است. حرمت بازی بیلیارد در زمان حاضر براساس نظر کارشناسی برخی از مراجع مانند مقام معظم رهبری و آیت الله فاضل لنکرانی مطلق نبوده، بلکه با قیود و شرایطی است که اگر این قیود و شرایط نباشند، از دیدگاه برخی مراجع اشکالی ندارد. به عنوان نمونه «بیلیارد اگر از آلت قمار باشد، بازی با آن مطلقا حرام است، اما اگر از آلات قمار نباشد بدون شرط بندی و برد و باخت اشکال ندارد»(استفتا از دفتر آیت الله فاضل لنکرانی - استفتاآت جدید امام خمینی، ج ۲، ص ۹ - اجوبه الاستفتاآت، ص ۲۴۶ و ۲۴۷).

بنابراین طبیعی است که این چنین مواردی که تشخیص موضوع آن به عهده عرف است و با رعایت برخی قیود (در صورتی که عرفا از آلات قمار محسوب نگردد) مشکل شرعی آن نیز مرتفع می گردد، در جامعه شیوع پیدا کند.

عامل دوم؛ نوع افرادی که به این بازی مبادرت می کنند باز می گردد. متأسفانه، به غیر از تعداد کمی ازعلاقه مندان به این بازی که دارای علاقه و پای بندی به احکام مذهبی بوده، اکثریت آنان و یا کسانی که کلا سراغ بازی های حرام و یا شبهه ناک می روند، اصلا به احکام الهی و حلال و حرام آن کار ندارند و این ناشی از ضعف باورهای دینی آنان و نهادینه نشدن فرهنگ و ارزش های اسلامی در آنان است

که عوامل متعددی نظیر سوء اختیار و پیروی از هواها و هوس های نفسانی، عدم تربیت صحیح خانوادگی و مسائل محیطی می تواند در بروز این پدیده مؤثر باشد.

عامل سوم؛ نقش مهم تهاجم فرهنگی است که با استفاده از تکنولوژی ها و وسایل پیشرفته ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، ماهواره، اینترنت و...، ارزش های مخرب و سبک های زندگی خود را در درون سایر جوامع می گستراند. بی اعتنایی به دین و ارزش های دینی یکی از پیامدهای این مسأله است.

عامل چهارم؛ تغییر ارزش های جامعه ما است. متأسفانه به دلیل برخی سیاست هایی که در دوران پس از جنگ در زمینه توسعه اقتصادی انجام شد، ارزش های حاکم در جامعه از ارزش های مادی به ارزش های معنوی تغییر یافت و توجه به ابعاد معنوی و احکام الهی کم رنگ گردیده و این مسأله به شکل بسیار فزاینده ای در سال های اخیر استمرار یافت بلکه تسهیلات لازم برای آن ایجاد شد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۲. توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور

نتیجه عوامل فوق بی اعتنایی برخی از افراد جامعه به احکام الهی و پیروی از خواسته ها و هواهای نفسانی خویش است و حل آن نیز با کار فرهنگی مستمر و دقیق، توسط مسؤولین و دستگاه های فرهنگی کشور و سایر نهادها و مراجعی است که در زمینه فرهنگ سازی جامعه نقش ایفا می نمایند.

آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلوپ های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی به صورت رایگان فیلم و سی دی و مجله و کتاب به صورت آبونمان مادام العمر دست به تبلیغات انبوه زده است اشاعه معقول و حداقل در زمینه افکا

پرسش

آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلوپ های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی به صورت رایگان فیلم و سی دی

و مجله و کتاب به صورت آبونمان مادام العمر دست به تبلیغات انبوه زده است اشاعه معقول و حداقل در زمینه افکار اسلامی نیاز به مبالغ بسیار ناچیز آبونمان مجلات و کتب مذهبی دارد؟و آیا امکان پذیر نیست این هزینه از محل پرداخت وجوهات مردمی به بزرگان دینی ما پرداخت گردد؟آیا با هزینه بسیار اندک نمی توان کلیه امکانات پرسش و پاسخ در مورد قرآن و نهج البلاغه و کلیه کتب مرجع را در سی دی های تبلیغاتی جای داد و به صورت رایگان در اختیار مردم قرار داد؟مگر زبان تبلیغ فقط مختص پیامبر بوده است؟ آیا می دانید نسبت افراد مثبت و منفی اجتماع ما در صورتی که تبلیغات در دست گروههای مخالف خارج از کشور است و اعمال تشویقو تنبیه در دست گروههای داخل کشور به چه میزان است ؟آیا وقت آن نرسیده تبلیغات و تشویق و تنبیه را با هم موازنه کنیم ؟آیا تبلیغ فقط مختص دانشجویان است ؟ آیا با لیلی به لالایی دانشجویان گذاردن مشکلاتی نظیر کوی دانشگاه به وجود نیامده است؟

پاسخ

به علت پراکندگی حوزه های مورد سؤال، در ۴ قسمت اختصارا جواب داده می شود:

- قسمت اول: در ضرورت تبلیغات صحیح در دنیای امروز هیچ مشکلی نیست. مخصوصا اگر کسی دغدغه اشاعه تفکرات اسلامی داشته باشد باید بتواند با استفاده از ابزارهای تبلیغی مؤثر و جذاب، تفکرات خود راعرضه کند و ما از دغدغه شما ستایش می کنیم بلکه براساس روایات خود این دلسوزی ها در پیشگاه الهی ثواب زیاد دارد.

اما ۲ نکته قابل توجه در این مقوله عبارتند از:

۱. جامعه جهانی کنونی به یک جامعه تک صدایی

تبـدیل شـده و نباید انتظار داشت که سایر صداها نیز در کنار آن صدای برتر نیز قابل شـنیدن باشد اکنون تبلیغات ضد فرهنگ غربی، هر چه قـدر که قوی هم باشـد باز در کنار بوق بزرگ تبلیغاتی آنها گم می شود. پس متصـدیان امر بایـد بر خطیر بودن مسؤولیت خویش واقف شده بر کوشش و تلاش خویش در این عرصه بیفزایند.

۲. برای عرضه تفکرات نوین اسـلامی باید به تولید فکر دست یازید. یعنی نرم افزار فکری باید به عنوان جریان اصـلی پژوهشی و آموزشـی در کشـور درآیـد. بایـد متفکران و دانشـمندان در عرصه هـای مختلف به تولیـد فکر پرداخته و تفکرات خود را بر مبنای پیش فرض های غربیان اسـتوار نسازند. این امر هم، خود نیاز به فعالیت همه جانبه ای از سوی همه اساتید و دانشجویان و طلاب دارد.

– قسـمت دوم: درمـورد امکـان پرداخـت هزینه تبلیغـات از وجوهـات مردمی بایـد گفت: در متن احـادیث وارد شـده در زمینه مصـرف وجوهات، راه های آن مشـخص گردیـده که از جمله مصـرف وجوهات همین موضوعی که شـما اشاره فرمودیـد می باشد و نیز فراتر از آن برای جذب قلوب کفار و معاندین به دین اسلام است.

– قسمت سوم: نکته اساسی در ترویج تفکرات اسلامی، تنها نیازهای مادی و پولی نیست بلکه نیاز اصلی نبود فکر جدید مطابق با فضای جامعه کنونی است. مشـکل اصلی را نباید در فقدان ابزارهای تبلیغاتی (همچون سی دی، فیلم و...) جستجو کرد، بلکه مشکل اساسی فقدان تولید فکری در عرصه های مختلف است.

البته باید ضمن اعتراف به لزوم هماهنگی همه مراجع و مراکز دینی غیر دولتی، بر تفریط برخی از مسؤولین دولتی

مربوطه از جمله وزارت ارشاد و صدا و سیما و سازمان تبلیغات اسلامی اظهار تأسف کرد. یکی از کار ویژه دولت اسلامی، تلاش بر نشر فضایل اخلاقی و ترویج شعائر دینی است. متأسفانه به پروژه های سیاسی (بلکه سیاسی کاری) یارانه هایی پرداخت می شود که عشر آن نیز به این مسائل فرهنگی بنیادین اختصاص پیدا نمی کند.

چه کتب و مجلات و روزنامه های غیر لازم بلکه مضر و مروج ابتذال و بی دینی که از یارانه های دولت اسلامی بودجه دریافت می کنند ولی برعکس آن نه؟ چه بسیار برنامه ها و فیلم های بی محتوا با هزینه های سرسام آور از بیت المال ساخته می شود ولی بر عکس نه؟...

– قسمت چهارم: بحث تشویق و تنبیه دانشجویان و موازنه کردن آنها، باید طبق آمار و داده های دقیق و رسمی صورت گیرد. علل ایجاد مسائلی نظیر کوی دانشگاه نیز ریشه دارتر از بحث لیلی به لالای دانشجویان گذاردن است.

البته باید اعتراف کرد متأسفانه برخی از مسؤولین یا گروه های سیاسی این بی عدالتی فاحش را بنیان نهاده به آن دامن می زنند در نظام اسلامی فرقی بین طلبه و دانشجو و نظامی و کارمند و کارگر و کشاورز نیست، اما متأسفانه طوری شده است که حتی با قطعی شدن اقدامات براندازی (به اعتراف برخی از متهمین در غائله اخیر) به همین بهانه، نه تنها از اجرای احکام با اعمال فشارها جلوگیری می شود بلکه موجب تجری و جسور شدن بیشتر آنها می گردند.

البته باید دو نکته را از نظر دور نداشت: اولا، ما هم قبول داریم که برخورد با جوانان به ویژه قشر

فرهیخته و دانشگاهی باید با ظرافت ویژه ای صورت پذیرد. ثانیا، هدف از طرح شعار دانشجو به وسیله گروه های سیاسی مزبور، صادقانه نیست بلکه استفاده ابزاری از این عزیزان است.

نتیجه: مهم در بحث ابزارهای تبلیغاتی، در کشور ما، محتوای فکری است که قرار است توسط آن ابزارها عرضه شود. در کشور ما الان چنین متفکرانی با چنان تفکراتی بسیار کم یافت می شود. حال اگر خوراك فکری لازم برای تغذیه ابزارهای تبلیغاتی موجود شد، بحث ثانوی روی تهیه ابزارهای تبلیغاتی متناسب با آن است. ابزارهای تبلیغاتی تنها جنبه پیام رسانی دارند. در حالی که محتوای آن را باید با جریان نرم افزار فکری در کلیه رشته ها تأمین کرد.

تأکید مقام معظم رهبری نیز بر عرصه تولید نرم افزار فکری در بین دانشجویان، به خاطر همین امر است.

در دین مبارک ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود.تا شیطان بین آنها وسوسه ایجاد نکند در این صورت در رسانه ها و تلویزیون به شدت عکس این مطلب مشاهده می شود توضیح دهید.

پرسش

در دین مبارك ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود.تا شیطان بین آنها وسوسه ایجاد نکند در این صورت در رسانه ها و تلویزیون به شدت عکس این مطلب مشاهده می شود توضیح دهید.

پاسخ

مسأله حضور و عدم حضور زن در اجتماع و چگونگی آن، یکی از مسایل بسیار حساس و ظریف است که کم دقتی درباره آن، پیامدهای نامطلوبی را به دنبال دارد. به قول استاد شهید مطهری: «صراط مستقیم باریك است، کمی از این طرف برویم، پرت می شویم، کمی از آن طرف برویم هم پرت می شویم، اندکی به نام عفت، عصمت و پاکی، زن را بکشانیم به گوشه صندوق خانه ها، پرت شده ایم. یک ذره به نام دخالت خانم ها در اجتماعات و فعالیت ها حریم را بشکنیم نیز از آن طرف افتاده ایم»(باقری، مجید، ۱۱۰ سؤال از استاد مطهری، سازمان بسیج دانشجویی، ص ۸۶).

با پذیرش مذموم بودن برخورد افراطی و تفریطی در مورد حضور زن در اجتماع بر این باوریم که تعادل در این زمینه بهترین گزینه است، منتهی همین قسم نیز دارای مراتب گوناگونی است. حداقل انتظار آن است که زن با حضور خود واجبات و محرمات اسلام را مانند حجاب، صحبت با عشوه و ناز و... زیر پا نگذارد و حداکثر انتظار آن است که زنی که در صحنه اجتماع حاضر می شود، همه احکام والای اسلامی، مانند وقار، متانت، عفت را رعایت کند.

آنچه که در تلویزیون مشاهده می شود، حداقل انتظار و البته در برخی موارد خلاف انتظار از نحوه حضور

زن در جامعه است. هر چند حضور زن در برخی رسانه ها، همراه با زیر پا گذاشتن احکام مترقی اسلام است که ما نیز با آن مخالفیم. خلاصه این که بسیاری از واقعیت های تلخ را باید اعتراف کرد و برای رفع آن چاره ای اندیشید. هرگاه ارزش های اسلامی بر جامعه بیشتر حاکمیت یابد، این ناهنجاری ها کاهش می یابد.

در نظام اسلامی اِعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی ،چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا بتواند نفوذ کامل بر افراد داشته باشد.

پرسش

در نظام اسلامی اِعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی ،چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا بتواند نفوذ کامل بر افراد داشته باشد.

پاسخ

وظایف و امکانات این مرکز مشاوره، در راستای پاسخگویی به شبهات و سؤالات مهم و اساسی دانشجویان در زمینه هایی نظیر کلام و اعتقادات مذهبی، احکام، اندیشه سیاسی و مسائل مربوط به حکومت دینی و موضوعات کلان نظام و جامعه اسلامی می باشد، از این رو به دلیل محدودیت امکانات از یک سو و گسترده بودن سرالات دانشجویان، لذا در پاسخ سؤالات شما چند منبع را برای مطالعه معرفی می نماییم:

۱. توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۹

۲. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸

۳. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹

۴. جامعه سازی قرآن، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸

۵. اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، کاظم قاضی زاده، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری

لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟

پرسش

لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟

پاسخ

جهت آشنایی بیشتر با چگونگی شکل گیری این ستاد، وظایف و چگونگی فعالیت های آن، گفتگویی توسط یکی از نشریات با دبیر آن انجام شده است که در ذیل می آید.

گفتگو با دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

سوال:اصلا ایده تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از کی بوجود آمد و هدف تشکیلش چه بود؟

امر به معروف و نهی از منکر با تعریف صحیح آن یک چیز جدیدی نیست که ما آورده باشیم یا حتی اسلام آن را آورده باشد، در طول تاریخ امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته. این مساله اختصاص به یک دوره و زمان خاص یا حتی اختصاص به یک دین خاص ندارد، در تمام ادیان الهی و حتی غیر الهی وجود داشته است و اسلام تنها این فرضیه را تایید و تاکید کرده است. اما این تعریف صحیحی که از این مسئله باید بشود و اسلام آن را تایید می کند و عقلی و فطری هم هست ، این است که این مساله به معنای نظارت همگانی است ، نه اینکه یک گروه باشند که دایم به دیگران امر ونهی کنند. باید یک نظارت همگانی در جامعه شکل بگیرد. اگر آن نظارت همگانی وجود داشته باشد، زمینه احیای کارهای خوب فراهم می شود و جلوی بسیاری از مفاسد هم گرفته می شود. احیای امر به معروف و نهی از منکر، یعنی اینکه ما این فرهنگ

نظارت همگانی را زنده کنیم.

اما در مورد تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، این کار بر مبنای نظر مقام رهبری صورت گرفت. ایشان فرمودند همانطوری که در مورد نماز و روزه کار شده است ، در مورد این فریضه هم کار بشود.

این طور بود که تعدادی از افراد متدین و مذهبی تصمیم گرفتند تا در این مورد در یک مجموعه و محور مشترک کار کنند و تمامی فعالیتهایشان را در این زمینه متمرکز کنند. ما چند بار به این دلیل خدمت مقام رهبری رفتیم و گفتیم که نظرمان این است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر را تشکیل بدهیم.

حتی برخی از این هم جلوتر رفتند و گفتند «ستاد اجرای امر به معروف و نهی از منکر» را می خواهیم پایه گذاری کنیم. اما ایشان روی این مسأله تأکید کردند که اگر می خواهید کار کنید باید ستاد «احیا»ی امر به معروف ونهی ازمنکر باشد نه ستاد اجرای آن. مگر با ۲۰ یا ۳۰ نفر می شود کاری به این بزرگی را انجام داد؟ نظر ایشان این بود که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر باید در میان مردم بوجود بیاید نه اینکه ما خودمان برویم مستقیما این کار را انجام دهیم. ایشان معتقد بودند که باید آنقدر کار فرهنگی انجام بدهیم که این فرهنگ در میان مردم جا بیفتد که همانطوری که نماز و روزه واجب است ، این کار هم واجب است. بر اساس رهنمودهای ایشان کار ما از همان اول به صورت یک کار کاملا فرهنگی تعریف شد.

سؤال: اما ذهنیت بعضی مردم این است

که شما کار اجرایی می کنید. نمونه ای هم که مد نظر آنهاست برخی برخوردهایی است که در سطح شهر شاهد آن بوده اند؟

ما به هیچ وجه کار اجرایی نمی کنیم. کار ما فرهنگ سازی است. ما در زمینه اجرایی وارد نشده ایم.

به اعتقاد ما برخوردهای انتظامی و قضایی صرف درست نیست ، نمی شود که تمام کارها را با برخورد یا دستگیری حل کرد و یا برای احیای معروفها به فشار متوسل شد. انسان به این نوع برخورد به طور طبیعی عکس العمل نشان می دهد و مقاومت می کند. اما اگر با این دید نگاه کنیم که مردم وظیفه دارند برای امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند، همانطوری که برای نماز و روزه وظیفه دارند، خیلی از مسایل و مشکلات حل می شود.

روی این اصل ما در تمام معاونتهای ستاد، یعنی معاونتهای فرهنگی ، تشکلهای مردمی ، سازمانهای اجرایی ، معاونت ادارات و کارخانجات خودمان تنها این کار را انجام می دهیم که گروهها و تشکلهای درون سازمانی و مردمی را و حتی خانواده های آنها را برای امر به معروف و نهی از منکر فعال کنیم.

آنچه که در اولویت اول ما قرار دارد این است که نظارت همگانی مردم فرهنگ بشود که اگر این انجام شود خیلی از معضلات را نخواهیم داشت.

سوال: فکر می کنید این کار چقدر زمان و انرژی می برد؟ هدف خیلی بزرگی نیست؟

ببینید یک مثال ساده ای که در مورد هدف خودمان می توانم بزنم این است که من خودم شاهد بودم که در آن زمانی که مقررات تردد پلاکهای زوج و فرد برای تردد

ماشینها در روزهای مختلف اجرا می شد، ماشینی که در روز تردد ماشینهای زوج با پلاک فرد به خیابان آمده بود، همه مردم بهش نگاهش می کردند و این می شد که خود فرد دایم در عذاب بود و سرش را می انداخت پایین وزیر چشمی نگاه می کرد و این باعث می شد تا دفعه بعد این مساله را تکرار نکند و اگر هم کرد سرش را بیندازد پایین و این آنقدر تکرار بشود تا او این کار را دیگر نکند. این همان چیزی است که ما از احیای امر به معروف ونهی از منکر دنبال آن هستیم. این که امر به معروف و نهی از منکر فرهنگ شود. این فرهنگ که ۱۰ تا چشم به فرد خاطی جوری نگاه کند که او سرش را بیندازد پایین و دیگر آن کار را تکرار نکند. ما معتقدیم کدام پیامبر تا به مردم چیزی گفت حرفش را فورا گوش دادند که حرف ما را گوش بدهند؟ نوح (ع) ۹۵۰سال گفت فقط یک عده کمی شنیدند.

اما اگر این فرهنگ در میان خود مردم بوجود بیایید که به فرد خاطی فشار اجتماعی بیاورند که او عمل ناپسندش را ترک کند یا به عمل صالح و معروف تشویق شود، آن وقت است که فعالیت ما مثمر ثمر بوده است.

سوال:طبیعتا شما برای ایجاد این فرهنگ و فرهنگ سازی ، پیش از همه با ذهنیتهای نامناسب موجود در این زمینه مواجهید. در این زمینه چه کارهایی انجام داده اید؟

متاسفانه ذهنیتهای نامناسب قبلی در این مورد مشکل بزرگی است که ما به آن مواجه ایم ، اصلا سختی کار ما همین است.

ما نه تنها در زمینه آموزش نیروهایمان با دشواری های زیادی مواجه هستیم ، بلکه ذهنیت منفی و حداقل نادرستی که نسبت به این ستاد و حتی این فریضه در جامعه ایجاد شده است نیز به ما به ارث رسیده است. متاسفانه در اوایل انقلاب عده ای با احساس وظیفه نسبت به اقامه این فریضه وارد کار شدند. بالاخره آنها دغدغه این کار را داشتند، نظرشان ادای تکلیف بود، دیده و شنیده بودند که باید امر به معروف و نهی از منکر بشود، اما درست نفهمیده بودند، آموزش ندیده بودند، فکر می کردند که وظیفه آنها زدودن کامل منکرهاست ، درگیر می شدند و مشکلاتی را بوجود می آوردند.

در حالی که وظیفه امر به معروف ، گفتن و رفتن است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب نه اینکه یک نفر ۱۰دفعه بگوید، بلکه ۱۰ نفر یک دفعه بگویند. آنها نمی دانستند که کار آمر به معروف و نهی از منکر مبارزه با مفاسد و زدودن آنها نیست ، آن کار نیروی انتظامی و ضابطان است.برخورد هم با قوه قضاییه است ، آن هم تحت ضوابط قانونی و مشخص. متاسفانه این فرهنگ در آنجا بوجود نیامده بود و باعث بوجود آمدن ذهنیت منفی شد، اما ما در سالهای گذشته با آموزشهایی که شروع کرده ایم سعی کرده ایم تا این آموزشها را به افراد بدهیم که معنا و مفهوم صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست.

سوال:مثلا چه آموزشهایی؟

ببینید علاوه بر آموزش و یاد گرفتن مسایل مذهبی و اعتقادی ، خود شیوه امر به معروف و نهی از منکر هم آموزش می خواهد. نماز را یک

بار یاد می گیرید، تا همان آخر همین است. شرایطش یکسان است ، روزه هم همین طور، اما امر به معروف این طوری نیست که تا آخر به یک صورت باشد. فرد باید با توجه به زمان و مکان خودش این وظیفه را انجام دهد، هر جا و موقعیتی شرایط خاص خودش را دارد.

ما باید علاوه بر آموزش احکام به افراد، به آنها نحوه بیان احکام را هم یاد بدهیم. یک آدم یک جا می تواند امر به معروف کند و نتیجه بگیرد و در همان جا با شرایط دیگر یک فرد دیگر امر به معروف می کند و نتیجه عکس می دهد، چرا که نه تنها شرایط را در نظر نمی گیرد که حتی نحوه بیان صحیح را هم نمی داند. شرایط مکان و زمان روی این مسأله تأثیر می گذارد. توی کوچه یک جور باید امر به معروف کرد و توی خانه یک جور دیگر. طرف می گوید در خانه میهمان بودیم ، ۵۰ نفر دیگر هم بودند، دیدم منکر انجام می شود، با صاحبخانه برخورد کردم ، اما در اینجا باید به او گفت تو ممکنست که منکر شرعی را بتوانی تشخیص بدهی ، اما آموزش ندیده ای ، نمی دانی اینجا که در خانه مردم نمی شود درگیر شد.

اگر با اخم شد، که شد وگرنه تو پاشو برو. این را اسلام می گوید، من نمی گویم. پاشو برو، با اخم هم برو، اگر تو رفتی و ۱۰ یا ۱۵ نفر دیگر هم این کار را کردند، طرف می فهمد، این واقعا اثر می گذارد.

این باید اساس کار ما باشد، این یک

نمونه از آموزشهای ریز وظریفی است که ما باید به اعضایمان که تمام مردم هستند بدهیم. ظاهرا هنوز هم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر چارچوب خاصی وجود ندارد و این می شود که در بسیاری از موارد اعمال سلیقه می شود.

سوال: از جمله اینکه در برخی از موارد با مسایلی برخورد می شود که از دید جامعه و عرف ممکنست منکر و تخلف نباشد یا اینکه لااقل در آن شرایط نباشد؟

همانطوری که گفتم ما در این زمینه با مشکل مواجهیم ، آموزش ندیده ایم. ببینید ما حرام اجتماعی و واجب اجتماعی داریم ، حرام عرفی ، شرعی و فردی داریم. نمی شود که یک حرام عرفی را یک نفر بگوید که حرام شرعی است. اگر ما می گوییم امر به معروف و نهی از منکر کنید، منظورمان حرام بین (آشکار) است. نمی خواهیم برویم دنبال آن چیزهایی که شک در موردشان وجود دارد. یکی از مسایل امر به معروف این است که بداند که این قطعا و شرعا منکر است و اگر شک دارد نباید وارد عمل بشود، ما کاری به شبهات نداریم. خیلی وقتها که می گوییم چرا این مسئله بوجود آمد، می گویند که مردم منکر را نمی شناسند و درگیری ایجاد می شود. منظورما از منکر بین (آشکار) آن حرامی است که وقتی خود فرد هم انجام می دهد هم خودش و هم جامعه بدانند که مطمئنا این مساله حرام است. کاری که فرد وقتی کرد و به او انتقاد کردی سرش را بیندازد پایین. کاری که اگر فرد کرد تمام مردم نگاهش کنند.

تفکر اساسی که ما به

دنبال آن هستیم این نگاههای انتقادی مردمی است. امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم احساس کنند که چشمهایی آنها را نگاه می کنند و آنهایی که اشتباه کردند مردم نگاهشان می کنند. در این صورت اگر فرد اشتباه کرد پیش خودش ناراحت می شود. اما شاید بعضی مردم به این خاطر کمتر به این فریضه توجه می کنند که خیلی از منکرها را کسانی انجام می دهند که در ساختار قدرت هستند. به این ها نمی شود چیزی گفت ، نمی پذیرند و ممکن است برای کسی که دارد وظیفه اش را انجام می دهد مشکل پیدا شود. خودتان بهتر می دانید که منکر فقط بدحجابی و این حرف ها نیست. سوء استفاده از منصب و مقام و اموال عمومی هم منکر بزرگی است... خب البته مشکل امر به معروف ونهی از منکر همین است. مثل نماز و روزه نیست که طرف خداوند بخشنده باشد. طرف انسانی است که ممکن است قدرتمند باشد.این است که امام علی وقتی بین تمام خوبی ها و جهاد قضاوت می کند، می گوید جهاد از همه برتر است ، اما وقتی بین تمام خوبی ها باضافه جهاد با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می کند، می گوید امر به معروف و نهی از منکر.

سوال:بله این مشکل وجود دارد که طرف عکس العمل نشان بدهد، در این شرایط انتقاد وحتی تشویق سخت می شود. بعضی وقتها هست که شما به خاطر یک کار خوب هم از طرف تشکر می کنی و تشویقش می کنی و طرف می گوید به تو چه؟ مگر

برای تو کردم؟ اصلا تو چه کاره ای؟

کـار امر به معروف این دشواری را دارد. یعنی هم انتقاد کنـده و آمر به معروف و ناهی از منکر و هم کسـی که به او انتقاد می شود بایـد آموزش ببیننـد. این کـار مهمی است. مـا بایـد این را جـا بینـدازیم که در جـامعه فرد تنهـا نیست ، او در یک اجتماع زنـدگی می کنـد که یـک سـری شـرایطی را دارد. یـک سـری امر و نهی هـایی دارد، اینها بایـد جا بیفتـد. اما من به این مساله فرهنـگ سـازی خوش بینم. تـا چنـد سـال قبل ، خیلی از مردم از گلهای پارک می کندنـد و می بردنـد خانه شان. اما حالا این فرهنـگ جا افتاده است که این گلها مال پارک است و نه تنها بقیه افراد آن را درست نمی داننـد که فردهم خودش از این کار معـذب است ، خب حالا دیگر این یک فرهنگ شده است ، یک فرهنگ عمومی. این فرهنگ انتقاد کردن و انتقاد پذیری هم فرهنگی است که کم کم جا می افتد. البته ممکن است به خاطر ذهنیتهای قبلی کمی مشکل باشد.

متاسـفانه جایگاه این فریضه در میان مردم روشن نیست. خیلی از مردم متدین در مورد وجوب فریضه نماز، روزه ، حج ، وهیچ تردیـدی ندارنـد. امـا در مورد امر به معروف و نهی از منکر این طوری نیست ، واقعـا جـا نیفتـاده است. هنوز هم خیلی از مردم حتی متـدینین وقتی کار منکر و خلافی را می بیننـد ممکنست با خودشان بگوینـد به ما چه ربطی دارد، در صورتیکه در مورد سایر فرایض خیلی دقیق هستند.

این دقت را

باید همگانی کرد.

(روزنامه جام جم، ۸ اسفندماه ۱۳۸۲)

با سـلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمـدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمل نمی آید. نهادهای نظارتی ما که شامل دادگستری وسازمان بازرسـی کل کشور و وزارت اطلاعات و دیوان محاسبات مجلس خود دچار فسادی خانمان بر اندا

پرسش

با سـلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمـدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمـل نمی آیـد. نهادهـای نظارتی ما که شامل دادگستری وسازمان بازرسـی کل کشور و وزارت اطلاعات و دیوان محاسـبات مجلس خود دچـار فسـادی خانمـان بر انـداز میباشـند .رشوه گیری که در اسـلام از ۷۰ بـار زنا با محارم در خانه خـدا قبیـح تر میباشـد قبـح ان ریخته است در حالیکه هم اکنون مدیرانی وجود دارد که رشـما اقدام به ارتشا نموده سازمانهای نظارتی هم در جریـان میباشـند لیکن بـا کمـال تـاسف همچنـان به عنوان مـدیر جمهوری اسـلامی در حال کار میباشـند چنانچه نمونه و مورد خاصـی مـد نظر باشـد نمونه های فراوانی ذکر خواهد گردید.حال سوال اینست ایا شـیوه امیرالمومنین هم اینگونه بود؟ یا اینکه باید به فکر مصلحت بود .آیا اگر مدیر ارشد فاسد نباشد مدیر زیر دست میتواند فاسد باشد؟

پاسخ

سوال شما از جهات متعدد قابل تامل و بررسی است:

اً. اینکه بگوییم عملکرد قوی یـا ضـعیف جامعه و یا وجود برخی ضـعفها در سیسـتم اداری کشور به مـدیر ارشـد برمی گردد, اسـتنتاج کلی و قاعده قابل اثباتی نیست هرچند در حیطه عملکردها و وظایف و با در نظر گرفتن امکانات و اختیارات آن مدیر ارشـد چنین امری مصـداق می توانـد داشـته باشـد ولی به عنوان یک قاعده کلی نمی توان آن را اثبات کرد. چه اینکه هدایت نشدن قوم نوح را نمی توان به عملکرد حضـرت نوح(ع) نسـبت داد و یا عدالت گریزی و انحطاط فکری مسـلمین صدر اسـلام در زمان حضرت علی(ع) و یا وجود برخی کارگزاران فاسد در دستگاه اداری

ایشان را نمی توان به آن حضرت تسری داده و مسؤولیت آن را بر دوش ایشان گذاشت، اساساً خداوند رهبران الهی و دینی را موظف به تذکر و انذار به جوامع و اجرای احکام الهی می نماید و آنان نیز به تناسب توانمندی و وسع خویش نسبت به اجرای فرامین خداوند مسئولند, حال اینکه چه مقدار در تحقق عینی جامعه دینی و هدایت مردم توفیق حاصل کنند. بستگی زیادی به خواست عمومی و درک افراد و نخبگان جوامع از مقوله فوق و تمکین در برابر آن دارد

درباره وجود فساد هم در سیستم اداری ما نیز چنین است؛ آنچه که از مدیران الهی شایسته و سزاوار است، سعی و اهتمام به انتخاب مدیران و کارگزاران صالح و در نظر گرفتن ساز و کارهای نظارتی برای جلوگیری از خطاهای آنان است؛ حال اگر مدیری صالح با اعمال این قبیل مسائل اهتمام به ایجاد تشکیلاتی سالم داشت و تمام سعی و تلاش خود را برای مقابله با آفت ها و مفاسد کرد، دیگر با وجود نمونه هایی از فساد نمی شود آن رهبر یا مدیر ارشد را به کوتاهی و قصور متهم نمود. و یا ادعا کرد که فساد از او نشات می گیرد!!!

اکنون با توجه به این موضوع درباره وجود برخی مفاسد در دستگاه های اداری کشور بهتر است به دو مقوله اساسی با عنایت به آنچه در بالا گفته شد توجه کرد. اولاً قانون اساسی اختیارات مشخصی را به عهده رهبری به عنوان یکی از مدیران گذاشته و اختیار عزل و نصب افراد و شخصیت های خاص را به رهبری داده که ایشان نیز با در نظر گرفتن توانمند ی ها

و امکانات در کنار نیازها و اولویت های کشور نسبت به انتصاب و یا عزل افراد در سمت های مدیریتی کشور اقدام می نماید و به طور اصولی ایشان در عزل و نصب سایر مدیریت های کشور در بدنه قوای سه گانه دخالتی نمی کند مگر اینکه حضور فرد یا افرادی را بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب و کلیت نظام احساس کند که مقوله فوق امری مستثنی است.

ثانیاً تعبیر رهبری از مدیریت مفسد و یا بی اعتنا به حقوق مردم مطمئناً بر یک سری چارچوب ها و اصول عقلائی و قابل اثبات استوار است که در صورت اثبات فاسد بودن بخشهایی از مدیریت کشور در برابر آن موضعگیری خواهند کرد که چنین امری مسبوق به سابقه هم است و مسلماً ایشان نمی تواند بر اساس یافته های مطبوعاتی و حدس و گمان و داده های غیر قابل اثبات در رابطه با عملکرد مدیریت های زیر نظرشان قضاوت کنند.

متأسفانه به رغم تأکیدات و اهتمام زیاد مقام رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی، و نیز برخی اقدامات عملی قوای سه گانه و سایر نهادها و دستگاههای حکومتی، برای مقابله با این پدیده، هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشده و کما کان اقشار محروم و مستضعف جامع از اثرات زیان بار مفاسد اقتصادی رنج می برند. مقام معظم رهبری به سؤالی در مورد اقدامات قوای سه گانه در این خصوص، می فرمایند: «من خصوص به شما عرض می کنم: نه! واقعاً من از آنچه که اتفاق افتاده راضی باشم؟ نه؛ یعنی کمتر از آن حدی است که بنده را خشنود و راضی کند؛ اما انصافاً تلاش کردند. در همین جلسه یی که اخیراً با مسئولان قوای سه گانه داشتیم،

به آنهـا گفتم دو سـال گـذشت. قوه ی قضـائیه و مجریه گزارش فعالیتهـایی را که کرده انـد، آوردنـد که حکم فعالیتهـا خوب است؛ در این تردیـدی نمی شود داشت. سـتادی هم تشـکیل داده انـد که نسـبتاً فعال است، و لیکن نه، آن مقـداری که بنده را راضـی کند، نیست.»، (دیدار یار، بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشهای دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۵)

بنابراین اقدامات مناسبی ـ علیرغم عدم کفایت آن ـ انجام و در حال پی گیری است . اما در مورد ناکافی بودن مشهود نبودن این اقـدامات و یـا طولانـی شـدن رسـیدگی به پرونـده های متهمین و ... بایـد گفت که این موضوع به مسائلی از قبیل سیاسـت دولت در اجرای کامـل عـدالت و حقوق متهمین و حفـظ آبروی و حیثیت آنـان و ... بـاز می گردد؛ مقـام معظم رهبری در این زمینه چنین بیـان می دارنـد: «بـا آن کسانی که قاطع برخورد نمی کننـد چگونه برخورد کنیم؛ برخورد همین است که تـذکر و هشدار بدهیم و به آنها بگوییم؛ برخورد لازم در این جا این است؛ اما شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی گیرد. یـک وقت انتظـار هست که مرتب اعلاـمیه داده شود و بگوینـد فلان کس را گرفتیم، پـدر فلان کس را درآوردیم، فلان کس این فساد را کرده، این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شـده ی ماست؛ ما گفتیم اصـلاً نگوییـد. در آن مواردی هم که اعلاـم و جنجـال شـد، بنـده بـا آن وضـعیت موافق نبودم. این تصـمیم گیری است که بر اسـاس یـک محاسـبه یی کردیم و این محاسبه هم

محاسبه یی حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لا پوشی و پنهان نگه داشته شود؛ ابداً بنده نمی خواهم ملاحظه ی کسی را بکنم، منتها فکر نمی کنم که تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و رویش قضاوتی نیست، باید سرزبانها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستیم؛ چه مطبوعاتیها، چه رادیو تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض بکنم؛ یک نفر جرمی می کند. آدم خیلی بدی هم هست، بایست هم مجازات بشود؛ اما اگر اسم او را ما اعلام کردیم، این پسر یا دخترش در دانشگاه، خانه، محله؛ می دانید با این اعلان چند نفر مجازات می شوند؟ چه لزومی دارد؟ بگذارید او زندان برود و فی الجمله هم گفته شود که این کار انجام گرفته، دیگر چه لزومی دارد که ما بچه های دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی اش را هم _ که هیچ گناهی ندارد _ مجازات کنیم؟ مگر وقتی که اجبار باشد: یعنی زمانی که وضعیت به گونه ایی است که غیر از این امکان ندارد، آن جا، چاره یی نیست؛ اما تا مادامی که می شود، خیلی با این طور کارها موافق نیستم.»، (همان، صص ۵۶ _۵۷)

مسلما بررسی ریشه ای مفاسد اقتصادی و علل عدم موفقیت کامل اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصّلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می توان از بررسی نظرات کارشناسان

مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که:

مفاسد و تخلّفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ممکن نیست.

مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت خواری، فعالیت های اقتصادی پنهان و معلول زمینه ها و شرایط متعددی است؛ از جمله:

۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه های گسترش فعالیت های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می کند. در نتیجه حاکمان را از مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه های جاری بی نیاز می سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می کند؛ رانت های گسترده ای فراهم می آورد؛ زمینه های رانت خواری را ترویج می کند؛ عدم پاسخ گویی را موجب می شود؛ نابرابری های عظیم در توزیع ثروت را پدید می آورد و وابستگی را تعمیق می بخشد.

۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت ها در ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی سازی در فرایند انتقال دارایی ها به مالکان خصوصی که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو نبودن صاحب منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی ها در دستگاه های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... از عوامل مهم در شکل گیری این پدیده ی مخرب اقتصادی می باشند.

۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرفگرایی؛ بی اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی اعتنایی برخی از مسؤولان و افراد

نسبت به ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است.

علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت های جناحی و عدم برخورد با هم طیفها، اعمال نفوذ برای ممانعت از نظارت یا کیفردهی، سوء مدیریت ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه ی ما وجود دارد، نمی توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت.

رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع رسانی دقیق درباره ی پیامدهای وجود این پدیده ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی طرفانه، رفع بعضی از دخالت های بی جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه ای در امر جامعه پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت های بی دلیل بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی سیاسی مطلوب و موافق با ارزش های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت شغلی که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه ی درون گرا و کوچک کردن محدوده ی دخالت های اقتصادی دولت را می دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلند مدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه های مقبول میسّر نخواهد شد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آسیب شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه حوزه، خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲.

۲. ریشه و سرآغاز مفاسد

اقتصادی در یک جامعه ی اسلامی، گفتگو با صاحب نظران و اساتید دانشگاه، پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۲۲

با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری واسراف در بیت المال چراهمچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم.

پرسش

با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری واسراف در بیت المال چراهمچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم.

پاسخ

به نظر می رسد علت اصلی چنین مشکلاتی را نمی توان بصورت جزئی بررسی کرد. این قبیل ناهنجاری ها در سیستم سازمانی کشور را باید بصورت ساختاری مورد بررسی قرار داد و تا ساختار اصلاح نیابد این مشکل همچنان گریبانگیر جامعه خواهد بود. برخی گمان می کنند صرفا با بیان کردن برخی روایات و احادیث شریفه می توانند جلوی این معضل اجتماعی را بگیرند، در صورتی که اگر به آن احادیث و روایات در بعد ساختاری و کلان عمل نشود نتیجه محصلی نخواهد داشت.

اما برای توضیح معضلات ساختاری از قبیل رشوه باید به شیوهء تبادل در ساختار و قدرت و ثروت کشور عطف توجه نمود. در کشور ما نباید با تحمیل کار بر طبقات پائین دست، ارزش کار ایشان را به سود طبقات ثروتمندان وابسته به قدرت بهره برداری کرد. (کارش را شخص دیگری کرده، سودش را کس دیگری ببرد). طبقات پائین دست و متوسط هم که اکثر بدنه نظام را تشکیل می دهند با دیدن این روند خود به فکر اندوختن بیشتر افتاده و اخلاق زراندوزی در ایشان تقویت می شود. بهمین دلیل دچار ناهنجاری هایی از قبیل رشوه و ... می شوند.

همانطور که مقام معظم رهبری _حفظه الله_ نیز بارها بر مسؤولین همین امر را خطاب فرموده اند که مسؤولین نباید سطح و شیوهء عمل زندگی فردی و اجتماعی خود را فراتر از حد متوسط جامعه ببینند و به فکر رفاه عمومی طبقه متوسط و پائین نباشند. زیرا این امر ۲

مفسده ایجاد خواهد کرد: اولا) مردم پائین دست وقتی از طریق قانونی نتوانستند کسب سود و رفاه کنند از طریق نامشروع به آن دست می یازند. ثانیا) روحیه رفاه طلبی بیش از حد بخاطر نگاه به بالادستی ها در بینشان افزایش خواهد یافت.

ان شاء الله روزی با عمل به اوامر مقام معظم رهبری ـحفظه اللهـ که برگرفته از شیوهء حکومت علوی(علیه السلام) است، در تصحیح اساسی و ساختاری این قبیل معضلات برآیند.

برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتهای اینترنتی سکسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی – عدم امکان ازدواج برای بیشتر جوانان – فساد اجتماعی و اعتیادو... واقعا نقش مسئولین در این رابطه چیست؟ شاید اینها همه برنامه ریزی تعیین شده است

پرسش

برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتهای اینترنتی سکسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی – عدم امکان ازدواج برای بیشتر جوانان – فساد اجتماعی و اعتیادو... واقعا نقش مسئولین در این رابطه چیست؟ شاید اینها همه برنامه ریزی تعیین شده است که الان در حال اجراست؟

پاسخ

متأسفانه تا مدتی قبل، در زمینه فیلترگذاری و کنترل سایت های ضداخلاقی و حاوی موضوعات مستهجن و ضد ارزشهای دینی، اهمال و کوتاهی هایی از سوی مسئولینی مربوطه وجود داشت و این خود جای تعجب و تأسف برای بسیاری از دلسوزان نظام و جامعه بود، اما خوشبختانه از مدتی قبل، با اجرای برنامه فیلترگذاری از سوی مخابرات، تا حدود زیادی از دسترسی سریع و راحت به این سایتها جلوگیری می شود، هر چند مسئولینی مربوطه باید مکانیزمهای دقیق تر و مطمئن تری را در این زمینه بکار بگیرند. اما با این همه باید به این موضوع مهم توجه شود که حفظ سلامت فکری، روحی و روانی جوانان علاوه بر کنترل های فیزیکی، نیازمند گامهای اساسی تری از سوی فحشا و مراکز فرهنگی کشور است تا جوانان را در مقابل تهدیدهای گوناگون تهاجم فرهنگی که در برخی موارد امکان کنترل فیزیکی هم به لختی وجود دارد، واکسینه نمایند.

اما در مورد قسمت دوم سوال باید گفت عمدتاً مسئولین عالی رتبه نظام از وجود مشکلات و معضلاتی که جامعه ما خصوصاً نسل جوان با آن دست به گریبانند، نگران بوده و در پی حل این قبیل مشکلات بوده و می باشند و انصافاً تلاش های آنان دستاوردهای بسیار مثبتی برای جامعه به دنبال داشته است.

نگاهی واقع بینانه به سیاستهای کل نظام از

ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، چشم انداز ۲۰ ساله، جهت گیری برنامه های دولت و عملکردهای آن، همه مبین اهتمام شدید نظام اسلامی به امور اساسی جامع و جوانان می باشد. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد همراه با برنامه های صحیح و منطبق با نیازها و شرایط عینی جامعه، می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازهای اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، اما در این فرایند متغیرهای اساسی دیگری نیز وجود دارد که به هیچ وجه نمی توان از آنان غفلت نموده، به عبارت دیگر نظام اسلامی در صورتی می تواند در اجرای کامل تعالیم و ارزشهای اسلامی در سطوح مختلف جامعه و حل نیازهای اساسی آن و زدودن معضلات، موفق باشد که سایر شرایط و زمینه های لازم از قبیل منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیران صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و... مهیاد بوده وبه علاوه موانع و مشکلات ناشی از تعهدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی و.. وجود نداشته باشد. و حال آنتک انقلاب اسلامی علی رغم بسیاری امتیازات و توانایی ها با مشکلات و مانعی روبرو بوده که کارکردهای نظام را در زمینه تأمین نیازهای اساسی جامع و حل معضلات آن با کندی مواجه کرده است؛ مسلماً طبیعی است که جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظمی که از نظر ساختار اقتصادی (تک محصول بودن آن، وضعیت وخیم صنعت و کشاورزی...) و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب، به ما منتقل شده و

چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ تحمیلی و خسارت عظیم آن (بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار معادل هزینه ۷۰ سال کشور) و محاصره های بین المللی (که تاوان اسلام گرایی و استقلال خواهی ملت ما می باشد) تورم بین المللی و پایین بودن درآمدهای نفیتی و کاهش قدرت خرید دلار و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جمعیت و مشکلات ناشی از آن و معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری و رقابت های غیر قانونمند جناحها (که هزینه های زیادی بر منافع، امنیت و کارآیی نظام برجای می گذارد)، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و مشکلات ناشی از آن و... دارای مشکل باشد.

در هر صورت ضمن در نظر گرفتن متغیرهای فوق باید جایگاه و نقش هر مسئول را بر اساس میزان کارآمدی آن در حل مشکلات مردم، تعهد و تخصص، مبارزه با تبعیض و بی عدالتی، دغدغه خدمت به مردم و داشتن کارنامه درخشان در این زمینه، دوری از سیاست زدگی و تعصب حزبی و جناح زدگی سنجید.

و آخرین نکته اینکه خوشبختانه تمامی بخشهخای اجرایی و قانون گذاری کشور چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، منتخب مردم بوده و با آراء مردم جریان امور کشور را در دست گرفته اند. از اینرو اگر مردم مشاهده می نمایند در بخشهایی ناکارآمدی وجود دارد باید در انتخاب های بعدی خود دقت بیشتری مبذول داشته تا انشاءالله مجموعه نظام اسلامی بتواند با سرعت بیشتر وبدون اتلاف انرژی و وقت، روند پیشرفت و توسعه کشور در ابعاد مختلف را ادامه داده و نیازهای اسلاسی جامعه و جوانان را برطرف و مظاهر بی عدالتی، تبعیض، فقر و....

را از جامعه اسلامی بزدایند.

چرا عقاید وهابیت در جامعه ما براحتی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت ان نمیکند؟

پرسش

چرا عقاید وهابیت در جامعه ما براحتی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت ان نمیکند؟

پاسخ

چند عامل را می توان در ارتباط با این موضوع نام برد:

۱. تشدید فعالیت های تبلیغاتی و فرهنگی وهابیت در داخل ایران و حوزه های مسلمان نشین خارجی (نظیر حوزه قفقاز، بالکان و سایر کشورهای مجاور ایران) که آمادگی برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران مشاهده می شود، وهابیت به عنوان جریانی انحرافی در جهان اسلام و وابسته به استعمارگران، وظیفه جلوگیری از تداوم و گسترش جریان اسلام گرایی اصیل ــ که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در سطح جهانی در حال پیشرفت استــ را بر عهده داشته و از اینرو تخریب و ایجاد تزلزل در مبانی فکری و اعتقادی شیعیان به عنوان محور اصلی این جریان را دنبال می نماید. از این رو در سالهای اخیر در جهت همسویی با تهاجم فرهنگی و نظامی آمریکا علیه کشورهای اسلامی و به خصوص ایران، فعالیت های تبلیغی خود را در ایران توسعه بخشیده است. البته در مقابل این تهاجم حوزه های علمیه و نظام اسلامی، اقدامات و تدابیر امنیتی و فرهنگی مناسبی ــهر چند ناکافیــ اعمال نموده اند.

۲. متأسفانه علی رغم اقدامات فوق، آنگونه که شایسته است به این مسأله توجه جدی خصوصا از سوی دستگاه های فرهنگی کشور داده نشده است و علاوه بر ناهماهنگی هایی که بین این مراکز با حوزه های علمیه مشاهده می شود به رواج اختلافات جناحی و حزبی و سیاسی شدن مسائل و غفلت از مسائل اساسی فضای مساعد، را برای سوء استفاده دشمنان فراهم ساخته است.

۳.

وجود مشـکلات و معضـلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خصوصا در مناطق اهل تسـنن باعث بهره برداری وهابیت و ترویج عقاید موهوم خود با استفاده از امکانات مالی فراوان شده است.

مسـلما هرگونه برخوردی در جهت مقابله با این جریان باید ضـمن توجه اساسـی به زمینه های فوق و کوشـش دولت در بهبود وضـعیت اقتصـادی و اجتمـاعی جـامعه، اولـویت را به راهکارهـای فکری و فرهنگی داده و بـا تقویت مبـانی فکری و اعتقـادی جوانان شیعه آنها را در برابر شبهات فکری و عقیدتی وهابیت، واکسینه نماید.

البته دستگاه های امنیتی و انتظامی نیز می توانند با زیرنظر داشتن کلیه تحرکات وهابیت و جلوگیری از اقدامات مرموزانه آنان، به انجام هر چه بهتر وظایف خود همت بگمارند.

با ســلام و احترام بنده نه دانشجو هستم و نه بیسواد و از مسائل سیاسی هم زیاد سر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر که منجر به هزاران فحشا می شود چرا شــما ساکت نشسته اید و همینطور فقط به این همه بی عدالتی که خودتون بهتر از همه می دونید که د

پرسش

با سـلام و احترام بنـده نه دانشـجو هسـتم و نه بیسواد و از مسائل سیاسـی هم زیاد سـر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر که منجر به هزاران فحشـا می شود چرا شـما سـاکت نشسـته ایـد و همینطور فقط به این همه بی عـدالتی که خودتون بهتر از همه می دونیـد که در دسـتگاه دولتی شـما داره انجام می شه فقط سـکوت می کنید . درحالیکه شـما اسم این سال رو سال پاسـخگویی گذاشـته اید چرا خود شما به مردم پاسخ نمی دید که چرا وقتی می دونید چه کسانی در چه پستهایی دارنـد از بیت المـال مسـلمین می دزدنـد و آن را از مملکت خـارج می کننـد هیـچ عکس العملی نشـون نمی دیـد . حتمـا می خواهید بگویید که تنها هستید . نه اصلا این طور نیست شما فقط کافیست که اعلام کنید

که چه کسانی این کارها رو می کننـد . ببینید خود این مردم چه می کنند و اثری از آنها باقی نمی گذارند . پس خودتون باید به همه پاسخ بدید قبل از دیگران که چرا؟

پاسخ

ضمن عرض ادب و احترام به جایگـاه علمی و شخصـیتی شـما دوست گرامی، از آنجـا که یکی از محورهـای اساسـی سؤال ما مسأله پاسـخگویی است ابتدا به تبیین این مسأله از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و سـپس سایر محورهای سؤال را بررسـی می نماییم:

الف. پاسخگویی از دیدگاه مقام معظم رهبری:

«سـال پاسـخگویی هم که ما مطرح کردیم، بایـد به آن توجه شود؛ منتها یکی دو نکته ی ظریف در این جا وجود دارد که باید به آن توجه شود: اولاً وقتی شـما سؤال می کنیـد و پاسـخ می خواهیـد، بایـد سؤالی بکنید که پاسخ آن – از سوی هر کسـی – قابل تشـخیص و ارزیابی کمّی باشـد؛ والّا این که شـما بگویید «آیا می دانید که از قِبل بیکاری چه مشـکلاتی پیش می آید؟»، جوابش این است که بله، می دانیم. «چه کـار می کنیـد؟» همین کارهایی که می بینیـد داریم می کنیم. این طور طرح پرسـش، چیزی عاید نخواهد کرد. یا از قوه ی قضاییه بپرسـید «شـما برای رفع این ویرانه در پنج سال گذشته چه کار کردید؟» آنها چند صفحه به شـما آمار خواهند داد که این کارها را کرده ایم. پاسخگویی مقوله ی بسیار حساسی است. چیزی که شما باید به آن اهتمام داشـته باشید، خواست است. خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است. این خواستها باید وجود داشته باشد. در کنار این خواستها،

این طور هم نباشـد که همه ی کارهـایی را که مسؤولان کرده انـد، انسان زیر سؤال ببرد و مورد تردیـد قرار دهـد؛ نه، واقعاً در همین زمینه هایی که شما مطرح کردید، کارهای خوب و زیادی صورت گرفته؛ منتها اداره ی کشور در مقطع امروز کار بسیار مشکلی است. می دانیـد امروز مـا در یـک چـالش عظیم قرار داریم بـا مراکز قـدرتی که فکر آنهـا این است که اگر این نظـام کارآمـدی خود را به طور کامـل اثبـات کنـد، عرصه برای آنها تنگ خواهـد شـد؛ کمااین که همین الان هم آنها می بیننـد در مقابل نظام جمهوری اسـلامی کم کاری کرده اند که نظام ما توانسته به پیشرفتهایی که دوستان اشاره کردند، نایل آید. البته به شما عرض بکنم؛ پیشـرفتها در بخشـهای مختلف، بیش از اینهاست. گفتمان عـدالت، یک گفتمان اساسـی است و – همان طور هـم کـه چنـد روز پیش در جلسـه یی مطرح کردم – همـه چیز مـاست. منهـای آن، جمهـوری اسـلامی هیـچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشـته باشـیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به گونه یی که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سـر کار بیایـد، خودش را ناگزیر ببینـد که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عـدالت تلاش کنـد و مجبور شود پرچم عـدالت را بر دست بگیرد؛ این را شـما بایـد نگه داریـد و حفـظ کنیـد؛ این مهم است. اما در برخورد با آنچه شـده، باید خـانگی برخورد کنیـد؛ نه بیگـانه وار و معترض. بالاـخره کارهـای زیـادی انجام گرفته، احیاناً کوتاهی هایی هم شـده؛ اما باید مشکل را حل کرد. نباید

نتیجه ی قهری نحوه ی بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه بشدت معترض است؛ نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می کنید؛ اصلاً همه ی تلاشتان این است که نظام را پیش ببرید. هرچه می توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخشهایی که خلأ وجود دارد، هرچه می توانید، کمک کنید تا خلأ برطرف شود. هرچه می توانید، شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه ی فکری آن کار کنید - اینها لازم است - اما کاری نکنید که مخالفان شما این تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسلامی می تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می تواند؛ البته که توانسته! مدعی دستگاه های مختلف از لحاظ کارآمدی، خودِ بنده هستم. من دائماً نسبت به کارآمدی، از اینها سؤال و مطالبه می کنم؛ اما بنده اعتقادم این است که نظام اسلامی از همه ی دولتهایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی تر عمل کرده است. بدون تردید نظام جمهوری اسلامی در همه ی بخشها قوی عمل کرده است. عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته اند؛ پشتوانه ی مردمی هم به آنها کمک کرده است. در بخشهایی ما با قدرت وارد میدان شده ایم که فکرش را نمی توانستیم بکنیم. در همه ی بخشها این طور است. الان جای توضیح و بیان آمار نیست. البته اقتضای این دوره ی از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر،

انقلابی تر، مؤمنانه تر و همه ی امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم. البته کم کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد؛ بین اینها باید تفکیک قائل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد. یک نشانه ی کاراییِ نظام، وجود شماست. جوان دانشجوی مؤمن و معتقد به نظام می تواند حرف و انگیزه ی خودش را قوی در فضای جامعه مطرح کند. حرف شما فردا در تمام فضای جامعه منتشر می شود؛ این نکته ی خیلی مهمی است؛ این خودش کارآمدیِ این نظام است. کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام، مجموعه ی عملکرد مثبت و منفی یی است که دستگاه های نظام دارند؛ اما این برآیند مثبت است». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۰/ ۰۸/ ۱۳۸۳)

«رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و هیات وزیران، با اشاره به بخش هایی از نامه حضرت امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر و تأکید ایشان بر لزوم آبادانی جامعه و ایجاد رفاه برای مردم و بهره گیری از توانایی ها و نشاط آنان، خاطرنشان کردند: حضرت علی (ع) شرط آبادانی دنیا و جامعه را کنترل و مراقبت مسئولان و مدیران می داند، زیرا امور کشور و مردم به دست آنان است.

ایشان همچنین با اشاره به نام گذاری سال جاری به عنوان سال پاسخگویی و تأثیر پاسخگویی مسئولان در آگاهی مردم از نقاط قوت و ضعف و افزایش امید آنان به آینده، بر لزوم همکاری متقابل دستگاه ها و سازمان

های مسئول و رسانه ها به ویژه صدا و سیما برای تحقق جدی و عملی پاسخگویی مسئولان تأکید کردند». (روزنامه همشهری ۲۱ آبان ۱۳۸۳)

ب. ریشه یابی مشکلات جامعه و اقدامات نظام اسلامی در مقابل آن:

یکم. البته اصل وجود برخی مفاسد و معضلات نظیر تبعیض، بی عدالتی، مفاسد اداری، رانت خواری و ...، در گوشه هایی از جامعه و یا سازمان مدیریتی کشور، امری غیر قابل انکار است. ولی نباید این موضوع را به کل جامعه و نظام تسری داد. زیرا:

اولاً: علیرغم وجود برخی مفاسد، اکثریت جامعه اسلامی و نظام دینی ما از الودگی به این معضلات و مفاسد بری می باشد.

ثانیاً: نظام اسلامی بیشترین سعی خود را در اصلاح معضلات و مشکلات جامعه و برخورد با مفاسد گذاشته است. و اقدامات اساسی نظیر حل مشکل اشتغال مولد، مسکن و ...، جهت بسط عدالت اجتماعی و زدودن فقرو مفاسد اجتماعی از یکسو و برخورد با افراد سودجو و رانت خوار، در هر پست و موقعیت به عمل آورده و یا در دست اجرا دارد.

دوم. اینکه بگوییم عملکرد قوی یا ضعیف جامعه و یا وجود برخی ضعفها در سیستم اداری کشور به مدیر ارشد برمی گردد, استنتاج کلی و قاعده قابل اثباتی نیست هرچند در حیطه عملکردها و وظایف و با در نظر گرفتن امکانات و اختیارات آن مدیر ارشد چنین امری مصداق می تواند داشته باشد ولی به عنوان یک قاعده کلی نمی توان آن را اثبات کرد. چه اینکه هدایت نشدن قوم نوح را نمی توان به عملکرد حضرت نوح(ع) نسبت داد و یا عدالت گریزی و انحطاط فکری مسلمین صدر اسلام در زمان حضرت علی(ع) و یا

وجود برخی کارگزاران فاسد در دستگاه اداری ایشان را نمی توان به آن حضرت تسری داده و مسؤولیت آن را بر دوش ایشان گذاشت، اساساً خداوند رهبران الهی و دینی را موظف به تذکر و انذار به جوامع و اجرای احکام الهی می نماید و آنان نیز به تناسب توانمندی و وسع خویش نسبت به اجرای فرامین خداوند مسئولند, حال اینکه چه مقدار در تحقق عینی جامعه دینی و هدایت مردم توفیق حاصل کنند. بستگی زیادی به خواست عمومی و درک افراد و نخبگان جوامع از مقوله فوق و تمکین در برابر آن دارد.

درباره وجود فساد هم در سیستم اداری ما نیز چنین است؛ آنچه که از مدیران الهی شایسته و سزاوار است، سعی و اهتمام به انتخاب مدیران و کارگزاران صالح و در نظر گرفتن ساز و کارهای نظارتی برای جلوگیری از خطاهای آنان است؛ حال اگر مدیری صالح با اعمال این قبیل مسائل اهتمام به ایجاد تشکیلاتی سالم داشت و تمام سعی و تلاش خود را برای مقابله با آفت ها و مفاسد کرد، دیگر با وجود نمونه هایی از فساد نمی شود آن رهبر یا مدیر ارشد را به کوتاهی و قصور متهم نمود. و یا ادعا کرد که فساد از او نشات می گیرد!!!

اکنون با توجه به این موضوع درباره وجود برخی مفاسد در دستگاه های اداری کشور بهتر است به دو مقوله اساسی با عنایت به آنچه در بالا گفته شد توجه کرد. اولاً قانون اساسی اختیارات مشخصی را به عهده رهبری به عنوان یکی از مدیران گذاشته و اختیار عزل و نصب افراد و شخصیت های خاص را به رهبری داده که

ایشـان نیز بـا در نظر گرفتن توانمنـد ی هـا و امکانات در کنار نیازها و اولویت های کشور نسبت به انتصاب و یا عزل افراد در سمت های مدیریتی کشور اقدام می نماید و به طور اصولی ایشان در عزل و نصب سایر مدیریت های کشور در بدنه قوای سه گـانه دخـالتی نمی کنـد مگر اینکه حضور فرد یـا افرادی را بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب و کلیت نظام احساس کنـد که مقوله فوق امری مستثنی است.

ثانیاً تعبیر رهبری از مدیریت مفسد و یا بی اعتنا به حقوق مردم مطمئناً بر یک سری چارچوب ها و اصول عقلائی و قابل اثبات استوار است که در صورت اثبات فاسد بودن بخشهایی از مدیریت کشور در برابر آن موضعگیری خواهند کرد که چنین امری مسبوق به سابقه هم است و مسلماً ایشان نمی تواند بر اساس یافته های مطبوعاتی و حدس و گمان و داده های غیر قابل اثبات در رابطه با عملکرد مـدیریت های زیر نظرشان قضاوت کنند. چنانکه ایشان در پاسخ به سؤال در این زمینه می فرماید: «نسبت به مسؤولان اغماض نمی شود اما باید جرم و میزان آن را به طور دقیق شناخت ضمن آنکه اگر یقین کنیم فسادی در مسؤولین وجود دارد و مسائل مطرح شـده شایعه نیست، قطعا برخورد می کنیم». (دیـدار با دانشـجویان دانشگاه شـهید بهشتی، روزنامه کیهان،۲۳/۲/۸۲)

متأسفانه به رغم تأکیدات و اهتمام زیاد مقام رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی، و نیز برخی اقدامات عملی قوای سه گانه و سایر نهادها و دستگاههای حکومتی، برای مقابله با این پدیـده، هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشـده و کما کان اقشار محروم و مستضعف جامع از اثرات زیان بار مفاسد اقتصادی رنج می برند.

مقـام معظم رهـبری به سؤالی در مورد اقـدامات قوای سه گـانه در این خصوص، می فرماینـد: «من خصوص به شـما عرض می کنم: نه! واقعاً من از آنچه که اتفاق افتاده راضـی باشم؟ نه؛ یعنی کمتر از آن حدی است که بنده را خشـنود و راضـی کند؛ اما انصافاً تلاـش کردنـد. در همین جلسه یی که اخیراً بـا مسـئولان قوای سه گـانه داشتیم، به آنهـا گفتم دو سـال گـذشت. قوه ی قضـائیه و مجریه گزارش فعالیتهـایی را که کرده انـد، آوردنـد که حکم فعالیتها خوب است؛ در این تردیـدی نمی شود داشت. ستادی هم تشـکیل داده انـد که نسـبتاً فعال است، و لیکن نه، آن مقـداری که بنـده را راضـی کند، نیست.»، (دیدار یار، بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشهای دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۵)

بنابراین اقدامات مناسبی ـ علیرغم عدم کفایت آن ـ انجام و در حال پی گیری است . اما در مورد ناکافی بودن مشهود نبودن این اقـدامات و یـا طولاـنی شـدن رسـیدگی به پرونـده های متهمین و ... بایـد گفت که این موضوع به مسائلی از قبیل سیاسـت دولت در اجرای کامـل عـدالت و حقوق متهمین و حفـظ آبروی و حیثیت آنـان و ... بـاز می گردد؛ مقـام معظم رهبری در این زمینه چنین بیـان می دارنـد: «بـا آن کسانی که قاطع برخورد نمی کننـد چگونه برخورد کنیم؛ برخورد همین است که تـذکر و هشدار بدهیم و به آنها بگوییم؛ برخورد لازم در این جا این است؛ اما شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی گیرد. یک وقت انتظار هست که مرتب اعلامیه

داده شود و بگویند فلان کس را گرفتیم، پدر فلان کس را درآوردیم، فلان کس این فساد را کرده، این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ی ماست؛ ما گفتیم اصلاً نگویید. در آن مواردی هم که اعلام و جنجال شد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم گیری است که بر اساس یک محاسبه یی کردیم و این محاسبه هم محاسبه یی حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لا پوشی و پنهان نگه داشته شود؛ ابداً بنده نمی خواهم ملاحظه ی کسی را بکنم، منتها فکر نمی کنم که تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و رویش قضاوتی نیست، باید سرزبانها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستیم؛ چه مطبوعاتیها، چه رادیو تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض بکنم؛ یک نفر جرمی می کند. آدم خیلی بدی هم هست، بایست هم مجازات بشود؛ اما اگر اسم او را ما اعلام کردیم، این پسر یا دخترش در دانشگاه، خانه، محله؛ می دانید با این اعلان چند نفر مجازات می شوند؟ چه لزومی دارد؟ بگذارید او زندان برود و فی الجمله هم گفته شود که این کار انجام گرفته، دیگر چه لزومی دارد که ما بچه های دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی اش را هم ــ که هیچ گناهی ندارد ــ مجازات کنیم؟ مگر وقتی که اجبار باشد: یعنی زمانی که وضعیت به گونه ایی است که غیر از

این امکان ندارد، آن جا، چاره یی نیست؛ اما تا مادامی که می شود، خیلی با این طور کارها موافق نیستم.»، (همان، صص ۵۶ _۵۷)

مسلما بررسی ریشه ای مفاسد اقتصادی و علل عدم موفقیت کامل اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصّلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می توان از بررسی نظرات کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که:

مفاسد و تخلّفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ممکن نیست.

سوم. مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت خواری، فعالیت های اقتصادی پنهان و معلول زمینه ها و شرایط متعددی است؛ از جمله:

۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه های گسترش فعالیت های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می کند. در نتیجه حاکمان را از مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه های جاری بی نیاز می سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می کند؛ رانت های گسترده ای فراهم می آورد؛ زمینه های رانت خواری را ترویج می کند؛ عدم پاسخ گویی را موجب می شود؛ نابرابری های عظیم در توزیع ثروت را پدید می آورد و وابستگی را تعمیق می بخشد.

۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت ها در ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی سازی در فرایند انتقال دارایی ها به مالکان خصوصی که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو

نبودن صاحب منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی ها در دستگاه های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... از عوامل مهم در شکل گیری این پدیده ی مخرب اقتصادی می باشند.

۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرفگرایی؛ بی اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی اعتنایی برخی از مسؤولان و افراد نسبت به ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است.

علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت های جناحی و عدم برخورد با هم طیفها، اعمال نفوذ برای ممانعت از نظارت یا کیفردهی، سوء مدیریت ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه ی ما وجود دارد، نمی توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت.

رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع رسانی دقیق درباره ی پیامدهای وجود این پدیده ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی طرفانه، رفع بعضی از دخالت های بی جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه ای در امر جامعه پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت های بی دلیل بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی سیاسی مطلوب و موافق با ارزش های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و

امنیت شغلی که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه ی درون گرا و کوچک کردن محدوده ی دخالت های اقتصادی دولت را می دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلند مدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه های مقبول میسّر نخواهد شد.

خوب است در پایان این نکته را یادآوری کنیم که مجموعه نظراتی که در پاسخ این نامه آمد، نظرات محققین و کارشناسان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها است که در صددند در حوزه سؤالات سیاسی با توجه به اصول و مبنای نظام اسلامی و جهت گیری های مقام معظم رهبری، با دانشجو همفکری نموده و شبهات و مشکلات آنان را پاسخ گویند. اما اگر نظر شخص مقام معظم رهبری را می خواهید لازم است با دفتر ایشان به نشانی تهران، خ پاستور، دفتر مقام معظم رهبری، ص پ ۱۶۵۵/۱۳۱۸۵ مکاتبه نمایید.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آسیب شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه، خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲.

۲. ریشه و سرآغاز مفاسد اقتصادی در یک جامعه ی اسلامی، گفتگو با صاحب نظران و اساتید دانشگاه، پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۲۲

۱– چرا درمقطع پیش دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی دهند ویااصلاً تدریس نمی شود ؟با توجه به اینکه جوانان دراین مقطع بیشتر به قرآن وداستانهای اهلبیت نیاز دارند ؟

اشاره

۲– چرا درتجملات وتشریفات مسئولین کشوری اسراف می شود؟البته ناگفته نماند که

پرسش

۱– چرا درمقطع پیش دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی دهند ویااصلاً تدریس نمی شود ؟با توجه به اینکه جوانان دراین مقطع بیشتر به قرآن وداستانهای اهلبیت نیاز دارند ؟

۲– چرا درتجملات وتشریفات مسئولین کشوری اسراف می شود؟البته ناگفته نماند که بنده هم باتشریفات موافقم ولی تاحدی , نه اینقدر که درکشور ما هست ؟

۳– وظیفه یک مسلمان دربرابر ظالم چیست ؟

۴– آیا ساعت و انگشتر طلا برای مردحرام است ؟

۵- تا ظهور آقا امام زمان (عج) چقدر مانده است ؟

پاسخ

ج س ۱ : پس از تعطیلی موقت دانشگاهها ومطرح شدن انقلاب فرهنگی , واسلامی شدن دانشگاهها , اولیاء امور برنامهایی برای مطرح شدن مسائل دینی درقشر دانشجو تدوین نمودند . که متاسفانه هم ازنظر کمیت و مقدار متون وواحد درسی محدودیت دارد , وهم ازنظر کیفی وموضوعات انتخاب شده که بسیای از موضوعات ضروری ومهم از جمله آشنایی باقرآن و اهلبیت (ع) مورد کم توجهی قرار گرفته اند .

وبسیار بجا و ضروری است که مسئولین امر در زمینه تهیه متون درسی هم دردانشگاه و هم پیش دانشگاهی وسایر مقاطع تحصیلی با تجدید نظر و ارتقاء کمی و کیفی متون معارف اسلامی روح تازه ای به پیکره آن بدهند .

ج س ۲ : همانطور که جنابعالی هم فرمودید واحتمالاً منظور شما همین است که برای رفت وآمدهای دیپلماتیک وروابط خارجی باسایر کشورها , به منظور رعایت شئونات حکومتی و احترام به مهمان وعمل به عرف بین المللی داشتن و استفاده از برخی امکانات ووسائل لازم است .

اما مسلماً زیاده روی و تبذیر و اتلاف بیت المال به هیچ وجه قابل

تائید نیست .

ج س ۳ : ۱) شناخت ظلم و ظالم و مظلوم به نحو صحیح عمیق

۲) کمک و یاری رساندن به مظلوم و خصومت با ظالم . امیرا لمومنین حضرت علی (ع) دراین باره چنین می فرماید :

كُونا لِلظّالم خَصْماً ولِلْمظلومِ عوناً .(۳)

یعنی : دشمن ظالم ویاور ستمدیده باشید .

۳) درمجموع رعایت مراتب امر به معروف و نهی ازمنکر (ازقبیل احتمال تاثیر وپرهیز از مفسده و ...) مد نظر قرار دادن رهنمودهای ولی امر دراین زمینه لازم است .

ج س ۴ : زینت کردن به طلا مانند آویختن زنجیر طلا به سینه وانگشتر طلابه دست کردن وبستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام ونماز خواندن با آنها باطل است .ولی زینت کردن به طلا برای زن درنماز و غیر نماز اشکال ندارد.(۲)

ج س ۵ : ۱) وقت ظهور آن حضرت رافقط خدا می داند .واز تعیین وقت برای ظهور امام زمان (عج) درمتون ومنابع اسلامی به شدت نهی شده است .

امام باقر (ع) در پاسخ به وقت ظهور حضرت مهدی (عج) فرموده اند : کذب الوقاتون . یعنی کسانی که برای ظهور آنحضرت وقت معین می کنند دروغ می گویند .(۱)

۲) هر شیعه ای می تواند با تقویت اعتقادات وزیاد کردن اعمال صالح خود , سرباز خوب و شایسته ا ی برای آقا امام زمان(عج) باشد وبا تخلق به اخلاق حسنه والهی خودش را به آنحضرت نزدیک گرداند , هر چند شرایط ظهور امام زمان(عج) را درک نکند وموفق به دیدار ایشان نشود .

۳) مسلماً یکی از برترین اعمال صالح و بهترین علامت صداقت در اطاعت ومحبت به

امام زمان (عج) , محبت واطاعت نسبت به نایب ایشان مقام معظم رهبری حضرت ایت ا... العظمی خامنه ای می باشد .

قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیتی ندارد؟

پرسش

قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیتی ندارد؟

پاسخ

در مجموع به دلیل سیاستهای باز فرهنگی وافراط در میدان دادن به عناصر غیر ارزشی توسط مراکز دولتی و ایجاد محدودیت برای نهادهای مسئول در امر مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی، به تدریج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کمرنگ شد و متأسفانه این فریضه مهم اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، و ابتذال، بدحجابی و بی بندوباری ناشی از سیاستهای باز فرهنگی توسط مراکز فرهنگی و اجتماعی دولتی است. یک تفکر در بعضی از دولتمردان وجود دارد که امر به معروف و نهی ازمنکر را دخالت در زندگی دیگران می دانند. هر چند این تفکر درست نیست، ولی باعث ابتذال شده است. البته نباید فعالیت بعضی نهادهای ارزشی را در این امر نادیده گرفت. نیروهای امر به معروف و نهی از منکر بسیج در برنامه های منظم به این فریضه عمل کرده اند و می کنند. امیدواریم با همت مردم و پشتیبانی انسانهای مؤمنی چون شما فضای مناسب برای عمل به این فریضه مهم ایجاد شود.

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کســی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پرسش

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پاسخ(قسمت اول)

شما درقالب یک سوال خواسته اید علل گسترش تهاجم فرهنگی، علت عدم جلوگیری وعدم ورود قطعی مقام معظم رهبری را جویا شدیم پاسخ به سوال جنابعالی دامنه ای بسیار گسترده دارد ولی سعی می کنیم به هر سه جنبه آن بصورت اختصار بپردازیم.

ازآنجا که شما از ذهنی خلاق، پویا وجوان برخوردار هستید، تأمل، تدبیر وتعمق درآنچه ذکر می شود مبانی اندیشه شمارا سامان خواهد بخشید.

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپذیر است.تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیرشد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود . بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناك نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت.باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد . هر چند باید تلاش کردتا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار

می شوند که بدن مجروح، مستعد وآسیب پذیر داشته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه پذیر می شود؟چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیح می دهند؟ ویا بطور کلی باید ازدست دو سوال زیر را پاسخ داد :

۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود ؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد وجامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد :

۱-احساس حقارت و کهتری : نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی ویا به علت مسایل ودشواری های خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگرداان، ویا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها ویاداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است."۱"

۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر

مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم می شود"۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کند واین تنش باعث ایجاد بی قراری وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و..."۳". به عنوان مثال دخترجوانی که نتواند زیبایی خویش را درمدرسه ودر بین همسالان به نمایش بگذارد بااستفاده از مکانیزم دفاعی"جابجایی" در خیابان و وخارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را درمدرسه از معلم دریافت کند با بهره گیری ازرفتار جبرانی"خودمداری" به پوشیدن لباسهای مبتذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو...

۳-عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشته و محبوب بدارند . این نیاز درکودکان و نوجوانان گسترده تر وعمیق تر است و درجوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته ومورد احترام وتکریم دیگران قرارگیرد. او

می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدرومادر ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است . اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید حضور فعال آنان درصحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود رد وبدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار ومجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴-فشاردوستان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند ودریک ارتباط عاطفی وصمیمی به همانند سازی برسد." هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خودرا درارتباط باگروه همسالان قراردهد .... درمواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید ." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسلیم پذیری آنان دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند . ترس واضطراب ازانجام اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند .ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طردآنها درصورت تخلفی از آداب و رفتار

گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد . تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت وهماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی واخلاقی باشد.

۵- بی هدفی وبی ثمری : زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، وهرکس نیازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی تراست. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد . انسانهای بی هدف، انسانهای خودگم کرده هستند که ثبات شخصیت وسلامت روانی خود راازدست می دهند . جوانانی که درزندگی هدف مشخصی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند.

۶-احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشتن شغل ودرآمد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند . داشتن کاری مناسب وشغلی مفید و پردرآمد دراین دوره باعث بی نیازی وعزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود وبرعکس بیکاری بخصوص درسنین جوانی منشاء بسیاری ا زضعفها ومفاسد وآلودگیها می باشد وامنیت روانی فرد را به خطر می اندازد براساس تحقیقات، بسیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشی ا زبیکاری واحساس پوچی وبیهودگی درجوانان است ."۵"

۷-خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد.

معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد وسازمان اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد."۶"

بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان وتحصیل کرده وتشنه حقیقت وانسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود.

۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از استقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت رابه عهده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند . دولتهای ضعیف وناتوان مرعوب توانمندی واقتدار دولتهای سلطه گر شده وخواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ وراه آنان را الگوی خود قرارمی دهند . نهاد دولت برا ی ایفای نقش ووظایف خویش نیاز به قدرت واقتدار داردکه

این اقتدار نه از طریق استبداد وحکومت جابرانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم باید بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹-ضعف وناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هریک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی وبادقت درراستای اهداف نهایی جامعه انجام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شو دکه هر یک از نهادها یا

وظایف خودشان را انجام ندهند ویا همسو وهم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند.

اگر درجامعه انقلابی واسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها وباورهای اسلامی و انقلابی را درزندگی فردی وخانوادگی واجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری ودولت درپاسداری از آرمانهای مکتب اسلام وهویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

پاسخ(قسمت دوم)

۱۰-گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق

بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مرد م را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند واگرمردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف ومستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل وکاهل ولایق بدبختی ببینند واگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشته باشند واگر مردم عادی روشنفکران وتحصیل کرده های خود را ا زخودنداننند واگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است وتهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد.

همچنین اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند .

۱۱–عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی

دشـمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسـیده و سـست گردیـده وقـدرت مقابله باتهاجمات رانداشـته باشـد. یکی از مهم ترین عوامـل پوسـیدگی جوامع عـدم عـدالت اجتمـاعی درآن جوامع است . عـدالت اجتماعی عامل پیونـد اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب ورکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود : "العدل حیاه الاحکام" سبب زنـده شـدن و زنـده مانـدن احکـام خـدا درمیان مردم عـدالت است ."۷" تهـاجم فرهنگی وآسـیب رسـانی آن بـا جریان سرنوشت سـاز عـدالت اجتمـاعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوسـتگی مسـتقیم دارد . هر چه عملکرد های اقتصادی باعـدالت بیشتری عجین باشـد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسـته دربرابر تهاجمات پایداری می کنـد. به بیـان دیگر درجـامعه قرآنی، احکـام قرآن قابـل اجراست وجامعه قرآنی جامعه قائم به قسط وعامل به عـدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شـده برشالوده عـدالت، یعنی اگر عـدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود واین پدیده هردونفی کننده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند .

۱۲–فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسـعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است . اسـتقلال قـدرت اعمـال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سـیاست ویاحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشخیص منافع ومصالح خود

می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی وعلمی واستحکام وانسجام اجتماعی وظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر ودرمقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می تواند از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید . فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابستگی به وجود می آورد . درفرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده وپیامبر اکرم(ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند : "کاد الفقران یکون کفرا" "۸"

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء..."۹"(شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد)

درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث با منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد."۱۰" مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل

کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالا، تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند . "کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند ." "۱۱"

۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد .

درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است . ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه فساد اداری باند بازی تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرارازخانه خودکشی ونیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه راازپای درمی آورند وآن راآسیب پذیر می کنند .برادر ارجمند و بزرگوار اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را

بیان کردیم .حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها وباورها واعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی وعقاید عقلانی ومبتنی برفطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت" ا زارزشها وفرهنگ خودی دفاع کرد.درررویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل وعوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین ومهم ترین نیازهای نسل امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند :

- غایت ومقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من درحیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را درنظام هستی، توجیه وتبیین می کند؟

- آیا جوانان درنظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند .

۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها وبرتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست .نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی وملی خویش، آشنا باشد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه،

از اعتماد به نفس بالا-یی برخوردار باشد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر وبه ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسی واجتماعی جهان معاصر داشته اشت، جوانان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . وبا این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود .

۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن وجوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهرگراهستند به باطن ودرون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند وبه درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد وفلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. وبه گفته نیچه"کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر "چگونه ای"بسازد."۱۲"

گمان می کنم با این توضیحات ارایه شده پاسخ بخش سوم سوال خود را دریافت کرده باشید . مقام معظم رهبری درسال ۱۳۶۹ با همه توان ووجود وارد میدان مبارزه با تهاجم فرهنگی شدند ودرآنزمان آنراشبیخون فرهنگ نامیدند ولی انصاف قضیه این است که ایستادگی ومقاومت دربرابر تهاجم فرهنگ نیازمند عزم ملی است .

(۱) خدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شودبه : دکترشعاری نژاد، علی

اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت،۱۳۷۰)ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

۱– چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کســی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پرسش

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پاسخ(قسمت اول)

ازآنجا که شما از ذهنی خلاق، پویا وجوان برخوردار هستید، تأمل، تدبیر وتعمق درآنچه ذکر می شود مبانی اندیشه شمارا سامان خواهد بخشید.

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپذیر است.تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیرشد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم

فرهنگی می شود . بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت.باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد . هر چند باید تلاش کردتا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد وآسیب پذیر داشته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه

پذیر

می شود؟چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را ازدست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیح می دهند؟ ویا بطور کلی باید دو سوال زیر را پاسخ داد :

۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود ؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد وجامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد :

۱-احساس حقارت و کهتری : نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی ویا به علت مسایل ودشواری های خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگرداان، ویا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها ویاداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است."۱"

۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم

می شود"۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کند واین تنش باعث ایجاد بی قراری وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و..."۳". به عنوان مثال دخترجوانی که نتواند زیبایی خویش را درمدرسه ودر بین همسالان به نمایش بگذارد بااستفاده از مکانیزم دفاعی"جابجایی" در خیابان و وخارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را درمدرسه از معلم دریافت کند با بهره گیری ازرفتار جبرانی"خودمداری" به پوشیدن لباسهای مبتذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو...

۳-عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشته و محبوب بدارند . این نیاز درکودکان و نوجوانان گسترده تر وعمیق تر است و درجوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته ومورد احترام وتکریم دیگران قرارگیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدرو

مادر ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال

کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است . اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید حضور فعال آنان درصحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود رد وبدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار ومجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴–فشاردوستان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند ودریک ارتباط عاطفی وصمیمی به همانند سازی برسد." هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خودرا درارتباط باگروه همسالان قراردهد .... درمواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید ." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسلیم پذیری آنان دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند . ترس واضطراب ازانجام اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند .ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طردآنها درصورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد . تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت وهماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی

واخلاقی باشد.

۵- بی هـدفی وبی ثمری : زنـدگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، وهرکس نیازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی تراست. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد . انسانهای بی هـدف، انسانهـای خودگم کرده هستند کـه ثبات شخصیت وسلامت روانی خود راازدست می دهنـد . جوانانی که درزنـدگی هـدف مشخصـی ندارنـد ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند.

۶-احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صـرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشـتن شـغل ودرآمـد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند . داشتن کاری مناسب وشغلی مفید و پردرآمد دراین دوره بـاعث بی نیـازی وعزت نفس و اعتمـاد به نفس آنهـا می شود وبرعکس بیکـاری بخصوص درسـنین جوانی منشاء بسـیاری ا زضـعفها ومفاسـد وآلودگیهـا می باشـد وامنیت روانی فرد را به خطر می انـدازد براساس تحقیقات، بسـیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشی ا زبیکاری واحساس پوچی وبیهودگی درجوانان است ."۵"

۷-خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیـدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشـته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشـفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد وسازمان

اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد."۶"

بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان وتحصیل کرده وتشنه حقیقت وانسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود.

۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از استقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت رابه عهده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند . دولتهای ضعیف وناتوان مرعوب توانمندی واقتدار دولتهای سلطه گر شده وخواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ وراه آنان را الگوی خود قرارمی دهند . نهاد دولت برا ی ایفای نقش ووظایف خویش نیاز به قدرت واقتدار داردکه این اقتدار نه از طریق استبداد وحکومت جبارانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم باید بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹-ضعف وناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هریک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی وبادقت درراستای

اهداف نهایی جامعه انجام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان

آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شو دکه هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند ویا همسو وهم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند.

اگر درجامعه انقلابی واسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها وباورهای اسلامی و انقلابی را درزندگی فردی وخانوادگی واجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری ودولت درپاسداری از آرمانهای مکتب اسلام وهویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

پاسخ(قسمت دوم)

۱۰-گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مرد م را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند واگرمردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف

ومستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل وکاهل ولایق بدبختی ببینند واگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشته باشند واگر مردم عادی روشنفکران وتحصیل کرده های خود را ا زخودندانند واگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است وتهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد.

همچنین اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند .

۱۱-عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسیده و سست گردیده وقدرت مقابله باتهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی درآن جوامع است . عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی

نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب ورکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود : "العدل حیاه الاحکام" سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا درمیان مردم عدالت است ."۷" تهاجم فرهنگی وآسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد . هر چه

عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته دربرابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر درجامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست وجامعه قرآنی

جامعه قائم به قسط وعامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود واین پدیده هردونفی کننده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند .

۱۲–فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است . استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سیاست ویاحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشخیص منافع ومصالح خود می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی وعلمی واستحکام وانسجام اجتماعی وظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر ودرمقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می تواند از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید .

فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابستگی به وجود می آورد . درفرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده وپیامبر اکرم(ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند : "کاد الفقران یکون کفرا" "۸"

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء..."۹"(شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد)

درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث با منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد."۱۰" مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالاـ تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند . "کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت

ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند ." "۱۱"

۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های

مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد .

درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است . ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه فساد اداری باند بازی تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرارازخانه خودکشی ونیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه راازپای درمی آورند وآن راآسیب پذیر می کنند .برادر ارجمند و بزرگوار اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم .حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با

اندیشه ها وباورها واعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی وعقاید عقلانی ومبتنی برفطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت" ا زارزشها وفرهنگ خودی دفاع کرد.دررویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل وعوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین ومهم ترین نیازهای نسل امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند :

- غایت ومقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من درحیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را درنظام هستی، توجیه وتبیین می کند؟

- آیا جوانان درنظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند .

۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها وبرتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست .نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی وملی خویش، آشنا باشد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر وبه ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسی واجتماعی

جهان معاصر داشته اشت، جوانان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . وبا

این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود .

۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن وجوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهرگراهستند به باطن ودرون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند وبه درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد وفلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. وبه گفته نیچه"کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر "چگونه ای"بسازد."۱۲"

گمان می کنم با این توضیحات ارایه شده پاسخ بخش سوم سوال خود را دریافت کرده باشید . مقام معظم رهبری درسال ۱۳۶۹ با همه توان ووجود وارد میدان مبارزه با تهاجم فرهنگی شدند ودرآنزمان آنراشبیخون فرهنگ نامیدند ولی انصاف قضیه این است که ایستادگی ومقاومت دربرابر تهاجم فرهنگ نیازمند عزم ملی است .

(۱) خدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شودبه : دکترشعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت، ۱۳۷۰)ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه

جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟آیا کوتاهی مسؤلین وسکوت آنها علتی دارد؟

پرسش

چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟آیا کوتاهی مسؤلین وسکوت آنها علتی دارد؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه درحدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی ونیز تبلیغات غرب دارد . از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، وتقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما ازنظر حجاب وحفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است وتا حدود زیادی مراعات وجود دارد . ولی دراثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله تحصولات فرهنگی مانند فیلم ها ومجلات توعی تمایل به اینگونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد :

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن دردهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی وکنترل رفتار فیزیکی .

هر یک از دو طریق از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود ونهایتاً منجر به شکست وتاثیر وارونه خواهد شد.که البته در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت ومسؤلین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق وحساب شده فرهنگی و قانونی

درآینده موفقیت های بیشتری دراین زمینه حاصل گردد. نکته دیگر این که متاسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی درزیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قراردارند و لغزیدن به سمت شهوات و

بی بند وباری نیز کار آسانی است؛ چراکه حرکت درسراشیبی سقوط است، ولی بالا رفتن از قله وکمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر درحال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند واین نیز خود مزید بر علت شده است . ولی این که وضعیت از زمان طاغوت بدتر باشد واقعیت ندارد؛ چرا که ماهم آن زمان را دیده ایم وهم حال را. امید است غیرت و حمیت اسلامی، درافراد متدین فراموش نشود وآنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند وقانون نیز با راه کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد وهمگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم . برادر عزیز! زندگی درجامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقواپیشگان همواره در چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را د راین راه داده اند . پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار ومعنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، ازخون شهیدان پیام بگیرید وباتشکیل هسته های فرهنگی وگسترش آن درسطح جامعه به روشنگری بپردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید . در این صورت خداوند شما را یاری خواهد کرد وبه اهداف خود نایل خواهید شد."ان ینصروا...ینصرکم ویثبت اقدامکم" موفق باشید .

* برگرفته از سایت پرسش وپاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه www.nahad.net

با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمرنگ شده و با آنکه دراحادیث ودرکتاب آسمانی به آن خیلی تأکید شده، چرا ازآن توسط مقامات بالا حمایت نمی شودو چرا توسط مقام معظم رهبری این امر مهم حمایت خاصی نمی شود؟

پرسش

با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمرنگ شده و با آنکه دراحادیث ودرکتاب آسمانی به آن خیلی

تأکیـد شـده، چرا ازآن توسـط مقامـات بالا حمایت نمی شودو چرا توسط مقام معظم رهبری این امر مهم حمایت خاصـی نمی شود؟

پاسخ

این حق وعـدالت خواهی اگر چه درهنگـام بحث و گفتگو بـا هر انسان حق طلب و عـدالت جوئی مورد قبول او می باشـد ولی درهنگام عمل چنین مقبولیتی از همه دیده نمی شود زیرا انسانهای زیادی هسـتند که عدالت ودین حق را تا موقعی می خواهند که کامشان را تلخ نکند ازطرف دیگر مصالح و ارزشـهای اسـلام همگی به یک اندازه اهمیت و ارزش ندارند و بعضی ازآنها، بربعضـی دیگر حق اولویت دارند، وبالاخره، افراد با توجه به موقیعتهای خاصی که هر کدام در اجتماع دارند، از نظر تکالیف و وظایفشـان یکسـان نیسـتند وافراد ضـمن آنکه به عنوان مکلف وظـایفی در برابر جلوگیری از انحرافات دارنـد به خاطر موقعیت اجتماعی آنها نیز وظایف سـنگینی بر دوش آنهاست، فلذا دراجرا کردن امر به معروف ونهی ازمنکر شـرایط خاصـی مطرح می شود وهرکسی باید طبق موقعیت خاصی که دارد از ارزشهای اسلامی دفاع بنماید ودیگران را از انحرافات نهی بنماید.

بنـابراین آن چیزی که برای همه افراد، خصوصـاً رهبران و عالمـان دینی بالاـترین اهمیت را دارد، حفـظ اصـل واسـاس و کیان اسـلام است. ومقام معظم رهبری و بزرگان و مسؤلان هرگاه احساس کنند که خطری متوجه اصل اسلام و احکام نورانی اسلام می باشد، نه تنها سکوت نمی کنند بلکه اعلام خطر خواهند کرد.

بایـد توجه داشت که وظیفه مقـام معظم رهـبری این نیست که برای تـک تـک انحرافـات، سـخنرانی کرده ومردم را ازآن نهی نماید ویا به تک تک کارهای خیر امر نماید، بلکه ایشان عهده دار

پایه گذاری سیاستهای کلان حکومت هستند وبعد از توضیح و تشریح آن سیاستها مسؤلان را موظف می کند که آنها را انجام دهند وخود نیز بر آنها نظارت می نماید وهمه مسؤلان ملزم به اطاعت واجرای اوامر او هستند. با این وجود یک مشکل همیشگی رهبران دینی چگونگی برخورد با کسانی است که از نظر فکر دینی کاستیهائی دارند وعمل آنها مطابق اسلام نیست، اما به خاطر اینکه مهمترین مسأله برای رهبران دینی و مسؤلان آن حفظ اصل نظام است گاهی مواقع باید درمقابل بعضی انحرافات فقط به تذکر اکتفا نمایند و گاهی مواقع هم حفظ اساس نظام اقتضا می کند که سکوت کنند و موضع گیری صریح وتندی، نگیرند تا باعث تضعیف نظام نشود.

البته باید توجه داشت که این نوع سکوت وحمایت نکردن هرگز به معنای تساهل و تسامح نیست بلکه از خون دل خوردن و حفظ نظام و اسلام حکایت می کند، می توان شکل حاد موفقیت رهبران دینی درمقابل انحرافات و کجرویهای مردم خصوصاً مسؤلان را در این سخن امیرمؤمنان علی"ع" دید که فرمودند : "فصبرت وفی العین قذی وفی الحلق شجاً""۱"(...لذا شکیبایی ورزیدم ولی به کسی می ماندم که خاشاک چشمش را پر کرده واستخوان راه گلویش را گرفته)

در آخر به این مطلب اشاره می نمائیم که عوامل دیگری علاوه بر اطلاع رهبری از برخی نواقص و معایب و منکرات در بدنه اجرائی کشور اهتمام ایشان بر اصلاح آن وجود دارد که با نبود آنها، اصلاحات اسلامی وامربه معروف و نهی ازمنکر تأثیر عمده ای نخواهد داشت وباعث کمرنگ شدن این حکم الهی خواهد شد :

۱. حاکم شدن ارزشهای الهی خصوصاً

در سایر مراتب ورده بندی های بدنه اجرائی نظام ازمسؤلین گرفته تا رده های پائین (نظارت درونی)

۲. حل مشکلات اقتصادی و معیشتی کارکنان و...

۳. نظارت دقیق وقاطع نسبت به عملکردهای کارکنان و مأموران و....(نظارت بیرونی) و برخورد با متخلفین.

۴. همکاری مردم با مسؤلین وبه وجود آمدن یک نوع عزم ملی درمبارزه با مفاسد اداری از قبیل رشوه خواری ، پارتی بازی و....با ارشاد وامربه معروف ونهی ازمنکر وبرخورد با افراد متخلف

۵. وحدت وهمدلی میان جناحهای سیاسی ومسؤلان قوای سه گانه و سایر دستگاههای دولتی وبسیج کلیه امکانات برای برخورد با این گونه مسائل وحل ریشه های آن.

نکته قابل توجه این که در زمان امام خمینی"ره" نیز با توجه به فضای معنوی جامعه ناشی از حضور مردم درانقلاب وپیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و... تخلفات متعددی صورت می گرفت ولی به لحاظ وجود جنگ تحمیلی و توجه تام به آن، در جامعه این تخلفات خیلی منعکس نمی شد، به علاوه شرایط محیطی نیز بسیار متفاوت بود؛ زیرا : اولاً، هنوز ارزشهای اسلام هم برمردم وهم بر مسوولین حاکم بود. ثانیاً، اثرات بی رویه رشد جمعیت مانند نیاز به بازار کار، تحصیل، مسکن، ازدواج و ... خودش رانشان نداده بود. ثالثاً، بسیاری از مشکلات و عوارض ناشی از جنگ مانند بازسازی و... خودش را بعد از سال های جنگ نشان و هزینه های بالایی را به خود اختصاص داد. رابعاً، درشرایط عادی که فضای ناشی از انقلاب وجنگ فروکش کرده و مردم به فکر مسایل دنیوی و... افتاده وارزش ها براثر تهاجم فرهنگی و ... تغییر کرده اند وبسیاری ا زاختلافات سیاسی بروز نموده اند و...

جامعه را اداره ورهبری نمودن کاری بس مشکل است که بحمد ا... با رهبری قاطع ودرایت مقام معظم رهبری این امر به بهترین صورت علیرغم تمامی مشکلات درحال اجرا می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک : توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور

آناتومی جامعه، علی ذوعلم

انقلاب وارزش ها.) نهج البلاغه خطبه سوم(شقشقیه) ص۶۵

* با استفاده از کتاب پرسشها وپاسخ ها،ج۳،ص۸۶به بعد آیت ا...مصباح یزدی

* برگرفته از سایت مقام معظم رهبری ردانشگاه www.nahad.net

چرا کنترل کامل بر روی مواردی که باعث انحراف جوانان می شود وجود ندارد؟مثلاً در آدرس زیر فروشنده های دوره گر به راحتی در میان جمع کثیری ازمردم راه می روند و CD وعکس ها و پاسورهای غیرمجاز و خلاف شرع به جوانان می فروشند و درحالی که هیچ کس جلوی آنها را نمی گیر

پرسش

چرا کنترل کامل بر روی مواردی که باعث انحراف جوانان می شود وجود ندارد؟مثلاً در آدرس زیر فروشنده های دوره گر به راحتی در میان جمع کثیری ازمردم راه می روند و CD وعکس ها و پاسورهای غیرمجاز و خلاف شرع به جوانان می فروشند و درحالی که هیچ کس جلوی آنها را نمی گیرد.(مشهد،پنجراه،میدان عدالت،خیابان روبروی حرم مطهر امام رضا"ع")

پاسخ

همانگونه که در سؤال شماهم آمده است کنترل کامل صورت نمی گیرد یعنی کنترل هست اما به صورت صددرصد نیست. این امر دغدغه ای است که همه مسؤولان و دلسوزان انقلاب دارند اما برخورد با این موارد تنها راه علاج واقعه نیست بکله باید زمینه های آن را نیز مورد توجه قرار داد زمینه هایی مانند مشکلات اقتصادی ومسائل ناشی از آن نظیر فقر وبیکاری واز طرفی تهاجم فرهنگی دشمن برای از بین بردن فرهنگ مقاومت در بین جوانان از طریق اشاعه فساد وفحشا با سرمایه گذاری و ترویج وسائل وابزارهای آن نظیر CD و عکس و...واز طرفی امربه معروف ونهی ازمنکر و جلوگیری از فساد در نظام اسلامی و فرهنگ اسلام تنها وظیفه حکومت نیست بلکه وظیفه آحاد مردم است که هر کس در حد توان خود با مصادیق منکر مبارزه و آمر به معروف باشد به هر حال گزارش این امور به مراکز مربوطه قطعاً مورد توجه قرار می گیرد به ویژه اگرهمه مردم برای مقابله با این امور احساس مسؤولیت کرده و از مسؤولین مقابله با این ناهنجاریها مکرراً درخواست مقابله را داشته باشند قطعاً آثار بسیار خوبی را بدنبال خواهد داشت باید باور داشته باشیم که فقط انتقاد مشکل راحل نمی کند بایستی برای

حل هر مشکل راه کار آن را پیدا کرد وخود رانیز در رفع آن مشکل مسئول دانست.

چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع واختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟

پرسش

چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع واختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟

پاسخ

مسائل فرهنگی واجتماعی چیزی نیست که با تهدید وارعاب وبرخوردهای خشن بتوان آنرا ریشه کن ساخت بلکه برای توسعه فرهنگی واصلاح ساختار اجتماعی وکاهش نابهنجاریهای اجتماعی بایستی نگرش ها وباورها اصلاح ودگرگون شودوگرنه برخورد فیزیکی وارعاب نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری از موارد نتیجه عکس می دهد.

در میان روشهای تربیتی واصلاحی آخرین روش تنبیه ومجازات است وحال آنکه متأسفانه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله به کار برده ایم. اصلاح جامعه وروابط حاکم برآن از جمله روابط دختران و پسران نیازمند بستر سازی مناسب وکارهای تأثیر گذار فرهنگی است لابد می دانید تا زمانی که امری برای کسی قبح وزشتی پیدا نکند از آن اجتناب نخواهد ورزید واگر کسی یا کسانی مانع از انجام آن امر بشوند وقوع آن امر صورت مخفی وغیرعلنی پیدا خواهد کرد و درخفا گسترش خواهد یافت وبه مرور درصحنه اجتماع بروز ونمود خواهد یافت وچون از گستردگی برخوردار گردد عملاً ممانعت و مخالفت عملی با آن میسر نخواهد بود.

نکته دیگری که حائز اهمیت است اینکه متأسفانه همه ما عادت کرده ایم، همه چیز را از مسئولان بخواهیم.

سالهاست که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای بر فریضه بسیار مهم امر به معروف و نهی ازمنکر بصورت لسانی تأکید ورزیدند ولی متولیان بجای امر ونهی لسانی به امر ونهی عملی وبرخورد فیزیکی پرداختند وبجای اصلاح امور، به تشدید آن کمک کردند. ما نیز همانند شما از مسئولان انتظار داریم راهکارهای عملی وتأثیر گذاری

دراین امر حیاتی ارائه ودنبال کنند. همه ما باید از مسئولان در درجه اول واز یکدیگر در مرحله بعدی بخواهیم برای اصلاح این امر تلاش کنیم .

وآخرین نکته ای که یادآور می شویم این است که برادر عزیز درشرایطی که دشمنان با همه وجود و توان بطور همه جانبه علیه نظام مقدس اسلامی، اقدام به تجاوز نموده اند گسترش بخشی از ناهنجاریهای اجتماعی و مفاسد وروابط غیر مشروع از این تجاوزات ریشه می گیرد. لذا با توجه به آنچه ذکر شد همه ما باید کمر همت را بربندیم وهرآنچه در توان داریم برای اصلاح امور بکار گیریم واگر هر کدام از ما که احساس دلسوزی نسبت به نظام می کنیم تنها یک نفر ازکسانی که احساس می کنیم در مسیر باطل وگناه قرار گرفته اصلاح کنیم کاربزرگی صورت خواهد گرفت ونیز با انتقاد سازنده وارائه راه حل به مسئولان نیز می توانیم به اصلاح امور کمک نماییم." کلهم راع وکلهم مسوول عن رعیته" مسئولان عالیرتبه فرهنگی متولیان امور جامعه نیز با درایت وتدبیر وبا بهره مندی از اصول علمی وروانشناسی باید با جدیت در این راه تلاش کنند. و ما نیز بصورت دسته جمعی و همگانی از مسئولان امر باید تحقق این مهم را مطالبه نماییم.توصیه می کنیم کتاب حماسه حسینی شهید مطهری بخش عنصر امر به معروف ونهی ازمنکر در نهضت حسینی را مطالعه بفرمایید.

چرا دولت نمی تواند جلوی بد حجابی را بگیرد؟

پرسش

چرا دولت نمی تواند جلوی بد حجابی را بگیرد؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه درحدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی ونیز تبلیغات غرب دارد . البته وضعیت عمومی جامعه ما ازنظر حجاب وحفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است وتا حدود زیادی مراعات وجود دارد . ولی دراثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها ومجلات نوعی تمایل به اینگونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد :

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن دردهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی وکنترل رفتار فیزیکی .

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود ونهایتاً منجر به شکست وتاثیر وارونه خواهد شد.که البته در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت ومسؤلین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. و برخورد فیزیکی و ارعاب در اینگونه موارد نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری موارد نتیجه عکس می دهد و از لحاظ روانشناسی نیز روش تنبیه و مجازات آخرین حربه تربیتی می باشد حال

آنکه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله بکار بردیم و با آنکه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت ا...خامنه ای بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت لسانی تأکید ورزیدند اما متولیان امر به جای امر ونهی زبانی به امر ونهی عملی و برخورد فیزیکی پرداختند و به جای اصلاح

امور به تشدید آن کمک کردند.

بنابراین بهترین راه برای کاهش ناهنجاریهای اجتماعی و از آن جمله مسأله بدحجابی کار بنیادی فرهنگی و اصلاح و دگرگونی نگرشها و باورهاست. اصلاح ساختار اجتماعی و کاهش ناهنجاری بدحجابی نیازمند بستر سازی مناسب و کارهای تأثیر گذار فرهنگی است . لابد می دانید تا زمانیکه زشتی امری برای فردی آشکار نشود از آن اجتناب نخواهدکرد و اگر شخص یا اشخاصی مانع از انجام آن امر شوند وقوع آن امر صورت مخفی و غیر علنی پیدا کرده و در خفا گسترش می یابد و به مررو در صحنه اجتماع بروز و نمو خواهد یافت و چون از گستردگی برخوردار گردد ممانعت و مخالفت عملی با آن به آسانی میسر نخواهد بود.

امید است غیرت و حمیت اسلامی، درافراد متدین فراموش نشود وآنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند وقانون نیز با راه کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد وهمگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم . برادر عزیز! زندگی درجامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقواپیشگان همواره در چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را د راین راه داده اند . پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار ومعنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، ازخون شهیدان پیام بگیرید وباتشکیل هسته های فرهنگی وگسترش آن درسطح جامعه به روشنگری بپردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید . در این صورت خداوند شما

را یاری خواهد کرد وبه اهداف خود نایل خواهید شد."ان تنصروا...ینصرکم ویثبت اقدامکم"

برگرفته از سایت پرسش وپاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه www.nahad.net

چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بنـد و باری و فساد کاری انجام نمی دهد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه وکنار سـطح مشهد پراکنده هستند؟

پرسش

چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بنـد و باری و فساد کاری انجام نمی دهـد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه وکنار سطح مشهد پراکنده هستند؟

پاسخ(قسمت اول)

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپـذیر است.تنویر افکار و رشـد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی بـا دیگران قابـل حصول است. لیکن اگر جـامعه ای از درون تهی و آسـیب پذیرشـد، تبـادل فرهنگی تبـدیل به تهاجم فرهنگی می شـود . بنـابراین نفس هجوم فرهنگی دشـمنان وحشـتناک نیست، بلکه خطر درضـعف و نـاتوانی و آسـیب پـذیری درونی است که زمینه سـلطه پـذیری را فراهم می سازد. از دشـمنان نبایـد انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سـلطه گری است بویژه آنکه رشـد اسـلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهـد داشت.بایـد عوامل درونی سلطه پـذیری را شـناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسـیب پـذیری به حـداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بـدن انسـان نـام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب بـا بـدن وجود دارد . هر چنـد بایـد تلاش کردتـا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد وآسیب پذیر داشـته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه پذیر

می شود؟چرا افراد جـامعه تسـلیم هجوم فرهنگی دشـمن می شونـد؟ چرا جـامعه قـدرت صـیانت از فرهنـگ و هویت خودی را ازدست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟

چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیح می دهند؟ ویا بطور کلی باید دو سوال زیر را پاسخ داد :

۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود ؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد وجامعه که در واقع همان

عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد : ۱-احساس حقارت و کهتری : نوجوانان وجوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی ویا به علت مسایل ودشواری های

خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگردان، ویا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها ویاداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است."۱"

۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم می شود"۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کند واین تنش باعث ایجاد بی قراری

وعـدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی اسـتفاده می کنـد. مکانیزم هـای دفـاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شونـد عبارتنـد از: پرخاشـگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشـی، فرافکنی، سـرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجـایی، و..."۳". به عنوان مثـال دخترجوانی که نتوانـد زیبـایی خویش را درمـدرسه ودر بین همسالان به نمـایش بگـذارد بااسـتفاده از مکـانیزم دفاعی"جابجایی" در خیابان و وخارج از مـدرسه نیاز خود را ارضاء می کنـد. دانش آموزی که نتوانـد محبت لازم را درمـدرسه از معلم دریافت کنـد با بهره گیری ازرفتار جبرانی"خودمـداری" به پوشـیدن لباسـهای مبتـذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو...

۳-عـدم مقبـولیت و محبـوبیت : هرانسـانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشـته و محبـوب بدارنـد . این نیـاز درکودکـان و نوجوانـان گسترده تر وعمیق تر است و درجوانی شدیـدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایـل دارد هر چه سـریعتر وارد دنیـای بزرگسـالی گشـته ومورد احترام وتکریـم دیگران قرارگیرد. او می خواهـد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدر و

مادر ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصـمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است . اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشونـد بهداشـت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند.

پـذیرش فرهنـگ بیگـانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می توانـد نمودی از عـدم ارضـاء این نیـاز باشـد. تبعیت جوانان از افکار جدیـد حضور فعال آنان درصـحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود رد وبـدل کردن مخفیـانه وسایـل غیرمجـاز نظیر فیلم و نوار ومجلاـت و ... نشـانگر عـدم پاسـخگویی به نیـاز اسـتقلال طلـبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴-فشاردوسـتان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سـنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزینـد ودریک ارتباط عاطفی وصـمیمی به همانند سازی برسد." هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تـا خودرا درارتبـاط بـاگروه همسالان قراردهـد .... درمواردی، نوجوان، سـرخورده از گروه به بانـدها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید ." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسـلیم پذیری آنان دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمـال بزهکـارانه را درآنهـا تقویت می کننـد . ترس واضـطراب ازانجـام اعمـال بزهکارانه را درآنها تقویت می کننـد .ترس و اضـطراب از برخورد همسالاـن و طردآنهـا درصورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سـبب می شود تا فرد تسـلیم گروه باشـد . تشـکیل مهمانی ها، شب نشـینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشـهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت وهماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی واخلاقی باشد.

۵- بی هـدفی وبی ثمری : زنـدگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، وهرکس نیازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و

مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی تراست. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد . انسانهای بی هدف، انسانهای خودگم کرده هستند که ثبات شخصیت وسلامت روانی خود راازدست می دهند . جوانانی که درزندگی هدف مشخصی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند.

۶-احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشتن شغل ودرآمد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند . داشتن کاری مناسب وشغلی مفید و پردرآمد دراین دوره باعث بی نیازی وعزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود وبرعکس بیکاری بخصوص درسنین جوانی منشاء بسیاری ا زضعفها ومفاسد وآلودگیها می باشد وامنیت روانی فرد را به خطر می اندازد براساس تحقیقات، بسیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشی ا زبیکاری واحساس پوچی وبیهودگی درجوانان است ."۵"

۷-خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد وسازمان اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد."۶"

بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه

نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان وتحصیل کرده وتشنه حقیقت وانسانیت را

پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود.

۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از استقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت رابه عهده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند . دولتهای ضعیف وناتوان مرعوب توانمندی واقتدار دولتهای سلطه گر شده وخواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ وراه آنان را الگوی خود قرارمی دهند . نهاد دولت برا ی ایفای نقش ووظایف خویش نیاز به قدرت واقتدار داردکه این اقتدار نه از طریق استبداد وحکومت جبارانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم باید بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹-ضعف وناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هریک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی وبادقت درراستای اهداف نهایی جامعه انجام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان

آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز

می شو دکه هر یـک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهنـد ویا همسو وهم راسـتا با اهـداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند.

اگر درجامعه انقلابی واسـلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها وباورهای اسلامی و انقلابی را درزنـدگی فردی وخـانوادگی واجتمـاعی خویش پیـاده نماینـد درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری ودولت درپاسداری از آرمانهای مکتب اسـلام وهویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

پاسخ(قسمت دوم)

۱۰-گسسـتگی عواطف و پیونـدهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسـیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشـمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسـست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مسـتحکم درمقابل تهاجم آنان پایـداری می کنـد . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقـدس و جاودانه امت مسـلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشـنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مسـتحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کننـدگان، مرد م را نابـالغ، ناآگـاه، متخلف، نیازمنـد سـرپرستی و... انگارنـد واگرمردم حکومت کننـدگان خود رامسـتبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضـعیف ومستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل وکاهل ولایق بـدبختی ببیننـد واگر فقراء ثروتمنـدان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وسـتمگر بدانند، اگرتحصـیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشته باشند

واگر مردم عادی روشنفکران وتحصیل کرده های خود را ا زخودندانند واگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است وتهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد.

همچنین اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند .

۱۱–عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسیده و سست گردیده وقدرت مقابله باتهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی درآن جوامع است . عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب ورکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل

حضرت علی (ع) فرمود : "العدل حیاه الاحکام" سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا درمیان مردم عدالت است ."۷"
تهاجم فرهنگی وآسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد . هر چه عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته دربرابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر درجامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست وجامعه قرآنی جامعه قائم به قسط وعامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود واین پدیده هردونفی کننده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند .

۱۲–فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است . استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سیاست ویاحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشخیص منافع ومصالح خود می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی وعلمی واستحکام وانسجام اجتماعی وظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر ودرمقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می تواند از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید . فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابستگی به وجود می آورد . درفرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده وپیامبر اکرم(ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده

اند : "کاد الفقران یکون کفرا" "۸"

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء..."۹"(شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد)

درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث بـا منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده انـد . یکی از جالب ترین صحنه هـای تاریخ، بسط ملتهـا از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد."۱۰" مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالاـ تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند . "کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند ." "۱۱"

۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود،

مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد .

درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است . ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه فساد اداری باند بازی تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرارازخانه خودکشی ونیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه راازپای درمی آورند وآن راآسیب پذیر می کنند .

برادر ارجمند و بزرگوار، اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم .حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت و نیروی انتظامی به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها وباورها واعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی وعقاید عقلانی ومبتنی برفطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد

و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت" ا زارزشها وفرهنگ خودی دفاع کرد.درررویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل وعوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین ومهم ترین نیازهای نسل امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند :

- غایت ومقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من درحیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را درنظام هستی، توجیه وتبیین می کند؟

- آیا جوانان درنظام هستی، ا…کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند .

۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها وبرتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست .نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی وملی خویش، آشنا باشد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر وبه ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسی واجتماعی جهان معاصر دا…Ə……جوانان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . وبا این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود .

۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان

سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن وجوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهر گراهستند به باطن ودرون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند وبه درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد وفلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. وبه گفته نیچه"کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر "چگونه ای"بسازد."۱۲"

(۱) خدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شودبه : دکترشعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت،۱۳۷۰)ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روزبروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید پاسخگو و بازدارنده باشد؟

پرسش

چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روزبروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید

پاسخگو و بازدارنده باشد؟

پاسخ

در ارتباط با موسیقی، مطابق با استفتائاتی که از حضرت امام خمینی(و مقام معظم رهبری گردیده است، بطور کلی موسیقی به دو قسم تقسیم می شود :

۱.موسیقی هایی که مطرب و مناسب مجالس لهو و لعب است، که نواختن و گوش دادن به آنهاحرام می باشد.

۲.موسیقی هایی که ویژگی های قسم اول را ندارد. نواختن و گوش دادن به آنها اشکال ندارد.

بنابراین نمی توان گفت که موسیقی بطور کلی حرام است. بلکه مطابق با همان توضیحی که در بالا آمد، به دو دسته تقسیم می شود.

و اما علت توسعه آن در کشورهای اسلامی، اینست که استفاده از این وسیله و ابزار برای مصارف مختلف هنری، نمایشی، جنگی، سرگرمی، تفریحی و غیر آن، طرفداران و علاقه مندان زیادی در بین مردم دارد. و به عبارت دیگر طبق قانون عرضه و تقاضا، هر چه موسیقی خواهان بیشتری در جامعه بشری پیدا می کند، زمینه گسترش و ترویج آن هم بیشتر فراهم می گردد.

البته با توجه به نقش مخرّب و ویرانگر موسیقی های مطرب و حرام، لازم است که مسؤولین کشورهای اسلامی، بین استفاده صحیح و مخرّب از این وسیله فرق قایل شوند؛ و از ترویج موسیقی های مبتذل جلوگیری بعمل آورند. و مرجع پاسخگو در حقیقت دستگاههای دولتی و غیردولتی هستند، که صادرکننده مجوّز برای این موارد می باشند. و باید در این امر سختگیری و دقت بیشتری به خرج داده شود.

البته برخوردهای مناسب همه مؤمنین در جهت امر به معروف و

نهی از منکر، و همچنین برخوردهای قانونی نیروهای انتظامی و قضائی در این راستا نیز، مسلماً مؤثر می باشد.

چرا حکومت به جمع آوری عکس های مبتذل و غیرمجاز و سی دی ها و ...اقدام نمی کند؟

پرسش

چرا حکومت به جمع آوری عکس های مبتذل و غیرمجاز و سی دی ها و ...اقدام نمی کند؟

پاسخ

۱. در حال حاضر، پخش عکس و فیلم و سی دی های مبتذل آنقدر گسترش یافته، که باید به دنبال شناسایی و جمع آوری مراکز تهیه و تکثیر آنها همّت کنند. و دیگر کنترل مغازه های فروش سی دی، کار مشکلی شده است.

۲. راه اساسی مبارزه با گسترش فرهنگ ابتذال در جامعه، کار فرهنگی صحیح و اسلامی، با استفاده از روشهای جدید و امکانات پیشرفته است. یعنی با تهیه و توزیع سی دی و فیلم و نوار خوب و مشروع و سازنده، باید به جنگ و مبارزه با آنها رفت. و فقط جمع آوری و برخورد قضائی کفایت نمی کند. و متأسفانه در این زمینه خوب سرمایه گذاری نمی شود.

۳. با همه مطالب فوق، باز هم وجود افراد دلسوز و حزب اللهی و با مسؤولیّت، در بین نیروهای انتظامی و قضائی، مایه امیدواری است. و اگر مورد خاصّی سراغ دارید، می توانید به ۱۱۰ و مراکز ذیربط، اطّلاع دهید.

با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهده کدام نهاد و سازمان می باشد؟

پرسش

با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهده کدام نهاد و سازمان می باشد؟

پاسخ

احساس مسؤولیت جنابعالی در برابر وضعیت نامساعد حجاب و پوشش زنان و دختران در جامعه، قابل تحسین و تقدیر است. و اگر آحاد جوانان (دختران و پسران) به این مهم توجه کنند، و درباره آن اندیشه کنند، بدون شک وضعیت بهبود می یابد. ما نیز همانند شما از وضعیت موجود نگران و ناراضی هستیم، و با شما همنوا و همصدا می شویم، و شما و دیگر جوانان فهیم

کشور را به تأمل و تفکر، و مطالعه و تحقیق در این خصوص فرا می خوانیم.

قبل از آنکه درباره علت و علل این امر سخن بگوییم، لازم می دانیم توضیحاتی در خصوص حجاب و پوشش عرض کنیم.

دوست عزیز، پوشش و لباس و زینت های هر جامعه، اساسی ترین و مشخص ترین شکل یک جامعه است، که بلافاصله به چشم می آید؛ و به عنوان سمبل و نشانه آن جامعه شناخته می شود. با توجه به لباس و پوشش و آرایش و پیرایش افراد جامعه، می توان نوع جامعه را تشخیص داد. مثلاً- چادر نشانه جامعه اسلامی است، که به محض مشاهده می توان فهمید افراد این جامعه مسلمان هستند.

ولی اگر بخواهیم از عوامل دیگری مثل روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان، نوع جامعه را تشخیص دهیم، به سرعت نمی توان اسلامی بودن جامعه را تشخیص داد؛ چرا که در وهله اول نمود و بروز نمی یابد. به همین جهت قدرتهای استعماری نیز برای غلبه و سلطه پیدا کردن

بر جوامع مسلمان، تلاش می کنند از طریق تسلط بر زنان مسلمان، و برداشتن حجاب و پوشش اسلامی بر جامعه سلطه پیدا کنند.

استعمارگران فرانسه برای تسلط بر جامعه الجزایر، مسأله زنان را در ردیف اول اهمیت قرار دادند، و برکشف حجاب زن الجزایری حرص داشتند، و برای مقابله با چادر تلاشهای فراوانی انجام دادند. آنان تلاش کردند با تحقیر زنان مسلمان فقیر و گرسنه، و کمک به آنان، و بردن آنان به مجالس جشن و...، چادر را از او بگیرند؛ و سپس با چهره ای مکشوف و عریان او را به بازار و خیابان بکشانند، و به عنوان جلوه ای از اروپا عرضه کنند. یک ضرب المثل قدیمی اروپایی می گوید : "زنها را در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آن خواهد آمد." (۱)

برادرعزیز،عامل عمده و مهم در وضعیت بد و نابهنجار حجاب و پوشش زنان، در وهله اول مربوط به توطئه سنگین استعمار است. استعمار بخوبی دریافته است که تسلط بر جوامع، تنها از طریق زنان امکان پذیر است. و تسلط بر زنان نیز از طریق نابودی پوشش و کشف حجاب است؛ همانطور که رضاخان این امر را در برنامه خویش قرار داد. امروزه نیز کشف حجاب و کمرنگ شدن و بی اهمیت شدن آن، و از بین بردن قبح و زشتی بی حجابی، از اهداف و برنامه های استعماری است که به شدت برای آن برنامه ریزی کرده اند. استعمار می خواهد با حذف پوشش اسلامی، زنان مسلمان را از هویت دینی خودشان تهی سازد. زن بی حجاب زن بی هویت و مسخ شده است، و سلطه بر او براحتی امکان

پذیر خواهد بود؛ وسلطه بر زنان به منزله سلطه بر جامعه است. همچنانکه صلاح و اصلاح زنان نیز صلاح و سعادت جامعه را به دنبال دارد. استاد شهید مرتضی مطهری می گوید : "انقلاب ۱۵ خرداد به دلیل عدم همراهی زنان به ثمر نرسید؛ و قیام منتهی به ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید، چون زنان در آن حضور داشتند." (۲) زنان در اصلاح و فساد جامعه به مراتب بیش از مردان نقش دارند. از یک طرف خودشان در مسایل جامعه مشارکت و همراهی می کنند، و یا مخالفت می ورزند، و از سوی دیگر در به میدان آوردن مردان و برادران و فرزندان خود به صحنه، یا خارج کردن آنها از صحنه، نقش اساسی دارند. حفظ جامعه با اصلاح زنان محقق می شود، و صالح ماندن زنان با حفظ حجاب و پوشش. فساد جامعه نیز با فاسد شدن زنان عملی می شود، و فاسد شدن زنان با برداشتن حجاب و پوشش. لذا سرمایه گذاری برای مقابله با حجاب اسلامی و ترویج بی حجابی، از برنامه های کلان استعمار است. و عامل عمده در وضعیت نابسامان فعلی، تهاجم فرهنگی همه جانبه غرب است.

عامل دیگری که از نظر داخلی در وضعیت نامساعد حجاب و پوشش زنان در جامعه مؤثر است، روشهای نادرست برخورد مسؤولان و دست اندرکاران جامعه، با این معضل اجتماعی است. اصولاً برخوردها صحیح، درست و اصولی، حساب شده، عمیق و علمی، و مبتنی بر آمیزه های دینی و تعالیم حیات بخش وحی و فطرت نیست. روشهای مقابله تاکنون کمتر اثر داشته، و گاهی نیز آثار منفی و عکس داشته است؛ و تنها به

مقابله فیزیکی با افراد پرداخته شده است، و کمتر به صورت ریشه ای، علل و عوامل و آثار مخرّب و زیان بخش آن ترسیم و تصویر شده است.

مقابله با این وضع یک وظیفه همگانی است، و تنها با برخورد انتظامی، نظامی و قضایی، این معضل حل شدنی نیست. تا زمانی که معضل محدود باشد، می توان با روشهای زورمدارانه با آن مقابله کرد؛ ولی وقتی گسترش یافت، امکان مقابله فیزیکی سلب می شود؛ بنابراین سالم سازی فضای جامعه و احیاء پوشش مقدس اسلامی، نیازمند همتی جمعی و همگانی است؛ تا به مرور کشف حجاب قبیح و زشت تلقی شود.

منابع و مآخذ :

۱. جهت اطلاع بیشتر ر ک : بررسی جامعه شناسی یک انقلاب یا سال پنجم انقلاب الجزایر،نوشته فرانتس فانون،ترجمه تابنده،ص ۴۷-۳۳

رجوع کنید به : "پیرامون انقلاب اسلامی"، مطلب "نقش زنان ایران در دوره معاصر" ؛ و نیز "زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، حضرت آیت ا... خامنه ای"

در مناطق محروم روحانی باسواد وباتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسلامی دراین خصوص سرمایه گزاری نمی کند برخلاف بلاد کفر واینکه چرا دولت به روحانیون پول نمی دهد تا از مردم چیزی نطلبند؟

پرسش

در مناطق محروم روحانی باسواد وباتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسلامی دراین خصوص سرمایه گزاری نمی کند برخلاف بلاد کفر واینکه چرا دولت به روحانیون پول نمی دهد تا از مردم چیزی نطلبند؟

پاسخ

نهاد روحانیت (شیعه) وحوزه های علمیه از هیچ دولتی حتی دولت جمهوری اسلامی هزینه اش را تأمین نمی کند مراجع وعلمای حوزه از دولت درخواست هزینه نکرده وردیف بودجه ای درمجلس ندارند. البته محاسنی هم دارد ومعایبی

اما اینکه چرا آنها کمک نمی کند از مسؤلین دولتی ومحلی خودتان سؤال کنید ومکاتبه با آنها کنید (سازمان تبلیغات اسلامی ، دفتر تبلیغات ، دفتر امام جمعه) اما کمک کردن ما به هزینه های طلاب محترم اگر آنها هم درخواست نکنند وظیفه ما است که تأمین زندگی آنها را بکنیم چون راهی جز این نیست چه گذشته وچه الآن . همیشه هزینه های حوزه ها از توده های مؤمن وعلاقمند به دین تأمین می شده است .

نکته : ۱- مراجعه به علما و روحانیون محلی خود شما چه درشهر خودتان وچه در مراکز علمی مثل قم ومشهد حضور دارند

جهت اعزام روحانیون به شهرها و روستاها

۲–مراجعه خود شما به مسئولین دولتی محلی برای تأمین بعضی از امکانات مخصوصاً مسکن مناسب ، البته با همکاری مردم ممکن است از مشکلات کاسته شود (انشاءالله)

نکته دیگر اینکه هیچگاه روحانیون از مردم چیزی طلب نکرده ونخواهند کرد . این را بدانید مردم بخاطر امورات دینی خود محتاج به روحانیون هستند نه برعکس . چون یک انسان مؤمن از هنگام تولد تا لحظه مرگ پیوسته با روحانیون سروکار دارد واگر مردم به روحانیون کمک

کرده انـد از طریق وظیفه شـرعی خودشان بوده که همان پرداخت خمس بوده است انجام شده که یک پنجم مال تقسـیم بر دو می شود یک سـهم مربوط به سیدهای فقیر ویک سهم مربوط به امام زمان (ع) است که صرف حوزه های علمیه می شود ودر اختیار روحانیون قرار می گیرد.

۱ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟

پرسش

۱ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟

پاسخ

مـا دقیقـاً متوجه نشـدیم که چه رابطه ای است بین غرور خطیب و فساد اجتماعی وجود دارد. اما نکته ای عرض می کنم تلاش در راه برقراری صـلح و رفع فساد شخصـی و تبعیض اجتماعی و بیان مواعظ الهی از بزرگترین تکالیف الهی است و شما هم به عنوان یک انسان مسـلمان علاقمند به فضیلتها باید تلاش کنید و این وظیفه همگانی است در همه زمانها و از همه افراد و اقشار جامعه نسـبت به توان و اقتضای فردی، اصولاً جامعه مثل یک ماشین است که برای حرکت صحیح آن باید تمام اجزاء کوچک و بزرگ از مهره چرخ گرفته تا جعبه دنـده باید سالم باشد، وقتی یک جامعه صالح و پاکیزه می شود که همه افراد آن از من و شما که یک فرد عادی جامعه هستیم تا بالاترین سـطح مـدیران و کارگزاران صالـح باشـند آیا شـخص حضـرتعالی که انشاءالله شخصـی عـدالت خواه و مؤمنی هستیـد اگر همسایه شـما و یا یکی از رفقای شـما بـد باشد، که خود یک نوع فساد اجتماعی و فردی است اگر در رفع بـدی او کوتاهی کنیـد و حداقل تذکر ندهید مسئولیت ندارید؟ که حتما دارید. برادر عزیز به تصـریح قرآن از اول خلقت هابیـل و قابیـل که کوچکترین خـانواده جهـان بودنـد فسـاد هم شـکل گرفت و تا الآن هم که هنوز موجود است و در آینده هم خواهد بود اما رسالت من و شما و تمام بشر رها کردن خود در جامعه نیست وظیفه

همگـانی است که بـا تمـام قـدرت و توان در رفع مشـکلات آن کوشا باشـیم و حتی ممکن است به تماماً نتوانیم مگر در زمان انبیاء دیگر مثل عیسـی و ابراهیم(ع) فساد نبود، مگر زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم مشـکلات و فساد نبود، حتما تاریخ را مطالعه کنید. لکن وظیفه ما رها کردن نیست.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

ثانیاً: شما چشم بر خوبیها نبندید همیشه انصاف داشته باشیم و خوبیها و بدیها را کنار هم بگذاریم مگر شما در بین دوستانتان و در خانواده و در برادر و خواهر خودتان و در محل کار یا تحصـیل همه چیز را صـد درصد صالح و بی اشـکال می دانید و اگر اشکال دارد باید به طور کلی به آنها بد بین باشی و فقط خارها را ببینید.

ثالثاً: هرچیزی را به ضدخود آن چیز بشـناس آیا واقعا در حکومت وابسته شاه که اگر یک آمریکایی با ناموس ملت تجاوز می کرد و یا در خیابان تصادف می کرد حق محاکمه او را در ایران نداشتید آیا ذلت از این بالاتر و با حضور چندین هزار مستشار اجنبی آیـا نبایـد به روح امـام و شـهداء بخـاطر این عزتی که به ما دادنـد و اینکه لباس ذلت و بردگی آمریکا را از تن ما بیرون آوردند درود بفرستیم و هزاران نکته مثبت دیگر که مجال بیان نیست و گفتگو کنیم.

حتی جرأت تعمیر یـک هواپیمـا را نـداشتیم از کوچکترین وسایـل تـا بزرگترین آنهـا بـا آختیـار آنهـا وارد می شـد. وابسـتگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محض. به بیگانگان بودیم. مگر در طول سالهای حکومت طاغوت چقدر

فضائل مـادی و معنـوی وجود داشت در طول ۲۵ سـال انقلاب ۸ سـال جنـگ تمـام عیـار آیا قابل مقایسه است با صـدها سال حکومت بیگانگان و البته صد البته که هنوز مشکلات و فساد وجود دارد و فاصله با مدینه فاضله زیاد است که انشاءالله به یاری خداوند و تلاش و مجاهدت علمی و عملی انسانها دلسوز و میهن دوست و آزاده در تمام اقشار به پیش خواهیم رفت.

رابعاً برادر عزیز: مگر مسئولین و مـدیران جامعه را واعظان و خطیبان و یا روحانیون تعیین می کننـد، که البته در میان مـدیران کشور همه گونه افراد خوب و بد هستند کما اینکه دوران حکومت پیامبر و علی(ع) هم انسانها و افراد نالایق بودند که در نهج البلاغه آنها را توبیخ کرده است. اگر مایل باشـید حضوری خدمتتان برسیم به آدرس ذکر شده تشریف بیاورید تا از نزدیک با شما گفتگو نماییم .

چرا اساساً برنامه هایی در خصوص جلوگیری از فساد و عدم گسترش آن آنطور که باید تدوین نمی شود ؟ لطفاً توضیح دهید؟

پرسش

چرا اساساً برنـامه هـایی در خصوص جلوگیری از فسـاد و عـدم گسترش آن آنطور که بایـد تـدوین نمی شود ؟ لطفـاً توضـیح دهید؟

پاسخ

فسـاد که نقطه مقابل آن صـلاح است به هر گونه تخریب و ویرانگری گفته می شود تمام نابسامانیهائی که در کارها ایجاد می گردد و همه افراطها و تفریطها در کل مسائل فردی و اجتماعی مصـداق فساد است . در قرآن کریم آیات متعـددی در مقابله با فسـاد و مفسـده فی الا رض که مجازات سـنگینی چون اعـدام و قطع دست و پا و... برایش در نظر گرفته است . در سوره رعد آیه ۲۵ می خوانیم :

«ان یوصل و یفسدون فی الارض اولک لهم اللعنهً و لهم سؤا لّدار »

ترجمه : و آنانکه عهـد الهی را پس از محکم کردن می شـکنند و پیونـدهایی را که خـدا دسـتور بر قراری آن را داده قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند لعنت برای آنهاست و بدی و مجازات آنان برای آخرت است .

آیه می گویـد : پیمـان شـکنان و مفسـدان فی الاـرض تنهـا به زنـدگی دنیا خشـنودند در حالیکه زنـدگی دنیا در برابر آخرت متـاعی ناچیز بیش نیست . در آیات دیگر بحث فساد و افساد و گناهان دیگری که بزرگتر است و آن جنگ با خـدا و رسول و جانشـین او و ولّی امر مسـلمین که همان پیمان شـکنان هستند صحبت به میان آورده وعده عذاب در دنیا و آخرت داده است . واز مجمـوع آیـات کریمه قرآن در سـوره هـای مختلف به خوبی می توان اسـتفاده کرد که فسـاد فی الاـرض معنی گسترده و وسیعی دارد

مانند جنایت فرعون مروجین فحشا و منکرات دایر کننده مجالس لهو و لعب بد حجابی ، بی حجابی کمفروشی و صدها مصداق دیگر که می توان نام برد که یک مرتبه شما اشاره فرمودید و باید قبول کرد که فساد در زمین و إفساد یک واقعیتی است در زندگی اجتماعی انسانها که متأسفانه موضعی نیست و در یکجا متوقف نمی شود بلکه در سطح اجتماع و در روی زمین گسترش پیدا میکند و از یک گروه مانند میکروب مسری و خطرناک زود گسترش پیدا کرده و همه گیر می شود و جامعه را آلوده می سازد پس باید برای ریشه کن کردن مفاسد اجتماعی و اخلاقی به هر وسیله ممکن متوسل شد و جلوی فساد را گرفت و به توزیع شرایط امر به معروف ونهی از منکر را اجرا نمود . اول به زبان خوش امر به معروف ونهی از منکر که از واجبات ترک شده است ! و نصیحت و پند و اندرز و ارتقاء سطح فکری و فرهنگی و ... که آخرین درجه شدت عمل به جنگ متوسل شد . و از آیات قرآن این استفاده هم می شود که : یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبران پایان دادن به فساد در روی زمین بمعنی وسیعش بوده است آنجا که از قول شعیب پدر زن موسی (ع) می گوید : إن ارید الا صلاح ماستطعت

شعیب در برابر فساد آن قوم سر کش می گوید « تنها هدف من این است که تا آنجا که در قدرت دارم به مبارزه با فساد برخیزم و اصلاح کنم .

پس قرآن وظیفه همه را

روشن نموده است که باید در حّد توان از خود شروع کرد و سپس خانواده و اقوام و محله و جامعه را از هر گونه فساد جلوگیری نموده امر به معروف و نهی از منکر و شرائط آن که مذکور شدانجام دهیم تا در مقابل خون شهداء و ائمه اطهار شرمنده نگردیم .

بنابراین زمینه و پذیرش یک جامعه در روند اصلاحات فکری و اخلاقی و اجتماعی یک جامعه موثر است و اصلاح کار همگانی دولت و ملت فرد و اجتماع است البته برای بستر سازی آن نهاد فرهنگی و فرهیختگان باید بیشتر تلاش کنند . ضمن اینکه در مرحله اول برای رفع موانع فساد باید از خود شروع کنیم قوا انفسکم و اهلیکم نارا

از خودتان و کسانیکه تحت تکفل و در حیطه وسعت و اثر پذیری شماست شروع کنید هر کسی در هر جا باشد خود را اصلاح کند جامعه اصلاح می شود . امام خمینی

با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟

پرسش

با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟

پاسخ

این کار نیز مبارزه دولت و مردم را می طلبد. از نظر دولتی نیروی انتظامی، فعالیتهای چشمگیری را انجام داده است. وظیفه مردم نیز این است که به محض آگاهی یافتن از وجود چنین اشخاصی، مسؤولان مربوطه را در جریان بگذارند. بدیهی است اطلاع دادن به موقع در تقویت و تسریع برخورد با آنان بسیار مؤثر است.

الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟

پرسش

الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟

پاسخ

احساس پاک شما نسبت به هم نوعان موجب خوشحالی ما گردید؛ اما همان طور که اشاره کرده اید این یک مشکل اجتماعی است که متأسفانه دامن گیر جامعه ما شده و مبارزه طولانی و دراز مدت را می طلبد. البته دولت برای ریشه کنی آن تلاش

های خوبی داشته؛ لکن ابعاد این مشکل بسیار گسترده تر از آن است که این مقدار فعالیت ها بتواند جلوی آن را بگیرد. از این رو نیاز به یک عزم جدی و تلاش همه جانبه مردم دارد هر فردی در این زمینه بهاندازه توانایی خود مسؤول است. از این رو بهتر است مواردی را که شخصا سراغ دارید، پی گیری کرده و با مسؤولان مربوطه درمیان بگذارید تا قدمی برای رفع آن برداشته باشید.

چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملا هیچ حمایتی نمی شود؟

پرسش

چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملا هیچ حمایتی نمی شود؟

پاسخ

مسائله امر به معروف و نهی از منکر علی رغم تائکیدات فراوانی که در قرآن و احادیث و روایات در اهمیت آن وارد شده و نسبت به عواقب وخیم ناشی از ترک آنها هشدارهای متعددی داده شده , متائسفانه در جامعه ما مورد بی مهری می باشد و این فریضه الهی با این که به عنوان یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد, ولی هنوز راه کارهای قانونی برای عملی شدن آن در سطوح مختلف جامعه تبیین نشده است و این خود از مهم ترین دلایل عدم حمایت از آمرین به معروف می باشد. البته عوامل دیگری از جمله , تغییر ارزش ها و گرایش جامعه به سوی مادیات و تجملات , تهاجم فرهنگی در جهت کنارگذاشتن ارزش ها و احکام اسلامی , کم کاری دستگاه های فرهنگی در ترویج احکام و ارزش های اسلامی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و... عامل مهم دیگری که نقش عمده ای در این مسائله دارد, حاکم شدن جریانات جناحی و درگیر ساختن دستگاه های اجرایی نسبت به آنها و برچسب دولت ستیزی به طرفداران حفظ ارزش ها و در نتیجه حمایت نکردن و تضعیف آنها است به گونه ای که متائسفانه حمایت از امر به معروف و نهی از منکر و سایر ارزشها خود نوعی ناهنجاری تلقی می شود. در هر صورت با وجود تمامی این مشکلات , وظایف فردی و اجتماعی ما در قبال جامعه و مسائل آن ساقط نشده و ما

موظفیم برای حفظ نظام و دستاوردهای آن این فریضه الهی را در بدترین شرایط انجام دهیم و از اصول و ارزش های اسلامی عقب نشینی ننماییم .

J}

چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی،برخورد نمی شود؟

پرسش

چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی،برخورد نمی شود؟

پاسخ

مسأله ای را که شما مطرح نموده اید از دو جهت می توان مد نظر قرار داد. یکی از جهت اصلاح فردی که عمل حرام را مرتکب می شود و دیگری از جهت پاک نگه داشتن فضای جامعه. قوانین و مجازات اسلامی به هر دو جهت نظر دارد. البته اصلاح یک فرد تنها با مجازات امکان پذیر نیست و اقدامات مناسب تربیتی بیشتری را می طلبد. از طرف دیگر برخی گناهان در خفا صورت می گیرد و خداوند از آن جا که ستارالعیوب است و بنا بر پرده دری ندارد به فرد مهلت پشیمانی و توبه می دهد. اما اگر گناهی به حسب طبیعت آشکار بود و یا در انظار عمومی گناهی صورت گرفت و یا به دلایلی آشکار شد گناهانی این چنین یا تجاوز به حریم اشخاص است و یا تجاوز به حریم عمومی است به عنوان مثال قتل

تجاوز به حق حیات معقول است اما گناهانی نظیر بدحجابی و یا اعمالی که عفت عمومی را جریحه دار می سازد تجاوز به فرهنگ و هنجارهای اجتماعی و شکستن حریم عمومی است که رعایت حرمت آن بر آحاد جامعه لازم است. با یک نگاه اجمالی به قانون مجازات اسلامی مشخص می شود که این قبیل جرایم از دید قانون گذار مخفی نمانده. به عبارت دیگر ما در این رابطه خلاء قانونی نداریم.

برای آگاهی بیشتر ر.ك: حسین کریمی، جرم ها و مجازات ها، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸،

ص ۲۴، ۲۶، ۳۷، ۴۴ و ۵۵ به ترتیب عناوین بی حجابی، پوشیدن و آرایش خلاف شرع و خلافت عفت عمومی، تظاهر به عمل حرام، جریحه دار نمودن عفت عمومی، رابطه نامشروع). به علاوه نسبت به برخی

از محیط ها نظیر محیط های آموزشی ما بخش نامه و مقررات ویژه داریم. حتما شما دانشجوی عزیز تابلوی «رعایت حجاب اسلامی الزامی است» و تعابیری از این نوع را بر در و دیوار انتظامات

دانشگاه مشاهده کرده اید. از همین جا می توان پی برد که افراد و یا نهادی که متولی اجرای این قوانین و مقررات هستند در انجام وظایف خویش کوتاهی می کنند. به نظر می رسد ما به عنوان افراد مسؤول در برخورد با این منکرات (چه بسا مواردی که ما با آن روبرو می شویم اما در واقع از مصادیق منکر نیست) در صورت وجود زمینه مناسب برای امر به معروف و نهی از منکر باید روش مناسب برای انجام این

فریضه را به کار ببریم. اما برخورد اصولی این است که در دانشگاه مرجع مسؤول حفظ حریم عفت عمومی را شناسایی کنیم و از آن بخواهیم تا نسبت به وظایف خویش پاسخ گو باشد مثلاً کمیته انضباطی و حراست دانشگاه و نهادهای فرهنگی در این زمینه ها باید فعال باشند و وظیفه قانونی خود را انجام دهند. در صورتی که در دانشگاهی به این وظایف قانونی عمل نشود افراد می توانند و وظیفه دارند به نهادها و مسؤولین بالاتر شکایت کنند.

نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟

پرسش

نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟

پاسخ

به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئونات اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی باشد، اختلاط پسر و دختر در دانشگاهها مضرات و آفتهایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقاً هنجارهای شرعی رعایت گردد.

اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی و نظر سنجی های آماری و... می باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن ها می پردازیم:

الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می آید مبتنی بر پیش فرضهایی می باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسؤلان دانشگاه و...

مهم ترین آثار اختلاط عبارتند از:

۱- بوجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئونات اسلامی از قبیل حجاب کامل و...

۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و...

۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع.

ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک

پیش فرض می باشد و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می باشد عبارتند از:

۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه ها و بودجه ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و...

۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره.

۳- شناخت روحیات جنسی مخالف و کسب تجربه های علمی و عملی.

۴- پیدا نمودن شریک زندگی کفو و هم شأن.

ج) بررسی وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوصی می فرمایند: «آن چه برای دانشجوها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن ها و دل های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلائی با اعتقاد به علم و فعالیت های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتاً برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در

ایام البیض ماه رجب در مسجد دانشگاه تهران دانشجوها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است» رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل های دانشجویی و در درجه دوم پای بندی در عمل به ارزش ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموردی که می تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می باشد.

۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی توانند نسبت به محیط واطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصاً در جامعه عموماً داشته باشند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسؤلین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

چرا دولت اسلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟ بنده برای بهبودی این وضعیت پیشنهادهایی ارائه داده ام .

پرسش

چرا دولت اسلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟ بنده برای

بهبودی این وضعیت پیشنهادهایی ارائه داده ام .

پاسخ

دولت اسلامی برنامه هایی در مورد جوانان و ازدواج آنان دارد. کمک های مالی به صورت وامهای ازدواج دارد, امّا همهء این مسئله مربوط به دولت نمی شود. در جامعهء ما عرضه و تقاضا موجود است ; پس هم دخترفراوان است و هم پسر و هیچ مانعی برای ازدواج وجود ندارد, نه از طرف دوست و نه از طرف دیگران , بلکه پدران ومادران و جوانان هستند که باید اقدام کنند. ممکن است بگویید مشکلات مالی مانع سر راه ازدواج است . جواب این است که بیش تر این مشکلات و تجمّلات را خود مردم درست کرده اند, نه دولت و اسلام . آنچه در یک ازدواج سالم لازم است , انتخاب درست و دقیق یک جوان در مورد همسر آیندهء خود و خواستگاری و برگزاری یک مجلس جشن مختصر و عادی است .

پیشنهادها و طرح ها و برنامه های شما بسیار خوب و مورد تأیید ما است , امّا در جامعهء ما تنها دطرح دادن مشکل را حّل نمی کند, بلکه طرح های خوب باید پشتوانه اجرایی خوبی نیز داشته باشد. مشکل در اجرای آن هااست . باز از جنابعالی تشکر می کنیم و امیدواریم خداوند متعالبر توفیقات شما بیافزاید تا در سایهء تحصیل و تعلّم وبندگی به کمالات معنوی و بالاتری دست بیابید. باز از نظریات شما استفاده خواهیم کرد.

اصولاً وقتی جامعه به پستی می گراید, برکات و رحمات خداوند بر آن هاتنگ تر می شود. جامعه ءکنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و پیران ریاکار و عالمان بی عمل و ظاهرسازی در تمام رسانه های گروهی و عوامل دیگر به چشم می خورد, که باعث تأسف است . این گونه امور در

پرسش

اصولاً وقتی جامعه به پستی می گراید, برکات و رحمات خداوند بر آن هاتنگ تر می شود. جامعه ءکنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و پیران ریاکار و عالمان بی عمل و ظاهرسازی در تمام رسانه های گروهی و عوامل دیگر به

چشم می خورد, که باعث تأسف است . این گونه امور در جامعه چگونه قابل توجیه است ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که شما را فردی واقع گرا و دلسوز جامعه یافتیم , بسیار خوشحالیم . ایده ءهمهء ما و شما این است که هیچ فردی در جامعه فاسد یا فاسق یا ریاکار و یا ظاهر فریب نباشد. دوست داریم هرفردی از هر قشری متعهد و متدین و متعبّد و مخلص و پاک و با تقوا باشد, ولی چه می شود کرد!

آیا از ابتدای خلقت زمانی را یافته اید که افراد جامعه همان طور که می خواهید, باشند؟ همیشه خوب و بد بوده وخواهد بود و این اختصاص به زمان ما ندارد. تاریخ زمان هایی را سراغ دارد که ظلم و بیداد بیشتر از این زمان ها بود.در حملهء مغول ها حتّی به گربه ها رحم نکردند و جنگ و قتل و غارت و نا امنی همه جا فراگیر شد. در حملهء حاکمان عباسی وضعیت شیعیان آن چنان وخیم شد و ظلم و جور نسبت به شیعیان و سادات آن چنان بود که تاریخ نقل کرده است دختران سادات وقتی می خواستند نماز بخوانند, لباس به اندازهء کافی نداشتند. یکی نماز می خواند و بعد لباسش را بیرون می آورد و به دیگری می داد تا او هم نماز بخواند.

در حکومت ظالمان بر کشورها مخصوصاً بر کشورهای اسلامی حتی در زمان ما ظلم و جور فراوان است . درکشور عراق شیعیان قتل عام می شوند. در افغانستان شیعیان از خانه و کاشانهء خود رانده شده و خانه هاشان را خراب می

کنند. در کشورهای غیر اسلامی نیز مفاسد فراوان است . در هر صورت این که بعضی مسائل را مشاهد می کنید,اختصاص به زمان ما ندارد. بلکه همیشه بوده است . اسلام برای جلوگیری از مفاسد, تهذیب نفس و اخلاق اسلامی راپیشنهاد کرده است . اگر مردم از هر صنف و قشر و از هر نوع و قبیله ای و از هر جا و مکانی , برنامه های تهذیب نفس رااجرا و عملی سازند, مشکلات و مفاسد به حداقل می رسد, ولی هواهای نفسانی و مطامع دنیوی و شیطان دست به دست هم داده اند نمی گذارند تزکیه شود.

روحانی ای با سماجت از مردم گوسفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خانواده‌ء خود می برد, یا در منبر می گوید: عیالوارم . به من بیشتر کمک کنید و پولی که بابت تبلیغ به من می دهید, از مزد یک کارگر بیش تر نیست . وظیفه

پرسش

روحانی ای با سماجت از مردم گوسفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خانواده‌ء خود می برد, یا در منبر می گوید: عیالوارم . به من بیشتر کمک کنید و پولی که بابت تبلیغ به من می دهید, از مزد یک کارگر بیش تر نیست . وظیفه‌ء مردم در برابر این دسته روحانی ها چیست ؟

پاسخ

چگونه می توان باور کرد یک نفر روحانی واقعی و آبرومند و متدیّن و عاقل , مرتکب چنین عمل زشت و ناپسندی شود؟! می گویند: به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی , مؤسّس حوزه‌ء علمیه‌ء قم رساندندکه فلان طلبه دزدی کرده است , با او چه کنیم ؟ مرحوم حاج شیخ عکس العملی از خود نشان نداد و به کارش ادامه داد. گزارشگران خیال کردن آقا متوجه نشد, لذا حرف خود را تکرار کردند, اما در کمال ناباوری دیدند مرحوم حاج شیخ باز عکس العملی بروز نداد.

وقتی بار سوم تکرار کردند, حاج شیخ فرمود: چرا می گویید طلبه دزدی کرده ؟! چرا نمی گویید دزد طلبه شده است ؟! مگر طلبه‌ء حقیقی دزدی می کند؟!

مگر می شود طلبه ای گوسفند یا بزغاله را به عنوان خمس از مردم بگیرد و در همان محل بکشد و استفاده‌ء شخصی نماید؟!

ثانیاً: از امام جمعه‌ء محترم شهر خود یا یکی از روحانیون بزرگوار استمداد کرده و از آنان راه حل بخواهید وشخصاً دخالت نکنید.

ثالثاً: در صورت امکان , مشخصات کامل او را نوشته و به شورای عالی مدیریت حوزه‌ء علمیه‌ء قم , قسمت بازرسی ارسال نموده تا

اقدامات لازم را مبذول نمایند.

مســئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس ها اشــکال دارد، چرا تولید می شود و یا به کشور وارد می شود؟ آیا تولید و وارد کردن این لباس ها به کشور اسلامی دلیل بر جائز بودن پوشیدن آن ها

پرسش

مسئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس ها اشکال دارد، چرا تولید می شود و یا به کشور وارد می شود؟ آیا تولیـد و وارد کردن این لباس ها به کشور اسـلامی دلیل بر جائز بودن پوشیدن آن ها نیست؟

پاسخ

دولت اسـلامی نمی توانـد برای تک تک افراد مأمور بگذارد تا از وارد کردن و تولید این گونه لباس ها جلوگیری نماید. باید فرهنـگ جـامعه، اسـلامی بشود و مردم مـا و بعضـی از مسـئولان، از غرب زدگی و خودبـاختگی نسـبت به مظاهر غربی دسـت بردارنـد. این گونه مـدها بخشـی از توطئه آمریکا و غرب است که ناآگاهان با بی توجهی به هـدف دشـمن، برای از بین بردن ماهیت انقلاب اسلامی بدان دست می زنند.

آنـان نمی داننـد تمام ارزش ها در اسـلام و اسـتقلال کشور و تقوا و ایمان است. هجوم فرهنگ غربی به کشور ما نوعی جنگ علیه ملت مسلمان ایران است. خداوند مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کند.

آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد, وظیفهء خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟

پرسش

آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد, وظیفهء خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟

پاسخ

نهادهای دینی مربوط به امور مساجـد, برای جلب و جـذب جوانان به مسـجد تلاش نموده انـد سـنجش این که نهادهای مزبور وظیفهء خود را به خوبی انجـام داده انـد یـا نه , برای مـا میسور نیست . می توانیـد با امور مساجـدکشور مکاتبه کنی دو در این خصوص اطلاعات و آمار مورد نظر خود را کسب نمایید.

ظاهراً چنان که بایسته و شایسته است , نتوانسته اند وظیفهء خود را ادا نمایند. امری که در خصوص نهادهای دینی مربوط به امور مساجد باید مورد عنایت قرار گیرد, کافی نبودن کارهایی است که تا کنون انجام شده است . به جهت جوان بودن جمعیت کشور باید سرمایه گذاری کلان و برنامه ریزی فراگیرتری به عمل آید تا نیازهای معنوی وروحی این قشر جوان , با لطافت و مهربانی و با هدایت صحیح تأمین شود و مسجد تبدیل به پایگاه اساسی و یک سنگر مهم برای نسل جوان شود.

آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن ها را جمع آوری نمی کند؟

پرسش

آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن ها را جمع آوری نمی کند؟

پاسخ

حتماً توجه دارید که ماهواره وسیله خوبی است که می شود از آن بهترین استفاده را نمود. به عنوان مثال در کوتاه ترین زمان می شود از حوادث و تحوّلاتی که در دورترین نقطه جهان رخ می دهد، چه علمی و چه طبیعی و چه سیاسی - اجتماعی اطلاعات تصویری به دست آورد.

اما به خاطر سوء استفاده های غلط و نامشروعی که امروزه از آن می شود، مثل پخش فیلم های گمراه کننده و سکسی و ضد ارزشی و نیز پخش و تعلیم برنامه های تحریک آمیز و ضد امنیّت ملی، از نظر اسلام حرام و نامشروع است و کسی حق ندارد از آن استفاده علنی کند. این که چرا دولت آن ها را جمع آورد نمی کند، باید از خودشان پرسید. ما اطلاع نداریم، اما برای جمع آوری آن اقداماتی صورت گرفته است.

عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام , نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم . سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی مرموز برای کمرنگ کردن مسائل مذهبی و روح معنوی اقدام کرده اند. این عکس از یکی از مجلات مجاز داخل ایران است . مجلهء خانوادهء سبز (ش

پرسش

عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام , نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم . سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی مرموز برای کمرنگ کردن مسائل مذهبی و روح معنوی اقدام کرده اند. این عکس از یکی از مجلات مجاز داخل ایران است . مجلهء خانوادهء سبز (شماره ۵۳ سال سوم , آبان ۱۳۸۰ تهران). آیااز لحاظ شرعی چاپ این گونه تصاویر بر روی مجلّات حرام نمی باشد؟

پاسخ

برادر گرامی ! این گونه تصاویر یک نمونه از صدها نمونه از تهاجم فرهنگی است که مدت ها است عالمان متعهّد و مخصوصاً رهبر معظم انقلاب به آن هشدار داده اند, ولی کسی توجه نکرد و توطئه گران به کار خودادامه داده و می دهند. این توطئه ها برای از بین بردن غیرت دینی جامعهء اسلامی ایران , تهیه دیده شده تا بتوانند روح دینی و مذهبی که منشأ زنده بودن و پویایی مردم است و انقلاب اسلامی به برکت آن به وجود آمد, تضعیف کنند ودوباره اسلام را به گوشهء خانه ها و داخل مسجدها محصور کنند و افراد لاابالی بر مسند قدرت تکیه زنند و راه را برروی غرب و فرهنگ منحطّ غربی باز کنند. گردانندگان این صحنه ها نزد خدا عذابی الیم خواهند داشت . آنان که بابرنامه های خود, انقلاب اسلامی را که ثمرهء خون هزاران شهید راه خدا است , تضعیف می کنند و از درون آن را منحرف یا مضمحل می گردانند. در این راستا کمک های مادی امریکا و قدرت های غربی و پخش انواع ابتذال فرهنگی وطراحی انواع فتنه های

زیرکانهء داخلی و ایجاد تفرقه ملّت مسلمان و طرح جدایی دین از سیاست و ایجاد شک وشبهه در اذهان ناپخته و ناتوان و خوشحالی و تأیید موج سوارانی که از دیر باز در کنار انقلاب بوده اند, همه دست به دست هم داده و معجونی به وجود می آورد که نتایجش همین است که شما به آن توجه نموده اید. باید با ارشاد وهدایت مردم مخصوصاً جوانان و با صبر و متانت و با برنامه ریزی و با دعا و انابه به درگاه خدا از انقلاب اسلامی وارزش های دینی حراست نماییم .

آیا در این مملکت جایی یا کسی را می شناسید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلو ده هاکورتاژ را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فروشان و باند های مواد مخدر را نابودکرده و خانه های فساد را بسته و دلالان فروش ناموس را دستگیر کند؟! مستدعی است ننویسید در خصوص م

پرسش

آیا در این مملکت جایی یا کسی را می شناسید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلو ده هاکورتاژ را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فروشان و باند های مواد مخدر را نابودکرده و خانه های فساد را بسته و دلالان فروش ناموس را دستگیر کند؟! مستدعی است ننویسید در خصوص مواد مخدر، با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرید، چون همچون چیزی واقعیت ندارد.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از این که با ما مکاتبه کرده و پرسش های خود را مطرح ساختید سپاسگزاریم.

به نظر ما بی اعتمای یا عدم اعتقاد شما به دستگاه ها و نهادهای رسمی کشور مثل دادگستری، دادگاه انقلاب ، پلیس نیروی انتظامی درست نیست. در مراکز مذکور کم کاری و ضعف وجود دارد، اما نه در آن حدی که اصلاً نتواند مشکل را بر طرف کنند و مراکز فساد را متلاشی سازند. آیا حضرت عالی در زمینه این مسایل با دائره مبارزه با منکرات تماس گرفته اید؟ می توانید شماره های دادگاه انقلاب یا اطلاعات را بگیرید و مشکل را در میان بگذارید. غیر از موارد مذکور جایی برای پاسخ عملی و مبارزه نیست. برای شنیدن درد دل ها ما همواره آمادگی داریم. حداقل می توانیم بگوییم بدبینی شما بیش از حد است. حضرت عالی اگر نشانی آن مراکز را بازگو نمایید، در صورتی که مراکز ذیربط رسیدگی نکردند، واحد در خدمت شما است. ما نمیگوییم مفاسد نیست. هم اکنون نظام پزشکی در سراسر کشور آماده شنیدن تخلفات پزشکی است، چون می دانید کورتاژ جرم است. هر دکتری چنین کاری بکند، محکوم به دیه می شود. تا آن جا

که می دانیم بدون مجوّز کسی نمی تواند چنین عملی را انجام بدهد.

آیا تا کنون دولت به فکر کمک به مساجـد افتاده است یا از هیأت امنای مساجد دعوت به عمل آورده تا از آنان گزارش کار بخواهد یا رهنمودها و تبادل نظر صورت گیرد؟

پرسش

آیا تا کنون دولت به فکر کمك به مساجد افتاده است یا از هیأت امنای مساجد دعوت به عمل آورده تا از آنان گزارش کار بخواهد یا رهنمودها و تبادل نظر صورت گیرد؟

پاسخ

یکی از غریب ترین مراکزی که باید بیشتر بدان توجه شود، مساجد است. در ایران اسلامی چند مرکز برای مساجد تصمیم گیری هایی دارند: سازمان تبلیغات اسلامی و مرکز رسیدگی به امور مساجد از این جمله هستند، ولی این دو مرکز کارایی چندانی در رسیدگی به مساجد نداشته اند. مساجد مانند سابق توسط مردم اداره می شود. بزرگان و ریش سفیدان و فرهنگیان هر محلّی باید گروهی در محلّ تشکیل دهند و از مردم اعانات و کمك هایی جمع آوری کنند و مساجد را آباد کنند. "انّما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر". ساختن و آباد کردن مساجد باید توسط مؤمنان صورت گیرد. خدمت گزاری به مساجد از توفیقات الهی است که به هر کس داده نمی شود.

چرا مسئولان اجازه می دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلجان فکر شود؟

پرسش

چرا مسئولان اجازه می دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلجان فکر شود؟

پاسخ

اگر مرادتان مطالبی است که اخیرا در روزنامه ها و هفته نامه ها و ماه نامه ها یا در بعضی از کتاب ها است، این سؤالی است که باید از وزارت ارشاد پرسیده شود. آن ها هستند که مجوز انتشار می دهند. شایداین مطلب بخشی از توطئه های غیر مستقیمی باشد که دشمن با دست خودمان اجرا می کند. این افکار انحرافی برای تضعیف روحیه ایمانی مردم مخصوصا جوانان نشر و پخش می شود. وقتی که روحیه ایمانی و دینی مردم سست شد، دیگر مقاومتی در برابر آمریکا و غرب صورت نمی گیرد و آنان به راحتی می توانند بر گرده مردم سوار شوند و بدتر از آن چه که قبل از انقلاب بی ارن مملکت وارد شد، وارد می شود. ما این برنامه ها را جزئی از توطئه های دشمن می دانیم.

در حوزه مسائل دینی و اعتقادی راه بحث و مجادله باز است. اما این گونه مباحث باید با اندیشمندان و عامان دینی در محیطهای بسته صورت گیرد، سپس نتایج آن در معرض افکار عمومی گذارده شود. عجیب ایناست که کوشش می شود پفک و شکلات استاندارد باشد، اما در مورد این گونه مسائل بسیار مهم هیچ گونه کنترلی نیست و هر کس هر چه دلش خواست، می نویسد، در حالی که از نظر علمی و مبنای هیچ گونه صلاحیتی برای طرح این گونه مسائل ندارند.

چرا مسئولاتن محترم با مفاسد اجتماعی مبارزه جدی نمی کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی فرمایند؟

پرسش

چرا مسئولاتن محترم با مفاسد اجتماعی مبارزه جدی نمی کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی فرمایند؟

پاسخ

سیاست مسئولان محترم نظام خصوصا رهبری و مراجع معظم تقلید و علمای اعلام، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی است، چرا که امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین است.

اگر این فریضه انجام شود، فرائض و واجبات دیگر به وسیله آن پا بر جا و پایدار می گردند، و گر نه فریضه های دیگر فراموش می گردند.

در روایتی از امام باقر(ع) می خوانیم: "ان الامر با لمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضه عظیمه بهاتقام الفرائض، تأمن المذاهب و تحل المکاسب". (۱) این هشدارها را از زبان مسئولان بلند پایه نظام اسلامی و مرجاع معظم و علمایاعلام و ائمه محترم جمعه شنیده و یا مطالعه می کنیم.

اگر مسئولی و یا اشخاصی در راه های پایین تر و یا در مسندهای اجرایی کوتاهی می کنند، کار آن ها را نباید به حساب مسئولان کل نظام و یا علمای اعلام بگذاریم.

امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه همگانی است، یعنی اگر شرایز آن محقق شود، باید انجامش داد، آن هم باوضاع جامعه ما، که دشمنان می خواهند و با نقشه ها و ترفندهای زیرکانه خود و از راه ترویج فساد و بی بند و باری و تهاجم فرهنگی، به اهداف شوم خود برسند.

باید با مسئولان ومجریان این وظیفه شرعی و قانونی همکاری داشت، تا جامعه به سمت اصلاح پیش رود. همه باید کمک کنیم و دست به دست هم بدهیم تاهجمه فرهنگی و نقشه حساب شده دشمن خصوصا در ارتباط با جوانان و آن ها

را از مرزهای اعتقاد و ایمان و جوانان که سرمایه های اصلی کشورند عقب برانیم.

وظایف مسئولان سنگین تر است، امیدواریم متوجه وظیفه سنگین خود شده و جدی تر با این معظل اجتماعی برخورد کنند.

شما هم در شهر و دیارتان تذکر دهید تا ان شاء اللّه کار ساز شود. به امید ظهورمصلح کل حضرت بقیه اللّه(عج)، که در زمان ایشان عدالت سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت و فساد و ظلم رخت خواهد بست.

پی نوشت ها:

۱ – کافی، ج ۵، ص ۵۶، حدیث اول و میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۳، حدیث ۱۲۷۱۳.

آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فسادی را که از نحوه لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید.

پرسش

آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فسادی را که از نحوه لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید.

پاسخ

برای مقابله با منکرات، باید زمینه های فساد در جامعه ریشه کن شود و اصلاح لباس ظاهری چندان ریشه ای نمی باشد و لجاجت یک عده را تحریک خواهد کرد.

در کوتاه مدت تصویب قانون و اعمال مجازات قضایی، تا حدی می تواند از اشاعه فساد در جامعه جلوگیری نماید و این کار از دستگاه های قانون گذاری و اجرایی بر می آید اما این راه و روش در دراز مدت کارایی ندارد و چه بسا اثر معکوس دارد. ما به تجربه این موضوع را پس از انقلاب دیده ایم. راه درست و منطقی، مبارزه با علت ها و تولید فکر و ارائه خدمات فرهنگی و حفظ هویت ملی و اسلامی می باشد.

فرض کنیم قانونِ ناظر بر کتاب و فیلم و مطبوعات با قاطعیت اجرا شود و با مفاسد اجتماعی برخورد فیزیکی صورت گیرد. همه این ها در حکم مسکّن است که اثر مقطعی دارد. اگر درمان دائمی و اساسی فراهم نشود، مسکّن جز مخدّری برای فراموش کردن و به تأخیر انداختن مداوا و معالجه اساسی، در نتیجه عمیق تر و پنهان تر شدن عفونت نخواهد بود. البته به وجود آوردن جریان های وسیع فکری کار آسانی نیست و در یک ماه و یک سال پدید نمی آید. انسان بی فرهنگ انسان مجهول الهویه است. انسانی که هویت فرهنگی ندارد، یتیم است، و خواه ناخواه چنین فردی، شکاری برای همه و صیدی برای هر صیادی است. پس باید با کاری ریشه ای و حساب

شـده فرهنـگ سـازی کرد که در آن صورت حـالت الزان بـاطنی و فشـار درونی دارد. راه حـل هـای قـانونی و قضایی به جای خودش لازم و مفید است ولی هر جامعه ای برای حراست از هویت خود هیچ راهی جز ارتقا و اعتلای آگاهی و معرفت و علم نـدارد. بایـد جوانان را چنان بار آوریم که با هر بانگی از راه به در نروند و با هر موج و نوایی، اختیار عقل و اندیشه خود را از دست ندهند و این کار بسیار بزرگی است که باید با همکاری اولیا و مربیان از مهد کودک تا دانشگاه و با برنامه ریزی دقیق و مـدوّن و راهنمایی علما و روشـنفکران و جهت دهی رسانه های گروهی ماننـد صـدا و سـیما و جرائد انجام گیرد که امیدواریم چنین شود.

چرا علمای دین و مسئولان نظام اسلامی در مورد موسیقی و احکامی از این قبیل موضع گیری محکمی نمی کنند و به اصطلاح تکلیف را روشن نمی کنند تا عده ای از این موضوع سوء استفاده نکنند؟

پرسش

چرا علمـای دیـن و مسـئولان نظـام اسـلامی در مـورد موسـیقی و احکـامی از ایـن قبیـل موضـع گیری محکمی نمی کننـد و به اصطلاح تکلیف را روشن نمی کنند تا عده ای از این موضوع سوء استفاده نکنند؟

پاسخ

علمای دین در مورد موسـیقی و خوانندگی حکم شرعی را بیان کرده اند و گفته اند که اگر موسیقی مناسب مجالس عیاشی و لهو و لعب باشـد حرام و آوازه خوانی هم علاـوه بر ملاـک فوق چنانکه محتوای باطل و فسادانگیز داشـته باشـد حرام است. در این میان بعضـی از مصادیق موسیقی و آواز قطعاً از مصادیق حرام هسـتند و ملاک فوق برای حرمت آن ها وجود دارد که این قسم را کمتر در برنامه های صدا و سـیما می توان دید و برخی موارد حالتی دو گنانه و مشـتبه دارند که به واسـطه معلوم نبودن وضعیت آن ها و بعضاً به جهت اختلاف فتوای فقها و مراجع (مانند برخی از مسائل که اختلاف فتوائی در آن ها به طور طبیعی وجـود دارد.) نمی توان صـراحتاً حکم به حرمت آن هـا داد که حجم این قسم در برنـامه هـای صـدا و سـیما بیشـتر است که به خـاطر مشـکوک بودن موضوع و تعـدّد این موارد نمی توان به طور قطعی حکمی برای آن هـا صـادر کرد. اما به نظر می رسـد سؤال اصـلی شـما در مورد موسـیقی هـا و آوازهـایی است که در بازار وجود دارد که بسـیاری از آن ها به لحاظ حکم قطعاً از مصادیق حرام هسـتند و حکم آن ها را علما روشن کرده اند، ولی متأسفانه برخی از مسئولان اجرایی، به طور قاطع با این موارد برخورد نمی کنند. به عبارت دیگر در

این موارد گرچه حکم روشن است، اما به لحاظ اجرایی کوتاهی وجود

دارد. نظیر بسیاری از کتاب های گمراه کنند که به فتوای همه مراجع چاپ و انتشار آن ها حرام است، ولی می بینیم که دستگاه های اجرایی به طور کامل از انتشار و توزیع آن ها جلوگیری نمی کنند.

چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟

پرسش

چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟

پاسخ

غرق کردن یک ملت خصوصاً نسل جوان در دره هولناک اعتیاد به مواد مخدر، یک ساعت بیان شده توسط استعمار و استکبار است. انسان اگر جایگاه وجودی خود را بشناسد، هرگز با مواد مخدر ارتباط برقرار نمی کند، برای این که اعتیاد مستلزم خروج از انسانیت است بدین خاطر علمای اسلام و مراجع معظم تقلید، اعتیاد به مواد مخدر را تحریم نموده اند.[۱۳]

برای ریشه کن کردن یا به حداقل رساندن اعتیاد به مواد مخدر، تبلیغات و کارهای فرهنگی همه جانبه و گسترده از طرف نهادها و سازمان های فرهنگی و رسانه های گروهی لازم و ضروری است و این را همگان می دانند و تا حدود زیادی کار انجام گرفته است. مراجع معظم تقلید فتوا به تحریم، مصرف مواد مخدر داده اند و روحانیون در مواردی که احتمال تأثیر داده اند، حرمت و مفاسد مواد مخدر را توضیح می دهند. سازمان های دیگر با ابزاری که در دست دارند، مانند چاپ پوستر و نصب آن در مکان های عمومی یا بیان مضرات استعمال مواد مخدر از طریق رادیو و تلویزیون، کارهای تبلیغی انجام می دهند، لیکن به علت تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان اسلام علیه جامعه ایران که هر روز مشکل و جوّ تازه ای بر ضد ایران درست می کنند، فرصت کار تبلیغی بیشتر در مورد مواد مخدر باقی نمی ماند. یکی از عوامل عدم تبلیغ گسترده در مورد با این وجود باید پذیرفت که تا کنون، در حد و اندازه تهاجم دشمن، ظاهر نشده ایم. شاید یکی

از دلائل آن تعدّد مراکز تصمیم گیری در حوزه فرهنگی و عدم تمرکز در یک نهاد مسئول و عدم اختصاص بودجه لازم باشد که امیدواریم این معضل بر طرف گردد.

[۱۳] ویژه نامه مواد مخدر، ص ۱۹ و ۲۴.

چه عاملی باعث شده جلوی بی حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می شویم، گرفته نشود و این قدر نیروهای انتظامی در برابر آن بی خیال باشند؟

پرسش

چه عاملی باعث شده جلوی بی حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می شویم، گرفته نشود و این قدر نیروهای انتظامی در برابر آن بی خیال باشند؟

پاسخ

اصل اولیه در برخورد با هر مسئله ای آن است که با ابزارها و شیوه های متناسب برخورد شود، مثلاً مشکل اقتصادی تورم در یک جامعه را نمی توان با ساختن جنگ افزارها بر طرف کرد یا مشکل و شبهه اعتقادی را با اعلام کردن بر طرف کرد.

بنابراین یکی از مسائلی امروزه جامعه ما با آن روبرو شده، بی حجابی و گسترش فرهنگ منحط غربی است که این مسئله عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... دارد. مهم ترین عامل گسترش فرهنگ غربی، عامل اولی یعنی مسئله فرهنگی است. امروز جامعه ما با حجم وسیع تهاجم فرهنگی به خصوص از طرف جهان غرب روبرو است. بدیهی است که با این مسئله نمی توان صرفاً با نیروی انتظامی و با ابزار قدرت برخورد کرد. وقتی قشری از جامعه از لحاظ تفکر و عقیده، اعتقاد به بی بند و باری و آزادی ارتباط دارند، وقتی انواع و اقسام نوشتارها یا فیلم ها از راه های مختلف در دست جوانان قرار می گیرد که راهی برای جلوگیری آن ها وجود ندارد (مانند اینترنت) طبعاً برخورد از موضع قدرت و انتظامی نمی تواند کارساز باشد یا مثلاً مشکلات اقتصادی برای ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج را نمی توان با نیروی انتظامی برطرف کرد.

بنابراین با شناخت عوامل مختلف ایجاد بی حجابی و از بین بردن زمینه های هر یک و برطرف کردن مشکلات مربوط به

آن ها از لحاظ فرهنگی و سیاسی و ... می توان گام بعدی را برداشت که استفاده از نیروهای انتظامی است؛ زیرا اگر چه عوامل مخرب در یک جامعه ضعیف شده و یا از بین می رود، اما در هر حال عدّه معدودی هستند که نمی توان به هر صورت آن ها را مطیع قانون و فرهنگ دینی جامعه کرد. در این جا باید از ابزارهای قدرت استفاده کرد.

مسئله دیگر: نسل کنونی که در جامعه زندگی می کنند، غالباً جوان هستند و با آن نسل اولیه که انقلاب کرده و با مشکلات و ماهیت رژیم گذشته آشنا هستند و فساد فرهنگی گذشته را دیده اند، تفاوت دارند. بنابراین اگاهی بخشی در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است.

مسئله تعمیق بخشیدن اعتقادات و ایمان دینی و رفع موانع و شبهاتی که باعث تزلزل در ایمان و اعتقادات دینی می شود، نیز یکی از عوامل مهم در برخورد با فرهنگ منحط غربی است.

هماهنگ عمل نمودن نیرو و ابزار قدرت یعنی نیروی انتظامی با مسایل فرهنگی جامعه و دستگاه ها و سازمان هایی که متولی مسائل فرهنگی و مشکلات زن هستند، دیگر سازمان ها که به نوعی با این مسئله ارتباط دارند، می توانند بسیار مؤثر باشند. هم چنین مشکل کشورهای غربی و صاحبان قدرت که کشور ایران را در مسایل مختلف مانند مسئله حقوق بشر و آزادی بیان تحت فشار قرار می دهند و هر روز بر حجم تبلیغات و فشار های خود می افزایند، نباید از نظر دور داشت، در هر حال، هر انسان آگاه و صاحب درد در جامعه به سهم خود در مقابل این مسئله، مسئولیت

دارد. با شناخت و آگاهی از شرایط امر به معروف و با آگاهی بیشتر نسبت به مسایل دینی و عوامل ایجاد کننده فرهنگ بی حجابی نیز آشنایی با مشکلاتی که این مسایل برای جامعه و برای زندگی انسان ها ایجاد می کند مانند تزلزل بنیان خانواده، رواج بی اعتمادی، تنهایی و افسردگی می تواند در زدودن ریشه های فساد و بی بند و باری، نقش مهمی داشته باشد.

نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می تواند جلوی این کار را بگیرد؟

پرسش

نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می تواند جلوی این کار را بگیرد؟

پاسخ

در ابتدا توجه شما را به این نکته جلب نموده و تأکید می کنیم که مسئله بی حجابی یا بدحجابی یک مسئله فرهنگی است و برخورد با آن بیش از آن که مربوط به نیروی انتظامی باشد، بر عهده مسئولان فرهنگی و اصلاح فرهنگ عمومی جامعه است.

هم چنین برخورد با پدیده شوم بی حجابی، وظیفه آحاد جامعه در راستای عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر است. البته در کشور ما افراد خاصی مانند دایره مبارزه با منکرات نیروی انتظامی در این باره مسئولیت ویژه دارند که طبق قانون باید به این موضوع بپردازند، ولی از آن جا که به دلیل تهاجم فرهنگی دشمن و عوامل خانوادگی و اجتماعی دیگر، این مسئله شیوع پیدا کرده، برخورد فیزیکی نمی تواند جوابگو باشد. از طرفی بعضی معتقدند به جای مبارزه با معلول باید با علت ها مبارزه کرد. از این رو اگر می خواهیم در جامعه شاهد بدحجابی نباشیم، باید آموزش در خانواده و مدارس را جدی بگیریم و حجاب را به عنوان یک فرهنگ در آوریم. البته برای حفظ عفت عمومی، نمی توان از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر غافل بود. اگر از ناحیه نیروی انتظامی، غفلت یا قصوری می بینید، باید به مقامات مسئول گزارش دهید. قطعاً پیگیری و مطالبه مردم اثر خود را خواهد گذاشت.

آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟

پرسش

آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟

پاسخ

برای جا افتادن فرهنگ حجاب، بستر سازی لازم است و صدا و سیما به عنوان رسانه ملّی در این باره، وظیفه و رسالت مهمّی بر عهده دارد. یکی از راهکارها این است که از هنرمندان و هنر پیشه هایی استفاده شود که ظاهر و رفتارشان بد آموزی نداشته باشد. البته در این جهت سرمایه گذاری شده و تا حدی هم رعایت می شود اما تا رسیدن به هدف مطلوب فاصله زیادی است. این واقعیت را باید پذیرفت که در عرصه هنر، عناصر ارزشی کم تر حضور می یابند و همین امرک زمینه ورود دیگران را فراهم می کند و به ناچار نقش بازیگران به عهده آن ها گذاشته می شود.

در عین حال کاستی و کمبودها را باید منعکس کرد و به گوش مسئولان رساند.

اگر نیروهای مذهبی با روابط عمومی صدا و سیما در ارتباط باشند و انتقادات و پیشنهادهای خود را مطرح کنند، قطعاً در برنامه ریزی مسئولان تأثیر خواهد گذاشت.

چند سالی است بی حجای و بد حجابی در خیابان ها عادی شده است. اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه اسلامی گرفته نمی شود؟ چرا در فیلم های سینمایی، فرهنگ غرب را ترویج می کنند؟ چرا مراجع تقلید اقدام نمی کنند و... تکلیف من در خیابان و

پرسش

چند سالی است بی حجای و بد حجابی در خیابان ها عادی شده است. اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه اسلامی گرفته نمی شود؟ چرا در فیلم های سینمایی، فرهنگ غرب را ترویج می کنند؟ چرا مراجع تقلید اقدام نمی کنند و... تکلیف من در خیابان و دانشگاه چیست؟

پاسخ

تألمات خاطری که از مشاهده فرهنگ ابتذال در جامعه پیدا کرده اید، نشانه احساسات پاک و غیرت دینی و شکوفایی فطرت قدسی و مذهبی شما است و شایسته تقدیر می باشد.

بر هر فرد مسلمانی، در هر موقعیت علمی و اجتماعی و دینی باشد، به خصوص شخصیت های مؤثر و دولت که ابزار لازم جلوگیری را در اختیار دارند، لازم است از بروز انواع فساد و گسترش فرهنگ ابتذال و هر فرهنگ و مُدی که زمینه ساز فساد اخلاقی است، مانند بد حجابی یا بی حجابی جلوگیری کنند. بر دیگران نیز لازم است با رعایت مراتب، امر به معروف و نهی از منکر کنند.

وظیفه مردم به خصوص جوانان حزب اللهی در قبال فساد اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره)

جلوگیری از آزادی های افسار گسیخته، و اموری که خلاف عفت عمومی و مصالح امت اسلامی است، وظیفه همه مسلمانان

است، اگر چه برخی از زنـان به خـاطر داشـتن نفوذ و تـأثیر گـذاری بیشـتر، مسـئولیت زیـادتری دارنـد. امـام خمینی در ص ۲۸ وصـیت نامه الهی سیاسـی خویش، تکلیف و وظیفه همه طبقات را در این زمینه روشن نموده است. برای شـفاف شـدن تکلیف شما و همه اقشار ملت، قسمتی از آن را نقل می کنیم:

"اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده، و رئیس جمهور و رؤسای جمهوری بعد،

و به شورای نگهبان، و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتب و مجلاتِ برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آن ها واجب است، و از آزادی های غرب باید جلوگیری شود... و مردم و جوانان حزب اللّهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلّف به جلوگیری هستند".

جنابعالی در قسمتی از نامه تان نوشته اید: از نظر من کسی می تواند مرجع تقلید باشد که این مشکل را حل کند وگرنه مرجع تقلید بودن یک عده پیرمرد و پیرزن بودن هنر نیست.

علما و مراجع تقلید به تعبیر روایات، امنا و خلفا و جانشینان انبیا و ائمه(ع) می باشند.

آنان شریعت واحکام الهی را از طریق وحی دریافت می کردند و به مردم ابلاغ می نمودند. علما و فقها هنرشان شناخت کارشناسانه و مجتهدانه اصول و فروع گسترده اسلام از روی آیات و روایات، و تطبیق کلیات بر جزئیات و مصادیق، و موضوعات نوظهور و ارائه پاسخ آن به جامعه است.

آنان ندای قرآن و پیامبر اسلام و ائمه معصومین(ع) را در مواقع مختلف و از راه های متفاوت (اعم از سخنرانی، کتاب، رساله عملیه، اطلاعیه ها و اعزام مبلّغ و بالاخره مستقیم و غیر مستقیم) به گوش

مردم می رسانند. البته در این میان می توانند عده ای نیز باشند که به وظیفه اساسی خود عمل نکنند و دچار هوای نفس و یا دنیا زدگی شوند.

مطمئناً چنین کسانی اساس این طبقه و مطابق با فلسفه وجودی روحانیت نیستند. در عین حال مسئله مهمّی مانند این مسئله که یک معظل پیچیده فرهنگی است، تنها یک عامل یا حتی یکسری عوامل کاملاً شناخته شده ندارد تا با دادن فتاوا و یا سخنرانی ها بتوان جلوی آن را گرفت و یا حتّی مانع گسترش آن شد. هنگامی که بخشی از امور فرهنگی جامعه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ترویج این وضعیت کمک می کند، هنگامی که رواج بی بند و باری تئوریزه می شود، هنگامی که هر از چند گاهی، کشور ایران و حکومت آن به خاطر نقض حقوق بشر و منع آزادی های فردی محکوم می شود، هنگامی که مشکلات اقتصادی و فرهنگی و فکری و اعتقادی موجب افزایش سن ازدواج می شود، هنگامی که آزادی جنسی به عنوان یک حق بشری با ابزارهای مختلف و پیچیده تبلیغ شده و محق جلوه داده می شود، هنگامی که مشکلات سیاسی و اقتصادی و بازی های سیاسی، مسئولان و مدیران فرهنگی جامعه را به خود مشغول داشته و هنگامی که... . حال چه مقدار می تواند سخن مراجع و هشدارهای آنان و حتی فتوا مؤثر باشد؟! گاه بعضاً حتی تأثیر منفی نخواهد داشت؟ آیا اگر اجتهاد دقیق و فتاوای عمیق در این مسائل داده شود و سخن های بسیار زیبا و دلنشین هم بیان شود، اما دیگران گوش فرا ندهند و عمل نکنند، باز تقصیر را باید متوجه مراجع دانست؟

در هر حال شما به عنوان یک مسلمان

که وظیفه امر به معروف را انجام می دهید، باید هر چه بیشتر سعی در حفظ و مراقبت از خویش ننمایید.

تا حدّ امکان باید سعی در حفظ نگاه خویش از نامحرمان داشته باشید. البته در صورت سهوی بودن نگاه بر شما گناهی نیست، اما نگاه های بعدی را که در اختیار خودتان است، حفظ کنید. می توانید زمینه های نگاه سهوی را نیز برطرف کنید، به این صورت که از معاشرت یا مکانی که نامحرمان تجمع دارند و یا از صحبت کردن دوری نمایید. اگر چه در شرایطی که زمینه گناه بیشتر وجود داشته باشد، خودداری و مراقبت از خویشتن مشکل تر است، اما مطمئناً اجر و پاداش بیشتری داشته و انسان را به کمالات اخلاقی بالاتری می رساند. البته کمک خواستن و راز و نیاز به درگاه الهی، پشتوانه محکمی برای انسان در این راه پر خطر است.

این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می گیرد، منع شرعی ندارد؟

پرسش

این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می گیرد، منع شرعی ندارد؟

پاسخ

اگر تشریفات برای مسئولان نظام موجب اسراف، تبذیر و از بین بردن بیت المال شده و با شأن و موقعیت جمهوری اسلامی همسویی نداشته باشد، حرام بوده و جایز نیست. بر این اساس باید مسئولان نظام ساده زیست بوده و بیت المال را رعایت کنند، زیرا یکی از ویژگی های حکومت دینی در ساده زیستی و دوری از تشریفات ظهور می کند.

امام علی(ع) ساده زیست بوده(۱) و مدیران حکومتی خویش را به ساده زیستی فرا می خواند.(۲) ساده زیستی موجب می شود که مسئولان نظام بیشتر مشکلات اقتصادی مردم را درک کرده و در تصمیم گیری های آن ها مشکلات مردم تأثیرگزار باشند، از همین رو است که امام علی(ع) یکی از علل ساده زیستی خویش را همدردی با فقیران دانست.(۳)

امام راحل(س) بارها مسئولان نظام را به ساده زیستی و دوری از هر گونه تشریفات دعوت نمود که متأسفانه برخی از مسئولان این مسئله را نادیده می گیرند. در عین حال باید این مطلب را مدّ نظر قرار داد که ساده زیستی به گونه ای باشد که اسلام و حکومتی دینی متهم به دنیا گریزی نشود. اگر مسئولان نظام در استقبال از رهبران جهان به گونه ای رفتار نمایند که تصور شود اسلام با پیشرفت های علمی مخالف بوده و هنوز مانند انسان های عقب مانده زندگی می کنند، این رویکرد قابل قبول نیست. بر این اساس مسئولان نظام باید در بهره گیری از بیت المال به گونه ای بهره گیرند که از تشریفات پرهیز شده و آموزه های دین درباره دنیا نیز زیر سؤال نرفته و شأن مقام جمهوری اسلامی در تمام ابعاد

حفظ گردد.

پی نوشت ها:

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۸ به بعد.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۴ به بعد؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۱؛ دانشنامه امام علی(ع) ج ۴، ص ۱۸۵.

چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟

پرسش

چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟

پاسخ

عدم التزام به تکالیف شرعی ناشی از عدم شناخت صحیح از مسائل شرعی، یا عدم اعتقاد راسخ به مبانی دینی و یا وسوسه مقام و ثروت و فریب نفس شیطانی است. در این راستا، نقش خانواده محیط و تربیت بسیار تعیین کننده است. در این جهت فرقی بین کارگزاران نظام و دیگران نیست. چه بسا بعضی از مقامات دولتی مسائل اولیه را (که ظواهر اسلامی باشد) رعایت نکنند! این اشکال به نظام اداری و نحوه گزینش بر می گردد و به این حقیقت می توان پی برد که به جای شایسته سالاری و انتخاب اصلح، منافع فرد و گروه مورد توجه قرار گرفته است. باید دستگاه های نظارتی، فعالیت خود را بیشتر نمایند و نظام اداری به جا مانده از فرهنگ منحط طاغوتی متحوّل گردد. در این امر همه افراد جامعه سهیم و دخیل اند. البته بسیاری از افراد قبل از انتخاب شدن شاید این گونه نیستند یا حداقل معلوم نیست که افراد شایسته نباشند، اما پس از رسیدن به موقعیت اجتماعی و در دست گرفتن مسئولیت و مقام دچار انحراف می شوند و گاهی نه تنها مسایل شرعی به ظاهر کوچک، بلکه مسایل مهم شرعی را نیز نادیده می گیرند. تغییر چنین افرادی مشکلات خود را دارد.

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پرسش

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به

آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پاسخ

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گسترده تبلیغات دشمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویّت ملّی و اسلامی همخوانی نـدارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشتن آن نیز به صلاح نمی باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کننـد. این سخن ماننـد آن است که بگوییم مغازه هـای شرابخواری یـا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگـذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنیـد! بدیهی است گناه لذت و جاذبه ای دارد که بسیاری از جوانان را به سوی خود می کشاند. از طرفی از نظر اسلام موظفیم زمینه گناه را از بین ببریم.

ماهواره هرگز با ویـدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویـدئو را رها کردنـد، دلیلش آن نبود که ویدئو آزاد شد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویـدئو، استفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشتند فراهم شـد. از طرف دیگر صدا و سیما با ارائه فیلم ها و برنامه های ورزشی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کند و به سوی خود جذب نماید. در ضمن تهیه فیلم های خاص ویدئوئی با مشکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیاز

به صرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهد آماده، مانند ماهواره نیست.

در ضمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاصه نمی شود؛ برنامه های هنری و تبلیغاتی و سیاسی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یک نوع فرهنگ و تفکّری هم از جهت ظاهر و هم از جهت درونی القا می کند.

هر کشور و هر نظامی بالاخره به زبان خودش حلال وحرامی دارد؛ مجاز و ممنوعی دارد؛ فرهنگ خاص خود را دارد. در آمریکا هم شرابخواری علنی در معابر عمومی قانوناً ممنوع است و این ممنوعیت را ضد آزادی نمی دانند. البته کار سلبی به برکت کار ایجابی است که مؤثر است، یعنی علاوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد.(۱)

پی نوشت ها:

۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدرشطرنج رایج شده است ؟

پرسش

با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدرشطرنج رایج شده است ؟

پاسخ

در رابطه با سوال شما باید عرض کنیم که حکم خدا یعنی حلال و حرام او تا روز قیامت قابل تغییر نیست و هیچ کس اعم از فقیه و غیرفقیه نمی تواند آن را تغییر دهد که از جمله مسیله قمار است که شطرنج یکی ازمصادیق آن می باشدو بنابر اصل شرع و فتوای همه مراجع حرام است و شطرنج از این قبیل است و همانگونه که در زمان رسول خدا (ص) و ایمه حرام بوده اکنون نیز حکم شطرنج در صورتی که آلت قمار باشد همان است و آنچه اخیرا"از بعضی مراجع بزرگوار مثل امام (ره) و یا آیت الله فاضل و مقام رهبری شنیده اید آن است که می فرمایند تا وقتی که شطرنج در عرف متدین جامعه عنوان آلت قمار را دارد بازی با آن اگر چه بدون برد وباخت باشد حرام است اما اگر در جامعه طوری شد که شطرنج عنوان آلت قمار بودنش را ازدست داد و هیچکس آن را آلت قمار به حساب نیاورد بلکه به عنوان یک ورزش فکری تلقی شد در این صورت دیگر موضوع عوض شد و در واقع دیگرقمار نیست بلکه مانند فوتبال است که اگر برد و باخت و شرط بندی درآن نباشد حلال است بنابراین حکم اصلی یعنی حرمت قمار در جای خودمحفوظ است و کسی آن را عوض نکرده و نخواهد کرد اما اگر

موضوع عوض شدمانند همان شرابی که تبدیل به سرکه می شود حکمش نیز

عوض خواهد شد و این یک قاعده کلی است که فقها از روایات استنباط کرده اند و چیزی نیست که از خودشان بگویند .البته بعضی از فقها بازی بدون برد و باخت با آن را هم جایز نمی دانند.;

آیا ایراد ضــرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بســیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسی تخلفی بکند) درست و صحیح است؟ اگر جواب منفی است پس چرا روزانه ما شاهد این قضیه به کرات هستیم؟

پرسش

آیـا ایراد ضـرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بسـیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسـی تخلفی بکنـد) درست و صحیح است؟ اگر جواب منفی است پس چرا روزانه ما شاهد این قضیه به کرات هستیم؟

پاسخ

به: فرماندهی محترم نیروی مقاوت بسیج

با احترام و آرزوی موفقیت به پیوسته پرسش یکی از دانشجویان جهت بررسی و پاسخ تقدیم می گردد:

با تشکر

رونوشت:

نویسنده پرسش

نظیر همین نامه به فرماندهی نیروی انتظامی تحریر گردد.

پرسشگر گرامی

پرسش شما به فرماندهی محترم نیروی مقاومت و نیروی انتظامی جهت بررسی و پاسخ ارسال شد در صورت دریافت پاسخ در اولین فرصت انشاءالله تقدیم خواهیم نمود.

چرا علی رغم وجود کمیته انظباطی دانشگاه و نصب پوسترهای مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ کس جلو این بی بندباری ها را نمی گیرد و از بســیج دانشــجویی که در این مسائل که دستش بازتر است خواهش می کنیم به کمیته انضباطی اطلاع داده و بخواهد واقعاً جلو این آرایش

پرسش

چرا علی رغم وجود کمیته انظباطی دانشگاه و نصب پوسترهای مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ کس جلو این بی بندباری ها را نمی گیرد و از بسیج دانشجویی که در این مسائل که دستش بازتر است خواهش می کنیم به کمیته انضباطی اطلاع داده و بخواهد واقعاً جلو این آرایش ها و لباس های مبتذل را بگیرد.

پاسخ

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظائف نیروی مقاومت بسیج می باشد عین نامه حضرتعالی را به فرماندهی آن نیرو ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

نظارت اجتما عی غیر رسمی

امربه معروف و نهی از منکر

چگونه می توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟

پرسش

چگونه می توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟

پاسخ

حتماً می دانید وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرایطی داردو از جمله :

۱ خود آمر و ناهی از آن چه می خواهد نهی کند و یا ارشاد کند آگاهی داشته باشد;

۲ بداند حرفش اثر دارد;

۳ این که برای خودش و خانواده و بستگانش ضرر جانی و مالی و آبرویی و... نداشته باشد.

در صورت وجود چنین شرایطی اولاً: در میان جمع و افرادی طرف پیش آن ها آبرو و حیثیت دارد نباشد ثانیاً: با زبان نرم و لطیف با او برخورد کند. وقتی حضرت موسی به مقام نبوت رسید از طرف خداوند مأموریت پیدا کرد به اتفاق برادرش هارون پیش فرعون بروند و او را امر به معروف و نهی از منکر کنندخداوند به آن ها فرمود: وقتی پیش او رفتید با خشونت برخورد نکنید با زبان خوش و شیرین به او متذکر شوید. اذهبا الی فرعون انه طغی و قولا له قولاً لیّناً.(۱)

و ثالثاً: ابتدا به صورت کنایه و غیر مستقیم به او متذکر شوید.

امام حسن مجتبی و امام حسین ۸در حال طفولیت مردی را می بینند که وضوی کامل نمی گیرد و وضوئش عیب دارد برای این که امر به معروف کنند. ازاین طریق وارد شدند که جناب آقا من و برادرم بر سر وضوی صحیح با هم اختلاف داریم . آمدیم پیش شما داوری کنید, هر دو وضو می گیریم بفرماییدوضوی کدام یک از ما صحیح است . وضوی صحیح گرفتند. پیرمرد متوجه شدند. هر دو را بوسیدند و گفتند: جانم

به قربان شما بسیار از راهنمایی شمامتشکرم .

(پاورقی ۱.طه (۱۶ آیهء ۴۳

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصـیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پرسش

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پاسخ

در مورد سؤال، وظیفه شـما برخورد با گناه است. چون امر به معروف و نهی از منکر در صورت شـرایط واجب است، ولی اگر امر و نهی شـما تأثیری ندارد، چیزی بر عهده شـما نیست و از جمع ایشان فاصـله بگیرید. صبر تفسیر دیگری دارد و آن صبر در برابر گناهی که برای خود او پیش آمده و در مصیبت و سختی طاعت خدا است.

صبر به معنای بی اعتنایی و سکوت و رضایت از گناه نیست.

اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را درحال ارتکاب گناه، نهی ازمنکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟یا باخشونت؟

پرسش

اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را درحال ارتکاب گناه، نهی ازمنکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟یا باخشونت؟

پاسخ

درخصوص سؤال شـما تفصیلاً به عرض می رسانیم که امر به معروف ونهی از منکر درمیدان گفتار وتذکر زبانی دارای شرایط ذیل است :

۱. شناخت واجب ترک شده توسط متخلف وشناخت منکر وحرام انجام شده توسط او

۲. احتمال تأثیر تذکر وامر ونهی

۳. علم به تکرار تخلف توسط متخلف

۴. عدم وجود مفسده درامر به معروف ونهی ازمنکر

بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم ودرصورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست :

۱. نداند آنچه انجام شده حرام است وترک واجب

۲. بداند یا احتمال دهد عدم تأثیر گفتار وامر ونهیش را

۳. بداند یا احتمال دهد مفسده وضرری را مگر درموارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین ومذهب، حفظ قرآن و آرمانهای آن وعقاید واحکام ضروری اسلام که درآن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید.

لازم به یادآوری است با فقدان شرایط امر به معروف ونهی ازمنکر حکم وجوب گفتاری وتذکر کلامی برداشته خواهد شد ولی امر به معروف عملی درحذف بسترهای گناه ومنکرات واستفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلاً به عهده قوه قضائیه ونیروی انتظامی است. حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای"مدظله العالی" دراین باره فرموده اند : "با توجه به اینکه درزمان حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف ونهی ازمنکر را که بعد از مرحله امر ونهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی(پلیس) وقوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از

طریق تصرف دراموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر وحبس او و مانند آن نیست، درچنین زمانی با حاکمیت واقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین درامر به معروف ونهی از منکر به امر ونهی زبانی اکتفا کنند، و درصورت نیاز با توسل به زور، موضوع را به مسؤلین ذیربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند واین منافاتی با فتاوای امام راحل"ره" دراین رابطه ندارد. ولی درزمان ومکانی که حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی نیست، برکلفین واجب است درصورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف ونهی ازمنکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند."

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام"ره" رجوع کنید.

(۱) اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری،ج۲،ص۳۳۱،ص۱۰۸۸

اگر درمجلسی بنشینی که گناه می کنند(مانند خانه خاله، نوارترانه گذاشته اند ونمی توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع می رود ومثلاً رفیق ها دارند غیبت می کنند ونمی توان گفت ساکت شوو...)این چه اشکالی دارد خیلی توضیح دهید.

پرسش

اگر درمجلسی بنشینی که گناه می کنند(مانند خانه خاله، نوارترانه گذاشته اند ونمی توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع می رود ومثلاً رفیق ها دارند غیبت می کنند ونمی توان گفت ساکت شوو...)این چه اشکالی دارد خیلی توضیح دهید.

پاسخ

درمورد حضوردرمجلسی که درآن مجلس یقیناً گناه ومعصیت خدا صورت می گیرد بدون شک باید شماتکلیف خودتان را مشخص کنید. انجام وظیفه شرعی و دینی خجالت وحیا بردار نیست. اگر کسی به دلیل خجالت وامثال آن ازادای تکلیف سرباز زند مسلماً برخلاف دستورات شرعی ودینی عمل کرده است. اگر می توانید مانع ادامه گناه ومعصیت شوید جلوگیری ازآن برشما لازم و واجب است. واگر نمی توانید، و یا کلام وبیان شماتأثیری ندارد باید درآن مجالس شرکت نکنید.البته اگر بتوانید با تدبیر و اظهار محبت وعلاقه بحث را عوض کرده ومسیرصحبت را تغییر بدهید بسیار خوب است. درباره چگونگی عمل دراین موارد نمی توان یک نسخه عمومی پیچید تاهمگان اجرا کنند چراکه روحیات افراد، فرهنگ و آداب ورسوم واخلاق و سلیقه های مردم با یکدیگر متفاوت است بنابراین متناسب با موقعیت زمانی ومکانی وافراد مورد خطاب باید اقدام اصلاح گرایانه انجام داد. مثلاً با توجه به شناختی که از مجالسی شبیه آنچه ذکر کرده اید، قبلاً نوارهای موسیقی وآهنگ هایی مجاز ومتناسب با مجلس تهیه کنید وقبل از آنکه دیگران نوار بگذارند، شما آن نوار یا نوارها را برای پخش ببرید ودروصف آن توضیح دهید .ممکن است موفق شوید مسیر را عوض کنید. اگر مقاومت کردند وحاضر نبودند به گفته شما عمل بکنند با مهربانی وعطوفت وبیان مضرات وآثار مخرب موسیقی غنایی وعذرخواهی مجلس

را ترک کنیـد. سـعی کنیـد زیـاد مقـدس مـآبی درنیاوریـد چنـانکه تمـام آهنگها را غیر مجاز بشـمارید واز سوی دیگر دربرابر آهنگ ها وموسـیقی های نامشـروع بی تفاوت نباشـید. درمورد مجلس غیبت نیز تکلیف این است که درصورت امکان مانع از غیبت شویم که البته شایـد بهترین روش عوض کردن موضوع بحث باشد به گونه ای که حاضـران نیز متوجه نشوند شـما قصـد دارید بحث را عوض کنید بلکه القاء کنید که واقعاً خواهان بحث ومناظره دریک موضوع خاص هستید. این کار نیازمند برنامه ریزی وفکر وتأمـل قبلی است. اگربـا این روش نتوانستیـد مانع انجام گناه ومعصـیت (غیبت) شویـد با بیان آثار مخرب غیبت به حاضران تنبه بدهید."۱"درصورتی که متقاعـد نشدنـد، باکمال احترام وادب وبدون هیچگونه توهین واهانت حتی به کنایه وبا عذرخواهی مجلس را ترک کنید. البته نه اینکه قهر کنید واز آن پس دیگر باآن افراد رابطه نداشـته باشـید بلکه باید القاء کنید که از عمل آنها ناراحت بودید نه شـخص خودشان. اگر محبت وعلاقه مندی شما رانسبت به خودشان احساس کنند متنبه شده واز کار خلاف دست خواهنـد کشید ویا به احترام شـما ازآن اجتناب خواهنـد ورزیـد.مهم این است که شـما با نهایت عزت و احترام وکرامت انسـانی رفتار کنیـد دراین صورت هم از محبوبیت برخوردار خواهیـد شـد وهم قادرخواهیـد بود درجامعه تأثیر گذار وهدایتگر باشید.

یک راه دیگر برای دوری از محیط گناه این است که از مجلس به بهانه کاری خارج شوید ویا اینکه به بهانه کمک به متولیان وهمکاری درتـدارک کارهای بیرونی محیط را ترک کنیـد. خلاصه این که دینـداری هزینه هایی دارد که شـخص دیندار باید آنرا بپردازد."بهشت را به بها می

دهندته به بهانه" "۲"

(۱) از جمله این آیه قرآن را می توانید ذکر کنید که می فرماید : "ولایغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان تأکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه" (غیبت همدیگر را نکنید زیرا مثل خوردن گوشت مردار برادر دینی است که ازآن کراهت داریدو...)

شهید مظلوم آیت ا...دکتر بهشتی

فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همه دستورهای اسلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دستورهای الهی پای بند نیستند; در این مورد وظیفه چیست گاهی انسان در مجلسی حاضر می شود که بعضی غیبت می کنند و اگر آن ها را نهی از منکر کند،

پرسش

فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همه دستورهای اسلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دستورهای الهی پای بند نیستند; در این مورد وظیفه چیست گاهی انسان در مجلسی حاضر می شود که بعضی غیبت می کنند و اگر آن ها را نهی از منکر کند، اعتنا نمی کنند; در این مورد چه باید کرد؟

پاسخ

تصمیم و اراده نیک و ارزش مندی که شما در راه رسیدن به سعادت و کمال گرفته اید، قابل ستایش است امید است توفیق الهی شامل حال شما شود که بتوانید همه دستورهای اسلام را عملی کنید، و بنده واقعی خدا باشید. یکی از شرایط مهم برای رسیدن به این هدف دوری از افرادی است که ضعف اخلاق و ایمان دارند، و به دستورهای دینی بی توجهی می کنند. آرزو و تصمیم گرفتن فرد برای نایل شدن به کمال و رسیدن به درجه بالای تقوا، با معاشرت کردن با افرادی که ایمان ضعیف دارند، سازگار نیست مگر این که شما بتوانید در آن ها اثر گذارید، و آنان را به رعایت دستورهای اسلام وادار سازید; در غیر این صورت باید از آن ها دوری کنید. تأثیر معاشرت در خوش بختی و بدبختی و سعادت و یا بدبختی و شقاوت امری انکارناپذیر است قرآن مجید، ضمن یک آیه سرنوشت افرادی که در اثر معاشرت به انحراف کشیده شده اند، بازگو می فرماید: "ویَوم َیَعَض ُالظّالِم ُعَلی َیَدَیه ِیَقول ُیَلَیتَنِی اتَّخَذت ُمَع َالرَّسول ِسَبیلا یَوَیلَتی َلَیتَنی لَم اَتَّخِذ فُلانًا خَلیلا لَقَد اَضَلَّنی عَن ِالذِّکرِ بَعدَ اِذ جأَنی وکان َالشَّیطَن ُلِلاِنسَن ِخَذولا;(فرقان ۲۷۲۹)و به خاطر بیاور روزی که ظالم

دست خویش را از شدت حسرت به دندان می گزد و می گوید:ای کاش با رسول خدا۹ راهی برگزیده بودم ای وای بر من کاش فلان]شخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا ا...یاد حق گمراه ساخت بعد از آن که آگاهی به سراغ من آمده بود." امّا اگر انسان در مجلسی شرکت کند که عده ای در حال غیبت کردن هستند، چنان چه نهی از منکر وی در آنان اثر نکند، باید از مجلس خارج شود و گوش دادن به غیبت مانند خود غیبت کردن حرام است و غیبت از گناهان کبیره ای است که قرآن با تشبیه بی سابقه ای از آن نهی فرموده است "یَاَیُّهَا الَّذین ءامَنُوا اجتَنِبوا کَثیرًا مِن الظَّن اِن بَعض الظَّن اِثم ولا تَجَسَّسوا ولا یَغتَب بَّعضُکُم بَعضًا اَیُحِب اَحَدُکُم اَن یَأکُل لَحم اَخیه مَیتًا فَکَرِهتُموه واتَّقوا اللّه اِن اللّه تَوّاب رَحیم (حجرات ۱۲) هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد.]به یقین همه شما از این امر کراهت دارید." عرفا و بزرگان اخلاق در انجام وظایف دینی و ترک محرّمات خیلی جدّی بودند. در مجلس مرحوم میرزاجواد آقا ملکی که از علمای بزرگ اخلاق و عرفان بودند، روزی یکی از حاضران غیبتی کرده بود، این عالم بزرگ به شدت ناراحت می شودو به وی خطاب می کند:"چهل روز مرا به زحمت انداختی (رساله لقاءالله، میرزاجوادآقا،ملکی تبریزی ص) غیبتی که بی اختیار یک عالم بزرگ می شود، برای این که اثر این غیبت را در روح خود از بین

ببرد، به چهل روز عبادت و بندگی بیش تر در برابر ذات الهی نیاز پیدا می کند; بنابراین برای اصلاح نفس و رسیدن به کمال بایـد به طور کامل مراقب بود که هیچ گونه کار حرامی از انسان سر نزند. بدیهی است هر فردی با اراده جدّی و ایجاد شرایط لازم می توانـد به مطلوب و خواست خود نایل شود و برای توفیق در هر امر، بایـد از ذات الهی و امامان کمک گرفت قرآن در این باره می فرمایـد:"والَّذین َجَهَدوا فینا لَنَهدِیَنَّهُم سُبُلَنا واِن َاللّه َلَمع َالمُحسِنین (عنکبوت ۶۹) کسانی که در راه ما جهـد و کوشش کردند، محققاً آن ها را به راه خوبش هدایت می کنیم و خدا همیشه با نیکوکاران است "

هنگامیکه شـخص درصورت انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر بااینکه توانایی هم دارد مورد تمسـخر قرار می گیرد باید چگونه وظیفه اش را انجام دهد بطوریکه هم رضایت خداوند جلب شود وهم نهایت راهنمایی را درقبال مردم مسلمان به انجام رساند؟

پرسش

هنگامیکه شخص درصورت انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر بااینکه توانایی هم دارد مورد تمسخر قرار می گیرد باید چگونه وظیفه اش را انجام دهد بطوریکه هم رضایت خداوند جلب شود وهم نهایت راهنمایی را درقبال مردم مسلمان به انجام رساند؟

پاسخ

مسأله امر به معروف ونهی از منکر یکی از بزرگترین فرائض و واجبات الهی است که به تعبیر روایت «بها تقام الفرائض »قوام واجبات دیگر الهی بستگی به اقامه این فریضه بزرگ دارد ولی این واجب بزرگ همراه با شرائطی است که درصورت وجود آن شرائط واجب می شود برهرکس که توان آن را دارد. که از جمله آن شرائط احتمال تأثیر است . اگر انسان می دانـد که تأثیر نمی کنـد واجب نیست ویکی دیگر از شرائط این است که موجب ضرر جانی یا آبرویی برای آمر به معروف یا برای دیگران نشود ودیگر اینکه بدانیم آن فرد قصد تکرار وادامه آن گناه را دارد پس بابودن شرائط لازم این فریضه بزرگ واجب می شود ومجرد اینکه مورد استهزاء وتمسخر قرار گرفت مجوز برای ترک نیست . نهایت امر این است که مراحل امر به معروف کاملاً رعایت شود.

ونحوه برخورد وزمان برخورد مکان برخورد همه کاملاً به دقت مورد توجه قرار گیرد وکسی که تصمیم بر اقامه این فریضه بزرگ گرفته کاملاًـ به موارد وریزه کاریهای آن آشنا باشد چه بسا این فریضه با یک ترک معاشرت ویا انجام آن ویا اخم کردن ویا با روی باز برخورد کردن انجام شود واین نسبت به افراد و روحیات فرق می کند پس اگر در موردی که باید با زبان خوش برخورد کند

باتندی وخشونت برخورد کرد ویا برعکس قطعاً اثر لازم را نخواهد داشت.

پس این فریضه بزرگ از مهمترین فرائض الهی است ولی برای انجامش زمان ومکان وشرائط خاص می طلبد که در صورت وجود آن شرائط برمکلف واجد شرائط واجب می شود ودر این صورت .صرف تمسخر کردن دلیل بر ترک آن نخواهد بود مگر اینکه منجر به ریختن آبروی خود فرد ویا دیگری شود وگرنه درهر عصر وزمانی عده ای از شیاطین انسی هستند که روش اهل حق را به تمسخر می گیرند وتمام تلاششان عدم پیاده شدن برنامه های الهی در جامعه است ودر بسیاری از موارد هم با برخورد سنجیده وحساب شده ای که انجام می شود همین افراد تحت تأثیر واقع می شوند واز کرده خود پشیمان می شوند.

بسیار علاقه مندم که طعم شیرین طاعت و بندگی خدا و معارف الهی راکه به فضل خدا تا حدودی به من چشانده شده است و حقانیت آنها را درک کرده ام به سایر دوستان و هم سن و سال های خودم تذکر دهم لازمه حرکت در مسیر الی الله تقید به احکام شرعی و در اولین قدم آن داشتن مر

پرسش

بسیار علاقه مندم که طعم شیرین طاعت و بندگی خدا و معارف الهی راکه به فضل خدا تا حدودی به من چشانده شده است و حقانیت آنها را درک کرده ام به سایر دوستان و هم سن و سال های خودم تذکر دهم لازمه حرکت در مسیر الی الله تقید به احکام شرعی و در اولین قدم آن داشتن مرجع تقلید است اما در بحث با دیگران و به تعبیری کار فرهنگی انجام دادن ،طرف مقابل بحث به رفتار و کردار برخی حاملان فرهنگ اسلام(برخی روحانیون) بحث را منحرف می کنند و اساسا به دلیل عملکرد بعضی ها دیگر حرف اسلام و قرآن و اهل بیت را هم نمی شنوندو به نوعی همه حرف هایی را که در کتب معارف مدرسه هم خوانده ایم تکذیب می کند و می گوید اینها

(روحانیون)به ما دروغ گفته اند .در شرایط فعلی وظیفه ما در قالب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درباره چگونگی امر به معروف، نخست بایـد انگیزه کسانی که سـستی می ورزند شـناخته شود چنان که در قرآن مجید انگیزه برخی منکران معـاد را هوسرانی دانسـته است «بـل یریـد الانسـان لیفجر امـامه؛ [انسـان برهان برخلاف معاد نـدارد] بلکه او می خواهد رها باشد و جلو خود را [برای گناه] باز کند» (قیامت، آیه ۵).

بنابراین برای کسانی که آمادگی گفت و گو دارند باید توجیه شود که نقطه ضعف برخی روحانیان نباید موجب عدم التزام به احکام شـرعی باشـد، زیرا احکام شـرعی مربوط به اصل دین است و از سوی مراجع تقلیـدی است که به طور عموم انسان های وارسـته و عـالم می باشـند، لـذا به آنهـا گفته شود که اصول اعتقـادی نیاز به تقلیـد نـدارد بلکه خودشان با تفکر و تحقیق باید توحید و نبوت و امامت و معاد را باور کنند.

و درباره مسائل ضروری دین مانند اصل نماز و روزه و... باز هم نیاز به تقلید نیست اما هر مسلماین باید علاوه بر رعایت ارزش های انسانی صداقت و امانت و پاکی از گناه، باید به احکام شـریعت اسـلام نیز پایبند باشد اگر خود او تحصیلات لازم برای به دست آوردن احکام را دارد نیازی به تقلید ندارد و در غیر این صورت از حاصل تلاش های مرجع تقلید می تواند استفاده کند و مسؤولیت حکم الهی را به عهده او بگذارد.

بنابراین در هنگام گفت و گو با دیگران باید انگیزه مخالفت آنان ریشه یابی شود و متناسب با هر کدام به

رفع آن پرداخت. در ادامه به برخی از شرایط امر به معروف به طور کلی اشاره می شود.

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت :

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی

تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت

سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

با رفقایی که در برخوردها و صحبتهایشان مراعات ادب نمی کنند و حرف های رکیک می زنند چه برخوردی داشته باشیم

پرسش

با رفقایی که در برخوردها و صحبتهایشان مراعات ادب نمی کنند و حرف های رکیک می زنند چه برخوردی داشته باشیم

پاسخ

اگر احتمال می دهید که امر به معروف و نهی از منکر در آنها تأثیر داشته باشد، لازم است که آنها را ارشاد نمایید، ولیاگر امیدی به اصلاح آنها ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با آنها در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوءداشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با آنان خودداری کنید. شرط های بی جا نیز گر چه چیزلغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست.

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟

پرسش

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟

پاسخ

کسی که غیبت می کند چه در منزل خود انسان باشد و چه در منزل دیگر باید انسان به وظیفه اش عمل کند و امر به معروف و نهی از منکر را با شرایطی که دارد در مورد او انجام دهد. چه بسا حق و حرمت مهمان، شایسته انسان باشد که از گناه محفوظ ماند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه ای دارد؟

پرسش

یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت: در این جا ما با دو ارزش متقابل و متزاحم، رو به رو هستیم که رعایت هر دو با هم ممکن نیست؛ چرا که از یک سو، ما نباید در مورد رفتار دیگران بی تفاوت باشیم و در یک نظام اسلامی، همه اعضای جامعه، باید بر رفتار یکدیگر نظارت داشته باشند؛ زیرا در نظام اسلامی وظایفی به عهده مسلمانان گذارده شده است؛ مانند لزوم ارشاد مردم و دعوت انسان ها به انجام کارهای خیر، توصیه یکدیگر به حق و امر به معروف و نهی از منکر، که این با بی تفاوتی و گذشتن از هر گونه کاری که دیگران انجام دهند، سازش ندارد.

و از سوی دیگر، کار غیر اخلاقی ای که او مرتکب می شود، پنهان و دور از دید دیگران است و هیچگاه مایل نیست کسی از این کار او آگاه شود. بنا بر این، رعایت کرامت انسان و حفظ عرض و آبروی او مطرح است و خدای متعال هیچ گاه راضی نیست که آبروی انسانی ریخته شود، هر چند که او انسان گنهکاری باشد.

بنا بر این، از یک سو، نباید راز او کشف شود و از سوی دیگر، باید او را درمان کرد و از مهلکه نجات داد.

حال اگر این دو ارزش، قابل جمع باشند و بتوان کاری کرد که بدون آبرو ریزی او، حتی نزد شخص ارشاد کننده، به خود آید و دست از آن کار زشت بردارد، در این صورت، اشکالی پیش نمی آید؛ مانند آن که ارشاد کننده، شخص گنهکار را به خواندن یک

کتاب توصیه کند و یا به صورت کلی او را نصیحت و موعظه کند و بدون آن که او متوجه شود که از کار زشتش با خبر است، زیان های آن کار را به وی گوشزد کند تا بدین وسیله، هم آبرویش حفظ شود و هم به کار زشت خویش متنبه گردد.

ولی با کمال تأسف باید بگوییم که غالباً، این کار میسر نیست و جمع این دو ارزش، عملاً امکان ندارد. اگر انسان بخواهد شخص گنهکار را ارشاد کند، خواه و نا خواه، او در می یابد که او از گناهش آگاه شده است. بنا بر این، بدون شک، نباید کاری کنیم که شخص ثالثی از کار مخفیانه شخص گنهکار، آگاه گردد و سر او نزد دیگران فاش شود.

پرسش دیگر این است که با فرض این که کتمان سر و ارشاد گنهکار، هر دو با هم میسر نیست، آیا شایسته است برای ارشاد او در مورد گناه مخفی وی اظهار اطلاع کند یا به شکلی با وی سخن بگوید که بفهمد رازش نزد او فاش شده است؟

در پاسخ می توان گفت: اگر راه اصلاح وی منحصر به چنین اظهار اطلاع یا گفتار و رفتاری که نشانه آگاهی او است، باشد، مصلحت نجات او مقدم بر حفظ اسرار او خواهد بود؛ چون اگر هیچ نگوید، به گناه خود ادامه خواهد داد و تداوم گناه، سبب هلاکت او می شود. بنا بر این، در چنین فرضی باید دست او را گرفت و از سقوط نجاتش داد؛ ولی به گونه ای که تا آن جا که ممکن است آبرویش حفظ شود و موجب شرمساری و رسوایی او نشود

که در غیر این صورت، خود ارشاد کننده نیز مرتکب گناه دیگری شده و نیاز به ارشاد دیگران خواهد داشت.

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شــرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

پرسش

آیـا در صورتی که اعضـای خـانواده رفتارهـای خلاف شـرع داشـته باشـند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشـند، برخورد جدی تر لازم است؟

پاسخ

به نظر امام خمینی((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود; بلکه باز هم بایـد آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم; « و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشـش نمودند که در آن چیزی که تو به آن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.(۱)

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۷.

۳

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسـته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمـان می کننـد تنهـا آنهـا هسـتند که وظیفه خود را انجام داده انـد و دیگران گناهکارنـد. انسان با داشـتن این احسـاس به کمـال نمی رسـد. برای از بین بردن این احسـاس بایـد از خود پرسـید: از کجـا معلوم که گناهکـاران توبه نکننـد و سعادتمنـد نشونـد و مـا خود به کیفر غرور به خشم خداونـد گرفتـار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به

گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۹

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

پرسش

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

پاسخ

به نظر امام خمینی((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود; بلکه باز هم باید آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم; « و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو به آن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.(۱)

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ – سوره عنکبوت، آیه ۷.

۳

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۹

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد.

این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

وظیفه کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می شنود، چیست

پرسش

وظیفه کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می شنود، چیست

پاسخ

خواهر عزیز، پاسخ شما را با یک مثال ساده بیان می کنیم اگر روزی به شما خبر بدهند که در محیط کار و حتی احیاناً در محل سکونتتان ویروسی خطرناک و کشنده وجود دارد، شما چه می کنید؟ از دو راه می توانید وارد عمل شوید: یا محیط آلوده را ترک کرده راه فرار را انتخاب می کنید یا با آن ویروس مبارزه می نمائید که این راه مؤثرتر است مخصوصاً اگر روش و ابزار مبارزه را در اختیار داشته باشید. اگر فرار چاره کار شما باشد به هر وسیله متوسل می شوید تا فرار کنید حتی اگر محتاج نان ِشب باشید و یا سرپناهی به جز محل سکونتتان نداشته باشید. اما در این صورت هم شما می توانید مطمئن باشید که با فرار، از خطر این ویروس در امان هستید! چرا که ممکن است این ویروس در مکانهای دیگر هم باشد مخصوصاً اگر از نوع سرایت کننده نیز باشد. پس مفیدترین و عاقلانه ترین راه مبارزه و از بین بردن آن است

حال در مورد غیبت

در این مورد نیز دو راه پیش رو دارید. مسلماً فرار، همیشه راه نجات نیست به خصوص که نمی توانید مطمئن باشید که در هیچ محل دیگری غیبت نمی شود. بنابراین مفیدترین و عاقلانه ترین راه مبارزه و از بین بردن آن است تا نه تنها شما، بلکه افراد دیگر جامعه نیز در امان باشند.

در نتیجه اگر کسی در حضور شما از فردی غیبت کرد، شما باید هم او را منع و هم از غیبت

شونده دفاع کنید و چنانچه زمینه امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، این کار واجب است حتی اگر غیبت کننده تذکر شما را نپذیرد، نباید راضی شوید، بلکه باید اظهار نارضایتی کرده و از غیبت شونده دفاع و در بعضی موارد مجلس را ترک کنید. در هر صورت برای غیبت شونده نیز طلب مغفرت نمائید. در مورد تهمت نیز همین امر حاکم است در هر صورت شما نباید در برابر این دو گناه کبیره که موجبات عذاب الهی را فراهم می سازد، بی تفاوت بوده یا خدای ناکرده دیگران را در این کار همراهی نمائید.

امیدواریم با توکل به خداوند متعال و عزم ِ خود، به سالم سازی محیط کار و سکونت ِ خود پرداخته در این امر عنایت الهی نیز شامل حالتان شود.

همیشه دیگران را امر به معروف می کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

همیشه دیگران را امر به معروف می کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

خواهر گرامی امر به معروف و نهی از منکر بر تک تک ما، واجب است اما با وجود این اگر احساس می کنید که قدرت جلوگیری از منکری را ندارید، وظیفه شما این است که به عنوان اعتراض به انجام معصیت محل را ترک کنید. و این خود به نوعی جلوگیری از گناه است و اگر امکان ترک محل نیست به هر صورتی که می توانید، از وضع موجود، اظهار ناراحتی نمایید، گر چه به صورت بی اعتنایی و گوش ندادن به صحبت طرف مقابل باشد. و در صورتی که هیچ یک از این راهها برای شما ممکن نباشد برای شخصی که غیبت او را شنیده اید، طلب استغفار نمایید.

لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می کنند یا برخی افرادی که در مجالس عروسی می رقصند و به ارشادات ما گوش نمی دهند، بیان کنید؟

پرسش

لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می کنند یا برخی افرادی که در مجالس عروسی می رقصند و به ارشادات ما گوش نمی دهند، بیان کنید؟

پاسخ

در قرآن کریم آیات متعددی درباره امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که شماری از آن ها عبارتند از: آیات و ۱۱۴ آل عمران ۷۱ و ۱۱۲ توبه ۱۷لقمان و ۴۱حج

خدای متعال در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می فرماید: "شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید; به کار پسندیده فرمان می دهید، "تأمرون بالمعروف و از کار ناپسند باز می دارید، "و تنهون عن المنکر" و به خدا ایمان دارید...". در آیه ۱۱۲ توبه آمده است "(آن مؤمنان همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند، و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده " در آیه ۱۷ سوره لقمان آمده است لقمان پسر خود را نصیحت می کند و می گوید: "ای پسر کوچک من نماز را به پادار و به کار پسندیده وادار، و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش این]حاکی از عزم]و اراده تو در[امور است "

خدای بزرگ در آیه ۳۴ سوره نسأ، شیوه امر به معروف را بیان می فرماید:

در این آیه سلسله مراتبی در امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است که ابتدا از پند و نصیحت

شروع می شود و به صورت بی اعتنایی تنبیه ابتدایی و... تا مراحلی دشوار پیش می رود. به عبارت دیگر، از آسان ترین مرحله شروع می شود و چناچه لازم باشد تا سخت ترین مرحله مجاز ادامه می یابد; البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این که آسان ترین مرحله و شیوه های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد در قرآن کریم در این باره آیاتی وجود دارد، از جمله

۱. خیرخواهی خداوند متعال می فرماید: "پیغام ها و رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد.

۲. جدال احسن خداوند متعال می فرماید: "ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَه وَالْمَوْعِظَه الْحَسَنَه وَ جَدِلْهُم بِالَّتِی هِی أَحْسَنُ...; (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما..."

حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود.

۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد.

۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می فرماید: "آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید]خود آن را ترک می کنید[..." (بقره ۴۴) پس قول و

فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد.

۵. رهنمودهای روان شناسی روان شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده اند که آگاهی از آن ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد; آن گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و...(ر.ك تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیه)

از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان بر اساس شرایط و ضوابط آن واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است

ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد:

۱. شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲. احتمال تأثیر

۳. عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴. تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ك رسائل توضیح المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ۲۸۲۵.)

در این باره مطالعه کتاب امر به معروف و نهی از منکر، اثر حجه الاسلام قرائتی بسیار مفید است

اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می گویند، آیا باید آن ها را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم

پرسش

اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می گویند، آیا باید آن ها

را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم

پاسخ

پرسش گر گرامی اگر می دانید که توضیحات شما درباره مسائل دینی و تشریح اهداف و حکمت و فلسفه احکام دینی و معارف اسلامی برای هدایت آن ها مؤثر است اقدام به توضیح و تشریح حکمت و فواید احکام و معارف اسلامی کنید و آن جمع را امر به معروف و نهی از منکر نمایید; چنان که قرآن کریم می فرماید: "وَلْتَكُن مِّنكُم ْأُمَّه ٌيَدْعُون َإِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُون َبِالْمَعْرُوف ِوَيَنْهَوْن َعَن ِالْمُنكَرِ وَأُوْلَئِكَ هُم ُالْمُفْلِحُون َ;(آل عمران ۱۰۴) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن ها همان رستگارانند."

و در صورتی که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نیز منتفی است شما باید آن جمع و گروه را ترک کنی و از میان آن ها فاصله بگیری (برای آگاهی بیشتر، ر.ک توضیح المسائل مراجع سیدمحمد حسن بنی هاشمی خمینی ج ۲، ص ۶۱۸۶۲۴، مسأله ۲۷۸۶ تا ۲۸۲۴، فتاوای حضرت امام خمینی ، انتشارات اسلامی قم)

پرسشگر گرامی مرکز فرهنگ و معارف قرآن طرحی را در دست تهیه و تدوین دارد با عنوان "طرح خادمان قرآن کریم که انشاألله به زودی تکمیل و فعالیت خود را آغاز می کند در این طرح تمام پرسشگران محترم می توانند به عضویت آن دربیایند، با این مرکز قرآنی در ارتباط باشید، و جزئیات آن را در مکاتبات بعدی جویا شوید.

الف آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسی غ را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکوت در برابر گناه دیگران همراه با آن ها عذاب کرد؟ ب آیا از نظر خداوند و امام زمان غ درست است که در جامعه دختران و زنان با مانتوهای

پرسش

الف آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسی غ را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکوت در

برابر گناه دیگران همراه با آن ها عذاب کرد؟ ب آیا از نظر خداوند و امام زمان غ درست است که در جامعه دختران و زنان با مانتوهـای تنگ و آرایش به خیابان ها بیاینـد که اگر این وضع ادامه یابـد، بی حجابی رواج پیـدا می کنـد؟ آیا حوزه علمیه در سامان دهی این گونه امور، وظیفه ای ندارد؟

پاسخ

الف آن چه در بخش ِ نخست پرسش مطرح کرده اید، هم در قرآن کریم و هم در روایات بیان شده است داستان از این قرار است بعضی از بنی اسرائیل که در کنار دریا زندگی می کردند، در مقابل فرمان خداوند سرپیچی کردند و دیگر افراد آن قبیله در برابر این نافرمـانی دو گروه شدنـد: نخست کسـانی که در برابر این نافرمـانی امر به معروف و نهی از منکر کرده و به وظیفه خود عمـل نمودنـد، اما افراد دیگری که از خوبان نیز به حساب می آمدنـد، سـکوت اختیار کردنـد و حتی به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کردنـد، اعتراض نموده می گفتنـد چرا این کـار را می کنیـد، خوب است چیزی نگوییـد. از آیـات ۱۶۳ ۱۶۶ سوره مبارک اعراف استفاده می شود، گناه کاران و آن ها که در برابر این گناه سکوت اختیار کردند، هر دو عذاب شدنـد; هر چند عذاب گناه کاران سـنگین تر بود: "فَلَمّا نَسوا ما ذُکِّروا بِهِ ِ اَنجَینا الَّذینَ یَنهَون َعَن ِ السّوءِ واَخَذنَا الَّذین َظَلَموا بِعَذاب ٍ بَ ?‹یس ٍ بِما کانوا یَفسُقون (اعراف ۱۶۵) اما هنگامی که تذکراتی را که به آن ها داده شده بود فراموش کردند، نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و آن ها را که ستم

کردنـد، به عـذاب شدیـدی به خاطر نافرمانی شان گرفتار ساختیم " این که در آیه آمـده است نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیـدیم معنایش این است که دو گروه دیگر]گناه کاران و سـکوت کننـدگان را عذاب دادیم (ر.ك تفسـیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۶، ص ۴۱۷ ۴۲۴، دارالکتب الاسلامیه)

ب به یقین رعـایت حجـاب برای همه به ویژه زنـان و بیرون نیامـدن بـانوان در حـال زینت و بـا لباس تنگ امری واجب است و آیات ۳۱ ۳۳ سوره نور، به این مطـالب اشـاره فرموده است حوزه علمیّه و همه افراد جامعه وظیفه دارنـد با رعایت مراحل امر به معروف و نهی از منکر، جلوی آن را بگیرند، هم چنان که کم و بیش به این تکلیف عمل می شود و به یقین اگر افراد سـکوت کنند، نه تنها بی حجابی رواج می یابد، بلکه برای سکوت کنندگان عذاب الهی خواهد بود و خداوند و امام زمان غ به این امر راضـی نیستند. امید آن که همه در هر جا به وظایف الهی خود عمل کنند تا جامعه شاهد این گونه نابسامانی ها نباشد; البته در به وجود آمدن این گونه شرایط، عواملی دخالت دارند که ریشه یابی آن عوامل از حوصله این پاسخ نامه خارج است

با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نوارهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟

پرسش

با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نوارهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟

پاسخ

چگونه می توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت

پرسش

چگونه می توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت

پاسخ

باید با شیوه صحیح آنها را امر به معروف و

نهی از منکر نمود، لذا شایسته است جهات

متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط

وجوب و مراتب آن.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی

است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه

بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق

برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده

شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان

گوشزد شود و سپس تدریجا به بیان ایرادات

وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول

یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و

سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته

شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به

ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال

خود آنها است.

ه') ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به

هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان

نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و

انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و

خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از

آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس

و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های

کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در

پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و

از خداوند توفیق

بخواهید.

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا شترک ان به علت ناراحتی دیگران جایز

پرسش

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا شترك ان به علت ناراحتی دیگران جایز

پاسخ

در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات

متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و

شرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل.

طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم

است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج)

حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا

امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان

ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یك

مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی

یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د)حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود

که آنچه به ایشان تذکر داده می شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها

است. ه') ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از

امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول

صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و

خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل

داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش

که نشنیدیاشنیدکس و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه های

کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری

شیوه ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت

را حفظ نموده و از خداوند توفیق

بخواهید.

با راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟

پرسش

با راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟

پاسخ

باید با شیوه صحیح آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمود، لذا شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است.

ه') ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید و

شرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تأثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور؟

پرسش

بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور؟

پاسخ

افرادی که در یک مکان با هم زندگی می کنند شایسته است به آداب و شرایطی که بر زمان و مکان حاکم است احترام بگذارند تا با مراعات آن آداب، محیطی مطلوب برای ایشان مهیا شود.

انسان آزاده و فرهیخته، حرمت و ادب حضور دیگران را نگه می دارد و از آنچه موجب رنجش هم نوع شود می پرهیزد بر همین اساس اگر به امور دینی هم نگاه کنیم حرمت ها و مرزها کاملا حفظ شده است برای مثال اگر چه مسجد محل عبادت است ولی صدای بلندگوی مسجد نبایستی موجب آزار همسایگان شود. یا فردی که مایل است قرآن را با صوت بلند و خوش تلاوت کند شایسته است مکان خلوتی را برای خود برگزیند و ... هر کس در امور مربوط به خود آزادی هایی نسبی دارد و در عین حال تا جائی که آزادی دیگران خدشه دار نشود، از نعمت آزادی عمل برخوردار است. هر کجا آزادی عمل شخص با آزادی دیگران تنافر و تناقض ایجاد کند، باید شخص حدود و اندازه های خود را بشناسد و سپس در حفظ حریم دیگران بکوشد همان طور که خود نیز دوست دارد تا حرمتش محفوظ بماند در خصوص افرادی که از موسیقی غیر مجاز و حتی مجاز استفاده می کنند همین قاعده جاری است که افراد باید قوانین و ضوابط و اخلاق فردی و اجتماعی را مراعات کنند مخصوصا در محیط خوابگاه یا خانه جمعی که اخلاق و آداب خاصی دارد

و لازم است این آداب بصورت یک فهرست مکتوب در اتاق ها نصب شود تا با استناد به آن آداب هر فرد خود را موظف به پایبند بودن به آنها نماید.

علاوه بر این مواردی که برخلاف عرف و شرع رخ می دهد باید با فرد خاطی از سر خیرخواهی و مصلحت اندیشی، گفتگو شود و با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه مواجهه صورت گیرد تا انشاءالله متنبه شود و یا حداقل خود را متعهد سازد در اندازه ای که دیگران حتی متوجه نشوند و مزاحمتی برای دیگران ایجاد نشود آزادی عمل داشته باشد.

اگر گروه غالب در خوابگاه مرتکب چنین عملی می شوند باز باید در جهت آگاه سازی ایشان اقدام کرد و چنانچه مؤثر نشد خود شما با یک برنامه زمان بندی شده سعی کنید کمترین زمان را در جمع آنها باشید و در زمان های دیگر از مکانهایی که از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار است استفاده کنید تا انشاءالله ایشان از روش خود باز گردند به هر جهت برای اینکه دچار تأثیر وضعی اصوات نامشروع نشوید سعی کنید محل اسکان خود را تغییر دهید و حتی اگر هزینه ای در بر دارد آنرا تحمل نمائید تا از آثار سوء موسیقی غیر مجاز در امان بمانید.

و در صورتی که ناچار از بودن در جمع آنها هستید با عملکرد خوب انسانی و الهی با ایشان رفتار نمائید تا به تدریج بتوانید در آنها تأثیر بگذارید و به کار های خود مشغول باشید و به اصوات نامشروع گوش نکنید. و چنانچه عمدا گوش نکنید و ناچار از ماندن در آن مکان باشید در این

صورت خوردن صدای آن به گوش شما اشکال ندارد.

چرا مردم از امربه معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟

پرسش

چرا مردم از امربه معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟

پاسخ

انسان ها در برخورد با حق، چند گونه اند:

۱- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند، نه تنها ناراحت نمی شوند، بلکه بسیارخرسند و شادمان می شوند.

۲- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت. چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد، استقبالنمی کنند.

۳- انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلماً در برابر حرف حق، واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروهاندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است. مسلماً اگر آمر به مروف، با درکدرستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی، اخلاقی و تربیتی او، شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند،عکس العمل مثبت طرف مقابل، بسیار بالا خواهد بود.

برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟

پرسش

برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟

پاسخ

در راستای این سؤال، چند پیشنهاد به نظر می رسد که امید است مؤثر واقع شود:

۱ نهی از منکر از طریق ارشاد و گوشزد نمودن مفاسد این رفتار (البته در کمال ملایمت و آرامش).

۲ جداسازی این افراد از یکدیگر و قرار دادن آنها در مجاورت افراد سالم.

۳ از طرف کمیته انضباطی یا دفتر نهاد نمایندگی و یا ارگان مربوطه دیگری، برای آنها اخطار کتبی فرستاده شود.البته این کار بسیار ظریفی است، فلذا دو نکته را باید رعایت کرد:

الف) ممکن است علیه ارگان و یا کسانی که چنین اخطاری را برای آنها می فرستند، دست به جوّ سازی بزنند، بنابراین باید مجهول ونامشخص باشد.

ب) ممکن است بفهمند که چه کسی راجع به آنها گزارش داده است و در نتیجه علیه خود او جوّ سازی کنند، که باید به گونه ایعمل نمود که چنین مشکلی ایجاد نشد.

۴- به اساتید معارف و اخلاق گوشزد شود که در وقت متناسبی، این عمل را به طور کلی و سربسته متذکرشوند.

۵ خودتان شخصا سعی کنید از این محیط و این گونه افراد فاصله بگیرید.

۶ می توان در این زمینه، جزوه ای تهیه نمود و مفسده این عمل را یادآور شد؛ لکن خود این مسأله ظریفی است کهباید به گونه ای عمل نکرد که موجب اشاعه فحشا شود و تازه افرادی هم که مبتلا نیستند، حساس شوند.

۷ سرگرمی های سالم و اشغال وقت فراغت به فعالیت های متنوع نیز بی تأثیر نیست؛ گرچه مرقوم فرموده اید کهبی فایده است؛ ولی به اعتقاد ما اگر به نحو مدبّرانه ای عمل شود، در جلوگیری از این رفتار،

بی تأثیر نخواهد بود.{J

لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برایم بگویید؟

پرسش

لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برایم بگویید؟

پاسخ

در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن.

امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی از منکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتند از:

۱ آمر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد

۲ کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد

۳ مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود مثلاًـ اگر با آرامش می توان نهی کرد از پرخاش خودداری شود.

۴ احتمال تأثیر داده شود.

۵ برای آمر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده

می شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها است.

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

<Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD> حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس </TD> <TD> در بند این مباش که نشنید یا شنید کس </TD></TR> </Table/> و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی:

۱- امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود، چنانچه مخالفت قلبی سودی نبخشید باید با زبان به نهی پرداخت و چنانچه با زبان نیز مؤثر نبود عملاً شخص را از کار بد باید بازداشت.

۲- اظهار ناراحتی قلبی در برابر بدی ها عبارت است از چهره درهم کشیدن، روی گرداندن، دوری گزیدن و ترک رفت و آمد و مانند آن به طوری که به طرف بفهماند که او کار بدی می کند و از او می خواهد که دست از آن بردارد.

۳- راضی بودن به ارتکاب گناه خود حرام است(رساله نوین، ج ۴، ص ۱۵۵).

در مجموع امر به معروف و نهی

از منکر از مهمترین وظایف است و والاترین و مؤثرترین و دلنشین ترین آن در قلب ها، وقتی است که عهده دار امر به معروف و نهی از منکر، خود آراسته به نیکی ها چه واجب و چه مستحب بوده، از بدی ها حتی از مکروهات بر کنار و اخلاقی پیامبرگونه و روحانی داشته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا منزه بوده تا جایی که با عمل و رفتارش مردم را به نیکی ها ترغیب و از بدی ها بازدارد و مردم از وی پیروی کنند.

برای کسب آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- رساله نوین، ج ۴، مسائل سیاسی و حقوقی، امام خمینی

۲- امر به معروف و نهی از منکر، آیت الله حسین نوری

۳- دو فریضه بزرگ، سید جعفر میرعظیمی

۴- امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟

پرسش

رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟

پاسخ

}بایستی با روش صحیح و عمل درست، آنها را نسبت به مسائل حقیقی اسلام و انقلاب آشنا کنید و از بدبینی و سوءبرداشت آنان جلوگیری نمایید.{

روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟

پرسش

روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟

پاسخ

این سؤال شما بسیار کلی و چند پهلو است، چرا که امور اعتقادی جملگی اهمیت یکسان ندارند و همگی در یک سطح نیستند؛ مثلاًـ یکی از اعتقادات ما مسلمانان، «اعتقاد به وجود خداوند متعالی» است و دیگری «اعتقاد به رجعت»؛ در حالی که اهمیّت و تأثیر آنها دررفتار و پیامدهای این دو اعتقاد، یکسان نیست. از طرف دیگر شخص منکر چگونه شخصیتی دارد و

انکـار او بر چه اسـاس است؛ خود موضوع دیگری است که بایـد بـدان اهتمـام داشت؛ چه بسا منکری که انکارش برخاسـته از سؤال ذهنی باشـد و یـا منکری انکـارش ناشـی از لجـاجت و یاناتوانی فکری و یا بی صبری و عـدم ظرفیت روحی است که بی تردید شکل بخورد با هر یک از این منکران نیز متفاوت است. افزون بر آن چه بیان شد، مهم ترین نکته دیدگاه برخورد با این گروه افراد است که آیـا از زاویه حقوقی می خواهیـد بـا این انکـار مواجه شویـد و یا از دریچهتربیتی، فقهی، اجتماعی اصـلاح گری یـا روشـنگری فکری در صـدد علاج آن هستیـد، به هر حال سؤال شـما جوانب متعـدد دارد که در این میان به بعضـی از روی کردهای مهم آن می پردازیم:

یکم – از دریچه تربیتی و اخلاقی: اگر خواسـته باشـید از این زاویه با این گونه افراد برخورد کنید، لازم است به اصول اخلاقی سخت پایبند بوده و در برابر حرکات ناپسـند و اظهار نظرهای نسـنجیده آنان عکس العمل نشانندهید و به گونه ای ارتباط خود را حفظ کرده تا با حفظ ارتباط، بتوانید از نسیم وارونه (روش غیر مستقیم)، بهره

جسته و او را هـدایت کنیـد. روشن است که اگر او را از دست بدهیـد و ارتباط خود را با او قطع کنیـد و یا او را فراری دهید، دیگر زمینه هر تأثیر مثبت و یا منفی را از دستداده، راه اصلاح را به روی خود سدّ خواهیـد کرد. در این موقعیت باید با حفظ ارتباط، به اتخاذ تـدابیر بعـدی روی آوریـد. انکارهـا کمتر به کفر منتهی می شود و یـا اگر هم به کفر منتهی شود، تا به یقین برسیم و تکلیف دیگری داشته باشیم بهتر است ارتباط دوستانه همراه با ارشاد خود راحفظ کنیم تا زمینه انجام وظیفه را از کف ندهیم.

در صورت حفظ ارتباط قبلی، می توانید راه کارهای زیر را برای هدایت او به کار بگیرید:

۱. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با بیان علمی سطحی؛

۲. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با پیام های پندآمیز و موعظه گری؛

۳. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با استدلال علمی که شرح سخن در بند (۲) خواهد آمد؛

۴. ارشاد غیر مستقیم با کمک گرفتن از افرادی که دارای نفوذ کلام هستند و آن شخص منکر نیز به آنها ارادت قبلی و اعتقاد اخلاقی دارد.

۵. ارشاد غیر مستقیم بـا بیـان پیامـدهای انکار حق و یا دست کشیـدن از حق، هر چنـد واقعیت همان چیزی باشـد که او معتقد است.

۶. ارشاد غیر مستقیم با بردن او به مسافرت های زیارتی و سیاحتی و ملاقات با افراد صاحب نفس قدسی؛

۷. ارشـاد غیر مسـتقیم بـا شـرکت دادن فرد مورد نظر در مجـالس موعظه، پنـد و یا در اختیار نهادن کتاب های دینی با محتوای وعظ و روشنگری ضمیر مانند مجموعه کتب شهید دستغیب و کتب اخلاقی

حضرت امام(ره) و یا برخی کتاب های عرفانی سطحپایین.

۸. ارشاد غیر مستقیم با بیان عواقب منکران در زمان های قدیم و افراد پیشین؛

۹. ارشاد غیر مستقیم با بیان تأثیرات، معجزات و کرامات شخص و یا شی مورد انکار واقع شده.

دوم - برخورد از زاویه روشنگری علمی: اگر شما در صدد هستید که با شخص منکر، برخورد علمی داشته باشید باید به نکات زیر اهتمام داشته باشید:

۱. از نظر توانمندی علمی خود را همسنگ و یا برتر از آن بیابید و او نیز چنین عقیده ای داشته باشد،

۲. شخص منکر نیز در صدد شناخت باشد، نه آن که به رغم انکار و انحراف خود را بی نیاز از روشنگری بداند و بر حرف خود اصرار و لجاجت و از پذیرفتن حق عناد داشته باشد.

۳. موضوع مورد نظر (انکار) کاملاً دقیق معین شده و مکتوب گردد و با بهتر ادعای هر یک از شما و ایشان به صورت شناخت و به دور از الفاظ مبهم نوشته شود.

۴. بعد از مشخص شدن ادعا و انکار هر یک باید بر موضوع منکر شده یا ادعا شده احاطه علمی لازم را داشته باشید و برای اثبات سخن خود دلیل آورید. توجه داشته باشید که دلیل، باید با مدعا کاملاً مطابقت داشته باشید؛ نه فراتر و نه کوتاه تر از مدعا باشد؛ مثلاً ـ اگرشخص منکر عصمت است، باید مفاد دلیل او عدم ضرورت عصمت باشد و یا دلیل بر عصمت غیر معصومین ارائه کند، نه این که به لوازم غیر قابل درک و تردیدپذیر عصمت استناد کند و اصل عصمت را زیر سؤال ببرد.

۵. در حین بحث از مباحث پراکنده و شاخه به شاخه پریدن

اجتناب کنید و صرفا در اطراف همانچه موضوع سخن است سخن بگویید. بشنوید.

۶. به دلیل استناد کنید نه به گفته ها و شنیده ها؛ روشن است که باید هر سخنی را به عقل محک بزنید؛ نه این که فلانی چنین گفته و یا فلان نشریه یا فلان کتاب چنین نوشته است.

۷. قبل از ورود به سخن و یا پاسخ به انکار منکر، خود را به دانش مورد نیاز مسلّح سازید و اگر چنین توانایی ندارید وارد بحث نشوید و بدانید که ورود به این شکل ضرری بیشتر از سود دارد

۸. گاهی اوقات برای جواب دادن به برخی از این منکران، کافی است به معرفی کتاب اکتفا کنید و از بحث خودداری ورزید. البته در صورتی که خودتان اطمینان دارید که آن کتاب پاسخ وی را خواهد داد.

۹. بگو مگوی علمی را به الفاظ، حرکات خلاف اخلاق آلوده نسازید، همان گونه که نباید به جهت ورزی افراطی روی آورید.

۱۰. اشخاص شرکت کننده در بحث باید محدود و معین باشند، نه این که عده ای گرد هم نشسته و هر کسی از هر چه به ذهنش، رسد بگوید و بپرسد، دیگران باید با سکوت و شنیدن بحث را هدایت کنند. نه شرکت کننده و نه تحریک و تهیج کنندهباشند.

در پایان این بخش متذکر می گردد که شما می توانید برای برخورد با این گروه افراد، هر دو دیدگاه را به کار بگیرید، یعنی، هم برخورد اخلاقی داشته و هم برخورد روشنگرانه. بی تردید اجرای هر دو خوب است؛ مشروط به آن که شرایط انجام برخورد علمی فراهم باشد؛یعنی، منکر ظرفیت علمی داشته باشد و در صدد روشن شدن حقیقت باشد و در صدد

عناد و لجاجت نباشد.

سوم - برخورد حقوقی: برخودر حقوقی با منکرین - در هر سطحی که باشد - فراتر از مسؤولیت قانونی و شرعی ما و شما است، چرا که برخورد حقیقی وظیفه مسؤولان نظام است و در مرحله اول تکلیف حکومتی است؛ مگرآن که خود حکومت آن را به مردم واگذار کرده باشد (مانند برخورد با سلمان رشدی). و از جانب دیگر اگر هر شخصی بخواهد خود برخورد حقوقی نماید، موجب هرج و مرج شده و بی نظمی و اغتشاش اجتماعی را در پی خواهد داشت. لذا نباید به صورت خودسرانه و مطابقتشخیص شخصی وارد عمل شد و عمل کرد.

امیدواریم با رعایت اصول کلی بیان شده مقصود حاصل گردد. البته پاسخ جزئی تر و مشخص تر نیازمند سؤال روشن تر با تعیین جوانب بیان شده است که اگر در صدد آن هستید، باید به صورت روشن و با تعیین جوانب بر شمرده شده، سؤال خود را مطرح نمایید. اما درمورد معرفی کتاب نیز باید به عرض برسانیم که باز چون موضوع خاصی را تعیین نفرموده اید، حوزه کتاب های مورد نظر برای ما مبهم است و نمی توانیم به صورت تخصّصی تر و کاملاً دقیق ارائه خدمت نماییم. اما (به صورت کلی مسلّح شدن بهدانش مورد نیاز در سطح عمومی با مطالعه کتاب های شهید مطهری(ره) مطابق جزوه «صراط اندیشه» فراهم می گردد. افزون بر آن در زمینه تقویتاصول اعتقادی، می توانید از کتاب های آموزش «عقاید؛ نوشته آقای مصباح؛ «آموزش فلسفه»، بحث خداشناسی، ج ۲، نوشته آقای مصباح؛ «آموزشدین*»، نوشته علامه طباطبایی؛ «آموزش اصولی عقاید» نوشته میرباقری و آقای غرویان بهره بگیرید.

و در حوزه پاسخ به برخی نیازهای فکری روزمره به کتاب «پرسش و

پاسخ»، ج ۱، تا ج ۴، از انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امامخمینی(ره) و «جستارها و پاسخها» نوشته آقای هادوی؛ «معارف قرآن»، خداشناسی جهان شناسی و انسان شناسی) نوشته آقای مصباح؛ «آموزش کلاماسلامی» نوشته آقای سعیدی مهر، مراجعه نمایید.{J

تعریف امربه معروف و نهی از منکر

آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفهء دولت وحکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در قرآن آمده مانند قطع دست دزد اجرا نمی شود؟

پرسش

آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفهء دولت وحکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در قرآن آمده مانند قطع دست دزد اجرا نمی شود؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف مهم هر مسلمان است . مسلمان وظیفه دارد مسائلی را که در اطراف او واقع می شود تأیید یا تکذیب کند و واکنش نشان دهد. بی اعتنایی نسبت به وقوع حوادث و گناهان آثار نامطلوبی برای فرد و جامعه دارد، درست مانند این که اگر شخصی بفهمد در نزدیکی خانه ای یا کارخانه ای آتش گرفته و فریاد نزند و دیگران را به یاری دعوت نکند و سکوت کند تا آتش فراگیر شود,سرانجام آتش دامن او را هم می گیرد. گناه در جامعه مانند این مثال است ...

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است :

۱ قلبی ;

۲ زبانی ;

۳ عملی و جوارحی .

در مرحلهء اول همهء مردم موظّف اند از انجام گناه ناراضی باشند و از خوبی ها شاد و راضی باشند.

در مرحلهء دوّم آنان که می توانند و حرفشان مؤثّر است باید در مقابل گناه بایستند و با زبانشان امر به معروف ونهی از منکر کنند.

در مرحلهء سوّم آنان که با گفتارشان نمی توانند جلوی فساد را بگیرند, در صورت توانایی باید در دستگیری مجرم و تأدیب و

کتک زدن تا جایی که موجب دیه نشود اقدام کنند, ولی اگر به مرحلهء شدیدتری نیاز است , وظیفه ءحاکم اسلامی است , مثل شلاق یا اعدام یا جاری کردن حد. این کارها

وظیفهء تک تک افراد جامعه نیست . این مرحله از امر به معروف باید زیر نظر حاکم اسلامی که در زمان غیبت فقیه می باشد, اجرا شود.

در این جا دو مسئله از تحریرالوسیله نقل می کنیم , امام می فرماید:

اگر نمی توانـد امر به معروف بکند مگر با کتک زدن و اذیت کردن، ظاهراً جایز است . البته مقدار لازم و ضـروری را مراعات بکند و خوب است از حاکم شرع اجازه بگیرد.

اگر نهی از منکر موجب جرح و یا قتل باشد بدون اجازهء امام (ع) جایز نیست در زمان ما فقیه جامع الشرایط جانشین امام(ع)

می باشد. (۱)

نقش مردم در این مرحله به عنوان یار و یاور دولت اسلامی، در شناسایی مجرمان و دستگیری آنان بسیار لازم و ضروری است . اجرای حدود الهی از وظایف دولت اسـلامی است و آن چه را که در قرآن وقانون است باید اجرا کند. دولت اسلامی بعضی حـدود از قبیل شـلاق , اعدام و قطع دست را اجرا می کند, اما اجرای حدود دیگر, چون شـرایط زیاد دارد، کم تر برای حاکم محرز می شود تـا حکم قطعی را در آن مورد جـاری کنـد,مثلاًـ قطع دست دزد، متجـاوز از بیست شـرط دارد، از این رو کمـتر اتفاق می افتد که شرایطحدّی مانند قطع دست محقق شود.

پاورقی:

۱ – تحریرالوسیله، ج۱، ص ۴۸۱، مسئله ۱۰ و ۱۱.

در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب , باید نهی از منکر کنیم ؟

پرسش

در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب , باید نهی از منکر کنیم ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با شـرایطی واجب است . در روایات آمـده : دو واجب بسـیار مهم , امر به معروف و نهی از منکر است که بسیاری از مردم از آن ها غافل اند.

امر به معروف و نهی از منکر, بی اثر نیست . ممکن است از گفتن یـک نفر, آن شـخص متـأثر نشود, امـا اگر دومی وسومی و چهارمی و... امر به معروف و نهی از منکر کردند, تأثیر خوبی خواهد داشت و در این امر نباید کوتاهی کرد.

قرآن از صفات مؤمنان , امر به معروف و نهی از منکر را بر می شمارد:

می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند>.

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش

اشاره

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟

پاسخ

خیر، زیرا اسلام دخالت در زندگی خصوصی دیگران و تجسس در این امور را حرام می شمرد و قرآن مجید ناطق به آن است (سوره حجرات). ولی محدوده امر به معروف و نهی از منکر، ناهنجاریهای آشکار اجتماعی است که در سرنوشت جامعه دخالت دارد و سرنوشتها در آن جا به هم گره خورده است و تخلف و انحراف در هر یک از افراد، در کل جامعه اثر می گذارد.

بنابراین هیچ کس حق ندارد در این گونه مسائل به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند بگوید به شما چه مربوط است؟! پاسخش این است که به همه ما مربوط است، زیرا سرنوشت ما به یکدیگر پیوسته است.

آیا در برابر هجوم بیماریهای واگیردار، هنگامی که دولت مأموران خود را برای زدن واکسن بسیج می کند، کسی حق دارد بگوید به شما چه مربوط است؟ من بیمار می شوم و جان من به خطر می افتد، بگذارید بیفتد، چرا در زندگی شخصی من دخالت می کنید؟!

همه به او جواب می دهند سلامت تو از سلامت دیگران جدا نیست و بیماری تو سبب بیماری دیگران می شود و به همین دلیل به ما مربوط است و به همه مربوط است، بنابراین باید قبول کرد انجام این دو وظیفه، از آثار زندگی گروهی انسانها و از حقوق و واجبات اجتماعی محسوب می شود.

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

در روایات اسلامی، تأکیدهای فوق العاده ای درباره این دو وظیفه مهم دیده می شود و آن را ضامن اجرای تمام فرایض الهی و سبب امنیّت و آبادی و سبب گسترش عدالت می شمرد.

۱ در حدیثی از پیغمبر اکرم(ص) می خوانیم

«مَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهی عَنِ الْمُنْکَرِ فَهُوَ خَلیفَهُ اللهِ فی اَرْضِهِ، وَ خَلیفَهُ رَسُولِ اللهِ، وَ خَلیفَهُ کِتابِهِ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر(ص) و کتاب اوست.] یعنی دقیقاً کار آنها را انجام می دهد.

۲ درحدیث دیگری از آن حضرت، تعبیر گویاتری دیده می شود که پیامبر (ص) بر منبر بود، مردی عرض کرد ای رسول خدا! مَنْ خَیْرِ النّاسِ؟ (چه کسی از همه مردم بهتر است؟!) فرمود

«آمَرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اَتْقاهُمْ لِلّهِ، وَ اَرْضاهُمْ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که از همه بیشتر امربه معروف و نهی از منکر کند و از همه با تقواتر و خشنودتر به رضای الهی باشد.]

۳ در حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) می خوانیم

«لَتَأْمُرُونَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْکَرِ اَوْ لَیَعُمَنَّکُمْ عَذابُ اللهِ» (وسائل الشیعه ۱۱/۴۰۷) [به یقین، همگی باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه به طور قطع عذاب الهی شما را فرا می گیرد.]

۴ در حدیث معروفی، نیز از علی(ع) می خوانیم که فرمود

«وَ ما اَعْمالُ الْبِرِّ کُلِّها وَ الْجِهادُ فی سَبیلِ اللهِ عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهی عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَهٍ فی بَحْرٍ لُجّیٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴) [تمام اعمال نیک و حتّی جهاد

در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهان است در برابر یک دریای پهناور.]

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

امام باقر (ع) در یک بیان کوتاه و گویا، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را چنین بیان فرموده است

«اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَریضَه عَظیمَه بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَ تَأْمَنَ الْمَـذاهِبُ وَ تُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظالِمُ وَ تَعْمُرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَ یَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه ۱/۳۹۵)

در این عبارت کوتاه به هفت فلسـفه از فلسفه های این دو فریضه عظیم الهی اشاره شده است، می فرماید [امر به معروف و نهی از منکر فریضـه بزرگ الهی است که بقیّه فرایض به وسـیله آن بر پـا می شـود، به وسـیله این دو، راههـا امن و امـان می گردد، کسب و کارهـا حلاـل می شود، حقوق مظلومـان به آنهـا می رسـد، زمینهـا آباد می گردد، از دشـمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.]

چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟ پرسش

اشاره

چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟

پاسخ

تمام رسانه های گروهی و تمام تبلیغهای سـمعی و بصری که به نحوی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و توجّه آنها به نیکیها و پاکیها و اخلاق انسانی و اصول فضـیلت و بیزاری از فساد سـر و کار دارنـد، همه آنها در دایره امر به معروف و نهی از منکر، جـای می گیرنـد و حتّی مراکز آموزش و پرورش و علوم عـالی که نوجوانـان و جوانـان را بـا اصول اعتقادی صـحیح و موازین انسانی و قوانین و آداب اجتماعی، آشـنا می سازد و در تعلیم و تربیت آنها گام بر می دارد نیز در این دایره جای دارد، چرا که همه این امور می توانند در امر به معروف و نهی از منکر سهیم باشند، بنابراین نقش این مراکز در پیاده کردن این دو اصل مهمّ

اجتماعی روشن می شود.

این نکته نیز حائز اهمیّت است که معمولاً ـ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو بخش از فروع دین شمرده می شود، ولی از یک نظر دامنه آن چنان گسترده است که بخش عظیمی از اصول اعتقادات را در بر می گیرد، چرا که همه آنها در این مسیر مؤثّر و کارسازند و از طریق تحکیم پایه های عقاید، با مفاسد مبارزه می شود، همچنین عبادات نیز مقدّمه ای برای آن است.

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش

اشاره

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟

پاسخ

خیر، زیرا اسلام دخالت در زندگی خصوصی دیگران و تجسس در این امور را حرام می شمرد و قرآن مجید ناطق به آن است (سوره حجرات). ولی محدوده امر به معروف و نهی از منکر، ناهنجاریهای آشکار اجتماعی است که در سرنوشت جامعه دخالت دارد و سرنوشتها در آن جا به هم گره خورده است و تخلف و انحراف در هر یک از افراد، در کل جامعه اثر می گذارد.

بنابراین هیچ کس حق ندارد در این گونه مسائل به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند بگوید به شما چه مربوط است؟! پاسخش این است که به همه ما مربوط است، زیرا سرنوشت ما به یکدیگر پیوسته است.

آیا در برابر هجوم بیماریهای واگیردار، هنگامی که دولت مأموران خود را برای زدن واکسن بسیج می کند، کسی حق دارد بگوید به شما چه مربوط است؟ من بیمار می شوم و جان من به خطر می افتد، بگذارید بیفتد، چرا در زندگی شخصی من دخالت می کنید؟!

همه به او جواب می دهند سلامت تو از سلامت دیگران جدا نیست و بیماری تو سبب بیماری دیگران می شود و به همین دلیل به ما مربوط است و به همه مربوط است، بنابراین باید قبول کرد انجام این دو وظیفه، از آثار زندگی گروهی انسانها و از حقوق و واجبات اجتماعی محسوب می شود.

نظر علی(ع) در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پرسش

نظر علی(ع) در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: جهاد چهار شعبه و پایه دارد: یکی از آنها امر به معروف است و دیگری نهی از منکر... کسی که امر به معروف می کند پشت مؤمنان را گرم و محکم می کند. همان طور که نهی از منکر بینی کافران و منافقان را به خاک می مالد؛ «والجهاد منْها عَلی أَرْبع شُعب: عَلی الأمر بالمعروف والنَّهی عن المنکر... فَمن أَمر بالمعرُوف شدّ ظَهور المؤمنین و مَن نهی عن المُنکر أَرغم اُنوف الکافرین(المنافقین).» (نهج البلاغه، حکمت۳۱، بند ۸-۹)

و در تشریح فلسفه این واجب بزرگ الهی فرمود: «فَرض الله... الأَمر بالمعروف مَصلحةً لِلعوام والنَّهی عَن المنکر رِدعاً للسُّفهاء»؛ (همان، حکمت ۲۵۲، بند ۲) [امر به معروف را برای اصلاح جامعه مسلمین واجب کرد و نهی از منکر را جهت باز داشتن نابخردان از اَعمال و کردار زشت.]

در وصیت نامه خود امر به معروف و نهی از منکر را مانع تسلّط اشرار معرفی کرد و فرمود: «لا تَترکوا الأَمر بالمعروف والنَّهی عن المُنکر فَیُولّی عَلیکم شِرارکم ثُمّ تَدعون فلا یُسْتجاب لکم»؛ (همان، نامه ۴۷). امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید و گرنه اشرار جامعه بر شما مسلط می شوند. آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نمی رسد.

در بیانی دیگر در ارائه مسیر صحیح اِعمال خشم و غضب، افراد جامعه را به چند گروه تقسیم کرد و فرمود:

عدّه ای در سه مرحله عملی، زبانی و قلبی نهی از منکر می کنند. اینها کسانی هستند که همه خصال خیر را در خود جمع کرده اند.

عدّه ای نهی از منکر زبانی و قلبی دارند، ولی نهی از منکر

عملی را رها کرده اند. اینها کسانی هستند که یکی از خصلتهای خیر را رها کرده و به دوتای آن تمسک جسته اند.

گروه سوم کسانی هستند که فقط نهی از منکر قلبی دارند و فقط در درون دلشان از زشتی ها متنفّرند اما با دست و زبانشان اقدامی نمی کنند. اینها دو خصلت از خصلتهای سه گانه مزبور را از دست داده و فقط به یکی از آنها دست یافته اند.

گروه چهارم کسانی هستند که مراحل سه گانه آن را رها کرده و به هیچ نحوی از منکر، نهی نمی کنند. اینها مرده های متحرکی هستند که از آثار حیات انسانی برخوردار نیستند و فقط به خور و خواب و استهلاک امکانات معیشتی که از آثار حیات حیوانی بشر است اکتفا می کنند.

آن گاه درباره جایگاه امر به معروف و نهی از منکر فرمود: جمیع اعمال نیک بندگان خدا حتی جهاد و پیکار در راه او در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره ای از اقیانوس پهناور است.

امر به معروف و نهی از منکر نه پایان زندگی و اجل کسی را نزدیک می کند و نه مایه کاهش روزی کسی می گردد.

در پایان می فرماید: از همه اینها بالاتر، کلمه حقّی است که در برابر پیشوایی ستمگر بیان می شود. البته این نیز یکی از موارد و مصادیق نهی از منکر است.

این کلام در بیان دیگری از آن حضرت بدین صورت آمده است: «أیّهَا المُؤمنون إنّهُ مَن رَأی عُدواناً یُعْملُ بِهِ ومُنکَراً یُدعی إلیه فَأنکَره بقلْبِهِ فَقد سَلِم وبَریءَ ومَن أنکَرهُ بِلسانِه فَقَد اُجرَ وهو أفضَل مِن صاحِبِهِ ومَنْ أنکَرهُ بالسَّیفِ لِتکونَ کَلِمه اللهِ هِیَ العُلیا و

كَلِمهُ الظّالِمينَ هِيَ السُّفْلی فَذلِكَ الَّذی أصابَ سَبیلَ الهُدی وَقامَ عَلَی الطَّریقَ ونَوَّرَ فی قَلْبِهِ الیَقین»؛ (همان، حکمت ۳۷۳) [اگر کسی قلباً از ظلم و منکر اظهار انزجار کند، خودش سالم می ماند. و اگر علاوه بر انزجار قلبی با زبان خود نیز نهی از منکر نماید اجر بیشتری می برد و از اوّلی بالاتر است. و اگر علاوه بر انزجار قلبی و نهی از منکر زبانی با شمشیر نیز جلوی ظلم را بگیرد تا نام خدا گرامی و نام ظالمان سرنگون گردد، اوست که در راه هدایت به مقصد رسیده، در متن راه راست قرار گرفته، نور دین در قلب او تابیده و قلبش نورانی شده است.]

بنابراین، از نظر امیرالمؤمنین(ع) کسی که با شمشیر جلوی ظلم را بگیرد و اهل جهاد و مبارزه باشد بنده ای است که خدا قلب او را روشن کرده است.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن.

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد.

اثر امربه معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است.

انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند.

انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند.

انسانی که می کوشد وظایف اجتماعیش را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن.

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد.

اثر امربه معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است.

انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند.

انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند.

انسانی که می کوشد وظایف اجتماعیش را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن.

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد.

اثر امربه معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است.

انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند.

انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند.

انسانی که می کوشد وظایف اجتماعیش را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پرسش

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی باصراحت و قاطعیت مسوولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند .در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسوولیت همگانی ناممکن است . البته در این راستا مسوولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایطویژه ای که در آن قرار دارد مسوول است . مساله بدحجابی ازمعضلات کنونی جامعه ماست . این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانات داخلی دارد .از گذشته ها و ریشه تاریخی مساله که بگذریم ، متاسفانه خودباختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شماگوشه هایی از آن را ارایه کرده اید .اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهرگردد .ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی . هر یك از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد .در این رابطه نکات چندی رایادآور می شویم : الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکرنکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید .اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را بادوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت . ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان

نـاراحت شویـد که خود را در غم و انـدوه غوطه ور سازیـد، چون خود این حالت نیز باعث کنـدی کار و سـد راه تکامل شـما خواهـد بود .نبی اکرم (ص) درباره نابسامانی اجتماع و عـدم ایمان مردم به شـدت ناراحت می شدند تااین که خدای سـبحان حضـرتش را دلداری داده و می فرماید : ((طه ماانزلنا علیك القرآن لتشـقی ؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرسـتادیم که به خـاطر کفر و عـدم گرایش این مردم خـود را به رنـج و مشـقت بیفکنی)) ، (طه ، آیه ۱) و نیز می فرمایـد : ((لعلـك باخع نفسـک الا یکونوامومنین ؛ ای رسول ، تو چنان در انـدیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاك کنی)) ، (شعرا، آیه ۲۳) . ملاحظه می کنیـد که قرآن مجیـد چگونه نبی اکرم (ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذرداشـته است و نیز تعبیر حکیمانه علی (ع) در این راسـتا حایز اهمیت است که می فرماید : ((الهم نصف الهرم ؛ هم وغم نصف پیری را تشکیل می دهـد)) ، (نهـج البلاغه قصار ۱۴۳) ؛ یعنی ، غصه و انـدوه انسـان رامی شـکند و زود از پـا در می آورد .بـا این نگرش ، گرچه مـا به احسـاس پـاك شـما ارج می نهیم ولی رهنمـود مـا این است که خود را چنـان دچارانـدوه و حسـرت نکنیـد که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید .ج) و

اماچه بایـد کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنیـد که پس مامسوولیتی در ازای این رویـدادها نـداریم ؛ بلکه به پیشـنهادی چند،نیک بیندیشید .۱- هر کجـا زمینه منـاسبی یافتیـد دگرسـازی کنیـد و امربه معروف و نهی از منکر را در کمـال مهـارت و ظرافت به انجام برسانید .۲- اهل مطالعه باشـید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشـکل داشته باشید .۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسـیاری از دانشـجویان بـه طـور فعـال وکوشـا در این راه گـام برداریـد و مطمین باشـید که خـدای کریـم در صـددارشاد چنین فرزانگـانی است . و امیــدوار باشــید کـه در نهـایت از تلاـش خـود نـتیجه خواهیــد گرفـت . چنــد از ایـن الفـاظ واضــمار و مجازسوزخواهم سوز با آن سوز ساز;

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسـته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمـان می کننـد تنهـا آنهـا هسـتند که وظیفه خود را انجام داده انـد و دیگران گناهکارنـد. انسان با داشـتن این احسـاس به کمـال نمی رسـد. برای از بین بردن این احسـاس بایـد از خود پرسـید: از کجـا معلوم که گناهکـاران توبه نکننـد و سعادتمنـد نشونـد و مـا خود به کیفر غرور به خشم خداونـد گرفتـار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکـاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خـدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسـلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۹

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خد......گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد

آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۹۱۴

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پرسش

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پاسخ

در جوابی سؤالی که مطرح کردید باید تصدیق کرد که موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاصی به مسأله بدحجابی ندارد و همه منکرات را شامل می شود، مانند احتکار،کم کاری ،گران فروشی و صدها عنوان دیگر و لیکن برخی از منکرات، در اسلام مهم تر شمرده شده اند و دلیل آن هم ایجاد جّو غیر اسلامی و حاکمیت فضای غیر دینی در جامعه می باشد، چه آنکه منکرات تا زمانیکه علنی و آشکار نگشته اند آثار تخریبی کمتری دارند نسبت به زمانی که فضای حاکم بر اجتماع مسلمین فحشاء و منکرات علنی و ظاهری باشد که در این صورت اثرات تخریبی آن قابل محاسبه نیست از جمله مسأله بدحجابی، که فهرست برخی از آثار آن را می توان چنین شمارش نمود :

۱- زنان بی تقوا و بی حجاب بهترین دام برای شیطان اند ۲- زنی که بد حجاب است و خود را برای خارج از منزل معطر می کند زناکار است. ۳- زن بی حجاب و بد حجاب ، ننگ و آتش جهنم است. ۴- زنان بی حجاب و بد حجاب بدترین فتنه اند. ۵- زن بد حجاب به شوهرش خیانت می کند. ۶ زن بد حجاب بر قلب شوهرش تسلّط ندارد. ۷ زن بدحجاب و بی حجاب بجای آرامش اضطراب دارد. ۸ فساد و گناه و سقط جنین در بین زنان بی حجاب و بد حجاب بیشتر است.

۹ آثار مخرّب بدحجابی در فرزندان. ۱۰ ضرر بدحجابی از لحاظ اقتصادی ۱۱ اثر بدحجابی در ضعف اعصاب ۱۲ بدحجابی و فرهنگ مبتذل غرب زمینه ای برای مجذوب کفر شدن. ۱۳ بدحجابی سبب سرد مزاجی در مردان می شود. ۱۴ زن بدحجاب دل دشمنان اسلام بویژه آمریکا را شاد می کند!

۱ بر گرفته از کتاب آنچه یک زن باید بداند، اسد الله محمدی نیا

اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟

پرسش

اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟

پاسخ

اگر سکوت شما (نسبت به فرد عادی جامعه)، به معنای بی توجهی، و یا کوتاه آمدن نسبت به عمل این شخص باشد، قطعاً حرام است. اما اگر بهترین راه را برای امر به معروف و نهی از منکر، در مورد خاصّی، سکوت می بینید، که دارای اثر است، یعنی با سکوت شما، شخص دست از عمل حرام می کشد، یا سراغ آن نمی رود، وظیفه شما در این موقعیت، سکوت است.

ولی اگرعمل حرامی از مسؤولی، برای شما ثابت شود، دو صورت دارد :

۱.در صورتی که آن عمل، مربوط به زندگی خصوصی آن مسؤول است، و ارتباطی با مسائل کاری مسؤول ندارد، وظیفه شما در صورت جمع بودن شرایط، این است که به شیوه مناسبی، مسؤول را به صورت خصوصی، امر به معروف کنید.

۲. اما اگر در مورد ضایع کردن حقوق مردم، در حوزه تحت سرپرستی آن مسؤول باشد، در صورت جمع بودن شرایط، به شیوه مناسبی امر به معروف کنید. و در صورت ناتوانی از امر به معروف، بنا به توصیه مقام معظم رهبری عمل کنید :

"با وجود حکومت اسلامی، که اهتمام به این فریضه الهی (امربه معروف و نهی ازمنکر) دارد، کسی که خود از امر به معروف و نهی از منکر عاجز است، برایش لازمست که دستگاه مخصوص این کار را، که از طرف دولت مأمور است، مطلع سازد. و پیگیری موضوع، تا ریشه کن نمودن فاسد و مفسد، ادامه یابد."(۱)

منابع و مآخذ:

۱ استفتائات مقام معظم رهبری، ج۱،ص۳۱۱

وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست ؟

پرسش

وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست ؟

پاسخ

وظیفه اصلی او نهی از منکر با زبانی منطقی و سازنده است و اگر موثر واقع نشد در صورت امکان از آنان جدا شود؛ولی اگر ترک آن اتاق ممکن نیست بر او گناهی نمی باشد.

با این وضعیت دانشگاهها, آیا فریضه ء امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است ؟

پرسش

با این وضعیت دانشگاهها, آیا فریضه ء امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است ؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال توجه به نکات ذیل حایز اهمیت می باشد:

اولاً: نگاهی گذرا به احادیث و روایاتی که در زمینه فلسفه امر به معروف و نهی از منکر وارد شده این نکته مهم را مشخص می سازد که یکی از مهمترین عوامل تداوم و شکوفایی و پیشرفت و تعالی جوامع بشری و همین طور انحطاط و سقوط آن در گرو عمل به این فریضه مهم والهی می باشد. چنانچه پیامبر گرامی اسلام می فرمایند: اذا لم یأمروا بمعروف و لم ینهوا عن منکر و لم یتبعوا الاخیار من اهل بیتی، سلط الله علیهم شرارهمفیدعوا عند ذلك خیارهم فلا یستجاب لهم ؛ هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر ننمایند و از خوبان اهل بیت من پیروی نکنند،خداوند بدان را بر آنان مسلط خواهد کرد. در آن شرایط خوبان آنها دعا می کنند اجابت نمی شود {M، (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۲).

در روایت دیگر نیز فرموده اند: لتأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر او لیعمنکم عذاب الله ؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کنید یا عذابخدا همه شما را فرا می گیرد {M، (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷).

شهید مطهری در بحث تعالی و انحطاط جوامع که می توان آن را تعبیر دیگر عوامل تداوم و سقوط انقلاب ها دانست و براساس قرآن چهار عامل عدالت و بی عدالتی، اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر، اتحاد و تفرق، فسق و فجور و فساد یا صلاح اخلاق، را مؤثر در اعتلاو انحطاط جوامع می داند، (شهید مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۲۰۵).

دکتر علی شریعتی نیز

در مقاله اجتهاد و نظریه انقلاب دائمی می گوید: در اعتقاد اسلام، بر مبنای سه اصل، می توان انقلاب را دائمی کرد و سپس اجتهاد و امر به معروف و نهی از منکر و هجرت را عوامل انقلاب دائمی می داند، (اجتهاد و نظریه دائمیانقلاب، ص ۲۲ تا ۲۵).

ثانیا: وجود و گسترش برخی از مفاسد فردی و اجتماعی و ناهنجاری ها که در اثر عواملی از قبیل تغییر ارزش ها و توجه به مادیات و تهاجم فرهنگی و... به وجود آمده و خطر عمده ای برای نظام اسلامی محسوب می شود، توجه به عملی شدن و اجرا این فریضه الهی را درتمامی سطوح مورد تأکید قرار می دهد واز آنجا که یکی از مهمترین راه مقابله با این مفاسد انحرافات کار بنیادی فرهنگی می باشد، دانشجویان به عنوان قشری تحصیل کرده، نقش بسزایی را بر عهده دارند.

ثالثا: امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ از هر قشر و گروهی در صورتی که شرایط ذیل موجود باشد واجب می باشد:

۱- کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یا ترک کار واجبی است.

۲- احتمال دهد که امر و نهی او اثر دارد، خواه اثر فوری داشته باشد یا غیرفوری، کامل یا ناقص، بنابراین اگر بداند هیچ اثر نمی کند واجب نیست.

۳- در امر و نهی او مفسده و ضرری نباشد، پس اگر بداند یا بترسد که امر یانهی او ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه برای او یا بعضی از مؤمنین دارد‌واجب نیست.{J

وظیفه در مورد افرادی با وضع غیرقابل قبولی در دانشگاه رفت و آمد می کنند (مخصوصا خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر کرد یا خیر؟

پرسش

وظیفه در مورد افرادی با وضع غیرقابل قبولی در دانشگاه رفت

و آمد می کنند (مخصوصا خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر کرد یا خیر؟

پاسخ

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چندان مفصل نیستند مراجعه فرمایید:

مجله پرسمان، چرایی پوشش بانوان، آقای حسینی

مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسر، آقای احمدی

تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

شش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است:

اولا، آگاهی دقیق و عمیق برادران و خواهران متعهد و حزب اللهی در دانشگاه ها نسبت به موارد و مصادیق معروف و منکر.

ثانیا، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی، بسیج و سایر تشکل های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در ضمن از این طریق می توانید:

۱- کلاس های آشنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید.

۲- در شورای فرهنگی دانشگاه و سایر مراکز فرهنگی دانشگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید.

۳- گاهی برخورد با بعضی از منکرات به لحاظ حساسیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشکل منجسم نیروهای خودی در این راستا، کارآیی خوبی می تواند داشته باشد.

ثالثا، کار مطبوعاتی و نشریاتی و درج مقالات علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از شعار.

رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا

و غیرمنطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی مذکور صورت پذیرد.

خامسا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعا محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است.

سادسا، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسؤولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد; از جمله : اولا": فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا", احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا", شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا", در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و

نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر, جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت , روی بر گرداندن و.. از او, ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی , موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن , گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم , مرحله ی اقدامات عملی است . اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت , واجب است از اعمال قدرت استفاده کند, (تحریرالوسیله , امام خمینی , ج ۲, ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور, موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند,(استفتاآت آیت الله خامنه ای , ترجمه ی فارسی , ج ۱, ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی , قوه قضائیه , دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی , ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر, ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون , نسبت به انجام مسوئولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی

و قهری دریغ نورزنـد. در پایـان گفتنی است که هر چنـد در مبارزه با منکرات و مفاسـد اجتماعی اسـتفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است , ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی توانـد راه حل مناسب و اساسـی باشـد. راه حل نهایی این قبیل معضـلات , مبتنی بر شـناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است . راه کارهایی از قبیل حل مشـکلات اقتصادی , اشتغال , مسکن , ازدواج , تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی , اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر, فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدیـد کننـده ی سـلامت جـامعه , مطلوب است . در مورد محیط و اطرافیان : مسـلما حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعـد بسـی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمـونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای موئمنان آسـیه همسـر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت : خـدایا! من از قصـر فرعـون و زیورهـای دنیوی گذشـتم و تو خـانه ای در بهشت برای من بنـا کن و مرا از شـر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش . حفظ ارزش ها در محیط

مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا مچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

آیه و لا تزر وازرأ وزر اخری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد،

اشاره

چطور در یک جامعه گذشته از مسئله عرف که می گویند آتشی که گرفت خشک و تر می سوزد منظور باز شدن عرفی آن نیست و این ضرب المثل نیست بلکه باز شدن شرعی آن است چطو

پرسش

آیه و لا تزر وازرأ وزر اخری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد،

چطور در یک جامعه گذشته از مسئله عرف که می گویند آتشی که گرفت خشک و تر می سوزد منظور باز شدن عرفی آن نیست و این ضرب المثل نیست بلکه باز شدن شرعی آن است چطور مسئولیم در قبال دیگران و رابطه امر به معروف و نهی از منکر با این آیه و امثال این آیه چیست؟

حتی در محیط خانواده، ممکن است یک فردی خطائی را مرتکب شود و به علت خطای همان یک نفر، تمام افراد خانواده تا آخر عمر باید چوب خطای او را بخورند هر چند بگوییم در عرف اینطور است ولی ممکن است این عرف لطمات زیادی به شرع بزند، رابطه اش را برایم تشریح کنید.

پاسخ

آیه یاد شده که در چندین سوره آمده است، در واقع جوابی است به افرادی که ملامت گناه خویش را به گردن دیگران می اندازند و می گویند کسی در آن جا نبود که مرا هدایت کند یا این که حکومت و جامعه فاسد مرا گمراه کرد و...

این آیات گوشزد می کنند که چنین نیست. خداوند به هر کس قدرت کشف حقیقت و راه یابی را عنایت کرده است و فرصت را برای هدایت او فراهم آورده است ولی انسان گناه کار به جهت پیروی از هوای نفس خویش راهی را که آسان تر و نزدیک تر به طبیعت جاهلی خویش است انتخاب می کند، بنابراین هر کسی همان گونه که مسؤول گمراهی خویش است مسؤول اعمال خود نیز هست و خود باید آن را به دوش بکشد.

این مفهوم، با

آیـاتی که انسـان را به امر به معروف و نهی منکر تشویـق می کننـد منـافی نیست، زیرا در آیه «وزره» انسـان را مسـؤول اعمـال خویش پس از ارتکاب آن می داند ولی آیات امر به معروف و نهی از منکر وظیفه انسان را نسبت به دیگران و جامعه مشخص می کند.

وظیفـه هر فردی در جـامعه، دور نگـه داشـتن دیگران از منکرات است تـا منکرات در جـامعه گسـترش نیابنـد، چرا که جرم در جـامعه قابـل سـرایت است. یـک خلاـف از یـک فرد، در همه جامعه اثر می گـذارد، برای مثال، یک نفر سـیگاری هوای همه محیط را آلوده می کنـد، یک دروغ نیز همه ارتباطات را به هم می ریزد. چنان که پیامبر اکرم(ص) می فرماینـد: «گناه مخفیانه تنها به گناهکار ضـربه می زند ولی اگر از گناه علنی نهی نشود، به همه مردم ضـربه خواهد زد»(میزان الحکمه، ری شـهری، ح ۱۲۴۴۴).

حال اگر مسـلمانی این مسؤولیت را به خوبی انجام ندهد، چون علت و سبب گسترش منکرات در جامعه است، مستحق عقوبت خواهـد بود. به همین جهت است که در آیـات و روایـاتی که از تارکان امر به معروف و نهی از منکر انتقاد شـده، تأکیـد روی سکوت افراد، رضایت آنان به گسترش فحشاء و... است.

در حدیثی می خوانیم: «اگر گناه مخفیانه انجام شود، خطری برای همه مردم ندارد ولی اگر افراد خاصـی گناه را آشـکار انجام دهنـد و سایر مردم قـدرت تغییر دادن داشـته باشـند ولی ساکت بمانند، خداوند همه مردم را با هم مورد قهر و عذاب خود قرار می دهد»(همان، ۱۲۴۴۷).

خالصه اگر فردی مرتکب گناهی شد، خودش مسؤول گمراهی و عمل خویش است و در جرم آن دیگری شـریک نیست ولی اگر دیگران او را به

گناه ترغیب یا در مقابل گناه علنی او سکوت کنند، چون سبب و علت گناه او و سرایت آن به جامعه می شوند مستحق عقوبت خواهند بود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۱۵ سوره اسراء

۲- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ذیل آیه ۱۶ سوره انعام

۳- امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی

دوستی داشتم که بنابر تصادف چند ترمی با هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ادبی را از حد گذرانید و از هم جدا شدیم؛ دیگر حاضر نیستم با وی صحبت کنم _ با شناختی که از افکار و رفتارش دارم _ و طبعاً صد برابر او این چنین می خ

پرسش

دوستی داشتم که بنابر تصادف چند ترمی با هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ادبی را از حد گذرانید و از هم جدا شدیم؛ دیگر حاضر نیستم با وی صحبت کنم _ با شناختی که از افکار و رفتارش دارم _ و طبعاً صد برابر او این چنین می خواهد فکر کنم اصلاً احساس گناه نمی کند _ از رفتارهایش _ سؤال من این است وظیفه ی من الان چیست؟ آیا گناهکارم؟

پاسخ

شما گناهکار نیستید و اگر گناهی هم مرتکب شده باشید پشیمانی دلیل بر توبه و آمرزش شماست و در صورتی که می توانید در او اثر بگذارید, معاشرت و رفت و آمد با او را ترک نکنید; ولی چنانچه می بینید رفتارش در شما تأثیر می گذارد و شما هیچ گونه اثری نمی توانید داشته باشید، حتما معاشرت خود را با او کم کنید.

امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟

پاسخ

در این باره باید دو نکته را از یکدیگر تفکیک کرده، جداگانه مورد بررسی قرار داد:

یک. حاکمان و کارگزاران حکومت دینی باید چه موضعی در برابر «امر به معروف و نهی از منکر» اتخاذ کنند؟

دو. افراد یاد شده در عمل، چه می کنند و واقعیت های موجود در حکومت های دینی چه وضعیتی را نشان می دهد؟

حاکمان دین بایستی امور زیر را رعایت کنند:

۱. بستری در جامعه فراهم کنند که افراد، بتوانند به خوبی بر رفتار آنان نظارت کرده، صحیح را از نادرست باز شناسند و به هنگام لزوم، بتوانند به راحتی، رهنمودهای لازم را به مسؤولان ارائه کنند.

۲. رهنمودها و امر به معروف و نهی از منکر مردم را بدون هیچ گونه پیش داوری و با تقوای لازم، مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. آنان اگر پس از بررسی های لازم، سخن مردم را درست یافتند، با شهامت و شجاعت آن را بپذیرند و تسلیم آن گردند و اگر آن را بر خطا یافتند، با منطقی استوار و بیانی نرم پاسخ دهند، و یا کریمانه از آن درگذرند.

اما اینکه حاکمان در حکومت دینی، تا چه اندازه نسبت به امر به معروف و نهی ازمنکر پذیرش دارند، باید گفت: کلمه «حاکمان»، تعبیری کلی و تا حدودی ابهام آمیز است؛ یعنی، دقیقاً مشخص نیست چه کسانی و تا چه رده هایی مورد نظر است. افراد بسیار متفاوتند و نمی توان پاسخ قاطعی - که شامل همگان شود - ارائه داد. اما باید حاکمان، از شایسته ترین افراد جامعه و حدالامکان افرادی

حقیقت پـذیر و واقع نگر انتخـاب شونـد. هر انـدازه در انتخـاب این افراد، دقت نظر بیشتری به عمل آیـد؛ میزان پـذیرش امر به معروف و نهی از منکر بیشتر خواهد بود.

امـا اینکه حکـومت دینی در طـول تاریـخ، چه تجربه ای را نشـان داده است؛ بایـد گفت: نمونه هـای برجسـته و عینی حکومت دینی، حکومت پیـامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) بوده است. رسول اکرم(ص) در دوران حکومت الهی خود، چنـان مردمی رفتـار می کرد و فضایی پدید آورده بود که با وجود عصمت آن حضرت؛ هر کسی می توانست به راحتی، در حوزه مسائل اجتماعی و رفتاری پیامبر(ص) اظهار نظر کند.

جانشـین حقیقی آن حضـرت، امیرالمؤمنین(ع) نیز همین گونه رفتـار می کرد. برخوردهای امیرالمؤمنین(ع) نشانگر این واقعیت است که آن حضـرت، خواسـتار تربیت جامعه به نحوی بودند که هرگز بین خود و مسؤولان جدایی احساس نکنند و به راحتی سخنان خود را با آنان مطرح نمایند.

یکی از سخنان ارزشمند آن حضرت – که به زیباترین شکلی از چنین رابطه ای پرده برمی دارد – این است:

«خوش نـدارم گمـان کنیـد که دوست دارم مرا بسـتایید و ثنا گوییـد ... پس با من آن گونه که با گردن کشان سـخن گوینـد، سخن مگوییـد ... نمی خواهم مرا بزرگ انگاریـد ... پس از گفتن حق یا رای زدن در عـدالت باز نایستید ...». «و قد کرهت ان یکون جـال فی ظنّکم انی احب الاطراء و اسـتماع الثّناء ... فلا تکلّمونی بما تُکلَّم به الجبابره ... و لا التماس اعظامٍ لنفسـی ... فلا تکفّوا عن مقاله بحقٍ او مشورهٍ بعدلٍ»؛ نهج البلاغه، خ ۲۱۶.

چنین برخوردی، به جامعه «شخصیت» می دهد و آنان را برای اظهار نظر و انتقاد و امر به معروف و نهی از منکر،

تا بالاترین سطوح اجتماعی، آماده می سازد. شبیه همین روش در سیره امام خمینی(ره) نیز مشاهده می شود. ایشان می فرماید:

«همه ملت موظفند که نظارت کنند بر امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است بگوید پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن». ر.ک: امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۷، صص ۳۱ – ۳۵.

نیز می فرماید:

«باید مسلمان این طور باشد که اگر هر که می خواهد باشد، خلیفه مسلمین و هر که باشد اگر دید پایش را کج گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایش را راست بگذارد». همان، ص ۳۴.

کتابنامه قرآن کریم نهج البلاغه انجیل لوقا

انجیل یوحنا

۱– آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.

۲– ابراهیمی ورکیانی، محمد، اسلام و آزادی، بی نا، بی تا.

۳– ابن حجر، هیثمی مکی، الصواعق المحرقه، دار الطباعه المحمّدیه، قاهره، و ط ۱۴۰۳ ه.

۴– ابن طاووس، کشف المحجه لثمره المهجه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۰.

۵– ابن کثیر، عماد الدین اسماعیل دمشقی، البدایه و النهایه، تحقیق لجنه من العلماء، دار الکتب علمیه بیروت.

۶– ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۵.

۷– ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری، سیره ابن هشام، مصر مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۵۵ ه.

۸– ابو عبدالرحمن، احمد بن شعیب، سنن نسائی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۹– ارسطا، محمدجواد، قدرت سیاسی در اسلام، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلام، ویراستار سید صادق حقیقت، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۰– بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، قاهره، مکتبه عبدالحمید احمد حنفی، ۱۳۱۴ ه.

۱۱– برگر، پیترال، افول سکولاریزم، ترجمه افشار امیری، نشر پنگان، ۱۳۸۰.

۱۲– بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، ۱۳۷۴.

۱۳- بهروز لک،

غلامرضا، زبان سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۴- پیشوایی، مهدی، سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، قم: دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۵- - ، سیره پیشوایان، قم: توحید، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۱.

۱۶- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت، قم؛ نشر اسراء، ۱۳۷۸.

۱۷- -، نسبت دین و دنیا، قم؛ نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۸- جوینی خراسانی، فرائد السمطین، بیروت مؤسسه المحمودی، ۱۴۰۰ ه.

۱۹- الحر العاملی، محمد بن الحسین، وسائل الشیعه، المکتبه الاسلامیه، الطبعه السادسه، ۱۳۶۷.

۲۰- الحسین الحائری، سید کاظم، ولایه الامر فی عصر الغیبه، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۴ ه.

۲۱- حقیقت، سید صادق، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلام (مجموعه مقالات)، انتشارات بین المللی الجدی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۲- الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، العلمانیه، المکتب الطیّب، القاهره، الطبعه الثانیه، ۱۴۲۰ ه .

۲۳- دانش پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

۲۴- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، گروه مترجمان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۲۵- ربانی گلپایگانی، علی، دین و دولت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

۲۶- - ، سکولاریسم، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۲۷- - ، جامعیت و کمال دین، کانون اندیشه جوان.

۲۸- رحیمی برجردی، علیرضا، سیر تحول تفکر جدید در اروپا، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۹- رهنمایی، سید احمد، غرب شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳۰- سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی، ترجمه داود الهامی، انتشارات توحید، ۱۳۷۰.

۳۱- - ، معالم الحکومه الاسلامیه، به قلم جعفر الهادی، مکتبه امیرالمؤمنین، اصفهان، ۱۴۰۱ ق.

۳۲- سروش، محمد، دین و دولت در اندیشه اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳۳- سیوطی،

جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، مطبعهالسعاده، مصر، ۱۳۷۱ ق، چاپ اول.

۳۴- شاکرین، حمیدرضا، سکولاریسم، کانون اندیشه جوان.

۳۵- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۳۶- صدر، سید محمد باقر، اقتصاد ما، ترجمه اسپهبدی، ج ۱ و ۲، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.

۳۷- صرامی، سیف اله، عقل قطعی منبع استنباط قوانین جامعه و حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۸۰.

۳۸- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

۳۹- عبدالرزاق، علی، الاسلام و اصول الحکم، القاهره، ۱۹۲۵ م.

۴۰- عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه البعثه، ۱۴۰۵ ه.

۴۱- علیخانی، علی اکبر، مشارکت سیاسی، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۴۲- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۴۳- فتحعلی، محمود، تساهل و تسامح، مؤسسه طه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۴۴- قدردان قراملکی، محمدحسن، سکولاریسم در مسیحست و اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۴۵- -، تقابل مشی ائمه با سکولاریسم، مجله معرفت، ش ۱۹.

۴۶- القشیری، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ ق، چاپ دوّم.

۴۷- قوامی، سید صمصام الدین، ساختار حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

۴۸- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت(ع)، بی تا.

۴۹- کواکبیان، مصطفی، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، انتشارت عروج، ۱۳۷۸.

۵۰- گلباغی ماسوله، سید علی جبّار، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)

۵۱- گیب، هامیلتون، آ.ر، مذهب و سیاست، ترجمه مهدی قائنی، انتشارات دارالفکر.

۵۲- لاریجانی، محمدجواد، نقد دینداری و مدرنیسم، نشر اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۵۳- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن و الاقول

و الافعال، ط . بیروت.

۵۴- - ، منتخب کنز العمال، ط. بیروت.

۵۵- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، نشر دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.

۵۶- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ج ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۱.

۵۷- محمودی، سید علی، عدالت و آزادی، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۵۸- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۳۵۷.

۵۹- مصباح یزدی، محمدتقی، پرسشها و پاسخها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۶۰- - ، حکومت و مشروعیت، کتاب نقد، شماره ۷، تابستان ۱۳۷۷.

۶۱- - ، نظریه سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶۲- مطهرنیا، مهدی، «قدرت، انسان، حکومت»، نشر رستمخانی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶۳- مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.

۶۴- - ، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۶۹.

۶۵- - ، ختم نبوت، قم؛ صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۴.

۶۶- - ، سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، قم: صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴.

۶۷- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۷۷.

۶۸- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۷.

۶۹- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، فلسفه سیاست، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۷۰- موسوی خمینی(ره)، روح الله، ولایت فقیه، انتشارات مرکز تنظیم و نشر آثار امام(ره).

۷۱- - ، کتاب البیع، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۶۳.

۷۲- - ، صحیفه ی نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

۷۳- منصوری، خلیل رضا، دراسه موضوعیه حول نظریه العرف و دورها فی عملیه الاستنباط.

۷۴- میرمدرس، سید موسی، جامعه ی برین، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۷۵- نبوی، سید عباس، فلسفه قدرت، پژوهشگاه، حوزه و دانشگاه، چاپ اول،

.۱۳۷۹

۷۶- - ، مردم سالاری در حاکمیت اسلامی، مؤسسه تمدن و توسعه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۷۷- نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.

۷۸- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، مؤسسه آل البیت، بیروت ۱۴۰۸ ه.

۷۹- نوروزی، محمدجواد، نظام سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۸۰- نووی، شرح صحیح مسلم، بینا، بیتا.

۸۱- واعظی، احمد، حکومت دینی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۸۲- - ، «جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی» پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۸۳- وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه منوچهری، ترابی نژاد، عمادزاده، انتشارات مولوی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.

۸۴- ویلم، ژان پل، جامعه شناسی ادیان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، انتشارات تبیان، ۱۳۷۷.

۸۵- وینسنت، اندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۷۶.

۸۶- هادوی تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۸۷- - ، باورها و پرسش ها، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، ۱۳۷۸.

منابع انگلیسی

۱- Arendt, Hannah on Violence: chapter۲. Penguin Books Itd. London, ۰۱۹۱.

۲- John Locke, A Letter Concerning Toleration.ed. P.Romanell, (New York: the Bobbs _ Merrill, ۵۵۹۱, J.

۳- Poulantzas, Nicos; Potitical Power and Social Classes; translation editor Timotony O'hagan, London, newleft, ۳۷۹۱.

۴- Russel Bertrand; Power; Unwin Books, George, Allen and Unwin Ltd, Roskin House Street. London, ۷۶۹۱.

۵- Robert A.Dahl; Modern Politcal Analysis Shrid.

۶- Weber Max, Economy and Society.

مجلات:

۱- اندیشه حوزه، سال پنجم، شماره اول و دوم، ۱۳۷۸، انتشارات آستان قدس رضوی.

۲- پیام زن، سال پنجم، شماره اول، فروردین ۱۳۷۵.

۳- فصلنامه حکومت اسلامی سال ششم شماره ۲ و ۴، ۱۳۸۰.

۴- مجله کیان، ش ۲۸.

۵- مجله معرفت، ش ۱۹ و ش

.۲۹

آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشــکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاحب گناهان کبیره دوست است آقای ایکس متوجه می شود که برادرش در استعمال مواد مخدر ،تماشای فیلم های مستهجن و غیره با آنها شرکت دارد او بعد از

پرسش

آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاحب گناهان کبیره دوست است آقای ایکس متوجه می شود که برادرش در استعمال مواد مخدر ،تماشای فیلم های مستهجن و غیره با آنها شرکت دارد او بعد از اینکه با زبان امر به معروف و نهی از منکر می کند و سود نمی بخشد تصمیم می گیرد با برادرش سخن نگوید این کار ممکن است سالها طول بکشد آیا از نظر اسلام چنین رفتاری پسندیده است. آیا به عنوان امر به معروف و نهی از منکر پذیرفته می شود.

پاسخ

در ابتدا باید دلسوزی و احساس مسؤولیت در مقابل برادرتان را بستاییم. مطمئنا خداوند در این مسیر به شما کمک خواهد کرد باید تا آنجا که ممکن است تلاش کرد تا به او کمک کرد و برای او خیرخواهی نمود و از هرگونه تلاش دریغ نکرد. بنابراین برای اصلاح و نجات وی از خطراتی که وی را تهدید کرده و می کند از روی دلسوزی تلاش کرد اما از آنجا که این تلاش ها و دلسوزی ها باید متناسب با اصول خاص خود باشد تا بتوانید تأثیر مناسب را داشته باشید ما کلیاتی را در زمینه چگونگی تأثیرگذاری و راهکارهای آن خدمتتان عرض می کنیم و امیدواریم با بهره گرفتن از آن اصول و راهکارها بتواند به برادر خود کمک کند.

مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارند ویژگی های روحی از

قبیل اراده استوار، اخلاق نیکو، حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهای علمی بالا است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت طلبی شخص ارتباط دارد و تاثیر پذیری های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون سازی آگاهی ها ودانش های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت.

بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود.

باید دانست که از شرایط امر به معروف انتخاب روشی است که احتمال تأثیر بدهید بنابراین اگر روگردانی و صحبت نکردن مؤثر نیست و احتمال دارد سال ها طول بکشد. به امر به معروف عمل نشده است و باید از طریق دیگری اقدام کند مگر این که راهی برای او نمانده باشد و ارتباط با مرتکب خلاف موجب تأثیر سوء بر خودش یا خانواده اش می شود.

مثلاـ در صورت امکان از فرد یا افراد دیگری در بین فامیل و اقوام یا دوستان کمک بگیرد تا از راه های مختلف وی را کنترل کنند و گمان نشود که وی تنها فردی است که می تواند تأثیرگذار باشد. چه بسا آنها بهتر بتوانند نقش امر به معروف و نهی از منکر را ایفا کنند. زیرا گاهی اوقات با تذکردادن فقط یک نفر به کسی که مرتکب خلاف می شود، دست

از خلاف برنمی دارد ولی اگر افراد مختلف و با روش های متفاوت وی را از عمل خاصی بازدارند ممکن است تأثیرگذار باشد. پس چه بهتر که تعدادی از اعضاء خانواده و یا فامیل دور هم جمع شوند و هر کدام با زبان خاص خودشان با این فرد گفتگو کنند و او را از آن عمل نهی کنند.

گفتنی است که در این گونه موارد، دوستان فرد خلاف کار نقش عمده ای در به انحراف کشاندن فرد دارند چه خوب و شایسته است که دوستانش را از وی دور کنند و به جای آنها از برخی هم سن و سال های شایسته و دوستان خوب بخواهید که دور او جمع شوند و با ایجاد ارتباط دوستانه و صمیمانه اجازه ندهند با افراد ناشایست ودوستان ناباب ارتباط برقرار کند.

خلاصه آن که همت جمعی اعضا خانواده و فامیل و دوستان را می طلبد. امید است با تلاش دسته جمعی آنها در اصلاح وی مؤثر باشد.

اگر افرادی از مساله ای غافل باشند،آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟

پرسش

اگر افرادی از مساله ای غافل باشند،آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟

پاسخ

در صورتی که شرایط امر به معروف جمع باشد و احتمال تأثیر داده شود، لازم است آنها را امر به معروف نمایند و الا مسؤولیتی نسبت به آنها ندارند و اگر حکم شرعی چیزی را نمی دانند از باب ارشاد جاهل به آنها تذکر داده شود.

با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها ،آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟ چگونه؟

پرسش

با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها ،آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟ چگونه؟

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای

انتظـامی و قضایی نهاده انـد, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت :

۱- جوانـان عزیز بایـد به دقت احکـام شـرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یـا شـرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکـان بایـد کوشـید تـا فرهنـگ و پـذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالاـ برد. انسـان ها در برخورد با حق , چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها

ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم– انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند.

گونه سوم – انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱– نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲– تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳– حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید.

۴– گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید.

۵– خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶– از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار

خود سازید.

۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

ضمنا برای برخورد منطقی و مبتنی بر عقلانیت شناخت ریشه های این معضل بسیار مفید بلکه ضروری است. از این رو در

این زمینه نکاتی را یادآوری می کنیم:

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حساب شده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم

اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامل درونی اختصاص به جامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم.

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها

به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقـدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتـاهی و بی توجهی برخی از مسؤولاـن فرهنگی کشور در تثبیت ارزش هـا و احکام اسـلامی و تعمیق بخشـیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشـکلات ناشـی از تثبیت انقلاـب اسـلامی، جنـگ تحمیلی، فشارهـای خـارجی محاصـره هـای گوناگون اقتصادی، سیاسـی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دسـتگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چنـدانی به مسائـل فرهنگی جـامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسـلامی مبذول نگردد.

۴. بعضـی از اقـدامات انجام گرفته بعـد از سال ۱۳۶۸ (از قبیـل سیاست هـای پـولی و ارزی و...) که به منظور تسـریع در روند توسـعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نـامطلوب برخی از دسـتگاه هـای فرهنگی (از جمله وزارت ارشـاد و مطبوعات وابسـته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصـری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر

جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده

و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلما برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

ناگفته

نمانـد بسـیاری از ناهنجارهـای اجتماعی از جمله بـدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسـیاری از مفاسد اجتماعی هسـتند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجـام دهنـد. فرمایشـات و رهنمودهـای مقـام معظم رهبری در زمینه مبـارزه با مفاسـد اقتصادی و اجتماعی به شـکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسـته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمـان می کننـد تنهـا آنهـا هسـتند که وظیفه خود را انجام داده انـد و دیگران گناهکارنـد. انسان با داشـتن این احسـاس به کمـال نمی رسـد. برای از بین بردن این احسـاس بایـد از خود پرسـید: از کجـا معلوم که گناهکـاران توبه نکننـد و سعادتمنـد نشونـد و مـا خود به کیفر غرور به خشم خداونـد گرفتـار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکـاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خـدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت اللّه میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست ؟

پرسش

در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست ؟

پاسخ

در صورتی های ذیل امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست :

۱ در صورتی که شخص آمر یا ناهی , خود شناختی از معروف و منکر نداشته باشد.

۲ اگر بداند که امر و نهی او تأثیر نمی کند.

۳ اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که شخص معصیت کار, معصیت خود را تکرار نمی کند.

۴ اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند, ضرر جانی یا عِرضی و آبرویی یا مالیِ قابل توجهی به او می رسد.اگر احتمال صحیح بدهد از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند, واجب نیست , بلکه اگر بترسد ضرری متوجه متعلقان او می شود, واجب نیست . با احتمال وقوع ضرر جانی یا عِرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنان نیز واجب نمی شود, بلکه در بسیاری موارد حرام است .(۱)

(پاورقی ۱.توضیح المسائل مراجع , ج ۲ مسئلهء ۲۷۹۱

آیاامر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است , حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد, و یاخود انسان همان نقص را داشته باشد؟

پرسش

آیاامر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است , حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد, و یاخود انسان همان نقص را داشته باشد؟

پاسخ

سؤال شما در سه قسمت پاسخ داده می شود:

الف) شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ , با شرایطزیر واجب

است : ۱ کسی که می خواهد امر و نهی کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یاترک واجبی است ; ۲ احتمال دهد که امر و نهی او اثر دارد. خواه اثر فوری داشته باشد یا غیر فوری , کامل یا ناقص .بنابراین , اگر بداند هیچ اثر نمی کند واجب نیست ; ۳ در امر و نهی او مفسده و ضرری نباشد. پس اگر بداند یا خوف این باشد که امر یا نهی او, ضرر جانی یا عِرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه نسبت به او یا بعضی از مؤمنین می رساند, واجب نیست . ولی اگر معروف و منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام اهمیت زیادی به آن می دهدمانند حفظ اسلام و قرآن و استقلال ممالک اسلامی , یا حفظ احکام ضروری اسلام , باید اعتنا به ضرر نکند و با بذل جان و مال در حفظ آن ها بکوشد.

ب) بنابراین صرف ضرر جانی یا مالی یا عدم تأثیر فوری باعث نمی شود که امر به معروف و نهی از منکر واجب نباشد. چنان که امیرالمؤمنین ۷جنگ صفین را با هدف اعلام فرموده و اباعبدالله الحسین ۷نیز قیام علیه

یزید, و نهضت عاشورا را به عنوان امر به معروف و نهی از منکر آغاز نمود با این که می دانست خود و اصحابش کشته می شوند و قیام او تأثیری فوری در یزید, عبیداله ... ندارد.

پس باید دید معروف متروک و منکری که انجام می گیرد از ضروریات دین یا مقدمه ای برای تضعیف اسلام وقرآن ... است یا خیر؟

البته امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب , به اجازهء حاکم شرع احتیاج ندارد و بعضی دارد. اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردددر این صورت هیچ کس بدون اجازهء حاکم شرع حق اقدام ندارد.

ج) اگر منظور از جملهء شما این باشد که احکام و مسائل مربوط به واجب و حرام رابه خوبی نمی شناسد و آگاه نیست , باید یاد بگیرد و تا زمانی که خود معروف و منکر را نشناخته بر او واجب نیست واگر منظور این است که خودش گاهی اوقات آن معروف را ترک یا منکر را انجام می دهد, آیا با این وصف باز واجب است ؟ چون در این جا دو تکلیف جدا از هم وجود دارد, اگر شرایط وجود (که در قسمت الف بیان شد) محقق باشد,واجب است .

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید.

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید.

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام است . اصلی است که در قرآن کریم با صراحت و تاکید آمده و در اخبار نبوی و آثار ائمه طاهرین درباره آن بسیار سخن گفته شد.

قرآن کریم می فرماید:

مسلمانان بهترین امتی هستید (یا بودید) که خدا برای مردم جهان نمایان فرمود, زیرا شما امر به معروف و نهی از منکر می کنید و ایمان به خدا دارید>.

با بودن چهار شرط, امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود: ۱ علم به معروف و منکر ۲ احتمال فایده و اثربر امر و نهی باشد ۳ کسی که معروف را ترک کرده یا منکر را مرتکب شده , در ترک واجب یا فعل حرام مصر و مستمرباشد ۴ مفسده و ضرری بر امر و نهی نباشد.

امر به معروف و نهی از منکر دارای سه درجه و مرحله است :

۱ مرتبه قلب ۲ مرتبه زبان ۳ مرتبه دست و عمل فقهاء هم این سه مرحله را تشریح کرده و تفصیل داده اند وگفته اند در درجه اول مسلمانب اید در قلب خود نسبت به خلافکاری ها و ترک واجبات الهی تنفری احساس نماید وکمترین مظهری که از این تنفر قلبی می تواند داشته باشد, یک عمل منفی است یعنی اعتراض و ترک معاشرت وترشرویی است . در مرتبه زبان هم باید اول از طریق پند و نصیحت و نرمی وارد شود و اگر فایده ای نکرد سخنانی درشت به کار برده شود. برای مرتبه دست و علم هم

مراتبی ذکر کرده اند و غالباً متوجه این ضیه شده اند که گاهی احتیاج می افتد به این که برخورد عملی شود که چه بسا صدماتی را به همراه داشته باشد, فقها در این جا توقف می کنند و می گویند این دیگر وظیفه عامه مردم نیست و این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حاکم شرعی است و دولت اسلامی است . اگر به عموم مردم اجازه این کارها داده شود مستلزم هرج و مرج در اجتماع می شود.(۱)

(پاورقی ۱.استاد شهید مرتضی مطهری , مجموعه گفتارها, ص ۳۶

امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است . اگر این اصل نباشد,اسلامی نیست . امر یعنی فرمان , معروف یعنی هر کار خیر و نیکی , چه در معاملات و چه در عبادات و اخلاقیات ومحیط خانوادگی . نهی یعنی بازداشتن . منکر یعنی هر کار زشت و ناپسند, مانند شرك و فسق و غیبت و دروغ و سخن چینی و تفرقه اندازی و ریا و ربا.(۱)

(پاورقی ۱.مرتضی مطهری , مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۲۳۶

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پرسش

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پاسخ

در مورد سؤال، وظیفه شما برخورد با گناه است. چون امر به معروف و نهی از منکر در صورت شرایط واجب است، ولی اگر امر و نهی شما تأثیری ندارد، چیزی بر عهده شما نیست و از جمع ایشان فاصله بگیرید. صبر تفسیر دیگری دارد و آن صبر در برابر گناهی که برای خود او پیش آمده و در مصیبت و سختی طاعت خدا است.

صبر به معنای بی اعتنایی و سکوت و رضایت از گناه نیست.

آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است ؟

پرسش

آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است ؟

پاسخ

از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد به هم مربوط است , و به اصطلاح افراداجتماع در سرنوشت یکدیگر اثر دارند حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی دست جمعی است بنابراین انجام این فریضه نه تنها با آزادیهای فردی مخالف نیست , بلکه وظیفه ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند .

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد با

پرسش

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد باز بدارند ؟ آیا اجرای دو اصل امر به معروف و نهی از منکر , مایه سلب آزادی از انسانها و افراد جامعه نیست ؟گذشته از این , اگر همه مردم به چنین وظیفه ای قیام کنند نظامات اجتماعی دچاراختلال و هرج و مرج نمی شود ؟

پاسخ

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمارمی روند , همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی است . پیش از همه , باید دید که آیا اجرای این دو اصل در اجتماعی که افراد آن معمولاهمه با هم همبستگی کامل دارند و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می دهد , به سودجامعه هست یا نه ؟ هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد , باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت . شیوه زندگی انسان در اعصار کهن به شکل اجتماعات بسیار کوچکی در درون غارها وشکاف کوهها و داخل جنگلها بود و تقریبا همبستگی و

تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی بر اجتماعات آنان حکومت نمی کرد .

در چنین زندگی که سرنوشت افراد به یکدیگر چندان بستگی ندارد , شاید مبارزه بافساد و جلوگیری از انحراف ضروری به نظر نرسد . ولی در شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک , مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک , یک وظیفه خطیر اجتناب ناپذیر است . زیرا در این نوع زندگی , همه افراد یک اجتماع به صورت اعضای یک خانواده درمی آیند و پیوند وحدت و ارتباط آنچنان در میان آنان محکم و استوار می گردد که هیچ فردی نمی تواند برای خود حساب جداگانه ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض کند . در چنین اجتماعی تمام افراد , در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملا شرک و سهیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامنگیر همه افراد می شود . اینجاست که هیچ فردی - هر چه هم خود را دور از اجتماع تصور کند - نمی تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد و خود را ازسود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد ; روی همین پیوند و ارتباط است که اگربر اثر خلافکاری برخی , ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد , دودآن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متاثر خواهند شد . انحرافهای اخلاقی , بسان بیماریهای واگیرداری است که - خواه ناخواه - دامن دیگران را نیز می گیرد هرگاه میکروب التور در نقطه ای پیدا شد , فورا باید مبارزه پیگیری بر ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیراین صورت

, همه کشور و یـا کشورهـا را فرا می گیرد . همچنین , انحراف اخلاقی و اجتمـاعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی - بسان بیمـاری جسـمی - برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می گیرد . فرض کنیـد به یک نفر خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد و پای افراد لاابالی به آنجاز باز شود , آیا می توان تصور نمود که دختران و پسـران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هسـتند مصون و پاک بمانند , یااین که آنان نیز به مقتضای طغیان شـهوت , به آن نقطه کشـیده می شونـد و روز به روزدایره فساد گسترش پیـدا کرده و بازار آن داغ تر می گردد . اینجاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصـل مبـارزه بـا انحرافهای اخلاقی واجتماعی ضامن سـعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکـدیگر زنـدگی می کننـد ;و سـکوت در برابر گنـاه و مفاسـد , غلـط و گناهی بزرگ است و هرگز نمی توان حساب فردرا از حساب جامعه جـدا ساخت . در حقیقت یک فرد مبارز , از حقوق خود و اجتماعی که در آن زنـدگی می کند دفاع می نماید و هرگز نبایـد اصل آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشـته باشـیم که آزادی افراد تا آنجا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکنـد و مصالح جامعه را به خطر نیفکند . قرآن مجید با واقع بینی خاصی که از ویژگیهای این

کتاب آسمانی است به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید : و اتقوا فتنه لا ـ تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و از فتنه ای بپرهیزید که تنهابه ستمکاران شما نمی رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت ; چرا که دیگران سکوت اختیار کردند) . (۱)عین این سوال را یکی از یاران پیامبر اکرم از حضرتش پرسید , پیامبر در پاسخ او مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن این است :اجتماع ما بسان کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجارتی حمل شده و سرنشینانی نیزهمراه دارد . هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد , ولی او هرگزنمی تواند زیر پوشش آزادی فردی بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کند ودر مقام پاسخ بگوید : من نقطه ای از کشتی را مورد تصرف قرار می دهم که زیر پای من قرار گرفته است , در صورتی که چنین جوابی از این فرد پذیرفته نیست ; زیراتنها سلامت خویشتن را به خطر نمی افکند , بلکه او با این عمل سرنوشت همه سرنشینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنده و همه را به سوی نابودی و نیستی سوق می دهد . جامعه ما نیز بسان کشتی است ; افراد جامعه سرنشینان این کشتی می باشند ; آنان در ضرر و نفع یکدیگر شریک و سهیمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدانمود . روش اسلام درباره محترم شمردن آزادیهای فردی با روش مکتبهای امروز جهان یک تفاوت حقیقی دارد , در جهان امروز آزادی تا آنجا محترم است که

از نـاحیه فرد ,ضـرری متوجه اجتمـاع نگردد و منافع دیگران به خطر نفتـد - هر چنـد به ضـرر خود آن شـخص تمام گردد و بر سعادت او لطمه جبران ناپـذیر وارد سازد . ولی در اسـلام آزادی فردی تا آنجا محترم است که مزاحم دیگران نباشـد و سـقوط وآلودگی اجتماع را فراهم نسازد ; همچنین به سـعادت خودش نیز لطمه ای وارد نکنـد وکاری انجام ندهد که موجب بدبختی او گردد . مثلا ـ در جهـان امروز گرایش به بت پرستی و پرسـتش انواع موجودات رایـج و آزاد است و جهان غرب در پوشـش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمی کند , ولی اسلام چنین عملی را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئـه کرده و بـا فشـار هر چـه بیشـتر مـانع از انجـام چنیـن اعمـالی می گردد امر بـه معروف و نهی از منکر و دعـوت مردم به کارهای نیک و بازداشـتن آنان ازکارهای زشت , دارای درجات و مراتبی است . آنچه مربوط به توده مردم است این است که با زبان نرم و بیان دلنشـین برادران دینی خود را پند و اندرز دهند و آنان رااز عواقب بد گناه باز دارند و اگر احتمال تاثیر دهند حتی می توانند روابطدوسـتانه خود را با آنان قطع کنند . این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی کنـد , امـا درجـات بالاتر از این (ماننـد اجرای مجازات و کیفرها و حـدود الهی درباره افرادگناهکار) بایـد زیر نظر حکومت اسلامی و مانند زمان پیامبر انجام گیرد و هیچ فردعادی حق ندارد در اجرای

نظارت عمومی خودسرانه اقدام نماید .

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به

پرسش

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی ازبی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

پاسخ

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به

پرسش

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی ازبی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

پاسخ

آیه ۴۷ سوره آل عمران می گوید : در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) را انجام دهند اینکه می گوید از میان آنها باید امتی باشند بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتیب

پرسش

آیه ۴۷ سوره آل عمران می گوید : در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) را انجام دهند اینکه می گوید از میان آنها باید امتی باشند بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتیب این وظیفه جنبه عمومی نخواهد داشت بلکه وظیفه طائفه خاصی است اما از آیه ۱۱۰ همین سوره و

همچنین از سوره والعصر برمی آید که این دووظیفه جنبه عمومی دارد

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد : یکی مرحله فردی که هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماعی دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند . قسمت اول وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعا شعاع آن محدود به توانایی فرد است اما قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می گیرد و چون جنبه دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع , طبعا از شوون حکومت اسلامی محسوب می شود , این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق , از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می گردد .

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد با

پرسش

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد باز بدارند ؟ آیا اجرای دو اصل امر به معروف و نهی از منکر , مایه سلب آزادی از انسانها و افراد جامعه نیست ؟گذشته از این , اگر همه مردم به چنین وظیفه ای قیام کنند نظامات اجتماعی دچاراختلال و هرج و مرج نمی شود ؟

پاسخ

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمارمی روند , همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی است . پیش از همه , باید دید که آیا اجرای این دو اصل در اجتماعی که افراد آن معمولاهمه با هم همبستگی کامل دارند و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می دهد , به سودجامعه هست یا نه ؟ هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد , باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت . شیوه زندگی انسان در اعصار کهن به شکل اجتماعات بسیار کوچکی در درون غارها وشکاف کوهها و داخل جنگلها بود و تقریبا همبستگی و تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی بر اجتماعات آنان حکومت نمی کرد .

در چنین زندگی که سرنوشت افراد به یکدیگر چندان بستگی ندارد , شاید مبارزه بافساد و جلوگیری از انحراف ضروری به نظر نرسد . ولی در شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک , مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک , یک وظیفه خطیر اجتناب ناپذیر است . زیرا در این نوع زندگی , همه افراد یک اجتماع به صورت اعضای یک خانواده درمی آیند و پیوند وحدت و ارتباط آنچنان در میان آنان محکم و استوار می گردد که هیچ فردی نمی تواند برای خود حساب جداگانه ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض کند . در چنین اجتماعی تمام افراد , در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملاـ شرک و سهیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامنگیر همه افراد می شود . اینجاست که هیچ فردی - هر چه هم خود را دور از اجتماع تصور کند - نمی تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد و خود را ازسود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد ; روی همین پیوند و ارتباط است که اگربر اثر خلافکاری برخی , ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد , دودآن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متاثر خواهند شد . انحرافهای اخلاقی , بسان بیماریهای واگیرداری است که - خواه ناخواه - دامن دیگران را نیز می گیرد هرگاه میکروب التور در نقطه ای پیدا شد , فورا باید مبارزه پیگیری بر ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیراین صورت

, همه کشور و یا کشورها را فرا می گیرد . همچنین , انحراف اخلاقی و اجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی - بسان بیماری جسمی - برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می گیرد . فرض کنید به یک نفر خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد و پای افراد لاابالی به آنجاز باز شود , آیا می توان تصور نمود که دختران و پسران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند مصون و پاک بمانند , یااین که آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت , به آن نقطه کشیده می شوند و روز به روزدایره فساد گسترش پیدا کرده و بازار آن داغ تر می گردد . اینجاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصل مبارزه با انحرافهای اخلاقی واجتماعی ضامن سعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکدیگر زندگی می کنند ;و سکوت در برابر گناه و مفاسد , غلط و گناهی بزرگ است و هرگز نمی توان حساب فردرا از حساب جامعه جدا ساخت . در حقیقت یک فرد مبارز , از حقوق خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند دفاع می نماید و هرگز نباید اصل آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آنجا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکند و مصالح جامعه را به خطر نیفکند . قرآن مجید با واقع بینی خاصی که از ویژگیهای این

کتـاب آسـمانی است به این حقیقت اشـاره کرده و می فرمایـد : و اتقـوا فتنه لاـ تصـیبن الـذین ظلموا منکم خـاصه و از فتنه ای بپرهیزیـد کـه تنهـابه سـتمکاران شـما نمی رسـد (بلکه همه را فرا خواهـد گرفت ; چرا که دیگران سـکوت اختیـار کردنـد) . (۱)عین این سوال را یکی از یـاران پیامبر اکرم از حضـرتش پرسـید , پیامبر در پاسـخ او مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن این است :اجتمـاع مـا بسـان کشتی بزرگی است که در آن کالاهـای تجـارتی حمل شـده و سرنشـینانی نیزهمراه دارد . هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد , ولی او هرگزنمی تواند زیر پوشش آزادی فردی بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کنـد ودر مقام پاسخ بگوید : من نقطه ای از کشتی را مورد تصـرف قرار می دهم که زیر پای من قرار گرفته است , در صـورتی کـه چنین جـوابی از این فرد پـذیرفته نیست ; زیراتنهـا سـلامت خویشـتن را به خطر نمی افکنـد , بلکه او بـا این عمل سرنوشت همه سرنشـینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنـده و همه را به سوی نابودی و نیستی سوق می دهـد . جامعه ما نیز بسان کشتی است ; افراد جامعه سرنشـینان این کشتی می باشـند ; آنان در ضـرر و نفع یکدیگر شریک و سهیمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدانمود . روش اسلام درباره محترم شمردن آزادیهای فردی با روش مکتبهای امروز جهان یک تفاوت حقیقی دارد , در جهان امروز آزادی تا آنجا محترم است که

از نـاحیه فرد ,ضـرری متوجه اجتمـاع نگردد و منافع دیگران به خطر نفتـد - هر چنـد به ضـرر خود آن شـخص تمام گردد و بر سعادت او لطمه جبران ناپـذیر وارد سازد . ولی در اسـلام آزادی فردی تا آنجا محترم است که مزاحم دیگران نباشـد و سـقوط وآلودگی اجتماع را فراهم نسازد ; همچنین به سعادت خودش نیز لطمه ای وارد نکنـد وکاری انجام ندهد که موجب بدبختی او گردد . مثلاـ در جهـان امروز گرایش به بت پرستی و پرسـتش انواع موجودات رایـج و آزاد است و جهان غرب در پوشـش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمی کند , ولی اسلام چنین عملی را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئـه کرده و بـا فشـار هر چـه بیشـتر مـانع از انجـام چنیـن اعمـالی می گردد امر بـه معروف و نهی از منکر و دعـوت مردم به کارهای نیک و بازداشـتن آنان ازکارهای زشت , دارای درجات و مراتبی است . آنچه مربوط به توده مردم است این است که با زبان نرم و بیان دلنشـین برادران دینی خود را پند و اندرز دهند و آنان رااز عواقب بد گناه باز دارند و اگر احتمال تاثیر دهند حتی می توانند روابطدوسـتانه خود را با آنان قطع کنند . این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی کنـد , امـا درجـات بالاتر از این (ماننـد اجرای مجازات و کیفرها و حـدود الهی درباره افرادگناهکار) بایـد زیر نظر حکومت اسلامی و مانند زمان پیامبر انجام گیرد و هیچ فردعادی حق ندارد در اجرای

نظارت عمومی خودسرانه اقدام نماید .

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج ومرج نمی کند ؟آبا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تول

پرسش

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آبا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی ازبی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

پاسخ

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟

پرسش

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟

پاسخ

با توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی ازبی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پرسش

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پاسخ

این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یک وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسی که کوچه را کثیف میکند، پوست خربزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنید، باید او را ارشاد و هدایت کنید، باید به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شما برای نهی از منکر کردن در چنین مسألهای، به خاطر پوست خربزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شما یک فحش ناموسی بشنوید.

یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینید قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسهبازیها برای این است که با قرآن مبارزه شود، وضعیت در سر حدّ به خطر افتادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سر حدّ به خطر افتادن عدالت است. یا آنجا که مسألهای نظیر وحدت اسلامی در خطر است، که اسلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسه دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقهاندازی میکند؛ آیا در اینجا میگویی امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است، اجتماع نمیپسندد.

بنابراین، امر به معروف و

نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمیشناسد. هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلویش را بگیرد.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پاسخ

تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسأله جداگانهاند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسأله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفهای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است. اما وظیفهای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوّه مجریه این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحله عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

مسئولیت مردم در مقابل تحریفاتی که در مجالس روضه خوانی میشود چیست؟

پرسش

مسئولیت مردم در مقابل تحریفاتی که در مجالس روضه خوانی میشود چیست؟

پاسخ

دو مسؤولیت بزرگ، مردم دارند. یک مسؤولیت این است که نهی از منکر بر همه واجب است. وقتی که میفهمید و میدانید و مردم اغلب هم میدانند که دروغ است، نباید در آن مجلس بنشینید، که حرام است، بلکه باید مبارزه کنید و دیگر این تمایلی است که صاحب مجلسها و مستمعین به گیراندن مجلس دارند، مجلس باید بگیرد، باید کربلا بشود. فلان روضهخوان کربلا میکند. کربلا میکند یعنی چه؟! شما باید روضه راست را بشنوید و معارف و سطح فکرتان بالا بیاید، به طوری که اگر در یک کلمه روحتان اهتزاز پیدا کرد، یعنی با روح حسینبن علی هماهنگی کرد، و اشکی ولو ذرهای، ولو به قدر بال مگس [جاری

شد،] اگر یک چنین اشکی در حالت هماهنگی روح شما با حسین بن علی از چشم شما بیرون بیاید، واقعاً مقام بزرگی برای شماست. اما اشکی که از راه قصّابی کردن بخواهد از چشم شما بیاید، اگر یک دریا هم باشد ارزش ندارد.

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پرسش

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پاسخ

این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یک وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسی که کوچه را کثیف میکند، پوست خربزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنید، باید او را ارشاد و هدایت کنید، باید به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شما برای نهی از منکر کردن در چنین مسألهای، به خاطر پوست خربزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شما یک فحش ناموسی بشنوید.

یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینید قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسهبازیها برای این است که با قرآن مبارزه شود، وضعیت در سر حدّ به خطر افتادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سر حدّ به خطر افتادن عدالت است. یا آنجا که مسألهای نظیر وحدت اسلامی در خطر است، که اسلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسه دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقهاندازی میکند؛ آیا در اینجا میگویی امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است، اجتماع نمیپسندد.

بنابراین، امر به معروف و

نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمیشناسد. هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلویش را بگیرد.

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پرسش

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پاسخ

این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یک وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسی که کوچه را کثیف میکند، پوست خربزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنید، باید او را ارشاد و هدایت کنید، باید به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شما برای نهی از منکر کردن در چنین مسألهای، به خاطر پوست خربزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شما یک فحش ناموسی بشنوید.

یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینید قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسهبازیها برای این است که با قرآن مبارزه شود، وضعیت در سر حدّ به خطر افتادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سر حدّ به خطر افتادن عدالت است. یا آنجا که مسألهای نظیر وحدت اسلامی در خطر است، که اسلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسه دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقهاندازی میکند؛ آیا در اینجا میگویی امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است، اجتماع نمیپسندد.

بنابراین، امر به معروف و

نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمیشناسد. هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلویش را بگیرد

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پاسخ

تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسأله جداگانهاند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسأله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفهای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است. اما وظیفهای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوّه مجریه این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحله عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پاسخ

تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسأله جداگانهاند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسأله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفهای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است. اما وظیفهای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و

نهی از منکر دارد این است که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوّه مجریه این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحله عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرمودهاند؟

پرسش

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرمودهاند؟

پاسخ

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

«بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتَحِلُّ الْمَکاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَیُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (فروع کافی، ۵/ ۵۶) [به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می شود، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود، کارها رو به راه می شود.]

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه در دین اسلامی پس دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

در روایات اسلامی، تأکیدهای فوق العاده ای درباره این دو وظیفه مهم دیده می شود و آن را ضامن اجرای تمام فرایض الهی و سبب امنیّت و آبادی و سبب گسترش عدالت می شمرد.

۱ در حدیثی از پیغمبر اکرم(ص) می خوانیم

«مَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهی عَنِ الْمُنْکَرِ فَهُوَ خَلیفَةُ اللهِ فی اَرْضِهِ، وَ خَلیفَةُ رَسُولِ اللهِ، وَ خَلیفَةُ کِتابِهِ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر(ص) و کتاب اوست.] یعنی دقیقاً کار آنها را انجام می دهد.

۲ درحدیث دیگری از آن حضرت، تعبیر گویاتری دیده می شود که پیامبر (ص) بر منبر بود، مردی عرض کرد ای رسول خدا! مَنْ خَیْرِ النّاسِ؟ (چه کسی از همه مردم بهتر است؟!) فرمود

«آمَرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اَتْقاهُمْ لِلّهِ، وَ اَرْضاهُمْ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که از همه بیشتر امربه معروف و نهی از منکر کند و از همه با تقواتر و خشنودتر به رضای الهی باشد.]

۳ در حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) می خوانیم

«لَتَأْمُرُونَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْکَرِ اَوْ لَیَعُمَنَّکُمْ عَذابُ اللهِ» (وسائل الشیعه ۱۱/۴۰۷) [به یقین، همگی باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه به طور قطع عذاب الهی شما را فرا می گیرد.]

۴ در حدیث معروفی، نیز از علی(ع) می خوانیم که فرمود

«وَ ما اَعْمالُ الْبِرِّ کُلِّها وَ الْجِهادُ فی سَبیلِ اللهِ عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهی عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّیٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴) [تمام اعمال نیک و حتّی

جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهان است در برابر یک دریای پهناور.]

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

امام باقر (ع) در یک بیان کوتاه و گویا، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را چنین بیان فرموده است

«اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَریضَه عَظیمَه بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَ تَأْمَنَ الْمَـذاهِبُ وَ تُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظالِمُ وَ تَعْمُرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَ یَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه ۱/۳۹۵)

در این عبارت کوتاه به هفت فلسـفه از فلسفه های این دو فریضه عظیم الهی اشاره شده است، می فرماید [امر به معروف و نهی از منکر فریضـه بزرگ الهی است که بقیّه فرایض به وسـیله آن بر پـا می شـود، به وسـیله این دو، راههـا امن و امـان می گردد، کسب و کارهـا حلال می شود، حقوق مظلومـان به آنهـا می رسـد، زمینهـا آباد می گردد، از دشـمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.]

چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟ پرسش

اشاره

چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟

پاسخ

تمام رسانه های گروهی و تمام تبلیغهای سـمعی و بصری که به نحوی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و توجّه آنها به نیکیها و پاکیها و اخلاق انسانی و اصول فضـیلت و بیزاری از فساد سـر و کار دارنـد، همه آنها در دایره امر به معروف و نهی از منکر، جـای می گیرنـد و حتّی مراکز آموزش و پرورش و علوم عـالی که نوجوانـان و جوانـان را بـا اصول اعتقادی صـحیح و موازین انسانی و قوانین و آداب اجتماعی، آشـنا می سازد و در تعلیم و تربیت آنها گام بر می دارد نیز در این دایره جای دارد، چرا که همه این امور می توانند در امر به معروف و نهی از منکر سهیم باشند، بنابراین نقش این مراکز در پیاده کردن این دو اصل مهمّ

اجتماعی روشن می شود.

این نکته نیز حائز اهمیّت است که معمولاً ـ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو بخش از فروع دین شمرده می شود، ولی از یک نظر دامنه آن چنان گسترده است که بخش عظیمی از اصول اعتقادات را در بر می گیرد، چرا که همه آنها در این مسیر مؤثّر و کارسازند و از طریق تحکیم پایه های عقاید، با مفاسد مبارزه می شود، همچنین عبادات نیز مقدّمه ای برای آن است.

آیه "وَلْتَكُن مِّنكُم أُمَّه يَدْعُون إِلَى الْخَيْرِ..." به چه معناست

پرسش

آیه "وَلْتَكُن مِّنكُم أُمَّه يَدْعُون إِلَى الْخَيْرِ..." به چه معناست

پاسخ

این آیه درباره امر به معروف و نهی از منکر است می فرماید: "وَلْتَكُن مِّنكُم أُمَّه يَدْعُون إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُون بِالْمَعْرُوف وَيَنْهَوْن عَن الْمُنكَرِ...; باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند..." در این آیه شریفه و آیات دیگر قرآن کریم به این دو وظیفه مهم الهی اشاره شده است "معروف به معنای کار شناخته شده و مراد از آن (در قرآن کارهای پسندیده اعم از واجب و مستحب است و منکر، به معنای "ناشناخته و در قرآن کریم به معنای "گناه است

دین مبین اسلام از تمامی مسلمانان خواسته که جهت حفظ جامعه از انحرافات و مفاسد اجتماعی آن و حیات جامعه اسلامی به این دو وظیفه عمل کنند. از آیه یاد شده و آیات دیگر به دست می آید که این دو، بر عموم مسلمانان واجب است (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ، ج ۳، ص ۳۷۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / تفسیر نمونه آیت الله مکارم و دیگران ج ۳ ، ص ۳۴ ، دارالکتب الاسلامیه / قاموس قرآن قرشی ج ۷، ص ۱۱۰، دارالکتب الاسلامیه)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پرسش

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر

مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پاسخ

در جوابی سؤالی که مطرح کردید باید تصدیق کرد که موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاصی به مسأله بدحجابی ندارد و همه منکرات را شامل می شود، مانند احتکار،کم کاری ،گران فروشی و صدها عنوان دیگر و لیکن برخی از منکرات، در اسلام مهم تر شمرده شده اند و دلیل آن هم ایجاد جّو غیر اسلامی و حاکمیت فضای غیر دینی در جامعه می باشد، چه آنکه منکرات تا زمانیکه علنی و آشکار نگشته اند آثار تخریبی کمتری دارند نسبت به زمانی که فضای حاکم بر اجتماع مسلمین فحشاء و منکرات علنی و ظاهری باشد که در این صورت اثرات تخریبی آن قابل محاسبه نیست از جمله مسأله بدحجابی، که فهرست برخی از آثار آن را می توان چنین شمارش نمود :

۱- زنان بی تقوا و بی حجاب بهترین دام برای شیطان اند ۲- زنی که بد حجاب است و خود را برای خارج از منزل معطر می کند زناکار است. ۳- زن بی حجاب و بد حجاب ، ننگ و آتش جهنم است. ۴- زنان بی حجاب و بد حجاب بدترین فتنه اند. ۵- زن بد حجاب به شوهرش خیانت می کند. ۶ زن بد حجاب بر قلب شوهرش تسلّط ندارد. ۷ زن بدحجاب و بی حجاب بجای آرامش اضطراب دارد. ۸ فساد و گناه و سقط جنین در بین زنان بی حجاب و بد حجاب بیشتر است.

۹ آثار مخرّب بدحجابی در فرزندان. ۱۰ ضرر بدحجابی از لحاظ اقتصادی ۱۱ اثر بدحجابی در ضعف اعصاب ۱۲ بدحجابی و فرهنگ مبتذل غرب زمینه ای برای مجذوب کفر شدن. ۱۳ بدحجابی سبب سرد مزاجی در مردان می شود. ۱۴ زن بدحجاب دل دشمنان اسلام بویژه آمریکا را شاد می کند!

۱ برگرفته از کتاب آنچه یک زن باید بداند، اسد الله محمدی نیا

ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حدّ است که امام حسین ۷در این راه به شهادت رسید؟

پرسش

ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حدّ است که امام حسین ۷در این راه به شهادت رسید؟

پاسخ

چنان که در پاسخ سؤال ۳۶گفتیم , امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است . اگر این اصل نباشد, اسلامی وجود نخواهد داشت . همان گونه که یک کارخانه بدون بازرس و رسیدگی دائمی مهندسان پابرجا نمی ماند و جامعه بدون پزشک متخصص نمی تواند برقرار باشد, یک جامعه هم نمی تواندبدون بازرس به راه خود ادامه دهد و حتماً باید یک بازرس و هشدار دهنده باشد و مردم از خطر افکار پوچ و غلط وخلاف اسلام برحذر کند تا بقا داشته باشد.(۱)

(پاورقی ۱.مرتضی مطهری , مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۲۳۵

جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟

پرسش

جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟

پاسخ

واضح است که نوعاً جوانان جنبهء احساسات و شور و هیجان شان بر جنبهء عقل و اندیشه شان برتری دارد و توجه شان به امیال مادی فزون تر از جنبه های معنوی می باشد. به همین دلیل بیش از سایر اقشار در معرض هجوم افکار نادرست قرار دارند. و چون ریشهء اعتقادی مذهبی آن ها محکم نیست , زودتر تحت تأثیر واقع می شوند.بر این اساس اگر جوانی , معروف و منکر را بشناسد و به آن عمل کند و دیگران را امر و نهی کند, اثر مهمی در هم سالان خود خواهد داشت .

آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟

پرسش

آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟

پاسخ

کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که طبق شرایط عمل کرده باشد، شهید است یا مظلوم. در هر دو صورت دارای اجر عظیم است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: " هر کس در مقابل زشتی ها و منکرات با قلب و زبان و دستش ایستادگی نکند و از آن جلوگیری ننماید، مرده ای است بین زندگان".[۱۰]

۲[۱۰] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۳.

امروزه فریضه امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می برند، در حالی که در اطاعت خدا بودند، ولی علت دچار شدن به عذاب الهی به خاطر عدم انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. لطفاً توضیح دهید؟

پرسش

امروزه فریضه امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می برند، در حالی که در اطاعت خدا بودند، ولی علت دچار شدن به عذاب الهی به خاطر عدم انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. لطفاً توضیح دهید؟

پاسخ

از جمله فروع دین که از اهمیت فراوانی برخوردار است، فریضه امر به معروف و نهی از منکر می باشد. فریضه ای که اگر همگانی و فراگیر شود و تمام آحاد جامعه خود را نسبت بدان مسئول بدانند، تظاهر به گناه از جامعه برچیده خواهد شد.

در هر حال این فریضه مهم جزء واجبات کفایی است که شخص یا گروهی آن را انجام دادند از بقیه ساقط می شود. اما همان گونه که هر واجبی در دین اسلام با وجود شرایط آن محقق می شود، این واجب نیز با تحقق شرط قابل اجرا و پی گیری خواهد بود.

علما و مراجع بزرگ شرط های امر به معروف و نهی از منکر را به شرح ذیل بیان کرده اند:

۱ آن که می خواهد امر و نهی کند، بداند آن چه شخص به جا نمی آورد واجب است، و آن چه به جا می آورد ، باید ترک کند. بر کسی که معروف و منکر را نمی داند، واجب نیست.

دوم: احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند. اگر بداند اثر نمی کند، واجب نیست.

سوّم: بداند معصیتکار بنا دارد معصیت خود را تکرار کند. اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد تکار نمی کند، واجب نیست.

چهارم: در امر و نهی مفسده

ای نباشد. اگر بداند یا گمان کند اگر امر یا نهی کند، ضرر جانی یا آبرویی یا مالیِ قابل توجه به او می رسد، واجب نیست، بلکه اگر احتمال صحیح بدهد و ترص ضرر های مذکور را پیدا کند، واجب نیست.

اگر بترسد ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا آبرویی یا مالی که موجب حرج بر مؤمنان می شود، واجب نمی شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است.۱

متأسفانه در جامعه امروزی نه تنها امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته، بلکه بسیاری از واجبات نیز مورد تردید و یا بی احترامی و بی اعتنایی است. در چنین مواقعی وظیفه افراد، حفظ و پاسداری از حریم دین می باشد. اگر فضایی برای اجرای این فریضه وجود نداشته باشد، کسی در قیامت مورد سؤال واقع نمی شود و به این خاطر به جهنم نمی رود.

۱ توضیح المسائل مراجع، ج ۲ ص ۶۱۸ مسئله ۲۷۹۱.

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعه اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینیاز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد ،یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند.

حسینبن علی(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرّق است، دنبالش تفکّک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود.

قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملتها شوند بیان می کند؟

پرسش

قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملتها شوند بیان می کند؟

پاسخ

جواب این سؤال را قرآن مجید داده است: کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّهٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ» شما بهترین امتها و ملتها هستید، اما با یک شرط: «تَأْمُرونَ بِالْمَعْروفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ» می خواهی به خودت ارزش بدهی؟ می خواهی در نزد پیغمبر خدا ارزش پیدا کنی؟ با عمل کردن به این اصل در نزد خدا و پیغمبر ارزش پیدا کن. اگر می خواهی در نزد ملل جهان ارزش پیدا کنی که هم بلوک شرق روی تو حساب کند و هم بلوک غرب، سرنوشت تو را او در اختیار نگیرد و او برای تو تصمیم نگیرد، امر به معروف و نهی از منکر داشته باش، همبستگی و همدردی داشته باش، اخوّت و برادری اسلامی را زنده کن، از بی خبری پرهیز کن، از ضعف پرهیز کن.

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پرسش

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پاسخ

حدیثی داریم که امام رضا علیه السلام از پیغمبر اکرم نقل می کند و آن این است: «اِذا تَواکَلَتِ النّاسُ الاَمرَ بِالمَعروفِ وَ النَّهیَ عَنِ المُنکَرِ» هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند (یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند و در نتیجه هیچ کس قیام نکند) «فَلیَأذَنوا بِوِقاعٍ مِنَ اللهِ» (فروع کافی، ۵/۵۹) پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند. چه عذابی؟ سنگ از آسمان بیاید؟ نه، عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است: «قُلْ هُوَ القادِرُ عَلی اَن یَبعَثَ عَلَیکُم عَذاباً مِن فَوقِکُم اَو مِن تَحتِ ارجُلِکُم اَو یَلبِسَکُم شِیَعاً وَ یُذیقَ بَعضَکُم بَأسَ بَعضٍ.» انعام/۶۵ (از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شما بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پای شما عذاب را بجوشاند یا شما را دسته دسته کند، یا اینکه زیان خود شما را به خود شما برساند (یعنی خودتان را به جان یکدیگر بیندازد). اهل بیت در روایات خود چنین معنی می کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. پیغمبر اکرم فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشند

که پشت سر آن عذاب الهی می آید. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم است که آن را، هم علمای شیعه در کتب

معتبر خود مثل اصول کافی روایت کرده انـد و هم علمای اهل تسـنن. غزالی این حدیث را در احیاء العلوم نقل می کند و سـند آن در کتب حدیث اهل تسـنن هست: «لَتَأمُرُونَّ بِالمَعروفِ وَ لَتَنهُنَّ عَنِ المُنكَرِ اَو يُسَلِّطَنَّ اللهُ عَلَيكُم شِرارَكُم فَيَدعوا خِيارُكُم فَلا يُستَجابُ لَهُم» (فروع کافی، ۴/۵۶) یعنی بایـد امر به معروف و نهی از منکر را داشـته باشـید، این دو بایـد وجـود داشـته باشـند وگرنه بَدان شـما بر شـما مسلط می شوند، بعد خوبان شما می خوانند و به آنها جوابی داده نمیشود. اکثر این طور معنی میکنند که بعد از آنکه بَدان شـما بر شـما مسلط شدند، نیکان شما به درگاه الهی می نالند و خداوند دعای آنها را مستجاب نمی کند. یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می گیرد؛ هر قـدر خدا را بخوانند دعای آنها به موجب این گناه مسـتجاب نمی شود. ولی غزالی معنی لطیفی برای این آیه کرده اسـتبا اینکه مرد به اصـطلاح درویشـی است و در مسائل اجتماعی دیـده نمی شودمی گویـد معنی این جمله «فَيَدعُوا خِيارُكُمْ فَلا يُستَجابُ لَهُم» این نیست که خـدا را می خواننـد و خـدا دعـای آنها را مسـتجاب نمی کنـد. معنایش این است: وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کننـد آنقـدر پست می شونـد، آنقـدر رعبشـان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند، هر چه ندا می کنند به آنها اعتنا نمی شود. یعنی پیغمبر فرمود: اگر می خواهید

عزت داشته باشید و دیگران روی شما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشید اولین خاصیت آن ضعف شماست، پستی و ذلت شماست، دشمن هم روی شما حساب نمیکند.

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پرسش

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پاسخ

حدیثی داریم که امام رضا علیه السلام از پیغمبر اکرم نقل می کند و آن این است: «اِذا تَواکَلَتِ النّاسُ الاَمرَ بِالمَعروفِ وَ النَّهیَ عَنِ المُنکَرِ» هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند (یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند و در نتیجه هیچ کس قیام نکند) «فَلیَأذَنوا بِوِقاعٍ مِنَ اللهِ» (فروع کافی، ۵/۵۹) پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند. چه عذابی؟ سنگ از آسمان بیاید؟ نه، عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است: «قُلْ هُوَ القادِرُ عَلی اَن یَبَعثَ عَلشیکُم عَذاباً مِن فَوقِکُم اَو مِن تَحتِ ارجُلِکُم اَو یَلبِسَکُم شِیَعاً وَ یُذیقَ بَعضَکُم بَأسَ بَعضٍ.» انعام/۶۵ (از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شما بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پای شما عذاب را بجوشاند یا شما را دسته دسته کند، یا اینکه زیان خود شما را به خود شما برساند (یعنی خودتان را به جان یکدیگر بیندازد). اهل بیت در روایات خود چنین معنی می کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. پیغمبر اکرم فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشند که پشت سر آن عذاب الهی می آید. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم است که آن را، هم علمای شیعه در کتب

معتبر خود مثل اصول کافی روایت کرده انـد و هم علمای اهل تسـنن. غزالی این حدیث را در احیاء العلوم نقل می کند و سـند آن در کتب حدیث اهل تسـنن هست: «لَتَأمُرُونَّ بِالمَعروفِ وَ لَتَنهُنَّ عَنِ المُنكَرِ اَو يُسَـلِّطَنَّ اللهُ عَلَيكُم شِرارَكُم فَيَدعوا خِيارُكُم فَلا يُستَجابُ لَهُم» (فروع کافی، ۴/۵۶) یعنی بایـد امر به معروف و نهی از منکر را داشـته باشـید، این دو بایـد وجـود داشـته باشـند وگرنه بَدان شـما بر شـما مسلط می شوند، بعد خوبان شما می خوانند و به آنها جوابی داده نمیشود. اکثر این طور معنی میکنند که بعد از آنکه بَدان شـما بر شـما مسلط شدند، نیکان شما به درگاه الهی می نالند و خداوند دعای آنها را مستجاب نمی کند. یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می گیرد؛ هر قـدر خدا را بخوانند دعای آنها به موجب این گناه مسـتجاب نمی شود. ولی غزالی معنی لطیفی برای این آیه کرده اسـتبا اینکه مرد به اصـطلاح درویشـی است و در مسائل اجتماعی دیـده نمی شودمی گویـد معنی این جمله «فَيَدعُوا خِيارُكُمْ فَلا يُستَجابُ لَهُم» این نیست که خـدا را می خواننـد و خـدا دعـای آنها را مسـتجاب نمی کنـد. معنایش این است: وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کننـد آنقـدر پست می شونـد، آنقـدر رعبشـان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند، هر چه ندا می کنند به آنها اعتنا نمی شود. یعنی پیغمبر فرمود: اگر می خواهید

عزت داشته باشید و دیگران روی شما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشید اولین خاصیت آن ضعف شماست، پستی و ذلت شماست، دشمن هم روی شما حساب نمیکند.

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعه اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینیاز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد ٠یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند.

حسینبن علی(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرّق است، دنبالش تفکّک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکند و میگوید اینها متلاشی و هلاك شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود.

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعه اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینیاز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد ،یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند.

حسینبن علی(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرّق است، دنبالش تفکّک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پرسش

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پاسخ

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

«بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتَحِلُّ الْمَكاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْارْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَيَسْتَقيمُ الْاَمْرُ» (فروع کافی، ۵/ ۵۶) [به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می شود، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود، کارها رو به راه می شود.]

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟

پاسخ

تأثیر دو وظیفه الهی«امربه معروف» و «نهی از منکر» در تأمین عـدالت اجتماعی و اجرای قوانین و مبارزه با منکرات و کم شـدن جنایـات و زنـدانیان و کمـک به پیشـرفت فرهنگ اجتماعی، غیر قابل انکار است و تجربه نشان داده است جامعه ای که این دو وظیفه را به طور صـریح و آگاهانه انجام دهـد بسـیار پاک و امن و امان خواهـد بود و آنها که این دو را به فراموشـی بسپرند و دربرابر تخلّفات و نابسامانیها و گناهان، بی تفاوت بماننـد، گرفتار عواقب شومی می شونـد و فساد حتّی به داخل خانه و کاشانه آنهـا کشـیده می شـود و در چنیـن اجتمـاعی هیـچ کس در امنیّـت نخواهـد بـود و درسـت همـان گـونه که در حـدیث پیغمـبر اکرم(ص) آمده، بلا و عذاب الهی دامان آنها را خواهد گرفت، و به گفته امیر مؤمنان علی(ع) در این حال دعای نیکانشان نیز، برای حلّ مشکلات و دفع بلاها به اجابت نخواهد رسید. «فَیُوَلّی عَلَیْکُمْ شِرارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا یُسْتَجابُ لَکُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟

پاسخ

تأثیر دو وظیفه الهی«امربه معروف» و «نهی از منکر» در تأمین عـدالت اجتماعی و اجرای قوانین و مبارزه با منکرات و کم شـدن جنایـات و زنـدانیان و کمـک به پیشـرفت فرهنگ اجتماعی، غیر قابل انکار است و تجربه نشان داده است جامعه ای که این دو وظیفه را به طور صـریح و آگاهانه انجام دهـد بسـیار پاک و امن و امان خواهـد بود و آنها که این دو را به فراموشـی بسپرند و دربرابر تخلّفات و نابسامانیها و گناهان، بی تفاوت بماننـد، گرفتار عواقب شومی می شونـد و فساد حتّی به داخل خانه و کاشانه آنهـا کشـیده می شـود و در چنیـن اجتمـاعی هیـچ کس در امنیّـت نخواهـد بـود و درسـت همـان گـونه که در حـدیث پیغمـبر اکرم(ص) آمده، بلا و عذاب الهی دامان آنها را خواهد گرفت، و به گفته امیر مؤمنان علی(ع) در این حال دعای نیکانشان نیز، برای حلّ مشکلات و دفع بلاها به اجابت نخواهد رسید. «فَیُوَلّی عَلَیْکُمْ شِرارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا یُسْتَجابُ لَکُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

علی(ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟

پرسش

علی(ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟

پاسخ

او درباره تارکان امر به معروف و نهی از منکر فرمود: «أوَّلُ ما تُغْلبونَ عَليهِ مِن الجِهادِ ألجِهاد بأيْديكُم ثُمَّ بِألْسِنتكُم ثُمَّ بِقُلوبِكُم فَمنْ لَم يَعرِفْ بِقلبِهِ مَعروفاً ولَم يُنكرْ مُنكَراً قُلِبَ فَجُعِلَ أعْلاهُ أسْفلُه وأسفَلُه أعْلاه»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۵). [اوّلین مرحله ای که در جهاد شکست می خورید و مغلوب می شوید جهاد عملی و پیکار با شمشیر است، سپس در جهاد با زبان مغلوب می گردید و بعد از آن در جهاد با قلب و دلتان. پس کسی که به طور کلی دست از جهاد بکشد و حتی با قلب خود حمایت از نیکی ها و امور پسندیده نکند و به مبارزه با زشتی ها و ناپسندیها برنخیزد، قلبش واژگون است.]

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در میان ملتهای زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی کنند، مثلا اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند.

اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است.

«كُنْتُمْ خَيْرَاُمَّهٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید.]

اسلام به اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده ننمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَيِّتُ بَيْنَ

الْأَحْياءِ» (وسائل الشیعه۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می نماید.

ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد ک از آن عمل گرفته می شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا به بیماری «آپاندیست» را نجات می دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله های آتش، آهنی را جوش می دهد، و یا درو پنجره می سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می شود، نیست مع الوصف ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می نماید و رنج می کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می نماید و رنج می کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می کند.

عین این تفاوت درامر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است.

به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه

آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمـان فقـط و فقط مربوط به خود شـخص ایمان آورنـده است و شـخص مؤمن در پرتو ایمان ، سـعادتمند و اصـلاح می شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصـلاح ایجاد می نماید اما موجی بسـیار کوچک که از حـدود یک فرد یا کمی بیشتر تجاوز نمی نمایـد. از این نظر بایـد گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضـیلت ترین عمـل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فـداکاری در طریق اصـلاح جامعه، موجی بسـیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند.

گاهی یک رهبر سیاسـی، یک راهنمای مـذهبی، یک دلسوز نوعدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه های ریشه دار، و دعوتها و راهنمائیهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می دهد.

شاهـد گفتـار ما آزادیهائی است که ملل اسـتعمارزده و زجر دیـده افریقا، پاکسـتان و هندوسـتان در سایه فـداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده اند.

روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد، امام می فرماید: «وَما اَعْمالُ البِرِّ کُلُّها عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّی» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره

/۳۷۴) یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی است در برابر دریای مواج و بزرگ.]

هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست.

روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، لذا دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است.

امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است

کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد.

امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است : «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْی عَنِ الْمُنکَرِ سَبیلُ الْاَنْبیاء وَمَنْهاجُ الصُّلَحاءِ فَریضَةٌ عَظیمَةٌ بِها تُقامُ الْمَذاهِبُ وَتَاْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَكاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع و کسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور

سایه می افکند.]

اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف، با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمائی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می رود.

<body/>

<html/>

آیا این ادعای قاضـی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می گوید: «در میان امت کسی با وجوب آن مخالف نیست، جز گروه امامیه»؟

پرسش

آیا این ادعای قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می گوید: «در میان امت کسی با وجوب آن مخالف نیست، جز گروه امامیه»؟

پاسخ

متأسفانه او در این نسبت راه خطا پیموده و علت آن این است که به کتب امامیه مراجعه نکرده و با دانشمندان آنان در این مورد سخن نگفته است، در حالی که کتابهای فقهی و کلامی امامیه بر وجوب آن گواهی می دهند.

امام باقر(ع) درباره این دو عامل اصلاح جامعه چنین می فرماید: «إِنّ الأَمر بالمعروف والنَهی عن المُنکر، سَبیل الأنبیاء و مِنهاج الصُلحا، فَریضه عَظیمه تُقام بها الفرائض، وتُؤمّن المذاهب، وتَحلّ المکاسب و تَردُّ المَظالم و تُعمّر الأرض، و یَنتصفُ من الأَعداء و یَستقیم الأمر». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۱ /باب دوازدهم از باب جهاد/حدیث ۱)

[امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران، طریقه صالحان است، فریضه بزرگی هستند که به وسیله این دو، واجبات تحقق می پذیرد و راهها امن و کسبها حلال و اموال به صاحبانشان پس داده می شود و زمین آباد و دشمنان قصاص می شوند و امور مسلمانان اصلاح می پذیرد.]

انسان از مسامحه قاضی و امثال او در شگفت است که چگونه چنین اندیشه باطلی را به امامیه که پیوسته یک سوم مسلمین را تشکیل می دهند نسبت می دهد، در حالی ک معاصر او شیخ مفید استاد کلام شیعه، در کتابهای کلامی خود بر وجوب آن تصریح می کند و می فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر به وسـیله زبـان در صورت نیـاز بر همه واجب کفایی است، تا حجت بر جاهل تمام شود». (اوائل المقالات/۹۸)

خواجه در تجرید می گوید: «والأمر بالمعروف واجب

وكذا النهى عن المنكر، و بالمندوب مندوب».

[امر به معروف و نهی از منکر واجب است و امر به مستحب، بسان خود او مستحب است] (نصیر الدین /متن تجرید در کشف المراد/ ۲۷۱)

شاید چیزی که مایه اشتباه قاضی شده است، مسأله وجوب جهاد ابتدایی با کافران است که در سخنان امام هشتم، چنین وارد شده است: «جهاد همراه با امام عادل واجب است، آن کس که در این جهاد در راه جان و مال خود کشته شود، شهید است» (حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۱/باب ۱۲/ حدیث ۱۰)

آیا مقصود از امام عادل، امام معصوم است یا مطلق پیشوای عادل؟ گروهی از محققان آن را به پیشوای عادل زمان هر چند امام معصوم نباشد تفسیر می کنند و فرمان او را در وجوب جهاد کافی می دانند. (جواهر الکلام ۲۱/۱۳)

قاضی عبد الجبار، امامیه را به قول به عدم وجوب امر به معروف متهم کرده، ولی از عقیده اشاعره در مورد پیروی از دستور سلطان ستمگر سخنی به میان نیاورده است، در حالی که آنان اطاعت او را واجب و خروج بر او را حرام و اطاعت او را مادامی که امر به حرام نکند، اطاعت خدا می انگارند. آیا یک چنین تسلیم در برابر ظالم و ستمگر با وجوب امر به معروف سازگار است، در حالی که احادیث مروی از پیامبر بر خلاف آن دلالت دارند.

پیامبر گرامی ص) فرمود: «بزرگترین جهاد، گفتار عادلانه است نزد حاکم ستمگر». (ترمذی، سنن /۴)

و نیز فرمود: «هرگاه مردم ستمگر راببینند و او را از کار خودباز ندارند، ممکن است عذاب همگان را فرا گیرد» (ترمذی، سنن/۴)

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در

اسلام چگونه است؟

پاسخ

در میان ملتهای زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی کنند، مثلا اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند.

اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است.

«کُنْتُمْ خَیْرَاُمَّهٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید.]

اسلام به اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده ننمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَیِّتٌ بَیْنَ الْاَحْیاءِ» (وسائل الشیعه۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا

یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می نماید.

ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد ک از آن عمل گرفته می شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا به بیماری «آپاندیست» را نجات می دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله های آتش، آهنی را جوش می دهد، و یا درو پنجره می سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می شود، نیست مع الوصف ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می نماید و رنج می کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می نماید و رنج می کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می کند.

عین این تفاوت درامر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است.

به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل

اعمـال به حکم عقـل و نقـل، همـان ایمـان به خداونـد و پرسـتش (نمـاز) او است ولی نتیجه ایمـان فقـط و فقط مربوط به خود شخص ایمان آورنده است و شـخص مؤمن در پرتو ایمان ، سـعادتمند و اصلاح می شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی ماننـد نمـاز و حـج، موجی در اجتماع از نظر اصـلاح ایجاد می نمایـد اما موجی بسـیار کوچک که از حـدود یک فرد یا کمی بیشتر تجـاوز نمی نمایـد. از این نظر بایـد گفت: ایمان به خداونـد از نظر اعمال فردی با فضـیلت ترین عمل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فداکاری در طریق اصـلاح جامعه، موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می آورد، گـاهی یـک جـامعه را از لب پرتگـاه سـقوط نجـات می بخشـد. گـاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند.

گاهی یک رهبر سیاسـی، یک راهنمای مـذهبی، یک دلسوز نوعدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه های ریشه دار، و دعوتها و راهنمائیهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می دهد.

شاهـد گفتـار ما آزادیهائی است که ملل اسـتعمارزده و زجر دیـده افریقا، پاکسـتان و هندوسـتان در سایه فـداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده اند.

روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد، امام می فرماید: «وَما اَعْمالُ البِرِّ کُلُّها عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَهٍ فی بَحْرٍ لُجّی» (نهـج البلاغه عبده کلمات قصار شـماره /۳۷۴) یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به

امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی است در برابر دریای مواج و بزرگ.]

هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست.

روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، لذا دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است.

امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است

کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد.

امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است : «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْی عَنِ الْمُنکَرِ سَبیلُ الْاَنْبیاء وَمَنْهاجُ الصُّلَحاءِ فَریضَهٌ عَظیمَهٌ بِها تُقامُ الْمَذاهِبُ وَتَاْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع وکسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور سایه می افکند.]

اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف،

با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمائی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می رود.

<body/>

<html/>

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در میان ملتهای زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی کنند، مثلا اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند.

اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است.

«كُنْتُمْ خَيْرَاُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید.]

اسلام به اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده ننمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ

الْأَحْياءِ» (وسائل الشیعه۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می نماید.

ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد ک از آن عمل گرفته می شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا به بیماری «آپاندیست» را نجات می دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله های آتش، آهنی را جوش می دهد، و یا درو پنجره می سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می شود، نیست مع الوصف ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می نماید و رنج می کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می نماید و رنج می کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می کند.

عین این تفاوت درامر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است.

به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه

آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمـان فقـط و فقط مربوط به خود شـخص ایمان آورنـده است و شـخص مؤمن در پرتو ایمان ، سـعادتمند و اصـلاح می شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصـلاح ایجاد می نماید اما موجی بسـیار کوچک که از حـدود یک فرد یا کمی بیشتر تجاوز نمی نمایـد. از این نظر بایـد گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضـیلت ترین عمـل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فـداکاری در طریق اصـلاح جامعه، موجی بسـیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند.

گاهی یک رهبر سیاسـی، یک راهنمای مـذهبی، یک دلسوز نوعدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه های ریشه دار، و دعوتها و راهنمائیهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می دهد.

شاهـد گفتـار ما آزادیهائی است که ملل اسـتعمارزده و زجر دیـده افریقا، پاکسـتان و هندوسـتان در سایه فـداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده اند.

روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد، امام می فرماید: «وَما اَعْمالُ البِرِّ كُلُّها عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْكَرِ اِلّا كَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّی» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره

/۳۷۴) یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی است در برابر دریای مواج و بزرگ.]

هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست.

روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، لذا دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است.

امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است

کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد.

امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است : «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْی عَنِ الْمُنكَرِ سَبیلُ الْاَنْبیاء وَمَنْهاجُ الصُّلَحاءِ فَریضَةٌ عَظیمَةٌ بِها تُقامُ الْمَذاهِبُ وَتَاْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَكاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع وکسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور

سایه می افکند.]

اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف، با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمائی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می رود.

<body/>

<html/>

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پرسش

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پاسخ

امر به معروف ، عمل خیرخواهانه و مفید به حال فرد و جامعه است و از نظر عقلی ، بسیارپسندیده است . قرآن مجید یکی از امتیازات امت اسلامی بر دیگر امت ها رااجرای همین اصل می داند؛ زیرا این نوعی نظارت و احساس مسوولیت همگانی در جهت سعادت فرد و جامعه در تمام سطوح می باشد .جالب این است که یکی از ابزارهای مهم کنترل قدرت و نظارت عمومی بر رهبران ،اجرای همین اصل است . از همین رو پیامبر اکرم (ص) فرمودند : ((اگر امر به معروف ترك شود، بدترین افراد بر جامعه مسلط می شوند)) . بنابراین ؛ این مهم ، فواید بیشماری دارد .اما این که آن را دخالت در امور دیگران تلقی کنیم ، ناشی از چند چیز است : ۱- شیوه های غلط امر به معروف وتجسس های بی جا در امور داخلی افراد، ۲- گرایش پنهان به اندیشه های فردگرایانه (Individ Ualism) غربی و آزادی های بیش از حد فردی ، که با منطق دینی سازگاری ندارد .;

از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مسلمانان است یا وظیفه عده ای یا گروهی خاص-است

پرسش

از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مسلمانان است یا وظیفه عده ای یا گروهی خاص-است

پاسخ

در آیه ۱۰۴ از آل عمران آمده است "وَلتکن مِنکَم أَمّه یَدعُون إِلَی الخَیْرِ وَ یَأمُرُون َبِالمَعرُوف ِوَ یَنهَون َعَن ِالمُنکَر...; و باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند..."

در این آیه شریفه و آیات دیگر قرآن کریم (اعراف ۱۵۷; حج ۴۱; لقمان ۱۷ و...) به دو وظیفه مهم و بزرگ اجتماعی اشاره شده است "معروف که در لغت به معنی کار شناخته شده و مراد از آن در قرآن کریم کارهای پسندیده اعم از واجب و مستحب است و "منکر" که در مقابل ِمعنی معروف و به معنی "ناشناخته است و مراد از آن در قرآن کریم گناه است

دین مبین اسلام از تمامی مسلمانان خواسته که جهت حفظ اجتماع از افراد شرور و انحرافات و مفاسد اجتماعی ِآنان و همچنین تداوم و بقا و حیات جامعه اسلامی برای زنده کردن این دو وظیفه مهم قیام کنند.

آنچه از این آیه به انضمام آیات دیگر، مثل آیه ۱۱۰ همین سوره و آیه "و تواصوا بالحق سوره والعصر به دست می آید، این است که این دو وظیفه بر عموم مسلمانان واجب است یعنی فردفرد افراد اجتماع برای به پا داشتن و اقامه آن با نظارت عمومی خودشان باید به آن عمل کنند.

در روایات معتبر نیز بر اهمیت اجرای این دو فریضه

مهم تأکید شده که بعضی از آن روایات چنین است

۱. امام باقر۷ می فرمایـد: "ان الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه عظیمه بها تقام الفرائض امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فریضه ها با آنها برپا می شوند."

۲. پیغمبراکرم می فرمایـد: "مَن اَمَرَ بـالمعروف وَ نَهی َعَن ِالمُنکر فهو خلیفه الله فی أرضِه ِو خلیفه رسول الله و خلیفه کتابه کسی که به معروف امر و از منکر نهی کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب اوست "

روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که بر اهمیت فوق العاده این دو فریضه بزرگ اشاره کرده اند.

از آیات قرآن استفاده می شود که "امر به معروف و نهی از منکر" دو مرحله دارد:

۱. مرحلـه فردی ۲. مرحلـه دسته جمعی مرحله اول وظیفه همه مردم است مرحله دوم از شئون حکومت اسلامی است لـذا در حکومت اسلامی تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان های حکومتی لازم است

و نیز بایـد توجه داشت که یکی از مراحـل امر به معروف و نهی از منکر، ضـرب و جرح و قتل است این مرحله بایـد به دستور حاکم اسلامی صورت گیرد.(۰مستدرک الوسائل محدث نوری ج ۴، ص ۲۴۷، مؤسسه آل البیت)

آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است ؟

پرسش

آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی بـا صـراحت و قـاطعیت مسؤولیت افراد را نسبت به انحرافـات اجتمـاعی مطرح سـاخته انـد. درچشم انـداز اسـلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسؤولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسؤولیتافراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایط ویژه ای که در آن قرار دارد مسؤول است.{J

آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عـدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشـگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وقتها فکر می کنم کسـی که گناه می کنـد حرام انجام داده و او که امر به معروف نمی کند ترک واجب نموده است پس آیا این دو نزد حضرت حق جایگاه نز

پرسش

آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وقتها فکر می کنم کسی که گناه می کند حرام انجام داده و او که امر به معروف نمی کند ترک واجب نموده است پس آیا این دو نزد حضرت حق جایگاه نزدیک به هم ندارند؟

پاسخ

اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، امر به معروف واجب می گردد.

باید عنایت داشته باشید که یکی از شرایط امر به معروف احتمال تأثیر است. بنابراین هر کجا احتمال تأثیر می دهید وظیفه دارید و در صورتی که احتمال تأثیر نمی دهید و یا خطری برای جان و مال شما داشته باشد امر به معروف واجب نیست.

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پرسش

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پاسخ

امر به معروف، عمل خیرخواهانه و مفید به حال فرد و جامعه است و از نظر عقلی، بسیار پسندیده است. قرآنمجید یکی از امتیازات امت اسلامی بر دیگر امت ها را اجرای همین اصل می داند؛ زیرا این نوعی نظارت و احساسمسؤولیت همگانی در جهت سعادت فرد و جامعه در تمام سطوح می باشد. جالب این است که یکی از ابزارهای مهمکنترل قدرت و نظارت عمومی بر رهبران، اجرای همین اصل است. از همین رو پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اگر امر بهمعروف ترک شود، بدترین افراد بر جامعه مسلط می شوند». بنابراین؛ این مهم، فواید بیشماری دارد. اما این که آن رادخالت در امور دیگران تلقی کنیم، ناشی از چند چیز است:

۱ شیوه های غلط امر به معروف و تجسس های بی جا در امور داخلی افراد،

۲ گرایش پنهان به اندیشه های فرد گرایانه (Individ Ualism) غربی و آزادی های بیش از حد فردی، که با منطق دینی سازگاریندارد.

J}

در باره تفسیر آیه (لایکلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟

پرسش

در باره تفسیر آیه (لایکلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟

پاسخ

وسع هرکس مقدار توانایی ای است که برای انجام کاری دارد. در واقع مفاد این آیه این است که خداوند انسان راافزون برتوان (اعم ازتوان جسمی مالی علمی اعتبار اجتماعی و...) مکلف نمی کند. درضمن وسع فقط جنبه فردیندارد بلکه اعم از حیثیت فردی و اجتماعی است. بنابراین ممکن است شخصی بتنهایی توانایی انجام کاری را نداشتهباشد ولی به همراه دیگران و با یک تشکل و جمع بتواند آن را انجام دهد دراین صورت باید در راستای انجام آنرسالت الهی به جمع لازم بپیوندد مانند جنگ وجهاد. درمورد امر به معروف و نهی از منکر نیز امروزه لازم استجوانان متدین کانونهای دینی قدرتمندی تشکیل دهند و بافراگیری هنجارهای دقیق اسلامی به این وظیفه مهم به طورگروهی عمل نمایند.{J

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت می گیرد و از طرفی بنده نمی توانم امر به معروف کنم، چون تأثیری ندارد، آیا می توانم از آنجا به جای دیگر هجرت کنم؟

پرسش

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت می گیرد و از طرفی بنده نمی توانم امر به معروف کنم، چون تأثیری ندارد، آیا می توانم از آنجا به جای دیگر هجرت کنم؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! با تشکر و قدردانی از شما. امیدواریم همواره مورد تأیید خداوند متعال باشید. در مورد امر به معروف اگر تأثیر ندارد، بر شما واجب نیست. جدا شدن و هجرت به جای دیگر اگر با توافق پدر و مادرتان صورت بگیرد، اشکالی ندارد، ولی اگر آنان صلاح بدانند که با آنان زندگی کنید، بهتر است همان جا بمانید و با آنان زندگی کنید. فقط مواظب اعمال و رفتار خود باشید و به گناه دیگران راضی نباشید. انسان در محیط های آلوده هم می تواند به قرب الهی برسد. از خداوند متعال بخواهید که جامعه از گناه و آلودگی ها پاک شود.

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شرور شن بر سر مردم می پاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی

است؟

پرسش

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شرور شن بر سر مردم می پاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی است؟

پاسخ

بزرگان محلّ آنان را نصیحت کنند. با اخلاق خوب و رفتار پسندیده بهتر می توان جلوی شرارت ها را گرفت.

وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟

پرسش

وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟

پاسخ

از آنجا که در حدیث آمده که شنونده غیبت هم یکی از غیبت کنندگان حساب می شود، شنیدن غیبت به طور مطلق جایز نیست. در احادیث متعددی داریم که اگر کسی از برادر مؤمنش دفاع و رد غیبت نکند، عقاب می شود، و اگر دفاع کرد، خداوند هزار در شرّ و بدی را بر او می بندد. البته استثنائاتی برای این حکم وجود دارد. برای مثال شخصی که مظلوم واقع شده و مظلومیت خویش را بیان می کند یا کسی که با شخص مناسبی مشورت می کند و به خاطر آن ناچار به بیان حقایق درباره کسی یا شنیدن آن است. برای شناخت تفصیلی موارد استثنا می توان به کتابهای اخلاقی، مثل« گناهان کبیره» تألیف مرحوم دستغیب و «معراج السعاده» تألیف مرحوم نراقی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفه ما چیست؟

پرسش

اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفه ما چیست؟

پاسخ

"می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب، نهی از منکر نمایید، اگر اثر نکرد حرکت نمایید(مجلس را ترک کنید) در این صورت مأجور هستید." (حضرت آیت ا...تبریزی، مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج۱،ص۱۴۲)

"با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او اینگونه عمل می شود، مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند." (آموزش فقه، ۷۲ درس احکام، ص۲۸۲)

در هر حال، اگر نتوانست مجلس گناه راترک کند در دل به استغفار مشغول باشد، تا گناه دیگران شامل او نشود. و فکر کردن به موضوعات مشروع نیز مفید است، و در همان مجلس گناه هم باید مکانی را انتخاب کند که اثرپذیری از مجلس به حداقل برسد، مثلاًـ درمجلس عروسی که همراه با گناه و معصیت است، می تواند به مکانی برود که صحنه های رقص را نبیند و صدای موسیقی کمتر و ضعیف تر به گوش برسد، مثلاً اگر از بستگان نزدیک است، برای خوش آمدگویی بیرون خانه بایستد یا در آشپزخانه کمک کند و ...

منابع و مآخذ :

* مسائل جدید از دیدگاه علماء ج۱،گردآوری سید محسن محمودی

* "آموزش فقه" ۷۲ درس احکام، از آقای فلاح زاده

اگر در مجلس گناه بودیم و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفه ما چیست؟

پرسش

اگر در مجلس گناه بودیم و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفه ما چیست؟

پاسخ

می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب، نهی از منکر نمایید، اگر اثر نکرد حرکت نمایید(مجلس را ترک کنید) در این صورت مأجور هستید.(حضرت آیت ا...تبریزی، مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج۱،ص۱۴۲) (۱)

با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او اینگونه عمل می شود، مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند. (آموزش فقه، ۷۲ درس احکام، ص۲۸۲) (۲)

در هر حال، اگر نتوانست مجلس گناه را ترک کند در دل به استغفار مشغول باشد، تا گناه دیگران شامل او نشود. و فکر کردن به موضوعات مشروع نیز مفید است، و در همان مجلس گناه هم باید مکانی را انتخاب کند که اثرپذیری از مجلس به حداقل برسد، مثلاً درمجلس عروسی که همراه با گناه و معصیت است، می تواند به مکانی برود که صحنه های رقص را نبیند و صدای موسیقی کمتر و ضعیف تر به گوش برسد، مثلاً اگر از بستگان نزدیک است، برای خوش آمدگویی بیرون خانه بایستد یا در آشپزخانه کمک کند و ...

منابع و مآخذ:

۱) مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج۱،گردآوری سید محسن محمودی

۲)آموزش فقه" ۷۲ درس احکام، از آقای فلاح زاده

آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می کند مانند متکل گفتن به دختران و با مزاحمتهای دیگر یا برقراری رابطه نامشروع در ملآ عام ما می توانیم بدون حکم قاضی اینها را دست و پا بسته مورد ضرب

پرسش

آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می کند مانند متکل گفتن به دختران و با مزاحمتهای دیگر یا برقراری رابطه نامشروع در ملآ عام ما می توانیم بدون حکم قاضی اینها را دست و پا بسته مورد ضرب و شتم قرار

داده و یا فحاشی کنیم؟

پاسخ

دوست گرامی در پاسخ به سؤال شما نکات چندی را به شما تقدیم می کنم:

از دغدغه شما در این باره و پرسشگری شما سپاسگزاری می کنم.

اسلام دین اعتدال، فطرت و عقل است و هر کاری که انجام می دهیم: این توان برای ما وجود دارد که آن کار را در نظر خود مورد محاسبه قرار دهیم و ببینیم آیا فطرت ما آن را می پذیرد و با عقل سازگاری دارد یا خیر؟ قرآن کریم تصریح نموده است که "و لتکُن منِکُم اُمَّه یَدْعُون اِلی الخَیر و یَأمُرون بالمعروفِ و یَنْهَوْنَ عَن المنکر"(۱) و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند. ما نباید به اسم نهی از منکر، دچار منکر شویم. اما اصل امر بمعروف و نهی از منکر باید صورت بپذ یرد. امروزه سیستمهای حراست، نظارت و ارزیابی، مهندسی ارزش و ... در سازمانها و تشکیلات دولتی و خصوصی همین وظایف را بعهده دارند و در سرتاسر دنیا این مطلب محقّق است.

این امر بمعروف چند حا لت دارد که مقداری از آن در قالب نظارت عملی می شودکه عبارتست از:

الف- نظارت مردم بر مردم ب- نظارت مردم بر دولت از طریق مجلس و مانند آن ج- نظارت دولت بر مردم د- نظارت هر کس بر خودش که اصطلاحاً به آن خود کنترلی یا مراقبه و محاسبه نفس گفته میشود.

آنچه شما فرمودید در مورد دستگیری یا ضرب و شتم در محدوده نظارت دولت بر مردم می باشد و طبق قواعدی به هنگام ایجاد شورش،

تنش، فساد عمومی و مانند آن و با حکم انتظامی، قضایی محقق می شود و مردم حق دخالت در این امور را ندارند و مراتب ابتدایی امر به معروف نظیر قطع ارتباط با فرد مذکور، بی اعتنایی، تذکر زبانی و ... نه فقط بعهده بسیجیان بلکه بعهده همه مردم می باشد و هر کسی موظف است در این باره نقشی ایفا کند و در هر صورت فحاشی حرام است.

آنچه شما فرمودید مراحل بالایی در امر به معروف و نهی از منکر نیست و فسادهای اقتصادی، اعتقادی فراوانی وجود دارد و خلاصه کردن امر بمعروف در بد حجابی و مانند آن، کار نادرستی است.

چند استفتاء از رهبر انقلاب را نیز در پایان به شما تقدیم میکنم.

مسأله ۱۰۸۱ ... مراتب امر به معروف و نهی از منکر اگر متوقف بر نفس و مال فاعل منکر نباشد احتیاج به اذن کسی ندارد، بلکه این از وظایف همگانی بود و بر تمامی مکلفین واجب است. و اما مواردی که در آن امر به معروف و نهی از منکر به مؤونه بیشتر از نهی لسانی متوقف بود، اگر در کشوری باشد که تحت حکومت و نظام اسلامی قرار دارد، و دولت اهتمام به این فرضیه اسلامی دارد، در آن صورت کار موکول به اذن حاکم و مسؤولین ذی ربط آن و پلیس محلّی و محاکم صالحه، می باشد.

مسأله ۱۰۸۹- اقدامات فردی در اموری که از صلاحیت نیروی امنیتی و قضایی است، جایز نیست، و لکن این مانع از اقدامات مردم در امر به معروف و نهی از منکر با مراعات حدود و شرایط آن نمی باشد.(۲)

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه

آل عمران / آیه۱۰۴

رساله اجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج۱، ص۳۰۱تا۳۱۲

وظیفه طلبه های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست

پرسش

وظیفه طلبه های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست

پاسخ

خواهر عزیز; این وظیفه باید در دو بُعد انجام شود:

۱) تعمیق و تقویت اعتقادات و معارف دینی افراد: باید دانست که مردم از سر لجبازی با دین گناه نمی کنند، و اگر شیرینی گناه در ذائقه آنها مزه می کند و جذب گناه می شوند به دلیل عدم آگاهی و معرفت و عدم توجه به مضرات آن است

امام رضا۷ می فرمایند: «... ان ّالناس لو علموا محاسن کلامنا لاتّبعونا(۵); اگر مردم خوبی های کلام ما را (کلام زیبای ما را) می دانستند از ما تبعیت و پیروی می کردند».

انسان دارای فطرتی خداجوست و عادات و آداب غلط و آموزش های انحرافی است که چون غباری روی صفحه دل را می گیرد و باعث کشش به سوی گناه می شود، که باید با توجه به توبه گردگیری شود. بنابراین باید در اولین گام با آگاهی بخشیدن و توجه دادن به عظمت خالق و با یادآوری نعمت های الهی دل را به نور معرفت روشن نمود، و در این صورت است که گناه هر چند جاذب باشد، جلوه ای نخواهد داشت ۲) امر به معروف و نهی از منکر: از دیدگاه اسلام بر همه مردم واجب است با دل و زبان و با قدرت در برابر گناه کار عکس العمل نشان دهند و نهی از منکر نمایند.

در روایات اسلامی در رابطه با چگونگی برخورد با گناه کار مطالب بسیار آمده است از جمله حضرت علی ۷ می فرمایند: «پایین ترین درجه نهی از منکر آن است که انسان با گنهکار با چهره گرفته

و خشم آلـود برخـورد کنـد و...» از طرفی در فقه اسـلامی و دسـتورالعمل هـای اسـلام در برخـورد بـا گنـاه و جلوگیری از آن دسـتورات بسـیار دقیق دیـده می شود که خاصـیت بازدارنـدگی از گنـاه دارنـد، ماننـد احکـام حـدود، قصاص و...، که اگر به درستی و به طور کامل اجرا شوند، اهرم بسیار نیرومند برای براندازی گناه خواهند بود. در واقع دستورات عملی اسلامی بیانگر برخوردهای اسلام با فرد گناه کار است که هر کدام به نحوی نقش بازدارندگی و کنترل گناه را در فرد و جامعه دارد.(۶)

البته بایـد امر به معروف و نهی از منکر، مطابق آنچه که در رساله های فقهای عظام آمده با حفظ مراتب و درجات و آگاهی و تسلط به مبانی دینی انجام شود.

برای اطلاع بیشتر از شـرایط امر به معروف و نهی از منکر و مراحل آن می توانید به تحریرالوسـیله حضرت امام ، جلد ۱ مراجعه نمایید.

پاورقی:

-۵ معانی الاخبار، ص ۱۸۰ و بحارالانوار، چاپ بیروت ج ۲، ص ۳۰.

-۶ محسن قرائتی گناه شناسی نشر پیام آزادی چاپ ششم ص ۲۸۰-۲۷۶ (با تلخیص .

وظیفه ما، در مقابل کسانی که مرتکب گناه می شوند، چیست چگونه می توان از نظر قانونی و رسمی قدرت پیدا کنیم تا بتوانیم در مقابل آن ها ایستادگی نماییم

پرسش

وظیفه مـا، در مقابـل کسـانی که مرتکب گناه می شونـد، چیست چگونه می توان از نظر قانونی و رسـمی قـدرت پیـدا کنیم تا بتوانیم در مقابل آن ها ایستادگی نماییم

پاسخ

انسـان در ایـن سـؤال دو وظیفـه جـدای از هم دارد یکی متـوجه شـخص خـود اوست و دیگری وظیفه اش در مقابـل دیگران و جامعه وظیفه خود او ترک گناه است و نباید گناه را انجام دهد وظیفه اش در قبال دیگران نهی از منکر است آنچه که مشـهور است که کسـی که امر به معروف و نهی از منکر می کند خود باید پاک از آن گناه باشد این شـرط کمال و تأثیرگذاری است نه شرط واجب شدن نهی از منکر. قرآن مجید در سوره بقره ۴۴ می فرماید: "أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُم آیا مردم را به کار خیر سـفارش می کنیـد امّا خود فراموش می کنیـد." کمال در این است که خود پاک باشد و از گناهان نهی نماید و به تعبیر دیگر خود بـا عمـل خویش الگوی دیگران باشـد و به تعبیر روایـات مردم را بـا عمل خود تبلیغ و نهی از منکر نمایـد و دعـوت عملی او قوی تر از دعوت قولی او باشـد.(تفسـیر نمونه آیت الله مکـارم ج ۱، ص ۲۱۵.) امّا اگر شـخص وظیفه فردی

خویش را انجام نداد باعث نمی شود وظیفه اجتماعی خویش یعنی نهی از منکر را نیز انجام ندهد.

برای قانونی نمودن این وظیفه اجتماعی می توان در سازمان هایی مانند ستاد امر به معروف و نهی از منکر، یا انجمن ناصحان و غیره عضو شد و به این امر خطیر همّت گماشت

همسر من با ترانه وموسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا نه ؟

پرسش

همسر من با ترانه وموسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا نه ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد روشنگریو روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد خانواده و توضیحاینکه ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گذاردآنان را برای پذیرش احکام الهی آماده نمایید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد.{J

آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بتراشند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گردان می شود؟

پرسش

آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بتراشند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گردان می شود؟

پاسخ

شیوه ای که ذکر فرموده اید باترسیمی که در مکتوب جناب عالی است مسلما مورد تأیید نیست و تا آن جا که مااطلاع داریم چنان شیوه ای در دستور کار نظام جمهوری اسلامی قرار ندارد.{J

اگر بخواهیم فردی را که درآمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟

پرسش

اگر بخواهیم فردی را که درآمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. مرتبه اول آن – که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد – به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلّاق استفاده کند.

۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده

می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

۵) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

ضمن توجه به نکات فوق نبایـد انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صـحیح اخلاقی و انسانی در تـذکر به آنهاست ولی این که بپذیرنـد یا نه و خوشـشان آیـد یا بـدشان آیـد خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس

در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟

پرسش

در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟

پاسخ

بایـد به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمود، و با رعایت شـرایط و مراحل تـدریجی آن، یعنی تذکر دادن و رابطه را سرد و سـست کردن و در مرحله بعـد قهر کردن به منظـور متـوجه کردن آن هـا، این وظیفه را ادا نمـود و البته این در صـورتی است که احتمال تأثیر در فرد مورد نظر را بـدهیم ولی اگر بـدانیم هیـچ گونه اثری نـدارد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نمی باشد.

ذکر این نکته ضروری است که امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر باید با شرایط و احکام این دو واجب آشنا باشد و با حوصـله و شـکیبایی از مراحل پایین که همان تذکر صمیمانه و همراه با لطف و مهربانی است، شروع کند و اگر فرد نکته سنج و تیزبینی باشـد معمولاً می توانـد در همان مراحل پایین، در آن فرد اثر بگذارد ولی اگر از همان ابتدا خشونت، سـختگیری بی مورد به خرج دهـد و مراتب را رعـایت نکنـد، معمولاً به لـج بازی آن فرد و پافشاری او بر اعمال خلافش منجر می گردد و نیز بایـد مطمئن باشد که این موسـیقی، موسـیقی حرام است و اگر صـرفا احتمال می دهد، وظیفه ای ندارد باید با مطالعه ی کتاب هایی که درباره موسـیقی نوشـته شده و تشخیص حرام از جایز آن و نیز بیان آثار زیانبار موسیقی حرام در روح و جان انسان با بیانی شیوا و مستدلّ آن فرد را قانع نماید و این اولین گام است که اگر به خوبی

و پخته برداشته شود شاید نیازی به گام های دیگر نباشد.

امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که اگر کسی را نهی از منکر کند در وی تاثیر نخواهد داشت و نیز انسان این احتمال را بدهد که حتی با نهی از منکر کردن آن شخص ،آن شخص صورت بدی

پرسش

امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که اگر کسی را نهی از منکر کند در وی تاثیر نخواهد داشت و نیز انسان این احتمال را بدهد که حتی با نهی از منکر کردن آن شخص ،آن شخص صورت بدی از دین اسلام را تجسم کند و ار دین اسلام بدش بیاید آیا باز هم واجب است که انسان آنگونه اشخاص را امر به معروف کند .

پاسخ

بر فرض این که احتمال تأثیر نمی دهید امر و نهی واجب نیست اما باید توجه داشته باشید که اگر کسی اسلام را آن طور که هست بفهمد و با زبان لین و اخلاق اسلامی آن را به دیگران بفهماند نه تنها از اسلام تنفر پیدا نمی کنند بلکه علاقمند هم می شوند چه این که در خیلی موارد تجربه نشان داده است.

مهمان به خانه ما می آید، ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم، از این رو آن جا را ترک می کنم. آیا این کار من گناه است؟

پرسش

مهمان به خانه ما می آید، ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم، از این رو آن جا را ترك می کنم. آیا این کار من گناه است؟

پاسخ

غیبت از گناهان بزرگ است. اگر در مجلسی حضور دارید که درآن گناه صورت می گیرد خصوصاً غیبت، لازم است جهت حفظ آبروی مسلمان جلو این کار را بگیرید. اگر بتوانید با تذکر امر به معروف و نهی از منکر پیامبر گرامی(ص) فرمود: "کسی که در مجلسی، غیبت برادر خود را بشنود و در مقام ردّ آن برآید و از او دفاع کند، خداوند هزار نوع از شر در دنیا و آخرت را از او دور خواهد کرد اما کسی که رد نکند، مانند کسی است که غیبت کرده است".(۱)

اگر نهی از منکر فایده ای نبخشید، برای آن که شریک گناه نشوید، آن جا را ترک کنید! این کار گناه نیست مگر این که ترک جلسه بی احترامی حساب شود. می توانید سخنان را به موضوعات دیگر بکشانید.

در عین حال اگر نمی توانید از مجلس خارج شوید، سعی کنید به غیبت گوش ندهید. تنفّر قلبی کفایت می کند.

پی نوشت:

۱ – وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۲۹۲.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزنند، فقط ناراحت میشود.

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پاسخ

امر به معروف یا لفظی است یا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسان با بیانْ حقایق را برای مردم بگوید، خوبیها را

برای مردم تشریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست.

امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قناعت کند، گفتن کافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از اندازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشد، روشن کردن نباشد، نوشتن و تشریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد.

ما میخواهیم فقط با قدرت لفظ و بیان وارد شویم و حال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پرسش

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پاسخ

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مستقیم و غیر مستقیم. گاهی که می خواهید امر به معروف و نهی از منکر کنید، مستقیم وارد می شوید، حرف را مستقیم می زنید؛ یعنی اگر می خواهید کسی را وادار به کاری کنید می گویید: من از جنابعالی خواهش می کنم فلان کار را انجام دهید. ولی یک وقت هم به طور غیر مستقیم به او تفهیم می کنید، که البته مؤثرتر و مفیدتر است؛ یعنی بدون آنکه او بفهمد که شما دارید با او حرف می زنید، از کسی که فلان کار را کرده است تعریف می کنید، کار او را توجیه و تشریح می کنید، می گویید: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده، و... تا او بداند و بفهمد. این،بهتر در او اثر می گذارد کما اینکه عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است.

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پرسش

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پاسخ

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مستقیم و غیر مستقیم. گاهی که می خواهید امر به

معروف و نهی از منکر کنید، مستقیم وارد می شوید، حرف را مستقیم می زنید؛ یعنی اگر می خواهید کسی را وادار به کاری کنید می گویید: من از جنابعالی خواهش می کنم فلان کار را انجام دهید. ولی یک وقت هم به طور غیر مستقیم به او تفهیم می کنید، که البته مؤثرتر و مفیدتر است؛ یعنی بدون آنکه او بفهمد که شما دارید با او حرف می زنید، از کسی که فلان کار را کرده است تعریف می کنید، کار او را توجیه و تشریح می کنید، می گویید: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده، و... تا او بداند و بفهمد. این،بهتر در او اثر می گذارد کما اینکه عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است.

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی ابتلا دارد و ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد،

احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی ابتلا دارد و ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی ابتلا دارد و ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی

است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طبیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طبیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دوکاره بود: پزشکی بود مرهم نِه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و

مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید:

درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است

میگوید: هم درشتی بایدباشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طبیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طبیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دوکاره بود: پزشکی بود مرهم نِه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و

مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید:

درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است

میگوید: هم درشتی بایدباشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طبیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طبیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دوکاره بود: پزشکی بود مرهم نِه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و

مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید:

درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است

میگوید: هم درشتی بایدباشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضـی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشونـد، با هر نوع عملی که شـده است، با مهربانی باشـد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسـیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضـی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، اسـتغاثه میکنند، نصـیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضـی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشونـد، با هر نوع عملی که شـده است، با مهربانی باشـد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسـیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضـی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، اسـتغاثه میکنند، نصـیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضـی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز

استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پاسخ

امر به معروف یا لفظی است یا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسان با بیانْ حقایق را برای مردم بگوید، خوبیها را برای مردم تشریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست.

امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قناعت کند، گفتن کافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از اندازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشد، روشن کردن نباشد، نوشتن و تشریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد.

ما میخواهیم فقط با قدرت لفظ و بیان وارد شویم و حال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پاسخ

امر به معروف یـا لفظی است یـا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسـان بـا بیانْ حقایق را برای مردم بگویـد، خوبیها را برای مردم تشریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست.

امر به معروف عملی این است که انسـان نبایـد به گفتن قنـاعت کنـد، گفتن کـافی نیست. میتـوانیم بگـوییم یکی از بیماریهـای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از اندازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشد، روشـن کردن نباشد، نوشتن و تشریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد.

مـا میخواهیم فقـط بـا قـدرت لفـظ و بیـان وارد شویم و حـال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شـرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

پرسش

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

پاسخ

در اخبار وارد شـده که امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله یـد و عمل. ما معمولاًـ از مرحله قلب به جـای آنکه اخلاـص و حسن نیت و علاـقه به سـرنوشت مسـلمانان را درک کنیم، جـوش و خروش و عصبانیتهای بیجا می فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیانهای روشن کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می فرماید: «اُدْعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بَالْحِکْمَهِ وَالْموْعِظَهِ الْحَسَنَهِ» نحل/۱۲۵ [بخوان به سوی راه پروردگـارت با حکمت (دلائل عقلی و قابل پـذیرش) و پنـد نیکـو.] مـوعظه هـا وپنـدهای تحکم آمیز می فهمیم؛ واز مرحله یـد و عمـل هم به جـای اینکه تبلیـغ عملی و حسن عمـل و همچنین تـدابیر عملی بفهمیم ، تنهـا این مطلب رافهمیـده ایم که بایـد اعمال زور کرد .روی هم رفته ما برای گفتن و نوشـتن و خطا و مقاله زیاده از حد، اعجاز قائل هستیم؛ خیال می کنیم با گفتن و زبان کار درست می شود، در صورتی که:

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گوییه عمل کار برآید به سخندانی نیست

در حـدیث است: «کونوا دُعاهً لِلنّاسِ بِغَیْرِ اَلْسِنَتِکُمْ» (اصول کافی، ۲/ ۷۸، بـاب ورع) مردم را به دین حق و صـلاح دعوت کنید امـا بـا ابزاری غیر از زبـان، یعنی با ابزار عمل. درحـدیث دیگری است — که معمولاً مورد اسـتناد فقها در باب امر به معروف و نهی از منکراست که: «ما جَعَلَ اللهُ بَسْطَ اللّسانِ وَکَفَّ الْیَدِ وَاِنَّما جَعَلَهُما یَبْسُطانِ مَعاً

وَيَكَفّانِ مَعاً» (فروع كافى، ۳/۵۵) يعنى چنين نيست كه خدا اجازه داده باشد كه تنها زبان باز باشد ولى دست بسته باشد، بلكه اگر باز است هر دو بايد باز باشد و اگر مى خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، يعنى اگر عمل در كار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد.

از ديدگاه روايات امر به معروف و نهى از منكر چند مرحله دارد؟ مهمترين مرحله آن كدام است؟

پرسش

از ديدگاه روايات امر به معروف و نهى از منكر چند مرحله دارد؟ مهمترين مرحله آن كدام است؟

پاسخ

در اخبار وارد شده كه امر به معروف و نهى از منكر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله يد و عمل. ما معمولاً ـ از مرحله قلب به جاى آنكه اخلاص و حسن نيت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درك كنيم، جوش و خروش و عصبانيتهاى بيجا مى فهميم؛ و از مرحله زبان به جاى آنكه بيانهاى روشن كننده و منطقى بفهميم كه قرآن مى فرمايد: «اُدْعُ اِلى سَبيلِ رَبِّكَ بَالْحِكْمَهِ وَالْموْعِظَهِ الْحَسَنَهِ» نحل/۱۲۵ [بخوان به سوى راه پروردگارت با حكمت (دلائل عقلى و قابل پذيرش) و پند نيكو.] موعظه ها وپندهاى تحكم آميز مى فهميم؛ واز مرحله يد و عمل هم به جاى اينكه تبليغ عملى و حسن عمل و همچنين تدابير عملى يفهميم ، تنها اين مطلب رافهميده ايم كه بايد اعمال زور كرد .روى هم رفته ما براى گفتن و نوشتن و خطا و مقاله زياده از حد، اعجاز قائل هستيم؛ خيال مى كنيم با گفتن و زبان كار درست مى شود، در صورتى كه:

سعديا گرچه سخندان و مصالح گوييبه عمل كار برآيد به سخندانى نيست

در حديث است: «كونوا دُعاةً لِلنّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (اصول كافى، ۲/ ۷۸، باب ورع) مردم را به دين حق و صلاح دعوت كنيد اما با ابزارى غير از زبان، يعنى با ابزار عمل. درحديث ديگرى است – كه معمولاً مورد استناد فقها در باب امر به معروف و نهى از منكراست كه: «ما جَعَلَ اللهُ بَسْطَ اللّسانِ وَكَفَّ الْيَدِ وَاِنَّما جَعَلَهُما يَبْسُطانِ مَعاً

وَيَكَفّانِ مَعاً» (فروع كافى، ۳/۵۵) يعنى چنين نيست كه خدا اجازه داده باشد كه تنها زبان باز باشد ولى دست بسته باشد، بلكه اگر باز است هر دو بايد باز باشد و اگر مى خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، يعنى اگر عمل در كار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد.

كدام قسم از اقسام امر به معروف و نهى از منكر، وظيفه عموم مردم است؟ پرسش

اشاره

كدام قسم از اقسام امر به معروف و نهى از منكر، وظيفه عموم مردم است؟

پاسخ

امر به معروف و نهى از منكر با قلب، يعنى دردل، از بديها بيزار و نسبت به خوبيها علاقمند باشد (بعضى گفته اند منظور از اين مرحله آن است كه آثار انزجار يا علاقه قلبى خود را در چهره يا در عمل به صورت قهر و آشتى ظاهر كند) اين وظيفه همه مردم در مقابل ترك واجبات و انجام محرّمات است.

امر به معروف و نهى از منكر با زبان كه ابتدا با كلمات نرم و ملايم و محبّت آميز و پند و اندرز شروع مى شود و سپس با كلمات تندتر و خشن تر ادامه مى يابد (اين نيز وظيفه عامّه مردم است)

دليل وجوب امر به معروف عقلى است يا شرعى؟

پرسش

دليل وجوب امر به معروف عقلى است يا شرعى؟

پاسخ

ترديد در وجوب عقلى اين دو عامل سعادت بخش، نوعى شك در امور بديهى است. آنان كه در وجوب عقلى آن ترديد مى كنند، به زندگى افراد از ديدگاه فردى مى نگرند كه هر فردى براى خود زندگى مستقلى دارد، ولى اگر به زندگى انسانها از ديدگاه اجتماعى بنگرند و اينكه سعادت انسانها كاملاً ـ به يكديگر بستگى دارد واگر در جامعه كار خوبى صورت گيرد، همگان از آن بهره مند مى شوند و اگر كار بدى تحقق پذيرد، دامن همه را مى گيرد، قطعاً در گفتار خود تجديد نظر مى كنند.

به خـاطر چنین بسـتگی است که آزادیهـای فردی تا آنجا محترم است که به صـلاح و سـعادت جامعه لطمه وارد نسازد، در غیر این صورت کاملاً محـدود شـده و ممنوع اعلام می گردد، بنـابر این جهل و نادانی انسان نسـبت به احکام و یا آلودگی او در گناه، اثر مستقیمی در سرنوشت دیگران دارد، از این جهت ولو به خاطر سعادت خویش باشد، باید به وظیفه امر به معروف قیام کنیم و او را از چنگال جهل و آلودگی برهانیم.

پیـامبر گرامی درتبیین کیفیت وحـدت سـرنوشت یک جامعه، مَثَل بسـیار ارزنـده ای دارد که ترجمه آزاد آن چنین است: «مثل یک جامعه بسان سرنشینان کشتی واحدی است که دارای طبقاتی باشد، برخی در قسمت بالا و برخی دیگر درطبقه پایین جای گرفته باشـند، هرگاه سرنشـینان طبقه پایین، به هر علتی در صـدد سوراخ کردن کشتی باشـند و عمل خود را چنین مدلل سازند که جایگاه خود را سوراخ می کنیم و با جایگاه شما کاری نداریم، باید آنان را از این کار باز داشت و

گر نه همگی نابود می شوند ، زیرا سرنوشت همگان به هم بسته است و نفوذ آب در طبقه پایین، مستلزم غرق شدن تمام کشتی است». (بخاری، صحیح ۳/ باب «هل یقرع فی القسمه»/۱۳۹)

امام صادق(ع) از پیامبر گرامی ص) حدیثی را نقل می کند که بیانگر همین حقیقت است.

رسول گرامی ص) فرمود: «هرگاه انسان در خفا مرتکب گناهی گردد، فقط به خود ضرر می رساند و اگر آشکارا انجام دهد و کسی از او انتقاد نکند، سعادت عموم را در خطر می افکند».

امام پس از نقل حدیث پیامبر می فرماید: «او با عمل ناهنجار خود، دین خدا را موهون ساخته و دشمنان خدا را به پیروی از خود دعوت می نماید». (حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۱/ب ۴/ح ۱)

از این بیان روشن می گردد که عقل و خرد برای حفظ سعادت اجتماع که ضامن سعادت فرد نیز هست، بر لزوم امر به معروف و باز داری از منکر به طور اجمال حکم می کند؛ یعنی آنجا که اگر سهل انگاری شود، سعادت جامعه و خود انسان دستخوش اختلال می گردد و چون تشخیص موارد آن به صورت دقیق روشن نیست، از باب مقدمه در همه جا باید در اجرای این دو اصل کوشش کرد، تا غرض اصلی تحقق پذیرد.

لطف محصِّل مطلقاً واجب و لطف مقرّب نیز در شرایطی واجب می باشد. مسأله امر به معروف و نهی از منکر، به طور کلی از اقسام لطف مقرّب است که اگر در آن مسامحه شود، نوع مردم نسبت به واجبات بی تفاوت بوده و یا در آلودگی فرو می روند.

با وجود این دو دلیل روشن، ابو هاشم از معتزله و خواجه از امامیه، وجوب آن را فقط سمعی دانسته اند

و انتظار ما از خواجه غیر این بوده و او در تجرید الإعتقاد، بر عدم وجوب امر به معروف از نظر عقل استدلال نموده که کاملاً ناتوان است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پرسش

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پاسخ

در بعضی از روایات آمده است که امر به معروف و نهی از منکر درجات و مراتب مختلفی دارد:

مرتبه اول آن، از دل آغاز می شود و هر کس ارتکاب منکری ، یا ترک معروفی را دید، به مقتضای ایمانش باید در دل خود، از آن کار منکر و این ترک معروف منزجر باشد. نخستین آثار انزجار و ناراحتی قلبی در چهره انسان آشکار می شود؛ یعنی مؤمن با دیدن عمل منکر و ترک معروف، در دل ناراحت می شود و قیافه اش را در هم می کشد و رویش را ترش می کند. در روایات، از این کار به (اکفهرار وجه) تعبیر شده است و نیز در روایات آمده است: کسی که برای خدا با دیدن عمل منکر و ترک معروف چهره اش را در هم نکشد، جهنم چهره او را در هم خواهد کشید.

مرتبه دوم به زبان مربوط می شود، یعنی در مرحله دوم، شخص مؤمن باید با زبان، ناراحتی خود را از عامل به منکر و تارک معروف، آشکار کند و او را امر به معروف و نهی از منکر نماید و یا نصیحت و موعظه کند و یا ارشاد و هدایت نماید و به هر حال، وی را به راه راست بکشاند.

مرتبه سوم به عمل مربوط می شود. در مرحله سوم، شخص مؤمن، عملاً با قدرت و به طور فیزیکی، جلو منکرات را می گیرد. این مضمون، در روایات بسیاری آمده است و در باره اش بحث هایی و پرسش هایی مطرح می شود مانند این که آیا هر سه

مرتبه قلبی، زبانی و عملی، بر همه مکلفان واجب است و یا بعضی مراتب آن، مانند مرتبه عملی و پیشگیری از منکرات، با قدرت، و حکومت مربوط می شود و اختصاص به قوه قهریه دولت دارد و دیگر مردم معمولی، نباید برای جلوگیری از منکرات، به قهر و خشونت متوسل شوند؟

شاید بتوان گفت که در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر، به صورت عملی، موجب اخلال در نظم اجتماعی شو د، باید با اجازه حاکمان دولت اسلامی، انجام گیرد و در صورت مبسوط الید نبودن حاکم عدل، با اجازه فقیه جامع و شرایط و آگاه به مصالح جامعه، اجرا شود.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پرسش

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پاسخ

در بعضی از روایات آمده است که امر به معروف و نهی از منکر درجات و مراتب مختلفی دارد:

مرتبه اول آن، از دل آغاز می شود و هر کس ارتکاب منکری ، یا ترک معروفی را دید، به مقتضای ایمانش باید در دل خود، از آن کار منکر و این ترک معروف منزجر باشد. نخستین آثار انزجار و ناراحتی قلبی در چهره انسان آشکار می شود؛ یعنی مؤمن با دیدن عمل منکر و ترک معروف، در دل ناراحت می شود و قیافه اش را در هم می کشد و رویش را ترش می کند. در روایات، از این کار به (اکفهرار وجه) تعبیر شده است و نیز در روایات آمده است: کسی که برای خدا با دیدن عمل منکر و ترک معروف چهره اش را در هم نکشد، جهنم چهره او را در هم خواهد کشید.

مرتبه دوم به زبان مربوط می شود، یعنی در مرحله دوم، شخص مؤمن باید با زبان، ناراحتی خود را از عامل به منکر و تارک معروف، آشکار کند و او را امر به معروف و نهی از منکر نماید و یا نصیحت و موعظه کند و یا ارشاد و هدایت نماید و به هر حال، وی را به راه راست بکشاند.

مرتبه سوم به عمل مربوط می شود. در مرحله سوم، شخص مؤمن، عملاً با قدرت و به طور فیزیکی، جلو منکرات را می گیرد. این مضمون، در روایات بسیاری آمده است و در باره اش بحث هایی و پرسش هایی مطرح می شود مانند این که آیا هر سه

مرتبه قلبی، زبانی و عملی، بر همه مکلفان واجب است و یا بعضی مراتب آن، مانند مرتبه عملی و پیشگیری از منکرات، با قدرت، و حکومت مربوط می شود و اختصاص به قوه قهریه دولت دارد و دیگر مردم معمولی، نباید برای جلوگیری از منکرات، به قهر و خشونت متوسل شوند؟

شاید بتوان گفت که در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر، به صورت عملی، موجب اخلال در نظم اجتماعی شو د، باید با اجازه حاکمان دولت اسلامی، انجام گیرد و در صورت مبسوط الید نبودن حاکم عدل، با اجازه فقیه جامع و شرایط و آگاه به مصالح جامعه، اجرا شود.

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

شرایط امر به معروف ونهی از منکر

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

پرسش

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

پاسخ

مسلمان حقیقی کسی است که به وظائف دینی خود کاملاً عمل نماید و یکی از وظایف او امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی مثلًا یک خانم مسلمان، خودش باید با حجاب باشد و بانوان دیگر را هم به حجاب و عفّت، دعوت نماید؛ دروغ نگوید و دیگران را نیز از دروغگویی باز دارد؛ خودش نماز بخواند و دیگران را هم به خواندن نماز ترغیب کند. ولی اگر کسی خودش مثلاًـ بی حجاب بود و دیگران را به حجاب و عفّت دعوت کرد، حرف او اثر نخواهد داشت و خود را هم مسلمان کاملی نیست.

البتّه امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که یکی از آنها این است که در مرحله اول با زبان خوش و دلسوزی و مهربانی و نصیحت، افراد را به کار خوب دعوت کند و از کار زشت باز دارد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟

اشاره

شرایط امر به معروف چیست؟

پرسش

دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟

شرایط امر به معروف چیست؟

پاسخ

از مرجع بزرگواری پرسیدند: در برخی از شهرها به خصوص روستاییان مسئله محرم و نامحرم چندان مورد اهمیّت نیست، مثلاً زن، خود را از برادر شوهر حفظ نمی کند و او را به منزله برادر واقعی می داند. برادر شوهر هم زن داداش خود را خواهر به حساب می آورد. ای بسا با هم دست می دهند، یا دختر دایی، دختر عمو با پسر خاله و پسر عمو با هم مصافحه می کنند. این عمل چون از روی سادگی و بدون قصد ریبه می باشد آیا اشکال دارد؟

ایشان در جواب فرمودند: هیچ یک از موارد فوق جایز نیست "یعنی حرام است".(۱)

البته تکلیف همان است که گفتیم، اما پیاده کردن و اعمال آن باید به گونه ای باشد که احساس برانگیز نباشد، مایه بدبینی و بی رغبتی مردم به اسلام نگردد، موجب بی ارزشی و پستی مکلّف نشود، مثلاً ـ امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه از فرایض اسلامی است و به عنوان واجب کفایی بر هر فردی واجب است، اما اسلام برای پیاده کردنش شرایطی تعیین کرده که با فقدان آن نه تنها واجب نسیت، بلکه گاهی حرام می شود.

از جمله شرایط این که آمر و ناهی بدانند آن چه شخص مکلّف ترک کرده واجب است به جا آورد و آن چه انجام می دهد واجب است ترک کند و اگر چنین علمی نداشته باشد واجب نیست.

دیگر این که بداند و احتمال بدهد امر و نهی او مؤثر است، ولی اگر احتمال بدهد که اثر ندارد واجب نمی شود.

شرط سوم این که

مفسده ای نداشته باشد پس اگر احتمال وقوع ضرر جانی، عرضی، آبرویی و مالی که موجب حرج بر بعضی مؤمنین می شود، بدهد واجب نیست.(۲)

حدود حجاب چقدر است؟

از نظر اسلام زن باید غیر از گردی صورت و مچ دست ها تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند، اما این معنایش این نیست که با کسی حرف نزند و در خانه خود با پسر عمو و پسر خاله و دیگران صحبت نکند و یا در مجالس جشن و عروسی شرکت نکند.

می شود هم حجاب اسلامی و آداب شرعی را رعایت نمود و هم در اجتماع زندگی کرد بدون این که مورد توهین و تمسخر دیگران قرار بگیرد.

در عروسی شرکت کنید منتها هر وقت دیدید بر خلاف شرع کاری صورت می گیرد می توانید به بهانه ای به اطاق دیگر بروید، گذشته از این که رقص زن برای زن به فتوای آیت اللّه فاضل لنکرانی اشکالی ندارد ولی اگر نوار حرامی باشد از مجلس خارج شوید.

وقتی مجلس به حالت عادی برگشت مجدداً مراجعه کنید. حتماً مردم در مجالس جشن و عروسی در تمام ساعات مرتکب گناه و معصیت نمی شوند.

یا هر موقع اقوام و خویشاوندان وارد منزل می شوند می توانید با حفظ حجاب، مثل دیگران با آن ها برخورد کنید و حرف بزنید و سلام و علیک کنید بدون این که شما را متهم به افراطی کنند.

کوتاه سخن این که تا آن جایی که ممکن است حجاب اسلامی و آداب شرعی را رعایت کنید و از زخم زبان دیگران نگران نشوید، امّا در عین حال کاری نکنید که در محل انگشت نما شوید و همه از شما و در نهایت از اسلام متنفّر گردند.

صحبت کردن حرام نیست. اگر در خلوت می ترسید به گناه بیفتید اگر پسر عمو یا پسر دایی آمد می توانید بروید و دختر همسایه را به خانه بیاورید تا خلوت با اجنبی صورت نگیرد. حتما در جلسات عروسی شرکت کنید و شرکت نکردن ممکن است توهین به اقوام باشد.

پی نوشت ها:

۱. آیت اللّٰه فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ج ۱، ص ۴۸۲.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۱۸.

به خاطر ترس از آزار جسمی و روحی دیگران , از انجام وظیفهء امر به معروف و نهی از منکرخودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه می توان بر این ترس غلبه نمود؟

پرسش

به خاطر ترس از آزار جسمی و روحی دیگران , از انجام وظیفهء امر به معروف و نهی از منکرخودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه می توان بر این ترس غلبه نمود؟

پاسخ

اگر کسی بداند یا گمان کند اگر امر به معروف و نهی از منکر کند, ضرر جانی یا ناموسی یا آبرویی و یا مالی قابل ملاحظه ای متوجه او خواهد شد, انجام این فریضه بر او واجب نیست , بلکه اگر احتمال بدهدضررهای مذکور برایش به وجود می آید, باز واجب نیست ; حتی اگر بترسد ضرر متوجه متعلقات و بستگان اوشود, واجب نیست امر به معروف و نهی از منکر کند.(۱)

البته اگر معروف یا منکر از اموری باشد که از دیدگاه اسلام خیلی مهم است , مانند اصول دین و مذهبی وحفظ قرآن و حفظ عقاید مسلمانان و یا حفظ احکام ضروری اسلام , با مجرد احتمال ضرر نمی شود آن را ترک نمود, بلکه باید ضررها مقایسه شوند و هر کدام مهم تر بود, اقدام شود.(۲) گاهی امر به معروف و نهی از منکر آن

قدر مهم است که مسلمان باید همه چیز خود را در این راه فدا نماید, مثل اباعبداللّه الحسین ۷

ثانیاً غلبه بر ترس در این گونه موارد راه هایی دارد که در ذیل به بعضی اشاره می کنیم :

۱ امر به معروف و نهی از منکر یکی از ابزار رسیدن به هدف آفرینش انسان است . همان طوری که می دانیم بر حسب اعتقاد ما هدف اصلی خلقت انسان , رسیدن به کمال مطلق و قرب الهی است . رسیدن به آن مقام

ازطریق عمل به دستورهای اسلام و واجبات و ترک محرّمات امکان پذیر خواهد بود. یکی از دستورهای اسلام ,امر به معروف و نهی از منکر می باشد. اگر مسلمان مطلب فوق رابداند, هیچ گاه ترس و دلهره نمی تواند جلورسیدن به کمال او را بگیرد.

۲ بهترین اعمال , سخت ترین آن ها است . . وقتی انسان بداند اعمال و کارهای او آن گاه ارزش بیش تری دارد که در طریق انجام آن متحمّل سختی ها و رنج ها بشود و ارکان او وقتی زیبنده است که در حفظ و نگه داری آن , ضررها و خسارات جانی و مالی متوجه او شده باشد, هرگز ترس از آزار و دیگران او رااز انجام وظیفهء الهی باز نمی دارد.

۳ تفکر و اندیشه و مطالعهء سرگذشت رهبران دینی ; اگر بداند رسول خدا۶و حضرت امیرالمؤمنین ۷ صدیقهء طاهره زهرا۳و ائمهء اطهار به خصوص حضرت اباعبدالله ۷برای پیاده کردن دستور زندهء اسلامی (امر به معروف و نهی از منکر) چه ضررها و خسارات و رنج ها و آلام روحی و جانی را به جان خریدند و در راه خدا صبر نمودند, دیگر ترس و دلهره پیدا نخواهد کرد.

(پاورقی ۱.توضیح السمائل مراجع , ج ۲ ص ۶۱۹

(پاورقی ۲.همان , ص ۶۱۹ مسئله ۲۷۹۲

یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بر عهده کسانی است که قدرت بر این کار داشــته باشند؛ در حالی که در نهضت حسینی(ع)، آن حضرت به دلیل جهالت یا سست عنصری یا عافیت طلبی مردم و یا به ا

پرسش

یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بر عهده کسانی است که قدرت بر این کار داشته باشند؛ در حالی که در نهضت حسینی(ع)، آن حضرت به دلیل جهالت یا سست عنصری یا عافیت طلبی مردم و یا به انگیزه های

دیگر، از پشتیبانی مردم محروم بود و توانایی براندازی یک حکومت سفّاک تا دندان مسلح را نداشت! پس چگونه آن حضرت قیام مسلحانه کرد و آن را امر به معروف و نهی از منکر اعلام نمود؟

پاسخ

استاد مطهری در این باره می فرماید: شرط دیگری برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده به نام «قدرت» «إنما یجب علی القوی المطلع» ؛ (امر به معروف و نهی از منکر) فقط بر انسان قدرتمند و آگاه واجب است (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۹). یعنی، شخص ناتوان نباید امر به معروف و نهی از منکر کند. این یعنی نیروی خود را حفظ کن و نتیجه بگیر، اما آنجا که ناتوانی و نیرویت هدر می رود، اقدام نکن. اینجا هم یک اشتباه بزرگ برای بعضی پیدا شده که می گویند: من که قدرت ندارم فلان کار را انجام دهم، اسلام هم گفته اگر قدرت نداری انجام نده؛ پس تکلیف از من ساقط است! در جواب باید گفت: خیر! اسلام می گوید: برو و قدرت به دست بیاور؛ این «شرط وجود» است، نه «شرط وجوب»؛ یعنی تا ناتوانی، دست به کاری نزن؛ ولی باید بروی قدرت و توانایی کسب کنی تا به نتیجه برسی.

تحصیل قدرت برای این اصل به قدری مهم است که گاهی کار حرام واجب می شود؛ - مثلاً پست و مقام گرفتن از خلفای جور و ظلم و خدمت در حکومت آنها - اما اگر می بینی این مقام تو وسیله ای می شود که بر امر به معروف و نهی از منکر قدرت پیدا کنی، حتماً این کار را انجام بده. در تاریخ اسلام داریم که اشخاص به دستور ائمه(ع)

به دربار خلفا وارد می شدند.

در پاسـخ به این عقیـده که اگر قدرت تصادفاً پیدا شد، امر به معروف و نهی از منکر واجب است و اگر نه، واجب نیست؛ باید ببینیم اسلام چه ارزشی به این اصل داده است؟

ارزش این اصل تا آنجا است که آن را ضامن بقای اسـلام دانسـته اند و به خاطر آن امام حسین(ع) و یارانش شهید می شوند و اهـل بیـت آن حضـرت، به اسـارت می رونـد. در روایـتی در نکـوهش برخی از مردم آخرالزمـان آمـده است: «لا-یوجبون أمراً بالمعروف و نهیاً عن المنکر إلّا إذا أمنوا الضـرر» ؛ امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند، مگر وقتی که از ضـرر آن در امان باشند. (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵)..

در حـدیث دیگر از امـام بـاقر(ع) آمـده است: «إن الأـمر بـالمعروف و النهی عن المنکر سبیـل الأنبیـاء منهـاج الصـلحاء بها تقام الفرایض و تـأمن المـذاهب و تعمر الاـرض وی نتصف من الاعـداء» ؛ امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شـیوه نیکان است. به وسـیله این اصـل واجبـات برپـا می گردد، راه هـا امن و سـرزمینها آباد می شود و از دشـمنان (حقوق ضایع شـده) باز ستانده می گردد. (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵).. فریضه ای که چنین ارزشـی دارد، آیا ممکن است درباره آن بگویند: اگر یک روز اتفاقاً و تصادفاً نیرویی داشتی انجامش بـده؛ وگرنه تکلیف ساقط است. این بـدان معنا است که بگویند: اگر تصادفاً دیدی می توانی اسـلام را نگه داری، نگه دار و اگر دیـدی نمی توانی، دیگر لا-زم نیست! در مورد احتمال تأثیر هم همین طور است؛ یعنی، نمی توانیم بگوییم: چون احتمال تأثیر وجود ندارد، پس تکلیف ساقط است».حماسه

حسینی، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۰۴.

نمونه ای از عملکرد صحیح در مسأله احتمال تأثیر را در واقعه عاشورا می بینیم که اهل بیت، حتی کشته شدن امام حسین(ع) را هم پایان کار و وظیفه خود ندانستند و حتی در دربار یزید و ابن زیاد دنبال همان هدف حسینی بودند. شهید شدن امام(ع) از یک نظر برای آنان آغاز کار بود، نه پایان کار.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پرسش

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چهار مورد می باشد. که عبارتند از:

۱. امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر خودش به موارد امر و نهی آگاه باشد؛

۲. احتمال تأثیر در شنونده بدهد؛

۳. عمل کننده به منکر و ترک کننده معروف قصد ادامه گناه و یا ترک واجبات را داشته باشد؛

۴. مفصده ای برای امر کننده به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد.

تفصیل و توضیح بیشتر در کتاب توضیح المسائل و رساله مراجع تقلید آمده است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند, واجب است ؟

پرسش

آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند, واجب است ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی است که ترک آن ها آثار و عواقب بدی برای افراد وجامعه دارد.

از پیامبر۶ نقل شده است : .(۱)

مرحوم آیت اللّه طالقانی در این زمینه گفته است :

حقیقت جهاد اسلامی هم یک نوع امر به معروف و نهی از منکر مسلّحانه است .(۲)

امام خمینی (ره) می فرماید:

۱ آن کسی که می خواهد امر و نهی بکند, بداند که آن چه آن شخص مکلف به جا نمی آورد, واجب است به جاآورد و آن چه به جا می آورد, باید ترک کند; یعنی باید معروف و منکر را بشناسد.

۲ احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند.

۳ بداند که شخص معصیتکار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند.

۴ در امر و نهی کردن مفسده ای نباشد. پس اگر بداند که ضرر مالی یا جانی یا آبرویی به او متوجه می شود, امر ونهی واجب نیست و در بعضی موارد حرام است .

ولی اگر معروف یا منکر از اموری باشد که اسلام به آن اهمیت زیاد می دهد, مانند اصول دین یامذهب و حفظکردن قرآن کریم و حفظ و نگهداری عقاید اسلامی یا احکام ضروری اسلام , باید ملاحظهء اهمیت شود و مجرّد ضرراین وظیفهء الهی را از گردن انسان بر نمی دارد. در این صورت ها باید امر به معروف و نهی از منکر انجام داد ولو نیاز به بذل جان و مال

و آبرو باشد>.(۳)

در هر صورت در موارد معمولی تا آن جا که ممکن است بایـد امر به معروف و نهی از منکر کرد و حتماً تأثیر حتی فی الجمله دارد, به طوری که اگر غیر شما دیگران نیز آن را پیگیری کنند, تأثیر مثبتی خواهد داشت , مگرموردی باشد که به انسان وارد شود.

(پاورقی ۱.وسائل الشیعه , ج ۱۱ ص ۳۹۸

(پاورقی ۲.محمد عابدی , پیکار با منکر در سیرهء ابرار, دفتر اوّل , ص ۱۹۱

(پاورقی ۳.توضیح المسائل مراجع , ج ۲ ص ۶۱۸

شرایط آمر به معروف و ناهی از منکر چیست ؟

پرسش

شرایط آمر به معروف و ناهی از منکر چیست ؟

پاسخ

چند چیز شرط است :

۱ آمر و ناهی بداند آن چه شخصـی مکلّف به جا نمی آورد, واجب است و آن به جا می آورد, باید ترک کند; یعنی معروف و منکر را بشناسد.

۲ احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر دارد.

۳ بداند معصیت کار بنا دارد معصیت راتکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند و یا احتمال صحیح بدهد تکرارنخواهد کرد, واجب نیست نهی کند.

۴ در امر و نهی مفسده ای نباشد. بنابراین اگر کسـی بداند یا گمان کند در صورت امر و نهی , ضرر جانی یا آبرویی و یا مالیِ قابل توجّهی به او یا متعلقان او, بلکه بر بعضی مؤمنان وارد می شود, واجب نیست , امر یا نهی کند.(۱)

گفتنی است اگر معروف یا منکر از اموری باشـد که شارع مقـدس اهمیّت زیادی به آن می دهـد, مثل اصول دین , یامذهب و حفـظ قرآن و حفـظ و عقایـد مسـلمانان و یـا احکام ضـروریه مثل نماز و روزه و حـج و حجاب , بایـد ملاحظه ءاهمیّت شود و مجرّد ضـرر موجب واجب نبودن نمی شود. پس اگر حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه ءاسلام , بر بذل جان و مال

توقف داشته باشد, بذل آن واجب است .

هم چنین اگر بدعتی در اسلام پیدا شود, اظهار حق به هر نحوِ ممکن واجب است , اگر چه بدانند تأثیر نمی کند ونیز اگر احتمال صحیح داده شود, که سکوت موجب می شود معروفی , منکر و منکری , معروف شود, باید اظهار نمود وسکوت جایز نیست .(۲)

(پاورقی ۱.توضیح المسائل مراجع

, ج ۲ ص ۶۱۸ ۶۱۹

(پاورقی ۲.برداشت از توضیح المسائل مراجع , ج ۲ ص ۶۱۹ ۶۲۰

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاكِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْامِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللهُ الْامِرينَ بِالْمَعْروفِ التّارِكينَ لَهُ، وَ النّاهينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعامِلينَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاكِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاكِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْامِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند كه در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها كسانی كه چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده كه اگر تائب، عابد، سائح، راكع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منكر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منكر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منكر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منكر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه كمتر كردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللهُ الْامِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِكینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت كند آن مردمی را كه امر به معروف میكنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میكنند و آن مردمی را كه نهی از منكر میكنند و خودشان همان منكراتی را كه نهی میكنند مرتكب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنكری كه «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاكِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نكرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منكر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند.

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاکِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْامِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْکَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللّهُ الْامِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِکینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْکَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاکِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند.

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاكِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْامِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللّهُ الْامِرينَ بِالْمَعْروفِ التّارِكينَ لَهُ، وَ النّاهينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعامِلينَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاكِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند.

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاكِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْامِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللّهُ الْامِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِكینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاكِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند

شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پرسش

شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی ازمنکر دارای شرایطی است از جمله : ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد .۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن . ۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن . ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود اوو به نفع اوست . ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر .۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه . ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر .یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است . یعنی باید این مسیله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوولند .زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد .همچنین با انحراف یک نفر وگسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت . ;

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟

پرسش

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟

پاسخ

در مساله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود : الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف وشرایط وجوب و مراتب آن . امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی ازمنکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتنداز : ۱- آمر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد ۲- کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد ۳- مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود

مثلا-" اگر با آرامش می توان نهی کرد از پرخاش خودداری شود .۴- احتمال تاثیر داده شود .۵-برای آمر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد .ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل . طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیرمستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود .ج) حتی الامکان ازمنطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود .بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود .در این زمینه هم سعی شود اول یک مسیله مطرح شود و پس از اصلاحتشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسایل پرداخته شود .د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شودازسر خیرخواهی ومفید به حال

خود آنها است . ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی ازمنکر بدشان نیاید .بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی درتذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت . حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس ==در بند این مباش که نشنید یا شنید کس == و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید .ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید .;

معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟

پرسش

معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟

پاسخ

۱. این اهتمام دلسوزی، برخاسته از درد دینداری و قابل تقدیر است. حقیقت این است که انسان منحرف به دنیا نمی آید. نقص تربیت، عدم شناخت، ضعف در برخوردها و عوامل گوناگون دیگر، افراد را به انحراف می کشاند.

۲. قدم اول بنابر روش هدایت قرآنی برداشتن موانع از طریق شناخت نیازی که آنان را به فساد کشانده، می باشد; زیرا قرآن از روش پیامبر((صلی الله علیه وآله)) چنین حکایت می کند:«یضع عنهم امرهم و الاغلال التی کانت علیهم;(۱)سنگینیها و زنجیرهای آنان را بر می داشت».

گاه می تواند ازدواج، ایجاد صمیمیت، مقبولیت و شخصیت دادن زمینه ساز تغییرهای اساسی باشد.

۳. پرسشهای جواب داده نشده، پاسخ یابد.

۴. انسان، خود ثابت قدم باشد. چنان نباشد که آنها با شیطنت او را منفعل کنند. فرد گمراه از داشتن همراه بیشتر، راحت تر به کار ادامه می دهد.

۵. مطالعه کتب تربیتی بسیار لازم است.

۶. بررسی مراتب امر به معروف و نهی از منکر در کتاب رساله عملیه لازم است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ -سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۱۰

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر; خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

پرسش

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر; خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

پاسخ

مسلمان حقیقی کسی است که به وظائف دینی خود کاملا عمل نماید و یکی از وظایف او امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی مثلا یک خانم مسلمان، خودش باید با حجاب باشد و بانوان دیگر را هم به حجاب و عفّت، دعوت نماید; دروغ نگوید و دیگران را نیز از دروغگویی باز دارد; خودش نماز بخواند و دیگران را هم به خواندن نماز ترغیب کند. ولی اگر کسی خودش مثلاـ بی حجاب بود و دیگران را به حجاب و عفّت دعوت کرد، حرف او اثر نخواهد داشت و خود را هم مسلمان کاملی نیست.

البتّه امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که یکی از آنها این است که در مرحله اول با زبان خوش و دلسوزی و مهربانی و نصیحت، افراد را به کار خوب دعوت کند و از کار زشت باز دارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۱

ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم ؟

پرسش

ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم ؟

پاسخ

امر به معروف ونهی از منکر در میدان گفتار و تذکر زبان دارای شرایط ذیل است :

۱ شناخت واجب ترک شده توسط متخلف و شناخت منکر و حرام انجام شده توسط او.

۲ احتمال تاثیر تذکر و امر ونهی.

۳ علم به تکرار تخلف توسط متخلف.

۴ عدم وجود مفسده د رامر به معروف و نهی ازمنکر.

بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم و در صورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست:

۱ نداند آنچه انجام شده حرام است و ترک واجب.

۲ بداند یا احتمال دهد عدم تاثیر گفتار و امر و نهیش را.

۳ بداند یا احتمال دهد مفسده و ضرری را مگر در موارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین و مذهب ، حفظ قرآن و آرمانهای آن و عقاید و احکام ضروری اسلام که در آن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید.

لازم به یاد آوری است با فقدان شرایط امر به معروف و نهی از منکر حکم وجوب گفتاری و تذکر کلامی برداشته خواهد شد ولی امر به معروف عملی در حذف بسترهای گناه و منکرات و استفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلا بعهده قوه قضائیه و نیروی انتظامی و اجرائی است . حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در این باره فرموده اند:

مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص)

و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

برگرفته از : ۱ معاد، استاد مطهری (ره)

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره) رجوع کنید.

" با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوای امام راحل (در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است در صورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند."

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام (رجوع کنید.

۱ اوجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۳۳۱، س ۱۰۸۸

لطفاً بفرمایید آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی دهند و در خیابان ها با ظاهری ناهنجار ظاهر می شوند واجب است چنانچه واجب است بهترین روش کدام است

پرسش

لطفاً بفرمایید آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی دهند و در خیابان ها با ظاهری ناهنجار ظاهر می شوند واجب است

چنانچه واجب است بهترین روش کدام است

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با فراهم بودن شرایط آن در هر کجا و برای هر کسی واجب است "وَلْتَكُن مِّنكُم ْأُمَّه ٌيَدْعُون َإِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُون َبِالْمَعْرُوف ِوَيَنْهَوْن َعَن ِالْمُنكَرِ وَأُوْلَئِك َهُم ُالْمُفْلِحُون َ;(آل عمران ۱۰۴) و باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند..."

مراجع تقلید معمولاً چهار شرط برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر می کنند:

۱. شناخت معروف و منکر از کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند;

۲. احتمال تأثیر;

۳. عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنان

۴. تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه

در صورت تحقق شرایط فوق ما موظفیم به این واجب اقدام کنیم امر به معروف از آسان ترین مرحله شروع شده و چنانچه لازم باشد تا سخت ترین مرحله مجاز ادامه می یابد.

وظیفه افرادی عادی غیر از دستگاه های مسئول در مرحله اول انزجار قلبی از منکر است و پس از آن امر و نهی زبانی با ملاطفت و نرمی و در برخی موارد با درشتی است در این مرحله لازم است از راه خیرخواهی و جدال احسن وارد شویم تا مخاطب ما را دشمن خود فرض نکند; بلکه خیرخواه خود بداند، "پیغام ها و رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) در این باره مطالعه کتاب امر به معروف و نهی از منکر، آقای

قرائتی مفید است (ر.ك امر به معروف و نهی از منكر، محسن قرائتی)

امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است ؟

پاسخ

در مسئله امر به معروف و نهی از منكر شايسته است جهات متعددی درنظر گرفته شود:

الف احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیرمستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود

اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد ازامر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه وخوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های کاربردی خود را بامیزان تأثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی

بکارگیری شیوه ای مؤثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست ؟

پرسش

وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست ؟

پاسخ

در این موارد لازم است با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و معرفی عوامل توزیع کننده به مقاماتمسئول انجام گیرد.{J

حسن اجرای امربه معروف و نهی ازمنکر دارای چه شرایطی است ؟

پرسش

حسن اجرای امربه معروف و نهی ازمنکر دارای چه شرایطی است ؟

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود و و به نفعاوست.

۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امربه معروف و نهی ازمنکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امربه معروف نهی ازمنکر. یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی)است.

یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژه دانشجویان جا بازکند که بر خلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعهاسلامی همه نسبت به یکدیگر مسئولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یککشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین باانحراف یک نفر وگسترش آنسرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدودساخت.{J

چگو نه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟

پرسش

چگو نه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر شرائطی دارد که هر کس واجد آنها باشد صلاحیت برای امر و نهی دارد. و آن شرائط عبارتند از:

الف. کسی که امر و نهی می کند عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چه چیز در اسلام واجب و باید انجام داد و چه کار حرام است و باید ترک شود.

ب. احتمال تأثیر بدهد پس در صورتی که انسان می داند سخن او تأثیری در دیگری ندارد بر او لازم نیست امر به معروف و نهی از منکر نماید.

ج. آن شخصی که مرتکب کار خلاف است اصرار بر ترک واجب یا انجام دادن معصیت داشته باشد. پس اگر بداند که آن شخص توبه کرده و یا نشانه های پشیمانی در او دیده شود امر و نهی واجب نیست.

د. مفسده مهم نداشته باشد یعنی ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجهی برای امر کننده و نهی کننده نداشته باشد. با وجود این شرائط صلاحیت برای امر به معروف و نهی از منکر هست و الا نه. (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۲۹)

آیا کســی که خود عمل به معروف نمیکند می تواند امر به معروف کند یا خیر؟ به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به نهی از سیگار کشیدن کند یا مثلا کسی که خود بی حجاب است یا بد حجاب امکانش است که خود ما را امر به معروف و نهی از منکر کند ? آیا این آیه

پرسش

آیا کسی که خود عمل به معروف نمیکند می تواند امر به معروف کند یا خیر؟ به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به نهی از سیگار کشیدن کند یا مثلا کسی که خود بی حجاب است یا بد حجاب امکانش است که خود ما را امر به معروف و نهی از منکر کند ؟ آیا این آیه مبارکه ۴۴ سوره بقره در این مورد است که اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم...ممکن است کسی بگوید که من ضررات این

معضل را چشیدم و نمی خواهم تو نیز گرفتار این معضل شوی...ولی متقابلا اولین سوالی که به ذهن مخاطب میآید این که چرا خود آمر و یا ناهی خود به گفته خود عمل نمیکند و او هم در جواب میگوید که همه نمیتوانند مثل ایمه معصوم باشند?چه باید گفت به این افراد...من یک زمانی خیلی به اتاق چت میرفتم دلیلش این بود که برادرم که خود به این اتاق ها میرفت مرا از این عمل منع میکرد و من هم به عکس خیلی علاقه پیدا کرده بودم که مداومت کنم بر چت...تا این که یک سفر آمد ایران و من یک ماه تمام چت میکردم و بعد از آنکه از ایران آمد دیگر گفت مانعی نیست که وارد چت شوی...اتفاقا من دیگر بی اعتنا شدم به چت ... من دلیل را در این میدیدم که اوو چون به گفته ی خویش عمل نمیکرد من حریص میشدم علی ما منعت...به هرحال او همیشه حرفش همان مثال سیگاری است که بالا ذکر کردم و من هم مثال همان بد حجاب...نظر و اندیشه شما چیست? او میگوید من از آیت الله العظمی از تلیوزیون دیدیم که ایشون گفتند که مانعی نیست در حالی که من یکی از شرایط را همین عمل به آن میدانم...او میگوید بهتر(مرحله ایده آل) آنست که عمل هم بکنی لیک میتوانی هم به زبان بسنده کنی و خود خلاف آنرا عمل کنی با مغلطه آوردن مثال سیگار که حتی من شنیدم علمای بزرگ ما اتفاقا سیگار هم میکشند ...امام راحل-علامه طباطبایی-آیت الله سیستانی...مقام عظمای ولایت را نمیدانم به هر حال...من میگویم که خود امام

علی لعنت میکنـد کسـی را که به امر و نهی خود عمل نکند ...او میگوید که این مرحله ایده آل است و جز معصوم توانایی آن را ندارد...امیدوارم مرا با ارشادات خود راهنمایی کنین..

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر شـرائطی دارد که هر کس واجد آنها باشد صـلاحیت برای امر و نهی دارد. و آن شـرائط عبارتند از:

الف. کسـی که امر و نهی می کند عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چه چیز در اسلام واجب و باید انجام داد و چه کار حرام است و باید ترک شود.

ب. احتمال تأثیر بدهـد پس در صورتی که انسان می دانـد سـخن او تأثیری در دیگری ندارد بر او لازم نیست امر به معروف و نهی از منکر نماید.

ج. آن شخصـی که مرتکب کار خلاف است اصـرار بر ترک واجب یا انجام دادن معصـیت داشته باشد. پس اگر بداند که آن شخص توبه کرده و یا نشانه های پشیمانی در او دیده شود امر و نهی واجب نیست.

د. مفسده مهم نداشـته باشد یعنی ضـرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجهی برای امر کننده و نهی کننده نداشته باشد. با وجود این شرائط صلاحیت برای امر به معروف و نهی از منکر هست و الا نه. (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۲۹)

در این باره چند نکته قابل توجه است:

۱. از شـرایط امر به معروف، احتمـال تـأثیر است بنـابراین اگر روابط به گونه ای شـد که امر به معروف نتیجه عکس می دهـد، برای مدتی نباید اقدام کرد. تا شرایط مساعد فراهم شود.

۲. از نظر اخلاقی، امر کننده به معروف اگر خود عمل

کننده به آن باشند تأثیر بیشتر دارد اما از نظر فقهی، کسی که خود عمل کننده نیست در صورتی که شرایط موجود باشد لازم است امر به معروف وکند. و چه بسا وجوب فقهی به خاطر این باشد که واجبات هم چنان به عنوان ارزش و کاری که باید رعایت بشود در جامعه مطرح شود و به نسل های بعد برسد لذا اگر چه خود امر کننده، عمل کننده نیست، حداقل نسل جدید به واجبات آگاه شود.

در نتیجه جامعه از حالت بی تفاوتی خارج می شود. اما اگر امر به معروف ترک شود رفته رفته گناهان عادی و فراگیر می شوند.

علاوه بر اینکه چه بسا رفته رفته، امر به معروف بر خود گوینده نیز اثر بگذارد و خودش نیز ترک کند.

درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند وازرهبر بد می گویند (مثلاً درمدرسه)خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بدشده ودعوا راه می اندازند ومدیرهم ما را دعوا می کند واگر ساکت باشیم هم خوب نیست وظیفه چیست؟توضیح دهید؟

پرسش

درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند وازرهبر بد می گویند (مثلاًـ درمدرسه)خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بدشده ودعوا راه می اندازند ومدیرهم ما را دعوا می کند واگر ساکت باشیم هم خوب نیست وظیفه چیست؟توضیح دهید؟

پاسخ

۱- امر به معروف ونهی ازمنکر مراتب و شرایطی داردکه احتمال تأثیر ونیز مفسده نداشتن ازآن شرایط است"۱" بنابراین اگر احتمال ضررجانی، مالی، آبرویی وجود داشته باشد امر به معروف ونهی ازمنکر واجب نیست. جز آنکه آن فکر از اموری باشدکه حیات جامعه اسلامی را درمعرض خطر قرار دهد .

۲- سعی کنید تقابل وتعارض بین خودتان وکسانی که ازنظر دیدگاه سیاسی با شما مخالف هستند ایجاد نکنید وتضاد بین خودتان را افزایش ندهید. بطور دوستانه وصمیمی باآنها ارتباط برقرار کنید واگر خواستید بحث کنید ضمن احترام به آنان وعقیده هاشان بصورت استدلالی ومنطقی وبدون کوچکترین توهینی واهانت وحتی به صورت کنایه به بحث ومناظره با آنان بنشینید .سعی کنید ارتباط دوستانه خودتان را باکسانی که دیدگاه شما را قبول ندارندحفظ کنید. هدف این نیست که فقط با افراد همفکر ارتباط داشته باشیم بلکه با سایر افراد نیز باید ارتباط برقرار کنیم واگر احساس می کنیم به خطا می روند بصورت غیر مستقیم بدون اینکه اظهار کنیم آنها منحرف هستند به راهنمایی آنها بپردازیم .

توجه داشته باشید انتقاد کردن حتی از رهبر خلاف نیست آنچه خلاف است توهین است، اگر آنهایی که شمااسم برده اید توهین هتاکی می کنند، به آنان یادآور شوید که توهین جرم است ومجازات دارد،ولی حتی الامکان سعی کنید ا زنزاع ودرگیری اجتناب ورزید واگر انتقاد هر چند تند وشدید دارند

سعی کنید با مباحث دوستانه به انتقادات آنان پاسخ دهید واز انتقاد کردن نهراسید. امام خمینی می فرمایند : "انتقاد ها باید باشد، زیرا یک جامعه تا انتقاد نشود اصلاح نمی شود عیب هم درهمین جاست چون سرتا پای ما عیب است وباید این عیب ها را انتقاد کرد تا جامعه اصلاح بشود. ونیز حضرت آیت ا...خامنه ای می فرمایند : "انتقاد پذیرفتن و گوش کردن به انتقاد کافی نیست، چیزی که واقعاً لازم است، انتقاد خواستن ودنبال انتقاد دویدن است"."۳"

بنابراین اگر انتقاد آنان را درست نمی دانید آنها را آگاه کنید واگر پاسخی به انتقاد آنان ندارید آنرا با مسؤلان درمیان بگذارید وازآنها توضیح بخواهید تا پاسخ شما را بدهند وبا آگاهی بتوانید پاسخگوی انتقادات، باشید واگر انتقادات را بجا دانستید می توانید به دفتر مقام معظم رهبری ارسال فرمایید وپاسخ دریافت کنید.

۴- سعی نکنید به گونه ای رفتار کنید تا سبب خشم وغضب آنان را فراهم سازید دراین صورت کسی است توهین نمایند . بدون شک در چنین شرایطی شما نیز مسوول خواهید بود.

۵- جهت اطلاع بیشتر ر . ك : رساله امام خمینی (ره) مسأله ۲۷۹۱ رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی آیت ا...خامنه ای مسأله ۱۰۸۱و ۱۰۸۲، توضیح المسائل آیت ا...العظمی گلپایگانی مسأله ۲۸۶۲ ، رساله آیت ا...العظمی لنکرانی مسأله ۲۳۱۵

بهداروند، محمد محمدی، اخلاق از دیدگاه امام خمینی(ره) (تهران انتشارات پیام آزادی،۱۳۷۶)ص۱۱۲

۱. برای اینکه جوانان به معظلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف ونهی ازمنکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟(درضمن بنده معلم هستم وبیشتر با جوانهای دبیرستانی تماس دارم)

پرسش

۱. برای اینکه جوانان به معظلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف ونهی ازمنکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟(درضمن بنده معلم هستم وبیشتر با جوانهای دبیرستانی تماس دارم)

پاسخ

احساس تعهد، مسئولیت پذیری و دغدغه شمادرهدایت نسل جوان بسوی رستگاری وباز داشتن آنها از ورود به فساد وتباهی را ارج می نهیم وجهت استحضار شما شرایط امر به معروف ونهی ازمنکر و چگونگی برخورد با جوانان را یادآورم می شویم :

امر به معروف ونهی ازمنکر به عنوان اصل نظارت همگانی در جامعه اسلامی یکی از ویژگیهای نظام تربیتی اسلام است، باید اندیشه وتفکر در جامعه رواج یابد که درجامعه اسلامی برخلاف جوامع غربی همه افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند زیرا هر جامعه وامت دارای سرنوشتی مشترك است و اعضای جامعه همانند مسافران یك کشتی هستند که اگر درگوشه ای از آن یك فرد سوراخی ایجاد کند همه غرق خواهند شد. انحراف و آلودگی افراد جامعه ایجاد سوراخ در کشتی متلاطم و خروشان

زندگی است که می تواند به سعادت و رستگاری جامعه لطمه وارد سازد.

البته باید توجه داشت که اجرای این حکم الهی زمانی ضرورت اجرایی دار دکه شرایط آن تحقق پیدا کند در غیر این صورت نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه ضرر هم خواهد داشت . مراجع بزرگوار در رساله های عملیه خویش به این شرایط اشاره کرده اند. امام خمینی (رضوان ا...تعالی علیه) چند شرط را در واجب بودن امر به معروف ونهی از منکر ذکرکرده اند :"۱"

۱- کسی که می خواهد امر ونهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد واجب است بجا آورد، وآنچه بجا

می آورد باید ترک کند. وبرکسی که معروف ومنکر را نمی داند واجب نیست .

۲- آنکه احتمال بدهد امرونهی اوتأثیرمی کند، پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست.

۴- آنکه بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند واجب نیست . آنکه درامرونهی مفسده ای نباشد،پس اگربداند یاگمان کند، که اگر امر یا نهی کند ضررجانی یا عرضی وآبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست. بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا می کند واجب نیست.بلکه اگر بترسد ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست، بلکه با احتمال وقوع ضررجانی یا عرضی وآبرویی یا مالی موجب حرج بربعضی مؤمنین، واجب نمی شود بلکه دربسیاری از موارد حرام است.

خواهر گرامی امر به معروف ونهی از منکر درصورت تحقق شرایط چهارگانه مذکور حکم وجوب پیدا می کند، درغیر این صورت واجب نخواهد بود لذا لازم است این شروط را دائماً درذهن داشته باشید وچنانچه با مراعات آنها احاس تکلیف و وظیفه نمودید سعی کنید دربرخورد با جوانان اصول زیررا رعایت کنید :

۱- از طرف مقابل خود شناخت نسبی پیدا کنید وبا توجه به روحیات، علائق، سلیقه ها وباورهای او بهترین روش را برای امر ونهی برگزینید.

۲- حتی الامکان سعی کنید از موعظه و نصیحت مستقیم پرهیز کنیدوبصورت غیر مستقیم سعی کنیداو را به راه راست هدایت کنید.

۳- باز بان استدلالی ومنطقی توأم با عاطفه واحساس ومحبت (بخصوص دختران جوان) برخورد کنید .

۴- سعی کنید بصورت غیر مستقیم آنهارا،

با مصالح یا مفاسد اعمال آشنا کنید .

۵- از تندروی وتعصب خشک بی منطق و خارج از چاچوب اخلاق انسانی واسلامی بشدت اجتناب ورزید.

۶- بـا آنـان ارتبـاط دوسـتانه وعـاطفی برقرار کنیـد و دررفع مشـکلات و گرفتاریها آنها راکمک کنیـد واگر توان حل مشـکل راندارید سنگ صبورشان باشید .

۷- درصورت انحراف جوان، ابتـدا دربرابر او موضع نگیریـد، مقـداری با او همراهی و همسویی کنیـد ودر نیمه راه به گونه ای که احساس نکند جهت را عوض کنید .

۸- مخاطب خودرا شـنونده ای منفعل بحساب نیاورید، بلکه سـعی کنید به او اسـتقلال رأی ونظربدهید وقوه تعقل واندیشه اورا بکار اندازید تا خود پاسخ وراه صحیح را بیابد واحساس نکند به او دیکته شده است .

۹- هرگز سـعی نکنیـد شخصـیت آنـان را زیرسؤال ببریـد، رسول اکرم(ص) می فرماینـد : "هر کسم سـلمانی را گرامی بـدارد خدای والا مرتبه راگرامی داشته است." "۲" شخصیت هر فرد (بخصوص جوان) محبوبترین پدیده مورد علاقه اوست .

غریزه حب ذات که براساس حکمت الهی دروجود انسان قرارداده شـده است، آدمی را برمی انگیزد تا برمبنای"خوددوستی" ا زمخاطرات وناملایمات، خود رامصون نگاه داشته وبقای عمر وزندگیش را تدبیر نماید .

این غریزه انسان را وادار می کنـد دربرابر هر عملی که شخصـیت اورا تهدیـد می کنـد، به دفاع ا زشخصـیتش بپردازد.با تحقیر شخصیت، بیشترین مقاومت را درفرد علیه خود به وجود می آوریم وبا تکریم شخصیت او موجبات گناه ستیزی را در وجودش تقویت می کنیم. امیرا لمومنین علی علیه السلام می فرماید :

" من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهواته" (کسی که نفسش برایش محترم باشد، شهوات مادی درنظرش پست وبی ارزش

می گردد.) **"۳"**

۱۰- درانتها توصیه می کنیم کتابهای تربیتی مربوط به جوانان را مطالعه فرموده تا با رموز ارتباط با جوانان بیشتر آشناشوید . کتاب گفتار فلسفی جوان از نظر عقل واحساسات اثری بسیار ارزشمند است که شما را با ابعاد وجودی جوان آشنا می کند .

منابع:

(۱) ک : رساله عملیه امام خمینی رحمه ا... علیه مسأله ۲۷۹۱

(۲) فرید تنکابنی، راهنمای انسانیت (سیری دیگر درنهج الفصاحه)، ص۵۹۹

شرفی محمد رضا، جوان ونیروی چهارم زندگی،ص ۵۰

نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید.

پرسش

نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

دین مقدس اسلام، برای سلامت افراد جامعه و اجرای صحیح و دقیق تر فرمانهای الهی، تمام افراد جامعه را موظّف نموده که بر اعمال یکدیگر در جامعه نظارت داشته باشند، و بدون هیچ گونه رودربایستی، ترس و ... جلو تخلّفات را بگیرند. که نام این نظارت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر می باشد.(۱)

امر به معروف و نهی از منکر، یک بسیج عمومی و همگانی، برای ریشه کن کردن فساد، و ایجاد جامعه ای سالم است، که اگر این بسیج همگانی درست انجام شود، در عالم، عدالت اجتماعی و مدینه فاضله، درست خواهد شد. (۲)

هر چیزی که از نظر عقل و شرع واجب است، امر به آن واجب، و هر چیزی که از نظر عقل و یا شرع قبیح و حرام باشد،نهی از آن واجب می شود.

این فریضه امری است که بر همه انسانها واجب است، و از نوع واجب کفایی است. بدین ترتیب که اگر گروهی در جامعه به این امر قیام نمایند، و عمل آنها کفایت کند، از دیگران ساقط می شود.

منابع و مآخذ :

۱. امام علی? : "قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر، و برپاداشتن حدود(الهی) است." میزان الحکمه، ج۸، ص۳۶۹۹

۲. امام باقر(: "فرمان دادن به خوبی، و بازداشتن از زشتی، راه پیامبران است، و شیوه نیکوکاران. فریضه بزرگی است که دیگر فرایض، به واسطه آن بر پا می شود، و راه و روش ها امن می گردد، و درآمدها حلال می شود، و حقوق و اموال به زور گرفته شده، به

صاحبانش برمی گردد، و زمین آباد می شود، و... " میزان الحکمه، ج۸، ص۳۷۰۵

* تحریرالوسیله، امام خمینی(، ج۱،کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر القول فی اقسامها، مسأله ۲

آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه ای احکام شرعی را رعایت می کند می توان پذیرفت تجربه های اشخاص درباره معروف و منکر، تا چه اندازه در قبول امر و نهی آنان اعتبار دارد؟

پرسش

آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه ای احکام شرعی را رعایت می کند می توان پذیرفت تجربه های اشخاص درباره معروف و منکر، تا چه اندازه در قبول امر و نهی آنان اعتبار دارد؟

پاسخ

امور شرعی یا به اصول دین مربوط است که انسان خود باید به آن ها یقین و اعتقاد پیدا کند و نمی تواند فقط به گفته کسی که مورد اعتماد اوست اکتفا نماید، و یا درباره فروع دین است که در این زمینه سخن هیچ کس جز مجتهد جامع الشرایط معتبر نیست و در این مورد فقط باید سخن آنان را پذیرفت و به آن عمل کرد و گفته های اشخاص دیگر، هرچند هم مورد اعتماد و پای بند به احکام شرعی باشند، اعتبار ندارد، مگر آن که مطلبی را از مجتهد یا توضیح المسائل او نقل کند که در این صورت اگر مورد اطمینان و اهل مسئله باشد، مانعی ندارد.

اما درباره امر به معروف و نهی از منکر باید گفت

۱. در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر کننده خود به آن چه امر می کند عمل کند و یا خود مرتکب چیزی که از آن نهی می کند، نشده باشد; البته خداوند این گونه اشخاص را که دیگران را امر و نهی کرده خود را فراموش می کنند مذمّت می کند و می فرماید: "أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُم (بقره ۴۴) آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می کنید؟"

ولی در عین حال این آیه شریف نمی خواهد بفرماید که چنین کسی نباید امر به معروف کند و یا در امر

به معروف شرط است که خود امر کننده به آن عمل کند، بلکه به خودخواهی و خودپرستی این گونه افراد اشاره دارد که توقع دارند مردم خوب باشند، در حالی که خود هر چه می خواهند انجام می دهند.

۲. امر به معروف و نهی از منکر از مقوله "پذیرش نیست یعنی آن چه لازم است این است که شخصی که معروف را ترک کرده آن را انجام دهد و شخصی که منکر را انجام می دهد آن را ترک کند; بله البته گاهی کاری را ترک کرده ایم و شخصی به ما امر می کند که آن کار را انجام دهیم ولی در واقع ما نمی دانیم که آن کار معروف است یا منکر; در این صورت اگر شخصی هم که ما را به انجام آن امر می کند، خود مسئله را نداند و معروف و منکر را تشخیص ندهد، لازم نیست به سخن وی توجّه کنیم برای مثال اگر شخصی که آگاه به مسئله است به ما بگوید فلان معامله ای که انجام می دهی رباخواری است و باید آن را ترک کنی در این جا هر چند من از مسئله اطلاع ندارم ولی باید از شخصی که از مسئله اطلاع دارد، قبول کنم امّا اگر در همین مورد شخصی که نهی می کند، خود، ربا را از غیر ربا تشخیص نمی دهد، واجب نیست که سخن او را بپذیریم

مسئله دیگری که باقی می ماند استفاده از تجارب دیگران در معروف ها و منکرهای دینی است باید توجه داشت که این مسئله بسیار اهمیّت دارد، زیرا همه نتایج رعایت احکام شرعی

و تقوای الهی در دنیا ظاهر نمی شود تا انسان بتواند آن ها را تجربه کند; برای مثال ممکن است شخصی سال ها نماز بخواند، ولی در فقر و فلاکت و پریشانی زندگی کند و اگر در ظاهر از او بپرسند از این همه نماز چه نتیجه ای گرفته ای جوابی برای گفتن نداشته باشد، زیرا نتیجه واقعی نماز در آخرت ظهور می کند که روز ظهور باطن انسان ها و اعمال و سریرت هاست "یَوْمَ تُبْلَی السَّرَآئِرُ ;(طارق ۹) در آن روز که اسرار نهان آشکار می شود." این مطلب درست است که نماز دارای آثار دنیوی هم هست ولی به این سادگی نمی شود آثار مخصوصی را به نماز نسبت داد، زیرا شما هر اثری را که بیان کنید ممکن است مشابه آن را هر چند ظاهری در افراد بی نماز هم نشان دهند; البته در برخی موارد، نقل تجربه های دینی اثر مثبت دارد، ولی اعمال دینی همواره دو سویه هستند; یعنی هم می شود آثار بد و هم آثار خوب را به آن ها نسبت داد; برای مثال شخص با ایمان که خمس مال خود را می دهد، هیچ گاه فقر یا شکست در زندگی را به خمس یا زکات دادن نسبت نمی دهد، بلکه به گناهان و یا مقدرات الهی منسوب می کند، ولی شخصی که ایمان چندانی ندارد، اگر یک بار خمس و یا صدقه بدهد و پس از آن اُفت اقتصادی پیدا کند، آن را به خمس و صدقه نسبت می دهد.

امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟

پاسخ

وظیفه در مواردی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر جمع باشد همان امر به معروف است و شرایط آن به طورخلاصه عبارت است از:

الف) کسی که می خواهد امر و نهی کند بداند آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد واجب است به جا آورد (مثل نماز) وآنچه به جا می آورد باید ترک کند (مثل قمار) و به عبارت دیگر کسی که امر و نهی می کند باید عالم به معروف و منکرباشد.

ب) احتمال بدهد که امر و نهی او در آن شخص تأثیر می کند پس اگر بداند تأثیر نمی کند. امر و نهی واجب نیست.

ج) بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهدکه تکرار نمی کند واجب نیست او را نهی نماید.

د) در امر و نهی مفسده ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست امر به معروف نماید ولی اگر احتمال صحیح بدهد که چنین ضررهایی به او می رسدواجب نیست بلکه اگر امر و نهی موجب ضررهای مذکور به یکی از متعلقان او یا یکی از موءمنین بشود باز هم امر و نهی واجب نیست،

(توضیح المسائل مراجع ج ۲ ص ۶۱۹ و استفتا از دفتر آیت الله سیستانی)

آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟

پرسش

آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟

پاسخ

در جواب به چند امر توجه داشته باشید:

الف) امر و نهی دارای مراحل و مراتبی است که باید رعایت شود؛ چون منظور از آن، وادار ساختن افراد به انجاموظا... ` و ...Ṣحذر داشتن آن......از گناهان است. بنابراین اگر در راستای نهی از منکر، لازم شد که قدری مماشات به عملآید، باید از بیان و تصریح به زشتی کار شخص، چشم پوشی نمود و در صورت امکان با اشاره و کنایه با او برخورد کرد ودر صورت اصرار شخص بر ادامه آن کار، باید موضوع را با صراحت و مهارت با وی در میان گذاشت.

ب) مراقب باشید که مجالست با چنین افرادی و مماشات با آنها، باعث نشود که انسان خودش نیز نسبت به آنگناهان دلش نرم شده و تمایل پیدا کند؛ نظیر کسی که می رود تا غریقی را نجات دهد، ولی بر اثر نداشتن استعداد ومهارت کافی خودش نیز گرفتار امواج می شود.

ج) مبادا به بهانه مماشات و وسوسه های خفی شیطان، به طور کلی نهی از منکر مورد غفلت و فراموشی قراربگیرد.{J

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پرسش

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی باصراحت و قاطعیت مسوولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند .در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسوولیت همگانی ناممکن است . البته در این راستا مسوولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایطویژه ای که در آن قرار دارد مسوول است . مساله بدحجابی ازمعضلات کنونی جامعه ماست . این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانـات داخلی دارد .از گذشته ها و ریشه تاریخی مساله که بگذریم ، متاسفانه خودباختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شماگوشه هایی از آن را ارایه کرده اید .اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهرگردد .ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی . هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد .در این رابطه نکات چندی رایادآور می شویم : الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکرنکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید .اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را بادوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت . ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان

نـاراحت شویـد که خود را در غم و انـدوه غوطه ور سازیـد، چون خود این حالت نیز باعث کنـدی کار و سـد راه تکامل شـما خواهـد بود .نبی اکرم (ص) درباره نابسامانی اجتماع و عـدم ایمان مردم به شـدت ناراحت می شدند تااین که خدای سـبحان حضـرتش را دلداری داده و می فرماید : ((طه ماانزلنا علیك القرآن لتشـقی ؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرسـتادیم که به خـاطر کفر و عـدم گرایش این مردم خـود را به رنـج و مشـقت بیفکنی)) ، (طه ، آیه ۱) و نیز می فرمایـد : ((لعلـك باخع نفسـک الا یکونوامومنین ؛ ای رسول ، تو چنان در انـدیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاك کنی)) ، (شعرا، آیه ۲۳) . ملاحظه می کنیـد که قرآن مجیـد چگونه نبی اکرم (ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذرداشـته است و نیز تعبیر حکیمانه علی (ع) در این راسـتا حایز اهمیت است که می فرماید : ((الهم نصف الهرم ؛ هم وغم نصف پیری را تشکیل می دهـد)) ، (نهـج البلاغه قصار ۱۴۳) ؛ یعنی ، غصه و انـدوه انسـان رامی شـکند و زود از پـا در می آورد .بـا این نگرش ، گرچه مـا به احسـاس پـاك شـما ارج می نهیم ولی رهنمـود مـا این است که خود را چنـان دچارانـدوه و حسـرت نکنیـد که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید .ج) و

اماچه بایـد کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنیـد که پس مامسوولیتی در ازای این رویـدادها نـداریم ؛ بلکه به پیشـنهادی چند،نیک بیندیشید .۱- هر کجـا زمینه منـاسبی یافتیـد دگرسـازی کنیـد و امربه معروف و نهی از منکر را در کمـال مهـارت و ظرافت به انجام برسانید .۲- اهل مطالعه باشـید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشـکل داشته باشید .۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشـجویان بـه طـور فعـال وکوشـا در این راه گـام برداریـد و مطمین باشـید که خـدای کریم در صـددارشاد چنین فرزانگـانی است . و امیـدوار باشـید کـه در نهـایت از تلاش خـود نـتیجه خواهیـد گرفـت . چنـد از ایـن الفـاظ واضــمار و مجازسوزخواهم سوز با آن سوز ساز;

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

پرسش

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

پاسخ

به سه نکته اشاره می کنم.

۱. ایمان حقیقتی است قلبی که ما نمی توانیم در مورد وجود، عـدم یا مراتب آن در دیگران به صورت مطلق قضاوت کنیم. هر کـدام از ما انسانها ممکن است در بعضـی دسـتورات دین کوتاهی کنیم. ممکن است کسـی پوشـش مناسبی نداشـته باشد ولی هیچگاه نماز صـبح او قضا نشود ولی من پوشـش اسـلامی کامل داشته باشم اما در ماه چندین بار نماز صبح را از دست بدهم. آنچه در نزد مردم مشاهـده می شود ظـاهر من است در نتیجه براسـاس همان ظاهر قضاوت می کننـد، البته به یقین، ما در مورد دیـدگاهی که مردم دربـاره مـا پیـدا می کننـد مسؤول هستیم، اما آنچه مقصود من است این که : از ظاهر افراد نمی توان میزان ایمـان و بی ایمـانی آنهـا را کشف کرد. بلکه حـداکثر می توانیم بگوییم در مورد این موضوع خـاص، این فرد کوتاهی یا گناه کرده است.

۲. میزان وظیفه ما بسـتگی به میزان توانایی ما و عوامل فرعی دیگری ماننـد خویشاونـدی است، که با فرد مورد نظر داریم. بنابر فتوای آیـات عظـام اراکی، گلپاگـانی و امـام ("در نگـاه، حتی اگر خوف به فسـاد افتـادن باشـد، حرام است."(۱) و "رفتـن به مجالسی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام خواهد شد جایز نیست."(۲) پس اگر فرد، توان عملی امر به معروف و نهی از منکر را در خود نمی بینـد و احتمـال تأثیر منفی را در خود احساس می کنـد وظیفه ای در مقابل اینگونه افراد نـدارد اما اگر نوع خطا و گناه در

او تأثیری ندارد و یا از نظر اراده، علم و تقوا در حدّ بالایی است و یا فرد مورد نظر از بستگان نزدیک اوست و احساس مسؤولیت می کند، در حدّ توان وظیفه دارد با رفتار اسلامی و عبارتهای محترمانه و مؤدبانه او را متوجه اشتباهش کند.

۳. حضرت امام(می فرمایند : "هر کس رحمتش و عنایت و لطفش به بندگان خدا بیشتر باشد از اِعْوِجاج و شقاوت آنها بیشتر اذیّت می شود."(۳) بنابراین اصل ناراحت شدن فردی از معصیت دیگران نشان دهنده رحمت وجودی او و سلامت نفس اوست. که امیدوارم این روحیه را در خود حفظ و تقویت کنید.

توضیحات تفضیلی در مورد امربه معروف و نهی از منکر، حدود و شرایط آن را در صورت تمایل می توانید به کتاب رساله توضیح المسائل مقام معظم رهبری به نام "اجوبه الاستفتائات" از صفحه ۳۰۱ تا ۳۱۲ مراجعه کنید.

منابع و مآخذ :

۱و۲ . احکام روابط زن و مرد، تهیه سید مسعود معصومی، ص۳۶ و ص۱۱۶

۳. اربعین حدیث، امام خمینی(، ص۲۴۶

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

پرسش

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

پاسخ

دوست عزیز در مورد سؤال شما به سه نکته اشاره می کنم.

الف)- ایمان حقیقتی است قلبی که ما نمی توانیم در مورد وجود، عدم یا مراتب آن در دیگران به صورت مطلق قضاوت کنیم. هر کدام از ما انسانها ممکن است در بعضی دستورات دین کوتاهی کنیم. ممکن است کسی پوشش مناسبی نداشته باشد ولی هیچگاه نماز صبح او قضا نشود ولی من پوشش اسلامی کامل داشته باشم اما در ماه چندین بار نماز صبح را از دست بدهم. آنچه در نزد مردم مشاهده می شود ظاهر من است در نتیجه براساس همان ظاهر قضاوت می کنند، البته به یقین، ما در مورد دیدگاهی که مردم درباره ما پیدا می کنند مسؤول هستیم، اما آنچه مقصود من است این که: از ظاهر افراد نمی توان میزان ایمان و بی ایمانی آنها را کشف کرد بلکه حداکثر می توانیم بگوییم در مورد این موضوع خاص، این فرد کوتاهی یا گناه کرده است.

ب)- میزان وظیفه ما بستگی به میزان توانایی ما و عوامل فرعی دیگری مانند خویشاوندی است، که با فرد مورد نظر داریم.

بنـابر فتوای آیات عظام اراکی، گلپاگانی و امام]ره[در نگاه، حتی اگر خوف به فساد افتادن باشـد، حرام است (۱) و "رفتن به مجالسـی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام خواهد شد جایز نیست (۲) پس اگر فرد، توان عملی امر به معروف و نهی از منکر را در خود نمی بینـد و احتمـال تأثیر منفی را در خود احساس می کنـد وظیفه ای در مقابل اینگونه افراد نـدارد اما اگر نوع خطا و گناه

در او تـأثیری نـدارد و یـا از نظر اراده، علم و تقوا در حـدّ بالاـیی است و یـا فرد مورد نظر از بسـتگان نزدیک اوست و احساس مسؤولیت می کند، در حدّ توان وظیفه دارد با رفتار اسلامی و عبارتهای محترمانه و مؤدبانه او را متوجه اشتباهش کند.

ج)- حضرت امام]ره[می فرمایند : "هر کس رحمتش و عنایت و لطفش به بندگان خدا بیشتر باشد از اِعْوِجاج و شقاوت آنها بیشتر اذیّت می شود(۳) بنابراین اصل ناراحت شدن فردی از معصیت دیگران نشان دهنده رحمت وجودی او و سلامت نفس اوست. که امیدوارم این روحیه را در خود حفظ و تقویت کنید.

توضیحات تفضیلی در مورد امربه معروف و نهی از منکر، حدود و شرایط آن را در صورت تمایل می توانید به کتاب رساله توضیح المسائل مقام معظم رهبری به نام "اجوبه الاستفتائات" از صفحه ۳۰۱ تا ۳۱۲ مراجعه کنید.

منابع و مآخذ:

۱) و۲) احکام روابط زن و مرد، تهیه سید مسعود معصومی، ص۳۶ و ص۱۱۶

۳) اربعین حدیث، امام خمینی (ره)، ص۲۴۶

در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخورد کرد؟

پرسش

در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخورد کرد؟

پاسخ

۱. خداوند انسانها را مختار آفریده و آفرینش و تداوم حیات و ثواب و عقاب بر این اصل استوار است. پس هر کس باید با اراده خود مسیر زندگیش را تشخیص دهد و از فطرت، عقل و تجربه افراد متعهد که در رأس آنها انبیاء، اولیاء و پدر و مادر هستند استفاده کند.

۲. چه بسا مسیرمان را انتخاب کرده ایم، ولی جوّ جامعه به گونه ای است که اراده ما توان مقابله با آن را ندارد، در این حال ضمن طلب یاری از خداوند باید :

الف انس خود را با قرآن بیشتر کنیم.

ب در اجتماعات دینی و افرادی که مانند ما فکر می کنند حضور چشمگیر داشته باشیم، ودوستانی برای خود انتخاب کنیم که

این معیارها را دارند.

ج عوامل تحریک شهوات و ایجاد مفاسد را از زندگی خود دور کنیم.

د با تفکر و مطالعه اعتقادی و اخلاقی، سطح آگاهیهای فردی و اجتماعی خود را افزون کنیم.

در مورد سؤال دوم نیز نکاتی را تقدیم می کنم :

۱.در ایران بی حجاب نداریم و آنچه مشاهده می شود بدحجابی یا به تعبیر دقیقتر حجاب غیر کامل است.

۲. در مواجهه با این افراد طبق فتوای مراجع، باید در صورت علم و توانایی و با شرایط در نظر گرفته شده، امر به معروف کنیم که دارای مراتبی است، نظیر قطع ارتباط، پاسخ کلامی و جلوگیری و منع، که این یکی توسط دستگاههای مسؤول صورت می گیرد نه مردم عادی، اما

در صورتی که فرد مطمئن است که به مفاسد آلوده نمی شود و توان تأثیرگذاری بر مرد یا زن بدحجاب را دارد، می تواند با تداوم ارتباط و نشان دادن رفتار صحیح اسلامی به او، در بلند مدت او را به فطرت اولیه خود بازگرداند، که این کار از هر کسی ساخته نیست و برای عموم توصیه نمی شود.(۱)

منابع و مآخذ :

۱. مراجعه کنید به : اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، ج۱، ص۳۰۱تا۳۱۲

چه فعالیّتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان باشد؟

پرسش

چه فعالیّتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان باشد؟

پاسخ

از چندین سال پیش با عنایات خاصّ و توجّهات مقام معظم رهبری، و توصیه های ایشان، مسؤولین حوزه علمیه در قم، خراسان و اصفهان برنامه هایی تدوین نموده اند تا سیستم درس و مطالعاتی حوزه مناسب پاسخگویی به مردم در جهات اعتقادی، احکام و اخلاقی باشد. بعنوان مثال : مؤسسات تحقیقاتی خوبی در قم تأسیس شده اند و تدریس بعضی دروس که بیشتر جوابگوی مردم بویژه نسل جوان کشور می باشد در حوزه های علمیه قوّت گرفته است. در زمینه تبلیغ نیز سعی شده تا ضمن حفظ شیوه های سنّتی تبلیغ که از معنویت خاصی برخوردار است این امر مهم سازماندهی شود و تبلیغ معارف دینی، بیشتر مناسب با نیازهای معنوی و فکری جامعه باشد. همچنین دوره های آموزشی ویژه روحانیون مبلغ تشکیل شده است تا تخصّص های لازم در بیان مطالب و نحوه برخورد با مردم در ایام تبلیغ را کسب نمایند. در بُعد اجتماعی و فرهنگی حوزه های علمیه، نیز اقداماتی در قالب کلاسها و جلسات اخلاقی منظم در مدارس علمیه صورت گرفته است تا فرهنگ برخورد و معاشرت با مردم منطبق بر ملاک ها و معیارهای اسلامی تقویت شود.

در خصوص اصل ارتباط بیشتر حوزه های علمیه با مردم نیز باید گفت از قدیم این ارتباط در حدّ مطلوب بوده است و مردم در مسجد و مجالس مذهبی از حضور روحانیون و طلّاب علوم دینی بهره مند شده اند، ولی آنچه امروزه مهم است این

است که با توجه به موقعیّت زمان حاضـر و توطئه های دشـمنان بخصوص در حوزه فرهنگ و دین، این ارتباط باید مستحکمتر شود و فعـالیّت مساجـد، کـانون هـای فرهنگی و مجالس مـذهبی در جهت مبارزات فرهنگی بیشتر شود و اقـداماتی هم در این زمینه صورت گرفته است که امیدواریم روز به روز بیشتر و بهتر شود.

البته علاوه بر آنچه ذکر شـد نبایـد از کمبودهـا و نقصـها نیز غفلت کرد و شایـد بهترین اقـدامی که بایـد در حوزه هـای علمیه صورت گیرد این است که حسّ پرسـیدن را در جـامعه پرورش دهنـد تـا با سؤالات مکرّر و متعـدّد مردم اولاً نیازهای فکری و معنوی مردم مشخص شود، ثانیاً فعالیّت های تخصّصی حوزه های علمیه در جهت رفع همین شبهات و ابهامات شکل بگیرد که این امر بر برنامه ریزی در حوزه های علمیه، همّت و پشتکار مردم را نیز می طلبد.

در پایان از خداونـد متعال اسـتدعا می کنیم همه توان ما و شـما را در جهت خـدمت به نشـر معارف الهی و تقویت دین اسـلام قرار دهد.

قَوِّ علی خدمتک جوارحی (۱)

۱. فرازی از دعای شریف کمیل

رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسؤولین نظر سوئی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟

پرسش

رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسؤولین نظر سوئی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟

پاسخ

۱.عدم اعتقاد از لحاظ اجتهاد یا تقلید به ولایت مطلقه فقیه در زمان غیبت حضـرت حجّت ارواحنا فداه، موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی گردد.(۱)

۲. ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره مسایل اجتماعی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است که ریشه هایی در اصل امامت دارد. کسانیکه بر اساس اسـتدلال و اقامه برهان به آن اعتقاد ندارنـد معذورند ولکن ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای آنها جایز نیست.(۲)

۳. دفاع از انقلاب اسلامی برای عموم مسلمانان واجب می باشد(۳) و اگر کسی از انقلاب یا رهبری آن بدگویی می کند باید محترمـانه و منطقی به او تـذکر دهیم و امربه معروف و نهی از منکر کنیم و در صورتی که انسانی پرده در و هتّاک بود از ادامه صحبت بـا او پرهیز کنیم، اما معمولاً عموم افراد در صورت برخورد محترمانه و کریمانه پاسخ مناسبی از خود نشان می دهنـد. در هر صورت شرایط امربه معروف و نهی از منکر به ترتیب باید مورد توجه و اجرا قرار گیرد.(۴)

۴. هیـچ کس منکر این نیست که در کشور نقـایص و عیوبی وجود دارد. کمـا اینکه در تمامی کشورهای دنیا چنین مشـکلاتی نظیر گرانی و عـدم اشـتغال هست، و اینکه رهبر انقلاب دسـتور مبـارزه بـا فقر، فساد و تبعیض را صادر نمودنـد از سویی نشان دهنده وجود چنین نقایصی است و از سوی دیگر نشان دهنده عزم و تلاش ایشان و مسؤولان برای رفع

این مشکلات است.

بنابراین انتقاد سازنده مناسب است و نشانه دلسوزی فرد، اما نباید تبدیل به بدگویی یا مانند آن شود.

منابع و مآخذ :

۱. اجوبه الاستفتائات رهبر انقلاب، ج۱، ص۲۴، سؤال۶۲

۲. همان، سؤال۶۴

۳. وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی، ص

۴. رساله اجوبه، ج۱، ص۳۰۱ تا ۳۱۲

وظیفه ما در مقابل افرادی که ادعا می کننـد مسـتجاب الدعوه بوده و می توانند با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل اللهتعالی فرجه الشـریف ارتباط برقرار کنند و حتی دیگران را به حضور ائمه : شرفیاب کنند و آنان را موفق به دیدار ائمه کنند، و یا بیماران را با ادعیه

پرسش

وظیفه مـا در مقابـل افرادی که ادعـا می کننـد مستجاب الـدعوه بوده و می تواننـد با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل اللهتعالی فرجه الشـریف ارتباط برقرار کنند و حتی دیگران را به حضور ائمه : شرفیاب کنند و آنان را موفق به دیدار ائمه کنند، و یا بیماران را با ادعیه و مواد خاصـی شفا دهند و.... چیست آیا این افراد در ادعای خود صادق هستند؟! و یا افرادی شیاد بوده که قصدِ اغفال مردم ساده لوح را دارند؟ چه برخوردی باید با آنها نمود؟

پاسخ

هر کس نسبت به شئونات مختلفی که بر عهده دارد وظایف معینی نیز دارد. از جمله شئونات انسان شأن خانوادگی شغلی ملی و شأن علمی و اجتماعی می باشد. که هر یک از این شأن ها آداب و شـرایطی دارد که هر فردی سـعی می کند آداب مناسـب آن شأن را رعایت کنـد. ولی آیا ما شأن دیگری نداریم چرا، ما مسـلمانان شأنی به نام دین و عقیده داریم و آن اسـلام و تشیع است و از آنجایی که عقیده هر کس سازنده شخصـیت و شاکله اوست اساسی ترین شأن او نیز می باشد. به فرموده قرآن کریم «هر فردی بر اساس شاکله اش عمل می کند.» و بنابراین محوری ترین شأن شأن عقیدتی انسان است

حال باید دید ما نسبت به شأن دینی خود که تشیع است چه شرایطی باید داشته باشیم و چه وظایفی بر عهده داریم به طور قطع شناخت اسـکلت اصلی دین یعنی اصول دین اولین وظیفه یک شیعه است یعنی باید ابتدا به دنبال تحصیل شناختی صحیح دقیق

منطقی و

مستدل از اصول اعتقادی اسلام (توحید، معاد، نبوت عدل و امامت باشیم و بعد از کسب چنین شناختی است که می توانیم برای سؤالهایی که در حاشیه هر یک از این مباحث مطرح می شود، پاسخی منطقی بیابیم به عنوان نمونه وقتی جایگاه امام را از طریق عقلی نقلی و عرفانی دریافتیم جایگاه شفادادن جواب دادن ائمه (:) به نیازهای ما، ارزش رؤیت ائمه اطهار(:) و کاربرد این رؤیت و..... نیز برای ما روشن می شود. ولی اگر به جای شناخت ریشه دین به اجزأ و میوه های آن ریشه بپردازیم به جایگاه و خواص واقعی آنها پی نخواهیم برد. مثل این که فردی خانه ندارد و شناختی از ابزارهای خانه نیز ندارد اما تعدادی تابلو، آینه میخ و....به او بدهند و او نداند که این وسایل به چه کار او می آید و فقط با آنها اطراف خود را شلوغ می کند. بنابراین شما فکر کنید که این سؤالها چه مشکلی از شما را حل می کند؟ آیا از طریق آنها می خواهید بفهمید که ائمه :) قدرت شفا دارند؟ و یا قدرت حل مسایل را دارند؟ و...

اگر از این راه می خواهید صدق وجود آنها را متوجه شوید راه غلطی است بلکه شما باید در بحث معارف دریابید که شفادادن ، حضور داشتن و.... در قدرت خدا و ائمه (:) است و اگر می خواهید بفهمید این مدعیان راست می گویند یا دروغ بازهم به چه دردتان می خورد؟ چه بسا بعضی از این افراد در ادعای خود کاذب و بعضی صادق می باشند که تشخیص آن به اهل فن برمی گردد و به طور قطع

شما در این باره وظیفه ای ندارید. بنابراین سعی کنید ذهن و فکر خود را از این موضوعات بیرون آورید و با این گونه مجالس و افراد ارتباط نداشته باشید که نه تنها حقیقتی را روشن نمی کند بلکه شما را گرفتار اوهام و خیالات می کند. باز هم تذکر می دهیم که باید راه دین را از طریق و مجرای صحیح آن شناخت و بهترین راه شناخت دین که وظیفه اصلی و محوری هر انسان است دریافت و فهم اصول اعتقادی از طریق قرآن و سنت است و علمأ و فقهأ دین بازگویان قرآن و سنت می باشند. پس توصیه می کنیم که با مطالعه کتابهای اعتقادی از علمأ بزرگ همچون امام (:) و استاد شهید مطهری (:)، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله مظاهری (حفظهم الله) مبانی اعتقادی خود را تحکیم بخشید. و از صرف انرژی فکری خود در مسایل غلط و ناروا و ادعاهای نامشخص پرهیز کنید. در این راستا می توانید از برنامه های شبکه رادیو معارف نیز بهره مند شوید.

خلاصه کلام این که بر فرض که همه این ادعاها راست باشد (که نیست ، اگر صِرف دیدن معصوم (۷) فایده ای داشت پس چرا بسیاری از کسانی که پیامبر و ائمه (:) را دیدند و در زمان آن بزرگواران حضور داشتند، به صراط مستقیم هدایت نشدند؟!!

پس باید نسبت به مقام آنان معرفت داشت لذا شما تلاش کنید با تقویت بنیه علمی اعتقادی و عمل صالح موجبات کسب معارف و قرب الهی را فراهم کنید تا در پرتو آن به رشد معنوی برسید. خواهر محترم آنچه بیان شد وظیفه فردی شما در مقابل

این مسأله می باشد. اما وظیفه اجتماعی شما ایجاب می کند که این موارد را به ستاد خبری ۱۱۳ و یا سپاه و بسیج منطقه خود اطلاع دهید تا از مجرای قانون با این جریان برخورد لازم انجام شود.

چرا درمقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود

پرسش

چرا درمقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود

پاسخ

غیبت و تهمت از گناهانی است که معمولاً به طور آشکار و علنی در حد حجاب نیست. از این رو جلوی این گونهگناهان را گرفتن بسی مشکل تر است؛ ولی در رابطه با حجاب که به طور علنی و آشکار است، بیشتر می توان اقدامکرد.{J

چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد

پرسش

چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد

پاسخ

این مسأله بستگی به میزان ارتباط با طرف و کیفیت تأثیر پذیری وی و توانایی تأثیر گذارنده دارد و نمی توان برای آنفرمول مشخصی داد. لیکن نکته مهم این است که اولاً باید درست طرف مقابل را شناخت، سپس با زبانی جذاب ومنطقی متناسب با روحیاتش او را جذب نمود و ارشاد کرد.{J

با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم

پرسش

با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم

پاسخ

حتی الامکان باید با منطقی درست و برخوردی جذاب آنان را متنبه و متقاعد ساخت.{J

اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید. خواهشمندم در رابطه با این سؤال یک نمونه ی نامه بنویسید.

پرسش

اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید. خواهشمندم در رابطه با این سؤال یک نمونه ی نامه بنویسید.

پاسخ

در مورد حجاب خود قرآن دستور اکید به آن داده و از بدحجابی منع کرده است، از جمله در سوره احزاب آیه ۵۹ خداوند می فرماید «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساءالمؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن...»؛ ای پیامبر! همسران و دخترانت و زنان مؤمنین را بگو که خویشتن را با]چادر یا مقنعه های بلند[فرو پوشند...

اما فلسفه حجاب: اولا: چون ما درعقاید خویش برای وحی جایگاهی ویژه قائل هستیم آنچه را که از این طریق به ما برسد با منت می پذیریم؛ زیرا می دانیم که خداوند جز به مصلحت بندگان خویش فرمان نمی راند. ثانیا: بسیاری از حکمت ها و فلسفه های حجاب امروزه روشن شده است:

الف) پوشش امری غریزی و فطری برای بشر است کاوش های باستان شناسی نشان می دهد که از دیر زمان بشر در حد امکان نسبت به مساله پوشش اهتمام ورزیده است وهمه صاحبان ادیان نیز آن را سرلوحه عمل قرار داده اند.

ب) مستور بودن زیباییها و جذبه های جنسی زن و مرد آنها را از معرض دید و طمع ورزی شهوت پرستان هرزه محافظت می کند و امنیت و بهداشت روانی جسمی آنان را تامین می نماید.

ج) برهنگی راهبر به سوی بی بند و باری و لجام گسیختگی جنسی است که عواقب شوم و زیانباری دارد؛ از جمله:

۱- گسترش فساد و ناهنجاری های اجتماعی.

۲- شیوع بیماری هایی چون سفلیس سوزاک ایدز و...

۳- سست شدن پیمان مقدس خانواده گسترش آمار

طلاق و بالا گرفتن عقده های روحی در کودکان.

۴- زیاد شدن فرزندان نامشروع.

اینها و ده ها مشکل اجتماعی دیگر عواقب شومی است که جهان غرب را سخت برآشفته و ستاره تمدنش را به افول می کشاند تا آن جا که حتی فریاد متفکرین ماتریالیستی چون راسل را برآورده و جهان را سخت بر آنان تنگ کرده است. ولی مکتب گرانقدر اسلام در پرتو هدایت های نورانی اش همچون حجاب از اساس با این جریان ویرانگر به مبارزه برخاسته و حجاب را دژی استوار برای صیانت فرد وجامعه از آسیب های بیشمار قرار داده است. از همین روست که استعمارگران برای تخدیر جوانان در بند کشیدن آنان وگسترش اهداف ظالمانه خویش از بی حجابی و برهنگی به عنوان ابزاری قوی سود می جویند.

به طور خلاصه: رعایت حجاب و پوشش، آثار زیر را به دنبال دارد:

۱- آرامش روانی، ۲- استحکام پیوند خانوادگی، ۳- استواری و فعال بودن بیشتر اجتماع، ۴- حفظ ارزش و احترام زن.

چون زن هر اندازه متین تر و باوقارتر باشد و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می گردد و باید به این واقعیت عمیق اشاره کرد که: آلوده ترین پسران در هنگام ازدواج به دنبال پاک ترین دختران می گردند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: »فلسفه حجاب« شهید مرتضی مطهری

در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحرم باشند چگونه به آنها بفهمانم که همه یک طور نیستند برای نظام ومسئولین که واقع خوب هستند احترام بگذارم و در مقابل مسئولین دیگر را راهنم

پرسش

در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحرم باشند چگونه به آنها بفهمانم که همه یک طور نیستند برای نظام ومسئولین که واقع خوب هستند احترام بگذارم و در مقابل مسئولین دیگر را راهنمایی کنم مگر نه این که ما

در مقابل اعمال مسئولین حکومت هم وظیفه داریم پس ادارات و رؤسای ما چگونه به کار بد خود برسند اگر ما آنها را به کار بدشان آگاه نکنیم اما چگونه وقتی یک دختر باشی بی پناه و بدون حمایت کنند؟! اصلاً از کجا بفهمی که چه کسی راست می گوید؟

پاسخ

راجع به این مسئله انسان باید موقعیت شناس باشد. گاهی شخصی بعلت نادانی یا سادگی و در اثر القای شبهات و شایعات دست به چنین کارهایی می زند، در این صورت اگر احتمال بدهیم با نصیحت و بحث منطقی امکان قانع شدنش وجود دارد پس شایسته است در مقابل این گونه افراد با بهترین و ملایم ترین شیوه واقعیات را بیان نموده از حقیقت دفاع کنیم.

اما گاهی بعضی اشخاص به علل گوناگون نمی توانند قضاوت درستی از امور داشته باشند طوری که در گفتار و کردار از محور حق خارج شده با اندک بهانه ای ره به افراط و تفریط می برند.

بعضی هم از روی عناد و کینه توزی حقایق را نادیده گرفته و از هر فرصتی برای سرزنش و بدگویی استفاده می کنند. حتی کار را به جائی می رسانند که با دیدن افراد متعهد و دلسوز نسبت به نظام اسلامی، بد گوئی را شدیدتر می کنند. در برخورد با این قبیل افراد (جون احتمال هدایت ایشان کم است) بهتر است یا سکوت اختیار کنیم یا به زیباترین شیوه از ایشان روگردان شویم. متانت، استواری و رفتار شایسته در این موارد، علاوه بر این که سلامت و آرامش روحی و روانی ما را حفظ خواهد کرد بلکه از ایجاد نفرت در مخاطب نیز

جلوگیری خواهد نمود.

اما در اصل این موضوع که باید بعضی مسئولین را نسبت به عملکرد نابجایشان ارشاد کنیم شکی نیست. همه این وظیفه را دارند اما رعایت شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر بسیار ضروری است.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر، موسسه فرهنگی قدر ولایت، تابستان ۱۳۷۵

چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟

پرسش

چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟

پاسخ

}ساختن یک فرد زمینه های فراوانی لازم دارد، از جمله بینش دادن به فرد در مورد ضرورت تخلّق به اخلاق و آدابو سپس رهنمودهای نظری.

مؤثرترین شیوه در این زمینه، آموزش عملی است. اگر شما می خواهید به کسی اخلاق آموزش دهید خود اخلاقیباشید.

به فرموده امام صادق(ع) : کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم ؛ مردم را با غیر زبان هایتان (با عمل) دعوت به خیرکنید{M». {

چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟

پرسش

چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟

پاسخ

مخالفان و یا منتقدان نظام، بر چند دسته اند: برخی به خاطر بی دینی با نظام مخالف اند و برخی دیگر نیز با وجود آن که از زمره متدینین هستند، نسبت به نظام دیدگاه خاصی دارند.

این گروه نیز یکسان نیستند؛ برخی به خاطر دیدگاه های خاص خود مسأله دار هستند که در این موارد بایستی با ریشه یابی، علت را دریافت و با منطق و حسن برخورد، سعی در رفع شبهه از اذهان آنان نمود و در برخی از موارد نیز با قبول اشکالات، از

کلیت نظام و اهداف و خدمات آن دفاع کرد.

اگر احتمال می دهید که امر به معروف و نهی از منکر در وی تأثیر داشته باشد، لازم است که وی را ارشاد نمایید، ولی اگر امیدی به اصلاح ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با ایشان در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوء داشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با وی خودداری کنید.

صحبت های بی جا نیز گر چه چیز لغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست.{

فرزند شهیدی بعلت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است * چگونه وی را آگاه سازیم ؟

پرسش

فرزند شهیدی بعلت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است * چگونه وی را آگاه سازیم ؟

پاسخ

به منظور پاسخ دادن بهذهنیت فردی که با شهادت پدرش در کشاکش به سر می برد دو مسیر را می توان طی نمود:

۱- پرداختن به سؤالات و ابهام هایی که ذهن آن شخص را پر کرده ا ست، لذا در این مورد ابتدا باید از او بپرسید که چرا ناراضی است؟ چرا مخالف است؟ و چرا... بعد از دریافت استدلال های وی باید به مقابله با هر یک از چراهای او پرداخت و به هر یک به صورت مستقلپاسخ داد. حال با عنایت به این که ما از محتوای ذهن این شخص و سؤالات او به صورت خاص اطلاع نداریم نمی توانیم به جواب مستقیم بپردازیم و چنانچه شما تمایل دارید به صورت خاص به سؤالات وی پاسخ دهیم، باید سؤالات ذهنی و تشویش های فکری او را در مورد شهادتپدرش به صورت مستقل در مکاتبه ای دیگر برای ما بنویسید تا زمینه خدمت گزاری فراهم آید.

۲- راه دوم برای مقابله و برطرف کردن این ذهنیت آن است که بدون توجه به سؤالات ریز و کوچک آن شخص، آن سؤالات را به صورت یک موضوع کلی در نظر گرفته به ارائه مطالبی مطابق با آن بپردازید. مثلاً لازم است وی را با فلسفه شهادت در معارف اسلامی و درزندگی انسانی ما آدمیان آگاه سازید و همین طور باید وی را با مقام شهید و ارزش از خود و جان خون گذشتن آشنا سازید و مهم تر از تمام این مباحث، تبیین جایگاه و ارزش زندگی دنیوی و ارتباط آن با زندگی اخروی از جمله مباحث ضروری است که

بایـد به آن پرداخته شود تا آنجوان بدانـد که این زندگی چه خوب و چه بد محل گذر است و همگی آن روز چشم به دست شهیـدان دوخته و در آخرت در محضـر حق حاضـر خواهیم شـد و آن زنـدگی زنـدگی جاودانه است و فنا در آن راه نـدارد و شهدا از جمله افرادی هستند که می توانند در آن دنیا موجبات شفاعتبرای ما را نزد خداوند فراهم سازند.

باید به گونه ای برای آن جوان مسأله جهاد و شـهادت را در معارف اسـلام و در نزد تمام اقوام و ملل بیان کنید که این مقام را برای خود یک ارزش تلقی کند و ما محرومین از آن تلقی گردیم. چون شـهادت بالاترین مقامی است که خداوند برای خوبان در نظر می گیرد و هر کسی رالیاقت آن نیست، لذا خوب است او را با کتب زیر آشنا و از این طریق بینش او را نسبت به شهید و شهادت اصلاح کنید که شهادت نفله شدن نیست.

۱- شهید و شهادت، استاد مطهری، ۲- فلسفه شهادت، مدرسی

دومین شـکل مـواجه در این زمینه بیـان روی دیگر سـکه است که اگر به فرض - پـدرتان به جبهه نمی رفت و... آیـا ضـمانت وجود او بود. آیا دیگران که جبهه نرفتند جملگی به سـلامت هستند. هزاران نفر به جبهه نرفتند و یا رفتند و سالم برگشتند ولی اکنون از این دنیا کوچ کرده اندو فرزندان خود را بی پدر رها ساخته اند و... بنابراین در یک کلام باید با ارائه کتاب و مطالبی از معارف اسلامی، جایگاه انسان و دنیا و فلسفه مرگ و شهادت را در ذهن دوستتان کاملاً دقیق و واضح روشن فرمایید و از

این روش وی را به حق رهنمون گردید تا پی به مقام و منزلتخویش ببرد و خود را کم بها نپندارد.{J

آیا با افرادی که توهین به نظام جمهوری اســلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کنند می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چیست؟

پرسش

آیـا بـا افرادی که توهین به نظام جمهوری اسـلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کننـد می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چیست؟

پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصـا دانشـجویان عزیز که خود را نسبت به حفـظ نظـام مقـدس جمهوری اسـلامی ایران و ارزش های الهی متعهـد و مسـئول می بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولاً، درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشـگاهی مورد بحث قرار می گیرد، اطلاعـات و معلومـات در حـدّ کافی داشـته باشـد، تاریـخ و تئوریها و رهیافتهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسـی و... در مورد انقلاب اسـلامی، حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن، شخصیت ها و گروه های فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاسـی کشور، افکار و عقاید آنان و... را به خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مـدرک به صورت مسـتدل از انقلاب دفاع نمایـد. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه ها نوشـته شده، می باشد.

ثانیا: علاوه بر آمادگی های علمی، هر وقت شـبهه یا مسأله ای را کسـی مطرح کرد که مورد قبول و پسـند شما نبود، هیچ وقت عصـبانی نشوید بلکه در کمال خونسـردی و خوشرویی از طرف مقابل مدرک و مستند ادعایش را بخواهید و سعی کنید طرف مقابل را کاملاً حلاّجی کرده و به سؤال بکشانید که منظور شما چیست؟ و بالفرض چنین باشد چه هدفی را دارید؟؟؟ و... زیرا اکثر شـبهاتی، که در جامعه مطرح می شود ناشـی از عـدم فهم دقیق آن مسأله برای گوینده آن می باشد یعنی آن فرد بر اساس برداشتهای ذهنی خود شبهه را مطرح می کند. که با

کمی سؤال خود او نیز در ادعایش سست می شود.

مخالفان و یا منتقدان نظام، بر چند دسته اند: برخی به خاطر بی دینی با نظام مخالف اند و برخی دیگر نیز با وجود آن که از زمره متدینین هستند، نسبت به نظام دیدگاه خاصی دارند.

این گروه نیز یکسان نیستند؛ برخی به خاطر دیدگاه های خاص خود مسأله دار هستند که در این موارد بایستی با ریشه یابی، علت را دریافت و با منطق و حسن برخورد، سعی در رفع شبهه از اذهان آنان نمود و در برخی از موارد نیز با قبول اشکالات، از کلیت نظام و اهداف و خدمات آن دفاع کرد.

اگر احتمال می دهید که امر به معروف و نهی از منکر در وی تأثیر داشته باشد، لازم است که وی را ارشاد نمایید، ولی اگر امیدی به اصلاح ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با ایشان در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوء داشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با وی خودداری کنید.

صحبت های بی جا نیز گر چه چیز لغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست.

ثالثا: ایجاد درگیری میان طرفداران گروه های سیاسی و نیروهای انقلاب و بسیج و اهانت به مقدسات و شخصیت های نظام یکی از اهداف دشمنان نظام اسلامی می باشد که باید با کمال خونسردی در دام دشمن نیافتاد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند: «اگر یک چیزی که خون شما را به جوش می آورد مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند، باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس من را هم آتش زدند و یا پاره کردند باید سکوت کنید.

نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد حفظ کنید»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ تیر ۷۸، ص ۲).

همچنین معظم له در جای دیگری می فرمایند: «بعضی ها گفته اند که ما اقدام می کنیم، مجازات می کنیم؛ ابدا در جمهوری اسلامی، این کار به مسؤولان مربوط است... اگر کسی احساساتی هم دارد، آن احساسات پیش خدای متعال قطعا اجر خواهد داشت؛ اما اگر عمل و اقدامی برخلاف موازین باشد - از آحاد مردم - یقینا پیش خدا هم اجری ندارد. من هم که حالا نهی کردم غیر از حرمت قانونی، حرمت شرعی نیز پیدا کرد، مراقب باشید... کسی حق ندارد یک وقت کار نسنجیده ای انجام بدهد»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ مهر ۷۸، ص ۱۳).

رابعا: قبل از دست زدن به هر کاری و یا ارائه هر پاسخ عجولانه ای، ابتدا خداوند متعال را در نظر گرفته و از او استعانت بجویید و خوب بیاندیشید که مبادا با مسلط شدن خشم و غضب بر شما، ناخواسته آب در آسیاب دشمنان ریخته و مسأله ای را که می شد با خوشرویی و پاسخ های منطقی حل کرده و به تقویت نظام اسلامی و وحدت دانشجویان کمک نمود را به ضد آن مبدل کرد.

مبسوط

پرسش

مبسوط

پاسخ

ضمن تقدیر و تحسین بخاطر احساس مسئولیتی که نسبت به دوست همکارتان دارید برای حل مشکل مطرح شده نکات زیر را مورد توجه قرار دهید:

۱. از آنجا که وی فردی است اهل مطالعه چه بهتر است قبل از هر چیز بینش وی را تصحیح فرمایید و با معرفی کتابهایی که در زمینه نماز و اهمیت و ارزش آن نوشته شده است و یا هدیه آن برای او و یا در دسترس قرار دادن آن کتابها، وی را به مطالعه آنها ترغیب و تشویق کنید زیرا همانطور که گفتید هنوز فلسفه نماز و لزوم انجام آن و تأثیر نماز و عبادت در زندگی برای وی ترمیم و ملموس نشده است . و یا حداقل اینکه نگرش صحیحی از این مسأله حیاتی ندارند.

۲. به نظر می رسد وی به خاطر عملکرد غلط برخی از نمازگزاران و رفتار به قول ایشان منافقانه آنها ، گمان می کند این صفت و ویژگی از تمام نمازگزاران است بنابراین چه خوب است زندگی نامه عرفا، صلحا و علمایی که در پرتو نماز به سعادت و خوشبختی رسیده اند به وی معرفی شود تا با مطالعه آنها این نگرش منفی به تدریج از ذهن وی خارج شود.

۳. رفتار مناسب دوستانه صحیح و دلسوزانه شما نیز اگر به همین شکل ادامه پیدا کند و به تدریج احساس کند نماز انسان را به کار نیک تشویق می کند و در مسیر صحیح حفظ و نگهداری می کند چه بسا تأثیر مثبت بیشتری بگذارد و به وی تفهیم شود که رفتار غلط افراد ناشی از شخصیت و روش و منش آنها است نه ناشی

از نماز خواندن و اهل نماز بودن آنها پس در تعامل و برخورد با وی همچون گذشته دقت به عمل آورید و همانطور که خودتان نیز فرمودید تا حدودی حداقل برای مدت اندکی تأثیر مثبت خود را خواهد گذاشت لذا ناامید نباشید.

۴. به خاطر تأثیر و تأثری که معمولا بین زن و شوهر وجود دارد و لطافت و حساسیت روح زن نیز اهرم خوبی برای تأثیرگذاری هست ، پیشنهاد شما را تأیید می کنیم و در صورتی که مفسده ای به بار نیاورد از همسرشان بخواهید در این باره با وی گفتگو کند و وی را به نماز تشویق و ترغیب کند. مطمئنا وی بهتر می تواند در این مساله نقش آفرین باشد.

۵. نوارهای مذهبی افرادی که مورد اعتماد وی است و صدای دلنشین و نفس گرمی دارند در این تأثیر گذاری به شما کمک خواهد کرد. بنابراین ببینید به چه فردی از سخنرانان معروف یا غیر معروف که ویژگیهای لازم فوق را دارند اعتماد دارد و مورد پذیرش وی می باشد تا با گوش دادن یا تماشای فیلم یاCD های وی به طور غیر مستقیم اهمیت این مسأله برای وی روشن شود.

۶. برای تأثیرگذاری لازم است به این نکته توجه کنید که هرگز او را مورد شماتت سرزنش و تمسخر قرار ندهید. زیرا به جای تأثیرپذیری از شما بیشتر دورتر خواهد شد.

به نکات فوق توجه و عمل کنید و نتیجه را در مکاتبه بعدی برایمان گزارش کنید امید است تأثیرگذار باشد.

در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می گویند و حرف از گرانی می زنند چه بگوییم؟

پرسش

در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می گویند و حرف از گرانی می زنند چه بگوییم؟

پاسخ

افراد مورد اشاره به دو گروه تقسیم می شوند نخست گروهی که از روی ناآگاهی موضعگیری می کنند که با دلیل و منطق می توان با آنها صحبت کرد و شبهه آنها را بر طرف کرد و گروه دیگر کسانی که معاند هستند و از روی عناد و دشمنی به ایجاد شبهه و انتقاد می پردازند که این گروه افراد مانندکسی هستند که خود را به خواب زده و شمابه هیچ وجه نمی توانید او را بیدار کنید وبه فرمایش قرآن کریم "ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون""بقره/۶"

به هر حال چون گروه اول که لازم است با آنها وارد بحث شد ممکن است درمورد انقلاب اسلامی و روحانیت انتقادات و شبهات مختلفی داشته باشند دراینجا نمی توان پاسخ آنها را داد آما آنچه مسلم است انقلاب اسلامی ایران به پرچمداری روحانیت این کشور را از زیر یوغ و سلطه آمریکا وانگلیس نجات داده ودست رژیم وابسته و استبدادی پهلوی را از سر ملت کوتاه کرده است و عزت اسلامی را در دنیا برای کشور ما به ارمغان آورده و زمینه ساز بیداری اسلامی در جهان اسلام شده

است و قطعاً رسیدن به چنین اهداف بزرگی بدون تحمل مشکلات و سختی ها ممکن نبوده است ویکی از این مشکلات مشکل گرانی است که محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی و جبران عقب ماندگیهای کشور ورشد وتوسعه اقتصادی کشور عوامل دخیل در این امر هستند اگر چه در مجموع سطح رفاه عمومی

و وضعیت اقتصادی کشور با وجود همه موانع ومشکلاتی که بوده نسبت به قبل از انقلاب بسیار بهتر شده است واز طرفی مشکل تورم و گرانی از مشکلات رایج در اکثر کشورها بویژه کشورهای درحال توسعه می باشد.

در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤالها جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنیم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟

پرسش

در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤالها جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنیم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟

پاسخ

قابل ذکر است که امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات الهی است. مانند سایر واجبات دیگر، مثل نماز و روزه. بنابراین همانطور که وظیفه هر شخص مکلف است که احکامی را که با آن سرو کار دارد بداند، در خصوص با امر به معروف و نهی ازمنکر نیز، چنین می باشد.

با توجه به مقدمه ای که عرض شد، بر شما برادر عزیز که در پایگاه مشغول فعّالیّت هستید، و در غالب گشتها به وظیفه بسیار مهم و خطیر امر به معروف و نهی از منکر می پردازید، حتم و لازم است که از احکام مربوط به این بخش، کاملاً مطلع باشید.

اگر گشتهایی که انجام می دهید، در قالب امر به معروف و نهی از منکر است، باید بدانید که مقام معظم رهبری بعنوان مرجع تقلید، و همچنین ولی فقیه زمان، می فرمایند : "با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی، می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیت داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت، چاره ای جز اعمال قدرت، از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام را انجام می دهد، با تعزیز و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی،

واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر، به امر و نهی زبانی اکفتا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه، ارجاع دهند." (۱)

اما اگر گشتهای شما با دستور قاضی و با مجوز قوه قضائیه، در خصوص با مورد خاصی باشد، باز هم شما مجری اجرای حدود شرعی نیستید. بلکه وظیفه شما دستگیری فرد مورد نظر، و تحویل آن به مراجع قضایی می باشد. و اجرای حدود و تعزیر و از این قبیل موارد اعمال قدرت، بر عهده قوه قضائیه و حکمی که قاضی صادر می کند، می باشد.

قابل ذکر است که اعتراف گرفتن از مجرم به زور، طبق قانون ممنوع می باشد؛ و هیچ اعتباری ندارد.

منابع و مآخذ :

۱. رساله اجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری،ج۱،ص ۳۳۱

آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم

پرسش

آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم

پاسخ

هر کسی در درجه اول باید به فکر این باشد که خود را به احسن وجه بسازد، از طرف دیگر ما بخواهیم یا نخواهیماعمالمان در دیگران تأثیر خواهد گذارد و برخی از ما الگو برداری می کنند، البته الگوگیری از افراد به تناسب ابعادشخصیتیشان متفاوت است، بنابر این لازم است از هر جهت الگوی خوبی باشیم تا دیگران از ما راه نیک راپرتوگیری کنند.{J

در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اشخاص چیست.سکوت یا برخورد؟

پرسش

در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اشخاص چیست.سکوت یا برخورد؟

پاسخ

نخست باید دانست واکنشهای تنفر زا یا محبت آمیز ، ریشه های متعددی دارد. برخی واقعی و عقلانی است و برخی احساسی و بدون دلیل منطقی است.

همچنین خاستگاه برخی تنفر ها و محبت ها گاهی جنبه شخصی دارد و گاهی جنبه های درونی اجتماعی داردو گاهی از توطئه های دشمنان برون مرزی و یا دگراندیشان داخلی منشأ می گیرد.

علاقه و یا تنفر از روحانیون نیز از آنچه گفته شد جدا نیست لذا باید دلیل آن ریشه یابی شود و اگر از فرایند چند عامل به وجود آمده، از ابعاد مختلف بررسی گردد.

با توجه به گستردگی موضوع و ره یافتهای حل معضل ، در ادامه تنها به یکی ازعوامل پرداخته می شوند و چند راهکار توصیه می گردد.

دوست عزیز؛ در جامعه شیعی ما واژه روحانی همواره یک شخصیت بی نیاز را ترسیم می نموده و با وقوع انقلاب اسلامی در ایران روحانی و دین، گویی لازم و ملزم هم گردیده اند. شما وقتی به روزهای اول انقلاب برگردید به وضوح به این امر پی خواهید برد. در آن روزهایی که ارزش های دینی، مذهبی و فرهنگی چون ایثار، فداکاری، محبت به دیگران و... ملاک اصلی در فرد و جامعه رقم خورده و شکل می گرفت در این وقت افرادی (روحانیون) که به این امور معنوی توصیه می نمودند، از آنجا که این ارزش ها را توصیه و متذکر می شدند در بین مردم و از

خود مردم بوده و موانست با آنها دارای اهمیت بود که در واقع توجه و نگاه مردم به آن ارزش ها و ملاک ها بود. همین گونه در مسأله توجه و روی آوردن مردم به اهل بیت در مراسم های مذهبی محرم و صفر و یا ایام فاطمیه و... که هر چه نگاه و اهتمام مردم به آن اصول باشد دیگر به این روحانی یا آن روحانی نگاه نمی کنند بلکه به ارزش ها توجه می کنند.

دو نکته در مطلب فوق قابل توجه است اول آن که آن مردم و روحانی در کنار هم و با هم بوده و به نوعی از وضع اجتماعی و جایگاه اجتماعی همدیگر مطلع بودند یا به تعبیری امروزی همدیگر را درک و از جایگاه هم آگاهی داشتند. مردم به مراکز تحصیلی و تدریس حوزویان و... رفت و آمد می کردند، در حالی که بسیاری از این افراد غرض ورز و یا... از این حداقل مسأله آگاه نبوده و چه بسا مطالب گفته خود را از افراد مغرض و یا بیگانه نسبت به دین اسلام اخذ می کنند، در این حال معلوم خواهد شد که آن افراد چه نوع بیان و تعبیری خواهند داشت.

نکته دوم و مهمتر این که آنچه برای آن مردم مهم می نمود سخن از ارزش های معنوی و دینی بود حال این ارزش را هر کسی آنگونه که در اسلام و روایات اهل بیت(ع) آمده نقل کند محترم دانسته و لازم نبود که روحانی باشد چرا که آن چه برای آن فرد مهم و ملاک است ارزش های دینی است نه فرد و شخص.

البته که در

جامعه انقلابی و اسلامی ما هر چه این ارزش ها کمرنگ و یا بیهوده گردد و نگاه اصلی جامعه منافع فردی و شخصی شود این همان آفت انقلاب اسلامی و در واقع دین گریزی و بازگشت به وضعیت سابق می شود و در این حالت انتظاری جز از توهین و ... نمی رود.

حال اگر از نوع مطالب اهانت آمیز این افراد، برای شما معلوم شد که آن فرد به چه علتی این کار را نموده است او را به واقعیات توجیه کنید. در صورت امکان سعی کنید در موقعیتی مانند زیارت مسجد جمکران و یا در سفر به حرم امام رضا(ع) اگر از قم گذشتید به مدرسه فیضیه و یا مراکز درسی حوزه در قم دیدن نموده ولو اندك زمانی با برخی از علماء مجالست و با آنها موانست داشته باشید تا حقیقت امر بر آن دوست شما تا حدی معلوم شود.

همچنین او را به ارزش های دینی اسلامی راهنمایی کنید. ثمرات جاری بودن این ارزش ها در جامعه، این که همه این ارزش ها تلاش بر هویت بخشی و کرامت انسانها دارد (برگرفته از کتاب توسعه و تضاد، ص ۳۰۰ - ۳۶۰ - انقلاب اسلامی، زیمنه ها و پیامدها).

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و پیروانش نه از حکومت کنار می روند و نه از روش خود دست برمی دارند! پس امام حسین(ع) با چه منطق و حجت شرعی به این کار اقدام کرده و این امر

پرسش

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و پیروانش نه از حکومت کنار می روند و نه از روش خود دست برمی دارند! پس امام حسین(ع) با چه منطق و حجت شرعی به این کار اقدام کرده و این امر را یک وظیفه واجب و مقدس می دانست؟

پاسخ

چنان که پیش تر گذشت ما شرایط احکام و خصوصیات و فروع امر به معروف را باید از امام حسین(ع) استفاده کنیم و استوارترین دلیل بر جواز شرعی هر عمل، این است که امام حسین(ع) آن را انجام داده باشد. به عبارت دیگر گفتار و رفتار آن حضرت از ادلّه احکام شرعی است.

از طرفی احتمال تأثیر بر دو نوع است: گاهی شخصی را که اکنون آماده یا مشغول معصیتی است، می خواهیم نهی از منکر کنیم. اگر احتمال تأثیر ندهیم، نهی از منکر واجب نیست و گاهی نهی از منکر می کنیم و بالفعل احتمال تأثیر نمی دهیم؛ ولی می دانیم در آینده مؤثر واقع می شود. در این صورت نهی از منکر واجب است و با صورت احتمال تأثیر فعلی فرق ندارد.

مثل آنکه احتمال بدهیم اگر با فرقه های ضاله یا مؤسسات فساد مبارزه کنیم و معایب و مفاسد و مقاصد سوء آنها را به مردم

بگوییم و اعلام خطر کنیم؛ پس از مـدتی دسـتگاه شان برچیـده شده و اثر آنها در فساد اجتماع کمتر خواهد شد و یا حداقل از گسترش بیشتر تبلیغات و فسادشان جلوگیری به عمل خواهـد آمـد و چنانچه کارگردانان آنها دست از خیانت برندارنـد، در اثر نهی از منکر، تبلیغات سوء آنها باعث

گمراهی نخواهد شد. در این مورد امر به معروف و نهی از منکر با احتمال تأثیر آن در آینده، واجب است.

در دنیای معاصر هم بیشتر مللی که توانسته اند بندهای اسارت خویش را پاره کنند و به آزادی و استقلال برسند؛ همین راه را انتخاب کرده اند. آنان با فداکاری و تحمل ناملایمات و تهییج احساسات، دشمنان خود را در افکار عمومی محکوم و پایه های تسلط و نفوذ آنان را متزلزل و به تدریج ساقط می سازند و در این مبارزات آن افرادی که پرچم را به دست می گیرند؛ پیروز شده و خون های شان بهای آزادی جامعه و برافتادن نفوذ بیگانه است. آنان این پیکار را - اگر چه نتیجه اش در آینده ظاهر می شود - موفقیت آمیز و افتخار می شمارند؛ زیرا هدف شان ریاست و حکومت نیست؛ بلکه اصلاح و نجات جمعیت است.

مردان خدا نیز برای هدف های عالی انسانی و الهی خود، گاهی چنین مبارزاتی دارند؛ یعنی، با اینکه می دانند دشمنان خدا، خون شان را می ریزند و سرشان را بالای نیزه می کنند؛ ولی باز هم برای نجات اسلام و توحید، پیکار و جهاد می کنند تا عکس العمل قیام آنها به تدریج مردم را بیدار و مسیر تاریخ را عوض کند.

با وضعی که پیش آمده بود، خطرات شدیدی احکام قرآن و موجودیت اسلام را تهدید می کرد و آینده اسلام را تاریک و مبهم می نمود. حتّی معلوم بود که در آینده نزدیک، خورشید نورانی اسلام غروب و دوران شرک و جاهلیت بازگشت خواهد کرد! در این صورت امام حسین(ع) نمی توانست با در نظر گرفتن احتمال یا قطع به ضرر، دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند و ناظر این مصیبت ها برای عالم اسلام شود.

گذشته

از اینکه شرط احتمال تأثیر هم موجود بود؛ بلکه امام حسین(ع) یقین به تأثیر داشت و می دانست که نهضت و قیام او، اسلام را حفظ کرده و حرکت او ضامن بقای دین خواهد بود. آن حضرت می دانست که اگر بنی امیه او را - که نوه پیغمبر و مرکز تحقّق آمال معنوی و اسلامی مردم، و شریف ترین و گرامی ترین خلق و محبوب ترین افراد در قلب جامعه است - بکشند؛ دیگر قدرت شان درهم شکسته می شود و چنان سیل خشم و نفرت مردم به سوی شان سرازیر می گردد که باید برای حفظ موقعیت خود، حالت دفاعی به خود گیرند تا بتوانند چند صباحی پایه های لرزان حکومت کثیف خود را از سقوط شدن نگاه دارند!

سیدالشهدا(ع) می دانست که شهادت او و اسارت اهل بیت، ماهیت بنی امیه و عداوت های آنها را با اسلام و شخص پیغمبر آشکار می سازد و عکس العمل قتل او، ریشه های اسلام را در دل ها استوار کرده و حس تمرّد و سرپیچی از اوامر امویان را در همه ایجاد می کند و احساسات اسلامی و شعور دینی مردم را بیدار و زنده می سازد.

اباعبدالله(ع) می دانست که وقتی بنی امیه او را شهید کنند؛ دستگاه خلافت رسوا خواهد شد و مردم به مسیر نادرست حکومت پی خواهند برد و معلوم است حکومتی که دشمن دین و خاندان رسالت شناخته شده باشد؛ هر چند مدت کوتاهی به ظاهر، بر مردم فرمانروایی کند، اما نخواهد توانست ادعای خلافت اسلامی را داشته باشد و به حکومت خود ادامه دهد.

فاجعه کربلا دنیای اسلام را تکان داد و مثل آن بود که شخص پیغمبر شهید شده باشد. در تمام شهرها احساسات خشم آگین مردم نسبت به بنی امیه به جوش آمد

و حرکت های ضد امویان یکی پس از دیگری شروع شد؛ تا آنکه حکومتی که به اسم اسلام، ترویج شرک و کفر می کرد، ساقط شد و آن خون های پاک اهل بیت(ع)، بهای نجات اسلام و شور و هیجان دینی مردم علیه بنی امیه گردید.

پس معلوم شد که امر به معروف و نهی از منکر امام حسین(ع) از نظر قواعد عمومی و فقهی نیز لازم و از واجبات بوده است و آن حضرت در راه ادای این تکلیف، از جان خود و عزیزترین و لایق ترین جوانان، برادران و یارانش چشم پوشید و همه را فدای مقاصد بزرگ و عالی اسلامی کرد، و با اینکه سیل مصیبت ها به سوی او هجوم آورد، ثابت و پایدار ایستاد و از دین و هدف خود دفاع نمود.

مناسب است اینجا به سخن علامه شهید استاد مطهری اشاره شود؛ وی می نویسد:

«شرط دیگر امر به معروف و نهی از منکر «احتمال تأثیر» است؛ یعنی، این فریضه، مثل نماز و روزه «تعبدی محض» نیست. به ما گفته اند: شما در هر حال باید نماز بخوانید و نباید سؤال کرد که آیا این نماز خواندن اثر دارد یا ندارد؛ ولی امر به معروف و نهی از منکر را باید با تدبیر و اندیشه انجام داد؛ یعنی، شخصی روی نتیجه حساب کند و باید سودی که به دست می آید، بیش از سرمایه مصرفی باشد. این نظر در مقابل منطق خوارج است که می گفتند: حتی اگر کوچک ترین تأثیری هم محتمل نباشد، باز باید امر به معروف و نهی از منکر نمود. عده ای علت انقراض خوارج را همین امر دانسته اند. «تقیه» نیز که در شیعه مطرح است؛ یعنی، به کار بردن

تاکتیک در امر به معروف و نهی از منکر. تقیه؛ یعنی، استفاده از سلاح دفاعی؛ یعنی، در مبارزه ضربه بزن؛ ولی کوشش کن آسیب نبینی».

معنای احتمال تأثیر این نیست که در خانه ات بنشینی و بگویی: من احتمال اثر می دهم یا نمی دهم؛ بلکه باید بروی و حداکثر تحقیق را انجام دهی تا ببینی که آیا به نتیجه می رسد یا نه. کسی که بی اطلاع است و به دنبال تحقیق هم نمی رود، نمی تواند چنین عذری بیاورد.

راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟

پرسش

راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟

پاسخ

توجه به چند نکته مفید است:

۱- به هیچ وجه تحت فشار قرار نگیرد تا شوقش به شناخت اسلام از بین نرود.

۲- در ابتدا به عقاید یهودیت حمله نشود.

۳- سطح توانایی و استعداد او در درک معارف دینی، مورد توجه بوده و براساس آن کتاب هایی معرفی شود.

۴- به میل و ذوق او در مباحث توجه شود و متناسب با آن کتاب هایی پیشنهاد شود. مثلاً میل او به مباحث عقلی است. از کتاب های استدلالی مثل کتاب های شهید مطهری و استاد مصباح استفاده شود و اگر به مباحث معنوی عرفانی و اخلاقی علاقه دارد کتاب های متناسب با آن معرفی گردد.

۵- آشنایی با معارف اصیل اسلامی از طریق قرآن و روایات اهل بیت یکی از بهترین راه های دعوت به اسلام می باشد. لذا با توجه به آگاهی شخص، او را با معارف قرآن و روایات به خصوص نهج البلاغه و مضامین عالی دعاها آشنایش کنید.

با توجه به تذکرات بالا کتاب های زیر معرفی می گردد:

۱- علامه سید محمد حسین طباطبایی، آموزش عقاید و دستورهای دینی، انتشارات بنیاد جانبازان تهران (این کتاب با بیانی ساده معارف اسلامی را توضیح داده است).

۲- شهید مطهری، مجموعه مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، انتشارات صدرا تهران (این کتاب مباحث را در سطح وسیع تر از

کتاب قبل طرح نموده است).

۳- مصباح یزدی، آموزش عقاید، سازمان تبلیغات اسلامی

کتاب های دیگر شهید مطهری و استاد مصباح به خصوص معارف قرآن استاد مصباح یزدی در سطح عالی تر بسیار مناسب است.

جهت آشنایی بیشتر در مورد حقانیت و برتری دین اسلام و خصوصا مذهب تشیع به مطالب زیر توجه فرمایید تا بتوانید در زمینه گرایش افراد غیر

مسلمان به دین اسلام موفقیت بیشتری کسب نمایید.

در این رابطه از دو راه کلی (عقل و آیات قرآن کریم)، مسأله را پی می گیریم.

یک. راه عقل برای داوری در مورد حقانیت یک دین و مقایسه آن با ادیان دیگر، باید ابتدا با اصول عقاید و آموزه های ادیان آشنا شد و آن گاه آن را به وسیله عقل - که حجت درونی انسان است - محک زد. ما در چنین مراجعه ای، اصول عقاید و معارف دین اسلام را مبتنی بر ادله و براهین متقن و یقینی عقلی می یابیم؛ یعنی، یکایک این اصول به وسیله براهین متعدد یقینی اثبات می گردد. با وجود براهینی که درباره اصل توحید اقامه می شود، ادیان و مکاتب غیرتوحیدی - که اعتقاد به ثنویت (دوخدایی)، تثلیث (سه خدایی) یا چند خدایی از ارکان اعتقادی آنها محسوب می شود - ابطال می گردد. در همین زمینه، آنچه که از ادله یقینی عقلی بر نفی جسمیت یا رؤیت خداوند اقامه می شود، مکاتب و مذاهبی را که مبتنی بر چنین عقایدی هستند، رد می کند. در خصوص دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت، نیز با همین حجت درونی؛ یعنی، احکام و براهین یقینی عقل، اگر به بررسی آموزه های این دو دین بنشینیم، به نتیجه مشابه سایر مکاتب خواهیم رسید.

در خصوص ادیان الهی و آسمانی باید گفت که حقیقت و گوهر همه آنان، دعوت به انقیاد و تسلیم در برابر خداوند متعال است، لکن دستور العمل های مربوط به چگونگی تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان، که در اصطلاح از آن به «شریعت» یاد می شود، متفاوت است؛ یعنی، با توجه به اختلاف زمان و مکان و مخاطب این دستورالعمل ها، مراحل مختلی را گذرانده

و متناسب با آن رو به تکامل بوده است. علاوه بر این، اصول عقاید و گوهر ادیان نیز در مقام بیان و تبیین از عمق و تفصیل بیشتری برخوردار گردیده است. در حقیقت، دین توحیدی واحد است و شرایع متعدد است: «ان الدین عند الله الاسلام؛ به درستی که دین در نزد خدا اسلام (تسلیم در برابر حق) است» (آل عمران (۳)، آیه ۱۹.)

با ظهور هر پیامبری شریعت قبلی پالایش یافته و در شکل کامل تری عرضه شده است. از این رو پیامبران همه مبلغ دین واحد بودند، و به همین جهت، یکی پس از دیگری مژده آمدن پیامبر جدید را می دادند و به این مطلب در کتاب مقدس یهودیت و مسیحیت تصریح شده است. (تورات، کتاب هوشیع نبی.)

بنابراین پیروی صحیح از آیین یهود، با آمدن حضرت عیسی، در تبعیت از ایشان خواهد بود و پیروی صحیح از آیین مسیح با ظهور پیامبر اسلام، در تبعیت از حضرت نبی اکرم خواهد بود. در نتیجه، تفاوت شرایع آسمانی به معنای درجات متکامل از یک راه و یک حقیقت است. با توجه به این بیان عقل، با قطع نظر از مسأله تحریف در شرایع گذشته، حکم به لزوم پیروی از جامع ترین و کامل ترین پیام و دستورالعمل الهی که در آخرین شریعت (اسلام) متجلی شده است، می نماید. همچنین عقل، در بررسی آموزه هایی که توسط یهودیت و مسیحیت امروزی تبیین می شود، آنها را مخالف با براهین یقینی خود می یابد. اعتقاد به تثلیث (رساله اول به قرنتیان ۶:۸ و انجیل یوحنا: ۲۰.) تجسم و رؤیت (همان و سفر پیدایش.) اموری است که براهین عقلی آن را از هیچ مکتب و

مذهبی نمی پذیرد؛ بلکه آن را نشانه عدم حقانیت و در واقع تحریف آنها می داند. به پاره ای دیگر از تحریفات صورت گرفته در این دو دین بزرگ اشاره ای گذرا می کنیم تا بر اساس حکم عقل، خود داوری کنید:

تحریفات مسیحیت و یهود

۱. اتهامات ناروا به پیامبران؛ علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقـدس، پاره ای اتهامات ناروا و غیراخلاقی به بعضی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد، براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می کند.

۲. وجود افسانه ها؛ وجود افسانه های بی پایه در کتاب مقـدس، یکی دیگر از جنبه های تحریف آن است؛ از جمله می توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه ای او بر خدا، اشاره کرد (سفر پیدایش، ۴۳/۲۳۳۰.)

۳. گنـاه فطری؛ مسـیحیان معتقدنـد، آدم در بهشت به گنـاه آلوده شـد و این گناه به همه فرزنـدان او نیز منتقل می شود؛ یعنی، انسـان بـالفطره گناه کار است و هرگونه تلاش و عمل انسان در رهایی از این خطا، سودی نخواهـد بخشـید و تصـلیب و به دار کشیده شدن حضرت عیسی(ع)، کفاره گناه فطری انسان است.

۴. تقویت ظلم؛ یکی دیگر از آموزه های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم و سـتم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم، به بهـانه این است که آنـان حاکم و سایه خـدا در زمین انـد. (انجیل متی، ۳۸:۵ و اکثر نـامه هـای پولس به رومیان.) وجود این گونه آموزه هـای غیرعقلانـی در کنـار طرح مسأله تثلیث و تجسـیم و وجود تناقضات متعـدد در متن کتاب مقـدس، (در کتاب «انیس الاعلام»، ج ۲، ۱۲۵ مـورد تنـاقض موجـود در کتـاب مقـدس مورد بررسـی قرار گرفته است.) دلیـل بر عـدم حقـانیت مسیحیت و

یهودیت امروزی است.

خلاصه سخن اینکه راه شناخت حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان و شرایع، مراجعه به آموزه های آنها و داوری است. اگر کسی مراجعه کند، خواهد یافت که اسلام در سه وادی «عقاید»، «اخلاق و فضایل» و «احکام فردی و اجتماعی»، نه تنها کامل تر از سایر ادیان؛ بلکه قابل مقایسه و طرف نسبت با آنها نیست و در تمام دوره زندگی بشر، عقاید و شریعتی به اینجامعیت و عمق و اتقان و استواری بر بنیان عقل، وجود ندارد.

امام خمینی(ره) در این زمینه، در کتاب چهل حدیث می نویسد: «اثبات حقانیت دین اسلام، احتیاج به هیچ مقدمه ندارد جز نظر کردن به خود آن و مقایسه بین آن و سایر ادیان و شرایع». (خمینی، روح الله، چهل حدیث، شرح حدیث دوازدهم، ص ۲۰۱).

در پایان این بخش، به این نکته اشاره می کنیم که داوری عقل و سنجش و حکم عقل به حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان، خود دلیلی بر نفی پلورالیزم است.

دو. راه آیات آیات قرآنی علاوه بر دلالت بر انحصار دین حق در اسلام و در نتیجه نفی پلورالیسم و تکثرگرایی دینی، به صراحت با برخی از اصول و مبانی پلورالیسم مخالف است و آن را ابطال می کند. مجموع آیات در این زمینه را در سه بخش قرار می دهیم:

۱. آیاتی که بر صراحت، تنها اسلام را دین حق و صراط مستقیم معرفی می کند و عقاید پیروان سایر ادیان را باطل معرفی کرده و آنان را به پیروی از اسلام دعوت می کند:

الف. «و من یبتغ غیرالاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخره من الخاسرین». (آل عمران (۳)، آیه ۸۵.)

ب. «و لن ترضی

عنک الیهود و لا النصاری حتی تتّبع ملّتهم، قل انّ هدی الله هو الهدی و لئن اتّبعت اهوائهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من الله من ولیّ و لا نصیر». (بقره (۲)، آیه ۱۲۰.)

ج. «و قالت الیهود عُزیر ابن الله و قالت النصاری المسیح ابن الله ذلک قولهم بافواههم یضاهئون قول الّذین کفروا من قبل قاتلهم الله انّی یؤفکون». (توبه (۹)، آیه ۳۰.)

و آیات فراوان دیگر که شما را به قرآن کریم ارجاع می دهیم: سوره آل عمران(۳)، آیه ۶۱ (مباهله با مسیحیان)؛ سوره توبه (۹)، آیه ۳۲ و ۳۱؛ سوره نساء(۴)، آیه ۱۵۷و ۱۷۱؛ سوره مائده(۵)، آیه ۵۱ و ۷۳؛ سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ سوره صف (۶۱)، آیه ۹؛ سوره مریم(۱۹)، آیات ۹۱ ۸۸؛ سوره بقره (۲)، آیه ۷۹.

۲. آیاتی که با مبنای شکاکیت و نسبیت گرایی و عدم امکان دستیابی به حقیقت - که از مبانی و پیش فرض های پلورالیزم دینی است - در تضاد و تقابل است و نشان می دهد که از دیدگاه قرآن، به هیچ وجه شکاکیت و نسبیّت مورد پذیرش نیست و رسیدن به حقیقت امکان پذیر است. این آیات عبارت است از:

الف. آیاتی که شکاکان را مورد سرزنش قرار می دهد. (نحل (۱۶)، آیه ۶۶؛ جاثیه (۴۵)، آیه ۳۲.)

ب. آیاتی که ادله انبیا را روشن و آشکار، و شکّ شکاکان را بی وجه معرفی می کند. (ابراهیم (۱۴)، آیه ۹ و ۱۰.)

ج. آیاتی که امر به تبعیت از علم و یقین و اجتناب از پیروی از ظن و گمان و شک دارد. (اسراء (۱۷)، آیه ۳۶؛ یونس (۱۰)، آیه ۳۶؛ نجم (۵۳)، آیه ۲۸.)

۳. پلورالیزم دینی، بر اساس برخی از مبانی جدید هرمنوتیک استوار است که

می پندارد، عبارات و متون دینی صامت، یعنی، خالی از معانی اند و قهرا هر نوع شناختی از دین، کاملاً شخصی می باشد. آیات و روایات بسیاری با این مبنا به صراحت مخالفت دارند:

الف. «و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط؛ کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم به قسط و عدل قیام کنند» (حدید (۵۷)، آیه ۲۵.)++؛ اگر هر کسی بر اساس صامت بودن قرآن، برداشتی از آن داشته باشد، معیار تمییز بین عدالت و ظلم در قرآن وجود نخواهد داشت و به تبع اقامه عدل بر اساس آن معیار واحد در جامعه، ممکن نخواهد شد.

ب. «و نزّلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شی ء؛ این کتاب (قرآن) را بر تو فرستادیم تا حقیقت هر چیز را بیان کند» (نحل (۱۶)، آیه ۸۹.)

ج. «و تلک حدود الله یبینها لقوم یعلمون؛ این است احکام خدا، بیان می کند آن را برای قومی که دانا هستند» (بقره (۲)، آیه ۲۳۰.)

د. «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی؛ هیچ اکراهی در دین نیست به درستی که راه هدایت از گمراهی، روشن گردید» (همان، آیه ۲۵۶.)

آیات بالا، قرآن کریم را بیان کننده راه راست از گمراهی و نشانگر حدود الهی و بیانگر هر چیز، معرفی می کند و این با مبنای هرمنوتیک جدید، یعنی، خالی بودن عبارات و متون از بار معنایی و تأثیرپذیری از دانش های بشری و در نتیجه شخصی بودن برداشت ها از عبارت (و نه معرفتی بودن این برداشت ها) ناسازگار و درست در نقطه مقابل است.

حاصل سخن با مراجعه به حکم عقل و آیات قرآن کریم، به هیچ وجه پلورالیسم و کثرت گرایی دینی، به معنای حقانیت همه ادیان،

قابل پذیرش نیست؛ لکن توجه به این نکته ضروری است که دین حق و صراط مستقیم واحد است؛ ولی معذّر و حجت متعدد است. باید مسأله حقانیت را از معذّریت و حجت جدا کرد. پیروان سایر ادیان، خارج از شریعت حق و مطلوب الهی هستند؛ اما در صورت وجود دو شرط: (۱. جهل به اسلام، ۲. پای بندی به آیین خود) دارای حجت و مستمسک خواهند بود و راهشان هر چند «صراط مستقیم» و دین حق نیست؛ اما قابل اعتذار است و در روز قیامت نزد خداوند معذورانند. قرآن از این گروه به «مستضعف» یاد کرده است. این گروه ضمن معذور بودن، در صورت تحقق آن روش ها، بهره ای از سعادت خواهند برد و به درجه ای از سعادت نایل خواهند شد.

نکته دیگر آنکه حقیقت دین یک چیز بیش نیست؛ ولی وحدت آن، از سنخ وحدت عددی نیست،؛ بلکه از قبیل وحدت تشکیکی است؛ یعنی، دارای مراتب است که قرآن از این مراتب به «سبل» تعبیر کرده است. صراط مستقیم واحد است؛ اما سبل به تعدد و اختلاف سالکان و متعبدان متعدد است: «والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا». (عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.)

صراط مستقیم همان شاهراه هدایت است که سبل امن الهی به آن منتهی می شود و هر کس به همان مقدار که از سبل امن الهی پیروی کند، از صراط مستقیم نیز بهره مند خواهد شد و هر کس همه سبل امن الهی را طی کند، از صراط مستقیم به طور کامل بهره مند خواهند شد: «... قد جائکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتّبع رضوانه سبل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور بإذنه

و یهدیهم الی صراط مستقیم». (مائده (۵)، آیه ۱۵و۱۶. ر.ک: المیزان، ج ۱، ذیل آیه ۶و۷ سوره حمد، (بحث صراط و سبیل)).

برای آشنایی بیشتر منابع زیر معرفی می گردد:

الف. کتاب نقد، شماره ۴، ص ۲۴۲، مقاله «نگاهی درون دینی به پلورالیزم دینی، عبدالحسین خسروپناه»؛

ب. قدردان قراملکی، محمدحسن، سویه های پلورالیزم؛

پ. قدردان قراملکی، محمدحسن، قرآن و پلورالیزم.

برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟

پرسش

برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟

پاسخ

اول باید معلوم باشد که ربا خوارند، چون بعضی از پول استفاده می کنند به نحوی که در برخورد با ربا خوار باید احتیاط کنید و تا آنجاکه ممکن است آنان را نصیحت کنید و راضی به کار آنان نباشید. همچنین در برخورد با دنیا پرستان از دوستی با آنان حذر کنید. و برخورد شما برخورد ناصحانه باشد و از غیبت کردن افراد خودداری کنید بله اگر واقعاً رباخوار باشند و معلوم باشد نزد مردم که ایشان ربا خوارند، می توان غیبت کرد، یعنی گناهی را که مرتکب می شوند بازگو کرد، نه عیبت ها و گناهان پنهان او را.

چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟

پرسش

چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟

پاسخ

روش ها و شیوه های گوناگونی وجود دارد که در ذیل به برخی اشاره می شود:

۱ آمر و ناهی باید دقیقاً معروف و منکر را بشناسد و در فرصت مناسب بتواند کاملاً آن را تبیین و تشریح کند.

۲ خودش عامل باشد; یعنی قبل از هر چیز در حضور طرف , به معروف عمل کند و از منکر اجتناب نماید.

۳ با کمال احتیاط و با زبان نرم سخن بگوید, مثلاً: فلانی ! شما الحمدلله بزرگوار و آبرومندید; مردم به شماو خانواده محترمتان با دید احترام نگاه می کنند; فلان عمل از قدر و منزلت شما می کاهد و موجب هتک حرمتتان می شود; اگر آن را ترک کنید و به جایش عمل نیک انجام بدهید, بسیار مفید خواهد بود.

۴ یا بگویید: اگر کسی مثلاً یک شاخهء گل یا یک شیشهء عطر و یا جعبهء شیرینی به شما بدهد و یا اگر دکتری بیماری شما یا پدر و مادر و یا یکی از اقوامتان را درمان کند, هر وقت آن ها را ببینید, اظهار محبت می کنید وخود را مدیون آنان می دانید.

حال آیا شایسته نیست از خداوند بزرگواری که این همه نعمت به شما ارزانی داشته و به شما گوش و چشم و قلب و عقل و دست و پا و پدر و مادر و هزاران نعمت دیگر عطا فرموده , تشکر و سپاسگزاری کنید؟پیامبر۶فرمود:< بهترین روش تشکر از خدا, نماز خواندن است >.

۵ و می توانید

بگویید: حتماً می دانید قلباً به شما علاقه مند و برای شما ارزش قائلم . متقابلاً شما هم برای اینجانب آبرو و حیثیت قائل هستید. از طرفی توجه دارید اگر کارهای ناروا و ناشایست از شما سر بزند و بامسجد و نماز و روزه کارهای خوب سروکار نداشته باشید, ضمن این که شخصیت جنابعالی مخدوش می شود,به خاطر رفاقت با شما شخصیت من نیز زیر سؤال می رود و آبروی من مورد تهدید قرار می گیرد; آیا بهتر نیست برای حفظ شخصیت خود و حیثیت دوستان اعمال ناروا را کنار گذاشته و به کارهای خوب و پسندیده بپردازید؟

چگونه می توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟

پرسش

چگونه می توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟

پاسخ

انجام امر به معروف و نهی از منکر مستلزم اعتقاد و ایمان به آن، به عنوان یک وظیفه اسلامی است. در نتیجه اوّل باید تلاش کنید این اعتقاد و باور را در خود ایجاد کنید. دوّم مستلزم شناخت کامل "معروف" و "منکر" است، یعنی انسان بداند چه کارهایی منکر شناخته شده اند و چه کارهایی معروف. مثلاًـ آیا امر به مستحبات و نهی از مکروهات هم در زمره امر به معروف و نهی از منکر است؟

سوم مستلزم آگاهی و شناخت درست از شرایط امر و نهی و آداب آن و زمینه پیدایش وجوب آن است. این که امر به معروف و نهی از منکر چه مراحلی دارد، علم به تأثیر آن در شخص یا عدم تأثیر آن نقشی در وجوب یا اسقاط تکلیف دارد یا خیر؟

متأسفانه عده ای از عاملان امر به معروف و نهی از منکر با عدم آگاهی کافی از آنچه بیان شد، اقدام به آن می کنند که نتیجه منفی آن بسیار بیشتر از نتایج مثبتش می باشد. امیدواریم این کوتاه انگیزه کافی برای مطالعه و تحقیق بیشتر در این زمینه را برای شما فراهم کرده باشد.

مادرم غیبت زیاد می کند.دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می توان باوی داشت؟

پرسش

مادرم غیبت زیاد می کند.دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می توان باوی داشت؟

پاسخ

نهی از منکر مراحل و مراتبی دارد، تفهیم منکر و ارائه شناخت و آگاهی صحیح با استفاده از روش ها و شیوه های متناسب با اخلاق و روحیات و موقعیت اشخاص، از مراتب نخستین آن است.

مادرت اجمالاً می داند که غیبت گناه است اما شاید حرف های خود را غیبت نمی داند، یا از مصادیق غیبت حرام و معصیت نمی شمارد و یا از آثار و عواقب غیبت در دنیا و کیفر و عذاب آن در آخرت آگاهی لازم را ندارد. لازم است در هر یک از سه مورد مذکور تذکر و آگاهی لازم به وی داده شود. حال که از شما نمی پذیرد، اگر به مسجد یا مجالس روضه خوانی یا بیان احکام و اخلاق می رود، - بدون آن که مادرت و کسی دیگر بفهمد - از امام جماعت یا سخنران جلسات، یا فردی از اقوام و خویشان که حرفش در مادرت تأثیر داد، بخواهید در ارتباط با غیبت صحبت کند.

اگر باز اثر نکرد، هنگام غیبت خود را به کاری مشغول کن یا سعی کن حرف های او را به مسیرهای دیگر که برای مادرتان جذاب باشد، منحرف کن و از چیزهای دیگر سخن بگو، یا از محضر او بلند شو و بیرون برو. اگر این کار هم تأثیر ندارد، به علاوه موجب رنجش خاطر می شود، دیگر تکلیف و مسئولیتی در این مورد ندارید.

اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می شود؟ اگر گناه است، چرا پیامبر شخصی را که تند نماز می خواند، به کلاغی تشبیه کرد که به زمین نوک می زند؟

پرسش

اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می شود؟ اگر گناه است، چرا پیامبر شخصی را که تند نماز می خواند، به کلاغی تشبیه کرد که به زمین نوک می زند؟

پاسخ

اسلام توهین به شخصیت هیچ فردی را روا نمی داند و این موضوع استثنا ندارد، زیرا برای رسیدن به هدف هر چند خوب و عالی باید از وسیله مشروع و خوب استفاده کرد و هرگز هدف، وسیله را توجیه نمی کند اما مثالی که مطرح کردید یعنی در مورد کسی که آدامس می جوید، بگویید مثل شتری است که علف می جود، این تهمت نیست، ولی غیبت می تواند باشد.

البته اگر در حضور جمع این کار را می کند، غیبت او اشکالی ندارد و برخورد پیامبر(ص) به همین علت بوده است؛ یعنی نمازگزار در حضور جمع در مسجد با شتاب نماز خواند و حضرت این کار را به نوک زدن کلاغ تشبیه کرد. سخن پیامبر(ص) نه تهمت است و نه غیبت، چون به قصد تحقیر او گفته نشد و از طرفی در حضور جمع این کار را کرد. پیامبر(ص) با این تشبیه می خواهد تند خوانی و بی نشاطی در نماز را نکوهش کند. در روایتی دیگر امیرالمؤمنین(ع) به شخصی که با سرعت نماز می خواند فرمود: "مَثَل تو پیش خدا مَثَل کلاغی است که با سرعت از زمین دانه می چیند".(۱)

پی نوشت ها:

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴.

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پرسش

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجه خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد.

اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاًاهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پرسش

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پاسخ

اگر قدرت دارید، باید از پخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند، امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر قدرت ندارید، یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند، وظیفه ای ندارید و فقط باید در آن محل که موسیقی حرام پخش می شود، مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید، با کمک خداوند متعال مؤثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت باز دارد.

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پرسش

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجه خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد.

اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاًاهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پرسش

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پاسخ

اگر قدرت دارید، باید از پخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند، امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر قدرت ندارید، یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند، وظیفه ای ندارید و فقط باید در آن محل که موسیقی حرام پخش می شود، مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید، با کمک خداوند متعال مؤثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت باز دارد.

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پرسش

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجه خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد.

اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاءاهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطاتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند .برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پرسش

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند .برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

بـدین منظور از راه کارهای زیر اسـتفاده کنید : ۱- قبل از هر چیز اعتماد آنها را به خود جلب کنیـد تا تـذکرات و سـخنان تان تاثیر بیشتری داشـته باشد .۲-ضـررها و آثـار سو روحی و روانی تماشـای چنین فیلم هایی را به آنها متذکرشویـد .۳- اهمیت و ارزش وقت به خصوص در دوران تحصیل را به آنهایادآوری کنید و آنها را به مطالعه و تحقیق تشویق نمایید .۴- توصیه کنید به جای تماشای چنین فیلم هایی ، اوقات فراغتشان را با ورزش و سـر گرمی های شاد دیگر پر کننـد و ضـمن بیان فوایـد و آثار مثبت ورزش (مثـل کوهنوردی ،شـنا، فوتبـال و ورزش هـای دسـته جمعی دیگر) با یک برنامه ریزی منظم ،ترتیبی بدهیـد که فرصت کـافی برای تماشـای آن فیلم ها پیـدا نکننـد .۵- به کمک بعضـی تشـکل های دانشـجویی دانشـگاه و خوابگاه برای پر کردن اوقات فراغت جوانان به تشـکیل و راه اندازی مسابقات فرهنگی ، ورزشی و یااردوهای علمی ، تفریحی و ...اقدام نمایید و یا از فیلم های جذاب علمی ودر ارتباط با رشته تحصیلی آنها استفاده کرده و به نمایش بگذارید .;

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پرسش

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پاسخ

برای انجـام امور دینی توجه به راهکارهای زیر ضـروری است : ۱- اعتقاد به این که تنها راه سـعادت منـد شدن عمل به احکام دینی و تقویت ایمـان است . ۲- سـعی کنیـد با ایجاد ارتباط بادوسـتانی مومن و جداشدن از دوسـتان ناباب (در صورتی که با چنین افرادی ارتبـاط داریـد) زمینه انجـام احکام الهی را در خود تقویت کنیـد .۳- سـعی کنیـدبرای انجام امور عبادی و دینی بیشتر به مراکز مذهبی مثل مسـجد، حسینیه هاو ...بروید .۴- در انجام کارهای عبادی سـعی کن افراط و زیاده روی نکنیدسعی نماییـد ابتـدا به انجام واجبات و ترک محرمات اکتفا کنیـد .۵- کارهـایی که واجب است انجـام دهیـد و همچنین کارهایی که انجام آن حرام است فهرست کنیـد و هر روز ان فهرست را مرور کنیـد ..۶- سـعی کنید مشغول هرکاری که هستید هنگام نماز دست از کـار برداریـد و نماز را در اول وقت انجام دهیـد .۷- بـا خودتان شـرط کنیـد که اگر واجبی را ترک کردم یا به موقع انجام ندادم مقداری پول باید به عنوان جریمه صدقه بدهم یا یک روز روزه بگیرم. ۸- هر گاه موفق شدید وظیفه دینی خود را انجام دهید سـر به سجده شکربگذارید و از خداوند تشکر کنید که توفیق انجام تکلیف را به شما عطا کرده واز او بخواهید که همیشه خداونـد توفیق انجام وظیفه را به شـما عطا کند .۹-به خودتـان تلقین کنیـد که می توانم در انجام وظایف دینی ام موفق شوم . ۱۰-اگر گهگاهی موفق نشدید مایوس نشوید

دوباره اقدام کنید .اما این که فرمودید چگونه همه را از خودم راضی کنم البته اینکه انسان بتواند به گونه ای رفتار کند که جلب توجه دیگران شود و دیگران از او راضی باشندبسیار خوب است ولی واقعیت اینست که ما نمی توانیم همه افراد را ازخودمان راضی کنیم بنابراین بهترین راه اینست که سعی کنیم خداوند را ازخودمان راضی کنیم و هیچ گاه رضایت دیگران را بر رضایت خداوند ترجیحندهیم ممکن است بعضی افراد از ما راضی شوند که ما مرتکب گناه شویم یااینکه واجبات دینی را انجام ندهیم و اگر خدای ناکرده ما چنین افرادی راراضی کنیم به قیمت خشم و غضب الهی به ما تمام خواهد شد و چنین کاری هرگز شایسته نیست اما در عین حال انجام راهکارهای در جلب علاقه دیگران به شما موثر است : ۱- در مقابل دیگران متواضع باشید و به آنهااحترام بگذارید .۲- در سلام کردن سعی کنید زودتر سلام کنید .۳- اگرمشلکی برای آنها پیش آمد به آنها کمک کنید و در صورت عدم توانایی حداقل ابراز همدردی کنید .۴- از خطای دیگران چشم پوشی کنید و آنها راببخشید .۵- اگر توانایی دارید هدیه ای ولو کوچک برای آنها تهیه کنید .۶- بادیگران با گشاده رویی برخورد کنید .۷- از برخوردهای تند و عصبی اجتناب کنید .۸- نسبت به دیگران دلسوز و مهربان باشید .۹- در کارهای اجتماعی و همچنین کارهای منزل مشارکت داشته باشید .۱۰- از تکبر ودوری از دیگران و همچنین از گوشه گیری و انزواطلبی جدا" پرهیز کنید ;.

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا – که تاثیر در باطن وروح افرادداشته باشد – بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید .

پرسش

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا – که تاثیر در باطن

وروح افرادداشته باشد – بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید .

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله : ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد .۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن . ۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن . ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست . ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر .۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه . ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر .یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است × یعنی باید این مسیله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوولند× زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد .همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خوا.....شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت . ;

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پرسش

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر درصورت احتمال تاثیر واجب است ، ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد، روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست . بایدسعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیح اینکه ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کند و نیز سایر تاثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گذارد، آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنید .خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد .در امر به معروف و نهی از منکر باید مراتب امر به معЉЬȘ` و ....از منکررعای...شود .در ابتدا باید با گفتار و نصیحت و ارشاد راهنمایی کرد واگر این راه ها موثر واقع نشد، چنان چه کم کردن ارتباط و یا قطع آن موثر باشد، از آن راه اقدام شود و چنان چه هیچ یک موثر واقع نشد،می توانید مراتب را به مقامات مسوول دانشگاه اطلاع دهید تاخودشان جلوگیری کنند و اگر هیچ یک از این امور ممکن نبود،تکلیف از شما ساقط می شود.;

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسیولین ، اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پرسش

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسیولین ، اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پاسخ

در صورت احتمال تاثیر نهی از منکر واجب است در غیر این صورت چنان چه بطور غیر مستقیم (مثلاـ از طریق خانواده) بتوانید نقش ارشادی در این موارد ایفا کنید بهتر است . مسایل حادی که قابل پیگیری است می توانید گزارش کنید .;

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟

پرسش

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟

پاسخ

انسان باید به وظیفه خود در برابر کسی که غیبت می کند، چه در منزل خود انسان باشد و چه در منزل دیگر، عمل کرده، امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت شرایط آن، انجام دهد. چه بسا حق و حرمت مهمان، شایسته این باشد که از گناه محفوظ بماند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۰۵۰

اخلاق و تربیت

رذائل اخلاقی غیبت

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدیتر لازم است؟

پرسش

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد

جدیتر لازم است؟

پاسخ

به نظر امام خمینی((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود; بلکه باز هم بایـد آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم; « و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو بهآن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.(۱)

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۷.

۲۳۶۰

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۳۶۱

بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پرسش

بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

حضرت امام خمینی (ره) در همین رابطه می فرمایند: " از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیق ترین و شدیـد ترین آنها از نظر تأثیر و دلنشین ترین آنها بویژه اگر آمر و ناهی از علمای دین و سران مـذهب باشد، آن امر به معروف و نهی از منکری است که از شخص صادر شود که خود لباس معروف چه واجب و چه مستحب را به تن کرده باشد، و از منکر بلکه از مکروه دور باشـد (یعنی خود عامـل به معروف و تارك منکر باشـد) و کسـی باشـد که به اخلاق انبیاء و اهل معرفت آراسته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا بدور باشد تا با عمل و روش و اخلاقش آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا کنند..."(۱)

با توجه به آنچه در این عبارت بود می توان بهترین شیـوه را از حیث تأثیر جمع بین تذکر قولی و عملی دانست که ضمن اینکه

عمل معروفها را انجام می دهیم با زبان نیز به کمک همان عمل آنرا گسترش دهیم و با رعایت شرائط تذکر از اخلاق و برخورد مناسب و غیره.

برای توضیح بیشتر ضرورت دارد به مبحث امر به معروف و نهی از منکر به کتاب شریف تحریر الوسیله مراجعه شود.

۱) تبیان ، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره) ، ص ۲۴۰

چگونگی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تفاوتهای نحوه عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید.

پرسش

چگونگی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تفاوتهای نحوه عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید.

پاسخ

فقهاء بزرگوار در نحوه امر به معروف و نهی از منکر مراتبی را قائل شده اند که این مراتب کلی است و فرقی بین مکانهای مختلف از این جهت نیست ولکن به اعتبار شرایط خاص ممکن است یک مرتبه تأثیر بیشتری داشته باشد و یا شیوه خاصی مؤثرتر واقع شود، رهبر معظم انقلاب در پاسخ به سؤال اینکه بهترین شیوه بر خورد با منکرات چیست می فرمایند: "بستگی به این دارد که چه کسی بخواهد برخورد کند، اگر شما بخواهید برخورد کنید "زبان" است تعجب نکنید تأثیر امر به معروف و نهی از منکر زبانی است اگر انجام بگیرد از تأثیرات مثبت پولادین حکومت ها بیشتر است. من چند سال است که گفته ام امر به معروف و نهی ازمنکر. البته عده ای این کار را می کنند؛ اما همه نمی کنند. همه تجربه نمی کنند، می گویند آقا چرا اثر نمی کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر سخنرانی بکنید؛ یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می تواند منکر را ادامه بدهد؟

البته به شما بگویم عزیزان من! منکر را باید بشناسید. چیزهایی ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید؛ در حالی که منکر نباشد. باید معروف و منکر را بشناسید. واقعاً باید بدانید این منکر است بعضی گفته اند که باید احتمال

تـأثیر و جـود داشـته باشـد. من می گـویم احتمـال تـأثیر همه جـا قطعی است؛ مگر در نزد حکـومت هـای قلـدر، قدرتمنـدها و سلاطین. آنهـا ینـد که البته حرف حسـاب به گوشـشان فرو نمی رود و اثر نمی کنـد؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید "زبان" است."

حضـرت امام خمینی(هم تأکید بر آن داشـته و می فرمایند: "از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیقترین و شدیدترین آنها از نظر تأثیر و دلنشـین ترین آنها آن امر به معروف و نهی از منکری است که از شخصی صادر شود که خـود لبـاس معروف چه واجب و چه مسـتحب را به تن کرده باشـد و از منکر بلکه مکروه دور باشـد (یعنی خـود، عامـل به معروف و تارک منکر باشـد) وکسـی باشـد که به اخلاق انبیاء و اهل معنویت آراسـته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا بدور باشد تا با عمل و روش و اخلاقش آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا کنند."

امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امروزی چگونه است؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امروزی چگونه است؟

پاسخ

امربه معروف و نهی از منکر از مهمـترین فروعـات اسـلام است و سـرلوحه مصـلحان بزرگی چـون انبیـا و امامـان بوده است در جـامعه امروز به صـورت فردی و جزئی اجرا می شود امـا توفیق در این مهم منوط به فراگیر کردن این واجب توسـط همه مردم است که ابتـدا بایـد مصـادیق آن را بشناسـند و سـپس اقـدام به این واجب کننـد. در رسـاله هـای عملیه واجبـات وارکان امر به معروف ونهی از منکر به تفصـیل آمـده است از جمله اینکه : بایـد معروف ومنکر شـناخته شود . پس برای همگـانی کردن آن یـک بحث تعلیم وآموزش معروف ومنکر را داریم . امّـا در اقـدام به آن از جمله کسـانی که می تواننـد در این آموزشـها مؤثر باشـند روحـانیون هسـتند وآمـوزش وپرورش بـا قرا ر دادن آن در دروس رسـمی ، نمـازجمعه هـا ،مساجـد ، رسـانه هـا وهمه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند .

بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده وشکست آن سخت تر می شود . لذا باید دشمن را معرفی کرد . یک سری از دشـمنی ها با انقلاب صورت می پـذیرد که مردم در تشـخیص آنها نیازمند همین آموزشـها هسـتند . ودر اجرای این فریضـه بایـد یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشـته باشـد . در مسئله جنگ این هماهنگی بود . مشـکل عمده بعد از معرفی منکر ومعروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل بعضی منکرات ،

صورت پـذیرفت ، جایگاه مشخصـی داشـته باشـد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سـری آموزشـهایی است که وقتی مردم به میـدان دعوت می شونـد نیروهای مسـئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشـند . اگر اسـتقبال مناسب نباشـد ونیروها یکـدیگر را خنثی کرده یا در مسئولیت خود اهما ل کنند موفق نمی شوند .

برای شـرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند وبعد از آن مجموعه ها ی بزرگتری اقـدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشـته باشد واول کسانی که آمادگی دارند ونیروهای پیشـتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد .

البته این اشـکال بیشـتر متـوجه مسـئولین اجرایی است زیرا مردم وقـتی دعوت رهـبر خود را به این امر مهّم می بیننـد در صـحنه حاضر می شوند .

مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرماینـد : " وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند ، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت آمر به معروف وخیر وناهی از منکر باشـد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشـته باشـند . همه باید به کارهای جامعه کار داشـته باشند واهتمام بورزند . همه بایـد آگـاه باشـند . همه بایـد معروف شـناس ومنکر شـناس باشـند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا در همه است . امر به معروف به این معناست . والّا اگر ما

امر به معروف را دریک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم ودشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفها ست . تخلفها یک اندازه ویکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها وجرائمی است که پایه های نظام را سست می کند .

نا امیدکردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع واحوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی وپیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است .

امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجورکه شما در خیابان ببینید وبفهمید ومشاهده کنید) به شکلهای گروهکی وبا هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد وبی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرا ت، هم اخلاقی ، هم سیاسی وهم اقتصادی است . همه جا هم جای نهی

از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس وعلم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می توانـد نهی از منکر کنـد . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می توانـد نهی از منکر کند . یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می توانـد نهی از منکر کنـد . روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر وامر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد .

این کار،کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عـده خاصـی مثل نیروهای مسـلح یا نیروهای دیگر باشد ، کارهمه است . البته هر کسـی وظیفه ای دارد . من در پیام تشـکری که منتشـر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف ونهی از منکر پیـدا کننـد . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا بایـد نهی از منکر بکنیـد ودر مقابل کـدام منکر می توانید مقاومت بکنید وبایستید وکدام را می شناسید ، مهم است . کار ، کار مردمی است . البته علمای دین باید مردم راهدایت وراهنمایی کنند . کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند ومنکر را برای آنها شرح بدهند . " (۱)

۱) کوثر ولایت ، مقام معظم رهبری ، ص ۲۷ – ۲۶

امّا اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیرچه کسی است ؟ بایـد اعتراف کرد که موانعی برای عملی شـدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط وجناحهای مختلف است که در روشهای اصلاح جامعه

نظرهـای مختلـف ارائـه می کننـد وهر کـدام برداشـتی را از پیش خـود ارائـه می کننـد وآن تبعیت از رهـبری که بایـد در همه مسئولین باشـد ، نیست . یکی از نتایـج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسـی هم ندارد مثل بحث آزادی و ... آنقـدر اختلاف آراء ونظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسـی اجرایی این فریضه است . این مانع وقتی به مسئولین دولتی سـرایت می کنـد وآنها در اساس این فریضه واجرای آن تردیـد می کنند یا بعضـی ا ز آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب برزمین ماندن این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشتت آراء واختلافات سیاسی و گوش به فرمان رهبری بودن واجرای اوامر ایشان وحفظ وحدت رویّه و وحدت ملّی است .

وظیفه آحاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟

پرسش

وظیفه آحاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟

پاسخ

امربه معروف و نهی از منکر از مهمـترین فروعـات اسـلام است و سـرلوحه مصـلحان بزرگی چـون انبیـا و امامـان بوده است در جـامعه امروز به صـورت فردی و جزئی اجرا می شود امـا توفیق در این مهم منوط به فراگیر کردن این واجب توسـط همه مردم است که ابتـدا بایـد مصـادیق آن را بشناسـند و سـپس اقـدام به این واجب کننـد. در رسـاله هـای عملیه واجبـات وارکان امر به معروف ونهی از منکر به تفصـیل آمـده است از جمله اینکه : بایـد معروف ومنکر شـناخته شود . پس برای همگـانی کردن آن یـک بحث تعلیم وآموزش معروف ومنکر را داریم . امّـا در اقـدام به آن از جمله کسـانی که می تواننـد در این آموزشـها مؤثر باشـند روحـانیون هستند وآمـوزش وپرورش بـا قرا ر دادن آن در دروس رسـمی ، نمـازجمعه هـا ،مساجـد ، رسـانه هـا وهمه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند .

بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده وشکست آن سخت تر می شود . لذا باید دشمن را معرفی کرد . یک سری از دشـمنی ها با انقلاب صورت می پـذیرد که مردم در تشـخیص آنها نیازمند همین آموزشـها هسـتند . ودر اجرای این فریضـه بایـد یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشـته باشـد . در مسـئله جنگ این هماهنگی بود . مشـکل عمده بعد از معرفی منکر ومعروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل

بعضـی منکرات ، صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصی داشته باشد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سری آموزشهایی است که وقتی مردم به میـدان دعوت می شوند نیروهای مسـئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشـند . اگر اسـتقبال مناسب نباشد ونیروها یکدیگر را خنثی کرده یا در مسئولیت خود اهما ل کنند موفق نمی شوند .

برای شـرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند وبعد از آن مجموعه ها ی بزرگتری اقـدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشـته باشد واول کسانی که آمادگی دارند ونیروهای پیشـتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد .

البته این اشـکال بیشـتر متـوجه مسـئولین اجرایی است زیرا مردم وقـتی دعوت رهـبر خود را به این امر مهّم می بیننـد در صـحنه حاضر می شوند .

مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرمایند : " وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند، این به چه معنـاست ؟ چه وقت ممکن است همه آحـاد یک ملت آمر به معروف وخیر وناهی از منکر باشـد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشـته باشـند . همه باید به کارهای جامعه کار داشـته باشند واهتمام بورزند . همه بایـد آگـاه باشـند . همه بایـد معروف شـناس ومنکر شـناس باشـند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا در همه است . امر به معروف به این معناست . والاّ اگر

ما امر به معروف را دریک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم ودشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً ـ درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفها ست . تخلفها یک اندازه ویکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها وجرائمی است که پایه های نظام را سست می کند .

نا امیدکردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع واحوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی وپیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است .

امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجورکه شما در خیابان ببینید وبفهمید ومشاهده کنید) به شکلهای گروهکی وبا هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد وبی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرا ت، هم اخلاقی ، هم سیاسی وهم اقتصادی است . همه جا هم جای

نهی از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس وعلم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می توانـد نهی از منکر کنـد . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می توانـد نهی از منکر کنـد . یک هنرمنـد هم با وسایـل هنری خود می توانـد نهی از منکر کنـد . روحـانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر وامر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد .

این کار،کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عـده خاصـی مثل نیروهای مسلح یا نیروهای دیگر باشد ، کارهمه است . البته هر کسـی وظیفه ای دارد . من در پیام تشکری که منتشـر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف ونهی از منکر پیـدا کننـد . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا بایـد نهی از منکر بکنیـد ودر مقابل کـدام منکر می توانید مقاومت بکنید وبایستید وکدام را می شناسید ، مهم است . کار ، کار مردمی است . البته علمای دین باید مردم راهدایت وراهنمایی کنند . کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند ومنکر را برای آنها شرح بدهند.»(۱)

امّا اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصـیرچه کسـی است ؟ بایـد اعتراف کرد که موانعی برای عملی شـدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط وجناحهـای مختلف است که در روشـهای اصـلاح جـامعه نظرهای مختلف ارائه می کننـد وهر کـدام برداشتی را از پیش خود ارائه می

کنند وآن تبعیت از رهبری که باید در همه مسئولین باشد ، نیست . یکی از نتایج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و ... آنقدر اختلاف آراء ونظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسی اجرایی این فریضه است . این مانع وقتی به مسئولین دولتی سرایت می کند وآنها در اساس این فریضه واجرای آن تردید می کنند یا بعضی ا ز آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب برزمین ماندن این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشتت آراء واختلافات سیاسی وگوش به فرمان رهبری بودن واجرای اوامر ایشان وحفظ وحدت رویّه و وحدت ملّی است .

در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دارند چگونه باید عمل کرد؟ یا به چه مکان ها و شماره تلفنی تماس گرفت که سریعتر عمل کنند؟

پرسش

در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دارند چگونه باید عمل کرد؟ یا به چه مکان ها و شماره تلفنی تماس گرفت که سریعتر عمل کنند؟

پاسخ

بحث امر به معروف و نهی از منکر متأسفانه آنگونه که شایسته و بایسته است در جامعه ما تبیین نشده و افراط و تفریط های زیادی صورت گرفته است عده ای بسیار سخت گیری کرده اند و موجبات عصیان جوانان را فراهم ساخته و عده ای دیگر نیز با آزادی غیر معقول و غیر مشروع به طور عملی به دفاع و حمایت از بعضی منکرات پرداخته اند.

امر به معروف و نهی از منکر آداب، شرایط، مقدمات، ملزوماتی دارند که در کتاب های مربوط و رساله های علمیه مراجع بزرگوار تقلید به آن اشاره شده است. (۱)

اگر امر معروف و نهی از منکر و ارشاد جامعه با شرایط خودش انجام گیرد بهترین و بیشترین تأثیر را خواهد داشت ولی متأسفانه برخی آنرا چماق می کنند و گروهی آنرا تخطئه می سازند و امر به معروف و نهی از منکر با شرایط برای افراد عادی در حد تذکر زبانی و لسانی جنبه وجوب دارد و در مرحله عملی فقط باید توسط حاکم و عوامل حکومت صورت بگیرد و از هرگونه درگیری و تنش باید اجتناب کرد و اگر تذکر و نصیحت مفید نباشد و می توان به عوامل حکومتی اطلاع داد که ستاد اجرایی امر به معروف و نهی از منکر و پاسگاه های انتظامی و نیروی انتظامی و یا ۱۱۳ ادارات اطلاعات شهرستان ها اطلاع داد. البته برخورد قضایی و انتظامی آخرین مرحله

است و اگر بتواند از طریق نصیحت و ارشاد دوستانه و صمیمانه افراد خاطی را هدایت کرد بسیار تأثیرگذارتر خواهد بود چه برخورد فیزیکی افراد را عاصی می کند و نه تنها بسیاری از موافع سازنده نیست بلکه آثار تخریبی منفی دارد. باید ریشه ها و عوامل را شناسایی کرد و در رفع و نابودی آنها تلاش کرد. این روش بسیار موفق تر و کارسازتر است تا برخورد فیزیکی و دستگیری و بازداشت و زندان و شلاق و ...

منابع و مآخذ:

۱ از جمله می توانید به کتاب حماسه حسینی شهید مطهری مبحث عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی مراجعه کنید.

اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلا فردی که فرضاً موهای خود را بسته و لباس چسبیده به تن دارد را به گونه ای ارشاد کنید که به نماز جماعت بیایند که خودتان نیز پیش نماز باشید چگونه برخورد می کنید آیا ممک

پرسش

اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلا فردی که فرضاً موهای خود را بسته و لباس چسبیده به تن دارد را به گونه ای ارشاد کنید که به نماز جماعت بیایند که خودتان نیز پیش نماز باشید چگونه برخورد می کنید آیا ممکن است شما نیز برای این کار حاضر باشید لباس مقدس خودتان را بیرون بیاورید؟

پاسخ

از این که شما برادر عزیز و بزرگوار به این نکته مهم توجه دارید بسیار سپاس گذار و خداوند را شاکریم. این که شما عزیز گرامی به جلب و جذب جوانان می اندیشید که به زعم دیگران در مسیری جدای از مسیر متدینان گام بر می دارید بسیار خوشوقتیم و از خداوند والا مرتبه استمداد می طلبیم و نیز شما از درگاه با عظمتش بخواهید در این مسیر یار و یاور و راهنما و هادی شما باشد.

برادر عزیز که احتمالا در کسوت مقدس اقامه جماعت هستی لابد حتما حد پوشش و لباس را در منابع فقهی و دینی خوانده ای و می دانی که حد پوشش برای مرد چقدر است و تا چه میزان واجب است و بسیاری از سختگیریها که در جامعه ما نسبت به پوشش پسران می شود وجوب شرعی ندارد عرف آنرا نمی پذیرد و چون خلاف عرف است با آن مقابله می شود. همچنین بلندی مو و بستن آن نیز حرام و گناه نیست همچنان که کوتاه کردن موی سر نیز واجب نیست بنابرین در این مرحله باید بدان که فرد مورد نظر گناهکار نیست کوتاه کردن موی سر نیز واجب نیست.

بنابرین در این

مرحله باید بدان که فرد مورد نظر گناهکار نیست فقط عرف جامعه را رعایت نکرده است بنابرین شما در مواجه اولیه با او حق نداری به آنچه که خلاف شرع و دین نیست توجه کنی و به گونه ای القا کنی که کارش خلاف جلوه و در همان ابتدا او را طرد کنی. این مشکلی است که در قالب متدینان و دوستان عزیز ائمه جماعت و مبلغان و ... مشاهد می شود و به جای اینکه به مسایل عمده و زیر بنایی و واجبات و محرمات اسلام توجه کنند به ظاهر به افراد و مسایل جزیی که گاهی اصلا گناه نیست و گاهی ممکن است گناه صغیره باشد توجه می کنند و از امهات مسایل غفلت می کنند.

برادر عزیز! شاید بهترین راهکار برای جذب و جلب جوانان دوستی و رفاقت و برخورد خوش و شیرین باشد. سلام کردن به آنان، گرم گرفتن و احوال پرسی صمیمانه و سوال کردن از وضعیت درسی و... و کمک کردن به آنان اگر متوجه نیازی شدید و...

باید با جوانان رفیق شد. درددل های آنان را گوش کرد. به آنان احترام گذاشت.

آنان را مورد تکریم قرار داد و آنها را صاحب درک و فهم و خرد دانست و با آنان به مشورت پرداخت و از نظرات متقن و محکم آنها استقبال کرد و در جمع اعلام کرد و تشویقشان کرد. نباید به دلیل این که موهایش بلند است به دیدگاه و نظرات او بی اعتنا شد بلکه تعمداً باید دنبال موقعیتی بود تا او را مطرح کنیم و به عنوان فردی با کمال و فضیلت طرح شود. اگر بتوانیم با

جوانان رابطه دوستانه و صمیمانه و صادقانه برقرار کنیم تا آنان احساس کنند دوستشان داریم و قصد نداریم عقایدمان را بر آنان تحمیل کنیم به مرور زمان نا خداگاه همانند سازی پیدا خواهد شد و سعی خواهد کرد مثل ما بشود البته در این ارتباط دوستانه ضرورتی وجود ندارد انسان اصول و معیارهای خودش را کنار بگذارد. مثلاً لباس مقدس روحانیت را کنار بگذارد تا به زعم خودش جوانا ن با او ارتباط برقرار کنند. بلکه برعکس جوان با این فرد با دیده فردی بی پایه و اساس نگاه خواهد کرد ممکن است با او دوست بشود ولی او را به عنوان رهبر نخواهد پذیرفت. طلبه باید طلبگی خودش را حفظ کند ولی با جوانان درست باشد و اگر مثلاًـ قرار شد با آنان فوتبال بازی کند لباسش را درآورد و بازی کند ولی پس از آن مجدداً به کسوت اصلی خودش باز گردد و لباس خودش را بپوشد. این نشان دهنده ثبات شخصیتی او خواهد بود و جوان به او تکیه و اعتماد می کند.

در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و نمی شود علم آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و آیا در چنین مواقعی شنیدن اینگونه مبتذلها و دیدن نوارها و سی دی های تحریک کننده چه

پرسش

در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و نمی شود علم آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و آیا در چنین مواقعی شنیدن اینگونه مبتذلها و دیدن نوارها و سی دی های تحریک کننده چه حکمی دارد و برای جلوگیری از این گونه مسائل چه باید کرد؟

پاسخ

وظیفه دولت و مردم در برابر انحرافات

"قسم به کسی که جانم در دست اوست، برخی از امتم در قیامت به صورت خوک و میمون محشور می شوند، بخاطر مدارا کردن آنها در برابر معاصی و خودداری از نهی از منکر در حالی که قدرت آن را دارند" (۱) پیامبر اکرم (ص)

"کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، خلیفه خدا و رسول در روی زمین است" (۲) پیامبر اکرم (ص)

"آیا شما را خبر دهم به اقوامی که پیامبرو شهید نیستند، ولی در قیامت انبیاء و شهدا بر آنها غبطه می خورند؟ آنان کسانی هستند که بندگان خدا را دوست دارند و در روی زمین خیر خواه آنان هستند، آنها را به آنچه خداوند را دوست دارد امر و از آنچه اکراه دارد نهی می کنند" (۳) پیامبر اکرم (ص)

حضرت امام خمینی (ره):

امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد بر

دیگری نه، همه ما مکلفیم که همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، ملکف هستیم دیگران را همین طور

دعوت کنیم. هر مقداری که می توانیم، شما نباید بگویید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل محراب نیستم، شما اهل این هستید که در خانواده تان، با آن پسرتان و با آن دخترتان و با اولیائتان، با آن کسی که رفیق شما هست، می توانی حرف بزنید، همین مقدار شما مکلفید، اگر انسان دید معصیت خدا می شود، باید جلویش را بگیرد، نگذارد، معصیت خدا بشود. (صحیفه نور، ج۱۱، ص۸۴)

امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است، فقط من و شما به عنوان مسؤولان کشور وظیفه مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین تر است. باید از شیوه ها ووسائل مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند. با چهار تا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می افتد، نه ارزش تأثیرگذاریش ساقط می شود. قوام و رشد و کمال

و صلاح، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است؛ این هاست که نظام را همیشه جوان نگه می دارد. چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی همیشه تر و تازه و با طراوت و شادب می ماند. طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه این که از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ اینکار یا این حرف درست نیست.

امر و نهی باید با حالت استعلا ء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیأن بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می کنی؟ طرف، هر کسی هست حالا بنده که طلبه حقیری هستم از بنده مهمتر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد. (۴)

حضرت آیت الله بهجت:

امر به معروف و نهی از منکر با شرایط آن واجب است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

تکلیف همه بدون استثناء رعایت احکام شرع و حلال و حرام دین است و هر کسی بر طبق توان خود امر به معروف و نهی از منکر نماید تا خدای ناخواسته تدریجاً معروف، منکر نشود و منکر عنوان معروف پیدا نکند.

حضرت آیت الله تبریزی:

چنانچه دولت بخواهد مشروعیت داشته باشد باید از مظاهر فساد جلوگیری کند و وظیفه مردم حتی المقدور نصیحت و راهنمایی دیگران و حفظ اهل و عیال خود می باشد.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

امر به معروف و نهی از منکر طبق شرایط و مراحل آن باید انجام شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

همه موظف به احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر هستند.

حضرت آیت الله سیستانی:

تکلیف، امر به معروف و نهی از منکر است.

"شنیدن و استماع موسیقی قساوت قلب می آورد" (۵) پیامبر اکرم (ص)

"هیچ گناهی را کوچک مشمارید که انسان وقتی در

قیامت به گناهان خود می نگرد، دیدگانش چرک می گرید" (۶) پیامبر اکرم (ص)

"به کوچکی گناه ننگرید، به کسی که جرأت مخالفت با او کرده اید نگاه کنید" (۷)

دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گـذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم که به او بگویم. البته جو خـانه آنها همینطور است ولی دوسـتم را از نظر اخلاقی، معرفتی و دینی خیلی دوست دارم او اهل نماز روزه و دعا هم هست

پرسش

دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم که به او بگویم. البته جو خانه آنها همینطور است ولی دوستم را از نظر اخلاقی، معرفتی و دینی خیلی دوست دارم او اهل نماز روزه و دعا هم هست و مدت ۱۸ ماه است با او دوست هستم. شما بگویید که چه کاری به صلاح ام است؟

پاسخ

همانگونه که خودت ابراز نموده ای از موارد خلاف متنفر هستی و از گناه کردن اجتناب می ورزی ولی در مواجه با دوستت خجالت و کم رویی مانع از این می شود که از ارتکاب خلاف خودداری ورزی ولی باید بدانی که در امور فوق خجالت مفهومی ندارد و حاکی از عقل و اندیشه نیست.

تو باید به نحوی از ابتلاـ به آن کارها خودداری ورزی. شما می توانی در خارج از منزل وقتی با یکدیگر تنها هستید با بیان مضرات و دلایل متقن و محکم و عواقب موارد فوق به آن دوست خودت تفهیم کنی که اشتغال به آن کارها مضر است و انسان را از مسیر اصلی زندگی حیات بخش و سعادت آفرین ممکن است منحرف سازد و البته می توانید بجای آنها از موسیقی و نوارهای شاد و جذاب و مجاز استفاده کنید نه این که فقط مخالفت بورزی بلکه با بیان مضرات و عواقب سوء آن سعی کنید هر دوی تان از اجتناب به آن ارتکاب ورزید و برای اقناع حس و روحیه زیبایی طلبی خویش از موسیقی جذاب شاد و مجاز بهره مند شوید.

می

توانید کتاب ها و آثار مربوط به مضرات و آثار سوء مربوط به موسیقی مخرب را مطالعه کنید تا هم خودتان به صورت علمی دلایل تحریم و حرمت موسیقی و غنا را بشناسید و هم بتوانید دیگران را آگاه سازید.

شما دوست عزیز حتما باید قبل از رفتن به منزل آن دوست خودت این مسئله را بسیار دوستانه و صمیمی مطرح کنی و بگویی که بسیار او را دوست داری ولی از آن مسئله ناراحت هستی و تا به حال هم به همین دلیل علی رغم ناراحتی خودت آنرا مطرح نکرده ای و او را نیز قبول داری و یادآور بشوی که اعمال خوب و نماز و روزه ها از آن طریق تباه شده یا خواهد شد و یا در معرض تباهی قرار دارد.

و نیز متذکر شوی که می توانید به طور مشترک به موسیقی های مجاز گوش کنید و خود را اغنا کنید و مانعی برای پیشرفت علمی و عملی خودتان فراهم نسازید. و نیز یادآور شوید که اگر این امر ادامه پیدا کند با کمال تأسف و حسرت در منزلشان حضور نخواهی یافت. خجالت و کم رویی در این موارد را کنار بگذار و در یک فرصت مناسب در پارک یا... آنرا مطرح کن.

امیدوارم موفق به هدایت آن دوست بشوی.

اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم عروسی را ترک کنیم صاحب خانه ناراحت می شود باز هم باید از آنجا برویم؟ راهنمایی کنید؟

پرسش

اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم عروسی را ترک کنیم صاحب خانه ناراحت می شود باز هم باید از آنجا برویم؟ راهنمایی کنید؟

پاسخ

توجه شما را به پاسخ استفتائات ذیل از مراجع عظام جلب می کنیم:

پاسخ از آیت الله صافی گلپایگانی:

ما دو خواهر ۱۹ ساله هستیم، با توجه به اینکه مجالس عقد و عروسی و از این قبیل که در آنها از نوارهای موسیقی و رقص زنان برای زنان به کار برده می شود و این مورد حرام است، از شرکت در این مجالس خودداری می کنیم. این مسأله تا اندازه ای باعث مخالفت پدر و مادر و اطرافیان شده است و حتی بسیاری از آنان با گفتن مواردی مثل کناره گیری از مردم یا دوری از اجتماع و مسخره کردن ما و این که به ما می گویند: شما همیشه نمی توانید این طور ادامه دهید، و با توجه به این که ما مجرد هستیم و در تمامی مجالس دعوت شده موارد فوق وجود دارد از نظر اجتماعی با مشکلاتی روبرو شده ایم، با این وجود

نمی خواهیم به هیچ عنوان بر خلاف اسلام عمل کنیم و به ما پیشنهاد می شود که راه تقیه را پیش بگیرید یا اینکه شما در این مجالس بیایید و نظری ندهید و گوشه ای بنشینید این نظرها برای ما قابل قبول نیست چون دلیلی بر تأیید آنان نمی دانیم و در ضمن روبرو با صداها و لهو و لعب های آنان هستیم و فکر می کنیم شرکت در این مجالس

باعث عادی شدن این گناه می شود. خواهشمندیم در این مورد ما را راهنمایی فرمایید.

پاسخ: شرکت در مجلس معصیت جایز نیست و مورد سؤال از موارد تقیه محسوب نمی شود. خداوند به شما توفیق بدهد؛ شما در این گونه مجالس شرکت نکنید تا دیگران از استقامت شما در این امر پند بگیرند. (۱)

حضرت آیت الله خامنه ای:

شرکت کردن در مجالس حرام در هر صورت جایز نیست و امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است.

حضرت آیت الله بهجت:

این نوع بها نه ها باعث حلال شدن حرام الهی نمی شود.

حضرت آیت الله صافی گلپایگا نی:

شرکت در مجالس معصیت جایز نیست.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

در صورتی که نتوانید آنها را نهی از منکر کنید نباید شرکت کنید.

حضرت آیت الله تبریزی:

می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب نهی از منکر نمایید اگر اثر نکرد حرکت نمایید در این صورت مأجور هستید.

حضرت آیت الله سیستانی:

اگر مبتلا به حرام می شود جایز نیست.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

شرکت در مجالسی که در آن عمل حرام و گناه صورت می گیرد و انسان نمی تواند نهی از منکر کند صحیح نیست و اگر علت عدم شرکت را بدانند دشمنی و خصومت نمی کنند.

آیت الله العظمی اراکی(ره):

موسیقی مطرب و ملهی و ترانه های مبتذل حرام است و نیز شرکت در مجالس حرام.

موسیقی از اموری است که البته هر کس به حسب طبع خوشش می آید لیکن انسان را از جدیت بیرون می برد و به یک موجود هزل و بیهوده می کشاند، موسیقی فکر انسان را طوری می کند که دیگر نتواند در غیر محیط موسیقی و

شهوات و اموری که مربوط به موسیقی است فکر بکند."سخنرانی حضرت امام خمینی، ۳۰/۴/۸۳"

منابع و مآخذ:

۱ جامع الاحکام، ج۱، ص۱۰۱۱

برگرفته از کتاب مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ج۱، سید محسن محمودی، ص۱۴۴،۱۴۳

اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک مجلس، امر به معروف و نهی از منکر نیز محقق نشود وظیفه فرد چیست؟ ماندن در آن مجلس چه حکمی دارد؟

پرسش

اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک مجلس، امر به معروف و نهی از منکر نیز محقق نشود وظیفه فرد چیست؟ ماندن در آن مجلس چه حکمی دارد؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما نظرتان را به استفتائی از آیت الله خامنه ای در همین رابطه جلب می نماییم.

س: ۱ شرکت در جشنهایی که زنان و مردان در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی بطور جداگانه می کنند چه حکمی دارد؟

۲ آیا شرکت در عروسی هایی که در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی می شود، جایز است؟

۳ آیا نهی از منکر در مجالسی که در آنها رقص انجام می شود، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر در شرکت کنندگان تأثیری نداشته باشد، واجب است؟

۴ رقص مختلط زن و مرد چه حکمی دارد؟

ج: بطور کلی اگر رقص باعث تهییج شهوت شود یا همراه با عمل حرام و یا مستلزم آن بوده و یا به صورت مختلط بین زنان و مردان اجنبی باشد، جایز نیست و فرقی نمی کند بین اینکه در جشنهای عروسی باشد یا غیر آن و شرکت در مجلس معصیت هم اگر مستلزم ارتکاب حرام مانند گوش دادن به موسیقی مطرب و لهوی مناسی با مجالس لهو و گناه باشد و یا حضور در آنها تأیید گناه محسوب شود، جایز نیست و اما تکلیف امر به معروف و نهی از منکر با عدم احتمال تأثیر ساقط است.

منابع و مآخذ:

رساله اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، ج۲، ص۱۱۹

وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می گیرد وظیفه افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست

پرسش

وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می گیرد وظیفه افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست

پاسخ

همان طور که می دانید، امر به معروف و نهی از منکر با رعایت تمام شرایط که در رساله های عملیه ذکر شده است بر همه مردم واجب است لذا وظیفه ما این است که این فریضه مهم را به شیوه ای صحیح مشفقانه و ناصحانه انجام دهیم تا بتوانیم تارك معروف و عامل منکری را که مغرض نیستند، ارشاد کنیم و اگر هم مغرض هستند; فرصت انجام دادن اعمال زشت را از آنان بگیریم

هم اکنون در جامعه بی بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی اعتنایی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن حرمت حجاب دهن کجی به اسلام روی کار آمدن مطرب ها و رقاص ها، رمالی دعانویسی جادوگری جرأت پیدا کردن اراذل و اوباش

پرسش

هم اکنون در جامعه بی بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی اعتنایی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن حرمت حجاب دهن کجی به اسلام روی کار آمدن مطرب ها و رقاص ها، رمالی دعانویسی جادوگری جرأت پیدا کردن اراذل و اوباش و... شیوع پیدا کرده است انجام وظیفه آمران به معروف و ناهیان از منکر با سکوت مسئولان بی اثر یا کم اثر است لطفاً بفرمایید: ما با این دهن کجی ها و بی احترامی ها چه کنیم و دادمان را کجا ببریم

پاسخ

مسئله انحرافات اجتماعی و ترویج فساد و فحشا و فسق و فجور در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش ِانسان وجود داشته و دارد و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با فاسدان زمان خود درگیر بوده اند.

بعد از رسالت ِخاتم ِپیامبران حضرت محمد۹، دشمنان اسلام نیز در محیطهای مختلف و با استفاده از پیشرفته ترین ابزارهای تبلیغی همواره سعی در منحرف کردن مسلمانان داشته اند که نمونه روشن آن فریب کاری های معاویه و یزید است که به

شهادت حضرت علی و امام حسین منجر شد.

قرآن کریم برای مبارزه و مقابله و پیشگیری از این تهاجم برنامه های جامع و عملی را ارائه داده که نمونه ای از آن چنین است

۱. شناخت خدا و اطاعت از او; چنان که قرآن می فرماید: "وَ أَن ِ اعْبُدُونِی هَذَا صِرَ طٌ مُّسْتَقِیم (یس ۶۱) و این که مرا بپرستید. این راه راست است "

۲. تقویت باورهای دینی قرآن می فرماید: "قُل ْأَنَدْعُواْ مِن دُون ِ اللَّه ِ مَا لاَ یَنفَعُنَا وَلاَ یَضُرُّنَا;(انعام ۷۱) بگو: آیا

به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می رساند و نه زیانی " بنابراین به هیچ بهایی نباید در باورهای دینی مان تردید کنیم و از آن ها دست برداریم

۳. به پا داشتن نماز و احیای این فرهنگ در جامعه و مراقبت در اوقات نمازهای پنجگانه چنان که قرآن می فرماید: "إِنَّ الصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنكَرِ;(عنکبوت ۴۵) نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد".

۴. اجرای فرهنگ "امر به معروف و نهی از منکر" و احیای آن در جامعه و فضای جامعه قرآن می فرماید:

"وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون (آل عمران ۱۰۴)]مردم را[به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند."(ر.ک فرهنگ و مقاومت فرهنگی مهدی نوید / تهاجم فرهنگی آیه الله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی سخنان مقام معظم رهبری دامت برکاته .)

۵. ترویج فرهنگ ازدواج و تسهیل آن چنان چه در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نور آمده است و پیامبر گرامی اسلام فرمود: "من تزوّج فقد احرز نصف دینه هر کس ازدواج کند به درستی که نیمی از دین خود را پاسداری کرده است .(برای دیدن برخی روایات در این باره ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹ ۲۲۰.)

آن چه مهم است انجام وظیفه است و خداوند بیش از حد توان تکلیفی نخواسته است "لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا;(بقره ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کند."

لذا، انسان متعهد، تا توان دارد خوب است انجام

وظیفه کنـد، ولی نتیجه را به خداوند واگذار کند; زیرا، خود خداوند می فرماید: "وَ قَال َ مُوسَی ٰ إِن تَکْفُرُوٓا۟ أَنتُم ْ وَ مَن فِی الاْ ?رْض ِ جَمِیعًا فَإِن َّ اللَّه َ لَغَنِی ٌّ حَمِید;(ابراهیم ۸) و موسی ع (به بنی اسرائیل گفت اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد، چرا که خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است "

به هر حال اقدام مقتضـی در حد توان در تمامی جهات و ابعاد، امر به معروف و نهی از منکر با شرایط و ضوابطی که دارد، دعا و توسل برای بهبودی وضع جامعه هماهنگ شدن با مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه و... از جمله اموری است که شایسـته است به آن توجه شود.

اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم

پرسش

اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم

پاسخ

یکی از فروعـات دیـن اسـلام کـه ماننـد نمـاز و روزه واجـب اسـت "امر بـه معروف و نهی از منکر" اسـت یعنی اگر مسـلمانی مشاهـده کنـد که مسـلمان دیگر ترک معروف یعنی ترک واجب می کنـد باید او را به انجام معروف امر کند. و هم چنین اگر مشاهده کند مسـلمانی منکری یعنی حرامی را انجام می دهد، باید او را از انجام منکر نهی کند. امّا هم چنان که واجبات دیگر ما، ماننـد نماز، روزه خمس حـج جهاد و غیره هر کدام شـرایطی دارند که باید آن ها را با رعایت تمام شـرائط و ضوابط انجام شوند، امر به معروف و نهی از منکر هم همین طور هسـتند و شرائط و مراحلی دارد که لازم است مراعات شود. در ابتدا بایستی با برخوردهایی بسیار آرام و دوستانه و از روی دلسوزی و مهربانی شروع شود. حتی خداوند وقتی حضرت موسی ع و برادرش هـارون را به سوی فرعون می فرسـتد. به آنـان دسـتور می دهـد که ابتـدا برخورد ملاـیم داشـته باشـید: "فَقولا لَه ُ قَولاً لَیِّنًا لَعَلَّه ُ یَتَذَکَّرُ اَو یَخشی َ;(طه ۴۴) امّا به نرمی با او سـخن بگوییـد; شایـد متـذکر شود، یا]از خـدا[بترسد." اگر در این مرحله تأثیری ندیدید شـما انزجار و تنفر خود را از عمل او به او نشان دهید آن مقدار که بفهمد که عمل او گناه است و مورد تنفّر شماسـت البته ممکن است این عمل زمان ببرد و طول بکشد لذا شما باید صبر داشته باشید و از

میدان خارج و ناامید نشوید در هر صورت اگر موفق به هدایت او شدید که اجر شما نزد خدا محفوظ است و اگر هم نشدید شما وظیفه خود را انجام داده اید و تا وقتی که احتمال می دهید نهی از منکر شما مؤثر باشد به همین صورت که گفته شد نهی از منکر خود را ادامه می دهید.(ر.ک تحریر الوسیله امام خمینی ، ج ۱، ص ۴۲۷ و ۴۲۸، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم

پرسش

در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم

پاسخ

انسان دو وظیفه دارد:

۱. وظیفه شخصی؛ ۲. وظیفه اجتماعی ۱. وظیفه شخصی او این است که اگر زن باشد، هنگام خروج از منزل آرایش نکند و لباسی نپوشد تا باعث جلب توجه دیگران شود. در راه رفتن طوری باشد که راه رفتن او باعث جلب توجه دیگران نشود. مردان هم از نگاه به او با قصد لذت و شهوت بپرهیزند. چنانچه آیه ۳۱ از سوره نور دلالت بر این مطالب دارد: "به زنان با ایمان بگو چشم های خود رااز نگاه هوس آلوده فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را (جز آن مقدار که نمایان است) آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهران شان یا پسران شان یا پسران همسران شان یا برادران شان یا پسران برادران شان یا پسران خواهران شان یا زنان هم کیش شان یا کنیزان شان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود. و همگی به سوی خدا؛ ** باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید".

۲. وظیفه اجتماعی افراد، امر به معروف و نهی از منکر است و آیات و روایات زیادی در خصوص این وظیفه وجود دارد.

در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر

به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د)حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها است. ه') ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنیدیاشنیدکس و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

پدر و مادری که دچار منکر شده اند, چگونه می توان , آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد, اگر نصیحت تاثیر نکرد, می توان به آنها اخم یا تندی کرد؟

پرسش

پدر و مادری که دچار منکر شده اند, چگونه می توان , آنها را امر به معروف و نهی

از منکر کرد, اگر نصیحت تاثیر نکرد, می توان به آنها اخم یا تندی کرد؟

پاسخ

امر به معروف ونهی از منکر در مورد هر کسی واجب است. ولی باید با شرایط خاص خود انجام گیرد. فرزند بارعایت احترام رفتاری جذاب و زبانی سازنده و منطقی می تواند والدین خود را نصیحت کند. در مورد اخم کردن نیزمساءله تحت قاعده اهم و مهم قرار می گیرد.{J

وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند, چیست ؟

پرسش

وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند, چیست ؟

پاسخ

به فتوای آیه الله مکارم احتیاط واجب در نتراشیدن صورت است. شما در صورتی که می توانید با مهربانی وعطوفت ایشان را ارشاد کنید.{J

وظیفه مادرقبال دختردانشجویی که ازدواج کرده ,ولی بایک دکترمتخصص ارتباط پیدا کرده وقصدداردازشوهرخودطلاق بگیرد,درحالی که شوهرش ازاین امرمطلع نیست ,چیست ؟

پرسش

وظیفه مادرقبال دختردانشجویی که ازدواج کرده ,ولی بایک دکترمتخصص ارتباط پیدا کرده وقصدداردازشوهرخودطلاق بگیرد,درحالی که شوهرش ازاین امرمطلع نیست ,چیست ؟

پاسخ

لازم است یکی از خواهرانی که از آگاهی های دینی و متانت بیشتری برخوردار است به طور خصوصی او را نصیحتکند و به او بفهماند که چنین کاری دام خطرناک شیطانی و گناهی بسیار بزرگ است و مسلما عواقب سوئی دارد. از نظرشرعی نیز زنی که شوهر دارد جایز نیست با شخص دیگری طرح دوستی یا ازدواج بریزد. در صورتی که نصیحت هایمشفقانه سودی نبخشید

مجددا مکاتبه فرمایید. هم چنین در صورت امکان او را تشویق کنید که در مورد مسأله خود بااین واحد مکاتبه و مشورت نماید.{J

می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید.

پرسش

می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید.

پاسخ

موفقیت روز افزون شما عزیزان را در راستای پیشبرد اهداف مقدس اسلامی و آرمان های انقلابی از خداوند بزرگخواستاریم. اقدام خردمندانه شما مبنی بر تشکیل گروه ناصحین بسیار ارزنده و در خور تقدیر است. در این راستا لازماست نکاتی چند را در نظر گیرد:

الف) در گزینش افراد برای همکاری رعایت برخی از امور ضروری است:

۱- ناصحین باید نسبت به احکام دینی آگاهی کافی داشته و خود نسبت به آنها ملزم و پایبند باشند. بنابراین از عناصربد سابقه و دارای برخی از کجروی ها باید بپرهیزید.

۲- در روند نصیحت و امر به معروف درایت ملایمت ملاطفت و پختگی نقش بسیار سازنده ای دارد. از همین روعناصر تندرو خشن و افراطی برای این کار چندان مطلوب نیستند. البته از آنان می توان در برخی ابعاد کمک گرفت ولیبرای مباشرت هرگز.

۳- عناصری که به هر شکل گرفتار خود بزرگ بینی شده حتی اگر به سبب امتیازات واقعی باشد و دیگران را به خاطراندك خلافی هیچ و پوچ می انگارند برای این کار مناسب نیستند. برعکس شما باید از کسانی استفاده کنید که نسبت بهدیگران دلسوز واقعی بوده و با دیگران با رعایت شوءون و شخصیت شان سخن می گویند و تحمل و بردباری در برابرناهنجاری های آنان را دارند.

۴- از تشکلات مختلف دانشجویی می توانید در این زمینه مدد جویید ولی هر فردی باید این تعهد را داشته باشد که درروند نصیحت و ارشاد مصالح خاص گروهی و تشکیلاتی خود را در نظر نگیرد. بل همگان باید متعهد به یك وظیفهناب و خالص الهی اسلامی و

انقلابی باشند.

ب) علاوه بر این نکاتی چند را در روند نصحیت و امر به معروف و نهی از منکر باید رعایت کنید:

۱- مقررات مربوط به امر به معروف و شرایط و ابعاد آن را دقیقا به نیروهای خود آموزش دهید. در این زمینه می توانیداز روحانیون در دسترس و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مدد جویید.

۲- در برخوردهای مستقیم از پخته ترین عناصر خود استفاده کنید و حتی می توانید نسبت به شخصیت کسانی که باآنان برخورد می کنید در بین افراد خود نیرو گزینی کنید. مثلاـ اگر قرار است نکته ای را به یکی از اساتید خود تذکر دهیدحتی الامکان از نیرویی استفاده کنید که برای آن فرد قابل پذیرش باشد. بنابراین نوعی طبقه بندی بر اساس تیپشناسی محیط در پیشبرد فعالیت هایتان مفید است.

۳- در برنامه های خود اصل را بر سازندگی قرار دهید نه تخریب.

به عبارت دیگر باید جاذبه ای در حد اعلا و دافعه ای در حد ضرورت داشته باشید. بسیاری از کسانی که امروز بهخوبی گرفتار آلودگی شده و می شوند زمینه های بسیاری جهت اصلاح دارند و برنامه ریزی های مفید و سازنده و چهبسا کوشش در جهت حل برخی از مشکلات آنان می تواند مسیر زندگیشان را دگرگون سازد.

در پایان ضمن آرزوی مجدد توفیق شما عزیزان کتاب های نصیحت و ناصحین و امر به معروف و نهی از منکر چاپجامعه اسلامی ناصحین قم تقدیم می گردد.{J

وظیفه داماد در مقابل منکراتی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟

پرسش

وظیفه داماد در مقابل منکراتی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟

پاسخ

- اگر داماد خود زمینه منکر را فراهم نکرده باشد و وظیفه ارشادی خود را نیز انجام دهد، گناهی بر او نیست؛ ولی چنانچه تدابیر لازم را انجام ندهد و خود زمینه را برای منکر فراهم سازد، او نیز شریک در گناه خواهد بود.

مجلس عقد و عروسی مورد نظر اسلام باید بدین گونه باشد:

۱ زن و مرد از یکدیگر مجزا باشند.

۲ از موسیقی های لهوی و حرام استفاده نشود.

البته این دو مورد از مهم ترین منکراتی است که در برخی از مجالس به چشم می خورد.

برای رونق این گونه مجالس، راه های ذیل پیشنهاد می گردد:

– استفاده از مداحانی که قادرند با اشعار مناسب و شاد مجلس را سرگرم کنند.

– استفاده از شعبده بازی و تردستی.

– استفاده از کسانی که با گفتن لطیفه ها و شیرین کاری، دل ها را شاد می کنند.

– استفاده از وسیله ای غیر از آلات مختص غنا (مانند ظروف و دبه ها) برای ریتم و کف زدن.

– دعوت از سخنران مناسب که با سخنان شیرین و جذاب مجلس را گرم نماید.

– در کارت دعوت می توانند این جمله را نیز بیفزایند: «مراعات احکام شرعی دل ما را شاد می کند».

آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟

پرسش

آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟

پاسخ

تندروی و افراط در ایجاد محدودیت حتی نسبت به مباحات شرعی همان گونه که فرموده اید درست نیست و نتایجخوبی ندارد ولی تشخیص بعضی از موارد به عهده کارشناسان فرهنگی است.{J

با توجه به اینکه در اکثر خانوادها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که منزوی نشویم ؟

پرسش

با توجه به اینکه در اکثر خانوادها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که منزوی نشویم ؟

پاسخ

خودداری از شنیدن چنین نوارهایی موجب انزوا نیست ما نیز نباید در برابر گوش دهندگان آنها حالت ضعف وانفعالی داشته باشیم؛ بلکه باید با صراحت و قاطعیت از موضع خود دفاع نموده و مهمتر ازاین با وجود شرایط آنان رانهی از منکر نموده و به وظایف شرعیشان آشنا سازیم.{J

وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟

پرسش

وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟

پاسخ

وظیفه هر مسلمانی در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر جمع باشد همان امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

البته در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن.

امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی از منکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتند از:

۱ آمر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد

۲ کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد

۳ مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود مثلاًـ اگر با آرامش می توان نهی کرد از پرخاش خودداری شود.

۴ احتمال تأثیر داده شود.

۵ برای آمر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو

سپس تـدریجا به بیـان ایرادات وارد بر آنهـا پرداخته شـود. در این زمینه هم سـعی شـود اول یـک مسـئله مطرح شـود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی

یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها است.

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید به ما مربوط نمی شود و نباید از آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس

در بند این مباش که نشنید یا شنید کس

و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی:

۱- امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود، چنانچه مخالفت قلبی سودی نبخشید باید با زبان به نهی پرداخت و چنانچه با زبان نیز مؤثر نبود عملاً شخص را از کار بد باید بازداشت.

۲- اظهار ناراحتی قلبی در برابر بدی ها عبارت است از چهره درهم کشیدن، روی گرداندن، دوری گزیدن و ترک رفت و آمد و مانند آن به طوری که به طرف بفهماند که او کار بدی می کند و از او می خواهد که دست از آن بردارد.

۳- راضی بودن به ارتکاب گناه خود حرام است(رساله نوین، ج

۴، ص ۱۵۵).

در مجموع امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین وظایف است و والاترین و مؤثرترین و دلنشین ترین آن در قلب ها، وقتی است که عهده دار امر به معروف و نهی از منکر، خود آراسته به نیکی ها چه واجب و چه مستحب بوده، از بدی ها حتی از مکروهات بر کنار و اخلاقی پیامبرگونه و روحانی داشته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا منزه بوده تا جایی که با عمل و رفتارش مردم را به نیکی ها ترغیب و از بدی ها بازدارد و مردم از وی پیروی کنند.

برای کسب آگاهی بیشتر ر.ك:

۱- رساله نوین، ج ۴، مسائل سیاسی و حقوقی، امام خمینی

۲- امر به معروف و نهی از منکر، آیت الله حسین نوری

۳- دو فریضه بزرگ، سید جعفر میرعظیمی

۴- امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم

پرسش

پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم

پاسخ

از این که دلسوز پدر خویش بوده و در صدد ارشاد ایشان هستید خوشوقت شدیم و انصافاً این تلاش شما شایستهتقدیر است. با توجه به ویژگی های پدرتان، پیشنهاد ما به شما در راهنمایی ایشان چند چیز است که ان شاءاللّه و بادقت، سعی در انجام آن داشته باشید:

الف) سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی پدرتان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگردشایسته ای، با پدرتان درباره نماز صحبت کنند. این کار را می توان از طریق جلسه میهمانی یا در طول مسافرت به انجامرساند.

ب) با عمل خویش انگیزش خواندن نماز را در او ایجاد کنید. سعی کنید شما، مادر، برادر و دیگر اعضای خانواده، نمازتانرا هنگام حضور پدر در خانه برگزار کنید و شور اشتیاق خود به نماز و راز و نیاز با خدا را هر چه بهتر به منصه ظهوربرسانید.

ج) فلسفه نماز را در فرصت های مناسب بیان کنید؛ مثلاً سؤال و جواب هایی که قبلاً تهیه دیده اید، بین شما و برادرتان و

یاهر کس دیگری مطرح و جواب داده شود. البته لازمه اش مطالعه و پیش بینی قبلی است. به عنوان نمونه در اینجا بهچند جمله اشاره می شود: فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. جبلّت القلوب علی حبِّ من احسنالیها ؛ قلب ها بر اساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است{M و از آنجا که در اصل خدای سبحانخالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن

اوست. بنابر این لازماست به اقتضای تکلیف فطری خودمان از قادر منّان تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیتی باشد؟انبیای الهی روشنگر این حقیقت بوده اند و نبیّ مکرّم اسلام نیز به نوبه خویش نماز را با این شکل و هیئت خاص به مامعرفی فرموده اند. بنابر این همان گونه که پروردگار مهربان هر شب و روز، ما را رهین الطاف و برکات خویش گردانیدهاست، ما بندگان نیز موظّفیم هر چند ساعت یک بار در برابر محبوب قلب و عزیز دلمان بایستیم و از او نهایتسپاسگزاری و تشکر را بنماییم. نماز تشکر است، تواضع است، تجدید عهد با خداست، ابراز نیاز در برابر بی نیاز مطلقاست. نماز زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل است. نماز انسان را به خدا نزدیک و با او مأنوس می کند و اصولاً اگر نماز باتوجه و خشوع و حضور قلب ادا شود، به یقین در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را از زشتی ها و گناهان مصونیّتمی بخشد.

د) پیشنهاد دیگر اینکه تلاش کنید به هر کیفیت و طریقی شده، ایشان را به نماز جمعه و جماعت ببرید که با دیدن عبادتو نماز دیگران تحت تأثیر قرار گیرد.

و) تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت ها در نزد ایشان صحبت کنید؛ مثلاً حضرت علی(ع) با همه شخصیت وگرفتاری هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز می پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی،علمی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید.

ه) سفرهای زیارتی همان گونه که اشاره کرده اید نظیر سفر مشهد، سوریه و حج می تواند در ایشان نقش مؤثری داشتهباشد. بنابر این سعی

کنید ایشان را به این گونه مسافرت ها تشویق نموده و انگیزش دهید. در خاتمه توصیه ما به شمااین است که با توضیحی که راجع به پدر خود داده اید، مشخص است که زمینه اصلاح و ارشاد در ایشان زیاد است وبدون اینکه ناامید باشید با حوصله و به تدریج به تلاش خود ادامه دهید. ان شاءاللّه نتیجه جالبی در این زمینه خواهیدگرفت.

در ضمن مطالعه کتاب های ذیل در این زمینه مفید است:

۱- راز نماز محسن قرائتی

۲- پاداش های نمازگزاران

۳- داستانها و حکایت های نماز (۱)

۴- یکصد و چهارده نکته درباره نماز {J

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟

پرسش

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟

پاسخ

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشا، اختلاس و... اگر در حدّی است که جای اغماض وجود دارد و چه بسا طرف خودش بهتخلف و زشتی رفتار خود پی ببرد، بهتر است نادیده گرفته شود. و اگر طرف بر این تخلف خود اصرار ورزید، دیگرجای اغماض هم نیست. در صورت امکان باید به امر و نهی او پرداخت و او را متنبه رفتار زشت خویش ساخت. البتهدر این هنگام باید مراتب امر و نهی کاملاً مراعات شود.

اگر هیچ یک امکان نداشت یا کارگر نیفتاد، در این صورت نوبت به مرحله سوم می رسد که باید به مسؤول رده بالاترگزارش داد؛ آن هم حتی الامکان به گونه ای ظریف و با مهارت بدون آن که کسی بو ببرد. برای پنهان ماندن این موضوع،می توان از صندوق انتقادات و پیشنهادات استفاده کرد. به هر حال این گونه برخوردها، باید در کمال دقت و ظرافتانجام گیرد تا نتیجه مطلوب به دست آید.{J

اصلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستانم هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که مثلاً حجابتان را رعایت کنید و ... لطفاً کمکم کنید.

پرسش

اصلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستانم هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که مثلاً حجابتان را رعایت کنید و ... لطفاً کمکم کنید.

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاك و عواطف دینی شما، به آگاهی می رساند که مسأله امر به معروف و نهی ازمنکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و ازهمین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی وقضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن – که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد – به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت:

۱– جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲– آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳– بهتراست امربه معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴– عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵– حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و

ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است. یعنی باید این مسئله در جامعه و به ویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسؤولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.

امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟

پاسخ

همه مراجع امر به معروف و نهی از منکر را واجب می دانند ; لکن با در نظر گرفتن شرایط و مراتب آن و با مهربانی و ملایمت . هم چنین باید در نظر داشت که نظم دانشگاه ها و جامعه به هم نخورد.

در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخود کنم اگر آنها را راهنمایی کنم در واقع با آنها حرف بزنم آنها برداشت بد کرده مرا مورد آزار قرار دهند چه؟ و با آن مردان نامحرم حرف بزنم چه؟ آنان که از نیت من خبر ندارند می ترسم که گناه باشد پس س

پرسش

در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخود کنم اگر آنها را راهنمایی کنم در واقع با آنها حرف بزنم آنها برداشت بد کرده مرا مورد آزار قرار دهند چه؟ و با آن مردان نامحرم حرف بزنم چه؟ آنان که از نیت من خبر ندارند می ترسم که گناه باشد پس سکوت می کنم؟!

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است که انسان باید به خوبی از آنها آگاه باشد. از جمله شرط های وجوب امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیراست. اگر کسی بداند امر و نهی او هیچ گونه اثری در طرف مقابل ندارد و امری بی فایده و غیر مفید است وظیفه ای در این مورد ندارد. از شرایط دیگر بی ضرر بودن و بی خطر بودن آن است، یعنی اگر امر به معروف و نهی از منکر ضرری جسمی یا روحی یا آبروئی برای انسان در پی داشته باشد وجوب آن برداشته می شود و مسئولیتی متوجه انسان نمی باشد. بنابراین اگر راهنمائی و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر انسان را در معرض تهمت و آزار قرار دهد و ضرر و زیانی را متوجه انسان سازد واجب نمی باشد. بهترین راه امر به معروف و نهی از منکر این است که خود انسان در آغاز معروف و منکر را بشناسد و سعی کند خود عامل به معروف و دوری کننده از منکرات باشد. چنین فردی عملش نه حرفش، نمونه بارز امر به معروف و نهی از منکر است و با کردار و رفتار واعمالش دیگران را به

معروف و نیکی و خوبی دعوت می کند و از بدی و زشتی باز می دارد در این حال است که سخنش نیز مفید و موثر است و می تواند امر کننده به معروف و بازدارنده از منکرات و بدی ها باشد.

بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و پس از آن پدرم با رغبت کامل بقیه مقدمات را اعم از تأمین مسکن، خوراک و تأمین خرج تحصیل و ... را خودش بر عهده گرفت. همانطور که مستحضرید در چ

پرسش

بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و پس از آن پدرم با رغبت کامل بقیه مقدمات را اعم از تأمین مسکن، خوراک و تأمین خرج تحصیل و ... را خودش بر عهده گرفت. همانطور که مستحضرید در چنین مؤسساتی آن چنان که باید و شاید شؤونات اسلامی رعایت نمی شود و ایشان نیز تحت تأثیر محیط آن طور که باید حجاب اسلامی را رعایت نکرده و روزانه با افراد مختلف و از جمله مردان نامحرم سر و کله می زند و این در حالی است که ایشان قبل از رفتن به آنجا بخاطر عدم علاقه به درس دچار افسردگی شده بود و این برای پدر و مادرم زجر آور بود و من هدفم از این کار اولاً خوشنودی والدینم و دوم رسیدن خواهرم به آنچه علاقه داشته بوده است. حال سؤال بنده این است اگر بخواهم ایشان را بعد از دو سال بخاطر عدم رعایت بعضی شؤونات از جمله دست دادن با افراد نامحرم که آنرا نشانه روشنفکری می دانند _ و در حالیکه پدرم به رعات این محرمات زیاد اعتقادی ندارد _ بخواهم ترک تحصیلش دهم اولاً موجبات رنجش خاطر پدر و مادرم را از طرف خودم فراهم می نمایم و دوماً باعث بازماندن

خواهرم از هدفش و افسردگی شدید ایشان می شوم پس اینکار را نکردم آیا حقی و دینی بر گردن من است یا خیر و آیا روز قیامت مؤاخذه خواهم شد؟ لطفاً بنده را راهنمایی نمایید.

پاسخ

در مواردی ممکن است انسان با نیت خیر دست به کاری اشتباه و نادرست بزند. در این موارد تنها خیر بودن نیت کافی نیست بلکه انتخاب راه درست و خداپسند و هماهنگ با شرع و عقل نیز لازم و ضروری است. کاری که شما کرده اید هر چند ممکن است پریشانی و افسردگی را از خواهرتان دور کند ولی سعادت حقیقی و انسانیت او را در معرض آسیب و آفت قرار داده اید و در واقع زمینه هدایت را از دست او گرفته و بستر گمراهی را برای او فراهم کرده اید هر چند بندگان شایسته خداوند را در هر جا می توان یافت و قضاوت درباره افراد و سعادت و شقاوت آنها کار آسانی نیست ولی در عین حال زمینه سازی و بستر سازی برای هدایت و یا گمراهی از مسایل اساسی و کلیدی است و در سعادت و شقاوت انسان نقشی اساسی دارد. کسب رضایت و خشنودی پدر و مادر هر چند دارای ارزش فراوانی است ولی سعادت حقیقی انسان و رضای الهی بر آن مقدم است و باید خشنودی پدر و مادر هر چند دارای ارزش فراوانی است ولی سعادت حقیقی انسان و رضای الهی بر آن مقدم است و باید خشنودی پدر و مادر با کارهایی تأمین گردد که مورد رضای خداوند است. به هر حال کاری است که شده و باید در این باره فکری

عاقلانه و درست نمود و نباید برای جبران اشتباه گذشته دچار اشتباهی بزرگتر شد و کار را از این که هست بدتر و وخیم تر نمود.

باید با ایجاد رابطه ای صمیمی تر و عمیق تر با خواهرتان و زیادتر کردن ارتباط با او، از او مواظبت نموده و او را تحت مراقبت و نظارت غیر مستقیم و غیر محسوس داشت و با ظرافت و عمل آگاهانه و عاقلانه راه و رشته و کار دیگری را جانشین رشته و کار فعلی او نمود به گونه ای که به رویارویی با او و یا پدر و مادرتان منجر نگردد و کار از این که هست بدتر نگردد و اگر منصرف کردن او ممکن نباشد باید با ملایمت و ظرافت وظایف الهی و شرعی و بیان آثار ناگوار بعضی برخوردها و رابطه ها از انحراف و روابط ناسالم او جلوگیری کرد و با این کار انشاءالله اشتباه شما جبران گردد و راه خیر و سعادت به روی خواهرتان گشوده گردد. اگر موفق به تغییر رشته خواهرتان نشدید در صورت امکان او را در مؤسسه ای سینمایی که دارای مدیرانی متعهد و متدین می باشد و افراد شاغل در آنجا موازین شرعی را بیشتر رعایت می کنند وارد کنید تا هم به رشته مورد علاقه اش مشغول باشد و هم محیط کارشان سالم و به دور از انحراف باشد.

وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟

پرسش

وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟

پاسخ

در صورتی که می توانند باید نهی از منکر و جلوگیری نمایند.وگرنه وظیفه ترک این مجالس است. ضمناا رقص زن در مقابل مرد نامحرم به هیچ وجه جایز نیست .

با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند, چگونه باید برخورد کرد؟

پرسش

با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند, چگونه باید برخورد کرد؟

پاسخ

}در این مورد باید با توجه به روان شناسی او، راه های نفوذ یا اشخاص ذی نفوذ در او را شناسایی و به تدریج نسبتبه زشتی و عواقب سوء رفتارش، وی را آگاه کنید. هم چنین نسبت به اهمیت نماز و عقوبت ترک آن، وی را آگاه ساختهو با روشی

عاطفی او را به نماز علاقه مند سازید.{

مادرم فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد موءاخذه قرار نگیرد؟

پرسش

مادرم فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد موءاخذه قرار نگیرد؟

پاسخ

ان شاء الله خداوند بزرگ قادر شما را در جوار رحمت واسعه خودش قرار دهد. درباره این که مادر محترمتان به علت نداشتن سواد، نماز را نمی خوانده و الان تکلیف چیست گفتنی است که: نماز و روزه از واجباتی است که به هیچ وجه از مکلف ساقط نمی شود و هر فرد مسلمان وظیفه دارد حقوق خداوند و حقوق مردم را در طول زندگی ادا نماید.

نماز و روزه از حق اللّه است و در زمان حیات باید به جا آورده شود. امّا اگر به دلیل عدم علم، جهل به حکم، تنبلی، سستی و یا مریضی نتوانست به جا آورد طبق فتوای حضرت امام خمینی(ره) بر پسر بزرگ تر واجب است که نمار و روزه قضا شده پدر و مادر را به جا آورد.

اما طبق فتوای برخی از مراجع دیگر، اگر پدر و مادر عمدا نماز و روزه را ترک کردند، قضای آنها بر پسر بزرگ تر واجب نیست. فقط در صورتی که عذر داشته اند (مثلاً به علت مریضی، بیهوشی و یا...) نتوانسته اند فرایض خود را انجام دهند، آن وقت بر پسر بزرگتر واجب است که آنها را به جای آورد. و شما باید تحقیق کنید که مادرتان مقلد کدام یک از مراجع بود تا تکلیف شاید به عهده پسر بزرگ تر بیفتد.

اگر پسر بزرگ تر نداشت، بر بقیه فرزندان واجب نیست. اما فرزندان دیگر می توانند نماز و روزه مادر را بین خودشان تقسیم کنند و مقداری را که والده مکرم شما نماز نخوانده به نیابت از

او بخوانند، تا بدهکاری او به خداوند جبران شود. یا این که کسی یا کسانی را اجیر کنید که نمازهای قضا شده مادرتان را بخواند و روزه های او را نیز به جا آورد.

در هر صورت مادرتان نماز نخوانده و خود را به خداوند بدهکار کرده است و مورد سؤال و بازخواست قرار خواهد گرفت. پس اگر وضع مالی شما مناسب است می توانید برای نمازهای مادر اجیر بگیرید یا خودتان به جای او نماز بخوانید و روزه بگیرید تا روح والده شما شاد گردد.

با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟

پرسش

با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟

پاسخ

برای ریشه یابی و فهمیدن علت به وجود آمدن این گونه عادت ها روایت زیر قابل توجه است: روزی جابربن عبدالله انصاری از رسول خدا(ص) سؤال کرد: یا رسول الله! دانستیم که خود را چگونه از آتش جهنم نگه داریم؛ اما نمی دانیم فرزندان و خانواده خود را چگونه از آتشجهنم نگه داریم؟ پیغمبر اکرم(ص) در جواب چهار راه کار بیان فرمودند:

۱- اعمَلوا الخیر ؛] خودتان] عامل به خیر باشید{M یعنی، نمی شود که پدر و مادر نسبت به نماز سهل انگار باشند، آنگاه توقع داشته باشند که فرزندشان نماز را در اول وقت بخواند! نمی شود خانمِخودش بی حجاب یا بدحجاب باشد؛ ولی توقع داشته باشد دخترش محجبه از کار درآید! خودشان به نوارهای مبتذل گوش دهند و یا فیلم های شبکه خارجی (ماهواره) ببینند، اما فرزندان آنها این کار را نکنند! بنابراین، بزرگ ترهای خانواده باید اولین قدم و گام را برای درمان و از بینبردن چنین عادت هایی در فرزندان بردارند.

۲- وذَکروهم بالله ؛ یاد و ذکر خدا را [در دل های فرزندانتان] زنده کنید{M یعنی، پدر و مادر به جای آوردن فیلم های مستهجن به منزل و یا از آن بدتر، خریدن و آوردن ماهوارهبه خانه و دایر کردن مجالس مختلط دوستانه با سر و وضع تحریک آمیز و...، باید یاد خدا را در دل فرزندانشان زنده کنند تا زمینه کار خیر در آنان فراهم گردد. باید این واقعیت تلخ را بپذیریم که اغلب فرزندان نابهنجار در جامعه، از خانواده هایی برخاسته اند که والدین آنان، از ایفاینقش خود، غافل و یا عاجز بوده اند. غالب چنین افرادی از دامن پدر و مادرهای

بی تفاوت روانه جامعه گردیده اند. تحقیقات مختلف نشان می دهد که دیدن فیلم های مبتذل و مشاهده رفتارهای ضداخلاقی، اعمال غیراخلاقی را در پی دارد. به همین دلیل رابرت مردوخ (مالک شبکهماهواره ای تی.وی.استار آمریکا) در مصاحبه ای در هندوستان گفت: من هرگز به بچه هایم اجازه تماشای این برنامه ها را نمی دهم، (روزنامه اطلاعات، مورخه ۲۵/۵/۱۳۷۳). بنابراین توصیه می شود اگر شبکه ماهواره دارید، آن را از خانه تانخارج کنید؛ زیرا این شبکه، مرکز و عامل فساد است. سعی کنید با تشویق آنها به تفریحات سالم و ورزش کردن، مطالعه کتاب های علمی، سرگرمی های مفید، دیدن فیلم های آموزنده و... و حتی دادن جایزه به آنان، زمینه را برای از بین بردن عادت های ناشایست و بد آنها فراهمنمایید.

۳ و ۴- وامرهم بالمعروف وانهیهم عن المنکر ، (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ یعنی، این طور نباشد که تمام همّ و غمّ پدر و مادر فقط خوراک و پواک فرزند باشد. البتهخوراک و پوشاک حق فرزند است؛ ولی در مقابل آن، خوراک روح و جان فرزند، حق بزرگ تری است که باید والدین در ادای آن حساس تر باشند. پدر و مادر با استفاده از تجربیاتی که در طول سالیان متمادی به دست آورده اند باید راه چگونه زیستن را به فرزندانشان بیاموزند. به آنانفرایض و وظایف دینی و اجتماعی را یاد دهند تا از این طریق آنها را به سوی کردارهای پسندیده سوق دهند و با نهی از منکر، جلوی فرزندان را از فرو رفتن در گناه و معصیت و انجام دادن رفتارهای نابهنجار اجتماعی، بگیرند. بنابراین، بالا بردن سطح فرهنگ دینی خانواده، عاملمؤثری در ایفای نقش خانواده می گردد تا از این طریق جلو خیلی از عادت های بد

فرزندان گرفته شود. خانواده ها نمی توانند به بهانه اشتغال به کار و عدم فرصت کافی، از رسیدگی به امور فرزندان باز بمانند. از همین رو رسول گرامی اسلام از پدر و مادری که در ادای این وظیفه خطیر،کوتاهی کنند، برائت و دوری جسته است.{J

در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند, وظیفه چیست ؟

پرسش

در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند, وظیفه چیست ؟

پاسخ

با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما عزیزان به آگاهی می رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند. لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تافرهنگ وپذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متاءثر شده , چگونه رفتار کنم ؟

پرسش

با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متاءثر شده , چگونه رفتار کنم ؟

پاسخ

در مورد موضوع مشاوره ابتدا معروض می داریم که ارائه خدمات برادرتان را باید، از مشاوره در مورد خواهران، تفکیک نموده لذا ما نیز در مورد هر یک به صورت مجزا به جواب می پردازیم:

الف. اصلاح رفتار برادرتان:

برادر محترم درباره شیوه برخورد با برادرتان و هدایت و راهنمایی وی نکاتی در زیر بیان می شود که با رعایت و بکارگیری دقیق آنها می توان به مقصود رسید. ان شاء الله پر واضح است که عدم رعایت آنها و یا رعایت فارغ از دقت و نظم و ترتیب تأثیری نخواهد گذاشت و چهبسا تأثیر منفی داشته باشد لذا دقت، نظم و رعایت ادب نباید فراموش گردد.

۱. ارتباط برقرار کنید.

اولین قدم و ضروری ترین کاری که باید انجام پذیرد برقرار نمودن ارتباط است. تا ارتباط برقرار نشود انتقال هیچ گونه پیامی مقدور نخواهد بود لذا سعی کنید با او ارتباط برقرار کنید تا ارتباط برقرار نشده است، اقدام به توصیه و انتقال پیام نکنید که وی را در لاک دفاعی فروبرد. و حرف شما بی تأثیر می شود. بنابراین بدون اعمال هیچ شرطی با او دوست شوید در مجالس او شرکت کنید از او بخواهید با شما ارتباط داشته باشد و وقتی را به گفتگو و صحبت با هم بپردازید باید توجه داشته باشید که در روزها و یا حتی هفته های اول ارتباط هرگز سخن ازاصلاح و تربیت نزنید بلکه شما با او همراهی کنید بدون این که در اعمال خلاف او شرکت داشته باشید بهرحال باید به قدری با او ارتباط

برقرار کنید که صمیمیت برقرار شده و اعتماد او را جلب کنید. بنابر ۱ ارتباط ۲ ایجاد صمیمیت ۳ جلب اعتماد زمینه ساز هر نوع فعالیت انسانیو تربیتی است. امّا شیوه ارتباط با تن دادن به خواسته های او (بدون ارتکاب عمل خلاف)، همراهی بدون قید و شرط. ابراز محبت و ارائه خدمت بی چون و چرا و... می باشد. این ارتباط به شما آگاهی داده و از جانب دیگر شما را با شیوه برخورد با وی آشنا می سازد.

۲. تغییر بینش و نگرش

دومین قدم بعد از برقراری ارتباط و بدست آوردن صمیمیت و جلب اعتماد، تغییر بینش است. یعنی با دادن اطلاع دقیق و صحیح از منابع علمی و اسلامی و دینی ضررهای اعمال خلاف را گوشزد کنید و او را از پیامدهای منفی اعمال ناشایست خود آگاه سازید چه اگر آدمی ازپیامد زشت و خطرناک رفتار خود آگاهی داشته باشد و آنها را قبول کند و خود را در تیر رس این عواقب ناگوار ببیند یقینا حساب خود را رسیدگی و دامن خود را پاک می سازد. در دادن اطلاعات باید از روحیه خیرخواهی و حتی بیان غیر مستقیم بهره بگیرید تا طرف به سخن شماگوش دهد. مثلاً لازم نیست خودتان گوینده خوبیها و ضررهای اعمال نابجا باشید می توانید از زبان دیگران استفاده کنید، کتب مربوطه را در اختیار او قرار دهید و یا او را به محلهائی که افراد نا به کار گرفتار آن شده اند ببرید تا با مشاهده آنها عبرت بگیرد. به هر حال با تدبیر و سلیقه وذوق خود باید شیوه مناسبی را برگزینید تا به هدف برسید.

۳. ارتباط غیر مستقیم و ارائه آگاهی

در

صورتی که برقراری ارتباط ممکن نشد و با برقراری ارتباط مستلزم انجام برخی اعمال خلاف بود باید از وجود افرادی که ارتباط دارند استفاده نمود یعنی از بین افرادی که برادر شما از آنها حرف شنوی دارد و با آنها ارتباط دارند فرد و یا افرادی مورد اطمینان را انتخابکرده و اهداف و اغراض خود را با او در میان بگذارید و از او بخواهید که مسؤولیت شما را عهده بگیرد و آنچه در بند (۱) و (۲) گفته شد را او انجام دهد. معمولاً برای افرادی که ارتباط با آنها ممکن نیست و یا به لجاجت و عناد روی آورده اند بهره گرفتن از فرد ثالث خیلی مفید است.البته توصیه ابتدای ما آن است که علی رغم نوشته خودتان، شما خود مستقیم به برقراری ارتباط اقدام کنید و در صورت امکان هم خود اقدام کنید و هم از کمک دوستان و رفقای برادران بهره مند گردید.

۴. شیوه اعمال نظر و تربیت و اصلاح:

چه خود در صدد اجرای اهداف بودید و چه فرد دیگر در هر صورت همیشه از شیوه توصیه و نصیحت استفاده نکنید بلکه چه خودتان و چه دیگران متولی ارشاد شدید باید به تناسب روحیه برادرتان و زمانها شیوه های بشارت، انذار، ترغیب به خوبیها، تهدید، موقعیت سازی(وارد کردن وی در محیط های مذهبی مانند به زیارت رفتن، شرکت در مراسم عبادی، اردوهای تربیتی و...) و تخویف از عذاب و... را به کار بگیرید و راههائی چون احادیث، روایات، کتب اخلاقی مانند کتابهای شهید دستغیب به ویژه کتاب گناهان کبیره، سرای دیگر، معاد و شرکت درمجالس سخنرانی و در اختیار قرار دادن نوارهای مربوطه و خواندن

سخنان بزرگان (به خصوص افرادی که مورد توجه برادرتان هستند) را طی کنید تا به نتیجه برسید.

۵. نکات کارکردی: چند نکته مهم باید همیشه مد نظرتان باشد

صبر و حوصله داشته باشید و خیلی زود احساس خستگی نکنید.

در رسیدن به هدف عجله نکنید باید منتظر تأثیر باشید.

در تمام مراحل کار، از حضرات اهل بیت(ع) استعانت بجوئید و قبل از آن با دعا و التجاء به درگاه خداوند از او یاری بجوئید.

هرگز در برخورد با او رعایت ادب، ابراز محبت و صمیمیت را فراموش نکنید توجه داشته باشید که تنها کنار کشیدن خودتان از صحنه، نشانه ادب و صمیمیت نیست بلکه باید آن خصائص اخلاقی را در رفتار خود ابراز کنید.

شاید به این روش که از او بپرسید من چگونه می توانم به شما خدمت کنم و چه کار کنم که شما دوستم داشته باشید و به تعبیر دیگر حتی با شیوه منت کشیدن و خود را کمتر دیدن و تواضع نمودن زمینه شکستن دیوار عاطفی و رابطه سرد را فراهم سازد لذا یقینا از اینراهکارها بهره بگیرید.

سعی کنید به شیوه ای راه نفوذ در شخصیّت او و بدست آوردن دل او را پیدا کنید و با راه یافتن در دل و قلب دیگران مجاĠبرای هر فعالیتی باز م…شود و یا از افرادی که در دل برادرتان جایگاهی دارند استفاده کنید.

اصرار و پافشاری بی مورد و حساسیت های نابجا را کاملاً کنار بگذارید.

تمام روحیات و رفتارهایی که موجب ناخرسندی او می شود را رها کنید مگر آنکه دین آن را بر شما واجب کرده باشد تا بدین وسیله ارتباط شما به شکلی مطلوب

سوق یابد.

افرادی را که آشنای شما هستند و مورد اطمینان به عنوان باز نمودن باب دوستی نزد وی بفرستید با رعایت اصول اخلاق و سرّ نگهداری تا زمینه هدایت او را از طریق دوستی فراهم سازید.

به صورت غیر مستقیم (به کمک افراد دیگری که برادرتان آنها را نمی شناسد) دوستان ناباب او را از اطراف او برانید و حتی در صورت لزوم از چوب قانون بهره بگیرید البته با رعایت حفظ آبروی برادرتان و خانواده و بدون آنکه برادرتان از طرح شما مطلع شوند و بفهمند کهصحنه از کجا شکل گرفته است. طرح راندن دوستان ناباب و نابکار باید خیلی حساب شده باشد.

هرگز خود را از اینکه در کنار برادران و خواهرانتان باشید کنار نکشید و بدانید که کنار کشیدن نه تنها رفتار شایسته ای نیست و خلاف وظیفه شرعی و اخلاقی شماست بلکه همیشه و در همه حال، حتی در صورت مشاهده خلاف و همزمان با انجام آن، در صورتی کنارکشیدن و یا روی ترش کردن پسندیده است که این دو راهکار آنها را از رفتارشان باز دارد ولی چون این تأثیر را ندارد خواهشمند است همیشه در صدد برقراری ارتباطی دوستانه و صمیمانه با آنها باشد تا زمینه برقراری ارتباط و آنگاه هدایت فراهم گردد توجه داشته باشید که با کنارکشیدن خود راه هدایت و اصلاح را سد کرده و مجال را برای خلافهای بیشتر باز می کنید و آنها چه بسا همین رفتار را می خواهند امّا اگر دوست باشید همیشه به عنوان رفتار دوستانه (نه مخالفت ورزی) می توانید مواظب آنها باشید تا حداقل آنها کمی حساب رفتار خود را بنمایند و شماهم

بتوانید همیشه (و حداقل به هنگام ضرورت) در جمع آنها باشید و اهداف خود را دنبال کنید. پس کنار کشیدن درست نیست.

ب) شیوه برخورد با خواهرانتان

بی تردید ارتباط شما با خواهرتان همانند ارتباط با برادرتان نیست و از طرفی انحرافی که برادرتان به آن مبتلاست (به شکر خداوند) در خواهرتان دیده نمی شود و لذا با عنایت به این دو خصوصیت باید شیوه تناسب را برگزید که در زیر به چند راهکار اشاره می کنیم بدان امیدکه رعایت دقیق آنها به هدف عالی و ایده ال خود نائل آئید.

۱ همیشه به خواهرتان احترام بگذارید و هرگز بی تفاوت با آنها برخورد نکنید بلکه باید خمیر مایه رفتاری شما با آنها محبت، عرض ارادت باشد لذا به حرف آنها گوش دهید. در انجام خدماتی که می خواهند کوتاهی نکرده و استقبال کنید و به هر بهانه ای برای آنها و مادرتانهدیه تهیه کنید و... مبادا، مبادا به هر بهانه ای آنها را از خود برانید و طرد کنید به هر حال با جنس مؤنث از طریق محبت بی قید و شرط می توان دل آنها را به دست آورد و آنگاه اهداف خود را که هدایت آنهاست تعقیب نمود حتی اگر رابطه شما با آنها خوب باشد آنها به صورت خود بهخود در صدد به دست آوردن دل شما بر می آیند و به عقاید شما اح

برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟

پرسش

برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟

پاسخ

دانشجوی گرامی قبل از پرداختن به جواب لازم است به حسن تدبیر و تعهد اخلاقی و احساسات پاك شما صد آفرین بگوئیم و این احساس مسئولیت و دلسوزی عاقلانه را از عمق وجودمان تحسین کنیم و از خداوند سبحان توفیق روز افزون شما را مسئلتمی کنیم.

عزیز دانشجو برای حفظ طهارت دل و پاکی اعمال و رفتار و در نهایت رسیدن به جامعه ای عاری از فساد لازم است سه راهکار اساسی زیر بکار گرفته شود؛

۱) آشنایی با معارف دین و شناخت صحیح احکام شریعت و پیامدهای مثبت و منفی اعمال خوب و بد. از این رو باید راه کار زیر را انجام دهید:

الف. وی را با اعمال و رفتاری که از نظر اسلام گناه و معصیت شمرده می شوند، آگاه سازید. چه بسا جوانانی که به خاطر بی اطلاعی از گناه بودن عملی، به آن آلوده شدند و آثار منفی آن آنها را آلوده ساخت و دیگر نتوانند خود را از آن دور سازند.

لذا وی را به مطالعهتوضیح المسائل مرجع تقلیدشان تشویق کنید و کتابهای گناه شناسی، نوشته آقای محلاتی، گناهان کبیره نوشته شهید دستغیب و... را نیز مورد مطالعه قرار دهند.

ب. همیشه پیامدهای منفی گناهان و پیامدهای مثبت حفظ پاکی و طهارت را بصورت غیر مستقیم گوشزد کنید. و او را از محیط های آلوده برحذر دارید.

۲) در تقویت بینانهای اعتقاد و ایمان وی اقدام کنید. توجه داریم که ایمان به خدا و توکل به او و تمسک به تقوای الهی و توسل به اهل بیت(ع) آثار مثبت فراوانی دارد و

یک مانع درونی از ارتکاب گناه و آلوده شـدن به معصیت است. پر واضـح است که همیشه انگیزه هایدرونی مؤثرتر عمل می کنند تا اهرمهای بیرونی. برای رسیدن به این هدف راه کار زیر را مؤثر است.

الف. وی را به مطالعه کتب اعتقادی مانند جهان بینی اسـلامی نوشـته شهید مطهری. اصول عقاید نوشته آقای مصباح و آشنائی با اصول عقاید نوشته آقای میرباقری و غرویان ترغیب کنید.

ب. از او بخواهید به اعمال عبادی و عبادت الهی به ویژه نماز و روزه اهتمام جدی داشـته باشـند که در تقویت اراده و نورانیت دل دور شـدن فکر و ذهن از گنـاه و جلوگیری از اعمـال نـاروا بسـیار مؤثر و مفیـد است. چرا که ان الصـلاه تنهی عنالفحشـا و المنکر .

ج. به منظور زنـده نگه داشـتن روحیه خداترسـی و تقویت ایمان و آرامش روحی و روانی، او را به موعظه و پندهای اخلاقی و عرفـانی دعـوت کنیـد. چه خودتـان و چه دیگران در پنـد دهی و موعظه نمودن کوتـاهی نکنیـد و در این مسـیر از کتب شـهید دسـتغب مانند کتاب هایمعاد - سـرای دیگر - قلب سـلیم و... که روح ایمان و خداترسـی را در وجود او زنده نگه می دارد نیز کمک بگیرید. به ویژه این کتابها را در اختیار او قرار دهید تا مطالعه کند.

د. وی را به شـرکت در جلسات مذهبی و دینی اعم از جلسات معارف دین مانند شـرکت در کنفرانسـهای علمی و میزگردها و مناظره ها و سخنرانی دانشمندان دین و یا جلسات موعظه و شرکت در مراسم دعا و زیارت. نمازهای جمعه و جماعت و محافل دوستی مذهبی...دینی ترغیب کنید و حتی او را همراه خود به این

جلسات ببرید.

۳. بعد از دادن اطلاعات (مفاد بند ۱) و ایجاد انگیزه و دادن روحیه و ترغیب به عمل (مفاد بند ۲) نوبت به مراقبت های رفتاری می رسد. یعنی مطابق با سن وی باید به او آگاهی داد و وی را ترغیب نمود و نسبت به او کنترل داشت. حال چنانچه فرد مورد نظر یک جوان است با روش کنترل از راه دور و حفظ احترام و ارج نهادن به مقام و منزلت فردی و اجتماعی او و همین طور رعایت اطمینان به او و اعمال او را از دور کنترل کنید که مبادا علی رغم آگاهی و انگیزه بالا برای یک بار هم که شده فریب شیطان را خورده و به گناه آلوده گردد لذا مواظبورود او به محیط های آلوده و همراهی با افرادی که احتمال آلوده بودن آنها می رود باشید البته نه به این صورت که همیشه همراه او حرکت کنید بلکه تذکر دهید و گاه به پیامدهای شرکت در این محیط ها در او دقت کنید مانند دیر آمدن - بی خوابی ها و بدخوابی ها، تغییر رژیم غذایی،تغییر خلق و خوی و بهانه گیری و... بهترین شیوه کنترل جوانان کنترل در دوست گزینی آنها و توجه و مراقبت به دوستان آنهاست. لذا ابتدا سعی کنید در انتخاب دوست به او کمک کنید و اگر دوست ناباب و نامناسب دارد او را از نامناسب بودن آنها با ارائه دلیل آگاه ساخته و از اوبخواهید سطح دوستی با آنها را کاهش دهد و خود در انتخاب دوست مناسب به او کمک کنید. بعد از کنترل از طریق دوستان بهترین شیوه کنترل جوانان آن است که با مشورت خود آنها تمام اوقات فراغت

او را پر کنید و برای زندگی او برنامه ریزی کنید البته بدون این که او احساس کنداین برنامه تحمیلی است. و این که برنامه مورد علاقه او نیست باید اقدام کنید. مبادا برنامه تحمیلی و یا مورد علاقه او نباشد. اگر جوانان ما با بزرگترهای خود رابطه دوستی داشتند و برنامه ای برای زندگی خود ترسیم می نمودند هرگز محیط آلوده نمی شد تا زمینه تهاجم فرهنگی فراهمگردد چرا که تمام اعضای آن جامعه مصونیت درونی دارند. در پایان به برخی از پیامدهای منفی گناهی که به آن اشاره کردید می پردازیم.

نوشیدن مشروبات الکلی موجب سست شدن اراده و از بین رفتن رغبت به عبادت و کارهای شایسته شده و انجام هر کار پست و خلافی را برای آدمی سهل و آسان می نماید و در یک کلام غیرت دینی و اخلاقی فرد را از او سلب و هدایت فردی و شخصیت فرد را از اونابود می کند و لذا از انجام هر کار زشت و ناروائی ابایی ندارد و حتی نسبت به نزدیکان خود احساس غیرت و جوانمردی نمی کند. خوش بودن تنها مرام و مسلک او می شود و برای رسیدن به این هدف از هزینه نمودن هر ارزش اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی و... دریغنمی کند و ارزان آنها را از کف می دهد. بنابراین با آگاه نمودن فرد مورد نظر از این پیامدها و تعمیق نمودن این اطلاعات - با تکرار و مطالعه کتب معرفی شده - او را از درون بر علیه این فساد و انحراف برانگیزید تا خود به مبارزه با این مفسده حرکت کند. دوست عزیز بی تردید با تکیهبه عنایت حضرت حق و عمل به

راهکارهای ارائه شده به هدف الهی خود خواهید رسید و امیدواریم خداوند سبحان شما را در راه خدمت به بندگانش یاری دهد و توفیقات روز افزون خود را روزی شما گرداند.{J

با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنم * در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟

پرسش

با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنم * در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟

پاسخ

برادر دانشجو بعد از عرض سلام و ابراز ارادت خالصانه از نامه پرشور و سراسر شکوه شما که نشان از غیرت و جوانمردی دارد بی نهایت سپاس و تشکر می کنیم و امیدواریم بتوانیم پاسخ لازم و متناسب با حق و حقیقت که راه گشای مشکل شماست ارائه کنیم و لذا در همینراستا توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱. عزیز دلسوز ما نیز این حساسیت دینی وغیرت انسانی شما را می ستایم و ذره ای از آن را به تمام دنیا نمی دهیم و در برابر دنیا خریداریم اما بکارگیری این حساسیت در حوزه رفتارهای جمعی و در خصوص رفتار دیگران که از این سطح حساسیت برخوردار نیستند سخت بیمورد و گاه خطرآفرین می دانیم لذا از شما - همان گونه که تاکنون چنین بوده است - انتظار داریم بر اساس همین غیرت و حساسیت، رفتارهای شخصی خود را شکل داده و عمل کنید و ذرّه ای از آن کوتاه نیامده و احساس خستگی نیز به خود راه مدهید اما از دیگران و به ویژه در سطحاجتماع باید کمی با دقت حوصله و تکیه بر شناخت و درک اجتماعی حرکت کرد چرا که اگر شناخت لازم برای انجام یک عمل فراهم نباشد آدمی هرگز آن کار را انجام نمی دهد و به زور و فشار هم نمی توان وی را به انجام آن عمل وادار کرد و اگر چنین کنیم چه بسا نتیجه ای دیگر عائدگردد و از طرف دیگر میزان حساسیت دینی و غیرت انسانی آدمیان هم یکسان نیست تا از همه

بر اساس همان میزان حساسیت و... یک سطح از عمل را انتظار داشته باشیم. بنابراین باید به دنبال علاج عاقلانه، پایدار و کارساز واقعه بود.

۲. دومین نکته – قبل از بیان راهکارها – علاوه بر آنکه نباید انتظاری فراتر از سطح آگاهی و احساس مسئولیت داشت، آن است که نباید بر اساس میزان آگاهی و احساس خود در مورد دیگران قضاوت کنیم. مثلاً درست است که شکل روابط در فضای دانشگاه آلوده است و هرانسان در سطح آگاهی و حساسیت شما را بر می انگیزد تا رفتار و روابط خود را کنترل کند اما این کلام به این معنا نیست که هر شخصی که رفتاری غیر از رفتار ما را داشت قابل اعتماد نیست، آلوده است و... اگر ما اینگونه قضاوت کنیم چگونه می توانیم با آنها ارتباط برقرار کرده و آنهارا به راه راست هدایت کنیم!؟! چرا باید ارتباط خود را از بین برده و زمینه هر تأثیر مثبت و هدایتی را نیز نابود سازیم؟؟! قضاوت کردن در مورد دیگران در حالی که هنوز آن عمل خاص مشاهده نشده و بلکه مقدمات آن دیده شده سخت است و چه بسا همین روش و قضاوت باعثشود گناهان آنها را به دوش کشید و خود به واسطه تهمت و افتراء به گناه دیگری مبتلا گردیم. خود می دانید که گناه غیبت، تهمت و افتراء کمتر از برخی روابط نابجا نیست. بنابراین در حالی که به این تفکر با بینش شما آفرین می گوئیم ولی این نکته را متذکر می شویم که بر اساس همانحساسیت دینی در مورد عملکرد دیگران قضاوت نکنیم تا به راندن آنها از نزد خود و سپردن آنها

به دست منحرفین و بستن راه اصلاح و... منتهی نگردد. بویژه که شما آنچنان تمام دختران دانشگاه را متهم می سازید که گویا یک نفر آدم سالم در بین آنها نیست لذا کمی در قضاوت نمودنو اظهار نظر کردن خویش سنجیده تر و با ملاک و مدرک سخن بگوئید که آخرت در نزد حضرت حق دلیلی بر گفته خود داشته باشید. نمی خواهم آنها را تطهیر کنم ولی نمی خواهم به شما هم اجازه قضاوت و سریع وصریح را بدهیم بگونه ای که تمام آنها را نابکار بشمارید و بر اساسهمین قضاوت با آنها برخورد کنید پس کمی با دقت، تفکر و عاقلانه تر...

۳. اما با آنها چه باید کرد؟ آیا باید آنها را رها ساخت تا دیگران را به کیش خود بخوانند و در نهایت جامعه ای را...؟ همان گونه که گذشت باید در کنار حفظ پاکی و طهارت خود و رعایت احکام شرعی ارتباط خود را با آنها بویژه با پسران حفظ کرد تا در پرتو حفظ ارتباط،هدایت آنها ممکن گردد والّا اگر ارتباط قطع گردد دیگر زمینه تأثیر گذاردن از بین می رود و راهی برای هدایت باقی نمی ماند. پس با حفظ ارتباط لازم برای هدایت - نه همراهی - در پی دو راهکار باشید:

الف. افزایش سطح شناخت و آگاهی

ب. افزایش احساس مسئولیت و سطح حساسیت به کمک تقویت پایه های ایمان و سطح انگیزش.

پر واضح است که بدون این دو راهکار هیچ اصلاحی ممکن نخواهد شد ولی اگر این دو عنصر فراهم گردد به تمام اهداف می توان رسید. اما اینکه چگونه می توان این دو عنصر را فراهم آورد بسته به موقعیت، سطح معلومات افراد، رفتار مورد نظر که در صدد

اصلاح آن هستیدو... متفاوت می گردد بی گمان تشریح رفتارهای صحیح و احکام و شرائط آن و پاسخ دادن به سؤالات مورد نظر در هر زمینه بصورت اختصاصی می توان در اصلاح افراد و عملکرد آن تأثیر بگذارد بخصوص اگر در این مسیر محبت و صمیمیت و یک رنگی چاشنی کار شود بسیار مؤثراست. البته راهکارهای ریز و دقیق تر را باید رفتار هدف و مورد نظر بیان نمود.

۴. در مورد رفتار خودتان باید به عرض برسانیم که همچنان با همان حساسیت رفتارهای شخصی خود را دنبال کنید ولی بر اساس آن از دیگران انتظار نداشته باشید و بر اساس آن قضاوت نیز نکنید. و در کنار این دو نکته موارد زیر را نیز مد نظر داشته باشید:

سطح شناخت خود را از احکام و وظائف شرعی بیش از پیش گسترش داده و بیشتر با واقعیت آشنا شوید.

از انجام اعمالی که تنش آفرین و حساسیت زا است اجتناب کنید تا دیگران را از خود دور نسازید و صرفا در محدوده آنچه خداوند خواسته عمل و قضاوت کنید.

بین ذهنیّت خود و آنچه در خارج به چشم می بینید کاملاً تفکیک قائل شوید و این دو حوره را از یکدیگر متأثر نسازید و بر اساس یکی در مورد دیگری تصمیم نگیرید مثلاً بر اساس ذهنیت خود در مورد عملکرد دیگران قضاوت نکنید.

رفتار خود را مطابق آنچه شارع مقدّس خواسته هست تنظیم کرده و شکل دهید لذا نه بر خود سخت بگیرد و نه خود را رها و یله سازید.

برای ازدواج تنها یک صفت [که حساسیت شما را برانگیخته است تا دیگر ویژگیهای اساسی را نزد شما بی اهمیت و

یـا فراموش شـده وانمود گردد] اکتفاء نکنیـد برای اطلاع از صـفات همسـر نمونه ماننـد ایمان، اخلاق، طهارت مولـد و... به دو کتاب جوانان و ازدواج همسرنوشـته آقای مظاهری و خانواده متعادل نوشته آقای شرفی مراجعه کنید. برای شما جوانان مسلمان متعصب خیلی پسـندیده نیست که تنهـا بر بـاکره بودن و بلنـد قـدبودن و... تکیه کنیـد هزاران دختر بـاکره هسـتند که آدمی از خواسـتگاری رفتن آنهـا روی می تابـد این نشـان می دهـد که شمانسـبت به روابـط داخـل دانشـگاه و اعمـال آنهـا بیش از حد حساسـیت نشان می دهید و لذا گوشه ای زندگی را برای شما بزرگ وانمود کرده و مانند بادکنکی است که از یک طرف باد شده است بنابراین در رفتار خود حساس باشید ولی از حساسیت در رفتار دیگران سخت پرهیزکنید.

ابتدا از شـرایط لازم برای همسـر مورد نظر خود اطلاع پیدا کنید و بعد در پی شخصـی که این ویژگی ها و شـرایط را داراست برآید و... و شما برخی شرایط سطحی را بزرگ و برجسته نسازید و از شرایط اساسی غفلت کنید.{J

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا – که تاثیر در باطن وروح افراد داشته باشد – بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید.

پرسش

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا - که تـاثیر در بـاطن وروح افراد داشـته باشـد - بخصوص در دانشـگاه ها توضـیح دهید.

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفعاوست.

۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر.

یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل(نظارت همگانی)است . یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژهدانشجویان جا باز

کنـد که برخلاف تفکر آزادی لجام گسـیخته غربی درجامعه اسـلامی همه نسـبت به یکدیگرمسوءولنـد. زیرا هر جامعه و امتی دارای سـرنوشت مشترک است و ماننـد مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسیآن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سـرنوشت کل جامعه اسلامیدگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.{J

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد, نصیحت یا گزارش به مسئولین , اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پرسش

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد, نصیحت یا گزارش به مسئولین , اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پاسخ

در صورت احتمـال تاثیر نهی از منکر واجب است در غیر این صورت چنان چه بطور غیر مسـتقیم (مثلا از طریقخانواده) بتوانید نقش ارشادی در این موارد ایفا کنید بهتر است. مسائل حادی که قابل پیگیری است می توانید گزارشکنید.{J

لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟

پرسش

لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟

پاسخ

معضـلات و ناهنجاری های اجتماعی باید ریشه یابی شده و راه حل مناسب برای آن ها ارائه شود. شـکل گیری یک آسـیب و رخدادِ یک معضل، زمینه های خانوادگی، اجتماعی خاصـی را می طلبد و با یک بررسی دقیق پی خواهیم برد که هر کس برای کارهـای حتّی خلاف، خود توجیه ها و دلیل های - اگر چه نادرست - دارد در واقع ابتـدا بایـد دیـد یک معضل چرا به وجود آمـده است و سـپس بر اساس چرایی و علّت این آسـیب، یک نسـخه برای درمان آن داد و متأسـفانه این کار علمی نشـده و ما یک الگوی صـحیح برای برنامه ریزی جهت ریشه یابی و پیشـگیری معضـلات اجتماعی در دست نـداریم. پس جـدای از سایر شرایـط (زمینه هـای خـانوادگی، اجتمـاعی و شخصـیتی) نمی توانیم به سـراغ یـک معضـل اجتمـاعی برویم؛ بایـد مراکز علمی مخصوصاً دانشـگاه ها و حوزه های علمیّه، رسانه های ارتباط جمعی و مسـئولین فرهنگی و تربیتی در مسائل درگیر شوند و می بایست با یک دید علمی به مسائل و رخدادهای اجتماعی نگریسته شود و راه کارها نیز می بایست خارج از چارچوب «تحکّم» باشند تا کار پیشرفت نماید.

حـال در برخود بـا معضـلات و ناهنجـاری هـای اجتماعی اصولی بایـد حفظ و مراعات شود تا اولاً وفاق و همبسـتگی اجتماعی حفظ شده و مردم خود را در سـرنوشت افراد و جامعه مسئول بشناسند. از این رو روح و محتوای فرهنگ دینی ما از یک جهت بر پایه ارتباط، صـمیمیت، تعاون، همـدردی، خوش رویی و محبت اسـتوار است و از سوی دیگر بر شـناخت و رعایت حقوق و مسؤولیت های هر فرد تکیه دارد. بی تردید، داشتن اجتماعی سالم و متعالی، بدون پایبندی به

این دو جهت امکان پذیر نیست. فرهنگ اسلامی، معیارهای اخلاقی - انسانی و ضوابط حقوق پیشرفته ای دارد که در راه رسیدن به هدف یاد شده، می توان از آن ها بهره جست.

همان طور که ذکر شد یکی از اهداف مهم دین وفاق و اتحاد ملی است. سرزنش، تعییر و عیبجویی چه در حضور و چه در غیاب با وفاق ملی و دینی سازگار نیست. لذا نتیجه می گیریم: ۱. جامعه باید با احترام متقابل زندگی کند. ۲. افراد جامعه موظف اند با تعلیم و تربیت نگذرانند کسی مبتلاـ و آلوده به فسادی شود. ۳. اگر کسی غفلت کرد و خطائی مرتکب شد، راهکار تربیتی چنین فردی اول تنبّه (بیدارسازی)، دوّم غفلت زدایی و بعد موعظه می باشد. موعظه آن است که واعظ، که خود از یک مقام علمی و عملی، روحی و معنوی برخوردار است جامعه و افراد را دگرگون سازد.

۴. آن گاه اگر فرد خطاکار به صراط مستقیم بازنگشت نوبت به امر به معروف و نهی از منکر می رسد.

متاسفانه در مورد مسائل اساسی دینی نیز وقتی که کسی را به معروفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند و می گویند به شما ربطی ندارد در مقابل این افراد چه باید کرد آیا باید به حال رها شوند و یا روشی بهتر برای مطرح کردن و نتیجه گرفتن می توان

پرسش

متاسفانه در مورد مسائل اساسی دینی نیز وقتی که کسی را به معروفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند و می گویند به شما ربطی ندارد در مقابل این افراد چه باید کرد آیا باید به حال رها شوند و یا روشی بهتر برای مطرح کردن و نتیجه گرفتن می توانیم در پیش رو بگیریم؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین و عالی ترین واجبات اسلامی است که در احادیث به عنوان روش پیامبران و شیوه ی صالحان و دو فریضه بزرگ الهی که موجب احیاء دیگر واجبات می شود یاد شده است. در عین حال همچون دیگر واجبات الهی دارای شرایط و مراتبی است و در صورت وجود شرایط واجب و الاّ تکلیفی بر انسان نیست.

الف) شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر:

۱. کسی که آمر یا ناهی است، باید معروف و منکر (عمل نیک و زشت) را از نظر اسلام بشناسد.

۲. احتمال بدهید که امر یا نهی او اثر دارد.

۳. شخص گنهکار اصرار بر ادامه کار خود داشته باشد.

۴. امر و نهی، سبب ضرر جانی، مالی، آبرویی قابل توجه به خودش یا نزدیکانش و یا سایر مؤمنین نشود.

ب) آداب امر به معروف و نهی از منکر:

سزاوار است کسی که به معروف امر می کند و از منکر جلوگیری می کند:

۱. اخلاق و آداب اسلامی را مراعات و با روی خوش برخورد کند و همانند طبیبی دلسوز و پدری مهربان رفتار نماید.

۲. فقط برای رضای خدا و به دور از هرگونه خودخواهی و برتری جویی اقدام نماید.

۳. از تجسس و پرده دری خودداری و کاملاً صبورانه عمل کند.

ج)

مراتب یا مراحل امر به معروف و نهی از منکر:

۱. مرحله انکـار قلبی: یعنی اظهار خشـنودی از معروف و اظهار نارضایتی از منکر، به عبارت دیگر. حـداقل انتظاری که از یک مسـلمان می رود این است که به هر شـکل ممکن علاقه منـدی قلبی خود را به معروف و نفرت خود را از منکر نشان دهد. که می توان با جلوه های گوناگون مثل: نوع نگاه، سکوت معنی دار، سر به زیر انداختن، روی گرداندن، اخم کردن و... خشنودی یا ناخشنودی خود را از آن عمل بروز دهد.

در این مرتبه همه ظرافت ها و نکات روانشناختی را باید به کار برد تا حیثیت و شخصیت افراد خدشه دار نشود.

۲. مرحله انکـار زبـانی: یعنی از تـارک معروف و عامـل به منکر بخواهیم از این رفتـارش دست بردارد. نوع بیـان در این مرحله درجاتی دارد. مثل سربسـته سـخن گفتن، پنـد دادن، سـخن ملایم گفتن، به صـراحت سـخن گفتن و شاید در مراحلی خشونت لفظی و درشتگویی ضرورت پیدا کند که همه این درجات با توجه به مخاطب و از مرحله آرام می بایست شروع شود.

۳. مرحله انکـار (اقـدام) عملی: گاه ممکن است منکر چنان ریشه دار باشـد که با مراحل اول و دوم امکان ریشه کن کردن آن وجود نداشته باشد که نوبت به مرحله سوم برسد که منظور هر گونه فعالیت هدفدار مشروعی است که زمینه را برای ریشه کنی فساد و رشد معروف فراهم می سازد و تا زمانی که به ضـرب و شـتم کشیده نشده انسان می تواند ادامه دهد. اما چنانچه نیاز به ضرب و شتم باشد می بایست از ولی امر مسلمین اجازه گرفت و یا به مراجع قانونی و ذیصلاح واگذار شود.

بنابر این در انجام

امر به معروف و نهی از منکر، شرایط، آداب و مراتب آن با درجاتی خاص که برای هر یک ذکر شد، می بایست مد نظر قرار گیرد و سپس دست به اقدام زد و در صورتی که فرد گنهکار تعمد به ترویج فساد وانجام عمل گناه نداشته باشد، گناه را ترک می کند. اما اگر تعمد در کار است، وظیفه چیز دیگری است و می بایست از طریق مرکز قدرت و قوه قهریه با اینگونه افراد برخورد شود.

اما در هر صورت، کلیه سازمان ها و مراکز فرهنگی و فرهنگ ساز کشور وظیفه دارند با برنامه ریزی درست و ارائه راه حل های مناسب و کاربردی به گونه ای که کمترین هزینه های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی را برای کشور داشته باشد چهره جامعه اسلامی و به ویژه دانشگاه های کشور را از غبار غمبار گناه و ناهنجاری های اجتماعی دور کنند.

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

۱. امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

۲. امر به معروف و نهی از منکر، آیه الله حسین نوری

به چه شکلی امر به معروف ونهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود

پرسش

به چه شکلی امر به معروف ونهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود

پاسخ

در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسالازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزدشودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شودو پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود

آنهااست.

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکهوظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشانآید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

<Table align=center width=٩٥٪ cellspacing=١> <TR align=Center><TD> حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس <E/> <TD> <TD>در بند این مباش که نشنید یا شنید کس <Table/><TR/><TD>و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه های کاربردی خود

را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پیبکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.{J

روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟

پرسش

روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟

پاسخ

وجود این قبیل مسائل که به هیچ وجه زیبنده ی نظام آموزش عالی کشور اسلامی و فضای علمی دانشگاه ها نیست، از عوامل متعددی مانند مسأله غربزدگی و عدم تعهد برخی از اساتید به ارزش های اسلامی و غفلت و سهل انگاری مسئولین مربوطه دانشگاه ها، نشأت می گیرد و حل اساسی آن نیز در گِرو اعمال دقیق گزینش اساتید و نظارت مستمر بر عملکرد آن ها و اتخاذ تصمیمات و تذکرات مناسب و قاطع از سوی مسئولین مربوطه با متخلفین است.

در این میان وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که احتمال تأثیر و سایر شرایط آن وجود دارد. برای دانشجویان با رعایت ادب و اخلاق اسلامی، همچنان پابرجاست. علاوه بر این، انتقال موضوع به مسئولین دانشگاه و پیگری آن، جائز اهمیت می باشد. در هر صورت دانشجویان عزیز باید روحیه تعهد و حساسیت خود را در مقابل این قبیل مسائل حفظ نمایند و از حالت انفعال و بی تفاوتی بپرهیزند زیرا وقتی بی تفاوتی فراگیر شد همه این اشکال ها زمینه بروز و ظهور پیدا می کنند. از این رو حفظ روحیه تعهد و سعی در بسط آن به خصوص در دانشجویان می تواند مانعی بر سر راه آفات باشد. امید است خسته نشوید و بی امان به تلاش خود برای استواری ارزش های حقیقی همت گمارید. «قل انّما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی»سبأ، آیه ی ۴۶.

.)

با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هستم از بهمن ۷۶ وارد این مرکز شده و چون به علت مشکلات موجود و همچنین این موضوع که مسئولین اجرایی (مدیریت) و مسئولین فرهنگی مرکز از برادران اهل سنت بودند هیچ گونه برن

پرسش

با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هستم از بهمن ۷۶ وارد

این مرکز شـده و چـون به علت مشـکلات موجود و همچنین این موضوع که مسـئولین اجرایی (مـدیریت) و مسـئولین فرهنگی مرکز از برادران اهل سنت

بودند هیچ گونه برنامه ای جهت اجرای برنامه های مذهبی نداشتند. و چون به عنوان یک بچه شیعه و مسلمان بر خود واجب می دانستم تا برای برگزاری مراسمات و جلسات مذهبی اقدام نمایم الحمدلله و با یاری ائمه اطهار رضایت بخش بوده است اما مشکلات فراوانی برای اینجانب ایجاد نمودند و با آن که مسئولین را در جریان قرار می دادم اما هر کس مشغول کار خود بود و می گفتند نباید تفرقه ایجاد کرد تا آنجا که در دو سال گذشته در یکی از شب های ماه رمضان گروهی از خواهران دانشجوی شیعه را جهت انتخاب خوش صداترین جهت راه اندازی گروه کر تست می نمودند اینجانب و گروهی از دانشجویان بسیجی اعتراض نمودیم که این مورد ما بحث فرا خواندن این حقیر به کمیته انضباطی شد و مسائلی از این قبیل فراوان به وجود آمده است تا جایی که روابط دختر و پسر به شدت افزایش یافته و به حد عادی شدن مسئله رسیده است در بسیاری از خوابگاههای برادران و حتی خواهران مواد مخدر مصرف می شود و زمانی که شخصأ در یکی از خوابگاهها مواد مخدر از دست هم اتاقی خود گرفتم و به مسئولین تحویل دادم مسئولین در حضور آن دانشجو با اینجانب برخورد نمودند مفاسد اخلاقی رواج عجیبی پیدا کرده است به نحوی که دختران دانشجو به رابطه داشتن با پسران به دیده افتخار نگاه می کنند و مسئولین هم حمایت می نمایند (نه تنها جلوگیری و چاره اندیشی نمی کنند) اجرای تئاتر دانشجویی با بازی دختر و پسر در نقش زن و مرد با تمرین های هفتگی

بدون نظارت رواج یافته و ارزش گذاری به هنر قلمداد می شود تا جائیکه یکی از دانشجویان پسر بدون اطلاع خواهر دانشجویی لباس او را می پوشد و در یک تئاتر و جنگ شادی نقش یک عروسی آرایش کرده و سوسول را که با شوهرش به شهر رفته اند را بازی می نماید و هیچ کس هیچ گونه اعتراض نمی نماید چرا که اعتراض کردن فایده ای ندارد و مسئولین حتی مسئولین (؟) کاری انجام نداده حتی در یک مورد برای خود اینجانب که منباب امر به معروف و نهی از منکر به خواهر دانشجویی از جهت داشتن روابط متعدد با چند نفر از آقایان تذکر دادم و آن خانم به مسئولین اعتراض کرده بنده را متهم به داشتن و زدن حرف های ضد اخلاقی نمودند و وقتی از آنان خواستم تا موضوع را اثبات نمایند بنده را به سکوت دعوت نموده و گفتند که شما باید ثابت کنید؟ خواهشمند است اینجانب را راهنمایی کنید در ضمن علاوه بر وظیفه شرعی برای امر به معروف مسئولیت نیز داشته ام.

پاسخ

از نعمت غیرت دینی که خداوند به شما داده همیشه شاکر و سپاسگذار باشید.

اشکال و درد دل شما راجع به وضع فرهنگی دانشگاه ها و جامعه وارد می باشد. باید دانست که وضع فرهنگی یک جامعه به امور مختلفی وابسته است از قبیل: وضع اقتصاد جامعه، اوضاع سیاسی جامعه، خط سیاسی حاکمیت جامعه، آگاهی های عمومی آحاد جامعه و...

همین امور موجب می شود در برخی از مواقع و مقطع های زمانی به آمر به معروف بگویند کار تو ایجاد تفرقه است یا از خوش صداترین دختران

دانشـگاه گروه کر تشـکیل دهنـد یـا همایش دختر نمونه سال برگزار نماینـد و همچنین در مقابل مواد مخـدر حساسـیتی وجود نداشـته باشـد. ولی بایـد تـوجه داشت که همه این مسائـل یـا حـتی بـدتر از آن هم نمی توانـد عـذر مـوجهی برای ترک امر به معروف و نهی از منکر باشند.

ما در هر زمان و شرایطی مأمور به انجام تکالیف الهی هستیم ولی آن چه مهم است کیفیت و شیوه های انجام این واجب است. گاهی وظیفه تذکر شـفاهی مستقیم به اشخاص مرتکب گناه است و گاهی باید با مسؤولین مربوطه مذاکره نمود یا با مسؤولینی که شرایط محیط های غیردینی را فراهم می نمایند برخورد نمود و...

ما اموری را به شما توصیه می کنیم:

۱- اشخاص متدین و انقلابی را شناسایی کنید و با آنها دوست شوید.

۲- اگر می توانید اقدام به تأسـیس یک تشکل مذهبی یا هیأت دینی نمایید. زیرا کار انفرادی یا نتیجه نمی دهد یا دیر به نتیجه می رسد.

۳- بـا اقشـار مختلف دانشـگاه و خوابگـاه بـا محبت و لطف و بزرگواری برخورد کنیـد و تـا حـد امکان از تنـدی و بـداخلاقی بپرهیزید تا تذکرات دینی و اخلاقی شما مؤثر واقع شود.

۴- اگر تـذکر زبانی و شـفاهی اثر نبخشـید به دنبال ریشه منکرات باشـید - گاهی کوتاهی یا خیانت یک مسؤول موجب زمینه سـازی گناه در جامعه شـده - لـذا با پیـدا نمودن آن ریشه تـذکرات خود را متوجه آنجا نماییـد و اگر اثر نبخشـید مراتب را به مقامات بالاتر اطلاع دهید.

۵- همیشه سعی کنید افکار عمومی جامعه را به سهم خود روشن و آگاه نمایید تا جلو گناه ها و تخلف های

آینده گرفته شود.

۶- هیچ گاه نسبت به آینده کار خود مأیوس نباشید. امید به خدا بزرگترین سرمایه این راه است.

در پایان خوب است بدانیم که اسلام با همین سختی ها و خون دل ها به ما و شما رسیده و اصولا بنده خدا گشتن و بهشتی شدن کار سختی است و آدمی دوست دارد پیرو هواهای نفس خویش باشد و در نهایت کسانی پیروز شوند که با هوای نفس و شیطان مبارزه نمایند.

وظیفه در مورد مسؤولینی که ترویج فساد را می کنند مثلا به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید که از دخترهای ورودی ۸۱ باشند تا بین شما و سال ۸۰ ها دعوا نشود چیست؟

پرسش

وظیفه در مورد مسؤولینی که ترویج فساد را می کنند مثلاـ به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید که از دخترهای ورودی ۸۱ باشند تا بین شما و سال ۸۰ ها دعوا نشود چیست؟

پاسخ

چند کار مفید و مؤثر (البته با توجه به شرایط خاص آن دانشگاه و نیز مورد خاص آن استاد) پیشنهاد می شود:

۱- انتقال مطلب (کتبا) به مسؤول دفتر نهاد و تذکر مقتدرانه البته با حفظ محبت و احترام آن استاد.

۲- تذکر به رئیس دانشگاه و یادآوری این نکته که اگر این اساتید به رفتارشان ادامه دهند و دانشگاه با آنها برخوردی نکند ما به عنوان یک مسلمان با آنان برخورد نموده، از طریق مراجع ذی صلاح اقدام می نماییم.

۳- در میان گذاشتن این مطلب با سایر برادران و خواهران متعهد و یافتن یک راه کار و حتی یک شخص موجه و منطقی و به دور از احساسات تند با رعایت ادب البته با اقتدار تمام.

۴- انتقال مطلب (کتبا) به حراست دانشگاه و یادآوری این نکته که اگر این واحد اقدام لازم را به عمل نیاورد، دانشجویان متعهد رأسا از طرق مراجع ذی صلاح اقدام خواهند نمود.

۵- انتقال مطلب (کتبا) به اداره اطلاعات شهرستان.

سه نکته زیر را در نظر داشته باشید:

۱- اگر از طریق محبت و جذب و ... قابل اصلاح است این راه را مقدم بدارید.

۲- انتقال مطلب باعث توجه به سوء سابقه ایشان در آینده و نیز احتمال افزایش احتمال اقدام مسؤولین و اهتمام به آن تأثیر زیادی دارد.

۳- انتقال مطلب، در صورتی که احتمال مواجه شدن با مشکلات را بدهید، لازم نیست با اسم

و امضای رسمی خودتان باشد، لیکن زمان دقیق چنین ابراز نظر و احتمالا سایر شواهد در این امر را بازگو کنید.

وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟

پرسش

وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟

پاسخ

در قرآن آمده است: ولا تستوی الحسنه ولا السیئه، ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم نیکی و کژی یکسان نیستند؛ [بدی را] به نیکوترین وجه برگردان، آن گاه آن که با تو دشمنی دارد چون دوستی صمیم خواهد شد{M»، (فصلت، آیه ۳۴).

شیوه و رفتار پیشوایان دین سراسر خوبی و نیکی در برابر رفتارهای نادرست دیگران بوده و همین رمز بزرگی برای موفقیت آنان بوده است. به قول خواجه عبداللّه انصاری:

نیکی را نیکی کردن خرکاری است؛

بدی را بدی کردن سگساری است؛

بدی را نیکی کردن کار خواجه عبداللّه انصاری است.

البته این روش مادامی است که موجب سوء استفاده طرف مقابل و تقویت ظالم نشود.{J

دوستم برای نماز نخواندن می گوید بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمائی نمایم ؟

پرسش

دوستم برای نماز نخواندن می گوید بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمائی نمایم ؟

پاسخ

استدلال دوست شما برای نماز نخواندن به حدی ضعیف است که اگر شما فقط کاری کنید که او را به تفکر منصفانه وادارید، او پاسخ خود را خواهد یافت. آیا درست است مریض بگوید: چون برخی از بیماران مشابه من دارو نمی خورند یا به پزشک

مراجعه نمی کنند، من هم به درمان خود نمی پردازم؟! آیا این سخن منطقی است که چون برخی از اشخاص خود را به دام اعتیاد انداخته اند من هم چنین کنم و...؟! کسانی که نماز می خوانند چند دسته اند؛ زیرانمازهایی که انسان ها به جا می آورند، بر طبق معرفت و آگاهی و عرفان آنان است. نماز برای برخی معراج الی اللّه است و برای عده ای داروی معنوی و برای گروه دیگر حکم مسکّن را دارد و برای اشخاصی هم کم اثرتر از حتیّ مسکّن است و این عیب مربوط به نماز نیست؛ بلکه مربوط به استفاده نمازگزار از این فریضه الهی است. کسی که فقط می خواهد به عنوان رفع بهانه، نماز بخواند و دیگر کاری با شرایط صحت و قبولی آن ندارد، مسلما نمازش او را از گناهباز نخواهد داشت.

به عنوان مثال آب غسل و وضو باید مباح و حلال باشد و کسی که همین یک شرط را بخواهد رعایت کند، باید بی اجازه در ملک اشخاص تصرف نکند و در شغل خود کم کاری ننماید و هرگونه خیانت روا ندارد تا حقوق و درآمدش حلال باشد و بتواند با پول حلال قبض آب منزلش را پرداخت نماید. حال قضاوت کنید شخصی که این وجدان کاری و انضباط اجتماعی

را رعایت کند، تا چه حد از گناهان محفوظ خواهد ماند؟!

مطلب دیگر در اهمیت نماز، اُنس با خدا است. به دوست خود بگویید دوستان معمولی هر چند خوب باشند؛ اما دارای نواقص و کاستی هایی هستند و ممکن است در مواقع حساس و ضروری، انسان را تنها گذارند یا توان یاری انسان را نداشته باشند. ولی اگر کسی با خدای خود به وسیله نماز رابطه داشته باشد، هیچ گاه در خود احساس بی کسی و ضعف و تنهایی نخواهد کرد و خود را سعادتمندتر و شاداب تر از همه خواهد دید.{J

در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند, برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم ؟

پرسش

در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند, برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم ؟

پاسخ

در این موارد اقدامات گوناگونی متناسب با وضعیت فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی افراد باید انجام داد. آنچه به طور کلی می توان در این جا یادآور شد اقدام به نکات زیر است:

الف) تلاش در جهت ایجاد فضای معنوی و سالم در محیط جامعه و دانشگاه، به گونه ای که زمینه پیدایش این روابط را به حداقل ممکن برساند.

ب) انجام نصیحت مشفقانه و امر به معروف و نهی از منکر به گونه ای جذّاب و مؤثر.

ج) در جریان قراردادن خانواده های این افراد؛ البته با رعایت مصالح آنان و دقت در این که این مسأله به آبروریزی و مفسده بزرگ ترنیانجامد.

د) در صورت نصیحت ناپذیری فرد و گسترش روابط نادرست، باید وی را به کمیته انضباطی معرفی کرد البته این مسأله در مورد کسانی است که قصد اصلاح و توبه نداشته و محیط را آلوده می سازند.

ه) مهم ترین راه حل، ازدواج و ایجاد شرایط آن است که نیازمند برنامه ریزی های کلان برای جوانان جامعه می باشد.

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟

پرسش

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می رساند که مسأله امر به معروف و نهی ازمنکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و ازهمین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی وقضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن – که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد – به دوش همگان است. درعین حال در اینرابطه باید چند نکته را درنظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیتاجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلّاق استفادهکنند.

۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) بدست آوردن خصوصیات

مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفعاوست.

۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است.یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعهاسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوءولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یککشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آنسرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدودساخت.

با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟

پرسش

با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟

پاسخ

آن چه که مسلم است و در آیات قرآن نیز به آن اشاره بلکه تصریح شده است برخورد مناسب وخوب از راه هایبسیار سازنده در تبلیغ دین است . حضرت موسی(ع) در مقابل فرعون مامور به گفتاری نرم می شود (قولا له قولا لینا) وپیامبر (ص) نیز در برابر مردم (فبما رحمه من الله لنت لهم) به واسطه فیض رحمت الهی برخوردی نرم و عاطفیداشته اند. بنابراین روی گشاده داشتن و با مهربانی درصدد هدایت دیگران بودن رسالتی پیامبر گونه است .این مسأله باحدیثی که از امام صادق (ع) در مورد دوستی نکردن با کسی که به نماز اهمیت نمی دهد منافات ندارد. زیرا مسألهدوستی و مؤانست و هم راز شدن موضوعی بالاتر از روابط متعارف است .اگر بناست انسان دوستی صمیمی داشتهباشد ولی به نماز اهمیت ندهد روشن است که در اغلب موارد بر دوست خود تأثیر سوء خواهد گذاشت و او را نیز بهراه خود خواهد کشید. بنابراین خوش برخورد بودن و حتی مهربانی با مردم منافاتی با آن ندارد که اگر بناست دوستیبرای خود برگزینیم از بین کسانی باشد که به نماز اهتمام می ورزند. در مورد دوستانتان اگر می دانید که حفظ رابطه با اوممکن است در اصلاح او مؤثر باشد رابطه را حفظ نمایید واگر احتمال می دهید که نتیجه معکوس باشد رابطه دوستانهخود را قطع کنید گرچه در برخوردها با او گرم بوده و به او محبت نمائید.

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و

ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر.

یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است. یعنی باید این مسأله در جامعه و بویژهدانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسؤولند.زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن راسوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگونخواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.

وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟

پرسش

وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت امکان تأثیر لازم است. البته در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که بایدرعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام(ره) مراجعه فرماییدولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم:

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید،

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد،

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید،

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبّه ایشان بپردازید،

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید،

۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام پدر در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید،

۷- اگر زمینه مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامیبپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید،

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید،

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین ، (ذاریات، آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجاکه احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید،

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما

وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ؛پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد {M، (نور، آیه ۵۴).

در خاتمه رهنمود مجدد ما این است که با وضعی که راجع به پدر خود مرقوم فرموده اید حرمت ایشان را کاملاًمراعات فرمایید.

متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم ؟

پرسش

متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم ؟

پاسخ

در این مورد باید بر غیرت دینی و حساسیت وجدانی شما آفرین بگوییم.

برخورد شما با خواهر محترمه تان باید دقیق و ظریف باشد به گونه ای که موجب آزار و اذیت وی نشود، وی را ازشما فراری ندهد، تأثیر سخن شما را دچار تزلزل نکند و خیرخواهی شما را مخدوش نسازد. باید به شکلی با ویصحبت کنید که شما را خیرخواه و تکیه گاه خود بداند. نباید با لحن و کلمات اهانت آمیز - که موجب اذیت وی گردد -با وی سخن گویید؛ در این صورت راهنمایی شما مفید نخواهد شد و به دست خویش وی را از خانه و از خودتاندلسرد خواهید کرد و بسا موجب اشتباهات بیش تر وی گردد.

باید ابتدا به اصل وجود این ارتباط یقین داشته باشید و ماجرا را پنهان نگه دارید. این عمل شما باعث جلباطمینان و اعتماد وی به شما می گردد.

نکته مهم دیگر آن است که از ابتدا به صورت مستقیم برخورد نکنید، بلکه با زبان خوش، ناصحانه، دلسوزانه و بهصورت غیرمستقیم وارد شوید. مثلاً بگویید شنیدم که دختری با پسری ارتباط داشته حال فاش شده و بعدا کم کم وارداصل ماجرا شوید. نگویید «تو چرا این کار را کردی» بگویید «نکند شما این کار را بکنید، مواظب باشید».

لازم نیست اقرار و اعتراف کنید. همین که سکوت کند و سخن شما را گوش دهد، کافی است. روش های برخوردتدریجی با این مسأله را می توان چنین جمع بندی کرد:

۱- او را از پیامدهای اجتماعی زشت این عمل آگاه سازید؛ مانند از بین رفتن حیثیت و آبرو و سلب اطمینانعمومی و... (البته به صورت غیرمستقیم).

۲- از

احادیث و روایاتی که عقاب و عذاب این گروه افراد را بیان می کند برایش بخوانید؛ البته به صورتی که اومخاطب شما نباشد، بلکه بگویید این گروه افراد در آخرت...

۳- راه های جلوگیری از ادامه این ارتباط و قطع ارتباط را بیان کنید.

۴- دوست مناسب را برایش تعریف کرده، ویژگی های وی را برایش تبیین کنید و حتی در صورت امکان در انتخابدوست به او کمک کنید.

۵- از فرد ثالث (شخصی غیر از خواهرتان و خودتان) کمک بگیرید، تا وی آن جوان را اقدام به این ارتباط نموده، بانصیحت از این عمل بازدارد.

در پایان به او گوشزد کنید که دیگر در صدد ارتباط با خواهر شما برنیاید و او را تهدید کنید که ماجرا را به خانوادهدختر و آن پسر خواهد گفت.

۶- در صورتی که آن جوان لایق و مناسب همسری خواهرتان باشد، از طریق همین فرد واسطه در این مسیر گامبردارد، بدون این که خود آن جوان متوجه این طرح بشود.{J

در دانشگاه ما روابط پسر و دختر در راهروهای دانشگاه غوغا می کند. لذا خواهشمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که مورد توجه و اصلاح خاطیان باشد و همچنین این راهکارها مطابق شرع و نسبت به مقتضیات زمان تازه و جوان پسند و دانشجوپسند باشد؟

پرسش

در دانشگاه ما روابط پسر و دختر در راهروهای دانشگاه غوغا می کند. لذا خواهشمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که مورد توجه و اصلاح خاطیان باشد و همچنین این راهکارها مطابق شرع و نسبت به مقتضیات زمان تازه و جوان پسند و دانشجوپسند باشد؟

پاسخ

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چندان مفصل نیستند مراجعه فرمایید:

مجله پرسمان، چرایی پوشش بانوان، آقای حسینی

مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسر، آقای احمدی

تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

شش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است:

اولا، آگاهی دقیق و عمیق برادران و خواهران متعهد و حزب اللهی در دانشگاه ها نسبت به موارد و مصادیق معروف و منکر.

ثانیا، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی بسیج و سایر تشکل های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در ضمن از این طریق می توانید:

۱- کلاس های آشنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید.

۲- در شورای فرهنگی دانشگاه و سایر مراکز فرهنگی دانشگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید.

۳- گاهی برخورد با بعضی از منکرات به لحاظ حساسیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشکل منجسم نیروهای خودی در این راستا، کارآیی خوبی می تواند داشته باشد.

ثالثا، کار مطبوعاتی و نشریاتی و درج مقالات علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از

شعار.

رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا و غیرمنطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی مذکور صورت پذیرد.

خامسا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعا محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است.

سادسا، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسؤولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد; از جمله : اولا": فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا", احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا", شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا", در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی

یـا مالی قابل توجه وجود نداشـته باشـد. علاوه بر لزوم مراعات شـرایط یاد شـده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پـایین تر, جـایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت , روی بر گردانــدن و.. از او, ترک رابطـه کردن بـا وی و...) در مرتبـه ی دوم امر و نهی زبـانی , مـوعظه و ارشـاد طرف اسـت و در صورت فایـده نداشـتن , گفتـار خود را غلیظ کرده در امر و تهدیـد و ترسانـدن شـدت به خرج دهـد. مرتبه ی سوم , مرحله ی اقـدامات عملی است . اگر دو مرتبه یـاد شـده اثر نـداشت , واجب است از اعمـال قـدرت اسـتفاده کنـد, (تحریرالوسـیله , امـام خمینی , ج ۲, ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسـلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسـلامی وجود داشـته باشد (مانند وضـعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسـل به زور, موضوع را به مسؤولاـن ذی ربـط در نیروی انتظـامی و قوه قضـائیه ارجاع دهنـد,(اسـتفتاآت آیت الله خامنه ای , ترجمه ی فارسی , ج ۱, ص ۲۳۱).

۲. سازمـان هـا و ارگـان هـای ویژه (از قبیـل نیروی انتظـامی , قوه قضائیه , دسـتگاههای اطلاعاتی و امنیتی , سـتاد احیای امر به معروف و نهی از منکر, ستاد

مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون , نسبت به انجام مسؤولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است , ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات , مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است . راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی , اشتغال , مسکن , ازدواج , تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی , اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر, فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه , مطلوب است . در مورد محیط و اطرافیان : مسلما حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای مؤمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت : خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی

گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش . حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا مچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی ندارد را امر به معروف و نهی از منکر کنیم با توجه به این که ممکن است دیگران این عمل انسان را چیز دیگری تلقی کرده و برداشت نادرستی از انسان داشته باشند چگونه

پرسش

با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی ندارد را امر به معروف و نهی از منکر کنیم با توجه به این که ممکن است دیگران این

عمل انسان را چیز دیگری تلقی کرده و برداشت نادرستی از انسان داشته باشند چگونه باید عمل کنیم؟

پاسخ

به طور کلی، این مجموعه ای از بایـدها و نبایـدها است که مؤمنان باید در چارچوب آن حرکت کنند و بکوشـند بایدها را عمل کننـد و از نبایـدها دوری کننـد، به این معنا که هر دینی از پیروانش می خواهد به هنجارهایی تن در دهند و از ناهنجاری هایی دوری کنند، این هنجارها در قالب واجبات الهی و ناهنجاری در دسته محرمات الهی قرار می گیرند.

یکی از آموزه های مؤثر و کارآمد در دین رهایی بخش الام و از جمله احکام و هنجارهای واجب آن، فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده که بر هر زن و مرد مسلمان با وجود شرایط آن واجب است.

به هر حـال، امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین ابزارهای نظارتی در بعـد فردی و اجتماعی است و هـدف از آن، احیای معروف و میراندن منکر در جامعه اسلامی می باشد.

تعـبیر «امر به معروف و نهی از منکر، از تعـبیرات کلیـدی در قرآن کریم و سـخنان حکیمـانه پیشوایـان راستین اسـلام بوده و از جایگاه و اهمیت بسیار بالایی در چارچوب آموزه ها و مقررات فردی و اجتماعی در اسلام برخوردار می باشد.

امـام بـاقر(ع) در ایـن بـاره چنیـن می فرمایـد: «امر بـه معروف و نهی از منکر، واجب بسـیار بزرگی است که در پرتـو آن دیگر واجبـات اقـامه (به پـا داشـته) می شود ...»، (کافی: ۵/۵۶/۱، بـه نقـل از: ترجمه میزان الحکمه، محمـدی ری شـهری، ج ۸، ص ۳۷۰۴). یعنی این واجب (در صورت اجرای درست آن) به

تنهایی، ضامن اجرای سایر احکام و دستورات الهی و اسلامی است.

لیکن، امر به معروف و نهی از منکر، با توجه به تأثیرات بالای خود، دارای زمینه ها، شرایط مراتب و آداب مهمی می باشد که اگر همه آنان به خوبی به اجرا درآید، می تواند یک پروژه بی عیب و نقص و در عین حال در کاهش جرم و پیشگیری از آن، بسیار تأثیرگذار و دارای نقش باشد.

بنابراین، شناخت اصل این پروژه اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و تربیتی برای اجرایی کردن آن و دسترسی به اهداف آن، بسیار مهم است.

یکی از شرایط مسلم «امر به معروف و نهی از منکر» آن است که اجرای آن مفسده ای در پی نداشته باشد. بدین معنا که هدف از امر و نهی، دعوت به خیر و صلاح و باز داشتن از شر و فساد است، اما اگر زمانی، اجرای آن نتیجه معکوسی به بار آورد، ترک آن درست تر بلکه واجب می باشد. بنابراین، اجرای این فریضه، نباید موجب مفسده و ضرر جانی، مالی و آبرویی باشد (البته در منکراتی که جزیی و فردی است، اما در جایی که اساس دین در خطر باشد، مسأله فرق می کند).

بدیهی است که اگر شرایط امر و نهی فراهم نباشد اصلاً واجب نخواهد بود و نیز اگر در مقام اجرا، مراحل و شرائط آن، به درستی پیاده نشود، چه بسا ممکن است تأثیرات منفی و مخربی از خویش بر جای گذارده و احیاناً زمینه دین گریزی را به همراه داشته باشد.

بنابراین، همانگونه که اهتمام به امر و نهی، واجب بوده، اجرای صحیح آن نیز لازم می باشد به این ترتیب باید مراقب

بود تا در مقام عمل به این تکلیف سیاسی ـ اجتماعی در اسلام، و انگیزه بالا برای بستن پرونده گناه، پرونده گناه دیگری (در اثر بد عملی)، گشوده نشود، چه اینکه بی عملی و بد عملی (در صورت تقصیر) هر دو، گناه بزرگی، به شمار می آید.

با تأکید بر مباحث پیش گفته و حساسیت این واجب پر اهمیت، باید گفت که امر و نهی باید شفاف و بدون ابهام باشد و الا ممکن است زمینه سوء تفاهم و حتی تهمت فراهم شود که باید از کلی گویی، مبهم گویی و ... اجتناب کرد.

امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره می فرماید: «کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که به او گمان بد برد، سرزنش کند»، (بحارالانوار، ۷۵/۹۰/۴ و ص ، به نقل از ترجمه میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۳۲).

در مورد سؤال یاد شده می توان گفت، در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر آماده است، لازم است امر و نهی نماییم، اما اگر مورد از مواردی است (مثلاً یک زن است) که در معرض تهمت قرار می گیرید (در صورتی آمر و ناهی یک مرد باشد) باید از مکانیسم های دیگر استفاده کنید از جمله اینکه به صورت جمعی به این واجب اقدام نمائید و همچنین با مراجعه به نهادهای مسؤول و با استفاده از خواهران مسؤول و متعهد، به این واجب بسیار کارآمد، اهتمام داشته باشید.

در پایان نکته قابل توجه این است که در همه مراحل امر به معروف و نهی از منکر، تلاش نماییم. با به کارگیری هوش و درایت و روش های روانشناسانه

و نیز با بهره گیری از اخلاق اسلامی و ادب دینی و صبر و حوصله و بدون درگیری لفظی و فیزیکی (با توجه به مراحل ابتدایی آن)، اقدام شود تا با کم ترین هزینه، بیشترین استفاده را ببرید. بنابراین، با افراد مختلف و سلیقه های متفاوت برخوردهای متنوع باید داشت تا موفقیت بیشتری کسب نمایید.

نمی دانم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار می کشم.

پرسش

نمی دانم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار می کشم.

پاسخ

با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما عزیزان , به آگاهی می رساند که مسائله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت : ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تاثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در

برخورد با حق , چند گونه اند: ۱- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. ۲- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. ۳- انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر آمر به مروف , با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید, ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد, ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید, ۴- گاهی مطلب را به صورت سوئال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید, ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه ی مطالعاتی داشته باشید

که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید, ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید, ۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سوئال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوئ چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید, ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید, ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تاثیر نخواهد بود.((و ذکر فان الذکری تنفع الموئمنین)), (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تاثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مائیوس نباشید, ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که ((و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد)), (نور, آیه ۵۴).

چون خودم در دوران راهنمایی و دبیرستان خیلی گناه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمایی کنم. یعنی از قبل از بلوغش تصــمیم به این کار گرفتم اما نتوانستم به زبان خودش با وی صحبت کنم و علی رغم اینکه گاهی نصیحت می کردم اعصابم خرد م

پرسش

چون خودم در دوران راهنمـایی و دبیرسـتان خیلی گنـاه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمـایی کنم. یعنی از قبـل از بلوغش تصـمیم به این کـار گرفتم اما نتوانسـتم به زبان خودش با وی صـحبت کنم و علی رغم اینکه گاهی نصیحت می کردم اعصابم خرد می شد و بهش بد و بیراه می گفتم. البته یکی از داداش های دیگرم با زبان کتک با او حرف می زد که متأسفان الان همون که ۱۷ سال داشت سیگاری شده، درس را هم کنار گذاشت و

می ره تعمیرکار ماشین بشه، گاهی اوقات می دونم که یعنی حدس ۹۰٪ می زنم که با پسرخاله یا پسر دائی ام می ره لواط اما تا حالا نتوانستم درست بهش بگم که این کار را نکند چون تا حالا ندیدم و می ترسم به او هم تهمت بزنم. و خلاصه نگرانش هستم و دوست ندارم وقتی به سن من رسید اینقدر گناه کرده باشد. به نظر شما چطوری راهنمائیش کنم.

پاسخ

از دلسوزی و تـدبیر مشـفقانه شـما نسـبت به برادر کوچکترتان تقـدیر و تشـکر می کنیم و توفیق روز افزون شـما را از خـداوند سبحان مسألت می نماییم.

اما در مورد موضوع مشاوره توجه شـما را به نکات زیر جلب می کنیم و همانگونه که خود متـذکر شـده ایـد راهکارهای ارائه شـده بایـد عملیاتی گردد و به کار گرفته شونـد تا در رسـیدن به هدف مؤثر افتند و الا صـرف آشـنایی با آنها کارساز نیست و نخواهد بود. پس با امید به یاری خداوند و انتظار عمل از شما به سراغ راهکار می رویم:

۱- راهکار اصـلی هدایت و راهنمایی یک نوجوان، برقراری ارتباط صمیمانه و دوستانه با وی می باشد. دوران نوجوانی دوران برقراری روابط نزدیک با همسالان به جای والـدین و بزرگسالان است. روابط والدینی جای خود را به رابطه همسالان می دهد لذا اگر در صدد ارائه راهنما و هدایت وی هستید بدون برقراری ارتباط و از راه دور و به شـیوه آمرانه ممکن نمی شود باید در قالب دوستی، همبازی بودن، بر عهـده گرفتن نقش رفیق شـفیق با او ارتباط برقرار کنید تا در فضای رفاقت و صـمیمیت او تمام احساسات و افکار

و تصـمیمات خودش را با شـما در میان گـذارد و شـما هم در پرتو روابط دوسـتانه و رفاقت او را هـدایت و به زنـدگی او خط دهید.

توجه داشـته باشید تا وی احساس صمیمیت نکند حرف خود را با شما در میان نمی گذارد و از حرف شما فرمان نمی پذیرد و ارائه دسـتورات هدایت گرانه در قالب بیانات بزرگسالانه، آمرانه، سرزنش گرانه کمتر مؤثر خواهد بود تا چه رسد به رفتارهای تنبیهی و مجازات گرانه. اگر شـما با زبان سـرزنش و عتاب با وی برخورد کنید وی نیز در جبهه لجاجت و خودسری سنگر می سازد و اگر از مقام برتری طلبی و تفوق خواهی وی را خطاب کرده و هـدایت کنیـد او خود را در فضای غرور و نخوت فرض کرده و پاسخ شما را می دهد که هیچ یک ازاین شیوه راه مناسبی نیست و شما را به هدفتان نمی رساند.

۲- راهکار دیگری که شـما را به هـدفتان نائل می گردانـد انتخاب دوست برای برادرتان و یا کمک به وی در انتخاب دوسـت مناسب است.

البته این دخالت در انتخاب دوست نباید یک دخالت مسـتقیم باشد که او احساس سـلب آزادی و تحمیلی و کنترل نماید. شـما از طریق دوسـتان برادرتان می توانید وی را به همان سـمتی که دوست دارید و می پسـندید هدایت کنید و به شکل غیرمستقیم او را کنترل نمایید. البته این دوست برادرتان که برگزیده شـماست و یا حاضـر به همکاری با شـما شده است باید با شـما رابطه ای صمیمانه داشته باشد و سیاست شما را افشا نسازد و قبل از تمام این امور، کاملا مورد وثوقتان باشد

و اخلاق و رفتار و طرز تفکر او را پسندیده و پذیرفته باشید و او نیز با تمام وجود حاضر به همکاری با شما باشد.

پس راه رسیدن به هدف آن است که یا خود دوست برادرتان باشید و یا برای او دوستان خاصی برگزینید.

اما محتوای این رفتار دوستانه و صمیمانه باید همانند محتوای رفتار دوران نوجوانی خودتان باشد؛ یعنی با مراجعه و یادآوری علائق، احساسات، طرز تفکر خود در دوران نوجوانی اینک با برادرتان نیز در همان سطح از عواطف و احساسات و علائق و... برخورد نمایید و از او انتظار داشته باشید هرگز انتظار نداشته باشید او همانند یک آدم پخته و رشید رفتار کند و یا عواطف و احساسات انسان های بزرگسال را داشته باشد. به هر حال از او در سطح خودش انتظار داشته باشید، لذا:

۱- بر رفتارهای اصلاحی وی سرسختی و پافشاری نداشته باشید.

۲- خطا و اشتباه نمودن را انتظار داشته و بپذیرید و بعد آن را فراموش کنید.

۳- در جمع وی را امر و نهی نکنید.

۴- تمام انتظارات و دستورات خود را در قالب محبت و دوستی بیان کنید.

۵- به شخصیت او به خصوص در جمع دوستان احترام بگذارید.

۶- به آنچه که خود عمل نمی کنید او را امر و نهی نکنید و در واقع به رفتار نیک و پسندیده خود او را به سمت خوبی ها دعوت کنید نه با زبان و دستورات خشک.

۷- توان روحی و جسمی و روانی او را در عمل به خوبی ها و ترک بدی ها مد نظر داشته باشید و فراتر از توانش از او انتظار نداشته باشید.

۸- او را به جمع دوستانه

خود دعوت کنید و همراهی خود را با او افزایش دهید.

۹- اعمال کنترل بر او را به شکل غیرمستقیم اعمال نمایید.

۱۰- اگر تصمیم قطعی گرفته است که پیش یک استاد کار تعمیرگاه برود و شاگردی کند، سعی کنید استادکار متدین و مورد اعتمادی را شناسایی کنید و به برادرتان معرفی کنید تا وی بتواند برخی رفتارهای ناصحیح وی را کنترل نموده و در او تأثیر گذاشته و مانع رفتارهای نامطلوب وی شود. استاد کاری که تا حدودی توانایی کافی در این زمینه داشته باشد.

ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لهو و لعب» اند دور سازیم؟

پرسش

ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لهو و لعب» اند دور سازیم؟

پاسخ

برای تأثیرگذاری بر آنها به کارگیری راهکارهای زیر مناسب است:

۱- آنها را به خاطر این عملی که انجام می دهند تحقیر و طرد نکنید.

۲- رابطه دوستی با آنها برقرار کنید به گونه ای که به شما اعتماد کنند و احساس کنند شما دلسوز آنها هستید.

۳- اوقات فراغت آنها را با برنامه های مفید مانند ورزش و کارهای هنری مورد علاقه آنها و همچنین تهیه نوارها و سی دی های سالم و در عین حال جذاب پر کنید.

۴- مراقب دوستان آنها باشید با چه کسانی رابطه دوستی دارند اگر دوستان نامناسبی دارند سعی کنید با برقراری ارتباط با خانواده های سالم دوستان سالمی را جایگزین کنید.

۵- اگر در سنین نوجوانی هستند از برخورد دیکتاتور مأبانه با آنها اجتناب کنید. به آنها دستور ندهید بلکه بیشتر با آنها مشورت کنید هم در مورد کارهای خودتان و هم در مورد کارهای مربوط به خانواده و همچنین کارهای مربوط به خود آنها.

۶- در مشورت ها به نظرات آنها اهمیت بدهید.

۷- از تهدید و تنبیه آنها اجتناب کنید.

۸- اگر رفتارهای نامناسبی دارند سعی کنید با برخود شایسته به آنها بگویید ما شما را دوست داریم ولی این رفتار شما را نمی

پسندیم زیرا این رفتار در شأن شما نیست.

خلاصه این که از راه رفاقت و دوستی با آنها می توانید رفتار آنها را اصلاح کنید.

اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت زیادی نمی توانم این وضعیت آنها را تحمل کنم. ضمناً بعضی از آنها زیاد اهمیتی به حجاب و ... نمی دهند یعنی تقریباً فقط گذران عمر. من چگونه

پرسش

اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت زیادی نمی توانم این وضعیت آنها را تحمل کنم. ضمناً بعضی از آنها زیاد اهمیتی به حجاب

و ... نمی دهند یعنی تقریباً فقط گذران عمر. من چگونه باید برخورد کنم هم احساس می کنم وقتم هدر می رود و هم بالاخره خویشاوند هستند.

پاسخ

از این که در مقابل برخی از مسائل ارزشی مانند حفظ حجاب، احساس مسؤولیت می کنید بسیار خرسندیم همچنین حساسیت شما نسبت به اتلاف وقت و گذران بیهوده عمر که با هیچ چیز دیگری نمی توان جبران کرد قابل ستایش است. به نظر می رسد توجه به چند نکته در پاسخ سؤال شما ضروری است:

۱. بعضی از روابط به ویژه روابط صمیمی میان اقوام مانند عمو، دایی، خاله، عمه و... از ضروریات است و اسلام نیز به این روابط تحت عنوان صله رحم توجه خاص دارد و حتی حفظ این روابط را واجب کرده است و قطع آن را حرام نموده است و قطعا اصل این روابط خویشاوند بدون تردید در حفظ سلامت روانی و بهداشت روان اثر مثبت دارد علاوه بر این که از جهات دیگر نیز حفظ و استمرار این روابط مفید است که در اینجا مجال طرح نیست.

۲. جو غالب بر این روابط باید یک جو عاطفی باشد و الا امیدی به استمرار آن نیست زیرا انسان ها کنار هم قرار می گیرند تا در درجه اول تبادل عاطفی کنید و بعد از آن آثار دیگری نیز می تواند بر این روابط مترتب شود اما تبادل عواطف هدف اصلی و درجه اول روابط خانوادگی و فامیلی تشکیل می دهد.

۳. انسان ها همه در یک سطح نیستند. بعضی از نظر علمی و فهم و درک اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند برخی در سطح پایین، باید

توجه داشت که در روابط خانوادگی و فامیلی این سطوح را نباید لحاظ کرد بنابراین اگر خاله شما یا عمه شما از نظر علمی در سطح پایینی قرار دارد نباید این گونه تلقی کنید که من اگر نیم ساعت یا یک ساعت کنار آنها بنشینم ضرر می کنم زیرا هیچ ارزش علمی برای من ندارد این نشست در واقع تأمین کننده نیازهای عاطفی و انسانی است که از هیچ راه دیگری نمی توان آن را به دست آورد در حالی که علم را از هر فردی که دارای آن علم باشد می تواند یاد گرفت. بنابراین باید نگرش خود را نسبت به این نشست ها فامیلی تغییر دهید و از یک منظر دیگری به آن نگاه کنید و آن نگاه عاطفی است و مطمئن باشید این نشست ها در سلامتی انسان بسیار تأثیر دارد و قطع آن موجب انواع بیماری های روانی می شود که امروزه متأسفانه این مشکل رو به افزایش است و یکی از دلایل آن کم رنگ شدن روابط خانوادگی است و جایگزین کردن چیزهای مصنوعی دیگر از قبیل برنامه های تلویزیون، فیلم، سینما و حتی پارک رفتن ها در حالی که اینها هیچ کدام نمی تواند جای آن روابط گرم و صمیمی خانوادگی را پر کند.

۴. خنده و گریه دو عالم بسیار مهم برای تخلیه هیجانات است و هر دو برای سلامتی انسان مفید لذا در هیجانات ناخوشایند باید گریه کرد و در هیجانات خوشایند باید خندید و هیچ اشکال شرعی و عقلی نیز ندارد اما بعضی مسائل باید رعایت شود که مبادا این نشست ها به گونه ای برگزار شود

که در مسیر اصلی خود خارج شود و تبدیل به جلسات گناه و اتلاف عمر شود:

الف. اولا باید حدود شرعی رعایت شود به مسأله محرم و نامحرم خیلی باید اهمیت داده شود که این جلسات تبدیل به جلسه گناه نشود البته اگر همه افراد جلسه به نحوی با یکدیگر محرم هستند این مشکل منتفی است.

ب. از طرح مسائلی که از نظر شرعی گناه است و حرام تلقی می شود مثل غیبت کردن، تهمت زدن، دروغ گفتن مسخره کردن دیگران، استفاده از آلات موسیقی حرام و تبدیل جلسه به جلسه لهو و لعب باید جدا خودداری شود.

ج. وظیفه ما در مورد دو بند فوق در مرحله اول جلوی از گناه یعنی نهی از منکر و تبدیل جلسه به یک جلسه مفید و مؤثر یعنی امر به معروف می باشد. البته امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد و نحوه انجام آن نیز بسیار ظریف و دقیق است که باید در این زمینه به کتاب هایی که نوشته شده مراجعه کرد.

د. در صورت عدم توانایی و یا موجود نبودن شرایط مساعد برای امر به معروف و نهی از منکر حداقل وظیفه ای که ما داریم ترک آن جلسات می باشد.

ه. این جلسات باید از نظر زمانی خیلی طولانی نباشد که موجب اتلاف وقت شود این که از نظر زمانی چه قدر باید باشد بستگی به زمان، مکان و نوع افرادی که در آن جلسه هستند دارد لذا نمی توان وقت معینی را تعیین کرد.

نتیجه این که این گونه نشست ها و جلسات مفید و ضروری است و از سخت گیری هایی که اصلا منشأ شرعی

و عقلی ندارد و صرفا سلیقه ای است باید اجتناب کرد شما نیز باید در این جلسات حاضر شوید و نقش فعال داشته باشید و جلوی بعضی از اشتباهات را نیز تا آنجایی که امکان دارد بگیرید و حتی این جلسات ارزش این را دارد که انسان از قبل روی محتوای آن فکر کند و برنامه ریزی کند تا محتوای آن را غنی کند و جلوی برخی اشتباهات را نیز بدون هیچ گونه تنشی بگیرد.

۵- سعی کنید با افراد جلسه قطع نظر از هر چیزی روابط گرم، صمیمی و عاطفی داشته باشید، اگر اشتباهی مرتکب شدند خیلی سریع به آنها پرخاش و ترشرویی نشان ندهید و در یک فرصت دیگر فقط به خود او اشتباهش را تذکر دهید.

۶- برای این که بیشتر تأثیرگذار باشید در این جلسات سعی کنید به بقیه افراد خدمت کنید، احترام بگذارید اگر چیزی نیاز داشتند مثل، آب، چای و یا... شما در تهیه آن پیش قدم باشید اعم از این که این جلسه در خانه شما باشد یا در خانه خاله یا عمه یا دایی شما.

۷- همواره تبسم بر لب ها داشته باشید و از اخم کردن به آنها اجتناب کنید (البته تبسم فقط نسبت به محارم یعنی کسانی که به شما محرم هستند).

گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله پخش موسیقی های مستهجن و بازی با پاسور و ... گاهی اوقات امکان ترک مکان نیست و یا ترک مکان به موجب ناراحتی و دشمنی با دیگران می شود تکلیف در این گونه مواقع

پرسش

گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله پخش موسیقی های مستهجن و بازی با پاسور و ... گاهی اوقات امکان ترک مکان نیست و یا ترک مکان به موجب ناراحتی و دشمنی با دیگران می شود تکلیف در این گونه مواقع چیست؟

پاسخ

اولین وظیفه شخص در برابر پخش موسیقی و گناه، نهی از منکر با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه و منطق است. در صورت احتمال عدم تأثیر نهی از منکر چنانچه شخص مجبور باشد در آن مکان بماند برایش گناهی نیست. خودتان را به کاری مشغول نمایید و گوش نکنید.

خوردن صدای آن به گوش، اگر قلبا مایل به شنیدن نباشد اشکال ندارد و تا آنجا که ممکن است هنگام پخش موسیقی از آن محل خارج شود.

برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد.

پرسش

برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد.

پاسخ

کسانی که فحاشی می کنند و دروغ می گویند یا هر گناه زبانی دیگری را انجام می دهند، در زمره جاهلینی هستند که در آیه شریفه ۶۳ سوره مبارکه «فرقان» از ایشان یاد شـده. در این آیه خداوند یکی از اوصاف مؤمنین و بندگان شایسته خود را چنین بیان می کند: «و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» به توصیف آیه شریفه مؤمنین هنگامی که نادان ها ایشان را طرف خطاب قرار دهند با ملایمت و نرمی پاسخ می گویند.

خداوند همواره در دستوراتی که برای ابناء بشر ابلاغ نموده سعی در حفظ سلامت نظام اجتماعی آنها داشته و از این رو جواب جاهلین را ملایمت و نرمی می دانـد. (البته نه ملایمتی که در دین مسیح از حـد اعتـدال خارج شده و می گوید اگر کسـی در صورتت زد آن طرف صورتت را نیز به طرفش برگردان).

از سـویی دیگر بـا کنکـاش در آثـار و احوالات پیـامبر اکرم(ص) و ائمـه معصـومین(ع) می تـوان به روش صـحیح در برخـود اجتماعی با چنین افرادی دست یافت.

پیامبر اکرم(ص) چه در زمانی که از قـدرت ظاهری زیادی برخوردار نبودنـد (ایامی که در مکه سپری کردند) و چه زمانی که به ریاست حکومت جامعه دست یافتنـد (زمانی که در مـدینه بودنـد) در مقابل برخوردهای تند و جسارت های زبانی اعراب با ملاطفت و نرمی برخورد کرده، ایشان را از آن طریق به راه راست هدایت می کردند.

در زندگانی ائمه معصومین(ع)

و بزرگان دینی نیز این روش استمرار داشت. شاید داستان مالک اشتر - سردار حکومت حضرت علی(ع) - را به خاطر داشته باشید که در مقابل توهینی که به وی شد به مسجد رفته برای وی طلب استغفار کردند.

بسیار مناسب است توجه شما را به متن کامل و ترجمه حدیث عنوان بصری از امام صادق(ع) از کتاب «میزان الحکمه، ج ۸، باب ۲۸۷۵، روایت ۱۳۹۱۱» جلب کنیم:

«علامه مجلسی می نویسد: دستخطی از استادمان شیخ بهایی دیدم که عین آن این است: شیخ شمس الدین محمد بن مکی گفت: از دستخط شیخ احمد فراهانی از قول عنوان بصری - که پیر سالخورده نود و چهار ساله ای بود -نقل کردم که گفت: من سال ها به محضر درس مالک بن انس آمد و شد می کردم. اما وقتی جعفر صادق(ع) به مدینه آمد به مجلس درس ایشان رفتم و دوست داشتم همچنان که از مالک بهره گرفتم از ایشان نیز بهره مند شوم. روزی به من فرمود: من آدم گرفتاری هستم (ارباب رجوع زیاد دارم) و با این حال، در هر ساعتی از ساعت شب و روز برای خودم اوراد و ادعیه ای دارم؛ مرا از دعا خواندن باز ندار. از همان مالک علم بیاموز و همچون گذشته پیش او برو. من از این سخن غمگین شدم و آن حضرت را ترک کردم و با خود گفتم: اگر در من حسنی می دید، مرا از آمد و رفت پیش خود و فرا گرفتن دانش از خویش نمی راند. پس به مسجد رسول(ص) رفتم و به آن حضرت سلام دادم و فردای آن روز به روضه (حرم

رسول خدا(ص)) برگشتم و دو رکعت نماز خواندم و گفتم: خدایا! خداوندا! از تو می خواهم که دل جعفر را به من متمایل و مهربان گردانی و از دانش او آن روزیم فرمایی، که در پرتو آن به راه راست تو رهنمون شوم. غمزده به خانه ام برگشتم و چون دلم از عشق و محبت جعفر پر شده بود، دیگر به درس مالک بن انس نرفتم. از خانه ام فقط برای خواندن نماز واجب بیرون می رفتم، تا آن که سرانجام صبرم تمام شد و حوصله ام سر آمد. بعد از آن که نماز عصر را خواندم، کفش هایم را پوشیدم و ردایم را بر تن کردم و به طرف خانه جعفر رفتم. چون به در منزل او رسیدم در زدم، خدمتکارش بیرون آمد و گفت: چه می خواهی؟ گفتم بر آن مرد شریف سلامی کنم. خدمتکار گفت: ایشان در حال خواندن نمازند. من مقابل در نشستم. دیری نگذشت که خدمتکار بیرون آمد و گفت: به امید خدا، وارد شو. من داخل خانه رفتم و به حضرت سلام کردم. جواب سلامم را داد و فرمود: بنشین، خدا تو را بیامرزد. من نشستم. حضرت مدتی سر به زیر افکند و آن گاه سرش را بلند کرد و فرمود: کنیه ات چیست؟ گفتم: ابو عبدالله. فرمود: خداوند کنیه ات را استوار بدارد و تو را توفیق دهد. ای ابو عبدالله! چه می خواهی؟ با خودم گفتم: اگر از دیدار او و سلام گفتن برای من بهره ای جز همین دعا نباشد، باز هم بهره زیادی برده ام. حضرت دوباره سرش را بلند کرد و فرمود: چه می

خـواهی؟ گفتـم من از خداونـد خواسـتم که دل تـو را نسـبت به من متمایـل و مهربـان گردانـد و از دانش تـو روزیم فرمایـد و امیدوارم که خدای تعالی خواهشـی را که از او درباره این مرد شـریف کردم اجابت کرده باشد. حضرت فرمود: ای ابو عبدالله! دانش به آمـوختن نیست بلکه نوری است که در دل هر کس که خداونـد تبـارک و تعـالی خواهـان هـدایتش باشـد، می افتـد. بنابراین اگر خواهان دانش هستی پیش از هر چیز حقیقت عبودیت را در جان خودت جسـتجو کن و علم را با به کار بسـتن آن بجوی و از خداونـد فهم بخواه تـا به تو بفهمانـد. گفتم: ای بزرگوار! فرمود: بگو، ای ابو عبـدالله. گفتم: ای ابو عبـدالله! حقیقت عبودیت چیست؟ گفت: سه چیز: اول این که بنده در آنچه خداوند به او عطا فرموده است، برای خود مالکیتی قائل نباشد؛ زیرا بنـدگان و غلامان مالك چیزی نیسـتند، مال را مال خـدا می داننـد و آن را در هر جا که خداونـد فرموده است به مصـرف می رساننـد. دوم این که بنـده برای خود تـدبیر و چاره اندیشـی نکنـد. سوم این که: همه سـرگرمی و اشـتغالش به چیزی باشـد که خـدای تعـالی او را به انجـام آن فرمان داده یا از ارتکابش نهی فرموده است؛ زیرا هرگاه بنـده در آنچه خـدای تعالی به او داده است، برای خود مالکیتی قائل نباشد، انفاق کردن آنها در مواردی که خداوند فرمان به انفاق داده است، برایش آسان می شود و هرگاه بنده تدبیر و چاره گری کار خود را به مدبر خویش واگذارد، مصائب و گرفتاری های دنیا بر وی

آسان گردد و هرگاه بنـده به اوامر و نواهی خـدا سـرگرم شود، دیگر فرصتی برای ستیزه گری و فخر فروشـی با مردم پیدا نمی کنـد. پس، هرگـاه خداونـد بنـده را بـا این سه خصـلت بنـوازد، مشـکل دنیـا و شـیطان و مردم بر او آسـان شـود و دنیـا را برای فزونخواهی و فخر فروشـی نجویـد و چشـمش دنبال جاه و جلال مردم نباشد و روزگار خویش را بیهوده نگذراند. این نخستین پلکـان پرهیزگـاری است. خـدای تبـارک و تعـالی فرموده است: «این سـرای آخرت را برای کسـانی قرار می دهیم که خواهان برتری و تبهکاری در زمین نیستند و فرجام (نیک) از آن پرهیزگاران است». گفتم: ای ابو عبدالله! به من سفارشی بفرما. فرمود: تو را به نه چیز سـفارش می کنم که اینها سـفارش من به طالبان راه خـدای تعالی است و از خداونـد می خواهم که تو را در به کـار بسـتن آنهـا توفیـق دهـد. سه چیز از این نه چیز به ریـاضت نفس مربوط می شود و سه چیز به بردبـاری و سه چیز دیگر به دانش. اینها را حفظ کن و زنهار که ناچیزشان شـماری. عنوان می گوید: دلم را به کلی به آن حضـرت سپردم. حضرت فرمود: آن سه چیز که به ریاضت مربوط می شود اینهاست: از خوردن آنچه که میل و اشتها بدان نداری، خودداری کن؛ زیرا این کار حماقت و کودنی به بار می آورد. دیگر آن که تا گرسـنه نشده ای غذا نخور و هرگاه غذا خوردی، حلال بخور و نام خدا بگو و این حدیث رسول خدا(ص) را به یاد آر که: آدمی هیچ ظرفی بدتر از

شکم خویش پر نکرد. اما چون چاره ای از خوردن نیست، پس یک سوم معده را به غذا اختصاص ده، یک سوم دیگرش را به آب و نوشیدنی و یک سوم را هم به نفس آن.

آن سه چیز که به بردباری مربوط می شود اینهاست: چنانچه کسی به تو گفت: اگر یکی بگویی ده تا می شنوی، در پاسخش بگو: اگر ده تا بگوی…یکی هŠنخواهی شنید. اگر کسی به تو ناسزا گفت، به او بگو: اگر آنچه می گویی راست باشد، از خداوند می خواهم که مرا بیامرزد و اگر دروغ باشد، از خداوند می خواهم که تو را بیامرزد. (سوم این که) اگر کسی به تو سخن زشتی گفت، تو او را نصیحت و ارشاد کن.

آن سه چیز که به دانش مربوط می شود، اینهاست: آنچه می دانی از دانشمندان بپرس و زنهار که به قصد مجادله و آزمودن از ایشان سؤالی کنی. زنهار که براساس رأی خود کاری کنی و در کارها تا جایی که راه دارد، به احتیاط عمل کن. از فتوا دادن بگریز چنان که از شیر می گریزی و گردن خود را پلی برای مردم قرار مده. اینک؛ ای ابو عبدالله تو را نصیحت و راهنمایی کردم. برخیز و مرا تنها بگذار و ورد و دعایم را بر من خراب مکن؛ زیرا من مردی هستم که نسبت به نفس خود بخل و مضایقه می ورزم و درود بر کسی که از راه هدایت پیروی کند».

این سؤالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش کنم و آن این است او دختری ۱۴ ساله است ولی با این سن با توجه که بسیار زیرک است اما بسیار ساده لوح و بی آلایش است یعنی هر چه در دل داشته باشد می گوید و

پرسش

این سؤالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش

کنم و آن این است او دختری ۱۴ ساله است ولی با این سن با توجه که بسیار زیرک است اما بسیار ساده لوح و بی آلایش است یعنی هر چه در دل داشته باشد می گوید و به قول خودش نمی تواند حرفی را با احساسی که دارد در دل نگهدارد و بازگو نکند در این زمینه خیلی با او صحبت کردم اما می دانم که در این سن نصیحت هیچ تأثیری ندارد بنابراین دنبال راهکار دیگری می گردم با توجه به اینکه تا حدی از قوه شهوت بالایی برخوردار است گاهی دچار توهماتی می شود بطوریکه می گوید می ترسم کسی با من کار بدی کرده باشد که من مطمئنم و با کمال یقین می گویم که تا به حال همچین اتفاقی نیافتده و خیلی از این مسئله هراس دارد. با توجه به علاقه ای که به جنس مخالف دارد می گوید دلم می خواهد با یک پسر دوست شوم و با توجه به اینکه از زیبایی بسیار زیادی نیز برخوردار است در هر جمعی جلب توجه می کند از نظر خانوادگی در خانواده ای است که تا حدی بسیار زیاد مقید و پایبند به مسائل دینی و شرعی هستند و خانواده کم جمعیت و تا حدی بسیار زیاد مراقب فرزندان چه از نظر درسی و اخلاقی چه از نظر سایر جوانب.

نمی دانم دارای شخصیت بسیار حساس است یعنی نمی داند با توجه به سن خودش چه رفتاری از خود بروز دهد گاهی بسیار بزرگانه و گاهی بسیار حرکات بچه گانه ای دارد یعنی افراط و تفریط از آینده اش هراس دارم می

ترسم با توجه به علاقه و حرف شنوی که از من دارد می دانم می توانم کمکش کنم.

می ترسم که در دست هوسبازان مکار و بی حیا بیفتد روحش جریحه دار شود با توجه به اینکه خیلی حساس و احساساتی است و خیلی سریع گول می خورد از وضع این جامعه و بازی هایش خبر ندارد و همه چیز را در ظاهر انسانها می بیند.

در ضمن او فردی است که تجزیه و تحلیل خوبی به نسبت سن خود دارد و تا حد بسیاری زیادی پایبند موازین شرعی است از آینده اش می ترسم مرا راهنمایی کنید تا بتوانم کمکش کنم لطفاً هر چه سریعتر جواب را برایم بفرستید.

پاسخ

ضمن ستودن احساس وظیفه و خیراندیشی پاك و بی شائبه شما، درباره موضوع مورد نظر توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

آنچه بیان فرمودید گوشه ای است از ویژگی های روحی و خصائص شخصیتی یک جوان که روشی خاص از برخورد و رفتار به آنها را می طلبد از این رو باید براساس همین ویژگی ها با وی رفتار کرد، به هدف رسید و الا هدف و جوان هر دو از دست می روند لذا:

۱. بهترین شیوه هدایت یک جوان نظارت بر رفتار اوست و این نظارت نباید از نزدیک و با دستور انجام پذیرد بلکه این هدایت، هدایت از راه دور و بر پایه انتقال ارزش ها و واقعیت ها است و از نظر عملیاتی راه هدایت در دوستی با آنها نهفته است پس سعی کنید خود با وی دوست باشید و در فضای دوستی و ارتباط های صمیمانه بتوانید اهداف خود را برآورید.

۲.

اگر خـود نمی توانیـد دوست باشـید و یـا در کنـار روش اول شـما در انتخـاب دوست به وی کمـک کنیـد و بـا یـاری دوسـت برگزیـده ارزش هـا و واقعیت هـا را به او منتقل کنیـد چون تعهـد جوانان به قوانین گروه های هم سن و سال بیشتر است لـذا از دوسـتان خود بیشتر حرف شـنوی دارند و شـما می توانید از این ویژگی اسـتفاده کرده و از طریق دوسـتان و یا انتخاب دوستان خوب و پسندیده اهداف خود را تعقیب نمایید.

۳. از سـرزنش کردن، دسـتورات آمرانه صادر نمودن، امر و نهی کردن در برابر دیگران سـخت پرهیز کنید که این نوع رفتارها (تا چه رسـد به رفتارهای زشت و نابجا) باعث بریـده شـدن ریسـمان ارتباط می گردد و وقتی ارتباط قطع شد دیگر راهی برای اصلاح و انتقال پیام نخواهد ماند.

۴. از آنجا که جوانان توصـیه مستقیم را نمی پذیرند در اختیار نهادن کتب مورد نظر به شکل غیرمستقیم و یا نقل داستان عبرت آموز و... می توانـد راهی برای انتقـال پیام شـما باشـد. مثلا درباره ارتباط با جنس مخالف و داشـتن دوست پسـر، کتابی به نام «دختران، دوستی ها و عبرت ها» را معرفی یا در اختیارش قرار دهید تا مطالعه کند.

۵. در حـالی که مبـالغه گویی را کنـار گـذارده برخی پیامـدهای ارتبـاط های اجتماعی نابجاماننـد دوست پسـر داشـتن، فریب دوسـتان خیابـانی را خوردن و... را برای او بـازگو کنیـد لـذا خود بـا بینش از آنها پرهیز می کنـد و اگر روزی شـما نیز حضور نداشته باشید او از درون از آنها انزجار پیدا می کند و متنفر می شود.

۶. توانایی های او

همانند احساسات پاک، تخیلات بی شائبه او را به مسیر خوب هدایت کنید مثلا اجازه بدهید احساسات خود را در مسیر موجود برتر عالم هستی حضرت بقیه الله (عج) بنویسد و یا در مورد یک گل، پدر و مادر و ... بیان کند نباید این احساسات و تخیلات را سرکوب کرد همانگونه که نباید اجازه داده به انحراف کشیده شوند پس موضوع و فرصت را شما ایجاد کنید تا او خود را به این شکل رها سازد.

۷. برای او سرگرمی مورد علاقه، پر کننده اوقات فراغت، برطرف کننده نیازهای امروز و آینده زندگی او است فراهم آورد به خصوص از حرفه آموز و هنرآموزی در این مورد غفلت نورزید اگر جوانان نیروی جوانی خود را در مسیر سالم هدایت نکند غوغا به پا می کند.

آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلا بی حجابی دختران ،آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چون تعداد افراد زیاد است که ما همه را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و نیز برخورد مردم تند و خجالت آور شده است.

پرسش

آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلا بی حجابی دختران ،آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چون تعداد افراد زیاد است که ما همه را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و نیز برخورد مردم تند و خجالت آور شده است.

پاسخ

در صورت وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر واجب است اما اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر نیست امر به معروف و نهی از منکر هم واجب نیست و فرقی بین مرتکبین گناه چه زیاد باشند یا کم نیست.

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟

پرسش

معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟

پاسخ

وظیفه شما نهی از منکر است و باید احکام را برای آنها با بیانی ظریف بیان کرد و نباید مراتب نهی از منکر فراموش شود.

چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصـــی که در خانواده ای معتقد است و خود هم اعتقاداتی دارد اما در عمل به آنها تنبلی کرده و یا بی تفاوتی نشان می دهد.

پرسش

چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصی که در خانواده ای معتقد است و خود هم اعتقاداتی دارد اما در عمل به آنها تنبلی کرده و یا بی تفاوتی نشان می دهد.

پاسخ

تلاش و کوشش جهت هدایت و تشویق افراد به طرف خدا و تقویت ایمان آنها کاری بس ارزشمند است . دعوت مردم به آشنایی با دین و عبادت خداوند از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. چنانچه در روایتی رسول خدا(ص) فرمود: هر کس بتواند یک نفر را هدایت کند و به طرف دین جذب نماید، ارزش آن برتر از تمام چیزهایی است که خورشید بر آنها می تابد.

برای ترغیب و تشویق به انجام فرائض دینی ، ابتدا باید زیربناهای فکری افراد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و ... اموری است که نتیجه مستقیم بر ایمان فرد دارد . تقویت و اصلاح این مبانی تأثیر زیادی بر ایمان انسان می گذارد.

قدم بعدی چشیدن و مزه کردن ایمان است. اگر کسی شیرینی و لذت ایمان به خدا را حس کند و از انجام کارهای دینی لذت ببرد ، هرگز نسبت به آنها بی تفاوتی نشان نمی دهد. به همین جهت در دعاها آمده است: «اللهم اذقنی حلاوه ذکرک : خدایا شیرینی یاد خودت را به من بچشان».

قدم سوم پرهیز از اموری است که انسان را از توجه به خدا غافل می کندن. گر چه یاد خدا و ارتباط عاشقانه با او بسیار لذت بخش است و هیچ

لذتی به پای آن نمی رسد ، ولی اگر لذت های مادی و شیطانی که رسیدن به آنها بسیار آسان است و روز به روز متنوع تر و گسترده تر می شود، در زندگی فرد وارد شود، کم کم او را از توجه به خدا باز می دارد و ایمان او را ضعیف می کند.

حال با توجه به این سه مطلب، راهکارهای زیر را جهت تقویت ایمان فرد و نزدیک کردن او به دین پیشنهاد می کنیم، اما قبل از آن این نکته را یادآوری می کنیم که هدایت و ارشاد دیگران به طرف خدا امری تدریجی است که لازمه آن صبر و بردباری و تلاش دائمی است و نمی توان انتظار داشت یک مرتبه افراد به همه چیز برسند. باید سعی کنیم قدم به قدم پیش رویم. این راهکارها عبارتند از:

۱. او را به مطالعه کتاب های مفید در زمینه های مذهبی تشویق کنید . گاهی هم کتاب های جالب را که برای او مناسب است خودتان مطالعه کنید و خلاصه آن را برایش بگویید، به این صورت که اگر می توانید با او قرار بگذارید و در یک زمان مناسب این کار را بکنید. شما می توانید این کار را به بهانه اینکه می خواهید از او کمک بگیرید تا اشتباهات شما را اصلاح کند ، انجام دهید. زیرا در غیر اینصورت ممکن است زیر بار این کار نرود.

۲. نصیحت و تذکر مستقیم سودی ندارد. سعی کنید مطالبتان را غیر مستقیم به او بگویید.

۳. قبل از اینکه بخواهید تذکری به او بدهید بهتر است نکات مثبت او را برجسته کنید. و او را

به عنوان فردی موفق جلوه دهید و طوری وانمود کنید که تذکرات شما برای بهتر شدن وضعیت او است.

۴. داشتن روابط صمیمی و دوستانه تأثیر سخن شما را چند برابر می کند پس سعی کنید دائما او را مورد محبت و نوازش قرار دهید و او را از بهترین دوستان خود معرفی کنید.

۵. گاه گاهی از او بخواهید اشتباهاتتان را به شما تذکر دهد تا احساس کند نظرات او را قبول دارید و به آن احترام می گذارید.

۶. سعی کنید وی را به شرکت فعال در تشکلهای مذهبی دانشگاه تشویق کنید و از اعضای آنها بخواهید به او توجه و احترام لازم داشته باشند.

۷. او را به شرکت در مراسم جذاب مذهب مثل زیارت عاشورا ، دعای توسل و مانند آن تشویق کنید و روحیه توبه و انابه و مناجات با خدا را در او به وجود آوريد.

۸. تا جایی که ممکن است ارتباط او را با لذایذ حرام مثل نوارها و سی دی های غیر مجاز و شرکت در مجالس آلوده ، رابطه با جنس مخالف و مانند آن قطع یا محدود کنید، زیرا اینگونه برنامه ها در تخریب ایمان جوانان بسیار مؤثر است.

۹. آینده نگری، احساس مسئولیت و توجه به عالم آخرت را در او ایجاد کنید.

۱۰. از صمیم قلب برای موفقیت خودتان و برای هدایت او دعا کنید و بدانید که اگر در کارتان جدیت و اخلاص داشته باشید ، حتما موفق می شوید، اگر هم موفق نشدید اجرتان پیش خدا محفوظ است و از این جهت جای نگرانی نیست.

۱۱. سعی کنید با رفتارتان او را دعوت به دین و ارزشهای دینی

کنید «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم» پیامبر فرمود مردم را با غیر زبان به دین دعوت کنید. زیرا مشاهده رفتار دیگران در تأثیر پذیری انسان بسیار مؤثر است. این کار هم به نفع شماست یعنی عملاً خود شما کمال پیدا می کنید و هم باعث تشویق و تحریض ایشان برای عمل کردن به احکام و ارزشهای دنیوی می شوید.

من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تاثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل این حرفم خنده دار باشد) اما خیلی کم موثر بودم حال می بینم که دو بار است او از روی شوخی به امام حسین و حضرت فاطمه توهین می کند البته من

پرسش

من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تاثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل این حرفم خنده دار باشد) اما خیلی کم موثر بودم حال می بینم که دو بار است او از روی شوخی به امام حسین و حضرت فاطمه توهین می کند البته من سریعا عکس العمل نشان می دهم و ا و را سرزنش کردم حال شما بفرمایید ما با او چه کنم.

پاسخ

دانشجو گرامی: گر چه احساس مسئولیت شما نسبت به دوستتان جای تقدیر و تشکر دارد و نشان دهنده حسن نیت، مسئولیت پذیری و همنوع دوستی شما ست اما تأثیرگذاری نیاز به مقدمات شرایط و عواملی چند است که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. یکی از چیزهایی که برای تأثیرگذاری لازم است توانایی، مهارت و شناخت کافی نسبت به موضوعی که مورد بحث شماست به عنوان مثال اگر شما می خواهد دوستتان را نسبت به مسائل دینی آگاه کنید و او را جذب دین و معارف دینی کنید باید خودتان اطلاعات لازم را نسبت به معارف دین داشته باشید و الا به خوبی نمی توانید معارف دین و فواید دینداری را برای او توضیح دهید و او تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت.

۲. عمل به احکام دینی یکی از مهمترین شرایط تأثیرگذاری است . پیامبر (ص) در این باره فرمود اگر می خواهید دیگران را به دین دعوت کنید سعی کنید نه با زبان بلکه با عملتان آنها را به دین دعوت کنید و قرآن نیز می فرماید: «اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم افلا تعقلون» (بقره

، آیه ۲۵) آیا شما مردم را به نیکی امر می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید آیا فکر نمی کنید؟»

بنابراین رفتار شما به آموزه های دینی در تأثیرگذاری نقش بسیار مهمی دارد.

۳. در معرفی دین به دیگران علاوه بر شناخت کافی نسبت به آموزه های دینی باید سعی کنید دین را خوب برای او تبیین کنید با بیانی مستدل و با منطقی قوی و در عین حال با برخورد خوب و زبان شیرین.

۴. اگر خودتان شرایط لازم علمی و تبلیغی را ندارید از بحث کردن با او اجتناب کنید و سعی کنید از افرادی که شرایط فوق را دارا هستند کمک بگیرید.

۵. یکی دیگر از شرایط تأثیر گذاری اینست که اعتماد او را به خودتان جلب کنید. برای جلب اعتماداو ، رابطه عاطفی و محبت آمیز با او داشته باشید و از طرح کردن بحث های جدلی با او اجتناب کنید.

۶. در صدد محکوم کردن او نباشید بلکه در صدد راهنمایی و هدایت او باشید. زیرا اگر بخواهید او را محکوم کنید و بگویید تو اشتباه می کنی در مقابل شما حالت دفاعی می گیرد و مقاومت می کند و حتی از روی لجبازی هم که شده حرف شما را نمی پذیرد بلکه ممکن است کاری کند یا حرفی بزند تا روحیه شما را جریحه دار کند مانند همان برخوردهای توهین آمیزی که خودتان به آن اشاره کردید.

۷. اگر احساس می کنید بحث کردن شما با او فایده ای ندارد بلکه باعث می شود او نسبت به دین و بزرگان دین بی ادبی کند و لو از روی شوخی از بحث

کردن با او خودداری کنید.

مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراراهنمایی کنید

پرسش

مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراراهنمایی کنید

پاسخ

ضمن تقدیر و تشکر از شما که نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر و محله تان حساسیت و دلسوزی به خرج می دهید. نکاتی را در پاسخ به سؤالات شما به عرضتان می رسانیم:

۱. در صورتی که مغازه شما که اجاره داده اید، به مرکز فساد تبدیل شده است و یا در اشاعه گناه و مظاهر فساد به گونه ای کمک می کند، قرار دادتان را در سال جدید تمدید نکنید، زیرا این کار شما مرتبه ای از مراتب امر به معروف و نهی از منکر است و اگر توان و امکان جلوگیری از گناه و فسادهای اجتماعی را دارید، باید از آن قدرت، استفاده کنید و در حد توان خودتان به اقامه حدود الهی کمک نمایید. مطمئن باشید خداوند به شما که نیت خالص و پاک دارید و در صدد پاس داشتن و حرمت گذاری نسبت به وظایف اخلاقی و دینی در بعد اجتماعی هستید، کمک خواهد کرد و جبران کننده ضرر احتمالی مالی تان نیز خواهد بود.

۲. در صورت امکان وی را تشویق کنید که از چنین اقداماتی که وضعیت فرهنگی خیابان را به سود افراد بی فرهنگ و فعالیت های ابتذالی جهت داده است دست بردارد حتی اگر ممکن است به وی قول دهید که در صورت اجتناب از این فعالیت ها، اجاره مغازه را کاهش می دهید یا دیگر اضافه نمی کنید و از این نوع تسهیلات که آن جوان برای رسیدن به سود مادی بیشتری هم که شده فعالیت های غیر مجازش را

کنترل یا حذف کند.

۳. در صورتی که سخن گفتن و یا کوتاه آمدن و یا تشویق کردن وی تأثیری ندارد پس از اتمام رسیدن مدت اجاره نامه را تمدید نکنید.

فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارک ها بطور رایگان دیگران به او تریاک می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد و از آنها دخترشان را برای مدتی کرایه می کند. پیش آ پیش تشکر می کنم.

پرسش

فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارك ها بطور رایگان دیگران به او تریاك می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد و از آنها دخترشان را برای مدتی کرایه می کند. پیش آ پیش تشکر می کنم.

پاسخ

با اعتراف به وجود چنین وقایع تلخ و ناشایسته برای جامعه اسلامی، بر غیرت دینی و شرف انسانی همه مؤمنین و انسان های غیور ایرانی (ما و شما و همه کسانی که در جریان این ناملایمات اخلاقی قرار می گیرند) اقتضاء می کند از طریق نیروهای مسئول مخصوصا نیروی انتظامی یا اداره اطلاعات مانع خیانت عده ای بشوند که شرف انسانی و ایمانی خود را با شهوات یا پول معامله می کنند و به ناموس مردم تعرض می کنند.

چند نکته: ۱ ـ ما قبول داریم که مبارزه واقعی اصیل و پایدار، ریشه کن کردن علل شکل گیری این حوادث و وقایع تلخ یعنی فقر مالی، فقر فرهنگی، بی عدالتی و تبعیض و شکاف طبقاتی و بی کاری و ... است.

۲ ـ با معضل اعتیاد متأسفانه برخوردهای سلیقه ای، چندان جواب نداده است بلکه با تهاجم دشمنان از این طریق که هزینه ککم و برداشت زیاد دارد، متأسفانه آمار و ارقام ناراحت کننده شنیده می شود.

۳ ـ مبارزه ریشه ای نبید به معنای نفی مبارزه فوری و مقطعی گردد.

۴ ـ وظیفه مسئولین حکومت، به معنا یا مستلزم عدم مسئولیت ما در امر به معروف و نهی از منکر نمی گردد بلکه هر انسان با غیرتی در مقابل این مفاسد، احساسات پاك انسانی و ایمانی خود را بروز می دهد.

۵ ـ

امر به معروف و نهی از منکر فقط در قالب سخن و کلام نیست، بلکه به مقتضای «ولتکن منکم امه تدعون الی الخیر و تنهون عن المنکر ...» باید هم مؤمنین با هم و هم با نیروهای مسئول حکومتی همکاری نمایند و در قالب طرح و برنامه ای جدا ریشه این مفاسد را بخشکانند و حتی اگر برخی از نیروهای حکومتی برای مثال برخی مأمورین نیروهای انتظامی از انجام وظیفه خود سر باز زد و یا از وظیفه خود تخلف کرد به جای یأس، باید به طریق دیگر مثلا رجوع به مقامات بالاتر درصدد دفع این مفسده باشیم.

۶ ـ ما نیز آمادگی همکاری و پی گیری مشکل هستیم چنانچه از دست ما کاری بر می آید بی درنگ ما را مطلع سازید البته با ارائه شواهد و مستند).

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلا در نماز جماعت میبینم که افرادی که حتی سن انها بالا است اشکالاتی در نمازشان است و من خجالت میکشم با توجه به سنشان به انها توضیح دهم ایا دین شرعی به گردن من میبا

پرسش

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلا در نماز جماعت میبینم که افرادی که حتی سن انها بالا است اشکالاتی در نمازشان است و من خجالت میکشم با توجه به سنشان به انها توضیح دهم ایا دین شرعی به گردن من میباشد و بهترین راه برای این مسله چیست با تشکر

پاسخ

اگر مسائل نماز را نمی دانند و با گفتن خود احتمال اثر می دهید؛ بصورت محترمانه تذکر دهید و می توانید با طرح سوالی ایشان را متوجه اشتباهشان نمایید.

اصولا خجالت کشیدن عذر ترک وظیفه نمی گردد مگر اینکه در اثر شرایط خاص هیچ گونه احتمال اثر داده نشود.

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مسافربر که هستم انها از نوارهای مبتذل استفاده میکنند که من بسیار ناراحت میشوم اما نمیخواهم با یک فرد سطح پایین جامعه بحث کنم و البته کمی هم

پرسش

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مسافربر که هستم انها از نوارهای مبتذل استفاده میکنند که من بسیار ناراحت میشوم اما نمیخواهم با یک فرد سطح

پایین جامعه بحث کنم و البته کمی هم خجالت میکشم و تقیه میکنم ایا دین شرعی به گردن من میباشد و بهترین راه برای این مسله چیست با تشکر؟

پاسخ

با تحقق شرایط نهی از منکر، که از جمله آن احتمال تأثیر است بر شما بیشتر از نهی از منکر چیزی واجب نیست و در صورتی که مؤثر واقع نشود، واجب است که از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کنید و اگر مجبور به بودن در آن مکان (مثل ماشین) باشید گناه ندارد و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش شما برسد، چیزی بر شما نیست (ترجمه اجوبه الاستفتاآت مقام معظم رهبری، ص ۲۸۲، مسأله ۱۰۶۵ و ۱۱۳۹).

باسلام وتسلیت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده میشود لذا لازم است نهاد محترم قدری به این مسئله با جدیت بیشتری پاسخگو باشند .وهمچنین راه کار برخورد (علمی) را برای بنده بیان فرمایید. با

پرسش

باسلام وتسلیت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده میشود لذا لازم است نهاد محترم قدری به این مسئله با جدیت بیشتری پاسخگو باشند .وهمچنین راه کار برخورد (علمی) را برای بنده بیان فرمایید. با تشکر

پاسخ

با تشکر از توجه شما و تذکرتان به برادرانتان در نهاد مقام معظم رهبری؛ درباره برخورد علمی بهترین راه نشان دادن نقاط ضعف فراوان مسیحیت و تحریفات فراوان کتاب مقدس است. ما دو کتاب معرفی می کنیم و مختصری هم در این مورد سخن می گوییم.

برای داوری در مورد حقانیت یک دین و عدم حقانیت ادیان دیگر، باید ابتدا با اصول عقاید و آموزه های ادیان آشنا شد و آن گاه آن را به وسیله عقل _که حجت درونی انسان است_ محک زد. ما در چنین مراجعه ای، اصول عقاید و معارف دین اسلام را مبتنی بر ادله و براهین متقن و یقینی عقلی می یابیم؛ یعنی، یکایک این اصول به وسیله براهین متعدد یقینی اثبات می گردد. با وجود براهینی که درباره اصل توحید اقامه می شود، ادیان و مکاتب غیرتوحیدی _که اعتقاد به ثنویت (دوخدایی)، تثلیث (سه خدایی) یا چند خدایی از ارکان اعتقادی آنها محسوب می شود_ ابطال می گردد. در همین زمینه، آنچه از ادله یقینی عقلی بر نفی جسمیت یا رؤیت خداوند اقامه می شود، مکاتب و مذاهبی را که مبتنی بر چنین عقایدی هستند، رد می کند. در خصوص دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت، نیز با همین حجت درونی؛ یعنی، احکام و براهین یقینی عقل، اگر به

بررسی آموزه های این دو دین بنشینیم، به نتیجه مشابه سایر مکاتب خواهیم رسید.

عقل،

در بررسی آموزه هایی که مسیحیت تبیین می شود، آنها را مخالف با براهین یقینی خود می یابد. اعتقاد به تثلیث،رساله اول به قرنتیان ۸:۶ و انجیل یوحنا: ۵/۲۰ تجسم و رؤیت،همان و سفر پیدایش، ۳۲:۲۴ ۳۰)... اموری است که براهین عقلی آن را از هیچ مکتب و مذهبی نمی پذیرد؛ بلکه آن را نشانه عدم حقانیت و در واقع تحریف آنها می داند. به پاره ای دیگر از تحریفات صورت گرفته در این دین اشاره ای گذرا می کنیم تا بر اساس حکم عقل، خود داوری کنید:

تحریفات مسیحیت و یهود

۱. اتهامات ناروا به پیامبران؛ علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقدس، پاره ای اتهامات ناروا و غیراخلاقی به بعضی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد، ر.ک: انجیل یوحنا، ۲:۱۱۱، سفر تکوین، ۱۹:۳۰ ۳۸ و برای آشنایی بیشتر ر.ک: انیس الاعلام، ج ۳ و بشارات عهدین، محمد صادقی، ص ۷۳ و ۱۷۷؛ در حالی که براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می کند.

۲. وجود افسانه ها؛ وجود افسانه های بی پایه در کتاب مقدس، یکی دیگر از جنبه های تحریف آن است؛ از جمله می توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه ای او بر خدا، اشاره کرد.سفر پیدایش، ۳۲:۳۴۳۰

۳. گناه فطری؛ مسیحیان معتقدند، آدم در بهشت به گناه آلوده شد و این گناه به همه فرزندان او نیز منتقل می شود؛ یعنی، انسان بالفطره گناه کار است و هرگونه تلاش و عمل انسان در رهایی از این خطا، سودی نخواهد بخشید و تصلیب و به دار کشیده شدن حضرت عیسی(ع)، کفاره گناه فطری انسان است.

۴. تقویت ظلم؛ یکی دیگر از آموزه های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم

و ستم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم، به بهانه این است که آنان حاکم و سایه خدا در زمین اند.انجیل متی، ۵:۳۸ و اکثر نامه های پولس به رومیان.

وجود این گونه آموزه های غیرعقلانی در کنار طرح مسأله تثلیث و تجسیم و وجود تناقضات متعدد در متن کتاب مقدس، در کتاب «انیس الاعلام»، ج ۲، ۱۲۵ مورد تناقض موجود در کتاب مقدس مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل بر عدم حقانیت مسیحیت و یهودیت امروزی است.

خلاصه سخن اینکه راه شناخت حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان و شرایع، مراجعه به آموزه های آنها و داوری است. اگر کسی مراجعه کند، خواهد یافت که اسلام در سه وادی «عقاید»، «اخلاق و فضایل» و «احکام فردی و اجتماعی»، نه تنها کامل تر از سایر ادیان بلکه قابل مقایسه و طرف نسبت با آنها نیست و در تمام دوره زندگی بشر، عقاید و شریعتی به این جامعیت و عمق و اتقان و استواری بر بنیان عقل، وجود ندارد.

امام خمینی(ره) در این زمینه، در کتاب چهل حدیث می نویسد: «اثبات حقانیت دین اسلام، احتیاج به هیچ مقدمه ندارد جز نظر کردن به خود آن و مقایسه بین آن و سایر ادیان و شرایع».چهل حدیث، امام خمینی، شرح حدیث دوازدهم، ص ۲۰۱.

در پایان دو کتاب جهت مطالعه بیشتر معرفی می شود:

۱ - زیبائی نژاد؛ محمد رضا؛ درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت؛ انتشارات اشراق چاپ اول ۱۳۷۵؛ قم.

۲ - سلیمانی اردستانی عبدالرحیم؛ پسر خدا در عهدین و قرآن؛ انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی چاپ اول ۱۳۷۸؛ قم

الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کردن استفاده کنم خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و از این برزخ مرا بیرون بیاورید؟

پرسش

الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای

مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کردن استفاده کنم خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و از این برزخ مرا بیرون بیاورید؟

پاسخ

این روحیه شما قابل تحسین است زیرا در حفظ حریم و دوری از حرام باید جدی بود. چنان که حضرت موسی(ع) هنگامی که با دو دختر شعیب به سوی شهر می رفتند جلوتر راه می رفت تا آن دو دختر در مقابل نگاهش نباشند و یا امام علی(ع) با وجود عصمت و پاکی فوق العاده، از سلام کردن به خانم های جوان خودداری می کرد. بنابراین حفظ حریم باید به عنوان یک ارزش در جامعه حاکم شود و در صورتی که از نظر درسی و آراستگی نقطه ضعفی نباشد، رفته رفته به عنوان یک الگو برای دیگران قابل طرح است.

با توجه به شرایط خاص دوران جوانی , طولانی بودن دوران تجرد غالب دانشجویان و خطرات جدی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی , لازم است برادران و خواهران دانشجو روابط خود را از نظر کمی و کیفی تحت کنترل قرار دهند و در سطح ضرورت حفظ کنند. بنابراین , توصیه اکید ما این است که : اولا", اگر ضرورتی ایجاب نمی کند حتی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود. اینکه در احکام شرعی می فرمایند در غیر ضرورت مثلا" مکروه است مرد با زن هم صحبت شود, مخصوصا" مرد و زن جوان , به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدن ها, غرایز جنسی افراد را تحریک کند و یک الفت و محبت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای

غوطه ور شـدن در انحراف و فاسـد شود. در هر حال انسان باید دقیقا" درون خود را بکاود و باطنش را عمیقا" مطالعه کند که مثلا" صـحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد. ثانیا": در صورت ناچاری و ضرورت , روابط با نامحرم تا آنجا که به شکسـتن حریم احکام الهی منجر نشود, اشـکالی نـدارد. بنابراین , گفتگو و نگاه های متعارف بـدون قصد لذت و ریبه , اشـکالی نـدارد. امـا بـا این حـال , حتی الامکان لازم است در کلاسـها به گونه ای باشـند که کمترین اختلاط پدیـد آیـد و در برخورد و گفتگو, هنجارهای شرعی زیر رعایت شود:

۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود.

۲- از نگاه های آلوده و شهوانی خودداری شود.

۳- حجاب شرعی رعایت شود.

۴- قصد تلذذ و ریبه در کار نباشد.

۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته , تنها نمانند. بنابراین , سعی کنید خود را عادت دهید که :

۱- در صـحبت با نامحرم به او نگاه نکنیـد و به هیچ قسـمتی از بدن او خیره نشوید و قسـمت های باز و پوشـیده برایتان کاملا" مساوی فرض شوند, این مسأله را با تکرار و تلقین باید ادامه دهید.

۲- در همه حال , خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بدانید و عفت و حیا را فراموش نکنید.

لـذا با توجه به شـرایط خاص دوران جوانی , طولانی بودن دوران تجرد غالب دانشـجویان و خطرات جدی تمایلات آشـکار و پنهـان غرائز نفسـانی , لازم است برادران و خواهران دانشـجو روابط خود را از نظر کمی و کیفی تحت کنترل قرار دهنـد و در سطح ضرورت حفظ کنند.

بنابراین , توصیه اکید ما این است که : اولا", اگر ضرورتی ایجاب نمی کند حتی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود و خواهران دانشجو در مقابل افراد نا محرم , رفتاری متکبرانه داشته باشند نه رفتاری صمیمانه. اینکه در احکام شرعی می فرمایند در غیر ضرورت مثلا" مکروه است مرد با زن هم صحبت شود, مخصوصا" مرد و زن جوان, به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدن ها, غرایز جنسی افراد را تحریک کند و یک الفت و محبت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای غوطه ور شدن در انحراف و فاسد شود. در هر حال انسان باید دقیقا" درون خود را بکاود و باطنش را عمیقا" مطالعه کند که مثلا" صحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد. ثانیا": در صورت ناچاری و ضرورت , روابط با نامحرم تا آنجا که به شکستن حریم احکام الهی منجر نشود, اشکالی ندارد. بنابراین , گفتگو و نگاه های متعارف بدون قصد لذت و ریبه , اشکالی ندارد. اما با این حال , حتی الامکان لازم است در فعالیت ها به گونه ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو, هنجارهای شرعی زیر رعایت شود:

۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود.

۲- از نگاه های آلوده و شهوانی خودداری شود.

۳- حجاب شرعی رعایت شود.

۴- قصد تلذذ و ریبه در کار نباشد.

۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته , تنها نمانند.

با توجه به آنچه گفته شد خوب است برای توجیه خواهران از یک نفر به عنوان رابط استفاده کنید. که

سعی کنید از نظر سن و ویژگی های ظاهری جذابیت کمتری برای شما داشته باشد. و در هنگام صحبت با خواهران بدون اینکه در صورت آنها نگاه کنید. مطالب و دستورات لازم را به آنها منتقل کنید. و اما درباره رعایت دیگر ویژگی های مسؤول توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱. حضرت علی(ع) می فرمایند: «آله الریاسه سعه الصدر» یعنی وسیله و ابزار ضروری برای مدیریت، داشتن سعه صدر است بنابراین به تقویت قدرت تحمل و صبر در مقابل ناملایمات رفتاری دیگران و نقص و ضعف و کمبودهای امکانات بپردازید تا بو تحمل شنیدن نقطه نظرات، انتقادات و اعتراضات دیگران را هم در خودتان ایجاد و هم آن را تقویت کنید و خیلی زود از نداشتن امکانات یا ضعف ها و یا شکست در رسیدن به اهداف و برنامه های طراحی شده، عصبانی و رنجیده خاطر نشوید. هر چند باید پی گیری کنید و در تلاش های مجدد سعی کنید به هدفتان دسترسی پیدا کنید. بنابراین اولین توصیه ها داشتن سعه صدر است.

۲. در تصمیم گیری ها بخصوص تصمیمات مهم هرگز عجله نکنید و شتاب زده تصمیم نگیرید بلکه خوب درباره آن بیاندیشید و با دیگران به مشورت بپردازید و در یک جمع بندی کلی و پس از شنیدن نظرات دیگران تصمیم گیری کنید.

۳. از تعدادی دوستان مورد اعتماد و با تجربه تر بخواهید هسته را تحت عنوان هسته مشاوره تشکیل داده و از طراحی و برنامه ریزی ای کوتاه مدت و بلند مدت آنها بهره بگیرید.

اما درباره نحوه رفتار با دیگران و تعامل اجتماعی با آنها توجهتان را به مطلب زیر

جلب می کنیم:

بهترین روش رفتار با دیگران و جلب محبت را می توان از کلام رسول اکرم(ص) آموخت که فرمود: هیچ یک از شما مؤمن نیست مگر اینکه برای دیگری آن را بخواهد که برای خود می خواهد»

بنابراین اگر روشی را دوست دارید که مردم آنگونه با شما رفتار کنند، به همان روش با دیگران برخورد کنید. هر چه را برای دیگران پیشنهاد می کنید همان بهترین روش است و شما نیز بر اساس آن با آنان رفتار کنید. زیرا انسان جز انتظار خوش رفتاری از مردم ندارد، کمترین اهانتی را از سوی آنان نمی پذیرد راضی نیست که کسی به او تهمت زند، و نمی پسندد که کسی از معایب او پیش دیگران سخن بگوید هر چند آن عیوب را واقعا داشته باشد.

در اینجا ما به بعضی از فنون اساسی در رفتار با دیگران اشاره می کنیم:

۱ اگر خواستید شخصی را نسبت به موضوعی متقاعد سازید سعی نکنید پیرامون آنچه شما می خواهید با او به جر و بحث بپردازید بلکه اول از خواسته خود کوتاه بیایید و خواسته او را در نظر بگیرید آنگاه نظر خودتان را مطرح کنید.

۲ در روابط اجتماعی با دیگران سعی کنید از انتقاد، سرزنش و گلایه خودداری کنید.

۳ سعی کنید نکات مثبت در رفتار و شخصیت دیگران را شناسایی کرده و آنها را به خاطر آن ویژگی ها و رفتارها، تحسین صادقانه داشته باشید نه آنکه روی نکات منفی وی انگشت گذاشته او را مذمت کنید.

۴ سعی کنید شنونده خوبی برای دیگران باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود با شما حرف بزنند.

۵ به دیگران احترام بگذارید و کاری کنید که احساس کنند

مهم و با ارزش هستند و این کار را صمیمانه انجام دهید.

۶ در برخورد با دیگران با چهره ای گشاده و لبخند سخن را آغاز کنید.

۷ به جای اینکه مستقیما به دیگران دستور دهید کاری برای شما انجام دهند، خواسته خویش را به شکل سؤال طرح کنید و به طور غیرمستقیم از آنها بخواهید خواسته تان را عملی کنند.

۸ اگر دیگران کاری برای شما انجام دادند، آنها را به هر طریقی که ممکن است خوشحال کنید و از آنها تشکر و قدردانی کنید. ضمنا لازم است از حقوق دینی و اخلاقی اجتماعی ای که دیگران بر انسان دارند شناخت بیشتری پیدا نمود تا در اداء آن حقوق تلاش کرد.

یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنایی سایر همسایه ها وحتی مامورین نیروی انتظامی شهر خودمان (که با تماس های گرفته شده کاری از پیش نبرده اند) و با توجه به مخالفت های زیاد پدر و مادر و اینکه اگر آنها دستگیر شوند به اولین

پرسش

یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنایی سایر همسایه ها وحتی مامورین نیروی انتظامی شهر خودمان (که با تماس های گرفته شده کاری از پیش نبرده اند) و با توجه به مخالفت های زیاد پدر و مادر و اینکه اگر آنها دستگیر شوند به اولین کسانی که مشکوک می شوند ما هستند و ممکن است مشکلاتی را برای ما به وجود آورند مرا در مورد چگونگی برخورد با آنها راهنمایی کنید؟ با تشکر

پاسخ

برادر عزیز و گرامی قبل از پرداختن به پاسخ لازم است از حسن اعتمادتان به این دفتر و کارشناسان مربوطه تقدیر و تشکر کنیم و به این احساس مسئولیت و تعهد ایمانی شما آفرین بگوییم. اگر در جامعه ایرانی و اسلامی ما ۲۰ درصد مردم این چنین احساس مسئولیت می نمودند هرگز منکری رخ نمی داد و معروفی ترک نمی شد اما افسوس ولی امیدواریم که افراد مانند شما که بسیار اندک هستند کاری کارستان نمایند چه هر یک نفر آنها برابر با صدها و هزارها نفر از افراد عادی مفید و اصلاح گر هستند.

دوست عزیز سؤال شما از دو زاویه قابل بررسی و پاسخ است یکی از دیدگاه فقهی و حکم تکلیفی الهی و دیگری از رهگذر تأثیرات تربیتی و اخلاقی.

از دیدگاه نخست یعنی وظیفه دینی و فقهی با توجه به عدم تأثیرپذیری متخلفین و فراهم نبودن شرائط دیگر همانند تأمین جانی و خانوادگی و حتی نهی و مخالفت والدین [که تأمین رضایت آنها بسیار مهم می باشد] انجام این امر به معروف و نهی

از منکر بر شما لازم و

واجب نیست. یعنی لازم نیست با خود آنها موجه شده و آنها را از منکر مبتلا شده باز دارید.

اما از نظر تربیتی و اخلاقی شما تکلیف و وظیفه دیگری دارید:

الف. بـدون توجه به مقررات و وظائف نیروهای انتظامی جریان را با یک پیر مرد خوش برخورد و وجیه در میان بگذاریـد و از او بخواهیـد تا این افراد را ارشاد کنـد (هر چنـد که خود می دانید امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد و حتی مضـر است) و آنها با پیامدهای شخصـی و اجتماعی این گونه اعمال آشنا سازد. البته این پیرمرد باید از این محله نباشد و از طرفی ارتباط شما را بـا ایشـان به افراد خـاطی گزارش ندهـد و مخفی نگهـدارد و بر ملاء نسـازد که از کجـا متوجه شـده است فقـط چنـد بار به صورت دوسـتانه و خیرخواهانه خطر این نوع خلافکاری ها را گوشـزد کنـد و به آنها تـذکر دهـد. و این کار را بدون تهدید و صرفا با زبانی دوسـتانه و خیرخواهانه بیان کند بعد از مدتی که این شکل برخورد را ادامه داد در آخرین برخورد با آنها بگوید که من خیرخواهتان بودم و بعـد از این دیگر خودتان می دانید اگر خدای ناکرده حادثه ناگواری رخ داد من وظیفه خیرخواهی خود را انجام دادم [یعنی تهدید نکند ولی هشدار بدهد که بعد از این دیگر من خیر خواهتان نیسـتم نه آنکه دشـمن شما هستم و شما را لو می دهم] البته این شخص نباید آدرس و نشانی به آنها بدهد.

آنگاه که مأموریت پیرمرد به پایان رسید شما از طریق دائره عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی و

حتی ارائه گزارش به مأمورین نیرو در سطح استان نسبت به لو دادن آنها اقدام کنید. و در این مدت رفتار خود را با این افراد تغییر ندهید تا به شما مشکوک شوند. منتهی از گزارش دادن به طرق مختلف (تلفن، گزارش کتبی ، زدن ایمیل و ...) هرگز کوتاهی نکنید و در یک بمباران اطلاعاتی توسط افراد متهد و از کانال های مختلف اقدام کنید.

در این مدت زندگی و ارتباط طبیعی و قبلی خود را ادامه دهید.

بعد از این شما به وظیفه تربیتی خود نیز عمل کرده اید. اگر کارگر واقع نشد تماس مجدد بگیرید تا اقدامات بعدی بیان شود.

بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی کاملاً کاربردی به سوال من داده شود حتماً در مورد تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت اطلاعات کافی دارید و اینکه چه مطالب و عکس های مستهجنی در آن

پرسش

بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی کاملاً کاربردی به سوال من داده شود حتماً در مورد تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت اطلاعات کافی دارید و اینکه چه مطالب و عکس های مستهجنی در آن وجود دارد و اینکه چه اثرات مخربی بر روح و جان جوانان ما دارد و من فکر می کنم این اثر مخرب بر پسران خیلی بیشتر از دختران خواهد بود این سوال در مورد یکی از اقوام من که پسری است که اهل نماز و مسجد است و دوستانش هم فکر نمی کنم از افراد بدی باشند، می باشد ابتدا چندین ماه قبل در یادداشت هایش به نام چند سایت که سایت های خوبی نبود پی بردم آن آدرس ها را جمع کردم و بعد از مدتی که به گم شدن آن سایتها پی برد به دنبال انها گشت و بعد از آن

موضوع را بـا او در میـان گذاشـتم و به او گفتم که با این کارها فقط به روح خود ضـربه می زنـد البته او رفتن به این سایتها را انکـار کرد البته آنها در خانه هم اینترنت دارنـد ولی در اسـتفاده از اینترنت در خانه برای او محـدودیت وجود دارد و به راحتی نمی تواند از آن استفاده کند مگر در زمینه های درسی. البته من هروقت از کامپیوتر آنها استفاده می کنم سایتهایی را که افراد داخل ان شده اند مورد بررسـی قرار می دهم تا مدتی اثری از سایت بدی ندیدم تا اینکه امروز وارد سایتی شدم که داشتم دق می کردم آخر چرا پسـر مسـجدی و نماز خوان ما بایـد به این را ه ها کشـیده شود .. . واقعاً دیگر نمی دانم چه کنم هر چه فکر کردم کسـی را نیافتم که از او راهنمایی بخواهم . خواستم بروم و با او صحبت کنم اما با خود گفتم اگر این روش و این حرف زدن ها تا الان درست می بود بایـد اثر خود را می کرد. خواهشـمندم یک روش واقعاً عملی برای رفع مشـکل این جوان جلوی پای من قرار دهیـد چون هر روز که این جوان ها وارد اجتماع می شوند کنترلشان سـخت تر و لغزشـهایشان بیشتر خواهد بود با تشکر و خسته نباشد

پاسخ

دوست گرامی ابتدا از احساس تعهد و مسـئولیت پذیری شـما بسیار تقدیر و تشکر می کنیم و به این روحیه آفرین می گوییم و سپس در مورد موضوع مد نظر نکاتی را تقدیم می داریم همانگونه که خود می دانید گناه نکردن و بندگی کردن

دو روی یک سکه هستند و هر یک در دیگری اثر دارد و از آن اثر می پذیرد اگر گناه رخ دهد دیگر نماز نمی چسبد و از کیفیت می افتد و اگر نماز از کیفیت لازم خود کاهش یافت مسیر گناه کردن هم هموار می شود. لذا شما برای برخورد با اینگونه پدیده ها باید بر روی هر دو روی قضیه کار کنید موجبات انجام تکالیف را در سطح بالا فراهم آورید و وی را به انجام امور عبادی و مشغول شدن به فعالیتهای مطلوب و خیر سرگرم سازید و هم از سوی دیگر از ارتکاب اعمال نابجا بازدارید.

بعداز این باید دید که علت کارگر نبودن تذکرات قبلی چه بوده؟ چه بسا او حرف شما را قبول دارد اما در گیر و دار بین خوب و بد به ناچار از شیطان فریب خورده و مغلوب او می شود. در اینجا باید پیامدهای زشت این اعمال را به او هشدار دهید. او را تنها نگذارید. برای او کار مطلوب و رفتار جایگزین صحیح انتخاب کنیدو به او بگویید آیا قبول دارد این اعمال را و رجوع به این سایت ها و استفاده از این دست اطلاعات و برنامه ها زشت، مهلک و خانمانسوز و ایمان برانداز هست یانه؟ اگر این امور و پیامدها را قبول ندارد باید از نظر شناختی و افزایش قدرت تشخیص خوب از بد با وی کار کنید ولی اگر قبول دارد و در عمل مغلوب حیطه شیطان می شود سطح انگیزه و کنترل بر اعمال او را با اجازه خودش بالا ببرید. مانند اینکه کسی می داند گوش دادن به نوارهای

... حرام و باعث تخریب ایمان و ... می شود اما نمی تواند از آنها دل بکند.او در یک لحظه تمام آن را می شکند و با یک اقدام عملیاتی خود را از وسوسه شیطان رها می سازد حال در مورد دوستان نیز باید از این تدابیر عملی بهره بگیرید. با اجازه او تمام و سائل و کانالهای ارتباط غیر صحیح را از بین ببرید تا تحت یک استرس و جنگ مستمر دچار شکست نشوید.

آنچه گفته شد راهکارهای کلی بود ارائه راهکارهای جزیی و کوچک نیازمند اطلاعاتی بیشتر از آنچه بیان نمودید می باشد که باید در اختیار بگذارید تا در خدمتتان باشیم در ضمن دقت کنید که:

۱_او از شما زده نشود و به چیزی کاری روی نیاورد.

۲_از سرزنش، تحقیر،و اهانت (به خصوص در جمع) جدا اجتناب کنید.

۳_او را به همراه خود ب محیط ها و اعمال پاک بکشانید و با این عمل به صورت غیر مستقیم وی را تحت کنترل در آورید.

۴_برای این رفتار زشت یک رفتار خوب جایگزین باید مورد علاقه او و سهل الوصول باشد.

۵_از طریق دیگران به خصوص دوستان دیگر او را به سمت خوبیها بیاورید.

۶_اصرار و سماجت نداشته باشید زمینه انجام اعمال نیک را برای او فراهم آورید

۷-او را با پیامدهای ناگوار این نوع اعمال بصورت شفاف آگاه سازید و این سخنان را در قالب های مختلف به او بگویید.

۸_اجازه ندهید او ارتباطش را با شما قطع کند که زمینه هرگونه تاثیر گذاری از بین می رود

۹_هرگز اجازه ندهید او نماز خود را ترک کند هر چند با خجالت زدگی او را به نماز وا دارید و در

محیطهای دینی بیشتر وارد شوید

۱۰_در تمام اعمال و قبل از همه دو رکعت نماز بخوانید و با هدیه کردن به پیشگاه اهل بیت(علیهم السلام) از آنها مدد بگیرید.

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم –با انکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه می شوم که احتمال تاثیر می دهم (زیرا دلیلی نمی بینم که تاثیر نداشته باشد)یک حس بسیار بدی به من دست می دهد با خود کمی ور می روم چیزی به

پرسش

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم -با انکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه می شوم که احتمال تاثیر می دهم (زیرا دلیلی نمی بینم که تاثیر نداشته باشد)یک حس بسیار بدی به من دست می دهد با خود کمی ور می روم چیزی به من می گوید برو و چیزی مخالفت می کند .تشویش فکری بدی می گیرم از خودم نا امید می گردم . نمی دانم که آیا این تشویش هم جزو مفسده محسوب می شود یا خیر .البته در انتها وظیفه ام را انجام می دهم و احساس می کنم که راحت شدم .اما درک می کنم که نیروی زیادی را هدر داده ام .این حالت طوری شده که من حتی قبل سوار شدن به تاکسی حالت دلهره به من دست می دهد و مرا بسیار اذیت می کند. شیرهایی که چکه می کند توجهم را جلب می کند و مرا وا می دارد به مسول مغازه با آن حالت دلهره که گفتم تذکر دهم .یا خیلی به چراغ های روشن توجه می کنم و مرا وا می دارد به مسول مغازه با آن حالت دلهره که گفتم تذکر دهم. لطفا مرا در مورد این مشکل کمک کنید و آیا این تشویش فکری خود مفسده ای هست یا خیر؟

پاسخ

برادر گرامی از ارتباط شما که زمینه ساز ارائه خدمت می باشد تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم در انجام این مسئولیت الهی_به دعای خیرتان_ موفق باشیم. اما در مورد موضوع مد نظرتان یعنی تشویش فکری و کلنجار

شناختی توجه شما را به راهکارهای زیر جلب می کنیم . توجه دارید عمل به راهکارهای ارائه شده_به یاری خداوند_ مشکل گشاست و صرف آگاهی از آنها جز ناامیدی تاثیری نخواهد داشت.

لذا باید به آنچه بیان می شود عمل کنید تا اندک اندک مقصود بدست آید و تشویش دل به آرامش خاطر بدل شود.

دوست عزیز خوب بود توضیح می دادید این تشویش بیشتر درمورد چه موضوعاتی است؟ آیا بیشتر در مسائل شرعی است یا مسائل اجتماعی؟ ترس و دلهره از انجام تکالیف شرعی دارید یا از قضاوت مردم و یا عدم رعایت یافته های علمی آلودگیهای میکروبی و...؟ بهر حال به امور زیر حداقل برای مدت ۲۰ روز عمل کنید و گزارشی بفرستید و به سئوالات بالا به صورت مشروح پاسخ دهید تا دوره درمان را به لطف خداوند کامل کنیم:

۱. مدت زمان تردید را طولانی نکنید بر اساس یک تصمیم قطعی هر چند به کمک شیر یا خط کردن و یا گل یا پوچ نمودن سریع یک طرف قضیه را انتخاب و به همان عمل کنید.

۲. بعد از عمل به آنچه برگزیده اید دیگر به طرف دیگر و خوب و بد بودن تصمیم خود فکر نکنید و مسیر زندگی عادی و اعمال بعدی را پی بگیرید.

۳. چنانچه در فضای ذهنتان سؤالات متعددی بروز می کند سریع آن را یادداشت کنید و از دامن زدن به سؤالات و ابهامهای ذهنی پرهیز کنید .

۴. به سوالهای یادداشت شده پاسخ دهید و جواب آن را نیز بنویسید و اگر جواب آن را نمی دانید از کسانیکه آگاهی دارند بپرسید و پاسخ را مجددا بخوانید.

۵. بعد از یادداشت

سؤال دیگر به آن فکر نکنید چون خودتان پاسخش را نمی دانید__و این موجب دامن زدن به تشویش ذهنی شما می شود.

۶. مسائل کوچک و جزیی و پیش پا افتاده که دانستن و ندانستن تأثیری ندارد مانند چکه کردن یا نکردن شیر آب، دلهره به هنگام تاکسی و... توجه نکنید. راه عدم توجه این است که فکر جایگزین برای ذهن خود داشته باشید و به اموری ذهن خود را مشغول سازید که اهمیت و تأثیر دارد.

۷. مطالعه را فراموش نکنید . در مباحث و مسائلی که ذهن شما را مشغول کرده و می کند مطالعه علمی و دقیق انجام دهید و اگر در مسئله ای این گونه منابع در اختیارتان نیست و یا ندارد معلوم می شود که اهمیت ندارد و نباید خودتان را سرگرم آن سازید.

۸. به این سخن بیشتر از این بیندیشید شما برتر از آن و بهتر از آن هستید که سرمایه عمر خود را صرف امور پیش پا افتاده نمائید لذا تفکر کنید توجه سماجت گونه همراه با دل مشغولی طولانی به این امور آیا ارزش دارد؟ آیا در خور یک انسان جویای کمال و پیشرفت معنوی هست؟ آیا راه تکامل از این مسیر می گذرد و یا اینها مانع حرکت شما هستند؟

۹. در مورد امر به معروف و نهی از منکر و تعیین تکلیف شرعی خود در دیگر مسائل شرعی فقط به رساله مرجع خودتان مراجعه کنید و بعد از مطالعه مطابق آنچه او گفته عمل کنید مثلا ببینید آیا شما موظف هستید به مغازه داری در مورد اسراف ها و روشنایی لامپها و... تذکر دهید؟ پس مردم باید

دائم در حال تذکر دادن باشند و زندگی عادی خود را رها کنند، ذهن و فکر خود را به صورت صحیح با تکالیفتان آشنا سازید و آنگاه اقدام نمایید، براساس تصور ذهنی خودتان عمل نکنید و بر پایه تشخیص خودتان، خودتان را موظف و مکلف ندانید.

۱۰. ورزش شنا، کوهنوردی، پیاده روی و دو را فراموش نکنید یقینا به یکی از آنها بصورت متناوب مشغول باشید.

۱۱. طی روز با حفظ اشعار حافظ، حفظ قرآن و حدیث، فکر کردن در مورد مسائل تحصیلی و علمی خود را سرگرم امور عالی نمایید و اجازه ندهید دیگران و حوادث روزمره برایتان محتوای ذهنی تعیین کنند.

چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟

پرسش

چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟

پاسخ

عنصر امربه معروف ونهی ازمنکر که از مهمات فروع دین اسلام است حافظ ارزشهای اسلامی است. درخصوص پاسخ شما بایدگفت : هرچند در سالهای اخیر فریضه امر به معروف ونهی ازمنکر بدلیل سیاست های باز فرهنگی تقریباً رنگ باخته و مطبوعات دگر اندیش د رتضعیف آن نقش زیادی داشته اند. منتهی اینها وظیفه ما را سنگین تر می کند، نهی کردن افراد ازهر فعل منکر مانند بدحجابی در حد تذکر لسانی است و مراحل بعدی آن بعهده حکومت است. مراحل مختلف امر به معروف ونهی ازمنکر که در فتاوای مراجع عظام تقلید آمده است، در حکومت اسلامی بین مردم ومسئولین تقسیم شده است آنچه مربوط به ما وشما بعنوان شهروندان حکومت اسلامی می باشد تذکر زبانی است والبته در بعضی موارد بایدمأمورین انتظامی را در جریان قرار داد تا از طرف قانون برخورد شود وجامعه به هرج ومرج کشانده نشود(درحد تذکر لسانی.)

اگر همه افراد مدام به بدحجابان تذکر بدهند واین را یك وظیفه بدانند قطعاً آنها مجبور خواهند شد در جامعه حجاب رارعایت کنند واین مهم، مستلزم فراگیرشدن فریضه امربه معروف ونهی ازمنکر است.

در پایان این نکته قابل توجه است که اگر زن بدحجاب با ما نسبت فامیلی داشته باشد امربه معروف ونهی ازمنکر او با دیگران فرق می کند وفراتر از تذکر زبانی می شود با توجه به موقعیت و شخصیت او باید با او قطع رابطه کرد البته اگر این قطع رابطه مؤثر باشد.

به هر حال امر به معروف ونهی ازمنکر فریضه ای بسیار حساس ومهم است که

برای انجام این فریضه بایدبسیار مطالعه کرد وحتی آموزش دید.

چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دوره آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟

پرسش

چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دوره آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟

پاسخ

شرایط امر به معروف ونهی از منکر، همان است که در رساله های عملیه ذکر شده است و اگر احیاناً اوضاع جامعه آشفته است و منکرات به صورت چشمگیری نمودار است، احکام امر به معروف و نهی از منکر تفاوتی نمی کندبلکه در شرایط کنونی باید به این فریضه الهی اهمیت بیشتری داد و با شناخت حساسیت ها و موقعیت ها و دردها، به درمان بیماری های معنوی جامعه پرداخت و در این موقعیت ویژه و حساس اگر شرایط امر به معروف ونهی از منکر را خوب بدانیم وبه موقع و جای خود، به نهی از منکر و امر به معروف بپردازیم و موجب تأثیر مثبتی در جامعه باشیم برای تحقق اسلام ناب و فرج مولایمان حضرت مهدی"عج" شرایط را بهتر و بیشتر مهیا نموده و انشاء ا... از توجهات آن حضرت بهره مند خواهیم بود.

امر به معروف ونهی از منکر مثل طبابت کردن است، گاهی طبابت آنقدر حساس و ظریف است که برای یک بیماری در دو نفر دو نوع دارو باید تجویز کرد و اگر همان دارویی که برای یکی درمان کننده است برای دیگری نیز تجویز شود ممکن است به شدت بیماری بیفزاید یعنی باید شرایط و روحیات افراد را به خوبی در نظر گرفت تا خدای ناکرده امر به معروف ونهی از منکر، منجر به ترک معروف و انجام منکر نشود.

به هر حال چه دیگران امر به معروف و نهی از منکر بنمایند یا آن را ترک کنند چه

منکرات بیشتر شـده باشد نسـبت به گذشـته و چه نباشد نمی توان نهی از منکر و امر به معروف را کنار گذاشت و یا مراتب امر به معروف را رعـایت نکرد این عمـل درست مثـل آن است که بگوییم چون بیمـاری سـرطان تمـام پـای یک نفر را فراگرفته و نسبت به گذشـته رشـد زیادی داشـته یا چون بیماریهای جامعه متنوع و گسترده شـده و یا درمان بیماریها مشـکلتر شـده یا کار طبابت رونقی ندارد پس ما نیز به عنوان پزشک، اقدام به درمان .

بیماریهـا ننمـاییم. در پایان یک بار دیگر شـرایط امر به معروف ونهی از منکر را متـذکر می شویم تا با آگاهی بیشتر و با بینش وسیعتر به این فریضه الهی عمل شود.

امر به معروف ونهی از منکر درمیدان گفتار وتذکر زبانی دارای شرایط ذیل است :

۱. شناخت واجب ترک شده توسط متخلف وشناخت منکر وحرام انجام شده توسط او

۲. احتمال تأثیر تذکر وامر ونهی

۳. علم به تکرار تخلف توسط متخلف

۴. عدم وجود مفسده درامر به معروف ونهی ازمنکر

بنابراین امر به معروف با شـرایط فوق واجب و لازم ودرصورت فقـدان شـرایط مـذکور واجب نخواهد بود یعنی با شـرایط ذیل واجب نیست :

۱. نداند آنچه انجام شده حرام است وترک واجب

۲. بداند یا احتمال دهد عدم تأثیر گفتار وامر ونهیش را

۳. بداند یا احتمال دهد مفسده وضرری را مگر درموارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین ومذهب، حفظ قرآن و آرمانهای آن وعقاید واحکام ضروری اسلام که درآن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید.

لازم به یادآوری است با فقدان شرایط امر به معروف ونهی ازمنکر حکم وجوب گفتاری وتذکر کلامی برداشته خواهد شد

ولی امر به معروف عملی درحذف بسترهای گناه ومنکرات واستفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلاً به عهده قوه قضائیه ونیروی انتظامی است. حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای"مدظله العالی" دراین باره فرموده اند : "با توجه به اینکه درزمان حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف ونهی ازمنکر را که بعد از مرحله امر ونهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی(پلیس) وقوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف دراموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر وحبس او و مانند آن نیست، درچنین زمانی با حاکمیت واقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین درامر به معروف ونهی از منکر به امر ونهی زبانی اکتفا کنند، و درصورت نیاز با توسل به زور، موضوع را به مسؤلین ذیربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند واین منافاتی با فتاوای امام راحل"ره" دراین رابطه ندارد. ولی درزمان ومکانی که حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی نیست، برمکلفین واجب است درصورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف ونهی ازمنکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند."

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام"ره" رجوع کنید.

به نظرشما واکنش مانسبت به اوضاع موجود درجامعه باید چطور باشد؟(منظور اوضاع به هم ریخته است)

پرسش

به نظرشما واکنش مانسبت به اوضاع موجود درجامعه باید چطور باشد؟(منظور اوضاع به هم ریخته است)

پاسخ

حقیقت مطلب اینست که واکنش های مردم ومسؤلین دربرابر فساد اخلاقی وبی بندوباری ها وبرخی ناهنجاریها وحوادث دیگر متفاوت است، بعضی دراین قضیه زیاده روی کرده وعلیرغم اینکه مقام معظم رهبری بارها فرموده اند درشرایط فعلی از مراحل امر به معروف ونهی ازمنکر مرحله زبانی کافی است ونیاز به اقدام عملی ندارد وبا زدوخورد وبرهم زدن مجالس وتعرض به دیگران مخالفت نموده اند بازهم افرادی با عنوان انصارحزب ا...وغیرآن، دست به چنین اقداماتی می زنند که البته کاردرستی نیست. واما ازطرف دیگر عده ای هم دراین قضایا بی تفاوت بوده از امر به معروف زبانی هم دریغ می کنند ویا خدای نکرده با افراد متخلف همخوانی دارند که این هم موجب تقویت فساد است.

به هرحال بهترین روش اینست که ضمن امر به معروف ونهی ازمنکر زبانی، کاربرخورد عملی را به نهادهای انتظامی وقضائی واگذار کرد. وهرگاه نیازبه حضور مردم درصحنه باشد رهبر معظم اعلام خواهند نمود، ودرمواقعی که ازسوی دولتمردان ومسؤلین کوتاهی درانجام وظیفه مشاهده شودبایـد مردم ازآنها بخواهند ومطالبه نمایند ومراتب را به مسؤلین بالاتر آن منتقل کنند.

وظیفه بسیجیان درحال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟(گرانی و فساد در جامعه)

پرسش

وظیفه بسیجیان درحال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟(گرانی و فساد در جامعه)

پاسخ

درابتدا باید عرض کنیم بسیج یعنی مجموعه ای که در عرصه مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و غایب نیست. در کلمه بسیج معنای حضور وآمادگی آن هم درحد فداکاری هست بسیج یعنی نیرویی که داوطلبانه وارد میدان شده ودرحال اعلان آمادگی است. بسیج یعنی حضور همه جانبه در عرصه های جهد ومبارزه درهمه ابعاد مورد نیاز جامعه اسلامی.

در خصوص مسأله گرانی وفساد جامعه، همه اقشار جامعه مسئولیت دارند دراین میان وظیفه بسیجیان بعنوان نیروهایی که آماده و حاضر برای مقابله با تهاجمات ودفاع از انقلاب هستند سنگین تر و مهم تر می باشد در قبال فساد فرهنگی جامعه که یکی از دلایل آن تهاجم فرهنگی دشمن است در مرتبه نخست هر یک از بسیجیان باید خود را در قبال این موج تهاجم حفظ نمایند وبه تقویت باورها واعتقادات خویش بپردازند و درعرصه تزکیه وتهذیب نفس نیز باید قدم برداشته به تهذیب اخلاق خود بپردازند. بسیجیان حاضر درصحنه دفاع از ارزشهای انقلاب باید گوش بزنگ رهنمودهای مقام معظم رهبری وسایر مسؤلان دلسوز نظام اسلامی باشند.مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با بسیجیان و جوانان اهوازی خودسازی علمی وعملی را بعنوان راهی برای مقابله با دشمنان وحرکت کشور به سمت ترقی و تعالی دانستند وفرمودند : هرحرکت علمی واخلاقی به منزله شلیک تیری به سمت دشمن می باشد. برای آگاهی بیشتر توجه شما را به گوشه هایی از این رهنمودهای ارزنده جلب می کنیم :

مقام معظم رهبری وظایف جوانان را تلاش درجهت تحصیل و تهذیب و ورزش نام برده اند که در

این صحنه ها بسیجیان باید قدرتمندانه و با شور بیشتر نسبت به جوانان دیگر حاضر شوند وبدرخشند. ایشان می فرمایند : "جوانهای عزیز من! فرزندان من! دنبال تقلید نباشید، بر روی شیوه و راهی که درآن ذهن واراده وایمان شما قوی می شود واخلاق شما پاک وآراسته می گردد، فکر کنید، آنگاه شما عنصری خواهید بود که مثل یک ستون، سقف مدنیت این کشور وتمدن حقیقی این ملت بر روی آن قرار می گیرد. همین الآن بلاشک ما گرفتاریها ومشکلاتی در زمینه ی اقتصادی وغیره داریم واینها یک روز تمام خواهد شد، اما آن عامل تمام شدن این گرفتاریها، جز همین روحیه ی معنوی وتمسک به اسلام و انقلاب، چیز دیگری نخواهد بود. باز هم همین دختر وپسر جوانند که کشور را نجات خواهند داد.

من بارها گفته ام که نسل جوان گره گشای دروه های سخت و محنتهای بزرگ است، و وقتی وارد میدان می شود، که الحمد الله امروز هم در میدان است، گرههای ریز و سخت گشوده خواهد شد. جوانان ما، مؤمن و متدین وعلاقه مند به کشورشان و علاقه مند به اسلام هستند وبا سلطه آمریکا و با سلطه بیگانه مخالفند، همین کارساز خواهدبود.

در خاتمه نکته ای را هم یادآور می شوم : این کارهایی که جوانان می کنند، اینها کوچک نیست، همین درس خواندنی که من می گویم همین کار تحقیق، همین کار هنری، همین کار ورزشی، اینها کارهای کوچک نیست. من خواهش می کنم کسی که این کارها را انجام میدهد، تصور نکند که کارش کوچک است؛ نه همین کار در مجموعه ی کلان کشور، به یک عنصر تعیین کننده تبدیل

می شود....شما کارتان را که خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند همان اعتلای عظیم وهمان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد."

همچنین مقابله با تهاجم فرهنگی نیاز به برنامه ریزی دارد و بسیجیان می توانند دراین میدان با ارائه الگوهای فرهنگی درجهت تغییرزندگی مردم ودرعین حال با ایجاد نظام فرهنگی و کار فرهنگی به هدایت عمومی جامعه بپردازند. مقام معظم رهبری در مقابله با تهاجم فرهنگی توصیه به کار سلب وایجابی می کنند و می فرمایند : "کار سلبی مقابله با آنها وجلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب، منبرخوب، موعظه مردم و توجیه فکری آنها، این روزنامه های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسئولان که مرتب در این جا وآنجا درمسجدها و پشت تریبونها واین شهر وآن شهر حرف می زنند حرف اصلیشان این باشد" "۱"

از این رو بسیجیان می توانند با ایجاد کانون های فرهنگی و با دعوت ا زافراد شایسته و اساتید مجرب و اصحاب فکر به توجیه فکری جامعه در راستای توصیه های رهبری قدم بردارند.

۱) پرسش وپاسخ از محضر مقام معظم رهبری، ص۲۵۵و ۲۵۶و۲۳۳...

۱– اگر درمجالس اهل بیت عصمت وطهارت "علیهم السلام" ازنام سگ و....استفاده کنیم ودست بزنیم اشکالی ندارد؟

اشاره

۲-اگر دریک مجلسی نشسته بودیم ویک نفر داشت غیبت میکرد وظیفه ما چیست؟

۳-اگر درخانه ای آهنگ یا موسیقی غیر مجاز پخش می شد ما در آنجا چه وظیفه ای داریم؟

پرسش

۱-اگر درمجالس اهل بیت عصمت وطهارت "علیهم السلام" ازنام سگ و....استفاده کنیم ودست بزنیم اشکالی ندارد؟

۲-اگر دریک مجلسی نشسته بودیم ویک نفر داشت غیبت میکرد وظیفه ما چیست؟

۳-اگر درخانه ای آهنگ یا موسیقی غیر مجاز پخش می شد ما در آنجا چه وظیفه ای داریم؟

۴-اگر پدرومادرما را برای نمازصبح بیدار نکنند وظیفه ما چیست؟

پاسخ

۱) برگزاری مجالس بزرگداشت اهل بیت عصمت وطهارت سلام ا...علیهم اجمعین باید بگونه ای باشد که دشمنان ومخالفان شیعیان هیچ بهانه ای بدست نیاورند بنابراین باید ازهرگونه حرکتی که موجب وهن شیعه واز بین رفتن حرمت و قداست آنان می شود بشدت پرهیز کرد.مجالس بزرگان شیعه وعلمای برجسته مذهب حقه جعفری سرمشق بسیار خوبی است برای مجالس ما، نحوه عزاداری مراجع بزرگ تقلید وشیوه برگزاری جشن وسرور آنان درمولودیها واعیاد یک الگوی جامع ویک نمونه ممتازی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد. آنچه نوشته اید در سیره علمای بزرگ شیعه دیده نمی شود ودر احوالات بزرگان مذهب ذکر نشده. شعرای بزرگ وسرایندگان نام آوری همچون(فرزدق، سید حمیری، دعبل خزاعی و...) درمراثی و مناقب اهل بیت "علیهم السلام" اشعار بلند وسروده های جاودانه ای از خود بر جای گذاشته اند بعضی از این سروده ها در حضور امام معصوم خوانده شده وتأیید اهل بیت را با خود همراه دارد وجالب توجه این است که درهیچ یک ازاین اشعار، تعابیر زشت وسخنان وهن آمیز مشاهده نمی شود واین درمکتب اهل بیت"علیهم السلام" یک درس ماندگار است که شخصیت مؤمن وشخصیت شیعه همواره باید محترم ومکرم وعزیز باشد"محبوبه فی ارضک وسمائک" "۱" (وتحت هیچ شرایطی نباید این عزت

واحترام شکسته واز بین برود.)

۲) درموردسؤال دوم شما باید عرض کرد که اولاً ـ باید گناه را دقیقاً شناخت، چه بسا یک چیزی ممکن است در آن مجلس پیش بیاید ولکن غیبت نباشد، پس شناختن اصل گناه خیلی مهم می باشد.

ثانیاً درصورت وجود شرایط آن،نهی ازمنکرافراد واجب می باشد."۲"

ثالثاً درصورتی که شرائط نهی ازمنکروجود نداشت ویا وجودداشت، اما نهی ازمنکر اثری نداشت، باید آن مجلس راترک کرد، زیرا غیبت هم برای گوینده وهم برای شنونده حرام می باشد"۳"

۳) درمورد سؤال سوم شما نکات زیر قابل توجه می باشد :

الف) همان نکته ای که دراول جواب برای سؤال دوم شما وآن اینکه باید گناه را کاملاً شناخت، خصوصاً موسیقی که درباره آن تعاریف زیادی شده است.

ب) اگر این پخش کردن باعث استماع دیگران وآزار واذیت همسایگان می شود، باید با بودن شرایط نهی ازمنکر، نهی ازمنکر کرد واگر اثرنکرد چون این مسأله بر میگردد به مسائل اجتماعی وحرمت دین ومقدسات، باید به نهادهای ذی ربط گزارش داد تا او را وادار کنند به رعایت قانون، البته باید به این نکته توجه داشت که نباید درمسائل شخصی وپنهانی مردم دخالت شود."۴"

۴) درمورد سؤال چهارم شما باید گفت که بیدار کردن برای نماز صبح از وظائف پدرومادر نیست، بلکه باید خود فرزند بیدارشود وبه ارزش آن واقف شود، اصل این است اما اگر هم بیدار کردند مانعی ندارد، فردی که به سن تکلیف می رسد باید نهایت دقت ومراقبت را نسبت به واجبات دینی وفرائض مذهبی داشته باشد"۵".

(۱) زیارت امین الله

(۲) اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری(حفظه ا...)،ج۲،ص۱۲۱

(۳) استفتائات امام خمینی(ره) ج۲،ص۶۱۸

(۴) با استفاده ازکتاب پرسشها وپاسخها،ج۴،ص ۲۰

نظام خانواده دراسلام،ص ۴۶۲

به بعد

۱– چرا بـا وجود سـربازان امـام زمـان و پایگاههـای مردمی درمساجـد ودرقـالب قانون و پوشـش نیروی انتظامی واینکه شـهر مشهدشهرمذهبی وباوجود مقام ولایت امام رضا(این قدرگناه ومعصیت می شودجلوی آنرا نمی گیرند ؟

اشاره

۲– ازاینکه نمی توانم امر به معروف کنم رنج می برم چگونه می ت

پرسش

۱– چرا بـا وجود سـربازان امـام زمـان و پایگاههـای مردمی درمساجـد ودرقـالب قـانون و پوشـش نیروی انتظـامی واینکه شـهر مشهدشهرمذهبی وباوجود مقام ولایت امام رضا(این قدرگناه ومعصیت می شودجلوی آنرا نمی گیرند ؟

۲– ازاینکه نمی توانم امر به معروف کنم رنج می برم چگونه می توانم از این مسئولیت خطیر روسفید شوم ؟

۳– چطور می توانم فرزندان خود راکه د رمقطع تحصـیلی دبیرستان قرار گرفته اند وبا یک دنیا خطرات روبرو هستند راهنمائی کنم ؟

پاسخ

در رابطه با سوال اول بایـدگفت : گناه علل متعـددی دارد که عمـده آن بعـد ناسوتی و مادی انسان است , اگر انسان را از این بعد مورد بررسـی قرار دهیم می بینیم از گناه ومعصیت لذت می برد واز این بعد شقاوت در ذات او نهفته است که قرآن کریم می فرماید :

"ان النفس لاماره بالسوء الامارحم ربی " (۱)

این نفس اماره همان بعـد حیوانی انسان است که امر کننده به بدی وگناه است , بنابراین مجموعه تمایلات و غرائز که برگرفته از این بعد انسان است دلیل عمده گناه و معصیت بوده وبه این مورد وسوسه های شیطان و تلاش دشمنان درتهاجم فرهنگی به جامعه ما را اضافه نمایند وراه اصلی ترک وریشه کن کردن گناه , تلاش ومجاهدت علمی وعملی د رتحصیل معرفت به مبدا و معـاد ورسوخ دادن ایـن حقـایق بـه قلب از طریـق تکرار وتمرین و تفهیم به قلب درهنگـام عبـادات ورسـیدن به سر منزل یقین وایمـان قوی است که مسـلماً بازدارنـده انسـان از ارتکـاب معاصـی است ولیکن بایـدتوجه داشت قبـل از آنکه عقـل وایمان به قدرت کافی درمهار کردن نفس

سرکش برسد لازم است انسان درخانواده و محیط اجتماع درشرایطی قرار گیرد که براحتی بتواند خود را کنترل نماید واین با اجرای صحیح و دقیق امر بمعروف ونهی ازمنکر وتشویق و تذکر مناسب توسط افرادآگاه ممکن خواهد بود .

واما اینکه چرا نیروی انتظامی جلوی گناه را نمی گیرد ؟ ضمن اینکه این سوال را باید مسئولان محترم آن نیرو پاسخگو باشند ولیکن آنقدرکه ما مطلع هستیم برنامه های متعددی را برای کنترل فساد درجامعه داشته ودارند ولی وسعت وگسترش شهرها و جمعیت ونیروی جوان کشور از یکطرف و تلاش دشمنان قسم خورده نظام و سرمایه گذاری گسترده آنها در رابطه با ترویج

ابا حیلگری و لا-ابالی دربین نسل جوان از طرف دیگر تاثیر آن مقدار فعالیت را کم نموده وهمانطور که شما اشاره کردید گویا اصلاً کاری نمی شود .

واما درارتباط با سئوال دوم : ضمن ارج نهادن به این روحیه شما که خوداولین مرتبه ازمراحل امر به معروف ونهی ازمنکر یعنی مرحله قلبی است , توجه به شرائط امر به معروف ونهی از منکر بسیار مهم است تاثیر مثبت یامنفی بسیاری از امور وابسته به شرائط انجام دادن آنهاست , یعنی یک عمل درموقعیت ویژه ای ممکن است تاثیر مثبت فوق العاده مهمی داشته باشد ولی درموقعیت دیگر تاثیری بسیار کمرنگ تر و کم ارزش تر پدید آورده , حتی به عاملی منفی وضد ارزش تبدیل شود . برای مثال دارویی با توجه به خصوصیات ویژه یک بیمار شفابخش ودرمانگر است ولی در شخص دیگر و با شرائطی خاص دردزا وتباه کننده است . بنابراین درهر عملی باید به شرائط ویژه اش

توجه کرد تا بهره مثبت از آن بـدست آید . امر بمعروف ونهی از منکر فریضه ای است که اگر با توجه به شـرائط خاص , لازم وصــحیح آن انجـام گیرد داروی دردهـای فردی واجتمـاعی اسـت امـا اگر بـه شــرائط آن تـوجه نشـود , گـاه بجـای هــدایت وسازندگی , تخریب و گمراهی به بار می آورد , شـناخت معروف ومنکر , احتمال تاثیر , نداشـتن پیامدهای ناروا ازشرائط امر بمعروف ونهی از منکر است , درصورت جمع شدن این شـرائط همه مسلمانان موظف به امر بمعروف و نهی ازمنکر هستند که البته _متاسـفانه_ درجـامعه مـا اکثر افراد در این زمینه انگیزه خود را ازدست داده انـد که عوامل آن درجای خود قابل بررسـی است .

وامـا سـئوال سوم : درک جوان ونیازهـای او مبـاحث مهم ودارای گستردگی خـاص خود است , اهتمام به امور دینی درتربیت فرزندان و همراه شدن آن با اندکی لطافت و ظرافت تاثیر بسـزایی دررشد وتکامل جوان خواهد داشت . فرزندان ما اگر کانون خـانواده را سـرشار از محبت وتوجه به خود ونیازهـای جسـمی و معنوی خویش ببیننـد , خانه وخانواده را ماوی و پناهگاه خود قرار داده وآنگـاه انس والفتی بین فرزنـدان ووالـدین ایجـاد می شود که گـام اول درارتبـاط همین نکته است , سـپس توجه به نیازهای جوان و پاسـخ مناسب پیدانمودن برای سـئوالات و شـبهات او وارتباط دادن او با جمبهای مذهبی و دوسـتان ارزشـی , گامهای بعدی درهدایت و راهنمایی او برداشته خواهد شد .

حضـرت سـجاد (می فرمایند : ((حق فرزندانت بتو اینسـتکه بدانی او از تو بوجودآمده ودرنیک و بد زندگی وابسـته بتو است وبدانی

که تو مسئول ادب و تربیت صحیح او و هستی , مسئولی که او را بخداوند بزرگ راهنمایی کنی ودراطاعت از اوامرحق یاریش کنی باید رفتار تو درتربیت فرزندت توام با احساس مسئولیت باشد , رفتار کسی که بداند درحسن تربیت فرزند ما جور است ودرسوء رفتارش استحقاق عقاب وکیفر است)) . (۲)

درک اهمیت تربیت فرزند خصوصاً در مباحث دینی انگیزه لازم را به پدر و مادرخواهد داد که باحوصله و برنامه ریزی واستفاده ازدستورات اسلامی وتجربه دیگران دراین راه موفق باشند , جهت آشنایی بیشتر با نیازهای جوان وراههای تامین آن نیازها به کتاب جوان از سری کتب گفتار فلسفی مراجعه کنید .

(۱) یوسف /۵۳

(۲) تحف العقول

یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی مبانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هستند که باید شروع به خواندن نماز کنند و مادر خانه از این بابت بسیار ناراحت و دل نگران است. می خواستم بپرسم آیا این شخص کافر است یا

پرسش

یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی مبانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هستند که باید شروع به خواندن نماز کنند و مادر خانه از این بابت بسیار ناراحت و دل نگران است. می خواستم بپرسم آیا این شخص کافر است یا فقط تارک الصلاه است و برای ارشاد او باید چه کرد؟ اگر بخواهید بگویید همسرش در مقابل او نماز بخواند یا به نماز اهمیت دهد، تمام این کارها شده، اما او همچنان نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد. به نظر شما باید چه کرد؟ اما شخص دیگری نیز هست که نماز نمی خواند، به حلال و حرام البته فقط در منزل بهایی نمی دهد، و از نظر سایراعتقادات او نیز اطلاع دقیقی نداریم، چون بازگو نکرده ما نیز سؤالی نپرسیدیم. البته ناگفته نماند که این شخص هنوز مجرد

می باشد و در ضمن این شخص اصلاً مسؤولیت پذیر نیست. به نظر شما چه باید کرد؟ خواهشمندم ما را راهنمایی فرمایید.

پاسخ

احساس مسؤولیت و تعهد شما در قبال دیگر اقوام و بستگان، قابل تحسین و تجلیل است. خدا را سپاسگزاریم که مردان و زنان بـا ایمـان و مؤمن و متعهـدی در جـامعه وجود دارنـد، که به برکت وجود و حضور آگاهـانه و مسؤولانـه آنـان در صـحنه های گوناگون، احکام و دستورات نورانی و حیات بخش دین مبین اسلام، رواج و رونق می گیرد.

در خصوص سؤال مفصل شما و جنبه های گوناگون آن، نکاتی را به عرض شما خواهر عزیز و گرامی و فهیم می رسانیم.

اولاً، بر اساس بیان علمای اسـلام، کافر کسـی است که به انکار خدا و رسول و ... ، یا انکار یکی از ضروریان بپردازد. بنابراین کسـی که نماز نمی خوانـد، ولی به انکار آن، به عنوان یکی از ضـروریات دین، نمی پردازد، حکم کفر بر او صدق نمی کند. بلکه ایمان و باور او ضعیف و ناقص است.

ثانیاً، در برابر کسانی که نماز نمی خواننـد، اگر مطمئن بشویم، که هیچ یک از ما موظف نیستیم دقیق بشویم در حالات افراد و ببینیم نماز می خواننـد یا نه، ولی اگر به هر طریقی اطمینان حاصل کردیم که فردی نماز نمی خوانـد، ما در برابر او فقط وظیفه امربه معروف و نهی از منکر داریم. وحتماً می دانیـد امر به معروف و نهی از منکر نیز شـرایط، ضوابط و مقررات خاصـی دارد، که در کتب مربوطه آمده است؛ و از مهم ترین شرایط آن، که در رساله های عملیه مراجع بزرگوار تقلید

نیز عنوان شـده، این است که امربه معروف و نهی از منکر زمانی حکم وجوب پیدا می کند که احتمال تأثیر داده بشود، و برای آمر و ناهی هم مفسـده ای نداشته باشـد. ولی اگر آمر و ناهی می دانـد امر و نهی تأثیری نـدارد، یا برایش مفسـده ای به دنبال خواهد داشت، حکم وجوب از انسان برداشته می شود.

ثالثاً، همسرش نه به دلیل توجه دادن او به نماز، نماز بخواند بلکه وظیفه خودش را انجام دهد، و تظاهر به این که می خواهد او را وادار به نماز بکنـد هم نکند، و به گونه ای رفتار نکند که شوهرش احساس کند همسـرش قصد دارد او را به نماز وادار کند بلکه نمـاز و عبـادات خـودش را به خـوبی انجـام دهـد، و در کنـار انجـام عبـادات، در وظـایف همسـری خودش هم هیچگونه کوتاهی نکند. به گونه ای به انجام وظایف مادری و همسری بپردازد، و به شوهرش بفهماند که به عنوان یک وظیفه و تکلیف خـدایی و شـرعی به همسـرش خـدمت می کنـد. اگر بتوانـد عشق و علاقه شوهرش را نسـبت به خـدا و پیامبر(و ائمه (افزایش بدهد، درمقاطع بعدی احتمال دارد شوهرش خودبخود به نماز و عبادت گرایش پیدا بکند.

متأسفانه در دهه های اخیر، همانند نیم قرن پیش، در گام اول برای ترویج اسلام، یاد دادن احکام اسلام مطرح می شود، و حال آنکه اگر ابتدا تاریخ اسـلام و زندگی پیامبر(و امامان(و جلوه های زیبای آن، بیان شود، و افراد عاشق این شخصیّتهای بزرگ بشوند، در مرحله بعد، فراگیری احکام و عمل به آن، بسیار راحتتر خواهد بود. اگر ابتدا مفاهیمی

چون حرمت و زشتی دروغ، ظلم، بدقولی، بدرفتاری، کم فروشی، کلاه برداری، سخن چینی غیبت و سایر بدیها از سیره پیامبر(و ائمه(بیان بشود، و زیباییهایی مثل ایثار و فداکاری، خدمت به همنوعان، تقوی و پاکی و ... ، از سیره آن بزرگواران بیان و تبیین بشود، و سپس جنبه های عرفانی و سیر و سلوک ائمه(، و مناجات و عبادات آنان تشریح بشود، بطور ناخودآگاه افراد به اسلام گرایش خواهند یافت.

در تأثیر گذاری بر افراد، الگو نقش بسیار مهمی دارد. اگر بتوان برای افراد، شخصیتهایی از تاریخ و عصر حاضر به عنوان الگو معرفی کرد، و افراد الگوهای دینی را به عنوان الگوی فردی خودشان بپذیرند، خواه ناخواه با آنان همرنگ و همسو خواهند شد. اما بیان حرمت و وجوب، به تنهایی برای گرایش به دین کافی نیست. بیان حرمت و وجوب زمانی کارساز است، که فرد ایمان و باور به دین داشته باشد، و بخواهد فردی دیندار بشود؛ در این صورت، مشتاق بیان احکام، و وجوب و حرمت خواهد بود.

بنابراین دوستان نزدیک او خیلی می توانند در تحول معنوی او نقش ایفا کنند. یا دوستی با افراد درستکار را می توان بصورت غیرمستقیم در برنامه ارتباطی خانواده قرار داد، تا به مرور زمان به آن سو هدایت شود.

رابعاً برای وادار کردن فرزندان به نماز و عبادت، بهترین راه و روش، کانون مدرسه و اولیاء تربیتی مدرسه هستند. معلمان می توانند به طور شایسته و بسیار خوب، دانش آموزان را به این امر مقدس و با ارزش ترغیب و تحریض کنند. می توانید از طریق مدرسه و مربّی تربیتی وارد شده، از او

بخواهیـد با توجه ویژه به آن دانش آموزان، عبادت و نماز را به نحو مقتضـی، و با اسـتفاده از روشـهای تربیت، در آنان نهادینه کند.

در مورد شـخص دیگری که نوشـته ایـد نیز اگر اطمینان به تارک الصـلاه بودن او داریـد، از طریق ابراز محبت همسـرش، و نیز مواردی که ذکر شـد، اقـدام نماییـد. امید است در این راه موفق و سـربلند باشـید. با آرزوی موفقیت و کامیابی، و توفیق نشـر و ترویج ارزشهای متعالی دین. التماس دعا

منابع و مآخذ :

۱. رساله های عملیه، مراجع بزرگوار تقلید، فصل دفاع و امر به معروف و نهی از منکر

۲. کتب تربیتی(بحث روشهای تربیت)

عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی، شهید مطهری

چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟

پرسش

چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟

پاسخ

امر به معروف از آسان ترین مرحله شـروع می شود و چنان چه لازم باشـد تا سـخت ترین مرحله مجاز ادامه می یابـد; البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این که آسـان ترین مرحله و شـیوه هـای برخـورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد، در قرآن کریم در این باره آیاتی وجود دارد، از جمله

۱. خیرخواهی خداونـد متعـال می فرمایـد: "پیغـام هـا و رسـالت هـای پروردگـارم را به شـما ابلاـغ می کنم و همانا برای شـما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد.

۲. جدال احسن خداوند متعال می فرماید: "ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَه وَالْمَوْعِظَه الْحَسَنَه وَ جَدِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ..; (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما..."

حکمت به معنای دانش و منطق و اسـتدلال و موعظه نیکو، اسـتفاده از عواطف انسان هاست جـدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود.

۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد.

۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می فرماید: "آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید]خود آن را ترک می کنید[..." (بقره

۴۴) پس قول و فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد.

۵. رهنمودهای روان شناسی روان شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده اند که آگاهی از آن ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد; آن گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و...(ر.ك تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیه)

از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان بر اساس شرایط و ضوابط آن واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است

ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد:

۱ شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲ احتمال تأثیر

۳ عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴ تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ك رسائل توضیح المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ۲۸۲۵.)

وظیفه ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی کند چیست

پرسش

وظیفه ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی کند چیست

پاسخ

امر به معروف از آسان ترین مرحله شروع می شود و چنان چه لازم باشد تا سخت ترین مرحله مجاز ادامه می یابد; البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این که آسان ترین مرحله و شیوه های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد، در قرآن کریم در این باره آیاتی وجود دارد، از جمله

۱. خیرخواهی خداوند متعال می فرماید: "پیغام ها و رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد.

۲. جدال احسن خداوند متعال می فرماید: "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ..; (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما..."

حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود.

۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد.

۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می فرماید: "آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید]خود آن را ترک می کنید[..." (بقره ۴۴) پس

قول و فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد.

۵. رهنمودهای روان شناسی روان شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده اند که آگاهی از آن ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد; آن گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و...(ر.ك تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیه)

از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان بر اساس شرایط و ضوابط آن واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است

ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد:

۱ شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲ احتمال تأثیر، بنابراین اگر می دانی که طرف اعتنایی به سخن تو نمی کند و در او هیچ تأثیری ندارد، در این صورت واجب نخواهد بود.

۳ عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴ تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ك رسائل توضیح المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ۲۸۲۵.)

همان گونه که خوانده ام و شنیده ام در خانه ای که نوارهای ترانه و آهنگ های مبتذل باشد، امامان به آن خانه ها کاری ندارند. اگر کسی در محیطی زندگی می کند که هیچ علاقه ای به این مسائل ندارد، ولی یکی از اهل خانواده اهل ترانه گوش کردن است و امر به معروف و نهی ا

پرسش

همان گونه که خوانده ام و شنیده ام در خانه ای که نوارهای ترانه و

آهنگ های مبتذل باشد، امامان به آن خانه ها کاری ندارند. اگر کسی در محیطی زندگی می کند که هیچ علاقه ای به این مسائل ندارد، ولی یکی از اهل خانواده اهل ترانه گوش کردن است و امر به معروف و نهی از منکر هم اثر ندارد; لطفاً بفرمایید وظیفه فردی که در چنین خانواده ای زندگی می کند چیست

پاسخ

درباره "خانه در روایات ائمه حقایق جالبی گفته شده است به ویژه از این جهت که در خانه گناه باشد و یا یاد الهی دربرخی روایات خانه ای که در آن یاد خدا نشود، مرده و خانه ای که در آن یاد خدا بشود، زنده معرفی شده است (مکارم الاخلاق طبرسی ص ۳۱۱، نشر منشورات شریف رضی)

این روایت نشان می دهد که خانه ها هم نزد خدا مرده و زنده دارند و ملاک حیات و زندگی در آن ها یاد خداست

در روایت دیگری نیز آمده است "خانه ای که در آن "نماز شب خوانده می شود، برای اهل آسمان می درخشد، مانند آن که ستارگان برای اهل زمین می درخشند."(عوالی اللئالی ابن ابی جمهور احسائی ج ۱، ص ۱۳۶، نشر مطبعه سید الشهدأ.) و در روایت دیگری به جای نماز شب هر "معروفی وارد شده است خلاصه ملاک و معیار دوری و نزدیکی یک خانه از عنایات و توجهات الهی و ائمه معصومین و فرشتگان و اهل آسمان گناه و اطاعت الهی است یعنی خانه ای که در ان گناه باشد، از چشم می افتد و خانه ای که در آن یاد خدا باشد، مورد عنایت واقع

می شود; البته دوری و نزدیکی انسان از خداوند متعال بر اساس رفتارهای شخصی خودش رقم می خورد; هر چند انسان موظف است با امر به معروف و نهی از منکر، به اصلاح محیط خود، اعم از خانه مدرسه اداره و... اقدام کند، ولی ما از آیات الهی قرآن کریم می فهمیم که نسبت به نزدیکان خود، مسئولیت ویژه ای داریم "يَأَيُّهَا الَّذِين ءَامَنُواْ قُوَّاْ أَنفُسَكُم وَ أَهْلِيكُم نَارًا وَقُودُهَا النَّاس وَ الْحِجَارَه (تحریم ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید." این مسئولیّت غیر از وظیفه امر به معروف و نهی از منکری است که همگانی است و اختصاصی به نزدیکان ندارد; گویا در مورد نزدیکان می فرماید تلاش کنید آن ها را از آتش جهنّم حفظ کنید; حال چه با امر به معروف و نهی از منکر و یا با هر وسیله صحیح دیگری پس شما درباره نزدیکان و اهل خانواده خود باید نهایت سعی و تلاش خود را، هر چند با نصیحت و التماس و احسان و غیره به کار گیرید و به آن ها کمک کنید تا از ورطه گناه بیرون آیند، ولی سرانجام اگر توفیق اصلاح محیط خود را پیدا نکردید و محیط به هر جهت اصلاح نشد، حساب شما از دیگران نزد خداوند متعال جدا می شود، مانند بسیاری از پیامبران الهی که با یاران اندک خود در محیطهایی زندگی کردند که ساکنان آن هرگز تن به اصلاح ندادند.

باتوجه به وضعیت تهاجم فرهنگی وشرایط سیاسی واجتماعی چه کنیم تاهم امر به معروف ونهی از منکر نماییم وهم این عمل ما موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نسازد؟

پرسش

باتوجه به وضعیت تهاجم فرهنگی وشرایط سیاسی واجتماعی چه کنیم تاهم امر به معروف ونهی

از منکر نماییم وهم این عمل ما موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نسازد؟

پاسخ

مردم در جامعه مانند جماعتی هستند که در کشتی نشسته اگر کسی بخواهد جای خود را در کشتی سوراخ کند وادعا نماید که من به دیگران کاری ندارم وفقط جای خود را سوراخ می کنم آیا دیگران می توانند ساکت بنشینند وتماشا کنند ؟ از آنجایی که آثار سوء یک خلاف اجتماعی تنها به خود افراد محدود نمی شود ونباید از این نظارت ملی که همان امر به معروف ونهی از منکر است غافل شد ، بدون تردید امربه معروف ونهی از منکر یکی از واجبات است وانجام آن هم مستلزم پرداخت یک سری هزینه هایی است که برای سایر واجبات دیگر انجام می گیرد وبنا بر آیات و روایات رسیده ا.....jآن بلحاظ کارکرد اجتماعی در بعضی از مواقع به مراتب از بقیه واجبات بیشتر است به حدی که امام حسین (ع) برای احیای این فریضه جان عزیزش را در طبق اخلاص خدا می کند. اما آنچه مهم است که بدانیم انجام این واجب دارای شرایط ویژه ای است که در شرع مقدس همچون شناخت معروف از منکر ، احتمال تأثیر احتمال تکرارآن از سوی شخص خاطی ، نبود ضرر وزیان جانی ومالی در برخی موارد ۰۰۰ بیان گردیده است. حال پس از فراهم بودن شرایط ، نباید از خاطر دور داشت که زدودن برخی از مفاسد اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی نیازمند تشکیلات منسجم و قوی است که از حیطه فرد خارج است واین حکومت است که با ساز وکار مناسب که به همین منظور بوجود آمده

انـد جلوی مفاسـد را بگیرد. وچنانچه چنین تشـکیلات منسـجم وخوبی نباشـد بایـد از طریق مذاکره ومکاتبه با دفتر رهبر معظم انقلاب ، بسـیج و تشـکیلات دلسوز جهت ریشه کن کردن آن اقـدام نمود . پیوند با مسـجد ، امام جماعت محل و مراجع تقلید نیز از بهترین ومناسـبترین پایگاههـای مقابله با مفاسـد اجتماعی است اما برخی از مظاهر منکر ومفاسـد هم که درحـد محـدوده شخصـی افراد است بدون شک با رعایت شـرایط آن وبا انتخاب اصـلح ترین روش وتاکتیک باید به ادای این فریضه پرداخت. آنچه مهم است نحوه بیان وتذکر است که می تواند نقش مؤثری داشته باشدواولین گام هم در انجام این واجب تذکر لسانی و زبانی است وهمین که افراد خطاکار ، غافل ولاابالی بداننـد که چهره انسان یک چهره متـذکر و هشدار دهنده وخیرخواه اسـت سعی می کننـد جهـت مصـون مانـدن از چنیـن تـذکراتی رعـایت معروف را بنماینـد واگر امر به معروف ونهی از منکر باقصـد دلسوزی وبه بهترین شـیوه انجام شود بـدون شک هم تأثیر خواهـد داشت وهم نگرانی افراد وناراحتی انان چنـدان مهم نخواهد بود ودیر یا زود خواهند فهمید که آمر به معروف وناهی از منکر جز خیر چنین افرادی را مدنظر نداشته اند.

شرایط امر به معروف ونهی از منکر باید مرحله مرحله انجام پذیرد:

۱-تنفر قلبی از کار زشت

۲-بابیـان خوش و گفتار دلسوزانه به این نحو که اول نقاط قوت شخصـی خلافکار را گفته وسـپس نقاط ضـعف آن را جوری بیان کنیم که منظورمان این است که نقطه ضعف از بین برود وتبدیل به قوت گردد.

۳-ومسائل منکر را با لطائف الحیل از او دور کنیم و

مرحله سوم قهر کردن وچهارم با کلمات تند وگاهی به تهدید و۰۰۰ درضمن متذکر می شویم که امر به معروف ونهی از منکر معمولاً طرف مقابل ناراحت میشود . اما شما نباید ناراحت شوید وحتی اگر دشنام ویا کتک هم خوردید باید خوشحال بود که واجب وامر الهی اطاعت وانجام گرفته است.

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه نمایید:

نظارت ملی یا امر به معروف ونهی ازمنکر نوشته ابوالقاسم علی زاده حسن آبادی ، تابستان ۱۳۷۱ ، دفتر تبلیغات اسلامی.

لطفاً بفرمایید روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بد حجاب در کوچه و بازار مشاهده مینماییم چیست و ما چه وظیفه شرعی داریم ؟

اشاره

لطفاً بفرمایید در برخورد با پسرانیکه دور و بر دختران مشغول متلک گوئی هستند به چه روش عمل نمایم ؟

پرسش

لطفاً بفرماییـد روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بد حجاب در کوچه و بازار مشاهده مینماییم چیست و ما چه وظیفه شرعی داریم ؟

لطفاً بفرمایید در برخورد با پسرانیکه دور و بر دختران مشغول متلک گوئی هستند به چه روش عمل نمایم ؟

پاسخ

این نوع رفتارها غالباً درس نوجوانی اوائل بلوغ مثل مقطع دبیرستان است لذا خیلی ظریف و حساس است و کمتر حین ارتکاب عمـل اثر دارد ، البته ممکن است بـا شـرائط خاصـی و طریقه مخصوص بـا لحـاظ جوانب روحی و رفتار ی طرف اثر کنـد ولی اغلب این موارد باید در شرایط رفاقت و آرامش به امور آنها را متذکر کرد .

۱–قبح و زشتی این ا عمال را به آنها گوشزد کرد .

۲– مسئو لیت انسان و شرافت گوهر وجودی او را به او یاد آوری کرد .

۳– از راه تحریک عاطفه و تشویق به حفظ حرمت و کرامت نوامیس مردم کرد .

تذکر: البته اگر با شرایط مناسب بود و تذکر دادی حتی اثر عملی هم نکرد برای آمر به معروف خیر و برکات معنوی را دارد و

خود ا مر و نهی چند شرط دارد .

۱–موارد و مصادیق امر و نهی را بشناسد .

۲– احتمال اثر بد هی

۳– خطر یا مفسده برای آمر نداشته باشد (البته بستگی به مورد منکر و مقدار خطر دارد)

لکنتم خیر امهً اخرجت النّاس لتأ مرون با لمعروف و تنهون عن المنکر

شما بهترین امتی هستید که برای اصلاح بشر قیام کردید

با منافقین چگونه باید رفتار کرد.

پرسش

با منافقین چگونه باید رفتار کرد.

پاسخ

در قبال هر گناه و گنهکاری وظیفه یک مؤمن امر به معروف و نهی از منکر است در قبال شخص منافق نیز باید امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت شرایط آن اجرا نمود که عبارتند از:

۱. شناساندن معروف و منکر: اول باید سعی کنیم حق را به شخص گنهکار بشناسانیم – ممکن است شخص منافق از حقیقت کار خود بی اطلاع باشد.

۲. تبیین قبح و بدی نفاق: اگر منافق زشتی کار خود را بفهمد ممکن است به راحتی از این عمل زشت دست بردارد.

۳. تحویل نگرفتن و صمیمی نشدن با او.

۴. ناراحت شدن از او و ابراز این ناراحتی.

۵. طرد او از جامعه مسلمین و مؤمنین.

و اگر در هر مرحله آن شخص اصلاح شد مجاز به اجرای مرحله بعد نیستیم.

در خانه ما مرد سالاری حاکم است پــدرم بشدت مادرمان را با زورگوئی اش تحت فشار قرار داده ❊ لطفا بگویید چگونه می توان او را

راهنمایی کرد؟

پرسش

در خانه ما مرد سالاری حاکم است پـدرم بشـدت مادرمان را با زورگوئی اش تحت فشار قرار داده * لطفا بگوییـد چگونه می توان او را راهنمایی کرد؟

پاسخ

قضاوت در مورد زنـدگی خانوادگی شـما و نقش پـدر و مادرتان از راه دور کار آسانی نیست؛ چه بسا که هر طرف برای کار خود دلایلی داشته باشد. ولی در هر صورت روش مادر شما (صبر و بردباری) روش پسندیده ای است چرا که اگر دو طرف بر مواضع خود اصرار ورزند، نه تنها مشکلی حل نمی شود بلکه معضلات و ناآرامی زندگی افزون تر خواهد شد.

شما نیز روش مادر را در پیش گیرید. البته سـعی کنید از راه مناسب و توسط اشخاصـی که روی پدر نفوذ دارند موارد لازم را به او تذکر دهید. نقش شما در حال حاضر بایستی نقش آرامش بخش به خانواده باشد.

توصیه های زیر را نیز مد نظر داشته باشید:

۱- پیش از هر چیز، به خداوند بزرگ توکل نموده و پیوسته از او در حل مشکل مدد جویید.

۲- همواره بکوشـید در برابر ناهنجـاری های ذکر شـده صبر، متانت و برخوردی پرمهر و عاطفه و منطقی داشـته باشـید و دیگر اعضـای خـانواده را نیز به چنین شـیوه ای تشویق نماییـد، به ویژه مادر شـما اگر در برابر هر خشونتی عکس العملی محبت آمیز داشته باشد به تدریج، البته در مدت طولانی، روش تند و خشن پدرتان را تغییر خواهد داد.

۳- کوشـش کنیـد عواملی که در خـانه موجب نـاراحتی و عصـبانیت پـدرتان می شود، از بین برود؛ مثلاً اگر از بی نظمی های خانه، سر و صدا یا برخی خواسته ها ناراحت می شود، حتی الامکان آنها را از بین ببرید و محیط خانه را برای

او جایگاهی آرام بخش و دوست داشتنی کنید.

۴- بررسی کنید که دخالت های دیگران در چه زمینه هایی است، سپس بکوشید آن زمینه ها را از بین ببرید.

۵- در صورتی که افراد بزرگ و فهمیده ای در نزدیکان، بستگان یا دوستان پدرتان وجود دارد که توصیه هایش به پدر شما مفید می افتد مشکلات را با او در میان نهاده و بخواهید که با حفظ امانت و شیوه ای حکیمانه، در موارد مقتضی اندرزها و رهنمودهای لازم را به پدر شما بدهد و به کارها و اقدامات ناپسند خود آگاه نماید. به هر حال او پدر شماست و شما باید دید خود را نسبت به او عوض کنید. شما با اخلاق و نیك رفتاری خود، می توانید الگوی مناسببرای تغییر رفتار پدرتان باشید. البته لازم به ذکر است اسلام هیچ گاه نگفته مرد هر چه بخواهد در زندگی می تواند انجام دهد.

در صورت تمایل نتیجه کار را با ما مکاتبه کنید.

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پرسش

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است، ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد،روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیح این که ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گذارد،آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد.

در امر به معروف و نهی از منکر باید مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود. در ابتدا باید با گفتار ونصیحت و ارشاد راهنمایی کرد و اگر این راه ها مؤثر واقع نشد، چنان چه کم کردن ارتباط و یا قطع آن مؤثر باشد، از آنراه اقدام شود و چنان چه هیچ یک مؤثر واقع نشد، می توانید مراتب را به مقامات مسؤول دانشگاه اطلاع دهید تاخودشان جلوگیری کنند و اگر هیچ یك از این امور ممکن نبود، تکلیف از شما ساقط می شود.

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پرسش

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی با صراحت و قاطعیت مسؤولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند. درچشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسؤولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسؤولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایط ویژه ای که در آن قرار دارد مسؤول است.

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانات داخلی دارد.

از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها وشهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد:

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در این رابطه نکات چندی را یادآور می شویم:

الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را با دوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهیدداشت.

ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کندی کار و سدّ راه تکامل شما

خواهـد بود. نبی اکرم(ص) دربـاره نابسامانی اجتماع و عـدمایمان مردم به شـدت ناراحت می شدنـد تا این که خـدای سـبحان حضـرتش را دلـداری داده و می فرماید: « طه ما انزلنا علیك القرآن لتشـقی »؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرسـتادیم که به خـاطر کفر و عـدم گرایش این مردم خـود را به رنـج و مشـقت بیفکنی(طه، آیه ۱) و نیز می فرمایـد: « لعلّـک بـاخع نفسک الاّ یکونوا مؤمنین »؛ ای رسول، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاك کنی(شعراء، آیه ۲۳).

ملاـحظه می کنیـد که قرآن مجیـد چگـونه نـبی اکرم(ص) را از آن همه غم و انـدوه بر حـذر داشـته است و نیز تعبیرحکیمـانه علی(ع) در این راسـتا حـائز اهمیت است که می فرمایـد: « الهمّ نصـف الهَرَمِ »؛ همّ وغمّ نصف پیری را تشـکیل می دهـد (نهج البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و انـدوه انسـان را می شـکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش، گرچهما به احساس پاك شما ارج می نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید.

ج) و امـا چه بایـد کرد؟ از نکـات مزبـور چنین برداشت نکنیـد که پس مـا مسؤولیـتی در ازای این رویـدادها نـداریم؛ بلکه به پیشنهادی چند، نیک بیندیشید.

۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید.

۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید.

۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید

بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری ازدانشجویان به طور فعّال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانگانی است. و امیدوار باشیدکه در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت.

چند از این الفاظ واضمار و مجاز

سوز خواهم سوز با آن سوز ساز

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پرسش

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پاسخ

در این باره لازم است اصول و ضوابطی که به آن اعتقاد داریم مراجعه کنیم از جمله:

۱- حفظ ایمان و اعتقاد خودمان از همه چیز مهمتر است نباید عملی انجام دهیم که به دینداری ما صدمهزند.

۲- تقویت بچه های مذهبی از نظر روحی و روانی لازم است و مذهبی ها نباید تضعیف شوند اگر هم به آنان انتقادیداریم بیان انتقاد نباید به تضعیف آنان بیانجامد.

۳- امر به معروف و نهی از منکر مصادیق و انواع گوناگون دارد، گاه با رفاقت و دوستی می توان این کار را انجام دادگاه با کنار کشیدن و به کار خود مشغول بودن گاه با بی اعتنایی و گاه... با توجه به این اصول و ضوابط اگر برقراری روابطو رفات با آنان با این اصول سازگار است اشکال ندارد.

در عین حال برخوردهای نسنجیده و ناگهانی و بدون زمینه و مقدمه و بدون طرح و برنامه صحیح نیست.{J

افرادی را می شناسیم که هرزه و لاابالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می کند, با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟

پرسش

افرادی را می شناسیم که هرزه و لاابالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می کند, با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟

پاسخ

بایـد به چنین افرادی با زبانی ملایم تـذکر داد که شـما که در مقام مـدّاح و نوحه خوان حضـرت اباعبـداللّه ع) هستید، شایسته است که سایر اعمال و رفتارت نیز مورد قبول امام حسین(ع) باشد.

ضمنا در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۲۰۰۸ که در مــورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بود من در مورد ترک این مهم از طرف خودم نگرانم ولی بیشتر اوقــات که آن را ترک می کنم به دلیل این است که نمی دانم چگونه موضوع را مطرح کنم که وضع طرف مقابل بدتر نشود.

پرسش

ضمنـا در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۲۰۰۸ که در مـورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بـود من در مورد ترک این مهم از طرف خـودم نگرانم ولی بیشـتر اوقـات که آن را ترک می کنم به دلیـل این است که نمی دانم چگـونه موضـوع را مطرح کنم که وضع طرف مقابل بدتر نشود.

پاسخ

در نامه قبلی وظایف و حـدود و احکام فردی که می خواهـد آمر به معروف و ناهی از منکر باشد به خوبی و به صورت مفید و مختصـر بیان گردید. مشکل شما در واقع پیاده کردن این برنامه ها و عمل به آنها در موارد مختلف است. البته این مطلبی بسیار ظریف و حسـاس است و بایـد همه جوانب و اطراف آن به خوبی مورد توجه و ارزیـابی قرار گیرد. یعنی تشـخیص این که این مورد خاص جای عمل کردن به کـدام مرحله از امر به معروف و نهی از منکر است مهم و اساسـی است. انتخاب قالب مناسب برای عمل به امر به معروف و نهی از منکر دارای نقش اساسی است. مثلا اگر راننده اتوبوس از نوار غیر مجاز و غیر مناسب که حرمت آن مسـلم و قطعی است اسـتفاده می کنـد در اینجـا دو نـوع عکس العمـل در راسـتای امر به معروف و نهی از منکر می توان انجام داد. یکی این که با شـدت و خشونت از او بخواهیم صـدای آن را خاموش کنـد و دیگر این که با ملایمت و به کار بردن کلماتی مثل «ببخشید، معذرت می خواهم» از او بخواهیم که صدای نوار را کم کند به حدی که

فقط خود او بشنود. راه اول معمولا مفید و مؤثر نمی باشد و گاه وضع را بدتر می کند و او رادر خلافش جری تر و جسورتر می سازد و گاه منجر به درگیری می گردد. ولی راه دوم معمولاـ مؤثرتر و اثربخش تر است و علاوه بر تحقق این دو واجب آثاری مخربی در پی ندارد. در همین مورد جو مسافرین حاضر در اتوبوس و چگونگی اعتقاد و باور و عکس العمل آنها نیز نقش مؤثری دارد. اگر تعداد متدینین و مؤمنین زیاد باشد، راحت تر می توان این کار را انجام داد چون وجود آنها به منزله پشتوانه و حمایت است. در همین مثال اگر شرایط به گونه ای باشد که تنها شما معترض به کار راننده هستید با توجه به خانم بودن شما و نداشتن پشتیبان کافی است که شما به آن نوار مبتذل گوش ندهید و همین ناراحتی و نارضایتی درونی و قلبی شما خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر است چون گفته اند حداقل مرتبه امر به معروف و نهی از منکر نارضایتی قلبی است. بررسی روحیات فردی که می خواهیم او را امر به معروف و یا نهی از منکر نماییم بسیار مهم است. گاه ممکن است فردی بدزبان و بی ادب باشد و باعث آبروریزی و هتک حرمت گردد و فسادی بالاتر به بار آورد. مثلا اگر فردی از افراد خانواده، نماز نمی خواند، نحوه برخورد با او و در پیش گرفتن راهی مناسب برای راهنمایی و هدایت او، بستگی مستقیم با روحیات و اخلاق او دارد. ممکن است او فردی باشد که با کمی

سرسنگینی از طرف شما و بی اعتنایی به او، به خود بیاید و متوجه شود شما به خاطر ترک نماز چنین با او برخورد می کنید. ولی گاه ممکن است این نوع رفتار تأثیری منفی و برخلاف داشته باشد و او را در ادامه راه غلط خود لجوج تر و مصرتر گرداند. یعنی کنار آمدن با او و گرم گرفتن او و در موارد مناسب با عمل و حرف به او تذکر دادن و نصیحت کردن در مورد این فرد بهتر جواب می دهد.

مثال دیگر مجالس عروسی و جشن است که معمولا رعایت حدود شرعی در آنها نمی شود ومسائلی مانند نوار حرام و رقص و اختلاط محرم و نامحرم در این گونه مجالس معمول است. در اینجا اگر تشخیص فرد شرکت کننده در این مجالس این است که ممکن است آلوده به حرام گردد نباید در این مجالس شرکت کند. حال اگر مجبور و مضطر به شرکت در این مجالس گردید، اگر می تواند باید مانع ادامه این برنامه گردد و اگر نمی تواند باید از این مجلس خارج گردد و اگر خروج او به هر دلیل ممکن نبود باید به گونه ای رفتار نماید که دیگران ناراحتی و نارضایتی او را در این مورد متوجه شوند و این خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به این مثال ها می توانید در موارد دیگر نیز اقدامات لازم و مناسب را انجام دهید و از نظر وجدانی و شرعی خشنود باشید که به وظیفه خود در این مورد به اندازه توانایی و وسع خود عمل نموده اید موفق و

پیروز باشید.

و بایـد دانست که در برخورد با هر منکری کار متناسب با آن ضـروری است و آنچه از روش ها گفته می شود ممکن است در هر موردی جواب ندهد و نیاز به راهکار متناسب برای رسیدن به هدف است.

وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی , هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟

پرسش

وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی , هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟

پاسخ

چنان که گفته شد، اگر امر به معروف مؤثر نیست و شـما مایل به شـنیدن نباشـید و مجبورا صدا به گوش شـما می رسد، شـرعا برای شـما اشـکال نـدارد و اگر می توانیـد تغییر مکان بدهیـد، لازم است از آن مکان بیرون برویـد. شـنیدن نوارها و صـداهای مشکوک که – نمی توانید حرمت آنها را تشخیص بدهید – اشکال ندارد.

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پرسش

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

بـدین منظور از راه کارهای زیر اسـتفاده کنید: ۱- قبـل از هر چیز اعتماد آنها را به خود جلب کنیـد تا تـذکرات و سـخنان تان تائثیر بیشتری داشته باشد. ۲- ضررها و آثار سوئ روحی و روانی تماشای چنین فیلم هایی را به آنها متذکر شوید. ۳- اهمیت و ارزش وقت به خصوص در دوران تحصیل را به آنها یادآوری کنید و آنها را به مطالعه و تحقیق تشویق نمایید. ۴- توصیه کنید به جای تماشای چنین فیلم هایی , اوقات فراغتشان را با ورزش و سر گرمی های شاد دیگر پر کننـد و ضـمن بیان فوایـد و آثار مثبت ورزش (مثـل کوهنوردی , شـنا, فوتبـال و ورزش هـای دسـته جمعی دیگر) با یک برنامه ریزی منظم , ترتیبی بدهیـد که فرصت کـافی برای تماشـای آن فیلم ها پیـدا نکننـد. ۵- به کمک بعضـی تشـکل های دانشـجویی دانشـگاه و خوابگاه برای پر کردن اوقات فراغت جوانان به تشکیل و راه اندازی مسابقات فرهنگی , ورزشی و یا اردوهای علمی , تفریحی و... اقدام نمایید و یا از فیلم های جذاب علمی و در ارتباط با رشته تحصیلی آنها استفاده کرده و به نمایش بگذارید.

چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم ؟

پرسش

چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم ؟

پاسخ

یکی از چیزهایی که امروزه در روانشناسی روی آن تأکید می شود، نقش و تأثیر عوامل محیطی و از جمله نقش گروه های هم سال (دوستان)، بر افراد است. طبق نظر روان شناسان، یادگیری اجتماعی و رفتار انسان، محصول تعامل مداوم متغیرهای شخصی و محیطی است. شرایطمحیطی، از طریق یادگیری، به رفتار شخص شکل می دهد. تأثیری که دیگران بر فرد دارند، نقش زیادی در رفتار او دارد. بعضی از الگوهای رفتاری نیز از راه تجربه مستقیم یاد گرفته می شود؛ لکن بسیاری از رفتارهای انسان از راه مشاهده (یادگیری از راه مشاهده) به دست می آید. حالاگر ما با افرادی رفت و آمد داشته باشیم که انسان های با شخصیت و خوبی هستند، مشاهده رفتار خوب آنان تأثیر مثبتی در ما ایجاد می کند. در نتیجه ما نیز همان گونه رفتار می کنیم. اما اگر خدای ناکرده با افراد بی شخصیت، لاابالی و ناباب سر و کار داشته باشیم، مشاهده رفتار زشتآنان، ناخودآگاه بر رفتار و افکار ما تأثیر منفی خواهد داشت و ما را نیز به انحراف خواهد کشاند.

قرآن هم تا حدودی، تأثیر عوامل محیطی - از جمله نقش دوستان - را در هدایت و گمراهی افراد، می پذیرد (مثل نقش دوستان پسر نوح پیغمبر در انحراف او و نهایتا غرق و نابود شدن وی).

شما با یادآوری این نکته که پسر پیغمبر خدا، با افراد بد و ناباب، رفت و آمد کرد و گوش به حرف پدرش نداد؛ در نتیجه به فساد و انحراف کشیده شد و غرق و نابود گشت؛ چه رسد به افراد عادی مثل ما.

این حرف ها، در صورتی اثر خواهد داشت که برادر شما از شما حرفشنوی داشته باشد؛ اما در غیر این صورت، می توانید از اعضای دیگر خانواده و یا از یکی از دوستان و آشنایان با تجربه، دلسوز و قابل اعتماد کمک بگیرید تا از این طریق، مسأله به خیر و خوشی حل شود.{J

با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟

پرسش

با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی

مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد:

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. آنچه که مربوط به شما می شود در صورتی که شرائط برای امر به معروف و نهی از منکر مهیّا است لازم

است نهی از منکر نمائید در صورتی که احتمال تأثیر نمی دهید بر شما چیزی نیست ضمنا نگاههای اتفاقی بدون اختیار اشکال ندارد. در عین حال گاهی اوقات افراد اطلاع و شناخت کافی از اهمیت حجاب و آثار مثبت آن ندارند و از طرف دیگر عوارض سوء بدحجابی را نمی دانند بنابراین نسبت به این گونه افراد باید پنهانی و با زبان مناسب و ایجاد ارتباط عاطفی به روشنگری پرداخت چه بسا با همین تذکرات پنهانی خود را اصلاح کنند ولی اگر علنا و بدون پرده تذکر داده شود بیشتر جری تر می شوند.

مطمئن باشید اگر چندین نفر و به طور مکرر با این افراد برخورد اخلاقی مناسب صورت گیرد تحت تأثیر قرار گرفته و خود را اصلاح خواهند کرد. آری در صورتی که فردی می خواهد در یک جمع و فضای خصوص از روی عمد و قصد می خواهد با برخی رفتارهای زشت و ضد اخلاقی، به مقدسات و ارزش های اخلاقی و باورهای دینی مردم دهن کجی کند باید به طور علنی به او هشدار داد. ولی این گونه موارد بسیار کم اتفاق می افتد. پس چه بهتر است با افراد جاهلی که اطلاع کافی در این زمینه ندارند با احترام

و سعه صدر لازم به روشنگری پرداخت و به طور خصوصی و انفرادی مسائل قابل طرح را گوشزد نمود.

البته نباید غفلت شود اخلاق کارگزاران و عملکرد آنان تأثیر مثبت یا منفی در رفتار اجتماعی شهروندان دارد چنانکه فساد سیاسی، اداری و اقتصادی مردم به ویژه جوانان را مأیوس ساخته، از شادابی، نشاط و معنویت باز می دارد و طبیعی است که باعث بسیاری از ناهنجاری های اخلاقی همین سرخوردگی های اجتماعی است

و امر به معروف و نهی از منکر به طور ریشه ای بایـد ضـمن آن که در خصوص بـد حجـابی یا ناحجابی مطرح می شود قبل از آن باید نسبت به ریشه های پیدایش آن صورت گیرد.

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است، ولی در مورد شـما آنچه ضرورت دارد،روشنگری و روشن سـاختن فلسـفه احکام برای آنهاست. بایـد سـعی کنیـد با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضـیحاینکه ترانه های مبتـذل آدمی را بـه خیر دعـوت نمی کنـد و نیز سـایر تـأثیراتی که در روان و اخلاـق و بینش آدمی می گـذارد،آنـان را برای پـذیرش احکام الهی آماده کنید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد.{J

اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواســته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی نشویم و تا چه حد مسئول اصلاح این امر هستیم.

پرسش

اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواسـته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشـی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی نشویم و تا چه حد مسئول اصلاح این امر هستیم.

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسـلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسـلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظـامی و قضایی نهاده انـد, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت :

۱- جوانـان عزیز بایـد به دقت احکـام شـرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یـا شـرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکـان بایـد کوشـید تـا فرهنـگ و پـذیرش عمومی نسـبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالاـ برد. انسـان ها در برخورد با حق , چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را

دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر

ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

با توجه به آنچه در بالا گفته شد معلوم می شود:

اولا، اگر از محیط و موقعیتی که در آن

واقع می شوید اطلاع دارید و می توانید با تدبیری ساده از واقع شدن در آن اجتناب کنید، کاری کنید که در چنین موقعیتی قرار نگیرید تا موجب ارتکاب گناه شوید. اما اگر ناخواسته وارد چنین محیطی شدید و نمی توانید (با توجه به شرایط بالا) تأثیرگذار باشید یا تغییری ایجاد کنید باید هر چه سریع تر آن محل را ترک نمایید.

ثانیا، اگر مفسده و ضرری که با وارد شدن در آن محیط ها متوجه شما می شود بیشتر از مصلحت نهی از منکر، باز هم در چنین موقعیتی باید رعایت حال مفسده را بکنید و از آن اجتناب کنید.

ثالثا، شکی نیست که برای اجرای حق و حفظ و نگهداری خود از هرگونه خلاف و گناهی نیازمند تلاش زیاد و هزینه کافی است و با تقویت اراده خود، در مقابل چنین موقعیت هایی ثابت قدم بود و در واقع این موقعیت ها آزمایشگاهی است برای ساخته شدن انسان و مبارزه با نیروی وسوسه گر شیطان که هر لحظه و آنی به سراغ انسان می آید.

لازم به ذکر است انسان مؤمن کسی نیست که هیچ گناهی نکند بلکه مؤمن کسی است که اگر ناخواسته مرتکب گناهی شد بلافاصله توبه کندو از عملکرد خود پشیمان شود و در صدد جبران آن برآید. بنابراین خسته نشوید و در راه اجرای حق و هدایت دیگران و حفظ و نگهداری خود از هرگونه انحراف و کژی تلاش کنید و از خداوند متعال نیز استعانت جویید. ما نیز دعاگوی شما هستیم و به وجود شما عزیزان دانشجو با این سیره پاک و ارزشمند افتخار می کنیم.

در جامعه امروزی که وضعیت حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر پا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کرده اند وظیفه ما و امثال ما در برابر این افراد هم از نظر احکام و هم از نظر امر به معروف چیست و باید چه اقدامی انجام داد چون باید در مسائل

پرسش

در جامعه امروزی که وضعیت

حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر پا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کرده اند وظیفه ما و امثال ما در برابر این افراد هم از نظر احکام و هم از نظر امر به معروف چیست و باید چه اقدامی انجام داد چون باید در مسائل درسی با آنها رابطه ای داشت توضیح دهید.

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت :

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر

را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید

که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف

و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هديناه السبيل اما شاكرا و اما كفورا» ، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم

اعتمـاد بـه نفس موجب تقلیـد و تظاهر بـه رفتارهـای ناصـحیح دیگران می گردد. بر اثر خودبـاختگی ملاـک در کرامـت و شایسـتگی اجتمـاعی را محبـوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می داننـد. البته اگر انسـان بـا تقوا و پاکـدامن و مقیـد به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودبـاوری و ایمـان قوی و انگیزه هـای عالی و معرفت صـحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه هـای اصـلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شـناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسـلامی در سـطح جامعه می باشـد. قرآن کریم می فرمایـد: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسـهم...» خداونـد سـرنوشت هیـچ قومی را تغییرنمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامـل درونی اختصـاص به جـامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصـی نـدارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدیـد کننـده یا کنترل کننـده وجود دارد که بایـد پیشـینه تاریخی و وضـعیت فرهنگی را بررسـی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم.

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقـدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها

به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقـدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتـاهی و بی توجهی برخی از مسؤولاـن فرهنگی کشور در تثبیت ارزش هـا و احکام اسـلامی و تعمیق بخشـیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشـکلات ناشـی از تثبیت انقلاـب اسـلامی، جنـگ تحمیلی، فشارهـای خـارجی محاصـره هـای گوناگون اقتصادی، سیاسـی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دسـتگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چنـدانی به مسائـل فرهنگی جـامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسـلامی مبذول نگردد.

۴. بعضـی از اقـدامات انجام گرفته بعـد از سال ۱۳۶۸ (از قبیـل سیاست هـای پـولی و ارزی و...) که به منظور تسـریع در روند توسـعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نـامطلوب برخی از دسـتگاه هـای فرهنگی (از جمله وزارت ارشـاد و مطبوعات وابسـته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصـری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر

جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده

و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلما برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

ناگفته

نمانـد بسـیاری از ناهنجارهـای اجتماعی از جمله بـدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسـیاری از مفاسد اجتماعی هسـتند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهنـد. فرمایشـات و رهنمودهـای مقـام معظم رهبری در زمینه مبـارزه با مفاسـد اقتصادی و اجتماعی به شـکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

اما اینکه در پایان سوالاتان فرموده ایـد، بایـد در مسائل درسـی با آنها رابطه ای داشـته باشـیم به نظر می رسـد حرف مقرون به صحت نباشـد . به عبـارتی دیگر می توان در چنین محیـط هـای حضور داشت و بـدون ارتباط گناه آلودی، پاکی و پاکـدامنی خود را حفظ کرد. هر چنـد مشـکل هست و ما نیز می پذیریم ولی ناشدنی نیست و ما نیز نمونه های بسـیار فراوانی از بین خود شما دانشجویان پاک سرشت و پاکدامن نامه های فراوان داریم که حکایت از همین پاکی درون و رفتار سالم شان می کند که جای بیان آن نیست. علاوه بر این مگر چه ضرورت دارد برای مسائل درسی با جنس مخالف ارتباط ایجاد کرد. مگر نمی توان دانشجویان هم جنس در این گونه مسائل به گفتگو و حل مشکلات و ... بپردازند. ما معتقدیم اگر

اراده کنید امری است شدنی. ثانیا اگر هم در برخی شـرائط و موقعیت ها و مواردی نادر هم ضـرورتی ایجاب کند. می توان به حـداقل اکتفا کرد و در همان حـداقل نیز رعایت شـئونات اخلاقی و شـرعی را کرد و خود را کنترل نمود. هم چش و گوش و دیگر حـواس خـود را به کنـترل عقـل درآورد و هم ذهن و اشـتغالات ذهنی رااز این گونه مسائـل برحـذر داشت. گر چه قبول داریم نیازمند اراده ای قوی و عزمی راسخ دارد.

ولی گوهر پاکی و پاکـدامنی و حفظ خود را از گناه و خلاف بـدون تلاش بـدست نمی آیـد.و همانطور که گفته اانـد: هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد.

در پایان لازم است دقت و حساسـیتان را نسبت به مسائل فرهنگی و ارزشـی و اخلاقی و لزوم حفظ آن برای محیط دانشـگاه و دانشجویان می ستاییم و امیدواریم با تلاشهای عزیزانی همچون شما ، به یک محیط سالم هرچه نزدیک تر شویم.

هر زمــان که می خواهم با افراد بی نماز و بی دین صــحبتی کنم و آنهارا روشن کنم نمی توانم و در برابر آن ها کم می آورم و گاهی صحبت های آنها باعث شک در من می شود و ترس باعث می شود که دیگر صحبت با انان را دنبال نکنم چه کنم تا این گونه نباشم.

پرسش

هر زمان که می خواهم با افراد بی نماز و بی دین صـحبتی کنم و آنهارا روشن کنم نمی توانم و در برابر آن ها کم می آورم و گـاهی صـحبت های آنها باعث شک در من می شود و ترس باعث می شود که دیگر صـحبت با انان را دنبال نکنم چه کنم تا این گونه نباشم.

پاسخ

تلاش شـما برای آشنا ساختن دوست خود با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از برجسته ترین و متعالی ترین امور است.

برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید.

دیـدگاه فرد در مورد خداونـد، جهـان هستی، انسـان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه مسـتقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

خلأ عمده ای که موجب ترک نماز از سوی دیگران شده است مشکل فکری است. ظاهرا آنها در فلسفه نماز دچار اشتباه شده و آن گـاه نتیجه نـادرستی می گیرنـد. بنـابراین راه اصـلاح وی نیز تصـحیح انـدیشه آنهـا است که البته کار آسانی هم نیست و نیازمند فرصتی طولانی و نیز استفاده از روش های اصولی و تدابیر خردمندانه است.

لازم به ذکر است بایـد خودتان با مطالعه در این زمینه سـعی کنیـد آمادگی بیشتری برای مقابله با چنین افکاری در خود پـدید

آورید کتابهای زیر در مورد نماز توصیه می شود.

راز نماز محسن قرائتی

راز نماز بی آزار شیرازی

پرواز در ملکوت امام خمینی

از ژرفای نماز آیت الله خامنه ای

این است نقش عبادات محمد باقر صدر

رفتار شما با وی نیز باید به گونه ای باشد که

تحت تأثیر اخلاق، عواطف و نحوه برخوردتان قرار گیرد به افکار و اندیشه های شـما - به عنوان یک فرد نماز خوان مذهبی - علاقه مند شود و با نفوذ در قلب و دل او، بتوانید تغییری در فکر واندیشه وی ایجاد کنید.

هشـدار آن که ارتبـاط و گفتگوی شـما بـا چنین افرادی در صورتی است که شـما بتوانیـد بـا روش هـای منـاسب در آنها تأثیر بگذاریـد فکر و انـدیشه آنها را اصـلاح نمایید ولی اگر نمی توانید و یا خدای نکرده ممکن است تحت تأثیر افکار و اعمال بی توجهی آنها به نماز شـما نیز سـست عقیـده و بی مبالات به نماز شویـد، در روابط صـمیمی و نزدیک خود با آنها فاصـله ایجاد کنید و در حفظ باورهای دینی و اعمال عبادی خود کوشا باشید.

در این قسـمت از پاسـخ توجه تان را به مطلبی جلب می کنیم که درباره چگونگی تأثیرگـذاری تهیه و تـدوین شده است. امید است با به کار بسـتن راهکارهای ارائه شده در نیت خیرتان موفق باشید. مهم آن است که برای انجام چنین مسؤولیتی قبل از هر چیز باید اعتماد آنها را به خود جلب کنید به عبارت دیگر آنها باید به شـما به عنوان فردی امین، دلسوز، صمیمی اعتماد کند و لازمه این که این اعتماد به وجود بیاید باید از راهکارهایی مناسب استفاده نمایید تا میزان تأثیرگذاری شما بیشتر شود.

۱. برای جلب اعتمـاد ابتـدا بایـد رابطه عاطفی خود را با آنها تقویت کنیـد. برای این که این ارتباط عاطفی به وجود بیایـد باید نسبت به آنها همدلی نمایید. برای این که بتوانید همدلی کنید باید شرایط روحی و دغدغه هایی که دارند را

درک کنید از آنجا که آنها در سنین جوانی یا نوجوانی هستند کمی باید به آنها بیشتر نزدیک شوید تا متوجه شوید که چه دغدغه هایی دارند و شما تا چه اندازه می توانی در حل مشکلات آنها به آنها کمک کنید بنابراین همدلی کردن با آنها مستلزم درک کردن آنهاست.

در مرحله بعد برای ایجاد ارتباط عاطفی با آنها باید پذیرش بدون شرط نسبت به آنها داشته باشید. این طور نباشد که آنها را هنگامی تحویل بگیرید و پذیرای آنها باشید که کارهای مورد علاقه شما را انجام دهند ولو این که آنها رفتارهای غلطی هم داشته باشند ولی شما بدون شرط آنها را بپذیرید. این نحوه برخورد باعث می شود که ارتباط عاطفی آنها با شما محکمتر شود علاوه بر این دلسوزی و صمیمیت خود را نیز عملا باید نسبت به آنها نشان دهید به گونه ای که همواره احساس کنند شما دلسوز آنها هستید. بنابراین اگر همدلی، پذیرش بدون شرط و دلسوزی نسبت به آنها داشته باشید ارتباط عاطفی شما به آنها محکم می شود. یکی از عوامل ایجاد اعتماد آنها نسبت به شما حاصل می شود.

۲. توجه به انگیزه های آنها؛ انسان ها معمولا دارای انگیزه ها و نیازهایی هستند، توجه به نیازها و انگیزه های افراد بسیار مهم است. یکی از مهمترین نیازهای انسان، نیاز به معنویت است. اگر این نیاز به نحو صحیح ارضاء نشود، رقص و موسیقی و اعتیاد و مشکلات اخلاقی جایگزین آن می شود. در هر حال توجه به انگیزه های افراد و تلاش در جهت دست یابی آنها به این انگیزه ها باعث ایجاد اعتماد

می شود.

۳. عنصری که در اعتمادسازی نقش مؤثری دارد عنصر شناخت است؛ یعنی سطح شناختی و درک افراد را باید در نظر گرفت و براساس میزان درک و شناخت آنها با آنها صحبت کرد. توجه به این سه عنصر عاطفی، شناختی و انگیزشی در افراد موجب ایجاد اعتماد در آنها نسبت به خود می شود. وقتی که شما این اعتماد را در آنها نسبت به خود ایجاد کردید آنگاه می توانید تأثیرگذار باشید و امر و نهی شما یا نصیحت شما و یا پیشنهاد شما مؤثر واقع می شود. سعی کنید برای ارشاد آنها بیشتر از الگوی مشاوره استفاده کنید تا از موضع یک فردی که امر و نهی می کند یا حکم می کند که این کار خلاف است پس نباید انجام داد.

نکته دیگری که در تأثیرگذاری شما نقش مهمی دارد رفتار شماست یعنی هر چه شما با زبان رفتار و عمل با آنها سخن بگویید مؤثرتر است یعنی اگر ظهر می شود و صدای اذان بلند می شود اقدام به اقامه نماز نمایید. یا وقتی با نامحرم مواجه می شود رعایت حدود الهی را بکنید این بهترین شیوه برای تأثیرگذاری است.

در مرحله بعد از باب امر به معروف و نهی از منکر رعایت حدود الهی را به آنها گوشزد کنید (البته به شرط این که احساس کنید این اقدام شما تأثیر مثبت دارد و الا بیشتر از همان راهکارهای اول و دوم استفاده کنید).

در مجموع می توان گفت: تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار

باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر می توان میزان تأثیرگذاری را افزایش داد:

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمائید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آئین دوست یابی،

دیل کارنگی

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلام بزرگ شده ام و در اینجا با مشکل عمده ای روبرو شده ام هم اتاقی های من دست به کارهایی می زنند که خلاف موازین دینی است که از بیان آنها

پرسش

من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلام بزرگ شده ام و در اینجا با مشکل عمده ای روبرو شده ام هم اتاقی های من دست به کارهایی می زنند که خلاف موازین دینی است که از بیان آنها معذورم لیکن با وجود اینکه می توانم به اتاق دیگری بروم ولی با خود می گویم بمانم و آنها را با عملم شرمنده کنم .مرا راهنمایی کنید که بمانم و پایداری کنم با تمام سختی ها یا بروم و آنها را به امان خدا رها کنم؟ این جوانمردی است ؟یکی از آنها پسر خیلی خوبی است و حالا شرایط او را به ورطه هولناکی انداخته است.

پاسخ

دانشجو، دانشگاه و خوابگاه، سه مفهوم نام آشنا در پروسه ی تعلیم و تربیت در مقطع آموزش عالی بوده که هر یک در عین تعامل با یکدیگر، دارای ویژگی های منحصر به فرد هستند.

۱ دانشگاه: محیطی است که مجموعه ای از انسان های دوستدار دانش در قالب استاد و دانشجو گرد هم آمده و تحت ضوابط و قوانین خاصّی، پروسه آموزش و فراگیری دانش را معنی می بخشند. از ویژگی های بارز این تعامل علمی، تفاوت سطح سنّ و دانش دو گروه استاد و دانشجو است که کار ارتباط همه جانبه بین آنان را دشوار می کند. گر چه ارتباط علمی میسّر است، اما به دلیل اختلاف سن و نیز قبول رابطه ی محدود بین استاد و شاگرد، وجود ارتباط تنگاتنگ، برابر و آزاد در همه ابعاد روحی، فراهم نیست و حداقل همراه با ملاحظات ویژه ای است.

۲ دانشجو: گروهی

که از نظر سنّی عمدتاً از امتیازات دوره ی جوانی برخوردار بوده و به دنبال کسب دانش، راه دانشگاه را برگزیدند. اما مهم ترین ویژگی آنان، برخورداری از انرژی متراکم، تحرّک، جنب و جوش، خلاقیت، نوآوری، شور و نشاط و روحیه انتقادی است، به طوری که برای خویش «حدّ یقف» و محدودیتی قایل نیستند.

۳ خوابگاه: محلّی که ده ها بلکه صدها تن از دانشجویان جوان و پر انرژی، بعد از فراغ از درس و بحث و ارتباطات معمول دانشگاهی، ساعت استراحت خویش را در این محلّ گردهم می آیند و چه بسا هر دانشجویی، از فرهنگ و اخلاقی متفاوت با دیگر دانشجویان، برخوردار است که گاه همین مسأله موجب عدم تعامل و ناسازگاری بین آنان می شود.

امّا محیط خوابگاه، برخلاف آن چه که از اسمش پیداست، تنها محلّی برای خواب نیست (برخلاف دانشگاه که صرفاً برای کسب دانش است) بلکه دارای خدمات و عملکردهای دیگری نیز هست، چرا که از یک طرف به دلیل پیگری مباحث کلاس و آمادگی برای انجام تکالیف درسی، ادامه ی دانشگاه به حساب می آید و از دیگر طرف محلّی برای تهیه ی خوراک، بهداشت تن و لباس، عبادت و گعده های سیاسی - اجتماعی و تأمین سایر نیازهای روحی است.

در عین حال، اساسی ترین ویژگی خوابگاه دانشجویی آن است که نه چتر حمایت عاطفی (بی حساب) خانواده را بر سر دارد و نه قوانین متصلّب و خشک همراه با نظارت استاد در کلاس را.

بنابر این، ترکیب اموری همچون گروه همسال، انرژی متراکم دوره ی جوانی و احساس آزادی بیشتر از حدّ معمول و به دور از نظارت خانواده، دانشگاه و استاد و وجود سلیقه های متفاوت و گاهی متضاد بین دانشجویان و

نیز فشار روانی ناشی از دوری از خانواده و خلأ عاطفی و دغدغه ی ازدواج به همراه نگرانی های مربوط به اشتغال و مسکن، عواملی هستند که محیط خوابگاه را به طور معمول از کنترل عادی خارج می سازند. البته، وجود چنین فضایی در خوابگاه با آن ویژگی هایش (که با هر مجتمع دیگر تفاوت دارد)، تا حدّی طبیعی است.

اما درباره عدم رعایت مسائل مذهبی و اخلاقی باید گفت که، هیچ پدیده ضد اخلاقی چه در غرب و چه در شرق، چه در زنان و چه در مردان، یک شبه روی نمی دهد و اگر پدیده ای زشت و ناهنجار باشد، زشتی آن در آغازش به اندازه ی نقطه انجامش نیست. به عنوان مثال: کسی که از راه مستقیم منحرف می شود، انحرافش در نقطه ی آغاز یک قدم است و در نقطه ی انجام آن قدر زیاد می شود که دیگر صدای راهدار را که بانگ می زند: «راه این جاست و آن که تو پیش گرفته ای بی راهه است» به گوش او نمی رسد.

بنابر این، برای برون رفت از چنین وضعیتی و ارشاد این دسته از افراد، راه کارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱ امر به معروف و نهی از منکر: از امتیازات اسلام آن است که همه ی مردم را ولی و سرپرست همدیگر می داند به هیچ کس اجازه نمی دهد که (البته در صورت جمع بودن شرایط) راضی به گناه دیگران شده و آنان را باز ندارد. بلکه به مسلمانان دستور داده که امر به معروف و نهی از منکر کنند و با امر به معروف، جوّ جامعه (خوابگاه) را برای رشد خوب ها و خوبی ها، آماده سازند و با نهی از مکر هم جو جامعه را برای رشد زشتی ها نامساعد و

تنگ کننـد و در نتیجه گناهان، انحراف ها و پلیدی ها نتوانند در محیط اسـلامی رشد کرده و ریشه بدوانند. و این فرصت (امر به معروف و نهی از منکر) پالایشگاه معنوی بزرگی است که می توانـد جـامعه را حـداقل از غرق شـدن در فسـاد بیشتر، حفظ کند.

به نظر می رسـد اگر از امر به معروف و نهی از منکر به طور اصولی و منطقی بهره بگیریم تا حد زیادی تأثیر خواهد گذاشت و البته همیشه عـده ی اندکی پیدا می شوند که هیچ هنجاری را برنمی تابند که اسـلام در برخورد با چنین افرادی علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر، عنـاوین دیگری هم دارد. نظیر: وجوب قطع رابطه بـا اهـل منکر و بزه کار و حرمت همنشـینی با آنان و وجوب دوستی با اطاعت کاران و افراد صالح و بهنجار و احترام و تشویق آنان.

البته همه ی موارد امر به معروف و نهی از منکر (غیر از مواردی که به حکومت برمی گردد و با قاطعیت همراه است) می تواند با چاشنی محبت همراه باشد.

۲ بـا چنین افرادی به عنوان یـک بیمار، برخوردی آکنـده از مهر داشـته باشـیم. همچون برخورد یک پزشک حاذق و مهربان با بیمار خویش.

۳ بـا رفتـار شایسـته مـان به آنـان بفهمـانیم که این رفتار و اخلاق نیکو، ثمره ی ایمان به خـدا و ترس از اوست تا بـدین وسـیله حساسیت های موجود را نه در حـد یک سـلیقه ی شخصـی و خشـکه مقدسـی، بلکه ناشـی از رفتارهای منطبق با عقل و شـرع معرفی کرده و آنان را به سوی مکتب متمایل سازیم. یعنی رفتار ما باید اسلامی باشد، چرا که اگر ما از اسلام فقط چند چیز از جمله نماز و روزه آن

را رعایت کنیم و این اعمال در رفتار ما تأثیر نداشته باشد، نه تنها نمی توانیم آنان را تحت تأثیر خویش قرار داده و ارشاد کنیم، بلکه آنان را از اسلام منزجر کرده و دور می کنیم.

۴ با دلیل و برهانی قانع کننده، مفاسد کارهای غیراخلاقی، و برون دینی را برای چنین افرادی تشریح کرده و با ارائه نمونه هایی از عواقب چنین رفتارهایی در عملکرد جوامع و انسان های سرخورده، از انحرافات آنان جلوگیری کنیم.

احکام نورانی اسلام از پشتوانه ی منطقی بالایی برخوردار است. بنابر این هیچ حکمی از احکام اسلام تحمیلی نیست (تحمیل به معنای آن است که چیزی که مخالف عقل و مصلحت است با منطق سرنیزه بر انسان ها تحمیل کنند). بلکه بر اساس حکم عقل و توأم با مصلحت است و اگر هم جایی باشد که ما به اَسرار آن حکم واقف نباشیم لااقل مخالف با حکم عقل نیست.

۵- در صورتی که قطع رابطه شما با آنها باعث متنبه شدن آنها می شود از این اهرم به طور موقت استفاده نمایید و بگویید من دوست ندارم با کسانی که مرتکب حرام می شوند هم سخن شوم و یا به حداقل ارتباط با آنها اکتفا کنید.

۶- اگر به سخنان شما چندان اهمیت نمی دهند از فرد قابل اعتمادی بخواهید با دلسوزی کامل آنها را از این عمل باز دارد و پیامدهای عملشان را به آنها متذکر شود تا شاید متنبه شوند.

۷- از همدلی و دلسوزی کردن نسبت به آنها دریغ نورزید و ضمن احترام گذاشتن و اظهار علاقه به آنها, آنها را از این عمل بازدارید نه این که آنها را طرد کرده از پیش خود برانید.

ترویـج قانونمندی و قانون پذیری و رعایت دقیق قانون در خوابگاه، دعوت از دانشـجویان در سالن اجتماعات و گفتگو با آنان پیرامون قوانین حـاکم بر خوابگـاه و اهمیت رعـایت قوانین برای جلوگیری از هرج و مرج در محیط خوابگاه. چرا که اگر یکی بخواهـد صـدای موسیقی را بلند کرده و دیگری صدای نوار مداحی و آن دیگر هم بر دیگ و قابلمه بکوبد، وضع به گونه ای خواهد شد که چه بسا لازم باشد اسم خوابگاه را به......تغییر دارد.

افرادی که در یـک مکـان بـا هم زنـدگی می کننـد شایسته است به آداب و شـرایطی که بر زمـان و مکان حاکم است احترام بگذارند تا با مراعات آن آداب، محیطی مطلوب برای ایشان مهیا شود.

انسـان آزاده و فرهیختـه، حرمت و ادب حضـور دیگران را نگه می دارد و از آنچه مـوجب رنجش هم نـوع شـود می پرهیزد بر همین اساس اگر به امور دینی هم نگاه کنیم حرمت ها و مرزها کاملا حفظ شـده است هر کس در امور مربوط به خود آزادی هـایی نسبی دارد و در عین حـال تـا جائی که آزادی دیگران خـدشه دار نشود، از نعمت آزادی عمل برخوردار است. هر کجا آزادی عمل شـخص با آزادی دیگران تنافر و تناقض ایجاد کند، باید شـخص حدود و اندازه های خود را بشـناسد و سـپس در حفظ حریم دیگران بکوشد همان طور که خود نیز دوست دارد تا حرمتش محفوظ بماند.

در خصوص افرادی که رعایت احکام و مسائل مـذهبی و اخلاقی را نمی کننـد همین قاعـده جاری است که افراد باید قوانین و ضوابط و اخلاق فردی و اجتماعی را مراعات کنند مخصوصا در محیط

خوابگاه یا خانه جمعی که اخلاق و آداب خاصی دارد و لازم است این آداب بصورت یک فهرست مکتوب در اتاق ها نصب شود تا با استناد به آن آداب هر فرد خود را موظف به پایبند بودن به آنها نماید.

علاوه بر این مواردی که برخلاف عرف و شرع رخ می دهد باید با فرد خاطی از سر خیرخواهی و مصلحت اندیشی، گفتگو شود و با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه مواجهه صورت گیرد تا انشاءالله متنبه شود.

اگر گروه غالب در خوابگاه رعایت آداب و مسائل اخلاقی را نمی کنند باز باید در جهت آگاه سازی ایشان اقدام کرد و چنانچه مؤثر نشد خود شما با یک برنامه زمان بندی شده سعی کنید کمترین زمان را در جمع آنها باشید و در زمان های دیگر از مکانهایی که از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار هستید استفاده کنید تا انشاءالله ایشان از روش خود باز گردند به هر جهت برای اینکه دچار تأثیر وضعی این گونه رفتارها نشوید سعی کنید محل اسکان خود را تغییر دهید و حتی اگر هزینه ای در بر دارد آن را تحمل نمائید تا از آثار سوء اعمال آنها در امان بمانید.

در پایان تأکید می شود در صورتی ماندن در آن اتاق و پایداری در مقابل تمام سختی ها، نیکو و پسندیده است که خودتان در آنها هضم نشوید و برای نجات آنها یا یکی از آنها، خودتان گرفتار نشوید زیرا اگر از توان علمی و عملی قوی و قدرتمندی برخوردار نباشید چه بسا گرفتار همان ورطه ای شوید که یکی از آنها شده است و به قول خودتان

پسر خیلی خوبی بوده و هست ول یشرایط و فضای فرهنگی و رفتاری اتاق او را به ورطه هولناکی انداخته است. البته در اینجا لازم است دلسوزی و همدردی تان را و نیز احساس مسؤولیت و جوانمردی در برابر ناملایمات موجود می ستاییم و تحسن کرده و به وجود جوانان نیک سرشت و پاك نهادی همچون شما افتخار می کنیم ولی این زنگ خطر را نیز باید به صدا درآوریم که گاهی ممکن است برای حفظ و مراقبت از دیگران و یا نجات آنها، خود دچار مشکل می شود و یا حداقل نمی توان تأثیرگذار بود و از طرف دیگر خودتان از فعالیت های علمی و یا رشد و کمال باز خواهید ماند.

پس در چنین صورتی نمی توان گفت جوانمردی آن است که در چنین فضایی و اتاقی بمانید بلکه عقل حکم می کند برای نجات خود آنها را فراموش کرد و چه بسا از بیرون و با حفظ خود از هرگونه آلودگی و یا احتمال آلودگی، به تأثیرگذاری روی آنها پرداخت و یا آن فرد مورد نظرتان را به گونه ای نجات داد. مجددا تلاش خالصانه و دلسوزانه و جوانمردانه شما را می ستاییم و برایتان آرزوی موفقیت می کنیم.

دوستی دارم که از زمانی که وارد دانشگاه شد یک سری رفتارهایی انجام می دهد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصلاح سر و صورت و آرایش آن البته خانواده اش هم می خواهند به او بفهمانند که اینها در شأن خانواده شان نیست و البته خودم می خواهم نامه ای برایش بنویسم

پرسش

دوستی دارم که از زمانی که وارد دانشگاه شد یک سری رفتارهایی انجام می دهد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصلاح سر و صورت و آرایش آن البته خانواده اش هم می خواهند به او بفهمانند که اینها در شأن خانواده شان نیست و البته خودم می خواهم نامه ای برایش بنویسم نه اینکه بگویم خودم خیلی خوبم بلکه از اصالت و

اینکه چرا تو نتوانی با این همه خوبی هایت آنان را جذب کنی و چرا آنان از تو تاثیر نگیرند کمک کنید تا بدانم آیا نوشتن نامه صحیح است و در نامه چه چیزی باید بنویسم البته زیاد نمی خواهم جنبه نصیحت داشته باشد.

پاسخ

قبل از هر چیز باید از این احساس مسؤولیتی که نسبت به دوست تان دارید تقدیر و تشکر کنیم و این که شما دارای این روحیه عالی هستید به شما تبریک بگوییم. مطمئنا خوب می دانید زمانی تلاش شما در این زمینه تأثیرگذار خواهد بود که شما پیش وی از اعتماد کافی برخوردار باشید و شما را فردی دلسوز، قابل اعتماد، صمیمی و امین بداند. پس در مرحله اول در صدد جلب اعتماد بیشتر وی باشید.

ثانیا، از راهکارهای مختلفی که تأثیرگذاری شما مؤثر است بهره بگیرید در اینجا نکاتی را متذکر می شویم. شما خوب می دانید که مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارند ویژگی های روحی از قبیل اراده استواراخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهای علمی بالا است.

تأثیرگذاری یک مهارت است تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی باید برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می تواند میزان تأثیرگذاریخویش را افزایش دهد.

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت

و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمائید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یك سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ك:

۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

با توجه به آنچه در زمینه چگونگی تأثیرگذاری بیان شد اگر احساس می کنید به طور غیر مستقیم و یا در قالب نوشتن نامه بتوانید طرز تفکر وی را تغییر دهید. همین کار را انجام دهید

و در نامه خود به فلسفه حجاب میزان پوشش و نکات ضروری درباره اختلاط و ارتباط دختر و پسر و سوء استفاده های افراد مشکوک و بوالهوس اشاره نمایید.

در عین حال به نظر می رسد در گفتگوهای دوستانه تان و به طور غیر مستقیم می توانید به برخی از آنها اشاره کنید و یا با در اختیار گذاشتن برخی مجلات، مقالات و کتاب هایی که از جذابیت کافی برای وی برخوردار است، به ارتقاء سطح معرفتی وی بپردازید آنچه نقش اساسی تر در اصلاح وی می تواند داشته باشد رفتار و عمل شماست. همانطور که گفته شده است «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم» به وسیله غیر زبان خود مردم را بر کارهای خیر و صحیح دعوت کنید. رفتار و منش شخصیتی و اعمال شما بیشتر از هر چیز دیگری در ذهن دیگری ماندگار است. ضمنا رابطه دوستانه تان را با وی قطع نکنید بلکه با تقویت این رابطه علاقه باطنی خودتان را به وی نشان دهید.

یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که توجه همگان به آن جلب گردید با توجه به آن که ایشان ملبس به لباس مقدس اسلام بوده و مروجین دین مبین اسلام هستند آیا این برخورد تبلیغ منفی علی

پرسش

یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که توجه همگان به آن جلب گردید با توجه به آن که ایشان ملبس به لباس مقدس اسلام بوده و مروجین دین مبین اسلام هستند آیا این برخورد تبلیغ منفی علیه دین نیست ؟ آیا به صرف اینکه این فرد روحانی است نباید به او تذکر داد ؟ تذکر به چه طریق و نحوی باشد که به لباس مقدس و جایگاه حساس روحانیت خدشه ای وارد نگردد ؟ روال معمول در این موارد چیست ؟مراجع رسیدگی کننده

را توضیح دهید تا اگر خدای نکرده در آینده مشاهده شد به عنوان یک مسلمان به وظیفه خود عمل کنم آیا این عمل (تذکر دادن) واجب عینی است یا کفایی ؟

پاسخ

اگر شما به آن حرکت ناشایست اشاره ای کرده بودید بهتر می توانستیم در این باره قضاوت کنیم. در هر صورت حرکات نامناسب از هر فرد مسلمان که سر بزند، غیر قابل قبول و مخالف با آموزه های اخلاقی و تربیتی دین مبین است به ویژه اگر چنین فردی موقعیتی حساس و جایگاهی ویژه در اجتماع داشته باشد. نصیحت و خیرخواهی و تذکر در مورد عیب ها و کاستی ها و صفات ناروا از وظایف همه مسلمانان و نشانه احساس مسؤولیت و تعهد اخلاقی و وجدانی است. هر فردی در هیچ موقعیتی از تذکر و نصیحت بی نیاز نمی باشد. کسانی که به فضایل نفسانی و اخلاقی و کمالات روحی بیشتری آراسته هستند معمولاـ خود را به نصیحت و تذکر محتاج تر می بینند. بنابراین تذکر دادن در این مورد نه تنها بی اشکال است بلکه لازم و ضروری است؛ چون ممکن است این روحانی محترم ناخواسته یا بدون توجه این کار نامناسب را انجام داده باشد و خودش توجهی به این کارش نداشته است و با یادآوری و تذکر شما متوجه گردد و از این کار شما خوشحال و خشنود گردد و از یادآوری شما تشکر نماید.

تذکر دادن اگر به گونه ای باشد که تنها از طرف شما انجام می گیرد و کسی دیگر این کار را انجام نداده است در این صورت واجب عینی است و اگر دیگران نیز به این

کار اقدام کرده اند واجب کفایی است یعنی اگر آنها کوتاهی کردند بر عهده شما است ولی اگر آنها اقدام به تذکر کردند از گردن شما ساقط است.

برای تذکر چنین مواردی می توانید به دفتر ائمه جماعات و یا مراکزی مانند آن مراجعه نمایید. البته قبل از آن بهتر است مستقیما به خود این فرد روحانی و یا کسانی که ارتباط بیشتری با او دارند مسأله را در میان بگذارید، شاید سوء تفاهمی اتفاق افتاده باشد و قضاوت شما نادرست یا احساسی بوده باشد.

در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچنین در مورد نوارهای غیر مجاز بخصوص در تاکسی های شهری؟ لطفا دقیق پاسخ دهید.

پرسش

در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچنین در مورد نوارهای غیر مجاز بخصوص در تاکسی های شهری؟ لطفا دقیق پاسخ دهید.

پاسخ

یکی از شرایط آن است که احتمال تاثیر داده شود لیکن در مواردی که احتمال تاثیر نرود تکلیف ساقط است. در هرصورت بهتر است حتی الامکان به این فریضه مهم جامه عمل بپوشانید ولی به گونه ای برخورد نمایید که موجب جدال و کشمکش نشود.

در مورد نوارهای غیرمجاز نیز اگر با امر به معروف احتمال تأثیر نمی دهند در صورتی که ممکن است از آن ماشین پیاده شوند و اگر ممکن نیست و موجب مشقت زیاد است در صورتی که قلبا مایل به شنیدن موسیقی حرام نباشند و فقط صدا به گوش آنها بخورد اشکال ندارد.

من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و هر چه به آنها تذکر داده می شود موثر نمی باشد. به نظر شما ما باید چگونه عمل کنم که اثر داشته باشد و مثمر ثمر باشد و دیگر اینکه تذکر دادن ما

پرسش

من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و هر چه به آنها تذکر داده می شود موثر نمی باشد. به نظر شما ما باید چگونه عمل کنم که اثر داشته باشد و مثمر ثمر باشد و دیگر اینکه تذکر دادن ما آیا با این وجود باز هم لازم هست که ادامه داشته باشد.

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت :

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش

عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزینند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه

ایشان بپردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی

کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا

می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاـک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامل درونی اختصاص به جامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم.

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما

را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و...گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و

ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از

موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلما برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگ...جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام

جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

ناگفته نمانـد بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسـلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضـلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جـدی انجام دهنـد. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شـکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ك:

۱ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

. از جمله شـرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضـرر است، این شرط نه تنها موجود نبود بلکه با پیشینه و عملکرد یزید و حکومت بنی امیه – با آن وضعیت استبدادی و کشتار بی رحمانه انسان های بی گناه – روشن بود که چنین موقعیتی پیش نمی آید و اقدام

پرسش

. از جمله شـرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضـرر است، این شـرط نه تنها موجود نبود بلکه با پیشـینه و عملکرد یزید و حکومت بنی امیه - با آن وضعیت استبدادی و کشتار بی رحمانه انسان های بی گناه - روشن بود که چنین موقعیـتی پیش نمی آیـد و اقـدام امـام حسـین(ع) یـا هر کس دیگر، بـا مخـاطرات جـدی روبه رو است! پس چگـونه آن حضرت با این وضعیت اقدام به نهضت و امر به معروف و نهی از منکر نمود؟

پاسخ

ما شرایط احکام و خصوصیات و فروع آن را باید از روش امامان(ع) فرا بگیریم و دلیل بر جواز شرعی هر عمل این است که به وسیله امامان(ع) انجام گرفته باشد. به عبارت دیگر گفتار و رفتار آن بزرگواران از ادلّه احکام شرعی است.

پس فرضاً اگر دلیلی که دلالت بر مشروط بودن امر به معروف به احتمال تأثیر و امن از ضرر دارد، به عموم یا اطلاق شامل این

مورد هم بشود؛ اقـدام امام حسـین(ع) مخصِّص یا مقیِّد آن خواهد بود و می فهمیم که اگر مصـلحت مهم تری در کار بود، این دو شرط در وجوب دخالت ندارد و باید امر به معروف و نهی از منکر نمود؛ هر چند احتمال ضرر و خطر داده شود.

از این رو باید اهمیت مصـلحت امر به معروف و نهی از منکر را با ضـرر و مفسده احتمالی آن، سنجید؛ اگر مصلحت آن اهمّ و شرعاً لازم الاستیفا باشد، (مثل بقای دین)، تحمل ضرر لازم است و ترک امر به معروف جایز نیست.

به بیان دیگر: فرق است بین امر به معروف و نهی از منکرهای

عادی و معمولی - که غرض بازداری اشخاص از معصیت و مخالفت و وادار کردن آنها به اطاعت و انجام وظیفه است - و بین امر به معروف و نهی از منکری که جنبه عمومی و کلی دارد و احیای دین و بقای احکام و شعائر، به آن وابسته باشد و ترک آن موجب خسارت ها و مصایب جبران ناپذیری بر مسلمانان شود. درست مانند آنکه در عصر حکومت یزید، ملیّت جامعه اسلام در خطر تغییر و تبدیل به ملیّت کفر واقع شده بود و اوضاع و احوال نشان می داد که به زودی دین از اثر و رسمیت افتاده و فاتحه اسلام خوانده می شود.

در صورت اول امر به معروف و نهی از منکر مشروط به امن از ضرر است و در صورت دوم وجوب آن، مشروط به امن از ضرر نیست و باید دین را یاری کرد و خطر را از اسلام دفع نمود؛ اگر چه به فداکردن مال و جان باشد.

امام حسین(ع) کاملاً از خطری که متوجه دین شده بود، آگاه بود؛ از این رو در همان آغاز کار - که مروان در مدینه به آن حضرت توصیه کرد که با یزید بیعت کند - فرمود:

«انّا للّه و انّا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامّه براع مثل یزید» ؛ «... باید با اسلام وداع کرد؛ زیرا امت به راعی و شبانی مانند یزید مبتلا شده است»؛ یعنی، وقتی یزید زمامدار مسلمین شود، معلوم است که اسلام به چه سرنوشتی گرفتار می شود! آنجا که یزید است اسلام نیست و آنجا که اسلام است، یزید نیست.

در مقابل چنین خطر و منکری، امام حسین(ع) باید

به پا خیزد و دفاع کند و سنگر اسلام را خالی نگذارد؛ هر چند خودش و عزیزانش را بکشند خواهران و دخترانش را اسیر کنند؛ زیرا آن حضرت بقای اسلام و بقای احکام اسلام را از بقای خودش مهم تر می دانست؛ پس جان خود را فدای اسلام کرد و با آنکه اطفال و خاندانش در سختی و گرفتاری شدید بودند از برنامه خود و انجام وظیفه منصرف نشد.

آری قیام سیدالشهدا(ع) امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم، ستم، کفر و ارتجاع واقعی بود. اما تاریخ چنین امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و کفر، به خود ندیده است؛ که یک نفر مانند امام حسین(ع) همراه با خاندان خود در احاطه لشکری ستمگر باشد، اما در عین حال عزت و کرامت نفس خود را حفظ کرده و به وظیفه خود وفادار مانده باشد.

این اباعبدالله(ع) بود که در راه امر به معروف و نهی از منکر، چنان قوت قلب و شجاعتی در روز عاشورا اظهار کرد که از عهده آن همه امتحانات بزرگ برآمد و در بین شهیدان راه حق، رتبه اول را حائز شد.

در اینجا بسیار مناسب است به بیان لطیفی از استاد شهید علامه مطهری اشاره شود: «وجوب امر به معروف و نهی از منکر را تا زمانی که ضرری بر آن مترتب نیست همه قبول دارند. اما وقتی که پای ضرر پیش می آید، بعضی می گویند: مرز آن اصل تا همین جا هست؛ یعنی، وجوب آن، تا جایی است که خطری در کار نباشد و ضرری به آبرو و جان و حتی به مال شخص آمر و ناهی،

وارد نیایـد. اینهـا ارزش این اصل را پایین آورده انـد؛ اما بعضـی می گوینـد: ارزش امر به معروف و نهی از منکر بالاتر از اینها است؛ اگر موضوع معروف و منکر مسأله سـاده و کوچکی باشـد، با احتمال ضـرر، وجوب آن منتفی خواهـد بود؛ ولی اگر در مواردی، مثلاً قرآن به خطر بیفتد، عدالت به خطر بیفتد، وحدت اسـلامی به خطر بیفتد، دیگر نمی توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر نمی کنم؛ زیرا اگر حرفی بزنم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است و یا اجتماع نمی پسندد».

از این رو، اصل امر به معروف در مسائل بزرگ، مرز نمی شـناسد و حتی با وجود ضرر و خطرهای بزرگ، واجب خواهد بود. این است که می گوییم: نهضت حسـینی، ارزش امر به معروف و نهی از منکر را – در مقام اثبات – بالا برد؛ زیرا او نه تنها جان و مال خود، که جان عزیزانش را هم در این راه فدا کرد و حتی به اسارت اهل بیتش هم برای اقامه این اصل، راضی شد.

بـا این کـار امـام(ع)، دیگر جـای شک نیست که در مسائل مهم، امر به معروف و نهی از منکر با وجود هر گونه خطری واجب خواهد بود و در راه آن هر ضرری را باید به جان خرید.

تکلیف ما درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضـر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شـئونات اسـلامی و حفظ حجاب و ارزشهای دینی مشاهده می شود تکلیف ما چیست.و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر نمود آیا اصلا تکلیفی

پرسش

تکلیف مـا دربـاره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضـر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیـده گرفتن شئونـات اسـلامی و حفـظ حجـاب و ارزشـهای دینی مشاهـده می شود تکلیف مـا چیست.و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر نمود آیا اصلا تکلیفی در این زمینه

داریم یا نه؟

پاسخ

تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد; از جمله:

اولا": فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیا", احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثا", شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصرار بر استمرار آن داشته باشد.

رابعا", در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر, جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. و در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم نباشد تکلیف ساقط است و باید دانست که در زمانی که حکومت اسلامی هر نوع اقدام عملی از سوی شخص جایز نیست و باید این مرحله از نهی از منکر را به نیروهای امنیتی و قوه قضائیه واگذار کرد.

متأسفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهم بدانم که آیا صرف اینکه نمره ما در دست آنهاست ما مجبور به سکوت و مراعات هستیم و آیا تکلیف شرعی ما تحمل آنهاست. چون برخی از درس ها تنها به یک استاد ارائه می شود

پرسش

متأسفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهم بدانم که آیا صرف اینکه نمره ما در دست آنهاست ما مجبور به سکوت و مراعات هستیم و آیا

تکلیف شرعی ما تحمل آنهاست. چون برخی از درس ها تنها به یک استاد ارائه می شود و ما مجبور می شویم با آنها کلاس برداریم و امر به معروف و نهی از منکر هم مسلما بی فایده است.

پاسخ

شما دو وظیفه دارید؛

یکی، رعایت پوشش بدن (به جز صورت و دست ها تا مچ) مگر آن که خوف فساد و تلذذ در کار باشد که در این صورت باید خودتان را بیشتر بپوشانید.

دوم، این که اگر استاد با قصد لذت به شما نگاه می کند با زبان نرم امر به معروف نمایید (اگر شرایط هم فراهم باشد) و اگر تأثیر نکرد وظیفه ای ندارید.

در عین حال توجه به نکات زیر مناسب و شایسته است:

۱. حتی المقدور نگاهتان را در برخورد با وی در کلاس درس یا خارج کلاس کنترل کرده و از نگاه مستقیم و رودر رو به وی پرهیز کنید.

۲. رفتارتان با همه دانشجویان پسر و نامحرم ها و به خصوص با فرد مورد نظرتان متکبرانه و دارای جدیت بیشتری باشد واز هرگونه شوخی و خنده اجتناب کنید و هرگز با وی گرم نگیرید. ضمن این که احترام وی را به عنوان استاد کاملا رعایت کنید.

۳. در برخوردها و روابط اجتماعی تان محجوب تر، با وقارتر باشید و زمینه گفتگوهای غیردرسی را به صورت انفرادی با وی را فراهم نکنید.

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحرك جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس«علیه السلام» را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان«علیهم السلام» و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟

پرسش

انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟

پاسخ

انتقاد از مادّه نقد به معنی وارسی کردن، جدا کردن است انتقاد جدا سازی خوب از بد می باشد. اساساً همه ما و به ویژه کسانی که در جایگاه مدیریتی هستند باید انتقاد پذیر باشند. و برخوردمان طوری باشد که دیگران جرات داشته باشند عیوب را متذکّر شوند امّا این حرکت مشروط به شرایطی است:

۱. منتقد باید حق را بشناسد و از ناحق تمیز دهد. عیب را از صحت تشخیص دهد.

۲. انتقاد به گونه ای باشد که آبرو و شخصیّت طرف انتقاد مصون بماند.

۳. ذکر عیوب و ایرادات اگر آشکار نبوده، در خلوت و حتی الامکان از صراحت بپرهیزد.

۴. انتقاد از روی خیرخواهی باشد نه انتقام و برتری جویی این چنین انتقادی، آثاری چون فزونی عقل، کمال فکر عاقبت خیر، نجات از سرزنش، دوستی، انصاف، پیشرفت در کارها و... را خواهد داشت.

در حدیث می خوانیم علامت ناصح چهار چیز است:

حکم به حق می کند؛

انصاف دارد؛

آنچه برای خود می پسندد برای مردم هم خشنود است؛

تجاوز به حدود کسی نمی کند(۲).

« بخش پاسخ به سؤالات »

۲) پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله»، تحف العقول، ص ۲۱.

با دوستانی که پای بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟

پرسش

با دوستانی که پای بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟

پاسخ

۱. انسان در صورتی مسئول است که توانائی تأثیر داشته باشید. ولی اگر خودمان هم در اثر معاشرت ضرر ببینید، باید دوری کنید.

۲. انسان زمانی تکلیف را می پذیرد که به دستور دهنده، عشق و ارادت داشته باشد و عشق و فرمانبری هم از شناخت مایه می گیرد. دوستان خویش را به محبت ها و نعمتهای خداوند متوجه کنیم . در این باره کتابهایی هست که می توان آنها را آگاه کرد.

۳. به ایشان یادآور شویم اگر زندگی خوردن و خوابیدن و خوش بودن بود (لاابالی گری) همان غریزه های حیوانی کافی بود. اما مجهز بودن فکر و عقل و وجدان ملامتگر و این استعدادهای شگفت نشانه هدفی بلند در آفرینش است و حیف است که انسان پالایشگاه کود باقی بماند.

۴. کتابهایی در معادشناسی بسیار مؤثر است.

۵. در این سیر صبر و حوصله لازم است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

بنده دانشجوی رشتهء رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به بعضی کارهای خلاف شرع و عقل می زند. او می گوید انسان باید همه چیز راتجربه کند! چه کار کنم او را از مهلکه نجات دهم ؟

پرسش

بنده دانشجوی رشتهء رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به بعضی کارهای خلاف شرع و عقل می زند. او می گوید انسان باید همه چیز راتجربه کند! چه کار کنم او را از مهلکه نجات دهم ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که دوست دارید راهنمای خوبی برای دوستتان باشید و برای آن هادلسوزی کنید خوشحالیم . خداوند امثال شما را زیاد بگرداند. اگر همهء نوجوانان , دوستان خوبی مانند شما داشتند,کم تر به دام شیطان می افتادند. با دقت بررسی کنید چه عاملی باعث جذب ایشان به آنان شده است و عامل جذّابیّت آنان چیست که توانسته اند او را به طرف خود بکشانند. عوامل مختلفی می تواند باعث انحراف نوجوانان بشود, ازجمله :

۱ ضعف بنیهء اخلاقی و اعتقادی ; معمولاً بزهکاری و جذب شدن به کارهای خلاف به خاطر این است که الگوی درست رفتاری نداشته اند و در مدتی که در خانه نزد پدر و مادر, دوران کودکی و نوجوانی را گذرانده یا در مدرسه باافراد گوناگون برخورد داشته اند, از نظر اخلاقی و اعتقادی به نحو مطلوب تربیت نشده اند; از این رو جذب افرادبزهکار می شوند.

۲ طغیان غرائز جنسی در نوجوانی , عامل دیگری برای تسریع جذب نوجوانان به بزهکاری است .

۳ جذابیت افرادی که نوجوانان را به طرف خود کشانند, با شوخی و خنده و گرم گرفتن و کمک های مادی ومیهمان کردن (خرید بستی و ساندویچ و غذا و اظهار دلسوزی و رفاقت و به گردش و پارک رفتن).

اما

روش هایی که می تواند در جلوگیری و ممانعت نوجوانان مؤثر باشد:

۱ گفت گو; شیرین زبانی و مزاح های پسندیده و معقول می توانـد نقش مؤثری در جـذب نوجوانان به سوی حق وحقیقت باشد.

۲ کـار; بسیاری از نوجوانـان چون از کـودکی تـا جـوانی دست به کـاری نمی زننـد و لبـاس و غـذایشان آمـاده است وحتی رختخوابشان را پدر و مادر پهن می کنند و دست به سیاه و سفید نمی زنند, احساس تعهد و مسئولیتی ندارند ودارای توقعات بیش از حد هستند, حتی اگر پدر یا مادر و یا دیگران از آنان کاری را درخواست کنند, عصبانی و ازخانه گریزان می شوند و وقتی امیدشان به خانه و پـدر و مادر نبود, خواه ناخواه جذب هر جا و هر شخصـی که محبت نشان دهد, می شوند. اگر پدر و مادر و جامعه , بچه ها را از کودکی با فرهنگ کار و زحمت بار بیاورند و آنان را بابرخی مهارت ها آشـنا سازند, در نوجوانی و جوانی عاطل و باطل نمی مانند و می توانند به کار مناسبی اشتغال ورزند.

۳ تشویق و ترغیب نوجوانـان و جوانـان و امیـد دادن به آنان و برخورد خوب و بردنشان به مکان های مـذهبی وزیارتی و آشـنا کردنشـان به مضـامین آیات و روایات مناسب و پر کردن اوقات فراغت آنان می توانـد از عوامل پیشـگیری مفاسـد اجتماعی و بزهکاری باشد.

۴ معرفی ماهیت زشت افرادی که رفیق شـما را جـذب کرده اند, عامل مؤثری , در ارشاد او می باشد. سـعی کنیدچهرهء واقعی رفقای او را که باعث انحرافش شده اند, معرفی کنید. می توانید از نمونه هایی که در

صفحات حوادث روزنامه ها هست , برایش بگویید و عواقب رفاقت با افراد نابکار را هشدار دهید. خداوند تمامی جوانان و نوجوانان را از خطرات و لغزش ها مصون بدارد.

مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام , قصد جانم را کرده است . کمکم کنید.

پرسش

مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام , قصد جانم را کرده است . کمکم کنید.

پاسخ

از نظر اسلامی فرزند در برابر پدر و مادر, کاملاً مطیع و تسلیم است و امر به معروف و نهی از منکر بیش از یک بارجایز نیست . شما به مادرتان کاری نداشته باشید. او اگر رابطهء نامشروع دارد, در دنیا و آخرت مکافات خواهد دید واگر پدرت مطیع مادرتان است و چیزی نمی گوید, از بی غیرتی نیست . او می فهمد طلاق دادن زن چه مشکلاتی دارد.مگر پدرت به سادگی می تواند زن بگیرد؟ وانگهی رفت و شد مادرتان را تعقیب کند, بهتر است . صلاح این است بابخش منکراتِ نیروی انتظامی همکاری کنید تا مادرت با آن شخص پلید دستگیر شود. فعلاً مصلحت این است بامادرتان حرف بزنید و رفتار عادی داشته باشید و از غذایی که همگی می خورند, استفاده نمایید. وقتی برخورددرست نشان دهید, قطعاً مادرتان کاری با شما نخواهد داشت و مزاحمتان نمی شود, تا ترم را بگذرانید و بتوانید دردانشگاه قبول شوید یا به سربازی بروید. بالاخره هر چه باشد, مادر است و فرزندان نمی توانند با مادر و پدر دعواکنند یا نهی از منکر نمایند. به خصوص اگر احتمال اثر نمی دهند. رسوایی مادرتان باعث سرشکستی شما است . فرداکه می خواهید ازدواج کنید, وقتی مادرتان به بزهکاری معروف باشد, کسی با شما ازدواج نخواهد کرد. بهتر است گناه مادر را بپوشانید و حرف او را باور کنید. غیرت یا بی غیرتی پدر به شما ارتباطی ندارد. بهتر است محیط خانواده رامتشنج نسازید و راه محبت

و مهربانی بـا مادر را در پیش بگیریـد. شایـد از این طریق بتوانیـد او را هـدایت کنیـد. اگر پـدرو مادر کافر یا مشـرک باشـند, وظیفهء اولاد احترام و احسان به آن ها است . البته اگر به گناه دعوت کردند, اطاعت آن هالازم نیست . قرآن می فرماید: .

نباید برخوردی با آن ها انجام دهید. صبر کنید و برای هدایت آن ها دعا کنید. متأسـفانه نمی توانیم در مورد جا ومکان به شما کمک کنیم , چون امکاناتی نداریم . بهتر است با افراد فامیل صـحبت کنید, تا آن ها واسطه شوند و موضوع را حل کنند. اگر احساس امنیت نمی کنیـد و راه حل دیگری به ذهنتان نمی رسـد, می توانیـد دفترچهء آماده به خـدمت بگیریـد و به سـربازی بروید و بهصورت متفرقه درس را ادامه دهید. در این وضع , این امر بر تحصـیل مقدم است .فرصت برای تحصـیل باقی است و می توانید در آینده جبران کنید.

چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیــچ اثری ندارد، بیان کنید.

پرسش

چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیـچ اثری ندارد، بیان کنید.

پاسخ

به نظر می رسد که سؤال قدری تناقض داشته باشد، زیرا اگر شیوه امر به معروف در کسی اثری نداشته باشد، پس نمی توان به هیچ طریقی او را از عمل ناپسـند و کارهای حرام بازداشت، اما شاید در مورد چنین شخصی شیوه صحیح امر به معروف و نهی از منکر به کار نمی رود.

در بیشتر اوقات چون توصـیه و نصـیحت های ما، آگاهانه و از روی اصول تربیتی انجام نمی گیرد، نتیجه مطلوبی به دست نمی دهد. از این رو به طور اجمال شیوه های برخورد با افراد خطاکار خدمتتان پیشنهاد می شود :

اول: دادن شخصیت؛ در برخورد بـا یک فرد خطاکار نبایـد از طریق توهین به شخصـیت وی لطمه وارد ساخت. به عنوان مثال: مدیر دبیرسـتان وقتی بخواهد دانش آموزی را در مورد لغزشـی که انجام داده، نصـیحت کند و او را باز دارد، شایسـته است در دفتر کار خود بـدون اطلاع دیگران این کار را انجام دهـد. این نوع برخورد اثر زیادی دارد. اصولاً هر چه قدر بتوان با خطاکار برخورد ملایم و مؤدبانه و مخفیانه داشته باشیم، شخصیت او را

لکه دار نکرده ایم ،زیرا طـبیعت بشـر به گـونه ای است که اگر شخصـیتش مورد اهـانت و توهین قرار گیرد، واکنش نشـان می دهد.

دوم: جلب اعتماد؛ امام علی علیه السلام می فرماید: "قلوب الرجال وحشیه فمن تألفها، اقبلت علیه؛ دل های (۱)

مردم وحشی است، پس هر کسی که دل ها را جذب کند، به او روی خواهند آورد".

امام علی به ما روش معاشرت را یاد

می دهد. منظور حضرت این است که دل های انسان ها نسبت به یکدیگر متمایز است. اگر کسی در جذب آنها مهارت داشته باشد، به آن شخص روی آورده و او را پذیرا می شوند، به همین جهت پس از جلب اعتماد می تواند در آنها نفوذ کرد. یکی از راه های جلب، احسان و محبت است.

در حدیث است: "الأنسان عبیدالأحسان" طبیعت آدمی به گونه ای است که در برابر نیکی ها فروتنی نشان (۲)

می دهد. وقتی خضوع پیدا کرد و اعتمادش جلب شد، آن موقع می توان او را ارشاد کرد. البته او خواهد پذیرفت، ولی متأسفانه ما دل افراد را با عمل و محبت جذب نمی کنیم. حتی رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله اگر اعتماد مردم را به خود جلب نمی کردند و در زندگی آن صداقت و امانت داری را نداشتند، مردم هیچ گاه سخنان ایشان را با جان دل گوش نمی دادند و انسان ها را نمی توانست چنین پاک و شجاع تربیت نماید.

سوم: باز زبان طرف و به اندازه فهم مخاطب؛ قرآن مجید درباره شیوه برخورد می فرماید: "ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ای رسول، خلق را به حکمت و برهان و موعظه ۳)

نیکو به راه خدا دعوت کن و به بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن". خداوند در این آیه می فرماید که با یک دسته از مردم باید با حکمت و استدلال صحبت کرد؛ با گروه دیگر باید با موعظه و نصیحت سخن گفت، بنابراین لازم است میزان درک مخاطب را فهمید و دید که چه قدر می فهمد و با چه زبانی متوجه می شود. این قاعده در باب مسئله امر به معروف

و تربیت بسیار مهم است که متأسفانه کمتر رعایت می شود و غالباً ما با

ملامت و سرزنش با خطاکار صحبت می کنیم به هر حال با زبان مخاطب صحبت کردن و ساده گفتن بسیار مؤثر است.

چهارم: در نظر گرفتن وضعیت روحی و روانی؛ امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند: "همانا قلب ها برای پذیرفتن نصیحت، گاه روی می آورد و گاه نمی پذیرد. پس در مواقع پذیرش، آنها را دریابید، زیرا اگر دل ها نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده و چیزی را نمی بینند". در این حدیث امام (۴)

می فرماید: باید موقعیت معصیت کار را در نظر گرفت و زمان آمادگی پند و اندرز را فهمید.

در غیر این صورت ممکن است اصلاً چیزی را قبول نکند. اگر جوانی مشغول بازی فوتبال است یا کسی را که مشغول کار خلاف است، در همان وقت نمی توان امر به معروف و نهی از منکر کرد. نیز در حال عصبانیت نمی توان او را نصیحت کرد، زیرا پذیرش ندارد.

پنجم: ارشاد باید از نکات مورد اتفاق شروع شود؛

در برخورد خطاکار لازم است نقاط مشترکی را که همه قبول دارند گفت تا سرانجام به نقاط اختلاف برسند. در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شاید بهترین روش، روش سقراطی (قابله ای) باشد، یعنی همان طور که قابله بچه را از شکم مادر بیرون می کشد، باید پاسخ سؤالات را از افراد عاصی بیرون کشید، مثلاً در برخورد با

خانم خطاکار می توان این صورت صحبت کرد: آیا شما قبول دارید که انسان هستیم، آیا قبول دارید که نظام انسانی قانون و ضوابط اخلاقی لازم دارد، آیا انسان با عفت ارزش دارد یا بی

عفت، آیا دختران عفیف بیشتر

خریدار دارند یا غیر عفیف؟ مسلّماً جواب همه پرسش ها را مثبت می دهد. سپس باید روی این اقرارها تأکید کرد و اما از این جا به بعد به نقاط اختلاف بپردازیم و نسبت به اصلاح آن اقدام نماییم.

ششم: توجه دادن شخص به آثار و نتایج نامطلوبی که از عمل ناشایست و کارهای حرام ایجاد می شود؛

بعضی به نتایج کارهایی که می کنند، توجه ندارند. نتایج سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، انسانی و خانوادگی. نیم می دانند گناه نسبت به قلب و دل و دل انسان چه می کند. روابط انسانی را میان آدم ها تیره می کند و نتایج نامطلوب به بار می آورد. توجه دادن به این اقرار با در نظر گرفتن نکات قبلی می تواند مفید باشد.

در صورتی که روش های مزبور فایده ای نداشت و فرد خاطی آگاه نشد و ترک گناه نکرد، از شیوه های غیر مستقیم استفاده شود:

۱ – از بین بردن زمینه گناه و معصیت مانند: ایجاد کار و ازدواج؛

۲ – برقراری ارتباط دوستانه وی با افراد صالح؛

۳ – اهدای کتاب و تشویق به خواندن آن ها؛

۴ – تشویق به ورزش؛

۵ – کمک گرفتن از مربیان و معلمان با نفوذ؛

در نهایت با روبرگرداندن و اظهار ناراحتی می توانید او را نسبت به عمل ناپسند آگاه کنید؛ البته اگر اظهار ناراحتی شما برای او مهم باشد و تاثیر مثبت داشته باشد. در غیر این صورت حداقل از نظر درونی و قلبی نسبت به عمل ناپسند او ناراحت باشند و اظهار تنفر کنید.

{۱ – نهج البلاغه، کلمات قصار، ح ۴۷. ۲} {P – میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱، چاپ جدید. P}

{۳ – نحل

(۱۶) آیه ۱۲۵. P}

{۴ – نهج البلاغه، کلمات قصار، حدیث ۱۸۴. P}

آیا نحوهء برخورد, با منکرات اجتماعی , مثلاً زدن افراد صحیح است ؟

پرسش

آیا نحوهء برخورد, با منکرات اجتماعی , مثلاً زدن افراد صحیح است ؟

پاسخ

برای مبارزه با منکر و اشاعه هر معروفی , باید منکر و معروف را شناخت و دانست چرا فلان کار منکراست یا معروف .

مسلماً اسلام روابط آزاد و بی ضابطهء دختران و پسران را قبول ندارد و از آن نهی کرده است , اما برای مبارزه با این منکر راه هایی را پیش پای مسلمانان نهاده است , تا منکرات شیوع پیدا نکنند و معروف ها از بین نرود.

متاسفانه در جامعه , از بُعد شناخت معروف و منکر و راه های امر به معروف و نهی از منکر دچار مشکل هستیم واز این رو, نه منکرات رخت بر می بندد و نه معروف ها رشد می کنند!

هم رابطهء غیر مشروع دختر و پسر حتی اگر قصد ازدواج با هم داشته باشند اشتباه است و هم کار کسانی که برای پاسداری از عفّت عمومی , آن ها را باز خواست می کنند و احیاناً کتک می زنند!

گاه این بازداشت ها با آبرو ریزی و گرفتن اعتراف به زور و پرونده سازی و پاره کردن لباس و شلوار و یا زدن موهای پسران همراه است که چون هیچ کدام حکم حاکم شرع را ندارد, اشتباه و مستلزم پرداخت دیه و قصاص است . بهترین کار در این گونه موارد امر به معروف و نهی از منکر, با توجه به احکام آن که در رساله های عملیه آمده است , می باشد.

در صورت تکرار معصیت , باید آنان را تحویل مراجع قضایی داد تا با عدالت اسلامی و قانون الهی با آنان برخورد

شود.

آمران و ناهیان بایـد توجه داشـته باشـند آبروی مسـلمانان محترم است و نباید به هر بهانه ای آن را ریخت و نبایدبرای برقراری حقوق الهی , حق دیگران را زیر پا گذارد.

برای اطلاع بیش تر به احکام امر به معروف و نهی از منکر و احکام دیات و قصاص در رساله های عملیه مراجعه کنید.

یکی از اعضای خانواده‌ء من که از من بزرگتر است مشروب می خورد و تقریباً برای او عادت شده است . من بارها ناراحتی خود را نشان داده ام و اتاق را ترک کرده ام , صحبت ها و راهنمایی های من اثری نداشته است چه کنم که او را وادار به ترک کنم ؟

پرسش

یکی از اعضـای خـانواده‌ء من که از من بزرگتر است مشـروب می خورد و تقریباً برای او عادت شـده است . من بارها ناراحتی خود را نشـان داده ام و اتـاق را ترک کرده ام , صـحبت هـا و راهنمـایی هـای من اثری نداشـته است چه کنم که او را وادار به ترک کنم ؟

پاسخ

همین مقـدار که اظهار ناراحتی می کنیـد از نظر وظیفه‌ء شـرعی کافی است . سـعی کنید ارتباط عاطفی خودرا بیشتر کنید و از این راه او را به کم کردن و به تدریـج , ترک وادار کنید. این مسـئله نبایستی باعث کدورت شدید و به قطع رابطه منجر گردد, هر چنـد نبـایستی زشتی این عمـل انـدک نگاشـته شود و او فکر کنـد کـار خیلی بـدی انجـام نمی دهـد. اگر زمینه وجود دارد مطـالبی که دربـاره‌ء زیـان هـای مشـروب برای شـما می فرستیم در اختیـار ایشان قرار دهیـد.تا تأثیر منفی مشـروبات را دریافت نمایید. حداقل به خاطر نسل آینده هم شده دست از این عمل پلید بردارد.

یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید

پرسش

یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عقلی و از دسـتورهای الهی و وظیفه‌ء همه‌ء کسانی است که به جامعه‌ء انسانی و ارزش های معنوی می اندیشـند و برای ترقی و پیشرفت جامعه می کوشند, زیرا در جامعه ای که فسادحاکم باشد, انسان به تعالی نمی

رسـد. البته امر به معروف و نهی از منکر از ظرافت خاصـی برخـوردار است که هر کس نمی توانـد بـدون آموزش و زیرکی و توانمندی آن را انجام دهد. چه بسا سخنی یا عملی به عنوان امر به معروف و نهی ازمنکر نتیجهء معکوس می دهد و عوض این که شخصـی را از ضـلالت نجات دهـد, او را به گناه و معصـیّت جری تر وجسورتر می کنـد. بنابراین آمر به معروف و ناهی از منکر بایـد روحیه و روان شخصـی گناهکار را بدانـد تا بتواند با شـیوه و نحوهء مناسب وظیفهء امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد.

پس نکتهء اوّل , آشنایی با خصوصیات اخلاقی و روانی فرد خاطی است .

نکتهء دوم , آگاه و علم به این که معروف چیست و منکر چیست .

نکتهء سوم , دلسوزی و ملاطفت و هدایت است , نه انتقامجویی و مفتضح کردن فرد خطاکار.

در مورد حجاب و جلوگیری از بدحجابی , آقایان و خانم ها می توانند اقدام کنند, امّا خانم ها بهتر می توانند اقدام کنند. برای این مهم پیشـنهاد ما این است که آیات و روایاتی را در زمینهء حجاب بیآموزند و حفظ داشـته باشـند و ازداسـتان ها و حوادثی که بر

اثر بـدحجابی و مفاسدی که به جهت آن در جامعه و روزنامه ها گزارش شده است , آگاهی داشـته باشـند و از راه بیان آن ها برای افراد بی حجاب و بدحجاب , آنان را ارشاد کنند.

در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند, راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟

پرسش

در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند, راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟

پاسخ

وظیفهء همگـان است که امر به معروف و نهی از منکر کننـد. در مورد شـهوترانی جزوه ای ارسال می شودتا به ایشان بدهیـد و سفارش کنیـد مطالعه کنـد. اگر شـما می خواهید ایشان را هدایت و ارشاد کنید, باید کتاب هایی راکه در مورد مذکور نوشـته شده است مطالعه کنید تا با اطلاعات وسیع و روش صحیح با ایشان صحبت کنید. برای مطالعه کتاب از مرحوم شهید دستغیب را مطـالعه کنیـد و نیز کتـاب کیفر گنـاه و کیفر کردار و همین طورکتـاب هـایی که در مورد جوانان و آسـیب هایی که ممکن است دامنگیر آنان شود, نوشته شده است , از قبیل , , ,, , . اگرتوانستید به آنان نیز برای مطالعه بدهید.

با راننده ای که در ماشین نوار مبتذل روشن می کند, چگونه برخورد کنیم ؟

پرسش

با راننده ای که در ماشین نوار مبتذل روشن می کند, چگونه برخورد کنیم ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یکی از فوع دین و جزء واجبات است , چنین روحیه ای در شماتحسـین برانگیز است . بسیاری از نادانـان و یـا مغرضـین و یـا افراد ترسو و مسامحه کار از این واجب الهی صـرف نظرکرده و حتی به دلایل واهی , دیگران را از این مهم منع می کنند; مثلاً آن گونه که ذکر کردید, می گویند: راننده نوارگذاشته تا خوابش نبرد و یا از نارحتی بیرون آید; اگر چنین چیزی بود پی می بـایست شـرع مقـدس اسـلام مطـابق باروحیـات و سـلیقه هـای افراد متغیر می شـد; فلانی چون می خواهد مراسم عروسـی به پا کند از ساز و آواز ومطرب استفاده کند یا فلان شخص چون غمکین است می تواند موسیقی حرام گـوش کنـد; چـون دین بـازیچه ای در دست افراد سـست انگـار و سـطحی نگر می شود. پس بایـد به راننـده اتومـبیلی که می خواهـد در هنگام مسافرکشـی کار حرامی انجام دهد و از نوارهای غیر مجاز اسـتفاده کند. تذکر داد و امر به معروف و نهی از منکر کرد. امانکته در این مسئله رعایت نکات لازم و ضروری است ; مثلاً برای افرادی چون شما که زن هستید و قدرت مقابله

فیزیکی بافرد مختلف را ندارید, اگر آن فرد با تذکر شما متنبه شد که هیچ والا می توانید از ماشین پیاده شوید, نه آن که در صورت اختیار, وضعیت موجود را تحمل کنید و دست روی دست بگذارید. البته اگروضعیت به گونه این بود که از عهده شما

خارج بود و یا احتمال تأثیر نمی دهید وظیفه از دوش شما ساقط است و در این صورت از ماشین پیاده می شوید به هر روی دلیلی را که برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر ذکرکردید متین و محکم است , چون اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر, این واجب بزرگ الیه فراموش یا ترک شود, گناهان مانند قارچ از همه جا سر بردن می آورند و جامعه را به فساد و تباهی می کشانند.

درخانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود. من چه بایدبکنم ؟

پرسش

درخانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود. من چه بایدبکنم ؟

پاسخ

اگر قدرت دارید ,باید از بخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند, امر به معروف و نهر ازمنکر کنید. اگر قدرت ندارید ,یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند, وظیفه ای ندارید وفقط باید در آن محل که موسیقی حراق پخش می شود, مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید, با کمک خداوند متعال موثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت بازدارد.

امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی مبتذل روشن می کنند. وقتی که به راننده ها تذکر می دهیم، ناراحت می شوند و گاهی مسافران با ما مقابله می کنند و از راننده می خواهند نوار روشن بماند، به طوری که معمولاً سبب نارا

پرسش

امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی مبتذل روشن می کنند. وقتی که به راننده ها تذکر می دهیم، ناراحت می شوند و گاهی مسافران با ما مقابله می کنند و از راننده می خواهند نوار روشن بماند، به طوری که معمولاً سبب ناراحتی ما می شود و سفرها را بر ما سخت نموده است. در این وضع تکلیف ما چیست؟

پاسخ

مسلّماً امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب بزرگ الهی هستند که وظیفه هر فرد مسلمان است.

البته انجام این دو وظیفه شرایطی دارد، از جمله این که امر و نهی تأثیر داشته باشد و فایده ای بر آن مترتب شود. شرط دیگر

این که ضرری به شما وارد نشود. اگر این دو شرط باشد، امر به معروف و نهی از منکر واجب است. به نظر می رسد گفتن و تذکر دادن شما و امثال شما به راننده بی تأثیر نباشد و ضرری به شما وارد نمی شود. بنابراین تا آن جا که ممکن است، به این وظیفه مهمّ اقدام کنید. بر فرض در موردی با برخورد خوبی مواجه نشدید، می توانید با اخلاق خوب و سخن زیبا آنان را توجیه و روشن بکنید. خداوند برهانی قاطع و زبانی گویا و دلی مطمئن به شما عنایت فرماید.

پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و بااین وجود متعصبند و ظاهر سازی می کنند, این ها مرا رنج می دهد, لطفاً راهنمائیم کنید.

پرسش

پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و بااین وجود متعصبند و ظاهر سازی می کنند, این ها مرا رنج می دهد, لطفاً راهنمائیم کنید.

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با شرایط خاص خود بر همه واجب است , اما این که چگونه می توان اعضای خانواده را از منکرات , اعتیاد و مشروبات الکلی بازداشت , در این باره یک نسخهء شفا بخش کلّی وجودندارد, بلکه هر فردی یک سری خصوصیات , ضعف ها و قوت ها دارد, اعضای خانواده یکدیگر را بهتر از دیگران می شناسند و به ضعف ها و قوت های یکدیگر آگاهند, باید با توجه به ضعف ها و قوت های افراد در پی علاج برآمد,مثلاً فرض کنید پدر فردی عاطفی است باید از دریچهء عاطفه وارد شد, برادر فردی اجتماعی است و بُعد اجتماعی وآبرو داری برای او بسیار اهمیت دارد, باید از همین زاویه وارد شد و... .

حال برخی از افراد با وجودی که خودشان ضعف دارند, لیکن نمی خواهند اعضای خانوادهء شان ضعف داشته باشند, خود این خلاف متعارف نیست , شما از این بابت اظهار نارضایتی نموده اید. من از شما خواهرمحترم می پرسم اگر فردی در پی بدی ها حرکت کند و خانوادهء خویش را هم به بدی ها سوق دهد و یا بی تفاوت باشد, و فرد دیگری خودش در بدی ها غوطه ور باشد, ولی نسبت به خانواده اش حساس باشد که مبادا در بدی ها گرفتار شود, به نظر شمافرد اول ترجیح دارد یا دومی ؟

طبیعی است که فردی که نسبت به خانواده بی تفاوت نیست و در پی آن است که خانواده اش از بدی ها مصون باشد, خود این ارزشمند است , گرچه خودش پایبند به آن نباشد. این فرد نسبت به فردی دیگری که بیان شد, یک قدم به راه حق نزدیکتر است . بنابراین , ناراحتی ندارد که پدر و یا برادر در دین داری و حفظشئونات دینی خانواده با حساسیت و غیرت واکنش نشان می دهند.

شما خواهر گرامی همّت خویش را به زدودن منکرات از اعضای خانواده معطوف دارید, نه این که از جهت تظاهر به دین داری و غیرت دین داری آنان .

بعضی از دوستانم مرتکب کارهای زشت می شوند، مانده ام که با آن ها چه کار کنم! اگرقطع رابطه نکنم می ترسم آلوده شوم و اگر قطع رابطه بکنم، مشکل دیگری پیش می آید. کمکم کنید که چه کار کنم؟

پرسش

بعضی از دوستانم مرتکب کارهای زشت می شوند، مانده ام که با آن ها چه کار کنم! اگرقطع رابطه نکنم می ترسم آلوده شوم و اگر قطع رابطه بکنم، مشکل دیگری پیش می آید. کمکم کنید که چه کار کنم؟

پاسخ

در بین فرزندان بشر در تمام ادوار زندگی، از ایام کودکی و جوانی تا روزگار کهولت همواره نیازمند رفاقت دیگران هستند، شبهه ای نیست. همان طور که آدمی از داشتن رفیق موافق احساس مسرت می کند و از مصاحبتش خشنود می گردد، هم چنین از تنهایی رنج می برد و از نداشتن هم صحبت شایسته، آزرده خاطر می شود. امام علی(ع) فرمود: "کسی که دوست خو را که برای خدا با او دست شده، از دست بدهد، مثل این که شریف ترین اعضای خود را از کف داده است".(۱) در این جهت هم که هر دوستی به مقیاس درجه رفاقت در امورمادی و معنوی رفیق خود نفوذ می کند و هر یک دانسته یا ندانته روی عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می گذارد، حرفی نیست. به گونه ای که رسول خدا(ص) فرمود:"المرء علی دین خلیله و قرینه؛ روش آدمی طبق مذهب و سیره دوست دلبندش خواهد بود".(۲) و امام علی(ع) فرمود: "از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمال شان ناپسند است، برحذر باش، چه آدمی به روش رفیقش خو گرفته و به افکار و اعمال وی عادت می کند".(۳)

رفاقت با افراد ناباب وآلوده آثار سوء خطرناکی دارد. از جمله امام صادق(ع) فرمود: "کسیکه با رفیق بد هم نشینی کند، سالم نمی ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می شود".(۴)

در حد امکان از طریق امر به معروف و نهی از منکر برای صلاح دوستان بکوشید. و بگویید

حیثیت و شرافت شما و خانواده محترم تان در معرض خطر قرار گرفته است یا می گیرد. به او بگویید: باورکنید از دست دادن رفیق شفیقی مثل شما سخت مرا رنج می دهد، اما چه کنم که آبروی من دارد لطمه می خورد. شما را به خدا برای دوستی هم که شده از اعمال بد بپرهیزید.

پی نوشت ها:

۱ - غررالحکم، ج ۵، ص ۷۴۲، چاپ دانشگاه.

۲ - شیخ حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰.

۳ - نهج البلاغه، نامه شماره ۶۹.

۴ - محدث نوری، مستدرک، ج ۲، ص ۶۵، چاپ قدیم.

در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولان اداره از من جویا شدند، من واقعیت را گفتم و آنان او را از سرپرستی مدرسه برکنار کردند. حالا احساس گناه می کنم. آیا لازم است از او حلالیّت

پرسش

در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولان اداره از من جویا شدند، من واقعیت را گفتم و آنان او را از سرپرستی مدرسه برکنار کردند. حالا احساس گناه می کنم. آیا لازم است از او حلالیّت بطلبم؟

پاسخ

شما به وظیفه خود عمل کرده اید و خلاف و خطایی انجام نداده اید که احساس گناه داشته باشید. شما نه تنها گناهی نکرده اید، بلکه ثواب هم دارید، چون واقعیت را گفته اید و جامعه مدرسه را از افراد ناپاک مصونیت بخشیده اید. بنابراین هیچ نگران نباشید و لزومی ندارد از او حلالیت بطلبید. چون در چارچوب مسئولیت گام برداشته اید.

با توجه به مربیگری اگراول به خود سرپرست تذکر می دادید که این عمل در مجموعه بدآموزی دارد و قبل از این که مسئولان بفهمند، بهتر است از این عمل دست بردارید، شاید بهتر شود.

در این دوره و زمان وظیفه ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ وقتی که ما می دانیم که نمی توانیم امر به معروف کنیم و یا اگر امر به معروف کردیم به ما بگویند: (به تو مربوط نیست) وظیفه ما چیست؟

پرسش

در ایـن دوره و زمـان وظیفـه مـا در مـورد امر بـه معروف و نهی از منکر چیسـت؟ وقـتی که مـا می دانیم که نمی تـوانیم امر به معروف کنیم و یا اگر امر به معروف کردیم به ما بگویند: (به تو مربوط نیست) وظیفه ما چیست؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عقلی و شرعی است و هر مسلمان با احراز شرایط باید اقدام کند. شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر چند چیز است:

۱- کسـی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر نماید باید معروف و منکر را بشـناسد یعنی بداند که معروف و کارهای خوب چیست و منکر و کارهای زشت چیست و نیز بدانـد این کاری که از آن فرد سـر می زنـد و به نظر منکر است باید بداند که یقیناً منکر و کار زشت است.

در بعضـی از موارد مشاهـده شـده که افراد ظاهر الصـلاحی کارهایی انجام می دهنـد یا حرف هایی می زنند و انسان پندار می کنـد که آن کارهـا زشت است یـا آن حرف هـا غیبت است، ولی در واقع و بـا دقت اگر ملاـحظه شود آن کارهـا، کار زشـت محسوب نمی شود. بنابراین شـرط اوّل این است که هم از نظر مفهوم و هم از نظر مصـداق مشـخص و یقینی باشد که آن کار، زشت و منکر است.

۲- شـرط دیگر این است که بدانـد حرف او تـأثیری در آن شـخص خطـا کـار دارد ولو تأثیر کم باشـد. بنابراین اگر بدانـد که حرف او هیچ تأثیری ندارد امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

۳- در امر و نهی مفسده ای نباشد پس اگر

بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد، واجب نیست.(۱)

در امر به معروف و نهی از منکر نبایـد کوتاهی کرد و باید با زبان نرم و اخلاق پسـندیده و در موقع مناسب این وظیفه را انجام داد و نباید آبروی طرف را ریخت مگر در مواردی خاصّ، و به صرف این که به انسان گفتند (به تو مربوط نیست) نباید دست از وظیفه الهی کشید.

اگر به مطالب توهین آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان می باشیم. به هر حال شخصاً نباید به مقابله پرداخت که موجب هرج و مرج خواهد شد.

اشاره

یکی از بستگان مجردم در اثر رفاقت با افراد ناباب و م

پرسش

اگر به مطالب توهین آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشـته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان می باشیم. به هر حال شخصاً نباید به مقابله پرداخت که موجب هرج و مرج خواهد شد.

یکی از بسـتگان مجردم در اثر رفاقت با افراد ناباب و مفسد، دست به کارهای زشت و قبیح مانند ضبط برنامه های غیر اسلامی و آموزش های جنسـی می زند. به پند و نصایح بسـتگان دلسوز گوش نمی دهد. به همین دلیل امید به آینده ندارد. از خانواده بریـده و از ازدواج و پیـدا کردن شـغل منـاسب تنفر دارد. پـدرش روحـانی و سـاکن قم است. لطفاً بگوییـد تکلیف من و سایر بستگان نزدیک ازد یدگاه شرع مقدس چیست؟

پاسخ

تکلیف و وظیفه شرعی در مقابل این گونه افراد به این قرار است:

اولاً: اگر علم داشته باشد که امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد، در این صورت امر و نهی واجب نیست و تکلیفی ندارد.

ثانیاً: اگر بداند اثر دارد، منتهی بترسد ضرر جانی یا مالی و یا عرضی داشته باشد، باز واجب نیست.

گفتنی است: اگر معروف و منکر امر مهمی باشـد که شارع مقـدس به آن اهمیت زیادی می دهـد، مثل اصول دین و مذهب و حفـظ قرآن و ارزش هـای اسـلامی بایـد ملاحظه اهمیت را بکنـد و یا صـرف احتمال ضـرر و خوف نمی شود آن را ترک کرد، منتهی در این خصوص مراحلی وجود دارد که باید مراعات شود:

اول به نحوی به او تفهیم کنید که از رفتارتان خوشم نمی آید، مثلاً چهره عبوس کنید یا هنگام صحبت رو برگردانید و... دوم از او با حفظ سلسله مراتب اعراض کنید؛

یعنی اول با او حرف نزنید، مرحله دوم رو ترش کنید و در مرحله بعدی ترک معاشرت کنید. اگر با این ترفندها هم نتوانید کاری بکنید، باید از طریق زبان اقدام نمایید.(۱) در این مرحله هم باید سلسله مراتب رعایت شود: ابتدا باید با زبان نرم و روی گشاده با او برخورد شود. خداوند متعال آن گاه که به حضرت موسی و برادرش هارون مأمورت داد که با فرعون صحبت کنند و او را ارشاد نمایند فرمود: "به سوی فرعون بروید، چون طاغی شده منتهی با ملاطفت و نرمی با او سخن بگویید".(۲)

امام صادق(ع) می فرماید: "بعد از رایض دینی هیچ یک از اعمال فرد مؤمن در نزد خدا محبوب تر از آن نیست که با تمام مردم به گشاده رویی و حسن خلق برخورد نماید و از خشونت بپرهیزد".(۳)

اگر زبان خوش و ملاطفت مؤثر نشد، تهدیدش کنید و اگر باز مؤثر نیفتاد، به مراجع قانونی مراجعه کرده و آنان در جریان امر قرار دهید تا قانونی با او برخورد نمایند.

گفتنی است: اگر از بستگان شنوایی ندارد، می توانید از افراد ذی نفوذی که از آنان شنوایی دارد، استمداد کنید.

پی نوشت ها:

۱ - توضیح المسائل مراجع، ج ۲، از ص ۶۱۸ - ۶۲۴، با تلخیص.

۲ - ث (۲۰) آیه ۴۳ و ۴۴.

۳ - اصول کافی، ج ۲، طبق نقل جوان، فلسفی، ج ۲، ص ۸.

در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستم . چه کار کنم ؟

پرسش

در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستم . چه کار کنم ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه و وظیفهء مهم الهی است که در دین مبین اسلام جایگاه ویژه دارد و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . آثار و برکات آن به حدی است که از نظر پیشوایان الهی و امامان معصوم : انجام سایر واجبات الهی کاملاً بستگی به اقامهء امر به معروف و نهی از منکر دارد. امام باقر۷می فرماید:.(۱)

انسان وقتی فکر می کند, به خوبی در می یابد اگر امر به معروف و نهی از منکر در تمام سطوح جامعه به خوبی اعمال شود, جامعه به راه رشد و تعالی خود ادامه می دهد.

ترک این واجب بزرگ الهی به قدری زیان بخش است که امام باقر7فرمود: .(۲)

امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد:

۱ کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند, معروف و منکر را خوب بشناسد; یعنی مثلاً بداند کاری راکه طرف مرتکب می شود, کار بد و حرامی است .

۲ تارک طاعت و مرتکب معصیت , بر کار خویش پافشاری داشته باشد, چون اگر کسی خلافی مرتکب شد وسپس ندامت حاصل شد و توبه کرد, جایی برای امر به معروف و نهی از منکر نمی ماند.

۳ آمر و ناهی احتمال تأثیر بدهد.

۴ این کار موجب مفسده نباشد; یعنی ضرر و زیان بر جان و مال و آبروی آمر و ناهی یا مسلمان دیگر مترتب نباشد.(۳)

پس از آن که این چهار شرط فراهم شد, باید مراحل امر به معروف و نهی از منکر پله

پله پیاده گردد. بـدین سان که ابتـدا اظهار رنجش و کراهت شود. اگر اثر نکرد, با سـخن نرم گوشـزد شود. اگر مفیـد نشـد, به گفتـار خشن و پس از این مرحله , به عهـدهء حکومت است . انجـام امر به معروف و نهی از منکر یـک واجب وظیفه است که اگر انجـام گیرد, وظیفه ادا شـده و انسان مأجور است و خود این موفقیت است . چنانچه با رعایت شـرایط این کار را بکنـد, به وظیفهء خود عمل کرده اید و موفق هستید.

(پاورقی ۱.شیخ حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۱ ص ۳۹۵ حدیث ۶

(پاورقی ۲.مصطفی حسینی دشتی , معارف و معاریف , ج ۲ ص ۴۲۸ ماده ء: امر به معروف و نهی از منکر.

(پاورقی ۳.امام خمینی , تحریر الوسیله , ج ۱ ص ۴۶۵ ۴۷۲

این روزها مراسم جشن و عروسی و تولد اغلب آمیخته با گناه و غنا و رقص و... است . برای جلوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم ؟

پرسش

ایـن روزهـا مراسم جشن و عروسـی و تولـد اغلب آمیخته بـا گنـاه و غنـا و رقص و... است . برای جلـوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم ؟

پاسخ

بایـد امر به معروف و نهی از منکر بکنیم و یـا به پلیس خـبر بـدهیم . مسـئولیت این گناهـان و مسـئولیت جلوگیری از این گونه مفاسد بر عهدهء دولت است .

با کسانی که روی پشت بام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند, چگونه باید برخورد کرد؟!

پرسش

با کسانی که روی پشت بام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند, چگونه باید برخورد کرد؟!

پاسخ

شخص نـامحرم حـق نـدارد حریم افراد جـامعه را مورد تهدیـد قرار دهـد. اگر این مسـئله ثـابت و تکرار شـد,لازم است جهت برخورد با این پدیدهء زشت به نیروی انتظامی اطلاع داد تا مسئله از راه قانونی پیگیری شود.

لازم است خواهران مسلمان هنگامی که از اتاق خارج شده و به فضای بازی چون حیاط قدم می گذارند, ازپوشش مناسب و لباس بلند و روسری یا مقنعه استفاده کنند تا احیاناً از دید افراد لاابالی و چشم چران مصون ومحفوظ بمانند.

با فردی که نماز نمی خوانـد حجابش را رعایت نمی کنـد و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود,باید چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ تر یا همسن و یا کوچکتر از ما باشد, چگونه باید بر خورد شود؟

پرسش

با فردی که نماز نمی خوانـد حجابش را رعایت نمی کنـد و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود,بایـد چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ تر یا همسن و یا کوچکتر از ما باشد, چگونه باید بر خورد شود؟

پاسخ

اسلام برای مبارزه با منکرات , وظیفهء امر به معروف و نهی از منکر را از برنامه های اساسی و مهم دانسته و به آن دستور داده است :

مردان و زنان باایمان ولیّ و سرپرست یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می کنند>.

این آیه امر به معروف و نهی از منکر را وظیفهء هر مسلمانی دانسته است . اگر با مفاسدی که در جامعه ظهور و بروزمی کند, مبارزه نکنیم , کم کم گسترش پیدا می کند, مانند ویروس بیماری های واگیردار که باید با آن ها به طور جدی مبارزه کرد.

در امر به معروف و نهی از منکر باید با رعایت شرایط و برخورد مناسب قدم گذاشت . برخوردهای غیر معقولانه تأثیر منفی به جا می گذارد. به نظر ما در این زمان در برخورد با افرادی که اهل نماز نیستند یا بـد حجاب هستند, ابتدابا اخلاق نیکو و با گفت و گو بیان مفاسد و ضررهای این کار, آنان را توجیه کرد. مسلّماً گفتگو و تذکّر در آنان تأثیرمی گذارد. اگر چند نفر بـه آنان تـذکر بدهنـد, بهتر تـأثیر خواهـد داشـت . البتـه بخش بزرگی از ایـن وظیفه بر دوش دولتمردان است که بایـد زمینهء منکرات را فراهم ننماینـد و از گسترش و نفوذ فرهنـگ بیگانه جلوگیری کننـد. فعلاًوظیفهء مردم این است که با برخورد زیبا و منطقی

و با جدال أحسن و گفت گو مانع گسترش فساد در جامعه شوند. دربرخورد با بزرگ ترها و هم سن ها این گفت گو, همراه با زبان نرمتر و ملایمتر باشد.

در برخورد با گناهکاران اگر توان گفتگوی زبانی نباشد و یا شرایط موجود نباشد, باید قلباً از کردار آنان ناراحت باشیم و راضی به کارهای زشت آنان نباشیم . امیرالمؤمنین ۷فرمود:

به کارهای دیگران راضی باشد, مانند این است که خود نیز آن کارها را انجام می دهد>.

در مورد افراد بی نماز یا بدحجاب , آیات و روایات و داستان ها و آفات مربوط به آن ها را بدانیم تا با مطرح کردن دلیل و شواهد, تأثیر و نفوذ بیشتری در آنان داشته باشیم .

دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می ترسم و خجالتی هستم و نمی توانم از عهده این کار برآیم. لطفاً برای موفقیت در این کار کمکم کنید. چنانچه کتابی در این خصوص وجود دارد، معرفی نمایید.

پرسش

دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می ترسم و خجالتی هستم و نمی توانم از عهده این کار برآیم. لطفاً برای موفقیت در این کار کمکم کنید. چنانچه کتابی در این خصوص وجود دارد، معرفی نمایید.

پاسخ

فرا گرفتن صفات حمیده و پسندیده، یکر از شرائط اساسی اظهار وجود و اثبات شخصیت اجتماعی است.

جوانی که دارای سجایای اخلاقی است، هر چند کوچك و کم سن باشد، در جامعه عزیز و محبوب است. او به سادگی می تواند با مردم بیامیزد و در اجتماع پیروز گردد. اما جوانی که دچار سوء اخلاق و مکات ناپسند است، هر قدر بزرگ باشد، نمی تواند خود را با جامعه تطبیق دهد و شخصیت شایسته را احراز کند.

امام علی(ع) می فرماید: "خلق بد، دوست و خویشاوندان را می راند، و غیر فامیل را به بی اعتنایی وا می دارد.".(۱)

اخلاق در زندگی بشر به قدری مهم است که خدا در قرآن تغییر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی مردم را به تغییر خلقیات و ملکات نفسانی مرتبط نموده است: "خدا اوضاع هیچ مردمی را تغییر نمی دهد، مگر آن که خودشان صفات نفسانی و ملکات روحی خود را دگرگون سازند".(۲)

بدون تردید صفات ناپسند اخلاقی در شکست اجتماعی نقش مؤثری دارد.

ممکن است خلق ناپسند و مذموم مانند ترس و عدم اعتماد به نفس، جوان را از رفتار اجتماعی و احراز شخصیت باز دارد،

خوب است بدانیم نگرانی اضطراب و ترس، همه جا و در هر صورت ناپسند نیست، بلکه ترس های به جا و عاقلانه که ناشی از احساس خطر و حاکی از دور اندیشی است، پسندیده است.

ترس های

به جاو پسندیده در روان بشر همانند دردهای عضوی در جسم است. همان طوری که احساس درد جسمی از عارضه بیماری خبر می دهد و آدمی را به درمان عضو دردناک وا می دارد. ترس های به جای روحی، به منزله اعلام خطر است که صاحبش را به چاره اندیشی وا می دارد.

امام علی(ع) می فرماید: "چه بسا مرد خائفی که خوفش او را در منزل آرامش و ایمنی مستقر سازد".(۱)

ترس از مجازات و کیفرهای الهی موجب می شود نفس از ارتکاب معاصی خودداری کند، در نتیجه متسحق پاداش الهی گردد، اما ترس مذموم و ناپسند ترسی است که سدّ راه سعادت انسان بوده و مانع پیشرفته و تکامل است. ترس زیان آور ترسی است که از ضعیف و زبونی سرچشمه گرفته و اراده آدمی را متزلزل می کند.

ترس های ناپسند علاوه بر آن که محرک عمل مفید نیست، مضرّ و مزاحم است و پیوسته جسم و جان صاحبش را می کاهد و او را به سقوط و تباهی سوق می دهد.

عواملی در ایجاد ترس های مذموم و زیان آور نقش دارند که به پاره ای اشاره می شود:

۱ - فال بد، چه بسیارند مردمی که عدد سیزده، صدای کلاغ و جغد را شوم می دانند!

۲ - گروهی، خانه و مرکب و سواری و زن را شوم می دانند!

در صورتی از نظر اسلام، شوم بودن زن در مهر سنگین و شومی خانه در کوچکی و تنگی آن و شومی مرکب سواری در چموشی و سوء خلق آن است.

۳ - برخی از ترس های بد از نقایص و عیوب اعضا ناشی می شود.

کودکی که با چشم پیچیده یا کور، یا دست و پای کج

به دنیا می آید، وقتی بزرگ می شود، همواره احساس حقارت می کند، و هر چه جلوتر می شود، این احساس شدیدتر می گردد و به جایی می رسد که از ورود به اجتماع و صحبت کردن با مردم می ترسد و نگران است به او بخندند و مسخره اش کنند!

اگر بخواهند ترس را ازخود دور کنند، چاره اش این است که:

اولا: استعدادهای عقلی یا بدنی خود را بشناسند و لیاقت خود را تشخیص دهند، سپس به کاری که شایستگی و توانایی اش را دارند، دست بزنند و تمام نیروی خود را صرف آن نمایند.

ثانیا: در برخوردهای اجتماعی سعی کنند عیب های خود را فراموش کنند و به جای توجه به نقص عضو، در نقص اعضای کسانی که عیب بزرگ تری دارند بیندیشند.

دنباله معرفی عوامل ایجاد ترس:

۴ – سوء تربیت. بخر از ترس های ناپسند ناشی از تربیت های نادرست دوران کودکی است. خشونت و سخت گیری های بی مورد و یا نوازش و احتام فوق العاده پدران و مادران به فرزندان، سبب ترس های مذمومی می شود.

جوانی که بر اثر سوء تربیت دچار عقده حقارت شده و اعتماد به نفس ندارد، همیشه گرفتار حالت انفعالی ترس است. او خوشتن را کوچک تز از این می پندارد که با جامعه بیامیزد و اظهار وجود کند. به همین دلیل هنگام مواجهه با مردم، خود را گم می کند.

امام علی(ع) می فرماید: "من هاب خاب؛ هر که بترسد، زیان می بیند".(۲)

راهکارهای درمان ترس

الف) باید بداند تا وقتی علت ترس جانش ریشه کن نشود ،اعتماد به نفس ندارد و نمی تواند به خوبی با مردم سخن بگوید.

ب) باید با دقت به حساب خویش رسیدگی کند و حالت روانی خود را به درستی

تجزیه و تحلیل کند تا به منشأ اساسی ترس رسیده، به نفع آن بپردازد.

امام علی(ع) می فرماید: "من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر؛ هر کس به حساب خویش برسد، سود می برد و هر کس از این وظیفه، غفلت کند، زیان می بیند".(۳)

اگر به حساب نفس خود رسیدگی کنید و متوجه شوید منشأ ترس شما چیست، حتماً در صدد رفع آن برخواهید آمد و خواهید گفت: من الان مردی هستم و دیگران از من برتری ندارند، همه از ابتدا مثل من بودند و به مرور زمان خوب شدند، مردم کاری با من ندارند و اگر خوب صحبت کنم، به من توجه خواهند کرد.

پ) پس از محاسبه نفس و امید به پیروزی برای ان که در معاشرت و مکالمه با مردم جرئت پیدا کنید، باید در اولین برخوردهای اجتماعی از ساده ترین روش های اخلاقی که مایه جلب محبت است ، استفاده کنید، مثلا در برخورد با هر کسی ابتدا سلام کند و نگذارد کسی بر او در سلام سبقت بگیرد، دوم این که با چهره متبسّم و بشّاش با مردم روبرو شود.

امام علی(ع) می فرماید: "هر تازه واردی در محیط نامأنوس، حیرت زده می شود، برای آرامش خاطر، سخن خود را با سلام آغاز کند.(۴)

نیز می فرماید: "گشاده رویی ریسمان مهر و محبت است".(۵)

ت) تمرین، مثلاً روبه روی آینه بایستد و مطلب مورد نظر خود را بیان نماید.

گاهی خبرهای داغ و دست اول را از روزنامه ها، کتاب ها، رادیو و تلویزیون بگیرد و آن را با آب و تاب برای اعضای خانواده و دوستان صمیمی مطرح نماید.

ث) اعتماد به نفس، به خود تلقین کند

مگر از دیگران چه کم دارم؟ چرا دیگران بتوانند و من چنان نباشم؟

پی نوشت ها:

۱ – غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۵۴، چاپ دانشگاه.

۲ – همان، ج ۵، ص ۱۴۷.

۳ – همان، ص ۲۱۱.

۴ – همان، ص ۱۰.

۵ – مسعود بن ابی فراس حلّی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۱.

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود با خواهر و برادرم برایتان نوشته ام لطفا در مورد روش های صحیح و اصولی انتقاد کردن از دیگران بخصوص نوجوانان و جوانان توضیح دهید؟

پرسش

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود با خواهر و برادرم برایتان نوشته ام لطفا در مورد روش های صحیح و اصولی انتقاد کردن از دیگران بخصوص نوجوانان و جوانان توضیح دهید؟

پاسخ

پاسخ سؤال شما را به گونه ای می آوریم که شامل نحوه برخورد شما با اعضای خانواده نیز باشد. اصولا برای انجام هر نوع کار اصلاحی یا انتقادی باید سه چیز را در نظر بگیریم:

۱ – ریشه یابی مشکل.

۲ – شناخت مشکل و شناخت راه های خروج از آن.

۳ – نوع برخورد با افراد.

بنابر این در برخورد با نسل نوجوان و جوان باید بسیاری از نکات را در رابطه با اینموارد در ذهن داشته باشید تا هم بتوانید باسخنان خود مثمر ثمر باشید و هم خدای نکرده تأثیرات منفی ای نداشته باشید.

این نکات عبارتند از:

- در نظر داشتن محیط زیست، وضعیت خانوادگی، محل تربیت و زیمنه های مساعد برای تعلیم و تربیت. مسلما کسی که دارای زمینه های مساعدی از این نوع نیست، نمیتواند با معیارهای خاص این چنینی مورد ارزیابی قرر گیرد.

از این رو توجه داشته باشید که در برخورد با افراد، این زمینه ها را مد نظر داشته باشید؛ زیرا در بسیاری از محیطها، انحراف صورت عمومی و اپیدمی دارد و از این رو کسی به انحراف بودن و ناپسند بودن کار خودش یا توجهی ندارد یا آن راچندان عیب بزرگی نمی شمارد. مسلما برخورد با این افراد کاملا با برخود با کسی که در محیطی کاملا متضاد رشد کرده متفاوت است.

- شناخت ریشه ها و عوامل بنیادی سوق یافتن افراد به انحرافات هم بسیار مهم اند؛ همان طور که گفتیم محیط

آلوده مثل محله بـد، مـدرسه بـد، دوسـتان و آشـنایان بـد و... نقش بسـیار مهمی در انواع انحرافات دارند. در این گونه اماکن، انواع و اقسـام انحرافات به همراه امکان دسترسـی آسان جمع شـده انـد؛ انواع عکس ها، فیلم ها، کتاب های داسـتان، نامه های عاشقانه، منحرفان خیابانی با جلوه های خاص خود، گفتگوهای طولانی و امکان سخن گفتن در مورد انواع انحرافات و از همه بدتر غرور ناشی از انجام آن ها که به نوعی بزرگ شدن تفسیر می گردد، ریشه های فساد در جوانان ما هستند. از نقش پدر و مادر هم نباید چشم پوشی کرد، رابطه زناشویی آزاد در نزد فرزندان و بدون مراقبت های لازم تا فرزندان از چند و چون قضایا مطلع نگردند و به اصـطلاح حس خفته شان بیدار نگردد؛ عدم اعتقاد و پایبندی به مسائل دینی و فرایض آن مثل نماز خواندن، روزه گرفتن، شـرکت در مساجـد، حسـینیه ها و اجتماعات مـذهبی، گوش دادن به نوارهای مبتـذل، آوردن فیلم های مبتذل به منزل، دشـنام دادن ها و الفاظ رکیک به کار بردن، نداشتن پوشش درست در منزل - مثلا بسیاری از مادرها و دخترها در منزل بـا لبـاس زیر و خیلی مکشوفه و یـا آرایش می گردنـد و گمان می کننـد محرم بودن جواز این کارها است در حالی که همین کارهـا مـوجب آسـیب روانی بر ذهن فرزنـدان می گردد و چیزهـایی از این قبیـل جزء عوامـل اصـلی و ریشه هـای انحراف در جوانان است.

- از سوی دیگر تعصب و تقیـد شدید به مذهب و پافشاری بی منطق بر مبانی دینی و ارزشـی نیز می تواند سـبب گریز فرزندان از حریم دین و ورود به ناهنجاری های دیگر شود.

- عدم آرامش در منزل هم سبب ایجاد

ناهنجاری و پذیرش انحرافات می گردد، دعواهای خانوادگی و فامیلی جزء مهم ترین برهم زننده های تعادل در خانواده اند.

- شناخت اصل انحراف و راه های دوری از آن با توجه به زمینه های پیدایش آن نیز جزء مهم ترین نکات است؛ زیرا سبب می شود که ما در برخورد با یک ناهنجاری ابتدا در از میان بردن ریشه های آن کوشاباشیم، سپس با توجه به روحیه افراد به مدد آنان برخیزیم و نوع برخورد خود را با توجه کامل به روحیات آنان تنظیم کنیم. و نیز با عدم تشخیص اشتباه در نوع انحراف از یاد دادن سایر انحرافات نیز پرهیز کنیم.

حال با توجه به آن چه که برای شما نوشته ایم امیدواریم که به عمق کاری که در پیش دارید واقف گشته باشید و دانسته باشید که اصلاح یک انحراف حتی خیلی کوچک، کار بسیار مهم و اساس ای است.

به گمان ما طرح مسائل خانواده با پدر و مادر خانواده در خفا (در صورتی که می بینید زمینه مناسب است) می تواند کمک مؤثری باشد. در مورد خودتان هم باید بگوییم که بهتر است فعلا با خوشرویی و محبت با اعضاء خانواده تان برخورد کنید و سعی کنید با اخلاق پسندیده و محبت وافر فضای تازه ای را در منزل ایجاد کنید. لطف کنید از تظاهر به دینداری، تقدس، خوب بودن و چیزهایی از این قبیل که گهگاه بر انسان عارض می شود پرهیز کنید، امید است خداوند شما و خانواده تان را مشمول رحمت و عنایت خویش قرار دهد.

در صورتی که سؤال دیگری داشتید می توانید بر همکاری و دوستی واحد ما حساب کنید.

در انتظار مکتوبی دیگر از شما هستیم. خدا نگهدارتان باد!

خواهر ۱۶ ساله ای دارم که در دبیرستان تحصیل می کند او دختر با حجابی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسری شده است او را چگونه راهنمایی کنم؟

پرسش

خواهر ۱۶ ساله ای

دارم که در دبیرستان تحصیل می کند او دختر با حجابی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسری شده است او را چگونه راهنمایی کنم؟

پاسخ

هر چند مطالعه خاطرات خواهرتان کار پسندیده ای نبوده است، ولی به هر صورت وظیفه شما در این شرایط آگاهی دادن به ایشان است، ولی باید بسیار با دقت و ظرافت کاملی این کار را انجام دهید. از موعظه و تذکّر مستقیم خودداری کنید.

با توجه به این که ایشان دختر منطقی و با حجابی می باشد زمینه پند پذیری در او بسیار مساعد است. باید بر نقاط قوت خواهرتان تأکید ورزید و هرگز خطاها و لغزش های ایشان را به رخ نکشانید و به طور غیر مستقیم با ذکر سرنوشت افراد که به انحراف کشیده شده و یا فریب شیادان را خوردند و مراقبت بیشتر از ایشان و زیر نظر گرفتن او به طوری که او نفهمد و با ارائه کتاب های مفید و نشریه ها یا مجلات سودمند می توانید به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایید و در صورت توان رابطه ایشان با دوستش را که رابطه با آن پسر را فراهم کرده، قطع نمایید.

دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می کند هر قدر نصیحتش می کنم بی فایده است؟ برای راهنمایی او چه کنم؟

پرسش

دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می کند هر قدر نصیحتش می کنم بی فایده است؟ برای راهنمایی او چه کنم؟

پاسخ

خواهر گرامی! احساس مسئولیت شما در امور دینی و اجتماعی و روحیه امر به معروف و نهی از منکر و دل سوزی و شفقت شما نسبت به دوستان شایسته تقدیر و تحسین است، موفقیت روز افزون شما را در شناخت و معرفت بیشتر اسلام و عمل به آن را از خداوند مسئلت داریم.

خواهر! در روزگار فتنه های فرهنگی و اجتماعی و هجوم های دین ستیزی و دین گریزی، بر سر گذاشتن چادر که نماد حجاب برتر اسلامی است. زینت و افتخاری برای آن خانم است و این پیام را به دنبال دارد که اعتقادات مذهبی و دینی در عمق جان شان ریشه دارد. اگر چه ممکن است در سایر ابواب و اصول و فروع دین شناخت و معرفتی سطحی و بر پایه شنیده ها و گفته ها داشته باشد.

بدبینی ها و بدگویی های این گونه افراد باید علت یابی گردد تا متناسب با ریشه های برخوردی مناسب داشت و به تعبیر قرآن

بـا روش "... جـادلهم بـالّتی هی احسـن" بـا آن هـا مـذاکره و گفتگـو کرد؛ زیرا این گـونه افراد ممکن است به علت وضـعیت معیشتی و اقتصادی نامطلوب و بیکاری یا برخورد نادرس برخی ادارات، شخصـیت های دولتی و مـذهبی با آن ها چنین روحیه ای پیدا کرده باشند و یا از حرف ها و تبلیغات دیگران اعم از دوستان و خانواده و در گیری ها ، روزنامه ها و مطبوعات

و رادیوهای بیگانه ذهنیت نادرستی برایشان ایجاد شده و یا شکست هایی در زندگی آنان مانند عدم توان ادامه تحصیل یا پیدا نشدن شغل یا همسر مناسب، عقده های روانی ناخواسته و نا آگاهانه ای را در آنان پدید آورده باشد که همه علل ذکر شده ناشی از سطحی نگری و ضعف معرفت دینی و بنیه علمی و فکری است. جهت تغییر و اصلاح بینش دینی و اجتماعی این گونه افراد باید از شیوه آموزش و تأثیر گذاری غیر مستقیم بهره جست. مرحله اول معرفی کردن یا هدیده دادن کتاب های اخلاقی مانند: قلب سلیم، نفس مطمئنه، گناهان کبیره(هرسه از شهید دستغیب)، اخلاق عملی آیت الله مهدوی کنی، وصیت نامه هشدا و علما و از جمله امام خمینی ره.

بنابراین در قدم اول باید علت مخالفت و بدگویی ایشان را به دست آورید. شاید معاشر بدی دارد و یا علت دیگری، پس از کشف علت یا علل به درمان او بپردازید. برای راهنمایی بیشتر با مسئول واحد تماس بگیرید. تلفن:› ۰۲۵۱-۷۷۴۳۱۸۳

وظیفه من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟

پرسش

وظیفه من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟

پاسخ

وظیفه اصلی و اساسی شما نهی از منکر است، ولی این مسئولیت باید به طور شایسته و صحیح انجام گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود. در انجام این وظیفه، احکام و شرایطی را که در این زمینه بیان شده، بدانید و فرا گیرید، زیرا چه بسا انسان بی اطلاع کارهایی انجام می دهد که ضرر آن بیشتر از نفع است. این احکام و شرایط در رساله امام خمینی(ره) و بعضی از کتاب ها و جزوه ها بیان شده است. به دختر جوانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کند، نمی توان به زور مقنعه و چادر پوشاند، بلکه باید او با رغبت و میل باطنی حجاب را بپذیرد و به آن باور درونی پیدا نماید. وقتی برای خانمی، زیبایی و فضیلت و فواید و آثار حجاب جا نیفتاده باشد، طبیعی است که آن را نمی پذیرد و فشار و تحمیل خارجی اثر دراز مدت ندارد. در این راستا لازم است کتاب هایی را که درباره حجاب است، در اختیار ایشان قرار دهید. در برخورد با دوستتان نکاتی را حتماً مورد نظر داشته باشید:

۱ اعطای شخصیت: هرگز به خاطر بدحجابی نسبت به ایشان بی احترامی نکنید و آمرانه و قلدرمآبانه برخورد ننمایید، بلکه خواهرانه و دوستانه برخورد کنید و با گفتن جملاتی مانند: این عمل در شأن شما نیست یا شأن شما بالاتر از این ها است، او را راهنمایی کنید. به طور کلی به صورت پیشنهادی باشد، نه دستوری.

۲ جلب اعتماد: نهی از منکر وقتی تأثیر دارد که اعتماد طرف مقابل جلب گردد. بنابراین قبل از آموزش باید جذب

صورت گیرد. امام علی(ع) می فرماید: "قلوب الرجال وحشیه فمن تألّفها أقبلت علیه؛ دل های مردم وحشی است. پس هر کسی آن قلوب را جذب کند، به او روی خواهند آورد".[۱]

سعی کنید با رفاقت با ایشان دلشان را به دست آورید.

۳ در نظر گرفتن وضع روحی و روانی: در نهی از منکر باید به این نکته روان شناختی توجه داشت که حرف در زمانی که احتمال تأثیر آن می رود، زده شود. بدیهی است انسان همیشه حال و حوصله سخن گوش دادن را ندارد. امام علی(ع) می فرماید: "دل ها برای قبول نصیحت اقبال (روی آوردن) و ادبار (نپذیرفتن) دارند؛ پس در مواقع پذیرش، آن ها را دریابید، زیرا اگر دل نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده، چیزی را نمی بیند".[۲]

۴ رعایت نزاکت و ادب: قرآن مجید درباره نحوه برخورد می فرماید: "ادفع بالّتی هی أحسن السیئه؛ ای رسول ما تو آزار و بدی های امت را به آن چه نیکوتر است، دفع کن".۱[۳]

انسان در مقابل خشونت و یا ملایمت، واکنش مناسب با اوضاع را بروز خواهد داد. اگر به یک نفر با عصبانیت بگویید: حجابت را رعایت کن، ممکن است در جواب بگوید: چرا، چنین کنم؟! اگر با احترام از او چنین تقاضایی داشته باشید، قبول می کند.

۵ محترم شمردن عقاید افراد: خانمی که با بدحجابی وارد جامعه می شود و آن را نشانه عظمت و تمدن می داند، این ها را ارزش تلقی می کند و نشانه شخصیت می پندارد. واضح است که هیچ گونه اهانت و تحقیری را نسبت به فکر خود نمی پذیرد. در برخورد با این افراد باید به آن ها فهماند که به

عقیده و نظرشان احترام می گذارید، ولی این انتخاب را صحیح نمی دانید.

۶ پافشاری بر نکات مثبت: از ابتدا نباید کار خلاف دیگران را مطرح کرد، زیرا زمینه پذیرش وجود ندارد و چه بسا واکنش نشان داده می شود. در آغاز باید طرف مقابل را به خاطر صفات مثبت ستود تا از این طریق احساس کرامت کند و در مقام تلافی و ستیزه جویی بر نیاید.

۷ برخورد با علل: برای رفع ناهنجاری ها باید علل را بازشناسی کرد. بی حجابی یا بد حجابی دختران قطعاً علل مختلفی دارد، مانند عدم تربیت صحیح، بی محبتی پدر و مادر، معاشرت با نااهلان و اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی. با ریشه یابی و عکس العمل مناسب با آن می توان با این پدیده ناپسند مبارزه کرد.

[۱]نهج البلاغه، قصار ۴۷.

[۲]همان، قصار ۱۸۴.

[۳]مؤمنون (۲۳) آیه ۹۶.

برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیاتی برای آن ها بخوانیم

پرسش

برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیاتی برای آن ها بخوانیم

پاسخ

با توجه به این که اخلاق نیک و تزکیه نفس اساس و زیر بنای سعادت انسان را تشکیل می دهد، بسیاری از آیات قرآن مجید، مستقیم یا غیرمستقیم با اخلاق و فضایل نفسانی ارتباط دارد، در این پاسخ به برخی از آیاتی که انسان را به مکارم اخلاق دعوت فرموده و نمونه ای دیگر از آیات که انسان را از رذایل اخلاقی باز می دارد، اشاره می کنیم

۱. قرآن مجید یکی از عوامل پیشرفت پیامبراکرم ۹ و موفقیت او در گسترش اسلام را، اخلاق نیک آن حضرت می داند، در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده "به برکت رحمت الهی در برابر آنان]مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند."

۲. حلم و بردباری و فرونشاندن خشم "وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ ;(آل عمران ۱۳۴) کسانی که خشم خود را فرو می برند و از خطای مردم در می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست می دارد." و نیز آیه ۶۳ فرقان و ۱۹۹ اعراف

۳. ادا کردن امـانت "إِن َاللَّه َ يَأْمُرُكُم ْأَن تُؤَدُّواْ الأْ ?مَنَت ِإِلَى َّأَهْلِهَا... ;(نسأ،۵۸) خداوند به شـما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید." و نیز آیه ۸ مؤمنون و ۲۸۳ بقره

۴. فروتنی "وَ عِبَادُ الرَّحْمَن ِالَّذِين َيَمْشُون َعَلَى الأْ ?رْض ِهَوْنًا ;(فرقان ۶۳) بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند."

۵. وفای به

عهد و ادای امانت خداوند مهربان در سوره آل عمران آیه ۷۶، مردم را به رعایت کردن عهد و پیمان هایشان با دیگران دعوت می کند و می فرماید: "آری هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد."

و نیز آیات مؤمنون ۸ ; اسرأ، ۳۴ ; نحل ۹۱.

۶. صبر و شکیبایی "ای کسانی که ایمان آورده اید; از صبر و شکیبایی و نماز یاری جویید; زیرا خدا با شکیبایان است . (بقره ۱۵۳)

هم چنین در مورد دعوت دیگران به دوری از کارهای بد و اخلاق ناپسند به چند نمونه از آیات اشاره می شود.

۱. ترک خیانت "يَٰٓأَيُّهَا الَّذِين ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ اللَّه وَالرَّسُول وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُم وَأَنتُم تَعْلَمُون ;(انفال ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خداو پیامبر خیانت نکنید و نیز در امانت های خود خیانت روا مدارید، در حالی که می دانید]این کار، گناه بزرگی است ["

۲. پرهیز از دروغ "إِنَّمَا يَفْتَرِى الْكَذِب الَّذِين لَا يُؤْمِنُون بِ ?ايَٰت اللَّه وَأُوْلَٰٓئِكَ هُم الْكَٰذِبُون ;(نحل ۱۰۵) تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند،]آری دروغ گویان واقعی آنها هستند."

و نیز آیات زمر، ۳; غافر، ۲۸.

۳. دوری از غیبت "وَ لَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِب أَحَدُكُم أَن يَأْكُل لَحْم أَخِيه مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوه ;(حجرات ۱۲) هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما که دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟]به یقین همه شما از این امر کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر است "

۴. دوری از سخن چینی و سرزنش دیگران "وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ;(همزه ۱) وای بر عیب جوی مسخره کننده " و نیز آیات قلم ۱۰ ۱۳.

فرهنگ

رسانه ها

نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟

پرسش

نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟

پاسخ

ارتباطات مانند رادیو, تلویزیون , تلفن , تلکس , فاکس , ماهواره , روزنامه ها, مجلات , و... پدیده ءبسیار مهمی است که در دنیای کنونی بیشترین نقش را در پیشرفت بخش های مختلف جامعه عهده دار می باشد و تاآن جا پیش رفته که می تون ارتباطات را کلید دهکدهء جهانی فرض کرد. بر اثر ارتباطات می توان جامعه را به وحدت ,مشارکت و یکپارچگی و تعالی و ترقی رساند و نیز می توان به خاطر تبلیغات سوء از ارتباطات جامعه را به تفرقه وپراکندنی و فحشا و منکر و انحطاط کشاند. (۱)

(پاورقی ۱.همان .

چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند.این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود.

پرسش

چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند.این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود.

پاسخ

ازدواج از جایگاه ارزشی بسیار بالایی در دین اسلام برخوردار بوده و تاثیرات بسیار زیادی در رشد و تکامل فرد و اجتماع دارد؛ پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره اهمیت ازدواج می فرمایند: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله _عزوجل_ و اعز من التزویج» ؛ (بحارالانوار, ج ۱۰۳, ص ۲۲۲)

یعنی هیچ کانونی در اسلام بر پا شنده است که نزد خداوند محبوب تر و عزیزتر از کانون ازدواج باشد. و امام علی(ع) می فرماید: «هیچ یک از یاران رسول خدا ازدواج نمی کند, مگر اینکه پیامبر اکرم درباره او می فرمود: (دینش کامل شد)»

(مکارم الاخلاق، ص ۹۹)

بنابراین ازدوا از ارزش های مهم دین مبین اسلام بوده که تبلیغ و ترویج آن امری مثبت و ضروری تلقی می شود. و از سوی دیگر ازدواج یکی از موضوعات مهم و حیاتی جامعه کنونی ماست که اکثریت جوان می باشند؛ لذا لازم است توسط دستگاه های فرهنگی و رسانه های ملی توجه جدی به آن شود، متأسفانه بالارفتن سن ازدواج از یک سو و هجوم فرهنگ غرب و آموزه های فردگرایی، لذت طلبی و عدم پذیرش مسؤولیت و ... همچنین مشکلات و نارسایی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این زمینه وجود دارد، سبب شده تا درصد قابل توجهی از جوانان اقبال کمتری به این مسأله مهم داشته باشند به عنوان نمونه بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۶۴ هزار ازدواج به ثبت رسیده است که نسبت به سال ۱۳۷۴، دو درصد کاهش نشان

می دهد، از سال ۱۳۶۷ به بعد، به ازای هر سال، شش ماه به میانگین سن ازدواج افزوده شده است، آمارهای موجود نشان می دهد که میزان جدایی ها (طلاق) افزایش و ازدواجها کاهش یافته است. (جوانان و ازدواج، اسماعیل بیابانگرد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۳)

ویل دورانت، دانشمند معروف، درباره ترغیب جوانان به ازدواج می گوید: «اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سالهای طبیعی انجام گیرد، فساد و انحرافهای جنسی، تنهایی و عزلت ناپسند و برخی امراض روانی، به میزان زیادی کاهش خواهد یافت، ... عشق جنسی جوانان، زودتر از توانایی اقتصادی شان فرا می رسد. ما نباید از این پیشامد حذر کنیم و بگذریم آن عشق افسرده شود و بمیرد. ازدواجی که برپایه عشق تازه و نمرده دختر و پسر انجام شود، در طی سالهای طولانی، زندگی آن ها را معطر و خوشبو می کند و گرنه عمیق، فرمال و ایده ال نخواهد بود» (لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، خویی، نشر اندیشه، ۱۳۷۵، ص ۱۷۴)

از این رو با توجه به عوامل فوق به نظر می رسد اصل تبلیغ و ترویج فرهنگ ازدواج، اقدامی مثبت و در راستای نیازهای جامعه جوان ما باشد، هر چند حل اساسی مشکل ازدواج نیازمند بهبود نسبی عوامل اقتصادی - معیشتی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که در این بخشها نیز تلیغات و فرهنگ سازی صحیح توسط رسانه های عمومی می تواند نقش مؤثری ایفا نماید.

و نکته آخر اینکه، تمام مطالب فوق درباره اصل مسأله ازدواج و تبلیغ آن توسط تلویزیون می باشد، اما اینکه روشها و الگودهی های برنامه های تلویزیون تا چه اندازه

صحیح و مطابق ارزش های اسلامی و مقتضیات جامعه اسلامی ماست، نیازمند بررسی دقیق است که از عهده این مرکز خارج بوده و باید پاسخ آن را از مسؤولین آن رسانه جویا شد.

نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟

پرسش

نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟

پاسخ

به طور کلی نظر کارشناسی درباره فیلم از ابعاد مختلف هنری و محتوایی قابل بررسی است و آثار مستقیم و غیرمستقیم بر بینندگان را باید در یک نظرسنجی و تحقیق میدانی به نتیجه گیری رساند.

لذا اگر چه این فیلم چه بسا با انگیزه های غیر مغرضانه تهیه شده باشد ولی با توجه به برداشت بینندگان ، معلوم می شود پیامدهای منفی آن بیشتر بوده است.

برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

فیلم مارمولک ساخته کمال تبریزی در نظر اهل فرهنگ ، بازتاب های مختلفی در پی داشته ، عده ای آن را نمی پسندند و معتقدند باید این فیلم توقیف شود و عده ای دیگر آن را در نوع خود بی نظیر می دانند که هر دو از دغدغه های پیروی می کنند گروه اول نگران اهانت به نیروی انتظامی ، مردم، جوانان ، روحانیت هستند و از آن بیم می رود که سر آغاز اهانت های بعدی باشد.

گروه دوم که تهیه کنندگان و کارگردان و کسانی که با نگاه سازندگی و اطلاع رسانی و نگاه مثبت تحلیل می کنند نگران آنند که تکثیر خط قرمز ها و ایجاد محدودیت ها ممکن است در رشد فرهنگی و هنری جامعه ، توقف ایجاد شود.

تحلیل گروه دوم بطور خلاصه این چنین است:

موافقان اکران فیلم

۱. کمال تبریزی نیز صاحب دغدغه ای از همان جنس است و او با این فیلم، هرگز نخواسته است تصویری نامطلوب از روحانیت به نمایش بگذارد بلکه کوشیده است تا بیننده به بلوغ تمایز برسد.

ایشان به

گفته منوچهر محمدی «تهیه کننده» می گوید: مضمون این فیلم تا حد آشکاری تأکید بر نزدیکی مردم و روحانیت دارد. به عبارتی فیلم با هدف اصلاح ارتباط مردم و روحانیون ساخته شده است و از طرف دیگر سازندگان فیلم در همه گفتارها و اعلام نظرات خود بر این نکته تأکید می کنند که فیلم، در همه مراحل تولید از نگارش فیلنامه تا نمایش آن با همفکری صاحب نظران غیر سینمایی در حیطه های گوناگون انجام گرفته است. (روزنامه شرق، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت) وی معتقد است که فیلم مارمولک نه تنها در جهت توهین به روحانیت و قداست زدایی از آن نیست بلکه درست در جهت قداست بخشیدن مضاعف به آنها است.

اما نقد و نظریه گروه اول و مخالفان اکران فیلم

در این فیلم چند گروه مورد اهانت و تمسخر قرار گرفته اند به طور خلاصه عبارتند از:

۱. نیروی انتظامی و مأموران زندان و نیز افسر نیروی انتظامی در قطار و افسر راهنمایی رانندگی که این فیلم در صدد القا این است که نیروهای انتظامی و مأموران راهنمایی و رانندگی خادم مردم نیستند بلکه حافظ منافع روحانیت هستند.

۲. در تمام فیلم به شدت و پر رنگتر از خط استهزا، روحانیت است. کارگردان کاراکتر خوبی از روحانیت ساخته که باید ضد قانون و روشنفکر باشد. ویژگی خوب را در یک آخوند قلابی گذاشته که نمی توانند دیگر ویژگیها را داشته باشد. که به راحتی می توان به او خندید.

۳. گروه مدیران کشور است از جمله مدیر قطار که این صحنه تأیید دیگری است که مدیران مشتی چاپلوسان نسبت به رژیم هستند در حالی که این طوری نیست.

۴. جریان

دیگر که در این فیلم مسخره می شود توده مردم و القا نفهمی به عموم است در صورتی که مردم ما آگاه هوشیار و زیرک اند و افراد باسواد و کم سواد را به خوبی تشخیص می دهند.

۵. گروه دیگر جوانان هستند که با روحانیت گره خورده اند و این قضیه از نقاط انحرافی است و در حقیقت گسستن پیوند جوانان با روحانیت است .

۶. مهمترین چیزی که در فیلم یاد شده – از دید کارشناسی و هنرشناسی – قابل بررسی و دقت نظر است آن که با تکیه بر برخی موارد منفی که ممکن است از بعضی افراد روحانی نما سر زده باشد آن را به شکل عمومی به نام همه روحانیت مطرح می کند بی آن که مسأله را تفکیک کرده باشد فقط در یک جا آن هم آخر فیلم و خیلی ساده و کم رنگ به جایگاه روحانیت اصیل اشاره دارد ولی به هر حال از انتخاب اسم فیلم (مارمولک) تا نحوه بازیگری آقای پرستویی با لباس روحانی، سراسر دید ناصحیح و مسخره آمیز از لباس روحانیت و مردم مؤمن را به نمایش گذاشته است.

یکی از رسالت های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است .ما دانشجویان از شما می خواهیم که به صداوسیما گوشزد کنیدکه این قدر از رهبری مایه نگذارد مگر رهبری موافق موسیقی پاپ و جاز است ؟ چرا آقای علی معلم دامغانی و آقای

پرسش

یکی از رسالت های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است .ما دانشجویان از شما می خواهیم که به صداوسیما گوشزد کنیدکه این قدر از رهبری مایه نگذارد مگر رهبری موافق موسیقی پاپ و جاز است ؟ چرا آقای علی معلم دامغانی و آقای ضرغامی دروغ می گویند ؟ ما از شما خواهش می کنیم که به استدلال های این دو نگاه کنید که چقدر دروغ و خنده

آور است . لطفا پاسختان را به ایمیل ما بدهید . در ضمن از صداوسیما بخواهید که اول از خودش درباره ی پاسخگوئی شروع کند .

پاسخ

با تشکر از حسن اعتماد شما و ستایش دغدغه شما نسبت به بهبود وضعیت فرهنگی, به اطلاع می رساند متن نامه شما به روابط عمومی صداوسیما ارسال شد. و اما در خصوص نیاز به موسیقی و ملاک حرمت و یا مجوز استفاده از آن توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

وجود هر گرایش طبیعی و درونی، نیاز پاسخگویی را می طلبد. جذابیت سمفونی از این قاعده مستثنی نیست. اما باید دانست چگونگی پاسخگویی به غرایز ابتدایی و نیازهای پس از رشد یافتگی، تا میزانی مشترک میان تمامی اقوام و فرهنگ ها و پیروان ادیان است. مانند آن که استفاده از «آب» برای رفع تشنگی نزد همگان مشترک است. تفاوت از آنجا آغاز می شود که برای رفع این نیاز اصلی در پی آماده سازی و پیشنهاد نوشیدنی های متنوع باشیم. اینجاست که نظریه های انسان شناختی و فاکتورهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی رخ می نماید و کنش ها و واکنش ها بروز می کند.

پیچیدگی ها و ابهام آنگاه فزونی می یابد که در عصر ارتباطات، تنوع پاسخگویی به نیازها بسیار فراوان می شود و از میان آن همه «انتخاب پاسخگو» به نیاز اصیل و طبیعی «بدون عوارض»، کاری بس دشوار می باشد و تلاش همگانی را برای انتخاب صحیح و یا پیدا کردن جایگزین می طلبد.

جهت شفاف سازی درباره خصوص موسیقی متذکر می شویم: موسیقی به طور کلی دارای دو نوع است:

۱- موسیقی غنائی: هرگونه آهنگی است که به لحاظ شکل یا محتوا موجب تحریک شهوت و متناسب با مجالس گناه است.

این گونه موسیقی، گاهی آرامش

تخدیرگونه برای اعصاب دارد و گاهی هیجانات ناهنجار برای روان در پی دارد و غفلت از یاد خدا، پرده پوشی عقل از آثار نمایان آن است.

۲- موسیقی غیرغنایی: شامل صوت قرآن، موسیقی عرفانی، مارش عزا، مارش نظامی، آواز حُدی (برای تحریک حیوانات و دام) و حتی موسیقی مناسب برای رشد گیاهان، می شود. این نوع موسیقی میتواند پاسخگوی نیاز انسان به زیبایی های سمفونی و موسیقی باشد و با اجراهای متنوع می تواند جایگزین موسیقی غنایی باشد.

قرآن کریم دارای نثری آهنگ پذیر است و این خاصیت خود یکی از معجزات این کتاب مقدس است. از آهنگ پذیری قرآن کریم و تشویقی که نسبت به آهنگین و نیکو خواندن آن وجود دارد، نتیجه می گیریم که انسان در طی مسیر کمال و به منظور تحصیل آرامش روانی و صفای دل، صوت دلنشین قرآن نیاز دارد به همین جهت، تلاوت آن با صدای نیکو، مستحب و محبوب خدای متعال است.

غزلیات و اشعار عرفانی دارای سمفونی پرجاذبه ای است که شنیدن و زمزمه آن با صدای خوش بسیار آرامش بخش و آگاهی ساز است و می تواند جایگزین مناسبی برای موسیقی غنایی باشد.

از بوعلی سینا آورده شده: آهنگ خوش آن مقدار که حکمت لازم می شمارد؛ جوهر نفس آدمی را تقویت می کند و قوای باطنی او را تمرکز می بخشد؛ نه آن آهنگی که امور شهوانی را در انسان تحریک می کند. (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۲۷۸)

افلاطون حکیم می گوید: آن کس که همه عمر را به ترنّم نغمات حظّ از زیبایی صوت می........Иj......همان طور که آهن در اثر آتش نرم می شود، عنصر «غیرت» در نفس وی ملایم می گردد و طولی نخواهد کشید که «شجاعت» وی نیز تحلیل رود.

(جمهوری افلاطون، ص ۶۱۹۴)

به امید آن که با هم فکری و خویشتن داری به بالندگی معنوی خود و جامعه کمک کنیم.

بررسی متون دینی و آراء عالمان دین نشان می دهد که موسیقی از نظر اسلام در چند صورت حرام می باشد:

۱) موسیقی مطرب یعنی آهنگهایی که موجب تحریکات غیر ارادی در شنونده شود و انسان را از یاد خدا غافل می سازد. منظور از محرک بودن نیز نوعی و شأنی است؛ یعنی، به طور معمول چنین اثری را دارا باشد نه فقط نسبت به شخص خاص.

۲) موسیقی همراه با مضامین لهوی یعنی آهنگهایی که در کنار آن اشعار و سرودهایی قرائت می شوند که به گونه ای موجب فساد اخلاق و انحراف اذهان است مانند ترانه های عاشقانه و اشعاری که در وصف زن، شراب و غیره است و از همین قسم است اشعاری که به هر نحو موجب ترویج باطل و مخالفت با حق باشد مانند اشعاری که بر علیه اسلام و مقدسات آن همچون قرآن، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) یا نظام و حکومت اسلامی بوده و یا در جهت تایید کفر و شرک و نظامهای فاسد و سردمداران آن باشد.

۳) موسیقی در مجلس گناه و لهوولعب مانند آهنگهایی که در حال رقص یا نوشیدن شراب و غیره نواخته می شوند.

در هر صورت معیار در حرمت موسیقی مناسب بودن آن با مجالس لهو و داشتن مضامین فساد انگیز و اغوا کننده است. موسیقی طرب انگیز که شایسته مجالس لهو و باطل است حرام است.

فرق نمی کند که از صداو سیما باشد یا غیر آن . تاثیر برفرد داشته باشد ویا نداشته باشد. اصیل باشد و یا غیر اصیل . ایرانی

باشد و یا غیر ایرانی ولی موسیقی که مناسب مجالس لهو نباشدو ملاک های حرمت را نداشه باشد حرام نیست.

از جنابعالی تقاضا دارم توضـیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشـجویان و مردمی هیچ گاه بطور شفاف و واضح در رسانه های گروهی بخصوص درتلویزیون به نمایش گزارده نمی شود؟

پرسش

از جنابعالی تقاضا دارم توضـیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشـجویان و مردمی هیچ گاه بطور شـفاف و واضح در رسانه های گروهی بخصوص درتلویزیون به نمایش گزارده نمی شود؟

پاسخ

درحـد لازم برای روشن شـدن افکـار عمومی صـحنه هـا وتصاویر آن از تلویزیون پخش می شود منتهی نشان دادن همه وقایع موجب بزرگنمـایی موضوع و التهـاب جامعه شـده و نگرانیهای مردم را افزایش خواهـد داد، از طرفی مطبوعات غیر خودی این اغتشاشات را از زاویه دیدگاه خودشان مطرح کرده وبا بزرگنمایی آن درافکار عمومی شبهه ایجاد نموده و واقعیت ها را پنهان می نمایند.

چرا در جامعه ای مثل کشور ما که یک جامعه اسـلامی است از طرق مختلف سازمان های مختلف باعث بدآموزی کودکان معصوم وبی گناه می شونـد؟ مثلا با پخش فیلم های خارجی به حساب خودشان دوبله شده باعث می شوند که چشم نوجوانان حالتی پیدا کند که تنها دنبال فیلم های خارجی باشد

پرسش

چرا در جـامعه ای مثـل کشور ما که یک جامعه اسـلامی است از طرق مختلف سازمان های مختلف باعث بـدآموزی کودکان معصوم وبی گناه می شونـد؟ مثلا با پخش فیلم های خارجی به حساب خودشان دوبله شده باعث می شوند که چشم نوجوانان حالتی پیدا کند که تنها دنبال فیلم های خارجی باشد ودیگر نسبت به فیلم های ایرانی دل سرد شوند که این باعث

از بین رفتن مرز اسلام می شود.

پاسخ

درود وصـلوات الهی برشـما نوجوان فهیم ودوست داشتنی که علی رغم سن خویش مفاهیم عمیق را درک می کنید و در مقام مطـالبه از مسئولان برمی آییـد آفرین برشـما وامثـال شـما، خـدا را شـاکر و سپاسـگزاریم که با چنین نوجوانان فهمیـده ومتعهد ومسئول سروکار داریم.

دوست عزیز مـانیز هماننـد شـما فکر می کنیم ونسبت به بسـیاری از برنـامه هـای فرهنگی و هنری اجرا شـده دررسانه ها منتقد هستیم وآرزو می کنیم روزی برسـد که برنـامه هـای فرهنگی و هنری ما ، از چنان جاذبه وجـذابیتی برخوردار گردد که نه تنها

جوانـان ونوجوانان کشور خودمان بلکه نوجوانان وجوانان سایر کشورها وبلاد اسـلامی را نیز به خودش جلب و جـذب نمایـد. این از آرزوها وآمال ما و شـما وهم دلسوزان به اسـلام ونظام اسلامی است که امیدواریم روزی تحقق آنرا ببینیم. البته ذکر این نکته نیز شایـان توجه است که دست یـافتن به چنین امری اگر چه محـال نیست ولی سـهل و سـاده هم نیست ولی اگر جوانـانی همانند شـماکه چنین احساس مسـئولیتی دارند در کنار مطالبه ومؤاخذه مسـئولان مصـمم بشوند وارد عرصه هنر بشوند با توکل واتکال به خداوند وهمت وجدیت و پشتکار ونیز فراگیری

فنون عملی وهنری وتبلیغی قادرند برنامه های هنری و فرهنگی تولید وعرضه نمایند که نه تنها جامعه خودمان بلکه سایر جوامع رانیز تحت تأثیر قرار می دهد همچنانکه گاهی شاهد چنین برنامه هایی هستیم. جوانان ایران

زمین استعداد و توانایی خلق آثار مختلف فرهنگی وهنری را دارند مشروط بر اینکه همت گمارند وبا توکل به خدا به سوی اهداف متعالی گام بردارند. تحولی که هنرمند شهید سید مرتضی آوینی درعرصه هنر ونمایش و ... بوجود آورد تحول کمی نبود، ما می توانیم با تکیه بر استعدادهای نوجوانانی همانند شما که احساس دردمندی وتعهد را توأمان با یکدیگر دارید آوینی های زیادی درعرصه هنر وسینما و...بپردازیم.

مهم باور واتکاء به نفس است که امیدواریم این مهم محقق شود همچنانکه درمسابقات علمی و بین المللی جوانان ایرانی نشان داده اند قادرند غول های علمی دنیا را پشت سر گذارند وبرکرسی موفقیت و پیروزی در عرصه های جهانی تکیه زنند.

دوست عزیز نوجوان، بازخواست ومؤاخذه مسئولان کاری است لازم وضروری ولی کافی نیست. همه باید همت کنیم با منع تماشای فیلم خارجی یا عدم پخش آن مشکل حل نخواهد شد اگر فیلم خارجی پخش نشود فیلم های غیر مجاز شیوع و رواج خواهد یافت. اگر فیلم های ایرانی جذابیت لازم را داشته باشد بصورت خودکار نسل جوان بسوی آنها خواهند رفت ولی اگر ازاین جذابیت برخوردار نباشد بسوی فیلم های خارجی واحیاناً غیر مجاز کشیده خواهند شد. پس پیش بسوی تحقق این آرمان مقدس وتبلیغ وترویج والقاء حس خودباوری وتوانمندی در نسل جوان ونوجوان وبا امید به آرزوی روزی که هنر وسینمایی بالنده ومطرح درسطح جهانی داشته باشیم. ان

شاءا...

۱–چرا اگر داشتن مرجع تقلید برای افراد ضروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا وسیما اهمیت آن را تبلیغ نمیکند ؟

اشاره

۲- اگر یک مسلمانی مرجع تقلید نداشته باشد چه حکمی دارد ؟

پرسش

۱–چرا اگر داشتن مرجع تقلید برای افراد ضروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا وسیما اهمیت آن را تبلیغ نمیکند ؟

۲- اگر یک مسلمانی مرجع تقلید نداشته باشد چه حکمی دارد ؟

پاسخ

بایـد قصور از نـاحیه متولیان فرهنگی را در زمینه مـذکور پـذیرفت ولی این به معنای آن نیست که کاری در این زمینه صورت نگرفته از باب مثال شـبکه معرف پاسخگوی بسیاری از مسائل اعتقادی و همچنین احکام است و در طول شبانه روز پاسخگوی شبهات و سؤالات وارده در زمینه مذکور است و در شـبکه های دیگر هم به مناسبت شخصیتها ی علمی و غیر علمی به این امر مهم اشاره داشتند و می کنند . مسأله تقلید یک مسأله عقلی است و هر عقل سلیمی تقلید از مجتهد را لازم میداند چون مجتهد همـان کارشـناس مسائـل فقهی و احکـام دین است که پس از سالهـا تلاـش بی وقفه و از دست دادن سـرمایه عمر به این مقـام ارجمند نائل و در مسائل فقهی و دین صاحب نظر است عقل هر کس حکم می کند که در هر امری از امور زندگی چه مسائل شخصـی انسان و چه مسائل اجتماعی و چه مسائل مادی و یا مسائل جسـمی و روحی به صاحب نظر در آن امر مراجعه شود . و به حکم اینکه مـا مسـلمانیم و بـدون شـک در دین مقـدس اسـلام احکـام و آداب خاصـی متوجه مکلفین وکسـانی که به بلوغ شرعی رسـیدند هست و از طرفی این احکـام و تکـالیف د راختیار همه نیست و لوازم و ابزار اسـتفاده از آن برای همگان میسـر نیست لذا باید از کسانی که این

لوازم و ابزار را در اختیار دارند و در این زمینه کار لازم انجام دادند پیروی کرد تقلید همان پیروی از متخصص است و این ضروری عقل است . ایا تا به حال اتفاق افتاده که ما برای ناراحتیهای جسمی و روحیمان به یک بقال و یا حتی یک مهندس الکترونیک مراجعه کنیم که در این صورت مضحکه عقل و مردم شویم و یااگر برای ناراحتی جسمی به پزشک حاذق مراجعه کردیم و بر طبق تشخیص خودش نسخه ای پیچید آیا سؤال می کنیم که فلان دارو را نوشتی یا فلان دارو را ننوشتی چون ما اطلاعات در زمینه پزشکی نداریم و در این امر تسلیم محض پزشک می شویم و اگر بخواهیم بهبودی کامل جسمی حاصل شود موبه مو نسخه اش را عمل می کنیم ما در مسائل هم یقین داریم که فلان نسخه را عمل نکنیم از نظر روحی مریض می شویم و عذاب اخروی هم داریم و یقین داریم ذمه ما به تکالیفی مشغول اما اینکه این تکالیف به چه مقدار و به چه نحو است علم نداریم و می دانیم احکام دینی فوق العاده گسترده است و فروع و جزئیات فراوانی دارد که هر کس که مجتهد نیست می فهمد که قادر به فهم تمام آنها نیست لذا باید یقین پیدا کنیم که به وظیفه خود دررابطه با احکام الهی و حلال و حرام خداوند عمل کردیم و برای رسیدگی به اینچنین یقین هیچ راهی جز پیروی از کارشناسی فقیهی نیست و این همان تقلید است پس بنارااین عقل حکم می کند اگر اعمالی را که انسان انجام داده و می

دهـد مطابق با فتوی مجتهدی که وظیفه انسان تقلید از اوست باشد اعمال انسان درست است و گرنه باطل است و دراین جهت مقصر است .

۱– نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟

پرسش

۱– نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟

پاسخ

ج ۱– نظر بنـده نسبت بـه ایـن فیلـم مثبـت نیست. به این دلیـل که برداشت افراد از آن متفـاوت است برخی مغرضـانه و بـدون شناخت , فیلم را بررسی می کنند کما اینکه بعد از اکران فیلم « به نمایش گذاشتن » شاهد هتک حرمت و ناهنجاریهایی نسبت به روحانیت از طرف این افراد بودیم و عـده ای ساده لوحانه متأثر از القائات صورت گرفته در فیلم و جو حاکم برآن و با توجه به اسم منفی فیلم و القاء این اسم که نوعی توهین به مقام روحانیت محسوب می شود . ممکن است در اعتقادشان سستی ایجاد شود , بنـابراین هتـک حرمت به لباس روحانیت در هر شـکل اقـدامی ضـد تبلیغی محسوب میشود, در حالی که نفس پوشـیدن لباس روحانیت برای طلبه علوم دینی نوعی تبلیغ دین است .

منابع :

۱–فرهنگ عمید

۲–صحیفه نور , ج ۴ , ص ۱۸۰

۳–صحیفه نور , ج ۱۶ , ص ۲۱۱

نظر شما درباره ء انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد, چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟

پرسش

نظر شما درباره ء انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد, چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟

پاسخ

مسلما" کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد, اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تائثیرگـذار آن بر افکـار عمومی , عقایـد و نگرش هـای جـامعه و وظایف سـنگینی که این رسانه ملی خصوصا" بعـد از انقلاـب در جهت گسترش و تثبیت ارزش هـای اسـلامی و الهی در جـامعه و زدودن فرهنـگ فاسـد پهلوی و مقـابله بـا تهـاجم

فرهنگی بر عهده دارد, رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن , آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان گفت که بخشی از اینها مربوط به صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می باشد. اما در مورد اول باید گفت که هم در زمان امام که این رسانه ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه اداره می شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می باشد و شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند, خود این بزرگواران انتقادات زیادی به برخی از برنامه های این رسانه داشته , تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی ان داده اند ولی به جهت

عواملی متعدد که در جای خود قابل بررسی می باشد, هنوز مشکلات فراوانی وجود دارد که برای رفع آنها انجام اقدامات ذیل مطلوب می نمایـد: ۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه ها در صـدا و سیما و اسـتفاده از هنرمنـدان متعهـد و انقلابی . ۲- کنارگذاشـتن افراد منحرف و غیرقابل اصـلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسـته به درون صـدا و سـیما. ۳- نظـارت همه جـانبه بر پخش رادیو و تلویزیون بـا اسـتفاده از متخصصـین و کارشـناسان متعهـد و نظـارت دقیق بر فیلم سـازان و محتوای فیلم هـا. ۴- برخورد بـا مسوئولاـن پخش مطـالب توهین آمیز یا منافی ارزش های اسـلامی . ۵- صدا و سـیما به عنوان دانشـگاه عمومی و مرکز ترویـج ارزش هـای اسـلامی بایـد از تقلیـد برنامه های خارجی بـدون مطابقت با آیین اسـلام و بسـط فرهنـگ تجمـل گرایی و... در تهیه برنـامه هـای خـود, دست برداشـته و زمینه هـدایت جـامعه را فراهم آورد. حـال بـا توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بیننـدگان و مخاطبان نیز بایـد یکسـری نکات را مـد نظر داشـته و رعایت نمایند: اولا": هر چند برخی از فیلم ها یا سـریال های خـارجی که از صـدا و سـیما پخش می شـود از نظر شـرعی نتـوان مشـکل فی نفسه ای برای آنهـا نـام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمای

جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی شود. ثانیا": وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص ها و مهارت های گوناگون , مضاعف می نماید زیرا پاره ای از عوامل این نارسائی ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی گردد. ثالثا": با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن آوری پیشرفته به حدی که در آینده ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت , مطمئن ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه , تقویت ایمان و تقوای الهی (کنترل درونی) می باشد که البته این موضوع به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه های صدا و سیما نمی باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می باشد.

آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات،منافاتی با آیه ۱۹ سوره ((نور))ندارد؟

پرسش

آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات،منافاتی با آیه ۱۹ سوره ((نور))ندارد؟

پاسخ

توجه به نکات زیر می تواند در زدودن ابهامات موجود، راهگشا باشد:

۱. اهمیت مطبوعات: نقش مطبوعات به طور عام و روزنامه به طور خاص در زندگی سیاسی و تنویر افکار عمومی بسیار مهم است: چرا که اصولاً، روزنامه، بازتاب مزاج عمومی و رواج آگاهی بین مردم است. برای نشان دادن اهمیت سیاسی مطبوعات بود که بر آن «رکن چهارم» [دموکراسی] نهادند.

به طور کلی، روزنامه منبعی است که مردم به وسیله آن واقعیت ها را در می یابند و در جریان رخدادهای جاری کشور و جهان قرار می گیرند. همچنین روزنامه ها حکومت را قادر می کنند تماس با مردم را حفظ کرده و با انعکاس نظرات شهروندان، انتقادها و پیشنهادهایی برای بهبود امور ارائه دهند.

البته مطبوعات و به ویژه روزنامه ها، نه تنها شکایت های عمومی را از صافی می گذرانند بلکه می کوشند احساسات و نظریات مردم را آن طور که می فهمند، منعکس کنند. با در نظر گرفتن نقش مهم آنها در شکل گیری افکار عمومی، لازم است مراقبت بشود تا این رسانه جمعی (ارتباط و تبلیغاتی) را اشخاص سودجو و صاحبان قدرت (سیاسی، اقتصادی و...) به انحصار خویش در نیاورند.

به طور کلی، این نظر موافق نیز وجود دارد که مطبوعات آزاد و بی طرف برای موفقیت حکومت های مردمی ضروری است، مهم آنست که خبرها باید به درستی ارائه شود تا شهروندان را به ارزیابی و قضاوتی سالم، توانا کند، اما متأسفانه در عمل برای رسیدن به این هدف مطلوب، راه کار مشخصی ارائه نشده است زیرا بسیار به منافع آگهی دهندگان وابسته اند. ۲. انتقاد نه انتقام: همانطور که اشاره

شد، مطبوعات و روزنامه های مفید و سازنده، آن دسته از مطبوعات هستند که همواره در صدد اطلاع رسانی شفّاف به مردم و نردبان ترقّی ضعیفترین شهروندان و منعکس کننده دیدگاه های اصولی مردم بوده و در نقد و بررسی عملکرد صاحبان قدرت بدون تمایلات گروهی و حزبی، از هیچ کوششی دریغ نورزند.

اما اگر بخواهیم با نگاه آسیب شناسانه به مطبوعات و روزنامه ها نگاه کنیم، خواهیم دید که برخی از آنان با شیوه انعکاس خبرها و با تحریفی که در آنها ایجاد می کنند و نیز با بحث درباره رخدادها و سیاست های گروه های مختلف سیاسی، در تلاش برای نفوذ گذاری بر افکار عمومی (نه به نفع عموم بلکه در جهت منافع حزبی و گروهی) هستند. چنین فرایندی، ممکن است در اشکال مختلف از جمله در شکل شایعه سازی و جنگ روانی آزار دهنده و با انگیزه انتقام جویی، تصفیه حساب های شخصی، تخریب اعتماد عمومی، لکه دار ساختن پرستیز و شخصیّت افراد بزرگ (حقیقی و حقوقی) و منحرف ساختن افکار عمومی از مسایل اساسی تحقّق یابد که با عدم کنترل دقیق آن، ممکن است به متزلزل شدن یا از بین رفتن

امنیت و وفاق ملّی بیانجامد. البته چنین روندی در همه حکومت ها، حرکتی نابهنجار به شمار می آید و در بعضی شرایط حتی موجب برخورد با آنان می شود. ۳. عدم تفاوت بین گفتار، نوشتار و...: باید به این نکته توجه کرد که سخنرانی، مطبوعات، کتاب و رسانه های نویسا و نیز فیلم، تئاتر اینترنت و... همه مصادیقی از بیان هستند. چه اینکه انسان می تواند افکار خویش را هم به وسیله زبان و گفتار مطرح کند، و هم به وسیله نوشتن و علائم و حرکات.

بنابراین، اگر کسی حق ندارد با زبان خود به دیگری ناسزا گوید یا تهمت بزند، با قلم، عکس، فیلم و... هم حق ندارد چنین اعمالی را انجام دهد.

بر این اساس، نوشتار با گفتار از جهت احکام و قانون فرقی ندارد و هر چه گفتنش در شرع و قانون ممنوع و حرام است نوشتنش نیز چنین است، و هر چه گفتنش لازم و واجب است مثل موارد امر به معروف و نهی از منکر نوشتنش نیز چنان است. اما در کشور ما مثل بسیاری از کشورهای آزاد جهان، برای مطبوعات و روزنامه ها قوانین ویژه ای قرار دادند به طوری که متخلفین مطبوعاتی در دادگاه مطبوعات و با حضور هیئت منصفه و با تسهیلات ویژه ای محاکمه می شوند. همه این تسهیلات، به

خاطر این است که قانون، مطبوعات را در مسیر منافع و مصالح عمومی ارزیابی کرده و از آن حمایت می کند. بنابراین ارباب جراید و مطبوعات نیز باید نگهبانان خوبی برای منافع و مصالح و دیدگاه های مردم باشند. با توجه به مباحث یاد شده، نتیجه می گیریم که، نوشتن و گفتن فسادهای موجود در کشور و سانسور یا کوچک و بزرگ کردن مطالب مورد نظر خود و نقد و بررسی مشکلات کشور در سخنرانی ها، رسانه های عمومی و به ویژه در رسانه های نوشتاری با قصد اشاعه فساد، فحشاء و منکر و تضعیف نظام اسلامی و متزلزل کردن اعتقادات مردم و از بین بردن امنیت، وحدت و وفاق ملّی، چه بسا از مصادیق بارز آیه شریفه A{ان الذین یحبّون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم}A، به شمار آید و از مصادیق گناهان کبیره است. نکته قابل توجه،

این است که اسلام برای جامعه با ایمان، امنیت های چهارگانه را به رسمیت شناخته است:

۱. امنیت جانی،۲. امنیت مالی، ۳. امنیت حیثیتی و آبرویی، ۴. امنیت شخصیت انسان در فکر و ذهن دیگران (نهی از سوء ظن به دیگران).

پیامبر اکرم(ص) در یکی از سخنان خود اینچنین به امنیت های چهارگانه، اشاره فرموده است: H{انّ الله حرّم علی المسلم دمه و اله و عرضه و ان یظنّ به سوء الظّنH{}Mخداوند، تجاوز به خون، مال و آبروی مسلمانان را حرام نموده و هرگز اجازه نداده است که کسی به یک فرد مسلمان بدگمان شود و حتی در ذهن و فکر خود، به او نسبت ناروا بدهد}M ولی طرح این مسایل به منظور آسیب شناسی وضعیت موجود و درمان آن و طرّاحی وضعیت مطلوب و آرمانی و آناتومی و کالبد شکافی مفاسد اجتماعی به منظور دست یابی به صراط مستقیم و رشد و توسعه کشور و بهبود وضعیت شهروندان با استفاده از روش های معقول و مناسب، منافاتی با آیه ندارد، زیرا این آیه می فرماید، کسانی که دوست دارند فحشاء و منکرات در میان مؤمنان گسترش یابد از عذاب دردناک برخوردار خواهند شد در حالی که انتقاد کننده منطقی، نه تنها دوست ندارد که فحشاء و منکرات در میان مؤمنان و جامعه اسلامی، گسترش یابد بلکه سعی می کند که با انتقاد از آن و نشان دادن گونه های فساد و فحشاء و ارائه راه حل آن، از اشاعه آن جلوگیری می کند. به همین جهت در عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر می خوانیم: «نزدیکترین افراد به تو باید کسانی باشند که با استفاده از اصول و روش های صحیح، کاستی های وضعیت موجود را بهتر

نقد می نمایند

آیا با توجه به وجود برخی فیلم های مساله دار ،سینمای ایران نجیب ترین سینماست؟

پرسش

آیا با توجه به وجود برخی فیلم های مساله دار ،سینمای ایران نجیب ترین سینماست؟

پاسخ

در پاسخ شما باید عرض کنیم که به مسائل از دو جهت می توان نگریست. یک بار ما مسائل را با توجه به اعتقادات، باورها، ارزش ها و هنجارهای خود به عنوان یک جامعه اسلامی که دارای نظامی اسلامی است مد نظر قرار می دهیم. اما گاهی به مسائل با نگاهی فراتر می نگریم این نگاه فراملّی ممکن است منطقه ای، قاره ای و یا جهانی باشد.

در نگاه اول که نگاه ملی است، آنچه برای ما به عنوان ساکنان ایران زمین که اکثریت آن را مسلمان تشکیل می دهد به عنوان معیار و ملاک مطرح می باشد نقطه ایده آل و آرمانی است که براساس الگوهای دینی انتظار داریم. مقایسه مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور اگر همواره غالبا ما را به این نتیجه رهنمون خواهد ساخت که با نقطه ایده آل فاصله بسیاری داریم. این فاصله به دلیل بستر متغیر مسائل اجتماعی و انسانی همیشه در حال نوسان است. از این دیدگاه آنچه اهمیت دارد این است که برنامه ها، اجرا و نظارت آنها ما را به آن الگوی ایده آل نزدیک تر سازد. مسلما از این دیدگاه سینمای ما از وضع رضایت بخشی برخوردار نیست. این فاصله آرمانی فقط منحصر به سینما نیست؛ خیابان، بازار، منزل، اداره، مدرسه، دانشگاه و حتی مساجد ما با آن نقطه ایده آل فاصله دارد. پس آنچه ضروری به نظر

می رسد این است که ما در مسیر اصلاح امور برای دست یابی به الگوی آرمانی باشیم.

در دیدگاه دوم یعنی از منظر فراملّی، ما قطع نظر از الگوی آرمانی خویش خود را با سایرین قیاس می کنیم. البته شاید چنین به نظر

رسد که به دلیل تفاوت الگوهای آرمانی در سطح ملی، این قیاس نابجا است. اما اگر ما یک حداقلی را در نظر بگیریم که بشر امروز در کل جهان بر سر آن توافق دارد و یا لااقل اکثریت مردم جهان بدان معتقدند، ما می توانیم به یک الگوی آرمانی جهانی دست یابیم. در مورد سینما باید عرض کنیم که رعایت مسائل اخلاقی و عفت عمومی اگر مورد اجماع جامعه جهانی نباشد، دست کم اکثریت آن را لازم می دانند. در این صورت ادعای آقای خاتمی مبنی بر این که سینمای ایران نجیب ترین سینما در جهان است چندان گزاف به نظر نمی آید. البته در یک نگاه کلی به محصولات سینمای ایران وگرنه با نگاه جزئی فرضا به فیلمی خاص مانند «کاغذ بی خط» (البته این فیلم را ما ملاحظه نکرده ایم) از نظر شما، این ادعا چه بسا بی پایه و اساس باشد.

در پایان مجددا تکرار می کنیم که آنچه به عنوان وظیفه ای اسلامی و ملی بر عهده همه مسؤولین و آحاد شهروندان ما سنگینی می کند این است که با امید به آینده در مسیر اصلاح خویش و جامعه در زمینه های مختلف حرکت کنیم تا فاصله خود را با نقطه آرمانی نزدیک تر سازیم. همان گونه که قرآن از زبان حضرت شعیب(ع) نقل می کند و اباعبداللّه الحسین(ع) در وصیت نامه خویش تکرار کردند H{ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیبH{}Mمن قصدی جز اصلاح جامعه تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به یاری خدا نیست. بر او توکل کرده ام و به سوی او باز می گردم}M.

چرا صدا و سیما به خاطر یک عدهء معدود, فیلم های زشت و زننده پخش می کند و در نتیجه عده ای جوان خراب می شوند و تصمیم به گناه می گیرند؟

پرسش

چرا صدا و سیما به خاطر یک عدهء معدود, فیلم های

زشت و زننده پخش می کند و در نتیجه عده ای جوان خراب می شوند و تصمیم به گناه می گیرند؟

پاسخ

در مورد پخش فیلم های غیر مفید و گاه زیان بخش , تذکر داده شده و اعتراض شما وارد است .امیدواریم هنرمندان ایرانی بتوانند فیلم های خود را جایگزین فیلم های خارجی و بدون فایده و گاه منحرف ,کنند تا نسل جوان در اوقات فراغت , سرگرمی داشته باشد و از برنامه های خارجی بی نیاز گردد.

از آن جا که ریاست صدا و سیما از سوی رهبر معظم انقلاب تعیین می شود, شما می توانید شکواییه ای به دفتر مقام رهبری در تهران بنویسید.

مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با این کار زشتشان زندگی عده ای را تباه می کنند؟

پرسش

مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با این کار زشتشان زندگی عده ای را تباه می کنند؟

پاسخ

برخی فیلم ها که در تلویزیون پخش می شود, معمولاً مبالغه آمیز است و هر وقت بخواهند به زن بها دهند, معمولاً زیاده روی می کنند و از آن طرف وقتی می خواهند از زنان عیب بگیرند, مبالغه و زیاده روی می کنند, به طوری که زنان خیلی ناراحت می شوند و اعتراض می کنند. متأسفانه وقتی تلویزیون می خواهد به زن اعتبار و شخصیت بدهد, برتری مطلق او را نشان می دهد. این کنش به خاطر اشکال عمومی است که دربرنامه های تلویزیون وجود دارد, که زیاده روی در نشان دادن خوبی ها و بدی ها و مشکلات است , در حالی که نباید افراط و تفریط کرد, بلکه باید همواره در گفتار و کردار و نمایش فیلم ها و برنامه های آموزشی , میانه روی وعدالت را به کار گیریم . در این صورت است که اثر بهتری در مردم خواهد داشت . امیدواریم این موضوع که خواست عمومی است , عملی گردد.

اگر انتقاد از صدا و سیما را به دفتر مقام معظم رهبری بنویسید, کارساز خواهد بود.

چرا می گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم ها با وضع نامناسبی درمجلات و روزنامه ها ظاهر می شوند؟ این ها اصلاً با هم هم خوانی ندارد. البته من تحت تأثیر قرار نمی گیرم , بلکه برعکس عمل می کنم .

پرسش

چرا می گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم ها با وضع نامناسبی درمجلات و روزنامه ها ظاهر می شوند؟ این ها اصلاً با هم هم خوانی ندارد. البته من تحت تأثیر قرار نمی گیرم , بلکه برعکس عمل می کنم .

پاسخ

رعایت حجاب و حفظ شئون انسانی و اسلامی شما را می ستاییم . شخصیت مستقل و کامل شما رامی ستاییم که تحت تأثیر تصاویر تبلیغاتی قرار نمی گیرد و می دانید در پشت این گونه تصاویر و تبلیغات چیست . ماهم قبول داریم که برخلاف گفته ها و توصیه هایی که مسئولان نظام دارند, دست اندرکاران مطبوعات و تلویزیون ودیگر رسانه ها از زن و از تصویرهای فریبنده استفاده های نامشروع می کنند و با این کار خود نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال می برند. همان طور که گفته اید اینها اصلاً هم خوانی ندارد و باعث بدبینی افراد مذهبی و سالم می شود وبرایشان سؤال پیش می آید که چرا برخلاف گفته ها عمل می شود و هیچ کس جلوی آن را نمی گیرد. به هر حال جای خوشوقتی است که برخی افراد آگاه همانند شما تحت تأثیر قرار نمی گیرند, بکله روز به روز با دیدن این صحنه های ضد فرهنگی , رفتار و کردار خویش را با ارزش های معنوی بیشتر وفق می دهند. خداوند شما را در این راه پایداربدارد.

نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟

پرسش

نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟

پاسخ

اسلام با پدیده های صنعتی و تکنولوژیکی مخالفتی ندارد، زیرا این وسائل می تواند بر سطح معلومات بشر بیافزاید و زندگی راحتی را برایشان فراهم کند و مشکلات زندگی را کمتر کند. آن چه که اسلام با آن مخالفت می کند، استفاده ناصحیح از این وسائل است. اسلام با فساد اخلاق مخالف است. هم چنین با مزاحمت دیگران مخالف می باشد. اگر این وسائل پیشرفته و مدرن، باعث از بین رفتن روحیه تقوا و خارج کردن انسان از مسیر عبودیت که همان صراط مستقیم است باشد، استفاده از آن ها جیاز نیست. قرآن از قول حضرت عیسی نقل می کند: "ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم".(۱)

باید راه و رسم عبودیت، خط اصلی هر انسانی باشد و هر چه که انسان را از این خط منحرف می کند، باید از آن دوری کرد.

پی نوشت ها:

۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۹، ص ۳۰۰.

آیا پخش فیلمی مانند "مدیر کل" به جز فساد و رواج بی حجابی ره آورد دیگری دارد؟

پرسش

آیا پخش فیلمی مانند "مدیر کل" به جز فساد و رواج بی حجابی ره آورد دیگری دارد؟

پاسخ

فیلم مذکور که ساخته کشور سوری است و از سیما پخش شود، مانند فیلم های دیگر از نقاط ضعف و قوّت برخوردار است. نقطه ضعف آن عدم پوشش اسلامی بانوان و آرایش غلیظ خانم ها است که در نامه ذکر شده، ولی قطعاً نقطه قوّتی نیز داشته است، مانند نشان دادن گوشه ای از فساد نظام اداری، حاکمیت روابط به جای ضوابط و یا پارتی بازی در اداره ها و توجه به قاطعیت در مدیریت، معرفی مدیر موفق و غیره. به نظر می رسد اگر تنها به نقاط ضعف آن بپردازیم و نقاط قوّت را نادیده بگیریم، از انصاف دور شده ایم. البته ما نیز معتقدیم در صورت امکان باید از فیلم هایی استفاده کرد که بدآموزی نداشته باشد.

[۷] استفتائات، ج ۲، ص ۱۸.

آیا این همه تبلیغات که در رسانه های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می شود، توجیه شرعی دارد؟

پرسش

آیا این همه تبلیغات که در رسانه های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می شود، توجیه شرعی دارد؟

پاسخ

رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلات، رسانه های عمومی هستند. طبیعی است در چنین رسانه هایی علاوه بر بیان اخبار، گزارش های مختلف از دست آوردهای علمی فرهنگی، نیز تبلیغ کالاهای مصرفی برای جلب نظر مشتری شود.

بدیهی است آن چه غیر لازم و حتی خلاف به نظر می رسد، افراط در تبلیغ بعضی کالاها است که با توجه به شرایط سخت اقتصادی در جامعه امروز چنین کاری اگر خلاف شرعی نباشد، یک کار غیر اخلاقی و سودجویانه است و هیچ عقل سلیمی آن را نمی پذیرد، مثلاً در تلویزیون از کالایی لوکس تبلیغ شود که نوع مردم از خرید آن عاجز باشد، یا از مواد خوراکی تبلیغ شود که ارزش غذایی نداشته و حتی برای سلامتی مضر باشد، مثل تبلیغ از پفک و چیپس و تنقلات خاص.

اگر مراد از تبلیغات، تبلیغات دینی و مذهبی است، باید عرض کنیم که نسبت به تبلیغات دیگر، این مقدار تبلیغات دینی زیاد نیست و فایده تبلیغات دینی و تاثیر آنها در روح و روان و زندگی فردی اجتماعی بر کسی مخفی نیست. اگر افراد جامعه دیندار باشند، بسیاری از اشکالات و تنش های اجتماعی و سیاسی حل می شود.

آیاپخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟

پرسش

آیاپخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟

پاسخ

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کارشناسان ومتخصصانی وجود دارند که به نقد و بررسی فیلم ها و سریال ها می پردازند، و بر برنامه های کلان صدا و سیما نظارت می کنند. این نظارت بدان جهت است که از سیمای جمهوری اسلامی ایران فیلم ها و سریال هایی که بد آموزی و بار منفی دارند، پخش نشود، از این رو خیلی از فیلم ها و سریال هایی که در خارج از کشور از تلویزیون ها پخش می شود، از سیمای ایران پخش نمی شود، حتی برخی از سریال های خارجی که بر اساس معیارهای اسلامی گزینش می شود، نخست نقد و بررسی می شود و بخشی از قسمت های آن ها که بد آموزی زیادی دارند، حذف می شوند.

اگر سریال های مدیر کل، آقای دغل و سواران باد، بد آموزی های زیاد داشتند و همسو با فرهنگ غرب بودند، از سیمای جمهوری اسلامی پخش نمی شوند این گونه سریال ها به رغم آن که برخی از آثار منفی و بد آموزی هایی مانند حضور زنان بی حجاب، نوعی لباس ها و آرایش هایی که استفاده شده است و... دارند ولی آثار مثبت مهم نیز دارند که این آثار مهم موجب شده است برخی از آثار منفی آنها نادیده گرفته شده و از پخش آن ها جلوگیری نشود، مثلاً ـ در سریال "مدیر کل"نحوه نظارت یک مسئول بر فعالیت کارمندان یک اداره و یا وزارت خانه و چگونه رفتار کارمندان با ارباب رجوع و جلوگیری از سوء استفاده مالی و... به نمایش گذاشته شده است. آثار مثبت این گونه سریال ها به مراتب بیشتر از بار منفی آن ها است. همسویی این سریال ها با فرهنگ غرب در حدی

نبوده است که از پخش آن ها جلوگیری شود از سوی دیگر برداشت انسان ها از سریال ها متفاوت است اگر چه پخش این سریال ها بعضاً آثار منفی دارد، اما کشانده شدن جوانان به فیلم های خیلی بدتر نیز مورد لحاظ قرار می گیرند، یعنی برای دفع افسد به فاسد، آن ها را نمایش می دهند.

بنابر این اگر کسی می داند که سریال های مذکور بار منفی دارند و فرهنگ غرب را تداعی می کنند و دارای آثار منفی هستند و یا آثار منفی آن ها بیشتر از نکات مثبت آن ها است می تواند این گونه سریال ها را نگاه نکنند.

برنامه های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟

پرسش

برنامه های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟

پاسخ

برنامه هایی که از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می شود، به طور کلی، با صرف نظر از موارد آن از نظر شرعی به عنوان این که از رسانه نظام مقدس جمهوری اسلامی پخش می شود، اشکالی ندارد.

تلویزیون برنامه های مختلفی پخش می کند که بعضی از آنها دارای محتوای اسلامی و بدون اشکال است، مثل برنامه های قرآنی و اذان و اخلاقیات و سخترانی های مذهبی که اشخاص شناخته شده مورد اعتماد ایراد می نمایند.

برنامه هایی که در چارچوب تعالیم اسلامی موجب تقویت وجدان دینی و معرفت و آگاهی افراد به جریان های سیاسی و دام های شیطانی و انحرافی دشمنان اسلام باشد، هم چنین سبب شناخت بیشتر انسان نسبت به دین و زندگی سالم و آزاد و ترقی دنیا و آخرت گردد، نیز استقلال اسلامی و ایستادگی در برابر کفار و مستکبران را تقویت نماید، خوب است.

اما در مورد برنامه های دیگر مانند فیلم، جواب نسبت به افراد، مختلف است. اصل دیدن فیلم ها و بازیگران زن و مرد اشکال ندارد. اما اگر برای کسی بدآموزی داشته باشد و یا برای جوانی موجب تحریک شهوت شود، اشکال دارد و باید از دیدن آن اجتناب کند. ملاک و معیار در این که فیلمی شرعاً مجاز باشد، این است که در نظر مکلّف موجب فشاد و گناه نباشد. در این جا نظر شخصی فرد برای خودش باید مورد پیروی قرار گیرد و ملاک نوعی یا همگانی نمی باشد، (۱) یعنی بیننده باید از نگاه کردن به فیلم و عکسی که باعث تهییج شهوت باشد، خودداری کند، اگر چه دیگران به این فیلم نگاه بکنند، برایشان شهوت انگیز نباشد

پی نوشت ها:

۱ – اجوبهالاستفتاءات،

ص ۲۶۴، س ۱۲۰۷.

آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخنرانی مبلغ هنگفتی پول دریافت می کند؟

پرسش

آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخنرانی مبلغ هنگفتی پول دریافت می کند؟

پاسخ

۱) به نظر می رسد مؤسسه سروش، وابسته به سازمان صدا و سیما کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را داشته باشد. بیشتر سخنرانی های ایشان از تلویزیون و رادیو پخش می شود. معمولاً ـ صدا و سیما سخنرانی ها و برنامه هایی را که از آن مرکز پخش می شود به صورت کاست، CD و نوار ویدئویی در اختیار متقاضیان قرار می دهد.

۲) این واحد در جریان گرفتن مقدار پول توسط آقای قمشه ای نیست. اصولاً وظیفه و رسالت این واحد پاسخگویی به این گونه مسایل نیست. بهتر است فکرتان را به این مسایل مشغول نکرده و به مسایل مهم تری بپردازید.

کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چگونه با دفتر مراجع ارتباط داشته باشیم؟

پرسش

کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چگونه با دفتر مراجع ارتباط داشته باشیم؟

پاسخ

مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات یکی از واحدهای مختلف مربوط به بخش تحقیقات می باشد. دفتر تبلیغات اسلامی از سه بخش: آموزش، تبلیغات و تحقیقات تشکیل شده است.

در این واحد به سؤالات دریافت شده در موضوعات مختلف اعتقادی، تاریخی، مشاوره، احکام و ... از سراسر کشور به صورت کتبی و تلفنی پاسخ داده می شود.

چند برگ از اطلاعیه ضمیمه شده است.

مراکز دیگری نیز در قم در امر پاسخگویی فعال هستند که مراکز زیر از آن جمله اند:

۱ قم، چهار راه بیمارستان، مؤسسه در راه حق، پاسخ به سؤالات، صندوق پستی ۱۳۷ ۳۷۱۸۵.

۲ قم، صندوق پستی ۴۴۶۶ ۳۷۱۸۵، تلفن ۷۷۴۵۸۳۰، پاسخ به سؤالات مرکز حوزه علمیه قم.

به همراه پاسخ های ارسالی، چند جزوه فرستاده می شود.

می توانید برای جلب حمایت فرهنگی برای فعالیت کانون به دفتر سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان و یا دفتر امام جمعه مراجعه نمایید تا کمک های لازم برای فعالیت فرهنگی و ادامه کار را دریافت کنید.

در مورد دریافت رساله های نیز به سازمان تبلیغات مراجعه نمایید و یا از دفتر مراجع در شهرستان خود دریافت کنید.

برای مکاتبه با دفتر مراجع در قم می توانید نامه خود را به دفتر مراجع مورد نظر ارسال نمایید، مثلاً بنویسید: قم، دفتر آیت الله فاضل لنکرانی یا دفتر رهبری. زندگی نامه مراجع نیز مربوط به دفتر مراجع می شود.

امیدواریم ارتباط خود را با این مرکز استمرار بخشید. یکی از

فعالیت هایی که می توانید انجام دهید برقراری ارتباط با افراد غیر عضو کانون و معرفی افراد و همکاران گرامی تان و افراد دیگر برای ایجاد ارتباط و پرسش به طور مستقیم از این مرکز و دریافت پاسخ می باشد.

در مکاتبات بعدی، سؤالات اساسی خود را در مورد اعتقادات طرح نماید تا پاسخ داده یا جزوات لازم ارسال شود.

تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟

پرسش

تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟

پاسخ

تبلیغ به معنای رساندن و شناساندن یک پیام، آگاه ساختن مردم، معتقد کردن، متمایل نمودن و جلب کردن نظرهای آنها به یک پیام است. شرایط موفقیت یک پیام چهار چیز است که اگر در یک جا جمع بشود موفقیت آن پیام قطعی است چهار شرط لازم عبارت است از ۱ ماهیت پیام (حقانیت و غنی بودن محتوای آن) ۲ شخصیّت خاص پیام رسان ۳ ابزار پیامرسان ۴ کیفیت و متد و اسلوب رساندن پیام.

نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

پرسش

نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

پاسخ

فیلم مارمولک با توجه به تنش های اجتماعی که به وجود آورد و باعث ایجاد جنجال و بر خورد گردید در حال حاضر به سالنهای سینما به نمایش گذاشته نمی شود و خود دست اندرکارا ن تولید و پخش فیلم مذکور در حال حاضر به این نتیجه

رسیده اند که از نمایش آن خوداری نمایند لذا نمایش آن در سطح کشور متوقف شده است.

در مورد فیلم های نامناسب، مقام معظم رهبری (آقای خامنه ای) می فرمایند : "هر گونه فیلمی که در ساخت آن ضوابط شرعی اهمال (سستی) شود و یا مفاسدی بر آن مترتب باشد اشکال دارد بلکه ساختن، نمایش و تماشای آن جایز نیست."(۱)

سایر مراجع نیز عقیده دارند در این گونه موارد از خرید آنها اجتناب کنید تا هم خود شما آلوده نشوید و هم آن موارد (فیلم یا نشریات منحرف) تقویت نشوند(۲)

حال شما دوست عزیز ببینید که نگاه کردن به این فیلم برایتان ضرورت و پیام مثبت دارد یا نه؟ پس اگر تماشای آن برایتان می تواند بازدهی مثبت داشته باشد بهتر است که آن را امانت گرفته و تماشا کنید و اگر تماشای آن تضعیف روحانیت می باشد (نه تضعیف روحانی نماها) بهتر است که از تماشای آن خودداری کرده و به این طریق آقا امام زمان(را خوشحال سازید. البته در فتوای مراجع عظام این نکته نیز قابل توجه است که اموری که در دولت جمهوری اسلامی از نظر قانون منع شده است از نظر شرع نیز ممنوع می باشند.

تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل

و پویایی کارماست.

منابع و مآخذ :

۱. رساله آموزشی، مسایل جدید ازدیدگاه علماء و مراجع تقلید، نوشته و گردآوری سید محسن محمودی،ص۹۱ (و نشریه نصیحت، شماره۵۶)

۲. همان، ص۳۹

برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟

پرسش

برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟

پاسخ

فیلم مارمولک با توجه به تنش های اجتماعی که به وجود آورد و باعث ایجاد جنجال و بر خورد گردید در حال حاضر به سالنهای سینما به نمایش گذاشته نمی شود و خود دست اندرکارا ن تولید و پخش فیلم مذکور در حال حاضر به این نتیجه رسیده اند که از نمایش آن خودداری نمایند لذا نمایش آن در سطح کشور متوقف شده است.

لطفاً در مورد فیلم "خانه ای بر روی آب که می گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟

پرسش

لطفاً در مورد فیلم "خانه ای بر روی آب که می گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟

پاسخ

فیلم "خانه ای بر روی آب به کارگردانی بهمن فرمان آرا که سالیان درازی در خارج از کشور به سر می برده ساخته شده است

قهرمانان داستان فیلم دو نفرند: یکی مردی (رضا کیانیان به عنوان پزشک متخصص زنان و زایمان که فردی عیاش مشروب خوار، ثروتمند و...است و همسرش را چندین سال است که طلاق داده و تنها پسرش در خارج از کشور می باشد. دیگری پسر نه ساله ای که حافظ کل قرآن است

آشنایی این دو به آن جا بر می گردد که حافظ قرآن بر اثر بیماری و کُما به بیمارستان برده می شود و به علت نبود جا در

بخش زنان بستری می شود.

در این فیلم صحنه ها و گفتگوهایی وجود دارد که حاکی از آن است که پدر حافظ قرآن توجهی به بهبودی فرزندش ندارد و تنها به برج سازی مشغول است اما در عوض از سوی شخصیت ها توصیه های فراوانی برای معالجه این حافظ می شود. در بخشی از فیلم حافظ قرآن علت بیماری خود را سوء استفاده پدر و مادر از او و بردن او به مجالس در قبال دریافت پول می داند. وی از این عمل ناراضی بوده و اظهار می دارد من از قهر خدا ترسیدم و از ترس نبودن خدا با من بی هوش شدم در صحنه ای از فیلم دست دکتر، که به زخمی ناعلاج دچار شده است به مدد حافظ قرآن و به طور معجزه آسایی بهبود می بابد و در پایان فیلم عده ای دکتر را در خانه اش

به شـدت مجروح می کنند. در این لحظه حافظ قرآن که به همراه وی به خانه اش رفته است خود را بالای سـر دکتر می رساند و به او می گوید: نترس من با تو هسـتم دکتر در آخرین لحظه نام خدا را بر زبان می راند و هر دو در فضایی پاک به آسمان و بهشت پر می کنند.

در فیلم صـحنه ها و گفتگوهای دیگری وجود دارد که بیشتر پیرامون فحشا و انحرافات جنسی (مانند رابطه دکتر با منشی خود) است ممکن است در ابتـدا به نظر برسـد، کارگردان از قداست قرآن و اعجاز و کرامات حافظان قرآن در برابر مفاسد پیرامونی آن سـخن گفته اما این فیلم به ویژه پیش از حذف برخی از صـحنه ها و گفتگوها، فیلمی ضد قرآنی و اسـلامی بوده و از سوی شخصیت ها و مراکز قرآنی مورد اعتراض قرار گرفته است

برخی از انتقاداتی که به این فیلم وارد است عبارتند از:

۱.تلقی نادرست از مفاهیم قرآنی و بکارگیری آن

۲.القای فضای تیره و مغشوش جامعه و سرنوشت حتمی و غیر قابل تغییر آن

۳. نشان دادن تفکر تظاهر و ریاکاری حکومت دینی

۴. نشان دادن مظلومیت زنان جامعه

۵. کنایه و اهانت به نهادهای انقلابی

۶. وجود نکات زننده و غیر اخلاقی در فیلم

شایان ذکر است با توجه به محتوای ضـد قرآنی این فیلم در ابتدا از اکران آن جلوگیری شد; اما متاسـفانه پس از کش و قوس هـای فراوان و تساهـل کـاری وزارت فرهنـگ و ارشـاد بـا حـذف برخی از صـحنه هـا و گفتگوها اجازه اکران یافت و در حال حاضر

در چند سینمای تهران روی پرده است به احتمال زیاد این فیلم تا چند وقت دیگر به سینماهای شهرستان ها و سپس کلوپ هایی ویدیویی راه خواهد یافت

چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟

پرسش

چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟

پاسخ

صدا و سیما رسانه ای همگانی است و طبیعتا ایجاب می کند که آنچه در آن پخش می شود از دهلیزهای دقیق تریعبور کند. J}

اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیمای ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد

پرسش

اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیمای ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد

پاسخ

نگاه به تصویر نامحرم، حرام نیست؛ مگر آن که با لذت و ریبه همراه باشد. به نظر می رسد دیدگاه های افراطی در اینگونه مسائل، خسارتی کمتر از برخی مصلحت اندیشی ها نداشته باشد. ما بایستی اندیشه خود را درباره اسلام و نگاهکلی به موضوعات مختلف، اصلاح کنیم و سپس به داوری بنشینیم.{J

چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند

پرسش

چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند

پاسخ

آنچه مسلم است این است که موسیقی ای که انسان را از خدا دور کند و مناسب با مجاس لهو و لعب باشد حراماست خواه

اصیل باشد و خواه غیر اصیل (ایرانی یا غیر ایرانی)، ولی موسیقی ای که مناسب مجالس لهو نباشد بهفتوای حضرت امام «ره» مجاز و آنچه که مشکوک است نیز بلا مانع می باشد. صداو سیما هم موظف به پیروی ازنظرات رهبری انقلاب است و چنان که معظم له انحرافی مشاهده کند در مواقع لزوم رهنمودهای لازم را ارائه می دهند.در عین حال این موجب این نیست که راه نقد پژوهشگرانه بر برنامه های رادیو و تلویزیون به کلی مسدود باشد وپنداشته شود که در برنامه های آن هیچ اشتباهی از جهت تطبیق با موازین اسلامی صورت نمی گیرد.

چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟

پرسش

چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟

پاسخ

قابل انکار نیست که برخی از برنامه های تلویزیونی تحریک آمیز است، ولی درعین حال با زمان طاغوت تفاوت بسیاری دارد.

برادر عزیز! سن شما اقتضا نمی کند که تصویری از تلویزیون زمان طاغوت در ذهن داشته باشید؛ ولی ما که آن زمان را درک کرده ایم در می یابیم که تفاوت از کجا تا کجا است. در زمان طاغوت، تلویزیون و رادیو صد در صد در خدمت ترویج فساد و فحشا و هرز گی بود: از تصاویر کذایی تا پخش رقص ها و... .

آنچه اکنون وجود دارد، اساسا با آنچه که در آن زمان وجود داشت قابل قیاس نیست. اما چرا همین مقدار اندک وغیرقابل مقایسه نیز وجود دارد؟ چرا برخی از فیلم های خارجی نمایش داده می شود و برخی آهنگ های کذایی پخش می شود؟ در جواب گفتنی است که وضعیت جهانی تبلیغات و وسعت آن، به اندازه ای است که واقعا کشور ما و هرکشوری که بخواهد خود را در برابر این هجوم حفظ کند در محاصره ای همه جانبه قرار دارد. کشورهای هم مرز ایران بافرستنده های تصویری خود مرزهای کشور ما را در می نوردند و هزاران نفر را زیر چتر تبلیغاتی خود با فیلم ها وتصویرهای آن چنانی قرار می دهند.

شبکه های ارتباطی بین المللی مانند اینترنت و ماهواره و نیز فیلم های ویدیویی و صدها کانال رادیویی، هر چه هست و نیست را برای مردم پخش می کنند. در این میان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با امکانات و فرصتی محدود می خواهد در برابر همه اینها بایستد. از سویی باید مخاطب جلب کند و از سویی بایستی آرمان ها را حفظ نماید. تولید فیلم و سریال مناسب نیز

کاری بس پرهزینه و طولانی است. حال باید چه کرد؟ آیا باید شبانه روز رادیو وتلویزیون فقط دعا و یا سخنرانی و... پخش کنند (مانند رادیو قرآن و رادیو معارف)؟ این راه حلی بسیار ساده است؛ولی نتیجه آن از دست دادن میلیون ها بیننده و رفتن آنها – متأسفانه – به سوی کانال های دیگر است.

در حقیقت با چنین کاری خود را در برابر دشمن خلع سلاح کرده ایم. بلی اگر برنامه های جذاب و صد در صد سالم وجود داشته باشد، معنا ندارد که به برنامه های تلقینی روی آورده شود؛ ولی کو آن برنامه ها؟!

بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟

پرسش

بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟

پاسخ

}گوش دادن به اخبار، مطالعه روزنامه های معتبر و شرکت در جلسات بحث و سخنرانی از جمله راه های آشنا شدن بامسائل اجتماعی است.{

چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟

پرسش

چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟

پاسخ

متأسفانه علیرغم هشدارها و توصیه های شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناك فرهنگی جامعه و روند تغییر ارزش های اسلامی که جلوه های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهدهمی باشد و برخی اقدامات صورت گرفته در این خصوص مانند استعفای وزیر پیشین وزارت ارشاد، جلوگیری از پخش و اکران برخی فیلم ها و...، همچنان ما شاهد گسترش این روند در جامعه می باشیم که این خود نیازمند بررسی و شناخت دقیق عوامل و زمینه های به وجود آورنده آنو ارائه راه کارهای اصولی و مناسب می باشد. در هر صورت آنچه در پاسخ این سؤال می توان گفت این است که برخی از این قبیل معضلات مربوط به عملکرد دستگاه های فرهنگی نظام می باشد. وزارت ارشاد بود و برخی به صدا و سیما.

در مورد اقدامات مربوط به وزارت ارشاد باید گفت که متأسفانه عملکرد این وزارت خانه خصوصا در سال های اخیر به هیچ وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کرّات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده اند که منجر به تعویض وزیر آن

وزارتخانه گردیـد. ایشان در ۲۴آذر ۷۸ در دیـدار شورای عـالی انقلاب فرهنگی فرمودنـد: «... سؤال من این است که وزارت ارشاد چنـد کتاب برای تقویت تفکر اسـلامی چاپ کرده است؟ چنـد فیلم برای تقویت فکری اسـلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن های وابسته به ارشاد نمایش داده می شود، بعضی هاصد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می ساختند

که این مبلّغ اسلام است، من اعتراض نمی کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان هاالان منتشر می شود و...».

اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته اند. ایشان در این باره فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنامه هایهنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...»،ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینیکه این رسانه ملی خصوصا بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومتاسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بینندهو مخاطبین آن می باشد.{J

نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟

پرسش

نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان

مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟

پاسخ

برنـامه های متنوعی که از تلویزیون پخش می شود در بر گیرنـده مجموعه ای از فیلم ها، سـریال ها، مسابقات، برنامه های ویژه جشن ها و ... است که آثار مثبت و منفی آن در سـطوح مختلف از مراحل رشد انسان فرق می کند. شکی نیست که این برنامه ها در آموزش رفتارهای اجتماعی و جامعه پسند و یا ضد اجتماعی و پرخاشگرانه افراد جامعه تأثیر به سزائی دارد.

در یک تحقیق علمی به گروهی از کودکان کودکسـتانی فیلم عروسک بزرگی را که رفتار پرخاش جویانه داشت نشان دادند، در آن فیلم یک کودک در حالی که روی این عروسک نشسـته بود و فریاد می کشید آن را با چوب دستی کتک می زد. بعد از تماشای این فیلم مشاهـده شـد که کودکان تماشاگر بیشتر رفتارهای فیلم را تقلیـد کرده انـد. بنابراین آثار کوتاه مـدت رفتار همسالان در پرخاشگری کودکان خردسال قطعی است.

نتایج یک تحقیق دیگر نشان می دهد:

۱- کودک بهنجار و سازگار، زمانی که فیلم مهیج و ناراحت کننده ای را تماشا می کند ممکن است با تسـلط بر اعصاب خود از تنش های عصبی و عواقب ناگوار آن رهائی یابـد، در حالی که کودک هیجانی و عصبی مزاج امکان کمتری برای مقاومت دارد.

۲- صـحنه های جنائی و خشونت آمیز، روش های جنایت کارانه را به کودکان می آموزد. این صحنه ها هم عمل جنایت را به کودک کینه توز القاء می کند و هم اجرای آن را تأیید می کند.

۳- توجه و علاقه زیاد به تماشای صحنه های جنائی و خشونت آمیز، روح انسان دوستی،

هم دردی و همکاری با مردم را در کودک از بین می برد.

همچنین برخی فیلم ها و سریال ها باعث تهییج غرایز جنسی جوانان و یا در برخی موارد باعث گسترش فرهنگ مصرف گرائی ناپسند بین بعضی جوانان و خانواده ها می شود که همه این موارد و نقاط ضعف باید با یک مدیریت صحیح و حساب شده ای به کنترل در آید. ما نیز معتقدیم اگر مضرات آن بیش از فواید اینگونه سریال ها باشد از پخش آن باید جلوگیری شود. ولی این امر را باید به مسئولین مستقیم آن یعنی صدا و سیما تذکر داد.

ولی وظیفه عقلی و شرعی من و شما آن است که از مشاهده آنچه که تأثیر نامطلوب روی شخصیت ما می گذارد و یا باعث گسترش فرهنگ غلط می شود، خود را کنترل کنیم و در صورت لزوم به دیگران نیز پیامد های منفی مشاهده این گونه برنامه ها را متذکر شویم. حتی المقدور دوستان نزدیک، اعضای خانواده و فامیل نزدیک و دیگرانی که احتمالا تأثیر گذاری روی آنها داریم، نسبت به این موضوع آشنا سازیم.

همه سریال ها و برنامه های صدا و سیما یکدست نیست برخی مفید و برخی مضر است. فایده و ضرر نیز ابعاد گوناگونی دارد چه بسا فیلم ها، که به واسطه آموزش های نادرست ، از جهت اخلاقی ناپسند باشد ولی از جهت شرعی حرام نباشد گرچه قطعاً کراهت دارد.

آنچه عالمان دین و اندیشمندان فقه گفته اند این است که نگاه کردن به فیلم و یا سریال که باعث تحریک جنس و تبلور شهوت می شود حرام است، ولی تشخیص اینکه آیا برای

فرد مضر است و یا این حالت حاصل می شود، یا خود فرد است، پس اگر کسی فهمید که نگاه کردن به همین سریالهای موجود در تلویزیون برایش مضر است نباید نگاه کند.

اما اگر مضر است چرا پخش می شود، مسئولین صدا و سیما می گویند ما با ۷۰ میلیون نفر انسان با سلیقه های مختلف روبرو هستیم و نمی توانیم تنها نظر گروه خاصی را در نظر بگیریم بلکه باید نظر و دیدگاه عموم مردم را ملاك و معیار قرار دهیم از این رو بر افراد است که اگر موسیقی و یا سریالی را برای خود مضر می بینند، آن را نشنوند و نگاه نکنند.

ما ضمن اذعان به صداقت و تلاش بسیار عمده دست اندرکاران و مسئولین برنامه ها در صدا و سیما، وجود برخی نواقص و نادرستی ها و کژی ها را نیز غیرقابل انکار می دانیم. صدا و سیما باید تلاش کند تا از عیوب و نواقص بکاهد. البته مسئولین عالی رتبه نیز تذکرات لازم را می دهند.

بهرحال اگر این جواب هم قانع کننده نباشد وظیفه و تکلیف جوانان در مقابل سریالهایی که مضر می داند مشخص است. از جمله وظایف تماس با خود صدا و سیما و بیان نقطه نظرات انتقادی و پیشنهادی می باشد.

چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلوزیون؟

پرسش

چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلوزیون؟

پاسخ

مسلماً کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقادی که شما نام بردید باید گفت: علیرغم وجود برخی مشکلات و معضلاتی که به هیچ وجه زیبنده رسانه ملی نظام اسلامی ایران نمی باشد، صدا و سیمای جمهوری اسلامی دستاوردها و برنامه های بسیار مفید و مثبت و سازنده فراوانی داشته و دارد و این چنین نیست که کارش فقط تبلیغ بدحجابی، مدگرایی، تجمل گرایی و آهنگ های مطرب و... باشد.

گذشته از برخی مظاهر نامناسب با ارزش های اسلامی، اکثریت برنامه های صدا و سیما برنامه هایی آموزنده و در راستای تأمین نیازهای متنوع اقشار مختلف جامعه می باشد که البته به واسطه برخی عوامل، هنوز مشکلات و معضلات و نواقص در دستیابی به نقطه مطلوب و برآوردن انتظارات مسؤولین نظام اسلامی و مردم عالی قدر وجود دارد که بخشی از اینها مربوط به صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می باشد.

اما در

مورد اول بایـد گفت که هم در زمان امام که این رسانه ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه اداره می شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن بـا مقـام معظم رهبری می باشـد و شورایی مرکب از نماینـدگان سه قوه بر سازمان نظارت دارنـد، خود این بزرگواران انتقادات زیادی به برخی از برنامه های این رسانه داشته، تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی آن داده اند.

معظـم له در ۲۴ آذر ۷۸ در دیـدار شورای عـالی انقلاب فرهنگی فرمودنـد: »... من به صـدا و سـیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم؛ اما صدا و سـیما کارهای زیادی به عنوان اسـلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنـامه های هنری، اسـلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...« بنابراین چنین نیست که مقام معظم رهبری هیچ گونه نظارت و کنترل بر این رسانه نداشته باشند بلکه برعکس با توجه به جایگاه و وظایف آن نسبت به این رسانه حسـاس بوده و اهتمام جـدی دارنـد. اما نکته ای که بایـد توجه شود این است که نظارت و کنترل مقام معظم رهبری به تنهایی نمی تواند علت تامه برای حل مشـکلات و معضـلات جامعه و سازمان ها و نهادها از جمله صدا و سـیما باشد بلکه حل اساسی آنـان نیازمنـد ریشه یـابی دقیـق مشـکلات و انجـام اقـدامات اصولی و صـحیح برای برطرف کردن آن مشـکلات می باشـد که عبارتند از:

۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی.

۲- کنارگذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و

سیما.

۳- نظارت همه جانبه بر پخش رادیو و تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم سازان و محتوای فیلم ها.

۴- برخورد با مسؤولان پخش مطالب توهین آمیز یا منافی ارزش های اسلامی.

۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش های اسلامی باید از تقلید برنامه های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل گرایی و... در تهیه برنامه های خود، دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد.

حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند:

اولاً: هر چند برخی از فیلم ها یا سریال های خارجی که از صدا و سیما پخش می شود از نظر شرعی نتوان مشکل ذاتی برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی شود.

ثانیاً: وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص ها و مهارت های گوناگون، مضاعف می نماید زیرا پاره ای از عوامل این نارسائی ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی گردد.

ثالثاً: با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن آوری پیشرفته به حدی که در آینده ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت، مطمئن ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه، تقویت ایمان

و تقوای الهی (کنترل درونی) می باشد که البته این موضوع به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه های صدا و سیما نمی باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می باشد.

در ایران بعضـی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولا مگر وظیفه مرجع بقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعمال سیگار، دروغ گفتن ، سؤالم این است چرا این احکام گفته نمی شود از تلویزیون یا جراید؟

پرسش

در ایران بعضی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولاـ مگر وظیفه مرجع بقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعمال سیگار، دروغ گفتن ، سؤالم این است چرا این احکام گفته نمی شود از تلویزیون یا جراید؟

پاسخ

مقوله امر به معروف و نهی از منکر از مسائلی است که ضامن حفظ و بقای جامعه است و در اهمیت آن شکی نیست. اما این مسأله، تکلیف همگانی است و اختصاص به اشخاص یا رسانه خاصی ندارد گرچه همان طور که فرمودید هر قدر امکان رسانه ای از جمله صاحبان تریبون مثل صدا و سیما که گسترده ترین تریبون عمومی را در اختیار دارد و نیز هر قدر از نفوذ کلمه و آگاهی بیشتر بهره مند باشیم مثل مراجع تقلید، مسؤولین دولت اسلامی وظیفه سنگین تری داریم.

پس کوتاهی گروهی یا رسانه ای در انجام این مسؤولیت نمی تواند عذر آور برای دیگر مردم باشد تا آنها نیز در این زمینه کوتاهی کنند. فرد فرد آحاد جامعه، مسؤول هستند تا با هر گونه منکری امر به معروف کنند (البته با توجه به شرایط آن).

اگر در جایی نیز مشاهده شد که عالمی یا مسؤولی از وظیفه خود بدون هیچ عذری شانه خالی می کند، در اینجا نیز باید نهی از منکر نموده، او را متوجه وظیفه خود نمود. خداوند کریم در قرآن علت عذاب کردن بسیاری از امم گذشته را اهمال ایشان در مسأله امر به معروف و نهی از منکر می داند. در آنجا چنین بیان شده که مسؤولین و علماء امر به معروف و نهی از منکر نکردند بلکه

علت را متوجه کـل جـامعه می کنـد. پس اگر همه افراد نیز در این وظیفه اهمـال کننـد باز وظیفه و مسؤولیت شخصـی دیگران سلب نخواهد شد.

البته نبایـد در این امر، در مورد مصادیق اشـتباه کرد. به عنوان مثال در حرمت سـیگار کشـیدن غیر از برخی علماء، اتفاق نظری وجود ندارد.

با وجود همه این نکات، ضـمن ارج نهادن به دغـدغه دینی شـما که ناشـی از غیرت دینی شـما می باشـد، این موضوع را خاطر نشـان می سـازیم که رعایت یا عـدم رعایت هنجارهای اجتماعی صـرفا با امر و نهی درست نمی شود، گرچه امر و نهی واجب است امـا لازم تر و مقـدم بر آن، ایجاد زمینه های لازم برای پـذیرش امر و نهی است و این مسأله مکانیسم های مختلفی را می طلبد.

اگر بستر لازم برای پـذیرش رهنمودهای مراجع نباشـد، آنها وظیفه گفتن و تذکر دارند، اما چه سود که دل های غافل و گوش های ناشنوا نسبت به سخن حق، به آن اعتنایی نمی کنند، گرچه ممکن است به خاطر عدم احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نیز ضرورتی نیاید. از این رو باید همه ما بدون استثناء تلاش کنیم.

با مطالعات عمیق روان شـناختی، جامعه شـناختی و اهتمام جـدی به بهـداشت روانی جامعه از دیدگاه اسـلام در این مسأله مهم مشارکت کنیم.

بارها از دوستان و غیر دوستان می شنویم که می گویند فیلم های سینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشهای ما در تعارض است و یـا در فیلم های کارگردانان می بینیم که برای دینی کردن فیلم تنها کاری که می کننـد این است که در فیلم شان شخصـی را نشان می دهند که مشغول

پرسش

بارهـا از دوسـتان و غیر دوسـتان می شـنویم که می گوینـد فیلم هـای سـینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشـهای ما در تعارض است و یا در فیلم های کارگردانان می بینیم که برای دینی کردن فیلم تنها کاری که می کنند این است که در فیلم

شان شخصی را نشان می دهند که مشغول نماز و قرآن خواندن است.آیا با این طور نمایش دادن فیلم ،فیلم دینی می شود.

مشخصات و ویژگی های یک فیلم دینی را بیان کنید.

پاسخ

پاسخ دقیق به این سؤال از یک سو نیازمند شناخت دقیق هنر دینی است و از سوی دیگر باید به این نکته توجه شود که نمی توان قضاوت کلی پیرامون تمامی محصولات و تولیدات سینمایی و تلویزیونی در کشورمان داد، بلکه باید هر کدام را براساس ویژگی ها و معیارهایی که برای یک هنر یا فیلم یا سینمای دینی وجود دارد، در نظر گرفت و سپس میزان دینی یا دینی نبودن آن را مشخص نمود.

ولی از این واقعیت نیز نمی توان گذشت که بحمدالله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود نیروها و عناصر متعهد و متخصص انقلابی به عرصه سینما، گام های بسیار مهمی - هر چند ناکافی - در جهت دینی شدن صدا و سیما و محصولات سینمایی کشورمان برداشته شده است و توانسته است میزان عظیمی از فرهنگ، معارف و ارزش های اسلامی را به جامعه منتقل نماید.

البته این واقعیت نیز وجود دارد که موانع بی شمار داخلی و خارجی - از قبیل رسوبات فکری و فرهنگی دوران قبل از انقلاب در میان برخی از هنرمندان سینمایی، تهاجم فرهنگی غرب برای القاء فرهنگ منحط خود و تأثیرگذاری آن بر برخی جریانات داخلی و ناکافی بودن تعداد هنرمندان متعهد و منابع مادی، کاستی در نظارت و... سبب شده تا متأسفانه برخی محصولات سینمایی و تلویزیونی ما معیارهایی غیر از الگوهای اسلامی را تعقیب نموده و چهره ای غیر اسلامی

به تولیدات خود بدهند.

در هر صورت جهت شناخت دقیق یک فیلم دینی و ویژگی های آن، بخش هایی از یک مقاله یا مشخصات ذیل به دنبال می آید.

هنر و امکان دینی شدن آن!

نویسنده: محمد رضا اسدی

منبع: سایت باشگاه اندیشه به نقل از www.soroushpress.com

امکان دینی شدن هنر!

برای بحث از امکان دینی شدن هنر نیازمند آن هستیم تا تصویر مشخصی از ماهیت هنر یا حقیقت هنر داشته باشیم و از مطالبی که در مورد روش تعریف هنر و دشواری های دسترسی به ماهیت هنر در بخش اول، سخن گفتیم معلوم شد که تصویر روشنی از ماهیت هنر وجود ندارد و هر فرد یا گروهی از فیلسوفان و هنرمندان و اندیشمندان، هنر را بگونه ای تبیین کرده اند که به سختی بتوان به توافقی حتی نسبی در مورد ماهیت هنر و اثر هنری دست یافت. بنابراین براساس ابهامی که در تعریف هنر و هویت هنر وجود دارد -و نه به جهت اینکه توافق جمعی در مورد تعریف هنر وجود ندارد- منطقی ترین سخن در باب هنر دینی آن است که مفهوم هنر دینی نیز هنوز در هاله ای از ابهام قرار دارد. بحث فنی و دقیق فلسفی در مورد هنر دینی آن هنگامی میسر است که حقیقت هنر برای ما مکشوف شده باشد و چطور می توان در حالی که ماهیت هنر هنوز در ابهام است هنر دینی را با وضوح تمام تشریح کرد؟!

پرسش و مسئله این است که ملاک و میزان دینی شدن علوم و امور مختلف چیست؟ ادراکات و آگاهیهای ما در چه صورتی متصف به دینیّت می شوند؟

واقعیت خارجی fact) در چه صورتی متصف به دینی بودن

می شود؟ مثلاً فرهنگ، یا حکومت یا یک اثر هنری به عنوان واقعیات خارجی بر چه اساسی دینی محسوب می شوند؟

ملاک دینی بودن یک موضوع آن است که نه تنها آن موضوع تعارضی با دین نداشته باشد بلکه کاملاً با اهداف، مبانی، بینش و ارزشهای دینی – اسلامی سازگار باشد.

از دیدگاه ما هنر صورت و سیرتی دارد و اسلام به عنوان یک دین هم در شکل بخشیدن به صورت هنر و هم معنی بخشیدن به سیرت هنر، توانمند است. اثر هنری از هر مقوله ای که باشد؛ سینما، تئاتر، مجسمه سازی، نقاشی، موسیقی، شعر و... – از صورت و سیرتی برخوردار است و صورت آن محصول نوعی مهارت و تکنیک است و سیرت آن مبتنی بر نوعی معرفت و آگاهی، دین در این میان هم بر مهارت و تکنیک اثر هنری تأثیرگذار است و هم بر معرفت و مضمون بکار گرفته شده در آن، گو اینکه شاید نتوان میزان دخالت دین در تمامی عرصه ها و شاخه های هنری را یکسان و یک اندازه دانست فی المثل دخالت دین در شکل بخشیدن به صورت یک نقاشی بیش از دخالت دین در شکل بخشیدن به صورت یک شعر است.

با این اوصاف فی المثل سینمای دینی، سینمایی نیست که فقط از مضمون دینی و اسلامی برخوردار باشد بلکه صورت و اشکالی که آن محتوی را به نمایش می گذارند نیز باید مطابق ضوابط و جهان بینی و ارزشها دینی و اسلامی باشد و یا بالعکس اگر اشکال و صورت یک فیلم هماهنگ با ضوابط دینی باشد اما پیام و محتوای آن فیلم هماهنگ با ارزشها و اهداف دینی نباشد آن فیلم یا سینما هنوز کاملاً دینی

نیست. سینمای دینی یا فیلم دینی هنگامی تحقق می یابد که صورت و سیرت آن مبتنی بر ارزشها و اهداف و موازین دینی باشد. البته دینی با تمامی گسترد گی و وسعتش که شامل تمامی ارزشهای والای انسانی و بشری است.

دینی بودن یا دینی شدن یک امر ذو مراتب است یعنی ما می توانیم از دینی و دینی تر شدن سخن بگوییم. از این رو ای بسا یک اثر هنری از حیث صورت دینی باشد اما از حیث محتوی غیر دینی یا بالعکس از جهت مضمون و پیام دینی باشد اما از جهت صورت غیردینی – و نه لزوماً ضد دینی – و ای بسا یک اثر هنری از نظر صورت و سیرت توأماً دینی باشد اما بتوان پرداختی نسبت به آن اثر هنری داشت که آن را دینی تر کند. یک اثر هنری تمام عیار آن است که دین در صورت و سیرت آن توأماً حضور جدی و شفاف داشته باشد.

گو اینکه نمی توان انکار کرد که صورت و سیرت یک اثر هنری در خارج چنان در هم تنیده و با یکدیگر در آمیخته اند که به دشواری بتوان یکی را از آن دیگری جدا کرد و مستقلاً مورد ارزیابی و داوری قرار داد.

با توجه به کارکرد و جایگاه هنر دینی در حیات بشری شاید در نهایت بتوان گفت هنر در مقام کارکرد هم دارای کارکردهای منفی بوده است و از آن در مسیر باطل بهره برداری شده است و هم دارای کارکردهای مثبت بوده است. از این رو اگر بخواهیم هنر دینی – اسلامی را براساس کارکردهای مثبتش معرفی نماییم می توان گفت هنر دینی، هنری است که آدمی را

از اسارت وسوسه ها و هوسها می رهاند و خدا را با شکوه و عظمت و زیبایی در چشم آدمی می نماید. هنر دینی، حق بین و حق جو است و با هر صورتی از ظلم و باطل و زشتی سرستیز دارد.

به آدمی غمهای متعالی می دهد و غمهای حقیرش را می ستاند. انبساطها و شگفتی های عمیق روحی به او می بخشد و او را از دام شادیهای کودکانه می رهاند.

هنر دینی بال و پری است برای برون پریدن از قفس تنگ زمان و مکان و فرصتی است برای تنفس کردن در سرسرای فراخ لازمان و لامکان.

هنر دینی واقعیتی است که بیشتر از جنس راه است تا از جنس مقصد و از همین رو، دعوتی است برای عبور کردن و نه تأکیدی برای ماندن.

هنر دینی تمثّل عطش و التهاب یک روح بی قرار و معطوف به سوی ابدیت است. و جان کلام اینکه هنر دینی چیزی جز هنر عاشقی و هنر عاشقان نیست.

عاشق و رند و نظر بازم و می گویم فاش تا بدانی که به چندین هنر آراسته ام

عشق می ورزم و امید که این فنّ شریف چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

تعریف فرهنگ

نظراسلام درباره ازخود بیگانگی چیست

پرسش

نظراسلام درباره ازخود بیگانگی چیست

پاسخ

خودباختگی از بدترین دردهایی است که گریبانگیر انسان می شود. اگر انسان قدر خود را نداند,ارزش ندارد. به تعبیر قرآن اگر انسان خود را ببازد, مانند قمار بازی است که تمام اموالش را باخته است و دیگر هیچ ندارد و در مرحلهء آخر خود را هم می بازد:

خود را باختند>.

خود باختگی در دوری از خدا است . انسانی که از خدا غافل است , در خسران به سر می برد.

اگر انسان از خدا غافل بشود, از خود هم غافل می شود; مثلاً انسانی که دزدی می کند و داخل خانهء مردم می شودو اموال را

به غـارت می برد, خـود را می بـازد و جـانش را در خطر می انـدازد و هویت خود را از دست می دهـد و همه ءگناهـان همین پیامـد را دارند و هویت انسان را عوض می کنند. به ظاهر او را انسان می بینی , اما در باطن درنده و حیوان خطرناکی است که باید از او پرهیز کنند. علی ۷تعبیر جالبی دربارهء معاویه دارد:

پاک کنم تا ناخالصی ها بیرون آید>.

انسـان در اثر غفلت از خـدا و دوری از معنویـات و فرورفتنی در گناهان , هویت خویش را از دست می دهـد و لـذادر روایات آمده است که پیامبر فرمود: .(۱)

در مقابل خود فراموشـی و غفلت از خـدا, ذکر است . ذکر یعنی توجه قلبی به خـدا, و چون نماز بهترین یاد خـدا است , انسان در نمازی که با حضور قلب و معرفت باشد, خود را پیدا کرده و به خود واقعی دست می یابد ووقتی خود را یافت و به

حقیقت خود توجه کرد, هویت انسانی خود را پیدا می نماید و به تمام معنا انسان می شود, اماانسان هایی که در گناه و شهوت و غفلت غوطه ور هستند, گرچه به ظاهر انسان اند, ولی در حقیقت همان گونه که درروایت پیامبر۶آمده بود, از انسانیت به دورند.

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۷ ص ۸۹

از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از ارزشهای اسلامی دانست ؟

پرسش

از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از ارزشهای اسلامی دانست ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! مفهوم ارزش چیزی نیست که بر کسی مخفی باشد. هر کس در حدّ توان علمی یاتجربی خود, مفهوم ارزش را می داند و حتی مصادیق آن را تشخیص می دهد. دستورهای اسلامی و احکام آن ازمسائلی نیستند که برای فرد یا جامعه ضرری داشته باشد. این مطلب قابل استدلال است و می توان با تحقیق و تأمل بدان دست یافت . اگر کسی با حقیقت انسان و اخلاق در حیات او و از طرفی با قوانین فردی , اجتماعی اسلام آشناباشد, هر چه در این دو موضوع با تحقیقات وسیع تر و با دید و فرهنگ و دانش عمیق تر و بالاتر وارد شود, بهتر به این حقیقت دست خواهد یافت . راستی شما در این مطلب اندیشیده اید که پیامبر اسلام و امامان و بزرگان و علما ودانشمندان و متفکران اسلامی و هزاران عالم و متفکر و اندیشمند اسلامی همگی چشم بسته و بدون تأمل و تعقل مطالبی را که مورد تأیید عقل نیست , پذیرفته اند و برخلاف , عقلشان به چیزهایی معتقد شده اند؟. امثال بوعلی سینا.فخررازی و خواجه نصیرالدین طوسی , و ملاصدرا و فیض کاشانی و علامه طباطبایی و امام خمینی و هزاران اندیشمند که هر کدام سال ها از مطالب و احکام اسلامی اندیشیده اند و کتاب ها نوشته اند, همه روی عقلشان با گذشته و چیزهای خلاف عقل و اندیشه را

پـذیرفته انـد و روی آن پا فشاری نموده اند. شـما اگر منصـفانه و عالمانه , به احکام اسـلامی نظر بیافکنید و بدون احساسات و امیال قضاوت کنید, در می یابید که این دسـتورهای الهی به مصـلحت بشـراست . اصـلاً به جز این احکام چه طرح و برنامه ای می توانیـد پیشـنهاد کنیـد که مشـکلات را کمتر کند و جامعه را به سوی جامعهء بدون ظلم و فساد به پیش ببرد؟ نه تنها بنده و جنابعـالی بلکه صـدها سال است جامعه شـناسان برای حل مشـکلات جوامع فکر کرده انـد و هر کسـی نظری داده است , یکی مشـکل را اقتصاد دانسـته , مانند مارکس و لنین ,دیگری در غریزهء جنسـی دانسته , مانند فروید و عده ای حلّ مشکل را درهم جنس بازی دانسـته انـد! همه نظرهایشان را مطرح کرده و کتاب ها نوشـته انـد و حتی بعضـی از نظریات در بعضـی از کشورها اجرا نشده است , ولی نتوانسـته اندمشکلات را حّل کنند, بلکه بر مشکلات افزوده اند. هر کسی ارزش را در چیزی می پندارد و بر آن پافشـاری می کنـد وبعـد از مـدّتی که سـرش به سـنگ می خـورد, پس از آنچه آن را ارزش می دانست , دست برمی دارد و نظرش عوض می شود. همهء نیک اندیشان و خیرخواهان دنبال ارزش تعالی بخ

شیدن به خود و جامعه هسـتند, امّا تک بعدی یا چندبعدی می اندیشـند. بعضـی نیتشان خیر است , امّا راه را بلد نیستند و مدتی مردم را سرگردان می کنند, بعد می فهمنداشتباه رفته اند. اینان نه اینکه کم عقل یا بی عقل اند; همه عقل دارند و با

عقل خود محاسبه می کنند, امّا به تمامی جوانب مسائل توجه ندارند و سطحی نگرند و تک بعدی به مسائل نگاه می کنند.

ما می گوییم هر مطلبی که در راستای رشد انسان و انسانیت و بنه رابطهء او با خدا باشد, ارزش و ارزشمند است وهر چه در این راستا نباشد, می توان صد درصد آن را ارزش محسوب کرد. رابطهء انسان با خدا باید از قبیل رابطهء عبدو مالک باشد. انسان باید در اثر تهذیب نفس به مرحلهء عبودیت برسد و خود را عبد خدا بداند. آن وقت که به این مرحله رسید, دیگر به کسی ظلم نمی کند, کم کاری نمی کند, از مردم و از بیت المال دزدی نمی کند, به ناموس دیگران چشم نمی اندوزد, به قوانین و تهّدات اجتماعی احترام می گذارد, کلا به سر کسی نمی گذارد, آبروی کسی را نمی ریزد,دنیاپرست نیست , اهل خیر و احسان است . گر چه خودش کم دارد. امّا به دیگران رسیدگی می کند و به علم و اخلاق اهمیت می دهد و به عالم و استاد و معلم توجه می کند.

طرح ازدواج صحیح و سالم از سوی اسلام برنامه ای مطابق با فطرت مرد و زن است و هر طرح و برنامهء دیگری غیر از این دارای مفاسد فراوانی است . این طرح و نقشه تنها از اختراعات پیامبر اسلام نیست , بلکه از دستورهای الهی است که توسط همهء پیامبران الهی از صدر خلقت تاکنون توصیه شده و رواج داشته است و عقلای عالم نیز آن راقبول دارند.

مسئلهء ازدواج دائم و موقت مخصوص قشر خاصی نیست و همهء مردان و

زنان , چه جوان باشند و چه غیر چون می توانند در صورت وجود مقتضی و بررسی جوانب امر بدان اقدام کنند.

شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟

پرسش

شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟

پاسخ

شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه و هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزه خود گرایانه منزّه و مبرّا است تحسین انگیز و افتخار آمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می شود. میان انواع مرگ ها تنها این نوع از مرگ است که از حیات و زندگی، برتر و مقدس تر و عظیم تر است.

مرگی "شهادت" محسوب می شود که با توجه به خطرات احتمالی یا ظنّی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن "فی سبیل الله" از آن استقبال کند.

شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا باشد؛ هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد.

کلمه شهید و مفهوم شهید در کلمات و مفاهیم اسلامی و در ذهن کسانی که فرهنگشان اسلامی است، مفهومی نورانی و مقدس است و در همه عرف ها توأم با قداست و عظمت است.

از نظر اسلام، هر کس به مقام و درجه شهادت نائل آید که اسلام او را با معیارهای خودش شهید بشناسد، یعنی در راه هدف های عالی اسلامی به انگیزه برقراری ارزش های واقعی بشری کشته بشود، به یکی از عالی ترین درجات و مراتی که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود نائل شود، نائل می گردد. قرآن در شأن شهید فرمود: "ولا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله أمواتاً أحیاءٌ عند ربهم یُرزقون؛[۱۰] گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه زنده اند و نزد

پروردگارشان روزی می خورند".

در اسلام وقتی که می خواهند مقام کسی را بالا ببرند می گویند: مقام فلان شخص برابر است با مقام شهید یا فلان کار اجرش برابر است با اجر شهید.

شهید مطهری می گوید: "مَثَل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتوافکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری شهدا شمع محفل بشریتند. سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل تاریک می ماند، هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد".۳[۱۱]

شهادت آن قدر دارای ارزش است که اولیاءالله برای رسیدن به آن دعا می کردند و به امید شهادت زنده بودند و یکی از دعاهای مسلمانان صدر اسلام همین بود. در دعاهایی که از ائمه به ما رسیده است، این موضوع به چشم می خورد. در دعای شب های ماه مبارک رمضان می خوانیم: اللهم برحمتک فی الصالحین فأدخلنا و فی علیین فارفعنا ... و قتلاً فی سبیلک مع ولیّک فوفّق لنا؛ خدایا، به ما توفیق بده که در راه تو و به همراه ولیّ تو کشته بشویم و به فیض شهادت نائل گردیم".

عمروبن جموح که یک پایش در جنگ لنگ شده و وظیفه رفتن به جهاد از او ساقط بود، گربه می کرد و پیامبر را واسطه قرار داد که مانع او نشوند تا بالاخره در جبهه جنگ اُحد به شهادت رسید.[۱۲]

[۱۰]آل عمران (۳) آیه ۱۶۹.

[۱۱]مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی شهید، ص ۷۶.

[۱۲]همان، ص ۹۷.

تمدّن اسلامی چیست و راه های بسط و گسترش آن کدام است؟

پرسش

تمدّن اسلامی چیست و

راه های بسط و گسترش آن کدام است؟

پاسخ

تمـدن نوع خاصـی از توسـعه مادی و معنوی در جوامع بشـری است که شامل مجموعه ای از پدیـده های اجتماعی قابل انتقال، حاوی جهات مذهبی، اخلاقی، زیبایی شـناختی و هنر، امور فنی و علوم و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است.[۴] این امور در جوامع اسـلامی طی ده قرن، به ویژه در قرن های سوم، چهارم و پنجم هجری به نحو بارزی تحقق یافت.

دانشوران در معنای تمـدن اسـلامی چنین گفته انـد که تمدن اسـلامی، فرهنگی است که فراتر از خواسـتگاه خود، مدینه النبی، گسترش مکانی و زمانی یافته و اجتماعات متعـدد را در بر گرفته و از حیات اجتماعی آن ها تأثیر پـذیرفته و بر حیات اجتماعی آن ها تأثیر گذارده است.[۵]

تمـدن اسـلامی که از بعثت پیـامبر اسـلام(ص) و از سـرزمین حجـاز منبعث شـد، در کوتاه ترین زمان ممکن به گسترش چشـم گیری نایل شد به گونه ای که از ضـلع غربی آن تا اندلس، اسـپانیا و پرتقال و کرانه های شـرقی اقیانوس اطلس، از ضلع شرقی آن تـا آسـیای مرکزی، دیوارهـای چین و سـین کیانـگ، از شـما تـا بالکـان و از جنوب تـا کرانه های اقیانوس هنـد و آفریقای مرکزی گسترش یافت.

مسـلمانان در این بستر پهناور جغرافیایی با انگیزه اسلامی به بسط علم، فلسفه، هنر و اخلاق و سیاست پرداختند و از ویرانه های تمدن های پیشـین بهره گرفتند و تمدن بزرگی را پایه ریزی نمودند و به جهانیان عرضه داشـتند. بغداد، قاهره و قرطبه به تناوب از مرکز ثقل این تمدن بودند. علوم و فنون

از جهان اسلام به اروپا سرایت کرد.

به گفته گوستاولبون فرانسوی، اثری که تمدن اسلامی در غرب نهاد بسیار و گسترده است.[۶]

بنابراین، تمدن غرب وامدار تمدن اسلامی است.

در دوره تمدن اسلامی یک سلسله فرازها و عوامل پیشرفت و یک سلسله نشیب ها و عوامل بازدارنده و انحطاط به وقوع پیوست که سخن در هر یک فرصت ویژه ای را می طلبد.

در سال ۴۹۰ هجری اروپائیان جنگ های صلیبی به راه انداختند و به مدت دویست سال نیروهای مسلمانان را تلف کردند و موجب ضعف در تمدن اسلامی شد.

در سال ۶۵۶ هجری هلاکوخان مغول مرکز خلافت عباسی، بغداد را به تصرف در آوردند و با نابودی شهر و کشتار هزاران نفر به تمدن اسلامی ضربه زدند.

در اسپانیا مسلمانان از سوی فرانسویان مورد هجوم قرار گرفتند و سرانجام در سال ۸۹۸ هجری با شکست مسلمانان یکی از مراکز مهم تمدن اسلامی به ویرانه ای تبدیل شد.

در سال ۱۳۴۲ هجری با بر چیده شدن حکومت عثمانی و تقسیم آن به ده ها کشور کوچک و کوچک تر، ضربه ای دیگر به عالم اسلام وارد شد.

این ها گوشه ای از عوامل فراز و نشیب در تمدن اسلامی است.

میدان برای سخن گفتن در تمدن اسلامی بسیار وسیع است چون که تمدن اسلامی، تمدن مسلمانان است که از نظر مکانی از اندلس تا چین و از نظر زمانی بیش از ده قرن را به خود اختصاص داده اند، سخن گفتن در یکایک پارامتر های تأثیر گذار، پیروزی ها و شکست ها فرصت زیادی را می طلبد. توصیه می شود که در صورت تمایل به جلد چهارم تاریخ ویل دورانت، تاریخ اسلام

و عرب گوستاولوبون فرانسوی و تاریخ تمدن جرجی زیدان مراجعه شود، لیکن در این فرصت کوتاه به برخی از عوامل مهم در بسط و گسترش تمدن اسلامی اشاره می کنیم:

۱ــ تشویق اسلام به گسترش علم و دانش؛

۲ــ تلاش ها و فداکاری های خالصانه پیامبر اسلام(ص)، اهل بیت و یاران آن حضرت؛

۳ــ رفق و مدارای مسلمانان با دیگران؛

۴ــ معارف عالی قرآن و هدایت آن در جهت نیل به تعالی؛

۵ــ نقش قرآن در گسیختگی جمود فکری و آزاد اندیشه در حوزه تفکری اسلام؛

۶ــ موقعیت جغرافیایی جزیره العرب و سخت کوشی عرب ها؛

۷ــ وجود برخی از خصلت های عرب جزیره العرب همانند صبر و پایداری در برابر سختی ها؛

۸ــ عدالت پروری اسلام؛

۹ــ کوشش های علمی ــ فرهنگی اهل بیت پیامبر(ص) به ویژه امام پنجم و امام ششم(ع)؛

۱۰ــ نهضت علمی عباسیان، به ویژه هارون الرشید و مأمون عباسی و تأسیس بیت الحکمه و نهضت ترجمه.

[۴]آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۴۷.

[۵]فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۲، ص ۳.

[۶]گوستاولبون، تمدن اسلام و عرب، مترجم سید هاشم حسینی، ص ۳.

تعریف(دین) و(فرهنگ) چیست؟ وچه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟

پرسش

تعریف(دین) و(فرهنگ) چیست؟ وچه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟

پاسخ

معناداری زندگی انسان در گرو انجام اعمال ورفتارهایی است که در چارچوب نظام ارزشی ویژه یک جامعه, و در راستای باورها ونظام عقیدتی آن جامعه انجام میگیرد, و چون مطابق بینش اسلامی, تنها جهان بینی حق و به تبع آن تنها نظام عقیدتی

و ارزشی صحیح دین اسلام است, ما مسلمانان عامل معناداری وجهت دهنده زندگی انسان را دین

میدانیم. از این رو فرهنگ بر دین انطباق مییابد. مگر آن که اجزای تشکیل دهنده فرهنگ را کمتر از اجزای تشکیل دهنده دین بدانیم, مثلاً جزای فرهنگ را صرفاً نظام ارزشی ورفتارهای موجود در جامعه دینی بدانیم که در این صورت فرهنگ زیر مجموعه و تابعی از دین خواهد بود. ناگفته نگذاریم که گاهی ارزشها در کشوری که دارای جامعه دینی است, فربه تر از صرف ارزشهای دینی تعریف می شود, در این صورت دو گونه ارزش خواهیم داشت: گونه اول ارزشهای ثابت وغیر قابل تغییر که از باورهای دینی سرچشمه می گیرد, گونه دوم ارزشهای ناشی از آداب ورسوم و قراردادهای اجتماعی که قابل تغییر وعوض شدن هستند. اما پر واضح است که تغییر در دسته دوم گزندی به ارزشهای ثابت وغیر قابل تغییر نمیرساند, چرا که اساساً از دو خاستگاه متفاوت نشأت گرفته اند.

تعریف کار فرهنگی چیست ؟

پرسش

تعریف کار فرهنگی چیست ؟

پاسخ

در کار فرهنگی ابتدا باید تعریف درستی ازفرهنگ داشت و سپس در نظر گرفت که در میان فرهنگ های مختلف فرهنگ مطلوب چیست . مسلماً منظور ما از کار فرهنگی تبیین ، ترویج و رساندن پیام فرهنگی اسلام به دیگران و زمینه سازی جهت رشد و تعالی معنوی وفرهنگی است . چنین عملی مسلماً باید از طریق شناخت هر چه بهتر فرهنگ غنی اسلام و آشنایی با ابزارها و تکنیک های انتقال و پویایی فرهنگی انجام پذیرد .یکی از ویژگی های ممتاز اسلام این است که علاوه بر غنای فره.......،دارای غنای ابزاری در راستای پویایی فرهنگی نیز هست . برای آگاهی بیشتر.ک : فرهنگ و تهاجم فرهنگی ، بیانات مقام معظم رهبری . ;

فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت(چیست؟

پرسش

فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت(چیست؟

پاسخ

در بیان اهداف و فلسفه عزاداری باید گفت؛ اگر درمیان شیعیان، عزاداری یک سنت رایج شده است انگیزه های گوناگونی دارد که به طور اختصار عبارت است از :

۱.شناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام که سراسر زندگی آنان برای جامعه اسلامی الگو و سرمشق است، چه در مبارزه با طاغوتیان و چه در مسایل اخلاقی و روحی و ...

۲. افزایش عشق و محبت اهل بیت که پاداش رسالت پیامبر(است؛ چون در قرآن خداوند امر فرمود به حضرت رسول(که چنین بگوید: "قل لا ـ اسئلکم علیه اجراً الا ـ الموده فی القربی"(۱) بگو : من در برابر تبلیغ دین اجر و مزدی از شما نمی خوŘ......مگر دوستی و تبعیّت از اهل بیتم.

۳. کمال خواهی و فضیلت طلبی.

۴. دعوت به دین و آگاه شدن از حقایق آن و فراخوانی مردم به صلاح و اصلاح و دوری از انحراف و فساد.

۵. حقانیّت نهضت حسینی بر ضد طاغوتیان و آشنا کردن مردم با ویژگیهای قیام امام حسین(

۶. اطعام عده ای از گرسنگان در پرتو مجالس عزا که از دستورات مؤکد قرآن و اسلام است.

۷. یاد مصیبت اهل بیت(که موجب آسان شدن مصایب و سختیهای دوستداران آنان است.

۸. همدردی با رسول خدا(و حضرت زهرا(و سایر ائمه(.

۹. فراموش نشدن خاطره عاشورا؛ چرا که اگر این عزاداریها نبود نسلهای آینده نمی دانستند امام حسین(را یزید کشته است؛ و چرا کشته است.

۱۰. افشاگری جنایات ستمگران به ویژه بنی امیه و بنی عباس.

۱۱. رشد فضایل و کرامتهای انسانی و الهی و پرورش روحیه شهادت طلبی؛ هر قطره اشک پیامی است که شهادت را

چون پیامی به مردم ابلاغ می کند و گریه نشانه آن است که فاجعه ای روی داده و ظلمی صورت گرفته است. عزاداری نه یک روز، نه ده روز، نه یک ماه بلکه در تمام سال برای این است که ملتی که در شـهادت زنـدگی می کنـد باید عزادار باشد و در مجالس عزا با بیان فلسفه شهادت و با یادآوری از شهیدانش، روحیه شهادت طلبی را همچنان تازه نگه دارد. بی شک به خاطر نشـر فلسفه شهادت و ایثار و کرامتهای انسانی است که شیعه به بهانه مرگ برادر، عمو، دایی و ... جلسه برگزار می کند و یک باره به کربلا گریز می زند و از حسین سخن می گوید.

۱۲. زنده نگه داشـتن اسـلام با اسـتفاده از ابزار عزاداری، عزاداری اسـلام را زنده کرد و اگر امام حسین(قیام نمی کرد اثری از اسـلام باقی نمی مانـد. اساس شـکل گیری انقلاب اسـلامی نیز نهضت امام حسـین(است. امام خمینی(درباره تجدیـد و تکرار عزاداریها می فرماینـد : "... اصـلاً نمی فهمند مکتب سیدالشـهدا چه بوده و نمی دانند این منبرها، گریه ها، و سـینه زنیها حدود ۱۴۰۰ سال است که ما و مکتب را حفظ کرده و تا حالا اسـلام را آورده، این عده از جوان ها اینطور نیست که سوء نیت داشته باشـند؛ آنها خیال می کننـد که ما باید حرف روز بزنیم. حرف سیدالشـهدا حرف روز، و همیشه حرف روز است؛ اصـلاً حرف روز را سیدالشـهدا آورده است و دست مـا داده است و سیدالشـهدا را این گریه هـا، و مکتب وی را این مصـیبتها، داد و قالها و این

سینه زنیها و این دستجات حفظ کرده است اگر فقط مقدسی بود و توی اتاق و توی خانه می نشست و برای خودش هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند، چیزی نمانده بود... همینهاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود این نهضت را کسی پیش نمی برد."(۲)

بنابراین عزاداری حسین بن علی و سایر ائمه اطهار(یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است.(۳) روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیأتهای زنجیرزنی، پوشیدن لباس مشکی و پرچم به دست گرفتن و شربت و آب دادن و تلاش در برپایی مجالس و نوحه خوانی و سینه زنی و ... هر یک به نوعی سربازگیری برای جبهه حسینی است.(۴) این پیوند قلبی را عمق و غنا می بخشد. این موارد، انگیزه های برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری است و آنچه در این میان وجود ندارد گریه کردن برای ضعف و ذلت ائمه است چون نفوس آنها، عزیزترین نفوس در میان موجودات عالم است.

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه شوری / آیه ۲۳

۲. قیام عاشورا در کلام و پیام امام، ص۱۶

۳. نهضتهای اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، ص۸۹

۴. فرهنگ عاشورا، ص۳۱۴

پاسخ به شبهات عزاداری، حسین رجبی، ص۲۵

چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟

پرسش

چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟

پاسخ

ابتدا معنای این دو واژه را باید داشت. فرهنگ (colture در انگلیسی، و Kultur در زبان آلمانی) مرکب از دو واژه "فر" به معنای "پیش" و "هنگ" از ریشه اوستایی THANG به معنای کشیدن تشکیل شده و کلمات فرهختن و فرهیختن در ادبیات فارسی ریشه است که به معنای تربیت کردن و ادب آموختن است. و نیز فرهنگ در فارسی به معنای دانش، عقل، فضل، ادب، بزرگی و سنجیدگی به کار رفته است، و نیز به معنای شاخه درختی که در زمین خوابانیده می شود تا جای دیگر سر بر آورد و کار ریز آب گفته می شود.

از نظر اصطلاحی، با اینکه صدها تعریف برای واژه فرهنگ ذکر کرده اند، نقطه مشترک خاصی وجود ندارد، اما به طور کلی

این تعریف را بهتر می توان دیـد که: "فرهنـگ عنصـر هویت ساز جوامع و مظهر حیات عقلایی آنها است و کلیتی است که از ترکیب خصوصـیات و نمادهـای به وجـود آمـده در هر جـامعه پدیـد می آیـد، که هسـته مرکزی این کلیت و حیـات عقلاـیی، نگرش موجود در هر جامعه درباره انسان و حقوق بنیادین اوست.

و تعریـف توصـیفی یـا تشـریحی از فرهنـگ می توان گفت: فرهنـگ به عنوان یـک کلیت از ویژگی هـای اساسـی گروههـای اجتماعی، تصورات، باورها، هنرها، آداب و رسوم بشـری، میراث ملی، راه و روش زندگی یک قوم، نظام ویژگی های مادی و معنوی که به منظور تأمین نیازهای بشری سامان یافته اند.

فرهنگ ثمره فعالیتهای فکری و سـیری جوامع و چکیـده زنـدگی اجتماعی است و در تمامی ضوابط فردی و اجتماعی منعکس می شود. مؤلفه های

فرهنـگ عبارتنـد از همـان آداب، رسوم، باورهـا و نظـام ارزشـی حاکم بر جامعه، بنابراین ایـدئولوژی جزئی از فرهنگ هر قوم است. جامعه ای که از فرهنگ قوی برخوردار باشد، اصول و معیارهای عملی خاصی دارد که به آن ایدئولوژی گفته می شود. ایـدئولوژی در مقابل جهان بینی است در مکتب اسـلام اصول عقاید را می توان جهان بینی نامید، و فروع دین و در واقع بخش عملی احکام را ایـدئولوژی. و چون فرهنگ باید واجد باورها باشد، این باورها، که همان جهان بینی هسـتند، به فرهنگ جهت بخش و صاحبان فرهنگ را راهنمایی می نماید که به چه معیارها و موازین ارزشی پای بند باشند و بر اساس چه خطوطی عمل و حرکت کنند.

از سوی دیگر ایـدئولوژی و فرهنـگ در یک داد و سـتد سازنـده و جلو برنـده به یکـدیگر یاری می رساننـد. هر گاه کسـی به مقررات اجتماعی و دینی و معیارهای پذیرفته شده جامعه، عمل نماید، به فرهنگ جامعه پای بند بوده و سعی نموده است عملاً آن را رعایت کند، و هر چه به این مقررات بیشتر پای بند و عامل باشند فرهیخته تر و با فرهنگ تر خواهد بود.

در دنیـای کنونی با کوچکتر شـدن جهان و رشـد و سـرعت تبادل اطلاعات، ضـمن اینکه امکان بهره گیری از فرهنگ دیگران وجود دارد، خطر دست کشـیدن از موازین و فرهنـگ خودی و اسـتحاله فرهنگی نیز وجود دارد. ایـدئولوژی در چنین جایی با اینکه از عناصر درونی فرهنگ است کمک می کند تا فرهنگ هویت و استقلال خود را حفظ نماید، و مواد زاید و مضری که به نام فرهنگ از سوی

بیگانه هجوم می آورد را دفع نماید و به صاحبان فرهنگ بگوید به خود متکی باشند و درصدد نقد واردات باشند نه رد مطلق و نه پذیرش و تسلیم یکسره.

از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟

پرسش

از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟

پاسخ

قرآن مجید، ضمن تذکر و راهنمایی انسان برای رسیدن به بهترین تمدن یا آرمان شهر، در آیات متعددی به نحو ملموس و عینی، با ذکر نمونههایی از تمدنهای گذشته، عوامل انحطاط و سقوط، و همچنین عوامل رشد و تعالی آنها را بیان میکند.

بهترین تمدن یا آرمانشهر اسلامی و قرآنی، همان جامعه و تمدن مهدوی است که با ظهور حضرت تحقق میپذیرد.

تمدن ایدهآل، تمدنی است که: ۱. قانون همه جانبه و کامل، زیر بنای نظم اجتماعی آن باشد; قانونی که زمینه رشد و شکوفایی انسان را در بُعد مادی و معنوی فراهم کرده باشد و این قانون، جز از راه وحی و مکتب انبیا برای انسان، قابل دسترسی نیست.(أَنزَلَ مَعَهُمُ الْکِتَب)

۲. دولت مردان و مجریان آن، انسانهای صالح و پاکی باشند، و تقسیم قدرت، بر اساس لیاقت و شایسته سالاری باشد که بهترین نمونه آن را در صورت حکومت حضرت مهدیغ مشاهده خواهیم کرد، قرآن مجید میفرماید: "وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الاْ ئَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّـلِحُونَ ;(انبیأ،۱۰۵) و ما بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من، ملک زمین را وارث خواهند شد."

اگر قانون و اجرای آن به نحو مطلوب و صحیحی در جامعه، مطرح باشد، همه نهادهای جامعه، به سمت و سوی ترقی و رشد حرکت کرده و تمدن واقعی را رقم میزنند که در آن سعادت انسان و رشد معنوی و مادیاش تأمین میشود.

معمولاً برای جامعه، پنج نهاد اصلی را بر میشمارند: نهاد خانواده، اقتصاد، حقوق، حکومت، آموزش و پرورش. قرآن، به همه

اینها پرداخته و ارزش مداری و واقعگرایی را در همه آنها، لِحاظ نموده است.

نهاد خانواده، طبیعیترین عامل برای زندگی اجتماعی به شمار میرود. جامعه ایدهآل، جامعهای است که به تشکیل این نهاد اهمیت بدهد. قرآن مجید، با تأکید بر اصل ازدواج، آن را مایه آرامش انسان معرفی نموده و روایات ما به پیروی از قرآن، ملاک و ارزشها را در اینباره معرفی نمودهاند.

قرآن مجید، سرپیچی از این عامل مهم را سبب انحطاط تمدن میداند; هم چنان که در جریان قوم لوط، به این مطلب اشاره شده است.

نهاد اقتصاد و معیشت، طبیعیترین نیازی است که افراد احساس میکنند برای تأمین آن میبایست تلاش کرده و نیازهایشان را تأمین نمایند.

تشویق مردم به کار و تقسیم و توزیع عادلانه منابع و ثروتها که، مسئلهای است که اسلام در این زمینه متذکر میشود.

نهاد حقوقی، با وضع قوانین عادلانه و واقعنگر، روابط حقوقی بین افراد را تنظیم میکند، هم چنین اسلام درباره وظایف حکومت نیز مطالبی بیان کرده است.

از باب نمونه، قرآن برای تأمین امنیت مال و ناموس افراد از دشمنان و توطئهگران داخلی و خارجی، به تهیه لشکر قوی و استوار دستور میدهد: "وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّه;(انفال،۶۰) خودتان را مهیا نمایید تا آن مقدار که میتوانید."

هم چنین در بُعد آموزش، نیز قرآن، ضمن طرح ارزش علم و دانش، به جهتدهی آن در مسیر خدمت به مردم و عبودیت خدا میپردازد.(برگرفته از علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن، احمد علی قانع، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.)

به طور خلاصه میتوان گفت: تمدن ایدهآل قرآنی، تمدنی است مبتنی بر تعالیم دینی و وحیانی

که، مجریان آن، صالحان و پاکانند و تمام زمینههای رشد انسانی، اعم از مادی و معنوی را توسعه میدهند که ما شاهد تحقق آن به صورت کامل، در زمان ظهور حضرت مهدیغ خواهیم بود، که علم، عدالت، معنویت و آزادگی، در اوج رشد و شکوفایی خواهد بود.

برای مطالعه و کسب اطلاعات بیشتر از تمدن قرآنی، میتوانید به کتاب علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن، نوشته آقای احمد علی قانع، مراجعه فرمایید.

بعضی قائل شده اند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است آن هم با لحنی موافق و به رسم مماشات آیا این ادعا صحیح است

پرسش

بعضی قائل شده اند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است آن هم با لحنی موافق و به رسم مماشات آیا این ادعا صحیح است

پاسخ

"فرهنگ در لغت به معنای تعلیم و تربیت علم و دانش و ادب کتاب لغت مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است از نظر اصطلاحی به مجموعه برداشت ها، موضع گیری های فکری هنر، ادبیات فلسفه آداب سنن و رسوم و روابط حاکم بر اجتماع تعریف شده است

قرآن کریم آخرین پیام آسمانی است که بر بشر نازل شده است و در محیطی بر انسان ها وارد شده که آن ها سرگشته و حیران و در جهل و تعصّب و خرافات به سر می بردند و در فرهنگشان آمیخته ای از عناصر صحیح و غیرصحیح وجود داشت چون از طرفی اعراب جزیره العرب وارثان حضرت ابراهیم و اسماعیل و دین حنیف بودند، لذا عناصر فرهنگی الهی و مفیدی مثل حج داشتند و از طرف دیگر در طول اعصار متمادی و با دوری از انبیای الهی به تدریج خرافات و عناصر باطل در فرهنگ آنان رسوخ کرده بود.

آن چه در قرآن کریم آمده حق است و باطل در آن راه ندارد: "لَآ یَأْتِیهِ الْبَطِلُ مِن بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ." (فصلت ۴۲)

حال اگر مراد از "فرهنگ زمانه عرب عناصری مثل ادبیات باشد، این عناصر فرهنگی به ناچار، در هر کتاب یا سخنرانی وجود دارد

و به کـار گیری آن برای تفهیم مطـالب لازم است امّا اگر مراد از "فرهنـگ زمـانه ، خرافات مطالب باطل و شـرک آلود عرب جاهلی باشد، قطعاً قرآن کریم از این فرهنگ متأثر نشده است بلکه به شدت و با تمام امکاناتی که داشته با این فرهنگ مبارزه کرده است مثل مذمت زنده به گور کردن دختران (تکویر، ۸) و یا بت پرستی و شرک به خدا و... .

پس به همان صورت که در ردّ تفکر خرافی و جاهلی و شـرک آلود، مماشاتی در رفتار پیامبر و زبان قرآن مشاهـده نمی شود، به همـان گونه در تأییـد و اصـلاح تفکر توحیـدی پیـامبران الهی کوتـاهی و یـا مماشاتی انجام نگرفته است چرا که احیا نمودن عناصـر فرهنگی مثبت که ریشه در ادیـان ابراهیمی داشـته است به این معنـا نیست که قرآن تحت تـأثیر آن فرهنـگ قرار گرفته است بلکه به معنای احیا و پیرایش نمودن و تکامل بخشیدن آن سنن الهی است

قرآن از عصـر قبل از نزول به "الجاهلیه الأُولی" (احزاب ۳۳) تعبیر کرده و می فرمایـد: "أَفَحُكْم الْجَهِلِيَّه يَبْغُون وَمَن أَحْسَن مِن اللَّه حُكْمًا...; (مائـده ۵۰) آیا خواسـتار حکم جاهلیت انـد؟ و برای مردمی که یقین دارنـد، داوری چه کسـی از خدا بهتر است "

هر حکمی غیر از احکام و شـرایع حقّی که از جانب خداونـد متعال نازل شده است حکـم جاهلیت و ناشـی از هوا و هوس های جاهلانـ است پس "فرهنـگ جـاهلی مربوط به عصر نزول قرآن نیست که بگوییم فرهنـگ و سـنت هـای قبل از ظهور اسـلام "فرهنگ جاهلی

و فرهنگ و آداب بعد از ظهور اسلام "فرهنگ اسلامی است بلکه فرهنگ اموی و عباسی و... نیز از مصادیق "فرهنگ جاهلی به شمار می آید; حتی بخش های بسیاری از آن چه امروز به "فرهنگ مدرن و متمدن غرب یاد می شود، نیز از مصادیق بارز "فرهنگ جاهلیت است

نکته مهم دیگر این که "قرآن ، کتاب فیزیک گیاه شناسی زمین شناسی و یا کیهان شناسی نیست قرآن کتاب انسان سازی است و نازل شده است تا آن چه را که بشر در راه تکامل حقیقی اش (تقرب به خداوند) به آن نیاز دارد، به او بیاموزد; پس نمی توان با روش علوم تجربی به بررسی آن پرداخت بلکه باید به شیوه ای ویژه که خود قرآن تعلیم فرموده آن را بررسی کرد. واقعیت های انکار ناپذیری که در قرآن کریم وجود دارد، عبارت است از:

۱. ارتباط تنگاتنگ کلام خداوند با کلام بشر: این که حقایق و معانی قرآن در قالب الفاظ، حروف و کلماتی استفاده شده است که جنبه بشری دارد، مطلب درستی است در قرآن از قواعد ادب و فنون بلاغتی بهره برده شده که دیگران نیز از آن بهره برده اند. هر پیامبری برای القای پیام خود به مخاطبان چاره ای جز این ندارد که معانی بلند سخن آسمانی را در قالب الفاظی در آورد که بشر با آن ها مأنوس است به همین دلیل نیز می بینیم که قرآن گاهی عین کلمات مخاطبان خود را نقل تأیید، تصحیح یا رد می کند.

۲. زبان قرآن این که قرآن به زبان عربی آمده و تورات به زبان عبری و... ناشی

از گوناگونی مخاطبان وحی بوده است و گرنه برای خداوند، عربیت عبریت و... خصوصیتی ندارد; بنابراین قرآن در هنگامه و موقعیت جغرافیایی خاصی نازل شده است که در آن اقوام و مذاهب گوناگون وجود داشته است و قرآن نیز بدون توجه به شناخت واژه ها و کلمات و بدون رعایت تفهیم و تفاهم مطالب را ادا نکرده است مثلاً از آن جایی که مردم حبشه و یمن که از خدا به "رحمان تعبیر می کردند و گروهی از آنان در شهر مکّه بودند، قرآن نیز عمداً در موارد بسیاری به جای دیگر اسمأ ذات حق از کلمه "رحمان استفاده کرده است

۳. اسباب نزول یکی دیگر از واقعیت های انکارناپذیر، سبب های نزول است لذا جاودانگی قرآن به این معنا نیست که هیچ گونه رابطه ای با واقعیت های عصر خود نداشته است و همه پیام های خداوند کلی است بلکه قرآن با توجه به نیازها و شرایط عصر رسالت نازل شده و رنگ زمان و فرهنگ عصر بعثت در آن مشاهده می شود; ولی در همه این موارد، جهت گیری آن عام و کلی بوده و جنبه درس آموزی و هدایت گری جامعه انسانی لحاظ شده است

۴. شرایط تاریخی عصر نزول این نیز از دیگر واقعیت های پذیرفته شده است زیرا برای درک فرهنگ عصر نزول قرآن آگاهی از شرایط تاریخی جغرافیایی اقتصادی و سیاسی منطقه حجاز ضروری است چون موجب می شود، مخاطبان اولیه قرآن شناخته شوند.

منطقه حجاز، با طبیعت خشک و دور از فرهنگ و تمدن انسانی کم محصولی و نبود کشاورزی انبوه و

کسب سالم و مطمئن انسان هایی خرافاتی بت پرست خونریز و با رفتارهای ناهنجار به وجود می آورد و اسلام با توجه به واقعیت ها و مسائل حاکم بر آن محیط، تعالیم خود را پی ریزی کرد و اندک اندک با عقاید فاسد آنان به مبارزه برخاست

۵. انسجام و پیوستگی اگرچه دوران رسالت و نزول قرآن پر فراز و نشیب است امّا روند دعوت و جوهره پیام آن یکی است بنابراین سیر پیام و خط کلی دعوت در تمام مراحل رعایت شده است

با توجه به واقعیت های موجود نمی توان قائل شد که قرآن کاملاً تسلیم فرهنگ عصر نزول یعنی صدراسلام بوده و یا این که قرآن فرهنگ زمان خویش را که همان فرهنگ جاهلی عرب و آمیخته با خرافات ضد علمی بوده پذیرا شده و خداوند آن را در متن قرآن وارد کرده است چرا که این نظریه تا حدودی شبیه نظریه ای است که در زمینه تأثیر فرهنگ زمانه بر نویسندگان تورات و انجیل گفته شده است البته این بیان در مورد تورات و انجیل با آن همه خرافات و مسائل ضد علمیشان می تواند صادق باشد و شواهدی نیز بر آن مترتب است امّا در مورد قرآن کریم هرگز قابل قبول نیست

با توجه به آن چه گذشت ثابت می شود که قرآن هیچ گاه فرهنگ منحط جاهلی را نپذیرفته و با باطل مماشات نکرده است

لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟

پرسش

لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟

پاسخ

پیش از پاسخ تذکر نکاتی لازم است

"فرهنگ در لغت به معنای تعلیم و تربیت علم و دانش و ادب کتاب لغت مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است از نظر اصطلاحی به مجموعه برداشت ها، موضع گیری های فکری هنر، ادبیات فلسفه آداب سنن و رسوم و روابط حاکم بر اجتماع تعریف شده است

در قرآن کریم از "فرهنگ به مفهوم مصطلح آن تعبیری یافت نمی شود; ولی به طور کلی قرآن کریم از "فرهنگ در یک جا به عنوان "زبان قوم یاد کرده است چون قرآن کریم نخست در محیط جزیره العرب نازل شده و با مردمی سروکار داشته که دارای اعتقادات و رفتاری خاص بوده اند:

"وَ مَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ;(ابراهیم ۴) ما پیامبران را نفرستادیم مگر با زبان قوم خودشان سخن بگویند."

در جای دیگر از "فرهنگ به عنوان "حکم جاهلیت یاد کرده و در آیات بسیاری به اعتقادات و فرهنگ رایج عصر خود حمله

می کنـد: "أَفَحُكْم َالْجَهِلِيَّه ِيَبْغُـون َوَمَن ْأَحْسَن ُمِن َاللَّه ِحُكْمًا لِّقَوْم ٍيُوقِنُون ;(مائـده ۵۰) آيا حکم جاهليت را می جوييـد؟ برای گروهی که باور دارند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است ؟

همچنين از فرهنـگ به عنوان "سـنن يـاد کرده و در آيات بسـياری سـنت گذشـتگان و آداب و رسوم آن ها را يادآوری کرده است "قَدْ خَلَت ْمِن قَبْلِكُم ْسُنَن ٌفَسِيرُوا فِی الأ ?رْض ِفَانظُرُوا كَيْف َ

كَان َعَقِبَه ُالْمُكَذِّبِين َ؛(آل عمران ۱۳۷) پیش از شما، سنت هایی وجود داشت]و هر قوم طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت هایی داشتند؛ که شما نیز همانند آن را دارید[پس بر روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام کار تکذیب کنندگان]آیات خدا[چگونه بود؟!"(ر.ک قرآن و فرهنگ زمانه سید محمد علی ایازی انتشارات کتاب مبین / المعجم المفهرس محسن بیدارفر، ص ۳۷۲، انتشارات بیدار.)

اکنون به بیان این مطلب می پردازیم که فرهنگ یک جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن چگونه باید باشد و قرآن با فرهنگ موجود زمان نزول و سایر فرهنگ ها، چگونه برخورد کرده است

فرهنگ های غیر الهی به سان فرهنگ عرب زمان نزول قرآن گسیخته ای از حق و باطل اند؛ حق از آن جهت که از ادیان الهی متأثر بوده اند و باطل از آن جهت که آن فرهنگ الهی با خرافات و علایق مغایر با خواست شرایع الهی مخلوط شده است

قرآن کریم ضمن ارائه فرهنگی فراگیر و پایه دار، با فرهنگ موجود و به طور کلی فرهنگ های بشری برخوردی متناسب دارد؛ بدین ترتیب که عناصر حق را تأیید کرده و عناصر باطل را به نقد کشیده برای آن ها چنانچه لازم بوده جایگزینی مناسب ارائه کرده است

عناصر فرهنگ ساز قرآنی در آیات بسیاری به تصویر کشیده شده و نمونه های عینی آن نیز گاه ارائه شده است برای مثال ترویج مسؤولیت پذیری و دفاع از کیان جامعه اسلامی فرهنگ جهاد و شهادت عدالت محوری در گستره های فردی و اجتماعی اطاعت پذیری از مسؤولان مورد تأیید حاکم شرع

توجّه به فضایل اخلاقی و نهادینه کردن آن و انذار از رذایل اخلاقی و بسیاری دیگر.(ر.ك قرآن و فرهنگ زمانه سید محمدعلی یازی نشر کتاب مبین)

آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد

پرسش

آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد

پاسخ

افتخار نمودن به تمدن اشکالی ندارد؛ ولی دین ساختن از آن، معقول و منطقی نیست. شاید علت این که برخی در برابر افتخار به تمدن های گذشته، موضع گیری می کنند خاطراتی است که از دوران طاغوت در اذهان دارند؛ چرا که در آن دوران، سعی می شد با بیان سوابق تمدنی گذشته ایران، نوعی تفکر خاص (شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله) القا گردد و نوعی مکتب و طرز تفکر و فرهنگ از آن اتخاذ شود. جشن های ۲۵۰۰ ساله نیز در زمان طاغوت، به همین منظور طراحی شده بود.

اما درباره کورش نیز گفتنی است که مرحوم علامه طباطبایی(ره)، این نظر را ترجیح داده اند که کورش همان ذوالقرنین باشد. حال چه کورش همان ذوالقرنین باشد یا نباشد، ما نبایستی چشم خود را به روی حقایق تاریخی ببندیم. تا آن جا که کورش، خدماتی به ملت های محروم انجام داده (مانند نجات یهود از ظلم بخت النصر) و یا خدمات دیگر، از او قدردانی کنیم و آن جا که برخلاف آن بوده، به صرف ایرانی و یا قدرتمند بودن چشم های خود را نبندیم.

در هر صورت مطالعه و تحقیق و نیز بیان افتخارات تاریخی، تا آن جا که با تعالیم وحی الهی در تضاد نباشد، هیچ اشکالی ندارد.

با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد

پرسش

با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد

پاسخ

نکته ای که در نامه خود مطرح کرده اید، نشانگر احساس مسؤولیت و آرمان پاک شماست. با توجه به نیاز مبرم درمحیط دبیرستان و دانشگاه به فعالیت های فرهنگی شما عزیزان، باید چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱ - در کار خود برنامه ریزی کنید و با حفظ اصل میانه روی، عمده وقت خویش را به درس ها و مابقی را به فعالیت هایجنبی

اختصاص دهید.

۲ – در صرف وقت بخیل باشید تا به وظایف اصلی خودتان برسید و در آنها موفق گردید.

۳ – در اوقات امتحان از فعالیت های دیگر دست بکشید و برای آن وقت زیاد صرف کنید.

۴ – این را باید توجه داشته باشید که انجام وظایف جنبی فرهنگی شما را با تجربه و با مهارت خواهد ساخت.

همچنین در محضر ربوبی نیز از اجر و پاداش برخوردار خواهید بود. باری، فرق است بین افراد بی تفاوت و کسانیکه با همه وجودشان برای خدا تلاش می کنند و مسؤولیت های خطیری را از روی اخلاص می پذیرند. توصیه آخر مااین است که با رفتار عملی و اخلاق نیکو، سرمشق و الگویی برای دیگر دوستان خود باشید.{J

وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟

پرسش

وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟

پاسخ

بررسی دقیق تمایزات فرهنگ شرق و غرب و وجوه مختلف مثبت و منفی هر یک، ده ها کتاب و صدها مقاله می طلبد. از طرف دیگر هر یک از دو بلوک شرق و غرب، فرهنگ های گوناگونی را در خود جای داده اند؛ لیکن در این جا به اختصار به چند وجه تمایز کلی و اساسی اشاره می شود:

۱– استکبار و فرعونی گری یکی از ویژگی های بارز فرهنگ غرب است. این پدیده در جهان شرق، آنسان که در غرب وجود دارد دیده نمی شود. خطر بزرگ تحمیل و تهاجم فرهنگ غربی از همین روحیه ناشی می شود.

۲– خودبسندگی و گریز از تعهد دینی نیز یکی از وجوه بارز غرب است و گرایش به اومانیسم و سکولاریسم ناشی از همین گرایش می باشد؛ لیکن فرهنگ شرقی اساسا غیر از این است و در آن تعبد و خداگرایی و التزام در برابر فرمان های او بسیار با اهمیت است.

۳– استخدام طبیعت یکی از گرایش های غربی است؛ در حالی که در فرهنگ شرقی استفاده از طبیعت در آن حد افراطی نیست.

۴– در فرهنگ غربی به شناخت و ساختن طبیعت بیشتر بها داده می شود تا شناخت خود و ساختن خویش، ولی این روش در فرهنگ شرقی مردود است.

۵- اخلاق و عواطف انسانی در غرب شدیدا متزلزل است؛ ولی در فرهنگ شرقی اخلاق جایگاه ممتازی دارد.

۶- غلبه مادیت بر معنویت نیز یکی از وجوه مهم فرهنگ غربی است. این مسأله در ابعاد مختلف زندگی غربی ها نمودهای عینی فراوانی دارد؛ مثلاً فرهنگ پوشش در غرب، فرهنگی بدن نما و نمایشگر جاذبه های جسمی است؛ اما در شرق اصالت با وجوه معنوی حیات انسان است و

در پوشش نیز تلاش بر این است که توجه جاذبه های جسمانی، رباینده توجه از امور معنوی نباشد.

۷- هنر در فرهنگ غربی تصویرگر ابعاد مادی حیات است و در فرهنگ شرقی توجه دهنده به ابعاد معنوی و عرفانی.

۸- در فرهنگ غربی اصالت «حق» (به معنای طلبکاری ها، نه به معنای حقیقت) بر وظیفه مسؤولیت و تکالیف تقدم دارد؛ اما در فرهنگ شرقی مسؤولیت آدمی مقدم بر حقوق او است.

۹- در فرهنگ غربی اصالت با فرد(Inolividualism) است؛ ولی در فرهنگ شرقی چنین تقدم و اصالتی وجود ندارد.

۱۰- براساس حاکمیت اصالت فرد و اومانیسم(Humanism) و اخلاق سودپرستانه(Utilitarianism) در غرب حتی دین گرایی نیز به خاطر اصالت و حقانیت دین نیست. بلکه در راستای کارکردهای (Funetions) روانی است. در حالی که در فرهنگ شرقی آنچه اصالت دارد حقیقت است و دین به خاطر حقانیتش مورد قبول است و کارکردهای فردی و اجتماعی آن در درجه دوم مورد توجه قرارمی گیرد.{J

پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟

پرسش

پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟

پاسخ

پایایی یک فرهنگ تابع عوامل مختلفی است؛ از جمله:

۱- هماهنگی با فطرت،

۲- تأیید پذیری از ناحیه عقل و دارای پشتوانه منطقی بودن،

۳- غنا و جامعیت،

۴- برخورداری از جذابیت،

۵- انطباق پذیری با شرایط مختلف،

۶- قدرت کنترل و بازدارندگی نسبت به عوامل مخرّب.

{J

راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟

پرسش

راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟

پاسخ

فرهنگ و معارف اسلامی را از راه های مختلف می توان شناخت:

۱. مطالعه کتبی که در زمینه معارف اسلامی تألیف شده است مانند مجموعه آثار شهید مطهری یا مجموعه آثار شهید دستغیب تقریبا مباحث جامعی در زمینه عقاید و اخلاق اسلامی.

۲. با انتخاب مرجع تقلید و تهیه رساله او و مطالعه احکام با بخش دیگری از معارف اسلامی می توانید آشنا شوید.

۳. مطالعه کتاب های اخلاقی مانند کتاب معراج السعاده از احمد نراقی.

۴. مطالعه کتاب های تاریخ اسلام مانند تاریخ اسلام از جعفر سبحانی و سیره پیشوایان از مهدی پیشوایی.

۵. شرکت در مراسم مذهبی.

کتاب هایی که معرفی شد بر این اساس است که معارف دینی به سه بخش : عقاید، احکام و اخلاق تقسیم می شود و سیر مطالعاتی باید به گونه ای باشد که هر سه بخش را پوشش دهد و کتاب های فوق تقریبا هر سه بخش را پوشش می دهد مضافا بر این که شرکت در مراسم مذهبی هم شما را با معارف اسلامی بیشتر آشنا می کند و هم با فرهنگی دینی بیشتر آشنا می شوید.

مقام معظم رهبری درفرمایشی بیان فرمودند که کربلا نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کربلا وکربلایی بودن را توضیح فرمایید؟

پرسش

مقام معظم رهبری درفرمایشی بیان فرمودند که کربلاـ نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کربلا وکربلایی بودن را توضیح فرمایید؟

پاسخ

حادثه عاشورا حادثه ای است که در آن فرهنگ اسلامی مجسم شده است یعنی اموری که دین به آنها امر کرده ودر جامعه

اسلامی جزو ارزشها محسوب می شود مانند مبارزه با ظلم وعدالتخواهی ، مروت وایثار وجوانمردی ، صبر واستقامت در مصائب داشتن بالاترین درجه محبت وعشق نسبت به خدا و ... دراین حادثه بوسیله امام ویاران وفادارش جامه عمل پوشیده اند.

وبه قول استاد مطهری ره : « حادثه کربلا یک نمایش از سربازان اسلام است اما نه نمایشی که صرفاً نمایش و صورت بازی باشد که آدمکهایی بسازند وصورتکی درست کنند ولی در واقع حقیقت نداشته باشد مثلاً آیه « انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بأن لهم الجنه » (۱) در این حادثه کربلا خودش را نشان می دهد.» (۲)

همانطور که ذکر شد حادثه کربلا تجسم عملی فرهنگ اسلامی است و آیات قرآن که راه رسم زندگی وفرهنگ دینی را به انسانها می آموزد دراین واقعه عینیت یافته است.

یکی دیگر از آیاتی که در خادثه کربلا تجسم یافت وبه نمایش در آمد آیه « ومن الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا للّه » (۳) یعنی : برخی از مردم غیر خدا را همانند خدا می گیرندوچنانکه خدا را باید دوست داشت به آنان دوستی می ورزندولیکن آنها که اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط مخصوص خدا می گردانند.

حال ببینیم حسین علیه السلام جزء کدام گروه هستند کسانیکه

دلبستگی و دوستی وعلاقه شان به غیرخدا به اندازه خداست یا کسانیکه بیشترین دوستی ودلبستگی شان را به خداوند اختصاص داده اند در حادثه کربلا ـ امام حسین (ع) نشان میدهند که اهل ایمانند وشدیدترین دوستیها ومحبت ها را باخدا دارند. والذین امنوااشد حبّا لله .

استاد مطهری (ره) دراین باره می گویند ما بچه هایمان را دوست داریم آیا حسین بن علی (ع) بچه های خود را دوست نداشت مسلماً او بیشتر دوست داشت . ابراهیم خلیل هم این طور نبود که کمتر از ما اسماعیلش را دوست داشته باشد. خیلی بیشتر دوست داشت بهااین دلیل که از ما انسان تر بود واین عواطف ، عواطف انسانی است او انسان تر از ما بود وقهراً عواطف انسانی او هم بیشتر بود . حسین بن علی هم از مثل ما فرزندان خود را دوست می داشت اما در عین حال او خدا را از همه کس وهر چیزی بیشتر دوست می داشت و درمقابل خداوند ودرراه خدا هیچ کس را به حساب نمی آورد. (۴)

یکی دیگر از آیه هایی که رد حادثه عاشورا تجسم یافت وبه نمایش درآمد وسرمشق عملی انسانها شد آیه « لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رئوف رحیم » (۵) یعنی : همانا رسولی از جنس شما برای خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقرو پیشانی وجهل وفلاکت شما براو سخت می آید وبرای نجات شما حریص وبه مؤمنان مهربان می باشد.

اسلام دین محبت ومهرورزی است اما همانطور که گفتیم این محبتها جهت دارند وجهت آن خدایی است ممکن است کسی

چیزی یا کسی را به خاطر خودش وخودخواهی ومنافعش دوست داشته باشد که اگر آن منافع تأمین نشود آن دوستی هم نیست . اما گاهی دوستیها به خاطر خداست محبت امام حسین علیه السلام از اینگونه محبت ها بود.

وجود مبارک اباعبدالله از بدبختی سپاهی که به جنگش آمده بودند متأثر بود نمی خواست حتی یک نفرشان به این حال بماند وتمام سعی خود را برای برگرداندن آنها می کرد می گویند اباعبدالله برای آنکه آنها را از جنگ با دین منصرف کنند یک دفعه سوار شتر (چون بلندتر است که سپاه دشمن او را ببیند) می شود و می رود اندرز میدهند وبرمی گرداند عمامه پیامبر را به سر می گذارند لباس پیامبر را می پوشند ، سوار اسب می شوند وبه سوی آنها می روند بلکه بتوانند از این گروه شقاوت کار کسی را کم کنند.

دراینجا حسین یکپارچه محبت است یکپارچه دوستی است که حتی دشمن خود را هم واقعاً دوست دارد وبرای هدایت او حریص است . آیه دیگری که در حادثه عاشورا تجسم یافت وجان گرفت آیه « ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا واذا مسه الخیر منوعا الا المصلین » (۷) یعنی : انسان مخلوقی سخت حریص وبی صبراست ، چون شر وزیانی به او رسد جزع وبی تابی می کند وچون مال و دولتی به او رو کند منع احسان کند مگر نمازگزاران.

امام حسین (ع) در حادثه کربلا نشان داد که از مصلین ونمازگزاران واقعی است که در کوران حوادث وسختی ها به بی تابی وجزع وفزع نمی افتد . این آیه کریمه در جای جای

حادثه کربلا جان گرفته است اما اوج تجسم ان در شب عاشورا است.

از مظاهر درخشنده حادثه کربلا واز تجلیات بزرگ الهی آن موضوع جمع کردن اصحاب در شب عاشورا است وسخنرانی امام حسین برای آنهاست ، باید درنظر داشت که این سخنرانی در شب عاشورا است ، هنگامی است که عوامل محیط از هر جهت نامساعد ونا امید کننده است . درچنین شرایطی هر سردار ورهبری که تنها مادی فکر کند جز لب به شکایت بازکردن کاری ندارد منطقش این است : افسوس که بخت با مامساعد نشد۰۰۰مثل ناپلئون می گوید طبیعت با من مساعدت نکرد ، همه سخنانش شکایت از روزگار واحساس یأس است. آنچه شرایط را برای او سخت تر می کند اینست که زنان وفرزندان وخواهرانش تا ۲۴ساعت دیگر اسیر دست دشمن می شوند برای یک مرد غیور وفداکار این خیلی ناگوار است.

دریک چنین شرایطی دیگران چه کرده اند ما در تاریخ می خوانیم که المقنع وقتی که محصور شد ودر شرایط نامساعد ونا امیدکننده ای قرار گرفت اول خاندان خود را کشت ، بعد خودش را . همچنین است یکی از خلفای اموی که در هنگام گرفتاری همین رفتار را داشت تاریخ از این نمونه ها بسیار دارد.

اما حسین بن علی علیه السلام وقتیکه شروع کرد به سخنرانی گفت : اُثنی علی الله أحسَنَ الثّناء واحمُده علی السّراء والضّراء اللهم انی احمدک ۰۰۰ بااینهمه شرایط نامساعدی مادی ، دم از رضا وسازگاری با عوامل می زند چرا ؟ چون در شرایط معنوی مساعدی زیست می کند ، او اعتقاداً وعملاً موحد وخداپرست است وبعلاوه او به نتیجه نهایی کار خود آگاه

است هـدفش مثل اسـکندر وناپلئون جهانگیری نبود که خود را شـکست خورده بدانـد ، هـدفش اعتلای کلمه حق بود واز این نظر کارخود را بسیار سودمند و مؤثر میدید. (۸)

وتاریـخ کربلاـ نشـان داد که نه تنهـا امام حسـین علیه السـلام بلکه هیچکـدام از یاران ایشان در این موقعیت حساس دچار یأس ونااامیـدی وشـکوه و شـکایت نشدند واین نشان می دهد که دسـتوراتی که دین برای انسان سازی وفرهنگ دینی آورده عملی وشـدنی است وانسانهـا در نهایت سـختی ها ومشـکلات اگر توکل و اعتمادشان به خـدای بزرگ ومهربان باشـد عزت وشـرف خود را از دست نمی دهند وبه جزع وبیتابی نمی رسند.

منابع ومآخذ

۱–قرآن کریم ، مبارکه توبه ، آیه ۱۱۱

۲–حماسه حسینی مطهری مرتضی ، ج۱ ، ص ۳۸۱.

۳–قرآن کریم ، مبارکه بقره ، آیه ۱۶۵.

۴–حماسه حسینی ، مطهری مرتضی ، ج۱ ، ص۲۲۴.

۵–همان ، ص۳۹۸.

۶–قرآن کریم ، مبارکه توبه ، آیه ۱۲۸.

۷–قرآن کریم ، مبارکه معارج ، آیه ۱۹–۲۸.

۸–حماسه حسینی مطهری مرتضی ج۲ ، ص۷۴–۷۵.

فرهنگ به چه معناست ؟

پرسش

فرهنگ به چه معناست ؟

پاسخ

فرهنـگ به معنـای ادب، تربیت، علم و دانش و آداب و رسوم آمـده است. بالاـ بودن سـطح فرهنـگ لزومـا تـابع سـطح عـادی زنـدگی نیست؛ بلکه حضور برخی از فرهیختگـان (ماننـد عالمان برجسـته) و تأثیرگـذاری بر مردم و نیز تلاقی با فرهیختگان از دیگر مناطق و سیطره شیوه های تربیتی مناسب، در این رابطه بسـیار مؤثر است. البته گاهی تأثیر یک عامل (مانند تأثیرگذاری

یک عالم بزرگ) ممکن است به قرن ها قبل برگردد و هم چنان اثر خود را در طیقرن های متمادی حفظ کرده باشد.{J

چرا فرهنگ اسلام , در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟

پرسش

چرا فرهنگ اسلام , در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟

پاسخ

الف) این که تبلیغ اسلام در خارج مشتاقان بیشتری دارد مبتنی بر کدام آمار است و چه منبع معتبری دارد؟ آنچه مسلم است این که اسلام دین جذابی است و هر کس جویای حقیقت باشد، به محض آشنایی با حقایق و معارف نورانی اسلام، به سوی آن جذب می شود؛ چه در داخل باشد و چه در خارج از کشور.

ب) منظور از مبلغان فرهنگی چیست؟ اگر مقصودتان فرهنگ دینی باشد؛ در حال حاضر مبلغان بسیاری در ایام خاصی (مانند ماه رمضان و محرم) به دانشگاه ها رفته و به تبلیغ دین می پردازند؛ لیکن نیاز موجود مسلما بسیار بیشتر از تعداد مبلغ موجود است.{J

ایا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل ان وراهای مبارزه با انرا بیان کنید

پرسش

ایا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل ان وراهای مبارزه با انرا بیان کنید

پاسخ

((هویت ملی)) مجموعه ای از تاریخ , فرهنگ و تمدن یک ملت است که در بستر زمان شکل گرفته است . در مورد افتخار کردن به هویت ملی چند نوع دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاه کسانی که از هویت ملی ایدئولوژی می سازند و به شکلی ((نژاد پرستانه)) و یا ((سرزمین پرستی)) همه چیز را در شعاع آن می بینند چنین دیدگاهی هویت ملی را مطلق انگاشته و هر چیزی را که مربوط به آن باشد تقدیس می کند.

ب) دیدگاه دیگر در این موضوع , نظر کسانی است که ((هویت ملی)) را مطلق ندانسته و آن را در خور نقد می دانند. اینان با انتخاب دیدگاه منطقی برتری به ملیت می نگرند و نژاد و خاك را تقدیس نمی کنند; بلکه دیدگاهی فراتر داشته و ((هویت انسانی)) را اصل قرار می دهند. دیدگاه های ((انترناسیونالیستی)) نوعا بر این منطق استوار است .

اسلام نیز به روشنی دیدگاه ((انترناسیونالیستی)) دارد و مردم را در قالب فرزندان خاك و نژاد ملاحظه نمی کند; بلکه

سرشت بنی آدم را از یک گوهر دانسته و آنان را با هم برابر می داند. از نظر اسلام پرداختن به هویت ملی تا آن جا که هویت اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهد اشکالی ندارد; ولی اگر بنا باشد به جای دین بنشیند و دیدگاه های خود را بر کرسی بنشاند, طبیعی است که با روند اصلی بینش دین در تضاد است . پس باید دیدگاهی

نقادانه و هشیارانه در برابر مدعیان ((هویت ملی)) داشت ; بدین صورت که عناصر مفید آن را ارج نهاد و منطقه های غیر ارزشی و موهوم آن را رها ساخت .

برای مطالعه بیشتر ر . ک :

۱- سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام مترجم : عقیقی بخشایشی

۲- جامعه انسانی اسلام مجتهد شبستری

۳- ناسیونالیسم و انقلاب رضا داودی

۴- سیر عقاید و اندیشه های سیاسی خزائلی

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه خویش بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و

ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...). و همچنین سخت گیری ها و تنگ نظری های برخی از عناصر فعال در زمینه فرهنگی نسبت به مسائلی مانند مد و آرایش بومی و ملی جوانان که باعث سوق دادن آنها به طرف الگوهای غربی و بیگانه و در نتیجه بی هویتی شده است.

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

به نظر می رسد از جمله مناسب ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی، باز گرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک تر شدن گروه های همسال

و جوانـان متفکر، متـدین و بـا اخلاـق به آنان، گامی مهم در جهت جـذب آنان می باشـد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والـدین خویش بسـر می برنـد و همواره دریافت کننـده ی محبت های پـدر و مادر خویش می باشـند. سعی می کننـد هنجارهای حاکم بر خانواده و محیط خویش را رعایت کننـد، اما اکنون که بهانه ی تحصـیل یا کار از محیط با صفـای خـانه و خانواده جـدا شدنـد، سـرمایه ی بزرگ توجّه ومحبت اطرافیان را از دست داده انـد و خود را فراموش شـده می بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصـر ارتباطـات و پرتاب موشک های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش های آن به جوانان پاک و بی پناه، لاـزم است بـا تجدیـد نظر در ارزیابی هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گسترانـد و این جوانان پیرو مـدل های غربی را به ارزش های فرهنگی و معنوی جامعه باز گرداند. بسیاری از این جوانان تشنه ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبّت را هر کجـا بیابنـد به آن سـمت خواهنـد رفت و چه بسـا در این راه در دام هـای مفاسـد اخلاـقی، اجتمـاعی، سیاسـی و فرهنگی (جـذب جنس مخـالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهنـد شـد. بهترین و کم هزینه ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافـات فرهنگی، عرضه کردن فرهنـگ نـاب اسـلامی در قـالب فنون و هنرهـای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خـوش برخـورد اسـت، مطمئـن باشـید اگر جوانــان بــا مکتـب حیــات بخش اســلام و احکـام نـورانی آن و سـیره ی معصومین(ع) آشنا شوند آن را

با هیچ چیز عوض نخواهند کرد.

بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در

دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی

۸- و بالاخره توجه جدی به

نیازهای اساسی جوانان مانند حس زیبایی دوستی، آرایش، مرتب بودن، تنوع طلبی و ... و تلاش برای ارائه پاسخی منطقی و متناسب با این نیازها بر اساس الگوهای دینی و ملی، همچنان که مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۸۳ در اجتماع پر شور جوانان همدان مطرح و مسؤولین و دستگاه های فرهنگی را مؤظف به انجام آن نمودند.

برای آگاهی بیشتر ر.ك:

– فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

– انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

– ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی) .

از خود بیگانگی چیست؟

پرسش

از خود بیگانگی چیست؟

پاسخ

از خود بیگانگی این است که انسان به خود توجّه نکند و حقیقت خود را فراموش کند، قرآن مجید این موضوع را در آیاتی مطرح کرده است؛ مثلاً می فرماید: «و لاتَكُونُوا كَالّذينَ نَسُوااللَّهَ فَاَنسيهُم اَنفسَهُم(۱)؛ مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا آنان را نسبت به خودشان فراموشی داد». در این آیه کریمه فراموشی خود نتیجه فراموشی خدا به حساب آورده شده است. این بدان دلیل است که شخصیّت انسان اصولاً ـ در رابطه او با خدا حفظ می شود. کسی که بخواهد به نفع و مصلحت خود کار کند و در راه کمال خویش قدم بردارد، باید به یاد خدا باشد و ارتباط خویش را با خدا محکم کند. کسی که خدا را فراموش کند و تنها به مادّیات بپردازد، از خود بیگانه می شود و موجبات سقوط شخصیّت انسانی خویش را فراهم می کند. از خود بیگانگی اصطلاح دیگری نیز دارد که در فلسفه غرب از سوی برخی جامعه شناسان مطرح شده است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱) سوره حشر، آیه ۱۹.

آیا تمدّن امروزی واقعاً تمدّن است؟

پرسش

آیا تمدّن امروزی واقعاً تمدّن است؟

پاسخ

در تعریف تمـدّن چنین آمـده است: متخلق شـدن به اخلاـق اهـل شـهر و انتقـال از خشونت و جهـل به حـالت ظرافت و انس و معرفت (اقرب الموارد) البته این یک تعریف لغوی است و اکنون تمـدّن بـدون پیشـرفتهای تکنولوژیک تعریف نمی شود و چه بسا تنها با این ویژگی یعنی فن آوری متنوع و رشـد رایانه ها و گسترش ارتباطات شـناخته می گردد. امّا به سادگی می توان به این پرسـش پاسخ داد که این وجه تمدّن هرگز تعریفی جامع از تمدّن حقیقی نیست. زیرا آثار زیانبار آن روز به روز آشکارتر می گردد و بن بسـتهای اخلاقی، فکری، فلسفی، اجتماعی، نشانه ناتمام بودن آن ویژگی است. فرهنگ انسانی باید همراه رشد امکانات رشد کند و بالنده گردد وگرنه تیغ تیز به دست زنگی مست است.

مشـکل اساسـی در همین نکته نهفته است که فرهنگ حاکم بایـد بعـد معنوی آدمی را گسترش دهـد و جهت یابی زنـدگی را برایش تأمین نمایـد تا باعث هدایت و کنترل او گردد. و این فرهنگ با تلفیقی از هنر و ادبیات و فلسـفه و حتّی عرفان مهیا نمی گردد، چون در نظـامی که انسان عمق و نیازهایش شـناخته نشـده، حتّی عرفان به بازی گرفته می شود. چنانکه پرفسور چیتیک اسـتاد دانشـگاه هـاروارد آمریکا گفته است غرب اکنون مثنوی و مولوی را مطرح می کنـد امّا فقط صـیغه عشق را برجسـته می کند و هر جا سخن از تکلیف است سانسور می نماید. چون او به خوشی می اندیشد.

پس تنهـا راه نجـات، اقبـال به دین و وحی با تمامی جامعیّت آن است. دین بن بست ها را می شـکند و انسان را با همه ابعادش سرشار می نماید و او را

کنترل کرده و به همه دست آوردهایش جهت می بخشد. پس جواب پرسش با جرأت منفی است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

هنجارها وناهنجاریها

مبسوط

پرسش

مبسوط

پاسخ

آن گـونه که از سـؤال شـما برداشت می شود وجود برخی مشـکلات و معضـلات در جـامعه نظیر بی عـدالتی، فقر، فسـاد و ... موجب شـبهاتی پیرامون عملکرد نظـام اسـلامی شـده است و بین وضـعیت موجود بـا باورهـا، اعتقـادات و انتظاراتی که از یک حکومت اسـلامی ایـده آل داشـته ایـد، ناهمخوانی و دوگانگی، مشاهـده می نماییـد. رفع این گونه شـبهات و ابهامات در گرو توجه به امور ذیل است:

اولاـ اصـل وجود این قبیل مشـکلات در جامعه امری مسـلم و غیر قابل انکار است اما نکته اساسـی قضاوت و ارزیابی صـحیح پیرامون میزان این امور و علل یا عوامل اصلی آن است.

از سوی دیگر بایـد توجه داشت که آیا از وجود برخی مشـکلات در جامعه، می توان هرگونه نتیجه ای را گرفت؟ آیا به خاطر برخی مشـکلات باید منکر تمامی جهات مثبت نظام و منطبق بر تعالیم اصیل اسلامی شد؟ یا این که برعکس باید با بها دادن به این جهات و دسـتاوردهای مثبت، در صدد رفع کاستی ها و نقاط ضـعف برآمد؟ آیا می توان دستاوردهای عظیم نظام اسلامی را در اسـلامی کردن و اصـلاح جـامعه حفـظ اسـتقلال، تمامیت ارضـی، عزت جهان اسـلام، رشـد و شـکوفایی در عرصه های مختلف و... نادیـده گرفت؟ آیـا منصـفانه است که تلاـش های خالصانه رهبری و مسؤولین نظام را در جهت مقابله با مفاسـد و مشکلات و نتایج مثبت آن را نادیده گرفت؟

ثانیا، اگر بخواهیم قضاوت صحیح در مورد میزان اسلامیت جامعه و نظام سیاسی خویش داشته باشیم ابتدا باید به شناختی دقیق از جامعه و نظام اسلامی و ویژگی های آن رسیده و سپس با وضعیت کنونی جامعه

مقایسه نماییم:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین»(جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ – ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی جامعه ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی دینی دغدغه ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ – ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). :

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی تابد(نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به

دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه ی کنونی ایران مشخص می شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی

منطبق بـا دین در صورتی در اجرای کامـل تعـالیم و ارزش های اسـلامی در سـطح جامعه موفق خواهـد بود که سایر شـرایط و زمینه هـای لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مـدیرانی صالـح، مردم وفادار و همیشه در صـحنه، کفایت منـابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشـکلات (از قبیل تهدیـدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصـره هـای اقتصـادی و سیاسـی و نظامی، بـدعت ها و سـنت های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشـته باشـد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصـلاح کامـل جـامعه موفق نخواهـد بود. این موضوع دربـاره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است.

حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشـروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضـی بودن به دین اسـلام دانسـته شـده است. (مائـده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریـخ پنـج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنـگ هـای داخلی صـفین، جمـل و نهروان، تهدیـدات دشـمنان خـارجی، کمبود نیروی انسانی توانمنـد و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشـکلات موجود در برابر حکومت عـدل امـام علی(ع) است. دنیـاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در

همان حال آن حضرت شایسته ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امهٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام

ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از

این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد.

بنابر آن چه گذشت، مشخص می شود که در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی

خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسؤولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

امام علی(ع) می فرماید: «فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه و لاتصلح الولاه الا باستقامه الرعیه؛ مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند مگر به درستی مردم(نهج البلاغه، ۶۸۳).

در این فرمایش هم بر نقش مسؤولین و هم بر نقش مردم تأکید می شود.

با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته ی تحصیلی مورد علاقه ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

ثالثا و نکته آخر این که، در ریشه یابی مشکلات جامعه می توان از رهیافت

های متعددی استفاده نمود. از قبیل رهیافت تک عاملی که ریشه همه مشکلات را ناشی از یک عامل مثلا اقتصاد یا مدیریت کشور می داند و یا رهیافت چند عامل که به صورت واقع بینانه و با ارائه آمار، شواهد و شاخص های مورد نیاز و به دور از هیاهوهای سیاسی و... به بررسی میزان دخالت و تأثیر عوامل مختلف در ایجاد یک پدیده پرداخته و نقش هر کدام را مشخص می نماید.

به نظر می رسد از میان این دو رهیافت، رهیافت تک عاملی، خصوصا درباره جامعه کنونی ما نه روش علمی و نه منطبق با واقعیات است لذا باید سراغ رهیافت دوم رفت و در بررسی علمی و محققانه این موضوع، زمینه ها و شرایط و ابعاد مختلف آن، موانع تاریخی، داخلی، بین المللی، امکانات و توانایی ها و... را به صورت واقع بینانه بررسی و ارزیابی نماییم.

مسلما طبیعی است جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظیمی که از نظر ساختار اقتصادی [تک محصولی بودن آن وضعیت وخیم صنعت، کشاورزی و...] و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب به ما منتقل شده و چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ و خسارات عظیم آن [بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار، معادل هزینه ۷۰ سال کشور] و محاصره های بین المللی، تورم بین المللی و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جهت مشکلات ناشی از آن و...

معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و رواج فرهنگ مصرف گرایی، تجمل پرستی و... ماهیتا دارای مشکل می باشد.

البته هر چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد و عاری از سوء استفاده و فساد در بخشهای مختلف آن می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازمندی های اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، ولی با توجه به دخالت متغیرهای دیگر به هیچ وجه نباید انتظار معجزه داشته باشیم، بلکه باید تمامی آحاد جامعه اصلا در انتخاب دقیق ، صحیح و آگاهانه مسؤولین اجرایی و نمایندگان خود مشارکت فعال داشته باشند زیرا در نظام اسلامی ما تصمیم گیری و قانون گذاری درباره بخشهای مختلف جامعه و اداره آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم با آراء و نحوه انتخاب مردم بستگی دارد، لذا باید به پیامدهای مثبت و منفی انتخاب خود به صورت دقیق فکر نماییم.

ثانیا، با همدلی و همکاری همه بخش های مختلف جامعه و نظام برای حل اساسی مشکلات و حرکت به سوی پیشرفت و تکامل مادی و معنوی جامعه، براساس ارزش ها و تعالیم اصیل اسلامی گام برداریم.

سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی –فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در حالی که ما معتقدیم اثرات بد روانی و هیجانی دارد (نظر مراجع و علما و فضلا را هم می خواهیم در این مورد خاص بدانیم) آیا این چنین شهی

پرسش

سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی -فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در حالی که ما معتقدیم اثرات بد روانی و هیجانی دارد (نظر مراجع و علما و فضلا را هم می خواهیم در این مورد خاص بدانیم) آیا این چنین شهیدان راهشان و خودشان زنده می شوند؟ این عکس ها را در میان جوانان دانشجو در مراسم دیدار با خانواده های داغ دیده شهیدان توزیع می کنند همراه انتخاب آیا جاذبه های داغ دیده شهیدان و فرهنگ دقیق اسلام ناب جایگزین برای این موارد دارد؟ لطفا نظر نمایی و دقیق

خوش رابیان کنید. ضمنا ما معتقد به زنده کردن یاد و خاطره شهدا هستیم.

پاسخ

هرگونه فعالیت تبلیغاتی و فرهنگی پیرامون ارزش های انقلاب اسلامی، باید با توجه به اثرات و پیامدهای آن صورت پذیرفته و بر این اساس شکل بگیرد. مسلما شهدا و زنده نمودن یاد و هدف آنان و فرهنگ شهادت طلبی، از بالاترین ذخایر انقلاب اسلامی است که در صورت استفاده صحیح، می تواند نتایج بسیار مطلوبی بر ابعاد مختلف جامعه اسلامی ما داشته باشد. از این رو توجه و ترویج آثار گرانقدر این عزیزان مانند عکس، وصیت نامه، خاطرات و..، اقدام فرهنگی مهم در این زمینه به شمار می آید که البته باید به جایگاه و شرایط هر مجموعه خاص توجه داشت و با توجه به ظرفیت ها، میزان کشش و توان درک روحی و فکری افراد، از این آثار بهره جست؛ مثلا بسیاری افراد بوده اند که تحت تأثیر آثار این شهیدان دچار تحول و انقلاب روحی شده اند و افق روشنی در زندگی آنان به وجود آمده است و یا این که برعکس برخی افراد چنین استعدادی نداشته و تأثیر منفی در آنها داشته است. خلاصه باید شرایط را در نظر گرفت.

توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و کله یکدیگر می زنند و مدام از هم بدگویی می کنند و این باعث شده است که من به عنوان یک جوان و همچنین بسیاری از دوستانم از هر چی سیاست و سیاست مدار

پرسش

توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و کله یکدیگر می زنند و مدام از هم بدگویی می کنند و این باعث شده است که من به عنوان یک جوان و همچنین بسیاری از دوستانم از هر چی سیاست و سیاست مدار است بیزار می شوم ولی آیا واقعا همین گونه است آیا واقعا همه سیاست مداران بد هستند اگر آنها بد هستند پس چه

کسی خوب است اگر بخواهیم بدانیم چه کسی خوب است باید صبر کنیم تا او بمیرد آنگاه یک برنامه تلویزیون یا رادیویی و یا یکی از رسانه های گروهی دیگر برنامه ای برای یادبودش درست کنند و از او به خوبی بگویند و آنگه ما هم حسرت بخوریم که افسوس چه کسی را از دست داده ایم . یادم می آید چند ماه پیش توی شهر خودمان اردبیل یک شاعر مرحوم شد و البته چون من با شعر و شاعری خیلی میانه ای ندارم یادم نیست که کی بود دوستم می گفت که یک کتاب از همین شاعر را داشت ولی او را نمی شناخت و با آنکه کتاب را بسیار دوست داشت فقط از اسم شاعر خبر داشت زمانی فهمید که او همشهری اش است که توی رادیو برایش یادبود گرفتند و خلاصه به من بگویید در این آشفته بازار از همه رنگ ما چگونه باید بفهمیم که چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است کی راست میگه کی دروغ؟

پاسخ

قبل از پرداختن به موضوعات مطرح در سؤال لازم است به این واقعیت تذکر داده شود که این چنین نیست که در جامعه ما همه بد باشند و یا بدبینی و تهمت و امثال آن جامعه را فرا گرفته باشد، بلکه نگاهی منصفانه به دیدگاه ها و موضع گیری های مسؤولین عالی رتبه و یا قوه قضائیه به عنوان نماد غالب در جامعه، خلاف این را ثابت می نماید، به عنوان نمونه کافی است بیانات مقام معظم رهبری را در مورد قوای سه گانه مرور بنمایید، ایشان علی رغم مشکلاتی که در

کارکردهای این قوا وجود دارد، همواره سعی در تقویت و برجسته نمودن امتیازات و نکات قوت داشته اند. هر چند در برخی موارد چاره ای نیست غیر از این که به افراد خاطی و یا مسؤولینی که از انجام وظایف خویش غفلت ورزیده اند و یا تحت تأثیر تبلیغات دشمنان نظام اسلامی قرار گرفته اند، تذکراتی بدهند و اگر غیر از این باشد دیگر نه تنها رهبری و یا سایر دستگاه های قضایی و اطلاعاتی و امنیتی در انجام وظایف قانونی خود کوتاهی نموده اند، بلکه مصالح، منافع و امنیت ملی و جامعه اسلامی با بحران و آسیب مواجه خواهد شد.

اما در مورد سؤال باید گفت: متأسفانه عملکردهای ناشایست برخی جناح ها و افراد سیاسی و عدم پایبندی به اصول، موازین فقهی، شرعی و اخلاقی در رقابت های سیاسی از یک سو و بزرگ نمایی این قبیل مشکلات توسط مخالفین نظام اسلامی در داخل و خارج، چنین برداشتی را برای برخی دانشجویان و سایر افراد جامعه به وجود آورده است و حال آن که اگر با دیدی منطقی، باز و تحلیل گرانه - آنگونه که از یک دانشجو انتظار می رود - به بررسی موضوعات موجود بپردازیم به این نتیجه می رسیم که در قضاوت پیرامون چنین مسائلی باید چند نکته را در نظر داشت:

اولا، همانگونه که آموزه های اسلامی و سیره پیشوایان اسلام نشان می دهد، سیاست و پرداختن به امور سیاسی فی نفسه نه تنها امری مذموم و مطرود نیست بلکه قسمت عظیمی از تعالیم اسلامی (قرآن و روایات) و سیره بزرگان اسلام، پیرامون سیاست و موضوعات مربوط به چگونگی اداره و تنظیم

روابط مختلف جامعه بوده و تک تک افراد جامعه را موظف به دخالت در امور سیاسی، اجتماعی خود می داند و به عبارت دیگر در دین اسلام سیاست با دین عجین شده و پیوستگی کامل داشته و با آن توأم اند و کوشش برای اصلاح جامعه، از بزرگترین ارزش های اسلامی می باشد، تا جایی که از مهمترین اهداف و عملکردهای اساسی تمامی پیامبران الهی و ائمه معصومین(ع) به شمار می آید و از سوی دیگر نگاهی به عملکرد فقها و علمای بزرگ معاصر نظیر مرحوم آیت الله نائینی، مرحوم آیت الله شیرازی، حضرت امام، شهید مطهری و بهشتی و آیت الله خامنه ای و... و دخالت در سیاست و تصدی امور سیاسی، همه حاکی از این واقعیت است که هم می توان سیاست و سیاستمدار خوب و الهی داشت و هم این که فعالیت های سیاسی را براساس معیارهای الهی پیش برد و در این راه تنها در چارچوب موازین شرعی و اخلاقی حرکت کرد.

ثانیا، جامعه ما ترکیبی از سه نوع فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است که علی رغم وقوع انقلاب اسلامی، آنچنان که شایسته است، فرهنگ اصیل اسلامی در بخش هایی از جامعه از جمله حوزه فعالیت های سیاسی جناح ها، نهادینه نشده است و برخی افراد و گروه ها تحت تأثیر امیال و هواهای نفسانی و فرهنگ های مادی، تنها کسب قدرت و بیرون راندن رقیب با هر وسیله ای را هدف اصلی خود قرار می دهند که نتیجه آن بروز برخی کارکردها و رفتارهای مغایر با موازین و معیارهای اسلامی و انسانی و اهداف انقلاب اسلامی است.

ثالثا، براساس نکات اول

و دوم، قضاوت عام پیرامون سیاست و رفتارهای سیاسی و انتساب خوب یا بد به همه آن، صحیح نمی باشد، بلکه باید هر سیاست، رفتار سیاسی و سیاستمداری را براساس ملاک ها و معیارهای خاصی در نظر گرفت و بررسی موردی نمود. معیارهایی نظیر:

۱. اهداف اساسی آن که آیا تعالی و اصلاح جامعه و خدمت به مردم است یا منافع شخصی و ارضای امیال نفسانی.

۲. میزان هماهنگی با تعالیم اسلامی و رعایت اصول و موازین فقهی - شرعی و اخلاقی، در رقابت و فعالیت های سیاسی.

۳. میزان همکاری و ارتباط با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا و...

بر این اساس به هر میزان سیاستی یا سیاستمداری با این ملاکات مطابقت داشته باشد، به همان اندازه مورد تأیید اسلام و رضایت خداوند و مردم می باشد و در صورت عدم مطابقت، اسلامی نبوده و مورد تأیید نظام اسلامی نمی باشد.

رابعا، در این که کوتاهی هایی در معرفی، تقدیر و تجلیل از افراد خدوم و صادق به جامعه و انقلاب اسلامی، وجود دارد، جای بحث نیست، اما نباید تأکیدات نظام اسلامی و برنامه های مختلفی که توسط سازمان ها و رسانه های عمومی در تجلیل و معرفی شخصیت های علمی و نخبگان کشورمان به جامعه می شود، نادیده گرفت، مراسمی نظیر برگزاری بزرگداشت شخصیت های علمی، ادبی، مذهبی و... و برنامه هایی که توسط صدا و سیما در معرفی این بزرگواران، به جامعه و خصوصا نسل جوان وجود داشته و دارد، همگی بیانگر رویکرد جدی سازمان ها و مسؤولین فرهنگی به این امر مهم می باشد.

نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده است؟

پرسش

نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده

است؟

پاسخ

تفریح و سرگرمی یک ضرورت حیاتی است و برآوردن این تمایل برای تمام طبقات مردم، لذت بخش و اجتناب ناپذیر است. با تفریح سالم، آدمی از ملالت کارهای یکنواخت و خسته کننده رهایی می یابد و زمینه بهره وری بیشتر از کار و فعالیت فراهم می گردد.

اسلام به این امر، توجه کرده و آن را در برنامه های روزمره مسلمانان گنجانده است. امام رضا(ع) می فرماید: "از لذاید دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید، ولی از راه حلال باشد و به مردانگی شما آسیب نرساند و به اسراف نگراید. از این امر در اداره زندگی استمداد نمایید".(۱)

در روایت دیگر حضرت ساعات روز را به چهار دسته تقسیم کرده، عبادت، تأمین معاش، معاشرت با دوستان مورد اطمینان و تفریح، بعد می فرماید: "از مسرت و نشاط ساعت تفریح، نیروی انجام وظایف در ساعات دیگر را تأمین نمایید".(۲)

اسلام بر تفریح سالم، تأکید دارد؛ تفریحی که به نفع یکی از جهات مادی یا معنوی باشد، بنابراین تفریح به معنای اتلاف وقت و بی بند و باری و آلودگی به مفاسد اجتماعی نیست، بلکه عامل جلوگیری از تبهکاری و ناهنجاری های اجتماعی و تأمین سلامتی جسمانی و روانی است. بر این اساس تفریحات مورد تأکید اسلام عبارتند از:

مسافرت، ورزش، مطالعه، دید و بازدید. در شعری که به امام علی(ع) نسبت داده شده، حضرت فرمود: برای نیل به تعالی از وطن خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فایده است: انبساط روح، تأمین معاش، علم آموزی، ادب آموزی و دوستی با خوبان.(۳)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶.

۲. همان.

۳. محمد تقی

فلسفی، جوان، ج ۱، ص ۴۴۷.

قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می داند؟ پرسش

اشاره

قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می داند؟

پاسخ

قرآن استعمار و استثمار انسان را بوسیله انسان، سرچشمه فساد در روی زمین میدا ند، و آنرا به شدت محکوم میکند «اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلا فِی الْاَرْضِ وَجَعَلَ اَهْلَها شِیَعاً یَسْتَضْعِفُ طائِفهً مِنْهُمْ یُذَّبِحُ اَبْنائَهُمْ وَیَسْتَحیی نِسائَهُمْ اِنَّهُ کانَ مِنَ الْمُفْسِدینَ» قصص/ ۴ [فرعون در روی زمین طغیان نمود و اهل آنرا به دسته ها و طبقه ها تقسیم کرد، جمعی از آنها را ناتوان (و اسیر و مستعمره خود) می شمرد، پسرانشان را بقتل میرساند (تا نیروی فعال انسانی آنها را نابود کند) و دخترانشان را (برای خدمت) زنده نگه میداشت، حقاً او از مفسدان بود]

قرآن می گوید؛ حکومت روی زمین، حق صاحبان زر و زور نیست، بلکه حق خاص «بندگان صالح خدا» است «اِنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادیِ الصّالِحُونَ» انبیاء/ ۱۰۵ [بندگان صالح و شایسته من وارثان زمین خواهند شد]

جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟

پرسش

جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟

پاسخ

در طول تاریخ نسبت به اعتبار عرف و عادت بین علماء اختلاف بوده است. برخی از آنها برای عرف اعتبار قائل شده اند که عمدتاً از اهل سنت هستند و ادله ای هم برای اعتبار عرف اقامه نموده اند که استاد ابراهیم جناتی در بحث منابع اجتهاد به هفت دلیل آنها اشاره می کنند که البته آنها هم در اعتبار عرف شرائطی قائلند که از جمله آنها این است که عرفی را معتبر دانند که مورد پسند عقل و مطابق با ذوق سلیم و رأی عمومی باشد، ولی از نظر علماء شیعه، عرف و عادت به عنوان منبع و پایه شناخت احکام شرعی مورد پذیرش قرار نگرفته و تنها حجیت و اعتبار آن را مخصوص به موارد خاص دانسته اند، بدین جهت هیچیک از اقسام عرف نمی تواند دلیل مستقلی در مقابل کتاب (قرآن) سنت، اجماع و عقل باشد بلکه اعتبار آن منوط به کاشفیت از امضاء شارع است که در این صورت داخل در سنت می شود، استاد جناتی می فرماید: اعتبار و کاربرد عرف و عادت در امور زیر است،

- کشف مقصود گوینده

- کشف حکم شرعی

که تشخیص و یا تنقیح صغریات برای موضوعات احکام کلی و یا تنقیح آنها برای قیاسهای استنباطی و یا تحدید موضوعهای احکام کار عرف است، و نیز از نظر حقوقی نیز در اعتبار عرف و عدم آن اختلاف است که در این رابطه می توانید به مبانی حقوق در ایران آقای نجومیان مراجعه کنید.

بهر حال آنچه از عرف و عادت و هنجارهای اجتماعی که از طرف شرع تأیید و امضاء شده،

لازم است پیروی شود و آنچه نفی شده، قابل تأیید نمی باشد.

چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می زند؟

پرسش

چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می زند؟

پاسخ

ریشه این بیماری دردناک ضعف فرهنگ دینی و اخلاق انسانی است که اصلاح آن نیاز به فرهنگ سازی دارد. تا زمانی که همه افراد جامعه خود را ملزم به رعایت اخلاق و دستورات دین نکنند این گونه امور ریشه کن نمی شود.

اگر افراد مسئول در جامعه براساس تکلیف دینی و وظیفه اخلاقی خود عمل کنند و اشخاص مراجعه کننده نیز به وظایف شرعی و اخلاقی خود آشنا و ملتزم باشند، این مشکلات پیش نمی آید. البته این مسئله مخصوص این زمان نیست بلکه این امر، بسیار ریشه دار و با سابقه تاریخی است و تنها در اوایل انقلاب که دگرگونی فرهنگی روی داد و مردم از فرهنگ طاغوت رویگردان شدند و مسئولان نیز براساس وظیفه شرعی به خدمت مردم پرداختند، وضعیت بهتری پیش آمده بود.

با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه ها که رعایت مسایل شرعی ، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد و فرهنگ تلقی می شود ، چگونه می توان بین دین و دنیا و حفظ موقعیت دینی و اجتماعی ، جمع نمود؟

پرسش

با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه ها که رعایت مسایل شرعی ، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد و فرهنگ تلقی می شود ، چگونه می توان بین دین و دنیا و حفظ موقعیت دینی و اجتماعی ، جمع نمود؟

پاسخ

دین اسلام در زمینه زندگی در این دنیا و معاشرت با همنوعان دستورات فراوانی دارد و به هیچ وجه گوشه گیری و دوری گزیدن از جامعه و مردم را نمی پسندد و به آن توصیه نمی کند. و جالب این است که نکات و توصیه های خاصی در نحوه معاشرت با هر صنف از اصناف مردم (کودک بزرگسال محرم و نامحرم ذی حق و...) به مسلمانان ارایه نموده است

بنابراین با توجه به موقعیت اجتماعی و وظیفه دینی عمل به دستورات خداوند آسان و به دور از تکلّف خواهد بود. مثلاً در مسأله صحبت با نامحرم وظیفه فرد مؤمن این است که حدّ ضرورت را در نظر بگیرد، یعنی بحث و گفتگو درباره مطالب لازم مانعی ندارد، ولی در عین حال وقار و متانت در حین گفتگو و پرهیز از خودمانی شدن که تبعات خاصی مانند، نگاه ممتد با

خنـده و شوخی کردن و... دارد مورد توجه و سـفارش قرار گرفته است رعـایت این مسایـل در نحوه ارتبـاط بـا دیگران نه تنها مضـرّ نیست بلکه مفیـد نیز می باشد، زیرا هر انسانی حق دارد و می تواند تمایلات خود را که نشان دهنده شخصـیت اوست در عمل نمایان سازد و از دیگران بخواهد که به آن توجه داشته باشند. پس نباید منفعلانه عمل

نمود زیرا این روش حکایت از ضعف روحیه و ساخته نشدن شخصیت بایسته در فرد می کند.

و در نهایت هر یک از ما مسلمانان باید فرهنگ ساز باشیم نه خودباخته در مقابل فرهنگ دیگران و اگر این در شرایط دشوار صورت گیرد، اجر اخروی آن نیز بیشتر خواهد بود.

چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسأله رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکردهاند؟

پرسش

چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسأله رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکردهاند؟

پاسخ

گفتار بدون کردار، یکی از صفات زشت است که قرآن کریم از آن نکوهش کرده است.

"يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لاَ تَفْعَلُون كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لاَ تَفْعَلُونَ ;(صف،۲و۳) ای کسانی که ایمان آوردهاید، چرا سخنی میگویید که انجام نمیدهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید."

از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود، بلای سلب اطمینان است و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است; مردمی که میگویند و عمل نمیکنند، هرگز نمیتوانند به یکدیگر اعتماد کنند و در برابر مشکلات هماهنگ باشند; هرگز برادری و صمیمیت در میان آنان حاکم نخواهد شد; هرگز ارزش نخواهند داشت و هیچ دشمنی از آنان حساب نمیبرد.

اولاً باید توجه داشت که در مراکز مذهبی، مسأله اخذ رشوه و پارتیبازی مطرح نیست. رشوه و پارتیبازی مربوط به مراکز اداری و اقتصادی است نه مراکز مذهبی.

ثانیاً، بسیاری از جاهایی که رشوه میگیرند یا پارتیبازی میکنند، از زشتی و حرمت این کارها آگاهند; ولی در عمل به علمشان ترتیب اثر نمیدهند; برای جلوگیری از این کارهای زشت: اولاً باید نیروی ایمان در این افراد تقویت شود;

ثانیاً، باید نظارت مسئولان مافوق دقیقتر انجام گیرد.(ر.ك: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۲۴، ص ۷۶۶، دارالکتب الاسلامیه.)

قرآن کریم در مورد "شایعه" چه آیاتی را بیان میکند؟

پرسش

قرآن کریم در مورد "شایعه" چه آیاتی را بیان میکند؟

پاسخ

از بلاهای بزرگی که دامن گیر جوامع مختلف شده و روح اجتماعی و تفاهم و همکاری را در میان مردم از بین میبرد "شایعه" است. جعل و پخش شایعات دروغین و نگران کننده یکی از مهمترین شاخههای جنگ روانی توطئهگران است که برای جریحهدار ساختن حیثیت نیکان و پاکان جامعه و پراکنده ساختن مردم از اطراف آنها صورت میگیرد، به همین جهت اسلام صریحاً با شایعه مبارزه کرده و قرآن کریم در این مورد، در سه بخش سخن میگوید:

۱. شایعه سازی; ۲. شایعه پراکنی (که این دو بخش غالباً توسط منافقان صورت میگیرد); ۳. شایعه پذیری. (که غالباً توسط افراد جاهل و ناآگاه اتفاق میافتد)

خداوند در مورد شایعه سازان میفرماید: "اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی است و آنها که اخبار دروغ و شایعات بیاساس در مدینه پخش میکنند، دست از کار خود برندارند، تو را سخت بر آنان مسلط میکنیم. سپس جز مدّت اندکی نمیتوانند در کنار تو در این شهر بمانند و از همه جا طرد میشوند و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید . درباره کسانی که پیشتر بودند]همین[سنت خدا]جاری بوده[است; و در سنّت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت."(احزاب، ۶۱ ۶۲.)

این آیات در مورد گروهی از منافقان و دشمنان اسلام است که در مدینه به ساختن و پخش شایعات، علیه پیامبر اکرممیپرداختند به خصوص به هنگامی که حضرت با ارتش اسلام به غزوات میرفتند، با خبرهای دروغین از شکست پیامبر۶ و مؤمنین به تضعیف

روحیه بازماندگان آنان همت داشتند خداوند به آنها هشدار میدهد که اگر دست از اعمال زشت و ننگین خود برندارند. فرمان حمله عمومی و یورش به آنها را صادر خواهیم کرد تا با یک حرکت مردمی مؤمنان، همه را از مدینه (مرکز و حکومت اسلامی) ریشه کن سازیم و در هیچ جا در امان نخواهند بود; چون آنها را با دقت پیدا میکنند و به دیار عدم میفرستند. و در پایان این تهدید را جدی دانسته تا بدانند که مطلب کاملًا قطعی و ریشه دار و غیر قابل تغییر و تبدیل است.(رجوع کنید به: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۷، ص ۴۲۹، دارالکتب الاسلامیه / تفسیر المیزان، علامه طباطبائی; ج ۱۶، ص ۳۴۰، انتشارات اسماعیلیان.)

قرآن در مورد شایعه پراکنی میفرماید: "و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد (بدون تحقیق) آن را شایع میسازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قدرت تشخیص کافی دارند باز گردانند، از ریشههای مسائل آگاه خواهند شد." (نسأ، ۸۳)

که بسیاری از خبرهای آنان در مورد پیروزی و شکست مسلمانان بدون تحقیق و بیاساس بوده و غالباً از طرف دشمنان به منظورهای خاصی جعل میشده است.(رجوع کنید به: تفسیر نمونه، همان، ج ۴، ص ۳۰.)

در داستان پرماجرای "افک" (تهمت عظیم) که جمعی از دشمنان شکست خورده و منافقان کوردل نسبت اتهام عمل منافی عفت به یکی از زنان پیامبر۶ دادند و این تهمت را شایعه کردند، به طوری که عدهای از مؤمنان تحت تأثیر این شایعه قرار گرفتند، خداوند متعال میفرماید: "مسلماً کسانی که

آن تهمت عظیم را عنوان کردند، گروهی (متشکّل و توطئهگر) از شما بودند; امّا گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است; برای هر کسی از آنان (که در این کار دست داشته) همان سهم از این گناهی است که مرتکب شده است; و از آنان کسی که بخش مهمّ آن را برعهده داشته، عذابی سخت خواهد داشت." (نور، ۱۱)

که این آیه اشاره به "شایعه سازان" دارد; سپس خطاب به "شایعه پذیران" که افرادی مؤمن و ظاهربین بودند میفرماید: "چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان نیک نبردند و نگفتند: "این دروغی بزرگ و آشکار است؟!" و در ادامه داستان میفرماید: "و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شما نمیشد، قطعاً به (سزای) آنچه که در آن دخالت داشتید، به شما عذابی بزرگ میرسید آن گاه که این شایعه را از زبان یکدیگر میگرفتید، و با دهانهای خود چیزی را که بدان علم نداشتید میگفتید و میپنداشتید که کاری سهل و ساده (و کوچک) است، در حالی که نزد خداوند بس بزرگ است چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: "ما حق نداریم که به این سخن (و در این موضوع) سخن بگوئیم; خداوندا منزهی تو، این بهتانی بزرگ است؟!" خداوند شما را اندرز میدهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید. اگر ایمان دارید"(نور،۱۲۱۷)

در پایان نیز خطاب به "شایعه پراکنان" چنین هشدار میدهد: "کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب

دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت خواهد بود; و خداوند میداند و شما نمیدانید."(نور،۱۸)(رجوع کنید به: تفسیر المیزان، علامه طباطبایی;، ج ۱۵، ص ۹۲، اسماعیلیان / ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۲۹، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی / تفسیر نمونه، همان، ج ۴ و ۳.)

و فرمان خداوند متعال در خنثی سازی شایعه و عدم پذیرش آن چنین است: "وَ لَا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِی عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ کُلُّ أُوْلَئکَ کَانَ عَنْهُ مَسْ ئ‌ُولاً ;(اسرأ،۳۶) و از آنچه که به آن آگاهی نداری پیروی مکن; چرا که گوش و چشم و دل همه مسئولند." پس در صورت جهل و نادانی مردم است که شایعه در جامعه پذیرش پیدا میکند.

چگونه می توان با چپاولگران و مفاسد اقتصادی مبارزه کرد؟

پرسش

چگونه می توان با چپاولگران و مفاسد اقتصادی مبارزه کرد؟

پاسخ

قرآن کریم برخی راهکارها را ارائه فرموده که با بهره گیری از آن ها می توان چپاولگران و مفاسد اقتصادی مبارزه کرد; از جمله

۱. جلوگیری از کسب ثروت از طریق فعالیت های ناسالم و غیر مشروع مانند: ربا; (بقره ۲۷۵)، تجاوز به حقوق دیگران و خوردن مال و کسب درآمد از راه باطل (بقره ۱۸۸)، خوردن مال یتیم و چپاول و غارت سرمایه مستضعفان جامعه (نسأ، ۲، ۶، ۷۵، ۹۷) رشوه خواری (مائده ۴۲ و ۶۲) دزدی و قماربازی (بقره ۲۱۹;مائده ۳۸) و...

۲. جلوگیری از انحصار و تکاثر ثروت در دست ثروتمندان (تکاثر،۱; حشر،۷; ماعون ۴; همزه ۲)

۳. جلوگیری از رانت خواری و سوءاستفاده نزدیکان به قدرت و اختلاس آن ها بیت المال و از منافع و امتیازات اقتصادی و... چنان که قرآن می فرماید: "وَمَا کَانَ لِنَبِیٍ أَن یَغُل وَمَن یَغْلُل یَأْت بِمَا غَل یَوْم الْقِیَمه ثُم تُوَفَّی کُل نَفْس مَّا کَسَبَت وَهُم لَا یُظْلَمُون ;(آل عمران ۱۶۱) ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند و هر کس خیانت کند در روز رستاخیز آن چه را در آن خیانت کرده یا خود]به صحنه محشر[می آورد، سپس به هر کس آن چه تحصیل کرده داده می شود و]به همین دلیل به آن ها ستم نخواهد شد]زیرا محصول اعمال خود را خواهند دید[."

۴. تلاش برای برقراری عدل و برابری به ویژه در مسائل اقتصادی و تقسیم ثروت و بی... المال در بین مردم و اقشار مختلف جامعه (نسأ،۵۸)

۵. انجام امر به معروف و نهی از منکر در زمینه مسائل اقتصادی (آل عمران ۱۰۴)

۶. سپردن منافع

و ثروت اموال بیت المـال و نیز مصادر و مراکز اقتصادی به دست افراد مؤمن متعهـد و متخصـص که به منافع مردم و بیت المال به چشم امانت بنگرند ودر آن خیانت نکنند;(نسأ،۵۸)

و ...(برای آگاهی بیشتر ر.ک طرح و مبانی اقتصاد در قرآن مسعود دهش ور و...، چاپخانه میهن)

چرا دولت جمهوری اسلامی با ماهواره مخالفت می کند و دلیل آن را هم جنبه منفی ماهواره می داند، در صورتی که هر پدیده جدید، دارای جنبه مثبت نیز هست مثلاً، ویدئو زمانی در نظام ما جرم محسوب می شد، ولی اکنون در تلویزیون نیز از آن تبلیغ می شود؟!

پرسش

چرا دولت جمهوری اسـلامی بـا مـاهواره مخـالفت می کنـد و دلیـل آن را هم جنبه منفی ماهواره می دانـد، در صورتی که هر پدیـده جدیـد، دارای جنبه مثبت نیز هست مثلاً، ویـدئو زمانی در نظام ما جرم محسوب می شـد، ولی اکنون در تلویزیون نیز از آن تبلیغ می شود؟!

پاسخ

پاسخ دهی به پرسش های غیرقرآنی از حوصله این پاسخ نامه ها خارج است در عین حال توجه به چند نکته لازم است

۱. در بسـیاری از موارد با گـذشت زمان موضوع عوض می شود مثلاً تلویزیون در یک زمان وسـیله ترویـج فساد و فحشا بود و استفاده حلالی نداشت به خلاف حالا.

۲. تنها مجتهـدین و مراجع تقلیـد هسـتند که با قـدرت اسـتنباط از منابع اسـلامی (کتاب سـنت عقل و اجماع می توانند حلال و حرام الهی را بفهمند و حکم آن را اعلام کنند.

۳. حلال و حرام خداونـد متعال تنها در حیطه قدرت خداوند حکیم است نه تنها روحانیان و مراجع تقلید نمی توانند حلال خدا را حرام و یـا حرام خـدا را حلال کننـد; بلکه امام معصوم و پیامبر۹ نیز چنین حق و قـدرتی را نـدارد. و حلال خداونـد همواره حلال و حرام او تا روز قیامت حرام می باشد.

۴. نظرها و فتاوای علمای اسلام در مورد حلال ها و حرام ها را باید از رساله های عملیه آن ها و یا بوسیله استفتأ از خودشان به دست آورد.

یـادآوری می شود که دشـمنان اسـلام و روحـانیت همواره تبلیغ می کننـد که دین و روحـانیت مخالف پیشـرفت صـنعت و فن آوری استفاده از وسایل و تجربیات بشر مانند: رادیو، تلویزیون هواپیما، ویدیو، رایانه و ... است این

تبلیغات کاملاً ـ بی اساس است (ر.ک علم و دین در حیات معقول مرحوم علامه محمد تقی جعفری نشر کانون علم و دین / بحث هایی از فلسفه دین و کلام جدید، علی ربانی گلپایگانی مؤسسه امام صادق)

دولت جمهوری اسلامی نیز، طبق احکام اولیه اسلام استفاده صحیح و سودمند را از هیچ یک از وسایل یاد شده ممنوع نمی داند، اگر چنان که در بعضی زمان ها استفاده برخی از آن ها را ممنوع می کند، روی مصلحت جمع و مصلحت نظام این عمل را انجام می دهد، ولی ممکن است گذشت زمان شرایط را دگرگون کند و یا طبق اصل عقلایی "دفع افسد به فاسد"، مجبور شوند، در بعضی از اوقات نسبت به شرایط حاضر، حکم ممنوعه را بردارند.

یک روز برنامه ای ضامن سعادت جامعه است ولی روز دیگر ممکن است بر اثر دگرگونی شرایط همان برنامه سد راه آن شود; یک روز، دارویی برای بیمار، فوق العاده مفید است و طبیب آن را تجویز می کند، اما روز دیگر به خاطر بهبود نسبی بیمار ممکن است این دارو حتی زیانبار باشد.

لذا در نظام اسلامی علمای اسلام چون حافظ کیان فرهنگی جامعه اسلامی هستند، طبیعی است که به آن چه که سوغات کشورهای غرب و استعمارگر است با توجه به سیاست تهاجم فرهنگی به دیده احتیاط و تردید بنگرند و تا اطمینان به این نداشته باشند که ضرری به جامعه اسلامی ندارد، حکم به استفاده از آن ندهند.

شایعه چیست ؟ چگونه شکل می گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی اند؟

پرسش

شایعه چیست ؟ چگونه شکل می گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی اند؟

پاسخ

شایعه اصطلاحا دروغ های منتشره و پخش شده را گویند و شکل گیری آن عوامل مختلفی دارد که یکی از آنهادسیسه های دشمن است. این شیوه تاریخ طولانی دارد و مخصوصا در جنگ ها برای تضعیف روحیه سپاه مقابل ازطریق عناصر وابسته اعمال می شده. چنان که در جنگ احد شایع کردند که پیامبر(ص) کشته شده است. در زمان ما نیزرادیوهای بیگانه مجلات روزنامه ها و ایادی وابسته دشمن عناصر اولیه و برخی از مردم ساده و کم اطلاع یا بدبینحاملان درجه دوم شایعاتند. البته گاهی هم شایعه بر اثر نوعی اشتباه و پندار واهی صورت می گیرد.{J

چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

پرسش

چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

پاسخ

پاسخ

از این که به خاطر عادات غلط در رفتار اجتماعی برخی مردم ناراحت شده اید متأثر شدیم.

برادر عزیز! بدگویی های اقوام مختلف از یکدیگر علاوه بر آن که کاری نامشروع و خلاف اخلاق است، از نقشه هایاستعمارگران برای ایجاد اختلاف بین مردم است. امید است با روشنگری افرادی چون شما این عادات از بین مردمرخت بربندد. شما نیز از این بابت چندان نگران نباشید، چرا که ترک یا لر یا فارس هیچ تفاوتی با هم ندارد. همه بندگانخداوند در برابر او یکسانند. امید است صدا و سیما و دیگر رسانه ها با اتخاذ شیوه های خردمندانه در رفع این عاداتو رسوبات غلط رژیم ستم شاهی کوشا باشند. همه مردم بندگان خداوند هستند و به فرموده پیامبر اکرم(ص) همانندانه های شانه با هم برابرند. علاوه بر آن که بسیاری از مشاهیر و بزرگان علم و سیاست و ادب که از افتخارات ایران وجهان هستند، ترک زبانند. رهبر انقلاب خود اصالتاً ترک زبانند. دانشمندانی بزرگ چون شهریار و علامه محمدتقیجعفری و صدها نمونه از این قبیل افتخاری برای همه ما و شما هستند. بنابراین شما از ترک زبان بودن برخود ببالید وهرگز تحت تأثیر سخنان نسنجیده افراد بی فرهنگ قرار نگیرید.{

علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟

پرسش

علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال، به صورت کلی و خلاصه این امر را می توان به لحاظ جامعه شناسی پاسخ گفت:

الف) سطح عوامل اجتماعی کلان؛ یعنی عواملی که می تواند در سطح کلان جامعه مؤثر واقع شود می توان از عوامل ذیل یاد کرد:

۱- شهرنشینی و شهرگرایی

۲- محلات شهری.

۳- حاشیه نشینی (در متن جامعه نبودن).

۴- سیاست های جهانی استکبار.

۵- نظام سرمایه داری جهانی.

۶- موقعیت استراتژیک کشور (مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا).

۷- قشربندی و طبقات اجتماعی (برخی طبقات، اعتیاد برایشان نوعی ژست و عادت است).

ب) سطح عوامل اجتماعی خرد؛ یعنی عواملی که در سطح خرد و بر روی برخی از افراد مؤثر است:

فقر و نیاز مادی، رفاه زدگی، گروه همسالان، نوع شغل، نابسامانی های خانوادگی، رسانه های گروهی، اوقات فراغت، بیکاری، نابرابری شرایط اجتماعی، فساد و فحشاء.

ج) سطح عوامل فردی و شخصی؛ میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ضعف اعتقادات مذهبی،

- سست شدن سنت های مفید اجتماعی،

- گروه های سنی ویژه،

- فقدان نزدیکان و والدین،

- شکست در زندگی،

- فقر علمی و آگاهی،

- ناراحتی های روانی.

برای آگاهی بیشتر ر.ك: نشریه اصلاح و تربیت شماره ۷۳ و ۷۴، مقاله «اعتیاد جوانان از دیدگاه جامعه شناسی»، نعمت الله تقوی.

با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته اند اما در جامعه خیلی ها ریش خود را می تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش می گذارند هم در جامعه به وجود آمده است. دلیل چیست.که یک فرد مسلمان پیرو مراجع این چنین حکم اسلامی را کنار گذاشته و به بهانه های م

پرسش

با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته اند اما در جامعه خیلی ها ریش خود را می تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش می گذارند هم در جامعه به وجود آمده است. دلیل چیست.که یک فرد مسلمان پیرو مراجع این چنین حکم اسلامی را کنار گذاشته و به بهانه های مختلف ریش خود را می زنند. گذاشتن ریش در سپاه به قول یکی از سربازان به صورت یک قانون درآمده است و کسی که ریش

نداشته باشد با او برخورد می شود. زدن یا گذاشتن ریش چه نفعی برای سپاه دارد. چرا اجبار؟آیا اجبار برای سرباز عقده نمی شود که در دوران بعد از خدمت با اشتیاق هر چه بیشتر ریش خود را بزنند.

پاسخ

متأسفانه هم چنان که فرمودید برخی در جامعه با آگاهی از حرمت ریش تراشی به این عمل اقدام می کنند. برخی از علت های این رفتار عبارت است از:

۱. ضعف ایمان. عده ای از افراد پاک و بی آلایش، به خاطر فقر فرهنگی و ضعف ایمان، با اندک شبهه و تردید یا توجیهاتی از عمل به دستورات شرعی سر باز می زنند.

در قرآن کریم بیشتر خطاب ها با لفظ ایمان شروع شده است. این امر نشان دهنده آن است که باور و عمل و استمرار آن جز با تقویت ایمان میسر نیست.

۲. شبهه افکنی. گاه از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان شبهه های واهی، به منظور تزلزل ایمان و باور افراد منتشر می شود پاسخ ندادن به شبهه ها و در پی آن حاکم شدن شک و تردید، سستی و بی تفاوتی را نسبت به باورهای دینی پدید می آورد. در نتیجه هم انگیزه برای دفاع از ارزش ها و عقاید دینی از بین می رود و هم زمینه برای جایگزین شدن اندیشه های باطل به جای باورهای صحیح فراهم می گردد.

۳. رفتارهای نادرست برخی به ظاهر متدینان. عده ای متدین نما با ناآگاهی از همه جوانب احکام شرعی، دست به اقداماتی می زنند که نه تنها باعث تقویت و ترغیب گرایش جوانان به دین نشده؛ بلکه، دین گریزی را به وجود می آورد.

بلند گذاشتن

ریش، بیش از حد معمول، نرسیدن و پیرایش نکردن آن کثیفی آن بهره برداری نامناسب از آن و ... نمونه هایی از این عمل کردهای نادرست است.

اما سپاه و اجبار به نتراشیدن ریش می دانیم که در هر جامعه و آیین و شریعتی، پاره ای قوانین اجتماعی وجود دارد که افراد در آن، موظفند به قواعد رفتاری آن آیین و شریعت تن دهند. منتها قوانین برخی جامعه ها با فطرت و عقل سلیم آدمی هماهنگی ندارد و آنها تنها براساس تمایلات و خواست های انسان ها در زمان خاصی وضع شده و پس از چندی تغییر می کند.

احکام و قوانین تشریع شده از ناحیه خداوند به علت همخوانی با فطرت و شمول گرایی به همه زمان ها قابل تبدیل نیست و متدینان موظف به اجرای آنها می باشند.

قوانین و احکام شرعی دو گونه اند. برخی فردی و شخصی می باشند مانند اعتقادات درونی و شخصی و برخی جنبه اجتماعی دارد مانند حجاب، پوشش مناسب در اجتماع، ریش گذاشتن - هر چند جنبه فردی نیز دارد -.

در امور اجتماعی، همه مسلمانان و به ویژه حاکم اسلامی، موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند و حاکم اسلامی در صورت مصلحت می تواند از قانون جبر و قهر استفاده کند؛ فقها شیوه برخورد اگر همراه با دادن بینش و فراهم کردن امکانات لازم باشد، مسلم باز خورد منفی نخواهد داشت.

افزون بر این اساسا دوران سربازی در همه ارتش های جهان، از انجام تا سرانجام همراه با قوانین سختی است. کوتاه کردن موها، واکس زدن کفش ها در هر روز، احترام به مافوق و... همه از

اموری است که باطبع ظریف و آزادی خواه جوان منافات دارد. چنانچه در هر یک از امور یاد شده با جوانان به شدت برخورد شود جوانان عقده ای خواهند شد. در غیر این صورت سربازی یکی از دوره های شیرین زندگی برای هر سربازی خواهد بود.

با سلام در جامعه امر روضه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلاع رسانی به حفظ دین کمک زیادی کرده است ولی در حال حاضر در تمامی طول سال به انحای مختلف روضه های زنانه باب شده و متاسفانه بیشتر ب

پرسش

با سلام در جامعه امر روضه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلاع رسانی به حفظ دین کمک زیادی کرده است ولی در حال حاضر در تمامی طول سال به انحای مختلف روضه های زنانه باب شده و متاسفانه بیشتر به ظواهر و فخر فروشی تبدیل شده است .آیا خانمی که نماز صبحش قضا می شود و آرایش می کند از منزل میزنه بیرون و حتی مشکل زنانه ای دارد کارهای منزلش و غذای بچه ها و همسرش مانده جایز است به این روضه برود ؟ آیا خانمهایی که برای روضه های زنانه انتخاب می شوند مساله ای ندارند؟ (در زندگی شخصیشان همانند خانمهای بالا نیستند) آیا این خانمهای مداح در مورد مسائل شرع به خانمها توضیحی می دهند؟ آیا به واقع می توانند به خانمهای آنجا بگویند برای جلوگیری از فساد اجتماع و همسرانتان باید به آنها توجه کنید و به آنها برسید؟ خانمی که به مردش نمیرسه و مرد به او نیاز داره وقتی چند بار بیرون می بینه که زنان با آن وضع توی خیابان هستند فاسد نمی شود؟ این مرد خوبی باشد صیغه می کنه و بعد از مدتی که زن اصلی می فهمه به عوض اشتباهاتش را

جبران کنه مظلوم نمائی می کنه! آیا این مطالب را نبایـد در همین روضه های زنانه عنوان کرد؟آیا این امر به معروف و نهی از منکر نیست؟ پس چرا علمای حاضـر فتاوی در این زمینه ها صادر نمی کننـد ؟چند سال آینده دختران چنین مادرانی چه چیزی از وظـایف یک زن و زناشوئی می داننـد؟می داننـد نماز را هر وقت خواستی بخوان فرادا هم بخوان آرایش مربوط به کوچه و خیابان است خنده و قشـنگ حرف زدن مربوط به بیرون از خانه است داخل منزل خسته ام حوصله ندارم چی ندارم فلانی چی داشت برای روضه ما باید فلان باشد والا آبروی ما می رود !به قول یکی از دوستان همه سفره حضرت ابوالفضل را می اندازند برای اینکه بگویند ما داریم کسی سفره حضرت رقیه پهن نمی کند. باور کنید اگر کافی ها مطهری ها الان بودند تا بحال چند سخنرانی و کتاب برای این زمینه چاپ کرده بودند. به نظر من همه کسانی که عالم هسـتند و در این موارد می توانند بگویند و سکوت کننـد که مبـادا تهمتی به آنـان زده شود گناهشـان از این افراد که بیشترشـان نسبت به این مسائـل جاهـل هسـتند کمتر نیست! لطفا در این باره مرا راهنمائی کنیـد که تا بحال چه کارهایی شده است. خداوند بر اعمال ما ناظر است و از رگ گردن به ما نزدیکتر

پاسخ

در پاسخ به این سؤال توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

اولاـ فلسـفه و هـدف اصـلی روضه خوانی و برپـایی مراسم وعـظ و ...، همـانطور که اشـاره کرده ایـد تبلیغ آموزه هـا و معارف اسلامی و در نتیجه هدایت

و رشـد و ارتقـاء فکری و معنوی مخـاطبین در ابعـاد مختلف زنـدگی فردی و اجتمـاعی است. و تـا زمانی که این مراسم دارای چنین کارکردهایی باشـند, از جایگاه ارزشـمند و با اهمیتی برخوردارنـد. اما اگر وضـعیت و شـرایط به گونه ای شد که نه تنها چنین کارکرد و نتایجی نـداشت, بلکه از هدف اصـلی خود منحرف گردیده و ارزشـهای غیر اسـلامی را ترویج نمود, دیگر نه تنها برپایی و شرکت در این مجالس به هیچ وجه ارزشی ندارد, بلکه منکری است که باید به دنبال اصلاح آن بود.

ثانیا: از دیـدگاه اسـلامی خانواده کانون مقدس و پر از مهر و محبتی است که هر کدام از اعضای آن باید شدیدا در اسـتحکام آن کوشـیده و از هر گونه اقـدامی که بنیانهـای این کـانون را متزلزل می نمایـد خودداری کننـد. از این رو اهتمـام جـدی افراد خانواده به انجام وظایف و کار ویژه های خود حائز اهمیت می باشـد و زن و مرد نمی تواننـد حتی به خاطر برخی امور مـذهبی که در مقایسه با وظایفشان در قبال خانواده از اولویت کمتری برخوردارنـد, از زیر بار مسـئولیت های خویش شانه خالی کننـد. خصوصـا بـا توجه به اینکه اصولا از دیـدگاه فقهی و قانونی خروج زن از منزل حتما بایـد با اجازه شوهر خود باشـد, از این رو شرکت زن در مراسـمی که نام بردید حتی اگر از همه جهت خوب باشد, باز هم در صورت عدم رضایت شوهر مشکل شرعی داشته و گناه محسوب می گردد.

ثالثا: نمی توان یک ارزیابی و قضاوت کلی پیرامون همه مجالس روضه خوانی زنانه و یا سخنرانان آنان داشت, بلکه باید به

صورت موردی و با شناخت دقیق از انگیزه های برپاکننده این قبیل مجالس, نوع رفتارهای افراد شرکت کننده, ماهیت صحبتهای سخنران و بالاخره نتایج و تأثیرات فردی و جمعی این جلسات به قضاوت نشست. زیرا علی رغم وجود این قبیل جلسات که به هیچ وجه با فرهنگ و ارزشهای اسلامی همخوانی ندارند و متأسفانه نتایج منفی هم به دنبال دارند, جلسات بسیار زیادی نیز وجود دارد که واقعا جو غالب در آنها کاملا مذهبی و با نیات و اهداف خالص برگزار می گردد و نتایج مثبتی هم به همراه دارد.

رابعا: متأسفانه رویکرد بخشهای زیادی از جامعه به فرهنگ مادیگرایی و تجملات, واقعیتی غیرقابل انکار است که مقابله اصولی با آن نیازمند اهتمام جدی و پی گیر متولیان فرهنگی جامعه از بخشهای فرهنگی دولت گرفته, تا حوزه های علمیه, صدا و سیما و نشریات و ..., می باشد. اما با این همه افراد دلسوز جامعه نیز دارای یکسری وظایف می باشند و باید در قبال مشکلات فرهنگی و اجتماعی احساس مسئولیت داشته و حداقل در حفظ سلامت و هدایت خود و خانواده خویش بکوشند. و در مواردی که احساس خطر و انحراف می کنند با استفاده از راههای صحیح منطقی از بروز انحرافات جلوگیری نمایند. به عنوان نمونه در مورد مذکور در نامه, استفاده از روش هایی نظیر گفتگو, هدیه کتابهای مفید, شرکت در مجالس مذهبی که دارای بازدهی مثبت می باشد و همچنین طرح موضوع با حضور همسر خویش در مقابل شخصیتهای مورد قبول دو طرف (اعم از فامیل و غیرفامیل) و مشورت و راهنمایی خواستن از آنها و ... می تواند در رفع این

مشکلات مؤثر باشد.

خامسا: علماء و بزرگان حوزه های علمیه بیشترین اهتمام را نسبت به تبیین احکام الهی و هدایت و اصلاح جامعه و ... دارند و در این راه آنچه که مورد نیاز جامعه است بیان می نمایند. مراجع عظام تقلید و مقام معظم رهبری از گذشته تاکنون به کرات نسبت به وجود برخی انحرافات در مراسم مذهبی و لزوم اصلاح آنها هشدار داده اند و اخیرا نیز کتابهای زیادی پیرامون آسیب شناسی عزاداریها و مراسم مذهبی از محققان حوزه های علمیه منتشر گردیده ولی متأسفانه عادتهای غلط و منافی با دین رسوباتی است که اصلاح آنها نیازمند مدت زمان طولانی همراه با کار فرهنگی مستمر و دقیق است؛ بنابراین اگر مشاهده می نماییم افراد جامعه عمل نمی کنند, این دیگر به حوزه های علمیه بر نمی گردد. بلکه باید علت را در جای دیگر جستجو نمود.

و نکته آخر اینکه؛ بحمدالله به برکت انقلاب اسلامی حوزه های علمیه در شهرهای مختلف رشد کمی و کیفی خوبی داشته اند, از این رو توصیه می شود جهت سخنرانی و برگزاری مجالس با مراکز اعزام مبلغ حوزه های علمیه, سازمان تبلیغات و ..., هماهنگ شود تا ضمن جلوگیری از انحرافات به رشد فکری و معنوی جامعه کمک شود.

چرا با وجوداینکه خدا درقرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی درجامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم ؟ درحالیکه جامعه مملواز افراد دزد است .

پرسش

چرا با وجوداینکه خدا درقرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی درجامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم ؟ درحالیکه جامعه مملواز افراد دزد است .

پاسخ

شواهد وقراین نشان می دهد جنابعالی به اسلام و نظام مقدس اسلامی عمیقاً عشق می ورزید که این عشق ومحبت قابل تقدیر وتحسین است . شما با طرح سه سوال به نکات مهم وکلیدی اشاره کرده اید که تبیین درست وصحیح آن استحکام , دوام وبقاء نظام را تا حدود زیادی قوت می بخشد .

سوال او ل شما درست درجهت عکس اشکالی است که سالها ست مستشرقان , غربیان و مخالفان اسلام و انقلاب اسلامی به اسلام وارد می کنند ووجود چنین حکمی را بهانه تبلیغ سوء علیه اسلام قرارداده اند وبه استناد آن اسلام را باحقوق بشر در تعارض و تضاد دانسته اند وحال آنکه اگر دین حکم الهی به درستی بیان و تشریح گردد اندیشمندان وعقلای منصف حکیمانه بودن احکام اسلامی را با همه وجود درک خواهند کرد , جنابعالی برخلاف این انتقاد از عدم اجرای حدود الهی و قطع دست سارقان گلایه و انتقاد دارید . سوزو گداز شما قابل درک است اما لازم است یاد آور شویم که اجرای این حد الهی وشرعی قیود و شروطی دارد که در بسیاری از موارد و شاید همه موارد آن شروط و قیود برای قضاوت محترم اثبات نشده و نمی شود برای آگاهی شما ودیگر عزیزانی که همانند شما ممکن است چنین سوالی داشته باشند این شروط را یادآور می شویم :

سرقت از معاصی کبیره , و جرایم سنگینی است که قانون

گذاری جزایی اسلام برای ریشه کن کردن آن , کیفری سنگین ومتناسب با جرم , معین و مقررداشته است . هیچ جرمی را سراغ نداریم که در دومین و سومین بار ارتکاب آن کیفرهای سنگینی چون کیفرهای سرقت قانون گذاری شده باشد آیات ۳۸ و ۳۹ و۴۲ و۴۳ از سوره مائده , جرم سرقت , و کیفر آن را مقرر کرده است .

سرقت مال دیگران , هرگاه با آن شرایطی که بیان خواهد شد همراه باشد , علاوه بر حیف و میل اموال دیگران از طرق نادرست , موجب سلب امنیت و عدالت اجتماعی , و ایجاد وحشت واضطراب مردم می شود , واین چیزی است که هر جا

ودرمورد هرجرمی وجود داشته باشد , اسلام برای آن کیفری سنگین قانون گذاری کرده است .نظام مال ومالکیت خصوصی با شرایطی هر گاه همراه باشد , مورد حمایت اسلام است . واز ویژگیهای همه انسان های روی زمین بشمار می رود . مالکیت از حقوق اولیه انسان است که خداوند برای اقوام ودوام او مقرر داشته وهم ادیان آسمانی , و اکثر قریب به کل حقوق های وضعی جهان , از آن دفاع کرده اند . مالکیت , هرگز از انسان جدا نبوده واز آغاز پدید آمدن انسان , با او پدید آمده تا درروی زمین انسانی وجود دارد , مالکیت نیز وجود خواهد داشت .

اسلام , مال را ولو دردست اشخاص و متعلق به افراد باشد , قوام ومایه بقاء و هستی جامعه می شناسد و به هر وسیله ممکن پاسداری از آن را که خود یکی از ارزشهای پنج گانه معتبر انسانی است وجهه همت

در قانون گذاری های خود قرار داده است . وبدین جهت است که سرقت مال دیگران را از جرایم بزرگ و سنگین بر شمرده و کیفرهای بازدارنده, وجلوگیری کننده ای برای آن قانون گذاری کرده است , به هدف این که دیگر کسی پیدا نشود که کار نکرده و رنج نبرده بخواهد براموال و رشته های دیگران دست اندازی کند و با بی اعتنایی به عرف و ارزش های انسانی به اموالی بادآورده دست یابد .

د رحقوق جزای اسلام برا ی جرم سرقت درصورت تحقق داشتن شرایط آن , چهار کیفر قانون گذاری شده است . بدین ترتیب که حد سارق درمرتبه نخست , قطع چهار انگشت دست راست است . درصورتی که آن حدود درباره او اجرا شده وبار دیگر سرقت کند , کیفر او قطع پای چپ است , از پایین برجستگی پشت به گونه ای که پاشنه و قسمتی از کف پا باقی می ماند . ودر صورتی که کیفر دوم درباره او اجرا شده باشد , ودرسومین بار دست به سرقت بزند , کیفر او زندان ابد است , وهرگاه درزندان از حرزسرقت کند وسایر شرایط در او احراز شود ,در این چهارمین بار کشته می شود .

حد قطع در صورتی برسارق لازم می شود که شروط زیر وجود داشته باشد :

۱- سارق , بالغ باشد اگر کودک مرتکب سرقت شود , حد ندارد ومسولیت جنایی متوجه او نخواهد گردید , بلکه به آن چه حکم صلاح ببیند , تادیب می شود .(۱)

۲- سارق , عاقل باشد . پس اگر دیوانه ولو این که جنون ادواری داشته باشد سرقت کند مسئولیت

جنایی نـدارد و کیفرقطع درباره او اجرا نخواهـد گردیـد , البته اگر دیوانه , تنبیه شـدن را درک کند (یعنی بفهم که مثلاُ برای چه او راکتک می زنند) وامکان داشته باشد که تادیب در او موثر است , ادب می شود .)

۳- سارق , مختار باشد . پس اگر او را به زور به سرقت واداشته باشند , محکوم به کیفر نمی شود . سارق , مضطر نباشد . پس هر گاه کسی برای دفع اضطرار , دست به سرقت بزند دست او قطع نمی شود .

۴- آنچه سـارق به سـرقت می برد . از طعـام و خوراک درسال قحطی نباشـد , پس اگر سارق درقحط سالی , ودر اثر اضـطرار وناچاری به دزدیدن خوراکی ها مبادرت ورزد , حد قطع نخواهد داشت .(۲)

۵- سارق خود به تنهایی یا به کمک شریک جرم , حرز را بشکند (ومالی رااز آن سرقت کند وبیرون برد) پس

اگر دیگری حرز را بشـکند , واو آن را بـدون حرز سـرقت کنـد , درباره هیـچ یک کیفر قطع اجرا نمی شود . اگر چه هر دو با هم برای سرقت کردن , و کمک به هم درسرقت , آمده باشند . شکننده حرز ضامن خسارات وارده برحرزاست وسارق ضامن اموال مسروقه .

۶- سـارق از حرز سـرقت کنـد . وحرز محفظه و صـندوق و جای دربسـته و قفل شـده ای است که انواع اموال درهر یک نگاه داری می شـود . حرز اموال مختلف , متنوع ومتفـاوت است و هر چیزی محفظه مخصوص به خود را دارد . مثلاًـ صـندوق قفل دار وگاوصندوق , حرز اشیاء گرانبها

واسـناد بهـادار , وجواهر و پول است .ومغـازه و دکـان حزرکالاـست , وخانه وباغ , حرزدرخت و میوه , وطویله واصـطبل حرز چهارپایان .

(مثلاً اگر کسـی پولش رادر جیب جلو پیراهنش بگـذارد ومورد سـرقت قرار گیرد , سـرقت از حرزتلقی نمی شود ولی اگر در جیب بغل باشد حرز محسوب می شود .)

۷- سـارق , کالاـ را خود (به تنهـایی) یا خود به مشارکت دیگری از حرز بیرون برد , و بیرون بردن فوق نمی کنـد به مباشـرت باشـد , مثـل این که سارق کالای دزدی را بر دوش بگـذارد وبیرون برد , یا به تسبیب باشـد , مثل اینکه آن را به طنابی ببنـدد, وسپس ازبیرون حرزآن را بکشدیاآن را از درون حرز و سیله ای بار کند وبیرون ببرد و ...

۸- سارق , مال را از فرزند خود سـرقت کرده باشد , بنابراین , پدر برای دزدیدن مال فرزند , کیفر قطع ندارد , ولی فرزند اگر از پدر سرقت کند قطع می شود (۳)

۹- سارق , پنهانی مال را برگیرد , پس اگر حرز را به زور وقهر , ولی آشـکارا بشـکند ومال را برگیرد , محکوم به قطع دسـت نیست , بلکه هرگاه حرز را پنهانی بشکند , ولی مال را به زور وبه طور آشکارا بردارد , کیفر قطع نیست .

۱۰- هرگاه سارق عمل خود را جرم نپندارد , حد ندارد , مثلاً شـریک مال مشترک را بدون اذن شریک دیگر بردارد به گمان آنکه جایزاست , محکوم به کیفر قطع دست نخواهد شد .

۱۱- مال سرقت شده از چیزهای حرام نباشد . سارق اجیرویا مهمان نباشد ,

پس اگر اجیر از مال صاحب کار و مهمان از میزبان و ...اموالی را سرقت کند که درحرز نیست , و پنهان نکرده اند , کیفر قطع دست ندارد .

۱۲- کسی که از او سرقت شده است شکایت نزد حاکم برد مطالبه قطع ید کند , واگر مطالبه نکند ,سارق , حد قطع دست نخواهد داشت .

۱۳- آن چه سرقت شده است , مال باشد . پس اگر کودکی یا انسان بالغی را بدزدد , محکوم به قطع دست تحت عنوان حد نخواهد شد .

۱۴- مال مسروق به حد نصاب برسد , پس اگر کمتر از حد نصاب باشد , حد قطع نخواهد داشت حد نصاب ربع دینار (یک چهارم مثقال) طلای خالص مسکوک , یا معادل بهای آن است ا زهر چیزی که مالیت داشته باشد

مثل : لباس , معدن , میوه , خوراک وهر آن چیزی که مسلمان می تواند مالک آن بشود .(۴)

با توجه به آنچه بیان شد روشن است که تحقق شرایط ۱۶ گانه فوق در سرقت امر ی است تقریباً غیر ممکن وشاید محال . لذا انتقاد از عدم اجرای حکم درجایی که شرایط کاملاً تحقق یافته باشد وارد است وباید درجهت تنویر افکار عمومی و تبیین احکام الهی تلاش کرد ولی اگر درجایی مواجه شدید که بدون تحقق این شرایط از عدم اجرای حد سرقت انتقاد می کنند لازم است شروط مذکور را به آنان متذکر شوید وتنبه بدهید که این گونه انتقاد کردن نه تنها به ترویج اندیشه ناب اسلام کمک نمی کند بلکه موجب می گردد د رحجم تبلیغات مخالفان اسلام و نظام اسلامی افزایش یابد

و بصورت غیرمستقیم همسویی با طرف مقابل است که بدون شک هیچ مسلمان دلسوز و آگاهی حاضر نخواهد بود ناخواسته به آرمانهای والای اسلام لطمه وارد سازد وبه اهداف مشرقان وخاورشناسان کمک نماید .ضمن اینکه هر از چند گاهی از طریق رسانه های عمومی نسبت به اجرای این حد درموارد تحقق شروط _ اگر چه نادر اطلاع رسانی شده است .

چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می پردازند؟

پرسش

چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می پردازند؟

پاسخ

البته خروج مغزها در ذات خود بد نیست وبه همین خاطر بعضی وقتها تحت عنوان فرار مغزها وبعضی وقتها تحت عنوان صادرات مغز از آن یاد می شود. بنابراین اگر خروج مغزها به کشور به بازگشت آنها بیانجامد چه بسا ثمرات خوبی هم داشته باشد.

بد نیست بدانیم که سیاست دولت جمهوری اسلامی در استفاده از اینترنت، راهی بود برای اینکه مغزها از کشور خارج نشوند وبتوانند نیازهای علمی خودشان را از این طریق تأمین کنند ونیاز به خارج کشور نداشته باشند، اما علی رغم اقدامات مثبت دولت، باز هم کسانی خارج می شوند، بهترین راه فراهم کردن امکانات در داخل کشور است که بعضی اقدامات دولت مثبت بوده وبعضی اقدامات مثل کم شدن بودجه تحقیقاتی منفی تلقی می شود.

اینهمه تبعیض وفساد ورشوه را چگونه می توان درجامعه اسلامی حل کرد، ونقش جوانان دراین امر مهم چیست؟

پرسش

اینهمه تبعیض وفساد ورشوه را چگونه می توان درجامعه اسلامی حل کرد، ونقش جوانان دراین امر مهم چیست؟

پاسخ

برای حل مشکلات جامعه از جمله موارد فوق، از دوراه عمده باید وارد شد : یکی برنامه ریزی وعملکرد قاطعانه مسؤلین کشور با توجه به تأکیدات فراوان وارائه راه حلها وراهکارها توسط مقام معظم رهبری.ودوم نظارت عمومی مردم مخصوصاً نسل جوان بروضعیت جامعه که درهر کجا فساد اداری، تبعیض و مانند اینها دیدند نسبت به آن بی تفاوت نبوده ومراتب امر به معروف ونهی ازمنکر را با توجه به تأثیرات حتمی آن انجام دهند. از تذکر زبانی به اشخاص متخلف گرفته تا گزارش وخبررسانی پنهانی یا آشکار به مسؤلین زیربط ونهادهای مراقب وبرخورد کننده با تخلفات درهر نهاد واداره .

نکته دیگری که می توان به مطالب فوق افزود این است که تک تک افراد جامعه باید به عنصر تقوی بها بدهند واز این گوهر

گرانبها حراست ومراقبت کنند. اگر آحاد ملت به این اصل سازنده عامل باشند امکان رشد تبعیض وفساد ورشوه بکلی از میان خواهد رفت واگر خدای ناکرده باین اصل مهم اخلاقی بی توجهی شد چه بسا اینگونه تبعیض ها واینگونه مفاسد دامن ما را نیز بگیرد که باید ازآن به خدای عزوجل پناه برد.

چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز، رو به گسترش است ؟

پرسش

چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز، رو به گسترش است ؟

پاسخ

در این باره هم مردم و هم دولت باید با فساد اداری به مبارزه جدی برخیزند. مبارزه دولت از طریق نظارت و بازرسی و مبارزه مردم از طریق کنار نهادن فرهنگ پارتی بازی و نرفتن به سراغ این روش نادرست است. و تا زمانی که فرهنگ پارتی بازی در جامعه برقرار باشد، مبارزه دولتی ثمری نخواهد داشت؛ کما این که اگر دولت هم با جدیت با آن برخورد نکند، فرهنگ آن در جامعه هم چنان تداوم خواهد یافت.

چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است ؟

پرسش

چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است ؟

پاسخ

مسلما وضعیت جهان امروز با گذشته تفاوت های اساسی دارد. امروز جهان در حال تبدیل شدن به یک دهکده بزرگ جهانی است و تکنولوژی و وسایل ارتباطی، آن را به صورت نوینی در آورده است.

روشن است که در جهان کنونی نمی توان چشم خود را بر روی حقایق بست و دیواری به دور خود کشید.

پس باید از جنبه های مثبت تکنولوژی بهره جست و آن را در خدمت انسانیت و دین قرار داد، ولی متأسفانه ابزارهایی مانند ماهواره و ... سکه های دو رو هستند. به دلیل تسلط منحرفان بر این شبکه ها و تبلیغات شیطانی و زهر آگین آنها برای کشورهای جهان سوم، یک نوع شبیخون فرهنگی بر این جوامع صورت گرفته است که اگر حد و مرزی برای استفاده از این امکانات وجود نداشته باشد، مسلما عوارض نامطلوب آن، بر فوایدش غلبه خواهدکرد.

در این رابطه اقدامات متعددی لازم است از جمله:

الف) آگاه سازی مردم نسبت به خطرات آن.

ب) ایجاد بدیل سالم.

ج) تقویت روح ایمان و تقوای اجتماعی، به گونه ای که انگیزه گرایش به ماهواره کاسته شود.

د) احساس مسؤولیت همگانی و مشارکت عمومی در کنترل و ارشاد کسانی که در جست وجوی این گونه امورند.

چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاء گرفته نمی شود؟

پرسش

چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاء گرفته نمی شود؟

پاسخ

رشد فساد و بی بند و باری در جامعه ما معلول سه عامل است:

۱- حرکت گسترده و توطئه وسیع استکبار جهانی در جهت نابودی اسلام و انقلاب.

۲- کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور.

۳- عدم اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی.

مبارزه با این پدیده نیز حرکت جدی و سازمان یافته و برنامه ریزی شده گسترده ای با مشارکت دولت و مردم می طلبد.

چرا در برنامه ها و فیلم های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری در جهت رفع این توهین و بی احترامی صورت نمی گیرد؟

پرسش

چرا در برنامه ها و فیلم های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری در جهت رفع این توهین و بی احترامی صورت نمی گیرد؟

پاسخ

خوب بود چند مورد از اهانت هایی که در صدا و سیما به ترک زبانان کرده اند، ارائه می کردید تا ما آن ها را به قضاوت می گذاشتیم و به مسئولین تذکر می دادیم. در عین حال پیام شما به صدا و سیما ارسال می شود و خودتان هم اگر بنویسید بهتر

است. دفتر مقام معظم رهبری هم می تواند اقدام نماید.

روشن کردن آتش در مقبره امام زاده ها و غیر امام زاده ها چه صورتی دارد؟

پرسش

روشن کردن آتش در مقبره امام زاده ها و غیر امام زاده ها چه صورتی دارد؟

پاسخ

ظاهراً باید روشن کردن چراغ، یا شمع و امثال آن در مقبره امام زاده ها و سایر مقبره ها به قصد علامت و یاد کردن صاحب قبر اشکالی نداشته باشد "البته اگر صاحب قبر مؤمن و متدین و مسلمان باشد".

چنانکه در روایتی می خوانیم وقتی حضرت امام باقر(ع) رحلت فرمودند امام صادق(ع) دستور دادند در اطاق نشیمن امام باقر(ع) چراغ روشن کنند و همین طور پس از شهادت امام صادق(ع) به دستور حضرت امام موسی کاظم در اطاق مسکونی امام صادق(ع) چراغ روشن می نمودند.(۱)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷.

کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام، نامگذاری شده است؟

پرسش

کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام، نامگذاری شده است؟

پاسخ

از گذشته دور عرب ها به روز نهم و دهم محرم تاسوعا و عاشورا می گفتند. در تاریخ جاهلیت عاشورا از روزهای عید رسمی و ملی بوده و در آن روزگار در چنین روزی روزه می گرفتند، لباس فاخر می پوشیدند و چراغانی و خضاب می کردند. در اسلام با تشریع روزه رمضان آن روزه فسخ شد. گفته اند علت نام گذاری روز دهم به عاشورا آن است که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز مورد تکریم الهی قرار گرفتند.(۱)

در فرهنگ شیعی، روز نهم محرم روزی است که امام حسین(ع) و یارانش در محاصره نیرهای کوفه قرار گرفتند. روزی که آب را به روی اهل بیت بستند، و عصر آن روز عمر بن سعد با دستوری که از ابن زیاد دریافت کرد، آماده جنگ با حسین(ع) شد.

اما به دستور امام(ع) آن شب را مهلت خواستند، تا به عبادت و راز و نیاز بپردازند.

روز دهم محرم هم یـاد آور و اقعه شـهادت امـام (ع) و یارانش می باشـد. این روز از عظیم ترین روزهای سوگواری به حساب می آید. می توان گفت عاشورا همان دهم محرم است، چون پیامبران برای حادثه ای که در این روز واقع می شود گریسته اند، در فرهنـگ دینی هم چنـان باقی مانـده است واز سوی دیگر روز غلبه موسـی بن عمران بر فرعون است، لـذا همواره یهودی ها روزه می گرفته انـد و پیامبر وقتی مـدینه مشـرف شدند به ایشان خبر دادند که یهودی ها امروز روزه اند، زیرا معتقدند که روز غلبه موسی بر فرعون است. از این رو حضرت موسی فرمود به شکرانه این پیروزی روزه

بگیرید، پیامبر تا شنید فرمود: "انّا احق باحیاء سنّت اخی موسی". من دستور می دهم روز تاسوعا را هم روزه بگیرید، زیرا مقدمه و طرح پیروزی در آن روز ریخته شده است، ولی اکنون روزه گرفتن مکروه است.

۱. حیات الامام الحسین(ع)، ج ۳، ص ۱۷۹، به نقل از فرهنگ عاشورا، جواد محدثی.

عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است ؟

پرسش

عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است ؟

پاسخ

عشق بر دو نوع است :

۱ عشق های هوسی و شهوانی : این گونه عشق ها بر اساس هوس و جاذبه های جنسی و کشش های شهوانی می باشد. اگر عشق به طور مشروع و در زندگی زناشویی باشد, مفید و لازم است و باید شیرازهء زندگی باشد, ولی غالباً این گونه عشق ها پس از فرو نشستن شهوت , زائل می شود و از بین می رود.

]عشق هایی کز پی رنگی بُوَدعشق نَبْوَد, عاقبت ننگی بُوَد

]۲ عشق های متعالی : در این نوع عشق , علاقهء انسان به ارزش های عالی تعلق می گیرد. اگر این عشق در رابطه ءزن وشوهر باشد, علاقه های شهوانی و جاذبه های جنسی , زیر چتر آن واقع شده و رنگ ارزش های عالی به خودمی گیرد. در زندگی زناشویی هر دو نوع لازم است و هر کدام به تنها کافی نیست ; یعنی این که بگوییم : علاقه و رابطه ءهمسران باید فقط بر ارزش های متعالی استوار باشد و عشق جنسی لازم نیست , اشتباه است و نمی تواند باعث زندگی سعادتمندانه شود, یا بگوییم : تنها عشق نوع اوّل کافی است , نیز غلط است . باید هر دو باشند تا یک دیگر راکامل کنند. در عشق نیز مانند همهء مسائل ازدواج و انتخاب همسر, باید راه اعتدال را پیمود. عشق نوع اول به تنهایی مخرّب و زیانبار است , اما با نوع دوم که همراه شود, حالت منفی و مخرّب خود را از دست داده و جزء ارزش های عالی گشته

و مفید خواهد شد.(۱) یکی از اقسام عشق متعالی , عشق و محبّت به خوبی ها و خوب مطلق که خدا است, می باشد.

این عشق و محبّت فطری است . ملاصدرا می گوید: عشقی که جامعه همهء معشوقات باشد, سه گونه است : عشق اکبر و اوسط و اصغر.

عشق اکبر, عشق خدای متعال است , که حاصل نمی شود مگر برای خداجویان حقیقی و متالّهین کامل , که برای آنان فنای کلّی حاصل شده است . اینان مورد تعلق عشق و حبّ ذات حق تعالی واقع می شوند.

عشق اوسط, عشق انسان هایی است که دائم ذکر خدا را بر زبان و قلب دارند و خلقت و عظمت خدا تفکر واندیشه می کنند و می گویند: ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار.(۲)

عشق اصغر, عشق انسان صغیر است .(۳)

افلاطون عشق را جنون الهی می داند که نفوس قدسی و انسان هایی که دارای روح عالی هستند, به آن مبتلامی شوند.(۴)

عشق به خدا مایهء پرستش بهتر و کامل تر است .

]خبرت هر سحر از باد صبا می خواهم هر شبی خیل خیالت به دعا می خواهم

سینه را بهر وفای تو صفا می جویم دیده را بهر جمال تو ضیا می خواهم

]علی ۷در مناجات خود عرض می کند: .(۵)

عشق به خوبان نیز در طول عشق به خدا است ; عشق به پیامبران و اولیاءاللّه و صادقان و همراهی با آنان : (۶)

(پاورقی ۱.علی اکبر مظاهری , جوانان و انتخاب همسر, ص ۱۶۰

(پاورقی ۲.آل عمران (۳ آیهء ۱۹۱

(پاورقی ۳.صادق خلخالی , سیر هنر و عرفان در ایران , ج ۱ ص ۷

(پاورقی ۴.همان .

(پاورقی ۵.سید یحیی

یثربی , عرفان نظری , ص ۵۱ به نقل از وافی , ج ۳ ص ۷۰

(پاورقی ۶.توبه (۹ آیهء ۱۱۹

اختلاف سنّ در مورد ازدواج چطور است ؟

پرسش

اختلاف سنّ در مورد ازدواج چطور است ؟

پاسخ

اختلاف سنّ در ازدواج بین پسر ودختر, برگشت به طبیعت آن دو دارد, زیرا پسران در سنین بالاترمرد می شوند و قابلیت زن گرفتن پیدا می کنند, ولی دختران در سنین کم تر و پایین تر, زن می شوند و قابلیت همسرداری پیدا می کنند. از نظر طبیعی پسر چند سال بیش تر از دختر باشد, بهتر است ولی اشکالی ندارد پسر و دختردر سنین مساوی با هم ازدواج کنند یا حتی دختر سنش بالاتر از پسر باشد. مهم در ازدواج این است که پسر و دخترهم دیگر را از نظر اخلاقی و تدیّن و زیبایی بپسندند. اگر موردی پیش آمده که این چند ملاک در پسر و دختر وجودداشت و بینشان هماهنگی بود, می توانند با هم ازدواج کنند, حتی اگر دختر چند سال از پسر بزرگ تر باشد.

در روایات به اصل ازدواج و بعضی خصوصیات زنان اشاره شده است :

پیامبر۶فرمود: .(۱)

علی ۷فرمود: .(۲)

پیامبر۶فرمود: .(۳)

در روایات دیگر سفارش شده است : زنانی را که عقل و ادب و دین دارند و عفیف هستند, اختیار کنید.(۴)

(پاورقی ۱.حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۴ ص ۳

(پاورقی ۲.همان .

(پاورقی ۳.همان , ص ۵

(پاورقی ۴.همان , ص ۱۳و ۱۴

آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست ؟

پرسش

آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست ؟

پاسخ

چون در روشن کردن شمع , در مکان های روشن , فائده ای مترتب نیست و وجه عقلایی ندارد, روشن کردن , اسراف و بی فائده است , مگر این که اثر تبلیغی و روحی داشته باشد, مانند روشن کردن در شام غریبانِ امام حسین ۷به عنوان این که تاریکی , صحرای کربلا را فراگرفته و شمع محفل اهل بیت خاموش شده است .

آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟

پرسش

آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟

پاسخ

متوجه مراد شما نشدیم . اگر منظور این است که چه لزومی دارد مردها موهای سر و صورت خود رامرتب کرده و موهای اضافی را برطرف کنند و لباس تمیز و پاک بپوشند و مسواک کرده و بدن خود را شستشو کنند,خوب مشخص است ; یکی از دستورهای اسلام رعایت نظافت است , که پوشیدن لباس تمیز و پاک و آرایش سر وصورت با برطرف نمودن موهای اضافی و شانه کردن است . قرآن می فرماید:

روزی های پاکیزه را حرام کرده است ؟>.

امام صادق ۷از پدرش (امام باقر۷ نقل کرده است که روزی مردی به در خانهء پیغمبر۶آمد و اذن دخول خواست . پیغمبر در برابر ظرف آبی که در اتاق بود ایستاد و محاسن خود را مرتب کرد و از اتاق بیرون رفت و بعد ازپایان ملاقات به حجره برگشت . عایشه گفت : یا رسول الله ! تو بزرگی و بهترین فرزندان آدم و فرستادگان خدایی ! بااین بزرگی در برابر ظرف می ایستی و موی سر و صورت خود را مرتب می کنی ؟! رسول خدا۶فرمود: ای عایشه !خداوند دوست دارد وقتی بندهء مؤمن به سوی برادر مؤمنش می رود, آراسته باشد.(۱)

نبی گرامی اسلامی نه تنها خود این گونه بود, بلکه به دیگران سفارش می کرد هنگام برخورد با افراد, خود رابیارایند.

شخصی می گوید: روزی بر پیغمبر اکرم وارد شدم , در حالی که موها ژولیده و لباس هایم مرتب نبود. پیامبرفرمود وضع مالی ات خوب نیست ؟ عرض کردم چرا, بحمداله شتر و گوسفند و اسب دارم . حضرت فرمود: وقتی خداوند این نعمت

ها را به تو داده , میل دارد اثر آن را در تو ببیند.(۲)

گفتنی است : پرداختن به سر و صورت و وضع لباس و کفش , باید در حد معمول باشد و به اسراف نرسد و از راه حرام تهیه نشود. چنان که در حدیثی از امام صادق ۷می خوانیم : لباس نیکو بپوش و خود را بیارای , زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد, ولی مواظب باش از راه حلال تهیه شده باشد.(۳)

اگر مردا شما آرایش مثل زن ها است , چنین آرایشی لزومی ندارد و بالاتر این که شاید عملی حرام باشد.

(پاورقی ۱.مکارم الاءخلاق , چاپ بیروت , ص ۹۶ طبق نقل , آیه اله مهدوی کنی , اخلاق عملی , ص ۵۸۷ بحار, ج ۱۶ ص ۲۴۹

(پاورقی ۲.المستدرک الصحیحین , ج ۴ ص ۱۸۱ طبق نقل اخلاق عملی , ص ۵۸۷

(پاورقی ۳.بحار, ج ۷۶ ص ۶۰۳ چاپ بیروت .

روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر میّتی که تازه فوت نموده , چگونه است ؟

پرسش

روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر میّتی که تازه فوت نموده , چگونه است ؟

پاسخ

در تاریخ ائمه نقل است : امام صادق ۷بعد از شهادت پدرش (امام باقر۷ می فرمود که هر شب چراغ را در اتاقی که حضرت وفات یافته بود, روشن کنند.(۱) روشن کردن چراغ یا شمع بر قبر میّت بی دلیل است .

(پاورقی ۱. شیخ عباس قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص ۱۲۰ وسائل الشیعه , ج ۲ ص ۶۷۳

آیا خندیدن در ماه محرّم حرام است ؟

پرسش

آیا خندیدن در ماه محرّم حرام است ؟

پاسخ

خندیدن در ماه محرّم و صفر از نظر شرعی حرام نیست , اما چون ماه های اندوه و حزن اهل بیت وخاندان نبوّت , خصوصاً در دههء عاشورا است , بهتر است شیعه و دوستان اهل بیت در حزن و اندوه باشند. در روایتی از حضرت علی ۷می خوانیم : (۱)

گفتیم خندیدن در ماه محرّم و صفر حرام نیست , امّا بهتر است نسبت به سایر ماه ها کم تر بخندند و خوش حال باشند, گرچه حزن و سرور امری قلبی است . چه بسا کسانی می خندند, اما به مجرد توجه به مصائب اهل بیت گریانند.

(پاورقی ۱.محمد باقر مجلسی , ج ۶۵ ص ۱۸ حدیث ۲۴

آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب های ماه های محرم و صفر اشکال دارد؟

پرسش

آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب های ماه های محرم و صفر اشکال دارد؟

پاسخ

خندیدن و شوخی کردن و خوردن تخمه و یا دیدار با اقوام و بستگان در شب های محرم و صفر (به جز شب عاشورا) به صورت متعارف اشکال ندارد.

در شب عاشورا پیروان حضرت امام حسین علیه السلام سزاوار است طبق حدیث شریف رفتار کنند که فرمود:

"یحزنون لحزننا؛ شیعیان ما کسانی هستند که در غم و اندوه ما غمگین هستند". از این رو در آن شب پسندیده است از این گونه کارها پرهیز نمایند و در مجالس عزا و سوگواری حضرت شرکت جویند، زیرا عزاداری برای حضرت طبق فتوای علما و اندیشمندان علوم اسلامی از بهترین اعمال برای نزدیکی به خدا است.

آیا جهیزیه بر عهدهء زن است و باید آن را تهیه کند؟

پرسش

آیا جهیزیه بر عهدهء زن است و باید آن را تهیه کند؟

پاسخ

اسباب و لوازم زندگی که در ابتدای ازدواج تهیه می شود, بر عهدهء مرد است , ولی خانوادهء عروس برای این که دخترشان محتاج به وسائل دیگران نباشد و در ضمن به دامادشان کمکی کنند, مقداری اسباب تهیه و به دخترشان هدیه می کنند, تا او با دلی شاد و آرامش بتواند نیازمندی های خود را رفع کند. اسباب و اثاثیه از آنِ عروس است و شوهر حق تصرف و نقل و انتقال آن ها را بدون اجازهء همسرش ندارد.

اگر مرد اسباب و لوازمی را تهیه کرد, مال خودش خواهد بود و زن نخواهد توانست بدون اجازهء شوهرش آن ها راببخشد, گرچه با اجازهء شوهر, از آن ها استفاده می کند.

چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود. اذان و اقامه در گوش او می خوانند؟

پرسش

چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود. اذان و اقامه در گوش او می خوانند؟

پاسخ

امام خمینی در تحریر الوسیله می نویسد: مستحب است بعد از ولادت در گوش راست نوزاد, اذان ودر گوش چپش , اقامه بگویند.(۱)

پیامبر دربارهء حکمت این عمل فرمود:

از ارتکاب منکرات نگه می دارد)>.

نوزاد از لحظه ولادت باید تحت آموزش قرار گیرد.

امروزه روانشناسان کودک بدین حقیقت دست پیدا کرده اند که تمام حرکات و سکنات پدر و مادر و اطرافیان درروان بچه مؤثر می باشد و در گریاندن و خنداندن کودک بسیار مؤثر است .

ابن القیم جوزی در کتاب تحفه المولود می گوید(۲)

پاورقی ۱.تحریر الوسیله , ج ۲ ص ۳۱۰

پاورقی ۲.اسلام و تربیت کودک , احمد بهشتی , ص ۵۸ با تلخیص .

آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است , در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاوت است که هر کدام به شکلی حجاب دارند, مثلاً در بعضی روستاهاحجاب را رعایت نمی کنند؟ آیا حجاب مخصوص شهری ها است ؟

پرسش

آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است , در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاوت است که هر کدام به شکلی حجاب دارند, مثلاً در بعضی روستاهاحجاب را رعایت نمی کنند؟ آیا حجاب مخصوص شهری ها است ؟

پاسخ

حجاب مسئله و پوشش از ضروریات اسلام و مورد اتفاق تمامی فرقه های اسلامی (شیعه و سنی)می باشد, اما در نوع و کیفیت آن , طوائف و قبائل و نواحی مختلف , طبق رسوم خود, متفاوت هستند. در بعضی ازمناطق , با چادر پوشش دارند; در بعضی مقنعه و مانتو و در بعضی جاها طور دیگر. اما همه باید حجاب اسلامی را که عبارت است از پوشش تمامی بدن به غیر از صورت و دست ها تا مچ , مراعات کنند.

اگر مشاهده می شود در بعضی مناطق پوشش کامل ندارند, بر خلاف دستور شرعی عمل می کنند. بنابراین حجاب مخصوص شهرنشینان نیست , بلکه تمامی بانوان باید مراعات حجاب اسلامی را بنمایند.

به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت سالهء دفاع مقدس , نباید با کفش به قدم زدن بپردازیم , چرا که زمین آغشته به خون شهدای جنگ است و لگد مال کردن خون شهیدان معصیت است .

اشاره

این جمله علاوه بر این که چندان منطقی نیست , آیا برخورد غربی ها با سایر دستورهای

پرسش

به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت سالهء دفاع مقدس , نباید با کفش به قدم زدن بپردازیم , چرا که زمین آغشته به خون شهدای جنگ است و لگد مال کردن خون شهیدان معصیت است .

این جمله علاوه بر این که چندان منطقی نیست , آیا برخورد غربی ها با سایر دستورهای اسلام و موهون دانستن آن ها, مانند برخورد ما با جملات مذکور نیست ؟

پاسخ

احترام به خون شهیدان به معنای احترام به ارزش هایی است که به خاطر آن ها به شهادت رسیدند, نه به معنای پا برهنه بر روی زمین راه رفتن است . جملاتی که شما نقل کرده اید, جملاتی شاعرانه و اغراق آمیز است .مسلّم است که اشکالی ندارد در مناطق جنگی با کفش راه برویم , کما این که مردم راه می روند. شاید مراد از جمله ءمذکور این باشد که به ما گوشزد کند خون شهیدان را لگد مال نکنیم . بنابراین مقصود این نیست که با کفش در آن سرزمین راه نرویم . پیام این است که اهداف شهیدان را حفظ و حراست کنیم و از استقلال کشور و از اسلام و انقلاب اسلامی حمایت کنیم . بنابراین نباید برداشت بدی از این جمله داشته باشیم , بلکه باید پیام این کلام را دریابیم و به آن ارج بنهیم .

اما برخورد غربی ها از مقوله هایی مانند حجاب و نماز و... و موهون دانستن آن ها, به جهت بی توجهی و جهل به حقیقت این ارزش ها است و آنان نمی دانند حجاب و نماز و روزه و بندگی و عبودیت خدا

و اخلاق حسـنه و زیبایی معنوی برای انسان و جامعهء بشـری سودمند و لازم است . اگر می دانسـتند و توجه می کردند, آن ها را موهون نمی دانسـتند. ثانیاً موهون دانسـتن آنان , حقیقت مطلب را عوض نمی کند و آن ها را از ارزشمند بودن نمی اندازد. اگرهمهء مردم دنیا بگویند: ظلم خوب است , ظلم خوب نمی شود و اگر غربی ها بگویند: حجاب و عفت و پاکدامنی بداست , آن ها بد نمی شوند.

اصولاً ما نبایـد خود باخته باشـیم و به ارزش هایی که در مکتب ما وجود دارد, با انـدک اعتراضـی در آن ها شک کنیم . یک مسلمان باید آن قدر در فهم ارزش های الهی قوی و متقن باشد که تشکیک دیگران در او تأثیری نداشته باشد.

چرا عصر روزهای جمعهء هر هفته غبار غمی بر دل انسان می نشیند؟

پرسش

چرا عصر روزهای جمعهء هر هفته غبار غمی بر دل انسان می نشیند؟

پاسخ

معلوم نیست عصـر جمعه هر هفته برای همهء مردم غمنـاک باشـد و غبـار غمی بر دل آن هـا بنشـیند. آن هـایی که غمگین می شوند, شاید بتوان علت آن را عوامل زیر دانست :

۱ روزهای غیر جمعه سـرکار می روند, اشـتغال دارند و با دوسـتان حرف می زنند. از این جهت احساس خسـتگی نکرده و در نـتیجه غمگین نمی شونـد. امـا در روز جمعه نوعـاً در خـانه می نشـینند, چنـد سـاعتی بـا بچه هـا حرف می زننـد,چنـد سـاعتی استراحت می کننـد و ساعتی هم بانگاه به تلویزیون و گوش دادن به رادیو خود را مشـغول می سازنـد, اماباز می بیننـد ساعاتی باقی مانده است , لذا خسته می شوند و احساس غم می نمایند.

۲ طبق روایات وارده از اهل البیت : عصـرهای هر جمعه نامهء اعمال مردم رابه پیشـگاه حضرت ولی الله الاعظم امام عصر علیه آلاـف التحیه و الثنـاء برده و به عرض ایشـان می رساننـد. شایـد انسان ها به طور ناخودآگاه از جریان مطلع شـده و از این بابت غمگین و ملول می شوند.

۳ بر حسب گفتهء روان شـناسان و روان کاوان و تأیید دسته ای از روایات , انسان علاوه بر حواس پنج گانه , حس ششمی هم دارد که از راه دور بعضـی از امور ناراحت کننـده یا خوشـحال کننـده را می فهمـد که اصـطلاحاً به آن گفته می شود. به تعبیر دیگر ارواح بعضی انسان ها در عالم معنا با هم الفت دارند که در اثر ناراحتی روحِ یکی ,روح دیگری نیز ناراحت و

غمگین می شود.

جهان دیگری هم برای این حالت متصور است .

چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند

پرسش

چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند

پاسخ

اولاً: معلوم نیست همهء مردم از انتخاب نام کاظم (لقب امام هفتم ۷ و قنبر (غلام علی ۷برایفرزندان خویش خودداری نمایند. چنان که بعضی علما به اسم کاظم بودند, مانند سید محمد کاظم یزدی , صاحب عروه الوثقی و ملا محمد کاظم , صاحب کفاء, معروف به آخوند خراسانی که از علما و مراجع بزرگ بودند.

ممکن است منطقه ای با منطقه دیگر تفاوت داشته باشد و در بعضی مناطق بیش تر و در بعض دیگر کم تر انتخاب کنند.

ثانیاً: بعضی از ائمه , مثل امام علی و امام حسن و امام حسین : روی جهاتی درخشندگی خاصّی دارند, به همین دلیل مردم اسامی آن ها را بیش تر برای فرزندان خود انتخاب می نمایند.

ثالثاً: بهتر است عدم انتخاب چنین نامی برای فرزندان , از خود مردم پرسیده شود.

آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میّت دارد؟

پرسش

آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میّت دارد؟

پاسخ

در وسائل الشیعه در مورد آب پاشیدن بر روی قبر روایاتی نقل شده است که دلالت بر استحباب دارد.از ظاهر روایات استفاده می شود این استحباب مربوط به موقعی است که میت را دفن کرده و پس از آن که قبر را ازخاک پر کردند, بر روی آن آب بریزند. فقط از یک روایت استفاده می شود. امام رضا۷دستور داد بر روی قبریونس بن یعقوب تا ۴۰ماه یا ۴۰روز, آب بریزند. (۱)

امکان دارد شخصیت یونس بن یعقوب باعث دستور امام ۷بوده است و نمی توان این مطلب را نسبت به هرقبری تعمیم داد,

زیرا قبور علما واولیاءالله از ویژگی خاصی برخوردار است .

(پاورقی ۱.وسائل الشیعه , ج ۲ ص ۸۶۰

چرا پسرها هر نوع لباسی را می توانند بپوشند، ولی دخترها نمی توانند؟

پرسش

چرا پسرها هر نوع لباسی را می توانند بپوشند، ولی دخترها نمی توانند؟

پاسخ

چه کسی گفته است که دختران نمی توانند لباس های زیبا بپوشند؟ زنان و دختران هرگونه لباس زیبا و جالب را می توانند بپوشند. اتفاقاً در هر خانه ای به کمد لباس زن ها اگر سری بزنید، می بینید انواع لباس های گران قیمت و زیبا و جذاب از آن زنان است. اسلام با بدحجابی و بی حجابی و ایجاد فساد در جامعه مخالف است، چون این گونه مفاسد جامعه را از درون مانند موریانه می خورد و فاسد می کند. از این جهت در بیرون از خانه زنان باید با حجاب باشند. البته پسران هم نباید هرگونه لباسی که دلشان بخواهد بپوشند، بلکه باید حرمت جامعه اسلامی را حفظ کنند و لباس هایی نپوشند که باعث گناه و یا لباس شهوت باشد.

کلمه (مهزیار) چه واژه ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندانمان نمی پذیرد؟

پرسش

کلمه (مهزیار) چه واژه ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندانمان نمی پذیرد؟

پاسخ

کلمه مهزیار مرکب از دو کلمه "ماه" و کلمه "زیار" است، ولی در کتاب لغت نامه های فارسی موجود نیست. بنابراین کلمه فارسی محسوب نمی شود.

مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟

پرسش

مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جوامع اسلامی جزء سنّت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصاً بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

هنگامی که مرگ بر سر عزیز یا عزیزانی از خانواده و فامیل سایه می گستراند و از میان آدمیان برای خودنامزدی انتخاب می کند این تازه شروع ماجرا است . افرادی که به دلیل قرابت و خویشاوندی با یک دیگر مأنوس شده و چون زنجیری به هم پیوسته شده اند؛ اکنون در حسرت فراق در هاله ای از غم می سوزند و اشک می ریزند و داستان دنیاچنین تعبیر می شود که : آدمیانش روزی در جشن و سرورند و روزی در غم و اندوه در این بین علاوه بر تحمیل غصه و اندوه بر صاحبان میّت , عده ای نیز به خیال آن که به بازماندگان تسلی خاطر می بخشند ناگهان سبز شده و به پذیرایی از خویش مشغول می شوند, باز مانده بیچاره نمی داند که آید بگرید یا آن مهیمان ناخواسته را پذیرایی کند.حتی توقع بعضی از افراد آن چنان بالا است که اگر خوب پذیرایی نشوند زبان به طعن و لعن و بد گویی باز می کند این یک گوشه داستان است و بماند در زمان امروز و وضع نابه هنجار اقتصادی از مردم که با سیلی صورت خود را سرخ می کنند چگونه می توانند از عهده مخارج سنگین

پـذیرایی سوم و هفتم و چهلم و سال برآیند. آیا اسـلام چنین می گوید که هر کس مرد بازمانده اش باید خیرات دهد و پشـت سر مجلس غـذا و طعـام برگزار کنـد تا عـده ای بیاینـد وبخوانـد و اگر خیلی هنر کننـد فاتحه ای ناقص و بخواننـد و با عجله از مجلس خـارج شونـد و دمی بعـد گویـا که خبری نبوده بهبی خبری و غفلت خویش باز گردنـد. بر عکس , اسـلام و قرآن می فرمایـد: قطعاً همه شـما را با چیزی از ترس ,گرسـنگی , و کاهش درمال ها و جان ها و میوه ها, آزمایش می کنیم وبشارت ده به استقامت کنندگان .(۱)

می گوید مرگ امتحان وابتلا است . مرگ عبرت و درس است , مرگ باعث می شود که انسان در فکر آن باشدکه آرزوهای دراز و بلنـد نداشـته باشـد. بگذریم در هر حال , بسـیاری از این سـنت ها, ریشه در جهل و نادانی وباورهای غلط دارد از جمله تحمیل پذیرایی و خیرات بعد از مرگ به وسیله بازماندگان است .

بنـای اسـلام درسـت در جهـت عکس آن چیزی است که امروز مردم روزگـار آن را می پسـندند. از آن جمله اگرشخصـی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده درنقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقر۷فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان

عزا طعام درست کنند.(۲)

امام صادق ۷فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام ۶درباره بازماندگان جعفربن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند() و این به شکل سنتی در آمده است پس سنت اسلام این است نه آن که کاملا بر عکس (پاورقی ۱ وسایل الشیعه , ج ۲ ص ۸۸۹ حدیث ۶

این سنت و هنگامی که شخصی می میرد خود را آماده پذیرایی و خوردن غذای سوم و هفتم و چهلم و سال بکنیم .شخصی که عزیزش را از دست می دهد و در عزایش به سوگ نشسته است چگونه حال و حوصله پذیرایی وخیرات دادن را دارد و البته بسیارند که اهل ریخت و پاشند و به اندازه کافی خدمه و عمله دارند و به اندازه ای پول و ثروت دارند که گویا این گونه خرج ها برای آنان تأثیر ندارد که البته اینرا نیز اسلام نمی پذیرد و به نوعی اسراف می داند زیرامی توان از برای میت در راه بهتری چون وقف و دیگر صدقات جاریه , خدمات آموزش و پرورش , مدرسه سازی ,ساختن راه ها و بنا هایی که عموم مردم از آن استفاده کند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان نیزاز آن جمله است وانجام این امور لازم است زیر نظر مجتهد ومرجع تقلید صورت پذیرد تا وجه شرعی اش حفظشود. پس اولاً انسان که از دنیا می رود عمل اوست که او را نجات می دهد یا خدای

ناکرده دچار عذاب می کند ودادن طعام و غذا واز این قبیل سفره پهن کردن ها علاوه بر زحمت بیهوده کشیدن تاثیر چندانی برای مرده ندارد. و اگرانسان می خواهد بر عزیز از دست رفته اش خدمتی بکند بهتر است برای او کاری انجام دهد که مرده ثمره اش رادریافت کند و علما و مراجع تقلید در استفتائات و رساله های علمیه خود هر آن چه که از امور واجب و مستحب برای میت بوده است را بیان کرده اند. پس علما نه تنها سکوت نکرده اند بلکه دادن این نسبت به بزرگان صحیح نیست . و این که مردم عامی به سراغ آنان و یا کتاب هایشان نمی روند تا آن چه از اصل اسلام است را بیاموزند. این به خود مردم مربوط است و گناهی متوجه علما و بزرگان نیست .

(پاورقی ۱ بقره (۲ آیه ۱۵۵

(پاورقی ۲ وسایل الشیعه , ج ۲ ص ۸۸۹ حدیث ۵

با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهم تر است؟

پرسش

با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهم تر است؟

پاسخ

به دلیل آن که سال قمری ده روز از سال شمسی کمتر است، مناسبت های خاصی که در ماه و یا سال قمری اتفاق افتاده است، نیز در طوف فصول تغییر می کند. گاهی ماه مبارك رمضان در زمستان قرار می گیرد و گاهی به چرخش زمان در تابستان اتفاق می افتد و یا مراسم عزاداری حسین(ع) که در ماه محرم اتفاق افتاده، در طول سال در چرخش و تغییر است. هم اکنون نیز ماه محرم با ایام تحویل سال مقارنت پیدا کرده و از طرفی مردم به خاطر سنت و آدابی که از زمان های دور به جا مانده و ممکن است ریشه آن به دوران قبل از ظهور اسلام برگردد، به دید و بازدید پرداخته و سال نو را که طبیعت نیز در آن شکوفا شده گرامی می دارند و لباس نو می پوشند و بسیاری از مراسم های عقد و عروسی را در این موقع سال برگزار می کنند و سعی می نمایند کدورت های پیش آمده بین خودشان را با بازدیدهای دوستانه بزدایند. از طرفی نیز محرم و مسئله عاشورا چیز ساده و فراموش شدنی نیست و مردم طبق تعبد واعتقاد بالایی که دارند، فطرتاً به قامه عزا می پرازند. در عین حال می شود هم به مراسم تحویل سال پرداخت و هم موضوع محرم را از یاد نبرد و بالخصوص اگر دو روز تاسوعا و عاشورا و یا اربعین حسینی با روزهای اولیه سال همزمان شود،

اولویت با عزاداری خواهد بود و مردم این مهم را رعایت کرده و مراسم جشن و شادمانی را به سال های بعد موکول می کنند تا از برکت برپایی عزا محروم نشوند، زیرا مردم مسلمان، عزاداری در ماه محرم را فدای عید و مراسم خاص آن نمی کنند، چرا که امام صادق(ع) فرمود: "شیعیان ما از خمیر مایه طبیعت ما خلق شده اند. در شادی های ما شادند و در غم های ما مغموم اند".

محرم ماه حزن اهل بیت پیامبر است. چگونه شیعه می تواند مسرور و شادمان باشد؟ البتهص له رحم مانعی ندارد و عقد و عروسی باید تعطیل شود و مجالس جشن و سروری در کار نباشد، اما کمک به یتیمان و لباس نو پوشیدن و دید و بازدید دوستانه مانعی ندارد. به جای تبریک سال نو بهتر است بگوییم: "عظم اللّٰه اجورنا بمصاب الحسین(ع)، تا با اهل بیت پیامبر همنوا باشیم.

چرا آخوندها فوتبال بازی نمی کنند؟

پرسش

چرا آخوندها فوتبال بازی نمی کنند؟

پاسخ

آخوندها و کلاً هیچ شخص عاقلی نباید بازی بدون ثمر و فایده بکند، بلکه ورزش کردن خوب است. فرق این دو آن است که بازی از مصادیق لغو است و قرآن می فرماید: مؤمنان از لغو دوری می کنند (و عن اللّغو معرضون). امّا نرمش و ورزش و راه پیمایی و کوهنوردی به مقداری که برای سلامتی بدن لازم باشد، خوب و لازم است. آخوندها نیز به اندازه کافی ورزش می کنند، مثلاً ـ اگر هفته ای یک بار یا روزی ده دقیقه ورزش برای بردن لازم باشد، انجام می دهند، ولی این که روزی دو ساعت وقتشان را صرف بازی کنند، این طور نیست.

بنابراین باید فرق بگذاریم بین ورزش و بازی. هدف از ورزش سلامتی بدن است. فرق دیگر این است که ورزش به اندازه نیاز لازم است، مانند غذا، امّا بازی، به گونه ای سرگرمی و وقت گذراندن است.

در هر صورت طلاب جوان به مقدار لزوم ورزش می کنند؛ ورزش هایی از قبیل فوتبال و والیبال و پینگ پنگ و کشتی.

سال ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگذاری می کنند؟ سال های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می باشد.

پرسش

سال ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگذاری می کنند؟ سال های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می باشد.

پاسخ

در خصوص نامگذاری سال ها، براساس وضعیت افلاک در یک چرخه دوازده ساله این کار صورت می گیرد. این کارتوسط دانشـمندان علم هیئت و نجوم صورت می پـذیرد و هر سال را با نام یک حیوان نامگـذاری می کننـد. این نامگذاری نسبت به سال های بعد صورت نمی گیرد، چون دانشمندان براساس وضعیت افلاک تنها به نامگذاری سال جدید می پردازند.

فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟

پرسش

فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟

پاسخ

پوشیدن لبـاس سـیاه شـعار اهـل مصـیبت و علامت سوگواری و عزا است و پوشـیدن آن در عزای حضـرت سیّدالشـهدا و سایر معصومین علیهم السـلام , تعظیم شـعایر و اعلان برائت از اعدای آل محمد۶و تجلیل ازایثار, فـداکاری , شـهادت در راه خدا و عناوین راحجه دیگر است . به طور یقین این برنامه ها و سـیاه پوشـیدن وسیاهپوش کردن در و دیوار خانه و حسینیه ها, تکایا و مجالس , که متضمن درس های بسیار آموزنده و موجب تعالی افکار و اهداف و تبلور شعور مذهبی و انسانی است همه راجح و سبب احیا و بسط امر مذهب و تحکیم علایق وروابط با خاندان رسالت است .(۱)

فقها پوشیدن لباس سیاه جهت عزاداری را راجح می دانند. پس از شهادت امام حسین ۷و یاران آن حضرت ,کسی از زنان بنی هاشم و طایفه قریش نبود مگر آن که برای امام حسین ۷لباس سیاه پوشیده بود.(۲)

فقط در دوران حاکمیت بنی عباس , چون لباس سیاه به عنوان لباس رسمی آنان محسوب می شده پوشیدن لباس سیاه به عنوان یکی از مصـادیق تلبس به لباس ظلمه و تشـبه به آن ها محسوب می شـد که با نابودی آنان این عنوان منتفی شـده امروزه سـیاه پوشـی از ویژگی های مهم شیعه است , شیعه در عزاداری ها همانند ایام محرم و صفر نه تنهاسیاه می پوشد, بلکه در و دیوار و کوی و برزن را نیز سـیاهپوش می کنـد. لبـاس سـیاه , نشـانهء عشق و دوستی به سـاحت مقـدس امامـان معصوم : است و اعلام جانبداری از سرور آزادگان در جبههء

ستیز حق و باطل که سراسر تاریخ را فراگرفته است . شیعه با سیاهپوشی خویش در عاشورا اعلام می دارد که در منطق وی , بی حسین , جامعه تاریک , جهان بی فروغ است .(۳) امروزه پوشیدن لباس سیاه از شعایر شیعه محسوب می شود.

(پاورقی ۱.حسین رجبی , پاسخ به شبهات عزاداری , ص ۱۰۵

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۴۵ ص ۱۹۶

(پاورقی ۳.همان , ص ۱۰۶

مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست ؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است ؟

پرسش

مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست ؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است ؟

پاسخ

تعزیه خوانی نمایشی است که در یک محوّطه با حضور مردم توسط چند نفر انجام می گیرد که نقش قهرمانان کربلا و اسرای آل الله را با لباس های مخصوص و ابزار جنگی همراه با شیپور نیزه , شمشیر ایفا می کنند.صحنه و نمایش بر منهای حوادث کربلا و مقتل ها تنظیم می شود.

تأثیر گذاری عاطفی و نیز روحیهء ضد ظلم که در پی دیدن نمایش تعزیه در افراد ایجاد می شود, از نقاط قوت ومثبت این نمایش است .

تعزیه اگر به صورت جمع و با حفظ موازین و شئون معصومان انجام شود, در بینندگان تأثیر مهمی می گذارد ووسیله انتقال فرهنگ شهادت به نسل های آینده است .

به همین دلیل پس از انقلاب اسلامی در ایران تعزیه خوانی رواج و توسعهء بیش تری یافته است و همراه این توسعه , تحولّاتی در؟ اجرا و محتوای اشعار و جهت گیری سیاسی اجتماعی پدید آمده است . (۱)

(پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, ص ۱۱۵ ۱۱۷ با تلخیص .

چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟

پرسش

چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟

پاسخ

زیارت اهر قبور به خصوص شـهیدان در همه شب به ویژه شب جمعه , از دیـدگاه اسـلام بسیار مطلوب است و روایات زیادی در این خصوص از رسول خدا۶و اهل بیت اطهارش ۷وارد شده است .

تا حدّی که ما اطلاع داریم درخصوص شب تاسوعا برای زیارت اهل قبور روایتی نداریم , بلکه این کار از رسوم و سنّت های عرفی است .

شایـد یـک علّتش این باشـد که جوان فردایش روز عـاشورا و روز شـهادت حسـین بن علی ۷و یـاران با وفایش می باشـد, می خواهنـد پیشـاپیش این ضـایعهء مـولمه را به اموات و اهـل قبور تسـلیت بگوینـد. شایـد هم چون به خاطرحـادثهء هولنـاک روز عاشورا محزون و معمومند, به قبرستان می روند تا حزن و اندوه خود را برطرف نمایند.

در روایات آمده : یکی از راه های برطرف نمودن غم و ناراحتی ها زیارت اهل قبور است .

چرا روز عاشورا پا برهنه می شوند؟

پرسش

چرا روز عاشورا پا برهنه می شوند؟

پاسخ

حتماً اطلاـع داریـد عـاشورا در تاریـخ جـاهلیت عرب از روزهای عیـد رسـمی و ملی بود. در چنین روزی لباس های فاخر می پوشـیدند و چراغانی و خضاب می کردنـد و این روز را روزه می گرفتند, اما در اسـلام باتشـریع روزهء رمضان , روزه این روز نسخ شد.

در فرهنگ شـیعی , روز عاشورا به خاطر حادثه جان گـداز شـهادت امام حسـین ۷و فرزنـدان و یـارانش در این روز از بزرگ ترین ایّام سوگواری و ماتم به حساب می آید.

امامان شـیعه در این روز مجلس عزا برپا می کردند و بر حسین بن علی ۷می گریسـتند و آن حضرت را زیارت می کردند و به زیارت او تشویق و امر می نمودند. با این کار یاد این روز را زنده می داشتند.(۱)

از جمله آداب استحبابی این روز:

ترک لـذّت ها, دنبال کار نرفتن , پرداختن به سوگواری و گریه , تا ظهر چیزی نخوردن و نیاشامیـدن , برای خانه چیزی ذخیره نکردن و حالت صاحبان عزا را به خود گرفتن است .(۲)

تـا جـایی که اطلاع داریم درخصوص پابرهنه شـدن , از پیامبر۶و خانـدان اطهارش ۷دسـتوری نرسیده وظاهراً یک سنت عرفی است که محبّان و عاشقان اباعبدالله ۷رسم کرده اند.

اتفاقـاً کـار خوبی است و می توانـد از شـعایر باشـد. به این معنا که چون در این روز حضـرت اباعبـدالله ۷و شـهیدان رکاب آن بزرگوار با بدن بی سر و چاک چاک روی خاک تفیده کربلا افتادند و زن ها و بچه ها بعد از آتش زدن خیمه ها با پای برهنه از خیمه ها بیرون دویدند,

شیعیان هم در این روز پا برهنه می شوند تا به آل الله بگویند: ما درحزن شما محزونیم و خود را در کنار شما احساس می کنیم . ضمناً به دیگران بگویند: در عیان دروغین حقق بشر وجانشینان پیامبر۶با خانوادهء او چنین ظلمی را روا داشتند.

(پاورقی ۱.جواد محدّثی , برداشت از فرهنگ عاشورا, ص ۲۷۶ ۲۷۷ با تلخیص .

(پاورقی ۲.شیخ حر عاملی , وسائل الشیعه , ج ۱ ص ۳۹۴

چرا ده شب اوّل ماه محرّم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟

پرسش

چرا ده شب اوّل ماه محرّم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟

پاسخ

آن طوری که مورّخان نوشته اند: کاروان امام حسین ۷روز دوم محرّم سال ۶۱هجری وارد کربلا شدوارد و زدند. بعد از آن سپاه کوفیان به تدریج وارد شد و روز نهم (تاسوعا) کاروان امام ۷را محاصره کامل کرده وروز دهم روز (عاشورا) آن بزرگوار و یارانش را به شهادت رساندند.

بنابراین چون اصل گرفتاری حضرت از دههء اول محرم آغاز شده است پیروان حضرت از اوّل محرم عزاداری می کنند.(۱)

(پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, براداشت از ص ۴۶

فلسفهء علامت که در جلوی دستهء زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟

پرسش

فلسفهء علامت که در جلوی دستهء زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟

پاسخ

علامت به معنای نشانه است و از ابزار و وسایل عزاداری حضرت امام حسین ۷است .

این ابزار نام علم و علامت خاصی است که هر هیأت و دسته ای برای خود دارد که آن را از دسته های دیگرمتمایز می سازد. از شعارهای عزاداران عرب های عراقی است : (۱)

از این نوع شعارها فهمیده می شود هیأت ها با حمل علامت و علم می خواهند بگویند: ما نمی گذاریم پرچم خونین کربلا که بر دستان حضرت ابی الفضل العباس بوده , به زمین بیفتد و پایمال گردد.

]گرچه سردار علم , در خون نشست دست هایت روی رایت مانده است (۲)

(پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, ص ۳۱۹ ۳۲۱

(پاورقی ۲.عزیزاللّه زیادی .

آیا آوردن پرچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟

پرسش

آیا آوردن پرچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟

پاسخ

استفاده از پرچم قرمز در دسته های سینه زنی نشانهء پرچم خونین کربلا است که در دست علمدارحسین ۷حضرت ابوالفضل ۷ بود و از شعایر اسلامی است . روشن است هر چیزی که جزء شعایر اسلامی باشد,خوب است و با ارزش . (۱).

(پاورقی ۱.حج (۲۲ آیه ۳۲

از چه طریقی می توان برای بچّه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده ام بعضی قرآن را باز می کنند و یک کلمه از آن در نظر گرفته و نام بچّه را انتخاب می نمایند، با این که در آن صـــفحه اصـــلاً نامی وجود ندارد. آیا این مطلب صـــحیح است؟! توضیح دهید.

پرسش

از چه طریقی می توان برای بچّه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده ام بعضی قرآن را باز می کننـد و یک کلمه از آن در نظر گرفته و نـام بچّه را انتخـاب می نماینـد، بـا این که در آن صـفحه اصـلاً نـامی وجود نـدارد. آیـا این مطلب صحیح است؟! توضیح دهید.

پاسخ

از جمله حقوقی که فرزنـد بر گردن پـدر و مـادر دارد، این است که اسم نیك برایش انتخاب نماینـد. رسول خـدا(ص) فرمود: "فرزند سه حق بر گردن والد خود دارد: انتخاب اسم نیك؛ تعلیم خواندن و نوشتن؛ ازدواج وقتی به بلوغ رسید".(۱)

در قرآن امـده است: "یوم نـدعوا کلّ اناس بامامهم؛ در قیامت هر گروه و طایفه ای را به نام رهبر و پیشوایشان صدا می کنیم". (۲)

چون همه مـا مسـلمان و پیرو رسول خـدا(ص) و شـیعه علی و ائمه اطهـار(ع) هستیم، بهتر است اسامی رسول خـدا(ص) زهرای

اطهر(ع) علی بن ابیطالب و فرزنـدان معصوم او را برای فرزندان انتخاب نماییم تا فردای قیامت فرزند پیش امّت رسول اللّه(ص) شرمنده نشود. از چند طریق می توان برای بچه ها نامی برگزید:

۱- پدر و مادر و اعضای خانواده که مؤمن و متدیّن و علاقه مند به اهل البیت(ع) هستند، نامی برگزینند.

۲- مشورت با بزرگان مثل روحانیون و معلمان معارف.

پی نوشت ها:

۱. محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۷۱، ص ۸، حدیث ۸۲، چاپ بیروت، انتشارات احیاء التراث.

۲. اسراء (۱۷) آیه ۷۱.

بعضـی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارند و می گویند در عطسه های فرد باید دست از کار کشید و درعطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آیا چنین چیزی درست است ؟ اگر درست نیست , چگونه احادیث متعددی در این باره وجود دارد؟

پرسش

بعضـی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارنـد و می گوینـد در عطسه های فرد باید دست از کار کشـید و درعطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آیا چنین چیزی درست است ؟ اگر درست نیست , چگونه احادیث متعددی در این باره وجود دارد؟

پاسخ

در کتاب شریف بحارالانوار(۱) بابی به نام وجود دارد که حضرات معصومان :

به این مناسـبت بیاناتی فرموده اند که از جمع بندی سـخنان ایشان به دست می آید عطسه نشانهء سـلامتی است . نیز اگرکسـی آن را بشنود, حمد خدا بگوید که خداوند او را از شرّ بیماری و آفات مصون دارد.

امام علی ۷فرمود .(۲)

عبدالدین یعنور می گوید: .(۳)

در هر حـال از این دست روایـات در باب عطسه فراوان است , اما این که در نزد مردم شایع شـده است اگر کسـی یک عطسـه بزند, باید صبر کند و اگر به جایی می خواست برود, کمی با تأخیر برود, انسان نباید به چنین خرافاتی اعتقاد پیدا کند.

چنین اعتقـاداتی ساخته و پرداختهء ذهن عوام است که فائـده ای بر آن مترتب نمی شود. از قول معصوم :حکایت است که اگر عطسه ای آمـد و خواستی به کـاری برسـی در کـارت تـأخیر نینـداز و برای مقابله با رسم غلط صبردر این مواقع , در انجام کار عجله بکن .

برای دست یابی به اطلاعات بیش تر به جزوهء همراه مراجعه شود.

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۷۳ ص ۵۱ چ بیروت .

(پاورقی ۲.همان .

(پاورقی ۳.همان .

بیشتر ادیان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟

پرسش

بیشتر ادیان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟

پاسخ

در هر دین و آیین , آداب و سنن خاصی وجود دارد, مثلاً مسیحیان مراسم ازدواج و عزای خود را درکلیسا برگزار می کنند. اسلام نیز آداب و سنن خاصی دارد. در مورد ازدواج , نزد فقهای شیعه , برگزاری مراسم ازدواج در مسجد, به عنوان یک مستحب شرعی ثابت نیست و مراسم عقد ازدواج در مسجد مطلوبیتی ندارد. دلیلی همب رمنع آن وجود ندارد. از طرف دیگر اگر برگزاری این مراسم در مساجد به گونه ای باشد که باعث مزاحمت نمازگزاران و یا همراه با اموری باشد که با شأن و منزلت مسجد منافات داشته باشد, برگزاری آن در مسجد جایز نیست .(۱)

شایان ذکر است که برخی ازدواج ها در مسجد صورت گرفته است , ولی رجحان شرعی این عمل در مسجد قابل اثبات نیست و جایگاه معنوی مسجد رفیع تر از آن است که بخواهیم در این خصوص آن را با اماکن مذهبی سایرادیان مورد مقایسه قرار دهیم . مسجد جایگاه عبادت خدا و محل وحدت مؤمنانِ عاشق است که به صورت همدل ومتحد با خدای خویش راز و نیاز می کنند. مسجد مکانی است که انسان با انجام عبادت خالصانهء خویش در آن دراوج تقرب به حق تعالی قرار می گیرد.

(پاورقی ۱.رحیم نوبهار, سیمای مسجد, ج ۱ ص ۳۳۸

در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟

پرسش

در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟

پاسخ

احسان و نیکی و دادن صدقه و رسیدگی به همسایگان کار بسیار با ارزش و فوق العاده با اهمیت و ازمکارم اخلاق است و در شریعت اسلام بر آن تأکید شده است . نیکوکار محبوب خداوند است . قرآن می فرماید:.(۱)

قرآن در جای دیگر مخصوصاً از احسان به همسایه سخن گفته است : .(۲)

حق همسایه در اسلام به قدری اهمیت دارد که امام علی ۷می فرماید: .(۳)

رسول خدا۶فرمود: .(۴)

حضرت در جای دیگر فرمود: .(۵)

امام صادق ۷فرمود: .(۶)

با توجه به آثار و برکات و ثواب احسان و صدقه و رعایت حق همسایه پدر شما کار بسیار خوب و پسندیده ای انجام می دهد. خداوند به ایشان خیر و برکت و نعمت های دنیا و آخرت را عنایت فرماید.

(پاورقی ۱.بقره (۲ آیهء ۱۹۵

(پاورقی ۲.نساء (۴ آیهء ۳۶

(پاورقی ۳.تفسیر نمونه , ج ۳ ص ۳۸۱

(پاورقی ۴.همان .

(پاورقی ۵.مصطفی حسینی دشتی , معارف و معاریف , ج ۱۰ ص ۵۱۸ ماده ء: همسایه .

(پاورقی ۶.همان .

در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی , حجلهء حضرت قاسم ۷رست می کنند و از بین حضّار یک نفر را به نام عروس حجله لباس پوشانده و کنار حجله نشانده و به نذر و نیاز ودعا می پردازند. آیا این مطلب از نظر شیعه صحیح است ؟

پرسش

در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی , حجلهء حضرت قاسم ۷رست می کنند و از بین حضّار یک نفر را به نام عروس حجله لباس پوشانده و کنار حجله نشانده و به نذر و نیاز ودعا می پردازند. آیا این مطلب از نظر شیعه صحیح است ؟

پاسخ

در بین مسلمانان افراط و تفریطهای فراوانی به چشم می خورد و اعمال ذوقی و سلیقه های از خود درآورده بسیار است . قضیهء دامادی حضرت قاسم ۷بدون مدرک و دلیل است و در کتب تاریخی و مقتل های معروف و مشهور مطرح نشده است . بر فرض قبل از واقعهء کربلا حرفی از داماد شدن حضرت قاسم بین خویشان مطرح شده یانامزدی داشته باشد, مطرح کردن آن در مراسم عزاداری و حجله درست کردن و عروس کنار آن نشاندن و نذر و دعاکردن چه معنا دارد؟! این از کارهایی است که افراد موهوماتی در ذهن خود می پرورانند و بعد آن ها را با ذوق و سلیقه ءخود اجرا می کنند و دیگران هم تقلید و پیروی می کنند و کم کم به صورت رسم در جامعه بروز و ظهور می کند که ناخودآگاه آثار و تبعات سویی در بردارد و باعث موهون شدن بسیاری از عقاید حقّه میشود و شیعه را نزد دیگران سبک می گرداند.

محدّث معروف مرحوم شیح عباس قمی در منتهی الآمال نوشته است : دامادی حضرت قاسم ۷در کربلا وتزویج او به فاطمه دختر امام حسین ۷صحّت ندارد, زیرا در کتابهای معتبر به نظر نرسیده است . وی از استاد خودمرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره)

در کتا بلؤلو و مرجان نقل می کند که به مقتضای تمام کتاب های معتبری که درفن حدیث و تاریخ و انساب هست , نمی توان برای حضرت سیدالشهداء۷دختری که قابل تزویج برای قاسم بن الحسن باشد, پیدا کرد.(۱)

روز عاشورا فرصت برای ازدواج نبود, چون همگی در یک روز شهید شدند.

(پاورقی ۱.منتهی الآمال , ج ۱ ص ۳۸۰

۱ فلسفهء بلند نمودن علم هایی که در محرّم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟

پرسش

۱ فلسفهء بلند نمودن علم هایی که در محرّم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟

پاسخ

آنچه در روایات به چشم می خورد, بزرگذاشت حادثهء غمبار و خونین کربلاـ است . بزرگداشتیان حادثه , به برگزاری مجالس و سیاه پوش کردن و نصب پرچم سیاه و راه انداختن هیأت و گروه های عزاداری محقق می شود. حرکت هیأتهای عزادار همراه با پرچم و عَلَم در خیابان ها و کوچه ها و سینه زنی و زنجیر زنی , اعلان حمایت از حرکت و ایدهء امام حسین ۷و اعلام آمادگی و طرفداری از راه شهیدان کربلا است . در روایات تأکیدفراوان بر گیه کردن و نوحه و عزاداری نسبت به سالار شهیدان شده است .

البته بامرور زمان برخی از عادات بر اثر سهل انگاری , در عزاداری وارد شده که بدون تردید از مصادیق عزاداری و سوگواری به شمار نمی آید, بلکه از آفت های آن محسوب می شود, مانند استفاده کردن از وسائل موسیقی و اجرای آهنگ ها و قمه زنی و خواندن شعرهای غلوّآمیز و احیاناً خواندن شعرها و مطالب موهون و در اختیارگرفتن مجالس عزادای به وسیلهء افراد بی سواد و کسانی که به جای پرداختن به محتوای مجالس , به ظواهر ومداحی های بی روح و بی هدف می پردازند. از جمله چیزهایی که نمی تان وجه عقلاـیی برای آن تصور کرد, بلندکردن عَلَم سنگین است , چون نمی توان بین آن و عزاداری ارتباطی قائل شد.(۱)

(پاورقی ۱.با استفاده از لغت نامهء دهخدا; فرهنگ عاشورا; پاسخ به شبهات عزاداری .

ابن شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر۷پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او آوردند, دریافت کند. وی فرمود: . حال آیا نوروزبیهوده است ؟ اسلام و امامان چه سلوکی داشته اند؟

پرسش

ابن شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر۷پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او

آوردند, دریافت کند. وی فرمود: . حال

آیا نوروزبیهوده است ؟ اسلام و امامان چه سلوکی داشته اند؟

پاسخ

دربارهء نوروز دو دسته روایات وارد شده است . یک دسته روایات معلّی بن خنیس از امام صادق ۷بر تأیید نوروزوارد شده که دلالت بر استحباب روزه گرفتن در روز عید و غسل کردن و پوشیدن لباس های نظیفو خوشبو کردن دارد.(۱)

دستهء دیگر مانند روایت حضرت موسی بن جعفر۷است که دلالت بر تحریم زنده کردن عیدی است که اسلام آن را عید قرارنداده است .(۲)

دربارهء وجه جمع بین این دو دسته , نظریات متخصصان , متفاوت است .

علامهء مجلسی در ذیل این حدیث می فرماید: روایت حضرت موسی بن جعفر را باید حمل بر تقیه کنیم , چون روایات سندش قوی تر و مشهور بین اصحاب است .(۳)

برخی گفته اند: در این مورد که منصور از امام موسی بن جعفر می خواهد جلوس کند و تحفه ها و هدیه ها را بپذیرد, تقیه معنانداردـ ثانیاً هر دو دسته از روایات ضعیف اند. هم روایت معلّی بن خنیس و هم این روایت و هیچ کدام قابل اعتماد نیست . این که بعضی از فقها روایات را ترجیح داده اند, از باب تسامح در ادلّهء سُنن است , زیرا روزه گرفتن و غسل کردن و لباس پاکیزه پوشیدن و خوشبو کردن لباس و بدن در نوروز را حج است , به جهت وجود همین روایات و به جهت این که در مستحبات می توان به دلیل ضعیف تکیه کرد و آن را مستند استحباب دانست ; یعنی کارهای مستحبی لازم نیست دلیل متقن و مطمئنی داشته باشد.(۴)

از طرفی زنده کردن عیدی که اسلام آن را

عیـد قرار نـداده و چون از مخترعات کفار بوده , آن را تأییـد نکرده , تشریع و بدعت است که در اسـلام حرام است . لذا امام موسـی بن جعفر از بزرگـداشت آن ابـا داشـته , ولی وقـتی منصور به امـام گفت : فرمـایش شـمادرست است , ولی چون مردم منطقه این روز را محترم می شـمارند و سـربازان و فرمانـدهان ارتش به دیـدار می آینـد, برای سیاست و اداره‌ء لشکر, جلوس مفید است , حضرت قبول کرد و جلوس فرمود.

نتیجه این که : بزرگـداشت نوروز به عنوان یـک عیـد ملّی که دارای ویژگی هـای خوبی از قبیـل نظـافت و پـاکیزگی و صـله‌ء ارحـام ودیـد و بازدیـد دوسـتان و آشـنایان است , خوب است . اگر کسـی در کارهـای خوب قصـد قربت داشـته باشـد, ثواب عطیمی دارد. امااین که عید نوروز را عید اسلامی بدانیم , قابل قبول نیست , چون دلیل معتبری نداریم .

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۹ ص ۱۰۱

(پاورقی ۲.همان , ص ۱۰۰

(پاورقی ۳.همان .

(پاورقی ۴.همان , ص ۱۰۰ پاورقی .

فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟

پرسش

فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟

پاسخ

برای تعظیم شعائر الهی و شرکت در غم و اندوه مصیبت سید الشهداء(ع) سینه زنی صورتی می گیرد. سینه زنی از مراسم سنتی عزاداری برای سـید الشـهداء(ع) و دیگر ائمه مظلوم است که همراه با نوحه خوانی و با جهنگ خاصی بر سر و سینه زدن همراه است. اصـل این سـنت به ویژه درمیان عربها رواج داشـته و بعـدها به صورت موجود در آمـده است. این امر در دوران صـفویه توسعه یافت و در عصر قاجاریه بیش تر رواج پیدا کرد.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۳۷.

اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است , چرا علما زنجیر نمی زنند؟

پرسش

اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است , چرا علما زنجیر نمی زنند؟

پاسخ

سینه زنی , زنجیر زنی , تعزیه خوانی , پوشیدن لباس سیاه و سیاه پوش کردن مساجد و تکایا, برای برپایی عزاداری حضرت سیدالشهدا و سایر امامان : و ابراز تنفر از ظلم و ستم بنی امیه و بنی عباس و دیگرستمگران چون در تداوم هدف عاشورا و توسعهء فلسفهء قیام و نهضت اباعبداللّه الحسین ۷نقش مهمی دارد, عملی راجح و مستحب است و از مصادیق , تعظیم شعایر و افضل قربات است .() لازم است همهء ارادتمندان و محبان اهل (پاورقی ۱.آیت اللّه فاضل لنکرانی , جامع المسائل , ج ۱ ص ۶۱۹ ۶۲۰ آیت اللّه مکارم شیرازی , مجموعه استفتائات جدید, ص ۱۵۷ آیت اللّه حاج شیخ جواد تبریزی , استفتائات جدید, ص ۴۵۳

البیت : از علما و دانشمندان و غیر آنان در اقامه عزا در ایام سوگواری , و بر پایی مجالس جشن و سرور در هنگام میلاد آنان , از خود همت نشان دهند, زیرا تعظیم این امور موجب اقامهء دین و احکام الهی و ریشه دواندن اعتقادات در عمق و درون جان انسان ها می گردد.

فلسفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسین(ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایشان برآورده شود. آیا این اعتقاد صحیح است و عدم اعتقا د موجب گناه است؟

پرسش

فلسفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسین(ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایشان برآورده شود. آیا این اعتقاد صحیح است و عدم اعتقا د موجب گناه است؟

پاسخ

علم یا علامت به پرچم یا کتل یا وسایلی گفته می شود که نشانه و علامت عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) است. شاید برداشتن علم به معنای این باشد که چون پرچم امام حسین در کربلا به زمین افتاد، ما آن پرچم را برمیداریم و راه حسین(ع) راادامه می دهیم؟ برداشتن علم یا بوسیدن و احترام به آن جنبه سمبولیک دارد و هدف عاشقان اهل بیت از این کار تبعیت از راه رسم و پیمودن مسیر حسین(ع) است و نذر و خیرات و مبراتی که می کنند، برای عزاداران حسین(ع) انجام می دهند، چون در روایت آمده است: هر کس برای عزاداری امام حسین انفاق کند و درهم و دیناری خرج کند، خداوند هفتاد برابر در دنیا و آخرت به او برکت می دهد و گناهانش آمرزیده می شود.(۱)

عشق به حسین(ع) عشق به همه خوبی ها است. گریه برای شهید و عزاداری برای او، همرنگ و همصدا شدن با او است.

البته هدف از عزاداری امام حسین(ع) زنده شدن نام و یاد و مرام حسین(ع) در ذهن و زندگی ما است و پیمودن راه او و از

اهـداف عزاداری است. در عزاداری نباید از آثار و نتایج آن بی بهره بود و از اهداف بی نصـیب ماند. نباید عزاداری فقط جنبه عادی و شکلی داشته باشد، بلکه عزادار امام حسین(ع) باید احساس کند که با حسین(ع) در

یک اردوگاه قرار دارد و احساس کند در رکاب او قدم می زند. در عزاداری باید از خرافات و افراط و تفریط ها دوری کرد.

اگر نذر می کند، باید براساس صحیح فقهی و شرعی باشد و اگر پولی خرج می کند، باید در راه صحیح مصرف شود. نذر کردن برای علم صحیح نیست اما بوسیدن آن اشکالی ندارد و روا شدن حاجات به دست خدا است و عدم اعتقاد به این ها گناه محسوب نمی شود.

پی نوشت ها :

۱ - مجمع البحرین ، ماده عشر.

ناموس و ناموس داری دینی یعنی چه؟

پرسش

ناموس و ناموس داری دینی یعنی چه؟

پاسخ

کلمه ناموس دارای معانی بسیار است. به معانی : احکام الهی، قانون، وحی، صاحب راز، خانه راهب ، خوابگاه شیر، مرد دانا، سیاست، ریا، بانگ، آبرو، عزّت ، نیکنامی، خجالت، عصمت، عفت. زن و زن های متعلق به یک مرد مثل مادر و خواهر و دختر و معانی دیگر آمده است. اما آنچه که در عرف مامعروف و مشهور است، ناموس به معنای زن و زن های متعلق به انسان است که پاکی آنان باعث حفظ آبروی انسان می شود. ناموس داری دینی به معنای این است که انسان مؤمن غیرت و حیا نسبت زنان خویشاوند داشته باشد.[۱]

[۱] لغت نامه دهخدا، کلمه ناموس.

ایام فاطمیه چه ایامی است؟

پرسش

ایام فاطمیه چه ایامی است؟

پاسخ

درباره تاریخ رحلت حضرت زهرا (س) روایات مختلف و متضاد است. (از چهل روز تا شش ماه بعد از رحلت پیامبر (ص)).

میان علمای شیعه، دو تاریخ مشهور و مقبول است: یکی هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پیامبر (ص) و دیگری نود و پنج روز.

بـا توجه به رحلت پیـامبر اسـلام (ص) در بیست و هشـتم صـفر، بنـا به روایت هفتاد و پنـج روز، در مورخه سـیزدهم تا پانزدهم جماد...الأوّل ، شهادت حضرت زهرا است و این ایام را فاطمیه اوّل می خوانند.

اما بنا به روایت نود و پنج روز، شهادت حضرت در سوم تا پنجم جمادی الثانی است و این ایام را فاطمیه دوم می خوانند.

منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟

پرسش

منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟

پاسخ

عاشورا از ریشه عشر به معنای ده و دهم است. و در عبری روز دهم اولین ماه سال تشرین عاشورا گفته می شد که برابر است با اولین مـاه سـال قمری. و به همین جهت دهمین روز محرم را عـاشورا گوینـد و تاسوعـا هم از ریشه تسع که به معنـای نه و نهم است.

طریقه فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد ، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟

پرسش

طریقه فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد ، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟

پاسخ

فاتحه گرفتن برای مردگان در هر حالي و در هر مکانی بلا اشکال است. بودن چاقو و غیر آن سر سفره هیچ اشکالی ندارد.

چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق معمول باید از روز عاشورا به بعد لباس سیاه پوشیده شود، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

پرسش

چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق معمول باید از روز عاشورا به بعد لباس سیاه پوشیده شود، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از جنابعالی که دبیر و معلم دانش آموزان هستید و در رفع مشکلات و شبهات آنان می کوشید تشکر می

کنیم. امیدواریم در این راه .

همان طور که جنابعالی در سؤال مطرح کرده اید اصولاً بایـد محبین اهل بیت (ع) در عزاداری برای سالار شـهیدان بعد از روز عاشورا لباس ماتم و سیاه بپوشند و عزاداری برای آن حضرت را شروع کنند، ولی عشق و محبّت به آن حضرت باعث شده که قبل از عاشورا خود را آماده کنند و لباس های سیاه بپوشند، مساجد، تکایا و حسینیه ها را سیاهپوش کنند.

عزاداری برای اباعبـدالله(ع) یـک عزاداری معمولی نیست؛ بلکه تبـدیل به یـک فرهنـگ فراگیر شـده است وقـتی که تبـدیل به فرهنگ شـد دیگر زمان و مکان نمی شـناسد، لـذا تا نسـیم محرّم به مشام جان می وزد خود به خود پوشـیدن لباس عزا و سـیاه پوش کردن کوچه و خیابان ها و مساجد و تکیه ها شـروع می شود. البته در غیر محرم نیز عزاداری برای امام حسـین در فرصت هـای مناسب برگزار می شود، شـیعیان به دسـتور اولیای دین مخصوصاً به دسـتور امامان بعـد از امام حسـین(ع) برای زنـده نگه داشتن اهداف امام حسین و فرهنگ عاشورا تلاش و کوشش می کنند.

امام باقر(ع) در زمینه برپایی عزا در خانه ها بر امام حسین(ع) می فرماید:

بایـد بر حسـین(ع) نـدبه و عزاداری و گریه کنیـد و بر اهـل خـانه خود دسـتور دهیـد که بر او بگرینـد . بـا اظهار گریه و ناله بر حسین(ع) مراسم عزاداری بر پا کنید و یک دیگر را با گریه و تعزیت در سوگ حسین (ع) ملاقات کنید.[۱]

رمز جاودانگی نهضت حسـینی نیز همین احیا و زنده نگهداشـتن و تعظیم شـعایر بوده است. امام خمینی(ره) فرمود: الآن هزار و چهارصـد سال است که با این منبرها با این روضه ها و با این مصـیبت ها و با این سـینه زنی ها (دین اسـلام) را حفظ کرده اند.[۲]

عزاداری، احیـای خط خون و شـهادت و رسانـدن صـدای مظلومیت آل علی به گوش تاریـخ است. عزاداران حسـینی پروانگان شیفته نورند که شمع محفل آرای خویش را یافته از شعله شمع، پیراهن عشق پوشیده اند و آماده جان باختن و فدا شدن اند.

نقش عزاداری در حفظ فرهنگ عاشورا مهم است و آثار و برکات خوبی برای بشریت داشته و خواهد داشت.

ای که آمیخته مهرت با دل

کرده عشق تو مرا دریا دل

بذر عشقی که به دل کاشته ام

جز هوای تو ندارد حاصل

از می عشق تو، عاقل مجنون

وزخم مهر تو مجنون عاقل

گر شود کار جهان زیر و زبر

نشود عشق تو از دل زایل[۳]

[۱] جواد محدثی ، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۲، به نقل از کامل الزیارات ، ص ۱۷۵.

[۲] همان، ص ۳۱۳.

[۳] همان، ص ۳۱۵.

بعضـی از افراد نظر داردن کسانی که عَلَم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می کنند، باید انسان های آرام و ساکتی باشند و در ادارات دولتی مشغول به کار نباشند.

پرسش

بعضی از افراد نظر داردن کسانی که عَلَم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می کنند، باید انسان های آرام و ساکتی باشند و در ادارات دولتی مشغول به کار نباشند.

پاسخ

این نظر درست نیست. همه مؤمنان می توانند علمدار حسین(ع) باشند و پرچم عزای امام حسین(ع) را بر دوش بکشند. البته این افراد هر چه پاک و با تقوا باشند، ثواب بیشتری دارند.

می خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟

پرسش

می خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟

پاسخ

مطالبی که بین مردم در مورد عطسه شایع است، درست نیست. اساساً روح اسلام با این گونه مطالب سازش ندارد، تا آن جا که درستور می دهد هنگامی که تصمیم بر کاری گرفتید، اگر کسی فال بد زند، اعتنا نکنید و بر خداوند توکّل نموده، به دنبال هدف بروید.

درباره عطسه وارد شده است هرگاه یکی از شما عزسه کرد، در حق او دعا کنید و بگویید "یرحمکم الله؛ رحمت خدا شامل حال تو گردد". طرف دیگر نیز متقابلاً دعا کند و بگوید: "یغفرالله لکم؛ خدا تو را بیآمرزد". اما صبر کردنیا فوق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه افسانه است که باید مسلمان آگاه و دانا از این افسانه ها بپرهیزد.[۲] جزوه ای در این زمینه خدمت شما ارسال می شود .

[۱] توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۹.

[۲] ناصر مکارم، پرسش ها و پاسخ ها ، ج ۴، ص ۱۶۲.

چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟

پرسش

چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟

پاسخ

اولاً: همه مردم این گونه نیستند. بسیار هستند که از عالمان دینی حمایت کرده و از آنان تمجید می نمایند.

ثانیاً: بد گویان دو دسته اند:

دسته ای که اکثریت را تشکیل می دهند و تنها زبانی و از نظر ظاهری بد می گویند، اما باطناً و قلباً عناد و کینه ای از آن ها ندارند، مثل اعضای یک خانواده که داخل خانه، برادر به برادر و خواهر خود بد می گوید و حتیگاهی باهم درگیر می شوند، اما خارج خانه هوای یکدیگر را دارند و در کنار همند و از هم حمایت می کنند.

عده زیادی از بد گویان این گونه اند، چون همانان پای منبر می نشینند و در نماز جمعه ها و جماعت شرکت می کنند و از عالمان دینی در جشن ها و عزاها دعوت به عمل می آورند.

دسته دیگر که در اقلیت هستند، کسانی هستند که با عالمان و روحانیون عناد دارند.

دشمنی محدود به عصر ما و منحصر به روحانیت نیست، بلکه از ابتدا با انبیا و امامان(ع) و صالحان و متقیانخصومت داشته و دارند.

البته با همه تلخی ها باید گفت: عمل کرد برخی روحانیون خوب نبوده و نیست. مردم آن ها را می بینند و خیال می کنند همه این طورند. لذا پشت سر همه بد می گویند.

چنان که از عمل کرد بد چند پاسدار، یا چند نظامی و یا چند قاضی و چند بازاری و ... به همه پاسداران و نظامیان و قاضیان و بازاریان بد بین می شوند، با این که منطقاً نباید حساب کار چند منحرف در هر قشری را به حساب همه به شمار آورد.

آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟

پرسش

آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟

پاسخ

در احادیث و روایات سفارش های بسیاری دیده می شود که کوتاه کردن ناخن موجب از بین رفتن در دو جلب روزی می شود.

امام علی (ع) فرمود: "چیدن ناخن مانع درد و بیماری بزرگ می شود و روزی را فراوان می کند.(۱)

چه موقعی ناخن گرفتن مستحب است؟ معصومان (ع) بیشتر روی پنج شنبه و جمعه تکیه کرده اند، اگر چه روزهای دیگری چون سه شنبه وچهارشنبه نیز آمده است، ولی تکیه استحباب بیشتر روی جمعه است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: "هر که

در روز جمعه ناخن بچیند، خدا درد و بیماری را از انگشتانش بیرون می کند و به جای آن شفا و درمان می بخشد".(۲)

امام صادق (ع) فرمود: "آدمی ناخن و موی خود را پس از چیدن دفن می کند و این کار سنت است".(۳)

بلند گذاشتن ناخن برای زن، نوعی زینت محسوب می شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود "شما مردان" ناخن های خود را بچینید. (شما زنان) برخی از ناخن های خود را بگذارید که برای شما زینت بخش تر است.(۴)

۱ - بحارالانوار، ج ۷۳، بیروتی، ص ۱۱۹، حدیث ۲.

۲ - مکارم الاخلاق، ص ۶۴.

۳ - آثار الصادقین، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

۴ - بحارالأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲۳، حدیث ۱۲.

اگر زنی حامله باشد و مرده ای ببیند ، چه حکمی دارد ؟ این که می گویند بچه چشمانش شور می شود یعنی چشم زخم می زند ، آیا واقعیت دارد؟

پرسش

اگر زنی حامله باشد و مرده ای ببیند ، چه حکمی دارد ؟ این که می گویند بچه چشمانش شور می شود یعنی چشم زخم می زند ، آیا واقعیت دارد؟

پاسخ

پس از تحقیق و تفحص مطلبی دال بر این که اگر زن حامله مرده ای ببیند ، چشم فرزندش شور می شود نیافتیم ، اگر چه مردم برخی از مناطق بدان معتقد هستند ، ولی ظاهرا مدرکی ندارد . این مطلب بعید به نظر می رسد.

آیا در محرم و صفر می توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟

پرسش

آیا در محرم و صفر می توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟

پاسخ

رفتن به خواستگاری و خواندن عقد ازدواج در محرم و صفر اشکال ندارد.

برای رعایت احترام این دو ماه به خاطر عزای حسینی از جشن و سروی اجتناب شود.

آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می آورد؟

پرسش

آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می آورد؟

پاسخ

تسبیح در دست گرداندن اشکال ندارد و موجب گرفتاری نمی شود. گاهی ثواب هم دارد. امام کاظم(ع) فرمود: "اگر کسی تسبیح تربت امام حسین(ع) را به دست بگرداند و با آن ذکر خدا کند، به عدد هر دانه چهل حسنه نوشته می شود، و اگر آن را بدون ذکر در دست داشته باشد، بیست حسنه برایش نوشته می شود".(۱)

پی نوشت ها:

۱ - مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۳، ص ۵۵۷، ماده تسبیح.

آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟

پرسش

آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟

پاسخ

در حدیث آمده که عطسه به موجب راحتی بدن است، و تا سه روز و به روایتی هفت روز، امان از مرگ است. نیز وارد شده که عطسه به هنگام گفتن مطلب، مگواه بر صدق و راستی آن مطلب است. در روایت آمده که هنگام عطسه صلوات بفرستید. آن چه بین عوام مشهور است که هنگام عطسه تک باید صبر کرد، صحت ندارد و در احادیث اثری از این حرف نیست.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - شهید دستغیب، ۸۲ پرسش، ص ۱۶۱، سؤال ۷۱، مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۳۸۹، ماده: عطسه.

بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟

پرسش

بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟

پاسخ

از پیگیری و سؤال شما بر می آید دوست دارید، اهل علم باشید و ان شاء اللّه چنین خواهد بود و در قیامت بااهل دانش محشور می شوید.

حضرت علی(ع) به کمیل بن زیاد نخعی که ازنیکان و یاران آن بزرگوار بود، فرمود: "مردم سه دسته اند:

عالم ربانی (دانای خداشناسی که به مبدأ و معاد آشنا بوده و به آن عمل نماید) و طالب علم و آموزده ای که (از جهل و نادانی) بر راه نجات و راهیی یافتن است و مگسان کوچک و ناتوان (نادان نفهم و به انواع زشتی ها آلوده) که هر آواز کننده (به هر راهی) را پیروی می کنند و با هر بادی می روند (= درست راز نادرست تمیز نداده و به مذهب و طریقه ای پایدار نیستند و به هر راه که پیش می آید می روند)، اینان از نور دانش روشنی نطلبیده اند (و در تاریکی نادانی مانده اند) و به پاید استواری (عقاید حقه که روی دو پایه عقل و علم است) پناه نبرده اند".

بنابر این هر کس در پی کسب دانش به ویژه دانش دینی از طریق علما باشد و در این راه از پیگیری خسته نشود، جز متعلمان و دانشجویان است، نه گروه عوام.

پی نوشت ها:

۱ – نهج البلاغه، ص ۱۱۴۴، قصار الحکم، ۱۳۹، به قلم فیض الاسلام.

می گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟

پرسش

می گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟

پاسخ

تا جایی که ما اطلاع داریم درهیچ یک از کتب معتبره اسلامی، صبر به عنوان "شوم" معرفی نشده، بلکه خیلی خوب است و آثار نیکی برایش ذکر شده است. امام صادق(ع) فرمود: "اگر مریض عطسه کند، نشانه بهبودی از مرض می باشد".(۱)

نیز از معصومان(ع) می خوانیم: "اگر کسی عطسه کند و بگوید: الحمد اللّه رب العالمین علی کل حال و صلی اللّه علیه محمد آل محمد، گرفتار درد دندان و گوش نمی شود...".(۲)

جهت اطلاب بیشتر جزوه عطسه ارسال می گردد.

گفتنی است: چون بین عـده زیادی شایع ست: بعـد از صبر باید دقایقی از انجام کار خودداری نمود، ممکن است طرف در اثر این تلقینـات دچار دلهره و اضـطراب شود و نتوانـد کار را به طور احسن انجام دهـد. از این رو بهتر است در کار عجله نکنـد و کمی تأمل کند تا آرامش پیدا کرده و با خاطری آسوده اقدام نماید.

پی نوشت ها:

۱ – محدث قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۰۳، ماده عطس.

۲ – همان.

آیا دود اسفند برای کسانی که به اصطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفید است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده یا خرافات است؟

پرسش

آیـا دود اسـفند برای کسانی که به اصـطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفیـد است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده یا خرافات است؟

پاسخ

در این که در بعضـی از چشم ها اثر مخصوصی است که وقتی از روی اعجاب به چیزی بنگرند، ممکن است آن را از بین برده یا در هم بشکنند و یا انسان را بیمار یا دیوانه کنند، نباید از نظر عقل و علم مورد انکار قرار گیرد.

در روایات اسلامی تعبیرات مختلفی دیده می شود که وجود چنین امری را اجمالاً تایید می کنند.

اسماء بنت عمیس خدمت پیامبر(ص) عرض کرد: گاه به فرزندان جعفر چشم می زنند! آیا "رُقْیه" برای آنان بگیرم؟ (منظور از "رقیه" دعاهاییاست که می نویسند و برای جلوگیری از چشم زخم با خود نگه می دارند و آن را (تعویذ) نیز می گویند).

پیامبر فرمود: مانعی ندارد. اگر چیزی می توانست بر قضا و قدر و پیشی گیرد، چشم زدن است.(۱)

امیرالمؤمنـان(ع) فرمود: "پیـامبر برای امـام حسن و امـام حسـین(ع) "رقیه" گرفت و این دعا را خوانـد "شـما را به تمام کلماتو اسـمای حُسـنای خداوند و از شرّ مرگ و حیوانات موذی و هر چشم بدو حسود آن گاه که حسد می ورزد می سپارم" سپس پیامبر نگاهی به ما کرد و فرمود:

" این چنین حضرت ابراهیم برای اسماعیل و اسحاق تعویذ نمود". (۲)

چشم زخم از چند طریق قابل درمان است: دعا و دود اسپند.

از حضـرت رسول اکرم(ص) نقل شـده: "بر هر یک از برگ و دانه بوته اسـفند موکّلی است و با آن ها است تا بپوسد. ریشه و شاخه اش غم و سخر را بر طرف می کند و

دانه اش شفای هفتاد درد است. پس به اسفند مداوا کنید".(۳)

از طریق اسفند می توان چشم زخم و نگرانی کسی را که مورد حسادت قرار گفته است، درمان نمود.

پی نوشت ها:

۱ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۴۲، به نقل از نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۷.

۲ - نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۰۰، به نقل از نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۸.

۳ - محدث قمی، مفاتیح الجنان، بخش "عوزات دفع شیاطین".

جمله "یا علی" یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می کنند؟

پرسش

جمله "یا علی" یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می کنند؟

پاسخ

میان بزرگان دین و اولیای الهی و امامان معصوم، امیرالمؤمنان حضرت علی(ع) ویژگی و برتری خاصی دارد. او پدر تمام امامان، جانشین بلافصل پیامبر، ولیّ خدا، مظهر شجاعت و غیرت و قوّت بازو و تقوا و تمام خوبی ها است. مسلمانان خصوصاً شیعه، آن امام همام را الگو و مرا خویش قرار داده اند. تاریخ به یاد دارد حضرت علی(ع) در بسیاری از جنگ های صدر اسلام که حضور داشتند، دلاوری های اعجاب گونه ای به یادگار گذاشتند. جنگ هایی از قبیل بدر، اُحد، خندق، خیبر و نهروان نمونه های روشن آن است.

عموم شیعیان برای دست یابی به توفیق و مدد الهی و بهره مندی از قدرت و قوّت حضرت، برای شروع کاری و یا پی گیری هدفی، از نام مقدس او اسفتاده می کنند، تا شاید این تمیّن و تبرک جویی، فال نیکی در شکوفایی و ثمر دهی اهدافشان باشد.

مردم در هنگام بلند کردن چیزهای سنگین می گویند: "یا علی" که ذکر این جمله نوعی کمک گرفتن از نیروی غیبی حضرت است، یا می گویند: یا علی مدد یعنی ای علی! به ما مدد و نیرو و قوّت عطا کن!

در هر حال استفاده از نام های خداوند و بهره مند شدن از نام مقدس اولیای الهی در کسب توفیق و رسیدن به اهداف موردنظر تأثیر فراوانی دارد.

چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده اند؟

پرسش

چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده اند؟

پاسخ

علیت این که چرا با پارچه مشکی خانه خدا را پوشانده اند معلوم نیست، ولی می توان چند چیز را به صورت حدسی بیان کرد:

۱ - زبان حال پارچه سیاه این است که انبیای الهی می آمدند در این خانه طواف می کردند، ولی چون دیگر نمی آیند کعبه لباس عزا پوشیده است.(۱)

۲ - در تاریخ آمده است که اولین کسی که خانه خدا را پوشانید، پادشاه حِمْیَر (یمن) در سال ۲۲۰ قبل از هجری بوده است و هر پادشاهی بعد از او این کار را می کرد. برخی از آنان کعبه را با پوست گوسفند یا با حصیر برگ خرما می پوشانیدند که در عالم خواب به آنان گفته شد لباس بهتری بر کعبه بپوشانید تا بالاخره، لباس سیاه حریر انتخاب کردند. از آن زمان لباس حریر سیاه برای پوشش کعبه انتخاب شد.(۲)

۳ - رنگ سیاه از بین رنگ ها، ساده ترین و بی آلایش ترین رنگ است و آن را به عنوان زیور و زینت به حساب نمی آوردند و از سادگی خاصی برخوردار است، لذا کعبه که مسجد است با این رنگ ساده پوشانیده شده است.

از امام صادق(ع) نقل شده است که اسماعیل (ع) زنی عاقله از قبیله حِمْیَر داشت. او به اسماعیل گفت: شایسته است دور پرده بر این دو دَر کعبه بیاویزیم و اسماعیل پذیرفت. بعد از مدتی زن پیشنهاد کرد که کل کعبه پوشانیده شود، چون این سنگ ها بدنما است. اسماعیل پذیرفت. همسر اسماعیل پشم فراوانی تهیه کرد و نزد زنان قبیله خویش فرستاد که بریسند. تا موسم حج نیمی از خانه پوشانده شد. نیم دیگر را

با حصیر برگ نخل پوشاندنـد، وقتی مرتم این منظره را دیدنـد تصـمیم گرفتنـد برای کعبه هـدیه بیاوردند، لذا هر ساله ازجمع آوری هدیه ها پرده کاملی برای خانه خدا تهیه می شود.(۳)

پی نوشت ها:

۱ – محمد حسین اعلمی، دائره المعارف الشیعه العامّه، ج ۱۵، ص ۱۹۶ و دائره المعارف فرید و جدی، ج ۸، ص ۱۵۰.

۲ – همان، ص ۱۹۵.

۳ – سید مصطفی دشتی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۵۲۹.

چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟

پرسش

چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟

پاسخ

برادر گرامی! واقعیت آن است که در مورد جن تحقیق جـامعی صورت نگرفته است و اطلاعات ما از آن موجود نامرئی بسـیار ناقص و محـدود است و داوری ها بر اساس حدسـیات و ظنّیات صورت می گیرد. ضـمن سـپاس از پیشـنهاد شـما امیدواریم در مورد آن تصمیم خوبی گرفته شود.

ترس مردم از جن، معلول تصورات نـادرست آن ها است. متأسـفانه درباره جن افسانه ها و داسـتان های خرافی بسـیاری ساخته شـده است. از جمله این که آن ها را با اشـکال عجیب و غریب و وحشـتناک و موذی و کینه توز و بـدرفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ در یک نقطه خالی خانه هایی را به آتش کشـند و موهومات دیگری از این قبیل طبیعی است که با این نگرش و گمان مردم از چنین موجود ترسـناک، می ترسند. ترس از جن مانند ترس از تاریکی و غیره، ترس واقعی نیست و تنهـا بر اسـاس تخیلاـت و سـاخته هـای ذهنی ایجاد شـده است. با واقع بینی و شـناخت صـحیح از جن قطعاً ترس از بین خواهد رفت.

امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟

پرسش

امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟

پاسخ

در خصوص بانک سؤال روشن نیست تا پاسخ مناسب نوشته شود. در مورد تلویزیون و مسئله فوتبال حرف شما درست است. برنامه های تلویزیون در برخی اوقات نه تنها قطع نمی شود، بلکه معمولاً در وقت های حساس برنامه های پخش

می کنند، و اکثر تماشاگران را از کارهای مفید باز می دارند. به نظر می رسد مردم باید از مسئولین تلویزیون بخواهند برنامه های تلویزیون در اوقات مناسب پخش شود. نیز به گونه ای برنامه های خود را تنظیم کنند که خانواده ها وقت برای تربیت بچه ها و گفت و گو با آنان را داشته باشند.

نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟

پرسش

نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟

پاسخ

مقدمه: چون سخن از اسم های مذهبی است، لازم می بینم مقداری در این مورد توضیح دهیم.

یکی از امتیازات درخشان اسلام، جامعیت و گستردگی دامنه آموزش آن و عنایت ویژه اش به مسایل روان شناسی و جامعه شناسی است. طرح حقوق کودک، در کنار سایر حقوق ها یکی دیگر از امتیازات اسلام است. اسلام برای کودک از روزی که به صورت یک جنین در رحم مادر به سر می برد حقوقی تعیین کرده و برای والدین وظایف و مسئولیت های پیش از انعقاد نطفه مشخص نموده است.

یکی از حقوقی که فرزندان بر والدین دارند انتخاب نام نیکو برای آنان است.

مردی از پیامبر اسلام(ص) پرسید: حق فرزندم به من چیست؟ فرمود: " نام نیکی برای او انتخاب کن، تربیتش را نیکو گردان و شغل شایسته ای برای او در نظر بگیر".۱

پدر و مادر باید توجه داشته باشند که نوزاد آنان در آینده با نامی که آنان برگزیده اند، سر و کار خواهد داشت و نام آنان وسیله ای برای توجه دیگران به شخصیت فرزندشان خواهد بود. پیامبر اکرم(ص) فرمود: "اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام نیک است،

پس بهترین نام ها را برای فرزندانتان انتخاب کنید".۲

بهترین نام ها:

بهترین نام ها آن است که از بندگی خدا حکایت کند و نشان دهنده علاقه و محبت به بندگان صالح خدا، امامان و اولیای الهی مخصوصاً چهارده معصوم علیهم السلام باشد.

امام محمد باقر(ع) می فرماید: "اصدق الأسماء ما سُمّی بالعبودیه و أفضلها (او خیرها) اسماء الانبیاء".[۳]

علی(ع) فرمود:

"هیچ خانواده ای نیست که در آن نام پیامبر می باشد جز آن که خداوند فرشته ای را مأمور سازد که شبانه روز آنان را تقدیس کند".۴

تأثیر نیک در سرنوشت دنیا و آخرت افراد: علی(ع) فرمود: "هیچ فردی و ملّتی نیست که نام صالحان را برای فرزندان خود برگزینند جز آن که خداوند آن چه را که از دستشان می رود به نیکویی به آنان باز می گرداند".۵

ربعی بن عبدالله می گوید: به امام صادق(ع) عرض شد: ما فرزندان خود را به نام شما و پدران شما نام گذاری می کنیم. آیا این عمل به حال ما سود دارد؟ فرمود: "آری، به خدا قسم! مگر دین چیزی جز حبّ و بغض و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا است؟".۶

سپس به آیه "ان کنتم تحبون الله فاتبعونی..."، استدلال می کند که یکی از علامت های ایمان به خدا و نشانه های دوستی خدا و رسول اطاعت از امامان و انتخاب اسم آنان برای خود و فرزندان است.۷

اسم های برگزیده برای اشخاص، اشیا، شغل، مغازه و غیر آن، نشان دهنده نوع عقیده و طرز تفکر، فرهنگ و شخصیت است. پیامبر اسلام فرمود: "المرء مع من احببت؛ انسان با کسی زندگی می کند، می میرد و محشور می شود که دوستش دارد". وقتی کسی حضرت فاطمه زهرا و علی علیهماالسلام را دوست داشته باشد نام آنان و فرزندانشان را برای فرزندان خود انتخاب می کند. با این کار مذهب و حزب و الگوی زندگی خویش را معیّن میکند و دنبای آنان حرکت می کند و از آنان دستور می گیرد. پیامبر اسلام فرمود: "محبت و

دوستی اهـل بیت من، رزق و روزی پـاک است که نصـیب هر کسـی گشت، خیر دنیـا و آخرت به او داده شـده و بیست امتیاز دارد کـه ده خصـلت و امتیـاز آن در دنیـا داده می شـود و ده امتیـاز دیگر در آخرت داده می شـود کـه یکی از آن هـا بهشـت است".۸

نام افراد منفور و دشمنان را انتخاب نکنید:

در یک تقسیم بندی می توان اسم ها را چند دسته تقسیم کرد:

۱- نام های پیامبران، امامان، شهدا، صالحان، رهبران دینی و در یک کلمه نام های محبوب.

۲- اسم های منفور و مبغوض. انسان های شرور، ستمگر، فاسد و مفسد مثل هیتلر، معاویه، یزید، ابوسفیان و شمر.

۳- اسم هایی که نشان دهنده خود باختگی و از خود بیگانگی فرهنگی و بحران هویت و شخصـیت اشـخاص است و نشان می دهـد که خانواده چنان مجـذوب بیگانگان شـده است که همه افتخارات ملی و مذهبی خود را به هیچ گرفته، اعتماد به نفس را از دست داده، هیـچ گونه اسـتقلال فکری و روحی نـدارد. از این رو می خواهـد بـا انتخاب اسم های خارجی برای فرزنـدان یا محـل کار و شـغل خویش بگویـد که من متجـدد و نو انـدیش هسـتم در حالی که این گونه افراد به علت خلأ فکری و درونی مرتجع ترین و کهنه گراترین اقشار هستند، زیرا همانند انسان های کهن، کور کورانه از بیگانگان تقلید می کنند.

یکی از کارهای برنامه ریزی شده انبیا مخصوصاً پیامبر اسـلام(ص تغییر دادن نام های اشـخاص، اشیا، نهرها، جاده ها و یا زمین هایی بود که بوی کفر، شرک، فساد یا وابستگی به بیگانگان می داد. حسین بن

علوان از امام صادق(ع) نقل می کند: "انّ رسول الله یغیّر الأسماء القبیحه فی الرجال و البلدان؛ پیامبر اسلام پیوسته نام های زشتی را که بر مردان یا شهرها بود عوض می کرد".

صبا به معنی باد شمال یا شرق و نیز به معنی کودکی است و گاهی به پیکی که حامل خبر مسرّت بخش و خوشحال کننده است گفته می شود.

ملیکه به معنی پادشاه و قدرت مند است، نیز کسی که مالك و حاکم چیزی است گفته می شود. این گونه نام ها، از جمله نام های دسته دوم و سوم نیست لیکن از نام های دسته اوّل و به عنوان نام های مذهبی هم نیست. انتخاب این گونه اسم ها اشکال ندارد.

۱ احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودك، ص ۵۸، چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات.

۲ محمود جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۶ انتشارات دفتر تبلیغات، ص ۵۵.

۳ شیخ حرالعاملی، وسایل الشیعه، ج۱۵، ص ۱۲۴.

۴ صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج۹، ص ۱۵۵.

۵ کنزالعمال ج ۱۶، ص ۴۱۹.

۶ محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۶۲.

۷ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۲ ص ۱۳۶۴، باب ۱۹۰۴، حدیث ۸۹۱۳.

۸ همان، حدیث ۳۲۰۲.

به عقیده برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و شب ها گفتن فاتحه سودی به حال آن ها ندارد. این گفته ها تا چه حدّ درست است؟

پرسش

به عقیده برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و شب ها گفتن فاتحه سودی به حال آن ها ندارد. این گفته ها تا چه حدّ درست است؟

پاسخ

خواندن فاتحه و صلوات و دادن خیرات و مبرّات به نیت ثواب برای اموات وقت خاصی ندارد، گرچه بر زیارت قبور مؤمنان در روز شنبه و دوشنبه و پنج شنبه تأکید شده است. خواندن هفت مرتبه سوره انّا انزلنا و سوره یس و سلام دادن بر مردگان و

خوانـدن قرآن در روايات آمده است. در روايت امام صادق(ع) آمده است: "اگر قبل از طلوع خورشـيد به زيارت قبر مردگان رفتيـد و به آنان سـلام داديـد آنان می شـنوند و جواب می دهنـد واگر بعـد از طلوع آفتاب رفتيـد، می شـنوند ولی جواب نمی دهند".[۲]

[۲] بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۹۵ به بعد؛ وسائل الشيعه، ج۲، ص ۸۷۹ به بعد.

آيا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟

پرسش

آيا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟

پاسخ

از نظر اصـطلاح فقهی واژه "حج" و "حاجی" به چيزی و کسـی گفته می شود که شـرايط حج را داشـته و حج او واجب شده است. هرگاه شـرايط حج فراهم شد و شخصـی مسـتطيع به مکه مشـرف شد و اعمال حج را انجام داد، يکی از واجبات الهی را انجـام داده و اصـطلاحاً به او "حـاجی" اطلاق می گردد. واژه حـج و حاجی به عمره تمتع و کسـی که اعمال آن را انجام دهد اطلاـق نمی گردد. البته ممکن است برخی از مردم بـا توجه به فرهنـگ و ساختـار جوامع خويش، بر کسـی که اعمـال عمره را انجام دهد، حاجی بگويند، ولی در عرف شرع به کسی که اعمال عمره را انجام دهد، حاجی گفته نمی شود.

آيا وجود خال در طرف راست و يا چپ صورت نشانه شانس و اقبال است؟

پرسش

آيا وجود خال در طرف راست و يا چپ صورت نشانه شانس و اقبال است؟

پاسخ

خـال يـک عارضه پوستی است که ممکن است از عوارض خونی باشـد و معمولاً روی پوست بـدن ظاهر می شود. وجود خال روی صورت و يـا هر جـای ديگر، نشـانه شـانس و اقبـال نيست و چيزی را ثابت نمی کنـد. هر چنـد بين مردم بعضـی مسائل به صورت خرافه و غير علمی مطرح شده است اما هيچ يک از آن ها اعتبار علمی و شرعی ندارد.

آيا اين گفته درست است که موقع سال تحويل هر کس در هر موقعيتی است، در همان موقعيت باقی می مانـد مثلاً اگر خواب باشد يا در حال خواندن قرآن باشد در طول سال هميشه اين حالات را به خود می گيرد؟

پرسش

آیا این گفته درست است که موقع سال تحویل هر کس در هر موقعیتی است، در همان موقعیت باقی می مانـد مثلًا اگر خواب باشد یا در حال خواندن قرآن باشد در طول سال همیشه این حالات را به خود می گیرد؟

پاسخ

این مطلب وجه عقلایـی نـدارد. زمـان تحویـل سـال یـک زمان اعتباری و قراردادی است. در واقع در هر ثانیه، سال تحویل می شود. مثلاًـ اگر مـا اوّل مهر را اوّل سال قرار بـدهیم، همان زمان اوّل سال خواهـد بود، همین طور هر زمانی را که اوّل سال قرار بـدهیم. بنـابراین اوّلاًـ اصـل مطلب که تحویـل سـال در وقت خاصـی است، یـک امر قراردادی است، نه واقعی و تکوینی. ثـانیاً مطلب مـذکور که اگر کسـی در آن ساعت در حالتی باشـد، در طول سال به همان حال خواهد بود صـحیح نیست. البته خوب است ابتدای سالِ قراردادی را با خوبی و خوشی و تلاوت قرآن شروع کنیم و آن را به فال نیک بگیریم.

چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیتی دارند؟

پرسش

چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیتی دارند؟

پاسخ

جن در شب و روز فعالیت دارد و آن چه نقل شـده در میان عوام مشـهور است ولی معلوم نیست این حرف اعتبار داشـته باشـد ولی در جن نیز افرادی موذی و بـدرفتار یافت می شود که برای در امان بودن از آن ها دعاهایی وارد شده است از جمله گفتن بسم الله است.

علامه طباطبایی می گویـد: تقسـیم آیه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم در مربعات به حروف ابجـد برای رفع جنیان و افراد مبتلا به جن مفید است.[۱۰]

[۱۰] علامه حسینی تهرانی، نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت، ص ۱۹۱.

آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟

پرسش

آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟

پاسخ

چنین چیزی واقعیت نداشته و در متون دینی بدان اشاره نشده است. به نظر می رسد این گونه برداشت ها ریشه در فرهنگ ها و

سنت برخی از جوامع دارد. شیطان سعی بر آن دارد که به گمراهی و اغوای انسان بپردازد، چنان که در قرآن بدان تصریح شده است،[۲۳] آن گاه چگونه امکان دارد که خود در منزل و یا مسجد که جانماز پهن شده نماز بخواند؟ نماز خواندن شیطان در مسجد و خانه را عقل نیز نمی پذیرد، زیرا این عمل شیطان با برنامه ها و عملکرد او تضاد دارد. نماز خواندن در هر مکانی که باشد، زمینه معنویت و تقوا را فراهم می کند و شیطان در صدد معنویت زدایی است.

[۲۳] ص (۳۸) آیه ۸۲.

در مورد مراسم آشپزی، در برخی منــاطق مرسوم است که زنی پابرهنه برای جمع کردن پول به در خانه هفت نفر که نام آن ها فاطمه است می رود و هیچ نمی گوید بلکه فقط ذکر می گوید و مواد لازم برای پختن آش را از آنان تهیه و جمع آوری می کند. آیا این مطلب دلیلی دارد؟

پرسش

در مورد مراسم آشپزی، در برخی مناطق مرسوم است که زنی پابرهنه برای جمع کردن پول به در خانه هفت نفر که نام آن ها فاطمه است می رود و هیچ نمی گوید بلکه فقط ذکر می گوید و مواد لازم برای پختن آش را از آنان تهیه و جمع آوری می کند. آیا این مطلب دلیلی دارد؟

پاسخ

چنین مطالبی در منابع شرعی نداریم. گرچه آش پختن و خیرات و مبّرات کردن بسیار خوب است و آین که آن شخص ذکر می گوید، نیز بسیار خوب است، امّا دلیلی ندارد که به این خانه و آن خانه برای جمع آوری مواد لازم مراجعه شود.

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟

پرسش

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟

پاسخ

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر تأثیری به حال افراد متوفی ندارد بلکه احترامی برای مردگان محسوب می شود. "اصولاً بناهای یاد بود که خاطره افراد برجسته و با شخصیت را زنده می دارد همیشه در میان مردم جهان بوده و هست و یک نوع قدر دانیاز گذشتگان و تشویق برای آیندگان در آن کار نهفته است. وجود این گونه بناها یک سند تاریخی بر وجود این شخصیت ها و برنامه و تاریخشان است".[۱۴]

قرآن مجید در مورد اصحاب کهف می فرماید: "آن ها که از رازشان آگاهی یافتند گفتند ما مسجدی در کنار مدفن آن ها

می سازیم".[۱۵]

[۱۴] تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۸۸.

[۱۵] کهف (۱۸) آیه ۲۱.

فلسفه سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟

پرسش

فلسفه سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟

پاسخ

سینه زدن یک نحوه عزاداری است که انسان عزادار در فراق محبوب و معشوق خود انجام می دهد بر پایی عزاداری و سوگواری در سیره مسلمانان با وجود همه فشارها از جانب دشمنان اهل بیت به مرور زمان وسعت بیشتری یافته است پیش از قرن چهارم هجری برگزاری مراسم عزاداری برای امام حسین (ع آشکار نبود و بلکه نهائی انجام می گرفت اما از اوائل قرن چهارم به بعد عزاداری ها از گوشه خانه ها و کنج خفا بیرون آمده و عیان گشت و به صورت دسته جمعی با حرکت هیأتهای عزاداری در کوچه ها و خیابان ها نمایان شد. معز الدوله دیلمی یکی از سلاطین مقتدر آل بویه نیز در آشکار ساختی شعار شیعه نقش اساسی داشت وی مردم بغداد را به نوحه ماتم و عزاداری بر حسین (ع تشویق کرد. در سال **۳۵۲** هجری تا اواسط قرن پنجم که حکومت آل بویه از میان رفت مراسم عاشورا به صورت علنی برگزار می شد در همین سالها فاطیون مصر را به تصرف خود رآوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و با حضور آنان در مصر بزرگداشت مراسم عاشورا در مصر نیز انجام می گرفت در آن جا هر ساله ایام عاشورا بازارها را می بستند و مردم به طور دسته جمعی نوحه گری می کردند و به مسجد قاهره می رفتند. پس از آجن همان مراسم در سایر نقاط اسلامی مانند شمال افریقا، ایران و برخی از کشورها عربی رسوخ کرد. رسم سوگواری و تعزیه در قرن اول و دوم هجری در ایران رایج بود ابتدا عزاداری ها به صورت

نوحه خوانی و مرثیه سرایی و گریه بود بعدها که به صورت هیات مذهبی درآمد و به کوچه و خیابان کشیده شد، با سینه زدن و زنجیر زدن و پرچم و سائر مراسم شـد. البته منشأ عزاداری تأکید فراوان ائمه (ع برای بر پایی عزادرای و گریه کردن بر مظلوم کربلاـ بوده است و خود آنـان نیز مراسم عزاداری برای امام حسـین (ع بر پا می کردنـد و مـداحان و سـرایندگان را بر این کار تشویق می کردند.

چرا به امام هشتم(ع) قبله هفتم می گویند؟

پرسش

چرا به امام هشتم(ع) قبله هفتم می گویند؟

پاسخ

نظر به این که هفت مدفن برای معصومین(ع) وجود دارد: (۱- مدینه محل دفن پیامبر(ص) ۲- قبرستان بقیع ۳- نجف ۴- کربلا ۵- کاظمین ۶- سامرا ۷- مشـهد لذا مدفن امام علی بن موسی الرضا(ع را بعضی از مردم قبله هفتم نامیده اند. البتّه منظوراز قبله در این جا قبله نماز نیست، بلکه قبله به معنا چیزی است که به آن توجّه می کند.[۳]

مانند قبله آمال، قبله گاه، یعنی کانون توجه و مرکز آمال و آرزوها، مدفن مقتدا که انسان ها او را الگو قرار داده اند.

[۳] آیت الله ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، ص ۴۸۶.

عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می شود؟

پرسش

عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می شود؟

پاسخ

عاشورا را به دهمین و دهمین روز و تاسوعا به معنای نهمین است.

اگر چه این لفظ می توانـد بر نهمین و دهمین روز هر مـاه اطلاـق شود، امـا فقـط بر نهمین و دهمین روز محرم اطلاـق شـده و معروف است. عاشورا در تاریخ جاهلیت عرب، از عید های رسمی و ملی بود. در آن روزگار در چنین روزی روزه می گرفتند و لباس های فاخر می پوشیدند، و چراغانی و خضاب می کردند.

در اسـلام، با تشریع روزه رمضان، آن روز نسخ شد. گفته اند علت نامگذاری روز دهم محرّم به عاشورا آن است که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز مورد تکریم الهی قرار گرفته اند.[۱]

در فرهنگ شیعی، به خاطر شهادت امام حسین(ع) در این روز، عظیم ترین روز سوگواری و ماتم به حساب می آید، زیرا بزرگترین فاجعه و ستم در مورد خاندان پیامبر انجام گرفته است؛ از این رو امام صادق(ع) فرمود: "و أمّا یوم عاشورا فیوم أصیب فیه الحسین(ع) صریعاً بین أصحابه و أصحابه حوله صرعی عراه؛[۲] عاشورا روزی است که حسین(ع) میان یارانش کشته شد و بر زمین افتاد. یاران او نیز پیرامون او به خاک افتاده و عریان بودند".

شیعیان امام حسین(ع) در ایام محرم، به ویژه روز عاشورا عزاداری نموده و یاد و خاطره آن روز را زنده نگه داشته اند، از این رو این روز به نام عاشورای حسینی شهرت یافت. البته امویان بعد از شهادت امام حسین (ع) در این روز شادی

می کردند. از این رو در زیارت عاشورا آمده است: "اللّهم هذا یوم تبرّکت به بنو امیّه وابن آکله الاکباد".[۳]

روز نهم محرّم، تاسوعای سال ۶۱ هجری امام حسین و یارانش در محاصره نیروهای دشمن بودند. و در این روز دشمن آب را به روی اهل بیت امام حسین(ع) و یاران او بسته بود.

این روز به دلیل این که بر اهل بیت سخت گذشت و شاید یکی از روزهای بسیار سخت و مصیبت بر خاندان پیامبر بود، تاسوعای حسینی نام گرفت. امام صادق(ع) فرمود: "تاسوعا روزی است که حسین(ع) و اصحاب او در کربلا محاصره شدند و سپاه شامیان بر ضد آنان گرد آمد. ابن زیاد و عمر سعد از فراهم آمدن آن همه سوار خوشحال شدند و آن روز، حسین(ع) و یارانش را ناتوان شمردند و یقین کردند دیگر برای او یاوری نخواهد آمد و عراقیان او را پشتیبانی نخواهند کرد".[۴] [۱]حیاه الامام الحسین، ج ۳، ص ۱۷۹.

[۲]بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۹۵.

[۳]همان، ج ۴۴ ص ۲۸۴؛ وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۴.

[۴]سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۴.

چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟

پرسش

چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟

پاسخ

عید قربان به مناسبت این که در روز دهم ذی الحجه حجّاج در منی باید قربانی کنند، به نام عید قربان است.

در هیجده ذی الحجه پیامبر اکرم(ص) در جایی به نام غدیر خم علی(ع) را به خلافت و جانشینی برگزید. از این رو آن را عید ولایت یا عید غدیر نامیده اند.

اگر بعضی ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می کنند، به سی دی و فیلم های شاد نگاه کنند، درست است؟

پرسش

اگر بعضی ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می کنند، به سی دی و فیلم های شاد نگاه کنند، درست است؟

پاسخ

هدف از عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین(ع) آشنا شدن با اهداف آن بزرگوار و پیروی و ادامه دادن راه حضرت است. حضرت برای جلوگیری از فساد و گناه قیام کرد. او فرمود: "أرید أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر؛ مقصود من از قیام، امر به معروف و نهی از منکر است. برای پیاده کردن روش جدّم پیامبر و پدرم علی قیام کردم". افرادی که برای حضرت عزاداری می کنند، باید خود را همرنگ و همراه امام حسین(ع) قرار دهند و با اهداف او دمساز شوند. در جای دیگر درباره حضرت آمده است: "أشهد أنّك قدْ أقمتَ الصلوةَ و آتیت الزکوه؛ شهادت می دهم که نماز را برپاداشتی و پرداخت زکات را زنده کردی". ما که پیروان حضرت هستیم و برای ایشان و مصیبات او گریه و عزاداری می کنیم، باید سعی کنیم از گناهان دوری کنیم.

شکی نیست که نگاه کردن به فیلم ها و سی دی های آموزنده و غیر انحرافی اشکالی ندارد ولی نگاه کردن به فیلم ها و سی دی های مبتذل انسان را از راه و هدف امام حسین(ع) دور می کند و به مسیری دیگر می کشاند. در این صورت چنین فردی که عزاداری می کند، از اهداف امام حسین(ع) غافل است و برای او سازندگی ندارد.

بعد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می شود. چرا روزهای را مراسم می گیرند. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دارد؟

پرسش

بعد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می شود. چرا روزهای را مراسم می گیرند. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دارد؟

پاسخ

درخصوص گرفتن مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برای متوفی روایت و سفارش خاصی از طرف معصومین ع) به دست نیامد. البته احسان و صدقه و قرائت قرآن اگر با نیت خالص باشد، خوب است و ثوابش به مرده می رسد. رسول خدا(ص) فرمود: "هنگامی که به نیت مرده صدقه داده شود، خداوند به جبرئیل امر می کند با هفتاد هزار ملك به سوی قبر میت حرکت کنند. در دست هر ملکی طبقی است وقتی به قبر رسیدند، خطاب به مرده می گویند: ای ولی خدا، سلام بر تو. این هدیه ای است که فلان پسر فلانی برای تو فرستاده است و قبر او نورانی می شود".[۱] از امام صادق ع) سؤال شد: چه چیز برای انسان بعد از مرگش می رسد؟ حضرت فرمود: "حج و صدقه و روزه .[۲]

پس در مورد دبرپایی مراسم سوم و هفتم و... که امروزه مرسوم است دستوری از امامان ع) به دست نیاوردیم گرچه هر کار خیری اگر با نیت خاص و قربةً الی الله انجام گیرد و ثوابش به مرده هدیه شود، به او می رسد.

[۱] سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۵۵.

[۲] همان ص ۵۵۶.

ایام نحس چه ایامی است آیا بستگی به اعمال و رفتار انسان دارد؟

پرسش

ایام نحس چه ایامی است آیا بستگی به اعمال و رفتار انسان دارد؟

پاسخ

از نظر عقلی دلیلی بر اثبات یا نفی سعادت و نحوست ایام وجود ندارد، اما از نظر شرع در قرآن مجید در دوجا نامی از نحوست ایام آمده است

"مانند باد وحشتناك و سردی را در یک روز شوم بر آن ها فرستادیم .[۱] در جای دیگر می فرماید: "ما تندباد سخت و سرد در روزهای شومی بر آن ها مسلط کردیم .[۲]در مقابل زمان سعد نیز در قرآن آمده است "ما قرآن را در شبی مبارك نازل کردیم .[۳] در روایات اسلامی به نحس و سعد ایام برخورد می کنیم مثلاً چهار شنبه هر هفته و چهار شنبه آخر ماه به عنوان ایام نحسن ذکر شده و روز اوّل ماه روز سعد و مبارکی معرفی گردیده است البته در پاره ای از این روایات علت نخوست آمده و آن حوادث ناگواری است که اتفاق افتاده است مانند رحلت رسول خدا (ص و شهادت سید الشهدا و انداختن ابراهیم در آتش و غیره که همه در روز دو شنبه واقع شده است علامه طباطبایی (ره پس از نقل روایات می گوید: "اخباری که در باره نحوست و سعادت ایام وارد شده بیش از این دلالت ندارد که این سعادت و نحوست به خاطر حوادث دینی است که بر حسب ذوق دینی و یا بر حسب تأثیر نفوس یا در فلان روز ایجاد حسن کرده و یا باعث قبح و زشتی آن شده و اما این که خود آن روز و یا آن قطعه از زمان متصّف

به میمنت و یا نحوست شود و تکویناً خواص دیگری داشته باشد که سایر زمان ها آن خواص را نداشته باشد، از آن روایات برنمی آید و هر روایتی که بر خلاف آن چه گفتیم ظهور داشته باشد، باید حمل بر تقیه کرد و یا به کلی طرح = بی اعتبار] نمود".[۴]

روایتی که یکی از یاران امام هادی (ع نقل کرده مؤیدّ این مطلب است روزی خواستم خدمت امام هادی (ع برسم که در آن روز در مسیر راه انگشتم

مجروح شد و سواری از کنارم گذشت و به شانه من صدمه زد و در وسط جمعیت گرفتار شدم و لباس را پاره کردند. گفتم خدا مرا از شرّ تو ای روز حفظ کند. عجب روز شومی هستی امام (ع فرمود: "با این که با ما ارتباط داری چنین می گویی و روز را که گناهی ندارد، گناه کار می شمری " آن مرد عرض می کند: از شنیدن این سخن به هوش آمدم و به خطای خود پی بردم عرض کردم ای مولای من از این خطا استغفار می کنم حضرت فرمود: "روزها چه گناهی دارند که شما آن ها را شوم می دانید و حال آن که کیفر اعمال شما در این روزها دامانتان را می گیرد؟" .

راوی می گوید: عرض کردم من همیشه از خدا استغفار می کنم امام فرمود: "این برای تو فایده ای ندارد. خداوند شما را به مذمت کردن چیزی که نکوهش ندارد مجازات می کند. آیا نمی دانی که خداوند ثواب و عذاب می دهد و جزای اعمال را در این سرا و سرای دیگر خواهد داد؟" سپس

فرمود: "دیگر این عمل را تکرار مکن و برای روزها در برابر حکم خداونـد تأثیری قرار مـده .[۵] پس طبـق این روایت روزها نحس ندارند بلکه نتایج اعمال ما آن روز یا شب را به خوب یابد بودن متصّف می کند.

اما روایـاتی که برای رفع نحوست اعمـال یا دعاها یا اذکار خاصـی بیان کرده انـد، مثل آن چه از امام صادق (ع نقل شـده که کسی که اولّ صبح صدقه دهد، خداوند نحوست در آن روز را از او دفع سازد".[۶]

یا فرموده اند: "اگر روز چهار شنبه سفر می کنی صدقه بده و آیت الکرسی بخوان .[۷]

علامه طباطبایی چنین توجیه کرده انـد: "این روایات در مقام نجات دادن مردم از شـرّ تفأل است می خواهد بفرماید: اگر قوّت قلبت به این حـد است که اعتنـایی به نحوست ایـام نکنی که چه بهـتر و اگر چنین قّوت قلبی نـداری دست به دا من خـدا شو و قرآنی بخوان و دعائی بکن .[۸

پاورقی:

۱ – قمر (۵۴) آیه ۱۹.

۲ – فصلت (۴۱) آیه ۱۶.

۳ – دخان (۴۴) آیه ۳.

۴ – ترجمه المیزان، ج۱۹، ص ۱۴۴.

۵ – بحارالانوار، ج۵۶، ص ۲.

۶ – همان، ج۵۶، ص ۳۱.

۷ – همان، ص ۲۸.

۸ – ترجمه المیزان، ج۱۹، ص ۱۴۳.

چرا برای شـهادت امام حسـین (ع مراسم اربعین برگزار می شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی گیرد؟ توضیح دهید.

پرسش

چرا برای شـهادت امام حسـین (ع مراسم اربعین برگزار می شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی گیرد؟ توضیح دهید.

پاسخ

اقامه عزای حسین در اربعین سالار شهیدان در جهان تشیع به خاطر چند چیز است

۱ برپایی مراسم سوگواری برای امام حسین (ع در مناسبت های مختلف دستور امامان (ع است گریستن بر ابا عبداله الحسین (ع ثواب بسیار دارد. فرشتگان پیامبران زمین آسمان حیوانات صحرا و دریا هم بر عزای حسین (ع گریسته اند.

عزاداری بر حسین (ع نشانه پیوند قلبی با اهل بیت و سید الشهدا است دستور امامان بر گریستن بر امام حسین (ع بسیار است حضرت رضا (ع به ریّان بن شبیب فرمود: "اگر بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی گریه کن که او را همچون گوسفند سر بریدند" .

یکی از رموز این همه تأکید بر سوگواری امام حسین (ع این است که این کار یک نوع مبارزه با ستمگران بنی امیه و بنی عباس و طاغوتیان بدی است در حقیقت برقراری عزای حسینی یک جهاد مقدس و احیای خط ائمه (ع و تبیین مظلومیت آنان و اعتراض به ظالمان و حمایت از مظلومان و انتقال فرهنگ شهادت به نسل های آینده است

محرم و صفر اسلام را بیمه کرده است

۲ در نخستین اربعین شهادت امام حسین (ع جابر بن عبداله انصاری و عطیه عوفی موفق به زیارت تربت و قبر سید الشهداء (ع شدند، نیز بنا، به برخی نقل ها در

اربعین کاروان اسرای اهل بیت (ع در بازگشت از شام وارد کربلا شدند و برای شهدای کربلا گریه و عزا داری نمودند بنابر این اولین عزا داری برای سید الشهدا در اربعین شهادت حضرت صورت گرفت شیعیان نیز برای شرکت در عزا داری حضرت زینب و اسرای کربلا و احیای خاطره غمبار عاشورا و تداوم شور حسینی همه ساله در اربعین عزا داری می کنند.

۳ زیارت امام حسین (ع در روز اربعین مستحب است و از نشانه های مؤمن شمرده شده است امام عسکری (ع فرمود: "نشانه های مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز، زیارت اربیعن انگشتر به دست راست کردن پیشانی به خاک گذاشتن (در حال سجده ، و بسم الله را (در نماز) بلند گفتن .

به طور کلی تاکید و توصیه ای که از طرف ائمه (ع برای عزا داری امام حسین صورت گرفته در مورد هیچ امامی صورت نگرفته و با آن که شهادت امام حسین در یک روز است اما همان طور که می د انید عزاداری برای او از مدت ها قبل و پس از آن ادامه می یابد.

این همه برای رسیدن به هدف و درس هایی است که در عاشورا بوده که هدف تمام امامان (ع در آن خلاصه شده است که در قیام امام حسین (ع روشن تر، آشکارتر، جامع تر و عمیق تر وجود یافته است

پاورقی:

۱ – سفینه البحار، ج ۱، ص ۹۷.

۲ – بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

۳ – جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۱.

منظور از حمّام منجاب که گاه علما از آن نام می بردند چیست؟

پرسش

منظور از حمّام منجاب که گاه علما از آن نام می بردند چیست؟

پاسخ

نقل کرده اند که در شهر یا روستایی حمامی بود به نام منجاب. زنی برای استحمام به سوی حمام حرکت کرد، ولی جای آن را نمی دانست. از مردی که در خانه خویش ایستاده بود پرسید: حمام منجاب کجا است؟ مرد هوسران و شهوت باز چون به چهره زن نگاه کرد، شهوتش طغیان کرد و به دروغ به زن گفت: حمام منجاب همین جا است، و اشاره به خانه خود کرد. زن بیچاره وارد خانه مرد هوسباز شد. مرد در خانه را بست و زن را به عمل زشت زنا دعوت کرد، ولی زن مؤمنه با حیله ای خود را از دست آن مرد نجات داد. زن ابتدا گفت: اشکالی ندارد، ولی الان من کثیف و خون آلوده هستم. اجازه بده به حمام بروم

و خود را تمیز کنم و شستشو دهم، بعد در خدمت تو هستم. زن از خانه بیرون آمد و به سوی حمام رفت و بدین وسیله خود را نجات دارد، ولی آن مرد که همواره چهره آن زن در زهنش بود، تا آخر عمر حتی هنگام احتضار و مرگ افسوس می خورد و می گفت: حمام منجاب کجاست؟!

بعضـی گداها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدّی می کنند. آیا می توان به این افراد چیزی نداد یا آن ها را از خود راند؟ با این افراد به طور کلی چگونه باید برخورد نماییم؟

پرسش

بعضـی گـداها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدّی می کنند. آیا می توان به این افراد چیزی نداد یا آن ها را از خود راند؟ با این افراد به طور کلی چگونه باید برخورد نماییم؟

پاسخ

یکی از ناهنجاری های اجتماعی که متأسفانه در میان جوامع مسلمانان بیشتر به چشم می خورد، تکدی یا گدایی است. گدایی کار نازیبا و ناپسـندی است، چه رسـد به این که برای بعضـی نوعی شـغل و محل کسب درآمـد شده باشد، که در این صورت مفسده ای اخلاقی می باشد و نوعی کلاهبرداری از راه سوء استفاده از اعتقادات و احساسات مردم است.

مسلّم است که در مورد این طور گـدایان، حـداقل کـاری که می توان انجـام داد، امتناع از پرداخت هر گونه وجه و کمکی به آن هـا است و حـداکثر (با علم به چنین رفتار ناشایستی) معرفی او به مراجع قضایی و انتظامی، و امر به معروف نیز می توانـد به عنوان یک برخورد مثبت تلقی شود. اما ضـرورتی ندارد که با این افراد درگیر شویم، با آن ها تند برخورد کنیم و ...، مگر این که موقعیتی پیش آید که از برخورد ناگزیر باشیم.

اما در مورد انسان های مسـتحق یا آنان که علم به سوء استفاده شان نداریم، یعنی نمی دانیم که استحقاق دریافت کمک دارند یـا نه، در هر حـال الگوی اسـلامی، کمـک به این افراد و برخورد بـا عطوفت و مهربـانی، تواضع، منت ننهادن و آزار نرسانـدن است. آیات و روایات بسـیاری در این زمینه وجود دارد و بر آن تأکید می کنند. کمک به افرادی که مستحق هستند اما آبروی خود را حفظ می کنند و در مقام

درخواست بر نمی آیند، بیشتر توصیه و تأکید شده است.

در هر حال، هر دو گروه را می توان به کمیته امداد امام خمینی، یا سازمان بهزیستی که یکی از وظایفشان سر و سامان دادن به زندگی این افراد است، ارجاع داد و صدقات خود را به صندوق ها واریز نمود.

عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی هایی دارد؟

پرسش

عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی هایی دارد؟

پاسخ

عزاداری برای ائمه(ع) اظهار محبّت و علاقه نسبت به آنان و نیز اظهار تنفر و برائت از دشمنان آنان است. آنان که با جانفشانی و شهادت مظلومانه درخت اسلام را سرسبز نگه داشتند. مخصوصاً بر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران او مصیبت بسیار سختی وارد شد که دل عالَم و آدم را خون کرد. کمتر کسی است که مصیبت او را بشنود و گریه نکند. مصیبتی که بر آسمان ها و زمین بسیار سخت گذشت. در طول تاریخ چنین حادثه ای از نظر کمّی و کیفی کمتر واقع شده است. در زیارت عاشورا آمده است: "مصیبه ما أعظمها و أعظم رزّیتها فی الاسلام و فی جمیع السموات والارض؛ مصیبتی که در اسلام و در جمیع آسمان ها و زمین بسیار بزرگ و عظیم بود".

عزاداری و گریه برای آنان دارای اجر است و باعث همراه شدن با آنان است. در عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و سایر معصومان باید از ریاکاری و خودنمایی و از اعمال و کارهای زشت از قبیل خون آلود کردن بدن، قمه زدن که باعث توهین تشیع می شود، جدّاً خودداری کرد. از مطالب دروغ و بی مبنا باید پرهیز شود. بهترین شکل عزاداری تشکیل مراسم عزاداری همراه با سخنرانی و مداحی است، زیرا در آن مسائل حلال و حرام و پند و موعظه و ذکر فضائل و مناقب و مصائب اهل بیت و فلسفه و هدف قیام امام حسین(ع) و درس ها و عبرتهایی که در آن وجود دارد، بیان می شود و مردم در سایه عزاداری با معارف اسلامی آشنا می شوند.بدیهی است

تشکیل هیئات عزاداری همراه با سینه زنی به صورت معقول بسیار مناسب است.

چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است

پرسش

چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است

پاسخ

لغت شناسان واژه رجب را به عظمت معنا کرده اند. و مرجب به معنای "مورد عظمت قرار داده شده می باشد. رجب هفتمین ماه از سال قمری است بدین جهت بدان رجب المرجب گفته اند که قبایل عرب به آن ماه احترام قایل بوده و آن را بزرگ می شمردند و جنگ را در آن ماه جایز ندانسته و یکی از ماه های حرام شمرده می شد.

عرب صور اسلام بدان "شهر اللّه گفته و تعظیم می نمودند. در آموزه های دینی ماه رجب از جایگاه و اهمیت خاص برخور دار است که حکایت از عظمت این ماه دارد در روایتی آمده است نه "رجب نام جوی است که از عسل شیرن تر و از برف سفیدتر است هی که در این ماه روزه دارد، از آن جویش آب دهند".

پیامبر اسلام (ص فرمود: "رجب برای امّت من ماه استغفار است بین در این ماه به محضر پروردگار از گناه خویش یوزش کلید که خداوند، بخشنده مهربان است شاید به خاطر عظمت ماه رجب المرجب است که شخصیتی مانند امام علی (ع در آن متولد شده است

چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست ها را بر گوش خود قرار می دهند؟

پرسش

چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست ها را بر گوش خود قرار می دهند؟

پاسخ

بهتر بود این سؤال را از قاریان می پرسیدیده ولی چند احتمال وجود دارد: ممکن هست این کار بنابر عادت طبیعی قاریان باشد، باگذاشتن دست روی گوش تسلّط بیشتر و دقیق تری صدای خویش پیدا می کنند و صدای خود را تنظیم می نمایند، و یا با این کار جلوی ورود صداهای دیگر گرفته می شود، البته از نظر شرعی هیچ وجهی ندارد.

در مورد تاریخ تولد و شهادت حضرت احمد بن موسی (ع (شاه چراغ توضیح دهید؟

پاسخ: متأسفانه آگاهی ها در باره احمد بن موسی بن جعفر (ع معروف به "سید السادات و "شاه چراغ بسیار اندک است از

این رو مورخان وسیره نگاران در باره محل وچگونگی شهادت وی اختلاف دارند. تاریخ ولادت او نیز معیّن نیست گرچه سال شهادت وی را ۲۰۳ه ذکر کرده اند. مورخان نوشته انده وی در سال شهادت امام هشتم (ع ، یعنی ۲۰۳. به شهادت رسیده است برخی از مورخان باور دارند که احمد بن موسی بعد از شنیدن خبر شهادت امام رضا (ع به همراه خویشاوندان به خون خواهی برادر و انتقام از مأمون خروج کرد و رو به ایران نهاد و در قم با سپاهیان مأمون جنگید و سر انجام به خراسان و در جایی نزدیک اسفرای طی جنگ بالشکریان مأمون کشته شد و همان جا دفن گردید، که بعداً زیارتگاه شد. برخی از مورخان عقیده دارند که احمد بن موسی (ع بعد از خبر شهادت امام هشتم (ع به خون خواهی آن حضرت عازم ایران شد و

در هنگام رسیدن به هشت فرسخی شیراز، در حالی که عده ای دو را همراهی می کردند، باشکریان قتلغ خان (استاندار شیراز) جنگید و در همان جا به شهادت رسید و دفن شد.

بودن کبوتران در حرم بعضی از ائمه(ع) نشانه چه می باشد؟

پرسش

بودن کبوتران در حرم بعضی از ائمه(ع) نشانه چه می باشد؟

پاسخ

در احادیث اهل بیت(ع) در مورد کبوترانی که در اطراف حرم امامان(ع) جمع می شوند، مطلبی به دست نیامد، ولی می توان گفت این امر نشانه صفا و پربرکت بودن این اماکن مقدسه است، چرا که کبوتران از برکت حرم های مطهر بهره مند شده و بدون زحمت از گندمی که زوّار اهدا می کنند، روزی می خورند. هرجا که پرندگان و چرندگان احساس امنیت و رفاه کنند، طبعاً در آن جا گرد خواهند آمد. دلیل خاصی ندارد.

تذکر: لطفاً سعی کنید سؤالات خود را مستقیماً به آدرس: قم، ص . پ ۱۹۷ - ۳۷۱۸۵ واحد پاسخ به سؤالات بفرستید تا سریع تر جواب را دریافت نمایید.

آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکانی می خورد، می گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می شود؟

پرسش

آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکانی می خورد، می گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می شود؟

پاسخ

سخن مذکور یک برداشت و تلقی عامیانه است و دلیل و سندی برای آن نمی توان پیدا کرد. البته خداوند از راه های مختلف انسان ها را به مرگ متوجه می سازد، مانند مرگ اطرافیان و فامیل و همسایه.

منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟

پرسش

منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟

پاسخ

اگر روز وفات یا تولد آن شخصیت معلوم و مشخص باشد، غالباً آن را قید می کنند، مثلًا می نویسند سالروز شهادت شهید مطهری یا سالروز رحلت امام خمینی(ره) یا سالروز تولّد امام باقر(ع)، امّا اگر قید نکردند مثلًا نوشتند "سالروز بزرگداشت عطار نیشابوری" احتمال دارد روز فوت یا روز تولد او باشد، نیز احتمال دارد آن روز را به عنوان بزرگداشت در تاریخ قرار داده باشند تا از او یادی بکنند و مقام علمی و عملی او را پاس بدارند. احتمال سوّم غالباً در مواردی است که روز تولد یا رحلت معلوم نباشد.

آیا انداختن شال سبز با نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می گردد؟ آیا صحیح است

پرسش

آیا انداختن شال سبز با نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می گردد؟ آیا صحیح است

پاسخ

از نظر اخلاقی خودیابی و ریا کاری صحیح نیست ولی صرف انداختن شال سبز و اظهار سیادت گناهی ندارد. اگر سیدی این کار را کرد، نباید آن را حمل بر جلب احترام مردم یا فخر فروشی بکنیم

امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس ختم، هفت و چهلم لازم است؟

پرسش

امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس ختم، هفت و چهلم لازم است؟

پاسخ

پوشیدن لباس سیاه منشأ تاریخی دارد. در حدیثی نقل شده که چون امام حسین(ع) شهید شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه پوشیدند.[۴] و از آن وقت به بعد در ایام محرّم عزاداران در سوگواری سید الشّهدا و سایر امامان معصوم(ع) هم خود لباس سیاه می پوشند و هم مساجد و تکایا را سیاه پوش می کنند. کم کم میان مردم رسم شد که در سوگ و عزای عزیز از دست رفته، لباس سیاه بپوشند. البته این مسئله میان بعضی از ملت ها و فرهنگ های دیگر نیز هست. و علما و مراجع محترم تقلید در این مورد نظری ندارند، ولی در هر حال پوشیدن لباس سیاه در حال نماز برای مردان مکروه است.[۵]

درباره برگزاری مجالس ختم و هفت و چهلم برای میت مسلمان، دلیل خاصی نداریم، لکن برپایی چنین مجالسی برای تسلیت و ارامش خاطر بازماندگان و احترام به میت مسلمان نثار و خیرات برای او مطلوب است.

[۴] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸.

آیا شاد بودن در مجالس ائمه اطهار(ع) ثواب دارد؟

پرسش

آیا شاد بودن در مجالس ائمه اطهار(ع) ثواب دارد؟

پاسخ

همانطور که درروایات به برپایی مجالس سوگواری معصومان(ع) به خصوص حضرت اباعبدالله الحسین(ع) سفارش اکید شده و شرکت کنندگان آن نزد خداوند از ثواب و پاداش عظیمی برخوردارند، برپایی جشن و سرور نیز برای آنان و شرکت در آن سفارش شده و موجب ثواب است، البته اگر همراه با کار حرامی نباشد.

از امام علی(ع) نقل شده: "شیعیان و پیروان ما کسانی هستند که ما را یاری می کنند. نیز در شادی و خوشحالی ما خوشحال و شاد می باشندو در غمگینی و ناراحتی ما محزون و غمگین می باشند".[۱] تاریخ نویسان نقل کرده اند که پیامبر(ص) وقتی وارد مدینه شد، زنان و مردان انصار به جشن و سرور و شادی پرداختند و اشعاری را سرودند. در این هنگام پیامبر از مردم مدینه پرسید: آیا مرا دوست دارید؟ گفتند: به خدا قسم آری! پیامبر فرمود: من هم شما را دوست دارم.[۲] از امام صادق(ع) نقل شده: "پیامبر(ص) برای برپا کننده جشن و سرور و شادی در ازدواج حضرت زهرا دعا کرد و دست های خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا، همان طور که "اسماء بنت عمیس" در این شب جشن و سرور برپا کرد و دل دخترم فاطمه را شاد کرد، در قلب او سرور و شادی ایجاد کن".[۳]

بنابراین از روایات به خوبی استفاده می شود که بر پایی جشن و سرور در ولادت معصومان(ع) مطلوب و پسندیده است، در صورتی که همراه با محرّماتی از قبیل اختلاط زن و مرد نباشد، و شرکت و کمک به آن موجب ثواب خواهد بود.

[۱]بحارالأنوار، ج ۶۵، ص ۱۸.

[۲]بحارالأنوار،

ج ۳، ۱۰۳، ص ۲۷۵، حدیث ۳۲.

[۳]دعائم الأسلام، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۷۵۲.

ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانه خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می داند. آیا این گفته حقیقت دارد؟

پرسش

ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانه خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می داند. آیا این گفته حقیقت دارد؟

پاسخ

برای آگاهی شما نسبت به این مسئله لازم است در این مورد اطلاعاتی در اختیار شما قرار دهیم.

دوتار و تنبور

دوتار سازی است از سازهای قدیمی و کهن که در اکثر مناطق استان خراسان و برخی از نواحی شمال و شرق آن سامان و پاره ای از نقاط مرز و بوم ما با اختلافاتی چند در پرده بندی و ساختمان رواج داشته و دارد. زمان پیدایش ساز دوتار معلوم نیست و درباره آن مأخذی در دست نداریم. مسلّم این است که نام این ساز از دو وتر ابریشمی یا دو سیم گرفته شده و در کشور افغانستان و شمال کشور ایران هم سازی با همین خصوصیات و به همین نام وجود دارد.

ابونصر فارابی در کتاب خود الموسیقی الکبیر از سازی با همین مشخصات - بدون کم و کاست - به نام طنبور خراسان نام می برد و می گوید: "در ناحیه ای که این اثر را نگاشته ام، تحت این نام دو نوع طنبور ساخته می شود: تنبور خراسان که در منطقه ای با همین نام (در آن زمان افغانستان و ماوراء النّهر هم جزء خراسان بوده است) و در همسایه شمالی و جنوبی و غربی آن جا ساخته می شود و تنبور بغداد که در عراق و غرب آن جا معمول است و از نظر ابعاد و شکل با هم تفاوت دارند".

عبدالقاهر مراغه ای (وفات ۸۳۷ ه . ق) در مقاصد الالحان

چنین شرح می دهد: "تنبور شروانیان و آن سازی است که اهل تبریز بسیار در عمل آرند و آن بر هیئت آمرودی (گلابی) باشد و سطح آن بلند باشد و بر آن دو وتر منفرد و بر ساعد آن پرده ها بندند".

فارمر (محقق انگلیسی) در مقاله خود تحت عنوان تأثیر نفوذ ایران در تعبیه آلات موسیقی می نویسد: "ساز دیگری که آن را تنبور خراسان می نامند و در اوایل خلافت عباسیان در دربار ایشان رواج یافت در موسیقی عرب تأثیر بسیار کرد".

"باریتوس" و "پاندورا" دو نویسنده یونانی نیز به هنگام یاد کردن از سازهای فرهنگی های دیگر از "عود ایرانی" و "تنبور خراسانی" نام می برند.

مسعودی در مروج الذهب به آلات موسیقی ای که اهالی خراسان به کار می بردند، اشاره کرده و می گوید: "یکی هفت تار داشت که آن را "زنگ" می گفتند و دیگری تنبور که اهل طبرستان و رِی آن را دوست تر داشتند و این آلت موسیقی نزد همه فرس مقدّم بر سایر آلات موسیقی بوده است".

ابن خرداذبه ابوالقاسم عبیدالله صاحب کتاب المسالك و الممالك (وفات ۳۰۰

ه . ق) درباره تنبور می نویسد: "آواز خوانی مردم ری و طبرستان و دیلمان با تنبورهاست. ایرانیان تنبورها را بر بیشتر سازها برتر گیرند".

در حجاری های دوره اشکانیان نقش تنبور دیده می شود و به اعتبار این که اشکانیان خراسانی بوده و این ساز را دوست می داشته اند، مدرکی است بر وجود دوتار یا تنبور خراسان.

در میان ترکمن ها این ساز بسیار رواج دارد و به نام "توتار" شناخته می شود، چون ساختمان آن از چوب توت است و پرده

ها و تارها از ابریشم (توت + تار).

ترکمن ها می گویند: صفحه "توتار" باید از چوب توت ماده باشد و کاسه آن از چوب توت نز و دسته آن از چوب زرد آلو، زیرا این سه عاشقند و سخنی که از عشق بر آید، بر دل نشیند.

شکل دوتار ترکمن شباهتی بسیار به دوتار دره گز دارد و بیشتر شبیه به تنبوری است که سلسله اهل حق با آن سر و کار دارد.

هم چنان که ملاحظه می شود در هیچ یک از منابع کهن نامی از دوتار برده نشده است و همه بالاتفاق از تنبور خراسان سخن گفته اند. این نکته و نیز توجه به این مطلب که در حال حاضر تنها سازی که در خراسان و نواحی اطراف آن معمول است و نغمات پیشینیان که سینه به سینه انتقال یافته، با آن نواخته می شود، دوتار است نیز با توجه به مشخصاتی که ابونصر فارابی و عبدالقاهر مراغی در کتب خویش از شکل و شمایل متفاوت تنبور در نقاط مختلف آورده اند و بعضی شواهد و مدارک دیگر، به طور قطع می توان گفت که: تنبور خراسان همان دوتار هراتی یا دوتار است.

به هر حال تاریخ پیدایش این ساز به هر نام و نشانی که باشد، ناپیدا است و نمی توان تاریخی برای آن معیّن نمود. آنچه که توسط برخی نویسندگان درباره منشأ آن نوشته شده، مبتنی بر تحقیق نیست و به قول ابن خرداذبه اقاویل و افسانه هایی است که بنا به مقتضیاتی به وسیله نویسندگان نقل شده است که به هدف های معیّنی ساخته و پرداخته شده اند و مأخذ قرار دادن آن

ها دور از حقیقیت و انصاف است.

از میان این اقاویل و افسانه ها یکی منسوب دانستن تنبور به قوم لوط است.

مفضل ابن سلمعه نحوی در کتاب العود و الملاهی از هشام کلبی نقل می کند که: قوم لوط هر زمان از نوجوانی خوششان می آمد، دل او را با زدن تنبور نرم می کردند.

عده ای دیگر ساختن عود (و در بعضی نقل ها تنبور) را به قابیل [یا قاین] فرزند حضرت آدم نسبت می دهند.

صاحب کتاب مطلع العلوم و مجمع الفنون سازندگان تنبور را ترکان و صاحب بهجت الروح سازنده ان را جالینوس می شمارد.

از آنچه گفتیم نتیجه می گیریم:

۱) انتساب دوتار به یکی از پیامبران یا اولیای الهی یا هیچ فرد دیگری از روی تحقیق و سند قوی نیست، بلکه صرفاً افسانه هایی است که منشأ اکثر آن ها داستان های عامیانه است.

۲) بر همین ترتیب، ساز دوتار هیچ گونه تقدّس و تبرکی از این ناحیه ندارد.

۳) احتمالاًـ در نامه شما میان دوتار و تنبور خلط شده است. گروهی از صوفیان و دراویش اهل حق برای ساز تنبور و آواهای برخاسته از آن احترامی خاص قائلند و آن را نمادی عرفانی می دانند که آوای دوست را به گوش انسان می رساند؛ یعنی درست همان نمادی که مولانا از صدای نی اراده کرده است:

بشنو از نی چونحکایت می کنداز جدایی ها شکایت می کند.

و همو درمورد تار یا تنبور می گوید:

خشک سیم و خشک چوب و خشک پوستازکجا می آید این آوای دوست

۴) در منابعموسیقی چیزی در باب این انتساب ملاحظه نشده است. شاید هر طریقتی از پیش خود دوتاریا تنبور را

به کسی منتسب بدانند و از همین رو برای آن تقدسی قائل باشند. چنانچهنام آن دسته از اهل سنت را می نوشتید، می توانستیم اطلاعاتجامعتری در اختیارتان قرار دهیم.۲[۷]

"در صورت مکاتبه بعدی مشخصات کامل و شمارهنامه ارسال شده را قید فرمائید"

تلفن مستقیم: ۷۷۴۳۱۸۳و ۷۷۳۴۵۳۰ و ۹۴-۷۷۴۳۱۸۹داخلی ۰۲

[۷]الموسیقی الکبیر فارابی؛ فارابی (وفات . ۳۳۹ ه ق) در جلد دوم کتابخود (جلد اوّل از بین رفته) به سازهای عصر خود، (قرن ۳ و ۴ هجری می پردازد و پس ازبررسی عود به انواع طنبور می رسد؛ مقاصد الالحان عبدالقاهر مراغه ای؛ کتاب سالشیدا، ج ۱، مقالاتی از دکتر مهدی فروغ، مهدی کمالیانم تنبور، نوشته سید خلیل عالینژاد؛ آئینه و آواز، نوشته محمد رضا درویشی.

آیا لباس سیاه برای مرده اثرات بدی دارد؟ اگر لباس سیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا ثواب پوشیدن لباس سیاه برای امام حسین تا ده روز یا تا آخر ماه می باشد؟

پرسش

آیا لباس سیاه برای مرده اثرات بدی دارد؟ اگر لباس سیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا ثواب پوشیدن لباس سیاه برای امام حسین تا ده روز یا تا آخر ماه می باشد؟

پاسخ

پوشیدن لباس سیاه کراهت دارد، یعنی اگر نپوشیم، بهتر است. بیشتر به پوشیدن لباس سفید ترغیب شده است.

پیامبر(ص) فرمود: "ألبسوا من ثیابکم البیاض فأنّها من خیر ثیابکم و کفّنوا فیها موتاکم؛[۲۵] لباس سفید بپوشید زیرا آن بهترین لباس است و مرده هایتان را در لباس سفید کفن کنید".

باز فرمود: "أحسن مازرتم الله عزّ و جلّ به فی قبورکم و مساجدکم البیاض؛[۲۶] از بهترین لباس ها نزد خدا لباس سفید است، پس در آن نماز بخوانید و مرده هایتان را در آن کفن کنید".

پوشیدن لباس مشکی در عزای عزیز از دست دادن، روایت نشده که دلالت بر تأیید یا رد آن کند و اینکه اثار بدی داشته باشد. امّا پوشیدن لباس سیاه در عزاداری ها که از قدیم مرسوم بوده و هست، اشکالی ندارد، بلکه رجحان شرعی دارد، چون از مصادیق شعائر الهی است، مخصوصاً برای عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) که زمین و زمان مصیبت زده او هستند. بزرگانی چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (ره) در روز عاشورا از قبای سیاه استفاده می کردند.[۲۷]

نقل شده وقتی که حسین بن علی(ع) به شهادت رسید، زن های بنی هاشم لباس سیاه و خشن پوشیدند و از گرما و سرما شِکوه نمی کردند و علی بن الحسین(ع) برای آنان طعام درست می کرد.[۲۸]

صاحب حدائق در ج ۷، ص ۱۱۸ فرموده است: بعید نیست استثنا کردن پوشیدن لباس سیاه در ماتم

امام حسین(ع)، یعنی پوشیدن لباس سیاه کراهت ندارد، زیرا روایات فراوان وارد شده به اظهار حزن و اندوه برای اباعبدالله الحسین(ع).[۲۹]

مرحوم حاجی نوری در مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۷ فرموده: پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری کراهت ندارد، بلکه رجحان دارد، همان طور که سیره و روش متدینان در ایام عزاداری اباعبدالله(ع) بر آن است.[۳۰]

مدت عزاداری برای اباعبدالله الحسین(ع) مقدار ندارد و چند روز پوشیدن لباس سیاه کراهت ندارد، بلکه رجحان دارد. برخی از مراجع فرموده اند: در ایام سوگواری هر یک از امامان، هم چنین در سراسر ماه های محرّم و صفر پوشیدن لباس مشکلی مستحب است.[۳۱]

[۲۵] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، خبر ۱۸۰۶۱.

[۲۶] همان، خبر ۱۸۰۶۲.

[۲۷] آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۷۰ به بعد.

[۲۸] همان.

[۲۹] همان.

[۳۰] همان.

[۳۱] آیت الله تبریزی، استفتائات جدید، س ۱۹۹۳ و ۱۹۹۳؛ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۹۰ به بعد.

چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟

پرسش

چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟

پاسخ

ساختن قبّه و بارگاه بر قبور بزرگان واولیای خدا به عنوان بزرگداشت و یادبود و تکریم آنان بوده است. عقلای عالم برای بزرگداشت شخصیت های علمی، سیاسی بنای یادبود یا مجسمه بر روی قبر یا در جاهای مناسب ایجاد می کردند. این چیزی نیست که در اسلام رسم شده باشد بلکه قبل از اسلام نیز نزد مردم رواج داشته است. قرآن درباره اصحاب کهف می فرماید: "فقالوا ابنوا علیهم بنیاناً ربّهم أعلم بهم قال الّذین غلبوا علی أمرهم لنتّخذنّ علیهم مسجداً؛ گفتند بنایی بر آن بسازید. پروردگارشان از وضع آن ها آگاهتر است و آنان که آگاهی بیشتر بر راز آنان (اصحاب کهف) داشتند گفتند: روی مدفن

آنان مسجدی می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود)".[۱]

سمهودی در ضمن بحث از پوشش های روضه و مرقد مطهر پیامبر(ص) و معطّر کردن گفته است: در زمان هارون الرشید خیزران (مادر هارون) دستور داد مسجد پیامبر(ص) و قبر مطهر را با زعفران و عطرهای دیگر معطّر کردند و نیز قبر را با شال ها و پارچه های مشبّک حریر پوشانیدند. پرده کشیدن روی قبر و اطراف آن معمول بوده است و قندیل های گوناگون از طلا و نقره و بلور در اطراف حجره و روضه پیامبر قرار می دادند. جمع بی شماری از علما و زهّاد برای زیارت قبر پیغمبر(ص) که آمده اند، امور مذکور را منع و انکار نکرده اند.

شمار قندیل های حرم نبوی گاهی به حدّی می رسید که قسمتی از آن ها را می فروختند و قیمت آن را به مصرف بنا

یـا تعمیر اطراف حرم می رساندنـد، از جمله در سـال ۷۰۵ رئیس خـدّام حرم پیـامبر(ص) از سـلطان اجازه گرفت که قسـمتی از قندیل ها را بفروشد و از پول آن مأذنه ای در باب السلام بنا کند، که سلطان اجازه داد.[۲]

سمهودی در کتاب وفاءالوفا درباره گنبـد کبود روی حرم نبوی می گویـد: قبل از حریق در مسـجد شـریف در سال ۶۵۴ روی حجره پیـامبر(ص) قبّه ای نبود، بلکه روی بـام به موازات حجره بنـایی از آجر به انـدازه نضف قامت یک انسان وجود داشت تا بام حجره از دیگر قسمت های مسجد مشخص شود. در سال ۶۷۸ در زمان ملک منصور قلاوون صالحی قبّه ای روی حجره بنا شد که پایین آن مربع و بالای آن هشت گوشه بود.[۳]

در سـال ۷۲ هجری قمری به دسـتور عبـدالملک خلیفه اموی بر بالای صـخره ذبائـح در اورشـلیم نزدیک مسـجد الاقصـی قبّه و گنبدی ساخته شد که به آن قبّه الصخره گفتند.[۴]

سـاختن گنبـد یـا بنـایی به شـکل دیگر روی قبور بزرگـان به جهت تکریم و احترام آنان بوده است و مؤمنان و معتقـدان به آن بزرگواران هر از چند گاهی از باب ذوقیاتی که داشـتند، آن ها را به شـکلی کامل تر در می آوردند. نقش معماران و حاکمان در این زمینه بسیار بوده است. البته در برخی جاها این ساختمان ها به صورت کلّه قندی چند ضلعی و در اکثر موارد به صورت گنبـد مـدوّر بوده است. در سـاختن این بناهـا وضـعیت آب و هوایی مناطق نیز دخیل بوده است، مثلاً در مناطق گرمسـیری بلند بودن سقف همراه با دریچه های اطراف آن باعث کوران هوا و خنگی فضای آن برای

زوّار و نمازگزاران می شد؛ با توجه به این که در زمان های قدیم امکانات رفاهی فعلی وجود نداشته است.

در مورد شکل گنبدها در مساجد و اماکن مقدس اسلامی باید گفت که: این اشکال هویت اسلامی ندارند، بلکه نوعی وام گیری از معتقدات ایران باستان و ادیان قبل از اسلام است که کم کم رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته و در زمره فرهنگ اسلامی و معماری اسلامی درآمده است.

توضیح مطلب: اصل شگل گنبد و محراب از زمان تقدس آتش بر جای مانده است.

اعتقاد اقوام گذشته بر این بود که انسان از ۴ یا ۵ عنصر تشکیل شده است. در ایران این عناصر چهارگانه و در فلات پامیر و تبت پنج گانه اند: خاک، آب، آتش، هوا و اتر.

اقلیم خاک، نشان هبوط انسان بر زمین و نماد تراکم موجودی لطیف است که همان روح انسانی است. اقلیم خاک، اقلیم وابستگی و نماد همه کثرت ها و دو گانگی هایی است که انسان در حیات خود با آن ها سر و کار دارد: روز و شب، خوبی و بدی، خیر و شر، خدا و شیطان و ...

اقلیم آب اقلیم احساس، درک، شعور و عقل است. اقلیمی است که در آن رایحه وحدت، انسان را به عشق ورزیدن، دوست داشتن، محبت و جستجوی اصل خویش فرا می خواند.

اما اقلیم آتش، نماد سوختن و خاکستر شدن، نماد پختگی و وارستگی است. آتش مظهر دل کندن از عقل و جسم (عالم ناسوت) و اهتزاز و بالا رفتن به عالم روح (عالم لاهوت) است. از این رو آتش مقدّس است، زیرا نشانه سیر انسان از اسفل به اعلی است.

بدین لحاظ

شکل آتش که چون محراب و گنبد است (مطابق شکل) در

معماری اماکن مقدس مورد تقلید واقع شد و محراب ها و گنبدهای

مدور شکل گرفت.

در ایران، هند، چین، یونان و مصر تقریباً تمامی معابد و اماکن مقدس، شکلی مخروطی، هرمی، گرد یا گنبدی دارند. اهرام مصر نشانه عروج روحانی انسان است که از یک مقطع مربع آغاز شده و با کمتر شدن طول و عرض آن به نقطه اوج (یعنی رأس هرم) می رسد. در هند شکل ساختمان های معابد مراحل تکامل زندگی بشر را تداعی می کنند که در ابتدا مقاطعی مربع یا مستطیل دارد و در انتها اَشکالی گرد هرمی یا مخروطی می یابد. در ایران آتشکده ها گنبدی شکل و دارای محراب هستند.

در معماری اسلامی نیز این گنبدها نشانه عظمت و شکوه و قداست و همان حیات علوی هستند. مانند بسیار چیزهای مثبت یا مباح دیگر که در فرهنگ های گذشته وجود داشته و در فرهنگ و تعالیم اسلامی باقی مانده، یا حتی از آن ها بهره گرفته است.

۱ - کهف (۱۸) آیه ۲۱.

۲ - علی اصغر فقیهی، وهابیان، ص ۵۹ به بعد، با تلخیص.

۳ - همان، ص ۶۲، به نقل از وفاء الوفاء، سمهودی، ج۱، ص ۴۳۵.

۴ - علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ص ۱۵۳۸۲.

چرا برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند؟

پرسش

چرا برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند؟

پاسخ

برگزاری مراسم هفتم، چهلم و سالگرد، به منظور حفظ یاد و خاطره گذشتگان و تجلیل از مقام شامخ عالمان و قهرمانان و احترام به آن ها است و موجب تسکین قلوب بازماندگان می گردد؛ از این رو شاهد عزاداری، بزرگداشت و برگزاری مراسم چهلم و سالگرد می باشیم. به نظر می رسد در آموزه های دینی به برگزاری این گونه مراسم به صورت خاص (هفتم، چهلم و سالگرد) تصریح نشده، یعنی در آموزه های دینی تصریح نشده است که برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد گرفته شود. از آموزه های دینی استفاده می شود که به زیارت قبور رفته[۱] و یا به فعالیت هایی پرداخته شود که از آن ها به عنوان خیرات و

مبّرات و باقیات صالحات یاد می شود. بر این اساس برگزاری مراسم هفتم و چهلم و سالگرد به جهت خیراتی که در این مراسم برای رفتگان به عمل می آید، از سنت های پذیرفته شده بوده و هست. اگر چه نحوه برگزاری این گونه مراسم به حسب سنت به آداب و فرهنگ جوامع متفاوت است. اگر این گونه مراسم با رعایت برنامه های اسلامی باشند، اشکال ندارد؛ از این رو این گونه مراسم برای درگذشتگان و شخصیت های علمی و عالِمان دینی برگزار شده و بزرگان دین نه تنها از آن ها نهی نکرده اند که خود نیز بدان اقدام می نمودند.

شاید مراسم هفتم، چهلم و سالگردها ریشه در عزاداری هایی داشته باشد که هم معصومان(ع) عزاداری کردند[۲] و هم مسلمانان به عزاداری می پرداختند.[۳]

پیامبر اسلام(ص) دستور داد که مسلمانان برای حضرت حمزه

عزادری نمایند. معصومان(ع) هم خود برای امام حسین(ع) عزاداری می کردند و هم دیگران را بدان فرا می خواندند.[۴]

همچنین شاید برگزاری اربعین برای امام حسین(ع) در میان ما شیعیان موجب شده باشد که مردم برای مردگان خود چهلم بگیرند.

مراد از ایام الله چیست؟

پرسش

مراد از ایام الله چیست؟

پاسخ

ایام الله روزهایی است که امر و دستور و سلطنت الهی در آن روزها ظاهر گشته است. قرآن می فرماید: "و ذکّرهم بأیّام الله؛ روزهای خدا را به یاد قوم خود بیاور".[۱۱]

مسلّماً همه روزها، ایام الهی است، همان گونه که همه مکان ها متعلق به خدا است. اگر نقطه خاصی به نام بیت الله (خانه خدا) نامیده شد، دلیل بر ویژگی آن است، هم چنین عنوان "ایام الله" مسلّماً اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و درخشش فوق العاده ای دارد. و شامل تمام روزهایی می شود که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر باشند و یا در آینده حکومت مطلقه الهی را آشکار سازند. هر روزی که یکی از فرمان های خدا در آن چنان درخشیده که بقیه امور را تحت الشعاع قرار داده، از ایام الله است. هر روزی که فصل تازه ای در زندگی انسان ها گشوده، و درس عبرتی به آنها داده و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده، یا طاغوت و فرعون گردن کشی در آن قعر درّه نیستی فرستاده شده، خلاصه هر روزی که حق و عدالتی بر پاشده و ظلم و بدعتی خاموش گشته، همه آن ها از أیّام الله است،[۱۲] مانند روزهای ظهور قهر و غلبه الهی در به هلاکت رساندن قوم نوح و عاد و ثمود، و روزهای ظهور رحمت پروردگار در نجات کشتی نوح(ع) و به سلامت رسیدن آن بر ساحل، و نجات یافتن حضرت ابراهیم(ع) از آتش[۱۳] و روز ظهور امام عصر(ع) که روز بسط عدالت است.

رسول خدا(ص) فرمود: "ایام الله، نعمت ها و بلاهای خدا است.[۱۴]

امام باقر(ع) فرمود: "ایام الله، روز قیام مهدی موعود و روز رجعت و روز قیامت است".[۱۵] مرحوم علامه طباطبایی بعد از نقل این حدیث شریف می فرماید: "در این روایت به بعضی از مصادیق روشن ایام الله اشاره شده، نه این که ایام الله منحصر به همان سه روز باشد".[۱۶]

[۱۱] ابراهیم (۱۴) آیه ۵.

[۱۲] تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۱.

[۱۳] تفسیر المیزان (ترجمه)، ج ۱۲، ص ۲۵.

[۱۴] همان، ص ۲۶.

[۱۵] همان.

[۱۶] همان.

چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟

پرسش

چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟

پاسخ

این نگرش ممکن است علل مختلف داشته باشد، ولی شاید علت عمده اش این باشد که مردم مخصوصاً خانم ها مشاهده می کنند که غالباً کسانی که بیش از یک زن اختیار می کنند، نمی توانند مسئولیت های شرعی و اخلاقی چند همسری را ادا کنند، از این رو برای خانواده و فرزندان وضعیت نا مطلوب و ناهنجاری را به وجود می آورند، و صفا و صمیمیت و وحدت و یگانگی و خوشی و مسرّت خانواده را از بین می برند. چون نمی توانند عدالت اسلامی را بین زن ها رعایت کنند. به قول شهید مطهری ستمکاری و جنایت و بیدادگری را جایگزین رفتار و اخلاق اسلامی می نمایند.

این باعث می شود چند همسری در نظر دیگران بد و نامطلوب و ضد خوش بختی تلقی شود. یا به این جهت که دیگران اختیار همسران متعدد را صرفاً از غریزه جنسی و شهوت نگاه می کنند.

جواب قسمت دوم

این که تعداد کمی از آخوند ها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟

پرسش

این که تعداد کمی از آخوند ها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟

پاسخ

با وجود مضرات فراوانی که برای اعتیاد به سیگار ثابت شده است، سیگار کشیدن افرادی که دیگران را از استفاده سیگار منع می کنند و عواقب وخیم اعتیاد به

سیگار را گوشزد می کنند، مایه تأسف است و مسلماً تأثیر منفی دارد. این مسئله اختصاص به سیگار ندارد. در خیلی از کارهای ما انسان ها بین آگاهی به یک مسئله و عمل طبق آگاهی، فاصله وجود دارد. در مورد سیگار نیز چنین است.

بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله کنند. آیا این حرف درست است؟

پرسش

بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله کنند. آیا این حرف درست است؟

پاسخ

در احادیث عطسه موجب راحتی بدن شمرده شده است. در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است که: "عطسه زیاد، آدمی را از پنج چیز نجات می بخشد: اوّل جذام؛ دوم بادهای رنج آوری که در سر و صورت فرود می آیند؛ سوم آمدن آب چشم؛ چهارم بسته شدن سوراخ های بینی؛ پنجم روییدن مو در چشم".

از حضرت رسول(ص) روایت شده که: "اگر به گفتن مطلبی مشغول بودی و در این بین یکی عطسه کرد، دلیل است که آن مطلب به حقیقت نزدیک است و گواه بر تحقق آن خواهد بود".

در احادیث زیادی تأکید شده که "چون عطسه کنید، خدا را حمد و ثنا گویی و بر محمد و آل محمد درود بفرستید. اگر سه بار عطسه بیشتر شد، معلوم می شود بر اثر عارضه و کسالتی می باشد".

این که عوام معتقدند اگر کسی یک عطسه نماید، باید صبر کرد و اگر دو عطسه زد، باید عجله کند، در احادیث اثری از این حرف ها نیست.

نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اوّل ماه ربیع الاوّل مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خواست. خداوند هر حاجتی که شخص داشته باشد، عطا می کند. آیا این مطلب صحیح است؟

پرسش

نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اوّل ماه ربیع الاوّل مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خواست. خداوند هر حاجتی که شخص داشته باشد، عطا می کند. آیا این مطلب صحیح است؟

پاسخ

به نظر می رسد این مطلب نیز مانند مطلب قبلی از خرافات و از چیزهایی است که عده ای جعل کرده اند و افراد ساده لوح می پذیرند. در هیچ منبع معتبری یافت نشد.

۰: شهید به چه کسی گفته می شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا جان می بازند، به آن ها شهید نمی گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می شوند، شهید گفته می شود؟

پرسش

۰: شهید به چه کسی گفته می شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا ـ جان می بازند، به آن ها شهید نمی گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می شوند، شهید گفته می شود؟

پاسخ

شهید در فرهنگ اسلامی به کسی گفته می شود که در رکاب پیامبر یا امام و یا در جهاد مشروع کشته شده باشد.

در علت نامگذاری چنین مرگی به شهادت گفته اند: یا بدان جهت است که فرشتگان رحمت خدا در صحنه شهادت حضور می یابند یا بدان سبب که خدا و رسول، به بهشتی بودن شهدا، گواهی می دهند، یا این که شهید در قیامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهد یا این که شهید، زنده و حاضر است یا بدان جهت که شهید

به شهادت حق قیام می کند تا کشته شود. با این بیان معلوم می شود که کسانی که در میدان نبرد با دشمن مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۵۳، واژه شهید.

حضور نداشته و به دلائل دیگر جان باخته اند، مانند سانحه هوایی و یا تشنگی یا تصادف و غیره هر چند ممکن است به حسب نیت و عملشان، ثواب شهادت را داشته باشند، ولی در اصطلاح به آن ها شهید اطلاق نمی شود. اما افرادی که در راه انجام مأموریت جان می بازند، ممکن است از نظر دستگاه های اجرایی و قوانین کشوری به آن ها شهید گفته شود، ولی در حقیقت آن ها هم شهید مصطلح نیستند. کسانی که در راه کربلا کشته می شوند، باید توجه داشت که با اوضاع کنونی که عراق در اشغال نیروهای استعمارگر آمریکایی است که در فکر چپاول ثروت های ملت عراق و تأیید رژیم اشغالگر فلسطین و... هستند، مسافرت به آن کشور تا چه اندازه می تواند

صحیح باشد، ب...توجه به این که این مسئله می تواند مشکلاتی را برای ایران و حکومت اسلامی ایران به وجود آورد. اما این مسافرت ها تأیید اشغال گری نمی تواند باشد؟ و البته شاید این افراد با نیات خالص بروند و در این راه کشته شوند و اجر شهید را هم داشته باشند، اما توجه داشته باشند که شهید رسمی نامیدن آنها به وسیله حکومت و دولت ایران با غیر قانونی دانستن این مسافرت ها اصلاً سازگاری نخواهد داشت.

ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟

پرسش

ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟

پاسخ

بی تردید ورزش به ویژه پیاده روی نقش بنیادی در سلامت روان و جسم انسان دارد؛ از این رو امروزه در جهان ورزش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اهمیت ورزش در راستای فواید و آثار بهداشتی سیاسی و اجتماعی آن است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱ ورزش کسالت و تنبلی را از انسان زدوده و به انسان نشاط و شادابی بخشیده و او را برای انجام کارهای فردی و اجتماعی آماده نموده و اخلاق او را بهبود می بخشد.

۲ ورزش بر بالا ـ بردن توان جسمانی نقش اساسی دارد، از این رو فعالیت های نظامی و تقویت توان رزمی، با بهره گیری از ورزش امکان پذیر است.

۳ ورزش روحیه شجاعت و از خود گذشتگی، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت نموده و اراده او را قوی می سازد.

۴ ورزش سلامتی و توانمندی جسمانی را افزایش می دهد.

۵ ورزش موجب رشد و نموی بدن شده و نقش زیربنایی در نظم و ثبات حرکات تنفس دارد.

۶ ورزش عامل مهم همآهنگ کننده بین اعصاب و مراکز عصبی بوده و موجب تقویت اعصاب می شود.

۷ ورزش موجب می شود که قوه جذب و دفع بدن بیشتر شده و سلول های بدن در برابر آسیب ها مقاوم و فعالیت های بیشتری انجام دهند.

یکی از نویسندگان می نویسد: "عضلات در حال ورزش ۱۰ تا ۱۸ برابر در حال استراحت احتیاج به خون دارند. ۲۰ دفعه بیشتر قند و اکسیژن مصرف می نمایند. ۵

بار زیادتر گاز کربنیک دفع می نمایند...".

با توجه به همین ارقام اهمیت کار قلب هنگام ورزش روشن می گردد. بوعلی سینا باور دارد: "ورزش، حرکتی است تابع اراده. در ورزش تنفس بلند و بزرگ و پی در پی می آید (مراد تنفس عمیق و شدت تنفس در اثر بالا ـ رفتن مقدار اکسیژن مصرفی است). هر کس بتواند با اسلوب صحیح و متناسب با اعتدال مزاجش در وقت مناسب ورزش کند ... از مداوای بیماری های مزاجی بی نیاز می گردد".

در راستای نقش ورزش در سلامت روان و جسم انسان، همچنین نقش آن در مسایل اجتماعی و نظامی است که در آموزه های دینی بدان اهمیت خاص داده شده است، تا آنجا که برای بدن انسان حق بیان شده، حق بدن حفظ و سلامت آن با بهره گیری از ورزش می باشد. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "انّ لربِّک علیك حقاً و إنّ لجسدك علیك حقّاً و لاهلك علیك حقاً؛ پروردگار بر تو حقی دارد، و بدنت بر تو حقی دارد، و خانواده است [نیز] بر تو حقی دارد". همچنین یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان آموزش ورزش بیان شده است. رسول خدا(ص) فرمود: "حق فرزند بر عهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی ... را آموزش دهد". البته دراسلام به برخی ورزش ها مانند شنا، تیراندازی و اسب دوانی عنایت خاص شده است.

پیاده روی و کوهنوردی از جمله ورزش هایی است که در اسلام مطرح شده است. یکی از نویسندگان می نویسد: "(اسلام) پیاده روی را در ردیف غذا خوردن به حساب آورده، خوردن را برای زنده مانده ضروری می

داند و فرهنگ بدنی را نیز لازم زندگی دانسته است. مگر در آیه شریفه: "یأکلون الطّعام و یمشون فی الاسواق" طعام و بازار با خوردن و پیاده روی، قرین یاد شده و غذا و ورزش منسوب به پیامبران، ردیف ذکر نگردیده است".

در عصر حاضر نیز بزرگان دین مانند امام راحل(س) بارها فواید ورزش را بیان نموده و همگان را به آن فراخوانده است: "در همه ابعاد ورزش کنید. من خودم ورزشکار نیستم، ولی ورزشکاران را دوست دارم... . ورزش کارها همیشه این طور بودند که یک روح سالمی داشتند، از باب این که توجه به شهوات نداشتند، توجه به لذات نداشتند، توجه به یک فعالیت جسمانی داشتند که عقل سالم در بدن سالم است...".

می توانید برای آگاهی بیشتر از تأثیر ورزش و پیاده روی در سلامتی انسان، به کتاب های که کارشناسان در این باره نوشته اند، مراجعه کنید. چند عنوان در پانوشت ذکر شد.

لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوییم؟ معنی "قدّس سره" چیست؟

پرسش

لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوییم؟ معنی "قدّس سره" چیست؟

پاسخ

آیت در لغت به معانی علامت، عبرت، معجزه، امر شگفت، دلیل، برهان و ... آمده است.

آیت الله به معنای نشانه و حجت خدااست.

آیت الله العظمی به معنای نشانه و حجت بزرگ خدا است. حضرت علی(ع) فرمود: "نزد من اسم اعظم است و من نشانه بزرگ خداوند و دارای اعجاز درخشان و تابان هستم".

مراد از آیت الله عظمی که حضرت علی(ع) خود را به این نام خوانده، این است که او انسان کامل و جامع صفات خداوند در مرتبه نازل است؛ بنابراین انسان با آگاهی و آشنا شدن با شخصیت حضرت علی و صفات او، خداوند را بهتر می شناسد و از راه شناخت حضرت علی(ع) و عظمت او، انسان بهتر از راه ها و آیات دیگر به خداوند و عظمت او دست می یابد.

امام علی(ع) انسان کامل است و انسان کامل مظهر اَتم و اَکمل اسماء الله است. او صاحب ولایت کلیه است و می تواند به اذن الله در ماده کائنات تصرف کند و قوای ارضیه و سماویه را تحت تسخیر خویش در آ ورد.

امّا تعبیر آیت الله العظمی که امروزه برای مراجع تقلید به کار می برند، اصطلاحی است که رایج شده است و این اصطلاح به

معنـایی که حضـرت امیر(ع) اسـتفاده فرمود نمی باشـد، بلکه این اصـطلاح امروزه در حوزه های علمیه برای کسانی به کار می رود که مرجع تقلید باشند و به بالاترین سطح مدارج حوزوی رسیده باشند. این به جهت برتری علمی آن ها

نسبت به سایرین در حوزه علمیه می باشد، نه آن برتری که در وجود مبارک امیرالمؤمنان بوده است.

البته در مورد علمای قدیم بیشتر با عناوین ثقه الاسلام و حجت الاسلام یاد شده است و استعمال لفظ آیت الله العظمی تاریخ روشن و مشخصی ندارد، ولی امروزه برای کسانی که مرجع تقلید هستند، استفاده می شود.

معنی "قدس سرّه" این است: پاک باد قبرش، پاک باد خاک قبرش، که سرّ به "ارض طیّب" خاک پاک معنا شده است.

فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه ها و فلسفه طشت گذاری چیست؟

پرسش

فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه ها و فلسفه طشت گذاری چیست؟

پاسخ

روشن کردن شمع شاید ریشه در فرهنگ آتش پرستی زردشتیان داشته باشد.

نیز ممکن است از یهود و نصارا اخذ شده باشد. میان آنان سنت روشن کردن شمع در اماکن مقدسه شان وجود دارد.

ممکن است در قدیم یک سنت پسندیده ای محسوب می شد و شب ها به جهت بهره مندی رهگذرها از نور آن روش می کردند و از این جهت کار ارزشمندی محسوب می شد که البته امروز دیگر آن فایده را نخواهد داشت زیرا با وجود نور برق، نیازی به آن نیست.

در مورد روشن کردن شمع در سقاخانه ها مطلبی به دست نیاوردیم. شاید برای تجدید خاطره شام غریبان اهل بیت امام حسین علیه السلام باشد.

طشت گذاری، مراسم سنتی در عزاداری ایام عاشورا است که عمدتاً در شهرستان اردبیل برگزار می شود. طشت های آب را در مساجد و حسینیه ها می آورند و سمبل یک حادثه تاریخی است که در کربلا اتفاق افتاده است.

در توضیح سنت مرسوم در اردبیل نوشته اند: "این مراسم از سه روز مانده به محرم در مسجد جامع، مسجد اعظم و سپس در مساجد دیگر اجرا می شود. طشت ها را بالای سرها می گیرند و مسجد را دور می زنند، سپس در داخل آن ها آب می ریزند. مردم دست به طشت و آب می زنند و نوعی بیعت با امام حسین علیه السلام و حمایت ا ز عباس علیه السلام می کنند. آب طشت ها را مردم در شیشه هایی برای شفا و تبرک برمی دارند. این سنت از حادثه جوانمردانه آب دادن امام حسین علیه السلام به سپاه حر در ۲۷ ذیحجه گرفته شده، که آب مشک ها را در طشت ها ریختند و تمام لشکر حر و اسبان را سیراب کردند. این سنت

سمبولیک تأسی از اقدام سالار شهیدان است" به این مراسم طشت گردانی هم می گویند.

جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۲، به نقل از روزنامه رسالت، ۳ / ۴ / ۷۲، ص ۵، گزارش شوق کربلا.

حکم پوشـیدن لباس سیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها چادر مشکی می پوشند، آیا ریشه روایی دارد؟

پرسش

حکم پوشـیدن لباس سـیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها چادر مشکی می پوشند، آیا ریشه روایی دارد؟

پاسخ

از جمله احکـام لباس (چه در مورد نمازگزار و چه در غیر حالت نماز) کراهت پوشـیدن لباس سـیاه است. بهترین لباس، سـفید است که بدان سفارش شده است. {۱}

امام صادق(ع) فرمود: "یکره السواد إلاّ فی ثلاثه الخفّ و العمامه و الکساء؛پوشـیدن لباس سیاه مکروه است، مگر در سه مورد: کفش سیاه عمامه سیاه و عبا یا قبای سیاه".

امـام صـادق(ع) فرمود که پیامبر(ص) فرمود: "لباس سـفید بپوشـید که بهتر و پاکیزه تر است و مردگان را با پارچه سـفید کفن کنید".

رنگ سـیاه، افسـرده کننـده و نماینده پنهان داشـتن است، ولی رنگ سـفید علاوه بر امتیازاتی که دارد، زود چرک و آلوده می شود و صـاحبش مجبور می شود آن را بشویـد یـا تعویض کنـد، به اضـافه این که لباس سـفید خنک کننـده خوبی است، چون تابش نور خورشید را منعکس می کند و به خود جذب نمی نماید که باعث گرم شدن بدن بشود.

مردمانی که در مناطق گرمسیری ماننـد عربسـتان زنـدگی می کننـد، این مطلب به تجربه بر ایشان ثابت شده و لباس سـفید می پوشـند. دانشـمندان گفته اند: رنگ سـفید از مواد سـمی چون ارسـنیک، کرمات، سرب و انیلین به دور می باشند که هر کدام ممکن است ایجاد آلرژی یا مسمومیت یا هر دو نمایند. بهتر است لباس انسان سفید و نرم باشد.

پوشیدن چادر مشکی چون داخل در عنوان "ردا" است و بر اساس روایات "ردا" اگر سیاه باشد کراهت ندارد، از این رو

پوشیدن چادر سیاه برای زنان مانعی ندارد و کراهت هم ندارد، به اضافه اینکه چادر مشکی چون جذابیت و تحریک کننده گی ندارد، مفسده ای بر آن مترتب نمی شود. در این زمینه به روایتی دست نیافتیم که توصیه به چادر سیاه شده باشد.

اما این که چرا مردم در مصیبت ها و عزاداری ها لباس سیاه بر تن می کنند یا پرچم های سیاه برپا می نمایند، به خاطر این است که رنگ سیاه، شاد نیست. از این رو با مصیبت زدگی هماهنگ است. این مسئله نه تنها میان ما ایرانیان و مسلمانان بلکه در کشورهای دیگر نیز رائج است و جزء سنّت ها و فرهنگ های کشورها است.

در مورد پوشیدن لباس سیاه در مصیبت و عزای ائمه مخصوصاً حضرت اباعبدالله الحسین(ع) نه تنها کراهت ندارد، بلکه چون از مصادیق تعظیم شعایر اسلامی است و باعث زنده نگه داشتن اهداف امام حسین(ع) می باشد، دارای ثواب و اجر الهی است. بزرگانی همچون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در روز عاشورا قبای سیاه بر تن می کردند.

از فرزند امام سجاد(ع) نقل شده که وقتی امام حسین(ع) به شهادت رسید، زن های بنی هاشم لباس سیاه و خشن پوشیدند و از گرما و سرما شکوه نمی کردند و علی بن الحسین(ع) برای آنان طعام درست می کرد.

بنابراین در پوشیدن لباس سیاه برای عزای امام حسین(ع)، هم چنین غذا دادن به عزاداران مورد تأیید امام سجاد(ع) بوده است. تأیید امام دلیل بر جواز بلکه بر رجحان آن است.

[۱] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۸، [باب ۱۹، از ابواب لباس مصلی.

چرا از نگاه کردن به آیینه و جارو کردن در شب نهی شده است؟

پرسش

چرا از نگاه کردن به آیینه و جارو کردن در شب نهی

شده است؟

پاسخ

در روایات از جارو کردن وجمع نمودن خاکروبه در شب نهی شده است.

قال رسول الله صلی الله وعلیه وآله: "لا تبیّتوا القمامه فی بیوتکم و اخرجوها نهاراً فانها مقعد الشیطان؛ خاکروبه را در خانه وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۷، باب ۴۹.

هایتان در شب جمع آوری نکنید، زیرا محل اجتماع شیطان (میکروب) است".

در روایت دیگر از پیامبرصلی الله وعلیه وآله آمده که بیست چیز باعث فقر می شود، از جمله "کنس البیت باللیل" جارو بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۵ و ۳۱۸.

کردن خانه در شب است. البته این روایت تنها دلالت بر کراهت دارد و به معنای حرمت نیست. در مورد نگاه کردن به آیینه در شب بعد از مراجعه به کتب روایی مطلبی نیافتیم. اما علت این که جارو کردن در شب کراهت دارد و از آن نهی شده است، بر ما معلوم نیست. احتمال دارد در زمان هایی که از نعمت برق و روشنایی محروم بوده اند و امکانات بهداشتی نبوده، از طرفی اسلام به بهداشت فرد و اجتماع و محیط بسیار عنایت داشته، می دید مردم به مسائل بهداشتی توجه نمی کنند، از این رو دستورهای بهداشتی را به این صورت به مردم ابلاغ و اعلام می کرد. امیرالمؤمنین دربیان وضعیت مردم در آن زمان می فرماید: "خداوند پیامبرصلی الله وعلیه وآله را به رسالت مبعوث ساخت که جهانیان را بیم دهد و امین آیات وی باشد، در حالی که شما ملت عرب بدترین دین و آیین را داشتید و در بدترین مکان ها زندگی می کردید میان سنگ های سخت و مارهایی که فاقد شنوایی بودند. آب های آلوده را می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید. خون یکدیگر را

می ریختید و پیوند خویشاوندی را قطع می نمودید.

بت ها در میان شما برپا بود و گناهان سراسر وجود شما را فرا گرفته بود".

نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

چرا به امامان لقب می دهند؟

پرسش

چرا به امامان لقب می دهند؟

پاسخ

گزینش القـاب نیکو اختصـاص به امامـان (ع) نـدارد، بلکه از سـنت های پـذیرفته ای است که معمولاً در برخی از جوامع رائج است. در برخی فرهنگ ها به جای نام و نام خانوادگی، نام، لقب و کنیه وجود دارد.

قبل از اسـلام نیز سنت گزینش لقب وجود داشته است و بعضی افراد با همان القاب شهرت داشتند، چنان که پیامبر اسلام صلی الله وعلیه وآله به عنوان مظهر امین مشهور بود.

انتخاب القاب برای ائمه علیهم السـلام از این قاعده مستثنا نبوده و براساس سنت های حاکم بر جامعه انتخاب شده است. البته با این تفاوت که برخی القاب ائمه علیهم السـلام از سوی خدا و پیامبر اسلام گزینش شده است. از بسیاری روایات پیامبرصلی الله وعلیه وآله و ائمه استفاده می شود که یکی از القاب علی علیه السلام امیرمؤمنان است.

این لقب در زمان رسول خدا برای حضور قرار داده شد. حتی، نقل برخی روایات این لقب قبل از خلقت آدم از جانب خداوند برای علی علیه السلام برگزیده شد.

زید بن جهم هلالی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: "چون آیه ولایت علی بن ابی طالب نازل شد،

رسول خداصلی الله وعلیه وآله به اصحاب فرمود: سلام کنید بر علی بن ابی طالب به عنوان امیرالمؤمنین".

اصغر ناظم زاده، سیمای پر فروغ، ص ۲۷ – ۲۸.

یکی از القاب امام باقرعلیه السـلام "باقر" است که به معنای شکافنده علم می باشد. حضرت را بدان جهت "باقر" گفته اند که شکافنده علم است و به او باقرالعلوم هم می گفتند. شـیخ مفید از جابر بن عبدالله گزارش می کند که رسول خدا به وی فرمود: "تو آن قدر زنده می مانی که یکی از فرزندان مرا که از حسین به وجود خواهد

آمد و ا و را محمد می گویند، ملاقات خواهی کرد. او است که علم دین و مذهب را می شکافند و نشر می دهد".

ارشاد مفید (مترجم)، ص ۱۵۶ – ۱۵۷.

از امام زین العابدین علیه السلام سؤال شد: چرا به امام صادق علیه السلام صادق گفته می شود و حال آن که همه شما صادق و راستگو هستید؟ فرمود: "پدرم از پدر بزرگوارش از پیامبر اسلام برای من نقل کرد که آن برگزیده خدا فرمود: موقعی که فرزند من جعفر بن محمد بن علی بن حسین علیه السلام متولد شد، او را صادق بگویید، زیرا پنجمین فرزند او جعفر (جعفر کذاب) نام دارد و به دروغ ادعای امامت خواهد کرد و نزد خدا کذاب و افترا زننده به خدا است".

ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۶ – ۱۷.

آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمرده می شود! دلیل این گونه تفاوت ها چیست؟

پرسش

آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمرده می شود! دلیل این گونه تفاوت ها چیست؟

پاسخ

گناهان از جهتی به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم می شوند. در کتب اخلاقی در مورد خصوصیات هر کدام و تعداد گناهان بحث شده است. گناهان صغیر در اثر تکرار و اصرار در حکم کبیره می شوند.

برای اطلاع بیشتر به کتاب گناهان کبیره آیت الله دستغیب رجوع شود، ج ۱، ص ۳۱ به بعد.

البته بین تعالیم اسلامی و دستورهای ائمه معصوم علیهم السلام و آنچه در جوامع اسلامی و مسلمانان رایج می باشد، تفاوت فراوانی وجود دارد که علت این مسئله یکی از مهم ترین موضوعات قابل بحث است. یک سری از گناهان کبیره و صغیره هستند که بعضی مردم مرتکب آنها می شوند و در اثر تکرار در جامعه، به امری عادی تبدیل شده اند. حتی اگر گناهان صغیر باشد، در اثر مداومت به کبیره تبدیل می شود. حرمت هیچ یک از گناهان با توجیهات بی پایه و اساس رفع نمی شود. اگر به بعضی گناهان مردم حساسیت خاصی نشان می دهند، این امر بسیار مثبت است و باید در مورد سایر گناهان نیز در جامعه، با فرهنگ سازی و نهی از منکر این حساسیت ها به نحو منطقی و صحیح افزایش یابد. این عامل، نیروی بازدارندگی قویی برای ترک گناهان به حساب می آید، بی آن که از حساسیت نسبت به گناهانی که وجود دارد، کاسته شود.

علت دیگری که می توان در مورد فرق گذاشتن بین گناهان ذکر نمود، این است که انسان ها از قبح برخی گناهان آگاهی ندارند و با نوعی

سطحی نگری و ساده انگاری آن گناهان را مرتکب می شوند و اصلاً به حرمت آن گناه توجه ندارند و یا این که با سهل انگاری گناه را مرتکب می شوند و نوعی اباحیگری آنها را فرا گرفته است، که به سادگی واجبات الهی را ترک می نمایند. این مسئله نیز نیاز به آگاهی بخشی دارد.

چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟

پرسش

چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟

پاسخ

مطلبی در خصوص چراغ و فانوس روشن کردن بالای سر قبر میت در احادیث نیافتیم، احتمالاً مربوط به فرهنگ و سنت ما ایرانیان و بعضی ملت های دیگر است.

در مورد برخی از امامان آمده است، که بعد از رحلت امام بعدی چراغی مدام در اطاقش روشن نگه می داشت.

پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگرامیل کسی فوت کند, پوشیدنش مانعی دارد؟

پرسش

پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگرامیل کسی فوت کند, پوشیدنش مانعی دارد؟

پاسخ

پوشیدن لباس سیاه کراهت دارد و مستحب است لباس سفید پوشیده شود امّا پوشیدن آن برای عزای اهل بیت کراهت ندارد, بلکه به فرموده‌ء نویسنده‌ء کتاب حدائق چون از مصادیق تعظیم شعایراست , برتری و رجحان شرعی دارد, حتی اگر با لباس سیاه نماز بخواند.(۱

به فتوای علما نماز خواندن با لباس سیاه کراهت دارد(۲ و این اطلاق شامل پوشیدن لباس سیاه حتی از عزای خویشان و همسایگان می شود.

بنابراین اگر کسی در عزای خویشان یا دوستان لباس سیاه بپوشد, کراهت دارد و نماز خواندن با آن باعث کم شدن ثواب نماز می شود.

پی نوشت ها:

۱ آیت اللّه فاضل , جامع المسائل , ج ۱ س ۲۱۷۰ آیت اللّه تبریزی و صافی و صانعی و دیگران .

۲ توضیح المسائل مراجع , ج ۱ مسئلهء ۸۶۵

یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است , پس چراعضی روحانیون قیام نمی کنند؟

پرسش

یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است , پس چراعضی روحانیون قیام نمی کنند؟

پاسخ

برخاستن به هنگام برده شدن نام امام زمان (ع) به عنوان احترام به شخصیت آن بزرگوار بسیاربه جا و مناسب است و اکثر روحانیون بدان پای بند هستند, ولی اوّلاً برخاستن واجب نیست ; ثانیاًبرخی از مواقع که نام حضرت برده می شود, شخص ممکن است مشغول نماز باشد یا عذر دیگری داشته باشد.

بهترین مهریه ای که یک دختر مسلمان در این زمان می تواند بطلبد چیست؟

پرسش

بهترین مهریه ای که یک دختر مسلمان در این زمان می تواند بطلبد چیست؟

پاسخ

مهریه در اصل هدیه و پیش کش است که مرد هنگام ازدواج خود را به آن ملزم می کند و در واقع نوعی ادای احترام است. قرآن به این مسئله تصریح می کند: "و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک هدیه به آنان بپردازید".(۱)

پس اصل مهریه یک التزام دینی و اخلاقی و مورد قبول همگانی است.

اما مهریه زن چه مقدار باید باشد؟ این نکته نیازمند بحث گسترده ای است، ولی ذکر این مسئله لازم است، آن ها که از مهریه های سنگین و خارج از حد تصور و بعضاً غیر قابل پرداخت دفاع می کنند در حقیقت زن را کالایی برای معامله دانسته و برای آن بهای مادی قائلند، حال آن که واقعیت چنین نیست و ازدواج هایی که با مهریه های پایین شکل می گیرد، پایدارتر از ازدواج هایی است که پایه در تجملات و زرق و برق های دنیوی دارد؛ زیرا آنها اساس زندگی را بر امور دیگری چون عشق و محبت بنا نهاده اند، نه تجملات و امور مادی.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: "بهترین مهر کمترین آن است".(۲)

امام علی (ع) فرمود: "مهر زنان را گزاف قرار ندهید که موجب دشمنی خواهد شد".(۳)

اما بهترین مهر، مهری است که مطابق سنت باشد که به چنین مهری "مهر السنه" می گویند و مهر السنه مهریه ای است که می گویند پیامبر اکرم (ص) برای همسران و دختران خود انتخاب می کرد که حدود پانصد درهم بود. اکنون با توجه به تورم اقتصادی برابر با چهارده سکه تمام بهار آزادی است. (۴)

مبنا قراردادن چنین مهری که ریشه در سنت پیامبر دارد، موجب برکات

زیادی در زنـدگی مشترک خواهد شد. علاوه بر این مقدار مهریه ای که در ازدواج حضـرت زهرا (س) و امام علی (ع) به کار رفته با مهر السنه مطابق بوده است.(۵)

پی نوشت ها:

۱ - سوره نساء (۴) آیه ۴.

۲ - کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۳۲۰.

۳ - بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، ص ۳۵۱، حدیث ۲۲.

۴ - ر. ک: مجله پیام زن، شماره ۱۴۴، ص ۳۸.

۵ - ر. ک: سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه (ع)، ص ۵۸.

آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟

پرسش

آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟

پاسخ

اسـفند را به عربی "حَرْمَل" گوینـد. در مورد اسـفند دود کردن روایتی به دست نیامـد. در دائره المعارف آمده: گیاه اسـفند به سبب داشتن خاصیت های طبی در درمان برخی از بیماری ها به کار می رود".(۱)

در فرهنگ عامه مردم سرزمین های اسلامی اسفند و دانه آن مقدس شمرده می شود و آن را برای راندن بلاها و آفت ها و دفع چشم زخم به کار می برند.(۲)

پی نوشت ها:

۱. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۲، ص ۱۷۸ ماده اسفند.

۲. دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۳۳۳، ماده اسفند.

آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟

پرسش

آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟

پاسخ

در مورد عطسه و فوائد و آداب آن روایات فراوانی نقل شده است اما در مورد این که دلالت بر صبر دارد، در روایات چیزی نیافتیم، ولی حدیثی از امام صادق (ع) در مورد آنچه بین عوام الناس متداول می باشد نقل شده است. حضرت فرمود: "فال بد زدن (چیزی را شوم گرفتن) بستگی دارد به این که تا چه حد تو به آن اهمیت دهی. اگر آن را کوچک دانستی، اثر آن کوچک است و اگر مهم دانستی، اثر مهم خواهد داشت. اگر آن را به چیزی نگرفتی، چیزی نخواهد شد"، یعنی اصل این مسئله حقیقت ندارد و بستگی به خودت دارد که چگونه تفسیر کنی.

پی نوشت ها:

۱ – معارف و معاریف، ج ۴، ماده عطسه، ص ۱۵۶۷.

چرا وقتی خانمی می میرد، عکس او را در اعلامیه ها نمی زنند؟

پرسش

چرا وقتی خانمی می میرد، عکس او را در اعلامیه ها نمی زنند؟

پاسخ

چاپ عکس زنانی که از دنیا رفته اند – با رعایت مسائل شرعی – اشکال ندارد، چنان که در زمان حیات، عکس برخی زنان را چاپ می کنند، مثلاً اگر زنی کاندیدای برای نمایندگی مجلس شده و یا در صحنه های علمی، سیاسی و اجتماعی حضور می یابد، عکس او را چاپ می کنند.

چاپ و عدم چاپ عکس زنان در اعلامیه های ترحیم، ریشه در آداب اجتماعی و سنت های جوامع دارد. معمولاً در جامعه اسلامی، مسلمانان غیرتمند و دین دار، عکس مادر، خواهر، همسر و... را در اعلامیه ها چاپ نکرده و عکس آنها را در معرض دید همگان قرار نمی دهند، تا چهره نوامیس آنها را دیگران ببینند. این رویکرد و نگرش ریشه در سنت و فرهنگ آنان دارد.

حساسیت دینی و مذهبی در شدت و ضعف این سنت مؤثر است.

حرف شوخی و جدی را چگونه می توان تشخیص داد؟

پرسش

حرف شوخی و جدی را چگونه می توان تشخیص داد؟

پاسخ

از راه نشانه ها و قراین کلامی، بیان و حالی و لحن و آهنگ سخن می توان تشخیص داد. گاهی نیز گوینده، حرف شوخی خودرا خالی از قراین لفظی و لحنی بیان می کند، ولی مخاطب با توجه به شناختی که از گوینده دارد، کلام شوخی و جدی او را به راحتی تشخیص می دهد.

چگونه می توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور نپذیرفته ای مثل آمریکا بهتر است یا در ایران عقب مانده؟

پرسش

چگونه می توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور نپذیرفته ای مثل آمریکا بهتر است یا در ایران عقب مانده؟

پاسخ

بهتر بودن زندگی در آن جامعه یا مانند جامعه ایران، بستگی دارد که انسان از زندگی چه بخواهد و خوشبختی را در چه ببیند. مهم آن نیست که انسان در چه کشوری، (صنعتی و پیشرفته مادی یا جهان سوم) زندگی می کند، مهم آن است که معنای زندگی و حقیقت آن و هدف از زندگی و خوشبختی در نظر او چه باشد؟ آیا خوشبختی در لذت هر چه بیشتر مادی و فقدان معنویت و ارزش های اخلاقی و انسانی است؟ با این مقدمه نگاهی به جامعه آمریکا می اندازیم.

کشور آمریکا از نظر صنعت و تکنولوژی پیشرفته است، ولی از جهت اصول اخلاقی و تعالی انسانی و روح معنویت نه تنها پیشرفته نیست، بلکه روز به روز رو به انحطاط می رود. ثمره انحطاط انسانی، در قدرت تصمیم گیری سیاسی آن کشور (که در ریاست جمهوری متمرکز می شود) ظاهر شده است. امروزه همه جهان شاهد خطرات مرگ بار تصمیم های مستکبرانه رئیس جمهور آمریکا هستند و با تمام وجود درک می کنند این انسان نمای مستکبر و غرق در غرور و نخوت شیطانی چگونه با تکیه بر تکنولوژی برتر، خواست مشروع و قانونی بشر مبنی بر عدم حمله نظامی به ملت های مظلوم مثل عراق و افغانستان را به تمسخر گرفته است حرف حق و منطق به گوشش نمی رود! چنان که از تمام معاهده های بین المللی مانند کنترل سلاح های کشتار جمعی و پیگیرد جنایتکاران جنگی (با قرار دادن سربازان خود) و با وتوی معاهده های بین

المللی در محکومیت حکومت اشغالگر صهیونیست و جنایت های آن سرباز می زند! آیا این انحطاط اخلاق، انسانیت، معنویت و احترام به حقوق دیگران، نقض حقوق بشر و انسان ها نیست؟ افزون بر این فحشا و منکرات، بی بندوباری های جنسی، آزادی همجنس بازی، آمار بالای قتل و خودکشی و بیماری های روانی آمریکا را در ردیف کشورهای دارای بحران معنویت قرار داده است. گذشته از این ها آمریکا، دچار چالش هایی است که زندگی در این کشور را ناخوش آیند و بحران زده می نماید. گزارش های موجود حاکی از وخامت اوضاع اجتماعی این کشور است. مروری اجمالی بر وضعیت اجتماعی ایالات متحده، عمق آسیب های وارده بر جامعه آمریکایی را به خوبی عیان می گرداند.

"در سال ۱۹۹۵، ۴/۹ میلیون آمریکایی تحت کنترل قضایی بودند. از این تعداد ۲/۸ میلیون نفر به مجازات های تعلیقی محکوم شده بودند و ۶۷۱/۰۰۰ نفر در آزادی مشروط به سر می برند. ۹۵۸/۷۰۴ نفر در زندان های دولتی و ۹۵/۰۳۴ در زندان های فدرال و ۴۴۶/۰۰۰ در زندان های محلی محبوس بودند. این آمار و ارقام همه ساله رو به افزایش است هر سال ۶ تا۱۰٪ بر میزان جرم و خیانت در شهرهای آمریکا اضافه می شود. پلیس فدرال آمریکا هر دقیقه یک فقره قتل و هر پنج دقیقه یک فقره تجاوز و هر ۴۹ ثانیه یک فقره دزدی و هر ۳۰ ثانیه یک فقره حمله مسلحانه را گزارش می کند. قاچاق مواد مخدر در آمریکا به سودآورترین شغل بدل شده است. و نسبت طلاق از ۳۰٪ به ۷۰٪ افزایش یافته است. در یک آمار جدید ۷۰٪ از مردان آمریکایی اظهار کرده اند به همسران خود وفادار نبوده اند. امنیت داخلی در آمریکا حتی در مدارس ابتدایی و متوسطه

به وضع بحرانی رسیده است. گزارش هایی از این قبیل این نکته را به ما گوشزد می کند که در شناخت و تحلیل واقعیت های تمدن آمریکایی از سطحی نگری باید پرهیز نمود، چرا که به رغم تصویر زیبایی که سیاستمداران آمریکایی از رؤیای زندگی آمریکایی برای دنیای خارج ترسیم می کنند، این رؤیا برای جمع بزرگی از مردم این کشور به صورت یک کابوس درآمده است". (۱)

در آماری که چند سال پیش گرفته شده آمده است که بیش از نیمی از مردم آمریکا (زن و مرد) تنها زندگی می کنند و نیمی از فرزندان تنها با یکی از والدین زندگی می کنند، و این بسیار تعجب آور است که چگونه در عصر ارتباطات و نزدیک شدن انسان ها با وسایل ارتباطی، انسان در آن جامعه پیشرفته، احساس تنهایی و بی کسی نمی کند و فرزندان تنها می توانند با یکی از والدین زندگی کنند و با انواع وسایل سرگرم کننده خود را مشغول نمایند تا احساس خلأ و تنهایی را پر کنند، حال اگر شده با انواع مواد مخدر یا برنامه های کذایی. خود فراموشی و گم کردن حقیقت و معنای زندگی و حقیقت انسان و نیازهای اساسی او، آفت و بلای جهان معاصر است که حتی لذت واقعی زندگی را در دنیا از انسان ها سلب نموده است.

متأسفانه این مشکل امروز تنها گریبانگیر جهان صنعتی غرب نیست، بلکه به جهان سوم و ملت های آن ها و کشوری مانند ایران نیز کم و بیش سرایت نموده، به همین خاطر است که گفتیم جایی که زندگی می کنیم، مهم نیست، بلکه معنا و هدفی که برای آن زندگی می کنیم، مهم بوده و باید بدانیم خوشبختی را

که جستجو می کنیم چیست؟ این پرسش مهم و حیاتی است، حال هر کجا که زندگی کنیم. شاید آمریکا باشیم، اما خود را نبازیم و حقیقت و کرامت انسانی خود و ارزش های اخلاقی را فراموش نکرده و به یاد داشته باشیم، یا شاید در ایران زندگی کنیم، ولی آمال و آرزوهای ما در آن طرف و زندگی سراسر ماشینی و غفلت و بی خبری و بی معنایی باشد. با آرزوی موفقیت و سربلندی و خوشبختی و کامیابی برای شما و همه جوانان.

پی نوشت ها:

۱ – میر احمد رضا حاتمی، عصر امام خمینی، ص ۲۶۴. برای اطلاع بیشتر از تمدن بحران زده آمریکا به این کتاب مراجعه فرمایید.

چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟

پرسش

چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟

پاسخ

در این موضوع اولاً باید توجه داشته باشیم که یک مسئله استحبابی است، نه وجوبی. در موارد مستحب قانونی در فقه وجود دارد که در دلایل استحباب، تسامح وجود دارد، یعنی دقت هایی که در دلایل وجوب و حرمت مانند صحت روایت، وثاقت راوی و تأیید حکم عقل وجود دارد، در موارد استحباب به دلایل خاصی تسامح می شود.

بنابراین برای این که فرزندان شیعه از همان ابتدا با فرهنگ امامت و تشیع سرخ آشنا گردند مستحب است کام شان با تربت حسینی یا آب فرات برداشته شود.

این استحباب صرفاً به جهت تاریخ آب فرات و حادثه عظیمی است که کنار آن اتفاق افتاده و درس بزرگی است که از آن حادثه می توان گرفت.

بنابراین برای یادآوری آن حادثه بزرگ و گرفتن درس زندگی، از راه های بی شمار به ما توجه داده شده که یکی از آنها غسل در آن آب است، مانند استحباب تربت حسینی که در روایات به شفابخشی آن اشاره شده، در حالی که اگر بخواهیم از راه علل و اسباب عادی و طبیعی نگاه کنیم، بسیاری از میکروب ها در خاک وجود دارد که که برای انسان بیماری های مختلف به همراه دارد.

مطلب دومی که باید توجه داشته باشیم این است که در چنین مواردی صرفاً به علل و اسباب عادی و ظاهری نظر نکنیم و همه چیز را از راه فرمول های فیزیکی و شیمیایی حل نکنیم. باید به معنویت و علل ماورای طبیعی هم نظر افکند. این یک بحث مستقل بوده و در این مقاله نمی گنجد.

آب فرات همچون

خاک کربلا هر دو آموزگار شجاعت و الهام بخش شهادتند. از این رو برداشتن کام نوزاد با آب فرات یا تربت حسینی، طعم شجاعت و انتقال فرهنگ شهادت در دل و جان شیعه است،(۱) چرا که عاشورا و حسین مکتب است و راه و رسم زندگی و جوانمردی.

پی نوشت ها:

۱ – جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۴۲.

چرا پرچم امام حسین(ع) در کربلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟

پرسش

چرا پرچم امام حسین(ع) در کربلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟

پاسخ

به گونه ی مشخص نمی توان قضاوت نمود که علت قرمز بودن پرچم امام حسین(ع) چیست و روایات نیز در این خصوص دلالت ندارد به نظر می رسد گزینش پرچم قرمز برای امام حسین(ع) بدان جهت بوده است که نماد از فعالیت و قیام و مظلومیت حضرت و انتقام از دشمنان را بروز دهد.

نحوه شهادت امام حسین(ع) با دیگر امامان(ع) متفاوت است. امام حسین(ع) مظلومانه و با وضع رقت انگیز به شهادت رسید و خانواده و اهل بیت او به اسارت درآمدند این حالت برای هیچ یک از امامان قبل و بعد از ایشان سابقه نداشته است.

به همین جهت توصیه امامان(ع) در عزاداری و برپاداشتن یاد و نام و مکتب و سخنان اباعبدالله(ع) بیشتر از سایر ائمه می باشد. در مورد رنگ پرچم او اگر چه روایت خاصی از امامان معصوم(ع) وارد نشده، اما برپاداشتن یاد و خاطره امام حسین(ع) سفارش شده، نیز الهام گرفتن از مکتب وی. امام ثارالله (خون خدا) است و انتقام او توسط امام زمان(ع) گرفته می شود، که در احادیث به آنها اشاره شده است. پرچم سرخ در عین حال که نشان رنگ خون و جنگ و انتقام از ظالمان است، نشان شهادت مظلومانه و کشته شدن با شمشیر می باشد.

چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت به دختران قائلند؟

پرسش

چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت به دختران قائلند؟

پاسخ

از دیدگاه اسلام تفاوتی بین زن و مرد (دختر و پسر) وجود ندارد.

قرآن کریم در موارد متعدد تصریح کرده که رسیدن به مقام والای انسانیت و نیل به مراتب بالای معنویت و قرب الهی و وصول به "حیات طیبه"، به جنسیت مربوط نیست، بلکه به ایمان و عمل صالح بستگی دارد:

"من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاةً و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون؛ هر کس عمل صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، ما به او زندگی پاك ارزانی می کنیم و پاداش وی را به بهترین اعمالی که انجام داده، می دهیم".(۱)

در آیات و روایات بسیاری این حقیقت مورد تأکید واقع شده است.

با این که اسلام، چنین نگرشی به زن و مرد دارد و تفاوت و امتیاز یکی بر دیگری را برنمی تابد، ولی متأسفانه در عمل، بعضی خانواده ها در مقام ارزش گذاری، مرد را بر زن ترجیح می دهند.

دوگانگی عمل و عقاید مسلمانان معلول چند علت می تواند باشد:

۱ - بی خبری و ناآگاهی آنان از معارف و قوانین دین مقدس اسلام، یا برداشت های غلط و ناصحیح از ظواهر برخی روایات که ناظر به جریان خاصی و در زمان یا اشخاص معینی بوده است.

۲ - ممکن است برخوردهای دوگانه معلول ناآگاهی نباشد. شخص در مقام سخن و استدلال به روشنی و با شفافیت تمام از عدم تفاوت زن و مرد سخن می گوید و چه

بسا به آیات و روایات هم استدلال کند، ولی در مقام عمل "آن کار دیگر" می کند. همان گونه که می داند دروغ، غیبت، تهمت، فریب دادن مردم، رشوه، ربا، تجاوز به مال و جان و یا ناموس مردم از گناهان کبیره است، لیکن با تمسک به توجیهات شیطانی این گونه کارها را ممکن است انجام دهد و نام مسلمان هم بر خود نهد. واضح است که این گونه کارها غالبا. معلول عدم آگاهی نیست، بلکه به "ضعف ایمان و کم سو بودن چراغ تقوا و دور بودن از خوف و خشیت الهی" برمی گردد.

۳ – علت سوم حاکمیت آداب و رسوم غلط قومی و قبیله ای یا بقای رسوبات جاهلیت در اندیشه ها و عمل بسیاری از افراد است که در مقام عمل تفاوتی بین مردم عامی و بسیاری از درس خوانده ها و حتی آگاهان به مسایل دینی وجود ندارد.

۴ – عدم خودباوری زنان نیز این ذهنیت را در جامعه ایجاد کرده که مردها قابلیت بیش تری دارند. زنان با خود باوری و اعتماد به نفس و حضور در صحنه های مختلف می توانند توانایی های خود را نشان دهند.

۵ – در جوامع سنتی مثل روستاها و شهرهای کوچک که حوزه فعالیت پسران گسترده تر است و پسران در کنار پدر به شغل کشاورزی، کارگری، تجارت و غیره اشتغال داشته و به اصطلاح عصای دست پدر بوده اند. این امر باعث شده پدر، پسر را حامی خود بداند و او را بر دختر مقدّم بدارد.

پی نوشت ها:

۱ – نحل (۱۶) آیه ۹۵.

چرا در مراسم عزاداری امام حسین(ع) عَلَم یا پرچم های گوناگون و طوق های بزرگ چلچراغ و غیره می آورند؟ این ها سنبل چه چیزی است؟ چه چیز را می فهماند؟

اشاره

برای اطلاع بیشتر اگر کتابی هست، معرفی کنید.

پرسش

چرا در مراسم عزاداری امام حسین(ع) عَلَم یا پرچم های گوناگون و طوق های بزرگ چلچراغ و غیره می آورند؟ این ها سنبل چه چیزی است؟ چه چیز را می فهماند؟

برای اطلاع بیشتر اگر کتابی هست، معرفی کنید.

پاسخ

"عَلَم" در اصطلاح عزاداری حسینی نام علامت خاصّی است که هر هیأت و دسته، ویژه خود دارد و آن را از دسته های دیگر متمایز می سازد.(۱)

"علامت" از ابزار و وسایل عزاداری امام حسین(ع) است که در هیأت ها و دسته های مذهبی به کار گرفته می شود. این علامت ها نشانه های گروه های عزادار محسوب می شده است.

به نوشته دهخدا: " صلیب مانندی که بر چوب یا آهن افقی آن از سوی پایین شال های ترمه آویزند و از سوی زِبَر لاله و تندیس هایی از مرغ و جز آن نصب کنند و درمیان زبانه ای از فلز طویل دارد و بر نوک آن فلز پریاً گلوله ای از شیشه الوان نصب کنند و این زبانه های فلزی که به تیغ مشهور است، سه یا پنج باشد و در مراسم عزاداری محرم پیشاپیش دسته ها به حرکت آرند".(۲)

(برخی دیگر گفته اند:) شیئی است فلزی و کار صنعت گران اصفهان که قدمت آن به عهد سلاطین صفوی می رسد. دارای تعدادی زبانه، گنبد، گلدان و طاووس بوده و آن را با شال های سبز و سیاه و قهوه ای و پرطاووس و سکّه های نقره... در آخر دسته ها به حرکت درمی آورند... شباهت آن به صلیب می رساند که پس از ارتباط ایران با اروپایی ها در عصر قاجار، از آیین های مذهبی مسیحیت اقتباس شده است. به هر حال (همه این ها) نمودها و مظاهری است که گاهی عزاداران را از محتوا و اصل عزاداری و اقامه شعائر دینی بازمی دارد.(۳)

نوغ (توق) از جمله وسایل تزیینی

دسته های عزاداری است و قدمت آن به عهد صفویه می رسد... توق اصل و نشانه را گویند و در هر لشگر گاهی که توق زدند، هر کس می داند که جای او کجا است، آن جا رود... در عصر صفویه توغ از تجهیزات دسته بود... هر تکیه تعدادی توغ دارد که در روزهای خاص ازایام محرم، آنها را جامه می کنند... مردم عزادار با نظمی خاص در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی وارد تکیه شده و به دنبال آن توغ ها با شور و هیجانی خاص به همراه شیون و ناله مردان و زنان به حالت نیمه افراشته نگه داشته می شوند.

در عین حال این ابزار و وسایل به نوعی ارتباط با لشکر و سپاه دارد و می تواند نشانه آن باشد که دسته های عزاداری، همانند لشگر و سپاه امام حسین(ع) درآید یا شبیه آن شود و به گونه ای به آن حادثه نزدیک گردد. این مسئله در صورت درست بودن آن نهایتاً شباهت ظاهری را می رساند، اما مهم تر از آن شباهت واقعی عزاداران با یاران امام حسین و نزدیکی به آنها است.

این گونه احساسات و شعائر مذهبی ستودنی است، ولی کاش نیمی از آنچه به تجهیزات و عَلَمات و توق و ابزار، بها داده می شود، برای محتوای عاشورا و تعالیم نهضت امام حسین(ع) و هدف عزاداری بها داده شود.(۴)

پرچم: در عزاداری أباعبدالله (ع) نقش پرچم سیاه مهم است. در ایام عزا و عاشورا بر سر در خانه ها و مغازه ها و در معابر می زنند تا نشانه ایام سوگواری باشد و تأثیر عاطفی خاصی دارد. شکل های خاص عَلَمات و کتل در دسته های عزاداری تحول یافته همان پرچم است که سنت های خاصی

را همراه دارد.(۵)

در این راستا شناخت اهداف حضرت مهم ترین مسئله در حادثه تاریخی کربلا می باشد و مسائلی همچون عزاداری و تعزیه خوانی و گرداندن پرچم ها، علم ها و چلچراغ ها در مسیر معرفی آن حادثه (که در طول بیش از هزار سال یکی پس از دیگری بروز کرده) از موضوعات جانبی است و از نظر اهمیت در ردیف های بعدی قرار دارند.

بخشی از اهداف بلند حضرت به قرار زیر است:

۱ – زنده کردن اسلام و احیای سنت نبوی و سیره علوی.

حضرت در نامه ای به سران بصره نوشت: "من شما را به کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) فرا می خوانم".

همچنین در ضمن خطبه ای فرمود: "قیام من برای امر به معروف و نهی از منکر و پیاده کردن سیره جدّم علی بن أبی طالب (ع) است".

۲ – حاکمیت حق.

حضرت فرمود: "آیا نمی نگرید که به حق عمل و از باطل نهی نمی شود؟!"

۳ – اصلاح جامعه اسلامی امام(ع) در ضمن خطبه ای فرمود: "هدف من از قیام ایجاد اصلاح در میان امت جدم می باشد".

از حسین اکتفا به نام حسین نبود در خور مقام حسین کشته شد، زیر بار ظالم نرفت به به از قدرت تمام حسین بهر احیای دین شهادت یافت زنده شد نام دین زِ نام حسین(۶)

به امید رسیدن روزی که امام و اهداف او را بهتر بشناسم.

بهترین کتاب برای مطالعه در این موضوع "فرهنگ عاشورا" نوشته آقای جواد محدثی می باشد.

پی نوشت ها:

۱ – فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف، ص ۳۲۰.

۲ – همان، ص ۳۱۹ به نقل از لغت نامه دهخدا، واژه علامت.

۳ – همان، ص ۳۲۰ – ۳۱۹.

۴ – همان، ص ۱۲۳ – ۱۲۲.

۵ – همان، ص ۸۵ – ۸۶.

۶

- همان، ص ۶۳ - ۶۲.

آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکابی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟

پرسش

آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکابی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟

پاسخ

همان گونه که جایز نیست زن بدن خویش را در معرض دید نامحرم قرار دهد، بر مرد رعایت پوشش بدن لازم است، اگر چه مقدار و حد آن در زن و مرد متفاوت است. بعضی از فقها فرموده اند: احتیاط این است که مرد مواضعی را که معمولاً پوشیدن آن در بین مردم متعارف است، در صورتی که بداند زن اجنبیه به او نگاه می کند بپوشاند.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - احکام روابط زن و مرد، ص ۱۰۲.

چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت های عزاداری زنجیر می زنند؟

پرسش

چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت های عزاداری زنجیر می زنند؟

پاسخ

یکی از شیوه های عزاداری سنّتی در ایران، زنجیرزنی است که در پاکستان و هندوستان نیز این شیوه از دیرباز رواج داشته است، این شیوه در ایام محرم و صفر و به صورت دسته جمعی و در هیأت های عزاداری، همراه با نوحه خوانی، جهت زنده نگه داشتن یاد حادثه عاشورا و حماسه حسینی برگزار می شود. زنجیر زنی همانند نوحه خوانی و سینه زنی، چون با روح و جان و عاطفه شیعه آمیخته شده است، به عزاداری سید و سالار شهیدان أبی عبدالله الحسینی(ع) رنگ مردمی داده و عامل جذب و تجمّع انبوه شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) می گردد. ما شاهد حضور صمیمی و با نشاط جمعیت عزادار خصوصاً جوانان عزیز در دسته عزاداری و زنجیرزنی هستیم. وقتی دسته زنجیرزنی شکل گرفته و به راه می افتد، جوانان عزادار خودجوش و با صفا و صمیمیت وارد این دسته ها شده و عزاداری امام حسین(ع) از جنب و جوش و از حال و هوای خاصی برخوردار می گردد. حفظ عزاداری که به شیوه سنّتی از عصر صفویّه شکل گرفته، ضامن تداوم نهضت امام حسین(ع) شده است.

امام خمینی(رحمهالله علیه) در این باره فرمود:

"ما باید حافظ این سنت های اسلامی، حافظ این دسته جات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می افتد باشیم و تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند... باید این سنت ها را حفظ کنید".(۱)

البته زنجیرزنی ها و دیگر رسم ها و برنامه ها در عزاداری، مانند سینه زدن نمی باشد، زیرا بر سینه و سر زدن با احساس خاصی همراه است و در تماس دست انسان به سینه و

سر، حالت عزا و ماتم بیشتر احساس می شود، در عین حال دست های زنجیرزنی به جهت نظم و انضباط خاصی که در آن است، مورد توجه قرار می گیرد، به خصوص آن که با محتوایی مقدس و آدابی خالصانه و عاشقانه آمیخته باشد.

مرحوم کاشف الغطا می نویسد: "اگر بیرون آمدن این موکب ها در راه ها نبود، هدف و غرض از یادآوری حسین بن علی (ع) از بین می رفت و ثمره فاسد می شد و راز شهادت حسین بن علی(ع) منتفی می گشت".(۲) می توانید مستقیماً به آدرس قم، دفتر تبلیغات اسلامی، واحد پاسخ به سؤالات (ص – پ ۱۹۷) مکاتبه نمایید.

پی نوشت ها:

۱ – صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

۲ – محمد حسین کاشف الغطاء، المواکب الحسینیه، ص ۱۵، چاپ ۱۳۴۵ق، نجف، به نقل از فرهنگ عاشورا، ص ۱۷۵؛ معارف و معاریف، ج ۷، ص ۳۵۰.

علت این که وقتی کسی از دنیا می رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می روند چیست؟

پرسش

علت این که وقتی کسی از دنیا می رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می روند چیست؟

پاسخ

این رسم در همه جا نیست. اگردر محل شما چنین رسمی هست، شاید با روایات از امامان معصوم(ع) بی ارتباط نباشد. در روایتی آمده که امام صادق(ع) فرمود: "مردگان را پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید، آنها حرف تان را می شنوند و جواب می دهند. اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنند، ولی جواب نمی دهند".(۱)

در روایت دیگری حضرت باقر(ع) فرمود: "روز جمعه به زیارت اهل قبور بروید. هر یک از مردگان در تنگی قرار گرفته باشد، ما بین طلوع فجر (اذان صبح) و طلوع آفتاب فرصت داده می شود".(۲)

پی نوشت ها:

۱ – مفاتیح الجنان، ص ۱۱۱۹.

۲ – وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۵.

آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟

پرسش

آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟

پاسخ

پیش از بیان درست بودن استفاده از فال حافظ و حقیقت داشتن آن باید توجه داشت که عادت نمودن به استفاده از فال حافظ یا حتی استخاره به قرآن که مورد تأیید شرع نیز می باشد، چندان صحیح به نظر نمی رسد. جایی که انسان باید از نیروی عقل و خرد استفاده نماید و یا از تجارب و آگاهی دیگران با مشورت از ایشان بهره گیرد، باید به همان عمل نماید.

دیوان حافظ چند جهت مثبت دارد و به همین خاطر می توان از آن به عنوان فال نامه نیز استفاده نمود.

۱ - غالب غزلیات و اشعار حافظ مثبت نگراست و مثبت نگری در زندگی خوب و پسندیده است و در روایات نیز به داشتن "حسن ظن" ترغیب شده و از داشتن سوء ظن نهی شده است.

۲ - غزلیات حافظ چند پهلو و چند معنا است و می توان از اشعار او تفسیرهای متعدد نمود و هر کس به فراخور حال و عقل و اندیشه خود از آن معنایی برداشت می کند.

۳ - به گفته خود حافظ، اشعار او مضامین آیات قرآنی و برگرفته از آنها می باشد و آنچه در سینه خود از آیات قرآنی حفظ نموده در غزلیات خود بیان نموده است.

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ

به قرآنی که اندر سینه داری

به همین خاطر اشعار او از حقایقی خبر می دهد.

شاید بدین خاطر باشد که از او به لسان الغیب یاد شده است.

با توجه به این نکات، دیوان حافظ بسیار ارزشمند است و می توان از آن به عنوان فال و بیان حال خود بهره گرفت.

اما باید توجه داشت که

توقع پیشگویی از حافظ و غیب گویی از او، توقعی ساده لوحانه و عبث است، توقع ما از حافظ آن است که به شیرینی ابیات و سخنانش، تلخی های روزگار از کام ما بزداید و با شیرینی سخنانش، اندیشه ای نو و معرفتی تازه در ما بیافریند. معرفتی که ما در دنیای کنونی بیش از هر زمان دیگری به آن نیازمندیم.

رویکرد ما به حافظ، رویگردی از سر اخلاص و محبت به کسی است که چون معلمی عزیز می تواند گره از مشکلات فکری گشوده و از آلام روحی مان بکاهد و در این راه هیچ گاه نباید حد اعتدال و میانه روی را در استفاده از آن فراموش کنیم.

با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم(ع) محدود است، چرا به آیت اللّٰه خمینی امام اطلاق می شود؟ چرا همین عنوان را به آیت اللّٰه خامنه ای، جانشین ایشان اطلاق نمی کنند؟

پرسش

با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم(ع) محدود است، چرا به آیت اللّٰه خمینی امام اطلاق می شود؟ چرا همین عنوان را به آیت اللّٰه خامنه ای، جانشین ایشان اطلاق نمی کنند؟

پاسخ

"امام" و "اَمام" هم ریشه انـد. "اَمام" به معنای جلو و رو به رو و "اِمام" به معنای پیشوا و جلودار، آن که از او پیروی می شود (خواه انسان باشد یا کتاب یا چیز دیگر) این شخص یا چیز پیروی شده ممکن است حق باشد یا باطل.

عرب ها به ریسمانی که بَنّاها به دیوار می کشند تا دیوار راست بنا گردد، "اِمام" می گویند.

قرآن خود را اِمام معرفی می کند (و کل شی ءٍ احصیناه فی امامٍ مبین).(۱)

نیز به پیشوایان هدایت و عصمت(۲) و دیگر پیشوایان(حق یا باطل) امام اطلاق می کند.(۳)

در عرف اسلامی به کسی که در نماز جماعت جلودار است و دیگران از او در نماز خواندن پیروی می کنند، امام جماعت می گویند. نیز به پیشوا و عالِم مذهبی، امام گفته می شود، مانند امام فخر رازی، امام ابوحامد محمد غزالی، امام بخاری و... .

به پیشوای سیاسی نیز امام گفته می شود، مانند امام موسی صدر(رهبر شیعیان لبنان). بر آیت اللّٰه خمینی چون پیشوای مذهبی، سیاسی و رهبر انقلاب اسلامی ایران است امام اطلاق می شود.

طبق همین معنا اطلاق امام به آیت اللّٰه خامنه ای روا است. اگر در عرف ما ایرانیان متداول نیست که به ایشان امام خطاب کنیم، امّا در عرف عرب زبانان این اطلاق شایع است. عرب ها به آیت اللّٰه خامنه ای، امام خامنه ای می گویند.

افزون بر این ها در فرهنگ شیعه و در اصطلاح خاص علم کلام واژه امام و

امامت از یک بار معنایی ویژه ای بهره منـد است. در این فرهنگ امام آن انسان برگزیـده ای است که از سوی خداونـد بزرگ رهبری امت را در دست دارد و از ملکه عصـمت بهره مند است. امام بدین معنا بعد از پیامبر(ص) در دوازده تن منحصـر است. اطلاق کلمه امام به رهبر کبیر انقلاب آیت اللّٰه خمینی بـدین معنا نیست، که ایراد گرفته شود مگر ما از دوازده امام بیشتر داریم که به آیت اللّٰه خمینی امام گفته می شود. این ایراد در واقع خلط بین این چند معنا است.

چون در فرهنگ شیعه امامت از بار معنایی خاص بهره منـد است و با اطلاق کلمه امام، امام معصوم در ذهن تـداعی می کنـد، بـدین جهت برای مـا شیعیان ایران سـنگین و نـا مـأنوس بود که کلمه امام را به آیت اللّٰه خمینی اطلاق نماییم. بـدین جهت در آغاز می گفتند: نائب الامام خمینی؛ یعنی آیت اللّٰه خمینی عنوان نایبِ عام امام مهدی(عج) را دارد، چون که فقیهان با شـرایط خاص در دوره غیبت کبری نایبان امام مهدی(عج) می باشند.

در جریان مبارزات اسـلامی ملت ایران برخی از شخصیت های مذهبی اعلان کردن که به آیت اللّٰه خمینی امام (به معنای رهبر و پیشوا) گفته شود و کم کم این عنوان برایشان از مقبولیت اجتماعی بهره مند شد.

همین عنوان را می توان درباره آیت اللّٰه خامنه ای رهبر انقلاب اطلاق نمود و هیچ اشکالی ندارد.

پی نوشت ها:

۱. یس (۳۶) آیه ۱۲.

۲. انبیا (۲۱) آیه ۷۳.

۳. قصص (۲۸) آیه ۴۱.

معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب های شهید مطهری و حضرت امام یا نقد ایشان جایز است؟

پرسش

معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب های شهید مطهری و حضرت امام یا نقد ایشان جایز است؟

پاسخ

نقـد به معنای جـدا کردن دینار و درهم سِرّه از ناسره (قلابی)، تمیز دادن خوب از بـد، آشکار کردن محاسن و معایت سـخن است.(۱)

از مجمـوع کلمـات اندیشـمندان لغـت شـناس اسـتفاده می شـود کـه نقـد و انتقـاد حرکـتی اصـلاح گرانـه بـا قصـد پالا‌یش و زنگارزدایی است.

نثقد کسی به معنای مناقشه کردن با او درباره چیزی است.(۲)

تمام افکار بشری قابل نقد و ارزیابی است و تنها از کسانی نمی توان نقد کرد که معصوم بوده و از هرگونه خطا و لغزش مصون باشند. اندیشه های افراد دیگر (در هر حد که باشند) قابل نقد و ارزیابی است.

کتاب های امام و استاد شهید مطهری نیز قابل نقد و ارزیابی است اما باید توجه داشت که در فرهنگ اسلامی باید سخن فرد را مورد نقد و ارزیابی قرار داد و از توهین و اهانت به شخص اجتناب کرد. در واقع باید افکار و اعتقادات را مورد نقد قرار داد، نه اشخاص را. به تعبیر دیگر باید به سخن توجه کرد، نه صاحب سخن.

اگر نقدها به دور از غرض ورزی و در کال انصاف باشد، قطعاً در رشد و پویایی دانش مؤثر خواهد بود.

نکه آخر در باب نقد این است که احترام و شخصیت افراد باید محوظ بماند. البته به معنای این نیست که بزرگواری و عظمت شخصیت چنین افرادی، مانع از نقد و ارزیابی سخن یا نوشته ها و یا حتی عملکرد آنان باشد.

پی نوشت ها:

۱ – فرهنگ معین، ماده نقد؛ المنجد، ماده نقد.

۲ – محاج اللغه، جوهری، ماده نقد.

مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟

پرسش

مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟

پاسخ

برگزاری مراسم برای اموات چه با سال قمری و چه با سال شمسی مشکلی ندارد. هدف از برگزاری مراسم رسیدن ثواب به میّت است. ثواب برگزاری هر مراسمی (چه با سال قمری و چه با سال شمسی و شرکت مردم و خواندن قرآن و فاتحه و اطعام به مردم) به میّت می رسد.

آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟

پرسش

آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟

پاسخ

اصل عزاداری و نوحه خوانی خصوصاً بعد از حادثه جانگداز کربلا، همواره مورد تأکید و سفارش بسیار ائمه بوده است. امام باقر(ع) به کسانی که روز عاشورا نمی توانند به زیارت امام حسین بروند، دستور می دهد: بر حسین(ع) نُدبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود دستور دهند بر او بگریند. نیز در خاندانش با اظهار گریه و ناله بر حسین(ع) مراسم عزاداری بر پا کنند و یکدیگر را با گریه و تسلیت گویی در سوگ حسین(ع) در خانه های شان ملاقات کنند.(۱)

اما استفاده از ابزار خاصی نظیر زنجیر، طبل، بر پاداشتن عَلَم و نظایر آن، بعد ها متداول گشت و اکنون به عنوان عزاداری سنّتی جایگاه خاصی نزد شیعیان دارد.

البته عزاداری به شکل امروزی (سینه زنی و زنجیر زنی) بیشتر در عصر صفویه رواج پیدا کرد.(۲)

در عین حال همان طور که زنان و برخی از مردان در عزای نزدیک ترین افراد خود، به سر و صورت یا به سینه و روی زانوی خود می زنند، قبل از دوران صفویه نیز این مراسم وجود داشته است. اگر در دوران صفویه به صورت منظم و به شکل هیأت های عزاداری مرسوم شده، برگرفته از حالت شخصی است که در عزای بهترین و نزدیک ترین فرد انجام می دهند.

بر سر و سینه زدن در مراسم عزاداری طبیعی تر بوده و به مجلس عزا و نوحه شباهت بیشتر دارد.

پی نوشت ها:

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۲.

۲. همان.

در حالی که زمینه ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟

پرسش

در حالی که زمینه ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟

پاسخ

تنها راه صحیح برای تعدیل غریزه جنسی ، ارضای آن به وسیله ازدواج دائم یا موقت است. از آن جا که امکان ازدواج برای همه افرادی که به بلوغ جنسی می رسند فراهم نیست، چاره ای جز کنترل میل جنسی نیست. تنها با دادن زمام این مرکب سرکش به دست عقل و شرع می توان عوامل و زمینه های تهییج میل جنسی را کنترل کرد. اسلام برای مقابله با طغیان غریزه جنسی، راهکارهای مناسبی را ارائه کرده است که عبارتند از:

۱ - خردورزی: امام علی(ع) می فرمایـد: "در دل های بشـر خاطرات بـد و خواهش های زشت پدید می آید. عقل است که از اعمال آن خاطرات و انجام تصمیم ها جلوگیری می کند".(۱)

البته بایـد اذعان کرد که به دلیل نیرومنـدی غریزه جنسـی چه بسا این چراغ هـدایت کم فروغ گردد و کارایی خود را از دست دهد. از این رو باید از احساسات مذهبی که ریشه در سرشت آدم دارد بهره جست.

۲ - خـدامحوری: تـوجه به خـدا و انجـام تکـالیف مـذهبی نقش مهمی در کنـترل قوه شـهویه دارد. امـام علی (ع) می فرمایـد: "هرگاه یکی از شـما زنی را دید و خوشـش آمد، سـراغ همسـرش برود، زیرا نزد همسـرش همان چیزی است که دیده است و برای شـیطان راهی به سوی دل قرار ندهـد اما اگر همسـر ندارد، دو رکعت نماز بخواند و حمد خدا را زیاد بگوید و بر پیامبر و آلش درود بفرستد، سپس از خدواند فضلش را طلب نماید".(۲)

از این روایت بر می آید که

اگر امکان ازدواج فراهم نیست، باید از نماز کمک خواست، چون یاد خدا فکر گناه را دور می سازد.

۳ - رعایت اصل مهم حیا و عفت در محیط خانه

۴ - دقت در دوست یابی:

۵ : طرد افکار شیطانی: مشکل ترین مرحله مقابله غریزه جنسی، مرحله سالم سازی اندیشه و پرهیز از افکار شهوی است. امام علی (ع) می فرماید "کسی که در اطراف گناه بسیار بیندیشد، سرانجام به گناه کشیده خواهد شد".(۳)

تمایلات جنسی در خلوت و به ویژه هنگام خواب در بستر زمینه بیش تری برای بروز دارد. از این رو به جوانان توصیه می شود زمانی وارد بستر شوند که به حد کافی خسته شده باشند.

۶ - پر کردن اوقات فراغت: تنهایی، محیط کاملا مساعدی را برای شیوع انحرافات جنسی فراهم می کند. پرهیز از تنهایی و پر کردن اوقات فراغت، مقدمات گناه را از بین می برد. گاندی در کتاب خود می نویسد: "در سراسر عموم کم تر به شهوت جنسی توجه داشته ام و اصولا هیچ وقت بیکار نشده ام تا در این باره فکر کنم".(۴)

۷ - کنترل چشم: نگاه راهبر دل و دام شیطان و بذر شهوت است. برای مهار غریزه جنسی باید از دیدن هر چه که میل جنسی را تحریک می کند، خودداری کرد.

امام علی (ع) می فرماید : "بهترین عامل روی گردانی از شهوات، فرو بستن چشم ها است".(۵)

۸ - ورزش: یکی از راه های آرام سازی طوفان غریزه جنسی، ورزش و فعالیت بدنی است، زیرا ورزش مقدار

فراوانی از انرژی های بدنی و فکری انسان را به خود اختصاص می دهد و طبعا از مسائل دیگر

کم می کند.

۹ – کم خوری : اجتناب از پرخوری از جمله راه های غلبه بر شهوت است.

در روایات اسلامی از روزه داری که یک نوع کم خوری است، به عنوان یک عامل تعدیل غریزه جنسی یاد شده است. پیامبر (ص) می فرماید: "ای جوانان ، هر یک از شما قدرت ازدواج دارد، ازدواج کند و اگر قدرت ندارد، روزه بگیرد، زیرا روزه گرفتن برای کنترل شهوت مفید است".(۶)

۱۰ – توجه به عواقب شهوت رانی: شهوات دربردارنده انواع آفت ها و محرومیت هاست . یک محاسبه منطقی، آدمی را متوجه می کند که لذت آنی ؛ ارزش تحمل آن همه محرومیت را ندارد.

امام علی (ع) می فرماید: "لذتی که آمیخته با رنج و درد است، لذت نیست".(۷)

۱۱ – نظر به پاداش الهی: امام علی (ع) می فرماید : "کسی که به بهشت علاقه داشت، خواهش های نفس و شهوات را فراموش کرد".(۸)

پی نوشت ها :

۱ – غررالحکم، ج۲، ص ۵۰۰.

۲ – وسائل الشیعه، ج۲۰ ، ص ۱۰۵.

۳ – غررالحکم ، ج۵، ص ۳۲۱.

۴ – جوانان چرا، ص ۱۰۷.

۵ – غررالحکم، ج۶، ص ۱۶۴.

۶ – بحارالانوار، ج۱۰۰، ص ۲۲۰.

۷ – نهج البلاغه ، قصار ۳۰.

۸ – غررالحکم ، ج ۶، ص ۳۵۵.

چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می گیریم، برای پیامبران و امامان(ع) عزاداری بر قرار نمی کنیم؟

پرسش

چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می گیریم، برای پیامبران و امامان(ع) عزاداری بر قرار نمی کنیم؟

پاسخ

عزاداری برای پیامبر و خاندان او به مراتب بیشتر از آن است که برای مردگان خود انجام می دهیم.

عزاداری برای اهل بیت(ع) موجب شده است برخی ما را به مرده گرایی متهم نمایند. عزاداری مردم در ایام سال و به ویژه ماه های محرم و صفر شاهد بر این مدعا است، در حالی که برای رفتگان شاید عزاداری و مراسم بیش از یک سال طول نکشد. در جمهوری اسلامی ایران روز رحلت پیامبر(ص) تعطیل عمومی بوده و مردم ایران در سوگ پیامبر اشک می ریزند. عزاداری به گونه ای است که گویا پیامبر عظیم الشأن اسلام تازه از دنیا رفته است. مردم ایران در خانه های خویش برای حضرت زهرا(س) مراسم عزاداری و روضه برگزار نموده و در ایام فاطمیه در سوگ بانوی اسلام خون گریه می کنند. عزاداری مردم ایران برای امیرمؤمنان در شب های قدر به گونه ای است که گویا آن اولین مظلوم عالم تازه در مسجد کوفه ضربت خورده است.

عزاداری مردم ایران در ایام محرم و صفر مثال زدنی است. عزاداری به گونه ای انجام می گیرد که مردم جهان را تحت تأثیر قرار داده است؛ حتی در عزاداری هایی که برای مردگان خویش انجام می دهیم، در آن مراسم نیز برای ائمه(ع) و فاطمه زهرا(س) روضه می خوانیم، عزاداری مردم ایران نشان عشق و ارادت نسبت به اهل بیت پیامبر(ص) است. به عقیده برخی تاریخ نگاران هیچ ملّتی به اندازه ملّت ایران ارادت نسبت به خاندان پیامبر ندارد. تاریخ ادبیات فارسی نیز

شاهد بر مدعا است.

۱-گاهی که در حضور فردی سُـنّی "یا علی" می گوییم، می پرسند چرا "یا خدا" نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

پرسش

گاهی که در حضور فردی سُنّی "یا علی" می گوییم، می پرسند چرا "یا خدا" نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

پاسخ

کسانی که "یا علی" می گویند (غیر از افرادی که علی را خدا می دانند و بدین وسیله کافر شده اند) "یا الله" هم می گویند، بلکه همواره "یا الله" می گویند و فقط گاهی "یا علی" می گویند.

"یا علی" گفتن نوعی توسل به حضرت است، یعنی گوینده "یا علی" حضرت را وسیله و تشفیع درگاه خداوند قرار می دهد که خدا به خاطر آبرویی که علی(ع) دارد، به شخص کمک کند و یاور وی شود. توسل به آبرومندانِ درگاه الهی اشکال ندارد و ریشه آن قرآن کریم است: "یا أیّها الّذین آمنوا اتّقوا الله وابتغو الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیل الله؛(۱) ای افراد با ایمان، تقوای الهی داشته باشید و برای تقرب به او وسیله ای جستجو کنید و در راه وی جهاد کنید". باید توجه کرد که وسیله به معنای تقرّب نیست، بلکه چیزی است که مایه نزدیکی به خدا می گردد. یکی از وسایلی که مایه تقرب می گردد، جهاد در راه خدا است که در آیه ذکر شده است. در عین حال می تواند چیزهای دیگر نیز وسیله تقرب باشد، مانند نماز و روزه و ترک گناه و ... خداوند به حضرت موسی(ع) فرمود: "ای موسی، هیچ عامل و وسیله ای برای نزدیکی قرب جویندگان به من مانند دوری از گناه نیست".(۲)

گاهی خداوند افرادی را واسطه فیض خود قرار می دهد، یعنی به وسیله آنان فیض و رحمتش

را به دیگران می رساند، مثلاً پیامبر را وسیله قرار می دهد، تا بندگانش را بیامرزد.

قرآن کریم به کسانی که گناه کرده اند، فرمان می دهد سراغ پیامبر روند و توسط ایشان طلب مغفرت کنند و پیامبر برای آنان طلب آمرزش کند و نیز نوید می بخشد در این موقع خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.(۳) بنابراین افراد با "یا علی" گفتن آن حضرت را به کمک و یاری می طلبند تا خداوند به وجاهت و آبروی حضرت خواسته آنان را فراهم کند، وگرنه می دانند که همه چیز به دست خداوند است و هیچ کس از خود چیزی ندارد، مگر این که خداوند به او بدهد. اگر حضرت عیسی مرده زنده می کند، از خودش چیزی ندارد، بلکه با تأیید و اذن الهی کارش را انجام می دهد، و دیگران هم همین طور هستند.

جهت آگاهی بیشتر به کتاب آئین وهابیت نوشته آیت الله سبحانی مراجعه فرمایید.

پی نوشت ها:

۱. مائده (۵) آیه ۳۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰.

۳. نساء (۴) آیه ۶۴.

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پرسش

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پاسخ

۱) این نگرش که برگزاری مراسم برای مردگان، مرده گرایی است، قابل قبول نیست، زیرا عزاداری برای آن عده که از دنیا رفته اند، احترام به جایگاه و مقام بلند انسان است. در آموزه های دینی انسان جایگاهی والا دارد و هر گونه تجلیل از آن، احترام به حرمت و قداست بشر محسوب می شود. از این رو امروزه جهان برای بزرگان خود که رفته اند، مراسم می گیرند و یاد و خاطره آنان را گرامی می دارند.

از سوی دیگر پاسداشت ها برای شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی برگزار می شود. تجلیل از این شخصیت ها، احیای فرهنگ و تمدن و علم است. پاسداری از علم و تمدن و خلاّقیّت ها نه تنها مرده پرستی نیست، بلکه تمدن سازی و نکو داشت

از علم، فرهنگ و تمدن است.

آنچه که مورد احترام قرار می گیرد، شخصیت است، نه شخص. درست است که شخص و بدن او در خاک رفته است، اما شخصیت او (در صورت داشتن صفات ارزشمند) جاودانه و زنده است.

بر همین اساس بزرگان دین برای امام حسین(ع) عزاداری نموده و دیگران را نیز به عزاداری فرا می خوانند، چون شخصیت او که حماسه، تن به ذلت ندادن، فرهنگ ایثار، از خود گذشتگی و دیگر صفات عالی انسانی است، همه در فرهنگ عاشورا و حماسه آن وجود دارد و زنده و پایدار است، تا زمانی که انسان

روی زمین است.

افزون بر آن، در این گونه عزاداری ها، گویندگان، شاعران و نویسندگان به بیان مطالب و حقایقی می پردازند که انسان ها بدان نیاز دارند؛ مثلاً در عزاداری برای امام حسین(ع) از دین مداری، ستم ستیزی، شجاعت و ... سخنی به میان می آید که موجب رشد فکری و فرهنگ سازی می شوند.

البته باید در همه امور از جمله عزاداری ها، از افراط و تفریط جلوگیری شود. عزاداری ها و مراسم باید به گونه ای باشد که طراوت و شادابی از بین نرود و باعث دلزدگی و رنجش نشود که با هدف برپایی عزاداری در تضاد قرار می گیرد.

۲) در اسلام همان گونه که به پاسداشت از مردگان سفارش شده است، به وجود آوردن شادابی و نشاط نیز اهمیت دارد. بر اساس آموزه های دینی است که مردم وظیفه دارند مراسم ولادت بزرگان دینی، بعثت پیامبر و ایام عیدها را جشن بگیرند. این سفارش بدان جهت است که هم از مقام بزرگان و شخصیت ها تجلیل شود و هم شادی به وجود آید. از سوی دیگر در اسلام بر تفریحات سالم نیز تأکید شده است.

امروزه در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که برای بزرگان دین و شخصیت ها مراسم عزاداری برگزار می شود، به مناسبت ولادت و مناسبت های دیگر نیز مراسم جشن برگزار می گردد؛ مثلاً در نیمه شعبان به مناسبت ولادت امام زمان(عج) جشن با شکوه برگزاری می گردد که مقدمات آن از هفته ها قبل فراهم می گردد این از ویژگی های اسلام است که جهت حفظ تعادل روحیه انسان ها هم به عزاداری توجه کرده است و هم به

شادی.

در جمهوری اسلامی از برخی شادی ها به دلیل غیر مشروع بودن آن جلوگیری می شود، از این رو بعضی تصور می کنند در جامعه اسلامی ایران از شادی ها کاسته شده است. عدم برگزاری برخی از جشن ها و یا عدم اجرای برخی از مراسم ها در جشن ها بدان جهت است که مشروعیت ندارند. خیلی از چیزهایی که در جوامع غربی به عنوان شادی مطرح هستند، در اسلام مشروع نبوده و از مصادیق شادی کاذب هستند. جامعه اسلام مؤلفه ها و شاخصه های خاص خود را دارد و باید عزاها و جشن ها بر اساس آموزه های دینی تعریف شود. در عین حال که فرهنگ جوامع مختلف در کیفیت و چگونگی آن ها تأثیر می گذارد.

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام اللّه و بسم اللّه در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پرسش

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پاسخ

وجود جن حقیقت دارد و قرآن کریم با صراحت از وجود موجوداتی به نام جن خبر داده،(۱) تا جایی که اسم یکی از سوره های قرآن "جنّ" است، لیکن بودن جن ها در محل هایی که آب داغ ریخته می شود، صحت ندارد و از خرافات است.(۲)

البته بسم الله گفتن برای هر کاری خوب است و گاهی موجب دور شدن موجودات شرور یا رفع شر می شود.

پی نوشت ها:

۱. جن (۷۲) آیه ۱.

۲. علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص ۱۴۹.

مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟

پرسش

مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟

پاسخ

مهریه در اصل هدیه و پیشکش است که مرد هنگام ازدواج، خود را به آن ملزم می کند و در واقع نوعی ادای احترام است. قرآن به این مسئله تصریح می کند: "و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک هدیه به آنان بپردازید".(۱)

پس اصل مهریه یک التزام دینی و اخلاقی و مورد قبول همگانی است.

اما مهریه زن چه مقدار باید باشد؟ این نکته نیازمند بحث گسترده ای است، ولی ذکر این مسئله لازم است. آن ها که از مهریه های سنگین و خارج از حد تصور و گاه غیر قابل پرداخت، دفاع می کنند، در حقیقت زن را کالایی برای معامله دانسته و برای او بهای مادی قائلند، حال آن که واقعیت چنین نیست و ازدواج هایی که با مهریه های پایین شکل می گیرد، پایدارتر از ازدواج هایی است که پایه در تجملات و زرق و برق های دنیوی دارد؛ زیرا آنها اساس زندگی را بر امور دیگری چون عشق و محبت بنا نهاده اند، نه تجملات و امور مادی.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: "بهترین مهر کمترین آن است".(۲)

امام علی (ع) فرمود: "مهر زنان را گزاف قرار ندهید که موجب دشمنی خواهد شد".(۳)

مقدار مهر، با توافق زوجین مشخص می شود و در اسلام حد خاصی تعیین نشده تا کم تر یا بیش تر از آن جایز نباشد. اما بهترین مهر، مهری است که مطابق سنت باشد که به چنین مهری "مهر السنه" می گویند. مهر السنه مهریه ای است که می گویند پیامبر اکرم (ص) برای همسران و دختران خود انتخاب می کرد که حدود پانصد درهم بود. اکنون با توجه به تورم اقتصادی برابر با چهارده سکه تمام

بهار آزادی است. (۴)

مبنا قراردادن چنین مهری که ریشه در سنت پیامبر دارد، موجب برکات زیادی در زندگی مشترک خواهد شد. علاوه بر این مقدار مهریه ای که در ازدواج حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) به کار رفته، با مهر السنه همخوان بوده است.(۵)

پی نوشت

۱ – سوره نساء (۴) آیه ۴.

۲ – کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۳۲۰.

۳ – بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، ص ۳۵۱، حدیث ۲۲.

۴ – ر. ک: مجله پیام زن، شماره ۱۴۴، ص ۳۸.

۵ – ر. ک: سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه (ع)، ص ۵۸.

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پرسش

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پاسخ

در خصوص مطالب بالا، در کتب، حدیثی نیافتیم. تنها دو روز مزبور یکِ عمل مستحب وارد شده و آن روزه گرفتن است.

اوّل ربیع الاول روز هجرت پیامبر اسلام است و امام علی(ع) در جای حضرت خوابید و برادری خود را با حضرت ثابت کرد، از این رو مستحب است مسلمانان برای تشکر و سپاس نعمت سلامتی آن دو بزرگوار، آن روز را روزه بدارند و زیارت ایشان را بخوانند.(۱) لازم است به مردم مسلمان آن دیار تذکر داده شود که برای برآوره شدن حاجت شایسته است. مسلمان وضو بگیرد، وارد مسجد شود، دو رکعت نماز بخواند و سپس از آفریدگار خویش حاجت بخواهد.

پاورقی:

۱ – مفاتیح الجنان، ص ۵۹۸.

گاهی که در حضور فردی سُنّی "یا علی" می گوییم، می پرسند چرا "یا خدا" نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

پرسش

گاهی که در حضور فردی سُنّی "یا علی" می گوییم، می پرسند چرا "یا خدا" نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

پاسخ

کسانی که "یا علی" می گویند (غیر از افرادی که علی را خدا می دانند و بدین وسیله کافر شده اند) "یا الله" هم می گویند، بلکه همواره "یا الله" می گویند و فقط گاهی "یا علی" می گویند.

"یا علی" گفتن نوعی توسل به حضرت است، یعنی گوینده "یا علی" حضرت را وسیله و تشفیع درگاه خداوند قرار می دهد که خدا به خاطر آبرویی که علی(ع) دارد، به شخص کمک کند و یاور وی شود. توسل به آبرومندانِ درگاه الهی اشکال ندارد و ریشه آن قرآن کریم است: "یا أیّها الّذین آمنوا اتّقوا الله وابتغو الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیل الله؛(۱) ای افراد با ایمان، تقوای الهی داشته باشید و برای تقرب به او وسیله ای جستجو کنید و در راه وی جهاد کنید". باید توجه کرد که وسیله به معنای تقرّب نیست، بلکه چیزی است که مایه نزدیکی به خدا می گردد. یکی از وسایلی که مایه تقرب می گردد، جهاد در راه خدا است که در آیه ذکر شده است. در عین حال می تواند چیزهای دیگر نیز وسیله تقرب باشد، مانند نماز و روزه و ترک گناه و ... خداوند به حضرت موسی(ع) فرمود: "ای موسی، هیچ عامل و وسیله ای برای نزدیکی قرب جویندگان به من مانند دوری از گناه نیست".(۲)

گاهی خداوند افرادی را واسطه فیض خود قرار می دهد، یعنی به وسیله آنان فیض و رحمتش

را به دیگران می رساند، مثلاً پیامبر را وسیله قرار می دهد، تا بندگانش را بیامرزد.

قرآن کریم به کسانی که گناه کرده اند، فرمان می دهد سراغ پیامبر روند و توسط ایشان طلب مغفرت کنند و پیامبر برای آنان طلب آمرزش کند و نیز نوید می بخشد در این موقع خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.(۳) بنابراین افراد با "یا علی" گفتن آن حضرت را به کمک و یاری می طلبند تا خداوند به وجاهت و آبروی حضرت خواسته آنان را فراهم کند، وگرنه می دانند که همه چیز به دست خداوند است و هیچ کس از خود چیزی ندارد، مگر این که خداوند به او بدهد. اگر حضرت عیسی مرده زنده می کند، از خودش چیزی ندارد، بلکه با تأیید و اذن الهی کارش را انجام می دهد، و دیگران هم همین طور هستند.

جهت آگاهی بیشتر به کتاب آئین وهابیت نوشته آیت الله سبحانی مراجعه فرمایید.

پی نوشت ها:

۱. مائده (۵) آیه ۳۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰.

۳. نساء (۴) آیه ۶۴.

پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پرسش

پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است.

اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندکان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غـذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسـلام (ص) درباره بازمانـدگان جعفر بن ابی طالب سـفارش به ارسال طعام کردند(۲) پس سـنت اسلام این است . البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تـا ثواب فـاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمنـد تر برای میت

و بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان .

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد.

پی نوشت ها :

۱ - وسایل الشیعه، ج۲، ص ۸۸۹ ، حدیث ۵.

۲ - همان، حدیث۶.

در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنااین امتیار را از کجا کسب کرده اند و این امر چه توجیهی دارد؟

پرسش

در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنااین امتیار را از کجا کسب کرده اند و این امر چه توجیهی دارد؟

پاسخ

یکی از مسایل پذیرفته شده جوامع آن است که انتساب به رهبران و شخصیت ها نوعی امتیاز محسوب می شود؛ از این رو مردم به بستگان شخصیت های علمی و سیاسی احترام می گذارند. این از منظر اجتماعی است، نه از منظر الهی. اگر انتساب به پیامبر اسلام - که گلواژه آفرینش و رهبر جهانیان است - امتیاز به حساب می آید، از همین منظر اجتماعی است. وابستگان به خاندان های نامدار در دید اجتماعی جایگاه ویژه ای بهره مندند.

از آنجا که سادات ذریه پیامبر از فاطمه زهرا(س) بوده و نسل بنی هاشم هستند، اجتماع برای آنان حساب ویژه ای باز می کند. اگر در روایات آمده است که به سادات احترام نمایید، به جهت پیامبر اسلام(ص) است. امام رضا(ع) فرمود: "ما خاندان نبوت حقی که بر مردم داریم، به خاطر پیامبر(ص) می باشد".(۱)

امتیازی که از منظر اجتماعی نصیب سادات می شود، مسئولیت آنان را بیشتر می گرداند. بنابراین از آنجا که سادات به پیامبر(ص) منتسب هستند، باید مواظب رفتار خود باشند؛ زیرا انجام برخی اعمال از انسان های معمولی مشکل ایجاد نمی کند، ولی انجام آن از سوی انسان های با شخصیت و رهبران دینی منتسب هستند، مشکل ایجاد می کند. امام صادق(ع) خطاب به یکی از شیعیان فرمود: "همانا نیکی از هر کسی نیکو است، ولی از تو نیکوتر است، به خاطر انتساب تو به ما و کار زشت از هر کسی ناپسند است، ولی از تو ناپسندتر است، به خاطر انتساب تو به ما".(۲)

بزنطی می گوید: در خدمت حضرت رضا(ع)

نشسته بودم. سخن از سادات به میان آمد، عرض کردم: آیا منحرف از خاندان شما و غیر شما یکسانند؟

فرمود: "نیکوکار ما اجرش دو چندان و بدکار ما گناهش دو چندان است".(۳)

پی نوشت ها:

۱. معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۱۷ - ۱۸.

۳. معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۰.

آیا گریه برای مرده گناه است؟

پرسش

آیا گریه برای مرده گناه است؟

پاسخ

گریه بر مرده نه تنها گناه نیست، بلکه مستحب هم است و ثواب دارد.(۱) پیامبر اسلام(ص) در مرگ فرزندش ابراهیم گریه کرد و فرمود: "قلب محزون می شود و اشک از چشمم جاری می گردد، ولی چیزی نمی گویم که خدا را غضبناک کند".(۲) فاطمه زهرا(س) و ائمه اطهار(ع) در مرگ عزیزانشان گریه می کردند.(۳) فاطمه زهرا(س) در مرگ خواهرش رقیّه چنان گریه می کرد که اشک هایش بر قبر می ریخت.(۴) گریه آرام بخش است و مستحب است وقتی مصیبت سنگینی بر انسان وارد نمی شود، گریه کند تا روحش آرام بگیرد.(۵) علی(ع) فرمود: "پیامبر اسلام(ص) گریه در مصیبت را اجازه دادند".(۶)

حضرت موسی بن جعفر(ع) فرمود: "وقتی مؤمنی از دنیا می رود، ملائکه آسمان و مکان هایی که در آن عبادت کرده بود، بر مرگ وی گریه می کنند".(۷) رسول خدا(ص) عرض کرد: "پروردگارا! محبوب ترین بندگانت پیش تو کدامند، خطاب آمد: "بنده ای که در فقدان صالحان بگرید، چنان که بچه در نبود والدین خود گریه می کند".(۸)

اما نباید در حال گریه کلماتی از زبان خارج شود که مورد پسند خداوند نیست.

پی نوشت ها:

۱. عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۲۱، حدیث ۴.

۳. همان، ص ۸۹۲.

۴. همان، ص ۹۲۱.

۵. همان.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۰.

۷. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۳۴.

۸. مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۴۶۹.

برای چه روی قبرها آب می ریزند؟

پرسش

برای چه روی قبرها آب می ریزند؟

پاسخ

یکی از مستحبات پس از دفن میّت، آب ریختن روی قبر است، بدین ترتیب که رو به قبله بایستی و از طرف سر میت دور تا دور قبر را آب بریزی و بقیه آب را به وسط قبر بریزی.(۱) امام صادق(ع) فرمود: "تا وقتی که خاک های قبر بر اثر پاشیدن آب نم داشته باشد، عذاب از میّت برداشته می شود.(۲) البته نمی توان چنین روایتی را قطعی و یقینی دانست.

در وسائل الشیعه در مورد آب پاشیدن روی قبر روایاتی نقل شده است که دلالت بر استحباب آن دارد، ولی از ظاهر روایات استفاده می شود که استحباب مربوط به موقعی است که میت را دفن کرده و پس از آن که قبر را از خاک پر کردند، روی آن آب بریزند. فقط از یک روایت استفاده می شود که امام رضا(ع) دستور داد روی قبر یونس بن یعقوب تا چهل ماه یا چهل روز آب بریزند.(۳)

برخی از فقها آب پاشیدن روی قبر را مختصّ بعد از دفن نکرده اند، بلکه هر موقع که انسان موفق به زیارت اهل قبور شد، مستحب است روی قبر آب بپاشد.(۴)

از ظاهر روایات بر می آید "آب پاشیدن روی قبر" بعد از دفن میت و تا مدتی مثلاً چهل روز یا چهل ماه مستحب است. نمی توان استحباب آن را بعد از گذشت این مدت استفاده کرد. البته در روایات برای این کار علت خاصی ذکر نشده است، اما شاید علّت آن باشد که خاک قبر در اثر پاشیدن آب سفت و محکم شود تا بدن میّت از دستبرد حیوانات مانند

گورکن (کفتار) مصون بماند.

پی نوشت ها:

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹۱.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۶، ماده قبر.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۶۰؛ عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۲.

۴. امام خمینی(ره)، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹۱؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ماده قبر.

آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟

پرسش

آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟

پاسخ

مؤمنان برای رعایت احترام خاندان عصمت و طهارت و هماهنگ شدن با عترت حسینی معمولاً در ماه محرم از حنا گذاشتن و رنگ کردن موها خودداری می کنند، ولی اگر کسی حنا گذاشت یا موهای خود را رنگ کرد، اشکال شرعی ندارد، مخصوصاً اگر به حنا گذاشتن نیاز پیدا شود.

چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

پرسش

چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

پاسخ

زدن عکس زن در اعلامیه فوت او اگر عکس با حجاب اسلامی باشد، اشکال شرعی ندارد و می توانند این کار را بکنند. امّا این که چرا این کار را نمی کنند، شاید به خاطر محفوظ ماندن حرمت او یا به جهت عرف جامعه باشد. غیرت به مردان اجازه نمی دهد عکس زن یا خواهر و مادرشان در اعلامیه در کوچه و محله و خیابان نصب شود و در معرض دید مردان نامحرم قرار گیرد.

نظر اسلام درباره حفظ ظاهرچیست؟

پرسش

نظر اسلام درباره حفظ ظاهرچیست؟

پاسخ

اسلام از پیروان خود می خواهد در بین مردم با عزت زندگی کنند و ظاهر خود را بیارایند و بدی های خود را آشکار نسازند، از این رو جامه زیبا پوشیدن، مسواک کردن ، به مو شانه و روغن زدن، معطر بودن و خلاصه خود را آراستن در حال عبادت و معاشرت نیکو با مردم داشتن، از مستحبات مؤکد و جزء برنامه روزانه مسلمانان است. قرآن مجید از فقیرانی که با حفظ ظاهر آبرومندانه زندگی می کنند، ستایش می کند و می فرماید: "آنان به قدری عفیف اند که اگر کسی از وضع واقعی آنان آگاه نباشد، فکر می کنند ثروتمند هستند. اینان با عزت نفس هرگز از مردم چیزی نمی خواهند".(۱) تظاهر به داشتن و بی نیازی، نشانگر مناعت طبع و روحیه عزت طلبی است و غیر از ریاکاری و فریب دادن است. اگر حفظ ظاهر برای خودنمایی و فخر فروشی باشد، ریاکاری است و از نظر اسلام گناه حساب می شود. بنابراین حفظ ظاهر به معنای تجویز نفاق و دورویی نیست که این حالت، خطرناک ترین و بدترین حالت است. انسانی که سعی کند خود را در ظاهر انسان خوب و موجه جلوه دهد، اما در باطن برخلاف آن باشد، بسیار ناپسند است.

حفظ ظاهر و به ظاهر خوب نشان دادن تا زمانی پسندیده است که موجب اشاعه بدی و از بین رفتن قبح زشتی و اخلاق ناپسند نشود.

نیز حفظ ظاهر باعث شود انسان با خود بیندیشد که اگر ظاهر خوب دارم، سعی نمایم که باطنم نیز مطابق با ظاهر باشد. اگر غیر از این باشد، نفاق و دورویی

است.

رسول اکرم (ص) به "معاذ بن جبل" فرمود: "برحـذر باش از این که در ظاهر ، نشانه های نیکوکاران در تو باشـد و در باطن ، فاقد آن ها باشی و در قیامت با ریاکاران محشور گردی".(۱)

در جای دیگر می فرماید: "از خشوع تصـنعی و نفاق آلود بپرهیزید و آن این است که بدن آدمی حالت تواضع به خود بگیرد، ولی قلب خاضع نباشد".(۲)

آن چه مهم است، انگیزه حفظ ظاهر است. اگر خودنمایی باشـد، نوعی ریاکاری و ناپسـند است اما اگر برای حفظ عزت نفس دوری از ذلت باشد، پسندیده است.

پی نوشت ها :

۱ – بقره (۲) آیه ۲۷۳.

۲ – گفتار فلسفی، اخلاق، ج۲، ص ۱۴۶.

۳ – تحف العقول ، ص ۱۰۰.

چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

پرسش

چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

پاسخ

زدن عکس زن در اعلامیه فوت او اگر عکس با حجاب اسـلامی باشد، اشـکال شرعی ندارد و می توانند این کار را بکنند. امّا این که چرا این کار را نمی کننـد، شاید به خاطر محفوظ ماندن حرمت او یا به جهت عرف جامعه باشد. غیرت به مردان اجازه نمی دهد عکس زن یا خواهر و مادرشان در اعلامیه در کوچه و محله و خیابان نصب شود و در معرض دید مردان نامحرم قرار گیرد.

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پرسش

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیـح دهیـد که آیا وجه شـرعی دارد؟ خرج های سـنگینی که در این مراسم می

شود، چگونه است؟(پ)

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است.

اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندکان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند(۲) پس سنت اسلام این است . البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر برای میت و

بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان .

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد.

پی نوشت ها :

۱ – وسایل الشیعه، ج۲، ص ۸۸۹ ، حدیث ۵.

۲ – همان، حدیث۶.

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پرسش

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پاسخ

در خصوص مطالب بالا، در کتب، حدیثی نیافتیم. تنها دو روز مزبور یکِ عمل مستحب وارد شده و آن روزه گرفتن است.

اوّل ربیع الاول روز هجرت پیامبر اسلام است و امام علی(ع) در جای حضرت خوابید و برادری خود را با حضرت ثابت کرد، از این رو مستحب است مسلمانان برای تشکر و سپاس نعمت سلامتی آن دو بزرگوار، آن روز را روزه بدارند و زیارت ایشان را بخوانند.(۱) لازم است به مردم مسلمان آن دیار تذکر داده شود که برای برآوره شدن حاجت شایسته است. مسلمان وضو بگیرد، وارد مسجد شود، دو رکعت نماز بخواند و سپس از آفریدگار خویش حاجت بخواهد.

پاورقی:

۱ – مفاتیح الجنان، ص ۵۹۸.

۱– آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسبیت اصل آن است ؟

پرسش

آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسبیت اصل آن است ؟

پاسخ

خیر , اصل معنای ادب که همان حالت نیکویی است که سزاوار است افعال انسان با آن مطابق باشد , مورد اتفاق همه عقلا در همه زمانها است . آنچه مورد اختلاف است مصادیق ادب است و این امر سبب نسبی بودن اصل ادب نمی گردد . اما دلیل این اختلاف آن است که حسن و نیکویی که از مقدمات معنای ادب است به دلایل گوناگون و اغراض متفاوت در نزد اجتماعات مختلف , فرق می کند .

ϘəϘ̛و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پرسش

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پاسخ

ما مردم ایران یک حُسن داریم و یک عیب. حُسن ما مردم این است که در مقابل حقیقت، تعصب کمی داریم و شاید می توانیم بگوییم بی تعصب هستیم؛ یعنی اگر با حقایقی برخورد کنیم و آنها را درک کنیم، شاید از هر ملت دیگر زودتر تسلیم آن حقایق می شویم. ولی یک عیب بزرگی در ما ملت ایران هست که به موازات اینکه در مقابل حقایق تسلیم می شویم، به حماسه ها و ارکان شخصیت خودمان زیاد پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ، زود آن را از دست می دهیم و رها می کنیم. هیچ ملتی به اندازه ما نسبت به شعائر خودش بی اعتنا نیست. شما هندیها و ژاپنیها و اعراب را دیده اید؛ آنها هم مثل ما مشرق زمینی هستند، لکن از این نظر مثل ما نیستید. به اندازه ای که ما در مقابل لغات و عادات اجنبی تسلیم هستیم، هیچ ملتی تسلیم نیست. به عکسها یی که در کتابهای تاریخ علوم هست نگاه کنید، می بینید دانشمندان درجه اول هند با همان عمامه و لباس خودشان هستند. نهرو که یک سیاستمدار بزرگ و یک وزنه جهانی بود، با همان لباس هندی در همه جا حرکت می کرد. بلندی و کوتاهی لباس و یا سفید و سیاه بودنش اهمیت ندارد، اما اینکه آن دانشمند عمامه خودش را سرش می گذارد و یا نهرو با آن شلوار سفید و گشاد و پالتوی مخصوص همه جا می رود، می خواهد به همه مردم دنیا بگوید که من هندی هستم و باید هندی باقی

بمانم و در مقابل علم و صنعت تعصب ندارم، که علم و صنعت مربوط به کشور خاصی نیست؛ در مقابل عقاید بزرگ فلسفی و دینی تعصب ندارم اما در مورد شعارهای ملی، هر کسی به شعارهای خودش پایبند است، من چرا باید شعار یک ملت دیگر را بپذیرم؟ ولی ما، اگر فرنگی یک زنار ببندد، ما دو تا زنار می بندیم، با اینکه او روی حساب شعار خودش این کار را می کند. ولی در جامعه ما این حسابها نیست.

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پرسش

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پاسخ

ما مردم ایران یک حُسن داریم و یک عیب. حُسن ما مردم این است که در مقابل حقیقت، تعصب کمی داریم و شاید می توانیم بگوییم بی تعصب هستیم؛ یعنی اگر با حقایقی برخورد کنیم و آنها را درک کنیم، شاید از هر ملت دیگر زودتر تسلیم آن حقایق می شویم. ولی یک عیب بزرگی در ما ملت ایران هست که به موازات اینکه در مقابل حقایق تسلیم می شویم، به حماسه ها و ارکان شخصیت خودمان زیاد پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ، زود آن را از دست می دهیم و رها می کنیم. هیچ ملتی به اندازه ما نسبت به شعائر خودش بی اعتنا نیست. شما هندیها و ژاپنیها و اعراب را دیده اید؛ آنها هم مثل ما مشرق زمینی هستند، لکن از این نظر مثل ما نیستید. به اندازه ای که ما در مقابل لغات و عادات اجنبی تسلیم هستیم، هیچ ملتی تسلیم نیست. به عکسها یی که در کتابهای تاریخ علوم هست نگاه کنید، می بینید دانشمندان درجه اول هند با همان عمامه و لباس خودشان هستند. نهرو که یک سیاستمدار بزرگ و یک وزنه جهانی بود، با همان لباس هندی در همه جا حرکت می کرد. بلندی و کوتاهی لباس و یا سفید و سیاه بودنش اهمیت ندارد، اما اینکه آن دانشمند عمامه خودش را سرش می گذارد و یا نهرو با آن شلوار سفید و گشاد و پالتوی مخصوص همه جا می رود، می خواهد به همه مردم دنیا بگوید که من هندی هستم و باید هندی باقی

بمانم و در مقابل علم و صنعت تعصب ندارم، که علم و صنعت مربوط به کشور خاصی نیست؛ در مقابل عقاید بزرگ فلسفی و دینی تعصب ندارم اما در مورد شعارهای ملی، هر کسی به شعارهای خودش پایبند است، من چرا باید شعار یک ملت دیگر را بپذیرم؟ ولی ما، اگر فرنگی یک زنار ببندد، ما دو تا زنار می بندیم، با اینکه او روی حساب شعار خودش این کار را می کند. ولی در جامعه ما این حسابها نیست.

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پرسش

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پاسخ

اصلاح و افساد از ریشه صلاح و فساد اشتقاق یافته اند و در مواردی به کار می روند که موجودی، کمال مناسب با نوع خود و آن چه که از او انتظار می رود را به دست آورد یا از دست بدهد. هر موجودی که در این جهان در مسیر حرکت و دگرگونی است، می تواند در شرایط خاصی به کمالاتی متناسب با نوع خود، دست پیدا کند که اگر به آن کمال دست پیدا کرد، از این وضع، مفهوم صلاح انتزاع می شود و اگر عواملی او را از وصول به کمال لایق خود، باز داشت، یا پس از وصول به آن، تداوم آن کمال را ناممکن ساخت، در این صورت، مفهوم فساد از آن انتزاع می شود.

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگون ساخت ، این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا (ص) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل و رفتار مومنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت ، بنیان های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد .قرآن شریف ، سفارش های مکرری نسبت به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این سفارش ها کاملا" منطقی است . این کتاب عظیم چنان که عقل راراهنمای انسان میداند، از فرد بشر می خواهد تا حکمت و رشد خود راگسترش دهد [در این باب نگا : تفکر از دیدگاه اسلام عباس محمود عقاد،ترجمه محمدرضا عطایی ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ،مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ ش ، صص ۲۶ - ۹] . همچنین در این کتاب بی نظیرآموزه هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است . آموزه هایی در باب اخلاق ، خداشناسی ، انسان شناسی ،جهان شناسی ، تاریخ و ...حضرت رسول (

ص) بـا سـیره عملی و گفتار زبانی وبعـد از او ایمه (ع) کوشـش کردنـد تا این آموزه ها را به طور صـحیح و درست برای ما تفسیر نمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند .اما باید به این نکته توجه

داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است ، آیا علاوه بر طرح مسایلی چون خداشناسی ، انسان شناسی ، راهنماشناسی و اخلاق ، مواردی چون جهان شناسی به معنی شناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک ، گیاه شناسی ،زمین شناسی ، ستاره شناسی و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تاآنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد .بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مساله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی در باب خداشناسی ، انسان شناسی ، معادشناسی ،راهنماشناسی ، اخلاق و احکام عبادی . اما در باب جهان ، طبیعت و مسایل فیزیکی و جسمانی بدن ، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است وشاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلا" و مستقیما" به ذکر آفرینش جهان وکیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد .در برخی موارد، گفت و گو ازآفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است . درباره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمین به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی ، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که

انسـان بـا نگرش بـه عـالم از آن جهـت کـه آفریـده خـداو در چنـبره تـدبیر اوسـت ، معرفـت فطری و شـناخت حضـوری خـود راشـکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [معارف قرآن ، محمدتقی مصـباح یزدی ، موسسه در راه حق قم ، چاپ اول ۱۳۶۷ ش ، ج ۱، صص ۲۲۶ – ۲۲۵] . با توجه به این نکته ، در پاسخ به پرسـش شما خاطرنشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در باب آموزه هایی باشد که هدف اولی و اصـلی قرآن است ، بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تاآموزه های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سودجوییم ، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسـی ،راهنماشناسـی و معادشناسـی هنوز مطـالب ناگفته بسـیاری در قرآن داریم که بااسـتخراج و انتظام منطقی آنها می توانیم مسایـل جدیـدی را در این سـاحت هـابه جهـان بشـریت عرضه کنیم . امـا اگر منظور شـما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشـد که هدف اولی و اصـلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکر کلیاتی اسـتطرادی اکتفا شده است ، به نظر ما نباید تلاـش بیهوده ای را آغـازکنیم ، چنـان که برخی چون رشـید رضا در تفسـیر ((المنار)) و طنطاوی در تفسـیر ((الجواهر فی تفسـیر القرآن)) کوشـش کردنـد که بسـیاری از مسایـل علمی را باآیات قرآن تطبیق دهنـد .زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته ، درهیچ زمینه ، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در این باب

نپرداخته بلکه به همـان انـدازه که هـدف قرآن در هـدایت مردم تـامین می شـده بسـنده کرده است ، به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالبا" دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم [برای آگاهی بیشتر نگا : همان ، صـص ۲۳۲ - ۲۲۸] . در اینجا تـذکر چند نکته لازم و ضـروری است : ۱- هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضـیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصـی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جسـتجو و کشف عالم طبیعت بپردازد [نگا : اعراف ، آیه ۱۸۵ ؛ غاشیه ، آیه ۲۰ - ۱۷ ؛ بقره ، آیه ۱۶۴ و ...] ۲-خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت راکشف نمایـد .در حقیقت این موضوع به انسان واگـذار شـده است . از این رو دراین باب باید از عقول دیگران و تجـارب آنها سود جویـد .۳- علوم اسـلامی همچون تفسـیر، فقه ، اصول ، حـدیث ، نحو، بلاغت ، تاریـخ ، اخلاق ، فلسفه وکلام هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا (ص) و پایه گذاری حضرت علی (ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود آن را توسـعه بخشید .بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند باخود آدمی رشد و بالندگی

خود را به دست آورد [در این باب نگا : ظهورشیعه ، علامه سید محمد حسین طباطبایی ، انتشارات فقیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۰ ش ، صص ۴۴ - ۳۳] . ۴- تطفلی و استطرادی بودن برخی ازآموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارایه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند .حاشاو کلا که چنین باشد .گزارش های وحی از خلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است . مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است واز این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است . در واقع با این سلسله آیات ، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداداز عقل خود به کشف رازهای مجهول آن نایل آید .۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است ؛ زیرا قرآن همراه با طرح این مسایل ، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجه می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال ((هو الاول)) و ((هوالاخر)) تا اوج گاه مبدا و معادپرواز می دهد [شریعت در آیینه معرفت ، آیت الله عبدالله جوادی آملی ،مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶ - ۱۶۴

] . به هرروی ما بایـد در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است ،نظریات آن را اسـتخراج کرده و به جهانیان عرضه نمـاییم ولی در بعضـی ازدانش هـا چون دانش تجربی و تاریخی بایـد با اسـتمداد از عقل بشـری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم. ;

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهادمی کنید؟

پرسش

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهادمی کنید؟

پاسخ

دانشـجوی گرامی مـا نیز در وجود بعضـی آداب و رسوم بی جـا و دست و پـا گیر و مشـکل ساز رنـج می بریم و معتقـدیم که بسیاری از جوانان با چنین مشکلاتی مواجه هستند .اما سوال اینجاست که این آداب و رسوم از کجا وارد جامعه ما شده است ؟ پاسـخ به این سوال نیاز به یک تحلیل جامعه شـناختی و روانشـناختی دارد .معمولا" سـنتها و آداب ورسوم اعم از مثبت و منفی بدون پذیرش اجتماعی نمی تواند وارد یک فرهنگ شودو مقبولیت عامه پیدا کند .سوال دیگری که مطرح می شود اینست که چگونه این سـنت ها و آداب و رسوم مورد پذیریش عموم قرار می گیرد؟! به طور قطع عوامل گوناگونی دست بدست هم می دهد و شرایطی را بوجود می آورد تا اینکه مردم یک قانون یا سنتی را بپذیرند و بعد از پذیرفتن به آن عمل نمایند و سپس آن عمل راتکرار کننـد تا اینکه کم کم جز فرهنگ عمومی جامعه شود .یکی از مهمترین عوامل موثر در پـذیرش عمومی آداب و رسـوم غلـط ضـعف فکری ، علمی و اعتقـادی جـامعه اسـت بـه عبـارت دیگر اگر مردمی اهـل تفکر و انـدیشه باشـند و از نظر اعتقادی ،باورهای دینی به صورت عمیق در آنها رسوخ کرده باشـد قطعا" آسـیب پذیری آنهادر مقابل تهاجم سـنت های غلط که از بیرون یا درون آن جامعه القا می شود کاهش پیدا می کند و حاضـر نیسـتند بدون دلیل هر فکر القا شده ای را به پذیرند بلکه مقاومت

می کننـد امـا اگر به هر دلیلی مردم یـک جـامعه ای قـدرت تفکرشان ضـعیف وباورهای دینی کم رنگ باشـد آسـیب پـذیری فرهنگی آن بیشتر و بیشتر می شود و نه تنهـا در مقابل القاات فرهنگی غلط مقاومت نمی کننـد بلکه خود در ترویـج و گسترش آن از هیـچ کوششـی دریغ نمی ورزنـد .بنابراین اگر ما بخواهیم از این آداب و رسوم غلط و دست و پا گیر رهایی پیدا کنیم ، بایـد دامن همت به کمر زده و به اندازه توان ووسع خود کار فرهنگی را شـروع کنیم و به خودمان تلقین نکنیم که یک دسـت بی صدا است یا اینکه با یک گل بهار نمی شود .این مطالب نیز در واقع تلقینات همان کسانی است که سود جویی خودشان را در منفعل بودن مردم می دانند و یا اینکه به صورت ناآگاهانه با اینگونه القاات آب به آسیای کسانی می ریزند که از گسترش اینگونه آداب و رسوم بیشترین سود را می برند .آری همه حرکتهای فرهنگی در آغازبا افراد معدودی شروع شده اما با پشتکار و خسـتگی ناپـذیری بعـد از مـدتی تبـدیل به یـک فرهنـگ فراگیر شـده که سـرنوشت یـک جامعه و ملتی را تغییر داده است . بنابراین نباید منتظر باشـیم با یک توصـیه یا نصیحت یا اطلاعیه ای سنت های غلط و آداب ورسوم دست و پا گیر همه تعطیل و برچیـده شـود بلکـه نیـاز بـه کـار فرهنگی تـوام باعمـل دارد و امیـدواریم کـه متصـدیان فرهنگی جـامعه مـا بجـای پرداختـن به اموربیهوده برای حل مشکلات جوانان در زمینه ازدواج و اشتغال ، فکر اساسی بکنند وبا کار فرهنگی زمینه حذف یا

حداقل کاهش آداب و رسوم غلط را فراهم نمایند .اماآنچه در مورد ازدواج و همسر آینده خودتان مطرح فرمودید .دانشجوی محترم : ازاینکه شما در خانواده ای زندگی می کنید که اعضا خانواده حق انتخاب دارند و به آراو نظرات و سلایق یکدیگر اهمیت می دهند جای بس خرسندی است و از اینکه شما دوست دارید دختر خوبی برای خانواده خود و خانواده همسر آیندتان باشیدبه شما آفرین می گوییم و امیدواریم که همانگونه که خود فرموده اید باشید اما توجه به چند نکته برای تصمیم گیری حال و آینده شما بسیار ضروری است : ۱- انسانها ازجهات گوناگون فکری ، رفتاری ، استعدادی ، قیافه و عواطف و احساسات با هم متفاوت هستند لذا شما هیچگاه انتظار نداشته باشید که همه مثل شما فکر کنند وعواطف و احساسات آنها مثل شما باشد .البته انسانها با وجود همه تفاوتهایی که دارند قدرت سازگاری و انطباق با دیگران را دارند .بنابراین شما با در نظر گرفتن این تفاوتها همسر آینده خود را انتخاب کن . ۲- در انتخاب همسر آیندتان کمال دقت رابه نمایید یعنی بر اساس تحقیق ، مشورت و استفاده از تجارب افراد مجرب و دلسوزمانند پدر و مادر اقدام کنید .۳- بهتر است در زمینه انتخاب همسر بیشتر مطالعه کنیدلذا کتاب انتخاب همسر از آقای امینی و کتاب انتخاب همسر آقای علی اکبرمظاهری را معرفی می کنیم و توصیه می نماییم که حداقل یکی از این دو کتاب رامطالعه بفرمایید .۴- اگر خواستگاری برای شما آمد نه خیلی خوش بین باشید و نه سو ظن داشته باشید بلکه همانطوری که در نکته ۲

آمـد اسـاس انتخـاب خودتـان را برآگـاهی از وضـعیت آن پسـر بویژه خانواده او، دوسـتان او و ...قرار دهیـد و بعـد ازتحقیق و مشورت انتخاب کنیـد .۵- در انتخاب همسـر خیلی ایـده آلی فکر نکنیـدبالاخره همه انسانها هم نقاط ضـعف و هم نقاط قوت دارنـد آنچه که مهم است همسـر هر کسـی بایـد کفـو و همتـای او از جهـات مختلف باشـد بنـابراین سـعی کنیـد اگرکسـی به خواستگاری شما آمد ببینید آیا از نظر خانوادگی ، اخلاقی ، اعتقادی ،فرهنگی و اجتماعی به شما نزدیک هستند یا نه ، اگر در جهات فوق هم سطح و یانزدیک به هم بودید آنگاه تصـمیم بگیرید .۶- در این که همسـر آینده شـما آیا با شما بانیکی رفتار می کنـد یـا نه بستگی به عوامـل گونـاگونی دارد و از جمله رفتـار خود شـمانقش تعیین کننـده در بازخورد او دارد .وضـعیت خانوادگی آنها خیلی مهم است لذادرباره اخلاق خانوادگی ایشان تحقیق بیشتری بنمایید و بعد از تحقیق به خداوندتوکل کنید و انتخاب نمایید .و نگران این مسیله نباشید.;

آیا درست است که در ازدواج ، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست ؟

پرسش

آیا درست است که در ازدواج ، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست ؟

پاسخ

گرچه متاسـفانه در برخی موارد بـا دختران هماننـدیک کالاـ رفتار می شود و یا برخی دختران خود را به عنوان کالا عرضه می کنند؛ ولی باید توجه داشت که تفاوت بسیاری بین کالای مغازه ها و یک دختر وجود دارد .چرا که کالا هیچ اختیاری از خود نـدارد؛ ولی دختر در قبول یا رد مختار است . ثانیا" خواسـتگار، دختر را به عنوان شـریک و همراه درزنـدگی می خواهد نه به عنوان یک کالای مصـرفی . البته اگر کسـی به چشم کالابه دختری نگاه کنـد، بالاترین خلاف اخلاقی را مرتکب شـده است ؛ چرا که ارزش انسـانی یک فرد را در حـد کالایی پایین آورده است . هم چنین اگردختری خود را به عنوان کالا عرضه نمایـد، خود را در حـد یک کالا بی مقـدارکرده است . ما با بخشـی از انتقادات شـما موافقیم ؛ به ویژه در برخی ازفرهنگ ها که برای دختران شـانی قایل نیسـتند و یا اختیاری برای آنان باقی نمی گذارنـد .ولی رونـد خواسـتگاری از دختر رونـدی طبیعی است و تقریبـا" دراکـثر نقـاط دنیـا وضـعیت بـه همین منـوال است ؛ گرچه دخـتر نیز می توانـدخواهان کسـی باشـد و در حقیقت از او خواسـتگاری کند .به نظر می رسد بایددیدگاه خود را نسبت به زندگی و مقدمات آن تغییر دهید و خوشبینانه تربرخورد کنید .ان شـاالله خواسـتگار منـاسبی که هم شـما او را بپسـندید و او نیزشـما را، برایتان پیـدا خواهـد شـد و با تشـکیل زنـدگی سالم ، درخواهید یافت که زندگی نیز

یـک مسـاعی و همکـاری است ؛ نه خریـد و فروش و تبـادل . از دعـا به در گـاه خداونـد به ویژه پس از خوانـدن نمازهـا غافل نشوید.;

وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟

پرسش

وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟

پاسخ

متاسـفانه جهان اسـلام ، علی رغم ظرفیت ها و قابلیت های بالقوه ای که دارد، از مشـکلات عدیـده ای رنـج می برد که نیازمند مبـاحثی گسترده و طولاـنی می باشـد که مـا در این جـا به صورت مختصـر،از دیـد گاه جـامعه شـناختی به مهم ترین آن ها می پردازیم : الف . مشـکلات فرهنگی که شاید بتوان به عنوان مهم ترین مشکل از آن نام برد، که به دلیل دوری از فرهنگ اصیل اسـلامی و رواج و گسترش خرافات و بدعت ها در دین وهجوم فرهنگ های فاسد بیگانه برای نابودی فرهنگ اسـلامی و ...به وجودآمده و سبب دور ماندن جوامع اسلامی از رشد و شکوفایی و توسعه شده است . ب . مشکلات سیاسی و امنیتی ، از قبیل وجود تفرقه میان ملیت های مسـلمان ، وجود حکومت های دست نشانـده و فاقـد مشـروعیت دینی و مردمی دراکثر کشورهای اسـلامی ، تهاجم نظامی کشورهای غیر مسـلمان ، وجود پایگاه های نظامی غرب در داخل سـرزمین های اسلامی ، جنگ های داخلی میان قبیله ها وکشورهای اسـلامی بر منابع طبیعی ، عقاید مذهبی و ...که همگی منجر به تضـعیف و هدر رفتن توانایی و امکانـات مـادی و معنـوی کشورهـای اسـلامی شـده و سـلطه ی فرهنگی ، سیاسـی ، نظـامی و اقتصـادی کشورهـای بیگـانه را برسـرزمین های اسـلامی تحکیم کرده است . ج . مشـکلات اجتماعی : علی رغم این که جهان اسـلام نیروی انسانی عظیمی را در اختیار دارد، ولی به دلیل عدم برنامه ریزی صحیح و مناسب و کافی نبودن امکانات در

رفع نیازهای اساسی این افراد و رشد و تربیت نیروهای متخصص و کارآمد برای پیشبرد جامعه ، این منبع انسانی که می تواند کارایی های مثبت فراوانی داشته باشد، به صورت یکی از معتقدات جوامع اسلامی در آمده است و در نتیجه ی عدم موفقیت حکومت ها در پاسخگویی به نیازهای اشتغال ، مسکن ، رفاه و ...مشکلات عدیده ای را از قبیل نا امنی ، بی هویتی ، و عدم اعتماد به نفس نظام فاسداداری و ...به وجود آورده و زمینه را برای پذیرش فرهنگ های فاسد غرب فراهم نموده است . ;

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان((علیهم السلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صادق((علیه السلام)) آمده است که می فرماید: «نوروز، روزی است که پروردگار از بندگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نورزند و به فرستادگانش و امامان((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهاییم; زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.»(۱) در روایتی دیگر از معصوم((علیه السلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسد، غسل کنید، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطّر سازید و در آن روز، روزه گیرید.»

در برابر این روایات، روایتی دیگر است منسوب به حضرت امام موسی بن جعفر((علیه السلام)) که در پاسخ درخواست منصور(عبّاسی) بر این که حضرت هنگام عید نوروز در جایی بنشیند و به دیگران تبریک و تهنیت گوید، می فرماید: «در اخبار جَدّم]رسول الله(صلی الله علیه وآله)[خبری از این روز]نوروز[نیافتم.»(۳) مرحوم مجلسی پس از ذکر این روایت، می گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیّه کنیم.»

به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در

۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲.

(۲)۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰.

آن، نافرمانی خدا نشود، عید است.»(۱) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند

و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به سنّتهای نادرست و نامعقول خویشتنداری کنیم.

عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علّت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳.

۱۴۱۱

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است; هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرّم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلایند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۵۹

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۰

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پرسش

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پاسخ

متأسّفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرفتر از ایمانشان قدرت خدا است. حتّی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند; کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است.

به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکّل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صله رحم و دستگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی((علیه السلام)) در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۱

هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟

پرسش

هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟

پاسخ

در اسلام هیچ هنگامی به گونه ای نُحُوست ندارد که تغییر ناپذیر باشد. اگر برخی زمانها در برخی احادیث نحس شمرده شده

است، در روایاتی دیگر نیز آمده است که با صدقه و دعا، نُحُوستی در کار نیست. باید توجّه داشت که اعمال ناشایست انسان موجب نامیمونی و اعمال شایسته موجب میمونی ایّام می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۲

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه((علیهم السلام)) نوعی تعظیم شعائر است؟

پرسش

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه((علیهم السلام)) نوعی تعظیم شعائر است؟

پاسخ

شکی نیست که باید در موقع سالگرد شهادت تمام امامان((علیهم السلام)) بلکه تولّد آنان هم شیعه مراسمی را به عنوان احترام و بزرگداشت آنان برگزار کند گرچه تعطیل نوعی احترام و بزرگداشت به شمار می آید که در مورد بسیاری از امامان ما این نوع از احترام چه به صورت رسمی و چه غیر رسمی در بسیاری شهرها وجود دارد و لکن وظیفه این است که برنامه هایی طرح، شود مانند اینکه مجالسی تشکیل شود و با سخنرانی و یادآوری شرح زندگی و مصائب و فداکاریهایی آنان شناخت بیشتری درباره آن امامان((علیهم السلام)) فراهم گردد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۹

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پرسش

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پاسخ

باید توجّه داشت که تعظیم شعائر دینی از مهم ترین وظائف هر مسلمان و بلکه بر شیعه ای است، اگر ما معتقدیم که به فرموده امام خمینی((رحمه الله)) «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» و اگر می دانیم که دشمنان خاندان پیامبر((صلی الله علیه وآله))سعی داشتند اسلام را از اساس نابود کنند، امّا امام حسین((علیه السلام)) با فداکاری و شهادت اهل بیت و یارانش، سبب احیای دین رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) و شریعت اسلام شد; باید بپذیریم که زنده نگه داشتن و

گرامی داشتن عاشورا در واقع احیای اسلام و مکتب قرآن است، آن گاه به جای مخالفت با این امور، تلاش و اندیشه خود را در این مسیر خواهیم انداخت که بر شکوه و کار آمدی آن بیفزاییم.

آری، این که چگونه باید به تعظیم و تکریم شعائر مذهبی پرداخت، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد; ولی مسلّماً اصل این مراسم چه در شهادت ها و چه در تولّدها و جشنها باید به شیوه ای بسیار باشکوه باشد، شیوه ای که خاطرات و یادهای چهارده قرن را همچنان تا قیام حضرت حجّه((علیه السلام)) به بهترین نحو زنده و پوینده نگه دارد. تا اسلامی که با همین عزاداریها و یا جشن تولّد ائمه((علیهم السلام))به ما رسیده است به نسلهای بعد منتقل شود; که حیات دین به حیات شعایر الهی است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۰

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پرسش

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پاسخ

یك موضوع می تواند از جهات مختلف چند جور تفسیر و بیان شود مثلا یك شخص برای شاگرد خود معلّم است امّا برای فرزند خود پدر و برای یک راننده مسافر است. با اینکه در همه این موارد یك نفر است پس از آنجا که بهترین نوع مردن شهادت است و یک توفیق محسوب می شود می توان تبریك گفت و از آنجا که فقدان یك مؤمن و یك عزیز از بین امّت، کم شدن یك نیروی با ارزش و هجران از اوست می توان تسلیّت گفت. چنانکه در حدیث آمده وقتی دانشمندی بمیرد رخنه ای در اسلام ایجاد می شود که چیزی آن را پر نمی کند و حال آنکه خود آن شخص مرگ در راه حق را افتخار می داند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرّم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلایند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پرسش

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پاسخ

متأسّفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرف تر از ایمانشان قدرت خدا است. حتّی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند؛ کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است.

به فرض که عـدد سیزده نحس باشـد، راه گریختن از آن، توکّل به خـدا و دعا و نیایش و صـدقه و صـله رحم و دسـتگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی((علیه السلام)) در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان((علیهم السـلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صـادق((علیه السـلام)) آمـده است که می فرمایـد: «نوروز، روزی است که پروردگار از بنـدگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نورزند و به فرستادگانش و امامان((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سـختیهاییم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.»(۱) در روایتی دیگر از معصوم((علیه السـلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسـد، غسل کنیـد، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطّر سازید و در آن روز، روزه گیرید.»

در برابر ایـن روایـات، روایـتی دیگر است منسـوب به حضـرت امـام موسـی بن جعفر((علیه السـلام)) که در پاسـخ درخواسـت منصور(عبّاسـی) بر این که حضـرت هنگـام عیـد نوروز در جایی بنشـیند و به دیگران تبریک و تهنیّت گویـد، می فرمایـد: «در اخبـار جَـدّم]رسول الله(صـلی الله علیه وآله)[خبری از این روز]نوروز[نیافتم.»(۳) مرحـوم مجلسـی پس از ذکر این روایت، می گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیّه کنیم.»

به هر حـال، نبایـد فراموش کنیم که حضـرت علی((علیه السـلام)) می فرمایـد: «هر روزی که در آن، نافرمـانی خـدا نشود، عید است.»(۴) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشـغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند و او را از ما خشـنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به

۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲.

- ۲(۲)

وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰.

۴ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳.

سنّتهای نادرست و نامعقول خویشتن داری کنیم.

عبادت خداونـد و قرائت قرآن و پـاکی و نظـافت خـانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشـی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سـفره هفت سـین و برگزاری مراسم چهارشـنبه سوری، چون علّت عقلانی و شـرعی نـدارد، محکوم و مطرود است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان((علیهم السـلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صـادق((علیه السـلام)) آمـده است که می فرمایـد: «نوروز، روزی است که پروردگار از بنـدگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نورزند و به فرستادگانش و امامان((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سـختیهاییم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.»(۱) در روایتی دیگر از معصوم((علیه السـلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسـد، غسل کنیـد، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطّر سازید و در آن روز، روزه گیرید.»

در برابر ایـن روایـات، روایـتی دیگر است منسـوب به حضـرت امـام موسـی بن جعفر((علیه السـلام)) که در پاسـخ درخواسـت منصور(عبّاسـی) بر این که حضـرت هنگـام عیـد نوروز در جایی بنشـیند و به دیگران تبریک و تهنیّت گویـد، می فرمایـد: «در اخبـار جَـدّم]رسول الله(صـلی الله علیه وآله)[خبری از این روز]نوروز[نیافتم.»(۳) مرحـوم مجلسـی پس از ذکر این روایت، می

گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیّه کنیم.»

به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در

۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲.

(۲)۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰.

آن، نافرمانی خدا نشود، عید است.»(۱) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند

و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به سنّتهای نادرست و نامعقول خویشتنداری کنیم.

عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علّت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳.

۱۴۱۱

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرّم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلایند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۵۹

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۰

چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟

پرسش

چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟

پاسخ

ریش گذاشتن و نتراشیدن آن مخصوص روحانیون و بسیجیان نیست. بلکه باید تمام مسلمانان از تراشیدن آن اجتناب کنند. زیرا مراجع تقلید فعلی و گذشته، بنا بر تحقیقاتی که در این باره در منابع اسلامی داشته اند، تراشیدن ریش را جایز ندانسته و یا حرام می دانند. (مسائل جدید، ج ۱، ص ۷۴)

همان گونه که ما هنگام مراجعه به پزشک و گرفتن دارو از خصوصیات داروها سؤال نکرده و یا کمتر می پرسیم. زیرا به علم و تخصص او در رشته پزشکی معتقدیم و می دانیم که جز معالجه و بهبود ما، منظور دیگری ندارد، هنگام عمل به دستورات اسلامی نیز باید چنین باشیم و تعبّد و تسلیم شدن در برابر آن دستورات را سرلوحه افکار خود قرار دهیم. البته، دین مبین اسلام، علت بسیاری از امر و نهی ها را بیان کرده و چنین نیست که علت دستورات شرعی نامعلوم و نامشخص باشد.

برخی از دلایل که تا کنون برای نتراشیدن ریش معلوم شده، عبارت است از:

۱- هرگاه صورت تراشیده شود، میکروب های مختلف در منفذهای پوست صورت جای گرفته و به وسیله همان سوراخ های ریز راهی برای پیشرفت خود باز می کنند.

۲- تراشیدن ریش به علت تحریک دائمی و مکرر پوست صورت، موجب شکستگی و پژمردگی آن می شود.

۳- تکرار تراشیدن ریش، علاوه بر از بین بردن زیبایی و روشنی چهره، در هر مرتبه اثری از خود باقی می گذارد که صورت را کم کم سیاه و گرفته می کند.

۴- تراشیدن ریش، ایجاد جوش نموده و موهای صورت را سفید می کند.

البته غیر از موارد مذکور، توجه به نکات ذیل نیز درباره ریش مفید

است:

۱- ریش، یکی از امتیازات ظاهری بین زن و مرد است.

۲- ریش، باعث وقار مرد می باشد. مخصوصاً برای مردی که پاکیزه و با کمال است.

۳- ریش، صورت های لاغر و زشت نما را زیبا جلوه می دهد.

۴- چون معصومین (ع) و بزرگان با آن همه قیافه های جالب و زیبا این زینت ظاهری را حفظ می کردند، پس پیروی کردن از این بزرگان، پسندیده عقل و دانش است.

(با استفاده از: ۱- فلسفه احکام، تألیف مؤسسه در راه حق؛ ۲- علوم روز و قرآن، تألیف سید جواد افتخاریان.)

در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهن مشکی خودداری می نمایند استدعا دارم وجه شرعی این چنین رسومی را بیان بفرمایید.

پرسش

در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهن مشکی خودداری می نمایند استدعا دارم وجه شرعی این چنین رسومی را بیان بفرمایید.

پاسخ

این مسائل جزء رسومات محلی و عرفی است که بیشتر جنبه احترام دارد و عدم اصلاح سر و صورت بهتر است با نظافت و پاکیزگی همراه باشد. و در شرع به مسائلی از قبیل قرائت قرآن (فاتحه) انفاق، ذکر مصیبت اولیاء خدا مخصوصاً اهل بیت علیهم السلام و جبران واجباتی که از میت ترک شده مانند نماز، روزه، خمس، زکات و... تأکید شده است.

و در عدّه زنی که شوهرش مرده و باید بعد از فوت شوهرش تا ۴ ماه و ۱۰ روز از شوهر کردن خودداری کند حضرت امام (ره) می فرمایند:

»زنی که در عده وفات می باشد، حرام است لباس الوان (رنگی) بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای

دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می باشد. (رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله ۲۵۱۸)

زنی که در عده وفات می باشد، حرام است لباس های رنگارنگ بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود براو حرام می باشد. (رساله توضیح المسائل آیه الله بهجت، مسأله ۱۷۷۶)

نظرات سایر مراجع تقلید در خصوص حرمت زینت زن در ایام عده وفات مشابه است.

مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟

پرسش

مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟

پاسخ

ولیمه دادن در عروسی مستحب است و خوب است که یک یا دو روز باشد نه بیشتر. و شایسته است مؤمنان - اعم از فقیر و غني - دعوت شوند و تنها به توانگران اختصاص نداشته باشد. مقدار و نوع ولیمه موکول به عرف است. حد متعارف مراعات و از اسراف و تبذیر پرهیز شود.

از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟

پرسش

از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟

پاسخ

مسؤول فرهنگی یک پایگاه بودن، تکالیف خاصی در جامعه و کانون خانواده به وجود نمی آورد. عقایدش باید همان عقایدی باشد که دیگران دارند و در سیاست باید از رهبر خود پیروی کند و بس. ولی از آنجا که یک مسؤول فرهنگی در رأس یک تشکیلات هر چند جزیی و محدود، قرار می گیرد، از نظر اجتماعی باید نکاتی را رعایت نماید؛ از جمله:

۱- از مقام و موقعیّت خود سوء استفاده ننمایند، تکبر نفروشد و بسیجی بودن و یا مسؤول پایگاه بودن را وسیله تحقیر دیگران نشمارد و خود را در یک سنگر شکست ناپذیر نبیند. بلکه با مردم با احترام و تواضع برخورد نماید. مخصوصاً به جوانان و نوجوانان مهر و علاقه نشان دهد. در حدی که آنها با دیدن اخلاق و ادب او، به بسیج علاقه مند شوند و فرق بسیجی و غیربسیجی را در عمل ببینند.

۲- نسبت به عقاید دینی و مذهبی خود بیشتر آگاهی بیابد تا اطلاعات مذهبی اش لااقل از زیردستان خود بیشتر باشد.

۳- مسؤولان فرهنگی نسبت به تشکیل کلاس های عقیدتی و اخلاقی، حساس و جدی باشند. هر مقدار که می توانند در بعد تربیتی گام های مؤثرتری بردارند و در این جهت بسیجیان را به سفرهای زیارتی - سیاحتی ببرند و اردوهای آموزشی و تربیتی تشکیل دهند.

چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین (و دیگر ائمه (گریه می کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی دهند بلکه در هر مکان مذهبی و هر سخن مذهبی گریزی به عاشورا می شود و مردم گریه می کنند. این امر باعث می شود روح افسردگی بر جامعه

حاکم شود و اصلاً چنین چ

پرسش

چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین (و دیگر ائمه (گریه می کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی دهند بلکه در هر مکان مذهبی و هر سخن مذهبی گریزی به عاشورا می شود و مردم گریه می کنند. این امر باعث می شود روح افسردگی بر جامعه حاکم شود و اصلاً چنین چیزی به مردم القاء می شود که

حتی اگر گریه هم نمی کنید تباکی کنید در حالی که تباکی اصلاً ریا است آیا دین ما این را می پسندد؟

پاسخ

مقدمه: گاهی پاسخ به نحوی ارائه می شود که گوئی قیام حضرت در یک شرایط بخصوص تحقق پیدا کرده و می کند. در این صورت فایده این درسها مربوط به زمانی می شود که دارای آن شرایط باشد. امّا در غیر آن شرایط مثل دوران کنونی، این سئوال پیش می آید که ذکر قیام عاشورا چه ضرورتی دارد؟ مانند اندیشه منحصر کردن و اختصاص آیات به شأن نزول آنها.

نکته مهم در این است که فلسفه عاشورا را به گونه ای بیان کنیم و توضیح دهیم که پیام آن همه زمانها را دربرگیرد و قیام حسینی مربوط به زمان خاصی نباشد. "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا".

اجتماع و تاریخ صحنه ای از بروز و ظهور درگیری درونی وجود انسان است. یعنی گرایشات عالی و الهی انسان با گرایشات حیوانی و غریزی او درگیر می شوند و انسان بر حسب فطرت، گرایش به معنویات دارد و صفات انسانی دعوتی از درون به سوی بخشش و رحمت و وفاداری به مردم و سایر صفات الهی می کند. اما غریزه دعوتی به اینکه انسان قید و بندها را رها کند و بخاطر حقوق دیگران خود را از تمتّع و لذّات غریزی منع نکند و بخاطر صفات انسانی از تعرض به اموال دیگران خودداری نکند. این یک جهاد حقیقی است که همیشه وجود دارد اگرچه در بیرون ظاهر نشود.

در واقع صحنه اجتماع، صحنه بروز همین درگیریها است کسانی در راه امیال غریزی و حیوانی مبارزه می کنند و کسانی در راه تحقق اهداف انسانی و الهی .

و اجتماع عرصه این رویاروییها است در همیشه زندگی و در همه جا. نتیجه اینکه جهاد اصغر ظهوری از جهاد اکبر است و امام از طریق جهاد اصغر درس همیشگی جهاد اکبر را به ما می آموزد. اگر در جهاد اصغر سر مبارک سیدالشهداء (از تن جدا گشت معنای واقعی آن، این بود که در جامعه آن روز شهوت برسینه وفا نشست و سر عشق و پرستش خدا را از تن جدا کرد. همین واقعیت در درون ما نیز هست. حسین درون ما که دعوت به گرایشات الهی می کند در مصاف با غریزه و شهوت درون یا بر زمین افتاده و شهوت بر سینه او نشسته مضروب و مجروح، و یا مقتول و شهیدش ساخته یا آنکه آزاد و فرمانروا است زیرا فطرت سخنی غیر از دعوت به حق ندارد. اما اینکه ما با آن گرایشات الهی می کند در مصاف با غریزه و شهوت درون یا بر زمین افتاده و شهوت بر سینه او نشسته مضروب و مجروح، و یا مقتول و شهیدش ساخته یا آنکه آزاد و فرمانروا است زیرا فطرت سخنی غیر از دعوت به حق ندارد. اما اینکه ما با آن

چگونه معامله می کنیم، جا دارد هرکسی خود درباره خود به قضاوت بنشیند. از این رو عاشورا درس زندگی است و مختص به وقت و زمان خاصی نیست از این نظر ما منتظر وقوع حادثه ای در تاریخ نمی مانیم تا جبّاری به ظهور برسد و بعد برای مقابله با او از سیره حضرت استفاده کنیم. شیهد مطهری می فرمایند: "(استمرار عاشورا) به خاطر آموزندگی آن است، به خاطر آن است که یک درس تاریخی

بسیار بزرگ است. برای اینکه یک درس را انسان مورد استفاده خودش قرار بدهد، اول باید آن درس را بفهمد و حل کند."۱

دیگر اینکه ما می توانیم با حکومت شیطان که بر مملکت وجودما حاکم است مبارزه کنیم. چنانکه امام (می فرمایند که جنود شیطانی بر مملکت ما حاکم است و ما باید جنود الهی را حاکم کنیم.

بنابراین جهاد اصغر در بیرون بروز جهاد اکبر در درون است که همیشه برپاست و وقتی در یک شرایط خاص تاریخی به ظهور می رسد الگوی حسی و تاریخی از آن ارائه می کند.

پس همیشه به شنیدن تفسیر زندگی انسانی خودمان و راه عشق و پرستش نیازمندیم مخصوصاً که بازیگران حماسه عاشورا، شخصیتهایی هستند که در عالی ترین شکل خود نقش الهی شان را ایفا کردند و درس چگونه زیستن و چگونه مردن را به ما دادند. و اگر کسی تفسیری غیر از این درباره عاشورا ارائه کند که آنرا از شمول بیندازد تفسیردرستی از قیام حضرت ارائه نکرده است. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: "اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام بر علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است اما در باطن یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و ایمان و برای عزّت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند... مبارزه امام حسین (دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد. اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین (بتواند بر حکومت یزید پیروز بشود و قدرت را از چنگ آن کسانی که

با زور بر سر مردم می کوبیدند و سرنوشت مردم را تباه می کردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کـار صورت می گرفت، البته بـاز مسیر تاریـخ عوض می شـد. یـک وجه دیگر این بود که امام حسـین نتوانـد به هر دلیلی این پیروزی سیاسـی و نظامی را بدست بیاورد، آن وقت امام حسـین در این جا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریـخ تا ابـد آن را فراموش نخواهـد کرد، حرف خود را مثل یـک جریان مـداوم و غیر قابل انقطاع در تاریـخ به جریان می انـدازد و این کـار را امـام حسـین (کرد.... اگر مـا پیـام امـام حسـین را زنـده نگه می داریم، اگر نام امام حسـین را بزرگ می شمـاریم، اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می دانیم و برای آن ارج می نهیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره امام حسـین را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدفها برسیم و ملت ایران ان شاء الله خواهد رسید."۲

و اما در خصوص تباکی باید گفت که رعایت حال دیگران مثل تباکی در نزد انسان مصیبت زده هرچند که انسان شاد باشد

۱ حماسه حسینی، شهید مطهری، ج ۲، ص ۱۴

۲ حرف دل، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری درباره نهضت حسینی، ص ۱۹، ۱۸، ۱۲، ۱۱

مسأله مداحی درعزاداریها ومراسـمات گوناگون ازبحث شرعی یاغیر شرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضی جاها از خود چیزهایی درآورند)

پرسش

مسأله مداحی درعزاداریها ومراسـمات گوناگون ازبحث شرعی یاغیر شرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضی جاها از خود چیزهایی درآورند)

پاسخ

مدح مناقب اهل بیت عصمت وطهارت کاری بسیار تأثیرگذار وبا اهمیت است ، درروایات هم ازچنین عملی تجلیل شده است، لیکن هرعملی ازاعمال انسان حدودوشـرائط خاص خودرا دارد که مـداحی نیز مسـتثنی نمی باشـد ، اینکه مـداح مراقبت نماید مطـالب کـذب رابه ائمه (ع) نسـبت نـده ویاجملاـتی که منـاسب باشأن ومقـام آن بزرگـواران نیست دراشـعار خـود بکـارنبرد ویارعایت امانت درنقل مطالب رابنماید، اما حکم فقهی آن اینستکه اصل مداحی نه تنها شرعی است بلکه چه بسا کاربافضیلتی هم هست ولی نسبت کـذب به ائمه ویانقل قول دروغ وحوادث ساختگی حرام است چون ازمصادیق دروغ می باشـد البته نقل ازکتب باذکر منبع یابیان زبان حال اگر غیر مناسب باشأن افراد نباشد اشکالی ندارد.

چرا در صحن های حرم رضوی مردم نمی توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار

پرسش

چرا در صحن های حرم رضوی مردم نمی توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار

پاسخ

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظایف آستان قدس رضوی می باشد عین نامه حضرتعالی را به آن اداره محترم ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

فلسفه سینه زنی در عزای اباعبدا...الحسین(و دیگر ائمه اطهار(چیست؟ و شیعیان با سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟

پرسش

فلسفه سینه زنی در عزای اباعبدا...الحسین(و دیگر ائمه اطهار(چیست؟ و شیعیان با سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟

پاسخ

خدای متعال انسان را به گونه ای آفریده است که هنگامی که چیزی را می بیند یا مناظری را مشاهده می کند، تأثیری می پذیرد که هیچ گاه گفته ها، شنیده ها و دانسته ها، آن اثر را ندارد. هرگاه صحنه هایی را بسازیم و بازسازی کنیم، خواه در قالب سنّتی و یا با استفاده از روشهای جدید و به صورت نمایش و فیلم، به گونه ای که جریان عاشورا را برای مردم مجسّم کند، بازسازی آن صحنه ها و نشان دادن آنها اثری دارد که گفتن و دانستن آنها نمی توانند آن اثر را داشته باشند.

نمونه این مسأله را خود شما بارها تجربه کرده اید. مکرراً حوادث عاشورا را شنیده اید و در ذهن شما جای گرفته است. می دانید امام حسین(روز عاشورا چگونه به شهادت رسید، اما آیا دانسته های شما اشک شما را جاری می کند؟ وقتی در مجالس شرکت می کنید و مرثیه خوان مرثیه می خواند، مخصوصاً اگر لحن خوبی هم داشته باشد و به صورت جذابی داستان کربلا را برای شما بیان کند، آنگاه می بینید که بی اختیار اشک شما جاری می شود.

این شیوه می تواند در تحریک احساسات شما تأثیری داشته باشد که خواندن و دانستن چنان اثری را ندارد. به همین نسبت آنچه دیده می شود به مراتب مؤثرتر از شنیدنی ها است. منظور از این توضیحات آن بود که ما علاوه بر اینکه باید بدانیم چرا اباعبدا...(قیام کرد، و بدانیم که چرا مظلومانه شهید

شـد، بایـد این مطلب به گونه ای بازسازی شود تا حتی المقدور بهتر بشـنویم و ببینیم تا عواطف و احساسات ما بیشتر برانگیخته شود. هر انـدازه اینهـا در برانگیخته تر شـدن عواطف و احساسـات ما مؤثرتر باشـد، حادثه عاشورا در زنـدگی ما مؤثرتر خواهد بود. باید صـحنه هایی در اجتماع به وجود آید که مردم را تحریک کند. مردم همین که صـبح از خانه بیرون می آیند می بینند شهر سـیاه پوش شـده است، پرچم هـای سـیاه نصب شـده است، خود این تغییر حـالت، دلها را تکان می دهـد، گرچه مردم می داننـد فردا محرم است، اما دیـدن پرچم سـیاه اثری را در دل آنها می گـذارد که دانسـتن این که فردا اول محرم است آن اثر را نمی گذارد. راه انداختن دسـته های سـینه زنی با آن شور و هیجان خاص خود می تواند آثاری را به دنبال داشته باشد که هیچ کار دیگر آن آثار را ندارد.

نمونه چنین تأثیری را می توانید در زندگی فردی و اجتماعی خود بیابید. به خصوص در این سی چهل سال اخیر که حرکت

حضرت امام(علیه دستگاه طاغوت و کفر شروع شد. ملاحظه کردید که در ایام محرم و صفر نام سیدالشهداء(و عزاداری

سیدالشهداء(مردم را به حرکت وادار می کرد. این شور و هیجان جز در ایام عاشورا پیدا نمی شود. و جز با همین مراسم سنّتی عزاداری یـانظیر آن حاصـل نمی شود، بایـد عمـل کرد و رفتاری نشان داد که احساسات و عواطف مردم را تحریک کنـد، آن گاه اثربخش خواهد بود. اینجاست که متوجه می شویم چرا امام(بارها می فرمود : "آنچه

داریـم از محرم و صـفر داریم."(۱) چرا این همه اصـرار داشت که عزاداری به همـان صـورت سـنّتی برگزار شود.(۲) چون در طول سیزده قرن تجربه شده بود که این امور نقش عظیمی در برانگیختن احساسات و عواطف دینی مردم ایفا می کند و معجزه می آفریند.(۳) و برپایی اینگونه مراسم عزاداری در قالب روضه، سینه زنی، زنجیرزنی، و ... عشق به جانبازی و شهادت در راه اسـلام و مقدسات را در وجود شیعیان حضرتش به وجود می آورد و به قول استاد شهید مرتضی مطهری"ره" : "در رثای [امام حسـین(به عنوان یک] قهرمان بگرییـد [و عزاداری کنیـد] برای اینکه احساسات قهرمانی پیـدا کنید. برای اینکه پرتوی از روح قهرمان در روح شـما پیدا شود و شـما هم تا اندازه ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالتخواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنیـد، شـما هم آزادیخواه باشـید، برای آزادی احترام قائل باشـید، شـما هم سـرتان بشود که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسانیّت یعنی چه، کرامت یعنی چه؟!

خلاصه آنچه مذکور شد، چنین خدمت شما عرض می کنم :

بـا تـوجه به اینکه اعمـال مـا ناشـی از خـواست قلب و توجهـات دل می باشـد و اینکه فهم و علم فقـط مقـدمه عمـل است، اگر بخواهیم زنـدگی خود را بر اسـاس سـیره معصومین(مخصوصـاً امـام حسـین(قرار دهیم بایـد علاوه بر فهم دقیق واقعه عاشورا، تمایلات قلب را نیز متوجه قیام و اهداف امام حسـین(کنیم و از اموری که قلب را آماده پذیرش افکار و اندیشه ها و سیره امام حسین(می کند همین عزاداری و گریه کردن

و سینه زنی و ... است و شیعیان با انجام این مراسمات در واقع افکار و عقاید خود را در مورد امام حسین(از فکر به قلب می رسانند واین همان معرفی هست که در روایات بیان شده است و از شیعیان خواسته شده است تا با معرفت به زیارت قبور معصومین (بروند.

منابع و مآخذ :

۱. صحیفه نور، ج۱۵، ص۲۰۱

۲. همان

۳. آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، استاد محمد تقی مصباح یزدی

حماسه خمینی، ج۱،ص۲۳

با توجه به اینکه شهادت امام حسین(در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟

پرسش

با توجه به اینکه شهادت امام حسین(در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟

پاسخ

ائمه معصومین(تأکید زیادی بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره حماسه کربلا داشته اند، و فلسفه احیاء این امر اینست که هدف کلی این نهضت برای همیشه زنده بماند و فلسفه خاصی از طرف پیشوایان دین توصیه شده است که این جریان به عنوان یک مصیبت یادآوری شود، و مردم بر آن بگریند، اما گریاندن و گریه کردن صرف، هدف اصلی عزاداری و تعزیه خوانی نمی باشد تا بگوییم روز شهادت امام حسین(دهم محرم است. چرا از اول محرم مراسم عزاداری و گریستن آغاز می شود، بلکه هدف، شناختن این واقعه و تطبیق آن با شرایط روز و حرکت در مسیر اهداف امام حسین(است.

استاد مطهری"ره" در این زمینه می فرمایند : "ائمه اطهار گفتند که این حادثه باید زنده بماند، فراموش نشود و مردم بنشینند و بگریند. چرا چنین گفتند؟ هدف آنها از این دستور چه بوده است، اینجا یک هدف واقعی است و یک هدف مسخ شده! یکبار آمدیم گفتیم این فقط به خاطر اینست که یک تسلی خاطری برای حضرت زهرا(باشد؛ ایشان با اینکه در بهشت هستند با اینکه همراه فرزند بزرگوارشان هستند ... خود امام حسین(در روز اول فرمود : "و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف" چقدر مشتاق هستم که به اسلافم (جدم، پدر و مادرم) ملحق شوم، اشتیاقی زیاد چون اشتیاقی که یعقوب برای دیدن یوسف داشت. با اینکه امام حسین(ملحق به مادرش هست، مع ذلک حضرت زهرا(در بهشت نشسته،

دائماً بی تابی می کند و ما مردم بی سر وپا باید بیاییم یک مقدار گریه کنیم که حضرت زهرا تسلی خاطر پیدا کند، آیا شما توهینی بالاتر از این برای حضرت زهرا(پیدا می کنید؟!

دیگر گفتند : (علت دستور گریه چیز دیگری است) امام حسین(بی تقصیر در کربلا به دست یک عده مردم تجاوز کار کشته شد، پس این تأثرآور است باید متأثر بود. من هم قبول دارم امام حسین(بدست یک عده مردم ظالم متجاوز کشته شد، اما همین؟ یک آدم بی تقصیر به دست آدمهای با تقصیر کشته می شود، روزی هزار نفر آدم در دنیا به اصطلاح نفله می شوند تأثر آور هم هست اما آیا این نفله شدنها ارزش دارد که قرنهای زیادی، ده قرن، بیست قرن، سی قرن ادامه پیدا کند؟... خیر آنها که آمدند توصیه کردند که باید عزای حسین زنده بماند، چون او یک مکتب به وجود آورد، می خواستند مکتبش زنده بماند.(۱) ... وقتی بخواهیم به جامعیت اسلام نظر بیفکنیم باید نگاهی به نهضت حسین بکنیم، می بینیم امام حسین(کلیات اسلام را در کربلا به مرحله عمل آورده، مجسم کرده است ولی تجسم زنده و جاندار حقیقی و واقعی، نه تجسم بی روح(۲) ... آنچه که در حسین بن علی(در این حادثه عاشورا و در آن ابتلا و مصیبت پیدا شد از توحید، از جلوه ایمان، از جلوه خداشناسی، از ایمان کامل به جهان دیگر، از رضا، از تسلیم، از صبر، از استقامت، از مردانگی، از طمأنینه نفس، از ثبات ، از عزت نفس، از کرامت نفس، ازآزادیخواهی، از آزادی طلبی، از اینکه در فکر انسانها

باشـد، از اینکه در خـدمت انسانها باشـد، اگر شـما نمونه ای در دنیا پیـدا کردید، آنوقت بگویید چرا ما نام حسـین بن علی(را زنده کنیم. (دستور آنها) برای اینست که بلکه پرتوی از روح حسینی در روح ما و شما بتابد، اگر اشکی که برای او می ریزیم در مسیر هماهنگی روح ما باشد، روح ما پرواز کوچکی با روح حسینی بکند، ذره ای از همت او، ذره ای از غیرت او، ذره ای از حرّیت او ذره ای از تقوای او، ذره ای از توحیـد او در مـا بتابـد و چنین اشـکی از چشم مـا جـاری شود آن اشک هر چقـدر دلتان بخواهد قیمت دارد."(۳)

البته در حـادثه کربلاـ از جنبه دیگری نیز اسـلام نمـایش داده می شود. ما در حادثه کربلا به جریان عجیبی برخورد می کنیم و آن این که می بینیم در این حادثه مرد نقش دارد، زن نقش دارد، پیر و جوان و کودک نقش دارند، سـفید و سیاه نقش دارند، عرب و غیرعرب نقش دارند، طبقات و جنبه های مختلف نقش دارند، ... اینکه عرض می کنم زن نقش دارد منحصر به زینب(نیست، در این زمینه داستانها داریم، ما در کربلا یک زن شهید داریم و آن، زنِ جناب عبدا...بن عمیر کلبی است. دو زن دیگر داریم که رسـماً وارد میـدان جنگ شدنـد ولی اباعبدا... مانع شد و به آنها فرمود که برگردید و آنها برگشـتند. مادرهایی ناظر شهادت فرزندانشان بودند و این را در راه خدا به حساب آورده اند.(۴)...

دوست عزیز، با توجه به مطالبی که به عرضتان رسید، باید گفت زنده نگه داشتن خاطرات کربلا که احیاء

کلیات اسلام است با یک روز عملی نیست و نیاز به فرصت و وقت کافی دارد، و علاوه بر آن تکرار مسأله و بیان آن از طرق مختلف، همانطور که در روانشناسی این مسأله اثبات شده است، به تربیت افراد و رشد جامعه کمک خواهد کرد.

منابع و مآخذ :

۱. حماسه حسینی،ج۱،استاد مطهری،ص۱۰۵

۲. همان، ص۳۸۴

۳. همان، ص۱۰۷-۱۰۶

همان، ۳۸۴

آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟

پرسش

آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟

پاسخ

در سؤال شما نکته ابهامی است و آن اینکه "این نوع عزاداری" منظور کدام نوع عزاداری است، در هر صورت نکاتی را به شرح زیر تقدیم می کنم.

۱.عزاداری اباعبدا...? ریشه روایتی دارد. علامه امینی با بیش از ۷ حدیث با سند صحیح که اهل سنت نیز آنها را نقل کرده اند از گریستن رسول ا...(در روز تولد امام حسین(، اولین سال تولد امام، و دومین سال تولد امام خبر می دهد. همچنین در روایتی از گریستن امام علی(به هنگام عبور از کربلا در زمان جنگ صفین خبر می دهد، و بعد از ذکر چند روایت از سلیمان بن احمد نقل می کند که "همواره می شنیدیم که او را در سرزمین کربلا می کشند." اینک به نقل کامل یک روایت بسنده می کنیم. اولین سوگواری در اولین لحظات تولد : اسماء بنت عمیس قابله فاطمه(بود، گریه پیامبر را به هنگام دیدن قنداق دید و پیامبر (فرمود : "ای اسماء این پسرم را گروه ستمگران می کشند، خداوند شفاعتم را به ایشان نرساند."(۱)

۲. در عزاداری، انجام هر گونه اقدامی که با اعتدال اسلامی و فطرت انسانی تناسب ندارد یا موجب وهن دین می شود، ناصحیح است. مصادیق مختلف عزاداری که اشکالی ندارد. گر چه ممکن است در دین به آن امر نشده باشد در فتاوای رهبر انقلاب چنین آمده است : (۲)

۱- شبیه خوانی : اگر مشتمل بر امور دروغ نباشد مستلزم مفسده نباشد باعث وهن مذهب نشود.

۲- استفاده از شیپور، طبل و سنج : به نحو متعارف

۳- عَلَم :

نباید جزء دین شمرده شود.

۴- دسته عزداری : بدون اذیت دیگران یا هر عملی که حرام باشد.

۵- زنجیر زنی : به نحو متعارف

و مواردی که در فتاوی ایشان، جایز دانسته نشده است عبارتست از :

۱- زنجیر زدن تیغ دار، ۲- استفاده از اُرگ در دسته جات، ۳- سوراخ کردن گوشت بدن، ۴- مالیدن سر و صورت بر زمین و خونی کردن آن، ۵- شرکت زنان در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی، ۶- قمه زدن، ۷- پابرهنه وارد آتش شدن.

منابع و مآخذ :

۱. راه و روش ما راه و روش پیامبر ماست، علامه امینی ، ترجمه موسوی همدانی، ص۶۴ تا ۱۹۸

۲. رساله اجوبه الاستفتائات، ج۲، ترجمه فارسی، سؤال ۳۵۴ تا ۳۷۷ ، از ص۱۲۷ تا ۱۳۳

درخصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید. و واقعاً درست است که مثلاً یکی دیـده ام که غلاده سگ را به گردن انداخته بود و از این قبیل کارها انجام می دهند و اگر درست است پس حضـرت زهرا(و حضـرت زینب(و ... که بخواهند و

پرسش

درخصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید. و واقعاً درست است که مثلاًـ یکی دیـده ام که غلاـده سـگ را به گردن انـداخته بود و از این قبیـل کارهـا انجام می دهنـد و اگر درست است پس حضرت زهرا(و حضرت زینب(و ... که بخواهند وارد مجلس شوند با این بدنهای نامحرم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

الف در عزاداری انجام هر گونه اقدامی که با اعتدال اسلامی وفطرت انسانی تناسب ندارد یا موجب وهن و توهین به اسلام و مسلمانان است، ناصحیح می باشد.

مصادیق مختلف عزاداری که اشکال نـدارد گرچه ممکن است در دین به آن امر نشـده باشـد در فتـاوای رهبر فرزانه انقلاب چنین آمده است : (۱)

۱.شبیه خوانی : اگر مشتمل بر امور دروغ نباشد مسلتزم مفسده نباشد، باعث وهن مذهب نشود

۲. استفاده از شیپور، طبل و سنج : به نحو متعارف.

۳. عَلَم : نباید جزء دین شمرده شود.

۴. دسته عزاداری : بدون اذیّت دیگران یا هر عملی که حرام باشد.

۵. زنجیرزنی : به نحو متعارف.

و مواردی که در فتاوای ایشان جایز دانسته نشده است عبارتست از :

۱. زنجیر زدن تیغ دار

۲. استفاده از ارگ در دسته جات

۳. سوراخ کردن گوشت بدن

۴. مالیدن سر و صورت بر زمین و خونی کردن آن

۵. شرکت زنان در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی

۶. قمه زدن

۷. پابرهنه وارد آ تش شدن

۸. نقل مصیبتهایی که سند تاریخی یا روایی ندارد.

ب هدف از عزاداری اظهار حزن و اندوه یا ابراز وفاداری و بیعت با راهی است که اهل بیت به

ما نشان داده اند. بنابراین، مجلس ذکر اهل بیت، مکان ذکر و فکر و شور و شعور در کنار یکدیگر است، و مجالسی که تنها به برانگیختن هیجانات می پردازند و افراد را تا سر حد جنون تحریک می کنند، چنین چیزی بنا بر مکتب اهل بیت نیست، و با توجه به تعدّد جلسات، ما می توانیم بهترین جلسات را انتخاب کنیم.

ج در فتاوای رهبر انقلاب، در مورد قلاده به گردن انداختن و صورت خراشیدن، مطلبی ذکر نشده، اما طبیعی است که از مظاهر وهن دین می تواند باشد، بویژه امسال که شبکه های خبری غربی تصاویر بسیار زننده ای از این کارها را در اروپا و آمریکا پخش کردند و شیعه را بعنوان انسانهایی خشن، دیوانه و افراطی معرفی کردند. در مورد در آوردن لباس آقایان، این کار حرمت شرعی ندارد، اما طبیعی است که بوی زننده عرق، دیگران را اذیت می کند.

منابع و مآخذ :

۱. رساله اجوبه الاستفتائات، ج۲، ترجمه فارسی، سؤال ۳۵۴ تا ۳۷۷ ، از ص۱۲۷ ۱۳۳

در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟

پرسش

در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟

پاسخ

۱.این موضوع مربوط به شخص ایشان نیست و به صورت کلی سنّت حسنه از پیش، نسبت به عالمان دیگر نیز به کار می رفته و می رود. بطور مثال بسیاری از مردم آمل بعد از شنیدن نام آیت ا..علامه حسن زاده آملی وجوادی آملی، سه با صلوات می فرستند. که نشان دهنده ارادت قلبی و احترامی است که به اندیشمندان شهر خود دارند و حتی قبل از انقلاب نیز مردم با شنیدن نام امام صلوات می فرستادند.

۲. اگر به مضمون صلوات دقت کنیم، مشکل حل می شود می گوییم "خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست" پس ما نه برای آقای جوادی آملی، نه برای رهبر و نه برای کس دیگری حرف عجیبی نزدیم بلکه با شنیدن نام آنها به پیامبر خدا و آل او درود می فرستیم. علاوه بر این در روایات مختلفی در باب صلوات آمده است که صلوات در برخورد با بعضی نعمات مستحب است، مثل دیدن باران و نظر به چهره عالِم دینی، و یکی از مصادیق بلکه بهترین مصداق عالِم دینی مقام عظمی ولایت حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای روحی فداه می باشند.

۳. این کار نشان می دهد که:

۱- ما معتقدیم راه پیامبر خدا همان راهیست که این بزرگواران ادامه می دهند در نتیجه با شنیدن نام آنها به یاد پیامبر خدا می افتیم.

۲- ما برای آنها احترام قایل هستیم.

۳- علاقه مند حفظ ارزشها و انتقال فضای معنوی به سطح جامعه هستیم.

۴- در راهی که آغاز کرده ایم استقامت می

ورزیم و از آن خسته نشده ایم و راه رهبر را همان راه امام خمینی(و راه انبیا می دانیم.

رهبر انقلاب در این باره می فرمایند : "الآن کسانی و گروههایی در این مملکت وجود دارند که دلشان می خواهد انقلاب، از ده سال حیات امام، اعلام توبه کنند! این را می دانید؟"(۱)

۵- و عملاً از حریم انقلاب دفاع می کنیم و از حکومت خود جانبداری می کنیم. رهبر انقلاب در این باره می فرمایند : "بگذارید

به خاطر شعار شما، بعضیها از شما اجتناب کنند، من این را می خواهم که عده ای حریم انقلاب را حفظ کنند." و می فرمایند : "باید آن حالت طرفداری و جانبداری از حکومت و دولت به عنوان یک عُرف رایج وجود داشته باشد."(۲)

به همه اینها می گوییم : بصیرت. پس با چشم بینا و درک شرایط زمانه و بدون تعصّب بیجا نسبت به فردی یا گروهی، اقدامی را برای رضای خدا انجام می دهیم و از او طلب یاری می کنیم.

۶. آنچه گفتیم مرتبه ای است از تولّی و تبرّی، که از فروع دین ماست. یعنی دوست داشتن دوست خدا، و دشمن داشتن دشمن خدا.

منابع و مآخذ :

۱. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، سال ۱۳۵۷، ج۱،ص ۱۲۰

همان، ص ۳۰و ۱۲۰

چرا روحانی های محترم عمامه بر سر می گذارند؟

پرسش

چرا روحانی های محترم عمامه بر سر می گذارند؟

پاسخ

برادران روحانی مبّلغ دینی هستند که حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی ا... علیه و آله و سلم) آنرا برای ما بنی بشر، اعلام فرموده است و چون این برادران علم و عمل رسول ا... (ص) را منتقل می کنند. لباسی که رسول ا... (ص) بر تن دارند نیز به نشانه پیروی از ایشان بر تن دارند که پیروی در ظاهر، مقدمه پیروی در باطن و حقایق است.

جابربن عبدا... انصاری روایت می کند که نبی مکرم به روز فتح مکه عمامه ای سیاه بر سر داشت و راویان دیگر نیز مانند چنین پوششی را برای پیامبر ذکر کرده اند.

امیدوارم خداوند همه ما را عامل به ظاهر و باطن دین مبین بگرداند.

در صورت تمایل به مطالعه بیشتر می توانید به کتاب خاتمیّت اثر شهید مطهری مراجعه فرمایید.

منابع و مآخذ:

۱- میزان الحکمه ج ۸، ص ۴۷۹، حدیث ۱۷۷۹۵

۲- همان، باب ۳۵۵۲، شامل یازده روایت.

بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست ؟ نظر شما در مورد شیوه جدید عزاداری ها چیست ؟

پرسش

بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست ؟ نظر شما در مورد شیوه جدید عزاداری ها چیست ؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال اوّل شما دوست عزیز باید عرض کنیم بهترین نوع عزاداری برای ائمه آن است که اهداف ذیل در آن عزاداری ها تأمین شود که به نحو اختصار به برخی از آنها اشاره می کنیم :

۱ــ شناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام که در سراسر زندگی آنان برای جامعه اسلامی الگو و سرمشق است خواه در مبارزه با طاغوتیان یا مسایل اخلاقی و روحی و ..... ؛

۲ــ افزایش عشق و محبّت به اهل بیت که پاداش رسالت پیامبر (است ؛

۳ــ دعوت به دین و آگاه شدن از حقایق و معارف آن و فراخوانی مردم به صلاح و اصلاح و دوری از انحراف و فساد ؛

۴ــ بیان حقانیت نهضت حسینی بر ضد طاغوتیان و آشکار کردن مردم با ویژگیهای قیام امام حسین (علیه السلام) ؛

۵ــ اطعام عده ای از گرسنگان در پرتو مجالس عزا که از دستورات موکّد قرآن و اسلام است ؛

۶ــ یاد مصیبت اهل بیت (که موجب آسان شدن مصائب و سختیهای دوستداران آنان است ؛

۷ــ همدردی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ، حضرت زهرا (، امام زمان (و سایر ائمه (.

۸ــ افشاگری جنایات ستمگران به ویژه بنی امیّه و بنی عباس و تطبیق آن با شرایط و مقتضیات زمان ؛

۹ــ رشد فضایل و کرامتهای انسانی و الهی و پرورش روحیه شهادت طلبی ؛ هر قطره اشک کلامی است که شهادت را چون

پیامی به مردم ابلاغ می

کنـد و گریه نشـان آن است که فـاجعه ای روی داده و ظلمی صورت گرفته است. عزاداری نه یـک روز ، نه ده روز ، بلکه در تمام سال برای این است که ملّتی که در شـهادت زندگی می کند بایدعزادارباشد و در مجالس عزا با بیان فلسـفه شـهادت و با یـاد آوری از شـهیدانش ، روحیه شـهادت طلبی را همچنـان تـازه نگه دارد. بی شـک به خـاطر نشـر فلسـفه شـهادت و ایثـار و کرامتهای انسانی است که شیعه به بهانه مرگ برادر ، عمو ، ودایی و ... جلسه برگزار می کند و یکباره به کربلا گریز می زند و از حسین (سخن می گوید.

در مـورد سؤال دوم شـما نیز عرض می کنیم : عزاداری احیـای خـط خون و شـهادت و رسانـدن صـدای مظلومیت آل علی(به گوش تاریخ است ...... هم بر مظلومیت امام گریه می شود و هم در سایه آن هدف از نهضت و حرکت ائمه(شـناخته می شود ، روضه های خانگی و دسـته های عزاداری وهیأتهای زنجیر زنی ، پوشـیدن لباس مشکی و پرچم به دست گرفتن و شربت آب دادن و تلاش در برپایی مجالس نوحه خوانی و سینه زنی و .... هر یک به نوعی سرباز گیری جبهه حسینی است و این پیوند قلبی را عمق و غنـا می بخشـد .* ۱ البتـه برخی آداب و مراسـمهایی وجـود دارد کـه عـوام مردم به مرور زمـان و در اثر سـهل انگاریها در عزاداری وارد کرده اند که بی تردید از مصادیق عزا و سوگواری به شمار نمی آید بلکه از آفتها و منکرات آن می باشد. مانند

:

۱ـ نواختن شیپور و نی و اجرای آهنگ های مبتذل ؛ این امور بدون هماهنگی و دستور فقهاء بوده است و باید از آن جلوگیری شود.

۲ـ انجام کارهای خرافی و ساختگی که آنها نیز به تأیید فقها نرسیده است ؛

۳ـ قمه زنی ؛ قمه زنی مانند زنجیر زنی و شبیه خوانی از دیر باز مورد اختلاف علما بوده، این مراسم از نظر شرعی پایه و مبنایی دینی ندارد و صرفاً از روی علاقه به ابا عبدالله الحسین علیه السلام انجام می گیرد. بدون شک اگر به وسیله آن ضرری بر بدن وارد شود حرام است و اگر ضرری هم وارد نسازد ـ در عرف امروز موجب بدبینی و وهن مذهب است و باید از آن جلوگیری شود.

کی گفت حسین تو بر سر خویش بزن با تیغ به فرق خویشتن نیش بزن

تیغی که زنی بر سر خود ای غافل بر فرق ستمگران بد کیش بزن *۲

۴ـ اشعار غلو آمیز و به کار بردن واژه هایی که خلاف اعتقادات مذهبی است ؛ مثل لا اله الا الفاطمه ، یا من حسین اللهی ام ، و ... که فقهاء فتوا بر حرمت این گونه اشعار داده اند یا حکم به احتیاط داده اند.

۵ـ در اختیار گرفتن مجالس عزاداری به وسیله افراد بی سواد و کسانی که به جای پرداختن به محتوای مجالس به ظواهر و مداحیهای بی روح و بی هدف می پردازند. بنابراین شعرا باید شیوه دعبل ها و کمیت ها را بر گزینند و از اشعار ضعیف ، سست و بی مدرک ، یا دروغ و جعلیات که موجب وهن مقام معصومین

می شود پرهیز شود و خلوص و تقوا را در حدّ مطلوب فراموش نکنند. حجه السلام و المسلمین استاد فاطمی نیا از علماء و شاگردان برجسته عارف بزرگ آیت ا... بهاء الدین (ره) در یکی از منبرهای خود در این باره می فرمودند : " ... آدمی که پشتوانه علمی ندارد و روی فقط احساس آمده ، ضربه می خورد. احساس یک اندازه ای دارد ، اگر کسی علوم اولین و آخرین را داشته باشد یک عبّاسی نمی ارزد واگر حال داشته باشد و پشتوانه علمی نداشته باشد باز هم فایده ندارد... خدا شاهد است از مجالسی که روی احساس برگزار می شود ناراحتم.

نواری را آورده بودند و دریک جایی در آن نوار آن بنده خدا که می خواند می گفت : شب عاشورا امام حسین (به قمر بنی هاشم (فرمود که : اگر تو هم می خواهی بروی برو" بعد می گفت : " عباس خوشگله آمد زینب کبری را پیدا کرد و گفت : برو به داداش حسینت بگو ..... " مثل اینکه میدان مولودی بود ، مثلاً دروازه غار- نعوذ بالله ....

آخر این شد حرف ، همه اش احساس ،اینطور قمر بنی هاشم را آدم یاد می کند ؟ قمر بنی هاشم که وقتی اسمش می آمد ائمه تعظیم می کردند ... اینها درد دل من است ... . " *۳

برای اینکه عزاداریها رشد و بالندگی خودش را داشته باشد و جامعه اسلامی از آثار ارزشمند آن بهره مند گردد ، شایسته است علما و دانشمندان متعهد و مسؤول در برابر مراسمهایی که توسط افراد ناآگاه و یا مغرض

ترویج می شود ، مبارزه نماینـد و نگذارند که مراسم حرکت آفرین عاشورا و سایر ائمه با خرافات آلوده گردد ،همان طور که تعطیلی مجالس عزا ضربه سهمگینی بر پیکر امت اسلامی وارد می سازد، افراط در آن و نفوذ هر نوع رسم و رسومی که با کلیات آن هماهنگ نیست آن را متضرر می کند .* ۴

... لازم به یادآوری است که در مورد مصادیق مختلف عزاداری به طور جداگانه از هر کدام از مراجع استقتائاتی کرده اند وایشان نیز حکم شیوه ها وسبکهای جدید و گوناگون عزاداری را بیان نموده اند ، لذا چون جنابعالی مصداقاً اشاره نکرده بودید ما نیز به صورت کلی جواب را برای شما ارسال می کنیم. برای توضیح بیشتر می توانید به سه جلد کتاب مسائل جدید از دیدگاه مراجع و علما مراجعه کنید.

خداوند ما را از عزاداران واقعی اهل بیت علیهم السلام قرار دهد. انشاء ا...

با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و هموطنی و مذهبی باید نسبت به برگزاری مراسم تولد و وفات آنها حساسیت بیشتری به خرج دهند و می بینیم که آنها زیاد حساسیتی ندارد و خصوصاً در مراسم وفات خیلی

پرسش

با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و هموطنی و مذهبی باید نسبت به برگزاری مراسم تولد و وفات آنها حساسیت بیشتری به خرج دهند و می بینیم که آنها زیاد حساسیتی ندارد و خصوصاً در مراسم وفات خیلی عادی برخورد می کنند در صورتی که در شیعه و خصوصاً در ایران که نسبت به کل جمعیت مسلمان در اقلیت هستند به قول معروف دو آتشه نسبت به برگزاری مراسم تعذیه داری اقدام می نمایند و این مراسم از نظر خیلی از روحانیون مورد تاثیر قرار گرفته در صورتی که هر انسانی زمانی از

دنیا می رود بهتر آن است در مراسم تولـد او چنـد روز برنامه بگـذاریم و از آمـدنش به دنیا خشـنود شویم و خـدماتش را ارج نهیم نه هنگامی که از دنیا می رود! به نظر من تعذیه خوانی و محرم و صـفر با این روشـی که در ایران برگزار می گردد لازم و جایز نیست لطفاً در این رابطه توضیحی فرمائد؟

پاسخ

فلسفه عزاداری برای حضرت سید الشهدا (ع) چیست؟

مسأله عزاداری مخصوصاً برای امام حسین (ع) دو جنبه و دو چهره دارد:

الف)- چهره زیبایی ها یعنی، عظمتی که حضرت ابا عبداللَّه (ع) و یاران ایشان در ابعاد مختلف آفریده و عالی ترین جلوه های کمـال انسانی را با عمل خویش ترسـیم نموده و بزرگترین درس را به کل تاریـخ بشـریت آموختنـد. این بعـد از حادثه عاشورا بسـیار غرورانگیز و افتخارآفرین است و به راستی بایـد به خود بالید که در چنین مکتب درخشانی پا به عرصه وجود نهاده و در آن رشد یافته و با آن می میریم و حاضریم همه هستی خود را در این راه نثار کنیم.

ب)- چهره دیگر عـاشورا جنبه تراژدیـک، غمبـار و اسـفبار آن است. اسف از این که چرا امت، حق امام (ع) را پاس نداشـته و ناجوانمردانه ترین حرکات را نسبت به محبوب ترین خلق خدا و شریف ترین انسان ها روا داشتند. آری ظلمی که بر امام (ع) و اهلبیت و یـاران ایشـان تحمیـل شـد، دل هر انسان نیکو سـیرتی را به درد می آورد و روح آدمی را سـخت می آزارد. از طرف دیگر اشک گاهی از سوز است و گاه از سر شوق. گریه بر ابا عبداللَّه (ع) از هر دو نوع است. یعنی هم مصائب ایشان

سیلاب اشک از دیدگان فرو می ریزد و هم عظمت و شگفت آفرینی های آن حضرت و یارشان. کیست که بشنود در آن صحرای سوزان با وجود عطش جانکاه، در میان صدها یا هزاران مأمور دشمن حضرت ابوالفضل العباس (ع) خود را به شریعه رساند و چون در رودی عظیم و آب گوارا قرار گرفت و آب را تا دهان برآورد، ولی همین که به یاد تشنگی حضرت اباعبداللّه (ع) و فرزندانشان افتاد به خود اجازه نوشیدن نداد و لب تشنه با مشک پر از آب برگشت. آیا این مردانگی و شرافت آدمی را به ریختن اشک شوق وادار نمی سازد؟ از سوی دیگر گریه و عزاداری به حضرت سید الشهدا در نصوص دینی سخت مورد تأکید و توجه واقع شده و از افضل قربات دانسته شده است این مسأله فلسفه های سازنده و تربیتی مهمی دارد، از جمله:

الف)- زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی،

ب)- الهام بخش روح انقلابی و ستم ستیزی،

ج)- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین،

د)- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده ها با معارف دینی،

ه)- پالایش روح و تزکیه نفس،

و)- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم،

ز)- نکته دیگر این که وجود مراسم عزاداری در هر کوی و برزن بزرگ ترین ابزار گسترش فرهنگ حسینی (ع) است. لیکن در این باره باید دقت کافی را در سالم سازی و بهینه سازی این مجالس و زدودن آفت ها و انحرافات از آن به عمل آورد. برای آگاهی بیشتر ر. ک: "حماسه حسینی" شهید مطهری ج)- عزاداری برای اهل بیت: موجب احیای یاد و نام آنها و در کنار آن فرهنگ و مکتب

و هدف آنان است. به عبارت دیگر در شکل یک پیوند روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می سازد و دیگر گذشت قرون و اعصار نمی تواند بین آنان جدایی افکند. همین مسأله موجب نفوذ ناپذیری امت از تأثیرات و انحرافات دشمنان می گردد و مکتب را هم چنان سالم نگه می دارد و یا تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می رساند. از همین روست که استعمارگران برای نابودی ملل اسلامی می کوشند رابطه آنان را با تاریخ پر افتخار صدر اسلامی قطع نمایند تا با ایجاد این خلاء زمینه القای فرهنگ خود را فراهم آورند. اینها از آثار اجتماعی عزاداری است و آثار روانی و تربیتی دیگری نیز دارد. آن چه مسلم است، نه شادمانی افراطی و بدون دلیل پسندیده است و نه ماتم زدگی و غم و اندوه مداوم، و پسندیده آن است که انسان راه تعادل در پیش گیرد یعنی نه اسیر سرخوشی های بی دلیل شده و نه آن که غم زده و گوشه گیر شود بلکه بر حسب مورد و واقعیات موجود خود را تطبیق دهد.

گذشته از آن که دل مؤمن همواره شاد است، شادی مؤمن یک شادمانی عمیق و وصف ناشدنی است چرا که سرور و ابتهاج مؤمن از معرفت عمیق او نسبت به خداوند و هستی و مسیری که در پیش دارد سرچشمه می گیرد و با شادمانی های سطحی و دل مشغولی های گذرای دنیا متفاوت است. در مورد برگزاری مراسم باید بگوییم که این مجالس برای غم خوردن و یا ابراز تأسف و اندوه نیست بلکه برای ذکر مصائب خاندان پیامبر (ص) و

مردان خدا و اقتدای به آنان است گرچه برخی مظاهر عزاداری ممکن است همان گونه باشد که شما گفتید و چنین مواردی باید اصلاح گشته و فلسفه حقیقی عزاداری ها برای مردم تبیین گردد.و نکته آخر اینکه در اسلام مرز جغرافیایی مطرح نیست و برای اعراب فضل و کرامتی به خاطر عرب بودن اهل بیت (ع) نیست. بلکه اهل بیت (ع) آقا و سرور تمام موجودات عالم هستند و دایره مریدان ایشان حتی ملائکه و جن را نیز در بر می گیرد پس نمی توان گفت چرا اعراب چنین می کنند و ما ایرانیان چنین بلکه باید گفت هر انسانی که به تعالیم اسلام نزدیک تر است و بیشتر تحت تربیت اسلامی قرار گرفته است نسبت به معصومین (ع) ارادت بیشتری دارد.

چرا طرح خانه عفاف رد شد؟

پرسش

چرا طرح خانه عفاف رد شد؟

پاسخ

طرح خانه عفاف به عنوان یک راه حل موقت و تسکین دهنده برای معضل "عدم تأمین صحیح و مشروع غریزه جنسی" جوانانی که قادر به ازدواج نیستند از سوی برخی طراحان که بعضاً در بین نمایندگان مجلس ششم و مسئولین اجرایی کشور نیز طرفدارانی داشت بطور غیر رسمی به افکار عمومی عرضه شد. و افرادی بدنبال طرح در مجلس و قانونمند کردن آن بودند که بدلیل:

۱ نامناسب دانستن این شیوه

۲ به دور بودن از شأن مجلس و نهاد قوه مقننه

۳ عدم آمادگی فکری و فرهنگی مردم و جامعه

۴ خلاف عفت عمومی و توهین به شأن و منزلت زنان مسلمان دانستن آن.

عکس العملهای تندی از سوی نمایندگان زن در مجلس ششم و تعدادی از صاحب نظران و مسئولین کشوری را بهمراه داشت و به بوته فراموشی سپرده شد.

چرا ناهنجاری ها روز به روز در حال افزایش است

پرسش

چرا ناهنجاری ها روز به روز در حال افزایش است

پاسخ

پرسشگر محترم اگر منظور شما از ناهنجاری مفاسد و آلودگی های اخلاقی در جامعه به خصوص در جامعه اسلامی است باید توجه داشت که آیا واقعاً ناهنجاری ها در جامعه روز به روز در حال افزایش است پذیرش و تایید چنین ادعایی باید به آمارهای دقیق مستند شود.

در عین حال افزایش و گسترش ناهنجاری های از نظر قرآن کریم و روایات اسلامی در هر اجتماع می تواند ریشه و عوامل مختلفی داشته باشد، از جمله

۱. عدم شناخت انسان از خویش کسی که فلسفه و حکمت آفرینش خویشتن را نشناسد و جایگاه و ارزش انسان بودن خود را نداند، و هدف و راه را تشخیص ندهد، به طور طبیعی به دنبال ناهنجاری ها رفته و ممکن است بسیاری از ناهنجاری ها را برای خود به عنوان هنجار تصور کند; خداوند متعال می فرماید: "و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید."

حضرت علی می فرماید: "برترین خرد، خودشناسی انسان است پس هر که خود را شناخت خردمند شد و هر که خود را نشناخت گمراه گشت " و در جایی دیگر می فرماید: "هر که خود را نشناخت از راه نجات دور افتاد و در وادی گمراهی و نادانی ها قدم نهاد."(میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمید رضا شیخی ج ۸، ص ۳۵۶۷، انتشارات مؤسسه دارالحدیث)

۲. پیروی از وسوسه های شیاطین و هواهای نفسانی قرآن کریم

می فرماید: "الشَّیْطَن ُیَعِدُکُم ُالْفَقْرَ وَیَأْمُرُکُم بِالْفَحْشَآءِ وَاللَّه ُیَعِدُکُم مَّغْفِرَه ًمِّنْه ُوَفَضْ لاً...;(بقره ۲۶۸) شیطان شما را]به هنگام انفاق وعده فقر و تهیدستی می دهد و به فحشا]و زشتی ها[دعوت می کند; ولی خداوند به شما وعده آمرزش و فزونی می دهد..."

و باز می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید از گام های شیطان پیروی نکنید، هر کس قدم جای قدم های شیطان بگذارد]گمراهش می سازد[چرا که او به فحشا و منکر امر می کند..."(نور،۲۱)

خداوند متعال از پیروی کردن هواهای نفسانی نهی کرده و می فرماید: "...و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و]اساس کارش بر زیاده روی است اطاعت مکن "(کهف ۲۸)

۳. ضعف و سستی ایمان و عقیده فقر فرهنگی و ضعف عقیده نیز از عوامل افزایش ناهنجاری ها در جوامع به خصوص جامعه اسلامی می باشد; "إِن َالَّذِین َلاَ یُؤْمِنُون َبِالأْ ?خِرَه ِزَیَّنَّا لَهُم ْأَعْمَلَهُم ْفَهُم ْیَعْمَهُون َ;(نمل ۴) کسانی که به آخرت ایمان ندارند اعمال]سوء و زشت آن ها را برای آنان زینت می دهیم به طوری که آن ها سرگردان شوند." از آیه مذکور بر می آید کسانی که به آخرت و وعده های الهی ایمان ندارند و یا ایمان آن ها ضعیف بوده و به امور معنوی و دستورهای خداوند مانند: به جا آوردن واجبات انس با قرآن دعا و نیایش توکل توسل و... کم توجه هستند، در نظر چنین افرادی ناهنجاری و آلودگی به گناه هنجار و پاک و زیبا می شود و آن ها پستی ها را افتخار و بدبختی ها و سیه روزی ها را سعادت و پیروزی و غرق شدن

در فساد و تباهی را زندگی ایده آل و خوب می دانند!

۴. مشکلات اقتصادی پیامبر گرامی می فرماید: "کاد الفقر ان یکون کفرا; فقر نزدیک است که خود را به کفر برساند." (الکافی محمد بن یعقوب کلینی ، ج ۲، ص ۳۰۷، دارالکتب الاسلامیه تهران)

حضرت علی خطاب به فرزندش امام حسن می فرماید: "...کسی که قُوت خود را نداشته باشد، خطاهایش بسیار است .. فرزندم هر کس گرفتار فقر شود، به چهار خصلت مبتلا می گردد: به سستی در یقین کاستی در خرد، شکنندگی در دین و کمی شرم و حیا در چهره پس به خدا پناه می بریم از فقر."(ترجمه میزان الحکمه ترجمه حمید رضا شیخی ج ۱۰، ص ۴۶۶۳، انتشارات مؤسسه دارالحدیث)

۵. رفاه اقتصادی و ثروت فراوان قرآن کریم می فرماید: "وَ إِذَآ أَرَدْنَآ أَن نُّهْلِكَ قَرْيَه ً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَق َ عَلَيْهَا الْقَوْل ُ فَدَمَّرْنَٰهَا تَدْمِيرًا ;(اسرأ،۱۶) و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاك کنیم اوامر خود را برای "مترفین آن ها]ثروتمندان مست شهوت بیان می داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آن ها را به شدت در هم می کوبیم "

بنابراین کثرت ثروت و رفاه اقتصادی می تواند زمینه ساز پیدایش مفاسد و ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی شود و در افزایش آن ها مؤثر باشد.

۶. ترك امر به معروف و نهی از منکر; "بایداز میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن ها رستگارانند."(آل عمران ۱۰۴)

حضرت امام باقر۷ می فرماید: "امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که سایر

واجبات با آن ها برپا و اقامه می شوند و بوسیله این دو راه ها امن گشته و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه آن زمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و در پرتو آن همه کارها روبراه می گردد."(وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی ج ۱۶، ص ۱۱۹، مؤسسه آل البیت ، قم)

۷. تهاجم وسیع فرهنگی دشمنان دین به نام توسعه فرهنگی ; دشمنان قرآن و اسلام همواره با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار تبلیغی و رسانه های مختلف به رواج و گسترش فساد و ناهنجاری ها در میان جوامع مختلف اقدام می کنند، تا بدینوسیله به اهداف شوم خود برسند، قرآن کریم با اشاره به نمونه ای از تهاجŠفرهنگی فرصت طلبان در امت های پیشین می فرماید: "قَال فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَ أَضَلَّهُم السَّامِرِی ;(طه ۸۵) فرمود: ما قوم تو]حضرت موسی[را بعد از تو آزمایش کردیم و سامری آن ها را گمراه کرد."(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۲۶۷۲۷۴، دارالکتب الاسلامیه تهران)

۸. سیاسی کاری و کوتاهی برخی از مسئولان اجرایی در امر فرهنگ و تضعیف ارزش های اسلامی به طور طبیعی مشغول شدن برخی از مسئولان و مدیران بخشی از امور اجرایی و... کشور به خصوص درگیری های جناحی اختلاف انگیزی و غفلت آن ها نسبت به تهاجم فرهنگی دشمنان و ترویج و گسترش ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی و... از عوامل افزایش ناهنجاری در جامعه است

قرآن کریم مؤمنان را به همکاری و تعاون در امور خوب و گسترش ارزش های دینی و اسلامی تشویق کرده و

از همکاری و مشغول شدن بر ناهنجاری ها و گناهان نهی فرموده است "...تَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى ۖ وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الاْ ?ثْم ِ وَالْعُدْوَ ن ِ وَاتَّقُواْ اللَّه ۖ إِن َ اللَّه ۖ شَدِيدُ الْعِقَاب ِ ;(مائده ۲)... در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است "

و...(برای آگاهی بیشتر ر.ک تهاجم فرهنگی آیت اللّه مصباح یزدی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی / پاسخ به پرسش ها از دیدگاه تشیع و تسنن دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت ص ۲۵۲۹، انتشارات دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان و...)

نمونه هایی از واژه های ارزشـــی که جای خود را به ضد ارزش ها داده اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش های امروزی و مصادیق آن ذکر کنید.

پرسش

نمونه هایی از واژه های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش ها داده اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش های امروزی و مصادیق آن ذکر کنید.

پاسخ

برخی از واژه های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش ها داده اند عبارتند از:

۱. در زمان پیامبر گرامی تجمل گرایی و گرایش به جمع آوری و تکاثر اموال مرکب و... یک ضد ارزش محسوب می شد ولی بعد از رحلت آن حضرت در زمان خلیفه سوم تجمل گرایی و گرایش به رفاه زدگی و جمع آوری اموال ارزش شد.

در این زمان نیز به تدریج تجمل و رفاه زدگی به عنوان یک ارزش در جامعه و میان اغلب مردم چهره خود را نشان می دهد و ساده زیستی و مبارزه با آن یک ضد ارزش محسوب می شود. قرآن کریم نیز نمونه ای از این قبیل را در سوره انعام آیه ۵۲ بیان می کند و می فرماید: "آن ها را که صبح و شام خدا را می خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن نه حساب آن ها بر تو است و نه حساب تو بر آن ها، اگر آن ها را طرد کنی از ستمگران خواهی بود."(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۵، ص ۲۵۱۲۵۷، دارالکتب الاسلامیه تهران)

قرآن کریم تکاثر و فزون طلبی برخی از اقوام و قبائل در مدینه که حتی قبور مردگان خود را می شمردند و به آن به عنوان یک ارزش افتخار می کردند، را سرزنش کرده و آن را یک اقدام ضد ارزشی معرفی می کند و می فرماید: "أَلْهَغ كُم ُ التَّكَاثُرُ حَتَّى ۖ زُرْتُم ُ الْمَقَابِرَ كَلاَّ سَوْف ۖ تَعْلَمُون ۖ ;(تکاثر،

۱۳) تفاخر و تکاثر شما را به خود مشغول داشته]و از خدا غافل کرده تا آن جا که زیارت قبرها رفتید]و قبور مردگان خود را برشمردید[چنین نیست که شما خیال می کنید به زودی خواهید دانست "

بنابراین عده ای از اقوام خیال می کردند که زیادی قبور و مردگان برای آن ها افتخار و ارزش است در حالی که به صرف وجود قبور یا مردگان بیشتر ارزش محسوب نمی شود، بلکه باید از سرگذشت مردگان عبرت آموخت (ر.ک نمونه همان ج ۲۷، ص ۲۷۶۲۸۳.) در جایی دیگر درباره قارون و ارزشمند شدن ثروت او در میان قوم یهود و بنی اسرائیل می فرماید: "]قارون با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن جا که طالب حیات دنیا بودند. گفتند: ای کاش همانند آن چه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم به راستی که او بهره عظیمی دارد."(قصص ۷۹) در زمان حضرت موسی غ و قارون عده ای ارزش را در ثروت زراندوزی و تمکن می دانستند. در عصر کنونی و زمان ما نیز این ضد ارزش (ثروت اندوزی تا حدودی چهره زشت خود را به عنوان یک ارزش نشان داده و برخی در این رابطه به رقابت پرداخته و نمایش مدگرایی تجمل پرستی ثروت اندوزی و... را به اجرا گذاشته و بسیاری از راه های مشروع و نامشروع به این ضد ارزش به عنوان ارزش دامن می زنند. (ر.ک نمونه همان ج ۱۶، ص ۱۶۳۱۷۶.)

۲. در زمان پیامبر گرامی مسلمانان همه با هم برابر بودند و همگی از بیت المال به طور یکسان سهم داشتند و ثروت

و غنائم به طور عادلانه تقسیم می شد و عدالت برقرار بود و این خود بسیار ارزشمند بود; ولی در زمان معاویه و خلیفه دوم حس ناسیونالیستی مردم را برانگیختند و قوم گرایی و قبیله گرایی را ترویج کرده و در تقسیم اموال و ثروت در بین مسلمانان تبعیض قائل شدند و به این صورت ضد ارزش ها را به جای ارزش ها به مردم قالب کردند; در این زمان نیز برخی تلاش می کنند که حس ّملی گرایی قوم گرایی و ناسیونالیسم را ترویج نمایند و با بی عدالتی و رابطه گرایی عدالت راکمرنگ می کنند. و آن را به عنوان ارزش در جامعه و جوامع بشری مطرح می کنند. و...(برای آگاهی بیشتر ر.ك فروغ ابدیت آیت اللّه جعفر سبحانی ج ۱۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم / ارزش ها و ضد ارزش ها در قرآن ابوطالب تجلیل انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار – که برای جامعه ضرر دارد – به فروش می رسد؟

پرسش

با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار - که برای جامعه ضرر دارد - به فروش می رسد؟

پاسخ

حرمت سیگار از نظر شرعی ثابت نیست از طرف دیگر خوف آن وجود دارد که بازداشتن از آن موجب گرایش بهسوی مواد مخدر شود و به اصطلاح دفع فاسد به افسد شود که از نظر شرعی جایز نیست.{J

چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات اجتماعی اند؟

پرسش

چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات اجتماعی اند؟

پاسخ

چنین نیست که تمام مشکلات و معظلات و ... به غرب نسبت داده شود. بلکه عوامل دیگری نیز در کار هست لیکنآنچه باید توجه داشت این است که اهم مسائل و مشکلات ما به خاطر توطئه های وسیع و گسترده استکبار جهانیاست و غفلت از خطر آن برای ما بسیار زیانبار است. در عین حال نباید از مسایل درون زاد نیز غافل بود. مسوءولیننظام هموراه باید با دقت عملکرد خود را ارزیابی و اشکالات آن را بر طرف سازند.{J

با توجه به فقر بعضی مسلمین انجام جشنها نوعی اسراف نیست ؟

پرسش

با توجه به فقر بعضی مسلمین انجام جشنها نوعی اسراف نیست ؟

پاسخ

در پاسخ به این سؤال توجه به چند نکته ضروری است:

الف) فلسفه وجودی تشکیل جشن ها و مراسم اعیاد معصومین(ع)، عبارت است از:

۱- برگزاری مراسم جشن ولادت آنان، تعظیم شعائر الهی است. قرآن مجید، تعظیم شعائر الهی را نشانه تقوای قلوب و تسلط پرهیزکاری بر دل ها می داند وَ مَن یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب ،(حج، آیه ۳۲). مقصود از شعائر در آیه شریفه، نشانه های دین او است و اولیای الهی - به خصوص معصومین(ع) - از شعائر الهی و نشانه های دین او می باشند. تعظیم این بزرگان، علاوه بر حفظ آثار و مکتب آنان، بزرگداشت ایام ولادت آنان و برپایی جشن وسرور در این مناسبت ها است. در بعضی از روایات نیز آمده است: شیعیان ما در شادی ماشاد و در غم و اندوه ما اندوهناک اند. قرآن کریم به روشنی به ما دستور می دهد که به بستگان و خویشاوندان پیامبر گرامی اسلام، مهر بورزیم قل لا اسئلکم علیهاجرا الا الموده فی القربی ، (شوری، آیه ۲۳). مسلما یکی از راه های ابراز علاقه به خاندان رسالت، برگزاری مراسم جشن و سرور یا عزاداری در مناسبت های مربوط به آن بزرگواران می باشد.

۲- یکی از راه های ترویج و گسترش فرهنگ و ارزش های اسلامی اسوه و الگو قراردادن آنان در ابعاد مختلف شخصیتی، اجتماعی، اخلاقی و... عالی ترین الگو و اسوه برای همگان می باشند.

از آن جایی که در مراسم میلاد یا وفیات آن بزرگواران گوشه های مختلفی از زندگی پربار و معنوی آنان و گفتارهای ارزشمند اخلاقی آنان (از قبیل ایثار، نیکوکاری، کمک به فقرا، دوری از گناهان و...) مطرح می شود؛

لـذا باعث آشـنایی هر چه بیشتر شـرکت کنندگان با اخلاق ورفتار ائمه(ع) و الگوگیری از آنان می شود. پس می بینیم یکی از بهترین راه های کاهش فقر و مبارزه صـحیح و اصولی با ریشه های آن و حل معضـلات اقتصادی، اجتماعی و...، برگزاری این قبیل مراسم باشکوه در بزرگداشت ائمه اطهار(ع) می باشد.

ب) بـا مقـایسه ای بین سایر بودجه های کلان فرهنگی کشور و نتایـج آن با هزینه هایی که در این قبیل مراسم ها مصـرف می شود؛ اهمیت این قبیل مراسم آشـکار می شود و ما در گسترش آن کوشـش می نماییم. متأسـفانه در بعضـی موارد بودجه های کلانـی توسـط برخی از مسؤولاـنحیف و میـل می شـود کـه ثمره ای جز خـالی نمـودن بیـت المـال، فقر جـامعه، بـدبینی مردم، گسترش فرهنگ اسـراف و تبذیر و تجمل به دنبال ندارد. شما نیز چه خوب بود از آن موارد نام می بردید و این گونه از برنامه های یاد شده انتقاد می کردید.

ج) ما با شـما موافقیم که از هرگونه اسـراف، ریخت و پاش و انجام یک سـری اموری که به هیـچ وجه زیبنده نظام اسـلامی و اهداف و سـیره ائمه اطهار(ع) نیست، باید جلوگیری کرد و علاوه بر گسترش و ترویج این قبیل جشن ها و بهبود کمی و کیفی آنان، در جهت هر چه مفیدتربودن آنها کوشش نمود.{J

برگزاری مراسم ترحیم , چه فوایدی دارد؟

پرسش

برگزاری مراسم ترحیم , چه فوایدی دارد؟

پاسخ

بـا از دنیا رفتن یک شـخص، افراد بسـیاری که با او مأنوس بوده انـد عزادار می شونـد. فرد متوفی برای بازمانـدگان عزیز بوده؛ آنان عزیزی را به خاک سپرده انـد و به قول معروف «چغندر که خاک نکرده اند»، لذا بر خود لازم می دانند تا یاد آن عزیز از دست رفته را گرامی داشـته و از دوسـتان و آشـنایان انتظار دارند با حضور در مراسم یادبود آن عزیز، برشکوه مجلس بیفزایید. دیگران نیز با حضور در این مجالس ضـمن عرض تسـلیت به بازمانـدگان، برای متوفی طلب مغفرت می کنند. به نظر می رسـد این مقدار حداقل مورد قبول تمامی مکاتب اله یباشد.

آیین اسـلام با توجه به اهداف ذیل تجهیز متوفی را برای خاک سپاری واجب کفایی و شرکت در تشییع جنازه و مراسم ترحیم را مستحب می داند.

۱- تکریم و احترام مؤمن متوفی: شـارع مقـدس از تمامی مکلفین می خواهـد که به پاس ایمان متوفی به اسـلام، با غسل دادن، معطر ساختن، پوشانـدن جامه سـفید، نمازگزاردن و خاکسپاری او، جسم بی جان مؤمن را محترم شـمرده و از هتک حرمت به جسم او ممانعت به عمل آید.

۲- انجام خیرات، مبررات، قرائت فاتحه و طلب آمرزش برای متوفی: اگر چه توشه اصلی این راه پرخطر اعتقاد صحیح و عمل خالص اوست اما هدایای معنوی مؤمنان نیز بی تأثیر نیست.

۳- اعلام تسلیت و تعزیت به وابستگان نسبی و سببی متوفی: حضور سایرین در مراسم مختلف باعث تسلی بازماندگان شده، از شدت غم و اندوه آنان کاسته، تحمل فراغ عزیز از دست رفته را آسان تر می سازد.

۴- عبرت آموزی برای زندگان: شرکت در خاک سپاری و سایر مراسم متوفی می تواند یادآور روزی باشد که

ما مسافران دنیا دیر یا زود باید از پل مرگ عبور کرده و به عالم برزخ وارد شویم.

بدیهی است انجام هر کاری در این قبیل مراسم باید در راستای تأمین اهداف فوق باشد و از آن جا که در دین اسلام هدف وسیله را توجیه نمی کند، لذا ابزار و وسایل به کار گرفته شده در این مراسم باید مباح و بی اشکال باشد.

از این منظر، مراسم ترحیمی که امروز میان ما مرسوم است اگر چه حائز نقاط قوت بسیاری است اما اشکالات متعددی می توان یافت که شما پرسشگر عزیز به برخی از آن اشاره نموده اید. لکن نکته حائز اهمیت این است که ما باید از این مراسم آسیب شناسی به عمل آورده، نقاط مثبتی که در راستای اهداف مذکور است تقویت کرده و در صدد محو نقاط منفی آن باشی.

اما تا دست یابی به نقطه ایده آل نباید شرکت در این مراسم را ترک کرد، لذا شایسته است بهترین زمان و مکانی که می تواند اهداف مذکور را با کمترین موارد منفی برآورده سازد جهت انجام وظیفه انتخاب و از آن بهره برد.

کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟

پرسش

کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟

پاسخ

آن چه مطلوب و پسندیده و مورد سفارش ائمه اطهار(ع) است، نامگذاری و صدا زدن فرزندان به اسامی ائمه اطهار(ع) و نام های نیک است. چرا که با صدا زدن و نام بردن فرد به این گونه نام ها یک نوع تبلیغ و گسترش فرهنگ دینی و ائمه اطهار(ع) است و صرف این که در شناسنامه باشد، ولی هیچ گاه در جامعه آن اسم به زبان جاری نشود، اثر مطلوب را نخواهد داشد. با صدا زدن فرزند با این گونه اسامی کودک و یا نوجوان و جوان سعی می کند از صاحب اسم الگو بگیرد و با او آشنا شود و با وی همانندسازی کند و این بعد جنبه سازندگی دارد، نه صرفِ ثبت در شناسنامه.

جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟

پرسش

جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟

پاسخ

الف) جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانون های فرهنگی مساجد راه های مختلفی وجود دارد از جمله:

۱- برگزاری اردوهای علمی، تفریحی و زیارتی.

۲- برگزاری مسابقات مختلف و اهداء جوایز.

۳- استفاده از اساتید پرجاذبه و هنرمند و جوان برای تدریس موضوعات دینی و قرآنی و هنری.

۴- پرهیز از مسؤولیت دادن به افراد تند و بداخلاق و کم حوصله.

۵- مدارا نمودن و عدم سخت گیری نسبت به مراجعین و خودداری از انحصار شدید این قبیل کانون ها و...

ب) برای کسب امکانات می توانید به سازمان تبلیغات شهر خود مراجعه کنید و از طریق امام جماعت یا افرادخیرخواه و نیکوکار ارتباط برقرار نمایید.

ج) جهت گسترش فعالیت های علمی و فرهنگی، سعی کنید

اولاً: از افراد پرانگیزه، صبور و با سلیقه برای مسؤولیت کانون یا همکاری با کانون دعوت به عمل آورید.

ثانیا: قبل از تعطیلات تابستان برنامه های تابستان را تهیه و تنظیم نمایید و مقدمات فعالیت های تابستانی خود را فراهم آورید.

ثالثا: در زمینه های مختلفی اقدام به فعالیت نمایید مثل مسابقات ورزشی، مسابقه کتابخوانی و مقاله نویسی و...

چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟

پرسش

چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟

پاسخ

قوه شاعر بودن مربوط به توانایی انسان در تخیل است. چه بسا روحیه آزادگی و آرمان خواهی و احساسات قوی ایرانی ها در این توانایی نقش مهمی داشته باشد. اصولا مردم ایران عاطفی هستند و در پرتو اعتقادات مذهبی، احساسات و عواطف آنها هم قوی تر شده است و هم پاک تر و والاتر گشته است.

وانگهی زبان شعر، زبان ماندگارتر، شیرین تر و با سرعت انتقال بیشتر و چه بسا عمومی تر باشد، لذا ایران که از تمدن باسابقه طولانی برخوردار است از این ظرفیت ها استفاده می نماید.

اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟

پرسش

اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟

پاسخ

تعزیه به عنوان یکی از شیوه های عزاداری در صورتی که مشتمل بر تحریف و مضامین موهن به ارزش های اسلامی نباشد ممدوح و دلیل بر جایگزینی و کنار گذاشتن آن نیست. هر چند «بهتر است که به جای آنها مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی برپا شود»(اجوبه الاستفتاآت، تهران، الهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۲).

چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟

پرسش

چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟

پاسخ

دلیل خاصی در این مورد که تخمه شکستن در ایام شهادت معصومین(ع) اشکال داشته باشد وارد نشده به نظر می رسد این گونه مسائل عرفی باشد. چنانچه کارهایی از قبیل تخمه شکستن عرفا مناسب با سرور و شادی می باشد شایسته است که در ایام سوگواری معصومین(ع) به جهت تعظیم شعائر دینی از آن پرهیز شود.

نظرشما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های هیات های جدیدی تشکیل و فعالیت می کنند آیا این باعث اختلاف نیروهای مذهبی نمی شود.و یا برعکس سبب گسترش نیروهای مذهبی می شود.

پرسش

نظرشما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های هیات های جدیدی تشکیل و فعالیت می کنند آیا این باعث اختلاف نیروهای مذهبی نمی شود.و یا برعکس سبب گسترش نیروهای مذهبی می شود.

پاسخ

این موضوع دو حالت دارد:

الف) در صورتی که اولاـ هدف و انگیزه اصلی از تشکیل هیأت های جدید، حب و بغض های شخصی و یا تعصب های قومی، خانوادگی و... باشد و ثانیا، عملکرد آنان هم به نحوی باشد که نه تنها در راستای تعمیق و ترویج آموزه ها و ارزش های والای عاشورا نباشد، بلکه ارزش های مادی و غیر اسلامی از قبیل ایجاد تفرقه، اختلاف و دشمنی را به دنبال خود بیاورد قطعا مسأله تعدد هیأت ها مخالف اسلام و راه امام حسین(ع) بوده و به مصلحت جامعه اسلامی نمی باشد.

ب) اما اگر آفات و آسیب های فوق در این مسأله وجود نداشته باشد بلکه تعدد ناشی از اختلاف سلیقه در مسائلی نظیر شیوه عزاداری، سخنرانی، مکان هیأت یا زمان آن و امثال اینها باشد، نه تنها هیچ منع و محدودیتی در آن نیست بلکه باعث می شود تا سلایق و قشرهای متنوعی نیز بتوانند در هیئت ها شرکت نموده و به ترویج آموزه های حیات بخش فرهنگ عاشورا در جامعه کمک نماید.

در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید.

پرسش

در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید.

پاسخ

نخست باید به این واقعیت اشاره کرد که آنچه مهم است «ریشه» و باطن است و اگر به «ریش» و ظاهر توجه می شود به جهت آن است که ظاهر نمادی از باطن باید باشد، لذا کسانی که ظاهر را می آرایند و باطن نابهنجار دارند به عنوان ظاهر فریب و یا نالایق سزاوار نکوهش هستند اما نباید رفتار برخی نالایقان، ما را از رعایت برخی احکام منصرف کند.

از سوی دیگر باید دانست قلب پاک با حفظ ظاهر، مصونیت بیشتر پیدا می کند و پایدار می ماند به همین جهت بزرگان حکمت گفته اند برای پایداری در «طریقت» و رسیدن به «حقیقت» حفظ «شریعت» لازم است و اگر احکام ظاهری شریعت حفظ نشود احتمال فسق، التقاط و انحراف بسیار زیاد است و بهترین دلیل بر درستی این مطلب، سیره و روش تمامی پیامبران و امامان و اولیای خداست که علاوه بر این که به ریشه و باطن توجه داشتند ظاهر را نیز مطابق احکام شریعت رعایت می کردند.

برای توضیح بیشتر در این باره توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

در این مسأله دو نظریه عمده در میان فقها وجود دارد: ۱- حرمت , ۲-تفصیل میان ریش پرفسوری و غیر آن .

هر حکم شرعی از دو جهت قابل دلیل یابی است :

الف) دلیل شرعی ; مقصود از آن متون و نصوصی است که حکم الهی را بیان می کند. این دلیل ها ابزار اصلی فقیه و کارشناس دینی است که از طریق آن می تواند حکم الهی را استنباط کند.

ب) فلسفه حکم ; مقصود

از آن این است که چرا خداوند بر موضوع مفروضی فلان حکم را داده است . چنین کاوشی تحقیق فقهی نیست مگر در مواردی که ((کشف فلسفه حکم)) در ((استنباط حکم)) دخیل باشد. در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت : اولا, فلسفه همه احکام و جزئیات آنها به طور تفصیلی روشن نیست و آگاهی از آن دانشی فراتر از تنگناهای معارف عادی بشری می طلبد. لیکن بطور اجمالی روشن است که همه احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی در متعلق آنهاست . بنابراین در صورتی که فلسفه حکمی را بالخصوص ندانیم بنابر قاعده کلی فوق از آن باید پیروی کرد. زیرا یقین به وجود مصلحتی در آن هست هر چند بر ما ناشناخته باشد. ثانیا, در جست و جوی فلسفه احکام نباید همیشه به دنبال علوم تجربی رفت و دلیلی مادی و فیزیولوژیک برایش جست وجو نمود. این فرایند که همواره در پی یافتن مصلحت یا مفسده ای طبی یا... باشیم برخاسته از نگرشی مادی گرایانه است . در حالی که بسیاری از احکام مصالحی معنوی دارند که در حوزه هیچ یک از علوم بشری قابل تحقیق نیست و آنها با متد تجربی خود قادر به حکمی نفیا یا اثباتا پیرامون آن نیستند و یا اگر نظری بدهند بسیار سطحی است و چه بسا مسأله حکمتی برتر و بالاتر داشته باشد. چنان که در مورد روزه علوم به خواص بهداشتی آن پرداخته اند ولی قرآن مجید فلسفه ای بالاتر را بیان فرموده و آن ((تقوایابی)) است . در مورد تراشیدن صورت نیز از نظر طبی گفته اند:

وجود محاسن برای محافظت از لثه ها و دندان ها و پوست صورت مفید است . لیکن به نظر می رسد فلسفه اصلی حکم اثری معنوی و روحی و حفظ حالت طبیعی خلقت مرد باشد. نهایتا" مسأله امری تعبدی است و اگر هیچ فلسفه ای نیز برای آن شناخته نشود, حکم شارع را باید پذیرفت . حرمت تراشیدن ریش مرحوم محقق آیت الله العظمی خویی , درباره حرمت تراشیدن ریش بحثی مبسوط دارند که خلاصه آن را بازگو می کنیم . (نک به مصباح الفقاهه , تقریرات درس محقق خویی به قلم توحیدی تبریزی , ج ۱, ص ۲۵۷) ایشان چنین می فرمایند: مشهور بلکه اجماع بین علمای شیعه و سنی , حرمت تراشیدن است . وجوه ذیل برای حرمت اقامه شده :

۱- قول خدای سبحان ((فلیغیرن خلق الله)) (سوره نساء، آیه ۱۱۸) به ادعای این که حلق لحیه (تراشیدن ریش) تغییر خلقت به شمار می آید پس حرام است .

۲- در روایاتی امر شده به ارسال لحیه (بلند گذاشتن ریش) و زدن سبیل ها. و از تشبیه به یهود و مجوس نهی گردیده است , (وسائل الشیعه , ج ۱, باب ۶۷ از ابواب عدم جواز حلق لحیه , ص ۸۰ و ج ۴, الوافی , ص ۹۹)

۳- در روایاتی معروف به جعفریات آمده است که حلق لحیه مثله کردن است و هر کس مثله کند لعنت خدا بر او باد. (المستدرک , ج ۱, ص ۵۹).

۴- روایاتی که دلالت دارند بر اینکه سلوک و مسلک دشمنان دین جایز نمی باشد. حلق لحیه از جمله شمار آنها محسوب می شود.

– قول پیامبر(ص) در خطاب به دو پیام آور کسری ت: وای بر شما چرا اینگونه هستید؟ آن دو نفر گفتند پروردگارمان ما را اینگونه امر کرده تا کسری را درک کنیم . سپس پیامبر(ص) فرمود: لکن پروردگار من امر فرموده که ریشم را آزاد بگذارم و سبیلهایم را کوتاه کنم . (مستدرک , ج ۱, ص ۵۹) ۶

– قول علی (ع): اقوامی بودند که حلق لحیه نمودند و سبیلها را گذاشتند سپس مسخ شدند. (وسائل الشیعه , ج ۱, باب ۵۶, از همان باب , ص ۸۰ و الوافی , ج ۲, ص ۳۳) لازم به ذکر است که همه این وجوه ششگانه نزد مرحوم خویی به علل ضعف در سند و یا متن , مخدوش هستند و نمی توانند حرمت را اثبات کنند. اما وی وجه هفتمی را ذکر می کند که نزد وی مقبول است و آن این است که : روایتی صحیح داریم از بزنطی که از خدمت امام رضا(ع) سؤال شد: آیا برای مرد صلاح است که ریشش را بزنند. امام فرمود: اما از جوانب آن , اشکالی ندارد. و اما از جلوی آن جایز نیست . (وسائل الشیعه , ج ۱, باب ۵۲ از همان باب , ص ۸۰) آن گاه مرحوم خویی می فرماید: ((سیره قطعیه ای که بین متدینین متداول , و به زمان پیامبر(ص) متصل است بر این مدعا دلالت می کند)).

افزون بر آن ادعای اجماع هم بر آن شده است و قول مخالفی از شیعه و سنی در این مقام نقل نشده است . بنابراین موضوع حرمت از بین

بردن کامل ریش است و فرقی میان تراشیدن و استفاده از دیگر وسایل پیرایش ندارد. اما اگر مقداری از ریش بر صورت بماند و برای دیگران وجود ریش نمایان باشد, صدق عرفی به شمار می آید.

احکام ریش تراشی

پرسش ۱. تراشیدن ریش تمام صورت با ماشین یا تیغ چه حکمی دارد؟

همه (به جز بهجت و صافی): تراشیدن ریش خواه با تیغ باشد یا ماشین بنابر احتیاط واجب حرام است.(۱)

صافی و بهجت: تراشیدن ریش حرام است.(۲)

پرسش ۲. آیا گذاشتن ریش پروفسوری کفایت می کند؟

امام، خامنه ای، بهجت، صافی، نوری و سیستانی: خیر، تراشیدن مقداری از ریش (دو طرف گونه ها) نیز حکم تراشیدن تمام آن را دارد.(۳)

تبریزی، مکارم و فاضل: اگر چانه و اطراف آن (یک چهارم صورت) تراشیده نشود، به طوری که در وقت مواجهه صدق کند ریش دارد، کفایت می کند.(۴)

پرسش ۳. منظور از صدق ریش چیست؟

همه: منظور آن است که در عرف مردم به آن ریش بگویند.(۵)

پرسش ۴. آیا منظور از تراشیدن ریش همان تیغ زدن است یا ماشین های نمره پایین را هم شامل می شود؟

همه: هر وسیله ای که موهای صورت را بتراشد به گونه ای که عرف مردم بگویید ریش ندارد، خواه با تیغ باشد یا ماشین و یا هر ابزاردیگری.(۶)

پرسش ۵. گذاشتن خط ریش چه حکمی دارد؟

همه: تراشیدن روی گونه ها (بصورت خط ریش) اشکال ندارد.(۷)

مجوز ریش تراشی

پرسش ۶. تراشیدن ریش با تیغ یا ماشین ریش تراشی برای هنرمندی که کارش آن را اقتضاء می کند چه حکمی دارد؟

همه: با توجه به اینکه می توان بوسیله گریم و مانند آن ریش صورت را به شکل تراشیده شده نمایان کرد، تراشیدن آن اشکال دارد.(۸)

پرسش ۷. افرادی که در اثر ریش گذاشتن

احساس خارش می کننـد و یا اینکه در محیطی بسـر می برند که اگر آن را نتراشـند گرد و غبار در لابلای موی صورتش جمع می شود وظیفه چیست؟

همه: مشکل یاد شده مجوز ریش تراشی نیست.(۹)

پرسش ۸. چنانچه گذاشتن ریش برای صورت ضرر داشته باشد تکلیف چیست؟

همه: در فرض مذکور، تراشیدن ریش صورت اشکال ندارد.(۱۰)

پرسش ۹. اگر انسان برای این که توهین مردم را نشنود، ریشش را بزند چه حکمی دارد؟

گذاشـتن ریش برای مسـلمانی که به دینش اهمیت می دهـد بـاعث خواری و سرشکسـتگی نیست و با مسـخره کردن دیگران، احکـام خداونـد عوض نمی شود. مگر آنکه اسـتهزاء و خواری به حـدی برسـد که تحمـل آن نزد عقلاـء امر غیرعادی و حرج محسوب شود در این فرض می تواند ریش خود را بزند.(۱۱)

پرسش ۱۰. آیا برای این که انسان در بعضی محیطها انگشت نما نشود می تواند صورت خود را با تیغ بتراشد؟

همه: خیر.(۱۲)

پرسش ۱۱. آیا تراشیدن موهای کم صورت به منظور رشد و پرشدن آن اشکال دارد.

همه: اگر موهای صورت کم بوده به طوری که صدق ریش بر آن نکند، تراشیدن آن مانعی ندارد.(۱۳)

تراشیدن سبیل

پرسش ۱۲. حکم تراشیدن سبیل و بلند گذاشت آن چیست؟

تراشـیدن آن اشـکال نـدارد ولی بلنـد نمودن آن به مقـداری که هنگام خوردن و آشامیـدن با غـذا یا آب برخورد کنـد مکروه است.(۱۴)

پی نوشت ها:

۱) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۹؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۰ و ۷۵۳؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۹ و ۱۰۹۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۷ و ۹۵۵؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱ و ۳؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۲۱ و

۱۴۱۶؛ دفتر: وحید.

۲) صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۰ و ۱۷۴۲؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴.

۳) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۴؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳،

م ۴۳؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۳؛ سیستانی؛ سایت، ریش تراش، س ۱ و ۳؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۳؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، س ۴؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳.

۴) مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۵ و ج ۲، س ۹۴۱؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۷.

۵) تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۱؛ دفتر: همه.

۶) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۹؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۴؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱ و ۷۵۳؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۱ و ۱۰۹۹؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۲؛ سیستانی، سایت، ریش تراش، س ۱۰ و ۶ و ۱۵؛ دفتر: وحید.

۷) بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱۱؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۳؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۲۴؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۵؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱؛ نوری، استفتاءات ج ۱، س ۴۹۳؛ دفتر: وحید، امام.

۸) دفتر: همه.

۹) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۶؛ دفتر: همه.

۱۰) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۴۶؛ تبریزی، صراط النجاه، ج ۲، س ۹۰۵؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۸؛ دفتر: وحید، نوری، صافی، بهجت، فاضل و مکارم.

۱۱) خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۸؛ مکارم، استفتاءات، ج

۲ س ۷۵۳؛ تبریزی، صراط النجاه، ج ۲، س ۹۰۵ و التعلیقه علی منهاج الصالحین، م ۴۳؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۴۶؛ دفتر: صافی، بهجت، وحید، فاضل، امام.

۱۲) دفتر: همه.

۱۳) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۰؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۳ و ج ۱، س ۵۷۰؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۶ و ۹۶۰ و ۹۵۸؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱۴؛ دفتر: وحید، بهجت، نوری و صافی.

۱۴) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۰ و ۸۵؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۵؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۶؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۴؛ دفتر: بهجت، مکارم، وحید و فاضل و سیستانی.

فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟

پرسش

فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟

پاسخ

آن چه در لباس پوشیدن واجب است رعایت پوشش و حجاب برای مردان و زنان است به شکلی که خود شخص و یا دیگران به گناه و حرام سوق پیدا نکنند.

اما مدل و کیفیت لباس پوشیدن به اختیار خود انسان ها است به عنوان مثال بعضی پوشیدن کت و شلوار را دوست دارند و برخی بیشتر به پوشیدن کاپشن علاقه مند هستند.

راجع به پیراهن هم همین نکته جاری است. البته ممکن است نظر کسانی که پیراهن خود را روی شلوار می اندازند پوشش کاملتر و حجاب برتر باشد همانگونه که لباس های ایرانی های قدیم بلند بوده است.

تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟

پرسش

تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟

پاسخ

درباره قسمت اول سؤال (لباس روحانیان) نکات ذیل قابل توجه می باشد:

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می فرمایند: «حضرت رسول(ص) عمّامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثه الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشد. و یا مثلا در موقع نماز جماعت تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق(ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱).

چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن

و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

خصوصا در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد.

چرا برای مراجع از لفظ آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مفاتیح می باشداستفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ مفید و کلینی و ... از نظر بسیاری از جهات از موجودین افضل نبودند ؟

پرسش

چرا برای مراجع از لفظ آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مفاتیح می باشداستفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ مفید و کلینی و ... از نظر بسیاری از جهات از موجودین افضل نبودند ؟

پاسخ

در سده ۴ قمری عنوان ثقه الاسلام برای محمد بن یعقوب کلینی به کار رفت. (دائرد المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۶۰) محمد بن یعقوب کلینی در نزد همه طوائف اسلامی مقبول بود، شیعه و سنی به او مراجعه می کردند و روی همین اصل به ثقه الاسلام شهرت یافت. او نخستین کسی است که در دوره اسلامی به این لقب اختصاص یافت. (ریحانه الادب، ج ۵، ص ۷۹، کلمه کلینی)

در سده پنج هجری قمری عنوان «حجه الاسلام» برای امام محمد غزالی به کار رفت. (دائرد المعارف بزرگ اسلامی و ریحانه الادب، ج ۴، ص ۲۳۷

در سده هفتم هجری قمری عنوان «محقق» برای جعفر بن حسن حلی به کار رفت. (دائره المعارف بزرگ اسلام) کتاب «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» نوشته همین محقق است و جواهر الکلام که در ۴۳ جلد چاپ شده، شرح همین شرایع است. در حوزه علمیه قم همین الان، محور درس خارج فقه برخی از مراجع، کتاب شرایع است. محقق در سال ۶۰۲ به دنیا آمد و در سال ۶۷۶ وفات کرد.

در سده هشت هجری قمری عنوان علامه و آیت الله برای حسن بن یوسف حلی به کار رفت که معروف به علامه حلی است. این لقبها قرنها مختص همین علماء بود. در سده چهاردهم هجری قمری کاربرد برخی از این عنوان ها برای گروهی از

فقهاء تکرار شد و رفته رفته گسترش یافت. اکنون عنوانهای ثقه الاسلام و حجه السلام و آیت الله کاربرد گسترده ای دارد و هر کـدام از اینها نشان دهنـده سـطح معینی از علم فقه است. تا قرن چهاردهم هجری، فقط علامه حلی را آیت الله می نامیدند. در اوایل قرن چهاردهم هجری نخستین بار سـید محمدمهـدی بحرالعلوم آیت الله خوانـده شـد. چند دهه پس از آن شـیخ مرتضـی انصاری و سـید محمـدحسن شـیرازی آیت الله خوانـده شدنـد. مورخان مشـروطه، «آیت الله» را بر آخوند ملا کاظم خراسانی و دیگران اطلاـق کردنـد. پیش از ایـن همـه مراجع را حجـه الاسـلام می نامیدنـد. پس از تشـکیل حـوزه علمیه قم توسـط شـیخ عبـدالکریم حائری، شـماری از فقهای بزرگ که در آن گرد آمدند، آیت الله لقب یافتند و به تدریج معدودی از آنها آیت الله العظمی نامیده شدند. (دائره المعارف بزرگ اسلامی)

بنابر آنچه گفته شد القاب و واژه گان نیز همانند بسیاری از لوازم زندگی بشـری سیر تحول داشته است و شاید راز آن در این نهفته باشد که برای نشان دادن برجستگی یک نفر در میان افرادی که قبلا هم تراز بودند به طور طبیعی از لقب ممتازتر استفاده می شود و این سیر هم چنان ادامه می یابد.

چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می کنند و به عزاداری می پردازند؟

پرسش

چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می کنند و به عزاداری می پردازند؟

پاسخ

قبل از پاسخ مناسب است به چند نکته توجه شود:

۱- ابراز غـم و انـدوه و گریه بر عزیزان از دست رفته از نظر شـیعه و سـنی جـایز است و شـخص رسـول گرامی اسـلام(ص) در شهادت عمویش حمزه {۱}، در شـهادت جعفربن ابی طالب {۲}، در غم مرگ فرزنـد عزیزشان ابراهیم {۳}، در اندوه رحلت یکی از نوادگانشان، در کنار قبر مادرشان و ... {۴} گریستند/

۲- بر اسـاس روایـات فریقین پیـامبر اکرم(ص) بارهـا از شـهادت اباعبـدالله حسـین(ع) خـبر دادنـد و در غم و انـدوه شـهادت و مظلومیت آن حضرت گریستند؛ در روز ولادت {۵}، در منزل ام سلمه {۶}، در منزل زینب {۷} و///

(س)- ائمه معصومین: بر مظلومیت و شهادت امام حسین(ع) می گریستند و در ایام شهادت آن حضرت به برگزاری مراسم عزا می پرداختند. امام سـجاد(ع) با همه صبر و شـکیبایی در بقیه عمر شریفش پس از حادثه کربلا همواره گریان و اندوهگین بود، به گونه ای که امام صادق(ع) می فرمایـد: «امام علی بن حسـین(ع) بیست سال گریه کرد و غذایی در نزد او گذاشـته نمی شـد مگر اینکه گریه می کرد.» {۸} امام باقر و امام صادق(علیهم السـلام) و امام رضا(ع) که از آزادی بیشتری برخوردار بودنـد در حکومتهای وقت خویش مجالس سوگواری بپا می کردند و از شـعرا می خواستند در مصایب و فضایل اباعبدالله شعر بخوانند و آنان گریه می کردند. {۹}

۴- از منـابع شـیعه اسـتفاده می شود که گریه بر امام حسـین(ع) نه تنها جایز و مشـروع است بلکه مطلوب و پسـندیده است و از ثواب فوق العاده ای برخوردار است، پیامبر گرامی اسلام فرمود: "کُلُّ عیْنٍ باکِیٌ اِلاّ عَینٌ بَکَتْ عَلی مَصائِبِ

الحُسَین فَإِنَّها ضاحِکَ مُسْتَبِشَرٌ بِنَعیمِ الجَنْ."{۱۰}

«هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر مصیبت حسین(ع) گریه کرده است که چنین کسی خندان است و بر نعمتهای بهشت بشارت داده می شود.»

۵- لازمه ابراز عشق و ارادت و محبت به اهل بیت شادی در شادمانی آنها و سوگواری بر مصایب و غمو اندوه آنان است چرا که اهل بیت رسول خدا(ص) همان مصداق «قربی» هستند در آیه شریفه:

"قُلْ لااَسْئَلُکُم عَلَیْهِ اَجْراً اِلاَّ المَوَدَّ فِی القُربی"{۱۱}

(ص)- امام حسین(ع) با قیام و شهادتش درس چگونه زیستن و چگونه مردن را به انسانها آموخت و با شهادتش چهره پلید طاغوت زمان خویش را بر ملا ساخت و چهره کریه یزید را روشن نمود پس باید قیام و شهادتش بزرگ داشته شود/

اینک با توجه به مقدمات فوق در پاسخ این سؤال می گوییم شیعه در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه و عزاداری می کند تا بدین وسیله:

الف: به سنت رسول خدا(ص) و سیره ائمه: تمسک نموده باشد/

ب: عشق و ارادت خویش را به خاندان رسالت ابراز دارد/

ج: درسهای نهضت عاشورا و اهداف امام حسین(ع) تبیین نماید/

د: از شهدا و مجاهدانی که برای احیای اسلام از جان خویش دریغ نکردند تقدیر نماید/

ه': زمینه تبلیغ دین و بیان احکام اسلامی را فراهم کرده باشد/

[۱].- طبقات ابن سعد، ترجمه حمزه/

[۲].- استیعاب و اسدالغابه، ترجمه جعفربن ابی طالب/

[۳].- صحیح بخاری، کتاب الخبائز، باب قول النبی(ص) «انابک لمحزونون»/

[۴].- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱(ع)(ص)، کتاب الخبائز، باب (ص)(س)، حدیث ۱۰۸/

[۵].- مقتل خوارزمی، ج ۱، ص (ع)۸/

[۶].- الجامع الصحیح، ج (س)۱، ص (س)۱۹/

[۷].- المجمع الزواید، ج ۹، ص ۱۸۸/

[۸].- مناقب، شهر آشوب، ج ۴، ص ۵(ص)۱/

[۹].- کامل الزیادات، ص ۴(ع)۱؛

امالی صدوق و رجال کشی/

[۱۰].- وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۴/

[۱۱]. سوره شوری، آیه (س)۲/

موضوع: شیر دادن مادر بزرگ به نوه اش

– چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است ؟

اشاره

– چرا وقتی نام امام خمینی می آید صلوات می فرستند؟وآنهم سه صلوات ولی نام حضرت محمد(ص) می آید یک صلوات می فرستند؟

پرسش

– چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است ؟

– چرا وقتی نام امام خمینی می آید صلوات می فرستند؟وآنهم سه صلوات ولی نام حضرت محمد(ص) می آید یک صلوات می فرستند؟

پاسخ

سوال شما دارای چند بخش است که سعی می شود به تفکیک به هر کدام پاسخ داده شود. پرسیده اید چرا به امام خمینی(ره) می گویند امام. یا امام سیزدهم. درپاسخ باید عرض کنیم که واژه امام ازنظر لغوی به معنای رهبر و پیشوا است که خود شما هم به آن اشاره کرده اید . به کسی که درنماز جماعت به او اقتدا می کنیم هم امام جماعت گفته می شود چون جماعت مأمومین از او پیروی می کنند . علت اینکه این عنوان و لقب به حضرت آیت ا...العظمی خمینی (ره) اطلاق شد برای این بودکه در عصر کنونی توانست با رهبری خود یک نهضت وانقلاب دینی بر پا کند ودر دنیایی که شعار حذف دین از صحنه سیاست واجتماع، سرلوحه کارشان بود یک حکومت دینی برپا کرد. بنابراین ایشان حقیقتاً امام و رهبر بودند وپس از ایشان نیز حضرت آیت ا...خامنه ای درهدایت این نظام و حکومت همان نقش رابه خوبی ایفا می کنند ودر پاسخ سوال شما که چرا به ایشان امام نمی گویند می گوییم پس از رحلت امام خمینی(ره) ابتدا این لفظ وعنوان به ایشان هم داده شد ولی به قرارمعلوم خود ایشان از این کار ممانعت فرمودند وخواستار آن شدندکه لقب "امام" فقط به حضرت آیت ا...العظمی امام خمینی "رضوان ا...تعالی) منحصر شود .

برخی افراد هم به مزاح و شوخی می

گویند "امام سیزدهم" حساب این افراد را باید از حساب کسانی که ابهام و سؤال دارند جدا کرد.

درباره صلوات فرستادن پس از شنیدن نام امام(ره) وآیت ا...خامنه ای وتعداد صلوات هاباید گفت : آنچه مسلم است اینکه امام خمینی (ره) وحضرت آیت ا...خامنه ای اصلاً با معصومین مورد مقایسه قرار نمی گیرند . در واقع صلوات فرستادن پس

از نام امام ورهبری تأکیدی است بر مخالفت با برداشتهای نادرست از اسلام، تأکیدی است بربرداشت صحیح امروزی امام ورهبری از اسلام ناب محمدی(ص) است امت اسلام هم معنای این صلوات را می فهمند وکسی برتری امام ورهبری را برمعصومین قصد نکرده ونمی کنند بلکه می توان گفت یک نوع مبارزه سیاسی ویا یک استراتژی و شگرد است درمبارزه با دشمنان اسلام .

مقام معظم رهبری حضرت آیت ا... خامنه ای در این زمینه می فرمایند :

" پیش از پیروزی انقلاب بنده در تبعید بودم در پیرانشهر. ا زیک شهری از نزدیکی های ما چند نفرآدمی بودند که یکی از آنها راننده بود. آدمهای اهل فرهنگ ومعرفت واینها نبودند . به حسب ظاهر به اینها می گفتند عامی، اما آدمهایی جزوخواص بودند . اینها مرتب می آمدند دیدن ما پیرانشهر، قضیه مذاکرات خودشان با روحانی شهرستان را می گفتند خوب روحانی شهر هم آدم خوبی بود، منتها عوام بود. ملاحظه می کنید! راننده کمپرسی جزو خواص بود ولی روحانی محترم پیش نماز جزو عوام بود مثلاً آن روحانی می گفت که چرا وقتی که اسم پیغمبر می آید، یک صلوات می فرستید، اسم این آقا که می آید، سه صلوات می فرستید. این راننده به او جواب می

داد که آن روزی که دیگر مبارزه ای نداشتیم واسلام به همه و همه جا فائق بشود، ما همان سه تا صلوات را، یکی اش را هم نمی فرستیم امروز این سه تا صلوات مبارزه است. اومی فهمید، این نمی فهمید. توجه کنید! این را، مثال زدم برا ی اینکه مردم بدانی دکه خواص که می گوییم، معنی آن یك لباس خاص نیست، ممکن است مردباشد، ممکن است زن باشد، ممکن است تحصیل کرده باشد، ممکن است تحصیل نکرده باشد، ممکن است ثروتمند باشد، ممکن است فقیرباشد، ممکن است که یک انسانی باشد که در دستگاههای دولتی باشد، ممکن است جزء مخالفین دستگاههای دولتی طاغوت باشد ." "۱"

) خواص ورسالت آنان، سخنرانی مقام معظم رهبری در حسینیه لشکر۲۷ محمد رسول ا...(ص) ، ۲۰/۳/۷۵ ص ۱۶

۱– نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با مجروح شدن بدن همراه است استفاده می کنند آیا این روشها عذر شرعی ندارد؟

اشاره

۲– آیا روشهایی برای عزاداری که مطابق با دین اسلام باشد واز احادیث

پرسش

۱– نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با مجروح شدن بدن همراه است استفاده می کنند آیا این روشها عذر شرعی ندارد؟

۲– آیا روشهایی برای عزاداری که مطابق با دین اسلام باشد واز احادیث و ... رسیده باشد نداریم؟

۳– عزداران واقعی چه کسانی هستند؟

پاسخ

۲و۱ برادر عزیر بعنوان مقدمه توجه شما را به نکاتی پیرامون فلسفه عزاداری جلب می نمایم. چراکه قالبهای رائج عزاداری باید آئینه نمایشی زوایایی از روح حاکم بر عزاداری باشد نه خدای ناکرده منافی ازآن . " عزاداری و بزرگداشت شهادت اهل بیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدا...(ع) درخصوص دینی سخت مورد تاکید و توجه واقع شده واز افضل قربات شمرده می شود. همچنانکه اشك هر آزاده و سینه سوخته ای را برمصائب و شگفتی های صحنه ای چون عاشورا از سرسوز و شوق همیشه جاری است . ودرطول تاریخ این عزادریها دارای آثار مفید و ارزشمند بسیاری بوده است، از جمله : ۱– احیا وزنده داشتن نهضت عاشورا که موجب زنده نگه داشتن و ترویج دائمی مکتب قیام و انقلاب در برابر طاغوتها و تربیت کننده و پرورش دهنده روح حماسه و ایثار بوده است. ۲– عزاداری نوعی پیونده محکم عاطفی با مظلوم انقلابگرواعتراض به ستمگر است وبه تعبیر استاد مطهری : " گریه بر شهید شرکت درحماسه اوست" ۳– عزاداری برای اهل بیت یك پیون روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب ورهبران آن برقرار می سازد ودیگر گذشت قرون و

اعصار نمی تواند بین آنان جدایی افکند.۴- نکته دیگر اینکه وجود مراسم عزاداری در هر کوی وبرزن بزرگترین ابزار گسترش فرهنگ حسینی (ع) است (البته با بهینه سازی این مجالس وزدودن آفتها وانحرافات ازآن) همین مساله موجب نفوذ ناپذیری امت از تاثیرات و انحرافات دشمنان می گردد ومکتب راهمچنان سالم نگه می دارد. ویا تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می رساند."۱"

واما درباره قالبهای رائج وسنتی مثل سینه زنی و زنجیر زنی باید گفت : اصل عزاداری وسوگواری از خود اهل بیت علیهم السلام است ولی چگونگی آن تا حدود زیادی با شیوه های قومی و ملی عجین شده است واین آمیزش تا زمانی که مشتمل برخلاف شرع نباشد اشکالی ندارد. بنابراین هر گونه عملکردی درراستای اهداف مذکور جایز وانجام آن مفید وبلامانع است و آنچه دروغ و یاموجب وهن و بی پایگی مذهب ودین گردد ممنوع و غیر مجاز است و به ویژه با انگیزه های دنیا گرایانه .

امام خمینی(ره) دراین باره فرموده اند :" بایدمامحرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام که باز ذکر مصائب اهل بیت با همان و ضع سنتی مرثیه سرایی و روضه خوانی این مذهب زنده مانده است . شیاطین به گوش ما نخوانند که ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب رابگوییم ومسائلی که در سابق بود حالا دیگر مشی باید بشود، خیر

ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دسته جات مبارک اسلامی که درعاشورا، درمحرم وصفر درمواقع مقتضی به را می افتند (باشیم) تاکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند . محرم و صفر وفداکاریهای سید الشهدا سلام الله علیه

است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است .... باید بدانید اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید یک قدری تصفیه شود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند ..."

از حضرت ایه ا...العظمی خامنه ای نیز در این باره سوالاتی شده که اجمالاً به پاسخهای ایشان اشاره می شود :"۲"

راجع به مراسم شبیه خوانی فرموده اند : اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند ومستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند اشکال ندارند. ولی درعین حال بهتر است به جای آنها مجالس وعظ وارشاد وذکرمصائب حسینی ومرثیه خوانی برپاشود.

ونیز راجع به راه انداخت دسته های عزاداری فرموده اند : به راه انداختن دسته های عزاداری برای سیدالشهداء واصحاب او ... وشرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبیست واز بزرگترین اعمالیای است که انسان را به خداوند نزدیک می کند ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می شود ویا فی نفسه از نظر شرعی حرام است پرهیزکرد.

وهمچنین راجع به استفاد هاز آلات موسیقی درعزاداریها فرموده اند : استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارضی که از قدیم متداول بود برگزار شود.

ونیز راجع به اعمالی چون سوراخ کردن گوشت بدن و آویزکردن وزنه به آن فرموده اند : این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می شوند جایز

نیست .

۳- ودرخصوص اینکه فرمودید عزادار واقعی کیست؟ باید گفت : مساله عاشورا دو جنبه ودو چهره دارد :

الف) چهره زیبایی ها ؛ یعنی، عظمتی که حضرت اباعبدا... (ع) ویاران ایشان درابعاد مختلف آفریده وعالی ترین جلوه های کمال انسان رابا عمل خویش ترسیم نموده وبزرگترین درس رابه کل تاریخ بشریت آموختند . نمایش عزت و افتخار حسینی درمقابل لشکریان جهل و سیاهی، بینش زینبی در جای جای قیام کربلاو همچنین نمایش اقتدا به مراسم حسینی نکات بارز آن می باشند .

این بعد از حادثه عاشورا بسیار غرور انگیز وافتخار آفرین است وبه راستی باید به خود بالید که درچنین مکتب درخشانی پا به عرصه وجودنهاده ودرآن رشد یافته وباآن می میریم وحاضریم همه هستی خود را دراین راه نثار کنیم .

ب) چهره دیگر عاشورا جنبه تراژدیک، عمبار واشکبار آن است. اسف از مظلومیت حق و اسلامی که ا زآن چون پوستی باقی نمانده بود.از غربت دین که همه دروجود مبارک امامی رئوف وتنها تجلی یافته بود.

واسف ازاینکه چرا امت حق امام(ع) را پاس نداشته وناجوانمردانه ترین حرکات را نسبت به محبوبترین خلق خدا وشریفترین انسانها روا داشتند. آری ظلمی که برامام(ع) واهلبیت ویاران ایشان تحمیل شده دل هر انسان نیکوسیرتی را بدرد می آورد وروح آدمی را سخت می آزارد واز طرفی زنده وملموس یافتن قیام ودرس مکتب حسینی در سینه ها درتمام آنات و لحظه ها وتطبیق آن برتعارض همیشگی خوبیها وبدیها دردرون که گاه حسین وجود(جان علوی ونفس الهی) دردرون ما به تیغ شخوت و غضب وگاه به تیغ بی حیایی ضربتی می خورد ودر پهنه نفس وروح ما بی جان و بی رمق

می افتد واز این منظر گریه بر حسین گریه برمظلومیت نفس مزکای الهی خویش وغایتا نسانی است که به دست نفس حیوانی دریده می شود .

همچنانکه اشک گاهی از سر سوزو گا ه از سر شوق جاری می شود گریه بر اباعبدا... (ع) از هر دو نوع است یعنی هم مصائب ایشان سیلاب اشک از دیدگان فرو می ریزد وهم عظمت و شگفت آفرینی ها، مردانگی وشرافت آن حضرت ویاران ایشان، آدمی را وادار به ریختن اشک می سازد.

عزادار حسینی به هر اندازه معرفت به این دو بعد داشته باشد ومتأثر از آن شود، عزادار محسوب می شود والبته شایسته است مرتبت ومنزلت خود را دراین مقام با کسب معرفت بیشتر ارتقا بخشیم." "۳"

(۱) بر گرفته از پرسش و پاسخهای سایت دفتر نهادرهبری دردانشگاه www.nahad.net

(۲) پاسخ به سوالات ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴ از رساله اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، ج۲ ،ص ۱۲۹

بر گرفته از پرسش و پاسخهای سایت دفتر نهاد

چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟

پرسش

چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟

پاسخ

تو در اول سرو جان باختی اندر ره عشقتا خلائق بدانند که فنا شرط بقاست

گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشقآید از آن کشتگان زمزمه دوست دوست

خواهر گرامی، قطعاً شناخت کار عظیم آن عزیزان، و خدمت بزرگی که به ما نمودند، گام نخست است. تا در گامی بعد پاسخی مناسب خدمت ایشان بدهیم.

آنچه واقعاً آن بزرگواران انجام دادند، فتح بزرگ جمهوری اسلامی بود. که به تعبیر رهبر بزرگوار انقلاب، آن فتح این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند، که بتوانند احساس خودباوری کنند، و بایستند، و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا، از کشور و موجودیتشان، و از اسلام و از تمام حریمهای ارزشهای انسانی و الهی، دفاع کنند.

ایشان به خون خویش هدایت الهی را تبیین کردند، و خویش را در تحقق تجلی اسلام ناب محمدی فانی کردند، و زندگی

واقعی را تعریف کردند.

زنده را زنده نگویند که مرگ از پس اوستبلکه زنده است شهیدی که حیاتش زقفاست

و ارائه طریق نمودند، به هر که رونده این طریق است. یعنی زنده شدن به دم پروردگار. "مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ اَو اُنْثی وَ هُوَ ُمؤمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاهً طَیِبَهً وَ لَنَجْزیَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِأحْسَنِ ما کانو یَعْمَلُونَ" (۱) (هر کس عمل صالح انجام دهد، از مرد و زن، و او مؤمن باشد، پس او را به حیات پاک و طیب زنده می گردانیم؛ و جزا می دهیم ایشان را، به بهتر از آنچه انجام دادند.)

چه عمل صالحی بالاتر از عمل به تکلیف در وقت معیّنش، قابل تصور و

تصدیق است؟ قرار گرفتن در مرزهای انسانیت، و صیانت از ارزشها در مقابل مظاهر حقیقی کفر و شیطنت، همراه با ایمان، به انسان حیات طیبه می دهد، و انسان را به هوای این حیات زنده می گرداند.

همینگونه است درباره شهیدان راه حق، و شهیدان نازنین انقلاب اسلامی. آنگاه که پای در رکاب تعبد و تولّی گذاردند، طلیعه حیات طیبه در افق قلوبشان پدیدار گشت، و طلاقنامه دنیا را در سیمای وصینامه هایشان حک کردند.

می بینیم چگونه است که شهیدان امام وار قلوب مؤمنین را نیز به طریقه خویش دعوت می کنند. و چه دِیْنی عظیم تر از اینکه هدایتی صورت گیرد و حق این هدایت و روشنگری، حرکت و التزام رکاب بودن را می طلبد.

از این رو در عرصه تربیت و تعالی در طریقه این بزرگان، توجه خالصانه، و بی شائبه منفعت دنیایی به خداوند، در جهت تقرب به اوست. و معرفت و عمل مجدانه به احکام شریعت، و تخلق به اخلاق انبیاء، و معتقد بودن به باورهای راستین و ایمانی، یعنی میثاق اولین ما با رب متعال، و تجدید این میثاق، به خون شهیدان صورت می گیرد.

و در عرصه اجتماعی، باید دید که ا مروز دشمنان، از چه طریق می خواهند آن ارزشهایی را که با خون شهدا زنده شده، از ما بگیرند. رهبر انقلاب در این خصوص نیز می گویند که همین اخیراً در یکی از مجلات آمریکایی، سرمقاله ای بوسیله یک نویسنده معروف آمریکایی نوشته شده بود، که خلاصه اش این بود که برای مقابله با کشورهایی مثل ایران، ما نمی توانیم از راههای نظامی و اقتصادی عمل کنیم. اینها راههای تجربه شده

و شکست خورده است، از راههای فرهنگی بایـد وارد بشویم. تصـریح هم می کنـد، می گویـد چگونه باید وارد بشویم. و در وسـط همان صـفحه، عکس کاملاً عریان یک زن را کشـیده، و گفته از این طریق. گفته اینها را بایـد ترویـج کنیم، تا بتوانیم بر آنها فائق آییم. راست هم می گوید، راه این است. البته به هول و قوه الهی نمی گذاریم، و نخواهند توانست.

بنابراین اگر می خواهیم راه شـهدا در این بُعـد، که همان دفاع جانانه از دین و ارزشـهای دینی و انقلابی بود، ادامه یابـد، امروز نیز در این تهاجم فرهنگی، باید ضـمن حفظ خود در مسـیر ارزشها، با وسایل و ابزار و سلاح مناسب، در این جبهه تلاش کنیم؛ و با استقامت و راه ندادن ناامیدی، گامهای بلندی برداریم.

و به تعبیر رهبر انقلاب دردیـدار بـا جوانـان، که فرمودنـد : "این کارهایی که جوانان می کننـد، اینها کوچک نیست، نه، شـما کارتـان را خوب انجام دادیـد؛ اگر صـد نفر دیگر مثل شـما فکر کننـد، اعتلای عظیم، و همان کار بزرگ، اتفاق خواهـد افتاد. عین همین مسـأله در بـاب ورزش است، عین همین مسـأله در بـاب درس خوانـدن و در بـاب تحقیق است، عین همین مسأله در بـاب کارهـای خـاصّ جوانـان است. این، درست مثـل روز راهپیمـایی است. اگر همه بگوینـد که حالاـ من یک نفر چه تأثیری دارم، این سـیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن، یـا در نمـاز جمعه، راه نمی افتـاد. امـا هر کسـی احساس می کنـد که تکلیف خودش را دارد انجام می دهد. من می خواهم تأکید و تکرار کنم، که کار تک تک این جوانان

هر جا و در هر زمینه که دارنـد کار می کننـد، در زمینه قرآن، در زمینه معلومات، در زمینه معارف، در حوزه، در دانشـگاه، در کتاب نویسی کاری مهم است؛ همان کاری است که انشاءا...، کشور را به اعتلاء خواهد رساند."

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه نحل/آیه ۹۷

گاهی در حرم مطهر امام رضا با صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً بفرمایید این

اشاره

موضوع چه فلسفه ای دارد ؟

پرسش

گاهی در حرم مطهر امام رضا با صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً بفرمایید این

موضوع چه فلسفه ای دارد ؟

پاسخ

ضمن تقدیر وتشکر از جنابعالی به خاطر بذل توجه به شناخت این موضوع درحرم مطهر ،

باتوجه به سؤال جنابعالی پیرامون شنیدن صدای بوق وطبل لازم به ذکر است این اصوات

از محلی بنام نقاره خانه درقسمت شرقی صحن انقلاب است که به گوش می رسد . بنای

این ایوان توسط شاه عباس صفوی باارتفاع ۲۶ متر نهاده شده است . بربلندای آن

ساختمان مجلل واستوار نقاره خانه چشم اعجاب وتحسین زائران رابه خود جلب می کند

وازهمین رو این مکان ایوان نقاره خانه نیز نامبرده می شود .

استفاده از نقاره از زمانهای دور درآستان قدس رضوی مرسوم بوده است اما از چگونگی

وعلل واستفاده آن واز چه زمانی بصورت یک سنت درآمده هیچ اطلاعی دردست نیست .

شاید یکی از علل استفاده نقاره از آنجاباشد که درگذشته درکاخها وقصرهای سلاطین

وشاهان استفاده می شده واز آنجا وارد حریم رضوی شده است چراکه حضرت نیز مقام

ولایتعهدی رادارا بوده اند وجزء شاهان محسوب می شده اند .

از طرف دیگر به خاطر مقام عظمای حضرتش وابراز جلالت وفخامت لاهوئی که حضرت

برتر از تمامی شاهان است این آوای خوش گواهی است برشکوه حرم روحانی اش .

اما آنچه مسلم است درحال حاضر استفاده از نقاره به غیر از ایام محرم وصفر ونیز ایام

سوگواری درتمامی ایام سال در۲نوبت ۱۰دقیقه قبل از طلوع ونیز ۱۰دقیقه قبل از

غروب خورشید نواخته می شود . علاوه براین درشب اعیاد بعد از نماز مغرب وعشاء ونیز

روزهای عید

، زمان تحویل سال نو واعلام عید سعید فطر ونیز سحرهای ماه مبارك

رمضان نقاره نواخته می شود .

لازم به ذکر است تعدادنقاره زنان هفت نفر می باشد ۳نفر برطبل می کوبند و۴نفر

درشیپور می دمند . گفته می شود که ایشان نام مبارک « رضا » ویا عبارت « مولد رضا (ع) » رادر شیپورهای خود می دمند.

نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یک انقلا ب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بیندازند تا آنان هم ببوسند آیا این درست است ؟

پرسش

نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یك انقلا ب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بیندازند تا آنان هم ببوسند آیا این درست است ؟

پاسخ

باید عرض کنیم که این رهبر انقلاب نیست که دست خود را دراز می کند بلکه این میلیونها انسان مشتاق هستند که از روی محبت و علاقه و اعتقاد دست خود را به سمت ایشان به نشانه علاقه دراز می کنند وایشان از روی ادب و محبت پاسخ می دهند نه خدای ناخواسته از روی تکبر که صفت شیطان صفتان است. نه عالمان مهذب و خدا ترس مثل ایشان و اصولاً محبت و ایمان و علاقه به مؤمنان و صالحان از نشانه های ایمان است و آنهم به علمای دین و فقیه جامع الشرایط که به ادله عقلی و نقلی نائب حضرت ولی عصر (عج) هستند۱- (جهت اطلاع از این موضوع به کتاب ولایت فقیه امام خمینی(ره) مراجعه نمایید .

۲- شئونات ولایت فقیه ترجمه کتاب بیع ۳

۳- ولایت فقیه آیه الله جوادی آملی و ۰۰۰ را مطالعه بفرمائید .

اصولاً احترام و خضوع در مقابل پدر و مادر و معلم و انسانهای الهی و علمای ربانی و انبیاء نه اینکه عیب دارد بلکه جزء دستورات و تصریحات قرآنی است (۱) چون احترام به اینها در مسیر خواسته خدای متعال است و اینها بندگان صالح خدا هستند . مگر در نماز سلام به بندگان صالح نمی دهید اصولاً دوستی بندگان صالح و مؤمنان دستور خداست و محبت به علمای ربانی

نشانه ایمان است و توفیق الهی است اگر دوستی و محبت و اطاعت نباشد اشکال دارد و باید ببینیم اشکال کارمان کجاست مگر فرمایش آیه الله حسن زاده آملی را نشنیده اید که فرمود ند من در سر کلاس پای استادم ایه الله شعرانی را بوسیدم البته آنها که میل ونیاز به احترام ما ندارند ما وظیفه خودمان می دانیم مگر از امام علی نشنیده اید هر کس چیزی به من یاد بدهد من بنده او هستم برادر عزیز و محترم آیا اگر این علمای دین نبودند. الان اینقدر از منابع الهی و قرآنی و معارف دین در دسترس موجود بود ؟ و البته حضرت به ایشان اندازه من و شما وظیفه شرعی خودش را تشخیص می دهد که از روی پارچه خانمها اظهار علاقه می کند و مانعی ندارد و این کار ایشان در انظار میلیونها انسان و دائره علما و مراجع انجام شده است چه اشکال دارد اگر اشکالی می بود قطعاً به ایشان تذکر میدادند و ایشان مجتهد هستند و وظیفه دینی اش را تشخیص می دهد .
مگر شما در تفسیر نخوانده اید که این طریق را پیغمبر اسلام (ص) در صدر اسلام در بیعت با بانوان انجام داد (۲)

تکراراً عرض می کنم که قرآن در آیاتی احترام به انبیاء را نشانه عبو دیت شمرده است (۳)

و همینجور کسانیکه در مسیر اهداف انبیاء و ائمه هستند که می توانند جهت اطلاع بیشتر به منابع حدیثی مراجعه بفرمائید
والسلام علی عبادالله الصالحین

۱- سوره اسراء آیه ۲۴ ۲- تفسیر نمونه ممتحنه آیه ۱۲

۳- بقره ۳۴ و یوسف آیه

ج اول) استفتاءآت ایه الله مکارم شیرازی مسئله ۱۶۰۵ آدرس چندین حدیث را جهت احترام و دست بوسی به عالم دینی و استحباب این موضوع ذکر کرده جهت اطلاع کتاب وسائل الشیعه کتاب حج و جهاد باب عشره ۱۳۲

آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا (ع) یا درااماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شوند کار درستی است یا خیر ؟ لطفاً توضیح دهید ؟

پرسش

آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا (ع) یا درااماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شوند کار درستی است یا خیر ؟ لطفاً توضیح دهید ؟

پاسخ

دیدگاهها و نظرات متعدد و مختلف است بعضی از مردم از روضه خوانی این آقای روحانی استفاده می کند و خیلی هم خوشحال می شو ند و نتیجه هم از این روضه خوانی می گیرند وقتی هم که می خواهند بعد از اتمام روضه خوانی خداحافظی کنند خدمت روحانی می رسند تقدیر و تشکر می نمایند .

ولی بعضی از بزرکواران و سروران این مسئله روضه خوانی را نمی پسند ند و شاید نظرشان این باشد که بعضی از بزرگواران که مشغول نماز هستند ویا مشغول دعا می باشند حواس پرتی می آ ورد و انسان مشغول می شود آنطور که از سکوت و تنهائی با خدا و پیامبر و ائمه اطهار (ع) لذت می برد اینجا که بنظرش می رسد این کار درست نیست پس نتیجه می گیریم : هرکس از دیدگاه خودش به موضوع توجه و نظر می کند اگر دیدگاه مثبت باشد آ ن موضوع را مثبت تلقی می کند و اگر دید گاه منفی باشد آن موضوع راهم منفی تلقی می نماید.

اولاً ـ توجه داشته باشید که اکثر این آقایان . روحانی که منظور شماست نمی باشند ، بلکه لباس مقدس روحانیت را بقصد ثواب پوشیده اند و در حرم مطهر روضه خوانی می کنند .

حال اگر روضه خواندن آنها مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد و توجه به محتوا و صحت

روضه داشته باشند و توقعی هم نداشته باشند اشکا لی ندارد. ر ٪

۱– چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟

پرسش

۱- چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟

پاسخ

جواب :

بااهداء سلام وآرزوی توفیق الهی ضمن تشکرازحسن اعتمادشمابه این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد.

تداوم راه شهدا یعنی شناخت و هدف آنها و انگیزه همه شهیدان از سر آغاز خلقت ، بنده خدا بودن و عمل به وظیفه فردی و اجتماعی بوده است . امّا به چه طریق در مسیر آنها قرا ر گیریم ؟

امام علی ? فرموده : ((ما المجاهد الشهید فی سبیل الله باعظم اجراً ممن قدر فعفَّ)) اگر می خواهی به درجه شهیدان برسی بلکه شهید واقعی شوی (یعنی کسی بر اثر عمل صالح تمام اعمالش خدایی شود) عفّت پیشه کند و کسانیکه با قدرت بر گناه. عفت و پاکدامنی پیشه کنند و آلوده نگردند از فرشتگان خواهند شد انسان پاکدامن وقتی در مسیر اطاعت خدا و اولیاء او در خط رهبری عادل باشد خواسته همه شهیدان تاریخ است .

ضمناً چون حضرت امام خمینی (رح) توصیه به تأمل در وصیّت شهدا کرده اند چند نمونه را بیان می کنیم .

فرازهایی از وصیّت نامه سردار شهید محمد تقی مددی قالیباف :

سلام و درو د بر امام امّت ، قلب تپنده مسلمین جهان که موجب قیام مسلمین شد . موجب زنده شدن اسلام و دین جدّش رسول الله? گردید.سپاس بیکران بر پیکر جماران که همچون جدّش حسین قیام نموده و واقعیّات را به ما نشان داد . چشم مارا به حقایق روشن و گوشمان را به ندای حق شنوا ساخت و باعث سربلندی اسلام در تمامی جهان گردید . بودند کسانی که انتظار مهدی را می

کشیدند و در راه حق شهید گشتند شهدایی که مقاومت ، ایثار ، گذشت و ایمان را به ما آموختند و خود رفتند.

اگر روزی من هم شهید شدم ، گر چه این را در خود نمی بینم ،باید خوشحال باشید که در این زمان ، همچون یاران حسین در دشت کربلای ایران ، از دنیا رفته ام . امّا قبل از این چند سخن با شما دارم .

۱-همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به شما ضرری نرسد . ۲- نسبت به همسایگان ومسلمین خوش رفتار وباصداقت عمل کنید

۳- در اجتماعات مسلمین شرکت نموده و از تفرقه و جدایی بپرهیزید .۴ - هیچ گاه خدا را از یاد نبرده و روز قیامت را به خاطر آورید ۵- در برابر ظلم قیام کنید و در برابر حق سرتسلیم فرود آورید . ۶-حجاب اسلامی را رعایت کرده وبه احکام دین توجّه داشته باشید ۷- استغفار و دعا را از یاد نبرده که بهترین تسکین برای درمان دردهاست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید.

۸- هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیّت متعهّد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بد بختی مسلمانان و روز جشن ابر قدرتهاست . ۹- در کارهای امام و کارهایشان بیشتر دقیق شوید و سعی کنید خود را با او هماهنگ کنید و تسلیم او باشید و بزرگی و عظمتش را در یابیدو پاکی و دوستی و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید . باشد که شهدا و مظلومیّتشان ، افرادی را که ولایت فقیه را تکذیب می کنند و پیرو راه سرخ

امام خمینی نیستند به خود آورد و به رحمت الهی سوقشان دهد مرا خواهید بخشید زیرا شما بر تمامی مسائل آگاهید . از همه طلب عفو و بخشش دارم .

فراز هایی از وصیت نامه فرمانده شهید عبدالحسین برونسی :

ای جوانها، ای انسانها !به این قرآن توجّه بکنید که با ما چقدر دارد روشن حرف می زند و به روشـنی به ما بیان می کند بیائید تجارت در راه خدا کنید و از این تجارت چهار روز دنیا دست بکشـید ((ان الله اشتری من المؤمنین ا نفسـهم و اموالهم وان لهم الجنه یقـاتلون فی سبیـل الله فیقتلـون و یقتلون وعـداً علیه حقـا فی التوریه والانجیـل و القرآن و من اوفی بعهـده من الله فاستبشـر ببیعکم الـذی بـایعتم به و ذالـک هو الغفور العظیم)) چه معـامله ای بالاـ تر از این که خـدا خریـدارش باشـد توجّه نمی کنیـد . تجارت چهار روز دنیا هر چنـد هم که مال جمع کنیـد ولی اگر در راه او مصـرف نکنیـد در راه خـدا ((ایَحسب ان ماله اخلده کلا لینبذن فی الحطمه)) این مال شما را به اخلده نمی اندازد واین بهترین تجارت در راه خداست . خدا جان شما و اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده است . آ خر چرا به طرف جهنّم پیش می روید من متحیّرم از کسانی که این تجارت پر بها را رها کرده اند وبه تجارت جهنمی خود پیوسته اند . این قرآنی که چندین سال است در غریبی مانده است اورا زنده کنیم و سر مشق زندگییمان قرار دهیم و ما خودمان را نجات دهیم و آن انسانیّتی

که خدا برای ما خلق کرده است و ما را با بهترین اندام و قواره خلق کرده ((و لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم))را به اثبات برسانیم نه اینکه به دست خودمان ، خودمان را به اسفل السافلین بفرستیم . خیلی این بد است و این ((شجره من زقوّم)) است این درختی که در جهنم است خود انسان است که این درخت را برای خودش پر بار می کند . ما باید از این درخت دوری کنیم و به رحمت خدا بپیوندیم.

فراز هایی از وصیت نامه شهید محمد تقی رضوی:

با درود و سلام به پیشگاه امام زمان (عج) و امام خمینی و امّت شهید پرور اسلام اول از همه از خداوند متعال میخواهم این بنده نا فرمان را به عظمت و جلالش ببخشد و بیامرزدکه بسیار بار گناهم بر دوشم سنگینی دارد و تحمّل عذاب جهنّم را ندارم هر چند که نسبت به دستوراتش کوتاهی و سهل انگاری کرده ام و از این بابت کلاً شرمنده و پشیمانم و به درگاه پر رحمت و شفقّتش توبه میکنم واز همه بندگان پاک و منزه خداوند طلب شفاعت دارم دوم از تمامی کسانی که این بنده حقیر و سر تا پا گناه را می شناسند طلب عفو و بخشش می نمایم . سوم به همه امت اسلامی عرض می کنم که قدر این اسلام و انقلاب و امام و مسئولی نظام جمهوری اسلامی را بدا نندو برای نشان دادن این قدر شناسی تا جایی که می توانند خدمت کنند و سختی ها و ناراحتی ها را را تحمل کرده و در جهت پیشبرد انقلاب بکوشند

و به مسئولین عرض می کنم که در رأس همه کارهایشان خدمت به مظلومان را قرار دهند که همین ها هستند که جبهه ها را گرم نگه داشته اند و هر روزه خون می دهند که نهال انقلاب بارور شود و اسلام به پیروزی برسد .

برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتابهای :

۱- جرعه عطش (خدیجه ابول اولا) ۲- رژان (سرهنگ دوم پاسدار سید هادی هاشم زاده هاشمی)

۳- نبرد آلواتان (سرگرد پاسدار سید سعید موسوی) ۴- مانا (طیبه دلقندی)

۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست ؟

اشاره

۳- چرا سمتهای کلیدی را به شیخها می دهند ؟

پرسش

۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست ؟

۳- چرا سمتهای کلیدی را به شیخها می دهند ؟

پاسخ

ج۲-« شیخ» به معنای مرد پیر و مرد بزرگ و دانشمند , شخص بزرگوار , رئیس طایفه است . و «آخوند» به معنای ملا , معلم , عالم, روحانی , اعضا و پیشوای مذهبی (۱) و مرتبه آخوند از شیخ با لاتر است.

ج ۳- برای پاسخ به این سؤال باید باز گردیم به آغاز شکل گیری انقلاب و نظریات امام خمینی« رحمه الله علیه » راجع به حکومت اسلامی. تأسیس انقلاب اسلامی سبب شد تا بر اساس یک همسویی ائدئولوژیک روحانیون که از دیر باز دارای نفوذ قابل توجهی بوده اند از جایگاه ویژه ای درمیان نظام سیاسی برخور دار شوند , این توجه و عنایت حکومت فرصت های مطلوبی را در اختیار آنان قرار داده است تا بتوانند با تأثیر درفرآیند سیا ستگذاری و تصمیم گیری ارزشهای اسلامی را وارد نظام سیاسی کنند .

امام خمینی « ره » در پاریس در پاسخ به این سؤال که نقش روحانیون درحکومت اسلامی چگونه خواهد بود فرمودند :

«روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را دارا می باشند (۲) همچنین ایشان یکسال پس از پیروزی انقلاب , با همان اعتقاد سابق و در پاسخ به پرسش مشابه نقش روحانیت را نه در درون دولت و نه خارج از دولت معرفی می کنند. بلکه نقش روحانیت را همان هدایت و نظارت بر اعمال دولت می دانند. اما حوادث و تحولات بعدی , ضرورت فعالتر

روحانیون را در بخش های مختلف ساختمان حکومت نشان داد زمانی

که مهندس بازرگان نخست وزیر شد تجربه نخست وزیری وی نحوه نگرش امام به این قضیه را تغییر داد . امام بعد از نخست وزیری بازرگان فرمودند : «ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاص که در رأس واقع شدند و از روحانیون نبودند در عین حالی که بعضی شان متدین بودند از باب اینکه آن راهی که ما می خواهیم برویم ... با سلیقه آنها موافق نبود ...... ما آن روز خیال می کردیم که در این قشر های تحصیلی کرده و متدین و صاحب افکار , افرادی هستند که بتوانند این مملکت را به آن جوری که خدا می خواهد ببرند ؛ آن طور اداره کنند . وقتی دیدیم که نه, ما اشتباه کردیم ..... (۳)

بنا بر این , تعبیر دخالت در سیاست , نزد روحانیت , مفهومی فراتر از نظارت و ارشاد یافت و در سیا ستگذاری و اجرا نیز , نقشهای گسترده ای را بر عهده گرفتند .

بنی صدر با خیانت های بزرگی که در حق ملت ایران به خصوص رزمندگان اسلام در جبهه نبرد کرد. امام «راحل» را مصمم کرد که پست های کلیدی را به افرادی بسپارند که مورد اطمینان باشند , حال روحانی باشد یا غیر روحانی فرقی نمی کرد , آنچه مهم بود اعتقاد به اسلام و کفر ستیزی و مبارزه با ظلم بود که طبیعتا روحانیت تعهد و اخلاص خود را بیشتر نشان داد .

آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟

پرسش

آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟

پاسخ

برای انسان مؤمن و معتقد به اسلام، مد معنا ندارد و هر موردی که پیروی از این رسوم، باعث ترک واجب یا انجام کار حرام بشود، مسلما گناه کرده است. و نباید به آن اعتنا کند.

تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است ؟

پرسش

تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است ؟

پاسخ

تهیه جهیزیه از اموری است که به عرف هر جامعه بستگی دارد و این که اسلام در این باره نظر خاصی داشته باشد ما با آن برخورد نکرده ایم. فقط آنچه هست جریان ازدواج حضرت امیر(ع) و حضرت فاطمه(س) است که به نقلی درجریان خواستگاری حضرت رسول(ص) به حضرت امیر(ع) امر فرمودند که زره خود را کابین فاطمه(ص) قرار بده وبعد آن را که ۵۰۰ درهم ارزش داشت فروختند و بهای آن را خدمت پیامبر(ص) آوردند.

رسول گرامی اسلام(ص) مقداری از آن را به بلال دادند و فرمودند با این پول برای دخترم بوی خوش بخر وباقیمانده را به بعض اصحاب سپردند و فرمودند آنچه را دخترم بدان نیازمند است آماده ساز که فهرست جهیزیهحضرت در امالی شیخ طوسی(ره) مذکور است.

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگونساخت، این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا(ص) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل ورفتار مؤمنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت، بنیان های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد.

قرآن شریف، سفارش های مکرری نسبت به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این سفارش ها کاملاً منطقیاست. این کتاب عظیم چنان که عقل را راهنمای انسان میداند، از فرد بشر می خواهد تا حکمت و رشد خود را گسترشدهد [در این باب نگا: تفکر از دیدگاه اسلام عباس محمود عقاد، ترجمه محمدرضا عطائی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ش، صص ۲۶ – ۹]. همچنین در این کتاب بی نظیر آموزه هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگونساخته است. آموزه هایی در باب اخلاق، خداشناسی، انسان شناسی، جهان شناسی، تاریخ و... حضرت رسول(ص) باسیره عملی و گفتار زبانی و بعد از او ائمه(ع) کوشش کردند تا این آموزه ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیرنمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند.

اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است، آیا علاوهبر طرح مسائلی چون خداشناسی، انسان شناسی، راهنماشناسی و اخلاق، مواردی چون جهان شناسی به معنیشناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک، گیاه شناسی، زمین شناسی، ستاره شناسی و در

یک کلام دانش تجربی نیز مد نظروحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟!

به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تاآنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیازدارد به او بیاموزد. بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مسأله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنیدر باب خداشناسی، انسان شناسی، معادشناسی، راهنماشناسی، اخلاق و احکام عبادی.

اما در باب جهان، طبیعت و مسائل فیزیکی و جسمانی بدن، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است وشاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلاً و مستقیما به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداختهباشد.

در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمتالهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است. در پاره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمینبه تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظرباشد که انسان با نگرش به عالم از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر اوست، معرفت فطری و شناخت حضوریخود را شکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [معارف قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه در راه حق قم، چاپ اول ۱۳۶۷ ش، ج۱، صص ۲۲۶ – ۲۲۵].

با توجه به این نکته، در پاسخ به پرسش شما خاطرنشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در بابآموزه هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است، بله در این جهت ما باید

کوشش کنیم تا آموزه های قرآنی را محورنظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سود جوییم، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحثخداشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقیآنها می توانیم مسائل جدیدی را در این ساحت ها به جهان بشریت عرضه کنیم.

اما اگر منظور شما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها بهذکر کلیاتی استطرادی اکتفا شده است، به نظر ما نباید تلاش بیهوده ای را آغاز کنیم، چنان که برخی چون رشید رضا درتفسیر «المنار» و طنطاوی در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» کوشش کردند که بسیاری از مسائل علمی را با آیاتقرآن تطبیق دهند. زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته، در هیچ زمینه، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در اینباب نپرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می شده بسنده کرده است، به همین جهتبرخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالبا دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآننسبت دهیم [برای آگاهی بیشتر نگا: همان، صص ۲۳۲ – ۲۲۸].

در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است:

۱– هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق وترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت بپردازد [نگا: اعراف، آیه ۱۸۵ ؛ غاشیه،آیه ۲۰ – ۱۷ ؛ بقره، آیه ۱۶۴ و...] ۲– خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده

است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده وبا استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت را کشف نماید. در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است. از این رودر این باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید.

۳- علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه، اصول، حدیث، نحو، بلاغت، تاریخ، اخلاق، فلسفه و کلام هر چند در پرتوهدایت های رسول خدا(ص) و پایه گذاری حضرت علی(ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورتگرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید. بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند با خود آدمی رشد و بالندگیخود را به دست آورد [در این باب نگا: ظهور شیعه، علامه سید محمد حسین طباطبایی، انتشارات فقیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش، صص ۴۴ -۳۳].

۴- تطفلی و استطرادی بودن برخی از آموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهایخیالی اند که برای ارائه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند. حاشا و کلا که چنین باشد. گزارش های وحی ازخلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است.مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است و از این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است.در واقع با این سلسله آیات، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداد از عقل خود بهکشف رازهای مجهول آن نایل آید.

۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعتبرخوردار است؛ زیرا قرآن

همراه با طرح این مسائل، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجهی دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال «هو الاول» و «هوالاخر» تا اوج گاه مبدأ و معاد پرواز می دهد[شریعت در آیینه معرفت، آیت اللّه عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶ - ۱۶۴].

به هر روی ما باید در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است، نظریات آن را استخراج کرده و بهجهانیان عرضه نماییم ولی در بعضی از دانش ها چون دانش تجربی و تاریخی باید با استمداد از عقل بشری و تبادلآراء و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم.{J

من شهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهد کاری که در رابطه با شهدا باشد انجام دهم می خواهم برای شهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشتر آشنا شوم ولی نمی دانم از کجا و چگونه آغاز کنم مرا راهنمایی کنید.

پرسش

من شهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهد کاری که در رابطه با شهدا باشد انجام دهم می خواهم برای شهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشتر آشنا شوم ولی نمی دانم از کجا و چگونه آغاز کنم مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

برای آشنایی بیشتر با شهدا، مطالعه زندگی نامه و سخنان و بیان هدف آنها از زبان خودشان ویا همسنگران آنها راه مناسب و مفیدی است. آگاهی از انگیزه ها و اهداف عالی آنها و پی بردن به روحیه ایثارگرانه و شجاعت و مردانگی و صبر و استقامت آنها در راه دفاع از اسلام و میهن اسلامی و پیروی آنان از روش و سیره و برنامه سیدالشهدا(ع) ما را به آنها نزدیک می سازد و با حال و هوا و بینش و اندیشه و اخلاق و رفتار و ارزش های آنها مأنوس و آشنا می سازد. زیارت قبور پاك شهدا و رفتن به گلزار شهدا علاوه بر ترویج مرام و هدف شهدا و فرهنگ ایثار و شهادت موجب ارتباط روحی و انس و الفت بیشتر با آنان می گردد و باعث می شود نام شهدا و راه و رسم آنان به فراموشی سپرده نشود.

شرکت در مراسم سالگرد شهدا و نیز مراسم تشییع شهدای گمنام و شهدایی که بدن پاکشان پس از سال ها از زیر خاك های جبهه پیدا می شود راه دیگری برای آشنایی و پیوند با آنها و نوعی تجدید عهد و پیمان بستن با شهدا و ادامه راه پاك آن صالحان و شایستگان است.

بالاترین خدمت به شهدا کمك به تحقق اهداف مقدس آنان است. آنان همه هستی و سرمایه

و جان ارزشـمند خویش را در راه اعتلای اسلام و پیاده شدن احکام قرآن و دین فدا کردند و در نزد آنان چیزی مهمتر و عالی تر از حاکمیت دین خدا و استقرار جمهوری اسلامی که تحقق بخش احکام الهی و نمایانگر ظهور دین در عرصه زندگی مردم مسـلمان است نمی باشد. دفاع از جمهوری اسلامی و تقویت بنیان های این نظام مقدس که خونبهای شهدای ایثارگر و حماسه افرین است به هر صورت ممکن و اعتبار بخشیدن به آن به وسیله شرکت در راهپیمایی ها و نمازهای جمعه و جماعت و صحنه های دفاع از نظام و مشـروعیت آن در واقع خـدمت به شـهدا و بزرگـداشت نام و یاد و هـدف آنها می باشد. کوشـش در جنبه های علمی و فعالیت های تحقیقی و کسب افتخارات برای جمهوری اسلامی و هر نوع کاری که باعث سربلندی نظام مقدس و معرفی انقلاب اسـلامی به مردم سایر ملت ها باشد، عینیت بخشـیدن به خواسته شهدا است. رفع نیازهای عاطفی و روحی و گاه نیازهای مادی خانواده های سـرافراز شـهیدان و بازدید از خانواده آنها و ارتباط با آنها و رسیدگی به وضع آنها و به ویژه توجه خاص به وضعیت فرزندان پرافتخار آنان، راهی دیگر برای خدمت به این عزیزان است. فعالیت در جهت رشد فرهنگی و علمی و اخلاقی فرزندان شهدا و تعلیم و تربیت آنها در محیط های آموزشی و نیز محیط های اجتماعی بالاترین خدمت به شهیدان پر افتخـار است. درست منعکس ساختن ایثار و رشادت و اخلاص شـهدا در قالب های فیلم و عکس و شـعر و خاطره و زنـده نگه داشتن

روحیه ایثار و شـهادت در فضای سـرزمین اسـلامی به هر مقـدار و به هر صورت ممکن از راه های خدمت به این راست قامتان تاریخ است.

با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است ؟

پرسش

با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است ؟

پاسخ

دانشجوی گرامی برادر امیر پورعظیما

سلام علیکم

سلامتی، سعادت و موفقیت شما را از درگاه ایزد منان خواستاریم

تکـدّی از نظر اسـلام حرام است و دادن صـدقات واجب (مثـل سـهم سـادات و زکـات) به کسانی که گـدایی می کننـد، جایز نیست؛ امـا صـدقات مسـتحبی در صورت اطمنیان به اسـتحقاق شـخص خوب است. در هر صورت بهتر است امروزه برای دادن صدقات، از همان کمیته امداد و صندوق هایی که این نهاد برای جمع آوری صدقات اختصاص داده است، استفاده شود.

در هر صورت اگر در بین خویشان ودوستان خود و یا اهل محل کسی را مستحق می دانید، از کمک به او دریغ نکنید.

چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟

پرسش

چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟

پاسخ

طبل و سـنج و آلاتی که در تعزیه خوانی مورد اسـتفاده قرار می گیرند, صـرفا" برای افزایش احساسات مردم و پیوستن افراد به عزاداران است . به کار بردن ابزارهای مورد اسـتفاده در جنگ (طبل و سـنج و...) در مراسم تعزیه و عزاداری شایـد برای ایجاد نظم و ترتیب باشـد چنـان که این ابزار در جنگ برای نظم لشـکر و تهییـج آن اسـتفاده می شود. دوسـتداران اهل بیت (ع) می کوشـیدند تـا مراسم سوگواری خـامس آل عبا را با شـکوه و ابهت هر چه افزون تر برپا کنـد; لـذا در عهـد صـفویه , این گونه مراسم رونق فزاینـده ای یافت و برای افزایش هیجان مردم و پیوسـتن افراد به جمعیت عزادار, طبل و سـنج رایـج گشت , (مجله مبلغان , شـماره ۱۵, ص ۶۶). برای آگـاهی بیشتر ر.ك : رسول جعفریـان , صـفویه از ظهور تا زوال , انتشارات کانون اندیشـه

جوان .

با توجه به فرمایشات حضرت علی (ع) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست ؟

پرسش

با توجه به فرمایشات حضرت علی (ع) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست ؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال به اختصار می توان گفت که مهمترین آفت رهبران و نظام سیاسی که از عوامل عقب ماندگی و انحطاط بسیاری از جوامع بشری است رواج روحیه تملّق و چاپلوسی است، این پدیده زشت، اثرات مخرّبی بر نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و شخصیت اخلاقیمردم بر جای می گذارد. در چنین جامعه ای، انسان ها تحقیر می شوند و گوهر عزّت آن ها به تاراج رفته، عرصه بر افراد شایسته تنگ می شود و میدان برای افراد بی لیاقت باز می گردد. جامعه به جامعه ای ظالم پرور تبدیل شده، نخبگان سیاسی آن هیچ گاه واقعیت ها را درک نخواهند کرد؛زیرا شخصیت خود را بسیاری بالاتر از آنچه هست، می بینند و کارهای خود را بسیار بالاتر و مهم تر از آنچه هست می پندارند. به تدریج احساس می کنند که واقعا بالاتر از همه اند و این باور در آن ها به وجود می آید که همه باید در مقابل آنان «بله قربان گو» و دست به سینه باشند. یکیاز برنامه های مهم امام علی(ع)، بازگرداندن شخصیّت انسانی افراد و عزّت نفس آنان بود. امام(ع) تحمل نمی کرد که حتی یک فرد عادی، در مقابل رهبر، دست به سینه ایستد، سخنی بگوید که موجب تحقیر خود، یا بزرگ شماری متملقانه گردد.. هدف امام(ع) ساختن جامعه ای متشکل ازانسان هایی عزّت مند بود، تا در مقابل هیچ مقامی احساس حقارت نکرده، سر فرود نیاورند؛ مردمی که با منطق با پدیده ها برخورد کنند و از گفتن سخنان حق نزد فرمانروایان خود هر چند تلخ ابایی نداشته باشند؛ پذیرای هیچ ظلمی نشوند و نخبگان سیاسی خطاکار را

به پـای میزمحـاکمه بکشاننـد. بررسـی سـخنان و سـیره امام علی(ع) نشان می دهـد که آن حضـرت مطلقِ احترام به رهبر را منع نفرموده بود، بلکه مدح و سـتایش چاپلوسانه را مردود می دانست؛ چنان که آن حضرت بعد از آن که مردی در حین سخنرانی حضرت، او را ستود و درود فراوان بر او فرستاد،فرمودند: فلا تکلمونی بما تکلّم به الجبابره ؛ آن گونه که سرکشان را مدح می کنید، با من سخن مگویید {M، (نهج البلاغه، خطبه۲۱۶).

امیرالمؤمنین(ع) خطـاب به مالـک اشتر می فرمایـد: «... و پرهیز از خود پسـندیدن و به خود پسـندی مطمئن بودن و سـتایش را دوست داشـتن، که این هـا از بهترین فرصت های شـیطان است، تا بتازد و کرده های نیکوکاران را نابود سازد.»، (نهـج البلاغه، نامه۵۳، ص ۳۴۰).

مهمترین دلیـل بر این آن حضـرت مطلقِ احترام به رهبر را منع نفرمودنـد، عناوینی است که یاران آن حضـرت برای خطاب آن حضرت یا در مکاتبه با ایشاơبه کار می بردند؛ مانند: «امیرالمؤمنین» که در موارد متعدد نقل شده است، از جمله آن حضـرت در نامه ۴۵ می فرماینـد: أقنع من نفسـی بأن یقال هذا امیرالمؤمنین و... ؛ آیا بدین بسـنده کنم که مرا امیرمؤمنان گویند و... {M در نامه ای به اهل کوفه می نویسـند: منعبدالله علی امیرالمؤمنین الی اهل الکوفه... ؛ از بنده خدا، علی امیرمؤمنان، به مردم کوفه که در میان انصار پایه ای ارجمنـد داریـد و درعرب مقامی بلنـد!... پس به سوی امیر خود بشـتابید.{M، (نهج البلاغه، نامه ۱). بنابراین، امام علی(ع) عناوینی را که سـتایش چاپلوسانه نباشـد و آثار زیانبار فردی و اجتماعی نداشـته باشـد، منع نفرموده،خود نیز به کار برده است.

با توجه به دلیل منع امام علی(ع) از مدح و ستایش،

این نکته مشخص می شود که استعمالِ وصف «معظّم» برای مقام رهبری شامل منع حضرت(ع) نمی شود؛ زیرا ستایش چاپلوسانه نیست و خصوصیات مدح منفی در آن نیست؛ بلکه، خطاب محترمانه مقام رهبری است، چناÙ…درباره امام علی(ع) «ام…ЉŘęř…خطاب می کردند. ضمنا، الفاظی از قبیل «عظمی» که مترادف با لفظ «معظّم»، باشند نیز برای مراجع تقلید در آیت العظمی استعمال می شود و هیچ صبغه مدح ناشایست ندارد؛ بلکه نوعی توقیر و احترام معنوی است که در سنت اسلامی دارای موردتأکید می باشد. در روایتی از امام علی(ع) آمده است: مَن وقرّ عالما فقد و قرّ اللّه ؛ کسی که عالمی را احترام کند، خدا را احترام کرده است{M، (غرر الحکم،ص ۴۷، توقیر العلماء، حدیث ۲۱۸).{J

علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟

پرسش

علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟

پاسخ

اکثر علمای شیعه نام خودشان را در کنار عباراتی چون اقل العباد، حقیر، احقر العباد و غیره می آورند و عده ای از ترس ریا از همین مقدار هم دوری کرده و نام معمولی خودشان را ذکر می کنند و این خود بیانگر تواضع و فروتنی آنها است که اول نشانه عالم بودن است انما یخشی الله من عباده العلمؤُا ، (فاطر، آیه ۲۸).

ضمنا علاوه بر رسمی که در بین علمای شیعه وجود دارد، در بین سایر ادیان و مذاهب هم برای رهبران دینی القاب و عناوینی وجود دارد مانند مولوی در اهل تسنن یا پاپ در مسیحیت و عموما در تمامی موارد علاقه مندان به رهبران مذهبی و دینی از آنها به نیکی یادمی کنند.

اما لفظ «آیت الله» همان طور که گفته اید عنوان بسیار بزرگی است و بدانید که از بی نهایت کوچک ها تا بی نهایت بزرگ ها همه از آیات الهی هستند ولی از آن جا که در رفتار بزرگان، رهبران مذهبی، نشانه های آشکاری از ارتباط با خداوند وجود دارد و از برجستگی ویژه ایبرخوردارند، این عناوین سزاوار آنان می باشد.{J

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

دانشجوی گرامی ما نیز در وجود بعضی آداب و رسوم بی جا و دست و پا گیر و مشکل ساز رنج می بریم و معتقدیم که

بسیاری از جوانان با چنین مشکلاتی مواجه هستند. امّا سؤال اینجاست که این آداب و رسوم از کجا وارد جامعه ما شده است؟ پاسخ به این سؤال نیاز به یکتحلیل جامعه شناختی و روانشناختی دارد. معمولاً سنتها و آداب و رسوم اعم از مثبت و منفی بدون پـذیرش اجتمـاعی نمی توانـد وارد یـک فرهنـگ شود و مقبولیت عامه پیـدا کنـد. سؤال دیگری که مطرح می شود اینست که چگونه این سـنت ها و آداب و رسوم مورد پـذیریش عموم قرارمی گیرد؟! به طور قطع عوامل گوناگونی دست بدست هم می دهد و شرایطی را بوجود می آورد تا اینکه مردم یک قانون یا سنتی را بپذیرند و بعد از پذیرفتن به آن عمل نمایند و سپس آن عمل را تکرار کنند تا اینکه کم کم جزء فرهنگ عمومی جامعه شود. یکی از مهمترین عوامل مؤثردر پذیرش عمومی آداب و رسـوم غلـط ضـعف فکری، علمی و اعتقـادی جـامعه اسـت بـه عبـارت دیگر اگر مردمی اهـل تفکر و انـدیشه باشـند و از نظر اعتقادی، باورهای دینی به صورت عمیق در آنها رسوخ کرده باشـد قطعا آسـیب پـذیری آنها در مقابل تهاجم سـنت های غلط که از بیرون یادرون آن جامعه القاء می شود کاهش پیدا می کند و حاضر نیستند بدون دلیل هر فکر القاء شده ای را به پذیرند بلکه مقاومت می کنند امّا اگر به هر دلیلی مردم یک جامعه ای قدرت تفکرشان ضعیف و

باورهای دینی کم رنگ باشد آسیب پذیری فرهنگی آن بیشتر و بیشتر می شود و نه تنهادر مقابل القاءات فرهنگی غلط مقاومت نمی کنند بلکه خود در ترویج و گسترش آن از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند. بنابراین اگر ما بخواهیم از این آداب و رسوم غلط و دست و پا گیر رهایی پیدا کنیم، باید دامن همت به کمر زده و به اندازه توان و وسع خود کار فرهنگی را شروع کنیم وبه خودمان تلقین نکنیم که یک دست بی صدا است یا اینکه با یک گُل بهار نمی شود. این مطالب نیز در واقع تلقینات همان کسانی است که سود جویی خودشان را در منفعل بودن مردم می دانند و یا اینکه به صورت ناآگاهانه با اینگونه القاءات آب به آسیای کسانی می ریزند که ازگسترش اینگونه آداب و رسوم بیشترین سود را می برند. آری همه حرکتهای فرهنگی در آغاز با افراد معدودی شروع شده امّا با پشتکار و خستگی ناپذیری بعد از مدتی تبدیل به یک فرهنگ فراگیر شده که سرنوشت یک جامعه و ملتی را تغییر داده است. بنابراین نباید منتظر باشیم بایک توصیه یا نصیحت یا اطلاعیه ای سنت های غلط و آداب و رسوم دست و پا گیر همه تعطیل و برچیده شود بلکه نیاز به کار فرهنگی توأم با عمل دارد و امیدواریم که متصدیان فرهنگی جامعه ما بجای پرداختن به امور بیهوده برای حل مشکلات جوانان در زمینه ازدواج و اشتغال،فکر اساسی بکنند و با کار فرهنگی زمینه حذف یا حداقل کاهش آداب و رسوم غلط را فراهم نمایند.

امّا آنچه در مورد ازدواج و همسر آینده خودتان مطرح فرمودید.

دانشجوی محترم: از اینکه شما در خانواده ای زندگی

می کنید که اعضا خانواده حق انتخاب دارند و به آراء و نظرات و سلایق یکدیگر اهمیت می دهند جای بس خرسندی است و از اینکه شما دوست دارید دختر خوبی برای خانواده خود و خانواده همسر آیندتان باشید به شماآفرین می گوئیم و امیدواریم که همانگونه که خود فرموده اید باشید امّا توجه به چند نکته برای تصمیم گیری حال و آینده شما بسیار ضروری است:

۱ انسانها از جهات گوناگون فکری، رفتاری، استعدادی، قیافه و عواطف و احساسات با هم متفاوت هستند لذا شما هیچگاه انتظار نداشته باشید که همه مثل شما فکر کنند و عواطف و احساسات آنها مثل شما باشد. البته انسانها با وجود همه تفاوتهایی که دارند قدرت سازگاریو انطباق با دیگران را دارند. بنابراین شما با در نظر گرفتن این تفاوتها همسر آینده خود را انتخاب کن.

۲ در انتخاب همسر آیندتان کمال دقت را به نمائید یعنی بر اساس تحقیق، مشورت و استفاده از تجارب افراد مجرّب و دلسوز مانند پدر و مادر اقدام کنید.

۳ بهتر است در زمینه انتخاب همسر بیشتر مطالعه کنید لذا کتاب انتخاب همسر از آقای امینی و کتاب انتخاب همسر آقای علی اکبر مظاهری را معرفی می کنیم و توصیه می نمائیم که حداقل یکی از این دو کتاب را مطالعه بفرمائید.

۴ اگر خواستگاری برای شما آمد نه خیلی خوش بین باشید و نه سوء ظن داشته باشید بلکه همانطوری که در نکته ۲ آمد اساس انتخاب خودتان را بر آگاهی از وضعیت آن پسر بویژه خانواده او، دوستان او و... قرار دهید و بعد از تحقیق و مشورت انتخابکنید.

۵ در انتخاب همسر خیلی ایده آلی فکر نکنید بالاخره همه انسانها هم

نقاط ضعف و هم نقاط قوت دارند آنچه که مهم است همسر هر کسی باید کفو و همتای او از جهات مختلف باشد بنابراین سعی کنید اگر کسی به خواستگاری شما آمد ببینید آیا از نظر خانوادگی، اخلاقی،اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی به شما نزدیک هستند یا نه، اگر در جهات فوق هم سطح و یا نزدیک به هم بودید آنگاه تصمیم بگیرید.

۶ در این که همسر آینده شما آیا با شما با نیکی رفتار می کند یا نه بستگی به عوامل گوناگونی دارد و از جمله رفتار خود شما نقش تعیین کننده در بازخورد او دارد. وضعیت خانوادگی آنها خیلی مهم است لذا درباره اخلاق خانوادگی ایشان تحقیق بیشتری بنمائید و بعد ازتحقیق به خداوند توکل کنید و انتخاب نمائید. و نگران این مسئله نباشید.{J

مبنای ((عرف جامعه))چیست و چه معنایی دارد؟

پرسش

مبنای ((عرف جامعه))چیست و چه معنایی دارد؟

پاسخ

یکی از مفاهیم مهم در فقه شیعه، مسأله عرف است که در قانونگذاری اسلامی از نقش و جایگاه مهمی برخوردار است.

۱{T- تعریف عرف:}T عرف عبارت است از قول، فعل یا ترک فعلی که در همه زمان ها و مکان ها یا در زمان و مکانی خاص در میان مردم رواج یافته و به آن عمل می شود. علامه طباطبایی در تعریف عرف می نویسد: H{العرف هو ما یعرفه عقلاء المجتمع من السنن والسیره الجمیله الجاریه بینهم بخلاف ما

ینکره العقل الاجتماعی من الاعمال النادره الشّاذهH{}Mکلمه عرف به معنای آن سنن و سیره های جمیل جاری در جامعه است که عقلای جامعه آنها را می شناسند، به خلاف آن اعمال نادر و غیرمرسومی که عقل اجتماعی انکارش می کند (که این گونه اعمال «عرف» نبوده بلکه منکر است)}M.

۲{T- اقسام عرف:}T عرف را بر چند قسم تقسیم کرده اند:

الف) عرف عام؛ روشن است که بیشتر مردم آن را پذیرفته اند. به بیان دیگر عرف متداول میان گروهی از مردم که جهت جامع صنفی و یا گروهی ندارند مانند عرف افراد یک مملکت یا یک مذهب.

ب) عرف خاص: تلاش است که افراد یک گروه خاص از یک طبقه و یا صنف و یا یک محل معین به آن اعتقاد دارند مانند عرف قاضیان، تجار و صاحبان صنعت.

ج) عرف لفظی: عرفی است که مدلول یک لغت یا عبارت است و گاه غیر از معنای لغوی آن است. به طور مثال کلمه دابّه (در عربی) به معنای جنبده است ولی در میان طوایف خاصی به معنای چهارپایان است.

د) عرف عملی: روشن است که اکثر مردم از آن پیروی می کنند.

به بیان دیگر، قاعده ای است که در مدت طولانی و به طور مستمر در عمل رعایت می شود. مثل سکوت یک دختر در عقد نکاح که دلالت بر قبول عقد نکاح است.

ه) عرف صحیح: روشی است که مردم آن را پذیرفته اند ولی با نصوص شرعی مغایرتی ندارد.

و) عرف فاسد: روشی است که میان مردم رواج دارد اما شارع آن را نمی پذیرد مانند معاملات ربوی.

ز) عرف متشرعه: اموری است که در میان پیروان یکی از ادیان الهی (مثلاً پیروان اسلام) رایج است و افراد در به کارگیری آن از دین خاص تبعیت می کنند مانند الفاظ صلوه، صوم و زکاه.

۳}T- نقش عرف در استنباط احکام:}T جایگاه عرف در استنباط احکام شرعی در سه جهت است:

الف) عرف لفظی در فهم ظهورات نقش اساسی دارد: فهم متون دینی مربوط به فهم ظهورات آن متون است. در واقع فهم مراد شارع، از راه ظهورات کلام او به دست می آید. متون فقهی شامل معانی و مفاهیم عرفی بسیاری است که فهم آنها مبتنی بر تفاهمات عرفی است. ظهوری که اهل عرف و محاوره از کلام و سخن می پذیرند اصالت دارد. آنچه در مقام محاوره مهم است ارتکازات اهل محاوره است.

ب) تنقیح موضوع یا تشخیص مصداق برخی از مفاهیم، بر عهده عرف است. به استثنای عبادات (که تعیین حد و مرز آن بر عهده شرع و شارع مقدس است) بسیاری از ابواب فقه را موضوعاتی تشکیل می دهد که ماهیت عرفی دارند. مانند بیع، اجاره، نکاح، هبه، صلح و... تشخیص برخی موضوع های شرعی بر عهده عرف است. در این موارد اگر عرف تغییر کند حکم نیز به تبع آن تغییر

پیدا می کند.

به بیان دیگر اگر صورت ها و شکل های عمل بر اثر عرف تغییر پیدا کند حکم هم تغییر پیدا خواهد کرد. برای مثال بازی با شطرنج قبلاً- حرام بوده ولی امروز بنا به فتوای امام خمینی بی اشکال است چرا که قبلًا به عنوان آلت قمار مورد استفاده قرار می گرفته است اما امروزه که از آن به عنوان یک ورزش فکری – نه قمار بازی – استفاده می شود حلال است. همچنین، غنا و موسیقی از جمله مسایلی است که در حرمت آن تردید نیست، اما این که چه چیزی غنا است بر عهده عرف می باشد. چنان که شهید ثانی می گوید: H{الاولی الرجوع فیه الی العرف، فما یسمّی فیه غناء یحرم لعدم ورود الشرع ما یضبطه فیکون مرجع الی

العرفH{}Mبهتر است که در تشخیص موضوع غنا به عرف رجوع شود پس هر آنچه که در عرف غنا نامیده می شود حرام است برای این که در دین چیزی برای تشخیص غنا وارد نشده است (چرا که فقط حکم آن را بیان کرده که حرام است)}M. بنابراین تشخیص غنا و موسیقی به عرف واگذار شده است.

ج) کشف حکم شرعی در مواردی که نصی وارد نشده بر عهده عرف است: به این معنا که اگر در زمان معصوم(ع) چیزی رواج داشته و تقریر معصوم مؤید آن بوده است مورد پذیرش می باشد، مانند عقد فضولی. با توجه به مباحث یاد شده پیرامون عرف، به این نتیجه می رسیم که در واقع «عرف» نشانه پویایی و رمز بالندگی فقه است و موجب می شود تا اسلام با مقتضیات معقول زمان سازگار باشد. این که اسلام به عرفیات و سیره عقلا توجه کرده، زمینه

حضور خود را در همه عرصه ها و در همه زمان ها و مکان ها فراهم آورده است.

برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید.

پرسش

برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید.

پاسخ(قسمت اول)

برخی از منابع مطالعاتی در این زمینه عبارتند از:

۱. توسعه و تضاد ، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۶

۲. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهایم انتشار ۱۳۷۸

۳. بحران هویت قومی در ایران، علی الطلائی، ترجمه تورج یار احمدی، نشر شیرازه، ۱۳۸۱

۴. بحران جامعه مدرن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷

۵. بحران دنیای متجدد،ر رنه گنون، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۲

۶. جوان مسلمان و دنیای متجدد سید حسن نصر

۷. روان شناسی رشد، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

۸. روان شناسی اجتماعی، ژان استوتزل (استاد دانشگاه رنه دکارت پاریس)، ترجمه دکتر علی محمد کاردان

۹. تفسیر قرآن ذیل آیات تقلید مخصوصا تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱۷۱، سوره بقره

۱۰. جامعه شناسی کجروی، علی سلیمی و محمد داوری، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

در ذیل گفتگو با دکتر حسن بلخاری در زمینه مدگرایی و مدسازی به نقل از ماهنامه پرسمان، شهریور ۱۳۸۲ آورده می شود.

آقای دکتر! در کوچه و خیابان، هر روز آدم هایی را می بینیم که با روزهای قبل، فرق دارند؛ چه از نظر شکل ظاهری مثل آرایش صورت، مو و نوع لباس و چه از لحاظ نوع رفتار، این پدیده را که کم کم دارد عادی می شود و به تدریج به جزئی از فرهنگ تبدیل می شود، چگونه تعریف و ارزیابی می کنید؟

این امر که اغلب تحت عنوان «مُد» در جامعه از آن یاد می شود، پدیده رایجی است که نه فقط اپیدمی جامعه ما، بلکه گریبان

گیر جامعه مصرف محور جهانی است و در مورد آن، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. گرایش به مد، بیان

گر نوعی تجدید نظرطلبی یا تلاش در جهت نو کردن و تغییر در مسائل مختلف ظاهری زندگی است.

به عبارت دیگر، گرایش وسیع به تغییر و تنوع، بیان گر حرص و نیاز شدید انسان نسبت به ورود به مفاهیم و قلمروهای جدید است. نیازی که جزئی از فطرت انسان ها را شکل می دهد.

این میل به تغییر، به هر صورت، از یک نیاز فطری پرده بر می دارد و در نفس خود، از یک مبنای معرفت شناسی سرچشمه می گیرد و چندان قابل طرد و نفی نیست.

انسان حقیقتاً به دنبال تغییر قالب ها و فرار از کلیشه هاست. بنابراین معنا، «مد» فی نفسه قابلیت رد و طرد پیدا نمی کند؛ بلکه آنچه باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، صورت یا مفاهیم یا بسترهایی است که «مد» پیدا می کند و متناسب با این جهات، باید مورد استقبال یا نفی قرار بگیرد.

امروزه شاهد رشد یا به نوعی بروز بیش از پیش مدگرایی هستیم؛ تحلیل شما از منشأ و سیر صعودی این گرایش چیست؟

جهان امروز، دچار یک موج گسترده و قوی اقتصادی شده که محوریت جهان را در دست گرفته و قدرت را به خود اختصاص داده است. ما پیش از ظهور پدیده ای به نام «گلوبالیزیشن» یا جهانی شدن - پیش از دهه ۱۹۸۰ - جهان را به سه بخش - جهان اول، دوم و سوم - تقسیم می کردیم و محور و معیار تقسیم جهان، مدرنیته یا مدرنیزاسیون بود؛ یعنی هر کشوری که به معیارهای مدرنیته نزدیک تر می شد، در واقع به جهان دوم یا اول نزدیک می شد. جوهر مدرنیته، عقل گرایی و توسعه انسانی بود.

بعد از اوج گیری جهانی شدن، به ویژه

در قلمرو اقتصاد، تقسیم بندی قبلی چندان اعتباری ندارد و جهان به دو قطب شمال، یعنی قطب ثروت و قدرت و جنوب، یعنی قطب فقر و ضعف تقسیم شده است. به این ترتیب ما وارد فضای جدیدی شده ایم که معیار عمل آن، ثروت و قدرت است.

وقتی بنای تقسیم جهان، ثروت و قدرت شد، کسانی که پرونده این فضای قدرت و ثروتند،به دنبال سلطه بر تمام عواملی هستند که می تواند بر افکار عمومی تأثیر بگذارد؛ یعنی این قدرت و ثروت، هنگامی پا بر جا می ماند که با سلطه بر عواملی، تحت کنترل قرار بگیرد و تضمین شود.

این تسلّط، ابعاد مختلفی را شامل می شود. در بُعد سیاسی، دموکراسی و مسئله مبارزه با تروریسم را مطرح می کند؛ مسئله نفت را پیش می کشد؛ رسانه ها را تقویت و یا سانسور می کند و... و به این ترتیب، ما دچار نوعی تحول مفهومی در معیارهایمان شده ایم و این ما را به فضای جدیدی سوق می دهد که معیارهای قبلی در آن حضور جدی ندارند. در نتیجه فضای زندگی انسان، تبدیل به فضایی مصرف زده، سطحی و کاملاً صوری می شود.

در این فضای جدید، دیگر انسان ها به دنبال تعالی نیستند. این جامعه، برای آن که به جهان اول برسد، به دنبال این نیست که منابع توسعه انسانی خود را رشد بدهد، دانشگاه های خود را تقویت کند و...؛ بلکه به دنبال این است که شکل ظاهری خود را تغییر دهد و چون این تغییر زود او را دلزده می کند، به سرعت به دنبال اشکال ظاهری جدید می رود و اگر این ظواهر جدید را به او ندهیم یا آنها را خلق می کند و یا از

دیگران می گیرد. در واقع رشدی که شما به آن اشاره کردید، ناشی از این تغییر مدل جامعه است که به خصوص در طی ۲۵ سال گذشته چنین بوده است.

این پدیده بیشتر در چه طیفی از افراد جامعه متمرکز است؟

گرایش به تنوع و تغییر خاص، بیشتر در افراد زیر ۳۵ سال جامعه است؛ زیرا افراد بالای ۳۵ سال، معمولاً از لحاظ خصوصیات روانشناختی و ویژگی های خاص سنی، رویکرد چندانی به مد ندارد. سن میان سالی، سن محافظه کاری و سن تثبیت است. سن نهادینه شدن مفاهیمی است که فرد پیش از این آموخته است؛ چه این مفاهیم مثبت باشند و چه منفی و در بحث ما جای نمی گیرد؛ در حالی که جوانی، سن تغییر و تحول است. محال است شما جوانی را ببینید که در طول هفته یک لباس بپوشد؛ ولی یک میان سال را به راحتی از لباس هایش می توان تشخیص داد.

در جامعه ما نزدیک به ۴۰٪ از افراد را ۱۵ تا ۳۰ ساله ها تشکیل می دهند؛ یعنی جمعیتی معادل ۲۵ میلیون نفر. این جوانی جمعیت نشان می دهد که جامعه ما ذاتاً به دنبال تحول و تنوع است. جامعه ای که عنوان دومین کشور جوان جهان را بر دوش می کشد و این مسئله، بار مسئولیت ما را سنگین تر می کند و نباید آن را از یاد برد.

با توجه به صحبت هایتان، شما مد را صددرصد نفی و طرد نمی کنید؛ ولی آیا صددرصد تأیید می کنید؟

متأسفانه در جهان معاصر، مراجع سنتی که قابلیت ایجاد تحول رفتاری در زندگی انسان را داشته اند، - به ویژه در کارکردشان در مورد جوان و نوجوان، - دچار نوعی کاهش اقتدار شده اند و

جای آن ها را مراجع دیگری گرفته اند که در جهت دادن به زندگی و مفهوم آن از دیدگاه خود، به شدت مشغول فعالیت می باشند. با توجه به شناختی که ما از این مراجع مدرن - مثل رسانه ها، موسیقی، تصویر، فیلم و... - داریم و این که این مراجع بر زندگی جوان ما مستولی است و با توجه به مصداق هایی که «مد» را در جامعه، معرفی و عرضه می کند، به نحوی مدگرایی را یک خطر در زندگی انسان معاصر قلمداد می کنم.

منظور از مراجع، همان نیروهای فکری تأثیرگذار بر انسان است که می تواند یک معلم یا یک استاد دانشگاه یا یک خانواده و یا یک دولت باشد. هر کسی که به نحوی بتواند بر رفتار انسان تأثیر بگذارد، یک مرجع فکری محسوب می شود و چون رفتار، محصول تفکر است، پس این مرجع قبل از آن که بتواند بر کردار تأثیر بگذارد، باید بر افکار آدمی تأثیر گذارده باشد.

پیش از این، نیروهای فکری تاثیرگذار اقتدار داشتند و مردم نیز نسبت به این نیروها، احساس نیاز می کردند. از این رو جامعه طلب راهکار می کرد و آنان هم راهکار ارائه می کردند؛ اما امروزه نقش این مراجع فکری ، به شدت کاهش یافته و مراجع جدید جای آنها را گرفته اند.

چرا؟

یکی از دلایل، تغییر فضا و سرمایه زده شدن یا به عبارت دیگر اقتصادزده شدن جهان است و دلیل دیگر، کمرنگ شدن حضور جدی این مراجع در جامعه می باشد. در جامعه متحول امروز، باید پابه پای زمان و تحولات سریع آن پیش رفت؛ اما مراجع سنتی از این پیشرفت زمانه، عقب مانده اند.

در واقع شما علت را از دو جنبه

بررسی کردید؛ یکی از درون جامعه که مربوط به ثروت گرایی و اقتصاد محوری است و دیگری از جنبه خود مراجع که باید مؤثرتر از این عمل می کردند و چون این گونه نبوده، کنار زده شده و در حاشیه نشسته اند.

بله، کاملاً صحیح است. مصرف زدگی، به دنبال تغییر ظواهر زندگی است. وقتی گفته می شود که ما وارد یک جهان نو شده ایم، یعنی وارد جهانی با معیارهای جدید شده ایم؛ پس باید با توجه به این معیارها، به جوان الگو بدهیم.

متأسفانه مراجع سنتی ما نتوانسته اند فضاهای جدید را بپذیرند. معیارهای جدید، عوامل و ابزار جدید را می طلبد. مراجع باید آنها را بشناسند و در جهت ترویج و تبلیغ مبانی مورد تأیید خودشان، از آنها استفاده می کنند؛ اما گویا مراجع فکری سنتی از زمان عقب مانده اند و نتیجه این شده که نوجوان و جوان ما که به دنبال الگو می گردد، به سراغ الگوهای جهانی می رود. به طور قطع، او فضای زندگی خود را عریان و تهی نمی گذارد و به هر حال آن را پر می کند. در این صورت شما از یک طرف، نبود الگوی متناسب با زمان و فرهنگ را در نظر بگیرید و از طرف دیگر یک فضای خالی و مستعد برای پذیرش الگوهای جهانی را - با قدرت و عزم جدی رسانه های غربی - کنار آن بگذارید و ببینید چه پیش می آید. رسانه های غربی فقط به دنبال پر کردن اوقات فراغت جوانان نیستند و شبکه های مختلف ماهواره ای و فیلم های هالیوود، کاملاً هدفمند عمل می کنند. فیلم هایی که ما به اسم ماچوئزیم می شناسیم، قبضه زندگی نوجوان و جوان را در دست گرفته اند. فیلم هایی که یک قهرمان

افسانه ای – سوپر من – را تداعی می کند و آن قدر، قدرت دارد که می تواند بر محدودیت های پیرامون خود غلبه کند. نفس این قـدرت نمـایی، از آرمـان هـای جـدی انسان معاصـر است. نمونه بارز این فیلم ها، مجموعه فیلم های هری پاتر است که به محض ورود به کشور ما، به سرعت در سراسر کشور پخش شد و در دسترس نوجوانان و جوانان قرار گرفت. هری پاتر، پدیده قرن ۲۱ است که تمـام آرمـان هـای یـک نوجوان را برای یـک زنـدگی متعالی در خود دارد. به وضوح می بینیم که این الگو دادن هـا، بـا تمـام مبـانی رواشناسـی مـدرن منطبق است و مبتنی بر کشـفیات بـاطن انسان و روان اوست. الگو دهنـده، راه های نفوذی را دقیقاً می شـناسد و به این ترتیب، بر تمـام جهـان تـأثیر می گـذارد. حال این قـدرت تأثیرگـذاری را در کنار کاهش قدرت مراجع سنتی بررسی کنید؛ نتیجه این می شود که گرایش، بیش از پیش به سمت مدهای وارداتی است.

ریشه های روانشناختی و جامعه شناختی این پدیده چیست؟

تعریف یک زندگی خوب در جهان امروز، این است که شـما یک شـغل خوب داشـته باشید؛ یک ماشین خوب داشته باشید و بتوانیـد حـداکثر بهره مادی را از زندگی ببرید. در این تعریف، معیارها کاملاً صوری وظاهری است؛ نه باطنی و معنوی و چون انسان تجربه تمام پدیـده های لـذت گرا را به دست می آورد، بعـد از مـدتی، زنـدگی اش به یک مدار بسـته تسـلسل و تکرار تبدیل می شود و بنای زندگی اش بر این قرار می گیرد که فقط به نیازهای غریزی اش، در جهت کسب لذت بیشتر پاسخ دهد و چون بسترهای ارضای غریزه محدود است، پس از مدتی دست به تنوعاتی می زند که گاه انحراف آمیز است

و نتیجه تأسف بارش، انواع رابطه سکس در غرب امروز است که آمار وحشتناکی است. چرا؟ چون ذات انسان به دنبال تنوع و تکثّر است. جهانی که همه چیزش در حال تکرار است، دلزدگی و ملامت را در روح انسان پدید می آورد. بنابراین، انسان امروز، انسانی است کم حوصله تر، خسته تر، پژمرده تر، افسرده تر و دلزده تر از دیروز.

پاسخ(قسمت دوم)

گویا آدم های امروز وقت کم می آورند.

بله، همین طور است. به طور کلی پروسه قدرت و ثروت،چون پروسه رقابت است، به شما اجازه تأمل نمی دهد و باید همواره بدوید تا از سرعت دنیای دیجیتال عقب نمانید. این که به کجا می روید، مهم نیست؛ بلکه باید بدوید تا از همسایه عقب نیفتید و وقتی به آخر خط می رسید، می بینید که هیچ خبری نیست و دنیا همان است که بود.

در دنیای امروز، اصل، ارضای غرایز نیست؛ بلکه تنوع در ارضای غرایز است. انسان خسته ای که زیر گردونه تکرار، زندگی خویش را بر فنا؛ّع ه می بیند، به دنبال خلق راه های جدید می گردد. راه هایی که مهم نیست از کجا و با چه هدفی به وجود آمده اند؛ مهم این است که انسان از این راه ها بتواند تکرارها را کنار بزند، فضاها را بشکند و راه های جدید را بیابد.

مد، امروزه جزئی از زمان انسان است؛ یعنی لحظه به لحظه به دنبال تغییر قالب ها و شکستن موانع است.

بله، در جهان امروز، مُد نسبت ذاتی با زمان انسان پیدا کرده است و این نکته خیلی مهم است. برخی شبکه های ماهواره ای که به شبکه نیوشون (مد) معروف هستند، کارشان تولید و عرضه مدهای جدید است. برنامه این شبکه ها در ۲۴ ساعت شب و روز،

نشان می دهد که مد، جزء لاینفک و ذاتی زندگی انسان شده است.

از ابتدای بحث تاکنون، بیشتر به مدهای ظاهری پرداختیم؛ شکل ظاهری لباس، آرایش مو و صورت و... آیا شما شکل دیگری از مد را سراغ دارید؟

تلقی جامعه از «مد» همین تغییر شکل ظاهری است؛ اما در روانشناسی و جامعه شناسی، مد را فراتر از این و خیلی عمیق تر می بینیم. انسان با حرص و ولع، به دنبال خلق مدهای جدید - اعم از ظاهری و روحی و روانی - است. وقتی یک جوان، یک هنر پیشه هالیوود یا یک خواننده راک یا یک فوتبالیست را به عنوان الگوی اصلی زندگی اش انتخاب می کند، در واقع در صدد ارضای روحیه مدگرای خود در بعد الگویی است.

بر اساس پروسه ای که رسانه ها در خلق مدهای جدید، ایجاد کرده اند، دیگر مراجع سنتی نمی توانند به جوان خط بدهند و او را هدایت کنند؛ چون جوان منتظر خط دهی آنها نمی نشیند و به همین دلیل است که مدها خیلی سریع از سوی جوامع پذیرفته شده، در آنها نهادینه می شوند و خیلی زود به جزء رفتاری جوامع، بدل می شوند.

برای رفع این فاصله بین جامعه و مراجع فکری در جوامع سنتی چه باید کرد؟

من دو راهکار به هم پیوسته را پیشنهاد می کنم؛ اوّل این که مراجع فکری ما، باید به خودشان بیایند و رسالت خود را باز شناسند و بدانند که باید در جامعه الگوآفرینی و موج آفرینی کنند و الگوهایشان هم امروزی و با توجه به زمان باشد.

برای این کار، مراجع ما در درجه اول به یک مخاطب شناسی جدی نیاز دارند؛ یعنی باید بدانند که انسان عصر حاضر،

انسانی است تنوع طلب و تجدد طلب و این امر، نیاز ذاتی اوست و قابل نفی و طرد هم نیست و در درجه دوم، باید به یک بینش عمیق در شناخت زمان دست یابند و در یک جمله، یعنی زبان زمانشان را بفهمند. هر زمانی، زبان خاص خودش را دارد و یک مرجع فکری، اگر می خواهد تأثیرگذار باشد، باید با این زبان و رموزش آشنا باشد. دومین راهکار که در واقع جدا از مسئله اول قابل بحث نیست، این است که ما به جای منع و نفی مد - حتی مدهای جهانی - ابتدا باید از طریق فیلترهای داخلی مثل وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و... این مدهای وارداتی را پالایش کنیم و مدهای خوب را برای مصرف جوانان خود ارائه دهیم.

همه مُدها بد نیستند. در همین هالیوود، فیلم های تأثیرگذار فراوانی دیده می شود که مبانی قوی معنوی و انسانی را القا می کند. فیلم «رویاهایی که می آیند»، یکی از اینهاست که درباره بهشت و جهنم است و شباهت های بسیار زیادی هم با اعتقادات مسلمانان دارد.

در یک نگاه منصفانه، نمی توان همه مدها را نفی و طرد کرد. وقتی مدهای خوب و مثبت را جدا کردیم، آنچه را که باقی می ماند، کاملاً منع نکنیم؛ بلکه بیاییم و در یک بحث علمی و موشکافانه و با دلایل منطقی، آنها را نقد کنیم تا جوان با آگاهی انتخاب کند و یک انسان خطی و سطحی نباشد؛ بلکه عمقی و چند بعدی فکر کند و تصمیم بگیرد.

من درباره فیلم تایتانیک، این روش را تجربه کرده ام. هنگام ورود این فیلم به عرصه های جهانی، موج سنگینی کشور را

فرا گرفت. تلاش وزارت ارشاد برای مجوز دادن به این فیلم از یک سو و تلاش گروه های مخالف برای منع آن از سوی دیگر، هیچ کدام صحیح نبود. این دعوای خانگی بین دو بخش از یک سیستم، تشنگی بیشتر مخاطب را در پی داشت. من این فیلم را در ۷۰ یا ۸۰ دقیقه خلاصه کردم و همراه نمایش آن در بسیاری از دانشگاه ها، برنامه نقد داشتم. فیلم را نقد می کردم و به این ترتیب، هم فیلم - به صورت مجاز و نه خلاف اخلاق - به نمایش درآمد و هم بیننده به یک شناخت عمقی از فیلم دست می یافت. این خیلی مهم است که به جوان آگاهی بدهیم؛ نه آن که هر چه را بر خلاف میل ماست، منع کنیم؛ زیرا این منع، نه امکان فنی دارد و نه توجیه عقلانی و در عین حال هم نمی شود فضا را کاملاً باز کرد. آگاهی دادن و نقد امواج مسموم وارداتی، بهترین راه حل است. تأکید می کنم که منع و نفی نکنیم؛ بلکه نقد کنیم و جهت بدهیم. جمع کردن ماهواره ها امکان پذیر نیست؛ بلکه باید نسبت به استفاده از آن در جامعه و خانواده به مخاطب آگاهی داد و در کنار آن، رفتار سازی و نمادسازی کرد.

کدام نمادسازی؟ در این باره، جای سخن بسیار است؛ لطفاً بیشتر توضیح دهید.

جهان پست مدرنیسم، جهان نمادهاست؛ نه مصداق ها و اگر شما بتوانید نمادها را در جامعه عینی کنید، تا حدود زیادی مسئله حل شده است. ما اگر بتوانیم بر اساس ارزش های خود تولید مد بکنیم، موفق خواهیم بود. مثال مناسب، واقعه عاشورا در فرهنگ اسلامی است که به

یک نماد تبدیل شده است و همه در ایام عاشورا این نماد را رعایت می کنند. یک تمدن موفق، از مد استفاده می کند؛ نه این که آن را نفی می کند. به جای منع، ارزش های خود را در قالب مد، ارائه می دهد و تولید مد می کند. با سی دی ها، فیلم ها، سریال ها و با کمک ادبیات نمایشی قوی، مطبوعات و دیگر رسانه ها به کمک پروسه تولید مد می آید و آینده را در دست می گیرد. نبض رفتارسازی جامعه را به دست می گیرد و رسالت خود را به این ترتیب بهتر به انجام می رساند.

به تازگی مراجع فکری جامعه ما به خصوص صدا و سیما، جسته و گریخته، دست به این الگوسازی و ارائه مد زده اند؛ این تولید مد، تا چه حد در قالب های ارزشی ما می گنجد؟

مراجع رفتارساز و تأثیرگذار در ایران، مراجع قوی و قدرتمندی نیستند ودر کنار این ضعف بزرگ، افزایش هجوم فرهنگی و معایب اینترنت - علاوه بر محاسنش - را در نظر بگیرید؛ ماهواره ها را هم فراموش نکنید و بعد ببینید ما در کجای این پروسه قرار داریم.

گرچه صدا و سیما و به خصوص تلویزیون کم کم وارد گردونه ماچوئیسم می شود و روی جلال و جمال صوری کار می کند، اما در عین حال، ملاکی که برای خرید فیلم های خارجی در نظر گرفته می شود، این است که فقط سکس نداشته باشد و مواردی مثل دزدی، کشت و کشتار و... مطرح نیست. من یکی از فیلم هایی را که بررسی کرده ام، در طول ۹۰ دقیقه آن، شما ۴۸ مورد کشته می بینید و این نشان می دهد که صدا و سیما ناخواسته چیزهایی را به جامعه القا می کند که اصلاً مثبت

نیست. تخریب روانی و میل به خشونت در این فیلم ها وجود دارد و اکثر سریال های تلویزیون، فعالیت یک گروه پلیسی را نشان می دهد؛ گرچه گاهی سریال هایی مانند افسانه شجاعان هم نمایش داده می شود که بنا به روحیه عدالت خواهی قهرمانان فیلم، یک آرامش روانی را به بیننده القا می کند و موسیقی هم همین طور است. این که گرایش به مد، تخریبی باشد یا ممکن است جهت تخریبی پیدا کند، بستگی مستقیم به جهتی دارد که مراجع سنتی ما به مُد می دهند و این خیلی مهم است. صدا و سیما باید آگاهانه تر عمل کند. رسانه های ما در مورد اعتیاد خوب عمل کرده اند؛ اما اثر تربیتی مخربی را در مورد قرص های مهیج در پیش گرفته اند. مصرف سه بار این قرص ها، منجر به مرگ می شود؛ اما همواره در مجلات، از مخدر نبودن این قرص ها بحث می شود و این مسئله به طور غیر مستقیم، جنبه زشت و عامل بازدارنده در مصرف این قرص ها را از بین می برد و نوعی توجیه واعتماد در مصرف را ایجاد می کند که اصلاً خوب نیست.

شما به مصداق های مد اشاره کردید و این که نسبت به مصداقی که مد با آن تعریف می شود، باید در مورد رد یا قبول آن نظر داد؛ درباره این مصداق ها برایمان بگویید.

بر این مسئله تأکید می کنم که حتی در اسلام هم مدگرایی نفی نمی شود و عقل هم مُد را ردّ نمی کند؛ به ویژه که این مدگرایی از یک مبانی فکری ناشی می شود و آن هم نیاز به تغییر و تحول است و به قول فلاسفه، نیاز به صیرورت و شدن های متوالی است. اگر از این زاویه نگاه کنیم، نفس

مسئله مورد تأیید است و ما هم از همین زاویه نگاه می کنیم؛ اما گاهی برخی از مفاهیم در زمان های خاص از نظر مصداقی تعریف می شوند و نه مفهومی و چون مصداق قابل نفی و رد است، مفهوم هم بنا به آن مصداق قابل رد می شود و مد یکی از آن مفاهیم است. ما گاهی هنر پیشه های زمان طاغوت را داریم که به عنوان مصداق، ضدارزش هستند و گاه الگوهایی را داریم که کاملاً ارزشی و قابل قبول می باشند؛ مثل الگوهای دفاع مقدس. پس «مد» فی نفسه قابل قبول است؛ اما گاه بر اثر مصداق هایی که می پذیرد، ممکن است مطرود یا مقبول واقع شود.

آقای دکتر! من به عنوان یک جوان دلم می خواهد هم از مظاهر مد پیروی کنم و در واقع یک جوان امروزی باشم و هم از سوی دیگر به ارزش های خودم پایبند بمانم و جوانی باشم که هم با جامعه پیش می رود و هم به مبانی ارزشی پایبند است؛ چطور می توانم از تک بعدی بودن بپرهیزم و یک جوان چند بعدی باشم و در عین حال، به تضاد و تناقض هم نرسم؟

فضا، فضایی پیچیده ای است. از یک طرف هم نظام حکومتی و هم نظام فرهنگی و هم فطرت پاک جوان می خواهد که ارزش های سنتی و انسانی بر زندگی او حاکم باشد و از طرف دیگر موج افسار گسیخته ای که جوامع را مورد هجوم خود قرار داده است، سبب شده که همواره مدهای نوینی که از معیارهای ضد انسانی نشأت می گیرد، بر رفتار و کردار حداقل بخشی از جوانان و نوجوانان حاکم شود که به عنوان یک واقعیت نمی توانیم آن را نادیده بگیریم.

هر چه جلوتر می رویم، به این تضاد بیشتر دامن زده می شود؛ اما شدت این اختلاف به گونه ای نیست که غیر قابل کنترل و مهار باشد. حل این تضاد باز هم تا حدود زیادی بر عهده مراجع فکری و الگوساز است.

«رابرت برتون» در روانشناسی اجتماعی برای جوامعی که دچار این فاصله شده اند و به فکر درمان هم نیستند، چهار مرحله را پیش بینی می کند؛ اولین مرحله نوآوری است؛ اما نوآوری به معنای منفی آن؛ یعنی گرایش به خلق راه های جدید، برای رسیدن سریع به اهداف و آرمان ها تحت هر شرایطی و چون این راه ها بر اساس یک معیار عقلانی و منطقی سالم انتخاب نشده اند، به انحراف کشیده می شوند.

مرحله دوم، تبدیل جامعه به یک جامعه سازمانی است. که در واقع بوروکراسی بر نظام جامعه حاکم می شود.

مرحله بعد واپس زنی است؛ یعنی فرد به یک حالت انفعالی و بی خیالی رضایت می دهد و او آن قدر درگیر بحران های اجتماعی و اقتصادی می شود که دیگر نسبت به همه چیز بی تفاوت می شود و چون نمی تواند فاصله موجود بین حال و ایده آل را کم کند، یک واپس زنی ایجاد می شود.

چهارمین مرحله شورش است؛ انفعال اگر مدت مدیدی ادامه یابد، جامعه را به انفجار می کشاند. اینها مواردی است که در هر جامعه ای ممکن است رخ دهد.

شنیده ام خود را به کوچه علی چپ زدن را مسیحیان ساخته اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست.

پرسش

شنیده ام خود را به کوچه علی چپ زدن را مسیحیان ساخته اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست.

پاسخ

این که عبارت یاد شده ساخته مسیحیان است و یا منظور، علی(ع) است چندان قابل اثبات نیست و لیکن شیطان و شیطان صفت ها، تلاش می کنند از هر راهی به حریم دین و مؤمنین نفوذ کرده به اسلام و امت اسلامی و مخصوصا رهبران و اشخاص تأثیر گذار در هدایت دینی مردم اهانت کنند. یکی از راه های آن همین ضرب المثل ها است.

لذا گرچه مدرک معتبر برای اثبات گفتار فوق در دسترس ما نباشد ولی به لحاظ عملکرد شیاطین و سابقه رفتاری آنها، به نظر می رسد که دست دشمنان ولایت در کار است تا نام مقدس علی(ع) از قداست افتاده، آنگاه مردم را از اقتداء و اهتداء به آن وجود مقدس و نورانی محروم کنند.

خدایا، بهترین نعمت و سرمایه دنیا و آخرت ما ولایت است که مغز و باطن توحید است. پس خودت این سرمایه را برای ما از دستبرد شیاطین درون و برون مصون دار و شر وسوسه گران خناس و توطئه گران علیه ولایت را از سر همه برطرف فرما.

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پرسش

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پاسخ

سخنان بیهوده و پریشان که ناخوشایند باشند. عادات مألوفه و شیوه های متبعه ای که نه بر مبنای عقل و خرد و نه بر پایه شرع و شریعت، بلکه به استناد خوابی که کسی دیده باشد یا عادتی که از گذشتگان به یادگار مانده باشد. این صفت را در انسان می توان به انحراف حالت دین جویی وی مستند دانست.

اسلام در بدو ظهور خود با تمام قدرت، با این شیوه غلط به مبارزه برخاست.

انسان را به یاد عقل در پرده کشیده اش آورد. و در صدد برآمد که فکر وی را از اوهام و خرافات و عقاید بی اصل و اساس برهاند و وی را به پیروی از عقل و منطق متوجّه سازد. جامعه جاهلیّتِ آن روز، سخت اسیر موهومات بود. این حالت، وی را از شکوفا شدن و به فعلیّت رسیدن عقل بالقوه اش باز می داشت. قرآن با ندای بیدار کننده توحید، وی را به خود آورد. قرآن غل و زنجیرهایی که خود به دست خویش بر گردن و دست و پا فکنده بود، بگشود(۱).

مردم را از پیروی عادات پدران به پیروی عقل و خرد سوق داد(۲). به آنها فهمانید که چه کسی قادر است آدمی را از سختی ها و محنت های روزگار و بن بست های زندگی نجات دهد. به آنها آموخت که بایستی در حوادث ناگوار به چه کسی پناه برد. کدام شخصیّت قادر و مهربان و آگاه،شایسته است که وی را به یاری بخوانی و ندای تو را بشنود و تو را پاسخ گوید(۳).

انسان را از بندگی بندگان آزاد ساخت و به بندگی آفریدگار خویش کشانید و رشته وابستگی به هزاران امید هوم از او

بگسست و او را به پناهگاهی بایسته و شایسته ربط داد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱) سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲) سوره بقره، آیه ۱۷۰.

۳) سوره اعراف، آیه ۱۹۴.

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

پرسش

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

پاسخ

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاصّ خود را دارد، و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلاً همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است.

از آنجا که کار دین، انقلاب در انگیزه ها بوده است، پس بهترین انگیزه برای کارها و نیز، شرط قبولی اعمال را همین ایمان به خدا دانسته است. در قرآن آمده است:«من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینّه حیوه طیّبه؛(۵) هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و(به شرط آنکه) مؤمن باشد، به او زندگی طیب عطا می کنیم».

و این روشن است که کار با هدف و انگیزه برتر، است. و امّا شهید کسی که به خویشتن و ارزش خویش واقف و شاهد شده و در بازار خریداران، عمر خود را به بهترین کس سپرده است. پس مدال شهید به او اعطا می شود. و نه به دیگری؛ زیرا اوست که به این ندای خداوند پاسخ داده که می فرماید:«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنهه؛(۶) خداوند جان و مال مؤمنان را در ازاء بهشت، از آنان خریده است». و این شهید است که حتی غسل ندارد(۷) و با لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن، نیکوکاران با بدکاران مساوی نیستند، امّا هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود.

« بخش پاسخ به سؤالات »

۵) سوره نحل، آیه ۹۷.

۶) سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۷) اگر در معرکه جنگ شهید شود.

معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟

پرسش

معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟

پاسخ

تردیدی نیست که لباس باید با نیازهای انسان هماهنگ باشد امّا این نیاز اگر به دست مد روز و تنوع طلبی بیفتد هم نشتت روحی و روانی ایجاد می کند و هم مخارج سنگین را به عهده می آورد. به همین دلیل در دین مترقّی ما حتّی برای رنگ در لباس تمحیداتی در نظر گرفته شده، مثلاً رنگ سفید ممدوح و رنگ سیاه مکروه است مگر در جاهایی که استثناء شده باشد(مثل عزاداری امام حسین«علیه السلام») ولی از آن جا که جنس، سن، فضا و خیلی از شرایط در نوع پوشش اثر دارد برای مثال زنان به خاطر حساسیّت اندام باید لباس های تیره را در اجتماع انتخاب کنند امّا در مجالس خودمانی و خانوادگی به ویژه برای همسر، هرگز انتخاب رنگهای جذاب و با نشاط مانعی نداشته بلکه تشویق شده است. پوشیدن لباس مردان برای زنان و بالعکس تحریم شده است. لباسهایی که با فرهنگ و سنّت های حاکم بر جامعه اسلامی در تضاد است اشکال دارد. لباس شهرت، که چشم ها را به خویش جلب می کند و مورد نکوهش شدید است. و در بعضی موارد محرّم. این مرزها به خاطر مبانی معرفتی دین است. دین می خواهد انسان به سوی خدا برود که بهترین و بالاترین جهت زندگی و سعادت اوست. و هیچ کس حق ندارد با لباس یا اندام خویش دلها را منحرف کند و از رشد باز دارد. و در این باره کتابهایی از دکتر پاک نژاد (اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، بهداشت لباس) و دکتر اردوباری مراجعه گردد. در

استفتائات مراجع گرامی نیز احکام لباس تبیین شده است.

در نهایت اسلام با انواع لباس پوشیدن مخالفتی ندارد لباس زیبا و شیک پوشیدن از نظر اسلام گناهی نیست ولی مدپرستی و هواپرستی و به دنبال شهوات حرکت کردن مذموم است و مال را بیهوده در راه مد پرستی ها و غربزدگی ها مصرف کردن از نظر اسلام ممنوع است، آری انسان سرمایه مملکت و محصول زحمات خود را بی جهت به جیب مدسازان اروپایی بریزد صحیح نیست البته لباسهایی که زنان یا جوانان می پوشند که باعث برانگیختگی شهوت یکدیگر می شود به هر صورتی که باشد حرام است و گناه دارد زیرا فساد و خطری که از این جهت جامعه را تهدید می کند بسیار و غیرقابل جبران است البته زن برای شوهر خود آن هم در داخل خانه به هر جوری که مایل باشد خود را زینت دهد و آرایش کند اشکال ندارد بلکه از نظر اسلام ثواب هم دارد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟

پرسش

منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟

پاسخ

مراسم چهلم برای اموات در بین شیعیان مرسوم است و در بین اهل سنّت و دیگر فرق مرسوم نیست. این رسم در بین پیروان ائمه و شیعیان ناشی از (اربعین) چهلم امام حسین(ع) می باشد که به خاطر تجلیل از شهدای کربلا و یاد آوری آن مظلومان برای همه مردم و برای همیشه تاریخ بنیاد نهاده شده و برای این که درسی باشد و واقعه عاشورا در ذهن ها بماند و به دست فراموشی سپرده نشود، لذا امام حسن عسکری(ع) فرمود: علائم شیعه پنج چیز است: ۱- زیارت اربعین امام حسین(ع)؛ ۲- بلند خواندن بسم اللّٰه در نمازها؛ ۳- سجده کردن بر خاک؛ ۴- ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز؛ ۵- به دست کردن انگشتر عقیق.(۱)

زیارت کردن جابربن عبداللّٰه انصاری با عطیه کوفی در چهلم امام حسین(ع) که در تاریخ ماندگار شده و سخنان و زیارت جابر بر سر قبر حسین(ع) از وقایع و حوادث و مؤثر در تاریخ اسلام است. با توجه به این که جابر از شخصیت های پذیرفته شده بین فرق اسلامی است و کار و عمل و گفتار جابر به عنوان حجت و دلیل نزد بسیاری از مسلمین مورد قبول است، زیرا از صحابه پیامبر است و عمری دراز داشته و امام پنجم را درک کرده و سلام پیامبر را به حضرت رسانیده است، لذا پیروان اهل بیت و شیعیان در تمام مراسمی که برای اموات خود می گیرند سعی می کنند احیاگر راه و رسم حسین باشند.

مراسم چلهم هم به عنوان یک کار پسندیده و خوب، نزد محبین اهل بیت(ع) محسوب می شود و هدف شیعیان از مراسمی که

برای اموات خود می گیرند زنده کردن راه و رسم اهل بیت(ع) است، در روایات درباره اربعین آمده:

پیامبر(ص) در سن ۴۰ سالگی به پیامبری مبعوث شد. "صدع (ص) بالرساله... وله یومئذ اربعون سنه".(۲)

انسان در سنه ۴۰ سالگی به کمال عقلی می رسد: "اذا أتت علی العبد اربعون سنه قیل له، خذ حذرک"(۳) امام باقر(ع) فرمود: "وقتی بر بنده خدا چهل سال گذشت، به او گفته می شود: دامنت را جمع کن (مواظب خود باش).

پیامبر (ص) فرمود: اگر چهل نفر درباره امری دعا کنند خداوند دعای آنان را مستجاب می کند.(۴)

امام صادق(ع) فرمود: "اذا مات المؤمن فحضر جنازته ارعبون رجلاً من المؤمنین فقالوا: "اللّهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا" قال اللَّه تعالی: انّی قد اجزت شهادتکم و غفرت له ما علمت مما لا تعلمون".(۵)

هنگامی که مؤمنی فوت می کند و چهل نفر از مؤمنین بر جنازه او حاضر می شوند و می گویند: "خدایا ما به جز خوبی از او ندیدیم و تو داناتر هستی" خدای تبارک و تعالی می فرماید: من شهادت شما را در حق او قبول کردم و او را بخشیدم.

در روایاتی وارد شده که هر کس چهل حدیث حفظ کند، خداوند او را فقیه محشور می گرداند: "من حفظ علی امّتی اربعین حدیثا ینتفعون به بعثه اللَّه تعالی یوم القیامه فقیها عالما".(۶)

میقات حضرت موسی چهل شب: "و واعدنا موسی ثلاثین لیله فاتممناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیله".(۷)

آدم بر هابیل چهل شب گریه کرد.(۸) و آسمان بر حسین (ع) چهل روز خون گریست.(۹)

پیامبر(ص) فرمود: "ما أخلص عبداللَّه عزوجل اربعین صباحا الا جرت ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه".(۱۰)

هر بنده ای که ۴۰ شبانه روز

برای خدا اخلاص داشته باشد، چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می شود.

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۸.

۲. بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۸۱، ح ۲۵، طبع بیروت.

۳. همان، ج ۷، ص ۳۸۹، ح ۷، طبع بیروت.

۴. همان، ج ۹۰، ص ۳۹۴، ح ۶، طبع بیروت.

۵. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۶، ح ۲۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۵۶، ح ۸.

۷. سوره (۷) آیه ۱۴۲.

۸. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۴۴، ح ۴۹.

۹. همان، ج ۴۵، ص ۲۰۶، ح ۱۳.

۱۰. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲، ح ۱۰، طبع بیروت.

از نظر دین و فرهنگ آیا زن می تواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر می تواند از چه راهی اقدام کند؟

پرسش

از نظر دین و فرهنگ آیا زن می تواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر می تواند از چه راهی اقدام کند؟

پاسخ

از نظر اسلام اشکال ندارد زن از مرد خواستگاری کند، ولی از نظر فرهنگ کنونی ما معمولاً اگر زن از مرد خواستگاری کند، تحقیر می شود، مگر از طریق واسطه علاقه او گفته شود، اما با روحیه خاصی که زنان دارند بایستی آمادگی کامل داشته باشند تا اگر جواب رد شنیدند غمگین و دل شکسته نگردند.

البته از چه راهی بایـد اقـدام کرد، به صورت کلی نمی شود قضاوت کرد، هر کس بایـد ببینـد از چه راهی برایش امکان دارد: یکی به وسـیله نامه این تمایل رامی رساند، یکی به وسـیله دوستان خود، یکی به وسیله خواهر و یا سایر بستگان، یکی به وسیله

همسایگان و فامیل خود. باید بهترین راه را انتخاب کند تا از پی آمدهای احتمالی در امان باشد و باعث حرف و حدیث نشود.

آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد, ریشهء مذهبی دارد و آیادعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار, ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است , نظراسلام چیست ؟

پرسش

آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد, ریشهء مذهبی دارد و آیادعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار, ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است , نظراسلام چیست ؟

پاسخ

پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین : و دیگر ائمه : به دلیل این که از مصادیق تعظیم شعایر است , رجحان شرعی دارد و بسیاری از بزرگان در روز عاشورا, لباس سیاه می پوشیدند به علاوه در برخی از روایات وارد شده (۱) که

برخی از اولیای الهی در عزای عزیزانشان از لباس سیاه استفاده می کردند; البته استفاده از لباس سیاه , حتی برای زنان در حال نماز مکروه است , ولی در عزاداری استثنا شده است .(۲)

دعوت کردن مردم به صرف شام یا ناهار, اطعام بوده که در اسلام به اصل اطعام , سفارش شده است , هم چنین خیرات و مبرّات برای کسانی است که از دنیارفته اند و این احسان در مغفرت و آمرزش آنان مؤثر است , لیکن از نظر فقهی ,مستحب است تا سه روز برای بازمانگان میّت غذا ببرند و اسباب مزاحمت آنان رافراهم ننمایند; بنابراین , آن چه در میان ما ایرانیان مبنی بر دعوت مهمان ها به غذادر ایام عزا و مرگ افراد, رواج دارد, نوعی رسم ملی است , گرچه این رسم , اگرباعث اذیت و آزار بازماندگان مرده نشود و با رضایت کامل آنان صورت گیرد, رسم خوبی است که موجبات آمرزش , رحمت و عفو را فراهم می سازد.

(پاورقی ۱.ر.ك : ابوالحسن منذره علی , کتاب سیاهپوشان .

(پاورقی ۲.ر.ك : محمد کاظم طباطبایی یزدی , العروه الوثقی , ج ۱ ص

۵۷۲(منشورات مؤسسه العلمی للمطبوعات) ; ر.ک : آیت ا... محمد فاضل لنکرانی , جامع المسائل , ج ۱ ص ۶۲۱ سؤال ۲۱۷۰

در مراسم عزاداری اهل بیت : مشاهــده می شود که عده ای ازجوانان , لباس از تن در آورده , ســینه می زنند, در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر وصدا سینه می زنند. کدام یک از این دو برتر است و ثواب بیشتری دارد؟

پرسش

در مراسم عزاداری اهل بیت : مشاهده می شود که عده ای ازجوانان , لباس از تن در آورده , سینه می زنند, در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر وصدا سینه می زنند. کدام یک از این دو برتر است و ثواب بیشتری دارد؟

پاسخ

عزاداری در ایام مصایب اهل بیت عصمت و طهارت : بسیارمطلوب و از افضل قربات است ; یعنی موجب تقرب انسان به مقام قرب ربوبی می گردد.(۱)

هر چه عزاداری بیان گر سوز و گدار بیش تری باشد, بهتر است ; البته عزاداری وسینه زنی باید همراه با معرفت و شناخت بیش تر اهل بیت : باشد. بدون شک استفاده از منبر, مجلس وعظ, ارشاد عالمان دین و آشنایی با زندگانی اهل بیت عصمت و طهارت از طریق واعظان محترم , بسیار خوب است . در طول تاریخ ,علما, مراجع معظم تقلید و روحانیت مکرّم در مجالس عزاداری شرکت می کردند وخود زمینهء مجالس عزا و سینه زنی و زنجیر زنی را برای اهل بیت : فراهم می نمودند و عزاداران را تشویق می کردند, لیکن گاهی شئونات عرفی اقتضا می کندکه عالمان دین , بدون سر و صدا و با متانت و وقار, اقدام به سینه زنی و عزاداری نمایند.

(پاورقی ۱.ر.ک : امام خمینی , استفتائات , دربارهء عزادای و سینه زنی .

چه دلیلی بر نحوهء خاص عزاداری برای ائمه , همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟

پرسش

چه دلیلی بر نحوهء خاص عزاداری برای ائمه , همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟

پاسخ

اصل عزاداری برای ائمه : به ویژه برای سیدالشهدا۷موردتوجه اولیای دین است ; زیرا عزاداری به صورت گریه و برپایی مجالس و ذکر وگریاندن و نوحه خوانی , احیای خط ائمه و تبیین مظلومیت آنان است . امام باقر۷در زمینهء برپایی عزا در خانه ها برای امام حسین ۷می فرماید: .(۱)

استاد مطهری می گوید: عزاداری حسین بن علی ۷یک حرکت است ; یک موج است ; یک مبارزهء اجتماعی است .(۲)

این عزاداری به شیوه های مختلف مانند روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیأت های سینه زنی و زنجیر زنی و پوشیدن لباس مشکی انجام می گیرد و از دیرباز مطرح بوده و جنبهء مردمی یافته است .

این گونه شیوه ها چون با روح و جان و عاطفهء شیعه آمیخته است , عامل جذب و تشکل شیفتگان اهل بیت : می گردد. از روایات بر می آید شیوه ءمرسوم نزد مردم , بیش تر مورد اهتمام ائمه : بوده است .

ابوهارون می گوید: روزی خدمت امام صادق ۷رسیدم . حضرت فرمود:برایم شعر بخوان . من نیز خواندم . حضرت فرمود: نه این طور, بلکه همان گونه که برای خودتان شعر خوانی می کنید و همان گونه که نزد قبر حضرت سیدالشهدا مرثیه می خوانی (۳).

حفظ این سنت , ضامن تداوم خط اهل بیت است . امام خمینی ره همواره برحفظ عزاداری سنتی تأکید می کرد; بنابراین دلیل اصل عزاداری , در مورد سینه زنی و زنجیر زنی کفایت می کند و دلیل جداگانه ای لازم

ندارد. البته باید عزاداری از هر گونه خرافته و اعمال ناروا به دور باشد, تا قداست آن محفوظ گردد.

(پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, ص ۳۱۲

(پاورقی ۲.استاد مطهری , نهضت های اسلامی صد ساله اخیر, ص ۸۹

(پاورقی ۳.بحارالانوار, ج ۴۴ ص ۲۸۷

چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟

پرسش

چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟

پاسخ

خوشبختانه واحد پاسخ به سؤالات تمام سؤال های اعم از شخصی و غیر شخصی , مذهبی وغیر مذهبی , از جوانان و غیر جوانان , از زنان و مردان را پاسخ می دهد.

شما می توانید با اطمینان کامل هرگونه سؤالی را با مکاتبه یا تلفن بپرسید و ما هم راز دار اسرار شماهستیم .

تیپ زدن که عبارت از انتخاب شکل و قیافهء خاصی برای خود است , اگر مستهجن نباشد و موجب سبکی وزشتی و انگشت نمایی نشود, اشکالی ندارد, ولی خوب است جوانان مسلمان از ظاهری آراسته و زیبا و معقول برخوردار باشندو از ظواهر اسلامی خود را جدا نکنند.

یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟

پرسش

یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟

پاسخ

انسان می تواند به هر نوع و هر شکلی که مستهجن و زشت نباشد و در جامعه انگشت نما نشود,مو و زلف های خود را آرایش کند. تمیزی و نظافت و منظم بودن وضع لباس و سر و صورت , از سفارش ها ودستورهای اسلامی است . زدن عطر و ادکلن مخصوصاً عطرهای خوش بو مانند عطر گل محمّدی بسیار مناسب و خوب است . پیامبر اسلام ۶مقداری از پول خود را صرف خرید عطر و بوی خوش می کرد و از علما وصلحا نیز این روش پسندیده نقل شده است .

در قرآن آمده است :

تمیز و سر و صورت مزیّن) استفاده کنید>. مسجد رفتن , مخصوص پیران نیست ; شما نوجوانان نیز با هر نوع زیبایی و لباس به مساجد بروید. وضعیت سر و صورت از ظواهر است ; زیرا آراستگی شیوهء پیامبران است , ان اللّه جمیل و یحب الجمال ; خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد.

برای هر انسان مخصوصاً نوجوانان , پاکی دل و صداقت و رسیدن به عشق خدا و عبادت و نماز, از زیبایی خاصی برخوردار است . وضعیت سر و صورت و لباس را بر اساس وضعیت روحی و معنوی و بر اساس عشق به خدا و نماز تنظیم کنید.

امام رضا۷فرمود: .(۱)

امام صادق ۷فرمود: .(۲)

پیامبر۶فرمود: .(۳)

پیامبر اسلام ۶با مشک و عنبر خود را خوشبو می کرد.(۴)

امام رضا۷با عود هندی خانه را خوشبو می کرد و با گلاب و مشک خود را خوشبو می کرد.(۵)

از امام صادق ۷نقل

شـده است : هنگـامی که خواسـتی روغن و کرم برای بـدن و سـر و صـورت خوداسـتعمال کنی , بگـو: اللّهم انّی سألـک الزینه والدین و اعوذبک من الشَّیْن و الشنآن ; خدایا از تو می خواهم زیبا ودیندار باشم و از زشتی و بد اخلاقی به تو پناه می برم >.(۶)

در مورد موهای سر و صورت و شانه زدن , در روایات آمده است : پیامبر۶فرمود: هر کس موهایش راشانه کند, دچار بیماری مربوط به کثافت موها نمی شود.(۷)

شانه زدن , ذهن (حافظه و هوش) را زیاد می کند و بلغم و زردی را از بدن دفع می کند.(۸)

نیز پیامبر۶فرمود: .(۹)

در پایان یادآوری این نکته ضـروری است که اسلام از تمام ادیان و مذاهب به نظافت , بهداشت آرایش وتمیزی توجه بیشتری داشته بر آن بسیار تأکید کرده است .

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۷۶ ص ۱۴۰

(پاورقی ۲.همان , ص ۱۴۱

(پاورقی ۳.همان , ص ۱۴۲

(پاورقی ۴.همان .

(پاورقی ۵.همان .

(پاورقی ۶.همان , ص ۱۴۵

(پاورقی ۷.همان , ص ۱۱۷

(پاورقی ۸.همان .

(پاورقی ۹.همان , ص ۱۱۶

جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟

پرسش

جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟

پاسخ

جوانی که در کنکور قبول نشده است . برای پرکردن اوقات فراغت باید اوقات شبانه روز خود را تقسیم کند, قسمتی را به آش پزی , نظافت خانه و کمک به مادر اختصاص دهند. ساعاتی را به کارهایی مثل خیاطی , قالی بافی , کاموابافی , قلاب بافی و گلدوزی وو... بپردازد. حداقل هر روزی یک ساعت وقت خود را در خواندن نماز و تلاوت قرآن . و خواندن دعا اختصاص بدهد. پاره ای از ساعات را با استراحت و نگاه کردن به برنامه های تلویزیون وو... بگذراند. هر روزی چند ساعت مطالعه کند. اگر می خواهد در سال آینده درکنکور شرکت کند کتاب های درسی را تقسیم بندی کند و هر نیم ساعت و یا یک ساعتی یک و یا چند فصل یک کتاب را بخواند. و اگر نمی خواهد در کنکورشرکت کند کتاب هایی مثل توضیح المسائل و آشنایی با احکام اسلامی به خصوص احکام بانوان و کتاب های روان شناسی کودک , شوهر داری و... رامطالعه کند که برای آینده اش بسیار مفید خواهد بود.

حضرت علی ۷فرمود: (۱)

(پاورقی ۱.نهج البلاغه , کلمات قصار, شماره ۳۹۰

سفره ای به نام حضرت زهرا۳مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک بازشود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست است ؟

پرسش

سفره ای به نام حضرت زهرا۳مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک بازشود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست است ؟

پاسخ

مدرکی برای چنین اعتقادی , در جایی مشاهده نکردیم . البته خیرات کردن و سفره انداختن وطعام دادن , کار بسیار خوبی است , اما با این شکل و روش که مطرح کرده اید, مدرکی نیافتیم .

آیا عطسه نشانهء درستی موضوع است ؟

پرسش

آیا عطسه نشانهء درستی موضوع است ؟

پاسخ

از نظر اسلام , این گونه مطالب درست نیست , بلکه شبیه به خرافه است .

از امام صادق ۷روایت شده که عطسه , امان از مرگ است و علامت سلامتی مزاج است , لذا مستحب است هنگامی که شخصی عطسه می زند به او بگوییم و طرف مقابل نیز بگوید ,(۱)

اما صبر و مکث کردن و یا فرق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه , همگی افسانه و خرافه است که بایدمسلمان آگاه و دانا از این افسانه ها بپرهیزد و عزم را جزم کند و اساساً روح اسلام با این گونه مطالب سازش نداردتا آن جا که دستور می دهد هنگامی که بر کاری مصمّم شدید, اگر کسی فال بد زد اعتنا نکنید و بر خداوند توکل کرده به دنبال هدف بروید و فال بد زدن را نشانه شرک قرار داده است و همواره فرموده اند: (۲)همواره به خیر و نیکی تفأل بزنید تا آن خیر و خوبی را از پیشگاه حقّ دریابید. صدای زاغ , آهنگ جغد و پرش چشم و یا عطسه نباید در عزم و تصمیم انسان خللی ایجاد کند.

(پاورقی ۱.سفینه البحار, ج ۲ مادهء عطس .

(پاورقی ۲.همان , مادهء سَمَت .

فامیلی هایی که به نام (محمدی) یا (حسینی) است , به افراد سیّد و صالح مربوط می شود ویا فامیلی به نام (مرادی) به ابن ملجم مرادی مربوط می شود, مشاهده می شود بعضی از افراد که به نام محمدی یا حسینی هستند, آدم های بدی هستند و یا بعضی از افرادی که به نام (مراد

پرسش

فامیلی هایی که به نام (محمدی) یا (حسینی) است , به افراد سیّد و صالح مربوط می شود ویا فامیلی به نام (مرادی) به ابن ملجم مرادی مربوط می شود, مشاهده می شود بعضی از افراد که به نام محمدی یا حسینی هستند, آدم های بدی هستند و یا بعضی از افرادی که به نام (مرادی) هستند آدم های خوبی هستند؟

پاسخ

فامیل هایی که افراد دارند, عناوین اعتباری هستند, چنان که اسم های افراد نیز اعتباری است ,پدری که نام فرزندش را حسن یا حسین می گذارد یا مغازه داری که اسم مغازه اش را (حقیقت) نام می گذارد,هیچ دلیلی بر واقعی بودن این نام ها نمی شود; یعنی نمی توان از این نام ها کشف کنیم که این مغازه هیچ کارخلاف حقیقت انجام نمی دهد یا این حسن و حسین هیچ وقت بد نمی شود. بسیاری از اسم ها و فامیلی ها این چنین هستند; بنابراین , اگر فامیلی کسی محمدی یا حسنی یا حسینی یا ابوالفضل یا کاظمی یا غیره باشد, دلیل نمی شود که او سیّد است و یا آدم صالحی است و یا از نسل آنان است و بالعکس , اگر فامیل و نام کسی مرادی یابکری یا غیره باشد, دلیل نمی شود که آدم بدی است و یا از نسل ابن ملجم مرادی است .این نوع فامیل ها راحدود صد سال قبل روی افراد گذارده اند و هیچ ربطی به هزار سال قبل در زمان ائمه : ندارد. بسیاری از افرادخوب بوده اند که ما نام های آنان را نمی پسندیم , مثلاً معاویه بن

عمّار, معاویه بن وهب , مفضل بن عمر, محمدبن سنان , ابان بن عثمان , عمربن علی بن ابی طالب , محمد بن مروان , عثمان بن عیسی و دیگران غالباً افرادخوبی بوده و از راویان حدیث بوده اند, پس اسم و فامیلی , دلیل بر خوبی یا بدی افراد نمی شود. یکی ازفرزندان حضرت علی ۷عثمان است .

در قرآن کریم از القاب زشت نهی شده است و مردم نباید یک دیگر را با لقب زشت خطاب و در احادیث آمده است که نام خوب روی بچه ها بگذارید که آن ها احساس عظمت و غرور کنند.

چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید.

پرسش

چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید.

پاسخ

تا آن جا که ما اطلاع داریم , ورزشگاه های مردانه , تماشاگر زن نداشته است و چنین مسئله ای فقط یک بار در یکی از ورزشگاه های تهران در سال گذشته اتفاق افتاد که با اعتراضات شدید رو به رو شد.

اگر در ورزشگاه های دیگر و در حال حاضر, تماشاگران زن مجاز هستند شرکت کنند, برای ما بنویسید تاتذکر دهیم .

چرا می گویند: کلّ یوم عاشوار و کلّ أرض کربلا؟

پرسش

چرا می گویند: کلّ یوم عاشوار و کلّ أرض کربلا؟

پاسخ

هر روز عاشورا و هر سرزمین کربلا است ; این جمله و شعار, نشان دهندهء پیوستگی و تداوم درگیری حق و باطل در همهء زمان ها و مکان ها است . عاشورا و کربلا یکی از بارزترین حلقه های این زنجیره است . همیشه حق و باطل رو در روی هم قرار دارند و انسان های آزاده , وظیفهء پاسداری از حق و پیکار با باطل رابر عهده دارند و بی اعتنا گذشتن از کنار حق و باطل , بی دینی است . امام خمینی قدّس سرّه بارها به این نکته ءمهم توجه دادند, از جمله در ایّام جنگ تحمیلی : و در پیامی به مناسبت هفدهم شهریور فرمود: . .

نبرد عاشورا, گر چه از نظر زمان , کوتاه ترین درگیری بود (نیم روز) ولی از نظر امتداد, طولانی ترین درگیری باستم و باطل

است و تا هر زمان که هر آرزومندی آرزو کند کاش در کربلا بود و در یاری امام شهیدان , به فوز عظیم شهادت می رسید, جبهه‌ء کربلا- گرم و درگیری عاشورا دایر است . آن گونه که حسین ۷وارث آدم و ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد است ; پیروان عاشورایی او نیز وارث خط سرخ جهاد و شهادت اند و پرچم کربلا رابر زمین نمی نهند و این جوهر تشیّع در بُعد سیاسی است .(۱)

(پاورقی ۱.جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۳۷۱ با تلخیص .

چرا به روز نهم و دهم محرّم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند, ما هم به همان اسم می خوانیم ؟

پرسش

چرا به روز نهم و دهم محرّم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند,

ما هم به همان اسم می خوانیم ؟

پاسخ

همـان طور که می دانیم در زبان عربی به روز نهمِ هر ماه تاسـح یا تاسوعا, و به روز دهـم , عاشـر یاعاشورا گفته می شود, ولی چون در روز نهم و دهم مـاه محرّم سال ۶۱ه. ق حادثهء بزرگ و جان سوز کربلا پیش آمـد, بعد از آن سال تنها به روز نهـم و دهم محرّم , تاسوعا و عاشورا اطلاق می شود, و فلسـفهء خاصـی ندارد; هرچند, شاید بتوان از بعضـی روایات , علّت و فلسفهء خاصی برای این نام گذاری پیدا کرد.

به عنوان مثال , امام صادق ۷فرمود:

پدرم به فدای کسی باد که او را غریب گذاشته و در تضعیف او کوشیدند>.(۱)

در روایتی می خوانیم : حضـرت موسـی بن عمران ۷در مناجات خود عرضه داشت : بار خـدایا! چرا امت حضـرت محمّـد را بر دیگر امت ها برتری دادی ؟ خطاب آمد: به خاطر ده چیز. حضـرت موسی عرض کرد: آن ده چیز کدام است تا به بنی اسرائیل بگویم عمـل کننـد؟ فرمود: نمـاز و زکـات و روزه و حـج و جهـاد و جمعه وجماعت و قرآن و علم و عاشورا. حضـرت موسـی عرض کرد: عـاشورا چیست ؟ خطـاب رسـید: عـاشورا عبـارت است از گریسـتن یـا حـالت گریه به خود گرفتن و نوحه و مرثیه خواندن در عزای سبط رسول خدا۶

ای موسی ! هیچ بنده ای از بندگانم بر حسین و مظلومیت او گریه و ناله نمی کند مگر این که اهل بهشت خواهد بود.(۲)

(پاورقی ۱.محدّث قمی , سفینهالبحار, ماده تسح .

(پاورقی ۲.الشیخ فخر الدین الطریحی , مجمع البحرین , ج ۳

۴ ماده‌ء عشر.

فرق بین مرد و پسر چیست ؟

پرسش

فرق بین مرد و پسر چیست ؟

پاسخ

در اصطلاح عرف , مرد به کسی می گویند که ازدواج کرد, و زن گرفته است و پسر به کسی می گویند که هنوز ازدواج نکرده است , ولی اگر پسر به سنّ بلوغ رسیده باشد, مرد است و فرقی با او ندارد.

در لغت نامه , مرد را به انسان نر (مقابل انسان ماده) می گویند.(۱)

(پاورقی ۱.لغت نامه دهخدا, ج ۴ ص ۴۸۹۳

به نظر من روز عید غدیر باید به دیدار افرادی رفت که در عصرخودشان بر محور ولایت فقیه حرکت می کنند و اگر از سادات باشند. بهترند;حال نظر شما در خصوص رسم موجود در جامعه که صرف نظر از ویژگی های سادات و رویه آنان به دیدارشان می روند چیست ؟ و اگر آن را نمی پسندید

پرسش

به نظر من روز عید غدیر باید به دیدار افرادی رفت که در عصرخودشان بر محور ولایت فقیه حرکت می کنند و اگر از سادات باشند. بهترند;حال نظر شما در خصوص رسم موجود در جامعه که صرف نظر از ویژگی های سادات و رویه آنان به دیدارشان می روند چیست ؟ و اگر آن را نمی پسندید چه راه هایی را برای رفع آن پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

برادر مجتبی کیانی ! با آرزوی موفقیت برای شما. مقدماتی که نوشته اید و منتهی به نتیجه مورد نظر شده است , بسیار عالی و به جا است و مانظر شما را می پسندیم . همه سفارشات و توصیه های پیامبر۶راجع به اهل بیت : ذریّه و خاندانش در جهت تقویت امامت و ولایت بوده است و تشویق هایی که از زبان پیامبر یا ائمه ۷در زمینه احترام به اهل بیت : شده است ,همگی باید در مسیری باشد که ولایت را تقویت کند و گرنه سیدی که در زمان طاغوت امام جمعه تهران و منصوب از طرف محمد رضا شاه بود, هرگز قابل احترام نبوده و نیست و در آخرت با محمد رضا محشور خواهد شد و در روایت است که امام رضا۷فرمود: . ورسول اللّه ۶خطاب به فرزندان عبدالمطلب فروده است : . خداوند فرموده است :

دمیده شود, هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آن ها در آن روز نخواهد بود و ازیک دیگر تقاضای کمک نمی کنند.

(چون کاری ازکسی ساخته نیست) کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است , همان رستگارانند و آنان که وزنهء اعمالشان سبک باشد, کسانی هستند که سرمایه وجود

خود را از دست داده , در جهنم جاودانه خواهند ماند>.()

(پاورقی ۱.مجلسی , بحارالانوار, ج ۷ ص ۲۴۱ حدیث ۱۱

آن چه در روایات به آن اهمیت داده شده شیعه بودن و پیرو بودن است , نه سید بودن ; البته سیدی که پیرو باشد, باید بیش تر مورد احترام قرار گیرد; زیرایادآور دودمان پاک پیامبر۶و اهل بیت : است ; دودمانی که در پاکی وطهارت مَثَل اعلا هستند و خداوند آیهء تطهیر() را در شأن ایشان نازل کرده است ,(پاورقی ۲.احزاب (۳۳ آیهء ۳۳

ولی سید گنه کار, نه تنها مورد احترام نیست , بلکه بیش از یک انسان معمولی باید مؤاخذه شود.

وقتی سلمان غیر سید و در برهه ای از زمان غیر مسلمان , به خاطر پیروی واقعیش از اسلام , یکی از خاندان اهل بیت می شود, ()

(پاورقی ۳..(بحارالانوار, ج ۱۷ ص ۱۷۰.

باید متوجه شد که معیارها در اسلام چگونه است و شیعیان باید به چه کسانی احترام بگذارند و روز عید غدیر به دیدن چه کسانی بروند و صرف سیدبودن ولو سیدی که با نظام ولایت فقیه مخالف است و در مقام ضدیت ودشمنی است . نباید معیار دیدارها باشد, بلکه باید به دیدار سیدی بروند که اگربه خاطر تبلیغات و به خاطر اوضاع آشفته ,, لااقل طرف دار صددرصد نظام وولایت فقیه نیست , خدای نکرده مخالف نباشد و پرچم ضدیت را بر در خانه خود نصب نکرده باشد و دهان و زبانش به بدگویی و عیب جویی از نظام ولایت فقیه باز نباشد.

امام چهارم ۷فرموده است :

زیرا آن کس از خاندان ما که نیکوکاری می کند, در حقیقت دو کار

کرده , یکی این که مانند دیگران کار نیکی کرده و دیگر این که حیثیت و احترام پیغمبر را حفظ کرده است .آن کس هم که گناه می کند, دو گناه مرتکب شده است , یکی این که مانند دیگران کاربدی کرده و دیگر این که آبرو و حیثیت پیغمبر را از بین برده است ... اساس کار, پیوندمعنوی و صلاح عمل و اطاعت امر خدا است , گو این که هیچ گونه نسبت و رابطه نسلی و جسمانی با ما نداشته باشد و هر کس گنه کار باشد از ما نیست , گو این که از اولادحقیقی و صحیح النسب زهرا۳باشد>.()

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۱ ص ۶۵

در خاتمه نظر آن برادر عزیز را به این مسئله جلب می کنیم که دیدار ازسادات و احترام به سادات , تداوم همان مسئله امامت و ولایت بوده است , به ویژه در زمان طاغوت , وقتی مردم به دیدار سادات , آن هم در روز عید غدیرمی رفته اند, می خواسته اند مسئله امامت و ولایت را تقویت کنند و خاطره غدیررا زنده نمایند و امروز هم , گرچه بعضی از عوام بدون توجه به مسئله ولایت فقیه , به دید و بازدید سادات می روند, ولی چون اساس این موضوع یک سنت حسنه بوده است , مخالفت با آن صلاح نیست , ولی می شود مردم را راهنمایی کرد که به دیدار ساداتی بروند که در خط ولایت و امامت باشند تا غیر از دید وبازدید معمولی که کارخوبی است , پاداش مضاعفی داشته باشند. ان شاءاللّه .

معنای این جمله چیست : کس پیراهن ندوخت که آخر قبا نکرد؟!

پرسش

معنای این جمله چیست : کس پیراهن ندوخت که

آخر قبا نکرد؟!

پاسخ

قبا, لباس بلندی است و جلوی آن باز است و آن را با بند یا با دکمه می بندند.

قبا کردن اصطلاحی است به معنای چاک کردن پیراهن و به معنای تنگ شدن معیشت و سخت شدن کار نیز می آید.(۱)

ظاهراً مراد از جملهء بالا ـ این باشد که هر کس پیراهن دوخت , بالاـخره آن راچاک خواهد کرد و یا به دشواری و سختی خواهد افتاد; کنایه از این که روزی خواهد مرد و قبا و پیراهن او را چاک خواهند زد و از بدنش بیرون خواهند آورد و اورا با کفنی داخل گور خواهند کرد.

(پاورقی ۱.دهخدا, لغت نامه ; فرهنگ معین , لغت قبا.

این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟

پرسش

این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟

پاسخ

این شعر از مجنون است که عاشق لیلی بود. چون عاشقان لیلی فراوان بودند, هر کسی ظرفی نزد او می برد تا از او هدیه ای ببرد مجنون نیز ظرفی رانزد او برد, ولی از بین همهء ظرف ها, ظرف مجنون را شکست . مجنون , شکستن ظرف خود را دلیل تمایل لیلی می دانست , چرا که شکستن سبو ظرف , علامت محبت است , این گونه کارها از معشوق , برای شعله ور ساختن عشق عاشق قلمداد می شود.

آیا فقط هر کس لیاقت داشت , شهید می شود, اگر چنین است ,چرا بعضی افراد لاابالی که حتی اهل نماز نبودند, در جنگ به شهادت رسیدند؟

پرسش

آیا فقط هر کس لیاقت داشت , شهید می شود, اگر چنین است ,چرا بعضی افراد لاابالی که حتی اهل نماز نبودند, در جنگ به شهادت رسیدند؟

پاسخ

مسلّماً رسیدن به مقام شهادت و لقای پروردگار, توفیق و لیاقت می خواهد. البته ما به مصداق شهید که فلانی و فلانی باشد, کار نداریم و کلی بحث می کنیم . برای رسیدن به این مقام , اولین و اساسی ترین شرط, اخلاص عمل است .کسی که به خاطر خدا حفظ ارزش های دینی و نگه داری از جان و مال و آبروی مسلمانان , به مرزهای کشور اسلامی می رود یا با نااهلان درگیر و کشته می شود,شهید محسوب می گردد و نزد خدا مأجور است . البته بیش تر کسانی که در جنگ تحمیلی شرکت کردند, برای حفظ کشور و به فرمان مرجع تقلید و رهبرشان و به خاطر خدا حرکت کردند که بعضی به شهادت رسیدند, گر چه بعضی قبلاً به نماز یابعضی دیگر از دستورهای اسلام کم توجه بودند, ولی با توجه و رفتن به صحنهء خطرو درگیری و ایثار جان خود در راه خدا, تمام گناهانشان پاک می شود: .

چرا وقتی از واقعهء کربلا یادی به میان می آید, نام حضرت زینب از بین بقیهء زنان حاضر در آن واقعه , گیراتر و بیش تر مطرح است ؟ چرا نامی اززنان یا دختران حضرت که رنج های فراوانی کشیدند, برده نمی شود؟

پرسش

چرا وقتی از واقعهء کربلاـ یادی به میان می آید, نام حضرت زینب از بین بقیهء زنان حاضر در آن واقعه , گیراتر و بیش تر مطرح است ؟ چرا نامی اززنان یا دختران حضرت که رنج های فراوانی کشیدند, برده نمی شود؟

پاسخ

شخصیت حضرت زینب با دیگر زنان در کربلا, قابل مقایسه نیست .

می توان گفت بعد از امام حسین ۷شخصیت دوم در این صحنهء جاودانه ,حضرت زینب بود.

آن حضرت , دختر بزرگ امام علی بن ابی طالب ۷و شخصیتی علمی و ایمانی محسوب می شد.

او زنی بود که دو فرزند خود به نام های عون و محمد را قبل از این که پسران امام حسین به میدان بروند, به میدان فرستاد. این دو برادر (محمد و عون) نزد امام حسین ۷(دایی شان) آمدند و گفتند: به حق مادرت فاطمهء زهرا! به ما اجازه بده به میدان برویم . امام ۷اجازه داد. این دو برادر با شجاعت عجیبی به دشمن حمله کردند تا به شهادت رسیدند. امام حسین ۷به بالین این دو نوجوان آمد و ایشان رابه سینه چسباند و کشان کشان به خیمهء شهیدان برد. همهء زنان و کودکان بر بالای جنازهء آن دو جمع شدند و گریه کردند, اما حضرت زینب حاضر نشد و فرمود:می ترسم بالای جنازهء کودکانم بیایم و از بی طاقتی گریه کنم و برادرم ناراحت شود.

از بین زنان حاضر در واقعهء عاشورا, کسی مانند زینب که این قدر با شناخت عالی و با معرفت باشد وجود نداشت . او را عقیلهء بنی هاشم , عقیله الطالبین ,عارفه , عالمه , محدّثه , فاضله ,

کـامله , عابـدهء آل علی لقب داده انـد. این بانوی بزرگ دارای قوّت قلب , فصاحت زبان , شـجاعت , زهـد و ورع , عفاف و شهامت فوق العاده بود. او پیام آور کربلا, افشاگر ستمگری های حکام اموی , سرپرست کاروان اسیران اهل بیت و مراقب امام زین العابدین بود. خطبه های آتشین او در کوفه و شام ,احیاگر خون شهیدان بود. او را لقب داده اند.

صبح ازل طلیعهء ایام زینب است پاینده تا به شام ابد نام زینب است

در راه دین لباس شهامت چون دوختندزیبنده آن لباس بر اندام زینب است

]بارزترین بُعـد زنـدگی حضـرت زینب , پاسداری از فرهنگ عاشورا بود, که باخطابه های آتشـینش , پیام خون شـهیدان را به جهانیان رساند.

حضـرت زینب از فصاحت و ادب برخوردار بود و هنگام مشاهدهء سـربریده ءبرادر, خطاب به او سرود: , بعدها در سوگ امام حسین ۷اشعاری با این مطلع سرود: .(۱)

(پاورقی ۱.جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۲۱۶

سنّت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟

پرسش

سنّت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟

پاسخ

در آخرین چهارشنبهِ اسفند ماه هر سال شمسی , ایرانیان در شب آن , جشن چهارشنبه سوری می گیردو آداب و رسوم خاصی را بر گزار می کنند. این شب را برای جشن و سرور بنیاد گذاشته اند. از مهم ترین مراسم آن ,آتش افروزی و جَسـتن از روی آن و شـادی کردن در کنـار آتش است . در هر جسـتن از روی آتش می گوینـد: زردی من از تو سـرخی تو از من ; یعنی ای آتش ! زردی و ناتوانی و بیماری را از من بگیر و سـرخی و شادابی و تنـدرستی خود رابه من ببخش . پس از سوختن هیزم ها, خـاکستر را در خـاك انـدازی جمع می کننـد و از خـانه بیرون می برنـد و در کناردیوار می ریزنـد و آن کس که آن را بیرون ریخته است , در بازگشت در می زنـد و بایـد از درون خانه بپرسـند: کیست ؟ واو در جواب بگویـد: منم . سؤال کنند: از کجا آمده ای ؟ جواب دهد: از عروسی . بپرسند چه آورده ای ؟ گوید: تندرستی .

یکی دیگر از آداب چهارشـنبه سـوری , آجیـل خـوری اسـت . یکـی دیگـر, فـالگوش است ; کسـانی که حـاجتی دارنـد,شـب چهارشنبه سوری نیّت می کنند و چهار راه یا گذر می ایستند و اولین عابری که می گذرد, به سخن او توجه می کنند و هر چه از دهان او بیرون آید, در استجابت حاجت به فال نیک یا بد می گیرند. یکی دیگر از آداب , کوزه شکستن است و دیگر دفع چشم

زخم و بخت گشایی , که به دباغ خانه می روند و از آب آن جا اندکی بر می دارند و باخود به خانه می آورند و برای گشوده شدن بخت , بر سر می ریزند. البته آداب و رسوم دیگری در هر شهری ذکر شده است . به لغت نامه دهخدا رجوع شود.(۱)

(پاورقی ۱.لغت نامه دهخدا, ج ۵,ص ۷۰۰۷

سنّت سفرهء هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است ؟

پرسش

سنّت سفرهء هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است ؟

پاسخ

از مشهورترین مراسم نوروز, هفت سین است و آن گردآوردن هفت چیز است که نام آن ها با حرف سین آغاز می گردد. معمولاً بین اشیای ذیل : سیب سیاهدانه , سنجد, سماق , سیر, سرکه , سبزه , سمند و سبزی , هفت چیز را انتخاب می کنند. سنّت مزبور بسیار کهن به نظر می رسد و هفت سین , هفت سبزی یا هفت سبزه است .(۱)

(پاورقی ۱.فرهنگ معین , ج ۴ ص ۵۱۵۵ لغت نامهء دهخدا, ج ۱۴ هفت سین .

در صحن پشتی امامزادگانِ پنج تن , واقعی در جمکران , در اطراف یک درخت را میله کشیده اند و افرادی در آن جا راز و نیاز و نذر می کنند و آن رازیارت می کنند. آیا این کار درست است ؟

پرسش

در صحن پشتی امامزادگانِ پنج تن , واقعی در جمکران , در اطراف یک درخت را میله کشیده اند و افرادی در آن جا راز و نیاز و نذر می کنند و آن رازیارت می کنند. آیا این کار درست است ؟

پاسخ

التزام به این مطالب خالی از اشکال نیست و نذر و دعا و راز و نیازگرچه ذاتاً مطلوب است , لیکن متعلق نذر باید مشروع و راجح باشد.

بهتر است عبادت در مساجد و زیارتگاه های معتبر انجام شود. پارچه و نخ بستن به درخت یا چیز دیگر درست نیست . این کار جاهلانه ای است که یکی به تبعیت از دیگری بدون تأمل و اندیشه انجام می دهد. باید از این کارها جدّاًخودداری کرد, مخصوصاً که شیعیان را به خاطر این کارهای اشتباه , نزد دشمنان مخصوصاً وهابیان مورد طعن و بدگویی قرار می دهند. شیعه عقیده دارد نذر بایدبرای خدا باشد و در صیغهء نذر می گوییم : للّه علّی و می گوییم : عبادت و خضوع وخشوع و پرستش

مخصوص خـدا است و جز او را پرسـتش نمی کنیم , لـذا از کارهـایی که ممکن است مسـتمسک دشـمنان بشود و مـا را مورد طعن قرار دهند و احیاناًمشرک و غیر مسلمان بدانند, جدّاً خودداری کنیم .

بایـد ببینیم روش علمای بزرگ و فقهای عظام در این موارد چگونه است . آیادیـده شده است یک فقیه و عالم اسـلامی از این قبیل کارها انجام دهد؟ خداوندبعضـی از شـیعیان را از قید و بندهای خرافی که احتمالاً دست های بیگانه در آن هادخیل است نجات دهد.

به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است ؟

پرسش

به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است ؟

پاسخ

هـدف از ازدواج , بقـای نسـل و پرورش انسان های صالـح و انس باجنس مخالف است . بر همین اساس انسان طوری آفریـده شده است که زن بدون مردو مرد بدون زن نتواند زندگی معتدلی داشـته باشد و اگر کسی از ازدواج خودداری کند, در حالی که مانعی برای ازدواج نداشته باشد, دچار اختلالات جسمی و روانی می شود و سلامت و تعادل خود را از دست خواهد داد.

عدم تعادل در مردها محسوس است و در زن ها ظهور کمتری دارد.

معلوم می شود سلامت جسمی و روانی انسان در گرو ازدواج است ; به همین جهت رسول خدا۶زناشویی را یکی از سنن مهم خود بر شمرد.(۱)

برای وضو به این هـدف خداوند متعال از نظر آفرینش در زن و مرد تجهیزاتی قرار داد که آنان به سوی ازدواج کشانده شوند. به عبارت دیگر: عطشی در زن و مردوجود دارد که جز با پیوند زناشویی برطرف نمی شود. ازدواج یک واقعیت طبیعی است . با توجه به این قانون , افراد بایـد سـعی کننـد به ازدواجی اقـدام کننـد که سـعادت طرفین در آن باشد. ضـمن این که ازدواج , سنّت و واقعیت طبیعی است , نمی توان ادعا کرد هر ازدواجی که انجام می گیرد, اهداف ازدواج را در بر دارد.

عطش درونی در مرد و زن هنگامی بروز می کند که آن دو به سن بلوغ و رشدبرسـند, که در پسران و دختران از حدود سیزده سالگی شروع می شود و تا مدتی قابل کنترل می باشند, ولی پس از گذشت چند سالی باید اقدام کنند,

چون اگر سن دختر از ۲۰تا ۲۵بگذرد و ازدواج نکند, دچار اضطراب و درگیری های درونی وبرونی با پدر و مادر و برادران و خواهران خواهد شد.

دختران باید هر چه زودتر ازدواج بکنند, همان طور که دستور اسلام است . هرچه تأخیر بیفتد, به ضررشان تمام می شود.

(پاورقی ۱.حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۴ ص ۶

تهاجم فرهنگی

تعریف تهاجم فرهنگی

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پرسش

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پاسخ

متأسفانه گرایش به مظاهر غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته شده ، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی پیشرفت تلقی می شود. کسی کار ندارد که ایا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ یا نه از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش می شود.

الگوپذیری تنها در مد مو و لباس و آرایش و موسیقی و... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها، نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و ... نیز جریان دارد که شرح آن فرصتی دیگر می طلبد.

تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کند و آن را جزء فرهنگ خود نماید، نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته و پیروی محض باشد، بدون در نظر گرفتن خوبی ها و بدی هایش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را نفرین نموده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

متأسفانه ما در شناخت فرهنگ خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های دیگر دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم توده مردم.

فرهنگ اسلامی به مراتب بهتر و ارزشمندتر از فرهنگ غرب است. در فرهنگ اسلامی با مظاهر فساد و فحشا

و ظلم و اجحاف و بی عدالتی مبارزه می شود، ولی متأسفانه فرهنگ غربی تبلیغ کننده فساد و فحشا است و باعث از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و نابودی رحم و مروّت و انصاف می شود و بر مبنای سود خواهی و سودپرستی است. از این رو مسلمانان باید از نظر فرهنگی استقلال داشته باشند. در عین حال از موارد خوب فرهنگ های دیگر نیز استفاده کرده و آن ها را در فرهنگ خود وارد کنند.

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پرسش

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پاسخ

هر نهضت و حرکتی که هدف آن برانداختن آداب و تمدّن و رسوم تعلیم و تربیت و آداب وشعائر و سنن دینی و قومی یک جامعه و تضعیف اعتقاد و پایبندی افراد آن جامعه خصوصاً جوانان و نوجوانان به فرهنگ و آداب خودشان برای آماده سازی آنها به قبول عادات بیگانگان باشد، تهاجم فرهنگی به آن جامعه است.

بنابراین، تهاجم فرهنگی به جوامع اسلامی، نهضتها و برنامه های ویرانگری است که با سیاستهای فرهنگی استعماری و با ترویج اخلاق بیگانه و در حال حاضر غربی برای محو شخصیّت اسلامی و مسلمانان و ذوب آنها در فرهنگ و عادات و رسوم بیگانگان و برداشتن مرزهای اخلاقی خصوصاً در روابط زن و مرد و تأسیس حکومت بر اساس حکومتهای غربی، و نفی اصالت حکومت دین و حاکمیّت احکام، مخصوصاًاز حدود دو قرن پیش در بلاد و ممالک اسلامی به صورتهای گوناگون و شامل تقریباً کلّ مظاهر زندگی، کم و بیش شکل گرفت و می توان گفت: جز چند نقطه از سرزمینهای اسلام همه جا را فرا گرفت و بسیاری از عادات و آداب و حتّی لباس و پوشش مسلمانان و طرز و روش ملاقاتها، برخوردها و دیدارها، پذیرایی ها و مراسم عزا و عروسی ها را شامل گردید.

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پرسش

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پاسخ

هر نهضت و حرکتی که هدف آن برانداختن آداب و تمدّن و رسوم تعلیم و تربیت و آداب وشعائر و سنن دینی و قومی یک جامعه و تضعیف اعتقاد و پایبندی افراد آن جامعه خصوصاً جوانان و نوجوانان به فرهنگ و آداب خودشان برای آماده سازی آنها به قبول عادات بیگانگان باشد، تهاجم فرهنگی به آن جامعه است.

بنابراین، تهاجم فرهنگی به جوامع اسلامی، نهضتها و برنامه های ویرانگری است که با سیاستهای فرهنگی استعماری و با ترویج اخلاق بیگانه و در حال حاضر غربی برای محو شخصیّت اسلامی و مسلمانان و ذوب آنها در فرهنگ و عادات و رسوم بیگانگان و برداشتن مرزهای اخلاقی خصوصاً در روابط زن و مرد و تأسیس حکومت بر اساس حکومتهای غربی، و نفی اصالت حکومت دین و حاکمیّت احکام، مخصوصاًاز حدود دو قرن پیش در بلاد و ممالک اسلامی به صورتهای گوناگون و شامل تقریباً کلّ مظاهر زندگی، کم و بیش شکل گرفت و می توان گفت: جز چند نقطه از سرزمینهای اسلام همه جا را فرا گرفت و بسیاری از عادات و آداب و حتّی لباس و پوشش مسلمانان و طرز و روش ملاقاتها، برخوردها و دیدارها، پذیرایی ها و مراسم عزا و عروسی ها را شامل گردید.

در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملّی شمرده می شود؟

پرسش

در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملّی شمرده می شود؟

پاسخ

در یک صورت آن چیزی که از خارج رسیده است بیگانه و اجنبی خوانده می شود و پذیرش آن بر خلاف اصول ملیت شناخته می شود و احیاناً پذیرش آن نوعی تغییر ملیت به شمار می آید که آن چیز رنگ یک ملت بالخصوص داشته باشد و از شعارهای یک ملت بیگانه باشد. بدیهی است که در این صورت اگر ملتی شعار ملت دیگر را بپذیرد و رنگ آن ملت را به خود بگیرد، بر خلاف اصول ملیت خود عمل کرده است. مثلاً نازیسم آلمان و صهیونیزم یهود، رنگ ملیت بالخصوصی دارد؛ اگر افراد یک ملت دیگر بخواهند آن را بپذیرند، بر خلاف ملیت خود عمل کرده اند.

اما اگر آن چیز رنگ مخصوص نداشته باشد، نسبتش با همه ملتها علی السواء باشد، شعارهایش شعارهای کلی و عمومی و انسانی باشد و ملت مورد نظر هم آن را پذیرفته باشد، آن چیز اجنبی و بیگانه و ضدملی شمرده نمی شود. به همین دلیل، حقایق علمی به همه جهان تعلق دارد. جدول فیثاغورش و نسبیت اینشتین به قوم معینی تعلق ندارد و با هیچ ملیتی منافات ندارد، برای اینکه این حقایق بی رنگ است و رنگ و بوی قوم و ملت مخصوصی را ندارد.

به این دلیل، دانشمندان و فیلسوفان و پیامبران به همه جهانیان تعلق دارند، که عقاید و آرمانهای آنها محصور در محدوده یک قوم و ملت نیست.

از نظر احساسات ملی و عواطف قومی، نه هر چیزی که از وطن برخاست جنبه ملی پیدا می کند و نه هر چیزی که از مرز و بوم

دیگر آمده باشد بیگانه به شمار می رود، بلکه عمده آن است که اولاً بدانیم آن چیز رنگ ملت بالخصوصی دارد یا بی رنگ است و عمومی و جهانی است، ثانیاً آیا ملت مورد نظر آن چیز را به طوع و رغبت پذیرفته است یا به زور و اکراه.

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پرسش

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پاسخ

- برای ارایه تفسیری دقیق و کامل از تهاجم فرهنگی لازم است علاوه بربررسی معنا و مفهوم آن ، علل و ریشه های ابعاد و شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار داده و درنهایت به راه های مبارزه به تهاجم فرهنگی بپردازیم . الف) بررسی معنا ومفهوم تهاجم فرهنگی : تهاجم فرهنگی به این معنا است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت ، به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد و باورهای تازه ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد .در واقع تهاجم فرهنگی دو رکن اساسی و مهم دارد : ۱- جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی انجام می گرفت . ۲- حمله به جمهوری اسلامی وارزش های آن و ارزش های ملت ایران و یک تهاجم فوق العاده فرهنگی ،اجتماعی و سیاسی با ابعاد گسترده در سرتاسر جهان به صورت عام ومتمرکز کردن این حملات علیه ایران به عنوان کانون بیداری نهضت اسلامی. ب) علل و ریشه های تهاجم فرهنگی : دشمنان اسلام به این نتیجه دست یافتند تا زمانی که فرهنگ ملی بر جامعه حاکم است ، اجرای هر طرحاستعماری قطعا" فاقد توفیق خواهد بود، زیرا

سلطه سیاسی بدون پشتوانه های فرهنگی میسر نیست ، بنابراین برای تضعیف اسلام و ارزش های اعتقادی و همچنین کم رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد، شهادت ،خوداتکایی و ضدیت با ظلم و تخریب فرهنگ ملی کشور و جایگزین کردن فرهنگ آمریکایی در راستای ایجاد بحران هویت ، طرح تهاجم فرهنگی را بابرنامه ریزی های حساب شده به مرحله اجرا درآورند .بر این اساس مهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی عبارتند از : ۱- احیا و اعتلای اسلام انقلابی در ایران و جهان . ۲- انقلاب اسلامی ایران هرمونی نظام سلطه را به چالش کشاند .۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرا و کانون حرکت جهانی اسلام . ۴- ناکامی دشمنان در شکست جمهوری اسلامی ازطریق تهاجم نظامی ، محاصره سیاسی ، اقتصادی و ...ج) بررسی ابعاد،شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلام : ۱- اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا میان جوانان . ۲- تضعیف روحانیت با حربه های تبلیغاتی . ۳- تحقیر و منزوی کردن جریان ادب ، هنر و فرهنگ اسلامی . ۴-متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی های مدنی و ضدیت با حقوق بشر.۵- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی . ۶ تبلیغ گسترده سکولاریسم ، لاییسیسم ، اومانیسم ، وجود قرایت های مختلف از اسلام ، تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق . ۷- سازماندهی حملات لجام گسیخته به باورهای ملی ، مذهبی و ارزش های حیاتی . این موارد به عنوان محورهای استراتژی رادیوهای بیگانه ، رسانه های غربی

،نیروهای سکولار، روشنفکران غربزده و مزدوران اجیر شده نظام سلطه درعرصه تهاجم فرهنگی بر ضد اسلام و ایمان مردم ایران می باشد .د) راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی : هر چند دشمنان اسلام برنامه ریزی گسترده ای رابرای کم اهمیت جلوه دادن تهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم فرهنگی و ایجاد روحیه یاس وناامیدی در مردم ، به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه ، انجام داده اند ولی واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم وسازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا" دستگاه های فرهنگی وبسیج همه اقشار مردم ، براساس برنامه ای دقیق ، حساب شده می باشد .براین اساس مهم ترین راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی عبارتند از : ۱- حفظ وتعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسوولین . قرآن کریم در سوره آل عمران ،آیه ۱۳۹ می فرماید : ((و انتم الاعلون ان کنتم مومنین)) . ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی ، استقرار عدالت اجتماعی و قسطاسلامی و تامین رفاه ، سعادت ، خوشی ، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی . ۳- هوشیاری و بیداری درمقابل

انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضـامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشـد .۵- تحقق بـاوری عمیق ، درونی ، ریشه دار،عقلانـی و مبتنی بر نظام ارزش اسـلام در مـدیران جـامعه به معنی کسـانی که دردسـتگاه هـای رسـمی ، تقنینی ، اجرایی ، قضـایی ، نظـامی ، انتظـامی ، آموزشی ،فرهنگی و تبلیغی و ...نقش ایفا می کند .نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه ، در جهت گیری فرهنگی و ارزشـی جـامعه و خـارج شـدن این مجموعه از حالت انفعال ، یاس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسـلیم در برابر فرهنـگ واحـد جهـانی را به دنبـال خواهـد داشت . ۶-تلاـش و تـدبیر جـدی ، گسترده و عمیق برای لحـاظ نظام ارزشـی مطلوب درهمه فعالیت ها و اقدامات ، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسـی ، اقتصادی ، فرهنگی و ...۷- تبلور و تجلی این نظـام ارزشـی در رفتار حقیقی و حقوقی مـدیران ، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی... در پایان ذکر این نکته لازم است که مسـلما" برخورد فیزیکی و بسـتن مرزهـاو ...هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشـد و تحقق آن نیز در عصـرارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست ، اما درمواردی لازم است و از تاثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد .از طرف دیگر این نکته را نیز باید در نظر داشت که آمریکا در حال

حاضر رهبری جهانی نظام سلطه و استکبار را بر عهده دارد و سایه شوم صهیونیزم و سرمایه داری خون آشام را بر سر تمام ملل جهان دامن گسترمی کند .از این رو مبارزه با آمریکا در حال حاضر قابل قیاس با هیچ جریان دیگری نیست . به عبارت دیگر ستیز با آمریکا یعنی مقابله با ام الفسادجهانی . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی برگرفته ازسخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش هاعلی ذوعلم ;

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پرسش

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پاسخ

گرایش به فرهنگ غربی و فسادعوامل متعددی دارد از جمله : ۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که طبیعتا فرد را به سوی پورنو گرافی غربی متمایل می سازد.۲- استفاده غربی ها از عوامل . ابزارها و سرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شیوه های فریبنده در سطحی بسیار گسترده . ۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطیه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان . ۴-ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکراجتماعی (مانند برخی از دانشگاهیان و ...) . ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی . ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی . مساله غرب گرایی ، پدیده ای است که سابقه ای طولانی نه تنها در کشور ما، بلکه در سطحی بسیار گسترده تردر همه کشورهای جهان سوم وجود دارد .برخی از علل این پدیده عبارت است از : ۱ - مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشدتکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است . ۲ - به فراموشی سپردن منابع و ذخایرغنی و ارزشمند فرهنگی ، اخلاقی ، علمی و مادی خود .۳ - افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد .انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام ومستضعفین طنین

افکن شـد و تـوانست برای بسیاری از جوانـان ، روشـنفکران ،نویسـندگان و اندیشـمندان تغییر جهت دهـد .لیکن از دیگر سـو عوامـل غرب نیزهمواره در کمین نشسـته و از هر سو برای ربودن نظرها و انـدیشه ها تلاش مضاعفی در سـطح جهان انجام می دهنـد .طبیعی است که در این میـان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامنـد .در ارزیابی نهایی هر چنـد ما حرکت های موجود در جهت مبـارزه اصولی و ریشه ای با پدیـده غرب گرایی را کافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظار داشت که کامل ترین برنـامه هـا بتوانـد به طورکلی ریشه این گونه گرایش ها را خشـکاند؛ زیرا انسان ها بر اساس امیال وخواست های متفاوت که دارنـد و نیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشـد کرده انـد و اندیشه های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است ،گرایش های متفاوتی می یابند .بنابر این ضـمن آنکه تا حد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابی کرد، ولی همواره پرونده این گونه گرایش ها باز است و حرکتهای موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن رامحدود سازد، ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند .;

معنای رپ (rap) چیست و چه آرمانی دادند؟

پرسش

معنای رپ (rap) چیست و چه آرمانی دادند؟

پاسخ

((رپ)) (Rap) در لغت به معنـای زخم زبان ،ضـربت سـریع و تنـد زدن ، آدم بی توجه و حقه باز و مورد سـرزنش قرار گرفتـه اسـت . هـواداران این گروه ، پسـرانی بـا موهـای بلنـد و یـا کلاـه گیس هسـتند،لبـاس ((جیر)) به تن کرده و دم پـای شلوارشـان تنـگ است و بـا عینـک دودی ، کفش مخصـوص و کمربنـد و دست بنـدهای آرم دار در اجتمـاع ظـاهرمی شـوند .علامـت و آرم این گروه از صـلح جهانی (Peace) گرفته شـده ، اماهیـچ سـنخیتی با طرز فکر و رفتار گروه ندارند .از نظر تاریخی ، در دهه ۱۹۸۰میلادی عده ای سیاه پوست آمریکایی که ریشه اصلی نژاد آنها آفریقایی بود، جهت رسیدن به صلح و آزادی در قاره آفریقا و در اعتراض به نژادپرستی اقـدام به تظاهرات کردند .نقطه اجتماع سـیاه پوسـتان و آغازتظاهرات آنها از محله معروف ((هـارلم)) در نیویـورک بـود و هنـوز هـم از ایـن محـل بـه عنـوان مرکز هـدایت Rap نـام برده می شـود .اجتماعکننـدگان که نـام رپ را انتخاب کرده بودنـد اعتراض خود را با نوعی رقص و پایکوبی اعلام کردنـد و سـپس با مرور زمـان نوعی موسـیقی مخصوص این گروه رواج یـافت و حمـایت هـای مـالی و نیز پیوسـتن برخی خواننـدگان معروف ، باعث شهرت گروه رپ گردیـد .رفته رفته رپ جـای خود را در جـامعه آمریکـا بـاز کرد.موسـیقی گروه غنـا و تنوع زیـادی یـافت به طوری که پس از مدتی موسیقی رپ با عناوین

مختلفی پدید آمد که مشهورترین آن گروه (ام. سی مهامر) است . شهرت غیرمنتظره رپ باعث شد تا استعمار از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند و با به انحراف کشاندن اهداف رپ ، این گروه به ابزاری در دست قدرت های بزرگ تبدیل شد تا جوانان را به انحراف اخلاقی بکشاند .امروزه در سراسر آمریکا، اروپا، آسیا و حتی آفریقا، جوانان بی بند وباری دیده می شود که با سر و وضع عجیب و غریب در اجتماع ظاهرمی شوند، بدون آن که به بررسی ریشه یابی این حرکت خود بپردازند .آنان به نوعی خودباختگی و حتی گاهی به فساد و انحراف کشیده می شوند درحالی که مدعی هواداری از رپ یعنی کمک به قیام سیاهان برای کسب صلح و آزادی هستند .از سوی دیگر موسیقی گروه رپ مورد استفاده گروه های منحرف اخلاقی قرار گرفته است . آنان خود را فارغ از تمامی مسایل زندگی دانسته و در پی یک آسایش مفرط و بی حد و اندازه هستند وبه همین علت دوستی و سازش را که شعار صلح جهانی است به اشتباه تعبیرکرده و خود را متصل و پیرو آن می دانند .این گروه برای خود گردن بند ودست بندهای مخصوص دارند و آرم گروه نیز به صورت یک تکه یا دو تکه برآنها نقش بسته و به وسیله زنجیر به یکدیگر متصل شده اند .گروه رپ به چندین فرقه یا زیرمجموعه تبدیل شده و یکی از مهمترین این مجموعه ها گروه RAS دختران است . طرفداران ((راس)) خط و مشی رپ را انتخاب کرده اما

در هدف معتقد به آزادی تام و کامل دختران می باشند .یکی ازفرقه های مهم در میان زیرمجموعه رپ که به شیطان پرست غیرمشهور است گروه WASP می باشد که مخفف جمله ((ما پیامبران سکس هستیم)) گرفته شده است . افراد هوادار این فرقه دارای تفکرات هوسرانی ،هم جنس بازی ، ولگردی های شبانه و آزاد از هرگونه قید و شرطی هستند .یکی دیگر از فرقه های رپ ، گروه ((هوی متال)) می باشد که خود دارای چندین فرقه می باشد که مهمترین آنها عبارتند از : متالیکا، ایرون ، مادن ، تی برگتر،انترمتال . نقطه مشترک و متصل همه آنها آزادی جنسی است و در رده بعدی نیز صلح برای آزادی سکس ، آزادی اعتیاد مواد مخدر، آزادی بی بند و باری ،روابط آزاد دختر و پسر، نژادپرستی ، خشونت علیه خانواده و ...قرار دارد.;

در مورد "مد گرایی جوانان" چه آیاتی در قرآن، آمده است؟

پرسش

در مورد "مد گرایی جوانان" چه آیاتی در قرآن، آمده است؟

پاسخ

"مد" کلمهای فرنگی است، در کنار "مد" کلمهای دیگری به نام "الگو" قرار دارد که میتوان آن را از نظر مفهوم با کلمه عربی "اسوه" مقایسه کرد. در اصطلاح، مد تنها به مظاهر و نمادهای زندگی روزمره اشاره میکند و تنها بخشی از مقدمه الگو پذیری است. در دیدی وسیعتر الگو پذیری شامل رفتار و منشهای اجتماعی، فردی در زندگی است و محدود به ظواهر زندگی مادی و صورت زندگی نمیباشد.

انسانها و جوامع انسانی برای نمایش روحیات، علایق و محتوای مطلوب زندگی خویش، به علایم و نمایهها نیاز دارند و مدها و الگوها همان مظاهر و نمایهها هستند.

از آن جا که گرایش به الگو و مد که از جمله گرایشهای انسان است و روح انسان از یک نواختی، گریزان بوده و میل به تنوع دارد، قرآن کریم که کتاب هدایت و پاسخ گو به نیازهای فطری انسان است، به این نیاز مهم بشر (نیاز به الگو) پاسخ گفته است و انسانها را به الگو پذیری از شخصیتها و چیزهایی که باعث کمال میشود تشویق کرده و از مدهایی که منجر به از خود بیگانگی میشود بر حذر داشته است.

قرآن کریم، برای پیمودن مسیر کمال، پیامبران و اولیأ الهی را الگوی انسان معرفی کرده و پیامبر اکرم(مظهر انسان کامل و بهترین فرد عالم) را بهترین سرمشق انسانها قرار داده است; " لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُواْ اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْاَ ئخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا" (احزاب، ۲۱)

در مقابل این نوع الگو، انتخاب هر چه که

باعث شود، انسان از مسیر واقعی منحرف شود و در مسیر دوری از خدا و سعادت جاودانه اخروی گام بردارد، به عنوان الگوها و مدهای نامناسب مطرح شده است. در قرآن مجید بارها نسبت به غفلت از خود و سرسپردگی انسان نسبت به غیر خدا هشدار داده شده و از بت پرستی، پیروی از شیطان، هوای نفس، تقلید کورکورانه از نیاکان و بزرگان و دیگران، نکوهش شده است. مفاهیم یاد شده در فرهنگ بشری و بینش اسلامی مفاهیمی آشنا و قابل درکند. این مفاهیم را میتوان از زاویه مسأله مد پرستی که منجر به از خود بیگانگی میشود نگریست و جلوه تازهای به آنها بخشید.

به هر حال، "مد پرستی" و از خود بیگانگی در منظر قرآن یک حالت روانی و فکری است که دارای لوازم، نمودها و آثاری است.

انسان مد پرست، هویت دیگری را هویت خود میپندارد و این هویت دیگر هر چه باشد، انسان از خود بیگانه، تصویری متناسب با آن، از خود خواهد داشت.

در این جا به برخی از نمودهای از خود بیگانگی و مد پرستی اشاره میکنیم:

۱. اصالت دادن به دیگری: انسان مد پرست، در تمام یا برخی از شوون خود اصالت را به دیگری میدهد و در ارزیابیها، احساس دردها، تشخیص درمانها و... آن دیگری را اصل قرار میدهد و امور خود را بر اساس او میسنجد، در موردشان قضاوت میکند، انتخاب میکند و طبق آن عمل میکند. و به طور مرتب وضع مادی خویش را با دیگران مقایسه میکند. این طرز تفکر که نشانه عدم رشد کافی و احساس حقارت درونی و کمبود همت میباشد، یکی

از عوامل مؤثر عقب ماندگی در زندگی حتی مادی خواهد بود. از این رو قرآن کریم به شدت از این طرز فکر نهی میکند میفرماید:

" وَ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىَ مَا مَتَّعْنَا بِهِىَ أَزْوَجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى (طه، ۱۳۱)؛

چشم خود را به نعمت هایی که به گروه هایی از آنان دادیم نیفکن، اینها گلهای زندگی دنیا است اینها به خاطر آن است که میخواهیم آنان را با آن بیازماییم، آن چه خدا به تو روزی داده است بهتر و پایدارتر است."

۲. بر هم خوردن تعادل روحی؛ از آن جا که حرکتهای کسی که انسان از خود بیگانه از او تقلید میکند با مقتضای ساختار وجودی او سازگار نیست و افرادی که انسان مد پرست از آنان الگو میگیرد، متعددند و خواستهای متضاد یا مختلف دارند، انسان مد پرست، دچار عدم تعادل روحی میشود.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به این افراد صادق است؛ از جمله در مورد انسان مشرک میفرماید:"ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار" (یوسف، ۹) ؛ آیا خداوندان پراکنده بهترند یا خدای یگانه چیره بر همه". و نیز میفرماید: "خداوند مثلی زده است مردی که چند (خواجه) بدخود و ناسازگار در او شریک باشند و مردی که از آن یک مرد است آیا این دو در مثل برابرند." (زمر، ۲۹)

۳. بی هدفی و بی معیاری؛ انسان بی هویت دچار بی هدفی میشود و در زندگی و رفتار خود مذبذب است؛" مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لاَ إِلَى هَؤُلاَءِ وَلاَ إِلَى هَؤُلاَءِ

وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُو سَبِيلًا (النسأ:۱۴۳) بین خدا و غیر خدا سر گردان اند نه با گروه مؤمنان و نه با گروه کافران]یکسو و یکدل[اند و هر که را خدا گمراه کند برایش راهی نیابی"

۴. عدم بهرهگیری از عقل و دل و...(ر.ك: انسانشناسی، آیه الله مصباح یزدی، ص ۱۷۶ ۱۶۳، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۷، ص ۲۴۲، دارالکتاب الاسلامیه.)

آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟

پرسش

آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی، به معنای هجوم بردن یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی به بنیانهای فرهنگی یک ملت، به منظور جایگزین کردن فرهنگ خود به جای فرهنگ آن ملّت است.

طبق این تعریف در تهاجم فرهنگی دو هدف مورد نظر است.

۱. بی اعتقاد کردن نسل نو به معتقدات خود؛

۲. جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی.(فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.)

در قرون اولیه مسلمانان با عمل به آموزههای قرآن و تکیه بر نیروی علمی، فرهنگی و نظامی خود، اگرچه در درون خود دچار انحرافاتی شدند ولی اجازه هیچ گونه تهاجمی را به بیگانگان ندادند، بلکه خود را تا آفریقا و اروپا رسانید؛ اما در قرن هفتم و پس از آن، با سستی و ضعفی که از خود نشان دادند و با رشد و رونق علمی، که در قرنهای اخیر، در غرب پدید آمد، خود را باخته و مورد انواع تهاجمهای فرهنگی قرار گرفتند. از جمله این تهاجمهاست:

۱. تهاجم فرهنگی مسیحیان برای تصرف اندلس

در تاریخ اسلامی اندلس اسلامی، یعنی اسپانیای فعلی، میخوانیم که مسیحیان برای تصرف آن با کارهای فرهنگی، از قبیل فراهم کردن وسایل عیاشی، وقف باغها و بوستانها برای تهیه شراب، اشاعه روسپیگری و... روح ایمان و اعتقاد را از مسلمانان گرفته و به راحتی بر آن استیلا یافتند.(امدادهای غیبی در زندگانی بشر، شهید مطهری، ص ۴۲، انتشارات صدرا.)

۲. تهاجم فرهنگی غرب به اسلام با رشد علمگرایی

از قرن هیجده میلادی با رونق علمی و صنعتی، که در غرب پدید آمد، غربیها با انواع

شیوهها، فرهنگ دینی مسلمانان را در همه نقاط مورد تاخت و تاز قرار دادهاند.

چرا در رسانه ها گفته می شود ما غربزده هستیم در صورتی که بیشتر ضربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟

پرسش

چرا در رسانه ها گفته می شود ما غربزده هستیم در صورتی که بیشتر ضربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟

پاسخ

آنچه را که شما به کشورهای عربی نسبت می دهید درست است ولی همه اینها همان ترویج فرهنگ غربی وغربزدگی است که با واسطه دستگاه های تبلیغاتی کشورهای عربی و... ترویج می شود.{J

هنرمندان و فیلم سازان ما متعهد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند, پس چرامی گوییم تهاجم فرهنگی کارکشورهای غربی است ؟

پرسش

هنرمندان و فیلم سازان ما متعهد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند, پس چرامی گوییم تهاجم فرهنگی کارکشورهای غربی است ؟

پاسخ

مقصود از تهاجم فرهنگی غرب آن است که آنان سرمنشأ و سلسله جنبان این حرکت هستند ولی عوامل متعدددیگری نیز ممکن است در استحاله فرهنگی جامعه موءثر باشد و غالب عوامل داخلی دانسته یا ندانسته و خواسته یاناخواسته ترویج فرهنگ آنان را می کنند و واسطه سلطه فرهنگی آنان می باشند.{J

خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد.

پرسش

خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد.

پاسخ

لباس دست کم پاسخ گوی سه نیاز آدمی است؛ یکی این که او را از سرما و گرما حفظ می کند، دیگر این که در جهت حفظ عفت و شرم، به او کمک می کند و سوم این که به او آراستگی و وقار می بخشد. در هر جامعه ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان، علاه بر آن که تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است، تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر فرهنگ آن جامعه نیز می باشد. انسان بسته به این که برای جهان، چه معنایی قائل باشد، خود را چگونه موجودی بداند، چه سرنوشتی برای خود تصور کند و سعادت خود را در چه بداند، لباس پوشیدنش تفاوت می کند.

همان طور که گفتیم انسان به وسیله لباس به خود آراستگی و زیبایی می بخشد. خود آرایی و زینت کردن، نه تنها آثار مثبت روحی و روانی در دیگران داشته و موجب آرامش روحی می شود، بلکه اثرات روانی مثبتی نیز در خود فرد دارد. بنابراین، نه تنها کیفیت لباس پوشیدن حاکی از شخصیت انسان است، بلکه در شکل گیری و تحول شخصیت او نقش دارد. اینک بعضی از موارد ارتباط نوع پوشش و شخصیت آدمی را بر می شماریم:

۱. پوشیدن لباس آراسته و پرهیز از هر نوع آشفتگی و پریشانی، نشانه ای از وجود نظام فکری و ذوق سلیم در انسان است. بنابراین می توان گفت که آشفتگی برونی، حکایت از آشفتگی درونی می کند؛ زیرا انسان اگر دارای شخصیت طبیعی

و سالم باشد، از آشفتگی و بهم ریختگی گریزان است و نظم و ترتیب و تمیزی را بر ژولیدگی و پریشانی ترجیح می دهد.

۲. پرهیز از خودآرایی و پذیرفتن آشفتگی و ژولیدگی در لباس، به جهت تعارضی که با خواسته های فطری انسان دارد، اثرات بدی در زمینه روانی بر انسان می گذارد؛ بطوری که به تدریج سبب بروز افسردگی روحی و انهدام ذوق سلیم در انسان شده، منجر به بی اعتدالی روانی می شود تا آن جا که علائق انسان را به زندگی و مواهب موجود در آن، از حد اعتدال کاهش می دهد و او را به شخصی منزوی و گوشه گیر تبدیل می کند.

۳. آراستگی ظاهری اگر با خود آرایی درونی همراه شود، تنها رمز موفقیت انسان در جلب محبت و راه یافتن در دل هاست؛ به طوری که بدون برخورداری از چنان شرایط ظاهری و باطنی، انتظار محبوبیت پیدا کردن، انتظاری بی جا خواهد بود.

در این جا بعضی از ویژگی های لباس را که با شخصیت انسان مرتبط است، از زبان روایات اسلامی یادآور می شویم:

۱. لباس زیبا، باعث تقرب به خداست. امام صادق(ع) می فرماید: خود را به وسیله لباس زیبا کنید؛ زیرا خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.۱ بنابراین وقتی انسان احساس کند خدا او را دوست دارد، تأثیر مثبتی برشخصیت او می گذارد.

۲. امام علی(ع) می فرماید: لباس تمیز، غم و ناراحتی را برطرف می کند و برای نماز، یک نوع پاکیزگی است.۲

بنابراین یکی از عوامل نشاط و شادابی روانی، پوشیدن لباس تمیز است.

۳. لباس تمیز، باعث ذلت و خواری دشمنان می شود و انسان را در مقابل آنان سربلند می کند. امام صادق(ع) می فرماید: لباس پاکیزه، دشمن

را ذلیل می نماید.۳

۴. لباس مناسب، انسان را در میان مردم عزیز می کنـد. امام علی(ع) می فرماید: براستی نیکوترین لباس، آن لباسـی است که تو را با مردم همسان سازد و موجب آرایش تو در میان آنان شود و زبان های آنان را از بدگویی تو باز دارد.۴

۵. لبـاس انسـان، بایـد معرف جنس او نیز باشـد؛ بنـابراین لبـاس مردان بایـد با لباس زنان تفاوت داشـته باشـد و هر کـدام لباس مخصوص خود را بپوشـند. پیامبر خدا(ص) مردانی را که لباس زنان و زنانی را که لباس مردان می پوشند، از رحمت خدا دور دانست.۵

۶. لباس نبایـد غیر متعارف و به اصـطلاح لباس شـهرت باشد. گاهی انسان بر اساس خود خواهی و تکبر، لباسـی را انتخاب می کنـد که نظیرش در هیـچ کس نبوده باشـد. امام صادق(ع) می فرمایـد: برای انسان از نشانه های خفت و خواری همین بس که لباسی بپوشد که به آن مشهور شود.۶ بنابراین لباس شـهرت، نشانه شخصـیت خود خواه و متکبر است. از سیره و زندگی پیامبر اکرم(ص) و سـایر پیشوایـان دینی اسـتفاده می شود که آنها با مسـئله تجمل پرستی در لباس سـخت مخالف بودنـد و از آن چه نشانه خودخواهی و تکبر داشت، برحذر می داشتند. درباره هیئت نمایندگی نجران، چنین آمده است: در پاسخ به دعوت پیامبر اکرم(ص) در سـال دهم هجری، هیئتی از مسـیحیان نجران وارد مـدینه شدنـد تا با پیامبر مـذاکره کننـد. این هیئت در حالی که لباس های تجملی ابریشـمی بر تن و انگشترهای طلا بر دست و صلیب ها بر گردن داشتند، وارد مسجد شدند؛ ولی وضع زننده و نامناسب و حاکی از تکبر و خودخواهی آنان، پیامبر(ص) را ناراحت نمود و

در نتیجه آنان را به حضور نپذیرفت؛ اما علت ناراحتی پیامبر(ص) را ندانستند. از علی(ع) در این باره چاره خواستند و علت به حضور نپذیرفتن هیئت توسط پیامبر اکرم(ص) و ناراحتی آن بزرگوار را جویا شدند. علی(ع) فرمود: من چنین فکر می کنم که آنها بایـد این لباس های تجملاتی و انگشترهای گران قیمت را از تن بیرون کننـد و بعـد خدمت پیامبر(ص) برسند. آنها چنین کردند و پیامبر اکرم(ص)، آنها را به حضور پذیرفت و مورد احترام و تکریم قرار داد.

۷. پرهیز از لباس فرهنگ های بیگانه؛ کسـی که فرهنگ اسلامی و ملی خود را رها کند و به رنگ و لباس بیگانگان(که مظهر آن دنیای غرب است) در آید، نشانه نداشتن استقلال و نشانه وابستگی به آنان است. چنین فردی، دچار احساس خود کم بینی شـده است و شخصیتی ذلیل دارد. امام علی(ع) می فرماید: همواره حال این امت نیکو خواهد بود تا زمانی که لباس بیگانگان را نپوشند و غذاهای آنان را نخورند و آن زمان که چنین کنند، خداوند آنها را ذلیل خواهد کرد.۷

۸. استفاده از رنگهای شاد در لباس، اثرات غیر مستقیمی در افزایش حرکت و فعالیت و پیشرفت کار افراد دارد و در سلامت روانی و شخصیتی افراد مؤثر خواهد بود. پیامبر خدا(ص) می فرماید: لباس سفید رنگ بپوشید که سبب آرامش و پاکیزگی شماست.۸ بنابراین انسانی که از رنگ های روشن و شاد در لباس استفاده می کنـد، از آرامش روانی بیشتری برخوردار است. امـام زین العابـدین(ع) می فرمایـد: زمـانی که امـام حسن(ع) متولـد شدنـد، او را در جـامه زردی پیچیدنـد و به خـدمت رسول اکرم(ص) آوردند تا نامی را برای وی انتخاب کند. آن حضرت فرمود:

مگر من شـما را نهی نکردم که نـوزاد را در جـامه زرد نپیچیـد! بعـد آنـان جـامه زرد نـوزاد را بیرون آوردنـد و او را در جـامه سفیدی پیچیدند و به حضور پیامبر اکرم(ص) آوردند تا مراسم نام گذاری صورت گیرد.۹

از آن چه گـذشت، معلوم می شود که کیفیت و چگونگی لبـاس هم از نظر رنـگ و هم از نظر مـدل و هم از نظر آراسـتگی و تمیزی، نشانه نوع شخصـیت انسان است و چه بسا افرادی که با پوشیدن نوع خاصی از لباس ها، دچار مسخ شخصیتی می شوند و به کلی رفتار و اعمالشان تغییر پیدا می کند.

مدگرایی غربی با انگیزه های مختلف صورت می گیرد:

الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران،

ب) بازاریابی برای اجناس خود،

ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن،

د) سنت های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن،

ه) از طریق سنت های یک ملّت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن.

شایـد اطلاع داشـته باشـید که برای ساختن این مـدها، مدت ها و ساعات زیادی متخصصـین روان شـناس،جامعه شـناس و... به مطالعه می پردازنـد و راجع به تأثیری که مـد خاصـی می تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد،آینده نگری و تحلیل می کننـد وقتی تصویب شـد، با شـگردهای عجیبی به تبلیغ آن می پردازنـد. جهت اطلاع ازشـگردهای تبلیغی شایسـته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمـد تقی رهبر، را موردمطالعه قرار دهیـد. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شی ء مضری نظیر سیگار و مواد مخدر یانظایر آن از طریق عکس های شرطی و به خصوص

از قیافه سکس زن ها استفاده می کنند.

نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمربند اکتفا نمی کنند؛ بلکه ملّتی را دراین گونه مسائل مجذوب خود می سازند و به تقلید خود درمی آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یک ملّت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می کنند.

چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازاراسلامی، پر از چادرهای بدن نما شد و... حال ساده اندیشی و خامی است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راه بیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوت پرستی و فساد جنسی و طرح لباس های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان است که در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی شناسد.

« بل یرید الانسان لیفجر امامه »؛ انسان می خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد(سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم گذاشت تا بی نهایت پر می کشد و اگر به وادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی نهایت جلو می رود، به گونه ای که نمی توان آنها را در جایی متوقف کرد.ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است که می فرماید:« مختلفاً الوانه»(سوره

نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه ها با رنگ ها و گونه های مختلف برای شماآفریده ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می ماند؟

حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع وسنت های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی توان تا این حد بر آن ایراد گرفت. حرف ما در این است که چرا ماخودمان طراح مد و مدل روز نباشیم؟ چرا افراد مبتکر و خلاّق جامعه ما سعی نمی کنند تا طرح جدیدی را ارائه دهند.و اصولاـ این یکی از ایرادهای ماست که نسبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می مانیم تا دیگران با طرح جدید خودبر ما یورش آورند. آن گاه مبتکران ما بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می شود، تازه دست به کارمی شوند که مثلاً مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما دراین راستا ابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. همچنان که در برخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و ازاینکه زمام فرهنگ و سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم.

پی نوشت:

۱. وسائل، ج ۳، ص ۳۴۰.

۲. وسائل، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳. همان، ص ۳۴۶.

۴. غررالحکم، ص ۱۵۲.

۵. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۶۰.

۶. بحار، ج ۷۸، ص ۲۵۲.

۷. وسائل، ج ۳، ص ۳۵۶.

۸. همان، ص ۳۵۵.

۹. منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۱۱.

چرا رونـد تهاجم فرهنگی را یک رونـد ناخودآگاه نامیده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسـته اند. بودجه هایی که در آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی به شبکه های مستهجن ماهواره ای و رادیویی و ... اختصاص داده می شود اگر تهاجم فرهنگی نیست پس چیست.

پرسش

چرا رونـد تهاجم فرهنگی را یک رونـد ناخودآگاه نامیـده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسـته اند. بودجه هایی که در آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی به شبکه های مستهجن ماهواره ای و رادیویی و ... اختصاص داده می شود اگر تهاجم فرهنگی نیست پس چیست.

پاسخ

واقعیـت این است که تهـاجم فرهنگی یـک مقـوله حقیقی و جـدی و برنـامه ریزی شـده می باشـد و تنهـا راه مبـارزه بـا آن نیز مصونیت بخشیـدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا" دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسـلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده , مدرسه , رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی .

۲- تحقق حیات طیبه اسـلامی و حفظ ارزش های انقلابی , اسـتقرار عـدالت اجتماعی و قسط اسـلامی و تأمین رفاه , سـعادت , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی .

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی .

۴- احیـای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسـی اسـلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- ایجاد

باوری عمیق , درونی , ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند.

۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی ... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است : جهاد علمی و عملی .

الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد.

ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- جهاد عملی فردی ; این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است . این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه , مراقبه ,

محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد.

در این مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد, در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است , حتی برخی از مباحات , را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد.

۲- جهاد عملی اجتماعی ; کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم , اخلاق , معنویت و فضیلت و تقوی در جامعه است . این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است .

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما" برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست , اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ك :

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی , برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها, علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی , بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

آشنایی جوانان با سابقه ممتد تهاجم فرهنگی در عصر حاضر به ۱۵۰ سال اخیر و اهداف و تلاش های دشمنان را به ناکامی می کشاند و زمینه مقاومت فرهنگی را در نسل جوان افزایش می دهد.

تجزیه و تحلیل

رویـدادهای تـاریخی و اجتمـاعی، منجر به درک قانونمنـدی هایی می شود که در هر برهه از زمان قابل انطباق با شـرایط مورد نظر می باشد. تعقیب رد پای دشمنان در طول سال های اخیر، زمینه ساز بصیرتی ژرف و عمیق در جوانان خواهد بود.

ترمیم و تصـحیح روابـط متقابل جوانان با اطرافیان و تأمین نیازهای روانی آنان، راه را بر تفاهم می گشایـد و جـذّابیت زنـدگی خانوادگی، جوان را از لغزش های اجتماعی و فرهنگی، مصونیت می بخشد.

میزگردهای بحث و انتقاد، فرصت مطلوبی فراهم می کند تا تردیدهای فلسفی و نگرانی های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیار آنان قرار گیرد.

نباید فراموش کنیم که ملت ما، ملتی جوان و مسـتعد است، بیشترین نیروی سازنده اجتماع نیز قشـر جوان آن جامعه می باشـند. علاوه بر آن کشور ما در دوران حساس بازسازی و نوسازی است. دشـمنانی که از ترفندهای نظامی، اقتصادی و سیاسـی طرفی برنبسـتند تمام امیـد خود را در تهاجم فرهنگی متمرکز کرده انـد تا با هدف قرار دادن نسل جوان، نیروی فعال کشور را از پای درآورند و روح بی تفاوتی نسبت به ارزش ها و اعتقادات را در این نیروی جوان، تقویت کنند.

گفتگوهای صـمیمی و سازنده با نسل جوان در هر فرصتی، مفید و درخور توجه است و زمینه را برای گشودن معضلات فکری این نسل فراهم می کند. محورهای اصـلی چنین گفتگوها می تواند معیارهای صحیح انتخاب دوست، نوع تأمین اوقات فراغت، چگونگی تجزیه و تحلیـل اخبـار و رویـدادهای ایران و جهـان، شـناخت فرهنـگ هـا آن چنان که هسـتند و انتخاب خط مشـی زندگی از جمله مواردی هستند که محورهای قابل توجهی برای نسل جوان محسوب می شوند.

نسل جوان با درک جایگاه و موقعیت خود و

شرایط حساس انقلاب می توانند تهاجم فرهنگی دشمنان را به شکست آنان و انزوای سیاسی شان تبدیل نمایند.

نویسندگان و کارشناسان نیز در هر فرصتی می توانند با به تصویر کشیدن پیامدهای مخرب و نامطلوب تهاجم و مقایسه چنین شرایطی با پایبندی به فرهنگ خودی، فرصت مناسب را برای انتخاب و گزینش صحیح به جوانان اعطاء نمایند.

در رابطه با مقابله با شبیخون فرهنگی دشمنان وظایفی بر عهده دولت و وظایفی بر دوش مردم بویژه جواناناست:

الف) وظایف دولت:

۱) اصلاح برنامه های رادیو و تلویزیون.

۲) احیای مساجد و کانون های دینی فرهنگی و تربیتی.

۳) سرمایه گذاری جدی در اصلاح وضعیت مدارس و دانشگاه ها.

۴) جدیت در برخورد با منکرات اجتماعی.

۵) آگاهی بخشیدن به جامعه از ترفندهای دشمن و خطرات آن و راه های پیشگیری و مقابله و...

۶) ایجاد سرگرمی های سالم و مفید و جاذب که مانع بزرگ از توجه مردم به برنامه های مبتذل دشمن گردد.

ب) وظایف مردم:

۱) حضور هر چه بیشتر در مراسم دینی.

۲) کیفیت و غنا بخشیدن به برنامه های مذهبی.

۳) بالا بردن سطح معلومات و تعمیق آگاهی های دینی و استحکام بخشیدن به ایمان و اعتقادات مذهبی.

۴) احیای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر.

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعریف های نسبتاً جامع توسط تایلور (E.B.Taylor) مردم شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت ها و به طور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند».{۱}

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت ها و باورها؛ دوم، ارزش ها و گرایش ها و سوم، رفتارها و کردارها/

منظور از تهاجم فرهنگی به طور خلاصه این است که جامعه ای بکوشد، فرهنگ خود را به جامعه ای دیگر که دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند و نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه جویی پنهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، تلاش می کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و ارزش های غربی مثالی از سلطه جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/

یکی از مهم ترین ابزارهای این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی بدان منظور است که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم ها و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان ها تحمیل کند/

در جهان معاصر،

یکی از مهم ترین شیوه های تسلط، سلطه فرهنگی است؛ چرا که در صورت تحقق این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود».{۲}

از سوی دیگر آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه که هزینه های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان ترین و کم خرج ترین راه برای رسیدن به هدف است/

امروزه دشمنان اسلام برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه ها و به کارگیری برترین فن آوری ها و جدیدترین روش های علمی، در جبهه ای به وسعت همه دل های معتقد و دین باور، به میدان آمده اند و سعی دارند استعماری نوپدید را جایگزین استعمار کهن نمایند. در این خصوص مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی۱ می فرماید: «ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند، وابستگی فرهنگی است.استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است»/

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسؤولان جامعه، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با

ناکامی مواجه سازند.{۳}

[۱]. مبانی جامعه شناسی، علی اکبر ترابی ۱۵۴/

[۲]. اسلام بر سر دوراهی، اطریشی، ص ۲۳/

[۳]. با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی/

موضوع: سکولاریسم

درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید وکتابهایی معرفی کنید.

پرسش

درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید وکتابهایی معرفی کنید.

پاسخ

شواهدحاکی از آن است که شما بطور جدی وفعال قصد دارید سطح آگاهیهای خویش را افزایش داده وبا تکیه برآن هدایت وارشاد دیگران وبحث ومناظره بپردازید. دراین صورت شما باید سطح مطالعات خویش را افزایش دهید ما نیز سعی می کنیم یار ومددکار شما باشیم وضمن پاسخگویی به سؤالات، آثار وکتابهای متناسب ومفید معرفی کنیم.

درباره تهاجم فرهنگی توضیح خواسته بودید. برای ارائه توضیح دقیق وکامل به بررسی معنا ومفهوم وعلل وریشه ها وشیوه های آن می پردازیم.

فرهنگ واژه ای فارسی ومرکب از دو جزء"فر" و "هنگ" است. "فر" به معنای شکوه وعظمت است واگر به عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. "هنگ" از ریشه اوستایی سنگ Thanga به معنای کشیدن، سنگینی ووقار است این واژه مرکب به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن وبرکشیدن می باشد که درادبیات فارسی به مفهوم لغوی خود بکار رفته است."۱"

اصطلاح فرهنگ دارای معانی ومفاهیم متفاوت ومتنوعی است ودرسیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است. مرحوم علامه محمد تقی جعفری چنین تعریف کرده است :"فرهنگ عبارت است ازکیفیت یا شیوه ی بایسته ویا شایسته برای آن دسته از فعالیت های حیات مادی ومعنوی انسان ها که مستند به طرز تعقل سلیم واحساسات تصعید شده آنان درحیات معقول تکاملی باشد." "۲"

شایـد بتـوان بر این معنـا برای فرهنـگ توافق کرد :"فرهنـگ مجموعه ای از بینش هـا، باورهـا، گرایش هـا، ورفتارهـای مـادی ومعنوی افراد یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود"

تهاجم از مصدر هجوم است وهجوم به معنای حمله ناگهانی، یورش،

تاخت وتازناگهانی، تهاجم به معنای به یکدیگر حمله کردن به یکدیگر هجوم بردن ویورش آوردن می باشد.**"۳"**

تهاجم فرهنگی عبارتست از : "حمله فرهنگی یک قوم (یاگروه یا ملت) به قوم،گروه یا ملت دیگر به منظور تبدیل وتغییر عناصر وپدیده فرهنگی طرف مقابل".

بنابراین تهاجم فرهنگی دورکن دارد :

۱. تهاجم به باورها وارزش های یک قوم، ملت و...

۲. جایگزین فرهنگ خود بجای فرهنگ قوم مغلوب

مهاجمان فرهنگی غالباً از ابزارها و روشهای زیربرای هجوم بهره برداری می کنند :

الف ابزارها

۱. هنر وابزارهای هنری (رادیو، تلویزیون ، ویدئو، سینما، ماهواره) وساخت برنامه های جذاب

۲. ادبیات وابزارهای ادبی (رمان های مبتذل، داستانهای شهوت انگیز، مقالات مأیوس کننده، اشعار پوچگرا وسرد وبی هویت، مجلات ضد اخلاقی و...

۳. ورزش ومیادین ورزشی (تبلیغات تجاری وسیاسی، اجتماعی، فرهنگی درمیادین ورزشی، برگزاری مسابقه با اهداف سیاسی، تأکید بیش از حد برورزش به منظور بازداری ازکار وتلاش وسازندگی وابزار قرار دادن ورزشکاران وقهرمانان)

۴. بهره برداری از روشنفکران وغربگرایان خودباخته، به عنوان عمله استعمار وبلندگوی فرهنگ بیگانه

۵. استفاده ابزاری اززنان ودختران دراجتماع وفیلم های مبتذل، مجلات نامناسب و...

۶. استفاده از فنون وتکنولوژی های پیشرفته ارتباطی وانتقال ابتذال وفساد به جوامع مورد هجوم

۷. استفاده ابزاری از سازمانها، نهادها وبنیادهای بین المللی ومنطقه ای درمحکومیت کشور وقوم مورد هجوم واسمیت بخشیدن به حاکمیت وسلطه فرهنگی وسیاسی خود برآن قوم.

۸. استفاده از مواد مخدر ومنکرات، مسکرات، مواد تهییج کننده قوای جنسی وتوزیع ارزان وفراوان دربازار.

ب روشها :

۱. تضعیف باورها واعتقادات مذهبی

۲. تحریف گرایشهای معنوی

۳. تخریب ونفی هویت ملی

۴. ایجاد گسستگی تاریخی (تخریب گذشته تاریخی)

۵. طرد الگوها واسوه های خودی

۶. تخریب وترور شخصیتهای خودی

۷. گسترش روحیه غربگرایی

وغرب زدگی

۸. تقویت روشنفکران نخبگان وابسته

۹. ایجاد جریانهای انحرافی وتفرقه های قومی

۱۰. ترویج خط وزبان بیگانه

۱۱. خبرپردازی وتصویر سازی

۱۲. ترویج فساد وفحشاء ومنکرات

۱۳. استفاده از مذهب علیه مذهب (معرفی اسلام آمریکایی بجای اسلام ناب)

۱۴. متهم کردن کشور ودولت به ضدیت با حقوق بشرو...

۱۵. ترویج روحیه تجمل گرایی واشرافی گری

مهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی به جمهوری اسلامی عبارتند از :

۱- احیاء واعتلای انقلاب اسلامی درایران وجهان

۲- به چالش کشیدن نظام سلطه جهانی توسط انقلاب اسلامی

۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی به عنوان کشور کانونی اسلام درجهان

۴- ناکامی درشکست جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی، محاصره اقتصادی وسیاسی و...

راههای مقابله با تهاجم فرهنگی یا ایجاد مقاومت فرهنگی :

۱- حفظ وتعمیق ایمان ومعنویت درمردم"۴"

۲- تحقق عدالت اسلامی، حفظ ارزش دینی، تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح وامنیت همگانی درسایه ایمان وحاکمیت ارزشهای الهی

۳- هوشیاری وبیداری درمقابل انحرافات جامعه

۴- احیای فریضه مقدس ومبارک امر به معروف ونهی ازمنکر به طور صحیح ودرست

۵- باور عمیق مسؤلان ومردم به توانایی وکارآمدی نظام دراداره درست وصحیح جامعه واجتناب ازیأس وناامیدی و...

۶- تلاش، پشتکار وجدیت گسترده درعرصه های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و...

۷- تجلی نظام ارزشی درمنش ورفتار مسؤلان ومدیران بخشهای مختلف

جهت اطلاع بیشتر درباره تهاجم فرهنگی می توانید به کتب زیر مراجعه بفرمایید :

۱.فرهنگ ومقاومت فرهنگی، مهدی نوید

۲. فرهنگ وتهاجم فرهنگی، بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۳. فرهنگ برهنگی وبرهنگی فرهنگی، دکتر حداد عادل

۴. جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، دکتر جواد منصوری

۵. علل گرایش به مادیگری، شهید مطهری

شبیه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟

پرسش

شبیه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟

پاسخ

در لغت نامه ها درتعریف واژه شبیخون چنین آمده است : به تاختن ناگهانی در شب و غافلگیر کردن دشمن در شب، شبیخون گفته می شود.

شبیخون فرهنگی در واقع همـان تهاجم فرهنگی است اما علت اینکه از تهاجم فرهنگی به نام شبیخون فرهنگی یاد می شود این است که از آنجـا که تهـاجم فرهنگی بر خلاـف سـایر تهاجمات و جنگ ها نامحسوس و نامرئی است معمولاً کسانی که مورد هجوم فرهنگی قرار می گیرنـد در صورتی که هوشـیار نباشـد متوجه تهـاجم دشـمن نمی شونـد واین مثـل آن می مانـد که در خواب فرو رفته باشـند و موقعی متوجه این امر می شوند که کار از کار گذشته و دشمن پیشرفت زیادی کرده است. مولوی در مثنوی خود تمثیلی دارد که بی ارتبـاط بـا بحث مـا نیست، می گویـد : "شبی دزدی بر بالاـی بـام خـانه ای رفت، صاحب خانه متوجه سـرو صـدایی شد و پرسـید بر بالای پشت بام کیست؟ دزد گفت : من هسـتم، و صاحب خانه گفت : تو بالای پشت بام خانه من چه می کنی؟ دزد گفت : دهل می زنم صاحب خانه گفت : پس چرا صدایش نمی آید دزد گفت فردا صـبح صدای

آن را خواهی شنید".

رهبر معظم انقلاب دراین رابطه می فرمایند : "تهاجم فرهنگی مثل خود کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صداست... این نوع جنگ به صورت پنهانی و آرام صورت می گیرد و باور ایجاد کردن به وجود چنین تهاجمی خود یک مرحله از مقابله است".

و در جای دیگر می فرمایند

: "سعدی در گلستان داستانی را تعریف می کند که دزدان بر سر عده ای رفتند و آنها خواب بودند او می گوید اولین دشمن که بر آنها تاخت "خواب" بود! اول دشمن درون چشم آنها را بست و دست آنها را از کار انداخت و بعد دشمن بیرون آمد و دستهای آنها را بست و اموال آنها را برداشت و برد"، دشمن در تهاجم فرهنگی همین طور عمل می کند. اول مردم را خواب می کند و بعد همه چیز آنها را می برد. امیرمؤمنان حضرت علی(فرمودند :

"اگر شما رادر سنگر خواب برد، دلیل بر این نیست که دشمن در سنگر روبروی شما نیز خوابش برده است؛ شما اگر غافل شدی باید انتظار داشته باشی که ضربه را بلافاصله بخوری، لذا دشمن هوشیار نشسته و میلیونها پول صرف می کند بلکه اگر مبالغه نباشد باید عرض کنم میلیاردها صرف می کند تا بتواند ضربه ای کاری به این انقلاب بزند".

دوست عزیز! با توجه به نکاتی که درباره ویژگیهای تهاجم فرهنگی بیان شد به نظر می رسد علت این که گاه از تهاجم فرهنگی با نام شبیخون فرهنگی یاد می شود روشن شده باشد و در این زمینه ابهامی باقی نمانده باشد.

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پرسش

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پاسخ

برای ارائه تفسیری دقیق و کامل از تهاجم فرهنگی لازم است علاوه بر بررسی معنا و مفهوم آن، علل و ریشه هایابعاد و شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار داده و در نهایت بهراه های مبارزه به تهاجم فرهنگی بپردازیم.

الف) بررسی معنا و مفهوم تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی به این معنا است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادیبرای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت، به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد و باورهای تازه ای را به زور وبه قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند

تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد. در واقع تهاجم فرهنگی دورکن اساسی و مهم دارد:

۱- جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی انجاممی گرفت.

۲- حمله به جمهوری اسلامی و ارزش های آن و ارزش های ملت ایران و یک تهاجم فوق العاده فرهنگی، اجتماعیو سیاسی با

ابعاد گسترده در سرتاسر جهان به صورت عام و متمرکز کردن این حملات علیه ایران به عنوان کانونبیداری نهضت اسلامی.

ب) علل و ریشه های تهاجم فرهنگی: دشمنان اسلام به این نتیجه دست یافتند تا زمانی که فرهنگ ملی بر جامعهحاکم است، اجرای هر طرح استعماری قطعا فاقد توفیق خواهد بود، زیرا سلطه سیاسی بدون پشتوانه های فرهنگیمیسر نیست، بنابراین برای تضعیف اسلام و ارزش های اعتقادی و همچنین کم رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد،شهادت، خوداتکایی و ضدیت با ظلم و تخریب فرهنگ ملی کشور و جایگزین

کردن فرهنگ آمریکایی در راستایایجاد بحران هویت، طرح تهاجم فرهنگی را با برنامه ریزی های حساب شده به مرحله اجرا درآورند. بر این اساسمهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی عبارتند از:

۱- احیاء و اعتلای اسلام انقلابی در ایران و جهان.

۲- انقلاب اسلامی ایران هرمونی نظام سلطه را به چالش کشاند.

۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرا و کانون حرکت جهانی اسلام.

۴- ناکامی دشمنان در شکست جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی، محاصره سیاسی، اقتصادی و...

ج) بررسی ابعاد، شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلام:

۱- اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا میان جوانان.

۲- تضعیف روحانیت با حربه های تبلیغاتی.

۳- تحقیر و منزوی کردن جریان ادب، هنر و فرهنگ اسلامی.

۴- متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی های مدنی و ضدیت با حقوق بشر.

۵- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی.

۶ تبلیغ گسترده سکولاریسم، لائیسیسم، اومانیسم، وجود قرائت های مختلف از اسلام، تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق.

۷- سازماندهی حملات لجام گسیخته به باورهای ملی، مذهبی و ارزش های حیاتی.

این موارد به عنوان محورهای استراتژی رادیوهای بیگانه، رسانه های غربی، نیروهای سکولار، روشنفکران غربزدهو مزدوران اجیر شده نظام سلطه در عرصه تهاجم فرهنگی بر ضد اسلام و ایمان مردم ایران می باشد.

د) راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی: هر چند دشمنان اسلام برنامه ریزی گسترده ای را برای کم اهمیت جلوه دادنتهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم فرهنگی و ایجاد روحیهیأس و ناامیدی در مردم، به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه،انجام داده اند ولی واقعیت این

است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم وسازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک بهفرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه های فرهنگی و بسیج همهاقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق، حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با تهاجم فرهنگیعبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسؤولین. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۳۹ می فرماید: وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین .

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه،سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقایفرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی کهدر دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کند.نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعهاز حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبالخواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، دربخش های مختلف

جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه هایاجرایی...

در پایـان ذکر این نکته لازم است که مسلما برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راهحل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما درمواردی لازم است و از تـأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. از طرف دیگر این نکته را نیز بایـددر نظر داشت که آمریکا در حال حاضر رهبری جهانی نظام سلطه و استکبار را بر عهده دارد و سایه شوم صهیونیزم وسرمایه داری خون آشام را بر سر تمام ملل جهان دامن گستر می کند. ازاین رو مبارزه با آمریکا در حال حاضر قابل قیاسبا هیچ جریان دیگری نیست. به عبارت دیگر ستیز با آمریکا یعنی مقابله با ام الفساد جهانی.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم

موسیقی های راک (ب آپ ت) و پاپ (پپ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟

پرسش

موسیقی های راک (ب آپ ت) و پاپ (پپ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟

پاسخ

پاپ , موسیقی مردمی است (۱) و راک , رقص و چرخش است که ممکن است همراه با موسیقی باشد.(۲)

(پاورقی ۱.عباس آریان پور کاشانی , فرهنگ انگلیسی به فارسی , ص ۸۲۴

(پاورقی ۲.همان , ص ۹۲۵

به نظر شـما آیا در زمان ما پدیـده ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برای مقابله با آن چیست؟

پرسش

به نظر شما آیا در زمان ما پدیده ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برای مقابله با آن چیست؟

پاسخ

دو مقوله تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی با هم تفاوت اساسی دارند. تبادل فرهنگی بسیارخوب و برای پیشرفت بشر لازم است. شاخصه ها در تبادل فرهنگی چند چیز است:

۱ – در تبادل فرهنگی نزاع و درگیری و تنش نیست، مانند این که دو عالم با هم می نشینند و نظریات یکدیگر را برای هم می گویند و با هم بحث و گفت و گو می کنند.

۲ – در تبادل فرهنگی، سیاسی کاری و قصد نابود کردن و براندازی را ندارند.

۳ – در تبادل فرهنگی تحمیل و فشار و خورد کردن نیست.

۴ – تبادل فرهنگی همیشه بین صاحبان فرهنگ و اندیشمندان و متخصصان هر جامعه انجام می گیرد، نه بین افراد کم سواد و احساساتی.

۵ – در تهاجم فرهنگی قصد مهاجمان خورد کردن یکدیگر و از بین بردن فرهنگ دیگری از راه نفوذ بر افراد کم سن و سال و کم سواد و احساساتی است.

۶ – در تبادل فرهنگی برخلاف تهاجم فرهنگی اگر یکی از طرفین به حقانیت طرف دیگر پی برد، تسلیم می شود و گردن می نهد و دنبال بهانه جویی و توجیه کردن نمی رود.

تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟

پرسش

تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی (noisavnI larutluc): این اصطلاح مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی – خبری , یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزش های فرهنگی امپریالیسم در میان ملل جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملتها است . به عبارت دیگر

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت , به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می برد, و باورهای تازه ای را به زور به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای آن ملت وارد کشورکند. تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد, (ر.ك : مرکز اطلاعات و مدارك علمی ایران , فرهنگ علوم سیاسی , ص ۸۱)

فرهنگ را تعریف کنید, و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید.

پرسش

فرهنگ را تعریف کنید, و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید.

پاسخ

واژه فرهنگ (culture): اگر چه در علوم انسانی و اجتماعی عموما" و در جامعه شناسی و مردم شناسی خصوصا" موارد استعمال فراوان دارد, فاقد مفهوم واحد و معین و مشخص است , به قسمی که تاکنون بیش از دویست و پنجاه تعریف مختلف از آن ارائه شده است . در ادبیات غرب , نخستین تعریف علمی ((فرهنگ)) که در سال ۱۸۷۱ توسط ادوارد تایلر ارائه گردید فرهنگ چنین بیان شده است : ((فرهنگ یا تمدن کلیت درهم بافته ای است شامل دانش , دین , هنر, قانون , اخلاقیات , آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد)), (یدالله هنری لطیف پور, فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی , ص ۲۱). تعریف دیگر فرهنگ از پالمرو مونتی : ((ارزش ها, هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه , مشتمل بر سنت ها, آداب و رسوم و مذاهب , ایدئولوژی ها و تشریفات مذهبی , میراث و زبان و کلیه عادت ها با دیدگاه های مشترک)), پالمرو مونتی , نگرشی جدید بر علم سیاسیت , ترجمه منوچهر شجاعی , ص ۹۹).

برای مطالعه بیشتر ر.ك: فرهنگ شناسی، دکتر چنگیز پهلوان، تهران، پیام امروز، ۱۳۷۸.

در ادبیات اسلامی نیز از گذشته های بسیار دور اندیشمندان و متفکران علوم اجتماعی مسلمان به فرهنگ , عناصر و تقسیم بندی ها و سایر مسائل مربوط به آن پرداخته اند هر چند از واژه فرهنگ استفاده نشده است که از جمله می توان به اخوان الصفا (قرن سوم و چهارم

هجری و قرن نهم و دهم میلادی و ابوریحان بیرونی متولـد ۳۶۲ ه.ق برابر با ۹۷۳ میلادی اشاره نمود), (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه , تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام , ص ۸۹).

برخی از اندیشمندان اسلامی معاصر ((فرهنگ)) را به معنایی عام به کار برده اند که شامل علوم عقلی مانند ریاضیات و منطق , علوم تجربی و علوم نقلی مانند صـرف و نحو و تاریخ و بر فلسـفه عرفان , دین , هنر, ادبیات , کلام , اخلاق , فقه , نظام های ارزشـی حقوقی , اخلاقی , دینی و زیبـایی شـناختی , عرف و عادات و آداب و رسوم می باشـد, (محمـد تقی مصـباح یزدی , جامعه و تاریـخ از دیـدگاه قرآن , ص ۲۷۱). در مقـایسه فرهنـگ اسـلامی با فرهنگ غربی می توان به بررسـی های ذیل برای فرهنگ اسلامی اشاره نمود:

۱- در فرهنـگ اسـلامی کهکشـانی از الگوهـای اخلاقی , معنوی وجود دارد که هر یک برای تحول جامعه بشـری کفایت می کنـد در حـالی که در فرهنگ غربی , اگر چه دانشـمندان زیادی ظهور یافته انـد ولی از لحاظ الگوهای اخلاقی , هیـچ یک از آنان , انسان کامل و آیینه تمام نمای فضایل اخلاقی به شمار نمی آیند.

۲- فرهنگ اسـلامی قادر است به دغـدغه همیشـگی انسان یعنی معنا و مفهوم زندگی پاسخ دهد و به روشـنی آن را تبیین کند در حالی که فرهنگ غربی از پاسخ دادن به این پرسش بنیادین عاجز است .

۳- در فرهنگ اسلامی میان دنیا و آخرت رابطه منطقی وجود دارد و بهره گیری مشروع از دنیا و توجه به آخرت هر دو

توصیه شده است , در حالی که در فرهنگ غربی این دو با یکدیگر در تضادند و پیوستن به دنیا لازمه پشت کردن به آخرت تلقی می شود.

۴- در فرهنگ اسلامی بر اصل احترام به ملت ها و استقلال و آزادی آنان تائکید فراوان شده است در حالی که در فرهنگ غربی مفاهیمی نظیر توسعه بی قید و شرط, قدرت طلبی , استثمار ملت ها و تحقیر توده های مردمی که در جوامع دیگری نظیر جهان سوم زندگی می کنند به چشم می خورد.

۵- در فرهنگ اسلامی , دین و سیاست , جلوه هایی از یک حقیقت واحدند, در حالی که در فرهنگ غربی با تسلط سکولاریسم دین از سیاست منفک می شود, (دکتر محمدرضا شرفی , پاسخ به سوئالات نسل جوان , ص ۱۲۴).

جهت مطالعه بیشتر ر.ك: تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، مجموعه مقالات، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۲.

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعریف های نسبتاً جامع توسط تایلور (??????????) مردم شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت ها و به طور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند».

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت ها و باورها؛ دوم، ارزش ها و گرایش ها و سوم، رفتارها و کردارها/

کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و ارزش های غربی مثالی از سلطه جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/

این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی بدان منظور است

که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم ها و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان ها تحمیل کند/

این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان

را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود».

از سوی دیگر آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه که هزینه های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان ترین و کم خرج ترین راه برای رسیدن به هدف است/

ز استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است»/

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسؤولان جامعه، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند.

موضوع: سکولاریسم

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعریف های نسبتاً جامع توسط تایلور (E.B.Taylor) مردم شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت ها و به طور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند».{۱}

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت ها و باورها؛ دوم، ارزش ها و گرایش ها و سوم، رفتارها و کردارها/

منظور از تهاجم فرهنگی به طور خلاصه این است که جامعه ای بکوشد، فرهنگ خود را به جامعه ای دیگر که دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند و نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه جویی پنهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، تلاش می کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و

ارزش های غربی مثالی از سلطه جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/

یکی از مهم ترین ابزارهای این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی بدان منظور است که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم ها و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان ها تحمیل کند/

در جهان معاصر،

یکی از مهم ترین شیوه های تسلط، سلطه فرهنگی است؛ چرا که در صورت تحقق این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود».{۲}

از سوی دیگر آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه که هزینه های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان ترین و کم خرج ترین راه برای رسیدن به هدف است/

امروزه دشمنان اسلام برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه ها و به کارگیری برترین فن آوری ها و جدیدترین روش های علمی، در جبهه ای به وسعت همه دل های معتقد و دین باور، به میدان آمده اند و سعی دارند استعماری نوپدید را جایگزین استعمار کهن نمایند. در این خصوص مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی۱ می فرماید: «ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند، وابستگی فرهنگی است.استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است»/

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسؤولان جامعه، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با

ناکامی مواجه سازند.{۳}

[۱].مبانی جامعه شناسی، علی اکبر ترابی ۱۵۴/

[۲].اسلام بر سر دوراهی، اطریشی، ص ۲۳/

[۳].با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی/

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

مقوله فرهنگ، مقوله ای بس گسترده است که درباره آن بسیار سخن گفته شده است. آنان که با مباحث جامعه شناسی آشنا هستند، می دانند که برای این واژه نزدیک به پانصد تعریف ذکر شده که پرداختن به آن در حوصله این مقاله نیست.

شاید بهترین و ساده ترین تعریف برای فرهنگ این باشد که بگوییم: «فرهنگ عبارت از مجموعه مایه هایی است که رفتار انسان را از رفتار حیوانات مشخص و متمایز می گرداند.»

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت: نخست، شناختها و باورها. دوم، ارزشها و گرایشها و سوّم، رفتارها و کردارها.

منظور از تهاجم فرهنگی آن است که جامعه ای بکوشد فرهنگ خود را بر جامعه ای دیگر که بالطبع دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند یا دست کم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه جویی را نهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، برنامه ریزی و تلاش می کند و همانگونه که سردمداران کنونی آن اعلام کرده اند، در پی آنند که جهان را به صورت «دهکده واحد جهانی» بر اساس مبانی و ارزشهای غربی در آورند. بنابراین در معنای تهاجم، غافلگیری و تحمیل نهفته است. سبب آنکه این واژه در عرف جامعه ما، بار منفی دارد، این است که دشمن می خواهد باورها و ارزشهای متعالی را از جامعه ما ستانده و بجای آن فرهنگ منحط غربی را بنشاند.

یکی از مهمترین ابزارهای این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب، در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی، بدان منظور است که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در

قالب فیلمها، شوهای تلویزیونی و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسانها تحمیل کند که در لوای این کار، اهداف سودجویانه شیطانی نهفته است.

در میان شیوهای گوناگونی که از دیرباز برای تسلط بر دیگران شناخته و آزموده شده است، در دوران معاصر، کاراترین آن بنام سلطه فرهنگی شناخته می شود، چرا که اولاً در صورت تحقق این نوع از سلطه، خود بخود انواع دیگر آن همانند سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی هم، محقق خواهد شد، همانگونه که هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی گفته است:

«اخلاق و آداب و زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود.» {۱}

ثانیاً آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه جویی که صرف هزینه های مالی فراوان و حتی گاه تلفات جانی و انسانی، لازم می آید، در سلطه فرهنگی کمترین هزینه برای رسیدن به هدف صرف می شود.

بنابراین، در میان شیوه های استعماری، آنچه از همه خطرناکتر و در عین حال پنهانتر است، شیوه سلطه فرهنگی است. خطری که در این زمینه، جبهه اسلامی را تهدید می کند، به جهت گستردگی جبهه تهاجم، پیچیدگی آن و صدماتی است که از لحاظ معنوی به او وارد می آورد و در پی آن است که افکار و عقاید و ارزشها را در درون وی به نابودی کشد و حیات معنویش را دچار اختلال سازد.

امروز، دشمنان اسلام، برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه ها و بکارگیری برترین تلنولوژی ها و جدیدترین روشهای علمی، در جبهه ای

به وسعت همه دلهای معتقد و دین باور، به میدان آمده اند.دیگر مسئله آمدن بیگانه به داخل یک خاک مطرح نیست، بلکه سخن از بیگانه شدن از خویشتن و از درون پوسیدن است.

مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) می فرمود: «ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند، وابستگی فرهنگی است.استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگ آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است.»

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسئولان جامعه ما، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند.{۲}

[۱]. – اسلام بر سر دوراهی، ص ۲۳

[۲]. – با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، گرد آمده از سخنرانیهای استاد مصباح یزدی.

تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟

پرسش

تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی عبارت است از تلاش مستمر و حیله گرانه استکبار برای مسخ فرهنگ های اصیل و الهی از ملت ها و دور ساختن آنان از هویت مستقل دینی و ملی خودشان و نیز سلب اتکا به اراده خود و اعتماد به نفس، به منظور سلطه اقتصادی و سیاسی چنانکه از تعریف نیز بر می آید، هدف اصلی تهاجم فرهنگی، گرفتن هویت فرهنگی و ملی برای فراهم شدن زمینه غارت ثروت ملی و سلب کیان و استقلال ملت ها است تا بتوانند غریزه توسعه طلبی و سلطه جویی خود را اشباع نمایند.

به دیگر سخن، هدف دشمن از تهاجم فرهنگی عبارت است از: ۱. دور کردن جوانان از دین با القای جدایی دین از سیاست و جدایی دین از علم؛ ۲. ایجاد این باور که زندگی و فرهنگی غربی می تواند بهترین الگو باشد؛ ۳. جایگزین کردن ارزش های مادی به جای ارزش های الهی؛ ۴. ترویج فرهنگ لذت جویی، مصرف گرایی و بی تفاوتی.

مهاجمان به عرصه فرهنگ، روش ها و ابزار گوناگونی را به کار می برند، از جمله ۱. ترویج اندیشه های ناسالم غربی در قالب مکتب های فکری و فلسفی همچون حس گرایی، شک گرایی، و غیره؛ ۲. ترویج افکار ویرانگر ضد اخلاقی در شکل نظریات

و فرضیات علمی؛ ۳. ترویج فساد اخلاقی و آزادی جنسی از طریق فیلم های مبتذل ویدئویی و پخش عکس های مستهجن؛ ۴. پوشش نیرومند رسانه ای بر جهان اسلام به وسیله ماهواره ها؛ ۵. به استهزا گرفتن معتقدات، آداب و رسوم ملی و دین با استفاده از بحران های استقلال طلبی و نو گرایی در نسل جوان؛ ۶. تشویق قلم به دستان مزدور برای نوشتن کتاب ها و مقالات در ابعاد

مختلف با هدف مخدوش کردن چهره های رهبران اسلامی و معتقدات آنان؛ ۷. اعزام جاسوس به مراکز مختلف اسلامی برای آمادگی بیش تر در راستای اهداف دراز مدت تهاجم فرهنگی؛ ۷. القای این شبهه که اسلام توان اداره جامعه را ندارد؛ ۸. ترویج روحیه بی اعتمادی به مسؤولان.

اما راه های مقابله با تهاجم فرهنگی: آگاهی و هشدار دادن به جامعه از طریق احیای امر به معروف و نهی از منکر؛ تبیین خطرات، مضرات و نتایج خسارت بار فرهنگ های مهاجم غربی به وسیله صدا و سیما و دیگر وسایل ارتباط جمعی؛ تهیه خوراک فرهنگی سالم برای جوانان با شیوهای جدید و متنوّع؛ کوشش برای جایگزین کردن برخورد فعال و سازنده با تهاجمات فرهنگی به جای برخوردهای انفعالی؛ استفاده از تکنیک و دانش ارتباطات و تبلیغات؛ ایجاد سرگرمی های سالم برای جوانان؛ به کارگیری و استفاده از کارشناسان مسلمان در زمینه مسایل اجتماعی، تربیتی و تبلیغی؛ تقویت اساتید ومعلمان متعهد در سطح جامعه و فعال کردن مساجد.

چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟

پرسش

چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟

پاسخ

مظاهر تمدن غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته می شوند، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی مردن شدن تلقی می شود. کسی کار ندارد که آیا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش شده و می شود.

البته این را هم بگوییم که این الگو پذیری تنها در مد مو و لباس و آرایش و موسیقی و ... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و ... نیز جریان دارد که شرح و بسط آن ها فرصتی دیگر می طلبد.

این را هم اضافه کنیم که تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کندو آن را جزء فرهنگ خود نماید نه تنها ناپسند نیست بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته باشد و پیروی محض باشد بدون در نظر گرفتن محسّنات و مضراتش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را لعن نموده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

پاسخ این که چرا گرایش به تقلید در جوانان ما زیاد است، یک جمله بیش نیست و آن این که: متأسفانه در شناخت فرهنگ

خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های

دیگر و اخذ فرهنگ های غیر خود دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم توده مردم.

ضرر نوار های ترانه چیست؟

پرسش

ضرر نوار های ترانه چیست؟

پاسخ

یکی از مهم ترین مسائلی که امروز در دنیا مطرح است و اندیشوران زیادی درباره آن به تحقیق مشغولند، مبحث "آلودگی صوتی" و "بهداشت شنوایی" است. طبق این تحقیقات گوش سپردن به هر نوع صدای مصنوعی (صدای تلویزیون، رادیو و ...) زیانبار است و این شامیل صداهای موسیقیار هم می شود. از بین موسیقی ها، آن چه که از جهت فن موسیقی و تنفیق شعر و موسیقی که مایه یا بی مایه هستند، زیان بار تر است.

اما موسیقی های پاپ امروز ایرانی که معروف به ترانه هستند غیر از معضلات بالا، مشکل دیگر هم دارند و آن ضربی بودن آن ها است. این موسیقی ها اکثراً ریتمیک هستند و پدیده تکرار در آن ها یک اصل است. حال خوب است بدانید که اعصاب انسان تا حدی ظرفیت شنیدن قطعات ضربی و ریتمیک را دارد و در صورت گوش سپردن فراوان به این نوع موسیقی ها، اثرات زیانبار آن ها بر اعصاب بسی بیشتر خواهد بود.

کم مایه بودن و بی محتوایی اکثر اشعار و ملودی های مورد استفاده را نیز نباید از نظر دور داشت که از نگاه اخلاقی و حتی عرفی مکروهند.

امید است که تا حدی به زیان های این نوع موسیقی ها آگاهی یافته باشید.

تا نامه بعد و پاسخی بعد به خدایتان می سپاریم.

آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟

پرسش

آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟

پاسخ

خواهر گرامی این سخن به صورت کلی صحیح نیست. قضاوت بعضی از والدین بر اساس گزارش هایی است که از بعضی دانشگاه ها به گوش آن ها رسیده که معلوم نیست آن اطلاعات چقدر درست است. البته بعضی از مراکز دانشگاهی متأسفانه موازین اسلامی را رعایت نمی کنند و به این شایعات دامن می زنند. بنابراین باید به پدران و مادران گفت: همه دانشگاه ها چنین وضعیتی ندارند. از طرفی کسی که اهل فساد باشد، در هر کجا باشد، به این امر مبادرت می ورزد، چه دانشگاه باشد و چه محیط دیگر. افراد متدین هر جا باشند، ایمان خود را حفظ می کنند، همان طوری که دانشجویان زیادی در دانشگاه وجود دارند که از نظر اخلاقی نمونه اند. آمار معتکفان دانشجو و شرکت کنندگان در نماز جماعت و حضور در مجلس دعا و زائرین عمره گویای این حقیقت است.

خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟

پرسش

خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟

پاسخ

خود باختگی به معنای مرعوب فرهنگ بیگانه شدن، عدم استقلال فکری و نتیجه از خود بیگانگی فرهنگی است.

خودباختگی به خود باختگی فردی و خود باختگی اجتماعی تقسیم می شود.

خودباختگی فردی بدان معنا است که شخص اعتماد به نفس نداشته و قابلیت ها و استعداد خویش را نادیده گرفته و از خودشناسی نیز عاجز بوده و مجذوب و مرعوب ایده دیگران می شود؛ خود و ارزش های خویش را فراموش می کند.

یکی از پیامدهای منفی خودباختگی احساس حقارت است. انسان خود باخته به دلیل این که جذب ارزش ها و قابلیت های دیگران می شود، احساس حقارت و کم بینی می کند که نتیجه آن از دست دادن عزت مندی و کرامت انسانی است.

از این رو، در آموزه های دینی از احساس حقارت نهی شده و انسان ها به عزت مندی و عزت گرایی فراخوانده شده است. امام هادی(ع) فرمود : "من هانت علیه نفسه فلا تأمن شرّه؛ کسی که خویشتن را ناچیز و خوار می یابد و در باطن نسبت به خود احساس سستی و حقارت دارد از شر او ایمنی نداشته باش".[۱]

پیامبر اسلام(ص) در خصوص عزت نفس فرمود: "بر هیچ مسلمانی جایز نیست که خود را ذلیل و خوار نماید".[۲]

امام علی(ع) خطاب به فرزندش فرمود: "و لا تکن عبداً غیرک و قد جعلک الله حراً".[۳]

جامعه خود باخته نیز بدان معنا است که آن جامعه استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ... نداشته و در برابر فرهنگ و تمدن جامعه دیگر خود باخته و مرعوب و مجذوب جوامع دیگر می گردد.

از سوی دیگر قابلیت ها

و استعداد های خویش را فراموش نموده و استقلال و اقتدار و عزت خویش را از دست می دهد.

پیامدهای منفی جامعه دراستقلال فرهنگی و سیاسی... ظهور می کند. اگر جامعه از نظر فرهنگ و تمدن خود باخته باشد، جذب فرهنگ بیگانگان شده، از فرهنگ و آداب آن ها استفاده کرده و از باورهای دینی و ارزش های خود دست بر می دارد.

خود باختگی سیاسی موجب می شود که جامعه به کشورهای بیگانه و ابسته شده و در تصمیم گیری های سیاسی و روابط بین الملل مشکل داشته و اصولاً سیاسی منفعلانه داشته باشد و در برابر ابر قدرت ها تسلیم شده و کاملاً به آن ها وابسته گردد.

یکی از پیامدهای منفی خود باختگی در بعد نظامی ظاهر می شود. جامعه خود باخته توان و قدرت نظامی خویش را نادیده گرفته و به کشورهای دیگر که توان نظامی بیشتر دارد جذب شده و امکانات نظامی خویش را از آنان می گیرد، حال آن که در آموزه های دینی به استقلال و خود اتکایی نظامی تأکید شده است.[۴]

برای رهایی از خود باختگی فردی و اجتماعی لازم است که باورهای فردی حفظ شده و عوامل عزت مندی در انسان تقویت شود. در خصوص خود باختگی جامعه نیز باید گفت: جامعه باید قابلیت ها و استعدادهای خویش را باور نموده و راهکارهای استقلال سیاسی و اقتصادی ... را ایجاد و با عوامل خودباختگی مبارزه شود و در فضای جامعه این نگرش به وجود آید که هر جامعه ای قابلیت و استعداد خاص خود را داشته و میراث فرهنگی گرانسنگ و افتخارات را حفظ نماید. [۱]تحف العقول، ص ۴۸۳.

[۲]تاریخ یعقوبی

ص ۶۷؛ به نقل از: محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل واحساس، ج ۲، ص ۲۹۱.

[۳]نهج البلاغه، نامه ۳۱.

[۴]انفال (۸) آیه ۸۰.

آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسـلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شود روزی بی حجابی در ایران از بین برود؟

پرسش

آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شود روزی بی حجابی در ایران از بین برود؟

پاسخ

فساد و بدحجابی و دیگر مفاسدی که در کشور ما فراوان شده معلول عواملی است

۱ بازمانـده افکـار ولنگاری و بی حجابی و تربیت های ناصحیح قبل از انقلاب آنان که سن و سالشان اقتضا می کنـد می دانند که قبل از انقلاب وضـعیت فساد و بی حجابی برگرفته از نسخه های غربی بود و توسط دست های پیدا و پنهان استعمار در این کشور اجرا می شد و حتی برداشتن حجاب را اجباری کرده بودند. وضع طوری بود که اگر دختر یا زنی می خواست با حجاب باشد، مورد تهاجم سـخریه ها و اسـتهزاها و دهن کژی ها واقع می شد. اُمُّل و کوتاه فکر و عقب افتاده می دانسـتند. این نسـخه توسـط رضاخـان اجرا شـد، سـپس مـدت پنجـاه سال این فرهنگ ادامه پیـدا کرد. فرهنگ ولنگاری و فساد را در جامعه محکم کردند اما انقلاب اسـلامی که به وجود آمد، این وضـعیت حدود ۱۸۰ درجه عوض شـد، به طوری که بی حجابی به طور کلی رخت بر بست ولی باقیمانده آن افکار پس از مدتی کم کم و به طور خزنده رشد کرد و متأسـفانه مسئولان و دست اندرکاران فرهنگی تدبیری نیاندیشـیدند بلکه با بعضـی از اعمال و شیوع فرهنگ و افترا،، عده ای اعتماد و اعتقاداتشان را به نظام از دست دادند.

۲ تهاجم فرهنگی می توان گفت یکی از بزرگ ترین عوامل گسترش فساد و ولنگاری تهاجم گسترده فرهنگی

غربی است ورود سی دی ها و فیلم های مستهجن ایجاد شبکه های ماهواره ای و اینترنتی و پخش و گسترش افکار شهوی نیز تبلیغات گسترده رسانه ای در روزنامه ها، هفته نامه ها، ماه نامه ها و... نمونه ای از تهاجم فرهنگی دشمن است البته دست های مرموز و مشکوک داخلی نیز پیدا است هدف از تهاجم گسترده فرهنگی قبضه کردن افکار و ایده های مردم مخصوصاً جوانان است تا بتوانند بر آنان مسلط شوند.

۳ هواهای نفسانی و شهوت رانی و شهوت پرستی زمینه شهوت در وجود هر مرد و زنی هست که اگر کنترل نشود، کم کم بر انسان مسلط می شود.

از امیرالمؤمنین ع) آمده " أشجع الناس من غلب هواه ؛ شجاع ترین مردم کسی است که بر هواهای نفسانی اش غلبه کند."۱[۱]

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: "غالب الشهوه قبل قوّه ضراوتها فانها ان قویت ملکتك و استقادتک و لم تقدر علی مقاومتها؛ پیش از آن که تمایلات نفسانی به تندروی عادت کنند، با آنها به ستیز، زیرا اگر تمایلات سرکش در تجاوز و خودسری نیرومند شوند، فرمانروای تو خواهند شد و تو را به هر سو که بخواهند می برند، در نتیجه قدرت مقاومت در برابر آن ها را از دست خواهی داد."[۲]

در درجه اول مسئولان فرهنگی کشور باید با مفاسد مبارزه کنند و جلو فساد و فحشا را بگیرند. نیز زمینه ازدواج را فراهم کنند. تورم و گرانی و ثابت نبودن قیمتها را حل کنند. وظیفه مردم نیز امر به معروف و نهی از منکر است و در انجام وظیفه مهم نباید کوتاهی کنند.

[۱]بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۶.

[۲]فهرست غرر الحکم ص ۱۸۷شماره ۶۴۴۴.

تهاجم غربی برای مسلمانان شامل چه مواردی در اسلام می شود (در کل فرهنگ غرب؟

پرسش

تهاجم غربی برای مسلمانان شامل

چه مواردی در اسلام می شود (در کل فرهنگ غرب؟

پاسخ

متأسفانه پرسش مبهم است، زیرا معلوم نیست مقصود از تهاجم غربی، تهاجم فرهنگی است و یا تهاجم نظامی، از این رو لازم است در نامه های بعدی به طور شفاف پرسش های خویش را مطرح نمایید، اگر مقصود، ابعاد تهاجم فرهنگی باشد، باید در جواب گفت: غرب با تهاجم فرهنگی به تضعیف باورهای دینی پرداخته و ارزش ها و سنت و آداب، تمدن و مبانی اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و به طور کلی تمام چیزهایی را که موجب استحکام یک نظام و کشور می شود، مورد تهاجم قرار می دهد.

این تهاجم با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار فرهنگی صورت گرفته و تبلیغات غرب، نظام یافته و همسو با شرایط زمان می باشد. از سوی دیگر غرب با زیر سؤال بردن باورهای دینی مسلمانان و هجمه قرار دادن فرهنگ آنان، به تقویت فرهنگ غرب پرداخته وانمود می کند که فرهنگ غرب بهترین فرهنگ بوده و تمام خواسته های سعادت انسان در بهره گیری فرهنگ غرب تأمین می شود.

اگر مقصود از تهاجم غربی، تهاجم نظامی باشد، این نوع تهاجم نیز با رایزنی ها و فضا سازی خاصی شکل می گیرد. غرب در ابتدا سعی می کند که افکار عمومی را جهت حمله نظامی به کشورهای اسلامی فراهم نموده و سپس حمله نظامی کند، مانند حمله نظامی آمریکابه عراق و یا افغانستان که نخست وجود سلاح های شیمیایی در عراق را مطرح نمود و سپس حمله نظامی نمود، حمله نظامی غرب در کشورهای اسلامی پیامدهای منفی را در پی داشته و موجب از بین رفتن امکانات مادی می شود، از سوی دیگر مسلط شدن غرب به کشور مورد تهاجم موجب می شود که باورهای دینی مردم

ضعیف شد، و آداب و فرهنگ اسلامی آن کشور به مرور زمان از بین برود.

چرا به اندازه ای که تبلیغات غربی ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟

پرسش

چرا به اندازه ای که تبلیغات غربی ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟

پاسخ

ار چند جهت تأثیر گذاری تبلیغات غربی ها بیشتر بوده است:

۱. غربی ها برای تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی اسباب و ابزارهای فراوانی را در اختیار دارند که اصلاً قابل مقایسه با امکانات ما نیست. نمونه اش پایگاه های متعدد اینترنتی، دستگاه های مدرن ارتباط جمعی مانند ماهواره، شبکه های تلویزیونی، خبرگزاری های متعدد و غیره می باشد.

۲. غربی ها برای تأثیر تبلیغات خود از هر شیوه ای استفاده می کنند و به مسائل اخلاقی خود را مقید نمی دانند، از این رو از حیله و ترفند و تظاهر و مظلوم نمایی و تحریف حقایق به راحتی بهره می جویند، در حالی که بر اساس نظام اخلاقی اسلام ما نمی توانیم این شیوه ها را به کار بگیریم.

۳. این واقعیت را نیز نباید نادیده بگیریم که به دلیل سابقه و پیشینه تهاجم، کشورهای استعمارگر، از راه کارهای مدرن و عناصر حرفه ای برخوردارند که در جذب مخاطبان بسیار مؤثر است، ولی ما به دلیل عدم سابقه طول_......نیاز به آزمون و خطا داریم و چه بسا از شیوه های جذاب استفاده نکرده ایم.

۴. آنها با دست گذاشتن روی یک سری نیازهای فطری و غریزی انسان مانند غریزه جنسی و حس آزادی، در کار تبلیغاتی خود بسیار بهره می گیرند و طبیعی است که این مسائل علاوه بر این که نیاز انسانی است، حتی گاهی از نیازهای اولیه است که هر انسانی در صدد پاسخ گویی و ارضا آن نیازها است. در این راه غربیان با تکنیک ها و تبلیغات گسترده ای که دارند و با توجه به آزاد بودن ارتباطات رسانه ای بهره بسیار می برند.

۵. این

نکته را نباید نادیده گرفت که کار تهاجم، از دفاع آسان تر است. و همیشه تخریب راحت تر از سازندگی است

اهداف تهاجم فرهنگی

رپ، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟

پرسش

رپ، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟

پاسخ

"رپ" از اول به نوعی موسیقی در غرب اطلاق می شد و بعدها توسط گروهی به این اسم ترویج شد، اگر چه از ابتدا متتذل و فاسد نبود، ولی بعدها به این موضع اسفبار و مبتذل دچار گردید، رپ هم اکنون به عنوان سمبل گروه های مبتذل در ایران شناخته می شود و تمامی مدهای فاسد و مبتذل منتسب به گروه های "رپ" می باشند، که با ارائه مدها و سبک های خود، الگویی برای جوانان و پیروان خود بوه و آن ها را نیز به انحراف می کشانند. از مشخصه های این گروه در ایران، پوشیدن کفش های لنگه و لنگه و پوشیدن شلوارهایی با پاچه های کوتاه و گشاد می باشد.

انسان ها در جوامع انسانی برای نمایش روحیات و علایق و مطلوب یا موجود زنگی خویش، به نمایه هایی نیاز دارند و "مدها" نمایه های فرهنگ و هویت یک عدد است. مد تظاهر به فرهنگ و الگوهای مورد نظر، و در آخرین حد می تواند نمایشی از تحول شخصیتی و هویتی فرد یا جامعه باشد.

یکی از اهداف استکبار جهانی و گروه های مبتذل در تهاجم فرهنگی، بهره گیری از نیازها و غرائز فطری و تقاضاهای انسان ها است.

آن ها با برنامه گسترده و فراگیر، با چهره سازی و قهرمان پروری در صدد ارائه الگو و روش در زمینه های مختلف، جهت مسخ و تغییر فرهنگ دینی و ملی به ویژه ملت های اسلامی هستند. حجم عظیم تبلیغات بنگاه های تبلیغتی استعماری و ارائه مدها و الگوهای مغایر با دین و سیره ائمه معصومین(ع) و اختصاص برنامه های گسترده از رسانه ها در طول شبانه روز و ارسال آن به اقصی نقاط دنیا، جهت

القای فرهنگ مبتذل غربی است، به علت ضعف فرهنگی و آسیب پذیری جوامع وارداتی، تأثیر مدها و تبلیغات می تواند بسیار مخرب باشد.

انسان ها در نهاد ونیازهای درونی و در طبیعت خود، به مدگرایی و انتخاب روش و طرز زندگی، گرایش دارند غریزهو حس کمال جویی در همه وجود دارد. بر همین اساس، انسان همواره به دنبال الگو وانتخاب روش بهتر برای حرکت خود به سوی کمال جویی است. همانند نوجوانی که همواره تلاش می کند تشنگی خود را در ابعاد گوناگون سیراب نماید و یا رفتار و ظاهر خود را با مشاهده رفتار دیگران تغییر دهد. همه این ها حاکی از نیاز درونی است. مشکل اصلی این است که انسان به چه منبعی مراجعه نماید و چه مراجعی را برای تنظیم زندگی خود مورد توجه قرار داده و چه روش هایی را برای پیاده کردن رفتارها و هنجارهای خویش انتخاب نماید؟

اصل گرایش به مدو پیرویاز روش و رفتار دیگران ریشه درونی دارد تا انسان بتواند خلاهای شخصیتی خویش را پر کند.

میزان تحصیلات رابطه مستقیمی با مدگرایی دارد، زیرا اگر تعلیم بر اساس الگوهای فکری و رفتاری بیگانه باشد، در مدگرایی معطوف به خارج از مرزهای "هویتی"، اثر خواهد داشت.

آراستن و پوشیدن لباس به نحو معقول و مشروع، یک تمایل طبیعی در انسان ها است، اما اگر از روی غفلت یا دخالت پاره ای از نقاط ضعف، این تمایل از مسیر طبیعی و صحیح خود خارج شود، یکیاز مهم ترین عوامل دامن زدن و ارضای خودنمایی و فخر فروشی و خودپرستی است که از حالت طبیعی خود آرایی به حالت انحراف خودنمایی تغییر پیدا می کند و در مراحل پیشرفته، تبدیلبه

هوس بازی هاو خودخواهی ها ارضای حسادت ها و رقابت های احمقانه خواهد گردید. در این حال، حالت مرض روحی گرفته و به سوی معایب اخلاقی و سقوط و انحطاط روحی خواهد رفت.

رپ ها که گرفتار عارضه مد پرستی هستند، انواع امراض روحی و صفات برگرفته از خودپرستی را نشان می دهند، مگر کسانی که با ناآگاهی و ساده لوحی تحت تأثیر عوامل محیطی به تقلید کورکورانه از دیگران، در این مسیر قرار گرفته اند و مد سازان با تیزهوشی آمیخته به شیّادی، وجود چنین نقطه ضعف در نهاد آدمی را درک نموده و کار خود را پیش می برند. این ما هستیم که باید هوشیارانه نقشه های دشمنان را نسبت به فرزندانمان ودین و دیانت، نقش بر آب کرده و از اصالت و هویت حقیقی و دینی خود دفاع کنیم.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - روزنامه کیهان، مد پذیری و مدگرایی، ۱۳۷۵/۵/۲۷، ص ۶ و علل گرایش به مدگرایی، ۱۳۷۵/۵/۲۲، ص ۷ و روزنامه رسالت، بررسی ریشههای روانی نوگرایی و مدگرایی، ۱۳۵۷/۵/۱۷، ص ۱۳، با تلخیص.

علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوترانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری بعضی از جوانان ایرانی که هر کاری می خواهند انجام می دهند، دیگران هم باید در تنگنا باشند و باید خشک و تر با هم بسوزند؟

پرسش

علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوترانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری بعضی از جوانان ایرانی که هر کاری می خواهند انجام می دهند، دیگران هم باید در تنگنا باشند و باید خشک و تر با هم بسوزند؟

پاسخ

علت اصلی رواج فساد در عالم در یک چیز خلاصه می شود و آن "کم رنگ شدن تعهّد انسان ها است. این تعهد هم شامل ایمان به خدا و اعتقادات مذهبی می شود و هم شامل تعهد نسبت به هم نوع که سعدی از آن به "آدمیت" تعبیر می کند.

وقتی یک انسان - در هر کجای عالم که باشد و هر دینی که داشته باشد - تنها خود و زندگی خویش را معیرا اعمالش بداند و تمام تکاپوی حیاتش در دستیابی به امیال درونیش باشد، دیگر نه از ایمان در او خبری می ماند نه آدمیّت، زیرا ایمان انسان را به راهیابی به دریچه های گشوده آسمان دعوت می کند. همت انسان را از ورطه خاک فزون تر می سازد و آدمیت، آسایش و ارامش نسل انسان را در افق فکر انسان روشن می سازد و او را از آمال فردی جدا می سازد. نبودِ این تعهد در انسان امروزی سبب شیوع فساد و رواج بی بند و باری شده است که البته تمام ضررها و زیان های آن هم به خود انسان ها می رسد،

زیرا بالاخره روزی می رسـد که این یـدوارها بلنـد تر می گردند و زندگی فردی به قدری افزایش می یابد که انسان در چاهی که به

دست خود کنده است، به تنهایی در می ماند و پشیمان می گردد.

اما این که چرا باید انسان های خوب هم با انسان های بد یکی دانسته شوند و به قول شما خشک و تر با هم بسوزند؟ نکته را یاد آوری می کنیم و آن این که شما اگر در یک آپارتمان ده طبقه زندگی کنید که بیست تا سی خانوار در آن سکونت دارند، کافی است یکی از این خانه ها به هر دلیلی - دچار حریق شود. آن گاه ملاحظه می کنید که تمامی ساختمان دستخوش تخریب می گردد! آیا در این مورد می توان گفت چرا خشک و تر با هم سوخته اند؟ مسلّماً خیر!

به همین قیاس، ما در جامعه ای زندگی می کنیم که دارای زیر ساخت ها و اسکلت خاصی ارتباطی می باشد. وقتی یک عده از افراد جامعه دست به فساد و تبهکاری بزنند. مسلّماً الباقی جامعه نیز دستخوش شوک حاصل از آن می گردند. به طور مثال این باند های سرقت دختران و زنان را مثال می زنیم که به بهانه مسافر کشی به تبهکاری دست می زنند، به طور خیلی طبیعی امروزه دختران و زنان مواظب هستند که سوار هر اتومبیلی نشوند و بیشتر با وسایل عمومی سفر کنند! در حالی که گروه تبهکاران فقط عده معدودی هستند و شاید در صد اندکی را شامل شوند، ولی ما از احتمال خطر هر پرهیز می کنیم و در حقیقت به نوعی خشک و تر را با هم می سوزانیم. حال اگر این استرس به وجود آمده خیلی زود بر طرف شود و آرامش به انسان ها باز

گردد تعادل روانی جامعه به هم نخواهد خورد، برعکس اگر روز به روز آمار فساد بیشتر شود، جامعه ای خواه ناخواه فاسد یا تحت فشار فساد خواهیم داشت.

مسئله مورد نظر شما همین طور است. افزایش روابط بدون ضابطه دختران و پسران با هم سبب شده استکه هر نوع رفت و آمدی - حتی مقدس و پاک - محکوم به نادرستی باشد و این قضاوتی است که جامعه در مورد این نوع رفتار دارد.

آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حمله نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم موفق شده است؟ نظر شماچیست؟

پرسش

آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حمله نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم موفق شده است؟ نظر شماچیست؟

پاسخ

با سلام وآرزوی موفقیت وتوفیق روز افزون برای شما خواهر عزیز ومعلم گرانقدر که با اندیشه وتدبیر خود به تربیت و تعلیم نسل جوان مشغول هستید برای شما خواهر بسیار عزیز و فهیم دعا می کنیم تا بتوانید رسالت الهی خویش را به خوبی به انجام رسانید.

خواهر محترمه آمریکای جنایتکار که بیش از سه دهه بر همه مقررات این کشور سلطه داشته است و دل کندن از ایران بسیار سخت و جانکاه است. بخصوص در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران این پدیده کم نظیر و بی همتای قرن معاصر نه تنها ایران را از چنگال ابرقدرت آمریکا رها ساخته است که در سراسر گیتی منافع شیطانی آمریکا را به خطر انداخته است. لذا سردمداران کاخ سفید ازهمان آغازین روزهای طلیعه پیروزی انقلاب اسلامی وحتی قبل از حاکمیت انقلاب اسلامی ودر دوره حکومت بختیار زمانی که پیروزی مردم قریب الوقوع بود با اعزام ژنرال کارکشته خود" بنام هایزر" قصد کودتا علیه مردم را داشتند که با اعلام بیطرفی ارتش، توطئه آنان درنطفه خفه شد.پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز درهمه ادوار از توطئه چینی علیه نظام دست برنداشته اند از تحریک وتسلیح گروهکها ومنافقان گرفته، تا طراحی کودتا و حمله مستقیم نظامی به بهانه آزادی گروگانها ونیز حمایت از کشورعراق برای حمله به عراق. پس از پایان تجاوز عراق به ایران نیز بارهاوبارها خواسته است ایران را به صحنه درگیری بکشاند، جنگ عراق علیه کویت

جنگ افغانستان واکنون حمله به عراق و...درهمه موارد فوق آمریکا با بهانه تراشی سعی کرده است ایران اسلامی را به جنگ ناخواسته ای وارد سازد ولی غافل از آن است که مسؤلان عالیرتبه کشور ورهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...خامنه ای بسیار هوشیار تراز آنند که درچاه حفر شده شیطانی غرب وسرمداران صهیونیسم جهانی فروبروند. رهبران جمهوری اسلامی با پشتوانه الهی و مردمی نه تنها گول دسیسه های آمریکای خونخوار را نمی خورند بلکه با تدابیر حکیمانه توطئه های طراحی شده آنان را درنطفه خفه می کنند وتاکنون بارهاوبارها حسرت وآه را بردل سنگ وسیاه آنان باقی گذاشته اند.

او از طریق جوسازی وتبلیغ وترویج مفاسد وتباه کاریها وتهی ساختن شرف وانسانیت نسل امروز به جنگ با جمهوری اسلامی می آید. اواگر بخواهد روزی به ایران حمله کند، باید احساس کند زمینه داخلی برایش فراهم شده ومردم دربرابر او ایستادگی قابل توجهی نخواهند داشت. رهبرمعظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...خامنه ای جدا کردن مردم از نظام از طریق القای ناکارآمدی دستگاه های حکومتی وایجاد دسته بندی وفضای هرج ومرج را دونقطه امید صهیونیست ها و آمریکایی ها درمواجهه با ایران اسلامی دانستند ویادآور شدند :

"آمریکا می داند که درمقابل ملت شجاع وعزیز ایران وجوانان پرنشاط وشهادت طلب که از مرگ نمی ترسند حمله نظامی هیچ نتیجه ای جز شکست وسرافکندگی ندارد. بنابراین تلاش برای تضعیف ارتباط مستحکم مردم با نظام وایجاد اختلاف را دردستور کار خود قرار داده است که ملاک این توطئه نیز در گرو خدمت به مردم و وحدت کلمه است."۱"

بنابراین اگر آمریکا روزی تصمیم بگیرد به ایران حمله کند، روزی خواهد بود

که احساس کند مردم وجوانان ایران زمین در برابر او مقاومت چشمگیری نخواهند کرد. ولی تا زمانی که احساس کند مردم وجوانان برومند ایران اسلامی با همه وجود وتوان آماده مقابله با متجاوز ودفاع از سرزمین ودین خویش هستند، نه تنها حمله نخواهد کرد، بلکه تخیل تجاوز هم در مخیله اش وارد نخواهد شد. پس حمله یا عدم حمله بسته به عملکرد من وشما وامثال ما ودولتمردان و... می باشد.بکوشیم با اعداد وآمادگی وگسترش این آمادگی در میان نسل جوان، آمریکا را برای همیشه از رسیدن به ایران پشیمان سازیم، (وبه تعبیر شهید مظلوم ایت ا...دکتر بهشتی) از عصبانیت بمیرد.

روزنامه خراسان،شنبه ۱۶فروردین ۱۳۸۲،ص۴

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی وناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی بدنیا آمده و تربیت یافته اند زیاد می باشد؟ درعین حال که قبول داریم جوانان معتقد نیز کم نیستند.

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی وناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی بدنیا آمده و تربیت یافته اند زیاد می باشد؟ درعین حال که قبول داریم جوانان معتقد نیز کم نیستند.

پاسخ

طرح سؤال حضرتعالی به این شکل نشان دهنده این است که با توجه به اینکه فرهنگی بوده و با قشر جوان سروکار داشته اید قضاوتی عادلانه دارید و قبول دارید که در کنار عده ای که دارای ناهنجاری های اخلاقی و اعتقادی هستند جوانان معتقد در جامعه کم نیستند اما با توجه به اینکه این جوانان در جمهوری اسلامی پرورش یافته اند، فساد و بی اعتقادی و ناهنجاری، ازآنان توقع نیست. در پاسخ حداقل باید به این مسأله توجه داشت که با توجه به گسترش وسائل ارتباط جمعی، تربیت جوانان امروز که در عصر انفجار اطلاعات زندگی می کنند مانند گذشته تنها متأثر از خانواده و محیط آموزشی نیست بلکه امروز از دورترین نقاط دنیا به راحتی با فرزندان این مرزو بوم در چهاردیواری و داخل منازل ارتباط فرهنگی برقرار می شود و آنها متأثر از این فضای باز فرهنگی که به مدد تکنولوژی فراهم شده می باشند لذا بخش عمده ای از این انحرافات را بایستی در توطئه وتهاجم فرهنگی دشمن جستجو کرد هر چند لازم است مسؤولین امر در این تهاجم وسیع که مقام معظم رهبری راجع به آن مکرراً هشدار داده اند چاره ای بیندیشند.

علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست ؟

پرسش

علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست ؟

پاسخ

این مسأله علل متفاوتی دارد، از جمله:

۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه،

۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیرخودی در عرصه مطبوعات کشور،

۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۴- تلاقی با فرهنگ بیگانه در پرتو توسعه و تأثیرگذاری آن بر عناصر داخلی،

۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از سوی برخی از عناصر داخلی، حتی در سطح برخی از مسؤولیت های اجرایی و فرهنگی کشور.

J}

علل گرایش جوانان به فساد چیست ؟

پرسش

علل گرایش جوانان به فساد چیست ؟

پاسخ

قبل از روی آوردن به جواب , از مکاتبه شما که در زمینه ارائه خدمت به شما انسان های حقیقت جو و دوستدار پاکی را فراهم آورده است , تقدیر و تشکر می کنیم . راه های آلوده شدن به فساد از نظر عملی برای هر انسانی متفاوت است و نمی توان گفت به تمام انسان ها به یک شیوه مبتلا می گردند ولی از نظر تئوری و علمی آلوده شدن به گناه و فساد و انحرافی - هر چند خلاف عقل - معلول دو عامل یا یکی از دو عامل زیر است : ۱- جهالت و عدم شناخت صحیح . ۲- پیروی از خواهش های زودگذر و فارغ از تائمل (پیروی از هوای نفس). گاهی اوقات جهالت باعث می شود که آدمی در ورطه گناه و فساد سقوط کند در این صورت راه علاج کسب علم و رسیدن به مرتبه یقین و تعمیق فکر و اندیشه است . اما در کنار این علت , علت اساسی و عمده که بیشتر آدمیان از کانال آن به فساد مبتلا می شوند پیروی از هوای نفس است . در این مورد آدمی علی رغم آگاهی از حق و شناخت دقیق حق و باطل ولی عوامل پراکنده ای چون تنبلی , تن آسایی , مقام پرستی , پول و ثروت , دوستی و پیروی از غضب , شهوت او را به سوی عملی خلاف آنچه حق می داند و شایسته می شمارد انجام دهد. از

بین این دو عامل , عامل دوم گستردگی بیشتر و عامل اول عمق تائثیر بیشتری

در انحراف انسان دارد, لـذا بایـد با تحصـیل دانش مربوطه و رها کردن نفس اماره راه نفوذ دو عامل را سـد نمود که هدف از ارسال رسل و انزال کتب همین بوده که آدمی به این دو عالم مسلح شوند و همای سعادت را در آغوش گیرند.

ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟

پرسش

ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟

پاسخ

ذات و ماهیت یک فرهنگ حالت ایسـتا و ثابت نـدارد بلکه پیوسـته در حال تغییر و تائیر و تائثر در ارتباط با سایر فرهنگها می باشـد. حال اگر در یک فرهنگ عناصـر مضـر و مبتـذل که از راه ارتباط با فرهنگهای بیگانه وارد شـده انـد, به هنجار و ارزش تبـدیل شونـد و در جهت عکس رشـد و پویایی و بالنـدگی آن فرهنگ حرکت کرده و جامعه را به رکود بکشانند تائثیر منفی می باشد اما اگر عناصـر وارد شده در اثر ارتباط با سایر فرهنگها در جهت غنا بخشیدن به فرهنگ یک قوم و رشد و شکوفایی آن و در نتیجه حرکت آن جامعه به سوی رشد و کمال و توسعه باشد, اثرات مثبت نام دارد.

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پرسش

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پاسخ

گرایش به فرهنگ غربی و فساد عوامل متعددی دارد از جمله :

۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که طبیعتا فرد را به سوی پورنو گرافی غربی متمایل می سازد.

۲- اسـتفاده غربی ها از عوامل . ابزارها و سـرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شـیوه های فریبنـده در سـطحی بسـیار گسترده .

۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان .

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از دانشگاهیان و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی .

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

مسأله غرب گرایی , پدیده ای است که سابقه ای طولانی نه تنها در کشور ما, بلکه در سطحی بسیار گسترده تر در همه کشورهای جهان سوم وجود دارد. برخی از علل این پدیده عبارت است از:

۱ - مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است .

۲ - به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی , اخلاقی , علمی و مادی خود.

۳ - افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد.

انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام و مستضعفین طنین افکن شد و توانست برای بسیاری از جوانان

, روشنفکران , نویسندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد. لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیز همواره در کمین نشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و اندیشه ها تلاش مضاعفی در سطح جهان انجام می دهند. طبیعی است که در این میان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامند. در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت های موجود در جهت مبارزه اصولی و ریشه ای با پدیده غرب گرایی را کافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظار داشت که کامل ترین برنامه ها بتواند به طور کلی ریشه این گونه گرایش ها را خشکاند; زیرا انسان ها بر اساس امیال و خواست های متفاوت که دارند و نیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشد کرده اند و اندیشه های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است , گرایش های متفاوتی می یابند. بنابر این ضمن آنکه تا حد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابی کرد, ولی همواره پرونده این گونه گرایش ها باز است و حرکتهای موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن را محدود سازد, ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند.

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پاسخ

علت گرایش برخی جوانان به مکتب کمونیستی ناآگاهی و عدم اطلاع درباره مکتب درخشان اسلام و تعلیمات حیات بخش و زندگی آفرین آن می باشد.

مکتب کمونیسم براساس انکار خدا و حقایق متافیزیکی و ماوراء طبیعت بنیان نهاده شده است و کسی که اعتقاداتش براساس دلیهای محکم استوار شده و به مبدأ و معاد عقیده دارد و خدای دانا و توانا را حکیم دانسته و قوانین الهی را از علم غیر محدود و گسترده الهی می داند هیچگاه به طالب بی اساس کمونیسم گرایش پیدا نمی کند.

و اگر گفته شود این مکتب خیلی بهتر و عالی تر از اسلام در چین اجرا می شود صحیح نیست زیرا اوّلاً ـ کمونیسم تاکنون در جهان اجرا نشده است و قابل اجرا هم نیست ثانیاً چنانکه یاد آوری شد در کمونیسم کمالات روحی و معنوی انسان بطور کلی نادیده گرفته شده است در حالی که بعد روحی و کمالات مربوط به آن بسیار عالی تر و ارزشمندتر از دیگر ابعاد وجود انسانی است ثالثاً دورانهای پر شکوهی بر اسلام گذشته در عین حال که کوتاه و محدود بوده اما گواهی راستین و شاهد عینی بر صلاحیت تعالیم آسمانی اسلام برای پیاده شدن در جوامع انسانی است.

برای آگاهی قسمتی از نقاط ضعف کمونیسم می توانید به کتاب فیلسوف نماها نوشته آقای مکارم و کتاب درسهایی درباره مارکسیسم نوشته جلال الدین فارسی و کتاب علمی بودن مارکسیسم نوشته آقای مهدی سحاب مراجعه فرمایید.

در ضـمن این مکتب به قول امـام خمینی (ره) به موزه هـای تاریخی سپرده شـد و اکنون موردی نـدارد. مگر برخی از عقایـد و نظریات آنان که در بعضی از مکاتب

اکنون غربی یافته می شود. و راز گرایش شاید در چند مورد خلاصه شود.

۱. ناآگاهی از تأمین نیازهای انسان در مکتب مترقی اسلام .

۲. موقعیت تاریخی کشور و تبلیغات جذاب مارکسیست ها.

« بخش پاسخ به سؤالات »

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پرسش

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پاسخ

امکانات تبلیغی اگر تمام همّت خویش را به کار گیرند باز این انحراف به چند دلیل خواهد بود.

۱. آزادی انسان.

۲. مطابقت این برنامه ها با تمایلات آدمی به ویژه در سنین جوانی.

۳. ضعف عملکرد در گسترش فرهنگ ازدواج.

۴. تهاجم فرهنگی غرب.

در قرآن می خوانیم «یرید الانسان لیفجر امامه یسئل ایان یوم القیامه» انسان می خواهد که گناهکاری پیشه کند و به همین خاطر، مبانی دینی را هم مورد تردید قرار می دهد. در نظام اسلامی انسان مجبور به اطاعت نمی شود. بلکه باید خوبی را انتخاب کند.

با همه این احوال، باید معترف به برخورد ضعیف و عدم برنامه ریزی صحیح در این باره اعتراف نمود به ویژه آنکه گاهی دشمنان مقاصد خویش را از راه به ظاهر دوستان اجرا می کنند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

علت انحراف جوانان چیست؟

پرسش

علت انحراف جوانان چیست؟

پاسخ

هـدایت و تربیت نسـل جـوان به لحـاظ اهمیـتی که دارد امروزه بیش از گذشـته مـورد تـوجه اندیشـمندان و دل سـوزان جوامع مختلف قرار گرفته است. جوان دارای خصوصـیات عاطفی، اجتماعی و جسـمانی است. حساسیت، تنوع خصـلت های رفتاری، هیجان های درونی، علاقه شدیـد به دوستی با همسالان، عـدم کنترل رفتار، ذات، الگو پـذیری و تقلیـد، افتخار، به شخصـیت و تشـخیص طلـبی و میـل به آزادی، شـمه ای از ویژ گیهـای اوست. امـام صـادق(ع) در مـورد یکی از ویژ گی هـای جوانـان یعنی الگوپـذیری و تقلیـد سـریع از دیگران هشـدار داده و فرمود: جوانـان و نوجوانـان خود را با احادیث ما آشـنا کنیـد قبل از اینکه گروه های منحرف بر شما پیشی گرفته و آنان را جذب کنند/

و همچنین آن حضـرت به روحیه پذیرش سـریع سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه کرده و به ابوجعفر؛ مومن طاق می فرماید: «علیك بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر»;{۱} بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی ها را می پذیرند.

با توجه به اینکه جوانان روحیات مخصوص به خود را دارند و باید برای بهره گیری از این گنجینه های سـرشار جامعه، سرمایه گذاری های شایسته ای انجام گیرد به برخی از علل و عوامل انحراف جوانان اشاره می کنیم:{۲}

کمبود محبت و فقر عاطفی

اگر جوانـان این قشـر فعال جامعه مورد کم لطفی و بی احترامی قرار بگیرنـد و با این قلب های پاك و زلال رفتاری حکیمانه و کریمـانه صورت نگیرد، آنـان بتدریـج مورد محبت افراد منحرفی و گروه هـای فریبنـده قرار خواهنـد گرفت و هویت آنـان در معرض جـدی ترین آسـیب هـای اجتماعی خواهـد بود. همچنانکه امروزه در جوامع صـنعتی فقر غالب فقر اقتصادی و فرهنگی نیست بلکه فقر غالب

فقر عاطفی است.

مهمترین علت انحراف جوانـان و نوجوانـان امروزی در خـانواده هـا کمبود عشق، عاطفه و محبت است. انسان همان طور که به آب و غذا نیاز دارد به «محبت» هم نیازمند است و حتی نیازهای عاطفی و معنوی او به مراتب بیشتر از نیازهای جسمانی است.

عمده ترین دلیل ناسازگاری در خانواده ها و علت بسـیاری از انحرافات و ناهنجاری های جوانان تندخویی ها، خشونت ها، لج بـازی هـا، زورگویی ها، بـدبینی ها، اعتیادها، افسـردگی ها، گوشه گیری ها، ناامیـدی ها، ناسازگاری ها، طلاق و فرار از خانه ومـدرسه و غیره - ریشه در کمبود محبت دارد. مطـالعه سـیره تربیتی رسول گرامی اسـلام ما را با این حقیقت آشـنا می کنـد و متوجه می شویم که آن رهبر آسمانی چگونه با محبت قلبها را صید کرده و جوانان را جذب نموده و از انحرافات نجات داد. و خداونـد متعـال هم به این راز توفیـق رسـول الله(ص) اشـاره کرده و می فرمایـد: به برکت رحمت الهی در برابر آن مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند.{۳}

نداشتن روحیه اعتماد به نفس

بخشـی از انحرافـات و مشـکلات نسل جوان ریشه در نداشـتن روحیه اعتماد به نفس و عـدم خود باوری دارد. ترس از ورود به اجتماعـات و اظهـار انـدیشه ها، عـدم پـذیرش مسـئولیت ها بسیاری از ناکامی ها و عـدم موفقیت ها از جمله عوارض احساس حقارت و نداشتن عزت نفس است. بنابراین برای تقویت شخصیت جوان و به وجود آمدن بسترهای مناسب برای ایجاد خصلت های نیکو و صـفات سـتوده در وجود آنان باید از راههای مختلفی اقدام نمود. احترام به افکار جوانان، تقویت ارتباط صمیمانه، سلام کردن با لحن دلنشین، هدیه دادن مشورت کردن و عادت دادن جوانان

بر اتکال به خداوند متعال در مشکلات، برخی از شیوه های تقویت عزت نفس و خود باوری در نسل جوان می باشد خداوند متعال در برخی آیات قرآن به این شیوه ها اشاره کرده و به پیامبر بزرگوار خویش می فرماید: «پس آنها را ببخش و برای آنان طلب آمرزش کن و در کارها با آنان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.{۴}

نداشتن رابطه کلامی با والدین و مربیان

عموم جوانان ونوجوانان به ارتباط کلامی بسیار حساس هستند. لحن و صوت والدین مربیان ومبلغان در ارتباط کلامی باید دارای بار عاطفی مثبتی باشد در غیر این صورت آنان از متولیان تربیتی جامعه جدا شده و به دامن افراد منحرف پناه خواهند برد/

مشکل ازدواج

هر جوانی فطرتاً نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. بقای نسل، رسیدن به آرامش و سکون، تکمیل و تکامل، تأمین نیاز جنسی، سلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روحی و روانی بخشی از دستآوردهای امر مقدس ازدواج بر جوانان است. وجود مشکلات وموانع متعدد بر سر راه ازدواج جوانان اسباب انحراف آنان را فراهم خواهد ساخت.

مسأله اشتغال

بیکاری نه تنها موجب از میان رفتن استعدادهای درونی یک جوان می شود و او را به فردی تن پرور و بی خاصیت تبدیل می کند، بلکه به عنوان یک معضل اجتماعی، یک جوان مسلمان را دچار انواع مفاسد اخلاقی و اجتماعی می نماید و یک نیروی انسانی را که باید به عنوان سرباز جامعه باشد سربار اجتماع نموده و گرفتار انواع انحرافات می نماید.

تهاجم فرهنگی عوامل بیگانه

استکبار جهانی برای مقابله

با رشـد روزافزون اسـلام خواهی و شـناخت هویت حقیقی جوانان کشور با سامانـدهی تهاجم فرهنگی در اشـکال گوناگون از جمله شبهه افکنی، ترویج بی بندوباری و... در انحراف جوانان عزیز کشور تلاش می کند.

[۱].لتهذیب، ج ۸، ص ۱۱۱/

[۲].الکافی، ج ۸، ص ۹۳/

[۳].سوره آل عمران، آیه ۱۵۹/

[۴].مان /

علت انحراف جوانان ما چیست؟

پرسش

علت انحراف جوانان ما چیست؟

پاسخ

این پرسش دامنه ای وسیع از علتها و عوامل عمومی و همه گیر و نیز عواملی خصوصی و فردی را در بر می گیرد و پرداختن به آن مجـالی گسترده و همه جـانبه در تمـامی ابعـاد جـامعه شـناختی، روانشناسـی و جغرافیای فرهنگی - مـذهبی محتاج است اما برخی از عوامـل عمـومی آن کـه به گـونه ای ملمـوس تر و فراگیرتر از سـایر عوامـل بـاعث این انحرافـات در برخی از جوانـان گردیده را می توان به این شرح بیان داشت.

۱- توهم آزادی در اسلام

بسیاری از جوانان همواره با این پرسـش روبرو هسـتند که چرا پاره ای از اعمال در کشورهای غرب جایز بوده اما اسـلام انجام آنها را ممنوع و حرام نموده است؟ این پرسـش به واسـطه غلیان احساسات و عواطف دوران جوانی به طور معمول در نوجوانان و جوانان بروز می نمایـد اما برخی سـعی کرده اند که این موضوع را نوعی تقیه و پایبندی زاید و عدم آزادی جلوه دهند و آن را به عنوان شاهـدی بر مخـالفت اسـلام بـا آزادی قلمـداد نموده و بـاعث دوری نسل جوان از مـذهب و انحراف آنان گردنـد. بـدیهی است که چنین نگرشـی ناشـی از نوعی سـطحی نگری و یا غرض ورزی است ولی متأسـفانه عدم تبیین فلسـفه برخی از حـدود و؟؟؟؟ مورد سـفارش شارع مقدس و نیز تبلیغات گسترده رسانه های غرب و جاذبه کاذب برخی از آزادیهای نامشـروع به تلقی نادرست عدم آزادی و به تبع آن انحراف برخی از جوانان انجامیده است.

۲- توهم بی فایده و زاید بودن دینی و عقاید دینی در زندگی انسان

به طور معمول جوانان خود را نسل جدید و صاحب تفکرات و عقاید نو

می داننـد و سـعی می کنند از نسل گذشـته که در دید آنان صاحبان تفکر کهنه هسـتند فاصـله بگیرند اگر چه هدایت و جهت بخش به این تمایل نسل نو می تواند به بالندگی، شـکوفایی و خلق اسـتعدادهای بینجامد ولی متأسفانه نبود ساز و کار و سیستم پرورش کـافی در آموزش این نسل باعث شـده آنان هر چیز را که متعلق به نسل گذشـته باشـد کهنه از کار افتاده و زایـد باقی نماینـد و بـدیهی است عقایـد دینی و مـذهبی نیز در دید برخی از جوانان شامل همین برداشت گردیده و زاید و بی فایده تلقی گردیـده است و همین امر باعث شـده گروهی عقایـد دینی و مـذهب را در زندگی انسان بی فایده تلقی گردیده است و همین امر باعث شـده گروهی عقایـد دینی ومـذهب را در زنـدگی انسان بی فایـده و زایـد بینگارند. از سوی دیگر روند مدر نیفتد و نوگرایی در غرب که شـکل سازمـان یـافته این نوگرایی است و اطلاـع ناکـافی گروهی از جوانان از آن بر این تمایل افزوده و باعث انحراف گروهی از جوانان گردیده است و می توان آن را به عنوان یکی از عوامل انحراف نسل نو به شمار آورد.

۳- عدم تبیین صحیح و دقیق معتقدات مذهبی

یکی دیگر از عوامل انحراف نسل جوان ناآگاهی و عـدم اطلاع درست آن از مـذهب و معتقـدات مذهبی است و بدون تردید جوانانی که یا نتوانسـته اند؛ مبانی و عقاید مذهبی آشـنا شوند و یا نخواسـته اند چنین شـناختی به دست آورند در معرض خطر انحراف و لغزش قرار گرفته و به راحتی جذب تبلیغات منحرف مروجان انحراف قرار گرفته اند.

البته پر واضح است که این عدم آشنایی

کافی ویژه جوانان نبوده بلکه بسیاری از نخبگان و خواص نیز هنوز تصویر صحیحی از جهان بینی الهی باورهای دینی و عقاید مذهبی ندارند و این امر وظیفه خطیری را متوجه مبلغان و روحانیان نموده و نیاز به نهضتی عمومی برای ایجاد آگاهی کافی از مذهب و معتقدات دینی دارد.

نکته دیگری که در این خصوص باید به آن توجه نمود تحریف و وارونه جلوه دادن باورهای دینی و معارف مذهبی است چنان که القای تصویر نابهنجار و خرافه آلود از مذهب از سوی گروهی و نیز تبلیغ وسیع دشمنان مذهب در مخدوش جلوه دادن چهره مذهب باعث آگاهی ناصحیح از مذهب گردیده است که در نهایت به روند انحراف انجامیده شهید مطهری درباره ارایه تصویر نادرست از مذهب توسط گروهی از مبلغان می گوید: «یکی دیگر از موجبات اعراض و روگرداندن از دین، جنگ و ستیزی است که برخی از داعیان و مبلغان دینی بی خرد میان دین و سایر غرایز دیگر معرفی کننده آن را منافی و دشمن سایر فطریات بشر معرفی می کنند... یکی از مختصات دین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته و هیچ کدام را از قلم نینداخته و به هیچ کدام سهم بیشتری از حق طبیعی آنها نداده است... بعضی از مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین به نام دین با همه چیز به جنگ برمی خیزند و شمارشان این است: اگر می خواهی دین داشته باشی پشت پا بزن به همه چیز ، گرد مال و ثروت نگرد، ترک حیثیت و مقام کن، زن وفرزند را رها کن و...» {۱}

۴- شبهه تعارض مفاهیم مذهبی با علوم تجربی و

پیشرفتهای علمی

عـده ای گمان کرده اند که دین اسـلام نیز همانند مسـیحیت قرون وسـطایی با علوم تجربی و پیشـرفتهای علمی مخالف است و این شبهه ای باعث روی گردانی گروهی و از جمله جوانان شده و باعث انحراف آنان گردیده است و حال آن که گزارش در آیـات و روایـات اسـلامی نشـان می دهـد که اسـلام نه تنها با علوم تجربی و پیشـرفتهای آن مخالف نیست بلکه در بسـیاری از آیات به اسـرار و رموز آن اشاره شد و تنها تلقی نادرست گروهی از افراد از آیات و روایات به این شبهه دامن زده است. قرآن کریم درباره خلقت آسـمان و زمین و این که آسـمانها در آغاز به صورت توده گازی به هم پیوسـته بوده و پس با قدرت الهی از هم جـدا شده و نیز گردش هر یک از کرات در مداری معین و با رعایت فواصـلی که با یکدیگر تصادم نکنند و این که نور خورشـید از خود اوست و نور ماه از خورشـید و این که نور خورشـید از انوار متعـددی ترکیب شده و همه مطالب علمی دیگر سخن گفتن {۲} و می توان گفت این عامـل تنهـا توهم و شـبهه ای بوده که در جـامعه القـا شـده و می توان بـا معرفی صـحیح اسلام آن را از جمله عوامل انحراف نسل جوان حذف کرد.

۷- ضعف عملکرد مسؤولان و متصدیان جامعه

ضعف عملکرد مسؤولاـن و متصـدیان جـامعه در تمـامی ابعاد آن در انحراف نسل جوان نقش بسـزایی داشـته است. چه بسـیار جوانانی که به دلیل تنـد خویهای والـدین خود مـذهب و عقاید مذهبی را مجموعه قوانین خشک و خشن انگاشـته و از مذهب رویگردان شده اند و کم نبوده اند جوانانی که

به خاطر آموزش ناکافی متصدیان آموزش - تربیتی خودنتوانسته اند باوری صحیح از مذهب به دست آمدند و از این رو از عقاید مذهبی رویگردان شده اند و متأسفانه بر این مجموعه باید عملکرد نادرست برخی از مروجان مذهبی و نیز متصدیان اجرایی جامعه را افزود که با اعمال ناصحیح خود تصویری نادرست از مذهب ارایه نموده و باعث بی میلی جوانان به مذهب و در بسیاری از موارد انحراف آنها شده اند.

آنچه گفته شد مجموعه ای از عوامل عمومی رویگردانی جوانان از مذهب و به تبع آن انحراف گروهی از آنان است که با اندکی تأمل، علاج پذیری این عوامل مشهود است. البته پر واضح است که پرداختن به مبحث انحراف جوانان مستلزم پژوهش همه جانبه در تمامی ابعاد اجتماعی فردی، روانی، فرهنگی، فکری و مذهبی می باشد و نیاز به کاوش ژرف تر و گسترده تر دارد.

[۱]. امدادهای غیبی، ص ۴۵ - ۴۷.

[۲]. برای اطلاع بیشتر ر.ک: تاریخ و علوم قرآن، علی حجت کرمانی.

چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟

پرسش

چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت، به بنیادهای فرهنگی آن ملت هجوم ببرد. در این هجوم، باورهای تازه ای را به زور و به قصد جایگزین با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند. تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صداست و دو شاخه مهم دارد: یکی جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و دیگری حمله به جمهوری اسلامی و ارزشهای ملت ایران.{۱}

تهاجم فرهنگی علیه ملت ما، مشخصا از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود؛ اما بزرگ ترین قدم را به نفع سلطه غرب و استعمار انگلیس بر ایران برداشت. آنها نخست لباس ملی این ملت را ممنوع کردند و گفتند بااین لباس نمی شود عالم شد. سپس چادر را از سر زنها برداشتند و چنین القا کردند که با چادر ممکن نیست زنی عالم و دانشمند شود ودر فعالیت اجتماعی شرکت کند. او بسیاری از سنت های مردم را تغییر داد، دین را ممنوع کرد وکارهایی را با قلدری انجام داد و بدین ترتیب برای سلطه گران غربی به چهره ای محبوب تبدیل شد.{۲}

آنچه همواره آتش کینه مستکبران را نسبت به کشورهای اسلامی شعله ور ساخته، باورها و اعتقادات دینی است که تا ژرفای

وجود مسلمانان ریشه دوانده و برای منافع متکبران خطرساز است. توجه به این باور، فزون خواهان را بر آن داشت تا درصدد برآیند تلاش وسیعی برای محو هویت و نفی فرهنگ دینی در جوامع اسلامی شروع کنند. اهداف و علل تهاجم

آنان به ایران عبارت است از:

۱. بیگانه نمودن کشورهای اسلامی با فرهنگی خودی. در مسائل اعتقادی و فرهنگی این گونه است که تا اندیشه و باوری از ذهن و قلب انسان زدوده نگردد، نفوذ اندیشه ای معارض با آن امکان پذیر نیست. بر این اساس استکبار در نخستین گام های یورش فرهنگی خود، در صدد زدودن فرهنگ بومی و باورهای دینی کشورهای اسلامی برآمد.

۲. تضعیف اسلام ازتبلیغات مهم مستکبران تبلیغات وسیعی است که می خواهد مردم را از اسلام ونظام اسلامی مأیوس کند.

۳. تضعیف حکومت اسلامی ایران که تمام آرزوهای مستکبران را برباد داد و بر نقشه های آنان خط بطلان کشید و انقلاب اسلامی را کانون توجه جهانیان قرار داد.

۴. جداسازی حوزه از دانشگاه با توجه به اهمیت این دو مرکز، استکبار سعی دارد با نفوذ در آنها، زمینه های انحراف فکری و دینی نیروهای موجود را فراهم کند و به خاطر گستردگی دانشگاهها در سراسر کشور، نفوذ خود در آنجا را آسان تر می بیند و در آن جا سرمایه گذاری بیش تر می کند.

۵. معرفی الگوهای ضد اخلاقی آنان می خواهند بدین وسیله اندیشه واستعداد جوانان را در مسیری پوچ و بیهوده قرار دهند.

۶. جلوگیری از خیزش اسلامی ملل مسلمان.

۷. جلوگیری از احیا واعتلای اسلام از انقلابی در ایران.

۸. جمهوری اسلامی ایران، ام القرا و کانون یک حرکت جهانی اسلام است و این برای مستکبران خطرساز است.

۹. ضدیت انقلاب اسلامی با نظام سلطه های حاکم بر جهان که این منافی اهداف دشمنان است.

۱۰. کنترل نظام آموزشی دانش آموزان امروز، کارگزاران فردای جامعه به شمار می آیند و غربی ها با توجه به این امر، نفوذ در نظام آموزشی و دگرگونی ساختار آن را در جهت اهداف استکبار، از دیربار مورد

توجه قرار داده اند.

۱۱. استیلای سیاسی: استیلای همه جانبه بر ملل ضعیف و محروم، و در اختیار گرفتن منابع آنان، از اهداف پلید و غیر انسانی آنها است؛ بر همین اساس همواره سلطه سیاسی به عنوان کارآمدترین وسیله مورد توجه و استفاده آنها بوده است.

۱۲. سلطه اقتصادی سلطه اقتصادی را می توان مهم ترین هدف یورش فرهنگی غرب به شمار آورد.

۱۳. دگرگونی ارزش ها.

۱۴. سست کردن بنیادهای اخلاقی و باورهای دینی.

۱۵. تجربه و تاریخ ثابت نموده است که تهاجم فرهنگی کارآمدترین طریق مبارزه است و در جاهایی که هیچ حربه دیگری کارسازترین، تهاجم فرهنگی کارساز است و چون در به کارگیری سایر شیوه ها شکست خورده، اینك با تهاجم فرهنگی به میدان آمده است.

[۱].فرهنگ و تهاجم فرهنگی (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری)، ص ۳۷.

[۲].همان، ص ۱۰۲.

چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟

پرسش

چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟

پاسخ

هجوم غرب به ویژه آمریکا به کشورهای جهان سوم اختصاص به تهاجم فرهنگی ندارد، بلکه برای رسیدن به اهداف - خود که تسلط سیاسی، اقتصادی و ... نیز تأخیر منافع همه جانبه است - از اهرم فشار و سیاست های همسو با شرایط زمان می گیرند؛ از این رو نیز جهت تحقیق اهداف خود گاهی از حمله نظامی و گاهی از تحریم اقتصادی و ... استفاده می کنند.

یکی از راهکارهای بسیار کار آمد که غرب از آن بهره می گیرد، تهاجم فرهنگی و

یا به تعبیر مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی است. مقام معظم رهبری فرمود: "تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صدا است".

هدف اساسی غرب از این تهاجم، تهی کردن جامعه از معیارها و هنجارهای پذیرفته شده آن و عدم تعلق خاطر نسبت به جامعه خود است تـا اسـتحاله فرهنگی صورت گیرد و کسـانی که در جهان سوم حقنـد، شـیفته فرهنگ و جامعه غربی گردنـد. با این هـدف نتایـج بسـیاری برای جهـان غرب بـه دسـت می آیـد: اوّلاً ـ اگر جزء متفکران و دانشـمندان باشـد، خـود را در خـدمت کشورهـای غربی قرار دهـد تـا از خـدمات آن بهره منـد شود. ثانیـاً بازار پرسودی برای کالای مصـرفی صـنایع و کارخانه های بزرگ جهان غرب ایجاد می شود. ثالثاً تسلط فرهنگی، تسلط سیاسی و اقتصادی را به دنبال دارد و از این طریق ضمن به دست گرفتن بازار کشورهای جهان سوم، از منابع آن ها به نفع خود استفاده کامل می برند. کاری که در گذشته با حمله نظامی

انجام می دادند امروزه با تهاجم فرهنگی انجام می دهند. حتی تهاجم فرهنگی و تبلیغات می تواند زمینه تسلط نظامی را هم در صورتی که لازم ببینند فراهم آورد.

اگر غرب در برخی اوقات حمله نظامی نمایند، مردم با غرب درگیر شده و به دفاع از کشور خود می پردازند، زیرا حمله مستقیم، دشمنی آشکار غرب را به نمایش می گذارد؛ از این رو غرب از آن پرهیز می کنند، ولی تهاجم فرهنگی توطئه پنهانی است که پیامدای منفی آشکار حمله نظامی را ندارد.

غرب برای تهاجم فرهنگی نخست به گسترش و تقویت فرهنگ خود و این که سنت ها و فرهنگ غرب بهترین و کارآمد ترین فرهنگ است می پردازد تا زمینه های پذیرش فرهنگ غرب را برای همه مردم به ویژه جوانان فراهم کنند. از سوی دیگر غرب سعی می کند باورهای دینی و ارزش های جهان سوم را تضعیف و نوعی خلاء فرهنگی به وجود آورد.

مقام معظم رهبری فرمود: "تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد و هم بی اعتقاد کردن به دین، هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی و هم بی اعتقاد کردن به آن تفکر فعالی که امروز استکبار و قلمرو قدرت های استکباری را به خطر و وحشت انداخته است".

تقویت فرهنگ غرب از یک سو و تضعیف و خلاء فرهنگی جهان سوم از جانب دیگر، زمینه تهاجم فرهنگی و پذیرش آن را فراهم می کنند.

هدف غرب از تهاجم فرهنگی، سلطه بر دیگر کشورهای است. نه تنها تهاجم به کشورهای جهان سوم، حتی خود کشورهای پیشرفته نسبت به هم تهاجم فرهنگی دارند و این ریشه

در سلطه گری دارد. در قرن های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ با تهاجم نظامی استعمار در پی سلطه بودند. در قرن بیستم با مصیبت های دو جنگ جهانی اوّل و دوم احساس شد که از طریق حمله نظامی مشکلاتی وجود دارد. زین پس در پی استعمار نو برآمدند، و امروزه با تهاجم فرهنگی و جهانی سازی در پی آقایی و سیادت خویش بر جهان می باشند.

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ – آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ – به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟

۳ – راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و

علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی

ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱)

می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی

و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعـالیت چشـمگیر عناصـر وابسـته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمـد و فاقـد مدیریت و نداشـتن روح تعاون و دلسوزی اسـلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...،

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عـدم اجرای ارزش هـای اسـلامی و دینی در جامعه ماننـد عـدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویـج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معیّن ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی (که در حقیقت پیروزی

اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اوّل و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شبیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مستقیم یا با واسطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از

شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ - سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ - راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن،

۳ - القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ - القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ - القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ - به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ - بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومش این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن

است در برخی از آنـان که از اوّل مایه دینی و هویت فرهنگی ضـعیفی داشـته انـد چنین باشـد، اما بحمـداله وضـعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأییـد می کنـد. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شـب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صـحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشـگاهی و غیر آن هسـتند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیـل نگرش هـا و گرایش هـای دینی جوانـان که از نتایـج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخـذ شـده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۴) ۸۰ درصد دانشـجویان نقش خداوند را در زندگی بسـیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصـد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

۵) ۴۳ درصد دانشـجویان خود را مسـلمان عادی دانسـته اند. ۲۸ درصـد نواندیش، ۱۶ درصـد انقلابی و ۵/۲ درصـد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی)

) ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند.

۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند .

۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.)

۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی

تقلیل پیدا کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ – ۱۰.

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ – آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ – به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟

۳ – راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه

قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی

ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱)

می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی

و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...،

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معیّن ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی (که در حقیقت پیروزی

اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اوّل و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شبیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مستقیم یا با واسطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از

شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ - سیاست به کار گیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ - راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن،

۳ - القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ - القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ - القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ - به کار گیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ - بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومش این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن

است در برخی از آنـان که از اوّل مایه دینی و هویت فرهنگی ضـعیفی داشـته انـد چنین باشـد، اما بحمـداله وضـعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأییـد می کنـد. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شـب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صـحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشـگاهی و غیر آن هسـتند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیـل نگرش هـا و گرایش هـای دینی جوانـان که از نتایـج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخـذ شـده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۴) ۸۰ درصد دانشـجویان نقش خداوند را در زندگی بسـیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصـد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

۵) ۴۳ درصد دانشـجویان خود را مسـلمان عادی دانسـته اند. ۲۸ درصـد نواندیش، ۱۶ درصـد انقلابی و ۵/۲ درصـد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی)

) ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند.

۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند .

۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.)

۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی

تقلیل پیدا کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ – ۱۰.

دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله باآن چه کار بایدکرد؟

پرسش

دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله باآن چه کار بایدکرد؟

پاسخ

عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود : الف) عوامل درونی : منظور از عوامل درونی ، مجموعه مولفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته وناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی حاکم برآن است . مهم ترین آنها عبارت است از : ۱ .از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی ، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال وهواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را .قرآن می فرماید : ((انا هدیناه السبیل اما شاکرا" و اما کفورا)) ، (انسان ، آیه ۳) . بر این اساس در جامعه ای مانندجامعه اسلامی ما – که بسیاری از احکام ، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست – بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصرروان شناختی باز می گردد .به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی درجامعه ، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و ...می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی ، خودنمایی درمقابل بیگانگان و ...نمود پیدا می کند .یکی از راه های

اصلاح جامعه از این معضل ،مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه ، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطحجامعه می باشد .قرآن کریم می فرماید : ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا مابانفسهم... ؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه رادر خودشان است تغییر دهند)) ، (رعد، آیه ۱۱) . ۲ .ریشه های تاریخی این مساله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی ، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند وبی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد .روند گسترش این معضل ، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس ، تا حدزیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی ، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظنمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل ازانقلاب و دفاع مقدس ، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد .۳ .کوتاهی و بی توجهی برخی از مسوولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن ، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است . گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی ، جنگ تحمیلی ، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی ، سیاسی و ...باعث شد که بیشترین

وقت و انرژی مسوولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسایل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها واحکام اسلامی مبذول نگردد .۴ .بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و ...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشداقتصادی ، صنعت و ...انجام گرفت ، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه ، به سوی هنجارهای مادی ، مدرک گرایی ، تجمل پرستی و ... گردید .۵ .عملکرد منفی ونامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز وبدون نظارت جامعه ، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی وارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسیولین فرهنگی داده ، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید .۶ .برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و ...باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید .۷ .اجرا نشدن فریضه مهم

امر به معروف و نهی از منکر یانظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام منـد از طرف احاد جامعه ، که درروایات متعدد ضـامن حفـظ و سـلامت جـامعه از فسـاد، نـا امنی و ...شـمرده شـده است . ب) عوامـل بیرونی : مهمترین عامـل بیرونی تهاجم فرهنگی گسـترده و همه جـانبه غرب به ارزش هـای اسـلامی و ملی مـا، برای بی هویت نمودن نسـل جوان ،تضـعیف باورهـای عقیدتی در مردم و در نهایت شـکست نظام اسلامی در ایران بااستفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی - اعم از نرم افزاری و سخت افزاری ،عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و ...در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمـدن غرب . مجموعه عوامل فوق سـبب گردیـده که متاسـفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسـلامی ، معضل بد حجابی درجامعه اسـلامی ما وجود داشـته باشـد .اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشـد : ۱ .راهکارهـای فیزیکی و برخورد ازموضع قـدرت بـا متخلفین البته این برخورد بایـد حساب شـده و هنجارمند باشد .۲.کار بنیادی فرهنگی . مسلما" برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی ، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است . زیرا اگر ما در مسـیله لباس و پوشـش اسلامی صرفا" بخواهیم از طریق زور وارد شویم ، استدلال و منطق نداشـته باشـیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشـش اسـلامی ، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد

و فلسفه حجاب و ...را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و ...به زیباترین و بهترین صورت ، ارایه دلیل و برهان ، ثابت کنیم ، متاسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم . عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است . بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط ومراتبی که در شرع مقدس معین گردیده ، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهترمی توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند .برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- حداد عادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲ .فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد۳ .علی ذوعلم ، انقلاب و ارزشها ۴ .شهید مطهری ، مساله حجاب . ;

عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟

پرسش

عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟

پاسخ

عوامل بد حجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود : الف) عوامل درونی : منظور از عوامل درونی ، مجموعه مولفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه وسیستم سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است . مهم ترین آنها عبارت است از : ۱ .از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی ، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را .قرآن می فرماید : ((انا هدیناه السبیل اما شاکرا" و اما کفورا)) ، (انسان ، آیه ۳) . بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما - که بسیاری از احکام ، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست - بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد .به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه ، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و ...می باشد و در مظاهری ازقبیل تجمل گرایی ، خودنمایی در مقابل بیگانگان و ...نمود پیدا می کند .یکی از راه های اصلاح جامعه از

این معضل ، مقابله با عوامل روان شناختی آن وتقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه ، عزم و اراده آنان دراجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد.قرآن کریم می فرماید : ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم... ؛خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را درخودشان است تغییر دهند)) ، (رعد، آیه ۱۱) . ۲ .ریشه های تاریخی این مساله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعدبرهنگی ، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی ازجامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد .روند گسترش این معضل ، هر چند با وقوعانقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس ، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی ، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود وبعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل ازانقلاب و دفاع مقدس ، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد .۳.کوتاهی وبی توجهی برخی از مسوولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن ، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی ،جنگ تحمیلی ، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی ، سیاسی و ...باعث شد که بیشترین وقت و انرژی

مسوولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسایل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد .۴ .بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و ...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشداقتصادی ، صنعت و ...انجام گرفت ، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه ، به سوی هنجارهای مادی ، مدرك گرایی ، تجمل پرستی و ... گردید .۵.عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد وعناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه ، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسیولین فرهنگی داده ،نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجربه استعفای وزیر ارشاد گردید .۶ .برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و ...باعث بوجود آمدن تنفر وانزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید .۷ .اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و

نهی از منکر یـا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام منـد ازطرف احاد جامعه ، که در روایات متعـدد ضامن حفظ و سلامـت جـامعه ازفسـاد، نا امنی و ...شـمرده شـده است . ب) عوامل بیرونی : مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جـانبه غرب به ارزش های اسـلامی وملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان ، تضـعیف باورهای عقیـدتی درمردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی – اعم از نرم افزاری و سخت افزاری ، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و ...در جهت حاکم نمودن فرهنگ وارزش ها و مظاهر تمدن غرب . مجموعه عوامل فوق سـبب گردیده که متاسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی ، معضل بدحجابی در جامعه اسلامی مـا وجـود داشــته باشـد .امـا در مـورد راه هـای برخـوردو مقـابله بـا ایـن پدیـده زشـت دو راهکـار قابـل پیش بینی می باشـد : ۱.راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخوردباید حساب شده و هنجارمند باشد .۲ .کار بنیادی فرهنگی . مسـلما" برخوردبا این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی ، بسیار دشوارو تا حدی ناممکن است . زیرا اگر ما در مسیله لباس و پوشش اسلامی صرفا"بخواهیم از طریق زور وارد شویم ، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقـانیت و لزوم پوشـش اسـلامی ، آثـار مثبت و فوایـد و برکـات اجرای این فریضه الهی در ابعـاد مختلف زنـدگی شخصـی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و ...را با کار فرهنگی

مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده ازدستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و ...به زیباترین وبهترین صورت ، ارایه دلیل و برهان ، ثابت کنیم ، متاسفانه باید منتظر رواج وگسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم . عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر است . بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرعمقدس معین گردیده ، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهتر می توانند درحل این معضل اجتماعی اقدام نمایند .برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- حدادعادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲ .فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد۳ .علی ذوعلم ، انقلاب و ارزشها ۴ .شهید مطهری ، مساله حجاب . ;

علّت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟

پرسش

علّت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟

پاسخ

گمراه شدن جوانان انگیزه های مختلفی دارد که می توان مهمترین آنها را چند عامل دانست:

۱. ناآشنایی جوانان به عقاید اسلامی و تعالیم زندگی آفرین اسلام که این خود معلول عواملی است.

۲. شیوع و گسترش عوامل انحراف و فساد در اجتماع که فکر و اندیشه جوانان را به خود جلب نموده و آنان را بی بندوبار و به سوی گناه سوق داده است و فرصت گرایش به مسایل اصیل زندگی و اندیشیدن درباره معتقدات صحیح و آیین راستین را از آنان سلب نموده است.

۳. گسترش اشکالات و ایرادات بسیار در مسایل مختلف دینی از ناحیه استعمار و دشمنان اسلام بدین لحاظ که وقتی جوانی با منطق اسلام آشنایی نداشت و با ایرادهایی روبرو شد و اساساً در این اندیشه نبود که تحقیق و پی جویی به عمل آورد تا پاسخ ایرادات مذکور را به دست آورد تسلیم آنها شده و به دین صحیح و آیین درست بدبین می شود. با توجّه به این عوامل روشن می شود که اگر بخواهیم جوانان را به اسلام دعوت کنیم لازم است با تبلیغات صحیح و درست اسلام راستین را به آنان معرّفی کنیم و با گوشزد کردن زیانهای سهمگین انحراف و بی بندوباری و لزوم گرایش به ایمان، شناخت صحیح را در آنان زنده کنیم و اشکالاتی که باعث تزلزل و نوسان فکری آنان می شود پاسخ گوییم.

۴. سبب دیگری که باید دردمندانه به آن پرداخت اینست که بدانیم نیاز به دین بزرگترین احتیاج انسان است و اگر کسی دربند نیازهای

فردی و ابتدائی خویش باشد

۵

شیطان و شیطان صفتان از این موضوع استفاده نموده و راه های فساد و گمراهی را نشان می دهند. بنابراین وقتی جوانی نیاز به ازدواج دارد و احساس جنسی او را آزار می دهد، باید در قدم اوّل او را یاری دهیم که با رفع این مشکل نیاز بزرگ خویش را بیابد و از خود صیانت کند. چرا که رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) فرمود: کسی که ازدواج کند نیم دین خود را مصون دانسته است. و مشکل ما این است که همه چیز را می خواهیم با موعظه حل کنیم این حس همکاری و همیاری نتایج درخشانی داشته و دارد ولی ما دینداران غالباً در این مسائل ضعیف عمل می کنیم. و حال آنکه اگر اقدام کنیم خدا هم یاری خواهد داد و همه تقصیر را به دوش دیگران نخواهیم گذاشت.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۶

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پاسخ

علت گرایش برخی جوانان به مکتب کمونیستی ناآگاهی و عدم اطلاع درباره مکتب درخشان اسلام و تعلیمات حیات بخش و زندگی آفرین آن می باشد.

مکتب کمونیسم براساس انکار خدا و حقایق متافیزیکی و ماوراء طبیعت بنیان نهاده شده است و کسی که اعتقاداتش براساس دلیهای محکم استوار شده و به مبدأ و معاد عقیده دارد و خدای دانا و توانا را حکیم دانسته و قوانین الهی را از علم غیر محدود و گسترده الهی می داند هیچگاه به طالب بی اساس کمونیسم گرایش پیدا نمی کند.

و اگر گفته شود این مکتب خیلی بهتر و عالی تر از اسلام در چین اجرا می شود صحیح نیست زیرا اوّلاً ـ کمونیسم تاکنون در جهان اجرا نشده است و قابل اجرا هم نیست ثانیاً چنانکه یاد آوری شد در کمونیسم کمالات روحی و معنوی انسان بطور کلی نادیده گرفته شده است در حالی که بعد روحی و کمالات مربوط به آن بسیار عالی تر و ارزشمندتر از دیگر ابعاد وجود انسانی است ثالثاً دورانهای پر شکوهی بر اسلام گذشته در عین حال که کوتاه و محدود بوده اما گواهی راستین و شاهد عینی

بر صلاحیت تعالیم آسمانی اسلام برای پیاده شدن در جوامع انسانی است.

برای آگاهی قسمتی از نقاط ضعف کمونیسم می توانید به کتاب فیلسوف نماها نوشته آقای مکارم و کتاب درسهایی درباره مارکسیسم نوشته جلال الدین فارسی و کتاب علمی بودن مارکسیسم نوشته آقای مهدی سحاب مراجعه فرمایید.

۲

در ضمن این مکتب به قول امام خمینی (ره) به موزه های تاریخی سپرده شد و اکنون موردی ندارد. مگر برخی

از عقاید و نظریات آنان که در بعضی از مکاتب اکنون غربی یافته می شود. و راز گرایش شاید در چند مورد خلاصه شود.

۱. ناآگاهی از تأمین نیازهای انسان در مکتب مترقی اسلام .

۲. موقعیت تاریخی کشور و تبلیغات جذاب مارکسیست ها.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیـدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاًتوضـیح داده و چگونگی پیـدایش آن و از چه کشوری وارد شده، راهکارها و اهداف این گروهها را توضیح دهید؟

پرسش

در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاًتوضیح داده و چگونگی پیدایش آن و از چه کشوری وارد شده، راهکارها و اهداف این گروهها را توضیح دهید؟

پاسخ

گروههـای مختلـف غربی امروزه در بین جوانـان مملکت مـا بعضـاً رسوخ کرده انـد، افکـار، علائـم و شـعارهای آنهـا از طریق مختلفی چون ماهواره، سی دی و فیلمها و مطبوعات به جوانان رسیده که به اختصار به بعضی از آنها اشاره می شود.

رپRAP: در مورد لفظ رپ به عنوان یک اصطلاح باید گفت: گروههایی از سیاه پوستان آمریکایی در آغاز دهه ۸۰ میلادی در اعـتراض به "نژاد پرسـتی" و بـا شـعار "صـلح و آزادی" به عصـیان علیه وضـع موجود، دست زدنـد. این افراد و گروههـای معترض که از سـاکنین فقیر محله "هـارلم" نیویورک بودنـد در پیروی از نسـبتهای قومی آفریقـایی اعتراضـات خود را با نوعی رقص و پای کوبی همراه نمودند.

به تدریج اینگونه رقصـها با ابداع نوعی از "موسیقی" تلفیق گردید و با تقویت و حمایت مالی سیاه پوستان متمکن، هنرمندانی از جامعه آمریکا به این گروههای معترض پیوستند.

در همان سالهای نخستین شـکل گیری "رپ" با دخالت قدرتمندان، هدفهای سیاسی و اجتماعی گروههای سیاه پوست، دست خوش نوعی تحریف گردیده و در نتیجه به ابزاری در دست سیاستمداران و صهیونیسم تبدیل شدند.

در طول مـدتی که رپ شـکل می گرفت، عناوین مختلفی از این نوع موسـیقی توسط موزیسـین ها به وجود آمد که با پیوسـتن

خوانندگانی معروف به این گروه "موسیقی رپ" طرفداران زیادی را به خود جلب و جذب نمود.

آن "رپ" نسبت به گروههای دیگر طرفداران بیشتری دارد و جوانان علاقمند به موسیقی آن گوش

می سپارند و بر اساس مدلهایی که به آنها القاء می شود لباس می پوشند و آرایشهای ظاهری رپ را بر می گزینند.

شلوارهایی که پاچه های گشاد آن بر روی زمین کشیده می شد، مانتوهایی با آستینهای بلند، موهای روغن زده و چسبیده بر سر، عینکهای دودی با قالب فلزی، خط ریش پایین تر از گوش پسران و روسری های کوچک و معمولاً سفید رنگ دختران، ویژگی ظاهری آنها است.

هوی متال: هوی متال به معنای فلز سنگین است و نوعی از موسیقی نسبتاً جدید آمریکایی اطلاق می شود که در آن اصوات مرتعشه از سازها، نزدیک به صدای برخورد فلزات است. در این موسیقی اوج و فرود (نواس) قطعات بسیار شدید بوده و ضرب آهنگها معمولاً ـ فوق العاده تند است. استفاده از آلات موسیقی الکترونیکی و سازهای "کوبه"ای چنان فضای تند موسیقیایی پدید می آورد که کمتر کسی قادر به گوش دادن آن است.

هوی متال در کنسرتهای خود (اخیراً) فریادهای دلخراشی را به موسیقی خود افرودند که از "گیتار برقی" که قابلیت ایجاد صداهای ناهنجار را دارد بیش از سایر سازها استفاده می نمایند.

از بررسی موسیقیهای این آهنگها، تحلیل محتوای ترانه هایی که خوانندگان این گروهها می خوانند و نیز از شعارهای آنها چنین بر می آید که در آنها عصیانی کور نسبت به "حال" و میل "بازگشت به گذشته" فوق العاده قوی است. آنچنان که گاه از آن بوی "بدویت" به مشام می رسد.

تأکید و تعریفی که آنها از مفاهیمی همچون صلح، جنگ، عشق، حقیقت و آزادی دارند مؤید این نکته است.

برخی از گروه های زیر مجموعه هوی متال عبارتند از: گروه کیس، نیروانا، سپول ترا، گانزس روزیس و ...

چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف گرایی روز به روز و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی کند؟ چرا؟

پرسش

چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف گرایی روز به روز

و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی کند؟ چرا؟

پاسخ

به میزانی که کشورهای اسلامی و همچنین ایران اسلامی، به فرهنگ غرب نزدیک می شوند آثار آن را نیز می پذیرند. اقتصاد مرکانتیلسمی غرب به سه عنصر منابع اولیه، نیروی کار ارزان و بازار مصرف بنا شده و شهروندان خود را به مصرف هرچه بیشتر توصیه می کند.

اما در فرهنگ اسلامی با توجه به اینکه قناعت حرف اول در اقتصاد را می زند، باید فرهنگ سازی شود، البته بسیاری از خانواده های ایرانی قناعت جزء زندگی آنها است و کم هم نیستند. اما نمود ندارند ولی مظاهر مصرف گرایی چون نمود بیشتری دارند چشمگیر به نظر می رسد.

متأسفانه مشکلات و تنگناهای اقتصادی سبب شده است برخی از سیاست های غلط پول ساز سرلوحه فعالیت های صدا و سیما قرار گیرد که تبلیغات کالا به سبک غربی و اشاعه فرهنگ مصرفی از کمترین تأثیرات مخرب آن است سیاست های دیگری مانند ترویج جهانگردی با شکل غلط آن که فرهنگ بیگانگان و بی قیدی نسبت به دین و اخلاق را در جامعه نشر می دهد نیز به فرهنگ مصرف گرایی دامن می زند و روش های غلط دیگری که بی توجه به شبیخون فرهنگی غرب راه را برای دشمنان هموار می سازد. اما اینکه در کنار این سیاست های غلط که باید اصلاح شود جهت گیری مصوبات مجلس وسیاست های کلی نظام در جهت مبارزه با فرهنگ ابتذال و مصرف گرایی است حقیقتی است که نباید به آن تردید نمود و همچنین نباید تلاش خدمتگزاران صدیق دولت و مجلس را دراین راه نادیده گرفت و لیکن هجم تهاجم و مبارزه منفی دشمنان در ترویج فرهنگ مبتذل خود آنقدر وسیع است که این

تلاشها به چشم نمی آید.

دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسـلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کشیده شوند و جامعه ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمونه و دارای پیشرفت محسوب شود؟

پرسش

دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسـلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کشیده شوند و جامعه ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمونه و دارای پیشرفت محسوب شود؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد.

از گذشـته هـا و ریشه تـاریخی مسأله که بگـذریم، متأسـفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلیـد کورکورانه از آنها و شـهوت پرستی مجموعاً وضـعیتی را پدیـد آورده است که شـما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشـته ایـد وضـعیت عمومی جـامعه مـا از نظر حجـاب و حفـظ عفت نسـبت به کشورهای دیگر اسـلامی بهتر است و تا حـدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سـنگین غرب به وسـیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصـلاح آن اقدام کرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بـدون همراهی دیگری مفیـد فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شـکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه هـای فوق اقـدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیـل تراکم تبلیغـات خنـثی کننـده از سوی غرب، آثـار آن به طور کامـل بروز کرده است. امیـد است بـا برنامه ریزی های دقیق و حساب شـده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری

در این زمینه حاصل گردد. بهبود وضعیت حجاب نیاز به برنامه ریزی وسیع فرهنگی و اجتماعی دارد. در این راستا علاوه بر تکالیف فردی، در جهت ارشاد دیگران بایستی با برنامه های کلان تلاش کرد. عوامل بد حجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه هایی است که در به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است: ۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را و قرآن می فرماید: إنا هَدَیْناهُ اَلسَّبِیلَ إِمَّا شاکِراً وَ إِمَّا کَفُوراً،الف). بر این اساس در جامعه ای

مانند جامعه اسلامی ما- که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست- بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از طرف برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت و ... است و می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، برخی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه

و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنـان در اجرای احکـام الهی و موازین و مقررات اسـلامی در سـطح جامعه می باشـد. قرآن کریم می فرمایـد: إِنَّ اَللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ. خداونـد سـرنوشت هیـچ قومی را تغییر نمی دهـد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشـان است تغییر دهنـد، (ب)- ریشه های تاریخی این مسأله که به اقـدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعـد برهنگی، بی بنـد و بـاری و کشـف حجـاب بر می گردد، که تـوانست بخشـی از جـامعه مـا را دچـار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند رو به گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسـلامی و فضای ناشـی از دوران دفاع مقـدس، تا حـد زیادی کنترل شـد ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشـه های خود را همچنان حفظ نمود و بعـد از تغییر محیط ارزشـی جامعه و فاصـله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

ج)- کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسـلامی و تعمیق بخشـیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.گفتنی است که به علت وجود مشـکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی، محاصـره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولـتی به این امور صـرف شود و توجه چنـدانی به مسائـل فرهنگی جـامعه و اجرای راه کـار و برنـامه هـایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

د)- بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از

سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید

ه)- عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

و)- برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

ز)- اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف احاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن

نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی- اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد

الف)- راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

ب)- کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر

است. بـدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شـرایط و مراتبی که در شـرع مقـدس معین گردیـده، عملی سازد دسـتگاههای فرهنگی نیز بهتر می تواننـد در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند. برای آگـاهی بیشـتر ر. ك: ۱- حـداد عـادل، فرهنـگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع پور، توسـعه و تضـاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب.

منابع و مآخذ:

الف) انسان، آیه ۳

ب) رعد، آیه ۱۱

چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟

پرسش

چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟

پاسخ

با پوزش فراوان از تأخیر در ارسال پاسخ سؤال شما!

با توجه به مباحث رشد جسمانی و روانی، ویژگی های این مرحله سنی را از مراحل قبل و بعد به خوبی می توان تمییز داد.

نوجوان, از نظر رشد شناختی، دوره های حسی حرکتی، و عملیات عینی را پشت سر می گذارد و به شناخت انتزاعی دست می یابـد، یعنی کودك دیروز که شـناخت هـایش مبتنی بر دریـافت های حسـی بود و اگر اسـباب بازی اش را مخفی می کردنـد، دیگر بـدنبال آن نمی گشت و آن را غیر موجود تلقی می کرد، تبـدیل به نوجوان امروز شـده است و بـا تکیه به انـدوخته های حسـی قبلی، وچه بسا فـارغ از حـواس فعلی خـود، دسـت به تفکر انـتزاعی می زنـد و به طـور مرتب، هر روز و هر سـاعت، با سؤالهای مختلف و کنجکاوی های متعدد درونی و بیرونی در همه جهات، رو به رو می شود. (۱)

از نظر اخلاقی، در دوران کودکی اولیه و ثانویه، که اصـطلاحاً آن را اخلاق "پیش قرار دادی" می نامند، بر اساس خودگرایی و لذت گرایی عمل می کرد و در نوجوانی که اصطلاحاً مرحله "قرار دادی" نامیده می شود، رفتار او تابع سازگارهای فردی و قـوانین قرار دادی است؛ از این که به او برچسب "دخـتر خـوب و پسـر خـوب" زده شـود خوشـحال می شود؛ و در انتهـای این دوره، تعهدات اجتماعی را مهم می داند و کم کم متوجه اخلاق خود پذیرفته گردیده، وارد اخلاق فوق قرار

دادی می شود. در این مرحله، دیگر تنبیه و پاداش و یا بر چسب دختر یا پسر خوب برایش اهمیت ندارد، بلکه وارد اخلاقی می شود که حداقل بر اساس نظم و قانون، یا بر اساس پیمان اجتماعی شکل گرفته است؛ و این خود باعث بروز مسائل عاطفی و احساسی شدیدی برای نوجوان می شود. (۲)

در رشد اجتماعی سیاسی نیز به مرحله خاصی می رسد که باید تصمیم گیری کند، احساس بالندگی نماید، به تدریج از خانواده جدا شود و احساس استقلال کند، در مسائل اجتماعی و سیاسی نظر داشته باشد، رأی بدهد و حداقل، با شغل و تحصیل و ازدواج وارد جامعه شود.

از نظر رشد جسمانی و بلوغ هم، با مسائل خاصی رو به رو می شود، تغییرات بیولوژیک و فیزیولوژیک، حاصل، و باعث ظهور و بروز علایم ثانویه جنسی می شود؛ محتلم شدن و تغییر صدا در پسران، و رشد سینه ها و عادت ماهانه در دختران، روییدن مو، رشد سریع تر بدنی، و آشکار شدن میل جنسی در هر دو، از پیامدها و نشانه های دوره بلوغ است؛ و همه این تغییرات با وضعیت روحی فرد و آموزش محیطی او در تعامل است و وضعیت خاصی را برای هر فرد ایجاد، و این طبقه سنی را از طبقات قبل و بعد کاملاً جدا می سازد.

اگر چه در مقام تعلیم و تعلم و پژوهش، هر یک از این ابعاد، جداگانه مورد بحث واقع می شوند، ولی در عرصه وجود نوجوان، مجزای از یکدیگر عمل نمی کنند؛ بلکه یک رفتار که از نوجوان سر می زند، برآیند همه ویژگی های روان شناختی اوست

که به صورت یک رفتار، تجلی پیدا می کند. برای تحلیل همان یک رفتار، باید ویژگی های کلی جوان و نوجوان را بشناسیم.

حال با توجه به آن ریشه ها و تحقیقات بنیادی، که معمولاً ـ در مباحث رشد به آن پرداخته می شود، برخی از ویژگی های روانی (شناختی، عاطفی، و رفتاری) نوجوان را که بیش تر می تواند در رفتار او بروز پیدا کند، بیان خواهیم کرد:

الف) از نظر عاطفی، در مقایسه با بزرگسال، ثبات عاطفی کم تری دارند؛ زودرنج و حساس اندو به محض این که خلاف انتظاری را مشاهده کنند، از عمق وجودشان متأثر می شوند.

ب) اهمیت بسیاری به هم سالان می دهند؛ اگر مشکل خاصی برایشان ایجاد شود، ترجیع می دهند که از هم سالان کمک گرفته، از تأیید آنها برخوردار باشند؛ در عین حال می دانند که مخالفت با بزرگسالان، به نفع آنها نیست؛ چه این که از بعضی وابستگی های خود آگاه هستند.

بر این اساس، نوجوان گاهی گرفتار تعارض میشود؛ والدین و بزرگسالانی موفق اند که حتی المقدور، با خواسته های نوجوان مخالفت نکنند؛ و هرگاه مخالفت می کنند، یعنی نوجوان بداند که غیر از میل او یا والدین، ملاک ومعیاری در کار است.

ج) انتقاد ناپذیری و انتقاد گری: به مقتضای فعالیت زیاد ذهنی، به هر جایی نظر دارند و اشکالها را می بینند و ابراز می کنند؛ اما هنوز به واقع بینی های لازم و کافی دست نیافته اند. به کارهای خود، نوعی تعلق خاطر دارند و کم تر به خود اجازه فکر و انتقاد کردن به کارهای خویش را می دهند، انتقاد دیگران را هم دارد نمی

دانند و نمی خواهند از منش و رفتار خود دست بردارند.

د) احساس فداکارانه در مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم؛ در این جهت بسیار بلند می اندیشند و ایده آل گرا هستند؛ نیروی روانی و عاطفی بسیار آنان، نیروی جسمانی شان را نیز تحت کنترل گرفته، آن را افزایش می دهد. هر جا ظلمی احساس کنند دوست دارند به مبارزه با آن بروند؛ محدودیتهای موجود را تجربه نکرده اند و نمی خواهند آنها را بپذیرند. این احساس بسیار ارزشمند است و ممکن است از آن استفاده صحیح یا باطل بشود.

ه) دوست دارند افراد مهمی تلقی بشوند؛ لازم است خانواده ها و بزرگسالان، آنان را به رسمیت بشناسند و احترام قایل باشند و اگر گاهی، از جهاتی، نظر آنها را تام نمی دانند، آنان را توجیه کنند و اگر در مواردی با آنها مخالفت کردند، از جهات دیگر جبران نمایند؛ اهمیت نظراتشان را ابراز کنند و موقعیتی مناسب برای آنان در خانواده و فامیل به تصور بکشند.

و) در برابر ناکامی ها، احساس یأس و ناامیدی به آنها دست می دهد؛ به علت کمی تجربه، هنوز نمی دانند که یک شکست به معنی شکست همیشگی نیست؛ بزرگ تر ها باید ضمن تشویق و ایجاد شور و نشاط و واقع بینی، تجربیات خود را نیز به آنها منتقل کنند، تا آنها مجموع شکست و پیروزی و تلخ و شیرین زندگی را در یک چرخه منطقی و معقول ببینند.

ز) به وضع ظاهر و سر و لباس و آرایش و اندازه بدنی خود، بسیار اهمیت می دهند؛ این ویژگی، فی نفسه خوب است و نباید با آن مخالفت

شود؛ اما این میل باید با توجه به واقعیات اطراف، مانند توانایی های مادی، مطلوب یا نامطلوب بودن در بین دوستان و هم کلاسی، عرف اجتماعی و غیره ارضاء شود؛ پسر و دختر دبیرستانی، نباید امکاناتی فراتر از متوسط هم شاگردی های خود را به نمایش بگذارند و برای خود و دوستان و مسئولان دبیرستان مشکل ایجاد کنند؛ هم چنین در همه محیط های اجتماعی دیگر نیز باید در این زمینه، اعتدال رعایت شود.

ح) حالات رویایی و عاشق پیشگی دارند؛ ذهن و قوای آنها متوجه دنیای وسیع اطراف می شود، و قدرت تخیل آنان بسیار زیاد است؛ آنچه را که دوست دارند، اما امکان تجربه مستقیم و واقعی آن را ندارند، با حالتی خیال بافانه و به امید فردایی آرمانی، برای خود به تصویر می کشند؛ این حالتی خوب و مبارک است و نباید از چنین حالتی نگران بود؛ ولی باید به این رؤیاها و عاشق پیشگی ها جهت داد. اگر خوبی ها با ساز و کارهای صحیحی ارائه شوند، می توانند موضوع عشق جوان و نوجوان باشند؛ مثلاً ـ ممکن است فردی عاشق امام خمینی (ره) یا فلان شاعر عارف یا فلان مخترع و یا عاشق علم بشود؛ ولی اگر این عشق درست هدایت نشود، متوجه موضوعات منفی، مثل هیپی گری، بی بند و باری و امثال این ها می شود.

ط) نگران آینده هستند؛ آینده شغلی، تحصیلی، اقتصادی، اخلاقی و جنبه های دیگر برایشان مهم است و اشتغال ذهنی ایجاد می کند.

با توجه به این ویژگی ها و حساسیت های روان شناختی، هجوم فرهنگی بیش تر متوجه این طبقه سنی می شود. آنها نیرومند، تأثیر

پـذیر و تأثیر گذارنـد؛ هماننـد ظرفهای خالی، پر شدنی هسـتند، کنجکاو و به دنبال هویت مطلوب برای خودند و جمعیت آنها زیاد است؛ از این رو مهاجمان فرهنگی بیش تر به این گروه توجه دارند.

علی رغم تأثیرات اجتماعی و وظایفی که برای مسئولین ووالـدین وجود دارد، باید دانست که اصـلی ترین ومهم ترین تصـمیم گیرنـده در این خصوص، خود نوجوان و جوان است. همواره واقعیتهـا با مطلوب های نهایی فاصـله دارد. آنچه در مورد فضای فرهنگی، ارزش های مسلط جامعه و وظایف والدین گفته می شود مطلوب است؛ اما همه اش واقع نمی شود. فضای فرهنگی و ارزشـهای مسـلط جـامعه، به طور کامـل، اسـلامی و انسـانی نیست. گاهی مسـئولین به هر دلیل، به تمام وظایف خود عمل نمی کننـد. بسـیاری از والـدین بـا محـدودیتهایی، مثل بی سوادی و کم سوادی، نارسایی اقتصادی، نداشـتن روابط ووجهه اجتماعی مناسب، وجود مشـکلاتی مثل بیماری و اختلاف نظر، نزاع های خانوادگی و ...؛ مواجه هسـتند و در نتیجه نه تنها نمی توانند به نوجوان کمک کنند بلکه چه بسا نیاز به هدایت و کمک نوجوان و جوان خود دارند.

در چنین موقعیتی، منطقی نیست که نوجوان به بهانه وظیفه ناشناسـی یا ناتوانی دیگران، به آینـده و ظرفیت ها و توانمندی های خود کم توجهی کند. او باید این دوره را قبل از اینکه دیر شود، بشـناسد و از آن به اندازه کافی بهره ببرد. در این دوره قدرت بـدنی و نیروهای روانی فوق العاده است؛ اگر این نیروها جهت داده شونـد و پراکنده نشوند و هر روز و هر ماه به سویی نروند، بسیار ارزشمند و قابل ستفاده اند. همان

طور که گذشت، نیروی این دوران را می توان به آبی تشبیه کرد که هم ممکن است تبدیل به سیل شود و هم ممکن است که آن را به باغ ها و مزارع تشنه هدایت کرد تا باعث سیرابی آنها بشود.

در این خصوص، بر نکات کلیدی مسلم و مهم تأکید می کنیم:

الف: نوجوان باید از همان ابتدای نوجوانی، به تدریج، به فکر هویت آینده خود باشد. تلاش کند تا مجموعه ی افکار و احساسات و فعالیت های او، هم جهت و کمکل یکدیگر باشند؛ به علایق و امکانات خود و نیازهای جامعه بیندیشد؛

ب: همت بلند داشته باشد به افق های دور دست نگاه کند و به حداقل ها اکتفا نکند؛ ضمن اینکه واقعیتها و محدودیتها را می بیند به راحتی تسلیم مشکلات نشود و حتی المقدور، جهانی بیندیشد،

ج: در تصمیم گیری هایش از مشورت با دیگران بهره مند شود و عقل دیگران را به عقل خود بیفزاید.

د: در انتخاب و داشتن دوستان خوب، بسیار جدی و از دوستان بد کاملاً بر حذر باشد چه بسا دوستان خوبی که می توانند همه خوبی ها را به او هدیه دهند و چه بسا دوستان بدی که ممکن است همه خوبی هایش را از او بگیرند.

ه: به واجبات الهی بپردازد و از محرمات اجتناب کند به هیچ وجه توصیه نمی شود که با عبادات بسیار خود را بیازارد اما همیشه یک ارتباط ذهنی و روانی را با خداوند داشته و در تصمیم گیریها و زندگی روزمره اش سهمی هم برای خداوند قایل باشد.

و: وقت خالی برای خود نگه ندارد و حتی المقدور به فعالیتی مناسب اشتغال داشته

باشد منظور از اشتغال شغل رسمی درآمدزا نیست؛ بلکه بی کار نبودن مطلوب است.

ز: به مطالعه و افزودن بر دانش خود و فکر کردن به موضوعات گوناگون بپردازد امروزه دانستنی ها به صورت تصاعدی (و چه بسا به صورت تصاعد هندسی) افزایش می یابند یک نوجوان، باید خودش استعداد، فعال، قوی برخوردار از امکانات کافی و دارای انگیزه قوی باشد تا بتواند به دریای مواج معارف و دانش و فناوری امروز بشر، درست بنگرد و درست انتخاب کند و سهم مناسب خود را از آن برگیرد. علم بهترین سرمایه ای است که هم بالفعل او را مشغول می کند و هم در آینده در اختیار او خواهد بود، و چه بسا بسیاری از تمایلات دیگرش را تحت الشعاع قرار دهد، چرا که آدمی از دو چیز سیر نمی شود یکی مال و دیگری علم. در این دو موضوع هر قدمی قدم بعدی را می طلبد.

ح: به ورزش و تفریحات سالم و مناسب اهمیت بدهد؛ جسم و روح خود را سالم نگه دارد. ورزش و تفریحات سالم را به هدف سالم سازی جسم و روح خود انجام دهد، نه با اهدافی که چه بسا بوی انحراف می دهند.

ط: توجه به کف نفس (خود داری از گناه) نیز برای نوجوان لازم و ضروری است. نوجوان باید بدان دکه در کنار کارهایی که باید انجام دهد، کارهایی نیز وجود دارد که باید از آنها اجتناب کند؛ و خود داری از گناه کار آسانی نیست، بلکه نیاز به تمرین بسیار دارد. این همان جهاد اکبر است که پیامبر اکرم (ص) اهمیت آن را بیش تر از جهاد در میدان

نبرد دانسته اند. فقط محرمات شرعی منظور نیست، بلکه مراد رفتار و احساساتی است که هر فرد (ولو غیر متدین) آن را ناصحیح و غیر مطلوب می داند.

اگر نوجوانان و جوانان ما به مسائلی ازاین قبیل توجه داشته باشند، تا حدود زیادی در مقابل هجوم های فرهنگی بیگانگان واکسینه می شوند. این اقدام بسیار ضروری و مهم است چه اینکه اگر همه افراد و مجموعه ها وظایف خود را به خوبی انجام دهند، اما خود نوجوانان و جوانان، توجه به این موضوعات نداشته باشند آن اقدامات سودی به حالشان نخواهد داشت.

منابع و مآخذ:

۱ ر.ک. محمود منصور، ران شناسی ژنتیک، ص۹۸۱۱۶

۲ ر.ک. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناس رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج۲

علل گسترش فرهنگ ابتذال در جامعه ما چیست

پرسش

علل گسترش فرهنگ ابتذال در جامعه ما چیست

پاسخ

۱. از نگاه تاریخی به طور عمده در ساختار فرهنگ توسعه و به جای پرداختن به توسعه فرهنگی در شکل صحیح آن همواره در ایران تلاش شده است که سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های توسعه مبتنی بر الگوهای توسعه غرب و شیوه های فرهنگی آن ها صورت گیرد. این مسئله یکی از عوامل گسترش ابتذال فرهنگی در کشور است به دیگر سخن گسترش ابتذال فرهنگی از تفکر افرادی غرب زده سرچشمه می گیرد که تصوّر می کنند، پیشرفت جامعه وام دار غربی شدن است راه چاره آن است که به جای پذیرش الگوهای اشتباه فوق سعی شود متناسب با بافت تاریخی فرهنگی کشورمان الگویی سازگار با آن انتخاب شود.

۲. توجه جدّی به تعلیم و تربیت و تزکیه و پاک سازی درون افراد جامعه از راه های دیگر مقابله با فرهنگ ابتذال است در پیش گرفتن راه نورانی هدایت الهی به جای رهروی در مسیر حیله های شیطان راه کار عملی در این راه است

۳. در پایان می توان به سود جویی ها، فرصت طلبی ها و سیاست بازی ها، به جای پرداختن به مشکلات حقیقی جامعه و یافتن راه حل های منطقی برای آن ها، به عنوان عامل دیگر جلوگیری از گسترش ابتذال فرهنگی اشاره کرد.

علت گستردگی تهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟

پرسش

علت گستردگی تهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟

پاسخ

علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی , تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟

پرسش

علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی , تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟

پاسخ

این مسأله از سویی بازگشت به مسأله تهاجم فرهنگی می کند و در واقع بخشی از مظاهر آن است از طرف دیگرمعلول یک سری از عوامل و مشکلات داخلی؛ مانند گرفتاری های اقتصادی تغییرات سریع در بافت اقتصادی واجتماعی عدم برنامه ریزی جامع در فرهنگ عمومی و نداشتن تعریفی مشخص برای کار فرهنگی سیل مهاجرت بهشهرها بیکاری جوانان تغییر الگوهای مصرف و... است.{J

دقیقا بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است

پرسش

دقیقا بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است

پاسخ

مدگرایی غربی با انگیزه های مختلف صورت می گیرد:

الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران.

ب) بازاریابی برای اجناس خود.

ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن.

د) سنت های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن.

ه) از طریق سنت های یک ملّت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن.

شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت ها و ساعات زیادی متخصصین روان شناس،جامعه شناس و... به مطالعه می پردازند و راجع به تأثیری که مد خاصی می تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد،آینده نگری و تحلیل می کنند وقتی تصویب شد، با شگردهای عجیبی به تبلیغ آن می پردازند. جهت اطلاع ازشگردهای تبلیغی شایسته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمد تقی رهبر، را موردمطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شی ء مضری نظیر سیگار و مواد مخدر یانظایر آن از طریق عکس های شرطی و بخصوص از قیافه سکس زن ها استفاده می کنند.

نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمربند اکتفا نمی کنند؛ بلکه ملّتی را دراین گونه مسائل مجذوب خود می سازند و به تقلید خود درمی آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یکملّت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می کنند.

چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازاراسلامی، پر از چادرهای بدن نما شد و... حال ساده اندیشی و خامی

است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راهبیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوتپرستی و فساد جنسی و طرح لباس های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان استکه در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی شناسد. بل یرید الانسان لیفجر امامه انسان می خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد{M، (سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم پا گذاشت تا بی نهایت پر می کشد و اگر بهوادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی نهایت جلو می رود، به گونه ای که نمی توان آنها را در جایی متوقفکرد.

ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است کهمی فرماید: مختلفاً الوانه ، (سوره نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه ها با رنگ ها و گونه های مختلف برای شماآفریده ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می ماند؟

حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع وسنت های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی توان تا این حد بر آن ایراد گرفت. حرف ما در این است که چرا

ماخودمان طراح مـد و مـدل روز نباشـیم؟ چرا افراد مبتکر و خلّاق جامعه ما سـعی نمی کننـد تا طرح جدیـدی را ارائه دهنـد.و اصولاـ این یکی از ایرادهـای مـاست که نسبت به این گونه مسائل آن قـدر منتظر می مانیم تا دیگران با طرح جدیـد خودبر ما یورش آورنـد. آن گـاه مکبتران بعـد از فشـار زیـادی که از افکار عمومی متوجه آنها می شود، تازه دست به کار می شونـدکه مثلاً مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما در این راستاابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسـا بتـوانیم فرهنـگ خـویش را برای دیگران اسـوه و الگو قرار دهیم. هم چنـان که دربرخی از جهـات چنین بوده است. به هر حال نسـبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و ازاینکه زمام فرهنگو سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم.{J

شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟

پرسش

شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟

پاسخ

شبهه و اشـکال، نوعا دارای آثار مفیـد فکری است و پس از حل و جواب دادن به هر شـبهه ای، نوعا فرد به پله ایبالاتر از تفکّر صعـود می کنـد. البته القـای شـبهه برای افراد ضـعیف و عوام، ممکن است مخـاطراتی در پی داشـته باشـد.بنابراین نبایـد در هر شرایطی بـه القـای شـبهه پرداخت؛ زیرا برای افرادی که از نظر فکری ضـعیف انـد، ممکن است شـبهه،خـوب گرفته شـود، ولی پاسخ مناسبی دریافت نگردد.

ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

شناخت چگونگی تهاجم فرهنگی غرب، کار مشکلی نیست. غرب دارای افکار و جهت گیری های مشخصی درزمینه سیاست، اقتصاد، روابط اجتماعی، اخلاق و... می باشد و با سـرعت و گستردگی هر چه تمام تر، به نشـر آن نیزاقدام می کند. این نشر و تبلیغ، از طریـق فیلم، رادیو، مـاهواره، مجلاـت همسو و تقویت هم فکران خود در هر نقطه ازجهـان صورت می گیرد. تنهـا راه

مقابله با این تهاجم، شناخت فرهنگ خودی و شناساندن و تبلیغ ارزش های آن به جامعه است. ایجاد خودباوری در جوانان و شناخت قرآن و ارزش های آن، از مهم ترین راه های مقابله با این تهاجم محسوب می شود.

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیط دانشگاهی از راه های ویژه ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه هاعبارت است از:

الف – ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی. این برنامه از طریق استفاده های نادرست فلسفی و نظری از ره آوردهای علمی و القای علمی بودن برخی از آموزه های مغایر با جهان بینی دینی صورت می پذیرد.

ب – القای نگرش های معرفت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و تفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه های دینی ازعرصه های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت ها.

ج – کم رنگ سازی ارزش های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبیت و تاریخ مندی اصول ارزش ها و تبعیت آن از ذوق و سلیقه های تجدد طلبانه قومی، ملی، نژادی و ...

د – نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت های معارضه آمیز و سیاسی کاری به جای تلاش های انقلابی و اسلامی.

در مقابله با مسائل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان

با سه جهاد پیگیر و پر دامنه روبه روست :

۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه های مختلف و شناخت و درک درست مسائل سیاسی واجتماعی.

۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا ، قرآن و پیشوایان دین.

۳- جهاد اجتماعی؛ یعنی، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی در دانشگاهیان.

آنچه که درباره تربیت نیروهای نفوذی در قشرهای مختلف جامعه توسط سرویس های جاسوسی غرب گفته اید،صحیح است؛ ولی این که توانسته باشند در بین روحانیت، در رده های نخست آن افرادی را ساخته و مطرح کنند،واقعیت ندارد؛ چون نظام روحانیت به صورتی است که مطرح شدن مصنوعی در آن راهی ندارد؛ چون ارتقای رتبه افراد، تنها مستعد به عملکرد، سوابق، میزان علم، تقوا و دیگر شرایط است و هرگز یک جاسوس نمی تواند تا این اندازه صحنه سازی کند. البته نهادهای انقلاب در شناسایی چنین افرادی کوشا هستند و تا به حال عده بسیاری از آنها شناخته شده و دستگیر شده اند. در عین حال همواره باید هشیار بود.

آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست

پرسش

آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست

پاسخ

پاسخ های اجتماعی:

اسلام یک دین کامل و غنی و دارای فرهنگ خاص خود است که اگر به آن جامه عمل پوشانده شود، جامعه ازبسیاری

معضلات رهایی خواهد یافت؛ ولی آیا ما نیز مسلمان واقعی هستیم؟

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

آیا مسلمانان بیشتر تابع آداب و رسوم نیاکان و فرهنگ بومی خود قبل از اسلامند یا تابع واقعی اسلام؟ اگر تماماحکام الهی راجع به رابطه زن و مرد و ازدواج اجرا شود، آیا مشکل به اسم تهاجم فرهنگی در این زمینه باقی خواهدماند؟ و... پس به جای

نالیدن و غصه دار شدن از تهاجم فرهنگی، باید به ترویج فرهنگ اسلام پرداخت. باید ایثار کردو حتی مسؤولان کشور باید از آبرو و تمام سرمایه های خویش مایه بگذارد تا فرهنگ ما اصلاح گردد، در نتیجه اگرمنظور از شعار غنای فرهنگی، غنای فرهنگ اسلام می باشد، درست است؛ ولی تا وقتی که ما ترویج پفک نمکی وماکارونی را بر ترویج فرهنگ اصیل اسلام ترجیح دهیم، آن غنا ربطی به ما ندارد و در یک جمله احکام اسلام نه به تمامی در حال حاضر اجرا می گردد و نه حتی ترویج می گردد و...؟!!

جواب های سیاسی:

هیچ کس نمی تواند - نه در جامعه اسلامی و نه در هیچ جامعه دیگر - جلو فکر کردن انسان ها را بگیرد؛ چه رسد به این که در این زمینه اجبار کند. پس اختلاف افکار گریزناپذیر است؛ ولی مسؤولان اداره یک جامعه موظف اند جوّعلمی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی کشور را طوری سالم سازند که منجر به

تفکر صحیح گردد؛ یعنی، مسؤولان و حتی آحاد ملت، وظیفه دارند از اشتباهات یکدیگر جلوگیری کنند و...؛ مثلاً اگر در پَسِ پرده ای موجودِ خطرناکی باشد ولی اطلاعات غلط به شما داده شود و آن موجود را بی خطر بلکه مفید جلوه دهند، این اطلاع رسانی سبب می شود که شما نه تنها راجع به آن موجودِ پس پرده صحیح فکر نکنید؛ بلکه موجب می گردد تدابیر درست هم نیندیشید. پس اندیشمندان وظیفه دارند حقایق را ترویج کنند و احیانا به مسؤولان و مردم گوشزد و یادآوری نمایند؛ ولی اگر گروهی پیروی نکردند اجبار در این زمینه کاربردی ندارد. در زمان پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) نیز دیدگاه و اندیشه حق در جامعه فراگیر نشد. قرآن به پیامبر می فرماید: تو نمی توانی کسانی را که مرده باطنی شده اند، بینا و شنوا کنی. درنتیجه در صدر اسلام نیز افکار مختلفی وجود داشت تا حدی که در زمان حضرت علی(ع) قاسطین، مارقین و ناکثین پدید آمدند؛ ولی باید توجه داشت که مخالفان حق تا جایی آزادند که به ترویج باطل و گمراه نمودن افراد جامعه مخصوصا مردم عادی - که از اطلاعات کافی برخوردار نیستند - نپردازند.

پس آزادی اندیشه مطلقا هست؛ ولی آزادی بیان، قلم و عمل مشروط به عدم سوء استفاده از بی اطلاعی یا کم اطلاعی اقشار مختلف جامعه است. این گونه حدود و قیود در نزد هر عقل سلیمی مفید بلکه لازم است. البته اگرحاکمی آزادی بی شرط و نامحدودی را تجویز نماید به مردم ظلم کرده و سبب گمراهی آنان را فراهم آورده است. وقتی عقل می گوید: قاتل و دزد نباید در جامعه آزاد باشد، به طریق اولی می گوید: قاتلِ هدایت و

دزد دین و اخلاق مردم نیزنباید در جامعه آزاد باشد. ازاین رو حضرت امیر(ع) با خوارج و شامی ها به جنگ برخاستند، حال ممکن است بگوییدآنها معصوم بودند و حق و باطل را هم تشخیص می دادند و لذا جلو ابراز باطل را می گرفتند، ولی در جامعه کنونی مامرجع تشخیص حق و باطل کیست؟ و از کجا بفهمیم این مسأله حق است یا صرفا سلیقه اشخاص خاصی است؟

پاسخ این است که مسائل بر دو دسته است: بدیهی و نظری؛ همان طور که آیات قرآن نیز بر دو دسته است:محکمات

و متشابهات. در مسائل بدیهی و محکمات دین (مثل حفظ بیت المال، عدم جواز ترویج فحشا و منکرات، عدم جوازظلم، دنیاگرایی، تحریک شهوات نفسانی بدون فراهم آوردن اسباب شرعی، ارضای آن و بسیاری از این قبیل)سلیقه های شخصی نمی تواند دخالتی در آن داشته باشد. در مسائل نظری و متشابهات نیز در قسمتی که بین کارشناسان اتفاق هست، باید به آنان رجوع کرد و نظر حق را فهمید. در نتیجه در مواردی که حق روشن است، بایدانجام دهنده آن تشویق و ترغیب و تارک یا منکر آن، مورد مؤاخذه قرار گیرد. پس روشن شد که آزادی فکر کردن،چیزی غیر از آزادی بیان است؛ چون هر یک، احکام مختص به خود را دارد و خلط بین آنها صحیح نیست.

اما این که: «چرا در جامعه ما با افکار و نظرات مختلف و مخالف با نظر آقایانی مخالفت می شود؟» این مطلب بسیارکلی است و روشن نکرده اید که با چه افکاری در جامعه ما مخالفت می شود و مخالفان چه کسانی هستند و منظورتان ازآقایان چه اشخاصی می باشد؟ اگر منظور علمای دین باشد، خوب آنان خود

را کارشـناس و متخصص دین می دانند ومعتقدند در موارد لازم باید تذکرات بلکه مقابله هایی با ترویج غیر اسلام انجام گیرد و اگر منظـور مسؤولاـن کشور است،آنهـا نیز خود را مسؤول می داننـد و معتقدنـد وقـتی مردم به آنـان رأی داده انـد، یـا به هر نحوی این مسؤولیت به آنها واگذارشـده است، بایـد تفکرات و اعتقادات خود را به اجرا درآورنـد نه یافته های دیگران را. در عین حـال هیـچ یـک مصون ازخطا و اشـتباه نیسـتند. البته راه صـحیح ایجاد زمینه های مناسب جهت تضارب و تبادل افکار می باشـد؛ ولی آنچه برای همه مهم است، تلاـش جهت ارتقـای سـطح اطلاعـات دینی و اجتمـاعی است تـا بتوان قضاوت و تحلیل درست و واقعی از مسائل داشت. در غیر این صورت در هر زمانی گروهی مدعی بوده و هسـتند که فقط آنان حق و حقیقت را می فهمنـدو دیگران را غربزده یا متحجر معرفی می کننـد. جالب این جا است که همه طیف ها و جناح های مختلف جامعه ما، دراین نقص مشترکند و در یک سو نگری، خود مصداق بارز برای این نقص هستند.

امـا این که «آیـا وضـعیت فعلی جـامعه مـا مطلوب و دلخواه امـام راحل است یا نه؟» بایـد گفت: در زمان خود ایشان هم وضـع جـامعه صـد در صـد مطلوب ایشان نبود چه رسـد به حالا؛ مثلاً حضـرت امام(ره) - که معمار انقلاب بودنـد - راجع به مـذمت نهضت آزادی و مصدق (در صـحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۵) بیانات شدید اللحنی ایراد فرمودند؛ اما متأسـفانه امروزه در جامعه ما آنها ترویج می شوند. هم چنین راجع به رابطه با آمریکا، سـلمان رشدی، قانون اساسـی، ولایت فقیه و... سـفارش هایی داشتند که متأسفانه امروز حتی در

حد یک شعار هم به بعضی از آنها نگریسته نمی شود. در زمان حیات آن عزیز هم مسائل مشابهی وجود داشت؛ مثلاً درباره مالیات، خمس، جنگ و... گروهی زیربار نمی رفتند. پس کسی واقعا در خط امام است که فراجناحی فکر کند و خود را محصور به افکار و خط مشی های جناحی خاص ننمایدو سیره قولی و عملی امام(ره) را برنامه زندگی خود قرار دهد.

درباره صدا و سیما هم اگر اشکالی دارید باید ایرادات خود را به صورت جزئی و ریز، ذکر کنید و... البته خود ما نیزاشکالات فراوانی نسبت به بعضی از برنامه های آن سازمان داریم؛ ولی باید فراجناحی اندیشید و بدون هیچ پیش داوری، درباره راه های رشد و بالا بردن کیفیت برنامه های صدا و سیما، طرح ارائه داد.

درباره ابراز احساسات با کف زدن، باید گفت که موارد آن فرق می کند؛ مثلاً کف زدن برای تشویق محصلان،ورزشکاران و سخنرانان فی نفسه اشکال ندارد؛ ولی اگر کسی به ضروریات دین و اعتقادات مذهبی اهانت کند یا

حرف باطلی بزند و برای او کف بزنند، این مصداق همان حدیث است که: «راضی به گناه گنهکار مانند انجام دهنده آن گناه است»؛ زیرا با کف زدن اعلام می کنیم که ما هم آن اهانت را قبول داریم. البته تقسیم بندی مذکور مختص به کف زدن نیست و در صلوات و تکبیرهایی که در جلسات مختلف گفته می شود نیز جاری است. ازاین رو اگر صلوات هم برای استهزای دیگران یا هُو کردن شخصی و یا تأیید باطلی باشد، اشکال دارد.

درباره مطبوعات نیز گفتنی است که اصل حساسیت نسبت به مطبوعات کار صحیحی است؛ زیرا مطبوعات بافرهنگ دینی، سیاسی، اجتماعی و فردی اشخاص سر و کار دارند

و می توانند نقش مهمی در شکل دهی باورهای جامعه ایفا نمایند؛ مخصوصا در زمان فعلی که خوشبختانه شاهد افزایش کمّی مطبوعات هستیم. پس باید مراقب کیفیت آنها نیز بود و برای ارتقای سطح کیفی آنها برنامه ریزی کرد. متأسفانه امروزه در خیلی از اینها احکام اسلام صریحا رد می شود و به جای اجرای احکام الهی، راه هایی غربی پیشنهاد می گردد؛ به طوری که تحجّر و عقب ماندگی دین را امری مسلم والگوهای غربی را مدینه ای فاضله جلوه می دهند، یا غرایز جوانان را تحریک می نمایند بدون این که راه صحیحی برای برآوردن خواسته های آنان پیشنهاد گردد. بسیاری از این نشریه ها مروّج خودباختگی ها، ابتذال سیاسی، باندبازی ها، ابتذال فرهنگی و اخلاقی و... هستند. خلاصه نقد و ردّ نظریات بنیانگذار انقلاب اسلامی و رواج داستان های عاشقانه غربی با پیام های ضد اخلاقی، ترویج سیاست منهای دین و... از مسائلی است که برخی ازمطبوعات بدان ها کمر همت بسته اند. شاید شما فقط کیهان و اطلاعات را می بینید که آسوده خاطرید، آیا می دانید درنشریات ما حتی عکس انسان بدون هیچ گونه پوششی و به صورت لخت به چاپ رسیده است؟ یا در بعضی دیگراصولی ترین مبانی انقلاب اسلامی نفی و ردّ شده است آن هم نه به صورت بحث علمی بلکه به شکل یک حرکت تبلیغاتی و عوام فریبانه .

*ومسائلی دیگر از این قبیل .....در دیدگاه کلی برای ازبین بردن یک جامعه ابتدا باید ان جامعه وملت از فرهنگ وآیین خویش دور ساخت که در اواین مرحله ایجاد شبهه است و...سرانجام خود زمینه بی هویتی رافراهم کرده,آن گاه یک هویتی متزلزل جاِیگزین شود,آن جامعه از درون بی ثبات می شود واقدامات بعدی دشمن را آسان می

کند, هرچند آن جامعه دارای فرهنگ غنی باشید(دیرباز)*

پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟

پرسش

پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟

پاسخ

مدگرایی غربی با انگیزه های مختلف صورت می گیرد:

الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران،

ب) بازاریابی برای اجناس خود،

ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن،

د) سنت های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن،

ه) از طریق سنت های یک ملّت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن.

شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت ها و ساعات زیادی متخصصین روان شناس،جامعه شناس و... به مطالعه می پردازند و راجع به تأثیری که مد خاصی می تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد،آینده نگری و تحلیل می کنند وقتی تصویب شد، با شگردهای عجیبی به تبلیغ آن می پردازند. جهت اطلاع ازشگردهای تبلیغی شایسته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمد تقی رهبر، را موردمطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شی ء مضری نظیر سیگار و مواد مخدر یانظایر آن از طریق عکس های شرطی و به خصوص از قیافه سکس زن ها استفاده می کنند.

نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمربند اکتفا نمی کنند؛ بلکه ملّتی را دراین گونه مسائل مجذوب خود می سازند و به تقلید خود درمی آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یک ملّت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می کنند.

چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازاراسلامی، پر از چادرهای بدن نما شد و... حال

ساده اندیشی و خامی است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راه بیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوت پرستی و فساد جنسی و طرح لباس های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان است که در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی شناسد.

« بل یرید الانسان لیفجر امامه »؛ انسان می خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد(سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم گذاشت تا بی نهایت پر می کشد و اگر به وادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی نهایت جلو می رود، به گونه ای که نمی توان آنها را در جایی متوقف کرد.ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است که می فرماید:« مختلفاً الوانه»(سوره نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه ها با رنگ ها و گونه های مختلف برای شماآفریده ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می ماند؟

حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع وسنت های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی توان تا این حد بر آن ایراد گرفت.

حرف ما در این است که چرا ماخودمان طراح مد و مدل روز نباشیم؟ چرا افراد مبتکر و خلاّق جامعه ما سعی نمی کنند تا طرح جدیدی را ارائه دهند.و اصولاـ این یکی از ایرادهای ماست که نسبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می مانیم تا دیگران با طرح جدید خودبر ما یورش آورند. آن گاه مبتکران ما بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می شود، تازه دست به کارمی شوند که مثلاً مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما دراین راستا ابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. همچنان که در برخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و ازاینکه زمام فرهنگ و سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم.

دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟

پرسش

دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟

پاسخ

گرایش به الگوهای بیگانه ناشی از امور زیر است:

۱- عدم شناخت کافی از ارزشهای بومی،

۲- عدم درک صحیح و ژرف از ارزش های بیگانه و ماهیت آنها،

۳- سرخوردگی اجتماعی،

۴- لاابالی گری و پوچ گرایی.

J}

علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟

پرسش

علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟

پاسخ

علت اساسی آن گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بخش لذت گرایی و هوس رانی مادی آن است. در فرهنگ مادی،حقیقت والا و گوهر شریف روحانی انسان و سیر و صعود معنوی فروگذاشته می شود و تن آرایی و شهوات پست وحیوانی، اصالت و اعتبار تام داده می شود. این وضعیت یکی از چیزهایی است که در نصوص اسلامی به عنوان«مفاسد آخر الزمان» بیان شده است.{

علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟

پرسش

علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟

پاسخ

این موضوع عوامل متعددی دارد که به توضیح برخی از مهم ترین آنها می پردازیم:

۱. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش های دینی و معنوی به ارزش های مادی و سودانگاری در اثر برخی اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه ای می باشد که باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش های اسلامی گردیده است.

۲. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در چندین سال گذشته و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی نداشتند و استفاده از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجب نشر و ترویج فرهنگ فاسد و منحط دوران پهلوی و ارزش های حاکم بر جوامع غرب زده گردید و اوضاع فرهنگی کشور به شدت مسموم شد؛ به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدیدی به مسئولین فرهنگی داده،

نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۳. کم کاری نیروها و دستگاه های انقلابی در تصدی مدیریت های اجرایی، فرهنگی و...

۴. ضعف نظام گزینش و نظارتی دقیق و مستمر.

۵. تهاجم گسترده و همه جانبه ی غرب به ارزش های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای

عقیدتی در مردم و شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژیکی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری ، عناصر وابسته ی داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... .

توجه به این نکته لازم است که در جامعه ی اسلامی

هر گز چنین اعمالی که مخالف ارزشهای اسلامی باشد، اجازه فعالیت داده نمی شود و اگر مسؤولی یا دستگاهی خود سرانه این عمل را انجام داد، نباید به حساب کل نظام گذاشته شود؛ بلکه نظام اسلامی چنان که از ابتدا تاکنون نشان داده است در مبارزه با این مفاسد تلاش کرده و هزینه های زیادی را پرداخته و اقدامات چشمگیری را انجام داده است. اگر هنوز این مفاسد در جامعه وجود دارد، ناشی از گستردگی و حجم تهاجم فرهنگی غرب و وجود عواملی است

که به آن اشاره شد، اما در مورد پدیده غربگرایی باید گفت که: مسأله غرب گرایی و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نماییم:

نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به ظنام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم

نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط

نظام هـای غربی برای آنهـا الگوسـازی و ترویـج شـده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شـناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها

جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظـاهر زیبـا و دلفریـب حیـات مـادی غرب که از سـویی برآینـد رشـد تکنولـوژی اسـتو از دیگر سـو محصـول غـارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش هـای نیرومنـدی همچون غریزه جنسـی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمـدنی تر و بـا فرهنـگ آن تنـاسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسـیاری از جوانان از اهـداف و توطئه های دشـمنان و نادانسـته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضـعف بینش صـحیح اسـلامی در برخی از عناصـر نقش آفرین در صـحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

در مورد راه هـای مبـارزه بـا غرب گرایی بایـد گفت: واقعیت این است که غرب گرایی یک مقوله حقیقی و جـدی و با برنامه ریزی های منظم و سازمانـدهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشـیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه های

فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق، حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی...

در هر صورت

امید می رود تا انشاءالله با اصلاح ساختار و نظام مدیریتی کشور و دقت در گزینش مدیران اجرایی و نظارت دقیق و مستمر بر عملکرد آنان و برخورد قانونی مراجع ذی صلاح با متخلفان به هیچ وجه شاهد این گونه رفتارها و اقدامات مغایر ارزش های اسلامی و متناقض با اهداف و آرمان های نظام اسلامی در جامعه نباشیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

۵- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۶- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه

دلیل رواج بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟

پرسش

دلیل رواج بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟

پاسخ

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در سراسر کشور از جمله شهرهای بزرگ و نیز مخصوصا در دانشگاه ها ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین

شـده و جای هیچگونه عـذر و بهانه ای نیست بعضـی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، بـه این اصـل و عنصـر روان شـناختی بـاز می گردد. به عبـارت دیگر یکی از مهم ترین عوامـل بـدحجابی در جـامعه، پیروی از هواهـای نفسـانی است که خود ناشـی از ضـعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصـیت است و... می باشـد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان

و... نمود پیدا می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و

ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد

اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلما برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش

اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت ولزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

ناگفته نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف

صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ك:

۱ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتذل در جامعه چیست ؟وچه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟

پرسش

علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتذل در جامعه چیست ؟وچه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟

پاسخ

گر چه پاسخ به این سئوال چندان دشوار نیست و مواردی را می توان بر شمرد که می توانند نقش تعیین کننده ای در موضوع مورد بررسی یعنی کاهش سن در تماشای فیلمهای مبتذل، داشته باشد اما توجه به این نکته مهم است که این سئوال شما در واقع یک ادعایی است که نیازمند به یک پژوهش و تحقیق میدانی است، واقعا استناد شما به اینکه تماشا کنندگان فیلمهای مبتذل در جامعه بالا رفته است، چیست؟ آیا خود شما در این زمینه یک تحقیق علمی انجام داده اید یا دیگران تحقیق کرده اند و شما به تحقیقات دیگران استناد می کنید یا اینکه با مواردی که در شهر و یا محله خودتان برخورد داشته اید و آنرا به همه جامعه تعمیم می دهید. بنابراین مسئله شقوقی دارد و جواب نیز باید بر اساس شقوق مسئله باشد سئوال شما حاکی از اینست که خود شما تحقیقی در این زمینه انجام نداده اید و همچنین دیگران نیز اگر تحقیقی انجام داده اند حداقل شما به آن تحقیقات استناد نکرده اید بنابراین جواب ما مبتنی بر شق سوم است یعنی شما اجمالاً به مواردی برخورد کرده اید که کودکان و افراد کم سن وسال فیلمهای مبتذل تماش می کرده اند و بر هیمن اساس تصور شما اینست که بقیه جامعه نیز اینچنین است با این فرض باید گفت که این آسیب فرهنگی - اخلاقی - اجتماعی علل گوناگون و متعددی می تواند داشته باشد که به آنها اشاره می

شود:

۱ – گسترش روز افزون و نا متناسب صنعت و بکارگیری آن در ترویج فرهنگ ابتذال.

۲ – رعایت نکردن و الـدین و خانواده ها در تماشای این فیلمها یعنی اگر حداقل خانواده ها این فیلمها را که برای خود آنها نیز مضـر است در یک ساعاتی از شب یا روز تماشا می کردنـد که کودکان مـدرسه هسـتند یا بخواب رفته انـد تا حدود زیادی از گسترش آن در میان کودکان و نوجوانان جلوگیری می شد.

۳ – کاهش سـطح باورهای دینی و بعبارتی دیگر تضـعیف ایمان مـذهبی عامل بسـیار مؤثری در گسترش ابتذال فرهنگ مبتذل در نوجوانان و کودکان است.

۴ – بیکاری و عـدم تفریـح های سالم نیز مؤثر است البته عوامل دیگری نیز در این مسـئله دخیل هسـتند. اما اینکه فرمودیـد چه کسانی این فیلمها را وارد می کنند:

۱ – تمام کسانیکه دنبال سودجویی و منافع خودشان هستند.

۲ – عوامل نفوذی که در سطوح مختلف به ویژه در نهادهای فرهنگی جامعه وجود دارند.

۳ – افراد غافـل و از خـدا بی خبر و بی دین که بـا سـفر به کشورهـای دارای فرهنگ ابتـذال، آنها را به عنوان سوغات به داخل کشور می آورنـد این افراد ممکن است هیچگونه سود شخصی هم عایدشان نشود بلکه هزینه ها داشـته باشد ولی فقدان ایمان مـذهبی و عـدم ثبـات شخصـیت آنها باعث می شود که چیزهای ضـد فرهنگی را فرهنگی تلقی کننـد وآوردن این برنامه ها از خارج و تماشای آنها را نشانه با فرهنگ بودن، بدانند. عوامل مؤثر دیگری نیز ممکن است وجود داشـته باشد که فعلا مجال بر شمردن آنها نیست . در هر حال اصل این

سئوال نیاز به یک تحقیق دقیق دارد که صرفا یک ادعا و تعمیم دهی نباشد آنگاه می توان بر اساس آن سئوال دقیق علمی پاسخ مناسب نیز ارائه داد.

ابزاروروشها تهاجم فرهنگی

با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟

پرسش

با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟

پاسخ

وبا تقدیر و تشکر از شما به خاطر ارتباط با مؤسسه، در خصوص سؤال شما باید عرض کنم؛

از جمله شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد و منکرات به شکلهای مختلف در جوامع اسلامی می باشد و یکی از نمونه های بارز آن شیوع بدحجابی و بی حجابی در میان زنان مسلمان است چرا که اخلاق و عفت عمومی جامعه با تحریف زنان و جوانان نسبت به مسأله حجاب و آزادیهای اجتماعیشان آسیب پذیرتر می گردد. اصولاً جلوگیری از مفاسد اجتماعی کار آسانی نیست و دولت هم به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ یک جامعه با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد. درخصوص مبارزه با پدیده شوم بدحجابی و بعضاً بی حجابی و فساد اخلاقی همه افراد جامعه اسلامی باید با کار فرهنگی قدم اساسی در رفع این معضل بردارند و نباید مأیوس شد چرا که زندگی هدفدار و معنادار یعنی مبارزه با فساد و تباهی ها و گام برداشتن برای اصلاح جامعه؛ می توان با تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری پرداخت البته انتظار نتیجه فوری نیز نباید داشت. با احیای اصل حیاتی امر به معروف ونهی از منکر با رعایت شرایط آن هر کس می تواند گامهای مؤثری در جهت محو و نابودی منکر بردارد. و بدانید که مبارزه حق و باطل همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته و مخصوص زمان و مکان معینی نیست امام سرانجام پیروزی نهایی باحق خواهد

بود بفرموده قرآن کریم : "بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق""۱" (ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را نابود و هلاک سازد و باطل محو ونابود خواهد شد.)

و یا در سوره رعد آیه ۱۷ ، باطل را به کفهای روی امواج تشبیه می کند که چند صباحی خودنمایی و جولان داردند اما این کفها نه هرگز تشنه ای را سیراب می کند و نه درختی را می رویاند باطل پرسروصدا و پرغوغاست ولی توخالی و بی محتوا ونابود شدنی است. مطمئن باشید قدرت خدای متعال و تقدیر او بی تردید از حرکت پاک انقلاب اسلامی حمایت کرده و به شکلی که صلاح حضرت حق باشد جریانات باطل را که مانع اصلی اشاعه معنویت و گسترش انقلاب اسلامی است سرکوب خواهد کرد چرا که این انقلاب با خون شهدای بسیاری بیمه شده و با خود دعای صالحان واولیای خدا را به همراه دارد. پس نگران و مأیوس نباشید بلکه سعی و تلاش جدی خویش را بکار گیرید تا الگوی رفتاری مناسبی لااقل برای فرزندان خود باشید تا آنها را از این گونه آسیبها نجات بخشید.

البته این نکته نیز قابل تأمل است که درصد جوانان پاک، معتقد و متدین در جامعه کم نیست. یکی از وجوه تبلیغ حجاب درجامعه این است که جوانان پاک در جامعه بیشتر ظهور داشته باشند و با حضور خود در اماکن مختلف شهر و مراسمات مختلف جوّ تبلیغی دشمن را از بین ببرند چرا که دشمنان اسلام وانقلاب درصدد این هستند که اکثریت جوانان را بی بندوبار جلوه دهند ما علاوه بر تدوین یک برنامه

ریزی دقیق برای تبلیغ حجاب در سطوح مختلف از خانواده تا جامعه باید حضور خود را در مجامع مختلف بیشتر نشان دهیم تا سبب دلگرمی متدینین و معتقدین نظام اسلامی شود.

نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می گویند؟

پرسش

نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می گویند؟

پاسخ

نوارهایی که انسان را از راه راست و صراط مستقیم دور می سازد و مسیر حرکت تکاملی انان را عوض می کند؛ از چمله نوارهای مبتذل محسوب می شوند. این گونه نوارها انسان را از خدا غافل و روح بی ایمانی را در او تقویت می کند، غریزه شهوت را در انسان بر می انگیزد و به اخلاق وی آسیب می رساند.

بنابراین، نوارهای موسیقی و ترانه های شهوت برانگیز که مناسب با مجالس لهو و لعب است، از دیدگاه فقهای اسلامی (نوارهای مبتذل) می باشند.

چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟

پرسش

چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟

پاسخ

۱- اولین عامل بی حجابی، بی تقوایی و عدم رسوخ ایمان در روح و جان خانم های بی حجاب است، زیرا اگر ایمان به خدا و روز جزا و اعتقاد به قرآن و احکام آن که یکی از آن ها حجاب است، کامل باشد، انسان باور می کند که دستورهای خداوند حکیم صد در صد به نفع فرد و جامعه می باشد و تخلّف و سرپیچی از آن فرامین در دنیا موجب بدبختی و در آخرت باعث عذاب و خذلان خواهد شد. با چنین باوری قهراً انسان از ارتکاب معاصی که یکی از آن ها بی حجابی است، خودداری می کند. پس در درجه اوّل باید خانواده ها سعی کنند افراد با تقوا تحویل جامعه نمایند و عوامل تبلیغاتی هم به جِدّ مردم را تقوا و پاکی دعوت کنند.

۲- دومین عامل بی حجابی، ترک امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر دو وظیفه بزرگ اجتماعی است؛ یعنی مؤمنان جامعه اسلامی موظفند که مردم را به نیکی ها دعوت کرده و از بدی ها باز دارند که انجام این دو فریضه مهم الهی، عامل فلاح و رستگاری جامعه اسلامی است و با به فراموشی سپردن این وظیفه مقدّس، افراد نالایق و بی تقوا با تظاهر به اعمال خلاف و ناشایسته، جامعه را آلوده کرده و تباه می نمایند. امیرمؤمنان(ع) در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: "تمام کارهای نیک وحتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون آب دهان است در برابر دریای پهناور".(۱)

این همه تأکید در مورد امر به معروف و نهی از منکر به خاطر این است که آن دو ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و با تعطیل آن ها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهد داد.

۳- سومین چیزی که ممکن است برخی را به بی بندوباری از جمله بی حجابی بکشاند، خیال یا مشاهده بی عدالتی و سوء استفاده های مالی و مقامی از سوی عده ای از مسئولان نظام اسلامی می باشد که بعضی می خواهند با ارتکاب اعمال خلاف در مقابل این گونه کارها عکس العمل نشان دهند.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه (فیض الاسلام)، کلمات قصار، شماره ۳۶۶، ص ۱۲۵۳.

هدف دخترها از پوشیدن لباس های غیر اسلامی چیست؟

پرسش

هدف دخترها از پوشیدن لباس های غیر اسلامی چیست؟

پاسخ

پوشیدن لباس های غیر اسلامی، عوامل متعددی دارد، از جمله:

۱ – نداشتن درک و شناخت صحیح و کامل از حجاب و فلسفه آن.

برخی از دختران و زنان توجیه نشده اند که رعایت حجاب شرعی از واجبات دین است و مثل نماز و روزه و دیگر واجبات رعایت آن ضروری است و از شرایط ایمان می باشد.

۲ – نداشتن تربیت صحیح،

در خانواده و محیطی پرورش یافته که حجاب برای آنان مسئله مهمی نبوده و توجهی به آن نداشته اند یا برای آنان محرم و نامحرم و مقررات اسلامی مطرح نبوده است.

خلاصه این گونه بزرگ شده است و هدف دیگری در کار نیست.

۳ – تقلید کورکورانه.

یکی از تمایلات طبیعی نوجوانان و جوانان، "تقلید" است. آنان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم و

سازگار با اجتماع، از دیگران تقلید می کنند و روش آن ها را برنامه کار خود قرار می دهند.

تقلیـد یکی از ارکان اساسـی تری بشـر است و انسان باید از آن در زندگی بهره مند کردد، اما به شـرطی که از افراد منحرف و آلوده پیروی ننماید، زیرا دچار خطا و گمراهی شده و از مسیر فضیلت و مصلحت منحرف می شوند.

برخی از دختران متأسـفانه از زنان بـدحجاب و یا بی حجاب پیروی کرده و آن ها را الگوی زنـدگی خود قرار می دهنـد و می بینیم با پوشش غیر اسلامی وارد اجتماع می شوند.

۴ – جبران احساس حقارت.

یکی دیگر از تمایلات طبیعی نوجوانان و جوانان تشخص طلبی و برتر جویی است.

این خواسته اگر در مسیر صحیح هدایت شود، می تواند آنان را به کمال سوق دهد و استعدادها را به فعلیت بیاورد.

اگر

در راه درست راهنمـایی نشود و جوانـان به افراط و تنـد روی بگراینـد، موجبات تیره روزی آنان را فراهم می سازد. هر جوانی طبعا میل دارد در جامعه شـهرت و آوازه پیداکند. موردتوجه دیگران قرار بگیرد و و همه از او تمجید کنند، ولی نمی دانند راه شهرت این نیست. می توان گفت: میـل شدیـد نوجوان به جلب توجه دیگران و سـرفرازی، عکس العمـل احسـاس حقارت می باشد.

نوجوانی که در کودکی محبت بیش از انـدازه دیـده و لوس بار آمده و اکنون در جامعه به وی اعتنا نمی شود، عملا تحقیر می شود. نوجوانی که در طفولیت مورد بی مهری پـدر و مادر بوده و عزت نفسـش سرکوب شـده دست به کارهای ناشایسـته می زند.

نوجوانی که به علت تنبلی یـا نارسـایی عقل و هوش از تحصـیل عقب افتاده یا به خاطر نقص عضو و برخوردار نبودن از زیبایی احساس کمبود می کند، یا در محیط خانواده و اجتماع مورد ظلم قرار گرفته، دچار کج رفتاری می شود.

نوجوانی که در خـانه و بیرون تحت کنترل شدیـد و خشـک پـدر و مـادر و افراد خانواده بوده، یا ضـمیر آرام نـدارد و در خود احساس کوچکی و حقارت می کنـد، به فکر جبران آن می باشد(۱) و می خواهد از هر طریقی شخصـیت خود را نشان دهد و مورد توجه همگان قرار بگیرد، حتی اگر از طریق بی حجابی یا بد حجابی باشد.

۵ – عمل بیگانه؛

احتمال دارد دشـمن سرسـخت نظام ارزشـمند جمهوری اسـلامی برای ضـربه زدن به نظام و مخالفت با قوانین اسلامی و ناموفق جلوه دادن آن، عده ای را اجیری کرده باشد که با بعضی اعمال مثل بدحجابی؛ اعمال خلاف عفت و چهره نظام

را مشوه نماید.

پی نوشت ها:

۱ – جوان، فلسفی، ج ۱، ص ۴۰۲ – ۴۱۶.

دشمن از چه راه هایی می خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟

پرسش

دشمن از چه راه هایی می خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟

پاسخ

دشمن برای بیرون کردن مردم مخصوصاً جوانان از صحنه از راه های مختلفی وارد شده است

۱ مواد مخدر: گسترش مواد مخدر و ترویج آن عامل مهمی در بیرون کردن قشر مهم جامعه یعنی جوانان از صحنه سیاست و اسلام است مشاهده معتادان در خیابان ها و بروز اختلافات خانوادگی و جدایی و طلاق به سبب اعتیاد نمونه هایی از این مسئله است .

۲ ترویج فرهنگ ابتذال گسترش و کثرت فیلم ها و سی دی های مبتذل و برنامه های ماهواره ای بزرگ ترین و خطرناک ترین عامل به فساد کشاندن جوانان محسوب می شود .

۳ ترویج فرهنگ اباحی گری و به اصطلاح تبلیغ از تساهل و تسامح و تشکیک در مبانی اعتقادی مردم در سال های اخیر از طریق برخی روزنامه ها و مجلات و فهته نامه ها و سیاسی کردن همه چیز و هجوم گسترده و پی در پی به آن چه عامل پیروزی انقلاب اسلامی شد، نیز تشکیک درباره برخی از تصمیمات گذشته مانند دفاع مقدس و حمله به نیروهای مذهبی د راستای زدودن و پاک کردن افکار انقلابی و اسلامی بوده و این خطری بزرگ برای ملت شریف ایران مخصوصاً جوانان عزیز است ؛ مخصوصاً که اخیراً تز جدایی دین از سیاست را به اذهان القا می کنند؛ تزی که مسلمان را از هویت دینی و استقلال خواهی و عزت طلبی تهی می کند و آنان را برای ذلت طلبی آماده می سازد.

۵ بد عمل کردن برخی از دست اندرکاران و مجریان و مدیران مملکت آن هم در نظامی که به نام اسلام و روحانیت است یکی دیگر از عوامل

مهم دل زدگی مردم مخصوصاً جوانان است .

را به پای ناتوانی اسلام برای اداره جامعه می پندارند، در حالی که چنین نیست .

مسئولیت و ریاست به عنوان خدمت به مردم و آسان کردن کارهای اینان است نه اشکال تراشی و بی احترامی و تأخیر انداختن کارها. برخی از مدیران یا کارمندان ریاست خود را به این می دانند که مردم را اسیر گردانند؛ آنان را در سالن انتظار معطل کنند کار را مشکل و مهم جلوه دهند، در حالی که آنان مزد بگیران مردم و==== آنان هستند .

ما نباید بد عمل کردن برخی افراد را پای اسلام و نظام اسلامی بدانیم .

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست از مسلمانی ما است

گاه گاهی مطالبی را به چاپ می رسانند منبی بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه مرتبه چاپ کنید و هر کس این کار را نکند مثلا فلان بلا گرفتار می شود و اگر این کار را بکند چقدر حاجات او

پرسش

گاه گاهی مطالبی را به چاپ می رسانند منبی بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه مرتبه چاپ کنید و هر کس این کار را نکند مثلاـ فلاـن بلاـ گرفتار می شود و اگر این کار را بکند چقدر حاجات او بر آورده می شود و رزق و روزی فراوان می شود. آیا این مطالب صحیح است و باید به این عمل کرد؟

پاسخ

این گونه مطالب ریشه در تهاجم فرهنگی دارد و دست های پیدا و پنهان می خواهند ملت ما را خرافی معرفی کرده و اوقات آنها را به کارهای بی هوده بکشانند وانگهی چون مدرک منبع صحیح و معتبری ندارد نمی توان بر آن ها اعتماد کرد گر چه مطالبی که در برخی از این نوشته ها هست صحیح و مطابق با واقع است مثلاـ خطاب به زن ها نوشته شده حجاب خود را مراعات کنید، به فرزندان بگویید از پدر و مارشان اطاعت کنند. این گونه مطالب درست و صحیح است و وظیفه مؤمنان این است که به امر به معروف و نهی از منکر کرده واجب مهم الهی است همت بگمارید از خویشان و فرزندان شروع کنند و اگر در افراد جامعه فساد و بدی مشاهده کردند تذکر بدهند و یکدیگر را نصیحت کنند و آنان را از خرافات و پوچی ها بر حذر دارند. قرآن درباره پیامبر(ص) می فرماید: "یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر...؛"[۱] (پیامبر) آنان را به معروف امر می کرد و از منکر باز می داشت پاکیزه ها را برای آنان حلال می شمرد، ناپاکی ها را تحریم می کرد و بارهای سنگین و زنجیرهایی که بر مردم بود

از دوششان بر می داشت آن ها که به او ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند

و از تنوری که با او نازل شده (قرآن پیروی کردند آنان رستگارانند.

محتوای دعوت پیـامبر بـا فرمان عقل کاملا سازگار است به نیکی ها و آن چه خرد می شـناسد دعوت می کنـد و از بـدی ها و زشتی ها نهی می نماید.

دعوت پیامبر(ص) با فطرت سلیم هم آهنگ است طیبات و آنچه را که طبع سلیم می پسندد، برای مردم حلال می شمارد و آن چه خبیث و تنفرآمیز باشـد، بر آنان تحریم می کنـد. پیامبر تنها باری بر دوش آنان نمی گـذارد، بلکه بارها را از دوش آنان بر می دارد و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان سـنگینی می کرد می شـکند. پیامبر با خرافات موافق نیست بلکه با آنها مبارزه می کند!

در هر صورت به این نوشته ها اعتنا نکنید. و به تکثیر و چاپ این مطالب اقدام نکنید.

[۱]اعراف (۷) آیه ۱۵۷.

راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمرید؟

پرسش

راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمرید؟

پاسخ

۱. سـکوت نسبت به ارزش اسـلامی وانقلابی ماننـد جهاد, شـهادت, فـداکاری, زهـد وپارسایی ودم زدن از مفاهیمی نو مانند دموکراسـی, توسـعه, آزادی و... که از سویی برای همه خصوصاً قشر جوان جذاب باشد واز سوی دیگر مقدمه وتمهیدی برای از بین بردن ومحو ارزش های اسـلامی قرار گیرد. ۲. معرّفی روحانیت به عنوان عامل مشـکلات اقتصادی مردم, گرانی وتورّم, کمبود وسائـل رفاهی, وقوع جنگ وپیآمـدهای آن ووانمود کردن اینکه مسوول همه این نابسامانیها روحانیت هسـتند.۳. از بین بردن حساسیت ها وغیرت دینی ۴. دین ودینداری را عامل اختلاف معرّفی کردن.

علل و عوامل پیدایش و گسترش « الحاد » را بر شمرید ؟

پرسش

علل و عوامل پیدایش و گسترش « الحاد » را بر شمرید ؟

پاسخ

۱- علل روانی : یعنی انگیزه هایی که ممکن است برای بی دینی و گرایش به الحاد در شخص وجود داشته باشد ، هر چند خودش از تأثیر آنها بی خبر باشد و مهمترین آنها راحت طلبی است (در مقابل زحمت تحقیق و پژوهش در دین) و میل به بی بند و باری (در مقابل قبول مسئولیتهایی که دین به عهده انسان گذاشته ، و جلوگیری دین از هواپرستی) است .

۲- علل اجتماعی : یعنی اوضاع واحوال اجتماعی نامطلوبی که در پاره ای از جوامع به وجود می آید و متصدیان امور دینی نقشی در پیدایش یا گسترش آن دارند ، در چنین شرایطی بسیاری از مردم از نظر تفکر عقلانی ضعیف هستند ، این نابسامانیها را به دلیل دخالت دینداران در وقوع آنها ، بحساب مکتب و دین می گذارند .

۳- علل فکری : یعنی اوهام و شبهاتی که به ذهن شخص می آید یا از دیگران می شنود و در اثر ضعف نیروی تفکر و استدلال ، قدرت بر دفع آنها را ندارد و کمابیش تحت تاثیر آنها قرار می گیرد.

چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟

پرسش

چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟

پاسخ

ما این عوامل را به دو عامل خارجی و داخلی تقسیم می کنیم .

عامل خارجی همان برنامه ریزیهای غرب است که به خاطر دستیابی به منابع مادی و اقتصادی ما نیاز به سرگرمی و انحراف سرمایه های توانمند یعنی جوانان دارد. آنها به سرعت انواع مدها والگوهای فاسد و ضدفرهنگی را از طریق رادیو تلویزیون، ماهواره و دوستان داخلی خود به معرض ما می گذارند. و سوگمندانه این کالاهای فاسد را به نام تمدن و فرهنگ غالب می کنند و دلسوزان جامعه را خلع سلاح می کنند. در حالیکه متفکرین غربی خود این عصر را عصر ایمان عقب نشینی و بن بست مکتبهای غربی می دانند.

۲ ۰ عامل داخلی داریم که خود دو قسمت می شود یکی سرسپردگان و دلبستگان فرهنگ غربی در داخل کشور که بانوشتن مقالات داستانها و ادبیات و استانی، غذای مسمری را به آسانی به ذهن بچه های ما تزریق می کنند. متأسفانه امروز آنان نشریات متنوع هم دارند و افکار پوسیده و ناهماهنگ با تاریخ مکتب ما را به خورد بچه های مظلوم می دهند مسیحیت که در

غرب نتوانست فلسفه و جهان بینی توانایی که مغز و دل را سیراب کند عرضه کند، باصطلاح اندیشمندان غربی را واداشت که چاره ای بیندیشند و انواع انحرافات را دچار شوند آنوقت عدّه ای آن کالایی بی ارزش را برای جوانان ما به ارمغان می آورند. از آنجمله حرفهایی مثل پلورالیزم آزادی (بدون حدود) روشنفکری بدون روشندلی، سکولاریزم و... البته اندیشمندان متعمد حوزه و دانشگاه در مقابل اینها ایستاده اند به تألیفات آن مراجعه

نمائید.

۰۳ از آنجا که نباید همه گناهها را به گردن بیرون گذاشت معترفیم که انسان با نفسی

۳

تنوع خواه روبروست که اگر بـا معرفت و عبادت و عشق الهی جهت نیابـد. آدمی را به راحتی به انحراف می کشانـد چون این دزد در خانه است.

(ان النفس لاماره بالسوء).

شیطـان و جلوه هـای دنیا اگر شـناسائی نشونـد و با عبرتها وایمان محکم مسـدود نگردنـد بزرگترین عامل گمراهی می شونـد. چنانکه مجاهدان دیروز را به منافقان امروز تبدیل می کنند.

برای ایمانی که داریـد کار کنیـد و به تقویت آن بپردازیـد . خداوند خودیاری خواهد داد. و الّا این یک قانون است، ایمان بی تحرک به کفر می پیوند (طلحه و زبیر) و کفر و متحرک به ایمان (حرّبن یزید).

۰۴ نقش دوستان و معاشران را دست کم نگیرید بزرگان فرموده اند انسان بر دین دوست خود می باشد. آدمی که در تاریکی می رود برای خود دنبال همراه می گردد. لازم است اگر توانمند پر تغییر دوستان ناباب نیستیم از آO......جدا شویم .

۰۵ بعضی از نوشته های مفید در این مورد را حتماً بخوانید و بر دیگران توصیه کنید .

کتاب جوان حجه الاسلام فلسفی (ره) با جوانان وطنم نوشته مهدی شجاعی پشت دیوار ندامت (از انتشارات کیهان)....

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسلامی چرا سطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزایش می باشد ؟

پرسش

با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسـلامی چرا سـطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزایش می باشد ؟

پاسخ

آیت الله مصباح در پاسخ به این سؤال می فرمایند: "این سؤال درباره حکومت امیرالمومنین (نیز مطرح می شود. مطابق معتقدات دینی، امیر المومنین علی (معصوم است . در حقانیت و مشروعیت حکومت علی هیچ تردید و شبهه ای میان فرقه های مختلف اسلامی وجود ندارد. نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت، میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد ...Ř...ای..... آل نشان می دهد.جنگهای داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی به کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت شده، کثرت مشکلات، گستردگی بدعتها و سنت ها ی فاسد و آلودگیهای مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی، زمینه های این وضع را فراهم آورده بود. در همان حال علی (شایسته ترین فرد برای حکومت در اوضاع آن روز بود. اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می خورد. مثلا مشکلات اقتصادی کشور.

توضیح آنکه: جمعیت تاکنون دو برابر شده، قیمت کالاها متناسب با تورم جهانی بالا رفته است ولی قیمت نفت به کمتر از یک سوم تنزل یافته است. فرهنگ مصرف جامعه بسیار تغییر کرده و سطح توقعات، به نحو چمشگیری بالا رفته، تحریمهای اقتصادی، جنگ و ویرانیهای بسیاری که بر کشور ما تحمیل شد. گروهی از ارزشمند ترین تربیت یافتگان در حوادث آغازین انقلاب به شهادت رسیدند بزرگانی چون شهید بهشتی ، شهید مطهری و افزون بر این، دخالت دشمن در ایجاد فضای آلوده فرهنگی برای نسل جوان و ... در

نابسامانیهای فرهنگی تأثیری عمیق گذاشت با این همه این مشکلات و نارساییها مشروعیت نظام را زیر سؤال نمی برد"(۱)

پاسخی که ارائه شد نسبتاً کامل است اما عوامل دیگری هم وجود د ارد که می توان آنها را به عنوان علتهای مهم ضمیمه کرد. بـه طـور کلی قبـل از پیروزی انقلاب مردم ایـده هـا و آرزوهـایی داشـتند امـا وقـتی به آن دست یافتنـد عملاً- دیدنـد که برای نگهـداری و حفـظ این مرحله مشـکلات زیـادی دارنـد "ان الـذین قالوا ربنا الله ثم اسـتقاموا"(۲) بودنـد کـه زیر سـیطره ظلم و محرومیتهـا زنـدگی می کرده انـد امـا بعـداً وقـتی این مردم به واسـطه رهـبری الهی از یـوغ اسـتعمار و ظلم نجـات پیـدا کردند خودشـان حـاکم و وارث شدنـد. بنابراین این دو دوره با هم متفاوت است. در دوره اول مردم به خاطر قرار داشـتن در موقعیت محرومیت و ظلم در یک وضعیت روحی خاص قرار داشتند لذا برای رها کردن خودشان تلاش می کردند ولی در دوره جدید چون مردم در حقیقت می خواهنـد خودشان وارثانی باشـند که حکومت در دست آنها باشـد و در یک دوره راحتی و آسایش قرار می گیرنـد. آمـال، ایـده هـا که قبلا داشـتند در این دوره به خاطر برداشـته شـدن آن فشارها عوض می شود. شاهـد بر این مطلب آیه شـریفه قرآن است که می فرمایـد: " ان الانسان لیطغی اَن راه اسـتغنی"(۳) در این آیه به تصـریح در مورد این دوره آمـده که وقتی انسان به اسـتغنا و بی نیازی می رسـد طغیانگر می شود. در داسـتان انبیا می بینیـد همان مردمی که مظلوم بودند حاکم می شوند و بعد از مدتی ایده ها فراموش

می شود و همانها تبدیل به ظالمانی می شوند که به زیر دستان خود ظلم می کنند و باز آن مظلومین برای رهایی دعا می کنند و سالیانی می گذرد و باز آنها حاکم می شوند و به همین ترتیب سنت الهی ادامه پیدا می کند.

در مورد انقلاب شکوهمند اسلامی باید بگویم که این وضعیت قابل تعمیم نسبت به تمام افرد طبقه حاکم نیست، بلکه رهبران شخصیتهای فرزانه ای هستند که از این آفت تا حدود بسیار زیادی مصون هستند و افرادی نیز هستند که این دورهِ عافیت برای آنها عافیت نبوده، بلکه چه بسا در سختی و فشار بیشتری قرار می گیرند و حتی آسایش گذشته را هم ندارند که اینها در پیگیری اهداف اسلامی رهروان صدیق و در حقیقت یاران مخلص رهبری محسوب می شوند ولی کل جامعه دردو دوره جنگ و صلح وضعیت متفاوتی پیدا یافته است در زمان ۸ سال دفاع مقدس شاهد بودیم که حتی جوانهایی که خیلی مذهبی نبودند و افرادی عادی بودند وقتی ظلم و تجاوز و تعدی را دیدند سینه سپر کردند و همه به میدان نبرد آمدند و شهادت و ایثار جان در راه هدف یک دانشگاه آدم سا زی برای همه شده بود. اما وقتی دوره عافیت فرا رسید و جنگ تمام شد اینها بر گشتند. دغدغه ها، دغدغه های زندگی، تامین کار، معاش و خانه شد و آن روحیات و نیّات ایثار و فداکاری به سرو سامان دادن به وضع زندگی و تحصیل رفاه تبدیل شد، به عنوان مثال آن جوانی که در جنگ رهبری دسته و گروهی را به عهده می گرفت یا یک آرپی جی زن

بود که در شدید ترین وضعیتها از خودش فداکاری نشان می داد الان دغدغه اش تهیه یخچال، فرش و جنسهای کوپنی و ... شده است و در یک جو دیگری قرار گرفته در اینجا طبیعی است که این مرحله خیلی سخت تر از مرحله قبل است اینجا دارای عافیتی است که مصداق آیه "ان الانسان لیطغی ان راه استغنی"(۴) است چون در زمان جنگ انسان مرتب ظلم و ستم به خویشان و نزدیکان خود را می بیند و این صحنه ها حمیّت و جوهره انسانی او را پر نور و تازه نگه می دارد، اما در زمان صلح و عافیت انسان غافل می شود و دغدغه های دیگری برای ا و بوجود می آید. لذا متذکر شدن به جوهره انسانیت دیگر مانند گذشته وجود ندارد و همه چیز، انسان را به یک حال و هوای دیگری که خاص دوره عافیت است دعوت می کند، این شرایط خیلی سخت است و انسانها حال و وضعشان عوض می شود لذا عواملی در این زمینه مؤثر است که باید آنها را به عواملی که در ابتدا ذکر شد اضافه نمود. یکی از این عوامل این است که انسان در یک مرحله نسبت به وضعیتی که در آن قرار گرفته بیدار شده و طالب رهایی می شود تلاش می کند و برای رسیدن به وضعیت مطلوب انقلاب می کند اما بعد از این انقلاب و سرنگونی حکومت فاسد و برقراری حکومت مشروع الهی، دورانی شروع می شود که این دوران در واقع دوران تربیت است و این دوران، دوارن تغییر فرهنگ اجتماع است که این تغییر به صورت دفعی و آنی

نیست بلکه به تدریج صورت می گیرد.

بنـابراین عوض کردن عـادات، خلقیات و روحیات مردم کار یک شب و دو شب یا یکسال و دو سال نیست . سال ۵۸ را فرض کنید همانهایی که ابتدا در این انقلاب داوطلب بودند و ثبت نام کرده بودند و حاضـر بودند هر سختی را در راه انقلاب تحمل کننـد شاید برخی هم فکر این را که تربیت و سازندگی خیلی سـخت است و تربیت و ساختن مساوی است با چشم پوشـیدن از خیلی چیزها را نکرده بودند، لذا در این دوره بعضی ها عقب نشینی کردند. شاهد بر این مطلب دوران حکومت حضرت علی (است که وضـعیت مردم به همین صورت بود به طوری که وقتی مردم برای بیعت با حضرت آمدند آنقدر ازدحام جمعیت زیاد شـد که حضـرت در این بـاره می فرماینـد "ناگهان دیـدم مردم از هرسوی رو به من نهادنـد و چون یال کفتار پس و پشت هم ایسـتادند چنـدانکه حسـنین فشـرده گشـتند و دو پهلـویم آزرده شـد و به گرد من اجتمـاع نمودنـد و چـون گله گوسـفندان بی سرپرست..."(۵) اما وقتی مردم شـیوه و روش مولا علی (را مشاهده کردند چون اجرای عدالت حضـرت بر ایشان سخت بود و باید از خیلی چیزها از جمله عشـرتها، بی بند و باریها، هرزه گیها، و آزادیهای شـیطانی دست بر می داشـتند با اینکه حضرت از ابتـدا فرموده بودنـد که: " به خـدا اگر ببینم که بیت المال به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشـد آن را باز می گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت را بر نتابد ستم را سخت

تر یابد"(۶)

اینها فکر نمی کردند حضرت سخنانش را عمل کند و گمان می کردند اینها فقط شعار است اما وقتی دیدند این حرفها اجرا می شود خیلی ها از راه برگشتند.

در مورد مقایسه بین حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی ا گر بخواهیم آماری از رواج فساد و فحشا ارائه دهیم حقیقت این است که سالهای قبل از سال ۵۸ فساد و فحشا علنی و رسمی بود اما در حال حاضر فساد و فحشا به صورت علنی نیست و جلوی آن گرفته شده است. ما حتی بی حجابی نداریم در حالی که در آن زمان بی حجابی داشتیم درست است که در حال حاضر بدحجابی در جامعه وجود دارد اما بازهم نسبت به آن سالها قابل مقایسه نیست. با این حال بعد از این همه سال که از انقلاب گذشته و توقع بسیاری که از حکومت اسلامی داریم این اندازه فساد موجود هم برای ما قابل تحمل نیست و دیگر زمینه های فساد مانند احتکار، سرقت و دزدی و ... نیز قصه ای مشابه دارد.

۱ پرسشها و پاسخ ها، آیت الله مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (، ص ۷۵، ۷۶

۲ احقاف/ ۱۳

۳ علق/ ۶

۴ علق/ ۶

۵ نهج البلاغه/ خ ۳

۶ نهج البلاغه/ خ۱۵

علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل کرده چه می باشد؟

پرسش

علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل کرده چه می باشد؟

پاسخ

فاصله و دوری از اخلاق و ارزش های اخلاقی پدیده ای تازه و نو نیست که هرگز بشر شاهد آن نباشد بلکه تاریخ حتی در عصر معصومین (شاهد آن بوده و گزارش های تأسف باری از آن دارد جامعه ما نیز در کنار حضور مردم بویژه جوانان تحصیل کرده و دانشگاهی در مراسم معنوی دعای کمیل، ندبه، اعتکاف و عزاداریها و ... شاهد دوری قشر نسبتاً قابل ملاحظه

ای از جوانـان مسائل اخلاقی می باشـد که زنگ خطر و هشـداری است جـدی به همه مردم بویژه صاحبان مسؤولیت در مسائل فکری، فرهنگی و تربیتی جامعه از والـدین و معلمان و روحانیون و روشـنفکران و فرهیخته گان گرفته تا همه نهاد ها و سازمان ها آموزشی، فرهنگی، ارشاد و تبلیغی.

در پدیده فوق می توان عوامل ذیل را موثر دانست.

۱. طبیعت انسان به حیوانیت گرایش دارد زیرا انسان از حیث طبیعتش حیوان بالفعل و انسان بالقوه است.

۲. تزیین و آرایش و ویرایش دنیا و دنیاگرایی.

۳. جایگزینی تهاجم فکری و فرهنگی بجای سلاح های کشتار جمعی در جهان بویژه در ایران توسط استکبار جهانی.

۴. اختلاف و حزب بازی های برخی دولتمردان.

۵. جایگزینی مدیریت دنیاگرایی بجای مدیریت خدا محوری در بدنه مدیریت سیاسی.

۶. عدم پاسخگویی مناسب و به روز نبودن سیستم تبلیغاتی و فرهنگی جامعه.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ چنین فرموده اند: "به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعـددی دارد که از همه مهمتر دو عامـل است. اول: تبلیغات مسـمومی است که عمال بیگانه از مـدتها پیش در میان جوانان ما کرده و آنها را نسبت به جوامع دینی

و روحانیت بدبین ساخته اند، و حقایق را طوری دیگر در نظر آنها جلوه داده اند."

دوم: عدم انظباط در بعضی جلسات دینی، و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع، به طوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده را با تعلیمات علی و ارزنده اسلام سیراب نمایند.

عوامل مهم دیگری هم هست که می توان نام برد مانند: بعضی از اختلافات میان دولتمردان و ایجاد خطوط و جناح بندیها که اتحاد مردم را خدشه دار می کند. عامل دیگر دنیاگرایی بعضی مسؤولین و منتسبین به دین می باشد. هنر بزرگ امام راحل این بود که راه روحانیت در باری و جاه طلب و دنیا گرا را از اهل زهد و تقوی جدا نمود. همانطور که مخلصین و خدمتگزاران از قشر روحانیت و مسؤولین در انقلاب، روشنی چشم ملت محل اعتماد آنها است هستند. دنیاگرایی و رفاه طلبی برخی نیز صدمات جبران ناپذیری به اعتماد و حمایت مردم وارد می آورد. حضرت امام فرمودند: "مبادا خدای نخواسته یک وقت از این زی طلبگی خارج بشود و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی در مورد مردم بشود" و درباره دولتمردان فرمودند: "بدبختی و خوشبختی ملتها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیأت حاکمه است."

چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا نوارها یا سی دی مبتذل پول زیادی لازم نیست؟

پرسش

چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا نوارها یا سی دی مبتذل پول زیادی لازم نیست؟

پاسخ

احساس وظیفه و مسئولیت و دلسوزی جنابعالی نسبت به اسلام و نظام اسلامی در خور ستایش و تحسین و موجب افتخار و مباهات است .از این که می بینیم زنانی با مسئولیت درپهنه این مرز و بوم به زندگی شرافتمندانه توأم با حس مسئولیت پذیری و روح نقد و نقادی زندگی می کنند احساس غرور و افتخار می کنیم. همان گونه که جنابعالی اشاره کرده ای سرمایه گذاری دشمنان و عوامل استکبار برای نابودی و کمرنگ نمودن فرهنگ غنی و پر محتوای اسلام و انقلاب اسلامی با همه توان خویش به صحنه آمده است و در راه محو فرهنگ دینی از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی کند ولی درمقابل ، جامعه و مسئولان کشور تنها با نازیدن و افتخار به گذشته فرهنگی خویش و اقتدار و عظمت فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون گذشته اکتفا می کند و به جای پرداختن به برنامه ریزی اساسی و زیربنایی برای تحکیم پایه های فرهنگ و نوزایی و پویایی فرهنگی متأسفانه به نزاع های بی مصرف و بی خاصیت سیاسی و قومی ... مشغول شده و هستی و انرژی متراکم و سرشار نسل جوان را به نابودی و فلاکت می کشاند و حال آن که برای مقابله با ابتذال فرهنگی و ایستادگی در برابر فرهنگ پوچ و بی مصرف مادی غرب که از پایه های لرزان مادی شکل گرفته است،اقدام در خور و شایسته ای صورت نمی پذیرد و بجز چند حرکت

خوب و ارزنده همانند برگزاری مسابقات بین المللی قرآن

مسابقات سالانه قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی، حرکتهایی که در خصوص ترویج فرهنگ اقامه نماز صورت گرفته و ...، سایر فعالیت ها و تلاشهای صورت گرفته در عرصه فرهنگ و اندیشه چندان قابل توجه نیست.

برادر عزیز آنچه شما را نگران ساخته و اظهار داد نموده اید درد مشترک همه دلسوزان اسلام و انقلاب اسلامی است ولی متأسفانه از حد همین دلسوزی و گاه اظهار یأس و ناامیدی فراتر نمی رود که این امر نه تنها دردی دوا نمی کند بلکه در بسیاری از مواقع شوق و امید را از نسل آتی و آینده ساز کشور می رباید و زمینه پذیرش فرهنگ ابتذال با ترویج حس ناتوانی فرهنگ خودی در وجود آنان فراهم می گردد.

برادر عزیز کم نیستند کسانی که همانند شما گرانی کتاب را عامل کتاب نخواندن می دانند ولی حقیقت چیز دیگری است ؛چگونه است که روزانه و در هفته و ماهانه هزاران ریال خرج خرید تنقلات بی خاصیت و بی مصرف برای فرزندانمان و خودمان می کنیم ولی یک هزارم آن برای تغذیه فکری او هزینه نمی کنیم. در هفته چقدر شکلات کیک کلوچه، پفک، چیپس و ... می خریم. اینها همه به عنوان غذای جسم است که ارزش غذایی ندارد آیا تصور نمی کنید اگر یک هزارم همین هزینه ها را خرج خرید کتاب بکنیم مقدار زیادی کتاب می توانیم تهیه کنیم. اینها را مرتب باید خرید ولی یک کتاب را یک بار باید بخریم و روزها و ماهها بطور مرتب به عنوان غذای روح از آن تغذیه کنیم. انصافاً کتاب در مقایسه با سایر اقلام گران نیست.

چه بسیارند کسانی که به بهانه گرانی کتاب، کتاب نمی خرند ولی حتی کتابهایی که خریده اند

و در منزل نگهداری می کنند مطالعه نکرده اند. چه بسیارند کسانی که چنین فکر می کنند ولی از تلاوت روزانه چند آیه از قرآن کریم به عنوان عالی ترین غذای روح بشری غفلت می ورزند. چه بسیارند کسانی که گران بودن کتاب را بهانه کتاب نخواندن می دانند ولی هرگز به کتابخانه های عمومی برای عضو شدن و کتاب گرفتن مراجعه نکرده اند. آیا کتاب خواندن فقط با کتاب خریدن میسر است و گاهی برخی از کتابهای کتابخانه ها سالهای سال مورد مطالعه قرار نمی گیرد و حال آن که سرمایه عظیمی است که دولت برای استفاده عموم هزینه کرده است.

اتفاقاً کتاب خواندن با حضور در کتابخانه و عضویت در کتابخانه مفهوم پیدا می کند نه کتاب خریدن . وقتی کتابی مطالعه شد کنار گذاشته و بلااستفاده می شود ولی در کتابخانه افراد مختلف مطالعه می کنند. انسان با عضویت در کتابخانه می تواند میلیونها کتاب بخواند که خرید آن برایش مقدور نیست . مشکل جامعه ما افت فرهنگی و عقب ماندگی فرهنگی است که باید با همت همگانی برطرف شود. انشاء ا...

چرا در جامعه بی بندوباری و فساد زیاد شده است

پرسش

چرا در جامعه بی بندوباری و فساد زیاد شده است

پاسخ

بی بند و باری و فساد کنونی جامعه معلول

امور متعددی است که برای رفع آن باید آن علل رفع

و دفع شود از جمله:

فقر و بیکاری;

گرانی و سختی اداره زندگی;

مشکل شدن ازدواج برای جوانان;

تفسیرهای ناصحیح از آزادی و خلط آزادی با

بی بندوباری در این چند ساله اخیر;

تهاجم فرهنگی دشمن و رواج ماهواره، فیلم های

مبتذل و عکسهای مستهجن;

کمبود امکانات برای تفریحات سالم ;

- اعتیاد و متلاشی شدن کانون گرم خانواده ها

علت بی توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد انها چیست

پرسش

علت بی توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد انها چیست

پاسخ

این موضوع دلایل متعددی دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر

اشاره کرد.

الف) حجم عظیم تبلیغات غرب و دنیای دور از دین با وسایل مختلف و

متعدد ارتباطی;

ب) ضعف تبلیغات دینی و نامتناسب بودن آن با شرایط زمان;

ج) سردرگمی جوانان در مورد الگوهای دینی ارائه شده که ناشی از

اختلاف و تفاوت نظرها در این مورد است.

د) مشکلات اجتماعی و موانعی که انقلاب را در رسیدن به اهداف خود

دچار مشکلات و صدماتی کردند.

البته باید توجه داشته باشید در عین حال به دلیل حقانیت دین و

خداپرستی گرایش به دین بسیار نیرومند است و فطرت ها هم چنان مسیر

حقیقی خود را می پیمایند. گرچه جوانان به سرعت به خواسته های پدران و

مادران پاسخ نمی گویند.

باید مشکلات فکری جوانان را حل کرد تا مسیر دینداری آنان با

مشکلات کمتری روبرو باشد.

علل بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست

پرسش

علل بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست

پاسخ

بی رغبتی و ترک نماز علل متعددی دارد از جمله:

۱. عدم آشنایی به فلسفه نماز;۲. احساس تحجر و عقب ماندگی;

۳. تنبلی و تن پروری;۴. مسامحه کاری;

۵. احساس خودنمایی و ریاکاری;۶. احساس بی فایده بودن نماز

به علت گناهکار بودن;

۷. خانواده;۸. محیط و اجتماع فاسد;

۹. دوست فاسد;۱۰. برخوردهای نامناسب افراد مذهبی

شخصی که در خواندن نماز سستی می کند و به آن بی رغبت

است، باید به عوامل یاد شده توجه کند و درهر موردی که درباره ئ او

صادق است، به درمان وبرطرف کردن آن مشغول باشد ; مثلاش اگر

دوست فاسد عامل ترک نماز است، باید رابطه با او را کاملاش قطع کند و

اگر با فلسفه نماز آشنایی ندارد; به مطالعه و تفکر در اسرار و

فلسفه های نماز بپردازد.

چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟

پرسش

چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟

پاسخ

این مساله علت های مختلفی دارد از جمله:

۱. جونان الان بیشتر مشغول تحصیل یا اشتغال هستند و در مواقع نماز، نمی توانند در مساجد حاضر شوند.

در عین حال بزرگسالان و پیران چون کاری انجام نمی دهند، اوقات خالی خود را در مساجد سپری می کنند.

۲. ایمان و باور افراد مسن، بیشتر از جوانان است و لذا آنان بیشتر به دین و دستورات آن اهمیت می دهند و ترس آنان از عذاب های الهی و مرگ و قیامت، بیشتر از جوانان است.

۳. برخوردهای ناروا و ناشایست بعضی از افراد با جوانان و نوجوانان، باعث دوری و فرار آنان از مساجد شده که باید هیات امنای مساجد و روحانیان، این مشکلات رفتاری را برطرف سازند.

۴. اشتغالات دیگر (مثل ورزش، تفریح و...) و نیز ضعف بنیان های عقیدتی و فکری، جذاب و مناسب نبودن بعضی از برنامه ها با روحیه جوانان و.. باعث دوری آنان از مساجد و نماز شده که باید سعی کرد ضمن بررسی این موانع، درصدد رفع و ریشه کنی آنها بر آمد.

چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟

پرسش

چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟

پاسخ

معمولاـ پایتخت کشورها مرکز تلاقی بیشتر با اشخاص جریانات بازارها و تفکرات ملل گوناگون است. از همین روتأثیر گذاری و تأثیر پذیری آنها هم در این موارد بیشتر می باشد.{J

با توجه به اینکه اعتقاد داریم حکومت اسلامی کامل ترین قوانین حکومتی را دارد, چرا گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می یابد؟

پرسش

با توجه به اینکه اعتقاد داریم حکومت اسلامی کامل ترین قوانین حکومتی را دارد, چرا گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می یابد؟

پاسخ

گرایش به فرهنگ غربی و فساد عوامل متعددی دارد از جمله:

۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که طبیعتا فرد را به سوی پورنوگرافی غربی متمایلمی سازد.

۲- استفاده غربی ها از عوامل. ابزارها و سرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شیوه های فریبنده در سطحیبسیار گسترده.

۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی ازدانشگاهیان و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.{J

علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست ؟

پرسش

علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست ؟

پاسخ

مسأله غرب گرایی و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نماییم:

نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه هایغربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی وشناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظاماجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدتمی بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های

کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن ازآنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

در مورد راه های مبارزه با غرب گرایی باید گفت: واقعیت این است که غرب گرایی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم و سازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامیو ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق، حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه

ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیـای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسـی اسـلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقـق بـاوری عمیـق، درونی، ریشـه دار، عقلانـی و مبتنی بر نظـام ارزش اسـلام در مـدیران جـامعه به معنی کسـانی که در دسـتگاه های رسـمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشـی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنـد. نسـبت به جایگـاه و اهمیت اساسـی اینمجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشـی جـامعه و خـارج شـدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی...

در پایـان ذکر این نکته لازم است که مسـلما برخورد فیزیکی و بسـتن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشـد و تحقق آن نیز در عصـر ارتباطات و پیشـرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجمفرهنگی جلوگیری به عمل می آورد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی) {J

عوامل فساد و چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست ؟

پرسش

عوامل فساد و

چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست ؟

پاسخ

برای شناخت وظیفه و چگونگی مقابله با فساد در جامعه ابتدا لازم است که عوامل و موجبات فساد را موردشناسایی قرار داده و سپس به راههای مقابله با آن بپردازیم:

الف عوامل ایجاد فساد در جامعه و تأثیرات مخرّب آنها:

۱ مشروبات الکلی: که نوشیدن آن آدمی را سست اراده، پست و بی شخصیت می سازد و موجب سلب توفیقات ودوری از خداوند می گردد و هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی و هم از نظر اجتماعی، پیامدهای ناگوار به دنبالداشته و زمینه بسیاری از جرائم را فراهم می کند.

۲ قماربازی، انسان را لاابالی می کند، روابط خانوادگی را از هم می پاشد، عامل دشمنی و کینه توزی می شود، زمینهخشم و انتقام را فراهم می سازد و زیان های اقتصادی و روانی جبران ناپذیر به قمار بازان وارد می کند.

۳ مواد مخدّر، که اعتیاد به آن نابود کننده استعدادهای جسمی و روحی انسان است، و باعث می شود آدمی،شرافت، ناموس، ثروت، حیثیت و دین و همه چیز خود را بر باد دهد.

۴ روابط نا مشروع، نکته مهم این است که روابط نا مشروع به صورت تدریجی محقق می شود یعنی از نگاهشهوت انگیز شروع می شود و با یک لبخند و یا گفتگویی تداوم می یابد و زمینه را برای ارتباطهای بعدی فراهم می شود.جوانانی هستند که برای رابطه نا مشروع به گرفتاری های فراوان روحی، اجتماعی و جسمی دچار شده اند و عاقبترسوا گشته و شخصیت اجتماعی و معنوی خویش را از دست داده اند، لذا باید با توکل به خدا، دست رد بروسوسه های شیطان زد و هنگام برخورد با چنین مخالف، تقوای الهی را پیشه

کرد و با نگاه شهوت انگیز، که تیری ازتیرهای زهر آلود شیطان است، به دیگران نگاه نکرد.

۵ مجالس خوش گذرانی: افرادی که روح تقلید از فرهنگ غرب، آنان را به طور مخفیانه به تشکیل چنین مجالسیوادار می کند، از دوستان خود دعوت می نمایند با شرکت در آن مجالس عیش و عشرت، برای چند ساعتی خود را درعالم خوش گذرانی و بی خیالی وارد سازند، مجالسی که با لهو و لعب، موسیقی های مبتذل و رقص و پایکوبی و...همراه است شرکت در اینگونه مجالس زمینه بسیار مناسبی را برای فساد و ارتکاب گناهان کبیره و... مهیا می سازد، مگرکسی بتواند جلوی این اعمال خلاف شرع را بگیرد.

۶ خود ارضایی، که گاهی بر اثر عادت و تکرار به صورت اعتیاد در می آید، پیامدهای شوم و ضررهای بسیاری، هماز جهت جسمی و هم از جهت روحی برای فرد مبتلا به آن به وجود می آورد این کار مانند سایر کارهای غیر مشروعجنسی از دیدگاه شریعت اسلام حرام و ممنوع است و محققان مضرّات بسیاری را برای آن شمرده اند از جمله ضعفچشم، لاغر شدن صورت، ضعف اعصاب ضعف بدن، کم خونی، سست شدن زانو ، ضعیف شدن حافظه، زرد شدنصورت، گوشه گیری و بسیاری از عوارض دیگر از پیامدهای آن می باشد. جوانان باید زمینه هایی که باعث تحریکغریزه جنسی و در نتیجه خودارضایی می شود بشناسند و سعی کنند از آن پرهیز نمایند این زمینه ها عبارتند از:لباس های تنگ و چسبان، غذاهای شهوت زا مانند موز، پیاز، زعفران و... که غریزه جنسی را تحریک می کنند وهمچنین پرخوری. مشاهده صحنه های محرک و شهوت انگیز مانند فیلم ها و عکس های سکس و چشم چرانی و...شنیدنیهای مهیّج و رکیک مخصوصا درباره مسائل جنسی و ترانه های فاسد، بستر

نا مناسب خواب، (مانند خلوتبودن محل خواب، گرم و نرم بودن بستر خواب، قبل از خستگی کامل به رختخواب رفتن).

۷ فیلم های مبتذل: که باعث شهوت پرستی، خوشی گذرانی بی عفتی، بی حیایی، پوچی، روابط نامشروع،

و بسیاری از انحرافات می شود.

۸ موسیقی های مطرب: آن دسته از موسیقی که حالت ابتذال داشته، مناسب لهو و لعب باشد انسان را در افکارشیطانی بیندازد و از امور معنوی دور نماید. موسیقی مبتذل علاوه بر ضررهای معنوی و اخلاقی مانند شهوت رانی،مردن دل ها، محروم شدن از لذت انس با خدا، پاره شدن پرده های عصمت، سبک شدن عقل، زمینه را برای فراهمشدن گناه، عدم استجابت دعا، بر جسم و اعصاب هم آثار سویی دارد که امروزه از نظر علمی ثابت شده است.

۹ دوستان ناباب که باعث فساد و سقوط انسان در منجلاب گناهان و آلودگیهای متعدد می شود. نشانه های دوستاناباب عبارتند از: بی تقیّدی به دستورات الهی، تملّق و چاپلوسی، ارتباط با ناپاکان، وسوسه گری و...

علاوه بر عواملی که موجب فساد در جامعه می شوند یکسری زمینه های فساد نیز وجود دارد که جوانان بایدمواظب این زمینه ها بوده و به گونه ای برخورد کنند که این امور، آنها را به انحطاط و فساد نکشاند:

۱ مسافرت به خارج گرچه فوائد بسیار متعددی دارد ولی جوانان باید مواظب باشند در صورت مسافرت به اینکشورها برای کارهایی مانند تحصیل، سیاحت یا سایر کارهای مفید، تحت تأثیر جاذبه های فریبنده فرهنگ آنان واقعنشوند.

۲ اوقات فراغت: منظور ساعاتی است که جوانان مشغول به کاری، اعم از کار فرهنگی، هنری، تولیدی، خدماتی وسرگرمی سودمند و... نباشند. جوانان باید به شدّت مراقب اوقات فراغت خویش بوده و نگذارند وسوسه گران درونیو بیرونی و فرصت طلبان خنّاس صفت، از اوقات

فراغت آنان سوء استفاده کنند و آنان را به فساد بکشانند جوانان بایداوقات فراغت خود را سرگرم امور مفید مانند کارهای علمی، هنری، ورزشی، مطالعه، دید و بازدید، تفریح سالم و...بنمایند تا هم از عمر و حیات خویش بیشترین استفاده را کرده باشند و هم دچار انحراف و مفاسد نگردند.

۳ فقر و تنگدستی. بسیاری از جوانانی که به فحشا و فساد کشده شده اند برای فقر و تنگدستی آنان بوده است.جوانان عزیز، اگر کار و تلاش بنمایند و بر خداوند توکل کنند و راه تقوا پیشه نمایند، هرگز ضعف مالی، عاملی برای بهانحراف کشاندن آنان نخواهد بود.

۴ تجرّد و عزوبت فرد اگر طولانی باشد ممکن است جزء عوامل فساد و تباهی قرار گیرد.

۵ ثروت و رفاه زیاد گاهی می تواند زمینه انحراف و فساد گردد برای افرادی که از ایمانی ضعیف برخوردار باشند.گرچه ثروت به طور کلی عامل انحراف نمی تواند باشد اما برای عده ای ممکن است زمینه انحراف فراهم نماید لذاهوشیاری لازم هنگام برخورداری از ثروت ضروری است.

و در پایان این بخش ذکر این نکته لازم است که اشاعه فساد و فحشا و ترویج منکرات یکی از نمونه های تهاجمفرهنگی است. دشمنان انقلاب و فرهنگ اصیل اسلام اشاعه فساد و منکرات را بهترین راه برای تضعیف و نابودیفرهنگ اسلام و جایگزین کردن فرهنگ غرب می دانند و به دنبال اهداف زیر می باشند: ۱ غرق نمودن جوانان ایراندر شهوات و در نتیجه غافل ماندن از مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ۲ روحیه انقلابی را از آنان سلب کند ۳گرایش به فرهنگ غرب

ب راههای مبارزه با فساد و دوری از گناه:

بطور کلی در جامعه ای که فساد در آن رایج

شده، از نظر اسلام دو نوع وظیفه برای فرد مسلمان وجود دارد: وظایففردی و وظایف اجتماعی.

منظور از وظایف فردی کلیه اقداماتی است که فرد برای حفاظت خود از آلوده شدن به گناه انجام می دهد ایناقدامات شامل:

۱ آشنایی به اعمال و رفتاری که از نظر احکام اسلامی گناه و معصیت شمرده می شوند. که ما در بخش اول بهپاره ای از آنان اشاره کردیم، چه بسا جوانانی که به خاطر بی اطلاعی از گناه بودن عملی، مرتکب آن شده اند و آثار وپیامدهای وضعی گناه در تمام عمر گریبان گیر آنها بوده است.

۲ مواظبت بر ترک گناه هر چند آن گناه کوچک باشد. زیرا ارتکاب گناهان صغیره خود زمینه ساز گناهان بزرگترمی باشد.

۳ در زمان مواجهه با گناه همیشه خداوند را در نظر داشته باشد و به عواقب و پیامدها و آثار سوء و خطرناک دنیویو اخروی گناه فکر کند و بداند که لذت گناه بسیار زودگذر و عواقب آن (مشکلات روحی و جسمی، رفتن آبرو،مجازات دنیوی و اخروی و...) پایدار و مانع از پیشرفت انسان به سوی کمال و سعادت می باشد.

۴ تقویت ایمان به خدا و توکل بر او و تمسک به تقوای الهی که دارای آثار مثبتی است از قبیل: اشباع حسکمال گرایی، گرایش به ارزش های اخلاقی، برخورداری از لـذّت های معنوی، هدفدار کردن حیات، جلوگیری از جرایم ومفاسد، آرامش روان و...

۵ اهمیت به نماز و انجام سایر عبادات، خصوصا روزه که در تقویت اراده انسان برای مقابله با گناه نقش زیادیداردو مداومت بر ذکر خداوند و تلاوت قرآن و تمسّک به اهل بیت(ع) زیرا موجب نورانی شدن دل و دور شدن افکارو وسوسه های شیطانی می شود و انسان را در لغزش گاه های

حساس یاری می نماید.

۶ کنترل تمام اعضاء و جوارح و تسلّط بر آنان از حواس ظاهری گرفته تا حواس باطنی.

۷ پر نمودن اوقات فراغت خود با کارهای علمی، فرهنگی، مطالعه کتاب های مفید، اشتغال به ورزش و تفریحاتسالم و...

علاوه بر وظایف فردی مسلمان برای مصون نگه داشتن خود از گناه، در مقابل محیط اجتماعی و جامعه ای که درآن زندگی میکند یک سری وظایفی دارد که عبارتند از:

۱ بسیج همگانی اصلی ترین راه مقابله با مفاسد اجتماعی: مسلّما فردی که خواهان پاکی و مصون ماندن از گناه می باشد در صورتی موفق می باشد که علاوه بر انجام وظایف فردی برای دوری از گناه , یکسری اقدامات را انجام دهد تا محیطش نیز از گناه پاکیزه شود والا در محیط فاسد احتمال لغزش و ارتکاب گناه می رود و از آنجا که مفاسد بصورت گسترده وجود دارد و به واسطه تهاجم فرهنگی دشمنان شدأت بخشیده می شود. برای مقابله با آن نیازمند بسیج همگانی می باشد. همه باید احساس مسئولیت کنند و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه عملی سازند. ۲- شرکت کردن در جلسات مذهبی , نماز جمعه و جماعت و تشویق دوستان و آشنایان به شرکت در این مراسم . ۳- ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد صمیمی و دوستانه و سازنده با جوانان باعث جلوگیری از جذب شدن افراد خانواده یا جوانان توسط دوستان ناباب و منحرف می شود. ۴- آگاه نمودن جوانان به پیامدهای مخرب و نامطلوب فساد, و شناساندن معیارهای صحیح انتخاب دوست , دوری از فرهنگ مبتذل غرب و پایبندی به فرهنگ خودی . ۵-

تشکیل میزگردهای بحث و انتقاد فرصت مطلوبی را فراهم می کند تا تردیدهای خلقی و نگرانی های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیارشان می گذارد. ۶- ترویج ارزش های اسلامی از راه بحث و گفتگو, منطق و استدلال زیرا آنچه موجب می شود که انسان بتواند امیال خود را کنترل کند پذیرفتن یک سلسله ارزش های برتر است و علت بعثت انبیائ هم همین بوده که مردم نسبت به برخی از ارزش ها باور پیدا کنند تا بتوانند مانع از طغیان شهوات بشوند. یکی دیگر از راه های ترویج ارزش های اسلامی و مبارزه با فساد آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن , ارزش های اسلامی خود را در مقابل هنرمندانه ترین فیلم ها, نمایش نامه ها, کتاب ها, رمان ها و در قالب سایر آثارهنری با استفاده از وسایل هنری و تبلیغاتی عرضه کنیم و دیگران را تحت تائثیر قرار دهیم . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- جوانان در طوفان غرایزهمأت سهراب پور ۲- تهاجم فرهنگی استاد محمدتقی مصباح یزدی ۳- انقلاب و ارزش هاعلی ذوعلم

ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟

پرسش

ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟

پاسخ

در خصوص موضوع مورد نظرتان نکات زیرا را تقدیم می داریم:

مدگرایی و تنوع طلبی از ویژگیهای دوران جوانی زندگی است اما آنچه در این میان حائز اهمیت است سه موضوع زیر می باشد:

الف. آیا آن مدگرایی با مشی و زندگی یک مسلمان مغایرت دارد یا نه؟

ب. اگر مغایرت دارد وظیفه افراد مدگرا چیست؟

ج. در صورت مغایرت وظیفه دیگران در برابر چنین افرادی چیست؟

مثلا در دین اسلام توصیه مؤکد، که نشانه وجوب عمل در رفتار پوششی ویژه باشد وجود ندارد یعنی شکل خاصی از لباس و یا رنگ مخصوصی از لباس واجب نشده و یا تحریم نگردیده است آنچه در قالب کلی بیان می گردد آن است که پوشیدن لباس و یا عمل به رفتاری خاصی که موجب شهرت و شناخته شدن انسان می گردد و یک فرد به آن لباس و رفتار معرفی می شود، جایز نیست یعنی همان لباس شهرت و یا عمل شهرت تحریم شده است و از جانب دیگر همانند کفّار و غیر مسلمانان عمل کردن و پوشیدن نیز شایسته مسلمانان نیست و این اعمال اگر موجب اهانت به مقام مسلمانان شود که امروزه گاه چنین

است جایز نیست . یعنی اگر مدگرایی ابزار و زمینه سلطه بیگانگان گردد بگونه ای که مشاهده مظاهر رفتار مسلمانان همه را به یاد کشورهای کفر بیاندازد حرام است.

آنچه گفته شد از زاویه احکام فقهی است در حالی که اخلاق اسلامی چیز دیگری را اقتضا می کند و معیار آن چنین است که هر

عمل، رفتاری که یاد خداوند را از دلها بزداید و دنیاپرستی و دلبستگی به دنیا را در دل ما فزونی بخشد شایسته مسلمانی نیست. مسلمان باید در تمام حالات و رفتارهای خود خدا را بجوید و رضایت او را به طلبد و حتی اگر لباسی را انتخاب می کند و می پوشد علاوه بر حفظ بدن خود و رعایت عفت و حجاب که واجب است به شکلی باید خود را بیآراید (چه لباس جلوه ای از زیبائی است) که خداوند راضی است. بی تردید شخصی که هنوز گرفتار رنگ لباس و مد آن باشد و همّ و غمّ او متوجه ظاهرسازی می گردد نمی توانند آنگونه که شایسته است به خداوند دل دهد و رضایت او را بجوید. و چه بسا که توجه به همین امور سطحی آدمی را از انجام واجبات و ترک محرمات الهی باز دارد و در این صورت پرداختن به این امور یقینا حرام خواهد بود چون مانع انجام واجبات و ترک محرمات می گردد در حالی که شخص مسلمان در ذره ذره اعمال خود و لحظه لحظه عمر خویش باید در صدد تقرب جستن به حضرت حق باشد و از عمق دل باور داشته باشد که تعلق به دنیا مانع تعالی و تکامل اوست. و مدگرایی از برترین و بارزترین مظاهر دنیاپرستی و روی آوردن به دنیاست. و از جانب دیگر از دیدگاه اجتماعی اهتمام به مد و مانند آن زمینه ساز سلطه فرهنگی و اجتماعی بیگانگان بر مسلمانان می باشد که این عمل بی تردید جایز نیست.

ساده زیستی از وظایف اخلاقی و گاه بنابر برخی حالات از وظائف شرعی ما مسلمانان است و توجه جدّی و افراطی به لباس

و شیوه دوخت و مدگرایی در لباس پدیده ای است که کاملاًـ با ساده زیستی مغایرت دارد و هر چه مانع این روحیه شود مذموم و نکوهیده است و باید از آن اجتناب نمود و اسلام در حالی که به پوشش عنایت کامل دارد و برخی از رنگ ها را برای لباسها توصیه می کند هیچگاه آن رنگ خاص را واجب نکرده است تا موجب رها کردن درون و اهتمام به ظاهر شود و آدمی در جنبه اهتمام به امور گذرا و ظاهری از پرداختن به طهارت قلب و پاکی اعمال غافل شود. در اینجا این نکته را باید خاطر نشان سازیم که برای زنان در کنار رعایت حجاب، اهتمام به عفت و حیا نیز واجب است و چه بسا افرادی که در ظاهر محجوب هستند اما شکل حجاب آنها از حیا و عفت کاملاً عاری است و در این زمینه گاهی اوقات مدگرایی موجبات زیر پا نهادن عفت و حیا می شود که از این زاویه نیز باید (واجب است) رعایت گردد تا عفت عمومی محفوظ بماند که اگر حیا از جامعه رخت بپوشد به قول امام(ع) آدمی از انجام هیچ عملی ابا نخواهد داشت. پس از این زاویه باید رفتارهای پوششی خود را مورد مداقه قرار دهید و در یک کلام پوشش کامل همراه با عفاف و حیا که بر تکبرورزی استوار است شیوه زندگی اجتماعی زنان مسلمان است و بس.

به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟

پرسش

به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟

پاسخ

متأسفانه دنیای امروز با همه امکانات عالی و فرهنگی نه تنها در راه ارشاد و هدایت جوانان و آگاه ساختن آنان به ابعاد مختلف زندگی قدمی بر نداشته است، بلکه با ایجاد عوامل تحریک کننده مسائل شهوانی سبب انحراف جوانان از مسیر صحیح زندگی و بهره گیری صحیح از استعدادها و غرایز وجودی شده است.

اگر در جامعه غربی انحراف جنسی یک امر عادی محسوب می شود، خیلی نباید مورد تعجب ما باشد زیرا که در آن جامعه مذهب به عنوان یک ماده مخدر شناخته شده و جوان غربی بارهایی از مذهب به قیود شهوانی روی آورده و اسیر هواهای نفسانی و مسائل خاص دنیوی شده است، اما در جامعه مذهبی ما چرا؟ چون ایرانی از نظر وجود فرهنگ سازنده انسانی و مسائل عالی انسانی کمبودی ندارد بی برنامه ای ما، و خود باختگی بسیاری در برابر زرق و برقهای مادی غرب و دور شدن از مبانی و اصول فرهنگ اسلامی، جوانان را در دام تحریکات شهوانی انداخته، و آنان را قربانی غرور و هوسهایی جاهلانه ساخته است.

اولاًـ باید عوامل محرک شهوات را در جامعه از بین ببریم. ثانیاً: به خواسته های جوانان در بعد مادی (ازدواج) اقتصادی با برنامه صحیح و نفی تورم پاسخ دهیم ثالثاً: به جای مذهب سنی و احساس، مذهبی عقلانی متکی بر قرآن و سنت و استدلال به او ارائه دهیم رابعاً: او را نسبت به هدف زندگی، کیفیت زندگی آگاه سازیم و...

آنگاه که انسان از خدا، غافل شود

و از شئون انسانی خارج گردد شکی نیست که گناه برای او امری عادی و سبک خواهد بود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دارد زیرا درجامعه ما کمی از موی زنها معلوم است ولی درجوامع غربی تمام موی زن.

پرسش

دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دارد زیرا درجامعه ما کمی از موی زنها معلوم است ولی درجوامع غربی تمام موی زن.

پاسخ

براساس روایات وآیات کریمه قرآن، برتری وحرمت و شرافت و کرامت زن مسلمان بر زنان اهل کتاب یا مشرک مسلم وحتمی است، بنابراین نظر درخصوص سؤال شما باید عرض کنیم که دیدن کمی از موی نامحرم مسلمان یا دیدن تمام موهای او، اگر عمداً واختیاراً یا از روی لذت وشهوت صورت گیرد از نظر اسلام حرام می باشد، اما در مورد زن غیر مسلمان، مثل زنهای جوامع غربی بنا بر فتوای اکثر مراجع عالیقدر، اگر کسی به جاهائی که عادتا آنها را نمی پوشانند نگاه کند حرام نمی باشد منتهی باید به قصد لذت وخوف افتادن درگناه نباشد."۱"

واما به نظر می رسد که سؤال جنابعالی بیشتر ناظر به گلایه از بدحجابی بعضی از افراد جامعه می باشد که دراین مورد باید بگوئیم که حقیقتاً بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست واین گونه رفتار ریشه درحدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی ونیز تبلیغات غرب دارد . از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، وتقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما ازنظر حجاب وحفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است وتا حدود زیادی مراعات وجود دارد

. ولی دراثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها ومجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن دردهه های بعد ظاهر گردد.ب) کار قانونی وکنترل رفتار فیزیکی . هر یک از دو طریق از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود ونهایتاً منجر به شکست وتاثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت امید است با برنامه ریزی دقیق وحساب شده فرهنگی و قانونی درآینده موفقیت های بیشتری دراین زمینه حاصل گردد.

نکته دیگر این که متاسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی درزیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قراردارند و لغزیدن به سمت شهوات و بی بند وباری نیز کار آسانی است؛ چراکه حرکت درسراشیبی سقوط است، ولی بالا رفتن از قله وکمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر درحال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند واین نیز خود مزید بر علت شده است . ولی این که وضعیت از زمان طاغوت بدتر باشد واقعیت ندارد؛ چرا که ماهم آن زمان را دیده ایم وهم حال را. امید است غیرت و حمیت اسلامی، درافراد متدین فراموش نشود وآنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند وقانون نیز با راه کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد وهمگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم . برادر عزیز! زندگی درجامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقواپیشگان همواره در

چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را د راین راه داده اند . پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار ومعنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، ازخون شهیدان پیام بگیرید وباتشکیل هسته های فرهنگی وگسترش آن درسطح جامعه به روشنگری بپردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید . در این صورت خداوند شما را یاری خواهد کرد وبه اهداف خود نایل خواهید شد."ان تنصروا...ینصرکم ویثبت اقدامکم" موفق باشید .

احکام روابط زن ومرد،سیدمسعود معصومی،ص۳۱به بعد

برگرفته از سایت پرسش وپاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه www.nahad.net

مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟

پرسش

مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟

پاسخ

مظاهر تهاجم فرهنگی در واقع همان نمودهای عینی و تحقق یافته ای که در اثر تهاجم فرهنگی در یک جامعه بوجود آمده اند, که می تواند در بخشهای مختلف , فرهنگی , سیاسی , اقتصادی , اجتماعی و... مظاهر مختلفی داشته باشد, مثلا" در بخش اقتصاد, فرهنگ مصرف گرایی , اسراف و تبذیر و... در بخش سیاست : فرهنگ هجو و تخریب و... در بخش اجتماع : بزهکاری , قانون گریزی , مدرک گرایی , ابتذال , فسادهای اخلاقی و..., (ر.ك : فرامرز رضیع پور, آناتومی جامع , ص ۳۳۳)

ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

هر جریان فرهنگی نیاز به ابزارها و روشهایی دارد که از طریق آن به طرف مقابل رسوخ و نفوذ نماید, امپریالیسم آمریکا در

کشورهای غربی در تهاجم به بنیانهای فرهنگی کشور از روشها و ابزارهای مختلفی استفاده کرده اند که بطور مختص عبارتند: الف - ابزارهـا و روشـهای فرهنگی ; که از موثرترین ابزارهـای فرهنگی است . اسـتفاده از هنر, سـینما, و تئاتر, انواع فیلمها, و سریالهای تلوزیونی , مطبوعات و کتب , چاپ و نشـر اشعار و مقالات و رمانهای مختلف جهت ترویج پوچ گرایی و بی هویت کردن مردم یک کشور و زیر سوئال بردن مبانی تئوریک نظام سیاسـی جمهوری اسـلامی ایران , نفوذ در مدارس و دانشگاهها و ترویج اومانیسم , لائیسیم و پلورالیسم دینی برای تضعیف مبانی معرفتی حکومت دینی و... ب - ابزارها و روشهای اقتصادی : صنـدوق بین الملـل پول و بانـک جهـانی در راسـتای اهـداف امپریالیستی غرب همیشه در دادن وامها به دولتها شـرایطی را می گذارد که در تحمیل فرهنگ سـرمایه داری غرب موئثر است مثلا" شـرایط بانک جهانی و صـندوق بین المللی پول برای دادن وام به ایران مبتنی بر تسـریع خصوصـی سازی و تعـدیل اقتصادی و هماهنگ با بازار آزاد جهان , ایجاد مناطق آزاد تجاری که زمینه بسـیار منـاسبی برای ترویـج فرهنگ غربی از جمله تغییر الگوی مصـرف تجمل گرایی , مـدهای غرب و... از طرف دیگر مراکز کنترل صدور تکنولوژیهای غرب شـرط همکاری و انتقال تکنولوژی را به گونه ای ترسـیم می نمایند که فرهنگ بیگانه را نیز وارد آن کشور سازد. ج - ابزارها و روشهای اجتماعی

تهاجم فرهنگی مانند فساد جنسی در جامعه , فیلمهای ویدئوئی و برنامه های تلوزیونی و ماهواره ای , مجلات و تصاویر مبتذل , کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغاتی , همگی در ترویج فسادهای اجتماعی , بی هویت کردن نسل جوان , گسترش فساد و خشونت , و نا امنی , بیکاری و غیره دانسته تا بدین وسیله افراد جامعه را خصوصا" نسل جوان را از اهداف معنوی و فرهنگ انقلاب اسلامی منحرف نمایند. ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج کنندگان این مدها در قالب گروههای رپ و هوی متال و... دیده می شود که ترویج کننده ارزشهای ضد اخلاقی از جمله همجنس بازی و برقرار روابط آزاد جنسی و... هستند. از طرف دیگر صنعت توریسم گسترش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی از دیگر ابزارهای اجتماعی تهاجم فرهنگی می باشند, (ر.ک : علی ذوعلم , جرعه جاری (سی مقاله پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی) علیرضا کریمیان , ماهیت انقلاب اسلامی و تهاجم فرهنگی , ص ۴۶۹)

علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟

پرسش

علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟

پاسخ

حساسیت شما نسبت به مسائل فرهنگی، اجتماعی و ارزش قابل تقدیر است. اما این که نوشته اید «رقص در جامعه ما عادی شده» قبول این معنی به صورت کلی شاید درست نباشد. در ارتباط با حکم شرعی رقص و انواع آن دیدگاه های مختلفی وجود دارد که فعلاً در پی بیان حکم شرعی آن نیستم. اما به طور خالصه و فقط برای تبیین موضوع باید گفت، برخی از فقها به جایز بودن آن برای همجنس و نیز برای شوهر نظر داده اند و برخی دیگر تنها رقص زن برای شوهر را مجاز دانسته اند و برخی هیچ کدام را که دلایل فقهی آن در کتاب های مربوطه موجود است.

مقام معظم رهبری در این باب فرموده اند: «رقص برای همجنس در صورتی که محرک شهوت نباشد و موجب مفسده ای نشود و همراه آن موسیقی حرام استفاده نشود، اشکال ندارد» و در مجموع فرقی بین رقص های سنتی و غیرسنتی و محلی و... نیست».

پیرامون فلسفه تحریم از دیدگاه اسلام، باید به کرامت وجودی و اعتبار و ارزش توجه داشت که خداوند برای انسان در نظر گرفته است. و اگر هدف انسان را رسیدن به کمال بدانیم. هر آن چه که انسان را به نحوی از این مسیر دور کند، در اسلام منع شده است و میزان منع نیز بستگی به میزان غفلتی است که آن عمل می تواند برای انسان در مسیر یاد شده، ایجاد کند. و به همین دلیل بعضی اعمالی که زمینه ورود انسان را به مسیرهای انحرافی و فساد فراهم می سازد مثل مشروبات الکلی، قمار، رقص، موسیقی مطرب و... در اسلام منع شده است

و فراگیر شدن چنین اعمالی در جامعه دامی در جهت انحطاط آن جامعه، به پایین ترین مرحله خود و دور شدن از کمال انسانی می باشد.

اما چرا رقص حالت عادی پیدا کرده (بر فرض قبول)، دلایل متعددی می تواند داشته باشد که مهم ترین آن کم توجهی مسئولین به مسایل فرهنگی و دینی و ایجاد شیفتگی و تبلیغ نسبت به فرهنگ مبتذل غرب، با اهداف خاص می باشد و از طرف دیگر برنامه ریزی دشمنان انقلاب اسلامی برای به انحراف کشیدن این حرکت اصیل و اسلامی است که بر اساس تجربیات و تحقیقات انجام شده از سوی استعمارگران در کشورهای اسلامی به ویژه ایران، مؤثرترین راه برای تغییر مسیر اصلی و الهی و زمینه سازی برای دستیابی به اهداف شوم استکباری خود را «ایجاد بی بند و باری و فساد» در این کشورها دانسته اند و به این منظور از هیچ کوششی برای رسیدن به آن هدف فروگذار نمی کنند. «رقص» نیز یکی از اموری است که می تواند آرام آرام جامعه را به سوی فساد و بی بند و باری های مختلف همراه با اعمال مفسده انگیز دیگر سوق دهد و زمینه را برای ترویج فساد فراگیر فراهم کند.

اما چه باید کرد و یا وظیفه ما در برابر این گونه اعمال مفسده انگیز چیست؟

۱ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه عمومی البته با رعایت شرایط، آداب و مراتب آن (که در پاسخ سؤالات بعدی مفصل توضیح خواهد آمد) و با شناخت دقیق موضوع، موقعیت جامعه، روحیات افراد، تفکیک امور حرام از غیر حرام و... .

۲ تدوین و تصویب قوانین متقن، استوار و جامع.

۳ وجود تشکیلات قوی جهت قوانین مزبور.

۴ اهتمام کلیه مجموعه های فرهنگی کشور و

مسئولین آن مراکز در ایجاد و تقویت فرهنگ دینی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ ابتذال و بیگانه، که صدا و سیما، رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی در این زمینه وظیفه سنگین تری دارند.

۵ برخود قاطع قوه قضائیه با مروجین فرهنگ بیگانه و اعمال خلاف قانون.

۶ ارائه جایگزین های مجاز برای تفریح و تنوع در زندگی جوانان.

بنابر این، باید به این نکته توجه داشت که علاوه بر وظیفه عمومی (بند ۱) عمده مسؤولیت بر دوش مسئولین اجرائی، قانونگذاری و دستگاه قضایی کشور است که چنانچه در جامعه شاهد بعض مظاهر فساد هستیم نشانه آن است که درست به وظایفمان عمل نمی کنیم.

علت اصلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجام ندادن و نسبت به دین و مسؤلین نظام بدبین بودن چیست. و چرا باید این تازه میوه های رسیده کشور ما در دست دشمن قسم خورده بیفتد و فاسد ش

پرسش

علت اصلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجام ندادن و نسبت به دین و مسؤلین نظام بدبین بودن چیست. و چرا باید این تازه میوه های رسیده کشور ما در دست دشمن قسم خورده بیفتد و فاسد شود و از دست برود و چرا به فکر این نسل بعد از انقلاب کسی نیست.

پاسخ

اثبات اصل این موضوع یعنی وجود دین گریزی و یا دین ستیزی در جامعه کنونی ما نیازمند ارائه تحقیقات دقیق میدانی و پژوهش های آماری با ذکر مصادیق و نمادهای دین گریزی و میزان آن در جامعه است؛ زیرا افراد بسیاری وجود دارند که در ظاهرشان حرکت ها و اعمالی مغایر با ارزش ها و آموزه های دینی مشاهده می شود، ولی اگر به صورت عمیق تر به بررسی سایر رفتارهای آنها بپردازیم مشخص می شود که همان افراد، در بسیاری از اعمال و رفتار خویش پای بند، مقید و معتقد به دین می باشند. از این رو به نظر می رسد دین گریزی مطلق - که افراد به طور کامل هیچ گونه پای بندی به دین نداشته باشند - در جامعه ما بسیار محدود است، لذا به سادگی نمی توان گفت، نسل امروز جامعه ما دین گریز و احیانا دین ستیز هستند. اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه های متفاوتی دارند و چه بسا بخشی از آن دیدگاه ها و نارضایتی ها، وارد باشد؛ ولی ممکن است، بعضی از افراد جامعه و جوانان با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی، از نارضایتی بیشتری برخوردار

باشند و بعضی از نارسایی ها را ناشی از قوانین دینی بدانند و در نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین بکنند. البته کارآمدی دین بحثی است و کارآمدی برخی از مدیران بحث دیگر. اتفاقا در گفت وگو با این قبیل افراد، غالبا تصریح می کنند که اشکالات آنان نه به اصل دین؛ بلکه به مدیران و کارگزاران بر می گردد.

بنابراین، بی تردید می توان گفت: جوانان کشور از بهترین جوانان از حیث سلامت فکری، روحی و دینی می باشند البته سرمایه گذاری کلان دشمنان دین و کشور، برای تسخیر این دژ مستحکم و انحراف جوانان، خطری بزرگ است؛ که باید نسبت به آن هوشیار بود.

به هر حال، دین گریزی _هر چند در حد خیلی ضعیف_ عوامل متعددی دارد؛ از جمله:

۱. تبلیغات سوء دشمنان و ایجاد و القای شبهه درباره دین،

۲. روش های نادرست در آموزش دینی در دوران کودکی و نوجوانی،

۳. ضعف و سستی بنیان های دینی در خانواده،

۴. گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی،

۵. ضعف بینش و نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان.

۶. ناکارآمدی برخی از مدیران جامعه در اجرای برنامه های اعلام شده حکومت دینی، در نتیجه، بی پاسخ ماندن نیازهای اولیه اجتماعی جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن و...)،

۷. عدم توزیع عادلانه امکانات و فرصت ها در برخی از ادارات و دستگاه های کشور،

۸. درگیری برخی گروه ها و جناح های سیاسی برای کسب قدرت سیاسی و در نتیجه، ایجاد یأس و ناامیدی جوانان برای نیل به خواسته های مشروع خویش.

برای مبارزه با دین گریزی باید پس از بررسی همه جانبه علل و عوامل آن، راه کارهای مناسب را برگزید. آنچه در جامعه امروز ما بسیار مهم است، ایجاد موجی سهم گین

و توفنده در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان و ارایه چهره زیبای دین و زدودن غبار خرافات و کژاندیشی هاست، در این صورت دین با جذابیت فوق العاده ای که دارد، با توان مندی جوانان را به سوی خود فرا می کشاند. از طرف دیگر شدیدا باید مواظب خطر دگرگونی در هویت فرهنگی و گرایش های نسل جوان بود. یکی از خطرات جدی فرهنگ مهاجم غرب این است که جوانان را چنان به سوی تمایلات شهوانی و آزادی های جنسی سوق دهد که اساسا گرایش به دین و دیانت در آنان رنگ بازد و دیگر برای آنان حق و باطل چندان اهمیتی نداشته باشد.

به هر حال، جوانی، از بزرگ ترین نعمت های الهی به بشر است و مثل هر نعمت خداداد دیگر، باید از آن استفاده ای بهینه کرد. جوانان، گران بهاترین سرمایه های کشورها به هنگام جنگ و صلح بوده و به عنوان سربازان و مدیران بالقوه در عرصه های سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و... به شمار می آیند. بنابراین، باید با برنامه ریزی دقیق، موانع پیش روی نسل حاضر (عوامل دینگریزی پیش گفته) را زدود و برای مشکلات آنان، راه کارهای عملی ارائه کرد.

در رابطه با بدبینی به دین و مسئولین نظام باید گفت هر چند این موضوع به هیچ وجه عمومیت و کلیت نداشته و نه همه مردم از نظام اسلامی و مسئولین زده شده اند و نه این بدبینی نسبت به کل نظام و همه مسؤولان آن وجود دارد و این واقعیت را مردم آگاه و انقلابی ما به کرات در راهپیمایی ها, انتخابات و حضور گسترده در مواقع نیاز, به اثبات رسانیده اند, اما متأسفانه به علت پاره ای از مشکلات و معضلات و مفاسد اداری و... که

در بـدنه اجرایی نظام وجود دارد شاهد وجود نوعی بدبینی و نارضایتی از برخی رفتارها و عملکردهای مسؤولان خصوصا" در رده هـای پایین اجرایی از سوی مردم عزیزمان می باشـیم . در ریشه یابی علل و عوامل ایجاد این موضوع می توان آن را در دو بخش مورد بررسی قرار داد.

الف) بدبینی و نارضایتی از برخی مسؤولان غیرروحانی : که مطالب ارائه شده در پاسخ سؤال اول تا حد زیادی گویای علل و عوامل آن می باشد.

ب) بدبینی و نارضایتی از برخی مسؤولان روحانی : که در این قسمت می توان به چند مطلب اشاره کرد:

۱. عملکرد و رفتار تعـداد محدودی از افراد روحانی که در دسـتگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشـتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شـکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده ی مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی روحانیت را فراهم آورده و باعث شد که بسیاری از خدمات افراد صادق و دلسوز با تقوا نیز تحت الشعاع قرار گرفته و مورد غفلت واقع شود.

۲. برخی افراط و تفریـط, رفتارهـا و برخوردهـای ناصـحیح در بیان احکام شـرع و... موجبات بـدبینی عـده ای از افراد را فراهم آورده است .

۳. اختلافات جناحی و سـلیقه ای در مسائل اقتصادی , سیاسـی , اجتماعی و... باعث افت جایگاه و منزلت روحانیت در دیدگاه مردم شده است .

۴. از دیگر علل آن , حل نشـدن برخی از مشـکلات و معضـلات , عدم اجرای ارزش های اسـلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی , مبارزه با مظاهر فساد و...) و تحلیل نادرست مردم

(یعنی مشکلات را همواره از چشم روحانیت دیدن) است .

۵. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه ی اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی , تجمل پرستی , مدرک گرایی و... شد. نتیجه ی طبیعی آن تغییر دیدگاه جامعه نسبت به روحانیان که مدافع ارزش های اسلامی اند – شد.

۶. تهاجم شدید و گسترده ی فرهنگی غرب علیه ارزشهای اسلامی با استفاده از تمامی امکانات نرم افزاری و سخت افزاری , تکنولوژی های پیشرفته , عناصر وابسته داخلی و مطبوعات وابسته و... برای ضربه زدن به مهمترین رکن انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه و حوزه های علمیه و روحانیت با ناکارآمد خواندن مدیریت فقهی و فراهم آوردن موجبات بدبینی مردم نسبت به این گروه .

۷. به فرموده ی امام علی (ع) (من ملک استأثر) قدرت در دست هر کسی باشد مردم به طور طبیعی از آنها فاصله می گیرند.

۸. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از روحانیت داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون , و چه در شیوه های سلوک فردی و اجتماعی.

۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت چنانچه اگر شخصی از یک فردث روحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است .

مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت

کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض , فساد, معضلات اجتماعی , بیکاری به ستوه آمده بودند را, فراهم آورد.

اما در مورد راهکارهای حل این معضل , هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود:

الف . راهکارهایی که خود سازمان روحانیت باید انجام دهد از قبیل , دقت در گزینش ها خصوصا" افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و...

ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا ـ بردن درك و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی , توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه به وسیله مطبوعات و رسانه های ملی و... و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری روحانیت حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از انقلاب .

برای آگاهی بیشتر ر.ك :

۱. علی ذو علم , انقلاب و ارزشها

۲. امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, روحانیت , اجتهاد و دولت

۳. فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد

مقابله باتهاجم فرهنگی

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب , آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟

پرسش

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب , آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟

پاسخ

}آینده جامعه ما به خط مشی فکری و عملی امروز جامعه ما بستگی دارد: ان اللّه لایغیر ما بقوم حتی یغیر و امابانفسهم .

اگر جامعه ای اسیر شهوات نفسانی و لذاید مادی شد، روشن است که سرنوشتی جز اضمحلال مادی و معنوینخواهد داشت؛ ولی اگر ارزش ها و معیارهای الهی و انسانی محور باشد، در این صورت جامعه رو به کمال خواهدرفت. در حال حاضر با

وجود برخی گرایش های دنیاطلبانه، نبایستی از آینـده ناامید بود؛ چرا که شـعله های پرفروغی ازایمان و ارزش نیز در جامعه به چشم می خورد که نور امید را در دل ها زنده نگاه می دارد.

وجود جوانانی همانند شـما - که به حمداللّه اندک هم نیسـتند - و خانواده هایی که چنین فرزندانی را پرورشـمی دهند، برهان روشـنی بر این مـدعا است. در هر صـورت آینـده در گرو امروز و فعـالیتی است که در جهت تحقق اهـدافالهی و آرمـان هـای انسانی صورت می گیرد.

در جـامعه مـا بـا وجود زمینه هـای غنی فرهنگی و الگوهـای لازم در این زمینه، امیـدهای فراوانی برای این سـیر وجوددارد: ولا تیأسوا من روح اللّه .

احساسـات پـاک و علایق دینی شـما بسـیار ارزنـده و مهمترین رکن بالنـدگی و رشـد و کمال معنوی است. با اخلاص واعتقاد راسـخی که در وجود شـما عزیزان می باشد خداوند همواره یاور و دستگیرتان خواهد بود. برای این که بهنیکوترین شکلی در حساس ترین و ارزنـده ترین دوران حیات خویش بتوانیـد گل زیبای فطرت را شـکوفا ساخته و هر چهبیشتر آن را بارور سازید باید با عزمی قاطع و اراده ای استوار و برنامه ای منظم و حساب شده به پیش روید

و لحظه ایدرنگ نورزید. در این راستا در دو زمینه باید خود را رشد دهید:

۱) رشـد علمی و فکری: در این زمینه بایـد به جهـادی علمی بپردازیـد وبـا برنـامه ریزی دقیـق برای خـود سـیرمطالعاتی منظمی ترتیب داده و از هر فرصت ممکن در این راسـتا بهره جویید. در مرحله اول - بویژه در تعطیلاتتابسـتان - سری ۷ جلدی «مقدمه ای بر جهان بینی اسـلامی» اسـتاد مطهری راتوصیه می نماییم. آنها را دوبار مطالعهنموده و خلاصه برداری نمایید. پس از اتمام این برنامه نتیجه را گزارش نمایید تا مراحل بعدی اعلام گردد.

۲) در بعـد عملی: اولین گام انجام واجبات و ترک محرمات است. در این زمینه دو جزوه خـدمتتان ارسالمی گردد. در عمل به روش های ذکر شـده در آنها بسـیار جـدی باشـید و در صورت مخالفت خود را تنبیه نماییـد. درجـدولی همه روزه برنامه های انجام شده و خدای نخواسـته خلاف هایی که مرتکب شده اید را ثبت کنید و بلافاصلهتصمیم به از بین بردن آنها با روش های ذکر شـده بگیریـد. نـتیجه و میزان مـوفقیت هر یـک از آنهـا را ثبت کنیـد و در پایـانبرای مـا ارسـال داریـد. از خداونـد بزرگ توفیقات روز افزونتان را خواستاریم و امید آن داریم که همواره تحت عنایاتحضرت ولی عصر(عج) باشید.

هم چنین کتاب های «نامه ها و برنامه ها» و «در آسمان معرفت» از علامه حسن زاده آملی را بخوانید.{

چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟

پرسش

چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟

پاسخ

متأسـفانه به رغم وجود ارزش های والای انسانی و غنای مسائل فرهنگی و معنوی در جامعه ما، نسل اوّل انقلاب، دسـتگاه های فرهنگی و... در انتقال این ارزش ها به نسل دوم و سوم انقلاب و حتی تعمیق آنها برای خودِ نسل اول انقلاب، سـهل انگاری و متأسـفانه علیرغم هشدارهاو توصیه های شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناک فرهنگی جـامعه و رونـد تغییر ارزش های اسـلامی که جلوه های بارز آن در برخی تولیـدات و محصولات هنری و سـینمایی به وضوح قابـل مشاهـده می باشـد و برخی اقـدامات صورت گرفتهـدر این خصوصماننـد اسـتعفای وزیر پیشـین وزارت ارشـاد، جلوگیری از پخش و اکران برخی فیلم هـا و...، همچنان ما شاهـد گسترش این رونـد در جامعه می باشـیم که این خود نیازمند بررسـی و شـناخت دقیق عوامل و زمینه های به وجود آورنـده آن و ارائه راه کارهای اصولی و مناسـبمی باشـد. در هر صورت آنچه در پاسخ این سؤال می توان گفت این است که برخی از این قبیل معضلات مربوط به عملکرد دستگاه های فرهنگی نظام می باشد. وزارت ارشاد بود و برخی به صدا و سیما.

در مورد اقـدامات مربوط به وزارت ارشاد باید گفت که متأسـفانه عملکرد این وزارت خانه خصوصا در سال های اخیر به هیچ

وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کرّات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده اند که منجر به تعویض وزیر آن وزارتخانه گردید. ایشان در ۲۴آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... سؤال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ

کرده است؟ چند فیلم برای تقویت فکری اسلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن های وابسته به ارشاد نمایش داده می شود، بعضـی هاصـد در صـد ضـد دین است، ضـد انقلاب است. اگر در کنار این همه چنـد نمونه تئاتر و فیلم اسـلامی می ساختنـد که این مبلّغ اسـلام است، من اعتراض نمی کردم. بنـده اهـل رمان خوانـدن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیسـتم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان هاالان منتشر می شود و...».

اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته اند. ایشان در این باره فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم؛ اما صدا و سـیما کارهای زیادی به عنوان اسـلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنـامه هـایهنری، اسـلامی، گزارش و علمی، اگر خطـا دارد تلاش هم دارد...»،ولی در هر صورت کارکرد صـدا و سـیما هـمماننـد سـایر دسـتگاه هـا خـالی از عیب و نقص نمی باشـد، امـا بـا تـوجه به اهمیت این رسـانه و نقش مهم و تأثیرگـذار آن بر افکـار عمومی، عقایـد و نگرش هـای جـامعه و وظایف سـنگینیکه این رسانه ملی خصوصا بعـد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشـکلات و معضـلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حـدی که زیبنده حکومتاسـلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشـگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان

گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بینندهو مخاطبین آن می باشد.

کم کاری هایی داشته اند که، انضمام، جماعت فاصله گرفتن تدریجی برخی از جوانان از ارزش های اسلامی شده است. بعضی از این عوامل عبارت است از:

۱. مشکلات پس از انقلاب (مانند جنگ و توجّه به مسائل امنیتی و دفاعی و...) که نتیجه طبیعی آن فقدان برنامه ریزی های دقیق و کارشناسی شده برای نهادینه سازی و تثبیت ارزش ها و معارف اسلامی است.

۲. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش های دینی و معنوی به ارزش های مادی و سودگرایی، در اثر بعضی از اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه، باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش های اسلامی گردیده است.

۳. عملکرد منفی و نامطلوب بعضی از دستگاه های فرهنگی در سال های اخیر و میدان دادن به افراد و عناصری که غیر معتقد به نظام اسلامی و ترویج فرهنگ غربی از سوی آنان.

۴. پاره ای برخوردهای نسنجیده و نامطلوب و یا همراه با زیاده روی و افراط توسط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری ها و منکرات جامعه.

۵. کم کاری برخی از افرادمذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده در عمل.

۶. کم کاری نیروها و دستگاه های انقلابی، در تولید برنامه های سالم، جذّاب و مفیدی که بتواند اوقات فراغت جوانان را پر کند و آنان را از توجّه به برنامه های ضد اخلاقی و فاسد فرهنگ بیگانه باز دارد.

۷. تهاجم فرهنگی غرب در جهت بی هویت کردن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی مردم، ایجاد شکاف میان نسل جوان و مسؤولان حکومتی و ایجاد

تردید نسبت به کارآیی مدیریت فقهی، شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژیو...

۸. پیروی از امیال و هواهای نفسانی که ناشی از عوامل محیطی، تربیت ناصحیح با بی اعتنایی، به ارزش های معنوی و... است. این مشکل ناشی از اراده و اختیار خود انسان است. خداوند می فرماید: انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اماکفورا ، (انسان، آیه ۳). متأسفانه بسیاری از افراد تحت تأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: لقد خلقنا الانسان فیاحسن تقویم * ثم رددناه اسفل سافلین ، (تین، آیه ۴ و ۵). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چندمردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیتهای روحانی مانند حضرت امام و مقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده اند،دارند.

۹. تأثیرگذاری جریانات التقاطی و یا روشنفکری وابسته و سکولار در داخل کشور در جهت ایجاد بدبینی نسبت به اسلام و روحانیت.

جدایی عده ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، از جمله:

۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است.

۲. برخی از رفتارها و برخوردهای ناصحیح و

مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده ای از افراد خصوصا جوانان را فراهم آورده است، حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می فرمایند: «معنایتحجر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملّت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظهاست، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۱۳۷۶).

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است.

۴. حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشمروحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند.

مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت پرداخته اند. اما برای مقابله با این روند، کارها واقدامات متعددی انجام شده که آنها را می توان در دو بعد، مورد بررسی قرار داد.

الف) اقدامات نظری و اندیشه ای:

۱- تقویت و تثبیت ارزشهای اسلامی و

ایمان مذهبی و ترسیم چهره واقعی و محبت آمیز اسلام از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنرانی های مفید وپرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و ادارات برگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است.

۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی ازانحرافات اخلاقی و اعتیاد و بالا بردن درک و شناخت و قدرت تحلیل جوانان و شناساندن عوامل مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماع

بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب در گرو رعایت اموری است که ذیلاً به آن اشاره می شود:

۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت: قرآن مجید دو عامل اصلی را از اسباب گمراهی و انحراف عمومی می داند: یکی دور شدن از ذکر خدا؛ یعنی فراموش کردن معنویت و دیگری شهوترانی و دنیاطلبی است آن جا که می فرماید: "فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه واتبعوا الشهوات"(۱)

دشمن نیز با علم به این موضوع در یان دو محور سرمایه گذاری می کند برای مقابله با دسیسه شیطانی دشمن باید جوانان را مسلح به ایمان و معنویت کرد. مقام معظم رهبری می فرماید: چیزی که به یک نظام قدرت می دهد بمب اتمی نیست قدرت نظامی اسلامی که آمریکا و شوروی سابق و بقیه قدرت های ریز و درشت عالم تا امروز نتوانسته اند و نخواهند توانست با آن مقابله کنند، قدرت ایمان نیروهای حزب اللّٰه است.(۲)

۲- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر: با نظارت عمومی و مراقبت دستگاه های مربوطه فساد و تباهی از جامعه ریشه کن می شود. بر این اساس اسلام امر به معروف و نهی از منکر را در کنار نماز و روزه واجب کردهاست تا جایی که علی(ع) می فرماید:

"و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل اللّٰه عندالامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثه فی بحر لجّیّ؛(۳) امر به معروف و

نهی از منکر در مقیاس وسیع و عمومی حتی از جهاد بالاتر است کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون دمیدنی است به دریایی پرموج پهناور".

۳- بها دادن به

امور فرهنگی: از آن جا که دشـمن با ابزار فرهنگی مبارزه می کند برای خنثی ساختن آن باید با همان ابزار مانند فیلم و عکس و رسـانه های جمعی وارد میـدان شـد، از این رو رسالت مبلغان و صـدا و سـیما و مطبوعات و مؤسـسات فرهنگی بسـیار مهم و تعیین کننده است.

۴- توجه ویژه به جوانان: مقام معظم رهبری خطاب به جوانان می فرمایـد: واضـح است که شـما در خط مقـدم تهاجم فرهنگی هستیـد و من این را قبول دارم، چون تهاجم فرهنگی به مقصود بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد. هم بی اعتقاد کردن به دین، هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی.(۴)

با مسـئولیت دادن جوانان و درک صحیح از خواسته های آن ها و رفع نیازهای مشروع و ارتقای سطح آگاهی جوانان می توان این نسل پر طراوت را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم ساخت.

۵- خودباوری مردم و مسئولین:

تهاجم فرهنگی دشمن به منظور سست کردن اراده مردم و خودباختگی آن ها صورت می گیرد. برای مقابله با آن باید جوانان را باور کنیم و به نیروهای متخصـص و متعهد خود اعتماد داشـته باشـیم تا با ابتکار و خلاقیت رشـته های وابستگی را در بخش اقتصادی بگسلند. امام خمینی می فرماید:

"اسـاس همه شـکست هـا و پیروزی ها از خود آدم شـروع می شود. انسان بر اساس پیروزی است و اساس شـکست است. باور انسان اساس تمام امور است. شما اگر چنانچه باورتان باشد که نمی توانید صنعت بکنید و نمی توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است، خودتان آن ها را درست بکنید تا این باور هست نمی توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید. اوّل باید باورتان

بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم".(۵)

پی نوشت ها:

۱. مریم، آیه ۵۹.

۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۷۹.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۳۷۴.

۴. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۴۰۲.

۵. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

در دیگر کشورهای اسـلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کند؟ و آیا آن ها نیز دچارمشکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند در صورت مطلع بودن راه های مقابله این ملل را بامشکلات شرح دهید؟

پرسش

در دیگر کشورهای اسـلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کنـد؟ و آیا آن ها نیز دچارمشـکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند در صورت مطلع بودن راه های مقابله این ملل را بامشکلات شرح دهید؟

پاسخ

مسـلمانان در سـایر کشورهـا نیز گرفتار مشـکلات هسـتند تهاجم فرهنگی لاابالی گری بی بنـد و باری و آزادی در معاشـرت و اختلاـط مـدارس آنهـا را ویران سـاخته است . گر چه امروزه مسـلمین تا حـدودی بیدارشـده انـد و به مقابله پرداخته انـد, ولی حکومت آن ها زیرسلطه ابرقدرت ها است آنها باید با داخل و خارج مبارزه کنند تا از چنگال آن ها نجات پیدا کنند.

وقتی نمی توانیم جلوی ابتذال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتذال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟

پرسش

وقتی نمی توانیم جلوی ابتذال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتذال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟

پاسخ

مبارزه با ابتذال و هجوم در دانشگاه جدا از مبارزه با شبیخون فرهنگی در جامعه نیست، البته تفاوتهای اندکی که در این زمینه وجود دارد نباید با این حال باید توجه داشته باشید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حکومت جمهوری اسلامی اقدامات چشم گیری نیز در این راستا صورت گرفته است که در ذیل به آن اشاره می شود:

۱. ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در برنامه های صدا و سیما و افزایش برنامه های سازنده و معنوی.

۲. اجرا و تقویت برنامه های دینی و تربیتی در مدارس، دانشگاهها، ادارات و ... مانند طرح نماز و ...

۳. کنترل مرزها و جلوگیری از ورود مواد مخدر و ابزارها و وسایل فساد انگیز.

۴. کشف شبکه های گسترش فساد و انهدام آنها.

۵. ارایه آموزشهایی در سطح مدیران مدارس جهت آشنایی با شیوه های تهاجم فرهنگی در مدارس و راه های مقابله با آنها.

۶. ایجاد ممنوعیت و محدودیت استفاده از برنامه های ماهواره ای.

کوشش های مذکور و اقدامات دیگری که در سطح وسیعی انجام گردیده و با توجه به گستردگی بسیار بالای توطئه دشمنان، نتایج درخشانی نیز به بار آمده ولی هرگز نباید پنداشت که این امور کافی است و با این تلاش ها توطئه تهاجم فرهنگی ریشه کن می شود.بلکه هر یک از عوامل فوق تأثیری در حد و در زمینه خاصی دارد و بدون همکاری جدی و بی وقفه مردم و مسؤلین مصونیت از گزند تهاجم فرهنگی و رواج ابتذال ممکن نیست.

بر گرفته از:ww. Nakad. net

چنانچه موجی به داخل جامعه ای را ه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نفی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحوی سازگار کنیم که خطر ابتذال فرهنگی بیشتر نشود ؟

پرسش

چنانچه موجی به داخل جامعه ای را ه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نفی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحوی سازگار

کنیم که خطر ابتذال فرهنگی بیشتر نشود ؟

پاسخ

از ظاهر سؤال شما اینگونه بر می آید که منظور جنابعالی از نفوذ موج به داخل جامعه ، موج فرهنگی را منظور نظر داشته اید در پاسخ به این پرسش باید گفت : امواج فرهنگی بر دو قسمند :

۱- امواج فرهنگی مثبت و سازنده

۲- امواج فرهنگی منفی و مخرب

امواج فرهنگی حرکت آفرین و پیش برنده جامعه ، ریشه در اصالتهای اسلامی و ارزشهای انسانی دارد . بطور مثال موج فرهنگی بیداری دینی و بازگشت به هویت اسلامی و موج حمایت و دفاع از ارزشهای ملی و انقلابی در جریان جنگ تحمیلی ، یک موج اصیل و یک حرکت رو به جلو بود که رهبری آن را امام راحل و روحانیت بیدار بر عهده داشتند . ولی امواج فرهنگی مخرب ریشه در فرهنگ وارداتی و ضد ارزشها دارد که سردمدار آن استکبار جهانی است و شعار اصلی آنان لیبرالیسم و سکولاریسم می باشد . طبیعی است که هر انسان خردمند و هر جامعه بیداری در قبال چنین فرهنگی مقاومت و ایستادگی می کند . البته این سخن به این معنا نیست که اگر احیاناً جنبه های مثبتی در فرهنگ دیگران مشاهده می شود آن را نادیده گرفته و نفی کنیم اساساً در مقوله های فرهنگی و روابط فرهنگی بین المللی دو مبحث خودنمایی می کند :

- تبادل فرهنگی

- تهاجم فرهنگی

رهبر معظم انقلاب در این خصوص چنین می فرمایند :

و دلنشین و خوب و سازنده و مورد علاقه را می گیرد . ملت فراگیرنده ، نقاط درست و چیزهایی که فرهنگ اورا کامل می کند تعلیم می گیرد .

تبادل

فرهنگی از طرف ماست ولی تهاجم فرهنگی از طرف دشـمن است . تا فرهنگ خودی را ریشه کن کند . تبادل فرهنگی خوب است ولی تهـاجم فرهنگی بـد است . تبـادل فرهنگی هنگـام قوت و توانـایی یـک ملت انجـام می گیرد ، ولی تهـاجم فرهنگی درروزگارضعف یک ملت به وقوع می پیوندد .

اسـتفاده از فرهنگ دیگران انسان را تکمیل می کنـد . اما فرق است بین اینکه انسان یک داروی مقوی یا یک غـذای مقوی را برود با معرفت و بیـدرای و هوشـیاری از بین صد قلم دارو و غذا انتخاب کند یا دارو و غذایی را به او تحمیل کنند که به ضـرر او هم باشد.

تـا آخر دوران پهلوی فرهنـگ بیگـانه را به این ملت تزریق کردنـد .اخـذ فرهنگ بیگانه در گذشـته به عنوان تکمیل نبود بلکه غرق شدن و مفعول فرهنگ بیگانه قرار گرفتن بود که ارزشـی نداشت. اگر انسان برود با اختیار خودش انتخاب بکند، صـحیح است. الا ٓـن در فرهنـگ غرب انصافاً یـک عناصـر خوبی وجود دارد که برای مـا حیـاتی است و مـا بایـد آنهـا را یـاد بگیریم ، چیزهـای خوب زیـادی دارنـد ، اگر این چیزهای خوب نبود که غرب به اینجا نمی رسـید . این همه فسادی که غرب دارد باید غرب را اصـلاً مضـمحل می کرد و مثـل دود به هـوا می برد . علت اینکه دود نشدنـد و نرفتنـد هـوا، این است که عناصـر واقعاً حسابی در کار اینها بوده ، اینها آدمهای منظمی هسـتند ، آدمهای پرکاری اند در تلاشهاشان خستگی ناپذیرند و از همین روی عناصر مثبت و مطلوب فرهنگ اینها را باید گرفت

و استفاده کرد .

وقتی اروپائیها تهاجم فرهنگی را به کشورما شروع کردند روحیه وقت شناسی ، شجاعت ، خطرکردن در مسائل ، تجسس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاوردند ، نخواستند تا با تعلیمات و تبلیغات و پیگیری ، ملت ایران یک ملت دارای وجدان کار وجدان علمی بشود . آنها فقط بی بندوباری جنسی را وارد کشور ما کردند .»

نقش نخبگان جامعه و اندیشمندان آن همچون نقش یک فیلتر است اگر فرهنگ دیگران بشکل صحیح پالایش شود نه تنها مضر نیست بلکه نقشی سازنده نیز ایفا خواهد کرد ولی تن دادن به فرهنگ دیگران بدون درنظر داشتن جنبه های منفی و مخرب آن امری ناپسند و مذموم است که باید در برابر آن مقاومت و ایستادگی کرد .

ایستادگی به این معناست که آگاهی دینی و بینش سیاسی و هوشیاری انقلابی جامعه روز به روزافزایش یابد . نقش فرهیختگان و اندیشمندان در این زمینه یک نقش پیشرو و پیش برنده است .

هر چه به آگاهی جامعه افزوده شود مصونیت او در تبادل فرهنگ بیگانه بیشتر خواهد بود

وظیفه ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟

پرسش

وظیفه ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟

پاسخ

در قبال فساد فرهنگی که معمولاً آثار تهاجم فرهنگی دشمن است، ضمن اینکه باید خود را حفظ نمود و به تقویت باورها و اعتقادات خویش پرداخت و با عمل صالح رابطه خویش را با آن باورها مستحکم نمود، باید به مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن پرداخت که نیاز به برنامه ریزی دقیق است.

در بحث تهاجم فرهنگی به تعبیر رهبر انقلاب باید یک کار ویژه انجام شود، که نکاتی را باید دقت نمود:

الف. الگوهای فرهنگی، که جهت زندگی مردم را تغییر می دهند.

ب. نظام فرهنگی، اگر نظام فرهنگی همه مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند، عواملی به اقتضای شرایط هدایت جامعه را به دست می گیرد.

ج. کار فرهنگی، به معنی هدایت عمومی جامعه در کشور ما کمتر توجه شده است.

د. همانند سازی و پالایش جامعه باید در حوزه فرهنگ صورت گیرد.

حالا با توجه به نکات بالا در مقابله با تهاجم در دید کلی باید مراحل زیر را طی نمود:

۱. شناسائی سازمانهای حمله کننده، که در قدم اول باید سازمانها و مراکزی که کار حمله فرهنگی را شکل می دهند شناسائی کرد و از کیفیت حمله آنان مطلع شد.

۲. تشخیص کار فرهنگی، انسان اگر کارشناس مسائل فرهنگی نباشد، یقیناً نمی تواند فعالیت مضر دشمنان را تشخیص دهد، لذا برای شناسائی تهاجم فرهنگی دشمن باید با کار فرهنگی آشنا بود.

کار سلبی و ایجابی، مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند: "کار سلبی مقابله با آنها و جلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب منبر خوب موعظه مردم و توجیه فکری آنها،

این روزنامه های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسؤولان که مرتب در این جا و آنجا در مسجدها و پشت تریبونها و این شهر و آن شهر حرف می زنند، حرف اصلیشان این باشد" و نهایتاً در این رابطه کلام رهبر بزرگوار انقلاب در پاسخ به سؤال از نحوه پاسخگویی به تهاجم فرهنگی را می آوریم: "نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد، تفنگ او، قلم است، این را می گوئیم تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران فرهنگی در هر سطحی و فرهنگیان ▯▯…▯احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شمایید رادیو، تلوزیون، مدارس، وزارت ارشاد، روزنامه ها، مجلات و کلاً مجموعه بنای فرهنگی کشور، مسؤولیت دارند"

با همه نکاتی که تذکر داده شد نمی توان انکار نمود که هیچ عاملی در اصلاح فرهنگی جامعه و مقابله با تهاجم بیگانگان به نیرومندی عامل امر به معروف نیست که می باید با قوت به وسلیه دولت و قوای اجرایی ملت احیا شود.

راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد)

پرسش

راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد)

پاسخ

در بحث تهاجم فرهنگی به تعبیر رهبر انقلاب باید یک کار ویژه انجام شود، که نکاتی را باید دقت نمود:

الف. الگوهای فرهنگی، که جهت زندگی مردم را تغییر می دهند.

ب. نظام فرهنگی، اگر نظام فرهنگی همه مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند، عواملی به اقتضای شرایط هدایت جامعه را به دست می گیرد.

ج. کار فرهنگی، به معنی هدایت عمومی جامعه در کشور ما کمتر توجه شده است.

د. همانند سازی و پالایش جامعه باید در حوزه فرهنگ صورت گیرد.

حالا با توجه به نکات بالا در مقابله با تهاجم در دید کلی باید مراحل زیر را طی نمود:

۱. شناسائی سازمانهای حمله کننده، که در قدم اول باید سازمانها و مراکزی که کار حمله فرهنگی را شکل می دهند شناسائی کرد و از کیفیت حمله آنان مطلع شد.

۲. تشخیص کار فرهنگی، انسان اگر کارشناس مسائل فرهنگی نباشد، یقیناً نمی تواند فعالیت مضر دشمنان را تشخیص دهد،

لذا برای شناسائی تهاجم فرهنگی دشمن باید با کار فرهنگی آشنا بود.

۳. کار سلبی و ایجابی، مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند: "کار سلبی مقابله با آنها و جلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب منبر خوب موعظه مردم و توجیه فکری آنها، این روزنامه های ما، این مجلات ما، این گوینده گان ما، این آقایان مسؤولان که مرتب در این جا و آنجا در مسجدها و پشت تریبونها و این شهر و آن شهر حرف می زنند، حرف اصلیشان این باشد"

و نهایتاً در این رابطه کلام رهبر بزرگوار انقلاب در پاسخ به

سؤال از نحوه پاسخگویی به تهاجم فرهنگی را می آوریم: "نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را بـا تفنگ نمی شود جواب داد، تفنگ او، قلم است، این را می گوئیم تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران فرهنگی در هر سطحی و فرهنگیان عزیز، احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شمایید رادیو، تلوزیون، مدارس، وزارت ارشاد، روزنامه ها، مجلات و کلاً مجموعه بنای فرهنگی کشور، مسؤولیت دارند"

با همه نکاتی که تذکر داده شد نمی توان انکار نمود که هیچ عاملی در اصلاح فرهنگی جامعه و مقابله با تهاجم بیگانگان به نیرومندی عامل امر به معروف نیست که می باید با قوت به وسلیه دولت و قوای اجرایی ملت احیا شود.

توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟

پرسش

توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟

پاسخ

همانطور که خود شما اشاره کرده اید، تلاش دشمن در راه براندازی دین و انقلاب ما بسیار بیشتر از زحمات ما در زمینه های فرهنگی می باشد، و اگر ما بخواهیم در این زمینه ها موفق باشیم باید ضمن سرعت دادن به کارهای فرهنگی خود، از اصل خودسازی و توکّل به خداوند در کنار توسل به امامان معصوم(نیز غافل نشویم. همچنین باید به سرمایه گذاری های مالی نیز فکر کنیم، زیرا یکی از حربه های دشمن بهره گیری از امکانات مالی وسیع می باشد. و نیز باید خود را به آخرین پیشرفتهای علمی روز مجهّز کرده و از تکنولوژی نرم افزاری نیز غافل نباشیم.

خلاصه اینکه ما در صورتی بر دشمن غلبه خواهیم کرد که مانند او در کار خود جدیّت داشته باشیم، و بخاطر ناملایمات و سختی های راه، آقا امام زمان(و مقام معظم رهبری را تنها نگذاریم، و از هیچ کوششی در این راه فروگذار نباشیم(هر چند که همین الآن هم با وجود کوچکی کشورمان و کمی جمعیتمان نسبت به سایر کشورهای قدرتمند، خواب را از چشم آمریکا و ... ربوده ایم"

با نظری به تاریخ بشریت به حقیقتی لذت بخش می رسیم وآن این است که در اکثر زمانها و مکانها در طول تاریخ، قدرت مادی و آمیخته با وسوسه های شیطانی در دست ظالمین بوده است مثل فرعون، نمرود و ابوسفیان و معاویه و ... اما قدرت حقیقی که قدرت معنوی است و تجلی قدرت خداوند است در دست انسانهای

موحّد بوده است، نظیر پیامبر بزرگوار اسلام(امیرالمؤمنین علی(و پیامبران و سایر معصومین(و سرانجام هر قوم و دینی به خیر و حاکمیت الهی ختم شده است. خداوند متعال موسی را بر فرعون و ابراهیم را بر نمرود و نوح را بر قوم نوح پیروز گردانید و شرق و غرب عالم را به زیر پرچم اسلام آورد.گر چه مسلمانان از مسیر حقیقی اسلام خارج شدند و گرفتار حکومتهای ظالمانه بنی امیه و بنی عباس و ... شدند ولی به برکت انقلاب اسلامی و همّت فرزند پاك زهرا(، امام خمینی(، اسلام زنده شد و بر اقتدار کفار و ظالمین جهان پایان داد. وما معتقدیم و ایمان داریم که خون سرخ شهیدان و اشك چشم مادران شهدا اجازه نخواهد داد که فرعون زمان (آمریکا) به تخت ظلم خویش باقی بماند و عاقبت، این فرعون متکبر زمان در دریای نیل عشق و اخلاص مردم مسلمان ایران، غرق خواهد شد. پرچمی که به دست امام(برافراشته شد، بر زمین نخواهد افتاد که در دست سید بزرگواری قرار گرفته است که حسینی می اندیشد و علوی حکومت می کند. و این سردار عشق وایثار پرچم نظام مقدس جمهوری اسلامی را به دست امام زمان(خواهد رساند و این وعده قرآن است.

پس به امید روزی که بتوانیم پرچم انقلاب اسلامی خود را به دست آقا امام زمان(برسانیم.

آمین

آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟

پرسش

آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟

پاسخ

انحراف نوجوانان و جوانان در عصر کنونی موضوعی نیست که تنها گریبان قشر جوان این مرز و بوم را گرفته باشد، بلکه بلاـیی است که در سراسر دنیا ریشه دوانده و روز به روز هم بر ابعاد این معضل جهانی افزوده می گردد. بحث ارتباطات و وجود وسایل ارتباط جمعی و رسانه های مختلف و حجم وسیع و گسترده تبلیغات غرب در ترویج فساد و فحشا از طریق انتشار فیلم و عکس و مجله و سی دی و ماهواره و حتی شبکه اینترنت میان نوجوانان و جوانان و سایر اقشار به عنوان ابزاری جهت مقابله با فرهنگها و سنتهای بومی هرمنطقه از جهان و در نهایت نابودی این فرهنگها و جایگزین شدن فرهنگ غرب که خود آغاز روح جدید استعمار غربی و اروپایی است، خودباختگی ملتها در برابر این تبلیغات، و در نتیجه پشت کردن به آداب و رسوم فرهنگ خودی و لاقیدی و عدم پایبندی به اصول مذهبی، همه و همه گسترش فساد و انحراف در سطح جهانی را موجب گشته، و متأسفانه در جوامع اسلامی علیرغم تلاشهای مثبتی که در زمینه حفظ و احیای شعائر دینی صورت می گیرد، عملکردها و فعالیتهای ضدّ ارزشی برخی مسؤولین و رسانه ها و عدم برخورد قاطع و صریح و منطقی با جلوه های آشکار و پنهان انحراف و فساد اجتماعی از سوی آنان، سهل انگاری خانواده ها و مربیان در امر تربیت کودکان و نوجوانان، خود به

در این جوامع دامن زده، اما چاره چیست؟ آیا بایـد نشـست تا فرهنگ لجام گسـیخته و ضدّ اخلاقی غرب تمام ابعاد زندگی ما را در برگیرد، یا خیر باید راه مقابله با این آفت قرن را در پیش گرفت و برای نابودی آن اقدامات همه جانبه کرد؟ مسلّم است که اگر کسـی به نجات خویش و جامعه ای که در آن زنـدگی می کنـد می اندیشد، باید راه مقابله را در پیش گیرد که خیر و سعادت دنیا و آخرت او در همین است. اما چگونه؟

در منطق اسـلام هر مسـلمانی علاـوه بر اینکه مسؤول حفـاظت خویش از انحرافات و گناهان است، در قبال دیگر افراد بشـر هم مسؤول است، و تا آنجا که در توان دارد باید مانع انحراف دیگران شود، و نمی تواند و نباید در برابر اعمال و افعال خلافی که دیگران انجام می دهنـد، بی تفاوت و ساکت بماند. از اینروست که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین موضوعات مبـاحث تعلیـم و تربیـت اسـلامی است، به گـونه ای که طبـق روایـات، امر به معروف و نهی از منکر، شـعبه ای از جهـاد در راه خداست و به فرموده قرآن ترک این فریضه، عذاب الهی و نابودی جوامع بشری را در پی خواهد داشت.

پیامبر (ص) می فرمایـد: "بایـد امر به معروف و نهی از منکر کنید و الاّ خداوند بدان را بر نیکان شـما مسلّط می کند و هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد."(۱) اهمیّت موضوع بقـدری است که علی (ع) می فرمایـد: "تمام کارهای خیر و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی

از منکر همانند آب دهن است در برابر دریا"(۲)

موضوع دیگری که در بحث مقابله با انحراف و فساد فردی و اجتماعی حائز اهمیت است آموزش دینی کودکان و نوجوانان و چگونگی تربیت آنان در عمل به تکالیف دینی است. آموزش و انجام تکلیف دینی نباید تا سن بلوغ به تأخیر افتد و انسان باید از کودکی با عبادت پروردگار خوگیرد. فردی که از خردسالی عملاً با نماز و روزه و طهارت و نجاست و محرم و نامحرم و حلال و حرام از طریق والدین در محیط خانواده آشنا می گردد، با آداب اسلامی تربیت می گردد و ادب می آموزد، آنگاه در نوجوانی و جوانی و حتی بزرگسالی دچار انحراف نمی گردد، و یا میزان لغزش او از اصول و مبانی دینی و اخلاقی بسیار اندک خواهد بود. کسانی که قوانین و احکام اسلامی را در محیط خانواده درک نکرده و یا به گونه ناقص با تعالیم اسلامی آشنا شده باشند، در دوران پس از کودکی، نسبت به انجام فرائض دینی دچار کندی و سستی و بی میلی هستند و آنچه مطلوب آنهاست پیروی از شهوات و هوای نفس و گرایش به امور انحرافی است.

امام صادق (ع) می فرماید: "احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی سرعت عمل داشته باشید، پیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان کنند.(۳)

خداوند به والدین و خصوصاً به پدران که سرپرست خانواده هستند فرمان می دهد که در قبال فرزندان و امور خانواده بی تفاوت نباشند و مانند نگهبانی

دلسوز و آگاه، مراقب حریم خانواده از دستبرد شیاطین جن و انس باشند،(۴) تا محیط خانواده عاری از هر گونه آلودگی و انحراف و گناهی گردد و شرایط برای تربیت و رشد فرزندان سالم و پاک وخداجو فراهم آید. حق زن و فرزند بر پدر تنها این نیست که او عهده دار تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها باشد، بلکه پدر به عنوان قیّم خانواده باید در اصلاح رفتار و گفتار و خط فکری اعضای خانواده خویش از هیچ تلاشی فروگذار نباشد.

موضوع دیگری که در تربیت فرزندان دارای اهمیّت است و در روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته، توجّه جدی به روابط دوستی و همنشینی فرزندان است. رسول خدا (ص) می فرماید: "هر انسانی از دین و روش دوست و همنشین خود پیروی می کند."(۵) و نیز می فرماید: "سعادتمندترین مردم کسی است که با افراد بزرگوار مجالست و معاشرت کند."(۶)

برای جلوگیری از انحراف و یا درمان انحراف فرزندان به طور فشرده به چند نکته اشاره می گردد:

- در برخورد با این پدیده باید بسیار جدّی بود و هر نوع سهل انگاری از سوی والدین عِقاب و عذاب الهی را در پی خواهد داشت.

- اگر محیط زندگی و وضع اخلاق و منش خانواده و رفت و آمدهای فامیلی در بروز انحراف فرزندان تأثیرگذار بوده، باید در تغییر و تبدیل و کنترل آنها به گونه ای منطقی و بدور از جنجال به چاره اندیشی پرداخت.

- زندگی در برخی مناطق شهری در نوع افکار و گرایشات نوجوانان بی تأثیر نیست، در صورت امکان تغییر محیط نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

- پدر و مادر

باید به طور جدی در معاشرتهای مفسده انگیز، تجدید نظر کنند و در عوض رفت و آمد با افرادی را ترتیب دهند که بر سلامت دین واخلاق اعضای خانواده تأثیرگذار است.

– رفتار و معاشرت پدر و مادر با یکدیگر و نوع پوشش آنها در خانه در انحراف فرزندان نقش داشته باشد.

– نحوه کسب معاش و تأمین درآمد خانواده نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، زیرا غذای ناپاک قلب و روح انسان را تاریک می کند، تا جایی که انسان را از درک و قبول حقیقت دین باز می دارد.

– دوستی و رفاقت والدین با نوجوان و جوان و احترام به شخصیّت او باید به عنوان یک اصل تلقی گردد و برای خواسته ها و گفته های او باید گوش شنوایی وجود داشته باشد و بهترین کس همان پدر و مادرند.

– در پند و موعظه و نصیحت باید به گونه ای غیرمستقیم عمل کرد و از افراط و تفریط در محبت و تنبه فرزندان پرهیز کرد، که هر دو مخرب است.

– ارتباط با افراد یا مراکزی که می توانند در زمینه تربیت و اصلاح فرزندان، والدین را یاری دهند، باید مهم تلقی گردد.

– رفت و آمد به اماکن مقدس همراه با فرزندان و شرکت در مجالس دینی و برگزاری این مجالس درخانه در صورت امکان، قرائت و انس با قرآن و دعا توسط والدین در محیط خانواده، همه در سلامت فکری و روحی فرزندان مؤثر است.

خلاصه کلام اینکه از آنجایی که اولین محیط تربیتی هر انسانی کانون خانواده است، ابتدا باید در اصلاح این واحد اجتماعی سعی و تلاش جدّی کرد، که اگر خانواده از جایگاه

اصیل و اسلامی خود برخوردار گردد، سهل انگاری و اهمال کاری و بی کفایتی و بی قیدی و ناآگاهی افراد به حداقل خواهد رسید و تمام ارکان جامعه اصلاح می گردد. بنابراین برای مقابله با هر نوع انحراف و فسادی باید در وهله اول والدین خود را ملزم به رعایت دستورات اخلاقی و دینی کنند تا فرزندان با پیروی از آنان در برابر انحرافات واکسینه شوند.

منابع و مآخذ:

۱) سفینه البحار، ج ۱، ص۴۴۸و ۴۴۹

۲) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷۴ ، بنقل از تفسیر نمونه، ج۳، ص۴

۳) اصول کافی، ج۶، ص۴۶

۴) سوره مبارکه تحریم/ آیه ۶

۵) وسایل الشیعه، ج۴، ص۲۰۷ ، مستدرک ج ۲، ص۶۲

۶) بحارالانوار، ج۱۵، ص۵۱

– آئین تربیت، ابراهیم امینی

– مسائل تربیتی اسلام، سید محمد باقر حجتی

– خانواده و تربیت کودک، علی قائمی

– تربیت از دیدگاه اسلام، دکتر احمد بهشتی

آیا تبلیغاتی که کشورهای دیگر برای جوانان شیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشاندن آنها می کنند ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبارزه با این شبیخون فرهنگی انجام می دهیم؟ آیا این مقدار مبارزه کافی است؟

پرسش

آیا تبلیغاتی که کشورهای دیگر برای جوانان شیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشاندن آنها می کنند ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبارزه با این شبیخون فرهنگی انجام می دهیم؟ آیا این مقدار مبارزه کافی است؟

پاسخ

موجب کمال خوشوقتی و خوشحالی است که جوانان عزیز کشورمان حتی در شهرهای کوچک و دور افتاده از مرکز از

روحیات پر شور انقلابی و دینی برخوردارند و برای اسلام و مکتب حیاتبخش تشیع دل می سوزانند و برای ترویج و توسعه آن همت می گمارند و از نقص تبلیغ و ترویج مذهب گلایه و شکوه دارند. آفرین بر این همت و پشتکار و تلاش و جدیت و شور و نشاط. آرزو می کنیم این روحیه بیش از پیش گسترش یابد و بخش قابل توجهی از جوانان عزیز کشور به این صحنه شور و حماسه گام نهند و با ابتکار و خلاقیت و شور و شوق به میدان مبارزه با جهل و ناآگاهی و بی بصیرتی و مقابله با هجمه های گسترده جوامع استکباری قدم بگذارند و آینده ای توام با حماسه های جاودان و ماندگار خلق کنند.

دوست عزیز! قدر مسلم تلاش فرهنگی کشور و جامعه ما در برابر حجم وسیع و طوفانهای سهمگین تبلیغات سموم و زهر آگین جوامع استکباری و نظام سلطه جهانی اندک و ناچیز است و نمی توان با آن همه دستگاههای عظیم خبری و تبلیغی جهانی مقابله و مبارزه کند. چه بسیار انسانها و افراد و جوامعی بوده و هستند که تاکنون حتی یک کلام از زبان ما نشنیده اند. و اسلام و انقلاب اسلامی و امام و جمهوری اسلامی

و قرآن و اهـل بیت و شـیعه و ... را از زبـان مستشـرقان شـنیده انـد. و از قلم شـرق شـناسان اسـلام ستیز خوانـده انـد. چه بسـیار قرآنهایی که توسط آنان ترجمه و چاپ و نشر شده و هر آنچه خواسـته اند به اسم اسـلام و قرآن نوشـته اند. چه بسـیار کتابها، مجلات، مقالات و سـخنرانی هـایی که در کشورهای گوناگون در طول قرنهای متمادی توسط مجامع شـرق شـناس و اسـلام شناس غربی ارایه شـده و اسـلام و مذاهب اسـلامی، قرآن، اهل بیت، نبوت، امامت و ... را به جهانیان معرفی و عرضه کرده اند اسـلام و قرآنی که با اسـلام و قرآن حقیقی فرسـنگها فاصـله دارد بلکه اسلام و قرآنی که درست در نقطه مقابل اسلام و قرآن قرار دارد. کافی است شما کتابهای مربوط به شرق شناسی و آثار و نوشته های مربوط به خاور شناسان را

مرور کنی آنگاه اندکی متوجه خواهی شد چه توطئه های بزرگی بر ضد اسـلام در طول قرنهای گذشته سامان داده اند ولی به برکت قرآن کریم که فرموده است: دشمنان می خواهند نور خدا را خاموش کنند ولی شدنی نیست.

امروز هم با همه هجوم وسـیع و گسترده اسـتکبار اسـلام یکی از ادیان زنده اروپاست. مسـیحیت با همه تلاش خودش نتوانسـته است جوامع اسـلامی و ایران را تسـخیر کند ولی اسـلام می رودکه اروپا و غرب را تسخیر کند و برخی از متفکران غربی گفته اند قرن ۲۱ قرن غلبه و حاکمیت اسلام بر اروپاست.

دوست عزیز! همچنان ما در سطح جهان مظلوم هستیم و صدایمان به جایی نمی رسد. اما باور داریم که دین ما حق است و

روزی فاتح جهان خواهد شد و البته باید خیلی بیش از این تلاش کنیم و از نزاعهای پست و حقیر بپرهیزیم و نیرویمان را متمرکز کنیم برای مقابله با دشمنان عنود و لجوج تا دندان مسلح.

به امید پیروزی و حاکمیت دین حق، اسلام راستین بر این گیتی. انشاء الله

مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشـکلات آنان در این زمینه باشد، را بفرمایید.

پرسش

مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشکلات آنان در این زمینه باشد، را بفرمایید.

پاسخ

به طور خلاصه باید گفت : تهاجم فرهنگی غده چرکینی است که پیکره جامعه اسلامی را تهدید می کند. استکبار جهانی و دشمنان اسلام بخوبی دریافته اند که برای دستیابی به منابع ملی مسلمین و از بین بردن فرهنگ مذهبی و به استضعاف کشیدن کشورها، باید به تهاجم فرهنگی غرب در درون کالبد جوامع اسلامی پرداخت . بر این اساس استکبار بعد از شکستهای پی در پی در زمینه های سیاسی و نظامی با استفاده از رسانه های عمومی ماهواره مطبوعات ، عناصر نفوذی و روشنفکران وابسته و ... به القای فرهنگ غربی پرداخته است . عوامل مؤثر در تهاجم فرهنگی عبارتند از: ۱ ضعف آگاهی افراد از معارف غنی اسلام ۲ ضعف ایمان که مهمترین عامل نفوذ فرهنگ اجنبی است زیرا دین بینش فرد و طرز تفکر اوست هر اندازه که پایه های اعتقادی فرد سست تر باشد، احتمال خطا و تأثیرپذیری از سایر عقاید و فرهنگها بیشتر خواهد شد.از این رو زمانی تهاجم فرهنگی در عمل موفق تر است که جامعه دارای ضعف ایمان و عقیده باشد و بر عکس اگر جامعه از بعد ایمان و عقیده محکم باشد، هر قدر هم که تهاجم فرهنگی قوی باشد هیچ گونه اثری نخواهد پذیرفت حضرت علی (۷) در نهج البلاغه خطبه ۵۷ می فرمایند:بندگان خدا! بدانید که تقوی حصار بلند و غیر قابل تسلط است و بی تقوایی و هرزگی حصار و بارویی پست است که حافظ

ساکنان خود نیست و آن کس را که به آن پناه برد، حفظ نمی کند.همانابا نیروی تقوی نیش گزنده خطاکاریها بریده می شود. مقام معظم رهبری این کار را به شبیخون فرهنگی و گاهی به غارت فرهنگی تعبیر کرده اند. حال ما وظیفه داریم با هوشیاری تمام اوضاع و احوال را بخوبی بشناسیم و با استعانت از خدای متعال و ائمه اطهار(:) به قدر وسع و توانایی ، با آن مقابله کنیم

اما حل مشکل جوانان راه حل اساسی این است که جوانان عزیز باید با استفاده از فطرت خدادادی و زمینه های مناسب فعلی که به برکت جمهوری اسلامی راه برای تحقیق و مطالعه باز است ; در بازسازی اعتقادی و استدلالی کردن باورها بکوشند تا فکر و دل آنها با باورهای دینی آرام گیرد و طوفان تهاجم بر آنها تأثیر نگذارد.

با توجه به گستره تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی در حوزه مقدّس علمیه قم برای مقابله با آن چه راه های عملی در پیش گرفته شده است

پرسش

با توجه به گستره تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی در حوزه مقدّس علمیه قم برای مقابله با آن چه راه های عملی در پیش گرفته شده است

پاسخ

۱. بی تردید، رسالت حوزه مقدس علمیّه شناخت دین با توجه به منابع دست اوّل آن یعنی وحی و سنّت پیامبر۶ و امامان از یك سو و تزکیه پالایش درون از رذایل اخلاقی و آراسته شدن به زیور گران قدر تقوی-و معنویت در منش و روش از سوی دیگر است زمینه حرکت در بستر این دو عنصر بنیادین و ضروری برای هر عضو حوزه علمیه الهام گیری از سفارش قرآن کریم است که فرمود: "وَیُزَکِّیهِم ٭وَیُعَلِّمُهُم ٭الْکِتَب ٭وَالْحِکْمَه (آل عمران ۱۶۴) تزکیه همان پالایش درون و تعلیم نیز بازسازی و جهت دهی اندیشه از بیرون است که به یقین برای آن پردازش درونی امری ضروری و اساسی و بلکه زمینه ساز آن است

۲. این دو گوهر گران مایه که هویّت حوزه را رقم می زند، تربیت یافتگانی را به جامعه تحویل می دهد و گنجینه هایی را در دامن خود می پروراند که مقتدای مردم در گرایش به معنویّت وایمان قرار می گیرند.

۳. شبکه مقدّس مساجد، از مهم ترین راهبردهای این تلاش برای محقق ساختن آن حرکت به منظور بسط و گسترش معنویت در مردم است عنصر اصلی رونق یافتن مساجد، و به اصطلاح کاتالیزور فعّال شدن آن ها، روحانی است به دیگر سخن گفته می شود که نمك دین مسجد است و نمك مسجد هم روحانی است قرآن کریم

درباره جایگاه و اهمیّت مساجد می فرماید: "...وَ مَسَـجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْم ُاللَّه ِ کَثِیرًا;(حج ۴۰) روحانی هم چون چراغی تابناک در مسجد می درخشد و فضای آن در پرتو نورانیّت او جان می گیرد و زنده می شود. قرآن کریم در آیه ای که چندان بی ارتباط با وظیفه روحانی نیست می فرماید: "فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن کُل ِفِرْقَه ٍمِّنْهُم ْطَآئفَه ٌلِّیَتَفَقَّهُواْ فِی الدِّین ِوَ لِیُنذِرُواْ قَوْمَهُم ْإِذَا رَجَعُوَّاْ إِلَیْهِم ْلَعَلَّهُم ْیَحْذَرُون َ;(توبه ۱۲۲) چرا از هر گروهی از مؤمنین طایفه ای کوچ نمی کنند تا در دین (و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند؟ شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند." این که روحانی با چه معیاری به مسجدی دعوت شود، برای جذابیت برنامه های مسجد وسوق گسترده مردم به این مرکز مهم دینی چه تدابیری باید اندیشه شود، و... از مسائلی است که اعضای هیئت امنأ در آن بسیار مؤثرند. اعضای فوق نیز، عموماً از سوی مردم برگزیده می شوند.

۵. در حوزه شبکه مساجد، آن چه که به روحانی به عنوان وظیفه طلبگی مربوط می شود; حرکتی مخلصانه و صادقانه به منظور فعّال کردن و رونق بخشیدن آن ها است بخشی دیگر از مسائل به مردم مربوط می شود که چه مسئولینی را به عنوان هیئت امنأ برگزینند تا آن ها راه را برای ورود روحانی شایسته هموار سازند.

۶. در زنجیره کار دینی و معنوی روحانی با مردم سازمان های متعددی از قبیل سازمان تبلیغات اسلامی اداره امور مساجد، و... وجود دارند که عملکرد منطقی آن ها در سامان بخشی به امر مقدّس تبلیغ دینی مؤثّر است

حتی اگر این مجموعه ها، درست عمل نکنند، شبکه مساجد با تکیه بر مردم به گونه خودجوش می توانند امور مسجد را به پیش ببرند و ضرورتاً در این راستا، ملزم به استفاده از سازمان های مذکور نیستند.

۷. خلاصه آن که از دیدگاه این نوشتار، مهم ترین حلقه ارتباط معنوی روحانی با مردم مساجد می باشند. سازمان دهی امر مساجد همان گونه که بیان شده برآیندی از دو عنصر روحانی و مردم است

۸. افزون به شبکه مقدس مساجد، امروز به لطف الهی روحانیّت در حوزه مقابله با شبیخون فرهنگی با قلم و بیان خود، در عرصه های مختلف از جمله روزنامه ها، مجلات شبکه اینترنت و... فعّال است آن چه ضروری می نماید، توجه به روی آوردن مردم در یادگیری وظایف دینی خود، به این صنف و گروه است استفتا از مراجع تقلید، و پرسیدن تکالیف دینی از روحانی محل و در یک کلام انطباق وظایف دینی خود با مراجع تقلید که روحانی حلقه واسطه میان آن مقام والا با مردم است از جمله راه کارهای هم کاری مردم و روحانی در مقابله با پدیده شوم تهاجم و شبیخون فرهنگی است

با توجه به این که در جامعه امروز، عده ای با اشاعه فساد و بی بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند; نظر قرآن درباره این را موضوع تشریح فرمایید؟

پرسش

با توجه به این که در جامعه امروز، عده ای با اشاعه فساد و بی بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند; نظر قرآن درباره این را موضوع تشریح فرمایید؟

پاسخ

مسئله انحرافات اجتماعی و ترویج فساد و فحشا و فسق و فجور در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش ِانسان وجود داشته و دارد و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با فاسدان زمان خود درگیر بوده اند.

بعد از رسالت ِخاتم ِپیامبران حضرت محمد۹، دشمنان اسلام نیز در محیطهای مختلف و با استفاده از پیشرفته ترین ابزارهای تبلیغی همواره سعی در منحرف کردن مسلمانان داشته اند که نمونه روشن آن فریب کاری های معاویه و یزید است که به شهادت حضرت علی ۷ و امام حسین ۷ منجر شد.

قرآن کریم برای مبارزه و مقابله و پیشگیری از این تهاجم برنامه های جامع و عملی را ارائه داده که نمونه ای از آن چنین است

۱. شناخت خدا و اطاعت از او; چنان که قرآن می فرماید: "وَ أَن ِاعْبُدُونِی هَذَا صِرَ طٌ مُّسْتَقِیم (یس ۶۱) و این که مرا بپرستید. این راه راست است "

۲. تقویت باورهای دینی قرآن می فرماید: "قُل ْأَنَدْعُواْ مِن دُون ِاللَّه ِمَا لاَ یَنفَعُنَا وَلاَ یَضُرُّنَا;(انعام ۷۱) بگو: آیا به جای خدا

چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می رسانـد و نه زیانی " بنابراین به هیـچ بهایی نباید در باورهای دینی مان تردید کنیم و از آن ها دست برداریم

۳. به پا داشتن نماز و احیای این فرهنگ در جامعه و مراقبت در اوقات نمازهای پنجگانه چنان که قرآن می فرماید:

"إِن َالصَّلَوه َ تَنْهَى َ عَنِ ِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنكَر؛(عنكبوت ۴۵) نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد".

۴. اجرای فرهنگ ِ "امر به معروف و نهی از منکر" و احیای آن در جامعه و فضای جامعه قرآن می فرماید:

"وَيَأْمُرُون َ بِالْمَعْرُوف ِ وَيَنْهَوْن َ عَن ِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَغ كَ هُم ُ الْمُفْلِحُون (آل عمران ۱۰۴)]مردم را[به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند."(ر.ک فرهنگ و مقاومت فرهنگی مهدی نوید / تهاجم فرهنگی آیه الله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی سخنان مقام معظم رهبری دامت برکاته .)

۵. ترویج فرهنگ ازدواج و تسهیل آن چنان چه در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نور آمده است و پیامبرگرامی اسلام ۹ فرمود: "من تزوّج فقد احرز نصف دینه هر کس ازدواج کند به درستی که نیمی از دین خود را پاسداری کرده است .(برای دیدن برخی روایات در این باره ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹ ۲۲۰.)

آن چه مهم است انجام وظیفه است و خداوند بیش از حد توان تکلیفی نخواسته است "لاَ يُكَلِّف ُ اللَّه ُ نَفْسًا إِلاَ وُسْعَهَا؛(بقره ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کند."

لذا، انسان متعهد، تا توان دارد خوب است انجام وظیفه کند، ولی نتیجه را به خداوند واگذار کند؛ زیرا، خود خداوند می فرماید: "وَ قَال َ مُوسَى ِ إِن تَكْفُرُوٓاْ أَنتُم ْ وَ مَن فِي الاْ ?رْض ِ جَمِيعًا فَإِن َ اللَّه َ لَغَنِى ٌ حَمِيد؛(ابراهیم ۸) و موسی غ (به بنی اسرائیل گفت اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد، چرا که

خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است "

به هر حال اقدام مقتضـی در حد توان در تمامی جهات و ابعاد، امر به معروف و نهی از منکر با شرایط و ضوابطی که دارد، دعا و توسل برای بهبودی وضع جامعه هماهنگ شدن با مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه و... از جمله اموری است که شایسـته است به آن توجه شود.

یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند

پرسش

یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند

پاسخ

تهاجم فرهنگی از موضوعات اجتماعی

مهم و شاخص دنیای امروز است. دنیای صنعتی با

استفاده از تکنولوژی و ابزارهای خود، سعی در

ترویج فرهنگ خود و برافکندن بنیان های فرهنگی

دیگر جوامع دارد. مسلما اگر ملت ها و دولت های

جهان سوم به فکر نباشند و راهی برای مقابله و دفع

تهاجم نیندیشند فرهنگ آنها به تاراج خواهد رفت و

به دنبال آن همه چیز آنها در جهت منافع قدرت های

جهانی قرار خواهد گرفت. برای مقابله با تهاجم

فرهنگی در آغاز کاری فرهنگی لازم است که

عمده ترین عناصر آن عبارت است از :

۱- شناخت

دقیق تهاجم فرهنگی و تعریف و ابعاد و فلسفه آن

۲- شناخت

روش های تهاجم ۳- شناخت راه های مقابله با تهاجم

۴- تبدیل

کردن ایده ها به عمل و کار عملی وسیع برای مقابله با

آن

۵- شناساندن تهاجم و ابعاد آن به دیگران

در صورت تحقیق در موارد فوق به کار انداختن

اندیشه ها در این جهت قطعا نتایج مفیدی در پی

خواهد داشت.

در مقابل تهاجم فرهنگی ,چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی ,چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پاسخ

تقویت ایمان و عقیده راه های متعددی دارد از جمله:

۱- بالاـ بردن سطح شناخت و آگاهی های دینی. در این زمینه گسترش مطالعات و تحقیقات دینی با برنامه ریزی هایهدایت شده و منظم بسیار ضروری است.

۲- گسترش فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی با شیوه هایی نو و جذاب.

۳- تقویت جلسات و برنامه های مذهبی و هر چه با شکوه تر و پرمحتواتر برگزار کردن آنها.{J

به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

مساله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصرحاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامیاست که به علت پیچیدگی وآمیخته بودن آن با مسائل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که بهطور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرارارزشهای اسلامی وملی به کار گرفته شود وتمام دین داران با مایه گذاشتن از امکانات خوددر این راه به مبارزه بپردازند مبارزه ای که از یک سو جنبه تولیدی دارد(یعنی تولید برنامه ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صددکندن بنیانهای اعتقادی و دینی جامعه است. به هر ترتیب افزونی آگاهی ها و بینش سیاسی واجتماعی به وسیلهمطالعه تفکر و ارتباط مداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است.{J

در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟

پرسش

در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟

پاسخ

مقابله با تهاجم فرهنگی حرکتی گسترده با همیاری ملت و دولت را می طلبد. برشماست که بکوشید در محیطپیرامون خود اعم از خانواده دانشگاه و محل کار به فعالیت های خوب و مفید فرهنگی دست بزنید و با برنامه ریزیهای حساب شده و گسترده با همیاری دیگر دوستان به مبارزه با عوامل فساد برخیزید و روح معنویت را حاکمسازید.{J

برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پرسش

برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پاسخ

این مسأله ابعاد و راه های مختلفی دارد. برای مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب و حرکت به سوی اسلامی شدن دانشگاه ها هر دانشجوی متعهد و مسلمانی باید خود را برای سه جهاد آماده کنید.

الف – شناخت تهاجم دشمن و شیوه های آن

ب – شناخت فرهنگ اسلام و باور داشتن آن

ج – اتخاذ روش های مناسب در جهت مقابله با تهاجم

د – تحکیم مبانی عقیدتی و فکری

J}

در برابر شبهات چه باید کرد؟

پرسش

در برابر شبهات چه باید کرد؟

پاسخ

پاسخ گویی به شبهه، نیازمند داشتن اطلاعات کافی از شبهه و از مکتبی است که باید به دفاع از آن پرداخت. طبیعیاست شخصی که می خواهد از اسلام دفاع کند، باید اطلاع کافی از کلیّت منابع آن داشته باشد و بدون آن، مسلما قادربه دادن پاسخ صحیح به شبهات نخواهد بود.{J

برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی , عدم رعایت شوونات اسلامی و غیره چه باید کرد؟

پرسش

برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی , عدم رعایت شوونات اسلامی و غیره چه باید کرد؟

پاسخ

}در این رابطه نکات چندی را یادآور می شویم:

الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را با دوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهیدداشت.

ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چونخود این حالت نیز باعث کندی کار و سدّ راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدمایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید: طه ما انزلناعلیك القرآن لتشقی پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقتبیفکنی{M»، (طه، آیه ۱) و نیز می فرماید: لعلّك باخع نفسك الاّ یکونوا مؤمنین ای رسول، تو چنان در اندیشه اینخلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاك کنی{M»، (شعراء، آیه ۲۳).

ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم(ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیرحکیمانه علی(ع) در این راستا حائز اهمیت است که می فرماید: الهمّ نصف الهَرَمِ ؛ همّ وغمّ نصف پیری را تشکیلمی دهد{M»، (نهج البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می شکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش، گرچهما به احساس پاك شما ارج می نهیم ولی رهنمود ما این است

که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهدافبلند و تکامل باز بمانید.

ج) و اما چه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس ما مسؤولیتی در ازای این رویدادها نداریم؛ بلکهبه پیشنهادی چند، نیک بیندیشید.

۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید.

۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید.

۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری ازدانشجویان به طور فعّال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانگانی است. و امیدوار باشیدکه در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت.

<Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD>چند از این الفاظ واضمار و مجاز </E> <TD> <TD>سوز خواهم سوز با آن سوز ساز </TD></TR> <TR align=Center></TD>>} </Table>

وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیط دانشگاهی از راه های ویژه ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه هاعبارت است از:

الف - ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی. این برنامه از طریق استفاده های نادرست فلسفی و نظری از ره آوردهای علمی و القای علمی بودنبرخی از آموزه های مغایر با جهان بینی دینی صورت می پذیرد.

ب - القای نگرش های معرفت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و تفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه های دینی ازعرصه های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت ها.

ج - کم رنگ سازی ارزش های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبیت و تاریخ مندی اصول ارزش ها و تبعیت آن از ذوق و

سلیقه های تجدد طلبانهقومی، ملی، نژادی و ...

د - نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت های معارضه آمیز و سیاسی کاری بهجای تلاش های انقلابی و اسلامی.

در مقابله با مسائل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پردامنه روبه روست :

۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه های مختلف و شناخت و درک درستمسائل سیاسی و اجتماعی.

۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا ، قرآن و پیشوایان دین.

۳- جهاد اجتماعی؛ یعنی، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی دردانشگاهیان.{

وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیرفرهنگی جامعه چیست ؟

پرسش

وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیرفرهنگی جامعه چیست ؟

پاسخ

دانشجوی گرامی ما این روحیه ارزشمند که حاکی از تعهد، مسؤلیت پذیری، حق شناسی و قدردانی از نعمت های الهی است را به شما تبریک عرض می نماییم. آری همه کسانی که نسبت به مسائل و مشکلات فرهنگی و غیر فرهنگی موجود در جامعه رنج می برند در واقع با شماهمدرد هستند و ما نیز به نوبه خود با شما ابراز همدردی می کنیم اما وظیفه در مقابل این مشکلات چیست؟ ما چند وظیفه در قبال این گونه مسائل داریم:

۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسؤلیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید.

۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید.

۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشتهباشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه ای

که می توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است.

۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی ها می شوند را پر نمایید.

۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس

و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا درکناردیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام های مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید از خداوند متعال موفقیت روزافزون شما را مسئلت می نماییم. {J

راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست ؟

پرسش

راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست ؟

پاسخ

نقش مخرب تهاجم فرهنگی دشمن از آن جهت حائز اهمیت است که کار کرد آن ایجاد اختلال در روابط کلیدی واستراتژیک نظام است یعنی اگر نتوان به نحو مقتضی کار کردهای تهاجم فرهنگی دشمن را اصلاح نمود به تدریج رابطه مردم با اسلام، رهبری و سایر مسؤولین نظامسست و آسیب پذیر خواهد شد و سلامت کلیت نظام به خطر خواهد افتاد در اینجا ابتدا لازم است که تعریف دقیقی از تهاجم فرهنگی داشته باشیم: حرکت ها و مجموعه اقدامات آگاهانه و هدفمند دشمنان نظام برای تغییر باورداشتها گرایشات، تمایلات و رفتارهای غالب اکثریت مردمجامعه را با هدف دورسازی این باور داشتها گرایشها، تمایلات و رفتارهای از حوزه جهان بینی و فرهنگ اسلامی و نزدیک ساختن حوزه جهان بینی و خواسته ها و فرهنک مهاجم را تهاجم فرهنگی می نامند.

اما در مورد راه های مقابله با تهاجم فرهنگی ابتدا لازم است اهداف دشمنان را از تهاجم فرهنگی و ابزارهای آن را به صورت مختصر مرور نمود و در مرحله بعد راه کارهای دفاعی و عملکردهایی را که داشته ایم مورد بررسی قرار دهیم:

الف) بررسی اهداف تهاجم فرهنگی:

۱- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی و ابتذال.

۲- حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه های اعتقادی با تحریف حقایق ترویج نسبی گرایی.

۳- تبلیغ مستمر و گسترده سکولاریسم و لائیسم و جداسازی دین از سیاست، القای تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق.

۳- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظالم زندگی غربی و ابتذال.

۴- کوشش برای جداکردن نسل جوان از ارزش های اعتقادی

و آرمانهای انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت.

۵- سوءاستفاده از نارسایی ها معضلات ضعفهای مدیریتی و اجرایی برای القاء ناکارآمدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی.

۶- ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم به ویژه نسل جوان با ترویج و اشاعه فرسودگی و غیر قابل اجرا بودن ارزشهای الهی در جامعه و نیز القای اندیشه تاریخی و نسبی بودن ارزشها.

۷- آسیب رسانی به تحقق روند دستیابی به توسعه پایدار یا متوازی و همسو با آرمانها و ارزشهای دنیی در کشور.

ب) هر جریان فرهنگی نیاز به ابزارها و روشهایی دارد که از طریق آن به طرف مقابل رسوخ و نفوذ نماید، امپریالیسم آمریکا در کشورهای غربی در تهاجم به بنیانهای فرهنگی کشور از روشها و ابزارهای مختلفی استفاده کرده اند که بطور مختص عبارتند:

۱- ابزارها و روشهای فرهنگی؛ که از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی است. استفاده از هنر، سینما، و تئاتر، انواع فیلمها، و سریالهای تلوزیونی، مطبوعات و کتب، چاپ و نشر اشعار و مقالات و رمانهای مختلف جهت ترویج پوچ گرایی و بی هویت کردن مردم یک کشور و زیر سؤالبردن مبانی تئوریک نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نفوذ در مدارس و دانشگاهها و ترویج اومانیسم، لائیسم و پلورالیسم دینی برای تضعیف مبانی معرفتی حکومت دینی و...

۲ ابزارها و روشهای اقتصادی: صندوق بین الملل پول و بانک جهانی در راستای اهداف امپریالیستی غرب همیشه در دادن وامها به دولتها شرایطی را می گذارد که در تحمیل فرهنگ سرمایه داری غرب مؤثر است مثلاً شرایط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای دادن وامبه ایران مبتنی بر تسریع خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی و هماهنگ با

بـازار آزاد جهـان، ایجـاد منـاطق آزاد تجاری که زمینه بسـیار مناسبی برای ترویـج فرهنگ غربی از جمله تغییر الگوی مصـرف تجمل گرایی، مـدهای غرب و... از طرف دیگر مراکز کنترل صـدور تکنولوژیهای غربشـرط همکاری و انتقال تکنولوژی را به گونه ای ترسیم می نمایند که فرهنگ بیگانه را نیز وارد آن کشور سازد.

۳ ابزارها و روشـهای اجتماعی تهاجم فرهنگی مانند فساد جنسی در جامعه، فیلمهای ویدئوئی و برنامه های تلوزیونی و ماهواره ای، مجلاّت و تصـاویر مبتـذل، کاتـالوگ کالاهای لوکس و تبلیغاتی، همگی در ترویـج فسادهای اجتماعی، بی هویت کردن نسـل جوان، گسترش فساد وخشونت، و نا امنی، بیکاری و غیره دانسـته تا بـدین وسـیله افراد جامعه را خصوصا نسل جوان را از اهداف معنوی و فرهنگ انقلاب اسلامی منحرف نمایند.

ایجاد روحیه مـدگرایی و اخلاق خاص ترویـج کننـدگان این مـدها در قالب گروههای رپ و هوی متال و... دیده می شود که ترویـج کننـده ارزشـهای ضـد اخلاقی از جمله همجنس بـازی و برقرار روابط آزاد جنسـی و... هسـتند. از طرف دیگر صـنعت توریسم گسترش مصـرف مواد مخـدرو مشـروبات الکلی از دیگر ابزارهـای اجتمـاعی تهـاجم فرهنگی می باشـند، (ر.ک: علی ذوعلم، جرعه جاری (سـی مقاله پژوهشـی پیرامون انقلاب اسـلامی) علیرضا کریمیان، ماهیت انقلاب اسـلامیو تهاجم فرهنگی، ص ۴۶۹)

ج) بررسی راه های مقابله و راه کارهای دفاعی و برخی اقدامات انجام شده در مقابل تهاجم فرهنگی:

مجمـوعه این راهکارهـا را می تـوان در دو بعـد انـدیشه ای فکر و نظری و اقـدامات عملی مـورد بررسـی قرارداد امـا مجمـوعه راهکارها و اقداماتی که در بعد فرهنگ و اندیشه انجام شده عبارتنداز:

۱- تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت

شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنرانی های مفید و پرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و اداراتبرگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است.

۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی از انحرافاتاخلاقی و اعتیاد و... .

۳- از آن جا که تهاجم فرهنگی بیشتر فکر و فرهنگ و اندیشه افراد یک جامعه را مورد هجوم خود قرار می دهد در این راستا مؤسسات و دستگاه های فرهنگی اقدامات بسیار شایسته ای را در جهت مصونیت بخشیدن و زدودن آثار مخرب فکری و فرهنگی تهاجم فرهنگی با استفاده ازمحققین و متفکران و صاحب نظران علوم انسانی انجام داده اند که به برخی از آنان اشاره می نماییم :به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۷ تعداد ۳۶۰۹ عنوان کتاب در مورد دین و معارف اسلامی با تیراژی در حدود ۲۰۷۷۹۹۳۵ جلد و همچنین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تاکنون بیشاز هزار عنوان کتاب با تیراژ بالا در زمینه های مختلف فرهنگی و علوم اسلامی منتشر نموده است هم اکنون بیش از ۱۸۰ مؤسسه در سطح قم در زمینه های تحقیقاتی اطلاع رسانی و... با همکاری محققین زبده فعال می باشد. نتایج و دستاوردهای بسیار چشمگیر و مثبتی را به دنبالداشته اند و در ارائه معارف دینی واندیشه های اسلامی از پیشرفته ترین تکنولوژی های پیشرفته و با جدیدترین

شیوه ه استفاده می شود سعی شده با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نموده و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگ اسلامیفراهم سازند تا اوائل سال ۷۹ تعداد ۱۵ سایت (پایگاه) جهانی به وسیله شیعیان و ۱۳ سایت توسط اهل سنت ایجاد شده است (به نقل از مجله نگاه حوزه شماره ۶۲، ۵۹ ص ۱۵۱).

یکی از ملموس ترین اثرات و پیامدهای این اقدامات فکری و اندیشه ای ناکارآمدی تهاجم فرهنگی دشمن برای القاء شبهه در خصوص ناکارآمدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی و تلاش در جهت سکولار کردن و لائیک نمودن جامعه دینی ایران بود چنانکه شاهدهستیم به خاطر ارائه پاسخهای دقیق علمی و مستدل در این زمینه ها عناصر شبهه افکن مانند سالهای قبل دیگر مجال و عرصه ای برای جولان دادن نمی یابند و در واقع در مهمترین رکن تهاجم فرهنگی دشمن دچار شکست شده است و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق افرادجامعه ما همه خواهان اجرا و تحقق حکومت عدل علوی و عمل شدن به ارزش ها و احکام اسلامی می باشد و انتقادهایی نیز که به مسؤلین ایراد می نمایند در این خصوص می باشد که این خود یکی از آثار مثبت نامگذاری سال ۷۹ به نام سال علی(ع) و سال ۸۰ به نام رفتار علوی(ع) کهبواسطه معرفی شیوه ها و ارزشهای حکومتی امام علی(ع) که از طریق مقالات و کتابهای متعددی که در این زمینه ارائه شد می باشد.

۴- تهیه برنامه های جذاب مفید و سالم و تفریحی از طریق دستگاههای فرهنگی و صدا و سیما به عنوان نمونه رادیو جوان با برنامه های جذاب و متنوع

به صورت سراسری در سال ۷۷ در حدود ۷۶۱۶ ساعت برنامه داشته که از مجموع آن ۱۷۰۱ ساعت فرهنگی و ۱۲۳۸ ساعت معارفاسلامی و ۸۵۹ ساعت اجتماعی بوده است در همان سال مجموعه شبکه های اول و دوم و سوم و چهارم و شبکه تهران و مراکز شهرستانها ۳۸۵۹ ساعت فرهنگی ۲۹۸۰ ساعت معارف اسلامی و ۷۱۵۳ ساعت اجتماعی و شبکه های سحر و جام جم ۳۸۶ ساعت برنامه های فرهنگی ۵۸۷ساعت برنامه های اجتماعی و ۲۸۳ ساعت معارف اسلامی داشته اند. (منبع گزارش فرهنگی کشور ۱۳۷۷ مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهش های فرهنگی و هنری).

اما اقدامات عملی که در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی انجام شده عبارتند از:

۱- برخورد قانونی با عوامل داخلی دشمن از قبیل روزنامه ها و گروه های معاند و شبهه افکن.

۲- تقویت نیروهای نظامی و انتظامی از نظر کمی و کیفی در مقابله با باندهای فساد و اشراری که در صدد ایجاد ناامنی در مناطق مرزی کشور بوده و سعی در گسترش اعتیاد و

در مقابل هجوم تبلیغات جهانی(اینترنت)چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟

پرسش

در مقابل هجوم تبلیغات جهانی(اینترنت)چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟

پاسخ

ضمن تشکر از دغدغه و اهتمام شما به این آسیب مهم اجتماعی که متوجه همه انسانها و به ویژه انسانهای ارزش گرا شده است توجه به نکات ذیل شاید در پاسخ به پرسش شما مفید باشد:

۱- این یک واقعیت اجتماعی است که قرآن کریم نیز گوشزد کرده است، اگر دشمنان بر ما مستولی گردند ارزش های (بایدها و نبایدها) نادرست خود را بر ما تحمیل خواهند کرد، از این رو اولین وظیفه ما تولید دانش، تقویت فناوری و تولید برنامه های نرم افزاری مناسب و مقابله با هجوم بیگانگان است. واضح است که در هر مبارزه ای مسلح بودن به تسلیحات مناسب با آن را می طلبد بنابراین به مقتضای «و اعدوا لهم مااستطعتم من قوه ...» باید بالاترین توان تولید برنامه های اینترنتی را به ویژه از طریق حوزه های علمیه و دانشگاهها کسب نموده و تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم، متنی و یا حاشیه ای (همان طور که شما در پرسش خود مطرح نمودید که حتی در سایت ها علمی نیز به نحوی برنامه های مبتذل را می گنجانند) انجام دهیم.

۲- یک وظیفه مهم دولت اسلامی (به عنوان یک دولت فضیلت مدار) بر اساس آیات قرآن «الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ...»(سوره حج آیه ۴۱) و نیز روایات متعدد اشاعه فضایل اخلاقی و تلاش در ازاله منکر و نهی از آن است. ولی متاسفانه بسیاری از کسانی که اکنون کارگزار حکومت اسلامی هستند

به

جای ایده «دولت فضیلت محور» ایده «دولت لیبرال و دموکراسی» را با رویکرد و حداکثر آزادی و حداقل مداخله در پیش گرفته آنگاه که فساد در سینما ها و فرهنگسرا ها غوغا می کند و حتی در جشنواره های انقلابی مانند **۲۲** بهمن فیلم های آنچنانی پخش و بد تر از آن جایزه گرفته و تشویق می شوند و سایت های اینترنتی بدون فیلتر آزادی مطلق دارند با تلاش عده ای از نیروهای ارزشی مبنی بر «فیلتر گذاشتن» سایت ها و انجام نسبی آن فریاد وامصیبتای عده ای به نام اصلاحات در آمده که این بحث ما بحث سیاسی نیست ولی چه کنیم که متأسفانه همه مباحث حتی خدا شناسی، اقتصاد، روان شناسی و ... همه و همه سیاسی شده است.

والله بالله فساد و ابتذال چپ و راست و میانه رو نمی شناسد مانند اعتیاد و بدتر از آن جوانان و سرمایه های عزیز انسانی ما را از ما میگیرد حتی در خود آمریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای اروپائی نیز مسئله فیلتر گذاری سالیان سال قبل از ما انجام شده است.

۳- علاوه بر و بلکه مقدم بر بحث فیلتر گذاری یا راهکارهای دیگر به نحوی که هم از مباحث علمی آن استفاده شود و هم از این آسیب ها مصون بمانیم، مصونیت بخش داخلی بسیار حائز اهمیت است.

جامعه اسلامی، جامعه پلیسی نیست، جامعه تقوائی و ارزشی است باید کاری کنیم که از درون هر کس به مقتضای ایمان خود از این آفات در امان بماند. تقویت اخلاق اسلامی و درونی کردن ارزش ها نه تحمیل از بیرون البته با مقتضیات و راهکارهای مناسب

آن گامی اساسی در این مسئله است.

ناگفته نماند که معنای سخن ما نفی پلیس یا برخورد اقتدارگرایانه نیروهای انتظامی و امنیتی نیست، بلکه مفهوم سخن ما اصالت دادن و محور قرار گرفتن ارزشهای درونی به جای برخورد از بیرون است و گرنه همان طور که شهید بهشتی می فرمودند اصل کار فرهنگی صحیح است و لیکن ۲۰٪ اعمال قدرت نیز لازم است. اگر اصل بر کار فرهنگی و خودسازی و ترویج ارزش های دینی گذاشته شد و مردم و مخصوصا جوانان ما در این مسیر قدم برداشتند طبیعی است که عده ای به هیچ صراطی مستقیم نمی شوند و ناگزیر با آنان باید برخورد مناسب و قاطع صورت گیرد.

پرسیدی که: «... چگونه باید رفتار کرد تا از بلایای شیطانی هم در امان بود؟» مناسب دانستیم به این نکات توجه فرمائید:

۱- هدف تمام توطئه ها، روح پاک جوانان است. قلب لطیف جوان مؤمن ایرانی، بزرگترین مانع نفوذ و تأثیر شیطنت هاست. از این رو از همین حالا برنامه ای جهت تهذیب نفس و عرفان داشته باشید. حتما با نام حضرت آیت الله بهجت که از مراجع تقلید و علماء ربانی و عرفای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است آشنائید. توصیه ای خاطره گونه از ایشان که عمری را در مسیر سیر الهی پیموده نقل می کنیم:

«شخصی به محضر ایشان رسید و عرض کرد: از شما تقاضای دستورالعمل عرفانی جهت خودسازی و سیر و سلوک دارم. ایشان از او که طلبه حوزه علمیه بود پرسید: به چه درسی مشغولید؟ پاسخ داد: سال دوم حوزه هستم. آقا خطاب به ایشان فرمودند: یک سال دیر آمدی! باید از همان

سال اولی که به درس مشغول شدی مراجعه می کردی. فعلاـ روزی یک صفحه از کتاب معراج السعاده (در علم اخلاق) مطالعه کن و همان روز سعی در عمل به آن یک صفحه نما و روزی ۵ دقیقه درباره آن فکر کن.»

دوست عزیز! هرچند دین داری کار سختی شده است اما نشدنی نیست. استاد شهید مطهری کلامی دارد روح بخش و امید آفرین؛ می گوید: من در همین تهران [منظور تهران زمان طاغوت] عرفائی دیده ام که یا هرگز مثل آنها را ندیده ام یا خیلی کم مانند بوده اند. [آنگاه علت پرورش چنین بزرگانی آن هم در محیط پر از فساد تهران آن روز را توضیح می دهند که] علت عظمت آنها این است که آنان خلاف جریان آب شنا کردند و همین سختی دو چندان، اجری دو برابر دارد.»

۲- با الهام از دو گفته یاد شده به ذکر نکاتی می پردازیم که در صفای روحتان مؤثر است. فقط یک شرط دارد! و آن اینکه نکات زیر را هر چند کم و اندک، اما مستمر و هر روز پیگیری کنید:

- ساعت خواب و بیداری خود را کنترل کنید. شب ها زودتر استراحت کرده و سحرخیز باشید. به یاد داشته باشید که به فرمایش حضرت امیر (علیه السلام) «خواب، بسیاری از تصمیم ها و برنامه ها را خراب می کند»(«ما انقص النوم لعزایم الیوم» - نهج البلاغه) خواب بی جا ضد حال برنامه های عرفانی، علمی است.

- نماز! بویژه نماز اول وقت (و چه بهتر که امام جماعت عادلی انتخاب کرده و با او نماز بگذارید)

- روزی یک گناه از کتاب گناهان کبیره شهید

دستغیب را بخوانید.

مرجع تقلید جامع الشرایطی برگزینید و از او تقلید نمائید. در غیر این صورت معمولا اکثر اعمالی که بدون تقلید انجام می شود خالی از اشکال نیست.

- به توصیه اکید آیت الله بهجت «اگر کسی طالب صادق مسیر سیر و سلوک و قرب الی الله است، انجام واجبات و ترک معصیت برایش کافی است اگر چه هزار سال باشد.»

- حتما روزی ۵۰ آیه قرآن بخوانید. (برای راحتی و عادت از جزء ۲۹ و ۳۰ شروع کنید)

- درس! درس! درس!

- مطالعه غیر درسی: معراج السعاده، معاد (شهید دستغیب) مطالعه شود و همواره در ارتباط بیشتری با همین بخش باشید.

- سعی کنید توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) را با زیارت عاشورای هر روز استمرار بخشید.

- اذکار مستحبی مثل صلوات، استغفار، آیه الکرسی، آیه و ان یکاد ... را مراقبت نموده و اعمال مستحبی خود را به نیابت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) انجام داده و ایشان را یاد کنید.

برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم ؟

پرسش

برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم ؟

پاسخ

هر چند این سؤال ابهام دارد و منظور حضرت عالی کاملاً روشن نیست ولی با توجه به سؤال قبلی شاید بتوان گفت منظورتان چگونگی رفتار در وضعیت فرهنگی موجود در جامعه و وظیفه فردی و اجتماعی، اخلاقی و شرعی یک جوان در چنین فضایی باشد که در این صورتمی توان گفت: به طور کلی در جامعه ای که فساد در آن رایج شده، از نظر اسلام دو نوع وظیفه برای فرد مسلمان وجود دارد: وظایف فردی و وظایف اجتماعی.

منظور از وظایف فردی کلیه اقداماتی است که فرد برای حفاظت خود از آلوده شدن به گناه انجام می دهد این اقدامات شامل:

۱ آشنایی به اعمال و رفتاری که از نظر احکام اسلامی گناه و معصیت شمرده می شوند. که ما در بخش اول به پاره ای از آنان اشاره کردیم، چه بسا جوانانی که به خاطر بی اطلاعی از گناه بودن عملی، مرتکب آن شده اند و آثار و پیامدهای وضعی گناه

در تمام عمر گریبان گیر آنهابوده است.

۲ مواظبت بر ترک گناه هر چند آن گناه کوچک باشد. زیرا ارتکاب گناهان صغیره خود زمینه ساز گناهان بزرگتر می باشد.

۳ در زمان مواجهه با گناه همیشه خداوند را در نظر داشته باشد و به عواقب و پیامدها و آثار سوء و خطرناک دنیوی و اخروی گناه فکر کند و بداند که لذت گناه بسیار زودگذر و عواقب آن (مشکلات روحی و جسمی، رفتن آبرو، مجازات دنیوی و اخروی و...) پایدار و مانع ازپیشرفت انسان به سوی کمال و سعادت می باشد.

۴ تقویت ایمان به خدا و توکل بر او و تمسک به تقوای الهی که دارای

آثـار مثبتی است از قبیل: اشـباع حس کمال گرایی، گرایش به ارزش های اخلاقی، برخورداری از لـذّت های معنوی، هدفـدار کردن حیات، جلوگیری از جرایم و مفاسد، آرامش روان و...

۵ اهمیت به نماز و انجام سایر عبادات، خصوصا روزه که در تقویت اراده انسان برای مقابله با گناه نقش زیادی داردو مداومت بر ذکر خداونـد و تلاوت قرآن و تمسّـک به اهـل بیت(ع) زیرا مـوجب نـورانی شـدن دل و دور شـدن افکـار و وسـوسه هـای شیطانی می شود و انسان را درلغزش گاه های حساس یاری می نماید.

۶ کنترل تمـام اعضـاء و جوارح و تسلّط بر آنـان از حواس ظـاهری گرفته تـا حواس باطنی. ۷ پر نمـودن اوقـات فراغت خود با کارهای علمی، فرهنگی، مطالعه کتاب های مفید، اشتغال به ورزش و تفریحات سالم و...

علاوه بر وظایف فردی مسـلمان برای مصون نگه داشتن خود از گناه، در مقابل محیط اجتماعی و جامعه ای که در آن زندگی میکند یک سری وظایفی دارد که عبارتند از:

۱ بسـیج همگانی اصـلی ترین راه مقابله با مفاسد اجتماعی: مسلّما فردی که خواهان پاکی و مصون ماندن از گناه می باشد در صورتی موفق می باشـد که علاوه بر انجام وظایف فردی برای دوری از گناه، یکسـری اقدامات را انجام دهد تا محیطش نیز از گناه پاکیزه شود والا درمحیط فاسـد احتمال لغزش و ارتکاب گناه می رود و از آنجا که مفاسد بصورت گسترده وجود دارد و به واسـطه تهاجم فرهنگی دشمنان شدّت بخشیده می شود. برای مقابله با آن نیازمند بسیج همگانی می باشد. همه باید احساس مسؤولیت کنند و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را درجامعه عملی سازند.

۲ شرکت کردن در جلسات مذهبی، نماز جمعه و جماعت

و تشویق دوستان و آشنایان به شرکت در این مراسم.

۳ ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد صمیمی و دوستانه و سازنده با جوانان باعث جلوگیری از جذب شدن افراد خانواده یا جوانان توسط دوستان ناباب و منحرف می شود.

۴ آگاه نمودن جوانان به پیامدهای مخرب و نامطلوب فساد، و شناساندن معیارهای صحیح انتخاب دوست، دوری از فرهنگ مبتذل غرب و پایبندی به فرهنگ خودی.

۵ تشکیل میزگردهای بحث و انتقاد فرصت مطلوبی را فراهم می کند تا تردیدهای خلقی و نگرانی های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیارشان می گذارد.

۶ ترویج ارزش های اسلامی از راه بحث و گفتگو، منطق و استدلال زیرا آنچه موجب می شود که انسان بتواند امیال خود را کنترل کند پذیرفتن یک سلسله ارزش های برتر است و علت بعثت انبیاء هم همین بوده که مردم نسبت به برخی از ارزش ها باور پیدا کنند تا بتوانند مانعاز طغیان شهوات بشوند.

یکی دیگر از راه های ترویج ارزش های اسلامی و مبارزه با فساد آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن، ارزش های اسلامی خود را در مقابل هنرمندانه ترین فیلم ها، نمایش نامه ها، کتاب ها، رمان ها و در قالب سایر آثار هنری با استفاده از وسایل هنری وتبلیغاتی عرضه کنیم و دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱ جوانان در طوفان غرایز همّت سهراب پور

۲ تهاجم فرهنگی استاد محمدتقی مصباح یزدی

۳ انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم

J}

با توجه به جو درسی دانشگاه وتهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یادخدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم ؟

پرسش

با توجه به جو درسی دانشگاه وتهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یادخدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم ؟

پاسخ

انس و ارتباط دائمی با خدا و مسائل اسلامی در همه حال میسر است ولی نه برای همه بل برای آنان که جدا بهخودسازی پرداخته و بنای ایمان خویش را بسیار مستحکم ساخته اند. بنابراین هر قدر مرتبه معرفت و ایمان و عشقآدمی به ذات اقدس الهی افزون گردد و آن کس که از سلسبیل عشق و معرفت قطره ای نچشیده باشد به اندک چیزیخدای را از یاد برده و در گرداب اوهام شیطانی غرق می گردد. آیا تاکنون دیده اید که عاشق جز به معشوق خویشاندیشد و جز در طریق رضای او و وصل بدو گامی نهد؟ نیز آنکه خدای را شناخت و به او دل سپرد در همه چیز و همهحال به یاد اوست و برای نیل به مقصود حقیقی؛ یعنی قرب به سوی پروردگار گام می نهد. چنین آرمانی هرگز باتلاش های صحیح دنیوی و فراگیری دانش های طبیعی صنعتی انسانی اجتماعی و ... تضاد ندارد بل همه اینها را درراستای همان هدف تکاملی قرار می دهد و یاد و ذکر و توجه پیوسته به معبود و معشوق حقیقی را با آن مقارن ولاینفک می سازد. لیکن چنان که معروض افتاد در این راه باید گامی استوار برداشت معرفت خویش را بالاـ برد و دل ازهواها و تعلقات نفسانی شست و خانه قلب را مالامال از عشق باری تعالی ساخت . بر دانشجویان عزیز با ایمان استکه در برابر تهاجم فرهنگی غرب یک صدا خیزش معنوی و آرمانی بلندی نموده و بر محیط دانشگاه عطر معنویتافشانند و

نگذارند آلودگی ها از هر سوی این محیط مقدس را لکه دار ساخته و چراغ نور افشان ایمان و معنویت را در آنخاموش سازد.
J}

آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟

پرسش

آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟

پاسخ

زندگی و مرگ هر کشوری را باید در فرهنگ آن کشور جستجو نمود، چه این که هویت هر کشوری به فرهنگ اوست نه به رنگ و نژاد و ... مردم آن کشور. از این رو امام حسین(ع) برای احیاء یک جامعه سالم اسلامی، فرهنگ ذلت پذیری، ظلم پذیری و بی تفاوتی در برابر حق و باطل را نفی می کند و در این مسیر حتی از نثار جان خود دریغ نمی ورزد. به خاطر داشته باشید همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «عاشورا یک حادثه نبود، یک فرهنگ است». از این رو دشمنان ما، دشمنان جوانان ما، دشمنان مملکت اسلامی ما، ریشه ای ترین کارشان تهاجم فرهنگی و ایجاد تزلزل در بنیان های فکری و فرهنگی و باورهای دینی این مردم به ویژه در سطح دانشگاهها است. و چون حقیقتاً ما جوانان مخصوصاً فرهیختگان آنان یعنی دانشجویان را دوست داریم، نسبت به این عامل انحطاط بشریت یعنی تهاجم فرهنگی بسیار متأسف بوده و همواره خطرات آن را گوشزد می کنیم.

با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید.

پرسش

با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید.

پاسخ

در خصوص راهنمائی برای شناخت گروه صوفیه و راهکارهای مقابله با آن ابتداءً باید این نکته را یادآور شوم که برای این که ما یک اندیشه و مکتبی را قبول و یا رد کرده و با آن مقابله کنیم ابتداءً باید حقیقت آن اندیشه و مکتب را خوب بفهمیم و در مرحله بعد به نقادی عقل گذارده و اینکه آیا با ضروریات علمی و عقلی منافات دارد یا خیر و در مرحله سوم شخص صاحب

مکتب و دین باید ملاحظه کند که این اندیشه و مکتب آیا با حقایق قطعی دینش همخوانی و سازگاری دارد یا خیر؟

بررسی مکتب تصوف هم از این قاعده مستثنی نیست. لهذا باید در مرحله اول تعریفی از این مکتب ارائه کنیم. درباره طریقه تصوف که تقریباً از قرن دوم به صورت یک مسلک معینی درآمده و تا قرن هفتم رو به تکامل بوده و قرنهای ۷ و ۸ اوج این مکتب است و از قرن نه تاکنون رو به نزول و انحطاط داشته ما اگر نگوییم که تعریفش غیرممکن است باید اعتراف کرد که بسیار مشکل است. که در روشن شدن این مطلب کافی است که بدانیم که ابوالمنصور بغدادی حدود ۱۰۰۰ تعریف درباره تصوف جمع آوری کرده، (تاریخ تصوف، دکتر مهدیزاده، ص ۴) و علت این مطلب این است که در تصوف در طول تاریخ دگرگونی های بسیار زیادی حاصل شده که تصوف در اسلام از زهد ابتدائی شروع تا اوج عرفان که امروزه

بعضی عرفان را تکامل یافته تصوف می دانند علاوه بر اینکه در هر دوره در تصوف فرقه های گوناگون که حتی گاه در مقابل هم بودنـد پیـدا شـده انـد که همین مکـاتب متعـدد گـاه متضاد نشان می دهـد که تصوف واقعاً دارای چهارچوب منظم و قابل تعریف نیست و رد کردن آن بصورت مطلق و یا قبول کردنش بنحو مطلق درست نیست لهذا باید آراء و عقاید فرقه خاصـی از صوفیه را که ما شخصاً با آن مواجه هستیم مورد شناخت قرار دهیم تا بتوانیم بصورت مستدل قبول یا رد کنیم.

ولی با تأمل و کنجکاوی در آثار و نوشته های صوفیه اشاره به دو نوع مطلب بر می خوریم:

۱. مطالب ساده و در خور مطالعه و احیاناً سودمنـد که از مـذاهب و ادیان و اندیشه های مختلف چه از اسـلام، مسـیحیت، بودا، خسروانی، زردشت و افلاطون و دیگران گرفته اند.

۲. مطـالبی نـادرست و نـابخردانه و خرافـات آشـکار و مطـالب ضـد دین و عقـل و ادعاهـای عجیب و غریب که گـاه به خواب پریشان بیشتر شـباهت دارد مانند معراج نامه بایزید بسطامی، شطحیات حلاج، دعاوی ابن عربی و کرامات شیخ احمد جامی که بسیاری از این مفاهیم در صورتی که به ظاهر آن اخذ کنیم با قرآن و حدیث و حتی عقل در تضاد هستند.

و واضـح است که با این چنـد سـطر جواب نمی توانـد فرقه ها و عقایـد و آداب و رسوم مصوفه را بیان کرد. لهذا برای این که شما برادر عزیز به صورت کامل پی به حقیقت این فرقه ببریـد، به منابعی مانند تاریخ تصوف در اسـلام تألیف دکتر قاسم غنی؛ کتاب جلوه

حسن، تألیف آیت الله مکارم شیرازی و یا کتاب تلبیس ابلیس عبدالرحمن جوزی و ریشه های عرفان در قرآن، نوشته داریوش احمدی و یا منابع دیگر مراجعه فرمائید.

با این حال به صورت مختصر بعضی کلیات که تقریباً مورد قبول فرق گوناگون تصوف است را ذکر می کنیم و قضاوت را به خود شما دانشجوی عزیز وا می گذاریم.

یکی از ویژگیهای این فرقه که همه محققین به آن اعتراف کرده اند التقاطی بودن این مکتب است. بدین معنا که مبانی خود را از ادیان و مذاهب و اندیشه های گوناگون مانند اسلام، مسیحیت، هندو، بودا، زردشت گرفته و از مزج اینها تصوف ایجاد شده که همین التقاطی بودن باعث ایجاد تضادهای در درون این مکتب شده، (جلوه حق، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۲۴) و اینکه بعضی دعاوی آنها با عقل و بعضی با دین و بعضی با هر دو در تضاد باشد که به مواردی اشاره می کنیم.

دو ویژگی منفی صوفیه:

الف) مخالفت با علم و دانش

این مخالفت با علم و دانش و اموری از علم و مدرسه و اینکه بشوی اوراق دفتر اگر مدرس مائی چنانچه جنید بغدادی که از بزرگترین مشایخ تصوف است می گوید: خواندن و نوشتن سبب پراکندگی اندیشه صوفی می شود، (آثار ادبی صوفیه، دکتر قاسم غنی، ص ۵۰۶) و شیخ عطار در حالات بشر حافی که از عرفای بزرگ است نقل می کنند که هفت صندوق از کتب حدیث داشت که همه را زیر خاك پنهان کرد، (تذکره الاولیاء، جلد ۱۱، ص ۱۰۸). و بگونه ای تعلیم و تعلم بین آنها زشت بود که بدست گرفتن قلم را ننگ

می دانستند، (نقد العلم و العلماء، ص ۳۱۷).

ب: شکستن حریم احکام دین

که در زمینه های گوناگون احکام صریح و قطعی اسلام را زیر پا می نهند. مانند ترک نماز، رقص و سماع، ترک ازدواج، ریاضت کشیهای سخت عزلت و گوشه نشینی، ایجاد خانقاه، خرقه پوشی، خرد کردن شخصیت خود ، در کتاب اسرار التوحید در حالات ابو سعید ابوالخیر که از بزرگان صوفیه است نوشته شده روزی بعد از دعوت به مهمانی سماع کردند و شیخ ما را حالتی پدید آمد... مؤذن بانگ نماز ظهر گفت و شیخ همچنان در حال بود و جمع در وجد و رقص می کردند. امام محمد قاینی (میزبان) گفت وقت نماز است شیخ گفت ما در نمازیم و همچنان در رقص بود امام ایشان را بگذاشت و در نماز شد. در ریاضت کشیهای ایشان درباره ابوبکر شبلی از بزرگان صوفیه نقل شده به اول که به مجاهده دست بر گرفت سالهای دراز نمک در چشم کشیدی تا در خواب نشود و گویند که هفت من نمک در چشم کرده بود، (تذکره الاولیاء، شیخ قربه الدین عطار، جلد ۲، ص ۱۶۴) و داستان معروف لُص (دزد) حمام _ که غزالی از یکی از شیوخ بنام ابن کزینی نقل می کند که: من زمانی وارد یکی از مناطق شدم و در آنجا حسن سابقه ای پیدا کردم. برای نجات از این حسن شهرت روزی به گرمابه ای رفتم و لباس گرانبهائی را دزدیده از گرمابه خارج شدم مردم دویدند مرا گرفته جامعه های گرانبها از من برکندند پس از این واقعه در میان مردم به دزد حمام مشهور شدم و به

این وسیله نفس من راحت شد!! و غزالی هم این عمل را تأیید کرده که باعث تعجب دانشمند بزرگ ابن جوری شده که می گوید آیا هیچ راهی صحیح برای اصلاح قلب نبود که به این گونه امور بپردازند و آیا رواست که مسلمان بر خود نام دزد نهد. که باید گفت این نهایت شکستن حریم احکام دین است . بعضی از ادعاهای بزرگان این گروه را برای نمونه ذکر می کنیم: درباره بایزد بسطامی که در میان صوفیه مقام فوق العاده ای دارد بطوری که او را سلطان العارفین ملقب کرده اند نقل شده روزی مردی پیش او آمد بایزید گفت: کجا می روی؟ گفت به حج خانه خدا گفت چه داری گفت دویست درهم. گفت: آن را بمن بده که صاحب عیالم و هفت بار دور یمن بگرد و باز گرد که حج تو همین است!

و بالاـ تر از این شیخ عطار نقل می کند. که بایزد را گفتند روز قیامت که می شود مردم در زیر لوای محمد(ص)، جمع می شوند گفت به خدا قسم که لوای و پرچم من از لوای محمد بزرگتر است، (تذکره الاولیاء، ج ۲، ص ۱۱۲). و جمله ما اعظم شأنی که فقط در حق خداوند متعال سزاوار است گفته شود همیشه ورد زبان او بوده به این معنا که چه مقامم بالا است و صدها نمونه از این قبیل کفریات از این شخص که به عقیده خود صوفیها بعنوان بزرگترین صوفی مطرح شده داریم. لهذا گرچه ممکن است بعضی گفته های آنها هم خوب و درست باشد ولی غالب مطالب آنها مخالف با عقل و

دین و شریعت است و آگاهی پیدا کردن به همین موارد بهترین راهکار برای مقابله با آنهاست.

صوفیه از نگاه دین

اما از نظر دین حکم این گروه چیست کتابهایی در این زمینه نوشته شده و به جمع آوری روایاتی که درباره صوفیه وارد شده پرداخته اند که از همه مهمتر ۲ کتاب است یکی کتاب حدیقه الشیعه محقق اردبیلی و یکی کتاب الاثنی عشریه شیخ حر عاملی که هر ۲ از دانشمندان بسیار معروف شیعه هستند. برای نمونه فقط یک حدیث معتبر و صحیح که در هر ۲ کتاب ذکر شده بسنده می کنیم.

بزنطی و اسماعیل ابن بزیع از امام رضا(ع) نقل می کنند، قال علی ابن موسی(ع) من ذکر عنده الصوفیه و لم ینکرهم بلسانه و قلبه فلیس منا و من انکرهم فکانما جاهد الکفار بین یدی رسول الله(ص)، امام رضا(ع) فرمود هر کس در نزد او از صوفیه ذکری بشود و به زبان و دل ایشان را انکار ننماید چنین کسی از ما نیست و هر کسی صوفیه را انکار کرد مانند کسی است که در راه خدا و در حضور رسول خدا(ص) جهاد کرده باشد، (الاثنی عشریه، شیخ حر عاملی، ص ۳۲ و حدیقه الشیعه، محقق اردبیلی، ص ۵۶۳).

که به خاطر این روایات و بعضی دعاوی بزرگان این گروه و فتاوای خاص آنها معمولاً علماء و فقهاء شیعه با این فرقه مخالفت کرده و به ابطال عقاید آنان پرداخته اند و بزرگانی مانند آیت الله شیخ حر عاملی و محقق اردبیلی و ...و از علمای معاصر آیت الله مکارم شیرازی در رد عقاید آنان کتاب نوشته اند. انشاء الله که در شناخت

حق و ابلاغ آن و در مقابله با اندیشه های باطل موفق باشید.

امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار هجمه فرهنگی غرب شــده و جوانان نیز گرفتار شــده انــد و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگی رونق پیدا کرده چگونه است تکلیف ما با برخورد با اینها؟

پرسش

امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار هجمه فرهنگی غرب شـده و جوانان نیز گرفتار شده اند و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگی رونق پیدا کرده چگونه است تکلیف ما با برخورد با اینها؟

پاسخ

واقعیـت این است که تهـاجم فرهنگی یـک مقـوله حقیقی و جـدی و برنـامه ریزی شـده می باشـد و تنهـا راه مبـارزه بـا آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا" دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسـلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده , مدرسه , رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی .

۲- تحقق حیات طیبه اسـلامی و حفظ ارزش های انقلابی , اسـتقرار عـدالت اجتماعی و قسط اسـلامی و تأمین رفاه , سـعادت , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی .

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی .

۴- احیـای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسـی اسـلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- ایجاد باوری عمیق , درونی , ریشه دار, عقلانی و مبتنی

بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند.

۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی ... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است : جهاد علمی و عملی .

الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد.

ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- جهاد عملی فردی ; این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است . این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه , مراقبه , محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد.

در این

مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد, در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است , حتی برخی از مباحات , را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد.

۲- جهاد عملی اجتماعی ; کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم , اخلاق , معنویت و فضیلت و تقوی در جامعه است . این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است .

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما" برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست , اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی , برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها, علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی , بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت

ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ ازجمله:

اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد.

رابعا، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدّی کند. در مرتبه اوّل ناراحتی قلبی و تنفّر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحله اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵).

البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلّفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به

زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدّر و...) موظّف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت های خودکوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند.

در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده سلامت جامعه، مطلوب است. اما با وجود این یکی از نکاتی که نباید مورد غفلت قرار گیرد شناخت دقیق روحیات و ویژگی های شخصیتی جوانان، علایق آن، نفرت ها و انزجارهای آنان از یک طرف و آگاهی به راه های ارتباط و نفوذ در آنان با توجه به اصول روان شناسی است.

چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟

پرسش

چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟

پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصا" دانشجویان عزیز که خود را نسبت به حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارزشهای الهی متعهد و مسئول می بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولا", درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می گیرد, اطلاعات و معلومات در حد کافی داشته باشد, تاریخ و تئوریها و رهیافتهای گوناگون فرهنگی , اجتماعی , اقتصادی , سیاسی و... در مورد انقلاب اسلامی , حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن , شخصیت ها و گروه های فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاسی کشور, افکار و عقاید آنان و... را به خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مدرک به صورت مستدل از انقلاب دفاع نماید. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه ها نوشته شده , می باشد. ثانیا": علاوه بر آمادگی های علمی , هر وقت شبهه یا مسأله ای را کسی مطرح کرد که برای شما ابهامات و یا شک و تردیدهایی را به وجود آورد. اگر شخصا از راه تأمل و تفکر و یا مطالعه توانایی حل آن را دارید از این طریق اقدام نمایید و در اینجا ذکر این نکته لازم است که اکثر شبهاتی که در جامعه مطرح می شود، شبهه علمی به مفهوم دقیق آن نیست، بلکه بیشتر مغالطه است که اگر در مقدمات آن به خوبی تأمل شود قابل حل است و اگر شخصا این توانایی را ندارید

حتما در اولین فرصت با افراد و یا مراکزی که توانایی پاسخگویی به چنین شبهاتی دارند، ارتباط و به پاسخ قطعی آن برسید.

در هر صورت نباید در مقابل شک و تردید بی تفاوت ماند؛ زیرا آفتی است که چه بسا ایمان و معتقدات مذهبی و ارزش های فرد را به نابودی می کشاند.

وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست.

پرسش

وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست.

پاسخ

قیام برای رضای خدا با زنده کردن روحیه عدالت طلبی، آرمان طلبی، احیای ارزش ها، علم خواهی و پژوهش گری و انضباط اخلاقی، با بهره گیری از همه توان هایتان اموری که در این مسیر باید رعایت شود:

۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسؤلیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید.

۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید.

۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشتهباشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه ای که می توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است.

۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی ها می شوند را پر نمایید.

۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا درکناردیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام های

مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید.

۶- درست شناختن کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۷- در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگاری آشنایی کافی را دارند.

۸- از افراط و تفریط پرهیز نمایید.

۹- اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۱۰- صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۱۱- از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و صرفا برای وقت گذرانی یا کسب درآمد به آن کار نپرداخته اند.

۱۲- نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بازرسی و دیدن و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۱۳- هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۱۴- هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، نشر روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام

معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۷۹

چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟

پرسش

چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟

پاسخ

از آنجا که فرهنگ با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد باید با مبانی و عقاید عقلانی و مبتنی بر فطرت و بصیرت زمینه پذیرش یا نفی یک فرهنگ را پدید آورد و رویارویی با فرهنگ مهاجم نیز نیاز به یک کار فرهنگی دقیق و حساب شده دارد و در این میان دو کار عمده فرهنگی ضروری به نظر می رسد :

مورد اول شناسایی فرهنگ مهاجم یا فرهنگ غرب است. برای مقابله با هر پدیده ای ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نمود تا بتوان سازوکارهای لازم را مهیا کرد. غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت عملکرد و باطن و جوهر حقیقی این فرهنگ است وشناخت عمیق فرهنگ غرب به معنای این است که از ظاهر فریبنده آن پرده برگیریم و به درون آن راه یابیم.

مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند : "این ملت برای این که حیثیت و کیان حقیقی و انسانی اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی اش حفظ بشود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم بردن به نقاط ضعف دشمن دارد".

فرهنگ غرب نقاط ضعف فراوان دارد که اگر ما به این نقاط ضعف آشنا نباشیم قدر فرهنگ غنی خود را نخواهیم دانست و همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند "این ما هستیم که باید به فرهنگ غرب تهاجم داشته باشیم و ضد ارزشها و نقاط ضعف و انحرافات و پوچی آن فرهنگ مادی و مبتذل را افشاء نماییم تا جوامع و از جمله جامعه خودمان را واکسینه و از فریب زرق

و برق و ظاهر زیبا و باطن گندیده آن مصون بداریم".

در این مجال اندک در حد توان پرده از چهره کریه غرب برداشته و به گوشه ای از نقاط ضعف این فرهنگ نازیبا می پردازیم :

از جمله نقاط ضعفی که غرب را در سراشیبی سقوط و سرنگونی قرار داده است این موارد است :

۱- نژاد پرستی و قومیت گرایی : مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند : "امروز کشورهای مترقی دنیا که از لحاظ مادی پیشرفته هستند، هنوز گرفتاری سیاه وسفید دارند... هنوز در آنجا جنگ نژاد، جنگ خون و جنگ قومیتها وجود دارد.

۲- برده داری دوران جاهلیت در عصر جدید : دختران باکره از دهکده های فقیر تایلند با قیمت ۱۰۰۰ مارک توسط دلالان خریداری و برای خدمتگزاری اما در واقع برای فاحشه گری به کلوپ های شبانه بانکوک، هنک نگ، ژاپن و آلمان

فرستاده می شوند؛ بردگی عصر جدید تجارت دختران جوان است.

۳- دزدی و قتل : هر خانواده آمریکایی بطور متوسط سالانه حدود ۳۰۰ دلار در ازاء دزدیهایی که در کشور صورت می گیرد خسارت می پردازند.

۴- سقوط خانواده در غرب : ۲۸٪ کل خانواده های آمریکایی را خانواده های بدون پدر یا مادر تشکیل م...

دهند (زوجها با همسران خود زندگی نمی کنند)

۵- نا امنی : در حدود ۲۰۰ میلیون اسلحه گرم در دست مردم غیر نظامی قرار دارد و ۱۲ میلیون زن آمریکایی به منظور حفاظت از خود اسلحه کمری دارند.

۶- قاچاق و مصرف انواع مواد مخدر : آمریکاییان در طول یک سال ۴۰ میلیارد دلار صرف مواد مخدر قاچاق کرده اند. در آلمان ۰۰۰/۵۰ کودک معتاد به نیکوتین هستند

و اغلب جوانان (دختر و پسر) در سن ۱۵ سالگی یا کمتر معتاد به سیگار می شوند.

۷- وضع نامطلوب مدارس : بیش از یک سوم از دانش آموزان آمریکا در طول سال گذشته مرتکب سرقت شده اند.

۸- توحش قرون وسطایی : در جنگهای سارایو صربها لباس زنان مجروح را پاره کرده و با کارد روی سینه آنها علامت صلیب را کشیده اند.

۹- روابط جنسی نا مشروع با محارم : ۳۲٪ دختران فرانسوی قربانی تجاوز پدران خود می شوند؛ روابط نامشروع جنسی بین دختران فرانسوی و نزدیکان آنها روند صعودی طی می کند. "۱"

اینها گوشه ای از نقاط ضعف فرهنگ غرب بود که ذکر شدبی جهت ن...ə...که رهبر معظم انقلاب در گ.....Ṣای از بیانات خودمی فرمایند : "آمریکا باید به حل مشکلات عظیم انسانی و اخلاقی و نیز فقدان امنیت در جامعه خود بپردازد"."۲"

و کار دوم فرهنگی و ارتباط با مقابله با فرهنگ مهاجم درک هویت فرهنگ خودی است؛ شناخت یک فرهنگ در حقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها و برتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگها است. نسل جوان باید به امتیازات فرهنگ اسلامی و ملی خویش آشنا باشد تا در مقابله با فرهنگ بیگانه از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد. تاریخ تحلیل فرهنگ خودی و مطالعات تطبیقی فرهنگهای معاصر و بویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که بر معادلات سیاسی و اجتماعی جهان معاصر داشته است جوانان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاوم می کند و با این امر بازگشت به فرهنگ خودی امکان پذیر خواهد بود.

۱- مقابله با شبیخون فرهنگی دشمن از دیدگاه رهبری، ص۶۹و...

سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۷/۱۱/۷۱

–چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟

پرسش

–چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟

پاسخ

جواب :

بااهداء سـلام وآرزوی توفیق الهی ضـمن تشـکرازحسن اعتمادشمابه این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد.

با عرض سـلام خدمت شما دوست عزیز وبا تشکر از اینکه سؤال خود را با ما مطرح نمودید پاسخ سؤال خوبتان را با کلامی از حضـرت علی? شـروع می کنم ایشان می فرمایند : ای گروه جوانان ، شرف انسانی و سجایای اخلاقی خود را با ادب آموزی و تربیت محافظت نمائیـد و سـرمایه گرانبهای دین خویش را با نیروی علم و دانش از دسبرد نا پاکان و خطرات گوناگون برکنار نگاه دارید . (تاریخ یعقوبی ص ۱۵۲)

پایبنـدی به دین و ایمان و فضائل اخلاقی نیازمنـد به تربیت و مراقبت است و اگر در کودکی و نوجوانی به این مسأله اهمیّت و ارزش داده شود اثرات خوب آن تا پایان عمر باقی خواهد ماند .

دکتر کارل میگوید : کسـیکه در آغاز زندگی به شناخت خوب و بدی عادت کرد در تمام عمر انتخاب خوبی و پرهیز از بدی برای او آسان خواهد بود و همانطور که از آتش دوری میکند از بدی نیز می پرهیزد و عهد شـکنی و دروغ و خیانت در نظر او نه تنها اعمالی ممنوع بلکه غیر ممکن می آید. (جوان از نظر عقل و احساسات تألیف محمد تقی فلسفی)

البته این به آن معنا نیست که نتایج تربیتهای صحیح در هر گونه شرایط و به هر صورت پایدار بماند حضرت علی? می فرمایند : کسیکه قبل از بلوغ با خواهشهای نفسانی خویش مجاهده نکرده باشد در بزرگی به مقام

فضل و بزرگی نائل نمی شود .(غرر الحکم علی? ص ۶۴۵)

و نیز میفرمایند آن کسیکه بر خلاف میلش به ادب آموزی و تربیت صحیح وادار شود و به مشقّتهای آن تن در دهد به گفتار و رفتار زشت کمترآلوده می شود. (غررالحکم علی ? ص ۶۴۵)

اما برای محافظت از سرمایه گرانبهای دین و محکم کردن پایه های آن نیازمند به علم کامل و صحیح از منبعی اطمینان بخش هستیم و در این زمینه نباید به شناختهای کمی که از گذشته آموخته ایم اکتفا کنیم و همراه با افزایش آگاهیّمان در معارف دین سعی در عمل به آنها داشته باشیم .

بنابراین مهمترین مسأله در این زمینه افزایش آگاهی در مسائل دینی و سؤال و مشورت با افراد خبره و استفاده از امکاناتی است که در این زمینه در نظر گرفته شده است مانند کلاسهای آموزش مسائل دینی ،نوارهای ویدئوئی و کاست و... برای شروع می توانید با مطالعه کتب آقای دستغیب ،محسن قرائتی و حسین مظاهری آگاهی خویش را افزایش دهید و اگر توانائی داشته باشید به مطالعه کتب استاد مطهری بپردازید.

البته مطالعه به تنهایی کار ساز نیست بلکه در کنار جستجو و مطالعه می بایست به تفکر و نیایش و توسل و ارتباط با خداوند نیز پرداخت تا مفاهیم دینی تا عمق جان نفوذ کند ودر زندگی به کار گرفته شود .

در منابع اسلامی و منابع سایر ادیان به تفکر و تدبر بسیار اهمیّت داده شده است به طوری که در روایتی آمده که بیشتر عبادت ابوذر تفکر بوده است .مذاهب مختلف دارای رسمها و عباداتی هستند تا انسان را وادار به تفکر کنند

اما تمام راههای رشـد روحی انسان به تفکردر اوقات فراقت و آرامش نیاز دارنـد ،پیروان مذهب تائو میگویند وقتی آب ساکن میشود و بـاد به آن نمی وزد میتوان انعکـاس هر چیزی را به روشـنی در آن دیـد حتی تـک تـک موهای ریش مردان و ابروان زنـان را میتـوان در تصویر آب تشـخیص داد . حـال که آب میتوانـد در سـکون و آرامش چنین پـاك و روشن باشـد اگر قلب آدمی به آرامش و سـکون برسـد تا چه حـدّ پاك و زلال خواهد شد ؟ در این صورت آسـمانها و زمین و هزاران چیز دیگر در قلب انسان منعکس خواهـد شـد .(کلیـد های تربیت کودکان ، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا ، تألیف دکتر ایریس یاب ،مترجم دکتر مسعود حاجی زاده ص ۱۳۳)

دوست خوبم! در پایان عرایضم خاطر نشان می کنم که بهتر است به هر مرحله ای از دانش دینی که دست پیـدا میکنید به آنها قانع و خشنود نباشید بلکه سعی کنید به درك و شناخت عمیقتری از خدا و آموزه ای دینی دست یابید چه بسا که در این مسیر تصاویر قلبی خود را نیز تغییر دهید مهم این است که با تلاش وتوکل و تدبر به درکی اطمینان بخش از خداوند و معارف دینی برسید نه به درك و تصوری ثابت.

۲- چه کنیم تابتوانیم از افرادیکه در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟

پرسش

۲- چه کنیم تابتوانیم از افرادیکه در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟

پاسخ

جواب : سؤال دوم:

در پاسخ به سؤال خوبتان عرض می شود دوران جوانی ایام سپری شدن ایام کودکی ، و آغاز زندگی اجتماعی است . نوجوان بر اثر بلوغ ، از محیط محـدود خانواده خارج می شود و به فضای پهناور اجتماع قـدم می گذارد کسـیکه می خواهد عضو مؤثر اجتماع باشد و در صف افراد مفید قرار گیرد باید واجد شخصـیتی باشد که بتواند خویشـتن را با جامعه تطبیق دهد و به صفات لازم عضویت اجتماعی برسد .

موضوع احزار شخصـیت و برگزیـدن صـفات لـازم برای سازگـاری بـا اجتماع ،یکی از بزرگترین مشـکلات نسل جوان است . بسیاری از نوجوانان به علت خود سری یا نداشتن مربی لایق از مسیر صحیح منحرف می شوند و به جای برگزیدن صفات مفید و پسندیده به خلقیّات مضرّ و ناپسند آلوده می شوند و در نتیجه از منطبق کردن خود با اجتماع عاجز می مانند.

نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم از دیگران تقلید می کنند و روش آنان را برنامه کار خود قرار می دهنـد بـا توجه به اینکه تمایل به خود نمایی و تشخص طلبی در نوجوانان شدیـد است کوشـش می کننـد تا جائیکه میسر است از مردان مشـهور و ممتـاز پیروی کننـد و صـفات آنـان را الگوی شخصـیّت سازی خود قرار دهنـد به این امیـد که هر چه

زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب کنند و مورد توجه عموم مردم قرار گیرند .

گاهی پیر و ستاره سینما می شوند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنها را برنامه

زنـدگی حقیقی خود قرار می دهنـد و این رفتار نادرست را مایه افتخار و شـهرت خویش می پندارنـدماننـد آنان راه میرونـد ، حرف میزننـد ، لبـاس می پوشـند ، نگـاه می کننـد ، می خندنـد ،معاشـقه میکننـد ، روی و موی خود را مثل آنها می آراینـد و خلاصه به جای اینکه جوانان شخصیّت خویش را بر اساس سجایای اخلاقی و صـفات انسانی پی ریزی کننـد و خود را انسان لایقی سازند از ستاره های سینما تقلید می کنند رفتار آنها را برنامه کار خود قرار می دهند و از این راه بزر گترین ضربه را به شخصیّت خود میزنند .

بـدون تردیـد مطالبی را که جوانان در جرائـد می خواننـد یا در پرده سـینما میبیننـد در آنان اثر عمیق می گـذارد و بدون آنکه خودشان متوجّه باشند به همان مسیر سوق داده میشوند و به همان روحیّه پرورش داده میشوند .

به نظر روانشناسان حسّ تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که در تمام افراد بشر در سنین مختلف وجود دارد امّا این حس در نسل جوان شدیدتر است .

دکتر جان بی کیزن در کتاب شادکامی میگوید: رفتار ما به طور کلی بر اثر تقلید است اگر این غریزه نبود می بایستی هر کس از طفولیت تجربیات زنـدگی را از سـر بگیرد و رفتار و کردار مخصوص به خود داشته باشـد و البته در این صورت زندگی در اجتماع بسیار دشوار و شاید غیر ممکن می شد .

متأسـفانه گـاهی تشـخیص نـادرست و هـوی و هـوس ، برخی را بـه تقلیـد از افرادی وا میـدارد کـه مـورد تصـدیق همه کس و پسندیده عقلا نیستند چنانکه ممکن

است جوانی عجول و شیفته خود نمائی و سرافرازی ،به عوض اینکه با صبر و حوصله اسباب بزرگی را یک به یک فراهم آورد ، از کسی پیروی و تقلید کند که اتفا قاً از راه نا صواب به کام رسیده و در نتیجه این تقلید ناروا خود را به هزار زحمت و مهلکه بیندازد .

بدون تردید تقلید یکی از ارکان اساسی ترقی بشر و از عوامل بسیار مؤثر در پیشرفتهای فردی و اجتماعی است و باید نوجوانان در راه ساختن شخصیّت خود از این تمایل طبیعی استفاده کنند ولی برای آنکه بر اثر تقلید های کور کورانه و نادرست دچار خطا و گمراهی نشوند و از مسیر فضلیت و مصلحت منحرف نگردند لازم است همواره به دو نکته توجه داشته باشند .

اول آنکه از افراد منحرف و گمراه پیروی نکنند و به امید نیل درجه قهرمانی در رسیدن به مقام رفیع اجتماعی ، اعمال نادرست آنان را سرمشق خود قرار ندهند چه آنکه گمراهان و گنهکاران خیلی زود با شکست و نا امیدی مواجه خواهند شد امام حسین ? می فرمایند : کسیکه از راه گناه از پی کاری بر خیزد امیدش بیشتر فوت میشود از آنچه می ترسد سریعتر به آن مبتلا می گردد (بحار ج ۱۷ ص ۱۴۹)

دوم آنکه بدانند ساختمان طبیعی و استعدادهای نظری بشر با یکدیگر متفاوت است . خداوند مردم را مختلف آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب با ساختمان خود آماد گی بیشتری دارد .

پیامبر(ص) ? می فرمایند: کارکنیدکه هرکس برای کاری که آفریده شده مهیّا تراست وآن را بهترانجام میدهد(سفینه ص ۷۳۲)

آدمی زمانی به

کمال لایق خویش میرسد که از ذخایر نهائی خود استفاده کند و استعدادهای درونی خویش را به فعلیّت آورد منظور از تقلید آن است که شخص در راه احیای قابلیّت و ابراز لیاقت خود از روش دیگران استفاده کند و راهی را که آنان پیموده اند و به نتایج ثمر بخش رسیده اند بپیماید نه آن که به خیال قهرمان شدن ، کورکورانه از قهرمان تقلید کند و استعدادهای فطری خود را که میتواند مایه شهرت و سر بلندی وی گردند را سرکوب نماید.

دکتر اوستاس در کتاب رشد و زندگی میگوید : اگر شما فقط یک قسمت از شخصیّت خود را بگیرید و آن را پرورش دهید تا به شکل یک قهرمان خیالی در اید هرگز شخصیّت واقعی خودتان نخواهد بود ، شخص تا وقتی حرکات و رفتار و انگارش طبیعی و حقیقی باشد بیش از کسیکه با رفتار مصنوعی خود را به رخ دیگران میکشد دارای ارزش و احترام خواهد بود انسان میتواند با کوشش و اراده خود را از گمنامی به شهرت و افتخار برساند و شخصیّت برجسته ای را دارا شود ولی اشخاصی که فقط می خواهند از قهرمان تقلید کنند هیچ وقت بیش از یک شخص مقلّد نخواهند بود .

خوشبختی ، عشق موفقیّت و پیشرفت همه زمانی نصیب شما میشوند که شما از قوا و استعداد های طبیعی خود استفاده کنید نه اینکه استعداد های خویش را با اخلاق و رفتار ناپسند ، غرور و حرص ، عدم اعتیاد یا اعتیاد بیش از اندازه به دیگران یا پیروی کورکورانه از آنان از بین ببرید

دوست عزیز با توجه به مطالبی که

به عرضتان رسید نوجوانان و جوانان که از دوره کودکی پا به دوره نوجوانی و جوانی میگذارند برای ساختن شخصیّت خویش و ارضای میل تفوق طلبی و برتری در اجتماع دست به تقلید از دیگران میزنند امّا اشتباه اصلی در تعیین شخص یا اشخاص است که مورد تقلید قرار می گیرند و در ارتباط با سؤالی که مطرح کرده اید با توجه به سخنان آسمانی ائمه دین و دانشمندان روانشناسی به نظر نمی رسد افراد کوچه و خیابان در روش پوشش و رفتار اجتماعی آنان الگوی مناسبی برای تقلید باشد چرا که مارااز هدف اصلی که رسیدن به موفقیت وکامیابی اجتماعی و داشتن شخصیت مطلوب است نمی رساند .

منبع جوان از نظر عقل و احساسات ، آقای فلسفی ج ۱ ص ۴۰۳-۴۱۷ (با حذف و جابجایی)

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پرسش

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پاسخ

مسأله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصر حاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامی است که به علت پیچیدگی وآمیخته بودن آن با مسائل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که به طور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرار ارزش های اسلامی وملی به کار گرفته شود و تمام دین داران با مایه گذاشتن از امکانات خود در این راه به مبارزه بپردازند مبارزه ای که از یک سو جنبهتولیدی دارد (یعنی تولید برنامه ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صدد کندن بنیان های اعتقادی و دینی جامعه است. به هر ترتیب افزونی آگاهی ها و بینش سیاسی واجتماعی به وسیله مطالعه تفکر و ارتباط مداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است.{J

چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟

پرسش

چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟

پاسخ

قبل از هر چیز لازم است از حسن اعتمادتان به این اداره سپاسگزاری کنیم و از این که شفاف و صریح نقطه نظراتخود را درباره دین گریز شدن جوانان بیان فرمودید خرسندیم و از شما تقدیر و تشکر می کنیم.

این که فرموده اید همه جوانان ایران زمینی با دلی روشن دوستدار آزادی و عدالت در پرتو دین و معنویت هستند،مطلب صحیحی است. ما نیز با شما هم عقیده هستیم و نشانه های آن را می توان به روشنی در جامعه مشاهده کرد.بعضی تحقیقات علمی و تجربی نیز که در این مورد به خصوص در سطح دانشجویان و دانش آموزان انجام گرفته گویایهمین مطلب است که توده جوانان ایرانی علاقه مند به دین و معنویت هستند. ولی این نکته را نیز نباید به فراموشیسپرد و یا نادیده گرفت که بعضی اعمال و رفتارهای نابهنجار و خلاف دین و اخلاق در میان افراد جامعه به خصوصدر بین جوانان و حتی دانش آموختگان و دانش آموزان و دانشجویان نیز وجود دارد. خود شما بسیاری از آنها را ازنزدیک می توانید مشاهده و لمس کنید. علاوه بر این آمار و ارقام تحقیقات میدانی و تجربی نیز وجود پاره ای ازنابهنجاری های اخلاقی و دینی و اجتماعی را تأیید می کند. اعتیاد حتی بین دانش آموزان و نوجوانان، روابط نامشروعدختران و پسران مصرف و نوشیدن آشامیدنی های غیرمجاز و مشروبات الکلی، دزدی و انواع و اقسام خلاف هایدیگر را نمی توان انکار کرد، بنابراین گرچه جوانان علاقه مند به دین و معنویت هستند ولی عملاً و در خارج با اینگونهنابهنجاری ها نیز

مواجه هستیم و بایـد برای مبارزه با مفاسـد اخلاقی و اجتماعی، برنامه ریزی و با آن به طور جـدی مقابلهشود، تا این مفاسـد به بخش های دیگر جامعه سرایت نکند و اقشار مختلف و جوانان آینده کشور از خطرات آنمحفوظ بمانند.

اگر به دنبـال علـل و عوامـل اینگونه مشـکلات و نابهنجـاری هـای اجتماعی و اخلاقی برویم، یقینا بهتر خواهیمتوانست راه حل منـاسب ارائه کنیم. البته این امری نیست که بتـوان بـدون تحقیـق و بررسـی دربـاره آن اظهـار نظر کرد،بنـابراین ضـرورت دارد کارشـناسان، متخصـصان و خبرگان بدون هرگونه تشـریفات و به قول شـما بدون هرگونه گرایشسیاسـی و گروهی به شناسایی نابهنجاری های جامعه بپردازند و راهکارهای عملی و عینی و قابل اجرا را پیشـنهاد کردهو به اجرا درآورند. در این راستا، دین و آموزه های دینی که ضامن سعادت انسان و جامعه اسلامی است می تواندبهترین و بیشترین کمک را برای رسیدن به اهداف داشته باشد. طبیعی است که باید از هرگونه جلسه و سمینار وکنفرانس توخالی و بی محتوا جدا خودداری کرد.

امـا این که فرموده ایـد «رفتـار و سـلوک و عملکرد بعضـی از مسؤولین، جوانـان را دچار تشویش خاطر و تشویق به نفاقو ریا و تظاهر و به عبارتی باعث دوری از دین شده است» بر فرض قبول این فرضـیه و ادعاء، باید به تصـحیح اینتیجه گیری پرداخت و به جوانان این آگاهی و شـناخت را داد که اگر به قول شما جوانان جامعه علاقه مند به دین هستندنباید عملکرد افراد خاصی را ملاک و معیار خود بداننـد، بلکه معیار عمل ما بایـد دین، آموزه های دینی و ارزش هایاخلاقی باشد. باید لزوم پای بندی خود به دین را از اصول و ارزش های دینی و اخلاقی بگیریم، نه از

عمل این فرد یا آنگروه و یا فلان مسؤول. اگر کسی با الفبای منطق آشنایی داشته باشد و از عقل سلیم برخوردار باشد، به طور عادی وطبیعی خواهد توانست، بین دین و ارزش های اخلاقی و دینی و بین افراد به ظاهر متدین و دور از محتوای دین فرقبگذارد و ملاک عمل خود را رفتار و سلوک چنین افرادی قرار نخواهد داد. ما و شما نیز موظفیم که این بینش و آگاهی وشناخت را نسبت به تفکیک دین از افراد متظاهر در خود ایجاد کنیم. پس به منظور جلوگیری از دین گریزی جوانانشایسته است اجازه ندهیم (تا آنجا که ممکن است و توان و قدرت ما اجازه می دهد) افراد ریاکار و متظاهر مسؤولیتچنین نقش های کلیدی را به عهده بگیرند تا چهره دین مسخ نشود. اگر دین به دست انسان های راستین و معتقد واقعیاقامه شود و یا نماز و اعمال عبادی دیگر احیاء شود و توسط آنها ارزش های اخلاقی پاسداری شود و به طور صحیح ومناسب و منطبق با دین و اخلاق به مظاهر دینی توجه شود، یقینا باعث اعتلای دین و آموزه های دینی شده و مانعدین گریزی تعدادی از جوانان خواهد شد. شما نیز حتما با این سخن موافقید. پس چه زیباست امثال شما که چنیندلسوزانه قلبتان آکنده از محبت و علاقه و عشق به دین و اجرای دستورات دینی است، قدم به جلو بگذارید و حرکترا آغاز کنید و جلو نابهنجاری های بیشتر را بگیرید و وظیفه خود را انجام دهید.

در پایان لازم به ذکر است ما نیز آماده ایم نقطه نظرات، پیشنهادات شما را درباره مسائل مربوط به جوانان جهترشد فرهنگ دینی، اعتقادی و عملی آنان دریافت نماییم

تا برای مقابله با معضلی که بیان فرموده اید از خود شما طلبیاری می کنیم.

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد, افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پرسش

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد, افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پاسخ

مشکل اعتیاد بلای خانمان سوزی است که ناشی از فقر فرهنگی و بیکاری است . ما و شما باید تلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی و لاابالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم . شما می توانید با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صحیح با آنها و راه اندازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مذهبی خوب و جذاب و برگزار نمودن مجالس مذهبی و دعوت اهالی , جوانان را جذب کرده و خلائهای فکری و فرهنگی آنها را پر نموده آنها را به فکر اشتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنها جلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شناسایی افراد فاسد و سودجو و جنایتکار که جوانان رامنحرف می کنند و معرفی آنها به نیروهای انتظامی و مراکز قضایی و ضابطین آنها جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ; ارائه الگوهای صحیح , گسترش فرهنگ دینی , هدفمند کردن جوانان در زندگی , فراهم کردن اشتغال مناسب , ایجاد ارتباط و دوستی صمیمانه و صحیح , فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم , سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیاد نجات بخشد. شما باید خود در حد توان و امکاناتی

که در اختیار دارید با بکارگیری راه های فوق الذکر به این هدف ایده آل دست یابید و بدانید که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است و دنیا و آخرت شما و دیگران را آباد می سازد. لازم است با ذوق و سلیقه و پشتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارائه شده استفاده کنیدو هرگز احساس خستگی و ناتوانی نکنید. به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوید و آنها را جذب کنید تا جذب مراکز فساد نشوند. لذا ایثار و از خود گذشتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند شما را به هدف برساند. در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشی مدبرانه شما عزیز دانشجو تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.

چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟

پرسش

چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟

پاسخ

از آنجا که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزیهای منظم و سازماندهی شده می باشد, تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز و بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا" دستگاههای فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , بر اساس برنامه های دقیق حساب شده می باشد, بر این اساس مهمترین راههای مبارز با تهاجم فرهنگی و جلوگیری از نفوذ و گسترش آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسئولین , قران کریم در سوره آل عمران آیه ۱۳۹ می فرماید ((و انتم الاعلون ان کنتم موئمنین)) ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزشهای انقلابی , استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی , تائمین رفاه , سعادت , خوشی , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزشهای الهی . ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزشهای الهی می باشد. ۵- تحقق باوری عمیق , درونی و ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رهبری , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی و انتظامی , آموزش فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند نسبت به

جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه , در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال , یائس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه , که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت . ۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخشهای مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی و... برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- سخنان مقام معظم رهبری , فرهنگ و تهاجم فرهنگی ۲- علی ذو علم , انقلاب و ارزشها

نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

مهمترین وظایف رسانه های گروهی در برخورد با تهاجم فرهنگی را می توان به صورت مختصر چنین بیان نمود: تهیه برنامه های مفید و سالم برای تبلیغ و ترویج الگوهای مناسب بر اساس ارزش های فرهنگی و دینی انقلاب و اسلام برای نسل نوجوان و جوان جامعه و ایجاد و تقویت یک هویت مذهبی و ملی در آنان , که با استفاده از پیشرفته ترین فن آوریها بوده و از جذابیت و شیرینی لازم برخوردار باشد و فاخرترین هنرهای نمایشی با مضامین پر بار اجتماعی و اخلاقی و سیاسی را در این رسانه ها ارائه نمایند تا بدین وسیله علاوه بر هویت بخشی از در دام افتادن جوانان ما توسط فرهنگهای مهاجم جلوگیری بعمل آورد. به علاوه رسانه های گروهی وظیفه هدایت جامعه را بر عهده داشته و ضمن معرفی اهداف و اغراض شوم دشمنان و شناساندن ابزارها و نتایج عناصر شوم تهاجم فرهنگی , باید جوانان و نوجوانان را نسبت به عواقب وخیم فساد, اعتیاد, بی بند و باری و... آگاه سازند.

چگونه برخورد دانشجو با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟

پرسش

چگونه برخورد دانشجو با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟

پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصا دانشجویان عزیز که خود را نسبت به حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارزشهای الهی متعهد و مسئول می بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولاً، درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می گیرد،اطلاعات و معلومات در حدّ کافی داشته باشد، تاریخ و تئوریها و رهیافتهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در مورد انقلاب اسلامی، حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن، شخصیت ها و گروه های فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاسی کشور، افکار و عقاید آنان و... رابه خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مدرک به صورت مستدل از انقلاب دفاع نماید. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه ها نوشته شده، می باشد.

ثانیا: علاوه بر آمادگی های علمی، هر وقت شبهه یا مسأله ای را کسی مطرح کرد که مورد قبول و پسند شما نبود، هیچ وقت عصبانی نشوید بلکه در کمال خونسردی و خوشرویی از طرف مقابل مدرک و مستند ادعایش را بخواهید و سعی کنید طرف مقابل را کاملاً حلّاجی کردهو به سؤال بکشانید که منظور شما چیست؟ و بالفرض چنین باشد چه هدفی را دارید؟؟؟ و... زیرا اکثر شبهاتی، که در جامعه مطرح می شود ناشی از عدم فهم دقیق آن مسأله برای گوینده آن می باشد یعنی آن فرد بر اساس برداشتهای ذهنی خود شبهه را مطرح می کند. که با کمی سؤالخود او نیز در ادعایش سست می شود.{J

بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟

پرسش

بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟

پاسخ

توفیق روز افزون شما را در راه کسب کمالات معنوی و تقوا از خداوند بزرگ خواهانیم.

آری برادر عزیز! یگانه راه نجات انسان از سقوط به مهلکه های گمراهی، حفظ تقوا است. کسی که تقوا پیشه سازد،قطعا خداوند راه هایی برای او قرار خواهد داد تا از مرحله های سخت زندگی به سلامت عبور کند و سرافرازانه ازخطرات بگذرد.

همواره از خداوند بخواهید که توفیق را همراهتان ساخته و لحظه ای شما را به خودتان وانگذارد.

برنامه عملی برای حفظ تقوا، همان تقیّد به احکام شرعی، انجام واجبات، ترک محرمات و پناه بردن دائمی بهخداوند است. تلاوت و تدبّر در آیات قرآن را در برنامه روزانه خود قرار دهید و هیچ گاه از یاد خداوند غافل نشوید.{

همانطور که مستحضرید عروسک Barby یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متاسفانه در سالهای اخیر با هجمه وسیع تبلیغاتی آنان به جامعه ما راه یافته است و تقریبا هیچ فروشگاهی وجود ندارد که فاقد اجناسی با تصویر این عروسک باشد. لطفا

در مورد سابقه فکری و

پرسش

همانطور که مستحضرید عروسک Barby یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متاسفانه در سالهای اخیر با هجمه وسیع تبلیغاتی آنان به جامعه ما راه یافته است و تقریبا هیچ فروشگاهی وجود ندارد که فاقد اجناسی با تصویر این عروسک باشد. لطفا در مورد سابقه فکری و اهداف سازندگان آن توضیح فرمایید و راه های مقابله با آثار آن را ذکر کنید (اگر ممکن است منابع یا مقالاتی برای مطالعه بیشتر معرفی نمایید)

پاسخ(قسمت اول)

جهت آشنایی کامل با تاریخچه ساخت این عروسک و اهداف سازندگان آن می توانید به منابع ذیل مراجعه نمایید:

۱. کالبدشناسی یک محصول، حمید قاجاریان، نشریه صنایع پلاستیک

۲. همه چیز درباره باربی، انوشه فاضلی، روزنامه همشهری، ۳۰ خرداد ۱۳۸۱

۳. جنگ جهانی چهارم، حسن عباسی، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۲

و در مورد راهکارهای مقابله و اقداماتی که در مقابل این پدیده انجام شده است دو مقاله در ذیل آورده می شود:

یکم :غریبه های ایرانی

(مقاله ای از محمدعلی زم درباره تفاوت سارا و دارا و باربی,منبع: همشهری ۲۱/۲/ ۱۳۸۲,به نقل از سایت باشگاه اندیشه)

چندین نسل متوالی است که کودکان سرزمین من از اوان نونهالی با عروسک های موطلایی و چشم سبز یا چشم آبی آشنا شده و به آن ها انس می گیرند. عمده پدران و مادران، بی آن که به الگوپذیری و قهرمان طلبی فرزندان خود بیندیشند هر آن چه را که خود دوست می دارند ویا به دست می آورند در دسترس فرزندانشان قرار می دهند و با این کار خود الگوهای ذهنی آینده این خردسالان را با صبغه سبز و آبی برای چشم و طلایی برای مو رنگ آمیزی می کنند. این

عجیب نیست که بسیاری از دختران نوجوان و جوان ما با عدسی های رنگی چشمان سیاه و زیبای خود را که ده ها قرن الهام بخش شاعران ایرانی در توصیف زیبایی زنانه بوده است به رنگ های آبی و خاکستری و عسلی و سبز در می آورند و موهای مشکی و مطهر خود را که صدها سال چون قناره قلب عاشقان را بر خم طره خود می آویخته پسرانه کوتاه کرده و به رنگ های طلایی و آفتابی و نقره ای جلوه می دهند چون بسیاری از پسران و مردان آینده ما هم در انتخاب همسر خود لعبتکان دوران کودکی را به عنوان الگو پیش رو قرار داده و به دنبال عروس هایی به زیبایی عروسک می گردند. این گونه است که مصرف رنگ موهای بور و طلایی در کشور ما بیش از بسیاری از دیگر نقاط دنیاست و با این که نوعاً در همه جای دنیا زنان مسن برای پوشاندن موی سپید خود به رنگ مو روی می آورند این پدیده «عروسک آفرین» این همه مورد استقبال نوجوانان و جوانان ایرانی است. از همان اوایل فعالیت در حوزه هنری مراقب زندگی و عملکرد علیا مخدره ای به نام «باربی» بودم. از دوستانی که با آن سوی مرزها می رفتند و می آمدند خواهش می کردم حکایت های باربی را برایم جمع آوری و تعریف کنند. اگر هر چند سال یک بار سفری دست می داد بخش جدی و مهمی از وقتم را به مداقه در فروشگاه هایی که کالاهای فرهنگی و اسباب بازی می فروختند اختصاص می دادم.به این ترتیب زمانی که باربی حدود

بیست سال پیش - با آقا پسری زلف آویخته و چهارشانه و قد بلند به نام «کن» دوست شد نگران رفتار و روابط شان بودم و چند سال بعد که با هم ازدواج کردند و صاحب دو فرزند - یکی دختر و دیگری پسر - شدند نفس راحتی کشیدم!بحث طراحی و ارائه عروسک های ملی را برای اولین بار در ابتدای دهه شصت در حوزه هنری مطرح کردم. به خاطر دارم که در یکی از همان اولین جلسات گفتم که داشتن یک عروسک ملی برای ملتی که تصمیم گرفته استقلال و اقتدار فرهنگی داشته باشد ضرورتی اجتناب ناپذیر است. لیکن دشواری کار به سبب فقدان مغزافزار لازم به حدی بود که بحث ها به بررسی نرم افزارهای لازم هم کشیده نمی شد چه رسد به سخت افزار و شکل و شمایل خود عروسک. معتقد بودم پیش از دستیابی به تولید و عرضه باید ابتدا مغزافزار لازم تعریف شده سپس براساس آن نرم افزار مناسب طراحی شود و در نهایت به وجوه تکنیکی و هنری که موجب خلق سخت افزار می شد بپردازیم. یک مثال ساده مقصود مرا از این سه اصطلاح روشن می سازد. فرض کنید در خودرویی نشسته و در حال حرکتیم. مغزافزار پاسخ این سئوال است که: به کجا می رویم و برای چه می رویم؟ نرم افزار قوانین راهنمایی و رانندگی و دستور العمل های رانندگی و شیوه های استفاده از گاز و کلاژ و ترمز است به گونه ای که این خودرو به نرمی و در کمال امنیت راه را بپیماید و سخت افزار قطعات خودرو هستند که در یک ترکیب

سیستماتیک به هم متصل شده و چرخ ها را به حرکت در آورده و بر سطح آسفالت به پیش می برند ماه ها در این تلاش بودم که به کمک همفکران و دوستانم تبیین کنیم برای چه عروسک ملی می خواهیم و کاربردهای عروسک ملی چیست؟ پس از آن می بایست ماجراها و قصه های متعدد زندگی آن عروسک را بر اساس پاسخ هایی را که برای چیستی و چرایی اش به دست آورده بودیم به صورت رمانی با ورسیون ها و در سطوح سنی مختلف تنظیم می کردیم و بالاخره نوبت به قد و قواره و شکل و شمایلی که با آن سناریوها می خواند می رسید. برای این منظور شرکتی مستقل به نام شرکت اسباب بازی نشاط آفرین تأسیس کردم اما به دلیل ناشناخته بودن بازار اقتصادی این «کالا پدیده» ضرورت موضوع برای بانک ها و سرمایه داران هرگز متقن نشد و تنها چالش های ما در پس پرده بازار حرفه ای و اقتصادی با گردآوری اطلاعات و گفتگو پیرامون صنعت و اقتصاد و بازار اسباب بازی و عروسک ادامه یافت.

با عزمیت برخی هنرمندان حوزه به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اندیشه دستیابی به عروسک ملی به منصه ظهور رسید و تولید عروسک های دارا و سارا – ولو با تاخیر طولانی – آغاز شد. اما علی رغم سرمایه و تلاش هنگفتی که پشتوانه تولد این دو عروسک بود چنان که انتظار می رفت مورد استقبال خانواده ها و بچه های ایرانی واقع نشد. چندی پیش یکی از دوستان قدیم که استاد نشانه شناسی فرهنگی (Semiology) بود و در آمریکای شمالی

به سر می برد ضمن تبریک نوروز، تلفنی از من خواست تا چنانچه وقت دارم مقاله ای تطبیقی در مورد باربی و سارا بنویسم و برایش بفرستم و اطمینان داد که از نظرات من تنها در حوزه های آکادمیک استفاده خواهد شد و بدون موافقت من در نشریه یا روزنامه ای چاپ نخواهد شد. از او عذرخواهی کردم و توضیح دادم ذهنم پرمشغله تر از این است که بتوانم در این موضوع مداقه و غور کنم. تلفن را که قطع کردم دیدم دلمشغولی قدیم دوباره به سراغم آمده و رهایم نمی کند. در یکی از روزهای تعطیل نوروز خستگی را بهانه کردم چند ساعتی اندیشه ام را از صدها دغدغه فرهنگی که این اواخر هر روز به تعدادشان در ذهنم افزوده می شود فارغ کردم. در کتابخانه ام را بستم و حاصل، چند ورقی شد که پیش رو دارید.

مناسب دیدم همزمان با ارسالشان برای آن دوست گرامی، هموطنان فهیم و سنجش گرم را نیز از نقطه نظراتم آگاهی دهم تا با نقد و نکته یابی آنان زمینه تبیین و تعدیل اشتباهاتم را فراهم آورم. پیش از آغاز متن دست منتقدان خیرخواه را به گرمی می فشارم و از شنیدن هر اندیشه و سخن نویی استقبال می کنم. تفاوت های سارا و باربی و دلایل کم توفیقی آن و موفقیت این را به سه بخش اساسی تقسیم می کنم، یکی بخش سخت افزاری، دومی بخش نرم افزاری و بالاخره بخش مغزافزاری.

الف بخش سخت افزاری:

نکته یکم: یک عروسک خوب، عروسکی است که بتوان با آن به راحتی بازی کرد و به اصطلاح به

سیری دل بـا آن ور رفت. باربی را می توان برهنه و بی لباس خریـد. تنوع لباس های باربی به حـدی است که می توان از او از یـک کـارگر ساختمـانی یـا باغبـان گرفته تـا یـک ملکه یا هنرپیشه ساخت و این ها همه تنها به مـدد لباس های متعـدد ساده و گوناگونی است که متناسب با حالات باربی و اتفاقات زندگی روزمره اش طراحی و عرضه شده است لباس های خوب فاخر و غیر قابـل انعطاف دارا و سارا مانع از وررفتن بچه ها با آن هاست. دارا و سارا در شـكل كنونی خود بیشتر عروسک های زینتی هسـتند که باید سـراغشان را در ویترین و سر طاقچه خانه ها گرفت. البته اگر در طاقچه های زندگی امروزی جایی برای آن ها مانده باشد.

نکته دوم: آناتومی و ساختمان بـدنی باربی ساده و در عین حال متحرک است. اما سارا و دارا توان حرکتی پیچیده باربی را که در تمامی مفاصل (به جزء انگشتان پا) از الگوی انسانی تبعیت می کنند ندارند. تا آنجا که من می دانم حرکت انگشتان دست باربی از ابتدای دهه هشـتاد میلادی شروع شد و این به دنبال فراگیر شدن رقص هایی بود که به تحرک سریع و پیچیده اعضای بـدن نیاز داشت. این رقص ها که با «رقص رعد» (Flash dance) در سال ???? میلادی شروع شد بلافاصله به دسته بندی جدیدتری به نام «رقص شکسـته»(dance break) تبـدیل شـد و در نهایت به مـدد حرکات محیرالعقول سـیاه پوستی به نام مایکل جکسون و رقصی که به نام خود او معروف شد به اوج خود رسید. به هر تقدیر

بـاربی همراه با محبوبیت این گونه رقص ها ساختمان بـدنی خود را کامل کرد تا بتوانـد بازی کودکان با خود را «به روز» نگاه دارد. اگر یکی از کارکردهای عروسک و اسباب بازی را وسیله کمک آموزشی و یا ابزار توان بخشی برای کودکان بدانیم بایـد این وسیله در آنـاتومی، شکل ظـاهری و حرکات خلاق از چنان کیفیتی برخوردار باشـد که بتوانـد در صاحبان خردسال خـود حس همـذات پنـداری ایجـاد کنـد و این به دست نمی آیـد مگر به مـدد انعطـاف فـوق العـاده بـدنی و حرکـات فیزیکی عروسک.

نمونه دیگر این استفاده روانشناسانه از انعطافـات بـدنی را می توان در نسل نو کارتون های کودکان که با شیوه های بیش از بیست و چهار عکس در ثانیه تولید می شود جستجو کرد. در این کارتون ها – که اتفاقاً کارتون باربی و سیندرلا از جمله آن ها است – تلاش شده است تا با نمایش انعطاف بیشتر در حرکات شخصیت های کارتون جذابیت فیلم و حس همذات پنداری در بینندگان افزایش داده شود. به هر تقدیر اگر برای انعطاف حرکات بدنی امتیازی در نظر بگیریم و مثلاً نمره باربی را در این زمینه پانزده از بیست بدانیم متأسفانه باید به سارا و دارا گفت که بروند و شهریور برگردند.

نکته سوم: در کنـار تمـام محـاسن بـاربی، یکی از ایرادهـای سـخت افزاری و تکنیکی که به او وارد است این است که بـاربی اصـلی یـک چهره بیشتر نـدارد. یعنی بـاربی به عنوان نماد دختر یا زن آمریکایی تنها نشان دهنـده درصـد کوچکی از نژادهای گوناگونی است که در آمریکا زندگی می کنند. البته او دوستانی با

چهره های سیاه پوست، خاور دوری، سرخ پوست و حتی آسیایی دارد لیکن خودش دارای فنوتیپ ثابت و تغییر ناپذیری است که بیش از چهل سال است حتی مویش سفید نشده است. همواره امیدوار بودم این نقیصه که نشان از سلطه جویی فرهنگی اقلیت کوچکی در آمریکا دارد در مورد عروسک ملی ایران تکرار نخواهد شد لیکن در کمال تأسف با آن که ایران سرشار از اقوام گونا گون است و حس چهره شناسی بعضاً در میان ایرانیان به قدری کاراست که بسیار پیش می آید که از قیافه فردی می فهمند کجایی است و از چه فرهنگ و رفتاری آمده است اما سارا و دارا دارای چهره های ثابت هستند تنها از روی لباسشان می توان به تفاوت های قومی - نژادی آنان پی برد. کدام کودک بالای هفت هشت ساله در ایران نمی تواند چهره های شمالی، ترکمن، ترک، کرد و بلوچ را از یکدیگر تشخیص دهد؟ اگر سارا و دارا نماد کودک ایرانی بدون در نظر گرفتن تفاوت های قومی هستند چرا لباس هایشان قومی طراحی شده است و اگر هر یک نماد قومی از اقوام ایران هستند و با هدف ایجاد اتحاد در ذهن و قلب کودکان ایران طراحی شده اند به جز کودکان تهرانی که در محیطی کاملاً مختلط زندگی می کنند کدام بچه سیه چرده و آفتاب سوخته بلوچ یا کودک چشم کشیده و زرد پوست ترکمن آن را صرفاً به سبب لباسشان« خودی» خواهد انگاشت.

در مورد باربی این مشکل با دوستان رنگ و وارنگ و ریز و درشت باربی و کن تا حدی حل شده است و همبازی

باربی چنانچه دارای تفاوت ظاهری فاحش با عروسکش باشد، به جای هم ذات پنداری با باربی خود را دوست باربی خواهد انگاشت. طفلک دارا و سارا که در کشوری با این همه گوناگونی فرهنگ و قوم از داشتن دوست بی بهره اند و امیدوارند در هر منطقه بومی «خودی» انگاشته شوند.

ب بخش نرم افزاری:

نکته یکم: عروسک و اسباب بازی حلقه های یک زنجیره کامل (آن هم در یک مدل سیستماتیک) هستند.

واقعیت این است که ناتوانی ما در عرصه عروسک سازی به ضعف ما در شناخت زنجیره فرهنگ ملی باز می گردد. ما در زنجیره فرهنگ همواره از دو نقیصه عمده آسیب دیده ایم اول این که تبیین نمی کنیم چه محتوای فرهنگی را باید برای کدام سن (از نونهالی تا کهنسالی) تدارک ببینیم. اگر هم به باور این ضرورت رسیده و عزم و اراده بر انجام این کار داشته باشیم نمی دانم کدام نهاد یا سازمان باید مسئولیت پشتیبانی مطالعاتی، پژوهشی و فکری این کار را بر عهده بگیرند.

دوم این که نمی دانم چه ابزارها و کدام وسایل برای انتقال دیدگاه های فرهنگی خود استفاده کنیم. باز چنان چه این ابزارها را بشناسیم، برنامه ها و نرم افزارهای استفاده از آن ها برایمان ناشناخته است. ما چون فاقد سیستم ارزشیابی، رده بندی و درجه بندی امور محتوایی- به خصوص در عرصه های فرهنگی - هستیم طبیعتاً فاقد شناخت چگونگی عرضه آن ها و نسبتشان با ابزارها و وسایل عرضه و انتقال می باشیم. در جهان امروز برای تربیت و بهره گیری از استعداد بی همتای انسان نرم افزارهای فراوان و

متنوعی تدارک دیده شده است که نسل من و نسل های پیش و پس از من از آن ها محروم مانده است.

نکته دوم: باربی و کن هر دو به روز هستند و نگاه به آینده دارند. این نگاه به آینده از لوازم جانبی مورد استفاده آنان از تلفن همراه و کامپیوتر گرفته تا مدل ماشینی که سوار آن می شوند کاملاً- هوایدا است. بسیاری از وسایلی که آنان در زندگی روزمره خود از آن استفاده می کنند نیاز به مهارت های تکنیکی و دانش تئوریک دارد.

به تازگی باربی هایی به بازار آمده که به زبانی علاوه بر انگلیسی نیز تکلم می کند. در کنار خیل عظیم لوازم جانبی و لواحق مدرن زندگی آنان برنامه ها و فیلم ها و سریال های تلویزیونی و سینمایی و بازی های کامپیوتری که در مورد آنان ساخته شده و می شود هر روز منظره و بعد جدیدی از زندگی آنان را به نمایش در آورده و در دسترس کودکان قرار می دهد. به این ترتیب باربی و کن تنها بخشی از سمفونی عظیمی هستند که به مدد هزاران قطعه مینیاتوری لوازم زندگی و ده ها فیلم و سریال و صدها کتاب قصه و جزوه در ذهن کودکان جا افتاده و الگو می شوند. تا آن جا که من در بازار سارا و دارا گشت و گذار کرده ام این دو بلا دیده از ابتدایی ترین وسایل زندگی بی بهره اند و هر کجا پیش بیاید می خوابند و بر هر خودرویی که دم دست باشد سوار می شوند. نگاه نرم افزاری دارا و سارا رو به گذشته

دارد. این دو سعی در حفظ سنت ها دارند و می خواهند ارزش های به میراث رسیده را حفظ کنند اما تکلیف کودک را در رویارویی با مدرنیسم روشن نمی کنند و در سکوت و با چشم های مهربان و خیس از اشک در مقابل تلفن همراه یا کامپیوتر جیبی یا دی وی دی و امثال آن مبهوت و منفعل می مانند.

پاسخ(قسمت دوم)

نکته سوم: اگر دختری داشته باشید و او روزی با عزم راسخ به شما اعلام کند که تصمیم گرفته مثل سارا زندگی کند شما چگونه او را در این تصمیم خود یاری خواهید رساند؟ سارا چه می کند؟ چه وسایلی در اختیار دارد؟ از وسایلش چگونه استفاده می کند؟ اگر ناچارید از ذهن خود کمک بگیرید و برای دخترکتان قصه های زندگی سارا را تعریف کنید پس فرق قصه با عروسک چیست؟ چرا اجازه نمی دهید سارا هم مثل ننه نقلی یا خاله سوسکه یا عمو زنجیرباف در ذهن پاک کودکتان ساخته و پرداخته شود. باربی مشکل شما را حل کرده! از مسواک و خمیر دندان و کیف مدرسه و دفترچه مشق گرفته تا میز و کمد و تخت خواب و لباس و ملحفه همه را برایتان در سایز واقعی فراهم کرده است. حتی تلفن همراه و لوازم آشپزخانه واقعی باربی هم در دسترس و قابل خرید هستند. شیرینی هایش راکه دیگر هر کودکی در آمریکا بارها به دست خودش پخته و خورده است. این سخت افزار در خدمت نرم افزاری است که به یک سئوال ساده پاسخ می دهد: چگونه آمریکایی زندگی کنیم؟ سئوال من این است که آیا در پشت

طراحی سخت افزاری عروسکی به نام سارا پاسخ این سئوال مشخص شده و در جایی ثبت و ضبط شده است که؛ چگونه ایرانی زندگی کنیم؟ به نظر می رسد سارا بیشتر باید بتواند پاسخ دهد. چگونه ترکمن زندگی کنیم؟ یا مثلاً چگونه بلوچ زندگی کنیم؟اما آن چنان که از توان ذهنی سارا بر می آید تا او پاسخ این سئوال ها را آماده کند باربی دست کودک شما را گرفته و با خود به جایی برده است که سارا هم اگر رویش می شد لباسش را عوض می کرد و به دنبالشان می تاخت.

پنج نکته اقتصادی

پیش از آن که به بخش مغزافزاری بپردازم تبیین پنج نکته اقتصادی را ضروری می دانم:

نکته یکم: تنظیم و بهبود سخت افزارهای اقتصادی خود از موجبات بهره وری، توسعه و راهبردی کردن مغزافزارها و نرم افزارهای فرهنگی است. واقع مطلب این است که در طول ?? ?? سال اخیر اتفاق چندان مثبتی در رابطه با صنایع و توسعه تکنولوژی فرهنگی در کشور ما نیفتاده است. طرح ها و کارهای فرهنگی نظیر پروژه «دارا و سارا» از این بابت تولد سوخته ای خواهند داشت که در گردونه صنعت و تکنولوژی تکلیفشان روشن نشده و به اصطلاح دارای خط تولید مشخصی نیستند لذا بدون وجود رقیب قدری چون باربی و کن به خودی خود محکوم به شکست و فنا هستند.

پیش از آن که به بخش مغزافزاری بپردازم تبیین پنج نکته اقتصادی را ضروری می دانم:

نکته یکم: تنظیم و بهبود سخت افزارهای اقتصادی خود از موجبات بهره وری، توسعه و راهبردی کردن مغزافزارها و نرم افزارهای فرهنگی است. واقع

مطلب این است که در طول ?? ?? سال اخیر اتفاق چندان مثبتی در رابطه با صنایع و توسعه تکنولوژی فرهنگی در کشور ما نیفتاده است. طرح ها و کارهای فرهنگی نظیر پروژه «دارا و سارا» از این بابت تولد سوخته ای خواهند داشت که در گردونه صنعت و تکنولوژی تکلیفشان روشن نشده و به اصطلاح دارای خط تولید مشخصی نیستند لذا بدون وجود رقیب قدری چون باربی و کن به خودی خود محکوم به شکست و فنا هستند.

نکته دوم: آنطور که در یکی از خبرها خواندم درآمد اسباب بازی در جهان از درآمد توریسم (که ??? میلیارد دلار است) بالاتر است. ما هنوز هیچ اطلاعات اقتصادی از حجم واردات اسباب بازی و عروسک ها از راه های مجاز و غیرمجاز نداریم. همچنان که هنوز به رقم سرانه هزینه ملی در مصرف اسباب بازی و عروسک دسترسی نداریم. از این رو اقتصاد حرفه ای «دارا و سارا» برای دست اندرکاران آن مشخص نبوده و نیست و از نظر من هر فعل فرهنگی که اقتصادش یافت نشده باشد محکوم به شکست و در راه ماندن است. نکته سوم: دنیای امروز، دنیای پیچیده رقابت هاست از این رو سرعت، کیفیت و قیمت (ارزانی) از اصول اقتصاد رقابتی جهان است. دیگران نمی ایستند که ما به آنها برسیم. آنها با سرعت رو به جلو حرکت می کنند و زیرساخت های ملی خود را برای رقابت تدارک می بینند. روزی بود که ما اجناس وارداتی تایوان و سنگاپور و چین را پس می زدیم و می گفتیم تقلبی است و در جست وجوی مارک های اصلی آمریکایی

و آلمـانی و ژاپنی بودیم، در آن روزهـا به فکر تولیـد و اصـلاح زیرساخت های اقتصاد رقابتی خود برنیامـدیم و از خلاقیت در تولیـد و سـرمایه گـذاری ارزان با دلارهای ? ? تومان و پول های کم بهره جهان بازمانـدیم. نتیجه اینکه امروز مصـرف کننـده کالاهای چینی و تایوانی (به عنوان کالاهای موفق) هستیم. اگر به منظر فرهنگی از زاویه اقتصاد و صنعت و تکنولوژی نگریسته بودیم امروز می بایست بخش عمـده ای از درآمـد ما از ناحیه تولیـدات و صادرات اسـباب بازی رقم می خورد. تحقیقات ? ? سال پیش من موید این بود که تایوان سالانه از این بخش ?? ?? میلیارد دلار صادرات دارد.

گرانی دارا و سارا در مقایسه با عروسک های پرتحرکی که مسافران ایرانی در دوبی و کیش خریـداری می کننـد و یا از طریق قاچـاق وارد فروشـگاه هـای شـهر می شود گاه متجاوز از ??? تا ??? درصـد است. باربی ارزان قیمت که دیگر جای خود را دارد.نکته چهارم: بسـته بنـدی و تنوع و کیفیت آن در جهان امروز به تلفیقی از یک علم با صـنعت و اقتصاد و هنر تبـدیل شده است. ما در کلان محصولات ملی ضـعف بسته بندی داریم از این رو ضعف عمومی بر بسته بندی کالاهای فرهنگی و از جمله عروسک های دارا و سارا نیز سایه انداخته است و از جاذبه آنان می کاهد.نکته پنجم: فقدان شـبکه توزیع و خدمات بازرگانی از رنج های اقتصاد ملی ماست. به کتابی در کتابخانه برخورد کردم که سال انتشار آن شـهریور ???? بود و شـمارگان نخست آن ???? جلد بود. متأسفانه پس

از گذشت شش دهه و افزایش جمعیت از حدود ?? به ?? ملیون نفر هنوز تیراژ معمول کتاب در جامعه ما همان تعداد ???? جلد است و بعضاً نویسندگان باید خود متکفل توزیع کتاب هایشان هم باشند. فقدان زنجیره توزیع و شبکه سراسری بازرگانی کالاهای فرهنگی که تاکنون دولت بابت آن کلی هزینه کرده است و طرح های پرهزینه و نیم بند فراوان به اجرا درآمده است ضایعه ای است که گریبانگیر همه آثار فرهنگی و هنری و سینمایی و صوتی ما از جمله عروسک های دارا و سارا است.

ج بخش مغزافزاری

نکته اول و آخر: متأسفانه مدیریت کلان فرهنگی اجتماعی انقلاب آنطور که می بایست به ثروت عظیم و ذخیره ملی حافظه و استعداد دوره کودکی توجه نکرده و عمدتاً کودکان را چون «بچه» هستند به حال خود رها کرده است. حال آنکه با توجه به این دوره از زندگی (کودکی و نوجوانی) علاوه بر بهره مندی های فراوان از این ثروت نهفته ملی، در هزینه های عمومی که برای دوران بعد از آن (جوانی و...) می شود صرفه جویی های زیادی خواهد شد. علاوه بر آن باید بخشی از ضایعات و آسیب های دوره جوانی و بزرگسالی را در این واقعیت جست وجو کرد که بچه های ما خوب بچگی نکرده اند. یعنی دوران بچگی را با مقتضیات لازمه این دوره نگذرانیده اند. از این رو بعضاً مشاهده می کنیم بسیاری از مردم ما حتی در بزرگسالی و سنین کهولت نیز همچنان منش و روش های دوران کودکی را همراه دارند و آن را در تعاملات اجتماعی خویش دخالت می دهند.

خداونـد متعـال برای هر دوره از عمر کوتـاه بشـرویژگی هـا و خصایصـی را قرار داده است که مخصوص آن دوره است و این ویژگی هـا اگر در دوره خـاص خـود مورد اسـتفاده واقع نشـده و از درون انسـان اسـتخراج نشود در وجود آدمی رسوب و در آینده نه چندان دور در جایی نقش خود را آشـکار خواهد کرد. از این رو روانشناسـی اجتماعی و جامعه شناسی ما همواره در معرض مشاهدات غیرقابل پیش بینی و نامنتظر است و به راحتی نمی توان از روی افکار عمومی و شاخص های معمول وقایع را مورد برداشت و تحلیـل علمی قرار داد. به بیـان دیگر بچه هـای مـا خوب بچگی نمی کننـد! به تبع آن جوان هایمـان هم خوب جوانی نمی کننـد و از این رو جـامعه در بزرگسالی و کمال دچار فعل و انفعالات نامعقول و یا نامطبوع می شود. در مورد سارا و دارا بحث مغزافزاری این است که این دو بزرگـوار به میـدان آمـده انـد تـا چه دردی را از جـامعه محروم و مظلوم ایرانی دوا کننـد؟ آیا آمـده اند تا جلوی سـلطه و تهاجم فرهنگ غرب را که از کودکی به کمین اندیشه های پاک و مسـتعد فرزندان این وطن نشسـته بگیرنـد؟ اگر چنین است پرداختن به سارا و دارا در کنار عدم سیاسـتگذاری صـحیح در مورد اینترنت و اصـرار بر جلوگیری از راه اندازی شبکه های خصوصی تلویزیونی در داخل کشور مانند این است که در توفان بلا راه دودکش را ببندیم ولی در خانه را چهارطاق باز بگذاریم.

حتی اگر خوشبینانه بنگریم و قائل شویم که به هر حال اگر دیگران درب

هـای فرهنـگ ملی را خوب نمی یابنـد دست کم مـا نگهبانان خوبی برای دودکش اجاق فرهنگ باشـیم باز جای صـدها سوال مغزافزاری در مورد دارا و سـارا که کیسـتند و چه می کننـد، چه اعتقـادات و رفتارهایی دارنـد و سـر گذشت های الگوسازشان چیست باقی خواهد ماند. تا زمانی که صدها صـفحه مطلب کارشـناسانه در پاسخ به این سوالات اولیه و بدیهی تألیف و تدوین نشده و تکلیف دارا و سارا برای کودکان ایرانی مشخص نگردد بسـنده کردن بچه های ایرانی به بازی با عروسک های سارا و دارا باید در نوع خود یک جهاد و ایثار ملی دانست.

دوم:جایگزینی برای باربی

(نویسنده: نیمو دبرین Mimo Debryn,مترجم: حمیده پشتوان,منبع: باشگاه اندیشه ۲/۱۰/۱۳۸۲)

در نگـاه اول، این دخترک که جدیـداً به بازار عرضه شـده، چنان رقیب سرسـختی برای «باربی» به نظر نمی آیـد. هرچه باشـد، باربی چیزهایی دارد که او ندارد، هیکل خوش تراش، پرزرق و برق و جاذبه ی جنسی.

این عروسک که Razanne نام دارد دقیقاً همان چیزی است که بسـیاری از مسلمانان آمریکایی آن را با آن لباسهای آستین بلند و روسـری به باربی ترجیح می دهند.از نظر آقای سـعاده، این عروسک، هم جای خالی چنین عروسک هایی را در بازار پر می کنـد و هم به دخـتران مسـلمان چیزی را عرضه می کنـد که می تواننـد بـا او ارتبـاط برقرار کننـد.آقای سـعاده که شـرکت Noor Art را به کمک همسرش و چند سرمایه گذار دیگر راه اندازی کرده می گوید: «مهمترین پیامی که ما سعی می کنیم از طریق این عروسک ارایه دهیم این است که: آنچه که در درون شما است اهمیت دارد نه آنگونه که به نظر می رسید».

شرکت فوق که حدود هفتاد سال پیش در

Livonia واقع در میشیگان تأسیس شد، علاوه بر تولید و عرضه ی Razanme، اسباب بازی های دیگری نیز که مطابق با نیاز کودکان مسلمان است می فروشد.

به گفته ی آقای سعاده این که شما کوتاه یا بلند، لاغر، زشت یا زیبا هستید، هیچ اهمیتی ندارد. زیبایی واقعی، روح شماست که خداوند و سایر هم کیشانتان ناظر آن هستند.

عروسک Razanne اندام کودکان یازده، دوازده ساله دارد و در سه نوع به بازار عرضه شده: سفیدپوست با موهای بور، سبزه (پوست زیتونی) با موهای مشکی و سیاه پوست با موهای مشکی.

سازندگان این عروسک می خواهند چهره ی زن مسلمان امروزی را عرضه کنند، در لباس دکتر و در صورت لزوم حتی در لباس یک فضانورد، برنامه ی آینده ی تولید این عروسک است. هم اکنون در بازار عروسک رَضانه پیشاهنگ مسلمان وجود دارد که یک نوار کاست حاوی سوگند پیشاهنگ مسلمان از جمله متعلقات آن است.آقای سعاده خاطرنشان می کند که: «آنچه رَضانه را از رقبای خود پیش می اندازد، تقاضای جهانی آن برای کودکان مسلمان است». به همین دلیل بود که خانم میمو دبرین، چهار سال پیش بر آن شدند که یکی از این عروسک ها را برای دخترش خریداری کند. به گفته ی خانم دبرین، رضانه شبیه زنانی است که دخترش با آنها سروکار دارد؛ او ادامه می دهد: «دخترم به این عروسک عشق می ورزد و از او مراقبت می کند. برایش در اتاق جای خاصی را در نظر گرفته و با احترام با او رفتار می کند».

همچنین می گوید: «دخترم هرگز سعی نکرد که روسری عروسکش را بردارد. در حالیکه لباس های عروسک های باربی معمولاً قابل تعویض است».

بازار جهانی

Mattel تولیدکننده ی عروسک های باربی در ایالات متحده، نوعی باربی مراکشی به بازار عرضه کرده و

نیز عروسکی به نـام «لیلا» را هم در معرض فروش قرار داده است. لبـاس محلی پرزرق و برق و داسـتان خیـالی اسارت لیلا در دربـار یکی از سـلاطین ترک، گویـای سـختی و مشـکلات دختری مسـلمان در دهه ی ۱۷۲۰ است.به گفته ی سـعاده، تعجبی نـدارد اگر ببینیم که تولیدکنندگان این عروسـکها، باربی هایی از خاورمیانه بسازند که بدکاره یا رقاصه عربی باشـند. مقابله با چنین ذهنیت غلطی، یکی از هـدف های اصـلی تولید رضانه بوده است.اتحادیه ی عرب عروسـکی به نام لیلا (Laila) را برای دختران مسـلمان بیست ودو عنصر اتحادیه عرضه کرده است که از نظر فرهنگی جایگزینی قابل قبول برای باربی، با آن زندگی پرزرق و برقش محسوب می شود. امـا این عروسـک هرگز جوابگوی نیـاز بازار نبود. دو سال پیش هم در ایران عروسک های سارا و دارا، مشابه باربی و دوستش کِن، ساخته شدند. این دو عروسک دو شخصیت کارتونی ایرانی بودند.

اما به عقیده سـعاده این نوع عروسک ها نمی توانند بازاری سراسـری در خاورمیانه داشـته باشند؛ چراکه بیشتر جنبه ی فرهنگی دارنـد.آقای سـعاده امیـدوار است که رضـانه بتوانـد بـازار را تسـخیر کنـد. این عروسک به زودی به بازارهای کویت و امارات متحـده ی عربی عرضه خواهـد شـد و جای خود را در بازارهای آسـیای جنوب شـرقی بیش از پیش باز خواهد کرد.رضانه هم اکنون در کشورهـای آمریکـا، کانـادا، سـنگاپور و آلمان به فروش می رسـد. آقای سـعاده درباره ی تعـداد کل عروسک های فروخته شـده چیزی نگفت ولی خاطرنشـان کرد که تـک فروشـی هـایی که از طریق سایت اینترنتی شـرکت صورت می گیرد، فروش سی هزار عروسک در سال را نشان می دهد.

قیمت رضانه از ۱۰ دلار برای یک عروسک تنها تا ۲۵ دلار برای یک سری کامل، شامل عروسک

و وسایل جنبی آن (مثل رضانه معلم به علاوه ی کیف و سایر متعلقات) متغیر است.

اخیراً پلیس مذهبی عربستان صعودی ضمن توهین آمیز دانستن عروسک های باربی [با لباس های قابل تعویض] نسبت به اسلام، این عروسک ها را تهدیدی برای اصول اخلاقی قلمداد کرده است.

عروسک رضانه ی نمازگزار که دارای پوششی بلند و لباس عبادت باوقاری است، به احتمال زیاد عربستان صعودی و سایر کشورهای خاورمیانه را مجذوب خود خواهد کرد. سازندگان این نوع رضانه از بیم آنکه مبادا مردم فکر کنند این عروسک دائماً در حال نماز و عبادت است، نوع دیگری از این عروسک را ساخته اند که پوشش او در خارج و داخل خانه متفاوت است. کشوی لباس این عروسک حاوی لباس های کوتاه و رنگارنگ، از جمله وسایل جنبی این عروسک است که نشان می دهد رضانه در داخل منزل و در حضور افراد محرم از چه نوع پوششی استفاده می کند.خانم دبرین می گوید: حضور رضانه به دخترش کمک می کند تا از این که دختری مسلمان است، بیشتر احساس راحتی و رضایت کند.

چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندو باری جامعه پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندو باری جامعه پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

بررسی و ارائه پاسخی دقیق به ابعاد مختلف این سؤال، نیازمند ارائه پژوهش و تحقیقی ژرف است که از حوصله یک نامه خارج می باشد از این رو به اختصار نکاتی را بیان می نماییم:

الف- مفهوم توسعه فرهنگی:

مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آن و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می باشد. توسعه فرهنگی با تأکید برهویت فرهنگی، بهینه سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسایل مربوط به خود را نوید می دهد و به اخلاق و آداب و سنن جامعه بهبود می بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می افزاید (ارزش ها و توسعه، محمد نقی نظرپور، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲).

عنصر فرهنگ، محور توسعه فرهنگی می باشد، بر این اساس فرهنگ، مجموعه پیچیده ای است در بردارنده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق و دین، قوانین، آداب و رسوم و هرگونه توانایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد و در قبال

آن تعهداتی را بر عهده دارد (تایلور، به نقل از داریوش آشوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

به طور کلی همه فرهنگ ها را در دو نوع مادی و الهی می توان تقسیم

بندی کرد:

۱. فرهنگ مادی: این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر ازغرایز و سودپرستی به جنبش در می آورد، در فرهنگ مادی، هدف وسیله را توجیه می کند، بنابراین برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ و معضلات و ناهنجاری های اجتماعی فزونی می یابد و جامعه به سوی انحطاط و نابودی پیش می رود.

۲. فرهنگ الهی: این فرهنگ، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند و فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است که هدف خود را دست یابی به کمال می داند که در پرتو وحی و آموزه های الهی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی به اصول ثابت اخلاقی می داند به فرموده قرآن کریم «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» ویژگی های فرهنگ اسلامی را می توان چنین برشمرد: خدامحوری، عدالت خواهی و مساوات، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسؤولیت فردی و اجتماعی، تقواگرایی، پاسداری از کرامت انسان (خط و مشی های سیاسی نهج البلاغه، محمد مهدی ماندگار، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳ – ۱۴۱).

بر این اساس وقتی صحبت از

توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی ما می شود؛ در واقع تعقیب فرایندی است که دگرگونی در حوزه های ادراکی، شناختی و گرایش هایی را که در ساختار جدید جامعه اسلامی مطلوب است، به دنبال داشته باشد. توسعه فرهنگی به هیچ وجه به معنای گسستن از فرهنگ گذشته نیست، بلکه بهینه سازی و شکوفایی عناصر اصیل فرهنگ اسلامی و ملی در سطوح مختلف جامعه و زدودن عناصر نامطلوب و ناشایست از آن می باشد. بنابراین هدف توسعه دیگر نمی تواند صرفا اقتصادی و بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد بلکه اهداف کلی توسعه علاوه بر موارد مذکور فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و تعادل منطق ها و تعالی و الهی گونه شدن انسان ها می باشد (توسعه فرهنگی در جامعه ایران، مژگان حق خواه، ۱۳۸۲، باشگاه اندیشه جوان).

ب) توسعه فرهنگی در ایران:

ورود فرهنگ و تعالیم حیات بخش اسلام به ایران که با استقبال و پذیرش گرم ایرانیان همراه بود، تأثیرات بسیار درخشانی در شکوفایی فرهنگ ایرانی داشته است تا آنجا که ایران را به عنوان مرکز تمدن درخشان اسلامی تبدیل نمود و آثار و نتایج بسزایی در تحول و پیشرفت سایر تمدن ها به جای گذاشت (ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی ۱۳۸۲ ؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴).

اما متأسفانه چند عامل از توسعه و تکامل این فرهنگ جلوگیری کرد:

۱. انحرافات و کج اندیشی هایی که در فرهنگ اصیل اسلامی به وجود آمد.

۲. رسوبات و بقایای برخی عناصر فرهنگی غیر صحیح و ناسالم قبل

از اسلام.

۳. عناصر فرهنگی وارداتی از مکاتب مادی غرب و شرق.

۴. ساختار مدیریتی و سیاسی ناسالم و مخالف و یا ناآشنا با فرهنگ اصیل اسلامی و...

مجموعه عوامل فوق باعث شد تا فرهنگ اصیل اسلامی نتواند در جامعه ایرانی به صورت کامل شکل گرفته و پویایی و بالندگی خود را در حد مطلوب حفظ و استمرار بخشد.

متأسفانه دوره قاجار و پهلوی به دلیل فساد شدید ساختار سیاسی، وابستگی و مرعوب شدن آن در مقابل فرهنگ و تمدن بیگانه، صدمه های عمده ای به فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی جامعه ما وارد شد و آن را در سراشیبی سقوط قرار داد، هر چند وقوع انقلاب اسلامی و تدابیر مسؤولین دلسوز در این روند وقفه ایجاد کرده و آن را معکوس نمود تا جایی که به حمدالله در بخش های زیادی از جامعه شاهد شکوفایی، رشد و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی می باشیم و البته باز هم تأکید می نماییم تا زمانی که رگه هایی از دلایل فوق در جامعه خصوصا بخش های اجرایی و تصمیم گیرنده نظام وجود داشته باشد و مجموعه ارکان نظام و جامعه به اجماعی واحد پیرامون اهمیت و اهتمام شدید به برتری فرهنگ اصیل اسلامی در مقابل سایر فرهنگ ها نرسند، تعمیق و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی در حد مطلوب در جامعه ممکن نخواهد بود.

واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و برنامه ریزی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد

از همه امکانات خصوصا" دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده , مدرسه , رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی .

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی , استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه , سعادت , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی .

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی .

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- ایجاد باوری عمیق , درونی , ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند.

۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران ,

ساختـار کلاـن کشور و برنـامه های اجرایی ... به طور کلی برای مصون مانـدن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است : جهاد علمی و عملی .

الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد.

ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- جهاد عملی فردی ; این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است . این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه , مراقبه , محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد.

در ایـن مسیر شخص بایـد ابتـدا بـه انجام واجبـات و ترک محرمـات همـت گمـارد, در مرتبـه دوم انجـام مستحبات و ترک مکروهـات را وجهه همت خویش قرار دهـد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است , حتی برخی از مباحـات , را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد.

۲- جهـاد عملی اجتمـاعی ; کوششـی جمعی در جهت تغییر و اصـلاح جـامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم , اخلاق , معنویت و فضیلت و تقوی در

جامعه است . این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است .

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما" برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست , اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی , برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها, علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی , بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ ازجمله:

اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد.

رابعا، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد

شـده در مقـام امر به معروف و نهی از منکر، مراعـات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پـایین تر، جـایز نیست که به مرتبه بالاـتر تعـدّی کنـد. در مرتبه اوّل نـاراحتی قلبی و تنفّر خود را از فعـل منکر آشـکار سـازد (ماننـد عبوس کردن صورت، روی بر گردانـدن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایـده نداشـتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدیـد و ترساندن شدت به خرج دهـد. مرتبه سوم، مرحله اقـدامات عملی است. اگر دو مرتبه یـاد شـده اثر نـداشت، واجب است از اعمال قـدرت اسـتفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵).

البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضـعیت فعلی ما) بر مکلّفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمـان هـا و ارگـان هـای ویژه (از قبیـل نیروی انتظـامی، قوه قضـائیه، دسـتگاههای اطلاعـاتی و امنیتی، سـتاد احیـای امر به معروف و نهی از منکر، سـتاد مبارزه با مواد مخـدّر و...) موظّف انـد بر اساس وظایف و کارکردهای مشـخص شـده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت های خودکوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند.

در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با

منکرات و مفاسـد اجتمـاعی اسـتفاده از عوامـل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی توانـد راه حـل منـاسب و اساسـی باشـد. راه حل نهایی این قبیل معضـلات، مبتنی بر شـناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسـد و ارائه راه کارهـای منطقی و واقع بینـانه و منـاسب بـا آن است. راه کارهـایی از قبیل حل مشـکلات اقتصادی، اشـتغال، مسـکن، ازدواج، تقـویت و تثبیت ارزش هـای اسـلامی، اجرا شـدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسـترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشـی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دسـتگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتمـاعی و ارزش های اسـلامی و تهدیـد کننـده سـلامت جامعه، مطلوب است. اما با وجود این یکی از نکاتی که نباید مورد غفلت قرار گیرد شـناخت دقیق روحیات و ویژگی های شخصـیتی جوانان، علایق آن، نفرت ها و انزجارهای آنان از یک طرف و آگاهی به راه های ارتباط و نفوذ در آنان با توجه به اصول روان شناسی است.

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی از سه محور حرکت خویش را سامان داده و شروع به تخریب می کند:

۱. بینش ها و باورها.

۲. ارزش ها و گرایش ها.

۳. رفتارها و کردارها.

در مورد اوّل مثلاً می گویند معنویات، خیالات است. معاد و وحی و روح تجربی نیستند!

در مورد دوّم می گویند؛ ارزش ها و وسیله با خود ما آدم ها تعیین می شوند و اعتباراتی بیش نیستند و می توانند تغییر کنند.

در مورد سوّم نیز اعمال اسلامی را با تمسخر و یا روشهای دیگر کم رنگ می کنند و هویّت ملّی و دینی را نابود کرده و مدها و روش های متروک را زنده می کنند.

در اینجا دو راهکار داریم:

۱. راهکار ریشه ای.

۲. راهکار سطحی.

راهکار سطحی همانا تحریک احساسات و عواطف و روش های تکراری و کهنه است امّا راهکار ریشه ای همانا ترویج ارزش هاست با هر وسیله، با گفتگو، تبلیغ فیلم، هنر. که در چند محور خلاصه می شود:

۱. آگاه نمودن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی.

۲. هجوم فرهنگی بر ضدّ فرهنگ غرب.

۳. ترویج ارزش های معنوی.

۴. آگاهی بر مواضع کار و به کارگیری زبان مناسب. یعنی فرق دبستان، با دبیرستان و دانشگاه برایمان روشن باشد و مناسبت را رعایت کنیم.

۵. تکیه بر منابع اصیل دینی قرآن و سیره اهل بیت«علیهم السلام».

« بخش پاسخ به سؤالات »

دشمنان اسلام با شبیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی , ناموس پرستی ,ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفهء ما چیست و چگونه در مقابل آنها مقاوت کنیم ؟

پرسش

دشمنان اسلام با شبیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی , ناموس پرستی ,ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفهء ما چیست و چگونه در مقابل آنها مقاوت کنیم ؟

پاسخ

وظایف سنگین است و راه های مقابله با آنها زیاد که گفتن آن ها وقت زیادی لازم دارد به خاطرعدم اطالهء کلام فقط به بعضی به طور اختصار اشاره می کنیم :

اول , تبیین جایگاه انسان در دنیا, که هدف از آفرینش انسان چه بوده و چرا او به دنیا آمده است . اگر هدف رسیدن به کمال مطلق و قرب الهی است , بهترین راه رسیدن به آن هدف چیست ؟

دوم , حل مشکل اساسی جوانان , مثل بی کاری و ازدواج و مسکن است . حداقل می توان آن ها را با ورزش که لازمه اش تهیهء مکان های ورزشی مثل استخر و زمین فوتبال و... است , سرگرم کرد.

سوم , ارتقـای سـطح علمی جوانـان , از طریق تشـریح دسـتورهای اسـلامی به طور ساده و روان و عموم پسـند وتشویق آنان به مطالعه است , تا از اتلاف وقت آن ها جلوگیری شود.

چهارم , شناخت دشمن و این که او هدفی جز بدبختی و ذلّت و نابودی مردم به خصوص نسل جوان مسلمان را ندارد.

چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمهء اطهار و امام زاده ها راوسیله و شفیع قرار می دهند؟

پرسش

چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمهء اطهار و امام زاده ها راوسیله و شفیع قرار می دهند؟

پاسخ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

می خواند, پاسخ می گویم >.

بنـابراین , همـان طور که نوشـته ایـد, شایـد چنین به نظر آیـد که برای خواسـتن حاجت از خـدا نیازی به واسـطه نیست و ما به راحتی و در هر زمان می توانیم خـدا را بخوانیم و خداونـد به ما جواب خواهد داد; پس چرا ما درمواقع زیادی به زیارت مرقد امامان و امام زادگان می رویم و از آن ها حاجت می طلبیم و آن ها را واسطهء درگاه خدا می کنیم ؟

شواهـدی از قرآن و روایات می آوریم که به این مسـئله اشاره دارد و واسـطهء قرار دادن افراد صالـح و اعمال نیک را تجویز و تشویق می کند.

خداوند می فرماید:

برای تقرب به خدا انتخاب نمایید>.

موضوع مهمی که در این آیه بایـد بحث شود, دسـتوری است که دربـارهء انتخاب در این آیه به افراد باایمان داده شـده است . در اصل به معنای تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود, می باشد.

بنـابراین , وسـیله در آیـهء فـوق معنـای بسـیار وسـیعی دارد و هر کـار و چیزی را کـه بـاعث نزدیـک شـدن به پیشـگاه مقـدس پروردگـار شود, شامـل می گردد که مهم ترین آن ایمـان به خـدا و پیامبر اکرم ۶و جهـاد و عبـادات هم چون نماز و زکات و روزه و زیارت خانهء خدا و هم چنین صلهء رحم و انفاق در راه خدا و هر کار نیک

و خیرمی باشد و نیز شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگارمی گردد در مفهوم وسیع توسل است و هم چنین پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای آن ها ; زیرا همه ءاین ها موجب نزدیکی به ساحت قدس پروردگار می باشد, حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان وصالحان که نشانهء علاقه به آن ها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می باشد, جزء این مفهوم وسیع است . پس به معنی هر چیز است که باعث تقرّب می گردد.

از آیات دیگر قرآن نیز به خوبی استفاده می شودوسیله قرار دادن مقام انسان صالحی در پیشگاه خدا وطلب چیزی از خداوند به واسطهء او, ممنوع نیست و منافات با توحید ندارد. در آیهء ۶۴سورهء نساء آمده است :.

و نیز در آیهء ۹۷سورهء یوسف می خوانیم : برادران یوسف از پدر تقاضا کردند در پیشگاه خداوند برای آن هااستغفار کند و یعقوب نیز این تقاضا را پذیرفت .

در آیهء ۱۱۴سورهء توبه نیز موضوع استغفار ابراهیم در مورد پدرش آمده است که تأثیر دعای پیامبران رادربارهء دیگران تأیید می کند.

از روایات متعددی که از طرق شیعه و سنی در دست داریم , نیز به خوبی استفاده می شود توسل به این معناهیچ گونه اشکالی ندارد, بلکه کار خوبی محسوب می شود. روایات اهل تسنن می گوید: حضرت آدم قبل ازخلقت پیامبر اسلام ۶روی اطلاعی که از آفرینش آن حضرت داشت و به مقام و موقعیت او نزد خداوندمتعال آگاهی یافت می گوید: خداوندا! به حق

محمد۶از تو تقاضا می کنم مرا ببخشی ! و در روایت دیگری دارد:مرد نابینایی تقاضای دعا از پیامبر برای شفای بیماریش کرد و پیغمبر به او دستور داد بگوید: خداوندا! من از تو به واسطهء پیامبر رحمتت تقاضا می کنم و به تو روی می آورم ... خداوندا! او را شفیع من ساز.

اما در منابع شیعه موضوع به قدری روشن است که نیاز به نقل حدیث ندارد.

موضوع مهم قابل توجه این است که : منظور از توسل این نیست که کسی حاجت را از شخص پیامبر یاامامان مستقلاً بخواهد و اگر کسی چنین کند, از فرهنگ اسلام به دور است ; منظور این است که به مقام معصوم در پیشگاه خدا متوسل شود و این در حقیقت توجه به خدا است ; زیرا احترام پیامبر نیز به سبب این است که فرستادهء او بوده و در راه او گام برداشته است .(۱)

پس باید توجه داشت رفتن به حرم امامان و امام زادگان از این جهت که انسان خود را کنارشخص بزرگی قرار می دهد که از نظر معنوی انسان صالح و شایسته و حتی معصوم از گناه است و به خاطر اجر و قربی که نزدخداوند دارد, سعی می کند درخواست خود را به واسطهء این موقعیت مناسب از خداوند بخواهد, این چیزی نیست که هیچ انسان با انصافی آن را مردود بشمارد; البته رفتاری که برخی مسلمانان به ویژه شیعیان انجام می دهند و مستقیماً و مستقلاً از امامان یا امام زادگان حاجت می طلبند, قابل دفاع نیست و کار نادرستی است .

(پاورقی ۱.اقتباس از تفسیر نمونه , ج ۴ ص ۳۶۳ ۳۷۰

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه هامشغول هستند ؟

پرسش

علت

نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه هامشغول هستند ؟

پاسخ

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در حقیقت پیروزی اسلام بر سردمداران کفر جهانی بود و به دنیانشان داد که دین مخصوصاً اسلام می تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و درمقابل قدرت ها بایستد, قدرتمندان سیاسی دنیا مخصوصاً غرب در صدد برآمدند در مقابل این فرهنگ بایستند یا آن را نابود کنند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را از کارایی بیاندازند. در هر مورد هجوم هایی بردند, که امروز نیزبا نوعی مشکل تر و برنده تر, تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی در سطح جهان ادامه دارد.

امروز به اعتباری می توان گفت صاحبان قدرت های برتر نظامی و صنعتی , مغول های ضد فرهنگ عصر حاضر وصلیبیّون قرن اتم اند, اما به جای شیههء اسب ها و برق شمشیرها و غبار سپاه , شیعهء بی امانی است که از حلقوم رادیو وتلویزیون ها بر می آید و بر خیره کننده ای است که از چشم دوربین ها ساطع می شود و غبار عالمگیری است که از موج ماهواره بر می خیزد. ماهواره ها و دکل ها همهء نقاط زمین را هدف بمباران فرهنگی قرار داده و از این طریق تسلطخود را بر رگ و ریشه و مغز انسان ها وارد می کنند. امروز صاحبان قدرت های برتر صنعتی و نظامی در قرن بیستم دجال های عصرند. از هر نای آنان آوازی , همگان را شیفتهء خود کرده , چندان که گاه بسیاری از فرهنگ سازان

رافریفتهء خود می سازد. کسانی که در برابر ظواهر پر جذبهء غرب , خودباخته اند و فرنگ را با فرهنگ یکی دانسته اند,قدر و قیمت فرهنگ اسلام و ایران و اصولاً نقش و تأثیر آن در گذشته و حال را نمی دانند یا اگر اندکی بدانند,احساس حقارتشان در پیشگاه تمدّن صنعتی و تکنیکی غرب و گاه کینه توزی هایی که بعضاً نسبت به فرهنگ و سنن خود داشته و دارند, آنان را از پذیرش حقیقت باز می دارد.

تهاجم فرهنگی به این معنا است که : دشمن مسلمانان می خواهد منابع قدرت آنان را تحت سلطهء خویش قراردهد و از ما اذن و اجازه نمی طلبد و برای وصول به مقصود, حمله و هجوم را آغاز کرده است . هر هجوم و تهاجمی دارای شکل خاص و واجد ابزار ویژه ای است , هم چون ابزار نظامی , اقتصادی , سیاسی و فرهنگی که ابزار فرهنگی گاه به عنوان مقدمه , گاه متمّم و مکمّل به کار برده می شود.

تهاجم فرهنگی یعنی دشمن ابزارهای غیر نظامی و غیر اقتصادی و غیر سیاسی را به کار می گیرد تا افکار و آرای مردم را برای پذیرش هجوم ناگهانی یا نفوذ تدریجی به منظور تصرف و تملّك منابع و منافع مادی و معنوی آنان مهیاکند.

راه های مبازره با تهاجم فرهنگی :

مبارزه با غرب زدگی و روشنفکری غربی : جوانان باید بدانند در انقلاب مشروطیت و دیگر انقلاب ها بزرگ ترین ضربه ای که انقلاب ها و مردم خوردند, از روشنفکر مآبانی بود که دل در گرو غرب و آمریکا داشتند. آنان با نوشتن مقاله ها و تأسیس روزنامه

ها و اهانت به علما و روحانیان و پایین آوردن اعتبار احکام اسلامی , بزرگ ترین ضربه رابر انقلاب مشروطیت و دیگر نهضت ها زدند.

از نوشته های جلال آل احمد چنین بر می آید که : روشنفکر ایرانی وارث بدآموزی های صدر مشروطه بدآموزی های روشنفکران قرن هیجده و نوزده فرنگ است . مخالفت و ضدیّت با مذهب و روحانیت میراثی است از این جمله اینان غالباً در دعوای میان روحانیت و حکومت , طرف حکومت را گرفته اند و آخرین بار در قضیهء ۱۵خرداد۴۲; از قضیهء تحریم تنباکو بگیر تا کشتار بی رحمانهء ۱۵خرداد. در تمام صدسالهء اخیر روشنفکر ایرانی , مردد میان حکومت و مردم و نومید از بی خبری عوام و خسته از تحجّر برخی روحانیون , در آخرین دقایق , طرف حکومت راگرته است .

روشنفکر مآبان همیشه عقدهء نداشتن تأثیر در جامعه و در میان اکثر مردم , آنان را آزار و اذیت و وادار کرده دست به قلم بزنند و با نوشتن و ایجاد شبهه و تردید, دل ها را خالی کنند و به آرزوی دور و دراز دامن بزنند.

روشنفکر غرب زده چون دید در حضور مذهب و علمای دین , کاری از او ساخته و حرفی از او شنیده نیست ,ناچار لامذهبی اش تحریک شد و احکام اسلامی را که بر پایهء قرآن و سنّت نهاده شده است , مورد شک و تردید قرارداد.

اینان به یک جا وابسته نیستند; یک دسته به فرهنگ فرانسه و دستهء دیگر انگلیس , دستهء دیگر امریکا یا به آلمان دل بسته و شیفتهء فرهنگ آنان هستند.

بهایی گری , فراماسونری , کسروی بازی ,

زردشتی بازی , فردوسی بازی , احزاب , مطبوعات , مجامع ادبی وهنری , کلوپ های بولینک و سونادار و جمع کنندهء تفنّن و سیاست و معامله و امثال این ها را می توان پاتوق این گونه روشنفکران دانست . ضدیّت با مذهب و ملیّت و بیگانگی با محیط بومی , از خصایص روشنفکران غرب زده است .(۱)

در تهاجم حساس و سرنوشت ساز فرهنگی , سراغ گروهی از روشنفکران رفتند; آنان که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح حساب شده , استعمارگران را کمک کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه مجری سیاست قدرت ها باشند. استعمارگران ابتدا تعدادی از روشنفکران مزدور را به کار گرفته , حرکت را آغاز کردند,سپس بسیاری از روشنفکران مذهبی بدون توجه به نقشه های شیطانیِ ابر قدرت ها, تنها با احساس مسئولیت برخواسته از داوری های شخصی در برابر کاستی های موجود در جامعهء اسلامی , به این حرکت شیطانی حساب شده دامن زدند و طرح های استعماری زیادی را به کار گرفتند, مانند:

۱ سیاست مذهب علیه مذهب ;

۲ سیاست دین سازی ;

۳ سیاست ایجاد جنگ بین علم و دین ;

۴ سیاست تحقق تفکر التقاطی اختلاط اصول اسلام با دیگر مکاتب مادی و غربی ;

۵ سیاست براندازی دین .

از بُعد سیاست ایجاد تضاد و جنگ بین علم و دین , با روش های فرهنگی و علمی بسیار ظریف و حساب شده ,به محافل دانشگاهی و فرهنگی , تئوری ها و فرضیه های علمی مکاتب غربی و شرقی را به دروس دانشگاهی راه دادند و توسط برخی اساتید روشنفکر, به این طرح و نقشهء شیطانی دامن زدند

که : علم روز مخالف مذهب و مذهب مخالف علم است ! تا بتوانند بر ضد مذهب و روحانیت , دانشجویان را بسیج نمایند.

سیاست تفکر التقاطی توسط روشنفکران مذهبی , به عنوان اسلام و مذهبی نو, متناسب با مکاتب شرق و غرب که هر غربی و هم مسلمان باشیم , هم مذهب بماند و هم غرب پسندانه باشد, هم به مذهبی ها بگویند با شماییم و هم به روی غرب و شرق لبخند بزنند.

اینان نمی دانستند اگر علمای دین و روحانیت و فقهای شیعه را که سنگربان اسلام و انقلاب و کشورند, تضعیف کنند و به انزوا بکشانند, دشمن سود خواهد برد.

برخی از روشنفکران با تز و بعضی با تز جدایی دین از سیاست و برخی با عقیده ء یا و یا و یا و و و مبازره و ایجاد بدبینی با احکام اسلامی , از قبیل , ومبازره با شخصیت های سیاسی و علمی روحانی و مشوّه جلوه دادن آنان در سطح گسترده , از فعالیت های روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی است که خطر بزرگی برای انقلاب و امنیت و استقلال کشور است .

اگر روشنفکران به وحی و قرآن و اصول مسلّم اسلام و معیارهای روشن اجتهاد, آگاهی داشته باشند و دست ازهوی و خود پرستی و غرور بردارند و به دانشمندان و فقها و عالمان متدین ارج بنهند و متوجه توطئه های دشمنان باشند و به مرزهای اسلام و تشیع یورش نبرند و احزاب و گرایش های سیاسی , وحدت و هم دلی و تقوای الهی راحفظ کنند, خواهند توانست در برابر دشمن , سدّی محکم و برای اسلام و کشورشان

مفید باشند و استقلال کشور را که ثمرهء خون هزاران شهید مظلوم و فداکار و زحمات طاقت فرسای علمای دین از سال ها قبل تا کنون بوده , محافظت کنند.(۲)

البته راه های دیگری نیز برای مبارزهء با تهاجم فرهنگی هست , از جمله :

۱ رسیدگی مسئولان به خواسته های فطری و طبیعی جوانان و زمینه سازی ازدواج آنان .

۲ جلوگیری از ورود فیلم ها و عکس های مستهجن و نوارهای مهیج , همان طور که مبارزه با مواد مخدّر یک امرمعقول و پسندیده است .

۳ ایجاد شغل .

۴ توجه جوانان به اشتغال , حتی شغل های مشکل و سخت و بی توجهی به شغل های کاذب و غیر مفید.

۵ توجه و امعان نظر در کلمات امام راحل (ره) و عنایت به وصیّت های ایشان و تبعیت از منویّات رهبر معظم انقلاب . امام (ره) فرمود: .

۶ حفظ تقوا با مطالعهء کتاب های اخلاقی قرائت قرآن , مناجات , رفتن به مساجد و اجتماعات , مطالعهء کتاب های روایی از قبیل اصول کافی , تحف العقول و دیگر کتب مفید.

۷ مطالعهء تاریخ انقلاب ها و علل شکست آن ها و عوامل تسلط بیگانگان .

۸ پرهیز از خواندن نوشته های افراد سیاسی و روشنفکر مآبی که مورد تأیید دشمنان اند.

خداوند ما را از شرور نفسمان و انقلاب اسلامی را از گزند حوادث مصون دارد.

جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟

پرسش

جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟

پاسخ

در دنیای ارتباطات و انفجار اطلاعات خواه ناخواه فرهنگ ها به یکدیگر منتقل شده و امر الگوپذیری تسریع می شود. رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و حتی مطبوعات هر کدام در این مقوله به نوعی سهم دارند.

جوان به اقتضای طبع خود، همان گونه که در این مقطع از دوران زندگی از نظر جسمی درخشنده و زیبا می شود و این را باید از آثار خلقت دانست، در پی زیباطلبی خواهد بود. تشریع ادیان برای جلوگیری از انحراف هایی است که در پی هوی و هوس به وجود می آید و جوان چون بیشتر از دیگران در معرض خطا و لغزش است و باید بیشتر از دیگران از خود مواظبت کند. اگر کسی دارای مبانی اعتقادی قوی باشد و نیز از اصالت خانوادگی برخوردار بوده و به واجبات تن دهد و از محرمات بپرهیزد، در مقابل طوفان حوادث و تهاجم بیگانگان در امان خواهد بود. دنیا از همان ابتدا قابیل و هابیل داشت. قابیل در پی تطمیع نفس و هابیل در پس کسب رضای خدا بود.

پس دنیاطلبی و علاقه مندی به آن، مصدر تمام لغزش ها و بدی ها است و آفت اولیه در وجود انسان از لغزش های خود او شکل می گیرد و نفس برای پذیرش انواع انحراف ها آماده می شود.

اگر جوانی بخواند در مقابل تهاجم فرهنگی مقاومت کند و از شبیخون دشمن نهراسد، لازم است خود را به سلاح تقوا مجهز کند و کمی فکر نماید که نهایت کارش به کجا می انجامد. مرگ را حق بداند و از مردگان عبرت بگیرد.

خوشی های دنیا را لذاتی زودگذر بداند و به

آن دل نبندد. مبانی اعتقادی خویش را تقویت کند و در مجامع معنوی چون مساجد و نماز جماعت حاضر شده و حضور در مراکزی که به تقویت شعائر مذهبی می پردازند، را برای خود لازم بداند و هر تئوری اگر به عمل آمیخته نشود و فقط حرف باشد، نمی تواند سازنده شود. انسان هم به نصیحت احتیاج دارد و هم به عمل. اگر با جوانح و قلب خود پندی را گوش می دهد، باید با جوارح و اعضای خود آن را عملی سازد. اما گفتن این مسائل آسان و عمل سخت است، ولی همراه با امید به این آیه قرآن گوش می دهیم که: "و أنْ لیس للانسان إلّا ما سعی و این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست".(۱)

پی نوشت ها:

۱. نجم (۵۳) آیه ۳۹.

حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟

پرسش

حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟

پاسخ

در مجالس عروسی که نامحرم شما را نبیند، آرایش کردن و بدون حجاب بودن اشکالی ندارد، اما اگر نامحرم شما را ببیند، جایز نیست و قطعاً شما که اهل نماز و ارتباط با خدا هستی، نمی خواهی با عمل خود خدا را از خود ناراضی سازی.

پیوسته در شبانه روز اقلاً ده بار به خدا عرض می کنیم: "ایّاک نعبد و ایّاک نستعین؛ خدایا! عبد و بنده تو هستیم و تنها از تو فرمان می بریم و از تو کمک می طلبیم. آیا لازمه "فقط بنده و مطیع خدا بودن" این نیست که از برخی کارهایی که خواسته هوای نفسانی است و شیطان از آن خوشحال می گردد، ولی خدا آن را ناپسند می داند. پرهیز کنیم؟ آیاخداوند که ارحم الراحمین است و نسبت به بندگان خویش "رئوف و رحیم" است، با امر کردن به رعایت حجاب نزد نامحرم، چیزی جز خیر و سعادت انسان را می خواهد.

برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه های سرسپرده و برخی از جناح های سیاسی... به وجود می آورند، چه باید کرد؟

پرسش

برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه های سرسپرده و برخی از جناح های سیاسی... به وجود می آورند، چه باید کرد؟

پاسخ

برادر بزرگوار از پرسنل فداکار "ناجا" در...Ṣبر شما. از این که با ما مکاتبه نکرده و شبهات خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گزاریم. در این گونه موارد وظیفه این است که :

۱ - با کمال متانت و دقت علمی شبهات را برطرف نموده و تبلیغات مسموم را خنثی کرد.

۲ - اگر امر به معروف و نهی از منکر اثر دارد، ارشاد کرد و از عواقب شوم چنین کاری آگاه ساخت.

۳ - اگر قدرت بر رد شبهات نداشته باشیم و از طرفی بدانیم امر به معروف و نهی از منکر ندارد، شبهات را باید به مراکز علمی فرستاده و پاسخ را دریافت نماید.

اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟

پرسش

اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟

پاسخ

یکی از محرّمات در اسلام غنا و موسیقی مطرب می باشد . هر آن چه که در شرع ممنوع اعلام گردید، مسلّماً به خاطر مفاسد و ضرری بوده که بر ارتکاب آن مترتب می شود، چه بشر به آن فساد رو ببرد یا از آن بی خبر باشد. وقتی انسان معتقد به خدا باشد و باور کند تمام منهیات الهی بر اثر ضرر و مخرّب بودن آن ها حرام گردیده است، قطعاً از انجام معاصی اجتناب می کند و سجده شکر به جا می آورد که خدای مهربان وی را بر آن چه بر ضرر او است، آگاه نموده است. حضرت رضا (ع) فرمود: "گناهان نه تنهادر زندگی بشر مود احتیاج و ضرورت نیست ، بلکه مایه فساد و باعث هلاکت است".[۱۱] خوشبختانه از مدت ها پیش بر اثر پیشرفت علم پزشکی و روان شناسی مضرات غنا و موسیقی معلوم گردید. فلسفه تحریم موسیقی از طرف اسلام برای بشر روشن شده است. ممکن است تصور شود اگر ترانه و موسیقی مطرب زیان بار است، چرا عده ای گوش می دهند؟! جوابش این است که آثار زیان بار موسیقی بر اعصاب آدمی مدتی بعد پیدا می شود و این یکی از عواملی است که مردم نسبت به آن بی اعتنا هستند، همان گونه که مضرات شراب و تریاك و هروئین و سیگار بر همگان معلوم است و در رسانه های گروهی سراسر جهان تقریباً همه روزه از مفاسد این ها مردم را مطلع می کنند، ولی باز ببینید چقدر سیگاری داریم و روز به روز

هم به تعداد سیگاری ها افزوده می شود، چون که ضرر این ها مخصوصاً سیگار دیر آشکار می شود. افزون بر این که گناهان در دنیا مضرند ، در آخرت هم موجب بدبختی آدمی شده و موجب می شود انسان به عذاب دردناک جهنم گرفتار آید. انسان مسلمان با کمی دقت می فهمد خداوند مهربان است و هر چه دستور عبادی داده؛ به نفع خود انسان است و از هر چه نهی کرده، به ضرر خود وی می باشد و اگر از دستور الهی سرپیچی کند، خود را بدبخت نموده است. در این صورت گناهان از جمله گوش دادن موسیقی را ترک می کند و اصلاً مرتکب گناه نمی شود. وقتی سر منشأ اجتناب از گناه اعتقاد به خدا باشد، آدمی از این ترک لذت می برد، چون خود را در حال اطاعت از خدا می بیند و می داند که در مقابل ترک گناه به چه پاداش خوبی خواهد رسید. پس اولین چیزی که به جوانان باید یاد داد، ایمان و اعتقاد پاک است که باور کنند آن چه دستور اسلام است، دقیقاً به نفع شان است و سرپیچی از قوانین الهی مساوی با تبعیت از دشمن آشکار و درجه یک و قسم خورده انسان یعنی شیطان است که تا انسان را به جهنم نیندازد، راضی نمی شود. نیز جوانان می تو انند به جای گوش دادن به ترانه از نوارهای قرآن ، سخنرانی های مذهبی، نوارهای خنده دار، خواندن کتاب، تشکیل جلسات انس با دوستان، ورزش ، رفتن به کوه، بحث های علمی و تفریحات سالم دیگر استفاده نمایند.

[۱۱] محمد تقی فلسفی، کودک، ج

۱، ص ۱۴.

چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مَحْرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟

پرسش

چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مَحْرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟

پاسخ

صدا و سیما در موقعیتی قرار دارد که اگر درست عمل کند می تواند تأثیر بسیار مثبتی در دین و فرهنگ و ترقی جامعه داشته باشد و چنان چه درست عمل ننماید برای جامعه مخرّب و زیان بار است. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: "صدا و سیما دستگاهی است که با صحت آن مردم صحیح می شوند، و با فساد آن فاسد. ما می توانیم به وسیله صدا و سیما اسلام را همان طور که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی شود مورد قبول همه خواهد شد".۱۴

به نظر می رسد باید مردم انقلابی و مؤمن جامعه اسلامی اعتراض خود را نسبت به بعضی از برنامه های تلویزیون با صلاح دید علمای محل و توسط امام جمعه های محترم به سمع مبارک مقام معظم رهبری برسانند تا ایشان اقدام لازم را بفرمایند. امیدواریم خدای مهربان همه ما را در راه اسلام ثابت قدم و قدر دان خون پاک شهیدان گلگون کفن و ناله های جانکاه جان بازان در بستر افتاده انقلاب و زحمات طاقت فرسای امام راحل(ره) قرار بدهد.

۱۴ امام خمینی(ره)، صحیفه نور ج ۱۸، ص ۲۴۲ - ۲۴۷.

وظیفه جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟

پرسش

وظیفه جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟

پاسخ

در برابر تهاجم فرهنگی دشمن آحاد جامعه، به ویژه نسل جوان وظایف سنگینی دارند که عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت: قرآن مجید رمز موفقیت و برتری جامعه انسانی را ایمان به خدا می داند و می فرماید: "انتم الا علون ان کنتم مؤمنین؛ شما برترید اگر مؤمن باشید".۹

۲- هوشیاری در مقابل انحراف معنوی: قرآن مجید دو عامل برای گمراهی و انحراف عمومی ذکر کرده است: "فخلف من بعد هم خلف اضاعوا الصلاه واتّبعوا الشهوات".۱۰ یکی دور شدن از ذکر خدا و نماز و دیگری پیروی از شهوات. جوانان باید در برابر هجوم فرهنگی دشمن از ارزش های اسلامی دفاع کنند و به معنویت روی آورند.

۳- احیای امر به معروف و نهی از منکر: قوام حکومت اسلامی و پیشگیری از تبلیغات مسموم دشمن بستگی به انجام این فریضه خطیر دارد امام علی(ع) می فرماید: اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید اشرار بر شما مسلط می شوند و هر چه دعا کنید خداوند دعایتان را مستجاب نمی گرداند.۱۱

۴- استقلال فرهنگی: جوانان باید با تکیه بر فرهنگ بومی واعتقادات مذهبی خود را از هجوم فرهنگ وارداتی دشمن حفظ نمایند و با خود باوری و استقلال فکری از تقلید کورکورانه اجتناب ورزند.

۵- آشنایی با ترفند دشمن: راه اساسی برای مقابله با توطئه های دشمن شناخت شیوه ها و نقشه های آنان است. امام صادق(ع) می فرماید: "العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که به زمان خود آشنا باشد مشکلات بر او غالب نخواهد شد".۱۲

دشمن هرگز در لباس دشمنی ظاهر نمی

شود، بلکه با نفاق و دورویی و شایعه پراکنی و دلسر کردن مردم می کوشد اهداف خود را تأمین نماید.

۹ آل عمران (۳) آیه ۱۳۹.

۱۰ مریم (۱۹) آیه ۵۹.

۱۱ بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸.

۱۲ همان، ج ۷۸، ص ۲۶۹.

ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهــده می کنیم؟

پرسش

ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهده می کنیم؟

پاسخ

راه مقابله با تهاجم فرهنگی، نخست مقاومت فرهنگی به منظور بی اثر کردن کار دشمن و به زانو در آوردن مهاجم است تا به فرار ذلیلانه مجبور گردد. سپس باید از یک سو به تعقیب دشمن فراری پرداخت و با شوک های فرهنگی، علمی، تبلیغاتی و سیاسی، زمینه فروپاشی قدرتش را فراهم ساخت؛ از سویی دیگر به خانه تکانی افکار و پاک نمودن دل ها از رسوبات فرهنگ بیگانه و جایگزین کردن فرهنگی دینی و ملّی اقدام نمود. رمز موفقیت در مقاومت فرهنگی، شناخت فرهنگی خودی و پدیده های اصولی آن و عملیاتی کردن آن است.

روش های مقاومت فرهنگی

روش های تربیتی اسلام که موجب پرورش انسان آگاه، مؤمن و متعادل می شوند، هم چنین تمامی شیوه هایی که سبب سالم سازی و پایداری جامعه اسلامی می گردند، در زمره روش های مقاومت فرهنگی محسوب می شوند.

مصون سازی، بهترین شیوه مقابله با تهاجم فرهنگی

در تهاجم فرهنگی، عقاید و اخلاق ملت، به خصوص نسل جوان آن مورد هجوم قرار می گیرد در برنامه ریزی مقاومت فرهنگی برای مقابله با هجوم بیگانگان باید به دنبال مصون سازی جوانان و دانش آموزان در برابر تهاجمات بود.

مصون سـازی وابسـته به خود آ گـاهی است. جمع آوری آنتن هـای مـاهواره ای، فیلم ها و نوارهای مبتـذل و سـیار مظاهر فساد امری لازم است که از طرف مسئولان باید دنبال شود، امّا کافی نیست. باید گیرنده های درونی و فکری ضعیف را جمع آوری نمود و به جای آن گیرنده های قوی و فکری مقابله گر و مهاجم

دشمن شناس و دشمن ستیز نصب کرد.

بنیادی ترین روش مقاومت فرهنگی

بنیادی ترین روش مقاومت فرهنگی، گسترش شناخت معارف اسلامی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است. فرد خداشناس و خداباور به خود آگاهی و خود باوری می رسد. چنین فردی مفتون و مرعوب فرهنگ الحادی و هوس گرایانه بیگانه نمی شود.

سایر راه کارهای مقابله با هجوم فرهنگی بیگانگان

پناه بردن به قرآن و آشنایی با معانی و پیام های آن، تمسک به ولایت ائمه(ع) و برقراری ارتباط روحی و معنوی با آنان از راه آشنایی با روایات و احادیث و زیارت و توسل به آنان، آشنا شدن باتجلی دین و دین باوری در صحنه های مختلف انقلاب اسلامی به ویژه صحنه های جاویدان هشت سال دفاع مقدس، و مطالعه خاطرات رزمندگان و ایثارگران و آزادگان، مطالعه وصیت نامه شهدا، و بالاخره خلوت کردن با خدا و راز و نیاز با او و در نظر آوردن خداوند در همه احوال از جمله عواملی است که دین و باورهای دینی را در درون انسان نهادینه میکنند و جوان را به خودآگاهی و خود باوری می رسانند. انسان خودآگاهی که توانایی های ذاتی و مفاخر دینی و ملّی خویش را باور دارد و از اعتماد به نفس برخوردار است، نه تنها در برابر پیام های مهاجمان تسلیم نمی شود، بلکه آن پیام ها را علیه آنان به کار می گیرد. آگاه کردن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی و استفاده از شیوه های تهاجمی مانند فیلم و کتاب و رمان، نیز تولید فکر و اندیشه و حضور فعال در عرصه فرهنگ و هنر، هم چنین رفع بیکاری و فقر و اشتغال به کارهای مفید و مناسب و بسط عدالت اجتماعی

از شیوه های مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان است.

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پرسش

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پاسخ

منظور از روش های کنونی در سؤال روشن نیست. مسلّم است تهاجم فرهنگی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. مقابله با آن نیز کاری ساده و کوتاه مدت نیست، بلکه به عوامل مختلفی بستگی دارد. از آن جا که دشمن از ترفندهای جدیدی استفاده می کند، مقابله با آن نیز باید متناسب با ابزارهای تهاجمی باشد و یک روش ثابت و غیر قابل تغییر در مقابله با آن وجود ندارد، بلکه می تواند روش ها متناسب با تهاجم متغیر باشد.

در این باره همه جامعه با تمام امکانات باید به دنبال خنثی کردن تهاجم فرهنگی باشند. از سوی دیگر هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب را در برنامه قرار دهند و همیشه در مقابل دشمن موضع انفعالی نگیرند. این امر با ترویج ارزش های اسلامی از راه فیلم، نمایشنامه ، کتاب ، رمان و آثار هنری حاصل می شود.

علاوه بر آن باید زمینه های تهاجم فرهنگی را از بین برد، مانند بیکاری ، فقر، بی عدالتی و موانع ازدواج و مسکن جوانان.

به نظر می رسد با وجود همه تلاش هایی که ارگان های مختلف در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی داشته اند، این اندازه کفایت نمی کند ، چون آن چه واقع شده، دفع تهاجم بوده و حالت انفعالی داشته است. دستگاه های فرهنگی اعم از آموزش و پرورش ، آموزش عالی، صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه های تبلیغاتی مانند سازمان تبلیغات و رسانه های گروهی و روزنامه ها باید به طور ریشه ای و اصولی، فرهنگ

بومی و خودی را با استفاده از روش های مدرن معرفی کنند و ایمان و خداباوری را در بین نسل جوان نهادینه نمایند، نیز چهره واقعی فرهنگ غرب را بشناسانند و با ارتباط صمیمی با جوانان ، از مشکلات آگاه گردند، همچنین برای رویارو یی با تنگناها چاره جویی نمایند و فرهنگ غنی اسلامی را به رخ جهانیان بکشانند

در عین حال باید حجم گسترده تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن را نیز در نظر داشت که مقابله با آن کار ساده و اسانی نخواهد بود . البته کارهای صورت گرفته را نیز با توجه به موانع موجود نباید کوچک و حقیر دانست.

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پرسش

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پاسخ

تأثیر فرهنگ در جوامع یک طرفه نیست، یعنی فقط غربی ها بتوانند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار دهند، ولی ما نتوانیم و شواهدی در دست است که انقلاب اسلامی ایران به رغم رویارویی با توطئه های پی در پی در مقابل چشمان بهت زده تحلیل گران، تأثیر شگفت آور خود را در جهان داشته است. حیات مجدد کلیساها، افزایش بی سابقه مبلّغان مذهبی ، استقبال وسیع مردم از آثار صوتی و تصویری و مکتوب دینی، افزایش مخالفت های مردمی با پرده دری های اخلاقی ، بخشی از نشانه های تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در غرب می باشد.(۱)

این مسئله حتی از طرف مخالفان اسلام و انقلاب ایران مانند هانیتگتون (نظریه پرداز جنگ تمدن ها) مورد اعتراف قرار گرفته است. رشد روز افزون اسلام در غرب دلیل دیگر بر تأثیر انقلاب اسلامی و تبلیغات ما می باشد.

شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا با بیان این مطلب که دین اسلام با سرعتی فراتر از ادیان دیگر در حال گسترش است . اعلام نمود :"رشد اسلام در جوامعی که اکثریت آنان را مسیحیان تشکیل می دهند، باعث شده تا صاحب نظران آن جوامع از نوعی رنسانس اسلامی سخن به میان آورند".(۲)

نویسنده غربی در مقاله خود می نویسد : "اسلام به بمب ساعتی تبدیل شده است".(۳) برای مطالعه بیش تر در این باره به کتاب عصر امام خمینی از آقای صاحبی را پیشنهاد می کنیم.

غرب به دلیل اثرگذاری انقلاب اسلامی ، بودجه های هنگفتی را برای رویارویی با انقلاب و تهاجم فرهنگی در سطح گسترده

در نظر گرفته است و این طور وانمود می شود که آن ها موفق ترنـد، در حالی که اگر هوشـیارانه عمل کنیم، با توجه به برتری اسـلام و معارف بلنـد و بی نظیر قرآن و پشـتوانه عقلی و فطری مسـلمانان و وعـده تخلف ناپذیر الهی، پیروزی از آن ما خواهد بود.

واقعیت آن است که غرب به دلیل عواملی توانسته بر جوامع دیگر به ویژه ملت های مشرق و جهان سوم چیر گی یابد و به یاری تسلط خویش ، فرهنگ خود را نیز در آن جوامع نفوذ داده و گسترش دهد.

هانتینگتون معتقـداست : "پیروزی غرب بر جهان ناشـی از برتری اندیشه ها ، ارزش ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود".(۴)

وی می افزاید: "عواملی که باعث گسترش فوق العاده و منحصر به فرد سلطه غرب شد، از این قرار بود:

۱ - ساختار اجتماعی و روابط طبقاتی موجود در غرب

۲ - رشد شهرها و گسترش تجارت

۳ - پراکندگی نسبی قدرت در جوامع غربی

۴ - ایجاد نظام اداری کشوری

۵ - رشد فن آوری

۶ - اختراع عوامل حمل و نقل دریایی

۷ - بسط ظرفیت های نظامی برای تصرف سرزمین ها".(۵)

امکانات گسترده دشـمن و تأسیس سایت های متعدد و استفاده از ماهواره و ابزارهای تبلیغاتی ، نیز جذابیت ظاهری برنامه های فرهنگی آنان و انگشت نهادن بر نیازهای غریزی انسان ها ، همچنین مقید نبودن به حدود و مرزهای اخلاقی و توسل جسـتن به شیوه هـای نـاجوانمردانه و مزوّرانه ، نیز شـایعه و دروغ پردازی و تخریب شخصـیت بزرگان باعث شـده فرهنگ غرب، خود را بیش

تر مطرح کند . البته نباید ضعف و سستی مسلمانان و تفرقه موجود میان کشورهای اسلامی را نادیده گرفت.

وضع نابسامان موجود هوشیاری ما را می طلبد . اگر خود را آماده رویارویی با فرهنگ بیگانه نکنیم و اختلافات را کنار نزنیم، به شدت آسیب پذیر می شویم اما اگر به هویت ملی و اسلامی خود برگردیم، به فرمایش قرآن، حق ماندنی و جاودان است و باطل زوال پذیر.

پی نوشت ها :

۱ – میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی ، ص ۴ – ۳۶۳.

۲ – همان، ص ۳۷۲.

۳ – همان، ص ۳۷۳.

۴ – محمد رضا شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۱۵۵.

۵ – همان.

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پرسش

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پاسخ

منظور از روش هـای کنونی در سؤال روشن نیست. مسلّم است تهاجم فرهنگی از پیچیـدگی خاصـی برخوردار است. مقابله با آن نیز کـاری سـاده و کوتـاه مـدت نیست، بلکه به عوامـل مختلفی بسـتگی دارد. از آن جـا که دشـمن از ترفنـدهای جدیـدی استفاده می کنـد، مقـابله بـا آن نیز بایـد متناسب با ابزارهای تهاجمی باشـد و یک روش ثابت و غیر قابل تغییر در مقابله با آن وجود ندارد، بلکه می تواند روش ها متناسب با تهاجم متغیر باشد.

در این باره همه جامعه با تمام امکانات بایـد به دنبال خنثی کردن تهاجم فرهنگی باشـند. از سوی دیگر هجوم فرهنگی بر ضـد فرهنگ غرب را در برنامه قرار دهنـد و همیشه در مقابل دشـمن موضع انفعالی نگیرند. این امر با ترویج ارزش های اسـلامی از راه فیلم، نمایشنامه ، کتاب ، رمان و آثار هنری حاصل می شود.

علاوه بر آن باید زمینه های تهاجم فرهنگی را از بین برد، مانند بیکاری ، فقر، بی عدالتی و موانع ازدواج و مسکن جوانان.

به نظر می رسد با وجود همه تلاش هایی که ارگان های مختلف در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی داشته اند، این اندازه کفایت نمی کند ، چون آن چه واقع شده، دفع تهاجم بوده و حالت انفعالی داشته است. دستگاه های فرهنگی اعم از آموزش و پرورش ، آموزش عالی، صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه های تبلیغاتی مانند سازمان تبلیغات و رسانه های گروهی و روزنامه ها باید به طور ریشه ای و اصولی، فرهنگ

بومی و خودی را با استفاده از روش های مدرن معرفی کنند و ایمان و خداباوری را در بین نسل جوان نهادینه نمایند، نیز چهره واقعی فرهنگ غرب را بشناسانند و با ارتباط صمیمی با جوانان ، از مشکلات آگاه گردند، همچنین برای رویارو یی با تنگناها چاره جویی نمایند و فرهنگ غنی اسلامی را به رخ جهانیان بکشانند

در عین حال باید حجم گسترده تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن را نیز در نظر داشت که مقابله با آن کار ساده و اسانی نخواهد بود . البته کارهای صورت گرفته را نیز با توجه به موانع موجود نباید کوچک و حقیر دانست.

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟

پرسش

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟

پاسخ

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در حقیقت پیروزی اسلام بر سردمداران کفر جهانی بود و به دنیانشان داد که دین مخصوصاً اسلام می تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و درمقابل قدرت ها بایستد, قدرتمندان سیاسی دنیا مخصوصاً غرب در صدد برآمدند در مقابل این فرهنگ بایستند یا آن را نابود کنند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را از کارایی بیاندازند. در هر مورد هجوم هایی بردند, که امروز نیزبا نوعی شدیدتر و برنده تر, تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی ادامه دارد.

امروز به اعتباری می توان گفت صاحبان قدرت های برتر نظامی و صنعتی , مغول های ضد فرهنگ عصر حاضر وصلیبیّون قرن اتم اند, اما به جای شیهه اسب ها و برق شمشیرها و ، شیهه بی امانی است که از حلقوم رادیو وتلویزیون ها بر می آید و بر خیره کننده ای است که از چشم دوربین ها ساطع می شود و غبار عالمگیری است که از موج ماهواره ها بر می خیزد. ماهواره ها و دکل ها همهء نقاط زمین را هدف بمباران فرهنگی قرار داده و از این طریق تسلط خود را بر رگ و ریشه و مغز انسان ها وارد می کنند.

امروز صاحبان قدرت های برتر صنعتی و نظامی در قرن بیستم دجال های عصرند. از هر نای آنان آوازی , همگان را شیفته خود کرده , چندان که گاه بسیاری از فرهنگ سازان رافریفته خویش می سازد. کسانی که در برابر ظواهر پر جذبهء غرب , خودباخته

انـد و فرنگ را با فرهنگ یکی دانسـته انـد,قـدر و قیمت فرهنگ اسـلام و ایران و اصولاً نقش و تأثیر آن در گذشـته و حال را نمی داننـد یا اگر انـدکی بداننـد,احساس حقارتشان در پیشـگاه تمدّن صـنعتی و تکنیکی غرب و گاه کینه توزی هایی که گاه نسبت به فرهنگ و سنن خود داشته و دارند, آنان را از پذیرش حقیقت باز می دارد.

تهـاجم فرهنگی به این معنا است که : دشـمن می خواهـد منابع قـدرت مسـلمانان را تحت سـلطهء خویش قراردهـد ، از این رو برای وصول به مقصود خود, حمله و هجوم را آغاز کرده است .

هر هجوم و تهـاجمی دارای شـکل خـاص و ابزار ویژه ای است , همچون ابزار نظـامی , اقتصادی , سیاسـی و فرهنگی که ابزار فرهنگی گاه به عنوان مقدمه , گاه متمّم و مکمّل به کار برده می شود.

تهـاجم فرهنگی، یعنی دشـمن ابزارهـای غیر نظـامی و غیر اقتصـادی و غیر سیاسـی را به کار می گیرد تا افکار و آرای مردم را برای پذیرش هجوم ناگهانی یا نفوذ تدریجی به منظور تصرف و تملّک منابع و منافع مادی و معنوی آنان مهیاکند.

راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی :

مبارزه با غرب زدگی و روشـنفکری غربی : مردم مخصوصاً جوانان باید بدانند در انقلاب مشروطیت و دیگر انقلاب ها بزرگ ترین ضـربه ای که انقلاب ها و مردم خوردند, از روشـنفکر مآبانی بود که دل در گرو غرب و آمریکا داشـتند. آنان با نوشـتن مقـاله هـا و تأسـیس روزنـامه هـا و اهـانت به علمـا و روحـانیون و پایین آوردن اعتبار احکام اسـلامی , بزرگ ترین ضـربه رابر انقلاب مشروطیت

و دیگر نهضت ها زدند.

از نوشته های جلال آل احمد بر می آید: روشنفکر ایرانی وارث بدآموزی های صدر مشروطه بدآموزی های روشنفکران قرن هیجده و نوزده فرنگ است . مخالفت و ضدیّت با مذهب و روحانیون است. از این رو روشنفکران غالباً در دعوای میان روحانیت و حکومت , طرف حکومت را گرفته اند. آخرین بار در قضیهء ۱۵خرداد۴۲؛ از قضیهء تحریم تنباکو بگیر تا کشتار بیرحمانهء ۱۵خرداد. در تمام صدسالهء اخیر روشنفکر ایرانی , مردد میان حکومت و مردم و نومید از بی خبری عوام و خسته از تحجّر برخی روحانیون , در آخرین دقایق , طرف حکومت راگرفته است .

روشنفکر مآبان همیشه عقدهء نداشتن پایگاه در جامعه و میان اکثر مردم , آنان را آزار و اذیت نموده) و وادار کرده دست به قلم بزنند و با نوشتن و ایجاد شبهه و تردید, دل ها را خالی کنند و به آرزوی دور و دراز دامن بزنند.

روشنفکر غرب زده چون دید در حضور مذهب و علمای دین , کاری از او ساخته و حرفی از او شنیده نیست ,ناچار لامذهبی اش تحریک شد و احکام اسلامی را که بر پایهء قرآن و سنّت نهاده شده است , مورد شک و تردید قرارداد.

اینان به یک جا وابسته نیستند; یک دسته به فرهنگ فرانسه و دستهء دیگر انگلیس , دستهء دیگر امریکا یا به آلمان دل بسته و شیفتهء فرهنگ آنان هستند.

بهایی گری , فراماسونری , کسروی بازی , زردشتی بازی , فردوسی بازی , حزب گرایی مطبوعات , مجامع ادبی وهنری , کلوپ های بولینک و سونادار و جمع کنندهء تفنّن و سیاست

و معامله و امثال این ها را می توان پاتوق این گونه روشنفکران دانست . ضدیّت با مذهب و ملیّت و بیگانگی با محیط بومی , از خصایص روشنفکران غرب زده است .(۱)

ابر قدرت ها در تهاجم حساس و سرنوشت ساز فرهنگی , سراغ گروهی از روشنفکران رفتند; آنان که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح حساب شده , استعمارگران را کمک کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه مجری سیاست قدرت ها باشند. استعمارگران ابتدا تعدادی از روشنفکران مزدور را به کار گرفته , حرکت را آغاز کردند,سپس بسیاری از روشنفکران مذهبی بدون توجه به نقشه های شیطانیِ ابر قدرت ها, تنها با احساس مسئولیت برخاسته از داوری های شخصی در برابر کاستی های موجود در جامعهء اسلامی , به این حرکت شیطانی حساب شده دامن زدند و طرح های استعماری زیادی را به کار گرفتند, مانند:

۱ سیاست مذهب علیه مذهب ;

۲ سیاست دین سازی ;

۳ سیاست ایجاد جنگ بین علم و دین ;

۴ سیاست تحقق تفکر التقاطی اختلاط اصول اسلام با دیگر مکاتب مادی و غربی ;

۵ سیاست براندازی دین .

از بُعد سیاست ایجاد تضاد و جنگ بین علم و دین , با روش های فرهنگی و علمی بسیار ظریف و حساب شده ,به محافل دانشگاهی و فرهنگی , تئوری ها و فرضیه های علمی مکاتب غربی و شرقی را به دروس دانشگاهی راه دادند و توسط برخی اساتید روشنفکر, به این طرح و نقشهء شیطانی دامن زدند که : علم روز مخالف مذهب و مذهب مخالف علم است ! تا بتوانند بر ضد مذهب و روحانیون , دانشجویان را

بسیج نمایند.

سیاست تفکر التقاطی توسط روشنفکران مذهبی , به عنوان اسلام و مذهبی نو, متناسب با مکاتب شرق و غرب که هم غربی و هم مسلمان باشیم , هم مذهب بماند و هم غرب پسندانه باشد, هم به مذهبی ها بگویند با شماییم و هم به روی غرب و شرق لبخند بزنند.

اینان نمی دانستند اگر علمای دین و روحانیت و فقهای شیعه را که سنگربان اسلام و انقلاب و کشورند, تضعیف کنند و به انزوا بکشانند, دشمن سود خواهد برد.

برخی از روشنفکران با تز <اصالت خرد و اندیشه > و بعضی با تز جدایی دین از سیاست و برخی با عقیده ء<قداست روحانیت به این است که در کارهای مملکت دخالت نکنند> یا <بازسازی دین > و یا <هر چه علما از دین می فهمند, برداشت های خودشان می باشد و غیر از دین است > و یا <دین و شریعت , معرفت بشری است و هر روز در حال تغییر و دگرگونی است ; پس می توان با توجه به ضرورت های زمان , شریعت را قبض و بسط نمود و مطابق فرهنگ روز, شریعت اسلامی را بازسازی کرد> و <دین نه تنها افیون ملت ها, بلکه دولت ها است > و <دوران دین سپری شده >و مبازره و ایجاد بدبینی با احکام اسلامی , از قبیل <لا-یحهء قصاص , انسانی نیست >, <هم جنس گرایی و خودارضایی جنسی (آنانیسم) یک ضرورت برای نسل جوان است و آن چه در رساله های عملیه آمده , مبنای علمی ندارد> ومبازره با شخصیت های سیاسی و علمی روحانی و مشوّه جلوه دادن آنان در

سطح گسترده , از فعالیت های روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی است که خطر بزرگی برای انقلاب و امنیت و استقلال کشور است .

اگر روشنفکران به وحی و قرآن و اصول مسلّم اسلام و معیارهای روشن اجتهاد, آگاهی داشته باشند و دست ازهوی و خود پرستی و غرور بردارند و به دانشمندان و فقها و عالمان متدین ارج بنهند و متوجه توطئه های دشمنان باشند و به مرزهای اسلام و تشیع یورش نبرند و احزاب و گرایش های سیاسی , وحدت و همدلی و تقوای الهی راحفظ کنند, خواهند توانست در برابر دشمن , سدّی محکم و برای اسلام و کشورشان مفید باشند و استقلال کشور را که ثمرهء خون هزاران شهید مظلوم و فداکار و زحمات طاقت فرسای علمای دین از سال ها قبل تا کنون بوده , محافظت کنند.(۲)

البته راه های دیگری نیز برای مبارزهء با تهاجم فرهنگی هست , از جمله :

۱ رسیدگی مسئولان به خواسته های فطری و طبیعی جوانان و زمینه سازی ازدواج آنان .

۲ جلوگیری از ورود فیلم ها و عکس های مستهجن و نوارهای مهیج , همان طور که مبارزه با مواد مخدّر یک امرمعقول و پسندیده است .

۳ ایجاد شغل .

۴ توجه جوانان به اشتغال , حتی شغل های مشکل و سخت و بی توجهی به شغل های کاذب و غیر مفید.

۵ توجه و دقت نظر در کلمات امام راحل (ره) و عنایت به وصیّت های ایشان و پیروی از منویّات رهبر معظم انقلاب . امام (ره) فرمود: <پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت آسیبی نرسد>.

۶ حفظ تقوا با مطالعهء کتاب های اخلاقی

قرائت قرآن , مناجات , رفتن به مساجد و اجتماعات , مطالعهء کتاب های روایی از قبیل اصول کافی , تحف العقول و دیگر کتب مفید.

۷ مطالعهء تاریخ انقلاب ها و علل شکست آن ها و عوامل تسلط بیگانگان .

۸ پرهیز از خواندن نوشته های افراد سیاسی و روشنفکر مآبی که مورد تأیید دشمنان اند.

خداوند ما را از شرور نفسمان و انقلاب اسلامی را از گزند حوادث مصون دارد.

پی نوشت ها :

۱.جلال رفیع , فرهنگ و مهاجم فرهنگ مولّد, ص ۱۹۲به بعد, با تلخیص و تصرف .

۲ . محمد دشتی , مذهبی روشنفکری , با تلخیص و تصرف .

در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

تمامی مطالبی که در نامه به آن اشاره کرده اید، همان طور که خود یادآور شده اید، خنده آور است و برخاسته از عادات موهوم و خرافات بیهوده ای می باشد که نه مبنای عقلی و نه مبنای شرعی دارد، بلکه مستند به عملی است که از گذشتگان به یادگار مانده است. این صفات را می توان حالت دین جویی انحرافی مردم دانست.

مردم آن منطقه با این کارها بی جهت خود را مشغول کرده و از اهداف اصلی زندگی شان بازمانده اند.

مطالب ذکر شده انسان را به یاد سخنان بیهوده و خرافی پیش از اسلام می اندازد . عربستان برای بارش باران چوب های درخت را به دم گاو می بستند، گاو را به بالای کوه می راندند، سپس چوب ها را آتش می زدند، وقتی چوب ها شعله ور می شد، گاو بر اثر سوختگی شروع به دویدن و نعره زدن می کرد. آنان این عمل غیر انسانی جاهلانه را به عنوان تشبیه به رعد و برق آسمان انجام می دادند! شعله را به جای برق و نعره گاو را به جای رعد می پنداشتند و این عمل را در بارش باران مؤثر می دانستند! (۱) تاریخ پیش از اسلام پر است از این مسائل بیهوده.

اسلام در آغاز ظهور با تمام قدرت با این شیوه های غلط به مبارزه برخاست و درصدد برآمد فکر مردم را از اوهام و خرافات و

عقاید بی اساس برهاند و آنها را به پیروی از عقل و منطق متوجه سازد.

متأسـفانه برخی اوهام و خرافات طوری در اذهان بعضـی مردم رسوخ می کنـد و آنها را اسیر می نماید که به سـختی می توان آنهـا را برطرف کرد. از این رو بر مبلّغان اسـلام و آگاهان لازم است مردم را در مناسـبت های مختلف با مسائل اسـلامی آشـنا کننـد و به آنـان بگوینـد که بنـده حقیقت باشـند، نه بنـده افسـانه و خرافـات . نیز موهومـات و خرافات را از ذهنشان بزداینـد و افکارشـان را به حقایق نورانی اسـلام روشن کننـد. در اسـلام تمامی دسـتورها و آداب مربوط به زنـدگی بشـر (که به آن نیاز دارنـد) وجود دارد . می باید به آنان فهمانده شود زنده کننده و میراننده فقط خدا است و سـعادت و خوشـبختی تنها در پیروی از دستورهای خدا و پیغمبر و امامان معصوم است.

گاهی برخی از حوادث اتفاق می افتـد که انسان های خیال پرداز و خرافی آنها را به چیزهای خاصـی نسبت می دهنـد ، مانند همـان داسـتان مسـافرت یـک روز به عیـد مانـده، در حـالی که چیزی جز خرافات نیست. هزاران انسان یک روز مانـده به عید مسافرت می کنند، اما برای آنها اتفاقی نمی افتد یا اگر تصادفی پیش آید، مانند روزهای دیگر سال است.

بسـیاری از موارد ، مطابق عقیده خرافی نمی باشد اما انسان های خرافی هیچ گاه توجه نمی کنند و تنها یک مورد (که آن هم دلیل خاص و منطقی دارد) وقتی اتفاق می افتد، آن را به عقیده خرافی خود ربط می دهند.

گاهی اوقات مردم مناطق مختلف دنیا یا حتی یک کشور، عقاید خرافی متضاد دارند، مثلاً یکی حادثه ای را شوم

می پندارنـد و دیگری خوب و نیـک! این نیز نشانه آن است که چیزی جز خرافات نیست؛ زیرا چگونه می توانـد هر دو عقیـده ناهمگون و متضاد درست باشد، در حالی که قانون علیت و سنت الهی در همه دنیا و

جهان هستی به یک صورت عمل می کند؟!

پی نوشت ها :

۱ – فروغ ابدیت، ج۱، ص ۵۹.

۲ – مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج۵، ص ۱۰۹.

۲۱

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

۱ شناختن ارزشها و ضدّ ارزشها از دیدگاه اسلام و نظر فقه و فقها و تمسّک محکم و ثابت به انجام ارزشها و ترک ضدّ ارزش ها و به عبارت دیگر معیار قراردادن تعالیم مأخوذه از فقه جواهری در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و تنظیم کلّ روابط بر اساس راهنماییهای فقهی.

۲ تبلیغ و ترویج و تشویق همگان بر محافظت بر این ارزشها به وسیله سخنرانیها و مطبوعات و جراید و همه رسانه های گروهی.

۳ نشان دادن عکس العملهای منفی مناسب نسبت به برنامه ها و افرادی که این ارزشها را هتک و به قداستهای اسلامی آنها بی اعتنایی می نمایند و یا ضدّ ارزشـها را به کار می گیرند ونیز نشان دادن عکس العملهای مثبت و تحسین برانگیز نسبت به بانوان و مردانی که ارزشها و آداب اسلامی را احترام می نمایند و به آنه متعهّدند.

۴ تأکیـد بر اسـلامی بودن نظام آموزش و پرورش و تربیت جوانان بر اساس هدایتهای عالی اسـلام و گزینش اساتید و دبیران و آموزگاران شایسته و متعهّد و مؤمن به فرهنگ اسلام.

۵ سـالم سـاختن محیط گردشـگاهها و پارکها و فرهنگسـراها از ظواهر مخرّب اخلاق، مثل: ارکستر و موسـیقی و اختلاط زن و مرد و بد آموزیهای مختلف.

۶ ترویج فرهنگ استقلال و اعتماد به نفس و تجلیل از شعائر اسلام و تحقیر وابستگی به کفّار و تقلید از آداب و عادت آنها.

۷ تبیین و تبلیغ مفاسد مکتبهای مضرّه و فرهنگهای مادّی و ضدّ ایمان به خدا و اصالت اخلاق و معنویّات و مضار مدنیّت منهای دین، و پوچی و پوسیدگی آن و ارشاد همگان، خصوصاً دانشجویان، به

فواید و مصالح اسلام گرایی و تعهّد دینی و کمالات حقیقی انسانی.

۸ نشر و تبلیغ سیره انبیا، خصوصاً سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السلام و دعوت به تأسّی به آن بزرگواران در مظاهر زندگی.

۹ بیان و تفهیم این حقیقت ناب، خصوصاً به جوانان که مدنیّت صناعی غرب معلول بی ایمانی و بی اعتنایی آنها به مبانی اخلاقی نیست و توجّه به ترقّی صنعتی و کسب علوم مادّی با تمسّک به دین و اخلاق در کمال توافق و سازگاری بوده و بلکه مکمّل یکدیگرند؛ و سعادت حقیقی برای جمیع افراد بشر در سایه کمال او و در این دو ناحیه فراهم خواهد شد. و استفاده درست و صحیح از علم و صنعت و همه نعمتهای مادّی به طوری که موجب ظلم و تظلّم و استضعاف و استکبار نشود، فقط در پرتو ایمان به خدا و اخلاق حقیقی حاصل خواهد شد.

۱۰ بالاخره با پشتیبانی همه، به خصوص صاحبان مقامات و علمای اعلام و ارباب سخن و اهل قلم و سایر اقشار و مؤمنین از فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، و نظارت بر اجرای احکام الله و سدّ ابواب ورود فرهنگ بیگانه، به طوری که هر مسلمان آگاه و متعهّد، همه جریانها و سازمانها و مطبوعات و نوشته ها و کتابها و رسانه های گروهی و سیره و روش و تمام مقامات و رفت و آمدها و کیفیّت برخوردها را در رابطه با این تهاجم فرهنگی زیرنظر داشته باشد.

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

۱ شناختن ارزشها و ضدّ ارزشها از دیدگاه اسلام و نظر فقه و فقها و تمسّك محکم و ثابت به انجام ارزشها و ترك ضدّ ارزش ها و به عبارت دیگر معیار قراردادن تعالیم مأخوذه از فقه جواهری در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و تنظیم کلّ روابط بر اساس راهنماییهای فقهی.

۲ تبلیغ و ترویج و تشویق همگان بر محافظت بر این ارزشها به وسیله سخنرانیها و مطبوعات و جراید و همه رسانه های گروهی.

۳ نشان دادن عکس العملهای منفی مناسب نسبت به برنامه ها و افرادی که این ارزشها را هتك و به قداستهای اسلامی آنها بی اعتنایی می نمایند و یا ضدّ ارزشها را به کار می گیرند ونیز نشان دادن عکس العملهای مثبت و تحسین برانگیز نسبت به بانوان و مردانی که ارزشها و آداب اسلامی را احترام می نمایند و به آنه متعهّدند.

۴ تأکیـد بر اسـلامی بودن نظام آموزش و پرورش و تربیت جوانان بر اساس هدایتهای عالی اسـلام و گزینش اساتید و دبیران و آموزگاران شایسته و متعهّد و مؤمن به فرهنگ اسلام.

۵ سـالم سـاختن محیط گردشـگاهها و پارکها و فرهنگسـراها از ظواهر مخرّب اخلاق، مثل: ارکستر و موسـیقی و اختلاط زن و مرد و بد آموزیهای مختلف.

۶ ترویج فرهنگ استقلال و اعتماد به نفس و تجلیل از شعائر اسلام و تحقیر وابستگی به کفّار و تقلید از آداب و عادت آنها.

۷ تبیین و تبلیغ مفاسد مکتبهای مضرّه و فرهنگهای مادّی و ضدّ ایمان به خدا و اصالت اخلاق و معنویّات و مضار مدنیّت منهای دین، و پوچی و پوسیدگی آن و ارشاد همگان، خصوصاً دانشجویان، به

فواید و مصالح اسلام گرایی و تعهّد دینی و کمالات حقیقی انسانی.

۸ نشر و تبلیغ سیره انبیا، خصوصاً سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السلام و دعوت به تأسّی به آن بزرگواران در مظاهر زندگی.

۹ بیان و تفهیم این حقیقت ناب، خصوصاً به جوانان که مدنیّت صناعی غرب معلول بی ایمانی و بی اعتنایی آنها به مبانی اخلاقی نیست و توجّه به ترقّی صنعتی و کسب علوم مادّی با تمسّک به دین و اخلاق در کمال توافق و سازگاری بوده و بلکه مکمّل یکدیگرند؛ و سعادت حقیقی برای جمیع افراد بشر در سایه کمال او در این دو ناحیه فراهم خواهد شد. و استفاده درست و صحیح از علم و صنعت و همه نعمتهای مادّی به طوری که موجب ظلم و تظلّم و استضعاف و استکبار نشود، فقط در پرتو ایمان به خدا و اخلاق حقیقی حاصل خواهد شد.

۱۰ بالاخره با پشتیبانی همه، به خصوص صاحبان مقامات و علمای اعلام و ارباب سخن و اهل قلم و سایر اقشار و مؤمنین از فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، و نظارت بر اجرای احکام الله و سدّ ابواب ورود فرهنگ بیگانه، به طوری که هر مسلمان آگاه و متعهّد، همه جریانها و سازمانها و مطبوعات و نوشته ها و کتابها و رسانه های گروهی و سیره و روش و تمام مقامات و رفت و آمدها و کیفیّت برخوردها را در رابطه با این تهاجم فرهنگی زیرنظر داشته باشد.

در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیطدانشگاهی از راه های ویژه ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه ها عبارت است از : الف – ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی . این برنامه از طریق استفاده های نادرست فلسفی و نظری از ره آوردهای علمی و القای علمی بودن برخی از آموزه های مغایر با جهان بینی دینی صورت می پذیرد .ب –القای نگرش های معرفت شناختی ، جامعه شناختی ، روان شناختی وتفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه های دینی ازعرصه های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت ها .ج – کم رنگ سازی ارزش های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبیت و تاریخ مندی اصول ارزش ها و تبعیت آن از ذوق و سلیقه های تجدد طلبانه قومی ، ملی ، نژادی و ... د – نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت های معارضه آمیزو سیاسی کاری به جای تلاش های انقلابی و اسلامی . در مقابله با مسایل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پردامنه روبه روست : ۱– جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام ومعارف آن و محتویات دین در عرصه

هـای مختلف و شـناخت و درک درست مسایل سیاسـی و اجتماعی . ۲- جهـاد عملی در راسـتای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با

خـدا ، قرآن و پیشوایـان دین . ۳-جهـاد اجتمـاعی ؛ یعنی ، تلاش در جهت گسترانـدن نور معنویت در محیطدانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی دردانشگاهیان . ;

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پرسش

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

همان طور که هرانسانی در طول زندگی تحت تاثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی به نوسانات مختلف روحی دچار می شود، مثلا" گاهی شاد و با نشاط است وگاه غمگین و کسل و افسرده خاطر می شود، به همین خاطر، از یک حالت روانی یکنواخت برخـوردار نیست و بـا توجه به فضـای روانی حـاکم بر او وحوادثی که اتفـاق می افتـد، حالاـت روحی مختلفی بر وی غلبه می کنـد؛ به همـان نحو، جـامعه ای که انسـان در آن زنـدگی می کنـد نیز بـا توجه به مقتضـیات زمـان و مکان ، حالات و اشـکال مختلفی به خود می گیرد، مثلا" در برهه ای اززمان مثل اوایل انقلاب و در زمان جنگ تحمیلی که فضای جبهه و شـهادت در جامعه حاکم بود، وضع حجاب و پوشش خانم ها و آقایان و نیز خیلی چیزهای دیگر، بسیار مناسب و مطلوب بود و خیلی ها به خود اجازه نمی دادنـد این گونه که شـما توصـیف می کنیـد وارد جامعه شونـد، اما دربرهه ای دیگر از زمان مثل زمان بعـد از جنگ و زمانی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم با توجه به تبلیغات زیاد و زشتی که در رابطه با خیلی از ارزش های حاکم بر جـامعه واز جمله حجاب و پوشـش ، صورت گرفت مساله حجاب نهایتا" به این صورت درآمـد که شـما ملاحظه می نمایید .در برخی از شهرها بنابه دلایل محیطی و فرهنگی ، مواردی از بدحجابی دیده می شود

که این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود به فرهنگ عمومی جامعه ونیز نفوذ سبک های غربی ، ماهواره و نیز افراد غرب زده و از همه مهم تر،تهاجم فرهنگی گسترده ای که در جهان غرب علیه کشور ما به راه انداخته است ، مرتبط است و اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه های درازمدت ودقیق فرهنگی است ، چرا که تنها وضع قوانین نمی تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد و همین مساله ، وظایف ما را به عنوان یک فرد مذهبی ودین دار دو چندان می کند؛ یعنی ، اولا" ما در این جامعه ابتدا باید باخودسازی و تهذیب نفس مراقب و مواظب دین داری خودمان باشیم و ثانیا"برای جلوگیری از انحراف در جامعه واشاعه فحشا در آن ، باید با امر به معروف و نهی از منکر جلو این انحراف را گرفت . اما راه کاری که برای بازدهی بهتر و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر ارایه می دهیم این است که : ۱- سعی کنید افراد همفکر مذهبی را شناسایی کرده و با آنها رفت و آمدکرده و در حل مشکلات مشورت و از آنها کمک بگیرید .۲- با اساتید معارف و اساتید متدین و دلسوز رابطه تان را زیادتر کرده و از رهنمودهای آنها درزمینه های مختلف ، استفاده نمایید .۳- سعی کنید به طور گروهی و متشکل به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا"فراگیرید .۴- باید آمر به معروف و ناهی از

منکر خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند .۵- در صورتی که احساس می کنید چنین نابسامانی های فرهنگی باعث به خطا افتادن و گناه شما می شود و امکان ازدواج هم برایتان فراهم می باشد، برای کنترل غریزه جنسی خود، ازدواج کنید تا کمتر دچارخطر لغزش شوید .۶- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد .۷- عدم تاثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد، چرا که دشمنان ما با اجرای برنامه های درازمدت توانستند به این حد از پیشرفت در کارشان برسند .۸-با مطالعه آیات قرآنی و زندگی پیامبران و مخصوصا" زندگی پیامبر اسلام وایمه اطهار (ع) و تحمل مشقت ها و سختی هایی که آنها در زندگی کشیدند،میزان صبر و بردباری خود را افزایش داده و بدانید که یک فرد مذهبی برای رسیدن به هدف ، نباید از حرف های نابخردانه و غیرمنطقی بعضی ها، دچارسستی و خدای ناکرده دچار یاس و ناامیدی شود .به خدا توکل کرده و در راه انجام این مسوولیت سنگین از او کمک و مدد بخواهید.;

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پرسش

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پاسخ

مساله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصر حاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامی است که به علت پیچیدگی وآمیخته بودن آن با مسایل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که به طور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرار ارزش های اسلامی وملی به کار گرفته شود و تمام دین داران با مایه گذاشتن از امکانات خود در این راه به مبارزه بپردازند مبارزه ای که از یک سو جنبه تولیدی دارد (یعنی تولید برنامه ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صدد کندن بنیان های اعتقادی و دینی جامعه است . به هر ترتیب افزونی آگاهی ها و بینش سیاسی واجتماعی به وسیله مطالعه تفکر و ارتباطمداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است. ;

در مقابل تهاجم فرهنگی ،چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی ،چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پاسخ

تقویت ایمان و عقیده راه های متعددی دارد از جمله : ۱- بالا بردن سطح شناخت و آگاهی های دینی . در این زمینه گسترش مطالعات و تحقیقات دینی با برنامه ریزی های هدایت شده و منظم بسیار ضروری است . ۲- گسترش فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی با شیوه هایی نو و جذاب . ۳- تقویت جلسات و برنامه های مذهبی و هر چه با شکوه تر و پرمحتواتر برگزار کردن آنها .;

برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟

پرسش

برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟

پاسخ

درباره چنین کار ارزشمندی چند راهکار هست. راهکارهای کوتاه مدّت و دراز مدّت.

۱. راههای کوتاه مدّت مثل تشکیل کلاس عقیدتی، قرآن(قرائت، حفظ، تشویق) جذب نمودن مراکز فرهنگی سالم مثل مساجد و ارتباط دادن جوانان با مراکز فرهنگی خارج از شهرستان همانند مؤسسه در راه حق برای پاسخگویی و مشاوره.

۲. راهکار دراز مدت: این روش گرچه ممکن است دیر به نتیجه برسد. امّا درست ترین راه است. و مهم این نیست که زود برسیم بلکه درست رسیدن مهم است.

این روش نیز به دو شکل میسر است.

الف) احساس مسؤولیّت و اقدام از طرف خود ما، یعنی افراد دلسوز به این ترتیب که توانمندی دینی را کسب کنیم و از طریق ارتباطهای فردی با جوانان، فکر دینی را به آنان منتقل نماییم، سپس با ایجاد جمع های مذهبی تحت عنوان هیئت ها و اجتماعات صمیمی آنان را پیوند داده و سپس این ارتباط را به وسیله کارهای جمعی مثل زیارت کاروان، و تفریحات سالم دوستانه(در شکل ورزش، مسابقه) تغذیه کنیم.

برای چنین حرکت عمیقی خودمان باید سه مرحله را طی کنیم، سازندگی فکری (شناخت) سازندگی روحی(ایمان قلبی) داشتن طرح عملی.

پس یک مطالعه روی روشها الزامی است.(مثل کتاب روش سازندگی نسل جوان سید کاظم ارفع - مسئولیت و سازندگی،

علی صفائی).

ب) دعوت از روحانیون توانمند از خارج شهرستان و تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و ایجاد ارتباط نزدیک با این عزیزان.

۴

و چنانچه در خود شهرستان موجود باشند چنین سازماندهی به نتیجه می رسد.

البته یکی از تمهیدات عملی، همانا استفاده از روحانیون اعزامی، در مناسبت های سال است

و ماه مبارک که زمان طولانی تربیت، بهتر است. بدیهی است باید در کار از روحانیونی استفاده شود که در این کار تجربه لازم را دارند شایان توجّه است که چنین کارهای عظیم و ارج داری نیازمند صبر و عشق و استمرار و یقین به حمایت قطعی خداوند است. «ولینصرن الله من ینصره;(۱) خداوند حتماً کسانی را که او را(دین را) یاری می کنند، نصرت می نماید.»

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره حج.

۵

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی از سه محور حرکت خویش را سامان داده و شروع به تخریب می کند:

۱. بینش ها و باورها.

۲. ارزش ها و گرایش ها.

۳. رفتارها و کردارها.

در مورد اوّل مثلا می گویند معنویات، خیالات است. معاد و وحی و روح تجربی نیستند!

در مورد دوّم می گویند; ارزش ها و وسیله با خود ما آدم ها تعیین می شوند و اعتباراتی بیش نیستند و می توانند تغییر کنند.

در مورد سوّم نیز اعمال اسلامی را با تمسخر و یا روشهای دیگر کم رنگ می کنند و هویّت ملّی و دینی را نابود کرده و مدها و روش های متروک را زنده می کنند.

در اینجا دو راهکار داریم:

۱. راهکار ریشه ای.

۲. راهکار سطحی.

راهکار سطحی همانا تحریک احساسات و عواطف و روش های تکراری و کهنه است امّا راهکار ریشه ای همانا ترویج ارزش هاست با هر وسیله، با گفتگو، تبلیغ فیلم، هنر. که در چند محور خلاصه می شود:

۱. آگاه نمودن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی.

۲. هجوم فرهنگی بر ضدّ فرهنگ غرب.

۶

۳. ترویج ارزش های معنوی.

۴. آگاهی بر مواضع کار و به کارگیری زبان مناسب. یعنی فرق دبستان، با دبیرستان و دانشگاه برایمان روشن باشد و مناسبت را رعایت کنیم.

۵. تکیه بر منابع اصیل دینی قرآن و سیره اهل بیت((علیهم السلام)).

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷

دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کمرنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن ا نجام شود.

پرسش

دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کمرنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن ا نجام شود.

پاسخ

آیه الله مصباح در این زمینه فرموده اند: انسان موجودی است که از درون تحت تاثیر عواطف و احساسات است و از بیرون نیز متأثر از عوامل گوناگونی است این عوامل بیرونی عواطف و گرایش های انسان را جهت می دهند و به هر میزان که فربه تر باشند از قدرت بیدار کردن عواطف و جهت دهی بیشتری نیز برخوردار خواهند بود حال با توجه به این مقدمه باید عوامل کمرنگ شدن ارزشها را نسبت به اوائل انقلاب و دوران جنگ چنین گفت: ۱- تغییر شرائط حاکم بر جامعه، ۲- نبود تصویری روشن از دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس. ۳- وجود مشکلات معیشتی و تحصیلی ۴- مشکل اشتغال و ازدواج ۵- تغییر سیاست استکبار در مقابله با نظام اسلامی از تهاجم نظامی به تهاجم فرهنگی و ساماندهی آن در اشکال مختلف از جمله شبهه

افکنی در مسائل عقیدتی که با در نظر گرفتن عدم غنای فکری دینی جوانان و سوء استفاده از احساسات و عواطف آنان صورت میگیرد..." و در ارتباط با اینکه چه باید کرد که وضعیت فعلی بهبود یابد ایشان می گویند:

به نظر می رسد کارآمدترین راه این است که دست اندرکاران امور فرهنگی کشور از موقعیت عاطفی دوران جوانی کمال استفاده را بکنند و آنرا زمینه تقویت قوای فکری و عقلانی جوانان قرار دهند و به شناخت آنها عمق بخشند- لذا باید با تدوین کتب و نشریات فرهنگی از یک سو و از سوی دیگر برنامه ریزی و تشکیل جلسات منظم و

ارتبـاط مسـتقیم که جوانـان براحتی پرسشـهای خود را مطرح کننـد و پاسـخ در خور را بیابنـد. شـرایطی فراهم کرد تا نگرش و بینش جوانان بالنده و در مقابل هجمه های دشمنان بیمه شوند.

فرهنگ سازی

دوست دارم در مورد مفهوم توسعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسلام و مخصوصا عوامل و موانع توسعه فرهنگی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل جدید بودن مطلب توضیحاتی داده شود و به عبارتی آیا می شود گفت در

پرسش

دوست دارم در مورد مفهوم توسـعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسـعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسـلام و مخصوصا عوامل و موانع توسـعه فرهنگی در قبل و بعـد از انقلاب اسـلامی به دلیل جدیـد بودن مطلب توضـیحاتی داده شـود و به عبـارتی آیـا می شـود گفت در طـول چه شـاخص هـایی را می توانیم در این زمینه مطرح کنیم تـا بـاعث رشـد فرهنگ ما در سطح ملی و پایین اسلامی شود؟

پاسخ

بررسـی و ارائه پاسـخی دقیق به ابعـاد مختلف این سؤال، نیازمنـد ارائه پژوهش و تحقیقی ژرف است که از حوصـله یـک نـامه خارج می باشد از این رو به اختصار نکاتی را بیان می نماییم:

الف- مفهوم توسعه فرهنگی:

مقصود از توسـعه فرهنگی، ایجـاد شـرایط و امکانـات مـادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شـناخت جایگاه آن و رشـد و افزایش علم و دانش و معرفت انسـان هـا و آمـادگی برای تحول و پیشـرفت و پـذیرش اصول کلی توسـعه، نظیر قـانون پـذیری، نظم و انضـباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می باشد. توسعه فرهنگی با تأکید برهویت فرهنگی، بهینه سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسایل مربوط به خود را نویـد می دهد و به اخلاق و آداب و سـنن جامعه بهبود می بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می افزاید (ارزش ها و توسعه، محمد نقی نظرپور، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲).

عنصر فرهنگ، محور توسعه فرهنگی می باشد، بر این

اساس فرهنگ، مجموعه پیچیده ای است در بردارنده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق و دین، قوانین، آداب و رسوم و هرگونه توانایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد و در قبال آن تعهداتی را بر عهده دارد (تایلور، به نقل از داریوش آشوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

به طور کلی همه فرهنگ ها را در دو نوع مادی و الهی می توان تقسیم بندی کرد:

۱. فرهنگ مادی: این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر ازغرایز و سودپرستی به جنبش در می آورد، در فرهنگ مادی، هدف وسیله را توجیه می کند، بنابراین برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ و معضلات و ناهنجاری های اجتماعی فزونی می یابد و جامعه به سوی انحطاط و نابودی پیش می رود.

۲. فرهنگ الهی: این فرهنگ، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند و فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است که هدف خود را دست یابی به کمال می داند که در پرتو وحی و آموزه های الهی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی

به اصول ثابت اخلاقی می داند به فرموده قرآن کریم «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» ویژگی های فرهنگ اسلامی را می توان چنین برشمرد: خدامحوری، عدالت خواهی و مساوات، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسؤولیت فردی و اجتماعی، تقواگرایی، پاسداری از کرامت انسان (خط و مشی های سیاسی نهج البلاغه، محمد مهدی ماندگار، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳ – ۱۴۱).

بر این اساس وقتی صحبت از توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی ما می شود؛ در واقع تعقیب فرایندی است که دگرگونی در حوزه های ادراکی، شناختی و گرایش هایی را که در ساختار جدید جامعه اسلامی مطلوب است، به دنبال داشته باشد. توسعه فرهنگی به هیچ وجه به معنای گسستن از فرهنگ گذشته نیست، بلکه بهینه سازی و شکوفایی عناصر اصیل فرهنگ اسلامی و ملی در سطوح مختلف جامعه و زدودن عناصر نامطلوب و ناشایست از آن می باشد. بنابراین هدف توسعه دیگر نمی تواند صرفا اقتصادی و بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد بلکه اهداف کلی توسعه علاوه بر موارد مذکور فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و تعادل منطق ها و تعالی و الهی گونه شدن انسان ها می باشد (توسعه فرهنگی در جامعه ایران، مژگان حق خواه، ۱۳۸۲، باشگاه اندیشه جوان).

ب) توسعه فرهنگی در ایران:

ورود فرهنگ و تعالیم حیات بخش اسلام به ایران که با استقبال و پذیرش گرم ایرانیان همراه بود، تأثیرات بسیار درخشانی در شکوفایی فرهنگ ایرانی داشته است تا آنجا که ایران را به عنوان مرکز تمدن درخشان اسلامی تبدیل نمود و آثار و نتایج بسزایی در تحول و پیشرفت سایر تمدن ها به جای گذاشت

(ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی ۱۳۸۲ ؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴).

اما متأسفانه چند عامل از توسعه و تکامل این فرهنگ جلوگیری کرد:

۱. انحرافات و کج اندیشی هایی که در فرهنگ اصیل اسلامی به وجود آمد.

۲. رسوبات و بقایای برخی عناصر فرهنگی غیر صحیح و ناسالم قبل از اسلام.

۳. عناصر فرهنگی وارداتی از مکاتب مادی غرب و شرق.

۴. ساختار مدیریتی و سیاسی ناسالم و مخالف و یا ناآشنا با فرهنگ اصیل اسلامی و...

مجموعه عوامل فوق باعث شد تا فرهنگ اصیل اسلامی نتواند در جامعه ایرانی به صورت کامل شکل گرفته و پویایی و بالندگی خود را در حد مطلوب حفظ و استمرار بخشد.

متأسفانه دوره قاجار و پهلوی به دلیل فساد شدید ساختار سیاسی، وابستگی و مرعوب شدن آن در مقابل فرهنگ و تمدن بیگانه، صدمه های عمده ای به فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی جامعه ما وارد شد و آن را در سراشیبی سقوط قرار داد، هر چند وقوع انقلاب اسلامی و تدابیر مسؤولین دلسوز در این روند وقفه ایجاد کرده و آن را معکوس نمود تا جایی که به حمدالله در بخش های زیادی از جامعه شاهد شکوفایی، رشد و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی می باشیم و البته باز هم تأکید می نماییم تا زمانی که رگه هایی از دلایل فوق در جامعه خصوصا بخش های اجرایی و تصمیم گیرنده نظام وجود داشته باشد و مجموعه ارکان نظام و جامعه به اجماعی واحد پیرامون اهمیت و اهتمام شدید به برتری فرهنگ اصیل اسلامی در مقابل

سایر فرهنگ ها نرسند، تعمیق و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی در حد مطلوب در جامعه ممکن نخواهد بود.

در پایان مقاله ای به نام «امام خمینی و فرهنگ» نگاشته مصطفی شکری، باشگاه اندیشه ۱۳۸۲ آورده می شود:

امام خمینی (ره) و فرهنگ

از دیدگاه امام خمینی (ره) فرهنگ اساس سعادت یا شقاوت یک ملت است و رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیاء فرهنگی امکان پذیر است. از نگاه امام فرهنگ دارای دو ساحت اصلی است. نخست بعد فردی فرهنگ که با انسان و سعادت او ارتباط دارد و دیگری بعد اجتماعی فرهنگ که در عرصه حیات اجتماعی انسان ها حضور دارد. به هر روی با این نگاه فرهنگ موضوعی است ویژه انسان و ارتباطی وثیق با هدایت و تربیت او دارد. از نگاه ایشان فرهنگ سازنده و پیشرو در حوزه های فردی و اجتماعی سبب هدایت انسان ها و جامعه و تربیت الهی هر دو خواهد شد. ایشان با توجه به هر دو بعد فردی و اجتماعی فرهنگ، تأثیراتی عمیق بر هر دو ساحت فرهنگ اسلامی - ایرانی گذاشته اند، به گونه ای که الگوی تحول فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی می تواند به تنهایی موضوع تحقیقی جامع و فراگیر باشد. ایشان در بُعد فردی مسائل فرهنگی سال ها به خودسازی و تربیت خویش و دیگران پرداختند و در قالب سلوک اخلاقی و عرفان عملی اسلام نمونه ای از انسان تربیت یافته الهی را به جهان امروز معرفی نمودند. جوانان بسیاری نیز در این نظام تربیتی که امام احیاگر آن بودند رشد یافتند و سیر الی ا... خویش را با مراد خود پیمودند و به عناصر اصلی انقلاب اسلامی تبدیل شدند. در ابعاد اجتماعی نیز تئوری

اصلاح فرهنگی امام در قالب انقلاب اسلامی معرفی و تبیین شده است. از نگاه امام فرهنگ مطلوب یک جامعه باید حاوی ۳ ویژگی زیر باشد:

۱. دارای یک نظام تربیتی برای رشد و تعالی انسان باشد.

۲. فعال، پیش رو و روزآمد باشد و هیچ گاه دچار تحجر، انفعال و غرب زدگی نشود.

۳. با محوریت فرهنگ خودی تأمین کننده استقلال فرهنگی باشد.

در ادامه سعی خواهیم نمود به تبیین این سه ویژگی از دیدگاه فرهنگی امام بپردازیم:

۱. امام خمینی (ره) معتقد است تربیت الهی انسان اصل و اساس دعوت انبیاء و ادیان بزرگ جهان است. همانگونه که مسیح برای تربیت، عروج و رشد انسان مبعوث شد، پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز وظیفه تربیت و هدایت انسان ها را بر عهده داشت. بنابراین اساس فرهنگ دینی بر هدایت و تربیت انسان به سوی خداوند متعال شکل گرفته است. از نگاه امام اصلی ترین و اولی ترین نقش و وظیفه فرهنگ، تربیت انسان صالح است. ایشان در انتقاد از غرب و حکومت پیشین ایران در نادیده گرفتن این ضرورت فرهنگی می فرمایند:

"آنها فرهنگ ما را آن طور درست کرده اند که نگذاشتند انسان در آن تربیت پیدا کند. این ها نگذاشتند که جوانان ما رشد پیدا کنند. اینها در فرهنگ ما رخنه کردند و فرهنگ ما را به روزی انداختند که انسان نتواند در آن رشد پیدا کند." (۱)

ایشان اصل رشد و هدایت انسان به سوی خداوند متعال را نیز به عنوان اولین وظیفه دولت موقت ایران در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹میلادی) معرفی کردند و فرمودند:

"باید در این سال جدید عنایت زیادی شود اول به فرهنگ که این خیلی مهم است، این فرهنگ باید متحول شود، فرهنگ استعماری فرهنگ استقلالی شود

باید معلمان ما متناسب با فرهنگ ما انتخاب شوند و جوانان ما را به گونه ای صحیح تربیت کنند یعنی جوانان ما تربیت انگلی پیدا نکنند. چنان چه که تا به حال این گونه بوده که آنها را غربی بار آورده اند. این مسأله در فرهنگ ما مطلب بسیار مهمی است. بالأخره فرهنگ ما باید متحول شود." (۲)

امام در تبیین عدم توجه به این مسأله مهم خصوصاً در دانشگاه ها می فرمایند:

"ما بیش از پنجاه سال است که دانشگاه داریم لکن چون خیانت شده است به ما از این جهت رشد انسانی ندارد. تمام انسان ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است." (۳)

۲. بر اساس دیدگاه امام، فرهنگ باید روزآمد و پیش رو باشد و در عرصه توسعه فرهنگی جامعه نقشی فعال و پویا داشته باشد. در دیدگاه امام آلوده شدن فرهنگ به تحجر و واپس گرایی نیز از آسیب های بزرگ فرهنگ است. لذا امام در اولین روزهای انقلاب در پاسخ به عده ای از متحجرین و در پاسخ به شایعاتی مبنی بر تحریم سینما از سوی مراجع دینی فرمودند: (۴)

"ما کی با تجدد مخالفت کرده ایم؟ سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت مردم و تربیت آنها باشد. ما با فساد مخالفیم نه با سینما."

پویایی و سرزندگی فرهنگ از نگاه امام یکی از ویژگی های اصلی فرهنگ است. به اعتقاد امام فرهنگ مشرق زمین این توانایی را دارد که بدون تأثیر از سایر فرهنگ ها نقشی فعال و پویا ارائه نماید. ایشان در وصیت نامه خویش در فرازی به نقشه دامنه دار استعمار غرب برای رخوت و رکود فرهنگی جوانان به وسیله مظاهر فساد اشاره می نمایند و آن را مغایر پویایی فرهنگی مشرق

و به خصوص ایران می دانند. از نگاه امام الگوی خودباوری شرق یکی از راه های پویایی و سرزندگی فرهنگ شرقی است و به همین جهت در وصیت نامه خویش خطاب به جوانان ایرانی می فرمایند:

"و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد اگر خودی خود را بیابد." (۵)

۳. از نگاه امام خمینی (ره) فرهنگ خودی هر جامعه مناسب ترین فرهنگ برای رشد و بالندگی آن جامعه است و تلاش در جهت هرچه پربارتر کردن این فرهنگ موجب استقلال فرهنگی خواهد شد. در ادبیات امام فرهنگ غرب، ویرانگر فرهنگ شرقی است ولی با این وجود امام بر اخذ وجوه مثبت فرهنگ غربی تکیه دارد. خودباوری فرهنگی در اندیشه امام یک اصل اساسی است.

امام معتقد است غرب در پی استیلای فرهنگی خویش بر شرق است و این استیلا نظم فرهنگی جامعه شرقی را بر هم خواهد زد. ایشان در پیام تاریخی خویش به گورباچف به این نکته اشاره کرده و می فرمایند:

"شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده اید که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند." (۶)

غرب ستیزی منطقی امام، همواره بر جهت خاص حفظ و کسب استقلال فرهنگی استوار بوده است. از نگاه امام غرب ستیزی فرهنگی در کنار تحول فرهنگی در چارچوب فرهنگ شرقی باید به استقلال فرهنگی بیانجامد چنانکه فرمودند:

"بالأخره باید فرهنگ متحول شود به یک فرهنگ سالم و یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی." (۷)

از نگاه امام خمینی (ره) باید اصلاح یک جامعه را

از اصلاح فرهنگی آن جامعه آغاز کرد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام نیز در پی تجدید حیات معنوی و فرهنگی انسان و جامعه بوده و هست. این شیوه اصلاح فرهنگی امام الگویی از تحول فرهنگی در پرتو تعهد فرهنگی را به جهان امروز عرضه نمود.

والسلام

____

پی نوشت ها:

۱. امام خمینی، صحیفه نور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۵، ص ۱۹۵.

۲. همان، ص ۲۰۰.

۳. همان، ص ۲۸۴.

۴. امام خمینی، وصیت نامه، انتشارات آستان قدس رضوی.

۵. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۶.

۶. همان، ص ۲۰۰.

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پرسش

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پاسخ

اولین شرط برای یک نفر مبلغ شناسایی خود مکتب است، شناسایی ماهیت پیام است؛ یعنی کسی که می خواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد، باید فهمیده باشد که هدف این مکتب، اصول و پایه های این مکتب و راه این مکتب چیست و به کجا می رسد، اخلاق و اقتصاد و سیاست این مکتب چیست، معارف این مکتب ، توحید و معاد این مکتب، احکام و مقررات این مکتب چیست. آخر مگر کسی می تواند پیامی را به مردم برساند بدون آنکه خودش آن پیام را شناخته و درک کرده باشد؟! این مثل این است که بگوییم یک نفر مرجع تقلید باشد اما فقه نخوانده باشد. چطور می شود کسی مرجع تقلید باشد و بخواهد بر اساس فقه فتوا بدهد و فقه نخوانده باشد؟! و یا مثل این است که یک نفر می خواهد طبیب باشد اما پزشکی نخوانده باشد. از اینجا معلوم می شود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و

شناخت اسلام، آنهم به صورت یک مکتب لازم است

دومین شرط برای کسی که حامل یک پیام است اولا مهارت در به کار بردن وسایل تبلیغ و ثانیا شناسایی آنهاست؛ یعنی باید بداند چه ابزاری را مورد استفاده قرار بدهد و چه ابزاری را مورد استفاده قرار ندهد و بلکه خودش از نظر ابزارهای طبیعی، چه ابزاری را داشته باشد و چه ابزاری را نداشته باشد. داستان بعثت موسی بن عمران به رسالت را حتماً شنیده اید. بعد از ده سال که دوباره

می خواهد به مصر برگردد، با همسرش حرکت می کند. شبی تاریک و بارانی است. زن حامله اش را درد زایمان می گیرد. هوا هم سرد است و باید زنش را گرم کند ولی وسیله گرم کردن هم ندارد. ناگهان در نقطه ای از آن بیابان نوری را می بیند (در وادی طور، وادی سینا). فکر می کند آتش است. می رود آنجا، معلوم می شود که آتش نیست؛ جریان، جریان دیگری است. در همان جا موسی بن عمران مبعوث می شود؛ ندا می رسد که از این به بعد رسول ما هستی یعنی مبلغ خدا هستی، پیام ما را باید به فرعون و فرعونیان برسانی. موسی می فهمد که یک مبلغ شرایطی دارد. پیغمبری خودش را کافی نمی داند، تقاضاهایی دارد: «رَبِّ اشْرَح لی صَدری» خدایا به من حوصله فراوان بده، شرح صدر بده آنچنان که عصبانی نشوم، ناراحت نشوم، به تنگ نیایم، دریادلم کن که کار تبلیغ دریادلی می خواهد، «وَ یَسِّر لی امری» طه/۲۵ و ۲۶ این مأموریت سنگین را بر من آسان گردان (ببینید کار تبلیغ را ما چقدر کوچک می شماریم و موسی بن عمران چقدر بزرگ می شمارد). مؤید این مطلب مطلبی است راجع به پیغمبر اکرم. قرآن کریم به پیغمبر اکرم راجع به مأموریتش یعنی تبلیغ اسلام و هدایت مردم می فرماید: «اِنّا سَنُلقی عَلَیکَ قَولاً ثَقیلاً» مزمل /۵ عن قریب یک بار سنگین به دوش تو خواهیم گذاشت. باری است که به دوش پیغمبر سنگینی می کند، به دوش پیغمبران سنگینی می کند! چه می گوییم ما؟! موسی(ع) در ادامه تقاضاهای خود گفت: «وَ احلُل عُقدَةً من لسانی» خدایا گره را از زبان من

باز کن، به من بیانی رسا و گوارا بـده، قدرت سـخنوری و ناطقه بده، «یَفقَهوا قَولی» طه/۲۷، ۲۸ به من قدرت تفهیم بده که آن حقیقـتی را کـه بـه مـن وحی می کنی به مردم القـاء کنم و مردم بفهمنـد، درک کننـد؛ رابطه ای بین من و مردم برقرار کن که مردم مطلب را عینـا آن طـوری که تو می خواهی از من بگیرنـد نه اینکه من چیزی بگویم و آنهـا پیش خود چیز دیگری خیـال کننـد و من نتوانم آنچه را که دارم بیـان کنم. قـدرت و قوه بیان یک امر طبیعی است (البته مقـداری از آن اکتسابی است) ولی امور طبیعی بایـد با تمرین و اکتساب تقویت بشونـد، مثل کارهای ورزشـی که شـخص بایـد یک اسـتعدادی داشـته باشد و این استعداد در اثر تمرینهای ورزشی تکمیل می شود.

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگون ساخت ، این مفاهیم که از مجرای وحی و سـنت رسول خدا (ص) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل و رفتار مومنان در شبه جزیره عربسـتان بسـط یـافت ، بنیـان های تکوین یک امت واحـد جهانی را فراهم آورد .قرآن شـریف ، سـفارش های مکرری نسـبت به اندیشـیدن و تمیز درست از نـادرست دارد و این سـفارش هـا کاملاـ" منطقی است . این کتـاب عظیم چنـان که عقل راراهنمـای انسان میدانـد، از فرد بشـر می خواهـد تا حکمت و رشـد خود راگسترش دهـد [در این باب نگا : تفکر از دیـدگاه اسـلام عباس محمود عقاد،ترجمه محمدرضا عطایی ، بنیاد پژوهش های اسـلامی آستان قدس رضوی ،مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ ش ، صص ۲۶ – ۹] . همچنیـن در ایـن کتـاب بی نظیرآمـوزه هـایی وجـود دارد که سـمت و سـوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است . آموزه هایی در باب اخلاق ، خداشناسـی ، انسان شناسـی ،جهان شناسـی ، تاریخ و ...حضـرت رسول (ص) بـا سـیره عملی و گفتار زبانی وبعـد از او ایمه (ع) کوشـش کردنـد تا این آموزه ها را به طور صـحیح و درست برای ما تفسیر نمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند .اما باید به این نکته توجه

داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است ، آیا علاوه بر طرح مسایلی چون خداشناسی ، انسان شناسی ، راهنماشناسی و اخلاق ، مواردی چون جهان شناسی به معنی شناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک ، گیاه شناسی ،زمین شناسی ، ستاره شناسی و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تاآنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد .بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مساله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی در باب خداشناسی ، انسان شناسی ، معادشناسی ،راهنماشناسی ، اخلاق و احکام عبادی . اما در باب جهان ، طبیعت و مسایل فیزیکی و جسمانی بدن ، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است وشاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلا" و مستقیما" به ذکر آفرینش جهان وکیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد .در برخی موارد، گفت و گو ازآفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است . درپاره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمین به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی ، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که

انسـان بـا نگرش بـه عـالم از آن جهـت کـه آفریـده خـداو در چنـبره تـدبیر اوسـت ، معرفـت فطری و شـناخت حضـوری خـود راشـکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [معارف قرآن ، محمدتقی مصـباح یزدی ، موسسه در راه حق قم ، چاپ اول ۱۳۶۷ ش ، ج ۱، صص ۲۲۶ - ۲۲۵] . با توجه به این نکته ، در پاسخ به پرسـش شما خاطرنشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در باب آموزه هایی باشد که هدف اولی و اصـلی قرآن است ، بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تاآموزه های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سودجوییم ، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسـی ،راهنماشناسـی و معادشناسـی هنوز مطـالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که بااسـتخراج و انتظام منطقی آنها می توانیم مسایـل جدیـدی را در این سـاحت هـابه جهـان بشـریت عرضه کنیم . امـا اگر منظور شـما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشـد که هدف اولی و اصـلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکر کلیاتی اسـتطرادی اکتفا شده است ، به نظر ما نباید تلاـش بیهوده ای را آغـازکنیم ، چنـان که برخی چون رشـید رضا در تفسـیر ((المنار)) و طنطاوی در تفسـیر ((الجواهر فی تفسـیر القرآن)) کوشـش کردنـد که بسـیاری از مسایـل علمی را باآیات قرآن تطبیق دهنـد .زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته ، درهیچ زمینه ، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در این باب

نپرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تامین می شده بسنده کرده است ، به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالبا" دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم [برای آگاهی بیشتر نگا : همان ، صص ۲۳۲ - ۲۲۸] . در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است : ۱- هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت بپردازد [نگا : اعراف ، آیه ۱۸۵ ؛ غاشیه ، آیه ۲۰ - ۱۷ ؛ بقره ، آیه ۱۶۴ و ...] ۲-خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت راکشف نماید .در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است . از این رو دراین باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید .۳- علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه ، اصول ، حدیث ، نحو، بلاغت ، تاریخ ، اخلاق ، فلسفه وکلام هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا (ص) و پایه گذاری حضرت علی (ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید .بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند باخود آدمی رشد و بالندگی

خود را به دست آورد [در این باب نگا : ظهورشیعه ، علامه سید محمد حسین طباطبایی ، انتشارات فقیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۰ ش ، صص ۴۴ - ۳۳] . ۴- تطفلی و استطرادی بودن برخی ازآموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارایه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند .حاشاو کلا که چنین باشد .گزارش های وحی از خلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است . مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است واز این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است . در واقع با این سلسله آیات ، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداداز عقل خود به کشف رازهای مجهول آن نایل آید .۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است ؛ زیرا قرآن همراه با طرح این مسایل ، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجه می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال ((هو الاول)) و ((هوالاخر)) تا اوج گاه مبدا و معادپرواز می دهد [شریعت در آیینه معرفت ، آیت الله عبدالله جوادی آملی ،مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶ - ۱۶۴

] . به هرروی ما بایـد در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است ،نظریات آن را اسـتخراج کرده و به جهانیان عرضه نمـاییم ولی در بعضـی ازدانش هـا چون دانش تجربی و تاریخی بایـد با اسـتمداد از عقل بشـری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم. ;

چرا به افرادی مانند نویســندگان و مخترعان اهمیت داده نمیشود، در حالی که آثار آنان باقی میماند; ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران بها داده میشود، در حالی که کار آنان محصور در زمان است؟

پرسش

چرا به افرادی ماننـد نویسـندگان و مخترعـان اهمیت داده نمیشود، در حـالی که آثـار آنـان بـاقی میمانـد; ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران بها داده میشود، در حالی که کار آنان محصور در زمان است؟

پاسخ

از دیـدگاه قرآن کریم، معیـار ارزش، تقوا است. "يَٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَ أُنثَىٰ وَ جَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ;(حجرات،۱۳) ای مردم، ما شـما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شـناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شـما نزد خدا پرهیزگارترین شـماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است."

بی شـک هر انسـانی به طور فطری خواهـان این است که موجود بـاارزش و پر افتخاری باشـد; به همین جهت با تمام وجودش برای کسب ارزشـها تلاش میکنـد; ولی شـناخت معیار ارزش، با تفاوت فرهنگها، کاملاً متفاوت است و گاه ارزشـهای کاذب جای ارزشهای راستین را میگیرد.

اگر ما در ارزشـگذاری گروهها و افراد، معیار قرآن را (تقوا) رعایت کنیم، دچار بحران در ارزشگذاری نخواهیم شد. آنچه در تفاوت ارزشگذاری گروهها، گاهی در جامعه مشاهده میشود، ناشی از اهمیت ندادن به معیارهای اسلامی در ارزشها است. در اسـلام تقوا، علم، عبودیت، ظلمستیزی وماننـد آن ارزش است و ارزش گـذاری در جـامعه اسـلامی بایـد بر اساس این معیارها باشد. متأسفانه، گاهی در اثر تأثیرپذیری از فرهنگ غیر اسلامی (فرهنگ غربی) معیار ارزشگذاریها تغییر کرده است و یکی از علتهـای آن، ناآگـاهی از فرهنـگ اسـلامی یـا خودباختگی در برابر فرهنگ بیگانه است.(ر.ک: تفسـیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی

و دیگران، ج ۲۲، ص ۱۹۶۲۰۳، دارالکتب الاسلامیه.)

از آنجا که کارهای فرهنگی نیاز به برنامهریزیهای دقیق و حساب شده دارد و پیاده کردن ارزشگذاری بر اساس معیارهای ارائه شده از سوی اسلام در جامعه، یک کار فرهنگی است، باید مسئولان فرهنگی در حکومت اسلامی، برای این کار برنامهریزی کنند. البته این گونه نیست که به نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نشود، به آنان هم ارزش و اهمیت داده میشود گرچه مناسب است که مسئولین نظام اسلامی به این مطلب توجه بهتر و بیشتری داشته باشند.

حاجیان خانه خدا که برای حج به کشور عربستان می روند، از طرف آن کشور، قرآن هایی دریافت می کنند: الف آیا این قرآن ها از هر نظر صحیح است ب هدف کشور عربستان از دادن قرآن به زائران چیست ج آیا اگر این کار در کشور ایران قبل از این که حاجیان به مکّه بر

پرسش

حاجیان خانه خدا که برای حج به کشور عربستان می روند، از طرف آن کشور، قرآن هایی دریافت می کنند: الف آیا این قرآن ها از هر نظر صحیح است ب هدف کشور عربستان از دادن قرآن به زائران چیست ج آیا اگر این کار در کشور ایران قبل از این که حاجیان به مکّه بروند، انجام شود بهتر نیست

پاسخ

الف این قرآن ها از هر نظر صحیح و منطبق با قرائت عاصم به روایت حفص است که مورد تأیید شیعه بوده و مطابق با همین قرآن هایی است که در کشور ایران به چاپ می رسد.

ب معمولاً هر کشوری که میزبان تعدادی میهمان است سعی می کند هنگام بدرقه میهمانان عزیزترین و گران بهاترین چیزش که هم نزد او و هم نزد میهمانان عزیز و گران بها است را به آن ها هدیه دهد و به این راه "میهمان دوستی و ارادت خود را به میهمانان اظهار می کند; به همین جهت نه تنها عربستان سعودی حاجیان را با دادن یک جلد کلام اللّه مجید، بلکه با مقداری آب زمزم که هر دو نزد مسلمانان از پاکی خاصی برخوردارند بدرقه می کند و هدیه ها، به زائرین ایرانی اختصاص ندارد، بلکه به کشورهای دیگر نیز داده می شود.

ج البته دادن قرآن به حاجیان قبل از تشرّف به طوری که قرآن ها هنگام ورود به عربستان همراه حاجیان باشد از چند جهت بهتر به نظر می رسد: ۱. دشمنان شیعه و آنان که بر ضدّ شیعه توطئه می کنند و شیعه را نسبت به قرآن

بی توجه جلوه می دهند خلع سلاح می شوند، زیرا می بینند که به همراه هر شیعه قرآنی است که مثل آن نزد خودشان موجود است ۲. حاجی می تواند در خارج از مساجد هم هنگام اقامت در هتل از قرآن استفاده نماید، و هم چنین هنگام وقوف در عرفات و مشعر و منی که قرآنی در دسترس نیست به همراه او باشد. ۳. حاجی می تواند یک جلد قرآن منتشر شده کشورمان را به دیگر برادران مسلمانی که به شدّت علاقه دارند با شیعیان ایران ارتباط داشته باشند، به رسم یادبود هدیه کند.

با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان ها ترجیح می دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگرِ ملت های اسلامی چگونه توجیه پذیر است

پرسش

با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان ها ترجیح می دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگرِ ملت های اسلامی چگونه توجیه پذیر است

پاسخ

پرسش گر گرامی در بین ملت های اسلامی فقط زبان عربی به عنوان زبان بیگانه تعلیم و ترویج نمی شود، بلکه بنابه علل و ضرورت هایی به دیگر زبان ها هم پرداخته شده و شاید بیش از همه به زبان انگلیسی که رایج ترین زبان دنیاست توجه می شود. با این حال می توان گفت به طور کلی فراگیری دیگر زبان ها و خطها، با حفظ خط و زبان ملی کاری بی خطر و بی اشکال است امّا در خصوص توجه به زبان عربی از سوی مسلمانان که برای شما هم ایجاد حساسیت نموده به عرض می رسد که محور وحدت و فرهنگ یک جامعه عواملی مانند زبان خط، نژاد، تاریخ جغرافیا و... و از همه مهم تر وحدت فکری (دینی است که تمام مرزهای نژادی زبانی و... را درنوردیده و می تواند پایه های اتحاد جهانی را بنا کند. آن چه در بین ملت های اسلامی مهم ترین عامل شکل دهنده وحدت و فرهنگ مردم است دین مبین اسلام و کتاب آسمانی قرآن و پیامبری محمد مصطفی و هدایت معصومین می باشد که بر عوامل دیگر مقدم هستند. اگر ما اسلام و معارف والای آن را از فرهنگ امت اسلامی برداریم و به دوران قبل از آشنایی با اسلام برگردیم و بخواهیم پاسدار میراث گذشتگان خود باشیم چیز چشم گیری نخواهیم داشت مردم

مسلمان جهان از ابتدای ظهور اسلام به علت گرایش های اسلام خواهانه خود و به شوق تسلط بر قرائت و فهم عمیق تر قرآن و روایات و ادعیه معصومین ، و مطالعه آثار قلمی به جا مانده از بزرگان دین به فراگیری زبان عربی همت گماشتند و به مرور زمان در محاوره ها و مکاتبه های خود از واژگان عربی استفاده کردند، تا اندازه ای که این کلمات را بخشی از زبان و فرهنگ خود قرار دادند، حتی مردم برخی کشورها، مانند مصر و شام زبان اصلی خود را کنار گذاشته به زبان عربی پرداختند، زبان و ادبیات ایران نیز پس از نفوذ و گسترش زبان عربی هر چند کلمات فراوانی از آن را در خود هضم کرد، اما قالب و پیکره اصلی خود را حفظ نمود، و به وسیله آشنایی با معارف اصیل اسلامی بر غنای ِ محتوایی ِ خویش افزود. مقایسه آثار ادبای ایران ِ پس از اسلام با پیش از آن به آسانی بر این غنا و سرشاری شهادت می دهد. امروزه وضعیت زبان ملت های اسلامی و از جمله ایران به گونه ای است که اگر بخواهیم کلمات عربی رایج در آن ها را حذف نماییم در واقع به حذف بخش مهمی از فرهنگ والای خود پرداخته ایم و هیچ خدمتی به زبان خود نکرده ایم اگر به پرسش خود دقت نمایید، خواهید دید که کلمات "توجه ملت جزء، سایر، ترجیح ترویج توجیه با این که عربی هستند، اما هیچ یک از ما در حال حاضر آن ها را کلمات غیر ایرانی نمی شماریم

در پایان تذکر این

نکته ضروری است که نباید شیطنت استعمارگران و دشمنان اسلام و مسلمانان را در دور نگه داشتن امت اسلام از فراگیری زبان عربی که زبان کتاب خدا "قرآن کریم و معصومین است را از نظر دور داشت آنان از طرفی آموزش و ترویج زبان عربی را در بین جوامع اسلامی تضعیف می نمایند، و از طرفی با هزار دلیل خط و زبان خود را بر برخی از کشورهای اسلامی زیر نفوذ خود رواج می دهند; آن گونه که در پاکستان و ترکیه انجام دادند.

شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجو، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه راه کارهایی را پیشنهاد می کنید و چگونه می توان با این سازمان ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک برقرار نمود؟

پرسش

شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجو، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه راه کارهایی را پیشنهاد می کنید و چگونه می توان با این سازمان ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک برقرار نمود؟

پاسخ

۱. شناساندن جایگاه قرآن نخستین گام در گسترش فرهنگ قرآن در جامعه است قرآن کلام تغییرنایافته و تحریف نشده خداوند، معجزه جاودان آخرین سفیر و رسول الهی حجت خدا بر بندگان و عرصه سخن گفتن خدا با انسان هاست و به طور کلی گسترش توصیف های فراوانی که از ائمه و پیامبر بزرگوار اسلام درباره این کتاب الهی به دست ما رسیده است

۲. گام دوم آثار قرائت قرآن چه آثار دنیایی و آثار معنوی با استفاده از روایات در فضای فرهنگی جامعه است احادیث فراوانی در این باره از معصومان بیان شده است که برای نمونه به جلد چهارم کتاب شریف اصول کافی می توان اشاره کرد که بخش عظیمی از آن به این موضوع ارتباط دارد.

۳. شیوه قرائت قرآن از جمله گام های دیگری است که باید در جهت گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه برداشته شود. قرآن کریم خود در این باره رهنمودهای فراوانی را مطرح فرموده است که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

الف خواندن همراه با تدبّر و اندیشه ورزی "افلا یتدبّرون القرءان (نسأ،۸۲) آیا آن ها در قرآن نمی اندیشند.". تدبّر در واژه "دبر"، به معنای پشت و قبل است یعنی قرائت قرآن باید با چنان تمرکزی

همراه باشد که ارتباط معانی با آیات قبل گسسته نشود و قرائت کننده هنگام قرائت هر آیه مفاهیم یاد شده در آیات پیش را هم به خاطر داشته باشد.

ب خواندن قرآن به صورت ترتیل قرآن کریم در این باره می فرماید: "و رتّل القرآن ترتیلا". (مزمّل ۴) تلاوت همراه با ترتیل یعنی خواندن شمرده شمرده و توأم با تفکر. از امام صادق در تفسیر این آیه چنین آمده است "ان القرآن لا یقرء هذرمه و لکن یرتّل ترتیلاً، اذا مررت بآیه فیها ذکرالنّار وقفت عندها، و تعوذت باللّه من النّار؛ قرآن را، تند و دست و پا شکسته نباید خواند، بلکه باید به آرامی تلاوت نمود. هنگامی که به آیه ای می رسی که در آن آتش دوزخ ذکر شده است توقف می کنی]و می اندیشی و به خداوند از آتش دوزخ پناه می بری "(تفسیر نمونه آیت اللهمکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۴۰۲، دارالکتب الاسلامیه)

ج پناه بردن به خداوند از شیطان رجیم "فإذا قرأت القرءان فاستعذ باللّه من الشیطَن الرجیم (نحل ۹۸) هنگامی که قرآن می خوانی از شرّ شیطان مطرود و رانده شده به خداوند پناه ببر." روشن است این پناه بردن به لفظ و سخن محدود نیست بلکه باید در اعماق روح و جان نفوذ کند، به گونه ای که انسان هنگام تلاوت قرآن از خوی های شیطانی جدا شود، و به صفات الهی نزدیک گردد تا موانع فهم کلام حق از محیط فکر او برخیزد.(همان ص ۴۰۱.)

۴. تشکیل

جلسـات گروهی قرائت قرآن در منازل مساجـد، محلّه ها، کانون های قرآن در محیطهای آموزشـی و... از جمله راه های دیگر گسترش فرهنگ قرآن در جامعه است

۵. پای بندی به دسـتورهای قرآنی امر به معروف و نهی از منکر، در مواردی که اصول مسلّم قرآنی در محیطهای آموزشـی از جمله دانشـگاه زیر پـا گذاشـته می شود; از جمله راه کارهـای دیگر گسترش فرهنـگ قرآنی بلکه مهم ترین آن هـاست امر به معروف و نهی از منکر، سـبب می شـود ریشه گنـاه در جـامعه بخشـکد. بی تفـاوتی در برابر گنـاه هـای انجـام یـافته در جـامعه سکوت مرگ باری است که قرآن را در انزوا قرار می دهد.

۶. در پایـان یـادآور می شویم که یکی از راه هـای گسترش فرهنـگ قرآن برخورد نکردن مشـابه یهود و نصـارا با کتاب خود است قرآن کتابی نیست که تنها برای مُرده ها و در مجالس ختم به کار گرفته قرائت شود. همه ما مسلمانان باید خانه های خود را با قرائت قرآن نورانی کنیم پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می فرماید: "نوّروا بیوتکم بتلاوه القرآن و لا تتخذوها قبوراً کما فعلت الیهود والنصاری ، صلّوا فی الکنائس والبیع و عطّلوا بیوتهم فان البیت اذا کثر فیه تلاوه القرآن کثر خیره واتسع اهله و اضأ لاهل السّماً کما تضیئ نجوم السّماً لاهل الـدنیا; خانه های خود را به تلاوت قرآن روشن کنیـد و آن ها را گورسـتان نکنیـد، چنان چه یهود و نصاری ٍچنین می کننـد; آن ها در کلیساهای خود نماز می گذارند، ولی خانه های خود را معطل گذارده]و در آن ها عبادتی انجام نمی دهند[، زیرا که هرگاه در خانه قرآن زیاد تلاوت شود، خیر

و برکتش زیاد گردد و اهل آن در وسعت]روزی قرار گیرند، و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد، چنان چه ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند."(اصول کافی شیخ کلینی (ره ، ج ۴، ص ۴۱۳، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت .)

۷. برای ارتباط تنگاتنگ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن واحد پاسخ به پرسش های قرآنی می توانید با تهیه فرم های پست رایگان به صورت کتبی و با تماس تلفنی با آن ارتباط برقرار کنید.

دستاوردهای فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟

پرسش

دستاوردهای فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟

پاسخ

برای آگاهی در این موضوع به منابع ذیل مراجعه کنید.

۱- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۰

سال یا دوره: ۱۵/۱۱/۱۳۷۷

صفحه شروع: ۲

صاحب اثر: شجاعی، ابولاقاسم / سخنرانی

خلاصه مطلب: آثار و ثمرات انقلاب اسلامی ایران

۲- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۵

سال یا دوره: ۲۰/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۲

صاحب اثر: خمینی، احمد / سخنرانی

خلاصه مطلب: نگرشی بر دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

۳- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۲

سال یا دوره: ۱۷/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۸

صاحب اثر: حبیبی، حبیب اللّه / سخنرانی

خلاصه مطلب: بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در بعد داخلی و خارجی

۴- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۴

سال یا دوره: ۱۹/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۸

صاحب اثر: سیدی علوی، قدسیه / سخنرانی

خلاصه مطلب: تشریح دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

۵- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۴

سال یا دوره: ۱۹/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۸

صاحب اثر: زارع، کریم / سخنرانی

خلاصه مطلب: نگرشی بر دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

دیدگاه ها و انقلاب اسلامی، باقری بیدهندی و دیگران، نشر روح

۸- درآمدی بر تهاجم فرهنگی، محمد سعید فیاضی، وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۷۲

۹- جنگ فرهنگی علیه انقلاب، جواد منصوری، آستان قدس رضوی ۱۳۶۹

۱۰- سرمقاله درباره پنتاگونیسم

چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کنند به مقدسات توهین می کنند، عقب افتادگی ما را در اسلام و مسلمانی بودن می دانند چرا و چرا ... واقعاً قلب من با دیدن این همه مظلومی

پرسش

چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کنند به مقدسات توهین می کنند، عقب افتادگی ما را در اسلام و مسلمانی بودن می دانند چرا و چرا ... واقعاً قلب من با دیدن این همه مظلومیت که اسلام دچارش شده است می گیرد. چرا عده ای از ما مسلمانها با کارهای خودمان باعث شدیم چهره اسلام کریه شود. چرا کارهای بد ما مسلمانها را به پای اسلام می نویسند؟

پاسخ

اولا، از غیرت مندی شما تشکر می کنیم، حق هم همین است. فلسفه بسیاری از دستورات دینی از جمله فرمان به نهی از هم نشینی و شرکت در جلساتی که به مقدسات دینی اهانت می شود (آیه ۱۴۰ سوره نساء) و نیز تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر در همه شرایع دینی، احیاء همین روحیه پاک و لطیف است.

ثانیا، علت تخریب مبانی فرهنگی و اهانت به شعایر و مقدسات دینی و انقلابی، علت های گوناگونی می تواند داشته باشد که به برخی از موارد مهم آن اشاره می کنیم:

۱- عدم تقید به مبانی دینی، انقلابی و باورهای اسلامی.

۲- سرسپردگی به غرب یا خودباختگی نسبت به آن.

۳- وازدگی از عملکرد نادرست (و یا آنچه به ظاهر نادرست می نماید) از سوی معتقدین به مبانی دینی و انقلابی و مسؤولین.

۴- منفعت طلبی و لجام گسیختگی، به لطف الهی تا حد زیادی (حداقل آن حدی که لیبرال مسلک ها می خواستند) سد شده است.

۵- بی غیرتی و بی تفاوتی برخی دانشجویان.

مقصود از بی غیرتی، اهانت

به دانشـجویان نیست، بلکه به عنوان یک واقعیت مد نظر است. غیرت یعنی حساس بودن، ابراز احساسات (مثبت یا منفی، تأیید یا نفی) نسبت به رفتار و گفتاری که درخصوص بنیان های فرهنگی و دینی ما جهت گیری می شود.

۶- البته در خیلی از موارد نیز عدم شـناخت درست، عدم دسترسـی به اخبار و اطلاعات صحیح، خصوصا با این اطلاع رسانی و آلودگی در افکار عمومی که از سوی برخی مطبوعات و یا محافل ایجاد می شود، ریشه چنین سخنان یا رفتارهایی است.

ثالثا، وظیفه ما :

- تثبیت و افزایش این روحیه غیرت مندی در خود ودیگران می باشد.

- شناخت صحیح و انتقال این اطلاعات صحیح به دیگران با شیوه مناسب هدایت گرانه و دلسوزانه.

- گسترش امر به معروف و نهی از منکر.

- کمک گرفتن از نهادهای نظارتی دانشـگاه از جمله نهاد نماینـدگی مقام معظم رهبری در دانشـگاه، ریاست دانشـگاه، کمیته انضباطی اساتید، بسیج اساتید و تشکل های اسلامی صاحب نفوذ در دانشجویان و در دانشگاه .

ما به عنوان مسلمان که در کشور اسلامی زندگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از تفسیر آن در مدارس کشور بی بهره ایم.

پرسش

ما به عنوان مسـلمان که در کشور اسـلامی زنـدگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از تفسیر آن در مدارس کشور بی بهره ایم.

پاسخ

مجموعه سؤالات شـما دانشـجوی گرامی، مبین روحیه حق پرستی و عـدالت جویی است و بیانگر اهتمام شدید شـما به معارف عظیم اسلامی و تحقق آن در جامعه می باشد، از این رو خواسته ها و نظرات شما را که همه در راستای این هدف متعالی است می ستاییم.

اما در خصوص این سؤال بایـد گفت که بحمـدالله جامعه اسـلامی ما به برکت پیروزی انقلاب اسـلامی و تلاش های مخلصانه مسؤولین عـالی رتبه نظـام و حوزه هـای دینی و سـایر برنـامه های ارزنـده ای که بخش های مختلف فرهنگی کشور انجام داده اندر مجموع رویکرد خوبی - هر چند ناکافی - به قرآن و سایر معارف اسـلامی داشته است و تحت تأثیر ین اقدامات قرآن تا حـدی از محجوریت و غربتی که در زمان پهلوی در مـدارس و دانشـگاه ها پیدا کرده بود خارج شد. بحمدالله در زمان حاضـر علاوه بر اقشار فرهنگی، بسیاری از اقشار دیگر نظیر نیروهای مسلح و...، رویکرد قابل توجهی به قرآن دارند.

اما با این همه، همانگونه که مشاهـده می کنیم فرهنگ قرآن آنگونه که شایسـته و زیبنـده یک جامعه و نظام اسـلامی است در بخش ها و سطوح مختلف جامعه نهادینه نشده است و در ریشه یابی این موضوع می توان به کوتاهی و یا تغافل بخش هایی از دستگاه های قانونگذار یا عوامل فرهنگی و برنامه ریز یا عوامل اجرایی به عنوان مهمترین عامل این موضوع اشاره نمود

که نتیجه آ ن بی توجهی یا کم توجهی مراکز آموزشی کشور اعم از مدارس و دانشگاه ها به گسترش و تعمیق مفاهیم قرآنی در میان دانش آموزان و دانشجویان است. چنانکه مقام معظم رهبری می فرماید: «ما در جامعه خودمان مبالغ زیادی از آموزش قرآن عقب افتادگی داریم؛ اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبر در قرآن را به خود بدهد بسیاری از شبهات دشمنان بی اثر خواهد شد. البته همه دستگاه های فرهنگی کشور باید کمک کنند. باید مفاهیم قرآنی به وسیله خبره های این کار دسته بندی شود و به تناسب در جای خود در کتاب های درسی - چه مدرسه ها، چه دانشگاه ها - گنجانده شود؛ این ارتباط باید دایمی باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور، ۲۸/۶/۱۳۸۰).

همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی عربی را و از جمله نام اهل بیت را که عربی است به فارسی برنگردانیم و یا اصلاً استفاده نکنیم؟

پرسش

همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی عربی را و از جمله نام اهل بیت را که عربی است به فارسی برنگردانیم و یا اصلاً استفاده نکنیم؟

پاسخ

فرض سؤال شما تصوری است که از تغییر اسامی فرزندان حضرت علی(ع) از عبری به عربی و به درخواست حضرت صورت گرفته است. که باید گفت چنین نبوده بلکه مطلب به گونه ای دیگر است. ماجرا از این قرار است: هنگامی که امام حسن(ع) به دنیا آمدند، انتخاب نام این کودک به عهده ی پیامبر اکرم(ص) نهاده شد و ایشان نیز در این امر بر خدای خود پیشی نگرفتند لذا جبرئیل نازل شد و عرض کرد، از آنجا که جایگاه علی بن ابیطالب نسبت به شما مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، نام عربی فرزندان هارون (حسن و حسین) را بر فرزندان علی بن ابیطالب قرار بده و ایشان نیز چنین کردند.۱

و چنین نبوده که جبرئیل اسامی عبری فرزندان هارون را ابلاغ کند و بعد حضرت علی(ع) تغییر آنها را تقاضا کند.

به هر حال چه این تغییر اسامی را بپذیریم و چه نپذیریم باید توجه داشت که:

۱. یکی از نکات مهم در بکارگیری الفاظ و واژه ها تفاهم عرفی آنهاست بگونه ای که مشکلی در تلفظ و استفاده پیش نیاید. در زمان حضرت علی(ع) دو زبان عبری و عربی کاملاً از یکدیگر متمایز و جدا بودند و استفاده از واژه های عبری کار پسندیده ای به نظر نمی رسید ولی در زمان ما چنین تمایز و جدائی بین زبان عربی و فارسی وجود

ندارد و اصلاً نمی توان فارسی را از واژه های عربی جدانمود. لذا استفاده ی از اسامی عربی آن هم با این سابقه ی طولانی در استفاده و آشنایی ما با آنها اشکالی ندارد.

۲. با توجه به اینکه محتوای دین اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن، کامل ترین محتواست، باید این کامل ترین محتوا در کامل ترین قالب ریخته شود که آنهم زبان عربی است، پس تغییر کلمات از زبان عبری به عربی حرکت از ناقص به کامل است و نوعی پیشرفت محسوب می شود، آیا تغییر اسامی از عربی به فارسی نیز پیشرفت است؟ علاوه بر اینکه عربی بعنوان زبان قرآن، اسلام و مکتب ما از جایگاه و شأن خاصی برخوردار است. و استفاده از نام های اسلامی نوعی فرهنگ سازی و گسترش فرهنگ دینی بشمار می آید که حرکتی مثبت است.

۳. تغییر اسامی از زبانی به زبان دیگر هر چند ممکن است، ولی باید توجه داشت که تمام معنای کلمه هنگام تغییر و ترجمه، منتقل نمی شود و هیچگاه واژه ی ترجمه شده آن پیشینه های تاریخی و جهات مثبت و منفی کلمه ی اصلی را به همراه ندارد. یعنی معادل هر واژه ای از اصل آن ناقص تر است.

علاوه بر اینکه اسامی افراد و مکان ها قابل ترجمه و تغییر نیستند، مثلاً- نمی توان هنگام ترجمه ی مطلبی پیرامون «شهید کشوری(ره) فامیل او را مثلاً- به انگلیسی تغییر داد و گفت: civil (به معنای کشوری)، باید متذکر شد که اسامی ائمه(ع) همگی حالت وصفی دارند یعنی در صورت تغییر و ترجمه اینگونه می شوند، محمد ? ستوده، علی ? بلند مرتبه، صادق ? راستگو و ... که البته معادل های آنها بار معنایی واژه ی اصلی را نمی رساند.

۴. یکی از حقوق فرزندان

بر پـدر و مادر انتخاب نام نیک و خوب است و این وظیفه ای است که هر پـدر و مادری نسـبت به فرزنـدان خود باید به خوبی انجام دهد.

از امـام علی(ع) در حـدیثی حکایت شـده: «حق کودک بر پـدر و مادر این است که اسم نیکویی بر او بگذارنـد، او را با آداب اسلامی و آداب نیکو پرورش دهند و به او قرآن را بیاموزند.»۲

۵. هـدف از خلقت و زنـدگی انسان سـعادت یافتن اوست و تمام کارها باید در این راسـتا قرار گیرد حتی نامگذاری و انتخاب اسم. هر اسـمی تـاثیرات خاص خود را دارد چنانچه هر چیزی اثرات خود را بروز می دهـد. انتخابِ نامِ خوب و زیبا مقـدمه ای برای تشویق به خوبی ها و صـفات پسندیده است. اسمی که از یک پیشینه ی مثبت برخوردار است باعث تلقین همان خوبی ها در فرد می شود و این درباره ی اسامی با پیشینه بد و منفی نیز صادق است.

به عنوان مثال: تاثیر پوشیدن لباس های مختلف:

کسـی که لباس سـفید و تمیز می پوشـد از مکان های آلوده و کثیف پرهیز می کند، و سـعی می کند که لباس سـفید تمیزش، تمیز و سـفید بـاقی بمانـد. یـا ورزشـکاری که لبـاس ورزشـی می پوشـد و تاثیر روانی خاص دارد برای ورزش کردن انگیزه ی بیشتری دارد تا زمانی که لباس مخصوص ورزش را نپوشیده است.

۶. یکی از علائـم و نشانه های دوستی و دشـمنی ما نسـبت به افراد، اسـتفاده و یا عـدم اسـتفاده ی ما از اسامی ایشان است. بهتر است اسـامی افراد مـورد علاقه ی خود را بر فرزنـدان خود انتخـاب کنیم. نـام هـای ائمه(ع) به عنوان محبوب ترین افراد نزد ما بهترین اسامی برای فرزندانمان محسوب می شوند.

یکی از وظایف ما زنده نگهداشتن نام

و یـاد بزرگـان است که می توانـد با قراردادن نام این بزرگان بر کودکان محقق شود. همانگونه که امام حسـین(ع) برای زنـده نگه داشتن نام و یاد پدر بزرگوارش امام علی(ع)، نام تمام پسران خود را علی قرار داد.

۷. یکی از آثار و نتایج اسـتفاده از نام های ائمه(ع) ایجاد یک فضای پر مهر و عطوفت در خانه است زیرا در احادیث متعدد از پیامبر اکرم(ص) حکایت شده:

«هر گاه نام فردی را «محمد» قرار دادید، کارهایش را زشت مشـمارید (سوء ظن نداشـته باشید) خواسته ی او را رد نکنید و در مجالس خود او را جای دهید.»۳

با چنین توصـیه هایی که در مورد افراد با اسامی ائمه(ع) شد، اگر افراد به احترام صاحب اسم همدیگر، حرمت یکدیگر را نگه دارند. دیگر جایی برای بد اخلاقی و سایر صفات زشت در محیط مقدس خانواده باقی نمی ماند.

۸. بایـد یادآوری کرد که اسـتفاده از اسامی ائمه(ع) خیرات و برکات مادی و معنوی فراوانی در زندگی ما به ارمغان می آورد که بسـیاری از این برکـات از توجه مـا به دور است. بعنوان مثال از امام باقر(ع) حکایت شـده: «شـیطان از نام «محمـد» و «علی» متنفر و گریزان است و از شنیدن نام دشمنان ما اهل بیت خوشحال و مغرور می شود.»۴

یـا پیـامبر اکرم(ص) می فرماینـد: خـانه، مجلس و گروهی که فردی بـا نـام «محمـد» در آن باشـد، مبارک و سـرشار از برکات است.۵

و در برخی کتب فقهی از امـام رضـا(ع) حکـایت شـده: «خـانه ای که در آن افرادی با نام محمـد یا احمـد یا علی و یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه از زنان آنان باشد؛ در آن خانه فقر

داخل نمی شود.»۶

ملاک های انتخاب بهترین اسم:

۱. گویای خصلت نیکو و اخلاق خوب و پسندیده باشد.

۲. نشان و علامتی از آرمان، عقیده و مکتب اعلای شیعه داشته باشد.

۳. بدور از خرافات و هوس ها باشد.

۴. یادآور افتخارات گذشته و افتخار آفرینان گذشته باشد.

۵. همراه عقل، خرد و اندیشه ی صحیح باشد.

بر طبق ملاک های بالا ترتیب اسماء انتخابی چنین است:

۱. یکی از نام ها و صفات نیکوی الهی مانند، عبدالله، عبدالرحیم و ...

۲. یکی از نام های انبیاء و ائمه اطهار(ع) باشد مانند: موسی، عیسی، ابراهیم، محمد، علی، فاطمه، مریم، حسن و حسین و مهدی و...

۳. بر گرفته از اسامی رهپویان راه حقیقت مانند: سلمان، مقداد، اباذر و ... باشد.

معرفی کتاب:

برای مطالعه ی بیشتر در این باره مراجعه فرمایید به:

۱. کتاب «فرهنگ نامگذاری در آیات و روایات»، محمد موحدی نژاد

۲. کتاب فاطمه الگوی زن مسلمان، احمد صادقی اردستانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، تابستان ۷۴.

منابع:

۱. منتخب میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۱۲ و ج ۲، ص ۱۰۹۶، دارالحدیث، چاپ ۸۱، تلخیص سید حمید حسینی، ترجمه: حمیدرضا شیخی.

۲. الحدیث، ج ۱، روایات تربیتی، ص ۱۹۲، چاپ یازدهم، ۷۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)، محمد جواد مروجی طبی، ص ۴۱، چاپ بوستان کتاب قم، ۸۳.

۴. فرهنگ نامگذاری در آیات و روایات، محمد موحدی نژاد، نشر روح، قم، تابستان ۸۱.

۵. شرح لمعه، شهید ثانی.

۱ . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۱.

۲ . نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

۳ . بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۸.

۴ . وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۵ . مستدرک، ج ۲، ص ۶۱۸.

۶ . شرح لمعه، ج ۲،ص ۳ ۳۶۲.

برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت گیری می کنند ؟

پرسش

برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت

گیری می کنند ؟

پاسخ

سخت گیری خانواده هادر امر ازدواج به سبب عوامل زیادی است که عمده ترین آنها ضعف اعتقاد و ایمان به خداونـد و همچنین تجمل گرایی ، چشم و هم چشمی و افکار و دیدگاههای غلط در باب ازدواج می باشد بعضی از پدر و مادر ها د رفکر مال و ثروت عروس و داماد خود هستند و مهریه و جهیزیه بسیار را معیارهای خوشبختی فرزندان خودشان می دانند .

کسیکه با ..... عناوین مختلف مثل حفظ آبرو ، شرایط سخت ، مخارج سنگین جشن ازدواج و یا مهریه بالا را بر زندگی زن و مرد جوان تحمیل می کنند دارای اعتقاد ضعیف به خداوند است زیرا دراین کار خود رضایت خداوند متعال را در نظر نگرفته و فقط چشمش به رضایت مخلوق است .

بسیاری از مردم می دانند آنچه که در زندگی مشترک مهم است تفاهم ، صداقت ، ایمان و اخلاق خوب است اما روحیات زشتی که در وجودشان ریشه دوانیده نمی گذارد آنان به راه صدق و صفا بروند و بخاط چشم و هم چشمی و تجمل گرایی در صدد پیاده کردن خواسته های خود هستند که زمینه ساز بسیاری از مشکلات برای زوجهای جوان می شود .

اسلام به پدر و مادر توصیه می کند که در انتخاب همسر برای فرزندانشان دقت و توجه کنند ولی اشکالتراشی نکنند اینکه باید از دین و اخلاق و نجابت پسر و اصالت خانوادگی او سر در آوریم جای بحثی نیست ولی در عین حال باید مراقب بود که مته بر خشخاش نگذارند و بی جهت مانع پیوند پسر و دختری مسلمان نگردند آنچه

مایه صفای زندگی است اخلاق و ایمان و خلوص و صداقت است نه خانه و اتومبیل و مدرک تحصیلی و خرده گیری والدین در این زمینه ها سبب محروم کردن دو جوان از تشکیل زندگی سالم بر مبنای معیارهای الهی شده و بفرموده امام عسکری (سبب ایجاد مفسده در زمین خواهد شد .

سوال :

برخی خانواده ها برای ازدواج دخترشان مخارج زیادی را به داماد تحمیل می کنند مانند برپایی مجالس در تالارها با هزینه سنگین ، دعوت از صدها نفر میهمان و امثال آن که حقیقتاً در ابتدای زندگی به بهانه آبرو داشتن،.... مخارج کمر شکن را بر دوش داماد قرار می دهند او را مجبور به زیر بار قرض رفتن و بسیاری از مشکلات دیگر می کنند تا جایی که قلباً راضی به پرداخت این مخارج نیست و اما مجبور می شوند . آیا این بهانه که به نوعی سد راه ازدواج جوانها می گردد شرعاً چگونه است و در صورت عدم رضایت داماد به انجام این مخارج استفاده از آن چه صورت دارد ؟

حضرت آیه الله خامنه ای :

خانواده ها باید در آسان نمودن امر ازدواج جوانان تلاش کنند و در هر صورت .... تصرف در خوراکی که داماد در اختیار میهمانان قرار می دهد بی اشکال است .

حضرت آیه الله فاضل لنکرانی :

ترویج این امور فی نفسه وجهی ندارد و گاهی خلاف شرع است.

حضرت آیه الله مکارم شیرازی :

جایز نیست .

حضرت آیه الله بهجت :

می تواند انجام ندهد و با وساطت افراد عاقل طرفین نوعاً مشکل کم می شود .

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع ص۵۳ و ۵۴

۲- بهشت

خانواده ص ۶۱

۳- نظام حیات خانواده در اسلام دکتر علی قائمی

چرا در بخش فرهنگی درکشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟

پرسش

چرا در بخش فرهنگی درکشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟

پاسخ

حقیقت این است که در بخش فرهنگی سرمایه گذاری می شود من جمله بخش کتاب، سینما، تئاتر، موسیقی، روزنامه ها ونشریات و...اما مشکل اساسی این است که محصولات فرهنگی که حاصل این سرمایه گذاری هستند چندان مناسب جامعه اسلامی نیستند وبعضی از این محصولات متأسفانه درنقطه مقابل فرهنگ اسلامی هستند. وظیفه مسئولان این است که از سرمایه گذاری انجام شده در بخش فرهنگ استفاده صحیح و مطابق با آرمانهای اسلام وامام راحل"ره" بکنند وفرامین مقام معظم رهبری را مد نظر داشته باشند.

البته اگر از دیده انصاف بنگریم وضعیت فرهنگی بعد از انقلاب با قبل ازانقلاب خیلی فرق کرده است وبه موازین اسلام بسیار نزدیک شده است. اما به هر حال نقاط ضعفی هنوز در فرهنگ جامعه ما به چشم می خورد که سؤال دلسوزانه وخیرخواهانه شما متوجه همین نقاط ضعف است و وظیفه ما و شما این است که به عنوان یک مسلمان و یک ایرانی از فرهنگ دیرینه ایرانی واسلامی خود دفاع کنیم ودائماً مسئولان رابه طرق مختلف به وظایفشان یادآور شویم.

چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟زیرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند.

پرسش

چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟زیرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند.

پاسخ

در باطن آدمی دو نیروی عظیم ودو قدرت مؤثر وجود دارد : یکی عقل ودیگری احساسات، با فرار رسیدن بلوغ همزمان با رشد اندام عقل واحساسات نیز در راه رشد وشکوفایی قدم می گذارند با این تفاوت که رشد احساسات مانند رشد اندام خیلی سریع صورت گرفته اما عقل درکمال آرامی وبه تدریج منازل کمال خود را طی می کند. حضرت علی(دراین رابطه در مستدرک ۲،ص۶۲۵ می فرمایند : "عقل آدمی در ۲۸ سالگی کامل می شود " ونیز می فرمایند : "آخرین مرحله نهایی تکامل

طبیعی عقل در ۲۵ سالگی است وازآن پس هر ترقی درکمال که نصیب عقل شود تجربی است نه طبیعی" ناموزونی رشد عقل واحساسات بزرگترین مشکل روانی جوانان را تشکیل داده ومنشاء انحرافات اخلاقی آنان می باشد جوان به علت شدت تمایلات عاطفی همه چیز وهمه کس را از پشت عینک احساسات می نگرد و ممکن است با یک تحریک کوچک ویا یک ضربه روحی منقلب شده واز راه اعتدال منحرف گردد.

با توجه به نکات ذکر شده، در تربیت جوانان و حفظ حریمهایی که اسلام قداست خاصی برای آنها قائل است باید موارد ذیل را مراعات نمود :

۱- والدین ومربیان طبع حساس وزود رنج جوانان را در نظر داشته وبا آنان بر اساس تکریم واحترام برخورد نمایند و متوجه باشند که بی احترامی به جوانان وتحقیر شخصیت آنان یکی از عوامل طغیان وسرکشی نسل جوان را تشکیل می دهد، پیامبر اکرم(می فرمایند: "از رحمت خدا دور باد آن

پدر ومادری که با رفتار و گفتار نادرستشان موجبات بدکاری فرزندان خود ونارضایتی خویشتن را از وی فراهم آورند." "۱"

اگر والـدین مطالب تربیتی یا راهنماییهای خود را دوستانه و به زبان اندرز بگویند یا به صورت مشورت وتبادل فکر با آنان در میـان گذارنـد به خوبی می تواننـد دراعمـاق روح جوان نفوذ کرده ودر تربیت صحیح آنان موفق گردنـد ودر مواردی که می خواهنـد نسبت به لغزش جوان تـذکر انتقادی داشته باشند طوری آنرا ادا کنند که باعث هتك حرمت و توهین به جوان نشده وبه راه عصیان سوق داده نشود. حضرت علی(دراین رابطه می فرمایند : "لغرش انسان عاقل رابا کنایه تذکر دادن برای او مؤثر و دردناکتر از سرزنش و توبیخ صریح است" اگر تخلف و لغزش نوجوان با کنایه و درکمال ادب تذکر داده شود بعید نیست که تأثیر کرده ولااقل برای

الگو والدین باشند . امام صادق(فرمودند : "کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم" یعنی مردم را با اعمالتان به دین دعوت کنید نه با گفتار تنها، و در مورد نوجوان و جوان این مسأله مهم تر است زیرا آنان تذکر و توبیخ وانتقاد زیاد را نمی پسندند واعمال خود را بیشتر براساس الگوهایی که می بینند یا می شنوند تنظیم می کنند مثلاً اگر والدین درخانه به یکدیگر احترام بگذارند حتماً فرزندان به والـدین احترام می گذارنـد یا اگر پسری ببینـد که پـدر نسبت به پـدربزرگ مؤدب نیست او نیز نسبت به پدرش مؤدب نخواهد بود.

۲- پدر ومادر خود راشریك خوشبختی فرزند خویش بدانند وبه وی بفهمانند که تو بر اثرحب ذات طالب سعادت خود هستی وما نیز به علت مهر

پـدری ومـادری خوشـبختی ترا خواهانیم. ما وشـما هـدف داریم و آن رسـتگاری و پیروزی شـماست و برای نیل به این هـدف بایکدیگر همکاری می کنیم با این تفاوت که ما عمر بیشتری کرده ایم وتجربه های زیادی اندوخته ایم واز خطرات ایام جوانی به خوبی آگاهیم و از تو انتظار داریم با پذیرفتن وبکاربستن نصایح ما صمیمانه، با ماهمکاری کرده موجبات پیروزی وموفقیت خود را که هـدف مشترک ماست فراهم آوری. به نظرمی رسد جوان از چنین منطقی که سرشار از خیرخواهی و محبت اسـت اسـتقبال کرده واز راهنمائیهـایی مصـلحت آمیز پـدر و مـادر بهره منـد شـود همـانگونه کـه حضـرت امـام صـادق(در روضـه کافی،ص۹۳ می فرماینـد : "نیروی خویش را در راه هدایت جوانان به کار انداز زیرا جوانان زودتر حق را می پذیرند وسـریعتر به هر خیر وصلاحی می گرایند."

در پایـان تـذکر این نکته ضـروری به نظر می رسـد که جوانـان نیز بایـد به این امر توجه داشـته باشـند که پـدران ومـادران حق بزرگی برگردن آنهـا دارنـد و در مواردی که ایشـان به علت بی سوادی یا خودسـری یا سـهل انگاری شخصـیت جوان خود را محترم نشـمرند یا حتی احیاناً سـتمی کنند فرزندان مکلفند درمقابل رفتاروالدین صابر و بردبار بوده وازتلافی وانتقام خودداری نماینـد . درکتاب رشد وزندگی،ص۱۶۳ در این باره آمده است "همواره به خاطر داشـته باشـید که پدران ومادران شـما انسان هسـتند بنابراین هم دارای صـفات برجسته هستند وهم دارای نقاط ضعف، حال اگر نقاط ضعف آنها در مورد طرز رفتارشان با شما باشد بهتر این است که با واقع بینی این عیب را ازآنها یک امر طبیعی بدانید و ضمناً

صفات برجسته ومحاسن آنها و محبت پاك و بی آلایش آنها را نسبت به خود وتوجه و مواظبتی را که از شما می نمایند در نظر بگیرید و ازآنان قدردانی کنید.

برای اطلاع بیشتر در این زمینه می توانید به کتاب جوان از نظر عقل واحساسات، آقای فلسفی مراجعه کنید. با تشکر از شما که سؤال خود را با ما درمیان گذاشتید امیدوارم نکات ذکر شده در بهبود مشکلتان مفید واقع گردد. وسایل،ج۵،ص۱۱۵

منابع : جوان از نظر عقل واحساسات،آقای فلسفی

آیا افزایش جلسات مذهبی درکشور دلیل برانزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع درکفرگویی بعضی ازمداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟

پرسش

آیا افزایش جلسات مذهبی درکشور دلیل برانزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع درکفرگویی بعضی ازمداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟

پاسخ

درخصوص سؤال شما نکات زیر قابل توجه می باشد :

۱. درمورد افزایش جلسات مذهبی باید گفت که چون ملت مسلمان ومظلوم ما، آماج حملات همه جانبه فرهنگی وتهاجمات ضد دینی واقع شده، افزایش این جلسات نه تنها باعث انزجار مردم نخواهد شد، بلکه باعث امیدواری وقوت قلب واستحکام ایمان واتحاد وهمدلی وباورهای مذهبی آنها خواهد گردید، منتهی باید به طور جدی به این نکته توجه شود که جلسات مذهبی بر اساس مبانی دینی وشیوه های صحیح اسلامی باشد وبهترین راه این است که ازمجالس بزرگان دین وعلمای برجسته سرمشق بگیریم تا خدای ناکرده دچار انحراف وبدعت نگردیم.

۲. انسان ها موظفند ارتباط عمیق روحانی ومعنوی خود را با خداوند متعال وائمه معصومین "علیهم السلام" نه نتها حفظ کنند، بلکه روز به روز برقوت واستحکام آن بیفزایند، یکی ازعوامل حفظ وافزایش این ارتباط همین جلسات مذهبی است که بزرگان ما خیلی به آن سفارش وتأکید کرده اند تا اسلام همیشه زنده باشدوما نیز به برکت اسلام زندگی کنیم، واصلاً کار خوب و خداپسندانه، با تکرار ومداومت است که اثر واقعی خود را می بخشد.

۳. درمورد اشعار کم محتوا وبدعت آمیز بعضی ازمداحان، اکثر مراجع عالیقدر فرموده اند که ازخواندن اینگونه اشعار اجتناب و پرهیز شود.

چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟

پرسش

چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟

پاسخ

بـا احترام وابراز ارادت به شـما وتمامی جوانان برومنـدی که نسـبت به مفاهیم وارزشـهای متعالی انسانی والهی ومظاهر مـذهبی احساس تعهد ومسؤولیت می نمایند ونسبت به تغییر ارزشها و بی اعتنایی به مصادیق دینی عکس العمل مناسب نشان می دهند.

امـا درمورد سؤال شـما بایـدعرض کنیم مـا نیز قبول داریم که پس از پـذیرش قطعنـامه ۵۹۸ وتوقف جنـگ تحمیلی عراق علیه ایران، جـامعه دچـار تغییراتی گردیـد کـه یکی از مهـم ترین تغییرات، دگرگـونی درنظـام ارزشـی است که برای اکـثریت افراد جـامعه کم وبیش محسوس است. امـا تغییر ارزشـها ودگرگونی آنرا بـا قـاطعیت نمی توان بیگـانگی با دین یاخـدای ناکرده بی دینی ولامذهبی ولاقیدی گذاشت. درگذر زمان جامعه نسـبت به بعضی ازمسائل ارزشی تغییر عقیده می دهد. برخی ارزشها به ضد ارزش وبعضـی ضد ارزشـها ارزش تلقی می گردد، ولی درعین حال اگر همین افراد درموضع تصمیم گیری وانتخاب قرار گیرنـد خود را دینـدار می داننـد واگر ما اصـرار ورزیم آنها بی دین هسـتند موجب طرد بیشتر آنان ودور شـدن از مظاهر دینی خواهیم شد.

درست است که وقـتی به کـوچه وبـازار وپـارک و ...می رویم مظـاهر مـادی و کم تـوجهی به برخی احکـام ودسـتورات دینی رامشاهـده می کنیم وهمین افراد را نیز می توان در مساجـد، حسـینیه هـا، بارگاه منور امام رضا"ع"، تشـییع جنازه شـهدا، هیأت عزاداری و... مشاهـده کرد. در این صورت آیـا می توانیم این افراد را لامـذهب ولاقیـد بـدانیم. ممکن است به برخی مصـادیق مذهبی بی توجهی داشته باشند ولی لاقید نباشند. بندرت می توان افراد بی توجه به مظاهر دینی رایافت که تعمداً تظاهر

به مخالفت با بعضی احکام دینی بنمایند. آیا با جرأت می توانیم بگوییم اگر فرد یا افرادی برخی مظاهر دینی را در پوشش رعایت نمی کنند، بی دین ویا لاقید هستند، قطعاً بطور قاطع نمی توان پاسخ داد. چقدر از دخترانی که پوشش نامناسب دارند به قصد مخالفت ومبارزه با دین پوشش خود را برگزیده اند. آنان درشرایط محیطی وجو حاکم رفتاری همسو با همنوعان خویش از خود بروز می دهند، بسیاری از جوانان از محاسن ومعایب اعمال خویش بی خبرند. اهمیت و ضرورت آنچه انجام می دهند به خوبی درک نکرده یا نمی کنند. آثار مثبت ومنفی عمل خودشان را به روشنی دریافت نکرده اند.

بعضاً با برخوردهای سطحی وظاهری واوامر ونواهی بدور از شرایط تأثیرگذار خانواده و بستگان و...مواجه شده اند. زمینه جوانی کردن نیافته اند. شخصیت خود را در مسیر درست وصحیح نتوانسته اند به ظهور وبروز برسانند بنابراین برای ابراز وجود وشخصیت دست به کارهایی می زنند که بسیاری ازآنها با تعالیم دینی ومذهبی ممکن است درتعارض باشد وبسیاری از اعمال آنها فی نفسه ممکن است معارض با دستورات اسلامی نباشد ولی عرف حاکم وآداب ورسوم

وسنت ها وباورهای گذشته و...آنرا نپذیرد.از سوی دیگر بسیاری از مردان وزنان وجوانانی (دختران وپسران) که به حفظ ظواهر دینی تقید دارند جزدرهنگام ضرورت به کوچه وبازارو خیابان نمی آیند. بسیاری از آنان از اینکه در کوچه وبازار پرسه بزنند و...اکراه دارند. بنابراین اگر بخواهیم قضاوت کلی در مورد جامعه بکنیم بایدهمه اینها را ببینیم، خوب است بدانید بر اساس تحقیقاتی که سازمان ملی جوانان انجام داده است ودر روزنامه کیهان، پنجشنبه ۸خرداد ۱۳۸۲ درج

گردیـده است : ۴/۷۶٪ درصـد از جوانـان نظـام مبتنی بر ولایت فقیه را مظهری از مردم سالاری دینی دانسـته انـد ۷۶٪ معتقدند مردم سالاـری دینی بهـترین روش حکومت است. ۷۹٪ تحقق واجرای عـدالت در جمهوری اسـلامی را بهتر از سایر کشورهای اسـلامی دانسته اند. ۷۷٪ درصـداز جوانـان قانون اساسـی کشور را که براساس تعالیم دینی تـدوین شـده است از بهترین قوانین اساسی می دانند. آیا این درصد عظیم از جوانان را می توان با دین بیگانه دانست؟

دوست عزیز، دانشـجو درشـرایط کنونی که کشور، احساسـات و شور وهیجـان انقلاـبی وشور حماسـی دوران دفـاع مقـدس را سپری کرده واحساس می کنـد باید به امور غیر رزمی وبازسازی وسازندگی ورسـیدگی به امور دنیوی بپرازد ودر شـرایطی که اسـتکبار بـا همه توان وامکـان خودش برای به زانو درآوردن این نظام مقـدس به پا خاسـته است. وظیفه وتکلیف ماوشمابسـیار سنگین است. دشـمن غـدارکمر همت بسـته است تـا ثـابت کنـد دین قـادر به اداره جامه نیست وبایـد به گوشه و زوایای منازل ومساجد پناه ببرد و به مرور حذف شود. انقلاب اسـلامی ایران برخلاف چنین اندیشه ای می خواهد ثابت کند دین اسلام قادر است سعادت دنیوی واخروی نوع بشر را تأمین وتضمین کند.

بنابراین برادر ارجمندهمه مابایـد در نهایت جدیت وباهمه وجود وتوان بکوشـیم با شـیوه های عملی درست وصحیح به هدایت عالمانه ومشـفقانه نسل امروز بپرازیم واز طرد وحذف ونیش وکنایه جداً اجتناب ورزیم. باید بشیرونذیر باشیم. امید و امیدواری را تزریق کنیم و بـا یأس ونااميـدی مقابله ومبارزه کنیم وبرای تحقق اهـداف عالیه دین مبین اسـلام که اجرای عـدالت وشـفقت ورحمت واسعه است، با قلم و قدم وامر ونهی مشفقانه

ودوستانه، مجدانه تلاش کنیم. دستان پر انرژی وتوانمند شما جوانان برومند و روشن ضمیر را در هدایت جامعه بسوی فلاح وسعادت ورستگاری به گرمی می فشاریم وبه همت عالیه شما چشم امید بسته ایم.

چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت درارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بیشتر دچار استرس و اضطراب می گردند، آن قناعت و پاکی که در مردم وجود داشت، وجود ندارد. سئوال من این است چه کنیم تا این صداقت و قنا

پرسش

چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت درارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بیشتر دچار استرس و اضطراب می گردند، آن قناعت و پاکی که در مردم وجود داشت، وجود ندارد. سئوال من این است چه کنیم تا این صداقت و قناعت مانند اول انقلاب حکم فرما گردد؟

پاسخ

برای پاسخ به سؤال شما بهتر است ما سفری به اول انقلاب داشته باشیم و این سئوال را طرح کنیم که چرا مردم ما انقلاب کردند؟ بی شک مردم ما (اکثریت تأثیرگذار) به مرحله ای از رشد فکری رسیده بودند که توانستند نظریه سیاسی اسلام را که توسط امام خمینی(طرح گردید بپذیرند. پس مردم دوران انقلاب ما به یک رشد علمی و اخلاقی بالایی رسیده بودندکه این مهم را انجام دادند، ولی جنابعالی در مقدمه سئوالتان از تغییر خصیصه اجتماعی افراد و رفتار آنها در طول دوران سخن گفته اید پس بهتر است مایک تقسیم ساختار در ابتدا ارائه بدهیم.

الف اخلاقهای ثابت افراد دراجتماع : بعضی از خلقیات در انسان می تواند ثابت باشد، حتی فرد اگر در اجتماعی مخالف آن روحیه زندگی کند با همه اصتکاکهای اجتماعی باز هم بر آن خلقیات پا برجا بماند. البته تغییر این نوع از خلقیات در دراز مدت ممکن است و چه بسا خیلی از مردم خلقیاتشان در دراز مدت تغییر می کند. البته به سن و طبقه اجتماعی افراد نیز این مهم بی ارتباط نیست.

۱- تغییر خلقیات افراد در اجتماع در دراز مدت : در دراز مدت می توان با تبلیغات

روحیات افراد را تا حدی تغییرداد. تغییر روحیات افراد در جامعه در ارتباط اجتماعیشان پدیدار می شود. هر قدر روحیاتی مانند صداقت، درستی و راستی افراد در درونشان ریشه دار نباشد امکان تغییر به آسانی صورت می گیرد.

۲- عدم تغییر خلقیات افراد اجتماع : هر قدر خصیصه های خوب افراد اجتماع بیشتر تکرار شود و اصتکاک اجتماعی در برخورد افراد صورت نگیرد خلقیات افراد اجتماع ادامه پیدا کرده و رشد و تعالی پیدا می کند.

ب اخلاقهای متغییر افراد اجتماع : در برخی از اتفاقات اجتماعی و سیاسی افراد جامعه در مدت کوتاهی و به خاطر عواملی مختلف یک سری حالاتی پیدا می کنند که بعد از مدتی آن حالات را ترک می کنند. و باید عرض شود که اگر حال خوشی که انسان کسب می کند همراه با تفکر نباشد و استمرار نیابد و تعمیق نگردد، درمعرض خطر است و اگر تبدیل به ملکه شود و در درون قلب انسان ریشه یابد هرگز از روح، قلب و فکر انسان پاک نمی شود. معمولاً در انقلاب ها و کودتاها و یا برخی از اتفاقات خوب و بد اجتماعی این روحیات و حالات ظهور می کنند و بعد از مدتی فروکش می نمایند. از جمله عواملی که باعث ظهور این نوع روحیات می شود عبارت است از :

۱. خلق افراد تابع احساسات و هیجانها و عواطف اجتماعی : مثلاً به خاطر تلقینات صفت شجاعت در موقع جنگ افراد اجتماع شجاعتر به نظر می آیند و یا در موقع بلاهای طبیعی مثل زلزله، مظلوم به نظر می رسند، و یا موقع انقلاب افراد احساس می کنند دنیا

عوض شده و دیدشان تغییر کرده است.

۲. خلق و خوهای گزینشی در افراد جامعه : برخی از افراد اجتماع به خاطر منفعت ها و هم رنگ شدن با افراد برای سودطلبی اقدام به تظاهر و ظاهر سازی های شخصی و اجتماعی می نمایند و این رفتار بیشتر در همان اتفاقات اجتماعی خود را نشان می دهد. مثل انقلاب ها و جنگ ها و ...

ممکن است برخی افراد جامعه خودشان را در انقلاب افراد مهذب و مخلص نشان دهند که بعد از مدتی درون اصلی شان خود رانشان می دهد.

به نظر بنده مهمترین عاملی که صداقت افراد جامعه را در دوران انقلاب سبب می شد ، عبارت بود از :

شخصیت والای امام(و انقلابیون : بی شک امام خمینی(تندیس اخلاق و صداقت بود. او الگویی بود برای تمام رهبران، انسانی مهذب و بزرگوار و صادق که باید سالها بگذرد که بزرگواری او خود را از پشت حجاب زمان نشان دهد. جوانان به او عشق می ورزیدند و او را مرشدی تمام برای خود می دانستند و او را الگوی همه چیز خود می دانستند و پیران به او اقتدا می کردند. در کنار امام(نیز شخصیت های وارسته ای همچون شهید مطهری، بهشتی، رجایی باهنر و ...بودند، در چنین شرایطی بی شک افراد جامعه یا به حقیقت یا به تظاهر خود را با صداقت نشان می دادند.

ولی هر قدر که روزگار سپری شد برخی از افراد شعارهای اصلی انقلاب را زیر پا گذاشته و رفته رفته برخی از افراد جامعه مورد حملات تبلیغاتی گسترده رسانه های مخالف انقلاب اسلامی قرار گرفتند از طرفی برخی از افراد از

شرایط موجود سوء استفاده نموده و باعث شدند دلسردی جای امید را بگیرد اگر ما آن چنان رشادت وفداکاری را که در میدانهای جنگ داشتیم بعد از جنگ در دوران سازندگی ادامه می دادیم، شاید وضع اجتماعی ما این گونه نمی بود. پس باید به قول مقام معظم رهبری پیوسته در فکر اصلاح و انقلاب باشیم و سعی کنیم هر جا و هر قدر که خدا از ما بازخواست خواهد کرد و می کند سعی در اصلاح خویش داشته باشیم. به قول تولستوی نویسنده بزرگ روسی، همه در فکر اصلاح جهان هستند و هیچ کس به فکراصلاح خویش نیست. ما اگر خودسازی و اصلاح نفس داشته باشیم خداوند ما را ترفیع می دهد، رشد می دهد، الگو قرار می دهد، چنانچه شایدخودمان متوجه نشویم. باید افراد شایسته را به مجلس و دولت بفرستیم. برای برگشتن به صداقت، قناعت و ساده زیستی باید قدم برداریم. ما که انتقاد می کنیم به زندگی خود توجه داشته باشیم که ما چقدر گرفتار شدیم. باید فرهنگ سازی شود تا جامعه ای درست نشود که رهبرانش هر قدر هم انسان های بزرگی مثل علی(باشند آنها را درمیدان های جهاد تنها می گذارند. و خدا دور کند از جامعه ای که هم گردانندگان آن بی صلاحیت باشند هم مردمانش، که دیگر از آن جامعه انتظار امر خیری نخواهد بود.

من نمی دانم به کدام ارگان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ملت در ملأ عام زده اید که ببینید جوانان ما که برای امر به این پاکیزه و سالمی به نام ورزش به چه وضعی هستند؟! وقتی جوان و نوجوان من

پرسش

من نمی دانم به کدام ارگان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ملت در ملأ عام زده اید که ببینید

جوانـان ما که برای امر به این پاکیزه و سالمی به نام ورزش به چه وضـعی هسـتند؟! وقتی جوان و نوجوان من نوعی می خواهد به پـارک مراجعه کنـد چطور می توانم او را منع کنم وقتی می بینم محیـط سـالم نیست.(وقتی بنـده به مأمورین پارک اعتراض کردم گفتند از مقامات دستور آمده جوانان آزاد باشند نگذارید جوانتان اینجا بیاید)

پاسخ

که درارتبـاط بـا مسـأله فسـاد اخلاقی جوانان دو گونه برخورد می توان داشت : یکی این که با تهدیـد و ارعاب و برخوردهای خشن مانع از تحقق فساد در جامعه شد و دیگر آن که بجای توسل به زور برای توسعه فرهنگی، کاهش ناهنجاریهای اجتماعی به اصـلاح و دگرگـونی باورهـا و نگرشاهـا پرداخت. و تجربه نشـان داده در این گـونه موارد برخورد فیزیکی و ارعـاب نه تنها کارسـاز نیست بلکه در بسـیاری از موارد نتیجه عکس می دهـد و از لحـاظ روانشناسـی نیز روش تنبیه و مجازات آخرین حربه تربیتی می باشد حال آنکه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله به کار بردیم و با آن که رهبر معظم انقـالب آیت ا...خامنه ای بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر بصورت لسانی تأکیـد ورزیدنـد اما متولیان امر به تجای امر و نهی زبانی به امر و نهی عملی و برخورد فیزیکی پرداختند و به جای اصلاح امور به تشدید آن کمک کردند.

راه حل دوم برای اصلاح ساختار اجتماعی و کاهش ناهنجاریهای اجتماعی اصلاح و دگرگونی باورها و نگرشها است. اصلاح جامعه و روابط حاکم بر آن از جمله روابط دختر و پسر نیازمند بستر سازی

مناسب و کارهای تأثیر گـذار فرهنگی است. لابـد می دانید تا زمانی که زشتی امری برای فرد فرد آشـکار نشود از آن اجتناب نخواهـد کرد و اگر شـخص یـا اشخاصـی مانع از انجام آن شونـد وقوع آن امر صورت مخفی و غیر علنی پیـدا کرده و در خفا گسترش می یابـد و به مرور ر صـحنه اجتماع بروز و نمود خواهـد یافت، و چون از گسترد گی برخوردار گردد عملاً ممانعت و مخالفت عملی با آن به آسانی میسر نخواهد بود. البته ما نیز همانند ماخواستار محیلی سالم برای رشد اررشها و کمالات هستیم و همه ما مسـئول اصـلاح وضع موجود بوده و از مسـئولان نیز انتظار داریم راهکارهای عملی و تأثیر گـذاری در این امر حیاتی ارائه و دنبال نموده و محیط را برای رشد ارزشهای انسانی اسلامی مهیا کنند.

و در ارتباط با این مسأله که فرموده بودید چگونه جوانتان در محیطی که آلوده به انواع فساد است دچار آلودگی نشود، عرض می شود : اولاً غیر از پارک ملت مکانهای ورزشـی دیگری در سطح شهر احداث شده که برای اطمینان بیشتر می توانید جهت ورزش به آن مکـان هـا مراجعه کنیـد. ثانیـاً تـذکر این نکته خـالی از لطف نیست که با این که محیط نقش زیادی در اخلاق و روحایات افراد باز می کند اما انسان ها در سـخت ترین شرایط و بدترین محیط های اجتماعی می توانند با اراده ای قوی دامان خود را از آلودگی ها پاک نگه دارند. چنانچه در همین دوره کنونی بسـیاری از جوانان سلیم العقل نه تنها آلوده به گناه نشده بلکه مراحل رشد و کمال معنوی خود را یکی

پس از دیگری طی می کنند که البته این مسأله وابستگی بسیار شدیدی در مرحله اول به تربیت خانوادگی افراد و در مرحله دوم به تربیت مربیان دلسوز دارد. اول معلمانی که درس زندگی به کودك می آموزند و در دل پاك او نقش های خوب وبد ترسیم می کنند پدر و مادرهستند. اولین عاملی که دل بی آلایش طفل را به صفات پسندیده یا ناپسند متصف می کند و در وی تمایلات روا یا ناروا پدید می آورد تربیت خانوادگی است.

امام باقر(می فرمایند : "فرزندان بشر با صلاحیت اخلاقی پدران خود از خطر انحراف مصون می مانند""۱"

البته از تأثیر دوست بد نباید غافل بود، چنانچه حضرت علی(در وصایای خود به امام حسن مجتبی(به این مسأله اشاره کرده و می فرمایند : "از مراکز بد نام بپرهیز، از مجالسی که مورد سؤظن است دوری کن، و بدان که رفیق بد دوست خود را فریب می دهد و میل او را به کارهای ناپسند تحریک می کند و سرانجام آلوده اش می سازد""۲"

در پایان به این مطلب نیز اشاره ای می کنیم که ؛ انقلاب و نظامی که با خون هزاران هزار شهید به ثمر رسیده است امانتی است الهی، و همه ما در حفظ و حراست آن مسؤلیم، لذا باید ضمن تلاش در جهت سالم نگه داشتن جوانان خویش در جهت حفظ ارزشها نیز بکوشیم و به صور مختلف در خصوص حفظ ارزش ها متوجه سازیم. در چنین محیطی یقیناً افراد سودجو و غیر ارزشی مجال فعالیت نخواهند داشت و کسی جرأت نخواهد کرد ارزشهای انقلابی و اسلامی را فدای بی بند

و باری جوانان کند.

منابع :

۱. بحار۱۵/ص۱۷۸

وسایل۳/ص۲۰۶

بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟

پرسش

بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟

پاسخ

از طرفی می دانیم که اسلام به همه نیازها وضرورتهای انسان پاسخ مثبت داده و برای آن قانون وضع کرده است تا آنجا که برای مسائل غیر ضروری و پیش پا افتاده نیز احکامی قرار داده است.

نتیجه آنکه باید در دوران غیبت امام"ع" پیش بینی لازم را برای ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل جامعه که حکومت است نموده باشد ونمی توان باور کرد که اسلام برای این مقطع از زمان که ممکن است طولانی هم باشد هیچ نوع پیش بینی نکرده باشد. زیرا فرض اینکه در جامعه ای حکومت اسلامی نباشد مساوی است با اینکه اسلام نباشد.

به خاطر اینکه قوانین اجتماعی وسیاسی اسلام از قبیل مسائل اقتصادی، حدود، دیات، قصاص قضاوت و...همگی با نبود حکومت تعطیل وتنها مسائل اخلاقی وعبادی اسلام باقی می ماند که آن هم در یک حکومت طاغوتی و غیر اسلامی به طور صحیح وکامل پیاده نخواهد شد ودر نتیجه هیچ یک از احکام و مسائل اسلامی بدون حکومت و نظام اسلامی به طورکامل اجرا نمی گردد.

بدیهی است که اسلام برای همه زمانها وهمه انسانها ست و محدود به زمان پیامبر و ائمه اثنی عشر "ع" نیست.

بنابراین برای حفظ نظام و پیاده شدن اسلام که قطعاً مطلوب ومورد خواست خداوند است حکومت هم مطلوب ومورد خواسته اواست . واز اموری است که لازم است جامعه مسلمین در انجامش بکوشند وبا توجه به هدف حکومت که بسط عدالت واجراء قوانین اسلام وتربیت جامعه با آداب اسلامی است ناچار باید دررأس حکومت، فقیهی عادل،مدبر وآگاه به زمان قرار گیرد تا حکومت

اسلامی پیاده شود.)"۱"

جهت اطلاع بیشتر ر ک : رعایت فقیه وحاکمیت ملت،سیدحسن طاهری خرم آبادی،ص ۵۱

آیا ذکر نام مبارک امام حسـین(با آهنگی تند وسریع برای تحریک جوانان سینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجان آور غربی و داخلی کـار درستی است؟ آیا این بی احترامی به اهل بیت(که مقامی بس بالاتر از اینها دارنـد نیست؟ آیا به جای اینکه برای مبارزه با فرهنگ غ

پرسش

آیا ذکر نام مبارک امام حسـین(با آهنگی تنـد وسـریع برای تحریک جوانان سـینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجـان آور غربی و داخلی کـار درستی است؟ آیا این بی احترامی به اهل بیت(که مقامی بس بالاتر از اینها دارنـد نیست؟ آیا به جـای اینکه برای مبـارزه با فرهنگ غرب روی عمق مطالب ذکر شـده توسط امامان وهمچنین اهـداف ایشان کار کنیم از نام مبارک ایشان بدون هیچ بهره فرهنگی و دینی برای مقابله با فرهنگ غربی و موسیقی آنها استفاده کنیم کار درستی است؟

پاسخ

با اسـتفاده از سـبک های جدید در صورتیکه موجب سـبک شـمردن ذکر مصـیبت نشود مانعی ندارد. اما اگر مداحی به سبک موسـیقی حرام اجرا شود وباعث ایجا غنا شود خوانـدن و گوش دادن به آن حرام است. مراد از آهنگهای غیر مجاز حرام همان موسـیقی غنایی لهوی متناسب با مجالس لهو ومعصـیت می باشـد.بنابر آنچه ذکر شـد : ۱. مـداحی توأم بـا غنا حرام است ۲. از مداحی توأم با آهنگهای حرام باید اجتناب شود.

البته تشخیص موارد یاد شده به عهده مکلف و تشخیص موسیقی حرام عرفی می باشد.

اما ذکر این نکته لازم به نظر می رسـد که از آنجایی که بایـد حرمت ائمه (درهر حال حفظ شود به نظر می آیـد که حتی اگر به فرض مداحی به سبک موسیقی غیرمجاز باعث غنا نشود به جهت امکان وهن نسبت به ائمه اطهار(باید از خواندن و استماع این نوع مـداحیها اجتناب شود وعلت اجتناب نیز توهین آمیز بودن آن به مقام شامـخ ائمه اطهار (می باشد و همانطور که شـما دوست عزیز مرقوم داشته

اید بجای تأیید و گسترش این سبک عزاداریها می بایست سیره علمی و اهداف ائمه(بیشتر مطرح و شفاف

سازی شود و در این ارتباط تک تک افراد جامعه مسئولند. سوره سباء، آیه ۴۶ در این ارتباط می فرماید :

"قل انما اعظکم بواحده ان تقوموا لله مثنی و فرادی" حضرت امام خمینی"ره" در صحیفه نور، ج۵،در توضیح این آیه چنین می فرمایند : "خداوند تبارک و تعالی در این آیه می فرمایند که یک موعظه به شما می کنم واین موعظه ای است که واعظش خداست وآورنده اش پیامبر اکرم(و می فرماید : "فقط یک موعظه است این موعظه اهمیتش خیلی زیاد

بایدباشدکه با این تعبیر می فرماید آن موعظه این است که : "إن تقوموا لله مثنی و فرادی" اینکه قیام کنید برای خدا برای اقامه حق قیام کنید لازم نیست که اول یک اجتماعاتی باشد "ثم" انسان بعد از اجتماعات قیامی کند. یکی یکی هم این تکلیف هست مثنی و فرادی هم هست دو تا دوتا هم هست یعنی تنهایی تکلیف قیام لله هست میزان این است که انسان تشخیص دهد لله است و قیام برای خداست واگر لله شد از اینکه تنها هستیم و جمعیتمان کم است دیگر وحشتی نیست. قیام لله هیچ خسران ندارد.

در پایان به نکته ای اشاره می کنم که قابل توجه می باشد؛ اسلام با اصل موسیقی مخالف نیست بلکه در بعضی موارد موسیقی ها را تجویز نموده است آیات قرآن کریم از آهنگ دلربایی برخوردار است وهمین آهنگ دلنشین بسیاری از کفار قریش را جذب نمود، روایات معصومین(نیز چنین هستند. پس اصل موسیقی دراسلام حرام

نیست. درخصوص نام مقدس معصومین(نیز اگر در این حد از موسیقی و آهنگ استفاده می شود اشکالی ندارد و چه بسا جوانان را جذب نموده و به مرور دعوت به تفکر در سیره معصومین (نماید. نقطه مقابل آن بیان نام معصومین(است، با صدای زشت وساده که ممکن است تأثیر منفی در مستمع داشته باشد. مطلب دیگری که باید در خصوص سؤال شما بیان کرد این است که درهمه مسائل از واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح باید مقتضیات زمان و مکان رامد نظر داشت. درهمه زمانها و مکانها نمی شود یک حکم واحد کرد مگر در اصول مسلّمه لاتغییر اسلام.

امیدواریم همه ما توفیق قیام لله برای بهبود وضعیت جامعه داشته باشیم.

* صحیفه النور،ج۵،امام خمینی"ره"

۱– چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خودآنها ونیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند ؟

اشاره

۲- آیا فکر نمی کنید مقداری دیر شده و دیگر این حرکتها پاسخگوی نیازهای دقیق وظریف نسل جوان نیست ؟

۳- به نظر شما آیا صادق ترین جوان هم از برگ

پرسش

۱- چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خودآنها ونیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند ؟

۲- آیا فکر نمی کنید مقداری دیر شده و دیگر این حرکتها پاسخگوی نیازهای دقیق وظریف نسل جوان نیست ؟

۳- به نظر شما آیا صادق ترین جوان هم از برگه سوالات پاسخی مورد نیاز خودخواهدیافت ؟ چرا رودر روی جوان پرسش و پاسخ نمی کنید؟

پاسخ

ج س ۱ : ۱) ماهم معتقدیم برای برنامه ریزی برای نسل جوان داشتن نیازها ونقطه نظرات جوانان ضروری ولازم است .

۲) اگر منظور شما همین طرح پاسخ به سوالات معرفتی و عقیدتی است , این واضح است که یکی از نیازهای واقعی و مهم نسل جوان , داشتن اطلاعات مفید از مسائل دینی ورفع شبهات وپرسشهای اعتقادی آنان است . واین طرح پس ازبررسی و کارشناسی لازم وبا توجه به نقطه نظرات جوانان مومن ومتدین وابراز نیاز از سوی آنان برگزار می شود .

۳) اگر منظور شمابرنامه ریزی در سطح کلان جامعه است , برای این منظور شورای عالی جوانان که مرکب از کارشناسان

متخصص و با تجربه ومسئولین ذیربط کشوری است , باروشهای مختلف از نیازها و نظرات نسل جوان کسب آگاهی می نمایند .

به عنوان نمونه از جمله جلسات برگزار شده توسط شواری عالی جوانان می توانید به دیداری که برگزیدگان نسل جوان دررشته های مختلف علمی ــ ورزشی ــ هنری وغیره با مقام معظم رهبری داشتندودرآن دیدار خواسته ها ونظرات خود را مستقیماً با ایشان مطرح نمودند و گفتگوی آنان بطور مفصل از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد ودررسانه های عمومی منعکس گردید

, اشاره کرد .

۴) با همه این مطالب باید اذعان کرد که هنوز برای تحقق خواسته ها ورفع مشکلات نسل جوان فرصت بسیاری برای کارو عمل وجود دارد .

ج س ۲ : ا) به هیچ وجه وهیج وقت برای ارائه مطالب جدید وتوجه به خواسته ها و نیازهای نسل جوان دیر نیست . وبه قول معروف از هرجای ضررکه برگردی به نفع است . اگر تابه حال به دلایلی دربرخی زمینه ها به جوانان بی توجهی شده است دلیل نمی شود که این روند همچنان ادامه پیدا کند .

۲) مسئولیت این طرح , جوابگویی به شبهات وسوالات اعتقادی و معرفتی است نه پاسخ و حل نیازها و مشکلات نسل جوان و به نظر می رسد یک نوع تعامل فکری وفرهنگی مفیدی باشد .اساساً چنین انتظاری از یک موسسه ویک نهاد ویاحتی یک وزارتخانه انتظار بجایی نیست برنامه ریزی صحیح ودقیق می طلبد نهادها وسازمانها ازتوان از یک مجموعه فراتر است . دراین خصوص که هر نهادی متولی یک بخش از نیازهای اساسی اجتماع باشد زیرا حجم گسترده وظائف این طرح باید گفت : پاسخ به نیازهای عقیدتی وسیاسی نسل جوان .

ج س ۳ : ۱) البته ارزیابی دقیق از میزان موفقیت این طرح واینکه سوال کنندگان محترم به پاسخ قانع کننده و مفید دست یافته اند یا نه , بعداً باید انجام شود . یکی از راههای رسیدن به این ارزیابی تکمیل فرم نظر سنجی ارسالی است که امید است مورد توجه دریات کنندگان پاسخ قرارگیرد .

۲) پاسخ به سوالات به دو شکل صورت می گیرد : حضوری وغیر حضوری .

وهر کدام دارای محاسن ومعایبی

است . مثلاً درشکل حضوری این خوبی را دارد که جوان و شخص سوال کننده می تواند صریح وبی پرده وباشهامت خواسته وسوال خود را مطرح نماید که چه بسا درنوشتن این مقدور نمی باشد . وهمچنین شخص پاسخگو می تواند مخاطب خود را ببیندوبهتر حرف او رابفهمد , ومرحله ای از مخاطب شناسی انجام گرفته و وضعیت سوال کننده را درک کند ودر نتیجه پاسخ مناسب تری ارائه نماید . ودرمقابل در شکل غیر حضوری هم فوایدی وجود دارد از جمله اینکه افراد می توانند مطالب راکه به دلایلی از گفتن آن درجمع ودرحضور دیگران خود داری می کنند بطور مکتوب مطرح نموده وبدون اینکه شخص سوال کننده شناخته شود جواب را دریافت نماید .

۳) علاوه بر پاسخگویی غیر حضوری , دراین طرح همایش های ویژه ای برای تحقق خواسته جنابعالی پیش بینی شده که در پشت برگه سوالات نیز ذکر شده است .

در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیره عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟

پرسش

در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیره عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟

پاسخ

حادثه عاشورا حادثه عظیمی در تاریخ اسلام بوده ونقش بسیار زیادی در سعادت مسلمان ها وهدایت مردم داشته است این حادثه در نظر ما بسیار با اهمیت است لذا باید با بزرگداشت وزنده نگهداشتن یاد وخاطره آن از برکات وآثار عاشورا استفاده کنیم.

توجه به این نکته اساسی ضروری است که علاقه ما شیعیان به اهل بیت "ع" و جریان عاشورا را وقیام سید الشهداء"ع" دراثر دو عامل تقویت می شود، پرواز محبان اهل بیت به سرمنزل عشق و محبت به معصومین "ع" با دو بال میسر است.

الف : عامل احساس محبت وعاطفه

ب : عامل شناخت وآگاهی

حقیقت اینست که شیعیان به هردو عامل و هردو بال نیاز دارند یعنی عشق بدون شناخت وعاطفه بدون آگاهی چندان مفید نیست و شناخت بدون عشق ومحبت نیز کارساز نخواهد بود هر یک از این دو عامل در دیگری تولید اثر می کند. پس نباید از این دو عامل غفلت کرد. خصوصاً عامل شناخت وآگاهی. زیرا سوز وگداز شیعیان در مصائب اهل بیت وخصوصاً مصائب سید الشهداء با الطاف خداوندی واستمداد از روح سالار شهیدان در ما علاقمندان به ابا عبدا.."ع" بسیار زیاد است اما مراتب آگاهی و شناخت ما نسبت به اهداف آن بزرگوار و چگونگی پیدایش انقلاب عاشورا بسیار کم است . استاد شهید مرتضی

مطهری درباره حادثه عاشورا می فرمایند : "حادثه کربلا- یک تجسم است از اسلام درهمه جنبه ها اما جان دارو روح دار
حادثه امام حسین گوئی

برای ایجاد یک نمایش حماسی و پرخاشگری وتراژدی و وعظی و عشق الهی و مساوات اسلامی وعواطف انسانی، همه

درآخرین اوج به وسیله قهرمانهای مختلف از پیر وجوان، زن ومرد، آزاد و برده ویا آزادشده، بالغ و کودک به وجود آمده وهمه ابعاد اسلام را هم نشان می دهد. هم توحید وعرفان وعشق الهی و تسلیم ورضا ونرد محبت با حق باختن و پاکبازی با خدا، وهم

درعین حال جنبه اعتراض و پرخاشگری شدید وهمدردی با محرومان، وهم حماسه اخلاقی تحرک و تجسم شجاعت و حماسه انسانی، وهم وعظ واندرز وسکون خاص به آن، وهم برابری و مساوات اسلامی، وهم تجلی عالیترین عواطف اخلاقی واسلامی؛ مثلاً ایثار (داستان ابوالفضل "ع")، فداکاری و سبقت درآن، اینست معنی جامع بودن قیام حسینی""۱"

بنابراین می بینیم که حادثه عاشورا سیره عملی ائمه است که در حادثه عاشورا به نمایش درآمده است وبرای یادگیری این سیره یکی ازبهترین راه ها، عزاداری است که با تحریک احساسات وعواطف پیام عاشورا بطور بلیغی به مردم می رسد.

آیت ا...مصباح یزدی دراین رابطه می فرمایند : "جواب این است که این صحنه ها باید به وجود بیاید که غیر از عامل شناخت، عامل احساسی، عاطفی نیز در ما تقویت شود. اگر این عواطف تحریک شود، آن گاه می تواند اثر کند. نمونه چنین تأثیری را می توانید در زندگی فردی ونیز زندگی اجتماعی خود بیابید. بخصوص در این سی چهل سال اخیر که حرکت حضرت امام"ره" علیه دستگاه طاغوت وکفر شروع شد، ملاحظه کردید که درایام محرم وصفر نام سیدالشهداء"ع" وعزاداری سیدالشهداء"ع" مردم را به حرکت وادار می کرد. این شور وهیجان جز درایام عاشورا

پیدا نمی شود وجز با همین مراسم سنتی عزاداری یا نظایر آن حاصل نمی شود، بایدعمل کرد ورفتاری نشان داد که احساسات وعواطف مردم را تحریک کند، آنگاه اثر بخش خواهد بود. این جا است که متوجه می شویم چرا امام"ره" بارها می فرمود آنچه داریم از محرم وصفر داریم.چرا این همه اصرار داشت که عزاداری به همان صورت سنتی برگزار شود؟ چون درطول سیزده قرن تجربه شده بود که این امور نقش عظیمی در برانگیختن احساسات وعواطف دینی مردم ایفا می کند ومعجزه می آفریند. تجربه نشان داد که بیشترین پیروزیهایی که در دوران انقلاب ویا در دوران جنگ در جبهه ها حاصل شد، در اثر شور ونشاطی بود که مردم در ایام عاشورا وبه حرکت نام سیدالشهداء "ع" حاصل می کردند""۲"

درپایان مطلب سخنی از مقام معظم رهبری ذکر می شود که مطلب را تمام کرده اند

"شما مداحان و گویندگان فضایل اهل بیت "ع" بهترین کسانی هستید که می توانید حلقه عمل را به حلقه محبت وصل کنید ویک سلسله و زنجیره واقعی به وجود بیاورید.

برادران عزیز!این انقلاب دشمن دارد و دشمنان جدی هم دارد. اما انقلاب روی دوش ایمان مردم است واین ایمان بایدهم عمق پیدا کند، هم صفا وجلا وهم مردم به این ایمان تشویق شوند. لهذا کدام زبان می تواند برای این کار از زبان مدحان اهل بیت"ع" مناسبتر باشد.""۳"

(۱) حماسه حسینی،ج۳،ص۳۴۳

(۲) آذرخشی دیگر ازآسمان کربلا،ص۲۱و۲۲

رازهای غم، ص۱۰۴

چرا امروزه به راحتی ازکنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟

پرسش

چرا امروزه به راحتی ازکنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟

پاسخ

بی توجهی نسبت به مفاسد اجتماعی دلایل مختلفی می تواند داشته باشد. از جمله طبیعی شدن موضوع بخاطر کثرت آن مانند پدیده بدحجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم برخورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفاسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن خود افراد و ضعف ایمان درهر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف ونهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا باید از اطلاعات کافی در شناخت معروف ومنکر و نحوه انجام آن برخوردار باشد به فرمایش شهید مطهری امر به معروف ونهی از منکر از پند شروع می شود وبه بند ختم می شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت به آنها مؤثر واقع نشد باید از بند استفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر

می کنند اولین وسیله برای برخورد وامر به معروف ونهی از منکر توسل و استفاده از بند است.

چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می باشند؟

پرسش

چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می باشند؟

پاسخ

عوامل زیادی دخالت دارد از جمله:

۱- عدم آشنایی به فلسفه دین و مذهب.

۲- مسامحه کاری و اهمیّت ندادن به مذهب.

۳- توهّم هدم سازش باور دینی با لذّات دنیوی.

۴- خانواده یعنی خانواده شان یا مذهبی نیستند یا مذهبی هستند منتهی جوّ معنوی در منزل حاکم نیست، یا جو معنوی هم حاکم است منتهی عمل کرد و برخورد خشن و غیر اصولی است.

۵- برخوردهای نامناسب افراد مذهبی با دیگران.

۶- عدم موفقیت متدصیان امر تبلیغ در استفاده شیوه های درست تبلیغ.

چگونه می توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟

پرسش

چگونه می توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟

پاسخ

آنان را سفارش کنید به مسجد بروند و با جماعت نماز بخوانند. فواید نماز را برایشان تذکر دهید. کتاب هایی درباره نماز نماز که مناسب با آنان باشد، برای آنان تهیه کنید. آیات و روایاتی که درباره بی نماز است و عذاب هایی که برای آنان مقرّر شده است به صورت ساده با زبان خودشان، برایشان توضیح دهید و آنان را از دوستان بد و بی نماز جدا کنید. به معلمشان بگویید که در کلاس به نماز تشویق کند.

برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

پرسش

برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

پاسخ

معرفی و شناساندن اسلام و انقلاب و امام باید در دو بخش نظری و عملی انجام گیرد؛ یعنی مبانی اسلام و انقلاب و تفکر امام ره باید در بین مردم به صورت شفاف و عمیق مورد بررسی قرار گیرد و به شبهات پاسخ داده شود و از طرفی نقش اسلام در احیای تمدن بشری و دستاوردهای انقلاب اسلامی و خصوصیات رفتاری حضرت امام در صحنه های مختلف سیاسی علمی، اجتماعی در قالب شعر و داستان و فیلم و غیره به صورت جذاب تبیین شود.

در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهولت سن نمی تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه ای دارم؟

پرسش

در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهولت سن نمی تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه ای دارم؟

پاسخ

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تنها به عهده روحانی محل نیست، بلکه این وظیفه بر دوش همه اقشار جامعه قرار دارد و در شرایط مذکور این فریضه مهم نباید ترک شود. در این راستا باید جوانان مؤمن و نیروهای فرهنگی در قالب تجمع و تشکیلات مذهبی از قبیل بسیج، انجمن اسلامی و غیره با جذب نوجوانان و برنامه ریزی دقیق در جهت ارتقای سطح فکری مردم و تشکیل جلسات مذهبی، ترویج فرهنگی کتاب خوانی، توجه به قرآن و اهل بیت(ع) معرفی الگوها و تأسیس کتا بخانه به وظیفه خود عمل نمایند.

یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟

پرسش

یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟

پاسخ

هیچ کشوری در توحید و یکتاپرستی قابل قیاس با ایران نیست ; زیرا همه کشورها طوق بندگی وعبودیت آمریکا را بگردن انداخته اند.

چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است ؟

پرسش

چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است ؟

پاسخ

در جامعه ما هنوز عدال کیفی به معنای واقعی کلمه اجرا نمی شود و عقاید دینی هنوز فراگیر وهمگانی نیست , صدق و راستی عمومی نشده , شرك و نفاق برای رسیدن به مقاصد در مقیاس قابل توجهی حکم فرما است . اگر توکل و اتکال همه ما به خدا باشد اگر او را رازق حقیقی بدانیم اگر عبد واقعی او باشیم امروز قطعا مدینه فاضله را تشکیل داده بودیم , ولی هنوز از توحید واقعی فرسنگ ها دوریم .

چرا اداره مساجد وضعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسجد هستند؟ چرا در عصر کامپیوتر و تکنولوژی , امور مساجد به طور رایانه این انجام نمی گیرد و وظایف روحانیون مشخص نمی شود تا آن هامسئولیت داشته باشند؟

پرسش

چرا اداره مساجد وضعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسجد هستند؟ چرا در عصر کامپیوتر و تکنولوژی , امور مساجد به طور رایانه این انجام نمی گیرد و وظایف روحانیون مشخص نمی شود تا آن هامسئولیت داشته باشند؟

پاسخ

مطلب فوق دربارهء تمام مساجد صدق نمی کند, زیرا الآن مساجدبسیاری در تهران و شهرهای بزرگ وجود دارند که با شیوهء مدرن و برنامه ءمشخص و امکانات پیشرفته اداره می شوند, حتی سازمانی به نام در تهران و بعضی شهرها فعال هستند و امور مساجد را فیصله می دهند که اگر این امر با برنامه ریزی گسترش پیدا کند و نسبت به همهء مساجدتعمیم داده شود, مشکلات مرتفع خواهد شد; البته چون اداره کنندگان اصلی مساجد, مردم هستند و تأمین هزینهء آن به عهدهء آن ها است , طبیعی است فرهنگ و افکار مناطق گوناگون و توانایی مردم بی تأثیر نیست .

در هر حال رفع نقص گسترده , زمان و امکانات بیش تری می طلبد.

چگونه می توان شخصی را که اتعقاد به مذهب و دین ندارد, به راه راست هدایت کرد؟

پرسش

چگونه می توان شخصی را که اتعقاد به مذهب و دین ندارد, به راه راست هدایت کرد؟

پاسخ

از دو راه می توان دیگران را هدایت کرد:

۱ تبلیغ منطقی و مستدلّ (وجادلهم بالّتی هی أحسن).(۱) استدلال و مجادلهء عاقلانه و با روش صحیح و بااخلاق حسنه ;

۲ تبلیغ عملی : وقتی رفتار و اخلاق خوب شما را مشاهده کنند, تحت تأثیر واقع می شوند (کونوا دعاهللناس بغیر ألسنتکم لیروا منک الورع والاجتهاد والصلاه و الخیر فانّ ذلک داعیه;(۲) مردم را با اعمال و رفتارتان هدایت روایت از امام صادق ۷است .

کنید. اگر مردم از شما تقوا و ورع و عبادت و نماز و کارهای خیر را ببینند به خیر و صلاح هدایت می شوند).

(پاورقی ۱.نحل (۱۶ آیهء ۱۲۵

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۶۷ ص ۳۰۳

آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند! در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفهء ما در برخورد باآنان چگونه باید باشد؟

پرسش

آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند! در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفهء ما در برخورد باآنان چگونه باید باشد؟

پاسخ

اگر مقصودتان این است که افرادی از نسل باقی مانده اند یا نه , از این مطلب اطلاعی نداریم . و اگر مراد شما از یزیدیان , کسانی است که منطق و عمل یزید را انجام می دهند و یزیدی رفتارمی کنند و با اسلام و دستورهای آن و با حسین زمان خود می جنگند, می توان گفت افرادی که اهل شراب و قمارو فسادهای اخلاقی و مبارزه با حق و امامت می باشند, یزیدی اند, که شاید تعداد آنان در دنیا فراوان باشد.

در برخورد با آنان باید را پیدا کرد و همراه با ایشان به جنگ یزیدیان رفت . اما اگر مرادتان فرقهء است , آنان چند گروه هستند:

۱ یزیدیان : گروهی منسوب به و فرقه ای از خوارج نهروان هستند.

۲ گروهی دیگر کیش را صورت دگرگون شدهء دین زردتشتی و لفظ را از ریشهء به معنی یزدان می دانند.

۳ یزدیان , پیروان شیخ شرف الدین ... ابن روان , از مشایخ قرن ششم می باشند که از نسل یزیدبن معاویه است .

۴ یزیدیان سلسلهء شروان شاهیان اند, به اعتبار این که نام یکی از نیاکان آنان است . بدین مناسبت خاقانی , شروانشاهان را

یزیدیان و آل یزید می خواند.(۱)

(پاورقی ۱اله .دهخدا, لغت نامه , ج ۱۴ ص ۲۱۰۳۳

عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟

پرسش

عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟

پاسخ

یکی از منابع مهم عبرت پذیری سرگذشت دیگران است . در قرآن نیزتاریخ امت های گذشته برای عبرت پذیری مطرح شده است .

در سرگذشت فرعون آمده است :

سرگذشت عبرتی است برای کسانی که خدا ترسند>. امام علی ۷فرمود: .(۱)

یکی از حوادث مهم در واقعهء کربلاـ پیام ها و عبرت های نهفته آن است . از جمله پیام های این حادثه , دین مداری , خدامحوری , شجاعت , عرفان , ایثار, عدالت گرایی و آزادی خواهی است .

قیام امام حسین ۷به همهء مسلمانان , به ویژه جوانان این درس را داد که پاسدار دین و معنویت و ایثار و غیرت دینی باشند.

غیرت دینی , یعنی اجازهء تجاوز به حریم دین ندادن و خشم مقدس در برابر دین ستیزان .

تاریخ زمان رسول اکرم ۶نشان می دهد مسلمانان چگونه از اسلام وارزش های آن دفاع کردند, اما در زمان امام حسین ۷بر اثر سیاست حاکمان ستمگر, مسلمانان غیرت دینی خود را از دست دادند.

یکی از عوامل مهم زمینه ساز کربلا دنیا گرایی است .

بی تردید یکی از علل شهادت امام و یارانش , حُب جاه و دنیا بود. وعده های ثروت و ریاست به مسلمانان , توسط دستگاه حکومت , سبب شد انگیزهء قتل امام ۷در مردم به وجود آید. عمر بن سعد برای رسیدن به حکومت ری , دستورقتل امام ۷را صادر کرد. امام فرمود: مردم بندگان دنیایند و دین لقلقهء زبانی بیش نیست .

در زمان رسول اکرم ۶دین اسلام به عنوان دینی پویا و جامع , اساسی ترین نقش را در تمدن

و معنویت مسلمانان داشت . متأسفانه مسلمانان بعد از پیامبر, ازمعارف اسلام فاصله گرفتند و همین سبب شد دچار ناهنجاری های سیاسی واجتماعی شوند. از این رو جامعهء اسلامی نیاز به اصلاح داشت .

امام ۷یکی از علل قیام را, اصلاح امت دانست . مقام معظم رهبری درخصوص عبرت پذیری عاشورا می نویسد: اولین عبرت این است که ببینیم چه شدپنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر(ره) جامعه اسلامی به آن حد رسید که امام حسین ۷ناچار شد برای نجات جامعه , فداکاری کند! چه وضعی بود که حسین بن علی ۷احساس کرد اسلام فقط با فداکاری او زنده می ماند و گرنه از دست می رود؟!

پیامبر۶برای هدایت مردم , قرآن و عترت را باقی گذاشت , تا مسلمانان باپیروی از این دو امانت گران سنگ , سعادت دنیا و آخرت را تأمین کنند. متأسفانه بعد از رحلت رسول ۶کسانی بر مسند قدرت نشستند که لیاقت رهبری جهان اسلام را نداشتند. از این رو جریان غدیر فراموش شد و خلافت از مسیر اصلی منحرف و نتیجه آن شد که در زمان امام ۷یزید به عنوان جانشین پیامبر۶برمسند قرار گرفت !

یکی از علل شکست امام ۷جهل مردم و بی وفایی آنان بود. هر انقلابی نیاز به دو عنصر عمدهء رهبری و مردم دارد. در حادثهء طف , امام ۷لایق ترین وشایسته ترین فرد برای رهبری بود, ولی جهل مردم و بی وفایی مسلمانان سبب شدامام ۷شکست بخورد.

با توجه به مطالب گذشته باید گفت : افول غیرت دینی , دنیا گرایی , فاصله گیری از معارف اسلامی , کنار گذاشتن اهل بیت : و بی وفایی مردم ,

عبرت های عاشورابرای مردم است . جوانان باید توجه داشته باشند غیرت دینی و بهره گیری معقول ازدنیا و کسب معارف دینی و پیروی از اهل بیت : و وفاداری به نظام و رهبر,عوامل حفظ و تداوم انقلاب اسلامی است .

(پاورقی ۱.عبدالمجید معادیخواه , فرهنگ آفتاب , ج ۷ ص ۳۵۸۹

چه کنیم نسل جوان , عاشق قرآن و اهل بیت : شوند؟

پرسش

چه کنیم نسل جوان , عاشق قرآن و اهل بیت : شوند؟

پاسخ

برای آشنایی بیشتر جوانان با قرآن و اهل بیت : و عشق ورزی آنان به این دو, راه کارهای متعددی وجود دارد. یکی از آن ها بیان فضایل اهل بیت است . ائمه : نیز بدین معنا اشاره کرده اند. امام رضا۷فرمود: اگر مردم خوبی های تعالیم ما را بشناسند, از ما پیروی می کنند.

یکی از راه کارهای مهم آشنا شدن جوانان , اهل بیت : بیان جایگاه محبت به آنان می باشد. در برخی احادیث آمده است : هر که با عشق آل محمد بمیرد, شهیداست .

یکی از شعرای معاصر در این باره می سراید:

]تولای شما فرضی خدایی است قبول و ردّ آن مرز جدایی است

هر آن کس را که در دین رسول است ولایت , مُهر و امضای قبول است

دیانت , بی شما کامل نگرددبه جز با عشقتان دل , دل نگردد(۱)

]شافعی یکی از علمای اهل سنت می گوید:

]کفاکم من عظیم القدر انّکم من لم یصلّ علیکم لا صلاه له (۲)

]در عظمت قدر شما اهل بیت همین بس که هر کس در نماز بر شما درود وصلوات نفرستد, نمازش صحیح نیست .

در جامعه باید به اهل بیت : احترام گذاشت و از آنان به عظمت یاد کرد. و باانتخاب نام های آنان برای فرزندان , تعظیم اهل بیت : را به نمایش گذاشت .

معرفی کتاب و مجله دربارهء ابعاد شخصیت و زندگانی اهل بیت : گامی بلنددر معرفی اهل بیت : و ایجاد علاقه به آنان است .

والدین , حکومت و همه ءرسانه های گروهی باید با معرفی

کتاب و آفرینش های فرهنگی وظیفهء خویش راانجام دهند.

ساخت سریال و به تصویر کشیدن ابعاد وجودی و فضایل اهل بیت :, یکی از راه کارهای آشنایی جوانان به اهل بیت : می باشد. مردم ایران , به ویژه جوانان ,عاشق معصومان : هستند و به تصویر کشیدن جذاب زندگانی آنان , جوانان علاقه ءبیش تری به اهل بیت : پیدا می کنند.

برای آشنایی جوانان و ایجاد علاقه به قرآن راه های متعددی وجود دارد!

۱ تبیین معارف بلند قرآن ; بی تردید معارف قرآن همسو با فطرت انسان ها بوده و در راستای نیاز آنان تشریع شده است و لذا اگر معارف قرآن تبیین شود, جوانان باآن بیش تر آشنا می شوند, آن گاه جذب قرآن خواهند شد.

۲ فعالیت های قرآنی ; یعنی ایجاد کلاس و درس , برای معرفی آن به جوانان است .

۳ تشویق حافظان و قاریان قرآن ; بعد از انقلاب , چنین کاری در جامعه صورت گرفت و سبب شد طیف وسیعی از جوانان قرآن گرا شوند.

۴ برنامه های رادیویی و تلویزیونی نیز در گرایش به کتاب آسمانی مؤثر است .

(پاورقی ۱.جواد محدثی , ابیات مثنوی (اهل بیت آفتاب).

(پاورقی ۲.الغدیر, ج ۲ ص ۳۰۳

چند مجله و نشریهء خوب برای دانش آموزان نام ببرید.

پرسش

چند مجله و نشریهء خوب برای دانش آموزان نام ببرید.

پاسخ

مجلات زیادی برای اقشار مختلف جامعه به ویژه دانش آموزان منتشر می شود که مهم ترین آن عبارتند از: بیّنات ; با معارف اسلامی آشنا شویم ; سلام بچه ها; پیوند از انجمن اولیا و مربیان ; پوپک ; کیهان بچه ها وبشارت .

رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟

پرسش

رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟

پاسخ

رزمندگان علاقهء خاصی به نماز جماعت داشتند, اما مانع مهمی بر سر راه آنان , یعنی غالباًنمی توانستند تجمع کنند, چون احتمال خطر بمباران هوایی یا گلوله های خمپاره و موشك وجود داشت و فرماندهان ,آنان را از تجمع در یك مكان منع می كردند, مگر در مكان هایی كه فاصلهء آن با دشمن زیاد بود. در آن مكان ها مانعی برای تجمع نبود و حتماً نماز جماعت بر پا می كردند, به ویژه اگر روحانی بود.

معنای لغوی واژهء نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می كنید؟

پرسش

معنای لغوی واژهء نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می كنید؟

پاسخ

نماز كه عربی آن است به معنی دعا و رحمت است ,(۱) و الآن به معنای عبادت مخصوص به شكلی كه خوانده می شود, است .

در مورد جذب جوانان به نماز, باید گفت اگر موانعی كه بر سر راه جوانان برای رسیدن به كمالات معنوی است ,برداشته شود, جوانان جذب می شوند. جوان با روحیهء شاداب و پر هیجان و با رشد غرائز جنسی و بروز امیال نفسانی , موانع فراوانی بر سر راه دارد. نماز خود به خود جاذبیت دارد, مخصوصاً با روحیهء پاك و صافی كه در جوان هست , تمایل او به خدا و معنویت از كسی كه مدت طولانی با مظاهر دنیا دست به گریبان بوده , بیش تر است . چندنمونه از مانع ها را بر می شمریم :

۱ ترغیب و تشویق جوانان به شهوت رانی جنسی از طریق نشریات و فیلم و كتاب و عكس ها. ۲ جلوه وجذابیت های مظاهر دنیوی , از قبیل مدها و لباس ها.

۳ تشكیك در امور و شخصیت های معنوی .

۴ بیكاری و فقر اقتصادی .

۵ اخلاق بد پدر و مادر و برخورهای نامناسب با جوانان .

هر كدام از این ها می تواند مانع بزرگی بر سر راه جوانان برای رسیدن به كمالات معنوی مخصوصاً نماز باشد. اماجاذبیت هایی كه می توان ایجاد كرد:

۱ عملكرد عاقلانه و مدبّرانه علما و روحانیون , مخصوصاً ائمهء جماعات و داشتن روحیهء شاد و برخورد صحیح و گرم گرفتن با جوانان .

۲ تبلیغات صحیح و جذاب دربارهء نماز.

۳

بیان آثار و فوائد نماز و توجیه جوانان و ایجاد انگیزه در آنان .

۴ معلمان مدارس نقش بسیار مهمی در جذب جوانان به نماز دارند.

۵ نقش پـدر و مادر و عملکرد آنان در خانه می تواند مشوّق خوبی برای فرزندان باشد. بدیهی است وقتی فرزندببیند والدین از نظر اخلاقی پسندیده و اهل نمازند, تأثیر مثبتی بر فرزند خواهد داشت .

۶ بردن جوانان به مکان های معنوی و مقدّس مانند مساجد و زیارت گاه های ائمه .

(پاورقی ۱.مجمع البحرین , ج ۱ ص ۶۳۱

در خانواده ای مذهبی بزرگ شده ام , ولی پســرم که در دوم دبستان است , علاقه ای به قرآن و حفظآن ندارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه دارد. چه کنم ؟

پرسش

در خـانواده ای مـذهبی بزرگ شـده ام , ولی پسـرم که در دوم دبسـتان است , علاقه ای به قرآن و حفظآن نـدارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه دارد. چه کنم ؟

پاسخ

عوامل مختلفی می تواند در تباهی اخلاقی نقش داشته باشد.

۱ تربیت ناسالم . چه بسا افرادی در خانواده هایی مذهبی تربیت یافته اند, اما با برخوردهای ناصحیح و تند وخشن بچه ها را که ظرفیتشـان کم است , از دین و دین داری منزجر و زده می کننـد یـا بـد اخلاـقی در داخـل خـانه از طرف پـدر یـا مادر, بچه را متمایل به افراد خارج از خانه می سازد و اگر دوستان خارج از خانه افرادی منحرف یا متمایل به انحراف باشند, باعث تمایل به فساد می شود. بنابراین پـدر و مادر با رفتار خوب و سالم و عمل به دسـتورهای اسـلامی کم کم بچه ها را تحت تأثیر خود قرار دهند و از جذب آنان به دیگران جلوگیری کنند. در این زمینه نقش مادرمخصوصاً برای کودکان و نوجوانان بیش تر است .

۲ آزادی بیش از اندازه به بچه ها دادن و این که بچه ها بدون هراس با هر کس رفت و آمد کنند.

۳ لوس و نُنُر بودن بچه ها مخصوصاً اگر در خانواده تک باشـند و هر چه خواست , برایش تهیه کننـد و هر کجاخواست , او را ببرند و کودک در زندگی خود هیچ رنجی و محنتی را تحمل نکند.

۴ بعضی از بچه ها که تمایل به فساد دارند, به طینت و خمیره و سرشت آن ها بر می گردد, حال از جهت پدری یااز ناحیهء

مـادری . که برخورد با این گونه بچه ها مشـکلات زیادی بایـد متحمّل شـد و بایـد سـعی شود تا این گونه بچه ها اززمینه های فساد دور باشند و وقت بیش تری صرف هدایت آنان کرد و آنان را مشغول به کاری کرد, تا فرصت کارخلاف پیدا نکنند.

حـال جنابعـالی از دوسـتان فرزنـدتان , جویا شویـد. ببینیـد آیا آنان افراد صالحی هسـتند یا از طریق بعضـی دوسـتان که خوش اخلاق و متدین هسـتند, با فرزندتان صحبت و سعی کنید کم کم او را همراه خود به مسجد ببرید, تا بابروبچه های مسجد آشنا و دوست شود.

مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی ۷آشنا شوند, چیست ؟

پرسش

مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی ۷آشنا شوند, چیست ؟

پاسخ

امام علی ۷یـک سلسـله کارهای اجتماعی , حکومتی , فعالیت های اقتصادی عام المنفعه و کارهای خداپسـندانه داشت . ما که ادعـا می کنیـم : به علی ۷علاـقه منـدیم و از او الگـو می گیریم و می خواهیم پیرو او باشـیم و اورا امـام و مقتـدای خویش قرار بدهیم , باید اوّلاً: بدانیم که آن حضـرت چگونه زندگی می کرد و ثانیاً: بعد از آگاهی وآشـنایی به سیره اش , آن حضرت را الگو و مقتدای خویش قرار دهیم و به او تمسّک کنیم . به عنوان نمونه توجه شما رابه این واقعهء تاریخی جلب می کنم :

روزی عثمان بن حنیف فرماندار حضـرت در بصره در یک میهمانی باشکوهی شرکت کرد. در این میهمانی ثروتمندان حضور داشـتند, ولی از مستمندان و بیچارگان خبری نبود میزبان غذاهای رنگارنگ را برای میهمانان آماده کرده بود, به مجرد این که امام علی ۷با خبر شـد که فرمانـدارش در این میهمانی شـرکت کرد, نامهء شدیداللحنی به او نوشت که محتوای این نامه درس بزرگی برای یکایک مسلمانان خصوصاً شیعیان است . حضرت فرمود:

آن گاه آن چه حلال بودنش برای تو مشتبه بود از دهان بینداز و آن چه را یقین به پاکیزگی و حلیتش داری تناول کن !

آگاه باش ! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که بایـد به او اقتدا کند. و از نور دانشـش بهره گیرد, بدان ! امام شـما ازدنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است , آگاه باش ! شما

توانایی آن را ندارید که چنین باشید. امامرا با ورع , تلاش , عفت , پاکی و پیمودن راه صحیح یاری دهید, به خدا سوگند من از دنیای شما طلاو نقره ای نیندوخته ام ; و از غنایم و ثروت های آن مالی ذخیره نکرده ام و برای این لباس کهنه ام بدلی مهیا نساخته ام واز زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته ام . و از این دنیا بیش از خوراک مختصر و ناچیزی برنگرفته ام . این دنیادر چشم من بی ارزش تر و خوارتر از دانهء تلخی است که بر شاخه درخت بلوطی بروید ....

من نفس سرکش را با تقوا تمرین می دهم و رام می سازم , تا در آن روز بزرگ و خوفناک با ایمنی وارد صحنه قیامت شود, در آن جا که همه می لغزند او ثابت و بی تزلزل بماند (فکر نکن من قادر به تحصیل لذت های دنیا نیستم)به خدا سوگند اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفا ... و مغز این گندم , و بافته های این ابریشم برای خود خوراک و لباس تهیه کنم , اما هیهات که هوا و هوس بر من غلبه کند و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعام های لذیذ را برگزینم .در حالی که ممکن است در سرزمین یا کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان رانداشته باشد و نه هرگز شکمی سیر خورده باشد, آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه و کبدهای سوزانی باشند؟

آیا به همین قناعت کنم که گفته شود:

من امیر مؤمنـانم ؟ اما با آنان در سـختی های روزگار شـرکت نکنم ؟! و پیشوا ومقتـدایشان در تلخی های زنـدگی نباشم ؟ من آفریده نشدم که خوردن خوراکی های پاکیزه مرا به خود مشغول دارد, هم چون حیوان پرواری که تمام همش , علف است و یا هم چون حیوان رها شـده ای که شـغلش چرید و خوردن و پرکردن شـکم می باشد و از سـرنوشتی که در انتظار او است بی خبر است , آیا بیهوده یا مهمل و عبث آفریده شده ام ؟ آیاباید سـر رشته دار ریسمان گمراهی باشم ؟ و یا در طریق سرگردانی قدم گذارم ؟ گویا می بینم گوینده ای از شمامی گوید: .

آگاه باشید! درختان بیابانی چوبشان محکم تر است , اما درختان سر سبز که همواره در کنار آب قرار دارندپوستشان نازک تر (و کم دوام ترند), درختانی که در بیابان روییده و جز با آب باران سـیراب نمی گردند, آتشـشان شعله ورتر و پر دوام تر است و من نسـبت به پیامبر۶هم چون روشـنی که از روشـنایی دیگر گرفته شده باشد و هم چون ذراع نسبت به باز و هسـتم (بنابراین روش او را از دست نمیـدهم) به خـدا سوگنـد اگر عرب برای نبرد با من , پشت به پشت یکدیگر بدهند من به این نبرد پشـت نمی کنم و اگر فرصت دست دهد که بتوانم آن را مهار کنم به سـرعت بسوی آنان خواهم شتافت و بزودی تلاش خواهم کرد ...>(۱)

(پاورقی ۱ نهج البلاغه , ترجمهء گویا و شرح فشرده , ناصر مکارم شیرازی , ج ۳ ص ۱۰۹ ۱۱۳

آیا وجود آموزشگاه ازدواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است ؟

پرسش

آیا وجود آموزشگاه

ازدواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است ؟

پاسخ

ازدواج یکی از سنت ها و نعمت های الهی است و زناشویی و تأسیس زندگی مشترک خانوادگی یک خواسته طبیعی است که غرایزش در وجود انسان ها نهاده شده است تا جائی که رسول خدا۶فرمود: بنایی دراسلام پایه گذاری نشده که نزد خدا محبوب تر و عزیزتر از ازدواج باشد.(۱) در اسلام برای ازدواج و زندگی مشترک آدابی وجود دارد که بخشی از این آداب در کتاب های مختلف که در این زمینه تألیف شده است مانند ازدواج دراسلام آیت الله مشکینی آمده است . هم اکنون قبل از عروسی و در آغاز ازدواج در مرکز بهداشت جلساتی برای آموزش عروس و داماد تشکیل می دهند.

(پاورقی ۱ محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۱۰۳ ص ۲۲۲

چرا با وجود نهادهای دینی (حوزه های , ارشاد, امور تربیتی ...) با هم جوانان روربرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاً شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ...؟

پرسش

چرا با وجود نهادهای دینی (حوزه های , ارشاد, امور تربیتی ...) با هم جوانان روربرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاًـ شیوه های ایراد دارد. مثلاًـ شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ...؟

پاسخ

برای ارائه تبلیغات موفق و قانون مند, نیاز به راهکارهای علمی و تحقیقی است . از این رو در جهان امروز, در خصوص تبلیغ و پیام رسانی , رشته های تخصصی به وجود آمده و صدها دانشجو به تحصیل مشغول هستند. از سوی دیگر تبلیغات امروز, با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار و شیوه های مانند استفاده ماهواره , رایانه وسایت های اینترنت ... به وجود می آید.

متأسفانه یکی از آسیب های مهم تبلیغات جامعه اسلامی ایران , عدم همسو با شرایط زمان و تحولات است . بعداز گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی , هنوز تبلیغات ایران سنتی بوده و از رهیانت راهکارهای علمی برخوردارنیست . امروز جهان به دهکده ای تبدیل شده است که ارتباطات سریع شکل می گیرد و نسل جوان از این ارتباطات تأثیر می پذیرند. تبلیغات امروز که بیشتر از سوی غرب به وجود می آید, جوانان را قربانی شبیه خون فرهنگی کرده است . بی تردید تهاجم فرهنگی تغذیه فرهنگی می طلبد. نهادها و مراکز فرهنگی ایران در راستنی تبلیغات موفق نبوده اند. تبلیغات همسو با شرایط زمان سیاست های کلان فرهنگی و استراتژی منطقی و معقول را می طلبد. البته هرجامعه ای علاوه بر آنکه از ابزارهای تبلیغات روز, باید بهره گیرد, ابزارهای سنتی

خودش را نیز باید حفظ کند. درجامعه اسلامی ایران علاوه براینکه از شیوه ها و ابزار تبلیغات همسو با فرهنگ خود, استفاده کنند, از ابزارها وشیوه های تبلیغی مدرن نیز باید بهره گیرد. بر این اساس می توان گفت یکی از علل دین گریزی جوانان نبود تبلیغات قانون منـد است , از این رو باید در ایران فرایند تبلیغات ضابطه پذیر و همسو با شـرایط زمان شود. دین گریزی جوانان اختصاصـی به عـدم تبلیغـات نظـام یـافته نـدارد. بلکه عوامـل مهم دیگر نقش زیربنای در دین گریزی جوانان دارد.خانواده ها, دوسـتان عبـد صالـح و محیط... عوامل تاثیر گذار هسـتند. برای گرایش جوانان ضـروری است که خانواده هابا برنامه ریزی در محیط خانواده , جوانان را از آسیب های فردی و اجتماعی حفظ کنند. مدرسه ها به عنوان خانه دوم دانش آموزان نیز رسالت دارد که بـا طرح و برنامه های ضابطه منـد, از دین گزی جوانان جلوگیری کننـد. نهادها وحوزه های علمیه که نیز وظیفه دارند که با بهره گیری از ابزارها و شـیوه های مناسـیب , ماننـد تـدوین مجله ها, مقاله ها...تبلیغات موفق را ارائه دهند. از سوی دیگر عزم ملی و سیاست های کلان فرهنگی می تواند, بزرگترین نقش را درگرایش جوانان به دین داشته باشد. که عملکرد مدعیان دین داری , از برنامه های دین جـدا است . اسـلام غنی ترین دینی است که عیب ندارد. و عیب ها در عملکرد مسـلمانان ظهور می کند

اسلام به ذات خود ندارد هیچ عیبی هر عیبی که هست از مسلمانی ما است >

۷- دعوت از امام جماعت شایسته

برگزاری نماز جماعت نیاز به امام

جماعت شایسته , اهل مطالعه و خوش برخوردارد اگر امام جماعت مشکلات جوانان را درک کرده و رفتار منطقی و معقول با آنان داشته باشد و مطالب همسو با نیاز جوانان را مطرح کند, جوانان بیشتر به نماز جماعت جذب می شوند . از سوی دیگر باید نماز جماعت ها طولانی شود که سبب خستگی جوانان گردد.

۸- شبهه زدایی

امروزه که همه مردم , بویژه جوانان مورد تهاجم شبیخون فرهنگی دشمن قرار گرفته اند و دشمن با بهره گیری ازپیشرفته ترین ابزار تبلیغات مانند ماهواره و اینترنت , دین و اعتقادات جوان را نشانه گرفته است و جوان با دهها پرسش و شبهه روبرو شده است ;ضرورت دارد که مسؤلان فرهنگی و حوزه های علمیه به شبهه زدایی بپردازند.گرچه شبهه زدایی سیاست های کلان فرهنگی و تبلیغات ضابطه پذیر را می طلبد. نویسندگان و رسانه ها صدا و سیماو مطبوعات , باید با تدوین مقاله ها, روزنامه ها و تهیه سریال ها و فیلم ها ی مفید, شبهه را شناسایی و سپس به رفع آن بپردازند.

۹- دعوت از شخصیت ها

یکی از راهکارهای مهم جذب جوانان به معنویت , بویژه به نماز جماعت , دعوت از شخصیت های وارسته و بامعنویت تقواگرا است . حضور جوانان در جلسات این گونه افارد و بهره گیری از کلام و اخلاق حسنه آنان ,اساسی ترین نقش را در گرایش جوانان به معنویت دارد. چه بسا جوانانی که در معرض سقوط اخلاقی قرار گرفته بودند, که با ملاقات و دیدار با بزرگان دین , قلهء رفیع معنویت را فتح کردند.

۱۰- معرفی اهل بیت ۷و معارف آنان

یکی

از راهکارهای مهم جذب جوانان به معنویت معرفی اهل بیت ۷و معارف آنان است . جوانان ایران عاشقانه و دلباخته اهل بیت ۷هستند که اگر زندگانی و معارف آنان درست تبیین شود, جوانان به معنویت گرایش پیدا می کنند. اگر جوانان به زیارتگاهها و اماکن مقدسه برده شده , آن گاه معارف اهل بیت بیان گردد, بیشتر تأثیر گذارخواهد بود.

یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است ؟

پرسش

یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است ؟

پاسخ

هیئت مذهبی , نوعی تشکّل مذهبی بر محور عزاداری برای سید الشهدا و ائمه علیهم السلام است .مجموعه هایی از مردم هر محلّه , در شهرها یا رسوتاها که برای سوگواری و روضه خوانی نسبت به امام حسین ۷ به ویژه درایام عاشورا تشکیل می شود. هیئت , سنّتی دیر پا و مردمی است و با بودجه علاقه مندان به امام حسین ۷شکیل می یابد. در طول سال هم فعالیت می کند و جلسات هیئت برگزار می گردد, اما روز عاشورا, برای سیه زنی وعزاداری از حسینیه یا محله بیرون می آیند و به حرم ها و امام زاده و تکیه ها می رونـد. هر هیئت نام خاص و پرچم وعلامت ویژه دارد. هیئت های عزادای گاهی متوسلین به یکی از ائمه یا شهدای کربلا هستند. هیئ...که نوعی سوگواری گروهی است , در قدیم هم رایج بوده و شیعیان به صورت دسته جمعی نوحه خوان و با تشکیلاک طعام , به زیارت قبر امام حسین ۷می رفتند. امام صادق ۷به فائد حنّاط که خبر اینگونه زیارت های جمعی را باز می گفت ,فرمود: هر کس قبر حسین ۷را زیارت کند, در حالی که به حق او آشنا باشد, خداوند گناهان گذشته و آینده او رامی آمرزد.(۱)

برای این که در امر تبلیغ , پیشرفت وجود داشته باشد باید شیوه حکیمانه اسلام در هدایت و ارشاد مردم که مستفاد از قرآن کریم است مورد توجه قرار گیرد. قرآن کریم طی آیه شریفه ای ,

چگونگی تبلیغ و دعوت جوامع بشری به دین خدا را اعلام می دارد. کیفیت تبلیغ در اسلام برنامه خاصی دارد و باید در کادر معینی صورت گیرد.قرآن کریم می فرماید:

شریفه , باید روش خطابه و تبلیغ بر سه محور استوار باشد: ۱ حکمت و منطق ۲ مواعظ بلیغ ۳ شیوهء جدل ومجادله نیکوتر.(۲)

برای توسعه و گسترش همراه با کیفیت در خور شأن تبلیغ , باید به ...ř.....Şљریزی منسجم و منظم در امر تبلیغ Ř..Š........ورزید و در خصوص اجرای آن باید از مبلغان توانا که تأثیرگذار باشند استفاده نمود و از طرف دیگر شناخت مخاطبان نیز می تواند در تأثیر به سزای تبلیغ نقش داشته باشد.

(پاورقی ۱.جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۴۷۲

(پاورقی ۲.محمد باقر شریعتی سبزواری , اصول و مبادی سخنوری , ص ۱۶۱و ۱۶۲

پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟

پرسش

پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟

پاسخ

پیام زیاد است , از جمله :

۱ دست رد به سینهء نامحرم زدن و رهبری فاسد و تبه کاری را نپذیرفتن ;

امام حسین ۷فرمود: (۱)

۲ کرامت نفس و عزّت و شرافت نفس پیدا کردن و زیر بار ذلّت و ننگ نرفتن ,

امام حسین ۷فرمود: .(۲)

در بیان دیگری فرمود: .(۳)

۳ در مقابل بی عدالتی ها و نابرابری ها و ظلم و ستم و فریب و دغل بازی ساکت نماندن و امر به معروف و نهی ازمنکر کردن ;

امام حسین ۷(۴).

۴ در راه حق از هیچ چیز باک نداشتن و همه چیز حتّی جان را فدای حق نمودن .

بعد از گذشتن از قصر نبی مقاتعل , یکی از منازل بین راه مکه و کوفه , امام حسین در جایی که سوار است بودند,خوابیدند و پس از آن که از خواب بیدار شدند سه بار فرمود: . حضرت علی اکبر۷از علّت جویا شد. امام در جواب فرمود: . عرض کرد: مگر برحق نیستیم ؟ امام جواب مثبت داد. گفت : در این صورت از مرگ در راه حق باکی نداریم .(۵)

(پاورقی ۱.مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۴۹ نقل از لهوف سید ابن طاووس , ص ۴۷

(پاورقی ۲.همان , ص ۴۶

(پاورقی ۳.همان , نقل از ارشاد مفید, ص ۲۳۵

(پاورقی ۴.شهید مطهری , مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۱۸ نقل از مقتل الحسین , مقرّم , ص ۱۵۶

(پاورقی ۵.اعیان الشیعه , ج ۸ ص ۲۶ طبق نقل فرهنگ عاشورا, ص ۳۲۳-

به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دهه‌ء محرّم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه کم نیست ؟ دراین صورت وظیفه چیست ؟

پرسش

به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دهه‌ء محرّم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه

کم نیست ؟ دراین صورت وظیفه چیست ؟

پاسخ

متأسفانه باید با کمال شرمندگی به این واقعیت تلخ اعتراف کنیم که عزاداری و تبلیغات ما درباره ءنهضت اباعبدالله ۷خیلی کم است .

تازه در این مـدت کم اهداف واقعی قیام اباعبدالله ۷بیان نمی شود و درسی که حسین ۷به انسان ها آموخت , به مردم تدریس نمی شود.

وظیفه این است که :

۱ از روحـانیون بـا سواد و متـدیّن در این گونه مجـالس اسـتفاده شود و از آن ها خواسـته شودکه از علل قیام اباعبـدالله ۷سخن بگویند. بدبختانه امروزه در برخی از مجالس , تنها به دعوت مدّاحان و شنید مصیبت حسین ۷واهل بیتش بسنده می شود.

۲ بانیـان متعـددّی پیـدا شونـد که هر کـدام یک دهه , مجلس عزاداری برپا کننـد, چنان که در برخی شـهرها مثل تهران , قم , مشهد و اصفهان مرسوم است .

۳ در صورت عـدم امکان تشـکیل جلسات عزاداری , حـداقل کتاب های مربوطه (مقتل های صـحیح) را مطالعه کرده و از این طریق با واقعیت های قیام عاشورا آشنا شوند.

۴ چنـان چه از این طریق ممکن نباشـد, وظیفه این است که بـا مراکزی مثـل واحـد پاسـخ به سؤالاـت دفتر تبلیغات اسـلامی قم مکاتبه نموده و شبهات خود را با آن درمیان بگذارید و پاسخ های خود را دریافت دارند.

آیا در جامعهء ما تمام اهداف امام حسین ۷پیاده می شود؟

پرسش

آیا در جامعهء ما تمام اهداف امام حسین ۷پیاده می شود؟

پاسخ

بعد از انقلاب شـکوهمند و پرافتخار جمهوری اسـلامی ایران , بیش تر اهداف مقدس حضـرت اباعبدالله ۷در جامعه پیاده شده است و می شود. اگر چه در حد مطلوب و ایده آل نمی باشد. کراراً گفتیم : از جمله اهداف قیام اباعبدالله ۷عبارت است از:

۱ زنده کردن اسلام ;

۲ نشان دادن چهرهء واقعی دودمان بنی امیه ;

۳ اصلاح جامعه از نظر اعتقادی و عملی و اخلاقی , که متأسفانه در این خورد خیلی موفق نیستیم .

۴ از بین بردن سلطهء بنی امیه , که ما دست استعمارگران را از کشور جمهوری اسلامی ایران قطع کردیم , گرچه عده ای با انواع حیله ها می خواهند ما را دوباره گرفتار استعمار کنند.

۵ آزاد سازی ملّت از سلطهء زورمداران ;

۶ حاکم ساختن حق ;

۷ تأمین قسط و عدل اجتماعی , که در این مورد خیلی موفق نبودیم .

۸ زنده کردن سنّت بزرگ و سرنوشت ساز امر به معروف و نهی از منکر, که با کمال تاسف باید بگوییم : این سنت بزرگ در جامعهء ما خیلی ضعیف شده و بلکه در حدّ فراموشی قرار گرفته است .

۹ مبارزه با بدعت ها و کج روی ها و بدبختانه اخیراً به دست گروهی از روشنفکران , نادانسته یا مغرضانه کج روی های زیادی در جامعهء ما پیدا شده و می شود, مانند اعتقاد به پلورالیزم , سکولاریزم , قرائت های مختلف ,نداشتن حکومت دینی و مخالفت با حجاب و قصاص و...

قیام عاشورا و امام حسین ۷در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟

پرسش

قیام عاشورا و امام حسین ۷در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟

پاسخ

بسیار واضح و روشن است . انقلاب و قیامی که دم از آزادی و عدالت بزند و چگونگی امتناع از قبول ظلم و جور را نشان بدهد و غیرت و شجاعت و فداکاری و پایداری در برابر مصایب و ثبات قدم بر طریق حق را به دیگران تعلیم دهد و حرمت سکوت را دربرابر باطل و فساد ثابت سازد و بالاخره قیامی که ثابت می کند حق وفضیلت و عدل و ایمان در هر وضعی می تواند بر خودسری و مکر و حیله و ستم و کفر غلبه نماید, در افکار و عمل کرد و ایدئولوژی دیگران حتّی غیر مسلمانان اثر فوق العاده ای می گذارد. به عنوان نمونه گفتار چند نفر از رهبران واندیشمندان غیر اسلامی و اسلامی را به نظرتان می رسانیم :

۱ مهاتما گاندی , رهبر استقلال هند می گوید: اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد, بایستی از امام حسین پیروی کند.

۲ محمد علی جناح , قائد اعظم پاکستان می گوید: به عقیدهء من تمام مسلمانان باید از شهیدی که خود را درسرزمین عراق قربانی کرد, پیروی نمایند.

۳ موریس دوکبری می گوید: در مجالس عزاداری حسین گفته می شود: که او برای حفظ شرف و ناموس وبزرگی مقام و مرتبهء اسلام , از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت .

پس بیایید ما هم شیوهء او را سرمشق قرار داده و از زیر یوغ استعمار بیرون بیاییم و مرگ با عزّت را بر

زندگی باذلّت ترجیح دهیم .

۴ بالاـخره عباس محمود عقّاد, نویسنده‌ء و ادیب مصری می گوید: جنبش حسین یکی از بی نطیرترین جنبش های تاریخی است که تاکنون در زمینه‌ء دعوت های دینی و یا نهضت های سیاسی پدیدار گشته است .(۱)

همان طور که ملاحظه شد, حادثه‌ء کربلا و قیام اباعبدالله ۷در افکار دیگران اثر فوق العاده ای داشته است .

(پاورقی ۱.شهید هاشمی نژاد, درسی که حسین به انسان ها آموخت , ص ۴۴۷ طبق نقل فرهنگ عاشورا, ص ۲۸۳

نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟

پرسش

نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟

پاسخ

از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . مسجد از صدر اسلام تا کنون پایگاه معنوی و اجتماعی مسلمانان بوده است . تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده و این نهاد مقدس بی درنگ پس از بعثت پیامبراکرم ۶عهده دار نقش های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت بوده است . مسجد پایگاهی است که نقش حساسی در تربیت جوانان دارد.

انقلاب اسلامی ایران همانند نهضت صدر اسلام خود گواهی است بر این مدعا که مساجد کانونی برای جذب وتربیت جوانان تأثیر گذار باشند:

۱ در بُعد معنوی و اخلاقی : اگر جوانان با مسجد اُنس و پیوند داشته باشند, حالت درونی و معنوی خوب وخوشی برای آنان حاصل می شود. نماز جماعت تجلّی بخش حالات خوش و معنوی انسان هنگام ارتباط باپروردگار خویش و نقش ارزنده‌ء آن در جهت ایجاد شور و نشاط بیشتر در مسیر الی اللّه است .

اگر خمیرمایه‌ء فکر و عمل جوانان با عبادات خدا در مسجد شکل بگیرد, با انجام عبادت خالصانه در این مکان مقدس , در اوج تقرب به حق تعالی قرار می گیرند. اگر جوانان با معنویت و عشق به خدا پرورش یابند, آینده ‌ءدرخشانی را برای خود و جامعه ترسیم خواهند کرد. مسجد کانون مهمی جهت تقویت حیات معنوی و ارتباط با خدادر جان های مستعد جوانان است .

۲ بُعد اعتقادی و پاسخ به شبهات : دوران جوانی , دوران پرسشگری و مواجهه با شبهات است . مساجد فعال نقش مهمی در پاسخگویی به شبهات و پرسش های جوانان ایفا می کنند و مساجد

به عنوان کـانون هـای مهمی جهت پاسـخگویی به مسایـل و شـبهات جوانـان مطرح می باشـند که در ابعـاد مختلف مخصوصـاً شبهات اعتقادی نقش مهمی ایفا می کنند; یعنی یکی از نیازهای مهم نسل جوان را پاسخگو هستند. مسجدی که امام جماعت فعال و مجموعهء پرتلاشی داشته باشد, می تواند در این مسیر موفق تر باشد.

۳ بُعـد روابـط اجتمـاعی : دوران جوانی , دوران بـااهمیتی است که در این دوران به سـرعت علاـقه منـد به گسـترش روابـط با دیگران و حضور در اجتماع است . مسـجد کانون مناسبی جهت یافتن دوستان خوب و با ایمان است وشخص , با مشارکت در فعـالیت هـای مسـجد می توانـد فعـالیت اجتماعی سالمی را آغاز کنـد و عرصهء جدیـد روابطاجتماعی خود را به شـکل خوبی توسعه و گسترش دهد.

راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است ؟

پرسش

راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است ؟

پاسخ

برای جذب جوانان به مسـجد, باید مساجدی فعال و پویا داشـته باشـیم . در این زمان از یک سو دامنه ءتهاجم دشـمن به قلمرو اندیشه های دینی گسترش یافته و از سوی دیگر, جامعهء ما یک جامعهء جوان است که شیفته ءآشنایی با مبانی اسلامی است . بایـد نهادهای مـذهبیماننـد در خصوص جامعهء جوان برنامه داشـته باشـند تااین جان های مستعد را در مسـیر درست هدایت کنند.

بی گمـان به عنوان سـنگری که از آغازِ بنای آن تا کنون دارای نقش فرهنگی و آموزشـی بوده است ,نمی توانـد در خصوص نسـل جوان و پرسشـگر, ساکت و بی برنامه باشـد. برای جـذب جوانان به مسـجد بایـد تمامی ابزارها و امکانات را در خـدمت گرفت و یـک فعـالیت فرهنگی و تبلیغی پر جـاذبه را از سـنگر مساجـد پی ریزی نمود.در مساجـد بـا بهره گرفتن از روش های آموزشـی و فرهنگی , مفاهیم بلنـد دینی را به صورتی زیبا ارایه دهنـد تا آمـدن جوانانبه مساجد اسـتمرار داشـته باشد و جوانان گمشدهء خود را در این مکان مقدس بیابند و با این مکان مأنوس گردند.

امروزه در کنار فعال نمودن مساجـد, بنا نهادن مؤسـسات و مراکز آموزشـی , فرهنگی در کنار مساجـد, یک ضـرورت اجتناب ناپـذیر به شـمار می رود. این مراکز آموزشـی وابسته به مساجـد محسوب خواهـد شـد و اداره ومـدیریت آن ها جـدا از ادارهء مسـجد نیست . چنـان چه این مراکز بتواننـد به انـدازهء توان خود, پاسـخگوی نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان در خصوص کتاب , نشریات سودمند, فیلم , نوار, مراکز اطلاع رسانی و حتّی نیازهای تفریحی

باشند, زمینهء بسیار مناسبی برای جل بو جذب جوانان و دانش پژوهان به نماز و مسجد فراهم می آید.

چه زیبا و دلنشین است هرگاه انبوه جوانانی که در کتابخانهء مسجد به مطالعه نشسته اند, با شنیدن آوای ملکوتی اذان , به مسجد بشتابند و پس از بجا آوردن نماز, به کار خود ادامه دهند. وجود چنین مراکزی در کنار مساجد وپیوسته به آن , نسل جوان را با مساجد پیوند می دهد.(۱) هر قدر در مساجد جاذبه های معنوی و مورد قبول جوانان تقویت شود, آسان تر سریع تر می توان جوانان را به مساجد کشاند و این پیوند را استمرار بخشید.

(پاورقی ۱.رحیم نوبهار, سیمای مسجد, ج ۲ ص ۱۶۴

آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد, در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟

پرسش

آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد, در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟

پاسخ

جوان بودن امام جماعت نمی تواند معیاری برای گرایش جوانان به مسجد باشد, چون امام جماعت باید اوّلاً دارای فضایل علمی و اخلاقی باشد; ثانیاً نزد مأمومین از مقبولیت برخوردار باشد, به نحوی که مردم رغبت داشته باشند به او اقتدا کنند. پیشوایان اسلام بر مقبولیت امام جماعت و اینکه مورد رضایت و پذیرش نماز گزاران باشد, تأکید فراوان نموده اند. اگر این مقبولیت نزد جوانان بیشتر شود, آن ها حضور فعال تری در مساجد خواهندداشت . امام جماعت باید با استفاده از تدابیر لازم جهت جذب جوانان و برخوردی پر جاذبه و کم دافعه , آنان را به این سنگر الهی دعوت کند. هر قدر امام جماعت با درایت و آگاه به زمان باشد, بهتر و سریع تر می تواند جوانان را به مسجد جذب کند. حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با این که جوان نبود, اما بهتر از همه ,جوانان را می شناخت و با آنان بود و جوانان و همهء مردم ایران به او عشق می ورزیدند و تا سر حد جان به او اعتقادداشتند. از این رو می توان عنوان کرد که جوان بودن امام جماعت موضوعیت ندارد, بلکه اما جماعت باید جوانان ونوجوانان و خواسته های آنان را بشناسد و رای آنان دوست و یاوری صدیق و هدایتگر باشد. جوان بودن امام جماعت ممکن است مشکلاتی را به همراه داشته باشد, همان طوری که عدم شناخت جوانان و تنها اهمیت دادن به بزرگسالان مشکل ساز خواهد بود و میزان

جذب جوانان به مساجد را قطعاً پایین خواهد آورد. امام جماعت بایدنسبت به همهء مردم راهنما و مهربان باشد و با توجه به حساس بودن اقشار نوجوان و جوان , نسبت به آن ها برخوردمناسب و پر جاذبه ای داشته باشد. این امر قطعاً گرایش جوانان را به مسجد افزایش می دهد.

آیا وجود کانون فرهنگی , بسیج , کتابخانه و امثال آن را می توان از علل جذب جوانان به مسجددانست ؟

پرسش

آیا وجود کانون فرهنگی , بسیج , کتابخانه و امثال آن را می توان از علل جذب جوانان به مسجددانست ؟

پاسخ

وجود مراکز فرهنگی , کتابخانه و بسیج در کنار مسجد, نقش مفیدی در جذب جوانان به مسجد دارد.اگر این نهادها و مراکز بتوانند برنامه های مفید و تأثیرگذاری برای نسل جوان داشته باشند, زمینهء جذب جوانان به مسجد را به همراه خواهد داشت . جوانی که از لذت معنوی بهره مند شده است , سعی می کند این لذت معنوی را در چه بیشتر استمرار بخشد و پیوند خود با مسجد را مستحکم کند. هر اندازه که کانون های فرهنگی , کتابخانه و بسیج درکنار مسجد فعال باشند و برنامه های جالب , معنوی و مرد قبول جوانان داشته باشند, می توان امیدوار بود جوانان بیشتری به سوی مساجد جذب شوند. سرمایه گذاری این مراکز و نهادها برای هدایت و ارشاد نسل جوان باید بابرنامه ریزی مناسب همراه باشد و این خود موجوب افزایش تمایل جوانان به مساجد خواهد بود.

استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجدچیست ؟

پرسش

استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجدچیست ؟

پاسخ

استقبال جوانان و حضور آنان در مساجد مختلف فرق می کند. از بعضی مساجد جوانان استقبال خوبی می کنند و حضور آنان در عرصهء مسجد چشمگیر است . در بعضی دیگر حضور جوانان کم رنگ است و استقبال خوبی از آنان مشاهده نمی شود.

عدم حضور برخی جوانان در مساجد می تواند علل مختلفی داشته باشد که برخی از آن ها را بر می شماریم :

۱ فرهنگ حاکم بر خانواده که نقش مهم و اساسی در ارتباط جوان با مسجد ایفا می کند; به این معناکه هرقدرخانواده متدین باشد, در فرزند زمینهء علاقمندی و الگوپذیری در خصوص مفاهیم مذهب یو دینی و از جمله فرهنگ اُنس با مسجد, بیشتر آماده است . اگر فرزند در خانواده ای پرورش یابد که اعضای آن بیگانه با دین و مسجد باشند,قطعاً زمینهء ارتباط با فرهنگ

دینی و مسجد بسیار کمتر مهیا می شود.

۲ فرهنگ حاکم بر محیط اطراف ; یعنی هر آن چه که جدای از محیط خانواده بر روی جوان تأثیر گذار است ,می تواند نقش مثبت یا منفی بر روی جوانانداشته باشد. هر محیطی که فضای فرهنگی نامطلوبی داشته باشد, زمینه عدم گرایش جوانان به مسایل دینی و پیوند با مسجد در آن کمتر خواهد بود.

۳ امام جماعت مساجد اگر انسان وارسته , آگاه به زمان و آشنا به نیازهای نسل جوان باشد, موجب جذب جوانان به مسجد می شود. اگر خدای ناکرده امام جماعت فاقد شرایط تأثیر گذار بر دیگران باشد, قطعاً استقبال کمتری خواهد بود و حتی زمینهء

گریز جوانان از مسجد را ممکن است ایجاد کند.

۴ اگر مساجد از امکانات جانبی , مراکز فرهنگی و کتابخانه برخوردار باشند, جوانان بیشتری را می توانند جذب کنند. در مقابل اگر مساجدی باشند که از هیچگونه امکانات جانبی برخوردار نباشند, قطعاً میزان استقبال جوانان کمتر خواهد بود.

خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید.

پرسش

خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید.

پاسخ

مسجد فعال مسجدی است که از خصوصیات زیر برخوردار باشد:

۱ حضور گسترده و چشمگیر مؤمنان و نمازگزاران در مسجد اولین نشانهء یک مسجد فعال است . حضور گستردهء مردم , جلوهء عملی مسجدی فعال و پویا است .

۲ امام جماعتی فعال , پر جاذبه و خوش برخورد داشته باشد و مقبولیت اجتماعی خوبی داشته باشد. این یک عامل مهم جهت جذب مردم به مسجد محسوب می شود.

۳ فعال بودن مراکز فرهنگی مسجد از قبیل کانون های فرهنگی و کتابخانه می تواند نقش مهمی در فعال نمودن یک مسجد داشته باشد.

۴ برخورداری مسجد از برنامه های تبلیغی و آموزشی مناسب یکی از محورهای فعال بودن مسجد محسوب می شود.

خصوصیات یک امام جماعت خوب عبارت است از:

۱ مقبولیت اجتماعی : پیشوایان اسلام در کنار واجد شرایط برای احراز منصب امام جماعت , بر مقبولیت امام جماعت و این که او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد, تأکید فراوان نموده اند. عمل به این رهنمود موجب حضور پر شور و علاقه مندانهء مؤمنان در مسجد و نماز جماعت خواهد بود.(۱)

۲ اخلاق شایسته و در خور شأن امام جماعت ; امام جماعت باید دارای اخلاق نیکو و شایسته ای باشد و بامردم به خوبی مدارا کند. امام جماعتی موفق است که بتواند با مردم , متواضع و خوش اخلاق باشد و به تعبیر دقیق ترعلاوه بر اخلاق فردی در بُعد اخلاق اجتماعی هم موفق باشد.

۳ شایستگی های علمی , اگر امام جماعت عالِمی دینشناس و متعهد باشد و در مسجد به تفسیر قرآن و آموزش مسایل دینی

بپردازد, مسجد

به کانون اجتماع مؤمنان و مشتاقان فضیلت تبدیل خواهد شد.

۴ نظم و انضباط; اگر امام جماعت بخواهد پیوند مردم را با مسجد مستحکم تر کند و حضور مردم را روزافزون تر کند, باید منضبط و حضور او در مسجد منظم باشد. این امر موجب افزایش حضور مؤمنان در مسجد خواهدشد.

(پاورقی ۱.رحیم , نوبهار, سیمای مسجد, ج ۲ ص ۲۶۳

ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟

پرسش

ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟

پاسخ

مسجدی مورد توجه جوانان قرار می گیرد که از ویژگی های زیر برخوردار باشد:

۱ امام جماعت و مجموعهء افرادی که در مسجد خدمت می کنند, اعم از هیأت امنا و خادم و سایر افرادی که به نوعی در ساماندهی فعالیت های مسجد مشارکت دارند, باید رفتاری پر جاذبه , صبورانه و با محبت نسبت به جوانان داشته باشند. در کنار محبت و مهربانی نسبت به جوانان , باید امام جماعت و مجموعهء مسئولان , در مسجد به آنان بهابدهند و از مشارکت آنان در امور مسجد استفاده کنند.

۲ هر مسجدی که مراکز فرهنگی و آموزشی دارد, قطعاً بیشتر مورد پسند جوانان خواهد بود, چون فعالیت های فرهنگی و آموزشی به عنوان مکمل فعالیت عبادی , زمینهء بیشتری را برای جذب جوانان به مسجد مهیّا می کند وجوانان رغبت بیشتری پیدا می کنند که در مسجد حضور یابند.

۳ روزآمد بودن برنامه ها و فعالیت های مسجد نقش مهمی در افزایش حضور جوانان خواهد داشت .

اگر برنامه های آموزشی , تبلیغی و کمک آموزشی در یک مسجد به صورتی تنظیم شود که نیازهای فرهنگی ,علمی و عاطفی جوانان را در حدّ مطلوبی تأمین کند, گرایش جوانان به آن مسجد بیشتر خواهد شد. وقتی جوانبه مسجد راه پیدا کرد, کم کم این رفت و آمد به اُنس و محبت تبدیل می شود, به حدی که دیگر جوان از مسجد تلقی بسیار نیکویی پیدا می کند و با آن مأنوس می شود.

برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟

پرسش

برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟

پاسخ

ایمان به خدا و رسوخ توحید در اعماق جان و باور یقینی به معاد و روز بازپسین و اعتقاد به نبوت خاتم پیامبران ۶و آن چه حضرتش برای هدایت و سعادت بشریت آورده است و ایمان به امامت دوازده امام معصوم : و اعتقاد به عدل الهی که اصول دین هستند, سرمایهء اصلی سعادت بشر می باشد. بهترین راه آشنایی بیشتر جوانان با اصول اعتقادی , گنجانیدن آن در کتب درسی و تکرار آن در کتاب ها و مقطع های بعدی تحصیلی به طور ژرف تر است .

برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟

پرسش

برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟

پاسخ

نقش علمای اسلام در دوران غیبت کبری که عصر غیبت امام عصر, امام زمان ۷است , در موردحراست از دین خدا و مذهب حقهء تشیع , در درجهء اول اهمیت است , زیرا زندگی بشر به دو دوره تقسیم می شود:زندگی در دنیا و زندگی در عالم پس از مرگ . زندگی در دنیا کوتاه مدت , ولی حیات در آخرت ابدی است . زندگی سعادتمندانهء جهان پس از مرگ کاملاً بستگی دارد به ایمان , تقوا و پاکی در دنیا, رسول خدا۶فرمود: .(۱)

انسان هر چه در دنیا عمل کرد و آماده نموده همان را در سرای آخرت دریافت خواهد کرد.

قرآن می فرماید: .(۲)

دانشمندانی برای بشریت صنعت و فناوری به ارمغان آوردند و بدین وسیله خدمات بزرگی به جهان انسانیت نموده اند, ولی همهء این خدمات برای دنیای انسان است . اما علمای دین با هدایت مردم به سوی معنویت و دین دارکردن آنان , علاوه بر خدمت دنیایی , جهان ابدی انسان را آباد و سراسر نور و نعمت می کنند. با این حساب نعمتی که دیگران در این دنیا در اختیار انسان می گذارند, زودگذر و پایان پذیر و محدود است , ولی نعمتی که به وسیلهء هدایت عالمان دین به انسان می رسد, جاودان و همیشگی است .

از همین جا ارزش والای علمای اسلام و فقهای دین و نایبان امام زمان ۷در زمان غیبت کبری روشن می شود.

امام دهم حضرت هادی ۷فرمود: .(۳)

با این تأثیری که عالمان دینی در سعادت و خوش بختی ما دارند, وظیفهء ما آن

است که اولاً پای بند به احکام اسلام شده و کاملاً به دستورهای آن عمل نماییم . این بهترین شیوهء تشکر از علمای اسلام است , چرا که بیش ترین دغدغهء آنان این است که مردم مسلمان با تقوا شده و زندگی پاک داشته باشند. در این صورت دین و دنیایشان آبادمی شود.

ثانیاً حرمت و احترام علما را حفظ نماییم . امام علی ۷فرمود: .(۴)

(پاورقی ۱.مرتضی مطهری , مجموعه آثار, ج ۲ ص ۵۲۰

(پاورقی ۲ .زلزله (۹۹ آیهء ۸ ۷

(پاورقی ۳ .محمد ری شهری , میزان الحکمه, ج ۳ ص ۲۰۸۷ ماده علم , شماره ۱۳۹۱۹

(پاورقی ۴.محمد باقر مجلسی , بحارالاءنوار, ج ۲ ص ۴۴ حدیث ۱۳

قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزهء جنسی بود, اما بعد از انقلاب آن جا راخراب کردند و همه زن ها که شوهرانشان به علّت فروش مواد مخدّر و جرایم دیگر به زندان افتاده اند, مجبور به خودفروشی در سطح شهر تهران شده اند و هیچ کس نیست که رسیدگی کند.

پرسش

قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزهء جنسی بود, اما بعد از انقلاب آن جا راخراب کردند و همه زن ها که شوهرانشان به علّت فروش مواد مخدّر و جرایم دیگر به زندان افتاده اند, مجبور به خودفروشی در سطح شهر تهران شده اند و هیچ کس نیست که رسیدگی کند. مسئولیت دولت و مردم در این مورد چیست ؟

پاسخ

بروز و ظهور و گسترش بیشتر این گونه مفاسد, ریشهء اقتصادی دارد. مشکلات اقتصادی و فقر, اکثرافراد جامعه را دچار این گونه ناهنجاریها کرده است . دولت باید فقر را از جامعه بردارد و اخلاق اسلامی و نورعبودیّت خدا را در جامعه گسترش دهد. می توان گفت بیشترین نقش را در برطرف مفاسد دولت دارد, ولی وظیفه ءمردم در این مورد سنگین است .

امر به معروف و نهی از منکر و کمک های مادی افراد خیّر برای زدودن فقر از افراد جامعه نقش به سزایی دارد.

علت کم رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده ها و نیز جامعه چیست ؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً مشکل اقتصادی وجود نداشته و یا شدید نیست ؟

پرسش

علت کم رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده ها و نیز جامعه چیست ؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً

مشکل اقتصادی وجود نداشته و یا شدید نیست ؟

پاسخ

طبیعی است دین داری در هر زمانی , مشکل خاص خود را دارد. مقوله دین اگر چه جاذبه و مقبولیت عامه دارد, اما عمل به دستورهای آن که بیشتر سر از التزامات و تقیدات مخصوصی در می آورد, مقوله ای مشکل است . بسیاری از آدمیان در عمل , هم خدا را می خواهند و هم خرما را! هم از ترس آتش جهنم و رسیدن به وعده های چون بهشت و راحتی های دایمی , به عبادت خدای متعال بر می خیزند و هم دینای پر زنگ و جاذبه و مسکنی راحت و مرکبی راهوار و رز زیور می طلبند. گویا برای همیشه می خواهند بمانند و حتی از مرگ هم نوعان و خویشان عبرت نمی گیرند!

عده ای با دین معارضه و مبارزه می کنند و عده ای پاک سرشت و نیک نهان باقی می مانند و عده ای خدا را بافطرت خویش می جویند, ولی دنیا رابر وفق طبیعت دانسته و با چنگ و دندان محافظت می کنند! ریشهء بدبختی ها وکم رنگ شدن امور اعتقادی در چیست ؟

در احادیث و روایات اشاره شده است دوستی دنیا و علاقه مندی با آن رأس تمام خطاها و لغزش ها است .

حدیث معروف (۱) گواه این مطلب است که دوستی با دنیا و نداشتن هدف و عدم استحکام پیوندها و پایه های اعتقادی , موجب کم زنگ و یا فراموش شدن مبدأ و

معاد می شود. انسانی که دنیا دوست می شود, غیر از خوردن و خوابیدن و یا در پی کسب محرمات بودن ویاخدعه و نیرنگ زدن به هم نوعان و تهمت و دروغ و غیبت گفتن و به لهو و لعب مشغول شدن , به چیز دیگری نمی اندیشد. طبیعی است هر اندازه بر حب و دوستی دنیا افزوده شود, اندازه و مقدار معنویت و امور مربوط به آن کاسته می شود, زیرا روح برای پرواز و سیر در ملکوت , نیاز به تصفیه و پالایش دارد و این مهم میسر نمی شود جز به تقوای جسم از محرمات و ریاضت هایی که از حضور مادی بشر کاسته و بر درک معنواش می افزاید. قرآن می فرمای :.(۲)

مفسران دربارهء دوستی دنیا می فرمایند:

این , نیاز به آموزش فکری و فرهنگی و عقیدتی و سپس تهذیب نفس دارد و از جمله اموری که می تواندبالاترین کمک را به سالکان راه در این مسیر کند, ملاحظهء عاقبت کار دنیاپرستان است .

فراعنه با آن همه قدرت و امکانات مالی , سرانجام چه کردند؟ قارون از این همه گنج هایی که کلید آن ها راچندین انسان نیرومند, به زحمت می کشیدند, چه اندازه با خود برد؟ قدرت های عظیمی را که در عصر و زمان خودمی گیریم و با نسیمی دفتر زندگی شان بر هم می خورد و با یک گردش لیل و نهاراز تخت فرو می افتند و کاخ ها وثروت هایشان را می گذارند و می گریزند و یا به زیر خاک پنهان می شوند, خود بهترین واعظ ما است <(۳).

نتیجه : علت اصلی کم رنگ شدن

ارزش های معنوی در جامعه , نمودار شدن هر چه بیش تر جلوه های مادی ودنیوی است . بنا به گفتهء قرآن زندگی دنیا جز زینت و لهو و لعب و تفاخر نیست : (۴). اگر چه وجود مشکلات اقتصادی می تواند در به وجود آمدن بی نظمی و ناهنجاری ها مؤثر باشد, اما کم نیستند افرادی که در رفاه کامل به سر برده , ولی از معنویت بهره ای ندارند. اینان مصداق اکمل افرادی هستند که حتی از زیادی خوشی وراحتی , دل زده و خسته می شوند, چه رسد به این که نسبت به امور معنوی اهمیت قائل شوند!

(پاورقی ۱. تفسیر نمونه , ج ۲۶ ص ۴۰۴

(پاورقی ۲. ق (۵۰ آیه ۲۲

(پاورقی ۳. تفسیر نمونه , ج ۲۶ ص ۴۰۸

(پاورقی ۴. حدید (۵۷ آیه ۲۰

روند قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی باید لحاظ شود تا یک اثرآسان تر و سریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عدم تمکن مالی اینجانب چگونه و از چه مرجعی می توانم مورد مساعدت قرار گیرم ؟ در صورت تأیید مطالب از طرف شما, آیا می توانم از کمک و مساعدت شما

پرسش

روند قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی باید لحاظ شود تا یک اثرآسان تر و سریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عدم تمکن مالی اینجانب چگونه و از چه مرجعی می توانم مورد مساعدت قرار گیرم ؟ در صورت تأیید مطالب از طرف شما, آیا می توانم از کمک و مساعدت شما برخوردار شوم ؟

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاس گزاریم . شما در ترویج معارف اهل بیت : قابل تقدیر و تشکر است . برای چاپ و انتشار یک کتاب , در ابتدای امر مطالب و محتوای مورد نظر آماده می شود و سپس مجوز نشر را از وزارت ارشاد اسلامی اخد می کنند. مرجع رسمی برای صدور جواز انتشار کتاب , وزارت ارشاداسلامی است که بعد از تأیید محتوا, مجوز انتشار را صادر می کند.

برای این که یک اثر آسانتر و سریع تر به چاپ برسد, رعایت این امور قابل توجه است :

۱ برخورداری از پشتوانه مالی برای چاپ کتاب ,

۲ تأیید محتوای کتاب توسط وزارت ارشاد اسلامی .

در صورتی که محتوای کتاب شما مورد تأیید ناشر قرار بگیرد و تمایل داشته باشد, از شما حمایت مالی می کند وبرای چاپ اثر شما, مساعدت به عمل می آورد.

در خصوص تأیید و حمایت از اثر شما این واحد از امکاناتی برخوردار نیست و نمی تواند از اثر علمی شماحمایت مادی بنماید. اما می توانید با ارایهء اثر خود به انتشارات مختلف و مراکز حوزوی , از حمایت آن ها برخوردارشوید.

ضمناً برای این که اثر شما از نظر محتوا و ترتیب و تنظیم

بدون نقص باشد, سزاوار است کتاب های آیین نگارش ویژهء نوشتهء دکتر احمد سمیعی گیلانی از انتشارات سمت و نوشته ءدکتر یا حقی و دکتر ناصح از انتشارات آستان قدس رضوی را مورد استفاده قرار دهید.

پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی , سیاسی , اجتماعی و... چیست ؟

پرسش

پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی , سیاسی , اجتماعی و... چیست ؟

پاسخ

فلسفهء نماز بر کسی پوشیده نیست و دقت در متون آیات و روایات اسلامی , حکمت و فواید بیشتری در این خصوص را در اختیار انسان قرار می دهد که انسان بیش تر با فلسفه و هدف و نتیجهء نماز آشنا می شود:

۱ هدف نماز, ذکر و یاد خداوند متعال است ; ذکری که مقدمهء فکر و فکری که مقدمهء عمل باشد.

در روایت آمده که امام ۷فرمود (۱) یعنی به یاد خدا بیفتد و به سراغ حلال برود و از حرام چشم بپوشد.

۲ نماز وسیلهء پاک کردن گناهان است , زیرا خواه ناخواه انسان را متوجه توبه و اصلاح اعمال و رفتار گذشته می کند. پیامبر اکرم ۶فرمود: .(۲)

۳ نماز ماع و سد بزرگی است در برابر گناهان , چون روح ایمان را در انسان تقویت کرده و نهال تقوا را در دل پرورش می دهد. روی همین جهت شرح حال افراد گناهکاری را نزد پیامبر۶و اولیای گرامی اسلام بیان می کردند و آنان می فرمودند: نگران نباشید. نماز آن ها را اصلاح می کند و آرام آرام ایمانشان تقویت شده و گناه را رهامی کنند.

۴ نماز غفلت زدا است , چون در ظرف , پنج بار نماز خواندن در شبانه روز به انسان اخطار می کند و هدف آفرینش را به او گوشزد می کند و موقعیت او را در جهان به یادش می آورد, تا از خالق هستی غافل نشده و بداند ازکجا آمده و برای چه آمده و به کجا می رود.

۵ برطرف کنندهء غجب و کبر (خودخواهی و

خود برتربینی) است ; زیرا وقتی انسان روزی هفده رکعت نمازبخواند و در هر رکعتی بوباره پیشانی بر خاک گذاشته و اظهار تذلّل کند, این کار بهترین وسیله ابرای از میان برداشتن غرور و منیت است .

امام علی می فرماید: .(۳)

۶ موجب پرورش فضایل اخلاق و تکامل معنوی است .

نماز انسان را از دیوارهء مادیت بیرون برده و به ملکوت آسمان ها دعوت کرده و با فرشتگان هم صدا و همسازمی سازد. امام علی ۷می فرماید: .(۴)

۷ ارزش و قبولی اعمال به نماز است . در حدیثی می خوانیم : امام صادق ۷فرمود: .(۵)

شاید دلیل این سخن آن باشد که نماز رمز ارتباط نمازگزار با خالق عالم هستی است که اگر به طور صحیح انجام گیرد, قصد قربت و اخلاق در نماز زار زنده می شود که قبولی همهء اعمال به قصد قربت و اخلاص بستگی دارد.

۸ نماز شرایط صحت دارد که از این طریق دعوت به پاکسازی زندگی و اصلاح آن دارد.

می دانیم مکان و لباس و فرشی که بر آن نماز می گذارند و آبی که با آن وضو می گیرند و غسل می کنند, باید از هرگونه غصب و تجاوز و تعدی به حقوق دیگران و افراد جامعه پاک باشد.

کسی که آلوده به تجاوز, ظلم , ریا, غصب , کم فروشی , رشوه خواری و کسب اموال حرام باشد, چگونه می تواندمقدمات و شرایط صحت نماز را فراهم سازد؟

چنین کسی اگر بخواهد نماز بخواند, باید این گونه صفات و افعال رذیله را از خود دور سازد, تا جامعه اصلاح گردد.

۹ نمازعلاوه بر شرایط صحت , شرایط قبول یا کمال دارد

ک رعایت آن ها عامل ترک بسیاری از گناهان واصلاح فرد و جامعه می باشد.

در روایتی می خوانیم : .(۶)

در روایات دیگر آمده : نماز پیشوا و حاکم ستمگر و کسی زکات اموال خود را نمی دهد و آن که غذای حرام می خورد و کسی که عجب و خودبینی و تکبّر می کند, قبول نیست .

روشن رعایت این گونه شرایط به اصلاح جامعه و فرهنگ کمک می کند.

۱۰ نماز روح نظم و انضباط در انسان را تقویت می کند.

چون نماز باید در اوقات معیّنی از روز و شب انجام بگیرد که تقدم و تأخر آن موجب بطلان می شود, واضح است مقید بودن به رعایت وقت , انسان و جامعه را منظم می کند که همه وقت شناس باشند و کار امروز را به فردا نیندازند ومردم را معطل و سر گردان نکنند.(۷)

(پاورقی ۱.محمد باقر مجلسی , بحارالاءنوار, ج ۷۹ ص ۲۰۰

(پاورقی ۲.شیخ حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۳ ص ۷ ابواب اعدادالفرایض .

(پاورقی ۳.نهج البلاغه, کلمات قصار, شماره ۲۵۲

(پاورقی ۴.همان , شماره ۱۳۶

(پاورقی ۵.بحار, ج ۷۹ ص ۲۳۶ حدیث ۶۴

(پاورقی ۶.بحار, ج ۸۴ ص ۳۱۷و ۳۲۰

(پاورقی ۷ .تفسیر نمونه , ج ۱۶ ص ۲۸۹ ۲۹۴

تزیین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟

پرسش

تزیین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟

پاسخ

تزیین مساجد اگر به معنای منظم و تمیز بودن و زیبا سازی داخل مسجد باشد, اشکالی ندارد و از مقام معنوی آن نمی کاهد و

بـا سـاده بودن منافـاتی نـدارد, زیرا سـاده بودن به معنای کثیف و نامنظم بودن نیست طلاکاری وتزیین مسـجد به طلا و نقش و تصویر حیوانات و رنگارنگ کردن آن به طوری که باعث غفلت نمازگزاران شود, جائزنیست . محقق در شرایع فرمود: .

مرحوم صاحب جواهر می فرماید: .

مرحوم محقّق ادلّه ای برای تحیم طلاکاری آورده , از جمله : پیامبر به عبداللّه بن مسعود فرمود: .(۱)

دلیـل هـای دیگر ایشـان در حرمت تزیین به طلاکـاری , اسـراف بودن این کـار و بـدعتبودن است , زیرا در زمـان رسول خـدا مسـجدها را زینت نمی کردنـد. وقتی پیامبر وارد مسـجد الحرام شـد, دسـتور داد زیورها و نقش و نگارهایی را که به کعبه بود برداشتند.(۲)

صاحب جواهر می فرماید: از این دلیل ها حرام بودن تزیین و نقش و نگار مسجد استفاده نمی شود, زیرا عثمان (خلیفهء سوم) مسـجد را توسـعه داد و دیوارهـایش را بـا سـنگ هـای منقوش بالاـ برد و سـتون هـای مسـجد را از سـنگ هامنقوش قرار داد و امیرالمؤمنین ۷او را منع نکرد. نیز از امـام کـاظم ۷دربـارهء مسـجدی که دیوار طرف قبلهء آن راگچکـاری یـا رنگ کاری می کننـد, سؤال شـد, حضـرت فرمود: اشـکالی نـدارد.() و اسـراف یا بدعت بودن قابل قبول (پاورقی ۳.همـان , ص ۹۱ به نقـل از وسائل , باب ۱۵ از ابواب احکام مساجد.

نیست

و مخدوش است .(۳)

بهتر است مساجد ساده و تمیز و نظیف و زیبا باشد. نقش و نگار یا طلاکاری در مسجد مذموم می باشد و از شأن مسجد به دور است , ولی مقام معنوی مسجد کم نمی شود گرچه ممکن است توجه نمازگزاران را از خدا و از نمازبکاهد و باعث کم شدن ثواب نماز شود.

(پاورقی ۱.جواهر الکلام , ج ۱۴ ص ۸۹ به نقل از مکارم الاخلاق , ج ۲ ص ۳۴۴

(پاورقی ۲.همان , ص ۸۹

(پاورقی ۳.همان , ص ۹۱

منظور از احیای رفتار علوی چیست ؟

پرسش

منظور از احیای رفتار علوی چیست ؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از این که با ما مکاتبه کرده و پرسش خود را با ما در میان گذاشتید سپاسگزاریم .

مراد از احیای رفتار علوی , زنده کرده روش اخلاقی , اجتماعی , سیاسی و... حضرت امیر مؤمنان ۷است , مثلاًحضرت برای دنیا و پست و مقام ارزش قایل نبود و فرمود: .(۱) هنگام عزیمت برای جن با مردم بصره (جنگ جمل) ابن عباس می گوید: در سرزمین بر علی بن ابیطالب وارد شدم , در حالی مشغول اصلاح کفش خود بود. به من فرمود: قیمت این کفش چقدر است ؟ گفتم : اصلاً ارزشی ندارد.

فرمود: .(۲)

در بیت المال سختگیر بود و حاضر نمی شد حتی به نزدیک ترین افراد چیزی اضافه بدهد.

حضرت در این باره می گوید: .(۳)

امام سازشکار نبود و در این خصوص فرمود: .(۴)

در مقام عمل هم چنین بود. به عنوان نمونه به محض این که مردم انتخابش کردند بعضی از حکام , از جمله معاویه را عزل کردند و در این خصوص حرف هیچ ناصحی را نپذیرفتند, در نامه ای به او نوشتند, طبق عقیده تان تعیین خلیفه به دست

اجماع امت , همان مردمی که ابوبکر و عمر و عثمان را به خلافت برگزیدند مرا نیز انتخاب کردند. ازاین جهت همه باید مرا بپذیرند. اگر کسی اطاعت نکند باید او را به اطاعت وادارند, اگر مطیع نشد و تمرّد کرد طبق عقیدهء شما باید باو جنگید چون راه غیر مؤمنین را انتخاب نموده است .(۵) و در نامه ای به جرید بن عبداللّه بحلّی فرمان می دهد که به معاویه

بگوید: تکلیف خود را روشن کند و کار را به امروز و فردا نیندازد, سپس او را بین جنگ وصلح مخیّر کن اگر پذیرای جنگ شد پیمان امان را به سوی او بیندازد و اگر صلح را پذیرفت از او بیعت بگیر.(۶) همان طوری که ملاحظه می شود امام ۷هیچگونه نرمشی نسبت به معاویه از خود نشان نمی دهد.

سخت طرفدار ستمدیدگان و پا برهنگان و دشمن ستمگران و عیّاشان بود.

به امام حسن و امام حسین ۸سفارش می کند: دشمن ظالم و یاور مظلومان باشید: .(۷)

خود را در غم و اندوه مردم شریک می دانست . می فرمود: آیا تنها قناعت کنم که به من بگویند: امیرالمؤمنین , درحالی که در سختی های روزگار با آنان همدرد و در تلخ کامی ها جلو آنان نباشم ؟!(۸)

از نظر مملکت داری و امور سیاسی اجتماعی بسیار دقیق و آینده نگر و به فرمانروایان خود سفارش می کردتمام توان خود را در بهتر اداره کردن امور مردم به کار بگیرند. به عنوان نمونه بهمالک اشتر نخعی , استاندار مصرمی فرماید:

۱ قبل از این که افرادی را به کار بگماری و آن ها را در زمرهء کارمندان و حقوق بگیران قرار دهی , ابتدا آن ها راآزمایش کن . چنان چه به خوبی از بوتهء آزمایش به در آمدند, آن گاه آنان را استخدام کن ; یعنی تا دیانت و راستی ودرستی و التزام عملی به حکومت اسلامی توسط آنان را نیازموده ای به کار نگیر.

۲ از میان نویسندگان و منشی ها, صادق ترین و راز دارترین آن ها را انتخاب کن , تا اسرار مملکت و جنگ

را دراختیار دشمن قرار ندهد و ایجاد مشکل نکند.

۳ خود را بیش از حد از مردم پنهان مکن , چون حاکمان با نشست و برخاست و سخن گفتن با مردم , بیش تر ازاحوال مملکت و رعیّت و اسرار و رموز کار آگاهی پیدا می کنند.

۴ متوجه بستگان و خویشاوندان خود باش . مبادا از موقعیت و منزلت شما سوء استفاده کرده و به مردم زوربگویند. احیای رفتار علوی یعنی زنده کردن این نوع روش های حضرت علی ۷

(پاورقی ۱.نهج البلاغه , خطبهء ۳ ترجمهء محمد دشتی .

(پاورقی ۲.نهج البلاغه , خطبهء ۳۳ فیض الاءسلام .

(پاورقی ۳.نهج البلاغه , خطبهء ۲۱۵ فیض الاءسلام و ۲۲۴صبحی صالح .

(پاورقی ۴.نهج البلاغه , حکمت شماره ۱۱۰ترجمه آیت اللّه مکارم .

(پاورقی ۵. نهج البلاغه , نامه ۶ فیض الاءسلام .

(پاورقی ۶.همان , نامهء ۸

(پاورقی ۷.همان , نامهء ۴۵

(پاورقی ۸.نهج البلاغه , نامهء شماره ۴۷ فیض الاءسلام .

دسترسی به دانش افرادی که دارای سمت استادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟آیا برای دسترسی به علم یک استاد در هر رشته ای حتماً باید به دانشگاه برویم ; یعنی در کنکور قبول شویم یا به حوزه علمیه بیاییم و چند سال درس بخوانیم ؟ آیا خارج از برنامه های

پرسش

دسترسی به دانش افرادی که دارای سمت استادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟آیا برای دسترسی به علم یک استاد در هر رشته ای حتماً باید به دانشگاه برویم ; یعنی در کنکور قبول شویم یا به حوزه علمیه بیاییم و چند سال درس بخوانیم ؟ آیا خارج از برنامه های درسی این اساتید, راهی برای ارتباط با آن هاو پرسش وجود دارد؟

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . برای دسترسی به دانش اساتید دانشگاه وحوزه , طریق متعارف , تحصیل در دانشگاه ها و حوزه های علمیه است . این آسان ترین و بهترین روش بهره مندی ازدانش اساتید است , چون انسان

بر اساس اسلوب مشخص بر دانش خود می افزاید و با حقایق آن آشنا می شود. راه فراگیری علوم و فنون , منحصر به تحصیل در دانشگاه و حوزه نیست , بلکه شخص می توانـد با مطالعات عمیق و گسترده در رشـته و دانش مورد علاقهء خود, پیشـرفت نمایـد و از آگـاهی هـای لازم برخوردار شود. به هر حال جهت کسب اطلاعات عمیق تر و پیمودن راه صـحیح , انسان بایـد از راهنما و استادی برخوردار باشد تا راه را از بیراهه به اونشان دهد.

آثـار قلمی و گفتـاری اساتیـد و دانشـمندان هـم می توانـد مـورد اسـتفاده افراد قرار گیرد و از ایـن طریـق افراد از نقطـه نظرات اندیشوران مطلع شوند. نهایت این که افراد از طریق مکاتبه یا پرسش حضوری مشکلات و معضلات علمی خود را با اساتید در میان بگذارند و از راهنمایی ها و پیشنهادهای آنان بهره مند شوند.

از این رو, انسانِ طالبِ علم وعاشق کمالات فکری و معنوی سعی می کند به جواب های مورد نظر برسد و در این راه از خود استاد, آثار قلمی وگفتاری او و هر آنچه که او را به مطلوب برساند, کمک می گیرد. اما هر شخصی به طور معیّن باید بداند که در چه گرایش خاصی می خواهد مطالعه و تحقیق کند, بعد از آن باید به دنبال استاد آن فن و علم برود تا بتواند از سرمایه ءعلمی او بهره مند شود.

آداب و رسوم منطقه ما چند سالی است که متزلزل شده و رسم های خوب از بین رفته، ریا کاری ، چشم هم چشمی، تجملات گرایی فراوان شده است . آنان که از نظر مادی وضعشان بهتر است بیشتر مورد احترام اند حتّی این مسئله در ساختن قبرها هم اثر کرده وقتی من این ها را می بینم

پرسش

آداب و رسوم منطقه ما چند سالی است که متزلزل شده و رسم های خوب از بین رفته، ریا کاری ، چشم هم چشمی، تجملات گرایی فراوان شده است . آنان که از نظر مادی وضعشان بهتر است بیشتر مورد احترام اند حتّی این مسئله در ساختن قبرها هم اثر کرده وقتی من این ها را می بینم از مسلمانی زده می شوم وظیفه ما چیست؟

پاسخ

از آثار تهاجم فرهنگی غربی بر کشور ما همین چیزهایی است که شما مطرح کرده اید. که اخیراً بیشتر شده و در سطح گسترده ای حتی در رسانه های داخلی رواج پیدا کرده است و این خود توطئه ای بر فروپاشی نظام اسلامی و تهی کردن نظام از ارزش های اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب فرمود: تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد . هم بی اعتقاد کردن به دین و هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی... در تهاجم فرهنگی، دشمن آن نقطه ای از فرهند خود را به این ملّت می دهد و وارد این کشور می کند که خودش می خواهد و معلوم است که دشمن چه چیز می خواهد. ما باید باور داشته باشیم که امروز آماج تهاجمات فرهنگی دشمنانمان هستیم.

ایشان در قسمتی دیگر از سخنانشان فرمودند: هدف این است در سینما، در مطبوعات، حتی در رادیو و تلویزیون که مال دولت است، در سالن های فرهنگی، در جشنواره ها، در جای جای مناطق فرهنگی ، بخشی و مهره ای از آن مجموعه حاضر است. دارند کار می کنند اول هم فرهنگی محض حرکت کردند. حالا وارد مسائل سیاسی شدند.[۱]

تهاجم فقط در عرصه

فرهنگ نیست بلکه مادی گرایی، تجمّلات در زندگی، اسراف و تبذیر، دزدی و کلاه گذاری و چپاول ، چشم و هم چشمی، مسابقه در اشرافی گری، افزون طلبی همه و همه از مفاسدی است که دامنگیر جامعه می شود و آن جامعه را بیمار می کند.

۱[۱] فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۲ به بعد با تلخیص.

آیا انسان می تواند کمک های مردمی را روی کاغذ بنویسد و در تابلوی مسجد نام اشخاصی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟

پرسش

آیا انسان می توانـد کمک های مردمی را روی کاغـذ بنویسـد و در تابلوی مسـجد نام اشخاصـی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟

پاسخ

نوشتن و نصب نام افراد خیّر در تابلوی مسجد برای تشویق دیگران اشکالی ندارد مگر این که خود افراد خیّر از این کار راضی نباشند.

امروزه که همه جـان سـخن از تهاجم خانمانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبار آن بر ارزش ها و بنیان های دینی جامعه است، آیا مادر ارایه صحیح و بهینه اسلام تعالیم انسان ساز آن به جوانان و نوجوانان موفق بوده ایم.

پرسش

امروزه که همه جـان سـخن از تهـاجم خانمـانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبـار آن بر ارزش هـا و بنیـان های دینی جامعه است، آیا مادر ارایه صحیح و بهینه اسلام تعالیم انسان ساز آن به جوانان و نوجوانان موفق بوده ایم.

پاسخ

در پاسـخ سؤال شـما بـا نهایت تأسف بایـد عرض کنیم که: ما آن طور که بایـد و شایـد در این زمینه موفق نبوده ایم، اما به هر حال موفق شده ایم تا حدودی به بازسازی و احیاء ارزش های اسـلامی که در دوران پهلوی در حال نابودی بود بپردازیم. برای مثـال در چنـد دهه پیش مفهوم جهـاد در راه خـدا جـای خود را به حفظ تمامیت ارضـی کشور و ایران دوستی و عشق به میهن بدل شده بود. یعنی ما از نوعی اعتقاد و ایمان به نوعی ناسـیونالیسم محدود و حتی مضحک رسیده بودیم. هم چنین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، غیرت، شجاعت و ایثار و... در حال فراموشی بود، به طوری که نماد غیرت و شرف و ناموس در آن دوران قهرمان فیلم قیصـر بود با آن چاقوی ضامندار و لهجه تهرانی و پاشـنه های خوابیده اش. در بسـیاری از ارزش های دیگر هم ما موفقیت های بسیاری در احیاء و بازسازی مفاهیم داشته ایم، ولی متأسفانه بیشتر ارزش های ما در همین مرحله مانده و ما نتوانسـته ایم برای پیشبرد آن ها و پیاده کردنشان راهکارهای عملی مناسبی پیدا کنیم که امید است با توجه به رشد فکری نسل

جوان و نوجوان و همت مردم و مسئولین با یک هم اندیشی اجتماعی وسیع بتوانیم به این دقیقه نیز دست پیدا کنیم.

چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟

پرسش

چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟

پاسخ

از نظر اسلام، یکی از محبوب ترین و با ارزش ترین مسائل ازدواج است.

نبی گرامی اسلام(ص) فرمود: ٠هیچ بنایی در اسلام، نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست".(۱)

ازدواج بـه قـدری مهـم اسـت که پیـامبر اکرم(ص) سه مرتبه فرمـود: مردی که همسـر نـدارد، نیازمنـد است، هر چنـد متمـول و ثروتمند باشد".

نیز سه بار فرمود: "فقیر است زنی که شوهر ندارد، هر چند ثروتمند باشد".(۲)

اسـلام به گونه ای به ازدواج اهمیت می دهد که پیامبر(ص)فرمود: "از سعادت مرد است که دخترش در خانه او حیض نبیند"؛ یعنی قبل از حیض به خانه شوهر رفته باشد.(۳)

از نظر اسلام بهترین معیار برای انتخاب همسر، دین و اخلاق نیک است و سفارش می کند به خاطر ثروت با او ازدواج نکند.

اسـلام می گوید: ازدواج باید تحمیلی نباشد، مهریه سـنگین نباشد، هزینه عروسـی کمر شکن نباشد و متأسفانه پیروان اسلام به خصوص جامعه امروزی عملا از چنین فرهنگ غنی و واقع بینانه ای فاصـله گرفته است، و در نتیجه ازدواج سـخت شده است و بسیاری از جوانان از زیر بار این امر مقدس شانه خالی می کنند.

این مسئله عللی دارد که به برخی اشاره می کنیم:

۱ - اعمال نظرهای یک سویه و آمرانه برخی از والدین عرصه را به قدری برای فرزندان تنگ می کنند که جوان حاضـر اسـت بمیرد اما ازدوا نگیرد.

۲ - به خاطر چشم و هم چشـمی ها مهریه سنگین، جهیزیه های طاقت فرسا، خرج های اضافی و تشریفاتی به بهانه های مختلف مانند آبرو و شأن و مقام مثل فیلم برداری، تالار پذیرایی، دعوت از عده زیاد، تهیه لباس عروس، خرید طلا و تهیه

لباس و لوازم داماد.

۳ – مشکلات اقتصادی موجود در جامعه، نداشتن مسکن، کار و درآمد بخور و نمیر، مهم تر از همه عدم قدرت تحمل برخی از والـدین و آگـاهی نداشـتن به نقش حسـاس خود در مقـابله بـا مشـکلات و ایجاد آرامش در محیط خانواده و در نتیجه زیاد شدن درگیری های خانوادگی و افزایش طلاق.

۴ – حاکم نبودن جو صـمیمی و دوسـتانه در بسیاری از خانواده ها. (۴) معمولا والـدین حرف اول و آخر را می زنند. فرزندان هر چه بزرگو رشـیده شـده باشـند، بچه فرض می شونـد و به ارزش های اجتماعی، نیازهای جوانی، تفکر و انـدیشه آنان توجه نمی شود.

پی نوشت ها:

۱ – محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۵۳۱.

۲ – کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۹.

۳ – شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۲۳، ابواب مقدمات نکاح، حدیث ۱۲.

۴ – راهنمای نوعروسان و تازه دامادان، نادعلی صالحی.

جشن عروســی هایی که در این دوره می گیرند، سراســر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شــرکت کند، دچار گناه می شود. اگر شرکت نکند مورد ملامت واقع می شود و می گویند: فلانی اجتماعی نیست. لطفاً بگوید اگر جوان مؤمنی بخواهد جشن عروســی بگیرد، باید چه کار کند، که هم ساده

پرسش

جشن عروسـی هایی که در این دوره می گیرنـد، سراسـر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شـرکت کنـد، دچار گناه می شود. اگر شـرکت نکنـد مورد ملامت واقع می شود و می گوینـد: فلانی اجتماعی نیست. لطفاً بگوید اگر جوان مؤمنی بخواهد جشن عروسی بگیرد، باید چه کار کند، که هم ساده نباشد تا مورد تمسخر قرار نگیرد و هم مجلس گناه و معصیت نباشد؟

پاسخ

آرزوی ما این بوده که در مملکت شیعه گناهی صورت نگیرد، امّا به رغم داشـتن صـدها هزار شـهید و جانباز و آزاده و اسیر مشاهده می شود جشن عروسی ها با گناه و بی عفتی برگزار می شود به جای این که گناهکاران شرمنده باشند و مورد تمسخر قرار گیرند، باید جوانان و افراد مؤمن شرمنده باشند.

جوانان متـدین اگر مجلس زنانه و مردانه را جـدا کننـد، می تواننـد جشن خوبی برقرار کنند و می توانند کف و دف بزنند و به

فتوای امام(ره) زن برای زنان و مرد برای مردان برقصند.

جوان ها می توانند بعضی از مداحان را که می توانند از عهده مجلس جشن برآیند، دعوت کنند و از وجودشان استفاده کنند، به سبب تمسخر و ریشخند دیگران جایز نیست، جوانان متدین مجالس معصیت و لهو لعب بر پا کنند.

آنان باید عملاً مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند و جشن عروسی را به گونه ای برقرار کنند که برای همگان آموزنده باشد.

اوقات فراغت خود را چگونه پر کنم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگیم را در دوران مجردی و متاهلی از حالت یکنواختی خارج کنم؟

پرسش

اوقات فراغت خود را چگونه پر کنم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگیم را در دوران مجردی و متاهلی از حالت یکنواختی خارج کنم؟

پاسخ

با توجه به این که شما دختری ۱۹ ساله هستی یعنی دختری دم بخت که انشاء اللّه در آینده نزدیک ازدواج خواهید کرد و دارای زندگی و شوهر خواهی شد، باید خود را آماده کنی آن چه را که زندگی به آن نیاز دارد بلد باشید.

زندگی وقتی شیرین و با نشاط و صمیمی است که طرفین همدیگر را درک کنند و آن چه را که باعث خوشحالی یا ناراحتی همسر است بدانند و فضایی برای ایجاد خوشی ها و از بین بردن ناراحتی ها بیافرینند.

بنابر این باید چند آمادگی را در خود ایجاد کنی. مشغول شدن به امور آمدگی برای تشکیل زندگی، قمیت عمده اوقات فراغت شما را پر خواهد کرد.

آن چه که باید بدانید و خود را برای آن آماده نمایید:

گل های گلخانه زندگی وقتی جوانه می زند و غنچه های آن باز و خندان می گردد که هر یک درصدد پیدا کردن راهی جهت جلب رضایت و خشنودی همسر و زدودن گرد و غبار خستگی و غم و ناراحیت از چهره وی باشد. هیچ خیر و سعادتی برای مرد بهتر و بالاتر از این نیست که همسری خوش اخلاق، آگاه به وظایف خانه داری آشپزی و شوهر داری داشته باشد و از هنرهایی که نیاز زندگی است مانند خیاطی، گلدوزی و انواع کارهای دستی و بافندگی، آگاهی لازم را داشته باشد.

بنابر این اوقات شبانه روز خویش را تقسیم کنید. قسمتی را به

یادگیری نظری و عملی این گونه امور اختصاص بدهید.

قسمتی دیگر را به مطالعه کتاب های مفید و هم چنین اشعار شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و پروین اعتصامی مخصوص گردانید.

جوان پر انرژی است و نیاز به ورزش و نرمش دارد. جهت حفظ سلامتی تن و روان خویش قسمتی از اوقات را به انواع ورزش یا نرمش های مناسب بپردازید مثلا طناب زدن ورزشی است که در شهر و روستا حتی بدون خرج و هزینه می توان انجام داد.

بنابر این با تقسیم اوقات شبانه روز واختصاص دادن هر قسمتی را به یک از کارهای مورد نیاز مانند خواب، عبادت، تفریح و میهمانی، ورزش، مطالعه، انجام کارهایی که به عهده شما است، یا می توانید خود را با آن سرگرم سازد، زندگی شما را از یکنواختی خارج می کند.

متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می کنند و بنده هم به شدّت مخالف این مسئله هستم واین امر، سدّ راه بزرگی بر سر ازدواج اینجانب قرار گرفته است، خواهشمندم برای این که بتوانم یک ازدواج ساده ای را ترتیب دهم، مرا راهنمایی بفرمای

پرسش

متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می کنند و بنده هم به شدّت مخالف این مسئله هستم واین امر، سدّ راه بزرگی بر سر ازدواج اینجانب قرار گرفته است، خواهشمندم برای این که بتوانم یک ازدواج ساده ای را ترتیب دهم، مرا راهنمایی بفرمایید.

پاسخ

مسائل دینی و شرعی و حلال و حرام، چیزی نیست که انسان بخواهد به خاطر چند روز زندگانی دنیا و یا مراسم ازدواج، آن را به بازی و تمسخر گرفته یا کنار زند، چرا که در روایت وارد شده: "حلاله حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه".

تعصب و نگاه شما به خدا و قرآن و ائمه معصومین(ع) و قبر و قیامت مورد تقدیر و تشکر بوده و عنداللّه مأجور خواهید بود. به شما توصیه می شود اولا: در انتخاب همسر و شریک زندگی آینده خویش نهایت دقت را داشته باشید و همسر خویش را با مشورت بزرگان و نیکان دلسوز و صادق ، از خانوادههای مذهبی و نجیب و پای بند به موازین شرعی انتخاب کنید، این انتخاب، هم در مراسم ازدواج شماو هم در زندگی مذهبی آینده شما و فرزندانتان و پای بند ماندن نسبن به دین، مؤثر خواهد بود.

ثانیا: قبل از انجام مراسم جشن ازدواج، خواسته مشروع خود را با والدین و فامیل های نزدیک وخانواده همسرتان در میان بگذارید و محترمانه از آن ها بخواهید مراسم را سنگین و شاداب و بدون آلودگی به مسائل حرام و نواختن موسیقی انجام

دهند.

با این کار وامر به معروف و نهی از منکر، حجت شرعی را بر آن ها تمام کرده اید. اگر در انجام مراسم

و پیاده شدن خواسته مشروع شما خلاف شرع و یا مشکلی ایجاد شد، دیگر مسئولیت شرعی نخواهد داشت و عند اللّه مأجور خواهید بود. ما را از حال خود بی خبر نگذارید. منتظر نامه های بعدی شما و دوستانتان هستیم. .

در کشور ما چه قدر به برنامههای مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می شود؟

پرسش

در کشور ما چه قدر به برنامههای مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می شود؟

پاسخ

برادر گرامی، هر چند دولت اسلامی و نهادهای مختلف به امر تبلیغ و ارشاد مردم اهتمام ورزیده و بودجه هایی را برای آن اختصاص داده اند، اما باید اعتراف کرد که در این بخش نقص ها و ناهماهنگی هایی وجود دارد، اعزام مبلغان از طرف دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات از جمله وظایفی است که در این راستا بر عهده گرفته اند، در چند ساله اخیر توجه خاصی به تبلیغ و جذب جوانان صورت گرفته است مانند اقامه نماز در مدارس و دانشگاه ها و طرح هجرت و تشکیل کلاس های تابستانی و طرح بسیج دانشجویی و غیره. علاوه بر این ها سازمان ملی جوانان هلال احمر و صدا و سیما نیز برنامه هایی برای جوانان ترتیب داده اند اما آن چه ضرورت دارد عمق بخشی به کارها و هماهنگی آن ها و متمرکز ساختن امور پراکنده است که امیدواریم هر چند زودتر این مسئله اتفاق افتد.

چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه ای منظور نمی شود؟

پرسش

چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه ای منظور نمی شود؟

پاسخ

هر چند به این عنوان بودجه ای لحاظ نشده است اما به طور عام نهادهایی که متولی امور فرهنگی هستند قطعا بودجه هایی در اختیار دارند که می توانند در این راه مصرف کنند ولی متأسفانه غفلت هایی صورت گرفته است. البته جذب جوانان یک کار بسیار ظریف و تخصصی است که از عهده یک ارگان خارج است. این کار مهم یک برنامه جامع و هماهنگ می طلبد تنها با شعار و تبلیغ زبانی نمیتوان جوانان را به مساجد فرا خواند. مساجد به این شکل کنونی که فاقد امکانات لازم است نمی تواند در این راه موفق باشد. مساجد باید آراسته و پیراسته و جوان پسند باشد و از جاذبه های هنری و علمی در پیشانی مسجد استفاده شود. پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد وتجهیز آن به امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه، جوانان را به این کانون مهم فرهنگی راغب تر می کند. بدیهی است که امور مذکور، کار عظیمی است که برنامه دراز مدت و طولانی را می طلبد و تا همه ابعاد در نظر گرفته نشود نتیجه حاصل نخواهد شد. با توجه به تهاجم فرهنگی دشمن و سرمایه گذاری رسانه

هـای گروهی غرب در انحراف جوانـان لازم است در جهت مقابله با آن به جوانان توجه بیشتری صورت گیرد این توقع بجایی است که همه دلسوزان انقلاب ودردمندان جامعه دارند.

چگونه می توان شاخصه ها و ویژگی های عزت و افتخار را در عصـــر کنونی مد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟

پرسش

چگونه می توان شـاخصه هـا و ویژگی هـای عزت و افتخـار را در عصـر کنونی مـد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟

پاسخ

بیان راهکار های کاربردی ایجاد عزت و افتخار حسـینی، شاخصه ها ومؤلفه های عزت وافتخار حسینی را نیز مشخص می کند. از این رو در این نوشـته به راهکارهای کاربردی ایجاد عزت و افتخار حسـینی پرداخته می شود. راهکارهای ایجاد جامعه عزت مند متعدد بوده، به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- عزت منـدی و اسـتقلال گرایی: بی تردیـد همه انبیا در صـدد جامعه ای مبتنی بر دین مـداری، عزت منـدی و خـدا محوری بودنـد؛ از این رو با دین ستیزان و سـتمگران مبارزه می کردنـد. امام حسـین(ع) به عنوان رهبری آزادی خواه در برابر یزید قیام نمود، زیرا یزیـد سـتمگر و دین ستیز بود و جـامعه اسـلامی را به سـتمگرایی و دین ستیزی سوق می داد. از سوی دیگر فاسق و فاجری بود. بودن چنین رهبری با جامعه عزت مند منافات داشت.

امام حسـین(ع) به رغم این که می دانست آینده جنگ به نفع او نیست، در برابر سـتم و زورگویی یزید تسلیم نشد و او را رهبر جائر خواند[۱۷] و بـا او بیعت نکرد، زیرا بیعت با یزیـد نوعی ذلت بود و ذلت در فرهنگ امام حسـین(ع) جا نـدارد. او در برابر بیعت خواسـتن یزیـد فرمود: " مرا بین دو چیز : شمشـیر و ذلّت مخیّر نموده است. ذلت از ما بسـیار دور است".[۱۸] همو فرمود "موت فی عزٍّ خیرٌ من حیاه فی ذلّ".[۱۹]

امام حسین(ع) تسلیم شدن در برابر ستم را عار دانسته[۲۰] و اهل بیت خود

را همراه برد تا عملاً اثبات کند در فرهنگ امام حسین(ع) ذلّت و خواری معنا ندارد، و یکی از شاخصه های جامعه عزت مند ستم ستیزی و آزادی خواهی است.

اعلامیه از قتلگه کرب و بلا داد

این جمله ز خون بود در آن نشریه مطور

با زینب و سجّاد سوی شام فرستاد

باید بشر از قید اسارت شود آزاد

امروزه نیز یکی از راهکارهای مهم ایجاد جامعه عزّت مند، ستم ستیزی و تقویت روحیه استقلال گرایی است. استقلال طلبی و روحیه ستم ستیزی مردم ایران موجب شد که دشمنان ازادی - بویژه آمریکا - توطئه های گسترده ای علیه انقلاب اسلامی را سامان دهند، ولی جامعه عزّت مند اسلامی که با بهره گیری از پیام عاشورا شکل گرفته بود، با صلابت و بالنده و پویا به سوی اهداف بلند خود ادامه داده و در برابر ستم و استکبار جهانی تسلیم نشد. البته برای حفظ عزت مندی نیاز به ایثار گری و فداکاری و شهادت یاران انقلاب بود که این عناصر در انقلاب اسلامی وجود داشت.

۲- پاسداری از دین و ارزش ها: یکی از شاخصه های مهم جامعه دینی و عزّت مند اجرای قوانین اسلامی است. پیامبر اسلام(ص) با بهره گیری از قوانین اسلامی توانست در مدینه النّبی، جامعه عزت مند به وجود آورد.

متأسفانه بعد از رحلت پیامبر با کنار گذاشتن اهل بیت، جامعه عزت مند نبوی به افول گرایید و رهبران دین ستیز و قانون شکن بر مسند قدرت قرار گرفته و مردم از معارف دین فاصله گرفتند.

از سوی دیگر بدعت گذاری، خرافات وحق ستیزی به اوج رسید؛ از این رو امام حسین(ع) یکی از اهداف قیام خویش را حفظ

دین و بـدعت زدایی بیان نمود.[۲۱] و بـه مرگ در راه حفـظ دین را زینت دانست.[۲۲] و همگـان را به قیـام علیه رهبران دین ستیز و قانون شکن فرا خواند.[۲۳]

همچنین او هدف قیام خویش را اجرای دو فریضه الهی - امر به معروف و نهی از منکر- دانسته[۲۴] و عدم حاکمیت حق را از شاخصه های جامعه ذلت بار آن عصر دانست: "ألا ترون أنّ الحق لا یعمل به و إلی الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء اللّه..."[۲۵]

هر جامعه دارای اصول و ارزش ها است که سـتون فقرات جامعه بوده و لازم است حفظ شود. متأسـفانه در عصر معاویه و یزید ارزش زدایی به اوج خود رسـیده بود؛ از این رو امام حسـین(ع) قیام نمود تا جامعه مبتنی بر ارزش ها به وجود آیـد و از ارزش زدایی جلوگیری گردد. امام علی(ع) که جامعه علوی مبتنی بر عزت ایجاد نمود، یکی از پایه های آن را ارزش مداری دانسـت و مالک اشتر را به حفظ سنت ها و ارزش ها فرا خواند و از هر گونه ارزش زدایی بر حذر داشت.[۲۶]

امروزه نیز یکی از راهکارهـای ایجـاد جامعه عزت منـد، پاسـداری از دین و ارزش ها است. پاسـداری از دین و ارزش مـداری انقلاب اسلامی ایران سبب شد که دشمنان تبلیغات گسترده علیه دین و مقدسات و ارزشی ها سامان دادند. تدوین کتاب آیات شیطان و شیخون فرهنگی راهکارهایی بودند که به منظور تضعیف باورهای دینی و ارزش زدایی شکل گرفت.

برای حفـظ عزّت و افتخـار حسـینی، شایسـته است که از سـنگرهای عقیـدتی دفـاع و از شـبیخون فرهنگی جلـوگیری شود و به پاسداری از دین و ارزش

ها پرداخته شود.

۳- وفاق ملی و وحدت اسلامی: یکی از راهکارهای مهم ایجاد عزت وافتخار وفاق ملی و همگرایی همه افراد جامعه، به ویژه گروه های سیاسی است. تاریخ صدر اسلام نشان داد که پیامبر اسلام(ص) جامعه ای مبتنی بر عزت و افتخار ایجاد نمود که یکی از راهکارهای مهم آن وحدت اسلامی بود. پیامبر(ص) با تمام عوامل اختلاف مبارزه نمود و همگان را به وحدت اسلامی فرا خواند. وحدت موجب ترقی تمدن اسلامی شد.

"جان دیون پورت" دانشمند معروف انگلیسی می نویسد: "یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدّل به یک جامعه فشرده و با انضباط [نمود] و در میان ملل روی زمین آن ها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی نمود و در کمتر از سی سال، این طرز و روش، امپراتور قسطیطنیّه را مغلوب [کرد] و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النّهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد".[۲۷]

وحدت اسلامی بدان معنا نیست که گروه های سیاسی و احزاب وجود نداشته باشد بلکه وجود تشکل ها ضروری است، ولی اختلافات غیر منطقی که منافع و مصالح ملتی را تهدید می کند، جایز نیست. تاریخ انقلاب اسلامی ایران نشان داد که وحدت ملی چه نقشی را در جامعه عزت مند داشته و امروزه نیز دشمنان همگرای یو همسویی ملت ایران را نشانه رفته اند؛ از این رو بر همه مردم است که با وحدت و وفاق ملی ستون فقرات نظام را مستحکم کند که وحدت نعمت

الهی است[۲۸] و اختلاف موجب عذاب الهی است.[۲۹]

۴- تقویت بنیه نظامی و دفاعی: جوامع استقلال طلب و عزت مند، بیشتر توسط استقلال و عزت ستیزان تهدید می شوند. استکبار جهانی که منافع خویش را در سرکوبی جوامع دیگر جستجو می کند. با ابزار پیشرفته جنگی، استقلال و امنیت جوامع دیگر را نشانه می گیرند. طبیعی است دفاع از جامعه عزت مند در برابر تهدید دشمن نیاز به تقویت بنیه نظامی دارد؛ از این رو در اسلام سفارش شده و همه مسلمانان فرا خوانده شده اند که با توجه به شرایط زمان، از امکانات نظامی بهره گیرند. : " در برابر آن ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید، آماده سازید تا دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید".[۳۰]

از سوی دیگر در آموزه های دینی شهادت در راه خدا[۳۱] و جهاد و دفاع عناصر ارزشمندی شناخته شده اند، تا آن جا که علی(ع) جهاد را بابی از بهشت خواند[۳۲] و آن را عامل عزت مندی و ترک آن را مایه ذلت دانسته است.[۳۳]

امام حسین(ع) نیز در صدد تشکیل جامعه عزت مند بود، از این رو مرگ عزت مند را از زندگی ذلت بار برتر دانست :"لا أری الموت إلا سعاده و الحیاه مع الظالمین إلا برماً".[۳۴]

بزرگ فلسفه قتل شاه دین آن است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

۵- رشد سیاسی و دشمن شناسی: یکی از راهکار های مهم ایجاد جامعه مبتنی بر عزت، رشد سیاسی افراد جامعه است که دشمن شناسی را در پی دارد. متأسفانه یکی از آسیب های جدی صدر اسلام همین بود، زیرا رشد سیاسی مسلمانان بعد از رحلت پیامبر(ص) به افول گرایید و

آنـان دوست و دشـمنان دین را خوب نشـناخته و دشـمن شـناس نبودنـد؛ از این رو در جنـگ هـای علی(ع) و امام حسن(ع) با معاویه، از وی حمایت کردند و امام حسن(ع) را مذل المؤمنین خواندند.[۳۵]

در زمان امام حسـین(ع) نیز در جنگ حضـرت با یزید، بیشتر مسـلمانان به حمایت از وی پرداختند. امام سجاد(ع) فرمود: "سی هزار نفر در کربلاـ برای کشـتن پسـر پیغمبر جمع شـده بودنـد و همه آن هـا به قصـد قربت آمـده بودنـد که به امـام حسـین بن علی(ع) شمشیر زدند".[۳۶]

امروزه نیز برای حفظ عزت مـداری و عزت مندی، رشد سیاسـی مردم لازم است. مردم ایران باید دشـمنان خویش را شـناخته و در تشخیص حق و باطل و دشمن شناسی دچار مشکل شوند. متأسفانه دشمنان با چهره های حق گرایی، مدافع آزادی و عدالت خواهی ظـاهر شـده و بـا بهره گیری از ابزار تبلیغی جوّ جـامعه را آلوده می کنـد. برای غبـار زدایی رشـد سیاسـی، مردم بهترین راهکار می باشد.

۶- رشـد معنویت: واقعیت آن است که حفـظ آزادی و تقویت روحیه عزت منـدی در سـایه تقویت معنویت امکان پـذیر است. معنویت گرایی امـام حسـین(ع) و یاران او موجب شـد آنان در برابر سـتم وحق گریزی تسـلیم نشـده و مرگ را در راه خـدا را افتخار بدانند.[۳۷]

خصـلت یـاران شـهید او روح معنوی و حـال عبادت و نیایش و نماز بود و شب عاشورا، زمزمه نیایش آنان در خیمه ها پیچیـده بود.[۳۸]

متأسـفانه جامعه اسلامی از معارف دین و معنویت فاصله گرفته و جذب دنیا شده بودند. از سوی دیگریزیدِ فاسق و شراب خوار بر مسند قدرت قرار گرفته و شعار کفر سر می داد،[۳۹] از

این رو امام حسین(ع) یکی از اهداف قیام خود را اصلاح امت اسلامی بیان نمود.[۴۰]

قیام امام حسین(ع) علیه یزیدِ دین ستیز و ستمگر نشان از آن دارد که جامعه آن عصر مبتنی بر عزت مندی و معنویت نبوده است. امروزه نیز برای حفظ و ایجاد جامعه مبتنی بر عزت و افتخار نیاز به تقویت معنویت است. یکی از شاخصه های جامعه دینی، معنویت است.

[۱۷] لهوف، ص ۱۹.

[۱۸] همان، ص ۵۷.

[۱۹] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

[۲۰] بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

[۲۱] وقعه الطف، ص ۱۰۷؛ حیاه الامام الحسین، ج۲، ص ۳۲۲.

[۲۲] اعیان الشیعه ج۱، ص ۵۹۳.

[۲۳] موسوعه کلمات الامام الحسین(ع)، ص ۳۶۰.

[۲۴] همان، ص ۳۲۸؛ حیاه الامام الحسین، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.

[۲۵] بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

[۲۶] نهج البلاغه، نامه ۵۳.

[۲۷] جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۷۷، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۰ - ۳۱.

[۲۸] آل عمران، آیه ۱۰۳.

[۲۹] آل عمران، آیه ۱۰۵؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۴.

[۳۰] انفال، آیه ۶۰؛ تفسیر نمونه ج ۷، ص ۲۲۰ - ۲۳۴.

[۳۱] بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۰.

[۳۲] نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۷.

[۳۳] همان.

[۳۴] تحف العقول، ص ۱۷۶؛ بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱؛ لهوف، ص ۶۹.

[۳۵] ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۸۱.

[۳۶] بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸.

[۳۷] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۳.

[۳۸] حیاه الامام الحسین، ج ۳، ص ۱۷۵؛ جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۵۲.

[۳۹] مقدم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷، مقاتل الطالبین، ص ۸۰.

[۴۰] حیاه الامام الحسین، ج ۲، ص ۲۴۶.

چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ با سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین(ع) نامیده شد؟

پرسش

چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ با

سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین(ع) نامیده شد؟

پاسخ

در ابتدا لازم است قسمت هایی از پیام مقام معظم رهبری در آغاز سال ۱۳۸۱ بیان شود:

امسال آغاز بهار و سال نو با روز های عاشورای حسینی و تجدید خاطره آن حماسه بزرگ تاریخی مقارن است. برای ملت عزیز ما که ارادتمند و عاشق حسین بن علی(ع) هستند اگر چه عید به معنای جشن و شادی کودکانه وجود ندارد، اما به جهات معنوی ای که ناشی از عزت و افتخار است، وجود دارد، زیرا حسین بن علی(ع) مظهر عزت راستین و نمودار کامل افتخار حقیقی است".

دیدگاه و مبانی بزرگان نیاز به تبیین دارد که باید از سوی آن ها یا صاحباناندیشه تبیین گردد. اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی، از این قاعده جدا نبوده و نیاز به تبیین دارد.

نهضت ها وانقلاب ها در برخی از اصول مشترک هستند. بی تردید انقلاب اسلامی ایران با بهره گیری از اهداف و شعار قیام حسینی به وجود آمد و ریشه در نهضت عاشورا دارد، از این رو این دو نهضت در اکثر اصول اشتراک دارند. اعلام سال ۱۳۷۱ و سال ۱۳۸۰ به عنوان سال امام علی(ع) و رفتار علوی وجه تشابه حکومت ایران را با حکومت علوی نشان می دهد، زیرا حکومت ایران باید اهداف و سیاست حکومت علوی را مانند قانون گرایی، حمایت از محرومان و برقراری عدالت اجتماعی دنبال کرده و مسئولان نظام مانند علی(ع) رفتار کنند.

به نظر می رسد اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی مبتنی بر عوامل زیر باشد:

۱- عزت و آزادی: یکی

از ویژگی های قیام امام حسین(ع) عزت منـدی و عزتمداری است. در آموزه های دینی آزادی و عزت با نگرش مادی تفاوت دارد. در اسـلام عزت و افتخـار و آزادی در بنـدگی خـدا، معنویت گرایی و رهـایی از اسـارت شـهوت گرایی و تجمل گرایی ظهـور می کنـد؛ از این رو امـام علی(ع) عرضه داشت: "الهی کفی بی عزّاً أن أکـون لـک عبـداً و کفی بی فخراً أن تکـون لی ربّاً..."[۱] از این رو در قرآن همه عزت ها به خدا بر می گردد: "من کان یرید العزّه فللّه العزّه جمیعاً ".[۲]

تکلیف گرایی و ستم ستیزی از مصادیق آزادی است، گرچه موجب شهادت شوند.

آزادی خـواهی که افتخـار را نیز در پی دارد، در صـحنه کربلاـ به اوج رسـید. امـام حسـین(ع) در زمـانی قیـام نمود که جـامعه اسـلامی را خفقان گرفته و یزید شعار بی دینی سر می داد.[۳] و به دین ستیزی و سـتمگری پرداخت. از سوی دیگر حق و حق گرایان و عدالت در اوج مظلومیت قرار گرفته و جامعه نیاز به تحول و اصـلاحات داشت. امام حسین(ع) در برابر بیعت خواستن یزید فرمود:" مرا بین دو چیز: شمشیر و ذلّت، مخیّر نموده است و ذلت، از ما بسیار دور است".[۴]

گرچه آزادی خواهی امام حسـین(ع) منجر به شهادت او و یارانش شد، ولی شهادت در راه خدا مرگ عزت مندو افتخار است "خطّ الموت علی ولد آدم مخطّ القلاده علی جیده الفتاه...".[۵]

استقلال طلبی و آزادی خواهی جمهوری اسلامی ایران موجب شد که یزید و یزیدیان زمان – به ویژه آمریکا – همان گونه که یزید امام حسین (ع) را آشوبگر[۶] و خشونت گرا معرفی نموده بود،

ولی دشمنان باید بدانند ملت ایران عاشوریان زمان هستند که مرگ در راه دین و آزادی را عزّت و افتخار می دانند. آزادی خواهی و استقلال طلبی نه تنها خشونت نیست، بلکه عزت و افتخار است. از این رو سال ۱۳۸۱ شمسی با سال ۶۱ هجری قمری پیوند می خورد. مقام معظم رهبری فرمود: " امیدوارم ان شاءالله سالی که در پیش داریم، برای ملت ما، سال اعتلای مادی و معنوی ... باشد و همچنان که حسین بن علی(ع) مظهر عزّت بود، او بود که فرمود "هیهات منّا الذّلّه، این ملت هم در عرصه های مختلف نشان دهند که گَرد ذل بر دامانشان نخواهد نشست و در عزّت مندی و عزّت مداری پیرو آقا و سالار خود حسین بن علی(ع) خواهد بود".

۲- تقویت معنویت: متأسفانه بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص) مسلمانان به دنیا گرایی رو آورده و از معنویت فاصله گرفتند، به ثروت اندوزی پرداختند[۷]، از این رو امام علی(ع) به نکوهش دنیا گرایی پرداخته و مسلمانان را به معنویت گرایی فرا خواند.[۸] متأسفانه در عصر امام حسین(ع) دنیا گرایی مسلمانان افزایش یافت، تا آنجا که امام خطاب به دشمن فرمود:"فقد ملئت بطونکنم من الحرام...".[۹]

همو در مسیر کربلا فرمود: "إنّ النّاس عبید الدّنیا و الدّین لعقٌ علی ألسنتهم".[۱۰] در صحنه کربلا معنویت امام حسین(ع) و یاران او به اوج خود رسید که در انجام تکالیف و خدامحوری ظهور نمود. امام در آخرین لحظات زندگی عرضه داشت: "پروردگارا! راضی به رضای تو و تسلیم امر تو هستم. در مقابل قضای تو صبر خواهم نمود. ای خدایی که جز تو معبودی نیست ای پناه بی پناهان!".[۱۱] حضرت

زینب (س) در کنار بدن امام حسین(ع) عرضه داشت "اللّهم تقبل منّا هذا القرآن".[۱۲]

یکی از وجه تشابه انقلاب اسلامی ایران با نهضت امام حسین(ع) در معنویت ظهور می کند. در مدت پیروزی انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، معنویت مردم به او ج رسید. متأسفانه بعد از جنگ دنیا گرایی در جامعه درمان رشد است، از این رو رهبر فرزانه انقلاب در پیام نوروزی خود مردم را به معنویت گرایی فرا خواند و آنان را از دنیا گرایی بر حذر داشت. دنیا پرستی با انقلاب منافات داشته و فاصله انقلاب را با نهضت امام حسین(ع) زیاد می کند. از سوی دیگر رهبر با طرح با اصلاحات در سه محور، همه به ویژه مسئولان نظام را از هر گونه ثروت اندوزی و تجمل گرایی بر حذر داشت. رهبر معظم انقلاب در قسمتی از پیام خود فرمود: " امسال، سال شمسی ما هم در فروردین و هم در آخر سال در اسفند، با عاشورای حسینی مقارن و مصادف است. بنابراین جا دارد که ما امسال را سال عزت و افتخار حسینی بدانیم و امیدواریم ملّت عزیز ما با تمسّک به معنویت حسین بن علی(ع) و با آشنایی بیشتر با آن بزرگوار عزت وافتخار و سربلندی را برای خود کسب کند، هم چنان که بحمدالله به برکت حسین بن علی(ع) و به برکت اسلام و قرآن از عزت و افتخار معنوی برخوردار بوده و هست".

۳- مظلومیت: یکی از وجه تشابه انقلاب اسلامی با نهضت کربلا در مظلومیت است. دشمنان خاندان پیامبران، علیه این خاندان به ویژه علی(ع) تبلیغات گسترده انجام داد[۱۳] تا آن جا که امام حسین(ع) را آشوبگر[۱۴]

و خارجی[۱۵] معرفی نمود. از سوی دیگر حکومت یزید را دارای خاستگاه الهی دانست.[۱۶] متأسفانه این تبلیغات بسیار تأثیر گذار بود، تا آن جا که هنگام ورود اهل بیت(ع) به کوفه و شام با آن ها مانند

۴- اسیران و کافران برخورد نمودند[۱۷] و جشن گرفتند.[۱۸] این تبلیغات با توجه به شرایط زمان صورت گرفت که رشد سیاسی مردم ضعیف شده بود. متأسفانه یکی از آفات تاریخ اسلام عدم رشد فکری مسلمانان است، از این رو مردم در جنگ های امام علی(ع) و امام حسن (ع) با معاویه، ،از معاویه حمایت کردند و در جنگ امام حسین(ع) با یزید، از یزید حمایت نمودند. از این رو امام حسین، در اوج مظلومیت قرار داشت.

امروزه نیز دشمنان خارجی و داخلی تبلیغات گسترده ای با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار تبلیغاتی علیه ایران به راه انداخته اند که با هدف دین زدایی و شکست نظام دینی صورت می گیرد، که مظلومیت جمهوری اسلامی و حق گرایات و عدالت خواهان را در پی داد.

از سوی دیگر دشمنان دین مدافع آزادی و پاسداران حقوق بشر معرفی شده اند.

برای مظلومیت زدایی لازم است که در جامعه رشد سیاسی تقویت شده و مردم با بصیرت کامل از نظام و انقلاب خویش دفاع کنند. همان گونه که یاران با بصرت امام حسین(ع) به پاسداری از دین و آزادی پرداختند.

۵- یاد آوری خاطرات انقلاب معمولاً در انقلاب ها، بعد از گذشت زمان ایثار و حماسه های مردم و انقلابیون فراموش می شود، از این رو نیاز به یادآوری دارد تا بار دیگر حماسه های مردم به نمایش گذاشته شود، از این رو نیاز به

یاد آوری دارد تا بار دیگر حماسه های مردم به نمایش گذاشته شود تا نسل نو بدانند که اوائل انقلاب، انقلابیون چه کردند. شاید یکی از علل عزاداری برای امام حسین(ع) - که بزرگان دین بر این سفارش نموده اند - این باشد که در ایام محرم و صفر با عزاداری ها یاد و خاطره امام حسین(ع) و یاران او فراموش نشود.

رهبر معظم انقلاب با اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخاری حسینی؛ همگان را به ویژه نسل جوان را به عزّت مندی و افتخار آفرینی فرا خواند. سال امام حسین(ع) بهانه خوبی بود که افتخار آفرینی ملتّ ایران با انتضارآفرینی امام حسین(ع) و یاران او پیوند خورد.

۶- تجدید روحیه انقلابی و ایثار: بی تردید یکی از ویژگی های مهم نهضت امام حسین(ع) ایثار گری و روحیه انقلابی است.

از این رو امام حسین(ع) یاران خویش را با وفاترین انسان ها یاد نمود.[۱۹]

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست دشمن اگر چه تشنه به خون گلوی ماست

گردیم دور یار، چون پروانه گِرد شمع چون سوختن در آتشِ عشق آرزوی ماست

ازجان گذشته ایم و به جانان رسیده ایم در راه وصل این تن خاک عود ماست

ما را طراف کعبه به جز دور یار نیست کز هر طرف رویم، خدارو به روی ماست[۲۰]

روحیه انقلابی یاران امام حسین(ع) عامل مهمی برای روحیه انقلابی مردم ایران بود مردم با بهره گیری از روحیه انقلابی یاران امام انقلاب نمودند و در هشت سال دفاع مقدس نیز روحیه فداکاری و انقلاب آنان به اوج رسید. به نظر می رسید بعد از دفاع مقدس، روحیه مردم افول کرده است. و نیاز به

تجدید روحیه می باشد. از این رو رهبر انقلاب؛ اعالم سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی، بار دیگر همگان را به حفظ و تقویت روحیه انقلابی فراخواند و از همه، به ویژه فرزندان انقلاب خواست روحیه انقلابی خود را حفظ کنند و آسب ها موجب نشود که روحیه انقلابی آنان از بین برود. طبیعی است در جامعه ای که امام حسین(ع) در آن جایگاه بلندی دارد، بهره گیری از نهضت او و پیوند انقلاب به نهضت حسینی بهترین راهکار جهت تجدید روحیه انقلابی است.

[۱] مفاتیح الجنان، ص ۲۷۳.

[۲] فاطر( ) آیه ۱۰.

[۳] مقرم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷؛ مقاتل الطالبین، ص ۸۰.

[۴] نفس المهموم، ص ۱۳۱؛ مقتل خوارزمی ، ج ۲، ص ۷؛ لهوف ، ص ۱۹.

[۵] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۳.

[۶] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۱۳.

[۷] مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه ص ۲۵۸ – ۲۶۲.

[۸] همان؛ نهج البلاغه ، خطبه ۱۲۷ و ۱۸۵.

[۹] بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۸.

[۱۰] همان، ج ۷۵، ص ۱۱۷.

[۱۱] مقرّم مقتل الحسین ص ۳۵۷؛ ینابیه الموده ص ۱۸.

[۱۲] ینابیع المودّه، ص ۳۰۷.

[۱۳] الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۲۶ مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۸۸.

[۱۴] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸۹؛ مقتل خوارزمی ج۱، ص ۲۱۲.

[۱۵] همان، ص ۳۳۱.

[۱۶] همان، ص ۳۵۵؛ مقتل خوارزمی، ج ۲ ص ۵۷.

[۱۷] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۶.

[۱۸] ناسخ التواریخ حالات سید الشهداء(ع) ج ۳، ص ۱۱۹.

[۱۹] مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۲۴۶؛ لهوف ، ص ۷۹.

[۲۰] جواد محدّثی ، فرهنگ عاشورا، ص ۵۳.

واژه های عزت وافتخار حسینی را تفسیر و توضیح دهید.

پرسش

واژه های عزت وافتخار حسینی را تفسیر

و توضیح دهید.

پاسخ

عزت به معنای ارجمند، سرافرازی و گرامی شدن است.[۲۱] به قول راغب واژه عزت به معنای حالتی است که نمی گذارد انسان شکست بخورد و مغلوب واقع شود.[۲۲]

در برابر عزت، ذلت قرار دارد که به معنای نبود حالت شرافت و عزت در آدمی است، به طوری که انسان به سادگی پذیرای شکست شده، مغلوب دیگران شود.

واژه افتخار به معنای مرتفع و بلند گردیدن، فخر و شرف[۲۳] تازی، سر افرازی، فخر و آبرو و حرمت[۲۴] : "أفتخر إفتخاراً بکذا؛ به آن بالید وافتخار نمود".[۲۵]

دو واژه عزت و افتخار با پسوند حسینی بیانگر آن است که عزت و افتخار در فرهنگ امام حسین(ع) با عزت و افتخار فرهنگ مادی تفاوت دارد.

در آموزه های دینی عزت و آزادی، افتخار بندگی و معنویت گرایی و رهایی از قید و اسارت شهوت گرایی و پرهیز از تجمل گرایی ظهور می کند. از این رو امام علی(ع) عرض داشت: "الهی کفی بی عزّاً أن أکون لک عبداً و کفی بی فخراً أن تکون لی ربّاً ".[۲۶] پیامبر اسلام (ص) که جامعه عزت مند در مدینه به وجود آورد، با تمام افتخارات غیر معقول مانند ثروت اندروزی و قوم گرایی مبارزه نمود[۲۷] و عزت و افتخار را در عبودیت تفسیر نمود.

از سوی دیگر عزت وافتخار در مبارزه علیه ستم و حق کشی ها به وجود می آید و پیروزی در جنگ ها عزت و افتخار به حساب نمی آید. و این درست مقابل معنای مادی ازادی و افتخار قرار می گیرد؛ زیرا در فرهنگ مادی پیروزی در مغلوب نمودن طرف مقابل شکل می گیرد.

در صحنه کربلا عزت و افتخار

حسین به اوج خود رسید. امام حسین(ع) در زمانی قیام نمود که یزید شعار بی دینی سر داد[۲۸] و جامعه اسلامی را خفقان گرفته و دین ستیزی و عدالت کُشی به اوج خود رسیده بود. از این رو امام حسین(ع) مرگ در راه خدا را زینت خواند[۲۹] و تسلم نشدن در برابر یزید و اسیر ذلت نشدن را عزت و افتخار دانست: "موت فی عزّ خیرٌ من حیاه فی ذلّ؛[۳۰] مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است".

هم چنین حضرت در برابر بیعت خواستن یزید فرمود: "ناپاکِ ناپاک زاده مرا بین دو چیز: شمشیر و ذلت مخیّر قرار داده، امّا ذلت از ما بسیار دور است".[۳۱] به قول بهجتی:

اندر آنجا که باطل امیر است

اندر آنجا که حق سر به زیر است

اندر آنجا که دین و مروّت

پایمال و زبون و اسیر است

راستی زندگی ناگوار است

مرگ، بالاترین افتخار است

جاویدان آید بانگ پر شور

لا أری الموت إلا سعاده[۳۲]

امام حسین(ع) فرمود: "من از مرگ باکی ندارم، مرگ راحت ترین راه برای رسیدن به عزّت است. مرگ در راه عزّت زندگی جاودانه است و زندگانی ذلت بار، مرگ بی حیات است".[۳۳]

عزت و افتخار حسینی در آخرین لحظات زندگی امام حسین(ع) به اوج رسی و حضرت بندگی را عامل عزت دانسته و بدان افتخار می کند. شهید مطهری می نویسد:

"در روز عاشورا حسین(ع) حدّ اخر مقاومت را می کند. دیگر وقتی است که به کلّی توانایی از بدنش سلب شده است: یکی از تیر اندازان ستمکار تیر زهر آلودی را به کمان می کند و به سوی اباعبدالله (ع) می اندازد که در سینه ابا عبدالله(ع) می نشیند و حضرت بی

اختیـار روی زمین می افتـد. آیا در این لحظه تن به ذلت می دهـد؟ آیا خواهش و تمنا می کنـد؟ نه، بلکه بعـد از گـذشت این دوره جنگیـدن رویش را به سوی همـان قبله ای که از آن هرگز منحرف نشـده است می کنـد و می فرمایـد: "رضاً بقضائک و تسلیماً لأمرک و لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین".[۳۴]

در حادثه کربلا یزید و یزیدیان عزت و افتخار خویش را در پیروزی ظاهری دانسته و به نسب و اجداد و دوران جاهلیت افتخار می کردنـد، غافـل از این که پیروزی و جـاودانگی از آن حق و حق گرایـان است و پیروزی باطـل مقطعی است. از این رو امام علی(ع) فرمود "للحق دوله، للباطل جوله؛[۳۵] برای حق، دولت و عظمت بزرگی است، ولی باطل را جولان و چرخشی است".

از این ردو قرآن عزت مداری را از آنِ رسول و مؤمنان دانسته است: "للّه العزّه و لرسوله و للمؤمنین".[۳۶]

روشن ترین دلیل این عزت و شکوه درباره شـهدای کربلا مشهود است. هنوز امام حسین(ع) عزیز است محبوب دل ها است و مزارش میعادگـاه عاشـقان حق است. امـام راحل(س) فرمود " محرّم ماهی است که عـدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است".[۳۷]

[۲۱] محمد معین فرهنگ فارسی، واژه عزت ؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه واژه عزت؛ مصطفی دشتی، معارف و معاریف ج ۷، ص ۳۵۳.

[۲۲] راغب اصفهانی مفردات راغب، ص ۵۶۳.

[۲۳] اقرب الموارد، ج ص ۹۰۷؛ علی اکبر دهخدا، پیشین، واژه افتخار.

[۲۴] خلیل جرّ، فرهنگ لاروس(ترجمه حمید طبیبیان)

[۲۵] مفردات راغب،

ص ۳۷۴؛ محمد معین ، پیشین، واژه افتخار.

[۲۶] مفاتیح الجنان، ص ۲۷۳.

[۲۷] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.

[۲۸] مقرم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷.

[۲۹] اعیان الشیعه، ج ۱ ص ۵۹۳.

[۳۰] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

[۳۱] مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۷؛ نفس المهموم، ص ۱۳۱.

[۳۲] محمد حسین بهجتی،بهار آزادی، ص ۷۱، با اقتباس از جواد محدثی فرهنگ عاشورا، ص ۳۸۹.

[۳۳] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱.

[۳۴] مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۵۷.

[۳۵] تحف العقول ص ۲۳۹.

[۳۶] اسرا(۱۷) آیه ۸۱.

[۳۷] صحیفه نور ج ۴، ص ۲۷.

چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟

پرسش

چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟

پاسخ

اگر مقصود از پیاده نمودن قرآن آشنا نمودن دانش جویان با معارف دل نشین و احکام نورانی و قوانین انسان ساز قرآن باشد، مسئولان کتب درسی و فرهنگی می توانند این مسئله را حل نمایند.

اگر منظور پیاده نمودن احکام و برنامه های سعادت بخش قرآن است به نظر می رسد:

۱- کسانی که به نام اسـلام بر مردم حکومت می کننـد، از خورد و کلان نخست خود باید به قوانین اسـلام عمل کنند و به آن پـای بنـد باشـند. این روش نه تنهـا دانشـجویان بلکه مردم کوچه و بازار را هم به اسـلام جـذب کرده و آنان را عملاً دعوت به نیکی و پذیرش عینی برنامه های قرآن می نماید.

در احادیث آمده است: "کونوا دعاه الناس بغیر السنتهم؛ [با عمل و] نه زبان تان، مردم را دعوت کنید".

۲- عالمان عامل که از نظر دانشجویان، علم و عملشان مورد پذیرش باشد، باید در جلسات هفتگی با تبیین معارف قرآن روشن کنند که دین اسلام و قرآن تأمین کننده سعادت زندگی بشر و تضمین کننده خوش بختی حیات اخروی است.

رسول خـدا(ص) فرمود: "وقتی دو صـنف از امت من صالح شدند امت صالح می شود وقتی زمانی که این دو قشر فاسد شدن امتم فاسد می شود: فقها و حاکمان".[۲۳]

[۲۳] بحارالأنوار، ج ۲، ص ۴۹، حدیث ۱۰.

آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟

پرسش

آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟

پاسخ

علی(ع) می فرماید: "انّ الله یحب عبده القوای...؛ خداوند بنده قوی اش را دوست دارد". زیرا انسان قوی بهتر می تواند اطاعت و عبادت کند و به دین خدا و بندگانش خدمت نماید.

در دعای کمیل از خداوند زور و قوّت اعضا و جوارح را طلب می کند: "قوّ علی خدمتکم جوارحی".

انسان را از آن جهت انسان گفته اند که سه چیز لازمه زندگی و زنده بونش است: انس، نسیان و نویسان. اگر به یکدیگر انس و الفت نداشته باشند، اجتماع انسانی جز مجتمع حیوانات پستاندار چیزی نخواهد بود.[۸]

اگر نسـیان و فراموشـی به او دست ندهـد، بسـیاری از معایب و انـدوه ها و خاطره های تلخ زندگی اجازه زنده بودن به او نمی دهند.

مهم تر از همه نوسان و تحرک وفعالیت است. اگر جنبش بـدن کم شود، قـدرت دفاع بـدن کم می شود واگر در حـد اعتـدال باشد، قدرت دفاع افزایش می یابد.[۹]

ورزش ، کمک شایانی به ایجاد و تقویت سـلامیت جسمانی و روانی می کند، و افرادی که با روش صحیح ورزش می کنند و

یا دارای کارهای با تحرک می باشند، سالم تر بوده و عمرشان از افراد فاقد تحرک، بیشتر است.[۱۰]

فواید و آثار ورزش:

۱- ورزش تغییرات چندی در بدن ایجاد می کند، از جمله سرعت جریان خون را زیاد می کند و سبب می شود سرعت تبادلی بین پلاسمای خون و مایع بین سلولی افزایش یابد و گلبول های انباشته شده در جدار رگ ها و مویرگ ها هم در اثر شدت جریان وارد خون شوند.[۱۱]

۲- ورزش متناسب مخصوصاً پیاده روی سبب

می شود اشخاص کمتر به بیماری های عروقی قلب مبتلا شوند.

۳- اصولاً افرادی که شغل آن ها با فعالیت جسمی روزانه همراه است، کمتر به سکته قلبی دچار می شوند.

آقای دکتر پاک نژاد می نویسد: اگر ورزش با شرایط صحیح بهداشتی انجام گیرد نتایج ذیل به دست می آید:

۱- قدرت انقباض و نظم جریان قلب پس از مدتی ورزش کردن بهتر می شود.

۲- گنجایش ریه ها بیشتر می گردد و در نتیجه اکسیژن بهتر به بدن می رسد.

۳- هر چه شخص ورزیده تر باشد مقدار سوخت بدنش نقصان می یابد. در نتیجه بدن بهتر از مواد غذایی بهره می برد.

۴- رشد و نمو بهتر انجام می گیرد و بر فعالیت غدد داخلی افزوده می شود.

۵- هماهنگی بین اعصاب و مراکز عصبی و تقویت اعصاب ایجاد می شود و کارهای فکری آسان تر می شود.

۶- به تنگی نفس دچار نمی شود و ضربان قلب تند نمی زند و در کارها دیرتر خسته می گردد.[۱۲]

ورزش و تقویت قوای جسمی و روحی سبب طول عمر و شادابی در زندگی می گردد.[۱۳]

[۸] دکتر پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۴، ص ۵۱، چاپ سال ۱۳۵۰، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه.

[۹] همان.

[۱۰] حسین صبوری، ورزش در اسلام، ص ۱۸، ویزایش دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

[۱۱] دکتر پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ص ۱۰۵.

[۱۲] همان، ص ۱۰۴.

[۱۳] همان، ص ۵۶ – ۵۷.

متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟

پرسش

متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟

پاسخ

اگر می بینیم بعضـی از منکرات در جامعه منکر به حساب نمی آیـد دلیلش آن است که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به خوبی انجـام نمی شود. در اثر عـدم جلوگیری منکر، معروف می گردد. پیـامبر اکرم(ص) همین امر را پیش بینی کرد و خطاب به عده ای از اصـحاب فرمود: چگونه خواهید شد هر گاه زن ها و جوان های ...Ř...فاسد شوند اما امر به معروف و نهی از منکر نکنیـد؟ صـحابه گفتنـد: مگر چنین چیزی امکـان دارد، حضـرت فرمـود: آری، از این هم بـدتر می شود. چگونه خواهیـد شـرد هرگـاه امر به منکر کنیـد و نهی از معروف؟ گفتنـد: مگر چنین چیزی امکـان دارد؟ حضـرت فرمود: آری، از این هم بـدتر می شود. چگونه خواهید شد هرگاه معروف را منکر و منکر را معروف بدانید.۱۴

وقتی در جامعه با منکر مقابله نشد کم کم به مرحله ای می رسیم که دیگر مردم باور می کنند که منکر دیگر منکر نیست بلکه معروف است. برای مقـابله بـا این پدیـده چـاره ای جز عمل به وظیفه شـرعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر و خروج از بی اعتنایی نیست. نهی از منکر اگر هیچ تأثیری نداشته باشد همین تأثیر را لااقل خواهد داشت که از معروف شدن منکر پیشگیری خواهد کرد.

۱ اصول کافی ج ۳، ص ۲۳۸.

۲ همان، ص ۲۳۹.

۳ نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۴ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۵۹.

۵ اصول کافی، ج ۴، ص ۱۵۳.

۶ نهج البلاغه، قصار ۱۸۴.

۷ همان، قصار ۳۰۴.

۸ آل عمران (

) آ.......۸

۹ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۱۱.

۱۰ نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲.

۱۱ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۱۶.

۱۲ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۱۳ منتهی الآمال، ص ۴۶۹ – ۴۷۰.

۱۴ تحف العقول، ص ۴۹.

آیا می شود نمایندگانی از تمام ادیان جمع شوند و دین خود را ارایه دهند و دیدگاه ادیان خود را در ارتباط با انسان مرگ، سعادت و ... عنوان نمایند تا مردم جهان بتوانند راه درست و دین کامل را بشناسند؟

پرسش

آیا می شود نمایندگانی از تمام ادیان جمع شوند و دین خود را ارایه دهند و دیدگاه ادیان خود را در ارتباط با انسان مرگ، سعادت و ... عنوان نمایند تا مردم جهان بتوانند راه درست و دین کامل را بشناسند؟

پاسخ

در طول تاریخ بارها نمایندگان ادیان و مذاهب جهان با هم گفتگو داشتند. از مهم ترین آن، نشستی بود که مأمون عباسی در طوس، بزرگ ترین عالِمان ادیان مختلف را در جلسه ای با حضور امام رضا(ع) دعوت نمود و هر یک دیدگاه های خویش را بیان نمودند و امام هشتم(ع) در این جلسه با "جاثلیق" (رئیس اسقف ها و علمای مسیحیت)، "رأس الجالوت (= لقب دانشمندان بزرگ یهود)، با هربزاکبر (= لقب مخصوص بزرگ زردشتیان) مناظراتی داشت و حقانیت دین اسلام را بر همگان روشن نمود.۱۵ نیز امام هشتم(ع) با علمای اسلام همانند علی بن محمد بن جهم و سلیمان مروزی، مناظراتی برگزار کرد. حدود پانزده سال پیش در ایتالیا نمایندگان دو دین بزرگ دنیا، اسلام و مسیحیت دور هم جمع شدند و دیدگاه های خود را برای همگان تبیین نمودند. در دو سال گذشته در آغاز هزاره سوم در سازمان ملل بزرگ ترین تجمع نمایندگان ادیان و مذاهب جهان تحت عنوان گفتگوی ادیان صورت گرفت و از سوی ایران هیئتی به سرپرستی آیت الله جوادی آملی در آن شرکت نمودند.

کوتاه سخن این که نشست عالمان ادیان از دیر زمان تا کنون بر قرار بوده و هست و هر یک دیدگاه های خویش را برای دیگران تبیین می کنند.

۱ اعراف (۷) آیه ۱۵۷.

۲ همان، آیه ۳۲ و ۳۳.

۳ مؤسسه در راه حق،

بیست پاسخ، ص ۱۸۴.

۴ بیست پاسخ ، مؤسسه در راه حق، ص ۱۸۴ به بعد، با تلخیص.

۵ مجمع البحرین، ماده عشق.

۶ محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار ج ۶۷ ص ۲۵۳.

۷ ص(۳۸) آیه ۸۳.

۸ شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۴، ج ۷.

۹ شیخ طوسی، الخلاف، مسئله ۱۱۲ و ۱۱۳.

۱۰ همان.

۱۱ همان.

۱۲ کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۰، حدیث های ۱۹۷۷۶ و ۱۹۷۷۷ و ۱۹۷۷۸.

۱۳ همان.

۱۴ همان.

۱۵ طبرسی، احتجاج ج ۲، ص ۱۹۹ – ۲۲۴.

ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اســلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اسلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شما در مورد قرار دادن درسی به نام تفسیر موضوعی قرآن در دانشگاه ها و علاقه مند نمودن دانشجویان به علم قرآنی چیست؟

پرسش

ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اسلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اسلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شـما در مورد قرار دادن درسـی به نام تفسـیر موضوعی قرآن در دانشـگاه ها و علاقه مند نمودن دانشـجویان به علم قرآنی چیست؟

پاسخ

آگاهی کامل مبتنی بر طیّ مقدماتی است که بدون آن ها آگاهی بر علوم اسـلامی ممکن نیست، چون قرآن و روایات به زبان

عربی است. باید به زبان عربی خوب مسلط بشوید و با قواعد و قوانین دستور زبان عربی آشنایی کامل داشته باشید. نیز با علم فصاحت و بلاغت و منطق و فلسفه واصول و فقه در سطح عالی آشنا باشید.

گذراندن این دوره تقریباً نُه سال طول می کشد. سپس باید یک یا دو دوره کارشناسی به عنوان درس خارج را طی کند در این دوره با تفسیر قرآن و تاریخ اسلام و فقه اسلامی به طور کامل آگاه می شود.

بنابراین اظهار نظر کارشناسی شده درباره اصول و فروع دین اسلام محتاج به گذراندن دوران سخت پژوهش و تحقیق است، که برای همه کس مقدور نیست. البته هر کس به اندازه هوش و استعداد و علاقه اش می تواند به مراحلی دست یابد.

به نظر ما تمامی جوانان مسلمان باید دوره فشرده ای از علوم اسلامی و قرآنی را بگذرانند و گذراندن این دوره باید الزامی باشد. مخصوصاً در دانشگاه ها قرار دادن درس تفسیر قرآن خواه به صورت آیه به آیه و خواه به صورت موضوعی بسیار مفید است. البته جوانان عزیز باید علاقه مندی خود را نشان بدهند و علوم اسلامی را از علوم ارزشی بدانند

و برای خوانـدن آن ثواب و قرب الهی قائل باشـند، گرچه تمامی علوم اگر برای برطرف کردن نیازهای جامعه اسلامی خوانده شود، وظیفه الهی محسوب می شود و موجب قرب الهی می توانـد باشـد، ولی علوم انسـانی و اسلامی چون با آیات و روایات همراه است، به مسیر تقوا و هـدایت و تهـذیب نفس نزدیـک تر است. کسانی که در علوم دیگر متبحّر می شونـد اگر بـا علوم اسلامی نیز آشنایی داشته باشند و اهل تقوا و عمل به دستورهای اسلامی باشند، برای جامعه مفید تر خواهند بود.

فرزندم در اسـفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسد. قصد دارم مراسم با شـکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفه من به عنوان پدر نسبت به پسرم در این زمینه و چگونگی معرفی مراجع تقلید و به دست آوردن رساله چیست؟ محتاج راهنمایی هستم.

پرسش

فرزنـدم در اسـفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسـد. قصـد دارم مراسم با شـکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفه من به عنوان پـدر نسبت به پسـرم در این زمینه و چگونگی معرفی مراجع تقلیـد و به دست آوردن رسـاله چیست؟ محتـاج راهنمـایی هستم.

پاسخ

برادر گرامی! امیدواریم با خانواده و نور چشم عزیزتان در پناه ایزد متعال باشـید و مورد توجه حضـرت صاحب الزمان(ع) و در سایه عنایات حضرت باشید.

فرا رسـیدن ایـام تکلیف فرزنـدتان را به شـما و ایشان تبریک می گوییم. اگر قرار باشـد برای امری جشـنی گرفته شود، بهترین جشن، جشن تکلیف است، چون با فرا رسـیدن تکلیف، انسان مورد توجه و خطاب الهی قرار می گیرد و باید وظایف شرعی و اجتماعی خود را انجام دهـد. برای این جشن بر اساس رسوم محلّی در حدّ توان مراسـمی بر پا کنید. و طی مراسـمی که ترتیب می دهیـد به او هـدیه کنیـد. اگر وضع مالی تان خوب است برای او خانه یا زمینی در نظر گرفته و آن را در مجلس جشن به او هدیه کنید. برای یاد دادن احکام شـرعی گاهی، مسئله ای را طرح و به او تفهیم کنید. وی را به مطالعه توضیح المسائل تشویق و راهنمـایی کنیـد. راجع به مسائـل اخلاقـی که زیر بنای انسانیت و کمال هر انسان است، او را راهنمایی کنیـد. گاهی حـدیث اخلاقی برای او بخوانیـد یا در جمعی که او حاضـر است آن را مطرح کرده یا وی را برای نماز و سـخنرانی به مسـجد ببریـد. با بزرگان دین وعلما و شایستگان او را آشنا کنید. موفقیت شما و فرزندتان را از خداوند

متعال خواهانیم.

روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟

پرسش

روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟

پاسخ

برای حفظ ایمان جوانان باید به اموری توجه داشت:

۱ــ اصلاح روابط خانوادگی: از آن جا که محیط خانواده اولین کانون آموزش علوم و معارف و مهم ترین نهاد تأثیر گذار است، از این رو در روایت آمده است: "خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزندش را در کار نیک یاری نمایند".[۱۶]

در فرایند شکل گیری شخصیت نوجوانان بیشترین نقش متوجه الگوهای رفتاری است. خمیر مایه شخصیت افراد در کانون خانواده شکل می گیرد. به سخن دیگر: همه آموخته ها، عادت ها و رفتارهای ما ناشی از مربیان و یادگیری های مستقیم و غیر مستقیم است. بر این اساس رعایت اصول اخلاقی و التزام عملی به دستورهای مذهبی توسط والدین اثر مستقیمی در گرایش جوانان به مذهب دارد. اگر رفتار والدین مناسب نباشد فرزندان مدل رفتاری خوبی نخواهند داشت. امام کاظم(ع) می فرماید: "رفتار کودکان در اثر رفتار درست والدین اصلاح می شود".[۱۷]

۲ــ انتخاب دوست مناسب: دوستان نقش مهمی در شکل گیری رفتار جوانان دارند. چه بسا جوانانی که در اثر همنشینی با دوستان ناباب به انحراف کشیده شده اند و به فرمایش قرآن کریم خود را در روز قیامت ملامت می کنند که چرا فلانی را دوست خود گرفته بودند.[۱۸]

تو اوّل بگو با کیان دوستی که تا من بگویم که تو کیستی

۳ــ پرکردن اوقات فراغت: بیکاری و فراغت جوانان را به انحراف می کشاند. علی(ع) می فرماید: "اگر شغل و کار زمینه فعالیت فرد است، فراغت زیاد باعث تباهی و فساد است".[۱۹]

برای حفظ ایمان جوانان باید زمینه کار و فعالیت را فراهم کرد و

اوقات فراغت آن ها را با برنامه هایی مانند ورزش و تفریح سالم پر نمود.

۴ــ تدارک ازدواج: جوانان در دوران جوانی با طوفان غریزه جنسی مواجه اند که اگر به طور صحیح ارضا نشود به انحراف کشیده می شوند. مهم ترین امر در این مقطع که غریزه جنسی را تعدیل می کند ازدواج است. از این رو رسول اکرم(ص) می فرماید: "هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است".[۲۰]

[۱۶] مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۲، ص ۶۲۵.

[۱۷] بحارالأنوار، ج۶۸، ص ۲۳۶.

[۱۸] فرقان( ) آیه ۲۸.

[۱۹] ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۹۷.

[۲۰] سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.

جامعه امروز طوری شده که به همه نیازهای نفسانی خود می توان رسید، از نوار و فیلم و سی دی و مشروبات الکلی و خیلی لذّات دیگر...! چگونه می توانیم خود را از کثافات نگه داری کنیم؟ ایا ما هم باید با این روند همسو شویم؟ خیلی از رفقای ما می گویند چرا خود را با نماز

پرسش

جامعه امروز طوری شده که به همه نیازهای نفسانی خود می توان رسید، از نوار و فیلم و سی دی و مشروبات الکلی و خیلی لذّات دیگر...! چگونه می توانیم خود را از کثافات نگه داری کنیم؟ ایا ما هم باید با این روند همسو شویم؟ خیلی از رفقای ما می گویند چرا خود را با نماز و روزه محدود کرده ای؟! بیا این دو روز دنیا را خوش باشیم!

پاسخ

از این که جامعه امروز چنین شده بسیار متأسفیم ولی تأسف، تکلیف سنگین عالمان و مسئولان و مردم را ساقط نمی کند. وقتی امر به معروف و نهی از منکر ترک شود و جلوی هجوم فساد گرفته نشود و کنسرت های موسیقی و جشن های مختلط در شهرهای مختلف برگزار شود و به عنوان هنر و موسیقی، از هر بی هنری تجلیل شود و از متدینین و مذهبی ها به عنوان خشنت طلب و متحجّر و با انواع تهمت ها تبلیغ شود و آنان که هشت سال دفاع مقدس را بر عهده داشتند و جسم و جان خود را در راه خدمت به مملکت و دین فدا کردند تحقیر شوند، وضع جامعه بهتر از این نمی شود.

در روایت از امام رضا(ع) از پیامبر(ص) آمده است: زمانی که امّت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند، بدانند که حوادث بدی از جانب خدا بر آنان واقع خواهد شد".[۱۲]

باز رسول خدا(ص) فرمود: "چگونه می باشید آن گاه که زنانتان فاسد و جوان هایتان فاسق و تبهکار شوند و شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ گفتند: یا رسول

الله! آیا چنین خواهـد شد؟ فرمود: آری، بدتر از این خواهد شد. زمانی پیش می آید که به بدی فرمان دهید و از خوبی ها نهی کنید، و از آن بدتر زمانی خواهد رسید که خوبی ها را زشت و ناشایست و بدی ها را زیبا و پسندیده بدانید".[۱۳]

رسول خـدا(ص) فرمود: "به راستی خداونـد ویژگـان و خاصّـان را به گناهان همه مردم عامی عـذاب نفرمایـد تا آن که اعمال زشت و منکر پیش رویشان عمل شود و آن ها با این که قدرت بر انکارش داشته باشند انکارش ننمایند".[۱۴]

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: "هر کس نهی از منکر را (با قلب و زبانش) ترک کند، مرده ای میان زندگان است".[۱۵]

بنابراین وظیفه ما در برابر زشتی ها این است که در برابر آن ها موضع گیری کنیم و جلوی آن ها را بگیریم و لااقل قلباً راضـی نباشـیم، نه این که بـا آن ها هماهنگ شـده و در جلسات آنان شـرکت کنیم. شـرکت در مجالس گناه انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و انسان را از مسیر انسانیت به سقوط می کشاند.

قرآن می فرماید: "ثم کان عاقبه الذین اساءوا السؤوای ان کذّبوا بایات الله و کانوا بها یسـتهزئون؛[۱۶] سرانجام آنان که به گناه اصرار می ورزند، به تکذیب آیات خدا و مسخره کردن آن می رسد".

مرحـوم نراقی می فرمایـد: مبـادا کسـی فکر کنـد کـه وزرو وبـال گنـاه گریبـان او را نمی گیرد. چنین چیزی نشـدنی است زیرا پیامبران از آثار ترک اولی مصون نماندند چه برسد به دیگران. البته چون خداوند پیامبران و اولیای خود را دوست دارد آن ها را در همین دنا زود گوشمالی می دهد

تا در آخرت آسوده باشند امّا کفار از این نعمت محرومند. آنقدر به آن ها مهلت داده می شود که بر گناهان خود بیفزایند تا مستوجب عذاب بیشتر شوند.[۱۷]

[۱۲] آثار الصادقین، ج۱، ص ۱۲۱، به نقل از فروغ کافی، ج۵، ص ۵۹.

[۱۳] همان، به نقل از وسائل، ج ۶، ص ۳۹۷.

[۱۴] همان، ص ۱۲۳، به نقل از محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۰.

[۱۵] همان به نقل از وسائل، ج ۶، ص ۴۰۴.

[۱۶] روم(۳۰) آیه ۱۰.

[۱۷] اخلاق عملی، ص ۱۱۶، به نقل از جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۸.

من دوستان زیادی دشاتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ ها و سی دی فروشی ها پر شده از جوانان شلوار تنگ و با موهای آن چنانی! می دانم اگر خود را رها کنم مانند آن ها می شوم. توصیه شما چیست؟ چ

پرسش

من دوستان زیادی دشاتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ ها و سی دی فروشی ها پر شده از جوانان شلوار تنگ و با موهای آن چنانی! می دانم اگر خود را رها کنم مانند آن ها می شوم. توصیه شما چیست؟ چگونه می توانم دوستانم را به سوی مسجد بکشانم؟

پاسخ

برادر عزیز! عواملی باعث شده که جوانان از مساجد زده شده یا لااقل بگوییم از مسجد زده نشده اند ولی جاهای دیگر را پرجاذبه تر دیده اند. آن عوامل عبارتند از:

۱- تهاجم و شبیخون فرهنگی از طریق رواج بی بندوباری و شهوترانی: مشاهده می شود مغازه های فیلم و سی دی فروشی در هر خیابان و کوچه فراوان شده است، یا سی دی های مبتذل به طور قاچاق و مخفیانه و یا علناً پخش می شود یا جشنواره های مختلف بر پا می شود. نیز کنسرت های موسیقی در شهر ها و حتی روستاها بر پا می شود. طبیعی است جوانان که موقعیت سنّی آنان اقتضای کشش به این گونه مسائل را دارد، به این سو کشانده می شوند.

۲- کم جاذبه یا بی جاذبه بودن مساجد: متأسفانه مساجد ما جاذبه خاصی که بتواند جوانان را جذب کند ندارد. از لحاظ نظافت، ساختمان، شرکت کنندگان و احیاناً امام جماعت یا هیأت امنا و خادم. وقتی که جوانی به مسجد می آید از طرف

برخی نمازگزاران یا هیئت امنا یا خادم مسجد مورد بی مهری قرار می گیرد یا به او تندی و اهانت می شود. وقتی که

مساجد بار علمی و اخلاقی مفیدی نداشته باشد یا بی نظمی و عدم انظباط در مسجد حاکم باشد و برنامه های پرجاذبه ای در مسجد اجر نشود خواه ناخواه کم کم تعداد نمازگزاران کم می شود و فقط چند پیرمرد در مسجد می مانند.

۳- تبلیغات بر ضد دین داری و دین داران و تبلیغ علیه آنان در روزنامه ها و سخنرانی ها و مشوّه جلوه دادن چهره مذهبیون، تأثیر به سزایی در دوری مردم مخصوصاً جوانان از مساجد دارد.

۴- اشتباهات برخی مسئولان که به نام اسلام و نظام اسلامی صورت می گیرد و شایعات و بزرگ نمایی بعضی اشتباهات و جو سازی های مفرط باعث نا امیدی و بی توجهی مردم و جوانان از مراکز مذهبی شده است.

وجود این عوامل در صحنه اجتماعی کشور ما، همچنین در اکثر کشورهای اسلامی وظیفه شرعی و وجدانی را از انسان سلب نمی کند. هر مسلمانی وظیفه دارد اهل نماز و عبادت و مسجد و دعا و امر به معروف و نهی از منکر باشد. یک مسلمان آگاه و متعهد اگر میان کفّار هم قرار بگیرد همچون ابراهیم خلیل الرحمن به وظیفه اش عمل می کند و هرگز به شعار پوچ و بی معنای "خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو" تمسک نمی کند. بنابراین شما باید خود را از گناهان و آلودگی ها مبرّا کنید و دست رفقا و دوستانتان را بگیرید و با برنامه های جذّاب و خوب آنان را به مسجد و نماز سوق بدهید. اگر بتوانید حتی یک نفر را نجات بدهید به ارزش و ثواب زیادی رسیده اند. می توانید از سروده های زیبا و

تواشیح وهمخوانی های فارسی و عربی، نوار قرائت قرآن از قاریات خوب، مداحی های خوش صوت، سفرهای دسته جمعی به کوه و مکان های زیارتی، تهیه جوائز برای جذب آنان به نماز و مسجد و مراسم مذهبی کمک بگیرید. از دعا و مناجات و نماز لذّت ببرند، به این گونه مراسم می شتابند.

[۲۸] بحارالأنوار، ج ۲، ص ۸۸.

دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز صبح بیدار می شد ولی از دوران راهنمایی نسبت به نماز و دعا و قرآن کم اهمیت شده است. از شما راهنمایی می خواهم.

پرسش

دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز صبح بیدار می شد ولی از دوران راهنمایی نسبت به نماز و دعا و قرآن کم اهمیت شده است. از شما راهنمایی می خواهم.

پاسخ

طبع انسان فطرتاً خدا خواه و خدا جو است. تا وقتی که این فطرت دست نخورده باشد از انس با خدا و عبادت و نماز لذّت می برد ولی عواملی که انسان را به خود جذب می کند و انسان را از فطرت پاک دور می کند، بسیار است.

جاذبه ها به سرعت انسان را جذب می کنند و چون در ایام طفولیت و نوجوانی، فطرت دست نخورده برهانی و استدلالی نشده و در مرحله ساده است اگر عامل جاذبه داری به آن ها سو کند زود جذب می شوند و نمی توانند مقاومت کنند. امّا همان عامل اگر برای یک شخص مسن و تحصیل کرده که با عقل و درایت، مشکلات زندگی را تجربه کرده باشد، چنان تأثیر و جاذبه ای نخواهد داشت.

اکثر نوجوانان در برهه ای از زمان اهل نماز و قرآن و عبادت اند و در برهه ای دیگر شکل دیگری پیدا می کنند. به تعبیر دیگر: زود تحت تأثیر قرار می گیرند. شیاطین و استعمارگران اگر بخواهند بر ملّتی مسلط شوند سعی می کنند از راه جذب این گونه اقشار به اهداف خود برسند.

ببینید دختر خانمتان تحت تأثیر چه عواملی قرار گرفته یا چه عواملی باعث انزجار او از عبادت شده است. گاهی تندی های پدر و مادر و سخت گیری های

بیش از اندازه و دستور دادن باعث انزجار آنان می شود. تا زمانی که کوچکتر بود هر چه به او دستور داده یا احیاناً با او تندی می شد، می پذیرفت ولی حالا که جوانی شده است توقعات او بالا رفته و غرور او اجازه نمی دهد کسی با او آمرانه برخورد کند. حتی نصیحت کردن به او نیز احتیاج به دقّت و احترام دارد.

باید به او شخصیت بدهید و از او تعریف و تمجید کنید.

یکی دیگر از عواملی که باعث جدایی جوانان از دعا و نماز می شود

جاذبه های تخیّلی از ناحیه دوست یا فیلم یا عکس یا کتاب های نامناسب یا معلّمی است که باعث بد آموزی او شده است. نیز الگوهای نامناسب که در روحیه او تأثیر منفی می گذارد.

روحیه جوان بسیار لطیف است. ممکن است با یک جمله متغیّر شود. کافی است معلم یا دوست او یک بار به او بگوید: این همه نماز خواندی چه کردی یا به کجا رسیدی؟ یا درباره دعا خوانان یا نماز گزاران بدگویی بشود یا احیاناً نماز خوان و دعاخوانی را که دارای اخلاق فاسد است یا سر مردم کلاه می گذارد یا دروغ

می گوید، دیده و تحت تأثیر قرار گرفته باشد و نسبت به نماز و دعا بی اعتنا شود.

بنابراین باید علّت و عامل بی توجهی او را نسبت به نماز جویا شوید و دوستان یا معلم یا مدیر یا جو درسه را بررسی کنید. گاهی او را به مسافرت های زیارتی مانند مشهد مقدس یا قم یا جمگران یا به مساجدی که نماز جماعت

گسترده ای در آن جا برگزار می شود ببرید. شرکت

در این گونه مجالس در روحیه انسان بسیار تأثیر گذار است.

برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟

پرسش

برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟

پاسخ

ساختن مساجد توسط مردم و ثروتمندان متدین صورت می گیرد. البته می توان در این راستا از برخی مسئولان یا ارگان ها کمک هایی دریافت کرد. هماهنگی با سازمان تبلیغات، اداره اوقاف و امور خیریه، بنیاد امور مساجد، ارتباط با دفتر مراجع معظم تقلید شاید مؤثر باشد. قرآن احداث و تعمیر مساجد را از وظایف مؤمنان

می داند: "انّما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر".

از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟

پرسش

از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟

پاسخ

یکی از اصول حیاتی که در هر عصر باید مورد توجّه مسلمانان باشد، لزوم آمادگی رزمی و بسیج نیروهای مذهبی و فداکار در برابر دشمنان دین و قرآن و ممالك اسلامی خصوصاً ایران عزیز می باشد. این مسئله به قدری مهم است که قرآن بر آن سخت تأکید ورزیده است: "و أعدّوا لهم مااستطعتم من قوّه و من رباط الخیل...؛ در برابر آن ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از "نیرو" آماده سازید (هم چنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را که شما نمی شناسید و خدا می شناسد و هرچه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد".۹

نخست می فرماید: در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید؛ یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آماد ه مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حدّ کافی آمادگی برای هجوم های احتمالی دشمن داشته باشید. از همین رو امام راحل (ره) فرمان تشکیل "بسیج" را صادر فرمود. نقش و هدف آن بالابردن بنیه دفاعی نظام مقدس جمهوری اسلامی و حاکم کردن امنیّت بیشتر در مرزها و جامعه اسلامی و ایجاد آمادگی و وحدت بیشتر بین نیروهای اسلامی برای مقابله با دشمنان خارجی و داخلی نظام بود.

این مهمّ در صورتی جاودان خواهد ماند که از بسیج و پایگاه های مقاومت آن،

سوء استفاده سیاسی و جناحی و محلّی نشود.

بسیجیان عزیز باید به مولایشان علی(ع) اقتدا کنند که در راه نبوّت و ولایت پیامبر(ص) سر از پا نشناخت. بسیجی باید به فاطمه زهرا(س) اقتدا نماید که در راه ولایت علی(ع) جانش را فدا نمود.

جایگاه بسیج با توجه به جوانان پرشور و رزمنده و مذهبی و فداکار آن و با وجود هزاران شهید مخلص، بسیار مقدّس و والاست. امام راحل فرمود: "ای کاش من هم یک بسیجی بودم". مقام معظّم رهبری، شال گردن بسیجیان را بر گردن نهاده و خود را بسیجی می داند، چرا که بسیجیان دست پرورده های علما و مراجع و امام راحل(ره) و سربازان ولایت فقیه می باشند. توصیه می کنیم مواظب باشید به جایگاه بسیج و قداست کار و پیدایش آن، لطمه ای وارد نشود تا همچنان شور و نشاط و امنیّت در این مملکت و در بین جوانان آن، باقی بماند.

۹ انفال(۸) آیه ۶۰.

کسی که قبلاً نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟

پرسش

کسی که قبلاً نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟

پاسخ

باید دید کسی که پیش تر اهل نماز بوده، چه عاملی موجب شده که نماز را ترک کند؟ آیا علت خاصی داشته یا تنبلی و بی حوصلگی باعث شده در این ورطه قرار گیرد؟ به دیگر بیان: عدم اطلاع وفقدان معرفت و شناخت لازم از فلسفه نماز، و این که چرا باید نماز بخوانیم، و نماز و نیایش چه آثار مادی و معنوی در سرنوشت دنیوی و اخروی انسان می گذارد و ترک نماز و نیایش که یکی از نیازهای ذاتی و فطری آدمی است، چه آثار سوء و تخریبی دارد و عدم آگاهی از این گونه مسایل موجب شده که نمازگزار، نمازش را ترک کند. شناخت از روحیات و فرهنگ خانوادگی و اجتماعی شخص و اطلاع داشتن از میزان معلومات و تحصیلات و سن فرد و آگاهی از علت ترک نماز می تواند شما را در تشویق و ترغیب و راهنمایی آن طرف مدد رساند. اگر شخص مذکور نوجوان یاجوان است، همسالان در ایشان نقش مؤثری دارند. بر این اساس از دوستان صمیمی نماز خوان بخواهید او را به نماز ترغیب نماید. تشویق زبانی و عملی اطرافیان و تهیه هدایای مناسب و کمک گرفتن از الگوها بسیار مؤثر است. پیشنهاد می کنیم کتاب های مفید و مناسب که درباره نماز به نگارش در آمده است تهیه کنید و در اختیار ایشان قرار دهید.

چرا در کشور ما که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضعیت جامعه به این جا رسیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند کارهایی می کنند که مناسب با شأنشان نیست؟!

پرسش

چرا در کشور ما که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضعیت جامعه به این جا رسیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند کارهایی می کنند که مناسب با شأنشان نیست؟!

پاسخ

در پاسخ به این سؤال باید روی عوامل متعددی بحث و تجزیه و تحلیل شود که در پاسخ نامه نمی گنجد. توجه داشته باشید که علم به قرآن و منابع اسلامی برای سعادتمندی فرد و جامعه کافی نیست، بلکه ایمان و عمل به آن لازم است. قرآن مجید ایمان و علم را وسیله تکامل انسان دانسته است، یعنی آگاهی و تقوا که هیچ کدام بدون دیگری برای هدایت و پیروزی کافی نیست: "یرفع الله الذین آمنوا منکم و الّذین اوتوالعلم درجات؛ خداوند آن ها را که ایمان آورده اند و کسانی را که از علم بهره دارند، درجات عظیمی می بخشد".[۲]

گردانندگان جامعه باید علاوه بر دانش، تعهد داشته باشند و مهذب باشند تا فریفته مقام و مال نشوند.

باز گفتنی است که پاسخ شما در خور یک کتاب است تا ریشه ها و عوامل انحراف و فساد اجتماعی و سیاسی و اداری بررسی شود.

[۲] مجادله (۵۸) آیه ۱۱.

می خواستم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسین(ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی فساد در این جامعه زیاد است؟

پرسش

می خواستم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسین(ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی فساد در این جامعه زیاد است؟

پاسخ

عظیم ترین سرمایه روحی شیعه، عشق به اباعبدالله الحسین(ع) و برپایی عزاداری برای حضرت است. در سایه همین عشق و شور، یاد حسین و عاشورا زنده مانده و با مرور زمان، قیام حسینی کهنه و فرسوده نگردیده است. این عشق، امری خدادادی و فراتر از محاسبات مادی و ظاهری است. امام صادق(ع) می فرماید: "برای کشته شدن حسین(ع) حرارتی در دل های مؤمنان است که هرگز سرد نخواهد شد".[۱۱]

محبت حسین بن علی(ع) نه تنها در دلِ زمینیان است، بلکه عرشیان نیز او را دوست می دارند.

ای که آمیخته مِهرت با دل کرده عشق تو مرا دریا دل

بذر عشقی که به دل کاشته ام جز هوای تو ندارد حاصل

از می عشق تو، عاقل مجنون وز خُم مهر تو مجنون، عاقل

گر شود کار جهان زیر و زِبَر نشود عشق تو از دل زایل[۱۲]

در عین حال باید اذعان کرد که عزاداری ها در مواردی فلسفه خود را فراموش می کند و تنها به ابراز احساسات و تحریک عواطف بسنده می شود. اگر عزاداری به مفهوم واقعی انجام گیرد، به تعبیر استاد مطهری عزاداری حسین بن علی یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است.[۱۳] محبتی که در دل شیعیان است، بجا است و اگر آنان را به هم رنگی و هم سویی و سنخیت فکری، اخلاقی و عملی با مولایشان بکشد و در گفتار و کردار، شیعه حسین باشند، عزاداری به عنوان

عامل بازدارنده از گناه و فساد مطرح خواهد بود. بنابراین اگر با وجود عزاداری، شاهد فساد در جامعه می باشیم، دلیلش عدم بهره برداری صحیح از عزاداری و جهت ندادن به مراسم و فراموش کردن فلسفه عزاداری است.

[۱۱] جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۵.

[۱۲]

[۱۳] استاد مطهری، نهضت های اسلامی صد ساله اخیر، ص ۸۹.

نظر اسلام درباره ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟

پرسش

نظر اسلام درباره ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟

پاسخ

ابتدا تصور می شود که ورزش یا بازی از یک مقوله اند و به یک معنا می باشند، ولی اگر به حقیقت این دو بیشتر توجه شود، معلوم می گردد که ورزش غیر از بازی است، زیرا ارزش به معنای تمرین منظم برای سلامتی بدن و فکر و روح است. دهخدا در لغت نامه گفته است: "ورزش کردن به معنای تمرین و ممارست کردن است".[۸]

امّا بازی که در عربی به آن لهو و لعب می گویند، به هر کار که مایه سرگرمی باشد یا به رفتار کودکانه وغیر جدّی می گویند.[۹]

ممکن است بازی و ورزش در مواردی با هم اشتراک داشته باشند و در مصداق نتیجه مشترک باشند ولی بسیار فرق دارند. ورزش، کاری است عاقلانه، چون ورزشکار، ورزش و تحرکات بدنی را به اندازه ای که لازم باشد انجام می دهد و از افراط و تفریط خودداری می کند مثلاً اگر روزی نیم ساعت برای بدن، نرمش و تحرک لازم باشد، به همان مقدار انجام می دهد، ولی در بازی ممکن است یک بازیکن چندین ساعت به بازی مشغول باشد، در حالی که افراط باشد.

به بازی، لعو و لعب گفته، چون بیش از اندازه لازم وقت و عمر انسان را می گیرد.

در اسلام به ورزش اهمیت داده شده، ولی از بازی و لهو و لعب مذمّت شده است.

قرآن می فرماید: "وأعدّوا لهم ماستطعتم من قوه...؛[۱۰] هر چه در توان دارید (از نیرو و اسب های آماده) بسیج کنید تا با این تدارکات دشمن خدا و دشمن تان را بترسانید".

پیامبر(ص) فرمود: "کل

لهو المؤمن باطل إلاّ في ثلاث: في تأديبه الفرس و رميه قوسه و ملاعبته امرئته فإنهنّ حق؛[۱۱] همه سرگرمی های مؤمن جز در سه مورد باطل است: در آموزش اسب و پرورش آن، تیراندازی با کمان، و شوخی با زنش. این سه مورد صحیح و حق است".

تیراندازی در اسلام و حتی شرط بندی برای برد و باخت مذموم نیست و امامان و پیامبران به تیراندازی اهمیّت می دادند. حضرت داوود تیرانداز قابلی بود. او با فلاخن موفق شد بزرگترین طاغوت زمان خود (جالوت) را از پا در آورد. امام باقر(ع) آن قدر دقیق هدف می گرفت که در برابر هشام بن عبدالملک ده تیر پرتاب کرد که هر کدام بر ته تیر قبلی نشست.[۱۲]

شنا نیز از بازی های مشروع می باشد و مسابقه برد و باخت در مورد آن روا است. پیامبر (ص) فرمود: "هر چیزی که انسان را از یاد خدا بیرون ببرد، لهو است، مگر شوخی با همسر، تربیت کردن اسب، حرکت و دویدن و آموزش شنا برای مرد".[۱۳]

[۸] دهخدا، لغت نامه، کلمه ورزش.

[۹] همان، کلمه بازی.

[۱۰] انفال (۸) آیه ۶۰.

[۱۱] حسین صبوری، ورزش در اسلام، ص ۱۲۷، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۷.

[۱۲] همان، ص ۱۳۱.

[۱۳] همان، ص ۱۳۶.

چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخود خوبی ندارند؟

پرسش

چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخود خوبی ندارند؟

پاسخ

از نظر فرهنگ اسلامی کارگزاران نظام موظف اند با ارباب رجوع برخورد شایسته ای داشته باشند چنان که در فرمان امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر این مسئله مطرح شده است. حضرت می فرماید: "پر و بالت را برابر رعیت بگستران و بامردم گشاده رو و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند".[۴]

با این حال، متأسفانه نظام اداری ما متأثر از فرهنگ منحط رژیم گذشته می باشد و نتوانسته است رضایت مردم را جلب نماید. به نظر می رسد که انقلاب اداری و اصلاح ساختاری لازم دارد که باید قانون گذاران و دست اندرکاران نظام به این مسئله

اهمیت بیشتری بدهند. البته طرح اکرام ارباب رجوع مطرح شده ولی اهتمام بیشتر با ضمانت اجرایی می تواند جوابگوی نیاز به حق مردم باشد. امیدواریم کاستی ها بر طرف گردد.

[۴] نهج البلاغه، نامه ۵۳.

کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می کند چه باید گفت

پرسش

کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می کند چه باید گفت

پاسخ

موسیقی دو نوع یا چند نوع است بعضی از انواع موسیقی آرام است و باعث تهیج شهوت نیست و افکار انسان را پریشان نمی کند.

بعضی موسیقی ها نه تنها آرامش ایجاد نمی کند بلکه افکار و احساسات انسان را متلاطم می کند و باعث هجوم افکار شیطانی می شود، در نتیجه نه تنها آرامش به او دست نمی دهد بلکه دچار تنش های درونی و افکار پریشان و هیجانات روحی و روانی می شود.

ممکن است قسم دوم برای لحظاتی باعث تخدیر انسان شود، مثلاً انسان را از بعضی افکار تخلیه کند و به جهت دیگری سوق دهد ولی در مجموع ضررهای جبران ناپذیری در روح و روان به وجود می آورد که به مراتب از مختصر منفعی که داشته باشد، بیشتر خواهد بود.

در اسلام موسیقی هایی که باعث تهیج شهوت شود و انسان را از خدا غافل نماید و به انحراف دعوت کند، تحریم شده است دانشمندان و روانشناسان می گویند: موسیقی به ویژه آهنگ های حساس آن تحریکاتی در اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک به وجود می آورد که در نتیجه تعادل این اعصاب به هم می خورد و انسان دچار ضعف اعصاب می گردد. ضعف اعصاب امراض دیگری از قبیل اختلال حواس پریشانی جنون ثقل سامعه نابینایی و سل را به وجود می آورد. به علاوه موسیقی به سبب ایجاد هیجانات روحی و مغزی گاهی به جمله و خفقان قلبی (سکته منجر می شود. دکتر "ولف آدلر" پرفسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش ترین نواهای موسیقی شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی

می گذارد.[۱۰] اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت در اعصاب یک نوع اثر تخدیری ایجاد می کند. گاهی آن چنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می سازد. لذت فوق العاده ای که افراد از آن می برند، از همین اثر تخدیری است واضح است که این گونه تخدیرها، زیان های فراوانی دارد و اگر شدت یابد، گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگ های تند موسیقی کند و دیگر نتوانند خوب و بد را از هم تمیز دهند و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزنند و در آن حال نتوانند به عواقب وخیم آن بیاندیشند. دیگر مفاسدی که از موسیقی های مخرب نصیب انسان و جامعه می شود، عبارتنداز: ضررهای اقتصادی و اخلاق دوری از خدا، رواج بی بند و باری ولنگاری های جنسی بی رغبتی نیست به رعایت شئون دینی گوش دادن به موسیقی های مهیج حاصل شود.

[۱۰] هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، بیست پاسخ، ص ۱۸۳ به بعد.

چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟

پرسش

چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟

پاسخ

عشق به سادگی درمان پذیر نیست.

عاشق عاقل نیست که او را به درکی عبرت انگیز راهنمایی کرد. او باید مسیر خود را بپیماید، هر چند تجربه های تلخ را ذخیره کند. گرچه گاهی آن چنان خود را می بازد که در دنیا و آخرت، جاهل و مغبون باقی می ماند. عاشقان دنیا و خوشی ها جاهلند، زیرا به متاعی دل خوش می کنند که زود گذر و تغییر پذیر است.

عاشق جاهل و طالب شهوت و اسیر هوی و هوس، باید بداند آن چه را دوست دارد و کعبه آمال خویش می بیند، جز بازی و سرگرمی نیست که بر غفلت انسان می افزاید.

معشوق اصلی جز خدا نمی تواند باشد، زیرا به جز او همه فانی و از بین رفتنی اند. حضرت ابراهیم پیامبر بزرگ خدا از معشوقه های مجازی می گریزد و عشق حقیقی و واقعی را فقط در خدا می بیند.

ابراهیم عشقی را که در وقتی آغاز شده و هنگامی دیگر پایان می پذیرد، جز عشق مجازی ابراهیم سرانجام به معشوقی توجه می کند که آسمان ها و زمین را آفرید.

بعضی از عشق ها چون دل بستن به شخصی برای ازدواج اگر به سرانجامی خوش پایان پذیرد، می تواند توجیه پذیر باشد، امام عشق حرام فقط خسارت است و چنین شخصی را باید با مقدماتی مانند ملاقات با عالِمان دینی، روان شناسان و مطالعه کتاب اخلاقی به راه راست هدایت کرد.

با توجه به این که شــرکت در مجالس روشه و ذکر مصــیبت اهل بیت (ع بســیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را

پرسش

با توجه به این که شـرکت در مجالس روشه و ذکر مصـیبت اهل بیت (ع بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند

قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را بیان کنید؟

پاسخ

خواهر گرامی بر پایی مجالس روضه و ذکر مصیبت و شرکت در آن مورد تأکید قرار گرفته و امری شایسته و مطلوب است زیرا در این گونه مجالس علوم و احکام اسلامی و اهداف وسیره اهل بیت (ع بیان می شود. مردم با شرکت در آن مجالس با فضائل و مناقب اهل بیت آشنا می شوند و فوائد دیگری از قبیل ایجاد ارتباط با یکدیگر و رسیدگی به فقرا و بیچارگان دارد. بنابراین لزوم چنین مجالس شک و تردید ندارد، ولی باید در این مجالس از مداحان و سخنرانانی استفاده شود که مطالب مستند و قابل قبول ارائه دهند. نباید افرادی را که مطالب غیر صحیح و غیر منطقی بیان می کنند، دعوت کرد، چرا که بیان آن مطالب نه تنها ثوابی ندارد بلکه دروغ و افترا و حرام است و احیاناً باعث وهن اهل بیت می شود و افرادی از تحصیل کرده ها با شنیدن مطالب غیر منطقی از این مجالس کناره می گیرند.

شهید مطهری درباره تحریفات در عزاداری ها گفته است آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای شود. سپس نمونه هایی از تحریفات را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره نقل می کند.

اما نقل برخی مطالب موهن و انحرافی در مجالس روضه خوانی دلیل نمی شود که در آن مجالس شرکت نکنیم حضور در مجالس روضه ابا عبدالله (ع فوائد بسیاری دارد و در روایات بر آن تأکید کرده است

اگر از مـداحان یا روضه خوانان مطالب خرافی نقل شـد، بایـد با آنان صـحبت کرد و دلیل و مدرک آن را جویا شد و به آنان سفارش کرد که مطالب صحیح و مستند را نقل کنند.

برای دفاع از ارزش های اسلامی حوزه علمیه چگونه می تواند از جانبازان دفاع بنماید؟ بسیاری از جانبازان یکی یکی شهید می شوند. ۱۵ سال است که جانباز شده ام ولی نا امید نیستم و اعتراض ندارم چون داوطلب بوده ام ولی خیلی از جانبازان هستند

پرسش

برای دفاع از ارزش های اسـلامی حوزه علمیه چگونه می توانـد از جانبازان دفاع بنماید؟ بسـیاری از جانبازان یکی یکی شـهید می شوند. ۱۵ سـال است که جانبـاز شـده ام ولی نا امیـد نیسـتم و اعتراض نـدارم چون داوطلب بوده ام ولی خیلی از جانبازان هستند که باید به آن ها توجه بیشتری بشود.

پاسخ

شما برای اسـلام و با نیت پاک و مقـدس از کشور اسـلام و برای برقراری و تثبیت اهداف عالیه امام خمینی (ره که ارزش های اسـلامی براسـاس ولایـت امیرالمؤمنین (ع و اهل بیت بوده قـدم برداشـته ایـد. اجر معنوی خود را دریافت کرده ایـد و با صبر و متانت از همه ارزش هایی که خدا برای شـما در نظر گرفته محافظت می کنید. وظیفه بنیاد جانبازان است که کاملاً از جانبازان مراقبت نماید و مشکلات آنان را بر طرف کند. البته زندگی بدون مشـکل نیست برای همه مشـکلاتی هست چه کسانی که به مقام مقـدس جانبازی نائل شـده انـد و چه برای دیگران مشـکلات لازمه زنـدگی است مرد کسـی است که در برابر مشـکلات صبور و شـاکر باشـد. در روایـات دربـاره صـفات مؤمنان حقیقی از امام صادق (ع آمـده است "و قور عنـدالهزاهز، صـبور عند البلاء، شـکور عندالرخاء، قانع بمارزقه الله (۱)مؤمن در شدائـد با وقار و صـبور است در گرفتاری ها شـکرگزار است و به آنچه خـدا به او روزی داده راضـی است افراد مؤمنی بودند که با این که جانباز جنگی نبودند، ولی در اثر بیماری حدود ۱۴ سال در بیمارستان بستری بودند، ولی در سه نوبت اذان گفتن شان ترک نمی شد و یک باز ناشکری نکردند و لب به

اعتراض باز نکردند. مسلماً اینان نزد خدا درجات والایی دارند.

بدانید جایگاه شما عزیزان جانباز در بهشت در عرش اعلا خواهد بود، به طوری که دیگر بهشتیان به حال شما غبطه خواهند خورد. خداوند یار و نگهدار شما باشد.

پی نوشت ها : ۱ - بحارالانوار، ۷۵، ص ۲۴۴.

این که حضرت امام فرمود: "جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است

پرسش

این که حضرت امام فرمود: "جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است

پاسخ

منظور از دانشگاه در جمله مذکور، دانشگاه مصطلح و محیط رسمی نیست بلکه منظور محلی است که به انسان چیزی می فهماند و می آموزاند. مراد از دانشگاه مرگز تبادل نظر و فراگیری دروس مختلف و نشر فرهنگ و سازندگی است از این رو حضرت امام از صدا و سیما نیز به عنوان دانشگاه عمومی یاد کرد. جبهه حق علیه باطل دانشگاهی است که در آن جا می توان درس عشق و ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی را آموخت در زمان خود دیدیم افرادی در این جبهه حق علیه باطل و در صحنه نبرد، با انقطاع از دنیا و تعلقات مادی ره صد ساله را یک شبه پیموده و قله های سعادت را در نوردیدند، همچون شهید فهمیده که امام او را رهبر دانست منظور از انسان افراد کوچه و بازار، اعم از کوچک و بزرگ دانشجو و روحانی کارگر و کشاورز هستند که در جبهه ها حضور پیدا می کردند و در پرتو ریاضت و جهاد فی سبیل اللّٰه و خودسازی به مقامات عالیه انسانی نائل می گشتند. بچه های جبهه فقیه بزرگواری را نیز منقلب کردند.

درس عشق در دفتر و کتاب نیست بلکه در گسستگی از غیر حق است

به شوی اوراق اگر همدرس مایی که علم عشق در دفتر نباشد

با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را ب

پرسش

با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات

را بیان کنید؟

پاسخ

بر پایی مجالس روضه و ذکر مصیبت و شرکت در آن مورد تأکید قرار گرفته و امری شایسته و مطلوب است زیرا در این گونه مجالس علوم و احکام اسلامی و اهداف وسیره اهل بیت (ع بیان می شود. مردم با شرکت در آن مجالس با فضائل و مناقب اهل بیت آشنا می شوند و قوائد دیگری از قبیل ایجاد ارتباط با یکدیگر و رسیدگی به فقرا و بیچارگان دارد. بنابراین لزوم چنین مجالس شك و تردید ندارد، ولی باید در این مجالس از مداحان و سخنرانانی استفاده شود که مطالب مستند و قابل قبول ارائه دهند. نباید افرادی را که مطالب غیر صحیح و غیر منطقی بیان می کنند، دعوت کرد، چرا که بیان آن مطالب نه تنها ثوابی ندارد بلکه دروغ و افترا و حرام است و احیاناً باعث وهن اهل بیت می شود و افرادی از تحصیل کرده ها با شنیدن مطالب غیر منطقی از این مجالس کناره می گیرند.

شهید مطهری درباره تحریفات در عزاداری ها گفته است آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای شود.[۱]سپس نمونه هایی از تحریفات را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره نقل می کند.

اما نقل برخی مطالب موهن و انحرافی در مجالس روضه خوانی دلیل نمی شود که در آن مجالس شرکت نکنیم حضور در مجالس روضه ابا عبدالله (ع فوائد بسیاری دارد و در روایات بر آن تأکید شده است اگر از مداحان یا روضه خوانان مطالب خرافی نقل شد، باید با آنان صحبت کرد و دلیل و

مدرك آن را جويا شد و به آنان سفارش كرد كه مطالب صحيح و مستند را نقل كنند.

[۱] حماسه حسينى، ج ۱، ص ۱۹.

نظر اسلام درباره ورزش چيست؟

پرسش

نظر اسلام درباره ورزش چيست؟

پاسخ

هر چند در قرآن مجيد مسئله ورزش و مسابقات ورزشى به معنايى كه امروز مورد توجه مردم قرار گرفته، مطرح نشده است، ولى آياتى از قرآن به گونه اى بر اهميت نيرومند سازى جسم، دلالت دارد، از جمله در داستان طالوت، خداوند دو خصلت گسترش علمى و توانايى جسمى ايشان را به عنوان شرايط زمام دارى ذكر كرده است.۲[۷] رسول اكرم(ص) نيز در اين باره فرموده اند: خوشا به حال كسى كه اسلام را پذيرفته و به مقدار معاش خود درآمد دارد و قواى بدنى اش نيرومند است.[۸]

امام على(ع) در دعا و نيايش، از خداوند قدرت جسمانى طلب مى كند و مى فرمايد: "خدايا بدنم را در جهت خدمت به خودت قوى ساز".[۹]

از اين رو اسلام به ورزش هاى خاصى مثل اسب سوارى، شنا و تيراندازى تأكيد كرده است تا جايى كه شرط بندى و برد و باخت در اين دو مورد را تجويز كرده و حتى بنابر روايتى، شخص رسول خدا(ص) مخارج جوايز برندگان مسابقه را نيز خود به عهده مى گرفتند.[۱۰]

شنا نيز از جمله ورزش هاى مفيدى است كه اسلام بر آن تأكيد داشته تا جايى كه آموزش شنا به فرزند را يكى از وظايف پدر بر شمرده است.[۱۱]

ورزش ديگرى كه اسلام درباره آن نظر مثبت دارد، ورزش كشتى است. البته منظور از ورزش، صرفاً اتلاف وقت و يا كسب قدرت در جهت ارضاى خواسته هاى نفسانى نيست. از نظر اسلام هر گونه عملى كه بيهوده بود و تنها به منظور وقت گذرانى صورت گيرد تحت عنوان لهو و لعب قرار گرفته و به شدت از آن بر

حذر داشته است، ولی وقتی یک هدف عقلایی در کار باشد مثلاً ورزش به منظور تقویت جسم کسب سلامتی، تقویت بنیه نظامی و رزمی، ایجاد نشاط در جامعه، صورت گیرد مطلوب خواهد بود. هدف اصلی ورزش از دیدگاه اسلام، کسب رضایت پروردگار و کسب قدرت جهت انجام فرامین الهی است. امام علی(ع) می فرماید: "هرگاه توانا باشی، بر طاعت خدا توانا باش و اگر ناتوان بودی، از معصیت خدا ناتوان باش".[۱۲]

[۷]بقره (۲) آیه ۲۴۷.

[۸]محمد تقی فلسفی، جوان، ج ۲، ص ۴۳۶.

[۹]دعای کمیل.

[۱۰]وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۱.

[۱۱]میزان الحکمه،ج ۱۰، ص ۷۲۰.

[۱۲]نهج البلاغه، قصار ۳۷۵.

منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعه کنونی زمینه تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟

پرسش

منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعه کنونی زمینه تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟

پاسخ

تفریحات سالم از دیدگاه اسلام، هدف دار و عاملی برای رفع خستگی و ایجاد سرور و نشاط و موجب رشد فکری است. در این جا به بعضی از تفریحات سالم مورد نظر اسلام اشاره می کنیم:

۱ــ مسافرت: اسلام مسلمانان را به این تفریح صحیح فرا خوانده است. پیامبر اسلام(ص) می فرماید: "سفر کنید تا سالم و تندرست باشید".۳[۱۳] البته مسافرت هایی که به منظور هوس رانی و عیاشی صورت می گیرد نمی توان تفریح سالم نامید و اسلام شدیداً از آن ها جلوگیری کرده است.

۲ــ ورزش: از جمله تفریحات سالم که نشاط انگیز هم هست ورزش است که به سلامت جسم و روح کمک می کند. مسابقه اسب دوانی و تیراندازی و شنا کردن از جمله ورزش هایی است که مورد توجه پیشوایان اسلام قرار گرفته است. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: "به فرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید".[۱۴]

پیامبر اسلام(ص) خود در مسابقه اسب دوانی شرکت می کرد و مسلمانان را به این ورزش تشویق می فرمود و جوایزی به برندگان اختصاص می داد.[۱۵]

۳_ مطالعه: یکی دیگر از تفریحات که در رشد فکری مردم مؤثر است مطالعه و کتاب خواندن است که اگر با ذوق و اشتیاق همراه باشد لذت بخش و نشاط آور خواهد بود. امام علی(ع) می فرماید: "با مطالب حکیمانه نوین و شگفت، جان های خود را نشاط دهید زیرا روان هم مانند بدن خسته می شود".[۱۶]

یکی از وظایف دولت اسلامی فراهم کردن زمینه تفریحات سالم و ترویج

فرهنگ ورزش در جامعه می باشد و از طرفی والدین نیز باید برای فرزندان خود در حدود امکانات وسائل تفریح آن ها را در خانه خویش فراهم کنند و مسئولان کشور افراد خیّر و نیکوکار را به سمت تأسیس چنین مراکزی هدایت نمایند.

[۱۳]بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۹.

[۱۴]وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

[۱۵]همان، ج ۱۳، ص ۳۵۱.

[۱۶]نهج البلاغه، قصار ۱۸۸.

جوانی که در معرض خواهش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش هم نمی توانند به او کمک بکنند، چه باید بکند و چگونه خود را از این بحران نجات دهد؟

پرسش

جوانی که در معرض خواهش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش هم نمی توانند به او کمک بکنند، چه باید بکند و چگونه خود را از این بحران نجات دهد؟

پاسخ

در شرایطی که ارضای غریزه جنسی از راه ازدواج ممکن نیست باید از اموری دیگر استمداد گرفت که عبارتند از:

۱ـ کنترل غریزه جنسی: به اعتقاد کارشناسان، بهترین و کم هزینه ترین درمان، پیشگیری است. برای غلبه بر غریزه جنسی، جوان باید از ابتدای بلوغ، خواسته های نفسانی خویش را با نیروی ایمان و عقل و وجدان مهار کند؛ زیرا اگر از اول، غرایز، خودسر بار آیند راه اصلاح و برگشت مشکل خواهد بود. در این راستا نکاتی قابل توجه است: افکار شیطانی. باید اندیشه را از نفوذ افکار شیطانی دور نگه داشت؛ زیرا گام نخست در انحراف، فکر کردن پیرامون آن است. در حقیقت مشکل ترین مرحله، همین مرحله سالم سازی اندیشه است. یکی از مواقع حساس که ممکن است انسان به گناه فکر کند زمانی است که جوان در بستر خواب می رود. بیدار ماندن در رختخواب ممکن است زمینه ساز برخی انحرافات فکری و عمل بشود. از این رو، به جوانان توصیه می شود زمانی وارد بستر شوند که به حد کافی خسته شده و آماده خواب باشند تا بدون فاصله و معطلی به استراحت بپردازند و فرصت اندیشیدن درباره امور جنسی پیدا نکنند.

ب) پر کردن اوقات فراغت: یکی دیگر از عوامل غلبه بر غریزه جنسی پر کردن اوقات فراغت است. تنهایی، محیط کاملاً مساعدی

را برای شیوع انحرافات جنسی فراهم می کند. تفریح سالم، ورزش، نقاشی، مطالعه و غیره، اثر زیادی در انصراف فکر از عادات ناپسند دارد.

ج) کنترل چشم: نگاه، راهبر دل و دام شیطان و بذر شهوت است. امامعلی(ع) می فرمایند: "بهترین عامل روی گردانی از شهوت، فرو بستن چشم ها، است".[۱۹]

ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آن چه دیده بیند دل کند یاد

د) عدم اختلاط زن و مرد؛ هم نشینی زن و مرد و هم سخن شدن با یکدیگر، زمینه لغزش را فراهم می کند.

۲_ انجام مقررات دینی: اسلام برای مهار غرایز، برنامه های منظمی را ارائه داده که مهم ترین آن، نماز و روزه است.

قرآن مجید می فرماید: نماز، آدمی را از کارهای زشت باز می دارد.[۲۰]

رسول اکرم(ص) به جوانان توصیه می کند برای کنترل غریزه جنسی خود از روزه و امساک استفاده کنند آن جا که می فرماید: ای گروه جوانان، هر کدام از شما اگر توانایی هزینه زن گرفتن را دارد پس ازدواج کند و اگ نتواند بسیار روزه بگیرد که روزه گرفتن از شهوت می کاهد.[۲۱]

۳_ دقت در دوست یابی: یکی از عوامل تشدید غریزه جنسی، رفاقت با افراد آلوده است. دقت در انتخاب دوست می تواند در پیشگیری از انحرافات جنسی مؤثر باشد.

۴_ پرهیز از عوامل تحریک زا: عواملی مثل نگاه شهوت آمیز، تخیلات تحریک کننده، تماس با اجنبی و گفتگو با نامحرم، دیدن فیلم ها و عکس های مبتذل، آتش سوزان غریزه جنسی را در جوان شعله ور می کند. برای کنترل غریزه جنسی باید از این عوامل، پرهیز کرد.

[۱۹]غررالحکم، ج ۶، ص ۱۶۴.

[۲۰]عنکبوت (۲۹)

آیه ۴۵.

[۲۱]بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و حرام وحلال را رعایت کردن رفتار پیر زن ها است؟

پرسش

به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و حرام وحلال را رعایت کردن رفتار پیر زن ها است؟

پاسخ

جوان باید نشاط و شادابی داشته باشد و نشاط خود را در اخلاق و شیوه برخورد و معاشرت با دیگران نیز نوع لباس هایی که می پوشد، آشکار سازد. در عین حال ضوابط و قوانین اسلامی را رعایت کند. رعایت حدود اسلامی با مزاح و شوخی و خنده، حُسن خُلق و خوش برخورد بودن و پوشیدن لباس شیک در مجالس زنانه ای که نامحرم نیست، هیچ منافاتی ندارد. مُد گرایی و چشم و هم چشمی و تقلید کورکورانه از بیگانگان و اسراف و تبذیر زشت است امّا سرزنده و با نشاط بودن، لباس زینت و متناسب با مجالس پوشیدن، کاری پسندیده است.

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: "هر کس خوش اخلاق و نیک خو شد، دوستانش بسیار می شوند و محبوب قلوب مردم می شوند و مردم با او انس و الفت می گیرند".[۱]

نیز فرمود: "خوش اخلاقی و خوشخویی در سه چیز است از حرام خدا دوری کردن، به دنبال حلال رفتن، و بر خانواده سخت نگرفتن".[۲] در عین حال اگر به وظیفه شرعی و اخلاقی خود عمل کردید، دیگر به حرف دیگران اعتنایی نکنید. شماتت و استهزا و به کار بردن کلماتی نظیر مرتجع و یا رفتار پیرزن ها داشتن از حربه های شیادان است که می خواهند شما را از طریق هدایت خارج کنند. حفظ حدود اسلامی نامش عفت و پاکدامنی است و این افتخاری است که

نصیب هر کس نمی شود. خود را از نامحرم پوشاندن، تأسی به حضرت زهرا(ع) است، حال نامش را دیگران هر چه می خواهند بگذارند.

[۱]محمد صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۵، ص ۴۰۴.

[۲]همان ص ۴۱۰.

بهترین طریقه مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونه مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟

پرسش

بهترین طریقه مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونه مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟

پاسخ

شکی نیست که سخن گفتن زیباترین نمودار زندگی انسان های اندیشمند و بزرگوار است از دیر زمان که بشر در راه تمدن و زندگی اجتماعی گام نهاده نیروی بیان به عنوان امتیاز انسان و شرافت وی قلمداد گردیده است

خداوند بزرگ در قرآن از بیان و سخن به عنوان پرگهرترین نعمت یاد کرده است "الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان [۴] خدای مهربان قرآن را آموخت و انسان را آفرید و بیان و سخن گفتنی را به او آموخت "

پیامبر(ص) فرمود: "الجمال فی اللسان [۵] زیبایی انسان در زبان است " نیز فرمود: "جمال المرء فی فصاحه اللسان [۶] زیبایی انسان در فصاحت و شیوایی زبان اوست .[۷]

مداحی و روضه خوانی و اداره مجالس مذهبی باید مصداق "ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه وجادلهم بالتی هی أحسن [۸] باشد. در این مورد به چند نکته باید توجه کرد:

۱ - باید سخنران و مداح مردم را به راه خدا دعوت کند، یعنی هدفش راهنمایی مردم به دستورهای الهی باشد. تمام هم و غم خود را صرف هدایت مردم کند، نه این که قصدش این باشد که مردم از او تعریف و تمجید کنند، یا پول خوبی دریافت کند و هدفش کاسبی باشد.

روایات از این گونه افراد بسیار مذمت کرده است

۲ - دعوت و سخنرانی و یا مداحی باید حکیمانه باشد و همراه با موعظه و نصیحت های زیبا باشد.

اگر سخنران و مداح بتواند اشعار زیبا و پند گونه را در لابه لای اشعارش به مناسبت جاسازی کند، سخنرانی و مداحی او پر جاذبه خواهد شد.

۳ – سخنرانی و مداحی نباید طولانی باشد، به طوری که شنوندگان خسته شوند.

۴ – مطالب و اشعار نباید برای شنوندگان تکراری باشد. همواره از اشعار زیبا و مناسب با زمان استفاده نماید.

۵ – سخنان و اشعار مخصوصا روضه نباید مشتمل بر دروغ و مطالب نامعقول باشد. کسانی که به خاطر گریاندن شنوندگان مطلبی را که مستند و درست نیست می گویند، گناه کرده اند.

۶ – مداح باید کمتر حرف بزند و حتی در روضه از اشعار بهره جوید سعی کند مروری بر روضه به اشعار بسنده کند. برای پیوند دو گونه شعری چند کلمه حرف زدن مانعی ندارد.

۷ – سخنران باید قبل از سخنرانی مطالعه کند و مطالبش را منظم و مدارک و مستندات آن ها را یاد داشت کند. باید مطالب او به گونه ای باشد که اگر فردی مدرک آن را مطالبه کرد، به او بگوید.

۸ – نحوه دست تکان دادن و نگاه کردن به شنوندگان و تغییر صوت و لحن (بالابردن و پایین آوردن صدا و کلفت و نازک کردن صوت در جذب شنوندگان بسیار مؤثر است انسان هایی که یکنواخت صحبت می کنند یا به یک جهت نگاه می نمایند، در سخنرانی و مداحی موفق نیستند.

[۴]الرحمن (۵۵) آیه ۱.

[۵]بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۱.

[۶]تحف العقول و کنز العمال خبر ۲۸ ۷۷۵.

[۷]محمد باقر شریعتی سبزواری موازین سخن و سخنوری ص ۲۵.

[۸]نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.

پسری هستم ۲۷ ساله که ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانواده همسرم از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی ضعیف تر است. چگونه می توانم این اختلاف فرهنگی را که بسیار کم است، از بین ببرم؟

پرسش

پسری هستم ۲۷ ساله که

ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانواده همسرم از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی ضعیف تر است. چگونه می توانم این اختلاف فرهنگی را که بسیار کم است، از بین ببرم؟

پاسخ

یکی از عوامل تعادل و استحکام خانواده، همسانی در بُعد فرهنگی است. هرچه این هماهنگی بیشتر باشد، سازگاری در محیط خانواده افزون تر خواهد بود، ولی باید این واقعیت را در نظر گرفت که هیچ گاه بین زوجین همسانی صد در صد یافت نمی شود. آن چه مضر است و منشأ اختلافات و کشمکش ها می شود، اختلاف شدید و ناهمگون بودن زوجین در بُعد فرهنگی است، که به نظر می رسد اختلاف فرهنگی شما به این اندازه نباشد.

همان طوری که در نامه مرقوم داشته اید، خانواده شما نسبت به مسائل اسلام پایبند تر است اما پدر خانم شما بیشتر اهل خوشگذرانی است. با توجه به بافت خانواده همسرتان و اوضاع محیطی و تربیتی و وراثتی که در شکل گیری شخصیت ایشان نقش داشته، شما نمی توانید به راحتی این وضع را تغییر دهید و اختلاف فرهنگی را از بین ببرید. از این رو کاری به خانواده همسرتان نداشته باشید و در صورت لزوم فقط به امر به معروف و نهی از منکر بپردازید، ولی می توانید با تبادل نظر و شرکت در جلسات مذهبی و زیارت اماکن مقدس و تهیه کتاب های مذهبی و معاشرت با دوستان مؤمن، همسرتان را از نظر اخلاقی و فرهنگی به خود نزدیک کنید. همسر بیش از آن که متأثر از پدر و مادر باشد، از همسر خود تأثیر

می پذیرد. گفتار و رفتار خوب و سنجیده و محبت های فراوانِ شما می تواند جهت گیری فکر ی و فرهنگی ایشان را عوض نماید. البته تغییر و دگرگونی وقت می خواهد و به تدریج حاصل می شود.

استفاده صحیح از اینترنت برای جوانان چگونه باید باشد؟ آیا این وسیله یک وسیله آموزشی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟

پرسش

استفاده صحیح از اینترنت برای جوانان چگونه باید باشد؟ آیا این وسیله یک وسیله آموزشی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟

پاسخ

اینترنت مانند یک بازار بزرگ است. منتهی بازار اطلاعات که تنوع و گوناگونی آن باعث حیرت و شگفتی است. بازاری که در آن هر جور کالایی وجود دارد و این بسته به انسان است که دنبال چه کالایی رود. کالایی مضرّ یا کالایی مفید؟

این که می گوییم انترنت یک بازار اطلاعات است بدین سبب است که در آن همه نوع اندیشه، فکر، اطلاعات و حتی ابزار و وسایل، ارائه شده و خرید و فروش می گردد. بعضی از این اجناس تقلبی و بعضی اصیل اند؛ بعضی سبب انحراف و بعضی مایه رشد و باروری است. این بستگی بدان دارد که هر کس در پی چه باشد و نیاز به چه متاعی داشته باشد.

از جهت فن آوری رایانه ای و تجهیز به پیشرفته ترین وسایل ارتباطی، اینترنت و پدیده ای است شبیه به معجزه، از همین رو اهمیت فوق العاده زیادی دارد و نقش آن را نمی توان نادیده گرفت. امروزه شما می توانید با مراجعه به پایگاه های اینترنتی از امکانات اکثر کتابخانه های دنیا و موزه های معروف استفاده کنید، درحالی که پیش از این مثلاً دیدن یک نسخه خطری در موزه لندن مستلزم صرف هزینه های بسیار و مسافرت به کشور انگلستان بود. این یک مثال ساده بود تا معلوم شود چه مقدار از صرف توان، نیرو و وقت آدمی به وسیله این پدیده جلوگیری می شود.

جوانان کشور ما هم باید بدانند که اینترنت وسیله بازی و سرگرمی و یا دسترسی به آدرس

هـای ممنوعه نیست. مگر مـا هر چیزی در هر جـایی بفروشـند می خریم یـا هر جـا روزنـامه یـا فیلمی پخش کننـد، به نظـار می ایستیم؟ اینترنت هم مثـل هر وسـیله دیگری فقـط یـک ابزار است و بسـتگی به نوع اسـتفاده ای دارد که از این ابزار می کنیم و دارای فرهنگی است که بـدون داشـتن آن، نه تنها کارآیی و اهمیت خود را از دست می دهـد، بلکه سـبب شـیوع بی فرهنگی، فساد اخلاق و لاابالی گری می شود که ضرری غیر قابل جبران و محدود است.

چگونه می توان از تبعیض قائل شدن برخی معلمان نسبت به بعضی دانش آموزان مثل دانش آموزهای پولدار و لوس جلوگیری کرد؟

پرسش

چگـونه می تـوان از تبعیض قائـل شـدن برخی معلمـان نسـبت بـه بعضـی دانش آمـوزان مثـل دانش آموزهـای پولـدار و لـوس جلوگیری کرد؟

پاسخ

یکی از راه ها تذکر کتبی یا شـفاهی به معلم، همراه با حفظ احترام و ادب در گفتار و نوشتار است. در بیرون از کلاس از معلم تـان بخواهیـد که می خواهم چنـد دقیقه بـا شـما صـحبت کنم. حرف های خود را به اسـتدلال قوی و ذکر نمونه و مثال برایش توضیح دهید.

در صورت مـانع شـدن شـرم و حیـا، با وی مکاتبه کنیـد، یا با تلفن با وی صـحبت کنیـد. اگر تأثیر نبخشـید، با مـدیر یا یکی از معاونان موضوع را درمیان بگذاریـد و از وی بخواهید بدون ذکر نام شـما و بدون این که معلم بفهمد که شـما این اطلاعات را در اختیار مدیر گذاشته اید، با او صحبت کند.

چگونه می توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟

پرسش

چگونه می توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟

پاسخ

الگوگرایی همانند خداگرایی و کمال طلبی از صفاتی است که ریشه در ذات و فطرت آدمی دارد.

شنـاخت کمالاـت، صـفات و ویژگی هـای اعتقـادی، ایمانی، اخلاقی، علمی و عملی الگوهای برتر، ایمان و تقوا را تقویت می کند و آثار آن در عمل و رفتار انسان تجسم و تجلی می یابد.

شهیـد عباس بابایی، الگویی است از میان رودخانه فیض همیشه جاری شـهادت، به بیان دیگر: ایمان و عقیـده، ایثار و گذشت،

معنویت و رشادت، قوت قلب و تعبد و بالاخره روح خدایی و خدایی کاروان شهیدان است که شما را تحت تأثیر و مجذوب خود ساخته است، و چون با شهید بابایی بیشتر آشنا بوده اید،او را به عنوان نخونه و مصداقی از آن کمالات ارزشمند از میان شهدا مثال زده اید.

پرسش اساسی این جا است: چه درس ها و کتاب ها و رفتارها و استادها و مکاتب و مذاهبی، از شهدا، انسان هایی ساخته است که خدا خریدار آن ها و انبیا مشتاق زیارتشان و فرشتگان خدمت گزاران آنان شده اند؟

خواهر! همه علایم جمع را بردار، به وحدت واحد بیندیش. یک درس و یک کتاب و یک استاد و یک مکتب و یک مذهب بیش نبود. درس عشق از کتاب عشقی که نویسنده اش خدا بود و مدرس، معلم آن پیامبر و فاطمه و امامان علیهم السلام بودند و یاران و پیروان آنان در طول تاریخ، شاگردان آن کلاس بودند. آن مکتب مکتب اسلام (ان الدین عند الله الاسلام) و آن مذهب، مذهب و راه علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمه علیهم السلام است و امروز استادی کلاس عشق و

عاشقی را حضرت ولی زمان (عج) به عهده دارد.

پس برای آن که بتوانید حال و هوای شهدا را پیدا کنید، باید شناخت و معرفت خود را نسبت به چهارده معصوم علیهم السلام تکمیل نمایید و از راه و سیره و سنت آنان آگاه گردید؛ با اخلاق و افکار و عقایدشان آشنا شوید؛ دوستان و دشمنانشان را بشناسید؛ با موانع ظهور امام زمان(عج) یا معرفت پیدا کنید، و علم و معرفت به دست آمده را در عمل و اخلاق خویش متحقق سازید، تا جوانه های عشق پدید آید.

پس برای عاشق شدن لازم است راه شناخت و معرفت و راه عمل و عبادت را پیش گیرید؛ یعنی باید عارفِ عامل و عاملِ عارف گشت تا خورشید عرفان در مشرق روح طلوع کند و عالم وجود درون را روشن سازد و ظلمت و سیاهی های قلب را بزداید و دل سرمازده و یخبندان وجود را گرم سازد و یخ های آن را آب کند.

پس باید گام های معرفت و عمل را با هم برداشت. در همان حین که زندگی نامه و وصیت نامه شهدا را مطالعه می کشید و با سیره و سنت قول و عملی آشنا می شوید، گام های عملی را نیز تمرین کنید. تمرینات عملی هر فردی متناسب با میزان معرفت و عشق و علاقه اش به الگوهای برتر است.

توصیه ما، در برنامه اول به شما این است که به پنج امر اقدام کنید:

۱ – هیچ گاه به شوخی یا جدی دروغ نگویید

۲ – هیچ وقت عصبانی نشوید

۳ – غیبت نکنید

۴ – همیشه با وضو باشید

۵ – همه نمازهایت را در اول وقت بخوانید.

هر شب پیش از

خواب کارکردهای روزانه خود را محاسبه کنید. ببینید آیا توانستید به این توصیه ها عمل کنید. هر گاه توانستید تا چهل روز به طور کامل و دقیق به آن عمل کنید، با ما مکاتبه نمایید، تا توصیه گام بعدی گفته شود. هر روز که تخلف کردید، روزهای گذشته را نادیده بگیرید و از فردا با جدیت و مراقبت بیشتر شروع کنید و آن را را روز اول چهل روز به حساب آورید.

دوره کتاب آداب و مراحل سلوك الهی، نوشته استاد کریم محمود حقیقی را برای مطالعه تهیه کنید.

در صورت عدم دسترسی به آن، کتاب نقطه های آغاز در اخلاق عملی نوشته آقای مهدوی کنی را بخوانید.

علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید.

پرسش

علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید.

پاسخ

همه دانشجویان به فرایند تحقیق و امر پژوهشی بی رغبت نیستند. ابتکار و ارائه آثار علمی و پژوهشی از سوی برخی دانشجویان حکایت از آن دارد که به تحقیق اهمیت داده و بدان علاقه دارند. از سوی دیگر بی رغبتی به تحقیق اختصاص به دانشجویان ایران ندارد، بلکه در برخی از کشورهای دیگر بسیاری از دانشجویان به تحقیق بی رغبت هستند. به نظر می رسد علل و زمینه های متعدد در بی رغبتی دانشجویان تأثیر گذار است که به مهم ترین آن ها اشاره می شود:

۱ عدم تعریف جایگاه تحقیق در سیاست های کلان نظام یکی از موانع مهم آن است که تحقیق در ساختار حکومت تعریف نشده و جایگاه خود را پیدا نکرده و در سیاست های کلان نظام بدان توجه خاصی نشده است.

بر این اساس بودجه هایی که به امر تحقیق اختصاص می یابد، پاسخگو نیست. بر همین اساس رهبر فرزانه انقلاب، مسئولان نظام را به اهمیت دادن به پژوهش فرا خواند. عدم توجه به تحقیق در سطح کلان، بی رغبتی دانشجویان به پژوهش را در پی دارد.

۲- عدم فرهنگ سازی:

گسترش و اهمیت دادن به چیزی نیاز به فرهنگ سازی دارد. متأسفانه در جامعه ایران به امر تحقیق بها داده نشده و نقش بنیادی تحقیق در تحوّلات و بهینه سازی مملکت بیان نشده است و این فرهنگ به وجود نیامده که تحقیق و محقق جایگاه بلند داشته و موفقیت یک نظام مبتنی بر امر پژوهش است. عدم حمایت افکار عمومی از پژوهش و پژوهشگر،

جامعه دانشجویی را تحت تأثیر قرار داده و دانشجویان را نسبت به تحقیق بی رغبت می کند. برای تشویق به امر تحقیق لازم است که فرهنگ سازی صورت گرفته و از محقق و آفرینش های پژوهشی حمایت شود.

۳ فراهم نبودن شرایط و امکانات:

یکی از عوامل عمده بی رغبتی به فرایند پژوهش، فراهم نبودن شرایط و امکانات است. پژوهش مانند سایر فعالیت های دیگر با بهره گیری از امکانان به وجود می آید. در غیر این صورت روحیه تحقیق از پژوهشگر گرفته شده و روند فعالیت پژوهشی کند می گردد؛ مثلاً یک محقق نیاز به وسایل و ابزاری مانند رایانه دارد. اگر این وسیله نباشد، محقق نمی تواند به آسانی و سرعت، فعالیت های پژوهشی را ادامه دهد. عدم ادامه تحقیق، پژوهش را آسیب پذیر می کند وآسیب پذیری موجب می شود که پژوهشگر در ادامه فعالیت بی رغبت شود. بر این اساس برای ایجاد انگیزه تحقیق باید شرایط تحقیق فراهم گردد و با آسیب ها مبارزه شود، حال این شرایط مربوط به محقق باشد و یا مربوط به نظام.

۴ عدم حمایت از دستاورهای پژوهشی:

یکی از موانع دیگر پژوهشی، عدم حمایت از محصولات پژوهشی است. یک محقق با زحمات طاقت فرسا تحقیق نموده و یک اثر علمی و یا یک ابتکار علمی را به عنوان محصول تحقیق ارائه می دهد، ولی از سوی نظام و یا خانواده حمایت و تشویق نمی شود. شاید یکی از عوامل بسیار مهم بی رغبتی دانشجویان به امر پژوهش، مربوط به عدم حمایت از محصولات پژوهشی باشد.

۵ عدم آشنایی با اصول و روش تحقیق پژوهش و تحقیق نیاز به یادگیری روش

و اصول دارد. آشنایی با اصول و روش تحقیق موجب می شود که پژوهشگر در فعالیت ها کم تر دچار مشکل شده و تحقیق زودتر نتیجه دهد. عدم بهره گیری از اصول و روش موجب می شود محقق احساس خستگی نموده و به تحقیق بی رغبت شود.

۶ روحیه راحت طلبی:

بی تردید تحقیق تحمل زحمات طاقت فرسا را می طلبد. تدوین یک پایان نامه و ارائه یک اثر علمی موفق با راحت طلبی همسویی ندارد، از سوی دیگر انسان ها - به ویژه جوانان به رغم آن که توان جسمی دارند - راحت طلب هستند! راحت طلبی انسان از یک سو و زحمات طاقت فرسای پژوهش از جانب دیگر موجب می شود که عملاً روحیه تحقیق از انسان گرفته شود.

مضافاً بر این که فرد در ایام جوانی به فکر ازدواج، کسب موقعیت سیاسی - اجتماعی و شغل است. آرزوها و راحت طلبی جوان نقش بنیادی در بی رغبتی او به تحقیق دارد. علاوه بر موارد فوق، عوامل دیگری نیز می تواند نقش داشته باشد.

درباره اصول و روش تحقیق کتاب های متعددی تدوین شده است که در برخی به موانع و عوامل بی رغبتی به امر تحقیق پرداخته شده است. در این جا به برخی اشاره می شود:

۱ روش های تحقیق، دکتر علی اکبر سر فراز.

۲ روش تحقیق در یک مکتب، دکتر علی قائمی.

۳ ابزار و وسایل تحقیق، محمد دشتی.

۴ روش تحقیق، س . ك . موز، ترجمه دکتر کاظم ایزدی.

نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟

پرسش

نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟

پاسخ

وظیفه همه آحاد جامعه به ویژه نسل جوان در برابر انحرافات اجتماعی، نهی از منکر است. قرآن مجید به صراحت به این نکته اشاره کرده و فرموده است: "باید از شما مسلمانان برخی، مردم را به خیر و صلاح دعوت کنند و آن ها را به نیکوکاری فرمان داده و از منکرات نهی کنند و اینان رستگار خواهند بود". امام آل عمران (۳) آیه ۱۰۴.

علی علیه السلام کسانی را که از این وظیفه مهم، شانه خالی می کنند، در زمره مردگان برشمرده است. البته نهج البلاغه، قصار ۳۶۶.

برخورد و اجرای نهی از منکر باید بسیار سنجیده و با علم و آگاهی از شرایط آن و رعایت آنها صورت گیرد که به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

۱ - آشنایی با معروف و منکر: ابتدا لازم است کسی که می خواهد با انحرافات مبارزه کند، به حقیقت کار توجه داشته باشند؛ یعنی خودش آگاهی کامل داشته باشد که چه کاری خوب و پسندیده است و چه کاری ناپسند و منکر.

۲ - دفاع منطقی: در برخورد با ناهنجاری ها، باید با رفق و مدارا و صبر و حوصله و با نصیحت و استدلال پیش رفت. قرآن مجید می فرماید: "ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن؛ ای رسول! خلق را به حکمت و برهان و موعظه به راه خدا دعوت کن و به بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن".

نحل (۱۶) آیه ۱۲۵.

۳ - جلب اعتماد: تا جلب اعتماد صورت نگیرد، موعظه و نصیحت اثری ندارد. امام علی علیه السلام می فرماید "دل های مردم وحشی است. پس کسی

که دل ها را جذب کند، به او روی خواهند آورد". از این جهت لازم نهج البلاغه، قصار ۴۷.

است با افراد خطاکار با صمیمیت و رفاقت مواجه شد و در گام بعدی با شیوه ای مناسب سخن گفت.

۴ - رعایت ادب و نزاکت: در برخورد با ناهنجاری ها نمی توان به بهانه اجرای فریضه نهی از منکر حقوق دیگران را نادیده گرفت. در این جهت هرگونه تندخویی و درشتی مردود است. خداوند متعال که موسی علیه السلام را مأمور مقابله با طاغوت زمان خود یعنی فرعون کرد و به ایشان سفارش می کند: "با او به نرمی سخن گویند، شاید پند گیرد یا بترسد".

طه (۲۰) آیه ۴۴.

۵ - احتمال ترتیب اثر دادن: انسان باید احتمال بدهد که توصیه و سخن درست او، دارای اثری مثبت است. اگر چه اطمینان به ترتیب اثر لازم نیست، زیرا گاهی توصیه و امر به معروف و نهی از منکر نه تنها تأثیر

مثبت ندارد، بلکه دارای آثار منفی می شود، مثلاً شخص را جری تر می کند.

۶ - اقدام عملی: گاهی منکر چنان ریشه دارد شده که با زبان ریشه کن نمی شود و نیازمند عمل می باشد. در این صورت اقدام عمل لازم است، ولی نخستین مرحله اقدام عملی به خود پرداختن و از خود الگوی مناسبی برای دیگران فراهم کردن است. به نظر صاحب جواهر از بزرگ ترین و مؤثرترین جلوه های امر به معروف و نهی از منکر به ویژه نسبت به رهبران دینی آن است که خود، جامه معروف را به تن کنند و پوشش منکر را از تن بدر کنند و نفوس خود را با اخلاق والا برآورند و ا ز اخلاق پست بپیرایند. البته

این شرط، حتی در زمانی که با جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۳.

زبان نهی از منکر می کند، نیز لازم است؛ یعنی اگر چیزی را که خود رعایت نمی کند، بخواهد به دیگران توصیه کند، نه تنها اثری ندارد، بلکه گاهی اثر معکوس می گذارد. در مرحله بعد یک جوان متعهد باید در صورت توان از وقوع جرم و جنایت و فساد در جامعه جلوگیری نماید. البته در اوضاع فعلی که نظام اسلامی حاکم است، برای اجتناب از هرج و مرج، باید مرحله مجازات و تنبیه خطاکار را به مسؤلان سپرد. از این رو گزارش دادن به مراجع ذی صلاح و پیگیری عملی کفایت می کند. شرایط و ویژگی های دیگر نیز لازم است. می توانید با مراجعه به کتاب هایی که در این باره نوشته شده و آگاهی از آنها در کار خود موفق تر باشید.

در پایان بخشی از سخنان رهبر انقلاب را نقل می کنیم: "در جامعه اسلامی تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان (زبان) است، اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر به عهده مسؤلین است که باید وارد بشوند و آن ها این کار را بکنند. البته نقش مهم تر از هم همین زبان دارد. چیزی که جامعه را اصلاح می کند، همین نهی از منکر زبانی است. اگر مردم به آدم بدکار، خلافکار و کسی که اشاعه فحشا می کند و می خواهد قبح گناهی را از جامعه ببرد، بگویند و ده، صد یا هزار نفر به طور کلی افکار عمومی جامعه روی وجود او سنگینی کند، این برای او شکننده ترین چیزهاست".

فرهنگ و تهاجم، ص ۲۳۰.

در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن ها غیر از ماه رمضان به مسجد نمی آیند و از عضویت در هیأت هم استعفا نمی دهند؛ از طرفی جوانان محل هم در معرض خطر تهاجم فرهنگی و انحراف

پرسش

در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد

از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن ها غیر از ماه رمضان به مسجد نمی آیند و از عضویت در هیأت هم استعفا نمی دهند؛ از طرفی جوانان محل هم در معرض خطر تهاجم فرهنگی و انحراف قرار دارند؛ تکلیف ما چیست؟

پاسخ

جا دارد به حساسیت، غیرت دینی، فرهنگی واجتماعی شما آفرین بگوییم. توجه جناب عالی را به نکاتی چند جلب می نماییم:

۱ خداوند به همه اهالی و مؤمنین روستای شما که همت نموده و مسجدی ساخته اند پاداش خیر عطا فرماید. این کار نشانگر عشق و علاقه ایشان به مسجد و اقامه شعائر دینی و ارزشی است.

با این حال، ساختن مسجد، هر چند نیکو بنا گردد و با فرش های دیبا و کاشی های زیبا، زینت یابد، در درجه اول اهمیت قرار ندارد، زیرا زینت مسجد به حضور گسترده نمازگزاران و فعالیت های فرهنگی و دی[نی در آن است که در این میان، حضور هیأت امنای مسجد نیز جلوه ای خاص خواهد داشت و این عزیزان نباید از آن غافل باشند و سعی کنند حضورشان بیشتر و چشمگیرتر باشد.

۲ شکی نیست که در کارهای فرهنگی و تعظیم شعایر اسلامی، استفاده از تمامی امکانات و مشارکت همه جانبه اهالی، بستر و زمینه فعالیت ها را آماده تر و رسیدن به اهداف را آسان تر می سازد. از افرادی چون شما، انتظار می رود با زبانی نرم و خوش و توأم با احترام و حفظ عزت افراد به خصوص بزرگان، معتمدان و هیأت امنای مسجد از آنان بخواهید که در این حرکت فرهنگی حضور بیشتری داشته باشند،

تا جوان تر ها بتوانند از تجربیات و حمایت های همه جانبه آنان استفاده کنند و خدای ناکرده بر خورد ناصحیح موجب بریدن افراد از مسجد نشود.

۳ نیامدن و عدم حضور افراد (حتی هیأت امنا) به مسجد به هر دلیل، مسئولیت را از دوش شما عزیزان بر نمی دارد و همان طور که اشاره کردید، در عصر تهاجم فرهنگی که دشمنان و بدخواهان مبارزه ای جدی را علیه دین و دنیا و نسل و ناموس ما آغاز کرده اند، می بایست کمربند ها را محکم بست و همت ها را چند برابر ساخت تا بتوانیم از این بحران با افتخار و سربلندی به در آییم. لذا هیت امنای هیچ مسجدی حق ندارند مانع فعالیت های دینی و فرهنگی شوند و در کارهای فرهنگی نیز نیازی به تأیید یا حضور آن ها نیست.

[۱] توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۴۵۳؛ و آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۴۱۲ و ۴۱۳.

در حال حاضر با توجه به جوّ فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شهید و شهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهنگی را چگونه ارزیابی می نمایید؟ مشروحاً توضیح دهید.

پرسش

در حال حاضر با توجه به جوّ فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شهید و شهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهنگی را چگونه ارزیابی می نمایید؟ مشروحاً توضیح دهید.

پاسخ

انقلاب اسلامی ایران که عظمت و سربلندی خود را مرهون فرهنگ شهادت و شهیدان است، الهام گرفته از فرهنگ عاشورا و عاشوراییان می باشد. امام حسین(ع) با شهادت خود و فرزندان و یارانش درس عزّت و آزادی خواهی را به همه آموختند.

هرگاه جامعه اسلامی سر دوراهی زندگی همراه با ذلّت پذیری یا مرگ شرافتمندانه قرار بگیرد، تنها فرهنگ ایثار و شهادت است که می تواند جامعه را از سقوط حتمی نجات داده و به سعادت ابدی رهنمون باشد

قیام حضرت سیدالشهداء(ع) نمونه ای بارز بلکه چراغی فروزان برای طی کردن این خط مشی به شمار می رود؛ حضرت در این راستا از مرگ سرخ استقبال کرد و در برابر خوارج زمان خویش چنین فرمود: "ابن زیاد مرا میان شمشیرهای آخته و ذلّت پذیری مخیّر ساخته است، ولی هیهات که ذلّت و ننگ را بپذیریم؛ "هیهات منّا الذّلّه" پذیرش ذلت از ما خاندان به دور است".

آن چه مایه بقا و قدرت و شکوه دین است، جهاد و فرهنگ شهادت طلبی است و امام حسین(ع) برای این که به همگان اعلام کند که دین تنها نماز و روزه و حجّ نیست، دست به آن قیام زد تا مکتب شهادت و فداکاری در راه دین خدا را زنده نگه دارد و روحیه رفاه طلبی و سازش را از میان بردارد. جایگاه و ارزش دین تا حدی است که همه چیز، حتی خون عزیز

ترین انسان ها همانند حسین بن علی(ع) و اصحاب و یارانش باید فدای آن شوند.

از این که حضرت حاضر شد در راه دین شهید شود و به استقبال شهادت رفت، روشن می شود که ارزش دین از هر چیز دیگری بالاتر است و لازم است در هنگام نیاز همه چیز فدای دین گردد.

بنابراین می توان گفت:

الف) شهید با شهادت خود حیات جاویدان و سعادت دنیا و آخرت و سرافرازی را برای جامعه اسلامی ضمانت می کند.

ب) تنها فرهنگی که می تواند جامعه اسلامی را زنده و شاداب و میان دیگر جوامع سربلند نگه دارد، فرهنگ شهید و شهادت است. صحّت این ادّعا در نهضت عاشورای امام حسین(ع) و شکل گیری و پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران به ویژه در دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی رژیم متجاوز و وابسته عراق علیه ایران به روشنی ثابت شد.

ج) تا این فرهنگ در جامعه ما باشد، سعادت و سربلندی ملّت ایران تضمین شده است و در غیر این صورت چنین عزّتی ضمانتی ندارد.

پی نوشت ها : ۱ – علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، دارالاسوه، ص ۱۵۶.

به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می دهید؟

پرسش

به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می دهید؟

پاسخ

پاسخ گویی به سؤالات نسل جوان، در گرو شناسایی پرسش های آنان و به بیان دیگر شبهه شناسی است. این کار در حد محدودی از طرف سازمان ملی جوانان انجام گرفته و موضوعات قابل توجه نسل جوان را ارائه نموده است.

در مرحله بعد باید پاسخ های مناسب را از منابع موثق و متخصصان رشته مربوطه دریافت نمود.

خوشبختانه، مراکز مختلفی متولی پاسخ گویی به سؤالات مذهبی جوانان هستند، مانند:

۱- مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها که به پرسش های دانشجویان پاسخ می دهد.

۲- پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳- مرکز فرهنگ قرآن که به سؤالات قرآنی پاسخ می دهد.

در مرحله سوم آشنایی با ابزارها و شیوه های پیام رسانی و توجه به روحیات نسل جوان است. بنابراین، تنها شناخت پرسش و تهیه پاسخ کافی نیست، بلکه روش استفاده صحیح از آموخته ها و انتقال آن به نسل جوان و نوع برخورد با مسائل، بسیاری مهم و سرنوشت ساز است. چه بسا کلام پاسخگو از محتوای عمیقی برخوردار است، ولی طرز بیان آن طوری است که با روحیات جوان سازگاری ندارد. هم چنین شخصیت انسان و کردار او نیز در پاسخگویی و نشر معارف دینی بسیار مؤثر است.

استاد مطهری در موفقیت یا شکست یک پیام چهار عامل را مؤثر می داند:

۱- ماهیت پیام، ۲- شخصیت خاص پیام رسان، ۳- ابزار پیام رسانی، ۴- کیفیت و متد و اسلوب رساندن پیام.(۱)

پی نوشت ها:

۱. استاد مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۰۹ – ۲۱۱.

مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟

پرسش

مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان پذیر نیست.

عوامل بدحجابی عبارتند از :

۱ – تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری ها ریشه در بی اعتنایی پدران و مادران و طرز برخورد آن ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند و آموزش های لازم نبینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت.

خانواده ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت گیری های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی رود، بلکه معضل را دو چندان می کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود.

۲ – دگرگونی ارزش ها: شیوه نگرش افراد به ارزش ها در چگونگی موضع گیری آن ها تأثیر می گذارد. اگر زنی، خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می دهد و

حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی گزینند.

۳ - الگوهـای ناهنجـار: الگو در اخلاق اسـلامی و روان شناسـی جایگاه مهمی دارد. درگذشـته که الگوها و نقش ها انـدک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه های متعدد ارائه می دهند، هویت یابی و

انتخاب راه صحیح را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلائل بدحجابی، مدگرایی و همرنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه ها و شخصیت های مطرح در رسانه ها می باشد.

۴ – فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است.

۵ – کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده اند، وادار به جبران می کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پرنمایند. یکی از راه های ایجاد شخصیت پنداری، خودآرایی است.

۶ – تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت زدایی آن ها است.

پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از:

۱ – تقویت بنیان خانوداه

۲ – آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان

۳ – تقویت باورهای مذهبی

۴ – معرفی الگوهای شایسته

۵ – مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن

۶ – برقراری ارتباط صمیمی با جوانان

۷ – از بین بردن زمینه های بدحجابی

۸ – ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۹ – تسهیل امر ازدواج

۱۰ – قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد

۱۱ – خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ – جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ گویی به شبهات آنان

۱۳ – بازشناسی ناهنجاری ها و نقاط منحط فرهنگ غرب ۱۴ – همخوانی گفتار و رفتار مربیان

- تکیه بر دعوت عملی و زبان رفتاری ۱۶ - سالم سازی محیط

از آن چه گفته شد روشن می شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن ها بیاموزند.

قدم دوم را محیط آموزشی به خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند.

گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ درآورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط بپردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پرسش

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان پذیر نیست.

عوامل بدحجابی عبارتند از :

۱ - تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری ها ریشه در بی اعتنایی پدران و مادران و طرز برخورد آن ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند …آموزش های لازم نبینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت.

خانواده ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت گیری های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی رود، بلکه معضل را دو چندان می کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود.

۲ - دگرگونی ارزش ها: شیوه نگرش افراد به ارزش ها در چگونگی موضع گیری آن ها تأثیر می گذارد. اگر زنی،

خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می دهد و حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی گزیند.

۳ – الگوهای ناهنجار: الگو در اخلاق اسلامی و روان...ə..........جایگاه مهمی دارد. درگذشته که الگ......ṣو نقش ها اندک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه های متعدد ارائه می دهند، هویت یابی و انتخاب راه صحیح

را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلائل بدحجابی، مدگرایی و همرنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه ها و شخصیت های مطرح در رسانه ها می باشد.

۴ - فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است.

۵ - کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده اند، وادار به جبران می کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پرنمایند. یکی از راه های ایجاد شخصیت پنداری، خودآرایی است.

۶ - تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت زدایی آن ها است.

پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از:

۱ - تقویت بنیان خانوداه

۲ - آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان

۳ - تقویت باورهای مذهبی

۴ - معرفی الگوهای شایسته

۵ - مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن

۶ - برقراری ارتباط صمیمی با جوانان

۷ - از بین بردن زمینه های بدحجابی

۸ - ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۹ - تسهیل امر ازدواج

۱۰ - قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد

۱۱ - خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ - جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ گویی به شبهات آنان

۱۳ - بازشناسی ناهنجاری ها و نقاط منحط فرهنگ غرب ۱۴ - همخوانی گفتار و رفتار مربیان

۱۵ - تکیه بر

از آن چه گفته شد روشن می شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن ها بیاموزند.

قدم دوم را محیط آموزشی به خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند.

گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ درآورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط بپردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

چه راهی وجود دارد تاافراد کوچک تر بهافراد بزرگ تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟

پرسش

چه راهی وجود دارد تاافراد کوچک تر بهافراد بزرگ تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟

پاسخ

جامعه سالم نیازمند خانواده سالم است. در محیط خانه است که کودک می آموزد چگونه با دیگران باید معاشرت نماید. بنابراین سنت تکریم بزرگ ترها باید در کانون خانواده احیا گردد تا به جامعه سرایت نماید.

دراین مورد همه دستگاه های تبلیغاتی و رسانه های فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه ها و مجلات نقش تعیین کننده دارند.

مهم نقش های متفاوتی است که هر یک از اعضای خانواده باید ایفا نمایند که به مهم ترین آن ها می پردازیم:

۱ - افراد کوچک و کودکان حرف کسانی را می شنوند و به افرادی از روی میل و رغبت احترام می گذارند که به آن ها ارزش می دهند و توجه می نمایند. بنابراین وظیفه بزرگ ترها، مهربانی به کوچک تر و دل جویی از آنان است. رسول اکرم (ص) می فرماید: "دل های مردم بااین تمایل فطری آفریده شده است که نیکی کنندگان به خود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند".(۲)

۲ - بزرگ ترها باید موقعیت خود را حفظ نمایند. متأسفانه بعضی والدین به عوض این که برنفوذ و احترام یکدیگر در برابر کودک بیفزایند، با انتقادهای بی مورد اختلاف نظرهای غیر معقول از منزلت خود نزد او می کاهند. این نوع والدین نمی

توانند احترام و همکاری بچه ها را جلب نمایند.

اگر والدین و بزرگ ترها احترام خود را نگه بدارند، باید توقع احترام از دیگران را داشته باشند.

۳ – والدین باید درس تکریم بزرگ ترها را در قول و عمل به فرزندانشان آموزش دهند. اگر والدین وظیفه تکریم رانسبت به بزرگ ترهای خود مراعات نمایند، خودشان نیز مورد تکریم فرزندان واقع خواهند شد. امام صادق(ع) می فرماید:

"به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان تان هم به شما نیکی نمایند".(۲)

۴ - رابطه پدر و مادران با فرزندان باید رابطه عاطفی و مانند دو دوست باشد. البته دو دوستی که یکی بزرگ تر و دارای علم و آگاهی و تجربه بیشتر و دیگری دوست کوچک تر است. در این حال، احترام فرزند به پدر و مادر از روی علاقه و اختیار خواهد بود، همانند دوست کوچکی که با علاقه به دوست بزرگ تر خود احترام می گذارد و از او حرف شنوی دارد.

پی نوشت ها:

۱ - تحف العقول، ص ۳۷.

۲ - بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۶۵.

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پرسش

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان پذیر نیست.

عوامل بدحجابی عبارتند از :

۱ - تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری ها ریشه در بی اعتنایی پدران و مادران و طرز برخورد آن ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند و آموزش های لازم نبینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت.

خانواده ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت گیری های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی رود، بلکه معضل را دو چندان می کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود.

۲ - دگرگونی ارزش ها: شیوه نگرش افراد به ارزش ها در چگونگی موضع گیری آن ها تأثیر می گذارد. اگر زنی، خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می دهد و حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی گزینند.

۳ – الگوهـای ناهنجـار: الگو در اخلاق اسـلامی و روان شناسـی جایگاه مهمی دارد. درگذشـته که الگوها و نقش ها انـدک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه های متعدد ارائه می دهند، هویت یابی و

انتخاب راه صحیح را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلائل بدحجابی، مدگرایی و همرنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه ها و شخصیت های مطرح در رسانه ها می باشد.

۴ – فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است.

۵ – کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده اند، وادار به جبران می کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پرنمایند. یکی از راه های ایجاد شخصیت پنداری، خودآرایی است.

۶ – تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت زدایی آن ها است.

پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از:

۱ – تقویت بنیان خانوداه

۲ – آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان

۳ – تقویت باورهای مذهبی

۴ – معرفی الگوهای شایسته

۵ – مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن

۶ – برقراری ارتباط صمیمی با جوانان

۷ – از بین بردن زمینه های بدحجابی

۸ – ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۹ – تسهیل امر ازدواج

۱۰ – قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد

۱۱ – خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ – جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ گویی به شبهات آنان

۱۳ – بازشناسی ناهنجاری ها و نقاط منحط فرهنگ غرب ۱۴ – همخوانی گفتار و رفتار مربیان

- تکیه بر دعوت عملی و زبان رفتاری ۱۶ - سالم سازی محیط

از آن چه گفته شد روشن می شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن ها بیاموزند.

قدم دوم را محیط آموزشی به خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند.

گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ درآورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط بپردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

چه راهی وجود دارد تاافراد کوچک تر بهافراد بزرگ تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟

پاسخ: جامعه سالم نیازمند خانواده سالم است. در محیط خانه است که کودک می آموزد چگونه با دیگران باید معاشرت نماید. بنابراین سنت تکریم بزرگ ترها باید در کانون خانواده احیا گردد تا به جامعه سرایت نماید.

دراین مورد همه دستگاه های تبلیغاتی و رسانه های فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه ها و مجلات نقش تعیین کنند دارند.

مهم نقش های متفاوتی است که هر یک از اعضای خانواده باید ایفا نمایند که به مهم ترین آن ها می پردازیم:

۱ - افراد کوچک و کودکان حرف کسانی را می شنوند و

به افرادی از روی میل و رغبت احترام می گذارند که به آن ها ارزش می دهند و توجه می نمایند. بنابراین وظیفه بزرگ ترها، مهربانی به کوچک تر و دل جویی از آنان است. رسول اکرم (ص) می فرماید: "دل های مردم بااین تمایل فطری آریده شده است که نیکی کنندگان به خود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند".(۲)

۲ - بزرگ ترها باید موقعیت خود را حفظ نمایند. متأسفانه بعضی والدین به عوض این که برنفوذ و احترام یکدیگر در برابر کودک بیفزایند، با انتقادهای بی مورد اختلاف نظرهای غیر معقول از منزلت خود نزد او می کاهند. این نوع والدین نمی توانند احترام و همکاری بچه ها را جلب نمایند.

اگر والدین و بزرگ ترها احترام خود را نگه بدارند، باید توقع احترام از دیگران را داشته باشند.

۳ - والدین باید درس تکریم بزرگ ترها را در قول و عمل به فرزندانشان آموزش دهند. اگر والدین وظیفه تکریم رانسبت به بزرگ ترهای خود مراعات نمایند، خودشان نیز مورد تکریم فرزندان واقع خواهند شد. امام صادق(ع) می فرماید: "به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان تان هم به شما نیکی نمایند".(۳)

۴ - رابطه پدر و مادران با فرزندان باید رابطه عاطفی و مانند دو دوست باشد. البته دو دوستی که یکی بزرگ تر و دارای علم و آگاهی و تجربه بیشتر و دیگری دوست کوچک تر است. در این حال، احترام فرزند به پدر و مادر از روی علاقه و اختیار خواهد بود، همانند دوست کوچکی که با علاقه به دوست بزرگ تر خود احترام می گذارد و از او حرف شنوی دارد.

پی نوشت ها:

۱ - تحف العقول، ص ۳۷.

۲ - بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۶۵.

با توجه به این که اکثر مشکلات جامعه به نوعی به تمایات جنسی برمی گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی برای آن پیدا نمی کنند؟ نقش حوزه علمیه چیست؟

پرسش

با توجه به این که اکثر مشکلات

جامعه به نوعی به تمایات جنسی برمی گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی برای آن پیدا نمی کنند؟ نقش حوزه علمیه چیست؟

پاسخ

شکی نیست که ریشه بسیاری از مفاسد لذت جویی و شهوت رانی است. امام علی (ع) شهوات را شکارگاه شیطان(۱) و ریشه آفت ها(۲) یاد کرده و فرموده: "کسی که به سوی شهوات حرکت کند، به سمت آفات سرعت گرفته است"! میل جنسی بخشی از قوه شهویه است و با دست حکیمانه آفرینش وجود انسان قرار داده شده است و مانند سایر تمایلات درونی، تا ارضا نشود، از بین نمی رود و انسان به آرامش نمی رسد. اسلام هرگز خواهان سرکوبی آن نیست. راهکار اسلام نه مطابق با نظریه تعدیلی کلیسا (یعنی نادیده گرفتن و محکوم کردن غریزه جنسی) است و نه مطابق با دیدگاه افراطی فروید و طرفداران آزادی بی حد و حصر غریزه، بلکه خواهان ارضای معیّن و محدوده و منطقی غریز می شابد. بهترین راه تعدیل غریزه جنسی را، عمل زناشویی و ازدواج می داند. رسول خدا (ص) می فرماید: "ای جوانان، هر یک از شما که قدرت ازدواج دارد، حتماً اقدام کند، زیرا بهترین وسیله است که چشم را از نگاه های آلوده و عورت را از بی عفتی محافظت می کند"(۳) نه تنها غریزه جنسی به طور مشروع و در حد خاص، جایز است، بلکه در آیات و روایات و به عنوان امر پسندیده و حتی ضروری شناخته شده و به آن توصیه و تأکید فراوان شده است. در مواردی که ازدواج دائم میسر نباشد، اسلام، ازدواج موقت را پیشنهاد کرده است که متأسفانه در اوضاع فعلی، از این راهکار اصلی غفلت شده

و روز به روز موانع ازدواج بیش تر می گردد، در حالی که امروزه برای همه جوانان امکان ازدواج دائم وجود ندارد و بین بلوغ جنسی و تشکیل خانواده، چند سال فاصله می افتد و بیکاری و فقر و تجملات ازدواج، به این شکل بیش تر دامن می زند، از سوی دیگر مردان و زنان بدون همسر در جامعه فراوان اند. ضرورت طرح موضوع ازدواج موقت بیش از گذشته احساس می شود. امام علی (ع) می فرماید: "اگر عمر از ازدواج موقت نهی نمی کرد، جز انسان بدبخت سراغ زنا نمی رفت."(۴)

در این راستا همه نهادهای فرهنگی و اجرایی مسئولیت دارند و نمی توان نهاد خاصی را مقصر دانست. وظیفه حوزه علمیه و مراکز فرهنگی، تبلیغ و ارشاد مردم در جهت آسان گیری ازدواج و تبیین منطقی از ازدواج موقت است. فرهنگ سازی آن از طریق رسانه های گروهی به خصوص صدا و سیما با ارائه فیلم و غیره می باشد. وظیفه دولت که امکانات وسیعی را در اختیار دارد، برطرف کردن موانع ازدواج و بهره گیری از عوامل تشویقی مانند وام های قرض الحسنه و اولویت دادن برای کار و غیره و حتی پرداخت هزینه ازدواج نیازمندان از بیت المال می باشد.

والدین نیز با حذف تشریفات و آسان گیری و پرهیز از بهانه جویی و عمل به سنت پیامبر (ص) و بستر سازی ازدواج نقش تعیین کننده ای در ارضای صحیح غریزه جنسی فرزندان دارند.

پی نوشت ها

- غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۳. ۱

- همان، ج ۱، ص ۲۳.)

۳ - مکارم الاخلاق، ص ۱۰۰.

۴ - شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۲۵۳.

چرا با وجودی که امام حسن(ع) فرزند بزرگ امام علی(ع) است، در سخنرانی ها کمتر از ایشان صحبت می شود و به مراسم میلاد و عزاداری ایشان کم تر توجه می شود؟

پرسش

چرا با وجودی که امام حسن(ع) فرزند بزرگ امام علی(ع) است، در سخنرانی ها کمتر از ایشان صحبت می شود

و به مراسم میلاد و عزاداری ایشان کم تر توجه می شود؟

پاسخ

بی تردید همه ائمه(ع) نور واحدی بوده و میان مسلمانان به خصوص شیعیان از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. بر همین اساس در جامعه اسلامی ایران ایام ولادت آنان جشن گرفته می شود و در ایام شهادت آنان عزاداری صورت می گیرد. این گونه نیست که احترام نسبت به بعضی از ائمه کم رنگ باشد و نسبت به بعضی دیگر پر رنگ. البته برخی از امامان از ویژگی هایی برخوردار هستند که موجب می شود به آنها توجه بیشتری صورت گیرد. بدان جهت که آنان به حسب شرایط زمان و مکان، فعالیت هایی را انجام داده اند که زندگی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، مثلاً ـ فعالیت های فرهنگی امام صادق(ع) موجب شد مذهب شیعیان به نام مذهب جعفری یاد شود. در زمان امام صادق(ع) شرایط به گونه ای فراهم شد که امام به فعالیت های فرهنگی پرداخته و هزاران روایت از او به عنوان "میراث گران سنگ" باقی بماند.

هرگاه پژوهشگران و نویسندگان به بیان معارف اسلامی می پردازند، از کلمات و سیره حضرت بیشتر استفاده و در مجالس و محافل علمی بیشتر از وی یاد می کنند. همچنین سخنرانان که اخلاق و آموزه های اسلامی را بیان می کنند، از روایات امام صادق(ع) بیشتر بهره می برند و بدین سان نام امام صادق(ع) تکرار می شود.

قیام امام حسین(ع) که به حسب شرایط زمان و انجام تکلیف الهی شکل گرفت، نقش مهمی در آزادی خواهی، حفظ دین و احیای فرهنگ معصومان(ع) داشت؛ از این رو همه آزادیخواهان بویژه شیعیان برای

حضـرت عزاداری نموده و در منبرها بیشتر از او یاد می شود. افزون بر آن معصومان دیگر هم برای امام حسین(ع) عزاداری می کردند و دیگران را به آن سـفارش می نمودند. رفتارها و برخوردها و توصیه های معصومان به قیام امام حسین(ع) و شهادت او و یـا مثلاًـ ظهور حضـرت مهـدی(عـج) بیشـتر از دیگران بوده است. رویکرد معصومـان(ع) موجب شـد که عزاداری برای امـام حسـین(ع) پر رنگ شود. البته این واقعیت را بایـد پـذیرفت که فرهنگ برگزاری عزاداری برای بعضـی از ائمه کم رنگ است، حال آن که جایگاه و مقام شان اقتضا می کند برای آنان نیز مراسم عزاداری و جشن، مناسب شأن آنان بر گزار شود، زیرا همه ائمه(ع) نور واحد هستند.

بعضـی می گوینـد قانون منع اسـتفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پرسش

بعضـی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پاسخ

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گسترده تبلیغات دشـمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویّت ملّی و اسـلامی همخوانی نـدارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشـتن آن نیز به صـلاح نمی باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کننـد. این سـخنماننـد آن است که بگوییم مغـازه هـای شـرابخواری یـا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگـذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنیـد! بدیهی است گناه لذت و جاذبه ای دارد که بسـیاری از جوانان را به سوی خود می کشاند. از طرفی از نظر اسلام موظفیم زمینه گناه را از بین ببریم.

ماهواره هرگز با ویـدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویـدئو را رها کردنـد، دلیلش آن نبود که ویدئو آزاد شد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویـدئو، اسـتفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشـتند فراهم شـد. از طرف دیگر صدا و سیما با ارائه فیلم ها و برنامه های ورزشـی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کند و به سوی خود جذب نماید. در ضـمن تهیه فیلم های خاص ویدئوئی با مشکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیاز

به صرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهد آماده، مانند ماهواره نیست.

در ضمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاصه نمی شود؛ برنامه های هنری و تبلیغاتی و سیاسی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یک نوع فرهنگ و تفکّری هم از جهت ظاهر و هم از جهت درونی القا می کند.

هر کشور و هر نظامی بالاخره به زبان خودش حلال وحرامی دارد؛ مجاز و ممنوعی دارد؛ فرهنگ خاص خود را دارد. در آمریکا هم شرابخواری علنی در معابر عمومی قانوناً ممنوع است و این ممنوعیت را ضد آزادی نمی دانند. البته کار سلبی به برکت کار ایجابی است که مؤثر است، یعنی علاوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد.(۱)

پی نوشت ها:

۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد و استدلال عقلی آن چنان اثری ندارد، صحیح است؟

پرسش

چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد و استدلال عقلی آن چنان اثری ندارد، صحیح است؟

پاسخ

شناخت ائمه اطهار(ع) و حقیقت مقام ملکوتی شان نه تنها برای هیچ صاحب اندیشه و متفکر تیز پروازی مقدور نیست، بلکه قوه وهم و تخیل شان نیز از تصور افق و کرانه های آنان عاجز است.

آنان انسان های کاملی هستند که خداوند، آسمان و زمین، بهشت و جهنم و همه فرشتگان را تحت فرمان آنان قرار داده و ملائکه را مأمور ساخته برای انجام هر مأموریتی در زمین، نخست خدمت آنان شرفیاب شوند و مأموریت خود را به عرض امام برسانند ("ما من ملک یهبطه الله فی أمر ما یهبط له إلاّ بدأ بالاءمام فعرض ذلک علیه".(۱)

جهت روشن شدن حقیقت مطلب به داستان شهود حضرت موسی(ع) از زبان قرآن توجه کنید:

موسای کلیم که در آغاز دریافت وحی، خدا رابه واسطه "نار و شجره"(۲) شهود کرده بود، سال ها پس از آن و بعد از غلبه بر فرعون و فرعونیان از خدا می خواهد او را "بی واسطه" مشاهده کند، اما نه با چشم سر، بلکه با شهود قلبی. خدای سبحان در پاسخ موسی(ع) فرمود: "به این کوه بنگر! اگر توان تحمل تجلّی نور مرا داشت، تو هم می توانی شهود مرا تحمل کنی". وقتی خداوند بر کوه تجلّی کرد، کوه متلاشی شد و موسی(ع) مدهوش گشت. وقتی به هوش آمد، به عجز و ناتوانی خویش اعتراف کرد و عرض نمود: تو منزه از آنی که بدون

واسطه دیده شوی.

چشم تو و خورشید جهان تاب کجا؟

یار رخ دلدار و دل خواب کجا؟

با این تن خاکی، ملکوتی نشوی

ای دوست، تراب و ربّ الارباب کجا؟

خواهر گرامی! وقتی موسای کلیم از تجلّی یکی از اسمای الهی بی هوش می شود، چگونه برای انسان های عادی بلکه انبیا و اولیای خدا همچون موسی(ع) میسر است که بتواند معرفت کامل به ائمه اطهار(ع) پیدا کنند، در حالی که ائمه(ع) متجلی همه اسمای حسنا و صفات کمال و جمال و جلال الهی هستند؟

پیامبر اکرم(ص) چه قدر زیبا و شفاف فرمود: "یا علی ما عرف الله حقّ معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری؛(۳) ای علی! حقیقت حق تعالی را غیر از من و تو کسی نشناخته و به حقیقت مقام و معرفت تو جز خدا و من کسی دست نیافته است".

چه باید کرد؟

اگر گفته شد ائمه اطهار"ابواب" و "بیوت" توحید و معرفت خدا هستند که معرفت به آنان ممکن نیست، منظور شناخت کامل و معرفت به حقیقت جامع آنان است. هر انسانی موظف است به قدر وسعت وجودی و ظرفیت عقلی و ذهنی برای شناخت آنان تلاش کند، تا مسیر بندگی و عبودیت خدا و راه صحیح زندگی را بشناسد و در صراط مستقیم گام گذارد.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

راه دست یابی به معرفت اولیا و ائمه کدام است؟

این راه پیمودنی است و به حرکت و رفتن مداوم محتاج است، نه شنیدنی و عبور کردنی. برای شناخت ائمه(ع):

۱ باید با کلام و سخنان آنان و احادیث و روایاتشان مأنوس گشت. سیره و سنت آنان

را در امور شخصی اجتماعی، عبادی، سیاسی و اقتصادی شناخت و آن را الگوی عمل قرار داد.

۲ یکی دیگر از راه هایی که می توان با آن نسبت به ائمه(ع) معرفت پیدا کرد، تأمل و تدبر در معانی و مفاهیم دعاها و مناجات های منقول از ائمه(ع) است، مانند دعای کمیل، ابوحمزه ثمالی، دعای ندبه، مناجات شعبانیه مناجات خمس عشر، دعای عرفه و ... .

۳ یکی از بهترین و ساده ترین، ولی مهم ترین و ارزشمندترین راه های شناخت ائمه(ع)، خواندن زیارت نامه های ائمه(ع) مخصوصاً زیارت جامعه و تفکر و کند و کاو، در معانی و مفاهیم بلند آن است.

کتاب "ادب فنای مقربان" که شرح زیارت جامعه کبیره، از آیت الله جوادی آملی است، هم چنین "شرح مناجات شعبانیه از حضرت آیت الله محمدی گیلانی کتاب های مفیدی برای این مقصود هستند.

منظور از معرفت به ائمه و میزان و حد آن چیست؟

قدر و ارزش هر کسی به میزان معرفت او بستگی دارد. هر چه معرفت وسیع تر و جامع تر باشد، قرب و کمال شخص و ارزش اعمال او افزون تر است. معرفت منشأ پیدایش محبت و عشق است. وقتی عشق آمد، چون و چرا و دلیل خواهی عاشق کنار می رود و اطاعت و پیروی محض از معشوق به میان می آید. بنابراین باید تلاش کرد به معرفت خود نسبت به خدا و انبیا و ائمه(ع) توسعه بیشتر بدهیم و هیچ گاه از جهاد علم آموزی و کسب معرفت، خستگی به خود راه ندهیم.

حمزه بن حمران می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: منظور از معرفت حق امام چیست؟ فرمود: بداند که او حجت

و ولیّ خدا است و باور داشته باشد که او وصیّ و خلیفه پیامبر(ص) و واجب الاطاعه است و برای تبلیغ دین و هدایت مردم و پایداری و استقامت در راه حق، غریبانه به شهادت رسید.(۴)

معرفت به ائمه ما را به این حقیقت نایل می گرداند که: ائمه(ع) مظهر جامعیت علمی و عینی اسما و صفات خداوند هستند. آنان هر کمالی را که برای غیر خدا ممکن و مقدور است دارند و هر چه دارند، به طور کامل مصون از هر عیب و نقص است. رضایت و خشم و خشنودی آنان، رضایت و خشم و خشنودی خدا است.

به دلالت آیه تطهیر،(۵) عالی ترین مراتب عصمت از آن ائمه است. آنان صاحب معجزات و کرامات، و ولایت تکوینی و تشریعی هستند. "علم الکتاب"(۶) و علم لدنّی نزد آنان است. آنان از امور قلبی و باطنی انسان و سایر موجودات از عالم مُلک تا ملکوت اَعْلی آگاهند.

پیروی از آنان در تمام عرصه های زندگی واجب و لازم است.

چگونه می توان محبت به اولیا و انبیای الهی را در دل افزایش داد؟

پاسخ: معرفت پایه اصلی محبّت است و محبّت ملازم با اطاعت و عامل بزرگ دوری از گناهان و راه اساسی تهذیب نفس است. ممکن است بسیار اتفاق بیفتد که از کنار دوستان صمیمی یا شخصیت های مورد احترام علمی و اجتماعی یا دینی و حتی محبوب دل همه منتظران و مستضعفان یعنی حضرت بقیه الله(ع) عبور کنیم و هیچ کاری که بیانگر احترام باشد، انجام ندهیم، چون متوجه وجود آن فرد نشدیم یا دیدیم ولی نشناختیم، چون اگر می شناختیم، ابراز محبّت و ارادت می

کردیم. انسان وقتی عاشق کسی شد و دوستدار او گشت، از وی پیروی می کند.

قرآن می فرماید: "إن کنتم تحبّون الله فاتبعونی یحببکم الله؛(۷) اگر دوستدار خدا هستید، پس از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد". هرچه پیروی بیشتر و خالصانه تر انجام گیرد، بر محبت و ارادت افزوده می گردد.

امام صادق(ع) می فرماید: "ما کسی را شیعه نمی دانیم مگر آن را که از همه اوامر ما پیروی کند".(۸)

معرفت یا معارفه

وقتی معرفت موجب ایمان و عقیده شد، عشق و محبت می آفریند. هر چه درجه معرفت افزون تر گردد، ایمان و محبت از صلابت و استواری بیشتری برخوردار می گردد. وقتی عشق و محبت، همه هستی فرد را به احاطه در آورد، عاشق را تابع بی چون و چرای معشوق می سازد، در نتیجه محبت و لطف معشوق را متوجه خود می نماید چنان که خداوند(معشوق واقعی و حقیقی عشاق حقیقت طلب) می گوید: "فاذکرونی أذکرکم؛(۹) پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم".

امیرالمؤمنین(ع) پس از معرفی ائمه که سیاستگذاران و تدبیر کنندگان امور مردمند و از طرف خدا سرپرستی و ریاست خلایق را به عهده دارند، می فرماید: "لا یدخل الجنه إلاّ من عرفهم و عرفوه؛(۱۰) داخل بهشت نمی شود مگر کسی که نسبت به امامان معرفت داشته باشد و آنان نیز آن فرد را در زمره شیعیان و صاحبان معرفت به حق خود بدانند و بشناسند".معرفتی که به محبت و عشق مبدل می گردد یک طرفه نخواهد بود. پس کسانی که اظهار دوستی و محبت می کنند و باور دارند که آن ها امامان به حق هستند، ولی از آنان اطاعت

و پیروی نمی کنند، امامان را نشناخته و از این دوستی و اعتقاد سرسری و یک طرفه نمی توانند به کمال مطلوب نایل گردند.

معرفت و ارتباط قلبی

برای افزایش محبت به اولیای الهی، باید نسبت به آنان و مقام و منزلتشان، افکار و عقاید و عملکرد ها و سیره و سنت شان در میادین مختلف زندگی معرفت پیدا کرد و آن چه که آنان را خوشحال و رضایت شان را جلب می کند، شناخت و سیر و حرکت های خود را بر محور جلب رضایت آنان تنظیم کرد و از هر چه که باعث ناخشنودی آنان است، فاصله گرفت.

نتیجه معرفت محبت است و نتیجه محبت اطاعت است، اما میان محبت و اطاعت رابطه متقابل وجود دارد. هرچه محبت بیشتر، اطاعت قوی تر و هر اندازه اطاعت قوی تر و گسترده تر باشد، محبت افزایش می یابد، و این تحقق نمی یابد مگر با ارتباط قلبی با آنان. در همه حالات زندگی (سختی ها و آسایش ها) به آنها باید متوسل شود و آنان را هادی، واسطه و شفیع خود نزد خدا قرار دهد. پاسخ را با ذکر روایتی از علی(ع) در مورد ملاک دوستی و دشمنی به پایان می بریم "إنّ ولیّ محمد(ص) من اطاع الله ... و انّ عدوّ محمد من عصی الله و ...؛(۱۱) دوست محمد(ص) کسی است که خدا را اطاعت کند، اگر چه در خویشاوندی نسبت به پیامبر دور باشد، و دشمن حضرت کسی است که گناه کند و نافرمانی خدا نماید، اگر چه خویشاوند نزدیک او باشد".

در مورد راه جذب جوانان باید گفت: از طریق گفتگو و منطق و استدلال نیز می توان جوان را به

ترویج ارزش ها فرا خواند. این راه عمیق تر و پابر جاتر است، ولی از آن جا که دشمن با شیوه تبلیغاتی و استفاده از قوه خیال و تحریک احساسات و عواطف، ایمان جوانان را نشانه گرفته، ما نیز باید از احساسات استفاده کنیم و از طریق برگزاری مجالس مذهبی از ارزش ها پاسداری نماییم.

پی نوشت:

۱ - بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۵۷.

۲ - اشاره به آیه ۲۹ و ۳۰ سوره قصص.

۳ - بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۸۴.

۴ - بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۵، حدیث ۱۷.

۵ - احزاب(۳۳) آیه ۳۳.

۶ - رعد(۱۳) آیه ۴۳.

۷ - آل عمران(۳) آیه ۳۱.

۸ - کلینی، اصول کافی، ج ۳، باب الورع، حدیث ۱۳.

۹ - بقره(۲) آیه ۱۵۲.

۱۰ - نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۱۵۲.

۱۱ - همان، کلمات قصار، شماره ۹۲.

بهترین راه های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟

پرسش

بهترین راه های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟

پاسخ

مقدمه یکی از سؤالات مهم در شیوه تربیت، هدایت و راهنمایی جوانان و جذب آنان به سوی ارزش های دینی این است که آیا در جذب و هدایت آنان بر اصول "عقلی و استدلالی" باید تکیه نمود یا مبنای کار و فعالیت را "فطرت" و درون انسان

قرار داد و با تسخیر دل و درون آنان و بیدار ساختن استعداد های خدادادی شان آنان را به سوی اخلاق و عرفان سوق داد یا مبنای فعالیت را رفتار های شرعی و مناسکی قرار دهیم که در این صورت عرص? کارم احکام شرعی و توضیح المسایل می شود، یا مدار و محور کار تربیت و جذب جوانان به سوی دین را، عواطف و احساسات جوانان قرار دهیم؟

همه می دانیم که جوانان از جنبه های گوناگون: فردی خانوادگی و جنسی، احوال متنوع روانی و کثرت طلبی های مادی و معنوی دارند.

یکی از اندیشمندان در امر تربیت می گوید: "جوان ها مثل دانه های چوب کبریت نیستند که همه یک اندازه و یک شکل باشند و بشود آن ها را قالبی در قوطِی های همشکل بسته بندی یا دسته بندی کرد. هر آدمی برای خودش عالمی است"(۱)

بنابر این نمی شود یک نسخه کلی برای همه جوانان یا نوجوانان نوشت.

به بیان دیگر: در امر تربیت و جذاب و هدایت جوانان یا نوجوانان باید از همه عناصر و شیوه ها بهره جست، هم از عقل استفاده کرد ، هم از نقل و حدیث و روایت، هم از اخلاق و عرفان، نیز احساسات و عواطف درونی باید بهره جست، چنان که به بیان احکام شرعی و مناسک عبادی پرداخت، لیکن میزان استفاده

از هر یک از این عناصر بر حسب سن و دوره و مایه های اولیه تربیتی و حتی خصوصیات شخصی و فردی متفاوت است. نمی توانیم در صدد بهره وری از این عناصر را در دور? ابتدایی یا دور? راهنمایی یا متوسط و بالاتر را یکسان بگیریم.

تبیین اهداف دین و نقش آن در زندگی

بدون توجه به جنبه های گوناگون جوانان و نوجوانان و اصول مهمی که در مقدمه پاسخ ذکر کردیم، امر تربیت و جذب نوجوانان یا جوانان به سوی ارزش های دینی به نتیجه نخواهد رسید.

نکته اساسی که باید به آن توجه داشت این است که دین نیاز به تبلیغ به مفهوم رایج امروزی ندارد، بلکه نیاز به معرفی صحیح دارد. امروزه تبلیغ برای جنس و کالا-یی مورد دارد که نمی تواند خودش را نشان دهد، از این رو پیش از آن که بگوییم دین اسلام جامع ترین، کامل ترین و نیکوترین دین ها است، باید بگوییم دین اسلام چیست و اهداف آن کدام است؟

چه نقشی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد ؟اگر حقیقت دین و نقش آن در خوشبختی انسان و اصلاح معاش و معادش به درستی تبیین گردد، فطرت دین گرا و خدا جویی جوانان آن را به راحتی می پذیرند.

خوشایند سازی

پیامبر اکرم(ص) گروهی را به سرپرستی "معاذ بن جبل" جهت ابلاغ دین و تبیین معارف بلند آن به یمن اعزام فرمود، هنگام عزیمت آنان چند نکته را تذکر داد از جمله فرمود:

۱ - تا می توانید کار را برای مردم آسان کنید.دستور مسازید و تکالیف سختی بر مردم تحمیل نکنید که باعث اذیت و اضطراب خاطرشان شود.

۲ -

مردم را امیـدوار کنیـد. از دین ناامیـد و مـأیوس نسازیـد به مردم نویـد و بشارت بدهیـد، در این صورت عزم و اراده گرایش و پیوستن به دین درآنان ایجاد می شود، و به کارهای نیک رغبت و علاقه پیدا می کند.

درک زبان، منطق و احساسات جوانان

بزرگ ترین مشـکل رهبری نسل جوان، در نفهمیـدن زبان و منطق او، احساسات ویژه و خواسـته های واقعی و ادراکات خاص جوانی است، بنـابر این برای پاسـخگویی به نسـل جوان و رهبری آنـان به سوی دین و ارزش هـای معنوی، ابتـدا بایـد "آنان را شنـاخت" و احساسـات پرشور جوانی شـان را درک نمود. نقاط قوّت و مثبت روحیات اخلاق و عملکرد های آنان را دریافت، نیز جهـات ضـربه پـذیری و منفی آنـان را فهمیـد. روی نکات مثبت تکیه کرد و با دادن شخصـیت وکرامت بر آنان، در دلشان نفوذ کرد.

شهیـد مطهری می گوید: ابتدا باید نسل جوان را بشناسـیم. نسل جوان مزایا و عیب هایی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساسـات دارد که در گذشـته نبود، از این جهت بایـد به او حق داد.در عین حـال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد و باید آن ها را شناخت و چاره کرد.(۲)

اجتناب از افراط و تفریط

در هـدایت نسـل جوان همان گونه که بایـد به سـلیقه ها و علاقه های آنان توجه کرد و امر رشـد و تربیت آنان را با مقتضـیات ذات و جوهره شان هماهنگ ساخت، باید از ایجاد شخصیت کاذب و توقع بی جا پرهیز نمود.

یکی از مسـئولان دست انـدرکار امر تربیت می گوید: برخورد با نسل جوان باید بر اساس واقع بینی، منطق و به دور از افراط و تفریط باشد، نه برخورد تند

و خشن و غیر منطقی و سرکوب احساسات آن ها و نه برخوردهای غیر واقعی که هم? خواسته های جوانان را درست و بر حق بدانیم و در آنان رشد کاذب و توقع نابجا ایجاد کنیم، بلکه باید متناسب با ذات و جوهر? او و با استفاده از سلایق و علایق او، امر هدایت نسل جوان را دنبال کنیم."(۳)

شیوه گفتگو و راهنمایی از منظر قرآن کریم:

قرآن کریم برای راهنمایی انسان و هدایت او به سوی ارزش های دینی سه روش را متذکر می شود:

۱ - برخوردها باید حکیمانه و پاسخ ها مستدل و منطقی و سازگار با حکمت باشد.

۲ - دلسوزانه، همراه با رأفت و رحمت، و عشق و موعظ? حسنه باشد.

۳ - گفتگو باید از جدال خصمانه و غرور و خودمحوری به دور باشد پرسش و پاسخ ها نیکو، منطقی و اقناع کننده و برای کشف حقیقت باشد.(۴)

تبیین فلسفه احکام:

از نکاتی که در بیان احکام و مسایل شرعی برای جوانان لازم است، این است: تا آن جا که امکان دارد حکمت احکام و مناسک و تعالیم دینی تبیین و تشریح شود تا از روی آگاهی و بینش و بصیرت و با انگیزه قوی تر به تعالیم دین روی آورند.

تبلیغ عملی از سوی الگوها:

زبان رفتار و زبان حال بسیار مؤثرتر از زبان گفتار است. عطش جوانان نسبت به مذهب در صورتی سیراب می شود که در جهت درست هدایت شود و صداقت و خلوص را در همه امور مشاهده کنند. جوانان تمام مسائل را زیر ذره بین انتقاد و موشکافی خود قرار می دهند و در اصول و بنیان های اعتقادی خود هیچ گونه تسامح و

سهل انگاری را روا نمی دارند. اگر با ناهمخوانی و تضادی در گفتار و عمل مذهبی روبه رو شوند، به دو صورت واکنش نشان می دهند: یکی این که در اعتقاد خود سست شوند (و این در صورتی است که زمین? اعتقادی محکمی نداشته باشند) و دیگر این که صدای خود را به اعتراض بلند کنند و طالب جریان یافتن قوانین مذهبی در کلیه شئون و امور باشند.(۵)

عدم هماهنگی میان گفتار و کردار، پندار و اندرز مربیان را بی اعتبار می کند. امام صادق(ع) می فرماید: "به وسیل? عمل خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشید".(۶)

به کارگیری روش های نو:

در حال حاضر با توجه به تغییرات پر شتابی که در عرصه فرهنگ و ادبیات مخاطبین به ویژه بین نسل جوان ایجاد شده، برای جذب جوانان باید ارائه پیام ها را متناسب با شعور حاضر و کنونی تنظیم کرد.

نسل کهن، باید در بستر زمان حضور یابد و نیازهای نسل نو جامعه را همواره در نظر داشته باشد. امام علی(ع) بر زمان شناسی در ارائه پیام تأکید ورزیده و فرموده است: "فرزندانتان را به ادب خود مجبور نسازید که آنان پدیده های زمان دیگر هستند". ۷)

استاد مطهری می گوید: در هدایت و رهبری نسل قدیم که سطح فکرش پایین تر بود، ما احتیاج داشتیم به طرز خاص بیان و تبلیغ و یک جور کتاب ها که امروز آن طرز بیان و آن طور کتاب ها به درد نمی خورد.

باید و لازم است رفرم واصلاح عمیقی در این قسمت ها به عمل آید. باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد

و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت.(۸)

استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین نیز می تواند مؤثرباشد.

پی نوشت:

۱ – حداد عادل، آسیب شناسی تربیتی دینی، ج ۱، ص ۷۵.

۲ – مجله پیوند، شماره ۲۶۰، ص ۱۸.

۳ – مجله پیوند، ش ۲۶۰ ، ۱۸.

۴ – نحل (۱۶) ، آیه ۱۲۵.

۵ – دکتر سید احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۶۲.

۶ – سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.

۷ – شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، قصار ۱۰۲.

۸ – استاد مطهری، ده گفتار، ص ۱۸۵.

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشته باشیم ، نیز با تصمیم و اراده جدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبند باشد، موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

۱ – نسبت به فرهنگ مورد نظر باید به صورت مشخص آگاهی کسب شود.

۲ – با دقت، تأمل، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشند.

۳ – راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص کنند (اهداف عینی، قابل تعریف و اندازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم).

۴– سعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایید.

۵ – با مشخص شدن شیوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنند و ضمن آن که خود صمیمانه به آنها عمل می کنند با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی:

۱

- ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲ - مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی، شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و...

۳ - پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً : برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

- تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند.

- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف.

- برگزاری کلاس های عقیدتی .

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

- تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری.

- مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده.

۴ - اجرای یک یک راه های به دست آمده.

۵ - امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .

۶ - تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پرسش

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پاسخ

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟

اگر منظور "تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان "برهان" مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین "خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و

ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلایم می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است.

در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان ، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناآگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می بایست در این راه قاطعانه تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نبایـد از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسـلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خـدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسـلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی توانـد مـورد قبـول باشـد. از مهم ترین آفـات این تفکر، جـدایی انـداختن بین دین و روحـانیت است واین فکر اشـتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

روزی یکی از هم کلاس هایم از این که دوست پسر ندارم، به من خندید و مرا امل صدا زد. هر جا از حجاب گفم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خدا زدن این همه دردسر دارد؟

پرسش

روزی یکی از هم کلاـس هـایم از این که دوست پسر نـدارم، به من خنديـد و مرا امل صـدا زد. هر جا از حجاب گفم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خدا زدن این همه دردسر دارد؟

پاسخ

تا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم

حرف از خـدا زدن و در راه خـدا بودن، دردسـرهای بسـيار بيشتر از این به همراه دارد. آنچه شـما آورده ایـد، تنها مورد بسـيار ناچیزی از آنها است.

مگر اولیای الهی و بزرگان دین نبودند که سـختی و مشکلات و طعنه و زخم زبان های بسیار سنگین را به جان خریدند ، اما از راه خدا و جلب رضای او و دوستی خداوند دست نکشیدند؟

پیـامبران و اولیـای الهی نیز همواره بـا این گونه برخوردهـا مواجه بوده انـد. امام صادق(ع) به "علقمه" که از تهمت زدن مردم نـاراحت شـده بود فرمود: "مردم را نمی توان راضـی نگه داشت و جلو زبان آنان را نمی توان گرفت. شـما انتظاری داریـد که برای پیامبران خدا نیز انجام نشده است. مگر یوسف را متهم نکردندکه قصد زنا داشته است؟

مگر مردم نگفتند: بیماری ایوب کیفر گناهانش می باشد؟ مگر به موسـی اتهام دیگری نبستند؟ مگر تمام پیامبران را جادوگر و دنیا دوست نخواندند؟ مگر نگفتند: مریم از راه نامشروع باردار شده است؟ مگر محمد(ص) را شاعر و مجنون نخواندند؟".(۱)

خداوند در مورد انسان های مؤمن می فرماید: "و هیچ عیبی در آن ها نیافتند جز آنکه به خداوند ایمان داشتند".(۲)

قرآن کریم نترسیدن و توجه نکردن به انتقاداتِ بی جا را از صفات نیک کسانی می شمارد که در

راه خدا تلاش و مجاهدت می کنند.(۳)

یکی از روانشناسان می گوید: "اگر می خواهید از انتقاد بی جا، نگران نشوید، به خاطر داشته باشید که انتقاد بی جا و ظالمانه، خود یک نوع تعریف و تحسین در لباس مبدّل است. فراموش نکنید کسی به سگ مرده لگد نمی زند".(۴)در واقع چنین کسانی چون توانایی و قابلیت و همت و تلاش رسیدن به کمالات را ندارند، سعی می نمایند دیگران را تحقیر کنند. اینها چیزی می گویند که هیچ گاه یقین به آن ندارند، بلکه حتی می فهمند که خوب و بد چیست، اما می خواهند خود را فریب دهند.

آن چه مهم است، گام نهادن در مسیر سعادت و عمل به وظیفه و کسب رضایت پروردگار است. اگر ما حجاب را به عنوان یک ارزش تلقی کردیم، باید با قاطعیت از آن دفاع کنیم و تحت تأثیر حرف دیگران قرار نگیریم. راه مقابله با قضاوت های سطحی دیگران، بی توجهی و بی اعتنایی به حرکات زشت و جاهلانه است. قرآن مجید یکی از اوصاف پارسایان را بی اعتنایی توأم با بزرگواری می داند و می فرماید: "بندگان خاص خدا کسانی هستند که وقتی جاهلان آنان را خطاب می کنند و به سخنان زشت می پردازند، در پاسخ سلام می گویند".(۴) این سلام ناشی از ضعف و درماندگی نیست، بلکه وداع گفتن با سخنان بی منطق آنان و حفظ کرامت و بزرگواری خویش است. امام علی(ع) می فرماید: " با نادیده گرفتن چیزهای کوچک، خود را بزرگ کنید و بر قدر و منزلتتان بیفزایید".(۵) با این روش دیگر انسان احساس حقارت نمی کند، بلکه در دیگران تأثیر

می گذارد.

خواهر گرامی، موضوعی که نوشته اید، مخصوص این زمان نیست. همیشه افرادی بوده اند که اهل حق را با زبان اذیت کرده اند. قبل از انقلاب، افراد مذهبی از این مسئله رنج می بردند. پس از انقلاب نیز در زمان جنگ عده ای کنار گود نشسته و رزمندگان را ملامت می کردند، ولی کسی که به درستی و حقیقت کار خود اطمینان دارد، از کوره در نمی رود و هزینه باورهای خود را می پردازد که یکی از آن ها شنیدن سخنان ناروا است.

گفتار و کردار دیگران نباید مبنای تصمیم گیری ما باشد. اعتماد به نفس و استقلال فکر می تواند از نگرانی ها پیشگیری نماید. امام کاظم(ع) بر این امر تأکید کرد و خطاب به هشام فرمود: "اگر گردویی داشته باشی و دیگران به تو گویند: چه گوهری داری، وقتی خودت می دانی آن چه در دستت است گردو است، نباید این سخن در تو اثر داشته باشد. اگر گوهری در دست داشته باشی و به تو بگویند: این گردوها را از کجا آورده ای، نباید ترتیب اثر دهی. این سخن نباید به تو آسیب رساند، در حالی که می دانی گوهر در اختیار داری".(۶)

خداوند در قرآن می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خویشتن باشید. (و مطمئن باشید) اگر هدایت یافته باشید، گمراهان هیچ آسیبی به شما وارد نخواهند کرد".(۷)

حافظ نیز زیبا می سراید.

تو با خدای خویش انداز کار دل خوش دار که رحم اگر نکند مدعی، خدا بکند

پیشوایان دین به ما آموخته اند که پیرو جوّ و متأثر از افکار عمومی نباشیم و بر پایه خِرَد ورزی و

مصلحت اندیشی گام برداریم و از قضاوت و نگاه تحقیر آمیز دیگران، ترسی به خود راه ندهیم که خداوند با نیکوکاران است.

چه بسیار افرادی که به جهت ضعف ایمان و اعتقاد به خدا و نداشتن اعتماد به نفس با همین الفاظ دروغین و فریبکارانه مانند امل، از جاده صداقت و پاکی و عفت به در آمدند و عاقبت به جایی کشیده شده اند که جز تاریکی و ظلمت و بی کسی و پوچی نتیجه ای به بار نیاوردند. به یاد داشته باشیم افتادن و غلطیدن در گناه و سپس غرق شدن در آنها به حدی که دیگر نمی توان از آن بیرون آمد، ابتدا با همین حرف ها و کارها شروع

می شود. ابتدا با چیزهای بسیار ساده مانند رابطه معمولی با یک پسر و بی اعتنایی به حجاب شروع می شود، سپس به جایی ختم می گردد که هیچ گاه خود شخص تصور نمی کرد و یا حتی از تصور آن در ابتدا وحشت می کرد، دیگر حتی این احساس در او می میرد. و یا چیزهای زیبا برای او زشت شده و زشت زیبا نمایان می شود، افراد زیادی را سراغ داریم یا داستان های آنها را شنیده ایم که جز تأسف و تأثر انسان را بر نمی انگیزد ، اما متأسفانه انسان های غافل و یا شهوت پرست از آنها درس عبرت نمی گیرند.

اگر کسی به اشتباه به شما توهین کرد، با پاسخ دندان شکن او را برای همیشه پشیمان کنید. مطمئن باشید که دیگر تکرار نخواهد شد. دوری از اجتماع، راه حل مناسب برای مقابله با مشکلات نیست بلکه صورت مسئله

را پاک کردن است.

پی نوشت ها:

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۱، ماده لسن.

۲ . بروج (۸۵) آیه ۸.

۳. مائده (۵) آیه ۵۴.

۴. دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۰۱.

۵. فرقان (۲۵) آیه ۶۳.

۶. تحف العقول، ص ۲۲۴.

۷. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۶.

۸ . مائده (۵) آیه ۱۰۵.

افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟

پرسش

افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟

پاسخ

محیط آلوده و یا وراثت هر چند زمینه گناه را فراهم می کند اما هرگز علت کامل برای انجام گناه و ناهنجاری های اجتماعی نیست. چه بسا افرادی که از محیط مساعد و یا عامل وراثت برخوردار نبوده اند اما در اثر تلاش و پشتکار خود توانسته اند به مدارج علمی و عملی و اخلاقی نائل شوند. بر عکس افرادی که در دامن خانواده ای پاک و محیطی مساعد بزرگ شده اند اما راه گمراهی را برگزیده و به بدبختی رسیده اند. این امر نشان می دهد اراده انسان قوی تر از عوامل دیگر است. بر این اساس خداوند عذر و بهانه را از این گونه افراد نپذیرفته و در روز قیامت به آنان می گوید: چرا از محیط آلوده هجرت نکردید، مگر زمین خدا گسترده نبود؟! پس افرادی که در محیط نامناسبی پرورش یافته اند و کمبودهایی دارند، باید با جدیت و تلاش چند برابر، کاستی ها را جبران کنند و در برابر عوامل تأثیر گذار مقاومت نمایند وگرنه گناهی که توسط آنان انجام شود، برای آن ها ثبت خواهد شد و روز قیامت باید نزد خدا پاسخ دهند، مگر این که از عمل خود پشیمان شوند و توبه کنند.

البته بر اساس قانون عدل الهی، محاسبه عمل چنین افرادی به میزان کسانی که شرایط ایمان و عمل صالح برایشان فراهم بوده، نخواهد بود، یعنی اگر کسی در محیط آلوده یا خانواده غیر مؤمن به دنیا آمده و زندگی کرده و در عین حال رو به سوی ایمان به خداوند

و اعمال نیک آورده، از کسی که شرایط مطلوب تری داشته است، در درگاه الهی از ارزش بیشتری برخورد در خواهد بود.

بعضـــی می گوینـــد قانون منع اســتفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پرسش

بعضـی می گویند قانون منع اسـتفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پاسخ

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گسترده تبلیغات دشـمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویّت ملّی و اسـلامی همخوانی نـدارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشـتن آن نیز به صـلاح نمی باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کننـد. این سـخنماننـد آن است که بگوییم مغـازه هـای شـرابخواری یـا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگـذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنیـد! بدیهی است گناه لذت و جاذبه ای دارد که بسـیاری از جوانان را به سوی خود می کشاند. از طرفی از نظر اسلام موظفیم زمینه گناه را از بین ببریم.

ماهواره هرگز با ویـدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویـدئو را رها کردنـد، دلیلش آن نبود که ویدئو آزاد شد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویـدئو، اسـتفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشـتند فراهم شـد. از طرف دیگر صدا و سیما با ارائه فیلم ها و برنامه های ورزشـی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کند و به سوی خود جذب نماید. در ضـمن تهیه فیلم های خاص ویدئوئی با مشکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیاز

به صرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهد آماده، مانند ماهواره نیست.

در ضمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاصه نمی شود؛ برنامه های هنری و تبلیغاتی و سیاسی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یک نوع فرهنگ و تفکّری هم از جهت ظاهر و هم از جهت درونی القا می کند.

هر کشور و هر نظامی بالاخره به زبان خودش حلال وحرامی دارد؛ مجاز و ممنوعی دارد؛ فرهنگ خاص خود را دارد. در آمریکا هم شرابخواری علنی در معابر عمومی قانوناً ممنوع است و این ممنوعیت را ضد آزادی نمی دانند. البته کار سلبی به برکت کار ایجابی است که مؤثر است، یعنی علاوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد.(۱)

پی نوشت ها:

۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشته باشیم ، نیز با تصمیم و اراده جدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبند باشد، موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

۱ - نسبت به فرهنگ مورد نظر باید به صورت مشخص آگاهی کسب شود.

۲ - با دقت، تأمل، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشند.

۳ - راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص

کنند (اهداف عینی، قابل تعریف و اندازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم).

۴- سعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایید.

۵ - با مشخص شدن شیوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنند و ضمن آن که خود صمیمانه به آنها عمل می کنند با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی:

۱

– ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲ – مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی، شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و...

۳ – پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً : برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

– تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند.

– برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف.

– برگزاری کلاس های عقیدتی .

– برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

– تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری.

– مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده.

۴ – اجرای یک یک راه های به دست آمده.

۵ – امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .

۶ – تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پرسش

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پاسخ

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟

اگر منظور "تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان "برهان" مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین "خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و

ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلایم می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است.

در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان ، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پرسش

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پاسخ

از آن جا که موضوع ناموس و آبروی مردم از نظر اسلام بسیار مهم و حساس است (که علاوه بر مقوله اخلاق، رابطه مستقیم با امنیت ملی دارد) هرگونه بی اعتنایی و سستی و یا ساده انگاری در این امر، صدمه ها و آسیب های جبران ناپذیری به جامعه وارد می کند که به هیچ وجه قابل اصلاح نیست. البته موضوع ازدواج موقت در جای خود یکی از راهکارهای اصولی جهت ارضای غریزه جنسی و جلوگیری از روابط بی حد و حصر و نامشروع است. و در کاهش مشکلات جوانان مجرد مؤثر است و در بین فقهای شیعه امری مسلّم و پذیرفته شده است. اما مانند امور اجتماعی دیگر باید ضابطه مند گردد و شرایط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد راه سوء استفاده از آن بسته شود و بهترین راهکارها برای تحقق، از هر جهت اندیشیده شده و به صورت سهل و ساده با آن برخورد نشود.

از آن جا که خانه های عفاف قابل کنترل نبوده و عناصر فرصت طلب می توانستند تحت عنوان ازدواج ، در آن جا به هوسرانی بپردازند، برای پیشگیری از این امر نابهنجار ، خانه عفاف اگر چه مطرح شد، مورد اجرا قرار نگرفت، ولی راه ازدواج موقت منحصر به خانه عفاف نیست.

نکته ای که توجه به آن در مورد ازدواج موقت بسیار مهم است، این که باید از نظر فرهنگی و فکری نیز برای جامعه قابل توجیه باشد. برای بسیاری از مردم جامعه که به حقیقت مسئله ازدواج موقت آگاه نشده اند، این نوع ازدواج ، مسئله فحشا را تداعی می

کنـد. اگر در چنین فضـای فکری و فرهنگی بحث خـانه عفـاف مطرح شـود، این ذهنیت و برداشت عمیق تر و مؤثرتر می شود. بنابراین فرهنگ و فکر جامعه را نمی توان از نظر دور داشت.

در آینـده بـا تـدبیر و اتخـاذ روش هـای مبتنی بر علم و دین و بررسـی همه جـانبه موضوع، طرحی جامع ارائه شود تا هم بتواند پاسـخ گوی نیـاز غریزی باشـد و هم به فسـاد و بی بنـد و باری منجر نگردد و از نظر فکری و فرهنگی نیز قابل فهم و قابل قبول میان توده مردم باشد.

چرا ما ایرانیان با وجود داشـتن تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمدن اسلامی اکنون به این روز رسیده ایم و فساد در مملکت ما زیاد است؟!

پرسش

چرا مـا ایرانیان با وجود داشـتن تمـدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمـدن اسـلامی اکنون به این روز رسیده ایم و فساد در مملکت ما زیاد است؟!

پاسخ

رشد و پیشرفت های علمی و فرهنگی و اخلاق جامعه، وابسته به عوامل فراوانی است.

مـا ایرانیـان به قـدر توان و امکاناتمان تلاش کرده ایم. شایـد پـدران دانشـمند یا دانش دوست ها علاقه فراوانی به کسب علم و پیشـرفت داشـته اند. شاید وضـعیت سیاسـی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران به گونه ای بوده که دانشمندان را تکریم می کرده اند، یا مثلاً به کشاورزان و دامداران اهمیت زیادی می داده اند، به همین دلیل ما در آن دوران سـیری صعودی داشته ایم، در دوره تمدن اسـلامی، ایرانیان سرآمد دیگران بودند و نقش بزرگی در پیشرفت علوم و فنون ایفا کردند، لیکن از پانصد سال پیش تاکنون در جا زدنـد و کم کم چراغ پر فروغ تمدنی آنان به خاموشـی گرایید. این وضع از مجموعه ای از علت ها و زمینه ها برخاسته است که عبارت اند از:

۱ – درگیری هـای مـداوم داخلی و جنـگ هـای بی شـمار داخلی و خـارجی کـه سبب به هم خـوردن نظم اجتمـاعی و بـافت اقتصادی شده است.

می دانیم که علم در آرامش و امنیت رشد می کند، نه در جنگ و آشوب و اضطراب.

۲ – کمبود امکانات و ابزارهای مورد نیاز، مثل کتابخانه ها و اساتید فن و مشکل بودن زندگی از نظر معیشتی و...

۳ – حضور پادشاهان و حاکمان نالایق و ناآگاه که کمتر از ذوق و علاقه به دانش بهره مند بودند و میان پادشاهان

ایرانی، حاکمی که به علم پروری و دانش اندوزی و احترام به علم و فرهنگ همت گمارد، اندک است. اما پادشاهان مستبد و حریص و نادان و اهل عیش و عشرت فراوان داشته ایم!

۴ – عدم وجود نظام آموزشی درست. ابن خلدون در مقدمه خود به نکته جالبی اشاره می کند، او یکی از دلایل رشد عالمان اسلامی و عدم رشد علم در غرب را طولانی بودن مدت تحصیل در غرب و کوتاه بودن آن در شرق اسلامی می داند! متأسفانه امروزه این رویکرد برعکس است. مدت تحصیلات در غرب کوتاه و در ایران بلند است.

۵ – عدم حمایت کافی از دانشمندان ، مبتکران و صاحبان تولید اندیشه.

دنیای غرب اگراحساس کند در کسی توانایی انجام کاری جدید یا نوآوری هست، از او حمایت می کند ، ولی ما صبر می کنیم تا ۵۰ سال بعد از مرگش نابغه بودن او را برای ما اثبات کنند!

مسئله فساد هم که مطرح کردید، ربطی به رشد علمی ندارد و مرتبط با فرهنگ غنی گذشتگان نمی باشد. فساد اجتماعی به واسطه خصلت های اخلاقی و فرهنگی و ضعف های شخصیتی شکل می گیرد.

مشکل اساسی ، فرهنگی است . با کمال تأسف میان ما ایرانیان تنبلی راحت طلبی افراطی و دروغ گویی ، نیز لاف زدن و کبر و غرور و عدم رعایت قانون و دورویی و دیگر مفاسد اخلاقی اجتماعی که رایج است.

مشکل اصلی ما است ، مثلاً چند نفر برای کاری در نوبت و صف ایستاده اند، یکی از افراد با پارتی بازی و یا پول دادن، بر دیگران پیشی می گیرد و زودتر به خواسته اش می

رسد! در عرف و فرهنگ ما به او می گویند: آفرین که زرنگی کرده است. این کار در فرهنگ ما به عنوان زرنگی یاد می شود و برای او ارزش و شایستگی قائلند ، نه این که او را طرد کنند . وقتی که در فرهنگ اجتماعی و افکار عمومی؛ چنین امور برخورد نشود، معنایش فساد فرهنگی است که باعث عقب ماندگی است. اگر توانستیم فرهنگ را درست کنیم، می توانیم مشکل فساد را چاره اندیشی کنیم.

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پرسش

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پاسخ

تأثیر فرهنگ در جوامع یک طرفه نیست، یعنی فقط غربی ها بتوانند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار دهند، ولی ما نتوانیم و شواهدی در دست است که انقلاب اسلامی ایران به رغم رویارویی با توطئه های پی در پی در مقابل چشمان بهت زده تحلیل گران، تأثیر شگفت آور خود را در جهان داشته است. حیات مجدد کلیساها، افزایش بی سابقه مبلّغان مذهبی ، استقبال وسیع مردم از آثار صوتی و تصویری و مکتوب دینی، افزایش مخالفت های مردمی با پرده دری های اخلاقی ، بخشی از نشانه های تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در غرب می باشد.(۱)

این مسئله حتی از طرف مخالفان اسلام و انقلاب ایران مانند هانیتگتون (نظریه پرداز جنگ تمدن ها) مورد اعتراف قرار گرفته است. رشد روز افزون اسلام در غرب دلیل دیگر بر تأثیر انقلاب اسلامی و تبلیغات ما می باشد.

شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا با بیان این مطلب که دین اسلام با سرعتی فراتر از ادیان دیگر در حال گسترش است . اعلام نمود :"رشد اسلام در جوامعی که اکثریت آنان را مسیحیان تشکیل می دهند، باعث شده تا صاحب نظران آن جوامع از نوعی رنسانس اسلامی سخن به میان آورند".(۲)

نویسنده غربی در مقاله خود می نویسد : "اسلام به بمب ساعتی تبدیل شده است".(۳) برای مطالعه بیش تر در این باره به کتاب عصر امام خمینی از آقای صاحبی را پیشنهاد می کنیم.

غرب به دلیل اثرگذاری انقلاب اسلامی ، بودجه های هنگفتی را برای رویارویی با انقلاب و تهاجم فرهنگی در سطح گسترده

در نظر گرفته است و این طور وانمود می شود که آن ها موفق ترنـد، در حالی که اگر هوشـیارانه عمل کنیم، با توجه به برتری اسـلام و معارف بلنـد و بی نظیر قرآن و پشـتوانه عقلی و فطری مسـلمانان و وعـده تخلف ناپذیر الهی، پیروزی از آن ما خواهد بود.

واقعیت آن است که غرب به دلیل عواملی توانسته بر جوامع دیگر به ویژه ملت های مشرق و جهان سوم چیرگی یابد و به یاری تسلط خویش ، فرهنگ خود را نیز در آن جوامع نفوذ داده و گسترش دهد.

هانتینگتون معتقـداست : "پیروزی غرب بر جهان ناشـی از برتری اندیشه ها ، ارزش ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود".(۴)

وی می افزاید: "عواملی که باعث گسترش فوق العاده و منحصر به فرد سلطه غرب شد، از این قرار بود:

۱ - ساختار اجتماعی و روابط طبقاتی موجود در غرب

۲ - رشد شهرها و گسترش تجارت

۳ - پراکندگی نسبی قدرت در جوامع غربی

۴ - ایجاد نظام اداری کشوری

۵ - رشد فن آوری

۶ - اختراع عوامل حمل و نقل دریایی

۷ - بسط ظرفیت های نظامی برای تصرف سرزمین ها".(۵)

امکانات گسترده دشـمن و تأسیس سایت های متعدد و استفاده از ماهواره و ابزارهای تبلیغاتی ، نیز جذابیت ظاهری برنامه های فرهنگی آنان و انگشت نهادن بر نیازهای غریزی انسان ها ، همچنین مقید نبودن به حدود و مرزهای اخلاقی و توسل جسـتن به شیوه هـای نـاجوانمردانه و مزوّرانه ، نیز شـایعه و دروغ پردازی و تخریب شخصـیت بزرگان باعث شـده فرهنگ غرب، خود را بیش

تر مطرح کند . البته نباید ضعف و سستی مسلمانان و تفرقه موجود میان کشورهای اسلامی را نادیده گرفت.

وضع نابسامان موجود هوشیاری ما را می طلبد . اگر خود را آماده رویارویی با فرهنگ بیگانه نکنیم و اختلافات را کنار نزنیم، به شدت آسیب پذیر می شویم اما اگر به هویت ملی و اسلامی خود برگردیم، به فرمایش قرآن، حق ماندنی و جاودان است و باطل زوال پذیر.

پی نوشت ها :

۱ – میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی ، ص ۴ – ۳۶۳.

۲ – همان، ص ۳۷۲.

۳ – همان، ص ۳۷۳.

۴ – محمد رضا شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۱۵۵.

۵ – همان.

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پرسش

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پاسخ

متأسفانه گرایش به مظاهر غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته شده ، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی پیشرفت تلقی می شود. کسی کار ندارد که ایا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ یا نه از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش می شود.

الگوپذیری تنها در مد مو و لباس و آرایش و موسیقی و... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها، نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و ... نیز جریان دارد که شرح آن فرصتی دیگر می طلبد.

تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کند و آن را جزء فرهنگ خود نماید، نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته و پیروی محض باشد، بدون در نظر گرفتن خوبی ها و بدی هایش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را نفرین نموده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

متأسفانه ما در شناخت فرهنگ خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های دیگر دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم توده مردم.

فرهنگ اسلامی به مراتب بهتر و ارزشمندتر از فرهنگ غرب است. در فرهنگ اسلامی با مظاهر فساد و فحشا

و ظلم و اجحاف و بی عدالتی مبارزه می شود، ولی متأسفانه فرهنگ غربی تبلیغ کننده فساد و فحشا است و باعث از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و نابودی رحم و مروّت و انصاف می شود و بر مبنای سود خواهی و سودپرستی است. از این رو مسلمانان باید از نظر فرهنگی استقلال داشته باشند. در عین حال از موارد خوب فرهنگ های دیگر نیز استفاده کرده و آن ها را در فرهنگ خود وارد کنند.

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پرسش

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پاسخ

از آن جا که موضوع ناموس و آبروی مردم از نظر اسلام بسیار مهم و حساس است (که علاوه بر مقوله اخلاق، رابطه مستقیم با امنیت ملی دارد) هرگونه بی اعتنایی و سستی و یا ساده انگاری در این امر، صدمه ها و آسیب های جبران ناپذیری به جامعه وارد می کند که به هیچ وجه قابل اصلاح نیست. البته موضوع ازدواج موقت در جای خود یکی از راهکارهای اصولی جهت ارضای غریزه جنسی و جلوگیری از روابط بی حد و حصر و نامشروع است. و در کاهش مشکلات جوانان مجرد مؤثر است و در بین فقهای شیعه امری مسلّم و پذیرفته شده است. اما مانند امور اجتماعی دیگر باید ضابطه مند گردد و شرایط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد راه سوء استفاده از آن بسته شود و بهترین راهکارها برای تحقق، از هر جهت اندیشیده شده و به صورت سهل و ساده با آن برخورد نشود.

از آن جا که خانه های عفاف قابل کنترل نبوده و عناصر فرصت طلب می توانستند تحت عنوان ازدواج ، در آن جا به هوسرانی بپردازند، برای پیشگیری از این امر نابهنجار ، خانه عفاف اگر چه مطرح شد، مورد اجرا قرار نگرفت، ولی راه ازدواج موقت منحصر به خانه عفاف نیست.

نکته ای که توجه به آن در مورد ازدواج موقت بسیار مهم است، این که باید از نظر فرهنگی و فکری نیز برای جامعه قابل توجیه باشد. برای بسیاری از مردم جامعه که به حقیقت مسئله ازدواج موقت آگاه نشده اند، این نوع ازدواج ، مسئله فحشا را تداعی می

کنـد. اگر در چنین فضـای فکری و فرهنگی بحث خـانه عفـاف مطرح شـود، این ذهنیت و برداشت عمیق تر و مؤثرتر می شود. بنابراین فرهنگ و فکر جامعه را نمی توان از نظر دور داشت.

در آینـده بـا تـدبیر و اتخـاذ روش هـای مبتنی بر علم و دین و بررسـی همه جـانبه موضوع، طرحی جامع ارائه شود تا هم بتواند پاسـخ گوی نیـاز غریزی باشـد و هم به فسـاد و بی بنـد و باری منجر نگردد و از نظر فکری و فرهنگی نیز قابل فهم و قابل قبول میان توده مردم باشد.

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتـدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شـناخت و نسـبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگـاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشـر و اشـاعه یـک فرهنگ آن است که ابتـدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسـیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشـته باشیم ، نیز با تصمیم و اراده جدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسـی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبنـد باشد، موجب ترویج و نشـر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

۱ – نسبت به فرهنگ مورد نظر باید به صورت مشخص آگاهی کسب شود.

۲ – با دقت، تأمل، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشند.

۳ – راهکارهـای تحقق و دست یـابی به اهـداف فرهنگی را بـا مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشـخص کنند (اهداف عینی، قابل تعریف و اندازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم).

۴– سعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایبند.

۵ – با مشـخص شدن شیوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنند و ضمن آن که خود صمیمـانه به آنها عمـل می کننـد بـا روش هـای پسـندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نماییـد. به عنوان مثـال برای گسترش فرهنگ اسلامی:

– ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲ – مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی،

شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و...

۳ – پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً : برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

– تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند.

– برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف.

– برگزاری کلاس های عقیدتی .

– برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

– تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری.

– مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده.

۴ – اجرای یک یک راه های به دست آمده.

۵ – امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .

۶ – تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

تلفن مستقیم: ۷۷۴۳۱۸۳ و ۹۴-۷۷۴۳۱۸۹ ۰۲۵۱ –

علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟

پرسش

علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ – آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ – به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟

۳ – راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و

مشروب فروشی ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم،

احساس (۱) می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به

مسایل معنوی و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعـالیت چشـمگیر عناصـر وابسـته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمـد و فاقـد مدیریت و نداشـتن روح تعاون و دلسوزی اسـلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...،

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عـدم اجرای ارزش هـای اسـلامی و دینی در جامعه ماننـد عـدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویـج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معیّن ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی (که در

حقیقت پیروزی اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اوّل و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شبیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مستقیم یا با واسطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با

استفاده از شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ - سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ - راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن،

۳ - القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ - القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ - القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ - به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ - بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومش این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر

چه ممکن است در برخی از آنان که از اوّل مایه دینی و هویت فرهنگی ضعیفی داشته اند چنین باشد، اما بحمداله وضعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأیید می کند. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و غیر آن هستند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیل نگرش ها و گرایش های دینی جوانان که از نتایج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخذ شده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

۵) ۴۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه

ی مسلمانی)

۶) ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند.

۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند .

۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.)

۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در

زندگی اجتماعی تقلیل پیدا کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ - آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ - به فرض اثبات مدعا_علل آن چیست؟

۳ - راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از

جوانان جامعه گ........ЉЪХیکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی ها ،

نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱) می شود

که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی و ارزشی

شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...،

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معیّن ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی (که در حقیقت پیروزی اسلام بر

کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اوّل و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شبیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مستقیم یا با واسطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از شیوه های

متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ – سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ – راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن،

۳ – القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ – القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ – القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ – به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ – بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومش این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن است در

برخی از آنـان که از اوّل مـایه دینی و هویت فرهنگی ضـعیفی داشـته انـد چنین باشـد، اما بحمـداله وضـعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأییـد می کنـد. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شـب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صـحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشـگاهی و غیر آن هسـتند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیـل نگرش هـا و گرایش هـای دینی جوانـان که از نتایـج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخـذ شـده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

۴) ۸۰ درصد دانشـجویان نقش خداوند را در زندگی بسـیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصـد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

۵) ۴۳ درصد دانشـجویان خود را مسـلمان عادی دانسـته اند. ۲۸ درصـد نواندیش، ۱۶ درصـد انقلابی و ۵/۲ درصـد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی)

۶) ۹۷

درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند.

۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند .

۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.)

۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی تقلیل پیدا

کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ – ۱۰.

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پرسش

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پاسخ

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟

اگر منظور "تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان "برهان" مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین "خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلایم می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است.

در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان ، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و پایبند نماز شوند؟

پرسش

با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و

پایبند نماز شوند؟

پاسخ

در برخورد بـا جوانـان نبایـد همه کارهایی را که از آنان سـرمی زنـد و بزرگ ترها نمی پسـندند، زشت بـدانیم و با آنان مانند جنایتکـاران و گناهکاران برخورد کنیم و آنان را بی دین بـدانیم، چون بسـیاری از کارهای آنها نشانه بی دینی نیست ، ولی ما تصور صـحیحی از آنها نداریم. اگر کارهای خلافی از آنان سر می زند، می توانیم با روشی صحیح و منطقی و با اخلاقی نیکو برخوردی صحیح و عاقلانه داشته باشیم تا از دین و معنویت زده نشوند. نقش خانواده ها در گرایش های مذهبی و غیر مذهبی جوانـان بسـیار است، بلکه اسـاس و زیربنـای ساختار رفتاری فرزنـدان، در خانواده ها شـکل می گیرد. از این جهت در آیات و روایات نسبت به فرزندان و تربیت آنان سفارش های فراوانی به پدران و مادران شده و بر تربیت صحیح آنان تأکید شده است. رفتارها و اخلاق پـدران و مادران تأثیر مثبت یا منفی بر فرزندان دارد. اگر پدر و مادری گرایش مذهبی نداشـته باشـند، در این که با فرزنـدان آنان چگونه بایـد برخورد شود تا عشق به مـذهب در دل آنان شـعله ور شود و به سوی حق و عـدل تمایل پیـدا کنند، شاید کاری بسیار مشکل باشد و ظرافت خاصی لازم دارد.

برای جذب جوانان به عنوان پدر و مادر لازم است:

۱ اخلاق و رفتار شما عاقلانه و صحیح باشد. کج فکری، کوتاه بینی و کج خُلقی بازدارندگی دارد و از تاثیر گفتارها و نصایح شما می کاهد.

۲ شما باید برای جوان جذابیت داشته باشید

تا سخنان و رفتار شما برای او مؤثر و الگو باشد.

۳ استفاده از آیات قرآن و احادیث مناسب و نقل روش و سیره پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و بزرگان اگر به طور صحیح انجام شود، تأثیر بسیاری در جذب آنان دارد. امام رضا(ع) فرمود: انّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لإ تتبعونا؛(۱) اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می کنند." شخصی به نام خیثمه می گوید: بر امام باقر(ع) وارد شدم. حضرت فرمود: ای خیثمه! شیعیان ما محبّت در دلشان افکنده می شود و آنان ما را دوست دارند، در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده اند. اگر آنان ما را ببینند و کلام ما را بشنوند، بر هدایت آنان افزوده می شود". (۲) از امام رضا(ع) نقل شده است: تقوا و ورع را مراعات کنید. امانت دار و راستگو باشید. نسبت به همسایه ها خوشرفتار باشید. این ها چیزهایی است که محمد(ص) بدان ها سفارش کرده است. در بین مردم نماز را برپا کنید و به دیدار خویشان خود بروید و به عیادت مریضان بروید. در تشییع جنازه ها شرکت کنید. زینت ما باشید و باعث زشتی و وهن ما نباشید. ما را پیش چشم مردم، بد جلوه ندهید و باعث نشوید که مردم به ما بدبین شوند".(۳) حُسن خلق و رفتار زیبا نقش مؤثری در جذب دیگران مخصوصاً جوانان دارد و آنان را به اسلام و رفتار اسلامی جذب می کند. معاشرت با خانواده های مذهبی به خصوص معاشرت با خوبان بسیار مؤثر است.

در صورتی که نوع برخورد با جوانان را برای جذب به باورهای دینی و واجبات و تکالیف ، از زاویه فریضه دینی امر به معروف نگاه کنیم،

در پاسخ می گوییم:

امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت بزرگی است که باید با ظرافت خاص انجام گیرد. طبیعی است که اگر این فریضه الهی به طور شایسته عملی نگردد، چه بسا اثر معکوس خواهد داشت. از این رو اسلام آداب خاصی را برای امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱ــ حُسن برخورد:

قرآن مجید خطاب به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: "ای پیغمبر! به بندگانم بگو که با مردم با نیکوترین وجه صحبت نمایند". (۴) خداوند از حضرت موسی (ع) می خواهد با فرعونی که ادعای خدایی دارد با نرمی و ملاطفت تکلم کند و به ایشان بگوید: آیا میل داری که پاکیزه شوی؟ آیا می خواهی تو را به راه خداوند هدایت کنم تا به درگاه او خاشع شوی؟(۵)

هرگز نمی توان با خشم و خشونت، جوانی را از گناه باز داشت. روح جوان بسیار آسیب پذیر است و در برابر برخورد قهر آمیز و اکنش نشان می دهد، از این رو باید مواظب بود تا لطمه ای به شخصیت افراد وارد نشود. استفاده از جملاتی مانند "این عمل در شأن شما نیست" و "شأن شما بالاتر از این ها است"، "شما سرمایه های این مملکت هستید و جامعه و تاریخ به شما امید دارد" بسیار مؤثر است. امام خمینی در این باره می گوید: سزاوار است آمر به معروف و ناهی از منکر، در امر و نهی خود و مراتب انکارش، چون طبیبی دلسوز و پدری مهربان که مصلحت مرتکب را رعایت می کند باشد و انکارش بر او خصوصاً و بر امت

عموماً لطف و رحمت باشد.(۶)

۲ــ جلب اعتماد: امر به معروف و نهی از منکر در صورتی با موفقیت انجام می گیرد که اعتماد طرف مقابل جلب شود. بدون جلب اعتماد نمی توان در شخصی نفوذ کرد، از این رو امام علی(ع) می فرماید: "دل های مردم وحشی است، پس هر کسی بتواند با آن ها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد". (۷) برای این کار باید به خطاکار شخصیت داد و از به کار بردن الفاظ تحقیر آمیز خودداری کرد.

۳ــ در نظر گرفتن وضع روحی و روانی:

در اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر باید شرایط مخاطب را در نظر گرفت. اگر عصبانی است نمی توان نصیحت کرد. امام علی(ع) می فرماید "برای دل های آدمیان، علاقه و اقبال و گاهی تنفر و ادبار است. هنگامی که می خواهید کاری را انجام دهید از طریق علاقه اشخاص وارد شوید زیرا هنگامی که کسی را مجبور بر کاری کنید نابینا می شود".(۸) یعنی خود را به کوری و کری می زند.

۴ــ محترم شمردن عقاید افراد: دختر خانمی که لباس مبتذل پوشیده و یا جوانی که سر و وضع خاصی دارد، این ها را ارزش تلقی می کند و نشانه شخصیت می داند. اگر چه از دید ما این نظریه باطل است اما باید توجه داشت که توهین کردن به عقیده و نظر آن ها توهین به همه وجودشان خواهد بود. از این رو اسلام به مسلمانان دستور می دهد که از توهین کردن به بت پرست ها خودداری کنند.(۹)

پی نوشت ها :

۱ . بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰.

۲ . همان، ج

۲۴ ، ص ۱۵۱.

۳ . همان، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

۴ . اسراء (۱۷) آیه ۵۳.

۵ . نازعات، آیه ۱۸ و ۱۹.

۶ . تحریر الوسیله، ج۱، ص ۴۸۱.

۷ . نهج البلاغه، قصار ۴۷.

۸ . نهج البلاغه، قصار ۱۹۳.

۹ . انعام(۶) آیه ۱۰۸.

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پاسخ

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است :اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدتها پیش در میان جوانان ما کرده اندو آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع , بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده رابا تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد وناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده , هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روزآشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم

نیستند , اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز مانیست .

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پاسخ

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است :اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدتها پیش در میان جوانان ما کرده اندو آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع , بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده رابا تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد وناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده , هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روزآشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم

نیستند , اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز مانیست .

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پاسخ

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است :اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدتها پیش در میان جوانان ما کرده اندو آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع , بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده رابا تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد وناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده , هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روزآشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم

نیستند , اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز مانیست .

علما و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کردهاند یا شهدا؟

پرسش

علما و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کردهاند یا شهدا؟

پاسخ

هیچکس به اندازه شهدا به بشریت خدمت نکرده است، چون آنها هستند که راه را برای دیگران باز میکنند و برای بشر آزادی را به هدیه میآورند، آنها هستند که برای بشر محیط عدالت به وجود میآورند که دانشمند به کار دانش خود مشغول باشد، مخترع با خیال راحت به کار اختراع خودش مشغول باشد، تاجر تجارت کند، محصل درس بخواند و هرکسی کار خودش را انجام بدهد. اوست که محیط [مناسب] را برای دیگران به وجود میآورد.

ابن سینا قانون ننوشت، محمدبن زکریا الحاوی ننوشت، سعدی ذوق خودش را در بوستان و گلستان نشان نداد، مولوی همینطور، مگر از پرتو شهدا، آنهایی که تمدن عظیم اسلامی را پایهگذاری کردند، موانع را از سر راه بشریت برداشتند، آنهایی که مثل شعلههایی در یک ظلمتهایی درخشیدند و جان خودشان را فدا کردند، آنهایی که سراسر وجودشان حماسه الهی بود، حق خواهی و حق پرستی بود، آنهایی که پرچم توحید را در دنیا به اهتزاز در آوردند و مستقر کردند، آنهایی که منادی عدالت بودند، منادی حریّت و آزادی بودند. ما و شما مدیون قطرات خون آنها هستیم، مدیون حماسههای آنها هستیم

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پاسخ

در این مورد هم مثل همه موارد، ما باید قبل از توجه به علل خارجی قضیه، سخن معروف منسوب به امیر المومنین(ع) را فراموش نکنیم که فرمود: «دَواؤُکَ فیکَ وَ داؤُکَ مِنکَ» دوای درد تو در خود تو است و منشا درد هم در خود تو است. این خود ما بودیم که این عنصر را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشاندیم.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از نظر اجرایی شرایطی دارد . اولین شرطش حسن نیت و اخلاص است. ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تجاهر می شود حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است نداریم. ولی در گذشته نزدیک، یک عده مردم ماجرا جو و شرور بالطبع که می خواستند ماجرا

جویی کننـد و حسـاب خرده هـای خود را با دیگران صاف کننـد، این اصل مقـدس را دست آویز قرار می دادنـد ، احیاناً برای آنکه بتواننـد، مقاصـد خود را عملی کننـد چنـد صـباحی در گوشه مـدرسه زنـد گی می کردنـد و برای خود عبـایی و ردایی و عمـامه و نعلینی و ریش و هیکلی می اختنـد و بعـد بـه جـان مردم می افتادنـد. چه جرمهـا و جنایتهـا که به این نـام نشـد ! و چه منکرات شنیع که به نام نهی از منکر واقع نشد ! داستان ها در این زمینه هم شنیده ایم و می دانیم.

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پاسخ

در این مـورد هم مثـل همه موارد، مـا بایـد قبـل از توجه به علـل خـارجی قضـیه، سـخن معروف منسوب به امیر المومنین(ع) را فراموش نکنیم که فرمود: «دَواؤُکَ فیـکَ وَ داؤُکَ مِنـکَ» دوای درد تو در خود تو است و منشـا درد هم در خود تو است. این خود ما بودیم که این عنصر را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشاندیم.

امر بـه معروف و نهی از منکر در اسـلام از نظر اجرایی شـرایطی دارد . اولین شـرطش حسن نیت و اخلاـص است. مـا فقـط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تجاهر می شود حق تعرض داریم. دیگر حق تجسـس و مـداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصـی مردم است نداریم. ولی در گذشته نزدیک، یک عده مردم ماجرا جو و شرور بالطبع که می خواستند ماجرا جویی کننـد و حسـاب خرده هـای خود را با دیگران صاف کننـد، این اصل مقـدس را دست آویز قرار می دادنـد ، احیاناً برای آنکه بتواننـد، مقاصـد خود را عملی کننـد چنـد صـباحی در گوشه مـدرسه زنـد گی می کردنـد و برای خود عبـایی و ردایی و عمـامه و نعلینی و ریش و هیکلی می اختنـد و بعـد بـه جـان مردم می افتادنـد. چه جرمهـا و جنایتهـا که به این نـام نشـد ! و چه منکرات شنیع که به نام نهی از منکر واقع نشد ! داستان ها در این زمینه هم شنیده ایم و می دانیم.

برای فرهنگ سازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پرسش

برای فرهنگ سازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پاسخ

بایـد از فرهنـگ غنی و پرمایه اسـلام کمک گرفت، و از طرق مختلف، آن را بارور و پر ثمر ساخت؛ به عنوان نمونه، طرق زیر پیشنهاد می شود :

۱ بهره گیری هر چه بیشتر از آیات مناسب قرآن مجید با تحلیل و تفسیر روشن برای ارتقای سطح فرهنگ و اخلاق.

۲ بهره گیری از متون اصلی سخنان پیشوایان بزرگ اسلام، مخصوصاً سخنان پیامبر (ص) و خطبه های نهج البلاغه ودعاهای صحیفه سجّادیه که برای هر یک از رشته های مدیریّت و فرماندهی، فرازهای زنده ای در آنها می توان یافت و از آنها الهام گرفت.

۳ تجزیه و تحلیل حکومت پیامبر (ص) و حوادث تاریخی غزوات او و حکومت و جنگهای علی(ع) و یارانش، و ریشه یابی حادثه خونین کربلا ـ و ریزه کاریهایش که صحنه های مشابه آنها دائماً در زندگی ما به چشم می خورد، و بطور کلّی، بهره گیری از سنّت رسول خدا(ص) و سیره ائمّه طاهرین(ع) و بزرگان تاریخ اسلام و حوادث مهمّ زندگی آنان.

۴ استفاده از دعاها و مناجات پر محتوای ائمّه هدی (ع) که فوق العاده پرمایه و غنی و الهامبخش است و جمله به جمله آن، حرکت آفرین می باشد؛ دعاهائی همچون کمیل؛ ندبه؛ صباح؛ و صحیفه سجّادیه و دعاهای عرفه امام حسین(ع) و ابوحمزه و مانند آن که روح و جان افراد را چنان نور و صفائی می بخشد که آمادگی برای هرگونه فداکاری به آنها می دهد؛ البتّه باید به دقّت مراقب بود که به صورت افراطی و خسته کننده و ملال آور نباشد.

۵ آموزشهای مکتبی و اسلامی در مقطع های مختلف، برای تحکیم پایه های ایمان و اعتقاد به «الله» و معاد و زندگی پس

از مرگ.

۶ نشـر انتشارات جالب و پرمایه و غیر تکراری عمومی یا مخصوص همان تشکیلات برای تداوم بخشیدن به جوشش انگیزه ها؛ و تأسیس کتابخانه، هر چند کوچک امّا پرمایه، در محدوده مدیریّت برای سرعت بخشیدن به آگاهییهای فزاینده.

۷ تجلیـل و بزرگــداشت خدمتگـذاران گذشــته و حـال و تجلیـل از شــهدا و خـانواده هـای آنهـا و قـدردانی از زحمـات افراد زحمتکش، و دریدن «حجاب معاصرت» در این رابطه، و امور ابتکاری دیگری که در ایجاد و تقویت انگیزه ها مؤثر است.

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پرسش

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پاسخ

کسـانی که داعیه پیروی از امیرالمؤمنین و امـام حسـین(ع) دارنـد و خواهـان باز گشت دوباره قرآن و عترت به صـحنه جامعه و زنـدگی هسـتند، بایـد قرآن را درست بررسـی کننـد و حقایق آن را بفهمند و باید از والیِ قرآن شـناسِ عالِم و آگاه یعنی فقیه عادل پیروی کنند.

نکته قابـل توجه در اینجـا این است که بایـد همه بـا هم قرآن را بفهمنـد؛ چون تـا قرآن را بـا هم نفهمنـد هماهنگی و وحـدت اسـلامی که مـورد سـفارش قرآن و عـترت است، ممکن نخواهـد بود. آیه شـریفه «واعتصـموا بحبـل الله جمیعاً ولاـ تفرقوا» آل عمران/۱۰۳

بـدین معنا نیست که همه شـما قرآن را به تنهائی و طبق برداشت شخصـی بفهمیـد، بلکه به این معناست که آن را با هم به نحو تضارب آرا و توافق افکار بفهمیـد، همه با هم مسـلمان باشـید و در این مسیر از یکـدیگر جـدا نشویـد و تفرقه و دوگانگی راه نیندازیـد، اگر توانستیم بـا هم قرآن را بفهمیم و مسایل اسـلامی را در پرتو قرآن تحلیل کنیم؛ با تبادل انـدیشه ها اختلاف نظر، اختلاـف فکر، اختلاف سـلیقه و در نهایتْ یکـدیگر را تحمل می کنیم. چنان که در حوزه های علمیّه فقیهان فراوانی داریم که فهم هـای گونـاگون از یک روایت و در نتیجه فتواهای مختلف دارنـد، امّا یکـدیگر را تحمّل می کننـد، یکـدیگر را عادل می دانند پشت سر یکدیگر نماز می خوانند و عمل یکدیگر را صحیح می دانند؛ چون با هم تبادل نظر می کنند.

با هم فهمیدن متون مقدس دینی غیر از بدون هم فهمیدن است. بدون هم فهمیدن تنازع، ضـعف، ترس، سستی و زوال شوکت را

به دنبال دارد و مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: «لا تَنازعوا فَتفشلوا و تذهب ریحکم». انفال/۴۶

همان طور که در حرکتهای دیگر اجتماعی، سیاسی، مذهبی نیز باید این وحدت را حفظ کرد. باید بدانیم که با هم عزاداری کردن، غیر از بدون هم عزاداری کردن و دسته و جمعیتی جدا راه انداختن است. عزاداریِ جمعی، مشتی محکم بر دهان یاوه گویان و خار چشم دشمنان است و ضد انقلاب خارج و داخل کشور را ناامید می کند.

خداوند به ما نفرموده است هر کدام به تنهایی دستورهای الهی را انجام دهید. بلکه همواره سفارش به اجتماع و همراهی با جامعه و جمعیت مسلمین، مؤمنین و متدینین نموده است. رهبران الهی فرمودند: با هم نماز بخوانید، با هم روزه بگیرید، با هم قرآن بخوانید و... .

البته ممکن است کسی فریب نفس مسوّله را بخورد و گمان کند که در خانه به تنهایی عزاداری کردن، نماز خواندن و مانند آن، حضور قلب بیشتری برای انسان می آورد. لیکن چنین افرادی باید بدانند که ممکن است خدای نخواسته در اثر ترک جامعه و انزوای از امت اسلامی تحت ولایت شیطان قرار گیرند و ندانسته عمری را به عبادت شیطان سپری کنند. اینجاست که پاهای برهنه عزیزان عزادار و سینه زن ابا عبدالله الحسین(ع) که مناسک عبادی و مراسم سوگواری را با هماهنگی کامل انجام می دهند بیشتر از پیشانی پینه بسته متحجّران سطحی نگر و ظاهر بین ارزش دارد. او نمی فهمد که به عبادت شیطان مشغول است. هیچ گاه به ما دستور انزوا نداده اند بلکه همه جا دستور به عبادت و اطاعت جمعی داده اند. حتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: اگر کسی

در نماز جماعت شرکت نکند من خانه اش را آتش می زنم. هرگز کسی خیال نکند که اگر ما نمازمان را در خانه به تنهایی بخوانیم کار صحیحی است. نماز داخل خانه غیر از نماز در مساجد است. مساجد را همیشه باید پر کرد که ما هر چه داریم از مسجد داریم.

علاوه بر این چنانچه ارتباط خود را با مسجد مستحکم کردیم بچه ها و نسل آینده خود را بیمه خواهیم کرد و باید توجه داشته باشیم که اگر خدای ناکرده فرزندی از خانواده ای به انحراف کشیده شود آن خانواده به دردی توان فرسا مبتلا می شود، پس چه بهتر که رابطه را با مساجد که مهد تربیت همه افراد، خصوصاً نوسالان و نونهالان است، برقرار کنیم.

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پرسش

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پاسخ

کسانی که داعیه پیروی از امیرالمؤمنین و امام حسین(ع) دارند و خواهان باز گشت دوباره قرآن و عترت به صحنه جامعه و زندگی هستند، باید قرآن را درست بررسی کنند و حقایق آن را بفهمند و باید از والیِ قرآن شناسِ عالِم و آگاه یعنی فقیه عادل پیروی کنند.

نکته قابل توجه در اینجا این است که باید همه با هم قرآن را بفهمند؛ چون تا قرآن را با هم نفهمند هماهنگی و وحدت اسلامی که مورد سفارش قرآن و عترت است، ممکن نخواهد بود. آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» آل عمران/۱۰۳

بدین معنا نیست که همه شما قرآن را به تنهائی و طبق برداشت شخصی بفهمید، بلکه به این معناست که آن را با هم به نحو تضارب آرا و توافق افکار بفهمید، همه با هم مسلمان باشید و در این مسیر از یکدیگر جدا نشوید و تفرقه و دوگانگی راه نیندازید، اگر توانستیم با هم قرآن را بفهمیم و مسایل اسلامی را در پرتو قرآن تحلیل کنیم؛ با تبادل اندیشه ها اختلاف نظر، اختلاف فکر، اختلاف سلیقه و در نهایتْ یکدیگر را تحمل می کنیم. چنان که در حوزه های علمیّه فقیهان فراوانی داریم که فهم های گوناگون از یک روایت و در نتیجه فتواهای مختلف دارند، امّا یکدیگر را تحمّل می کنند، یکدیگر را عادل می دانند پشت سر یکدیگر نماز می خوانند و عمل یکدیگر را صحیح می دانند؛ چون با هم تبادل نظر می کنند.

با هم فهمیدن متون مقدس دینی غیر از بدون هم فهمیدن است. بدون هم فهمیدن تنازع، ضعف، ترس، سستی و زوال شوکت را

به دنبال دارد و مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: «لا تَنازعوا فَتفشلوا و تذهب ریحکم». انفال/۴۶

همان طور که در حرکتهای دیگر اجتماعی، سیاسی، مذهبی نیز باید این وحدت را حفظ کرد. باید بدانیم که با هم عزاداری کردن، غیر از بدون هم عزاداری کردن و دسته و جمعیتی جدا راه انداختن است. عزاداریِ جمعی، مشتی محکم بر دهان یاوه گویان و خار چشم دشمنان است و ضد انقلاب خارج و داخل کشور را ناامید می کند.

خداوند به ما نفرموده است هر کدام به تنهایی دستورهای الهی را انجام دهید. بلکه همواره سفارش به اجتماع و همراهی با جامعه و جمعیت مسلمین، مؤمنین و متدینین نموده است. رهبران الهی فرمودند: با هم نماز بخوانید، با هم روزه بگیرید، با هم قرآن بخوانید و... .

البته ممکن است کسی فریب نفس مسوّله را بخورد و گمان کند که در خانه به تنهایی عزاداری کردن، نماز خواندن و مانند آن، حضور قلب بیشتری برای انسان می آورد. لیکن چنین افرادی باید بدانند که ممکن است خدای نخواسته در اثر ترک جامعه و انزوای از امت اسلامی تحت ولایت شیطان قرار گیرند و ندانسته عمری را به عبادت شیطان سپری کنند. اینجاست که پاهای برهنه عزیزان عزادار و سینه زن ابا عبدالله الحسین(ع) که مناسک عبادی و مراسم سوگواری را با هماهنگی کامل انجام می دهند بیشتر از پیشانی پینه بسته متحجّران سطحی نگر و ظاهر بین ارزش دارد. او نمی فهمد که به عبادت شیطان مشغول است. هیچ گاه به ما دستور انزوا نداده اند بلکه همه جا دستور به عبادت و اطاعت جمعی داده اند. حتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: اگر کسی

در نماز جماعت شرکت نکند من خانه اش را آتش می زنم. هرگز کسی خیال نکند که اگر ما نمازمان را در خانه به تنهایی بخوانیم کار صحیحی است. نماز داخل خانه غیر از نماز در مساجد است. مساجد را همیشه باید پر کرد که ما هر چه داریم از مسجد داریم.

علاوه بر این چنانچه ارتباط خود را با مسجد مستحکم کردیم بچه ها و نسل آینده خود را بیمه خواهیم کرد و باید توجه داشته باشیم که اگر خدای ناکرده فرزندی از خانواده ای به انحراف کشیده شود آن خانواده به دردی توان فرسا مبتلا می شود، پس چه بهتر که رابطه را با مساجد که مهد تربیت همه افراد، خصوصاً نوسالان و نونهالان است، برقرار کنیم.

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمتی ، هر اندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روزقیامت جوابی برای آن نخواهد داشت . در این رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید .امید است ان شا الله بر این گناه غالب شوید : ۱) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید .۲) هر روز صبح با خدا ((شرط)) کنید که امروز غیبت نمی کنم . در طول روز کاملا مراقب رعایت این شرط باشید و جدا بکوشیدبرای اولین بار از آن تخلف نکنید .شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را وارسی کنید .اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلاتصمیم بگیرید با دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت وگوی غیرضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید.;

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پرسش

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پاسخ

اینترنت محصول علمی و فنی بشر است و مانند هر ابزاردیگری می تواند استفاده مثبت یا منفی داشته باشد بنابراین آنچه دارای

اهمیت است بالابردن ضریب مثبت در ابعاد مختلف (تکنولوژی ، فن آوری ،تبلیغ در اسلام و ...) و جلوگیری کامل یا کاهش اثرات منفی این رسانه مهم جهانی می باشد مسلما" ما برای دستیابی به توسعه ای سریع و همه جانبه وایجاد تمدن اسلامی و عقب نماندن از قافله علم و تمدن بشری نیازمنداستفاده از تکنولوژی وفن آوریهای پیشرفته می باشیم که یکی از مهمترین آن شبکه جهانی اینترنت است که در همه زمینه های علمی ، تحقیقی ، هنری ،سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروعات و جزییات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آن جا که مراکزی از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی ،هنری ، سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروعات و جزییات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آنجا که مراکزی که از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیرعلمی و غیرانسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی جهان و مسلط نمودن فرهنگ آمریکا و محو سایر فرهنگها و بالاخره تحقیق دهکده جهانی به رهبری آمریکا ارایه می نمایند صدها برابر مراکزی است که اطلاعات مفید و علمی و فنی ارایه می نمایند باید با ارایه مکانیزمی دقیق و حساب شده

است . توسط متخصصان از معایب و مضرات آن جلوگیری نمود در این راستا راه کارهای بهره بری صحیح از اینترنت در جهت گسترش فرهنگ اسلامی عبارتند از : ۱- تهاجم تبلیغی را باید با شیوه های نوین تبلیغی پاسخ داد با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی رابه این شبکه جهانی منتقل نمود و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگ اسلامی فراهم ساخت در این مورد البته قدمهایی برداشته شده است . ۲- درکشورهای اسلامی با استفاده از شیوه نامه نگاری الکترونیکی با صاحب نظران ،جوانان کسانی که آمادگی دریافت پیام های اسلامی را دارند مکاتبه شود وسوالات و نیازهای آنان پاسخ داده شود .۳- فرهنگ غرب آسیب پذیری زیادی را دارد که با زیر سوال بردن آنها و آگاهی به نسل جوان کشورهای اسلامی و حتی غربی امواجی در مخالفت با آن را می توان ایجاد نمود .۴-دولت اسلامی باید یک شبکه واحد و مادر از مجموعه شبکه های داخلی ایجاد نماید و سپس ساختار خاصی را برای ارتباط با شبکه جهانی مشخص نماید حتی کشورهایی مانند فرانسه ساختار خاصی را برای اتصال به اینترنت ایجاد کرده است . ۵- باید راهی را برای گزینش اطلاعات جهانی پیدا کرد و ازورود اطلاعات آلوده از طریق شبکه جهانی جلوگیری کرد صاحب نظران معتقدند این از نظر تیوری و عملی امکان دارد با کنترل همه جانبه ارتباطات شبکه جلوی تماس با مراکز غیراخلاق گرفته شود، (ر.ک مجله نگاه حوزه شماره ۶۲-۵۹ ارتباطات و نقش اینترنت در حوزه اطلاعرسانی دینی ، حمیدفغفور مغربی ص ۱۴۸) . ;

روش های گسترش فرهنگ نمازخوانی چگونه است ؟

پرسش

روش های گسترش فرهنگ

نمازخوانی چگونه است ؟

پاسخ

اولا" : یکی از وظایف نظام اسلامی تنظیم شعایر و اقامهٔ احکام الهی و نشر و گسترش آنان می باشد .قرآن کریم می فرماید : ((الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه ...)) ، (حج ، آیه ۴۱) . ثانیا" : با توجه به ابعادگستردهٔ تهاجم فرهنگی علیه احکام و ارزشهای اسلامی ، وظیفهٔ سایردستگاههای فرهنگی ایجاب می کند که به مبارزه با آن برخواسته که یکی ازموثرترین راههای آن تشویق سایر اقشار مردم عموما" و جوانان و نوجوانان خصوصا"، از راههای گوناگون به نماز می باشد .زیرا به فرمودهٔ قرآن کریم ((ان الصلوه تنهی عن الفحشا و المنکر)) ، (عنکبوت ، آیه ۴۵) . ثالثا" : یکی ازراههای تشویق به نماز انتخاب و معرفی افرادی به عنوان نمونه می باشد، دراینجا باید توجه داشت که این صرفا" یک کار سمبلیک و نمادین می باشد که دستگاههای مربوطه را در رسیدن به هدف خود یعنی احیا ارزشها و احکام اسلامی در جامعه کمک می کند و فواید و آثار مثبتی بدنبال دارد مانند : ۱-ارزش گذاشتن به نماز و نماز گزار، و اعلام اینکه در جامعهٔ ما علیرغم تهاجم فرهنگی و توجه به رفاه طلبی ، مادیات و ...به ارزشهای اسلامی بها داده می شود .۲- تشویق بسیاری از نوجوانان و جوانان به نماز و در مدارس ،موسسات فرهنگی و ...رابعا" : با توجه به مطالب فوق می توان گفت که اصل چنین اقدامی فی نفسه امری مطلوب و لازم می باشد اما در مورد

کیفیت اجرای آن بایـد گفت : علیرغم اینکه حقیقت و مـاهیت نماز امریست که صـرفا"نمی توان بر شـرایط و اجزا ظاهری آن تکیه نمود بلکه یکسـری مسایـل معنوی نیز (ماننـد : اخلاص ، حضور قلب و ...) در آن دخیل باشـد .ولی از آنجا که شـناخت مسایـل معنوی بصورت طبیعی غیر ممکن بوده و معیار و ملاکی برای انـدازه گیری آن نمی توان در نظر گرفت ، لـذا چاره ای جز توجه به ابعادظـاهری آن نمی باشـد ماننـد : اهمیت دادن به نماز و حضور مرتب در نمازجماعت ها در مـدارس ، ادارات و ...;

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پرسش

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پاسخ

- وجـدان کاری در جامعه از چند طریق قابل حصول است : ۱- تقویت مبانی دینی و احساس مسوولیت شرعی ؛ این راه فطری ترین ، سالم ترین و کارآمدترین راه شـروع و تبلیغ ((وجدان کار)) است. ۲- ایجاد نظم آهنین از طریق اعمال زور و سرنیزه ؛ این روش اگر چه نظمی ظـاهری را ایجاد می کنـد، ولی چون افراد از درون احساس مسوولیت نمی کننـد؛ نظمی شـکننده به وجود خواهـد آمـد (ماننـد آنچه در شوروی سابق اتفاق افتاد) . ۳- از راه تقویت حس مشـارکت و منـافع متقابل ؛ این روش گرچه نسبت به روش دوم کارآمـدتر است ؛ ولی به دلیل گسترش منفعت گرایی فردی ، جامعه را در وضـعیت خطرناکی قرار خواهد داد .;

برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم ؟

پرسش

برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم ؟

پاسخ

برای اینکه بتوانی در حل اختلافات خانوادگی نقش موثری داشـته باشـی رهکارهای زیر را به صورت جدی مد نظر قرار بده و به آنهاعمـل نمـا : الف) سـعی کن بـا رفتار خوب ابتـدا اعتماد اعضای خانواده ات را بـدست آوری بگونه ای که مورد اعتماد آنهـا باشـی . ب) برای جلب اعتمـاد آنهـا سـعی کنیـد به همه آنهـا اعم از کوچک و بزرگ ، پـدر، نامادری و دیگر خواهران وبرادرانت به همه آنهااحترام بگذار و نسبت به آنها به معنای واقعی دلسوزباشـید .ج) خشم و نفرت و کینه اعضای خانواده را از دل خودت بیرون کن وفکر کن هر کـدام از آنهـا اعضـای بـدن تو هسـتند .د) تلاش کن تا دوگانگی و دودسـتگی که در خانواده شـما وجود دارد را از بین ببرید و آن برادر ناتنی را که ازژن پدر خداوند به شـما عطا کرده مورد لطف و مهربانی قرار

دهی چه این که او برادر یـا خواهر وقعی شـماست و دلیلی نـدارد او را دوست نداشـته باشـید.ط) از موضع گیری مخـالف در مقابل پـدر و نامادری جدا" پرهیز کن . ظ) درکارهای منزل مشارکت داشـته باشد .ك) سـعی کنید از رفتارهایی که موجب عصبی شدن پدرتان می شود جدا" پرهیز کنید .گ) سعی کن با صحبت کردن با برادر بزرگت او را قانع کنی که پدر دشمن ما نیست و خیر و خوبی ما رامی خواهد .ف) سعی کنید شما خواهران و برادران ، پدرتان را با ازدواج

مجدد و همسر جدید و فرزندش بپذیرید آیا می دانید که ازدواج مجدد برای پدر شما امری ضروری و بر اساس نیاز است پس چرا و به چه دلیل واهی شما مخالف با او و زندگی مجدد او باشید .اگر پدر شما واقعا" فردی مومن است باید شکر گذار خداوند باشید که چنین پدری را نصیب شما کرده است آیا با از دست دادن مادرتان چیزی به دست آوردید یقینا" با از دست دادن خدای نکرده پدرتان نیز نه تنها چیزی بدست نخواهید آورد بلکه ضربات جبران ناپذیری بر زندگی شما وارد خواهد شد بنابراین قدر پدرتان را بدانیدو سعی کنید رضایت او را بدست آورید تا خداوند از شما راضی شود و به زندگی شما خیر و برکت عطا کند;

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمتی ، هر اندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روزقیامت جوابی برای آن نخواهد داشت . در این رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید .امید است ان شا الله بر این گناه غالب شوید : ۱) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید .۲) هر روز صبح با خدا ((شرط)) کنید که امروز غیبت نمی کنم . در طول روز کاملا مراقب رعایت این شرط باشید و جدا بکوشیدبرای اولین بار از آن تخلف نکنید .شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را وارسی کنید .اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلاتصمیم بگیرید با دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت وگوی غیرضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید.;

چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟

پرسش

چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟

پاسخ

فریب خوردن از زر، زور و تزویر ریشه در حب دنیا دارد .عن ابی عبدالله (ع) : ((راس کل خطیه حب الدنیا؛ حب دنیا راس هر خطا و اشتباهی می باشد)) ، (اصول کافی ، ج ۲، ص ۳۱۵، روایت ۱، به نقل از سرالاسرا،استاد علی سعادت پرور، ج ۱،

ص ۱۰۲) . اگر حب دنیـا در دل انسان خانه کردهم در مقابل زر، زود تطمیع می گرددو هم در برابر تهدیـد زور، زود تسـلیم می شود و هم در قبـال تزویر دیگران زود رنـگ می بـازد .آیه شـریفه قرآن می فرمایـد : ((یا ایها الناس ان وعـدالله حق ، فلا تغرنکم الحیوه الـدنیاولایغرنکم بالله الغرور؛ ای مردم ! وعـده خداونـد حق است مبادا زندگی دنیاشـما را بفریبد و مبادا شـیطان شمـا را فریـب دهـد و بـه (کرم) خـدا مغرورسـازد)) ، (فـاطر، آیه ۵) . چرا زنـدگی دنیـا همه را نمی فریبـد؟ زیرا زنـدگی دنیابرای انـدکی از مردم حب و علاقه نمی سازد فقط زنـدگی دنیا کسانی رامی فریبـد که حب و علاقه به دنیا دارند از این رو ریشـه همـان حب دنیـامی باشـد .زر، زور، تزویر همه در حیطه دنیـا می باشـند، اگر کسـی حب دنیـاداشت فریب هر سه را می خورد وگرنه سرافراز بیرون می آید نقطه مقابل حب دنیا، زهد می باشد بنابراین زهد و بی رغبتی به دنیا هم انسان را ازفریب و مکر زر نگه می دارد و هم از فریب زور

مصون می سازد و هم از فریب تزویر سد می کند .این نکته دقیق در خور دقت است که زهد یک صفت نفسانی است و این دل و باطن انسان است که باید نسبت به دنیابی اعتنا و بی رغبت گردد نه این که زهد معنایش این باشد که انسان به کلی دنیا را رها سازد و نه مالی داشته باشد و نه ثروتی بیندوزد و ...بلکه تلاش برای کسب مال حلال به هدف آسایش فرزند و عیال و پویایی جامعه انسانی و بالندگی جامعه اسلامی از عبادات بزرگ می باشد و هیچ منافاتی با زهدندارد .یکی از راه های کسب زهد عمل به مقدمه پنجم جواب سوال ۵می باشد .یعنی فکر در مرگ به هر اندازه که این فکر با دل و جان عجین شودو با اشک چشم قرین گردد بی رغبتی دل به دنیا بیشتر می گردد اگر این فکر تشدید یابد بلند بلند برای قبر و قیامت می گرید و از تهیدستی سرای آخرت در فغان و در غوغاست . چنین انسانی کمتر برایش زر، زینت ، زور،هیبت و تزویر مکر و حیلت دارد .عن ابی عبیده قال : قلت لابی جعفر (ع) : ((حدثنی ما انتفع به فقال : یا ابا عبیده اکثر ذکر الموت فانه لم یکثر ذکره انسان الا زهد فی الدنیا؛ ابو عبیده می گوید به امام باقر (ع) گفتم : سخنی را برایم بفرما تا به وسیله آن بهره برم سپس حضرت فرمود : ای ابوعبیده بسیار یاد مرگ کن زیرا یادآوری مرگ به انسان نمی افزاید مگر زهد در دنیارا

)) ، (المحجه البیضا، ملا محسن فیض کاشانی ، ج ۸، ص ۲۴۱) . ولی چون این راه حل در درازمدت به دست می آید علاوه بر آن می توان دست به نقد، قبل هر اقدامی و تصمیمی و بعد از هر پیشنهادی عمیقا" به فکر و مشورت درجوانب آن پرداخت تا به همان اندازه از فریب زر و زور و تزویر در امان ماند.;

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید .

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید .

پاسخ

در مورد سوالی که مطرح فرمودید نکات ذیل را به عرض می رسانم البته مطالب ارایه شده شما نمایی از یک طرح است . برای فرهنگ سازی دریک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد زیرا که لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقدبوده وایمان داشته باشیم و با تصمیم و اراده جدی به لوازم آن عمل کنیم وآنگاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مور نظر پایبند باشد خود موجب ترویج و نشرآن فرهنگ می شود .بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود : ۱-نسبت به فرهنگ مورد نظر به صورت مشخص آگاهی کسب کند و مثلا" بافرهنگ اسلام آشنایی پیدا کنید .۲- با دقت ، تامل ، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشید .۳- راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی خود را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث وتبادل نظر مشخص کنید (اهداف عینی ، قابل تعریف و اندازه گیری نه کلی مبهم نامعلوم) . ۴- سعی کنید هدف کلی را به اهداف جزیی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایید .۵- با مشخص شدن نحوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج

آغاز کنید و ضمن آنکه خود صمیمانه به آنها عمل می کنید با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید .به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی : ۱- ابتدا اعتقاد وایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید .۲- مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل : اعتقادات صحیح، نماز، حجاب ، احکام شرعی ، شکل روابط صحیح فردی و اجتماعی ، اخلاق اسلامی و ...۳- پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً" : برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم ؟ - تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیحو موردپسند .- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف . - برگزاری کلاسهای عقیدتی . - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضود افراد متبحر .-تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری . - مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده . ۴- اجرای یک یک راههای بدست آمده . ۵- امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .۶-تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.;

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پرسش

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پاسخ

در این باره لازم است اصول و ضوابطی که به آن اعتقاد داریم مراجعه کنیم از جمله : ۱- حفظایمان و اعتقاد خودمان از همه چیز مهمتر است نباید عملی انجام دهیم که به دینداری ما صدمه زند .۲- تقویت بچه های مذهبی از نظر روحی و روانی لازم است و مذهبی ها نباید تضعیف شوند اگر هم به آنان انتقادی داریم بیان انتقاد نباید به تضعیف آنان بیانجامد .۳- امر به معروف و نهی از منکرمصادیق و انواع گوناگون دارد، گاه با رفاقت و دوستی می توان این کار را انجام داد گاه با کنار کشیدن و به کار خود مشغول بودن گاه با بی اعتنایی و گاه ... باتوجه به این اصول و ضوابط اگر برقراری روابط و رفات با آنان با این اصول سازگار است اشکال ندارد .در عین حال برخوردهای نسنجیده و ناگهانی وبدون زمینه و مقدمه و بدون طرح و برنامه صحیح نیست. ;

قیام امام حسین((علیه السلام)) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟

پرسش

قیام امام حسین((علیه السلام)) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟

پاسخ

ارزیابی حادثه خونین کربلا و آثار و نتایج این قیام پرشور و فداکاری بی نظیر، نیازمند مطالعه ای گسترده است; این حقیقتی است که از مطالعه نوشته های دانشمندان به دست می آید. درسهایی که قیام امام حسین((علیه السلام)) به ما می آموزد بسیار است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. هدف اصلی مصلحان حقیقی و پاسداران حق، تحکیم حق، کوبیدن باطل، احیای نام خداوند، مواسات، اعتلای دین و آزادی و عدالت اجتماعی است تا در پرتو آن طبقات محروم و ستمدیده بتوانند از حق خویش برخوردار شوند. امام حسین((علیه السلام)) می دید که ملّت اسلام در اثر تبلیغات سوء دشمن، فساد و ستم را پیشه کرده و عدالت، حریّت و کمالات را به فراموشی سپرده و به تبهکاری و بندگی شهوات روی آورده است. امام حسین((علیه السلام)) می دید که قوانین الهی در حال فراموشی و نابودی اند و اسلام عزیز فدای هوسرانیهای افراد نالایق و خواسته های شوم بلهوسان شده است; پس قیام کرد و با نهضت خود اسلام را جانی تازه بخشید.

۲. امام حسین((علیه السلام)) به مردم فهماند که ملّت اسلام و بلکه هر ملّتی باید از زیر بار ستم نجات یابد.

۳. با قیام امام حسین((علیه السلام)) احکام اسلام و برنامه های عالی دینی و توحیدی پس از آنکه مدّت ها در حال فراموشی بود، دوباره محور زندگی مردم قرار گرفت.

۴. قیام امام حسین((علیه السلام)) این بصیرت را به مسلمانان داد که اسلام بالاتر از همه چیز است و برای برقراری آن باید از همه چیز گذشت و

برای بزرگداشت احکام و سنن آن فداکاری کرد.

۱۶۷۰

۵. نهضت عاشورا درس دینداری و استقامت در برابر ظلم و کفر به مسلمانان و انسان ها داد و روح شهامت و شجاعت را در مسلمان ها زنده کرد.

۶. قیام کربلا احساسات و عواطف دینی مردم را برانگیخت تا همه بدانند در پیشگاه چه کسی باید خضوع کرد.

۷. حادثه خونین کربلا موجب تأسیس مکتب عالی فضیلت و تعلیم تربیت صحیح شد که خود رمز بقای مذهب تشیّع و اسلام است.

۸. این قیام زمینه ساز محکومیّت بنی امیّه در ذهن مسلمانان و سایر ملل جهان شد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۶۷۱

چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟

پرسش

چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟

پاسخ

انسان فطرتاً طالب سعادت و رستگاری خویش است و از عوامل زیان بخش می گریزد. یگانه وسیله ای که سعادت انسان را در تمام جنبه های زندگی تأمین می کند، پیروی از دستورات دینی است; زیرا قوانین دینی را خداوند - که دارای علمی محیط و گسترده و آگاه به تمام نیازهای انسان در زندگی است - مقرر فرموده است و مخالفت با قوانین الهی سبب کیفر و مجازات در دنیا و آخرت است. بر این اساس، کسی که به حدّ بلوغ رسیده باشد، باید در احکام دینی از مجتهدی که شرایط تقلید را دار است، احکام را فرا گرفته، به آنها عمل کند، تا به سعادت در زندگی نایل گردد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پرسش

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پاسخ

امکانات تبلیغی اگر تمام همّت خویش را به کار گیرند باز این انحراف به چند دلیل خواهد بود.

۱. آزادی انسان.

۲. مطابقت این برنامه ها با تمایلات آدمی به ویژه در سنین جوانی.

۳. ضعف عملکرد در گسترش فرهنگ ازدواج.

۴. تهاجم فرهنگی غرب.

در قرآن می خوانیم «یرید الانسان لیفجر امامه یسئل ایان یوم القیامه» انسان می خواهد که گناهکاری پیشه کند و به همین خاطر، مبانی دینی را هم مورد تردید قرار می دهد. در نظام اسلامی انسان مجبور به اطاعت نمی شود. بلکه باید خوبی را انتخاب کند.

با همه این احوال، باید معترف به برخورد ضعیف و عدم برنامه ریزی صحیح در این باره اعتراف نمود به ویژه آنکه گاهی دشمنان مقاصد خویش را از راه به ظاهر دوستان اجرا می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشته باشیم تا در مسیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیّت برنامه به صورت بهتر چگونه است؟

پرسش

با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشته باشیم تا در مسیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیّت برنامه به صورت بهتر چگونه است؟

پاسخ

۱. مهم ترین موضوع قبل از هدایت و ارشاد شناخت جوان و روحیه اوست، پس کار و حوصله می طلبد.

۲. جوان از حدود ۱۳ تا ۱۹ سالگی نوجوان نامیده می شود. و مهم ترین ویژگی این دوران همراه تغییرات جسمانی، موضوع

هویت طلبی است. او می خواهد هویّت خویش را کشف کند و الگویی را انتخاب نموده و پیروی کند. پس با این خصوصیّت باید برنامه ریزی کرد.

۳. به مجموعه آنها شخصیّت بدهید و با احترام برخورد کنید. خود نگهداری این جمع برای اهداف عالیه اسلام و تشیع عزیز که بهترین الگوها را می دهد مطلوب است.

۴. در مرحله بعد در سه موضوع کلاس بگذارید.

الف: انسان شناسی یا خودشناسی(که رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) فرمود: هر کسی خود را شناخت خدا را خواهد شناخت).

ب: جهان شناسی یا همان سیر آفاق(با این توجّه که در جهانی با حساب و هدف زندگی می کنیم).

ج:تاریخ

اسلام

ائمه((رحمه الله))

معاصر ۵. توجّه داشته باشید که برای کلاس ها از روحانیان و اساتیدی کمک بگیرید که با صمیمیّت کار می کنند وگرنه حاصل نخواهد داشت. چون صمیمیّت در این دوران از

۴

طرف والدین(در مرحله اوّل) و سپس از مربّیان بسیار سازنده خواهد بود.

۶. از بزرگی کار نترسید خداوند کسانی را که دین او را یاری کنند یاری می کند.(قرآن)

(بخش پاسخ به سؤالات)

۵

چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟

پرسش

چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟

پاسخ

قدم اوّل علّت یابی است. فهرست این علل...

۱. گرایش سنّتی و یا عاطفی به دین. روشن است که این اساس زود متزلزل می شود. و راه این است که مذهب اصیل معرّفی شود. مذهب اصیل با تفکّر شروع می شود پس کافیست با تفکّر به نیاز به مذهب شروع کنیم. آنگاه می بینیم انسان در گذشته و انسان معاصر به شدّت در جستجوی دین بوده و هست. در این باره شواهد زیادی هست. انسان غیب را می خواهد و به آنچه که هست خشنود و آرام نمی شود.

۲. رفتار ناپسند دیندارانه بی مبالات – و راه این است که با موارد شایسته و رفتار خود خویش این تنفّر را از ذهن و دل شخص بزدائیم.

۳. عدم پاسخ به سؤال های شخص. پس باید این فرد را با اشخاص و نهادهای پاسخگو و یا کتاب های خوب مرتبط نمود.

۴. احساس مخالفت دین با ارضای هواهای نفس و به تعبیر دیگر مانع دیدن دین برای انجام گناهان. در اینجا نیز باید شخص را از این توهم بیرون آورد که دین با ارضای تمایلات طبیعی انسان مطلقاً مخالف است و این تحدید و مرز گذاشتن دین به سود اوست چون او را از صدمات هرزگی و بی بندوباری حفظ می کند و از تکراری شدن و دلزدگی از ارضای نیازها نیز نجات می دهد. تازه همه باید بدانیم دنیا جایگاه مزاحمت هاست انسان هرگز میدان کاملی برای ارضای همه هوی نخواهد یافت.

۵. فرصت دادن و استمرار بر مقصد. این کار شکیبایی می خواهد چنانکه پیامبر اکرم((صلی

الله علیه وآله)) برای آن جوان یهودی ۴ سال آزار تحمّل کرد تا جوان اسلام آورد.

۶. احتمالات دیگری نیز موجود است که برای مثال تغذیه حلال در پذیرش حق مؤثّر و تغذیه حرام مانع محسوب می شود. توجّه به این احتمالات نیز در تسهیل کار، مطلوب است.

۷. کتاب علل گرایش به یادگیری از شهید مطهری توصیه می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۸

آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟

پرسش

آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟

پاسخ

چنانکه ارزشهای انسانی و اسلامی تضادی با صنعت و نکنیک داشتند ممکن بود سؤال شود که چگونه با وجود این رازشها می توان به صنعت دست یافت، ولی اعتقاد به ارزشهای اسلامی و انسانی مستلزم این است که انسان خویشتن را به فضایل و کمالات انسانی آراسته کرد، خویشتن را از اخلاق زشت تزکیه نماید. انسان برای پرستش خداوند در این جهان آمده، تا از رهگذر انجام وظایف عبودیت به کمال مطلوب، که قرب به خدا است، نایل گردد. بدیهی است که لازمه این امر این نیست که انسان از علم و صنعت بهره نبرد; بلکه علم و تکنیک، خود می تواند وسیله ای برای نیل به این هدف باشد.

آری کسانی که از اسلام این برداشت را دارند که باید از زندگی مادی فاصله گرفت و به هیچ یک از نعمتهای دنیوی توجه نکرد و همواره مشغول به عبادت بود و به طور کلی زهد در دنیا را این گونه تفسیر می کنند، زمینه ای برای آن شبهه وجود خواهد داشت; اما براساس برداشت صحیح از اسلام و تعالیم حیات بخش آن که اسلام دینی جامه و کامل است، دستورات آن تمام ابعاد زندگی را شامل می شود و همان گونه که برای زندگی آن جهان تکالیف و وظایفی قرار داده، برای این جهان نیز احکام و دستورات حیات بخشی

۱۰

Eمقرر فرموده است، استفاده از علم و صنعت، نه تنها ممنوع و مذموم نیست ًا بلکه مورد تاکید نیز هست; چرا که اساساً اسلام، دین علم و دانش

است و اینکه مسلمانها از کاروان تمدن و صنعت عقب مانده اند، نه به خاطر اعتقاد دینی آنان، بلکه به دلیل عمل نکردن به تعالیم اسلام است. همچنانکه پیشرفت علمی و صنعتی غرب به این دلیل نبوده است که از اسلام فاصله گرفتند و به مسیحیت گرایش پیدا کردند. چرا که کلیسای مسیحیت در صول چند قرن]قرون وسطی[با علم و پیشرفتهای علمی مخالفت می کرد.

امید است که انقلاب اسلامی ایران بتواند حقیقت اسلام را، آنچنانکه هست، به دنیا معرفی کند و با پیشرفت گسترده علم و تکنیک در ایران اسلامی کشورما به عنوان الگویی از یک کشور اسلامی معرفی شود و از این رهگذر مسلمانان و همه ملل جهان ره متوجه اسلام سازد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۱

چرا ما مسلمانان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پرسش

چرا ما مسلمانان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پاسخ

در این پرسش چند موضع دقیق نهفته است:

۱. یکی از علتهای ایجاد این پرسش، تصور ناصحیحی است که از اخلاق غربیان داده شده و آن اینکه آدمها دروغ نمی گویندو... در حالی که حقیقت این نیست، نظام حاکم بر آن جامعه و نظارتهای الکترونیکی در خیابانها، فروشگاهها و محل کار، اخلاق امانت دارانه را تحمیل می کند. و هیچکس نمی تواند به راحتی خطا کند، چنانکه اگر کس در خیابانها از چراغ قرمز رد شده و یا تخلفی دیگر انجام دهد، با چشمهای الکترونیکی ضبط شده و خلافکار تنبیه می شود.

این اخلاق زیربنای صحیحی ندارد و از ارزش اخلاقی که با اراده و تصمیم و انتخاب شخص متحقق می شود، برخوردار نیست. دلیل روشن آن این است که زمانی که برق به مدت دو ساعت در نیویورک می رود، بدترین دزدیها و تجاوزها انجام می شود. البته هیچ گاه منظور ما انگار رفتارهای خوب آنان نیست.

۲. در ضمن آنکه به بدی بسیاری از رفتارهای خود اعتراف داریم، باید توجه داشته باشیم که فرهنگ اسلامی عقاید و زیربنای متین و محکمی را به مسلمان ارائه می دهد، که براساس آن زیباترین جلوه های راستی و صداقت شکل می گیرد. اما شیطان که دشمن قسم خورده انسان مؤمن است، برای تخریب عقیده ها اقدام می کند. وقتی نتوانست ریشه عقاید را بخشکاند به سراغ اعمال می رود. در حالی که فرد بی اعتقاد در حزب شیطان است و دلیلی برای وسوسه او نیست. این حقیقت را زمانی به

خوبی در می یابیم که تصمیم بر اصلاح خویش می گیریم. در این زمان هجوم شیطان و

۳

وسوسه های گسترده تر می گردند.

۳. اگر برای اصلاح رفتار انسان از روش مکتبی کمک نگیریم و کنترل و نظارتهایی مثل امر به معروف و نهی از منکر ترک بشود، چنین فجایع اخلاقی گسترده تر می شود، در حالی که اگر در جوامع غربی این ساختار دفاعی وجود ندارد، کنترل و نظارت الکترونیکی و قانونی را اعمال می کند.

۴. فراموش نکنیم در همین جامعه ای که از آن شاکی هستیم، بسیاری ملکات اخلاقی هست که قابل ستایش است. و از فسادهای گسترده پنهان و پیدای غرب نیز نباید غافل شد.

۵. راه نجات همانا گسترش و تقویت ایمان و نظارت های مکتبی و قانونی می باشد، که به قاطعیت محتاج است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟

پرسش

آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟

پاسخ

بزرگداشت رویدادهای تاریخ اسلام بر همه مسلمانان لازم است. اگر تقویم آنها قمری باشد - که مسلمانان یا دست کم تمام شیعیان در آن با یکدیگر متّفقند - با اتّحاد و یگانگی سازگارتر است; زیرا بسیاری از شیعیان در غیر ایران زندگی می کنند و اگر در ایران تقویم شمسی معیار باشد و در غیر ایران، تقویم قمری، گونه ای پراکندگی و از همگسیختگی میان مسلمانان پدید می آید; در حالی که مسلمانان بیش از هر چیز به یگانگی و هماهنگی نیازمندند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۳۹۱

برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟

پرسش

برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟

پاسخ

یکی از موضوعاتی که برای انسان بسیار اهمیت دارد، موضوع خانواده و شناخت موانع و عوامل رشد آن است. زیرإ؛أخ۵ بر اثر مسخ یا فراموشی ارزش های انسانی و اسلامی، کارایی تربیتی خانواده از بین می رود و در عوض کانونی برای مفاسد و مشکلات اخلاقی و روانی می شود. اگر به ارزش هایی که باید در یک خانواده حاکم باشد، بی توجهی شود هرگز نمی توان انتظار تربیت فرزندان صالح داشت. اما در رابطه با سؤال شما، ما به بعضی از علل مفاسد و کارایی غلط خانواده اشاره می کنیم و راه های جلوگیری از آن را بیان می کنیم.

۱) ملاک غلط در انتخاب همسر: خانواده از انتخاب و خواستگاری شروع می شود. نکته بسیار مهم در این جا ملاک انتخاب همسر است. یعنی پسر و دختر چه معیاری برای ارزش گذاری یکدیگر دارند. اگر ملاک انتخاب همسر صرفاً مسائل مادی و زیبایی ظاهری باشد، چنین ازدواجی از استحکام زیادی برخوردار نیست. زیرا با زوال مال و زیبایی همسر ازدواج هم متزلزل می شود. بر همین اساس بسیاری از دختران و پسرانی که بر اثر یک آشنایی سطحی به یکدیگر علاقه مند می شوند، پس از ازدواج عشق و علاقه شان از بین می رود و ادامه زندگی ناممکن می شود. اما اگر ملاک در انتخاب همسر اخلاق و ایمان و ویژگی های انسانی باشد، نظام خانواده پابرجا خواهد ماند.

۲) نداشتن هدف صحیح در ازدواج: بسیار از زوج ها دقیقاً نمی دانند به چه دلیل باید ازدواج کنند. فقط به صرف این که یک نیاز طبیعی و یک کشش عاطفی به جنس مخالف پیدا می کنند تن به ازدواج می دهند. معمولاً چنین ازدواج هایی دچار مشکل

می شود. زیرا اگر ببینند برای ارضای نیازهای غریزیشان راه های آسان تری هم یافت می شود، خود را از قید و بند ازدواج می رهانند.

چنـان چه هم اکنون در بین جوانـان غربی ازدواج سـنتی در حـال افول است. امـا کسـانی که اهـداف عالی و انسانی از ازدواج دارند، مثل رسیدن به آرامش (روم، آیه ی ۲۱) و تربیت فرزندان صالح، از فروپاشی و تزلزل خانواده محفوظند.

۳) عدم آگاهی از وظائف همسری: برخی از مردان فکر می کنند زن گرفتن یعنی خدمتکار برای خود گرفتن است. از زنانشان انتظـار دارنـد تمام کارهای منزل را بکننـد و همیشه مطیع و دست به سـینه در مقابل فرامین آن ها باشـند. همچنین بعضـی زنان تصور می کنند شوهر گرفتن یعنی مردی را به خدمت گرفتن که به وسیله او آرزوهای بر باد رفته در منزل پدر را عملی کنند و در مقابل خواسته های نامحدودشان تسلیم محض باشند.

وقتی زن و مرد به زنـد گی این طور نگاه کننـد، توقعات شان از یکـدیگر بالا می رود و صـحنه زنـد گی به جنگ و نزاع دائمی مبدل می شود. این در حالی است که وظیفه اصـلی مرد و زن محبت کردن و عشق ورزیدن به یکدیگر است، نه توقع داشـتن و امر و نهی کردن. انسان هرگز معشوق خود را به زحمت نمی اندازند، بلکه عاشـقانه برای راحتی او تلاش می کند. زن و شوهر یعنی دو عاشق و دو معشوق، نه یک عاشق و یک معشوق.

۴) نداشتن گذشت و فداکاری: خاصیت ازدواج این است که »من« به »ما« تبدیل می شود. یعنی زن و مرد از خودخواهی بیرون می آیند و خواهان آسایش و موقعیت دیگری هم هستند.

اما یک خانواده فاسد به این مرحله نمی رسد. مرد فقط به فکر

خود است، کاری با همسر و فرزنـدانش ندارد. در این خانواده ها اگر کوچک ترین مشکلی به وجود بیاید، هر یک از آن ها سعی می کننـد مشکل را به گردن دیگری بینـدازد و خـود را از معرکه بیرون بکشـد. در واقـع ایثـار و فـداکاری و گـذشت و مهربانی وجود نـدارد و هیـچ کس به دیگری احترام نمی گذارد. بلکه هر کدام که از قدرت بیشتری برخوردار باشد به اعضای دیگر زور می گویـد و آن هـا را به خـدمت خـود می گمـارد. تنهـا راه جلوگیری از این حـالت، کنـار گذاشـتن خودخواهی و رعایت حقوق هر یک از اعضاء است.

۵) عـدم آگـاهی از روش هـای تربیـت فرزنـد: تربیت فرزنـد یکی از مشـکل ترین و در عین حـال مهم ترین وظـایف خـانواده هاست. خانواده می توانـد یک فرزنـد را به یک جانی خطرناک تبـدیل کننـد. چنان چه می تواند از او انسان صالحی به وجود آورد که جهانی را به نور علم و ایمان روشن گردانـد. تربیت صـحیح نیازمنـد روش صـحیح است. بسـیاری از والدین از روش هـای تربیتی هیـچ اطلاعی ندارنـد، تنها راه تربیتی آن ها، امر و نهی و خشونت و کتک کاری است. روشن است فرزنـدانی که دائماً به خاطر هر اشـتباه کوچک و بزرگی تنبیه شده و به انواع مختلف آزرده خاطر می شوند تبدیل به انسانی های عقده ای و روانی می شوند و برای آینده جامعه بسیار خطرناک خواهند بود. اما اگر تربیت فرزند توأم با صبر و متانت و مهربانی و تشویق باشد و کرامت و احترام فرزندان حفظ شود، یقیناً آنان انسان های صالح و نیکوکاری خواهند شد.

۶) عـدم توجه به ارزش هـای مـذهبی: در بعضـی از خـانواده هـا توجهی به ارزش هـای مـذهبی از قبیـل نماز، روزه، و تقوی و خداشناسی نمی شود

و به جای آن فقط به فکر مادیات و راحتی مادی هستند. خود به خود فرزندان در چنین خانواده ای هرگز با دین و معارف بلند آن آشنا نمی شوند و به افرادی لاابالی و بی دین تبدیل می شوند.

نتیجه ای که عائد افراد می شود علاوه بر بی بند و باری اخلاقی، رسیدن به پوچی و بی معنا بودن زندگی است. همان طوری که امروزه در غرب جوانان به پوچی و خلاء معنوی رسیده اند و با این که والدین آن ها از تمام روش های تربیتی و روان شناسی برای تربیت آنان استفاده می کنند، ولی جوانان از رنج بزرگ نداشتن هدف از زندگی رنج می برند و چه بسا دست به خودکشی هم می زنند.

۷) آزادی بیش از حد: همان طور که سختگیری زیاد باعث فساد و تباهی در جریان خانواده می شود، آزادی زیاد هم سبب توقف رشد اخلاقی و شخصیتی اعضاء، خصوصاً فرزندان می شود. در روایات اسلامی آمده که کودکان را تا هفت سال اول زندگی آزاد بگذارید، ولی در هفت سال دوم به آن ها تربیت و اخلاق و علم را آموزش دهید و در هفت سال سوم آن ها را مشاور خود قرار دهید و به نظراتشان احترام بگذارید. این در حالی است که در بعضی خانواده ها هیچ بهایی به فرزندان داده نمی شود و در بعضی دیگر بدو ن این که برای تربیت و اصلاح اخلاقی فرزندان قدمی بردارند، آنان را در هر کاری آزاد می گذارند. این هم یکی از عوامل فساد خانوادگی است.

البته همان طور که گفتیم این ها بخشی از عوامل مفاسد خانوادگی و راه های جلوگیری از آن بود که بیان شد. اگر شما خواهان اطلاعات بیشتری هستید باید به کتاب های فراوانی که در این

زمینه تألیف شده است مراجعه نمایید. ر.ك:

۱. آئین همسرداری، ابراهیم امینی

۲. آئینه ازدواج و روابط همسران، دکتر افروز

برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسـلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسـی نداشته باشند، چه باید کرد؟ (با این توضیح که این یک امر واجب است و البته در سطح جوانان کارساز نبوده است.)

پرسش

برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسی نداشته باشند، چه باید کرد؟ (با این توضیح که این یك امر واجب است و البته در سطح جوانان کارساز نبوده است.)

پاسخ

در پاسخ این سؤال چند تذکر لازم است:

۱- به نظر می رسد یکی از عوامل مهم کم رنگ بودن این اصل حیاتی در جامعه اسلامی و علت حساسیت نداشتن مردم نسبت به آن، نگرش سطحی و شعارگونه مردم و مسؤولین نسبت به آن است. اگر مسؤولین نظام و مردم بدانند که حفظ اسلام و نظام اسلامی و اجرای احکام الهی (عدالت، حدود، عبادات و...) به معنای واقعی اش تنها در پرتو اجرای عملی امر به معروف و نهی از منکر میسّر است (چنان که امام باقر(ع) فرمود: بها تُقامُ الفَرائِض) و از طرفی با تعطیل شدن این اصل، از {P - وسائل، ج ۱۶، ص ۱۱۹. P}

اسلام و نظام اسلامی جز اسم چیزی باقی نمی ماند، قطعاً با حضور جدی و گسترده خویش در برابر حکم حیاتی الهی، رسالتشان را انجام خواهند داد.

۲- از طرفی منحصر کردن امر به معروف و نهی از منکر در برخی مسائل فرعی و غفلت از منکرات اساسی جامعه مانند فقر، تبعیض، رباخواری، فساد اداری و... از دیگر اسباب بی تفاوتی جامعه در برابر این اصل اسلامی است. طبعاً برای مردم این سؤال مطرح می شود که چرا نهی کنندگان در برابر منکرات اصلی جامعه نظیر بی عدالتی، مفاسد اقتصادی و... واکنش و حساسیت لازم را نشان نمی دهند. بنابراین توسعه قلمرو امر به معروف و نهی از

منکر به تمامی اموری که به مصالح فردی و اجتماعی منتهی می گردد، از جمله راه هایی است که در تعمیم این فرهنگ در اقشار مختلف جامعه نقش بسزایی خواهد داشت.

۳- نهادینه کردن فرهنگ والای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و این که روح این اصل قرآنی به حضور و مشارکت و نظارت دائمی مردم و مسؤولین نسبت به عملکرد یکدیگر بر می گردد، می تواند تأثیر زیادی در همگانی کردن این اصل داشته باشد و در نتیجه هراس از اجرای آن را نیز از بین ببرد. اگر روحیه تملّق گویی و مداحی بیجا در جامعه مورد سرزنش قرار گرفته، بجای آن روحیه انتقادگری سازنده مورد تقدیر قرار گیرد و سیره نبی اکرم(ص) و امامان(ع) در زمینه اهتمام {P - «کونوا نُقّادَ الکَلام»، بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۶؛ «اُحْثُوا التُّراب علی وجوه المداحین»، الفروق اللغریه، ابوهلال عسکری، ص ۲۰۲. P}

جدی آنها به اصل امر به معروف و نهی از منکر برای مردم بازگو گردد، تأثیر فراوانی در تثبیت نظام اسلامی و گرایش مردم به اجرای این اصل خواهد داشت و در نتیجه جوانان نیز که قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند بیش از گذشته جذب دین خواهند شد.

۴- به کارگیری شیوه های منطقی و عقلایی نیز می تواند در تعمیم فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر تأثیر بسزایی داشته باشد. آمر به معروف هرگاه فاقد شناخت لازم از مراتب امر به معروف و نیز آشنایی با روحیات مخاطبش باشد قادر به استفاده از بهترین شیوه در اجرای وظیفه خود نخواهد بود. از این رو لازم است متولیان فرهنگی نظام، آموزش های لازم را؛ه ب نسبت به مراتب

امر به معروف و نیز به کـارگیری بهترین شـیوه هـای اجرایی آن مبـذول دارنـد. خلاصه آن که تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، همگانی بوده و تمامی اقشار جامعه به ویژه

مسؤولین نظام اسلامی موظفنـد زمینه اجرای این اصل سـرنوشت ساز و حیاتی را در جامعه فراهم کننـد؛ مردم نیز در این زمینه بایـد از مسؤولین نظـام به طور جـدی بخواهنـد تا با تـدوین قوانین و ضوابط معقول و منطقی، حمایت های لازم را از آمرین به معروف نموده و زمینه های اجرایی همه جانبه این رکن دینی را فراهم کنند.

با وجود نیروی مخلص بیســج، چرا باز هم متأســفانه شاهد مفاسد اجتماعی هستیم، بخصوص در مراکز آموزشــی، و چرا با سازماندهی درسمت و کمک گرفتن از مبانی روانشناسی، سعی نمی کنید، جوانان را هرچه بیشتر به معنویت جذب کنید؟

پرسش

بـا وجـود نیروی مخلص بیسـج، چرا بـاز هم متأسـفانه شاهـد مفاسـد اجتمـاعی هسـتیم، بخصوص در مراکز آموزشـی، و چرا با سازماندهی درسمت و کمک گرفتن از مبانی روانشناسی، سعی نمی کنید، جوانان را هرچه بیشتر به معنویت جذب کنید؟

پاسخ

سؤال از دو جنبه قابل بررسی است:

اولاً، بایـد بپذیریم در دهه دوم تهاجم و شبیخون و غارت فرهنگی در غالب نفوذ عناصـر در نهادهای فرهنگی صورت گرفته و نمی توان منکر این قضـیه شـد، از طرف دیگر برای حمـایت از این عناصـر رسـانه هـای خارجی بویژه شـبکه های تلویزیونی به زبان فارسی به صورت ۲۴ ساعته برنامه پخش می کنند به عنوان مثال، شـبکه تلویزیونی آپادانی مأموریت تشکیک در آیات و روایات را به عهده دارد. شبکه NI TN و (تلویزون ملی ایران)مأموریت تشکیک در نظام دینی، و جدایی دین از سیاست را بر عهده دارد. پارس تی وی (PARS TV) شایعه پردازی علیه مسؤولین نظام و همچنین ITV. علاوه بر این شبکه ها رادیویی نیز مزید بر علت می باشند.

ثانیاً: خود بسـیج نیز با توجه به تبلیغات گسترده داخلی و خارجی علیه او بویژه بعد از دوم خرداد شـرایط برای اجرای مأموریت سخت تر شده است، اگر به ایام انتخابات ۱۸ خرداد (انتخاب ریاست جمهوری) نگاه کنیم، بدترین ناسزاگویی ها در تجمعات علیه بسیج به صورت شـعار مطرح می شود. امـا علی رغم اینهـا تـا جایی که امکان داشـته و شـرایط مناسب بوده بسـیج حضور خودش را در تمام صـحنه ها و در بین تمام اقشار جامعه حفظ کرده، به میزانی که شـرایط مساعـد شود وارد عمل می شود. اما اینکه فرمودید از مبانی روانشناسی جهت جذب جوانان به معنویت استفاده شود، این هم مطلب درستی است

که کمتر به آن پرداخته شده ولی به عنوان یک موضوع اساسی در دستور کار مسؤولین فرهنگی بسیج هست.

برای گسترش وهمه گیر شدن امر به معروف ونهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله وآموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟

پرسش

برای گسترش وهمه گیر شدن امر به معروف ونهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله وآموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟

پاسخ

در رساله های عملیه واجبات وارکان امر به معروف ونهی از منکر به تفصیل آمده است از جمله اینکه : باید معروف ومنکر شناخته شود . پس برای همگانی کردن آن یک بحث تعلیم وآموزش معروف ومنکر را داریم . امّا در اقدام به آن از جمله کسانی که می توانند در این آموزشها مؤثر باشند روحانیون هستند وآموزش وپرورش با قرا ر دادن آن در دروس رسمی ، نمازجمعه ها ،مساجد ، رسانه ها وهمه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند .

بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده وشکست آن سخت تر می شود . لذا باید دشمن را معرفی کرد . یک سری از دشمنی ها با انقلاب صورت می پذیرد که مردم در تشخیص آنها نیازمند همین آموزشها هستند . ودر اجرای این فریضه باید یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشته باشد . در مسئله جنگ این هماهنگی بود . مشکل عمده بعد از معرفی منکر ومعروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل بعضی منکرات ، صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصی داشته باشد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سری آموزشهایی است که وقتی مردم به میدان دعوت می شوند نیروهای مسئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشند . اگر استقبال مناسب نباشد ونیروها یکدیگر را خنثی کرده

یا در مسئولیت خود اهما ل کنند موفق نمی شوند .

برای شرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند وبعد از آن مجموعه ها ی بزرگتری اقدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشته باشد واول کسانی که آمادگی دارند ونیروهای پیشتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد .

البته این اشکال بیشتر متوجه مسئولین اجرایی است زیرا مردم وقتی دعوت رهبر خود را به این امر مهّم می بینند در صحنه حاضر می شوند . مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرمایند : " وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند ، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت آمر به معروف وخیر وناهی از منکر باشد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند . همه باید به کارهای جامعه کار داشته باشند واهتمام بورزند . همه باید آگاه باشند . همه باید معروف شناس ومنکر شناس باشند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالاـ در همه است . امر به معروف به این معناست . والاّـ اگر ما امر به معروف را دریک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم ودشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای

امر بـه معروف ایـن اسـت کـه ایـن واجـب بـه ایـن عظمـت را که قـوام همه چیز به اوست ، بیاورنـد در یـک دایره محـدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صـحنه هـای گونـاگون جـامعه ؟ خیر ، قضـیه بالاـتر از این حرفهـا ست . تخلفهـا یـک انـدازه ویکجور نیست . تخلفهـا تنها تخلفهای فردی نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها وجرائمی است که پایه های نظام را سست می کند .

نا امیـدکردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع واحوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی وپیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است .

امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجورکه شما در خیابان ببینید وبفهمید ومشاهده کنید) به شکلهای گروهکی وبا هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد وبی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرا ت، هم اخلاـقی ، هم سیاسـی وهم اقتصـادی است . همه جا هم جای نهی از منکر است . یک دانشـجو هم می توانـد در محیط درس وعلم نهی از منکر کنـد . یک کارمنـد شـریف هم در محیط کار خود می توانـد نهی از منکر کنـد . یک کاسـب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی

از منکر کند . یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند . روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر وامر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد .

این کار،کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عده خاصی مثل نیروهای مسلح یا نیروهای دیگر باشد ، کارهمه است . البته هر کسی وظیفه ای دارد . من در پیام تشکری که منتشر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف ونهی از منکر پیدا کنند . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید ودر مقابل کدام منکر می توان امّا اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیرچه کسی است ؟ باید اعتراف کرد که موانعی برای عملی شدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط وجناحهای مختلف است که در روشهای اصلاح جامعه نظرهای مختلف ارائه می کنند وهر کدام برداشتی را از پیش خود ارائه می کنند وآن تبعیت از رهبری که باید در همه مسئولین باشد ، نیست . یکی از نتایج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و ... آنقدر اختلاف آراء ونظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسی اجرایی این فریضه است . این مانع وقتی به مسئولین دولتی سرایت می کند وآنها در اساس این فریضه واجرای آن تردید می کنند یا بعضی ا ز آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب برزمین ماندن

این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشتت آراء واختلافات سیاسی و گوش به فرمان رهبری بودن واجرای اوامر ایشان وحفظ وحدت رویّه و وحدت ملّی است .

راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست وبه عهده کیست ؟ وچگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین) مبارزه کرد.

پرسش

راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست وبه عهده کیست ؟ وچگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین) مبارزه کرد.

پاسخ

آنچه دردین مطرح شده است هماهنگی بافطرت انسانها دارد واین کمال جوئی را وقتی به چشمه سار دین می رسانیم حلاوت آنرا اندکی بچشانیم این بطور قطع بدان آرامش می یابیم وآنرا درآغوش خویش می گیریم بنابراین دین خود جذاب است برای روشن شدن این حقیقت می توان کمالات انسانی رادرمولای متقیان امیرالمؤمنین (ع) شاهد آورد مانند انصاف ، عدالت، شجاعت ، حیا، شرف ، یتیم نوازی وصفات دیگری که حتی دشمنان دین دربرابر عظمت آن سرفرود می آوردند وگاهی ناچار به اعتراف می شدند و پروریدگانی مانند امام راحل در به اعتراف واداشتن دشمن که اگر بتوانیم دین را که همان برخورداری ازکمالات انسانی و الهی به نسل جوان برسانیم یقیناً مورد پذیرش واستقبال قرار خواهد گرفت البته متأسفانه گاه بین عمل ما آنچه دین مطرح نموده تفاوت بسیار است ودر ذهن جوانان بین دین ورفتار مامسلمانان پیوندی برقرار شده که هرگز واقعیتی ندارد . چون ممکن است گاه اعمال ما هیچ مربوط با آنچه حقیقت دین مطرح می کند نباشد ، بنابراین به عهده تک تک مااینستکه واقعیت دین رادرک نموده وآنرا به جوانان برسانیم ، البته دراین وظیفه هرکدام از...Řودیگران سهم خود رادارند. واما نسبت به سؤال دوم حضرتعالی باید گفت اگر بتوانیم زمینه تقویت قوای فکری وعقلانی جوانان راتقویت نموده وآنها را به بصیرت وشناخت عمیق درمباحث دینی برسانیم وپایه واساس دینداری که همان فهم وبصیرت درآن هست رادرآنها تقویت نموده وازطرفی با آنها که

درقالب دین می خواهند به دین ضربه بزنند برخورد نمائیم می توان امیدوار بود که جوان ما از هجمه وسیع نسبت به ارزشهای دینی مصون بماند ، به وصیت نامه امام (ره) دراین زمینه مراجعه کنید.

جدیدا رسم شده که هیئتهای مذهبی در شهرستانها بالأخص مشهد مقدس سینه زنی را همراه با جهش و به سرو صورت کوبیدن انجام می دهنــد یا اینکه در حین مــداحی مــداح صداهای ناجور در می آورند حال سوال اینجاست که آیا این نحوه عزاداری برای اهل بیت و بخصوص برای امام حسین (صحی

پرسش

جدیـدا رسم شـده که هیئتهـای مـذهبی در شهرسـتانها بالأـخص مشـهد مقـدس سـینه زنی را همراه با جهش و به سـرو صورت کوبیـدن انجام می دهنـد یا اینکه در حین مـداحی مـداح صـداهای ناجور در می آورنـد حال سوال اینجاست که آیا این نحوه عزاداری برای اهل بیت و بخصوص برای امام حسـین (صحیح است و تاثیر مثبت دارد یا اینکه بالعکس می باشد و نوعی بازار گرمی و شـور کردن است که در این صـورت ضـربه ای ریشه ای به نهضت حسـینی وارد می آیـد و در واقع اینگونه افراد طبق گفته زیارت عاشورا "و تابعت و شایعت علی قتله" می باشند ؟

پاسخ

بدون شک فداکاری سـید الشـهدا (و حادثه عاشورا و کربلا بزرگترین نقش و کاراترین ابزار در زنده ماندن اسلام و ارائه آن به نسـلهای بعد را داشـته و دارد و زنده نگهداشـتن آن در همان شکل سنتی و حماسی و احساسی تداوم بخش تشیع و بیمه گر اسـلام عزیز خواهـد بود. بنابراین هر گونه عملکردی در راسـتای اهـداف مذکور جایز و انجام آن مفید و بلا مانع است و آنچه دروغ و یا موجب وهن و بی پایگی مذهب و دین گردد ممنوع و غیر مجاز است به ویژه باانگیزه های دنیا گرایانه .

امـام خمینی (در این بـاره فرموده انـد : بایـد ما محرم و صـفر را زنـده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت (که با ذکر مصائب اهـل بیت (زنـده مانـده است این مـذهب تا حالا با همان وضع سـنتی، با همان وضع مرثیه سـرایی و روضه خوانی . شـیاطین به گوش شما نگویند که

ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب را بگوییم و مسائلی که در سابق بود حالا دیگر منسی باید بشود، خیر.

ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می افتند (باشیم) تاکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند . محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سید الشهدا سلام الله علیه است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش

از طرف روحانیون، از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم

از طرف روحانیون از طرف خطبا ، با همان وضع سابق و از طرف توده های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می افتاد باید بدایند که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید. البته اگر یک چیزهای ناروا یی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می افتاد. باید بدانید که اگر بخواهیم نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته اگر یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده آنها باید یک قدری تصفیه شود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند روضه را همان طور که سابق می خواندند و مرثیه

را همان طور که سابق می خواندند بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری .

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نیز در این باره فرموده اند:(۱)

س۳۵۴: در حسینیه ها و مساجد بیشتر مناطق بخصوص روستاها مراسم شبیه خوانی به اعتبار اینکه از سنتهای قدیمی است برگزار می شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد این مراسم چه حکمی دارند؟

ج : اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند اشکال ندارند ولی در عین حال بهتر است که به جای آنها مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی بر پا شود .

س : ۳۶۲ : نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته های عزاداری در شبهای محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست ؟

ج : به راه انداختن دسته های عزاداری برای سیدالشهداء و اصحاب او (و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می کند ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می شود و یا فی نفسه از نظر شرعی حرام است پرهیز کرد.

س ۳۶۳: استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزادای چه حکمی دارد؟

ج : استفاده از آلات موسیقی ، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت

متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود .

س ۳۶۴: آیا آنچه متداول شده که به عنوان عزاداری برای امام حسین (گوشت بدن را سوراخ کرده و قفل و سنگ کیلو به آن آویزان می کنند جایز است؟

ج : این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می شوند جایز نیست .

۱ اوجوبه الاستفتائات، ج۲، ص ۱۲۹ ۱۳۰

بهترین راه مأنوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟

پرسش

بهترین راه مأنوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟

پاسخ

شکی نیست که آشنایی و تبیین مضامین و معانی بلند قرآن کریم برای آنها که فطرت خویش را سالم نگه داشته اند ودر پیشگاه قرآن سر تواضع فرود آورده اند، انس ایجاد می کند. استاد جوادی آملی در کتاب قرآن در قرآن می فرمایند: "اگر کسی به ره آورد تشریعی قرآن ایمان آورد و پا بر هوس خود گذاشت و در این راه کمی مقاومت نمود، خداوند او را برمی گزیند و هدایت پاداش خود را نصیب او می فرماید (الله یجتبی الیه من یشاء) کسی که فطرت خود را سرکوب و خاموش نکرده باشد، در پیشگاه هدایت قرآن سر تواضع و فروتنی را فرود می آورد و پس از آن، انس و الفتی بین او و قرآن ایجاد می شود و آیات نورانی آن در دل و جانش می نشیند و او را بسوی لقاء الله صعود می دهد."

حال برای انس نوجوانان با قرآن و معانی آن اولاً- باید از کودکی چنین انسی را با تلاوت و آشنایی با زبان عربی برای فهم آیات دنبال نمود، ثانیاً- خود تلاوت قرآن که تأکید زیادی بر آن در روایات و کتب اخلاق شده است نقشی والا در ایجاد ارتباط با قرآن دارد.

ثالثاً رعایت شرایط قرائت و تدبر در آیات الهی می تواند قلوب را به حرکت آورد و دلها را تکان دهد.

رابعاً- رعایت واجبات الهی و ترک گناهان تأثیر زیادی در حیات دلها دارد و حیات دل رکن اساسی در استفاده از قرآن است کما اینکه کریمه شریفه "ان هو الا ذکر و قرآن مبین لینذر من کان

حیاً" بر آن دلالت دارد.

و اما شرایط توبه، معلوم است که توبه شرایطی دارد، اولین مرتبه آن پشیمانی از عملی است که مرتکب آن شده است لذا گفته اند التوبه الندم و مرتبه بالای آن در شش امر خلاصه می شود: ۱. ندامت و پشیمانی از گناهان گذشته ۲. تصمیم بر عدم عود بر معصیت ۳. ادای حقوق دیگران و جبران آن ۴. قضای فرائض فائته ۵. ترس از گناهان گذشته و اصرار در طلب عفو۶. به جای لذت گناه سختی طاعت را چشیدن.

تذکر: پرسشگر گرامی جهت برطرف شدن نواقص و عیوب کار و بهبود روند پاسخگویی، لطفاً برگه های نظرسنجی سؤال را به این مؤسسه ارسال فرمایید.

چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می شود ولی مسؤولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی دهند؟

پرسش

چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می شود ولی مسؤولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی دهند؟

پاسخ

برادر عزیز مرادتان از مسؤولین کدام بخش مسؤولیتی است، مسلماً رهبر بزرگوار انقلاب بارها این مسئله را تأکید داشتند و اهتمام شدیدی به آن دارند، ایشان می فرمایند: "مسئله فرهنگ در یک جامعه، یک مسئله حیاتی است، فرهنگ به معنای یک چیز زیادی و تجملاتی برای جامعه نیست، فرهنگ اساس است، اگر فرهنگ در یک جامعه، به معنای درست کلمه، فرهنگ صحیح باشد با هر تلقی که انسان از فرهنگ صحیح دارد طبعاً به نظر ما فرهنگ صحیح، آن فرهنگی استکه با مبانی اسلامی و منطق و عقل و خرد، همسان و همگام باشد آن جامعه به سمت رشد اقتصادی و رفاه و آزادی و این چیزها هم حرکت خواهد کرد، یعنی این فرهنگ خوب، زمینه خواهد شد که جامعه، ثروتمند هم بشود، عالم هم بشود، از لحاظ سیاسی هم قدرت پیدا کند رهبر معظم انقلاب بارها به نهاد های مختلف فرهنگی بر انجام رسالت حقیقی خود تأکید ورزیده و در جای دیگر فرمودند، "باید اعتراف کنیم که در زمینه های فرهنگی، آن کار مطلوب و مورد انتظار را خیلی انجام نداده ایم، نه اینکه کس خاصی یا جمع خاصی مورد سؤال باشد، نه مجموعاً در زمینه های فرهنگی، ما کم کاری داریم، حتماً این را باید قبول کنیم ولی در این مدت شاید انتظار هم نباشد تحول کامل فرهنگی انجام شود" و در این جهت اگر مرادتان نهاد یا مسؤول خاصی است، باید بخصوص مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

آیا بدلیل قباحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا حلال شده است را ترک کرد ؟ راه حل اجرایی شما برای این مساله چیست؟

پرسش

آیا بدلیل قباحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا

حلال شده است را ترک

کرد ؟ راه حل اجرایی شما برای این مساله چیست؟

پاسخ

برادر بزرگوار شکی نیست که پاسخ سؤال اول شما منفی است یعنی نمی توان بواسطه قبح عرفی یک حکم شرعی جائز را حرام دانست . این امر با کمی توجه به مدارک احکام که بر اساس مصالح و مفاسد مبتنی است روشن خواهد شد البته در این جهت ممکن است ابهامات و شبهاتی در ذهن انسانها خصوصا خانمها مطرح شود که در کتب متعدد و توسط بزرگان بررسی شده و پاسخ داده شده است که از جمله آنها کتاب نظام حقوق زن در اسلام از شهید بزرگوار استاد مطهری است و آنچه نباید مورد غفلت واقع شود این است که باید دید عرف چرا اقبال عمومی نسبت به این موضوع نشان نداده است اگر علت آن بررسی شود و آن عوارض یا رفع گردد و یا روشن شده و پاسخ داده شود، بسیاری از این قباحت عرفی از بین می رود. مرحوم شهید مطهری در همان کتاب می فرمایند: "منفوریت ازدواج موقت در میان زنان، مولود سوء استفاده هایی است که مردان هوسران در این زمینه کرده اند." که خود ایشان سپس پیشنهاد نموده اند که قانون اگر قانون خوب و جامع تدوین شود می تواند جلوی آنها را بگیرد، یکی دیگر از مشکلات نوع نگاهی است که در مردم نسبت به مسئله ازدواج کلا هست که آنرا فقط برای ارضاء جنسی می دانند که قرآن کریم بزرگترین نفع آنرا "سکون" می داند و وقتی چنین دیدی نسبت به ازدواج داشته باشیم نوع نگاه ما بصورت نگاه به یک امر غیر مقدس بلکه شیطان خواهد

بود به هر حال اینکه راه حل اجرایی قضیّه چیست؟ باید گفت ضمن یک کار فرهنگی وسیع و طولانی و تدوین قانونی جامع با رفع مشکلات و عوارض منفی احتمالی ازدواج موقت، می توان امیدوار به اجرای این حکم از احکام اسلام بود .

مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

بر گرفته از : ۱ معاد، استاد مطهری (ره)

آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان پذیر است یا نه؟

اشاره

اگر امکان پذیر است آیا کاری در این زمینه انجام می شود؟

پرسش

آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان پذیر است یا نه؟

اگر امکان پذیر است آیا کاری در این زمینه انجام می شود؟

پاسخ

شکی نیست در جامعه ای که افراد آن دارای فرهنگ سالمی باشند، هر نوع آزادی معقول نه تنها ضرر ندارد بلکه به سود آن جامعه است، شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی می نویسند: "هر کس می باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد، اتفاقاً تجربه های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری برخوردار بوده است این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت بسود اسلام بوده است، اگر در جامعه ما محیط آزاد برخورد آراء و عقاید بوجود بیاید، بطوری که صاحبان افکار مختلف بتواند حرفهایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می کند- البته همانطور که توضیح دادیم برخورد عقاید غیر از اغوا و اغفال است، اغوا و اغفال یعنی کاری توأم با دروغ- توأم با تبلیغات نادرست انجام دادن- " بنابراین اصل اینکه فرهنگهای مختلف مطرح شود نه تنها ایرادی ندارد بلکه اگر با رعایت حدود جامعه باشد باعث رشد و ترقی هم خواهد بود.

البته در چنین فرضی باید فرهنگ ملی و دینی جامعه را تقویت نمود و آنرا برای همه افراد جامعه تبیین کرد، که این همان تبادل فرهنگی است، یعنی در عین حفظ هویت دینی و ملی

خود، بتوانیم عناصر مثبت فرهنگی دیگران را در جهت تحول و سازندگی کشور گزینش و متقابلاً تجارب و مهارتهای سازنده خود را به منظور هدایت و اصلاح ساختار توسعه به دیگر کشورها منتقل کنیم، البته تبادل فرهنگی نباید به معنای سلطه فرهنگ دیگر کشورها بر فرهنگ دینی و ملی ما معنی شود که مسلّم منفی است و رهبر انقلاب هم تصریح دارند که نفی غرب بمعنای نفی سلطه غرب است، هر نوع سلطه ای باشد حتی سلطه فرهنگی، بنابراین در جامعه ما تبادل فرهنگها امکان دارد، البته باید دقت کرد که زمینه سلطه دیگران فراهم نشود، و اما آیا کاری در این زمینه شده یا خیر؟ باید گفت: امروز فکرها و نظریات متفاوت در جامعه کم و بیش مطرح است و تا در مسیر تقابل با اهداف دینی و ملی ما قرار نگرفته باشند فضای تلاش و فعالیت برای آنها باز است. در انتها باید به نکته ای مهم توجه داشت و آن نقش تربیتی فرهنگهای بیگانه در کودکان، نوجوانان و بطور کلی قشری از جامعه که به دیده نقّادی و تحلیل نمی نگرند می باشد. و اساساً تکرار و شیوع فرهنگ غیر اسلامی تحت عنوانی مخالف اهداف تربیتی اسلام عزیز می باشد زیرا سالم سازی فضای جامعه و حاکمیت روح ایمان و تقوا و شعائر اسلامی از ضروریات نیاز تربیتی فرزندانمان و سایر قشرهای آسیب پذیر است. از اینرو آزادی فرهنگی به معنای تنوع فرهنگهای رایج اسلامی و غیر اسلامی در جامعه امری مطلوب شمرده نمی شود و این غیر از آزادی در بیان و اندیشه است که آنهم نباید بطور نامحدود و بی حساب موجب تخریب و تضعیف عقاید و ایمان

مردم باشد و به نظر می رسد در جامعه اسلامی شکل مطلوب بیان عقاید غیر اسلامی همان محیط کلاسهای درس با حضور مربی نیز و محیطهای علمی دیگر به همراه تحلیلهای مناسب آن است، تا از تأثیرات نامطلوب آن جلوگیری شود.

بنابراین آنچه برخی به عنوان آزادی در جامعه اسلامی مطرح می کنند بدون محدودیتهای ذکر شده جز به تخریب ایمان و باور دینی مردم و ایجاد بی بندوباری نمی انجامد و توهم مقاوم شدن در معارضه فرهنگها و رویارویی افکار و اندیشه ها به شکلی که اکنون مطرح است جنبه اسلامی نداشته و نباید ترویج شود.

آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟

پرسش

آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟

پاسخ

واضح است که شعار بدون عمل ناروا و ناپسند است"یا ایها الذین آمنول لم تقولون ما لاتفعلون" (چرا می گویید چیزی را که به آن عمل نمی کنید) کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لاتفعلون (گناه بزرگی است در نزد خدا که بگویید آنچه را که عمل نمی کنید).

بدون شک سلاح علم و دانش و فن آوری از کارآترین و برنده ترین ابزار پیشرفت و تمدن جامعه است بگونه ایکه از دیدگاه اسلام توقف و کند شدن آهنگ دانش آموزی و رشد و ارتقاء سطح فرهنگی حتی برای لحظه ای قابل قبول نبوده و حرکت علمی و دانشجویی فراتر از محدودیت های زمانی و مکانی و حتی شرایط سنی ضرورتی است اجتناب ناپذیر ولی تلاش برای فن آوری و کسب مهارتهای علمی و صنعتی منافات و تنشی با بهره گیری از ابزارهایی نظیر شعار در راستای ارزشها و آرمانهای مقدس نداشته بلکه خود نوعی استفاده کاربردی از دانش و تبلیغ و ارائه ایده های حقیقت مدارانه و آرمانهای سعادتمندانه بشریت تشنه حقیقت است به شرط آنکه

۱. شعار، دروغ، توخالی و بی اساس نباشد.

۲. به جا، به موقع و به اندازه از آن استفاده گردیده و از هرگونه افراط و تفریط، تند روی و کندروی پرهیز گردد نظیر استفاده کاربردی از همه ابزارها.

مقام معظم رهبری در این باره چنین فرموده اند: "اگر ایران اسلامی به همت شما جوانها و به همت این نسل رو به رشد امروز، مدارج علمی را طی کند و از لحاظ صنعت و صنعت برتر، تکنولوژی برتر و علمی که

امروز مورد نیاز است، بتواند سهم وافری را به خودش اختصاص بدهد که نتوانند به او زور بگویند؛ بتواند قدرت نظامی خودش و پایه های اقتصادی کشور را مستحکم کند، بتواند این محرومیت ها را برطرف بکند، بتواند از منابع سرشار و غنی این کشور در همه جا بهره برداری بکند، بتواند معرفت سیاسی را در آحاد مردم بالا ببرد، آن وقت ممکن است دشمنی آنها کم بشود؛ بنابراین اگر ممکن باشد، آن روز ممکن خواهد بود. این که بعضی بردارند طبق میل دل کارشناسان سیاسی آمریکا، دم از نزدیکی و مذاکره و ارتباط بزنند و فضا را عادی سازی کنند، این بزرگترین توهین و خیانت به این مردم است. اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگند خورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیت ها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بیکاری را از بین برده باشد؛ آینده جوانها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیل کرده و فارغ التحصیل دغدغه معاش و دغدغه کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسائل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق منافع و مصالح ملی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر این جور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم؛ والا در غیر این صورت، هرگونه نزدیک شدن به دشمن، هرگونه نرمش نشان دادن در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمنی و ستمگری دشمن است."

استاد مصباح در این باره فرموده اند:

"این که ما نسبت به دشمنان اسلام و شیطان بزرگ

این قدر کینه داریم و اجازه نمی دهیم شعار "مرگ بر آمریکا" حذف شود، تأسی به حضرت ابراهیم (است. قرآن می فرماید شما باید از ابراهیم (یادبگیرید و صریحاً بگویید مرگ بر دشمن اسلام، و عداوت و دشمنی خود را نسبت به دشمنان دین اعلام کنید. همه موارد، جاری لبخند نیست. در بعضی موارد باید عبوس بود، باید اخم کرد، باید صریحاً گفت ما دشمن شماییم، ما آشتی نمی کنیم، مگر دست از خیانت بردارید. این دستور قرآن است. سابقاً می گفتند فروع دین ده تا است. بعد از "امر به معروف" و "نهی از منکر" دو فرع "تولی" و "تبری" را نیز جزء فروع دین به حساب می آوردند.

چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟

پرسش

چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟

پاسخ

اینکه فرموده اید پس از انقلاب برخی از آزادی های مجاز را نداریم نمی توان بصورت کلی قضاوت نمود، بلکه باید مصادیق آن را مطرح نموده تا پیرامون آن بتوان از نقطه نظرات یکدیگر بهره برد و اما عدم تحقق مواردی چون ازدواج موقت بصورت رایج بدلیل نحوه نگاه منفی جامعه ما به آن، ربطی به انقلاب ندارد زیرا قبل و بعد از انقلاب دید مردم ما نسبت به آن یک دید منفی یا همراه با ابهام و تردید بوده است و این خود عواملی دارد که مرحوم شهید مطهری در کتاب حقوق زن در اسلام به آن بطور مفصل پرداخته و اینکه این مشکل چگونه باید حل شود بحث دیگری می طلبد که ضمن نیاز به یک کار فرهنگی وسیع برای خانواده ها و تدوین و تبیین قوانین جامع که در آن ضمن تعیین راهکار برای جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی، تمام عوارض ارتباط پسر و دختر در قالب ازدواج موقت لحاظ و کنترل شده باشد می توان امیدوار بود این مشکل حل شود، البته فعلا نیز از نظر قانونی انجام چنین کاری مانعی ندارد و مسیر قانونی خود را دارد و مشکل، عدم استقبال عمومی جامعه است .

چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظه استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و استفاده از کلاس های آموزشی عقاید و طریقه تحلیل مسائل بهترین وجه اقدام لازم تا الآن نداشته است؟

پرسش

چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظه استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و استفاده از کلاس های آموزشی عقاید و طریقه تحلیل مسائل بهترین وجه اقدام لازم تا الآن نداشته است؟

پاسخ

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظائف نیروی مقاومت بسیج می باشد عین نامه حضرتعالی را به فرماندهی آن نیرو

ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

چرا مسؤولین تزکیه ندارند؟

پرسش

چرا مسؤولین تزکیه ندارند؟

پاسخ

اینکه مسؤولین تزکیه ندارند بصورت کلی چه بسا بی انصافی باشد، برادر عزیز ما هم قبول داریم که در بین مسؤولین کسانی هستند که متأسفانه تزکیه ندارند ولی اینکه این را تعمیم داده و طوری بگوئیم که همه مسؤولین را شامل شود قابل قبول نخواهد بود، اما چرا بعضی مسؤولین تزکیه ندارند، ما هم ضمن تأسف این را امری نامطلوب برای چهره نظام جمهوری اسلامی می دانیم و امیدواریم که همه مردم در سیر تهذیب و تزکیه گام برداشته خصوصاً آنها که در صدر امور هستند و ؟؟؟ مسؤولیت را در نظام جمهوری اسلامی که بر مبنای دینی و تلاش و خون شهدا و مردم عزیز برپا شده را پر نمودند، ناگفته پیداست که احراز مسؤولیت ها در پستهای کلیدی به دو شاخه مهم تخصص و تعهد نیازمند است. در صورتیکه چهره های اداره امور مملکت برخوردار باشند جای تردیدی نیست که بر سایرین ترجیح دارند چنین افرادی کمتر یافت می شوند س

چرا کشور اجازه خروج مغرها را می دهد یعنی قراردادن کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمی کنند و چرا کشور از این افراد با استعداد استفاده نمی کند؟

پرسش

چرا کشور اجازه خروج مغرها را می دهد یعنی قراردادن کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمی کنند و چرا کشور از این افراد با استعداد استفاده نمی کند؟

پاسخ

البته خروج مغزها در ذات خود بد نیست و به همین خاطر بعضی وقتها تحت عنوان فرار مغزها و بعضی وقتها تحت عنوان صادرات مغز از آن یاد می شود بنابراین اگر خروج مغزها به کشور به بازگشت آنها بیانجامد چه بسا ثمرات خوبی هم داشته باشد. بد نیست بدانیم که سیاست دولت جمهوری اسلامی در استفاده از اینترنت، راهی بود برای اینکه مغزها از کشور خارج نشوند و بتوانند نیازهای علمی خودشان را از این طریق تأمین کنند و نیاز به خارج کشور نداشته باشند، علی رغم اقدامات مثبت دولت بازهم کسانی خارج می شوند، بهترین راه فراهم کردن امکانات در داخل کشور است که بعضی اقدامات دولت مثبت بوده و بعضی اقدامات مثل کم شدن بودجه تحقیقاتی منفی تلقی می شود.

فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخوا هم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شده ؟

پرسش

فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخوا هم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شده ؟

پاسخ

درباره واقعیت امر که چه تمهیداتی برای مبارزه با ابتذال فرهنگی در کشور شده است یا خیر، پاسخ نیاز به کارشناسی دقیق و وسیع دا رد لیکن آنچه مسلم است اینکه ابتذال فرهنگی بدون اجرای جدی اصل امر به مروف ونهی از منکر از سوی دولت وملت از میان نخواهد رفت اما اینکه چه برنامه ای باید به مورد اجرا در آورده شود در این باره می توانیم راهکارهای زیر را در نظر آوریم:

۱ شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این مسیر لازم است تا شناخت خود و دیگران را از باورها وارزش های دینی، افزایش دهیم. مثلاـ"در زمینه عقاید یک سلسله باورهای درست را به دیگران عرضه و بر آنها روشن و ثابت کنیم (هستی شناسی). در زمینه ارزشها، وجود یک سلسله ارزشها ی ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلاـن سخنان بی پایه کسانی که ارزشها را امور اعتباری می دانند آشکار سازیم (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان یابی بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسایل شرعی را تضعیف کنند ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسایل شرعی سوق دهیم. از همه مهم تر در برابر کسانی که اصل وجود یقین را یک صد ارزش تلقی می کنند و از شکایت در معرفت تبلیغ می کنند، امکان یقین در معرفت را ثابت کنیم و از این رهگذر عقاید

دینی و ارزشهای آن را از یک پشتوانه معرفت شناختی بر خوردار سازیم.

۲ تقویت وتثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آفرین اسلام، دانشمندان نامی آن و نیز دستاوردهای ممتاز جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (.

۳ تقویت وتثبیت ارزشهای اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش وپاسخ و همچنین مشاوره کتبی برای پاسخ به پرسشهای مردم و شبهات ایشان.

۴ راه اندازی مراکزی برای رسیدگی و حل مشکلات روحی، اقتصادی و اجتماعی و شغلی مردم، بویژه طبقه جوان

۵ برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، اعتکاف.

۶ ارائه نشریات مفید و غنی از فرهنگ اسلامی و دانش و علوم رایج به گونه ایی جوان پسند.

چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟

پرسش

چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟

پاسخ

خواهر گرامی ماهم با شما در کلیت مسئله فوق موافق هستیم، یعنی اینکه قبل از تبیین هر امر فرهنگی باید بینش و ظرفیت آن در بین افراد جامعه فراهم گردد، شکی نیست که افرادی که در جامعه هستند وقتی با فرهنگ دینی و اسلامی نسبت به آزادی آگاه باشند زمینه سوء استفاده و به انحراف کشیده شدن این نعمت الهی (آزادی) محدود خواهد شد، البته مدافعین از طرح زودهنگام بحث آزادی، ادله ای برای خویش دارند که در جای خود قابل بررسی است، ضمناً آنچه در این پاسخ مورد پذیرش قرار گرفت منافاتی با مطرح شدن اصل آزادی در ارائه نظر و اندیشه ندارد اساساً آنچه مورد اشکال است طرح مسئله آزادی در ابعادی است که اکنون مطرح گشته آنچنان که برخی از حدود آزادی از دیدگاه اسلام و قرآن مورد تعرض قرار گرفته است که باید از آن پاسداری شده اسلام آنطور که هست نمایانده شود نه آنطور که امروزیها می پسندند از این نظر دیر یا زود مطرح شدن مسأله آزادی نیست که مشکل ایجاد کرده است (چه اینکه نمی توان عقاید و معارف دین را از نظر جامعه پنهان نمود) بلکه فراهم ننمودن شرایط و مقدمات آن در اجرا و عمل پایبندی به حدود است. کمااینکه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در این مملکت دیده اید که همه گروه ها، احزاب واشخاص موافق و مخالف براحتی سخن گفته اند، نشریه داشتند و تا آنجا که نظرات و فعالیت های آنها در تقابل با نظام اسلامی قرار گرفته یا نگرفته بود آزادانه گفتند و نوشتند و

مراسم گرفته انـد، بنابراین آنچه شـما به عنوان مشـکل مطرح کردیـد قابل قبول است و رهبر معظم انقلاب هم در جمع شورای انقلاب فرهنگی (۱۵/۱۰/۷۷) می فرماینـد: "اگر فرهنگ یک کشور فرهنگ منحطی بود، اگر رشـد اقتصادی هم پیـدا کند، به ضررش تمام خواهـد شـد، اگر رفاه هم پیـدا کند، رفاه او را به فساد خواهد کشاند، چنانچه آزادی و دموکراسـی و حق رأی و اینها هم داشـته باشـد، موجب هرج و مرج و موجب فساد و تباهی او خواهـد شد، یعنی فرهنگ، ذهنیت و عقلیت جامعه، و بقیه امور مرتبط با بشر است، پیداست که عقل و ذهن انسان، راهنما و جهت بخش و تعیین کننده است.

چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟

پرسش

چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟

پاسخ

دینـداری و عمل به مقررات دینی بعضاً با بی مهری ها و نامهربانی ها مواجه است که سابقه دیرینه داشـته و اختصاص به عصـر خاص نـدارد و با نوسان در شدت و ضـعف این اقبال و ادبارها، پذیرش و عدم پذیرشـها، تشویق و تضـعیف ها و آزار و اذیت ها، خود میـدانی دیگر و امتحان الهی است که وظیفه دیگری ایجاد می نماید (افضل الاعمال أحمزها) (بهترین اعمال سـخترین آنهـا است) بویژه در عصـر غیبت امام زمان (و در این برهه که هجمه گسترده علیه دین و دین ستیزی آهنگی قوی پیـدا نموده که دل هر دینمداری را مجروح ساخته و دینداری را همچون نگه داشتن آتش در کف دست ساخته است.

و چه لـذت بخش است تحمـل اذیت و آزار جاهلاـن و گمراهـان و غرض ورزان در راه کسب رضـای الهی و عشـق ورزی به ساحت حضـرت دوست "والعصـر ... و تواصوا بالحق و تواصوا با الصبر"(۱)و چه درس زیبایی را قهرمان صبر و کوه اسـتقامت زینب کبری (شـیر زن کربلا به ما می آموزد در حالی که دسـتهایش را با ریسـمان بسـته بودند و با حضور سـر بریده برادر در پاسخ زخم زبان عبید الله (علیه لعنه الله)که گفت شکر خدای را که مردانتان را کشت و شما را به ذلت افکند، فرمود "ما رأیتها الا جمیلا" من آنها را جز تکالیف زیبا و پرتوی از جمال جمیل الهی ندیدم.

لازم به یادآوری است ضرورت صبر و استقامت نسبت به آزار و اذیت های جاهلان و دشمنان چیزی از مسؤولیت مسؤولان

و دستگاه های عریض و طویل به خواب رفته فرهنگی و امنیتی در راستای ایجاد محیط آرام و مذهبی نمی کاهد.

چرا در جامعه ما به فردی که چادر می پوشد با دید دیگر نگاه می کنند و مورد اهانت قرار می گیرد؟

پرسش

چرا در جامعه ما به فردی که چادر می پوشد با دید دیگر نگاه می کنند و مورد اهانت قرار می گیرد؟

پاسخ

دینداری و عمل به مقررات الهی آزمایشی می باشد که بی مهری و نامهربانی هایی را در طول تاریخ به دنبال داشته و اهانت به دین مداران کم و بیش دارای سابقه دیرینه است گر چه دارای شدت ضعف بوده و هست و عبور از آن با استحکام و استقامت وظیفه ای است همیشگی بویژه در عصر غیبت و در برهه های تهاجم گسترده علیه دین و دین مداران که دینداری همچون نگه داشتن آتشی است در کف دست.

و دست بر داشتن از تکالیف شرعی چیزی جز تأمین اهداف مهاجمان و غارتگران باورهای دینی نخواهد بود.

لازم به یادآوری است ضرورت صبر و استقامت در برابر آزار و اذیت جاهلان و دشمنان چیزی را از مسؤلیت مسؤلان فرهنگی و امنیتی در ایفای وظیفه در سالم سازی جامعه اسلامی و مذهبی نخواهد کاست و کاملاً با شما موافقم که عدم امنیت برای بانوان محجبه آن هم در جمهوری اسلامی ایران خلاف توقع و انتظار است و سهل انگاری در اصلاح این وضعیت از جمله از گناهان عظیم در نزد خداست.

نقص و ضعف در برنامه ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟

پرسش

نقص و ضعف در برنامه ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟

پاسخ

باید این را بپذیریم که آنچه قبل از انقلاب اسلامی از مدیریت اسلامی سخن می گفتیم در تئوری و نظر بود و هیچگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی جامعه عمل نپوشید. جز مقطع کوتاهی در عصر نبی اکرم و علی (. بعد از انقلاب اسلامی وقتی بنابر این شد که نظریه های مدیریتی اسلامی عملی شود، با توجه به عدم سابقه اجرایی آن بعضاً به نتیجه نرسید، و بعضاً نیز گرفتار مدیریت های ضعیف گردید اما امروز خوشبختانه مسؤولین نظام در صدد رفع اشتباهات گذشته هستند من جمله بحث تک نرخی شدن ارز در نظام اقتصادی، عام و فرا گیر شدن مالیاتها، نظارت سیستمی و برخورد قضایی جدی با سوء مدیریت ها، از این جمله می باشند.

اما قسمت دوم سؤال، مشخص نیست منظور سؤال کننده چه تعریفی از فرهنگ و یا چه قسمتی از فرهنگ مورد نظر او است، اگر منظور فرهنگ اسلامی باشد که ما باید در صدد نهادینه کردن آن برآئیم و اگر منظور اصلاح فرهنگ غربی، مثل تجمل گرایی، اسراف، مصرف سودگرایی و... باشد باید هرچه سریعتر درصدد رفع آن برآئیم، که به نظرمی رسد مقام معظم رهبری که از سال ۷۵ بحث تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی و عوام و خواص و زندگی اشرافی و تجمل گرایی را مطرح کردند ناظر به همین نوع از اصلاح بود متأسفانه بعضی آن روز نپسندیدند ولی امروز اگر مسؤولین بر این امر متفق هستند که تا فرهنگ بیگانه را نزدائیم و فرهنگ اسلامی را جایگزین نکنیم موفق نخواهیم شد، باید عملاً وارد صحنه

شد.

چگونه می توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دوشمان گذاشتند، ادا کنیم؟

پرسش

چگونه می توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دوشمان گذاشتند، ادا کنیم؟

پاسخ

ابتدا باید کار عظیم آن عزیزان را شناخت و آنچه واقعاً آن بزرگواران انجام دادند فتح بزرگ جمهوری اسلامی بود که به تعبیر رهبر بزرگوار انقلاب آن فتح این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند که بتوانند احساس خود باوری کنند و بایستند و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا از کشور و موجودیتشان و از اسلام دفاع کنند" سپس باید دید که امروز دشمنان از چه طریقی می خواهند آن ارزشهایی که با خون شهدا زنده شده را از ما بگیرند که رهبر انقلاب در این رابطه نیز می گویند: "همین اخیراً در یکی از مجلات آمریکایی، سرمقاله ای بوسیله یک نویسنده معروف آمریکایی نوشته شده بود که خلاصه اش این بود که برای مقابله با کشورهایی مثل ایران، "ما نمی توانیم از راه های نظامی و اقتصادی عمل کنیم، اینها راه های تجربه شده و شکست خورده است، از راه های فرهنگی باید وارد بشویم، تصریح هم می کند. می گوید چگونه باید وارد بشویم و در وسط همان صفحه، عکس کاملاً عریان یک زن را کشیده و گفته از این طریق! گفته اینها را بایستی ترویج کنیم، تا بتوانیم برای آنها فایق بیاییم. راست هم می گوید؛ راه این است. متأسفانه عده یی نمی فهمند در کشور دارند چکار می کنند. البته به هول و قوه الهی نمی گذاریم و نخواهند توانست."

بنابراین اگر می خواهیم راه شهدا را که همان دفاع جانانه از دین و ارزشهای دینی و انقلابی بود ادامه یابد، امروز نیز دراین تهاجم فرهنگی باید ضمن حفظ خود در مسیر ارزشها،

با وسایل و ابزار و سلاح مناسب در این جبهه تلاش کرد و با استقامت و راه ندادن نا امیدی گامهای بلندی را برداریم. و به تعبیر رهبر انقلاب در دیدار با جوانان که فرمودند"این کارهایی که جوانان می کنند، اینها کوچک نیست، نه، شما کارتان را خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند اعتلای عظیم و همان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد. عین همین مسأله در باب ورزش است؛ عین همین مسأله در باب درس خواندن و در باب تحقیق است؛ عین همین مسأله در باب کارهای خاص جوانان است. این، درست مثل روز راهپیمایی است. اگر همه بگویند که حالا- من یک نفر چه تأثیری دارم، این سیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن یا در نماز جمعه راه نمی افتاد؛ اما هرکسی احساس می کند که تکلیف خودش را دارد انجام می دهد. من می خواهم تأکید و تکرار کنم که کار تک تک این جوانان هرجا و در هر زمینه که دارند کار می کنند، در زمینه قرآن، در زمینه معلومات، در زمینه معارف، در حوزه در دانشگاه، در کتاب نویسی کاری مهم است؛ همان کاری است که ان شاء الله کشور را به اعتلاء خواهد رساند."

چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین مراکزی هم نیست که کسانی که نمی توانند ازدواج کنند به آنجا مراجعه کنند؟

پرسش

چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین مراکزی هم نیست که کسانی که نمی توانند ازدواج کنند به آنجا مراجعه کنند؟

پاسخ

علت اینکه ازدواج موقت بطور رایج در جامعه تحقق پیدا نکرده، بدلیل نگاه منفی جامعه به آن می باشد. بطوری که در افکار عمومی بصورت یک مسأله بسیار زشت و قبیح جلوه کرده است. برای اینکه ازدواج موقت جایگاه خود را پیدا کند، نیاز به یک کارفرهنگی وسیع و همچنین تدوین و تبیین قوانین جامع که در آن راهکاری اندیشیده شود که از سوء استفاده افراد هوس باز جلوگیری شود، و عوارض ازدواج موقت لحاظ و کنترل شود. قابل ذکر است که در حال حاضر از نظر شرعی و قانونی انجام چنین کاری مانعی ندارد و مشکل، عدم استقبال عمومی جامعه است. ضمن اینکه باید عرض کنیم راهکار جلوگیری از فساد موجود در جامعه، منحصر به ازدواج موقت نمی باشد، بلکه باید گفت فساد موجود جامعه، ناشی از مسائلی است که باید ریشه یابی شده و علاج شود. عواملی که سبب فساد جامعه می شود را می توان ذیل عناوین زیر گنجاند :

عدم تربیت اخلاقی و جنسی افراد، رعایت نکردن حریم عفاف در جامعه، غریزه سرکش شهوانی که اگر تقوی نباشد مفسده آور خواهد بود، تهاجم فرهنگی که بوسیله ماهواره، سی دی های مبتذل، اینترنت، ویدئو و امثال این قبیل موارد صورت می گیرد. قابل ذکر است که اگر به این مواردی که ذکر شد توجه نشود، فساد دامن افراد متأهل را هم

خواهـد گرفت. بطوری که همه ما شاهـد هستیم چه بسـیار افرادی که ازدواج کرده انـد اما دارای مفاسد اخلاقی زیادی نیز می باشند.

بنـابراین ازدواج موقت را نمی توان راه حـل اساسـی برای حل مشـکل فساد جامعه دانست، بلکه بایـد دنبال راههای اساسـی تر دیگر بود.

چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟

پرسش

چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید نکاتی به عرض شما می رسد که امیدواریم راهگشا باشد :

۱.دشـمنان قسم خورده اسـلام و انقلاب اسلامی با تجربه هایی که به دست آورده اند به این نتیجه رسیده اند که (اگر بخواهیم ملّتی را ذلیـل و نابود و مسـتعمره خود کنیم و منافع آن را به چنگ بیاوریم، بهترین راه آن، گسترش تبلیغات مسـموم و فحشا و بی بنـدوباری و فسـاد و اعتیـاد است، بـدون اینکه حتـی یـک گلـوله هم خرج کنیم، خود به خود آن ملّت نـابود خواهـد شـد) همانطور که در آندلس (اسپانیا) که از ممالک اسـلامی بود این عمل را انجام داده و نتیجه گرفتند، الآن هم نقطه امید دشمنان اسلام، برای از بین بردن اسلام استفاده از موارد ذکر شده می باشد.

۲. یکی از مسائلی که برای ملّتها، خصوصاً ملّت های مسـلمان، بسـیار ضـربه زننـده و نابود کننده است و تاکنون هم چنین بوده است، تعهد نداشـتن و سست و ترسو و خائن بودن بعضـی مسؤولین و خواص و افراد مهم ملّتها بوده است. تاریخ نشان می دهد که بسـیاری از مشـکلات و اختلافها و بی بنـدوباری ها و ... که در هر ملّتی به وجود آمـده بی ارتباط با مسؤولین نمی باشـد و همچنین بسیاری از خوشبختیها و اصلاحات واقعی در کشورها نیز بی ارتباط با مسؤولین و خواص یک ملّت نیست.

یکی از عوامل فساد و بی بندوباری و مسائل نامشروع را نیز باید در بعضی مسؤولین بی تعهد و ترسو و خائن و بی

بنـد و بـار جست. خصوصـاً مسؤولینی که در کارهای فرهنگی و دینی و اسـلامی فعالیّت می کننـد، گاهی اوقات امضاء کردن یـک برگه کاغـذ توسط مسؤولی، موجی از فساد ایجاد می کنـد، و حتی یک گناه کوچک ممکن است گروهی از مردم عوام را بی دین و بدبین به اسلام کند. بعضی عوامل دیگر را به صورت تیتروار ذکر می نماییم ؛

۳. دگرگون شدن بعضی ارزش ها به منکر و بعضی کارهای منکر به صورت ارزش و کار خوب.

۴. رواج فرهنگ تساهل و تسامح و ضعیف شدن اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر چه در مسؤولین و چه در مردم .

۵. ارزشمند شدن ثروت و رواج تشریفات خصوصاً در امر ازدواج.

۶. شرایط اقتصادی و بسته بودن راههای رسیدن به درآمد بیشتر.

۷. نبود مهارهای درونی (ایمان و تقوی) و بیرونی (مانند امربه معروف و نهی از منکر در شکل وسیع آن).

۸. نبود برنامه های مناسب برای نسل جوان.

۹. فقدان ارائه برنامه ها و پیامهای دینی در قالب گفتار و رفتار زیبا و منطقی.

۱۰. بی احترامی والدین و درخواستهای غیرمنطقی آنان و عدم تربیت صحیح آنها و ... .

البته مسائـل و عوامل دیگری هم می باشـد که نیازی به ذکر نیست منتهی بایـد دانست خیلی از این عوامل و عوامل دیگر شاید ریشه اش همان عامل دوم باشد که با کمی فکر و تعمّق می توان این نکته را دریافت کرد.

خداونـد متعـال همه مـا را از عارفین و عاملین و خالصـین درگاهش قرار دهـد و ملّت و جوانان ما را از گزنـد حوادث شـیطانی حفظ بفرماید بحق محمد و آل الاطهار(

چرا در رابطه با عذاب های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی شود؟

پرسش

چرا در رابطه

با عذاب های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی شود؟

پاسخ

– سؤال فرموده بودید درباره کمتر صحبت شدن از نعمت های بهشتی، شب اول قبر و سؤال نکیر و منکر و عذابهای جهنمی، خدمت شما عرض شود، برادر گرامی؛ در این مورد هم صحبت های زیادی می شود و هم کتب و منابع مختلفی موجود می باشد، بخصوص در کتابخانه آستان قدس رضوی که از این لحاظ بسیار غنی می باشد، ضمناً شما می توانید در هر جلسه و یا اجتماعی که مراسمات مذهبی برگزار می شود از سخنران بخواهید که در مورد موضوع پیشنهادی شما صحبت کند و این امر شدنی است تا هم خود بهره ببرید و هم دیگران استفاده کنند و یا از طریق دفتر ائمه وجماعات موضوع را پیگیری نمایید و یا از طریق سازمان تبلیغات بخش اعزام مبلغ.

چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگو برای خودشان می گیرند و پیاده می کنند، بعضـــی از خانمهایی که با آبروداری زندگی می کنند و اموراتشان را خوب می گذرانند من بارها

پرسش

چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگو برای خودشان می گیرند و پیاده می کنند، بعضی از خانمهایی که با آبروداری زندگی می کنند و اموراتشان را خوب می گذرانند من بارها با خانوادهایی که در تماسم راه قناعت و زندگی را می آموزم که چه کنند دچار سوء تغذیه بر اثر فقر نشوند.

پاسخ

ما نیز با تو هم عقیده هستیم و معتقدیم تلویزیون به عنوان پر مخاطب ترین رسانه عمومی کشور می تواند به عنوان یک دانشگاه عمومی بزرگ در تعالی جامعه به ایفای نقش بپردازد، ولی متأسفانه پس از سالها هنوز نتوانسته به این جایگاه عظیم دست یابد. اگر چه گسترش شبکه ها و مراکز و توسعه پوشش صدا و سیما، نسبت به قبل از انقلاب گسترش چشمگیری یافته است. هر چند از بُعد سرگرمی برای طبقات مختلف جامعه، به پیشرفتهایی نایل شده و توانسته است بخشهایی ازجامعه را با برنامه های خودش سرگرم کند، ولی جنبه های بدآموزی در برنامه های سیما هنوز بسیار زیاد است، و علت آن هم این است که آنهایی که برنامه می سازند یا خود نسبت به مسایل آگاهی ندارند و نمی توانند آن را درک کنند، یا بکلی از مسأله دور هستند، و در فضایی رشد کرده اند که مسایلی همانند آنچه شما خواهر عزیز و گرامی مطرح کرده اید اصلاً برای آنان مطرح نیست، شاید آنها هنوز وضعیت موجود را سطح پایین بدانند. آنان نمی توانند آنچه شما درک کرده ای و مشاهده می کنی، درک کنند

و ببنید، زیرا در میان طبقات پایین و متوسط جامعه نیستند و اگر هم بشنوند نمی توانند باور کنند.

لذا کسانی امثال شما باید جنبه های غلط و ضدّ تربیتی و برنامه هایی که آثار ضدّ اخلاقی و اثر سوء بر اجتماع دارد را گوشزد کرده و بصورت تلفنی به خود صدا وسیما و یا بصورت مقاله و ... در روزنامه ها منعکس کنند، تا به مرور زمان بر اثر فشار افکار عمومی انشاءا... اصلاح گردد، و مردم نیز نسبت به آن آگاهی پیدا کنند و بدانند که آنچه نمایش داده می شود زندگی واقعی نیست، فیلم است، و فیلم هم غیر واقعی است نه واقعی، چرا که فیلم سازان سیما نمی توانند فیلم واقعی بسازند.

به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه بایستی حل شود؟هدف مهمی که از تحقق آرمان های اسلام عزیز برای شما مجموعه های فرهنگی چه می باشد؟

پرسش

به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه بایستی حل شود؟هدف مهمی که از تحقق آرمان های اسلام عزیز برای شما مجموعه های فرهنگی چه می باشد؟

پاسخ

از آنجایی که کشور ما از سالهای قبل گرفتار تهاجم یا قتل عام فرهنگی دشمنان بزرگ چون آمریکا و هم پیمانان او شده است، بر عهده تک تک افراد دلسوز می باشد که به هر طریق ممکن برای نجات جوانان و سرمایه های این کشور اسلامی بکوشند تا انشاءا... بتوانند پرچم انقلاب را به دست صاحب آن آقا امام زمان(تحویل دهند. به این خاطر از سالهای پیش حرکتی فرهنگی در سراسر کشور شروع شده است. مانند فعالیتهای مؤسسه پیوند با امام(و ... که نتیجه دادن زحمات آنان به تلاش سایر مردم بستگی دارد. البته کارهای فرهنگی بسیار وقت گیر بوده و معمولاً دیر به ثمر می نشیند، اما افراد مؤمن و با تقوی، با امید به نظر لطف الهی تلاش خود را خواهند کرد و نتیجه آن را به خدا واگذار می کنند، در این راه تلاش شما عزیزان نیز کمک زیادی خواهد کرد.

در خصوص ترویج فرهنگ نماز و سایر عبادات نیز باید گفت؛ به فرموده قرآن کریم : "ان الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنكر" نماز بهترین اسلحه برای رویارویی با دشمن در میدان جنگ فرهنگی است، البته شیوه های تبلیغ نماز و عبادات بسیار مهم است و در برخورد با مردم، مخصوصاً جوانان و نوجوانان، باید بسیار دقت نمود تا گرفتار افراط و تفریط

نشوند، بحمدا... در سال های اخیر، ستاد اقامه نماز اقدامات بسیار مفیدی در راه تحقق این امر مهم انجام داده است که انشاءا... ثمرات و نتایج تلاش خالصانه مسؤولین مربوطه در جامعه بروز خواهد نمود. این مجموعه فرهنگی نیز بعنوان یک سرباز فرهنگی در این میدان جهاد اکبر با جان و دل سعی در راه تحقق این اهداف عالی خواهد نمود.

در پایان از اینکه دلسوزانه امور فرهنگی جامعه را پیگیری می کنید، از شما تشکر می کنیم، و برای شما آرزوی توفیق روزافزون از خداوند متعال داریم.

هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟

پرسش

هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟

پاسخ

در این طرح با بکارگیری روشهای تحقیقاتی و هنری برای تغذیه علمی و پاسخگویی به سؤالات مذهبی، اجتماعی وسیاسی مخاطبان، نظامی نوین در تبلیغ و آموزش معارف دین ایجاد می گردد. در واقع این طرح درصدد ایجاد یک شبکه منسجم برای نشر علم ومعنویت در مساجد می باشد (زکاه العلم نشره)

اهداف اصلی طرح :

۱.پاسخگویی به نیازهای فکری نسل جوان که یکی از مطالبات اساسی آنان می باشد.

۲.طراحی روشهایی مناسب برای افزایش بهره وری فعالیّت های فرهنگی در مساجد و گسترش کمی وکیفی خدمات آنان.

۳. فعّال سازی و سازماندهی جوانان خصوصاً متصدیان امور فرهنگی مساجد در قالب یک برنامه منسجم فرهنگی (بخشهای عمده ای از این طرح توسط جوانان مسجدی اجرا می شود.)

۴. گسترش و تقویت ارتباط سازنده مراکز فرهنگی با جوانان.

۵. تقویت روحیه همدلی و همراهی به خصوص در مساجد با ایجاد یک میدان مبارزه فرهنگی و علمی با تأکید بر محوریّت مساجد.

این طرح به نظر مؤسسه ما، از فعالیّت هایی است که در میدان مبارزه فرهنگی بسیار ضروری به نظر می رسد، و یکی از ضرورتهای جامعه امروز بر طرف کردن شبهات و ابهامات در مورد دین است. علاوه بر این جایگاه مساجد را در جامعه اسلامی روشن می سازد زیرا مسجد در صدر اسلام و در دوران ائمه(محل برطرف کردن مشکلات علمی، دنیوی و اخروی مسلمانان بوده است.

از شما نیز که به این مسائل توجه می کنید و با مؤسسه ما در ارتباط هستید بسیار متشکریم.

چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اســلامی بر ایران اســلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم رنگ می باشد؟

پرسش

چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اسـلامی بر ایران اسلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم

رنگ می باشد؟

پاسخ

سؤالی که فرمودید : "درباره حکومت امیرالمؤمنین (نیز مطرح می شود. مطابق معتقدات دینی، امیرالمؤمنین علی(معصوم هستند. در حقانیت و مشروعیت حکومت علی(هیچ تردید وشبهه ای میان فرقه های اسلامی وجود ندارد. نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت ، میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد جامعه ایده آل نشان می دهد. جنگهای داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی با وجود منافقان داخلی، کمبود نیروی انسانی، از مشکلات حکومت آن حضرت است. کثرت مشکلات، گستردگی بدعتها و سنتهای فاسد و آلودگیهای مزمن اجتماعی، تغییر چهارچوب نظام ارزشی، زمینه های این وضع را فراهم آورده بود. در همان حال علی(شایسته ترین فرد برای حکومت در اوضاع آن روز بود.

اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می خورد، مشکلات اقتصادی، افزایش جمعیت، بالارفتن قیمت کالاها متناسب با تورم جهانی، کاهش قیمت نفت به کمتر از یک سوم، تحریمهای اقتصادی، جنگ و ویرانیهای بسیاری که بر کشور ما تحمیل شد. گروهی از ارزشمندترین تربیت یافتگان و دانشمندان اسلامی نظیر شهید مطهری و شهید بهشتی در حوادث آغازین انقلاب به شهادت رسیدند، و دخالت دشمن در ایجاد فضای آلوده فرهنگی (تهاجم فرهنگی) برای نسل جوان و ... در نابسامانیهای فرهنگی تأثیر عمیق گذاشته است.(۱)

سرنگونی حکومت فاسد و برقراری حکومت مشروع الهی، دورانی را شروع می کند که دوران تغییر فرهنگ اجتماع است. این تغییر به صورت دفعی و آنی نیست، بلکه به تدریج صورت می گیرد.

اما با همه این حرفها با مقایسه دوران پس از انقلاب و قبل از انقلاب خواهیم دید سطح دینی و ایمانی مردم

چقدر پیشرفت کرده و اصلاً سزاوار نیست با دوران قبل از انقلاب مقایسه شود که مشروب فروشیها از طرف حکومت مجوّز کار می گرفتند و زنان حق رأی و انتخاب نداشتند و اکثر دولتمردان از بزرگترین وارد کنندگان مواد مخدّر بودند.

از رهبر معظم انقلاب سؤال پرسیدند که : کسانی دارند وانمود می کنند نسلی که روی کار می آید از ارزشهای دینی رویگردان است، آیا این تحلیل صحیح است؟ ایشان در پاسخ فرمودند : "بنده صددرصد حرف آنها را رد می کنم. نه این که من عوامل فساد

برانگیز فرهنگی را نمی بینم یا نمی شناسم یا از آنها خبر ندارم، نخیر، بنده از ماهواره و اینترنت و رمانها و فیلمها و آهنگها و حرفهای فاسد کاملاً خبر دارم و آنها را دست کم نمی گیرم، من عمرم را در میان جوانان گذرانده ام. بنابراین می دانم حال و هوای جوانی چیست و امروز در فضای جوانی ما چه می گذرد. اما معتقدم نسل کنونی امروز این قدر هم آسیب پذیر و شکننده نیست. این را بد فهمیده اند. این نسل در محیطی بارآمده که از محیط سی سال و سی و پنج سال قبل به مراتب پاکیزه تر وبهتر است. کسانی که در این محیط متولد شده اند، به برکت هدایت دینی توانستد آن کار عظیم را انجام دهند و آن ایمانهای پولادین و استوار را عرضه کنند من معتقدم که این نسل نسبت به آن نسل، در محیط بهتری پرورش یافته و آمادگیهای به مراتب بهتر و بالاتری دارد ... چه چیز موجب می شود که با این بمباران فرهنگی که سال گذشته در

مجموعه یی از مطبوعات زنجیره ای (با حمایت و کمک مالی آمریکا و استکبار جهانی) علیه مذهب و علیه فکر مذهبی و علیه انقلاب و علیه امام(و علیه همه چیز صورت گرفت، وقتی روزهای اعتکاف ماه رجب فرار رسید، مسجد دانشگاه تهران جزء شلوغ ترین مراکز اعتکاف شود؟ چه کسی به جوانها گفت بروید اعتکاف کنید؟ چه کسی به جوانها بخشنامه کرده بود؟ جوانی که پرورش یافته انقلاب است، از معرفت دینی برخوردار است، ایمانش هم ایمان عمیقی است، البته احتیاج دارد که تغذیه معنوی و فکری دایمی شود. به نظر من، جوانان ما امروز هم خدایی و مؤمن و با صفایند. شما ببینید دانشگاههای ما چگونه است. ببینید کارگاههای ما چگونه است. ببینید فضای کشور چگونه است. شما ببینید در روز راهپیمایی بیست و دوم بهمن یا روز قدس، اکثریت این جمعیّتی که مثل سیل به خیابانها می آیند، چه کسانی هستند، همین جوانانند. همان روح الهی، همان انگیزه و صاعقه الهی، هنوز هم در کشور وجود دارد و باز هم کارساز است. همین روحیه، باز هم کشور را به ساحل نجات خواهد رسانید."(۲)

منابع و مآخذ :

۱. پرسشها و پاسخها : آیت ا... مصباح یزدی، ص۷۵و۷۶

پرسش و پاسخ از محضر مقام معظم رهبری، صص۲۵۵، ۲۳۷و۲۳۸

چه کار کنیم اینقدر رشوه خواری و پارتی بازی کم شود؟

پرسش

چه کار کنیم اینقدر رشوه خواری و پارتی بازی کم شود؟

پاسخ

از این که با ما تماس برقرار کرده ای سپاسگزاریم و امیدواریم مشاور خوبی برای شما و امثال شما باشیم.در خصوص سؤالی که مطرح کرده ای باید عرض کنم که مشکلات و معضلات اجتماعی در همه جا و نسبت به همه افراد علل و عوامل یکسانی ندارد.لذا هر جایی که این معضلات وجود دارد و هر کس که به آن مبتلا است باید تحقیق و جستجو کرد تا علل و عوامل آن شناسایی شود.

یکی از مسایلی که در ترویج رشوه خواری و پارتی بازی نقش دارد این احساس است که بدون پرداخت رشوه یا داشتن پارتی نمی توان به اهداف خود رسید.لذا می بینیم برای انجام برخی کارهای جزیی که از طریق معمول براحتی قابل انجام و اجرا هم هست افراد به دنبال پارتی می گردند و حاضرند رشوه بدهند و یا اگر با اندک مانعی برخورد می کنند بلافاصله پیشنهاد رشوه می دهند و حتی قبل از هر مانعی از منزل که راه می افتد هدیه و . . . را با خود می برد تا کارش براحتی پیش برود.احساس ناامنی به مراتب بدتر از نا امنی است.اگر کسی احساس کند بدون رشوه و پارتی نمی تواند به هدف برسد طبیعی است که در همان گام اول اقدام به رشوه و پارتی بازی خواهد کرد.

مسأله دیگری که در ترویج دو مورد فوق و سایر معضـلات اجتماعی و اخلاقی نقش دارد ضـعف اخلاقی و انسانی است؛وقتی انسانها از تربیت نفسانی و فضایل انسانی بصورت عمیق برخوردار نباشند با اندک وسوسه ای از کوره به در می روند و به خطا و اشتباه دچار می شوند و اصول و ارزشهای

والای انسانی را زیر پا می گذارند.

مسأله دیگری که به گسترش پارتی بازی و رشوه خواری کمک می کند،مشکلات اقتصادی و معیشتی است وقتی کسی در خانه و زندگی از کمبودهایی رنج می برد، برای درمان خودش مشکل دارد،ما یحتاج اولیه و ضروری خودش را نمی تواند به راحتی تأمین کند و . . با وسوسه های شیطانی و نفسانی برای رسیدن به این خواسته ها و نیازها ،تن به رشوه خواری و پارتی بازی می دهد و از طریق فوق می خواهد بر مشکلات اقتصادی و معیشتی غلبه پیدا کند.طبیعتاً اگر کارمندان و کارکنان بخشهای گوناگون از نظر مایحتاج عمومی و ضروری تأمین بشوند به حدی که افراد احساس کمبود و نیاز نکنند این معضلات کاهش خواهد یافت.البته احساس نیاز و نیاز کاذب و غیر ضروری و تلقی کردن ضروری نیز به این معضل دامن می زند.زیاده طلبی و گرایش به زندگی تجملی و اشرافی و احساس نیاز کاذب و عدم تأمین آن نیازهای کاذب و تجملی و اشرافی نیز افراد را به سوی این معضلات سوق می دهد.روشن است که اگر در انسان چنین احساسی زنده شود سیری ناپذیر خواهد بود و هر آنچه بدست آورد باز هم احساس کمبود خواهد کرد و برای تأمین نیاز خودش به هر کاری دست خواهد زد.برای مقابله با این پدیده های شوم باید:

۱ تربیت های اخلاقی افزایش یابد.

۲ مسؤلان مختلف باید نظارت های خود را افزایش دهند و با متخلفان به صورت جدی برخورد نمایند و از زندگی تجملی و اشرافی بشدت پرهیز نمایند.

۳ نیازهای اولیه کارکنان و کارمندان تأمین شود.

۴ رسانه ها با برنامه های مختلف الگوسازی کنند و از احساس نیازهای کاذب بکاهند و .

..

چرا در جامعه اسـلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کنـد عمل می کننـد ولی در جامعه های بیگانه زیادی که دینی چون اسـلام وجود ندارد آن مردم از لحاظ علمی بالاتر از جامعه اسلامی هستند ، دلیل چیست ؟ چه کسی باعث شده است که جامعه به این ف

پرسش

چرا در جامعه اسلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کند عمل می کنند ولی در جامعه های بیگانه زیادی که دینی چون اسلام وجود ندارد آن مردم از لحاظ علمی بالاتر از جامعه اسلامی هستند ، دلیل چیست ؟ چه کسی باعث شده است که جامعه به این فلاکت گرفتار شود ؟

پاسخ

ارادت شما جوان پاک نهاد و سلیم النفس به قرآن کریم این کتاب حیات بخش و هدایت آفرین را از صمیم قلب می ستاییم و آرزو می کنیم عشق و ارادت هر چه بیشتر به قرآن و تعالیم و احکام و دستورات آن افزایش یابد .

دوست عزیز آیا شما گمان می کنی حضور یک کتاب مثل قرآن می تواند ارتقاء علمی بدهد و عدم حضور آن عقب ماندگی بایـد بیاورد و یا عوامل دیگری لازم است . آنچه شـما بیان کرده ای یک حقیقت تلخ است ولی به قرآن و احکام حیات بخش و تعالی آفرین آن مربوط نیست . اگر مردم به قرآن بی اعتنا باشـند و این کتاب مقـدس در لبه های طاقچه منازل خاک بخورد و تلاوت نشود و حتی اگر تلاوت بشود و به خواندن و حفظ کردن آن دلخوش باشـندآیا از نظر علمی رشد خواهند کرد ؟ آیا شمـا گمـان می کنی تمام چیزها در قرآن وجود دارد . همه علوم در قرآن وجود دارد . همه علوم در قرآن نهفته است ؟ یا باید جور دیگری اندیشید و با قرآن تعامل برقرار کرد ؟

برادر عزیز و دوست داشتنی رمز موفقیت یک ملت داشتن یک کتاب حتی اگر قرآن باشد

نیست . رمز موفقیت هر ملتی در گرو تلاش و پشتکار و مطالعه و تحقیق و تفحص و جستجوی علمی است .

خواه مردم این تلاش و تکاپو را از تعالیم دینی و کتاب آسمانی فرا گرفته باشند و به آن عمل کنند و خواه خودشان بر اثر تجربه فردی و جمعی بشری به آن نتیجه رسیده باشند. ملتی پیشرفت خواهد کرد که دو ویژگی عمده و بارز در او وجود داشته باشد : ۱- کار و تلاش خستگی ناپذیر ۲- قناعت و قانع بودن به حداقل امکانات زندگی .

نمونه بارز این ، ملت ژاپن است . توصیه می کنم کتاب اسلام در ژاپن که گزارش سفر حجه الاسلام مسیح مهاجری به ژاپن و هند و هنگ کنک است مطالعه کنید تا متوجه بشوید عامل پیشرفت آنها چیست .

علت عقب ماندگی علمی و فنی جوامع اسلامی در وجود کتاب قرآن نیست بلکه علت آن عمل نکردن به تعالیم قرآن است . غربیها به دلیل این که دین آنها را از پیشرفت علم و دانش منع می کرد دین را رها کردند و پیشرفت کردند ولی شرقیها همه می خواستند از همان راه به پیشرفت برسند لذا دین را رها کردند و عقب افتادند . دین تحریف شده مسیحیت و کلیسای قرون وسطی مانع پیشرفت بود لذا نهضت رنسانس بر ضد کلیسا به راه افتاد و با رها شدن از سلطه کلیسا، غرب به اوج پیشرفت فنی و تکنولوژی علمی رسید ولی هم اکنون از جنبه های انسانی و معنوی و روحی و روانی بدلیل تضعیف مذهب دچار بحران هستند. اما دین اسلام مشوق ارتقاء علمی

است . دانش را ارزشمندترین چیز می داند و مقام دانشمند را بر همه مقامات برتری داده است و تحصیل دانش را واجب شمرده و کار و تلاش علمی و معیشتی را عبادت و بلکه برتر و والاتر شمرده است .

اما متأسفانه مسلمانان به اسلام و قرآن عمل نکرده اند و تصور کرده اندبا پشت پا زدن به احکام دین پیشرفت می کنند ، غافل از آنکه غربیها به دلیل ممانعت دین از پیشرفتهای علمی ، دین را از صحنه جامعه و سیاست کنار زدند ولی اسلام نه تنها مانع پیشرفت دانش نیست بلکه آغاز و انتهایش با دانش است و کسب علم را بدون محدودیت زمانی و مکانی و جنسی واجب شمرده است ، اما کو عمل ! آیا افراد مسلمان روزانه چقدر مطالعه می کنند چقدر برای مطالعه و کتاب هزینه می کنند . در مقایسه با تغذیه جسمی چقدر به تغذیه روحی (مطالعه و تحقیق که بالاترین غذای روحی است) اهمیت می دهند؟ !

دوست عزیز توصیه می کنیم سخنرانی استاد شهید مرتضی مطهری تحت عنوان " علم " را در کتاب ده گفتار مطالعه کنید.

برخی منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. اسلام در ژاپن ، مسیح مهاجری

۲. ده گفتار ، شهید مطهری

۳.علل پیشرفت و انحطاط مسلمین ، زین العابدین قربان

۴.دانش مسلمین – محمد رضا حکیمی

۵. انسان و ایمان – شهید مطهری

۶. آداب تعلیم و تعلم در اسلام– سید محمد باقر حجتی

با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا در مشهد که شهری مذهبی است باید این وضع فجیع اتفاق افتاده باشد؟

پرسش

با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا در

مشهد که شهری مذهبی است باید این وضع فجیع اتفاق افتاده باشد؟

پاسخ(قسمت اول)

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپـذیر است.تنویر افکار و رشـد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی بـا دیگران قابـل حصول است. لیکن اگر جـامعه ای از درون تهی و آسـیب پذیرشـد، تبـادل فرهنگی تبـدیل به تهاجم فرهنگی می شـود . بنـابراین نفس هجوم فرهنگی دشـمنان وحشـتناک نیست، بلکه خطر درضـعف و نـاتوانی و آسـیب پـذیری درونی است که زمینه سـلطه پـذیری را فراهم می سازد. از دشـمنان نبایـد انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسـته به سـلطه گری است بویژه آنکه رشـد اسـلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهـد داشت.بایـد عوامل درونی سلطه پـذیری را شـناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسـیب پـذیری به حـداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بـدن انسـان نـام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب بـا بـدن وجود دارد . هر چنـد بایـد تلاـش کردتـا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلو گیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مسـتعد وآسـیب پذیر داشـته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه پذیر

می شود؟چرا افراد جـامعه تسـلیم هجوم فرهنگی دشـمن می شونـد؟ چرا جـامعه قـدرت صـیانت از فرهنـگ و هویت خودی را ازدست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیـح می دهند؟ ویا بطور کلی باید دو سوال

زیر را پاسخ داد :

۱. چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲. چرا جامعه آسیب پـذیر می شود ؟ با توجه به آنچه بیان شـد برخی از علل و عوامل آسـیب پـذیری فرد وجامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد :

۱- احسـاس حقـارت و کهتری : نوجوانـان وجوانـان گـاهی به علت داشـتن نقـایص بـدنی ویـا به علت مسایـل ودشواری هـای خانوادگی، شـکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشـته زندگی، تمسـخر واسـتهزای دوسـتان وهمسالان، سرزنش هـای مکررمعلمـان و شـاگرداان، ویا به دلیل طرد شـدنها و بی توجهی ها ویاداشـتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است."۱"

۲-عـدم ارضـاء نیازهـا : جوانـان هماننـد سـایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشـند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کننـد . نیازهـای جوانـان دریـک تقسـیم بنـدی کلی به دو گروه نیازهـای زیستی(خوردن، خوابیـدن، پوشـیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسـیم می شود"۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایـل ومشـکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کنـد . در چنین شـرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کنـد واین تنش باعث ایجاد بی قراری وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده

می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و..."۳". به عنوان مثال دخترجوانی که نتواند زیبایی خویش را درمدرسه ودر بین همسالان به نمایش بگذارد بااستفاده از مکانیزم دفاعی"جابجایی" در خیابان و وخارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را درمدرسه از معلم دریافت کند با بهره گیری ازرفتار جبرانی"خودمداری" به پوشیدن لباسهای مبتذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو...

۳-عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشته و محبوب بدارند . این نیاز درکودکان و نوجوانان گسترده تر وعمیق تر است و درجوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته ومورد احترام وتکریم دیگران قرارگیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدر و مادر ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است . اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می تواند نمودی

از عـدم ارضاء این نیاز باشـد. تبعیت جوانان از افکار جدیـد حضور فعال آنان درصـحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود رد وبدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار ومجلات و ... نشانگر عدم پاسـخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴-فشاردوسـتان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سـنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزینـد ودریک ارتباط عاطفی وصـمیمی به همانند سازی برسد." هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تـا خودرا درارتبـاط بـاگروه همسالان قراردهـد .... درمواردی، نوجوان، سـرخورده از گروه به بانـدها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید ." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسـلیم پذیری آنان دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمـال بزهکـارانه را درآنهـا تقویت می کننـد . ترس واضـطراب ازانجـام اعمـال بزهکارانه را درآنها تقویت می کننـد .ترس و اضـطراب از برخورد همسالاـن و طردآنهـا درصورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سـبب می شود تا فرد تسـلیم گروه باشـد . تشـکیل مهمانی ها، شب نشـینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشـهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت وهماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی واخلاقی باشد.

۵- بی هـدفی وبی ثمری : زنـدگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، وهرکس نیازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی تراست. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر

می دهـد . انسانهای بی هـدف، انسانهای خودگم کرده هسـتند که ثبات شخصـیت وسـلامت روانی خود راازدست می دهنـد . جوانانی که درزنـدگی هـدف مشخصـی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسـربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند.

۶-احسـاس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صـرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشـتن شـغل ودرآمـد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصـیلات به شـغل آینده خود فکر می کنند . داشتن کاری مناسب وشغلی مفید و پردرآمد دراین دوره بـاعث بی نیـازی وعزت نفس و اعتمـاد به نفس آنهـا می شود وبرعکس بیکـاری بخصوص درسـنین جوانی منشاء بسـیاری ا زضـعفها ومفاسـد وآلودگیهـا می باشـد وامنیت روانی فرد را به خطر می انـدازد براساس تحقیقات، بسـیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشی ا زبیکاری واحساس پوچی وبیهودگی درجوانان است ."۵"

۷-خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیـدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشـته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشـفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامـانی جـامعه شـدت می گیرد وسازمـان اجتماعی را به خطر می انـدازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تـدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد."۶"

بنـابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعـد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری

وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان وتحصیل کرده وتشنه حقیقت وانسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود.

۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از استقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت رابه عهده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند . دولتهای ضعیف وناتوان مرعوب توانمندی واقتدار دولتهای سلطه گر شده وخواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ وراه آنان را الگوی خود قرارمی دهند . نهاد دولت برا ی ایفای نقش ووظایف خویش نیاز به قدرت واقتدار داردکه این اقتدار نه از طریق استبداد وحکومت جبارانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم باید بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹-ضعف وناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هریک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی وبادقت درراستای اهداف نهایی جامعه انجام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شو دکه هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند ویا همسو وهم راستا

با اهداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند.

اگر درجامعه انقلابی واسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها وباورهای اسلامی و انقلابی را درزندگی فردی وخانوادگی واجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری ودولت درپاسداری از آرمانهای مکتب اسلام وهویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

۱۰-گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مرد م را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند واگرمردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف ومستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل وکاهل ولایق بدبختی ببینند واگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وستمگر بدانند، اگرتحصیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشته باشند واگر مردم عادی روشنفکران وتحصیل کرده های خود را ا زخودندانند واگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای

اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است وتهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد.

پاسخ(قسمت دوم)

همچنین اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند .

۱۱-عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسیده و سست گردیده وقدرت مقابله باتهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی درآن جوامع است . عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب ورکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود : "العدل حیاه الاحکام" سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا درمیان

مردم عـدالت است ."۷" تهـاجم فرهنگی وآسـیب رسـانی آن بـا جریان سـرنوشت ساز عـدالت اجتماعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد . هر چه عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یـک مجموعه به هم پیوسته دربرابر تهاجمـات پایـداری می کنـد. به بیـان دیگر درجـامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست وجـامعه قرآنی جـامعه قـائم به قسط وعامل به عـدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شـده برشالوده عـدالت، یعنی اگر عـدالت نباشـد بطور قطع تکاثر و فقر خواهـد بود واین پدیـده هردونفی کننـده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند .

۱۲–فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است . اسـتقلال قـدرت اعمـال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سـیاست ویاحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشـخیص منافع ومصالح خود می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسـی وعلمی واستحکام وانسجام اجتمـاعی وظرفیت فرهنگی یـک ملت بیشتر ودرمقـایسه بـا جهـان پیرامون خود قویتر باشـد اسـتقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می توانـد از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید . فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابسـتگی به وجود می آورد . درفرهنـگ تحت اسـلام فقر محکـوم گردیـده وپیـامبر اکرم(ص) وائمه معصـومین علیهم السـلام بـا گسـترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند : "کاد الفقران یکون کفرا" "۸"

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به

فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء..."۹"(شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد)

درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث با منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد."۱۰" مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالاء تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند . "کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند ." "۱۱"

۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده

وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد .

درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است. ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه فساد اداری باند بازی تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرارازخانه خودکشی نیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه راازپای درمی آورند وآن راآسیب پذیر می کنند .

برادر ارجمند و بزرگوار، اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم .حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت و نیروی انتظامی به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها وباورها واعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی وعقاید عقلانی ومبتنی برفطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت"

ا زارزشـها وفرهنـگ خودی دفـاع کرد.دررویـارویی بـا فرهنـگ مهـاجم بایـد علـل وعوامـل ساعـد کننـده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- بازیـابی هویت : هویت جویی، از اصـلی ترین ومهم ترین نیازهـای نسـل امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسـی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند :

- غایت ومقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من درحیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را درنظام هستی، توجیه وتبیین می کند؟

- آیا جوانان درنظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشـها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند .

۲- درک هویت فرهنگی : شـناخت یک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها وبرتریهای آن فرهنگ نسبت به سـایر فرهنگهاست .نسل جوان، بایـد به امتیازات فرهنگ اسـلامی وملی خویش، آشـنا باشـد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشـد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر وبه ویژه بررسـی مـاهیت انقلاب اسـلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسـی واجتماعی جهان معاصـر داشـته اشت، جوانان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . وبا این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود .

۳- غرب شناسـی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیـده ای، ابتـدا بایـد شـناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن

وجوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهرگراهستند به باطن ودرون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند وبه درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد وفلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. وبه گفته نیچه"کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر "چگونه ای"بسازد."۱۲"

منابع و مآخذ :

(۱) خدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شودبه : دکترشعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت،۱۳۷۰)ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

(۱۲) دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست ؟ نمی تواندجواب درست دهد . آیا شما علمای دین را در این زمان مسئول و مقصر نمی دانید ؟

پرسش

چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست ؟ نمی تواندجواب

درست دهد . آیا شما علمای دین را در این زمان مسئول و مقصر نمی دانید ؟

پاسخ

دوست گرامی سؤال مناسب شما که نشانه دغدغه حضرتعالی در این باره است پرسشی مناسب است اما پاسخ به آن خود بحثی مفصل است که اشاراتی به آن می کنم .

همانطور که حضرتعالی فرمودید بخشی از مسئولیت این امر به عهده علمای دین و روحانیون می باشد . خداوند تبارک و تعالی در این باره می فرماید : " پس چرا از هر فرقه ای از مؤمنان ، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند . باشدکه آنان از کیفر الهی بترسند۱ ".

اما از سوی دیگر از همین آیه و آیات و روایات دیگر بدست می آید که تک تک افراد جامعه ، خود نیز در این باره مسئول می باشند .

از جمله در روایتی از رسول مکرم صلوات الله علیه است که : " اف بر هر مسلمانی که در هر هفته روزی را برای کسب فهم در امر دینش قرار ندهد تا از دینش پرسش کند۲ . در این باره روایات فراوانی است نظیر فرموده امام باقر (که: اگر بجوانی شیعه برسم که در دینش به فهم نرسیده ، حتماً او را ادب می کنم ۳

و یا آنچه از امام صادق (رسیده است که : دوست ندارم جوانی از شما را ببینم جز آنکه در یکی از دو حالت باشد ، یا عالم یا

دانش آموز و دانشجو۴ .

پس نتیجه گرفتیم که دولت و علماء موظف به پیگیری و تلاش در این امر هستند ، اما بار اصلی در این زمینه به دوش خود مردم و جوانان است . چرا که انسانها مختار هستند و خودشان باید راه سعادت یا شقاوت را برگزینند . بطور مثال در همین مشهد ، کتابخانه آستان قدس ، یکی از بزرگترین کتابخانه های خاورمیانه است که راه رابرای آنکس که جویای فهم و بصیرت باشد هموار کرده و کسی که بگوید عالمی نبود تا مرا هدایت کند ، این عذر او در این زمان ، پذیرفتنی نیست .

در پایان این نکته را هم خدمت شما عرض کنم که در بین جوانان نیز کسانی هستند که اسلام را با عقل و عشق پذیرفته اند و فعالیت هایی که اخیراً در آموزش و پرورش و حوزه علمیه می شود بسیار امیدوار کننده است و بنده آینده جوانان مسلمان را بسیار روشن تر از گذشته می بینم .

منابع و مآخذ :

۱ –سوره توبه آیه ۱۲۲

۲ –میزان الحکمه ، ج ۷ ، ص ۵۲۷ ، حدیث ۱۵۸۳۶

۳ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۸ ، حدیث ۹۰۸۸

۴ همان حدیث ۹۰۸۹

زمان امام عزیز وشهدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و مرد پوشش زنانه داشته باشد ؟ این مسائل از سوئی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و مقامات دیگر پیگیری می شوند اگر نمی شود چرا از نیر

پرسش

زمان امام عزیز وشهدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و مرد پوشش زنانه داشته باشد ؟ این مسائل از سوئی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و مقامات دیگر پیگیری می شوند اگر نمی شود چرا از نیروهای مؤمن و انقلابی کمک نمی گیرید چرا از این بیشتر دل

امام زمان(عج) را می رنجانیم و نایب بر حقش آقا سید علی خامنه ای را شکنجه می کنیم . تا کی باید صبر کنیم ؟

پاسخ

دوست عزیز دانشجو و سرباز لایق ولایت سلام علیکم؛

روحیه انقلابی و غیرتمندانه و دلسوزانه شما جوان با فضیلت و کمال، موجب خوشحالی وجدان انسان می گردد و از این که در میان جوانان کشور چنین احساسات پاک و وجدانهای بیداری مشاهده می شود خداوند را شاکر و سپاسگزاریم.

برادر عزیز قاعدتاً شما به عنوان یک دانشجو می دانید که فرهنگ سازی در یک جامعه کاری است بس مشکل و طاقت فرسا و نیازمند وقت و زمان مناسب و کافی و تدبیر و تدبر هوشمندانه و....

تنها روش منع و جلوگیری از برخی موارد ومسایل و پافشاری بر اجرای برخی آداب و رسوم با قوه قهریه برای همیشه نمی تواند دوام و استمرار داشته باشد.

لابد سن شم...اقتضا نکرده یا بخاطر نمی آورید که حدود ۱۵سال قبل رهبر معظم انقلاب اسلامی طی سخنانی در چند مرحله و مرتبه بحث امربه معروف و نهی از منکر و تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی غرب را مطرح فرمودند و همگان بخصوص نسل جوان را برای مقابله با این پدیده شوم فراخواندند ولی افسوس که بجای تدبیر وبرنامه ریزی اصولی و زیر بنایی ، به برخی مسایل ظاهری و جزیی پرداخته شد که نه تنها آثار مطلوب و مثبت چندانی نداشت بلکه در برخی موارد آثار و تبعات منفی داشت .

دوست عزیز دردنیای کنونی نمی توان با همه روشهای کهنه وقدیمی به فرهنگ سازی ومقابله با فرهنگ های وارداتی پرداخت امروز باید با استفاده

از ابزار علمی و کارآمد وشـناخت ویژگیهاو خصوصـیات جوانـان و جوامع و وضـعیت جـامعه خـودی و بیگـانه و رسـانه ها وارتباطـات و... و بـا اسـتفاده از همـه ابزار و وسایـل فنی و تکنیکی بـه برنـامه ریزی اصـولی و زیر بنـایی فرهنگی پرداخـت که متأسفانه نظام جمهوری اسلامی از داشتن یک استراتژی کلان فرهنگی که همه دستگاههای فرهنگی از آن پیروی کنند محروم و بی نص.....است . و هر کسـی به سـلیقه خود و عمدتاً با اسـتفاده از روشهای قدیمی و کهنه و ابزار ناکار آمد و بعضاً تخریبی می خواهند

به مقابله با فرهنگ غرب بپردازند .

عمدتاً به نهی می پردازیم و از امر به خوبیها سـرباز می زنیم و غافل می مانیم از این که اگر خیرات را ترویج کنیم و در جامعه رشـد پیـدا کنـد بطور طبیعی زشتی ها کاهش خواهـد یافت و نیاز کمتری به مقابله و مبارزه خواهد بود ضـمن این که مبارزه و مقابله هم آگاهی ، شناخت ، تدبیر ،روش و... می خواهد که غالباً از آن بی بهره ایم .

شما و کسانی هماننـد شـما لحظاتی با خودتان خلوت کنیـد ، بـدون این که دیگران را متهم کنید که کار نکرده اند و احساس کنید تمام نابسامانی ها به گردن آنها ست.(البته آنها که فعالیت نکرده اند مقصـرند ولی غالباً ما عادت داریم گناه را به گردن دیگران بینـدازیم)ببینیـد چه اقـداماتی در حد توان خودتان برای ترویج نیکی ها و خوبی ها انجام داده اید تصور کنید اگر هر جوانی مثل شما – که تعدادشان کم نیستند – در هرسال فقط یک جوان را به مسیر درست هدایت

کند (از طریق دوستی و ابزار محبت و..) چه اتفاقی بزرگی می افتد چرا ما عادت کرده ایم به تعبیر شهید مطهری فقط بگوییم "نکن" چرا فقط راننده ای هستیم که ترمز می کند چرا گاز نمی دهیم . به راست و چپ دور نمی زنیم و... یعنی بایدروشهای گوناگون و مختلفی متناسب با افراد مختلف را به کار بگیریم و آنها را به مسیر صحیح هدایت کنیم و منتظر نمانیم منحرف بشوند بعد هم انتظار داشته باشیم دستگاه قضایی وامنیتی با آنان شدیداً برخورد کنند . آیا اگر فساد و تباهی بی نهایت گسترش یافت آیا برای این دستگاهها مقدور است با آنان برخورد کند؟ البته این بدان معنانیست که دستگاههای فوق نباید کار و فعالیت بکنند بلکه آنها باید بسیار جدی و فعال وارد شوند ولی فعالیت آنها پس از وقوع جرم و خطاست . وقتی مجرمان زیاد شدند آیا مطلوب است؟ باید کاری کرد جرم و جنایت و خطا و گناه کاهش یابد نه این که مرتب از برخورد ضعیف با جرم گلایه کنیم . که البته برخورد جدی با جرم نیز می تواند پیشگرانه باشه ولی کافی نیست بایدزمینه های انحراف و خطا کاهش پیدا کند و این محقق نمی شود مگر با بسیج همگانی همه دستگاههای و مسئولان وبخصوص همت جوانان برای هدایت دوستان و همسالان خودشان .

با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه گذاری قابل توجهی نمی کند در صورتیکه برای خوابانیدن سرمایه در بانکها برای ثبت نام خودرو پیکان و یا قرعه کشی در بانکها مرتب از تلویزیون ت

پرسش

با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه گذاری قابل توجهی نمی کند در صورتیکه برای خوابانیدن سرمایه در بانکها برای ثبت نام خودرو پیکان و

یا قرعه کشی در بانکها مرتب از تلویزیون تبلیغ می شود و جایزه تعیین می نمایند؟

پاسخ

سوز و گـداز و عشق شـما به قرآن و اسـلام و مکتب اهل بیت علیهم السـلام قابل تحسـین و تقـدیر است امیـدواریم این روحیه عالی و والا هر روز افزایش یابد و با گامهای عملی در راه ترویج این مکتب حیات بخش همراه و همسو شود.

در ضـرورت توجه بیشتر دولت و مسئولان و مردم به قرآن و بیـان احکـام نورانی و درک و فهم تعالیم نجات بخش این کتاب آسـمانی مـا نیز با شـما همصـدا هستیم و دوست داریم سـرمایه گـذاری در این امر مهم و خطیر و ارزنـده هر روز بیش از پیش افزایش یابـد و در آینده ای شاهد جامعه ای اسـلامی، قرآنی و علوی باشـیم. جامعه ای که درآن نه فقط حفظ قرآن بلکه عمل به احکام نورانی آن سـرمشق و سـرلوحه کار آحاد جامعه در بخشـهای گوناگون سیاسـی، اقتصادی، فرهنگی، مراکز آموزشـی شهر و روستا، بازار و منازل و ... قرار گیرد. آرزو می کنیم روزی برسد که احکام روشن بخش قرآن نه تنها در سرتاسر کشور پهناور ایران اسـلامی تبلور و تجسّم عینی و حقیقی پیـدا کند بلکه در سراسـر بلاد اسـلامی و غیر اسـلامی کنونی نیز سـرمشق و سرلوحه زندگی فردی و جمعی جوامع گوناگون قرار گیرد.

برادر عزیز اگر چه نمی خواهیم بپذیریم که سـرمایه گذاری موجود درباره ترویج قرآن آموزی و درک و فهم و شناخت قرآن کافی است بلکه با اذعان به نقص عمـده در راه نشـر و انتشار احکام منوّر قرآن یادآور می شویم که الحق و و الانصاف نسـبت به گذشته های این کشور حقیقتاً حرکات قرآنی بسیار خوبی در

کشور شکل گرفته است که نتیجه آن به خوبی در داخل کشور و مجامع بین المللی نمود و بروز دارد لذا جمهوری اسلامی ایران علی رغم تفاوت زبانی با زبان قرآن، یکی از کشورهایی است که در بحث قرآن و مسابقات قرآن همیشه خوش درخشیده و افتخار جهان اسلام است.

نکته دیگری که لازم می دانیم یادآوری کنیم این است که همه طبقات و افراد و همه جوانان را نمی توان فقط به یک نوع فعالیت (حفظ قرآن) سرگرم کرد. سلیقه ها، علاقه ها و ... متفاوت است. بسترهای اجتماعی خانواده ها، آموزش ها، آموزشگاهها و ... همه و همه متفاوت اند بنابراین باید برای جوانان فعالیت های متنوع و گوناگون تدارک دید. برخی به سوی قرائت قرآن، گروهی حفظ قرآن عده ای ترجمه و تفسیر، برخی ترجمه قرآن ،گروهی را به تحقیق و مطالعه در قرآن و منابع اسلامی، برخی را با حضور در میادین مختلف ورزشی (فوتبال، والیبال و ...) وارد کرد و در زمینه های مختلف علاوه بر پرورش جسم و روح، نسلی با نشاط و شاداب در عرصه قهرمانی نیز در سطح بین المللی صاحب مقام و جایگاه بشویم و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران که منقش به لفظ جلاله ا... و شعار توحید "لا اله الا الله" است در سراسر گیتی به اهتزاز درآوریم.

بدون شک اگر جوانی با استفاده از توان و انرژی و علاقه مندی خود با حفظ حرمت اسلام و قرآن و مقدسات دینی با نیت الهی به میدان بازی فوتبال گام نهد تا پرچم مقدس جمهوری اسلامی برافراشته شود گمان نمی رود اجر و پاداشی کمتر از حفظ و قاری قرآن داشته باشد. این میدان

نیز میدان تربیت و ترسیم چهره مقدس دین و کتاب عظیم آسمانی قرآن است اگر با اعتقاد و باور و ایمان به هدفی مقدس پا به عرصه گذاشته شود.

در اسلام همه امور روزمره زندگی فردی و جمعی و تمامی فعالیت های مباح و جایز اگر با نیت قربت و بقصد استقرار حاکمیت الهی و ترویج دین صورت گیرد مقدس است همگان به حداقلی از تعالیم دین که در عمل ضرورت دارد نیاز دارند و بیش از آن خیر. بلکه بقیه نیرو و توان خود را باید در راستای علاقه مندی خویش در امور گوناگون علمی، ورزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... صرف کنند. البته همه آنها با هدف قربت و رضایت حق .

امید است این روحیه متعالی بیش از پیش رواج و رونق گیرد.

با توجه به اینکه صدای اذان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گوهای مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد در صورتی که صدای نوارهای موسیقی که شرعاً حرام است در خیابانها و جاده ها و پارک ها و داخل خودروهای در حال حرکت کاملاً واضح و با صدای بلند شنی

پرسش

با توجه به اینکه صدای اذان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گوهای مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد در صورتی که صدای نوارهای موسیقی که شرعاً حرام است در خیابانها و جاده ها و پارک ها و داخل خودروهای در حال حرکت کاملاً واضح و با صدای بلند شنیده می شود و هیچ کس اقدامی برای این معزل بزرگ نمی کند.

پاسخ

متأسفانه جامعه ایران جامعه افراط و تفریط است. در سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساعتهای متمادی بلندگوهای مساجد را روشن می گذاشتند و تا نیمه های شب برای بسیاری از مردمی که به دلایل گوناگون قادر نبودند در مسجد حاضر بشوند مزاحمت ایجاد می کردند. عزاداری های شبهای محرم و شب های احیاء، مراسم سخنرانی و دعاهای توسل و کمیل و ندبه و ... همه و همه از بلندگوهای مأذنه ها و بام های مساجد پخش می شد، و گاهی آن قدر این صداها زیاد بود که مثلاً صدای بلندگوی مسجد امام رضا "ع" در ژاندارمری گناباد و صدای بلندگوی مسجد جامع در سه راهی بجستان بخوبی شنیده می شد کما اینکه هم اکنون نیز چنین است. حال تصور کنید وقتی ساکنان منطقه سه راهی بجستان و خیابان غفاری و شوریده گناباد صدای بلندگوی مسجدجامع را استماع کنند به گونه ی که بتوانند در منزلشان سخنرانی فلان شخصیت را گوش کنند ساکنان اطراف مسجد چه شکنجه ای را تحمل خواهند کرد.

برادرعزیز، غالب مردم از صدای اذان و اقامه و دعا و سخنرانی متنفر نیستند ولی حتماً قبول داری که در یک مجلس صدای بلندگو خیلی زیاد

باشـد بشـدت زجردهنده است که از اصل قضـیه حاضـری بگذری. واقعاً در بسـیاری از شـرایط آن قدر صدا زیاد است که غیر قابل تحمل است. حال اگر فقط اذان باشـد هر چقـدر هم زیاد باشـد افراد تحمل می کننـد ولی آیا بایـد ساعتها صدای بلندگو ساکنان اطراف مسجد را عـذاب دهـد؟ اگر کسـی بخواهـد بخوابـد یا مریض باشـد و ... چه باید بکند. آیا پخش سـخنرانی از بلنـدگوی مساجد واجب است؟ این افراط ها باعث اعتراض های زیاد مردمی شد، به گونه ای که حالا برخی حتی صدای اذان را هم پخش نمی کننـد، یا آن قدر صدا را کم می کنند که حضار در بیرون مسـجد هم صدا را نمی شـنوند. هر دو غلط است، هم افراط گری های گذشـته و هم تفریط های فعلی. هرگز مردم و مسؤولان نگفته انـد که صـدای اذان پخش نشود. البته گفته انـد سایر برنامه ها از بلنـدگو پخش نشود. حتماً شـما نیز تأییـد می فرمایید. البته این تفریط ها ریشه در آن افراط ها دارد. شـما وقتی شاخه درختی را به پایین بکشـی یا سـرطنابی را بکشی وقتی رها کردی سرجای خودش قرار نمی گیرد بلکه مسافتی را به عقـب تر از محـل اسـتقرار اولیـه اش خواهـد رفـت. ایـن واکنش و عکس العمـل در مسائـل اجتمـاعی نیز صـدق می کنـد. در خصوص موسـیقی نیز این افراط ها در گذشته بوده است. چند سال اول پس از پیروزی انقلاب در برخورد با موسیقی نیز چنین افراط هایی وجود داشت. سال اول از برگزاری مراسم تعزیه و شبیه خوانی جلوگیری شد و چند سال قبل نیز از زدن طبل

و سنج و ... ممانعت شد و آن را مصداق موسیقی خواندند. طبیعی است وقتی کوبیدن استکان به نعلبکی موسیقی و حرام تلقی شود و حال آن که امام خمینی "ره" هم خوانی زنان را جایز می شمارند برخی افراط در موسیقی و ... بوجود می آید. ما باید رفتارهای دینی خودمان را تعدیل کنیم و از افراط و تفریط بشدت اجتناب ورزیم.

چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی سوادی است و نمی تواند مسائل شرعی خود را به خوبی بشناسد و به اعتقادات خود پای بند باشد؟

پرسش

چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی سوادی است و نمی تواند مسائل شرعی خود را به خوبی بشناسد و به اعتقادات خود پای بند باشد؟

پاسخ

در این که نظام آموزشی ما در سطوح گوناگون (ابتدایی راهنمایی- دبیرستان- دانشگاه و ...) دچار نقصان و ضعف است تردیدی وجود ندارد و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی توسط مسئولان و دست اندرکاران برای ایجاد تحول در نظام آموزشی تلاش های گسترده و فراوانی صورت گرفته است ولی به دلایل مختلف و گوناگون آثار ملموس و روشنی هویدا نیست. البته در راستای تحول آموزشی کارهای بزرگی صورت گرفته است که از آن جمله می توان رفع و نابودی زمینه های فساد و تباهی در مراکز آموزشی را ذکر کرد .راه اندازی واحد تربیت و کلاسهای فوق برنامه آموزش قرآن و ... در مراکز آموزشی، تغییر و تحولات گوناگون رشته های تحصیلی، تأسیس نهاد نمایندگی ولی فقیه و دفاتر فرهنگ اسلامی و افزایش تعدادی از دروس تحت عنوان دروس معارف اسلامی تاریخ اسلام، اخلاق اسلامی و ... به مجموعه واحدهای عمومی درسی تمامی رشته های تحصیلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و ... از این جمله است. اما متأسفانه این اقلام ها تأثیر عمیق و مؤثری نداشته است. فشار شدید و تهاجم وسیع فرهنگی استعمار و ندانم کاری ها و ... در ناکار آمدی این دروس و تغییرات قطعاً مؤثر بوده است.

آنچه موجب نگرانی شماست عدم آگاهی و نادانی و جهل تحصیلی کرده هاست نسبت به مسایل شرعی و دینی و حال آن که در مدارس دروسی مثل بینش دینی،

قرآن، عربی و ... با این هدف پیش بینی شده که دانش آموزان را با مسایل اعتقادی و احکام فقهی و دستورات شرع مقدس و نیز فراگیری و آموزش قرآن آشنا سازد در دانشگاهها نیز دروس معارف اسلامی ،اخلاقی اسلامی، متون اسلامی ،تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، آموزش قرآن پیش بینی و به مجموعه دروس تمام رشته های تحصیلی دانشگاهها افزوده شده است ولی با کمال تأسف کارآیی نداشته است و گاهی نیز تأثیرمنفی نیز بجای گذاشته است.

البته نمی توان پیش بینی کرد که اگر این دروس وجود نداشت الآن وضعیت دینی و مذهبی دانشگاهها چگونه بود و شاید هم توقع ما زیاد است ولی با این دغدغه بایستی میزان کارآمدی این دروس افزایش یابد به گونه ای که بتواند بخشی قابل توجهی از دانش آموزان و دانشجویان را به سوی مذهب و مسایل دینی سوق دهد.

آنچه آنچه جنابعالی ذکر کرده اید نشانه بیسوادی نیست بلکه نشانه کم توجهی به مسایل دینی و ضعف فرهنگی است. بسیاری از همین تحصیل کرده هایی که شما ذکر کرده اید در رشته تحصیلی خودشان بسیار هم تبحّر دارند و حتی مقالات عصر ملی و بین المللی اخذ می کنند ولی در ابتدایی ترین مسایل شرعی و دینی خود گیر دارند این دلیل بیسوادی نسبت بلکه ناشی از احساس بی مسئولیتی نسبت به شرع مقدس و دین مبین است. افرادی می شناسیم که نفرات اول کنکور و ... شده اند ولی از حداقل مسایل دینی خود بی خبر است علت آن این است که فراگیری آن دانش خاص به هر دلیلی برایش مهم و اساسی و تأثیر گذار در زندگی اش جلوه کرده است ولی نسبت به مسایل شرعی و دینی

خود چنین احساس پیدا نکرده است لذا دروس معارف اسلامی را فقط به قصد نمره گرفتن و مدرک گرفتن خوانده است. ولی از آنها تأثیر نپذیرفته است اما سایر دروس را به خوبی هضم کرده است و با آن ها مأنوس شده و زندگی کرده است لذا همه ما باید تلاش کنیم احساس مسئولیت دینی را در جامعه افزایش دهیم و فرهنگ دینی و تعالیم حیات بخش اسلام را با شیوه های جذاب و شیرین نشر و گسترش دهیم.

چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود ؟

پرسش

چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود ؟

پاسخ

در خصوص سؤال شما دوست عزیز باید عرض کنیم آنچه بیشتر جامعه ما مبتلا به آن است بد حجابی است نه بی حجابی با این تصحیح کوچک در سؤال شما ، باید گفت که مسأله بد حجابی از معضلات کنونی جامعه است. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه های تاریخی مسأله که بگذریم ، متأسفانه خود باختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را در جامعه دیده اید . البته با وجود آنچه نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات، نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد :

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد . ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی .

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات بسیاری از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است ، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از

سوی غرب ، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

نکته دیگر این که متأسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی کشور در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوت و بی بند و باری نیز کار آسانی است ؛ چرا که حرکت در سراشیبی سقوط است ، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی ، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است. این نکته را هم فراموش نکنیم که بد حجابی از میوه های شجره خبیثه فساد و بی بند و باری است ، اگر مسئولین امور نیز مدتی به صورت قهری و جبری با این مقوله برخورد کنند گرچه برای دوره ای کوتاه افراد شئونات اسلامی و اجتماعی را رعایت می کنند اما این حالت پایداری نیست و بعد از مدتی دوباره این گونه هنجارهای رفتاری به شکل دیگری در جامعه ظهور و بروز می کند . مانند بیماری که برای معالجه غده سرطانی خود نیاز به اطاق عمل و جراحی داشته باشد ، اما پزشک او مرتب به جای برداشتن غده و علت دردش برایش مسکّن تجویز کند. بهترین درمان برای معالجه مرض بدحجابی در جامعه مبارزه با عوامل و ریشه های این جریان است که آن تهاجم فرهنگی غرب به سر کردگی آمریکا ــ سنبل و نماد استکبار جهانی ــ است.

امید است غیرت و حمیّت اسلامی ، در افراد متدیّن فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راهکاری مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند و باری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز ! زندگی در جامعه سالم و مدینه ای فاضله آرزو و آرمان همه بندگان خداست ؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوا پیشگان همواره در چه شرایطی سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه بر نداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار ، یعنی مبارزه با فساد وتباهی و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابر این به جای یأس و نومیدی و گوشه گیری از فعالیتهای جمعی در مساجد ، از خون شهیدان پیام بگیریم وبا تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری بپردازیم .

و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشیم. در این صورت خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهیم شد. (ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم).

علاوه بر موارد و عوامل فوق ، بی توجهی نسبت به مفاسد اجتماعی ، دلایل مختلفی می تواند داشته باشد . از جمله طبیعی شدن موضوع به خاطر کثرت آن مانند همین پدیده بد حجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم بر خورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفاسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن

خود افراد و ضعف ایمان، در هر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا بایـد از اطلاعات کافی در شـناخت معروف و منکر و نحوه انجام آن برخوردار باشد. به فرمایش شـهید مطهری (ره) امر به معروف و نهی از منکر از پند شـروع می شود و به بند ختم می شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت آنها مؤثر واقع نشد باید از بند اسـتفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر می کنند اولین وسیله برای برخورد وامر به معروف و نهی از منکر توسل و استفاده از بند است.

۱ * برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها www.nahad.net

را ههای کشاندن افرادی که بدبین به اسلام هستند به مسجد چیست ؟

پرسش

را ههای کشاندن افرادی که بدبین به اسلام هستند به مسجد چیست ؟

پاسخ

عنایت وتوجه خاص و ویژه شـما به مسـجد کانون و مرکز نشـرو گسترش اسـلام و محور وحدت و انسـجام اجتماعی جامعه ی اسـلامی و علاقه مندی تان به فعال شدن و جذب هر چه بیشتر اعضای جامعه بسـیار ارزشمند و قابل تحصین و تقدیر است امید می رود این توجه و تعصب مثبت و مفیـد در سایر بندگان مومن روز بر روز افزایش یابد و مساجد به عنوان کانون و مرکز ثقل جامعه ی اسلامی رونق و حیات سیاسی اجتماعی و فرهنگی خود را باز یابد .

دوست عزیز در خصوص سئوال شما چند نکته را یاد آور می شویم :

۱ درباره افرادی که شـما سئوال کرده ای ابتدابایدتوجه آنان را به اسـلام جلب کرد. یعنی قبل از جذب آنان به مسـجد باید بد بینی آنان از اسـلام سـلب شود وبه اسـلام و احکام تعالی ترقی آن ایمان و اعتقاد پیـدا کننـد و آن را با همه وجود پذیرا بشوند بدیهی است از کسـی که اسـلام را نپذیرفته یا باورو ایمانش نسـبت به اسـلام دچارنقصان است انتظار حضور در مسـجد توقعی خارج از انتظار است . مثل اینکه کسی اسلام را باور نداشته باشد بگو ئیم چکار کنیم که زکات بدهد یا روزه بگیرد . بنابر این گام اول این است که اعتقاد و باورش را به اسلام تحکیم وتقویت کند ودر این راه باید به او کمک کرد .

۲ شاید تعبیر بدبین بودن به اسلام تعبیری مبالغه آمیز باشد چرا که اگر کسی به اسلام بد بین باشد ، اصل مساله منتفی

است . از کسانی باید توقع داشته باشیم در مسجد حاضر بشوند که اسلام را پذیرفته اند و به آن ایمان و اعتقاد راسخ دارند به نظر می رسد فرد یا افراد مورد نظر با اصل اسلام مشکلی نداشته و آن را قبول دارند ولی به دلایلی از حضور در مساجد خود داری می نمایند .

۱۳اگر افراد مسلمان و مومن در مسجد حضور پیدا نمی کنند باید علل و عوامل آن را شنا سایی کردو آن را از میان برد در این صورت بدون شک افراد به مسجد، این کانون و حدت سرازیر خواهند شد . اگر مردم مسلمان بطور عملی کارایی و نقش مثبت و سازنده مساجد را درک و لمس کنند سراسیمه به سوی مساجد رهسپار خواهند شد . مشکل این است که مساجد کشور ما و سایر جوامع اسلامی از ایفای نقش مثبت و سازنده جامع خود باز مانده اند و تنها به عبادتهای خشک و بی روح بسنده کرده اند .

راه جذب مردم مسلمان به مساجد احیای نقش اصلی مساجد است . برای آشنایی با نقش مساجد توصیه می کنم

کتابهای تاریخ آموزش و پرورش و تا ریخ تعلیم و تربیت را مطالعه بفر مائید به عنوان نمونه دو کتاب معرفی

می گردد :

۱ تاریخ آموزش در اسلام ، نوشته احمد شعبی ، ترجمه محمد حسین ساکت .

۲ تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی ، نوشته عبد الرحیم غنیمه ترجمه مر حوم استاد .

چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول ا...(نزدیک شود صرفاً گفتمان دینی نه، بلکه جنبه های مصداقی و تطبیق اجتماعی، بومی و محلی؟

پرسش

چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول ا...(نزدیک شود صرفاً گفتمان دینی نه، بلکه جنبه های مصداقی و تطبیق اجتماعی، بومی و محلی؟

پاسخ

اما اینکه چه کنیم تا مساجد به رسالت مساجد زمان رسول ا...(نزدیک شود ؟ این است ابتدا باید سیره وبرخورد رسول خدا(درباره مسجد را دقیقاً مطالعه کنیم، و اینکه پیامبر اکرم(چه اقدامات و کارهایی را در مسجد انجام می دادند. یعنی اینکه از مسجد برای چه کارهایی استفاده می کردند. از مجموع روایات و سنت پیامبر(این بدست می آید که ایشان مسجد را مرکز عبادت خدا، برقراری نماز، دعاها و مرکز سازماندهی نیروها برای دفاع از کیان اسلام و جنگ با کفار و محیط و مکان آموختن علم و دانش و مرکز اجتماع مردم در مراسمات دینی مثل عید فطر، نماز جمعه و ... قرار داده بودند. و همانطور که فهمیده می شود؛ باید مسجد از مکانی که فقط برای نماز و مجالس ختم اموات است خارج شود و در آن کلاسهای علمی و

فرهنگی برگزار شود، البته باید توجه داشت که باید حرمت مسجد حفظ شود.

مثلاً چه اشکالی دارد مراسم ازدواج یعنی عقد زن و مرد در مسجد برگزار شود و زندگی خود را از مسجد آغاز کنند و باید همانند عصر پیامبر(مسجد مرکز تمام فعالیتهای اجتماعی و سیاسی باشند. در این صورت است که مساجد ما رسالت خودشان را به خوبی ایفا می کنند.

چرا در کشور ما دین روز به روز کمرنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟

پرسش

چرا در کشور ما دین روز به روز کمرنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟

پاسخ

به درگاه حضرت حق جلّ و اعلی پیشانی سجده بر خاک می ساییم که ما را در میان ملت و جوانانی فهیم و مؤمن و با صفا قرارداده است تا از فیض فضایل و کرامات آنان بهره مند باشیم و احساس مسئولیت و تعهد شما جوان خوب و صمیمی نسبت به ارزش های دینی و جلوه های مذهبی در جامعه را قدر می نهیم و آرزو می کنیم هر روز نسبت به گذشته آگاهی و دانش و بینش و تعهد و مسئولیت افزون گردد.

برادر عزیز ضمن تأیید تغییر برخی مظاهر و ظواهر دینی در جامعه و قبول آنچه شما اشاره کرده ای یادآورد می شویم که البته باید ببینیم منظور از دین چیست که درگذشته پررنگتر بوده است و حالا ـ کم رنگ تر. درگذشته برخی مظاهر مثل حجاب و پوشش بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی پررنگ تر بوده است و حالا کم رنگ شده است ولی برخی موارد نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است؛ از جمله آگاهیهای جوانان مؤمن و انقلابی نسبت به دین و مسایل دینی نسبت به گذشته در بسیاری از مسایل پررنگ تر شده است. بسیاری از جوانان عمده مسایل مهم دینی و مملکتی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) بطور عمیق درک می کنند و می فهمند. بنابراین اگر منظور شما از دین مظاهر و ظواهری است که از آنها به دین تعبیر می کنید درست است تغییرات قابل توجهی در جامعه مشاهده می شود که درگذشته وجود نداشته و حالا پیدا شده و اتفاقاً این مسایل از جمله مسایل و مواردی است

که به بی دینی و یا کم رنگ شدن دین و ارزشهای دینی تعبیر می شود.

اما اگر کمرنگ شدن دین را به قبول و باور خدا و پیامبر و امامان بدانیم چنین چیزی مورد قبول نیست و تحقیقات متعدد نشان می دهد اکثریت جوانان کشور با خدای قادر متعال سرستیز و جنگ ندارند و اگر اعتراض و انتقاد دارند از مسئولان و دست اندرکاران امور جامعه است که با انتساب خودشان این حیثیت و بهره مقدس و زیبای دین را لکه دار و خدشه دار می سازند و وقتی جوانان زبان به اعتراض می گشایند متهم به بی دینی می شوند.

دوست عزیز براساس شواهد و بررسیهای متعدد بسیاری از حرکات جوانان و افراد در جامعه عکس العملی است که در برابر دست اندرکاران و متولیان امور جامعه انجام می گیرد و باعث می شود مردم از حاکمان نظام دینی و حاکمیت اسلام احساس نارضایتی کنند ولی هرگز از اصل اسلام و خدایی خداوند و حاکمیت دین بر شؤون گوناگون زندگی شان ناراضی نیستند. گاهی بیان مسایل به گونه ای است که جوان را به عکس العمل شدید و مخالفت آمیز سوق

می دهد. طبیعی است وقتی جوانی را به خاطر رفتاری، ضد دین و بی دین قلمداد کنیم ممکن است بر اثر مرور زمان، خودش هم به این باور برسد و احساس کند راه بازگشت به دین وجود ندارد و حال آن که اتهام بی دینی به خاطر پوشیدن نوعی لباس، آرایش کردن و ... نمی توان به کسی زد. کسی بی دین است که خدایی خداوند و رسالت پیامبر (ص) را نپذیرد ولی کسی که ایمان به خداوند داردو رسالت پیامبر (ص) را پذیرفته، نمی توان متهم به بی دینی کرد. و حال آن که ما گاهی

به خاطر خطایی کوچک که خود خداوند هم آنرا گناه صغیره خوانده است افراد را بی دین می خوانیم. دوست عزیز، قلب و دل بسیاری از جوانان برای اسلام و حاکمیت اسلامی می تپد ولی متأسفانه عملکرد ناشایست و نادرست برخی از دینداران و مسئولان موجب دلزدگی تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه بخصوص جوانان شده است که باید با همت شما جوانان خوب و عزیز اصلاح شود. توفیق شما را از درگاه حضرت حق مسئلت می نماییم.

با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثتنا مفید دانسته اند چرا حوزه های علمیه بخصوص مشهد و قم تابحال همایش و یا سمینار و حرکتی مشابه حرکت امسال صدا و سیما انجام نداده اند؟

پرسش

با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثتنا مفید دانسته اند چرا حوزه های علمیه بخصوص مشهد و قم تابحال همایش و یا سمینار و حرکتی مشابه حرکت امسال صدا و سیما انجام نداده اند؟

پاسخ

از سؤال شما مشخص می شود احتمالاً نسبت به علامه شهید آیت ا... مرتضی مطهری (ره) و آثار و کتب ایشان عنایت و توجه خاصی دارید و احتمالاً کتابهای ایشان را مطالعه کرده و می کنید. ما نیز همانند شما به این مسأله اعتراض و انتقاد داریم که چرا آنگونه که باید به آثار شهید مطهری و توسعه مطالعه کتابهای ایشان و بسط فکر و اندیشه و آرمانهای ایشان توجه نشده است؟

سخنرانی آن شهید والامقام در خصوص فلسطین و شمر خواندن نخست وزیر اسراییل که حدود ۴۰ سال پیش صورت گرفته است متأسفانه ۳۰ سال پس از ایراد سخنرانی و حدود بیست سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید. هنوز هم بسیاری از تحصیل کرده ها اعم از حوزوی و دانشگاهی که با فکر و اندیشه و اعتقادات و باورهای مردم سروکار دارند از دیدگاههای این متفکر بی نظیر جهان اسلام در دوران معاصر بی اطلاع هستند. هنوز هم بسیاری از خطباء و وعاظ، منبرهای حماسه حسینی و تحریفات عاشورای مطهری را نخوانده اند و به روضه خوانی دروغ که به تعبیر شهید مطهری حرام است ادامه می دهند!

دوست عزیز شاید علت این بی توجهی ریشه درگذشته قبل از انقلاب داشته باشد. در آن دوران شهید مطهری (ره) و امثال او مثل شهیدان بهشتی و باهنر و ... شخصیت هایی بوده اند که به دلیل افکار

و اندیشه های نو و جدید مورد پذیرش جامعه متدین وکسانی که به سنت ها بصورت غیر پویا و از سوی تعصب عاری از تفکر و تعمق پای بند بوده اند، مورد بی مهری قرار گرفته و در میان آنان جایگاهی نداشته اند. لذا حضور این عزیزان در میان قشر روشنفکر و تحصیل کرده دانشگاهی و نو اندیشان اندک حوزه بیشتر بوده است و در حوزه های علمیه به دلیل حاکمیت بافت سنتی حضوری نداشته یا بسیار کمرنگ بوده است. حتی پس از بیان سخن امام و توصیه به مطالعه آثار آن شهید بزرگوار و تأکید بر مفید بودن همه آثار، متأسفانه برخی از حضرات برخی از کتابهای شهید مطهری مثل مسأله حجاب را قبول نداشتند و بصورت علنی توصیه می کردند جوانان آن را مطالعه نکنند و ...

اکنون نیز آن طیف فکری سنت گرا که بیشتر به ظواهر دلخوش می کنندو از اندیشه هایی غیر پویا و دگم برخوردار هستند، در پیکره این مراکز حضور دارند. مظلوم تراز شهید مطهری.آیت ا... شهید بهشتی است که از نظر علمی و فقهی دیدگاههایی همانند شهید مطهری داشته است نه تنها تاکنون دیدگاههایی همانند شهید مطهری داشته است نه تنها تاکنون برایش همایش همانند همایش حکمت مطهر برگزار نشد، بلکه مراسم ظاهری و صوری نیزکمتر برایش گرفته می شود و از او یاد می شود و حال آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی به مقدار زیادی مرهون زحمات و خدمات و افکار و اندیشه های شهید بهشتی است که امام خمینی (ره) فرمودند: بهشتی یک ملت بود. یعنی به لحاظ قدرت و قیمت و ارزش و توانایی فکری و عملی، او به اندازه

کل یک ملت کارآمد و ارزشمند بود ولی متأسفانه در زمان حیاتش در جمهوری اسلامی مورد بی مهری قرار گرفت و پس از شهادتش نیز همچنان مظلوم است و گمنام.

دوست عزیز آنچه شما ذکر کرده ای حسرت و آه و ناله ما نیز هست اما چه کنیم که توان تغییر از ما سلب شده است و جوانان برومند و دلسوزان باید همتی مردانه کنند و با تشکیل هسته هایی کوچک مطالعاتی در مدرسه و محل خودتان با راهنمایی معلمان و روحانیون و استادان حوزه و دانشگاه و افراد خوش فکر به تجزیه و تحلیل آثار آن شهید عزیز همت بگمارند قطعاً آثار و نتایج آن به مراتب از همایش حکمت مطهر بیشتر خواهد بود.

چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد ؟

پرسش

چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد ؟

پاسخ

الکسیس کارل فیلسوف مشهور می گوید : " نیایش اصولاً کشش روح است به سوی کانون غیر مادی جهان و نیایش ، بلند ترین قله تعبیر را در پرواز عشق از میان شب ظلمانی عقل پیدا می کند "

برخی از اندیشمندان معتقدند جوانان با ندای ارزشها به لرزه در می آیند و عده ای بر این باورند که : "معنویت ، داربست وجودی نسل جوان است. "۲

گرایش به معنویت ، همچون یک نیاز فطری از درون جوانان ، سر بر می آورد و از دیگر سوی ، آنان مایلند دنیا را اصلاح کنند. با پیچیدگی و دشواری فزاینده زندگی ، نیاز جوانان به معنویت ، جدی تر احساس می شود و اگر مشاهده می شود که کشش های معنوی دراین دوران ، بیش از سایر اوقات زندگی است ، رمز آن در فطرت پاک و زلال آنان است . ماباید برای ارتقاء معنوی جوانان تلاش کنیم وبه یک بعد خاص اصرار نورزیم که ممکن است مفید نباشد. رسالت و وظیفه مادر قبال معنویت خواهی جوانان سنگین و مهم است برخی از مواردی که می توانیم برای آنان نقش مؤثری ایفا کنیم عبارتند از :

۱- تفهیم این واقعیت که معنویت و رابطه با خداوند فقط به روزهای سخت زندگی محدود نمی شود بلکه تجلی کامل ارتباط با پروردگار ، در همه فراز و نشیب های زندگی ، قابل مشاهده است به آنان بگوییم، آنان که روزهای خوب زندگی به یاد خداوند هستند پروردگار شان آنها را در روزهای سخت زندگی ، تنها نخواهد

گذاشت .

۲- آثار مثبت و ارزنده معنویات را در جنبه های فردی و اجتماعی برایشان باز گو کنیم تا انگیزه قوی تری برای ارتباط با خالق بیابند .

۳- ۳- آنـان را آگـاه کنیم که برخورداری از معنویت ، می توانـد بر عوامل باز دارنـده ای همچون اضـطراب هاو استرس های زندگی ، غلبه نماید و اطمینان و آرامش را بجای آن ، قرار دهد .

۴- شـیوه های نزدیک شـدن به پروردگار را بـدانان ارایه دهیم . شـیوه هایی که هم از طریق عقل و هم از راه عشق می تواند ، جوان را و اصل به حقیقت بنماید .

۵- به جوانان یاد آوری نماییم که بهره گیری از معنویت ، به آدمی و شخصیت او ، ساختاری منطقی وقابل اعتماد می بخشد و او در پرتو چنین روشی قادر خواهد بود ، دوستان خود را جذب نموده وارتباط اجتماعی سالم و فعالی پایه ریزی نماید .

۶- مطـالعه زنـدگی بزرگـان دین و سیره اولیـای خـدا ، یکی از بهـترین شـیوه هـای تقریب نسـل جـوان به معنویـات و حضور پروردگار می باشد .

۷- و چنانچه جوانان مایل باشـند که بیشتر از گذشته خودرا به خالق ازلی نزدیک نمایند ، رمز آن را باید در عمل به واجبات و ترک محرمات بیابند .

برادر عزیز و گرامی مابایـد نسـبت به جوانـان به توسـعه معنویت اهتمـام بورزیم و تنها در یک بعـد مثلاً اصـراردر قرائت قرآن، حفظ قرآن به صورت اجباری وبا فشار شدیـد ، نماز جملاعت بصورت جـدی و اجباری و مرتب ، خوانـدن نماز شب بصورت اجباری و... به مصلحت جوانان نیست

بایـد احساس نیاز و علاقه مندی به امور معنوی را در جوانان ارتقاء بدهیم با تشویق و ترغیب و دادن هدیه ، حضور در مجالس تلاوت قرآن قاریـان برجسته و مطـالعه شـرح حـال قاریان بزرگ و آثار تلاوت و عمل به دسـتورات قرآن در زنـدگی افراد و قاریان را مطالعه کننـد به مرور زمان علاقه منـدی به قرآن درآنها ایجاد خواهد شد ولی اگر تمایل و گرایش به حفظ و تلاوت نداشـتند و یا از صـدا و صوت زیبائی برخوردار نبودنـد نباید اصـرار بکنیم به سـمت قاری شدن و حافظ شدن سوق داده شوند بلکـه در حـد خوانـدن و فهم مفـاهیم وعمـل به دسـتورات قرآنی تشویـق شونـد. آنچه در برخـورد بـا قرآن مهم است عمـل به دسـتورات قرآنی است نه تلاـوت و حفـظ ، اینهـا مقـدمه است برای عمـل به قرآن و تلاـوت و حفظ بـدون عمل نه تنها ارزش ندارد بلکه آثار منفی به دنبال دارد و جامعه را به سوی لاقیدی و بی دینی سوق می دهد .

موفق وسربلند باشی

منابع و مآخذ :

۱. کتاب نیایش ، ترجمه محمد تقی شریعتی ، ص ۴۱

سیری در بلوغ ، ترجمه کاظم سامی

چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟

پرسش

چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟

پاسخ

سؤالی که مطرح فرمودید بسیار مهم و اساسی است و در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم که؛

عرصه ظهور قرآن بسـیار فراتر از مواردی است که فرمودیـد . در واقع تمـام زنـدگی مسـلمین بایـد تجلیگاه معارف الهی قرآن باشـد. زیرا قرآن یکی از دو یادگار گرانبهایی است که رسول خدا "ص" برای هدایت مسـلمین به یادگار نهاد. اما واقعیت این است که از همان ابتـدای اسـلام و رحلت رسول بزرگوار اسـلام و بعد از قضـیه غصب خلافت و خانه نشین شدن امیرالمؤمنین علی "ع" عـامه مسـلمین به معارف و دسـتورات قرآن عمل کردنـد و در طول تاریـخ به تدریـج قرآن را برای رسـیدن به ثواب قرائت آن اسـتفاده کردند (البته علت اصـلی آن وجود خلفا و حکام ستمگر در جامعه اسلامی بود که اکثر یا تمام حقایق قرآن مانع حکومت و ثروت اندوزی آنان بود) و به همین علت قرآن نقش تسـکین دهنده در مجالس عزا را پیدا نمود اما در مجالس عروسی که صریح آیات قرآن مخالف لهو و لعب و رقص و ... می باشد، قرآن ظهوری نیافت. عدم معرفت مسلمین به حقیقت قرآن مانع شد تا قرآن بعنوان کتاب هدایت در جامعه اسـلامی جایگاه خود را بیابد حضرت امام "ره" در مورد جایگاه حقیقی قرآن و تأثیر تلاوت آن می فرمایند :

"مطلوب در قرائت قرآن کریم آن است که در قلوب صورت آن نقش ببندد، و اوامر و نواحی آن تأثیر کند و دعوات آن جایگزین شود. و عمده آنها (آداب قرائت قرآن)

تفکر و تدبر و اعتبار به آیات آن است و معلوم است کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و کم کم به مقام متقین رسد." (۱)

با دقت در کلام آخر امام راحل "ره" (کم کم به مقام متقین رسد) در می یابیم که تلاوت قرآن و تدبر در آیات آن انسان را به مقام تقوا می رساند و انسان را از گناه باز می دارد و با وضعی که اکثر مراسم عروسیها در جامعه ما دارد تلاوت قرآن در این مراسمها اصلاً مناسبت ندارد و نمی شود در مراسمی هم رقص و پایکوبی و لهو و لعب برقرار باشد و هم قرآن تلاوت شود.

اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟

اشاره

چرا نباید روحانیت معظم همچون سابق مظهر ساده زیستی و زهد باشند وقتی با یک پیکان مدل بالا می شود کارها را انجام داد استفاده از ماشینهای دیگر که

پرسش

اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟

چرا نباید روحانیت معظم همچون سابق مظهر ساده زیستی و زهد باشند وقتی با یک پیکان مدل بالا می شود کارها را انجام داد استفاده از ماشینهای دیگر که برای مردم لوکس و گران قیمت است آیا دور از احتیاط نیست؟ آیا این همه اسراف در بیت المال و اعمالی اینگونه کار کمتری از منافقین انجام می دهد؟

پاسخ

سؤال کننده محترم، شاید شما هم با این سخن موافق باشید که در شرایط فعلی نباید عمل مسلمانان و حتی همه افراد روحانیت را به حساب اسلام گذاشت، زیرا اگر چه اصل حکومت و نظام اسلامی است و مایه خوشبختی است لیکن حداقل بخشی از عملکرد مسؤولان و مردم هنوز اسلامی نیست و باید تلاش شود تا همگان گامی به سوی اسلامی شدن تمام عیار عملکرد خویش بردارند. و یکی از مواردی که در زندگی برخی از مقامات حکومتی و به ویژه روحانیت دیده می شود و مغایر آموزه های اسلامی است و شما هم بدرستی اشاره کردید، مسأله تشریفات ویژه و رفاه طلبی در زندگی خصوصی آنان است و این امر تأثیر بسیار منفی در ذهن مردم و به خصوص طبقه محروم جامعه نسبت به اسلام و مسؤولان دارد. البته از طرفی نباید این ماجرای مربوط به امام صادق (ع) را از یاد ببریم که حضرت روزی با لباسها ی نو و آراسته از منزل بیرون آمده بود، یکی از مسلمانان مقدس مآب و عارف مسلک امام را دید و به عنوان اعتراض به او گفت: چگونه

شما چنین لباسهایی می پوشید در حالیکه علی بن ابی طالب (ع) لباسهای بسیار کهنه و فرسوده می پوشید؟ امام صادق فرمود: شرایط امروز مردم و جامعه با شرایط زمان علی (ع) متفاوت است و اگر علی (ع) هم در این دوران زنده بود مانند من می پوشید همانگونه که اگر من در زمان علی (ع) زنده بودم مانند او لباس می پوشیدم. (۱) البته با این وجود امام صادق (ع) پیراهن خود را بالا زد و لباس زیر خود را که پارچه ای خشن و زبر داشت به وی نشان داد و به او آموخت که علی رغم پوشیدن لباسهای نو و آراسته، لباس زیرینش به دلیل تواضع در برابر پروردگارش، از بدترین نوع پارچه است.

مهمترین آموزه و درس این ماجرا این است که رهبران و زمامداران جامعه حتی در مورد پوشش خود نیز باید شرایط مردم و جامعه را مد نظر داشته باشند نه آن گونه زندگی صوفیانه داشته باشند که عموم مردم از اسلام روی گردان شوند و نه آن گونه رفاه طلب باشند که طبقه محروم جامعه افسوس بخورند. با این حال شما هم با ما هم عقیده اید که در شرایط فعلی و در ایران حداقل مقام معظم رهبری به عنوان شخص اول کشور و نیز برخی از سران کشور هیچ گونه نشانه رفاه طلبی و تشریفات در زندگیشان دیده نمی شود گر چه عملکرد بخش قابل توجهی از مسئولین نیز مایه تأسف است.

منابع و مآخذ:

۱ اصول کافی یا بحار الانوار

چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟

پرسش

چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟

پاسخ

از این که شما دوست و برادر عزیز و گرانقدر به مسأله مهم جذب نوجوانان و جوانان به مسجد می اندیشی بسیار مسروریم و امیدواریم با همت و تلاش خالصانه و مجددانه و طلبکارانه شما از متولیان امور مساجد حضور نوجوانان و جوانان هر روز بیشتر در مساجد رونق بگیرد.

برادر عزیز دوستانی که متکفل پاسخگویی به پرسشهای شما در مساجد پاسخ می گویند متولی امور مساجد نیستند تا بخواهند برای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد برنامه ریزی کنند ولی اگر از طرف متولیان مساجد مورد سوال قرار گیرند قطعاً دوستان عزیز و صاحب نظران گوناگون در حیطه های مختلف راه هایی ارایه خواهند نمود ولی به نظر می رسد بهترین راه جذب نوجوانان و جوانان این باشد که خود آنان بگویند دوست دارند مساجد چگونه باشند، چه برنامه هایی در مساجد ارایه شود جذابتر است نه تنها بگویند بلکه خودشان در اداره مساجد شرکت کنند و برنامه های باب طبع و دل خواه خودشان را طراحی و اجرا کنند. نوجوانان و جوانان نباید منتظر باشند دیگران برای آنان برنامه ریزی کنند و آنان به عنوان افراد منفعل در آن شرکت جویند، حال قابل استفاده باشد یا نباشد. ولی اگر خود جوانان با مشورت با بزرگترها و افراد باتجربه مثل روحانیون

بزرگوار، استادان دانشگاهها، معلمان و آموزگاران گرامی و متولیان امر تعلیم و تربیت و صاحب نظران در مسایل نوجوانان و جوانان برای خودشان برنامه ریزی کنند، بهترین برنامه ها طراحی و اجرا خواهد شد و قطعاً نتایج مثبت و خوبی نیز به دنبال خواهد

داشت.

دوست عزیز شما می توانید با همکاری سایر نوجوانان و جوانان مذهبی و متدین در قالب بسیج مسجد، گروههای علمی و مطالعاتی، ورزشی و ... در مسجد منسجم و تشکیل شده و برای خودتان برنامه ریزی مدون و منظمی داشته باشید. و نه تنها می توانید برنامه هایی در مسجد اجرا کنید بلکه می توانید در مسجد برای کارهای ورزشی، اردو و ... نیز برنامه ریزی کنید و مبداء حرکت شما مسجد باشد. مرکز وحدت و انسجام و ... مسجد باشد ولی این بدان معنا نیست که حتماً هر برنامه ای باید در مسجد اجرا شود. آنچه بتوانید در مسجد اجرا کنید و هر آنچه امکان اجرای آن در مسجد وجود نداشت و آنرا برای نسل جوان مفید دانستید انجام دهید. مسجد را مرکز ثقل تصمیم گیری و برنامه ریزی و مبداء حرکت و تعالی جسمی و فردی خودتان قرار دهید. انشاء الله مفید و سربلند باشید.

اگر بگویم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که:

اشاره

۱ دستور اسلام است. ۲ باعث افزایش محبت آن شخص در نزد افراد می شود.

تنها یک بار مشاهده کردم که بعد از بیرون آمدن از مسجد امیر المومنین (ع) گناباد پیش نماز این مسجد هن

پرسش

اگر بگویم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که:

۱ دستور اسلام است. ۲ باعث افزایش محبت آن شخص در نزد افراد می شود.

تنها یک بار مشاهده کردم که بعد از بیرون آمدن از مسجد امیر المومنین (ع) گناباد پیش نماز این مسجد هنگامی که از روبرو ما را دید با این که حواس ما در تقدم سلام کردن پرت بود با چنان صدای بلند و رسایی سلام کرد که جمعی که با من بودند چنان لذتی را تا به حال نبرده بودند. حال سؤال من این است که چرا روحانیون عزیز به این مسایل واقعاً با ارزش اهمیت کمی می دهند یا مثلاً- من کمتر دیده ام که یک فرد روحانی در عزاداری امام حسین (ع) مثل بقیه مردم و در کنار مردم و محل مردم سینه بزنند آیا با این کار محبوبتر نمی شوند؟ و آیا با این کارها فاصله مردم با ایشان کمتر نمی شود حال نمی دانم دلیل این رفتارها از طرف گویندگان دین ما چیست؟

پاسخ

برادر عزیز و بزرگوار سلام،

از این که می بینم جوانانی همانند شما به این مسایل و قداست روحانیت و رهبران مذهبی و نیز اجرای دستورات اسلامی

اهمیت داده و مقید هستید و دل می سوزانید خداوند بزرگ را شاکر و سپاسگزاریم.

ما نیز با شما برادر عزیز و گرامی موافق هستیم و معتقدیم اجرای دستورات دینی قشر و طبقه نمی شناسد و کسانی که لباس مقدس هدایت جامعه بر تن دارند باید رفتارشان شباهت بیشتری به رفتار پیامبر (ص) داشته باشد. پیامبر (ص) در سلام کردن

سبقت می گرفت و هیچکس نتوانسته است در سلام کردن بر پیامبر (ص) سبقت بگیرد. اگر رفتار و منش رهبران دینی با رفتار و منش پیامبر (ص) شباهت بیشتری داشته باشد اثر بیشتری در تربیت دینی مردم می گذارد تا این که بخواهند با شیوه بیانی و گفتاری به هدایت مردم بپردازند چنانچه شاعر گفته است:

دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

دوست عزیز با اذعان به آنچه شما برادر ارجمند و محترم بیان کرده ای و تایید درک و فهم و استنباط شما باید اضافه کنیم که در میان روحانیت نیز همانند سایر طبقات افرادی با روحیات و حالات گوناگون وجود دارد. چه بسا بسیاری از آنها به این نکاتی که مطرح کرده ای توجه ندارند یا به لحاظ ارثی به گونه ای بار آمده اند و تربیت شده اند که تحول شخصیتی آنان کمی مشکل و سخت به نظر می رسد و گاهی نیز ممکن است تعداد اندکی با روحیه اقتدار گرایانه و از موضع برتری جویانه ای با جامعه برخورد نمایند و خود را از سایر افراد جامعه برتر بشمارند و توقعی مشابه با این احساس داشته باشند و برخی کارها و امور را در شأن خودتان بحساب آورند.

از سوی دیگر برخی از کارها اگر چه برای روحانی بدون اشکال است ولی عرف جامعه آنرا قبیح و کوچک و سبک می شمارد. بنابراین عزیزان روحانی با توجه به این جنبه اجتماعی از برخی کارها اجتناب می کنند. مثلاً آیا مکیدن شکلات و آدامس برای روحانی حرام است؟ قطعاً از نظر شرعی حرمت ندارد ولی اگر امام جمعه یا امام جماعت در حالی که

آدامس می جود در جمع مردم حاضر شود همه مردم این عمل را تقبیح می کنند و حال آن که عملی حرام نیست.

بنابراین برخی از کارها را عرف جامعه برای برخی طبقات سبک و خلاف شأن آنها می شمارند. این قبیل کارها اگر چه از نظر شرعی حرام نیست ولی افراد باید با توجه به شأن اجتماعی خودشان کارهایی که جامعه آنرا خلاف شأنشان می شمارد ترک کنند. البته گاهی نیز افراط و تفریط می شود و برخی کارهایی که اجتماع دون از شأن نمی داند به بهانه دون شأن بدان ترک می کنند و گاهی برخی کارها به بهانه این که دون شأن نیست انجام می شود. رفتار متعادل و متناسب با هر جامعه توسط افراد جامعه نشان دهنده سطح والای فرهنگی آن جامعه است و تا زمانی که ما به این سطح از فرهنگ نرسیم در همه طبقات از جامعه روحانیت این مشکلات وجود داشته و خواهد داشت.

امید است با افزایش سطح فرهنگ عمومی این رفتارها متعادل گردد.

در مورد متولی های مسجد و سازمانهای مسؤول در مورد این سنگر اسلام توضیح بفرمایید. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکاری را در این زمینه (پویایی مساجد) پیشنهاد می کنید.

پرسش

در مورد متولی های مسجد و سازمانهای مسؤول در مورد این سنگر اسلام توضیح بفرمایید. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکاری را در این زمینه (پویایی مساجد) پیشنهاد می کنید.

پاسخ

احیای مساجد و جذب نیروهای جوان مستلزم یک خیزش و یک حرکت عمومی است جا دارد نخبگان جامعه و کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی در این خصوص یک طرح فراگیر ملی را مورد مطالعه قرار دهند و با دید ملی به آن نگاه کنند. پاسخ مفصل به سؤال جنابعالی در این مختصر نمی گنجد اما نکاتی به استحضار می رسد:

۱ مدیریت مساجد با شیوه های سنتی کنونی، فاقد جاذبیتها و اولویتهاست عمده افراد هیأت امنای مساجد (با همه احترامی که برای آنان قائل هستیم و باید به عنوان پیش کسوتان مورد تکریم قرار گیرند) اما از افراد مسن و گاهی کم سواد هستند. فاصله سنی میان دو نسل دو پیامد منفی ببار آورده است:

الف: مدیریت و توجه و پویایی مساجد به روز نیست.

ب: شیوه های تبلیغ دین با روشهای کار فاصله زیادی دارد.

علاج این دو مشکل به این است که اولاً ـ حداکثر تلاش بعمل آید نیمی از اعضای هیأت امنا از نیروهای جوان و پر انرژی باشند که درد جوان و خواسته های او را درک کنند. ثانیاً با شیوه های تبلیغ مدرن آشنا باشند. بقول معروف کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز اگر نیروهای فعال مسجد از جنس جوانان باشند تمایل بیشتری برای مشارکت و حضور

دیگر جوانان فراهم می شود.

۲ در برخی موارد مشاهده شده که در خدمه مسجد، خصوصاً خادم مسجد

نسبت به وظایف محوله توجیه نشده است. اینجانب چندین بار با چشم خودم دیدم که تلاش بچه ها توسط خادم مسجد به هدر رفته و بقول معمول، هر چه آنان بافته بودند توسط بابای مسجد پنبه شد. علت آن بود که جوانان و یا حتی نوجوانان بر اساس شور جوانی و تحرک و انرژی فوق العاده شان تلاشهایی می کردند که یا با سلیقه خادم مسجد و برخی از پیر مردان و ریش سفیدان جور در نمی آمد. و یا اساساً آن را مخالف می دانستند. مثلاً اجرای برنامه سرود، یا تزئینات مسجد یا دعوت از سخنرانان جوان پسند و ...

پس یکی از مشکلات فرا روی پویایی مسجد، خدمه مسجد هستند که باید در برنامه ریزی ها و طرحها مدنظر قرار گیرند و چاره مناسبی در پیش گرفته شود.

۳ در نظام فعلی سازمان تبلیغات اسلامی مسجد، جایگاه واقعی را بدست نیاورده و با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. آیا نمی توان مساجد را با سیستمهای کامپیوتری و اینترنت مرتبط ساخت و برخی از سایتهای فعال مساجد را برای جوانان نمایش داد؟

آیا نمی توان فیلمهای مذهبی و عمده را در ساعاتی معین پخش کرد و جوانان را با شیوه های مدرن امروزی با بهترین سیستم های تبلیغاتی آشنا کرد. و با بکارگیری ویدیو پروجکشن های مجهز، سخنرانی های پرطرفدار آقای پناهیان و برخی از مداحان بنام را نمایش داد؟

آیا نمی توان برخی از درسهای آموزشی و کمک آموزشی را در مساجد اجرا کرد و نسل جوان را در راه تقویت بنیه علمی و آموزشی یاری رساند. راستی تاکنون چند کلاس تقویتی کنکور را در مساجد اجرا

کرده ایم. مساجد درصدر اسلام محور همه تبلیغات و فعالیتها بوده است، آیا اکنون نیز چنین است. آیا نمی توان بگونه ای برنامه ریزی کرد که هر از چند گاهی، با حضور یکی از اساتید توانمند و مطرح (دکتر عباسی، دکتر رحیم پور و ...) کنفرانسهایی و فراگردهایی بمنظور پاسخ به شبهات و خواسته های جوانان برگزار کرد و نسل جوان را جذب نمود.

آنچه مطرح شد و دهها "آیا" و "اگر" دیگر ممکن است بشرط آنکه بودجه های هزینه شده در برخی از سمینارها و کنگره ها و گرد همایی ها در مصارف صحیح و ضروری هدایت و بجا مصرف شوند. هر چند به نظر می رسد دعواهای جناحی در قالبهای سیاسی دو جناح به همراه داشته است نخست آنکه اعتماد عمومی نسل جوان را نشانه رفته و نوعی گریز از دین و مذهب را در اندیشه اش دامن خواهد زد و دوم فرصت سوزی است. مسؤولینی که می توانند از فکر و اندیشه خود در جهت جلب و جذب جوانان بهره ببرند در یک دعوایی بی حاصل جناحی وارد می شوند و فرصت خدمتی بزرگ با این همه اهمیت را از دست میدهد. مسؤالی که توان اداره تبلیغات یک یا چند مسجد را دارد در یک مدیریت نامناسب قرار گرفته و مساجد را از وجود خود محروم ساخته است.

نتیجه آنچه مطرح شد. (۱) پویایی مساجد از عوامل اساسی پویایی انقلاب اسلامی و حفظ و تداوم آن است. ۲ در نگاه اول به یک طرح ملی در حد کلان نیاز داریم که ساز و کار مناسب را بر اساس یک مطالعه فراگیر ارائه دهد. البته

تحقق این امر در دراز مدت ممکن است جواب دهد .

۳ در کوتاه مدت چند کار برای پویایی مساجد در اولویت است.

الف: خواسته های معقول و مشروع جوانان در برنامه ریزی های مساجد در اولویت قرار گیرد مثلًا در مسجد کمیته ازدواج و حتی کمیته تهیه جهزیه و ...

ب: سخنرانان و مبلغان از میان طلبه های جوان و با استعداد انتخاب شوند که با فهم جوان و نیازهای او آگاه باشند.

ج: از ابزار مدرن تبلیغات امروزی در حد مشروع بنحو مطلوب استفاده لازم بعمل آید.

د: رفتار کادر هیأت امنا و خادم مسجد با کانون مسجد و بسیج و کلًا نوجوانان، توأم با محبت و دلسوزی باشد.

آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می تواند اسلحه ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجام تکالیف اسلامیمان درماندیم نمونه های مختلف بی عدالتی را می بینیم مثلاً شنیده ام که در زندانی توسط مأموران در قالب سا

پرسش

آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می تواند اسلحه ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجام تکالیف اسلامیمان درماندیم نمونه های مختلف بی عدالتی را می بینیم مثلاً شنیده ام که در زندانی توسط مأموران در قالب ساندویچ مواد مخدر پخش می کنند چرا در زندان به این کوچکی کنترلی وجود ندارد؟ یا بعضی از مسئولیتهای مهم را به افرادی که صلاحیت اخلاقی ندارند می دهند؟ و یا موارد دیگر فساد و بی عدالتی موجود در بعضی دستگاهها و ارگانها و ... . چطور ما هنوز خودمان را اصلاح نکردیم اما دم از انتشار انقلاب اسلامی به دیگر کشورها می زنیم آیا نسبت به این مسائل باید بی توجه بود؟ ممکن است بگویید موردی اندك بوده و مسائلی از این بزرگتر در اطرافمان هست اما کجا؟ خدا می داند. خیلی ها در اوایل با انقلاب و همگام با مردم قدم برمی داشتند و تلاش می کردند اما حالا با دیدن

این مسایـل و نارسـایی هـا و مشـکلات نسـبت به خیلی از مسائل نظر خوبی ندارنـد. آیا روش حکومت پیامبر (۹) هم همینطور بوده این حرفهـا را از روی غرض نگفتم امیـدوارم به بهانه این که مسایل ِاز این مهم تر هم در اطرافمان وجود دارد و آن قـدر هم بزرگ نیست که شما تصور می کنید از جواب دادن خودداری نکنید.

پاسخ

اسـلام عزیز، دینی همه جـانبه و مطابق بافطرت پاک بشـری و در برگیرنـده همه نیازهای انسان است هر چه کمبود احساس می کنیم به علّت کوتاهی و تقصـیراتی است که از خودمان سر می زند. همه ما باید وظیفه خویش را بشناسیم و بدان عمل کنیم تا مدینه فاضـله نبوی تحقّق یابد و گر نه در زمان حکومت حضـرت علی (۷) یا در صـدر اسـلام در زمان حیات پیامبر گرامی نیز افرادی مغرض یا خطاکار وجود داشـته اند که پس از اطلاع از انحراف و کجروی عمدی یا سـهوی آنان به نحو مناسب با آنان برخورد می شـد و این در زمان دولت حضـرت مهـدی (۷) هم خواهـد بـود. و تصور این که همه افراد در همه سـطوح خطـا و اشـتباه و غرض ورزی نکننـد یـک آرمان دست نیافتنی است اما وجود افراد فاسـد یا وظیفه نشـناس در یک ارگان و نهاد یا در یک دسـتگاه حکومتی دلیل بر فساد و یا انحراف کل آن دستگاه نخواهد بود گرچه نقص هر چه کمتر باشد بهتر است البته در مورد خلافهـا و گناههـایی که در جـامعه صورت می پـذیرد نه فقط رؤسای مملکتی بلکه همه ما مسـئولیم تک تک ما بایـد با سخن و عمل خود آمر به

معروف و ناهی از منکر باشیم و در واقع بخش عمده ای از رواج فساد و گناه در جامعه ناشی از مسامحه و سهل انگاری خود ماست

نکته دیگر این که انتشار انقلاب اسلامی و صدور آن به سراسر جهان امری است که خداوند متعال وعده آن را داده است چرا که صدور انقلاب یعنی صدور اسلام و دستورات آن و ما وظیفه داریم در راه نشر و تبلیغ احکام اسلام تلاش نماییم

البته بهترین وسیله برای تبلیغ عمل ماست و لذا می بینیم فداکاری جوانان سلحشور ما در جبهه های جنگ اسلام علیه کفر مهمترین عامل صدور انقلاب بوده و هست زندگی ساده و پر از صمیمیّت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دام عزه و سفرهای ارزشمند و پر ثمر مسؤلینمان به کشورهای دیگر، باعث جذب میلیونها نفر به سمت اسلام و ایران اسلامی شده است و قهراً به هر اندازه که ما ویژگیهای مثبت نظام و کشورمان را افزایش دهیم در وظیفه مهم صدور انقلاب موفق تر خواهیم بود. البته این مسئله ربطی به رفع کمبودها ندارد; چه بسا ما در کشورمان با کمبودهایی مواجه باشیم ولی نسبت به مسلمانان مظلوم جهان وظایفی داریم که باید انجام دهیم اسلام عزیز دستاوردهایی داشته و ارزشهای والایی برای ملّت ما به ارمغان آورده که اگر صادقانه و منصفانه بنگریم هرگز به خاطر نواقص یا انحرافاتی که وجود دارد، نسبت به اسلام انقلاب و رهبران دلسوز و تلاشگر آن بدبین نخواهیم شد.

چگونه می توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای حزب اللّهی و همچنین نگرانی نسبت به دختران و پسران به خصوص نسل آینده ایفای وظیفه نمود و مانع از پایمال شدن خون شهیدان شد.

پرسش

چگونه می توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای

حزب اللّهی و همچنین نگرانی نسبت به دختران و پسران به خصوص نسل آینده ایفای وظیفه نمود و مانع از پایمال شدن خون شهیدان شد.

پاسخ

خواهرم تعهد شما نسبت به فرهنگ جامعه اسلامی قابل تقدیر و ستایش است همان گونه که می دانید اجتماع دریایی خروشان است که هر قطره آن یکی از افراد بشر است اگر هر شخص مراقب اعمال خود بوده به وظیفه انسانی خویش عمل نماید، جامعه رو به سعادت و هدایت پیش خواهد رفت و این سعادت و هدایت مقدمه یک غیرت دینی در مردم خواهد شد. غیرتی که شخص را در برابر مفاسد جامعه آسوده خاطر نخواهد گذاشت بلکه با تدبیر و درایت احساس مسؤلیت کرده و از راه های صحیح به امر به معروف و نهی از منکر اقدام خواهد نمود و این چنین جامعه به سوی خیر و صلاح همگام و هماهنگ پیش خواهد رفت ان شأالله یکی از نکات حائز اهمیت از بین بردن زمینه های گرایش به فرهنگ غرب و آگاهی کامل از فرهنگ غنی اسلام است فرهنگی که دشمن با سلاح های گوناگون گرد آن حلقه زده و قصد تصرف در این قلعه فتح ناشدنی را دارد. آری خواهرم این ما هستیم که باید با آگاهی کامل و پیروی از خط امام و ولایت در جهادی که سنگرش علم و تقوی َو سلاحش گاهی قلم و گاهی بیان است به جنگ با دشمن برخیزیم در این میان باید دانست همان گونه که بی تفاوتی امری نکوهیده است رویارویی نسنجیده نیز می تواند

مضـر باشـد. پس همان گونه که خـدای متعال فرموده و ادفع بالتی هی احسن به بهترین روش بایـد بدی ها را دفع نمود. پس با توجه به مطالب فوق وظیفه ما در نخستین گام کسب آگاهی لازم و شـناخت معروف و منکر از نظر شرع مقدس اسلام است تا پس از آن بـا سـعه صـدر و برخوردهای مناسب و بزرگوارانه در راه ترویـج ارزش های اسـلام ناب و جلوگیری از نفوذ هجمه فرهنگی دشمن اقدام نماییم

با آرزوی پیروزی و سعادت شما را به خدای بزرگ می سپاریم

چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟

پرسش

چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟

پاسخ

یکی از حکمتها و فلسـفههای مشـکلات و سـختیها، کنار رفتن حجابها از روی فطرت پاک آدمی است. در کوره حوادث تمام قشـرهای سیاهی که روی این فطرت را پوشانده است، میسوزد و از میان میرود، و برای مدتی هر چند کوتاه، درخشش این نور توحیدی آشکار میگردد.

از برخی از آیـات قرآن مجیـد اسـتفاده میشود که; یکی از خواص مهم حوادث سـخت و دشوار، کنـار رفتن پردههای غرور و غفلت از مقابل چشم دل و شـعلهور گشـتن فروغ ایمان، و بازگشت و انابه، به سوی پروردگار عالم است; در سوره زمر، آیه ۸ میخوانیم: "وَ إِذَا مَسَّ الْ ‌اِنسَنَ ضُـرٌّ دَعَا رَبَّهُو مُنِیبًا إِلَیْه...; چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است میخواند"

تعبیر "مُنِیبًـا إِلَیْـه" نشـان میدهـد کـه انسـان، در حالـات سـخت، که تمـام پردههـای غرور و غفلت کنـار میرود، هر چه غیر از خداست، رها کرده و به سوی او باز میگردد.

و در مفهوم "إنابه" بازگشت این حقیقت نیز نهفته است که جایگاه اصـلی انسان و مبـدأ و مقصد او نیز خدا بوده است.(ر.ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی، ج ۱۹، ص ۳۹۱.)

در جای دیگری از قرآن میفرماید: "فَأَخَذْنَهُم بِالْبَأْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ یَتَضَـرَّعُونَ ;(انعام،۴۲) آنها را به شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید]بیدار شوند و در برابر حق[تسـلیم گردند". از این آیه، اسـتفاده میشود، که خداوند افراد را به بأسأ و ضرأ]سختیها، رنجها و گرفتاریها[مبتلا میکند، تا این که با این واسطه، آنها به سوی

خداوند، تضرع نمایند. و همین آمدن آنها به بارگاه قدسی خداوند، سبب قرب و نزدیکی آنها به خدا شده، در نتیجه تکامل یابند. یعنی خداوند افراد را به سختیها گرفتار میکند، تا آنان به سوی خدا برگردند و در نتیجه به تکامل برسند.

البته خداوند در جایی از قرآن، بیان نمیکند که سختیها باعث تکامل افراد میگردد، بلکه از آیاتی استفاده میشود که گرفتاری در دام سختیها نهایتاً منجر به بازگشت افراد به حقیقت خویش و خدای خویش شده، در نتیجه باعث تکامل آنان میگردد.

چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟

پرسش

چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟

پاسخ

پرسشگر گرامی! به چند نکته توجه فرمایید:

۱. تبلیغات درباره نماز و ساختن مساجد و... نه تنها بیش از اندازه نیست؛ بلکه به اندازه هم نیست و اگر تبلیغات در مورد مسائل دیگری در جامعه را با تبلیغات درباره مراسم و فرایض دینی مقایسه کنیم روشن میشود که درباره نماز و... تبلیغات ضعیف و در سطح پایینی قرار دارد؛ ولی با این وجود ادعای شما که روز به روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود نیاز به آمار دقیق و تحقیقی دارد.

۲. تهاجم فرهنگی به اعتقادات دینی مردم به خصوص جوانان از جمله ابزارها و روشهای دین ستیزی و مبارزه با خداپرستی است که همواره از سوی استعمارگران و ستمگران به کار گرفته شده و میشود و در این راستا از پیچیدهترین و پیشرفتهترین ابزارهای تبلیغاتی بهره میگیرند و در انحراف انسانها تلاش میکنند.

۳. دامن زدن به اختلافهای اجتماعی و حکومتی و وارد و مشغول شدن به بازیهای سیاسی و غفلت از مشکلات اصلی مردم و کوتاهی برخی از نهادهای فرهنگی نسبت به انجام وظایف اصلی خویش و... همگی دست به دست هم میدهند و باعث تضعیف مبانی اعتقادی مردم و کمرنگ شدن انگیزه آنها و سهلانگاری و سستی آنان در انجام دستورهای خداوند متعال میشود.

قرآن کریم و دین مقدس اسلام، برنامههای جامع و عملی جهت مقابله و پیشگیری از تهاجم فرهنگی دشمنان و جلوگیری از متفرق شدن جامعه اسلامی و... پیشبینی کرده که برخی از

آنها عبارتند از:

۱. توصیه به پرستش خداوند متعال به جای اطاعت از شیطان; (یس، ۶۰۶۱) ۲. حفظ روحیه دشمنستیزی;(فتح،۲۹) ۳. تقویت و تعمیق باورهای دینی;(انعام،۷۱ و اسرأ،۳۶، ۴. اقامه و احیای فرهنگ نماز در جامعه; (عنکبوت،۴۵) ۵. احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه; (آلعمران،۱۰۴) ۶. عبرتآموزی از امتهای گذشته;(یوسف،۱۱۱ و حشر،۲) ۷. دعوت به اتحاد و وحدت;(آلعمران،۱۰۳) و...

و البته آنچه مهم است و باعث ساخته شدن سد محکم در مقابل دشمنان میشود و از نفوذ آنها میتواند جلوگیری کند، عمل به دستورهای قرآن کریم است.(ر.ک: تهاجم فرهنگی، آیت اللّه مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی;.)

آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدنساز باشد یا خیر؟

پرسش

آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدنساز باشد یا خیر؟

پاسخ

پاسخ پرسش نیازمند تبیین و تعریف دین و تمدن است.

تمدن

تمدن در عرف پارهای از مردم و دانشمندان خودباخته، به معنای لیبرالیسم اخلاقی، برهنگی و... است. در صورتی که مراد از تمدن این معنا باشد، دین با آن به شدت مخالف بوده، و هدفش در مقابل آن است.

امّا تمدّن با توجه به معنای لغوی آن نه عرفی اگرچه تاکنون تعاریف متعددی را از سوی صاحبنظران به خود دیده است; ولی غالباً آن را "تخلق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و هجمه و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت"(لغتنامه دهخدا، واژه تمدن.) معنا کردهاند.

دین

تعریف ما از دین، در نوع حضور دین در جامعه بشری و قلمرو آن، نقش تعیینکنندهای دارد. اگر دین را منحصر به رفتارهای زاهدانه و عبادات فردی بدانیم، نباید از دین انتظاری بیش از اصلاح رفتار فرد داشته باشیم.

اما اگر به جامعیت دین در همه ابعاد معتقد باشیم که حق همین است و دانشمندان دینشناسی، چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و... آن را پذیرفتهاند، در این صورت قلمرو دین وسیع بوده و میتواند در همه زمانها و ابعاد زندگی بشر

حضور خود را به اثبات برساند. تعریف علامه طباطبایی از دین چنین است: "آن روش مخصوصی است در زندگی که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دایمی حقیقی باشد تأمین مینماید; پس، در شریعت باید قانونهایی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازه احتیاج روشن سازد."(المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه محمدباقر موسویهمدانی، ج ۲، ص ۱۸۷ /

ر.ک: انتظار بشر از دین، عبدالله نصری.)

طبق تعریفی که از دین و تمـدن شد روشن میشود که دین نه تنها با تمدن مخالف نیست، بلکه تمدن واقعی را میسازد و هدفی جز پیشرفت، معرفت، دوری از بربریت و...; البته با معیارهای الهی ندارد.

اثبات این مدعا نیازمند بررسی عوامل ظهور تمدن است.

عناصر و عوامل تمدن

در تمدن معمولاً چهار عنصر اساسی وجود دارد:

۱. پیدا شدن سنتهای اعتقادی، اخلاقی;

۲. پیدا شدن سازمان سیاسی;

۳. پیشبینی و احتیاط در امور اقتصادی;

۴. تلاش و کوشش در راه علم و گسترش هنر.

عوامل تمـدنساز یاد شـده با معیارهای متفاوت در ادیان مختلف آسـمانی، به ویژه دین اسـلام، وجود دارد. بهترین مؤید بر آن، استمرار تمدن توحیدی; البته با فراز و نشیبها از پیدایش انسان تاکنون است.

در ذیل به اختصار به دیدگاه قرآن، درباره عوامل یاد شده با معیار قرآنی و الهی اشاره میکنیم:

بُعد اعتقادی و اخلاقی

هر جامعه و تمدنی دارای نوعی عقیده نسبت به جهان و هستی است. و در همه اقوام و ملل نوعی اخلاق وجود دارد.

از نظر قرآن کریم، معیارهای تمدن در بُعدهای یاد شده عبارتند از:

۱. ایمـان به خـدای یگـانه "إنّ هَـذه أمّتکم أمّه وَحـده و أنـا ربّکم فاعبـدون" (انبیـأ، ۹۲); ۲. تسـلیم محض در مقابل خـداوند (احزاب، ۳۶); ۳. تقوی (اعراف، ۶۵); ۴. وفای به عهد (مؤمنون، ۸); ۵. صبر و استقامت (بقره، ۱۷۷); تعاون (مائده، ۲) و... .

بُعد مدیریتی و سیاسی

پرواضح است سیستم مدیریت و نظام سیاسی یک جامعه، حساسیت و اهمیت زیادی داشته و در پیشرفت یا انحطاط

آن نقش به سزایی دارد. اسلام با تبیین نظام سیاسی دقیق و پویا به این بُعد از عامل پیشرفت جامعه و تمدن نیز پرداخته است. قرآن کریم در چند جهت این امر را بررسی کرده است:

۱. تبیین صلاحیت شخصی رهبر (مائده، ۵۵; نسأ، ۱۴۱; بقره، ۲۴۷; یوسف، ۵۵)

۲. وظایف مدیر و رهبر در مقابل مردم (آلعمران، ۱۵۹; اعراف، ۱۵۰; انفال، ۶۵)

۳. وظایف مردم در قبال رهبر (نسأ، ۵۹; انفال، ۶۲; حجرات، ۱; انفال، ۲۷)

۴. قانونگذاری (یوسف، ۴۰; آلعمران، ۸۳)

بُعد اقتصادی

یک جامعه متمدن، علاوه بر مسایل معنوی، در بُعد مادی از جمله اقتصاد نیز باید کامل و پیشرفته باشد. از دیدگاه قرآن، شکوفایی و بهبود وضعیت مالی شرایط زیر را میطلبد:

۱. پرداختن مالیات (توبه، ۱۰۳); ۲. عدم تراکم ثروت (حشر، ۷); ۳. مشروعیت در تحصیل مال (بقره، ۱۸۸); ۴. روابط سالم اقتصادی و...

بُعد علم و هنر

شاید در تاریخ هیچ دین و تمدنی به اندازه دین اسلام تشویق و حمایت از علم و دانش و عالمان و دانشمندان نتوان یافت. از بسیاری از آیات قرآن مجید و احادیث پیشوایان معصوم: این نکته به خوبی روشن میشود. برخی از آیات عبارتند از:

"فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُون"(توبه، ۱۲۲) و نیز (کهف، ۶۶; بقره، ۱۲۹)(ر.ک: همان / معیارها و عوامل تمدن از نظر قرآن، بنیاد باقرالعلوم، دارالقرآن الکریم.)

لطفاً به طور صریح بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد و... را گسترش داد; و یا به ملتهای مختلف دیگر فهمانید و یا مسلط نمود؟

پرسش

لطفاً به طور صریح بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد و... را گسترش داد; و

یا به ملتهای مختلف دیگر فهمانید و یا مسلط نمود؟

پاسخ

انتقال فرهنگ و سنن از یک ملّت به ملّت دیگر ، گاهی به صورت هجمه و حمله یک فرهنگ به فرهنگ دیگر صورت میگیرد، و بعضی اوقات، به صورت عرضه یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر و گاهی هم با رفع موانع اختلاط و تسرّی، صورت میگیرد. این سه مقوله "تهاجم"، "عرضه" و "رفع موانع اختلاط"، مقولاتی کاملاً اختیاری، برای انتقال فرهنگها هستندو قابلیت دارند که تحت برنامه قرار بگیرند. و گاه هم، انتقال به صورت خودجوش از ملّتی به ملّت دیگر، صورت میگیرد که عوامل مختلفی، در این نوع انتقال نقش دارند.

الف. عوامل انتقال، از نوع اختیار آن، عبارتند از:

۱. تهاجم فرهنگی: این نوع انتقال، همواره ازیک فرهنگ منحطّ و مبتذل، به یک فرهنگ سالم و غنی، صورت میگیرد و این به جهت طبیعت سست و غیر قابل عرضه فرهنگهای منحط است. این امر بیشتر در سایه قدرت نظامی و یا حیله و فریب، اتفاق میافتد و فرهنگ غنی، جای خود را، به فرهنگ پست و منحط میدهد; مانند فرهنگ گوساله پرستی بنی اسرائیل که پس از فرهنگ خداپرستی، در میان آن قوم رایج شد، که از عوامل مهمّ آن، جهل و نادانی بسیاری از بنی اسرائیل و مهارت و زبردستی "سامری" کارگردان اصلی غوغای گوساله پرستی بود.(تفسیر نمونه، آیه الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۶، ص ۳۷۰-۳۷۱، نشر دارالکتب الاسلامیه.) "وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَیَ مِن بَعْدِهِی مِنْ حُلِیِّهِمْ عِجْلاً جَسَدًا لَّهُو خُوَار;(اعراف،۱۴۸) قوم موسی، بعد از]رفتن[او]به میعادگاه خداوند[از زیور آلات خود، گوسالهای ساختند." و

یا مانند تهاجم فرهنگ منحط غرب در زمان حاضر به فرهنگ اصیل و ارزشهای ناب اسلامی.

۲. عرضه فرهنگ: این نوع از انتقال، معمولاـ به شیوه ارشاد و راهنمایی، از طرف فرهنگ اصیل و غنی صورت میگیرد، و به جهت اصالتی که دارد، لزومی نمیبینند که از راه تهاجم و شبیخون عمل کند، زیرا قصد آن، خدمت به فرهنگ مقابل و ارتقا بخشیدن به آداب و سنن آن است و چنین عملکردی، بر بیداری ملّتها و پذیرش آگاهانه و آزادانه آنان، توقف دارد. این نوع از دگرگونی و یا انتقال فرهنگ را میتوان در شیوه انبیای عظام و فرهنگهای اصیل الهی مشاهده کرد، که شاهکار و نمونه جاوید آن، عرضه فرهنگ اسلام، توسط پیامبر گرامی اسلاماست و نمونه زنده آن نیز، دراین زمان، در حال وقوع است و آن، عرضه انقلاب و دست آوردهای اصیل فرهنگ اسلامی، به ملّتهای مختلف و استقبال آگاهانه بسیاری از ملّتها، از آن است، و همین نمونه کوچک (= انقلاب اسلامی) که در این سوی تاریخ اتفاق افتاد، نشان میدهد که الگوی آن نیز (= ترویج اسلام در صدر اسلام)، نه تنها به طریق "عرضه" بود، بلکه با عرضهای بسیار کاملتر و زیر نظر شخصیتی که از راه وحی رهبری میشد، اتفاق افتاد: "فَإِنْ أَعْرَضُواْ فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلاَّ الْبَلَٰغ ;(شوری،۴۸) و اگر روی گردان شوند]غمگین مباش[، ما تو را حافظ]و مأمور اجبارشان[قرار ندادهایم. وظیفه تو، تنها ابلاغ رسالت است." آیات بسیار زیادی بر این مطلب تأکید دارد، که فرهنگ سالم، بایستی آگاهانه مورد پذیرش قرار گیرد.

۳. رفع موانع انتقال: این نوع

از انتقال، طبیعتی دو سویه دارد، که هم میتواند از جانب فرهنگ منحط و غیر اصیل انجام شود، و هم از طرف فرهنگ متأصل صورت بگیرید. حذف موانع فیزیکی و یا ارتباطی در این راستا میتواند مؤثر واقع شود. اسلام در عین حالی که پایبند و معتقد به شعار "لَا َ إِكْرَاهَ فِي الدِّين;(بقره،۲۵۶) در قبول دین اکراهی نیست."; "لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِين;(کافرون،۶) آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم." میباشد، در مقام پذیرش آگاهانه فرهنگ است، امّا از حذف موانع انتقال و آماده کردن زمینه تماس با فرهنگ اسلام، غافل نمانده است، و از این راه، همواره ملّتهای تحت حکومت و ستم را، متوجه رایحه دلپذیر فرهنگ اسلام نموده است.

ب. انتقال به صورت قهری و بدون برنامه ریزی: از عوامل آن، میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سلطه سیاسی: یکی از عواملی که به طور قهری، یک جامعه را تحت تأثیر جهان بینی خود قرار میدهد، سلطه، قدرت و حاکمیّت سیاسی یک جهانبینی مخصوص است که در این گونه موارد، عقاید و ایدئولوژی ملّت تحت حاکمیّت، تحت تأثیر جهان بینی قدرت حاکم، قرار میگیرد.

۲. روابط بازرگانی و تجارت: این نیز از عواملی است که بدون برنامهریزی، جهان بینیها و عقاید مختلف را در عالم جابجا کرده و به صورت قهری، هر صاحب جهان بینی که دارای رابطه گستردهتر و عمیقتر در این زمینه باشد، جهان بینی او به تبع روابط تجاریاش، گسترده و عمیق میشود.

چگونه کودک خود را با قرآن مأنوس کنیم؟

پرسش

چگونه کودک خود را با قرآن مأنوس کنیم؟

پاسخ

برای علاقهمند کردن فرزندان به قرآن نکاتی را به طور اختصار بیان میکنیم:

۱. بیان اهمیت این کتاب آسمانی; ۲. بیان قصهها و تمثیلهای قرآنی با زبان کودکانه; ۳. تشویق و ترغیب دائمی فرزندان; ۴. الگو قراردادن معارف، احکام و اخلاقیات قرآنی در حرکات، سکنات، اعمال، گفتار و رفتار; ۵. فراهم کردن وسایل لازم از قبیل قرآن و جزوات آموزشی، نوارهای کاست برای تمرین، رحل، کتابهای مخصوص و... ۶. تشویق فرزندان برای رفتن به کانونهای فرهنگی برای تعلیم قرآن; ۷. فراهم کردن جوّی سالم در محیط منزل به صورتی که توجه به قرآن به صورت یک فرهنگ فراگیر مانند "محرم و عاشورا" بشود; ۸. رعایت حلال و حرام از جانب والدین; ۹. مقابله قرآن با فرزندان و... .

چگونه می توان پایه های فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟

پرسش

چگونه می توان پایه های فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟

پاسخ

روشن است که بُعـد فرهنگی یک کشور، هم چون ابعاد دیگر آن از اهمیت به سـزایی برخوردار است حتی می توان گفت که ابعـاد فوق مبتنی بر این بُعـد فرهنگی است زیرا گر جنبه های مختلف فرهنگ یک مردم قوی باشـد، ابعاد دیگر هم از ضـمانت لازم برخوردار خواهند بود، درباره این که چگونه می توان پایه های فرهنگی را تقویت کرد، چند نکته را خاطر نشان می کنیم

۱. روشن گری و آگاه نمودن مردم به ارزش های اسـلامی و ملّی با توجه به این که بخشی از باورهای مردم بر پایه گزاره های دینی تشـکیل شـده است و این فرامین و نواهی الهی است که به گرایش هـای نهفته در ضـمیر بشـری شـکل می دهـد و آن را تصـحیح می کند، جایگاه ویژه ارزش های اسلامی نزد مردم روشن می شود. این اهمیت به نوبه خود می طلبد که این حقایق و معارف با لحاظ مقتضـیات زمان و مکان به صورت روشن و شـفاف در اختیار مردم گذاشته شود تا مردم با آشنا شدن به فواید و ثمرات آن بـا جـان و دل به آن ها عمل کننـد. خداونـد، پیامبر۶ خود را نیز به چنین وظیفه سـنگینی گوشـزد می کنـد: "وَ مَآ أَنزَلْنا عَلَيْكَ الْكِتَبَ إِلاَّ لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِى اخْتَلَفُواْ فِيهِ (نحل ۶۴) مـا قرآن را بر تو نـازل نکردیم مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند، برای آن ها روشن کنی "

۲. ارج نهادن به عاملین ارزش های اسلامی و الهی در جامعه شکی نیست در

این که تشویق و پاداش دادن به کسانی که ارزش های الهی را عمل می کنند، نه تنها قدردانی از آن ها به حساب می آید، بلکه ترغیب دیگران نیز، برای عمل به این نوع ارزش ها به شمار می آید.

روشن است که دادن این امتیازات برخاسته از منطق قرآنی و اسلامی است زیرا قرآن خود می فرماید: "لَّا یَسْتَوِی الْقَعِدُون َ مِن َ الْمُؤْمِنِین َ غَیْرُ أُوْلِی الضَّرَرِ وَالْمُجَهِدُون َ فِی سَبِیل ِ اللَّه ِ بِأَمْوَ لِهِم ْ وَأَنفُسِهِم ْ فَضَّل َ اللَّه ُ الْمُجَهِدِین َ بِأَمْوَ لِهِم ْ وَأَنفُسِهِم ْ عَلَی الْقَعِدِین َ دَرَجَه (نسأ،۹۵) هرگز افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد باز نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا، با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان]= ترک کنندگان جهاد[برتری مهمی بخشیده است "

۳. مجازات نمودن متخلفان و تعدّی گران به ارزش های ملی و دینی معلوم است که گاهی برخی افراد، ممکن است در اثر عواملی در جامعه در صدد حرکت و اقدام بر ضدّ ارزش های دینی و ملی برآیند و به کارهای خلاف دست بزنند، در چنین موقعیتی نوع اقدام با افراد متخلّف هم چون نوع خلاف آن ها، تفاوت پیدا می کند، به همین علت اسلام مجازات های مختلفی مانند: قصاص دیات حدود و تعزیر را وضع کرده است به راستی اگر به این قوانین عمل شود، نه تنها متمرّدان درس عبرت می گیرند، بلکه آدم های خوب نیز، با دل گرمی بیش تر و با پشتوانه محکم تری در انجام کارهای پسندیده تلاش خواهند کرد.

قرآن می فرماید: "تِلْکَ حُدُودُ اللَّه ِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَن

یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الظَّلِمُون (بقره ۲۲۹) این ها حدود و مرزهای الهی است از آن تجاوز نکنید و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است "

حاصل سخن این که اگر به مردم آگاهی کافی و کامل بدهیم و از راه رسانه های گروهی و تبلیغی اندیشه های مردم را درست هدایت و راهنمایی کنیم و در مقام عمل نیز، به عاملان بها بدهیم و متخلفان را مجازات کنیم به بهترین وجه می توانیم پایه های فرهنگی و ملی خودمان را تقویت کنیم از این رو، بیش تر باید به متون کتاب های درسی و دانشگاهی و برنامه های تلویزیونی و آثار علمی و هنری و صنعت جهان گردی توجه کافی و عمیق کنیم که با اهمیّت به این ها می توان بُعد فرهنگی را بیمه و تقویت کرد.

چرا مراکزی مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی شوید؟ آیا این اقدام آنان از ارزش قرآن نزد قشر جوان نمی کاهد؟

پرسش

چرا مراکزی مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی شوید؟ آیا این اقدام آنان از ارزش قرآن نزد قشر جوان نمی کاهد؟

پاسخ

آری زیبا خوانی در آیات قرآن کریم از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اسلام و اهل بیت ، نیز مردم را به زیبا خوانی قرآن تشویق می نمودند. "زینوا القرآن باصواتکم قرآن را با صدای نیکوی خویش بیارایید."(میزان الحکمه محمد ری شهری ج ۸، ص ۸۲، مرکز نشر اسلامی)

قاری قرآن شایسته است در قرائت خودش روح و تصویر به معانی آیات بدهد، تا این که در قلب ها تأثیر بگذارد و هر شنونده ای را در دریای معارف الهی غرق نماید.

البته این مطلب به این معنا نیست که افرادی که از صداهای خوب بی بهره هستند، از خواندن قرآن در حضور دیگران و جمع منع گردند و قوای قهریه ای موظف باشند که جلوی آن ها را بگیرند، بلکه هر کسی با هر صوتی می تواند قرآن را بخواند و خود و دیگران را از آن بهره مند نماید.

لطفاً خاطره ای از رزمندگان اسلام درباره قرآن از کتاب "فرهنگ جبهه می توان استفاده کرد برایم بنویسید; البته به جز خاطره زیر: من در دست دشمن اسیر بودم عراقی ها به ما قرآن نمی دادند; بنابراین هر کس "آیه یا "حدیثی حفظ بود، با انگشت روی خاک می نوش

پرسش

لطفاً خـاطره ای از رزمنـدگان اسـلام دربـاره قرآن از کتـاب "فرهنـگ جبهه می توان اسـتفاده کرد برایم بنویسـید; البته به جز خـاطره زیر: من در دست دشـمن اسـیر بودم عراقی هـا به مـا قرآن نمی دادنـد; بنابراین هر کس "آیه یا "حـدیثی حفظ بود، با انگشت روی خـاک می نوشت و دیگران می خواندنـد. روزی به عراقی هـا گفتیم می خواهیم مسابقه والیبال بـدهیم عراقی ها هم گفتند: به تیم برنده قرآن می دهیم با شنیدن این خبر، خوشحال شدیم تیم اردوگاه ما در مسابقه برنده شد و عراقی ها به ما قرآن دادند، ولی با آمدن قرآن هم شاد و هم غمگین شدیم زیرا

از آثار ترکش هایی که در آن بود، فهمیدیم که قرآن متعلق به مسجد خرمشهر بوده است (خاطره از رزمنده اسلام محمد شهسواری

پاسخ

عراقی ها هر از چند گاهی از اسرای ایرانی می خواستند تا نیازهای خود را بگویند، ولی بچه ها علی رغم احتیاجات ضروری که داشتند هیچ گاه در مقابل پرسش آنان درخواست لباس غذا، آب آشامیدنی و دارو و غیره نمی کردند، بلکه فقط می گفتند، برای ما قرآن بیاورید.

بعد از اصرار مکرّر بچه ها، سرانجام پس از گذشت هجده ماه از اسارت برای هر آسایشگاه صد نفری یک قرآن آوردند. به نظرم این سومین دفعه ای بود که من قرآن را در آن مدت زیارت می کردم امّا این بار با دو دفعه قبل بسیار متفاوت بود; یک قرآن برای صد نفر، آن هم برای افرادی که اغلب بسیجی بوده و قرآن خوان و اهل دل و راز و نیاز بودند; بنابراین هر فرد، مدت کمی می توانست آن قرآن را پیش خود داشته باشد; اما همین فرصت کم هم برای ما ارزشی دیگر داشت ما با تشکیل یک گروه به حفظ قرآن پرداختیم تشکیل گروه برای این بود که ممکن بود عراقی ها هر لحظه قرآن را از ما بگیرند و یا خواندن آن را ممنوع کنند، از این رو، افراد این گروه موظف شدند قسمت های مختلفی را حفظ کنند تا در صورت بروز هرگونه اتفاقی بتوانیم به کمک هم دیگر، به حفظ آن بخش هایی که از حفظ نیستیم بپردازیم از نکات جالب و چشم گیر این بود که

تمام اوقات شبانه روز (۲۴ ساعت ، به صورت ده دقیقه تقسیم شده بود و هر کس در وقت مشخصی از قرآن بهره می برد و تقریباً قرآن هیچ زمانی بدون استفاده نبود.(نشریه قرآنی بشارت سال چهارم شماره ۲۴، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص ۳۸، از سعید عطاریان)

چگونه می توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟

پرسش

چگونه می توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟

پاسخ

با تشکر از شما و به امید موفقیت شما در اهداف قرآنی که دارید، نکاتی را در زمینه یاد شده متذکر می شویم امیدواریم مفید باشد.

۱. تشکیل جلسات سخنرانی به ویژه روزهای پنج شنبه و جمعه که دانشجویان در دانشگاه حضور دارند، بهره گیری از اساتید برجسته و شناخته شده در این جلسات مؤثّر خواهد بود.

۲. استفاده از فرصت ها; برای نمونه در همه دانشگاه ها معمولاً نماز جماعت خوانده می شود. در بین نماز امام جماعت می تواند در حدّاقل زمان تفسیر آیه ای یا نکته قرآنی مهمی را برای دانشجویان بازگو کند.

۳. بهره گیری از نشریات دانشگاه دانشگاه ها و دانشکده ها حتی گروه های گوناگون دانشجویی نشریات خاص خود را دارند. و از آن راه اخبار و مطالب علمی را به خوانندگان منتقل می کنند. شما نیز می توانید مطالب قرآنی خود را در نشریه خود یا نشریات دیگر گروه ها چاپ کنید.

۴. استفاده از تابلوهای نصب شده در دانشگاه برای انتقال مطالب و نصب بریده های مجلّات قرآنی در آن

۵. اجرای مسابقات قرآنی به اشکال گوناگون

۶. ارتباط با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها; بخش فرهنگی این نهاد راهنما و حامی خوب می تواند در اجرای برنامه های شما باشد.

در پایان شایان ذکر است استمرار در هدفی که دارید، بهره گیری از خود دانشجویان در اجرای برنامه ها، استفاده از اعضای هیأت علمی آگاه و آراسته بودن ظاهر افرادی که با شما کار می کنند، نقش مهمی در ترغیب دانشجویان خواهد داشت

در

ضمن مرکز فرهنگ و معارف قرآن آمادگی دارد، ضمن پاسخ گویی به پرسش های قرآنی دانشجویان مطالب درخواستی شما را ارسال تا آن ها را در نشریات چاپ یا در تابلوها نصب کنید.

شماره تلفن های واحد پاسخ به پرسش های قرآنی این مرکز برای مشاوره و راهنمایی بیشتر عبارتند از:۷۷۴۰۸۰۴ و ۷۷۴۱۶۷۹۰۲۵۱

چگونه می توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم

پرسش

چگونه می توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم

پاسخ

شما برای عمل به دستورات قرآن کریم و آموزش آن به دیگران ابتدا باید از آن دستورات اطلاع داشته باشید; و گرنه نه خود می توانید به آن عمل کنید و نه به دیگران بیاموزید. دستورات قرآن بر دو دسته است الف یک دسته مطالبی است مردم معمولاً از آن اطلاع دارند که برای دانستن آن ها لازم نیست از کسی سؤال کنیم مانند: رعایت حجاب خواندن نماز، گرفتن روزه دادن خمس و زکات رفتن به حج امر به معروف و نهی از منکر و مانند این ها. شما در این گونه دستورات بایستی به وظایف عمل کرده هر روزتان بهتر از دیروز باشد. ب دسته ای از معارف قرآن است که باید آن ها را از دیگران فرا گیرید و به کسانی که در این زمینه مهارت دارند، مراجعه نمایید، مانند: علما و روحانیان و دانش مندان اسلامی

اما برای ترویج قرآن و دستورات آن باید جلسات و کلاس های قرآن در سطح خودتان تشکیل دهید و ابتدا از روخوانی ساده شروع کرده سپس به تدریج بر کیفیّت آن بیفزایید و در مراحل بعدی کلاس آشنایی با قواعد تجویدی بگذارید; در این صورت کم کم شما می توانید از ترجمه های روان قرآن در فهم آیات کمک بگیرید و برای آشنایی با تفسیر آیات الهی از کتاب های تفسیری که مانند شما می توانند آن را بفهمند استفاده کنید; مانند: تفسیر نمونه آیه الله مکارم

شیرازی و دیگران تفسیر نور آقای قرائتی و تفسیر جوان و مانند این ها. همچنین می توانید از کتب قصص قرآن استفاده نمایید; البته این واحد واحد پاسخ به پرسش ها نیز، طرحی در دست دارد که در آینده نزدیک می توانید با آن آشنا شوید.

جهان بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟

پرسش

جهان بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟

پاسخ

نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می کند، زیرساز و تکیه گاه آن مکتب به شمار می رود. این زیرساخت و تکیه گاه در اصطلاح "جهان بینی نامیده می شود. به تعبیر استاد شهید مطهری ر.ک جهان بینی توحیدی شهید مطهری ص ۷۵.) هر مسلک و فلسفه زندگی خواه ناخواه بر یک نوع تفسیر و تحلیل از جهان و انسان مبتنی است

معلوم است که این نوع اعتقاد و بینش می تواند آثار زیادی داشته باشد که برای نمونه به بعضی از آن ها اشاره می کنیم

۱. مقام زن و انتخاب پوشش از نظر قرآن کریم جسم باید پوشش داشته و چشم نیز کنترل شود تا غرایز حیوانی به ویژه غریزه جنسی مهار شود و استعدادهای معنوی و گنجینه های عظیم عقلانی انسان شکوفا گردد.

قرآن در این باره می فرماید: "قُل لِّلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَـرِهِمْ وَ یَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ذَ لِکَ أَزْکَی لَهُمْ ..;(نور،۳۰) به مؤمنان بگو چشم های خود را]از نگاه به نامحرمان فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند; این برای آنان پاکیزه تر است .

۲. منزلت انسان و حفظ حرمت و کرامت او: از دیدگاه ادیان الهی انسان در میان آفریده های جهان از جایگاه بی همتایی برخوردار است او وظیفه و رسالتی خاص بر عهده دارد; او مسئول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است قرآن در یک جا می فرماید: "وَ لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی ءَادَمَ وَ....وَ فَضَّلْنَهُمْ عَلَی کَثِیرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا

تَفْضِيلًا ;(اسرأ،۷۰) مـا آدمیزادگـان را گرامی داشـتیم و.... و آن هـا را بر بسـیاری از موجوداتی کـه خلـق کرده ایـم برتری بخشیدیĮ ." و در جـای دیگر می فرمایـد: "يَأَيُّهَا الَّذِين ءَامَنُواْ اسْتَجِيبُواْ لِلَّه وَلِلرَّسُول إِذَا دَعَاكُم لِمَا يُحْيِيكُم (انفال ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شـما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد."

۳. جایگـاه جامعه و اجتماع بر اساس بینش توحیـدی و قرآنی فرد و جامعه به نوعی اصالت دارنـد، و هر یک مکمّل دیگری به شمـار می رونـد; این گونه نیست که جـامعه به حـال خود رهـا شود، بلکه از نظر نگرش توحیـدی محقق کردن محیـط پاک و حفظ بقای آن از مهم ترین واجبات برای انسان به شـمار می آیـد: "فَكَذَّبُوه فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَم عَلَيْهِم رَبُّهُم بِذَنبِهِم فَسَوَّغ هَا ; (شمس ۱۴) ولی آن هـا]قوم ثمود[او را تکـذیب کرده و نـاقه را پی کردنـد; از این رو، پروردگارشان آن ها را به خاطر گناه شـان در هم کوبیـد و بـا خـاک یکسـان و صاف کرد." علی در تبیین و توجیه این مطلب می فرمایـد: "يَايها الناس ..; ای مردم فقـط خشـنودی و خشم است که انسان ها را گرد می آورد. شتر ثمودیان را فقط یک مرد پی کرد; خـدای متعال عـذاب را بر عموم آنان فرود آورد، چرا که عموم شان از]کار[او]= پی کننده خشـنود بودند."(نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۲۰۱، ص ۳۱۹، طبعه اولی ـ بیروت ۱۳۸۷، .'û)

۴. برتری ارزش های الهی و عاملان به آن در جامعه معلوم است که اگر جامعه ای بینش توحیدی داشت به

یقین تقوا و ایمان و خلوص و ایثار را به نقطه مقابل آن ها برتری خواهـد بخشـید و به سـعی و تلاش کسانی که به این اوصاف عمل کرده دیگران را نیز تشویق می کنند، ارج خواهد نهاد: "إِن َّ أَكْرَمَكُم ْ عِندَ اللَّه ِ أَتْقَىٰ كُم ْ؛(حجرات ۱۳) گرامی ترین شما نزد خداونـد، بـا تقواترین شـماست " و نیز فرمود: "كُنتُم ْ خَيْرَ أُمَّه ٍ أُخْرِجَت ْ لِلنَّاس ِ تَأْمُرُون َ بِالْمَعْرُوف ِ وَتَنْهَوْن َ عَن ِ الْمُنكَر ِ؛ (آل عمران ۱۱۰) شـما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اید؛]چه این که [امر به معروف و نهی از منکر می کنید."

لطفاً نکته های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اســلام آمده است را بیان کنید و مرا با فرستادن کتاب ها و مجلات در راه تبلیغ و نشر فرهنگ قرآن یاری فرمایید.

پرسش

لطفـاً نکته های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اسـلام آمـده است را بیان کنیـد و مرا با فرسـتادن کتاب ها و مجلات در راه تبلیغ و نشر فرهنگ قرآن یاری فرمایید.

پاسخ

قرآن کریم برای تبلیغ دین نکته های مهمی را بیان فرموده که برخی از آن ها به قرار زیر است

۱. قـاطعیت اخلاص و ترس از عظمت الهی و نترسـیدن از دیگران قرآن کریم در این باره می فرمایـد: "الَّذِين َ يُبَلِّغُون َ رِسَٰلَت ِ اللَّه ِ وَيَخْشَوْنَه ُو وَ لَا يَخْشَوْن َ أَحَدًا إِلاَّ اللَّه (احزاب ۳۹)]پیامبران پیشـین کسانی بودند که تبلیغ رسالت های الهی می کردند و]تنها[از او می ترسیدند و از هیچ کس جز او واهمه نداشتند."

۲. بـدی را با نیکی جواب دادن کسـی که منادی توحیـد است بایـد دیگران را دعوت به خداونـد نماید، عمل صالح داشـته در برابر حق تسلیم باشد. قرآن کریم در این باره می فرماید: "وَ مَن ْ أَحْسَن ُ قَوْلاً مِّمَّن دَعَآ إِلَى اللَّه ِ وَ عَمِل َ صَٰلِحًا وَ قَال َ إِنَّنِى مِن َ الْمُسْلِمِين ...ادْفَع ْ بِالَّتِى هِى َ أَحْسَن ..؛(فصلت ۳۳و۳۴) گفتار چه کسـی بهتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: من از مسلمین هستم .. بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سرسخت هم چون دوستان گرم و صمیمی شوند."

۳. برداشـتن موانع از سـر راه و مبارزه با وسوسه های شـیطانی قرآن کریم در این باره می فرمایـد: "وَ إِمَّا يَنزَغَنَّک َ مِن َ الشَّيْطَٰن ِ نَزْغ ٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّه ِ إِنَّه ُو هُوَ السَّمِيع ُ الْعَلِيم ُ ؛(فصلت ۳۶) و هر گاه وسوسه هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه طلب که او شنونده

و آگاه است "

۴. با نرم خویی و مهربانی مردم را به حق دعوت کردن قرآن کریم با صراحت به پیامبر اکرم می فرماید: "فَبِمَا رَحْمَه ٍ مِّن َاللَّه ِ لِنت َلَهُم ْوَلَوْ كُنت َفَظًّا غَلِيظَ الْقَلْب ِ لاَ َنفَضُّواْ مِن ْحَوْلِك;(آل عمران ۱۵۹) به خاطر رحمت الهی است که نسبت به آن ها نرم خو شده ای که اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند."

۵. دعوت عملی مهم ترین برنامه اساسی برای عالمان و مبلغان راه حق این است که پیش از سخن گفتن مردم را با عمل خود به خوبی ها دعوت کنند، چرا که سخنی که از دل برخیزد بر دل نیز خواهد نشست امام صادق در این باره می فرماید: "کونوا دعاه الناس باعمالکم و لا تکونوا دعاه بالسنتکم مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید، با زبان خود آن ها را دعوت نکنید."(سفینه البحار، شیخ عباس قمی ، ج ۶، ص ۵۱۴، دارالاسوه)

قرآن کریم نیز در این باره می فرماید: "أَتَأْمُرُون َالنَّاس َبِالْبِرِّ وَ تَنسَوْن َأَنفُسَكُم (بقره ۴۴)آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید."

پرسشگر محترم این مرکز فقط پاسخ گوی پرسش های قرآنی شما است شما می توانید برای تهیه جزوه و کتاب با مؤسسه در راه حق مکاتبه نمایید.(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۶، ص ۳۰۸; ج ۱، ص ۲۱۵; ج ۱۷، ص ۳۳۰; ج ۲۰، ص ۲۷۸۲۸۵، درالکتب الاسلامیه / پیام قرآن آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۸، دارالکتب الاسلامیه)

برای داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت های مختلف مانند: نحوه اداره جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می فرمایید؟

پرسش

برای

داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت های مختلف مانند: نحوه اداره جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می فرمایید؟

پاسخ

هدف اصلی از آموزش و قرائت قرآن کریم فهم و عمل به آن است آموزش قرآن به افراد، نیز باید در این راستا انجام شود، و به گونه ای باشد که شرکت گنندگان تدریجاً به قرآن علاقمند، با آن مأنوس و به قرائت و فهم و عمل به قرآن روی آورند، بنابراین کلاس و جلسه ای که تشکیل می شود باید طوری باشد که افراد شرکت کننده هم خسته نشوند، و هم تمام افراد (در سطوح مختلف ، از آن استفاده کنند، و بی بهره نمانند.

در این جا به برخی نکات که در بهتر برگزار کردن این نوع کلاس ها و جلسات می تواند مؤثر باشد اشاره می کنیم

۱. استاد آمادگی اطلاع کافی و تسلط بر موضوع درس داشته باشد، تا هم خوب درس را بیان کند، و هم قادر بر رفع شبهات باشد. در این رابطه مطالعه کتاب های لغت قرآن تاریخ معارف تفسیر، تجوید و علوم قرآن مناسب می باشد.

۲. جدا کردن کلاس های آموزشی روخوانی حفظ، تجوید، و تفسیر از یکدیگر، و برای هر یک کلاس متناسب خود برگزار کردن البته در کلاس های روخوانی حفظ و تجوید می توان جهت تنوع چند دقیقه ای را به استفاده از پیام های قرآن اختصاص داد.

۳. در نظر گرفتن زمان و مکان مناسب برای کلاس و جلسه قرآن از جهت نور، سرما، گرما، هوای مطلوب خسته نبودن افراد، طولانی نبودن زمان تدریس و...

۴. استفاده از وسایل هنری

و کمک آموزشی (سمعی و بصری ، از قبیل فیلم نوار، تابلو، طرح نمودار، تخته و ابزار نوشتن مرغوب و...

۵. استفاده از قصه معما، تمثیل و شعر متناسب با موضوع کلاس در لابلای سخن در این رابطه مطالعه کتاب های قصه های قرآن قصه های تفسیر نمونه قصه های اصول کافی و...، و همچنین مطالعه کتاب های متون ادب فارسی جهت استفاده از اشعار و قطعه های ادبی متناسب با موضوع کلاس مؤثر می باشد.

۶. آموزش قواعد و همچنین مفاهیم قرآن به صورت کاربردی باشد (رنگ کاربردی داشته باشد تا تئوری .

۷. تشویق و هدیه دادن به افراد; البته بجا، باندازه و متناسب با عمل آنان

۸. پرسش از افراد جلسه (استاد خودش جواب را نگوید، بلکه از افراد شرکت کننده جواب را بخواهد).

۹. علاقه و صمیمیت نسبت به شرکت کنندگان و شوخ طبعی و بشاش بودن با آنان در حد تعادل

۱۰. داشتن تواضع صبر، بردباری خوش خلقی دلسوزی ایمان به کار، علاقمندی به تدریس و دوری از غرور، خود برتربینی و دیگر صفات رذیله

۱۱. آراستگی نظافت ظاهری استاد، و تکیه ندادن به دیوار، میز، بازی نکردن با تسبیح قلم لباس و هر چیز دیگر در هنگام تدریس

۱۲. نظم انضباط، خوش قولی و رعایت وقت از نظر شروع ختم میزان تدریس و حضور به موقع

۱۳. ارزشیابی از کار خود و تأثیر درس و فهم افراد، و توجه به نظرات شرکت کنندگان در بهتر شدن جلسه

۱۴. مطالعه کتاب هایی

که مهد قرآن کریم تهران تهیه کرده است و همچنین کتاب های روش تدریس و کلاس داری نیز مناسب می باشد.(ر.ك روشها، جواد محدثی ص ۱۷۷ ۱۹۳، نشر معروف / روش تدریس و فن کلاس داری دکتر عبدالله جاسبی امور تربیتی تهران / کاربرد مهارت ها در تدریس فاطمه شاکری جهاد دانشگاهی / آداب تعلیم و تعلم (شهید ثانی ، ترجمه محمد باقر حجتی دفتر نشر فرهنگ اسلامی و...)

برای ارتقای دانش قرآنی خودتان و انتقال آن به دانش آموزان نیز مطالعه کتاب های تفسیر قرآن مجید، مانند: ۱. تفسیر نمونه ۲. تفسیر المیزان ۳. تفسیر نور، محسن قرائتی ۴. تفسیر احسن الحدیث سیدعلی اکبر قرشی و کتاب های تاریخ و علوم قرآنی مانند: ۱. درسنامه علوم قرآنی حسین جوان آراسته ۲. تاریخ قرآن آیه الله معرفت ۳. تاریخ قرآن دکتر محمود رامیار بسیار خوب است

قرآن مجید بهترین شیوه تبلیغ اسلامی را در چه می داند; به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه ای بهره جست

پرسش

قرآن مجید بهترین شیوه تبلیغ اسلامی را در چه می داند; به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه ای بهره جست

پاسخ

خداوند در قرآن مجید به پیامبر گرامی اسلام می فرماید: "ادْع ُإِلَی َسَبِیل ِرَبِّکَ بِالْحِکْمَه ِوَالْمَوْعِظَه ِالْحَسَنَه ِوَ جَدِلْهُم بِالَّتِی هِی َأَحْسَن (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به]شیوه ای که نیکوتر است مجادله نمای " این آیه شریف سه راه دعوت را به پیامبر۶ معرفی می کند. ۱. حکمت ۲. موعظه حسنه ۳. جدال احسن

حکمت یعنی علم و عقل دانش منطق و استدلال نخستین گام در دعوت به سوی حق استفاده از منطق صحیح و استدلال است فکر و اندیشه مردم را به حرکت درآوردن و مورد خطاب قرار دادن آغاز دعوت است (تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۴۵۵، دارالکتب الاسلامیه)

دوّمین گام موعظه و بهره گیری از عاطفه انسان هاست اندرز، بیش تر جنبه عاطفی دارد. درحقیقت حکمت از بُعد عقلی وجود انسان استفاده می کند و موعظه حسن از بُعدی عاطفی او.(همان ص ۴۵۶.)

البته آیه شریف موعظه را به حَسن بودن مقید نموده است یعنی موعظه غیرحسن راه خوبی برای دعوت به اسلام نیست (تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ج ۱۲، ص ۳۷۲، جامعه مدرسین)

اندرز نیکو اشاره به این است که موعظه در صورتی اثر می کند که از هر گونه خشونت برتری جویی تحقیر، تحریک حس لجاجت و... خالی باشد.(تفسیر نمونه ج ۱۱،

ص ۴۵۵.)

سومین گام جدال و مناظره است این گام مخصوص کسانی است که ذهن آن ها در گذشته از مسایل نادرستی انباشته شده و بایـد از راه مناظره آن ها را برای پـذیرش حق آماده نمود، جـدال هم باید احسن باشد، یعنی به دور از هر گونه توهین تحقیر و خلاف گویی و... و تمام جنبه های انسانی آن حفظ شود.(همان ص ۴۵۶.)

این که چه راهی بهتر است باید گفت این مسئله به مخاطب ارتباط دارد که در چه وضـعیتی به سـر می برد; برخی از مفسّـِران گفته اند: این سه راه که در آیه مطرح شده بر حسب مراتب فهم مردم در قبول حق بیان شده است برخی از خواصند و استعداد عقلانـی دارنـد و حقـایق عقلی برایشـان حـل شـدنی است این هـا را بـا حکمت بایـد دعـوت نمود; برخی از مردم عوامنـد و با محسوس ها سـر و کار دارنـد و فهم شان از درک حقایق عقلی کوتاه است اینان را با موعظه حسن بایـد دعوت نمود; و برخی اهل لجاج و عنادند که باید با مناظره و جدال دعوت شوند.

اما آن چه صحیح است این است که این راه ها، به افراد خاصّی اختصاص ندارند و چه بسا عوام از مجادله پند گیرند و خواص نیز، با موعظه بیدار شوند، و حتی در یک مورد نیز، ممکن است انسان از هر سه راه بهره گیرد.(تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ج ۱۲، ص ۳۷۳، جامعه مدرسین)

در سیره پیامبر۶ نیز بهره گیری از این راه را مشاهده می کنیم آن چه قابل توجه می باشد این است

که عقل احساس و... مخاطبند، امّا وسایل و شیوه های تبلیغ به مقتضای عصر و زمان تفاوت می کند; شاید روزی شعر و موعظه بهترین وسیله اثرگذاری در احساس بوده امّا امروز فیلم و نمایش و... بهتر بتواند اثر کند ما می توانیم در تبلیغ دین مبین اسلام از وسایل عصری نیز بهره ببریم نکته دیگری که در بیان ائمه معصوم بدان سفارش شده نقش مهمّی در تبلیغ دینی دارد، تبلیغ باعمل است یعنی مباحث دینی ویژگی خاصّ خود را دارد و مبلّغ نمی تواند عامل به سخنان خود نباشد، امام صادق در این باره فرموده اند: "کونوا دعاه الناس باعمالکم و لا تکونوا دعاه بالسنتکم مردم را با اعمال خود دعوت کنید و صرفاً با زبان خویش فرا نخوانید."(بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸، الوفأ بیروت)

مبلّغ دین خود باید به گفته های خویش عمل کند و "عالم بی عمل ، در عرصه تبلیغ دینی چون زنبور بی عسل است

الف دیدگاه قرآن به طور کلی درباره معرفی و عمل به احکام دین چیست ب آیا به خاطر سقوط فرهنگی جامعه درست است که برخی احکام تعطیل شود؟ ج در جامعه ای که اساس نامه آن قرآن است و بیش ترین افراد آن جامعه را شیعیان تشکیل می دهند، چرا به طور جدی جلوی ر

پرسش

الف دیدگاه قرآن به طور کلی درباره معرفی و عمل به احکام دین چیست ب آیا به خاطر سقوط فرهنگی جامعه درست است که برخی احکام تعطیل شود؟ ج در جامعه ای که اساس نامه آن قرآن است و بیش ترین افراد آن جامعه را شیعیان تشکیل می دهند، چرا به طور جدی جلوی رواج بی حجابی و فساد گرفته نمی شود؟ ح اگر رهبر مشکلی در جامعه ببیند آیا می تواند آن را نادیده بگیرد، اگر نمی تواند، پس وضعیت جامعه اسلامی و قرآنی با وجود رهبری فقیه و فرزانه چگونه توجیه می شود؟

پاسخ

الف بخشی از آیات قرآن کریم به احکام عملی و فروع مانند: نماز، روزه وضو، تیمم غسل خمس زکات حج امر به معروف نهی از منکر و...مربوط می باشد، که به آن ها "آیات الاحکام می گویند: پیش تر این احکام در قرآن کریم کلی است که با بیان جزئیات در روایات تکمیل می شود، ضمن این که فلسفه بعضی از آن ها، مانند حرمت شراب بیان شده است در حالی که فلسفه بسیار از آن ها نیز، بیان نشده است

از نظر قرآن کریم عمل به احکام خداوند، سبب رشد، تکامل امنیت و سعادت دنیا و آخرت می شود و دوری گزیدن از دستورها، زندگی را بر انسان تنگ می کند: "وَ مَن ْأَعْرَض َعَن ذِكْرِى فَإِن َّلَه ُو مَعِيشَه ًضَنكًا وَ نَحْشُرُه ُو يَوْم َالْقِيَمَه ِ أَعْمَى َ ;(طه ۱۲۴) و هر کسی از یاد من روی گردان شود، زندگی]سخت و[تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را

نابینا محشور می کنیم " روشن است آیات قرآن که بخشی از آن را آیات احکام تشکیل می دهد، یاد خدا است و به یقین عمل به آن ها، گشایش در دنیا و آخرت و سرپیچی از آن ها، زندگی سخت را در پی دارد.

ب تعطیل کردن احکام الهی بدون مصلحت جایز نیست چه بسا سقوط فرهنگی در برخی مواقع به علت نادیده گرفتن احکام الهی است برای مثال قرآن کریم می فرمایـد: "وَلْتَكُن مِّنكُم ْأُمَّه ٌيَدْعُون َإِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُون َبِالْمَعْرُوف ِوَيَنْهَوْن َعَن ِالْمُنكَرِ وَأُوْلَئِك َهُم ُالْمُفْلِحُون َ;(آل عمران ۱۰۴) بایـد از میـان شـما جمعی دعـوت به نیکی کننـد و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن ها رستگارانند." بدیهی است اگرا ین اصل مهم (امر به معروف و نهی از منکر) نباشد و انسان ها بی تفاوت شوند، بسیاری از حرمت ها از بین می رود، فساد، شراب خواری ربا، بی بند و باری بی حجابی بی عفتی و... در جامعه رواج پیدا می کند و در نتیجه در عمل برخی احکام ِخدا تعطیل می شود، آن گاه فرهنگ غلط رایج می گردد.

ج اگر همه افراد حتی شیعیان به تمام احکام قرآن عمل کنند، به یقین بی حجابی و فساد از بین می رود و اما این که در جامعه بی حجابی و برخی فسادها وجود دارد، به علت آن است که همه احکام قرآن اجرا نمی شود و کم تر امر به معروف و نهی از منکر انجام می گیرد; این همان "مهجور" کردن قرآن است که در روز قیامت پیامبر اکرم نسبت به آن شکایت می کند: "وَقَال َالرَّسُول ُيَرَب ِّ

إِن َقَوْمِي اتَّخَذُواْ هَذَا الْقُرْءَان َمَهْجُورًا ;(فرقان ۳۰) و پیامبر عرض کرد: پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند."

د البته مسامحه و مصلحت اندیشی ِبه موقع از جانب هر کس به ویژه رهبر جامعه که بسیاری از امور و ابعاد را باید در نظر بگیرد، امری معقول است لکن واقعیّت این است که فساد جامعه و بی بند و باری مردم حل نمی شود، مگر آن که خود مردم اصلاح شوند و اگر افراد، خود را اصلاح نکنند، بودن رهبر فرزانه و فقیه جامع الشرایط نیز نمی تواند کاری از پیش ببرد، زیرا همین بی بند و باری ها، فسادها و... در زمان امامان معصوم و پیامبران نیز بوده است در حالی که قدرت و علم آن ها را نمی توان با غیر معصوم مقایسه نمود; از این رو، رهبر، در صورتی می تواند وضعیت اخلاقی جامعه را تغییر دهد که افراد در اصلاح خود هم آهنگ باشند; قرآن کریم در این باره می فرماید: "إِن َاللَّه َلاَ یُغَیِّرُ مَا بِقَوْم ٍحَتَّی َیُغَیِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِم ..;(رعد، ۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم]و ملتی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آن ها خود تغییر دهند..."(ر.ك تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۰، ص ۱۴۰۱۴۲، دارالکتب الاسلامیه)

جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد ؟

پرسش

جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد ؟

پاسخ

۱ انتخاب امام جماعت فعال خلاق و علاقمند به ترویج مسائل دینی

۲ تقسیم کار بین خود دانش آموزان

۳ صحبتهای کوتاه مختصر و مفید در بین دو نماز حد اکثر ۳ دقیقه

۴ برنامه ریزی آموزشی در طول هفته یك روز احکام یك روز داستان یك روز مسابقه کتبی یك روز پرسش و پاسخ و...؛

۵ استفاده از تابلوی اعلانات و نصب آثار قلمی دانش آموزان

۶ جذاب کردن و تزیین ظاهری نمازخانه

و...

نماز چگونه در بهبود اجتماع و فرهنگ و سیاست یک کشور مؤثر است

پرسش

نماز چگونه در بهبود اجتماع و فرهنگ و سیاست یک کشور مؤثر است

پاسخ

به طور خلاصه باید بگوییم گرچه نماز چیزی نیست که آثار فردی واجتماعی آن بر کسی پوشیده باشد ولی با دقت در متون آیات و روایات اسلامی آدمی را به ریزه کاریهای بیشتری رهنمون می گرداند.

روح اساس هدف ونتیجه نماز همان یاد خداست و یاد خدا، یکی از آثارفردی و اجتماعیش درهم شکستن خود بینی و کبر و غرور و برتری جویی است که بواسطه غرق شدن در زندگی مادی و لذائذ رود گذر مردم و جامعه هدف آفرینش را فراموش می کنند. که این منشأ بیشتر ناهنجاریهای اجتماعی فرهنگی مثل قتل غارت رشوه گیری بی بندوباری و خلاصه ذلت و خواری در برابر انسانهای فاسد داخلی و خارجی را به همراه دارد که حتی حاضراست برای گذراندن چند روزه دنیا در برابر قدرتهای بزرگ به هر پستی وخواری تن دهد و کاملاً از هویت و انسانیت خویش قالب تهی نماید.

چه زیبا مولای متقیان علی ع فرمود: «فرض الله الایمان تطهیراً من الشرك و والصلاه تنزیهاً عن الکبر؛ شناخت و ایمان به خدا را وسیله پاکسازی جامعه ازشرك و نماز را وسیله پاکسازی از کبر و غرور که منشأ تمام پستی های یك ملت است واجب فرموده است . نماز، دعوت به پاکسازی زندگی فردی واجتماعی و رعایت حقوق دیگران می کند؛ زیرا از شرایط صحت نماز مکان نماز گزار، لباس نماز گزار، فرشی که بر آن نماز می خواند، آبی که با آن وضوگرفته یا غسل می کند و خلاصه محلی که در آن غسل و وضو انجام می شودباید از هرگونه غصب و تجاوز به حقوق جامعه

پاک باشد پس نماز در برگیرنده پاکسازی مادی جامعه نیز می شود.

یکی دیگر از آثار نماز این است که موجب فراهم آوردن بخش مهمی از اقتصادافراد جامعه است مثلاً در روایات تصریح شده نماز کسی که زکات اموال خود را به مستمندان و فقیران جامعه نمی دهد قبول نخواهد بود... آثار دیگرنماز روح نظم و انضباط در جامعه اسلامی است که تقویت می شود چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخر و تقدم آن موجب بطلان نمازاست و رعایت آن پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی رواج می دهد. دیگراینکه نماز یک حالت همگرایی و وحدت و همبستگی با شکوه در برابرنیروهای طبیعی کشورهای جهان و هم در برابر نیروهای درونی ذات خودانسان ایجاد می کند و برای اینکه بتواند در برابر عوامل مخرّب و منحرف ویرانگر آشکار و پنهان مقاومت کند نیاز به یار و مددکاری دارد که همه ملت مسلمان خود را در زیر چتر پروردگار قرار داده و با جمله (ایاک نعبد و ایاک نستعین اعتراف به عبودیت و بندگی کرده و برای یاری از خدای خود

درخواست کمک می جویند. بخصوص نماز جماعت و جمعه که موجب تقویت روح برادری و ایثار یک ملت می گردد و بهترین پاک ترین و کم خرجترین اجتماعات دنیاست و نوعی دید و بازدید مجانی آگاهی ازمشکلات ونیازهای یکدیگر و زمینه ساز تعاون اجتماعی بین آحاد ملت مسلمان است آثار سیاسی نماز به خصوص جماعت نشان دهنده قدرت مسلمین و الفت بین دلهاست تفرقه ها را می زداید. بیم در دل دشمنان ایجادمی کند و خار چشم بدخواهان است آثار اخلاقی و فرهنگی نماز این است که امتیازات موهوم خیالی صنفی نژادی زبانی

مالی همه و همه کنار می رود وصفا و صمیمیت و نوع دوستی در دلها زنده می شود و ملت بادیدار یکدیگردر صف عبادت احساس دلگرمی می کنند.

چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم

پرسش

چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم

پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن جوانان با نماز،

کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت

مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از

برجسته ترین و متعالی ترین امور است.

برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی

زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در

اصلاح آن کوشید.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی،

انسان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه

مستقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و

اصلاح این مبانی کوشید.

نماز، عملی است که در مجموعه عقیده

توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز

بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه

خود را در ذهن و اندیشه فرد باز نماید.

در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی،

انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای

پروردگار در حرکت است. ((انا الله و انا الیه راجعون ;

از خدائیم و به سوی او باز می گردیم)).

حال در این مسیر، ابزارهایی به مدد انسان

می آید، تا او را از فراموش کردن مسیر و هدف باز

دارد که از مهم ترین آنها ((نماز)) است. ((اقم الصلوه

لذکری ; نماز را برای یاد من بپا دار)).

آدمی بدون نماز راه را گم خواهد کرد. نمازهای

پنج گانه همانند چراغ های برق هستند که مسیری

طولانی و پر خطر را روشن کرده اند تا کسی راه را گم

نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود.

آنچه که موجب می گردد برخی از نماز،

رویگردان باشند و یا نسبت به آن تساهل کنند،

ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است.

برخی چنین می پندارند که نماز انسان، نیازی را از

خداوند برطرف می کند که البته خیالی واهی است.

خداوند نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه

که

به عنوان عبادات بر آن تاکید شده، جملگی در

جهت کمال انسان است. نماز دارای آثار و فلسفه های

متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می کنیم:

۱ؤ نماز، تقدیر و سپاس گذاری از خداوند است.

۲ؤ موجب آرامش انسان است.

۳ؤ موجب یاد خداست.

۴ؤ نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می کند.

۵ؤ تاکیدی بر نظافت و سلامتی است.

۶ؤ موجب انضباط و وقت شناسی است.

۷ؤ دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است.

برای مطالعه بیشتر ر . ک :

پرتوی از اسرار نمازمحسن قرائتی

اسرار الصلوه ملکی تبریزی

چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد

پرسش

چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد

پاسخ

معتقد ساختن افراد سست ایمان، تلاشی

پر دامنه همراه با آگاهی، استقامت و تعهد می طلبد.

از دیگر سو این افراد از جهت میزان آگاهی، روند

تاثیرپذیری، میزان حقیقت طلبی یا حقیقت گریزی،

مراتب بسیار متفاوتی دارند. بنابر این هرگز نمی توان

انتظار داشت که با ارائه نسخه واحدی، بتوان همه

افراد را به سهولت به سوی دین دعوت کرد; بلکه

این مساله از سویی مرتبط با توان مندی ها و قدرت

جذب شخص هدایتگر از جهت بهره مندی های

عملی، کشش های اخلاقی و کیفیت اثرگذاری است

و از دیگر سو مرتبط با ویژگی های روحی، اخلاقی،

روانشناسی و ذهنی مخاطب می باشد. بنابر این

آنچه به صورت کلی می توان بر شمرد این است که:

۱- کسی که در صدد هدایت دیگران است، باید از نظر

اخلاقی به گونه ای باشد که بتواند مخاطب را به خود

جذب نماید.

۲- هدایتگر باید درک درستی از مخاطب، میزان انحراف

وی، ارزش هایی که بدان وابسته است یا به سمت آنها

گرایش دارد، راه نفوذ و تاثیر درونی و ...

داشته باشد.

۳- ارشاد کننده باید آگاهی کافی نسبت به دین حق داشته

باشد و بتواند به خوبی

از عهده پاسخ گویی به سوالات و شبهات مخاطب برآید.

علاوه بر امور فوق، شخص باید به گونه های مختلف از

عوامل تاثیر گذار بر مخاطب استفاده کند و با برنامه ریزی

حساب شده و تدریجی او را به سمت دین و حقایق الهی

دعوت نماید.

آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است

پرسش

آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است

پاسخ

بلی، ستاد اقامه نماز تاکنون برنامه های

متنوع و مختلفی جهت جذب جوانان و نوجوانان

داشته وخواهد داشت از جمله:

۱ - برگزاری مسابقات نویسندگی که سالانه جمع

کثیری در آن شرکت می کنندو اخیرا نیز نسخه

شرکت کنندگان و برندان سومین مسابقه آن اعلام

گردید.

۲ - گردهمایی جوانان تحت عنوان ((اندیشه های

سبز)).

۳ - شرکت در فراخوان مقالات اجلاسیه های

سراسری نماز.

۴ - عضویت در ستادهای اقامه نماز مدارس جهت

برپایی هر چه با شکوهتر نماز جماعت.

۵ – حضور فعال در مسابقات عکاسی، نقاشی،

روزنامه دیواری و… .

نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟

پرسش

نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟

پاسخ

در ابتدا باید به معنای اصطلاحی فرهنگ اشاره ای کرد تا بهتر بتوان مسأله «فرهنگ سازی نماز» را ترسیم نمود.

در یک تعریف متداول از فرهنگ آمده است: «مجموعه آموختنی ها، کتاب ها و فراگرفتنی های غیر غریزی که در فرآیند آموزشی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود؛ یا مجموعه ای از علایق معنوی، ذوقی، ذهنی، رفتاری، اخلاقی و آداب و رسوم و رفتارها و کردارهای انسان هایی است که در یک مجموعه باهم زندگی می کنند»

در تعریف دیگری آمده است: «فرهنگ عبارت است از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی در یک جامعه که بر اثر کنش ها و واکنش های مستمر زندگی جمعی حاصل می شود و توان ماندکاری پیدا می کند»

با توجه به این تعاریف، از مجموع ایستارها، ارزشها، پیام ها و هنجارهایی که نماز در جامعه به وجود می آورد، می توان به «فرهنگ سازی نماز» پی برد.

بر این اساس پیام فرهنگی نماز عبارت است از تاثیر نماز در زندگی فردی و جمعی و پیشبرد اهداف معنوی، ذوقی، اخلاقی و… و شکل گیری رفتار معنوی و دینی در جامعه.

به یقین ایستار ها و ارزش های ناشی از نماز زیاد است که در ذیل به بعضی از آنها اشاره ای می شود.

۱– طهارت و پاکی فرد و جامعه و توجه به نیکی ها و فضایل؛

۲– حرکت انسان ها به سوی کارهای خیر و پالایش و تزکیه نفوس جهت حرکت و سیر به سوی خیر مطلق؛

۳– زدودن گناهان و رذایل اخلاقی از سطح جامعه .

۴– ترویج فرهنگ تواضع، فروتنی و دوستی دیگران در راستای تعظیم و بزرگداشت معبود؛

۵- ترویج فرهنگ وقت شناسی، نظم و انضباط فردی و اجتماعی ؛

۶- با لا رفتن سطح آگاهی و اندیشه مسلمین و

تقویت اتحاد و همدلی در جامعه (با حضور در نماز جمعه و جماعات)؛

۷- به وجود آمدن روحیه تعاون، همکاری، مردم داری و حسن خلق در میان نمازگزاران.

برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد

پرسش

برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد

پاسخ

برای ایجاد فرهنگ نماز و ترویج آن مطالب

ذیل را سفارش می نماییم:

۱ ؤ تشویق افراد و جوانان اهل نماز متناسب با

سن و روحیه آنها واهمیت دادن به آنها به طوری که

خود آنها و دیگران بفهمند برای نماز محترم هستند.

۲ ؤ تبلیغ و مطرح کردن فوائد و ثمرات فردی و

اجتماعی و آخرتی نماز به جوانان.

۳ ؤ آشنا کردن آنها با اهمیت فوق العاده نماز در

بین عبادات وتوجه خاص قرآن، ائمه و بزرگان دین

به نماز.

۴ ؤ جذب نوجوانان به نمازهای جماعت و

مساجد به وسیله تشویق و زبان خوب و ارتباط

تنگاتنگ و دوستانه شما با آنها.

۵ ؤ تهیه کتاب های مناسب درباره نماز و در اختیار

دانش آموزان گذاشتن آنها.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: هدایت نوجوانان به سوی نماز(دکتر

علی قائمی)

چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجوددارد

پرسش

چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجوددارد

پاسخ

چگونه می توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد

پرسش

چگونه می توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد

پاسخ

راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست

پرسش

راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست

پاسخ

راه کارهای عملی تعمیق گرایش جوانان و نوجوانان به مسائل مذهبی

عبارت است از:

۱. ارائه الگوهای عملی; یعنی، روش الگویی وعرضه و نمونه، از مهم ترین

روش های تربیتی در اسلام است. آنان از راه مشاهده مستقیم عمل والدین

،مربیان، فرهیختگان جامعه و...، حالات و رفتار اینها را می بینند و از آنان الگو

می پذیرند. پس دین آموزی باید مستلزم عمل و رعایت عمل باشد. اگر تمامی

مبلغان دینی، اساتید و فرهیختگان به گفته های خود عمل می کردند، گفتارشان

مانند باران بر دشت سرسبز دل ها فرو می رفت; اما گفتار عالمان بی عمل، مانند

باران رحمت الهی است که بر تپه ها می بارد و از آن جا جاری می شود و راهی به

درون تپه ها نمی یابد.

۲. مسا له دوم آموزش صحیح عقائد و احکام دینی است. نخستین مسا له، دامنه ئ

معرفتی است که در دین باید به نوجوانان و جوانان القا کنیم. معرفت خدای

یگانه، مسا له خلقت، علم الهی، قدرت و اراده ئ او، عدالت خداوندی، هدایت و

رهبری او، حسابرسی و معاد، احاطه و نظارت پروردگار بر بندگان، نعمت های

بیشمار او، مفاهیم مذهبی مثل عبادت، قرب و تقوا، احسان و نیکی و... از جمله

راه های پرورش و نوسازی فطرت پاک جوانان است.

در اینجا باید به دو مسا له توجه داشت:

الف) رعایت شرط سنی ; زیرا هر سنی مقتضایی دارد و باید متناسب با فهم و

درک و توانایی او با وی ارتباط آموزشی برقرار کرد.

ب) شرط جنس است که پسران و دختران در این زمینه متفاوت اند.

۳ ؤ آرایش ظاهر (اعمال، رفتارها، مکان ها و...); غرض این است که برنامه ها و

مراسم را گیرا و جذاب کنیم; مثلاش محل برگزاری مراسم را زیبا و معطر نماییم.

۴ ؤ

تشکیل گروه و دسته های فرهنگی، هنری و دینی (مانند گروه شعر و نویسندگی، گروه سرود و تواشیح، گروه نقاشی و خط و...).

۵ ؤ تمرین زندگی اسلامی; اردوها و مسافرت های گروهی، یکی از بهترین شیوه های جذب جوانان است.

۶ ؤ دوری از تحکم و اجبار; یعنی، جوانان ما، دین گریز یا دین ستیز نیستند; بلکه از تحکم و فرمان های اجباری فرار می کنند. ما باید یاد بگیریم که آنان را دوست داشته باشیم و با عطوفت و مهربانی با آنها برخورد کنیم. و به جای تندخویی و الزام، از شیوه های دیگر تبلیغ و امر به معروف استفاده کنیم.

۷ ؤ سهل گیری در دین; از مطلب قبلی به این می رسیم که خداوند دین را برای آسانی مردم می خواهد; نه در تنگنا و فشار قرار دادن آنها (یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر). پس ما باید دین واحکام و آداب آن را به شکلی آسان، زیبا، قابل پسند و فهم پذیر ارائه بدهیم.

۸ ؤ حرکت های جمعی; اصولاش حضور جمع چشمگیر است. اگر فعالیت های دینی و مذهبی را گسترش بدهیم و افراد بیشتری را جذب کنیم (مثلاش صد نفر برای قرائت قرآن)، همین مسا له باعث جذب عده زیادی از افراد بی تفاوت یا کم رو می شود.

۹ ؤ طولانی نکردن مراسم و برنامه های دینی و مذهبی;

نگذاریم جوانان، نوجوانان و حتی کودکان، در مراسم های دینی و سایر فعالیت های مذهبی احساس خستگی کرده و زده شوند. بنابر این باید سعی کنیم مدت دعاها و برنامه را کاهش دهیم.

در این راستا عمل به موارد زیر ضروری می نماید:

الف) استفاده از لذات کامی یا دهانی؛ گاهی مراسم را با یک شربت یا شیرینی

می توانیم جذاب کنیم؛

ب) زمینه سازی برای اغنا؛ مراسم اسلامی به صورتی باشد که لذات گوناگونی

را

اغنا کند (لذت های عاطفی، زیبایی، آرامش روان، محبت و پیوند با خدا و...);

ج) ذکر داستان ها و قصه های واقعی;

د) دادن جوایز مختلف (به بهانه های نظم و انضباط، رتبه ئ درسی، خط زیبا و...);

ه') استفاده از هنر: نمایش، سرود، صوت خوب، کاریکاتور و طنز، نقاشی و خط

و...;

و) استفاده از ادبیات: متون ادبی، متن های حماسی و عاطفی، شعری سازنده،

بحث های علمی، تحقیق و پژوهش و...;

ز) استفاده از عواطف; روان شناسان می گویند: عاطفه، خمیر مایه ئ گرایش

مذهبی است. هر قدر پیوند و انس با مردم در امر دین بیشتر باشد، دین بیشتر در

آنان نفوذ می کند;

ح) استفاده از جاذبه ئ احسان و نیکی و خوش رفتاری.

بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی وهمچنین نمازجماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیست ؟

پرسش

بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی وهمچنین نمازجماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیست ؟

پاسخ

برای جلب هر چه بیشتر دانشجویان در فعالیت های دینی لازم است برنامه های متنوع و جذاب - که دارای بارعلمی و متناسب با وقت دانشجویان باشد - برگزار گردد و برای آن که اجتماعات دینی به ویژه نماز جماعت بین اهلتشیع و تسنن به نیکوترین شکل انجام گیرد لازمه اش حفظ وحدت و پرهیزاز دامن زدن به اختلافات است. برای حفظو استحکام وحدت باید از طرح مسائل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسائل مشترک به تحقیق و مطالعهو مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه ها را متوجه دشمنان مشترک نمود.{J

با محیط و جوی که درآن دختران دانشجو باالباس های کذایی وبدحجابی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟

پرسش

با محیط و جوی که درآن دختران دانشجو باالباس های کذایی وبدحجابی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟

پاسخ

در این رابطه باید با تمام مظاهر خلاف شرع مقابله ای صحیح و منطقی نمود. لازم است دانشجویان متعهد وتشکیلات دانشجویی با همکاری نهاد نمایندگی برای از بین بردن چنین جوی تلاشی پیگیر نمایند.{J

علت مختلط شدن دانشگاهیان چیست وچرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضر است علتش را جواب دهید؟

پرسش

علت مختلط شدن دانشگاهیان چیست وچرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضر است علتش را جواب دهید؟

پاسخ

اختلاط پسر و دختر در دانشگاه ها مضر است و حتی الامکان برای رفع آن باید کوشش شود. البته این کار دربعضی ازموارد با مشکلات همراه است ولی متأسفانه در حد مقدور نیز اقدام شایسته به عمل نیامده در مواردی نیز بطورآزمایشی دانشگاه هایی غیر مختلط ایجاد شده (مانند دانشگاه الزهرا و علوم پزشکی فاطمیه). امید است مسوولیننظام آموزشی کشور در این رابطه اهتمام بیشتری نمایند. در عین حال اقدامات دانشجویان متعهد و درخواست جدیآنان از مسوولین تهیه طومار نوشتن مقالات در روزنامه ها و ... موثر خواهد بود.{J

چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟

پرسش

چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟

پاسخ

التزام به مسائل دینی به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از آنها آگاهی ها و شناخت های دینی است. البته نه آگاهی سطحی مانند فقط دانستن فلان حکم شرعی بلکه آگاهی عمیق از حقیقت دین و اهمیت و فلسفه احکام الهی و چگونگی تأثیر

اعمال و کنش های دینی در پرورش شخصیت و سرنوشت آدمی. از طرف دیگر عوامل متعدد دنیوی -بویژه در وضع کنونی جهان که روح ماده گرایی شدیدا حاکم است - انسان ها را به نوعی غفلت و فراموشی در برابر خداو ارزش های الهی می کشاند وبرای مقابله با آن شدیدا باید در برابر تهاجم فرهنگی با ابزارهای دقیق علمی و منطقی وایمانی ایستاد و با سامان دادن به وضع اجتماعی و فرهنگی جامعه زمینه را برای رشد و اعتلای معنوی بیش از پیشفراهم نمود.{J

بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟

پرسش

بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟

پاسخ

برای علاقه مند ساختن آنان به قرآن و نماز باید چند چیز را در نظر بگیرید:

۱) شرایط سنی میزان استعداد نوع علاقه ها و گرایش ها و به تعبیر دیگر روان شناسی آنان را دقیقا در نظرگیرید.

۲) حتی الامکان در برنامه های خود «انگیزانندگی» داشته باشید. به عبارت دیگر به جای آنکه آنان را امر کنید درآنان شور و علاقه ایجاد کنید. برای اینکار وسایل کمک آموزشی مانند کتاب نوار تشویق ایجاد رقابت و ... موءثراست.

۳) حتی الامکان از ارائه برنامه سنگین به آنان خودداری نموده و از اصل تدریج استفاده کنید.

۴) از کسان دیگری مانند معلم و ... در جهت هدایت و تشویق بیشتر آنان استفاده کنید.{J

پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟

پرسش

پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟

پاسخ

در مورد غنای فرهنگی دانشگاه ها غنای فرهنگی رابطه مستقیمی با مجموعه دانشگاهیان و دانشجویان دارد کهمهمترین عنصر آن اندیشه و تفکر واهل مطالعه و تدبر بودن است. شناخت افکار و عقاید گوناگون جریانات سیاسی وفرهنگی تاریخ معاصر ایران شناخت صحیح از سیاست ها و برنامه های شرق و غرب و ... زمینه های لازم برای رشدفرهنگی سیاسی و اجتماعی دانشجویان را فراهم می آورد.{J

چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیــچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صــرفا جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل می دهند؟

پرسش

چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صرفا جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل می دهند؟

پاسخ

جذب توریست در چند ساله اخیر بسیار بیشتر شده است در عین حال این کار باید به گونه ای حساب شده انجامگیرد به طوری که با حفظ ارزش های انقلاب تضاد و اصطکاک ایجاد نکند.{J

حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟

پرسش

حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟

پاسخ

حضور در مراسم دینی و مساجد یکی از قوی ترین عوامل مبارزه با تهاجم فرهنگی است. هر قدر حضور مردم دراین گونه مراسم جدی تر باشد و از طرف دیگر کیفیت برنامه ها و مراسم دینی بهبود یابد و غنای علمی و فرهنگیبیشتری یابد تأثیر چشمگیری در جهت جلوگیری از ابتلا به ابتذال فرهنگی دارد.{J

چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟

پرسش

چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟

پاسخ

در جامعه ما الگوهای متفاوتی از زمان های پیشین تا هم اکنون حاکم بوده و هست و هر کس متناسب با فرهنگ خاصی که بدان تعلق دارد الگو گزینی می کند. مثلا اگر در میان خوانندگان کسانی داریوش را الگو قرار می دهند به نوعیبه فرهنگ او تمایل دارند و در مقابل هم بسیاری مثلا آقای آهنگران را الگوی خود می سازند و به گونه های خاصیشیوه های رفتاری خود را با او منطبق می سازند یا ممکن است کسی به جای خوانندگان از میان اولیای دینسیاستمداران متفکران و ... الگوبرداری

کند. کما اینکه الگوی صدها هزار جوان رزمنده بسیجی ما در صحنه های نبردحضرت امام حسین(ع) بود.{J

با توجه به ادعای اسـلامی بودن چرا نمی توانید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنسی حل شود؟

پرسش

با توجه به ادعای اسـلامی بودن چرا نمی توانیـد مشـکل ازدواج جوانان را حل کنیـد؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنسی حل شود؟

پاسخ

فلسـفه آفرینش زن و مرد و اهمیت ازدواج و مسأله تأخیر ازدواج در جامعه کنونی و رابطه آن با نظام حاکم هر یکباید به دقت بررسی گردد تا بتوان به قضاوتی درست و فارغ از پیشداوری های خام دست یافت.

الف) فلسـفه آفرینش زن و مرد صـرفا این نیست که با یکـدیگر درآمیزنـد و زنـدگی کننـد. بلکه این خود یکی ازراهکارهای مقدماتی نظام خلقت درراستای هدف و فلسفه ای برتر و بالاتر است.

ب) ازدواج و تشـکیل خانواده در اسـلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. زیرا از طریق آن نه تنها نیازهایغریزی انسان به گونه ای نظـام وار و سامـان منـد تـأمین می شود. بلکه زمینه هـای بسـیار مناسبی برای پرورش فضایل وکمالات و تربیت انسان های پاک و شایسته در محیطی آکنده از عشق و صفا و صمیمیت فراهم می گردد.

ج) تأخیر در ازدواج از واقعیت های تلخی است که در قرن اخیر درسـطح جهانی از جمله کشور ما شیوع بسیاریبافته است. البته احسـاس نگرانی از این مسـأله در جامعه ما بیش از دیگر جوامع است. زیرا دغـدغه دینی و میل به پاکزیسـتن و دامن به مفاسـد نیالودن و درکنار آن شدت و قوت گرایش های جنسـی در جوانان فشار شدیدی را برآنان واردمی سازد. ولی آیا این مسأله به منزله آن است که در کشورهـای دیگر فلسـفه آفرینش زن و مرد رعایت شـده و در جامعه مانمی شود؟ اگر منظور اصل مسأله تأخیر در ازدواج است آمارهای جهانی نشان می دهد که در بسیاری از جوامع تأخیرسنی ازدواج بیش

از جـامعه مـاست و اگر مقصود آن است که آنـان با فساد و بی بنـد وباری به هر طریقی که شـده نیازجنسـی خود را تأمین می کنند این جز دور شدن از فلسفه خلقت زن و مرد و گرفتار آمدن در انواع تیره بختی ها چیزدیگری نیست.

د) علت تأخیر ازدواج در ایران و دیگر جوامع بشـری چیست؟ شـرایط نوین زنـدگی بشـر و تحولاتی که در پی تمدنجدید رخ داده اساسی ترین عامل تأخیر ازدواج می باشد. این مسأله نیاز به تحقیقات تاریخی جامعه شناختیگسترده ای دارد. لیکن به طور خلاصه و اجمال یادآور می شویم که در گذشـته معمولا از سـنین پایین جوانان و نوجوانانجـذب بازار کار و فعالیت در جامعه می شدند. این برنامه نتایج چندی را به دنبال داشت. از جمله:

۱- شـخص از آغاز نوجوانی کسب درآمـد و ثروت می نمود و از حالت مصـرف کننـدگی خارج می شد علاوه بر آنکههزینه سنگین تحصیل نیز براو یا خانواده و دولت تحمیل نمی شد.

۲- فرد دارای پایگاه اجتماعی ثابت و مشخص بود. یعنی وقتی کسبی را پیشه خود می ساخت و پس از مدتی درآن ورزیدگی می یافت دیگر برایش مشخص بود که زندگی او و آینده اش همین است و چندان دغدغه اینکه فردا وفرداها چه خواهد شد و چه تغییرات اساسی در زندگی و کار او رخ خواهد داد آزارش نمی داد.

۳- شـخص بـا کـار و فعـالیت اجتماعی از تجارب خاص زنـدگی بهره منـد می شـد تـدریجا مشـکلات را پشت سـر می نهادو پختگی مناسب برای تشـکیل خانواده پیدا می کرد. عوامل فوق باعث می گردید که شـخص به سهولت و بدون دردسرازدواج کند. زیرا:

* کمبود هزینه های زندگی و سهولت شرایط ازدواج

* دارا بودن درآمد لازم عدم ابهام نسبت به وضعیت آینده

* ورزیدگی

تجربه و آبدیده شدن در برخورد با مشکلات و پشت سر نهادن تدریجی آنها دیگر هیچ حالت منتظره ایبرای فرد باقی نمی گذاشت.

اما شرایط عصر نو: درجهان نو شرایط زندگی تغییرات شگرفی نموده و عمده ترین تأثیرات شکننده خود رابرجوانان تحمیل کرده است. در دنیای کنونی تقریبا همه نوجوانان به استثنای افراد بسیار قلیلی به تحصیل اشتغالداشته و آن چنان آینده مبهم و نامعینی دارند که گویی فکر آن را هم در سر نمی پرورانند و تمام هم آنها گذران موفق ایندوران است و بس. با پایان یافتن دوران دانش آموزی – که به طور متوسط در سنین ۱۷ – ۲۰ سالگی انجام می پذیرد –شخص یا در اندیشه راه یابی به دانشگاه است و یا باید به خدمت سربازی برود. بنابراین چند سالی دیگر جهتتشکیل خانواده مشکل دارد و اگر به دانشگاه راه یافت تازه دغدغه های دیگر آغاز می شود که آیا موفق به ارتقایمراتب تحصیلی خواهد شد؟ پس از فراغت از تحصیل چند سال به خدمت نظام وظیفه باید گذراند. تازه پس از همهاینها آیا کار مناسب در جامعه خواهد یافت؟ تا کی باید در پی کاریابی باشد و ... اینها همه ره آوردهای طبیعی عصرماشین و تکنولوژی است و برای دولت جمهوری اسلامی نیز یکی از مشکلات بسیار اساسی می باشد. زیرا درکشور ماتعداد انبوهی از جوانان به تحصیلات دانشگاهی اشتغال دارند و حل مشکل ازدواج آنان در سطح کلان آن هم با توجهبه مشکلات مالی فقدان پایگاه اجتماعی مشخص و تغییر جایگاه اجتماعی و باعنایت به آسیب شناسی های اجتماعیمسأله کاری است سخت دشوار. اینک بر شما عزیزان است که به جای متهم ساختن نظام دقیقا چشم بر واقعیت هایموجود گشایید و بدون پیروی

از احساسات تند و هیجانی به اندیشه و تعمق در مسأله پرداخته وبا ارائه راه کارهایمفید و سازنده در حل این معضل بزرگ همیاری و هفکری نمایید.{J

در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غربزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد, آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این نقایص اقدام شود؟

پرسش

در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غربزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد, آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این نقایص اقدام شود؟

پاسخ

نامه حاکی از تعهد و دلسوزی و باریک بینی شما در مورد مسائل مختلف دانشگاه ها واصل گردید. مشکلاتی که مطرح کرده اید از معضلات اصلی و مهم در سطح آموزش عالی کشور است. مسأله غربزدگی عدم تعهد برخی از اساتیدسوء استفاده از اختیارات و ... نمونه های بارز این موضوع هستند. مطالب نامه شما به قسمت های ذیربط در نهادنمایندگی و وزارت علوم منعکس گردید امید است مورد توجه قرار گیرد.

آنچه گفتنی است این است که وقتیبی تفاوتی فراگیر شد همه این اشکال ها زمینه بروز و ظهور پیدا می کنند از این رو حفظ روحیه تعهد و سعی در بسط آنبخصوص در دانشجویان می تواند مانعی بر سر راه آفات باشد. امید است خسته نشوید و بی امان به تلاش خود برایاستواری ارزش های حقیقی همت گمارید.

چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟

پرسش

چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟

پاسخ

در جهت مقابله با سرقت قاچاق و... از نظر قوانین کمبودی نداریم. زیرا سیستم قضایی اسلام قاطعیت بسیار خوبیدر جهت مقابله با عوامل مخرب اجتماعی دارد. لیکن ریشه کن کردن این امور تنها به زندان اعدام و... بستگی نداردبلکه عوامل گوناگونی در این زمینه سهم دارند. که بایستی مجموعا مورد بررسی واقدام قرار گیرد تا نتیجه مطلوبحاصل شود {J

وظیفه ء ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست ؟

پرسش

وظیفه ء ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست ؟

پاسخ

در تغییر محیط تلاقی با گرایش ها فرهنگ ها اندیشه ها و آرمان های متفاوت امری کاملا طبیعی است و بویژه محیطهای دانشگاهی جامعه ما در بر گیرنده بیشترین آمیزه های رنگارنگ بینشی و گرایشی است. بنابراین بر جوانان متدین ومتعهد چون شما فرض است که در این میدان وسیع افکار سلایق و علایق با قوت و صلابت هرچه بیشتر - علاوه برپاسداشت و حفظ ایمان - در بالندگی علمی و عملی دین خود بیش از پیش کوشیده و در برابر سیل تهاجماتگوناگون نه تنها چون سدی استوار مقاومت کنید بلکه خود موجی نوین انگیخته و شور و شعور ایمانی جوانان پیرامونخود را روز به روز بیشتر و بهتر سازید.{J

چرا ازدواج موقت در جامعه ء ما امری منفور و زشت تلقی می شود؟

پرسش

چرا ازدواج موقت در جامعه ء ما امری منفور و زشت تلقی می شود؟

پاسخ

آنچه شما در نامه خود در مورد متعه (صیغه) نوشته اید و نیاز شدیدی که جوانان به آن دارند از مسائل بسیار مهمیاست که باید موانع روانی و اجتماعی آن را شناخت و با آن مبارزه ای دامنه دار آغاز کرد. آنچه که متأسفانه مانع اجرایاین سنت پسندیده در جامعه ما شده رسوبات فکری غلط و جاهلانه و هم چنین تبلیغات سوء غربی ها و عوامل آن درگذشته و حال است. تردیدی نیست که باید راه صحیح و معقولی برای ارضای غریزه سرکش جنسی برای جوانانی کهتا مدت ها قادر بر ازدواج نیستند وجود داشته باشد. گرچه آحادی از جوانان ممکن است به درجه ای از تقوا رسیدهباشند که در سخت ترین شرایط نیز خود را حفظ نمایند ولی اکثرا در چنین وضعیتی نیستند. بنابراین متعه با حفظشرایط خود بهترین راه برای ارضای سالم این غریزه است. امیدواریم با برنامه ریزی هایی که برای جوانان در کشورصورت می گیرد موانع روانی و اجتماعی این مساله از سر راه آنها برداشته شده و آنان بتوانند به صورت مشروع غریزهخود را ارضا نمایند. شما نیز در این راه با روشنگری و احساس مسوءولیت گام بردارید و با مطرح ساختن مسأله وبررسی ابعاد آن در راه برداشتن موانع عمل به این سنت حسنه گام بردارید.{J

برای آگاهی و شناخت عمیقتر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنم ؟

پرسش

برای آگاهی و شناخت عمیقتر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنم ؟

پاسخ

نکته ای که اشاره فرموده اید بستگی به عزم قوی و همت والای شما دارد. در این رابطه کوششی فراوان و مستمر دردو جنبه علمی و عملی لازم است تا تدریجا ثمرات شیرین و ارزشمند آن در زندگی شما پدیدار شود بنابراین از سوییابید به انجام دستورات الهی و ترک محرمات کمر همت بندید و تدریجا انجام مستحباتی همچون نماز شب و ترکمکروهات را وارد برنامه عملی خود سازید. از سوی دیگر باید با برنامه ریزی دقیق به مطالعه و تحقیق منظم و پیوستهدر معارف دینی و قرآنی بپردازید. برای اولین گام در مطالعه توصیه می شود در یک برنامه ریزی یک ساله به دقتکتاب های استاد شهید مطهری بویژه: «سری هفت جلدی جهان بینی» «نظام حقوق زن در اسلام» «اسلام و مقتضیاتزمان» «علل گرایش به مادیگری» و «امامت و رهبری» را که پاسخگوی بسیاری از نیازهای فکری عصر ما هستند مطالعه فرمایید. پس از انجام این برنامه چنان چه مکاتبه فرمایید برنامه مطالعاتی دیگری تقدیم خواهد شد.{J

با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید؟

پرسش

با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید؟

پاسخ

مسلما وضعیت جهان امروز با گذشته تفاوت های اساسی دارد. امروز جهان در حال تبدیل شدن به یک دهکدهبزرگ جهانی است و تکنولوژی و وسایل ارتباطی، آن را به صورت نوینی در آورده است.

روشن است که در جهان کنونی نمی توان چشم خود را بر روی حقایق بست و دیواری به دور خود کشید.

پس باید از جنبه های مثبت تکنولوژی بهره جست و آن را در خدمت انسانیت و دین قرار داد، ولی متأسفانهابزارهایی مانند ماهواره و ... سکه های دو رو هستند. به دلیل تسلط منحرفان بر این شبکه ها و تبلیغات شیطانی و زهرآگین آنها برای کشورهای جهان سوم، یک نوع شبیخون فرهنگی بر این جوامع صورت گرفته است که اگر حد و مرزیبرای استفاده از این امکانات وجود نداشته باشد، مسلما عوارض نامطلوب آن، بر فوایدش غلبه خواهد کرد.

شما به عنوان یک دانشجو ممکن است از دست آوردهای مطلوب آن بهره ببرید و آن را وسیله ای برای پیشبرددانش و مهارت خود قرار دهید، ولی عموم مردم چه؟

تجربه نشان داده است که استفاده های ناسالم از امکانات ماهواره بیش از بهره های مفید آن است. از این رو تا زمانیکه فرهنگ صحیح استفاده از ماهواره شکل نگیرد و نیز برنامه های داخل، جواب گوی نیازها نباشد، محدودیت دراستفاده از این ابزارها به نفع فرهنگ جامعه و استقلال فکری، سیاسی و اجتماعی آن است.{J

با توجه باینکه ریشه های مفاسداجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده * چه راه های علمی برای اینکار وجود دارد؟

پرسش

با توجه باینکه ریشه های مفاسداجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده * چه راه های علمی برای اینکار وجود دارد؟

پاسخ

موضوع ازدواج جوانان از مسائل غامض کنونی در کشور ماست؛ زیرا از یک سو از نظر اقتصادی و با توجه به سطحبالای توقعات امکان ازدواج دائم آسان برای جوانان فراهم نیست. ثانیا ، امکان ارضای غرایز جنسی از طریق مشروعدیگر موجود نیست. ثالثا ، مسائل اجتماعی دیگری نیز از نظر رشد جمعیت و ... این اقتضا را دارد که سن ازدواج بالابرود. با توجه به آنچه گفته شد برای حل این معضل باید یک سری اقدامات صورت گیرد تا بلکه در آینده این مشکل تاحدودی حل گردد. از جمله :

۱- مبارزه با ریشه های فرهنگی و اجتماعی سخت گیری در امر ازدواج.

۲- کاستن از سطح توقعات خانواده ها.

۳- ترویج زندگی ساده و به دور از تشریفات و زواید.

۴- تبلیغ ازدواج موقت و تصحیح نگرش اجتماعی مردم در این زمینه.{J

اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟

پرسش

اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟

پاسخ

در موضوع اسلامی شدن دانشگاه ها مع الاسف تنها به برخی از امور ظاهری توجه شده و اصل موضوع در بوته ابهامرها شده است، بلکه حرکات ظاهری در برخی مراکز پوششی برای حرکت های غیر اصولی شده است. یعنی این کهجنبه های ساده و سطحی قضیه مورد توجه قرار گرفته و جنبه های پیچیده و مشکل آن بایگانی شده.

اسلامی شدن یعنی عمق یافتن، تعهد، حرکت و تلاش جهاد گونه، مبارزه با افکار وارداتی، حفظ استقلال فکری و...

البته حفظ ظواهر اسلامی نیز در این جدول برای خود جایگاهی دارد، ولی نه این که تنها برای اسلامی شدن بههمین مورد آن همه به صورت دست و پا شکسته و یا با برخی از تبعات منفی دنبال شود.{J

نحوه انتقاد از روحانیون مسئول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است

پرسش

نحوه انتقاد از روحانیون مسئول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است

پاسخ

همان گونه که در نامه خود متذکر شده اید، پذیرش مسؤولیت های اجرایی از سوی روحانیون، این مسأله را در اذهانپدید می آورد که آنان هرچه می گویند و هر چه انجام می دهند، بیرون از محدوده انتقاد و بررسی است و لذا یک نوعجنبه تعبد به خود می گیرد.

این موضوع از جوانب مختلفی قابل بررسی است. یکی از جهات آن این است که آیا اساسا کسی حق چنین ادعاییرا دارد یا خیر؟ دیگر آنکه چه زمینه هایی موجب بروز این اندیشه شده و بالاخره چه باید کرد؟

جهت اول: هیچ کس جز معصوم نباید خود را عاری از خطا بپندارد، بلکه باید عملکرد خویش را در بوته نقد خود ودیگران قرار دهد تا از خطاها و اشتباهات احتمالی جلوگیری گردد.

ولی یک نکته را نیز باید مدنظر قرار داد و آن اینکه گاه شخص از جانب خود سخنی نمی گوید، بلکه سخن معصومو یا کلام خدا را نقل می کند. در این صورت نبایستی قدر و منزلت آن سخن را با سخنان شخصی و برداشت های فردیکسان دانست. برای مثال اگر کسی گفت: خداوند نماز را واجب کرده و یا فلان مطلب را در آیه ای بیان نموده است(منهای برداشت های شخصی) نمی توان این سخن را هم طراز گفته های خود فرد قرار داد.

آنچه را که مجتهد با توجه به مبانی متقن خود از احکام شرعی بیان می کند، باید جزء همین مقوله دانست.

البته نظرات شرعی مجتهد نیز بر دو قسم است: برخی از ضروریات و دین شمرده می شود که نقد ناپذیرند (مگرکسی در اساس و اصول دین تردید داشته باشد که مقوله دیگری است) و برخی

دیگر از ضروریات نیستند. این دسته رامی توان با ابزار خاص خود مورد نقد قرار داد. همان گونه که هر دانشی را باید با روش و متولوژی ویژه خود در بوته نقدگذاشت؛ نه اینکه هرکس از هر دری و به هر جهت از راه برسد و بخواهد هر دانشی را مورد نقد قرار دهد.

اما در اجرائیات: در مسائل اجرایی به هیچ وجه تعبّدی در کار نیست، ولی این سخن را نیز باید به درستی درک نمودکه «تعبّدی نبودن به معنای هرج و مرج نیست» بلکه مجری چه روحانی باشد و چه غیر آن، باید محترم باشد و در مرزقانون از او تبعیت شود. و در کنار آن نیز انتقاد سازنده صورت پذیرد.

بنابر این هر چیز به جای خویش نیکوست. گرچه برخی مباحث و شؤون را با یکدیگر مخلوط می کنند و عدم تعبدرا به بی نظمی و بی قانونی می کشانند. کوتاه سخن آن که در غیر تعبدی ترین نظام های عالم نیز اطاعت بی چون و چرا ازقانون، سرلوحه فرهنگ عمومی شهروندان آن جامعه است گرچه انتقاد نیز در کنار آن ممکن است وجود داشتهباشد.

از جهت دیگر، گاهی فرهنگ جامعه بنا به سوابق خود، نوعی اطاعت ویژه برای برخی اشخاص قائل است و ازهمین رو حتی در مسائل اجرایی نیز زبان به انتقاد گشوده نمی شود.

در این جا باید با روشنگری واقع بینانه مسائل را به مردم تفهیم کرد و شؤون را از یکدیگر جدا نمود و مرزانتقادناپذیری را برای آنان مشخص کرد.

موضوع دیگری که در پایان نامه شما آمده است، مسأله حفظ حرمت روحانیت و تقدس آن است که موضوع بسیارحائز اهمیتی می باشد. واقعیت آن است که حضرت امام (ره) به عنوان

بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران در آغازانقلاب، این نکته را در نظر و عمل بیان کرده بودند که روحانیون باید وظیفه اصلی خود را - که همان هدایت و تبلیغاست - انجام دهند و کارهای اجرایی مملکت به غیر آنان واگذار گردد.

ولی تجربه مشروطیت و نیز حوادث پس از انقلاب، ثابت نمود که اکثر روحانیت (روحانیان متعهد و انقلابی) بهعنوان تئوریسین های یک انقلاب بزرگ در قرن بیستم، از صحنه سیاست و پست های کلیدی خارج گردند، مسلما اینخیزش عظیم اسلامی به انحراف کشیده خواهد شد و داعیه های دیگری به روی صحنه خواهند آمد.

شرایط سنگین پذیرش مسؤولیت پس از انقلاب و مشکلات آن نیز مزید بر علت گردید و روحانیان متعهد احساسوظیفه کردند که در صحنه قانون گذاری و اجرائیات مملکت حضور فعال تری داشته باشند. گرچه از جهت حرمت وقداست تاریخی خود نیز با مشکلاتی مواجه گردند.

حال یا می بایست وظیفه را ترک می کردند و تقدّس را حفظ می نمودند و یا برعکس، حال به نظر شما در این صحنهمی بایست چه رفتاری می کردند؟!

البته در این زمینه سخن های دیگری نیز وجود دارد که در این مجال نمی گنجد.{J

چرا به زندانیها رسیدگی نمی شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می کنند؟

پرسش

چرا به زندانیها رسیدگی نمی شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می کنند؟

پاسخ

مسأله زندانیان مشکلی جدی است و در نظام اسلامی نیز به زندان به عنوان یک اصل فراگیر نگاه نمی شود. اینمسأله بر مسؤولین امور روشن است که زندان جز در موارد اضطرار، قابل استفاده نیست و در همه جای دنیا این نکتهپذیرفته شده است که زندان ها یکی از مراکز یادگیری برخی از ناهنجاری ها توسط عوامل تازه وارد است. در عین حالزندان و حبس قابل نفی نیست. از این رو در اسلام هم عوامل تنبیهی متنوع و هم عامل عفو در حد اعلای امکان وجوددارد. در جامعه ما نیز از عوامل مختلف فوق استفاده می شود، ولی در عین حال شرایط اجتماعی باعث شده است کهبیش از دیگر عوامل تنبیهی از زندان استفاده شود. اما اینکه معمولاً عناصر اصلی از دام قانون می گریزند، هر چند درمواردی با ترفندها و امکاناتی که به کار می گیرند چنین می شود، ولی این مسأله کلیت ندارد و در موارد متعددی نیزعناصر مهم و اصلی گرفتار تیغ عدالت شده و می شوند.{J

چرا ما آذربایجانیها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم ؟

پرسش

چرا ما آذربایجانیها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم ؟

پاسخ

در اندیشه واقع بینانه اسلام هیچ فرقی بین انسان ها وجود ندارد و برتری و بزرگی فقط با تقوا پیشگان است. پسسزاوار است که در تمام جوامع - بخصوص در جامعه اسلامی خودمان - صحبت از اختلاف و فرق بین اقوام به میانآورده نشود و برعکس باید مشترکات فرهنگی و دینی مورد توجّه قرار گیرد.

به هر صورت نامه شما حاوی نکاتی چند است که ما با برخی از موارد آن موافقیم و با برخی نه. ما با دوران پیش ازانقلاب کاری نداریم، ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران، شاهد برادری و برابری بین آذری زبان ها و فارس زبان هاهستیم.

همان طور که می دانیم بسیاری از مسؤولین و مقامات رده بالای کشور؛ از نخست وزیر گرفته تا وزرا، استانداران،فرمانداران، مسؤولین قضایی و ... از برادران آذری زبان بوده و هستند و الان نیز شاهد این رویه هستیم؛ بخصوص اینکه مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه ای، منتسب به دیار شهید پرور آذربایجان هستند.

هم اینک اساتید زیادی در دانشگاه ها و حوزه های علمیه، وجود دارند که آذری تبار بوده و به نحو شایسته و اکمل،دانش خود را در جامعه ما گسترانده اند؛ مانند علامه محمد تقی جعفری، جعفر سبحانی و ... همچنین کتاب ها وتحقیقات فراوانی توسط نویسندگان و ادیبان آذری، نگاشته و منتشر گردیده است. بازیگران و کارگردان های خوبی درصحنه سینما و تلویزیون وجود دارند و ...

حتّی زمانی که در حوزه علمیه قم، برای مرجعیت تصمیم گیری می شود، می بینیم از هفت نفر مرجع انتخاب ومعرفی شده، چهار نفر آنان (حضرات آیات: خامنه ای، تبریزی، فاضل لنکرانی و شبیری زنجانی) مربوط

به این خطّه ازکشور عزیزمان هستند.

در رابطه با مسأله فرهنگ و ادب، الان کتاب ها و نشریات گوناگونی به زبان آذری، چاپ و منتشر می شود؛ مانند:یول، وارلیق، میثاق، آذربایجان نامه، فروغ آزادی، دیوان فضولی، حدیقه السعداء، آذربایجان ادبیاتینه بیر باخیش(هیئت)، دیوان شهریار، سحاب الدموع، ادبیات اوجاقی و ... و صدها کتاب نوحه و مصیبت نامه آذری.

همچنین بعد از انقلاب شاهد بر پایی کنگره های بزرگداشت و نکوداشت برای بزرگان این دیار همانند: علامهمحمد تقی جعفری، علامه طباطبائی، فضولی، شهریار، سرداران شهید آذربایجان، و ... بوده و هستیم.

پس می توان نتیجه گرفت که در این زمینه ها شاهد پیشرفت های چشمگیری می باشیم و در واقع هیچ تفاوتی بینترک و فارس گذاشته نمی شود.

امّا با برخی از گفته های جناب عالی موافقیم؛ مانند اینکه در مقطعی از دوران تحصیلی باید ادبیات و فرهنگآذربایجان و زبان ترکی گنجانده شود و برادران و خواهران آذری، حداقل بتوانند نوشته های ترکی را بخوانند یابنویسند.

همچنین در صدا و سیما باید دقّت و تلاش بکنند که در فیلم ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی، رایحه قوم گراییو ... به مشام نرسد و احترام تمام اقوام، بخصوص وفادارترین آنها به ایران اسلامی (آذری ها) نگه داشته شود. در اینزمینه شما و دیگر عزیزان آذری می توانید اعتراض خود را در نشریات مطرح کنید و یا کتباً و مستقیماً به مسؤولین صداو سیما ارسال دارید که آنها نیز در برنامه های خود تجدید نظر کرده و از پخش برنامه های اختلاف برانگیز و توهینکننده جلوگیری و پرهیز کنند.

در آخر ذکر این نکته خالی از لطف نیست که دشمنان این مرز و بوم برای از بین بردن اقتدار و وحدت مردم و دولت،دست به تفرقه افکنی و انواع توطئه ها زده اند که

از جمله آنها طرح مسائلی چون پان ترکیسم، پان عربیسم، پان کردیسمو ... می باشد.

البته با وجود افراد فرهیخته و آگاه در کل این سرزمین مقدّس، توطئه شوم این افراد نقش بر آب شده و ایرانیان همهبا اتحاد و سربلندی به زندگی خود ادامه خواهند داد.{J

آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟

پرسش

آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟

پاسخ

متأسفانه رواج صحیح و درستی ندارد و همین مسأله موجب بروز مشکلاتی برای جوانان گردیده است

اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد

پرسش

اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد

پاسخ

فرایند اسلامی کردن دانشگاه ها، جهادی دراز آهنگ و فراگیر است که باید همه مؤلفه های دانشگاهی اعم از: استاد،دانشجو، کارکنان، مدیران، نظام مدیریت، نظام و سیاست آموزشی، نظام تحقیق و پژوهش، متون آموزشی و فضایدانشگاه را فرا گیرد و در همه زیر ساخت ها و روساخت ها ریشه دوانده و جایگاه شایسته خود را بیابد. {J

چرا با صرف هزینه می خواهید به سئولات ما پاسخ دهید

پرسش

چرا با صرف هزینه می خواهید به سئولات ما پاسخ دهید

پاسخ

تبلیغ و بیان حقایق معارف آسمانی از وظایفی است که قرآن مجید بر دوش تمامی افرادی که توان آن را دارند گذاشته است , از اهداف بعثت انبیا تبیین حقایق آسمانی بوده است و خداوند از عالمان دینی , بر این امر میثاق گرفته است و چون خداوند

پیمان گرفت از آنان که کتاب به آنها داده شده تا حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کرده و آن را کتمان ننمایند (آل عمران , آیه ۱۷۸). صدها آیه قرآن دال بر این رسالت بزرگ است . وانگهی در دنیایی که بی دینی و لاابالی گری , با صدها چهره فریبنده و از هر دریچه و زاویه , تبلیغات بی انتهای خود را مجانااا در اختیار همه قرار می دهد و صدا و تصویر و شبکه های ارتباطی و... معرکه ای بزرگ به پا کرده اند, آیا بیشتر از گذشته نباید احساس مسوئولیت کرد. حال چرا ما می خواهیم به سوئال جوانان پاسخ بدهیم ؟! لابد باید منتظر بنشینیم تا برای این موضوع یانکی ها و... برای ما کانال رادیویی (مجانااا) به راه بیندازند. البته سخن در این مقوله بسیار است , ولی انتظار آن است که جوانانی مانند شما بتوانند مسائل را خوب تحلیل کنند و زمانه را به درستی بشناسند. لازم است به اطلاع برسانیم که بودجه مصرفی ما برای پاسخ گویی به سوئالات , یک صد هزارم ۱۱۰۰۰۰۰ بودجه یکی از کانال های رادیویی بیگانگان - که برای ما و شما شبانه روز برنامه پخش می کنند - نیست .

چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام در این مورد اقدام نمی کند

پرسش

چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام

در این مورد اقدام نمی کند

پاسخ

مسـأله غرب گرایی، پدیـده ای است کـه سـابقه ای طولانـی نـه تنهـا در کشـور مـا، بلکـه در سـطحی بسـیار گسـترده تر در همهکشورهای جهان سوم وجود دارد. برخی از علل این پدیده عبارت است از:

۱ - مظاهر زیبـا و دلفریب حیـات مـادی غرب که از سـویی برآینـد رشـد تکنولـوژی است و از دیگر سو محصول غـارت و به کارگیری سرمایه هایکشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲ - به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۳ - افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد.

انقلاب اسـلامی آوای بلنـدی بود که در سراسـر جهان اسـلام و مستضـعفین طنین افکن شد و توانست برای بسـیاری ازجوانان، روشـنفکران، نویسـندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد. لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیز همواره در کمیننشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و انـدیشه ها تلاش مضاعفی در سـطح جهان انجام می دهنـد. طبیعی است که دراین میان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامنـد. در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت های موجود در جهتمبازره اصولی و ریشه ای با پدیده غرب گرایی را کـافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظـار داشت که کامل ترین برنامه هابتوانـد به طور کلی ریشه این گونه گرایش هـا را خشـکاند؛ زیرا انسـان هـا بر اساس امیال و خواست های متفاوت که دارنـد ونیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشد کرده اند و اندیشه های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است،گرایش های متفاوتی می یابند. بنابر این ضمن آنکه تا حد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابیکرد، ولی همواره پرونده

این گونه گرایش ها باز است و حرکتهای موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن را محدودسازد، ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند.{J

چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟

پرسش

چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟

پاسخ

ازدواج موقت (متعه) یکی از برنامه های ارزشمند اسلام برای تامین نیازهای موقت جنسی با حفظ عفاف وبهداشت نسل است و پشت پا زدن به آن به معنای سوق دادن جامعه به سوی رهبانیت و یا کمونیسم جنسی است. درجامعه امروز ما نیز متعه هم قابل اجراست و هم مورد نیاز ولی متأسفانه نسبت به شیوه های اجرایی و چگونگی انجامصحیح آن برنامه ریزی درستی انجام نگرفته است. در عین حال این به معنای آن نیست که با متعه بتوان مشکل جنسیجوانان را حل نمود و چه بسا یک درصد آن هم از این طریق جبران پذیر نباشد. بنابراین لازم است بیش از هر چیزنسبت به مساله ازدواج دائم سرمایه گذاری جدی شود و مشکلات آن برطرف گردد.

چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست ؟

پرسش

چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست ؟

پاسخ

الف) ما پیشنهاد خاصی در این زمینه نداریم.

ب) لازمه الگو بودن آنان این نیست که دخترانشان ازدواج موقت کنند، به ویژه آن که برای ازدواج موقت زنان بیوهمناسب ترند و دختران برای ازدواج دائم بهتر.

ج) اسلام در کجا گفته است که جوان محصل ازدواج دائم نکند؟ آنچه هست این است که بالاخره با تشکیلخانواده مسؤولیت زندگی بر عهده مرد است. اما اسلام هرگز مانع این نیست که والدین طرفین با میل و رضایتخودشان مخارج آنان را بپردازند. اتفاقا یکی از پیشنهادات ما برای حل مشکل ازدواج این است که خانواده هایطرفین به جای سخت گیری های بی جا و مخارج سنگین، چند سالی هزینه های زندگی زوجین را بر عهده گیرند، تا آنانبا خیال راحت به تحصیل ادامه دهند، لیکن این مسأله نیاز به تبلیغات دارد، ولی نمی توان آن را الزامی نمود. نکتهبسیار شگفت انگیز و تأسف آور این است که نوشته اید

شرع این مسأله را تأیید نمی کند!!! در حالی که شرع آن را یکی ازبزرگترین مستحبات و دارای پاداش بزرگ می داند.{J

چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟

پرسش

چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟

پاسخ

اولاً، این جا نیز خلط فوق صورت گرفته و پاسخش همان است.

ثانیا، مواردی که مثال زده اید، مربوط به جایی است که هدیه و پیشکش به صورت شرط ضمن العقد قرار نگیرد. دراین صورت تنها اراده واهب دخالت دارد؛ اما آن جا که شرط ضمن العقد شود، از دو جهت با صورت اول تفاوتمی یابد: یکی این که اراده و خواست متهب نیز دخیل می شود، دیگر آن که جنبه حقوقی و الزامی پیدا می کند. اینمسأله نه تنها در عقد ازدواج، بلکه در هر عقد و قراردادی می تواند راه یابد. لیکن رایج ترین مصداق آن در مورد ازدواجاست و اختصاص به ایران و جهان اسلام هم ندارد؛ بلکه در همه جای دنیا مرسوم و در نظام های حقوقی جهان،پذیرفته شده است.{J

چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟

پرسش

چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟

پاسخ

مسلما تبلیغ و معرفی اسلام ناب از بزرگترین خدمت هایی است که در شرایط فعلی باید انجام داد. البته اسلام هم دارای اصول و آموزه هایی بنیادی است و هم دارای ظواهر و برنامه های فرعی، هر دوی این ها حافظ یکدیگرند. اگرتنها بر بنیان ها تکیه شود و به ظواهر اهمیت داده نشود بنیان ها نیز پایدار نمی ماند، همان گونه که اگر تنها بر ظواهر تکیه شود بنیان ها به فراموشی سپرده خواهند شد. پس بایستی هر دو را در کنار یکدیگر عرضه نمود، لیکن یک نکته را بایداذعان نمود و آن این که کارهای ظاهری و در دسترس را هم زودتر می توان انجام داد و هم کسانی که آن را دریابند وپی گیری کنند فراوانند. ولی در مورد کارهای بنیادی هم فهم کنندگان آن اندکند و هم اقدام برای آن دشواری های فراوانی را دنبال دارد. لذا کار ترویج اذان بسیار ساده تر از ترویج عدالت و پیاده سازی آن است.

در هر صورت بایستی کمر همت را محکم بست و اسلام را به طور جامع و کامل دریافت و الگوهای آن را به درستی و شایستگی مطرح نمود.

برای حل مشکل ماهواره چه راه حلهایی وجود دارد؟

پرسش

برای حل مشکل ماهواره چه راه حلهایی وجود دارد؟

پاسخ

در این رابطه اقدامات متعددی لازم است از جمله:

الف) آگاه سازی مردم نسبت به خطرات آن.

ب) ایجاد بدیل سالم.

ج) تقویت روح ایمان و تقوای اجتماعی، به گونه ای که انگیزه گرایش به ماهواره کاسته شود.

د) احساس مسؤولیت همگانی و مشارکت عمومی در کنترل و ارشاد کسانی که در جست وجوی این گونه امورند.

با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد

پرسش

با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد

پاسخ

اولاً- روحانیت با «بحث موسیقی» مخالفت نکرده است؛ بلکه خود همواره آن را مورد بحث قرار داده و پیرامون آن کتابها نوشته است. ثانیاً موسیقی انواع و اقسام دارد و قرآن خود بهترین و زیباترین موسیقی را دارد. مجالس دینی،نیایش و ... موسیقی خاص خود را دارند. تکیه روحانیت برآن است که باید به جای موسیقی های مبتذل و خلاف شرع، موسیقی مشروع و حلال را جایگزین کرد.

وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟

پرسش

وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟

پاسخ

بسیجی همان وظیفه ای را برعهده دارد که هر مسلمان متعهد و شیعه اهل بیت(ع) بر عهده دارد. استواری در رأی واندیشه، پایداری در دین، الگو بودن در عمل، اخلاق نیك و ... گوشه ای از شرایطی است که باید ایجاد کرد تا بتوان درصحنه عمل انجام وظیفه نمود.

روشنگری، اصلاح، ارشاد، تبلیغ در عمل، از جمله رسالت های یک بسیجی در عرصه رویارویی با مشکلات است.

بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند

پرسش

بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند

پاسخ

در آغاز باید دقیقاً تفکر بسیجی را شناخت و از یک سری امور ظاهری و روبنایی، گذر کرد و به عمق اندیشه ای که در فراسوی آن وجود دارد توجه شود. تفکر بسیجی، همان تفکر شیعه علوی و پیروان واقعی اهل بیت(ع) است. بایدشناخت که حضرت علی(ع) چگونه می زیست و چرا آن گونه زندگی می کرد؟ چگونه روزها به مانند شیری در میدانبود و شب ها به مانند بنده ای خاکسار؟ زندگی علی چگونه بود؟ نان او، خانه او، برخورد او، کلام پرمغز و پرمحتوای اوچه بود و ....؟ باید این الگوها را شناخت و شناساند تا ریشه های تفکر بسیجی در دل رسوخ کرده و خود را در عمل بنمایاند.

روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست

پرسش

روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست

پاسخ

تشخیص شما درباره ئ ضعف تبلیغات متعارف در دانشگاه ها, تاحدودی بجا و درست است . پس بایستی به فکر راه های نو برای تبلیغ پیام اسلام بود. در این زمینه , مسلما استفاده از گونه های مختلف هنر باید مد نظر قرار گیرد. طرح هایی که نوشته اید بسیار مناسب و کارآمد است ; مشروط برآن که در مواردی که با مسائل محتوایی سر و کار دارد, مطالعه دقیق صورت گیرد; مثلا در مورد آیات قرآن و یا شأن نزول آنها باید, پژوهش و مطالعه زیادی انجام گیرد. برای مسابقات کتاب خوانی , می توان از روش تهیه سوأل های مهم از هر کتاب و دریافت پاسخ های تشریحی و یا تستی از آن استفاده کرد. هم چنین دادن کنفرانس از فصل های کتاب در جلسات و تشویق بهترین آنها نیز در این زمینه , مناسب است . نقد و بررسی پیرامون یک کتاب و یا فصلی از آن نیز در بعضی موارد کارآیی خوبی دارد. در مورد نوع کتاب ها, سعی کنید تنوع را در این زمینه رعایت کنید; مثلا می توان از کتاب های علامه حسن زاده آملی و نیز کتاب های مناسب دیگر در برخی زمینه ها بهره ببرید.

در پایان برای آشنایی بیشتر شما با وظایف نهاد،و داشتن اطلاع از زمینه فعالیت این نهاد یک نسخه از اساسنامه آن برای شما ارسال می گردد.

با اینکه حضرت امام (ره) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملا بر عکس شده است . چرا؟

پرسش

با اینکه حضرت امام (ره) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملا بر عکس شده است . چرا؟

پاسخ

همواره بین آرمان ها و آنچه که اتفاق می افتد، فاصله زیادی هست. آدم ساز شدن دانشگاه، آرمانی الهی است که امام(ره) بر آن تأکید بسیار داشتند. تا حدود زیادی هم زمینه آن در دانشگاه ها فراهم شد و جوان های پاک و متعهدی درآن تربیت یافتند و اکنون نیز نسبت به زمان طاغوت و دانشگاه های دیگر کشورها مزیت های فراوانی را از این جهت دارا می باشند.

البته به دلیل گستردگی تهاجم فرهنگی غرب و نفوذ غرب زدگی در برخی اقشار دانشگاهی و نیز مشکلات دیگرفرهنگی جامعه، آن گونه که بایسته است، این امر برآورده نشده است. امید است با احساس تعهد دانشجویانی همانند شما زمینه بهتری برای رشد معنویت و اخلاق در دانشگاه ها فراهم گردد.

با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟ آیا حفظ دین با این وضعیت جامعه و دانشگاه ها ممکن است؟

پرسش

با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟ آیا حفظ دین با این وضعیت جامعه و دانشگاه ها ممکن است؟

پاسخ

قبل از هر چیز بزرگی روح و بزرگواری شما را جهت انجام وظایف عرفی و شرعی و تلاش برای کسب رضای خدا را تبرک می گوییم.

آنچه از نامه شما به خوبی به دست می آید آن است که به این نکته مهم توجه دارید که نباید عرفان و سیر و سلوک، آدمی را از وظایف فردی و اجتماعی دور کند و این همان روش پیامبران و امامان و اولیاء شایسته خداوند است که در مضمون حدیث شریف زیر متجلی است: «کن فی الناس ولا تکن معهم» ؛ در میان مردم باش ولی هضم در آنان نباش» و از ویژگی های ممتاز «امامان» نسبت به برخی «عرفا» آن است که عبادت ها و تلاش های خودشان را تنها در سیر «من الخلق الی الحق» خلاصه نمی

کننـد بلکه سـیر «من الحق الی الخلق، فی الخلق الی الحق» را نیز دارا می باشـند ودر عین حضور در جامعه به مقام «فناء فی الله» نیز نائل شده اند.

در چنین سـیر و سـلوکی است که بیشترین مبـارزه برای دفع و رفع وسوسه هـای شـیطانی انجام می پـذیرد و بیشترین فشار را از ناحیه رفتار مردم، انسان سالک بایـد تحمل کنـد و تمامی این تلاش ها است که وقتی بر مـدار حق و اخلاص انجام می گیرید. موجب سـنگینی کفه ترازوی عمل و ایمان می شود و مصداق این آیه شـریفه می شود که: «فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه»

هر که سنجیده هایش سنگین برآید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود»، (قارعه، آیه ۶ و ۷).

بنابراین تمامی وسوسه ها و غفلت ها و محدودیت ها، اگر چه از یک سو موجب کندی ظاهری سیر و سلوک می شود، ولی از سوی دیگر همچون موانع در میدان رزم است که عبور از آنها انسان سالک را ورزیده تر می کند و لذت «وصال» پس از «هجران» را برای آدمی محسوس تر می کند.

بنابراین بدون آن که انگیزه خود را نسبت به وظایف فردی و اجتماعی و ادامه تحصیل از دست بدهید. تلاش کنید و با پی گیری برنامه «مشارطه، مراقبه و حاسبه» در هر شبانه روز طی مراحل سیر و سلوک را برای خود هموارتر سازید.

برای تقویت ارتباط با خدا توجه شما را به یک راه کار مهم معنوی جلب می کنیم.

در روایات آمده است که: در دل آدمی دو گیرنده و گوش وجود دارد. یکی صدای رحمان را می شنود که آدمی را دعوت به تقوا و خیر و صلاح و ایمان می کند و گوش دیگر ندای شیطان را دریافت می کند. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۹۸۸، ح ۱۶۹۵۰)

در آیات قرآن نیز این مطلب آمده است که: «فالهمها فجورها و تقویها؛ راه فجور و تقوا هر دو به انسان نمایانده شده تا وی کدام یک را در خود تقویت نموده و برگزیند».

شاید بارها این تجربه برای شما تکرار شده باشد که هنگام انجام کار نیکی و یا برخاستن برای نماز شب، دو نیروی تشویق کننده و بازدارنده به سراغ شما می آید و برای لحظاتی با خود درگیری درونی پیدا می کنید. اینجا همان مرحله تصمیم گیری است که کدام سو را انتخاب کنید.

مطمئن باشید اگر به هاتف رحمانی پاسخ مثبت

دهید، رفته رفته نیروی معنوی شما تقویت می شود و الهامات رحمانی بیشتر رو به سوی شما می آید و اوهام شیطانی سریع تر از شما دور می شود.

این همان است که از آن به «جهاد اکبر» یاد می شود و این همان دوام ذکر در طول شبانه روز می باشد بدون این که از تحصیل و کار و روابط با دیگران کناره گیری کرده باشید. چنین زندگی، شیوه اولیا خداست که در عین حضور در عرصه های مختلف زندگی و جامعه همیشه در درون با خدا و فرشتگان رحمانی در ارتباطند و بدون گوشه گیری و ایجاد حساسیت، سیر و سلوک معنوی خود را طی می کنند.

چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟

پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟

پاسخ

احیای امر به معروف نیازمند امور زیر است:

(۱) فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه زنده شود؛ یعنی جامعه آن را به عنوان یک ارزش بپذیرد ودیدگاه های منفی نسبت به آن زدوده شود؛ مثل این که برخی آن را «فضولی» تلقی می کنند. در این زمینه تبلیغ گستردهامر به معروف و بیان اهمیت و فلسفه آن نقش به سزایی دارد.

(۲) آمران به معروف و ناهیان از منکر دارای ویژگی های زیر باشند:

الف) خود عامل به معروف و ترک کننده منکرات باشند.

ب) موارد معروف و منکر را به درستی بشناسند، و عقاید و باور داشت ها و عادات شخصی، سلیقه ای و محلی را جایگزین تعالیم حقیقی دیننسازند.

ج) مراتب و شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر را به درستی بدانند.

د) در انجام امر به معروف و نهی از منکر نیز باید از شیوه های زیر بهره برد:

۱ در درجه اوّل به تبلیغ عملی بپردازند و با رفتار خود، دیگران را جذب کنند.

۲ حتی الامکان از شیوه های غیرمستقیم استفاده کنند، مانند آنچه در شیوه امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در آموزش وضو به مرد کهنسال نقل شدهاست.

۳ از افراط و تفریط بپرهیزند.

۴ با تشکل و سازماندهی و انتقاد از بهترین تجربیات و شیوه های جذب اقدام نمایند.

لازم به ذکر است شایسته ترین افراد برای احیای جدی امر به معروف و نهی از منکر همان بسیجیان و رزمندگان وجوانان با ایمان هستند؛ بنابراین توصیه می شود در این زمینه با دیگر برادران بسیجی به تلاش و فعالیت بپردازید؟ درصورتی که امثال شمابه این مهم اقدام نکنند، مشکل

فوق همواره باقی است.{

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟

پرسش

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟

پاسخ

به طور مطلق نمی توان کار مشخص را به عنوان بهترین کار فرهنگی معرفی نمود، زیرا این مسأله تابع متغیرهایگوناگونی از جهت وضع خوابگاه، گرایش های افراد، امکانات و... می باشد. بنابراین بهتر است در هر خوابگاهی یککانون فرهنگی از برادران آگاه و متعهد تشکیل گردد و با مشورت و مشارکت دفتر نهاد، بسیج و دیگر تشکلات اسلامیفعالیت های مناسبی برنامه ریزی و اجرا شود.

چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟

پرسش

چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟

پاسخ

اساسا دین گریزی در جامعه ما امری بسیار نادر و استثنایی است. اکثر قریب به اتفاق جامعه و جوانان ما دین گرا واسلامخواه می باشند. حتی بسیاری از کسانی که ظاهر دینی نداشته و گاه تظاهر به امور خلاف دین می کنند، به طورجدی دین گریز نبوده و در نهایت تمایلات دینی دارند. در عین حال دین گریزی ناشی از علل مختلفی است؛ ازجمله:

۱- پوچ گرایی و فقدان فلسفه و هدف اساسی در زندگی،

۲- گرفتاری در دام مشکلات و ناتوانی در برخورد با آنها و لاجرم گزینش راه های انحرافی،

۳- تربیت نادرست،

۴- ضعف آگاهی های دینی،

۵- گرفتاری در دام شبهات و تبلیغات سوء دشمنان دین.

در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار(ع) بیشتر توضیح دهید.

پرسش

در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار(ع) بیشتر توضیح دهید.

پاسخ

در روان شناسی به این مسأله توجه شده که انسان احتیاج به الگوی رفتار و نمونه عمل دارد و این مطلب به تجربه نیز ثابت شده است و می بینیم که در کارها هر انسانی به دنبال الگو می گردد و در پی شخصیت برجسته ای است که به او دل بندد و ارادت بورزد. در بین بچه ها و جوانان معمول است که اگر امتیازاتی در فردی ببینند و به او علاقمند شوند در همه کارها و حتی نوع و شکل لباس و آرایش از او تقلید می کنند. وجود الگوهای رفتار و شخصیت های نمونه و مربی نقش بسیار مهمی در سازندگی انسان ها دارد.

قرآن کریم می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یوجوا الله والیوم الاخر و ذکر الله کثیرا؛ برای شما در زندگی و عملکرد پیامبر(ص) سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند» (احزاب، آیه ۲۱).

روحیات عالی، استقامت و شکیبایی پیامبر، هوشیاری و درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط او بر حوادث و زانو نزدن در برابر سختی ها و مشکلات هر کدام می تواند الگو و سرمشقی برای همه مسلمین باشد.

به دلیل اسوه و الگو بودن پیامبران و رهبران الهی برای امت ها و به دلیل این که مهمترین و مؤثرترین بخش تبلیغ و دعوت انبیا(ع) دعوت عملی آنهاست. دانشمندان اسلام معصوم بودن را شرط قطعی مقام نبوت دانسته اند، چون کسی که می خواهد الگو و

مقتدای انسان ها باشد باید از هرگونه خطا و گناه و حتی اندیشه آن مصون و محفوظ باشد و حتی از نسیان و سهو نیز بر کنار باشد، چون فردی گنه کار و در معرض لغزش و سهو و خطا چگونه می تواند الگو و اسوه دیگران باشد و مردم به راحتی به او سر بسپرند و به او دل ببندند و عمل و رفتار او را الگوی خود قرار دهند؟

اهل بیت به تصریح قرآن کریم دارای مقام عصمت بوده و از هرگونه آلودگی پاك و پیراسته می باشند: «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملا شما را پاك سازد» (احزاب، آیه ۳۳).

امامان معصوم و نیز حضرت زهرا(س) تمام شرایط الگو بودن و مقتدا بودن را دارا می باشند و عقل حکم می کند انسان دنباله رو کسانی باشد که به گواهی تاریخ و اعتراف دوست و دشمن گوی سبقت را در میدان کمالات و فضایل و خوبی از همه ربوده اند و همه خوبƠ...و پاکان و صاƠ...Ṣکمال ریزه خوار سفره خصال ن...Ùṣ...آنها می باشند. راهبرانی که با علم خداداد و لدنی کاملا با پیچ و خم راه سعادت آشنایند و خود این راه را تا آخر پیموده اند و با علم و قدرت الهی، توانایی دستگیری و راهنمایی رهروان این راه را دارند.

در الگوگیری، حضور یا عدم حضور افراد چندان مهم نیست ; بلکه چه بسا کسانی که در گذشته ای دور زندگی می کردند, بهتر از بسیاری از مصاحبان بتوانند الگو واقع شوند; لیکن

برای این کار باید از طریق بررسی تاریخ زندگی درس های لازم را فرا گرفت . گذشت چهارده قرن هم چیزی را عوض نمی کند; زیرا محور اصلی در الگوگیری اصول کلی تربیتی و ارزش های اخلاقی است که با مرور زمان پوسیده و کهنه نمی شود.

زندگی ائمه(ع) برای ما الگو است و پذیرش این مطلب و بیان این سخن گزاف و بیهوده نیست و لذا هم گوشه گوشه زندگی آنها برای ما روشن است و بیان شده و هم می توان همچنان از آنها الگو گرفت و پیروی نمود. و برای رسیدن به آن می توان کتب مشتمل بر معارف دین را که بسیار فراوان است مورد مطالعه قرار داد. نماز شب حضرت زهرا(س)، ساده زیستی آن حضرت، برخورد وی با نامحرم , پیروی کامل از فرامین دین، بها دادن به ارزشهای انسانی و معنوی در برابر معیارهای دنیوی و مادی و از خودگذشتگی و خود را فراموش کردن و هزار نکته دیگر که تنها یک دستورالعمل نیست بلکه بنیان رفتار فاطمی است برای همیشه می تواند سرمشق زندگی باشد.

سخنان ائمه(ع) در مورد کیفیت و شکل زندگی [نه سخنان معرفتی و تحلیلی آنها] برای هر انسانی قابل فهم و راهگشاست، کافی است به کتاب هایی که در مورد زندگانی ائمه(ع) نوشته شده مراجعه کنید و یا از کلمات گهربار آنها فیض ببرید تا زندگی شما رنگ دینی و الهی بگیرد. به هرحال در این مورد می توانید به کتاب های سیری در سیره ائمه(ع) تعلیم و تربیت، انسان کامل و سیری در سیره نبوی , نوشته شهید مطهری , مراجعه و از آنها بهره

مند شوید همین طور مطالعه کتب معتبر زندگانی ائمه هدی (ع) به خصوص کتابهای جناب آقای شهیدی و آقای آیتی و آقای سیدمهدی شمس الدین و یا کتب روائی که سخنان ائمه را جمع آوری نموده مانند کتاب فرهنگ سخنان حضرت زهرا(س) و یا نهج البلاغه، نهج الفصاحه، اصول کافی و تحف العقول استفاده کنید. شما با ترجمه این کتب می توانید خود از آن بهره برده و برنامه زندگانی خود را تنظیم کنید. پرواضح است که هر چه بیشتر به حق عمل کنید راه آگاهی جدیدتری به روی شما گشوده خواهد شد و به معرفت علمی و عملی شما افزوده می گردد.

نکته ای که در اینجا مهم و اساسی است این است که هر چند کامل بودن و بی عیب و نقص و کاستی بودن الگو در تربیت و رهبری انسان ها بسیار مؤثر است چون انسان به راحتی به آنها سر می سپرد و از آنها اطاعت می کند ولی وجود زمینه ها و بسترهای مناسب در فرد الگو گیرنده نیز دارای اهمیت ویژه ای است بنابراین باید خود انسان با سعی و تلاش و مجاهده و با پیروی از حجت و پیامبر و واعظ درونی اش یعنی عقل این زمینه را فراهم سازد تا سخنان و رفتار حجت بیرونی و خارجی یعنی پیامبران و امامان و بزرگان اهل کمال و معرفت در او تأثیرگذار باشند وگرنه در خود زمان پیامبر و امامان(ع) کم نبوده اند کسانی که دایما با آنها در تماس بوده اند و با آنها انس و معاشرت داشته اند ولی سرسخت ترین دشمنان آنها به شمار می آمدند و

بالاترین مخالفت ها و عنادها را با حق و حقیقت داشته اند. پس الگو داشتن لازم ولی غیر کافی است.

به عبارت دیگر باید هم فاعل (یعنی الگو) در فاعلیتش کامل باشد و هم قابل (یعنی الگو قرار دهنده) در قابلیتش کامل باشد تا الگو سازی مفید و نتیجه بخش باشد و چون الگوهای رفتاری ما یعنی اولیای الهی در فاعلیت و تأثیرگذاری کامل و بی نقص می باشند، این ما هستیم که باید قابلیت پذیرش در خود ایجاد کنیم تا بتوانیم خود را در معرض وزش نسیم رحمت و هدایت آنها قرار دهیم و غنچه وجود خود را شکوفا سازیم:

گوهر پاک بباید که شود لایق فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است ؟

پرسش

چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است ؟

پاسخ

گم کردن فلسفه حیات و معقول شدن به ظواهر زندگی مادی، باعث پدیدار شدن فرهنگی منحط و خطرناک درمسأله ازدواج است. فساد مترفان و عملکرد آنان در مطرح ساختن الگوهای دنیا پرستانه، از جمله ریشه های این پدیدهشوم است. امید آن که با الزام و تعهد مردم نسبت به ارزش های اسلامی، این مشکل برطرف گردد.

البته مطرح و تبلیغ شدن الگوهای مناسب برای زندگی نیز زمینه را برای رشد انحرافات فراهم کرده است.

برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟

پرسش

برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟

پاسخ

بر پا کردن مجلس عروسی واجب نیست البته آنچه به عنوان حکم مستحبی داریم ولیمه دادن است در هر صورتاگر می توانید جلسه عروسی با رعایت موازین شرعی یعنی بدون ساز و آواز حرام و کارهایی که در بعضی عروسی هاانجام می شود بر پا کنید اشکالی ندارد و الا در صورتی که ممکن است با مسافرت به مشهد مقدس کار را تمام کنید و اگرنمی توانید این هم واجب نیست. بعد از این که همسرتان را عقد کردید شرعاً می توانید دست او را بگیرید و به خانهبیاورید. رعایت حرف مردم لازم نیست خوش آمدن یا نیامدن مردم و حرف هایی که می زنند هیچ وقت نباید ملاکشما باشد. مسلمان باید ببیند چه کند تا

خدا از او راضی باشد.{

بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست ؟

پرسش

بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست ؟

پاسخ

}از دیدگاه ما روش های حل مشکلات و تحوّل فرهنگی را می توان این گونه طبقه بندی کرد:

الف) در درجه اول باید به تربیت و سازندگی نوجوانان و جوانان پرداخت.

ب) صدا و سیما نقش بارزی در این راستا دارد. بنابراین هر چه بیشتر باید بر روی فیلم های سازنده و جذابفرهنگی سرمایه گذاری کرد؛ چون محسوس است که بیشترین بیننده و شنونده را تلویزیون به خود اختصاص دادهاست و بهره وری از این ابزار باید فزون تر گردد. فیلم های سینمایی و ویدیویی وتئاتر نیز در این ردیف قرار دارد.

ج) ترویج فرهنگ قرآن در بین جوان ها، آشنایی و انس با قرآن و تفسیر آن از روش های خیلی مفید در این زمینهاست؛ چون قرآن کتاب بزرگ آسمانی ما است و از زیبایی و جاذبه خاصی برخوردار است و همه فرق اسلامی به آنگرایش دارند.

د) آموزش و پرورش و دانشگاه ها باید مورد توجه اکید مسؤولان نظام باشد و به ویژه کتابهای درسی را باید موردتوجه قرار داد و از محتوای لازم و جذابیت هر چه بیشتری برخوردار کرد.

ه) مطبوعات، روزنامه ها و مجلات نقش بارزی را در فرهنگ جامعه ایفا می کند. ازاین رو لازم است مطبوعات را باعناوین جذّاب و محتوای با ارزش و نیز با ویراستاری و آرایش هنری روانه جامعه کرد و حتی الامکان با قیمت ارزان دراختیار مردم قرار داد.

و) تابلوهای تبلیغاتی در راستای مسائل فرهنگی در نقاط حساس شهر نصب گردد. در این مسیر باید از تکنیک روزاستفاده کرد و از تابلوهای رایانه ای پیشرفته بهره بیشتری گرفت.

ز) ترویج فرهنگ کتاب خوانی و کتابخانه به گونه ای که در سطح شهرها و

روستاها هر کجا نیاز است کتابخانه ساختهشود و یا نمایشگاه های کتاب برگزار گردد تا با ارائه کتاب های با ارزش و علمی بتوان جوان ها را جذب کرد.

ح) خطابه های جمعه و محافل علمی و سخنرانی ها را نیز نباید دست کم گرفت. گرچه فیلم و نمایش نقش سازندهو بیشتری دارد؛ ولی سخنرانی های زنده و با محتوا نیز هم چنان ارزش خود را حفظ کرده است. بنابراین از برگزاری اینسخنرانی ها نباید دریغ کرد.{

دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم ؟

پرسش

دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم ؟

پاسخ

پیشنهاد ما به شما در راهنمایی ایشان چند چیز است که ان شاءاللّه با دقت، سعی در انجام آن داشته باشید:

الف) سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی ایشان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگردشایسته ای، با وی درباره نماز صحبت کنند.

ب) با عمل خویش انگیزش خواندن نماز را در او ایجاد کنید. سعی کنید شما و بقیه دوستانتان، نمازتان را در حضور ایشانبرگزار کنید و شور اشتیاق خود به نماز و راز و نیاز با خدا را هر چه بهتر به منصه ظهور برسانید.

ج) فلسفه نماز را در فرصت های مناسب بیان کنید؛ مثلاً سؤال و جواب هایی که قبلاً تهیه دیده اید، بین شما و بقیهدوستانتان و یا هر کس دیگری مطرح و جواب داده شود. البته لازمه اش مطالعه و پیش بینی قبلی است. به عنوان نمونهدر اینجا به چند جمله اشاره می شود: فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. جبلّت القلوب علی حبِّ مناحسن الیها ؛ قلب ها بر اساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است{M» و از آنجا که در اصل خدایسبحان خالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن اوست. بنابراین لازم است به اقتضای تکلیف فطری خودمان از قادر منّان تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیتیباشد؟ انبیای الهی روشنگر این حقیقت بوده اند و نبیّ

مکرّم اسلام نیز به نوبه خویش نماز را با این شکل و هیئت خاصبه ما معرفی فرموده اند. بنابر این همان گونه که پروردگار مهربان هر شب و روز، ما را رهین الطاف و برکات خویشگردانیده است، ما بندگان نیز موظّفیم هر چند ساعت یک بار در برابر محبوب قلب و عزیز دلمان بایستیم و از او نهایتسپاسگزاری و تشکر را بنماییم. نماز تشکر است، تواضع است، تجدید عهد با خداست، ابراز نیاز در برابر بی نیاز مطلقاست. نماز زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل است. نماز انسان را به خدا نزدیک و با او مأنوس می کند و اصولاً اگر نماز باتوجه و خشوع و حضور قلب ادا شود، به یقین در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را از زشتی ها و گناهان مصونیّتمی بخشد.

د) پیشنهاد دیگر اینکه تلاش کنید به هر کیفیت و طریقی شده، ایشان را به نماز جمعه و جماعت ببرید.

و) تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت ها در نزد ایشان صحبت کنید؛ مثلاً حضرت علی(ع) با همه شخصیت وگرفتاری هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز می پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی،علمی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید.

در ضمن مطالعه کتاب های ذیل در این زمینه مفید است:

۱- راز نماز محسن قرائتی

۲- پاداش های نمازگزاران

۳- داستانها و حکایت های نماز (۱)

۴- یکصد و چهارده نکته درباره نماز

چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟

پرسش

چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟

پاسخ

}در این باره باید جلسات و نشست های متعددی برگزار نمود و ضرورت، اهمیت، ابعاد و نتایج دانشگاه اسلامی رابرای دانشجویان برشمرد. سپس باید با یافتن راه های کاربردی نقش مهم دانشجویان در این زمینه را به آنان یادآور شدهو در جهت ایفای این رسالت بزرگ آنان را تحریض کرد.{

چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟

پرسش

پرسش

چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟

پاسخ

اگر مقوله فرهنگ به درستی شناخته شود، راه های رشد فکری نیز به روشنی نمایان خواهد شد. «فرهنگ» مجموعه ای از افکار، آداب، هنرها، آثار مکتوب، ارزش ها، هنجارها، نمادها و مقوله هایی از این سنخ است، با مطالعه و تحقیق درباره این عناصر راه رشد فرهنگی هموار می گردد. شناخت تاریخ گذشته تمدن اسلامی، آشنایی با دانشمندان بزرگ مسلمان و اندیشه های آنان، مطالعه آثار متفکران بزرگ اسلامی (مانند ابن سینا، ابن رشد، فارابی، ملایرومی، شهید مطهری و...) زمینه های رشد فرهنگی را فراهم می آورد.{J

چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطوفت , آنها را راهنمایی نمی کنند؟

پرسش

چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطوفت , آنها را راهنمایی نمی کنند؟

پاسخ

تعهد دلسوزانه شما درباره تصویر ارائه شده از دین در تبلیغات جای تأمل دارد. مسلما اگر روش های تبلیغ کارآمد نباشد، به جای تأثیر مثبت، اثر منفی خواهد داشت. بنای اسلام و دین الهی نیز بر رحمت و عطوفت است: رحماء بینهم . امید است با توجه به آنچه که شما نوشته اید، همگان با بیداری و هشیاری در صدد رفع نقیصه ها و مشکلات برآیند و نظام تبلیغاتی دقیقا منطبق بر حقیقت دین و چهره واقعی آن باشد. مسلما روش دعوت بهدین باید همراه با عطوفت باشد؛ وگرنه قهر و غلبه تغییری در بنیان شخصیتی فرد ایجاد نخواهد کرد.{J

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پرسش

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پاسخ

وجدان کاری در جامعه از چند طریق قابل حصول است:

۱- تقویت مبانی دینی و احساس مسؤولیت شرعی؛ این راه فطری ترین، سالم ترین و کارآمدترین راه شروع و تبلیغ «وجدان

کار» است.

۲- ایجاد نظم آهنین از طریق اعمال زور و سرنیزه؛ این روش اگر چه نظمی ظاهری را ایجاد می کند، ولی چون افراد از درون احساس مسؤولیت نمی کنند؛ نظمی شکننده به وجود خواهد آمد (مانند آنچه در شوروی سابق اتفاق افتاد).

۳- از راه تقویت حس مشارکت و منافع متقابل؛ این روش گرچه نسبت به روش دوم کارآمدتر است؛ ولی به دلیل گسترش منفعت گرایی فردی، جامعه را در وضعیت خطرناکی قرار خواهد داد.{J

چگونه می توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟

پرسش

چگونه می توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟

پاسخ

همه جوانان را نمی توان در یک طیف و دسته گنجاند و برای همه آنان راه کار واحدی را ارائه کرد ؛ خود شخص در ابتدا باید با مبانی عقلی و نقلی و مسائل تئوریک ولایت فقیه، شرایط اختیارات و جایگاه او و شبهات موجود در این زمینه آشنا باشد آن گاه با ریشه یابی وشناخت مشکل اساسی هر کدام از جوانان در ارتباط با ولایت فقیه و سپس ارائه راه حل های مناسب با آن بپردازد. مهترین سؤالات و شبهات موجود در مورد ولایت فقیه، عموما در مسائل و مضوعات ذیل خلاصه می شود:

۱- مبانی و زیر ساخت های نظری ولایت فقیه ارتباط دین و سیاست، نظام سیاسی، اجتماعی اسلام و...؛

۲- ادله دینی و خصوصی (آیات و روایات) که در این زمینه وارد شده است.

۳- امتیاز و برتری نظام ولایت فقیه بر دیگر نظام های سیاسی؛ مثل نظام های ریاستی، پارلمانی، توتالیتاریسم و...؛

۴- شرایط و اختیارات ولی فقیه که آیا مطلقه است یا محدود؟ فراتر از قانون اساسی است یا مقید به آن؟ و آیا قلمرو اعمال ولایت، جهان اسلام است یا جمهوری اسلامی ایران و...؟

۵- عملکردهای کلان نظام ولایت فقیه آثار و نتایج آن در سطوح و ابعاد مختلف.

۶- بعضی از انتخابات درباره عملکردهای مسؤلان مملکتی و وجود مشکلات و مفاسد اجتماعی مانند تبعیض، فقر، فساد اداری و... ؛

پس باید به صورت دقیق نوع مشکل جوان را شناسایی کرد و متناسب با آن پاسخ های منطقی، علمی و مستند ارائه نمود مثلاً

برای جوانی که ولایت را (به دلیل میل به سکولاریسم).

در ابتدا باید

به صورت روشن سکولاریسم را از دیدگاه اسلام نقد نمود و با استدلال های قانع کننده این نظریه را رد کرد هم چنین برای جوانی که وجود پاره ای از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... باعث به وجود آمدن شبه در عقیده او به ولایت شده باید ضمن بیان دقیق فلسفهوجودی و اهداف حکومت دینی به آثار و نتایج مثبت و ارزنده ولایت فقیه اشاره کرد. از قبیل پیروزی در انقلاب اسلامی و در جنگ تحمیلی حفظ استقلال، تمامیت ارضی، منافع ملی و امنیت ملی پیشرفت های علمی، صنعتی و... مطرح شدن به عنوان ام القرای جهان اسلام و کانونمبارزه علیه استکبار جهانی و یک کشور مهم و تأثیر گذاری در معادلات منطقه ای و جهان و...

در صورتی که پاسخ ها و استدلات شما برای آن جوان قانع کننده نبود، می توانید با معرفی یا در اختیار گذاشتن کتاب های مفید در این زمینه به تقویت بنیه علمی و نظری و حل شبهات کمک نمایید.

بعضی از کتب های مفید در این زمینه عبارت است از:

۱- امام خمینی ولایت فقیه، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

۲- جوادی آملی، ولایت فقیه، نشر اسراء.

۳- نبی الله ابراهیم زاده آملی، حاکمیت دینی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

۴- مصباح یزدی، پرسشها و پاسخ ها، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵- عبدالحسین خسروپناه، جامعه مدنی و حاکمیت دینی انتشارات وثوق.

۶- محسن غرویان، پرسشهای فکری و دینی جوانان، نشر مؤسسه فرهنگی یمین.

۷- علی شیرازی، پاسخ به شبهات پیرامون ولایت فقیه، نشر دارالصادقین.

۸- کاظم قاضی زاده، اندیشه های فقهی سیاسی امام خمینی، مرکز تحقیقاتی استراتژیک ریاست جمهوری.

۹- احمد جهانی بزرگی اندیشه های

فقهی سیاسی امام خمینی، پژوهشکده و فرهنگ و اندیشه اسلامی. {J

علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست ؟

پرسش

علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست ؟

پاسخ

این که جوانان کشور به اسلام، مسائل معنوی بی رغیت شده اند، تعبیری درست و مطابق با واقع نیست و بحمداله جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و... عملاً به اسلام و ظواهر دین پایبند هستند و آمار و ارقام نیز این موضوع را تأیید می کند. از طرفی مایه هایتشکیل دهنده هویت فرهنگی جامعه اسلامی ما، از استحکام و توانایی زیادی برخوردار است و جوانان کشور در برابر آسیب ها و خطرات فراوان در طول تاریخ حداقل در طول بیست و چند سال گذشته مقاومت کرده اند و هر موقع به فداکاری، ایثار و حضور آنان نیاز بوده، ازارزش های دینی و اخلاقی دفاع کرده اند. لیکن باید توجه داشت که همواره آفاتی جوانان ما را تهدید می کند و گاهی انسان به سبب اختیاری که دارد، تحت تأثیر عوامل شیطانی مختلف، گاهی به این سو و آن سو کشیده می شود و شیطان های ظاهری و باطنی نیز همیشه و در طول تاریخ،به دنبال به انحراف کشاندن اهل ایمان بوده اند؛ ولی در عین حال می توان به بعضی عواملی که باعث کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی از جوانان به مسائل معنوی و ارزشی شده، اشاره کرد.

۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه،

۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیرخودی در عرصه مطبوعات کشور،

۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۴- تلاقی با فرهنگ بیگانه در پرتو توسعه و تأثیرگذاری آن بر عناصر داخلی،

۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از

سوی برخی از عناصر داخلی، حتی در سطح برخی از مسؤولیت های اجرایی و فرهنگی کشور.

J}

چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت ؟

پرسش

چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت ؟

پاسخ

متأسفانه علی رغم این که بسیاری از ارزش ها و دستاوردهای انقلاب از پشتوانه های مستحکم و دقیق برخوردار می باشد، نسل اول انقلاب و به خصوص دستگاه های فرهنگی و... در انتقال این ارزش ها به نسل دوم انقلاب و حتی تعمیق این ارزش ها برای نسل اول انقلابسهل انگاری و کم کاری هایی داشته اند که این خود به عواملی از قبیل:

۱- مشکلات پس از انقلاب مانند جنگ و توجه به مسائل اقتصادی و...

۲- جدید و نوبودن نظریه ولایت فقیه به شکلی که حضرت امام توانستند از آیات و روایات و ادله و منابع کلامی و فقهی استخراج نموده و آن را در جامعه اسلامی پیاده سازند.

بنابراین در سال های اول انقلاب طبیعی بود که از نظر علمی و فرهنگی انتشار و تعمیق این اندیشه سیاسی در جامعه با کندی پیش رود هر چند در مجامع علمی و فقهی مورد توجه و قبول علماء و اندیشمندان بود. اما در سال های اخیر تلاش های بسیاری صورت گرفته تاکتاب های مناسب و قابل فهم برای گروه ها و صنف های مختلف جامعه در خصوص این موضوع و حل شبهات آن نگاشته شده و در دسترس عموم قرار دارد. در هر صورت بهترین راه ها برای توجه جوانان به این مسائل:

اولاً؛ بازگو نمودن آثار و نتایج مثبت نظریه ولایت فقیه از قبیل پیروزی در انقلاب اسلامی و در جنگ، حفظ استقلال، تمامیت ارضی، منافع ملی و امنیت ملی، مطرح شدن به عنوان ام القرای جهان اسلام و کانون مبارزه علیه استکبار جهانی و... و همچنین بازگو نمودن وضعیتکشورهای مشابه ما که به دلیل فقدان نظام ولایت فقیه در بدترین اوضاع اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و... بسر

می برند.

ثانیا؛ معرفی کتاب های مختصر جذاب و مفیدی که در این زمینه نگاشته شده برای تقویت بنیه علمی و نظری و حل شبهات جوانان می باشد. نکته اساسی دیگری که در این زمینه راه گشاست بررسی ماهیت نظام سیاسی اسلام و تفاوت های بنیادین آن با دیگر نظام های سیاسیاست.

ضرورت وجود «ولایت فقیه» در نظام اسلامی بدون شناخت ماهیت حکومت دینی، لوازم و کار ویژه های آن در مقایسه با دیگر نظام های سیاسی سکولار(Secular)، لائیک(Laic) و بی اعتنا به دین امکان پذیر نیست. اکنون به اختصار پاره ای از تفاوت هایبنیادین نظام های دینی و غیردینی را مرور می کنیم تا در پرتو آن بتوانیم پاسخ پرسش بالا را دریابیم.

۱ منشأ حاکمیت: رژیم های نامبتنی بر دین، اعم از مردم سالار (Democratic)، فردسالار(Monarhy)، الیگارشی (Oligarchy) همچنین رژیم های فردگرای لیبرال(Liberal) و یانظام های سوسیالیستی و کمونیستی همه و همه به یک معنا دولت های حداقلی(Minimal) هستند، هر چند این گونه نظام ها براساس میزان دخالت در آزادی های فردی به رژیم های حداقلی و حداکثری و تمامیت خواه(Totalital) تقسیم پذیرند، لیکن با توجه بهاین که اساسی ترین هدف آنها تأمین نیازمندی های دنیوی است و هدفی فراتر از آن در نظر ندارند، ازاین رو می توان همه آنها را دولت های حداقلی و یا تک منظوره(Monoplau) به حساب آورد. در مقابل نظام دینی هر دو عرصه حیات بشری را منظور می دارد و علاوه برنیازمندی های این جهان، تأمین خیر و سعادت اخروی و جاودانی را نیز هدفگیری می کند.

۲ تفاوت در کار ویژه های دولت: وظایف و کارکردهای (Functions) نظام های غیردینی نیز متناسب با هدف آنها قلمرو محدودی دارد. یعنی اساسی ترین وظیفه آنها تأمین بهداشت، آموزش، امنیت، رفاه وتوسعه (Development) مادی تأمین آزادی و یا عدالت اجتماعی است. در مقابل وظایف حکومت دینی گستره ی وسیع تری دارد، یعنی

علاوه بر لزوم ارایه خدمات بالا باید به برنامه ریزی صحیح و تلاش در جهت تربیت دینی و معنوی جامعه و ایجاد بستر مناسبجهت رشد و بالندگی فضایل و کمالات عالیه انسانی و گسترش تقوی همت گمارد و امور جامعه را همسو با تأمین سعادت پایان و فناناپذیر هدایت و رهبری کند.

۳ تفاوت در روش ها و قوانین: روش های اجرایی نظام های سکولار و دینی در پاره ای از موارد تفاوت بنیادین دارد. تفاوت در اهداف و کار ویژه ها لاجرم در گزینش شیوه ها کارگر خواهد افتاد. در نظام های بی اعتنا به دینجستجوی اهداف مادی صرف عقلانیت ابزاری(Instrumental Reason) را عمده ترین مرجع تصمیم گیری قرار می دهد. تکیه اساسی بر خواسته های مادی و هواهای نفس اماره آدمی و میدان داری انحصاری خردابزاری در بسیاری از این رژیم ها تابدان جا پیش می رود که شعار «هدف وسیله را توجیه می کند» و صدرنشین هنجارهای معمول بین سیاستمداران می گردد. اما در حکومت دینی استفاده از روش های معارض با ارزش های والای اخلاقی کرامت الهی انسان و آنچه ویرانگر سعادت جاودانی بشر شناخته شود مجاز نیست،از همین رو خردابزاری در کادر هنجارهای الهی و احکام عقل کل نگر توحیدی فعالیت می کند.

در حکومت دینی تنها روش ها و قوانینی رسمیت دارد که از سوی خداوند جعل شده و یا لااقل با اصول و قواعد مورد قبول شارع سازگار باشد. از همین رو کارکرد عمده مجاری قانون گذاری در چنین نظامی کشف و استنباط قوانین الهی و یا تطبیق آنها بر مقتضیات ونیازمندی های زمان است.

۴ تفاوت در زمامداران و کارگزاران: رهبری هر جامعه ای متناسب با ارزش ها و آرمان های جامعه و اهداف اساسی حکومت در آن جامعه تعیین می شود. از این رو در نظام های لائیک و سکولار اگر شرایطی

پیش بینیشود چیزی افزون بر توانایی مدیریت کلان اجتماعی مورد توجه نیست. اما در نظام اسـلامی شـرایط بیشتری لازم است که اصول آنها عبارت است از:

۱) صـلاحیت علمی، که عمـدتا نـاظر به درک نیازمنـدی های جامعه و نیز شـناخت دقیق آموزه های فقهی و حقوقی اسـلام در همه ابعـاد و مسائل فردی و اجتماعی است. زیرا فرض آن است که آنچه در جامعه اسـلامی ملاک عمل و قانون قرار می گیرد همان قوانین الهی است.بنابراین وجود رهبری که توانا بر استنباط احکام الهی در مسائل خرد و کلان اجتماعی بوده و بتواند در مسائل مختلف حکم دینی را کشف و به اجراء درآورد کاملاً ضروری می نماید.

ممکن است گفته شود مجلس شورای اسـلامی و شورای نگهبان برای این امر کافی است. در حالی که چنین نیست، این مسأله علل متعددی دارد که پاره ای از آنها در مطالب بعدی آشکار خواهد شد.

۲) صـلاحیت اخلاقی، یعنی التزام و پای بندی جدی به هنجارها و ارزش های دینی و اخلاقی، پیراسـته بودن از اوصاف رذیله، دوری از هواپرستی و خودخواهی و دنیاطلبی، که اصطلاحا از آن به عدالت و تقوی تعبیر می کنیم.

رهبر یـک جامعه اسـلامی را نشایـد که فاقـد ارزش های عالیه اخلاقی باشـد، زیرا چنین فردی هرگز نمی توانـد کارکرد مثبت تربیتی و اخلاقی که از اهـداف نظام اسـلامی است داشـته باشـد. معمولاً انسان ها الگوپـذیری شدیدی از اخلاق، سـیره و منش زمامـداران دارنـد، چنانکه پیامبراکرم(ص) فرمودند: الناس علی دین ملوکهم ، (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۷) بنابراین کسی که الگوی درستی برای جامعه نباشد نمی تواند در رأس نظام اسلامی قرار گیرد.

۳) کفایت در مدیریت کلان اجتماعی، منش صحیح سیاسی و اجتماعی، شجاعت، تدبیر و هوشمندی، حد

اعلی و ایـده آل این ویژگی هـا را در شـخص معصوم می توان یـافت و در عصـر غیبت به نیابت از امام معصوم(ع) کسـی باید عهده دار زمامداری جامعه اسـلامی باشد که حدنصاب لازم از ویژگی های پیش گفته را دارا باشد. کسی که صلاحیت علمی و اخلاـقی و مـدیریتی لاـزم برای اداره کلاـن جـامعه براساس احکام و هنجارهای الهی را دارا باشـند اصـطلاحا «ولی فقیه» می گوینـد. ازاین رو در قـانون اساسـی آمـده است: اکنون اگر قرار باشـد ولی فقیه در رأس نظامنباشـد یکی از دو کار بایـد انجام گیرد:

۱/۳ رئیس جمهور دارای همه صـلاحیت هـای لاـزم رهبری باشـد. در این صورت همـان ولاـیت فقیه را اعمال کرده ایم با این تفاوت که اولی فقیه رئیس قوه مجریه نیز قرار داده ایم. بنابراین نقش او را در امور اجرایی پررنگ تر کرده و در واقع به سمت یک نظامتمرکز(Centralized) حرکت کرده ایم.

۲/۳ ولی فقیه نقش مشـاور برای رئیس قـوه مجریه داشـته باشـد و در مسائـل کلاـن حکومـتی نظر او را راهنمـایی کنـد. در این صورت دو فرض پدید می آید:

۱/۲/۳ یـا اینکه رئیس جمهور موظف به اجرای منویـات او است، در این صورت این همـان ولاـیت فقیه است، زیرا او بر رئیس قوه مجریه ولایت دارد.

۲/۲/۳ رئیس جمهور موظف به پیروی از منویات او نباشد، در این صورت رعایت احکام الهی تضـمین نشده و دیگر اسـلامیت نظـام از تضـمین کـافی برخوردارنخواهـد بـود. به همین ترتیب می توان افزون بر آن ولاـیت فقیه کارکردهـای مهم دیگری نیز دارد، از جمله: ایجـاد تعـادل و همـاهنگی بین قوا. این مسأله در نظام های مبتنی بر تفکیک قوا(Decenteralized) همواره یکی از مهمترین معضلاتبوده و عملاً موجب دخالت روزافزون قوه مجریه در دیگر قوا شده است، به طوری که

طرفداران لیبرالیسم جدید(Neo Liberalism) به برتری قوه مجریه گراییـده اند. ولی فواید هماهنگی قوا در نظام جمهوری اسـلامی خـارج از سه قوه یعنیتوسط ولی فقیه انجام می شود و بدینوسـیله از برتری جویی قوه مجریه بر دیگر قوا جلوگیری می شود. لیکن رعایت اختصار ما را از بررسی و تفصیل آن معذور می دارد.

برای آگاهی بیشتر نک:

۱- فلسفه سیاست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۲- لیبرالیسم در ایران، شهریار زرش

علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست ؟ و راه حل آن کدام است ؟

پرسش

علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست ؟ و راه حل آن کدام است ؟

پاسخ

مشـکل بی اعتنـایی به ارزش هـای معنوی، ناشـی از اراده و اختیـار خود انسان است. خداونـد می فرمایـد: انا هـدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا ، (انسان، آیه ۳). متأسفانه بسیاری از افراد تحتتأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش های نفسانی، راه ضلالـلت و گمراهی را بر می گزیننـد. قرآن در این زمینه فرموده است: لقـد خلقنـا الانسـان فی احسن تقویم * ثم رددناه اسـفل سافلین ،(تین، آیه ۴ و ۵). متأسـفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجـد شـده است. هر چند مردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصـیتهای روحانی مانند حضـرت امام ومقام معظم رهبری و بسیاری از شخصـیت های دیگر که هیـچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زنـدگی کاملاً ساده و در سـطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده اند، دارند. جدایی عده ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، ازجمله:

۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان در دسـتگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است.

۲. برخی از رفتارهـا و برخوردهـا ناصـحیح و مخالف شـرع در بیان احکام شـرعی، موجبات بـدبینی عـده ای از افراد خصوصـا جوانـان را فراهـم آورده اسـت، حضـرت امـام(ره) و رهـبر معظـم انقلاـب بارهـا خطر این گـونه افراد را متـذکر شـده و در این خصوص می فرمایند:

«معنایتحجر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملّت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظهاست، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۱۳۷۶).

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است.

۴. حل نشدن بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشمروحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند.

مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت پرداخته اند اما کارها و اقدامات انجام شده را می تواندر دو بعد، مورد بررسی قرار داد.

الف) اقدامات نظری و اندیشه ای:

۱- تقویت و تثبیت ارزشهای اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنرانی های مفید و پرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و اداراتبرگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح

شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است.

۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی ازانحرافات اخلاقی و اعتیاد و بالا بردن درک و شناخت و قدرت تحلیل جوانان و شناساندن عوامل مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماعی و جدا نمودن برخی افراد روحانی نما و متحجر از سایر روحانیون وارسته، دلسوز و متعهد.

۳- از آن جا که تهاجم فرهنگی بیشتر فکر و فرهنگ و اندیشه افراد یک جامعه را مورد هجوم خود قرار می دهد در این راستا مؤسسات و دستگاههای فرهنگی اقدامات بسیار شایسته ای را در جهت مصونیت بخشیدن و زدودن آثار مخرب فکری و فرهنگی تهاجم فرهنگی بااستفاده از محققین و متفکران و صاحب نظران علوم انسانی انجام داده اند که به برخی از آنان اشاره می نماییم :به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۷ تعداد ۳۶۰۹ عنوان کتاب در مورد دین و معارف اسلامی با تیراژی در حدود ۲۰۷۷۹۹۳۵ جلد و همچنین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قمتاکنون بیش از هزار عنوان کتاب با تیراژ بالا در زمینه های مختلف فرهنگی و علوم اسلامی منتشر نموده است هم اکنون بیش از ۱۸۰ مؤسسه در سطح قم در زمینه های تحقیقاتی اطلاع رسانی و... با همکاری محققین زبده فعال می باشد. نتایج و دستاوردهای بسیار چشمگیر و مثبتی رابه دنبال داشته اند و در ارائه معارف دینی واندیشه های اسلامی از پیشرفته ترین تکنولوژی های پیشرفته و با جدیدترین شیوه استفاده می شود

سعی شده با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نموده و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگاسلامی فراهم سازند تا اوائل سال ۷۹ تعداد ۱۵ سایت (پایگاه) جهانی به وسیله شیعیان و ۱۳ سایت توسط اهل سنت ایجاد شده است (به نقل از مجله نگاه حوزه شماره ۶۲، ۵۹ ص ۱۵۱).

یکی از ملموس ترین اثرات و پیامدهای این اقدامات فکری و اندیشه ای ناکارامدی تهاجم فرهنگی دشمن برای القاء شبهه در خصوص ناکارامدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی و تلاش در جهت سکولار کردن و لائیک نمودن جامعه دینی ایران بود چنانکه شاهدهستیم به خاطر ارائه پاسخهای دقیق علمی و مستدل در این زمینه ها عناصر شبهه افکن مانند سالهای قبل دیگر مجال و عرصه ای برای جولان دادن نمی یابند و در واقع در مهمترین رکن تهاجم فرهنگی دشمن دچار شکست شده است و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق افرادجامعه ما همه خواهان اجرا و تحقق حکومت عدل علوی و عمل شدن به ارزش ها و احکام اسلامی می باشد و انتقادهایی نیز که به مسؤلین ایراد می نمایند در این خصوص می باشد که این خود یکی از آثار مثبت نامگذاری سال ۷۹ به نام سال علی(ع) و سال ۸۰ به نام رفتار علوی(ع) کهبواسطه معرفی شیوه ها و ارزشهای حکومتی امام علی(ع) که از طریق مقالات و کتابهای متعددی که در این زمینه ارائه شد می باشد.

۴- تهیه برنامه های جذاب مفید و سالم و تفریحی از طریق دستگاههای فرهنگی و صدا و سیما به عنوان نمونه رادیو جوان با برنامه های جذاب و متنوع به صورت سراسری در

سال ۷۷ در حدود ۷۶۱۶ ساعت برنامه داشته که از مجموع آن ۱۷۰۱ ساعت فرهنگی و ۱۲۳۸ساعت معارف اسلامی و ۸۵۹ ساعت اجتماعی بوده است در همان سال مجموعه شبکه های اول و دوم و سوم و چهارم و شبکه تهران و مراکز شهرستانها ۳۸۵۹ ساعت فرهنگی ۲۹۸۰ ساعت معارف اسلامی و ۷۱۵۳ ساعت اجتماعی و شبکه های سحر و جام جم ۳۸۶ ساعت برنامه هایفرهنگی ۵۸۷ ساعت برنامه های اجتماعی و ۲۸۳ ساعت معارف اسلامی داشته اند. (منبع گزارش فرهنگی کشور ۱۳۷۷ مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهش های فرهنگی و هنری).

ب) اقدامات عملی:

۱- برخورد قانونی با عوامل داخلی دشمن از قبیل روزنامه ها و گروه های معاند و شبهه افکن.

۲- تقویت نیروهای نظامی و انتظامی از نظر کمی و کیفی در مقابله با باندهای فساد و اشراری که در صدد ایجاد ناامنی در مناطق مرزی کشور بوده و سعی در گسترش اعتیاد و بزهکاری در میان جوانان در راستای اهداف شوم تهاجم فرهنگی داشته اند که در این زمینه نیروی انتظامیبیش از سه هزار شهید تقدیم انقلاب می نماید که این خود نشانگر عزم نظام در مقابله با مظاهر و ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی می باشد.

۳- از آن جا که فقر و مشکلات اقتصادی و اجتماعی از زمینه های مهم در تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی می باشد برنامه ریزی های گسترده ای در جهت حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم خصوصا قشر جوان از قبیل (اشتغال، مسکن، ازدواج و...) انجام شده و یا در دست اقداممی باشد.

۴- مبارزه با مفاسد اداری و مالی و برخورد قاطع با متخلفان که در این راستا فرمان مبارزه با فساد مقام معظم رهبری به سران سه قوه در تاریخ ۱۰ /۲ /۱۳۸۰

صادر شد.

۵- برگزاری مسابقات حفظ و قرائت قرآن مجید و نهج البلاغه و اردوهای سیاحتی، زیارتی و تفریحی خصوصا در ایام تعطیل و عید به مناطق جنگی که با استقبال میلیونی جوانان و دانشجویان هر ساله روبرو بوده و در انتقال ارزشهای اسلامی و انقلابی به قشر جوان تأثیر زیادی داشته. در پایان ذکر این نکته لازم است که اقدامات فوق به معنای عدم آسیب پذیری افراد جامعه از تهاجم فرهنگی نمی باشد زیرا قطعا تهاجم فرهنگی توانسته است برخی آسیب های اجتماعی و فرهنگی را به کشور ما وارد کند همچنانکه متأسفانه ما شاهد تقلید برخی از جوانانکشورمان از الگوهای فرهنگ غرب در قالب گروههای موسوم به رپ و هوی متال و.. می باشیم اما در مقابل ارزیابی و قضاوت باید با دیدی کلان مسأله را مورد بررسی قرار داد لذا اولاً باید این قبیل معضلات و ناهنجاری ها را با اهداف دشمن (شکست نظام اسلامی و دور نمودن جامعهاز دین) و بودجه ها و اقدامات وسیع نرم افزاری و سخت افزاری او سنجید. ثانیا، نقاط مثبت و خیلی عظیم جوانان پاک و با تقوی را دید که در مقابل این طوفان سهمگین تهاجم فرهنگی پایدار و مقاوم مانده اند ثالثا حمایت مردم از نظام جمهوری اسلامی ایرا

چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است ؟

پرسش

چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است ؟

پاسخ

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود.

الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای

۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی بر اساس تعیین بوده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایی، مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها وارزش های دینی، فزون سازیم و به تعیین منطقی دست یابیم. مثلاً در زمینه عقاید، یک سلسله باورهای درست و تعیینی را به دیگران عرضه و برای آنها روشن و ثابت کنیم (هستی شناسی). در زمینه ارزشی ها، وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بیپایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند، آشکار سازیم، (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق).

هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و امور گناه و حرام خوب جلوه داده، تقیّد به مسائل شرعی را تضعیف کنند، ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم.

از همه مهم تر این که برابر کسانی که اصل وجود یقین را یک ضد ارزشی تلقی می کنند و از شکّاکیت و نیت در معرفت تبلیغ می کنند، امکان معرفت یقینی را ثابت کنیم و از این رهگذر» عقاید دینی و ارزش های اسلامی را از یک پشتوانه معرفت شناختی برخوردارسازیم.

۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و

ملّی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و...

۳. تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ به مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... .

ب. راه کارها و اقدامات عملی:

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های جاذبه دار مفید و سالم به وسیله تشکّلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان؛

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدن و حل مشکلات روحی، اقتصادی و مالی دانشجویان، فراهم نمودن زمینه های ازدواج دانشجویی و...؛

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و...؛

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذّاب، ارائه فیلم های خوب و مفید و... .

اما در پاسخ قسمت دوم سؤال باید گفت که: هدف از تأسیس و راه اندازی این مرکز، ارائه راهکارهای فرهنگی در جهت مقابله با مشکلات فرهنگی موجود در دانشگاه ها است. مجموعه اقدامات و وظایف این مرکز، عبارت است از برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بهصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و... اعزام مبلغان و روحانیون فاضل و اندیشمند به دانشگاه ها، برگزاری اردوهای تفریحی، علمی و زیارتی، تهیه و تکثیر جزوات و مجلّات مختلف و گوناگون، ارائه خدمات سمعی و بصری و... گفتنی استکه دفاتر نمایندگی ولی فقیه مستقر در دانشگاه ها، آماده استقبال و ارائه کمک های مختلف در زمینه های یاد شده در حدّ توان و امکانات می باشند.{J

برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

باید عنایت داشته باشیم که تمام فعالیت های فردی و اجتماعی یک دانشجو باید بر محور دانش اندوزی دور بزند و هر عملی که چنین ثمره ای را در پی ندارد باید رها کنید و آنگونه که از نام دانشجو پیداست همیشه در پی دانش است و جویای علم می باشد، لذا به برگزاریکنفرانس های علمی، ارائه برنامه های معرفتی، برگزاری اردوهای علمی و تهیه مقالات علمی همت

بگماریـد و این کار را از یک جمع چنـد نفره متعهد و پای بند و دقیق می توان آغاز کرد و به گروه های بزرگتر گسترش داد. همانگونه که خود می دانید در کنار علم اندوزی، تقوا و برخورداریاز سرمایه زهد و اخلاق نیکو و پاکی نیز برای یک دانشجو ضروری است که علم بدون تقوا جز ضرر و آسیب پیامدی ندارد، لذا در تهذیب نفس نیز باید بکوشید و پابه پای علم اندوزی به سوی پـاکی و طهارت دل خود نیز اهمیت بدهیـد و در اجتماع دانشـجویی نیز این گونه فعالیت هاییکه دانشـجویان را به این سو [دین داری و تقوا] دعوت می کند و باعث افزونی سـطح دین داری و زهدورزی آنها می گردد برگزار کنید. مانند مراسـم مذهبی، نماز جماعت در اول وقت و با حضور قلب، روزه های مستحبی گروهی، قرائت قرآن، برپایی مراسم دعای ندبه، کمیل و حتی وقتیجهت مناجات گروهی با خداوند و باز کردن دریچه دل به سوی منبع فیض لایزال الهی و...

پس باید در تمام صـحنه های فردی و گروهی باید در پی علم اندوزی و تحصـیل طهارت باطن بود و رفتارهایی که شـما را به این سوی می خواند و این گونه پیامدهایی دارد را انجام دهید.{J

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پرسش

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پاسخ

برای انجام امور دینی توجه به راهکارهای زیر ضروری است:

۱- اعتقاد به این که تنها راه سعادت مند شدن عمل به احکام دینی و تقویت ایمان است.

۲- سـعی کنیـد با ایجاد ارتباط با دوسـتانی مؤمن و جداشـدن از دوسـتان ناباب (در صورتی که با چنین افرادی ارتباط داریـد) زمینه انجام احکام الهی را در خود تقویت کنید.

۳- سعی کنید برای انجام امور عبادی و دینی بیشتر به مراکز مذهبی مثل مسجد، حسینیه ها و... بروید.

۴- در انجـام کارهـای عبادی سـعی کن افراط و زیاده روی نکنیـد سـعی نماییـد ابتـدا به انجام واجبات و ترک محرمات اکتفا کنید.

۵- کارهـایی که واجب است انجـام دهیـد و همچنین کارهـایی که انجام آن حرام است فهرست کنیـد و هر روز ان فهرست را مرور کنید..

۶- سعی کنید مشغول هر کاری که هستید هنگام نماز دست از کار بردارید و نماز را در اول وقت انجام دهید.

۷- با خودتان شرط کنید که اگر واجبی را ترک کردم یا به موقع انجام ندادم مقداری پول باید به عنوان جریمه صدقه بدهم یا

یک روز روزه بگیرم.

۸- هر گاه موفق شدید وظیفه دینی خود را انجام دهید سر به سجده شکر بگذارید و از خداوند تشکر کنید که توفیق انجام تکلیف را به شما عطا کرده و از او بخواهید که همیشه خداوند توفیق انجام وظیفه را به شما عطا کند.

۹- به خودتان تلقین کنید که می توانم در انجام وظایف دینی ام موفق شوم.

۱۰- اگر گهگاهی موفق نشدید مأیوس نشوید دوباره اقدام

کنید.

اما این که فرمودید چگونه همه را از خودم راضی کنم البته اینکه انسان بتواند به گونه ای رفتار کند که جلب توجه دیگران شود و دیگران از او راضی باشند بسیار خوب است ولی واقعیت اینست که ما نمی توانیم همه افراد را از خودمان راضی کنیم بنابراین بهترین راه اینست کهسعی کنیم خداوند را از خودمان راضی کنیم و هیچ گاه رضایت دیگران را بر رضایت خداوند ترجیح ندهیم ممکن است بعضی افراد از ما راضی شوند که ما مرتکب گناه شویم یا اینکه واجبات دینی را انجام ندهیم و اگر خدای ناکرده ما چنین افرادی را راضی کنیم به قیمت خشم وغضب الهی به ما تمام خواهد شد و چنین کاری هرگز شایسته نیست اما در عین حال انجام راهکارهای در جلب علاقه دیگران به شما مؤثر است:

۱- در مقابل دیگران متواضع باشید و به آنهااحترام بگذارید.

۲- در سلام کردن سعی کنید زودتر سلام کنید.

۳- اگر مشلکی برای آنها پیش آمد به آنها کمک کنید و در صورت عدم توانایی حداقل ابراز همدردی کنید.

۴- از خطای دیگران چشم پوشی کنید و آنها را ببخشید.

۵- اگر توانایی دارید هدیه ای ولو کوچک برای آنها تهیه کنید.

۶- با دیگران با گشاده رویی برخورد کنید.

۷- از برخوردهای تند و عصبی اجتناب کنید.

۸- نسبت به دیگران دلسوز و مهربان باشید.

۹- در کارهای اجتماعی و همچنین کارهای منزل مشارکت داشته باشید.

۱۰- از تکبر و دوری از دیگران و همچنین از گوشه گیری و انزواطلبی جدا پرهیز کنید. {J

با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده

چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

چاره کـار در افزیش انگیزه و ارتقاء سـطح انگیزش است تا شـما را به انجام آنچه می خواهیـد سوق دهـد انگیزش نیز از طرق مختلف ارتقـاء می یابـد که یکی از بهترین روشـها افزایش سـطح آگاهی و اطلاع است. لـذا برای افزایش سـطح انگیزش خود نسبت به نماز جماعتلازم است ابتـدا به اهمیت، نقش و تأثیر مثبت نماز جماعت در زنـدگی بیشتر آگاهی پیدا کنید و از سوی دیگر علم و آگاهی خود را نسـبت به تأثیر ترک نماز جماعت افزایش دهیـد اگر شـما بدانید که نماز جماعت چه تأثیرهای در زندگی دنیوی و اخروی شـما دارد و قبل از آن توجه کنیدکه ارزش قائل شدن برای نماز جماعت نوعی اهتمام به نظر خداوند و جلب رضایت اوست دیگر هرگز رضایت خود و دیگران را بر رضایت خداونـد مقـدم نمی داریـد و برای پرهیز از خجالت و خود را شـرمنده نساختن! دستور خدا را رها نمی کنید. اگر خدای ناکرده روزی مادرتان مریضشود و در این بیماری احتمال از دست دادن او می رود و از طرف دیگر نجـات او اقتضاء می کرد که در بین صف جماعت به مردم التماس دعا بگوئیـد آیا باز هم به بهانه خجالت کشـیدن مادرتان را تسـلیم مرگ می سازید؟ نه هرگز، نه، چون نجات مادرتان از هر چیزی برای شما مهم تر است.حال در اینجا هم اگر اطاعت از خداوند و عمل به آنچه او دوست دارد، عمل مسـتحبی می تواند برای شما از همه چیز اهمیّت بیشتری داشـته باشـد و به هیـچ قیمتی حاضـر به ترک آن نیستیـد و نمی شوید. اشـکال اساسـی اینجاست که ما هنوز به اهمیت و تأثیر

اینگونه اعمال عبادی درسرنوشت و سعادت انسانها پی نبرده ایم و چون آنها را کم اهمیّت می بینیم و می پنداریم به آنها اولویت نداده و اهتمام جدی نسبت به آنها نداریم و به اموری که آنها را مهم می شماریم مانند کار، مطالعه، بازی و... سرگرم می شویم. و لذا نماز اول وقت را به آخرین فرصت ها حواله داده و بهکار خود ادامه می دهیم. برای آشنایی بیشتر خوب است به مطالعه کتاب های زیر بپردازید تا بیشتر به تأثیر نماز و نماز جماعت و نماز اول وقت آگاه شده و آنگاه به آن اهتمام بیشتر بورزید:

۱- صلاه الخاشعین، نوشته شهید دستغیب

۲- ترجمه آداب الصلاه، نوشته حضرت امام خمینی {J

بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟

پرسش

بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟

پاسخ

مشارکت سیاسی و تحلیل سیاسی یک حق طبیعی است و از دگر سو مشارکت در امور سیاسی بدون داشتن بینش و آگاهی های سیاسی لازم تحلیل قضایا و بدون تفسیر و تأویل رفتار شخصیت ها، رفتار دولت و گروه ها (حزب)، امری غیر محتمل یا حداکثر سمبلیک است بنابراین موضوعات سیاسی باید با متدولوژی علم سیاست مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند نه با نظر شخصی و تحلیل حوادث سیاسی بدون داشتن علم سیاست و آگاهی سیاسی نازا و عقیم است و لذا در حیطه معرفت سیاسی اگر اطلاعاتی در چهار حوزه سیاسی داشته باشیم و کُتب مربوط به آنها را مطالعه کنیم می توانیم اظهار نظردرستی ارائه دهیم.

قبل از ورود به بحث و معرفی کتب مربوطه چند مسأله باعث رشد سیاسی و آگاهی سیاسی دانشجویان می شود عبارتند از:

۱- برگزاری جلسات علمی و دعوت از صاحب نظران برای دیدگاه های علمی در هر زمینه،

۲- ایجاد خانه مطبوعات در محیط دانشجویی،

۳- برگزاری میزگردهای سیاسی، علمی، فرهنگی از سوی دانشجویان،

۴- فعّال کردن تابلوهای اطلاع رسانی از خبرهای علمی و سیاسی،

۵- ایجاد تریبون آزاد برای دانشجویان،

۶- مطالعه کُتب و مجلات سیاسی،

۷- مطالعه نظرات شخصیت های سیاسی و احزاب و گروه ها.

در حیطه معرفت سیاسی شناخت چهار حوزه و تفکیک آنها مهم به نظر می رسد:

۱- حوزه علم سیاست: مجموعه ای از تئوری ها، فرضیه ها و قضایای اثبات پذیر و ابطال شدنی است و تعداد کتاب هایی که تحت عنوان علم سیاست منتشر شده کم نیست و شاید به دو علت چنین است یکی آن که بیشتر کتاب ها یک محتوا دارند ولی چون با عبارات و مثال های گوناگون بیان

می شوند بوی تازگی می دهند و دیگر این که کم نیستند افرادی که بین علم سیاست و موضوعات سیاسی تفاوتی قائل نیستند لذا بسیاری از کتاب ها در عنوان، علم سیاست است و در متن، موضوعات سیاسی را نه با روش علمسیاست، که با تحلیل های شخصی به بحث گذارده اند.

۲- حوزه علم به حوادث سیاسی: این حوزه از سویی کل تاریخ سیاسی را در برمی گیرد که آزمایشگاه علم سیاست نیز هست و از دگر سو پیش بینی حوادث سیاسی نیز در این حوزه است البته بین علم به صدق حوادثگذشته، با علم به وقوع حوادث آتی تفاوتی ماهوی وجود دارد. زیرا علم به حوادث گذشته از متدولوژی علم تاریخ پیروی می کند و پیش بینی حوادث آتی نیازمند تلفیق چند علم و فن و هنر است و همواره مشروط می باشد لذا بیشتر معرفتی شخصی تلقی می شود.

۳- حوزه تحلیل سیاسی: در این که تحلیل سیاسی یک علم است یا فن یا هنر یا تلفیقی از اینها هنوز جای بحث دارد اما در این حوزه همگان برای خود حق اظهار نظر قائلند. تحلیل سیاسی یک حق طبیعی برای همه افراد جامعه است و کسی را نمی توان منع نمود که در مورد مسائل جامعه و مسائل سیاسی تحلیل نکند زیرا رشد و توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر کشوری با مشارکت فعال همه اقشار در امور سیاسی صورت می گیرد. درست است که هر کی تحلیل سیاسی داشت عالم علم سیاست نیست امامعرفت سیاسی دارد و معرفت سیاسی و مشارکت سیاسی هم بدون تحلیل قضایا و بدون تغییر و تأویل شخصیت هایی که در امور سیاسی مؤثرند و هم چنین رفتار دولت و احزاب و گروه های سیاسی

امری غیر محتمل است.

۴- حوزه آراء و اندیشه های سیاسی: کسی را نمی توان یافت که در مسائل سیاسی اظهار نظر کند و دارای آراء و نظرات سیاسی نباشد. آراء سیاسی در جامعه قوام می گیرد و خاستگاه رسیدن به نظرات سیاسی تنها از علم سیاست نشأت نمی گیرد بلکه ده ها عامل دیگر از قبیل جهان بینی، ایدئولوژی، موقعیت شغلی، رفاقت ها، جنسیت، سن، علاقه به شخصیت های سیاسی، نوع مطالعات، وضعیت اقتصادی و... همگی دخیلند تا نظرات و آراء سیاسی افراد را شکل دهند و بین آرای سیاسی و اندیشه سیاسیفرق است. کسی که دارای آرای سیاسی است وقتی می رود آرای خود را نیز با خود می برد اما کسی که دارای اندیشه سیاسی است وقتی که نیست اندیشه هایش می ماند واگر چه گاه کم کم رنگ می بازد، اما گاه نیز اندیشه اش رنگین تر از قبل جلوه می کند.

حال با توجه به مقدمات فوق، می پردازیم به چگونگی دستیابی به بینش و تحلیل سیاسی صحیح. در این زمینه می توان چنین گفت که اصولاً تحلیل سیاسی در ادبیات سیاسی عبارت است از تجزیه پدیده به اجزای تشکیل دهنده، شناخت اجزا و ارتباط آن ها با یک دیگر وشناسایی کلّیت پدیده مورد بررسی باید مشاهده، بررسی و شناخت کامل اجزا به دقت انجام شود و تأثیرات هر یک بر سایر اجزا شناخته شود. هر تحلیل سیاسی از چهار مرحله تشکیل یافته است:

۱. جمع آوری اطلاعات و اخبار: هر تحلیل گر بیش از هر چیز و پیش از هر عملی نیازمند اطلاعات و آگاهی های لازم از موضوع مورد بررسی است. همه اطلاعات و منابع ارزشی یکسان ندارند، (ر.ک: دکتر عزت الله نادری و دکتر مریمسیف نراقی، روش های تحقیق در علوم انسانی).

۲. تعیین هدف: تعیین

هدف و محدود کردن بررسی ابعاد پدیده، موجب به نتیجه رسیدن تحلیل می شود. پس از تعیین هدف و ابعاد آن سؤال های مناسبی درباره موضوع مورد نظر می بایست طرح می شود و به دنبال پاسخ آن ها وارد مرحله بعدی می شود.

۳. انتخاب روش: شناخت و تحلیل پدیده های سیاسی اجتماعی از یک راه مشخص به دست نمی آید؛ زیرا موضوعات بنابر ماهیت و محتوای آن ها، شیوه های متفاوتی را می طلبد. مثلاً ـ برای شناخت علل تورّم، نمی توان به شیوه شناخت علل نابسامانی های ترافیک عمل کرد.انتخاب روشی نامناسب، موجب تحلیل غیر واقعی و نتیجه گیری غلط می شود.

۴. جمع بندی: جمع بندی باید به گونه ای باشد که ضمن بیان خلاصه مراحل طی شده، نتیجه گیری لازم را داشته باشد و تصویری همه جانبه از موضوع مورد بررسی نشان دهد. تحلیل های یک جانبه تک بُعدی، معمولاً واقع بینانه نیست و نمی تواند پاسخ گوی سؤالات و ابهاماتباشد و نمی تواند مقدمه و راهنمای مناسبی برای موضع گیری های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

یک تحلیل گر خوب، باید دارای ویژگی هایی باشد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱. واقع بینی؛ تحلیل گر باید به دور از اغراض شخصی، پیش داوری ها و دخالت تمایلات خود، با واقع بینی به تحقیق بپردازد. قوی ترین عاملی که انسان را از خطاها و لغزش ها باز می دارد و او را به سمت واقع بینی هدایت می نماید، تقواست. قرآن کریم می فرماید: یاایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برای شما قدرتتشخیص حق و باطل می دهد{M، (سوره انفال، آیه ۲۹). و نیز می فرماید: و اتقواالله و یعلمکم الله تقوای خدا را پیشه و روش خود قراردهید، چه خداوند شما را تعلیم و

آموزش می دهد{M، (بقره، آیه ۲۸۲).

۲. اجتناب از ظن: باید توجه داشت که هر گونه شناخت، تحلیل، جمع بندی و موضعگیری هر تحلیلی باید مبتنی بر علم، مستند و مستدل باشد. نمی توان ظن را پایه تحلیل قرار داد. خداوند می فرماید: ان الظن لا یعنی من الحقشیئا ، (یونس، آیه ۳۶).

۳. عـدم تبعیت از هوای نفس: عامل بسـیاری از انحراف ها و خطاها، بی توجهی به واقعیتها، تبعیت از امیال و هواهای نفسانی و خود محوری است.

۴. عـدم تبعیت کورکورانه: مطالب رسانه های اسـتکباری، حتی تحلیل های داخلی، بایـد به دقت بررسـی شود. یک تحلیل گر باید فارغ از طیف های رسانه ای، بر اساس اسناد و مدارک و واقعیت های موجود به بررسی پدیده های سیاسی بپردازد.

اگر کسـی توان و قدرت تحلیل مسائل سیاسـی و اجتماعی را به صورت دقیق و مستدل دارد، طی مراحل فوق و داشتن ویژگی های تحلیل گری، می توانـد ارائه تحلیل سیاسـی نمایـد؛ اما اگر چنین توانی ندارد، یا امکانات لازم و اطلاعات کافی در اختیار نیست، بایـد به منـابعیمراجعه کنـد که دارای این ویژگی هـا باشـند. بایـد از تحلیل های دشـمنان خارجی و داخلی که از طریق امواج رادیویی و برخی مطبوعات اقـدام به تحریف حقایق و وارونه جلوه دادن واقعیت ها می کننـد، پرهیز شود، (ر.ک: فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد -آناتومی جامع، نیز جواد منصوری، شناخت و تحلیل سیاسی)

۵. به کـارگیری اصول مکتبی: در تحلیـل حوادث و وقایع بایـد اصول و ارزش های دینی را ملاک قرار داد و در تمامی مراحل تحلیل و نتیجه گیری در نظر داشت. (ر.ک: شیوه های تعمیق بینش سیاسی، سید عبدالقیوم سجادی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲).

در پایان منابع ذیل و منابع دیگری از این قبیل را برای بالا رفتن

سطح معلومات و اطلاعات سیاسی دانشجویان پیشنهاد می گردد.

اندیشه سیاسی غرب:

- خداوندان اندیشه سیاسی مایکل فاستر، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی

- تاریخ نظریات سیاسی جرج ساباین، ترجمه: بهاءالدین پازارگاد

- بنیاد فلسفه سیاسی در غرب حمید عنایت

- تاریخ تمدن آریل دورانت – ویلیام هیمیز دورانت، ترجمه: اسماعیل دولت شاهی

- تاریخ تمدن ویل دورانت (۵ جلدی)، ترجمه: صفدر تقی زاده و صارمی

اندیشه سیاسی در قرن بیستم:

- فلسفه های معاصر،علی ترابی

- سیر تفکر عصر جدید در اروپا، علیرضا رحیمی

- فهم نظریه های سیاسی، توماس اسپریگن , ترجمه : فرهنگ رجایی

- جهان در قرن بیستم، لویس انسایدر, ترجمه : محمد ابراهیم آیتی

- فلسفه نوین تاریخ ، آرنولد تاین بی , ترجمه : پازارگاد

- استعمار نو، محمد تقی برومند

- استعمار نو و ثبات سیاسی، همایون الهی

- تئوری های امپریالیسم ، ولفگانگ موسن , ترجمه : کوروش زعیم

- امپریالیسم و عقب ماندگی ، همایون الهی

- سیمای جهل در غرب ، محمد قطب

اندیشه های سیاسی در اسلام :

- ولایت فقیه، امام خمینی (ره)

- ولایت فقیه ، آیت الله جوادی آملی

- ولایت فقیه ، عبدالحسین خسروپناه

- اندیشه های بنیادی اسلام ، محمد حسین طباطبائی

- اسلام شناسی، علی شریعتی

- اسلام شناسی ، محمد قطب

- شش گفتار درباره دین و جامعه ، حمید عنایت

- تاریخ هانری کوربن ، کوربن

- برنامه اسلامی ، ابوالاعلی مودودی , ترجمه : سعیدی

- حکومت در اسلام ، سید محمد حسین بهشتی

- مقدمه ابن خلدون ، ابن خلدون

- فلسفه مدنی فارابی ، رضا داوری

- سیاست و غزالی ، هانرر لاتوست , ترجمه

: مهدی مظفری

اندیشه سیاسی اسلام در قرن بیستم :

- اسلام و فرهنگ قرن بیستم ، موسی صدر, ترجمه : علی حجتی کرمانی

- اسلام و تمدن غرب ، ابوالاعلی مودودی , ترجمه : ابراهیم امینی

- سهم اسلام در تمدن جهان ، محمد حسن صاحب الزمانی

- جاهلیت در قرن بیستم ، محمد قطب

- شناخت استکبار جهانی ، جواد منصوری

احیای اندیشه سیاسی اسلام:

- احیای فکر دینی در اسلام ، محمد اقبال لاهوری , ترجمه : احمد آرام

- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید نهایت , ترجمه : خرمشاهی

- احیای تفکر اسلامی ، مرتضی مطهری

- فلسفه و اندیشه های اسلامی اقبال ، غلامرضا سعیدی

- فلسفه و هدف زندگی ، محمد تقی جعفری

- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری

اندیشه سیاسی در دوره مشروطیت :

- مقدمه فکری نهضت مشروطیت ، علی اکبر ولایتی

- نقش روحانیت پیشرو در بینش مشروطیت ، حامد الگار

- تشیع و مشروطیت ، عبدالهادی حائری

اندیشه سیاسی در انقلاب اسلامی :

- ولایت فقیه، امام خمینی (ره)

- بررسی فشرده ای پیرامون طرح حکومت اسلامی، ناصر مکارم شیرازی

- انقلاب یا بعثت جدید، هاشمی رفسنجانی

- ایران انقلاب بنام خدا، کلر بریر و پیر بلانشر, ترجمه : صنعوی

کتب عمومی برای حوزه های دیگر:

- از دنیای شهر تا شهر دنیامحمد خاتمی

- اصول علم سیاسیت موریس دورژه

- اندیشه های سیاسی چنگیز پهلوان

- بنیادهای علم سیاست عبدالرحمن عالم

- تجزیه و تحلیل جدید سیاست آلن رابرت دال

- تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان فرهنگ رجائی جمهور افلاطون

- درسهای

سیاسی از نهج البلاغه محمد تقی رهبر

– روح القوانین شارل متسکیو

– زوال اندیشه سیاسی در ایران جواد طباطبائی

– سیاست به مثابه علم ویلفریت رودیش

– شناخت و تحلیل سیاسی جواد منصوری

– فرهنگ اصطلاحات سیاسی جمال برکات

– فرهنگ جامع سیاسی محمود طلوعی

– فهم نظریه های سیاسی تامس اسپریکنز

– قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو

– مبانی روش تحلیل سیاسی اسدالله بادامچیان

– مبانی سیاست عبدالحمید ابوالحمد

– متد تحلیل پدیده های سیاسی موسی میر مدرس

– مکتب ها واحزاب سیاسی فرشید

– نظام سیاسی در مکاتب غرب – شرق – اسلام علی حائری

– نظریه های نظام سیاسی (تحلیل سیاسی)تئودور ویلیام بلوم

– نوسازی ودگرگونی سیاسی حسین سیف زاده

مجله های سیاسی :

– نقد و نظردفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

– فصلنامه مطالعات راهبردی پژوهشکده مطالعات راهبردی

– کتاب نقدفصلنامه انتقادی , فرهنگی , فلسفی اندیشه

- فصلنامه فرهنگی - سیاسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

- فصلنامه حوزه و دانشگاه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

- ماهنامه گام چهارم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه شهید بهشتی

- بولتن اندیشه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

- ماهنامه اسلام و غرب مجلس و پژوهش مجلس شورای اسلامی ایران

- حکومت اسلامی دبیرخانه مجلس خبرگان

- مشکوه دانشگاه امام صادق (ع)

- ۱۵ خردادمرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران

- فصلنامه یادبنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران

- نمایه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- پژوهشنامه متین پژوهشگاه امام خمینی (ره)

- اطلاعات سیاسی مؤسسه اطلاعات

- مجله سیاست خارجی فصلنامه علوم سیاسی آموزش عالی باقرالعلوم

(ع) قم – دفتر تبلیغات

– فصلنامه انقلاب اسلامی

– فصلنامه نگاه نو

– ماهنامه عاشورا

– فصلنامه حضور دانشگاه اسلامی

– ماهنامه امامت

– مجله سیاست دفاعی دنیای سخن

– فصلنامه گفتمان دیدگاه ها وتحلیل ها (بولتن ماهانه دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی) ترجمان سیاسی

– فصلنامه گفتگو

– فصلنامه فرهنگ

نرم افزارهای مربوط به علوم سیاسی :

۱– گنجینه (مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران – تهران): شامل : فرهنگ علوم سیاسی : پایان نامه های دانشجویان پایگاه موضوعی علوم انسانی چکیده تازه های تحقیق چکیده مقالات علمی راهنمای سمینارهای ایران

۲– بنیاد تاریخ (بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران – قم – تهران): شامل : مجلس ملی مجلس شورای اسلامی زندگی نامه شخصیت های سیاسی

در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟

پرسش

در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟

پاسخ

در این زمینه راه کارهای زیادی وجود دارد؛ از جمله:

۱) موضوع بندی آیات تحت عنوان آیات موضوعی وارائه به جوانان

۲) ارایه تازه های علمی که با آیات الهی هم خوانی دارد تحت عنوان نشریه، مقاله، روزنامه دیواری و... .

۳) استفاده از خود جوانان فعال جهت برنامه ریزی در این زمینه.

۴) جذابیت متولّیان امور قرآنی (چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ فکری و عملی).

۵) استفاده از اساتید مجرب و با سابقه و جوان پسند جهت کلاس های قرآنی.

۶) برگزاری مسابقات قرآنی و جشن های قرآنی و محافل نور و دعوت از پیش کسوتان قرآن به نحو شایسته.

۷) ایجاد انگیزه و نیاز در جوانان .

۸) محیط آرام و مطلوب قرآنی

۹) بها دادن به امور قرآنی .

۱۰) اساتید کاردان و جذاب.

۱۱) استفاده از ساعات مناسب برای برگزاری کلاس ها و... .

۱۲) در اختیار قرار دادن کتاب های قرآنی، نشریات، مقالات و... .

۱۳) ایجاد فضای عرفانی و معنوی به نحو شایسته با تبلیغات حساب شده.

۱۴) تبلیغات گسترده و مطلوب جهت اعلان شروع به کار .

۱۵) برخورد دوستانه در مراحل اولیه با تمام جوانان.

۱۶) استفاده از دانشجویان محل جهت راه اندازی هر چه بهتر کار قرآنی {J

جامعه ء امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟

پرسش

جامعه ء امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟

پاسخ

حوزه ی علمیه، از بدو تأسیس خویش و از گذشته های دور، کانون پرورش و پیدایش عالمانی بوده است که در ترویج و

تبلیغ از اسلام اصیل، لحظه ای تردید نداشتند و در پیروی از رسول گرامی اسلام(ص) و پیشوایان معصوم(ع)، پیمان پایداری بستند. آنان در این راه تا سر حدّشهادت پیش رفتند و بدین سان پیشتاز و طلایه دار تبلیغ دین و جانشین آن بزرگواران شدند.

حفظ و تداوم حوزه های علمیه، به عنوان مهد تربیت و خاستگاه عالمان دینی و مجتهدان بزرگ و سنگر نگهبانی از احکام نورانی اسلام، بر کسی پوشیده نیست.

حوزه های علمیه، به مقتضای بر دوش کشیدن رسالت تبلیغ دین الهی در هر سنگری که برای دفاع از کلیت دین ضروری است، به عنوان یک سرباز آماده و فداکار حاضر می شوند. البته آنها باید بر اساس رسالت الهی خود، با زمان خویش هماهنگ باشند و با نیازهای زمانحرکت کنند و نسبت به نیازهای اجتماعی و مسائل فکری نوظهور، حساس بوده و توجه داشته باشند. بدین منظور، لازم است با جامعه و تجربیّات آنها چه با تحقیق فردی و چه با تحقیق گروهی آشنا شوند.

در این راستا، بزرگان حوزه با توجه به مسؤولیت عظیم و تاریخی خود به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصلاحات شکلی و محتوایی ای را در بخش های گوناگون (تدریس، تحصیل، تبلیغ و نظام آموزشی) در حوزه های علمیه شروع کرده اند تا بر اساس آن، نسلجوان طلبه را بر مبنای نیازها و اقتضائات زمان تربیت کنند.

البته این برنـامه هـا، هنوز به رشـد ونتیجه نهـایی نرسـیده است؛ اما مهم آن است که این کار شـروع شـده و نتایـج جالبی هم به دست آمده است.

بنـابراین، علاوه بر علوم مصـطلح حوزوی (اعم از ادبیات فارسـی و عربی، معانی و بیان، فقه و اصول، تفسـیر، حکمت، فلسـفه، کلام و...) در سایر عرصه های علمی (از قبیل رشته ی اقتصاد، سیاسی، علوم تربیتی و زبان خارجه و...) پیشرفت هایی داشتند و گروه های تخصـص وپژوهشـی در سـطوح مختلف و با توجه به نیازهای حال و آینـده، در صـدد یافتن راه حل هایی هسـتند تا بتواننـد بـا تربیت نیروهای قوی و کارآمـد، هماهنگ با پیشـرفت زمان، حرکت کننـد. اما از آن جا که بسـیاری از پرسـش ها و شبهات، از خارج و با زبان های زنده و مشهور دنیا، به صورتمقالات و کتاب منتشر می شود؛ ضروری می نماید که حوزه های علمیه، قبـل از هر چیز عـده ای را به عنوان زبـان دان تربیت کننـد. خوشـبختانه به لطف خـدا، امروزه حوره ی علمیه قم و سایر حوزه هـا، در صـدد تعلیم و آموزش زبان انگلیسـی، فرانسه و... برآمـده انـد و حتی با پیشـنهاد و دسـتورمقام معظم رهبری، در آینده ی نزدیک، در دستور کار آموزش همه ی مدارس علوم دینی قرار خواهد گرفت. علت اهتمام به این امر (یادگیری زبان هـای زنـده دنیـا) این است که اولاًـ برای تبلیغ دین و ایجاد ارتبـاط بـا مردم سـایر کشورهـا، چاره ای جز فراگیری این زبان ها نیست. ثانیا برایشناخت هجوم تبلیغاتی بیگانگان و پاسخ مناسب به آن شبهات، یادگیری این زبان ها ضروری می نماید. در این راستا، آموزش و استفاده از رایانه و اینترنت برای تبلیغ معارف دینی مورد توجه حوزویان قرار گرفته است.

به طور خلاصه می توان گفت که حوزه های

علمیه باید با تکیه بر سرمایه ها و میراث های گذشتگان و با توجه به دارایی های امروز خویش، برای نیازهای حال و آینده برنامه ریزی کنند و در این رابطه تلاش مضاعف و برنامه ریزی دراز مدت داشته باشند.

امام خمینی(ره) با تأکید بر فقه سنّتی که میراث فقیهان و بزرگان دین است درباره ی نیازهای علمی، تخصصی و عمومی طلّاب علوم دینی می فرماید: «... البته در رشته های دیگر علوم، به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه های تهیه خواهد شد و رجالی در آن بایدتربیت شود و از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلّم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله رزقنا الله و ایّاکم، که جهاد اکبر می باشد»، (وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی، مؤسسه تنظم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۱۷).{J

علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منصرف کرد ؟

پرسش

علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منصرف کرد ؟

پاسخ

دلایل متعددی را می توان برای آن نام برد که به دو دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم می شوند:

الف) عوامل درونی یا داخلی: منظور عواملی می باشند که مربوط به عملکرد مسوءولان بوده و این وضعیت را پیش می آورند که عبارتند از:

۱- مقدم داشتن عادات فکری و عاطفی بر منطق و حقیقت و اسلام ناب و اصیل.

۲- برخی رفتارها و اقدامات ناشایسته بعضی از مدیران کارگزاران و مأموران دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی که ظاهری مذهبی دارند ولی در حقیقت عمل درست دینی نداشته و موجب پیدایش تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشت و این امر موجب بدبینی به سایر افراد مذهبی شد.

۳- برخوردهای نامطلوب و ناصحیح و همراه با زیاده روی و افراط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری ها و منکرات در جامعه موجب بدبینی به عموم افراد مذهبی شد.

۴- کم کاری برخی از افراد مذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده درعمل.

ب) عوامل بیرونی یا محیطی: منظور عواملی می باشند که خارج از حیطه عملکرد مسوءولان بوده و منجر به وضعیت مذکور شده است:

۱- تحول نسل در جامعه و به صحنه آمدن نسل جدیدی که باورها و یافته های آنان با افرادمذهبی متفاوت است فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت آموزش و توجیه آنان و نیز بی توجهی و یا کم توجهی به ایجاد تغییرات اساسی و ریشه ای در نگرش خانواده ها به اصول و آداب تربیت نسل نومنجر به این شکاف شده است.

۲- وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی در جامعه

و از مسوءولان حکومتی را باعث آن به حساب آوردن.

۳- رشـد و رواج ابزارهـای جدیـد اطلاـع رسانی و تبلیغات در سـطح جهان در دهه اخیر و تشدیـدتلاش ابر قـدرت اسـتعماری آمریکا برای نفوذ فرهنگی و رواج فرهنگ آمریکایی در جهان موجب تغییر جو کلی فرهنگی در سطح جهان شده به گونه ای باعث افول ارزش ها و شکاف میان دو قشر مذهبی و غیرمذهبی شده است (شکاف سنت و مدرنیته).

۴- وجود تمایلات نفسانی انسان ووسوسه های نفس اماره برای گریز از محدودیت های شـرعی و ارتکاب شهوات و لذات فی نفسه عامل بدبینی و گریز افراد غیرمذهبی از افراد مذهبی می باشد.

۵- سازماندهی تهاجم فرهنگی توسط دشمنان نظام اسلامی برای تضعیف اسلام و ارزش های اعتقادی ترویج و اشاعه دنیاطلبی تبلیغ مسـتمر و گسترده سـکولاریسم و لائیسـیسم نفی آرمان گرانی تحریک غرائز شـهوانی حمله مسـتمر به مبانی ارزش و پایه هـای اعتقـادی اشـاعه چهره ای غیرواقعی و زشت و خشن از اسـلام تبلیغ و ترویـج تضـاد میان اسـلام و آزادی سوء اسـتفاده از نارسایی ها معضـلات و ضـعف های مـدیریتی و اجرایی برای حمله و هجوم به ماهیت اسـلام و قوانین الهی ایجادروحیه یأس و ناامیـدی در مردم با ترویـج غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه تبلیغ و ترویـج ناکارآمد بودن تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی و اشاعه این نظریه که دین متعلق به گذشته است.

۶- عملکرد گروه هـای معانـد نظـام اسـلامی در داخـل در جهت ایجـاد بـدبینی به افراد مـذهبی از جمله مسوءولاـن و کـاهش مشروعیت نظام.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: کتاب انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم.

ازاین رو به آسانی می توان گفت: که دین و معنویت و به ویژه اسـلام که دین تحریف نایافته است. مطلوب همه صاحبان خرد و مصلحت اندیشان برای

دنیا و دوراندیشان برای آخرت می باشد. اما آنچه موجب گریز از دین می شود از یک سو جامه دین را وارونه بر تن کردن است و از سوی دیگر خواسته های نابجای برخی و ناهنجاری عاطفی و روانی آنان و بی بند و باری و گرفتاری در انواع دام های شیطانی شیطان صفتان و... موجب شده که بسیاری به سستی و فساد و راحتی و سودجویی و... روی آورند و التزام به دین و چارچوب های دینی را مزاحم خود ببینند. چنان که در قرآن کریم درباره مهمترین عامل روی گردانی از توحید و معاد آمده است: بل یرید الانسان لیفجر امامک بلکه انسان می خواهد راه فساد را پیش روی خود باز کند{M(قیامت، آیه ۵).

به همین جهت برای جلوگیری از دین گریزی هم باید دین واقعی را شناخت و هم باید عمل به دین و دوری از فساد و گناه در جامعه به عنوان ارزش تلقی شود و نباید آن روزی که فرهنگ جامعه به جایی برسد که درآمدهای از هر راه را زرنگی و توانمندی به شمار آورند و لذت های به هر صورت را نیاز طبیعی جوانان و عامل رفع افسردگی ها بدانند!!

اینجاست که باید به طور جدی به حفظ خود و خانواده و اطرافیان پرداخت و دغدغه اصلاح را در برنامه ریزی مسؤولان به وجود آورد.

البته بدانیم حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره «تحریم» آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای موءمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت:خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم

و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش. حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست؛ هنر آن است که در تندباد ضدارزش ها، ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید.

در صورت نبود امکانات ازدواج قرآن می فرماید: «ولیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنهم الله من فضله» (نور آیه ۳۳). خداوند در این آیه دستور به عفاف و عفت نفس می دهد و این بهترین شیوه و روشی است که با به کار بستن آن روح ایمان و تقوا در انسان پرورش می یابد و سبب تقویت اراده و تسلط بر نفس می شود و روحیه عفت در انسان زنده می گردد.

همچنین با عمل به سفارش های زیر و گسترش چنین برنامه هایی در سطح جامعه می توان بر ناهنجاری ها و گریز از دین غلبه کرد:

۱- سعی و کوشش در انجام وظایف و واجبات دینی.

۲- خواندن نماز با حضور قلب و در اول وقت.

۳- گرفتن روزه مستحبی به ویژه دوشنبه و پنجشنبه.

۴- تلاوت قرآن بویژه بعد از نماز صبح.

۵- تأمل و اندیشه در آیات قرآن.

۶- حتی المقدور سعی در خواندن نماز شب.

۷- سحر خیزی.

۸- شرکت درورزش های فردی و دسته جمعی.

۹- تنظیم برنامه برای تمام شبانه روز و پر کردن اوقات فراغت با برنامه های صحیح و سودمند.

۱۰- شرکت در فعالیت های مذهبی و اجتماعی.

۱۱- پرهیز از نگاه نامشروع به افراد نامحرم. امام صادق(ع) فرمود:«نگاه پس از نگاه در دل بیننده شهوت را می انگیزاند»(وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۳۸).

و باز فرمود: «نگاه تیری از تیرهای شیطان

است چه بسا نگاهی که اندوه های دراز در پی دارد»(

۱۲- عدم معاشرت و دوستی با افراد منحرف و فاسد.همان ص ۱۳۹).

۱۳- انتخاب دوستان موءمن و سالم.

۱۴- به یاد خدا بودن درهمه اوقات.

۱۵- کنترل افکار و نیندیشیدن به صحنه های شهوت انگیز.

به سادگی نمی شود گفت، نسل امروز جوانان ما دین گریز و احیانا دین ستیز هستند، اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه های متفاوتی دارند و چه بسا بخشی از آن دیدگاه ها و نارضایتی ها، وارد باشد. ولی ممکن است، بعضی از جوانان با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی از روند نارضایتی بیشتری برخوردار باشند و برخی از نارسایی ها را ناشی از قوانین دینی بدانند ودر نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین بکنند، که البته کارآمدی دین بحثی است و کارآمدی بعضی از مدیران بحث دیگر. اتفاقا در برخورد با تعدادی از این جوانان و گفتگو با آنان، تصریح کردند که اشکالات آنان نه به اصل دین، بلکه به مدیران و کارگزاران بر می گردد.

بنابراین، بی تردید می توان گفت که، جوانان کشور از بهترین جوانان از حیث سلامت فکری و روحی و دینی می باشند و سرمایه گذاری دشمنان دین و کشور، برای تسخیر این دژ مستحکم و انحراف جوانان، گواهی است بر مدّعای ما، که البته موفق نخواهند شد.

به هر حال، دین گریزی عوامل متعددی می تواند داشته باشد، از جمله:

۱- تبلیغات سوء دشمنان و ایجاد و القای شبهه پیرامون دین،

۲- روش های نادرست در آموزش دینی در دوران کودکی و نوجوانی،

۳- ضعف و سستی بنیان های دینی در خانواده،

۴- گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی،

۵- ضعف بینش و نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تأمین سعادت

دنیوی و اخروی انسان.

۶) ناکارآمدی بعضی از مدیران جامعه در اجرای برنامه های اعلام شده ی حکومت دینی، در نتیجه، بی پاسخ ماندن نیازهای اولیه اجتماعی جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن و..)..

۷) عدم توزیع عادلانه امکانات و فرصت ها در برخی از ادارات و دستگاههای کشور،

۸) درگیری برخی گروه ها و جناح های سیاسی بر سر کسب، حفظ و استمرار قدرت سیاسی و در نتیجه، ایجاد یأس و ناامیدی جوانان برای نیل به خواسته های مشروع خویش.

برای مبارزه با دین گریزی باید پس از بررسی همه جانبه علل و عوامل آن، راه کارهای مناسب را برگزید. آنچه در جامعه امروز ما بسیار مهم است، ایجاد موجی سهم گین و توفنده در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان وارایه چهره زیبای دین و زدودن غبار خرافات و کژاندیشی ها، در این صورت دین با جذابیت فوق العاده ای که دارد، با توان مندی جوانان را به سوی خود فرا می کشاند. از طرف دیگر شدیدا باید مواظب خطر دگرگونی در هویت فرهنگی و گرایش های نسل جوان بود. یکی از خطرات جدی فرهنگ مهاجم غرب این است که جوانان را چنان به سوی تمایلات شهوانی و آزادی های جنسی سوق دهد، که اساسا گرایش به دین و دیانت در آنان رنگ بازد و دیگر برای آنان حق و باطل چندان اهمیتی نداشته باشد.

به هر حال، جوانی، از بزرگ ترین نعمت های خداداد به بشر است و مثل هر نعمت خداداد دیگر باید از آن استفاده ای بهینه ای کرد. و جوانان، گرانبهاترین سرمایه های کشورها به هنگام جنگ و صلح بوده و به عنوان سربازان و مدیران بالقوه در عرصه های سیاسی، اجتماعی علمی و فرهنگی و... به شمار می آیند. بنابراین، باید با برنامه ریزی دقیق، موانع پیش روی نسل حاضر (عوامل دین گریزی

پیش گفته) را زدود و برای مشکلات آنان، راه کارهای عملی ارائه کرد.

گاهی هنگامی که با بعضـی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم ،حرفهای ما در ابتدا تاثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ولی کم کم از بین میرود همچنین نمیدانم چرا چنین دوسـتانی بیشتر مایل به دوستی با افراد ناباب هستند در واقع مثل اینکه افراد خلاف ک

پرسش

گاهی هنگامی که با بعضـی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم ،حرفهای ما در ابتدا تاثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ولی کم کم از بین میرود همچنین نمیدانم چرا چنین دوسـتانی بیشتر مایل به دوستی با افراد ناباب هسـتند در واقع مثل اینکه افراد خلاف کار جذابیت بیشتری نسبت به انسان های مومن دارند ؟

پاسخ

تعهد اخلاقی و دینی شـما قابل تقدیر و تحسـین است. احساس مسؤولیت در برابر دیگران و انگیزه تأثیرگذاری روی دیگران و نگـاه دلسوزانه و متعهـدانه داشـتن به رفتـار دوسـتان و اطرافیان خود حکایت از روح لطیف و مسؤولیت پـذیری شـما دارد ولی علت عدم استمرار تأثیر سخنان شما و عدم ثبات در طریق صحیح عوامل مختلفی می تواند داشته باشد.

۱- انسان همیشه و هر لحظه در معرض وسواس شیطانی است و یک لحظه و کمتر از آن هم شیطان از اغواء دست بردار نیست. بنابراین نیازمند ایمانی مستحکم و قوی هستیم تا به اندک وسوسه ای منحرف نشویم.

۲- معمولاً- جـذابیت مسائـل مادی و شـهوی و بی بنـد و باری و آزادی بی حـد و حصـر نسبت به قیود عقلانی و شـرعی و راه صحیـح که معمولاً- نیازمنـد دقت و توجه کـافی است، بیشتر است و بـا تنبلی و کسـالت انسان سازگاری بیشتری دارد. به همین جهت پای بندی به اصول اخلاقی و دینی برای معمول مردم و افراد سخت تر است.

۳- همـان طور که می دانیـد راه صـحیح و حق یکی است ولی راه های باطل و غیرصـحیح متعـدد و زیاد است، بنابراین در بین روش های مختلف زندگی فقط یک راه صحیح خواهد بود و سایر روش های زندگی ناصحیح پس این نیز یکی

از عوامل انحراف افراد از طریق صحیح است.

در عین حال آنچه باید در اینجا متذکر شویم این است که همین پذیرش اولیه و تأثیرپذیری آنها نسبت به حق و مسائل اخلاقی و دینی خود نشان دهنده سلامت نسبی فکری و ذاتی چنین افراد است یعنی ذاتا آنها مایل هستند اصول اخلاقی و دینی را عمل کنند و به آن پای بند باشند ولی متأسفانه همیشه شیطان در کمین است و در عمل دچار خطا می شوند پس این گرایش ذاتی و میل درونی آنها را قدر بدانیم.

ثانیا، ما نیز باید با استفاده از روش هایی صحیح، جذابیت خود و افکار و اندیشه های خود را بیشتر کنیم و عملاً آنها را در مسیر حق و صحیح حفظ کنیم. بهترین راه برای جذب آنها اعمال صحیح و صادقانه و دلسوزانه ماست.

صلی الله علیه و سلم صلی الله علیه و سلم ج س ۵ – جهت کسب آگاهی و شناخت بیشتر در مورد مقام معظم رهبری، مطالعه منابع ذیل توصیه می شود:

۱– زندگی نامه مقام معظم رهبری، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ ششم ۱۳۷۹

۲– حکایت نامه سلاله زهرا(س) حسن صدری مازندرانی، نشر مؤسسه انتشارات مشهور، چاپ اول ۱۳۸۱ (به پیوست ارسال می گردد)

ج س ۶ – برای تهذیب نفس با عزمی استوار و اراده ای پولادین به رعایت امور زیر بپردازید:

الف) در انجام واجبات و ترک گناهان جدی و قاطع باشید.

ب) به نماز شب اهمیت دهید هم چنین به خواندن دعاهایی؛ مانند مکارم الاخلاق دعاهای ایام هفته مناجات خمسه عشر و...

ج) در صورت توان جسمی روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه بگیرید.

د) در مراسم دینی؛ از جمله دعای کمیل و ... شرکت جویید

و به زیارت اهل قبور بروید و در عالم پس از مرگ به تفکر بپردازید.

ه) از صحنه ها و امور تحریک کننده به سوی گناه بپرهیزید.

و) از پرگویی، پرخوری، پرخوابی و بیکاری دوری گزینید.

ز) برنامه مشارطه، مراقبه، محاسبه و ... را با توجه به مطالعه کتاب «چهل حدیث» امام خمینی(ره) انجام دهید.

در این زمینه باید دو چیز را دقیقا و حتما بدون سهل انگاری عمل نمایید:

۱- ترک زمینه گناه: این خود زیرمجموعه ای دارد که مهمترین آن عبارت از است:

* ترک گناه چشم: دقیقا باید مواظب چشم خود بود که مبادا به نامحرم و کلاً هر آنچه که شهوت انگیز است، نگاه شود. عن الصادق(ع): «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورثت حسره طویله؛ نظر دوختن تیری مسموم از تیرهای ابلیس است و چه بسا نگاهی که حسرت درازمدتی را (در دل) به ارث بگذارد»، (سفینه البحار، شیخ عباسی قمی، ماده نظر).

* ترک گناه گوش: باید از کلیه شنیدنیهایی که حرام هستند پرهیز شود. نوار موسیقی باشد، صدای شهوت انگیز نامحرم باشد و...

* ترک مصاحبت با دوستان ناباب: دوستانی که باعث می شوند انسان مزه گناه را مزمزه کند، در واقع دشمن هستند و باید از آنها پرهیز کرد.

از امام سجاد(ع) نقل شده: «النهی عن مصاحبه خمسه و محادثتهم و مرافقتهم فی طریق و هم الکذاب والفاسق والبخیل والاحمق والقاطع لرحمه؛ حضرت از همراهی و سخن گفتن و رفیق بودن با پنج کس را نهی فرموده: کذاب (دروغگو)، گناهکار، بخیل، احمق و کسی که قطع رحم کرده است»، (همان، ماده صحب).

البته اینها از مهمترین زمینه های گناه هستند که باید ترک شوند ولی کلاً هر چیزی

که زمینه گناه را فراهم می کندباید ترک شود.

۲- ترک فکر گناه: ترک زمینه گناه سهم به سزایی در ترک فکر گناه دارد ازاین رو هر چه بیشتر و دقیقتر زمینه گناه ترک شود فکر گناه کمتر به سراغ انسان می آید ولی علاوه بر آن، چند چیز جزء برنامه زندگی شود (حداقل تا وقتی که مجرد هستید):

* اشتغال به برنامه شبانه روزی: حتما باید شبانه روز خود را با برنامه ریزی صحیح و متناسب وضع روحی و جسمی خود پر کنید و هیچ ساعت بیکاری نداشته باشید تا نفس شما را مشغول کند. در اوقات بیکاری وسوسه های نفس و شیطان به سراغ انسان می آید و او را به فکر گناه و سپس به خود گناه می کشاند قال امیرالمؤمنین علی(ع): «ان هذه النفس لاماره بالسوء، فمن اهملها، جمحت به الی المآثم؛ براستی و حقیقت که این نفس (انسانی) پیوسته و مرتب به بدی امر می کند در نتیجه هر کس آن را به خود واگذارد (و به کاری نگمارد) نفس او را به سمت گناهان می کشاند»، (الغرر والدرر، باب النفس به نقل از سرالاسراء، استاد علی سعادت پرور، ج ۱، ص ۵۴۴، ح ۴).

* روزه گرفتن: روزه گرفتن قوای حیوانی و شهوانی انسان را تضعیف می کند اگر قوای شهوانی ضعیف گشت قهرا فکر گناه هم کم رنگ می شود. عن ابی جعفر(ع) قال: «اذا شبع البطن طغی؛ هرگاه شکم پر شود طغیان می کند، (المحجه البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۱۵۰). مفهومش این است اگر شکم بر نشود طغیان نمی کند و بهترین قسم جوع و گرسنگی همان روزه گرفتن است.

تذکر این نکته بسیار ضروری است که اولاً: روزه نباید برای بدن ضرری داشته باشد

وگرنه شرعا حرام است. ثانیا: برای کارهای روزمره مخل نباشد. ثالثا: اگر نه مضر بود ونه مخل فقط روزهای دوشنبه و پنج شنبه باشد نه بیشتر ولی در هر صورت اگر برای روزه گرفتن عذری است مورد بعدی یعنی ورزش دو برابر شود.

* ورزش: هر روز ورزش لازم است البته آن ورزش هایی باشد که برای بدن ضرری ندارد مثل نرم دویدن و نرم طناب زدن و انجام حرکت های کششی و اگر برای روزه گرفتن عذری هست زمان ورزشی دوبرابر شود مثلاً از بیست دقیقه به چهل دقیقه افزایش یابد.

* فکر در مرگ: این یکی دیگر از چیزهای بسیار مفید است که فکر گناه را یا از بین می برد و یا کم می کند که این به شدت و ضعف فرو رفتن در فکر مرگ بستگی دارد اگر انسان با این واقعیت انس بگیرد و مردن را باور دل سازد نقشی سازنده و بالا برنده دارد. قال امیرالمؤمنین علی(ع): «اذکروا هادم اللذات و منغص الشهوات و داعی الشتات؛ یاد کنید (مرگ را) درهم کوبنده لذات را و تیره و تلخ کننده شهوات را و دعوت کننده جدایی ها را»، (الغرر والدرر، باب الموت، به نقل از سرالاسراء، استاد علی سعادت پرور، ج ۲، ص ۱۵۹).

یاد مرگ دل را از تعلق به شهوات جدا می سازد و انسان را از گناه و فکر گناه باز می دارد آنچه که بسیار مهم است این است که اولاً این فکر هر روز و مستدام باشد اگر شبانه روزی نیم ساعت باشد کافی است ثانیا در مکان خلوتی باشد مخصوصا اگر آن مکان خلوت خود محیط قبرستان باشد به هر گونه که این فکر در مرگ با جان

عجین شود و بـاور دل گردد بسـیار مطلوب است مثلاً- یکی از کیفیت هـای فکر در مرگ را یکی از بزرگـان چنین می فرمود: تمام خاطرات تلـخ و شـیرین گذشـته را در حد امکان مثل یک فیلم از ذهن بگذراند و به خود بباوراند که همه اینها گذشت و چنـد روز بـاقی مانـده عمر هم می گـذرد لحظـات جـان دادن، وقتی که خویشـان و نزدیکـان را رها می سازد و از تمام تلـخ و شیرینی ها وداع می کند و... همه و همه را به خوبی تأمل کند تا دل بلرزد و چشم بگرید.

سخن آخر این است که این دسـتورات وقـتی نـتیجه می بخشـد که هر چه دقیق تر به آن عمـل شود زمـان نتیجه آن بسـتگی به شرایط و خصوصیات افراد دارد، ازاین رو پی گیر زمان نتیجه نباید بود فقط هم و غمّ صرف عمل به دستورات شود.

کتب زیر سفارش می شود:

۱- نردبان آسمان (دروس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی) تدوین و ویرایش: اکبر اسدی

۲- سلوک معنوی تدوین و ویرایش: آقای اکبر اسدی

۳- خودشناسی برای خودسازی محمد تقی مصباح یزدی

معنای مطالعه این کتب عمل کردن به آن از آغاز تا پایان نیست بلکه برای عمل به دسـتورالعمل های اخلاقی ترتیبی لازم است که باید با علمای بزرگ اخلاق یا همین نهاد نمایندگی مشورت شود.

ج س ۷ - شما می توانید با مراکز ذیل الذکر مکاتبه نمایند.

۱- مرکز پژوهش های حوزه علمیه قم: ص. پ ۴۴۶۶

۲- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ص. پ ۱۹۷ - واحد پاسخ به سؤالات

۳- مؤسسه در راه حق: قم - خیابان آیت الله مرعشی نجفی

۴- ستاد اقامه نماز: قم - خیابان شهدا - کوچه آمار

«خوشبختی و موفقیت شما را از خداوند بزرگ

خواستاریم»

دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمائی کنم ؟

پرسش

دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمائی کنم ؟

پاسخ

گریه کردن برای مصائب ائمه اهل بیت(ع) از بهترین اعمالی است که باعث صفای دل و تقرب به خداوند است و باعث تخفیف گناهان و آمرزش آنها می شود. البته این کار واجب نیست و همان رقت قلب هم بسیار خوب است. گفتنی است که هر چقدر انسان در تاریخ زندگی این بزرگان دقت کند و رنج ها و مصایبی که برای ارشاد و هدایت افراد بشر تحمل کرده اند، مورد توجه قرار دهد؛ خود به خود متأثر می شود و اشکش جاری می گردد و اگر کسیاحساس کرد که هیچ حادثه و جریانی او را تکان نمی دهد و رقّت قلب پیدا نمی کند، باید بداند که متأسفانه در اثر گناه و خوردن غذای حرام، به قساوت قلب دچار شده که به حسب روایات از بدترین م□jها و از علایم شقاوت است و بای...هر چه زودتر خودش را معالجه کند؛ یعنی، در مرحله اول شکم را از لقمه حرام پاک کند و سپس با گرفتن روزه و تضرع و توبه به درگاه خداوند، از او بخواهد که وی را از این حالت نجات بخشد؛ وگرنه ائمه(ع) هیچ نیازی بهگریه ما ندارند.{J

چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم ؟

پرسش

چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم ؟

پاسخ

باید در این گونه موارد مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود؛ یعنی، ابتدا باید از راه تذکر شروع کنید و بهتر است برای ترغیب و تشویق آنان به نماز، فواید و آثار آن و عواقب سوء دنیوی و اخروی ترک آن را برای آنها بیان کنید و بعضی از کتاب هایی را که در این زمینه نوشته شده به آنان معرفی کنید؛ مثل کتاب:

۱- پرتوی از اسرار نماز محسن قرائتی

۲- هزار و یک نکته درباره نماز حسین دیلمی

۳- جلوه های نماز در قرآن و حدیث احمد صادقی اردستانی

۴- ترجمه اسرارالصلوه شهید ثانی

همچنین آنان را برای رفتن به مساجد و مجالس مذهبی تشویق و ترغیب کنید. در بعضی موارد نیز اگر کناره گیری و یا قهر کردن مؤثر باشد، می توانید از این راه وارد شوید و اگر هیچ یک از این امور تأثیری نداشت از راه پرخاش و تندی کردن وارد شوید و اگر هیچ یک از اینها در آنان تأثیر نکرد، بر شما تکلیفی نیست.{J

چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟

پرسش

چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟

پاسخ

در این زمینه راه کارهای زیادی وجود دارد؛ از جمله:

الف) موضوع بندی آیات با توجه به رشته های مختلف دانشگاهی و ارایه یک واحد درسی تحت عنوان آیاتموضوعی.

ب) ارایه تازه های علمی که با آیات الهی هم خوانی دارد تحت عنوان نشریه، مقاله، روزنامه دیواری و... .

ج) اختصاص پایان نامه ها و تحقیقات درسی به موضوعات علمی قرآن و تحقیق و تفحص در این زمینه.

د) ارایه کارگاه آموزشی برای اساتید دانشگاه همراه با اساتید حوزه مطابق با هر یک از رشته های دانشگاهی (جهتآگاهی این دو قشر از تازه های علمی و تفسیری).

ه) برگزاری نشست های علمی و مذهبی، کنفرانس ها و همایش های قرآنی در سطح دانشگاه.

و) استفاده از خود دانشجویان فعال جهت برنامه ریزی در این زمینه.

ز) جذابیت متولّیان امور قرآنی در دانشگاه (چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ فکری و عملی).

ح) اهمیت دادن رؤسای دانشگاه ها به امور قرآنی و در اختیار گذاشتن امکانات اولیه به نحو مطلوب وچشمگیر.

ط) استفاده از اساتید مجرب و با سابقه و جوان پسند جهت کلاس های قرآنی و نهج البلاغه.

ی) تشویق دانشجویان فعال در زمینه قرآنی به طور فراگیر در دانشگاه.

ک) منظم بودن اساتید و مسؤولان قرآنی دانشگاه چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ ظاهری.

ل) استفاده از علمای معزّز حوزه جهت سخنرانی و کلاس های قرآن و نهج البلاغه.

م) برگزاری مسابقات داخلی قرآنی و جشن های قرآنی و محافل نور و دعوت از پیش کسوتان قرآن کشور به نحوشایسته.

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟

پرسش

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟

پاسخ

الف) برگزاری جلسات دینی اعم از کلاس، سمینار، فوق برنامه و...

ب) برگزاری مسابقات جهت دار که به روشنگری و اشاعه افکار ناب اسلامی و انقلابی بپردازد.

یکی از بهترین مسابقات، مسابقات قرآنی، نهج البلاغه، کتب مذهبی و سیاسی خوب مانند پرسش ها و پاسخ های آیت الله مصباح یزدی است. البته باید طرح این مسابقات با یک کار کارشناسی، از حالت کلیشه ای و قالب خشک درآید تا با جذابیت خوب برگزار گردد.

ج) نشریات دیواری، هفتگی، ماهیانه و یا فصلنامه و یا گاهنامه با مطالب مفید و متنوع و جذاب.

د) خنثی کردن تبلیغات سوء افراد جاهل یا مغرض به طرق مختلف از جمله پاسخ گویی به شبهات در سخنرانی ها، نشریات، بردها و...

و) برگزاری اردوهای مفید به دور از اختلاط و اجرای برنامه های اطلاع رسانی (جلسه گفتگوی صمیمانه با حضور برخی صاحب نظران فرهنگی اسلامی) و...

ناگفته نماند که کار فرهنگی یک تعریف مشخص و معینی ندارد و ما به برخی از مصادیق و نیز راهکارهای اجرایی آنها اشاره کردیم.

آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا این نکات مثبت غالب بر منفی ها باشد و چه بسا مکاتب و دیدگاه های آنان جامع تر و پیشرفته تر از ما و اسلام باشد (این پاسخ را به دیدگاه کسی مرقوم فرمایی

پرسش

آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا

این نکـات مثبت غالب بر منفی ها باشـد و چه بسا مکاتب و دیـدگاه های آنان جامع تر و پیشـرفته تر از ما و اسـلام باشـد (این پاسخ را به دیدگاه کسی مرقوم فرمایید که به خاتمیت و کامل بودن اسلام اعتقادی ندارد) من می گویم این طرز ایجاد نگرش در ما صرفاً به خاطر دشمنی ما با غرب است.

پاسخ

غرب مجموعه ای هماهنگ و یکپارچه است. در این مجموعه، عناصـر خوب و مثبت پیدا می شود و همچنین عناصر بد و منفی نیز موجود است. مانـدگاری فرهنگ و تمدن مدرن غرب به خاطر همان عناصـر مثبت است و بحران در آن نیز به دلیل عناصـر منفی اش می باشد.

نظم و انضـباط اجتمـاعی، وجـدان کاری، عقل جمعی، توجه ویژه به پژوهش و تحقیقات علمی و احترام به دانشـمندان و نظایر آن از نقاط مثبت تمدن غربی است که هر فرهنگ و تمدنی باید آن را داشته باشد تا بتواند به جلو برود.

اما آنهایی که به نقاط منفی غرب توجه می کنند و آن نقاط را برجسته می نمایند دو گروه هستند. یکی گروهی که هدفی جز دشـمنی با غرب ندارند و از دیدگاه سیاسـی به غرب سلطه گر و خشن می نگرند که همه هستی و موجودی شرق را به نابودی می کشاند و برای پیشـرفت خود، حداکثر بهره برداری و بهره کشی را از جهان غیر غرب روا می دارد و این که در پناه جهانی سازی (globalism) که جهان

را به مثابه دهکده ای کوچک تصور می کند که عمدتا باید یک فرهنگ در سراسر آن مستقر شود و حاکمیت غرب و ارزش های سرمایه داری و به ویژه فرهنگ مصرفی آمریکا بر سراسر جهان حاکم باشد، بسط این حاکمیت ظالمانه بیشتر شده است. به زعم سردمداران جهان غرب، این جهان کوچک شده یک کدخدا دارد و آن هم آمریکاست و هرگاه لازم دانست می تواند آنهایی را که از نظم نوین جهانی تخطی کنند تنبیه کند.

(بین جهانی شدن و جهانی سازی، تفاوتی ظریف است. نگا: لواسانی، سید سعید، جهانی سازی، تهدیدها و فرصت ها در عرصه فرهنگ و دین، در جهان شمولی و جهانی سازی به اهتمام سید طه مرقاتی، ج ۲، صص ۳۷۷ - ۴۳۲، مجمع جهانی تقویت مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ تهران).

روشن است که غرب سیاسی که حیات و زندگانیش با استعمار و خونریزی و خشونت و سلطه علیه دیگران همراه بوده است، دارای چنین دشمنانی باشد که نقاط منفی آن را برجسته کنند و نقاط مثبت آن را نادیده بگیرند و جامعه ما نیز از دیرزمان گرفتار چنین استعماری بوده و بسیاری از دشمنی ها نیز به این موضوع بر می گردد و البته ما باید خود را از این نوع دشمنی خلاص کنیم؛ دشمنی ای که ریشه در سیاست دارد نه فکر و اندیشه.

اما دیدگاه دوم در نقد غرب، دیدگاه مبتنی بر اندیشه است. در این دیدگاه به نقد مدرنیته و حیات فرهنگی غرب مدرن پرداخته می شود و مبنا و شالوده غرب که محور فرهنگ و تمدن و اقتصاد و اجتماع و سیاست و خلاصه همه فعالیت

های آن است به نقد کشیده می شود. واقعیت این است که شالوده و مبنای غرب جدید - به اتفاق اندیشمندان غربی - دوری از خدا و انسانمداری به معنای سوئرکتیویته (نفسانیت و خودبنیادی) است که باعث می شود انسانی در هر ورطه بحران و بی هویت سقوط کند.

گفتمان پست مدرن، گفتمانی عمومی است که طرف مقابلش نظم جهانی است. هدف این گروه مقابله با تخریب دستاوردهای مثبت مدرنیته است که به دلیل چنین شالوده ای بر مدرنیته سایه افکنده است. هدف آنها نجات غرب از ورطه اضطراب و آشفتگی است و آنهایی که همه حاکمیت غرب را به چالش کشانده اند نیز بر این اعتقادند که دیدگاه خود بنیاد غربی که مبدأ و مبنای تمدن مدرن غرب است باعث می شود که انسان به پرتگاه برهوت سقوط کند و اصولاً دلیل این که حیات تمدن غرب بجز از راه تغذیه از خون ملت های دیگر امکان پذیر نیست به دلیل همین مبناست.

بنابراین اگر چه تمدن غربی دارای ویژگی های مثبتی است، اما چون مبنای آن بر بی خدایی است، باعث می شود که انسان غربی که با نیست خداوند در سیر اندیشه خود رو به روست، وطن اصلی خود - جایگاه الهی و آسمانیش - را فراموش کند و در بند نیست انگاری - نیهیلیسم - گرفتار آید و این بی وطنی انسان غربی منجر به ظهور ابر انسانی می شود که خشن ترین اعمال را علیه بشریت به دنبال دارد و همه انسان ها را - جزء اقلیتی که در دایره ابر انسانی - هستند به منزله حیوانات و حداکثر بردگانی که باید

مطیع باشند تنزل می دهد اگر چه ظاهر تبلیغات خلاف این مطلب را ترویج می کنند و مردم خود را در ظاهر آزاد می دانند.

این مطلب را نه ما – به عنوان مسلمان – بلکه فلاسفه و اندیشمندان معاصر غربی بازگو کرده اند و جهان را رو به نابودی و حداقل هرج و مرج می دانند.

آری وقتی معنویت و خدا از انسان گرفته شد، به تعبیر داستا یوسفکی همه چیز مجاز می شود و انسان روح خود را به شیطان می فروشد (چنان که کریستوفر مارلو نمایشنامه نویس و ادیب مشهور انگلیسی در صدر مدرنیته در نمایشنامه معروف تراژدی فادست آن را به خوبی نشان داده است) و در این صورت همه نقاط مثبتش تحت الشعاع مبنا و شالوده منفی اش قرار می گیرد. بنابراین مخالفت با غرب – از دیدگاه تفکر و اندیشه – مخالفت با چنین مبنایی است که انسان و جهان را از خود بیگانه می کند وگرنه دستاوردهای مثبت آن قابل دفاع است.

چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یک واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشک مقدس مآبانه جلوی گسترش اسلام و احکام دینی را می گیرند و البته در بعضی موارد مانع ترویج آن می شوند؟

پرسش

چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یك واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشك مقدس مآبانه جلوی گسترش اسلام و احکام دینی را می گیرند و البته در بعضی موارد مانع ترویج آن می شوند؟

پاسخ

جامعه متشکل از گروههای مختلفی است که برای شناخت آنها باید به اهداف و ضوابط پذیرفته شده در آن گروه ها توجه نمود. اعضایی که به آن اهداف ملتزم و پایبند هستند اعضاء اصلی و واقعی آن گروه ها به شمار می روند و اگر مخالف آن قوانین و ضوابط مقبول عمل نمودند، اگر چه به ظاهر در گروه فعالیت دارند، اما در واقع مخالف عملکرد گروه کنش می کنند.

در اینجا نیز از سویی برای شناخت ارگانهای دینی و گروه روحانیت باید به عملکرد علمای راستین و افراد ملتزم به ضوابط درون گروهی مراجعه نمود، و با شناخت اعضای اصلی عملکرد اعضای غیر واقعی را تشخیص داد.

از سویی دیگر نیز برای شناخت اسلام و احکام دینی باید به دستوراتی که در شرع مقدس بیان شده مراجعه نمود. خداوند هم برای آشنایی بیشتر انسانها، الگوها و سرمشقهایی را قرار داده تا با نگرش به عملکرد ایشان بتوان به واقعیت نزدیك و نزدیکتر شد. این الگوها دردرجه اول شخص پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) و در درجهء بعد بزرگان دینی و علمای راستین هستند که الگوهای زنده در هر جامعه ای قلمداد می شوند.

مسلماً عملکرد غلط برخی از روحانی نمایان یا اعضای ارگانهای دینی نباید مورد سرمشق افراد قرار گیرد. آیا مسلمانان به

تمامی احکام اسلامی عمل می کنند؟ پس نباید به

خاطر عملکرد غلط برخی از آنها، اسلام را دارای نقص و عیبی دانست.

البته این نکته نیز نبایـد مورد غفلت قرار گیرد که گـاهی برداشت هـا و شـناخت هـای ما از اسـلام ناصـحیح است و چون دچار آفت فکری هستیم برخی از افراد مقیـد و متعهد به ارزش ها را که حاضـر نیسـتند رضایت خدا را فدای هیچ چیز دیگر از جمله پسند یا ناپسند جامعه کنند، متهم به تعصب می کنیم.

بنابراین ضـمن اذعان به وجود چنین کسانی در همه اصـناف و گروه ها اظهار تأسف از اینکه در جمع متدینین چنین کسانی به چشم می خورنـد و وجود آنهـا بـاعث تبلیغات سوء علیه اسـلام می شود، به این نکته نیز تأکیـد می ورزیم که مرز بین تعهـد و تعصب باید حفظ شود.

با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می باشم، راهنماییهایی را در این زمینه خواستارم.

پرسش

با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می باشم، راهنماییهایی را در این زمینه خواستارم.

پاسخ

در دایره کارهای فرهنگی توجه به نکته های زیر ضروری است:

۱- کسی که پرچم فرهنگی یک مجموعه را به دست گرفت خود باید آراسته به آن فرهنگ باشد یعنی هم در بعد علمی و هم در بعـد عمـل الگـو باشـد وگرنه کسـی که خود از بینش والاـ بهره ای نـبرده است و از حیث عمـل کردن به آن دسـتورات بی نصیـب است نمی توانـد خود را به عنوان مسول فرهنگی معرفی کند و در صورت مطرح کردن خود نه تنها بازدهی ندارد بلکه گاهی اوقات باعث منحرف کردن دیگران می شود.

۲- مسـئول فرهنگی یک مجموعه باید از یاران و نیروهای مخلص و دلسوزی برخوردار باشد تا کار او با مشورت آنان متقن تر به سایرین تحویل داده شود.

۳- آنان که در وادی فرهنگی قلم می زننـد و قـدم بر می دارنـد باید سـعی کنند از باند بازی خودداری کنند و ابزار جناحهای سیاسی قرار نگیرند.

۴- مسائل روز را درست تحلیل کردن و درست منتقل کردن و از تحلیل صاحب نظران متعهـد اسـتفاده کردن نیز نباید فراموش شود.

۵- در حل کردن مشـکلات روحی و روانی دانشجویان کوشش لازم صورت گیرد و با منحرفان و ناآگاهان سنجیده و اسلامی برخورد شود و مراحل امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود.

۶- دعوت از عالمان دین که پرهیزگار و متعهد باقی مانده اند و در دل دانشجویان جا دارند نباید فراموش شود.

۷- داشتن برنامه های مناسب و برگزاری اردوهای زیارتی و تفریحی هم می تواند مثمر ثمر واقع

شود. گفتنی است کارهای فرهنگی بدون هماهنگی با مسئولان مربوطه نمی تواند به سرانجام برسد.

۸- استفاده از تجربه دیگر واحدهای فرهنگی هم می تواند راهگشا باشد.

مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلائل ظهور مشکلات را بفرمایید.

پرسش

مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلائل ظهور مشکلات را بفرمایید.

پاسخ

دانشگاه یکی از مراکزی است که باید فرهنگ ساز باشد و توده مردم هم با استفاده از این فرهنگ تولیدی راه و روش خود را اصلاح کنند و هر روز بر فرهنگ اصیل اسلام یخود بیفزایند ولی چون دانشگاههای ما تا کنون اسلامی نشده اند دانشجویان هم نتوانسته اند در حدی که انتظار می رود اثر گذار باشند از این رو جامعه اسلامی در تب مشکلات فرهنگی می سوزد و هم اینک مشکلات جامعه دانشگاهی را تقدیم حضورتان می کنیم:

۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی.

۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و از ابعاد پس زمینه ای و نرم افزاری آن غافل است که نباید تنها به وجوه سخت افزاری علم توجه شود. باید به شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی که علم در آن می بالد نیز توجه کرد.

۳- با نهایت تأسف در حیطه علوم انسانی (به خصوص) به تدریج مرجعیت علم از داخل به خارج می رود چرا مرجع را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد یا می گویند فارغ التحصیلان داخل را به کار نگیرید و بروید سراغ فارغ التحصیلان خارج از کشور.

۴- عدم توفیق در جامعه پذیری و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجو، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از کار ویژه

های دانشگاه در بعد جامعه این است که انتقال دهنده فرهنگ از نسل گذشته به نسل بعدی باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکرد اساسی هستیم؟

۵- خط ربط گرفتن ازگروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به کر سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد.

۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن

۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد آموزشی دیگر یعنی حوزه علمیه

۸- وجود خط قرمزهای سیاسی و صنفی علم سوز و تحقیقات سوز

۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است. (با استفاده از پگاه حوزه، ویژه نامه نهضت آزادی اندیشی در ایران، سخنرانی استاد عماد افروغ، شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۲)

اما مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود بسیاری از آنها زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا

رفته است.

و همه این مشکلاتی که ذکر شد یا ریشه در تهاجم فرهنگی دشمن دارد یا ناشی از مشکلات اقتصادی و بی کاری است.

مبسوط

اشاره

در باره فعالیت های فرهنگی و آبادانی مسجد

پرسش

مبسوط

در باره فعالیت های فرهنگی و آبادانی مسجد

پاسخ

قبل از هر چیز بایـد حساسیت و توجه تان نسبت به امور فرهنگی و معنوی و اظهار تمایل و علاقه منـدی تان نسبت به رشـد و کمال و تقویت بنیه اعتقادی اهالی محل زنـدگیتان را بسـتائیم و دلسوزی تان را در این زمینه تحسـین کنیم و از خداونـد متعال توفیق روز افزون شـما و دیگر جوانان روشـنفکر و روشن ضـمیر شبیه شـما را خواستاریم. ما نیز به وجود شما جوانان و افکار و اندیشه های ارزشمند و معنوی افتخار می کنیم.

مطمئن باشـید هر گامی که برای مسـجد و احیاء آن و آباد کردن خانه خـدا (در هر مکانی که باشد) بردارید بی نتیجه نخواهد بود و دیر یـا زود به آن نتیجه خواهیـد رسـید. تمام فعالیت هائی که در جهت با رونق کردن مسـجد کرده ایـد بسـیار ارزشـمند است. ایجاد چنین فضای معنوی و روحانی آن هم توسط جوان یا جوانانی همچون شما فی نفسه مطلوب است. بنابراین با همت بلند و تلاشی مضاعف به آن استمرار بخشید و هرگز خسته نشوید و در راه رسیدن به هدف مقدستان اصرار بورزید. امید است به تدریج قلوب مردم به سوی مسجد و رونق بخشیدن به آن جلب شود چرا که شرط حصول نتیجه، استمرار بخشیدن و پشتکار داشـتن در این زمینه است. هرچند همانطور که گفته شد صرف ایجاد چنین فضائی هرچند با تعداد اندکی از افراد نیز مطلوبیت دارد و خداونـد آن را دوست دارد و به بانیان آن یعنی شـما عزیزان پاداش عنایت خواهـد کرد. در عین حال چند راهکار برای حضور افراد بیشتر در

مسجد اقامه نماز جماعت در آن خدمتتان عرض می کنیم:

۱- از آنجا که قلب جوان از آلودگی کمتری برخوردار است و از طرف دیگر نیروی بیشتری برای فعالیت دارد مناسب است با تنی چند از جوانان هم سن و سال خود که به امور مذهبی و دینی علاقه مندند گفتگو کنید و از آنها در جهت فعال تر کردن مسجد کمک بطلبید و برنامه های مختلفی که دارید با مشورت و به کمک همدیگر به اجرا گذارید و نخواسته باشید به تنهائی کارها را انجام دهید. از این طریق هم از نظرات آنها استفاده کرده اید و هم از توانائی و نیروی آنها و هم اینکه به مسجد رونق بیشتری داده اید و تعدادی را از این طریق به مسجد دعوت نموده اید.

۲- از آنجا که رکن نماز جماعت، امام جماعت است و معمولا امام جماعت روحانی است و مردم متدین نیز به روحانی محل خود اعتماد دارند، با روحانی منطقه خود گفتگو کنید و از وی بخواهید برای رونق بخشیدن به مسجدتان به شما کمک کند و از او دعوت کنید در یکی از اوقات سه گانه نماز، در مسجدتان نماز جماعت برقرار کنند، و علت یا علل فعال نبودن مسجدتان را از وی جویا شوید و اظهار تمایل کنید که در مسجدتان نماز جماعت فعال داشته باشید.

۳- در صورت امکان به سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان یا به امام جمعه محترمتان مراجعه کنید و گزارشی از وضعیت فرهنگی محلتان خدمتشان ارائه کنید و از آنها بخواهید در این جهت به شما کمک کنند.

۴- در صورت امکان برای نوجوانان و دانش آموزان ابتدائی و راهنمائی

کلاسهای آموزشی قرآن (روخوانی، قرائت، ...) تشکیل دهید و با حضورشان در مسجد قبل یا بعد از نماز مغرب و عشا به تدریج حضورشان رادر مسجد و فعال تر کردن آن تلاش کنید. مطمئنا نوجوانان بهتر و زودتر و بیشتر به مسجد و انجام مراسم مذهبی در مسجد علاقه مند می شوند و با گفتگوئی که با مراکز فرهنگی شهرستان (مثل سازمان تبلیغات و بسیج و غیره) انجام می دهید و تهیه جوایز برای آنها می توانید زمینه بیشتری در این رابطه فراهم کنید.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر از شما بخاطر چنین روحیه ای و دعای خیر برای شما، توفیق روز افزون شما را از خداوند متعال خواستاریم.

مبسوط

اشاره

سوال در باره پی آمدهای اختلاط دخترو پسر در محیط دانشگاه است.

پرسش

مبسوط

سوال در باره پی آمدهای اختلاط دخترو پسر در محیط دانشگاه است.

پاسخ

ضمن تحسین از روحیه انتقادی ناصحانه و متدینانه شما باید گفت: اولا، جانا، سخن از دل ما می گویی. ثانیا، مطالبی که در خصوص حریص شدن غریزه جنسی به خاطر اختلاط گفتید نیز مطلب کاملا صحیحی است، چنان که شهید مطهری در جواب همین شبهه که شما اشاره کردید یعنی «الانسان حریص علی ما منع» که از سوی «برتراند راسل» تشریح و پیشنهادهایی نیز ارائه شده است، در کتاب مسأله حجاب بیان می کنند.

ثالثا، آرمانی فکر کردن خیلی خوب است، اما باید دانست که آرمان ها در اذهان است آنچه که در عمل تحقق پیدا می کند متأثر از واقعیت ها و شرایط جامعه است و نقش ما آن است که شرایط اجتماعی و واقعیات جامعه را آن گونه بسازیم که روز به روز فاصله بین آرمان ها و واقعیات اجتماعی کم تر شده ما به آرمان ها نزدیک تر شویم. از این رو به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به برخی از مسؤولین عالی فرهنگی و نیز با در نظر گرفتن واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئونات اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی باشد، اختلاط پسر ودختر در دانشگاهها مضرات و آفتهایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقا هنجارهای شرعی رعایت گردد.

اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی

و نظر سنجی های آماری و... می باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن ها می پردازیم:

الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می آید مبتنی بر پیش فرضهایی می باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسؤلان دانشگاه و...

مهم ترین آثار اختلاط عبارتند از:

۱- به وجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئونات اسلامی از قبیل حجاب کامل و...

۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و...

۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع.

ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک پیش فرض می باشد و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می باشد عبارتند از:

۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه ها و بودجه ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و...

۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره.

ج) بررسی

وظـایف راهکارهـای مقـابله بـا مشـکلات ناشـی از اختلاـط پسـر و دختر در دانشـگاه: به طور مختصـر می توان وظـایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشـجو باید در درجه نخست ارزش ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهـادینه سـازد رهبر معظم انقلاب در این خصوصـی می فرماینـد: (آن چه برای دانشـجوها در دانشـگاهها مهم اسـت رشـد ایمان مـذهبی و انـدیشه اسـلامی در ذهن ها و دل های آنان است و مسأله رشـد و روحیه تعبـد در آنان تعبد با اسـتدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلائی با اعتقاد به علم و فعالیت های علمی و دانشـگاهی و دانشـجویی هیـچ منافاتی ندارد و حقیقتا برای نظـام جمهوری اسـلامی و ملت ایران مـایه افتخـار است که در ایام البیض ماه رجب در مسـجد دانشـگاه تهران دانشـجوها اعتکاف بکننـد این خیلی چیز مهمی است) رسالت دانشـجوی مسـلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشـکل های دانشـجویی و در درجه دوم پای بندی در عمل به ارزش ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموری که می تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می باشد.

۲- وظـایف و راه کارهـای اجتمـاعی: اگر دانشـجویان دغـدغه صـیانت از خود را داشـته باشـند نمی تواننـد نسـبت به محیـط و اطرافیـان خود بی تفـاوت باشـند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می باشـد لـذا دانشـجویان بایـد نسـبت به تهـذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصا در جامعه، عموما داشته باشند و به فریضه

امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسؤلین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

در این زمینه دو راهکار مثبت و منفی وجود دارد که باید از هر دو استفاده کرد. مقصود از راهکار مثبت انجام برنامه های جذاب مانند اردوهای مشتمل بر تفریح و... است اما به شرطی که در آن اردو کار فرهنگی قوی و تأثیرگذار صورت گیرد و مقصود از راهکار منفی، جنبه تدافعی و جلوگیری و یا حتی پیشگیری از بروز مفاسد است و یکی از مؤلفه های مهم چنین حرکت مقدسی، ارتباط تشکیلاتی و پیوندهای مستحکم بین دانشجویان مذهبی است که با برنامه، حساب شده و خارج از افراط و تفریط با یک راهکار روشن اقدام لازم را به عمل آورند.

چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود ،جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت زینب است .من فکر می کنم مردم ما فقط صحبت می کنند تا اینکه عمل کنند مثلا همه برای حضرت زینب گریه می کنند ولی وقتی به یک پرستار می رس

پرسش

چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود ،جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت زینب است .من فکر می کنم مردم ما فقط صحبت می کنند تا اینکه عمل کنند مثلا همه برای حضرت زینب گریه می

کنند ولی وقتی به یک پرستار می رسند اول می پرسند آیا به رشته ات علاقه داری یا در بین مردان آنقدر سطح اعتماد پایین آمده که تا پسری به خواستکاری دختری پرستار می آید می گوید نمی خواهم شب کاری برود ولی همین فرد اگر به مشکل پولی برخورد کند و زیر قرض برود می گوید اشکال ندارد که سر کار بروی و کمک خرج خانه باشی .

این رفتارها یعنی چه اگر شغل پرستاری را قبول نداری پس تا آخر باید قبول نداشته باشی و اگر قبول داری پس چرا افکار غلط را در جامعه ترویج می دهی ؟

اما در کشورهای خارجی که مسلمان نیستند و شاید اصلا حضرت زینب را نشناسند شغل پرستاری از شغل های بسیار شریف است .سؤال من این است چرا در جامعه اسلامی این طور و در جامعه غیر اسلامی آن طور است؟

پاسخ

دوگانگی تئوری و عمل موضوعی هست که همیشه جامعه با آن روبرو بوده و هست و از آن رنج می برد و فرهنگ دینی و قرآنی ما نیز با آن مبارزه کرده است و آن را نشانه نفاق عملی می داند. بنابراین ما نیز مثل شما معتقدیم که آنچه در ذهن و اندیشه ما شکل گرفته و می گیرد باید به عمل بگراید و در صحنه واقعی و عملی مردم رنگ تحقق پیدا نماید. اما متأسفانه در بسیاری موارد آفات و موانع مختلف باعث می شود مردم از عمل فاصله بگیرند ولی لازم به ذکر است این اشکال و ایراد نه تنها در جوامع اسلامی، بلکه در جوامع غیر اسلامی نیز به گونه ای وجود

دارد و بسیاری از موارد آن از نظرها پنهان است. هر چند نظام اداری و مدیریت اجرایی برخی جوامع به گونه ای است که امکان بی انضباطی و فرار از مسؤولیت شغلی شان به حداقل رسیده است ولی نمی توان نابهنجاری های رفتاری و شغلی را به طور کلی در جوامع دیگر نادیده گرفت.

اما وظیفه ما را در چنین موقعیتی و در برابر چنین فضای فرهنگی روشن می کند همان عمل کردن به دستورات و قوانین و مقررات شرعی و اخلاقی است و یکایک مردم باید پای بند آن باشند. سرنوشت و برآیند فضای جامعه ما را رفتار و عمل تک تک و آحاد مردم جامعه تعیین می کند بنابراین همه مسؤول هستند و هر فردی در حیطه شغلی و کاری خود باید سعی کند به آنچه که باور دارد عمل کند. قرآن نیز می فرماید: برنامه زندگی و سرنوشت جوامع و اقوام را ما تغییر نمی دهیم مگر این که خودشان بخواهند و خودشان تلاش کنند و اصلاح و تغییر را در خودشان ایجاد نمایند. اصلاح و تغییر باید از آحاد افراد جامعه آغاز شود تا تمام جامعه تغییر یابد و اصلاح شود.

لازم به ذکر است مسؤولین فرهنگی جامعه نیز که مسؤولیت هدایت این جامعه را به عهده دارند باید در راه عملی ساختن و ایجاد فضای فرهنگی مناسب و رشد ارزش های اخلاقی، زمینه و شرایط کافی را فراهم نمایند و عهده دار گسترش آن شود و در هدایت و برنامه ریزی فعالیت های فرهنگی در این زمینه تسریع بخشند.

با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شـرایط اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس چرا هنوز هم از جبهه و جنگ و ۸ سال دفاع مقدس نام برده می شود؟

پرسش

با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شرایط

اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس چرا هنوز هم از جبهه و جنگ و ۸ سال دفاع مقدس نام برده می شود؟

پاسخ

تاریخ فرهنگ و تمدن هر کشور آمیزه ای است از جنگ ها و صلح ها، شکست ها و پیروزی ها و موفقیت ها. در تمدن آمریکایی با گذشت چندین سال از جنگ خونبار ویتنام، شاهد فعالیت هنرمندان و فیلمسازان در زمینه آن جنگ هستیم در حالی که آمریکا در آن جنگ با شکست سختی مواجه شد.

حال کشوری همانند ایران با تمدن اسلامی چند صد ساله و با رویکردهای استقلال طلبانه و ضد استبدادی باید این تمدن را در ضمن پیروزی ها و شکست های گذشته خود تعریف کند. اگر چه برتری تمدن ایران در دفاع مقدس به جنبه های گوناگونی هم باز می گردد و ایران برخلاف آمریکا در جنگ ویتنام، به پیروزی چشمگیری هم دست یافت.

به لحاظ تاریخی جنگ ایران نقطه عطفی در تمدن ایرانی است که نباید فراموش گردد. زیرا در آن جنگ، مردم ایران و نیروهای مسلح اعم از بسیج، سپاه و ارتش ثابت کردند با توجه به عنایات الهی می توانند در مقابل تجاوز بیگانگان ایستادگی کنند. پس پرداختن هر چه بهتر و به روزتر به مسأله دفاع مقدس می تواند تبیین بهتری از تمدن ایرانی و اسلامی داشته باشد. از سوی دیگر مسأله درس گرفتن از نکات جنگ ها در گذشته تاریخی هر کشوری است.

در قرآن کریم شاهد گوشزد کردن عیوب و برتری های مسلمانان در مقوله جهاد فی سبیل الله هستیم. خداوند مسلمانان را به درس گرفتن از

نکات آن جنگ ها و جهاد ها امر می کند. ایران نیز به عنوان یک کشور اسلامی باید از دفاع مقدس درس گرفته، آن روحیه جهادی و فداکاری را در مقابل متجاوزان به سرزمین اسلامی ایران را در زمینه های اقتصادی و فرهنگی نیز جاری سازد.

نتیجه: پیاده کردن روحیه مقاومت و ایستادگی زمان جنگ در زمینه های غیر نظامی (اقتصادی و فرهنگی) نیز راهشگا است.

دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد ؟آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول الهویه را سرمایه بقای نظام گردانیم و از این طریق از این اجساد استفاده ابزاری کنیم ؟

پرسش

دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد ؟آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول الهویه را سرمایه بقای نظام گردانیم و از این طریق از این اجساد استفاده ابزاری کنیم ؟

پاسخ

در اینجا دو موضوع قابل بررسی است؛ اول در مورد جایگاه شهید وآثار و نتایج دفن شهدا، دوم در مورد مکان دفن این عزیزان. از این رو به اختصار مطالبی را بیان می نماییم:

الف) واقعا اگر دیدی صحیح و واقع بینانه از جایگاه شهید و اهمیت آن در اسلام و اجتماع داشته باشیم، اذعان می نماییم که شهیدان از گرانقدرترین سرمایه های اصلی نظام هستند و بهتر است آنچنان که شایسته آنان است، نتوانسته ایم از این ذخایر عظیم برای خود و نسل های بعدی استفاده مناسب بنماییم.

در متون و آموزه های دین مبین اسلام جایگاه ویژه ای برای «شهید» و «شهادت» در نظر گرفته شده است و از «قداست» خاصی برخوردار است. اگر کسی با مفاهیم اسلامی آشنا باشد، در عرف خاص اسلامی، احساس می کند که هاله ای از نور کلمه «شهید» را فرا گرفته است. «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون، فرحین بما اتاهم الله من فضله و یستبشرون باللذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و الا هم یحزنون؛ البته نپندارید کسانی که در راه خدا کشته می شوند مردگانند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خداوند متنعم خواهند بود، آنان به فضل و رحمتی که خداوند نصیب آنها گردانیده شادمانند و بشارت و مژده می

دهند به کسانی که هنوز به آنان نپیوسته اند و بعدا در پی آنها برای آخرت خواهند شتافت که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم نخورند» (آل عمران، آیه ۱۷۰ - ۱۶۹).

امام علی(ع) می فرماید: خدا شهدا را در قیامت بِاَبهاء و جلال و عظمت و نورانیتی وارد می کند که اگر انبیا از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می شوند. و آیات و احادیث بسیار زیادی که همه بیانگر جایگاه و ارزش والای شهید در اسلام هستند. چرا؟ چون «همه گروه های خدمتگزار در جامعه، مدیون شهدا هستند؛ عالم در علم خود و فیلسوف در فلسفه خود و مخترع در اختراع خود و معلم اخلاق در تعلیمات اخلاقی خود نیازمند محیطی مساعد و آزادند تا خدمت خود را انجام دهند ولی شهید آن کسی است که با فداکاری و از خودگذشتگی خود و با سوختن و خاکستر شدن خود محیط را برای دیگران مساعد می کند. مثل شهید مثل شمعی است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری، شهدا شمع محفل بشریت اند؛ سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل تاریک می ماند هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد» (قیام و انقلاب مهدی، مقاله شهید، استاد مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، ص ۹۰ - ۶۶).

بر این اساس است که حق شهید از حق تمام کسانی که از راه

علم، فلسفه و اندیشه، صنعت و اختراع و اکتشاف و اخلاق و حکمت عملی و... به بشریت خدمت کرده اند، بالاتر است(همان). و از این رو مشاهده می شود که عکس العمل احساسی انسان ها و ابراز عواطف خالصانه آنان درباره شهدا بیش از سایر گروه هاست.

البته احترام و ارزش والای شهید، اختصاص به جامعه ما ندارد بلکه در سایر جوامع و فرهنگ ها برای شهید مقام و جایگاه ویژه ای قائلند و این دقیقا به خاطر نقشی است که شهید هم در زمان حیاتش و در جهاد و مبارزه با دشمنان و دفاع از میهن و دین خود انجام داده و هم بعد از کشته شدنش به عنوان الگو، نماد واسوه پایداری و حماسه سازی و جانفشانی در راه دفاع از کشور و آرمان های آن ایفا نموده است. به فرموده شهید بزرگوار استاد مطهری «شهید چه می کند؟» شهید تنها کارش این است که در مقابل دشمن می ایستد، یا دشمن را می زند یا از دشمن می خورد؛ اگر تنها این بود، باید بگوییم آن وقتی که از دشمن می خورد و خونش را می ریزند، خونش هدر رفته، نه، هیچ وقت خون شهید هدر نمی رود... خون شهید هر قطره اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره، بلکه به دریایی از خون می گردد و در پیکر اجتماع وارد می شود. لهذا پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ما من قطره احب الی الله من قطره دم فی سبیل الله؛ هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست. شهادت تزریق

خون است به پیکر اجتماع؛ این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ های اجتماع - خاصه اجتماعاتی که دچار کم خونی هستند - خون جدید وارد می کنند» (همان، ص ۸۸).

بزرگترین اثر و خاصیت شهید حماسه آفرینی اوست. در ملت هایی که روح حماسه، مخصوصا حماسه الهی می میرد بزرگترین خاصیت شهید این است که آن حماسه مرده را از نو زنده می کند، لهذا اسلام همیشه نیازمند به شهید است، چون همیشه نیازمند به حماسه آفرینی است، حماسه های نو به نو و آفرینش های جدید بر این اساس دیگر شهدای گمنام، مجهول الهویه نیستند هر چند نام و نشان خانوادگی ندارند، اما بزرگترین شناسه و مشخصه دینی و ملی را با خود داشته و برای تمام جامعه و نسل های آینده کاملا شناخته شده می باشند و بر این اساس بدن شهید هم در اسلام از جایگاه و قداست ویژه ای برخوردار است؛ بدن شهید یک «جسد متروح» است؛ یعنی جسدی است که احکام روح بر آن جاری شده است، همچنان که جامعه شهادتش «لباس متجسد» است؛ یعنی حکم روح بر بدن جاری شده و حکم جاری شده بر بدن، بر لباس و جامعه وی جاری شده است (همان، ص ۶۹).

لذا براساس دستورات و آموزه های حکیمانه اسلام، شهید با همان لباس خود دفن شده و احتیاج به غسل و کفن ندارد. بنابراین شهدا سرمایه و ذخایر عظیم هر ملتی هستند که باید تا آنجا که ممکن است از این سرمایه ها برای جامعه و نسل های آینده به عنوان الگو و اسوه قرار گیرند.

ب) اما در مورد مکان دفن

شهدا باید گفت که مسلما انحصار دفن این پیکرهای عزیز در بهشت زهرا (به دلیل بعد مسافت و یا در حاشیه قرار گرفتن آن و...) به تنهایی نمی توانـد نتیجه مطلوب و آن آثاری را که باید شـهدا در اجتماع داشـته باشـند - آن هم در شـرایط کنونی که شدیدا مورد تهاجم فرهنگی دشـمنان هستیم به دنبال داشـته باشد، از این رو اصل این طرح یعنی دفن پیکرهای مطهر شـهدا در مناطق مختلفی از شـهر، کاملا منطقی است و این موضوع اختصاص به ایران نیز نـدارد، بلکه در بسـیاری از کشورهای پیشـرفته نیز، به دلیـل اهمیت این مسأله و جایگاه شـهید، محل ها و مکان های خاصـی در داخل را برای شـهدای گمنام در نظر گرفته و مردم و مسؤولین در رفت و آمـدهای روزانه به آنهـا ادای احترام و با آرمان های آنان تجدیـد بیعت می کننـد. به عنوان نمونه، معروفترین مقبره سرباز گمنام، آرامگاهی است که در میدان «اتوال» (شارل دوگل) پاریس برپا شده است. این آرامگاه که زیر طـاق نصـرت معروف پـاریس قرار گرفته پس از پایـان جنگ اول جهانی ساخته شـد و سـمبل جانفشانی ۱/۳۹۰/۰۰۰ فرانسوی است که در این جنگ کشته شدند (فرهنگ جامع سیاسی، محمود طلوعی، نشر علمی، ۱۳۷۷، ص ۵۵۲). و همچنین در روسیه (جلوی پارلمان)، آمریکا و...

اما این که در چه منطقه ای از شـهر و... باشد نیازمند کار کارشناسی است که باید تمامی جوانب و مسائل را در نظر گرفت. به عنوان نمونه در کلکچای که محل تفریحی و ورزشی است می تواند تأثیرات مثبتی به دنبال داشته باشد و یادر دانشگاه ها، زیرا دانشجویان می

توانند در کنار آموزه های علمی و تجربی و محیط درس، آموزه های معنوی را هم توسط این اسوه های رشادت و فداکاری و ایثار برای میهنشان فرا گرفته و عزم و اراده و همت خویش را در انجام وظایف و خدمت به میهن خویش، تقویت نمایند.

اما در برخی اماکن مانند میادین شلوغ و پرازدحام شاید مناسب نبوده و نتایج مطلوب را به دنبال نداشته باشد که تشخیص این امر به عهده مسؤولین مربوطه و کارشناسان است.

در هر صورت هرگز نباید به این سمبل های مقاومت و این سرمایه های عظیم ملی و نقش سازنده آنان بی توجه بود. همان طور که مرحوم دکتر علی شریعتی در اهمیت این موضوع می گوید: «... پرورش انسان - مذهب، اخلاق، تعلیم و تربیتی - جز این نیست که همه انسان ها را با پیوند به این نمونه های ممتاز، یعنی تأسی به اینان که «اسوه» اند و چشم داشتن در اینان که «شهیدند» به انسان حقیقی یعنی حقانیت انسان نزدیک کنیم»(علی(ع) دکتر علی شریعتی، مجموعه آثار ش ۲۶، تهران، نشر آمون، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، ص ۵۶۱).

نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟و آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و در چه تشکلی فعالیت کنیم برای خود و جامعه مفید خواهد بود.

پرسش

نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟و آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و در چه تشکلی فعالیت کنیم برای خود و جامعه مفید خواهد بود.

پاسخ

دانشجویان هر جامعه، یکی از اقشار آگاه جامعه نسبت به مسائل گوناگون هستند و ویژگی آرمان خواهی و منتقد بودن به عنوان یکی از صفات ممتاز آنان محسوب می شود. به همین خاطر نقد وضعیت موجود و در پی وضعیت بهتر بودن، قشر دانشجو را همواره در تلاش و تکاپو نگه می دارد و دائما او را با مسائل مختلف اجتماعی درگیر می کند. اگر چه دانشگاه، مؤسسه ای علمی است، اما دانشجویان و دانشگاهیان همانند سایر اقشار اجتماعی علاوه بر وظیفه تخصصی خود که تحصیل و تحقیق می باشد، به عنوان عضوی از جامعه انسانی در قبال سرنوشت جامعه و مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه حساسیت دارند و واکنش نشان می دهند و به این ترتیب وارد عرصه سیاست می شوند.

اما از آنجایی که هر پدیده ای ممکن است دچار آفت شود، وارد شدن دانشجو به عرصه های سیاست نیز دارای آفت هایی است که یکی از مهمترین آنها بازماندن از تحصیل است. اما اگر از دیدگاه تقسیم کار اجتماعی به دانشگاه و دانشجو نگاه کنیم، تعلیم و تعلم، پژوهش و تحقیق و پاسداری از سنن علمی و فرهنگی، وظیفه اصلی دانشگاه و دانشجو تلقی می شود. اساسا از دانشجو نمی توان انتظار داشت به طور مستقیم در فعالیت های سیاسی دخالت کند، اما مانند سایر نهادها یا حرفه ها، برای دانشجو نیز دو وظیفه متصور

است: ۱. تحصیل و تحقیق، ۲. حساسیت در قبال سرنوشت جامعه.

وظیفه اول دانشجو فعالیت های علمی، آموزشی و پژوهشی و به عبارتی وظیفه ای حرفه ای است که به طور معمول به آن می پردازد. علاوه بر این گونه فعالیت ها، دانشجو همچون مفسر و منتقد اجتماعی به اوضاع جامعه می نگرد. این ویژگی گاه از موضع پژوهش بی طرفانه علمی صورت می گیرد و گاه براساس تعهدی سیاسی و ایدئولوژیک یا احساس وظیفه دینی. بنابراین دانشجو هرگز نباید فراموش کند که نسبت به درس و تحقیق و مطالعه علمی چه وظیفه سنگینی دارد اما این بدان معنا نیست که نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه بی طرف بماند. زیرا به جهت حساسیتی که دانشگاه در سطح افکار عمومی و جامعه در جهت اثر گذاری و اثرپذیری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد بی توجهی به آن اثرات نامطلوبی به دنبال خواهد داشت. به همین جهت ایادی دشمن که از این حساسیت کاملا آگاه هستند همیشه به دنبال انحراف حرکت های دانشجویی و جهت دادن آنها در مسیر اهداف خود بوده اند. تنها راه نجات از گرفتاری در این جریان ها، حفظ اصالت دینی و ملی و توجه به آرمان های اسلام و انقلاب است که امروزه در پیروی از ولایت فقیه تبلور یافته است. ما در اینجا تشکل خاصی را به شما پیشنهاد نمی کنیم ولی به طور کلی توصیه می کنیم وارد هر تشکلی که شدید خود را سرسپرده به آن ندانید و اجازه ندهید تشکیلات شما را در خواسته های خودش حل کند. همیشه به یاد داشته باشید که مسلمان

هستید و دارای وظایف الهی هستید و از این رو آنچه را که موافق اسلام و اعتقادات مذهبی تان است بپذیرید. اجازه ندهید از شما سوء استفاده شود. جریاناتی مانند کوی دانشگاه به خوبی نشان داد که عده ای از دانشجویان فهیم ما چه سنجیده و خوب عمل کردند و نقشه دشمن را فهمیدند و خود را ملعبه دست آنها قرار ندادند ولی عده ای هم بدون فکر و هدف وارد این جریان شدند و به نفع دشمن خود حرکت کردند که به لطف خدا بسیاری از آنها بعدا به اشتباه خود پی بردند و از گذشته خود توبه کردند. خداوند انشاءالله همه ما را به راه راست هدایت فرماید.

دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و اطلاعاتی در این زمینه از شما خواستارم طرحی قابل اجرا پیشنهاد کنید تا هم بتوانیم از نظر فرهنگی تاثیر گذار باشیم هم از نظر

پرسش

دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و اطلاعاتی در این زمینه از شما خواستارم طرحی قابل اجرا پیشنهاد کنید تا هم بتوانیم از نظر فرهنگی تاثیر گذار باشیم هم از نظر علمی و معرفتی و طرح گیرا و جذاب باشد در ضمن قادر هستیم در این زمینه از اساتید موسسه امام خمینی قم استفاده کنیم اما روند، شروع و هدف واقعی را نمی دانیم.

پاسخ

کار در زمینه فرهنگی دارای گستره عامی است که زیر شاخه ها و زیر ساختارهای متعددی را شامل می شود و از هر طرف می توان نگاهی به وادی فرهنگ انداخت. به عنوان مثال: قسمت های سیاسی، ادبی، دینی، اجتماعی، هنری و... پس قبل از هر اقدامی توصیه می شود هدف خویش را به طور شفاف منقح و تبیین نمایید.

هدف های یک مجموعه نیز طبق نیازها و علائق آن مجموعه تعریف می شود. اگر شما دارای ذائقه هنری هستید و نیاز اصلی شما سمت و سوی چنان مسائلی را دارد پس بهتر است هدف خود را در قالب چنان امری تعریف کنید. پس باید چارت تشکیلاتی خود را برای رسیدن به آن هدف منسجم و تنظیم کنید (تخصیص منابع برای رسیدن به اهداف). یعنی مسؤولیت هر یک از منابع انسانی خود را مشخص نموده و در نهایت کار انجام شده از وی خواسته شود.

اما، با توجه به جامعه جوان ما و نیاز شدید ایشان به فهم صحیحی از دین، آنچه پیشنهاد می شود برنامه ریزی منسجم و مرتبی

است حول آثار شهید آیت الله مطهری زیرا آثار ایشان از طرفی مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر حضرت امام نیز توصیه کردند تا دانشجویان و طلاب آثار ایشان را به دست فراموشی نسپارند.

برای اقدام در این زمینه ابتدا افراد مایل به شرکت در این برنامه را جذب نموده سپس طبق سیر مطالعاتی ارائه شده توسط فضلایی چون آقای معمار منتظرین و دیگران (در اصفهان) برنامه مطالعاتی را شروع نمایید. برای هر کتاب نیز با توجه به برنامه های درسی دانشگاه مدت زمانی را معین کرده پس از اتمام مطالعه کتاب جلسه گفتگوی گروهی تشکیل داده به بحث و سؤال در مورد مسائل خوانده شده می پردازید.

ناظر جلسه نیز بهتر است فردی آشنا به مبانی اسلام و شهید مطهری باشد (در این زمینه از نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه خود سؤال کرده با ایشان مسأله را مطرح نمایید) سپس به ترتیب سیر ارائه شده را که از آسان به مشکل ارائه شده به پیش برید.

نکته لازم به ذکر آن است که: اولاً تمامی این امور وقتی بجاست که هیچ گونه لطمه ای به دروس شما وارد نشده به عنوان کار جانبی قلمداد شود.

ثانیا، چنین تصمیمی را با برنامه ای منسجم و همه جانبه شروع کرده و تا آخر با استقامت ادامه داد زیرا شعار کار فرهنگی، شعاری جذاب است که در ابتدا سهل و آسان می نماید ولی به خاطر مداومت و استقامت زیادی که لازم دارد بسیاری در میان راه باز می گردند.

چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟

پرسش

چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟

پاسخ

در فرایند تعلیم و تبلیغ ارزش های واقعی دین به جامعه، عناصر متعددی از قبیل؛ خصوصیات و توانایی های شخص معلم و مبلغ، ویژگی های متعلم یا مخاطب (جامعه تبلیغی)، موضوع یا پیام مورد انتقال، شیوه، ابزار، هدف، زمان و مکان، مورد نیاز بوده و هر کدام در جای خود از اهمیت زیادی برخوردارند (ر.ک: محمد تقی رهبر، پژوهش در تبلیغ، ص ۱۵۶).

بررسی شیوه های تعلیمی و تبلیغی قرآن کریم و پیامبران الهی، به عنوان بزرگترین معلمان بشریت در طول تاریخ مؤید این مطلب است. از این رو در پاسخ سؤال فوق نمی توان به یک روشی و یا چند روشی در تعلیم و تبلیغ دین و ارزش های آن بسنده کرد؛ زیرا موضوعاتی نظیر روحیات فرد متعلم، سطح علمی فرد و جهان بینی او، مقتضیات زمان و مکان و...، هر کدام روش ها و شیوه های متفاوتی را طلب می نمایند. از سوی دیگر احکام و تعالیم اسلایم تماما منطبق با مقتضیات طبیعی و

شرایط فطری و موافق با سنن الهی حاکم بر جهان است، بنابراین در هر شرایط، امکان اتخاذ یک روش برخاسته از مبانی دینی وجود دارد «انعطاف پذیری اسلام چنین اقتضا می کند که با روش های متناسب با زمان و مکان و با زبان روز و بهره گیری از ابزارهای مشروع گوناگون که متضمن رساندن پیام اسلام به مردم است تبلیغ و دعوت صورت پذیرد» (فتحی یکن، مشکلات الدعوه والدعاه، ص ۱۱۷).

از سوی دیگر مسلما روش الگویی «شیوه اسوه نمایی» در تربیت و تعلیم، ارشاد و هدایت

و تبلیغ از مؤثرترین شیوه هاست. سید قطب در اهمیت این شیوه می نویسد: «عملی ترین و پیروزمندانه ترین وسیله تربیت، تربیت کردن با یک نمونه عمل و سرمشق زنده است... سرمشق و الگو به مردم عرضه می شود تا مردم همانند صفاتش را در خود تحقق بخشند و به رنگ آن نمونه واقعی در آیند. هر کس به اندازه ظرفیت و استعدادش از آن شعله فروزان پرتوی بگیرد و تا آنجا که توانایی دارد برای رسیدن به قله کمال از کوه دانش و فضیلت بالا رود... از این جهت است که اسلام، سرمشق دادن را بزرگترین وسیله تربیت می داند و پایه روش تربیتی خود را بیش از هر چیز بر این سنگ استوار می سازد» (سید قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، ص ۲۵۱، ۲۵۲).

اهمیت این موضوع مورد تأیید یافته های علمی روان شناسان نیز واقع شده است(مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۸۳).

در قرآن کریم و روایات متعدد و همچنین سیره معصومین(ع) بر این روش تأکید شده است. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله و الیوم الاخر» (احزاب، آیه ۲۱) و «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم والذین معه» (ممتحنه، آیه ۴). و...

امام صادق(ع) نیز می فرماید: «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم لیروا منکم الورع والاجتهاد والصلاه والخیر فان ذلک داعیه؛ دعوت گر مردم با غیر زبان هایتان باشید تا پاکدامنی، کوشش، نماز و نیکی را از شما مشاهده کنند که این خود دعوت کننده است» (اصول کافی، کلینی، ج ۳،

ص ۸۱).

اسوه بودن و انطباق گفتار و کردار یکی از مؤثرترین شیوه های تعلیم و تبلیغ دین است. «اسوه حسنه از موفق ترین شیوه ها و ابزارهای ارتباط با مردم است و از این رو بر هر حاکم و رهبر و پیشوایی که در اندیشه پیروزی و نیل به اهداف فکری و عملی دعوت می باشد، لازم است که خود اسوه و الگوی دیگران باشد» (عبدالطیف حمزه، الاعلام، تاریخه و مذاهبه، ص ۳۱).

البته همچنان که مشخص است هرگز نمی توان فقط به این روش در تعلیم و تبلیغ دین در جامعه اکتفا نمود بلکه استفاده از روش های جدید و شیوه های هنری مشروع و مناسب با مقتضیات زمان و مکان می تواند نقش مهمی در تعلیم و انتقال ارزش ها به جامعه داشته باشد. چنان که زیبایی و فصاحت و بلاغت قرآن که از مقوله هنر است، مؤید این مطلب می باشد. در هر صورت پرداختن به تمامی شیوه های مناسب برای تعلیم و تبلیغ دین در این مختصر نمی گنجد، از این رو توصیه می شود به منابع ذیل مراجعه نمایید:

۱. قرآن و تبلیغ، محسن قرائتی، وزارت ارشاد

۲. تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری، نشر صدرا

۳. اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، مصطفی عباسی مقدم، انتشارات دفتر تبلیغات

لـذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل ،عکس ،اینترنت ،خانه فساد و فحشا ،فرار دختران از خانه که صدا و سیما برنامه به صورت مداوم و سراسری پخش نماید که در ازدواج والدین سخت نگیرند تا این عوامل به وجود نیاید و جامعه به فساد

پرسش

لذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل ،عکس ،اینترنت ،خانه فساد و فحشا ،فرار دختران از خانه که صدا و سیما برنامه به صورت مداوم و سراسری پخش نماید که در ازدواج والدین سخت نگیرند تا این عوامل به وجود نیاید و جامعه به

فساد کشیده نشوند.

پاسخ

ضمن استقبال از پیشنهاد شما و پیگیری آن نکاتی را خاطر نشان می سازیم:

در مورد ازدواج شعارهای زیادی داده شده و بسیاری دم از این مطلب می زنند. اما برای تحلیل واقع گرایانه تر از این قضیه باید توجه داشت مشکلات ناشی از تأخیر یا سختگیری در ازدواج تنها با سفارش و توصیه حل نخواهد شد (که اگر قابل حل بود با این همه سفارش که در همان صدا و سیما گفته می شد قابل حل بود) بلکه خود این مشکل معلول مشکلات ساختاری دیگری درون جامعه است که تا آن موارد حل نشود، این هم قابل نخواهد بود. یعنی در عمل باید دست به اصلاحات ساختاری زد و الا در حرف چه بسیارند ناصحین و سخنگویان.

از جمله آن عوامل؛ نقش فرهنگ سازی و نیز ساماندهی اقتصادی را نباید مورد غفلت قرار داد. بسیاری از تشریفات بی خودو ساختگی مانع ازدواج است، کما این که نباید مشکلات اقتصادی از جمله شغل و مسکن برای جوانان نباید فراموش شود.

پس اگر کسی در فکر حل مشکلات ازدواج است باید در فکر اصلاح مشکلات ساختاری که باعث آن شده اند باشد. از سوی دیگر خداوند متعال نیز در قرآن کریم به جوانان توصیه فرموده اگر توانستند ازدواج کنند ولی اگر نتوانستند و شرایط و مشکلات اجتماعی مانع از آن بود نباید آن را دلیلی بر توجیه گناه کردن قرار دهند. بلکه باید عفاف پیشه کنند و تقوا بورزند.

از نظرگاه اسلام حتی اگر همه افراد نیز به سمت ضلال و نابودی رفتند فرد باز در برابر خداوند مسؤول است و اگر چه تقوا و عفاف ورزیدن

در این حالت سخت تر است اما اجر و پاداش بیشتری نیز دارد.

در نهایت:

اولا؛ حل مشکلات ازدواج تنها به سفارش و توصیه تنها حل نخواهد شد بلکه نیاز به اصلاحات ساختاری تری دارد.

ثانیا؛ والدین اگر چه باید در ازدواج ها دست از سخت گیری های بی جا بردارند ولی جوانان نیز در صورت عدم حل مشکلات ازدواج باید تقوا و عفاف بورزند.

موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که درمحیط های دانشجویی و در شهرهای مختلف این مملکت اسلامی در جریان است کاملا غیر شرعی و خلاف اعتقادات روایات و آیات الهی می باشد . بنده در این مورد به قطع یقین رسی

پرسش

موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که درمحیط های دانشجویی و در شهرهای مختلف این مملکت اسلامی در جریان است کاملا غیر شرعی و خلاف اعتقادات روایات و آیات الهی می باشد . بنده در این مورد به قطع یقین رسیده ام چون با علمای اهل مکتب اسلام مباحثات زیادی را داشته ام و متاسفانه این ترویج موسیقی از دانشگاهها رایج شده است بنده به عنوان یک پیرو اهل بیت چه باید بکنم . اگر ممکن است احادیث و روایات و یا آیاتی که در رد موسیقی وجود دارد برای بنده مشروحا با ذکر منابع ارسال نمایید تا بنده به عنوان مبلغ آنها را تکثیر و در میادین مختلف مبارزات علیه بدعت های پخش شده در جامعه تا حد توان خصوصا در بین دانشجویان و خوابگاههای دانشجویان منتشر نمایم.

پاسخ

به پیوست (کتاب انسان، غنا، موسیقی، احمد شرفخانی خویی) به پیوست ارسال می گردد.

در روایات و احادیث و مخصوصا قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه های گوناگون دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند. و این مسئله باعث شده که تشخیص نیازمند واقعی از گدایان حرفه ای مشکل شود. با تو

پرسش

در روایات و احادیث و مخصوصا قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه های گوناگون دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند. و این مسئله باعث شده که تشخیص نیازمند واقعی از گدایان حرفه ای مشکل شود. با توجه به این که توصیه شده سائل را از خود نرانید مخصوصا اگر دم منزل بیاید آیا ما باید به این قبیل افراد کمک کنیم یا اینکه با کمک به آنها تکدی گری را رواج داده ایم در این شرایط وظیفه انسانی و اسلامی

یک شخص چیست؟

پاسخ

قبل از هر چیز بایـد معنای فقیر را فهمیـد - از نظر شـرع مقدس اسـلام هر کسـی که درآمدش کفاف خرج زندگی او را ندهد فقیر است و حتی می شود به او زکات واجب پرداخت کرد چه رسـد به زکات و صـدقه مسـتحبی، در نتیجه جسـتجوی فقرا در میان گدایان خیابانی اصلاً کار درستی نیست بلکه اکثر آنها از همین راه صاحب درآمدهای کلان می باشند.

در حالی که بسـیاری از افراد زحمت کش و شریف در ضعف شدید اقتصادی به سر می برند و بسیار آبرومند هستند و به هیچ وجه راضـی به درخواست کمک از دیگران نیسـتند. خوب است انسان چنین خانواده هایی را از طریق هیأت امنای مسجد محل یا افراد خیری که در این کار سابقه دارند شـناسایی و اقدام به کمک آنها نماید. البته بسـیار روشن است که شکل کمک مالی به خانواده هایی این چنین آبرومند کاملاً متفاوت با پرداخت صدقات در کوچه و بازار است و

از هر کسی هم بر نمی آید. لذا صدقات جزیی را بهتر است در صندوق های صدقات واریز نمود.

تکدی اگر همراه با دروغ و فریب نباشد حرام نیست اگر چه مکروه است (استفتاآت جدید امام خمینی، ج ۲، ص ۴۵، س ۱۱).

بنابراین کمک کردن به آنهایی که علم ندارید که آیا فقیر واقعی هستند یا نه حرام نیست و اگر قصد خدا باشد اگر چه در واقع آن شخص مستحق نباشد دهنده صدقه به ثواب می رسد. البته در جایی که علم داشته باشید که شخص این کار را وسیله ارتزاق و جمع اموال قرار داده جایز نیست.

آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی)نشات می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثلا تلویزیون اسلامی داشته باشیم و...

پرسش

آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی)نشات می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثلا تلویزیون اسلامی داشته باشیم و...

پاسخ

نخست باید دانست برخی از بنیادها و ابزارهای غربی به طور زیربنایی با تفکر اساسی در تضاد است مانند کنوانسیون رفع تبعیض از زنان. اما برخی ابزارها و بنیادهای پرداخته شده به وسیله آنها به کارشناسی و تغییر برخی کاربری ها قابل استفاده هستند.

از آن جمله تلویزیون و اینترنت می باشد (ر.ک: طلوع ماهواره و افول فرهنگی، دکتر صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات).

برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

۱. بی تردید، به طور کلی نمی توان گفت که، علوم غربی برای مقاصد الهی کاربرد ندارد، بلکه با توجه به معیارهای دین الهی، باید مرزبندی های میان دو دسته مزبور از دانش ها را شناسایی و از جهات مشترک آنها پیروی نمود.

۲. در یک چشم انداز کلی، شاید بتوان گفت، آن چه که مشخصا یافته های دانش غربی را در حوزه علوم انسانی، از مورد مشابه آن در علوم الهی جدا می سازد، نوع نگرش به انسان وجنبه های اوست.

بدین توضیح که آنان با گسیختگی از هویت روحانی انسان که بخش پایدار وجود او را تشکیل می دهد و همچنین با جدایی از عالم فرامادی، در ترسیم فلسفه حیات و راهکارهای شکوفایی آن به بی راهه افتاده اند. این رویکرد تنها در اندیشه وحیانی، با همه جوانب خود تبیین شده است.

۳. با توجه به نکته یاد شده در ردیف دوم، صرف نظر از یافته های علوم غربی در

حوزه علوم طبیعی که نوعا معتبر و قابل پیروی است، اعتبار یافته های مزبور در قلمرو علوم انسانی، مانند روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، فلسفه و ... تا بدان جاست که با اصول مسلم و مبانی فکری اندیشه وحیانی در تعارض نباشند، مثلا وقتی که در روان شناسی غربی سخن از اعتماد به نفس می شود، توکل و اعتماد به خدا برای غنی سازی راهکار معقول و منطقی اعتماد به نفس، مطرح نیست یا در اقتصاد، روابط ظالمانه اقتصادی مانند ریسک و خطرپذیری یک جانبه با اصول مسلم اقتصاد اسلامی در تعارض است. با نگاهی مختصر به شرایط مندرج در ساختارهای مجاز اقتصاد اسلامی همچون مضاربه و غیره حذف روابط ظالمانه به خوبی نمایان است، چرا که اصل خطرپذیری برای سرمایه گذار و عامل (کارگر) به طور مساوی پذیرفته شده است. در سایر حوزه های علوم انسانی نیز باید این مرز اعتبار لحاظ شود.

برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجله بازتاب اندیشه، شماره اخیر، مقاله تقابل تجدد و تدین.

دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می توان در جهت اصلاح این معضلات فرهنگی قدم برداشت.

پرسش

دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می توان در جهت اصلاح این معضلات فرهنگی قدم برداشت.

پاسخ

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می باشد

و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامل درونی اختصاص به جامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم.

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند

و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و...گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و

معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با

این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلما برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت ولزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فوایـد و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زنـدگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه بایـد منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نمایـد اهتمام جـدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بـدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که

با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

ناگفته نمانـد بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهنـد. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ك:

۱ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

با توجه به شرایط خاص دوران جوانی، طولانی بودن دوران تجرّدِ غالب دانشجویان و خطرات جدّی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی، لازم است برادران و خواهران دانشجو روابط خود را از نظر کمّی و کیفی تحت کنترل قرار دهنـد و در سطح ضرورت حفظ کنند. بنابراین، توصیه اکید ما این است که:

اولاً، اگر ضرورتی ایجاب نمی کنـد حتّی الامکـان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود و خواهران دانشجو در مقابل افراد نا محرم، رفتاری متکبّرانه داشته باشند نه رفتاری صمیمانه. اینکه در احکام شرعی می فرمایند در غیر ضرورت مثلاً مکروه است مرد با زن هم صحبت شود، مخصوصاً مرد و زن جوان، به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدنها، غرایز

جنسـی افراد را تحریک کنـد و یک اُلفت و محبّت شـهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای غوطه ور شـدن در انحراف و فساد شود.

در هر حـال انسـان بایـد دقیقـاً درون خود را بکـاود و بـاطنش را عمیقـاً مطالعه کنـد که مثلاً صـحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد.

ثانیـاً: در صورت ناچاری و ضـرورت، روابـط با نامحرم تا آنجا که به شکسـتن حریم احکام الهی منجر نشود، اشکالی نـدارد. بنـابراین، گفتگو و نگـاه هـای متعـارف بـدون قصـد لـذّت و ریبه، اشـکالی نـدارد. امّا با این حال، حتّی الامکان لازم است در کلاسها به گونه ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو، هنجارهای شرعی زیر رعایت شود:

۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود.

۲- از نگاه های آلوده و شهوانی خودداری شود.

۳- حجاب شرعی رعایت شود.

۴- قصد تلذّذ و ریبه در کار نباشد.

۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته، تنها نمانند.

بنابراین، سعی کنید خود را عادت دهید که:

۱- در صـحبت با نامحرم به او نگاه نکنیـد و به هیـچ قسـمتی از بـدن او خیره نشوید و قسـمت های باز و پوشـیده برایتان کاملاً مساوی فرض شوند، این مسأله را با تکرار و تلقین باید ادامه دهید.

۲- در همه حال، خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بدانید و عفّت و حیا را فراموش نکنید.

روشن است که هر فرد خود بهتر می تواند تشـخیص دهد که کجا از مرز فراتر رفته است. »بل الانسان علی نفسه بصیره ؛ آدمی بر نفس خود آگاه و بیناست«،)قیامت ، آیه ۱۴).

شوخی و خنده زن با نامحرمان جایز نیست و اگر موجب فتنه و

فساد شود قطعاً حرام است.

جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممات و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه درست زندگی و درست اندیشیدن را نشان دهند یکی قرآن این کتاب آسمانی است که باید آن را به عنوان الگوی خود قرار دهیم ای کاش د

پرسش

جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممات و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه درست زندگی و درست اندیشیدن را نشان دهند یکی قرآن این کتاب آسمانی است که باید آن را به عنوان الگوی خود قرار دهیم ای کاش در تمام رشته های دانشگاهی تفسیر قرآن اجباری بود و ما با این قرآن بیشتر آشنا می شدیم دوم متاسفانه دولت مردان ما راهی را می رونـد که با عقل در یک جوی نیست اینها به عنوان هدایت گران نسل جوان وظیفه ای دارنـد اما اینان امروز حرف می زننـد و فردا فراموش می کننـد. چرا بایـد قدرتمنـدان و رشوه دهنـدگان حق رفتن به پشت تریبون دارنـد و بس. به عنوان مثال رئیس جمهور رئیس مجلس و .... چرا کارهایی انجام داده اند که صدای ما ضعیفان نیز به گوش دیگران برسد. مرا که هزاران سئوال و پرسش سر در گم کرده راهنمایی کنید.

پاسخ

در پاسخ قسمت اول سؤال بایـد گفت: پیشنهاد شما در مورد ترویج فرهنگ قرآنی و آشنایی جامعه خصوصا دانشجویان با مفاهیم و آموزه های قرآن، بسیار پسندیده است که البته انجام این قبیل امور با دستگاه هایی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، آموزش عالی و... می باشد که مناسب است پیشنهاد ات خود را بـه آن مرکز ارسال نماییـد. مسلما ارائه نقطه نظرات و پیشنهادات دانشجویان گرامی خصوصا اگر به صورت دسته جمعه صورت پذیرد می تواند نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد.

اما در قسمت دوم سؤال، باید توجه داشت که هر چند

متأسفانه بین گفتار با کردار برخی از مسؤولین و کارگزاران نظام فاصله و شکاف زیادی وجود دارد و بعضا رفتارهای غیر اسلامی و غیر منطقی مشاهده می شود اما به هیچ وجه نمی توان چنین موضوعی را به مجموعه کلان نظام و مسیر اصلی آن تسری داد؛ زیرا بحمدالله نظام اسلامی و خصوصا مقام معظم رهبری علی رغم مشکلات و موانع بیشماری که ناشی از عوامل ساختار نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و بین المللی می باشد، در مسیر پیشرفت و هدایت صحیح انقلاب و تلاش برای تحقق اهداف و آرمان های والای آن گام بر می دارند و البته طبیعی است با وجود این موانع، اشکالات و نارسایی هایی نیز در جامعه مشاهده بشود که باز هم تمامی سعی نظام اسلامی بر حل اساسی آنان می باشد و انصافا اقدامات بسیار مناسبی هم – هر چند ناکافی – انجام شده و یا در حال انجام است.

نکته مهمی که در اینجا لازم است این است که نباید از یاد ببریم که تمامی کارگزاران و مسؤولین نظام ما چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، با رأی مردم انتخاب می شوند و در واقع رأی مردم است که امور اجرایی و تقنینی کشور را رقم می زند، از این رو اهتمام در امر انتخابات و تلاش برای تشخیص درست افراد واجد صلاحیت وکارآمد و مفید برای جامعه، می تواند بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما را حل نماید.

آخرین مطلب این که علی رغم بسیاری از مشکلات، بحمدالله به برکت نظام جمهوری اسلامی زمینه های هدایت در ابعاد مختلف اعتقادی و دینی، اجتماعی، سیاسی

و... برای تمامی اقشار جامعه خصوصا جوانان فراهم آمده است و آنان به سهولت و با کمال آزادی و اطمینان خاطر می توانند در تمامی زمینه ها، به طرح ابهامات و شبهات و اعتقادات خود به صورت منطقی بپردازند و پاسخ های خود را از طریق مطالعه، مشاوره و... دریافت نمایند. از این رو به شما دانشجوی گرامی توصیه می شود در هر کدام از این ابعاد دچار ابهام و یا سؤال لاینحلی می باشید با این مرکز مکاتبه نموده و ضمن طرح شفاف و منطقی سؤال خود، پاسخ های متین و مستدل دریافت نمایید.

برای نمونه به پیوست کتاب پرسش ها و پاسخ ها، ج ۷ ارسال می گردد.

وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟

پرسش

وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟

پاسخ

اشخاص توهین کننده همگی یکسان نیستند. بعضی به علت مشکل یا مصیبتی که برایشان پیش آمده به جهت کم تحملی اقدام به توهین به مقدسات یا انقلاب اسلامی می نمایند. برخی به علت این که اغفال شده اند و اطلاعات کافی ندارند به جهت باطل دیدن حق اقدام به توهین می نمایند.

برخی نیز نه عصبانی هستند و نه بی اطلاع بلکه مغرض و معاند و کینه توز هستند و در این روحیه نیز سابقه دارند به طوری که از هر فرصتی برای بدگویی استفاده می کنند.

وظیفه ما در قبال هر یک از سه گروه مذکور از نظر شکلی و محتوایی مختلف می باشد پس قبل از هر چیز در این مسأله انسان باید موقعیت شناس باشد.

در برخورد با گروه اول باید مدتی سکوت نمود و خود را به تغافل زد زیرا بعد از فروکش شدن خشم و عصبانیت خود آن شخص از عمل خود پشیمان می شود.

در فقه اسلامی، جملاتی که حتی در حد ارتداد است اگر از شخص در حال خشم و عصبانیت صادر گردد مورد چشم پوشی است و حکم ارتداد بر چنین شخصی بار نمی شود.

اما وظیفه ما در قبال گروه دوم، اقدام به نصیحت و اطلاع رسانی صحیح است؛ یعنی اگر احتمال تأثیر بدهیم باید به بحث منطقی وعلمی با این گونه افراد بپردازیم و نکته مهم این است در مقابل هر ادعایی که می کنند مطالبه دلیل نماییم و به صرف این که فلان مسأله و شایعه درست است چون

همه می گویند قانع نشویم. البته خود ما نیز باید برای تمام ادعاهای خود دلیل متقن و منطقی و قانع کننده داشته باشیم.

طبیعتا اگر اطلاعات ما در آن موضوع کم باشد یا شیوه بحث و گفتگو و مناظره را به خوبی ندانیم یا از قدرت بیان کافی برخوردار نباشیم بهتر است شخصا وارد بحث نشویم و او را به فرد دیگری که از عهده این کار بر می آید معرفی کنیم زیرا در ابتدا هم ذکر نمودیم که اگر احتمال تأثیر می دهید اقدام به بحث کنید و مسلما کسی که از نظر علمی یا بیان ضعیف است احتمال اثر عقلایی در مناظره اش نمی رود مگر این که طرف مقابل خیلی ضعیف باشد و توان ما برای قانع نمودن او کافی باشد.

اما نسبت به گروه سوم که معاند و هرزه گو هستند بهترین کار پرهیز از برخورد و گفتگو با این گونه افراد است. سخن منطقی با این گونه اشخاص اثر بخش نیست. گوش دادن به یاوه گویی های آنان نیز اعصاب انسان را خرد می کند. پس بهتر است از سخن و حرف و معاشرت با این اشخاص دوری نمود.

مادانشجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثرگذار باشیم ؟

پرسش

مادانشجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثرگذار باشیم ؟

پاسخ

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود.

الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای:

۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران . در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نموده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایی , مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی , فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم . مثلاـ" در زمینه ارزشی ها, وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند, آشکار سازیم , (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند, ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم.

۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و...

۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... .

ب . راه کارها و اقدامات

عملی :

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان.

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان , مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و... .

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت , دعا, مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و... .

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب , ارائه فیلم های خوب و مفید و... .

در پایان توجه به چند نکته ضروریست:

۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند.

۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶. از افراد با انگیزه ای

به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد.

۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکنید.

البته جامعه دانشگاهی ما ازمشکلاتی اساسی و ریشه ای رنج می برد که توجه به آنها ضروریست:

۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی.

۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و به ایجاد تحول در شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی جامعه کمتر توجه دارد.

۳- با نهایت تأسف مرجع صلاحیت علمی را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد و یا بیشتر به جذب فارغ التحصیلان خارج از کشور توجه می شود.

۴- عدم موفقیت در انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجو، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از رسالت های دانشگاه انتقال فرهنگ اصیل از نسل گذشته به نسل بعدی و حفظ هویت جامعه باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکردهای اساسی هستیم؟

۵- خط و ربط گرفتن ازگروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به

هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزنند نه اینکه هر کس به زد و بندهای سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد.

۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن

۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد های تحقیقاتی و پژوهشی کشور و عدم رابطه تعریف شده با وزارتخانه های مربوطه و کارخانجات که در نتیجه کاربردی شدن مواد درسی دانشگاه را کم رنگ کرده و انگیزه پویایی را در دانشجویان کم کرده است.

۸- عدم پیگیری مطالبات صنفی که منجر به علم سوزی و تحقیقات سوزی شده است.

۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است.

البته برخی ازا مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است.

دسیسه ها و تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسؤولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت.

چرا با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم.

پرسش

چرا

با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم.

پاسخ

اولا، وجود شرایطی نظیر دین داری، تعهد و التزام به اسلام و نظام اسلامی، تخصص های لازم و ... در کارگزاران و مدیرانی که می خواهند در نظام اسلامی و جامعه ای اسلامی، به ایفای نقش پرداخته و مسؤولیت بخشی از این نظام و جامعه را بر عهده گیرند، امری کاملا منطقی و مطابق آموزه های اسلامی می باشد، توضیح آن که نظام ما نظامی کاملا ارزشی است که بر پایه خواست و اراده مردم این جامعه شکل گرفته است و طبیعی است که اگر بخواهد ارزشی بماند و مطابق ارزش های مورد نظر مردم عمل نماید و پاسخگوی خواست مردم باشد حتما باید مدیران و کارگزارانی معتقد و ملتزم به آن مبانی ارزشی دانسته باشد. کما این که عکس این موضوع را در نظام های سکولار و لائیک مشاهده می نماییم که چگونه با کسانی که در بدنه نظام آن کشور به دین اسلام معتقد و ملتزم اند برخورد نموده و با هر دلیلی آنان را حذف می نمایند.

ثانیا، در آموزه های اسلامی و سیره امامان معصوم(ع) نیز مشاهده می نماییم که بر انتخاب و گزینش افراد مؤمن و متعهد و متخصص و دارای خصوصیات ظاهری و باطنی مناسب با جامعه و نظام اسلامی تأکید دارند، چنان که امام علی(ع) در عهد نامه خویش به مالک اشتر می فرماید: «و توخ منهم اهل التجربه والحیاه من اهل البیوتات الصالحه والقدم فی الاسلام... ؛ کارگزاران دولتی را از میان مردم با تجربه و با

حیاء، از خانـدان هـای پـاکیزه و بـا تقوا، که در مسـلمانی سـابقه درخشـانی دارنـد انتخـاب کن، زیرا اخلاـق آنـان گرامی تر، آبرویشـان محفوظ و طمع ورزیشان کمتر و آینـده نگری آنان بیشتر است» بر این اساس و با توجه به روایات و آیات بیشـماری که وجود دارد تأکیـد بر متدین بودن صـفات ظاهری و باطنی نیک، باید در انتخاب کارگزاران و کارمندانی که به عنوان یک امیـن می خواهنـد حکـومت را که امـانتی از …ƏŞخداونـد و مردم در دسـتان آنهـاست را اداره نموده و بـا سـلامت پیش بـبرند رعایت شود.

ثالثا، بر اساس مبانی ارزشـی نظام اسـلامی و با الهام از آموزه های اصـیل اسـلامی، قانون اساسـی و قوانین عادی نظام اسلامی، شرایطی را برای گزینش و اسـتخدام مـدیران و مسؤولان اجرایی و تقنینی کشور در نظر گرفته انـد که از جمله آن شـرایط پای بنـدی آنـان به رعـایت تعالیم و دسـتورات دینی در ابعاد فردی و اجتماعی است و طبیعی است هر چه مسؤولیت ها بالاتر باشـد وجـود چنین شـرایطی هم از اهمیت بیشـتری برخـوردار می باشـد و اگر بـا دیـدی کاملاـ منطقی نیز به این موضـوع نگـاه کنیم مشـخص می شود که تأکید بر این شـرایط کاملا مطابق با مصالح و منافع جامعه اسـلامی ما می باشد، زیرا مسؤول یا کارمندی که درتمـامی ابعـاد زنـدگی خود حقیقتـا به احکـام الهی و رعـایت حقوق مردم پـای بنـد است می توانـد بـا تمام وجود در راه خـدمت به جـامعه گـام برداشـته و دچـار مفاسـد و کوتـاهی در انجـام وظـایف خود نشود و حال آن که هرگز نمی توان چنین انتظاری را ا…افراد فاقد ایƠشرایط داشت. بنابراین

تأکید بر اO...شرایط از سوی قانونگذار در واقع از سویی رعایت مصالح و منافع نظام اسلامی و در نظر گرفتن معیارهایی برای حفظ سلامت، تداوم و کارآمدی نظام اسلامی است و از سوی دیگر می تواند خواست ها و انتظاراتی که مردم از نظام اسلامی مبنی بر سپردن امور کشور در بخش های مختلف به دست افراد اهل و صالح دارند برآورده می سازد.

رابعا، مسلما نظام اسلامی با وجود و گسترش ریاکاری و ظاهرسازی به شدت مخالف است و آن را آفتی برای خود و جامعه اسلامی می داند اما باید توجه داشت که اگر متأسفانه عده ای برای استخدام شدن دست به ظاهرسازی می زنند، نباید برای اصلاح این وضع از قوانین منطقی و الهی صرف نظر کرد، بلکه باید با در نظر گرفتن مکانیزم های دقیق در مقاطع گزینشی از ورود این گونه افراد متقلب و ظاهرنما به عرصه های اداری و قانونگذاری کشور جلوگیری نمود.

نتیجه آن که در نظر گرفتن معیارهایی در زمینه تعهد و تدین افراد، در قوانین استخدامی مطابق با آموزه های شرعی و عقلی مصالح و منافع جامعه و خواست و انتظار مردم از نظام اسلامی است و یکی از بهترین ساز و کارهای کنترل نظام سیاسی از مفاسد و رکود بوده و زمینه های پیشرفت و کارآمدی نظام را فراهم می نماید. البته باید برای حصول به این اهداف وجلوگیری از روی آوردن افراد به ریاکاری و ظاهرسازی مکانیزم های دقیق بیشتری در مقاطع گزینشی در نظر گرفته شود.

تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند.

پرسش

تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند.

پاسخ

اساس «فرهنگ» در نظر اندیشمندان اسلامی، جهان بینی ها واعتقادات افراد است نه آداب و تشریفات و سنت ها و رسوم. از این رو هر آنچه که در راستای تصحیح، رشد و گسترش و تعمیق افکار عمومی از حیث جهان بینی و اعتقادات باشد، کار فرهنگی محسوب می شود و هر کاری که در جهت تخریب اعتقادات و ارزش ها باشد تهاجم فرهنگی حساب می شود.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک:

- تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۷۹

- تهاجم فرهنگی، استاد محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶

- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸

- مبانی نظری تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجو، تابستان ۷۷

- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پرسش

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پاسخ(قسمت اول)

به مطالب ذیل (جزوه راهبردهایی برای کار فرهنگی) توجه فرمایید.

تهدیدات فرهنگی

خطر از دو سوی فرهنگ جامعه ما را تهدید می کند ، یکی از جنبه داخلی و دیگری از جنبه خارجی.

خطراتی که از داخل جامعه ما را تهدید می کند در عرصه مطبوعات ، صدا و سیما ، سیاست و ... بروز و ظهور دارد که به اختصار به بررسی برخی از آنها پرداخته می شود :

الف) مطبوعات و جراید : مطبوعات با وارد شدن در بخشهایی که ورود آن بدون تخصص خطرناک است و اظهار نظر در بخش هایی که نیاز به کار کارشناسانه (به وسیله مقاله، عکس و ...) زمینه تحول در عرصه فکر ، اخلاق و عمل را به صورت منفی ایجاد خواهد نمود.

ب) سینما و تلویزیون : به عنوان مثال پخش فیلم های خشن آمریکایی و فیلم هایی که از آنها خشونت استنباط و القاء می شود . باعث بروز خشونت و پرخاشگری در بین کودکان خواهد شد و این موضوع سبب می شود که کودک به راحتی در مقابل پدر و مادر بایستد. در یکی از کشورها ی غربی از پسری که مادر و خواهرش را کشته بود سؤال شد که علت این کارت چه بود ؟ جواب می دهد که : فلان فیلم را که دیده بودم ، عین همان کار را پیاده کردم .

حیوانات را نیز نباید در مقابل کودکان ذبح کرد ، پدری در مقابل فرزندش مرغی را ذبح می کند ، بعد

از اینکه پدر می رود ، برادر بزرگتر همان صحنه را بر روی برادر کوچکتر پیاده می کند . پدر با دیدن این صحنه برادر بزرگتر را می کشد و خودش هم دق می کند و می میرد .

ج) برنامه ریزی غلط فرهنگی : مثلا ورزش و ترویج فوتبال در جامعه ما ، ورزش در جای خود بسیار مفید است و لازم . حتی می تواند مقدمه کار فرهنگی را نیز فراهم کند ، ولی بعضی با برنامه ریزی غلط و اشتباه وقتی در این عرصه وارد شدند مشکلات عدیده ای را فراهم نمودند .

د) بر خورد های سیاسی با مسائل فرهنگی : بدین معنی که جناحی خود را حق مطلق بداند و جناحها روبری همدیگر قرار گیرند و به تضعیف یکدیگر بپردازند و بخشهای فرهنگی را در جامعه رنگ سیاسی بدهند . به عنوان مثال پلوراليسم یا سکولاریسم را در جامعه ترویج دهند . حرفهایی که در غرب مدتها پیش زده شده در کشور ما ترجمه می شود و در روزنامه ها و مطبوعات به گونه ای درج می گردد که خواننده فقط یک جنبه از آن را می تواند ببیند و بررسی موضوع فقط برای او فراهم نیست . متولیان امور فرهنگی این دعواهای سیاسی را نباید به هیچ وجه درذهن بچه های ۱۰تا۱۲ ساله وارد کنند.

اما از جنبه خطراتی که از بیرون جامعه ما را تهدید می کند به این شکل است که غرب سه رویکرد نسبت به فرهنگ ما داشته است ۱ـ تهاجم فرهنگی ۲ـ شبیخون فرهنگی ۳- تربیت فرهنگی

در بین این فرایندها و مراحل ، تربیت فرهنگی از

همه مراحل دیگر خطرناک تر است . که یکی ا ز کارهای دقیق غرب صرف بودجه های کلان برای این بخش است تا بتواند این تربیت فرهنگی و فرهنگ سازی غربی را به بهترین وجه از طریق ماهواره ، فیلم های ویدیویی ، کامپیو تر ،تئاتر ، موسیقی شعر ، بازیهای رایانه ای ، اینترنت و... انجام دهد. به عنوان نمونه اکثریت فیلم های غربی ، مردمی را به تصویر می کشند که در طول هفته مشغول کارهای روزانه ، فعالیتهای سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و ... هستند ولی یک روز هفته را برای امورات مذهبی ، دعا ، نیایش ، رفتن به کلیسا یا کنیسه صرف می کنند به گونه ای که برنامه های دینی از برنامه های سیاسی ، اجتماعی و ... کا ملا" جداگانه ، انگاشته می شود و از این طریق در صدد نمایش جدایی دین از حوزهء سیاست (سکولاریسم) ، اقتصاد (لیبرالیسم) اجتماع (پلورالیسم) و... می باشند

همچنین برای تربیت کودکان از سنین ابتدایی رشد، برنامه های بازی رایانه ای مثل «یا مهدی» ساخته می شود . در این بازی کودک برای ا ینکه امتیاز بگیرد کسانی را که «یا مهدی » می گویند نابود می کند . نتیجه این خطرات خارجی و غفلتهای داخلی چیزی جز ناهنجاریهای فرهنگی و دور ساختن کودکان ، نوجوانان و جوانان از حضور در عرصه های دینی نخواهد بود.

قابل تغییر بودن فرهنگ

در مورد اینکه فرهنگ قابل تغییر است و یا خیر ، سه دسته وجود دارند که هر دسته دیدگا ه خاصی دارند.

دسته اول: این عده معتقدند که فرهنگ قابل تغییر نیست

. زیرا فرهنگ با نهاد و ذات و فطرت جامعه پیوند خورده است و از آن جهت که ذاتیات را نمی توان تغییر داد فرهنگ را نیز نمی توان تغییر داد .

دستهٔ دوم : قائل به تغییر پذیری فرهنگ جامعه هستند اگر چه در نهان و نهاد تک تک افراد جامعه تأثیر کرده باشد.

دستهٔ سوم : که نظر قابل قبول تری دارند معتقدند که آن بخشهایی از فرهنگ که در نهاد جامعه قرار گرفته و جزء ذاتیات آن شده ، تغییر دادنش مشکل است ولی بسیاری از فرهنگها را می توان تغییر داد که هدف بعثت انبیاء الهی هم همین بوده است. پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: «انی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق » و «انی بعثت معلما»

جاهلیت عرب ، با آن خصوصیات ویژهٔ خود از جمله بت پرستی، ستاره پرستی، دختر کشی، فساد ، دزدی و غارتگری و... با بعثت حضرت رسول اکرم (ص) متحول می شود ولی همین جامعه نیز پس از رسول خدا (ص) سر فرزندش را در کربلا برای رسیدن به قرب الهی می برند.

لزوم جهاد فرهنگی

هر بحرانی نیاز به یک جهاد خاص دارد ، زمانی که بحران مرزی داشتیم و مستلزم یک جهاد مرزی بود رزمندگان ما یک جهاد شبانه روزی را شروع کردند حتی وقتی به مرخصی می رفتند بیکار نمی نشستند و بعضی از چند روز نمی توانستند در شهر بمانند . در حال حاضر نیز با یک بحران فرهنگی روبرو هستیم که یک جهاد فرهنگی را (به تعبیر مقام معظم رهبری) می طلبد .

همان طور که جهاد مرزی وقت نمی شناخت و همیشه باید آماده می بودیم،

اکنون نیز بایـد تمـام ساعـات خودمان را صـرف این جهاد نماییم ، آنگاه که باور نمودیم که این صـحنه ، صـحنه جهاد است ، دیگر خستگی معنا نخواهد داشت باید همچون یک جهاد گر به تکلیفمان عمل کنیم و به تعبیری خستگی را هم خسته کنیم .

فاطمه (س) در مورد حضرت علی (ع) می فرماید : علی (ع) دارای این مشخصه ها بودند

ممسوساْ فی ذات الله = در راه خدا و برای رضای خدا در سختی و فشار قرار می گیرد.

مجتهدا فی امر الله = سخت کوش در امر الهی .

تقریباْ فی الرسول الله = نزدیک به رسول خدا.

سیداْ فی اولیاء الله = سید و سرور اولیاء خدا بود.

مستمرا"ناصحا" = اصلا" به فکر خواسته های شخصی نبوده و خیر خواه جامعه و اهل نصیحت و اصلاح بود.

مجدا" کادها = کوششگر بسیار جدی بود .

لاتاْخذه فی الله لومه لائم = اصلا" به ملامت های ملامتگران توجه نداشت .

حال که ما خود را شیعه یا محب حضرت علی(ع) می دانیم با چنین حضوری که در عرصه تکلیف الهی داشتند چگونه باید در این صحنهْ چهاد حضور یابیم ؟

خود سازی مقدمه دیگرسازی

انسان آنگاه می توانـد غیر را بسازد که خودش را ساخته باشد کسـی که خودش را نساخته ، نمی تواند جامعه را بسازد . خیلی از تواناییها در درونمان نهفته است لذا باید یک توان شناسی داشته باشیم و این کار نیز نیاز به خود سازی دارد .

خود سـازی به خودی خود ایجاد یک جاذبه می کنـد . آنکسانی که می خواهنـد کار فرهنگی کننـد خوب است که یک کار سلوکی و خود سازی را با

هم شروع نمایند به عنوان مثال به همدیگر قول بدهیم تا چهل روز مراقب زبانمان باشیم و هر جا که خطایی از یک نفر سر زد به همدیگر تذکر بدهیم . در بر خوردها ادب را رعایت کنیم . صبرمان را بیشتر کنیم .

شیوه های مختلف کار فرهنگی

کار فرهنگی می تواند از دو طریق انجام پذیرد :۱ـ مستقیم ۲ـ غیر مستقیم .

کار فرهنگی مستقیم یعنی مباحث اعتقادی و دینی و فرهنگی را مستقیما" و تحت عنوان کلاس و گفتگو ، فیلم و صدا و ... به جامعه عرضه نماییم .

اما کار فرهنگی غیر مستقیم آن است که در ضمن ابزار و وسایلی که داریم به ترویج فرهنگ دینی بپردازیم . یک معلم در کلاس درس ، یک مربی در ورزش ، یک فیلمساز در فیلمی که می سازد و...

باید به صورت غیر مستقیم در صدد فرهنگ سازی باشیم . یک شاعر با شعر خوب می تواند نگرش انسان را تغییر دهد . یک معلم با استفاده از گوش و چشم و... دانش آموزان و ... همه و همه می توانند در این راه بهترین و بیشترین نقش را داشته باشند.

مهندسی فرهنگ

یکی از مسائلی که در جامعه ما مشکل ساز شده است تعدد متولیان فرهنگی است البته این تعدد از جهتی خوب است ولی جنبه های منفی آن بسیار است .در حال حاضر در صحنه فرهنگ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان تبلیغات اسلامی ، بسیج و... هر کدام به نوعی مدعی کار فرهنگی هستند در این شرایط تنها از طریق یک مهندسی فرهنگی است که می توان به ساماندهی بخش فرهنگی جامعه

پرداخت . یعنی همانطور که در ساخت یک ساختمان نیاز به یک نقشه ای داریم که تمام زوایای کار در آن سنجیده شود باید نخست زوایای کار را بسنجیم و آنگاه هر زاویه ای را به عهده یک متولی خاص بگذاریم . سپس باید دقت نماییم که کارهای موازی یا مخالف هم در بین متولیان افزایش نیابد . به عنوان مثال فعالیتهای قرآنی را نباید هم سازمان تبلیغات و هم ارشاد ، موازی با هم انجام دهند.

اما این تعدد می تواند مفید باشد به شرطی که هر کدام از متولیان فرهنگی یک قسمت خاصی از کار را عهده دار بشوند تا در کنار هم فضای فرهنگی کشور را توسعه بدهند.

نیاز شناسی و آسیب شناسی

برای رسیدن به اهداف نیاز به یک برنامه ریزی کار شناسانه داریم و در این برنامه ریزی به دو مقوله باید توجه نمود اول نیاز شناسی و دوم آسیب شناسی.

در بحث نیاز شناسی باید بررسی شود که در مراحل سنی مختلف از کودکی تا نوجوانی و جوانی شخص با چه نیازهایی روبرو است و ما از چه طرقی می توانیم مفاهیم دینی _فرهنگی را به او منتقل نماییم . معاد را اگر بخواهیم به یک کودک یا نوجوان و جوان بیاموزیم چگونه باید برنامه بریزیم. به عنوان مثال نواری را که از روی کتاب سیاحت غرب مرحوم نجفی قوچانی ساخته شده برای کودکان نه تنها مفید نیست بلکه مضر هم هست .

مرحله دوم مرحلهٔ آسیب شناسی است در این مرحله باید آن دسته از آسیب ها و آفتهایی را که جوان ،

نوجوان و... را تهدید می کند شناسایی نماییم و آنگاه به

آسیب درمانی بپرازیم .

اهداف ویژه

برای اینکه بتوانیم اهداف ویژه یک کار فرهنگی را تبیین نماییم باید نخست دردهای جامعه را شناسایی نموده و آنگاه در جهت درمان آن دردها و ضعفها برنامه ریزی نماییم .

پس ما در اینجا به پنج ضعف عمده و اصلی در جامعهٔ کنونی اشاره می نماییم:

۱ــ ضعف روحیه تعبد : بندگی و عبودیت در جامعه

۲ــ ضعف روحیه علمی : یعنی عدم حضور با بصیرت در تمامی میدانها، اگر در زمینه سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... عموم مردم عالمانه برخورد نمایند بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد .

۳ــ عدم تبیین فرهنگ سیاست دینی : یعنی علی رغم اینکه عنوان می شود که سیاست از دیانت جدا نیست ولی در جامعه خوب آن را تبیین ننموده ایم.

۴ــ عدم رشد فضائل اخلاقی بصورت عام و فراگیر : اخلاق دانشجویی ، اخلاق پزشکی ، اخلاق معلمی و استادی و ... هنوز در جامعه ما جا نیفتاده است .

پاسخ(قسمت دوم)

۵ــ نشستن غبار بر روی فطرت پاک انسانی (عدم توجه به گرایشهای فطری)

بر اساس همین مشکلات و ضعفها اهداف ویژه در جامعه ما می تواند اهداف زیر باشد :

۱ــ تقویت روحیهٔ تعبد : البته در این زمینه هیئتهای مذهبی بسیار می تواند موءثر باشد .

۲ــ تقویت روحیه علمی

۳ــ تبیین فرهنگ سیاست دینی

۴ــ بستر سازی برای شکوفایی و رشد گرایشهای فطری یا بینشهای فطری

۵ــ رشد فضائل اخلاقی

به عنوان مثال و برای روشن شدن مطلب در بخش تقویت روحیهٔ علمی ما در مورد موضوعات دموکراسی ، آزادی ،پلورالیسم ، سکولاریسم ، ولایت فقیه و...نیاز به کار کردن

داریم که برای تقویت هر کدام از این بخشها می توان از جلسات پرسش و پاسخ ، میز گرد ، نشریات ، اردوهای آموزشی و تفریحی چند روزه و... استفاده نمود .

راه های تقویت انگیزه

کار فرهنگی یک کار تربیتی است. کار تربیتی نیز نیاز به صبر و حوصله، آرامش و شرح صدر دارد تا مشکلاتی که پیش رو خواهیم داشت را پشت سر بگذاریم. برای این کار هم باید انگیزه را تقویت نماییم. انگیزه هم می تواند از بیرون یا از درون نشأت بگیرد.

انگیزه الهی از درون می جوشد و باعث می شود انسان همیشه در صحنه تکلیف حضور داشته باشد. انبیاء الهی، اولیاء خدا، علما و فقها و... بر این اساس به جهاد در این راه می پرداختند. چند فاکتور نیز می تواند در تقویت انگیزه از بیرون تأثیر داشته باشد که به اختصار به آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. اتحاد وحدت و حضور منسجم در کنار یکدیگر: این اتحاد متصدیان کار فرهنگی می تواند عاملی باشد تا دیگران هم در این صحنه وارد شوند.

۲. عامل بودن به حرف ها و شعارها: با توجه به شرایط کنونی جامعه که مردم از حرف شنیدن خسته شده اند یکی از مؤثرترین کارها عمل کردن به وظیفه است که در روایت نیز به آن سفارش شده است: «کن تفاعا ولا تکن فرارا» یعنی همیشه نفع رسان باشید نه ضرر رسان. حضرت آیت الله بهجت نیز مکررا سفارش می نمایند که: «بیشتر فعال باشید نه قوال».

۳. دنبال الگو، نمونه و مصداق رفتن: یعنی به مطالعه و بررسی زندگی افرادی که در راه رسیدن به هدف فرهنگ سازی دینی

لحظه ای از جهد و کوشش باز نایستاده اند. علما و بزرگانی که از جان و مال و آبروی خویش در راه دین گذشتند.

در کنار این موارد شب زنده داری، نماز خواندن، دعا کردن، توسل، زیارت عاشورا، انس با قرآن، ارتباط با ائمه معصومین(ع) و مطالعه سیره زندگانی ائمه(ع) اگر چه مکرر باشد می تواند در تقویت انگیزه بسیار مؤثر باشد.

نکات مهم در کار فرهنگی

در کار فرهنگی باید به چند نکته و اصل توجه نمود که غفلت از هر کدام از اینها می تواند نقص بزرگی در کار ایجاد نماید .

نکته اول – اخلاص؛ در انجام یک کار فرهنگی نیاز به عاملی داریم که اثر کار را ماندگار و پایدار نماید و چیزی جز اخلاص نمی تواند عمل را پایدار نماید که البته باید در تمام مراحل کار (قبل، حین کار و بعد) حضور داشته باشد.

نکته دوم – استمرار برنامه ها ؛ یا کاری را شروع نکنیم یا آنگاه که شروع کردیم ، آمادگی کامل ، با برنامه ریزی وپختگی شروع نماییم که اگر چنین نباشد اثرات منفی خواهد داشت .

نکته سوم – قدم به قدم بودن برنامه ؛ همیشه اهداف را بزرگ انتخاب کنیم ولی در عرصه عمل با توجه به امکانات و توان نیروها از کم شروع کنیم و قدم به قدم جلو برویم .

نکته چهارم – اهمیت مشورت ؛ یک شورایی جهت مشورت و نظر خواهی تأسیس شود و یک شورایی جهت انجام مصوبات (شورای مشورتی که فقط وظیفه اجراء را به عهده خواهد داشت) شورای مشورتی مکانی است که حرفهای مختلف در آن زده می شود و

نظرات مختلف ارائه گردد , همهْ بحث ها رایزنی ها باید در این شورا انجام پذیرد ولی آنگاه که تصمیمی گرفته شد , آن تصمیم باید از سوی همهْ اعضاء حمایت شود . حتی آنهایی که در جلسه مخالف آن طرح بودند در بیرون جلسه مدافع آن باشند . به عنوان نمونه در جنگ احد دو نظر وجود داشت , جوانان که اکثریت را تشکیل می دادند معتقد بودند که زره بپو شیم و در بیرون شهر به مبارزه با دشمن بپردازیم ولی مسن تر ها که پیامبر (ص) هم جزء آنها بودند اعتقاد داشتند که در داخل شهر با آنها مبارزه کنیم . چون جوانها اکثریت را دارا بودند , پیامبر زره پوشیدند و به همراه جوانها و مسن ترها به بیرون شهر رفتند . جوانان وقتی متوجه شدند که نظر پیامبر خلاف این بوده برای معذرت خواهی نزد پیامبر(ص) آمدند ولی پیامبرفرمودند :چون نظر جمع این است ,تصمیم گرفته شد ه باید به آن عمل کنیم .

نکته پنجم - بدهکار دانستن خود ؛ هر وقت کاری را انجام می دهیم بر کسی منت نگذاریم , ما باید خود را همیشه و در هر حال بدهکار بدانیم . شهید مطهری می فرمودند : هی نگوییم انقلاب برای ما چه کرد ؟ بگوییم ما برای انقلاب چه کردیم . «الله یمن علیکم » خداوند تبارک و تعالی است که باید بر ما منت بگذارد .

نکته ششم - پیمان اخوت ؛ همان طور که گفته شد کار فرهنگی یک جهاد گونه است و در این جهاد باید به هم تعهد بدهیم که تا انتهای کار با

هم و دوش به دوش همـدیگر باشـیم و یکـدیگر را تنها نگـذاریم . دست اخوت , برادری , همدلی و یکدلی به هم بدهیم و با هم پیمان ببندیم .

آیت الله روحـانی (ره), آیت الله میـانجی (ره) و آیت الله شبیری سه دوست بودنـد که بـا هم یـک چنین پیمانی بسـته بودنـد . آقای میانجی به آقای روحانی می گفتند: که از خدا خواسـته ام که قبل از شما از دنیا بروم چون نمی توانم فراق شما را تحمل کنم . همینطور هم شد . اول آیت الله میانجی فوت کردند , بعد آیت الله روحانی پس از ۲ ماه و آیت الله شبیری هنوز زنده اند .

نکته هفتم – اتصال به چشـمه ؛ همیشه باید به چشـمه متصل باشـیم, اگر از چشمه جدا بشویم, گندیده می شویم . آب کر اگر چه پاک کننده است ولی هر چه بیشتر پاک کند کثیف تر می شود مگر اینکه به چشمه متصل باشد .

اتصال به چشـمه مربوط به خودمان است . ارتباط با قرآن , نهج البلاغه ...و خود سازی . برای شروع نهج البلاغه را صبحها بعد از اذان صبح با هم بخوانید . یک هفته روی گوش , یک هفته روی چشم و... مراقبت داشته باشید و به هم کمک کنید .

نکته هشـتم – نیرو شناسی ؛ در طول کار همواره باید به مسئله نیروشناسی توجه نمود و کار را برایشان توجیه و تبیین نمود تا به گسترش فعالیتها بپردازیم .

نکته نهم – باور کردن یکدیگر ؛ باید همدیگر را باور کنیم . مسئولین با ید نیروهایشان را

باور کنند و بر همین اساس به آنها مسئولیت بدهند . اصلا امام (ره) هم با توجه به همین باوری که از مردم داشتند به این موفقیت و نفوذ دست یافتند .

نکته دهم – شایسته سالاری ؛ در جذب و دفعها هیچگاه نباید حزب و گروهی را مد نظر قرار بدهیم . بلکه ملاک و معیار ما شایستگی و شایسته سالاری باشد و بر این مبنا افراد را انتخاب نمائیم فقط ملاک اصلی بدون دخالت دادن سلیقه ها باید ولایت فقیه و رهبری باشد .

نکته یازدهم – توجه نکردن به نقصهای ابتدای کار ؛ در آغاز هر کاری احتمال بروز نقص ها و عیبها یی وجود دارد که یک آسیب شناسی را در طول مسیر می طلبد . ولی نباید به آن نقصها خیلی توجه کرد بلکه سعی شود زیبایی ها و نکات مثبت را ببینیم تا توان روحی دست اندر کاران بالا رود .

نکته دوازدهم – گذشتن از آبرو ؛ در این صحنه جهاد فرهنگی باید از همه چیزمان حتی از آبرویمان بگذریم . شیخ کاشف الغطاء(ره) روزی در مسجد بین فقراء و مستمندان پول تقسیم می کردند . بعد از تقسیم یک پیر مرد سیدی آمد و سهم از شیخ مطالبه کرد . شیخ گفت : که دیگر پولی نمانده ، انشاءالله دفعه بعد . پیر مرد آب دهان بر روی شیخ انداخت و سر و صدای زیادی بر پا کرد . شیخ عمامه خود را از سر برداشت و در دست خود نگه داشت و رو به جمع گفتند: به آبروی این ریشهای سفید کمی پول در این عمامه

بریزد تا به این پیر مرد بدهم .

توصیه هایی به مجریان امور فرهنگی

۱ـ عدم احساس خستگی در کار : در عرصهٔ بسیار مهم و گسترده کار فرهنگی نباید احساس خستگی شود و شما باید این قدر کار کنید و کار را ادامه دهید تا اینکه خستگی از دست شما خسته شود ،خستگی ناپذیری از شاخصه های مهم افرادی است که کار فرهنگی می کنند .

۲ـ نگاه جامع و فراگیر در کار : در کار فرهنگی نیازی به اسم و رسم نیست و نگاهها باید فراتر از محدوده های کوچک و بسته بوده ، و جامع و فراگیر باشد . باید دنبال وصف بود نه دنبال اسم . مقصود نباید طرح خود باشد بلکه باید هدف شرکت جدی در عرصهٔ جهاد فرهنگی باشد .

۳ـبرنامه ریزی و نظم و انضباط: در کار فرهنگی باید از کارهای بدون برنامه ریزی به شدت پرهیز نمود .

۴ـ خدا محوری و رنگ خدایی دادن به کار : همیشه خدا را به عنوان یک اصل و پایه و محور اعمال و عبادات و اذکار در نظر بگیریم و همه چیز را برای او قرار دهیم ، به کارهای خود رنگ خدایی بدهید ، اگر کسی کاری را توانست انجام بدهد ولی عمدا انجام ندهد به قصد اینکه دیگران به نتایجی دربارهٔ وی و نقش و تأثیر او در آن کار برسند ، این معلوم است که کار او رنگ خدایی ندارد و شرک در اعمال او ظاهر شده است . فلذا لازم است ما انگیزهٔ الهی را در خود تأسیس بکنیم و ایجاد بکنیم و سپس تقویت بکنیم .

۵ـ

منتقد خویش باشیم : ما دو نوع نقد داریم فردی و جمعی . در هر نقدی تکامل ،پیشرفت و افزایش و... وجود دارد و اگر نقد منجر به این نتیجه نشود ناقص است ، نقد همیشه یک راه روشن را به روی انسان باز می کند .

۶ـ کار فرهنگی یعنی کار حسینی : بدانید که اگر کاری به زمین بماند ،کارهای امام حسین (ع) بر زمین می ماند . پس بدانید با اینکار چه کسی ضربه می خورد . آیا ما ضربه می خوریم یا دین ضربه می خورد ؟

۷ـکار فرهنگی متکی به فرد و من و شما نیست : هیچ وقت در مخیله خویش راه ندهیم که اگر من نباشم ، این کار انجام نمی شود . اسلام و انقلاب به شخصی متکی نبوده و نیست . تفکرات شرک آلود را از خود دور کنیم . احترام ها و عزت هایی که کسب کرده ایم به واسطه اهل بیت بوده است .پس برای انجام یک وظیفه و یک کار شروط تعیین نکنید . برای چه کسی و چه چیزی شرط می گذاریم ؟

۸ـبرای کار خود حرمت قائل شوید : برای جمع خودتان حرمت قائل شوید و برای تصمیمات و کارهای خود بها قائل شوید . پشتیبان عملکرد و کارها و برنامه های خود باشید.

۹ـ کار فرهنگی ، کار آگاهانه و عاشقانه : هر کاری را و خصوصاً کار فرهنگی را آگاهانه و عاشقانه آغاز کنید و از افراط و تفریط پیشگیری کنید که این امر باعث تعدیل در هر کاری می شود. «والسلام»

منابع :

۱ـسخنرانی حجه الاسلام والمسلمین رمضانی در تاریخ

۱۴/۳/۷۸ همزمان با سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) تحت عنوان « تکلیف از نظر امام خمینی (ره) »

۲_سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۳۱/۴/۷۹ در مراسم افتتاحیه کلاس تربیت مربی کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت

۳_رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۲۷/۵/۷۹ در جمع اعضای فعال کانون فرهنگی دینی ثقلین

۴_بیانات حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۷/۶/۷۹در جلسه شورای فعال کانون فرهنگی دینی ثفلین

۵_رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۱۴/۱۰/۷۹ در جلسهْ عمومی خادمین هیأت متوسلین به ائمه اطهار (ع)

۶_ بیانات حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۱۲/۱/۸۰ در جلسهْ شورای کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت

۷_بیانات حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۲۳/۵/۸۰ در جلسهْ شورای کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت

۸_ رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۳/۱۰/۸۰ درجلسه عمومی کلیه مسئولین و اعضاء و خادمین هیأت متوسلین به ائمه اطهار (ع) و کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت .

چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ارتقاء سطح فکری و تغییر و رشد عقلی اهمیت قائل نمی شوند.راه درمان چیست؟

پرسش

چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ارتقاء سطح فکری و تغییر و رشد عقلی اهمیت قائل نمی شوند.راه درمان چیست؟

پاسخ

انسان در دامان مادر طبیعت و عالم ماده چشم به جهان می گشاید و از همان لحظه نخستین و آغازین زندگی، با طبیعت و محسوسات ارتباطی تنگاتنگ دارد. لذت های گوناگون مادی را بارها تجربه می کند و با آنها انس و الفت عمیق داشته و گاه این انس و الفت در او دلبستگی و وابستگی شدید ایجاد می کند به گونه ای که هر واقعیتی جز آن را انکار می کند و حقیقتی جز دنیا و محسوسات و مادیات در نزد آنها وجود ندارد. این نوع تفکر و اندیشه اصالت را به ماده و محسوسات می دهد و تمام هدف انسان را بهره مندی هر چه بیشتر از دنیا و مواهب آن می داند. توجه به مدهای جدید و تنوع در بهره مندی از زندگی و تجملات آن و صرف گوهر ارزنده عمر که سرمایه حیات ابدی انسان است در غوطه ور شدن در لذت های فناپذیر و ناپایدار دنیا ثمره چنین تفکر و عقیده ای است. واقعیت این است که در یک نظر سطحی و کوتاه، لذت های دنیا نقد و در

دسترس انسان است و لذت های آخرتی و معنوی و روحی نسیه و دور از دسترس است و انسان عاقل هرگز نقد را با نسیه سودا و معامله نمی کند. علم و تعقل و اندیشه از سنخ مجردات و عالمی ورای ماده و محسوسات است

و ورود در این عالم و انس با تفکر و تعقل برای کسانی که در گرداب دنیا و محسوسات و تعلقات مادی غوطه ور شده اند و همه نیروی خود را در این راه صرف کرده اند کار دشوار و ناگواری است.

امیر مؤمنان علی(ع) در سخنی زیبا و کوتاه در این باره می فرماید «الناس ابناء الدنیا ولایلام الرجل علی حب امه؛ مردم فرزندان دنیایند و نباید کسی را به خاطر علاقه به مادرش سرزنش نمود» (نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۰۳).

راه درمان این بیماری و حل این مشکل تصحیح باور و عقیده و اصلاح جهان بینی و بینش این گونه افراد است. بیان ارزش و اهمیت تفکر و تعقل و جایگاه محوری و اساسی آن و تأثیر عمیق آن در سعادت و شقاوت انسان می تواند این نوع اندیشه و تفکر را تا حد زیادی تغییر دهد. انسان چون فطرتا به دنبال سود و منفعت است و همه فعالیت های او در زندگی برای رسیدن به سود و نفع بیشتر است اگر این آگاهی و توجه را پیدا کند که بالاترین سود و منفعت برای یک انسان رسیدن به قرب خداوند و کمال انسانی است که با ترقی و عروج روح ممکن می شود و عروج و تعالی روح نیز در سایه تفکر و اندیشه و تعقل که زمینه ساز ایمان است حاصل می گردد و ایمان و عمل صالح دو بال برای پرواز به عالم ملکوت است. انسان طبعا لذت گرا است و اگر لذت ها را منحصر در همین لذت های مادی و محسوس بداند و انسی با لذت های معقول و

معنوی مانند تفکر و اندیشه و تحقیق علمی و کشف حقایق نداشته باشد. تحقق لذتهایش را تنها در سایه امور مادی و چنگ زدن به آنها می بیند و کاری با تعقل و معقولات نخواهد داشت ولی اگر عمق لذت مادی علمی و عقلی و معنوی برای او تشریح شود و عمیقا با آنها آشنا گردد و با همه وجودش آنها را لمس کند بدون شک همه عمر و سرمایه خود را صرف دنیا و لذت های ناپایدار و سطحی آن نخواهد کرد بلکه از آنها به اندازه نیاز و برای اداره زندگی مادی و دنیوی خود استفاده خواهد کرد و اصالت و ارزش را به دنیا و امور دنیوی نخواهد داد.

استفاده از تجملات دنیا و زر و زیور آن در حد معقول و معتدل نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه موردتأیید شرع و عقل است و آراستگی و زیبایی و برخورداری معقول از مواهب دنیا و لذت های آن از سفارش های دین مبین و شرع مقدس است این افراط و زیاده روی و اصالت دادن در بهره مندی از دنیا و لذت های آن و غفلت از مقصد نهایی و هدف عالی انسانی است که مذموم و نکوهیده است.

لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید.

پرسش

لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید.

پاسخ

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه خویش بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول

غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...). و همچنین سخت گیری ها و تنگ نظری های برخی از عناصر فعال در زمینه فرهنگی نسبت به مسائلی مانند مد و آرایش بومی و ملی جوانان که باعث سوق دادن آنها به طرف الگوهای غربی و بیگانه و در نتیجه بی هویتی شده است.

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

به نظر می رسد از جمله مناسب ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی، باز گرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک تر شدن گروه های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می برند و همواره دریافت کننده ی محبت های پدر و مادر خویش می باشند. سعی می کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و

محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه ی بزرگ توجّه ومحبت اطرافیان را از دست داده اند و خود را فراموش شده می بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش های آن به جوانان پاک و بی پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گستراند و این جوانان پیرو مدل های غربی را به ارزش های فرهنگی و معنوی جامعه باز گرداند. بسیاری از این جوانان تشنه ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبّت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام های مفاسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم هزینه ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره ی معصومین(ع) آشنا شوند آن را با هیچ چیز عوض نخواهند کرد.

بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی

و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در

دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی

۸- و بالاخره توجه جدی به نیازهای اساسی جوانان مانند حس زیبایی دوستی، آرایش، مرتب بودن، تنوع طلبی و ... و تلاش برای ارائه پاسخی منطقی و متناسب با این نیازها بر اساس الگوهای دینی و ملی، همچنان که مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۸۳ در اجتماع پر شور جوانان همدان مطرح و مسؤولین

و دستگاه های فرهنگی را مؤظف به انجام آن نمودند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

– فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

– انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

– ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی) .

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پرسش

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پاسخ

تصمیم و عزم راسخ شما را در جهت انجام برنامه های فرهنگی می ستاییم و برای شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم، مسلما کار فرهنگی از ضروری ترین، با اهمیت ترین و زیربنایی ترین اقدامات مورد نیاز جوامع کنونی است که خود گام مهمی برای بیداری و اصلاح بشریت و آماده سازی مقدمات ظهور امام زمان(عج) می باشد. درست همان هدف مقدسی که انقلاب اسلامی ایران براساس آن شکل گرفته و به پیش می رود.

اما با این همه با توجه به اهمیت و ظرافت کار از یک سو و گسترده بودن دامنه کاری که برای خود مشخص نموده اید، دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه نیازمند امور متعددی است که اولین گام آن استحکام مبانی عقیدتی و دینی دست اندرکاران این طرح است. داشتن معرفت و بینش صحیح و کاملا ـ اسلامی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی در برداشت و اجرا، ارتباط مستمر با اسلام شناسان متعهد و بالاخره استفاده از امکانات مادی و متناسب با شرایط زمانی از این رو توصیه ما این است که در بدو شروع کار واقع بینانه چنین مسائلی را در نظر گرفته و دامنه کاری دقیقی متناسب با توانایی های مادی و معنوی خویش تعریف بنمایید تا ضمن دستیابی سریع تر به اهداف، از هرگونه اخلال و یا تعللی در ادامه راه، جلوگیری شود.

در ادامه به معرفی برخی منابع که می تواند در راستای اهداف شما مفید باشد می پردازیم:

الف – معرفی کتب:

– خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما،

۱۳۸۲

- پرتوی از خورشید، علی شیرازی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲

- حکایت نامه سلاله زهرا(س)، حسن صدری مازندرانی، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱

- عصر امام خمینی، میر احمد رضا حاجتی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲

- آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۹

- راهکارهای اصلاح اجتماعی در حکومت دینی، حسین ردایی الاملی، نسیم حیات، ۱۳۸۲

- شیو ه های درمانی مفاسد اجتماعی، علی اکبر بابازاده، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱

- توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷

- آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۸

- جامعه سازی قرآن، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸

- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸

- تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن ۱۳۷۹

- تهاجم فرهنگی، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶

- پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰

- مبانی نظری تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجو، تابستان ۷۷

ب – سایت های مفید فرهنگی:

- سایت باشگاه اندیشه www.bashgah.net

- سایت کانون www.canoon.org

- سایت آوینی www.aviny.com

- سایت احیا www.ehyaa.net

- سایت لوح www.louh.com

- سایت تبیان www.tebyan.net

چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها

پرسش

چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها

پاسخ

البته آنچه در عزاداری مهم است؛ بزرگداشت هدف امام حسین(ع) و یادآوری فضایل و رشادت و کمال و جانبازی در راه حق و دفاع از دین خدا و مبارزه با کجروی و بی عدالتی و ظلم می باشد و شکل و حالت خاصی در روایات مورد نظر نمی باشد.

بهترین شکل عزاداری بیان فضایل و کمالات و سخنان ارزنده و نورانی و راهگشای سیدالشهدا(ع) و سایر اولیای بزرگ و مکرم خداوند است. ممکن است فردی بدون حرکت و حالت خاصی اهل معرفت و بصیرت باشد و با مطالعه نهضت مقدس امام حسین(ع) و اهداف الهی و انسانی او، در درون بر این مصیبت و جنایت بزرگ غمگین و نالان باشد و ممکن است کسی با وجود شور گرفتن و بالا و پایین پریدن به این درجه از معرفت و بصیرت نرسیده باشد. البته باید از سوء ظن و بدبینی جدا پرهیز نمود چون کم نیستند انسان های با معرفت و آگاه و دلسوخته ای که عمق احساسات و ارادت خالصانه خود را به ساحت اقدس سیدالشهدا و اولیای خداوند به صورت شور گرفتن و هروله کردن نشان می دهند و این حرکات و اعمال هیچ منافاتی با معرفت و شناخت و بصیرت آنها ندارد.

لذا مسأله گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهدا (ع) از افضل قربات است و فلسفه های سازنده و تربیتی متعددی دارد از جمله:

۱- توجه به هدف قیام امام حسین که همانا احیای ارزش های دینی و جلوگیری از انحراف بود.

۲- زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی،

۳- الهام بخش

روح انقلابی و ستم ستیزی،

۴- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین،

۵- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده ها با معارف دینی،

۶- پالایش روح و تزکیه نفس،

۷- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و ... .

اما اصل عزاداری و سوگواری از خود اهل بیت(ع) است ولی چگونگی آن تا حدود زیادی با شیوه های قومی و ملی عجین شده است و این آمیزش تا زمانی که مشتمل بر خلاف شرع نباشد اشکالی ندارد.

داستان گریه و عزاداری پس از شهادت حضرت امام حسین(ع) از سوی امامان(ع) داستان دامنه داری است. به مواردی اشاره می شود:

۱- امام چهارم(ع) که خود در کربلا شاهد مصائب دردناک حسین(ع) و یاران فداکار او بود و ۲۳ سال داشت، پس از آن واقعه سوزناک تا زمانی که در قید حیات بودند یعنی مدت ۳۴ سال طبق برخی روایات برای پدر و عزیزان خویش گریه و سوگواری می کرد ، (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸ و ۱۰۹).

گریه های امام سجاد(ع) در سخت ترین شرایط علاوه بر جنبه عاطفی، یکی ازراه های مهم مبارزه و افشاگری بود.

۲- امام صادق(ع) به ابوهارون مکفوف دستور می دهد مرثیه بسراید و آنگاه که وی مرثیه خود را می خواند مشاهده می نماید امام(ع) سخت گریه می کند متوجه می شود از صدای گریه امام صادق(ع) زنانی که پشت پرده حضور داشته اند صدای خود را به گریه و شیون بلند کردند ، (کامل الزیارات، ابن قولویه، نقل از ره توشه راهیان نور، ویژه محرم ۱۳۷۶).

۳- امام رضا(ع) دعبل خزایی شاعر را در ایام سوگواری حضرت حسین(ع) به حضور می پذیرد به او عنوان یاری دهنده اهل بیت، خوش آمد می گوید و از وی می خواهد در

روزهای غم و انـدوه اهل بیت؛ یعنی عاشورا در مورد مصایب جد خویش اباعبدالله(ع) مرثیه بسـراید ، (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷).

در مورد سـینه زنی نیز برخی از منابع تاریخی نشان می دهد که وقتی بنی هاشم برای اولین از مدینه به کربلا آمده و با کاروان اسراء در آن مکان برخورد نمودند به رسم عزاداری زنانشان دست به سینه می زدند.

برای آگاهی بیشتر ر . ک :

۱- فلسفه شهادت و عزاداری امام حسین، سید عبدالحسین شرف الدین، مترجم: علی صحت، انتشارات مرتضوی

۲- حماسه حسینی، شهید مطهری، انتشارات صدرا

۳- پیام های عاشورا، جواد محدثی، انتشارات پیک جلال

۴- عبرت های عاشورا، سید احمد خاتمی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم

۵- فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف

اگر امکان دارد کمتر از پلاکاردها و اعلامیه ها استفاده شود درست است که به مناسبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یاداوری ارزشـها مناسبتها است اما در بسیاری از موارد اسراف است.و بااین هزینه ای که صرف میشود میتوان کارهای زیادی به نفع مردم انجام داد که جن

پرسش

اگر امکـان دارد کمتر از پلاکاردهـا و اعلامیه ها اسـتفاده شود درست است که به مناسـبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یـاداوری ارزشـها مناسـبتها است اما در بسـیاری از موارد اسـراف است.و بااین هزینه ای که صـرف میشود میتوان کارهای زیـادی به نفع مردم انجام داد که جنبه فرهنگی هم داشـته باشـد.تهیه بروشورها به تعـداد زیاد وپخش کردن آن در دانشـگاه به نظر من اسـرف است.حداقل میتوان این برگه هارا در قطع های کوچکتری تهیه کرد.اگر به دانشجویان مثلا بن کتاب داده شود بهتر است باخودشان کتاب بخرند.از توجه شما سپاسگزارم ؟

پاسخ

در این زمینه بایـد گفت که مـا نیز با شـما هم عقیـده ایم متأسـفانه در عملکردهای فرهنگی برخی افراد و تفریطها و یا غفلت از اولـویت هـا وجـود دارد. در مـورد توصـیه ای که نمودیـد، سـعی این مرکز - که به عنـوان یـک مرکز فرهنگی در دانشـگاهها مشـغول به انجـام وظیفه است - همواره بر این بوده که به اولویت هـا و نیازهـای فرهنگی مهم دانشـجویان با اسـتفاده از بهترین شیوه ها پرداخته شود از این رو ارسال کتاب، مجله و... برای دانشـجویان مستعدو نیازمند، یکی از مهمترین فعالیتهای این مرکز می باشد.

شایسته است این پیشنهاد در اجرای سایر مراکزی که به کار فرهنگی مشغولند نیز ارسال نمایید.

نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود

پرسش

نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود

پاسخ

البته فرض مذکور درباره ازدواج موقت مطابقت با واقعیت ندارد. زیرا ازدواج موقت بیشتر برای رفع بحران ها و پاسخ به نیازهای فوری و زودگذر است. لذا هیچگاه جایگزین ازدواج دائم نمی شود. و از آنجا که انسانها به دنبال سامان دهی نظام زندگی و رسیدن به آرامش و سکونت هستند لذا حتی کسانی که قبل از ازدواج و یا بعد از ازدواج برای مدتی دنبال ازدواج موقت می باشند؛ سرانجام به یک ازدواج دائم رو می آورند.

بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟

پرسش

بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟

پاسخ

شاید منظور شما وجود برخی از مفاسد و مظاهر ناپسند اجتماعی مانند بدحجابی یا روابط ناسالم اجتماعی و عدم امر به معروف ونهی از منکر از سوی روحانیون باشد که در اینص ورت باید اعتراف کنیم متأسفانه آنقدر تهاجم دشمنان و گستاخی برخی از افراد زیاد شده است که هم غیرت دینی خیلی از ما مسلمانان اعم از روحانیون و دیگران کم شده است و هم احتمال تأثیر که یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، در اینجا وجود ندارد.

البته ما این دیدگاه را قبول نداریم چه اینکه احتمال تأثیر از شرایط وجودی وجوب امر به معروف و نهی از منکر است و همه ما باید با شگردها و راهکارهای مختلف آن را بوجود بیاوریم و ثانیا فرهنگ بی تفاوتی، تساهل و تسامح که متأسفانه برخی از اصلاح طلبان مطرح کردند ریشه تدین و تعهد را خشکاند.

از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای فرهنگی نیاز دارد را برای اینجانب شـــرح دهند.اگر جدول و برنامه خاصـــی در این زمینه نیز وجود دارد برای اینجانب معرفی نمایید.

پرسش

از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای فرهنگی نیاز دارد را برای اینجانب شرح دهند.اگر جدول و برنامه خاصی در این زمینه نیز وجود دارد برای اینجانب معرفی نمایید.

پاسخ

از نظر اندیشمندان اسلامی اندیشه اخلاق و رفتار گروهی یک قوم را فرهنگ آن قوم می گویند بنابر این

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود.

الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای:

۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران . در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نموده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایی , مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی , فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم . مثلاـ" در زمینه ارزشی ها, وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند, آشکار سازیم , (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند, ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم.

۲. تقویت و

تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و...

۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... .

۴. مسلط بودن بر جامعه شناسی ارتباطات و شیوه ها و روانشناسی تبلیغی.

ب . راه کارها و اقدامات عملی :

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان.

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان , مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و... .

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت , دعا, مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و... .

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب , ارائه فیلم های خوب و مفید و... .

در پایان توجه به چند نکته ضروریست:

۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم – تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند – باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید – کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند.

۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار

فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶. از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد.

۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکتید.

البته جامعه دانشگاهی ما ازمشکلاتی اساسی و ریشه ای رنج می برد که توجه به آنها ضروریست:

۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی.

۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و به ایجاد تحول در شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی جامعه کمتر توجه دارد.

۳- با نهایت تأسف مرجع صلاحیت علمی را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد و یا بیشتر به جذب فارغ التحصیلان خارج از کشور توجه می شود.

۴- عدم موفقیت در انتقال فرهنگ و هویت

تاریخی به دانشجو، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از رسالت های دانشگاه انتقال فرهنگ اصیل از نسل گذشته به نسل بعدی و حفظ هویت جامعه باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکردهای اساسی هستیم؟

۵- خط و ربط گرفتن از گروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به زد و بندهای سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد.

۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن

۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد های تحقیقاتی و پژوهشی کشور و عدم رابطه تعریف شده با وزارتخانه های مربوطه و کارخانجات که در نتیجه کاربردی شدن مواد درسی دانشگاه را کم رنگ کرده و انگیزه پویایی را در دانشجویان کم کرده است.

۸- عدم پیگیری مطالبات صنفی که منجر به علم سوزی و تحقیقات سوزی شده است.

۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است.

البته برخی ازا مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله

مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است.

دسیسه ها و تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسؤولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت.

و بالاخره اینکه شیوه ها و راه کارهای فوق تنها بخشی از کار است و شما می توانید جهت اطلاع بیشتر در خصوص جزئیاتی که مورد نظرتان است سؤال نمایید تا دقیق تر بررسی و پاسخ داده شود.

چراتعداد الگوهای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندک هست؟

پرسش

چراتعداد الگوهای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندك هست؟

پاسخ

آنچه که از دانشگاه در نظام اسلامی انتظار می رود و مطلوب می باشد اینست که دانشگاه اسلامی باشد. و این قید اسلامی بودن آن با توجه به نقش و جایگاه و کارکردهای مهم دانشگاه در جامعه بسیار با اهمیت و قابل توجه همه مسئولین از امام راحل گرفته تا مقام معظم رهبری و سایر مسئولین فرهنگی بوده و می باشد. زیرا دانشگاه نقطه اساسی هر جامعه و کشور است . اگر دانشگاه اصلاح شود, آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. و اگر خدای نکرده دانشگاه پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد, دانشگاه مطلوب انقلاب نبوده و موجب عدم توسعه و پیشرفت و به فساد و تباهی کشاندن جامعه و وابستگی و استیلای استعمارگران خواهد بود. بر این اساس دانشگاه مطلوب انقلاب با دو شاخص علم و ایمان سنجیده و مشخص می شود. رهبر معظم انقلاب می فرمایند: ((در دانشگاه اسلامی , علم با دین , تلاشگری با اخلاق و تضارب افکار با سعه صدر و تنوع رشته ها با وحدت هدف و کار سیاسی با سلامت نفس , تعمق و ژرف نگری با سرعت عمل و خلاصه دنیا با آخرت همراه است)) (روزنامه رسالت , ۵/۷/۱۳۷۵) یا در جای دیگر می فرمایند ((از شاخصه های اسلامی شدن دانشگاه ها, علمی شدن آنها است , عمیق شدن خود باور بودن و اتکا به نفس داشتن دانشجو و استاد, از جمله نکات بارز دانشگاه اسلامی است , در دانشگاه اسلامی تدین و دین باوری وجه غالب است و در آن ایستادگی بر روی

اصـول , تسـلیم ناپـذیری در برابر دشـمن و عزم و اراده در برابر تهـاجم فرهنگی بـه زیر بنـای مسـتحکم فکری است . دانشـگاه اسـلامی شـکوفا و پر نشاط است و در آن علم و عالم عزیز و باکرامتند, دانشجو به قصد قربت درس می خواند و مظاهر فسق و فسـاد در آن وجود نـدارد. بنابراین لازمه علمی شـدن دانشـگاه ها اسـلامی شـدن آنهاست , (روزنامه جمهوری , ۷/۱۲/۱۳۷۶) بنابراین دانشـگاه مطلوب باید این چنین محلی باشد. اما آیا در عمل این ایده آلها و ارزشها تحقق یافته است ؟ متأسفانه علیرغم تلاش ها برنامه ریزی ها و مجاهدت هایی که توسط مراکز و نهادها و مسوئولین مربوطه و عناصر خدوم و فداکار در این زمینه صورت گرفته و دسـتاوردهای بسـیار مثبت و ارزنـده ای که به همراه داشـته , هنوز تا رسـیدن و دستیابی به آن هدف و جایگاه مطلوب راه طولانی مانـده است . رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرمایـد: ((دانشـگاه هنوز اسـلامی نشده است ... این نمی شود مگر با یک تحول عمیق , بنیادی , دل سوزانه , بلنـد مدت , برنامه ریزی شده و همه جانبه)), (فصـلنامه فرهنگی , شـماره ۲۱, بهار ۱۳۷۵, ص ۱۷۴) البته هر چند بررسی عوامل جلوگیری و ممانعت از اسلامی کردن دانشگاهها, بحثی مفصل و خارج از موضوع مـا می باشـد ولی بصورت اختصـار بایـد گفت که : بـدلیل اهمیت و جایگـاه دانشـگاه در پیروزی انقلاب و آینـده انقلاب : دشـمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی از این موضوع مهم غفلت نداشته و با تمام توان سعی در جلوگیری از اسلامی شدن دانشگاه

و دانشجویان از طرق و روش های گوناگون داشته و دارند. البته عوامل متعدد دیگری از قبیل عوامل تاریخی , نواقص و نارسائیهای نظام آموزشی , عدم تحقق کامل وحدت حوزه و دانشگاه , تهاجم فرهنگی و... در این امر موثر می باشند.

در این میان آنچه که به نظر می رسد در این فرآیند نقش اساسی داشته و دارد، عدم اجماع فکری میان مسئولین اجرایی کشور با مسئولین و دست اندرکاران دانشگاههاست. که متاسفانه بخشهایی از این مجموعه کلان یا اصلا به اسلامی شدن دانشگاهها معتقد نبوده و یا اینکه درک درستی از ضرورت این موضوع ندارند. نتیجه طبیعی این مسآله، ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام اسلامی در اسلامی کردن دانشگاههاست.

مسلما تا زمانی که تمامی مجموعه تاثیر گذار بر دانشگاهها از مسئولین عالی رتبه گرفته تا هیئت های علمی دانشگاهها، به اسلامی کردن دانشگاهها نیاندیشند و برای آن ارزش قائل نشوند، توفیق کامل حاصل نمی شود.

بنابراین اولین قدم هماهنگی کامل و اجماع فکری و حدت نظر تمامی مسئولان و دست اندرکاران دانشگاهها است که در صورت تحقق این مساله قطعا می توانیم جهش عظیمی در مساله اسلامی شدن دانشگاهها داشته باشیم ، البته مسأله برنامه ریزی و یافتن الگوهای مناسب و مفید نیز به عنوان گام بعدی اقدام ضروری و مهم است که باید توسط کارشناسان متعهد و متخصص صورت پذیرد. که امید می رود با توجه به به منابع عظیم اسلامی و تجارب و نظرات سایر اندیشمندان، این مرحله نیز با موفقیت کامل انجام شود. در آخر ذکر این نکته هم لازم است که با همه این مشکلات, بحمد لله دانشگاه و دانشجویان

ما چه نسبت به قبل از انقلاب و چه در مقایسه با سایر کشورهای دیگر از وضعیت بسیار بهتری برخوردار بوده و دانشگاههای ما پر است از جوانان متعهد و انقلابی و پای بند به اصول و ارزشهای اسلامی و اساتید متعهد و متخصص که غیر قابل انکار می باشد.

درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید. "لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید

پرسش

درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید. "لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید

پاسخ

گرایش روز افزون به مواد مخدر و علت آن نیاز به انجام پژوهش های دقیق علمی دارد که این امر به عهده کسانی است که مسؤولیت سلامت جامعه را به عهده دارند. مانند سازمان بهزیستی، سازمان های بهداشتی در سراسر جامعه، نیروهای انتظامی و...

اما آنچه که در جامعه ما محسوس است و می توان به عنوان علت گرایش نوجوانان به مواد مخدر مطرح کرد و لو به صورت غیر دقیق عبارتند از:

۱- روابط نامطلوب والدین در خانواده با یکدیگر و همچنین با فرزندانشان نقش مهمی می تواند داشته باشد چه این که کودکان چنین خانواده هایی معمولاـ از خانواده گریزانند و با توجه به پایین بودن سن آنها و عدم ثبات عاطفی و شخصیتی آسیب پذیری آنها بالاست و یکی از آسیب هایی که ممکن است به آنها برسد آلوده شدن به استفاده از مواد مخدر است.

۲- فقر یا رفاه اقتصادی هر دو می تواند عامل اعتیاد به نوجوانان باشد. آمار نشان می دهد که تعداد چشمگیری از مشتریان مخدر را افراد پر درآمد و ثروتمند تشکیل می دهند. این خانواده ها با پول زیادی که در اختیار فرزندان خود قرار می دهند و عدم نظارت بر این که چگونه این پول را هزینه کنند می تواند عاملی برای این که نوجوانان که از حس کنجکاوی بالایی نیز برخوردارند به خرید مواد مخدر روی بیاورند و بخواهند استفاده از این مواد را مانند سایر کارهایی که انجام می دهند تجربه کنند. همچنین فقر نیز می

تواند عامل استفاده از مواد مخدر باشد چه این که شیادان و دلالانی دنبال کسب درآمد هستند. نوجوانان کم تجربه و نیازمند را برای توزیع مواد مخدر به خدمت می گیرند و همین کار زمینه ای می شود که این افراد کم سن و سال و بی تجربه علاوه بر توزیع این مواد خود نیز به استفاده از آن مبادرت ورزند.

۳- عوامل اجتماعی مثل در دسترس بودن مواد مخدر: یکی از مهمترین عوامل اعتیاد در همه سطوح سنی در دسترس بودن مواد مخدر است، چون چیزی که به آسانی در اختیار مردم قرار می گیرد گرایش به آن آسان تر صورت می پذیرد. عوامل دیگری نیز می توان برشمرد که در گرایش نوجوانان به استفاده از مواد مخدر نقش دارد.

برای مبارزه با اعتیاد و جلوگیری از عواقب شوم آن از قبیل سست شدن ارکان خانواده، اقداماتی از قبیل: اشتغال زایی و حل مشکل بیکاری، گسترش امکانات تفریحی، ورزشی، مبارزه قاطع با پخش مواد مخدر را باید سرلوحه کارها قرار داد.

به عبارت دیگر مشکل اعتیاد جوانان بلای خانمان سوزی است که ناشی از فقر فرهنگی و بیکاری است . همه باید تلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی و لاابالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم . باید با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صحیح با جوانان و راه اندازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مذهبی خوب و جذاب و برگزار نمودن مجالس مذهبی و دعوت اهالی , آنان را جذب کرده و خلائهای فکری و فرهنگی آنها را

پر نموده آنها را به فکر اشتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنها جلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شناسایی افراد فاسد و سودجو و جنایتکار که جوانان را منحرف می کنند و معرفی آنها به نیروهای انتظامی و مراکز قضایی جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ; ارائه الگوهای صحیح , گسترش فرهنگ دینی , هدفمند کردن جوانان در زندگی , فراهم کردن اشتغال مناسب , ایجاد ارتباط و دوستی صمیمانه و صحیح , فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم , سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیاد نجات بخشد. همه افراد باید در حد توان و امکاناتی که در اختیار دارند با بکارگیری راه های فوق الذکر به این هدف ایده آل دست یابند و بدانند که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است و دنیا و آخرت آنها و دیگران را آباد می سازد. لازم است با ذوق و سلیقه و پشتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارائه شده استفاده کنند و هرگز احساس خستگی و ناتوانی نکنند. به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوند و آنها را جذب کنند تا جذب مراکز فساد نشوند. لذا ایثار و از خود گذشتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند ما را به هدف برساند.

در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشی مدبرانه شما عزیز دانشجو تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.

وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟

پرسش

وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟

پاسخ

مردمی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود نداشته باشند. اما رمز تحرک جامعه در دو عنصر گنجانده شده است:

۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.

۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در این هدف.

کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند و آنچه می توانند باشند را نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده انتظار چای نمی تواند داشته باشد. ما در قرآن کریم که این قدر اهتمام به سازندگی دارد می بینیم چگونه یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ ائمه((علیهم السلام)) و احادیث آنان چگونگی دعوت و پایداری و طبقه بندی افراد یک فرهنگ تحرک را پایه ریزی کرده است. باید با مطالعه ای کاربردی اقدام نمود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۸

چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟

پرسش

چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟

پاسخ

عید قربان یکی از اعیاد رسمی اسلامی است در این عید کسانی که برای انجام مناسک حج به مکه رفته اند در منی قربانی می کننـد و کسـانی نیز که در مکه نیسـتند شایسـته است گوسـفند قربـانی کننـد و گوشت آن را میان تنگدسـتان و مؤمنان تقسـیم نمایند.

شایـد یکی از اسـرار این که روز مـذکور در اسـلام عیـد شـمرده شـده است، این باشـد که مسـلمانان خاطره آمادگی حضـرت ابراهیم و اسـماعیل((علیهم السـلام)) برای انجام فرمان خداونـد و فـداکاری در راه حق را زنده نگاه دارند و به یاد بیچارگان و مستمندان افتند و بدانند که در زندگی تنها نباید به فکر خویش باشند، بلکه باید به چنین کسانی نیز رسیدگی کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۵

آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟

اشاره

چرا باتصویب یک قانون از طرف مجلس شورای اسلامی، گذاشتن نوارترانه را درمجالس عروسی ممنوع نمی کنند؟

پرسش

آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟

چرا باتصویب یک قانون از طرف مجلس شورای اسلامی، گذاشتن نوارترانه را درمجالس عروسی ممنوع نمی کنند؟

پاسخ

۱) مراجع عالیقدر شـیعه بالاتفاق درفتاوای خود مکرراً گوش دادن و پخش نوارهای موسـیقی ومناسب با مجالس لهو ولعب را حرام اعلام نموده اند وبه هیچ وجه راضـی به این کار نه مخفیانه ونه آشـکارا نیسـتند . که دررساله های عملیه واسـتفتائاتی که ازآنان شده موجود می باشد .

۲) واما ازنظر قانون نیز قوانین متعـددی قبلاً از تصویب مجلس وشورای محترم نگهبان گذشـته است، به عنوان نمونه یک مورد ذکر می شود :

طبق ماده ۶۴۰ قـانون مجـازات اسـلامی بنـد یـک وسه هرکس فیلم، نوارویـا هرچیزی که عفت واخلاق عمومی را جریحه دار نماید به نحوی که منتشـر نماید ویا به معرض انظار عمومی بگذارد به حبس از ۳ ماه تا یکسال ویا جزای نقدی از ۱/۰۰۰/۵۰۰ ریال تا ۶ میلیون ریال وتا ۷۴ ضربه شلاق محکوم میشود.

۳) تمـام مشـکل دراین رابطه، سـستی در برخورد بـا این منکر اجتمـاعی است. که متأسـفانه هر چه می گـذرد این سـستی وبی تفاوتی هم دردسـتگاههای حکومتی بیشتر می شود هم درمردم. وبرای رفع این مشکلات حرکتی همه جانبه لازم است و به هر حال ساقط کننده تکلیف شرعی اشخاص نمیشود.

کتاب قانون مجازات اسلامی

چرا با اقداماتی نظیر ....باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟

پرسش

چرا با اقداماتی نظیر ....باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟

پاسخ

بسـیار مایل بودیم که سؤال خود را بطور صـریح وشفاف بیان می فرمودید وبجای نقطه چین، اقداماتی که باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور درمساجـد می شود را دقیقاً می نوشتیـد تا ماهم با اطلاع دقیق از منظور جنابعالی پاسـخ مورد نظر را ارسال می کردیم. اما بهرحال توجه شما را به مطلب ذیل جلب می کنیم :

تلاش همه مسـئولان دلسوز نظام مقدس جمهوری اسلامی این است که علاقه جوانان روزبه روز به مساجد بیشتر شود وحضور آگاهـانه این نسـل پرتلاـش با انسـجام وهماهنگی بیشتر صورت پـذیرد، از همین رو برنامه های متنوع گوناگونی را در مساجد تدارک دیده اند که برخی از آنها مورد اشاره قرار می گیرد :

۱. کانونهای فرهنگی مساجد با تنظیم برنامه های فرهنگی در جهت رشد واعتلای فرهنگ اسلامی تلاش می کنند.

۲. پایگاههای مقاومت بسـیج با برنامه های آموزشـی و ورزشی در جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان و بالا بردن آگاهیهای مذهبی جامعه تلاشهای شایسته ای انجام داده اند.

۳. سازمان تبلیغات اسـلامی وبرخی از ارگانهای علاقمنـد همچون اداره اوقاف و آسـتان قدس رضوی و...نیز برنامه های خوبی را در مساجد اجرا کرده اند اما درعین حال باید اذعان داشت واقرار نمود تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم.

ما هم معتقدیم نسل جوان امروز ایران اسـلامی نیازمند توجه و عنایت بیشتری است خواسـته های مشـروع وبجای جوانان مؤمن ومتدین در سایه مناقشه های سیاسـی بی نتیجه کمرنگ شده است. امید است که کارشناسان دلسوز ومتخصص، با برنامه ریزی دقیق درجهت تحقق اهداف جوانان ایران اسلامی با اتکال

به خدای عزوجل گامهای مؤثری بردارند. ان شاءا...

چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند ؟

پرسش

چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند ؟

پاسخ

علت اینکه افراد در ازدواج به معیارهـای ظـاهری توجه دارنـد این است که دلبسـته به ظواهر زنـدگی دنیا بوده و تنها معیارهای مادی و ظاهری را موثر درسـعادت و خوشـبختی فرزندانشان می دانند و آنطور که شایسـته است به معیارهای واقعی در ازدواج توجه نمی کنند.

اسلام برای انتخاب همسر ضوابط و معیارهایی معین کرده از زن و شوهر خواسته است در گزینش همسر آنها را مراعات نمایند . ایمان و اعتقاد ، خانواده ، اخلاق ، سـلامت جسم و سـلامت فکر و روان از جمله معیارهای اصلی د رامر مقدس ازدواج است که ضامن خوشـبختی و سـعادت زن و شوهر می باشد . به هر حال ازدواج امری مهم است و باید اندیشید و حساب شده باشد . انتخاب شریک زندگی به خاطر علل و انگیزه های اقتصادی و یا جمال و ظاهر ممکن است خطر آفرین باشد . در روایت است که ازدواج برای مـال و یـا جمـال فردی سـبب می شـود که مـالش موجب طغیـان و جمـالش مـایه تبـاهی شود و نیز فرموده اند ازدواج برای زیبایی زن سبب پستی و سقوط اخلاق می شود و حتی ممکن است سبب طغیان گردد .

اسـلام به پدرها و مادرها توصـیه میکند در انتخاب همسـر برای فرزندانشان توجه و دقت کنند ولی اشـکال تراشـی نکنند آنچه برای صفای زندگی است اخلاق و ایمان و خلوص و صداقت است نه ثروت ، مدرک تحصیلی و از این قبیل موارد .

خرده گیری

والـدین در این زمینه هـا سـبب محروم کردن دو جوان از تشـکیل بنای زنـدگی بر محور معیارهای الهی شـده و به فرموده امام حسن عسکری (سبب ایجاد مفسده در زمین خواهد شد .(کافی جلد ۴)

فرزندان نیز باید از نظریات پدر و مادر و بزرگان خانواده در انتخاب همسـر بهره گیرند و از تجربه آنها اسـتفاده کنند و چنانچه انحرافی در آنها مشاهـده کردند و دیدند که آنها دچار اشـتباه هسـتند با کمک افراد عاقل و خردمند و همچنین با لحنی بسـیار آرام و با توجه به رعایت احترام والـدین به ارشاد آنها پرداخته و معیارهای واقعی در ازدواج را به آنها ارائه کننـد و همچنین از دعا و درخواست از خداوند متعال و در ضمن توسل به آقا علی بن موسی الرضا (که در مورد ازدواج بسیار سفارش شده است غفلت نورزند .

چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کمرنگ شده است؟

پرسش

چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کمرنگ شده است؟

پاسخ

به عقیده روانشـناسان دوران بلوغ و جوانی دوره بروز احساسات مذهبی و شـکفته شده تمایلات ایمانی و اخلاقی است جوانان بطور فطری مایلند از مبدأ عالم باخبر شوند خداوند خالق هستی را بشناسـند و او را پرستش کنند جوانان به طبع انسانی خود در جستجوی حق هستند و در راه پی بردن به حقیقت مجاهده و کوشش می کنند و بدینوسیله تمایل فطری خودرا به معرفت ارضا می نمایند."۱" امـا اینکه چرا در برهه ای از زمـان این تمایـل فطری کم رنگ شـده و ارزشـهای مـذهبی جاذبه ای نزد جوانان نـدارد بایـد گفت علل و عوامل مختلفی در کم رنگ شـدن ارزشـهای مـذهبی نزد جوانان مؤثر است .اسـتاد مطهری در کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشـر به تعدادی از این عوامل اشاره کرده است که این عوامل هنوز هم علت اساسی کم رنگ شدن ارزشـها در زمان مانیز می باشـد ایشان می فرماینـد : "مسـلماًعلت اعراض بسـیاری از افراد این است که مفاهیم دینی و مـذهبی بطور صـحیحی به آنها تعلیم نشـده است و در واقع آن چیزی که آنها انکار می کنند مفهوم واقعی خداوند و دین نیست و چیز دیگری است و درادامه می فرماینـد : افرادی ماننـد من که بـا پرسـش های مردم درباره مسائل مـذهبی مواجه هستیم کاملاً این حقیقت را درک می کنیم که بسـیاری از افراد تحت تـأثیر تلقینـات پـدران ومـادران جاهـل یـا مبلغان بی سواد افکار غلطی در زمینه مسائل مذهبی در ذهنشان رسوخ کرده است وهمان افکار غلط اثر سوء بخشید. وآنها را درباره حقیقت دین و

مـذهب دچار تردید و احیاناً انکار کرده است از این رو کوشـش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود.

یکی دیگر از چیزهایی که موجب اعراض و تنفر مردم از خـدا و دین و همه معنویات می شود آلوده بودن محیط و غرق شـدن افراد در شـهوت پرستی است که موجبات تحریک شـهوات را فراهم کرده و احساسات مـذهبی را می میراند. در تاریخ اندلس اسـلامی یعنی اسپانیای فعلی می خـوانیم نقشـه ای کـه مسـیحیان برای تصـرف انـدلس و بیرون کشـیدن آن از دسـت مسـلمین کشـیدند این بودکه به صورت دوستی و خدمت وسایل عیاشی برای آنها فراهم کردند وباغها و بوستانها وقف ساختن شراب و نوشـیدن و نوشانیـدن مسـلمین شـد و دختران زیبـا در خیابانهـا به دلربایی پرداختنـد و روح ایمان و جوانمردی مرد، پس از این جریان بود که توانستند مسلمانان را بیدرنگ از دم تیغ بگذرانند.

یکی دیگر از علـل گریز جوانـان رفتـار بعضـی مـدعیان تبلیغ دین است که شـعارشان این است که اگر می خواهی دین داشـته باشـی گرد مـال و ثروت نگرد، ترک حیثیت و مقـام کن، شادمبـاش و شـادی نکن، از خلق بگریز ....و امثال اینها، بنابراین اگر کسـی بخواهـد به غریزه دینی خود پاسـخ مثبت دهـد بایـد با همه چیز در حال جنگ باشـد و بـدیهی است که وقتی دین بدین گونه معرفی شود قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد.

بنابراین برای اصلاح امور و قدردانی جوانان از دین می بایست این نکات را مورد توجه قرار داد :

۱- مربیان دین باید در درجه اول

بکوشند که خود عالم و محقق و دین شناس شوند و به نام دین مفاهیم و معانی نامعقول در اذهان مردم وارد نکنند که همان معنای نامعقول منشأ حرکتهای ضد دینی می شود.

۲- مسئولین امر با برنامه ریزیهای اصولی در اصلاح محیط از آلودگیها بکوشند تا زمینه مناسب برای اثرگذاری تبلیغات دینی فراهم شود.

۳- به نام دین و به اسم دین با فطریات مردم معارضه و مبارزه نشود."۲"

البته ناگفته نماند که خانواده نیز نقش بسزایی را در شکفتگی احساسات مذهبی جوانان بر عهده دارند. و با این حال بعضی والدین از دادن تعلیمات لازم در این زمینه غفلت می ورزند از پیامبر اکرم(روایت شده است که ایشان بعضی از کودکان را دیدند و فرمودند : "وای برفرزندان آخرالزمان از پدرانشان"، عرض شد یا رسول ا.. از پدران مشرك آنها؟ فرمودند : "نه بلکه از پدران مسلمانشان که هیچ چیز از فرائض مذهبی را به آنان نمی آموزند و اگر خود فرزندان پاره ای از مسائل دینی را فراگیرند آنها را از اداء این وظیفه مقدس باز می دارند و تنها به این قانع هستند که فرزندانشان متاع ناچیزی از دنیا بدست آورند من از این قبیل پدران بری هستم وآنان نیز از من بیزارند."

۱. جوان ازنظر عقل واحساسات،آقای فلسفی

امدادهای غیبی در زندگی بشر،شهید مرتضی مطهری،ص۴۴و۴۳

برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟

پرسش

برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟

پاسخ

از این که با ما تماس گرفته ای و سؤال کرده ای، خوشحالیم. و از درگاه حضرت حق درخواست می کنیم، هر آنچه را که حق و حقیقت است، بر قلم قاصر ما نازل سازد، تا نویسنده و خواننده منتفع و بهره مند گردند.

روح اله جان ما نیز با شما هم عقیده هستیم. و از این که دروغ بسیار گسترده رواج دارد، بشدت رنج می بریم. و در هر جا و با هر کس، و در هر موقعیتی که زمینه مناسب فراهم باشد، سعی می کنیم این نقیصه و معضل اجتماعی را گوشزد کنیم. ولی مادامی که بصورت فراگیر عمل نشود، معضل کاهش نمی یابد.

دروغ از گناهان بزرگ و کبیره است، ولی متأسفانه قبح و زشتی آن آنگونه که شایسته است، در جامعه ما جانیفتاده است؛ و گاهی نیز با توجیه، از قبح آن می خواهند بکاهند.

دروغ به عنوان یک مرض روحی روانی، از ابتـدای کودکی در افراد بوجود می آیـد. کودک بطور فطری از دروغ متنفر است. ولی وقتی دیگران و بسـتگان دروغ می گوینـد، و یا او را وادار به دروغ گفتن می کننـد، به مرور زمان برای او نیز قبح و زشتی آن از بین می رود. کم کم هنگام دروغ گفتن، احساس گناه نیز نمی کند. و در مرتبه بالاتر، آنرا مصلحتی می شمارد، و دروغ گفتن را جایز می شمرد، یعنی امری که گناه بحساب نمی آید.

برای مقابله با دروغ گویی، لازم است یک نهضت عظیم اخلاقی در جامعه راه

انـدازی شود. و همگان به عنوان یک وظیفه دینی وانسانی، سـعی کننـد از دروغ گفتن اجتناب ورزنـد. و کودکانشان را از این امر زشت نهی کنند. مدارس و مراکز آموزشـی و مسؤولان امور تربیتی، و صاحب نظران کشوری و لشکری، و... ، و روحانیت عظیم الشأن و طلاب علوم دینی، و دانشـجویان دانشـگاهها و مراکز آموزش عالی، و دانش آموزان، و جوانانی فهیم همانند تو، تصـمیم بگیرنـد نهضتی اخلاـقی در کشور به راه اندازنـد. در این صورت، به مرور زمـان عمـل به فضائـل اخلاـقی، و دوری از زشتیهای اخلاقی، فرهنگ خواهد شد.

به هر حال مادامی که چنین عزمی بوجود نیایـد، و مسؤولان مختلف در سـطوح گوناگون، و پدران و مادران و بزرگان و اولیاء تربیتی و آموزشـی و ... ، از دروغ گفتن اجتنـاب نورزنـد، و تنهـا به بیـان قبـاحت آن اکتفـا شود، ولی کمتر به آن عمل کننـد، همچنان شاهـد رواج این رذیله زشت اخلاقی خواهیم بود. در این شـرایط، جوانان عزیز و برومنـد و آشـنا به حقایق و فضائل و کرامات انسانی،

همانند شـما برادر عزیز، باید ضـمن مراقبت شدید برای آلوده نشدن به این امر قبیح، با همت والا و تلاش مجدّدانه، و با لطافت و مهربانی، و با شـیوه های درست و عاطفی، سـعی کنند تا جایی که برایشان مقدور است، در خانه، مدرسه، بازار و ... ، راستی را ترویج، و از دروغگویی نهی کنند.

البته شـناخت ضرورتها و جاهایی که دروغ گفتن اجتناب ناپذیر است، و انسان مجاز است و حتی مکلّف، که دروغ بگوید، نیز برای جوانانی چون شما عزیز گرانقدر، لازم و ضروری است. تا ضمن بهره مندی

از این آگـاهی وعمـل به آن، بتوانیـد در جاهـایی که بـا دروغ مواجه می شویـد، تشـخیص بدهیـد که آیا دروغ گفتن در اینجا ضروری و غیر حرام اسـت، یـا خیر و نیز بـه سـایر افراد و اعضـای جـامعه نیز تنبّه بدهیـد، و آنـان را بـا این مسائـل آشـنا کنیـد. بخصوص کسانی که با توجیه و تأویل نابجا، می خواهند بر اشتباه خودشان صحّه بگذارند.

بدون شک دروغ گفتن حرام مسلّم و قطعی است، و کلید بسـیاری دیگر از شرور و بدیهاست؛ و جز در موارد استثنائی، عذاب شدیـدالهی را در بردارد؛ و بایـد از شـرّ آن بـه خـدای بزرگ پناه برد. آرزو می کنیم در راسـتگویی و صـداقت، و اجتنـاب از دروغ، و بازداشتن جامعه از رذیله زشت دروغ، و ترویج فضیلت راستی و درستی، توفیق الهی نصیب و روزیت گردد.

موفق و سربلند باشی.

منابع و مآخذ :

جهت آگاهی بیشتر در مورد دروغ، مراجعه کنید به : کتاب گناهان کبیره آیت ا...شهید دستغب، وسایر کتب اخلاقی

***– آیادر مجالس روضه ویامیهمانی های مـذهبی مثل عاشورا اربعین و......که به خاطرائمه (ع) برگزار می شود وعـده ای میهمان دعوت می شوند اینکه خیلی ساده برگزار نشود وکمی باسلیقه تر ومرتب تر وبا ذوق بیشتر دروسایل ولباس های افراد باشد اشکال دارد ؟ یعنی ممکن است مورد**

پرسش

*– آیـادر مجـالس روضه ویامیهمـانی هـای مـذهبی مثـل عـاشورا اربعین و......که به خـاطرائمه (ع) برگزار می شود وعـده ای میهمان دعوت می شونـد اینکه خیلی ساده برگزار نشود وکمی باسـلیقه تر ومرتـب تر وبا ذوق بیشتر دروسایل ولباس های افراد باشد اشکال دارد ؟ یعنی ممکن است مورد قبول واقع نشود ؟

پاسخ

برگزاری جلسات مذهبی امری است بسیار خوب وپسندیده به شرط این که درآن جلسات گناه و معصیت و وهن نسبت به ائمه صورت نپذیرد .

اما منظم وتمیز بودن پـذیرایی عالی کردن ازشـرکت کننـدگان درصورتی که ازروی اخلاص باشـد نه تنها مورد قبول میباشـد. بلکه امری است مطلوب وارزشـمند فقـط بایـد به این نکته توجه کنیم که اعمـال مـا بـانیت هـا سـنجیده می شود. نه بـاصورت ظاهری یعنی اعمال ما باید کیفیت داشته باشد.

درهر جلسه زیبنـدگی و زیبـائی و تمیزی و مرتب بودن پسـندیده است . امـا در هر جلسه چه عروسـی و چه عزاداری و جشـنها میلاد ائمه «علیهم السـلام »و میهمانیها خانوادگی و جشن تولـد , و هر گونه شب نشـینی باید از اسـراف , تبذیر , ریخت پاش , بی جا که باعث تلف شدن نعمت خدا است و در عوض گرسـنه ماندن عده ای از مردم حاشـیه نشـینان گرسنه قشر آسیب پذیر

می شود جلوگیری کرد و آیه { کلوا و اشربوا و لاتسرفو ا } فراموش نشود .

منابع :

مسائل جدید ازدیدگاه علما ومراجع تقلید .

۱- لطفا شـیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام » به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » رابیان فرمایید ؟ اطاعت بهتر است یا تشریفات و مراسم ؟

پرسش

۱- لطفا شیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام » به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » رابیان فرمایید ؟ اطاعت بهتر است یا تشریفات و مراسم ؟

پاسخ

باتشکر از دلسوزی و احساس مسئولیت شما نسبت به ترویج فرهنگ اسلام و اهل بیت (ع) هر کس برای رسیدن به اهداف خویش در کمین فرصت است هم مسلمانان و هم کافران.

امیر المومنین علی (ع) می فرمایند :{ انتهزوا فرص الخیر فانها تمر مر السحاب} (۱) ترجمه : «فرصتهای خیررا غنیمت شمارید زیرا هماننـد ابرها می گذرد » در تبلیغ معارف و فرهنگ اطاعت از رسول و ائمه اطهار مبلغ نیز باید با بهره گیری هوشیارانه از فرصتها باید بدنبال نشر معارف و احکام دین باشد. پیامبران در فرصتهای مختلف برای اهداف عالیه خود بهره ی جستند و از تبلیغ دین خود از عهده اینکار خوب برمی آمدند . حضرت یوسف (ع) در زندان مقابل زندانیان مادی مسلک دلباخته زر و زیور می فرمایـد :{ رب الجن احب الی ممـا یـدعونی ....}(۲)« خـدایا زندان را با تمام سختیایش برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا بـدان می خواننـد.» دنباله داستان زنـدان یوسف (ع) دو زنـدانی خواب می بینند و برای تغییر خواب حضور یوسف (ع) شرفیاب می شوند و از او تعبیر خواب میخواهد . یوسف از فرصت استفاده کرد و ضمن آنکه قول میدهد که صبر کند تعبیر خوابتان خواهم گفت لیکن از خدای خود سخن به میان می آورد و بدنبال آن می فرمایند : {

یا صاحبی السجن اارباب متفقرون خیرام الله الواحد الهقار} (۳) حضرت با ایجاد یک سوال تأمل بر انگیز شکی بر اندیشه خفته آنان وارد می کند. و سوال میکند ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بتها و الهیه اساطری بهترند یا خدای یگانه مقتدر . و فطرت خفته آنان را بیدار میکند و سپس به تعبیر خواب آنان می پردازد و ایضا حضرت ابراهیم (ع) هنگامیکه شهر را ساکت و آرام می بینید تردردست همه بتها را روی زمین می ریزد و و قتی مردم به شهر برگشته و به بتخانه بتها را سرنگون و شکسته مشاهده میکنند کارشناسان ابراهیم (ع) را متهم ردیف اول میدانند ابراهیم را دستگیر و به محل وقوع جرم می آورند و سوال میکنند ,که این کار توست ؟ ابراهیم (ع) فرصت طلائی را از دست نمی دهد و می فرماید :{ بل فعله کبیرهم فسئلواهم ان کانو ینطقون }

ترجمه : «آن بت بزرگ اینها را شکسته است اگر سخن می گویند از آنها بپرسید !! بت پرستان بخود آمده و به یکدیگر گفتند در حقیقت شما ستمکارید و این همان نتیجه ایست که ابراهیم (ع) به دنبال آن بود» .

پیامبر بزگوار اسلام (ص) هم به طور کلی هیمن روش را پیگیر ی میکردند و نزول تدریجی قرآن غالبا بر اساس بیان معارف دینی بوده است , هنگامیکه حادثه ای پیش می آمد یا مسئله ای مطرح میگردند و اذهان مردم را بسوی مطلبی متوجه ساخت به همان مناسب و درهمان فرصت آیاتی از قرآن مجید نازل میگردید .

گاهی رسول خدا

(ص) فرصت سازی کرده و سپس پیام خود را ابلاغ مینمودند. بعنوان مثال پیامبر (ص) همراه اصحاب خود از بیابان بی آب و علف میگذرند حضرت به اصحاب فرمان گرد آوری هیزم میدهند آنان میگویند . یا رسول الله اینجا کویر است و هیزم نایاب پیامبر فرمودند : برگردید هر چه یافتید بیاورید مسلمانان به امر پیامبر (ص) به دنبال هیزم در بیابانها پراکنده شدند و هرکس مقداری هیزم ناچیزی با خود آورد و روی هم ریختند و تپه ای هیزم نمودار گردید, در این جا بود که پیامبر (ص) فرصت را غنیمت شمرده و فرمود « گناهان شما در حالیکه اندک بنظر میرسد اینگونه گرد می آید و شما از آن بی خبرید »

شیوه ترویج و تبلیغ فرهنگ اهل بیت (ع) باید از فرصتهای ماهها ی رمضان محرم , صفر , ایام فاطمیه , تابستان و ایام تولد امامان و شهادتشان استفاده بهینه کرد و فرا خوانی عمومی بسوی خدا و عمل نیکو و سیره پیامبر و ا ئمه اطهار کتابهای ما شیعیان پراست از احادیث و کلمات گهر بار که سعادت دنیا و آخرت پیروانشان در آن نهفته است بمردم برسانیم و از مراسمات مذهبی کمال استفاده را ببریم .

البته این را نباید منکر شد که گاهی تشریفات و مراسم تاثیر آن بیشتر است . اما تشریفات و مراسمی که موجب وهن دین و برزخ و اسرافکاری نباشد و در لابلای مراسمات و تشریفات نکات سازنده از زندگی پیامبران و امامان (ص) به شنوندگان و بیندگان القاء نمود .

خدا به شما توفیق بیشتر مرحمت

فرماید.

البته منظور شما از تشریفات واضح نیست؛ اگر منظورتان خرج و مخارجی است که در حرم مطهر انجام میشود ,که آن خودش دارای توجیهی است که بایـد در جای خود بیان شود. اگر منظور شـما مجالس اسـتکه برای اهل بیت (ع) برگزار می شود, که این خودش یـک نوع بستر سـازی است تا بتوان تبلیغ کرده برای تبلیغ زنـدگی ائمه بایـد فضا و بستر آماده باشـد و الانمی شود پیام ائمه (ع) رابه دیگران انتقال دارد و پس از نوعی این تشـریفات واجب و لازم است که مقـدمه ای هسـتند انجام آن واجب که تبلیغ فرهنگ ائمه (ع) است .

منابع :

۱–غررالحکم

۲–سوره مبارک یوسف , آیه ۳۳

۳–سوره مبارکه انبیاء , آیه ۶۳

۱– لطفا بفرمائید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را درجامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد ؟

پرسش

۱– لطفا بفرمائید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را درجامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد ؟

پاسخ

بااهداء سـلام وآرزوی توفیق الهی ضـمن تشـکرازحسن اعتمادشمابه این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد.

در کل ازدواج در دین اسـلام آسان است و این ما هستیم که در طول سالها و قرن ها با افزودن پیرایه و تشریفات دست وپا گیر موانع پیچیده و دشواری سر راه ازدواج ایجاد کرده ایم . ولی اگر به دستوارت اسلام عمل کنیم تمام موانع برداشته خواهد شد و امر مقدس ازدواج برای همگان سـهل و آسان می شود. مشـروط بر اینکه همه تصمیم بگیرند تا دستور های اسلام را بپذیرند و به آن عمل کنند .

اما بعضـی از مشکلات مصنوعی و غیر معقول باعث شده بسیاری از دختران و پسران و زنان و مردان در تنگاه قرار بگیرند و از ازدواج غولی وحشتناک برای آنها ساخته است . از جمله ی این مشکلات :

۱–تشریفات و پیرایه های عریض و طویل و مهریه ی سنگین .

۲- مشکل پسندی به بهانه های مختلف.

۳-مسئله ی ناداری و فقر.

۴- آزادی غلط و گریز از مسئولیت سرپرستی خانواده.

۵-عذر ادامه تحصیل .

۶- تأخیر ازدواج به بهانه ی آنکه هنوز زود است.

۷- مشکل عدم توافق پدر و مادر یا فرزندان یا اقدام شوهر اول.

۸- مشکل مسکن.

۹- ترس از بچه دار شدن یا تقدس بینی و تعصب غلط وفاداری به شوهر اول .

که باید هر یک از اینها به گونه ای حل شود :

۱) حذف تشریفات و رسم های غلط: جوانی که هنوز از

نظر اقتصادی لوازم ابتدایی زندگی خود را نتواسته تأمین کند و به سن ازدواج رسیده و کل سرمایه او مثلا؛« ۵۰ هزار تومان» است, ناگهان متوجه می شود که ازدواج او نیاز به دو برابر پول او دارد در صورتی که اگر اسلامی عمل شود بایست هزار تومان آن برای ازدواج ساده کافی باشد . ولی بعضی در همان اول کار با قرض وقوله و اقساط و چک و سفته درگیرشده و ابتدای زندگی شیرینش با رنجهاو تخلیها همراه است ؟

در مورد مهریه هم نظر اسلام روی کم گرفتن میزان مهریه است به طوری که پیامبراکرم « صلی الله علیه واله » می فرماید : « خوش قدمی و برکت زن در کمی مهریه اوست و کم پولی برای جوان عیب نیست بلکه باید تشریفات زائد و اسراف ها و رسوم واهی و غلط را در همه ی امور زندگی در مراسم ازدواج حذف کنیم و مطابق دستورات اسلام و شیوه پیشوایات بزرگ اسلام رفتار نمائیم تا امر مقدس ازدواج برای همگان آسان شود .

۲) مشکل پسندی : یا وسوسه در انتخاب همسر چه از طرف پسر و چه از طرف دختر چرا که یگانه هدف آنها از ازدواج جمال و زیبایی ظاهری است از این رو دختران یا زنان معرفی شده را به خاطر قیافه شان نمی پسندد یا Ơ…j…Θ…و زنان خواستگاران را از نظ…جمال و قامت پسند نمی کنند. اگرچه زیبایی از نظر اسلام معیار ازدواج محسوب میشود, اما مشکل پسندی به بهانه های غیر منطقی نباید در میان باشد و گرنه توفیق به دست نمی آید . رسول خدا فرمود :

«کسی که در ازدواج هدفش تنها زیبایی است به این هدف نخواهد رسید. و کسی که هدفش ثروت است , خدواند او را به همان ثروت وا می گذارد او (ثروت عامل نجات او نخواهد بود) بنابراین بر شما باد به اینکه همسر دیندار بر گزینید.

«وسائل , ج ۱۴ , ص ۳۱ »

۳) فقر و نداری : بسیاری به خاطر اینکه خواستگار فقیر است , یا شغل پر در آمد ندارد , جواب منفی به او داده اند و بسیاری برای خواستگار به درخانه ی مستمندان نمی روند. بلکه سراغ ثروتمندان را می گیرد .از آنجا که فقر و نداری , برای بعضی بهانه ای است برای ازدواج نکردن , قرآن به تمام مسلمانان خطاب می کنند : { ان یکونو ا فقرا ء یغنهم من فضله و الله واسع علیم }یعنی :« اگر فقیر و تهدیست هستند خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می سازد , خداوند وسعت بخش و آگاه است.»

(آیه ۳۲ ,سوره مبارکه نور)

پیامبراکرم « صلی الله علیه واله » هم فرمود : کسی که از ترس فقر و هزینه ی عیالمندی ازدواج نمی کند سوءظن به خدا دارد . راه حل مشکل فقر , همت مردم را می طلبد تا تشریفات و مخارج غیر لازم ازدواج حذف گردد و هزینه های بیجا از میان برود و ساده زیستن و توجه به معنویات به عنوان یک اصل دنبال شود تا ازدواج و تداوم آن برای همگان آسان باشد .

۴)آزادی غلط و گریز از مسئولیت سرپرستی خانواده : بعضی از جوانان می گویند: ازدواج

انسان را مقید و مسئول می کند.

زنانشان می گویند : آزاد باشیم بهتر از این است که آقا بالا سر داشته باشیم. اگر انسان زن و بچه نداشته باشد همه جا می تواند برود , شب دیر به خانه برگردد و کسی او را بازخواست نمی کند و گفتار ی از همین قبیل . این همان آزادی غلط و گریز از مسئولیت است.اما ازدواج انسان را مقید و کنترل و منظم می کند در صورتی که انسان بی بند و باری می خواهد. و دوست دارد که هیچگونه قانون و ضابطه ودست اندازی سر راه او نباشد غافل از اینکه این آزادی به طور سریع او را به سوی هلاکت می کشاند .

۵)عذر ادامه تحصیل : بعضی ادامه تحصیل را بهانه ای برای ترک ازدواج با تأخیر آن قرار می دهند و همین باعث می شود, که تا آخر عمر ازدواج نکنند و یا در سن بالا ازدواج کنند در صورتی که سن ازدواج سن جوانی است و ادامه تحصیل و امثال اینها عذر موجه برای آنها محسوب نمی شود .

۶)تأخیر ازدواج به بهانه ی زود بودن آن : آئین اسلام که آیینی کامل و سلامت بخش است درباره ی تسریع در امر مقدس ازدواج تأکید فراوان می کند و هرگز چنین بهانه ای را نمی پذیرد . روزی پیامبر « صلی الله علیه واله » مردم را به مسجد دعوت کرد و بالای منبر رفت و خطاب به مردم گفت : «جبرئیل نزد من آمد و این پیام را از طرف خدا به من داد و گفت : دوشیزه گان همانند میوه های

روی درختان هستند , که اگر رسیده شوند باید آنها را چید و گرنه تابش خورشید آن میوه را تباه میکند .و باد اجزای فاسد شده ی آنها را پراکنده می سازد . همچنین دوشیزه گان وقتی که به سن رشد رسیدند دوایی برای آنها جز شوهر انشان نیست و در غیر این صورت در پرتگاه خطر فساد هستند. زیرا آنها هم بشر می باشند.

« فروع کافی , ج ۵ , ص ۳۳۷ »

۷)مشکل عدم توافق پدر و مادر یا سایر بستگان : بعضی فامیل به جای اینکه تلاش در تشکیل پیوند دو جوان بکنند در عوض با سنگ اندازی , گره در کار ازدواج جوانان می اندازند از نظر اسلام عدم توافق بستگان هیچگونه مانع بر سر راه نخواهد بود و فقط در ازدواج دختر و دوشیزه اجازه ی پدر شرط است . و او هم اگر به حد رشد رسیده و مصلحت خود را تشخیص می دهد. هر گاه همسر مناسب پیدا شود به فتوای بسیاری از مراجع تقلید اجازه ی پدر و مادر در این مورد نیز شرط نیست. باید توجه داشت که پیامبر اکرم « صلی الله و علیه واله » فرموده : پدری که فرزندش به حد بلوغ رسیده و امکانات ازدواج او را داشته و در عین حال به آن اقدام نکرده در گناهی که فرزندش بر اثر بی همسر ی انجام می دهد شریک بوده و آن گناه برای هر دو نوشته می شود .

« وسائل الشیعه , ج ۱۵ , ص ۱۰ »

۸)مشکل مسکن : اگر چه این مشکل اساسی است. اما در عین

حال نباید سد راه ازدواج گردد زیرا ؛ اولا : بسیاری پس از ازدواج این مشکل را حل کرده و دارای مسکن میشوند :

ثانیا : روی هم رفته وقتی که زیانهای بی همسری را با مشکل مسکن مقایسه می کنیم ضایعات مشکل مسکن بسیار کمتر از ترک ازدواج است.

ثالثا : مشکل مسکن باید با همت و کاردانی بر اساس روحیه ی استقلال طلبی و بعلاوه تعاون و همکاری دولت و ملت حل گردد .

۹) تر س از بچه دار شدن : بعضی ازنظر نیازهای مادی و بعضی تربیتی و فرهنگی به این موضو ع می نگرند .از نظر مالی پیامبر اکرم «صلی الله علیه واله » می فرماید : هر کس ازدواج را به خاطر ترس از مخارج زن و فرزند ترک کند به خدای بزرگ سوء ظن دارد .

« وسائل الشیعه , ج ۱۴ , ص۲۴ »

از نظر فرهنگی هم اختیار با خود انسان است او می تواند با کنترل های شرعی فرزند خود را هر طور می خواهد تربیت کند .

۱۰) تقدس بی جا و تعصب غلط و فاداری به شوهر اول : هیچ جای اسلام نیامده که باید به شوهر اول وفادار بود ودر صدر اسلام زنان پاکدامن و مورد قبول خاندان نبوت پس از فوت یا شهادت شوهر اول ازدواج مجدد می کردند و آن را موجب خشنودی خدا می دانستند. اگر این عوامل و مشکلات برداشته شود , براستی می توان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را در جامعه گسترش داد .

« ازدواج آسان و شیوه ی همسر داری , محمد مهدی اشتهاردی ,

ص ۹۴ - ۱۵۷ »

برای اطلاعات بیشتر به کتا بهای زیر مراجعه کنید .

۱-راهنمای ازدواج و طلاق , حسن جمشیدی و عطاری کرمانی.

۲- بهداشت روانی ازدواج , احمد حسینیا.

۳- جوانان می پرسند و با چه کسی ازدواج کنیم ؟ استاد اسد الله داستانی بنیستی .

۱–چگونه می توان از جریان حادثه کربلا درزندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد ؟

پرسش

۱-چگونه می توان از جریان حادثه کربلا درزندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد ؟

پاسخ

دوست عزیز: از حادثه کربلا و وقایعی که در تاریخ کربلا آمده الگوهای زیادی می توان برداشت کرد و در واقع جزء، جزء جریان کربلا سرمشق و الگو است و انسان هر چه تأمل و تفکر بیشتری دروقایع و ریزکاریهای این حادثه داشته باشد نکات جدید تری را کشف می کند، چرا که حادثه کربلا تجسم عملی اسلام است .

استاد مطهری در این زمینه می فرماید : خود این حادثه تمام این حادثه تجسم اسلام در همه ابعاد و جنبه ها این حادثه ای است شبیه پذیر نمایش پذیر دارای سوژه های بسیار زیاد که گویی برای نمایش دادن تهیه کرده اند و از اینکه این حادثه نمایش پذیر و شبیه پذیر است اینست که تجسم فکر و ایده چند جانبه و چند بعدی اسلام است با همه جنبه ها واصول اسلامی عملا در این حادثه تجسم پیدا کرده است اسلام است در جریان ودر عمل ودر مرحله تحقق حادثه کربلا خودش یک همایش از سربازان اسلا م است اما نه نمایش که صرفا نمایش یعنی صورت سازی می باشد آدمکهایی بسازند و صورتی درست کنند ولی در واقع حقیقت نداشته باشد مثلا آیه (ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله) (۳)

یعنی خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری نکرده است آنها در راه خدا جهاد می کنند در این حادثه کربلا خودش را در عمل نشان می دهد (۴)

همانطور ذکر شد حادثه کربلا تجسم

عملی اسلام است آیات قرآن که راه و رسم زندگی را نشان می دهد در این حادثه عینیت یافته است .

یک از دیگر آیاتی که حادثه کربلا تجسم یافت و به نمایش در آمد آیه

(من الناس من یتخذ من دون الله اندادا سیحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله (۵) یعنی بعضی از مردم خدا را همانند خدا می گیرند و چنانکه خدا راد وست داشت آنان دوستی ورزند و لیکن آنها که اهل ایمان هستند کمال محبت و دوستی و علاقه شان به غیر خدا به اندازه خداست حال ببینیم امام حسین (ع) جزء کدام گروهند کدام کسانی که دلبستگی ودوستی و علاقه شان به غیر خدا به اندازه خداست یا کسانی که بیشترین دوستی ودلبستگیشان را به خداوند اختصاص داده اند در حادثه کربلا امام حسین علیه السلام نشان می دهند که اهل ایمانند و شدید ترین دوستیها و محبت ها را در ارتباط با خدا دارند { والذین امنوا اشد حبا لله} هستند استاد مطهری در این زمینه چنین می گویند : ما بچه ها یمان راد وست داریم آیا حسین بن علی بچه های خود راد وست نداشت مسلما او بیشتر دوست داشت ابراهیم خلیل هم اینطور نبود که کمتر از اسماعیلش راد وست داشته باشد خیلی بیشتر دوست داشت به این دلیل که از ما انسان تر بود و این عواطف عواطف انسانی است او انسان تر از ما بود و قهر ا عواطف انسانی او همه چیز بیشتر بود حسین بن علی بیشتر از ما فرزندان خود را دوست داشت اما در عین حال او خدا

را از همه کس و همه چیز بیشتر دوست داشت و در مقابل خداوند در راه خدا هیچ کس را به حساب نمی آورد (۶)

در تاریخ واقعه کربلا آمده است هنگامیکه عده ای به امام حسین پیشنهاد میدادند خود که می روید اهل بیت را در این سفر خطر نـاک همراه نبرید فرمودند : در عالم رویا(رویا امام بارویای مردم عادی فرق می کند خواب امام برایشان حجت است) جدم به من فرموده است (ان شاء الله ان یراک قتیلا یعنی خداوند اراده کرده که ترا کشته ببینند و برای خانواده ام نیز فرموده :ان شاء الله ان یراهن سبایا یعنی خداوند خواسته که اینها اسیر باشند البته منظور از اینکه گفته شده خداوند اراده تشریعی است مثلا خداوند درباره زکات می فرماید : {یرید لیطهرکم} یعنی خداوند پاکی شما را اراده کرده است در اینجا معنای اراده این نیست که چون خداوند اراده کرده مردم مجبور باشند زکات بدهند بلکه منظور اینست که رضای حق در دادن زکات است در اینجا نیز رضای حق و مصلحت الهی در کشته شدن امام حسین (ع) و اسیر شدن اهل بیت علیهم السلا م بوده است (۷) یکی دیگر از آیه هایی که در حادثه عاشورا را تجسم یافت و به نمایش د رآمد و سرمشق عملی انسانها شد آیه{ لقد جائکم رسول من انفسکم عزیزعلیه ماعنتم حریص علیکم با المومنین رئوف رحیم (۸) یعنی همانا رسولی از جنس خود شما برای خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقر وپریشانی و جهل و فلاکت شما بر او

سخت می آید نجات شما حریص و به مومنان مهربان است می باشد . اسلام دین محبت ومهرورزی است اما همانطور که گفتیم این محبت ها جهت دارند و جهت آن خدایی است .ممکن است کسی چیزی یا کسی را به خاطر خود خواهی منافعش دوست داشته باشد که اگر آن منافع تامین نشود آن دوستی هم نیست اما گاهی دوستیها به خاطر خداست دوستی و محبت امام حسین علیه السلام از اینگونه دوستیها و محبت ها بود وجود مبارک ابا عبد الله از بدبختی سیاهی که به جنگش آمده بودند متاثر بود نمی خواست حتی یک نفر شان به این حال بماند و تمام سعی خود را برای بر گرداندن آنها کرد : می گویند ابا عبدالله برای آنکه آنها را از جنگ با دین منصرف کند یک دفعه سوار شتری می شوند و می روند اندرز می دهند و بر می گردند عمامه پیامبر را به سر می گذارند لباس پیامبر را می پوشند سوار اسب می شوند وبسوی آنها می روند بلکه بتوانند از این گروه شقاوت کار کسی را کم کنند . در اینجا حسین علیه السلا م یکپارچه محبت است یکپارچه دوستی است که حتی دشمن خود را هم واقعا دوست دارد .

آیه دیگری که در عاشورا تجسم یافت و جان گرفت آیه { ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخیر منوعا الا المصلین (۹)

یعنی انسان مخلوقی سخت حریص و بی صبر است چون شر وزیانی به او رسد جزع و بیتابی می کند و چون مال ودولتی به او رو کند منع

احسان کند مگر نماز گزارآ نکه اینگونه نیستند امام حسین علیه السلام در حادثه کربلا نشان دادند که از مصلین واقعی هستند که در کوران حوداث و سختی ها با جزع و فزع و بی تابی نمی افتنداین آیه کریمه در جای جای حادثه کربلا تجسم یافته وجان گرفته است اما اوج تجسم آن در شب عاشورا است . از مظاهر درخشنده حادثه کربلا تجلیات بزرگ الهی آن موضوع جمع کردن ا صحاب در شب عاشورا و سخنرانی امام حسین علیه السلام برای آنها ست باید در نظر داشت که این سخنرانی در شب عاشورا است هنگامی که عوامل محیط از هر جهت نامساعد و نا امید کننده است در چنین شرایطی هر سردار و رهبری که تنها مادی فکرکند جز لب به شکایت گشودن کاری ندارد .منطقش اینست : افسوس که بخت با ما مساعده نشد ..... مثل نا پلئون می گوید طبیعت با من مساعدت نکرد همه سخنانش شکایت ازروزگار و احساس یا س است آنچه شرایط را برای او سخت تر می کند اینست که زنان و فرزندان و خواهرانش تا ۲۴ ساعت دیگر اسیر دست دشمن می شوند برای یک مرد غیور و فداکار این خیلی سخت و ناگوار است . در یک چنین وضعی دیگران چه کرده اند ؟ مادر تاریخ می خوانیم که المقنع وقتی که محصور شدو در شرایط نامساعد و نا امید کننده ای قرار گرفت اول خاندان خود را کشت بعد خودش را همچنین است یکی از خلفای اموی که در هنگام گرفتاری همین رفتار را داشت تاریخ از این نمونه ها بسیار دارد .امام حسین

بن علی علیه السلام وقتی که شروع کرد به سخنرانی گفت (اثنی علی الله احسن الثناء و احمده علی السراء والضراء اللهم انی احمدک .....) با اینهمه شرایط نامساعد مادی دم از رضا و سازگاری با عوامل می زند چرا ؟

چون در شرایط معنوی مساعدی سیر می کند او اعتقادا و عملا موحد و خدا پرست است و بعلاوه او به نتیجه نهایی کار خود آگاه است او هدفش مثل اسکندر و ناپئلون جهانگیری نبو دکه خود را شکست خورده بداند هدفش اعتلای کلمه حق بود و از این نظر کار خود را بسیار سودمند وموثری دید (۱۰)

وتاریخ کربلا نشان داد که نه تنها امام حسین علیه السلا م بلکه هیچکدام از یاران ایشان در این موقعیت حساس و یاس و نا امیدی و شکوه و شکایت نشدند و این نشان می دهد که دستوراتی که در دین برای انسان سازی آمده است عملی و شدنی است و انسانها در نهایت سختی ها و مشکلات اگر توکل و اعتمادشان به خدای بزرگ و مهربان باشد عزت و شرف خود را از دست نمی دهند و به خرج و بی تابی نمی رسند .

منابع و ماخذ

مقتل الحسین , ص ۱۵۶

حماسه حسینی , استاد مرتضی مطهری

قرآن کریم , سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۱

حماسه حسینی استاد مرتضی مطهری جلد ۱ ص ۳۸۱

قرآن کریم سوره مبارکه بقره آیه ۱۶۵

حماسه حسینی استاد شهید مطهری جلد ۱ ص ۲۲۴

حماسه حسینی استاد شهید مطهری جلد ص ۳۹۸

قرآن کریم سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۸

قرآن کریم سوره مبارکه معارج آیه ۱۹– ۲۸

حماسه حسینی استاد

مطهری جلد ۲ ص ۷۴- ۷۵

چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت ؟

پرسش

چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت ؟

پاسخ

فعالیت های فرهنگی اقسام زیادی دارد، عمده ترین آنها در مساجد؛ آموزش قرآن، عقاید، احکام، اخلاق و تفسیر است. هم چنین برقراری مسابقات در زمینه های یاد شده.{J

چرا به جای موسیقی های حرام , نوارهای اسلامی جایگزین نمی شود؟

پرسش

چرا به جای موسیقی های حرام , نوارهای اسلامی جایگزین نمی شود؟

پاسخ

جانشین کردن از طریق دولتی و قوه قهریه ممکن نیست، خود مردم باید سراغ این نوارها نروند وگرنه هیچ کس نمی تواند چیز دیگری را جایگزین آنها کند.{J

چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟

پرسش

چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟

پاسخ

نکته ای که در نامه خود مطرح کرده اید، نشانگر احساس مسؤولیت و آرمان پاک شماست. با توجه به نیاز مبرم در محیط دبیرستان و دانشگاه به فعالیت های فرهنگی شما عزیزان، باید چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱ – در کار خود برنامه ریزی کنید و با حفظ اصل میانه روی، عمده وقت خویش را به درس ها و مابقی را به فعالیت های جنبی اختصاص دهید.

۲ – در صرف وقت بخیل باشید تا به وظایف اصلی خودتان برسید و در آنها موفق گردید.

۳ – در اوقات امتحان از فعالیت های دیگر دست بکشید و برای آن وقت زیاد صرف کنید.

۴ – این را باید توجه داشته باشید که انجام وظایف جنبی فرهنگی شما را با تجربه و با مهارت خواهد ساخت.

همچنین در محضر ربوبی نیز از اجر و پاداش برخوردار خواهید بود. باری، فرق است بین افراد بی تفاوت و کسانی که با همه وجودشان برای خدا تلاش می کنند و مسؤولیت های خطیری را از روی اخلاص می پذیرند. توصیه آخر ما این است که با رفتار عملی و اخلاق نیکو، سرمشق و الگویی برای دیگر دوستان خود باشید.

J}

هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شودچیست ؟

پرسش

هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شودچیست ؟

پاسخ

این واژه (زندگی دانشجویی) بیانگر حالات رفتاری و شیوه عملی در مواجهه با دیگران و جامعه است . یک واژه یا واژه خاصی و صرفا" جامعه شناختی نیست که بیانگر چگونه بودن باشد; بلکه به شکلی به بیان چگونه باید بودن نظر دارد. در یک کلام زندگی دانشجویی به معنای زندگی ساده در مسیر دانش اندوزی است ; نه زندگی ساده , تنها که با تحولات علمی و سیاسی بیگانه است و نه متحرك همراه با جریانات سیاسی و علمی که خود باری ندارد بلکه زندگی علمی پر رونق و پر تکاپو است در حالی که از امور زندگی و تعلق دنیوی عاری بوده و به اصطلاح ساده می باشد اما به صورت تفصیلی زندگی دانشجویی از ویژگی های زیر برخوردار است : ۱- خوب درس خواندن و تلاش جهت ارتقای علمی : برجسته ترین ویژگی این دوره آن است که دانشجو باید تمام همت خود را صرف تحصیل علم نموده و در پی دانش اندوزی باشد. زندگی دانشجویی یعنی زندگی که لحظه لحظه آن یك اندوخته علمی را در پی دارد و همیشه بدنبال کسب معرفت بسر می برد. اگر شخصی در این مسیر گام بر دارد و چنین زندگی داشته باشد یك دانشجو است ولی اگر چنین نباشد هر چند در معتبرترین دانشگاهها زندگی کند, دانشجو نیست در یك کلام به هر میزان که در پی اندوختن معرفت و تحصیل دانش باشد و وقت , همت خود را در این راه صرف نماید, به همان میزان از ویژگی

دانشجو بودن برخوردار است . لذا سعی کنید در برنامه ریزی و تنظیم کارهای روزانه بیشتر وقت و تلاش خود را صرف تحصیل علم و دانش نمائید. ۲- دومین ویژگی اساسی زندگی دانشجویی کسب آمادگی برای ارائه خدمات اجتماعی مطابق با نیاز اجتماعی و علاقه فردی است یعنی از درس و تحصیل خدمت گزار بودن را انتظار داشته باشد. نه اندوختن و اندوختن و اندوختن ولی یک قدم در راه نشر و بکارگیری آن دانش بر ندارد این ویژگی می طلبد که از دریچه بکارگیری به تحصیل دانش بنگرد و درصدد کاربردی نمودن تحصیلات خود باشد. بی تردید امروز هیچ خدمتی بهتر از بکارگیری دانش در مسیر برآوردن نیاز جامعه و پیشرفت اهداف اسلام نیست . اگر بتوانید به عنوان یک دانشجوی مسلمان با تحصیل دقیق و صحیح و کارآمد تئوری نو و طرح جدیدی به بازار اندیشه و صحنه خدمات ارائه کنید و بزرگترین خدمت را به دین و انسان ها نموده اید. ولی افسوس که امروز عده ای از تحصیل واقعی غفلت نموده و در پی مدرک و رسیدن به شغل و... در تلاش هستند و عده ای دیگر که سر در کتاب و مطالعه دارند از زاویه ارائه خدمت و بکارگیری دانش خویش و کاربردی کردن به آن نمی نگرند. در حالی که فرهنگ سازی , مستحکم ساختن بنیان های فنی و مهارتی جز از تحصیل کردگان توقع نیست . ۳- ویژگی سوم زندگی دانشجویی ارتقای سطح معنویت فردی و به دنبال آن ارتقای کیفی امور معنوی دانشگاه و بعد جامعه می باشد. همانگونه که مردم از دانشجو و فرد تحصیل کرده

انتظار گره گشایی را دارند همینطور انتظار دارند که در برنامه زندگی معنوی خود نیز باعث پیشرفت گردد و همچون یک الگو عمل کند. لذا برخوردار بودن از صفات عالی اسلامی و انسانی مانند ادب , تقوی , عبادت و بنده خدا بودن صداقت - پاکی , صفای دل , خیرخواهی , دوراندیشی , حسن تدبیر, و در یک کلام نیکی سیرت و صورت و... و دعوت نمودن دیگران به این سمت (با عمل و حرف) باید از جمله برنامه های زندگی شما باشد و الا دیگر تفاوتی بین شما و کسی که فارغ از کلاس و دانشگاه با اندوختن تجربه و نقل قولهای کوچه و بازار و یا مراکز علمی غیر اسلامی به بهره علمی رسیده است , نیست . ۴- هوشیاری و تیزبینی و داشتن قدرت تحلیل سیاسی و قبل از آن آگاهی صحیح و دقیق از پدیده های اجتماعی و اتخاذ موضع آگاهانه و صحیح و بجا و مناسب و برخاسته از مبانی اسلامی از دیگر ویژگی های دانشجوی مسلمان و از ضروریات زندگی دانشجویی است . بی تردید اگر دانشجویی علی رغم تحصیل و دانش اندوزی فریب خورده و دچار امواج سیاسی شود دیگر نمی توان وی را یک فرد تحصیل کرده و آگاه نامید دانشجو بودن اقتضا می کند که شما از علل , اسباب , کیفیت , اهداف و عوامل بروز یک پدیده اجتماعی آگاهی داشته باشید و بتوانید خودتان آن را تحلیل کنید و در برابر آن یک تصمیم آگاهانه و موضع گیری برخاسته از فکر و تدبیر داشته باشید. مبادا نسنجیده عمل کرده و وارد این

صحنه شوید که موج این نوع پدیده ها آدمهای قویتر را با خود برده و مبتلا به نابهنجاری های سهمگین سیاسی می نماید تا چه رسد به افرادی که تازه مشغول هجی کردن الفبای سیاسی هستند. جامعه از یک دانشجو انتظار دارد که افزون بر تدبیر و تفکر در مورد پدیده ها و امور سیاسی بصورت آگاهانه بر روی آنها تائثیر بگذارد و مردم را در این مواقع هدایت و راهنمایی کند. چرا که به او به چشم شخص آگاه و تحصیل کرده نگاه می کنند و انتظار آنها از فردی که چنین اوصافی را دارد یک توقع بجای است . توجه داشته باشید که حتی بی تفاوت بودن در این امور خلاف انتظار است لذا باید بر پایه مبانی دینی و اعتقادی خویش و بر اساس اطلاعات دقیق و صحیح (نه گفته های خیابانی و شایعاتی اتوبوسی) که در اختیار دارد به تحلیل صحیح و مناسب از این پدیده ها بپردازد و در برابر آن برای خود اتخاذ موضع نماید به تعبیر کوتاه از دانشجو انتظار نیست که بنده افکار دیگران و در بند تصمیمات حزبی و گروهی باشد او شخصی است آگاه , تحصیل کرده و باید برای خود قدرت تحلیل و تبیین داشته باشد. در پایان ضمن آرزوی موفقیت روز افزون برای شما امیدواریم با برنامه ریزی مناسب و دقیق در راه رسیدن به ویژگی های دانشجویی برگزیده و زندگی دانشجویی ایده ال موفق باشید چه آنچه بیان شد ویژگیهاست و برای رسیدن به آنها و تحقیق بخشیدن آنها باید برنامه ریزی کرد و برنامه را به اجرا گذارد و در

اجرای آن تلاش و پشتکار داشت تا بعد از مدتی به نتیجه نائل آمد به امید آن روز.

اگر ازدواج موقت حلال است , چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟

پرسش

اگر ازدواج موقت حلال است , چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟

پاسخ

مسائله ازدواج موقت از نظر تئوریک کاملا پذیرفته شده , و نه تنها در اسلام بلکه برخی از متفکران بزرگ غربی , مانند راسل نیز یکی از راه های حل مشکل ازدواج دائمی دیررس در دنیای کنونی را, پناه بردن به ازدواج موقت می دانند. از نظر عملی نیز در نظام جمهوری اسلامی این مسائله مقبول افتاده , لیکن دید اجتماعی در این رابطه مشتمل بر نوعی خطاست . به عبارت دیگر متعه نیز نوعی ازدواج است , بنابراین هر کسی از افراد واجد شرایط ازدواج موقت می تواند از شخصی خواستگاری کند و برای مدتی موقت مانند چند ساله دوران تحصیل , با وی ازدواج نماید. آنچه در این جا مشکل ایجاد نموده آن است که غالب افراد, ازدواج موقت را با کامیابی آنی اشتباه گرفته اند و همین مسائله سبب شده که این موضوع نتواند در جامعه ما جایگاه حقیقی خود را باز یابد. همچنین این مسائله در جامعه تابع تبلیغات سوئی است که بیش از یک قرن در جامعه ما توسط غربگرایان تاثیر نهاده و در ضمیر مردم رخنه کرده است .به گونه ای که گاه روابط نا مشروع با تسامح نگریسته می شود ولی به ازدواج موقت با دیدگاه دیگری برخورد می شود. ولی مسائله از چند جهت دچار مشکل است . ۱- از نظر فرهنگی جامعه ما هنوز ظرفیت پذیرش این حکم الهی را به نحو شایسته پیدا نکرده است . ۲- از نظر بهداشتی و سیستم قانونی , پیش بینی های لازم برای آن صورت

نگرفته است . برای حل این مشکلات می بایستی تلاش فرهنگی و اجتماعی به صورت گسترده صورت پذیرد تا این جوانان از آسیب شیاطین مصون بمانند. بنا بر آنچه که گفته شد, ازدواج موقت نه مخصوص عده ای خاص است و نه نیازمند به مراکز خاص می باشد بلکه از نظر قوانین و مقررات کشوری افراد باید شبیه ازدواج دائم خواستگاری نموده و در دفاتر ازدواج و طلاق آن را به ثبت برسانند, بنابراین از نظر قانونی هیچ گونه مشکلی وجود ندارد بقیه مسائل مربوط به خود شخص می باشد.

J}

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پرسش

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

همان طور که هر انسانی در طول زندگی تحت تأثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی به نوسانات مختلف روحی دچار می شود، مثلاً- گاهی شاد و با نشاط است و گاه غمگین و کسل و افسرده خاطر می شود، به همین خاطر، از یک حالت روانی یکنواخت برخوردار نیست و باتوجه به فضای روانی حاکم بر او و حوادثی که اتفاق می افتد، حالات روحی مختلفی بر وی غلبه می کند؛ به همان نحو، جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند نیز با توجه به مقتضیات زمان و مکان، حالات و اشکال مختلفی به خود می گیرد، مثلاً- در برهه ای از زمان مثل اوایل انقلاب ودر زمان جنگ تحمیلی که فضای جبهه و شهادت در جامعه حاکم بود، وضع حجاب و پوشش خانم ها و آقایان و نیز خیلی چیزهای دیگر، بسیار مناسب و مطلوب بود و خیلی ها به خود اجازه نمی دادند این گونه که شما توصیف می کنید وارد جامعه شوند، اما در برهه ای دیگر از زمانمثل زمان بعد از جنگ و زمانی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم با توجه به تبلیغات زیاد و زشتی که در رابطه با خیلی از ارزش های حاکم بر جامعه واز جمله حجاب و پوشش، صورت گرفت مسأله حجاب نهایتا به این صورت درآمد که شما ملاحظه می نمایید.

در برخی از شهرها بنا به دلایل محیطی و فرهنگی، مواردی از بدحجابی دیده می شود که این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود به فرهنگ عمومی جامعه و نیز نفوذ سبک های غربی،

ماهواره و نیز افراد غرب زده و از همه مهم تر، تهاجم فرهنگی گسترده ای که درجهان غرب علیه کشور ما به راه انداخته است، مرتبط است و اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه های درازمدت ودقیق فرهنگی است، چرا که تنها وضع قوانین نمی تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد و همین مسأله، وظایف ما را به عنوان یک فرد مذهبی و دین دار دو چندان می کند؛یعنی، اولاً ما در این جامعه ابتدا باید با خودسازی و تهذیب نفس مراقب و مواظب دین داری خودمان باشیم و ثانیا برای جلوگیری از انحراف در جامعه واشاعه فحشاء در آن، باید با امر به معروف و نهی از منکر جلو این انحراف را گرفت.

اما راه کاری که برای بازدهی بهتر و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر ارایه می دهیم این است که:

۱- سعی کنید افراد همفکر مذهبی را شناسایی کرده و با آنها رفت و آمد کرده و در حل مشکلات مشورت و از آنها کمک بگیرید.

۲- با اساتید معارف و اساتید متدین و دلسوز رابطه تان را زیادتر کرده و از رهنمودهای آنها در زمینه های مختلف، استفاده نمایید.

۳- سعی کنید به طور گروهی و متشکل به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرید.

۴- باید آمر به معروف و ناهی از منکر خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۵- در صورتی که احساس می کنید چنین نابسامانی های فرهنگی باعث به خطا افتادن و گناه شما می شود و امکان ازدواج هم برایتان

فراهم می باشد، برای کنترل غریزه جنسی خود، ازدواج کنید تا کمتر دچار خطر لغزش شوید.

۶- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

۷- عدم تأثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد، چرا که دشمنان ما با اجرای برنامه های درازمدت توانستند به این حد از پیشرفت در کارشان برسند.

۸- با مطالعه آیات قرآنی و زندگی پیامبران و مخصوصا زندگی پیامبر اسلام و ائمه اطهار(ع) و تحمل مشقت ها و سختی هایی که آنها در زندگی کشیدند، میزان صبر و بردباری خود را افزایش داده و بدانید که یک فرد مذهبی برای رسیدن به هدف، نباید از حرف های نابخردانه وغیرمنطقی بعضی ها، دچار سستی و خدای ناکرده دچار یأس و ناامیدی شود. به خدا توکل کرده و در راه انجام این مسؤولیت سنگین از او کمک و مدد بخواهید.{J

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمتی، هراندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روز قیامت جوابی برای آن نخواهد داشت. دراین رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید.امید است ان شاءاللّه بر این گناه غالب شوید:

۱) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید.

۲) هر روز صبح با خدا «شرط» کنید که امروز غیبت نمی کنم. در طول روز کاملاـ مراقب رعایت این شرط باشید وجدا بکوشید برای اولین بار از آن تخلف نکنید. شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را وارسی کنید. اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلا تصمیم بگیریدبا دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت وگوی غیرضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید.

چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان رادر خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم ؟

پرسش

چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان رادر خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم ؟

پاسخ

این که چگونه در طی مـدت ۴ سال در خوابگاه دانشـگاه بتوانید زندگی کنید مربوط به تصـمیم و اراده شما است. برایاین امر باید تصـمیم قوی بگیرید که با یک برنامه درازمدت از اوقات خود بهترین استفاده را ببرید. به عبارت دیگربرنامه ریزی کنید و برای خود برنامه روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه تـدوین نمایید. در مقام اجرا نیز تلاش کنید طبق برنامه مدون خود عمل کنید. مثلاًـ در برنامه روزانه خود، ساعت بیـداری و انجام امور شخصـی و نماز و نرمش و ورزش صـبحگاهی را معین کنیـد. ساعات درس و کلاس را طبق برنامه آموزشی علامت بزنید و اوقات فراغت بین کلاس ها یابعدازظهرها و شب ها را با یک برنامه قابل اجرا بر طبق ساعات مقرر مشخص نماییـد. اوقـاتی را که برای مطالعه معین کرده ایـد، سـعی کنیـد از کتابخانه یا سالن مطالعه خوابگاه اسـتفاده کنیـد و به طور کلی ساعات روز را تقسـیم بندی نموده وبرای هر ساعتی، کار مشخصـی در نظر گرفته و طبق آن عمل کنید، چرا که بدون برنامه ریزی، اوقات زیادی از شما تلف خواهد شد.

یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همه ء جنبه ها را رعایت کند؟

پرسش

یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همه ء جنبه ها را رعایت کند؟

پاسخ

برنامه ریزی چیست؟ چرا اهمیّت دارد؟ اصول آن کدامند؟ لوازم آن چیست؟

یکی از تفاوت های اساسـی میان انسان و حیوان این است که حیوان فقط در زمان حال زنـدگی می کند و انسان در سـهزمان: گذشـته، حال و آینده. گذشـته محمل تجارب است، حال منزلگاه تصـمیم گیری است، و آینده سـکوی رشد و ارتقاء.انسان با تجزیه و تحلیل رویدادهای گذشته، دست به برنامه ریزی زمان حال می زند و آینده را رقم می زند.

متخصصان برنامه ریزی می گویند:

نگرش انسان نسبت به آینده باید از زاویه سه افق صورت گیرد: افق باز؛ افق دور و افق روشن.

افق بـاز: ضـامن مـانورِ فکری آدمی نسبت به مصالـح و مسائل پیرامونی و یکی از عوامل دوری آدمی از انـدیشه هایمحـدود و برنامه های جزئی نگری است. هر انسانی که از افق باز بهره منـد است، در برابر معادلات زنـدگی، به صورتخطی نمی اندیشـد؛ بلکه نگرش او حالت شـبکه ای و گسترده دارد و راه حل های مختلف را فقط از زاویه یک راهنمی بیند و به اصطلاح پژوهش گران، به ورطه تک سـبب بینی نمی افتـد، لـذا راه های مختلف را آزمایش می کند. افق بازروش مؤثری در نگرش است و در همه فعالیت های هدفمند به کار می آید.

افق دور: یکی از خصلت های ممتاز انسان، خصلت دوراندیشی (Providence) است. افق دور در نگاه و نگرشآدمی، ضامن شفاف شدن ابهامات آینده است و تصمیمات آتی را رقم می زند. افراد دور اندیش در مقایسه با دیگران،تصویری شفاف تر در مسائل، رفتارها، عکس العمل، رویدادها و اتّفاقات دارند.

افق روشن: بهره مندی انسان از زاویه روشن و کم ابهام، با استفاده از دو افق قبلی میسّر است.

افق روشن محصولدو افق دور و باز است. افقِ روشن، میوه انسان در اصل برنامه ریزی بهینه و کارآمد برای آینده در حال اتّفاقاست.

محصول این سه افق، بحث شناخت (Recognition) است. بنابراین سه افق، اساس برنامه ریزی عبارت استاز:

۱. خودشناسی.

۲. جهت بخشی فعالیت ها.

۳. بهبود کیفیت زندگی در ظرف زمان.

تا شناخت موجود نباشد، ضمانتی برای آینده وجود ندارد.

می توان آینده را به زمان حال منتقل نمود، یعنی می توان زمینه ساختن پله های آینده را در زمان حال بررسی نمود وآن ها را شکل داد.

تعداد بسیار اندکی از مردم وقت کافی در اختیار دارند. همه از کمبود وقت می نالند. طبق تخمین ها و برآوردهای انجامشده، حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد توان انسان ها به کار گرفته می شود و محاسبات نشان می دهد که افراد ۶۰درصد اززندگی کاری خود را هدر می دهند. بیشتر وقت ها، انرژی ها، توانایی ها و استعدادها به هدر می روند، چون شناختکافی وجود ندارد، هدف ها روشن نیست و برنامه ریزی ها و اولویت گذاری ها دقیق نمی باشد.

عمر ما محدود است. ما یک بار فرصت زندگی کردن داریم. امروزه طبق محاسبات انجام شده، یک انسان با امید بهزندگی طولانی، حداکثر ۲۰۰/۰۰۰ ساعت از زمان را، به عنوان وقت قابل استفاده، در اختیار دارد.

استفاده از سرمایه عمر: استفاده بهینه و بهتر از «زمانِ» محدود و ارزشمند، تنها از طریق برنامه ریزی و «مدیریتزمان» که هوشیارانه، مستمر و پایدار تدوین شده باشد، فراهم می شود. مدیریت زمان که در واقع، همان برنامه ریزیاست، به معنای تسلط و کنترل بر فرصت ها و جهت دادن به فعالیت هاست.

برنامه ریزی فرصت ها: برای طراحی برنامه مناسب جهت استفاده از فرصت ها، لازم است که هر فرد شبانه روزخود را به سه بخش تقسیم نماید: بخش اول: صبح

تا ظهر، بخش دوم: بعد از ظهر، بخش سوم: شب.

باید هر کدام از این بخش ها را دو قسمت کرد و هر قسمت را به فعالیت های دو ساعته تقسیم کرد.

بهتر است فعالیت های علمی، اجرایی، شغلی و تفریحی خود را در قالب این زمان ها تعریف کنیم و هر قسمت را بینیک الی یک ونیم ساعت و حداکثر تمام شش قسمت را در ۹ ساعت تقسیم نماییم. افراد شاغل یا در حال تحصیلممکن است کل صبح یا بعد از ظهر یا صبح و بخشی از بعد از ظهر را به شغل و تحصیل خود اختصاص دهند. آن هاروی وقت باقیمانده می توانند برنامه ریزی نمایند.

با این تقسیم بندی، در هر هفته ما می توانیم ۴۲ قالب زمان را احیاء کنیم و فعالیت های خود را در قالب آن تعریفکنیم و اگر این قالب ها یک ساعتی باشند، باز هم در هر شبانه روز ۱۸ ساعت از ۲۴ ساعت آزاد خواهد ماند؛ یعنی بااحتساب این که ۲ ساعت صبح، ۲ ساعت عصر و ۲ ساعت شب را برای فعالیت های علمی، پژوهشی و... خارج کردهباشیم، باقیمانده هر روز ۱۸ ساعت و در هفته ۱۲۶ ساعت آزاد خواهد ماند. لذا می بینیم که در هفته، چقدر ما زمان راقربانی و فدا کرده ایم. و این یعنی ذبح زمان! یعنی نابودی فرصت ها؟

سرمایه عمر آسان به کف نیامده است، که آسان از دست رود. برنامه ریزی کمک می کند که به فعالیت های خویش،نظام یافته بنگریم و این نکته را مد نظر داشته باشیم که:

«زمان در عصر ما، ساعت ها و روزها و هفته ها نیست؛ بلکه زمان، با دقیقه و ثانیه و لحظه مورد بحث و بررسی قرارگرفته و فعالیت ها در قالب آن تعریف می شوند».

یک

جوانِ پشت کنکوریِ رشته ریاضی سؤال های متعددی از من پرسید. از او سؤال کردم: چند وقت دیگر به کنکورباقی مانده است؟ او پاسخ داد: ۷۵ روز، یعنی ۱۷۰۰ ساعت که با ساعت های باقیمانده امروز تا شب که ۱۱ ساعتاست، می شود ۱۷۱۱ ساعت.

ضمن تشویق، به نگرش او آفرین گفتم و اضافه کردم: انشاءا... از این به بعد، زمان را در قالب دقیقه و ثانیه ببین و بنگرچه فرصت هایی داری و چه فرصت هایی را هر روز ما از بین می بریم.

باید در «امروز»، فرداها را دید و ماه های بعد را به تصویر کشید، حتّی سال آینده را در قالب زمان حال به تماشانشست.

بعد از شهادت آیت الله دکتر بهشتی، که به وقت تقویم ایشان نگریستند، فهمیدند که او برنامه ریزی خود را تا ۶ ماهآینده ترسیم کرده بود.

از آن جا که قصدمان این است که سخن به درازا کشیده نشود، پیش در آمد این مقاله را در این جا به پایان می رسانیم وامیدواریم که در فرصت های دیگر، ادامه بحث را در خصوص:

سارقین زمان؛

برنامه ریزی زخمی؛

برنامه ریزی بیولوژیک؛

تکثیر زمان تا ۲ برابر

و غیره ادامه دهیم.

منابعی برای مطالعه بیش تر:

۱. مدیریت برتر زمان، راجیو ستی، ترجمه نازلی سید گرگانی.

۲. چگونه برنامه ریزی کنیم، کیت کنان، ترجمه قاسم کریمی.

۳. مدیریت زمان، لوتارجی بسی ورت، ترجمه منصور توکلی نیا.

برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟

پرسش

برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟

پاسخ

این که چه کارهایی می تواند افراد را به سوی اخلاص سوق دهد می توان به کارهای زیر اشاره کرد: برگزاری نمازجماعت، عبادت ها و دعاهای جمعی، برگزاری جلسات سخنرانی مذهبی، پاسخ به سؤالات مذهبی و اعتقادی،جلسات توسل و عزاداری اهل بیت(ع)، زیارت ها و سفرهای سیاحتی جمعی، برگزاری هیئت های هفتگی، جلساتقرائت قرآن و حفظ حدیث و برگزاری مسابقات کتاب خوانی (از کتب شهید مطهری و دیگر نویسندگان متعهد) ومسابقه مقاله نویسی و تقویت زیرساخت های اعتقادی یا برگزاری جلسات درس و سخنرانی مفید و منظم و تقویتزمینه های شناخت و آگاهی از آداب اجتماعی و اخلاقی یک مسلمان برای جوانان که بسیار ضرورت دارد.{J

در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و ... را می بیند گاهی احساس پوچ گرایی زندگی، احساس دوری از خدا و آخرت را می کنیم چه کنیم تا بنیه اعتقادیمان همچنان استوار بماند.

پرسش

در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و ... را می بیند گاهی احساس پوچ گرایی زندگی، احساس دوری از خدا و آخرت را می کنیم چه کنیم تا بنیه اعتقادیمان همچنان استوار بماند.

پاسخ

«بسم الله الرحمن الرحیم. قد افلح المؤمنون. الذین هم فی صلاتهم خاشعون. والذین هم عن اللغو معرضون...؛ مؤمنان رستگار شدند. آنها که در نمازشان خشوع دارند و آنها که از بیهودگی روی گردانند...» (مؤمنون، آیات ۳ - ۱)

قبل از بررسی راه های تقویت ایمان، لازم است مطالبی پیرامون زمینه و جایگاه ایمان خدمتتان بیان کنیم. انسان با ذهن خود می اندیشد و علم به دست می آورد. پس جایگاه علم و شناخت، ذهن آدمی است. اما قرآن کریم، جایگاه ایمان را قلب معرفی می کنند. این کتاب آسمانی درباره عده ای که ادعای ایمان می کردند می فرماید: «بادیه نشینان خدمت پیامبر آمدند و گفتند ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید بلکه بگویید اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است» («قالت الاعداب امنا قل لم تؤمنوا ولکن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم..» (حجرات، آیه ۱۴).

از این رو شناخت هدف و راه سعادت زمانی به حرکت در آن راه منجر خواهد شد که قلب به آن هدف و آن راه ایمان آورد. ایمان قلبی محرك انسان برای حرکت خواهد بود. به تعبیر دیگر بین «ایمان» و «عمل» رابطه ضروری هست و این دو از هم جدا شدنی نیستند.

به این ترتیب درس بزرگی که از قرآن کریم می

آموزیم این است: اگر می خواهیم به هدفی که برای زندگی خود شناخته ایم، ایمان بیاوریم و به سوی آن حرکت کنیم، ابتدا باید قلب خود را برای پذیرش آن هدف آماده سازیم.

آْمادگی قلب برای ایمان:

قلب در صورتی برای پذیرش حقیقت و راه زندگی آماده می شود که به زیبایی هایی آراسته و از زشتی هایی دور گردد. قرآن کریم این زیبایی ها و آلودگی ها را به ما نشان می دهد که در اینجا به مواردی اشاره می کنیم:

۱- در زمین سیر کنید، آن گاه حقیقت زیبایی دینی را به وسیله قلب خود درک کنید (حج، آیه ۴۶).

۲- در قلب خود را به وسیله تفکر و تدبر در قرآن باز نگه دارید (محمد، آیه ۲۴).

۳-قلب خود را از آلودگی ها و تعلق های دنیایی مانند دوستی مال و فرزند، پاک سازید (شعرا، آیه ۸۹)

۴- قلب خود را از پلیدی ها پاک نگه دارید تا منزلگاه نیکی ها و زیبایی ها گردد، (بقره، آیه ۲۸۳).

۵- از غفلت بپرهیزید و قلب خود را متوجه زیبایی های زندگی سازید تا سیر شما راحت و هموار شود، (کهف، آیه ۲۸).

۶- توانایی قلب خود را برای تعقل و درک عمیق حقایق افزایش دهید، (حج، آیه ۴۶).

۷- قلب خود را در مقابل درستی ها و خوبی ها نرم و خاضع نگه دارید، (مائده، آیه ۱۳).

ایمان همچون درختی است که در قلب جوانه می زند، تناور می گردد و بر شاخه های آن اعمال شایسته پدیدار می شود.

راه های تحصیل، تحکیم و تقویت ایمان:

۱- تفکر پیرامون آیات و نشانه های خداوند در گستره هستی: توجه به این نشانه ها، یاد

خـدا را در دل هـا زنـده می کنـد و لطف و رحمت او را به مـا یـادآور می شود و در نهـایت بر دوستی و محبت ما به خـدا می افزاید. (ر.ک: سوره یس، آیات ۲۳ تا ۴۰).

۲- توجه دائم به خداونـد و ذکر و یـاد او: حضور خداونـد در خاطر ما، در همه لحظات زنـدگی، ارتباط ما را با او افزایش می دهد و به تدریج به پیوندی اسـتوار می انجامد. یکی از حکمت های نمازهای پنجگانه، زنده نگه داشتن یاد خدا در طول شبانه روز، در دل مؤمن است.

«یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید» (احزاب، آیه ۴۱).

انجام برخی کارهـاماننـد قرائت قرآن، دعـا و زیـارت، مطالعه سـیره ائمه و همنشـینی با نیکان و صالحان، ما را به یاد خـدا می اندازد.

برخی کارها نیز مانع توجه به خداوند است که باید این موانع را کنار زد تا غفلت بر آن حاکم نشود.

قرآن کریم می فرمایـد: «یاد خدا دل های مؤمنان را می لرزاند و هنگامی که آیات الهی را گوش دهند، بر ایمانشان افزوده می شود» (انفال، آیه ۲).

۳- توجه به نعمت ها و الطاف خدا نسـبت به انسان: اگر در زندگی خود توجه کنیم، خود را غرق در نعمت های الهی خواهیم یافت. فلسفه آفرینش این نعمت ها این است:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

(سعدی)

انسان بر خوان نعمت حق نشسته تا با یادآوری لطف او، یاد خدا را در دل زنده نگه دارد و قلب

خود را به او نزدیک تر کند.

۴- انجام نیکی ها و دوری از بدی ها: هر عمل نیک دل را نورانی تر می کند و برعکس هر گناه صفحه دل را تیره و کدر می سازد. باید بکوشیم با عمل به نیکی ها، دل خود را نورانی تر کنیم و با دوری از گناهان رشته محبت خود را با خدا استوار سازیم.

مطالعه کنید: شهید مطهری، انسان و ایمان (ج ۲ از مجموعه آثار)

توجه داشته باشید که حفظ ایمان در میان عوامل نامساعد و ناسازگار و یا مخالف، از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است. اگر انسان در محیطی کاملا مناسب و مساعد زندگی کند نمی تواند ایمان و استواری عقیده و باور خود را محک بزند و از صلابت و راسخ بودن آن اطمینان حاصل کند ولی در محیط نامساعد، انسان می تواند میزان ایمان خود را بسنجد و با حرکت برخلاف جو موجود و فضای ناسالم ریشه های ایمان و باور خود را تحکیم بخشد. هنر مردان خدا و زنان با صلابت و خداباور این است که با وجود زندگی در اجتماع و در بین مردم، از آنها رنگ و بو نمی گیرند و برنامه های غلط و روش نادرست آنها را نمی پذیرند و با حرکت در سایه ایمان به سوی هدف های الهی و انسانی خود گام بر می دارند. ایمانی که در چنین فضا و شرایطی شکل گیرد و بارور شود به سادگی از انسان گرفته نمی شود و با هر تندبادی ریشه کن نمی گردد. فراموش نکنیم اگر ما یک قدم برای خدا و در راه عمل به دین او

و جلب رضایت او برداریم، حق تعالی ده قدم برای یاری و کمک ما بر می دارد. اگر بنده ای در راه عمل به وظایف الهی خود کوشا باشد لشکریان حق و فرشتگان الهی و امدادهای غیبی خداوند، پشتیبان و یاور او خواهد بود و او را در این مبارزه سنگین و جهاد مقدس تنها نخواهند گذاشت. خداوند خود چنین وعده داده است: «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا؛ کسانی را که در راه ما کوشش و مجاهده نمایند به راه های خود راهنمایی و هدایت می کنیم» (عنکبوت، آیه ۶۹).

در روایات فراوانی به کسانی که در زمان غیبت ولی عصر(عج) ایمان خود را حفظ کنند، بشارت های عجیبی داده شده و آنها را مدح کرده و ستوده اند.

در روایتی زین العابدین(ع) در این باره چنین می فرماید: کسانی که در روزگار غیبت ولی عصر(عج) زندگی می کنندو قائل به امامت آن بزرگوار هستند و منتظر ظهور آن حضرت(ع) می باشند از اهل هر زمانی برترند. چون خداوند به آنها چنان عقل و درک و معرفتی عطا فرموده که زمان غیبت در نزد آنها مانند زمان حضور است. اینان همانند مجاهدانی هستند که پیشاپیش پیامبر(ص) شمشیر زده و مبارزه کرده اند. اینان مخلصان واقعی و شیعه راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در پنهانی و آشکار می باشند (الشموس المضیئه، علی سعادت پرور، ص ۷۸، ح ۱۰).

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

در مورد سؤالی که مطرح فرمودید نکات ذیل را به عرض می رسانم البته مطالب ارائه شده شما نمایی از یک طرح است .

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد زیرا که لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده وایمان داشته باشیم و با تصمیم و اراده جدی به لوازم آن عمل کنیم و آنگاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مور نظر پایبند باشد خود موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

- نسبت به فرهنگ مورد نظر به صورت مشخص آگاهی کسب کند و مثلا" با فرهنگ اسلام آشنایی پیدا کنید.

- با دقت , تأمل , مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشید.

- راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی خود را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص کنید (اهداف عینی , قابل تعریف و اندازه گیری نه کلی مبهم نامعلوم).

- سعی کنید هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایید.

- با مشخص شدن نحوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنید

و ضـمن آنکه خود صـمیمانه به آنها عمل می کنید با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی :

۱- ابتدا اعتقاد وایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲- مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل : اعتقادات صحیح , نماز, حجاب , احکام شرعی , شکل روابط صحیح فردی و اجتماعی , اخلاق اسلامی و...

۳- پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلا": برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم ؟

- تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و موردپسند.

- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف .

- برگزاری کلاسهای عقیدتی.

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضود افراد متبحر.

- تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری .

- مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده .

۴- اجرای یک یک راههای بدست آمده .

۵- امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها.

۶- تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟

پرسش

چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟

پاسخ

اولا, بهترین راه این است که ما خودمان الگو و نمونه خوب و مناسبی از اسلام و عمل به آن باشیم ((کونوا دعا[2] للناس بغیر

السـنتكم)) انسان ها بیشتر به ظاهر و عمل و رفتار توجه می کنند تا گفتار و بحث علمی . البته شـرایط اجتماعی و خانواد گی و محیطی و نوع تربیت انسان نیز خیلی موثر است . شـما می توانیـد تلاش کنیـد زمینه مناسب و مساعـدی را برای جذب و اعتقاد وی ایجـاد نماییـد. ثانیا", دلیل بی علاقه ای به برخی چیزها عـدم اطلاع و آگاهی است شـما سـعی کنیـد اطلاعات دینی ایشان زیاد شود و معرفت کامل و صـحیح نسـبت به آن چیز پیـدا کند. ثالثا", اگر شـیرینی دین و عبادت را کسـی بچشد دیگر به غیر خدا عشق نمی ورزد. عشق به خداوند دارای آثاری است که اگر شـیرینی آن چشـیده شود, قابل مقایسه با هیچ علاقه و عشقی نیست . عشق هـای مجـازی نیز دارای آثـاری است . یکی از راه های بیرون نمودن عشق های مجازی از دل و جایگزینی عشـق الهی این است که انسـان بـا تفکر و تعقـأل آثـار این دو عشق را بـا هم مقـایسه کنـد و بـا منطق و عقـل قضاوت نمایـد عشق به خداونـد بهتر و شـیرین تر است , یـا عشق مجـازی . اگر عقـل در این زمینه به کـار گرفته شـد و حکم کرد, خود آن در بیرون کردن عشق های مجازی موثر است . از آثار عشق خداوند به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

غنـای نفس , عزت نفس , کوچـک شـدن مشـکلات در نظر انسان , عـدم تائثیر تعریف یا مـذمت دیگران . اگر انسان عشق به خـدا داشـته باشـد, دیگر گمشده ای ندارد و همیشه آرام و با اطمینان نفس است . او از گذشـته ئ خود غمگین نخواهد بود و نسـبت به آینـده مضـطرب نمی باشـد. اراده اش قوی خواهـد شـد, زیرا متصل به قـدرت لایزال معشوق است و از هیـچ پیشامد احتمالی یا فعلی هراس نخواهد داشت و بسـیاری آثار دیگر. اما این راه کافی نیست ; مخصوصا" برای اشخاصـی که روحیه ئ عاطفی قوی دارند. انسان باید علاوه بر انجام این پیشـنهاد, از همان شـیوه هایی که عشق های مجازی را تقویت می کنند, برای تقویت عشق الهی اسـتفاده نمایـد; مثلاا رفت و آمـد و مراوده و مصاحبت فراوان با معشوق , علاقه را زیاد و ترک آن عشق را سرد می کنـد, اگر انسـان بـا دعاها و عبادت ها و تلاوت قرآن - مخصوصا" در دل شب - با خداونـد مراوده داشـته باشـد و با معبود بسـیار سـخن گفته و درد دل نمایـد, موجب کثرت محبت و اهنس با خداونـد می شود. توکل بر خداوند, حهسن ظن به او, استعانت از خداوند و توسل به اهل بیت (ع), پالایش نفس از رذائل , همراهی با استادی وارسته , التزام به احکام شریعت , مطـالعه ئ کتبی که راجع به خداشناسـی و صـفات او نوشـته شـده و مطالعه ئ حالات و زنـدگی نامه ئ عرفا در این امر بسـیار موئثر است . به عنوان نمونه می توانید به کتاب های ذیل مراجعه کنید:

۱- نشان از بی نشان هاعلی مقدادی ۲- احوال عارفان دکتر علی اصغر حلبی

چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟

پرسش

چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟

پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن افراد با نماز, کاری بس ارزشمند و مورد پسند است . دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از برجسته ترین و متعالی ترین امور است . اما راه کارهای عملی قابل ارائه به قرار زیر است :

۱- برای ترغیب و تشویق به نماز, در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن بکوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند, جهان هستی , انسان , معاد و... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است . پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

۲- نماز, عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی , دارای معنا و فلسفه است . پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز نماید, از این رو یک شناخت صحیح و سالم و واقعی را در ذهن شخص رقم بزنید و او را به صورت مستقیم و غیرمستقیم از این واقعیت آگاه سازید. مانند این که گوشزد گردد که در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی , انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای پروردگار در حرکت است . «انا لله و انا الیه راجعون ; از خدائیم و به سوی او باز می گردیم». حال در این مسیر, ابزارهایی به مدد انسان می آید، تا او از فراموش کردن مسیر و هدف باز دارد که از مهم ترین آنها «نماز» است . «اقم

الصلاه لذکری ; نماز را برای یاد من بپا دار».

آدمی بـدون نمـاز راه را گم خواهـد کرد. نمازهـای پنـج گانه هماننـد چراغ های برق هسـتند که مسـیری طولانی و پر خطر را روشن کرده اند تا کسی راه را گم نکند و به بیراهه و سـقوط کشانده نشود. آنچه که موجب می گردد و برخی از نماز, روی گردان باشند و یا نسبت به آن تساهل کنند, ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است .

برخی چنین می پندارنـد که نمـاز انسـان , نیازی را از خداونـد برطرف می کنـد که البته خیالی واهی است . خداونـد نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه که به عنوان عبادات بر آن تأکید شده , جملگی در جهت کمال انسان است .

نماز دارای آثار و فلسفه های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می کنیم :

- نماز، تقدیر و سپاس گزاری از خداوند است .

- موجب آرامش انسان است .

- موجب یاد خداست .

- نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می کند.

- تأکیدی بر نظافت و سلامتی است .

- موجب انضباط و وقت شناسی است .

- دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است .

مجـددا" تکرار می کنیم که دادن این اطلاعـات و تصـحیح انـدیشه آن فرد درباره نماز ضـروری است و بایـد انجام گیرد تا به کمک یک نیروی درونی و انگیزه شخصـی در پی آن باشـند و نیازمند تحریک خارجی و هول دادن و وادار کردن نباشد. این اطلاعات را به دو روش مستقیم و یا غیرمستقیم می توان منتقل کرد و انتخاب

روش به روحیه مخاطب و توان روحی و علمی شما بستگی دارد. مانند این که خود, این گونه مطالب را گوشزد کنید و در صورت عدم پذیرش از طرف مخاطب دیگران بگویید و یا کتاب های معرفی شده را در اختیار او بگذارید.

پرتوی از اسرار نماز, قرائتی

اسرار الصلاه , ملکی تبریزی

آداب الصلاه , امام خمینی

صلاه الخاشعین , دستغیب

اسرارالصلاه , جوادی آملی

۳- در هیچ یک از مراحل ارشاد و راهنمایی از برخورد نیک و ملاطفت آمیز و احترام نهادن دور نشوید. این را بدانید که با فشار واجبار کسی را نمی توان هدایت نمود و چه بسا تأثیر منفی آن بیشتر از هدایت گردد. اگر رابطه شما با فرد مورد نظر اکنون به جبهه گیری و حساسیت نشان دادن و صف آرایی منتهی شده است برای مدتی سکوت کرده و حرفی به او نگویید و به دنبال اجرای روش غیرمستقیم باشید و به شکلی از همکاری افراد دیگر بهره مند شوید.

۴- هر شخصی یک نقطه پذیرش و به قول معروف «رگ خوابی» دارد، سعی کنید این رگ خواب و نقطه پذیرش را به دست آورید و از این کانال وارد شوید و هدف خود را تعقیب کنید و لذا به صرف این که باید شخصی را هدایت کرد بسنده نکنید بلکه با مطالعه بر روی خصوصیات وی راه نفوذ در او و جلب نظر او را به دست آورید و اقدام کنید.

۵- بیان تأثیرات منفی ترک نماز و روزه و استفاده از روایات بیان شده توسط اهل بیت (ع) در این زمینه بسیار موثر است . به خصوص اگر به روش غیرمستقیم

ارائه گردد و موجب تنبه و موعظه کردن را فراهم سازد. یعنی غیر از ارائه شناخت باید در صدد موعظه گری و تنبه قلبی وی نیز برآیید و با ترس و بیم دادن از عذاب اخروی و پیامدهای منفی ترک نماز و روزه دل او را از غفلت آزاد سازیم .

۶- این راه کارها هم به صورت مستقل و هم به همراه یکدیگر می تواند مؤثر باشد و خوب تر آن است که روشنگری و موعظه و... همراه هم ارائه گردد تا نافذتر افتد.

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پرسش

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پاسخ

اینترنت محصول علمی و فنی بشر است و مانند هر ابزار دیگری می تواند استفاده مثبت یا منفی داشته باشد بنابراین آنچه دارای اهمیت است بالابردن ضریب مثبت در ابعاد مختلف (تکنولوژی , فن آوری ,تبلیغ در اسلام و...) و جلوگیری کامل یا کاهش اثرات منفی این رسانه مهم جهانی می باشد مسلما" ما برای دستیابی به توسعه ای سریع و همه جانبه و ایجاد تمدن اسلامی و عقب نماندن از قافله علم و تمدن بشری نیازمند استفاده از تکنولوژی وفن آوریهای پیشرفته می باشیم که یکی از مهمترین آن شبکه جهانی اینترنت است که در همه زمینه های علمی , تحقیقی , هنری , سیاسی , تاریخی , مذهبی با همه فروعات و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آن جا که مراکزی از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی , هنری , سیاسی , تاریخی , مذهبی با همه فروعات و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آنجا که مراکزی که از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیرعلمی و غیرانسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی جهان و مسلط نمودن فرهنگ آمریکا و محو سایر فرهنگها و بالاخره تحقیق دهکده جهانی به رهبری آمریکا ارائه می نمایند صدها برابر مراکزی است که اطلاعات مفید و علمی و فنی ارائه می نمایند باید با ارائه مکانیزمی دقیق

و حساب شده است . توسط متخصصان از معایب و مضرات آن جلوگیری نمود در این راستا راه کارهای بهره بری صحیح از اینترنت در جهت گسترش فرهنگ اسلامی عبارتند از: ۱- تهاجم تبلیغی را باید با شیوه های نوین تبلیغی پاسخ داد با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نمود و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگ اسلامی فراهم ساخت در این مورد البته قدمهایی برداشته شده است . ۲- در کشورهای اسلامی با استفاده از شیوه نامه نگاری الکترونیکی با صاحب نظران , جوانان کسانی که آمادگی دریافت پیام های اسلامی را دارند مکاتبه شود و سوئالات و نیازهای آنان پاسخ داده شود. ۳- فرهنگ غرب آسیب پذیری زیادی را دارد که با زیر سوئال بردن آنها و آگاهی به نسل جوان کشورهای اسلامی و حتی غربی امواجی در مخالفت با آن را می توان ایجاد نمود. ۴- دولت اسلامی باید یک شبکه واحد و مادر از مجموعه شبکه های داخلی ایجاد نماید و سپس ساختار خاصی را برای ارتباط با شبکه جهانی مشخص نماید حتی کشورهایی مانند فرانسه ساختار خاصی را برای اتصال به اینترنت ایجاد کرده است . ۵- باید راهی را برای گزینش اطلاعات جهانی پیدا کرد و از ورود اطلاعات آلوده از طریق شبکه جهانی جلوگیری کرد صاحب نظران معتقدند این از نظر تئوری و عملی امکان دارد با کنترل همه جانبه ارتباطات شبکه جلوی تماس با مراکز غیراخلاق گرفته شود, (ر.ک مجله نگاه حوزه شماره ۶۲-۵۹ ارتباطات و نقش اینترنت در حوزه اطلاع رسانی دینی , حمید فغفور مغربی

ص ۱۴۸).

چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته , مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟

پرسش

چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته , مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟

پاسخ

متائسفانه با وجود تائکیدهای فراوان دین مقدس اسلام بر کسب دانش و نقش مهم آن در رشد و شکوفایی جامعه در جامعه اسلامی ما اهمیت چندانی به این مهم داده نمی شود و حتی افراد تحصیل کرده اوقات فراغت خود را به مسائلی چون تماشای تلویزیون که فواید چندانی در ارتقای فرد و جامعه ندارد اختصاصی می دهند. در یک بررسی مختصر می توان عوامل این پدیده را به دو دسته تقسیم کرد: الف) عوامل فردی ; از قبیل نداشتن توان مالی برای خرید کتاب و فقدان انگیزه لازم برای مطالعه که ناشی از عدم شناخت نقش مطالعه کتاب های مفید در رشد علمی و مادی فرد و جامعه می باشد. ب) عوامل محیطی از قبیل کم کاری رسانه ها در گسترش فرهنگ مطالعه و بیماری مدرک گرایی که باعث می شود افراد فقط به خاطر دست یابی به مدرک و موقعیت های اجتماعی مطالعه کنند و گرانی و یا کمبود کتاب های مفید. ((اظهار نظر دقیق شما]با ذکر شماره نامه قبلی [درباره ی پاسخ ها, موجب تکامل و پویایی کار ماست)). {J

با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید, چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟

پرسش

با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید, چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟

پاسخ

ما بر اساس وظیفه شرعی و سازمانی که داریم مسوئولیت داریم تا آن جا که مقدور باشد در خدمت دانشجویان عزیز باشیم و سوئالات آنها را پاسخ گوییم و نظرات مشاوره ای را برای آنان ارسال کنیم . البته ما هم باید به آنچه می گوییم خودمان معتقد باشیم و در عمل به آن پایبند باشیم و الا شامل این آیه کریمه قرآن می شویم که می فرمایند: ((یا ایهاالذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتا" عندالله ان تقولوا ما لاتفعلون ; ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را می گویید که در مقام عمل خلاف آن را می کنید بترسید از این عمل ك سخنی بگویید و خلاف آن را کنید ك بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می آورید)). اما درباره این که چرا بعضی از مسوئولین مملکتی خلاف احکام و ارزش های اسلامی عمل می نمایند باید گفت که این مسائله از دو عامل نشائت می گیرد: ۱- متائسفانه در مقام گزینش این افراد دقت لازم نشده و ملاکهایی که شایسته کارگزاران حکومت اسلامی است کاملا" رعایت نشده است . ۲- بعضا" نظارت جدی و مستمر توسط دستگاههای

مربوطه بر چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسوئلان دولتی اعمال نمی شود. این مسائله همیشه یکی از آفات تهدید کننده انقلاب می باشد مقام معظم رهبری نیز مکررا" نسبت به آن هشدار داده و خواستار تصفیه بدنه اجرایی نظام از این عناصر نامطلوب بوده اند. معظم له در این زمینه می

فرمایند ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضروری است چون مقام و قدرت غالبا" اخلاق و رفتار مسوئولان را تغییر می دهد بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان از بالا ـ بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسوئولان باید نظارت مستمر بر کار آنان داشته باشد (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳ و ۲۰۵).J}V

دلیل نام گذاری سال امام علی (ع) و یکصدمین سال امام (ره) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال , چگونه توجیه می شود؟

پرسش

دلیل نام گذاری سال امام علی (ع) و یکصدمین سال امام (ره) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال , چگونه توجیه می شود؟

پاسخ

برای پاسخ به این سوئال , توجه شما را به چند نکته جلب می کنیم : ۱- یکی از وظایف حکومت اسلامی گسترش فرهنگ و ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و مطرح نکردن الگوهای رفتاری کامل و شخصیت های الهی , برای تمسک و پیروی مردم و مسوئولین به اخلاق , منش , رفتار, گفتار, آن بزرگواران در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی می باشد. همچنان که خداوند نیز پیامبر اکرم را به عنوان اسوه معرفی می نماید ((ان لکم فی رسول الله اسوه حسنه)) بر این اساس رهبر معظم انقلاب , یکی از سال های اخیر را به عنوان سال امام خمینی و سال امام علی (ع) نامگذاری کردند. این مسائله فرصت جدیدی را برای تمرکز جهت گیری های فرهنگی و شناسایی و معرفی و الگوگیری از این شخصیت های برجسته پدید می آورد و از مقوله تعظیم شعائر الهی است که در قرآن بر آن تائکید شده است . ۲- با یک بررسی بسیار ساده می توان به این نتیجه رسید که هر چند چنان که شایسته بود, نهایت بهره برداری از این دو سال نشد, ولی دستاوردهای علمی فرهنگی و تحقیقاتی از قبیل کتاب ها, مقالات و... که اندیشمندان و محققان جامعه اسلامی ارائه داند, در قابل مقدار بودجه ای که مصرف شد, بسیار گران و با ارزش بود و جو علمی و معنوی افکار عمومی , رسانه ها, مطبوعات و

محافل دانشگاهی و فرهنگی و تحقیقاتی کشور را به این سمت هدایت نمود و افق های تازه ای را درمقابل محققان و مسوئولان اجرایی کشور برای تمسک به سیره حکومتی و زندگی شخصی آن دو بزرگوار گشوده است . ۳- متائسفانه در بعضی موارد بودجه های کلانی توسط برخی مسوئولین حیف و میل می شود که ثمره ای جز خالی نمودن بیت المال و بدبینی مردم گسترش فرهنگ اسراف تبذیر و تجمل به دنبال ندارد, چه خوب بود شما از آن موارد گله می نمودید نه از یکی از بهترین فعالیت ها و برنامه هایی که برای بالا بردن و حاکم نمودن فرهنگ مبارزه با اسراف , تبعیض , فقر و... انجام گرفته است . ۴- یکی از اهداف و ثمرات این ابتکار توسط مقام معظم رهبری این بود تا با تمسک به سیره امام علی (ع) و حضرت امام مسوئولین , گروه ها و جناح های سیاسی , از تفرقه و منافع جناحی دست برداشته و مانند آن دو بزرگوار تمام وجود خود را وقف اسلام و خدمت به جامعه اسلامی و مسلمانان نمایند و در شرایطی که دشمن با تهاجم فرهنگی , عناصر مزدور داخلی و... سعی در نابودی ارزش های اسلامی و حکومت اسلامی دارد با مطرح شدن نام و یاد و سیره آن دو بزرگوار وسیله ای مناسب برای خنثی کردن توطئه های دشمنان می باشد و با تمسک به آن , وحدت , امنیت و منافع ملی به بهترین وجه تحقق می یابد. ۵- برای ریشه کن کردن فقر, فساد, بیکاری و تمام مشکلات اقتصادی , سیاسی و فرهنگی

, باید شیوی درست حکومت , فرهنگ ساده زیستی , دوری از اسراف , تبذیر, تجمل , خودپرستی و جناح پرستی , کمک به فقرا و مستضعفین , تلاش برای حل مشکلات , مقاومت در مقابل دشمنان و منافقان , و الگوهای عملی حضرت علی (ع) و امام خمینی را به عنوان اصول و معیارهای اجتناب ناپذیر, فراروی مسوئولان نهاد و آویزه ی گوش کارگزاران داشت . اما در مورد این که چه فرقی بین این خرج ها با خرج های دوران شاه می باشد می توان به موارد ذیل اشاره نمود: اولا": در اهداف متفاوت می باشند, خرج هایی که در زمان ما می شود برای بالا بردن سطح فرهنگ اسلامی و ارزش های الهی در جامعه برای خدمت به مردم می باشد و چنان که گفته شد نوعی تعظیم شعائر الهی است , اما خرج های آن زمان در جهت احیای مجدد و بسط تقویت نظام طاغوتی شاهنشاهی , رواج فرهنگ اسراف , تبذیر, دنیاپرستی , تجمل , ضدیت با فرهنگ و ارزش های اسلامی و تحریف تاریخ ایران اسلامی به سمت ایران شاهنشاهی و هخامنشی بود. ثانیا": در تائثیرات متفاوت می باشند: اجرای صحیح این طرح در زمان ما باعث کمک به پیشرفت صحیح توسعه همه جانبه و اجرای عدالت اجتماعی , تقویت وحدت و امنیت ملی و کاهش فقر و تضاد طبقاتی و اجرای حکومت عدل الهی می باشد اما برنامه های دوران سلطنت منحوس پهلوی , موجب عقب ماندگی کشور, هدر رفتن بودجه های کلان کشور در جهت تفریح , عیش و نوش و خوشگذرانی و ازدیاد فاصله طبقاتی

, فاصله گرفتن مردم از حکومت و نفوذ بیشتر استعمارگران در ایران بود. ثالثا": از نظر مقدار مخارج و هزینه ها هرگز قابل مقایسه نمی باشد. کافی است شما به کتب تاریخی مراجعه نموده و ملاحظه فرمایید که چه هزینه های سرسام آوری صرف خوشگذرانی ها و عیاشی های دربار در مراسم جشن ۲۵۰۰ ساله و... می شد. بنابراین با توجه به نکات فوق و شناخت اهمیت ضرورت این قبیل اقدامات و آثار مثبت آن حتی اگر در برخی ستادها ریخت و پاشی شود نباید اصل این مسئله و دستاوردهای مثبت آن را زیر سوئال ببریم , بلکه باید با تمسک به سیره آن بزرگواران مبارزه با اسراف و تبذیر و انجام اصلاحات را از خودمان و از خود این مراکز و ستادهایی که می خواهند سیره و منش آن بزرگواران را گسترش دهند شروع نماییم زیرا تا وقتی که مسوئولان و کارگزاران اسلامی خودشان سیره آن امام همام را در اعمال و رفتار خود پیاده ننمایند نمی توان انتظار هیچ تائثیر سازنده و مثبتی را در افکار و عقاید و نگرش مردم داشت . برای آگاهی بیشتر ر.ک : مفاسد اقتصادی رژیم پهلوی , مرکز بررسی اسناد تاریخی .J

چرا در کشور ما فرهنگ انتقادپذیری وجود ندارد ؟

پرسش

چرا در کشور ما فرهنگ انتقادپذیری وجود ندارد ؟

پاسخ

ارائه پاسخی مناسب نیازمند تحقیقاتی گسترده و دقیق پیرامون اثبات صحت اصل این قضیه و میزان آن و سپس پرداختن به علل و عوامل آن می باشد که این موضوع خارج از گنجایش یک نامه است، لذا به اختصار مطالبی را در این خصوص بیان می نماییم:

واقعیت این است که این مسأله تا حدودی در جامعه ما وجود دارد که به هیچ وجه زیبنده ی جامعه اسلامی ما نیست. دین مبین اسلام برای انتقاد و انتقادپذیری ارزش و جایگاه ویژه ای را جهت اصلاح، تکامل و پیشرفت فرد وجامعه در نظر گرفته است. چنان که حضرت صادق(ع) می فرماید: «من رأی اخاه علی امر یکرهه فلم یرده و هو یقدر علیه، فقد خانه ؛ هر کس برادر مؤمن خود را درحالی که ناخوشایند اوست ببیند و او را با این که می تواند از آن باز ندارد به او خیانت کرده است»(بحارالانوار، ج ۷۱، باب ۱۴).

امام باقر(ع) در باب انتقادپذیری می فرماید: «اتبع من یبکیک و هو لک ناصح...؛ از کسی که از روی خیرخواهی با یادآوری عیب هایت تو را به گریه درآورد پیروی کن و از کسی که از روی ناخالصی تو را به خنده وا می دارد، متابعت مکن...»(الکافی، ج ۲، ص ۶۳۸).

امام علی(ع) نیز در این زمینه از مردم می خواهد که حرف حق را در هر حال به او یادآوری کنند: «فلا تکفّوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل، فانی لست فی نفسی بفوق ان اخطی ء ولا آمن ذلک من فعلی الا ان یکفی الله من نفسی ما هو املک به منّی»(نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

بنابراین در آموزه های دینی تأکید بسیاری هم بر

انتقاد مشفقانه و هم برانتقادپذیری شده است. اما چرا با این وجود، هنوز در جامعه ما برخی از مردم یا مسؤولین در رفتار فردی و اجتماعی خود چنین موضوعی را برنمی تابند، نیازمند بررسی عوامل متعددی است که در اینجا از دو منظر انسان شناختی و جامعه شناختی به آن می پردازیم:

الف) حب ذات امری است که خداوند متعال آن را برای صیانت نفس در هر موجود زنده ای قرار داده است، ولی عدم جهت دهی صحیح آن توسط انسان، این صفت را گاهی منشأ انحراف در نگرش او نسبت به زشتی های اخلاقی و رفتاری خود نموده و خویشتن دوستی را به خودپسندی، کبر، غرور و... مبدل ساخته است. به گونه ای که ممکن است در کسی عیبی باشد ولی بدان توجه نکند و یا حتی آن را ستایش کند، در حالی که اگر همان عیب را در دیگری ببیند بر او خرده می گیرد.

انسان چه بسا در اثر حبّ نفس، در آغاز از توجه انتقاد دیگران به خود رنجیده خاطر شود، زیرا آن را نشانه نوعی شکست و عدم توفیق خود دانسته و اعتبار خویش را در معرض خطر و تهاجم می پندارد، در حالی که اگر نیک بنگرد خواهد یافت که حتی همان «حب ذات» خردمندانه او را به قبول نقدهایی که از روی خیرخواهی و نیک اندیشی بر او وارد می شود، دعوت می کند(انتقادگری و انتقادپذیری در حکومت علوی، مهدی موسوی کاشمری، نشریه صدای عدالت).

اما وجود صفاتی از قبیل، غرور، خودخواهی و خودبرتر بینی در بسیاری از افراد، مانع از این ژرف اندیشی و خردنگری شده و لذا با همه وجود در برابر انتقاد دیگری ایستادگی و مقاومت می کنند.

ب) از دیدگاه جامعه شناختی در

بسیاری از جوامع به علت سابقه ی طولانی حاکمیت استبداد وعدم وجود آموزش رفتار مشارکتی و همراه با گفتگو در خانه، مدرسه و جامعه و از طرف دیگر شرایط سخت زندگی و ناکامی ها و عدم امکان اظهار نظر، فرهنگ انتقاد و انتقادپذیری نه تنها بسیار کم وجود دارد، بلکه بسیاری از دیدگاه منفی به آن می نگرند. به علاوه شیوه انتقاد نیز صحیح نمی باشد، زیرا:

۱- انتقادها عموما همراه با احساس می باشند.

۲- طی آن از الفاظی استفاده می شود که بار ارزشی منفی دارند و توهین آمیز و پرخاشگرانه اند. در نتیجه باعث خدشه دار شدن وجهه و احترام شخص مقابل شده وآمادگی او برای پذیرش انتقاد کاهش می یابد و برعکس موجب تثبیت رفتار و مقابله با انتقادکننده می گردد.

۳- عموما هدف شخص انتقادکننده از انتقاد، بزرگ نشان دادن خود و تحقیر انتقادشونده است.

۴- در طی فرایند انتقاد، جنبه های مثبت در نظر گرفته نمی شود و شخص مورد نظر در کلیه زمینه ها نفی می گردد(توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ۳۹۳).

نتیجه عوامل فوق، کاهش روحیه انتقادپذیری و گسترش روحیه خودبینی، تملّق و چاپلوسی است و در جهت مقابله با آن تحقق امور ذیل حائز اهمیت است:

- ترویج و نهادینه نمودن ارزش های اسلامی در مورد انتقاد و انتقادپذیری.

- انتقاد اقدامات مستقیم نظیر آموزش در خانواده و مدارس، امکان ابراز نظر و آزادی انتقادهای علمی بی غرض و کنترل شده.

- متجلی نمودن روحیه انتقادپذیری از سوی تمامی مسؤولین در اعمال و رفتار خود آن گونه که امام علی(ع) در نامه ی خود به مالک اشتر می فرماید: «باید برگزیده ترین آنان نزد تو، آن کس از وزیران باشد که سخن تلخ حق را بیشتر به

تو بازگو کنـد و کمتر تو را در آن چه خـدا از اولیایش نمی پسـندد و مطابق هوای توست» یاری و مساعـدت کنـد و خود را با صاحبان تقوا و صـداقت، محشور کن و عادتشان بـده که ثناگویی و سـتایشت نکننـد واز این که باطلی را ترک کرده ای - که وظیفه توست، با مـدح خود - تو را شادمان نسازند: زیرا سـتایش زیاد، خودپسـندی می آورد و شـخص را به تکبر نزدیک می کند»(نهج البلاغه، نامه ۵۳).

با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه بایـد زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا اسـتفاده نمود وهم بتوان برای سـفر آخرت مهیا بود؟

پرسش

با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه باید زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا استفاده نمود وهم بتوان برای سفر آخرت مهیا بود؟

پاسخ

مساله توازن بین دنیا و آخرت یکی از مهمترین اصول عملی اسلام است. این مساله امری ممکن ولی مانند هرآرمانبلند دیگری تا حـدودی مشـکل می باشد. مشـکل بودن این مساله ربطی به زمان حاضـر و دنیای کنونی ندارد بلکهبشـریت همواره در طول زنـدگی گرفتـار مسـاله تضـاد و اصـطکاک بین برخی از منـافع دنیوی و اخروی بوده است و پیوسـتهکسانی دنیا را بر آخرت و قلیلی از بندگان آخرت را بردنیا ترجیح داده اند بلکه آن جا نیز که از پی دنیا رفته اند باپاس داشت حریم آخرت رفته اند. واما چگونگی امکـان آن زمانی روشن می شود که مفهوم حـدیثی که به آن اشارهکرده ایـد به درستی فهم گردد. پیام این روایت آن است که فعـالیت هـای دنیوی انسـان بایـد از اصول و ویژگی هـایی صـحیحعقلانی و برنامه ریزی شـده برخوردار باشـد؛ به عنوان مثال شـما که به تحصـیل اشـتغال داریـد برای اینکه بتوانیـد آینـدهسالمی را برای زنـدگی خود پایه ریزی کنیـد اگر این دوراندیشـی نبـود ممکن بـود فرصت و نشـاط و اسـتعداد جوانی را ازدست بدهیـد و فردا گرفتـار هزاران مشـکل حـل نشـدنی گردیـد. همچنین است در امور اجتماعی؛ یعنی نباید طوریبرنامه ریزی کرد که فقط امروز سپری شود و برای فردا اندیشه نکرد. بنابراین معنای این بعد روایت دوراندیشـی و برنامهریزی معقول است. بعد دوم می گوید: با حفظ قسـمت اول همواره آمادگی برای مرگ داشـته باشـید وکاملا خود را درخواستها و گرایشات دنیوی هضم نکنید؛ به عبارت دیگر این هم نوعی دوراندیشی فراتراز قسم اول

است. این آمادگیدر ضمن فعالیت های صحیح دنیوی باید انجام گیرد واین در صورتی ممکن است که به دنیا نگرشی ابزار انگارانه داشتهباشد نه هدف انگارانه. البته آمادگی هرلحظه برای مرگ مراتب و درجاتی دارد حداقل آن که در این روایت خواستهشده این است که:

۱- انسان حقوق الهی را به درستی ادا کند پس اگر واجبی از او ترک شده قضا نماید و اگر گناهی مرتکب شده توبه واستغفار نماید.

۲- اگر حقوقی از جامعه پایمال نموده جبران نماید بطوری که اگر ناگاه مرگ او دررسید مشکلی نداشته باشد.

۳- درصورتی که برایش مقدور است از محصول تلاشهای دنیوی خود قسمی را به خدمات دینی اجتماعی و...بپردازد تا ذخیره بیشتری برای آخرت کسب نموده باشد.

اکنون می پرسیم آیا جمع بین این دو ناممکن است؟ چه مانعی دارد که انسان برای دنیای خود تلاش کند به رفاهخود خانواده و اجتماع بیندیشد تولید ثروت نماید از مواهب الهی در این دنیا بهره برد ولی در همه این امورپاس دین وهنجارهای الهی را نیز داشته باشد. و برخلاف ضوابط و مقررات شرعی عمل نکند. واجبات خود را انجام و محرماترا ترک کند و حقوق الهی و بندگان را به دقت رعایت نماید؟ اگر چنین شد دنیای خوب و آخرت خوب در انتظاراوست. البته کسی درهرشرایطی که بخواهد این مسیر را پیش گیرد به دو سلاح نیازمند است

الف) آگاهی؛ یعنی باید دقیقا بتواند حکم الهی در رابطه با راه های مختلف زندگی رابشناسد و بداند که در هر موردخداوند به کدامیک از آنها امر می نماید و از چه مسیری باز می دارد.

ب) مجاهده و مبارزه با نفس. مسلما در کشاکش زندگی گرایشات گوناگون مادی و دنیایی

انسـان را به سوی خود فرامی خوانـد و از یـاد آخرت غافل می سازد. این جا است که شـخص بایـد با عزمی اسـتوار و اراده ای محکم در برابر تمنیاتآخرت ستیز نفس بایستد پس از دنیا به قدر نیاز واقعی بر گیرد و حظوظ لازم دنیوی را فراموش نسازد ولی همان را نیز بهعنوان مقدمه و کوششـی برای تلاشـهای خداپسـندانه واخروی. گویند: عارفی به خوردن تکه نانی مشغول بود. از ویپرسـیدند چه می کنی؟ گفت: دنیا را گول می زنم. گفتنـد چگونه؟ گفت: نان آن را می خورم و کار برای آخرت می کنم. J}

راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟

پرسش

راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟

پاسخ

سؤال بسـیار خوب و دقیقی است و نشانه توجه و احساس مسؤولیت شـما در قبال مسائل علمی و فرهنگی می باشـد. اما با توجه به این که تبیین کامـل و جامع موضوع نیاز به تفصـیل بیشتری دارد. فعلاً به طور خلاصه به دو محور یکی «بیان اهمیت و کلیت بحث» و دیگری «پرداختن به مـورد سـؤال به صورت کـاربردی» می پردازیم و چنـانچه ابهـامی بـاقی مانـد در مکاتبـات بعـدی جبران خواهد شد.

۱}T- اهمیت انجـام امور علمی و فرهنگی در دانشـگاه ها:}T با پیروزی و اسـتقرار نظام جمهوری اسـلامی به رهبری حضرت امـام خمینی، دانشـگاه هـا به عنوان یکی از مهمترین بخش های عرصه فرهنگ کشور، جهت تحقق اهـداف و آرمان های بلند انقلاب اسـلامی مورد توجه قرار گرفت که لازمه آن از یک طرف فراهم آوردن شـرایط و فضای مناسب برای ایفای این نقش مهم متنـاسب بـا اهـداف انقلاـب اسـلامی و از طرف دیگر، آمـادگی لاـزم به منظـور مقـابله و یـا خنـثی نمودن هجوم فکری و فرهنگی مغـایر بـا مبـانی دین و اهـداف بلنـد این انقلاب می باشـد. آنچه مسـلم است برای انجام این مهم محورهای مختلف و جایگـاه های گوناگونی است که می بایست وارد کار شـده و طبق اولویت بنـدی علمی و منطقی لازم و از پیش تعیین شـده به وظیفه انسانی، دینی و انقلابی خود عمل نمایند که دانشـجویان و تشـکل های اسـلامی در دانشـگاه ها یکی از عناصری هستند که در این زمینه می تواننـد نقش عمـده و فراگیری را داشـته باشـند که در کنـار آن عناصـر دیگری از قبیل سیسـتم آموزشـی، محتوای آموزشی، مدیریت، اساتید و فضای دانشگاه، هر کدام به نوبه

خود محور مهمی از این حرکت را می تواندبه عهده داشته باشد.

حال برای توجه بیشتر و نزدیک شدن به پاسخ سؤال لازم است به نکته مهمی اشاره شود: طبق فرمایش مقام معظم رهبری، سه اصل مهم برای دانشگاه و دانشجو وجود دارد: ۱- علم و جایگاه دانش، ۲- دین، اخلاق اسلامی و تهذیب نفس، ۳- بینش و شعور سیاسی، که هر سه اصل مهم، لازم و ضروری است و چنانچه به هر یک از این سه اصل بی توجهی شود، دست یابی به اهداف و آرمان های مقدس انقلاب اسلامی ممکن نخواهد شد. تشکل های دانشجویی نیز به سهم خود می بایست زمینه های لازم برای ایجاد فضای علمی، دینی، اخلاقی و سیاسی را در دانشگاه ها فراهم کنند. که این مهم خود نیاز به مطالعه، تعمق و برنامه ریزی منظم و منسجم را دارد.

T{پاسخ مورد سؤال به صورت کاربردی:}T با توجه به مطالب فوق ضرورت برنامه ریزی برای دست یابی به هدف تعیین شده در سؤال (تعمیق مبانی اعتقادی در کنار انجام امور علمی و فرهنگی) بیشتر نمایان می گردد و برای تحقق آن دو راهبرد پیشنهاد می شود. یکی «راهبرد علمی و مطالعاتی» ودیگری «راهبرد رفتاری و عملی».

الف) راهبرد علمی و مطالعاتی: در اینجا بیان این نکته لازم است که موارد زیر با توجه به سه اصل تربیت علمی، اعتقادی و سیاسی، به عنوان اهداف و رسالت دانشگاه و دانشجو بیان می شود:

۱- اهتمام جدی به تحصیل در رشته ای که تحصیل می کنیم.

۲- توجه و اهتمام به دروس معارف به عنوان زمینه ورود به مباحث اعتقادی.

۳- با توجه به این که هر یک از دروس معارف (معارف ۱ و ۲، تاریخ اسلام، اخلاق و تربیت اسلامی، ریشه های انقلاب

اسلامی) پیش زمینه های امور اعتقادی اخلاقی و سیاسی یک دانشجو را می تواند فراهم کند. علاوه بر سیر عادی درس، دو محور ارتباطی خوب می تواند راهگشا باشد، یکی «ارتباط با اساتید این

دروس و کسب راهنمایی لازم»، دوم «توجه و مطالعه منابعی که به عنوان کمک درسی برای این دروس ارائه می گردد.

۴- باید توجه داشت که همزمان انتخاب محورهای متفاوت مطالعاتی صحیح نیست و نتیجه ای جز احساس خستگی و دلسردی ندارد. در نتیجه، با توجه به احساس نیاز و علاقه شخصی یک موضوع را انتخاب و سیر مطالعاتی را در آن مسیر فعال نمود و پس از کسب معلومات لازم در یک زمینه، موضوع دیگری را شروع نمود.

۵- برای انتخاب هر سیر مطالعاتی ضروری است با یک استاد که در زمینه مورد نظر تخصص کافی دارد مشاوره نمود تا مطالعات یک مسیر منطقی از ساده به مشکل را طی نماید.

ب) راهبردهای رفتاری و عملی: ۱- حفظ ظواهر اسلامی در فضای دانشگاه از قبیل، نوع پوشش، ترکیب آرایش موی سر، روابط با دوستان، نظم در حضور کلاس، چگونگی رابطه با اساتید و...

۲- رعایت و عمل به شعائر و مناسک اسلامی از قبیل: توجه به نماز و نماز جماعت، برگزاری و شرکت در مراسم مذهبی، رعایت اخلاق اسلامی در محیط دانشگاه، کلاس، خوابگاه ها، اردوها و...

۳- توجه به مراسم و سنت های ملی و فرهنگی از قبیل ۲۲ بهمن پیروزی انقلاب اسلامی، روز جمهوری اسلامی، هفته دولت، هفته دفاع مقدس، روز وحدت حوزه و دانشگاه روز مبارزه با استکبار جهانی و...

۴- پرهیز از شعارهای غیر قابل اجرا، مقطعی و زودگذر.

۵- انتخاب یک خط مستقیم و کنار گذاشتن ملاحظات خطی و جناحی مغایر

با اهداف بلند انقلاب اسلامی

۶- تقویت روحیه بردباری، تحمل و برخورد منطقی.

برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه وحفظ اخلاق دانشجویان از این محیط نامساعد ،چه کنیم؟

پرسش

برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه وحفظ اخلاق دانشجویان از این محیط نامساعد ،چه کنیم؟

پاسخ

دقت و حساسیت و دلسوزی و دل نگرانی تان را نسبت به وضعیت فرهنگی جامعه و دانشگاه و جوانان عزیز این کشور می ستاییم ودعا می کنیم و امیدواریم امثال شما دانشجویان متدین و پای بند به ارزش های اخلاقی و دینی که درد خود و دیگران همیشه در دلهایشان می خروشد و شعله ور است با استفاده از خلاقیت های خود و به دست گرفتن امور به سالم سازی فضای دانشگاه و هدایت جوانان و نجات دیگران که به پرتگاه سقوط نزدیک می شوند، همت می گمارند و اجازه ندهند نامحرمان بر اوضاع و احوال فرهنگی تسلط یابند. این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که جوانان پرشور و آشنا به وضعیت موجود و اهل درد صحنه و محیط را خالی نگذاشته و از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ نکرده و نسبت به اصلاح و ایجاد تغییر و رسیدن به اهداف مقدس خود ناامید نشوند و مرعوب برخی فضاسازی ها نشوند چرا که ترس ودلهره از طرفی و یأس و ناامیدی از طرف دیگر دو مانع بزرگ هر حرکت اصلاحی است.

اولیاء الهی کسانی هستند که نه خوف و ترسی از انجام وظایف خود در برابر دشمنان دارند و نه ناامید از رسیدن به اهداف الهی خود هستند. A{الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون}A بنابراین توجه شما را به نکاتی چند جلب می کنیم:

۱- از ادامه تحصیل در دانشگاه منصرف نشوید (در صورتی که از محیط و فضای فرهنگی دانشگاه تأثیر سوء نمی گیرید) و با مقاومت در برابر ناملایمات و مشکلات فرهنگی و مقابله با نابهنجاری های فرهنگی صحنه را برای

نامحرمـان خـالی نگذاریـد و جبهه حق را در برابر افکار و اعمال باطل و غیرفرهنگی تقویت کنیـد. مطمئن باشـید حضور بیشتر امثال شما دانشجویان گام بهتری است برای سالم سازی محیط دانشگاه ها.

۲- با تقویت باورها و اعتقادات دینی و مـذهبی خود را در برابر انحرافات و خطرات و تهدیدهای مختلف واکسینه کنید. بدین منظور هم در جنبه اعتقادی، به گسترش و تعمیق بنیه های ایمانی خود بپردازیـد و هم در جنبه عملی به واجبات دینی و اخلاقی بیشتر توجه کرده و به انجـام واجبات مثل نماز و شـعایر دینی پرداخته و از مظاهر گناه و خلاف و هرگونه انحراف خود را دور نگه دارید.

۳- بـا تشـکیل گروه هـای مختلف و به کمـک دانشـجویان هم فکر و هم عقیـده و کسـانی که درد دین دارنـد، برای مقـابله با ناهنجارهـای فرهنگی به تبـادل نظر نشسـته و تصـمیم گیری نموده و راه کارهای پیشـنهادی را عملی سازیـد و همان طور که با مسؤولین دانشـگاه و برخی تشـکل های دانشـجویی به گفتگو پرداخته ایـد با جـدیت بیشتری این کار را پی گیری کنید.مطمئنا می توانید تأثیرگذار باشید.

۴- توجه داشـته باشـید که نبایـد از معضـلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کنـدی کار و سـدّ راه تکامل شـما خواهـد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عـدم ایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید:

«طه ما انزلنا علیک القرآن لتشـقی؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرسـتادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی»، (طه، آیه ۱) و نیز می فرماید:

«لعلّک باخع نفسک الّا یکونوا مؤمنین؛ ای رسول، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاک کنی»، (شعراء، آیه ۲۳).

ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم(ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی(ع) در این راستا حائز اهمیت است که می فرماید: «الهمّ نصف الهَرَمِ؛ همّ وغمّ نصف پیری را تشکیل می دهد»، (نهج البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می شکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید.

۵- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید.

۶- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید.

۷- در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعّال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانگانی است. و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت.

نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟

پرسش

نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟

پاسخ

باید عرض نماییم که به این مسأله در دو زمان متفاوت می توان نگاه کرد:

۱- نگاهی به قبل از این اردوها انداخت؛ نگاه به خانه، مدرسه، کوچه و در یک کلام به جامعه و این که چه ȩĠو عواملی این قبیل ناهنجاری ها را در پی داشته و راه کار برون رفت از این بحران چیست؟

با همه پیچیدگی ها راه حل اصولی را با چنین دیدگاهی می توان یافت.

۲- نگاه به زمان حال، در این نگاه صرف نظر از علل و عوامل به وجود آورنده این ناهنجاری ها آنچه مطرح است نبود این ناهنجاری ها می باشد. به عبارت دیگر جریان سالم اجتماعی با چنین نگاهی خواهان عدم اظهار و ابراز این ناهنجاری هاست. چنین نگاهی اگر چه کافی نیست اما لازم است و به نظر می رسد در راستای همین امر لازم باشد که حضور و فعالیت در محیط های آموزشی و علمی محدود به ضوابطی از جمله رعایت هنجارهای اجتماعی است. به نظر می رسد که مشکل در اینجا فقدان ضوابط و مقررات نباشد و مسأله به اجرا و نظارت برگردد. در مرحله اجرا باید مجری و ناظر را در مثل این مورد

معین کرد و به نظر می رسد حراست هر مؤسسه در این رابطه بی مسؤولیت نباشد. البته باید در این رابطه ضوابط به طور شفاف مسؤول یا مسؤولین مجر...و ناظر را مشخص کند. بعد از مشخص شدن مسؤولین اجرا.....و ناظر باید از آنان خواست تا پاسخگو باشند. در نهایت از آنجا که وجود این قبیل ناهنجاری ها صرفنظر از قبح ذاتی می تواند روحیه علمی و معنوی دانشجویان متشرع را تضعیف نماید باید

نیک نظر کرد و فقدان ضوابط شفاف، مسؤولیت ناپذیری مجریان و عدم پیگیری ناظران را رفع نمود. ما فکر می کنیم که اگر مسؤولین و ناظران براساس ضوابطی روشن با متخلفین برخورد قاطع نمایند، لااقل در این قبیل محیط ها و در این حد شاهد ناهنجاری ها نخواهیم بود. از همین جا وظیفه شما نیز مشخص می شود. شما اولاً، با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن باید در برخود با این قبیل ناهنجاری ها، موضع مناسب را اتخاذ نمایید و ثانیا راه حل اصولی آن است که پیگیر آن ضوابط، مسؤولین و ناظران باشید

و در هرجا خلاء و نارسایی احساس کردید، برای رفع آن اقدام لازم را به عمل آورید. این اقدامات اگر به طور گروهی و در قالب برخی تشکل های دانشجویی صورت گیرد مؤثرتر خواهد بود.

چنانچه بدانید رفتن به این گونه اردو موجب ارتکاب گناه می گردد از رفتن به آن اجتناب کنید.

چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم،آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟

پرسش

چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم،آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟

پاسخ

با نگاهی اجمالی به آیات کریمه ی قرآن و دستورات دینی در می یابیم که تبلیغ از دین در درجه ی اول متوجه حضرت پیامبر(ص) و سایر پیشوایان معصوم(ع) بوده و در مراحل بعد متوجه وارثان آنان یعنی عالمان دینی و در نهایت متوجه آحاد مسلمانان در قالب امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

در طول تاریخ، عالمان دین به عنوان وارثان رسالت الهی پیامبر(ص) و جانشینان معصومش(ع)، همواره مجاهدت های دامنه داری در راستای تبلیغ از دین داشتند و حتی برخی از آنان در راستای نشر هنجارهای دینی، مشکلات زیادی را بر خویش هموار کرده و کوله ی هجرت بر دوش بسته و دلبستگی های دنیایی را به کناری نهاده و برای تحکیم مبانی دینی با قلم و قدم و زبان خویش سرمایه گذاری وسیعی کرده و برخی از آنان در این مسیر شهد شیرین شهادت در راه خدا را چشیدند. حوزه های علمیه در گذشته، علاوه بر حضور جدّی در زمان خویش، در صحنه ی تبیین، تبلیغ و رساندن پیام دین نیز همگام با

زمان خویش بوده و از شیوه های رایج پیام رسانی جامعه ی خود بهره می بردند، خطابه و منبر از شیوه های متداول و مهم ترین ابزار حوزه در رساندن پیام خویش در گذشته بوده است. در قرن چهارم، خطابه و منبر جایگاهی بس بلند داشته است. در آن زمان، مردم از واعظان و سخن وران مشهور دعوت

می کرده اند تا پیام های دینی را از آنان بشنوند و آنان را موعظه کرده و مصالح دین و دنیایشان را در مساجد مطرح کنند، حوزه های علمیه نیز بخشی از اوقات خود

را به وعظ و خطابه برای مردم اختصاص می دادند. در نیمه اول قرن چهارم، ابوالحسن علی بن الحسین، متولی مدرسه ی بیهقی، اوقات طلاب را به سه بخش تقسیم کرد،بخش اول برای تحصل و تدریس، بخش دیگر برای نوشتن احادیث و قسمت آخر برای تبلیغ و وعظ. علامه محمدحسین مظفّر درباره ی نقش سخنوری و منبر در آگاهاندن مردم نوشته است: «منبر در معرفی تاریخ اسلام و تاریخ اهل بیت(ع) و نشر و تبلیغ اخلاق و فضلیت، دارای نقش جالبی بوده است به همین جهت، اکثر مردم شیعه، نسبت به احکام دین در بی خبری بسر نمی بردند و با سیره ی رسول اکرم(ص) و احوال عترت او... آشنایی دارند و گاهی بعضی از مردم شیعه قادر بر مناظره و استدلال در مسأله ی امامت و جز آنها می باشند و این مزایا را باید نتیجه ی این گونه تعلیمات و ارشادات ابناء علم و بیان و سخنرانی های خطبا و اهل منبر دانست.» امروزه و در عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات، به مدد ابزارهای پیشرفته از قبیل، مطبوعات صدا و سیما، رایانه، اینترنت و ماهواره، تحوّل اساسی در امر تبلیغات، صورت گرفته و دو عامل حجم عظیم اطلاعات و اخبار و به روز بودن آن و همچنین عامل سرعت در انتقال اطلاعات، فرصت های رقابتی نوینی در عرصه تبلیغات فراهم کرده است، بر این اساس، اکتفا کردن به شیوه های رایج در گذشته اعم از خطابه، منبر، تعزیه و... زیبنده ی آوازه ی بلند و عنوان مقدس «دین اسلام» نمی باشد. T{حوزه های علمیه و زمان شناس:}T حوزه های علمیه و به ویژه حوزه علمیه قم با توجه به تجربیات نوین بشری در عرصه ی ارتباطات و پیام رسانی و با استفاده از

سخت افزارهای موجود، نرم افزارهای جدیدی را ارائه کرده اند که نه تنها شرایط تحقیقی و پژوهشی را برای محققان و پژوهشگران آسان کرده بلکه در امر تبلیغ پیام دین نیز تسهیلات خارق العاده ای فراهم آورده است. علاوه بر این که، حوزه های علمیه با تقویت نهادهای تبلیغی، از تجربیات گذشته در عرصه ی تبلیغ دین غفلت نورزیده و با برنامه ریزی در این بخش به پیشرفت های خوبی دست یافته که در نوع خود جالب توجه است، به عنوان مثال، بر اساس طرحی که در قالب «طرح هجرت» در نهادهای تبلیغی شکل گرفته و به سمت نهادینه شدن پیش می رود، طلاب علوم دین با تحصیل در علوم و فراگیری علوم و ابزارهای لازم تبلیغی، به صورت طرح های یک ساله و بیشتر، به مناطق مختلف کشور از جمله روستاها مهاجرت کرده و در آن محل ها مستقر شده و مردم را در امور دینی یاری می رسانند. گرچه این طرح، مراحل ابتدایی را سپری می کند، اما در نوع خود، یک نوآوری محسوب می شود به طوری که در قالب این طرح و طرح های مشابه، سالانه صدها بلکه هزاران نفر در قالب کاروان های تبلیغی به سراسر کشور اعزام می شوند. البته طرح هجرت نیز مثل همه ی طرح های اولیه ی دیگر خالی از اشکال و مشکل نخواهد بود که به مرور زمان باید آن را به کارآمدی لازم نزدیک کرده و از مشکلات آن کم کرد. علاوه بر شیوه های پیش گفته، طلاب علوم دینی، همچون گذشته، در فصل ها و ماه های تبلیغ (محرم، صفر، رمضان و...) با

حضور در مساجد و حسینیه های سراسر کشور، همگام با مردم مسلمان در احیای شعایر دینی مشارکت جسته و در برپایی آن تلاش می کنند. به هر

حال، امروزه رسانه های عمومی سهم عمده ای در عرصه ی تبلیغ گفتاری، تصویری و نوشتاری پیدا کرده و نمی توان سهم آنان را در تبلیغ دین انکار کرد و یا احیانا از آنان غفلت ورزید، اما همچنان تماس حضوری عالمان و سخنوران پارسا و اهل عمل با مردم و تبلیغ دین و ابلاغ پیام پیشوایان الهی در قالب خطابه و منبر، تأثیرات فزاینده و عمیقی دارد، چرا که ارائه الگوی عینی و عملی همراه با تبلیغات کلامی و زبانی، پایدارترین ابزار در عرصه ی نشر هنجارهای دینی و تحکیم مبانی دین است. لازم به تذکر اینکه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه قم، متولی امر تبلیغ در اقصی نقاط کشور در قالب «طرح هجرت» بوده و به درخواست های مختلف از شهرها و روستاهای کشور با اولویت بندی پاسخ می دهد. در صورت لزوم، شما هم می توانید با مراجعه به سازمان تبلیغات شهر خودتان و یا با مراجعه به دفتر امام جمعه آن شهر از چنین فرصتی بهره ببرید.

آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟

پرسش

آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟

پاسخ

در مورد قسمت اول این سؤال باید گفت: بحمدالله کشور ما هم از جهت منابع و امکانات مادی و هم از جهت معنوی (فرهنگ و ارزش های غنی اسلامی و ملی) دارای پتانسیل ها و قابلیت های گسترده ای است که قطعا در صورت بهره برداری صحیح و کارآمد، نه تنها پاسخگوی نیازهای جوانان کنونی بلکه نسل های آتی نیز خواهد بود. به برکت انقلاب اسلامی اقدامات مفید و مؤثری در جهت حل مشکلات اساسی و حرکت جامعه به سوی پیشرفت و تعالی جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، صنعت و تکنولوژی، فرهنگی و اجتماعی و... برداشته شده است ولی متأسفانه وجود عواملی از قبیل: ساختار بد اقتصادی، مشکلات فرهنگی و اجتماعی به جا مانده از زمان قبل از انقلاب، جنگ تحمیلی، رشد سریع جمعیت، محاصره های سیاسی – اقتصادی دشمنان، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزش های جامعه، وجود

برخی نقاط ضعف در ساختار مدیریتی کشور، درگیری های جناحی و سیاسی و... باعث شده که هنوز شاهد برخی معضلات و مشکلات در جامعه خصوصا برای جوانان عزیز باشیم.

یکی از مسائل اساسی جوانان، مسأله اشتغال است که حل اساسی آن می تواند راهگشایی برای حل بسیاری از مشکلات اساسی کشور و جوانان باشد. بر این اساس مقام معظم رهبری یکی از اصول پیام نوروزی خود را «اشتغال مولد و مفید» قرار داده و قوای سه گانه را مأمور به رسیدگی به این مسأله کردند. تشکیل شورای عالی اشتغال به ریاست، رئیس محترم جمهور، طرح های ضربتی اشتغال، اعطای وام به فارغ التحصیلان و... از دیگر اقدامات مفید و مؤثر در این راستا محسوب می شود.

اما باید این واقعیت را

نیز در نظر گرفت که حل اساسی این قبیل مشکلات نیازمند زمانی طولانی، همدلی و همکاری مسؤولین، پرهیز از اختلافات و درگیری های سیاسی، سرمایه گذاری بخش خصوصی و... می باشد. اما در مورد قسمت دوم این سؤال یعنی مسأله مهم ازدواج جوانان باید گفت: مسأله ازدواج در شرایط حاضر، به عنوان یکی از بزرگ ترین معضلات جوانان ما خودنمایی می کند. آنچه این مسأله را چنین بغرنج ساخته است، ناشی از عوامل متعددی است. این عوامل عبارت است از:

الف) طولانی بودن مدت تحصیل،

ب) عدم اطمینان نسبت به آینده،

ج) مشکل نظام وظیفه،

د) مخارج سنگین ازدواج،

ه) روحیه گریز از مشکلات.

برای حل مشکل، حرکت هایی از چند سو لازم است؛ از جمله:

الف) تغییر فرهنگ ازدواج، و تلاش همه جانبه در جهت آسان و کم خرج سازی آن،

ب) گسترش امکانات دولتی، از قبیل خوابگاه های متأهلین، وام ازدواج و...،

ج) درگیر ساختن خانواده ها در جهت کمک به زوج های جوان ودر حال تحصیل،

د) گسترش خوداتکایی، مسؤولیت پذیری و روحیه برخورد فعال با مشکلات در جوانان.

در حال حاضر ترس از مشکلات، بیش از خود آنها، جوانان را از ازدواج دور می سازد. واقع مطلب این است که در هیچ مسأله ای نمی توان نشست تا مشکلات حل شود و سپس اقدام نمود. همه پیشرفت ها و موفقیت هایی که بشریت تاکنون به دست آورده، مرهون اقدامات انسان های ماجرا جویی است که خود را به آب و آتش زده، و قهرمانانه از انبوه مشکلات استقبال کرده، و با عزم و پشتکار بر آن فائق آمده اند.

به قول شاعر :

زندگی جنگ است جانا بهر جنگ آماده شو نیست هنگام تأمل بی درنگ آماده شو

بسیاری از جوانان همین که ازدواج کرده اند و خود را ناچار به کاریابی

دیـده انـد، به تلاش مضاعف پرداخته و پس از چنـدی نـدگی خود را رو به سامان برده اند. برعکس کسانی هم در انتظار حل مشکلات نشسته اند، در حالی که هیچ راه امیدی برای حل مشکلاتشان وجود ندارد. در حال حاضر توصیه ما به جوانانی چون شما این است که برای حل مشکل خود، فردی مناسب، که هم مورد علاقه شـما و هم با شـرایطتان سازگار باشد پیدا کنید و با توافق طرف مقابل و خانواده اش، او را به عقـد رسـمی خود درآورید ولی زمان ازدواج را دو یا سه سال به تأخیر بیندازید. این کار مزایای زیر را در بر دارد:

۱ از شیرینی دوران نامزدی که دلپذیرترین دوران زندگی است بهره مند می شوید.

۲ مخارج سنگین ازدواج بر دوش شما سنگینی نمی کند.

۳ به تدریج در برخورد با مشکلات و تلاش برای حل آنها، پختگی بیشتری برای زندگی کسب می کنید.

۴ در طی این مـدت، کم کم در جست وجوی کـار برمی آییـد تا بتوانیـد در کنار تحصـیل کاری نیز دست و پا کنیـد و بـدین صورت بر مشکلات اقتصادی فائق آمده، و زمینه های ازدواج را فراهم می کنید.

محاسن ازدواج دانشجویی:

- یافتن نقطه اتکای روانی و روحی،

- حفظ ایمان و صیانت شخص از گناهان جنسی،

- سلامت محیط دانشگاه از مفاسد.

مشکلات ازدواج دانشجویی:

- مشکل تأمین مسکن و ضروریات زندگی،

- مشغول شدن فکر به مسائل داخلی،

- به وجود آمدن محدودیت هایی در انتخاب شغل و یا تغییر رشته و... .

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- جوانان و انتخاب همسر علی اکبر مظاهری

۲- ازدواج آسان و شیوه همسرداری محمد محمدی اشتهاردی

۳- ازدواج آسمانی علی اکبر مظاهری

۴- ازدواج پایدار کاظمی حقیقی

۵- ازدواج در اسلام مصطفی کاشفی

خوانساری

۶- ازدواج و روابط زن و مرد نجفی یزدی

۷- پیوند دو قلب یا راهنمای ازدواج مهدی پاکزاد

۸- جوانان و ازدواج - زندگی بهتر سید احمد واحدی

۹- جوانان، ازدواج و مسایل جنسی روح اللّه خالقی

۱۰- راهنمایی ازدواج بهزاد رحمتی

چه توصیه ائی به جوان دارید؟

پرسش

چه توصیه ائی به جوان دارید؟

پاسخ

سؤالات شما نشانگر طینت پاک شماست و پیداست که در صدد راه حل و تشنه حقیقت هستید توصیه ای که بهعنوان یک برادر دلسوز و مهربان به شما دارم این است که:

اولاً، مطالعه کتب ارزشمند اخلاق و تربیت را فراموش نکنید.

ثانیا، با علما و دانشمندان در ارتباط باشید و همیشه دفترچه سؤالاتی به همراه داشته باشید که بتوانید بهتر از وجودآنها استفاده کنید. نیز توصیه می شود کتب اخلاق خانواده، بویژه قسمتهائی که مربوط به جوانان دختر و پسر و شرایطانتخاب همسر می باشد را حتما جزو برنامه مطالعاتی خود قرار دهید. بدانید غفلت در این مسأله مهم و حساس هرگزروا نیست. با قرآن و تدبر در آن مأنوس باشید، نهج البلاغه را ورق بزنید و تکه های شیرین و جالب آنرا حفظ کنید کهبسیار نافذ است. تکه های تاریخی شیرین و سازنده را مورد مطالعه قرار دهید. از اشعار دلنشین اخلاقی، عرفانی،تربیتی و سازنده نیز دریغ نفرمائید. توصیه نهائی ما به شما این است که ارتباط خود را با نمازهای جمعه و جماعت درمساجد همچنان حفظ کنید که برکات والطاف مرئی و نامرئی بیشماری در آن نهفته است. به امید موفقیت و سرافرازیشما.{J

بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست ؟

پرسش

بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست ؟

پاسخ

خدمت به مردم، اقسام مختلفی دارد و نمی توان به طور مطلق عمل خاصی را بهترین خدمت دانست؛ بلکه بهتناسب شرایط و نیازهای اجتماعی و نیز توانایی های انسان، خدمات متفاوت است؛ مثلاً بهترین خدمت یک عالمدینی، تلاش و کوشش در جهت هدایت و ارشاد جامعه است و بهترین خدمت یک پزشک، تلاش در جهت درمانبیماران و بهسازی وضع درمان و بهداشت جامعه است و بهترین خدمت یک ثروتمند، کمک به تهی دستان و بنیانهادن انجمن های خیریه و خدماتی از این قبیل می باشد.

در مورد مشکل ((هویت جوانان))،دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟

پرسش

در مورد مشکل ((هویت جوانان))،دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟

پاسخ

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام

و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و

ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به

خارج و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

به نظر می رسد از جمله مناسب ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی باز گرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک تر شدن گروه های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می برند و همواره دریافت کننده ی محبت های پدر و مادر خویش می باشند. سعی می کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه ی بزرگ توجّه ومحبت اطرافیان را از دست داده اند و خود را فراموش شده می بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام

به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش های آن به جوانان پاک و بی پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گسترانـد و این جوانان پیرو مدل های غربی را به ارزش های فرهنگی و معنوی جامعه باز گرداند. بسیاری از این جوانان تشنه ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبّت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام های مفاسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم هزینه ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره ی معصومین(ع) آشنا شوند آن را با هیچ چیز عوض نخواهند کرد، چرا که در لابلای قوانین مترقّی اسلام حتی برای جذب مخالفین و دشمنان هم، برنامه های جالبی داریم (البته این دسته از جوانان را نباید دشمن انگاشت) اینک به دو نمونه از رفتار عملی معصومین(ع) اشاره می کنیم:

۱. یکی از افرادی که در مدینه با پیامبر(ص) و مسلمانان مخالف بود و از هر فرصتی برای کارشکنی، البته به صورت مخفیانه، خودداری نمی کرد عبدالله بن ابی بود. این فرد، رئیس قبیله ی خزرج و رهبر منافقان در مدینه بود، با وجود این، زمانی که از دنیا رفت، اطرافیان او از پیامبر(ص) خواستند که پیراهن

خود را در اختیار آنان قرار دهد تا عبدالله بن ابی را با آن کفن کنند تا شاید بدان سبب مورد رحمت قرار گیرد. پیامبر(ص) خواسته ی آنان را اجابت کرد. برخی از اصحاب به وی اعتراض کردند که چرا با آنکه وی کافر است چنین کردی. آن حضرت فرمود: «پیراهن من مانع عذاب او در آخرت نیست. و من با این کار امید دارم جمع کثیری اسلام بیاورند.» گفته شده که هزار نفر از خزرج زمانی که دیدند عبدالله بن ابی به لباس پیامبر متوسّل شده است اسلام آوردند، (تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۵۰).

۲. روزی بیرون از مدینه مردی امام زین العابدین(ع) را دید و به او ناسزا گفت. یاران امام(ع) به او حمله کردند. امام فرمود: دست بردارید. سپس رو به آن مرد کرد و گفت: آنچه از کارهای ما بر تو پوشیده است بیش از آن است که تو می دانی. آیا نیازی داری تا آن را برآورده سازم؟ مرد شرمنده شد. امام(ع) لباس خود را به او بخشید و دستور داد هزار درهم به او بدهند. مرد پس از آن واقعه، همیشه می گفت شهادت می دهم که تو از فرزندان رسول خدایی، (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۹۳). بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و

تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی...

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

- انقلاب

و ارزش ها، علی ذوعلم

- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی) .

برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشـگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است جز دانش . اولا می خواهم ریشه یابی این معضل را بدانم ثانیا راه حل قابل دسترسی برای اصلاح این وضع چیست.

پرسش

برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است جز دانش . اولاـ می خواهم ریشه یابی این معضل را بدانم ثانیا راه حل قابل دسترسی برای اصلاح این وضع چیست.

پاسخ

این موضوع نیازمند بررسی و تحقیق گسترده است که از حوصله و گنجایش یک نامه خارج است، اما به اختصار می توان برخی از عوامل ناکارآمدی و مشکلات کنونی دانشگاه ها را در امور ذیل نام برد:

۱. نفوذ و تسلط بیگانگان بر پیدایش و تکوین دانشگاه و علوم دانشگاهی:

هر چند تشکیل دارالفنون به وسیله امیرکبیر، اقدامی بسیار مهم و مثبت در جهت پیشرفت علمی و صنعتی کشور و تأمین نیازهای اساسی آن بود، اما متأسفانه به دلیل حیات کوتاه امیرکبیر، این هدف به فراموشی سپرده شده و تأسیس مدارس و دانشگاه های جدید، به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ بیگانگان و تحقق اهداف شوم آنان در جهت بسط و نفوذ فرهنگ خویش از یکسو و استثمار منابع انسانی و اقتصادی کشورمان، درآمد (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، اکبر هاشمی رفسنجانی، انتشارات فراهانی، ۱۳۴۶، ص ۱۳۶).

۲. عدم تطابق این علوم با فرهنگ اسلامی و سنتی ایران:

علوم جدید غرب که بر پایه دیدگاه مادیگرایانه و سکولاریستی پایه ریزی شده بود و تنها حس و تجربه را معیار معرفت شناختی خویش قرار داده و برآوردن نیازهای مادی انسان را هدف و وظیفه خود می دانست به هیچ وجه با فرهنگ و ارزش های اسلامی و سنتی ایران همخوانی و تطابق جدی نداشت.

طبیعی است رشد و پرورش علوم غربی

در فضایی کاملا نامتجانس نمی تواند کارآمد و عملکرد مفید و مطلوبی داشته باشد.

۳. عدم تطابق با نیازهای اساسی جامعه:

متأسفانه بسیاری از علوم رایج دانشگاهی خصوصا در رشته های انسانی، تناسب چندانی با نیازها و شرایط عینی جامعه ما ندارد و علاوه بر هدر رفتن سرمایه های عظیم انسانی و مالی، دستاوردهای مطلوبی را هم به دنبال نداشته است.

۴. ترجمه ای بودن علوم دانشگاهی:

هر چند انتقال علوم و بهره گیری از تجارب و دانش ملل مختلف، فی نفسه امری مطلوب می باشد، اما به هیچ وجه کافی نیست، بلکه این امر زمانی فایده بخش است که بتواند به فرآیند نظریه پردازی و تولید علم و دانش متناسب با فرهنگ و نیازهای عینی جامعه مبدل شود که متأسفانه در کشور ما بیشتر به ترجمه اکتفا شده و علوم دانشگاهی ما را با ناکارآمدی مواجه ساخته است .

برای آگاهی بیشتر ر.ك:

۱. حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ۱۳۷۸

۲. نقش جریان روشنفکری در سکولاریسم تربیتی، جمیله علم الهدی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰

مجموعه مشکلات فوق سبب شده تا مقام معظم رهبری بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، تأکید نموده و تمامی اندیشمندان و دلسوزان جامعه اسلامی ما را به تحقق عینی این موضوع مهم فراخوانده.

در ادامه مطالبی را در توضیح این مسأله و راهکارهای تحقق آن و... را بیان می نماییم:

نهضت آزاد اندیشی یکی از راهکارها و مقدمات جنبش نرم افزاری است. بررسی دقیق تمامی ابعاد این مسئله از ظرفیت یک نامه خارج است لذا به اقتضای مطالبی را بیان می نماییم:

الف. چیستی جنبش نرم افزاری:

این اصطلاح از دو کلید واژه مهم یعنی جنبش

و نرم افزاری تشکیل شده است . اصطلاح جنبش یا به تعبیر دیگر نهضت، معمولا در جایی گفته می شود که آن جامعه گرفتار رکود، سکون و ثبات باشد. لذا جنبش و نهضت یک نوع حرکت فزاینده است.

لذا خود مقام معظم رهبری در تبیین این معنی، یکسری واژه های تبیینی دیگر هم ذکر کرده اند مانند پاسخ به سؤالات، تولید اندیشه، نظریه پردازی و مانند اینها.

اما اصطلاح نرم افزاری: به محتوای علوم و آن چیزی که به تولید اندیشه و نظریه پردازی است، مربوط می شود. این جنبش نرم افزاری صرفا به معنای آموزشی، تدریس و تعلیم و تعلم نیست. زیرا این فرایند قرنها در جوامع و کشور خودمان هم وجود داشته است. بلکه یک پروسه و فرایندی است که میخواهد فرآیند آموزشی و علمی مجامع حوزوی و دانشگاهی ما را تغییر دهد. جنبش نرم افزاری می خواهد بگوید که فرایند علمی موجود در جامعه ما فاقد دو رکن مهم است: یکی رکن روحیه علمی و دوم نظام سیستماتیک علمی. جنبش نرم افزاری یک حرکت علمی اجتماعی است که این دو رکن روحیه علمی و نظام سیستماتیک را به فرآیند تعلیم و تعلم ما تزریق می کند. روحیه علمی آن روحیه ای است که همراه با ارادهء فهمیدن، گشودن باب گفت و گوی نقادی عالمانه، منطقی و نوآوری است. و هر کدام از اینها دارای مراتبی است، نوآوری معنایش این نیست که حتما یک پایه معرفتی جدید، یک نظام و یک دستگاه معرفتی جدید ارائه شود و به تمام میراث گذشته، پشت پا بزنند. یک مرتبهء نوآوری، پاسخ به سوالات و شبهات و نیازهای جدیدی

است که در جامعه وجود دارد مثلاً- کار فقهای ما در حوزه ها، یک کار نوآوری است و چون در برابر پرسش ها، به پاسخ های جدیدی می پردازند.

اما نظام سیستماتیک دارای عناصر ذیل است:

۱. تبیین و کشف مباحث زیرساختی و بنیادین علوم:

مسلما هر ادعایی که ما مطرح می کنیم یک سری پیش فرضهای معرفت شناختی، هستی شناختی و جهان شناختی دارد که به عنوان مباحث زیرساختی و بنیادین همه علوم به شمار می آید.

۲. نیاز شناسی فکری و نظری:

یعنی توجه به اینکه ما انسانیم و در جهانی متغیر زندگی می کنیم، تغییر جزء لاینفک حیات فردی و اجتماعی ماست. از طرف دیگر نیز دین یک سری متغیراتی دارد. باید نیازهای متغیری که روز به روز بوجود می آید را شناخته و آنها را کشف کنیم.

۳. بازپژوهی و بازپیرایی ذخایر علمی:

یعنی وقتی که ما به نیاز جدیدی برخورد می کنیم نباید خودمان را از هویت علمی و فرهنگی گذشته مان منفک کرده و بعد شروع کنیم به پاسخ یابی بلکه باید میراث گذشته را هم شناسایی کنیم.

۴. پاسخ یابی و دریافت اندیشه ها و علوم که جای نوآوری در اندیشه است.

۵. مطالعه تطبیقی بین اندیشه برگزیده و اندیشه ای که در مکاتب و نظریات معارض وجود دارد. یعنی باید به مکاتب ، ایسم ها و نظریاتی که در کنارمان وجود دارد توجه نمود. اشتراکات و تمایزات را بررسی کرد. مطالعه تطبیقی باعث رشد و بالندگی در اندیشه ما می شود.

بعد از اینکه ما این فرایند را و این عناصر نظام سیستماتیک را طی کردیم، به تمدن سازی و فرهنگ سازی می رسیم؛ یعنی اگر ما

بتوانیم جنبش نرم افزاری را بـارور کن روحیه علمی و نظـام سیسـتماتیک تحقق ببخشـیم فرهنگ سازی کرده ایم و بعـد از این مرحله است که تمـدن سازی تحقق پیدا می کند و در موضوعاتی نظیر تکنولوژی و صـنعت، معماری و هنر و سایر مقولات که به عنوان دست آورد علوم و فرهنگ به شمار می آید، ظهور می یابد.

ب. چرایی جنبش نرم افزاری:

یکی از ویژگی های مهم جنبش «همگانی» بودن آنست: مفهوم جنبش، حرکت فزایندهء همگانی است، پس اولا حرکت است نه رکود و سـکون، و یک حرکت رو به رشـد و تزاید است نه یک حرکت آرام. از طرفی همگانی است یعنی جنبهء پابلیک و عمومی دارد و شخصـی و فردی نیست. با این خصوصیت پاسخ برخی از پرسش هایی که مطرح می شود که مگر تا کنون باب گفت و گـو بسـته بـوده، مگر نقـد و نظری نبوده، مگر کسـی نظریه پردازی نکرده است؟ تحولاـت عمیقی که در حوزه هـا در رشـته های کلام، فلسفه، تاریخ، تفسیر، اقتصاد، روان شناسی و جامعه شناسی و رشته های دیگر که در حوزه ها تاسیس شده و صاحب نظران و فرهیختگان زیادی که در سـطح داخلی و بین المللی مطرح انـد و همچنین در دانشـگاه ها پیشـرفت های خیلی خوبی مخصوصا در رشـته های پزشکی و فنی، حاصل شده است و همه اینها بعد از انقلاب اسلامی بوده، چگونه می توان اینها را نادیـده گرفت؟ مسـلما همه اینهـا نوآوری و نظریه پردازی است امـا جنبش نبوده است. بلکه حرکت هـای آرام و یـا حرکت هایی شخصی و فردی است. و در مجموع جامعه ، مجامع دانشگاهی

و حوزوی ما دچار رکود است. (ر.ك: تحلیل زیر ساخت های نظری جنبش نرم افزاری، گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین، دکتر عبدالحسین خسروپناه، روزنامه سیاست روز، ۱۳/۵/۱۳۸۲، ص ۶ و ۷).

افزون بر این آنچه که در شکل گیری و اهمیت جنبش نرم افزاری بسیار موثر است، مواجهه ما با دنیای جدید، پیچیده شدن مناسبات اجتماعی و نوع تحولاتی که در داخل جهان اسلام اتفاق افتاده، می باشد که نیازمندی ها و بایسته های جدیدی را مطرح کرده است.

به طور کلی دو ویژگی مشخص، دوران جدید را از گذشته متمایز کرده است:

ویژگی اول اینست که در این دوران تاریخی، اسلام با رقیبان جدی ای در حوزه اندیشه و نظر مواجه بوده است و اندیشه ها و مکاتب و دیدگاه های گوناگونی مطرح شده که در گذشته وجود نداشته است. طبیعتا حضور این رقیبان جدید، برای حوزه های علمیه و اندیشمندان دینی نیازهایی را مطرح کرده که باید به آنها پاسخ گفت:

ویژگی دوم، نیاز به حضور دین در صحنهء عمل اجتماعی بوده است. در گذشته به ادله و بهانه های مختلف، نفوذ و حاکمیت دین را بر نهادهای اجتماعی و حکومت ها کاسته یا به طور کلی قطع کردند و قلمرو دین را تنها در سطح اخلاق و اعتقادات فردی منحصر کردند. اما هم با ظهور انقلاب اسلامی در ایران و هم به دلیل وضعیت خاص جهان اسلام و احساس ضرورت همبستگی ملت های مسلمان و به دلیل پیچیده شدن مناسبات اجتماعی گستره نفوذ حکومت از حوزه اقتدار سیاسی فراتر رفت، و به همهء جنبه های حیات انسان نفوذ پیدا کرد. بقای دین در

صحنهء عمل، مرهون حضور در ابعاد مختلف، مناسبات اجتماعی و حاکمیت سیاسی گردید.

آنچه امروز به عنوان تولید اندیشه دینی یا تولید علم دینی مطرح است، در واقع به این دو نیاز بر می گردد: اول، بازاندیشی در میراث اسلامی و تنقیح افکار و معارف دینی از امور زائد و احیانا چیزهایی که باز در ارتباط با دین و فرهنگ دینی بوده است؛ دوم، طراحی و مهندسی نظامهای اجتماعی بر اساس فرهنگ و آرمانهای دینی. (ساختار تولید علم و توسعه علوم دینی، گفت و گو با امینی و سبحانی، نشریه پژوهش و حوزه ش ۱۲).

به عبارت دیگر، اسلام مدعی جامعیت و کمال است و حضور اجتماعی دارد پس باید برای مناسبات اجتماعی، ارتباطات فرهنگی و پرسش ها و مکاتب نوین پاسخی داشته باشد. اگر بخواهیم اسلام را در دنیای امروز ظهورش را نشان بدهیم، چاره ای نداریم جز اینکه تولید اندیشه و نوآوری داشته باشیم و این با نقد، مناظره، گفت و گو و جنبش نرم افزاری فراهم می شود.

متاسفانه اگر بخواهیم تولید علم در ایران را با استانداردهای جهانی مقایسه کنیم، هم در شاخص های انسانی و مالی و هم از نگاه ساختاری و نیز از منظر رفتار و عملکرد هیچ یک در حد قابل قبول نیستند.

ج. چگونگی و راههای تحقق جنبش نرم افزاری و تولید علم:

برای رسیدن به تولید فکر و اندیشه دینی، به دو دسته نیازها باید توجه جدی کرد: یکی به ظرفیت ها و امکانات درونی (درون حوزه پژوهش و آموزش و درون حوزه و دانشگاه) و دیگری شرایط بیرونی.

در بخش اول که بخش ظرفیت های درونی است، مسئولیت اصلی به عهده

مدیران عالی مجموعه های علمی و دینی است. اینها باید حمایت کنند تا مدیریت های سالم و کارآمد و هدف دار در حوزه آموزشی و پژوهش حوزه و دانشگاه شکل بگیرد.

بخش دوم شرایط بیرونی است. اگر شما همه ظرفیت ها را هم ایجاد بکنید، باز هم برای تولید فکر کافی نیست. ممکن است شما رشته های تخصصی ایجاد کنید، استعدادهای برتر را جذب کنید، روش شناسی درستی را طراحی بکنید و حتی حمایت هم بکنید، اما فضای لازم و نظام ارزشی مناسب برای نخبگان و تولید گران فکر و دانش موجود نباشد و یک نخبه احساس بکند که طرح بحثی جدید در فقه یا تفسیر یا کلام و یا سایر مسائل جامعه، همیشه با انگشت اتهام و تردید مواجه می شود. طبیعی است که در این صورت، ظرفیت بسیاری از نخبگان متوجه تولید فکر نخواهد شد.

صاحبان قدرت در حوزه علم و تفکر چیزی را می پسندند که به قدرت آنها بیفزاید (یا حداقل قدرت آنها را تهدید نکند) حال آنکه یک نخبهء فکری اولین دغدغه اش این است که معضل موجود را حل کند و به اصلاح و بهبود شرایط بپردازد. صاحبان ثروت هم در این زمینه نقش ایفا می کنند. وقتی امکانات و بودجه های پژوهشی بعضا در اختیار افرادی است که شرایط علم و دانش را ندارند و حداقل صاحبان علم و اندیشه نیستند، طبیعی است که توزیع ثروت در نهادهای فرهنگی و در بین عناصر فرهنگی، به گونه ای خواهد بود که انگیزه های نخبگان ما را دچار اختلال می کند.

از این جهت، باید به آزادی، به مفهوم درست خودش، یعنی آزادی

حوزهء فرهنگ از قیـد و بندهای قدرت و ثروت و دور نگاه داشـتن فرهنگ از جوسازی ها و غوغاسالاری هایی که معمولا در شرایط کنونی جامعه ما وجود دارد، توجه جدی نمود. (پیشین)

در سراســر کشور کارهای هماهنگ انجام شــده (ماننــد گسترش جمله هایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولتی و تاکســی ها و ...) ولی چرا تبلیغات ما اثر نمی کند و در عوض تبلیغات ماهواره ای دشمن در جوانان اثر می کند مشکل کجاست. آیا راه حل را نمی دانیم امکانات

پرسش

در سراسـر کشور کارهـای هماهنـگ انجـام شـده (ماننـد گسترش جمله هـایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولـتی و تاکسـی هـا و ...) ولی چرا تبلیغـات مـا اثر نمی کنـد و در عوض تبلیغـات مـاهواره ای دشـمن در جوانـان اثر می کند مشـکل کجاست. آیا راه حل را نمی دانیم امکانات نـداریم. نیرو نـداریم یا اینکه اصولا مسؤلین فرهنگی کشور نمی خواهند یا برایشان اهمیتی ندارد که این مشکل حل شود.

منـابع معتبر و در دسترس و در عین حـال کم حجمی معرفی کنیـد برای مطالعه بیشتر در مورد ریشه یابی این مشـکل و راه حل های آن ؟

پاسخ

بررسـی این موضوع و تبیین علـل و عوامل آن نیازمنـد ارائه مطالبی مبسوط است که خارج از گنجایش یک نامه می باشـد، از این رو ضـمن اشاره مختصر به نکاتی در این خصوص، تحقیقات گسترده تر را با استفاده از منابعی که معرفی می شود، به شما وامی گذاریم:

اولاـ این چنین نیست که تبلیغـات و اقـدامات فرهنگی ما – علی رغم وجود برخی نارسائی ها و عـدم کفایت آنان – هیچگونه تأثیری نداشـته باشد، اگر به نمادها و مظاهر غیر اسـلامی در جامعه توجه می شود، در کنار آن باید به نمادها و مظاهر اسـلامی هم توجه شود آیـا می توان میلیون هـا جوان پـاک، مؤمن وخـداجو را نادیـده گرفت که با عشق و اخلاص به احکام و موازین اسـلامی معتقـد و ملتزم می باشـند، به عنوان نمونه خیـل عظیم سؤالاـت و پرسـش هـای اعتقـادی، مـذهبی و... که از این مرکز مشاوره می شود و یا شرکت گسترده در مراسم های مذهبی ماه مبارک

رمضـان، اعتکـاف، مـاه محرم و نمازهـای جماعت، زیارتگاه ها، مراسم های انقلاب، اسـتقبال از مقام معظم رهبری و... آنها را نادیده گرفت.

ثانیا، اصولا از دیـدگاه قرآن باطل نمودی کاذب و فریبنده داشـته و روی حق را می پوشاند: «انزل من السـماء ماءا فسالت اودیه بقدرها فاحتمل السـیل زبدا رابیا و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه او متاع زبد مثله، کذلک یضـرب الله الحق والباطل، فاما الزبد فیذهب جفاءا و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض کذلک یضرب الله الامثال» (رعد، آیه۱۷).

همانگونه که کف روی آب را می گیرد و می پوشانـد، به طوری که اگر آدم بی خبری بیاید نگاه کند و از ماهیت قضـیه خبر نداشـته باشد کف خروشان را می بیند که در حرکت است و توجهی به آب باران که زیر این کف هاست نمی کند، در حالی که این آب است که چنین خروشان حرکت می کنـد نه کف، ولی چون کف ها روی آب را گرفته اند، چشم ظاهر بین که به اعماق واقعیات نفوذ نداشـته باشـد، فقط کف را می بیند. باطل هم همچنین است که بر نیروی حق سوار می شود و روی آن را می پوشانـد، به طوری که اگر کسـی ظاهر جامعه را ببینـد و به اعماق آن نظر نیندازد، همان قله های شامخ و افراد چشم پر کن را می بیند (حق و باطل، استاد مطهری، انتشارات صدرا، ص ۴۹).

در جـامعه مـا هم وضـعیت همین گونه است، از برداشت هـای سـطحی به ظـاهر برخی جوانـان و... چنین اسـتنباط می شود که ارزش های غیر اسلامی و غربی توانسته است بر روح و

جـان جوانان ما حاکم شود، اما نگاهی دقیق بنمایه های فکری، اعتقادی و عملکردهای مـذهبی آنان، خلاف این برداشت را به اثبات می رساند و این بنمایه های فکری و اعتقادی عمیق است که به راحتی می تواند در کوتاه مدت تحولی بسیار عمیق حتی در جوانـان که به دنبـال مظـاهر غربی افتـاده انـد، تحولی عظیم به وجود بیـاورد؛ به فرموده قرآن کریم «بـل نقـذف بـالحق علی الباطل، فیدمغه فاذا هو زاهق؛ از حق یک نیروی انقلابی می سازیم، آن را بر باطل می افکنیم ناگهان می بینی که باطل بر افتاد، باطل اصلا رفتنی است» انبیاء، آیه ۱۸).

ثالثـا، بحمـدالله به برکت انقلاـب اسـلامی و معـارف و فرهنـگ غنی اسـلامی، از ظرفیت هـای بسـیار بالای تبلیغاتی و فرهنگی برخوردار هستیم و انصافا کارهای بسـیار عظیمی هم انجام شـده است ولی باید به این واقعیت نیز اذعان داشت که طرف مقابل ما هم از تکنولوژی و ابزارهای بسـیار پیشـرفته تبلیغی برخوردار بوده که این هم می تواند به میزان بسیار زیادی در تأثیرگذاری تهـاجم فرهنگی بر روی برخی از جوانـان مـا مؤثر واقع شود و فرهنـگ منحـط و باطـل خود را با اسـتفاده از دقیق ترین، ظریف ترین و جذاب ترین شیوه های تبلیغاتی منتقل نمایند.

علاـوه بر امکانـات مـادی پیشـرفته آنان، عامل دیگری که به شـدت در تأثیرگـذاری تهاجم فرهنگی غرب نقش اساسـی دارد، همسویی و همخوانی محتوای آن بـا خواسـته هـا و امیـال نفسانی و غرایز شـهوانی بشـر می باشـد و طبیعی است که سوق دادن جوامع انسانی به سوی انحطاط و تباهی با استفاده از این ابزارها به مراتب آسان تر از هدایت آنان

-که به نوعی محدودیت و تعیین محدوده برای غرایز و امیال نفسانی است - می باشد.

رابعا، علاوه بر قوت امکانات مادی، دشمن و همسویی آن با امیال نفسانی، متأسفانه برخی نقاط ضعف در مدیریت فرهنگی کشور مشاهده می شود، به نحوی که از یک سو آنگونه که شایسته و مطلوب جامعه و نظام اسلامی ما بوده، نتوانسته است ارزش ها و فرهنگ اصیل اسلامی را در تمامی بخش های جامعه و خصوصا دانشگاه ها، تثبیت و نهادینه سازد و از سوی دیگر، وحدت رویه و وفاق لازم در کارکردهای این مجموعه به صورت کامل مشاهده نمی شود و بالاخره این که وجود برخی تفکرها در برخی بخش های فرهنگی در مقطعی زمینه های ترویج و تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی غرب را مساعد نمود. هر چند با مجاهدت های سایر مسؤولین و بخش های فرهنگی متعهد، تا حدود زیادی از ادامه و عمق این فاجعه کاسته شد.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر در این زمینه :

۱. شیوه های درمانی مفاسد اجتماعی، علی اکبر بابازاده، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱

۲. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹

۳. توصعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹

۴. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸

۵. تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸

۶. تهاجم فرهنگی، استاد محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶

۷. تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۷۹

۸. مبانی نظری تمدن غرب، شهید سید مرتضی آوینی، فصلنامه مجله دانشجو، تابستان ۱۳۷۷

۹. جوان مسلمان و دنیای متجدد، سید حسین نصر، تهران، انتشارات طرح

نو ۱۳۷۷

تأثیرگذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟

پرسش

تأثیرگذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟

پاسخ

بهترین راه تأثیرگذاری، این است که با رفتار و عمل کردن به حقایق دینی و معلومات خود، دیگران را تحت تأثیر قراردهیم. قطعاً موقعی می توانیم اثرگذار باشیم که خود اهل عمل باشیم؛ ولی اگر اهل عمل نباشیم ولو به ظاهر خود را متعبدهم جلوه دهیم - تأثیرگذاری ما خیلی کم می شود. قرآن در سوره بقره می فرماید: «اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم»؛ «آیا دیگران را به نیکی دعوت می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید». معصوم(ع) هم می فرماید «کونوا دعاه الناس به غیر السنتکم»؛ «مردم را به غیر زبانتان دعوت کنید»؛ یعنی، با عمل. بنابراین بهترین راه تأثیرگذاری اهل عمل شدن و الگوی مشاهده ای برای دیگران ایجاد کردن است. مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن، بستگی به توانایی و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارد، ویژگی های روحی از قبیل اراده استوار، اخلاق نیکو، حسن معاشرت - و آگاهی ها و توانش های علمی بالا است. تاثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت طلبی شخص، ارتباط دارد. تاثیرپذیری های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود و گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون سازی آگاهی ها ودانش های خود به ویژه در زمینه مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی - تلاش کنید، به تدریج توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت.

با رعایت اصول و نکات زیر، فرد می تواند میزان تأثیرگذاریخویش را افزایش دهد:

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی

تفحص و جست وجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به جهت وجود آن امر مثبت، ارتباط خود را با وی پی گیری کنید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید، مستقیماً از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود، برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد، میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام دادن آن عمل فراهم سازید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید، همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاه های خویش را بر دیگران تحمیل نکنید؛ زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند، دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند. پ. محمدی ری شهری، دوستی در قرآن.)++

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پرسش

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پاسخ(قسمت اول)

به طور کلی در ارتباط با این سؤال و سؤالات دیگر، مقاله ای آورده می شود.

سیاست فرهنگی

نویسنده: رضا اسماعیلی

منبع: سایت باشگاه اندیشه، به نقل از هفته نامه فرهنگ و هنر شماره ۳۳ بهمن ماه ۱۳۸۲

کارایی سیاست فرهنگی در گرو تبدیل آن به زبان برنامه است. اصول سیاست فرهنگی هنگامی در عمل تحقق می یابد که در قالب برنامه فرهنگی با اهداف میانی، کمی و خط مشی های اجرایی مورد توجه قرار گیرد. شاید برنامه ریزی در بخش فرهنگ نتواند دست نیافتنی ها را دست یافتنی کند، اما قطعاً فقدان آن می تواند دست یافتنی ها را دست نیافتنی کند. برنامه ریزی فرهنگی می تواند امکان بکارگیری دقیق تر مدیریت سازمان ها و طراحی اقدام ها و فعالیت های فرهنگی متناسب با اهداف و اولویت ها را فراهم آورد. اصولاً برنامه ریزی براساس این فرض انجام می گیرد که ما با محدودیت امکانات و منابع در ابعاد مالی، انسانی و زمانی مواجه هستیم .

هدف برنامه ریزی فرهنگی در جامعه ایران

قبل از هر چیز باید توجه داشت که هدف از برنامه ریزی فرهنگی در جامعه ایران، ارتقای جامعه ی ایرانی به مقامی است که افراد آن با شناخت تمدن و فرهنگ عظیم ایرانی – اسلامی و آگاهی از فرهنگ های دیگر ملل جهان در حفظ ، اعتلا و اشاعه فرهنگ خودی بکوشند و جامعه را در سیر به سوی توسعه فرهنگی در ارتباط با توسعه اقتصادی و اجتماعی یاری برسانند و در نهایت هر

فرد ایرانی بتواند در سایه ی رسیدن به چنین توسعه ای، از زندگی مادی و معنوی بهتری برخوردار گردد.

برای رسیدن به چنین هدفی باید با توجه به شرایط، مقتضیات و اهداف ، گرایش های اصلی در سیاست فرهنگی آینده را مشخص ساخت و بررسی کرد که آنها در قالب چه نوع سیاستی قابل اجرا هستند، به همین دلیل گزینش سیاست های فرهنگی مناسب، از جمله دلایل اصلی توفیق هر برنامه ریزی در این زمینه به شمار می آید.

گزینش سیاست فرهنگی مناسب

در مبحث سیاست گذاری، می توان دو نوع سیاست فرهنگی را از هم تفکیک کرد. در سیاست فرهنگی سنتی، هدف، ارائه ی خدمات فرهنگی به گروههای خاص اجتماعی است، اما در سیاست فرهنگی جدید، هدف، همگانی ساختن فرهنگ و افزایش مشارکت شهروندان در تولید و خلاقیت فرهنگی است. سیاست فرهنگی سنتی نه با هدف ما از برنامه ریزی انطباق دارد و نه با مقتضیات و شرایط دنیای امروز، لذا باید به فکر برنامه ریزی فرهنگی درقالب سیاست فرهنگی جدید باشیم، یعنی باید به همگانی کردن فرهنگ در چارچوب برنامه ریزی جامع فرهنگی - آموزشی بیندیشیم و به ویژه باید توجه داشته باشیم که سیاستی را برگزینیم که به وجوه زمینه ساز فرهنگی توجه نموده و جامعه را برای تحولاتی که در پیش دارد آماده سازد، زیرا آماده سازی جامعه برای رسیدن به اهداف فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن، در گرو توجه به این وجوه زمینه ساز است؛ از سوی دیگر، زمینه تحقق ارزش های متعالی مربوط به این قلمرو، نه فقط در حوزه فرهنگی محصور نمی ماند، بلکه در رابطه ی تنگاتنگ با حوزه های

دیگر به ویژه بخش های اقتصادی و سیاسی جامعه قرار می گیرد، از این رو در شرایط کنونی جامعه ما، توجه به برنامه ریزی جامع فرهنگی - آموزشی در قالب سیاست همگانی کردن فرهنگ و به عنوان جزئی از برنامه ی توسعه ملی که در رابطه با تمام حوزه های کشور است، اجتناب ناپذیر می نماید.

نکته مهم در برنامه ریزی فرهنگی آن است که در عین تأکید بر حفظ میراث فرهنگی و تحکیم هویت ملی و اسلامی جامعه، چگونگی جبران عقب ماندگی ها وتوسعه نیافتگی ها در جامعه دنبال گردد. در این میان، نکته اصلی، اتخاذ سیاست هایی است که بر پیشرفت و امروزی شدن جامعه در ابعاد مختلف آن تأکید می کند و در ضمن، حفظ احساس تعلق و تعهد به فرهنگ بومی را اصل و اساس برنامه ها قرار میدهد. احیای هویت فرهنگی سنتی و تداوم آن از یک سو و حضور مؤثر در عرصه ی ارتباطات فرهنگی و اتخاذ رویکردهای نوگرایانه و دستیابی به فرهنگی جامع تر - که از ترکیب این دو عنصر حاصل می شود - از سوی دیگر، از مهم ترین راهبردهای برنامه ریزی فرهنگی در جامعه به شمار می آید.

گونه های مختلف برنامه ریزی فرهنگی

دکتر چنگیز پهلوان ، برنامه ریزی را به گونه های زیر تقسیم بندی کرده است:

۱.برنامه ریزی آرمان گرایانه:

این نوع برنامه ریزی جامع نگر بوده و تلقی کلانی از مقوله ی فرهنگ دارد. از لحاظ روش شناختی، این نوع برنامه ریزی اهداف بزرگ و بلند مدت را مورد توجه قرار می دهد و به لحاظ برخورد اجتماعی - سیاسی ، تکنوکراتیک است به طوری که

تمرکز شدید قدرت را مد نظر قرار می دهد.

۲. برنامه ریزی واقع بینانه:

فرض اصلی این برنامه ریزی بر این واقعیت مبتنی است که تنوع بی پایانی از نیازها در برابر محدودیت وسایل قرار دارد. الگوی روش شناسی این نوع برنامه ریزی از به کار گرفتن حداکثر بازدهی از منابع محدود ناشی می شود. برخورد سیاسی - اجتماعی این نوع برنامه ریزی، مبتنی بر تجربه است و براساس شبکه ها و ساخت های موجود که دردسترس هستند، شکل می گیرد. این برخورد نیز دارای خصلت تکنوکراتیک است زیرا بسیاری داوری ها وجود دارد که نمی توان به مدد ضوابط مسلم علمی به توجیه آنها پرداخت.

۳. برنامه ریزی راهبردی(استراتژیک):

مشخص کردن حدود و نحوه ی دخالت بخش های عمومی در برنامه ریزی، فرض اصلی این نوع برنامه ریزی است و به مدیریتی بستگی دارد که برنامه را طراحی می کند . میدان عمل این برنامه ریزی گزینشی است . در برنامه ریزی استراتژیک ، انتخاب ها براساس مطالعه و بررسی است، برخلاف برنامه ریزی واقع بینانه که انتخاب ها مبتنی بر تجربه است . تحلیل سیستم ها، مبنای روش شناسی این نوع برنامه ریزی است. در این تحلیل، نخست شرایط سیستم مورد بررسی قرار می گیرد و سپس سعی می شود که ارزش ها و هدف هایی که پشتیبان اقدام بخش های گوناگون هستند روشن شود. برخورد سیاسی اجتماعی این نوع برنامه ریزی معطوف به قدرت است.

۴. برنامه ریزی توسعه گرا(دموکراتیک):

پایه اصلی این برنامه ریزی به فرض اصلی برنامه ریزی آرمان گرایانه نزدیک است. این نوع برنامه ریزی نیازهای اصلی مردم را مورد توجه قرار می دهد و

با مطالعه و شناخت نیازهای مردم، برنامه مورد نظر به لحاظ قدرت، شیوه ی تحقق اهداف، ابزار و وسایل مورد نیاز، به داوری افکار عمومی نهاده می شود . برخورد سیاسی – اجتماعی این روش براساس مشاوره و سازگاری جمعی است.

تقسیم بندی یاد شده به زبانی دیگر مورد توجه دست اندرکاران امور فرهنگی جامعه واقع شده است. دبیرخانه ی شورای فرهنگ عمومی به عنوان یکی از مجامع تأثیرگذار در مقوله ی فرهنگ، سرمشق(پارادیم) های برنامه ریزی را از یکدیگر تفکیک ساخته است.

مقوله ی برنامه ریزی فرهنگی و گونه های مختلف آن، از جهات دیگر نیز مورد توجه صاحبنظران عرصه ی فرهنگی واقع شده است که در ادامه به یک نوع آن اشاره می کنیم.

برنامه ریزی پیوسته و گسسته

می توان براساس میزان فراگیری و پیوستگی برنامه ریزی های فرهنگی، به صورت بندی دیگری در زمینه ی طبقه بندی انواع برنامه ریزی فرهنگی دست یافت. برنامه ریزی گسسته و پیوسته از انواع برنامه ریزی برطبق ملاک یاد شده است. برنامه ریزی گسسته، به نوعی خاص از برنامه ریزی فرهنگی اطلاق می شود که حاصل تلاش برنامه ریزان در هر حوزه به طور مستقل و جداگانه است لذا بین بخش های مختلف، هیچ نوع ارتباط و همبستگی ارگانیک(اندام وار) به چشم نمی خورد. از سوی دیگر در برنامه ریزی فرهنگی پیوسته ، برنامه ریز با مد نظر قرار دادن الگویی کلی و نظمی اندام واره ، نسبت به برنامه ریزی مبادرت می کند که در نتیجه، حاصل کار، مجموعه ای همبسته از سلسله ی معضل بندی شده تصمیمات و اقدامات خواهد بود.

جایگاه دولت در برنامه ریزی فرهنگی

در زمینه ی مرکزیت تصمیم گیری و برنامه ریزی در حوزه ی فرهنگ، دو نظریه وجود دارد. پیروان نظریه نخست به عدم دخالت نهاد دولت در برنامه ریزی فرهنگی معتقدند. این گروه بر این باور هستند که گسترش فرهنگ ها از طریق برنامه ریزی نبوده است زیرا برنامه ریزی وقتی ضروری به نظر می رسد که ما با مقاومت مواجه شویم، لذا اگر همه کارها به صورت عادی انجام شود و امور به صرافت طبع جریان یابد، کسی سراغ برنامه ریزی نمی رود.

در دیدگاه دوم، دولت به عنوان بزرگ ترین نهاد در نظام موازنه ی اجتماعی، مسؤولیت سرپرستی و تکامل ساختارهای اجتماعی را برعهده دارد، از این رو نه تنها متولی تکمیل فرهنگ بلکه سرپرست رشد و تکامل ابعاد اجتماعی حیات بشری نیز است.

مراحل برنامه ریزی فرهنگی

موفقیت در برنامه ریزی فرهنگی، مستلزم مراحلی است که در پی به آن اشاره می شود:

۱.تجزیه و تحلیل گذشته ی پدیده فرهنگی (پدیده ای که می خواهیم برای آن برنامه را طراحی کنیم).

۲.طراحی ، تدوین و ترسیم دقیق اهداف فرهنگی.

۳.بررسی علمی نیازها و نگرش های اجتماعی فرهنگی گروه مخاطب و شناسایی مناسبات حاکم بر آنها به منظور دستیابی به اولویت نیازها.

۴.شناسایی قابلیت ها، امکانات و توانمندی های ممکن در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری.

۵.شناسایی موانع، مشکلات و محدودیت ها جهت اجرای برنامه در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری .

پاسخ(قسمت دوم)

۶.طراحی برنامه ها با توجه به اهداف ، سنجش نیازها، قابلیت ها، و محدودیت ها.

۷.ابلاغ برنامه به مجریان.

۸.نظارت، ارزشیابی، رفع موانع احتمالی و در صورت نیاز، تجدید نظر در برنامه وطراحی برنامه علمیاتی.

برای تحقق هر برنامه فرهنگی، مقدمات

و شـرایطی لازم است. در سـطح کلان، ثبـات و اقتـدار نظـام اجتماعی از جمله شـرایط اولیه برنامه ریزی است. همچنین تأمین حـداقل نیازهای اقتصادی گروههای هـدف، باعث افزایش اثربخشـی و کارآیی برنامه ریزی فرهنگی خواهـد شـد. عـدم خنثی سازی فعالیت های فرهنگی توسط نهادها و مؤسسات فرهنگی موجود در جامعه از جمله الزامات برنامه ریزی فرهنگی مؤثر می باشد، در غیر این حالت، ماحصل برنامه ریزی فرهنگی، به حداقل ممکن، یعنی نزدیک به صفر خواهد رسید.

سیر اجمالی تحولات برنامه ریزی فرهنگی در ایران

سابقه ی برنامه ریزی در ایران به سال ۱۳۲۷ یعنی سال شروع نخستین برنامه عمرانی کشور باز می گردد. در برنامه ریزی هفت سـاله ی اول و دوم عمرانی که تا پایان سال ۱۳۴۱ به طول انجامیـد، فرهنگ به امور آموزشـی اطلاق می شد. در برنامه ی پنج ساله ی سوم (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶) بخش فرهنگ، در برگیرنده ی امور آموزشی، تربیت بدنی، پیشاهنگی، کتاب و کتابخانه بود.

پس از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ فعالیت های فرهنگی و هنری در قالب آن وزارتخانه متمرکز شد و بتدریج سازمـان هـای دیگری نیز برای انجام بهتر برنـامه هـای فرهنـگ و هنرماننـد سازمـان ملی حفـاظت آثار باسـتانی، شورای عالی فرهنـگ ، سازمان ملی فولکلوریک ایران و هیأت امنای کتابخانه ها ایجاد شـد. از برنامه ی عمرانی چهارم (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱) به بعـد بخش فرهنـگ و هنر به صورت فصـلی مسـتقل در برنامه های عمرانی مورد توجه قرار گرفت و ۳ درصد از کل اعتبارات برنامه به آن اختصاص یافت که صرف مرمت برخی بناهای تاریخی، تأسیس خانه های فرهنگ، آموزش هنر و

کمک به انتشار کتاب های بنیاد فرهنگ ایران شد.

در برنـامه ی پنجم عمرانی کشور(۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶) اعلام شـد که توجه ویژه ای به بخش فرهنگی خواهـد شد و براین اساس در برنامه ی مذکور چنین آمده بود.که "هدف این بخش تعیین و تضـمین خصلت ایرانی، توسعه ی ملی و حراست از ارزش ها و خصایل پسندیده ای است که از تاریخ کهن و درخشان خود به میراث گرفته ایم."

در برنامه پنجم در مجموع ۱/۱۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری ثابت در امر افزایش امکانات و فضاهای فرهنگی - هنری از جمله کتابخانه های عمومی ، موزه ها، واحدهای سیار آموزش سمعی و بصری و کاوش های باستان شناسی و تحقیقات مردم شناسی انجام شد.

در برنامه پیشـنهادی شـشم که تصویب آن با بروز انقلاب اسـلامی مقارن بود و اجرای آن بـدلیل پیروزی انقلاب متوقف شـد، قرار بود بخش فرهنگی بـا هـدف عـدم تمرکز و رفـاه اجتماعی و توسـعه فرهنگی و با اعتباری حـدود ۱۴ میلیـارد ریال به اجرا درآید.

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی، فرهنگ به عنوان یک عامل اساسـی و زیربنایی در ارتقای کیفیت زنـدگی انسان ها و زیسـتن مبتنی بر اندیشه مطرح شد.

لا‌یحه ی برنـامه ی اول توسـعه ی اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگی جمهوری اسـلامی ایران (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶) با هـدف فوق در ضرورت پیراسـتن جامعه ایرانی از مظاهر ضد اسـلامی و معرفی فرهنگ غنی اسـلام به عنوان سـر چشمه ی زلال ولایت به همه جهانیان تدوین شد و در سال ۱۳۶۲ به تصویب هیأت وزیران رسید، اما به علت شرایط جنگ تحمیلی به اجرا در نیامد.

پس از انقلاب اسلامی، مهم ترین کارکرد مورد

انتظـار از فرهنـگ و برنامه ریزی فرهنگی، انتقال پیام انقلاب به مردم و حفظ و ترویـج ارزش های ناب اسـلامی و انقلابی بود. تشویق نیروهـای انقلابـی مسـلمان به انجـام فعـالیت هـای فرهنگی و حمـایت از تولیـدات فرهنگی حـاوی پیـام هـای انقلابـی و اسلامی، به رشد قشر وسیعی از کارگزاران و تولید کنندگان جدید در حوزه فرهنگ و هنر انجامید.

تولیـد کالاهـا و فرآورده هـای فرهنگی در کـانون توجه نهادهـای فرهنگی و حتی غیر فرهنگی قرار گرفت و این تلاش، بیشتر برگروههـای محروم تر اجتمـاعی اعـم از شـهری و روسـتایی - متمرکز گردیـد. وظیفـه ی توزیـع و ارتبـاط کالاهـا و خـدمات فرهنگی میان تولید کننده و مصرف کننده، اغلب از سوی سازمان های دولتی و نهادهای انقلابی صورت می گرفت.

پیامـد کـاربرد سیاسـی فرهنـگ، همگـانی کردن فرهنگ و افزایش مصـرف آن در میان مردم بویژه اقشار محروم جامعه و علی القاعـده افزایش تقاضاهـای فرهنگی بود. این افزایش تقاضـا را می توان ناشـی از برخی تحولات اجتماعی دانست که گسترش آموزش و تعمیم آن، کـاهش میزان بی سوادی، گسترش مراکز و موسـسات آموزش عـالی، گسترش رسانه های جمعی و نفوذ آن به دورترین مناطق کشور، توسعه ی راه های ارتباطی و تحرکات بیشتر جمعیتی از آن جمله اند.

در پی چنین تحولاـت اجتمـاعی وپس از خـاتمه یـافتن جنـگ تحمیلی است که برنامه ی اول توسـعه ی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) با توجه به راهبردهای اساسی زیر تدوین شد:

- اتکا به مشارکت عمومی و توسعه ی فعالیت های مردمی؛

- بازنگری ظرفیت های موجود و جلوگیری از کاهش ظرفیت ها ونهایت بهره برداری از آن؛

به طور

کلی برنامه ی اول سعی داشت تا با سیاست محوری اتکا بر مشارکت عمومی و توسعه ی فعالیت های مردمی، دست کم مانع کاهش ظرفیت های موجود و افول وضعیت فرهنگی شود، بنابراین چشم انداز ده ساله این بخش را می توان به طور خلاصه در دو مرحله ی بازسازی ظرفیت های موجود و حداکثر بهره برداری از آن و سپس توسعه ی ظرفیت های جدید، بیان کرد و"بازسازی" و " توسعه " را به عنوان استراتژی (راهبرد) اساسی آن، برشمرد.

برنامه ی دوم توسعه (۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷) همزمان با گسترش مبحث تهاجم فرهنگی تنظیم شد، اما این موضوع در هدف های کمی برنامه، تجلی ویژه ای نیافت و به هر حال برنامه دوم، راهبردی معین را برای توسعه فرهنگی ارائه نداد . از جمله نکات مورد تأکید در این برنامه می توان به ترسیم خط مشی های کلی و تأکید بر آموزش های اخلاقی، معنوی، اعتقادات، علوم و فنون و پرورش روحیه مسؤولیت پذیری و صرفه جویی و سازماندهی و هماهنگی اشاره کرد. اما با گذشت دو دهه اخیر و در سال پایانی برنامه دوم توسعه، جامعه اسلامی ایران با تحولاتی بنیادین مواجه نشده است. تشدید فرایند تفکیک گروه های اجتماعی و ظهور قشر وسیع جوانان، زنان، افزایش جمعیت ، جوانی جمعیت، افزایش با سوادی، گسترش تحصیلات عالی، تحولات فن آوری جهانی، واقع شدن در مسیر جهانی شدن فرهنگی و ... به ظهور علایق متفاوت و در نتیجه پیدایش تقاضاهای گوناگون فرهنگی منجر شده است.

در پی این تحولات:

- دستگاههای دولتی در تأمین نیازهای فرهنگی شهروندان، موقعیت انحصاری خود را از دست داده اند؛

- فرایند جهانی

شدن و پیشرفت های فن آوری ، کالاهای فرهنگی غیر بومی را با سهولت و به گونه ای گسترده در اختیار تمامی گروه ها قرار می دهد؛

– قدرت اقتصادی دولت، امکان و توان تولید کالاهای متناسب با این تقاضا را فراهم نمی کند؛

– سیاست های کنترل و نظارت بر صدور مجوز فعالیت ها و تولیدات فرهنگی، با پیشرفت فن آوری، اثر بخشی خود را به میزان زیادی از دست داده است به طوری که قدرت نظارتی حکومت بر نحوه تولید و مصرف کالاهای فرهنگی به شدت کاهش یافته است؛

افزون بر مسائل یاد شده، در سالهای پایانی برنامه دوم توسعه و به دنبال انتخابات دوم مرداد سال ۱۳۷۶ در عرصه تحولات اجتماعی ، شاهد دگرگونی هایی گسترده در سطح جامعه بوده ایم که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

•توسعه ی سیاسی – اجتماعی با ایجاد احزاب و تشکل های صنفی و گروهی.

•افزایش انتظار تحقق حقوق اجتماعی فرهنگی فردی و گروهی در سایه ی جامعه مدنی و حکومت قانون.

•گسترش روابط فرهنگی با سایر ملل در سایه سیاست تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها.

•برخورداری از امکانات بیشتر خبری و اطلاع رسانی.

•ضرورت رعایت شفافیت در گفتار و صداقت در رفتار و کردار از سوی متولیان و مسؤولان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و امکان نقد منصفانه اعمال و رفتار مسؤولان و کارگزاران از سوی مردم.

به این ترتیب ، هم کانون مسأله فرهنگ در جامعه ایران دگرگون شده و هم دستگاه فرهنگی موقعیتی متفاوت را نسبت به سالهای گذشته پیدا کرده است.

اکنون با ملاحظه ی تحولات اجتماعی – فرهنگی جامعه ی ایران، لازم است در وهله

ی نخست نیازهای واقعی فرهنگی جامعه را شناسایی کرد، در قالب سیاست گذاری های فرهنگی آنها را طبقه بندی و اولویت گذاری کنیم و آنگاه با برنامه ریزی واقع بینانه ، نسبت به حل معضلات فرهنگی و رسیدن به رشد متوازن و توسعه ی فرهنگی مورد نیازجامعه امروز ایران، همسو و هماهنگ با تلاش برای توسعه ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور دست به اقدام مقتضی بزنیم.

یادداشت ها:

۱.پهلوان، چنگیز. فرهنگی برنامه ریزی، انتشارات پژوهشکده ی علوم ارتباطی و توسعه ی ایران ، ۱۳۵۸، ص ۴۱ تا ۴۶.

۲.اکبری، محمد علی. تجربیاتی از برنامه ریزی فرهنگی، مجموعه مقاله های ساماندهی فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۹، ص ۵۲.

۳.داوری، رضا. در تفسیر برنامه ریزی فرهنگی، مجله فرهنگ عمومی ، شماره ی ۷، ۱۳۵۷، ص ۲۵ تا ۲۶.

۴.رضایی، عبدالعلی . جایگاه دولت در برنامه ریزی فرهنگی و الزامات برنامه ای آن، مجموعه مقاله های ساماندهی فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱.

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پرسش

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پاسخ

تصمیم و عزم راسخ شما را در جهت انجام برنامه های فرهنگی می ستاییم و برای شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم مسلما کار فرهنگی از ضروری ترین ،با اهمیت ترین و زیربنایی ترین اقدامات مورد نیاز جوامع کنونی است که خود گام مهمی برای بیداری و اصلاح بشریت و آماده سازی مقدمات ظهور امام زمان می باشد. درست همان هدف مقدسی که انقلاب اسلامی ایران بر اساس آن شکل گرفته و به پیش می برد.

اما با این همه با توجه به اهمیت و ظرافت کار از یک سو و گسترده بودن دامنه کاری که برای خود مشخص نموده اید ،دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه نیازمند امور متعددی است که اولین گام آن استحکام مبانی عقیدتی و دینی دست اندرکاران این طرح است. داشتن معرفت و بینش صحیح و کاملا اسلامی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی در برداشت و اجرا ارتباط مستمر با اسلام شناسان متعهد و بالاخره استفاده از امکانات مادی و متناسب با شرایط زمانی از این رو توصیه ما این است که در بدو شروع کار واقع بینانه چنین مسائلی را در نظر گرفته و دامنه کاری دقیقی متناسب با توانایی های مادی و معنوی خویش تعریف بنمایید تا ضمن دستیابی سریع تر به اهداف ، از هرگونه اخلال و یا تعللی در ادامه راه ،جلوگیری شود.

در ادامه به معرفی برخی منابع که می تواند در راستای اهداف شما مفید باشد می پردازیم:

الف-معرفی کتب:

-خورشید مغرب ،محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما،۱۳۸۲

-پرتویی از

خورشید،علی شیرازی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲

–حکایت نامه سلاله زهرا(س) ،حسن صدری مازندرانی ،انتشارات مشهور، ۱۳۸۱

– عصر امام خمینی ، میر احمد رضا حاجتی ،بوستان کتاب قم ، ۱۳۸۲

– آسیب شناسی انقلاب اسلامی ،مجموعه مقالات ،نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف ،۱۳۷۹

– راهکارهای اصلاح اجتماعی در حکومت دینی ، حسین ردایی الاملی ،نسیم حیات ،۱۳۸۲

– شیوه های درمانی مفاسد اجتماعی ،علی اکبر بابازاده ،انتشارات دانش و ادب ، ۱۳۸۱

– توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور ، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۷

– آناتومی جامعه ، فرامز رفیع پور ف شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۸

– جامعه سازی قرآن محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ،۱۳۷۸

– تهاجم یا تفاوت فرهنگی ، حسن بلخاری ، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸

–تهاجم فرهنگی ،سید مرتضی حسینی اصفهانی ، انتشارات فرهنگ قرآن ۱۳۷۹

– تهاجم فرهنگی ، محمد تقی مصباح یزدی ،موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶

– پاسخ استاد به جوانان پرسش گر، محمد تقی مصباح یزدی ، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینیف ۱۳۸۰

–مبانی نظری تمدن غرب ، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجوف تابستان ۷۷

ب– سایت های مفید فرهنگی:

– سایت باشگاه اندیشه www.bahgah.net

– سایت کانونwww.canoon.org

– سایت آوینی www.aviny.com

– سایت احیا www.ehyaa.net

– سایت لوح www.louh.net

- سایت تبیانwww.tebyan.net

چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟

پرسش

چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟

پاسخ

تلاش و کوشش جهت هدایت و تشویق افراد به طرف خدا و تقویت ایمان آنها کاری بس ارزشمند است . دعوت مردم به آشنایی با دین و عبادت خداوند از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. چنانچه در روایتی رسول خدا(ص) فرمود: هر کس بتواند یک نفر را هدایت کند و به طرف دین جذب نماید، ارزش آن برتر از تمام چیزهایی است که خورشید بر آنها می تابد.

برای ترغیب و تشویق به انجام فرائض دینی ، ابتدا باید زیربناهای فکری افراد را مورد بررســی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و ... اموری است که نتیجه مستقیم بر ایمان فرد دارد . تقویت و اصلاح این مبانی تأثیر زیادی بر ایمان انسان می گذارد.

قدم بعدی چشیدن و مزه کردن ایمان است. اگر کسی شیرینی و لذت ایمان به خدا را حس کند و از انجام کارهای دینی لذت ببرد ، هرگز نسبت به آنها بی تفاوتی نشان نمی دهد. به همین جهت در دعاها آمده است: «اللهم اذقنی حلاوه ذکرک : خدایا شیرینی یاد خودت را به من بچشان».

قدم سوم پرهیز از اموری است که انسان را از توجه به خدا غافل می کند. گر چه یاد خدا و ارتباط عاشقانه با او بسیار لذت بخش است و هیچ لذتی به پای آن نمی رسد ، ولی اگر لذت های مادی و شیطانی که رسیدن به آنها بسیار آسان است و

روز به روز متنوع تر و گسترده تر می شود، در زندگی فرد وارد شود، کم کم او را از توجه به خدا باز می دارد و ایمان او را ضعیف می کند.

حال با توجه به این سه مطلب، راهکارهای زیر را جهت تقویت ایمان فرد و نزدیک کردن او به دین پیشنهاد می کنیم، اما قبل از آن این نکته را یادآوری می کنیم که هدایت و ارشاد دیگران به طرف خدا امری تدریجی است که لازمه آن صبر و بردباری و تلاش دائمی است و نمی توان انتظار داشت یک مرتبه افراد به همه چیز برسند. باید سعی کنیم قدم به قدم پیش رویم. این راهکارها عبارتند از:

۱. او را به مطالعه کتاب های مفید در زمینه های مذهبی تشویق کنید . گاهی هم کتاب های جالب را که برای او مناسب است خودتان مطالعه کنید و خلاصه آن را برایش بگویید، به این صورت که اگر می توانید با او قرار بگذارید و در یک زمان مناسب این کار را بکنید. شما می توانید این کار را به بهانه اینکه می خواهید از او کمک بگیرید تا اشتباهات شما را اصلاح کند ، انجام دهید. زیرا در غیر اینصورت ممکن است زیر بار این کار نرود.

۲. نصیحت و تذکر مستقیم سودی ندارد. سعی کنید مطالبتان را غیر مستقیم به او بگویید.

۳. قبل از اینکه بخواهید تذکری به او بدهید بهتر است نکات مثبت او را برجسته کنید. و او را به عنوان فردی موفق جلوه دهید و طوری وانمود کنید که تذکرات شما برای بهتر شدن وضعیت او است.

۴. داشتن روابط صمیمی

و دوستانه تأثیر سخن شما را چند برابر می کند پس سعی کنید دائما او را مورد محبت و نوازش قرار دهید و او را از بهترین دوستان خود معرفی کنید.

۵. گاه گاهی از او بخواهید اشتباهاتتان را به شما تذکر دهد تا احساس کند نظرات او را قبول دارید و به آن احترام می گذارید.

۶. سعی کنید وی را به شرکت فعال در تشکلهای مذهبی دانشگاه تشویق کنید و از اعضای آنها بخواهید به او توجه و احترام لازم داشته باشند.

۷. او را به شرکت در مراسم جذاب مذهبی مثل زیارت عاشورا ، دعای توسل و مانند آن تشویق کنید و روحیه توبه و انابه و مناجات با خدا را در او به وجود آورید.

۸. تا جایی که ممکن است ارتباط او را با لذایذ حرام مثل نوارها و سی دی های غیر مجاز و شرکت در مجالس آلوده ، رابطه با جنس مخالف و مانند آن قطع یا محدود کنید، زیرا اینگونه برنامه ها در تخریب ایمان جوانان بسیار مؤثر است.

۹. آینده نگری، احساس مسئولیت و توجه به عالم آخرت را در او ایجاد کنید.

۱۰. از صمیم قلب برای موفقیت خودتان و برای هدایت او دعا کنید و بدانید که اگر در کارتان جدیت و اخلاص داشته باشید ، حتما موفق می شوید، اگر هم موفق نشدید اجرتان پیش خدا محفوظ است و از این جهت جای نگرانی نیست.

۱۱. سعی کنید با رفتارتان او را دعوت به دین و ارزشهای دینی کنید «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم» پیامبر فرمود مردم را با غیر زبان به دین دعوت کنید. زیرا مشاهده رفتار دیگران در

تأثیر پذیری انسان بسیار مؤثر است. این کار هم به نفع شماست یعنی عملا خود شما کمال پیدا می کنید و هم باعث تشویق و تحریض ایشان برای عمل کردن به احکام و ارزشهای دنیوی می شوید.

در اینجا مناسب است با نگاهی روانشناختی به موضوع تأثیرگذاری به این سؤال بپردازیم و نکاتی را یادآور شویم:

مسأله تأثیرپـذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تاثیرگـذاری دخالت دارنـد ویژگی هـای روحی از قبیل اراده استواراخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهـای علمی بالاـ است. تأثیرپـذیری مثبت نیز تـا حـدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پـذیری و حقیقت طلبی شـخص ارتبـاط دارد و تـاثیر پـذیری هـای منفی برخاسته از ضـعف آگاهی و اراده می باشـد. بنابراین هر انـدازه در تقویت اراده خود گسترش صـفات حسـنه و خلـق و خوی پسـندیده و افزون سـازی آگـاهی هـا ودانش هـای خود به ویژه در زمینه مسایـل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت.

بنـابراین تأثیرگـذاری یک مهارتی است که به تدریـج حاصل می شود و تأثیرگـذار و تأثیر گیرنـده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می تواند میزان تأثیرگذاریخویش را افزایش دهد.

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. بـا انـدکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چنـد نکته مثبت و ارزشـمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر

مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمائید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

در پایان، توجه به این نکته لازم است، که بهترین راه برای تأثیر گذاری درسی جوانان ایجاد رابطه عاطفی است و برای دوست شدن با آنها و ایجاد ارتباط عاطفی سعی کنید با او همدردی کنید و در حل مشکلات او همراه او باشید. او را درک کنید و به نیازهای

روحی او توجه داشته باشید، از سرزنش کردن او خودداری کنید به او احترام بگذارید و او را بدون شرط بپذیرید؛ یعنی پذیرش شما نسبت به او مشروط نباشد و به گونه ای رفتار کنید که او احساس کند شما دلسوز او هستید رعایت نکات فوق باعث می شود بین او و شما یک ارتباط صمیمی و عاطفی برقرار شود آنگاه می توانید در قالب صمیمیت و دوستی مشکلات او را گوشزد کنید و در حل آنها به او کمک کنید. اگر برخوردی غیر از این با او داشته باشید و بخواهید از طریق تهدید و امر و نهی با او برخورد کنید قطعا نمی پذیرد و در تکرار اشتباهات اصرار می ورزد و حتی طغیان می کند.

مشکلات فرهنگی دانشگاه را در چه موضوعاتی می دانید؟همچنین اگر بخواهیم در قالب یک گروه دانشجویی روی شناسایی و سپس مقابله با آنها کار کنیم , چه توصیه ای برای ما در ابتدای کار دارید؟

پرسش

مشکلات فرهنگی دانشگاه را در چه موضوعاتی می دانید؟همچنین اگر بخواهیم در قالب یک گروه دانشجویی روی شناسایی و سپس مقابله با آنها کار کنیم , چه توصیه ای برای ما در ابتدای کار دارید؟

پاسخ

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود.

الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای:

۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران . در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نمود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی , فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم . مثلاـ" در زمینه ارزشی ها, وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند, آشکار سازیم , (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند, ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم.

۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و...

۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات

عقیدتی و... .

۴. مسلط بودن بر جامعه شناسی ارتباطات و شیوه ها و روانشناسی تبلیغی.

ب . راه کارها و اقدامات عملی :

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان.

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان , مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و... .

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت , دعا, مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و... .

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب , ارائه فیلم های خوب و مفید و... .

در پایان توجه به چند نکته ضروریست:

۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند.

۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که

با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶. از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد.

۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکنید.

برخی از مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است.

دسیسه ها و تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسؤولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت.

و بالاخره اینکه شیوه ها و راه کارهای فوق تنها بخشی از کار است و شما می توانید جهت اطلاع بیشتر در خصوص جزئیاتی که مورد نظرتان

است سؤال نمایید تا دقیق تر بررسی و پاسخ داده شود.

بنابراین فعالیت های فرهنگی تان را آغاز کنید و از خداوند متعال استمداد کنید وهرگاه با مشکل برخورد کردید با ما تماس گرفته و یا با افراد باتجربه مشورت کنید.

چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود.

پرسش

چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود.

پاسخ

اصل ازدواج به عنوان یک نیاز غریزی نیازی به فرهنگ سازی ندارد. با وجود این آنچه که سؤال شما متوجه آن است، ازدواج آسان و با ملاک های فرهنگ و آموزه های اسلامی است و این سؤال شایسته ای است. در این زمینه شاید نکات ذیل گفتنی باشد:

یکم – همان طور که شما و همه ناصحان وخیرخواهان جامعه ملاحظه می کنند، گسترش زمینه های گناه و فراهم بودن بستر ارتباطات نامشروع و ناپسند از نظر شرع به حدی است که انسان ظهور یک بحران را پیش بینی می کند. پس بر همه ما لازم است که در این زمینه تأملی کنیم و هر کس به وظیفه خود عمل کند.

دوم – دولت اسلامی موظف است همان طور که در قانون اساسی ما به آن تصریح شده است تسهیلات ازدواج جوانان را فراهم کند و فراهم کردن این تسهیلات فقط به وام و... منحصر نمی گردد بلکه ایجاد زمینه اشتغال جوانان و... را در بر می گیرد. بعید می دانیم منظور شما از فرهنگ سازی فقط سخن گفتن و مقاله نوشتن باشد. بلکه باید کارها و اقداماتی صورت بگیرد که رغبت جوانان به ازدواج صحیح روز افزون گردد ولی آیا با وجود این مشکلات، رغبت ها از بین می رود یا...؟ اما آیا درست به این وظیفه عمل می کند یا نه؟ و چرا؟ به این بر می گردد که حکومت اسلامی کارگزاران شایسته می خواهد که به دور از باندبازی ها و سیاسی کاری ها، به فکر جوانان و منافع ملی باشد ودر انتخاب این افراد همه مردم

مسؤولند وهر کسی که دغدغه شما را داشته باشد یکی از وظایفش ایجاد حساسیت در مردم در حضور اگاهانه و مخلصانه در انتخابات و گزینش افراد با موازین اسلام و انقلاب و به دور از هیجانات گروه های سیاسی است.

سوم – رسانه های عمومی اعم از صدا و سیما و مطبوعات و کانون ها و تشکل های فرهنگی باید یکی از اولویت های کاری خود را در این جهت قرار دهند. البته کارهایی شده است اما احیانا برنامه ها و مقالات و اخبار به گونه ای است که یا ایجاد یأس و ناامیدی می کند و یا فرهنگ اباحه گری ترویج می شود که صد در صد باعث بی رغبتی جوانان به ازدواج و روی آوری آنها به ارتباط آزاد و نامشروع می شود و حتی کانون های خانوادگی شکل یافته را نابسامان می کند و یا این که زندگی های اشرافی ترویج می شود که طبیعتا در این وضعیت اقتصادی نمی توان به دنبال آن خانه ها و بلکه مقدمات آن است.

چهارم – مبلغین دین نیز وظیفه ای دارند گرچه در این جهت نیز تلاش های خوبی صورت گرفته است اما چه بسا هنوز عمق بحرانی که ناشی از عدم ازدواج آسان و اسلامی جامعه را تهدید می کند فهمیده نشده است تا تلاش جدی تر انجام پذیرد.

پنجم – مهمتر از همه دو عامل دیگر است:

۱. خود مردم باید تلاش کنند خود مؤمنین که به اسلام و قرآن وفادار و به جوانانشان علاقمندند باید از این وضعیت احساس خطر کنند و به جای خوی جاهلیت و ارزش دادن به مادیات و تشریفات بی ارزش

مقداری از رسومات بی خاصیت بلکه زیانبار بکاهند و فرهنگ تکاثر و چشم و هم چشمی را کنار بگذارند.

۲. بستر گناه بایـد برچیده شود و در این جهت نیز هم دولت اسـلامی موظف است کارگزاران با تفکر بنیادگرایی اسـلامی و نه سکولاـر یـا لیبرال را در مصـدر امور بگمـارد و هم مردم همه وظیفه دارنـد بـا امر به معروف و نهی از منکر زمینه هـای گناه و امکان برقراری ارتباطات نامشـروع را از بین ببرند و یا کاهش دهند وگرنه با وجود غذای مفت و بدون دردسـر کسی به غذای گرانبها و تعهـدات مترتب بر آن نخواهـد داد و البته در این افرادی که در گناه غوطه ورنـد نه از مسـموم بودن آن غـذای مفت آگاهند و نه از ارزش های این غذای گرانبها که لابد می ارزد که این گونه تعهدات پشت سر آن است.

با توجه به اینکه قشر دانشجوی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذراند وقتی فارغ التحصیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روحی فکری و علمی دانشجویان هستید.

پرسش

با توجه به اینکه قشر دانشـجوی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذرانـد وقتی فارغ التحصـیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روحی فکری و علمی دانشجویان هستید.

پاسخ

اگر با دیدی واقع بینانه و منصفانه به بررسی موضوع فوق بپردازیم با دو واقعیت روبرو می شویم:

واقعیت اول این که؛ به برکت انقلاـب اسـلامی و سایر اقـداماتی که بعـد از آن در زمینه دانشـگاه انجام شـد، دانشـگاه ما دچار تحولی اساسـی شد و پیشـرفت های کمی و کیفی خیره کننده ای در بسـیاری از زمینه ها داشت؛ مجموعه دانشگاه ما در قبل از انقلاب که قرار بود در راستای وابستگی هر چه بیشتر کشورمان به بیگانگان حرکت کند، بحمدالله بعد از انقلاب اسلامی، گام های اساسـی در جهت اسـتقلال و خودکفایی کشورمان در زمینه های متعدد برداشته و حتی توانسته در زمینه های بسیار مهم و حساس هم ردیف کشورهای برتر جهان قرار گیرد. پیشـرفت های سـریع و حیرت آور کشورمان در موضوعاتی نظیر علوم پایه دانش هسـته ای، علوم پزشـکی و مسأله سـلول های بنیادی، کشاورزی، دامداری، صنعت و تکنولوژیک مسائل نظامی و دفاعی و... همه به خوبی مؤید این واقعیت است، که همه با همت و تلاش متخصصان داخلی کشورمان که عموما از تحصیل کردگان و فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور پس از انقلاب هستند، به وقوع پیوسته و در حال انجام است.

اما واقعیت دوم این که مجموعه دانشگاهی ما علی رغم پیشرفت های درخشان، دچار برخی نقاط ضعف و کاستی ها خصوصا در زمینه علوم انسانی و رشته های مختلف آن است و متأسفانه بعد از گذشت بیش

از دو دهه از انقلاب اسلامی نتوانسته آنچنان که شایسته نظام اسلام است در راستای تحقق اهداف و آرمان های آن گام بردارد و نیازهای اساسی جامعه و کشور را در این زمینه ها پاسخگو باشد و اگر متأسفانه مشاهده می شود که برخی دانشجویان از کارآیی لازم برخوردار نیستند و یا از وقتشان استفاده بهینه نمی کنند بیشتر مربوط به همین رشته است که امید می رود با برنامه هایی که دستگاه های مربوطه کشور در راستای تحقق به منویات مقام معظم رهبری در زمینه نهضت تولید علم و نظریه پردازی ما در دست اقدام دارند، گام های مثبت و اساسی در این زمینه نیز برداشته شود.

مقام معظم رهبری در اهمیت علم در دانشگاه ها همراه با تقویت بعد معنوی دانشجویان می فرماید: «دانشگاه ها امروز نسبت به گذشته قابل مقایسه نیست ممکن است در سیاست گذاری ها و اجرای آن سیاست ها اشتباهاتی وجود داشته باشد - از گسترش کمی به این شکل دفاع، من به طور مطلق دفاع نمی کنم - لیکن نکته اصلی این است که به علم اهمیت داده شد. ... عزیزان من به علم اهمیت دهید. کلید اصل باز کردن قفل های گوناگون اهمیت دادن به علم است. البته در کنار آن این امر بدیهی را در نظر داشته باشید که علم و عالم همان قدر که می توانند مفید باشند می توانند مضر هم باشند؛ «چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا». اگر کسی که علم در وجود او هست تقوا و پرهیزگاری و امانت و صداقت در وجود او نباشد، می تواند موجود مضری باشد؛

می تواند علیه کشور و مصالح کشور، علم خودش را مورد استفاده قرار دهد. بنابراین در کنار علم، فرهنگ و تزکیه و اخلاق و معنویت هم لازم است؛ در این هیچ شبهه نکنید. حرکت هایی که انجام می دهند برای این که محیط دانشگاه و دانشجو را محیط بی دینی و بی معنویتی کنند، به نظر من گرچه یک مقدارش از روی غفلت است، اما یک مقدارش هم حساب شده است. در این قضیه خیلی ها مقصرند؛ هم در دانشگاه ها مقصر وجود دارد، هم درخود دستگاه های وزارتی و دولتی، عده ای حساب شده می خواهند محیط های دانشجویی و دانشگاه را - که محیط علم و گسترش علمی و رشد علمی و پرورش علمی و آینده علمی کشور است - از معنویت تهی کنند تا در آن، ایمان و تقوا و معنویت و خدا و تعهد دینی وجود نداشته باشد؛ این قطعا حرکتی است به ضرر مصالح کشور» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۰/۸/۱۳۸۳).

و بالاخره علاوه بر این که مسؤول فرهنگی کشور و شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال برنامه ریزی های اساسی برای حل این قبیل کاستی ها و معضلاتند، بدنه دانشجویی کشور و دانشجویان آگاه، متعهد و دلسوز نیز باید در صحنه حضور جدی داشته و به صورت کاملا منطقی و قانونی از اجرای این برنامه ها در دانشگاه ها حمایت و دفاع نمایند.

در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی دهد و یک خوی استبدادی دارد. لذا محیط آن به گونه ای نمی باشد که جوانها را جذب کند و حتی خیلی از جوانها محله از رفتن به آن مکان خود

پرسش

در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی دهد و یک خوی

استبدادی دارد. لذا محیط آن به گونه ای نمی باشد که جوانها را جذب کند و حتی خیلی از جوانها محله ......رفتن به آن مکان خودداری می کنند و دیگر اینکه حس..........به شکل هیات امناء اداره نمی شود و نظرات آن پیرمرد ملاک است البته این فرد سوابق انقلابی زیادی دارد و در قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بسیار فعال بوده است اما بیشتر تجربه دارد تا علم مثلا بلد نیست قرآن بخواند و یک حالت عامیانه دارد و افراط و تفریط می شود. به نظر شما ما چگونه می توانیم با مشکلات این حسینیه برخورد کنیم.

پاسخ

احساس مسؤولیت شما برای انجام کارهای فرهنگی قابل تقدیر است و امیدواریم با تدبیر و مدیریت صحیح و استفاده از تجارب افراد مجرب و دلسوز بتوانید هم زمینه جذب جوانان و هم انجام کارهای فرهنگی را فراهم نمایید. بدون تردید قصد و نیت شما بسیار ارزشمند است اما باید برای علمی ساختن آن از راهکارهای مناسب استفاده کنید. قبل از این که راهکارهایی را خدمت شما ارائه کنیم بیان یک نکته را مفید می دانیم و آن این است که ایجاد تغییر در شخصیت افراد سالمند یا بزرگسال بسیار دشوار و در برخی مواقع غیر ممکن است زیرا مؤلفه های شخصیت آنها کاملا شکل گرفته و تثبیت شده است و سالیان متمادی نیز براساس آن زندگی کرده اند از طرفی کنار گذاشتن آنها نیز به دلیل موقعیت اجتماعی که دارند و همچنین زحماتی که در طول سالیان گذشته متحمل شده اند کار دشواری است و شاید صلاح هم نباشد بنابراین بهترین کار این است که شما

جوانان که انعطاف پـذیرتر هستید کمی انعطاف بیشتری نشان دهید و به قول معروف کوتاه بیایید تا زمینه برای تحقق آرمان ها و اهداف فرهنگی که دارید فراهم شود. عمل به راهکارهای زیر در حل مشکل بسیار مؤثر است:

۱. از رفتارهایی که حساسیت برانگیز است و باعث می شود ایشان در مقابل شما موضع گیری کند اجتناب کنید.

۲. با برخوردهای مؤدبانه با ایشان و انجام فعالیت های مذهبی سعی کنید اعتماد ایشان را به خودتان جلب کنید به عبارت دیگر اینگونه افراد تا به کسی اعتماد نکنند به او میدان برای فعالیت نمی دهند بنابراین تلاش کنید اعتمادسازی کنید.

۳. برای اسـتفاده از امکانات حسـینیه با یک واسـطه اقدام کنید. البته واسـطه ای که هم جوانان را خوب درک کند و هم از نظر فکری مورد قبول ایشان باشد و بتواند اعمال نفوذ کند.

۴. از سایر دوسـتان و همکارانتان بخواهید که نکات فوق را مراعات کند زیرا یک برخورد نسـنجیده و توهین آمیز از طرف هر کدام از جوانان باعث می شود که ایشان بیشتر مقاومت کند واز پذیرش درخواست های شما اجتناب کند.

۵. برخی از کارهای فرهنگی و هنری که در فرهنگسـراها انجام می گیرد شاید مناسب با حسـینیه نباشد بنابراین از انجام آن در حسینیه اجتناب کنید.

۶. به تدریج زمینه به وجود آمدن هیئت امنا برای اداره حسینیه را فراهم کنید.

من دانشـــجویی هستم که می توان گفت امروزی نیستم و تیپ هایی که امروزه در دانشگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خوشی ندارم دلم می خواهد یک برنامه ای در دانشگاهها وجود داشته باشد که این جوانان راه گم کرده را راهنمایی کنند نه با زبان توهین و تحقی

پرسش

من دانشـجویی هسـتم که می توان گفت امروزی نیسـتم و تیپ هایی که امروزه در دانشـگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خوشی ندارم دلم می خواهد یک برنامه ای در دانشگاهها وجود داشته باشد که این جوانان راه

گم کرده را راهنمایی کنند نه با زبان توهین و تحقیر بلکه با زبان خودشان چون یکی از دوستان من نیز از افراد امروزی هست ولی در مدت دو ترم من نتوانستم او را با علاقه ها و اعتقادات خودم همسو کنم و از شما می خواهم که راهی پیش روی من گذارید که با این گونه افراد چگونه برخورد کنم یا چگونه کمی آنها را عوض کنم.

پاسخ

مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارند ویژگی های روحی از قبیل اراده استواراخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهای علمی بالا است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت طلبی شخص ارتباط دارد و تاثیر پذیری های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون سازی آگاهی ها ودانش های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت.

بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می تواند میزان تأثیرگذاریخویش را افزایش دهد.

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و

ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمائید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدّی می تواند تاثیر گذار باشد؟

پرسش

کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدّی می تواند تاثیر گذار باشد؟

پاسخ

اهمیت کتاب و کتابخانه بر کسی پوشیده نیست. و بی تردید می توان گفت فرهنگ و تمدن جامعه ارتباطی ناگسستنی با کتاب و کتابخانه دارد و تاریخ کتاب کتابخانه بخشی از تاریخ پیشرفت معنوی و فرهنگی هر جامعه است.

در اسلام نیز که طبیعت آن با کتاب و کتابت عجین شده و معجزه جاویدان آن کتاب است به امر کتاب خوانی و گسترش کتابخانه ها توجه بسیار شده است. اما برای بررسی تاثیر کتاب و کتابخانه بر ارتقای فرهنگ، ابتدا باید به تعریف صحیح فرهنگ پرداخت.

فرهنگ در لغت به معنای ادب و تربیت، دانش، علم و معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم، کتابی که شامل لغات یک یا چند زبان و شرح حال آنها است و به معنا کاریز آب آمده است. {۱}

برای اصطلاح فرهنگ تعاریف زیادی ارایه شده، رهبر معظم انقلاب آیت اللّٰه خامنه ای در تعریف فرهنگ می فرمایند: «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت عبارت از ذهنیات، اندیشه ها، ایمانها، باورها، سنتها، آداب و ذخیره های فکری و ذهنی است». {۲}

بدیهی است که توسعه و ارتقای فرهنگی وابسته به گسترش کمی و کیفی دستاوردهای فرهنگی است.

چگونگی و میزان تاثیر کتاب و کتابخانه در ارتقای فرهنگ

۱ - کتاب و کتابخانه مرکز اطلاعات و جایگاه فراگیری علوم و دانشهاست. از کتابخانه ها با نگهداری کتابهای مربوط به علوم و دانشها اطلاعات لازم در همه زمینه ها در اختیار مراجعان قرار می دهند و موجب ارتقای اطلاعات آنها می شوند و این امر تاثیر بسیار زیادی در ارتقای فرهنگی جامعه دارد {۳}.

۲ - برخی کتابخانه

با چاپ و نشر کتب مورد نیاز جامعه و قرار دادن آن کتب در اختیار مشتاقان به ارتقای فرهنگ مردم کمک می نمایند {۴}.

۳ – کتابخانه محلی است برای تماس و ارتباط صاحب نظران مسایل اجتماعی و فرهنگی و محلی است برای شناخت جامعه و بررسی افکار، آداب و عقاید.

هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی می توانند در کتابخانه مورد بحث و تحقیق قرار گیرند و این امر در ارتقای فرهنگی تاثیر بسزایی دارد {۵}.

۴ – کتابخانه ها می توانند با درک نیاز جامعه و فراهم آوردن منابع مناسب با آن نیازها، قدمی اساسی در توسعه و ارتقای فرهنگی بردارند.

۵ – با گماردن افراد بصیر، دلسوز و با تجربه بر کتابخانه می توان میزان تاثیر آن را بر فرهنگ بالا برد. وقتی بنا باشد کتابخانه با دارابودن مجموعه کتب مناسب با نیاز جامعه، به عنوان مرکزی جهت ارتقای سطح فرهنگی جامعه مطرح باشد بی شک مدیران کار آشنا و دلسوزی می توانند از سرمایه گذاری انجام شده حداکثر استفاده را ببرند. {۶} چنین مدیرانی می توانند مشاوران و راهنمایان خوبی برای مراجعان باشند و کاری کنند که آنان بیشتر و بهتر از کتب استفاده کنند. این نیز موجب رشد فرهنگی – علمی مراجعان می شود.

۶ – بهبود وضعیت کمی و کیفی کتابخانه ها نیز از عوامل است که اقبال خوانندگان به امر کتابخوانی را افزایش داده و باعث می شود با ترویج فرهنگ کتابخوان سطح فرهنگی جامعه ارتقا یابد از جمله این عوامل می توان از مکان مناسب، افزایش ساعت کار، بازبینی کتابهای موجود در کتابخانه و افزودن سایر منابع اطلاعاتی همچون نشریات، وسایل سمعی و بصری، رایانه و... نام برد.

[۱]. فرهنگ فارسی، معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸، انتشارات امیرکبیر،

.۱۳۶۴

[۲]. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، ص ۴۸، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.

[۳]. کتابخانه ها و سوادآموزی،جانسون، دبرا ویلکاکس، ترجمه رحمت اله فتاحی، ص ۱۱، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۳.

[۴]. همان.

[۵]. فدایی عراقی، غلامرضا، کتاب و کتابخانه، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۷۴.

[۶]. همان.

علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً را هبردهایی کا کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید

پرسش

علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً را هبردهایی کا کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید

پاسخ

از اینکه این علاقه واحساس درشما وجود دارد خیلی خوشوقتیم وآرزوی توفیق برای شما می نماییم وتوجه شما را دراین زمینه به چند مطلب میدهیم:

۱-تا جائیکه می توانید معرفت دینی خود را با اهل بیت زیاد کنید ودراین زمینه زیاد مطالعه کنید.

۲-خودرا مسلح به سلاحهای عملی دفاع از اهل بیت نمائید یعنی با تحقیق ومطالعه بتوانید حقانیت اهل بیت را بطور علمی ومستدل ثابت کنید.

۳-بیشتر از گفتار ، سعی نمائید با عمل وکردار تان دیگران را جذب به مکتب اهل بیت نمائید یعنی با خوش اخلاقی وراستی در کلام وامانتداری ونماز اول وقت وپاکی وتقوا خود به خود دیگران را جذب نمائید .

۴-درمعاشرت ودوستی هایتان حسن خلق وخوش اخلاقی را سرلوحه زندگی تان قرار دهید که بهترین راه جذب است.

۵-از آثار مکتب اهل بیت وارتباط با آنها برای دیگران بگوئید ، بگوئید پاکی وصفای نفس واخلاص ومحبت درسایه اهل

بیت است ، بگوئید درمکتب اهل بیت به انسان صبر می دهند که بهترین سرمایه زندگی است ، بگوئید اینجا ادب یاد می دهند که نشانگر شخصیت انسان است وهمانطور چیزهای دیگر.

خلاصه هرچه فرمایشات ورفتار ائمه را درزندگیتان پیاده کنید دیگران جذب شما می شوند ولازم نیست شما سراغ دیگران بروید البته این مسئله واضح است که باید دراین رابطه تلاشهایی هم بکنید یعنی درصدد تشکیل جلسات مذهبی باشید چراکه تا مکانهایی نباشد برای جذب جوانان کسی نمی داند کجا باید مراجعه کنند.

فرهنگ دینی

سنتهای دینی

آیا مسلمان آمریکایی به جز اعیاد اسلامی می تواند در اعیاد سایر مذاهب به ویژه عید ژانویه و عید پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبریک هدیه و مانند آن... شرکت کند؟

پرسش

آیا مسلمان آمریکایی به جز اعیاد اسلامی می تواند در اعیاد سایر مذاهب به ویژه عید ژانویه و عید پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبریک هدیه و مانند آن... شرکت کند؟

پاسخ

برای مسلمان صحیح نیست سنن و آداب غیراسلامی را ترویج کند و در این گونه مراسم شرکت نماید. گذشته از این برخی از این اعیاد، اساس صحیحی ندارند و غالباً همراه با مراسم ممنوع می باشد، پس مسلمان باید بکو شد تا آداب اسلامی را ترویج کند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۱۷۹

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم((علیهم السلام)) فرق می گذارند؟

پرسش

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم((علیهم السلام)) فرق می گذارند؟

پاسخ

مسأله تعطیلی در تولـد و شـهادت برخی از ائمه((علیهم السـلام)) از امور اعتباری و قراردادی نظام دولتی است. دولت ملاحظه کرده که اگر بخواهد تمام تولدها و وفات ائمه((علیهم السلام)) را تعطیل اعلام کند. قهراً وقفه در کارهای اداری و رسیدگی به امور معاش و فرهنگی و غیره مردم و... ایجاد می شود. و ائمه((علیهم السلام)) به آن راضـی نیسـتند. و از طرف دیگر برخی از وقایع تاریخی در تولّـد و شـهادت برخی از ائمه بزرگوار مانند روز عاشورا و یا تولد حضـرت امیر((علیه السلام)) و یا نقش عظیم امـام جعفر صـادق((علیه السـلام)) را در احیـاء تشـیع و احکام و معارف اسـلامی و... نمی توان نادیـده گرفت و به همین جهت به تعطیلی آن قسم که از نظر حوادث و وقایع تاریخی دارای اهمیّتی بیشتری بوده، اعلان تعطیلی کرده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷

چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبر۶و شب های قدر, به شب زیارتی علی ۷مبدل می شود؟

پرسش

چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبر۶و شب های قدر, به شب زیارتی علی ۷مبدل می شود؟

پاسخ

سفارش و تأکید بر زیارت امیرالمؤمنین ۷و همین طور تأکید بر زیارت امام حسـین ۷رمناسبت های مختلف , حاکی از توجه و عنایت معصومان : به امامت و رهبری دینی و سیاسی بعد از رسول خدا۶است . مهم ترین مسئله ای که بعد از رسول خدا۶بدان توجه نکردنـد, که باعث انحرافات روانی درجامعهء اسـلامی شـد گذشـته از انحراف امامت از مسـیر اصـلی اش که پیامبر بدان سفارش کرده بود انحرافاتی از قبیل تغییر بعضـی ازاحکام و مخالفت و دشمنی با اهل بیت پیامبر: بود تا بدان جا که امام حسین ۷را در کربلا با آن وضع فجیح و زشت به شهادت رساندند و دختران پیامبر را به اسارت بردند. این انحرافات تا بدان جا کشید که وقتی احکـام اسـلامی را نمی فهمیدنـد, دست به قیـاس و حکم تراشـی می زدنـد و حکم الهی را بـا تفسـیر به رأی و قیاس واسـتحسان به دست می آوردنـد و بـدعت ها و انحرفات را به عنوان دین به خورد مردم دادنـد. از این رو تأکید فراوان برتوجه مردم به ولایت امیرالمؤمنین و اهل بیت : مخصوصاً امام حسـین ۷است تا همواره مسـلمانان این راه رادنبال کنند و مسیر آنان را بروند و هدایت بشوند.

امام باقر۷فرمود:

ولایت از بقیه افضل است , چون کلید و راه گشای بقیه است . والی , دلیل و راهنمای نماز و روزه است >.(۱)

جابربن عبداللّه انصاری می گوید: نازل شد, گفتم : یا رسول اللّه ! مراد از اولی الامر چیست و آنان چه کسانی

اند؟ پیامبر فرمود: آنان جانشینان من هستند و امامان مسلمانان اند. اوّل آنان علی بن ابی طالب سپس حسن سپس حسین , بعد علی بن الحسین , سپس ... حسن بن علی و بعد ازاو هم نام و هم کنیهء من و حجّت خدا بر مردم در روی زمین خواهد بود. خداوند او را از دیدگان غایب می گرداند>.(۲)

ذکر و یاد امامان در مناسبت های گوناگون , به خاطر فراموش نکردن راه و دستورهای آنان است .

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۶۵ ص ۳۳۲

(پاورقی ۲.محمدی ری شهری , میزان الحکمه, ج ۴ ص ۳۶۸۴

آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندانشان تأثیری دارد؟

پرسش

آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندانشان تأثیری دارد؟

پاسخ

نماز نخواندن پدر و مادر دو اثر وضعی و تربیتی بر فرزندان می تواند داشته باشد. اثر تربیتی از آن جهت است که فرزندان معمولاً- از اعمال والدین الگو برداری می کنند. اگر فرزندان عمل کردن به آداب و وظائف دینی را از ابتدا در محیط خانه مشاهده کنند و با آن ها خو بگیرند، در سنین بالاتر انجام این کارها برای آن ها طبیعی و آسان خواهد بود.

گاهی با برخی افراد حتی در سنین بالا برخورد می کنیم که با وجود اعتقاد به مبانی دینی، در نماز خواندن سستی می ورزند که یکی از علت های آن می تواند راحت طلبی باشد، یعنی این قبیل افراد از ابتدا به انجام این فریضه عادت نکرده اند و به بهانه های گوناگون از آن سر باز می زنند.

اثر وضعی از این جهت است که هر گناهی آثار جسمی و روحی خاصی بر انسان می گذارد و ترک نماز یکی از گناهان بزرگی است که علاوه بر آثار عمومی، پیامدهای خاصی دارد. در روایتی رسول خدا(ص) پانزده اثر دنیوی و اخروی برای ترک نماز و سبک شمردن آن ذکر کرده اند که عبارتند از:

۱ کم شدن برکت از عمر، ۲ برداشتن برکت از روزی، ۳ محو نشانه نیکوکاران از چهره، ۴ پذیرفته نشدن عمل، ۵ مستجاب نشدن دعا، ۶ عدم برخورداری از دعای نیکوکاران، ۷ با ذلت مردن، ۸ با گرسنگی مردن، ۹ با تشنگی از دنیا رفتن، ۱۰ عذاب قبر ۱۱ تنگی قبر، ۱۲ تاریکی قبر، ۱۳ حساب ذلت آمیز در قیامت، ۱۴ سخت گیری در حساب رسی،

۱۵ عذاب اخروی.[۱]

بـدیهی است که بعضـی از آثـار مـذکور خواه ناخواه گریبانگیر فرزنـدان تارک الصـلاه است. در حقیقت از فضای عطر آگین معنوی و آثـار و برکات نماز محروم انـد، ولی بایـد توجه داشت که این آثار وضـعی و تربیتی در حـد مقتضـی عمل می کنـد، یعنی فرزندان با انجام وظیفه خود می توانند با عامل وراثت مبارزه نمایند و آثار منفی را از خود دور سازند و خداوند فرزندان را به دلیل گناه پـدر یا مارد مؤاخـذه نمی کنـد و حتی برای فرزنـدی که در شـرایط نامساعـد خانواده به نماز اهمیت می دهـد، ثواب دو چندانی عنایت خواهد کرد.

[۱]سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

در فرهنگ بعضـــی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم ســیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند. آیا چنین کاری صحیح است؟ اگر صحیح نیست، وظیفه ما در مقابل این عمل چیست؟

پرسش

در فرهنگ بعضـی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم سـیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند. آیا چنین کاری صحیح است؟ اگر صحیح نیست، وظیفه ما در مقابل این عمل چیست؟

پاسخ

در فرهنگ اسـلامی توجّه به قبور و ارواح مؤمنان امری رایـج و مطلوب است و در روایات اهل بیت(ع) به آن سـفارش فراوانی شده است.

اهـدای هـدایا به ارواح امـوات گـاهی به صورت زیـارت قبور آنـان و گـاهی به صورت نمـاز و قرائت قرآن و دعـا و برگزاری مجالس ترحیم و گاهی به صورت خیرات و هدایای مالی انجام می شود، که هر کدام از آن ها کاری شایسته به شمار می رود و حضرات معصومین(ع) هم به آن ها عنایت ویژه ای داشته اند. نمونه هایی از سخنان معصومین(ع) را ذکر می کنیم:

الف) عمربن یزید از امام صادق(ع) پرسید: آیا می شود برای میّت نماز خواند؟ امام فرمود: "بله، گاهی می شود میّتی در تنگنا است. خـدای متعـال بـا این نمـاز آن گرفتـاری را از او بر می دارد و به او گفته می شـود: برطرف شـدن گرفتـاری تو به خـاطر نمازی است که فلانی برای تو، به جای آورده است".

عمربن یزیـد پرسـید: در یک نماز می توانم دو نفر را شـریک کنم؟ امام فرمود: "بله، روح میّت با اسـتغفار و ترحّم بر او شادی می شود، همان گونه که انسان زنده با هدیه ای که به او داده می شود، خوشحال می گردد".[۲]

ب) امام صادق(ع) فرمود: "نماز و روزه و حج و صدقه و دعا و کارهای خوب در قبر به میّت می رسد و ثواب این اعمال برای

کننده

و میّت، هر دو نوشته می شود".[۳]

ج) امام رضا(ع) فرمود: "هر کس قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت مرتبه در کنار قبر او، سوره قدر بخواند، خداوند، او و صاحب قبر را می آمرزد".[۴]

د) پیامبر اکرم(ص) فرمود: "اموات خود را در قبرها یشان فراموش نکنید. آنان از شما امید احسان دارند. آنان در قبرهای خود زندانی اند و منتظر اعمال خوب شما هستند و خود قادر به هیچ کاری نیستند به روح آنان صدقه و دعا هدیه کنید".[۵]

نتیجه: هدیه برای روح میّت از طریق نماز، قرائت قرآن، دعا، استغفار، صدقه و خیرات، امری صحیح و مورد سفارش معصومان(ع) است. در مراسم بزرگداشت نیز سزاوار است از طریق این امور و خیرات دیگر ثوابی برای درگذشته اهداء کرد امّا کارهای غیر صحیح از قبیل کشیدن سیگار در این گونه مراسم، اثری برای ارواح مؤمنان ندارد، و تا آن مجالس آلوده به گناه نشود، فاتحه و دعا و دیگر خیرات اثار خود را می بخشد.

شایسته است در جامعه اسلامی مخصوصاً در مجالسی که به نام مؤمنان و شادی ارواح تشکیل می شود، از کارهای بیهوده و لغو همانند استعمال دخانیات که هم ضرر مالی دارد و هم ضرر جانی، پرهیز شود.

بنابراین بر همه کسانی که می دانند کلام آنان مؤثر واقع می شود، لازم است: برای برچیده شدن این گونه امور از مجالس مذهبی، با موعظه حسنه و رعایت شرایط امر به

معروف و نهی از منکر، ترویج و تبلیغ نمایند. به امید آن که با محو سنّت های غلط از مجالس ترحیم ثواب بیشتری به ارواح مؤمنان برسد.

[۲] صدوق، محمد بن علی بن

الحسین، من لا یحضره الفقیه، متوفای ۳۸۱ ه، نشر جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۵۵۴.

[۳] صدوق، همان، ص ۱۸۵، ح ۵۵۷.

[۴] بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۶۹، ح ۴ به نقل از الهدایه.

[۵] نوری، طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷، ه ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۱۴، ح ۱۵۷۴.

آیا درست است که "اسپند" دود کردن هفتاد بلا را دفع می کند؟ آیا سند دارد؟

پرسش

آیا درست است که "اسپند" دود کردن هفتاد بلا را دفع می کند؟ آیا سند دارد؟

پاسخ

با مطالعات و بررسی هایی که شد، به حدیثی درباره دود کردن اسفند دست نیافتیم.

امّا در یکی از روایات اشاره شده است که اسفند، دوای هفتاد درد است.

امام صادق(ع) فرمود: "اسپند شفای هفتاد درد است که کم ترین آن ها جذام است، پس از (مداوا کردن با) آن غفلت نکنید. (۱)

ممکن است مقصود از عدد هفتاد، فراوانی فایده این گیاه در درمان دردها باشد، نه انحصار در آن عدد؛ زیرا در روایت دیگر از پیامبر(ص) دوای هفتاد و دو درد بیان شده است.(۲)

۱. طب الأئمه، عبداللّٰه سابور، نیسابوری، منشورات رضی، قم، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۶۷.

سنن و روایات در مورد سرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این ها استفاده شود؟

پرسش

سنن و روایات در مورد سرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این ها استفاده شود؟

پاسخ

چیزهایی که در شرع مقدّس اسلام مستحب هستند، به طور مسلّم برای آخرت مفید است (مثل نماز شب) یا برای دنیا فایده بخش است.

در این صورت اگر امر مستحب به قصد قربت انجام شود، علاوه بر اثر دنیوی، اجر و پاداش اخروی به دنبال دارد، مثل سرمه کشیدن که برای چشم مفید است، که اگر به این نیست که مستحب است انجام شود، ثواب هم دارد. باید توجه داشت که این ها مستحب هستند و انجام آن ها واجب نیست و می شود آن ها را ترک کرد.

اما اگر چیزی برای انسان مفید باشد، دیگر مقیّد به زمان گذشته یا حال نمی شود، بلکه در همه زمان ها مفید و خوب است. پوشیدن لباس سفید یا عبا و عمامه اگر مستحب باشد، مقیّد به زمان خاصّی نیست. اکنون نیز مستحب است مخصوصاً هنگام نماز. این که عرف جامعه می پسندد یا نمی پسندد، به خاطر این است که فرهنگ عرف را عوض کرده اند. ما مسلمانان نباید بگذاریم فرهنگ عرفی ما به دست دیگران عوض بشود.

باید عرفیات غلط جوامع دیگر را به فرهنگ غنی اسلامی برگردانیم و نباید جذب فرهنگ های بیگانه شویم، که بر ما مسلمانان عیب بزرگی محسوب می شود.

در قرآن احسان به پدر و مادر یادآور شده امّا در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟

پرسش

در قرآن احسان به پدر و مادر یادآور شده امّا در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟

پاسخ

احسان و نیکی به همه خویشاوندان در قرآن کریم ذکر شده، از پدر و مادر به خاطر زحماتی که برای فرزندان متحمّل می شوند و نقش مهمّی که در تربیت و پرورش بچه ها دارند، به طور جداگانه و مشخص اسم برده شده است، مطمئناً زحمات و تلاش های هیچ انسانی به اندازه زحمات پدر و مادر نخواهد بود.

قرآن می فرماید: "و إذْ أخذنا میثاق بنی إسرائیل لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً و ذی القربی؛(۱) یاد آورید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم به جز خدا نپرستید و نیکی کنید به پدر و مادر و خویشان خود".

در جای دیگر می فرماید: "نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشاوندان و... بدهد".(۲) نیز فرمود: "خدا به عدل و احسان فرمان می دهد و به بذل و عطا به خویشاوندان امر می کند".(۳)

صله رحم یکی از دستورهای مهم اسلام است و خواهر و برادر از ارحام نزدیک هستند. وابستگان هر چه نزدیک تر باشند، سفارشا ت دینی نسبت به آن ها بیشتر است.

علی(ع) فرمود: "به عشیره و فامیل هایت احترام و اکرام کن، زیرا بال و پرت هستند".(۴)

رسول خدا(ص) فرمود: "صله رحم عمر را زیاد و فقر را از بین می برد،(۵) و فرمود: وصیت می کنم حاضران و غائبان و همه آنان را که در صُلْب مردان و رحم زنان هستند تا

روز قیامت که صله رحم کنند، گرچه یک سال راه بروند، چرا که صله رحم از دین است".(۶) نیز فرمود: "بر کسانی که قطع رحم کنند، رحمت و ملائکه نازل نمی شوند.(۷)

می بینیم که آیات و روایات چگونه در مورد صله رحم تأکید دارند و انسان را از قطع رحم نهی می کنند. می دانیم که بعد از پدر و مادر اولاد نزدیک ترین رحم، برادر و خواهر هستند.

پی نوشت ها:

۱. بقره (۲) آیه ۸۳.

۲. همان آیه ۱۷۷.

۳. نحل (۱۶) آیه ۹۰.

۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، واژه رحم، شماره ۷۰۴۰، ۷۰۴۹، ۷۰۶۰، ۷۰۷۶ و ۷۰۷۷.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پرسش

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پاسخ

باز کردن مغازه و کارکردن در روزهای شهادت ائمه(ع) اشکالی ندارد، مخصوصاً اگر باز بودن مغازه مورد نیاز مردم باشد، ولی خوب است به احترام ائمه(ع) که پدران روحانی و بزرگان دینی ما هستند، مغازه ها را ببندیم، گرچه برای چند ساعت، یا پارچه مشکی به عنوانعزاداری سر در مغازه برنیم، همان طور که اگر یکی از بستگان یا پدر یا مادر فوت می کند، تا چند روز مغازه و کار را تعطیل می کنند.

احترام به ائمه باعث ازدیاد محبّت به آنان و نمایانگر عشق و ارادت به ساحت آنان است، نیز علامت دوستی و پیروی از آنان است. خدا به پیامبر فرمود: "به مردم بگو: از شما مزد رسالت نمی خواهم، مگر محبت و دوستی نسبت به خویشانم (که این مزد رسالت است)".

البته در روز شهادت امام حسین، کسب کراهت دارد و در روایات آمده که خیر و برکت را می برد.(۱)

پی نوشت ها:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۴، ابواب المزار، باب ۶۶، حدیث ۷.

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پرسش

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است.

اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند(۲) پس سنت اسلام این است . البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر

برای میت و

بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان .

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد.

پی نوشت ها :

۱ – وسایل الشیعه، ج۲، ص ۸۸۹ ، حدیث ۵.

۲ – همان، حدیث۶.

برگزار نکردن مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز چه حکمی دارد؟

پرسش

برگزار نکردن مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز چه حکمی دارد؟

پاسخ

برگزاری مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز برای طلب مغفرت و آمرزش آنان می باشد. یاد نمودن از ایثارگری ها و رشادت های شهیدانی است که چون شمع سوختند و روشنی بخش محفل دیگران گشتند و باعث حفظ امنیت و استقلال کشور اسلامی شدند. برگزاری مجالس ختم و بزرگداشت شهدا اگر همراه با سادگی و مخارج کم باشد، امری شایسته و قابل قبول می باشد، ولی وجوب شرعی ندارد. اگر کسی انجام ندهد، کار حرامی و گناه نکردن است، مگر اینکه متوفی وصیت کرده که مجلس ترحیم برگزار کنند و هزینه را از ثلث اموال او بپردازند، اما اگر میت چیزی در این خصوص نگفته یا برای ثلث، مصارف دیگری را تعیین نموده باشد، ورثه او می توانند از اموال خود برای متوفی مصرف کنند.(۱) وجوهی که در این مجالس مصرف می شود، اگر صرف خیرات و دادن صدقه برای میت شود، از جهات گوناگون ، بهتر و مستحب و موجب ثواب میت است. (۲) مگر آنکه بزرگداشت شهدا اثر اجتماعی و فرهنگی بزرگ تری داشته باشد.

پی نوشت ها :

۱ – آیت الله صافی گلپایگانی ، جامع الاحکام، ج۱، ص ۵۳ ، س ۱۸۰.

۲ – همان، ص ۵۳، س ۱۸۱.

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پرسش

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پاسخ

۱) این نگرش که برگزاری مراسم برای مردگان، مرده گرایی است، قابل قبول نیست، زیرا عزاداری برای آن عده که از دنیا رفته اند، احترام به جایگاه و مقام بلند انسان است. در آموزه های دینی انسان جایگاهی والا دارد و هر گونه تجلیل از آن، احترام به حرمت و قداست بشر محسوب می شود. از این رو امروزه جهان برای بزرگان خود که رفته اند، مراسم می گیرند و یاد و خاطره آنان را گرامی می دارند.

از سوی دیگر پاسداشت ها برای شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی برگزار می شود. تجلیل از این شخصیت ها، احیای فرهنگ و تمدن و علم است. پاسداری از علم و تمدن و خلّاقیّت ها نه تنها مرده پرستی نیست، بلکه تمدن سازی و نکو داشت از علم، فرهنگ و تمدن است.

آنچه که مورد احترام قرار می گیرد، شخصیت است، نه شخص. درست است که شخص و بدن او در خاک رفته است، اما شخصیت او (در صورت داشتن صفات ارزشمند) جاودانه و زنده است.

بر همین اساس بزرگان دین برای امام حسین(ع) عزاداری نموده و دیگران را نیز به عزاداری فرا می خوانند، چون شخصیت او که حماسه، تن به ذلت ندادن، فرهنگ ایثار، از خود گذشتگی و دیگر صفات عالی انسانی است، همه در فرهنگ عاشورا و حماسه آن وجود دارد و زنده و پایدار است، تا زمانی که انسان

روی زمین است.

افزون بر آن، در این گونه عزاداری ها، گویندگان، شاعران و نویسندگان به بیان مطالب و حقایقی می پردازند که انسان ها بدان نیاز دارند؛ مثلاً در عزاداری برای امام حسین(ع) از دین مداری، ستم ستیزی، شجاعت و ... سخنی به میان می آید که موجب رشد فکری و فرهنگ سازی می شوند.

البته باید در همه امور از جمله عزاداری ها، از افراط و تفریط جلوگیری شود. عزاداری ها و مراسم باید به گونه ای باشد که طراوت و شادابی از بین نرود و باعث دلزدگی و رنجش نشود که با هدف برپایی عزاداری در تضاد قرار می گیرد.

۲) در اسلام همان گونه که به پاسداشت از مردگان سفارش شده است، به وجود آوردن شادابی و نشاط نیز اهمیت دارد. بر اساس آموزه های دینی است که مردم وظیفه دارند مراسم ولادت بزرگان دینی، بعثت پیامبر و ایام عیدها را جشن بگیرند. این سفارش بدان جهت است که هم از مقام بزرگان و شخصیت ها تجلیل شود و هم شادی به وجود آید. از سوی دیگر در اسلام بر تفریحات سالم نیز تأکید شده است.

امروزه در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که برای بزرگان دین و شخصیت ها مراسم عزاداری برگزار می شود، به مناسبت ولادت و مناسبت های دیگر نیز مراسم جشن برگزار می گردد؛ مثلاً در نیمه شعبان به مناسبت ولادت امام زمان(عج) جشن با شکوه برگزاری می گردد که مقدمات آن از هفته ها قبل فراهم می گردد این از ویژگی های اسلام است که جهت حفظ تعادل روحیه انسان ها هم به عزاداری توجه کرده است و هم به

شادی.

در جمهوری اسلامی از برخی شادی ها به دلیل غیر مشروع بودن آن جلوگیری می شود، از این رو بعضی تصور می کنند در جامعه اسلامی ایران از شادی ها کاسته شده است. عدم برگزاری برخی از جشن ها و یا عدم اجرای برخی از مراسم ها در جشن ها بدان جهت است که مشروعیت ندارند. خیلی از چیزهایی که در جوامع غربی به عنوان شادی مطرح هستند، در اسلام مشروع نبوده و از مصادیق شادی کاذب هستند. جامعه اسلام مؤلفه ها و شاخصه های خاص خود را دارد و باید عزاها و جشن ها بر اساس آموزه های دینی تعریف شود. در عین حال که فرهنگ جوامع مختلف در کیفیت و چگونگی آن ها تأثیر می گذارد.

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشـــی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پرسش

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پاسخ

اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است ؟ آیا اینها خرافات نیست ؟

پرسش

آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است ؟ آیا اینها خرافات نیست ؟

پاسخ

«خرافه»؛ یعنی، چیزی که فاقـد سـند و مـدرک باشـد و مردم بـدون هیـچ اصل و ریشه ای بدان معتقد باشـند. ولی درمورد آب زمزم و تربت کربلا (مرقـد امام حسـین(ع)) مسـتندات متعددی وجود دارد. تجربه نیز در این موارد شاهددیگری بر صـحت این مدعا است.

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است کـه فرمـود: «پس از طـواف و نمـاز... اگر توانسـتی مقـداری از آب زمزم بنـوش و بگو:«خداوندا این آب را علمی نافع و رزقی واسع و شفای از همه دردها قرار بده»،(کافی، ج ۴ ، ص ۴۳۰).

اسماعیل بن جابر گوید: شنیدم از امام صادق(ع) که فرمود: «آب زمزم شفای هر بیماری است»،(کافی، ج ۶ ، ص۳۸۶).

هم چنین از امام صادق مروی است که فرمود: «در خاک قبر حسین(ع)، شفای همه دردها است»،(التهذیب، ج ۶ ، ص۷۴).

گفتنی است که در خوردن از تربت برای شفا گرفتن، باید توجه داشت که باید مقدار بسیار کمی از آن را تناول کرد.

علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است ؟

پرسش

علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است ؟

پاسخ

عدد چهل ریشه در فرهنگ دینی ما دارد. در قرآن کریم آمده است وعده بین خداوند و حضـرت موسـی جهت سخن گفتن با خداوند و نزول تورات چهل شبانه روز بوده است. به همین جهت برخی عدد چهل را عددی کامل می دانند.

در روایتی از پیـامبر گرامی اسـلام آمـده است: من اخلص لله اربعین یومـا فجر الله ینـابیع الحکمه من قلبه علی لسـانه ؛ هر کس چهل روز فقطبرای خداوند تعالی اخلاص ورزد خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می سازد{M، (سفینه البحار، شیخ عباس قمی، مادهخلص).

همچنین همان طور که نوشته اید برخی از ادعیه بر چهل مرتبه خواندن آن تأکید شده است. اما خصوصیت عدد چهل و اسرار نهفته در این عدد چیست، برای ما روشن نیست.

البته چه بسـا بـا توجه به ویژگی هـای انسـان، تکرار «چهل بار» موجب یک ملکه معنوی و تعمیق یک رفتار پسـندیده و قابلیت نزول فیض خاص خداوند می شود.{J

دلیل اینکه در دین مقدس اسلام عدد ۷ هفت دارای اهمیت است و در خیلی از امور جمله طواف کعبه صفا و مروه و غیره .... و همچنین علت اینکه در فرهنگ ملی ما نیز به آن اهمیت داشته اند چیست.

پرسش

دلیل اینکه در دین مقدس اسلام عدد ۷ هفت دارای اهمیت است و در خیلی از امور جمله طواف کعبه صفا و مروه و غیره .... و همچنین علت اینکه در فرهنگ ملی ما نیز به آن اهمیت داشته اند چیست.

پاسخ

عدد شوط های طواف، هفت مرتبه است، مثل عدد رمی جمرات و سعی صفا و مروه، عدد زمین و آسمان نیز هفت است. تعداد روزها هفته نیز هفت است. یعنی مجذور عمر انسان است و انسان به نیابت هر روز هفته یک شوط طواف (تولی) و یا یک سنگ به شیطان (تبری) و یک سعی میان صفا و مروه (فرار از غیر خدا به سوی خدا) دارد. پرسش شما تنها در عدد هفتاد خلاصه نمی شود، همین پرسش نسبت به اعداد ۵ و ۱۲ و ۴۰ و هفتاد نیز مطرح است.

واقعیت این است که اسرار و خواص این اعداد به خوبی برای ما روشن نیست هر چند در مورد هر کدام احتمالاتی داده شده است ولی حقیقت آن را به درستی نمی دانیم. ممکن است چون عدد ۷ در مورد برخی امور واقعی و تکوینی مثل طبقات آسمان و زمین به کار رفته است، سعی شده در امور تشریعی نیز این سنخیت و هماهنگی حفظ شود و به ویژه در فرهنگ ملی و آداب و سنن ملی مثل سفره هفت سین شاید این احتمال قوی تر باشد.

عدد ۱۲ ریشه قرآنی و روایی دارد. حضرت موسی(ع) با زدن عصا به سنگ، ۱۲ چشمه برای طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل جاری ساخت. حواریون حضرت عیسی(ع) نیز دوازده نفر بوده اند، جانشینان پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز

۱۲ نفرند و یا مثلا در مورد عدد ۵، انبیاء بزرگ و صاحب شریعت ۵ تا است و یا اصحاب کساء ۵ تن می باشد.

در مورد عدد ۴۰ شاید توجه به این ویژگی باشد که «چهل» بار تکرار کاری موجب ریشه دار شدن و ملکه شدن آن در وجود انسان می گردد مانند حدیثی که از پیامبر گرامی اسلام(ص) روایات شده که می فرماید:«من اخلص لله اربعین یوما فجرالله ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه؛ هر کس چهل روز تنها برای خداوند متعال اخلاص ورزد، خداوند چشمه های حکمت را از قلب بر زبانش جاری می سازد» (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۳۰).

و نیز در حدیثی دیگر می فرماید: «هر کس برای نفع امت من چهل حدیث حفظ کند، خداوند او را در روز حساب فقیه و دانشمند بر می انگیزد» (همان، ص ۱۹۳۱).

عدد ۷۰ معمولا برای تکثیر و فراوانی و زیادی به کار می رود. مثلا خداوند متعال درباره منافقین در آیه ۸۰ سوره مبارکه توبه می فرماید: «ان تستغفرلهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم؛ حتی اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی هرگز خداوند آنها را نمی آمرزد. این گونه تعبیر در واقع برای تأکید مطلب است، یعنی هر قدر برای آنها استغفار کنی خداوند آنها را نمی آمرزد و منظور تعداد و شمارش نیست که معنا و مفهوم آیه این باشد که اگر مثلا ۷۱ بار استغفار کردی، خداوند آنها را می آمرزد، درست مثل این که کسی به دیگری می گوید: اگر صد بار هم اصرار کنی قبول نخواهم کرد، مفهوم این سخن آن نیست که اگر ۱۰۱

بار اصرار کنی می پذیرم بلکه منظور این است که مطلقا و هرگز نخواهم پذیرفت.

در اقوام ما گاه اظهار می شود که فلان نوزاد توسط فرشتگان و بدون حضور پزشک ختنه شده است. آیا این مسئله واقعی است.

پرسش

در اقوام مـا گـاه اظهـار می شود که فلان نوزاد توسط فرشـتگان و بـدون حضور پزشک ختنه شـده است. آیا این مسـئله واقعی است.

پاسخ

ممکن است به ندرت نوزادی ختنه شده متولد شود. ولی دلیلی و یا روایتی نداریم که توسط فرشتگان ختنه می شود. در برخی روایات این گونه آمده است که امام معصوم(ع) ختنه شده متولد می شود. در روایتی از حضـرت موسی بن جعفر(ع) این گونه نقل شده است که حضرت هنگام ولادت امام رضا(ع) فرمودند این فرزند من ختنه شده متولد شد و هیچ امامی نیست مگر این که ختنه شـده متولـد می شود لکن مـا تیغ بریـدن ختنه را بر محـل ختنه می گـذاریم به جهت تبعیت از سـنت پیـامبر و حنیفیت [شریعت حضرت ابراهیم]. در غیر معصومین نیز این اتفاق افتاده است که فردی ختنه شده متولد شود.

اینجانب دانشـجوی دکترای رشـته مهندسـی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:

اشاره

در طی چند سال عمر دیده ایم که نحوه انجام بسیاری از فروع دین عوض شده

پرسش

اینجـانب دانشـجوی دکترای رشـته مهندسـی عمران میبـاشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشـر دانشـگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:

در طی چند سال عمر دیده ایم که نحوه انجام بسـیاری از فروع دین عوض شده است مثل جمله ؛ یا لطیف ارحم عبد الضعیف؛ که در سجده آخر قرائت میشود و اکنون تقریبا همه گیر شده و یا کیفیت سینه زنی و عزاداری برای امام حسین علیه السلام و یا ازبین رفتن حرمت برخی از حرامهـا مثـل مـاهی ازونبرون و یـا برخی موسـیقیها و ...، آیا ممکن است بسـیاری از فروعات دین، ناشـی از افکار ما و پیروی از ظن باشد (ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخرصون)؟ همچنین آیا ممکن است بسـیاری از صفات

منتسب به حضرت حجت زاییده ذهن ایده آل پرور ما باشد؟

پاسخ

در این باره باید به چند نکته توجه کرد:

۱. دین دارای اصول و محکمات است. که تغییر ناپذیر و پایدار است. به طور عموم معارف اساسی مانند توحید و معاد و احکام ضروری مانند اصل نماز و حرمت شراب از این باب است.

۲. برخی احکام بر موضوعات با تعریف خاص [: منصوص العله] وارد شده لذا هرگاه موضوع بازشناسی شود و با تغییر یابد چه بسا حکم تغییر کند مانند حرمت ماهی بدون فلس و یا حرمت موسیقی اگر تشخیص داده شود که مطرب و یا لهوی نیست؛ و از آنجا شرایط حرمت را به طور کامل ندارد از باب شبهه موضوعیه و یا تغییر موضوع حکم حرمت برداشته می

شود.

۳. برخی اعمال و رسوم جزء مباحات است و انجام و عدم انجام آن به سلیقه و تشخیص خود مردم واگذار شده که از آن به «منطقه فراغ» یاد شده است. مانند مراسم سینه زنی که در هر جامعه ای فرهنگ خاصی در عزاداری دارند. به شرط اینکه به فعل حرام آلوده نشود از سوی شارع منع نمی شود.

۴. برخی اعمال از تجربیات بزرگان گرفته شده و جزء مقبولات گشته و از آنجا که در دایره بدعت و محرمات قرار ندارد بلکه فوائدی بر آن مترتب است انجام آن ترجیح دارد و دلیل بر منع شرعی نداریم مانند برخی اذکار در نمازها که به نیت مطلق ذکر گفته می شود.

۵. برخی احکام نیز امضائی است. یعنی در میان عرف عقلاء رایج است و شارع منع نکرده بلکه ادامه آنرا جایز شمرده مانند بسیاری از معاملات و داد و ستدها در نتیجه بخوبی می توان بدست آورد هر آنچه فایده عقلایی داشته باشد و منع شرعی نداشته باشد جایز است. و در دایره مظنونات قرار نمی گیرد.

درباره صفات حضرت حجت نیز از آنجا که ایشان از امامان معصوم علیهم السلام است هر آنچه مناسب مقام امامت و ولایت می باشد انتساب آن به ایشان جایز است و زاییده ذهن نیست. به ویژه اگر مسؤولیت حکومت جهانی را نیز بر عهده ایشان بدانیم.

برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

یکم. باید توجه کرد که شیوه های عزاداری، غیر از ماهیت عزاداری است. در واقع عزاداری یک اصلی است که به گونه های متفاوت و در شکل های مختلف، ظهور می کند؛ بنابراین آنها صرفاً یک ابزارند نه

بیشتر.

دوم. ابزار و اظهار ماهیت باید با محتوای عزاداری و مغز پیام متناسب باشد؛ به صورتی که بتواند با بهترین، شیواترین، نافذترین و نافع ترین وجهی، پیام و درس و آموزه را به دیگران منتقل کند. به بیان دیگر، باید لباسی باشد که به قامت آن راست آید؛ نه کوچک تر و نه بزرگتر. اگر کوچک باشد، که همه پیام را پوشش نمی دهد و اگر بزرگ تر باشد، ذهن مخاطب را منحرف می کند و او را از اصل فهم حقیقت باز می دارد.

سوّم. می توان برای ابلاغ محتوای پیام، از ابزارهایی که در فرهنگ و تمدن ملل گوناگون وجود دارد سود جست و آنها را به خدمت گرفت؛ چنان که اسلام زبان اردو را در هند به خدمت گرفت و آن را ابزاری برای صدور اسلام به شبه قاره قرار داد. یا فلسفه را از یونان گرفت و آن را در خدمت آموزه های وحیانی گذاشت و ... .

چهارم. اسلام به آداب و رسوم ملل تا زمانی که با آموزه های اصلی و گوهر اسلام در تضاد و تهافت نباشد، احترام گذاشته و هیچ منعی نسبت به آنها روا نمی دارد؛ مثلاً اسلام هیچ گاه برای زبان و رنگ لباس و کیفیت غذای ملل مختلف، فنون، صنایع و علوم - مادامی که با روح اسلام منافات نداشته باشد - محدودیتی قائل نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، از دیدگاه اسلام «عزاداری و سوگواری» اهل بیت(ع)، می تواند در قالب ها، فرم ها و ابزاری که در میان ملل و اقوام مختلف مرسوم بوده، محقق شود و به شیوه های گوناگون تجلّی یابد.این تا زمانی است که قالب ها؛ شکل ها، شیوه ها و گونه ها، به اصل پیام و محتوا لطمه وارد نسازد؛

بلکه به بهترین نحو پیام را در ذهن و جان مخاطب جای دهد. ازاین رو استفاده از شیوه های عزاداری که در زمان صدر اسلام نبوده (مانند زنجیرزنی، سینه زنی، تعزیه و ...) نه تنها بدعت در دین نیست؛ بلکه مددکار اسلام بوده و می تواند در حد خود، شعارهای عاشورا و اهل بیت(ع) را به گوش انسان معاصر رسانده و قلب او را به سمت باور بدان ها سوق دهد.

در هر حال تأکید می کنیم که این ها تنها ابزارند نه بیشتر و باید همواره جنبه ابزاری آنها حفظ شود؛ نه آن که خدای ناکرده ابزار بر جان مسأله فائق آید! ابزار تنها پلی برای گذشتن و رسیدن به بن و مایه مطلب است و هیچ گاه هدف اولی نمی باشد. آنچه گاهی مشاهده می شود، متأسفانه همین قصه تلخ است که عده ای از روی نادانی، به ظاهر بیش از باطن اهمیت می دهند و اصل موضوع را مغفول می گذارند.

آیا زیارت قبور شـهدا، مختص روزهای پنج شنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادرم مانع این کار می شود و بنده نیز برای اطاعت از پدر و مادر، چیزی نمی گویم)

پرسش

آیا زیارت قبور شـهدا، مختص روزهای پنج شـنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادرم مانع این کار می شود و بنده نیز برای اطاعت از پدر و مادر، چیزی نمی گویم)

پاسخ

زیارت قبور، به خصوص قبور شهدا، در همه ایّام هفته ثواب دارد، ولی در برخی روزها، تأکید بیش تری شده است

مرحوم محدّث نوری در مستدرک الوسایل بابی برای روزهایی که زیارت اهل قبور، ثواب بیش تری دارد، آورده که روز پنج شنبه و جمعه از آن جمله است بر این اساس زیارت اهل قبور، روز مخصوصی ندارد.

برای نمونه دو روایت را نقل می کنیم

پیامبر اکرم فرمود: "هر کس قبر والدین خود را یا یکی از آنان را در جمعه زیارت کند، بخشیده می شود و او در زمره نیکان محسوب می گردد."(مستدرک ج ۲، ص ۳۶۵، آل البیت)

سلیمان می گوید: "درباره زیارت اهل قبور از امام باقر۷ پرسیدم امام فرمود: در روز جمعه آن ها را زیارت کن .(وسائل الشیعه ج ۷، ص ۴۱۵، آل البیت)

اما باید توجه داشت که اطاعت از والدین مسئله مهمّی است که قرآن بدان تأکید فرموده است "وَ قَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُوٓاْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَ لِدَيْنِ إِحْسَـٰنًا؛(اسرأ،۲۳) پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید." قضا، مفهوم مؤکّدتری از "امر" دارد و این نشانه تأکید است

قرآن حتّی از اُف گفتن نیز نهی می کند. انسان نباید با صدای بلند و اهانت آمیز و داد و فریاد با آن ها سخن بگوید.(تفسیر

نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۷۶، دارالکتب الاسلامیه)

انسان بایـد در نهایت ادب و احترام با والـدین برخورد نماید; بر این اساس گرچه زیارت اهل قبور، مستحب است ولی اطاعت از والدین واجب و رعایت حال آن ها لازم است

اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم.

پرسش

اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم.

پاسخ

ماه رمضان ماه ضیافت الله است وبعد از اتمام آن روز اول شوال روز عید فطر است . اما فلسفه عید فطر به جهت کسب فضائل و پاداش است که موئمنان در این ماه به جهت طاعت و عبادت کسب کردند آنها یک ماه مهمان سفره کرم الهی بودند و حالا نتیجه این مهمانی را درک می کننـد لـذا این روز, روز عیـد و سـرور است اما برای کسانی که توانسـته انـد از فیوضات این ماه بهره منـد شود و در تکامل روحی خویش گام هایی برداشـته انـد ولی از دست دادن ضـیافت الهی واقعا" ناراحتی دارد لـذا در روایـات وارد شـده که از مـاه رمضان در روزهای آخر آن , وداع کنیـد و توفیق درک روزه سال بعـد را از خداونـد بخواهیـد. برای نمونه حـدیثی نقـل می کنیم که مرحوم حر آملی در وسائـل الشـیعه در بـاب وداع صوم آورده است رسول الله به جابر در وداع از رمضـان این دعـا را تعلیم دادنـد: ((اللهم لا ـتجعله آخر العهـد من صـیامی ایـا فـان جعلته فـاجعلنی مرحوما" ولاتجعلنی محروما"; خـدایا این ماه را آخرین ماه رمضان من قرار مـده و اگر آخرین ماه من است پس مرا ببخش و مرا از رحمت خویش محروم مگردان)).

عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست.

پرسش

عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست.

پاسخ

عید از ماده و ریشه «عود» به معنای بازگشت و رجوع است یعنی رجوع به اصل و حقیقت و فطرت پاک خدایی خود. عید روز توجه به خویشتن خویش و خود اصیل انسانی و دل کندن و گسستن از خود دروغین و غیر اصیل است که با مکر و فریب خود

را اصیل و حقیقی جلوه داده و لباس صاحبخانه را به دروغ بر تن کرده است. در روز عید انسان با حقیقت خود آشتی می کند و پس از مدت ها فاصله و دوری و جدایی از حقیقت خود آن را دوباره می یابد؛ موانع توجه به فطرت و حقیقتش را کنار می زند و به گوهر درخشان و ارزنده درونش متوجه می گردد. بنابراین هر روز و زمان و ساعتی که انسان بر امیال و خواهش های ناروای نفس چیره گردد و دامنش به گناه آلوده نگردد و مطیع خواست خداوند و بنده راستین او گردد، عید است گرچه عید معروف و رسمی نباشد.

امیر مؤمنان در حکمت ۴۲۸ نهج البلاغه می فرماید: «کل یوم لا یعصی الله فیه فهو عید؛ هر روزی که بدون گناه سپری گردد روز عید است». اعیاد اسلامی یادآور وقایع بزرگ و سرنوشت سازی است که اثر خود را در همه زوایای مادی و معنوی مسلمانان آشکار می سازد و عظمت و عزت مسلمانان را در اثر تمسک به قرآن و معارف اسلامی و احکام الهی را به آنها متذکر می گردد. عید فطر عید بازگشت به خدا و جشن اطاعت و تسلیم در برابر الهی و عمل به فریضه روزه

است. عیـد قربـان، جشن تعبـد و سـرسپردگی به فرامین الهی و انجـام فریضه بزرگ و دشوار حـج است که انسان حـج گزار به شکرانه اجابت دعوت حق مبنی بر انجام حج و توفیق انجام آن، خوشحال و مسرور است.

روز جمعه نیز به تعبیر روایـات روز عیـد و بزرگ و سـرور روزهـاست و روز عبـادت و دعا و ذکر و یادآوری الطاف و احسان الهی است. روزهای بزرگی مثل سـیزده رجب و بیست و هفتم رجب و نیمه شعبان و هر روزی که به مناسبتی بزرگ و یا میلاد امامی از اولیای الهی و اهل بیت(ع) اختصاص دارد هر کدام یادآور عظمت و بزرگی و شـکوه و فضـیلت است و به تعبیر قرآن کریم از ایام الله و روزهای بزرگ خداوند است. با بزرگداشت این اعیاد و این مناسـبت ها به یاد می آوریم که دارای پشـتوانه غنی و سـرشاری از معنویت و معرفت و علم و فضـیلت هستیم و چون درختانی استوار و پربار هستیم که ریشه در آب معرفت و کمـال داریـم، پس نبایـد خـود را بی ارزش و یـا کـم ارزش قلمـداد کنیم و خـویش را به رایگـان بفروشـیم و به سـرمایه هـای خدادادمان چوب حراج بزنیم.

اعیاد اسلامی فرصتی برای ارزیابی وضع موجود و فاصله زیادی است که از گذشته پرافتخار و ارزنده خویش گرفته ایم و وقت منـاسبی است که ریشه ضـعف ها و سـستی های خود را بیابیم و برای رفع آنها برنامه ریزی اساسـی و درستی داشـته باشـیم. در ضمن وجود این اعیاد و مناسبت های خجسته و میمون نیاز انسان به شادی و شادابی را تأمین می کند و

این بعد از نیازهای روحی و روانی انسان را برآورده می سازد.

چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟

پرسش

چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟

پاسخ

گذاردن انگشت بر روی قبر هنگام خواندن فاتحه برای میت در روایات ائمه معصومین(ع) وارد شده است. ولی فلسفه این حکم و احکامی از این قبیل که در روایات معتبر وارد شده باشد برای ما روشن نیست و اطلاعات ما از جهان هستی و ارتباط های موجود در ان بسیار ناقص است و دسترسی به آن جز از طریق وحی ممکن نیست. ولی اجمالاً می دانیم دستوراتی که از جانب پیامبر و ائمه معصومین(ع) وارد شده دارای حکمت می باشد چرا که آنان متصل به سرچشمه وحی و مطلع بر واقعیات و حقایق عالم هستی اند.

آغاز کردن کارها با نام خدا چه فایده ای دارد؟

پرسش

آغاز کردن کارها با نام خدا چه فایده ای دارد؟

پاسخ

از آنجا که انسان باید در تمامی اعمال خود، خدا را در نظر داشته باشد و رضای او را در نظر بگیرد شروع کردن کارها با نام خدا نقش بسزایی در این امر دارد.

آغاز کردن کارها با نام خدا به این معناست: که انسان کارها و به طور کلّی زندگی خود را در جهت خداوند و الهام گرفته از فرامین او صورت می دهد و در هنگام عمل رضا و خشنودی خداوند را در نظر می گیرد که این امر در واقع علامت و نشانه خدایی زدن بر کارهاست و در رشد معنوی انسان و در ارتقاء فرهنگ انسانی در جامعه نقش بسزایی دارد.

علاوه بر این با یاد کردن خداوند در آغاز کار، انسان به قدرتی نامحدود و بی کران متوجّه می شود و یاری و همراهی خدای قادر و توانا را در پیشبرد و توفیق آن کار مؤثّر می بیند. به این گونه انسان از آن قدرت لایزال و آن رحمت بی منتها استمداد

می طلبد تا مشمول رحمت و عنایت خاصّ او قرار گیرد.

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم«علیهم السلام» فرق می گذارند؟

پرسش

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم«علیهم السلام» فرق می گذارند؟

پاسخ

مسأله تعطیلی در تولد و شهادت برخی از ائمه«علیهم السلام» از امور اعتباری و قراردادی نظام دولتی است. دولت ملاحظه کرده که اگر بخواهد تمام تولدها و وفات ائمه«علیهم السلام» را تعطیل اعلام کند. قهراً وقفه در کارهای اداری و رسیدگی به امور معاش و فرهنگی و غیره مردم و... ایجاد می شود. و ائمه«علیهم السلام» به آن راضی نیستند. و از طرف دیگر برخی از وقایع تاریخی در تولّد و شهادت برخی از ائمه بزرگوار مانند روز عاشورا و یا تولد حضرت امیر«علیه السلام» و یا نقش عظیم امام جعفر صادق«علیه السلام» را در احیاء تشیع و احکام و معارف اسلامی و... نمی توان نادیده گرفت و به همین جهت به تعطیلی آن قسم که از نظر حوادث و وقایع تاریخی دارای اهمیّتی بیشتری بوده، اعلان تعطیلی کرده است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه«علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟

پرسش

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه«علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟

پاسخ

شکی نیست که باید در موقع سالگرد شهادت تمام امامان«علیهم السلام» بلکه تولّد آنان هم شیعه مراسمی را به عنوان احترام و بزرگداشت آنان برگزار کند گرچه تعطیل نوعی احترام و بزرگداشت به شمار می آید که در مورد بسیاری از امامان ما این نوع از احترام چه به صورت رسمی و چه غیر رسمی در بسیاری شهرها وجود دارد و لکن وظیفه این است که برنامه هایی طرح، شود مانند اینکه مجالسی تشکیل شود و با سخنرانی و یادآوری شرح زندگی و مصائب و فداکاریهایی آنان شناخت بیشتری درباره آن امامان«علیهم السلام» فراهم گردد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پرسش

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پاسخ

باید توجّه داشت که تعظیم شعائر دینی از مهم ترین وظائف هر مسلمان و بلکه بر شیعه ای است، اگر ما معتقدیم که به فرموده امام خمینی«رحمه الله» «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» و اگر می دانیم که دشمنان خاندان پیامبر«صلی الله علیه وآله» سعی داشتند اسلام را از اساس نابود کنند، امّا امام حسین«علیه السلام» با فداکاری و شهادت اهل بیت و یارانش، سبب احیای دین رسول اکرم«صلی الله علیه وآله» و شریعت اسلام شد؛ باید بپذیریم که زنده نگه داشتن و گرامی داشتن عاشورا در واقع احیای اسلام و مکتب قرآن است، آن گاه به جای مخالفت با این امور، تلاش و اندیشه خود را در این مسیر خواهیم انداخت که بر شکوه و کار آمدی آن بیفزاییم.

آری، این که چگونه باید به تعظیم و تکریم شعائر مذهبی پرداخت، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد؛ ولی مسلّماً اصل این مراسم چه در شهادت ها و چه در تولّدها و جشنها باید به شیوه ای بسیار باشکوه باشد، شیوه ای که خاطرات و یادهای چهارده قرن را همچنان تا قیام حضرت حجّه«علیه السلام» به بهترین نحو زنده و پوینده نگه دارد. تا اسلامی که با همین عزاداریها و یا جشن تولّد ائمه«علیهم السلام» به ما رسیده است به نسلهای بعد منتقل شود؛ که حیات دین به حیات شعایر الهی است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟

پرسش

آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟

پاسخ

به طوری که از گفتار رهبران راستین به دست می آید یکی از حقوق فرزند به پدر این است که نام نیکو روی وی بگذارد و

اساساً انتخاب نام بزرگان و برجستگان انسا نیّت که می توانند برای کودك و پیشرفت وی الگو باشند بسیار شایسته و مناسب است و چون ما مسلمانان در زندگی خویش از امامان و رهبران معصوم((علیهم السلام)) الهام می گیریم انتخاب نام از این خاندان برای ما شایسته است ولی چنان نیست که اگر کسی اینگونه نام ها را برای فرزندش انتخاب نکند گناه کرده باشد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پرسش

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پاسخ

مراسم ترحیم(سوم، هفتم و چهلم) از مراسم ما ایرانیان است و هیچ سفارشی در شرع مقدّس برای برگزاری این گونه مجالس نیست. البته، طلب مغفرت و تلاوت قرآن برای میّت مستحب است، ولی درباره مجلس سوم و هفتم و چلهم هیچ گونه سفارشی نشده است. متأسفانه، برخی چشم و هم چشمیها و رسوم نامعقول مردم، موجب رنج خود آنان شده است. در دین مقدّس اسلام آمده است که شایسته است همسایگان برای خانواده عزادار تا سه روز غذا بفرستند و غذا خوردن همسایگان در آن خانه مکروه است; ولی میان ما رسم است که باید شخص عزادار هزینه هایی سنگین بر عهده گیرد و دیگران را غذا دهد. در بسیاری از روستاها و شهرها، بازماندگان عزادار برای برگزاری این گونه مجالس ناچار می شوند املاك خود را بفروشند و زیر بار وامهایی سنگین روند و تا سالها تاوان پس دهند تا به گمان خود، آبروداری کنند. خداوند به این کار راضی نیست و برگزار کنندگان اجری نخواهند برد; زیرا به جای پیروی از دین مقدّس اسلام، گویی می گویند: «بل نتّبع ما الفینا علیه آباءنا(۱); بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره بقره آیه ۱۷۰.

آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نام عقیده ای ایجاد نمی کند!؟

پرسش

آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نام عقیده ای ایجاد نمی کند!؟

پاسخ

اولاـ در نامهایی که از شخصیتها انتخاب می شود معنی و مفهوم آنها معمولاـ مورد نظر نیست بلکه خود نام و انتساب آن با شخصیت، مورد توجه است و آسیه همسر فرعون یکی از بانوان با شخصیت و گرامی و مورد تمجید قرآن مجید و اسوه ی صبر و مقاومت است و انتخاب این نام بسیار شایسته و مطلوب است.

ثانیاً آسیه که نام همسر فرعون بوده معلوم نیست عربی باشد تا آنرا به فارسی به زن اندوهگین ترجمه نمایند ممکن است آسیه کلمه ی عبری باشد.

ثالثاً شخصیت انسان با عمل و تلاش و اراده خود انسان ساخته می شود و وجود یک نام در انسان نمی تواند حاکی از چیزی باشد خوشحالی و ناراحتی معیارهایی دارد که اسم و لفظ در آن دخالت ندارد انسان باید تلاش کند که با ایمان و عمل صالح سرنوشتی شایسته برای خود فراهم آورد و در آن صورت منشایی برای نگرانی البته مسلم است که دین عزیز ما تأکید نموده که نام خوب برگزیده شود، انسانی که با خدا ارتباط دارد و وظایف دینی را بطور کامل انجام می دهد و با نیایش و استعانت از خدا و توسل به پیامبر و امامان مخصوصاً امام زمان((علیه السلام)) همواره به زندگی خویش معنویت و روح می بخشد انسانی سعادتمند است.

آری در احادیث آمده که مؤمن دارای دو نور است یکی نور ترس و یکی نور امید و

همواره این دو در مؤمن هست هم به ثواب خداوند امیدوار و هم از عذاب خدا بیمناك است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

در کتاب مفاتیــح الجنان آمده که هر ساعتی از شــبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسل شدن به امام رضا(ع) ساعت مختصّ به ایشان را چطور محاسبه کنیم؟

اشاره

جواب : مرحوم شیخ عباس قمی از مرحوم شیخ طوسی و دو نفر از بزرگان نقل کرده که آن بزرگواران هر

پرسش

در کتـاب مفاتیـح الجنـان آمـده که هر سـاعتی از شـبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسـل شدن به امام رضا(ع) ساعت مختصّ به ایشان را چطور محاسبه کنیم؟

جواب : مرحوم شـیخ عباس قمی از مرحوم شـیخ طوسـی و دو نفر از بزرگان نقل کرده که آن بزرگواران هر روز را به دوازده ساعت تقسیم کرده و برای هر ساعتی، دعایی همراه با توسل به یکی از دوازده امام(ره) ذکر کرده اند.(۱)

گر چه در این مورد به روایت و حـدیثی بر نخوردیم: مقصود این است که انسان در طول روز به یاد خـدا باشـد و حاجت های خـود را از او بخواهـد. و در این بـاره متوسـل به ائمه اطهـار(ع) باشـد و از این طریق همواره متوجه باشـد که امامـان(ع) ارزش والایی در پیشـگاه خـدا دارند. بدون چنگ زدن به دامان آنان و بدون توسل به آن ها انسان راه به جایی نمی برد و در صـراط مستقیم قرار نمی گیرد.

پیامبر اسـلام(ص) در حدیث ثقلین امامت را در کنار قرآن معرفی فرمود و بیان کرد که قرآن و عترت تا روز قیامت از هم جدا نمی شوند. هر کس بخواهد سعادتمند شود، باید قرآن و عترت را با هم داشته باشد، و اگر تنها از یکی استفاده کرد و توجه به دیگری نکرد، راه سعادت و خوش بختی دور خواهد شد.

ساعت منسوب به امام رضا(ع) عبارت است از حدود پنج دقیقه بعد از اذان ظهر، یعنی بعد از اذان ظهر به

اندازی خواندن چهار رکعت نماز که گذشت، ساعت مربوط به امام رضا(ع) است.(۲)

پاورقی:

۱ – مفاتیح الجنان، ص ۳۱۹ (حاشیه)

۲ – مفاتیح الجنان، ص ۳۱۹ (حاشیه)

پرسش: شنیده ام که در روز عید قربان نباید کارهایی مانند، خیاطی، بافندگی و ... انجام داد، آیا این مطلب سندیت دارد؟

پاسخ

کار کردن در اعیاد اسلامی مثل عید قربان و عید غدیر و ولادت های پیامبر و امامان معصوم و ایّام شهادت های آن بزرگواران اشکالی ندارد، ولی خوب است بخشی از ساعات این روزها را به دعا و عبادت و بزرگداشت آن ایام اختصاص و اعمال مخصوص آن روزها را انجام دهیم. نیز در ایام عزاداری برای بزرگداشت مقام شامخ ائمه (که شهدای راه فضیلت و تقوا و فدایی دین بوده اند) اقدام کنیم. هم چنین در روز های عید را خوشحال باشند و شادی های مشروع و به دیدن یکدیگر برویم.

نیز در روزهای شهادت به جهت احترام بر مصیبت های سخت و جانسوزی که بر آن بزرگواران وارد شده، به سوگواری بپردازیم، چون این گونه کارها موجب خشنودی خدا و ثواب خواهد بود. البته اگر مردم کار لازم و ضروری داشتند و در آن روزها انجام دهند، اشکال ندارد. بخصوص در روز عید که کارکردن اشکال ندارد.

پاورقی:

۱ – مفاتیح الجنان، ص ۵۰۰.

شهادت

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

پرسش

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

پاسخ

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاصّ خود را دارد، و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلا همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است.

از آنجا که کار دین، انقلاب در انگیزه ها بوده است، پس بهترین انگیزه برای کارها و نیز، شرط قبولی اعمال را همین ایمان به خدا دانسته است. در قرآن آمده است:«من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینّه حیوه طیّبه;(۵) هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و(به شرط آنکه) مؤمن باشد، به او زندگی طیب عطا می کنیم».

حتی غسل ندارد(۷) و با لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن، نیکوکاران با بدکاران مساوی نیستند، امّا هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ...) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟

پرسش

شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ...) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟

پاسخ

در فرهنگ اسلام، شهادت دو معنی متفاوت دارد، یکی معنی خاص و دیگری معنی گسترده و عام. معنای خاص شهادت همان کشته شدن در معرکه جنگ، در راه خداست که احکام فقهی خاصی در اسلام دارد، از جمله، عدم نیاز شهید به غسل و کفن، بلکه با همان لباس خونین دفن می گردد. اما معنای عام و وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود و یا بمیرد، که هرکس در حین انجام چنین وظیفه ای به هر صورت از دنیا برود، شهید است. از این رو تمام کسانی که عقیده به حق دارند و در مسیر حق گام بر می دارند و در همین راه از دنیا می روند طبق روایات در زمره شهدا هستند.۲

طبق روایات اسلامی چند گروه از مردم شهید از دنیا می روند:

پیامبر (می فرماید: کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود شهید است.۳

علی (می فرماید: کسی که در بستر از دنیا برود اما معرفت حقیقی پرودگار و معرفت واقعی پیامبر(و اهل بیتش را داشته باشد شهید از دنیا رفته است.۴ امام صادق (می فرماید: کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمین ایستادگی کند و کشته شود شهید است.۵

امام باقر (می فرماید: آن کسی از شما که به مسأله ولایت آشنا باشد و در انتظار ظهور مهدی (عج) سر برد و خود را آماده

حکومت عدل جهانی او سازد، مانند کسی است که همراه با مهدی (عج) آل محمد(با سلاحش جهاد کرده باشد ...۶

روایتی پرمعنا

از پیامبر (وارد شده که عظمت و اهمیت شهادت و مقام شهید را در فرهنگ اسلامی بیان می کند توجه عمیق به این حدیث شریف، هر انسانی را آرزومند چنین مقام والایی می کند.

پیامبر (می فرماید: "هنگامی که جنگجویان تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می گیرند، خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آنان مقرر می دارد، هنگامی که سلاح بر می دارند و آماده میدان می شوند، فرشتگان بوجود آنان افتخار می کنند، زمانی که با بستگان خویش خداحافظی می کنند از گناهان خود خارج می شوند ... از این به بعد هرکاری کنند، پاداش آنان مضاعف می گردد و در برابر هر روز، پاداش عبادت هزار عابد برای آنان نوشته می شود. هنگامی که با دشمنان روبرو می شوند، کسی نمی تواند میزان ثواب آنها را درک کند. به هنگامی که گام به میدان نبرد بگذارند و نیزه و تیرها رد و بدل شود و جنگ تن به تن آغاز گردد، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آنان را می گیرند و از خداوند ثبات قدم آنان را تقاضا می کنند ... ضربات دشمن بر پیکر شهید گواراتر است از نوشیدن آب خنک در روزهای گرم تابستان، آن هنگام که از مرکب می غلطد، هنوز به زمین نرسیده حوریان بهشتی به استقبال او می شتابند و نعمتهای بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته، برایش شرح می دهند زمانی که به زمین می افتد، زمین می گوید: مرحبا به روح پاکیزه ای که از بدن پاکیزه پرواز می کند، بشارت باد تو را به نعمتهایی که در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده ... خداوند می فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هرکس آنان

را خشنود کند مرا خشنود کرده و هرکس آنان را به خشم آورد مرا به خشم آورده."۷

قرآن نیز موضوع مرگ را در مورد شهید منتفی می داند و می فرماید: "آنان زنده اند و نزد پروردگار خود روزی می خورند، اما شما نمی توانید درک کنید. (که آنان از چه فیض و رحمتی برخوردارند.)۸

با عنایت به مواردی که ذکر گردید، شوق به دریافت پاداشهای الهی و درک مقام و منزلت شهید است که سعی و تلاش روزانه، محبت و گذشت و ایثار و بخشندگی ما را در قبال یکدیگر، دوستی و علاقه ما را به (و بندگی و عبادت ما را در برابر خداوند منان، معنا و مفهوم حقیقی می بخشد، و بدین جهت است که موضوع شهادت باید به عنوان یک هدف اصیل و مقدس و فراتر از یک آرزو و یا عشق، نصب العین همه انسانهای موحد و خداجو قرار گیرد که اگر این منطق حاکم گردد، هر نوع رخوت و سستی و افسردگی و یأس و ظلم پذیری و تسلیم در برابر دشمنان را از جوامع بشری دور خواهد کرد.

درصدر اسلام آنچه که تقویت روحیه مسلمانان در برابر ظلم و ستم و شکنجه مشرکان قریش را موجب می گشت، و نیز در طول نبردهای مقدس باعث تحرک و مقاومت و پیشرفت مؤمنان و موحدان می گردید، انگیزه دستیابی به این مقام و موهبت بود.

در زمان ما نیز که دوران صلح است و حسرت خوردن بر راهی که بسته شد، جهاد و نبرد در میدان فرهنگی که از انواع جها اکبر است فضیلت و جایگاهی والا دارد و مبارزه در این میدان و حمایت از فرماندهی معظم کل قوا

نشانه عشق به شهادت است.

منابع و مآخذ :

۱- تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷

۲- تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۵

۳- سفینه البحار مادر شهید ج ۱ تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷

۴- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰ آخر خطبه

۵- سفینه البحار به نقل از تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷

۶- تفسیر مجمع البیان ج ۹ ص ۲۳۸ بنقل از تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۶

۷- خلاصه روایتی از مجمع البیان مرحوم طبسی ج۲، آیه ۱۷۱ آل عمران بنقل ازتفسیر نمونه ج ۳ ص ۱۷۳۱۷۲

۸- بقره ۱۵۴

آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد

پرسش

آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد

پاسخ

شهیدان نیز افرادی مانند دیگران هستند، لکن با پشت پا زدن به تمتّیات دنیایی و جست و جوی آرمانی برتر،توانسته اند عالی ترین مدارج کمال را کسب کنند. در طول تاریخ اسلام، همواره شخصیت هایی این چنین بوده وهستند. البته شرایط رشد و ظهور آنان، متفاوت بوده است. برای نزدیک شدن به شخصیت آنان، بهترین راه تقوا، خداگرایی و ترک تعلقات دنیوی است. J}

چه کسانی شهید محسوب می شوند

پرسش

چه کسانی شهید محسوب می شوند

پاسخ

آدمی نوعا در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می دهد و غالبا بر آن امررضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد، ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود رادر راه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می شود یک سطح دانست،لذا خداوند در قرآن می فرماید: «به آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می خورند»، (بقره، آیه ۱۵۰)

هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقام شهیدان نزدیک تر می شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالا می برد.

راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟

پرسش

راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟

پاسخ

پاسداری از حرمت خون شهیدان وظیفه هر مسلمانی است و همه ما در روز قیامت نسبت به آن سؤال و جوابخواهیم شد. طریقه آن نیز با توجه به هدف آن عزیزان روشن است. آنان برای حفظ اصل دین و اجرای احکام آن درجامعه شهید شدند. ازاین رو ادامه راهشان همانا اجرای احکام الهی و دوری از گناهان و پیروی از عالمان دینیمخصوصا رهبری انقلاب است. ما باید جامعه ای بسازیم که مطلوب آن عزیزان است.

در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نگه داشت برای من توضیح دهید ؟

پرسش

در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نگه داشت برای من توضیح دهید ؟

پاسخ

به قول شـهید مطهری «مرگ هـایی که شـهادت است در آن مرگ انسـان بـا توجه به خطرات احتمـالی یـا یقینی فقـط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله باشد. هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدّس است و از هر گونه انگیزه ی خودگرایانه منزّه و مبرّاست، تحسـین انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقّی می شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ اسـت که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدس تر است»(قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری).

انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می برد. در احکام شهید می خوانیم کسی که به امر معصوم(ع) یـا نایب او به جبهه برود و در میـدان نبرد کشـته شود شـهید است غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود»(امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۶).

بـا ایـن حـال روایت هـا و اخبـاری هست مبنی بر این که اگر کسـی بمیرد، در حـالی که در قلب دارای محبت اهـل بیت است، شهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می رود(تفسیر کشّاف، ج ۳،

ص ۴۰۳. این حدیث طولانی است که از حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده است).

یا در روایتی دیگر از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: «من عاشَ مداریاً مات شهیدا؛ هر کس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نبینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است»(کنزالعمّال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱).

این گونه روایت ها به این موضوع اشاره می کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد.

در انتهای سخن سفارش می کنیم زیارت امین الله را هر روز یا هفته ای یک بار با توجه و تأمل بخوانید. یکی از قسمت های مهمّ این زیارت شریف این عبارت است: ... اللهمّ فاجعل نفسی مطمئنّةً بقَدرِکَ، راضیةً بِقضائک... بارخدایا! پس جان مرا مطمئن و آرام نسبت به سرنوشت قرار بده، و مرا خشنود نسبت به داوریت بگردان{M(حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۷۸).

که اشاره دارد خدایا مرا به مقام «رضا» و «خشنودی» برسان تا آن چه به من می رسد مرا از توجه به تو باز ندارد.

شهادت درجه ای است که خداوند نصیب افرادی می کند که قابلیت آن را داشته باشند; یعنی , واقعا" اهل تقوا بوده و عاشقانه آن را طلب کنند. البته در بعضی از روایات آمده است که : زن و مرد با ایمان اگر نیت کار خیری را داشته باشند, هر چند موفق به آن عمل نشوند ثواب آن را در نامه عمل آنها می

نویســند. در روایـت دیگری نیز آمـده اسـت : فرد مـؤمن (چـه زن و چـه مرد) اگر در بسـتر بیمـاری هـم بمیرد, در زمره شـهدا محسوب خواهد شد.

آرزوی شـهادت به معنـای برگزیـدن بهترین نوع مرگ است . به عبارت دیگر همه از دنیا رفتنی هسـتند; اما هنر انسان با ایمان آن است که بـا بهترین انتخاب از دنیا می رود. شـهادت به معنای پـذیرش مسؤولیتی بزرگ تر در برابر مسؤولیت های کوچک تر است . شهادت خودکشی و مسؤولیت گریزی نیست ; بلکه انجام رسالت های بزرگ تر اجتماعی و فداکاری در راه مصالح عالی اسـلام و جامعه اسـلامی است . شهادت طلبی به معنای آن است که در عرصه نیاز جامعه به فداکاری , مصالح شخصی و خانوادگی ماننـد غل و زنجیر انسان را پای بسـته نمی کنـد; بلکه انسان شـهادت جو, مرز و حصار خودیت و دلبسـتگی و تعلق خانوادگی را پاره می کند و در راه آرمان های مقدس عاشقانه و بدون اندک درنگ به پیش می تازد.

در مورد شــهدا سؤالی داشتم که مدتهاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشته شده اند شهید نامیده می شوند آیا همه آدمهای خوبی بوده اند. مثلا شاید یکی داشته دزدی می کرده و خمپاره ای به او خورده باشد و جانباز یا شهید شده باشد؟ یا اینکه مثلا

پرسش

در مورد شـهدا سؤالی داشـتم که مـدتهاست ذهن مرا به خود مشـغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشـته شده اند شهید نامیده می شوند آیا همه آدمهای خوبی بوده اند. مثلا شاید یکی داشته دزدی می کرده و خمپاره ای به او خورده باشد و جانباز یا شـهید شـده باشـد؟ یا اینکه مثلا سـنی بوده . خواهش می کنم برایم توضـیح دهیـد که چرا بعضـی از جانبازان و حتی آزادگانی که سالها در دست رژیم بعث اسیر بوده اند الان آدمهایی هستند که اصلا از آنها انتظار نمی رود مثلا نماز نمی

خوانند و یا حتی از این هم بدتر.

پاسخ

مرگ هایی که شهادت است در آن مرگ انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله و هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدّس است و از هر گونه انگیزه ی خودگرایانه منزّه و مبراست، تحسین انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقّی می شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدّس تر است(قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری).

انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می برد. در احکام شهید می خوانیم کسی که به امر معصوم(ع) یا نایب او به جبهه برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود»(امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۶).

با این حال روایت ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسی بمیرد، در حالی که دارای محبّت اهل بیت باشد، شهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می رود(تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۴۰۳. این حدیث طولانی است که از حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده است).

یا در روایتی

دیگر از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: مَن عاشَ مداریاً مات شهیداً هر کس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نبینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است(کنزالعمّال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱).

این گونه روایت ها به این موضوع اشاره می کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد.

اما این که در سؤال آورده اید اگر کسی بدون انگیزه الهی و یا حتی شیطانی مثل دزدی کردن که مورد سؤال شما است هدف گلوله دشمن واقع شد آیا شهید است یا خیر؟ باید گفت: قطعا جزء شهدا نمی باشد به خصوص آنجا که در حال گناه باشد مورد مؤاخذه الهی قرار خواهد گرفت.

اما درباره کسانی که قبلا در جبهه ها فداکاری کرده یا جانباز شده و یا اسیر بوده اند؛ حال، چرا بعضی از آنها اهل گناه و بی نمازند؛ آنچه می توان در پاسخ بیان کرد این که افراد انسانی همواره در آزمون الهی به سر می برند و با توجه به این که انسان دارای اختیار و اراده و عقل خدادادی است هم می تواند خوب باشد و هم بد، جبهه رفتن و جانباز یا آزاده شدن، همگی مثبت و باعث عزت و افتخار است، البته تا وقتی که انسان در طاعت بندگی خداوند متعال باقی بماند و اگر از مسیر حق انحراف پیدا کرد و دچار وسوسه های شیطانی

و اعمال آلوده شود، دیگر آن افتخارات و ارزش های گذشته ممکن است رنگ ببازد و حتی خدای ناکرده مورد قبول درگاه الهی نشود، ما در تاریخ افراد زیادی داریم که در مقطعی از زندگی بسیار خوب بودند – مثل طلحه و زبیر – (از اصحاب پیامبر اکرم(ص)) ولی در مقطع دیگر در برابر امام معصوم علی(ع) صف آرایی کرده و کشته شدند و به همین دلیل در اسلام توصیه شده است که همواره از خدا عاقبت به خیری بخواهید و همیشه مراقبت کنید تا گناهان پیش نیاید.

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پرسش

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پاسخ

یک موضوع می تواند از جهات مختلف چند جور تفسیر و بیان شود مثلاً یک شخص برای شاگرد خود معلّم است امّا برای فرزند خود پدر و برای یک راننده مسافر است. با اینکه در همه این موارد یک نفر است پس از آنجا که بهترین نوع مردن شهادت است و یک توفیق محسوب می شود می توان تبریک گفت و از آنجا که فقدان یک مؤمن و یک عزیز از بین امّت، کم شدن یک نیروی با ارزش و هجران از اوست می توان تسلیّت گفت. چنانکه در حدیث آمده وقتی دانشمندی بمیرد رخنه ای در اسلام ایجاد می شود که چیزی آن را پر نمی کند و حال آنکه خود آن شخص مرگ در راه حق را افتخار می داند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند, شهید محسوب می شود؟

پرسش

آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند, شهید محسوب می شود؟

پاسخ

رسول الله ۶فرمود:

علم و دانشجو در حالی که علم و دانش فرا می گیرد بمیرد, از شهدا به حساب می آید>.

از حدیث شریف نبوی ۶امور استظهار می شود, از جمله :

۱ شخصی که در مدرسه است , باید طلبه و دانش آموز و یا دانشجو باشد.

۲ در حال فراگیری یا ساعات فراگیری علم و دانش باشد.

۳ علم و دانش مربوطه به امور دین و مـذهب باشد. اگر مربوط به علوم تجربی و مادی باشد, باید قصد طالب علم این باشد که با فراگیری آن , به امور مادی و معنوی مردم خدمت کند.

۴ هدف فراگیرنده خدا و خدمت به خلق باشد, نه فخر فروشی به دیگران و ضربه زدن به دین و خَلق خدا.

افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی کنند، چه حکمی دارند؟

پرسش

افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی کنند، چه حکمی دارند؟

پاسخ

شهید کشته راه خدا است. نخستین کسی که به بهشت رود، شهید است، و شهدا از شفاعت کنندگان در قیامتند.(۱)

شهید قلب تاریخ است. شـهدای جنگ تحمیلی سوختند تا اسـلام پاینده باشد. آنان رفتند تا ما زنده باشـیم. آنان رنج را بر جان خریدنـد تا دیگران راحت باشـند. آنان در خاک و خون غلطیدنـد تا دشـمن در خاک ذلت بغلطد. اگر امروز نام ایران سـربلند است، به برکت خون شـهیدان است و اگر دشـمن تا دنـدان مسلح و حمایت شـده توسط همه قدرت های جهان ناکام ماند، به خاطر جان فشانی های رزمنـدگان اسـلام بود. کیست که ندانـد بقای کشور جمهوری اسـلامی ایران مرهون خون شـهدا و ناله جانبازان و مقاومت جانانه رزمنـدگان اسـلام است؟ به همین خاطر شـهید فقط مربوط به خانواده خود نیست، بلکه به همه ملت تعلّق دارد و همه موظفند که از شـهدا و خانواده مکرّم شان تجلیل نمایند و در مراسم شان شـرکت کنند. اگر کسـی در مراسـم شهید شـرکت نمی کند، ممکن است بر اثر ضـعف ایمان، ضعف فرهنگ و یا مشاهده نارسایی هایی در جامعه باشد که در هر حال باید چنین اشخاصـی توجیه شوند که شـیهد عزیزترین سـرمایه اش را که جانش است، برای اسـلام و قرآن و مملکت داده است. بر همه ما لازم است که حرمت خون شهدا را پاس بداریم و این لرزش قائل شدن برای خودمان است وگرنه شهید به این چیزهـا احتیـاج نـدارد، چرا که او به عـالی ترین مقام های اخروی نایل شـده است. البته ممکن است که عـدم شـرکت به جهت مشغله های دیگر باشد و

صِرف شرکت و عدم شرکت نمی تواند دلیل بر اعتقاد داشتن شخص به مقام شهدا یا عدم اعتقاد آن ها باشد. آنچه که گفتیم در مورد اعتقاد و باور به مقام شامخ این عزیزان است، اما در مورد حکم، اگر منظور حکم شرعی خاص در مورد عدم شرکت در مراسم شهید باشد، حکم خاصی وجود ندارد. اگر عدم اعتقاد یا خدای نکرده توهین به مقام شهید باشد، چنین افرادی باید آگاه و فهمانده شوند. آگاه کردن از باب امر به معروف با توجه به شرایط آن لازم است.

پی نوشت ها:

۱. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۵۸۲، ماده شهید.

آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می کنند و در آن جابه دست آمریکایی ها کشته می شوند، نزد پروردگار از جایگاه یک شهید برخوردارند؟

پرسش

آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می کنند و در آن جابه دست آمریکایی ها کشته می شوند، نزد پروردگار از جایگاه یک شهید برخوردارند؟

پاسخ

اگر در سفر آن ها خوف ضرر عظیم یا خطر مرگ وجود نداشته و عبور از مرز کشور بر خلاف قانون جمهوری اسلامی ایران نباشد، می توان گفت که اجر شهید دارند، زیرا طبق نظر حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظّم رهبری، و سایر مراجع عظام عمل کردن بر خلاف قانون نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، شرعاً جائز نبوده و حرام می باشد.

چنانچه رفتن به زیارت عتبات عالیات، با توجه به روایات مؤکّد و زیاد در این خصوص، بر خلاف فتاوای مراجع عظام تقلید بوده، نیز بر خلاف مقرّرات نظام باشد، جائز نمی باشد.

در صورتی که بر خلاف مقرّرات باشد نماز آن ها در این سفر و سفرهای شبیه به آن، تمام و کامل می باشد، زیرا سفر معصیت می باشد که در رساله های عملیه، دستور به خواندن نماز کامل در سفر معصیت داده شده است.(۱)

زائرانی که سفرشان بر خلاف مقررات نبوده و خوف ضرر عظیمی نمی داده اند و به زیارت عتبات عالیات رفته اند، اگر اتفاقاً به دست جنایتکاران کشته شوند، مظلوم هستند و ثواب عظیم دارند.

پی نوشت ها:

۱. دفتر مقام معظم رهبری در قم، استفتاء تلفنی.

در حالی که می دانیم نبش قبر در اسلام جائز نیست، چĀژاستخوان های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟

پرسش

در حالی که می دانیم نبش قبر در اسلام جائز نیست، چرا استخوان های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟

پاسخ

اگر میتی یا شـهیدی را دفن کرده باشـند، نبش قبر او حرام است، ولی در مواردی نبش قبر جائز است، از جمله آن که میت بی غسل یا بی کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسـلش باطل بوده، یا به دسـتور شرع کفن نشده، یا در قبر، او را رو به قبله نگذاشته اند. نیز اگر در زمین غصبی دفن شده باشد، یا در جایی که بی احترامی به او است، دفن شده باشد.(۱)

در مورد شهدای جنگ تحمیلی باید توجه داشت: اوّلاً آنان دفن نشده اند تا آوردن آن ها از مناطق جنگی نبش قبر باشد.

ثانیاً اگر چه شـهدا غسل و کفن نیاز ندارنـد، اما خواندن نماز بر آن ها واجب است و بر آن ها نماز میت می خوانند. ثالثاً برای زدودن ابهـام لازم است بـا بررسـی هـای لازم وضع مفقود الاثر یا مفقود الجسـد......را روشن نمـوده ..خـانواده های آنان را از سردرگمی ƠṣЉ...Ṣآورد.

پی نوشت ها:

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۶۴۳.

چرا به کسانی که اکنون در عراق توسط نیروهای آمریکایی کشـــته می شوند، شهید اطلاق نمی شود اما به افرادی که در فلسطین کشته می شوند، شهید می گویند؟

پرسش

چرا به کسـانی که اکنـون در عراق توسـط نیروهـای آمریکـایی کشـته می شونـد، شـهید اطلاـق نمی شود امـا به افرادی که در فلسطین کشته می شوند، شهید می گویند؟

پاسخ

از دیدگاه قرآن و روایات به کسـی که در راه خدا در معرکه جنگ کشته شود، شهید گفته می شود. کسانی که به قصد تقرّب

و نزدیکی به خدا و انجام تکلیف دینی و اطاعت از پیامبر یا امام از شهر و خانه خود "هجرت" نمایند و کشته شوند یا به مرگ طبیعی و یا حادثه ای از دنیا بروند؛ مشمول عنایت ها و لطف و رحمت های ویژه ای می شوند.

قرآن کریم، هر کجا این بحث را مطرح نموده، قید "فی سبیل اللَّه" را آورده، یعنی مرگی ارزشمند است که "در راه خدا" و به خاطر اطاعت از فرمان او باشد.

ماهیت قیام مردم فلسطین به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال های اخیر روشن است. مردم با شعارهای اسلامی و با تمسک به قرآن، به دفاع از سرزمین اسلامی خویش می پردازند و کشته می شوند.

کشته شدگان از نگاه روایات شهیدند. امام صادق(ع) فرمود: "مَن قتل دون ماله فهو شهید؛ کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان و متجاوزان ایستادگی کند و کشته شود، شهید است".(۱)

البته مقصود آن است که پاداش شهید دارند یا مقصود شهید به معنای عام هر فردی یا گروهی با انگیزه الهی و دفاع از حق، با متجاوزان خارجی و ستم پیشه گان وابسته و مزدور داخلی، مخالفت و مبارزه کند و کشته شود، شهید است. مکان مهم نیست، انگیزه ملاک است. به بیان دیگر: حُسن فاعلی(نیت) و حُسن فعلی (شکل و

ساختار عمل به فرمان خدا)، ملاک ارزشمندی و فضیلت عمل است.

در مورد عراق به برخی از کشتگان مانند آیت اللّه حکیم شهید اطلاق شده است، امّا این که در برخی موارد به کشته شده گان شهید اطلاق نمی شود، به چند جهت است:

۱- دشمنان امروز ایران را به دست داشتن در حوادث عراق متّهم می کنند و برای این که بهانه جویی به دست دشمن داده نشود، در مواردی از کاربرد الفاظ خاصی مانند شهید خودداری می شود. در این موارد انگیزه سیاسی مطرح است.

۲- برخی از کشته گان بی آنکه قصد مبارزه با آمریکا داشته باشند، در بمباران ها و حوادث مختلف کشته می شوند.

۳- گروه های مختلف در عراق مبارزه می کنند که انگیزه برخی (مانند طرفداران صدام یا القاعده) در راه اسلام نیست.

۴- برخی از کشتگان معلوم نیست توسط چه کسانی کشته می شوند و هدفشان چیست. در پایان اینکه در عراق امروز دو جبهه کاملاً متمایز و مشخص که یکی اسلام و حق باشد، و دیگری کفر و باطل، وجود ندارد، بلکه گروه ها و اهداف شناخته شده و ناشناخته وجود دارند.

پی نوشت ها:

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، جلد اوّل، ماده شهد، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۰۸.

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پرسش

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پاسخ

شهادت به معنی حاضر بودن و گواهی دادن است و در فرهنگ دینی ما مسلمانان، به کشته شدن در راه خدا اطلاق شده است.

اهل لغت گفته اند: کشته شدگان در راه خدا را از آن روی شهید گویند که فرشتگان رحمت در صحنه شهادت حضور می یابند، یا بدان سبب که خدا و رسول (ص) بهشتی بودن او گواهی می دهند یا این که در قیامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهند یا این که شهید زنده و حاضر است.(۱) واژه شهید به معنای جان باخته در راه خدا یکی از مقدّس ترین واژگان در قاموس دینی مسلمانان است.

فیض شهادت چنان ارزشمند است که اولیای دینی همواره از خداوند آرزوی آن را داشته اند. روایات بسیاری درباره شهادت

و جایگاه شهید آمده، از آن جمله:

شهادت برترین مرگ است. قطره خون شهید، نزد خدا از بهترین قطرات است. شهادت موجب آمرزش گناهان می شود. شهید از سؤال قبر مصون است و فشار قبر ندارد. شـهید حق شفاعت دارد. شهدا اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند و همه به مقام شهیدان غبطه می خورند.(۲)

ارزش و والای شـهید در قرآن بیـان شـده: "مپنداریـد آنان که در راه خـدا کشـته شـده انـد، مردگاننـد، بلکه زنـده انـد و نزد خدایشان روزی می خورند".(۳)

چون شـهید با ایثار والاترین گوهر خود در راه خـدا گام برداشـته، خـدا حـداقل پاداش او را بهشت برین قرار داده، شـهادت به مثابه کلیدی است که با آن می توان به بهشت رضوان رسید. خداوند وعده داده است پاداش

مجاهدت و ایثار شهیدان بهشت باشد.(۴)

بر اساس آیات و احادیث معصومین(ع)، شهیدان گناهانشان آمرزیده می شود و پاداش بذل جان در راه خدا را با جای گرفتن در بهشت برین دریافت می دارند. این پاداش الهی برای جان نثاران راه خدا می باشد.(۵)

در واقع شهید با نثار جان، با ارزش ترین عنصر وجودی خود را در راه خداوند داده، در این حال تنها بهشت می توان پاسخ و پاداشی برای آن باشد، پس بی قید و شرط داخل بهشت می شود.

پی نوشت ها:

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰.

۲. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱.

۳. بقره (۲) آیه ۱۵۴.

۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۵. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پرسش

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پاسخ

شهادت به معنی حاضر بودن و گواهی دادن است و در فرهنگ دینی ما مسلمانان، به کشته شدن در راه خدا اطلاق شده است.

اهل لغت گفته اند: کشته شدگان در راه خدا را از آن روی شهید گویند که فرشتگان رحمت در صحنه شهادت حضور می یابند، یا بدان سبب که خدا و رسول (ص) بهشتی بودن او گواهی می دهند یا این که در قیامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهند یا این که شهید زنده و حاضر است.(۱) واژه شهید به معنای جان باخته در راه خدا یکی از مقدّس ترین واژگان در قاموس دینی مسلمانان است.

فیض شهادت چنان ارزشمند است که اولیای دینی همواره از خداوند آرزوی آن را داشته اند. روایات بسیاری درباره شهادت

و جایگاه شهید آمده، از آن جمله:

شهادت برترین مرگ است. قطره خون شهید، نزد خدا از بهترین قطرات است. شهادت موجب آمرزش گناهان می شود. شهید از سؤال قبر مصون است و فشار قبر ندارد. شهید حق شفاعت دارد. شهدا اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند و همه به مقام شهیدان غبطه می خورند.(۲)

ارزش و والای شهید در قرآن بیان شده: "مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده اند، مردگانند، بلکه زنده اند و نزد خدایشان روزی می خورند".(۳)

چون شهید با ایثار والاترین گوهر خود در راه خدا گام برداشته، خدا حداقل پاداش او را بهشت برین قرار داده، شهادت به مثابه کلیدی است که با آن می توان به بهشت رضوان رسید. خداوند وعده داده است پاداش

مجاهدت و ایثار شهیدان بهشت باشد.(۴)

بر اساس آیات و احادیث معصومین(ع)، شهیدان گناهانشان آمرزیده می شود و پاداش بذل جان در راه خدا را با جای گرفتن در بهشت برین دریافت می دارند. این پاداش الهی برای جان نثاران راه خدا می باشد.(۵)

در واقع شهید با نثار جان، با ارزش ترین عنصر وجودی خود را در راه خداوند داده، در این حال تنها بهشت می توان پاسخ و پاداشی برای آن باشد، پس بی قید و شرط داخل بهشت می شود.

پی نوشت ها:

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰.

۲. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱.

۳. بقره (۲) آیه ۱۵۴.

۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۵. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.

سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟

پرسش

سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟

پاسخ

شهادت در فرهنگ اسلام دو معنای متفاوت دارد:

۱ – معنای خاص.

۲ – معنای گسترده و عام.

معنای خاص، کشته شدن در معرکه جنگ در راه خدا است که احکام خاص در فقه اسلامی دارد، از جمله عدم نیاز شهید به غسل و کفن، بلکه با همان لباس خونین دفن می شود.

معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود، یا بمیرد، مانند سربازی که در درگیری با اشرار و یا با منافقان به درجه رفیع شهادت رسیده است. هر کس در حین انجام وظیفه به هر صورت از دنیا برود، "شهید" است.

در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می روند:

۱ - از پیامبر گرامی (ص) نقل شده: "کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است". (۱)

۲ - حضرت علی (ع) می فرماید: "کسی که در بستر از دنیا رود، اما معرفت حق پروردگار و معرفت واقعی پیامبر (ص) او و اهلبیتش (ع) را داشته باشد، شهید از دنیا رفته است". (۲)

۳ - در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم: "کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان ایستادگی کند و کشته شود، شهید است". (۳)

همچنین کسان دیگری که در مسیر حق کشته می شوند یا می میرند.

پی نوشت ها :

۱ - سفینهالبحار، ج۱، ماده "شهید" ص ۷۲۰ چاپ قدیم.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹، آخر خطبه.

۳ - سفینهالبحار، ج اول ، ماده "شهد" چاپ قدیم.

چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟!

پرسش

چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟!

پاسخ

پوسیده شدن بدن در قبر یک واقعیت است. اصل طبیعی بر این است که بدن بعد از مردن پوسیده و متلاشی شود. از امام صادق (ع) پرسش شد: آیا بدن انسان در قبر پوسیده می شود، امام (ع) در پاسخ فرمود: "آری هیچ گوشتی و حتّی استخوانی باقی نمی ماند مگر این که پوسیده می شود".(۱) بنابراین پوسیده شدن بدن شهدا در قبر مطابق قانون طبیعی است و نشان دهنده نقص و کمی درجه آنان نمی باشد.

به عللی که حکمت آن بر ما مخفی و پنهان است، بعضی از اجساد پوسیده نمی شود و بدن در قبر سالم باقی مانده و به صورت معجزه و یا کرامت قلمداد می شود.

از احادیث استفاده می شود اسبابی که موجب سالم ماندن اجساد و اشیای همراه میت می شود:

۱ بعضی از اعمال ؛ پیامبر (ص) در حدیث معراج می فرماید: "کسی که می خواهد قبرش وسیع باشد، لازم است مسجد احداث کند، و هر کس دوست دارد بدنش در قبر تازه بماند و نپوسد، باید مسجد را جارو کند".(۲) نیز درباره عالم واقعی، شهید، مؤمن و کسی که چهل جمعه غسل جمعه را ترک نکند، گفته شده است.

۲ - دعای پیامبر (ص)؛ رسول خدا (ص) می فرماید: "در نماز بر جنازه فاطمه بنت اسد] مادر امیرالمؤمنین (ع)[از خدا خواستم که کفن فاطمه بنت اسد را تا ورود به بهشت از پوسیده شدن حفظ کند که خداوند قبول فرمود".(۳)

شهادت در راه خدا؛

۳ - گویند موقعی

که شاه اسماعیل صفوی به کربلا مشرف شد و شنید که بعضی از مردم درباره "حرّبن یزید ریاحی" سخنان ناروایی می گویند، سر قبر وی آمد و دستور داد قبر او را نبش کردند، پس از نبش قبر دیدند که گویا حرّ خواب است و به همان حالتی که شهید شده بود، میان قبر قرار دارد. (۴)

مرحوم مجلسی درباره انبیا و امامان می فرماید: "روح و جسمشان پس از مرگ به آسمان عروج می کند و در آن جا در نعمت به سر می برند.(۵)

پی نوشت ها :

۱ – محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۷، ص ۴۳، ح۲۱.

۲ – همان، ج۸، ص ۱۴۴.

۳ – همان، ج۱۸، ص ۶.

۴ – ستارگان درخشان، ج۵، ص ۱۴۶.

۵ – همان، ج۶، ص ۲۵۴.

آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقّی می شوی، درست است، چرا؟

پرسش

آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقّی می شوی، درست است، چرا؟

پاسخ

در مورد پرسش شما روایتی دیده نشد. اما درباره کسانی که خداوند آن ها را در حکم شهید قرار داده و به آن ها فضیلت و پاداش شهید عنایت می فرماید، روایات فراوانی وجود دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

پیامبر اسلام (ص) فرمود:

"من مات علی حُبّ آل محمد مات شهیداً؛هر کس با دوستی خاندان پیامبر بمیرد، شهید است".(۱)

نیز "من بات علی طهاره ثم مات من لیله مات شهیداً؛هر کس با طهارت (وضو) بخوابد و همان شب بمیرد، شهید است".(۲)

"من قتل دون مظلمه فهو شهید؛هر کس در برابر ظلم بایستد و دادخواهی کند و کشته شود، شهید است".(۳)

"من قتل دون ماله فهو بمنرله الشهید؛ هر کس برای دفاع از مالش کشته شود، منزلت شهید را دارد".(۴)

"هر کس برای دفاع از مالش یا جانش یا دینش و یا دفاع از ناموسش کشته شود، شهید است".(۵)

حضرت علی (ع) فرمود: "المؤمن علی أیّ حال مات و فی ایُّ ساعه قبض ، فهو شهید؛ مؤمن در هر حالی بمیرد و در هر ساعتی جانش گرفته شود، شهید است".(۶)

نیز فرمود: "هر کس از شما در بستر خویش بمیرد، در حالی که خدا را آن چنان که شایسته خداوند است شناخته باشد، همچنین پیامبر و خاندانش را، شهید از دنیا رفته و اجر او بر خدا است".(۷)

شخصی از امام صادق (ع) درخواست کرد که از خداوند برای او دعا کند تا شهادت روزیش شود، امام فرمود: "مؤمن شهید است" و این آیه را تلاوت

کرد: "والـذین آمنوا بالله و رُسُلِه اولئک هم الصدیقون و اشـهداء عند ربهم؛(۸) کسانی که ایمان به خـدا و رسولش آوردنـد، ایشان از راستگویان و شهدا نزد پروردگارشان هستند".(۹)

امام حسـین (ع) فرمود: "شیعیان ما راستگویان یا شهدا هستند" زید به ارقم، به امام عرض کرد: چگونه این امر درست است در حالی که شیعیان در بسترشان می میرند، امام فرمود: "آیا کتاب خدا را نخواندی که

] در آن آمده است [: "کسانی که ایمان به خدا و رسول آوردند، ایشان از صدیقان و شـهدا، نزد پروردگارشان هستند".(۱۰) حضـرت در ادامه فرمود: "اگر شهادت در راه خدا ، فقط برای کسانی بود که با شمشیر کشته می شوند، خداوند (تعداد) شهدا را کـم کرده است ، (۱۱) یعنی شـهدای در راه خدا بسـیار کم می شدند، در صورتی که آیه معنای وسـیعی دارد و شامل افراد مؤمن راستگو می شود، همان گونه که در احادیث اشاره شد.

امـام زین العابـدین (ع) فرمود: "هر شخصـی که در زمان غیبت قائم ما (حضـرت مهـدی) با ولایت] و محبت [ما از دنیا برود، خداوند اجر هزار شهید مانند شهدای بدر و اُحد را به او عطا خواهد کرد".(۱۲)

در روایاتی از پیامبر (ص) آمـده است: کسانی که به علّت طاعون، غرق شـدن، خراب شـدن خانه بر رویشان ، جنینی که درون شکم مادر است و زنی که در دوران بارداری است، از دنیا بروند، همه این موارد شـهید هستند.(۱۳) نیز آمده است : "هر کس از خداوند صادقانه شهادت را بخواهد، خدا ثواب و اجر منزلت شهید را به او عنایت خواهد کرد، گرچه کشته نشود".(۱۴)

نکته آخر:

مقـام و فضـیلت شـهدایی که در جبهه جنگ کشـته می شونـد، بسـیار بالاتر و والاتر است و روایاتی که در مورد غرق شـدن و خراب شـدن آوار روی انسان وماننـد آن است، با توجه به روایات دیگر، در مورد مؤمنان می توانـد باشـد، نه آنکه به صورت مطلق باشد.

پی نوشت ها :

۱ – محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح۹۸۰۳.

۲ – آثار الصادقین، ج۱۰، ص ۷۹؛ به نقل از کنزالعمال، ج۱۵، ص ۳۳۷.

۳ – همان، به نقل از فروغ کافی، ج۵، ص ۵۲.

۴ – همان، به نقل از وسائل الشیعه، ج۶، ص ۹۳.

۵ – همان، به نقل از ریاض الصالحین، ص ۵۱۷.

۶ – میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح۹۸۰۳.

۷ – همان، ح۹۸۰۸.

۸ – حدید (۵۷) آیه ۱۹.

۹ – میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح۹۸۰۶.

۱۰ – حدید، آیه ۱۹.

۱۱ – میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح ۹۸۰۵.

۱۲ – همان، ح ۹۸۱۰.

۱۳ – همان، ج۹۸۰۰ و ۹۸۰۱؛ آثار الصادقین ، ج۱۰، ص ۷۷ و ۸۰.

۱۴ – میزان الحکمه، ص ۱۵۱۶ ، ح ۹۷۸۷.

کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟

پرسش

کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟

پاسخ

کلمه «شـهید» و «شـهادت» از کلمات رایـج معمولی است که فقط در مورد بعضـی افراد اسـتعمال میکنیم. هر کشـته یا مردهای شهید نیست. روزی صدها نفر کشـته میشوند و هزارها نفر میمیرند و به آنها شـهید نمیگوییم. اطراف کلمه «شهید» را هالهای از قدس و تعالی احاطه کرده است. به کسـی شهید گفته میشود که در یک راه مقدس و برای هدفی مقدس جان خود را از دست بدهد.

دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟

پرسش

دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟

پاسخ

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاصّ خود را دارد و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلا همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است.

از آنجا که کار دین انقلاب در انگیزه ها بوده است پس بهترین انگیزه برای کارها را ایمان می داند و شـرط قبول اعمال را هم همین ایمان به خدا دانسـته است در قرآن آمده است: «مَنْ عمل صالحاً مِنْ ذکراَوْ اُنْثی و هو مؤمن(۱)؛ هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و(به شرط آنکه) مؤمن باشد به او زندگی طیب عطا می کنیم».

می دهـد». و این شـهید است که حتّی غسل ندارد(۳)و بـا لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیـدگاه وسـیع قرآن کسانی که نیکو کارند با بدکاران مساوی نیستند امّا هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ – سوره نحل، آیه ۹۷.

۲ – سوره توبه.

۳ – اگر در معرکه جنگ شهید شود.

۲

اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟

پرسش

اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟

پاسخ

حیات شهداء حیات ویژه ای است. تنها بقاء روح نیست که بگوئیم موجود زنده ای است.

انسان حیات را برای التذاذ و سعادت می خواهد و لذا اگر کسی با روح باقی در عذاب باشد مطلوب نیست. قرآن سوره اعلی آیه ۱۲ و ۱۳ می فرماید: «لایموت فیها و لایَحیی».

کافران در دوزخ چنان در عذابند که نه مرده اند و نه زنده. و می دانیم که اگر زنده نباشند عذابی را درک نمی کنند. پس منظور این است که حیات مطلوبی ندارند و آرزو دارند بمیرند: «و ناروا یا مالکُ لِیَقْضِ علینا ربّک قال انّکم ماکثون»(۱).

به مالک دوزخ می گویند: هر چه عذاب کشیدیم بس است. به خدا بگو جان ما را بگیرد! جواب می دهد مرگی در کار نیست باید در عذاب باشید.

پس حیات شهداء نیز حیات ویژه ای است که لازمه آن روزی خوردن نزد خدا و شاد بودن است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره رخرف، آیه ۷۷.

۷

شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟

پرسش

شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟

پاسخ

شهادت امری افتخار آمیز است و شـهید جایگاه مقدسـی دارد. اما به راستی شهادت، قداست خود را از چه چیزی گرفته است؟ بسیاری از کشته شـدنهاست که "نفله" شـدن است. احیانـاً به جـای اینکه افتخـار باشـد ننگ است. این جا لازم است توضـیح بیشتری بدهیم. می دانیم مرگ و میرها انواع و اقسام دارد :

۱ مرگ طبیعی. این نوع مرگها نه افتخار آمیز است و نه سرزنش شونده.

۲ مرگی در اثر بیماری مسری مثل وبا، و یا سیل یا زلزله و حوادث طبیعی اتفاق می افتد اینگونه مرگها نیز هیچ افتخاری ندارد. ولی برای انسان مؤمن نوعی بخشش و رحمت الهی است که موجب کاهش گناهان او می شود.

۳ مرگ در اثر خودکشی. اینگونه مرگها نفله شدن و هدر دادن خود است و بدترین نوع مرگ است.

۴ مرگهایی که پای یک جنایت در کار است و قاتل، شخص مظلومی را بدون هیچ گناهی می کشد. مرگ مقتول نیز در اینجا هیچ افتخاری برای او به همراه ندارد.

۵ مرگهـایی که "شـهادت" است. مرگی شـهادت ا ست که انسـان بـا توجه به خطرات احتمالی و یا یقینی فقط به خاطر هـدفی مقدس و انسانی از آن استقبال کند.

شهادت دو رکن دارد: ۱ در راه خدا باشد. ۲ آگاهانه باشد.

شهـادت به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هـدفی مقـدس است افتخار آمیز و تحسـین برانگیز است و تنها مرگی است که از حیات و زندگی بالاتر و بهتر است. مُثل شـهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و

نورافشـانی است. تا دیگران در این نور که به بهای نیستی او تمام شـده بنشـینند و آسایش ببیننـد و کار خویش را انجام دهنـد. آری شـهدا شـمع محفل بشـریتند. اگر این محفل تاریک می ماند، هیچ دسـتگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه دهد.

شهیـد اگر در میدان معرکه جان به جان آفرین تسـلیم کند، بدون غسل و کفن، با همان تن خاك آلود و جامه خون آلود دفن می شود.

مقام شـهید در آخرت: در حـدیث است که خداونـد شـفاعت سه طبقه را در قیامت قبول می کنـد: طبقه انبیاء، بعد از آن طبقه علما، و بعد شهدا.

امیرالمؤمنین(می فرمایـد: خدا شـهدا را در قیامت با بهاء و عظمت و نورانیتی وارد می کند که اگر انبیاء از مقابل اینها بگذرند و سوار باشـند به احـترام اینهـا پیـاده می شونـد. از شـهید سؤال و جواب قـبر و برزخ برداشـته می شود. از پیـامبر اکرم (علت را پرسـیدند؟ پیامبر فرمودند: شـهید در زیر برق شمشیری که بالای سرش بود آزمایش خودش را انجام داد و پیشاپیش پاسخ همه پرسشها را داد.

خداوند متعال بهترین راه برای بسیج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می داند؟

پرسش

خداوند متعال بهترین راه برای بسیج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می داند؟

پاسخ

خداوند متعال برای بسیج مردم و اتحاد آنان در برابر دشمن راه هایی را توصیه فرموده است از جمله

۱. چنـگ زدن به ریسـمان الهی که قرآن اسـلام اهـل بیت و... می باشـد**;** "و همگی به ریسـمان خـدا]قرآن اسـلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر[چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت]بزرگ خدا را بر خود بیاد آرید که چگونه دشـمن یکدیگر بودید و او در میان دل های شـما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن جا برگرفت]و نجات داد[..."

۲. پرستش و ایمان به خداوند یکتا و پرهیز از هر گونه شرک (آل عمران ۶۴)

۳. آماده سازی تمام نیرو و بهره گیری از امکانات و تکنولوژی پیشرفته در برابر دشمنان اسلام "وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّه ٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ ِ تُرْهِبُون َ بِه ِ ی عَدُوَّ اللَّه ِ وَعَدُوَّكُم ْ وَءَاخَرِين َ مِن دُونِهِم ْ لاَ تَعْلَمُونَهُم ُ اللَّه ُ يَعْلَمُهُم ْ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَی ءٍ فِی

سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لاَ تُظْلَمُونَ ;(انفال ۶۰) در برابر آن ها]دشمنان آن چه توانایی دارید از "نیرو" آماده سازید]و همچنین اسب های ورزیده]برای میدان نبرد[تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و]نیز[گروه دیگری غیر از این ها را که شما نمی شناسید و خدا می شناسد و هر چه در راه خدا]و تقویت بنیه دفاعی اسلام انفاق کنید، به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد

شد."

۴. تعاون و همکاری در امور مختلف و کارهای نیک و در واقع بسیج همگانی در جامعه اسلامی و پرهیز از گناه (مائده ۲) (ر.ك تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۲۸۳۴; ج ۴، ص ۲۵۰۲۳۴; ج ۷، ص ۲۲۱۲۳۴.) همچنین قرآن کریم درباره سبقت در کارهای نیك می فرماید: "]مؤمنان امر به معروف و نهی از منکر می کنند; و در انجام کارهای نیك پیشی می گیرند; و آن ها از صالحانند."(آل عمران ۱۱۴) و نیز آیه ۶۱، سوره مؤمنون حدید،۲۱ و...

و...

الف با توجه به آیه ی ۱۵۴ بقره که می فرماید: و به آن ها که در راه خدا کشــته می شوند مرده نگویید; بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید." منظور نفهمیدن چه چیزی است ب فرق بین "شهادت و مرگ طبیعی را بیان کنید؟

پرسش

الف با توجه به آیه ی ۱۵۴ بقره که می فرماید: و به آن ها که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید; بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید." منظور نفهمیدن چه چیزی است ب فرق بین "شهادت و مرگ طبیعی را بیان کنید؟

پاسخ

الف یکی از ویژگی های مهم ِشهیدان زنده بودن آنان در نزد خداوند متعال است قرآن کریم بر این مطلب تکیه کرده تا آن جا که می فرماید: "هرگز آنان را مرده نپندارید."(آل عمران ۱۶۹)

منظور از "نفهمیدن در آیه درك نکردن ِ حقیقت زنده بودن شهیدان راه خداست زیرا بدون شك جسمشان دارای حیات و زندگی نیست و به گفته امام صادق آن حیات با بدنی است مثالی (=بدنی مجرد از ماده معمولی و همگون این بدن (تفسیر نورالثقلین ابن جمعه حویزی ج ۳، ص ۵۹۹، انتشارات اسماعیلیان)و حیاتی است روحانی و برزخی با این امتیاز که در قرب رحمت پروردگار متنعم به انواع نعمت ها می باشند. پس مراد از این زنده بودن و زندگی زنده بودنی است حقیقی نه زنده بودن مجازی و این حیات مختص به مؤمنان است می فرماید: "وَ إِن َالدَّارَ الأْ ?خِرَه َلَهِی َالْحَیَوَان ُلَوْ کَانُواْ یَعْلَمُون َ; (عنکبوت ۶۴) و زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می دانستند."

از آنجا که نوع انسان ها، در چهار دیواری محدودِ عالم مادّه محبوس و زندانی هستند و چیزی که فوق زندگی مادی دنیا باشد را، درك نمی کنند، این حقایق را نمی توانند بفهمند و فرقی بین شهادت و فنأ نمی گذرانند.(رجوع کنید به تفسیر المیزان علامه طباطبایی

، ج ۱، ص ۳۴۷، انتشارات اسماعیلیان / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۵۲۱، دارالکتب الاسلامیه)

ب واژه "شـهادت و "شـهید"، به معنای جان باختن در راه خـدا و فـدایی در راه او، یکی از مقدس ترین واژگان ِقاموس دینی است که در قرآن کریم از آن به "مقتول فی سبیل اللّه ، تعبیر شده است

در تفـاوت "شـهادت بـا مرگ هـای دیگر، گفتنی است مرگ و میرهـای اشـخاص اقسـامی دارد، برخی در اثر بیمـاری ها و یا حوادث و سوانحی مانند سـیل و زلزله است در بعضـی مرگ ها، پای یک جنایت در کار است مانند کشتار حکمرانان و هوس بـازان و پاره ای از مرگ ها، خود جنایت است مثل خودکشـی ها و... و یک قسم نیز مرگ طبیعی است که شـخص عمرش به پایـان رسـیده و به طور طبیعی می میرد; در تمـامی این اقسـام مرگ افتخـارآمیز نیست بلکه در مواردی مثل خودکشـی ملامت خیز نیز است و در مواردی نفله و تلف شدن به آن اطلاق می گردد; در حالی که "شـهادت ، مرگی است که انسان با توجه به خطرات احتمـالی یا ظنی و یا یقینی آن فقط به خاطر هـدفی مقـدس و انسانی و به تعبیر قرآن "فی سبیل اللّه از آن اسـتقبال می کند. رکن دیگر "شهادت ، انتخاب آگاهانه آن است

به تعبیر شـهید مطهّری شـهادت تزریق خون است به پیکر اجتمـاع این شـهدا هسـتند که به پیکر اجتماع و در رگ های اجتماع خاصه اجتماعاتی که دچار کم خونی هستند

خون جدید وارد می کنند...

شهید به خون خود، و در حقیقت به تمام وجود و هستی خود ارزش و ابدیت و جاودانگی می بخشد.(قیام و انقلاب مهدی (به ضمیمه شهید)، شهید مرتضی مطهری ، ص ۱۰۴۱۰۶، انتشارات صدرا.)

قرآن کریم ضمن بیان مقام والای شهیدان در نزد پروردگار، فضیلت ها و پاداش های خاصی را برای آنان ذکر فرموده که خود می تواند فرق مهمّ شهادت با سایر مرگ ها باشد; مثلا خود را خریدار و مؤمنان شهادت طلب را، فروشنده جان آنان معرفی کرده و بهشت را ثمن و کتب آسمانی را سند این معامله قرار داده است (توبه ۱۱۱)(ر.ک تفسیر نمونه همان ج ۸، ص ۱۴۷.) زنده بودن در نزد خدا و بهره مندی از روزی خداوند، در عالم برزخ (آل عمران ۱۶۹) یکی دیگر از ویژگی شهدأ است این که مورد مغفرت خدا قرار گرفته (آل عمران ۱۵۷) و اعمال شان هرگز تباه نخواهد شد (محمد،۴) و خود شهادت کفاره گناهان و ضمانت بهشت می باشد (آل عمران ۱۹۵) همه این ها، اموری است که در مرگ های طبیعی یافت نمی شود.

افزون بر این ها، مقام شهدا و شهادت در اسلام به قدری قداست وعظمت دارد که وقتی می خواهند مقام کسی یا کاری را بالا ببرند، می گویند: مقام فلان شخص (مثل طالب علم برای خدا) برابر است با مقام شهید و یا فلان کار (مثل کار کردن و اداره عائله برابر است با اجر شهید. در واقع مقام شهید، میزان فضایل بزرگ می باشد.(اللّهم ارزقنا)

تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست

پرسش

تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست

پاسخ

شهادت در فرهنگ دین مقدس اسلام به معنای کشته شدن در راه خدا می باشد و علت نامگذاری چنین کشته شدنی به شهادت به خاطر آن است که شهید در واقع نمرده بلکه زنده و حاضر است چنان که قرآن کریم می فرماید: "]ای پیامبر[هرگز گمان مبر آن ها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند; بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند." (آل عمران ۱۶۹) و برخی نیز گفته اند کشته شدگان در راه خدا را از آن جهت شهید گویند چون فرشتگان رحمت بر محل شهادت او حاضر می شوند شهیدان راه خدا، جایگاه والایی در بهشت دارند و مورد آمرزش و بخشش و رحمت خداوند قرار می گیرند.(ر.ک تفسیر نمونه آیه اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۱۶۸ ۱۷۳، دارالکتب الاسلامیه) (آل عمران ۱۵۷ ; نسأ، ۶۹ و ۷۴)

شهادت در فرهنگ اسلام دو معنای متفاوت دارد: یکی معنای "خاص و دیگری معنای گسترده و "عام . معنای خاص شهادت همان کشته شدن در معرکه جنگ در راه خداست که احکام خاصی در فقه اسلامی دارد; از جمله شهید نیاز به غسل و کفن

نـدارد; بلکه با همان لباس خونین دفن می شود; اما معنای وسـیع شـهادت آن است که انسان در مسـیر انجام دادن وظیفه الهی کشـته شود و یـا بمیرد; بنابراین هر کس در حین انجام دادن چنین وظیفه ای به هر صورت از دنیا برود، "شـهید" است لـذا در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می روند:

۱. کسی که

در طریق تحصیل علم از دنیا برود;(سفینه البحار، ج ۱، ماده "شهید".)

۲. کسی که در بستر از دنیا برود، ولی معرفت حق پروردگار و معرف واقعی پیامبر اکرم ۹ و اهلبیتش را داشته باشد.(نهج البلاغه خ ۱۹۰، آخر خطبه)

۳. کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان ایستادگی کند و کشته شود;(سفینه البحار، همان) و همچنین کسانی که در مسیر حق کشته می شوند و یا می میرند; بنابراین از همین جا عظمت این فرهنگ اسلامی و گسترش آن روشن می شود.

بنابراین افرادی که هدف گلوله دشمن قرار می گیرند; ظاهراً شهید محسوب می شوند; هر چند که زمان دادرسی انگیزه ها و نیّت ها شرط است و بنابر روایات هر کسی شهید راه و یا کشته همان نیّتی که در سر داشته می شود.(ر.ک تفسیر نمونه همان ج ۲۱، ص ۴۰۸ / حماسه و عرفان آیه الله جوادی آملی ص ۳۱۳، نشر اسرا.)

شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست ؟

پرسش

شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست ؟

پاسخ

آدمی نوعا در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می دهد و غالبا بر آن امررضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد. ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود را درراه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می شود در یک سطح دانست از این رو خداوند در قرآن می فرماید: «آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده نگویید بلکه آنان زنده هایی هستند که درنزد پروردگارشان روزی می خورند». بقره۱۵۰{J

شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست؟

پرسش

شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست؟

پاسخ

آدمی نوعا در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می دهد و غالبا بر آن امر رضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد، ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود را در راه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می شود یک سطح دانست، لذا خداوند در قرآن می فرماید: «به آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می خورند»، (بقره، آیه ۱۵۰).

هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقام شهیدان نزدیک تر می شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالا می برد.

اولاً از دیدگاه قرآن کسی که در راه خدا قدم بر دارد و در انجام عمل صالح خود خلوص نیّت داشته و جز خداوند متعال قصد دیگری ندارد و تنها برای رضای خداوند نه مال یا مقام و... کاری را انجام دهد و کشته یا حتی بمیرد شهید محسوب می گردد، (حج / آیات ۵۸ و ۵۹ و نیز نگا: المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۹۹)

ثانیا فردی که در راه خدا جان را زنده نگه می دارد و جسم را می بازد تا جان زنده اش زنده تر و شکوفاتر گردد، همینکه نیتش خدا باشد در نایل شدن به مقام شهادت برای او کافی است، (آل عمران / ۱۶۹، بقره / ۱۵۴، نساء / ۷۴، توبه

/ ۱۱۱ و..). و همینکه انگیزه ی قتل او مبارزه با حق و حق مداری و خدا و خدا پرستی باشد برای وصول او به این فوز عظیم، بس است، (بقره / ۶۱، آل عمران / ۲۱، ۱۱۲ و.).

آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش , یک نوع خودخواهی نیست ؟

پرسش

آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش , یک نوع خودخواهی نیست ؟

پاسخ

«شهادت طلبی» یک آرمان بزرگ است، در راه ایفای مسؤولیتی بزرگ تر از آنچه ذکر کرده اید. به علاوه، کسی که هستی خویش را در راه خدا نثار می کند، می داند که اداره کننده عالم و آدم خداوند است و برای سرپرستی اهل و عیال و پدر و مادرش به صاحب حقیقی و سرپرست حقیقی امور توکل می کند. افزون بر آن، چه دلیلی وجود دارد که اگر شخصی به شهادت نرسد در انجام این وظیفه موفق است؟ مگر هر آن احتمال رسیدن مرگ نمی رود؟شهادت طلبی در واقع انتخاب نوع مرگ است؛ یعنی، از مرگ پست به مرگ شریف تن دادن؛ ولی معلوم نیست که زمان آن را جلو اندازد؛ بلکه اجل در وقت خاص خود خواهد رسید.

آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟

پرسش

آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟

پاسخ

به قول شهید مطهری: مرگ هایی که شهادت است در آن مرگ انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله باشد. هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدّس است و از هر گونه انگیزه ی خودگرایانه منزّه و مبرّاست، تحسین انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقّی می شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدّس تر است(قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری).

انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می برد. در احکام شهید می خوانیم کسی که به امر معصوم(ع) یا نایب او به جبهه برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود»(امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۶).

بـا این حال روایت ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسـی بمیرد، در حالی که به دارای محبّت اهل بیت است، شـهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می رود(تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۴۰۳. این حدیث طولانی

است که از حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده است).

یا در روایتی دیگر از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: مَن عاشَ مداریاً مات شهیداً هر کس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نبینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است{M(کنزالعمّال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱).

این گونه روایت ها به این موضوع اشاره می کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد.

در انتهای سخن سفارش می کنیم زیارت امین الله را هر روز یا هفته ای یک بار با توجه و تأمل بخوانید. یکی از قسمت های مهمّ این زیارت شریف این عبارت است: ... اللهمّ فاجعل نفسی مطمئنّهً بقَدرِکَ، راضیهً بِقضائك... بارخدایا! پس جان مرا مطمئن و آرام نسبت به سرنوشت قرار بده، و مرا خشنود نسبت به داوریت بگردان{M(حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۷۸).

که اشاره دارد خدایا مرا به مقام «رضا» و «خشنودی» برسان تا آن چه به من می رسد مرا از توجه به تو باز ندارد.

برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟

پرسش

برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟

پاسخ

چند نکته شایان توجه است:

۱. مقام «شهید» و «شهادت» در فرهنگ اسلامی، منحصر به کسانی که در میدان جهان کشته می شوند، نیست؛ هر چند آنان از روشن ترین مصادیق برای این دو واژه هستند. بر اساس روایات و آیات، همه کسانی که عقیده حق داشته، در مسیر حقیقت گام بر می دارند و در همین راه از دنیا می روند در زمره شهدا هستند و اجرشان نه حکم شان(یعنی نیاز به غسل و کفن دارند، تنها ثواب و پاداششان مانند شهدا است) مانند آنان است. برای نمونه روایتی آمده است: «کسی که در راه تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است» (سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه، ج ۴، ص ۵۱۳) یا در روایت دیگری آمده است: «اگر کسی با وضو بخوابد و مرگ او در خواب فرا رسد، نزد خداوند شهید است» (همان) همچنین در روایت دیگری آمده است: «هر کس بمیرد و حب آل محمد صلی الله علیه و اله در دلش باشد ، شهید است»

حاصل آن که ملاک در اجر شهید داشتن، همان گام برداشتن در مسیر حقیقت و عقیده حق و مردن به همین حال است.

۲. در روایات متعددی، افرادی که زیر آوار می مانند، از مصداق های شهدا دانسته شده اند. از جمله در روایتی آمده است: «پیامبر(ص) در عیادت عبدالله بن رواحه از اصحابشان پرسیدند؟ شهید امت من کیست؟ اصحاب عرض کردند، همان کسی نیست که در راه خدا می جنگد و به دشمن پشت نمی کند تا کشته شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و

اله فرمود: در این صورت شهدای امت من اندکند! شهید کسی است که شما گفتید و نیز کسی که بر اثر طاعون در گذرد و کسی که بر اثر قولنج بمیرد و کسی که زیر آوار رود یا غرق شود و زنی که بچه اش در شکم او گیر کند بمیرد» (میزان الحکمه، ری شهری، حدیث شماره ۹۸۰۰)

۳. بلاها و مصیبت ها، انواع و اقسامی دارند و هر یک دارای علل و حکمتی هستند. حتی گاه یک مصیبت جمعی برای هر فردی حکمتی متفاوت از دیگری دارد. امتحان و ابتلای بنده، پی آمد برخی گناهان، پی آمد عدم مراقبت از خویش، قهر الهی، پاک شدن گناهان و ... از جمله این حکمت ها و علت ها است. (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۴۰)

تعیین مورد بسیار کار مشکلی است و جز اولیای الهی _که آگاه بر اسرارند_ کسی قادر به تشخیص قطعی آن نیست. بنابراین، به سادگی نمی توان قضاوت کرد که فلان حادثه برای فلان فرد نعمت است یا رحمت.

شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟

پرسش

شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟

پاسخ

تمام کسانی که در راه خدا به مبارزه برخاستند و به شهادت رسیدند، شهیدان راه قرآن نیز محسوب می شوند; در این صورت آوردن نام آن ها، در حدّ شمارش نیست لکن در سال چهارم هجری مسلمانانی بودند که به دستور پیامبر اکرم برای تبلیغ قرآن به مأموریت تبلیغی رفتند و در این راه به شهادت رسیدند که این گروه یا گروه ها، در تاریخ اسلام به شهدای راه قرآن معروف شدند.

خلاصه ماجرا این است که گروهی از نمایندگان قبایل "عضل و "قاره ، از در حیله از پیامبر اکرم خواستند افرادی را برای تبلیغ قرآن به قبیله آن ها بفرستد; آن حضرت از باب وظیفه عده ای را به فرماندهی "مرثد" همراه نمایندگان قبایل به آن نقاط فرستاد; اما متأسفانه در بین راه در محلی به نام "هذیل ، با کمک گرفتن از قبیله "هذیل آن ها را محاصره کردند که مبلغان چاره ای جز دفاع از خود نداشتندو در نهایت تمام آن ها به شهادت رسیدند; از جمله شهدای راه قرآن "زید بن دثنه ، "خُبیب عدّی و "عبداللّه است (ر.ک فروغ ابدیت آیت اللّه سبحانی ج ۲، ص ۸۱۸۶، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)

آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟

پرسش

آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟

پاسخ

همچنان که در ردیف سوم پاسخ به پرسش ۶ یادآوری شد، بدهکاری که از نمونه های حق الناس به شمار می آید، از شهید بخشوده نمی شود. البته همانگونه که در این روایت گفته شده، کفاره حق الناس (از جمله بدهکاری) مجازات و به کیفر رسیدن شهید نیست بلکه این کفاره تنها پرداختن بدهکاری و به طور کلی، ادای حق الناس می باشد. از این رو با مطلب بیان شده در حدیث یاد شده نمی توان این نتیجه را گرفت که پس با شهادت گناهان شهید بخشوده نشده و او همچنان گرفتار عذاب الهی باقی خواهد ماند. بلکه این دین حتما باید پرداخت شود و همین پرداخت، کفاره گناه او محسوب می شود.

شهید به چه کسی گفته می شود؟

پرسش

شهید به چه کسی گفته می شود؟

پاسخ

در لغت، شهید به معنای کشته شده در راه خدا (قتیل فی سبیل الله)، شاهد گواه و کسی است که هیچ چیز از علم او پنهان نیست و علم او بر همه چیز احاطه دارد. شهید از نام های خدا است.{۱}

در فرهنگ اسلام، شهادت دو معنای متفاوت دارد: خاص و عام. معنای خاص شهادت، کشته شدن در معرکه جنگ در راه خدا است و احکام خاصی در فقه اسلامی دارد؛ مثلاً شهید نیاز به غسل و کفن ندارد، بلکه با لباس خونین خود دفن شود.

معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود یا بمیرد. بنابراین، هر کس در حین انجام چنین وظیفه ای از دنیا برود شهید است. در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می روند:

الف) پیامبر گرامی(ص) فرمود: «اذا جأ الموت طالب العلم و هو علی هذا الحال مات شهیداً»;{۲} کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود شهید مرده است.

ب) امیر مؤمنان(ع) می فرماید: «من مات منکم علی فراشه و هو علی معرفْ حق ربه و حق رسول ه و اهل بیته مات شهیداً»; {۳} کسی که با معرفت حقِ پروردگار و پیامبر او و اهل بیتش در بستر از دنیا برود شهید از دنیا رفته است.

ج) امام صادق(ع) فرمود: «من قتل دون ماله فهو شهید»;{۴} کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمین ایستادگی کند

و کشته شود شهید است.

د) رسول خـدا(ص) فرمود: «من مات علی حب آل محمد مات شـهیداً»;{۵} هر کس با محبت آل محمد(ص) بمیرد شـهید از دنیا رفته است/

[۱].لسان

العرب، ج ۷، ماده شهد/

[۲].سفینْ البحار، ج ۱، ماده شهد و بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۶، باب ۱، روایت ۱۱۱/

[۳].نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۱۱/

[۴].سفینْ البحار، ج ۱، ماده شهد/

[۵].کشاف زمخشری، ج ۳، ص ۴۴۶ - ۴۴۷/

دلم می خواهد برای مبارزه با اســرائیل جنایتکار و کمک به مردم مظلوم فلســطین , به آن جا بروم تا دراین راه کشته شوم . آیا کشته شدن در این راه شهادت در راه خدا محسوب می شود؟

پرسش

دلم می خواهد برای مبارزه با اسرائیل جنایتکار و کمك به مردم مظلوم فلسطین , به آن جا بروم تا دراین راه کشته شوم . آیا کشته شدن در این راه شهادت در راه خدا محسوب می شود؟

پاسخ

جهاد در راه خدا یعنی مبارزه با کفاری که به سرزمین اسلامی حمله کرده و خون مسلمانان رامی ریزند و اموال آنان را غارت می کنند. و مسلمانان را آواره و در به در کرده اند, یکی از وظایف واجب الهی است .امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه فرمود:< ان الجهاد باب من ابواب الجنه فتحه الله لخاصه اولیائه ,(۱) جهاد دری از درهای بهشت است . خداوند تعالی این در را بروی اولیای خودش باز کرده است .>

شکی نیست که اسرائیل غاصب , سرزمین مسلمانان را غصب کده و مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان را تصرف کرده است و باید مسلمانان با همدلی و همیاری دست به دست هم داده , این غده سرطانی را از منطقه مسلمانان ریشه کن کنند. جنگ با یهودیان صهیونیست و احیا است . بنابراین اگر توفیق یار باشد, می توانیم در این بجهه اسلامی علیه کفر بجنگیم و اگر شهادت در راه خدا نصیبمان شد, زهی سعادت . البته شرك ما در این جهاد بستگی به قوانین ومقررات کشورمان دارد و باید از طرف مسولان مربوطه اجازه گرفته شود و بدون هماهنگی و خودسرانه نمی توان به این کار مهم است یازید. خداوند به این نیت خیر, به شما ثواب مجاهدان در راهش را عطا فرماید و از گناهان وتقصیرات همگان در گذرد.

(پاورقی ۱ نهج البلاغه , خطبه

آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است , اشکال ندارد؟

پرسش

آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است , اشکال ندارد؟

پاسخ

این مسأله خودخواهی و یا ناقض حقوق خانواده نیست؛ زیرا:

اولاً، آرزوی شهادت به معنای این نیست که فرد از خدا بخواهد بلافاصله جانش را بگیرد و زن و بچه اش را رها کند؛ بلکه به معنای برگزیدن بهترین نوع مرگ است. به عبارت دیگر همه از دنیا رفتنی هستند؛ اما هنر انسان با ایمان آن است که با بهترین انتخاب از دنیا می رود.

ثانیا، شهادت به معنای پذیرش مسؤولیتی بزرگ تر در برابر مسؤولیت های کوچک تر است. شهادت خودکشی و مسؤولیت گریزی نیست؛ بلکه انجام رسالت های بزرگ تر اجتماعی و فداکاری در راه مصالح عالی اسلام و جامعه اسلامی است.

شهادت طلبی به معنای آن است که در عرصه نیاز جامعه به فداکاری، مصالح شخصی و خانوادگی مانند غل و زنجیر انسان را پای بسته نمی کند؛ بلکه انسان شهادت جو، مرز و حصار خودیت و دلبستگی و تعلق خانوادگی را پاره می کند و در راه آرمان های مقدس عاشقانه و بدون اندک درنگ به پیش می تازد.

چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا کرد؟

پرسش

چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا کرد؟

پاسخ

هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقامشهیدان نزدیک

تر می شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالامی برد.{J

چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟

پرسش

چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟

پاسخ

در «شهادت» جنسیت و زن و مرد بودن مطرح نیست. شهادت درجه ای است که خداوند عالم نصیب افرادی می کند که قابلیت آن را داشته باشند؛ یعنی، واقعا اهل تقوا بوده و عاشقانه آن را طلب کنند. البته در بعضی از روایات آمده است که: زن و مرد با ایمان اگر نیت کار خیری را داشته باشند، هر چند در خارج موفق به آن عمل نشوند ثواب آن را در نامه عمل آنها می نویسند. از آن جایی که شما نیز طالب شهادتید، خداوند ثواب آن را به شما خواهد داد.در روایت دیگری نیز آمده است: فرد مؤمن (چه زن و چه مرد) اگر در بستر بیماری هم بمیرد، در زمره شهدا محسوب خواهد شد.{

منظور از باقیاتُ الصالحات چیست؟

پرسش

منظور از باقیاتُ الصالحات چیست؟

پاسخ

مفسّران قرآن مجید در تفسیر باقیات صالحات، احتمالات متعدّدی ذکر کرده اند که به پنج نمونه از آنها اشاره می کنیم

الف منظور، نمازهای پنجگانه روزانه است؛ زیرا هم عملی صالح و شایسته است و هم ماندگار. نماز در هر خانه و اداره جامعه و کشوری اقامه شود، آن را آباد می کند و از هر کجا رخت بر بندد، آنجا ویران خواهد شد. (تفسیر جوامع الجامع۲/۳۶۷)

ب مراد از « باقیات صالحات » ذکر شریف « سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلّاَ اللّهُ وَ اللّهُ اکْبَرْ» (ترجمه تفسیرالمیزان ۲۶/۱۸۷) [خداوند پاك ومنزّه ازهر عیب و نقصی و متّصف به هر صفت کمال است؛ چنین خداوندی شایسته حمدو ستایش است. حال که او هیچ عیب و نقصی ندارد و تمام صفات کمالیّه را واجد است ، تنها او شایسته پرستش است و هیچ معبودی جز او ، شایسته عبادت نیست . خداوندی که بالاتر از تو صیف ما و بالاتر از فکرو اندیشه ماست.

واژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین وشهدا نعمت داده شده چیست ؟

پرسش

واژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین وشهدا نعمت داده شده چیست ؟

پاسخ

واژه شهید در قرآن نه به صورت جمع و نه به صورت مفرد بر مقتول در راه حق اطلاق نشده است . در قرآن ۳۵ مرتبه کلمه شهید به کار رفته است که هیچ یک از آن موارد درباره مقتول در راه حق نیست . و ۲۰ بار کلمه ((شهدا)) استعمال شده است که ۱۷ مورد آن ظهور در شهادت دادن در مسایل دنیوی دارد و در سه مورد دیگر گر چه در اولین نظر، خواننده ممکن است آن را بر شهدا اصطلاحی حمل کند اما با تحقق بیشتر و مراجعه به تفسیر همگی ظهور در مساله شهادت دادن دارند .چنان که علامه طباطبایی مراد از شهدا در آیه ۶۹ سوره نسا راگواهان اعمال می داند و می فرماید : شهید در قرآن به گواهان اعمال مردم گفته می شود نه شهیدان میدان جنگ . ;

مشورت

مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟ پرسش

اشاره

مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

در چند آیه از قرآن مجید دستور به مشورت داده شده است.

در آیه ۱۵۹ آل عمران خداوند به پیامبر (ص) دستور می دهد که با مسلمانان در امور مهم مشورت کند. «وَ شاوِرْهُمْ فِی الْاَمْرِ».

و در آیه ۳۸ سوره شوری، هنگام بیان اوصاف برجسته مؤمنان راستین می فرماید

«وَالَّذینَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمْ وَ اَقامُوا الصَّلوهَ وَ اَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ»

[آنها کسانی هستند که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده(و ایمان آوردند) و نماز را بر پا داشته و کارهایشان با مشورت

درمیان آنها صورت می گیرد.]

همـان گونه که ملاـحظه می کنیـد در این آیه، مسأله شورا در ردیف ایمـان به خـدا و نمـاز قرار گرفته که بیانگر اهمیّت فوق العاده آن است.

گاه گفته می شود مأمور شدن پیامبر(ص) برای مشورت با مردم تنها به خاطر احترام به شخصـیت مسلمانان و شرکت دادن آنها در مسائل اجتماعی بوده، زیرا تصـمیم گیرنده نهایی شخص پیامبر(ص) بوده است نه شورا، چنانکه قرآن در پایان آیه مشورت می فرماید «فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ» [هنگامی که تصمیم گرفتی(قانع باش و) بر خدا توکل کن.]

ولی مسلّم است که منظور از ذیل آیه این نیست که پیامبر (ص) با مردم مشورت کنـد و بعد نظرات آنها را نادیده گرفته و راه دیگری را پیش گیرد، چنین کـاری نه بـا هـدف آیه سازگـار است (زیرا سـبب بی احترامی به افکار عمومی و درنتیجه رنجش مسـلمانان می شود و نتیجه معکوس میبخشـد) و نه بـا تاریـخ پیـامبر میسـازد، چرا که در حوادث مهم، هنگامی که مشورت می کرد، به نظریّه مردم مسلمان احترام می گذاشت و حتّی گاه نظر مبارک خود را نادیده می گرفت، تا اصل

مشورت در میان آنها تقویت گردد.

قابل توجه اینکه آیه مشورت با توجه به آیات قبل و بعد آن، ناظر به غزوه«اُحُد» است و می دانیم در داستان احد، پیامبر(ص) موافق به خارج شدن لشگر از شهر نبود، ولی چون نظر اکثریّت مسلمانان بر این امر قرار گرفت، موافقت فرمود.

و به فرض که این آیه برای پیامبر(ص) چنین ویژگی را قائل شود که مشورتش با مردم جنبه تشریفاتی داشته باشد، ولی آیه«سور ه شوری» که دستور عام مسلمین را بیان می کند، کاملاً بیانگر این مطلب است که باید کارهای مهم در میان مسلمین با نظر شورا انجام پذیرد، و شورا نقش تعیین کننده دارد.

به هر حال شورا در محدوده ای که در بالاـ بیان شد یک اصل اساسی در اسلام است. تعبیر به «امر»، اشاره به کارهای مهم، مخصوصاً مسائل مورد نیاز جامعه است و این واژه چنان مفهوم گسترده ای دارد که تمام امور مهم سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی را در بر می گیرد.

از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

در احادیث اسلامی، چه احادیثی که از شخص پیامبر(ص) نقل شده یا از پیشوایان معصوم دیگر، اهمیّت فوق العاده ای برای این امر ذکر شده ، تا آنجا که در حدیث نبوی معروف به عنوان یکی از اسباب حیات جامعه و ترک مشورت یکی از اسباب مرگ جامعه معرّفی شده است، می فرماید

«اِذا کانَ اُمَرائُکُم خِیارَکُمْ وَ اَغْنِیائُکُم سُمَحائَکُمْ وَ اَمْرُکُمْ شُوری بَیْنَکُمْ فَظَهْرُ الاَرْضِ خیر لَکُمْ مِنْ بَطْنِها، وَ اذا کانَ اُمَرائُکُمْ شِرارَکُمْ وَ اَغْنیائُکُم بُخَلائَکُمْ وَ لَمْ یَکُنْ اَمْرُکُمْ شُوری بِیْنَکُمْ فَبَطْنُ الاَرْضَ خَیْر لَکُمْ مِنْ ظَهْرِها» (تحف العقول)

[هنگامی که زمامداران شما نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است،(و شایسته حیات و زندگی هستید) ولی هر گاه زمامدارانتان بدان شما و ثروتمندانتان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، در این صورت زیرزمین از روی آن برای شما بهتر است.]

اهمیّت مشورت تا آن پایه است که علی(ع) فرمود «اَلاِ سْتِشارَهُ عَیْنُ الْهِدایَهِ، وَ قَدْ خاطَرَ مَنْ اسْتَغْنی بِرَأْیِهِ» (بحارالانوار ۷۵/۱۰۴)

[مشورت، عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود قناعت کند خویشتن را به خطر انداخته است.]

در حدیث دیگری از همان حضرت(ع) می خوانیم «لایَسْتَغْنِی الْعاقِلُ عَنِ الْمُشاوَرَهِ» (غرر الحکم) [انسان عاقل خود را بی نیاز از مشورت نمی بیند.]

دلیل آن هم روشن است ، و آن به تعبیر زیبایی که در بعضی از روایات از علی(ع) در این زمینه وارد شده است چنین است «حَقَّ عَلَی الْعاقِلِ اَنْ یُضیفَ اِلی رَأْیِهِ رَأیَ الْعُقَلاءِ وَیَضُمَّ اِلی عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُکَماءِ» (غررالحکم)

[سزاوار است که عاقل، رأی و فکر سایر عقلا را به رأی و فکر خود اضافه کند و علوم دانشمندان را به علم خود ضمیمه نماید و از مجموع آنها برای کارهای مهم تصمیم گیری کند.]

و در حدیث دیگری از همان حضرت(ع) آمده است«مَنْ شاوَرَ ذَوِی الْعُقُولِ اِسْتَضاءَ بِاَنْوارِ الْعُقُولِ» (غررالحکم) [هر کس با خردمندان مشورت کند، از نور خرد آنها روشنی می گیرد.]

بنابراین مشورت سبب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل علم و تجربه خویش است که در این صورت انسان کمتر گرفتار خطا و اشتباه می شود.

احادیث در این زمینه بسیار فراوان است و این بحث فشرده را با حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص)، و حدیثی از علی(ع) پایان می دهیم.

پیامبر اکرم(ص) فرمود «لامُظاهَرَهَ اَوْثَقُ مِنَ الْمُشاوَرَهِ» (بحارالانوار ۷۵/۱۰۰) [هیچ پشتیبانی و یاوری محکمتر از مشورت نیست.]

و علی (ع) می فرماید «شاوِرْ ذَوِی الْعُقُولِ تَأْمَنُ مِنَ الزَّلَلِ وَالنَّدَمِ» (غررالحکم) [با خردمندان مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی!]

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایسته مشورت معرفی شده اند؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایسته مشورت معرفی شده اند؟

پاسخ

بی شک طرف مشورت انسان، مخصوصاً در امور مهمّه و مسائل حساس اجتماعی، هر شخص نمی تواند باشد، بلکه باید دارای صفات ویژه ای باشد که او را صالح برای این کار کند، به همین دلیل در روایات اسلامی، گروهی به عنوان «افراد شایسته مشورت» معرّفی شده اند

امام صادق(ع) در حدیثی می فرماید «اِنَّ الْمَشْورَهَ لا تَکُونُ اِلّا بِحُدودِها الْاَرْبَعَهِ... فَاَوَّلُها اَنْ یَکُونَ الَّذی تُشاوِرُهُ عاقِلًا، وَ الثّانِیُ اَنْ یَکُونَ حُرّاً مُتَدَیِّناً وَالثّالثُ اَنْ یَکُونَ صَدیقاً مُؤاخِیاً، وَ الرّابعُ اَنْ تُطْلِعَهُ عَلی سِرِّکَ فَیَکُونَ عِلْمُهُ بِهِ کَعِلْمِکَ...»

[مشورت تنها با چهار شرط سودمند است، نخست اینکه مشاور تو عاقل باشد، دوّم آزاده و باایمان و سوّم دوست علاقمند و دلسوز باشد، چهارم اینکه او را بر سرّ خود آگاه سازی تا آگاهی او نسبت به موضوع مورد مشورت همچون آگاهی تو باشد.]

در حدیث دیگری از علی(ع) می خوانیم «خَیْرُ ما شاوَرْتَ ذَوُواالنُّهی وَ الْعِلمِ وَ اُولُوا التَّجارِبِ وَ الْحَزْمِ» (غررالحکم) [بهترین کسی که با او مشورت می کنی صاحبان عقل و علم و کسانی که دارای عقل و تجربه و دور اندیشی هستند، می باشد.]

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده اند؟

پرسش

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده اند؟

پاسخ

در روایات اسلامی شدیداً از مشورت با افراد «بخیل» و «ترسو» و «حریص» و «احمق» نهی شده است، پیغمبر اکرم (ص) به علی(ع) فرمود «یا علی! لا ـ تُشاوِرْ جَباناً فَاِنَّهُ یُضَیِّقُ عَلَیْکَ الْمَخْرَجَ وَ لا ـ تُشاوِرْ الْبَخیلَ فَاِنَّهُ یُقَصِّرُ بِکَ عَنْ غایَتِکَ، وَ لاتُشاوِرْ حَریصاً فَاِنَّهُ یُزَیِّنَ لَکَ شَرَهاً» (بحار ۷۰/۳۴)

[ای علی با آدم ترسو مشورت نکن که راه خروج (از مشکلات) را بر تو تنگ می کند و با بخیل مشورت مکن که تو را از (بذل و بخشش بجا و) رسیدن به هدف باز می دارد و با حریص نیز مشورت مکن که حرص و آز را برای تو زینت می دهد(و تو را به راه خطا می کشاند.]

در روایات دیگری از مشورت با افراد احمق و نادان و کذّاب و دروغگو نیز نهی شده است.

از آنچه در بالا گفته شد به خوبی استفاده می شود که مشاوران مخصوصاً در امور مهم باید افرادی هوشمند، عاقل، خیرخواه، باتجربه، راستگو، امین، شجاع و با سخاوت بوده باشند و از میان رفتن هر یک از این صفات موجب وهن و سستی و تزلزل پایه های مشورت می گردد.

مثلاًـ هرگاه مشاور آدم احمق وجاهل باشد، حقایق را در نظر انسان دگرگون می سازد و آن گونه که در احادیث وارد شده است اراده می کند به تو نیکی رساند، ولی مایه شرّ می شود! و اگر ترسو باشد مانع از اقدام به موقع و قاطعیّت در امور می گردد و هرگاه دروغگو باشد به تعبیر روایات دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می سازد.

آیا هر کس را می توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهمّ و سنگین انتخاب نمود؟ پرسش

اشاره

آیا هر کس را می توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهمّ و سنگین انتخاب

نمود؟

پاسخ

خیر، مشورت با کسانی که واجد شرایط نیستند نتیجه معکوس می بخشد، و انسان را در تصمیم گیریها ضعیف و ناتوان و گمراه می سازد.

امام صادق(ع) در این باره میفرماید «شورا شرایط و ابعادی دارد، کسی که به آن آگاه باشد، نتیجه می گیرد، وگرنه زیان آن برای مشورت کننده بیش از سود آن است

نخست این که، طرف مشورت فردی باشد صاحب عقل و خرد

دوم این که انسان آزاده و با ایمانی باشد

سوم این که دوست و دلسوز و علاقمند باشد

چهارم این که آنچنان باشد که اگر او را از سرّ خود آگاه کردی در کتمان آن نهایت دقّت را به خرج دهد.

با این شرایط، نتیجه خواهی گرفت؛ زیرا وقتی عاقل و خردمند باشد، از نظراتش بهره خواهی گرفت؛ و هنگامی که آزاده و با ایمان باشد، نهایت تلاش را در نُصح و خیرخواهی انجام می دهد؛ و هر گاه دوست و دلسوز باشد، اسرار تو را پس از آگاهی، کتمان میکند، و آنگاه که او را از اسرارت آگاه کردی و به تمام جوانب امور همچون خودت آگاهی یافت، مشورت به حدّ کمال می رسد و خیرخواهی در سر حدّ اعلا!» (وسائل الشیعه، ج ۲/۱۰۸)

از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟

پاسخ

امیر مؤمنان علی(ع) مشورت با چند گروه را ممنوع ساخته و به «مالک اشتر» در فرمان تاریخی اش تأکید می کند

«وَ لا تُدْخِلَنَّ فی مَشْوِرَتِکَ بِخیلاً یَعْدِلُ بِکَ عَنِ الْفَضْلِ وَ یَعِدُکَ الْفَقْرَ، وَ لا جَباناً یُضْعِفُکَ عَنِ الْاُمُورِ وَلاحَریصاً یُزَیِّنُ لَکَ الشَّرَهَ بِالْجَورِ فَاِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ اَلْحِرْصَ غَرائِزُ شَتّی یَجْمَعُها سُوءُ اَلظَّنَّ بِاللهِ...؛» (نهج البلاغه، بخش نامهها و فرمانها، نامه ۵۳)

[هرگز بخیل را در مشورت خود دخالت مده، که تو را از نیکو کاری منصرف کرده و از فقر می ترساند و نیز با افراد ترسو و بزدل مشورت نکن که روحیه تو را تضعیف کرده، و از تصمیم گیری قاطع باز می دارند! همچنین حریص را به مشاوره مگیر، که حرص و ستم را در نظر تو زینت می بخشد! زیرا «بخل» و «ترس» و «حرص» تمایلات مختلفی هستند که سرچشمه آنها ، سوء ظن به خداست!]

آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفه اخلاقی است یا الزامی؟ پرسش

اشاره

آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفه اخلاقی است یا الزامی؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال باید به این نکته توجّه داشت که موارد مشورت بر سه گونه است.

۱ گاه یک مسأله مربوط به زندگی خصوصی خود انسان است که اصلاح و خرابی آن اثر مهمّی به بار نمی آورد.

۲ گاه مربوط به مسائل اجتماعی و پستهای کلیدی است، ولی مسأله ای است روشن که همه روزه شخص مدیر یا فرمانده، با آن سرو کار داشته و برنامه مشخصی دارد.

۳ مسأله حساس و پیچیده ای است که در سرنوشت عموم یا لااقل در سرنوشت گروهی مؤثر است.

در صورت اوّل و دوّم ممکن است مشورت با پذیرش نتیجه آن الزامی نباشد و صرفاً به یک دستور اخلاقی باز گردد، امّا بدون شک در قسمت سوّم، هم اصل مشاوره، الزامی است و هم اقدام به نتیجه آن. چرا که بر مدیران و فرماندهان واجب است که به عنوان امانت دارانی از سوی خداوند انجام وظیفه کنند و عدم اقدام به مشاوره در این گونه مسائل، یک نوع خیانت به مصالح مسلمین است.

از نظر فقه اسلامی، این امانت داران باید«غبطه مسلمین» (آنچه به حال آنها اصلح است) را در نظر بگیرند، و هرگز با وجود «اصلح» به سراغ «صالح» یا با وجود«صالح»به سراغ«غیر صالح» نروند، و بدون تردید اقدام به مشاوره با اصل «رعایت غبطه» سازگارتر است.

این همان است که امیر مؤمنان علی(ع) در آن گفتار مشهورش به یکی از فرمانداران خود فرمود

«وَ إِنَّ عَمَلَکَ لَیْسَ لَکَ بِطُعْمِهٍ وَلکِنَّهُ فِی عُنُقِکَ أَمانَهٌ ... ؛» (نهج البلاغه، نامهها، نامه شماره ۵) [این پست وسیله آب و نان برای

تو نیست؛ بلکه امانت خدا است در گردن تو]

بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شـئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگران به مشورت بنشیند؟

پرسش

بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگران به مشورت بنشیند؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت: قرآن درمقام بیان این نیست که مشورت در کجا وجوب شرعی و قانونی دارد و رأی اکثریت یا همه مستشاران در کجا حجت است. پس با استناد به اطلاق یا عموم آیات نمی توان پاسخ این دو پرسش را یافت. دو آیه مذکور چنان اطلاقی ندارند که بتوان از آن استفاده کرد که مشورت در همه جا واجب است؛ همچنین دارای چنان عمومی نیستند که وجوب عمل به رأی اکثریت مستشاران را در همه جا برساند. اگر دلیلی خاص در دست می بود که بر وجوب مشورت یا وجوب اطاعت از رأی اکثریت مستشاران دلالت می کرد، باید بررسی می کردیم که آن دلیلی خاص چه اقتضایی دارد و چه کسانی را به عنوان مستشار می شناسد. اما ما نه خود چنین دلیلی در کتاب و سنت یافته ایم و نه شنیده یا خوانده ایم که کسی ادعا کرده باشد که در شرع مقدس اسلام، امری تعبدی در باره موردی خاص، وارد شده است و بر وجوب مشورت یا وجوب پیروی از اکثریت مستشاران در آن مورد دلالت دارد. چون چنین دلیل خاص تعبدی در دست نیست، برای یافتن پاسخ آن دو پرسش باید به عقل رجوع کرد.

عقل حکم می کند در مواردی که مصلحت لازم الاستیفایی در کار باشد و حاکم جامعه خودش با قطع و یقین آن را نشناسد و شناختن آن جز از راه مشورت، ممکن و مقدور نباشد –یا دست

کم، احتمال این که آن مصلحت از راه مشورت بهتر از هر راه دیگری شناخته شود قوی باشد و احتمال این که به طریق دیگری غیر از مشورت بهتر معلوم گردد ضعیف باشد –مشورت واجب است. از سویی نباید یکی از مسائل جامعه اسلامی تفویت شود و از سوی دیگر، تنها راه یا بهترین راه شناخت آن مصلحت و شیوه استیفا و تحصیل آن، مشورت است. در چنین وضعی باید با دیگران به مشاوره پرداخت و از آراء و نظرات کار آگاهان مورد اعتماد کمک گرفت و سود جست. این همان حسن عقلی مشورت است.

همچنین عقل حکم می کند که اگر بر اثر مشورت، حاکم واقع را کشف کرد و مصلحت را به قطع و یقین شناخت و بهترین راه تحصیل آن را کاملاً دریافت، باید بر طبق قطع و یقین خود عمل کند؛ و اگر پس از انجام یافتن مشورت، خود را دستخوش شک و تردید دید و امر دایر شد بین این که یا یکی از دو طرف شک را برگزیند یا رأی اکثریت مستشاران را –که همه کاردان و محل وثوق اند- رأی اکثریت اعضای شورا را باید ترجیح دهد. اما اگر مصلحت لازم الاستیفایی در کار نباشد یا باشد و حاکم خودش آن را به خوبی بشناسد یا نشناسد اما بهترین راه یا تنها راه شناخت آن مشورت نباشد به حکم عقل مشورت نه فقط وجوب ندارد بلکه اساساً موضع حاجت نیست و به فرض انجام یافتن مشورت،پیروی رأی اکثریت افراد شورا به هیچ روی واجب (و حتی راجح) نیست، مگر این که در موضوعی خاص یک دلیل تعبدی داشته باشیم و گفتیم

که از چنین دلیل خاصی اثر و نشانی ندیده ایم.

در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟

پرسش

در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟

پاسخ

مشورت در اسلام اهمیت خاصی دارد. روایات و آیات متعددی، مسلمانان را به این کار ترغیب میکنند; مثلاً خداوند، در سوره شوری، آیه ۳۸ یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت آنان با دیگران دانسته و میفرماید: "وَ الَّذِینَ اسْتَجَابُواْ لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوَةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَیَ بَیْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ یُنفِقُونَ ; و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنان صورت میگیرد، و از آنچه به آنان روزی دادهایم، انفاق میکنند."

میدانید که مهم در مشورت موضوع مشورت نیست; بلکه مهم طرف مشاوره ماست که طبق روایات باید شرایط زیر را داشته باشد: ۱. عاقل; ۲. آزاد و متدین; ۳. دوستی صمیمی; ۴. خبره.

اگر طرف مشورت ویژگیهای فوق را داشت، با او میتوان در هر امری (کارهای اجتماعی، اجرایی، شناسایی موضوعات نه احکام الهی) مشورت کرد، ولی اگر دوست این ویژگیها را نداشت، نباید او را در امور مهم طرف مشورت خود قرار دهیم وگرنه زیان او بیش از سودش خواهد بود.

در پایان با تشکر از اهتمام و ارتباط شما با این واحد، به عرض میرسانیم، این طرح (پرسش از مخاطبان و پاسخ از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن) مسابقه نیست; بلکه این طرح، برای بالا- بردن سطح آگاهیهای مخاطبان در زمینه معارف و علوم قرآنی است; بنابراین، هر زمان هر کسی، پرسش یا شبههای به ذهنش خطور کرد یا در کتاب و مجلهای آن را دید، میتواند آن را با ما در میان گذاشته و پاسخ مناسب را انشأ

اللّه دریافت نماید.

ضمناً در حال حاضر، با توجه به محدودیت امکانات، ارسال کتاب و... مقدور نیست. به امید استمرار ارتباط شما و دوستانتان با این مرکز.

چرا باید با دیگران مشورت کنیم

پرسش

چرا باید با دیگران مشورت کنیم

پاسخ

برخی دلایل ضرورت مشورت به شرح زیر است

۱. مشورت از طرفی سبب از بین بردن استبداد رأی و از جهت دیگر، موجب کم شدن عیب ها و نقص ها و تقویت مدیریت می شود; به همین خاطر قرآن کریم به مشورت سفارش فرموده است "وَ أَمْرُهُم ◦شُورَی ◦بَیْنَهُم (شوری ۳۸) و کارهایشان از راه مشورت در میان آن ها صورت می گیرد."; "وَشَاوِرْهُم ◦فِی الْ ?مْرِ فَإِذَا عَزَمْت ◦فَتَوَکَّل ◦عَلَی اللَّه (آل عمران ۱۵۹) و با آنان مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی]قاطع باش و[بر خدا توکل کن " امام علی در این باره می فرماید: "کسی که مشورت می کند، از لغزیدن در خطاها مصون می ماند."(میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ج ۶، ص ۲۹۰۱، دارالحدیث)

۲. زندگی با مشورت بهتر پیش می رود; پیامبر۶ در این باره می فرماید: "هنگامی که زمامداران شما، نیکان شما باشند و توان گران شما، سخاوت مندان و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته زندگی کردن هستید.) و..."(تحف العقول حرانی ، ص ۳۶، جامعه مدرسین)

۳. مشورت که نوعی استفاده از تجربه های دیگران است برای راهنمایی و انتخاب ِبهترین راه است امام سجاد۷ در این باره می فرماید: "حق کسی که از تو مشورت می خواهد این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر درباره آن کار، چیزی نمی دانی او را به کسی راهنمایی کنی که می داند و اما حق ّکسی که مشاور تو است این است که در

آن چه با تو موافق نیست او را متهم نسازی "(امالی شیخ صدوق ، ص ۳۷۳، کتابخانه اسلامیه) هم چنین پیامبر اکرم در این باره می فرماید: "احدی در کارهای خود مشورت نمی کند، مگر این که به راه راست و مطلوب هدایت می شود."(میزان الحکمه همان)

۴. مشورت سبب تفاهم و هم فکری در زندگی زناشویی و امور خانوادگی می شود; برای مثال قرآن کریم برای از شیر گرفتن کودک می فرماید: "...فَإِن ْأَرَادَا فِصَالاً عَن تَرَاض ٍمِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلاَ جُنَاح َعَلَیْهِمَا...;(بقره ۲۳۳)... و اگر آن دو]زن و شوهر[با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند کودک را]زودتر[از شیر بازگیرند، گناهی بر آن ها نیست .."

بدیهی است در این مسئله و در همه امورِ زناشویی و خانوادگی اگر با مشورت پیش نرود، نه تنها تفاهم نخواهد بود، بلکه خودسری ها پیش می آید و زندگی را تلخ می کند; از این رو، ضرورت مشورت به طور کامل روشن می شود.

و...(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۱۴۲۱۴۷، دارالکتب الاسلامیه همان ج ۲۰، ص ۴۶۲; همان ج ۲، ص ۱۳۱۱۳۵.)

آیا محور مشورت، کوچک و بزرگی و زیادی سنّ است؟

پرسش

آیا محور مشورت، کوچك و بزرگی و زیادی سنّ است؟

پاسخ

معیار مشورت همانا:

۱. آگاهی به موضوع.

۲. دلسوزی.

۳. دارای قوّه ارزیابی(عقل).

۴. ایمان.

۵. تجربه.

۶. کارشناسی می باشد.

امّا از آنجا که به طور طبیعی، کسانی که سنّ بیشتری دارند، تجربه زیادتری هم خواهند داشت، اعتماد به سن نیز می تواند یکی از معیار باشد ولی تمامی مطلب نمی باشد. البته در روایتی از علی((علیه السلام))آمده است رأی پیران را بر جنب و جوش جوانان ترجیح می دهم(۱).

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - نهج البلاغه، کلمات قصار.

۷

درباره مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید.

پرسش

درباره مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید.

پاسخ

مشورت در لغت به معنای رایزنی، شور، رأی و تدبیر است.(۱)

مشورت و مشاوره در اموری که بدان نیاز است، دارای اهمیت فوق العاده ای می باشد. در اهمیت مشورت همین بس که حتی پیامبر گرامی اسلام(ص) مأمور به آن بودند. "در کارها با آن ها مشورت کن"(۲) با این که پیامبر کامل ترین انسان ها بود و نیازی به مشورت با دیگران نداشت، اما مأمور شد این سنّت حسنه را میان مسلمانان رواج دهد و اوّل خود شروع کند.

پیامبر در بعضی مواقع از نظر مشورتی افراد استفاده می کرد، چنان که در جنگ بدر لشکر اسلام طبق فرمان پیغمبر می خواستند در نقطه ای اردو بزنند. یکی از یاران عرض کرد: محلّی را که برای لشگرگاه انتخاب کرده اید، طبق فرمان خدا است که تغییر آن جایز نباشد یا صلاحدید شما می باشد؟ پیامبر فرمود: فرمان خاصی در آن نیست، عرض کرد: جای مناسبی برای اردوگاه نیست، دستور دهید لشکر از این محل حرکت کند و در نزدیکی آب محلّی انتخاب نماید.

پیغمبر نظر او را پسندید و مطابق رأی او عمل کرد.(۳)

علت اهمیت مشورت

انسان ها از آن جهت به مشورت نیازمندندکه در بیساری موارد در کارهای فردی یا اجتماعی و تصمیم گیری های کلان قادر به اتخاذ شیوه صحیح نیستند، زیرا انسان به تنهایی، نمی تواند آن قدر تجربه کسب کند که به تمام امور آگاه شود و چنین

فرصتی را در اختیار ندارد، به علاوه وقتی اولیای الهی و معصومین مأمور به مشورت می شوند، در حالی که به علوم غیب دسترسی دارند،

این موضوع بر ما لازم تر است.

پیامبر فرمود: "هیچ کس هرگز با مشورت، بدبخت و با استبداد رأی خوشبخت نشده است".(۴)

امیر مؤمنان فرمود: "کسی که استبداد رأی داشته باشد، هلاك می شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند، در عقل آن ها شریك شده است".(۵)

در چه اموری مشورت لازم است؟

انسان در بسیاری کارها به مشورت نیازمند است. زمامداران و حاکمان اسلامی و مسئولان نیز در امور مردم داری و تصمیم گیری های بزرگ می بایست از طریق مشورت وارد شوند که هم به صلاح خودشان است و هم به صلاح مردم. پیامبر فرمود: "هنگامی که زمامداران شما نیکان باشند و توانگران شما سخاوت مندان و کارهایتان با مشورت انجام پذیرد، روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته حیات وزندگی هستید) ولی اگر زمامدارانتان، بدان و ثروتمندان، بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است".(۶) (به درد مردن می خورید).

در امور شخصی زندگی هم بدون مشورت خسارت خواهند دید، مثلاً در تصمیم گیری هایی چون انتخاب همسر، شغل، وارد شدن به امور تجارت، قبول مسئولیت و مسائل مربوط به تحصیل.

پی نوشت ها:

۱. فرهنگ معین، ج ۳، ص ۴۱۵۵.

۲. سوره آل عمران (۳) آیه ۱۵۹.

۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴۳.

۴. همان، ص ۱۴۵.

۵. همان.

۶. همان.

هنر و ادبیات

اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است ؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست ؟ روند بهبود آن چیست ؟

پرسش

اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است ؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست ؟ روند بهبود آن چیست ؟

پاسخ

هنر در جامعه و فرهنگ اسلامی، از جایگاه رفیعی برخوردار است. دین مبین اسلام، آکنده از هنر است و کتابآسمانی آن، خود بزرگ ترین آفرینش هنری است. از صدر اسلام تاکنون، هنر به زندگی مسلمانان شادابی و طراوتویژه ای بخشیده است. این جاست که غالب انواع هنرهای اسلامی، در ایران پدید آمده و رشد کرده است. البتههنرهایی که در جامعه اسلامی رشد کرده از نظر نوع، محتوا و کیفیت با آنچه در خارج از حوزه اسلامی پدید آمدهمتفاوت است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ایران، رشد هنری چشمگیری را شاهد بوده و هستیم. در عین حال این بهمعنای رسیدن به حد نهایی و مطلوب نیست و کمبود چشمگیری در این زمینه مشهود است.

آنچه در حال حاضر در جامعه ما حائز اهمیت است، استفاده بهینه از هنر و جهت دهی صحیح آن در راستایاهداف اسلام و انقلاب می باشد.{J

چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است ؟

پرسش

چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است ؟

پاسخ

نخست باید به حقیقت شعر رائج در دوران جاهلیت و آغاز طلوع خورشید اسلام توجه نمود , سپس به هدف آیه از نکوهش شاعران واقف گردید . شعر در آن دوران , یک مشت تخیلات بی اساس بود که برای یک سلسله هدفهای پست مادی در قالب نظم ریخته می شد , و به عنوان افتخار و خودستائی , و یا لطمه زدن به آبروی رقیب و تحریک افراد قبیله به جنگ و غارتگری و ... در محافل کوچک و بزرگ خوانده می شد (۱) . زیر بنای این نوع سروده ها را یک سلسله اهداف مادی یا احساسات جنسی و تشویق به جنگ و خونریزی و ... تشکیل می داد . شعر در دوران جاهلیت , تجلیگاه یک سلسله عواطف کاذب انسانی و احساسات پست مادی بود . وسیله ای برای مغازله با ماهرویان ,عشقبازی با زنان و دختران , توصیف چهره و خال و ابرو و چشم معشوقه ها , بدگوئی پشت سرصالحان , ستایش افراد ستمگر , و تملق گوئی و چاپلوسی برای دارندگان زورو زر و مانند آنها به حساب می آمد . ناگفته پیدا است , گوینده ای که محرك و انگیزه او , احساسات سودجویانه و ارضاءغرائز حیوانی باشد , از مواهب معنوی و تربیت صحیح انسانی برخوردار نباشد , هرگزبرای میدان تاخت و تاز شاعرانه خود , حد و مرزی نخواهد شناخت . چنین شخصی درزنده کردن باطل , پنهان ساختن حق , پایمال ساختن بیچارگان , تعرض به نوامیس دیگران

, شعله ور ساختن آتش شهوت جوانان , و دهها امور زشت و نکوهیده دیگر ,پروائی نخواهد داشت . براستی , سخن , معرف شخصیت و روشنگر و حیات هر انسان است . کلام - اعم از نثر ونظم - طرز تفکر و ضمیر گوینده را متجلی می سازد . قرآن , درباره چنین شاعران بی هدفی که جز تامین منافع مادی و ارضاء نامشروع احساسات جنسی و غرائز پست حیوانی , محرک و انگیزه ای ندارند , چنین می فرماید : و الشعراء یتبعهم الغاوون الم تر انهم فی کل واد یهیمون و انهم یقولون مالایفعلون (۲) . تنها افراد گمراه از شاعران پیروی می کنند آیا نمی بینی که آنان درباره هر چیزی به دروغ سخن می گویند , و آنچه را که می گویند عمل نمی کنند ؟ . از این آیات , کاملا استفاده می شود که هدف قرآن , آن دسته از شاعران است که براثر نبودن مبانی مذهبی و نگهبان باطنی صفات زیرا را دارند :۱ - رهبری گمراهان (یتبعهم الغاوون) . ۲ - گفتار آنان را حد و مرزی نیست . چه بسا باطل را حق جلوه داده , و احیانا حق را در نظر مردم , بد معرفی می کنند (فی کل واد یهیمون) . ۳ - چون به گفته خود معتقد نیستند , به هنگام عمل , به آنچه می گویند عمل نمی کنند . (و انهم یقولون مالا یفعلون) . بنابر این هر نوع سروده ای را که احساسات پاک و شورانگیز گوینده در آن , از عشق به

بیـان حقیقت , مبـارزه بـا باطـل و دعوت به کارهای نیک سرچشـمه گیرد , این شـعر وگوینـده آن , مشـمول آیه های دیگری خواهنـد بود که دنبال این آیات به عنوان اسـتثناءوارد شده اند , چنانکه می فرماید : الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروا اللّه کثیرا و انتصـروا من بعـد ماظلموا (۳) ۰ مگر افرادی که به خـدا ایمان دارنـد و عمل نیک انجام می دهنـد و بسـیار خـدا را یادمی کنند و در برابر سـتمی که کشـیده اند , دادخواهی می کنند . ناگفته پیدا است که هر گوینده و سراینده ای که زیر بنای افکار و سخنان او راایمان به خدا , عمل صالح , یاد خدا , و انتقام از ستمگران تشکیل دهد ; در اشعارو گفتار وی جز حکمت , موعظه , ترویـج حق , و نـابود سـاختن باطـل , چیزی پیـدانمی شود . از این نظر , پیـامبر عالیقـدر اسـلام صـلی اللّه علیه و آله درباره این دسـته از شـعرافرموده است : ان من الشعر لحکمه . پاره ای از شعرها دانش و حکمت است (۳۴) . و لذا هنگامی که از حضـرت صـادق علیه السـلام دربـاره معنی آیه مورد بحث سوال شـد ,امام فرمود : مقصود , داسـتان سـرایان دوران جاهلیت هستند که به عنوان سرگرمی نادرست اشعاری را می سرودند (۵) . مفسران نقل می کنند : هنگامی که آیات فوق نازل گردید , گروهی از شاعران عصررسالت که همگی به وسیله اشعار خود از اسلام و مسلمانان حمایت می کردند , خدمت پیامبر (ص) رسیدند و گفتند : بنابر این سرانجام زندگی ما

جز تباهی چیزی نیست . در این موقع , آیه الا الـذین آمنوا - تا آخر - نازل گردیـد , و این گروه باایمانی را که به خاطر حق و عشق به معنویت , شـعر می گویند , استثناء نمود (۶) . شـعراء در پیشگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام تاثیر یک شعر آموزنده و یـک سـروده مفیـد در روحیه اجتمـاع , قابـل انکـار نیست . وگـاهی آن چنان قـدرت آفرین است که چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن گردد . از این رو , پیشوایان اسلام همواره از سروده های شاعران با هدف استقبال نموده , وآنها را مورد احترام و محبت خود قرار می دادنـد . روزی که دعـای پیـامبر صـلی اللّه علیه و آله دربـاره نزول بـاران مسـتجاب گردیـد , به یاد عموی خویش ابوطالب علیه السـلام افتاد و فرمود : اگر ابوطالب زنده بود , از دیدن این منظره شاد و خرسـندمی شد . آیا کسی هست که شـعر او را برای ما بخواند ؟ یکی برخاست و گفت : ظاهرامقصود شما این شعر است : و ما حملت من ناقه فوق ظهرها ابر و اوفی ذمه من محمـد هیـچ مرکبی در جهان , کسـی را بر پشت خود حمل نکرده است که نیکوکارتر و باوفاتر از محمد باشد . پیامبر فرمود : گوینده این شـعر , حسان بن ثابت است . در این لحظه علی علیه السـلام برخاست و اشـعاری چند از سروده های پـدر والامقـام خود ابوطـالب را خوانـد , که نخستین بیت آن , این است : و ابیض یستسـقی الغمـام بوجهه ثمال الیتامی عصـمه للارامل چهره روشنی که

به احترام آن , بـاران از ابر درخواست می شود , شخصـیتی که پناهگـاه یتیمـان و نگهبـان بیوه زنان است . سـپس یکی از افراد طـایفه بنی کنـانه برخاست و از حضـرتش اجازه گرفت که اشـعاری را که درباره آن حضـرت سـروده بود , بخوانـد . حضـرت اجـازه داد و او اشـعار خود را خوانـد . پیـامبر درباره او چنین دعا فرمود : لک لکل بیت قلته بیت فی الجنه . در برابر هر بیتی از ایـن اشـعار خـانه ای در بهشـت داری (۷) . تقـدیری کـه امـام سـجاد علیـه السـلام از فرزدق و حضـرت صـادق علیه السـلام از هاشـمیات کمیت و امام رضا علیه السـلام از دعبل خزاعی نمودنـد , معروف ومشـهور است . به دلیل اثرات بارزی که شـعر در میـدان دفـاع از حق و زنـده ساختن حقیقت , از خودمی گـذارد , هنگامی که عبـدالرحمن بن کعب از پیامبر اکرم درباره شـعر سوال نمود ,آن حضـرت چنین پاسـخ داد : ان المومن مجاهد بسـیفه و لسانه فوالذی نفسـی بیده لکانما ینضـحونهم بالنبل (۸) . مرد با ایمان با شمشـیر و زبان خود از حریم حق دفاع می کند . به خدائی که جان من در دست اوست , سـروده های شما بسان تیری است که به قلب و چشم دشمن می نشیند (۹) .

دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟

پرسش

دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟

پاسخ

مسآله شـعر را وقتی انسان در اسلام مطالعه می کند، مسائل عجیبی را می بیند. پیغمبر اکرم، هم با شعر مبارزه کرد و هم شعر را ترویج کرد؛ با شـعرهایی مبارزه کرد که به اصطلاح امروز متعهد نیست یعنی شعری نیست که هدفی داشته باشد، صرفا تخیل و سرگرمی است، اکاذیب است. مثلا کسـی شـعر می گفت در وصف اینکه نیزه فلان کس این طور بود یا اسبش آن طور، یا در وصف معشوق و زلف او، یا کسـی را هَجْو و شخصـیتی را مـدح می کرد برای اینکه پول بگیرد. پیغمبر شدیدا با این نوع شـعر مبارزه می کرد؛ فرمود: «لان یمتلی جوف رجل قیحا خیر له من ان یمتلی شـعرا» (نهج الفصاحه، ص ۴۷۰، ح ۲۲۱۵) اگر درون انسان پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شـعرهای مزخرف باشد. ولی همچنین فرمود: «ان من الشـعر لحکمه» (الغدیر، ۲/۹) اما هر شـعری را نمی گویم؛ بعضی از شعرها حکمت است، حقیقت است. پیغمبر در دستگاه خودش چندین شاعر داشت. یکی از آنهـا حسـان بن ثـابت است. تفکیـک بین دو نوع شـعر نه تنهـا در حـدیث پیغمبر آمـده، بلکه خود قرآن نیز آن را بیان کرده اسـت: «والشـعراء یتبعهـم الغـاون الم تر انهم فی کـل واد یهیمـون و انهم یقولـون مـا لا ـ یفعلـون الا ـ الـذین امنـوا و عملـوا الصالحات» شعراء/۲۲۴ و ۲۲۷. شـعرایی بودنـد که پیغمبر اکرم یـا ائمه اطهار آنها را تشویق می کردنـد، اما چه جور شـعرایی؟ شعرایی که پیام اسلام و حقایق آن را در لباس زیبای شعر به مردم می رساندند. و بدون

شک کاری که شعر می کند، یک نثر نمی تواند انجام دهد، چون شعر زیباتر از نثر است. شعر وزن و قافیه دارد، آهنگ پذیر است، اذهان برای حفظ کردن شعر آماده است. پیغمبر اکرم به حسان بن ثابت که شاعر دستگاه حضرت بود، فرمود: «لا تزال مؤیدا بروح القدس ما ذببت عنا اهل البیت» از طرف روح القدس تآیید می شوی مادامی که این راهی را که داری، بروی و از این راه منحرف نشوی؛ مادامی که مدافع حقیقت باشی، مادامی که مدافع خاندان ما باشی، مؤید به روح القدس هستی. درباره یک شاعر، پیغمبر اکرم این سخنان را می گوید.

شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟

پرسش

شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟

پاسخ

شعر در لغت عرب به معنی « دانستن» است ولی در اصطلاح ادیبان سخن منظومی است که در قالب یکی از بحور شانزده گانه شعری ریخته شود، و سرانجام اندیشه ای را اعم از حق و باطل، حقیقی و خیالی در دامن خود بپرورد. و دیوان، مجموعه ای است که در آن سخنان منظوم سراینده ای گرد آید.

در تعریف یاد شده واقعیت شعر را «وزن» و «قافیه» تشکیل میدهد و سراینده باید بکوشد کلامی منظوم و مقفی بخواننده یا شنونده عرضه بدارد و اگر نظم او دچار «سکته» و «وقفه» گردد و یا از نظر قافیه خللی بر آن وارد شود، فاقد ارزش می گردد و ادبای اسلامی، برای تامین هر دو منظور دو علم را به نام «علم عروض» و «علم قوافی» پی ریزی کرده اند و دارندگان قریحه شعری، را تا حدودی رهبری نموده و آهنگهای طبیعی را با قواعد صناعی به هم آمیخته اند.

نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟

پرسش

نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟

پاسخ

از نظر اسلام ارزش شعر، در وزن و قافی خلاصه نمی شود، بلکه باید سخن موزون، لباسی باشد بر اندیشه سالم، که در عارفان جذبه و کشش، در سیاستمداران تحول و تحرک، در جوانان شور و شوق. و با لاخره در هر قلمروی خلاق و سازنده باشد و در غیر اینصورت فاقد ارزش خواهد بود. اگر رسول گرامی(ص) می فرماید:

«ان من الشعر لحکمه و ان من البیان لسحرا» (تاریخ بغداد ۳/۹۸) ناظر به آن سروده های موزونی است که اندیشه حکیمانه را

در برداشته و در زندگی مفید و سودمند باشد.

اگر شعر باید از زیباترین الفاظ، و ظریف ترین کلمات، و استوارترین معانی برخوردار باشد، شاعر نیز باید از فضائل اخلاقی و ارزشهای ویژه ای برخوردار گردد و اشعار حکیمانه و عارفانه او، تبلوری از روحیات او باشد، تو گویی شخصیت انسانی و فضایل اخلاقی خود را در قالب الفاظ منظوم ریخته و به خواننده عرضه داشته و به اصطلاح، به ملکات بسیط خود، لباس کثرت پوشانیده است.

قرآن برخلاف نظریه معروف از شعر و شاعری انتقاد ننموده، بلکه شاعران را به دو گروه تقسیم کرده است:

۱.گروهی که مواهب خدادادی را وسیله اشباع غرائز خود قرار داده، و بدین اعتقاد راسخ، در هر وادی گام می نهند و به مدح و ذم شخصیتها می پردازند و به فساد اخلاقی دامن می زنند و درباره این گروه می فرماید:

«و الشعراء یتبعهم الغاوون * الم تر انهم فی کل واد یهیمون *و انهم یقولون ما لا یفعلون». شعراء/۲۲۴ ۲۲۶

[افراد جاهل و گمراه

از شاعران پیروی می کنند آیا نمی نگری که آنان در هر وادی سرگشته اند و سخنانی می گویند که یکی را عمل نمی کنند.]

این گروه از شعرا قریحه شعری را نردبان ترقی مادی، وسیله اشباع شهوات و مایه گستردگی فساد، و سرانجام دسیسه ای برای بزرگ جلوه دادن کوچکان، و تحقیر بزرگان قرار می دهند و به اصطلاح نان به نرخ روز می خورند، و در سخن آنان نه پندی حکیمانه، و نه اندیشه ای سالم، پیدا می شود، بلکه هدف نیل به اهداف نفسانی است که اسیر آن می باشند این گروه از شعرا پیوسته در خدمت زورگویان بوده و توجیه گر جنایات آنان می باشند.

۲.گروه دیگر شاعران دل سوخته، و یا دل سوختکان شاعری هستند که این نعمت الهی را در خدمت هدف مقدسی به کار می گیرند، جوانان را پند میدهند، جامعه را راه و رسم، سیاستمداران را هشدار می دهند و به آنچه که می گویند پیش از دیگران عمل می کنند، قرآن به این گروه از شعراء در آیه یاد شده اشاره می کند و می فرماید:

«الا الذین آمنوا و عملو الصالحات و ذکروا الله کثیرا وانتصروا من بعد ما ظلموا ...» شعراء/۲۲۷

[مگر آنان که دارای ایمان و عمل نیک بوده و خدا را بسیار یاد کنند و پس از مظلومیت طلب پیروزی می کنند.]

شعر و شاعری وسیله تبلیغ و جهاد در راه حق و باطل است تا این شمشیر در دست چه کسی باشد، انسان متعهد از ذوق شعری خود، در طریق اهداف الهی بهره می گیرد و زیر بنای سرودهای او را تشریح نشانه های

خدا در انسان و جهان، سخنان حکیمانه پیامبران و اولیای الهی، راهنمایی توده ها، پرخاشگری بر ظلم و ستم و استبداد سیاه و ... تشکیل میدهد، در حالی که شعر سراینده مادی و غیر متعهد، بر محور زیبایی ابرو، ترسیم مناظر ضد اخلاقی، مسموم کردن افکار جامعه، تملق به صاحبان زور و ز و تزویر، دور می زند.

به خاطر همین دو لبه بودن این شمشیر است که قدرتهای فاسد و ضد انسانی پیوسته این طبقه را از طریق بخشیدن صله و دادن هدایا، به کار می گرفتند.

فقط گروه مؤمن و متعهد بودند که در برابر عظمت مادی آنان سر فرود نیاورده و حقیقت گویی را با چیزی عوض نمی کردند.

ما از گروه دوم، نمونه هایی در عصر رسالت و زمان معصومان(ع) داریم که به جرم حقیقت گویی بلاکش بودند.

هیچ فرد آگاهی نمی تواند تاثیر شعر را در بیدار کردن جامعه انکار ورزد، آیا میتوان از عظمت شعر «فرزدق» و تاثیر بارز شعر او در مسجد الحرام در حضور ستمگران زمان، چشم پوشید، آنگاه که مردم به احترام فرزند پیامبر(ص) علی بن الحسین(ع) راه را برای استلام «حجر اسود» بازکردند و چشمهای جستجوگر اطرافیان خلیفه اموی، متوجه او شد و خواستند این شخصیت عظیم را بشناسند ولی متأسفانه حسد مانع از آن شد که حقیقت بازگو شود و همگی اظهار بی اطلاعی نمودند، اینجا بود که شاعری، حقیقت گویی را بر پرده پـ...Sِو رضای خدا را بر خشم خلیفه ترجیح داد، و اشعاری در معرفی زین العابدین (ع) سرود. که پیوسته بر تارک زمان نقش بست و چنین گفت:

هدا الذی تعرف البطحاء

و طاتهو البیت یعرفه والحل و الحرم

این شعر به قدری سازنده و کوبنده بود که فوراً دستور دستگیری او صادر گردید و در زندانی به زنجیر کشیده شد.

در تاریخ اسلام نمونه هایی از این شعراء کم و بیش وجود دارند که همگی مورد تقدیر و تشویق خاندان رسالت بوده و پیوسته این شیفتگان حقیقت، گم شده خود را نزد معصومان جستجو می کردند و از طرف پیشوایان نیز مورد محبت و عنایت قرار می گرفتند، و به عنوان نمونه می توان از: کمیت بن زید اسدی، سید اسماعیل حمیری، ابو تمام طائی و دعبل خزاعی و ابونواس و مهیار دیلمی نام برد که گروهی از آنان به فیض درک حضور امامان معصوم (ع) نائل آمده و صله هایی را دریافت نموده اند.

برخلاف اندیشه کوته نظران، اسلام به پرورش هنر، و تربیت ذوق خلاق عنایت ورزیده و از آثار هنرمندان سالم استقبال نموده است و تجربه به خوبی به ما آموخته است که چگونه گاهی یک سروده، تحولی عظیم و بیداری ژرفی در جامعه پدید می آورد و سر چشمه اصلاحات میگردد. آیا میتوان از شعر اعجاز آسای ادیب الممالك در ترسیم استبداد سیاه عصر قبل از مشروطیت چشم پوشید وآن را در بیدار کردن مردم زمان نادیده گرفت، این استاد بزرگ در سال ۱۳۲۰ هجری قمری برابر ۱۲۸۱ هجری شمسی در منظومه معروف خود که به عنوان تبریک عید میلاد پیامبر(ص) سروده است وضع ایران آن روز را چنین توصیف می کند:

افسوس که این مزرعه را آب گرفتهدهقان مصیبت زده را خواب گرفته

خون دل ما، رنگ می ناب گرفتهوز سوزش تب، پیکرمان تاب

گرفته

رخسار هنر، گونه مهتاب گرفتهچشمان خرد، پرده ز خوناب گرفته

ثروت شده بی مایه، و صحت شده بیمار

اشعار زنده و ظریف و سازنده این گروه بود که در دوران استبداد سیاه، افراد خواب زده را بیدار کرد، و بیداران را جوش و خروش بخشید، و آزادیخواهان را به هم پیوند داد و مقدمات تحول بنیادی را به نام « مشروطه مشروعه » (که متاسفانه بعداً به عللی از مسیر اسلامی خود منحرف شد) پی ریزی کرد.

اگر جهاد با دشمن بوسیله شمشیر و نیزه انجام می گیرد ولی پیامبر گرامی (ص) جهاد با زبان را، همانند جهاد با شمشیر می داند در حدیثی می فرماید:

«المومن یجاهد بسیفه و لسانه». (مسند احمد ۲/۴۵۶)

[مومن بوسیله شمشیر و زبان در راه خدا جهاد می کند.]

بخشی از جهاد با زبان را همان گفتار نغز و سخن منظوم و به اصطلاح شعر و سروده تشکیل میدهد که بر اثر آهنگ خاصی که دارد بر دل می نشیند و قلبها را تسخیر می نماید. هرگز تاریخ، تاثیر شعر کوتاه مرحوم آیت الله سید صدر الدین عاملی قدس الله سره را فراموش نکرده است آنگاه که در سال ۱۳۴۴ هجری قمری سعودیهای وهابی، آثار رسالت را ویران کردند و این مرد بزرک در انتقاد از این عمل وحشیانه سه بیت سرود و در روزنامه های بغداد منتشر شد ولی این سه بیت آنچنان شور و ذوقی در توده مردم و بالاخص شعرای نوپرداز عراق پدید آورد که دهها شاعر به استقبال آن رفته و به « تشطیر » و «تخمیس» آن پرداختند و انقلابی ادبی در عراق بر ضد وهابیها

پدید آمد و سرانجام با مداخله حکومت دست نشانده بریتانیا هر نوع سخن گفتن پیرامون آن ممنوع اعلام گردید و به عنوان تبرک نخستین بیت آن را در اینجا یاددآور می شویم:

لعمری ان فاجعه البقیعیشیب لهولها فود الرضیع

(علمای معاصر/۲۱۷)

[به جانم سوگند مصیبت بزرگ (ویران کردن بقیع) دل کودک شیر خوار را پیر می سازد.]

سخن درباره مقام و موقعیت شعر و شعراء از نظر اسلام بیش از آن است که در این خلاصه بگنجد از این جهت دامن سخن در این بخش را با بیتی از حافظ به پایان می رسانم:

گفتگوی من و دلدار مرا پایان نیستآنچه آغاز ندارد، نپذیرد انجام

با توجه به آیاتی از سوره شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همه اشعار و شاعران می شود؟

پرسش

با توجه به آیاتی از سوره شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همه اشعار و شاعران می شود؟

پاسخ

نخست باید به حقیقت «شعر» رائج در دوران جاهلیت و آغاز طلوع خورشید اسلام توجه نمود، سپس به هدف آیه از نکوهش شاعران واقف گردید.

شعر در آن دوران، یک مشت تخیلات بی اساس بود که برای یک سلسله هدفهای پست مادی در قالب نظم ریخته می شد، و به عنوان افتخار و خودستائی، و یا لطمه زدن به آبروی رقیب و تحریک افراد قبیله به جنگ و غارتگری و .... در محافل کوچک و بزرگ خوانده می شد.

زیر بنای این نوع سروده ها را یک سلسله اهداف مادی یا احساسات جنسی و تشویق به جنگ و خونریزی و ... تشکیل می داد. شعر در دوران جاهلیت، تجلیگاه یک سلسله عواطف کاذب انسانی و احساسات پست مادی بود. وسیله ای برای مغازله با ماهرویان، عشقبازی با زنان و دختران، توصیف چهره و خال و ابرو و چشم معشوقه ها، بدگوئی پشت سرصالحان ستایش افراد ستمگر، و تملق گوئی و چاپلوسی برای درندگان زور و زر و مانند آنها به حساب می آمد.

ناگفته پیدا است، گوینده ای که محرک و انگیزه او، احساسات سودجویانه و ارضاء غرائز حیوانی باشد، و از مواهب معنوی و تربیت صحیح انسانی برخوردار نباشد، هرگز برای میدان تاخت و تاز شاعرانه خود، حد و مرزی نخواهد شناخت. چنین شخصی در زنده کردن باطل، پنهان ساختن حق، پایمال ساختن بیچارگان، تعرض به نوامیس دیگران، شعله ور ساختن آتش

شهوت جوانان، و دهها امور زشت و نکوهیده دیگر، پروائی نخواهد داشت.

براستی، سخن، معرف شخصیت و روشنگر روحیات هر انسان است.

کلام –اعم از نثر و نظم- طرز تفکر و ضمیر گوینده را متجلی می سازد.

قرآن، درباره چنین شاعران بی هدفی که جز تأمین منافع مادی و ارضاء نامشروع احساسات جنسی و غرائز پست حیوانی، محرك و انگیزه ای ندارد، چنین می فرماید:

«وَالشُّعَرَاء يَتَّبِعهُمُ الْغاوُون اَلَمْ تَرَ اَنَّهُمْ فی کُلِّ وَ ادٍ يَهِيمُونَ وَ اَنَّهُمْ يقولُونَ ما لاَ يَفْعَلُونَ» شعراء/۲۲۴-۲۲۶

[تنها افراد گمراه از شاعران پیروی می کنند آیا نمی بینی که آنان درباره هر چیزی به دروغ سخن می گویند، و آنچه را که می گویند عمل نمی کنند؟].

از این آیات، کاملاً استفاده می شود که هدف قرآن، آن دسته از شاعران است که بر اثر نبودن مبانی مذهبی و نگهبان باطنی صفات زیر را دارند:

۱- رهبری گمراه (یتبعهم الغاوون).

۲- گفتار آنان را حد و مرزی نیست. چه بسا باطل را حق جلوه داده، واحیاناً حق را در نظر مردم، بد معرفی می کنند (فی کل وادیهیمون).

۳- چون به گفته خود معتقد نیستند، به هنگام عمل، به آنچه می گویند عمل نمی کنند. (و أنّهم یقولون مالا یفعلون).

بنابراین هر نوع سروده ای که احساسات پاك و شورانگیز گوینده در آن، از عشق به بیان حقیقت، مبارزه با باطل و دعوت به کارهای نیك سرچشمه گیرد، این شعر و گوینده آن، مشمول آیه های دیگری خواهند بود که دنبال این آیات به عنوان استثناء وارد شده اند، چنانکه می فرماید:

«اِلَّاالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَروا اللَّهَ كَثيراً وَ انْتَصَرُوا مِن بَعْدِ ما ظُلِمُوا» شعراء/۲۲۷

[مگر افرادی که به خدا ایمان دارند و عمل نیك انجام می دهند و بسیار خدا را یاد می کنند و در برابر ستمی که کشیده اند، دادخواهی می کنند].

ناگفته پیدا است که هر گوینده و سراینده ای که زیر بنای افکار و سخنان

او را ایمان به خدا، عمل صالح، یادخدا، و انتقام از ستمگران تشکیل دهد؛ در اشعار و گفتار وی جز حکمت، موعظه، ترویج حق، و نابود ساختن باطل، چیزی پیدا نمی شود.

از این نظر، پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه و آله درباره این دسته از شعرا فرموده است:

«ان من الشعر لحکمه»

[پاره ای از شعرها دانش و حکمت است] (من لایحضره الفقیه، ۴/باب النوادر)

و لذا هنگامی که از حضرت صادق علیه السلام درباره معنی آیه مورد بحث سئوال شد، امام فرمود: «مقصود، داستان سرایان دوران جاهلیت هستند که به عنوان سر گرمی نادرست اشعاری را می سرودند» (اعتقاد صدوق. به مجمع البیان، ۴/۲۰۸ مراجعه شود)

مفسران نقل می کنند: هنگامی که آیات فوق نازل گردید، گروهی از شاعران عصر رسالت که همگی به وسیله اشعار خود از اسلام و مسلمانان حمایت می کردند، خدمت پیامبر(ص) رسیدند و گفتند: بنابراین سرانجام زندگی ما جز تباهی چیزی نیست. در این موقع، آیه «الا الذین آمنوا» -تا آخر- نازل گردید، و گروه با ایمانی را که به خاطر حق و عشق به معنویت، شعر می گویند، استثنا نمود [تفسیر ابن کثیر، ۳/۳۵۴. المیزان، ۱۵/۳۶۸]

شعراء در پیشگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام

تأثیر یک شعر آموزنده و یک سروده مفید در روحیه اجتماع، قابل انکار نیست. و گاهی آن چنان قدرت آفرین است که چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن گردد.

از این رو، پیشوایان اسلام همواره از سروده های شاعران با هدف استقبال نموده، و آنها را مورد احترام و محبت خود قرار می دادند. روزی که دعای پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نزول باران مستجاب گردید، به یاد عموی خویش ابوطالب علیه السلام افتاد و فرمود: اگر ابوطالب زنده بود، از دیدن این منظره شاد و خرسند می شد. آیا کسی

هست که شعر او را برای ما بخواند؟ یکی برخاست و گفت: ظاهراً مقصود شما این شعر است:

و ما حلمت من ناقه فوق ظهرهاابرّ و اوفی ذمّه من محمد

[هیچ مرکبی در جهان، کسی را بر پشت خود حمل نکرده است که نیکوکارتر و با وفاتر از محمد باشد].

پیامبر فرمود: گوینده این شعر، حسان بن ثابت است. در این لحظه علی علیه السلام برخواست و اشعاری چند از سروده های پدر والامقام خود ابوطالب را خواند، که نخستین بیت آن، این است:

و ابیضَ یُسْتسقی الغَمامُ بوجهِهِثمال الیتامی عصمه ٌللارامل

[چهره روشنی که به احترام آن، باران از ابر درخواست می شود، شخصیتی که پناهگاه یتیمان و نگهبان بیوه زنان است].

سپس یکی از افراد طایفه بنی کنانه برخاست و از حضرتش اجازه گرفت که اشعاری را که درباره آن حضرت سروده بود، بخواند. حضرت اجازه داد و او اشعار خود را خواند. پیامبر درباره او چنین دعا فرمود:

«لک لکل بیت قلته بیت فی الجنه»

[در برابر هر بیتی از این اشعار خانه ای در بهشت داری] [امالی شیخ طوسی، ص۴۶].

تقدیری که امام سجاد علیه السلام از «فرزدق» و حضرت صادق علیه السلام از «هاشمیات» کمیت و امام رضا علیه السلام از «دعبل خزاعی» نمودند، معروف و مشهور است.

به دلیل اثرات بارزی که شعر در میدان دفاع از حق و زنده ساختن حقیقت، از خود می گذارد، هنگامی که عبدالرحمن بن کعب از پیامبر اکرم درباره شعر سؤال نمود، آن حضرت چنین پاسخ داد:

«ان المؤمن مجاهد بسیفه و لسانه فوالذی نفسی بیده لکأنّما ینضحونهم بالنبل» (مجمع البیان، ۴/۲۰۸، چاپ صیدا).

[مرد با ایمان با شمشیر و زبان خود از حریم حق دفاع می کند. به خدائی که جان من

در دست او است، سروده های شما بسان تیری است که به قلب من و چشم دشمن می نشیند] [در این زمینه، به بحث مبسوط مرحوم علامه امینی در الغدیر ج۲ (متن عربی) یا ج ۳ (ترجمه فارسی) مراجعه شود].

آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟

پرسش

آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟

پاسخ

هر چند در قرآن کریم آیه ای درباره هنر صراحتاً وارد نشده است ولی از آن جا که دعوت قرآن کریم و اسلام به چیزهایی است که در فطرت آدمی یافت می شود، مثلاً میل به زیبایی و استفاده از شیوه های مختلف هنری برای جذب بیشتر در وجود انسان فطرتاً نهاده شده است قهراً قرآن کریم نیز تلویحاً به هنر و ارزش آن اشاره فرموده است از جمله

۱. "الَّذِیَ أَحْسَنَ کُلَّ شَیءٍ خَلَقَه ..;(سجده ۷) او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید..."

۲. "وَ صَوَّرَکُم فَأَحْسَنَ صُوَرَکُم ..;(غافر،۶۴) و شما را صورت گری کرد و صورتتان را نیکو آفرید..."

۳. "فَتَبارَکَ اللَّه أَحْسَن الْخَلِقِین (مومنون ۱۴) پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است

۴. "صِبْغَه اللَّه وَ مَن أَحْسَن مِن اللَّه صِبْغَه (بقره ۱۳۸) رنگ خدایی]بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است ..."

۵. "قُل مَن حَرَّم زِینَه اللَّه ...;(اعراف ۳۲) بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است "

۶. "یَبَنِی ءَادَم خُذُواْ زِینَتَکُم عِندَ کُل مَسْجِدٍ; (اعراف ۳۱) ای فرزندان آدم زینت را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید."

و...

آیات فوق همگی دلالت دارد بر این که خداوند متعال نیز از زیبایی و اتقان وقامت موزون در پدیده ها، خبر می دهد و به نقش هنر، زیبایی هماهنگی دلنوازی و صورت های زیبا و دلپذیر در مخلوقات خود و ذرات

عالم اشاره می فرماید; پس ما باید درس گرفته و در کارها و اعمال مان از هنر و زیبایی و خلق شیوه های نو و دلنواز کمک بگیریم (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۰، ص ۱۵۹، دارالکتب الاسلامیه)

آهنگ در قرآن از مجموعه آواهای "نظم یافته در قالب یک "قافیه که آیه بدان ختم می شود و یا در قالب یک "تجانس میان حروف مختلفی که یک کلمه را تشکیل می دهد، آهنگ قرآن پدید می آید; البته جنبه های هنری دیگری نیز وجود دارد که پژوهشگران قدیم و جدید به آن پرداخته اند; به ویژه جنبه های هنری در مورد به کارگیری "مفردات و یا "ترکیب ها" که در آیات قرآن کریم زیاد به چشم می خورد.(ر.ک اسلام و هنر، دکتر محمود بستانی ترجمه حسین صابری ص ۱۴۶، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ۵۷. خرمشاهی بهألدین دانشنامه قرآن ج ۲، بخش عرفان انتشارات دوستان)

هنر چیست انواع ان را توضیح دهید.

پرسش

هنر چیست انواع ان را توضیح دهید.

پاسخ

از هنر تعریف های مختلفی شده است. افلاطون و شاگردش ارسطو، هنر را به توانایی آفرینش، یا ایجاد زمینه تحقیق غایاتی که خود ترسیم نموده است تعریف کرده اند. برخی هنر را تقلید از طبیعت تعریف کرده اند و گفته اند هنرمند کسی است که بتواند آنچه در طبیعت و عالم محسوس است به بهترین نحو منعکس نماید. یکی از تعریف های هنر «ابداع» و «خلاقیت» است و در تعریفی دیگر هنر را فرافکنی بیان احساس دانسته اند، یعنی هنرمند احساساتش را در اثر هنری خود بیان و منعکس می کند. حقیقت هنر، یک عطیه الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است.

هنر در رابطه با هنرمند و جامعه دو قسم دارد و هر کدام طرفدارانی:

۱. هنر برای هنر: یعنی هنر بدان جهت که هنر است مطلوب است، زیرا هنر کاشف از نبوغ و روشن کننده عشق آدمی است بر شهود واقعیات آن چنان که باید باشند و هیچ قانون و الگویی نباید برای هنر که ابراز کننده شخصیت هنرمند ونبوغ او است وجود داشته باشد. اگر ما برای هنر حد و مرزی قائل شویم، در حقیقت فردیت فرد را از نظر امتیازی که دارد نابود ساخته ایم و در نتیجه هنر برای هنر یکی از عالی ترین موارد آزادی در عقیده و بیان است که مطلوب و مفید بودن آن ثابت شده است.

۲. هنر، برای انسان: یعنی از آن جهت که هنر نیز مانند دیگر محصولات فکری بشری برای تنظیم و بهره برداری در حیات جامعه است، لذا ضرورت دارد ما هر هنری را نپذیریم و نگذاریم هنرهایی

که به ضـرر جـامعه تمـام می شود، در معرض و دیـدگاه مردم قرار بگیرنـد، یـک عقیـده سوم را نیز می توان ابراز کرد آن این است «هنر انسانی برای انسان» که ما آن را «هنر برای انسان در حیات معقول» می نامیم.

تـا مسأله تعلیم و تربیت نتوانـد مغزها و روان های انسان ها را از هر گونه آلودگی ها و اصول پیش ساخته غیرمنطقی پاک کند و آنها را با واقعیات آشنا سازد، «هنر برای هنر» اگر چه باز کردن میدان برای به فعلیت رسیدن نبوغ ها است ولی چون به فعلیت رسـیدن نبوغ ممکن است از مغزهـایی پر از برداشت ها و اصول پیش ساخته غیرمنطقی به جریان بیفتـد، لـذا این عقیـده به طور مطلق قابل دفاع نیست.

هنر برای انسـان نیز از آن جهت که تفسـیر انسـان بنـابر دیـدگاه هـای مختلف، بسـیار متفـاوت است و تفسـیر انسان از دیـدگاه سیاسـتمداران غیر از تفسـیر انسان از دیـدگاه افلاقیون و از دیـدگاه تقوا و معرفت های برین و مردم متعهـد در زندگانی غیر از دیگر دیـدگاه هـاست، لـذا هر گروهی خواهـد گفت: هنر برای آن انسـان که من تفسـیر و توجیه می کنم. آن چه که با نظر به هـدف و فلسـفه زنـدگی انسان ها از دیـدگاه اسـلامی بر می ایـد، عقیده متوسط است که می گوید: «هنر برای انسان در حیات معقول». حیـات معقول یعنی شخصـیت انسـانی را در تکـاپو به سوی ابـدیت که به فعلیت رساننـده همه ابعـاد روحی در جـاذبه پیشگاه الهی است، به ثمر رسانیدن. معنای هنر برای انسان در حیات معقول آن است که ما هنر را، چه با نظر به

نبوغ خود هنرمند و چه با نظر به جامعه ای که از اثر هنری برخوردار می شود، یک واقعیت بسیار با ارزش تلقی کنیم که حذف آن از قاموس بشری چندان تفاوتی با حذف انسانیت انسان ندارد. حیات معقول یک هنرمند آن نیست که هدف او از به وجود آوردن اثر هنری فقط جلب تحیر و شگفتی مردم بوده باشد، بدون این که حقیقتی سودمند را در جریان زندگی آنها وارد نماید. حیات معقول یک هنرمند آن نیست که نامش را در کتاب ها ثبت کنند و با ذکر نام او در سخنرانی ها کف بزنند. اگر یک هنرمند پیش از آن که هنرمند باشد از حیات معقول برخوردار باشد، بارقه های ذهنی خود را در راه روشن ساختن واقعیات ضروری و سودمند برای مردم به کار می برد نه در آتش زدن به کِشتگان حیات جامعه.

در یک تقسیم دیگر هنر به دو نوع پیرو و پیشرو تقسیم می شود:

۱. هنر پیرو

پدیده پیرو آن است که از خواسته ها و تمایلات و اخلاقیات رسمی و دانسته های معمولی تبعیت می نماید. معنای هنر پیرو عبارت است از توجیه شدن نبوغ و فعالیت های عقلانی و احساساتی مردم. هنرمند پیرو دنباله رو تفکرات و آرمان های مردم جامعه است. هنرمند پیرو دنباله رو درک ها و خواسته های مردم متوسط در هنر می باشد.

او از شهرت و محبوبیت و دیگر امتیازات زندگی معمولی بهره ور می گردد ولی کاری برای انسان انجام نداده است مگر این که در آثار هنری خود بکوشد با مجسم ساختن واقعیات و با طنز و اشارات مناسب دردهای مردم را تقلیل

دهـد و بـا عظمت ها و سـرمایه ها و امکانات نهفته آنان در زیر پرده عوامل و محیطی و اجتماعی آشـنایشان ساخته و با این راه آنان را به دروازه حیات معقول نزدیک سازد.

هنر پیرو جریان موجود را با حذف و انتخاب شخصـی به وسـیله احساسات به شکلی جالب بر جامعه عرضه می دارد و کاری با آن چه باید یا شایسته است که بشود، ندارد، لذا همواره در معرض ایستایی و فرسودگی قرار می گیرد و پس از گذشت اندک زمـانی تنهـا از جوبه تاریخی برای آینـدگان مطرح می شود مگر این که هنرمنـد این قـدرت را داشـته باشـد که از دانسـته ها و آرمان های مشترک انسان ها که از دستبرد دگرگونی های زمان در امان بوده، استفاده کند.

۲. هنر پیشرو:

منظـور از هنر پیشـرو آن نیسـت که یـک هنرمنـد همه معلومـات و تجـارب و نبـوغ سازنـده خـود را از زمـان و محیـط بریـده و واحـدهایی را مطرح کنـد که هیـچ منشأ اجتماعی و عینی نداشـته و به یک آینده بریده از حال حاضـر و واقعیات جاری بجهد. چنین هنری بـا آن که امکـان ناپـذیر است، هیـچ سـودی برای مردم نخواهـد داشت. بلکه منظور از هنر پیشـرو تصـفیه واقعیـات جاری و اسـتخراج حقائق ناب از میان آنها و قراردادن آنها در مجرای «حیات معقول» با شـکل جالب و جـذاب می باشـد. نبوغ سازنـده در این گونه هنر «آن چه هست» را به طور مطلق امضا نمی کنـد و آن را مطلق طرح نمی نمایـد و بلکه «آن چه هست» را به سود «آن چه باید بشود» تعدیل می نماید.

ما این هنر را جلوه

گاه تعهد، و به وجود آورنده آن را هنرمند متعهد می نامیم. این هنرمندان متعهد می توانند در تصفیه اوهام و پندارها و بیرون ریختن زباله هایی که در ذهن مردم به عنوان حقایق موج می زنند و رسوب می نماید، رسالت بزرگی را ایفا نماید. اینان روشنگر مغز های افراد جامعه و سازندگان آرمان های حیات بخش آنان می باشند، با نظر به جریان این قانون که «عوامل فراوانی موجب طبیعت گرایی مردم است» و این طبیعت گرایی بوده است که همواره مردم را در سودجویی و خودخواهی و بی اعتنایی به ارزش های تکاملی فروبرده است، لذا هنر پیرو نتیجه ای جز تحکیم و امضای همین جریان پست و ضد تکاملی در برنداشته است، در صورتی که پرچمداران هنر پیشرو با در نظر گرفتن طبیعت دو بعدی انسان دست به کار می شوند که یک بعد آن همان سودجویی و خودخواهی است که بی اعتنایی به ارزش های تکاملی را به وجود می آورد و بعد دیگر آن «حیات معقول» انسان ها را هدف قرار می دهد.

یک اثر هنری پیرو هر اندازه هم که نبوغ آفرین باشد نتیجه ای جز منعکس ساختن آنچه که در جهان عینی موجود است با تمام نیک و بد، زشتی و زیبایی، صحیح و غلط، با نظم و بی نظم و توهمات و واقعیات در شکل جالب توجه چیزی ندارد چنین هنرهایی کاری که می توانند انجام دهند، منتفی ساختن مقداری ملالت و یکنواخت بودن زندگی است، در صورتی که هدف هنرپیشرو از تماشا و درک واقعیات، هنماهنگ ساختن منطق واقعیات با دریافت های کیفی و احساسات سازنده

درباره آنها است که یکی از دو عنصر اساسی روان آدمی است. به وجود آورندگان آثار هنری پیرو، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه وظیفه خود را در آن می بینند که هر چه بیشتر مردم را وارد نمایند که از اثر هنری آنان لذت ببرند و کاری ندارند که بر آگاهی ها و شایستگی ها و بایستگی های حیات مردم بیفزایند، در حالی که هنر پیشرو با یک اثر هنری می تواند کلاس درسی بر مردم جامعه عرضه نماید که در این کلاس، معلم و مربی و کتاب و محتوا یک حقیقت است که عبارت است از همان اثر هنری.

برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به:

۱. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، علامه محمد تقی جعفری (ره)

۲. هنر و ماوراء الطبیعه، تدوین سید عباس نبوی

۳. هنر از دیدگاه سید علی خامنه ای _مد ظله العالی_

نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟

پرسش

نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟

پاسخ(قسمت اول)

احکام و قوانین ادیان آسمانی که برای بهبود زندگی بشر - به ویژه بعد معنوی او - وضع شده اند، با فطرت بشری هماهنگ بوده و با خواسته ها و نیازهای خردمندانه و معقول و فطری او تضاد و تعارضی ندارد. هنر نیز جوششی است از درون انسان برای ابراز و اظهار خواسته ها، تمایلات و رفع نیازهای خردمندانه و معقول او. بدیهی است که این دو، تا در مسیر طبیعی و درست خود حرکت می کنند نباید رودر روی هم قرار گیرند؛ مگر این که در هر دو، یا یکی از آنها انحرافی روی دهد و از مسیر طبیعی خود خارج شوند. در این صورت، این دو در عرصه ی عمل ناسازگاری هایی پیدا می کنند. ما در این نوشتار برآنیم که برخورد دین با هنر مجسمه سازی و نقاشی را بررسی و سازگاری ها و ناسازگاری های آنها را ریشه یابی کنیم. منظور از دین در این نوشتار دین اسلام است.

عوامل ناسازگاری:

در یک تقسیم کلی می توان عوامل ناسازگاری دین و هنر را به سه بخش تقسیم کرد:

۱. عوامل درون دینی که ریشه در احکام دین دارد.

۲. عواملی که از دین و هنر بیرونند و از چیزهای دیگری؛ چون برداشت سلیقه ای و صنفی از احکام دین، ادیان دیگر، آداب و رسوم و فرهنگ قومی و منطقه ای حکومت، سیاست و... متأثرند.

۳. عوامل هنری که از ذات هنر، مایه می گیرد.

عوامل درون دینی:

احکام دینی و حتی عقلانی در یک

تقسیم کلی بر دو گونه است:

۱. احکام ثابت و لا یتغیر.

۲. احکام متغیر و تابع شرایط زمان و مکان و شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی.

در نگاهی دیگر، برخی احکام، ضروری دین هستند و برخی چنین نیستند.

در اینجا در صدد توضیح احکام ثابت و متغیر و یا ضروری و غیر آن نیستیم، تنها به بیان این نکته بسنده می کنیم که احکام ضروری آنهایی است که امت بر آن اجماع داشته باشند؛ هم چون وجوب نماز، روزه، زکات و..

نکته ی دیگر این که حرمت مجسمه سازی و نقاشی از ضروریات دین و مذهب نیست، با این حال بسیاری از فقها با استناد به منابع و مدارک، فتوا به حرمت برخی از اقسام آن دو داده اند.

در فقه اسلامی، ادله و منابع احکام منحصر است در (کتاب، سنت، اجماع و عقل). فقها در حکم مجسمه سازی و نقاشی بیشتر به روایات (سنت) استناد کرده اند؛ زیرا در قرآن کریم نه تنها دستوری آشکار و صریح مبنی بر نهی و پرهیز از این دو نیامده، بلکه در آیه ای به طور ضمنی از این دو ستایش شده و از خواسته های سلیمان پیغمبر دانسته شده است(۱). اجماع و عقل نیز در این خصوص کارایی زیادی ندارند.

در میان روایات شیعه و سنی که به طرق مختلف از پیامبر اسلام(ص) روایت شده احادیثی وجود دارد که مضمون آنها افراد را از کشیدن نقاشی و ساختن مجسمه بر حذر می دارد. در بسیاری از این روایات، از حکم ساخت، نگهداری و... مجسمه و نقاشی سؤال نشده، بلکه سؤال از نماز خواندن در جایی مثل اتاق و مسجد است که در

آنها مجسمه و نقاشی وجود دارد. حتی در برخی از آنها مورد سؤال جایی است که این دو در سمت قبله باشند. این دسته، بیشترین روایات این باب را تشکیل می دهند. در مورد دسته دی دیگری از روایات نیز با مقداری مسامحه می توان گفت: به اصل موضوع؛ یعنی «ساخت مجسمه» و «کشیدن نقاشی» نظر دارد. در این روایات به کسی که چنین کاری انجام دهد وعده ی عذاب الهی داده شده است. خلاصه ی کلام آن که حتی روایات، با همه ی فراوانی اش حکم این دو را بی ابهام و روشن بیان نکرده اند و همین امر سبب ارایه ی نظرات گوناگون شده است.

فقهای دو گروه، در آثار خود و در باب روایات به تفصیل بحث و بررسی کرده اند و نظری گاه متضاد با یکدیگر داده اند. ما در این نوشتار به بررسی متن و سند روایات نمی پردازیم، بلکه از آنجا که قانونگذار (شارع) هنگام وضع قانون – به ویژه در احکام متغیر – به شرایط و اوضاع موجود نظر داشته و به نظر می رسد که فقها به شأن و شرایط صدور روایات توجه کافی نکرده اند، شایسته است به اختصار، اوضاع، شرایط، قوانین و برخی سنت های حاکم بر جزیره العرب را در هنگام ظهور اسلام و صدور این روایات بررسی کنیم.

محیط پیدایش اسلام:

هنگام ظهور اسلام، بیشتر مردم جزیره العرب، مشرک و بت پرست و گروهی نیز مسیحی، یهودی و یا زردشتی بودند و تعداد کمی نیز به دین ابراهیم(ع) پای بند بودند.

بت پرستی، بین مردم رایج بود و بت پرستان انواع بت ها را که پیکره ی

انسـان و غیر آن بود می پرستیدنـد. بسـیاری از بت هـا مجسـمه هـای بزرگی بودنـد که به شـکل انسـان (مرد یـا زن) و از مواد گوناگونی؛ چون سنگ، چوب و انواع فزات ساخته شده بود. مجسمه سازی در آن دیار رونقی تمام داشت و هنرمندان مجسمه ساز، مجسـمه ها را با هـدف های گوناگون؛ از جمله پرسـتش (بت) تزیین و یا برای یاد بود مردگان می ساختند. در این میان، ساخت مجسمه های پرستشی از همه رایج تر بود؛ چرا که خواهان بیشتری داشت.

اگر شـخص بزرگی؛ هم چون رییس قبیله، سخاوتمند، شاعر، شجاع و... از دنیا می رفت، بستگان او مجسمه ای بزرگ، ظریف و زیبـا (بیشـتر از سـنگ و کمـتر از دیگر مـواد) از او سـاخته و بر قـبرش نصب می کردنـد و در طی سالیـان دراز و در مـواقعی خـاص، برای یـاد بود و بزرگـداشت او دور قبرش جمع می شدنـد و بـا مراسم و آیینی خـاص یـادش را گرامی می داشـتند. به تدریـج، روی این گونه قبه و بارگاه ساخته شـد و سـرانجام پس از گذشت چند نسل، کار از بزرگداشت و احترام، به پرسـتش می کشید و آن مجسمه به «بت» و آن بارگاه به بتخانه و معبد قبیله، تبدیل می شد.

عرب ها در دیار خود بت ها و بت خانه های بزرگ و بسـیاری داشتند که در طول سال و در زمانی معین، بر گرد آن جمع می شدنـد و طواف، قربانی و زیارت می کردنـد؛ حتی مُحرِم شـده، لبیک می گفتند و مراسـمی شبیه مراسم حج برای بتان به جای می آوردند. بت پرستان به آیین بت پرستی و

سنت های نیاکان سخت پایبند بودند.

بت، نماد و نشان آیین شرک و محور وحدت و یکپارچگی آنان بود، تا این که اسلام ظهور کرد و پیامبر(ص) مردم را به یکتاپرستی و دوری از شرک فرا خواند و شعار اصلی، بنیادی و «نماد» آیین اسلام را «توحید» و یکتاپرستی اعلام کرد.

نماد اسلام و نماد شرک:

از آنجا که آیین پیامبر اسلام توحید و یکتاپرستی و سنبل و نماد آیین شرک «بت» و بت پرستی بود، لذا این دو آیین رو در روی هم قرار گرفته، با هم به مبارزه برخاستند. پیامبر(ص) هر چه بر دعوت به توحید بیشتر اصرار می کرد، مشرکان نیز بر آیین نیاکان خود (بت پرستی) پای می فشردند.

وقتی پیامبر(ص) با آیات الهی بت ها را نکوهش کرد و بت پرستان و نیاکان آنان را گمراه خواند، مبارزه جدی تر شد و پیکار «توحید» و «بت» بالا گرفت. هر کس مسلمان می شد، موظف بود، بت خود را بشکند و از تقدیس و احترام بت ها دست بردارد و از سنت ها و آداب و رسوم بت پرستان دوری کند. نومسلمانان، بستگان خود را به اسلام دعوت می کردند و بت های فامیل خود را در حد توان خود می شکستند. بدین گونه پیکار بین توحید و شرک به درون قبیله ها و حتی خانواده ها راه یافت و درگیری میان آنها بیشتر شد.

با توجه به این اوضاع و شرایط بود که دستورهای پیامبر(ص) مبنی بر پرهیز از احترام و تقدیس هرگونه مجسمه ای «بتی» پیاپی و به الفاظ مختلف صادر می گردید و به مجسمه سازان (بت تراشان) وعده ی عذاب الهی می

داد؛ زیرا تازه مسلمان شده ها از شرک و بت پرستی فاصله ی زیادی نداشتند و خطر بازگشت آنان به بت پرستی به شدت احساس می شد.

به تدریج که اسلام نیرومند گردید «بت شکنی» (شمایل شکنی) بالا گرفت و مسلمانان بیشتر از سال ۸ تا ۱۰ هجری، تمام بت ها را شکستند و بتخانه ها را ویران کردند. در جریان این بت شکنی دو نکته ی در خور تأمل وجود دارد: یکی این که هر چیزی که پرستش می شد، چه مجسمه چه صخره، چه درخت و... بریده و درهم شکسته می شد. عرب ها درختانی چند را تقدیس و احترام کرده و آنها را می پرستیدند، پیامبر(ص) فرمان داد آنها را بریدند(۲).

آن حضرت(ص) و مسلمانان می کوشیدند تا هیچ اثر و نشانه ای از بت، بتخانه و معبودهای مشرکان باقی نگذارند.

نکته ی دوم این که با تحقیق گسترده ای که در باب بت شکنی مسلمانان انجام دادم، مطلبی دال بر شکستن مجسمه های تزیینی و به طور کلی غیر پرستشی و از بین بردن نقاشی های زینتی نیافتم. حتی اگر چنین چیزی هم می بود عجیب نبود؛ زیرا هر جا که انقلابی فکری، یا سیاسی روی دهد، انقلاب کنندگان با تمام توان می کوشند تا آثار حکومت، دین و آیین پیشین را از بین ببرند و در این کار دقت زیادی به خرج می دهند. ما این کار را در انقلاب اسلامی خودمان و در فروپاشی شوروی سابق شاهد بوده ایم.

سیره ی پیامبر(ص) و یاران در شمایل شکنی:

آنچه در صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم(ص) روی داد، شکستن شماری مجسمه (بت) و

ویرانی بتکده ها، بتخانه ها و حتی مقبره هایی بود که در گذشت روزگار به بت و بتخانه تبدیل شده بودند، حال سؤال این است که آیا می توانیم از سیره پیامبر(ص) این درس را فرا بگیریم و هر جا مجسمه ای - هر چند تزیینی و غیر پرستشی - دیدیم بشکنیم؟ در پاسخ این سؤال شایسته است نگاهی کوتاه به سیره ی یاران و صحابه ی پیامبر(ص) داشته باشیم تا ببینیم کسانی که در کنار آن حضرت(ص) بودند و در جنگ ها و شمایل شکنی ها حضور داشتند، از کردار، گفتار (روایات نهی)، تقریر و امضای پیامبر(ص) چه چیزی فهمیده اند؟ شکستن مطلق مجسمه را یا فقط شکستن بت را.

پیامبر(ص) تمام معبودهای عرب را که نشانی از شرک داشت، شکست و از بین برد. لذا مهم این بود که نشان و نماد شرک باشد و شکل و شمایل آن تفاوتی داشت. پیامبر(ص) بت ها را می شکست؛ بت های سنگی، فلزی، چوبی و... به شکل انسان، یا حیوان و حتی اگر شکل خاصی نداشتن و سنگ صاف و صیقلی بود. یا درختی بود که مردم به آن احترام می گذاشتند (۳).

پاسخ(قسمت دوم)

یاران پیامبر(ص) که همراه آن حضرت بودند و گفتار او را شنیده و کردار او را دیده بودند، بهتر از کسانی که او را ندیده و همراهش نبودند، سیره ی او را می فهمیدند و گفتار او را درک می کردند. پس از رحلت آن حضرت بسیاری از یاران نزدیک او در مقام فرمانده سپاه اسلام، کشورهای زیادی مانند ایران، روم، شام، مصر، آفریقا و... را فتح کردند. آنان در این کشورها مجسمه

هـا و پیکره های انسانی و حیوانی فراوانی دیدنـد؛ ولی هیـچ یک را - تا آنجا که پرستشـی نبود - نشکسـتند. در ایران مجسـمه هـای فراوانی چون پیکره هـای بزرگ انسانی و حیوانی تخت جمشـید، تاق بسـتان، نقش رسـتم، همـدان و ... دیدنـد ولی هیچ کـدام را نشکسـتند و هنـوز هم بسـیاری از آنهـا پابرجـا و قابـل دیـدن است. در سوریه (حلب و تـدمر)، اردن (بصـری و پـترا)، فلسـطین و لبنان (بیت المقدس و بعلبک) و مصر (اهرام، ابوالهول و...) مجسمه های زیادی بود که همه ی آنها تا قرن ها بعد بر جای ماند و مسـلمانان و صـحابه ی بت شکن به آنان آسیبی نرساندند. بسیاری از صحابه؛ چون سعد بن ابی وقاص (۴) سلمان فارسی(۵) خـذیفه بن الیمان(۶) و براسـاس روایتی امام علی(ع)(۷) کـاخ هـای شاهان ساسانی را (به ویژه ایوان مـداین و کاخ سفیـد را) که پر از تصـاویر انسـانی و مجسـمه های گچی و سـنگی انسان و حیوانات گوناگون بود دیدنـد و حتی در آنها نماز جمعه و جماعت خواندند، بی آن که تزیینات، آرایه ها و تصاویر آن را از بین ببرند، یا مجسمه های آن را بشکنند. به گفته ی طبری(۸) ایوان مداین، یا کاخ سـفید حدد ۱۴ ماه مصـلا و نمازگاه عیـد و جمعه و جماعت مسـلمانان بود با آن که پر از انواع آرایه هـا، تصـاویر و مجسـمه های انسانی و حیوانی بود، اما حـدود ۱۴ مـاه به عنوان مصـلا و نمازگـاه عیـد و جمعه و جماعت مسلمانان بود.

اگر از کردار و گفتار پیامبر(ص) شکستن هرگونه مجسمه ای فهمیده می شد، یاران پیامبر(ص) باید تمام این مجسمه

ها را (در ایران و شام و مصر) می شکستند و تمام این آثار را از بین می بردند. ولی در عمل چنین نشد و بسیاری از مجسمه ها باقی مانـد. حتی صحابه خانه های خود را از انواع پرده ها، پارچه ها و پشتی های مصور و منقوش به تصاویر انسانی و حیوانی می آراستند(۹) و در خانه ی بعضی از آنان، چون یسار بن نمیر (۱۰) عبدالله بن عباس، فقیه بزرگ و بحر علم و حبر امت، مجسمه های تزینی حیوانی هم وجود داشت(۱۱).

نقش نگین انگشتری بسیاری از صحابه تصویر انسان، یا حیوان بود. از برخی الفاظ و عبارت های روایات بر می آید که روی برخی از نگین ها، مجسمه یا مجسمه های کوچکی نصب بوده است. نقش انگشتری عمران بن حصین، صحابی رسول خدا(ص)، معلم قرآن و قاضی بصره، تصویر برجسته ی (تمثال رجل) مردی بود که شمشیری به گردن آویخته داشت(۱۲).

نقش انگشتری انس بن مالك (م ۹۳هپ) خادم و صحابی پیامبر(ص) تصویر برجسته ی گرگ یا روباهی بود. براساس روایتی دیگر نقش انگشترش تصویر شیری در حالت خوابیده بود(۱۳) به نوشته ی طبری(۱۴) هنگامی که مسلمانان شوش را گشودند، جسد دانیال پیامبر(ص) آشکار شد. ابوموسی اشعری به خلیفه ی دوم نامه نوشت که در انگشت دانیال، انگشتری است که روی نگینش تصویر برجسته ی مردمی منقوش و دردو طرف آن، تصویر برجسته ی دو شیر است و این انگشتری پیش ماست. خلیفه ی دوم در پاسخ نوشت که انگشتر را به انگشت کن. به نوشته ی کتانی تصویر شیرها چنان می نمود که مرد را با زبان خود می لیسند.

این انگشتر پس از ابو موسی در انگشت پسرش ابو برده بود(۱۵).

به روایتی دیگر نقش یکی از انگشترهای ابوموسی، دو مگس، یا دو زنبور عسل بود(۱۶).

نیز در باب نقش انگشتری ابوهریره نوشته اندکه دو زنبور عسل یا دو مگس بوده است(۱۷).

در میان فرزندان صحابه و کسانی که صحابه را درک کرده بودند (تابعین)، بودند کسانی که نقش انگشتری شان تصاویر برجسته ی حیوانات بود. نقش انگشتری پسر عبدالله بن مسعود (ابو عبیده) صحابی بزرگ رسول خدا تصویر منظره ای؛ شامل کوه، درخت، عقاب و دو درنا (پرنده ای درازپا) بود، عقاب در ارتفاع بالا و درناها میان کوه ها بودند(۱۸).

همچنین نقش انگشتری شریح قاضی - که در زمان عمر، عثمان و امام علی(ع) قاضی بود - تصویر برجسته ی دو شیر رو به روی هم بود که میان آن دو درختی قرار داشت(۱۹). این تصویر برگرفته از تصاویر تزیینی کاخ های مداین بود. نقش انگشتری ضحاک بن مزاحم، فقیه و قاری مشهور و صحابی امام سجاد(ع) نیز تصویر پرنده ای بود(۲۰). به روایتی نقش انگشتری زیاد بن ابیه، تصویر برجسته ی طاووس بود(۲۱). بر پایه ی روایتی دیگر عبدالله بن محمد بن عقیل بن ابی طالب انگشتری داشت که نقش نگین آن تصویر برجسته ی شیری بود و عقیده داشت که این انگشتر از آن پیامبر(ص) بوده و با آن نامه ها را مهر می کرده است(۲۲). به روایت حذیفه پیامبر(ص) انگشتری داشت که نقش آن تصویر دو درنا بود که رو به روی هم بودند و بین آن دو، جمله ی «الحمدلله» نقش بسته بود(۲۳) روایات منابع شیعه نیز حاکی از آن است که

نقش نگین انگشتری امام کاظم، امام رضا، امام جواد(ع) تصویر هلال ماه و یک گل سرخ بوده است که در وسط نگین جمله ی «حسبی الله» بالای آن هلال ماه و پایین آن یک گل سرخ نقش شده بود(۲۴).

بیشتر روایاتی که از نقاشی و مجسمه سازی نهی می کنند، در شرایطی صادر شده اند که بازار بت پرستی و بت تراشی گرم بوده و یکی از اصول کار پیامبر(ص) و یاران آن حضرت مبارزه با این خدایان دروغین و نابود کردن آنان بوده است. از این رو ضروری است به شأن صدور، شرایط و اوضاع حاکم بر زمان و مکان صدور آنها توجه کافی شود. به همین جهت است که برخی از فقهای معاصر الفاظی؛ مانند تمثال، تماثیل، صوره، تصاویر، تصویرو... را بر «بت» و نهی از ساخت مجسمه را بر نهی از «بت سازی» حمل کرده اند(۲۵).

در این خصوص دو سؤال مطرح است: یکی این که اگر در واقع امر ساختن مجسمه به طور مطلق حرام بوده آیا ضرورت نداشت که خداوند متعال حکم آن را در کتاب خود آشکارا و بی ابهام بیان کند؟ چنان که از باب مثال، حکم باده، ربا، زنا، قمار و... را به طور صریح و روشن بیان کرده است. دو آن که اگر نماد شرک چیزی غیر از بت و مجسمه می بود، آیا در آن صورت هم، چنین حکم و روایاتی در خصوص نهی از ساختن مجسمه صادر می شد، یا این که روایات تنها در مورد نهی از ساخت همان نماد صادر می گردید؟ سیره پیامبر(ص)، صحابه، تابعین و مسلمانان حاکی از آن است که آن

چه مهم بوده، مبارزه با نماد شرک و حتی نماد ادیان دیگر بوده است، نه مبارزه با اشیا و ابزار. آنان با آن که تمام مجسمه های غیر پرستشی را به حال خود باقی گذاشتند، اما نماد شرک و ادیان دیگر را از میان بردند.

امام علی(ع) در عصر خلافت خود دستور داد، محراب مسجدی را به دلیل شاهت به «مذابح» یهود خراب کنند(۲۶). خلیفه ی دوم نیز فرمان داد، درخت حدیبیه را که بیعت رضوان زیر آن انجام شده بود ببرند و نابود کنند؛ زیرا مسلمانان پس از رحلت پیامبر(ص) به طور فراوان پای آن درخت می رفتند و آن را زیارت، احترام و تقدیس می کردند و چون از بت پرستی فاصله ی کمی داشتند و خطر بازگشت به بت پرستی بود، دستور داده شد آن را بریدند(۲۷).

در عهد تابعان نیز همین روش برقرار بود. مسلمانان در کشور گشایی هایی خود هر جا به بت ها، بت خانه ها و یا بت پرستان بر می خوردند، بت ها را می شکستند و بتخانه ها را ویران می کردند. اگر جایی مجسمه ای بود، ولی مردم آنجا بت پرست نبودند، مجسمه های صحیح و سالم باقی می ماند. قتیبه بن مسلم هنگامی که در سال ۸۹ هجری، بخارا را فتح کرد، بتخانه اش را ویران نمود و بت هایش را شکست(۲۸) و در سال ۹۳ هجری سمرقند را فتح کرد و بتخانه اش را ویران و بت هایش را سوزاند(۲۹).

____

پی نوشت ها:

۱. سبأ، آیه ۱۳.

۲. کلبی، الاصنام، ص ۲۵ و ۲۶ ؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴۰ ؛ ازرقی، «اخبار مکه»، ترجمه فارسی، ج

۱، ص ۷۸ و ۷۹. بت عزی چون بتان دیگر حرم، بتخانه ای بزرگ داشت. در کنار بتخانه درختانی (سه درخت) بود که پرستش می شدند و به فرمان پیامبر(ص) آنها را بریدند.

۳. همان (بت عزی در بطن نخله).

۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۲۴ و ۱۲۵ ؛ الکامل فی التاریخ ، ج ۲، ص ۱۴۰ ؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۰۱.

۵. همان.

۶. همان.

۷. «جبریل بن شاذان»، کتاب الفضایل، ص ۷۱ ؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۸. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۳۹ - ۱۴۷.

۹. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۴۵ ؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۳۰.

۱۰. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۰ و ۴۱ ؛ صحیح مسلم ، ج ۲، ص ۱۶۰ ؛ مسند احمد ، ج ۱، ص ۳۶۰ ؛ سنن بیهقی، ج ۷، ص ۲۷۰.

۱۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۴ ؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۰ ؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۵ ؛ بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۴۵.

۱۲. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۱۰ ؛ سیر اعلام النباء، ج ۲، ص ۵۱۰ ؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۸ و ۶۹.

۱۳. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۱۸ ؛ اسد القابه، ج ۱، ص ۱۷۸ ؛ سیر اعلام النبأ، ج ۳، ص ۴۰۳.

۱۴. تاریخ طبری ۸ جلدی، ج ۳، ص ۱۸۸ ؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۸.

۱۵. التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۷.

۱۶. همان، ج ۲، ص ۶۷.

۱۷. همان، ج ۲، ص ۶۷.

۱۸. همان، ج ۲، ص ۶۹ ؛ طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۲۱۰.

۱۹. طبقات ابن سعد، ج

۶، ص ۱۳۹ ؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۹.

۲۰. طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۳۰۱ ؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۹.

۲۱. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۹۹.

۲۲. التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۸.

۲۳. همان، ج ۲، ص ۶۸.

۲۴. کافی، ج ۱، ص ۴۶ ؛ ج ۲، ص ۶۲ و ۲۱۱ ؛ مکارم الاخلاق، ص ۹۰ ؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۲۳.

۲۵. امام خمینی «مکاسب محرمه»، ج ۱، ص ۱۶۹ ؛ تبریزی «التعلیقه علی منهاج الصالحین»، ص ۳۴، کتاب التجاره مسأله ی ۱۶. نیز نگاه کنید رساله ی عملیه ایشان را ، تبریزی به جواز ساخت (عدم حرمت) مجسمه فتوا داده است.

۲۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۳ ؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۰ ؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳ ؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۳.

۲۷. ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۰۱ ؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۲.

۲۸. تاریخ بخارا، ص ۶۷.

۲۹. الکامل فی التاریخ ج ۳، ص ۲۱۷ ؛ ابن فقیه «کتاب البلدان»، ص ۶۲۴ ؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۴۸.

سنتهای ملی

مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟

پرسش

مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟

پاسخ

مبدأ تاریخ مسیحی سال تولد حضرت مسیح می باشد و آن را تاریخ میلادی گویند. در این مورد گفته شده. در سال ۵۴۰ در شهر روم، کشیش به نام "دنی" خیلی کوشید که روز تولد مسیح را به دست آورد. دو قرن بعد این روز اساس مبدأ تاریخ قرار گرفت. این تاریخ در سال ۸۰۰ میلادی به وسیله شخصی به نام شارلمان به طور قطعی مورد قبول واقع شد و مبدأ تاریخ همه مسیحیان به استثنای مردم یونان قرار گرفت.

اکنون معلوم شده است که تولد مسیح از تاریخ متداول، چهار سال پیش تر است.(۱)

اما تاریخ شمسی مقیاسی برای زمانی است که مساوی با گردش زمین به دور خورشید است. به کارگیری تاریخ سال یا نه برای سنجش زمان از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد نزد مصریان معمول بوده است.(۲)

تاریخ هجری شمسی محاسبه تاریخ است از سال هجرت پیامبر (ص) به حساب سال های شمسی.(۳)

پی نوشت ها :

۱ – لغت نامه دهخدا، ج۴، ص ۵۴۵۲.

۲ – دائره المعارف مصاحب، ج۱، ص ۱۲۳۹.

۳ – لغت نامه دهخدا، ج۴، ص ۵۴۵۰.

ما باید اوّل مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟

پرسش

ما باید اوّل مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟

پاسخ

مسلمان بودن که نوعی گرایش خاصّ مذهبی است، آمیخته با فطرت و سرشت انسان است. وی ایرانی بودن و اصولاً ملیّت مسأله ای است که در رابطه با محل سکونت انسان مطرح می شود و در سرشت انسان، اصالتی ندارد. از این رو باید گفت: ما اوّل مسلمان هستیم و بعد ایرانی.

چه اینکه ما در شیوه های مربوط به زندگی و شکل دادن آنها باید از اسلام الهام بگیریم نه از ملیّت. فی المثل در نام گذاری باید به نام هایی که نوعی ارتباط با مذهب دارد بیشتر توجّه شود نه به نام هایی که مربوط به شخسیّت های ملّی است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۰۹

ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است ؟

پرسش

ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است ؟

پاسخ

در متون دینی تأییدی برای این گونه امور نیافته ایم و به نظر می رسد بیش از هر چیز متأثر از سنن ملی باشد نهدینی.{J

آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟

پرسش

آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟

پاسخ

((هویت ملی)) مجموعه ای از تاریخ , فرهنگ و تمدن یک ملت است که در بستر زمان شکل گرفته است . در مورد افتخار کردن به هویت ملی چند نوع دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاه کسانی که از هویت ملی ایدئولوژی می سازند و به شکلی ((نژاد پرستانه)) و یا ((سرزمین پرستی)) همه چیز را در شعاع آن می بینند چنین دیدگاهی هویت ملی را مطلق انگاشته و هر چیزی را که مربوط به آن باشد تقدیس می کند.

ب) دیدگاه دیگر در این موضوع , نظر کسانی است که ((هویت ملی)) را مطلق ندانسته و آن را در خور نقد می دانند. اینان با انتخاب دیدگاه منطقی برتری به ملیت می نگرند و نژاد و خاک را تقدیس نمی کنند; بلکه دیدگاهی فراتر داشته و ((هویت انسانی)) را اصل قرار می دهند. دیدگاه های ((انترناسیونالیستی)) نوعا بر این منطق استوار است .

اسلام نیز به روشنی دیدگاه ((انترناسیونالیستی)) دارد و مردم را در قالب فرزندان خاک و نژاد ملاحظه نمی کند; بلکه سرشت بنی آدم را از یک گوهر دانسته و آنان را با هم برابر می داند. از نظر اسلام پرداختن به هویت ملی تا آن جا که هویت اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهد اشکالی ندارد; ولی اگر بنا باشد به جای دین بنشیند و دیدگاه های خود را بر کرسی بنشاند, طبیعی است که با روند اصلی بینش دین در تضاد است . پس باید دیدگاهی نقادانه

و هشیارانه در برابر مدعیان ((هویت ملی)) داشت ; بدین صورت که عناصر مفید آن را ارج نهاد و منطقه های غیر ارزشی و موهوم آن را رها ساخت .

برای مطالعه بیشتر ر . ک :

۱- سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام مترجم : عقیقی بخشایشی

۲- جامعه انسانی اسلام مجتهد شبستری

۳- ناسیونالیسم و انقلاب رضا داودی

۴- سیر عقاید و اندیشه های سیاسی خزائلی

چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بیندازند؟

پرسش

چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بیندازند؟

پاسخ

در منابع دینی در مورد حلقه ازدواج و یا این که در دست چپ باشد چیزی نیافتیم. انگشتر را به دست راست کردن برای زن و مرد مستحب است و سنت پیامبر گرامی اسلام است، (وسائل، ج ۵، ص ۸۱).

برتری دست راست و سمت راست از مواردی در آیات و روایات استفاده می شود.

الف) در قرآن کریم آمده است نامه اعمال مؤمنان به راستشان و نامه عمل کافران به چپشان داده می شود، (حاقه، آیات ۱۹ - ۲۵).

ب) غذا خوردن با دست چپ مکروه است مگر در هنگام ضرورت، (وسائل، ج ۲۴، ص ۲۵۹).

ج) شستن محل ادرار و غایط با دست راست مکروه است، (وسائل، ج ۱، ص ۳۲۱).{J

نظر اسلام درباره نوروز چیست؟

اشاره

با سلام و احترام و ابراز سپاس از این که پرسش های خویش را با ما درمیان گذارده اید. اینک

پرسش

نظر اسلام درباره نوروز چیست؟

با سلام و احترام و ابراز سپاس از این که پرسش های خویش را با ما درمیان گذارده اید. اینک

پاسخ

در مورد نوروز روایات ضد و نقیضی در کتاب های روایی موجود است.

مرحوم علامه مجلسی از بحارالانوار فصلی را به بحث نوروز اختصاص داده و (۱) روایات متعددی را متذکر شده است.

از امام صادق (ع) روایتی را متذکر شده است که حضرت به معلی بن خنیس فرمود: می دانی نوروز چه روزی است؟! نوروز روزی است که خداوند در آن روز با بندگانش عهد و پیمان بسته است که شرک نورزند. نوروز اولین روزی است که خورشید طلوع کرده و در این روز حوادث مبارک بسیاری به وقوع پیوسته است. (۲)

به نظر می رسد از این که نوروز و مراسمی که ایرانیان در آغاز سال شمسی دارند، از این جهت که مشتمل بر یک سری روابط پسندیده و نظافت و امور خداپسندانه است، مورد تأیید اسلام است.

پی نوشت ها:

۱ – همان، ص ۹۲.

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرّم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلایند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پرسش

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پاسخ

متأسّفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرف تر از ایمانشان قدرت خدا است. حتّی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند؛ کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است.

به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکّل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صله رحم و دستگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی«علیه السلام» در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پرسش

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پاسخ

مراسم ترحیم(سوم، هفتم و چهلم) از مراسم ما ایرانیان است و هیچ سفارشی در شرع مقدّس برای برگزاری این گونه مجالس نیست. البته، طلب مغفرت و تلاوت قرآن برای میّت مستحب است، ولی درباره مجلس سوم و هفتم و چلهم هیچ گونه سفارشی نشده است. متأسفانه، برخی چشم و هم چشمیها و رسوم نامعقول مردم، موجب رنج خود آنان شده است. در دین مقدّس اسلام آمده است که شایسته است همسایگان برای خانواده عزادار تا سه روز غذا بفرستند و غذا خوردن همسایگان در آن خانه مکروه است; ولی میان ما رسم است که باید شخص عزادار هزینه هایی سنگین بر عهده گیرد و دیگران را غذا دهد. در بسیاری از روستاها و شهرها، بازماندگان عزادار برای برگزاری این گونه مجالس ناچار می شوند املاك خود را بفروشند و زیر بار وامهایی سنگین روند و تا سالها تاوان پس دهند تا به گمان خود، آبروداری کنند. خداوند به این کار راضی نیست و برگزار کنندگان اجری نخواهند برد; زیرا به جای پیروی از دین مقدّس اسلام، گویی می گویند: «بل نتّبع ما الفینا علیه آباءنا(۱); بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره بقره آیه ۱۷۰.

باورهای خرافی

جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟

پرسش

جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟

پاسخ

اگر منظور این است که مسلمانان از نظر عملی تنها به سنن اسلامی عمل نمی کنند و از سنتهای باطل نیز پیروی کنند، برای اینکه تنها به سنن اسلامی عمل شود این است که نخست مردم را با سسن اسلامی به طور کامل آشنا کرد و سنتهای خرافی را برای آنان تشریح نمود و آنان را توصیه کرد تا به سنتهای اصیل اسلامی عمل نمایند.

اگر منظور این است که تعالیم اسلام با خرافات همراه شده، به گونه ای که اسلام اصیل تشخیص داده نمی شود، باید گفت که تعالیم اسلام روشن است و اعتقاد گروهی ناآگاه را نباید به حساب تعالیم اسلام گذاشت.

یادآوری این نکته لازم است که در زمینه ی تعالیم اسلام همواره باید به متخصصان آن - که دانشمندان و فقهای بزرگ می

باشند- مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۰۹۳

مراسم چهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟

پرسش

مراسم چهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟

پاسخ

این گونه مراسم از خرافات محسوب می شوند و انسان باید کارهایش بر اساس معیارهای عقلی و شرعی باشد و از هرگونه خرافات بپرهیزد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۷۴

اخلاق و تربیت

فضائل اخلاقی ایمان مراتب

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پرسش

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پاسخ

سخنان بیهوده و پریشان که ناخوشایند باشند. عادات مألوفه و شیوه های متبعه ای که نه بر مبنای عقل و خرد و نه بر پایه شرع و شریعت، بلکه به استناد خوابی که کسی دیده باشد یا عادتی که از گذشتگان به یادگار مانده باشد. این صفت را در انسان می توان به انحراف حالت دین جویی وی مستند دانست.

اسلام در بدو ظهور خود با تمام قدرت، با این شیوه غلط به مبارزه برخاست.

انسان را به یاد عقل در پرده کشیده اش آورد. و در صدد برآمد که فکر وی را از اوهام و خرافات و عقاید بی اصل و اساس برهاند و وی را به پیروی از عقل و منطق متوجّه سازد. جامعه جاهلیّتِ آن روز، سخت اسیر موهومات بود. این حالت، وی را از شکوفا شدن و به فعلیّت رسیدن عقل بالقوه اش باز می داشت. قرآن با ندای بیدار کننده توحید، وی را به خود آورد. قرآن غل و زنجیرهایی که خود به دست خویش بر گردن و دست و پا فکنده بود، بگشود(۱).

مردم را از پیروی عادات پدران به پیروی عقل و خرد سوق داد(۲). به آنها فهمانید که چه کسی قادر است آدمی را از سختی ها و محنت های روزگار و بن بست های زندگی نجات دهد. به آنها آموخت که بایستی در حوادث ناگوار به چه کسی پناه برد. کدام شخصیّت قادر و مهربان و آگاه،شایسته است که وی را به یاری بخوانی و ندای تو را بشنود و تو را پاسخ گوید(۳).

۱ - سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲ - سوره بقره، آیه ۱۷۰.

۳

- سوره اعراف، آیه ۱۹۴.

۴

انسان را از بندگی بندگان آزاد ساخت و به بندگی آفریدگار خویش کشانید و رشته وابستگی به هزاران امید هوم از او بگسست و او را به پناهگاهی بایسته و شایسته ربط داد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۵

شایعاتی در خرم دره زنجان پخش شده که »علم« در حسینیه جوش آورده و شفا یافتن مریض ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان ها و طلب شفا و زیارت و امثال ذلک چگونه است؟

پرسش

شایعاتی در خرم دره زنجان پخش شده که »علم« در حسینیه جوش آورده و شفا یافتن مریض ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان ها و طلب شفا و زیارت و امثال ذلک چگونه است؟

پاسخ

بدیهی است اکثر این گونه موارد و شایعات که هر از گاهی در یک گوشه مملکت مطرح و منتشر می شود، ساخته و پرداخته دست افراد متقلب و کلاشی است که به قصد مردم فریبی و اخذ پول و هدایا صورت می گیرد و هیچ مبنای شرعی و عقلی ندارد؛ هر چند ممکن است افرادی با دل پاک و نیت صادقانه توسل هایی به حضرات معصومین(ع) داشته و به نتایجی رسیده باشند و یا گاهی گمان کنند مورد عنایت قرار گرفته اند و اقدام به پخش خبر آن عنایت (واقعی یا ساختگی) کنند و مورد توجه مردم علاقمند به اهل بیت(ع) قرار گیرند، ولی کم کم مفاسد زیادی به دنبال مراجعات مردم پدید آمده که اصل عنایت و توسل را زیر سؤال برده و حرکتی انحرافی در عقاید مردم ایجاد نموده است. بنابراین نه می توان به صورت قطع و یقین همه موارد را رد کرد و نه می توان به هر موردی - گرچه با آثار و شواهد همراه باشد - کاملاً اطمینان نمود.

پیشنهاد ما این است: کسانی که مشکلاتی دارند و می خواهند با توسل به خاندان عصمت و طهارت مشکلات آن ها رفع شود، با ارتباط مستقیم از طریق دعاهای وارده و در محل های معتبر مثل زیارتگاه ها و قبور شریف آن بزرگواران عرض حاجت نموده و با الحاح و اصرار از خداوند، رفع مشکلات خود را خواستار شوند.

نامه ها و ادعیه هایی که هر از گاهی در منازل انداخته می شود یا در قرآن ها و مفاتیح ها در حرم مطهر نوشته می شود و در آن داستان هایی بیان می شود و تقاضای رونویسی به دفعات ۲۵ و ۳۰ و... در نامه های مذکور آورده می شود؛ آیا پایه و اساس درستی دارد و انجام خواسته

پرسش

نامه ها و ادعیه هایی که هر از گاهی در منازل انـداخته می شود یا در قرآن ها و مفاتیـح ها در حرم مطهر نوشـته می شود و در آن داستان هایی بیان می شود و تقاضای رونویسی به دفعات ۲۵ و ۳۰ و... در نامه های مذکور آورده می شود؛ آیا پایه

و اساس درستی دارد و انجام خواسته های ذکر شده الزامی است یا خیر؟

پاسخ

چنین نامه هایی پایه و اساس درستی ندارد و از اساس باطل است و به آن توجّه نکنید.

شنیده شده کســی بعد از این که با قرآن اســتخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صحت دارد؟ پاسخ ما در قبال برخورد با این مسائل چه باید باشد؟ژ

پرسش

شنیده شده کسی بعد از این که با قرآن استخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صحت دارد؟ پاسخ ما در قبال برخورد با این مسائل چه باید باشد؟ژ

پاسخ

این خبر صحت ندارد و برگرفته از شایعات برخی از افراد به خصوص زنان عوام اندیش و ساده است. به دلیل آن که چنین خبری اگر درست باشد، باید شهر، کوی و برزن و آدرس آن شخص و نام و نشانش و شکل خرچنگ شدنش به پیوست اصل خبر برسر زبان ها می افتاد و از دید و گوش روزنامه نگاران پنهان نمی ماند. ولی چون شایعه ساز می داند که اگر این گونه اخبار را به صورت دقیق و با نام و نشان باز گوید، زود لو می رود و دروغگویی اش معلوم می شود. به همین جهت خبر را به صورت کلی و ناپخته می سازند.

ثانیاً به فرض صحت خبر، مگر او چه کرده بود که این چنین مجازات شود؟ نهایتش این است که قرآن را از روی خشم و یا از روی بی اعتنایی پاره کرده بود. آیا پاره کردن قرآن در این حد اثر نامطلوبِ فوری و مجازات تکوینی دارد؟ چگونه ممکن است خداوند برای این بی ادبی، مجازات سنگین و سه فوریتی در نظر بگیرد، ولی در برابر جرم های بسیار سنگین و گناهان زیاد و کارهای بسیار زشت و جنایات بزرگ، فوری مجازات نکند و حتی یک هزارم آن مجازات را با فوریت در نظر نگیرد؟ و همه اش را به آخرت حواله دهد؟ آیا پاره کردن یک جلد قرآن کریم، بدتر از کشتن هزاران زن و کودک بی گناه است؟

پس چرا سربازان ددمنش اسرائیل غاصب که روزی ده ها زن و کودک و جوان بی گناه رادر خانه های خود به خاک و خون می کشند و آنها را از خانه و کاشانه خویش آواره می کنند بلایی به سرشان نمی آید و به صورت حیوان در نمی آیند؟ و خداوند خشم ظاهری خود را بر آنها نشان نمی دهد؟ و مسخشان نمی کند؟ علاوه بر آن، افرادی را در طول تاریخ می بینیم که از روی دشمنی و عداوت دینی قرآن را آتش زده و مورد هدف تیرهای خود قرار داده و آن را سوزانده و پاره پاره کرده اند؛ ولی »مسخ« نشده و به صورت حیوان در نیامده اند. مثلاً افرادی چون ولید از حاکمان بنی امیه و شاه و عمال او در ایران و... چرا اینها مسخ نشدند؟

ثالثاً مهم تر از همه اصولاً در اسلام مسئله ای به نام »مسخ« نیست؛ یعنی اصلاً بنا بر این نیست که هرکس کار بدی انجام داد، فوری به شکل حیوانی درآید و آن دور از سنت و عدل و حکمت الهی است. شما باید با این مسائل با بصیرت الهی و بینش مکتبی برخورد نمایند و نباید چنین اخبار کذب محض را بپذیرند و یا در جای دیگر به زبان آورید و باعث شایع شدن این اخبار در جامعه شوید.

شخصی از شهر مدینه وصیت نامه ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ احمد در این هفته شصت هزار نفر مرده اند در حالی که یک نفر هم ایمان نداشتند، مردم احکام شرع را رعایت نمی کنند، زنان حجاب اسلامی ر

پرسش

شخصی از شهر مدینه وصیت نامه ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ احمد در این هفته شصت هزار نفر مرده اند در حالی که یک نفر هم ایمان نداشتند، مردم احکام شرع را رعایت نمی کنند، زنان حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند و ... به مردم اعلام کنید

پرهیزگار باشید که قیامت نزدیک است رسول اکرم (۹) فرموده اند: هر کس این مطالب را بخواند یا چاپ کند در روز قیامت من به شفاعت او می آیم و هر کس به آن بی اعتنایی کند، خداوند او را از رحمت خود محروم می نماید. بعد شیخ احمد گفته اگر این نوشته ها دروغ باشد خداوند مرا لعنت کند. هر کس ۱۰۰ برگ از این مطالب را چاپ کند، ۱۴ روز خوشحالی می بیند شخصی چنین کاری کرد و مقدار زیادی پول استفاده کرده و هر کس آن را دروغ شمرده خود یا یکی از اهل او مرده است لطفاً بفرمایید آیا مطالب فوق صحت دارد؟ و مورد تأیید علما می باشد یا خیر؟ وظیفه ما در برخورد با این گونه موارد چیست

پاسخ

خواهر عزیز; این گونه مطالب به هیچ وجه حجه شرعی ندارد چه از منظر خواب نگاه کنیم که خواب هیچ وقت چنین الزاماتی را برای انسان نمی آورد. و چه از حیث این که آن را فرمایش معصوم (۷) بدانیم که تا به حال حدیث معتبری که دال بر این عواقب در انجام و تروک عملی باشد، نیافته ایم با اندکی بررسی در می یابیم که همه این مضامین مثل امر به معروف حجاب راستگویی و ... در احادیث و آیات محکم موجود است پس چرا به آنها عمل نکنیم و نشر آنها را با عمل کردن و حتی چاپ و بیان آنها بعهده نگیریم وقتی مطالب دینی بخواهد به جای تکیه بر منطق آیه و حدیث خواب و... متکی باشد وهن دین است ما در فرامین الهی دستور به

رعایت حجاب رسیدگی به مستضعفان و... را داریم لذا نیازی نیست این امور به کسی در خواب گفته شود. از طرفی هم سنت الهی بر این نیست که اگر کسی مطلب حقی و یقینی و ثابت را انکار کرد، دچار مرگ و... شود چه رسد به مطلبی که شرعاً ما موظف به تصدیق آن نیستیم البته در تحلیل این عمل اگر خیلی خوش بینانه و با حسن ظن قضاوت کنیم شاید پخش این گونه برگه ها از روی ساده لوحی و دلسوزی احمقانه باشد که به این طریق مردم را تشویق به خدا و پیامبر (۹) و ترک گناه کنند اما صورت دوم که به نظر صحیح تر می رسد آن است که توزیع این برگه ها با اهداف بالاتری صورت می گیرد که یکی از آنها سنجش مقدار ساده لوحی و بی دقتی افکار عمومی نسبت به فرامین الهی و میزان توجه مردم به شایعات خرافات و... است که برای برنامه ریزی دشمنان فرهنگ اصیل اسلامی مفید می باشد.

وظیفه ما در برخورد با چنین مطالبی این است که :

۱. مردم را با زبان نرم و ملایم آگاه نماییم

۲. هر کجا چنین مطالبی دیده شود جمع آوری و محو کنیم و به آن عمل نکنیم ۳. از راه درست مطالب صحیحی که همان قرآن و حدیث است را جایگزین آنها نماییم

چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین(است؟

پرسش

چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین(است؟

پاسخ

در میان مردم چیزی معمول و مرسوم است که بعضی از روزها را روز سعد و مبارک و بعضی را روز شوم و نحس می دانند. نکته مهم این است که این اعتقاد عمومی تا چه حد در اسلام قابل قبول است ویا تا چه حد از اسلام گرفته شد است. از نظر عقلی محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند. بعضی دارای ویژگیهای نحوست و بعضی دارای ویژگیهای مبارک و سعد باشند هر چند از نظر استدلال عقلی راهی برای اثبات و یا نفی چنین مطلبی در اختیار نیست ولی واقع مطلب این است که چنین امری ممکن است، چرا که با توجه به دلایل شرعی که در این زمینه وجود دارد قبول این مطلب نه تنها مانعی ندارد بلکه لازم است.

در آیات قرآن کریم تنها در دو مورد اشاره به نحوست ایام شده است و آن در مورد نزول عذاب به سبب نافرمانی قوم عاد است :

"انا ارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی یوم نحس مستمر" "۱"

مانند باد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنها فرستادیم.(منظور از روز شوم مستمر این است که حوادث آن روز همچنان استمرار یافته چنانکه در آیه ۷ سوره حاقه آمده است هفت شب و هشت روز این عذاب الهی بطور مداوم بر آنها مسلط بود تا همگی را در هم کوبید و کسی را زنده نگذاشت.)

در سوره فصلت نیز به همین ماجرا اشاره

شده :

"فارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی ایام نحسات" "۲"

پس مانند بادی سخت و سرد را در روزهایی شوم بر آنها فرستادیم.

نقطهمقابل این مطلب تعبیرمبارک وسعد می باشد که در بعضی آیات قرآن دیده می شود. از جمله در سوره دخان می خوانیم

"انا انزلناه فی لیله مبارکه" "۳" ما قرآن را در شبی پربرکت نازل کردیم.

در روایات اسلامی نیز احادیث بسیاری در زمینه نحس و سعد ایام وجود دارد گرچه تعداد زیادی از آنهااز نظر سند ضعیف به نظر می رسند وآمیخته به خرافات گردیده اند ولی همه آنها چنین نیستند و روایات معتبر و قابل قبولی نیز در میان آنها وجود دارد.

در مورد نوروز در حدیثی از امام صادق(می خوانیم که فرمود : "نوروز روز مبارکی است روزی است که کشتی نوح برکوه جودی قرار گرفت و جبرئیل بر پیامبر(اسلام نازل شد، روزی است که علی(بر دوش پیامبر(رفت و بتهای کعبه را شکست و داستان غدیرخم مصادف با نوروز بود". "۴"

در مورد روز عاشورا نیز در روایات شدیداً از تبرک به آن روز نهی شده است. ناگفته پیداست که سعد و نحس ایام با برخی حوادث مطلوب و نامطلوب پیوند خورده است. نکته مهم و قابل توجه این است که در این باره نباید طریق افراط را در پیش گرفت و فی المثل چون فلان روز شوم و نحس است دست از تلاش و فعالیت کشید و یا علت شکست و زیان در اموری را مربوط به شومی ایام دانست، بلکه باید با توکل به خدا و یاری جستن از لطف و کرم او در عرصه زندگی استوار و محکم گام برداشت. در روایات

می خوانیم در روزهایی که نحس نامیده شده اند با دادن صدقه و خواندن دعا و استمداد از لطف خداوند رحمان و قرائت بعضی از آیات قرآن به دنبال کارها بروید و پیروز و موفق باشید.

نکته اول اما در خصوص روز سیزده و ارتباط آن با سیزده رجب و تولد حضرت علی(باید به نکات زیر اشاره کرد (...اگر مراد از روز سیزده ، سیزدهم فروردین ماه باشد، همانگونه که می دانید فروردین از ماههای خورشیدی است که ملاک و مبنای آن گردش زمین به دور خورشید است که ۳۰ تا ۳۱ روز به طول می انجامد تا یک ماه خورشیدی کامل شود. سنت و اعتقادی که در مورد روز سیزدهم فروردین وجود دارد هیچ ارتباطی با اسلام و مسلمانان و خصوصاً اهل سنت ندارد. بلکه این رسم و آیین و اعتقاد مربوط به ایرانیان باستان است که صدها سال قبل از ظهور اسلام می زیسته اند و از آن زمان تاکنون این اعتقاد باقی مانده و دلیل شرعی نیز مبنی بر نحسی روز سیزده وجود ندارد و بیشتر به یک اعتقاد خرافی شبیه است.

نکته دوم اینکه ماه رجب از ماههای قمری است که ملاک و معیار آن گردش ماه به دور زمین است که ۲۹ تا ۳۰ روز به طول می انجامد و تولد حضرت علی(در سیزدهم آن ارتباطی به اعتقاد ایرانیان باستان در خصوص سیزده فروردین ندارد.

نکته سوم اینکه اگر منظورتان روز سیزده هر ماه باشد که برای نحس بودن چنین روزی دلیل و مدرکی در دست نیست.

نکته چهارم اینکه برادران و خواهران اهل سنت نسبت به امیرالمؤمنین

علی (احترام و منزلت خاصی قائلند، اگر چه ایشان را جانشین بلافصل پیامبر(نمی دانند ولی به عنوان خلیفه چهارم بسیار مورد احترام و قبول آنهاست. بنابراین دادن چنین نسبتی به آنها جایز نیست.

اینکه گاهی اوقات دربعضی از کتابها مثل منتخب الا دعیه نوشته است که مثلا ًیک روحانی درخواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه بار نوشته شود وا لّا اتفاقی برای انسان می افتد آیااین جریانان درست می باشد یا خیر توضیح کامل عنا یت فرمایید .

پرسش

اینکه گاهی اوقات دربعضی از کتابها مثل منتخب الا دعیه نوشته است که مثلا ًیک روحانی درخواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه بار نوشته شود وا لّا اتفاقی برای انسان می افتد آیااین جریانان درست می باشد یا خیر توضیح کامل عنا یت فرمایید .

پاسخ

.عزیز گرامی :

آنچه مارابه عنوان انجام تکلیف » به یک دستور » ملزم می کند فرامینی است که جزو احکام وشریعت دینی می باشند ویااینکه طی تعهدی که سپرده ایم مسئول به رعایت آن هستیم مثلاً- من وشما مکلفیم نمازهای یومیه رااقامه کنیم وبه تعداد رکعات مشخص نماز بگذاریم وسرباز زدن از چنین تکلیفی بی اعتنائی به فروع دین بوده و مستوجب مجازات الهی است ویااینکه طی عقد قرارداد» متعهد می شویم که کاری را انجام دهیم . مثلاً می پذیریم دربرابر دریافت مبلغ مشخصی پول کاری رابرای کسی انجام دهیم ، درچنین مواردی نیز هرگونه کوتاهی کردن درانجام قراردادی که عقد کرده ایم مستوجب مجازات است وبه عنوان « حق الناس » دربرابر آن مسئولیم ولذا آنها چیزهایی برای ما تکلیف می آوردکه جزو شریعت واحکام دینی بوده ویادرطی عقود مورد انتخابمان به آنها تعهد سپرده ایم . بجز این موارد هیچ کس حق ندارد ازطرف خودش به ما حکمی رااجبار کند ولو آنکه آن حکم مربوط به مسائلی مثل دعا ومناجات باشد . بااین توضیح نه فقط شما دربرابر آن دستورهایی که روی کتابها مینویسند ، مسئول نیستید ، که نویسندگان آنها کار غلطی انجام داده اند وچنین دستورهایی خود مستوجب مجازات است .

اما اگر

از دلیل نویسندگان آن نوشته ها سئوال کنید باید بگویم نویسندگان آن نوشته ها می خواهند با چنین شیوه ای یک موضوع غلط یا غیر واقعی را تکثیر کنند وچون از تعهد دینی آدمها سوء استفاده می کنند به نیت غلط وانحرافی خود رنگ دینی هم می زنند . شما هیچگونه تعهد دینی رادربرابر آن دستورها نپذیرید ومطمئن باشید هیچ اثر سوئی برای شما ندارد ٪۱

در مبانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکث دارد، حجت است؟

پرسش

در مبانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکث دارد، حجت است؟

پاسخ

در این باره دستوری در اسلام مبتنی بر صبر و خودداری از انجام عمل نداریم، بلکه در حدیثی از امام صادق بازگو شده که در این هنگام عجله و شتاب کنید، نه این که باید عجله کرد و عجله موضوعیتی دارد. شاید امام می خواهد بفرماید با شتاب گرفتن، با این خرافه مبارزه کنید. اساساً روح اسلام با این گونه مطالب سازش ندارد، تا آن جا که دستور می دهد هنگامی که بر کاری مصمم شدید، اگر کسی فال بد بزند اعتنا نکنید، و بر خداوند توکل نموده به دنبال هدف روانه شوید. فال بد زدن را نشانه شرک قرار داده است.

همواره فرموده اند: "تفألو بالخیر تجده عند الله؛ همواره به خیر و نیکی تفأل بزنید تا خیر و خوبی را از پیشگاه حق دریابید". صدای زاغ و آهنگ جغد، پرش پلک های چشم و یا عطسه نباید در عزم و تصمیم انسان خللی ایجاد کند.

البته درباره "عطسه" وارد شده است: هر گاه یکی عطسه کرد، در حق او دعا کنید و بگویید "یرحمکم الله؛ رحمت خدا شامل حال تو گردد". طرف نیز متقابلاً دعا کند و بگوید: یغفر الله لک؛ خداوند تو را بیآمرزد".

صبر کردن و مکث نمودن، یا فرق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه همگی افسانه است که باید مسلمان آگاه و دانا از این افسانه ها بپرهیزد و عزم را جزم کند.

مبداء پیدایش این خرافه از آن جایی که صبر و مکث به هنگام عطسه، ریشه عقلی و علمی و همچنین علت

فطری و غریزی ندارد، ناگزیر باید از مبداء پیدایش آن جستجو کنیم.

گفته می شود در دوران حکومت هـای ملوک الطوایفی، حاکمی دلقکی داشـته که پادشاه را سـرگرم می کرده است. شبی در بین بازی عطسه شدیـدی می زنـد، به طوری که پادشاه می ترسـد و می گوید: او را تنبیه نمایید. از آن تاریخ عطسه شوم تلقی می شود و هر کس عطسه می زد، به جای "عافاکم الله؛ خدا شـفایت دهد". می گفتند سیاه سرفه بگیری! این خرافه مانند سایر خارفات به تدریج در بین ملت ما گسترش یافت.

در بخش مهربان وابسته به تبریز یک روستایی است به نام شاه باغی. در ایام محرّم و صفر یک عَلَم دارند به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب وصل می کننـــد، مردم پول و نذری می برند و کســـی که نذر دارد، پنجه می آید روی دوش او می نشـــیند. آیا چنین چیزی امکان دارد یا کاسبی ب

پرسش

در بخش مهربـان وابسـته به تبریز یـک روسـتایی است به نـام شـاه بـاغی. در ایام محرّم و صـفر یک عَلَم دارنـد به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب وصل می کننـد، مردم پول و نـذری می برنـد و کسـی که نذر دارد، پنجه می آید روی دوش او می نشیند. آیا چنین چیزی امکان دارد یا کاسبی باز کرده اند.

پاسخ

عزاداری در ایام سوگواری سالار شهیدان امام حسین(ع) مستحب است و از تعظیم شعایر الهی است و موجب زنده نگهداشتن پیام های عاشورای حسـینی می باشـد. عَلَم برداشـتن و نـذر کردن برای عَلَم (که در واقع نذر به صاحب علم است، یعنی نذر به امام حسـین یا حضرت ابالفضل و ...) اشکال ندارد.(۱) اما نشسـتن علم روی دوش صاحب نـذر اگر چه امکان دارد، ولی واقع شدن چنین چیزی بعید است و غالباً واقعیت ندارد، بلکه شایعه است. بارها از این اتفاقات شـنیده ایم، ولی پس از بررسی معلوم شد، دروغ و شایعه است. متأسفانه از این امور در دین و اعتقادات بسیار رخنه کرده است.

پی نوشت ها:

۱. آیت الله تبریزی، استفتائات، ص ۴۵۵، سؤال ۲۰۰۷.

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این مســئله صــحّت دارد؟ اگر صــحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پرسش

در کتـاب هـا و نقـل قول هـا شـنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خـدا را ببریـد، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیـا این مسئله صـحّت دارد؟ اگر صـحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ

دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پاسخ

وجود جن حقیقت دارد و قرآن کریم بـا صـراحت از وجود موجوداتی به نام جن خبر داده،(۱) تـا جایی که اسم یکی از سوره های قرآن "جنّ" است، لیکن بودن جن ها در محل هایی که آب داغ ریخته می شود، صحت ندارد و از خرافات است.(۲)

البته بسم الله گفتن برای هر کاری خوب است و گاهی موجب دور شدن موجودات شرور یا رفع شر می شود.

پی نوشت ها:

۱. جن (۷۲) آیه ۱.

۲. علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص ۱۴۹.

آیا موقعی که عطسه می کنیم حتما باید صبر کنیم؟

پرسش

آیا موقعی که عطسه می کنیم حتما باید صبر کنیم؟

پاسخ

صبر کردن در هنگام عطسه کاری عامیانه و فاقد مدرك و سـند است تنها چیزی که در روایات آمده است اینکه پس ازعطسـه گفته شود الحمد للّه و یا اگر کسی عطسه کرد به او بگوئید یرحمکم اللّه J

مراکز دینی

حوزه علمیه

مبسوط

پرسش

مبسوط

پاسخ

اگر بخواهیم به تمام سؤالات ریز و درشت شما پاسخ دهیم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود ولی به اندازه حوصله شما و این نامه خدمتتان عرض می کنیم.

درس طلبگی هم مانند سایر رشته های تحصیلی دارای برنامه دقیق است، از طریق آزمون یا کنکور می توان وارد حوزه شد، حضوری و غیر حضوری دارد، کوتاه مدت و درازمدت دارد، امتحان و تجدیدی و مردودی دارد و ده ها شرایط دیگر که اگر تصمیم به تحصیل دروس حوزوی پیدا کردی خودت می توانی به آسانی از آن سردرآوری. گرچه پرسش های ریزی که در این باره کرده ای حاکی از اطلاعات نسبتا خوب جنابعالی از برنامه های درسی حوزه است.

این درباره ظاهر حوزه که از نظر درسی همانند سایر مراکز علمی است که البته جدیت بیشتری لازم دارد اما درباره محتوای درس ها و این که شما برای آینده تان می خواهید چه تصمیمی داشته باشید باید بگوییم همان طور که می دانید علوم حوزوی مربوط به شناخت دین اسلام است که در سه بخش عقاید، اخلاق و فقه یا احکام خلاصه می شود.

کسی که در حوزه علمیه تحصیل می کند و به اصطلاح طلبه می شود علاوه بر این که باید در سه زمینه فوق اطلاعات کافی به دست آورد باید دو کار مهم دیگر هم انجام دهد.

اول این که سعی کند احکام و برنامه های اسلام را در اعمال و رفتار خود نشان دهد و به اصطلاح یک مسلمان واقعی باشد و دوم این که در تبلیغ دین و ارشاد مردم تلاش کند؛ یعنی با سخنرانی یا کلاس داری و تدریس و یا

نوشتن کتاب و مقاله سه اصل بالا را به مردم معرفی کند و آنها را به عمل به آنها تشویق نماید.

بنابراین همان طور که ملاحظه می کنید شغل یک طلبه یا روحانی شغل انبیاء و پیغمبران است با این تفاوت که طلبه باید درس بخواند تا عالم شود ولی پیامبران به معجزه الهی همه چیز را می دانند. به همین جهت پیامبر اسلام فرمود: دانشمندان و علمای اسلام وارث پیامبران هستند.

حال با توجه به این مطالب و توضیحات، شما باید بتوانید تصمیم بگیرید. یعنی باید ببینید اگر اولا علاقه مند به این رشته هستید و ثانیا توان و استعداد آن را هم دارید پیشنهاد ما این است که طلبه شوید ولی اگر احساس می کنید علاقه ندارید یا توان و استعداد آن را دارا نیستید، بهتر است در زمینه های دیگر مثل دانشگاه خدمت کنید.

اما این که چگونه وارد حوزه شوید، باید وقت ثبت نام که معمولا در فصل بهار است به یکی از حوزه ها (چه در قم و چه در شهرستان ها) بروید و برگه ثبت نام را پر کنید. توضیحات مربوطه و راهنمایی های دیگر را همانجا سؤال کنید.

البته رضایت والدین در هر کاری لازم است. در مورد حوزه هم همین طور است. حالا اگر مخالفت کردند، شما می توانید با توضیحات خود آنها را قانع کنید.

پوشیدن لباس روحانی یکی دیگر از ویژگی های حوزه علمیه است. یک فرد روحانی همانند سایر گروه های اجتماعی چون افراد نظامی و انتظامی، پزشکان و پرستاران و سایرین دارای لباس مخصوصی هستند که البته پس از تحصیل مقدار لازم علوم حوزوی، اجازه پوشیدن این لباس

مقدس را می توان به دست آورد.

القاب و عناوینی که به روحانیون می دهند تا حدودی جنبه تشریفاتی و احترام دارد و کلمه طلبه که به معنای دانشجو است اسم عام برای تمام روحانیون می باشد.

طلبه ها فقط در رشته های علوم انسانی دانشگاه می توانند ادامه تحصیل بدهند و اگر بخواهند در رشته های فنی و تجربی شرکت کنند باید مانند سایر دانشجویان مستقلا شرکت کنند و حوزه در این مورد مسؤولیتی ندارد.

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

اشاره

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص

پرسش

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم.

پاسخ

از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنّی استفاده می شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت معصومان ع) است؛ از آن جمله:

۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم(ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکّه عمامه ای مشکی بر سر داشت.(۱)

علی(ع) فرمود: "رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، عمامه ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه

فرمود: "خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمّم بودند".(۲)

۲- اصبغ بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین(ع) به شمار می رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی(ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت.(۳)

۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعه بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعه را به حضور علی(ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت.

ربیعه (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛ امیرالمؤمنین(ع) (با

بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعه) عبای خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید.(۴)

بنابراین از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت:

پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت پیامبر و امامان(ع) را تشکیل می دهد.

تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنّت پیامبر(ص) و امامان(ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی وانتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد.

پاسخ سومین سؤال فرعی:

در سؤال مطرح کرده اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان و تشریح یک روایت می پردازیم:

حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق(ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته اند که علی(ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می پوشیده و شما را می بینیم که لباسی نیکو پوشیده اید.

امام صادق(ع) در پاسخ این اعتراض فرمود: "علی بن أبی طالب علیه السّلام لباس با آن ویژ گی ها

را در زمانی می پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی آمد، امّا امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است".(۵)

این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. امّا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین(ع) شباهت داشته و به لباس های سنّتی ایرانیان نیز شباهت بیشتری دارد.

پی نوشت ها:

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶.

۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴.

۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹.

۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پرسش

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پاسخ

مساله وحدت حوزه و دانشگاه نه تنها ممکن بلکه یک ضرورت حیاتی برای جامعه ماست . جدایی این دو گروه علمی - فکری در جامعه ما نقش تخریبی بسیار زیانباری دارد و مملکت را به بدنی شبیه می سازد که دارای دو مغز است . این دو مغز اگر به همفکری بشتابند فعالیت ها و کنش های بدن رابهتر و حساب شده تر می سازند ولی اگر بیگانه از یکدیگر باشند هرج و مرجی وصف ناپذیر پدید می آورند .البته در رابطه با این که ((تعریف این وحدت چیست و چگونه وحدتی بین این دو نهاد مقدس مطلوب و شدنی است)) بررسی های انجام شده کافی نیست و از سوی هر دو گروه باید بررسی ها و کاوش های عمیق تری به عمل آید .تاکنون از دو سو شیوه های متعددی پیشنهاد گردیده ؛ از جمله : الف) وحدت اخلاقی ب) وحدت معرفتی ج) وحدت ایدیولوژیک در معرفت بشری د) وحدت سازمانی (ارگانیک) ه) وحدت عملی (پراگماتیک) و) وحدت سیاسی ز) وحدت استراتژیک . مهمترین شیوه از موارد بالا وحدت استراتژیک است . ;

بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟

پرسش

بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟

پاسخ

در مورد طلبه شدن بیش از هر چیز خود شما باید تصمیم بگیرید .البته تصمیمی سنجیده و عاقلانه و با مشورت افراد آشنا به جزییات این راه مثلا- می توانید با برخی از روحانیون برجسته محل خود مساله را در میان گذارید و چنانچه مصلحت بر گزینش این راه تشخیص داده شد از آنان بخواهید که والدین شما را قانع سازند . مسلما پدر و مادر شما خواهان سعادت و خوشبختی شما می باشند ولی ممکن است به خوبی زوایای این راه را نشناسند و یا به دلایلی موفقیت چندانی برای شما پیش بینی نکنند بنابراین برخورد خوب شما و مشورت با بزرگان منطقه و استمداد ازآنان راهگشای خوبی است . امید است همواره در مسیر راستین اسلام موید و موفق باشید .;

چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟

پرسش

چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟

پاسخ

گسترش دامنه علوم و تخصصی شدن آنها امکان وارد شدن در علوم طبیعی را از حوزه ها سلب می کند بویژه آنکه علوم حوزوی خود از گستره بسیار بالا-یی برخوردار بوده و لا-زم است آنها نیز به صورت تخصصی در آیند .البته برخی از علوم طبیعی مانند علم هیئت در مسایل دینی قابل استفاده است و در حدلزوم در حوزه مورد بحث قرار می گیرد و آگاهی آیت الله حسن زاده از علوم طبیعی نیز در همین زمینه هاست . به علاوه هیچ گاه مصداق واحد نمی تواند دلیل بر جهت دادن یک نظام آموزشی به سمت خاصی باشد× زیرا کاروان علوم باید به گونه ای طبقه بندی شده و سیر یابد که برای اکثریت ارباب دانش قابل استفاده باشد نه اینکه تنها متناسب با ظرفیت نوابغ باشد .;

چرا ائمه((علیهم السلام)) کار می کردند و روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

پرسش

چرا ائمه((علیهم السلام)) کار می کردند و روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

پاسخ

این صحیح است که امامان کار می کرده اند ولی باید توجّه داشت که روحانیون اگر بخواهند به تحصیل و اشتغالات علمی و دینی بپردازند امکان اینکه بتوانند به کارهای اقتصادی نیز مشغول باشند برای آنان وجود ندارد. امامان چون از علوم لدنی برخوردار بوده اند و برای علوم خویش به مدرسه نرفته و تحصیل نکرده اند طبعاً می توانستند به کار اشتغال داشته باشند.

آیا اگر یک روحانی واقعاً بخواهد به آن درجات عالی علمی برسد می تواند مشغول کاری دیگر هم بشود؟

آیا کسانی که کار تولیدی مستقیم ندارند منحصر بر روحانیون هستند؟ آیا برای اساتید دانشگاه و کارمندان مؤسسات آموزشی هم لازم می دانید که کار تولیدی انجام دهند؟ آیا تصوّر می توان کرد که آموزش دین از آموزش های دیگر کم ارزش تر باشد تا محصّلین و اساتید آنها را به علاوه بر تحصیل به کار دیگری هم ملزم بدانیم؟ یک طلبه با کمترین برداشت از جامعه بیشترین خدمت را انجام می دهد. دلیل این مدّعا انتظار همین اجتماع از این قِشر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۱

پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟

پرسش

پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟

پاسخ

وقتی که ما می بینیم مثلاً یک سلسله کار بر مبنای حذف شخیصت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی و ... شروع می شود، این کار، یک کار ساده و یک کار فقط صنفی نیست. این که مثلاً ما بیاییم بساط حوزه ی علمیه را که بر مبنای تحقیق و دقت نظر و بر اساس مبنا سازی و مبنا ویران سازی و نوآوری و تجدید نظر و ابتکار است که این روشن است؛ سبک و شیوه ی آموزش و تعلیم در حوزه های علمیه، از اول بر مبنای تحقیق بوده یک چیز تقلیدی وانمود بکنیم و امثال مطهری و بهشتی و این شاگردان حوزه را، استثناهای حوزه تلقی کنیم (۱) یک اشتباه است. طبیعتاً کسی که حوزه را درست نمی شناسد، کسی که نمی داند حوزه چیست، چنین اشتباهی را مرتکب می شود. البته به احتمال فراوان، بلکه شاید به طور یقین، آدم می داند که اینها از روی بی غرضی هم گفته می شود، یعنی نظر سوئی وجود ندارد؛ اما حرف خلاف واقع و فساد

آور است. این موجی می شود که ارزش علمی و معنوی روحانیت که پرچمدار و نماینده دین است در چشم محیط دانشگاهی و دانشجویی از بین برود؛ کما اینکه شبیه این کار، منتها با شیوه های ناشیانه تری، قبل از انقلاب انجام می شد و بی تأثیر هم نبود. واقعاً قبل از انقلاب، جماعت دانشگاهی، آخوند جماعت را آدمهای پر گوی نادان پر توقع هیچ چیز ندان می دانستند! من

با عـده زیادی از آنها مواجه بودم. مثلاً در یک جلسه که می نشسـتند و دو کلمه حرف حساب می شـنیدند، می گفتند عجب، واقعاً در بین روحانیت، مثل شـمایی وجود دارد؟! در حالی که آن طلبه یک طلبه معمولی بود. آنها روحانیت را نمی شـناختند؛ یعنی تلقی دسـتگاههای علمی و دانش کشور از روحانیت غلط بود. حوزه علمیه، اصـلاً مرکز علم و تحقیق بوده است. اگر علم برای علم، و علم بدون قصد مزد، مصداقی در کشور ما داشـته باشد، از قدیم در حوزه های علمیه بوده است؛ ولی آنها اینجا را یک محیط بی علم می دانستند!

آن زهـد و بی اعتنـایی به دنیـا، آن پارساییهـایی که در محیـط روحانیت و در محیط طلبگی و بیرون از طلبگی بود و امروز هم بحمـد الله هنوز به ط...Ṣغالبی وجود دار□این را در چشم این جمـاعت دانشـگاهی □ □...ṣŘتبـدیل کرده بودند به این که آخوند مفت خور است! تعبیر مفت خور، چیز روشنی بود. وقتی در جایی می گفتند مف خورها، بدون هیچ اشاره و قیدی مثل ضمیری که مرجع خودش را پیدا کند به روحانیون بر می گشت! این تبلیغاتی بود که انجام شده بود.

هـدف از این تبلیغات چه بود؟ هـدف از تبلیغات، روحانیت نبود روحانیت که خصوصـیتی نـداشت هدف از این تبلیغات، دین بود. اگر مـا بیاییم حیثیت روحانیت و فقاهت و رتبه علمی فقاهت و تأثیر آن را در حرکت کلی یک کشور منکر بشویم، و زیر سؤال ببریم، یـا دچـار خـدشه بکنیم، در حقیقت به گرایش دینی طبقه کار آمـد و عظیمی لطمه زده ایم، و این همان کاری که آنها می خواهند، و آبی است به آسیاب

دشمن ریختن؛ لذا باید به این نکته خیلی توجه شود. (۱)

بنابراین باید توجه داشته باشیم که این مسأله، یک مسئله اساسی و ریشه ای است و حذف روحانیت از صحنه اجتماع و تأثیر گذاری در جامعه برای ریشه کن ساختن دین از صحنه جامعه و به انزوا کشیدن دین در اجتماع است تا همانند جوامع غربی دین به اموری فردی و غیر اجتماعی تبدیل گردد به عبارت دیگر همان سیاست قبل از انقلاب "جدایی دین از سیاست" مجدداً برقرار گردد و این سیاست تا زمانی که روحانیت مورد قبول جامعه باشد و رهبری جامعه را عهده دار باشد عملی نیست، پس باید تلاش کنند آنها را از گردونه سیاست خارج سازند و این امر شدنی نیست مگر با بدبینی جامعه از روحانیت"

منابع و مآخذ:

۱ اشاره به تحلیل یکی از نویسندگان در یک مجله فرهنگی، سیاسی

۲ حدیث ولایت، ج۹، صص ۲۹۳۰

منبع: پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ص۳۱۴۳۱۵

چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طرف مردم؟

پرسش

چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طرف مردم؟

پاسخ

مسأله فاصله گرفتن برخی از اقشار با روحانیت، نیازمند بررسی جامعه شناختی از موضوع است که در این مجال نمی گنجد ولی علل اجمالی آن به شرح زیر است: الف) مشکلات تحمیل شده بر انقلاب و تحلیل نادرست از آن، یعنی مسائل را همواره از چشم روحانیت دیدن ب) بالا ـ رفتن سطح توقع و انتظار مردم آن هم با تمرکز بر روحانیت ج) تبلیغات جهانی علیه انقلاب اسلامی و رهبران دینی د) عملکرد نادرست برخی از افراد روحانی با نگرشی واقع بینانه ومنصفانه به این مسأله درمی یابیم که همچنان که تاریخ حوزه و روحانیت نشان می دهد و در زمان کنونی شاهد آن هستیم نمی توان یک حکم کلی در این زمینه ارائه نمود بلکه هر چند متأسفانه در قبل از انقلاب به دلایل متعددی تا حدودی شاهد تحجر و جمود بی خبری از مسائل روز و علوم و موضوعات جدید در گوشه و کنار حوزه ها بودیم اما عین حال در کنار آن نیز شاهد حضور و مشارکت فعال بسیاری از اندیشمندان و متفکران روحانیت در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی جامعه و مجامع دانشگاه بوده و می باشیم که به

عنوان مثال آن از متفکرانی ماننـد: علامه طباطبایی، مرحوم امام (ره)، شـهید مطهری، دکتر مفتح، دکتر بهشتی، مرحوم طالقانی را نـام برد. امـا در بعـد از انقلاب بـا توجه به شـرایط جدیـد و نیازهای جدیـد ناشـی از حکومت اسـلامی این خلا و نقصان به صورت بسیار جدی در زمینه تطبیق مسائل و

موضوعات جدید با احکام و ارزش های الهی و مقتضیات زمان و مکان و یافتن پاسخ های مناسب برای آنان احساس شد و حوزه ها به علت این ضرورت ها و با استفاده از فضای باز ایجاد شده بعد از انقلاب به چنان رشد و بالندگی و تحولی دست یافت که شاید تا قبل از این در تاریخ حوزه ها کم سابقه بود که شاهد تأسیس مراکز و مؤسسات پژوهشی تحقیقاتی و مطالعاتی متعددی در راستای تأمین نیازهای روحانیون در رشته های مختلف علوم جدید در دانشگاه ها و سایر مراکز علمی می باشیم و در بسیاری از رشته های علوم اجتماعی صاحبنظران و اساتید برجسته ای که به جدیدترین مباحث و موضوعات رایج در محافل آکادمیک و دانشگاهی غرب تسلط و اشراف کامل داشته باشند در میان روحانیون و دین پژوهان حوزه خصوصاً حوزه علمیه قم وجود دارند که معارف و ارزشهای اسلامی را با توجه به شناخت کامل موضوعات و مسائل جدید و با استفاده از پیشرفته ترین و جالب ترین روشهای هنری، تکنولوژی پیشرفته و وسایل ارتباطی به مخاطبان و علاقه مندان انتقال می دهند. کلیه اقدامات فوق در جهت جبران عقب ماندگیهای گذشته حوزه و برقراری رابطه بر اساس تفاهم و تبادل دیدگاه ها با مخاطبین حوزه خصوصاً قشر جوان که تشکیل دهنده اکثریت جامعه و آینده سازان ایران اسلامی عزیز می باشند انجام شده و می شود به عنوان مثال می توان از برگزاری اردوهای تفریحی، سیاحتی و زیارتی برای جوانان و نوجوانان در مقاطع مختلف تحصیلی با استفاده از روحانیون خوش فکر و اندیشمند و در عین حال خوش برخورد و مسلط به اصول روانشناسی تربیتی برای بررسی و شناخت مشکلات و مسائل مورد نیاز آنها و راهنمایی

و ارائه مشورت به آنـان نـام برد در هر صورت مطـالب فوق به معنـای موفقیت کامـل حوزه در جـذب جوانـان و مخاطبان خود نیست بلکه گویـای اینست که حوزه هـا علیرغم وجود مشـکلات تـاریخی و مـالی که دارنـد شدیـداً به این موضوع بسـیار مهم اهمیت داده و در صـدد رفع نواقص خود در حوزه تبلیغ و اطلاع رسـانی می باشـند. متأسـفانه به رغم وجود ارزش هـای والای انسانی و غنای مسائل فرهنگی و معنوی در جامعه ما، نسل اوّل انقلاب و دسـتگاه های فرهنگی در انتقال این ارزش ها به نسـل دوم و سوم انقلاب و حتی تعمیق آنهـا برای خودِ نسـل اول انقلاب، سـهل انگاری و متأسـفانه علیرغم هشـدارها و تهدیـدهای شدیـد مقـام معظم رهبری و بزرگـان حوزه به مسؤولان نسـبت به اوضاع وخیم و اسـفناک فرهنگی جامعه و رونـد تغییر ارزش های اسلامی که جلوه های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهده می باشد.

در مورد وزارت ارشاد بایـد گفت که متأسـفانه عملکرد این وزارت خانه خصوصاً در سال های اخیر به هیچ وجه مطلوب نبوده و مقـام معظم رهـبری به کرّات نارضـایتی خـود را از آن اعلام نمـوده انـد ایشـان در ۲۴ آذر ۷۸ دیـدار شورای عـالی انقلاب فرهنگی فرمودنـد: "سؤال من این است که وزارت ارشـاد چنـد کتاب برای تقویت تفکر اسـلامی چاپ کرده است؟ چنـد فیلم برای تقویت فکری اسـلامی و انقلاب سـاخته است؟ الان مرتب در سالن های وابسـته به ارشاد فیلمها و تئاترهایی نمایش داده می شود که بعضـی ها صد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسـلامی می ساختند که این مبلّغ

اسلام است، من اعتراض نمی کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان ها الان منتشر می شود".

اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته اند. ایشان در این باره فرمودند: "من به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنامه های هنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد."، ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی بد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده مخاطبین آن می باشد. بعضی عواملی که موجب بدبینی جوانان شده است. عبارت است از: ۱. مشکلات

پس از انقلاب (مانند جنگ و توجّه به مسائل امنیتی و دفاعی و...) که نتیجه طبیعی آن فقدان برنامه ریزی های دقیق و کارشناسی شده برای نهادینه سازی و تثبیت ارزش ها و معارف اسلامی است. ۲. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش های دینی و معنوی به ارزش های مادی و سودگرایی، در اثر بعضی از اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه، باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش های اسلامی گردیده است۳. عملکرد منفی و نامطلوب بعضی از دستگاه های فرهنگی در سال های اخیر و میدان دادن به افراد و عناصر غیر معتقد به نظام اسلامی و ترویج فرهنگ غربی از سوی آنان.۴. پاره ای برخوردهای نسنجیده و نامطلوب و یا همراه با زیاده روی و افراط توسط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری ها و منکرات جامعه۵. کم کاری برخی از افراد مذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده در عمل۶. کم کاری نیروها و دستگاه های انقلابی، در تولید برنامه های سالم، جذّاب و مفیدی که بتواند اوقات فراغت جوانان را پر کند و آنان را از توجّه به برنامه های ضد اخلاقی و فاسد فرهنگ بیگانه باز دارد ۷. تهاجم فرهنگی غرب در جهت بی هویت کردن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی مردم، ایجاد شکاف میان نسل جوان و مسؤولان حکومتی و ایجاد تردید نسبت به کارآیی مدیریت فقهی، شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی و. ۸. پیروی از امیال و هوای نفسانی که ناشی از عوامل محیطی، تربیت ناصحیح با بی اعتنایی، به ارزش های معنوی و... است. این مشکل ناشی از اراده و اختیار

خود انسان است. خداوند می فرماید: إِنَّا هدیناهُ اَلسَّبِیلَ إِمَّا شاکِراً و إِمَّا کَفُوراً،(۱). متأسفانه بسیاری از افراد تحت تأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: لَقَدْ خَلَقْنَا اَلْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ* ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ،(۲). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوان از ارزش ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چند مردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیتهای روحانی مانند حضرت امام و مقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده اند، دارند. ۹. تأثیرگذاری جریانات التقاطی و یا روشنفکری وابسته و سکولار در داخل کشور در جهت ایجاد بدبینی نسبت به اسلام و روحانیت.

جدایی عده ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، از جمله: ۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان روحانی در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است.۲. برخی از رفتارها و برخوردهای ناصحیح و مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده ای از افراد خصوصاً جوانان- فراهم آورده است، حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می فرمایند: "معنای تحجر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام

و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملّت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است"،(۳).

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است. ۴. حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشم روحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند.

مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت بپردازند.

منابع و مآخذ:

۱ تین، ۴۵

۲ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۷۶

در زمینه تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور برای نماز جماعت، بنده در پاسخ به دوستان دانشجوی خود و مردم عوام نمی توانم پاسخ کاملی بدهم. بویژه اینکه این قضیه را به صوفیان و خانق

پرسش

در زمینه تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور برای نماز جماعت، بنده در پاسخ به دوستان دانشجوی خود و مردم عوام نمی توانم پاسخ کاملی بدهم. بویژه اینکه این قضیه را به صوفیان و خانقاه نشینان قدیم تشبیه می کنند که از مردم غذا می گرفتند و دعا می کردند (؟!) علاوه اینکه دیده شده

است بین روحانیون محترم و مردم بر سر قیمت مذاکرای صورت می گیرد که این مطلب باعث خدشه دار شدن قداست و عظمت روحانیت می شود و دیگر اینکه باعث عوام زدگی روحانی و چشم بدست مردم بودن می شود. و باعث می شود روحانی بخوبی نتواند از مردم انتقاد کند آیا تا به حال برای سامان بخشیدن به وضع مادی مبلغان و از بین رفتن این حالت فکری شده است. و بعضی از روحانیون تأکید می کنند که پول نمیگیرند و این در نزد مردم باعث می شود به روحانیون دیگر به چشم بد نگاه کنند.

پاسخ

فاصله طبقاتی در جامعه منحصر به طبقه روحانیت نیست بلکه در سایر طبقات اجتماعی نیز این فاصله طبقاتی وجود دارد. از جمله روستاییان، شهر نشینان، معلمان، بازاریان، دانشگاهیان و کارگران همه شان در یک سطح نیستند برخی از آنها ثروتمند هستند و برخی فقیر و عده ای هم زندگی متوسطی دارند. البته همه افراد ثروتمند از هر طبقه و قشر چنین نیستند که به فکر دیگران نباشند بسیاری از افراد ثروتمند و غنی از ثروت خودشان در راه خیر و خدا پسندانه بهره می برند و با ثروت خودشان به همنوعان خویش خدمت می کنند و عده ای هم هستند که نه تنها از ثروت خودشان در راه خیر استفاده نمی کنند بلکه خود و خانواده ایشان نیز بهره چندانی از آن نمی برند.

برادر ارجمند! بنابراین نمی توان همه ثروتمندان خواه روحانی و خواه غیر روحانی را متهم به بی توجهی به فقرا کرد و البته برخی از ثروتمندان هستند که در برابر فقر فقیران و نیازمندان هیچ

احساس مسئولیتی نمی کنند و صد البته چنین روحیه ای برای برادران روحانی بسیار زشت تر و قبیح تر است. زیرا آنان رهبران دینی جامعه هستند و مردم را به مسیر درست و صحیح و از جمله کمک به محرومان و مستمندان هدایت و دلالت می کنند از آنان بیشتر انتظار می رود به گفته خودشان بیشتر عمل کنند و پای بند باشند وقتی آنان عمل و رفتارشان با گفتار و سخنانشان هماهنگ نباشد در دیگر افراد جامعه نیز تأثیر می گذارد و سخنان آن بی خاصیت و بی اثر می شود، نه تنها سخن آنان بدون اثر می شود بلکه وعظ و موعظه و نصیحت و پند و اندرزی

که از قرآن و احادیث هم می کنند بی اثر می شود و به قول استاد شهریار:

گفت اگر منبر تو منبر بود کار مردم نمی کشید به دار

اگر وعظ و خطابه و موعظه اینها از صمیم قلب و توأم با عمل و رفتار باشد جامعه به سوی فلاح و رستگاری هدایت می شد و اگر گرفتار و عمل آنها با همدیگر هماهنگ نباشد جامعه به سوی بدبختی و فلاکت سوق پیدا می کند.

اما توقع شما برادر عزیز توقع بجایی است و ما مثل تو از اینکه برخی از عزیزان روحانی چنین حالتی دارند نگران و ناراحتیم ولی می دانیم که این خواسته اکثریت قریب به اتفاق جامعه روحانی و مسولان عالیرتبه نظام و کشور نیست و هر جا برادری روحانی از مسیر نادرست و نامشروع صاحب ثروت و مکنت شده باشد با شدت تمام در دادگاه روحانیت بدون اغماض با او برخورد می کنند و

وظیفه ما و شما این است که با این عاملان فساد و تباهی برخورد کنیم و به مقامات ذی صلاح گزارش کنیم خواه روحانی باشد و خواه غیر روحانی و شاید بخشی از این وضعیت نیز متأثر از این حالت و خاصیت بی تفاوتی جامعه و شعائر به ما چه "و به من چه" باشد. باید در برابر این مسائل احساس مسئولیت کنیم و برای مقابله با آن بصورت همگانی و عمومی اقدام کنیم.

به امید روزی که اکثریت جامعه در برابر نابرابری ها برخروشند و به مقابله برخیزند. انشاء الله

لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

پرسش

لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

پاسخ

با تبریک به شما به خاطر هدف مقدّسی که انتخاب کرده اید و به امید موفقیت شما، به عرض می رسد راه های متعدّدی برای ورود به حوزه علمیه برای خواهران وجود دارد که پس از ذکر مقدمه ای به آن ها اشاره می کنیم

شرط تحصیل در حوزه اخلاص است و هدف از آن باید کسب فضایل اخلاقی و دریافت معارف اسلامی و نشر آن ها در میان باشد. ورود به حوزه یا هر مکان علمی با این هدف اهمیت ویژه ای داشته و خداوند چنین عالمی را تمجید کرده است "خدا]رتبه کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد."(مجادله ۱)

روایات متعددی نیز به این فضیلت ها اشاره دارند. از جمله حضرت صادق می فرمایند: "عالمی که از علمش سود بر ده شود بهتر از هفتاد هزار عابد است "(الکافی کلینی (ره ، ج ۱، ص ۳۳، دارالکتب الاسلامیه)

بدیهی است که این فضایل از عالمان عامل است و عالمانی که به خاطر هوای نفس یا دلایل مادی قدم در راه تحصیل معارف بگذارند، به سختی بازخواست خواهند شد.

راه های ورود به حوزه علمیه

۱. شرکت در آزمون اختصاصی "جامعه الزهرأ قم این حوزه همه ساله از اواخر بهمن یا اوایل فروردین از خواهران داوطلب دانشجو می پذیرد، اطلاعیه پذیرش و چگونگی ثبت نام در این حوزه معمولاً در روزهای یاد شده در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر برای خواهران تمام وقت شهرستانی داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا

و حداکثر سن ۱۹ سال می باشد.

حوزه شبانه روزی و دارای خوابگاه بوده و طلاب از غذا و کمک هزینه تحصیلی بهره مند خواهند شد.

برای آگاهی بیشتر در این باره می توانید با شماره تلفن ۹۵۱۱۱۰۲۵۱ تماس بگیرید.

۲. شرکت در آزمون اختصاصی حوزه علمیه خواهران مرکز حوزه علمیه خواهران قم مدارسی را در بیشتر شهرستان ها تحت پوشش دارد که همه ساله معمولاً در ماه های اسفند و فروردین از خواهران داوطلب طلبه می پذیرد، اطلاعیه پذیرش این حوزه در روزهای یاد شده در روزنامه های جمهوری اسلامی کیهان و هفته نامه افق حوزه منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر داشتن دیپلم و حداکثر سن ۲۰ سال می باشد که در صورت تأهل حداکثر سن ۲۳ سال می باشد.

برای آشنایی با شرایط ورود به این مدارس می توانید با حوزه علمیه مرکز استان خودتان یا مرکز حوزه علمیه خواهران قم (۷۷۴۰۹۴۵۰۲۵۱) تماس بگیرید.

۳. ثبت نام در مدارس مستقل برخی از مدارس در شهرستان ها وجود دارند که مستقل بوده و از میان خواهران طلبه می پذیرد و شرایط ثبت نام در این مدارس متفاوت بوده و به تصویب هیئت امنا یا مدیر مدرسه بستگی دارد.

شرایط ثبت نام در جامعه الزهراء قم چیست ؟

پرسش

شرایط ثبت نام در جامعه الزهراء قم چیست ؟

پاسخ

جامعه الزهرا(س هر سال پذیرش دارد فرم مربوط به ثبت نام و شرایط آن را اواخر دی ماه در روزنامه های کثیر الانتشارچاپ می کنند. کسانی که ثبت نام نمایند و از عهده امتحان ورودی و مصاحبه و دیگر شرایط برآیند از مکان مناسب و شهریه برخوردار می شوند.

گفتنی است که یکی از شرایط داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا است

برای آگاهی بیشتر می توانید با نشانی ذیل مکاتبه کنید:

قم بلوار امین جامعه الزهراء(س بخش پذیرش

چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول شوم

پرسش

چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول شوم

پاسخ

برخی از افراد، به دلیل ویژگی های جسمی

خود، خواب های سنگینی دارند و در بعضی سنین

این مساله حادتر است. توصیه های ما برای بیدار

شدن و نماز شب خواندن، عبارت است از:

۱ؤ برنامه ریزی برای خواب (زودتر خوابیدن و زودتر بیدار

شدن)،

۲ؤ خالی نگه داشتن معده به هنگام خوابیدن،

۳ؤ طلب توفیق از خدای متعال برای بیدار شدن،

۴ؤ برنامه نماز شب را آسان گرفتن،

۵ؤ توجه به ارزش سحرخیزی (به گفته آیت الله حسن زاده

آملی ((از انسان سبر برود و سحر نرود)))،

۶ؤ افزودن انگیزه های دیگر برای بیدار شدن در سحر

(مثلا اگر به خوردن چیزی علاقه دارید، آن را برای سحر

بگذارید و یا اگر دوستی دارید با او قرار بگذارید که یکدیگر

را بیدار کنید)،

۷ؤ ترک همه گناهان ظاهری و باطنی که توفیق را از

انسان سلب می کنند،

۸ؤ خواندن آیه آخر سوره کهف پیش از خواب، می تواند

مفید واقع شود.

۹ – هم چنین از ساعت های زنگ دار می توانید استفاده

کنید.

آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه , اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟

پرسش

آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه , اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟

پاسخ

دروس فلسفه تفسیر و اخلاق در سطوح مختلف تدریس می شود که غالب آنها در موءسسات و مراکز پژوهشی وتخصصی است. از اساتید بزرگ فلسفه و تفسیر می توان آیت الله جوادی آملی آیت الله مصباح یزدی و آیت اللهحسن زاده آملی را نام برد.{J

در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

ما هیچ طیف خاصی را برای تقلید از افکار آنان به شما پیشنهاد نمی کنیم. بلکه معتقدیم باید به دقت و تدبر بهسخن ها گوش فرا داد وجدا از انگیزه های دیگر به تجزیه و تحلیل پرداخت تا سره از ناسره تمیز داده شده و در هرعرصه حقیقت نمایان

گردد. آنچه قابل توصیه است آنکه هرگز یک طرفه قضاوت نکنید و در هر عرصه ای بدون اطلاعکامل اظهار نظر ننمایید. چنان که اکنون بسیاری از افراد به این ضایعه مبتلاـ بوده و تنها براساس سلیقه ها و گرایش ها بهقبول یا رد نظریه ای می پردازند بدون آنکه از کم و کیف قضیه چندان اطلاعی داشته باشند.{J

این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضـرم خدمت سربازی هم بروم , بعد وارد حوزه شوم , چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟

پرسش

این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضرم خدمت سربازی هم بروم , بعد وارد حوزه شوم , چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

علاقه شما به تحصیلات بیشتر و کسب علوم مختلف انگیزه ای مقدس و درخور ستایش است. امید است اینگرایش را همواره برای خود حفظ نمایید. گرچه متاسفانه تلقی اکثریت آن است که تحصیل علم.یعنی گذراندن کلاس هاو گرفتن مدرک ولی واقعیت آن است که نوبت تحصیل علم واقعی و پژوهش پس از گرفتن مدرک است. آن زمان استکه شخص با الفبای پژوهش آشنا شده و توان گام برداشتن برای آن را دارد. برادر عزیز! با توجه به علاقه و انگیزه ای کهدارید شما می توانید در حین تحصیلات دانشگاهی خود. به تحصیل علوم حوزوی نیز مشغول شوید.برای این منظورراه های پیشنهادی را آزمایش کنید.

۱- به حوزه علمیه محل سکونت خود مراجعه و با آنان مشورت کنید و اگر میسر شد استادی خصوصی از جمعطلاب برای خود بیابید و با برنامه ریزی صحیح درسی به پیش بروید.

۲- با مراجعه به سازمان تبلیغات و یا نوارخانه های حوزه سعی کنید با استفاده از نوارهای درسی حوزه همراه بامباحثه و مذاکره درسی برای خود برنامه ریزی کنید.

لازم به ذکر است در هر دو صورت مباحثه را از یاد نبرید. و بالاخره شما می توانید پس از پایان تحصیلات و انجامخدمات نظام وظیفه و مهیابودن شرایط در حوزه علمیه قم و یا شهر دیگر به تحصیل بپردازید. آنچه تعیین کننده استاخلاص همت و تلاش شماست که حتما موفقیت به همراه خواهد داشت.{J

مردم روستای تولدم احکام شـرعی نماز,روزه و...رانمی دانندنیازبه مبلغ وکسـی که احکام را آموزش دهد داریم ,آیامن می توانم درکنارتحصیلاتم دروس حوزه رابخوانم ؟

پرسش

مردم روستای تولدم احکام شرعی نماز,روزه و...رانمی دانندنیازبه مبلغ وکسی که احکام را آموزش دهد داریم ,آیامن می توانم درکنارتحصیلاتم دروس حوزه رابخوانم ؟

پاسخ

توجه و اهتمام شما به مسائل فرهنگی و دینی زادگاه خود قابل تقدیر و تشکر است. این نهاد مشکلات فرهنگی اینروستا را به مراکز اعزام مبلغ در قم گزارش خواهد داد تا در مورد آن اقدامات لازم را مبذول دارند. ضمنا شما نیز با تهیهنامه ای با امضای مسوءولین محل از مرکز استان و یا شهرهای مجاور محل خود درخواست اعزام مبلغ نمایید برای اینکار به دفتر ائمه جمعه و یا سازمان تبلیغات مراجعه کنید. در مورد تحصیلات علوم اسلامی این امکان برای شما وجوددارد که در کنار دروس دانشگاهی به کسب این علوم بپردازید. البته این امر مستلزم سعی و کوشش بسزایی است. دراین رابطه می توانید به مدرسه عالی شهید مطهری واقع در تهران میدان بهارستان مراجعه و یا با مراجعه به سازمانتبلیغات از نوارهای درسی حوزه استفاده نمایید.{J

فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟

پرسش

فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟

پاسخ

امروزه «دین» یک مسأله پیچیده و بغرنجی است؛ چه از نظر اعتقادات و جهان بینی و چه از نظر احکام فقهی و چه ازبعد اخلاق و مسائل اجتماعی. بنابراین از چند جهت وجود روحانیت ضرورت پیدا می کند:

الف) قرآن که اساس اسلام است به تفسیر و بیان مطالب نیازمند است.

تفسیر قرآن در درجه اول بر عهده شخص رسول اللّه بود وانزلنا الیك الذكر لتبیّن للناس ما نزل الیهم ذكر(قرآن) را به سوی تو نازل کردیم تا آن را برای مردم توضیح داده و بیان کنی {M(نحل، آیه ۴۴). بعد از نبی اکرم(ص) تفسیر قرآنبر عهده جانشینان آن حضرت(ص) ؛ یعنی، ائمه اثنی عشر قرار گرفت و در زمان غیبت نیز بر عهده علما و دانشمندانراستین که در حقیقت پیروان انبیا و جانشینان آنان هستند می باشد.

ب) منبع دیگری در معارف اسلامی احادیث و سننی است که از نبی اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) به یادگار ماندهاست. این روایات نیز نیازمند بیان و تفسیر است.

ج) هم چنین تطبیق احکام و موضوعات با منابع فقهی، باز نیاز به اجتهاد و تلاش دانشمندان متخصص این فندارد.

چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟

پرسش

چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟

پاسخ

روحانیت شغل نیست و نمی توان تبلیغ دین خدا را مشروط به پرداخت پول کرد. البته با توجه به این که روحانیانبرای تأمین نیازمندی های مادی خود از کانال های رسمی دولتی استفاده نمی کنند، به طور معمول مردم به اشکالویژه ای در این زمینه آنها را یاری می دهند؛ مثلاً به هنگام دعوت از آنان برای سخنرانی براساس میل و دلخواه خود،وجوهی را تقدیم می دارند.

دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟

پرسش

دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟

پاسخ

}در هر زمان به عللی و شرایط مختلفی ممکن است گرایش به شخصیت ها و عالمان دینی تغییر کند.این عوامل بهدو دسته کلی تقسیم پذیرند:

الف) علل داخلی: از جمله این علل عدم تحقق برخی انتظارات مردم از سوی برخی از عالمان دینیاست.

ب) علل خارجی: مانند ترور شخصیت، تلاش برای خنثی سازی و کمرنگ ساختن تاثیر عالمان و مراجعدینی.

در حال حاضر هر یک از دو عامل فوق آثاری را بر جا گذارده است، لیکن عامل دوم در سطح بسیار گسترده تری درجریان است.

پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟

پرسش

پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟

پاسخ

درباره سؤالاتی که درباره لباس روحانیان مطرح کرده اید، نکاتی قابل توجّه می باشد:

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می فرمایند: «حضرت رسول(ص) عمّامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثهالانبیاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمندلباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشد.

چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و

ارزش هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

پنجم: هزینه تهیه یک دست کت و شلوار بیش تر از هزینه لباس روحانیت است و لباس های روحانیت در مقایسه با لباسهای دیگر برای مدت زمان طولانی قابل استفاده می باشد؛ ازاین رو، استفاده از لباس روحانی نه تنها موجب اسراف نیست، بلکه از جهت مالی به صرفه تراست.

ششم: اکثر قسمت های لباس روحانی از تولیدات داخل می باشد؛ ضمنا خارجی بودن و نبودن ربطی به نوع لباس ندارد مگر شخصی ها پارچه های خارجی مصرف نمی کنند!

فرانسوی ها در لبنان برای گسترش بی حجابی می گفتند: «لباس هر چه کم تر و دامن هر چه کوتاه تر باشد، بیشتر صرفه جویی می شود».

چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟

پرسش

چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟

پاسخ

متأسفانه یکی از مسائل مهمی که با کیان حوزه ارتباط می یابد و به قول استاد مطهری علة العلل همه مشکلات حوزه است، مسأله معیشت طلاب می باشد، (ده گفتار، ص ۲۹۶ - ۲۸۹) این مسأله از مدت های طولانی ذهن بسیاری از بزرگان واندیشمندان حوزه را به خود مشغول داشته، راه حل های گوناگونی ارائه شده ولی متأسفانه هنوز راه کار عملی مناسبی به مرحله اجرا درنیامده است. البته هیچ کس از بزرگان حوزه مخالف رفاه طلاب و داشتن امکانات در سطح زندگی عموم جامعه نمی باشد ولی مشکل اصلی از جایدیگر نشأت می گیرد و آن این که:

اولاً، تنها منبع مالی حوزه وجوهات شرعیه است که توسط افراد خیر به عنوان سهم امام یا خمس و زکات به مراجع عظام تقلید پرداخت می شود و به علت این که این وجوهات به صورت کامل پرداخت نمی شود، تأمین همین مقدار اندک شهریه با مشکلات عدیده ای مواجهاست.

ثانیا، از طرف دیگر حوزه برای حفظ استقلال خود و عدم وابستگی به دولت، از امکانات مالی دولت استفاده نمی کند.

ثالثا، به علت گستردگی علوم اسلامی و با توجه به تغییراتی که در وضع زندگی مردم پیش آمده و توسعه روزافزون علوم و

احتیاجات، ضرورت دارد همیشه گروهی متمحض در تحصیل علوم دینیه باشند، لذا دروس حوزه با چند سال حتی با ده، پانزده سال تحصیل به پایاننمی رسد، بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیار طولانی و اختصاص دادن بیشترین اوقات در شبانه روز به آن می باشد، لذا مشغول شدن طلبه به اموری از قبیل کار

و اشتغال و پرداختن به مسائل اقتصادی و... به نوعی مانع عمده در دستیابی بههدف فوق محسوب می شود..

در هر صورت بـا توجه به مطـالب فوق مشـخص می شود محـدودیتی که ذکر نمودیـد به هیـچ وجه ساخته و پرداخته مسؤولان حوزه نمی باشـد. البته طلاب می توانند با پرداختن به اموری از قبیل تبلیغ، تدریس، تحقیق و... که هیچ گونه منافاتی با اهداف حوزه نـدارد، ضـمن انجاموظایف حوزوی و ارتقاء سـطح معلومات خود، از برخی مزایا و امکاناتی که از این طریق حاصل می شود در بهبود وضع معیشت خود، مؤثر باشند.{J

استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمائید؟

پرسش

استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمائید؟

پاسخ

این مسأله دلایل متعددی دارد که بعضی از آنها در ذیل اشاره می نماییم:

۱- خصوصـیت دروس حوزه: به علت گستردگی علوم اسـلامی، دروس حوزه بـا چنـد سـال حتی با ده، پانزده سال تحصـیل به پایان نمی رسد، بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصـص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیارطولانی می باشد به خلاف تحصـیل در دانشـگاه نسبت به حوزه بسـیار کوتـاه مـدت می باشـد، بنابراین نمی توان محصـلان و محققان حوزه را در مـدت طولانی بدون حداقل درآمد برای امرار معاش گذاشت.

۲- ناکـافی بودن وجوهـات شـرعیه: تنهـا منبع مـالی حوزه وجوهات شـرعیه ای است که توسط افراد خیر به عنوان سـهم امام یا خمس و زکـات به مراجع عظـام تقلیـد پرداخت می شـود و به علت این که این وجوهـات به صورتکامـل پرداخت نمی شـود، تأمین همین مقـدار اندك طلبه به وسـیله شـهریه با مشـكلات عدیده ای مواجه است. از طرف دیگر حوزه برای حفظ اسـتقلال خود و عـدم وابسـتگی به دولت، از امکانـات مـالی دولت اسـتفاده نمی کنـد. در نـتیجه شـهریه بسـیار مختصـری که به طلاب پرداخت می شود کهبه هیـچ وجه برای امرار معـاش کـافی نمی باشـد، به صورتی که اکثریت طلاب حوزه در بـدترین شـرایط اقتصادی به ادامه تحصیل می پردازند.

درباره تشکیل خانواده و ازدواج در سنین جوانی از سوی طلاب، باید گفت این کار به هیچ وجه به معنای تأمین بودن وضعیت اقتصـادی و سـایر امکانـات رفـاهی و... نمی باشـد، بلکه معلـول عوامـل دیگری از قبیـل، ایمـان به وعـده هـای الهی ان یکونوا فقراءیغنهم الله من فضله... توکل زیاد بر خداوند، عمل به مستحبات و ارزش های اسلامی، پرهیز

و ترس از وقوع در گناه و پایین بودن انتظارات خانواده های دوطرف در هنگام ازدواج و برگزاری مراسم ازدواج می باشد.

۳- مسؤولیت حوزه: از آنجا که حوزه مسؤولیت دفاع از مرزهای عقیدتی و نشر تعالیم مذهبی و فرهنگی اسلام را بر عهده دارد، حتی به دورترین و محروم ترین مناطق، همواره طلاب در شرایط بد آب و هوایی برای ارشاد و تبلیغ اعزامی شوند و به انجام مسؤولیت خود می پردازند و از طریق پیشرفت و نشر آگاهی مذهبی و فرهنگی به مردم خدمت می کنند و در زمان جنگ به صورت داوطلبانه بیشترین درصد اعزام به جبهه ها را تشکیل می دادند. با این همه اگر وظایف و مسؤولیت حوزویان و خدماتی را که انجامی دهند بیشتر از سایر اقشار اعم از فرهنگیان (اساتید، معلمان و...) جامعه پزشکی و... ندانیم حداقل مساوی با دیگر اقشار می باشند. پس همان طور که سایر مشاغلی که در راستای خدمت به فرهنگ و سلامت جامعه و مردم و... تلاش می کنند از معافیت خدمت وظیفه برخوردارند،حوزویان نیز می توانند و لازم است که در راستای وظایف و مسؤولیت های سنگین خود و در راه به انجام رساندن آن از خدمت سربازی معاف باشند.

۴- مشروط بودن استفاده از شهریه و معافیت سربازی به ادامه تحصیل و...: استفاده از همین مقدار کم شهریه مشروط به شرایطی می باشد از جمله:

الف) مشغول بودن به تحصیل یا تدریس یا تبلیغ و... در حوزه و ترک تحصیل ننمودن.

ب) بعضی از مراجع علاوه بر شرط تحصیل و اشتغال در حوزه، شرط عدم درآمد مکفی و هم چنین عدم اشتغال در جاهای دیگر را لازم می دانند، بنا برنظر این مراجع عظام، طلبه ای که اشتغال به تحصیل یا تبلیغ

و... در حوزه نداشـته باشد، مجاز به گرفتن شهریه نمی باشد، هم چنین طلبه ای که درآمدمکفی داشته یا در جای دیگر اشتغال داشته باشد مجاز به دریافت شهریه نمی باشد.

هم چنین استفاده از معافیت تحصیلی برای طلاب تا زمانی است که در حوزه مشغول به تحصیل یا... باشد و الا معافیت تحصیل آنها لغو خواهد شد وملزم به انجام خدمت سربازی می باشند.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مطالب یاد شـده براساس قوانین و مقررات عمومی رایج در حوزه ها می باشد و متأسـفانه مانند دیگر مشاغل احتمال تخلف از این مقررات منتفی نمی باشد.

۵- مقایسه بین هزینه های دولتی در دانشـگاه با مصـرف وجوهات در حوزه: با بررسـی هزینه هایی که دولت برای دانشـجویان عزیز در زمان تحصـیل در دانشـگاه و خدماتی ازقبیل حقوق اساتید دانشگاه ها، حقوق پرسنل اداری دانشگاه ها، ارائه خدمات دانشـجویی مانند غذا، خوابگاه، وام تحصیلی و برخی مساعدت ها مربوط به پایان نامه ها و... و مقایسه آنها با وجوهات شرعیه ای که برای طلاب در حوزه ها مصـرف می شود، این نتیجه به دست می آید کههزینه های دولتی که برای دانشجویان مصرف می شود نه تنها کمتر از شهریه طلاب نمی شود که به مراتب بیشتر نیز می باشد.{J

وظیفه و جایگاه حوزه های اسـلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشـند یا بیشتر تربیت افرادی است که به مبادی اسلام آگاهی دارند و به اینجا پناه آورده اند تا از حوزویون کمک بطلبند.

پرسش

وظیفه و جایگاه حوزه های اسـلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشند یا بیشتر تربیت افرادی است که به مبادی اسلام آگاهی دارند و به اینجا پناه آورده اند تا از حوزویون کمک بطلبند.

پاسخ

مبنـای عمـل و برنـامه ریزی در حوزه هـای علمیه در طول تاریـخ تحقق و عینیت بخشـیدن به این آیه ی کریمه است: و ما کان المؤمنون لینفروا کافّه فلولا نفر من کلّ فرقه منهم طائفه لیتفّقهوا فی الـدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون نباید مؤمنـان همگی بیرون رفته و رسـول را تنهـا گذارنـد، بلکه چرا از هر طـایفه ای جمعی برای جنـگ و گروهی نزد رسـول برای آموختن علم مهیا نباشـند؟ تا آن علمی که آموخته انـد به قوم خود بیاموزنـد که قومشان هم شایـد خداترس شده و از نافرمانی حذر کنند{M(توبه، آیه ۱۲۲).

به عبارت دیگر از میان مؤمنین افراد مسـتعد و مشـتاق به فراگیری علوم و معارف اسـلامی باید رسیدن به درک عمیق نسبت به این علوم و معارف از اوطان خود به مراکز علوم اسـلامی هجرت کنند و بعد از فراگیری در مراجعت به سوی وطن خود، هادی و منذر صادقی برای قوم خویش باشند.

بـدین سان مهاجران به این مراکز، با سـطوح مختلفی از اسـتعداد برای تزکیه و تعلّم روی می آورند، بدان امید که در آینده ای نزدیـک به تعلیم و تزکیه دیگران بپردازنـد. پس صـرف عـالم شـدن هـدف حوزه های علمیه نیست، بلکه هـدف پرورش عالم عامل و معلّم است؛ هـدف پرورش درختان تنومند و مثمر از ثمرات گوارای علوم الهی است که جان هر جوینده ای را با شـهد خود شیرین

سازد، آن گونه که قرآن می فرماید: الم تر کیف ضرب اللّه مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربها... ای رسول ما ندانستی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان برشود و آن درخت زیبا به اذن خدا همه اوقات میوهای ماکول و خوش دهد... {M(ابراهیم، آیه ۲۴).

در پایان به عنوان نتیجه گیری می توان چنین گفت که هدف اصیل حوزه های علمیه مورد دوم در سؤال شماست که در این صورت قطعاً وظیفه ی اول را در بر دارد و بلکه آیه ی سوره ی توبه بالاتر از حرف شما را می زند و آن این که این وظیفه ی عالمان است که به سوی جویندگان هدایت بروند. البته ناگفته نماند که با توجه به مقتضیات زمان و گسترش علوم و فنون ابزار ارتباطی تحقق این هدف اشکال متفاوتی به خود خواهد گرفت. این که حوزه های علمیه تا چه حدّ در انجام این رسالت قرآنی خویش در ازمنه و مقاطع مختلف تاریخی موفق بوده اند نیاز به پژوهش های جداگانه دارد.

آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟

پرسش

آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟

پاسخ

بله، البته حوزه نیز مانند سایر مراکز علمی شرایطی دارد اگر شما حائز آن شرایط باشید و در امتحان ورودی آن قبول شوید می توانید به حوزه بیایید و مشغول تحصیل شوید اما برای تصمیم گیری توضیحاتی که در ذیل می آید مناسب است لذا با دقت آنها را مرور کنید.

به نظر می رسد شما برای ورود به حوزه علمیه مشکل چندانی نداشته باشید, در عین حال لازم است در تصمیم گیری خود شناخت , آگاهی و تدبیر لازم را معمول دارید. در این رابطه به اختصار, نکاتی را به اطلاع می رساند. ولی لازم است خود شما با مراجعه به حوزه و دوستان حوزوی , اطلاعات افزون تری کسب کنید. پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالا انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چند از موارد زیر است :

۱) جست وجوی کمالات نفسانی و معنوی . در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت : هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است , ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر, رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد, نه صرفا به محیط.

۲) افزایش اطلاعات دینی . نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است . حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوستان

روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید.

۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه . اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی , به حوزه وارد شوید و در مدرسه های مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید, ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشان می سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار, خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است , آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد; البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید با همت و استواری , عمرخود را وقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی ; مانند: عنوان , پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهد بود.

با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن

بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهرا, ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می گیرد و بعد

از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می کند. جامعه الزهرا که حوزه ئ علمیه خواهران است , دارای چهار بخش عمده می باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی ,

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل ,

۳- روزانه با مدرک دیپلم ,

۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار),

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره ئ تخصصی می باشد. دوره ئ عمومی را که حدودا پنج سال به طول می انجامد برای همه است و دوره ئ تخصصی (تخصص تبلیغ , تاریخ , فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم : بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن : ۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم و از استادان و کتابهای آنجا استفاده کنم و اگر هم شد چند واحد درسی بگیرم.

پرسش

چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم و از استادان و کتابهای آنجا استفاده کنم و اگر هم شد چند واحد درسی بگیرم.

پاسخ

پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالا انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چند از موارد زیر است :

۱) جست وجوی کمالات نفسانی و معنوی . در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت : هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است , ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر, رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد, نه صرفا به محیط.

۲) افزایش اطلاعات دینی . نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است . حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوستان روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام

تحصیلات دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید.

۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه . اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی , به حوزه وارد شوید و در مدرسه های

مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید, ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشان می سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار, خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است , آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد; البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید با همت و استواری , عمرخود را وقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی ; مانند: عنوان , پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهد بود.

با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن

بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهرا, ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می گیرد و بعد از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می کند. جامعه الزهرا که حوزه ئ علمیه خواهران است , دارای چهار بخش عمده می باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی ,

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل ,

۳- روزانه با مدرک دیپلم ,

۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار),

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره ئ تخصصی می باشد. دوره ئ عمومی را که حدودا پنج

سال به طول می انجامد برای همه است و دوره ئ تخصصی (تخصص تبلیغ , تاریخ , فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم : بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن : ۲۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

بنابراین از نظر قانونی منعی وجود ندارد و این موضوع بیشتر به اراده و همت شما بستگی دارد. اگر از توان کافی برخوردارید و می توانید با برنامه ریزی صحیح و متناسب با توان خود در کنار دروس دانشگاهی، اوقاتی را به دروس حوزوی اختصاص دهید، خوب است ولی باید مواظب باشید فشار بیش از اندازه به خود واردنکنید وخارج از توان جسمی و روانی تان نباشد. در عین حال در اوقات تعطیل و خالی خود در صورتی که به دروس دانشگاهی لطمه وارد نشود، به آرامی و به تدریج دروس حوزوی را بخوانید و در تابستان نیز می توانید یا با حضور در یکی از مراکز حوزوی خواهران به طور غیر رسمی و یا با استفاده از نوارهای دروس حوزوی که برخی حوزه های علمیه در اختیار دارند دروس حوزوی را بخوانید و معمولا منعی وجودندارد. تعداد واحدها و میزان دروس بستگی به توان جسمانی و روحی شما دارد و نمی توان حد مشخصی برای شما بیان شود.

شهریه آخوندها از کجا تامین می شود.

پرسش

شهریه آخوندها از کجا تامین می شود.

پاسخ

در پاسخ به این سوال توجه به دو نکته حائز اهمیت است:

۱. حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ بر آن بوده اند که با وجود مشکلات فراوان دست نیازی به سوی دولت ها دراز نکنند و این امر موجب روح آزادی و حریت و ضامن استقلال حوزه ها از دخالت حکام بوده است. استاد مطهری در این زمینه می گوید: «روحانیت شیعه از ابتدا بر اساس بی نیازی از قدرتهای حاکم پایه گذاری شده و همیشه سلاطین و بزرگان مجبور بودند آستان آنها را ببوسند و پیشانی به درگاه آنها بسایند.» (پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۱۸۵ ، ۱۳۷۴.)

در زمان حاضر نیز هر چند نظام حاکم اسلامی برخاسته از حوزه های علمیه است، ولی همچنان این اصل باقی است و ضامن سلامت حوزه ها از وابستگی می باشد.

حوزه همیشه تلاش کرده که حتی الامکان مشکلات خویش را با امکانات محدود داخل خود برطرف سازد و از سرازیر شدن سیل امکانات دولتی که سرانجامی جز از بین رفتن استقلال و روح آزادگی حوزه در مقابل دولت ندارد، خودداری کند.

۲. در اسلام بخشی از وجوهات شرعیه، نظیر خمس، تبرعاتی که افراد خیر می پردازند در جهت آموزش احکام و تعالیم اسلامی و تبلیغ آن و تربیت مبلغان دینی اختصاص یافته است، از این رو حوزه های علمیه مقداری از این وجوهات که مبلغ بسیار ناچیزی می باشد را به عنوان شهریه به طلاب و مبلغان علوم اسلامی پرداخت نمایند.

با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر است یا نه؟

اشاره

در ضمن حاج آقا من را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید. دعا بفرمایید خدا من را هم هدایت کند.

التماس دعا

به امید ظهور

پرسش

با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر است یا نه؟

در ضمن حاج آقا من را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید. دعا بفرمایید خدا من را هم هدایت کند.

التماس دعا

به امید ظهور مولا

پاسخ

علاقه شما و دوستانتان به علوم اسلامی و معارف الهی بسیار ارزشمند است و حاکی از فطرت پاک و ضمیر بیدار و آگاه شما دارد. این علاقه زیبا و این حسن انتخاب را به شما تبریک عرض می کنیم. بطور مسلم این علاقه و حسن انتخاب وقتی سودمند واقع می شود که جایگاه آن در برنامه کلی زندگی شما مشخص و برای دست یابی به آن راه صحیح نیز انتخاب شود تحقق صحیح این امر مستلزم رعایت مسائلی است که بشرح ذیل آنها را متذکر می شویم

۱- قبل از هر چیز برای اوقات شبانه روزی خود برنامه ریزی کنید و برای انجام هر کاری وقت مشخصی را تعیین کنید.

۲- از آنجایی که شـما دانشجو هستید و موفقیت شما در رشته تحصیلتان در سرنوشت علمی و حرفه ای شما تأثیر بسزایی دارد, قبل از اینکه به هر کار دیگری بپردازیـد میزان وقتی را که برای دروس مربوط به رشـته تان نیاز داریـد را تعیین کنیـد و در آن اوقات به هیچ کار دیگری بجز مطالعه آن دروس نپردازید.

۳- بقیه اوقاتی که مازاد بر اوقات تحصیلی شما است را محاسبه کنید که مثلا در هر هفته چند ساعت وقت اضافه دارید.

۴- در صورت امکان اگر بتوانید درسهای حوزوی را به صورت حضوری با اساتید حوزوی بگذرانید

بسیار مطلوب است.

۵- در صورت عدم دسترسی به استاد استفاده از امکانات آموزشی از قبیل نوار و سایت های موجود در برنامه های نرم افزاری مناسب است البته به شرط اینکه درسها را دقیقا گوش کنید و بعد از مطالعه با یکدیگر مباحثه کنید و اشکالاتی که لاینحل باقی می ماند به صورت حضوری یا از طریق مکاتبه بپرسید.

۶- برنامه درسی خود را سنگین نکنید زیرا در دراز مدت حالت سرخوردگی و کسالت برای شما به وجود می آید بگونه ای که دیگر حال مطالعه درسهای معمولی خودتان را نیز ندارید.

۷- ضمن درس خواندن از وضعیت تغذیه, خواب, تفریح سالم و مسائل عبادی غفلت نکنید زیرا شما در صورتی می توانید در تحصیلات خود موفق باشید که به سایر نیازهای خود نیز اهتمام داشته باشید.

در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای همه شما عزیزان, توفیق بیش از پیش و سعادت جاودانه از خداوند متعال مسألت می نمائیم و از اینکه سؤالات شما ما را به خدمت بیشتر به بندگان خدا وادار می کند متشکریم.

۱–برای ورود به حوزه علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟

اشاره

۲–آزمون حوزه های علمیه در چه زمانی انجام می شود ؟

۳–منابع آزمون کتبی که در آزمون کاربرد دارد چست ؟

۴–یا برای عقیل در حوزه حتماً باید بطور دائم در حوزه اقامت کرد؟

۵–چطور می توانیم نزدیکترین حوز

پرسش

۱–برای ورود به حوزه علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟

۲–آزمون حوزه های علمیه در چه زمانی انجام می شود ؟

۳–منابع آزمون کتبی که در آزمون کاربرد دارد چست ؟

۴–یا برای عقیل در حوزه حتماً باید بطور دائم در حوزه اقامت کرد؟

۵-چطور می توانیم نزدیکترین حوزه به محل سکونت خود را پیدا کنیم؟

با اهداء سلام و آرزوی توفیق روز افزون الهی و تشکر از حسن اعتماد شما به

پاسخ

جهت ورود به حوزه علمیه شرایط زیر لازم است .شرایط عمومی ، التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه ، ایرانی بودن ، عدم محکومیت و

سوء سابقه . شرایط سنی برای دارندگان مدرک تحصیلی سیکل به حد اکثر ۱۷ سال و برای دارندگان مدرک

دیپلم حد اکثر ۲۰سال می باشد (برای دارندگان کارت پایان خدمت وظیفه عمومی ۲۲ سال می باشد)

معدل مدرک تحصیلی ، حد اقل نمره ۱۲می باشد .

آزمون حوزه های علمیه در اواخر تیر ماه هر سال بر گزار می شود که اطلاعیه ثبت نام آن د رروزنامه قدس

دهه آخر اردیبهشت ماه هر سال (۲۰ الی ۳۱ اردیبهشت) منتشر می شود و زمان ثبت نام خردادماه می باشد

. منابع آزمون کتبی ، برای دارندگان مدرک سیکل کتابهای عمومی ۳ سال راهنمایی شامل ، تعلیمات دینی ،

قرآن ، عربی ، دستور فارسی ، تاریخ و تعلیمات اجتماعی میباشد و برای دارندگان مدرک دیپلم نیز کتابهای

عمومی ۳ سال دبیرستان هر رشته ای که تحصیل کرده باشند میباشد که شامل بینش اسلامی ، قرآن ، عربی ،

دستور فارسی ، تاریخ و مطالعات اجتماعی میشود .

جهت تحصیل

در حوزه باید تابع مقررا ت حوزه علمیه ای که در آن تحصیل می کنید باشید . در اغلب مدارس

کلاسها صبح و بعد از ظهر برگزار میشود و برخی مدارس نیز شبها ساعا تی را برای تحصیل یا مباحثه دروس

اختصاص می دهند : لذا بصورت ۲۴ ساعت باید در اختیار حوزه بود. جهت دستیابی به نزدیکترین حوزه علمیه

باید در هر شهرستان چنانچه شورای مدیریت با دبیر خانه ای داشته باشد و یا به دفاتر سازمان تبلیغات د رهر

شهرستان مراجعه کرد و یا میتوانید از۱۱۸ شماره مدارس علمیه را سؤال کنید و بعد از تماس آدرس آنجا را

بگیرید و حضوراً جهت اطلاع بیشتربه آن مدرسه بروید .

۲–چه رابطه ای میان حوزه علمیه ودانشگاه وجود دارد ؟

پرسش

۲–چه رابطه ای میان حوزه علمیه ودانشگاه وجود دارد ؟

پاسخ

–رابطه میان حوزه علمیه ودانشگاه رابطه ایمان وعلم است . رابطه شناختن ودانستن رابطه فهمیدن ودرک کردن . بطور کلی رابطه این دو را میتوان به منزله دو بال برای یک پرنده دانست . انسان بدون ایمان به سر منزل مقصود نمی رسد که علم برای او حجابی اکبر است واو را به ورطه هلاکت سوق می دهد واز آنطرف انسان بدون علم هم جاهلی است که با جمعش به دین لگد می زند .

به بیان آقا علی (ع) که می فرماید : دوگروه کمر مرا شکستند دانشمندان منحرف ، نادانان باایمان . لذا تفکیک ایندو از یکدیگر مهلک وخطر ساز است.

انسان باید به حدی معتدل از علم وتهذیب برسد تا بتواند برای خود افراد جامعه مفید باشد وبتواند رسالت انسان بودن خود را ایفا کرده باشد.

البته درحوزه هم ایمان است وهم علم اینگونه نیست که علم فقط در دانشگاه باشد وبرعکس آن نیز صادق است . اینگونه نمی باشد که ایمان فقط درحوزه باشد . چه بسیار دانشجویان باایمان وطلبه های کم ایمان .

لذا دانشگاه اگر اهداف اسلامی را دنبال کند خودش نوعی حوزه است ولی اگر اهداف آن غیر الهی باشد علمی است خطرساز که ممکن است باعث هلاکت انسانها شود.

علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم , خواهشمندم دراین رابطه مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم , خواهشمندم دراین رابطه مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

به نظر می رسد شما برای ورود به حوزه علمیه مشکل چندانی نداشته باشید، در عین حال لازم است در تصمیم گیری خود شناخت، آگاهی و تدبیر لازم را معمول دارید. در این رابطه به اختصار، نکاتی را به اطلاع می رساند. ولی لازم است خود شما با مراجعه به حوزه و دوستان حوزوی، اطلاعات افزون تری کسب کنید. پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالاً انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چنداز موارد زیر است:

۱) جست وجوی کمالات نفسانی و معنوی. در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت: هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است، ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر، رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد، نه به محیط.

۲) افزایش اطلاعات دینی. نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است. حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوستان روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید.

۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه. اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی، به

حوزه وارد شوید و در مدرسه های مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید، ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشانمی سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار، خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است، آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد؛ البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید باهمت واستواری، عمرخود راوقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی؛ مانند: عنوان، پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهدبود.

<Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD> با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم </E <TD> <TD> TD>یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن </TD></TR></Table/> بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهرا، ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می گیرد و بعد از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می کند.

جامعه الزهرا که حوزه علمیه خواهران است، دارای چهار بخش عمده می باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی،

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل،

۳- روزانه با مدرک دیپلم،

۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار)،

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره تخصصی می باشد. دوره عمومی را که حدودا پنج سال به طول می انجامد برای همه است و دوره تخصصی (تخصص تبلیغ، تاریخ، فقه و اصول و...) برای

کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند.

شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند.

جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم: بلوار امین – جامعه الزهرا – تلفن: ۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟

پرسش

چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟

پاسخ

این مسائله دلایل متعددی دارد که بعضی از آنها در ذیل اشاره می نماییم : ۱- خصوصیت دروس حوزه : به علت گستردگی علوم اسلامی , دروس حوزه با چند سال حتی با ده , پانزده سال تحصیل به پایان نمی رسد, بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیار طولانی می باشد به خلاف تحصیل در دانشگاه نسبت به حوزه بسیار کوتاه مدت می باشد, بنابراین نمی توان محصلان و محققان حوزه را در مدت طولانی بدون حداقل درآمد برای امرار معاش گذاشت . ۲- مقایسه بین هزینه های دولتی در دانشگاه با مصرف وجوهات در حوزه : با بررسی هزینه هایی که دولت برای دانشجویان عزیز در زمان تحصیل در دانشگاه و خدماتی از قبیل حقوق اساتید دانشگاه ها, حقوق پرسنل اداری دانشگاه ها, ارائه خدمات دانشجویی مانند غذا, خوابگاه , وام تحصیلی و برخی مساعدت ها مربوط به پایان نامه ها و... و مقایسه آنها با وجوهات شرعیه ای که برای طلاب در حوزه ها مصرف می شود, این نتیجه به دست می آید که هزینه های دولتی که برای دانشجویان مصرف می شود نه تنها کمتر از شهریه طلاب نمی شود که به مراتب بیشتر نیز می باشد. لیکن شکل و چگونگی مصرف و پرداخت آن متفاوت است .

از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحلی را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید شود ؟

پرسش

از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحلی را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید شود ؟

پاسخ

هر کس می توانـد با گذرانـدن مـدارج علمی مربوطه به مقام اجتهاد در فقه برسد که در این صورت واجب است به رأی خود عمـل کنـد و تقلیـد برای او حرام می شود. امّـا از میان مجتهـدین که تعـداد آن ها زیاد است کسانی که احتمال اعلمیت آن ها وجود دارد به عنوان مرجع تقلید معرفی می گردند

تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من ،در صورت امکان،می خواهم تحصیل کنم؟

پرسش

تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من ،در صورت امکان،می خواهم تحصیل کنم؟

پاسخ

تحصیل غیر حضوری دروس حوزوی با استفاده از نوارهای درسی از حوزه های شهرستانها یا سازمان تبلیغات میسر است.

ضمنا می توانید در این امر با دفتر نهاد رهبری در دانشـگاه محل تحصیل خود نیز ارتباط پیدا کرده و از مسؤول آن اطلاعات و کمک هایی دریافت نمایید.

به اطلاع می رساند که متاسفانه در برنامه های آموزشی حوزه علمیه قم آموزش مکاتبه ای برای برادران منظور نگردیده و تنها جـامعه الزهرا(س) برای خواهران چنین برنـامه ای دارد. جنـاب عـالی می توانیـد دروس حوزوی را بـا راهنمایی های روحانیون محل و با استفاده از نوارهای درسی فراگیرید

با توجه به اینکه پیامبر اکرم و تمامی ائمه اطهار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده اند و به کارهایی چون کشاورزی و... می پرداختند چرا برخی از روحانیون تنها از راه منبر و روضه خوانی کسب روزی می کننـد آیا مگر پیامبر اکرم نفرموده است هر کس از راه گریاندن مردم رو

پرسش

بـا توجه به اینکه پیـامبر اکرم و تمـامی ائمه اطهـار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده انـد و به کارهایی چون کشاورزی و... می پرداختنـد چرا برخی از روحانیون تنها از راه منبر و روضه خوانی کسب روزی می کننـد آیا مگر پیامبر اکرم نفرموده اسـت هر کس از راه گریاندن مردم روزی کسب کند مسلمان نیست.

پاسخ

قبـل از پرداختن به موضـوع لازم است نکته ای را به عنـوان مقـدمه بیـان نمـاییم: الف) چیزی را وسـیله ارتزاق قراردادن، ب) ارتزاق جبری ازاشتغال به چیزی .

توضیح :

الف) وسـیله قراردادن چیزی برای ارتزاق به این معنـاست که ابتـدا انسان هـدف را کسب منافع مادی (مثلا درآمـد اقتصادی) قرار دهـد و برای نیـل هر چه بهتر و بیشتر بـدان راهی را برگزیند.ماننـد اینکه رشـته پزشـکی را انتخاب کنـد به دلیل آنکه پول سـازتر است . در این جـا قـداست این رشـته و اهمیت آن در خـدمت به جـامعه مورد نظر نیست * بلکه از آغـاز هـدف درآمد مادی است و آن علم تنها وسیله و آلت برای رسیدن به پول است .

ب) ارتزاق جبری از اشـتغال به این معنـاست که شـخص به جهت اشـتغال دائمی به چیزی نهایتا از همان طریق کسب معیشـت کنـد هر چنـد هدفش ارتزاق نباشد.در همان مثال فوق می توان پزشـکی را مثال زد که عمری برای خدمت به جامعه تلاش می کند و هدفی نیز جز خدمت ندارد* ولی در عین حال وسیله کسب روزی و نیازهای مادی اش نیز از همین طریق است .

در دو مثال فوق اصل ارتزاق از معیشت مشترک است .

در عین حال شکل اول آن امری غیر اخلاقی و ناستوده است و شکل دوم آن اخلاقی و مورد ستایش . اکنون باید دید در مورد روحانیت کدامیک از دو مورد فوق صدق می کند.

الف) اگر بگوییم عملکرد روحانیت از قسم اول است بهترین دلیل بر رد آن شیوه و سلوک روحانیت در اعصار مختلف تاریخی است تا آنجا که ما اطلاع داریم حتی افرادی از روحانیت که تا حدودی از زی روحانی فاصله گرفته اند نیز به جهت در آمد مادی به سمت روحانیت نگرویده اند چه رسد به علماء و بزرگان حوزه به عنوان نمونه در زمان معاصر خودمان، بسیاری از علماء علی رغم این که وجوهات بسیاری در اختیار داشتند، به هیچ وجه در زندگی شخصی خود حتی در سخت ترین شرایط از این وجوهات استفاده نمی کردند (گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، نشر معروف ۱۳۷۹).

و بسیار کمیاب و نادرند عناصری که از پی دنیای مادی به سمت علوم دینی گروند و با دین تجارت دنیا کنند.

ب) اگر مقصود ارتزاق به نحو دوم باشد باید گفت چنین چیزی واقعیت دارد بالاخره روحانیت همانطور که چوب دین را خورده و برایش در طول تاریخ شکنجه ها دیده و زجرها و تبعیدها و زندانها و بر سر دار رفتن ها را تحمل کرده به ناچار لقمه نانی نیز در کنار آن خورده است اما این نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه ضرورتی گریز ناپذیر است و برای تغییر آن تا کنون هیچ طرحی معقول به دست نیامده است زیرا:

۱) یا باید امر تبلیغ دین را به موجوداتی

ذاتا فاقد نیازهای مادی و معیشتی واگذار گردد یعنی ملایک آسمان این رسالت را به عهده گیرند و بار این تکلیف گران را از دوش عالمان دین برگیرند , چنین چیزی محال است .

۲) عالمان دین و روحانیون به تمام نیازهای مادی خویش پشت پا زنند و دردنیا به روی خود بندند هر چند مرگ آنان در رسد و جان به جان آفرین تسلیم کنند چنین چیزی نیز خلاف عقل و دین است.

۳) بساط روحانیت و تحقیقات و پژوهشها و تبلیغات دینی را برچید که این نیز خلاف نص آیه شریفه قرآن است آنجا که می فرماید: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم ...» (توبه ۱۲۲).

۴) نیازهای روحانیون از طریق نهاد یا سازمانی دولتی یا مستقل مانند وجوهات شرعیه و هدایا و نذورات مردمی و... تأمین شود و این تنها راه شرعی و منطقی است. و اما این که عالمان و مبلغان دین از طرق دیگری به کسب روزی بپردازند مثلا به حرفه ای لزوما غیر دینی اشتغال یابند و در کنار آن به تحقیق و فعالیتهای دینی نیز بپردازند هرچند فی نفسه امری خوب و ایده آل به نظر می رسد، اما لیکن مشکل اساسی آن است که گستردگی و فراخنای علوم اسلامی چنان است که اکثر عالمان دین با آنکه تمام عمر خویش را قعرپیمایی در ژرفنای این اقیانوس بی کران نموده و تا آخرین لحظات حیات خود با زحمات شبانه روزی به تحقیق و پژوهش می پردازند باز خود را در برابر فضای بی منتهایی می بیند که رسیدن به بلندای آن

عمری چند هزار ساله می طلبد و همه این تلاشها در برابر آن ناچیز و کم مقدار است بنابراین روش پیشنهادی فوق ثمری جز ناکام گذاردن و رها کردن تحقیقات و فعالیتهای ژرف دینی و تنها به چند مساله سطحی و عامیانه پرداختن و ره سپردن به سوی پیشنهاد سوم چیز دیگری نیست.

به علاوه حتی انبیا نیز بعضا از طریق دین کسب معیشت نموده اند چنانکه در مقررات مالی اسلام برخی از حقوق مقرره مربوط به پیامبر (ص) و امامان (ع) بوده و بعضا در نیازهای شخصی آنان صرف می شده است.

اما در مورد حدیثی که از پیامبر اکرم(ص) نقل فرمودید، نکات ذیل حائز اهمیت است:

اولا، چنین حدیثی را نیافتیم و خوب است آدرس آن را به صورت دقیق بیان نمایید و به علاوه با احادیث متعددی که در این باره وجود دارد، ناهمخوانی دارد؛ به عنوان نمونه به ذکر چند حدیث بسنده می نماییم:

۱. قال امام الصادق(ع): «لا بأس باجر النائحه التی تنوح علی المیت؛ مزد گرفتن کسی که برای مرده مردم را می گریاند جایز می باشد» (مجمع الفایده، محقق اردبیلی، ج ۸، ص ۶۱).

۲. محمد بن علی بن الحسین قال: قال(ع): «لا بأس بکسب النائحه اذا قالت صدقا؛ مزد گرفتن برای گریاندن مردم در صورتی که راست و حقیقت گوید جایز است» (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی۷ ج ۱۶، کتاب التجاره، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۷، ح ۹).

از بررسی مجموع روایاتی که در این زمینه وارد شده است مشخص می شود که مزد گرفتن برای گریاندن مردم جایز می باشد، البته به شرط این که راست و حقیقت بگوید،

متضمن غناء نباشد؛ و شرایطی از این قبیل (همان).

ثانیا، در خصوص روضه خوانی بایـد گفت، این عمل از جمله تعظیم شـعائر الهی و مورد تأکید معصومین(ع) بوده است و ائمه اطهار(ع) توصـیه زیادی به برپایی مراسم عزاداری و ذکر مصائب اهل بیت(ع) داشـته اند، به عنوان نمونه امام رضا(ع) فرمودند «من تذکر مصائبنا و بکی لما ارتکب منا کان معنا فی درجاتنا یوم القیامه و من ذکر بمصائبنا فبکی و ابکی...؛ کسـی که متذکر مصایب ما شود و به جهت ستم هایی که بر ما وارد شده گریه کند، در روز قیامت با ما خواهد بود و مقام و درجه مار ا خواهد داشت و کسـی که مصـیبت هـای مـا را بیان کنـد و خود بگریـد و دیگران را بگریانـد در روزی که همه چشم ها گریان اسـت چشم او نگریـد و هر کسی در مجلسـی بنشـیند که در آن مجلس امر ما را زنـده می کنند روزی که قلب ها می میرند، قلب او نخواهد مرد» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۸).

اهمیت تشکیل مجالس عزاداری برای اهل بیت(ع) تا جایی است که امام صادق(ع) می فرماید: «قال لی ابی یا جعفر اوقف لی من مالی کذا و کذا لنوادب تند بنی عشر سنین بمنی ایام منی؛ پدرم (امام باقر(ع) به من فرمود: بخشی از اموالم را وقف کن تا به مدت ده سال نوحه گران و مداحان، در ایام حج در منی به عزاداری و نوحه سرایی بپردازند» (وسائل الشیعه، همان، ح ۱) .

نتیجه آن که، علاوه بر مطالبی که در قسمت اول پاسخ رفت در زمینه سؤال باید گفت که روحانیون، براساس

وظیفه و برای تبلیغ و زنـده نگه داشـتن یـاد ائمه(ع) و تبلیغ سـیره فردی و اجتماعی آن بزرگواران به برپایی مراسم سوگواری و عزاداری می پردازند و عموما از کسی هم درخواست وجه نمی کنند و مردم هم به عنوان هدیه و ادای نذورات خود، مبلغی را به آنهـا می پردازنـد در هر صورت نه تنها هیـچ گونه منع شـرعی و عرفی نداشـته بلکه در صورت توجه و دقت در ارائه آموزه های صحیح اسلامی پویایی و تکامل فرهنگ اسلامی را باعث می شود.

شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟

پرسش

شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟

پاسخ

برای آن که بتوانید مسـتقیما با مرکز مدیریت حوزه علمیه قم تماس برقرار کنید, با این شـماره تلفن تماس بگیرید ۴۷۴۰۹۷۱به آدرس : قم , خیابان ساحلی , مرکز مدیریت حوزه علمیه قم .

در هخر حـال حضور شـما بر ای کسب اطلاع بیش تر, در قم لازم است و اگر به این مقـدار بسـنده نمی کنیـد, با مسؤل محترم واحد, حاج آقا شریعتی سبزواری مشاوره کنید با شماره تلفن ۷۴۳۱۸۳ کد ۰۲۵۱

برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید.

پرسش

برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

با تشـکر از جناب عالی شـما می توانید در ضمن تدریس در هنرستان، دروس حوزوی را با تنظیم وقت مناسب با یکی از فضلا یا طلّاب فاضل شهرسـتان کاشان یا آران، به طور خصوصـی، درس بگیرید؛ مثلاً بعد از ظهرها یا شب یا صبح زود، یک درس یا دو درس از دروس حوزوی را نزد روحانی فاضل بخوانیـد. با این برنامه هم به کارتان که تـدریس است می رسـید و هم کم کم با علوم اسلامی آشنا می شوید. البته این کار شاید مشکل باشد، ولی با سعی و تلاش، امکان دارد.

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پرسش

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پاسخ

برادر عزیز! امیدواریم به هدف مقدسی که به آن می اندیشید, برسید. قرآن می فرماید: .

(پاورقی ۱.نجم (۵۳ آیه ۳۹

انسان کوشا, کسـی که در زندگی سـعی و جدیت به کار می برد, هر چند هدفی دور و دراز و به خیال بعضـی نا ممکن داشته باشد, اما به آن خواهد رسید.

البته افرادی متقاضی ثبت نام و ورود به حوزهء مقدّسهء دینی می شوند, باید دارای شرایط خاصی باشند. برگه ءشرایط ثبت نام حوزهء علمیه ارسال می شود. اگر نیاز داریـد می توانیـد با شـماره های ۷۴۰۹۷ ۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱قم مرکز مـدیریت حوزهء علمیه تماس گرفته و از نحوهء ثبت نام افراد متقاضی مستقیماً مطلع شوید. اما شخصی که واردحوزهء علمیهء می شود, خوب است در هدفش خداو خدمت به مردم و تبلیغ احکام دین را در نظر داشته باشد.

طلبه حوزهء علمیه بـا دو بال تقوا و علم الگوی راهنمایی و هـدایت جامعه خواهـد شـد. زنـدگی طلبگی زنـدگی راحتی از نظر مادی نیست , اگرچه حق هر طلبه ای داشـتن حـداقل مزایای زندگی است , ولی دنیاطلبی و مال پرستی ومقام خواهی , از روح و شـأن طلبه , به دور است . طلبه وارد حجرهء امـام زمان ۷می شود, در حالی که بر سـر سـفره ءحضرت می نشیند. از آن پس باید به ریاضت های خاصی دست بزند و خود را متخلق به اخلاق حسنه و دینی کند تااگر مردم امروزش را با دیروزش مقایسه کردند, تأثیر تربیت اسلامی و دینی را در حرکات او مشاهده کنند و او راالگوی خود

قرار دهند. امیدواریم که خداوند شما را در زندگی موفق کند.والسلام

به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزهء علمیه هستم . لطفاًراهنمایی ام بفرمایید.

پرسش

به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزهء علمیه هستم . لطفاًراهنمایی ام بفرمایید.

پاسخ

برادر محترم ! ورود به حوزهء مقدّسه شرایطی دارد که هم اکنون تحصیل حضوری در آن با وضع شماهم خوان نیست . شما اینک نمی توانید باروبنهء خود را جمع کرده و برای خواندن درس های علوم دینی , مثلاً به قم بیایید, چون هم اکنون شاغل بوده و به شغل شریف معلّمی که هدایت افراد جامعه در دست شما است . مشغول هستید.این رابدانید که معلّمی شغل پیامبران است .

در عین حال راه برای شمابسته نیست , خصوصاً که عشق و علاقهء خاصّ‌ی نسبت به فراگیری درس های حوزه دارید. به همین منظور می توانید به طور غیر حضور و بانوار در همان جا که هستید, درس های حوزه را فرا بگیرید. یادر صورت امکان , به قم یا یکی از شهر هایی را که دارای حوزهء علمیه است , انتقال یابید و به صورت متفرقه درس بخوانید.

شماره تلفن دفتر تبلیغات حوزهء علمیه قم در اختیار شما قرار می گیرد تا با تماس تلفنی از واحد صوت آن جابخواهید شرایط پذیرش در آن واحد را به شما اعلام کنند. تا با ارسال نوارهای درسی بتوانید به شکل غیر حضوری استفاده کنید.

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیهء قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاًکمکم کنید و بگویید: چگونه می توانم وارد حوزه شوم ؟

پرسش

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیهء قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاًکمکم کنید و بگویید: چگونه می توانم وارد حوزه شوم ؟

پاسخ

از این که با مکاتبه کرده و مشکل خود را با ما در میان گذاشتید متشکریم .

حتماً می دانید تحصیل در حوزهء علمیهء قم , یک سری مشکلات را در پی دارد, از قبیل نداشتن حقوق کافی وغربت و در برخی اوقات نبود جا و مکان , و مهم تر از همه , زخم زبان شنیدن از یک عده , اعم از اقوام و غیره .

اگر با علم و آگاهی از مشکلات فوق تصمیم گرفتید وارد حوزه شوید و تحصیل علوم حوزه مقدسه کنید, جای بسی قدردانی و تشکر است , چون در عنفوان جوانی پشت پازدن به امیان حیوانی و جیفه های دنیوی و رو آوردن به کسب فضایل انسانی بسیار مشکل است .

]در جوانی پاک بودن شیوهء پیغمبری است ورنه هر گبری به پیری می شود پرهیزگار

]به هر روی , پیش از شروع سال تحصیلی , زمان ثبت نام اعلام می شود. منتظر باشید یا از حوزهء علمیهء شهرتان یاسازمان تبلیغات سؤال کنید.

چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟

اشاره

در صورت وجود نهاد, یا مؤسسه ای در این خصوص , آدرس کامل آن را ارسال نمایید.

پرسش

چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟

در صورت وجود نهاد, یا مؤسسه ای در این خصوص , آدرس کامل آن را ارسال نمایید.

پاسخ

از بهترین راه هایی که می شود از راه دور از دروس حوزهء علمیهء قم استفاده کرد, تهیهء نوارهای درسی است .

شما می توانید با تهیهء برگهء اشتراک و تقدیم مبالغی , آن نوارها را از دفتر تبلیغات یا سازمان تبلیغات و یا سایرمؤسسات تهیه نمایید.

لطفاً کم و کیف را شمارهء ۹۴ ۷۷۴۳۱۸۹ ۰۲۵۱استفسار کنید.

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیه خواهران دارم , به صورتی دیگر به ادامه تحصیل دردبیرستان بی علاقه شدم , ولی هر چه با حوزهء علمیه الزهراء مسجد سلیمان تماس می گیرم به من پاسخ نمی دهند. شمالطف کنید با این حوزه تماس بگیرید, تا قبل از عید

نوروز از من ثبت نا

پرسش

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیه خواهران دارم , به صورتی دیگر به ادامه تحصیل دردبیرستان بی علاقه شدم , ولی هر چه با حوزهء علمیه الزهراء مسجد سلیمان تماس می گیرم به من پاسخ نمی دهند. شمالطف کنید با این حوزه تماس بگیرید, تا قبل از عید نوروز از من ثبت نام کنند.

پاسخ

خواهر گرامی ! انگیزهء شما برای فراگیری علوم و معارف الهی مقدّس و قابل تقدیر است .

حوزه های علمیه (خواهران و برادران) در وسط سال , پذیرش ندارند. با جامعه الزهرای قم تلفنی تماس گرفتیم ,گفتند: اطلاعیه این جامعه برای ثبت نام با ذکر شرایط و مدارک لازم و تاریخ آزمون ورودی برای سه بخش حضوری تمام وقت (مخصوص خواهران مجرد) نیمه حضوری و غیرحضوری که مخصوص افراد شهرستانی می باشد درتاریخ ۱۰۲۹یا اوایل بهمن ماه ۷۹در برخی روزنامه های کثیرالانتشار, درج می گردد. شما می توانید در بخش حضوری و یا غیرحضوری آن شرکت کنید. غیرحضوری آزمون ورودی دارد. در صورت قبولی , برای افراد نوارهای درسی به آدرس شهرستان می فرستند و بعد از هر ترم , امتحان حضوری خواهد داشت . در حال حاضر, صلاح شما دراین است که با جدّیت بیشتر و برنامه ریزی دقیق تری به درس خود ادامه دهید تا با معدل بالا بتوانید وارد حوزه ءعلمیه شوید, چون اوّلاً: در پذیرش حوزه های علمیه , معدل یکی از شاخص ها و ملاک های قابل توجه است ; ثانیاً:اگر شما خدای نکرده با معدل پایین و یا مردودی , به فرض بتوانید, ثبت نام کنید آیا خانواده و دوستان شما نخواهندگفت

: فلانی چون ذهن و استعدادش دیگر نمی کشید, یا نمی توانست ادامه تحصیل دهد به حوزه رفته است ؟ و آیاخیال نمی کنند که حوزه جـای آدم هـای تنبـل , درس نخوان و بی سواد است ؟ با حوزه علمیه جامعه الزهراء مسجدسـلیمان چنـدین بار زنگ زدیم موفق نشدیم با آن ها تماس بگیریم .

لطفاً دربارهء گرایش های تحصـیلی و برخی دروس حوزوی و دانشـگاهی مرتبط با رشـته های دانشگاه رضوی و مؤسسه امام خمینی توضیح دهید.

پرسش

لطفاً دربارهء گرایش های تحصـیلی و برخی دروس حوزوی و دانشـگاهی مرتبط با رشـته های دانشـگاه رضوی و مؤسـسه امام خمینی توضیح دهید.

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه کرده و مشکلات خود را با ما در میان می گذارید, سپاس گزاریم .

ما تنها می توانیم از وجود دانشـگاه قدس رضوی در مشـهد مقدس , یا مؤسـسه امام خمینی , یا باقر العلوم و یادانشگاه مفید در قم و دانشـگاه امام صادق ۷در تهران به شـما اطلاـع بـدهیم , امـا از جزئیات دروس , کیفیت تـدریس وامتحانات آن جا اطلاع کافی نداریم . لطفاً با آن مراکز مکاتبه کرده و از جزئیات مطلع شوید.

آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی , نام هایی از قبیل وجوددارد؟ اگر دارد, جزئیات آن را بنویسید.

پرسش

آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی , نام هایی از قبیل وجوددارد؟ اگر دارد, جزئیات آن را بنویسید.

پاسخ

آن چه ما اطلاع داریم , سازمان تبلیغات اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی حوزهء علیمهء قم هر ساله درتابستان عده ای از طلبه را تحت عنوان به شـهرها و روسـتاها می فرستند که با تشکیل کلاس های متعدد نوجوانان و جوانان را ارشاد کنند. از برنامه هایی مانند اطلاعی نداریم .

آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزادتحصیل کنند؟

پرسش

آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزادتحصیل کنند؟

پاسخ

اگر منظور این است که فقط از علوم حوزوی اطلاعاتی کسب نماید و دیگر چشمداشتی به شهریه ومدرک نداشته باشد, آری می توان از طریق گوش دادن به نوارهای دروس مختلف علوم حوزوی از آن ه ااطلاع پیداکرد و به صورت طلبهء آزاد تحصیل نمود.

اما اگر مراد علاوه بر آگاهی از علوم حوزوی , استفاده از مزایای حوزه باشد, متأسفانه ظاهراً چنین چیزی امکان ندارد.

در عین حال بهتر است با شورای مدیریت حوزه مکاتبه نموده تا از کم و کیف قضایا با خبر شوید, یا با تلفن ۷۴۰۹۷۱تماس بگیرید و از روابط عمومی بپرسید.

متأسفانه هیأت امنا و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم , اثری نداشته است . برخی از روحانیان نیز هزینه های گزاف برای تبلیغ می خواهند و به هدایت مردم نمی پردازند. لطفاً به سازمان تبلیغات ,

پرسش

متأسفانه هیأت امنا و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم , اثری نداشته است . برخی از روحانیان نیز هزینه های گزاف برای تبلیغ می خواهند و به هدایت مردم نمی پردازند. لطفاً به سازمان تبلیغات , امام جمعه و ادارهء اوقاف بگویید به شورای محل و هیأت امناتذکر دهند.

پاسخ

خواهر گرامی ! روحیهء مذهبی و فرهنگ گرایی شما قابل تقدیر است .

پیامبر۶دربارهء اهمیت مسجد فرمود: خداوند متعال می فرماید: .() هم چنین فرمود:

مساجد انوار الهی است >.()

(پاورقی ۲.مستدرک الوسایل , ج ۳ ص ۴۴۷

بی تردید مسجد سنگر است و سنگرها را باید حفظ کرد. در صدر اسلام مساجد مهم ترین پایگاه تبلیغات دینی ,سیاسی و اجتماعی بود. در انقلاب اسلامی ایران نیز مساجد مؤثرترین نقش رادر جهت دادن به انقلاب داشتند.مسجدِ محل شما نیز از این اهمیت استثنا نبوده و باید به وضعیت فرهنگی آن توجه شود. وظایف همگان , به ویژه هیأت امنای مسجد و شورای محل است که به وضعیت مسجد توجه کرده و روحانی دعوت نموده و جلسات مذهبی و اجتماعی مسجد را همآهنگ کنند. متأسفانه یکی از آسیب های فرهنگی جامعهء ما, عدم توجه به وضعیت فرهنگی مساجد است . عدم توجه به وضعیت فرهنگی , اختصاصی به مسجد محل شما ندارد. بلکه برخی از روستاها وشهرهای دیگر نیز این مشکل را دارند که نیاز به آسیب شناسی و طرح سیاسیت های معقول , منطقی و اصولی دارد.

در خصوصی بی توجهی هیأت امنا و شورای محل باید گفت : این واحد تنها جواب گوی

مسایل علمی واجتماعی و مذهبی است و در کارهای اجرایی دخالت نمی کند. ارزیابی اقدامات سازمان تبلیغات اسلامی , امام جمعه و اداره‌ء اوقاف و تذکر دادن به آن ها در حوزه‌ء فعالیت این واحد نیست .

در خصوص عدم توجه روحانیت به هدایت و ارشاد مردم باید گفت : همه‌ء روحانیان آن گونه نیستند که اشاره کرده اید. اصولاً فلسفه‌ء حوزه های علمیه و تربیت طلاب در راستای پیام رسانی معارف و تبلیغ از دین است . آیا این روحانیت مسئول و متعهد نبوده که در طول تاریخ سکاندار هدایت مردم بود و کشتی نجات جامعه‌ء دینی را به ساحل نجات رساند؟!

عدم حضور مردم در مساجد عوامل متعددی دارد: یکی عدم توجه مردم به مسایل فرهنگی است . در برخی ازمساجد فعالیت های تبلیغی از سوی روحانیت شکل می گیرد, و حال آن که مردم به بهانه های مختلف در مسجدحضور پیدا نمی کنند. اگر زمینه های فعالیت های فرهنگی در مسجد محل شما فراهم نیست , چگونه روحانیان اعزامی یا روحانیان محل , می توانند فعالیت کنند؟!

واقعیت آن است که اکثریت روحانیت طلایه داران تبلیغ معارف دینی بوده ودر این راستا موفق بوده اند.

در خصوص هزینه ها باید گفت : یکی از مشکلات جامعه‌ء ما, روحانیت شناسی است . به رغم آن که روحانیت درکجامعه‌ء ما سابقه‌ء طولانی دارد, ولی هنوز وضعیت زندگی و فعالیت آنان شناخته شده نیست . روحانیت مثل بقیه‌ء افرادجامعه در همین کره‌ء خاکی زندگی کرده و همسر و فرزند دارند. طبیعی است تأمین زندگی آنان لازم است . روحانیان و همسر و فرزند آنان با سختی ها و

مشکلات اقتصادی , دست و پنجه نرم می کنند.

آنـان بـا توجه به ساختـار و فضـای جـامعه , انتظار دارنـدماننـد بقیهء افراد داز زنـدگی آبرومنـدانه ای برخوردار باشـند,گرچه ضروری است آن ها نیز در روحیهء قناعت بهره گیرند.

در جامعهء ایران به رغم آن که حکومت دینی است , پس روحانیت بـدون گرفتن هزینه از دولت , با زنـدگی خویش را تأمین می کنـد. کمک های مردمی بر اساس سـنت پـذیرفه شده ای است که سابقهء طولانی دارد. مردم به خاطر علاقه ای که به امام حسین ۷داشـته و برای ماه رمضان احترام قایل هسـتند, به مبلغان کمک می کنند.کمک های مردم به روحانیت سبب نمی شود هزینهء مساجد تأمین نشود. امروزه هیأت امنا, مساجد و حسـینه ها مداح دعوت کرده و چند برابر کمک های مالی روحانیان را به آنان می دهند. متأسـفانه این پرسـش و شـبهه در خصوص روحانیت به وجود می آید و روحانیت را زیر سؤال می برند. زیر سؤال بردن روحانیت ناشـی از عدم شـناخت دقیق آنان است . البته دفاع از روحانیت بدان معنا نیست که همهء روحانیون خوب بوده و برخوردهای غیر معقول با مردم ندارنـد, بلکه عده ای از آن ها متأسـفانه از عنوان روحانیت سوء اسـتفاده می کنند و در مقـدار و چگونگی کمـک هـای مردمی , خردورزی را رعـایت نمی کننـد. از سوی دیگر برخی از روحـانیون روحیهء زهـد و قناعت را نداشته و همین عامل سبب شده است برخی از شبهه ها به وجود آیند. البته طبیعی است برخی از افراد در هر قشری از جامعه هستندکه فعالیت آنان همسو با فلسفهء وجودی آن قشر

نیست . در میان قشـر روحانیت نیز افرادی وجود دارنـد, ولی درمجموع قشـر مقـدس روحانیت اصل موفق ترین قشـر جامعه در ایفای مسئولیت خود هستند.

دختری ۱۸ ساله از شهرســتان فسا هستم و اکنون در مقطع پیش انشگاهی مشغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حوزه علمیه شــیراز است، درآمدم. پس از اتمام دوره پیش دانشــگاهی، به اتفاق همســرم عازم قم خواهیم شد و من قصد درس خواندن در جامعهالزهرا(س) را دارم. ولی

پرسش

دختری ۱۸ ساله از شهرسـتان فسا هسـتم و اکنون در مقطع پیش انشـگاهی مشـغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حوزه علمیه شـیراز است، درآمـدم. پس از اتمام دوره پیش دانشـگاهی، به اتفاق همسـرم عازم قم خواهیم شد و من قصـد درس خواندن در جامعهالزهرا(س) را دارم. ولی با مشکل کمی معدل دیپلم روبرو هستم. مشکل مراحل نمایید.

پاسخ

تحصـیل در حـوزه علمیه قم در بخش خـواهران از طریـق جـامعه الزهرا(س) و حـوزه علمیه خـواهران دفـتر تبلیغـات اسـلامی با شرایطی امکان پذیر است. برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نمایید.

۱- جامعه الزهرا(ع): ۲۹۲۵۱۱۱.

۲- واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۷۷۴۳۱۸۹-۹۴ داخلی ۵۳.

به پیوست، اطلاعیه پذیرش جامعه الزهرا(س) ارسال می شود.

دختری هجده ساله هســتم که دارای افت تحصیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف ϙәϘјŬƠسرزنش می شوم . خلی دلم گرفته اϤәو دیگر نمی دان چه کنم !از طرفی بسایرعلاقه مند به جامعه الزهرای حوزه علمیه هســتم . چه کنم که راهی به طرف جامعه الزهرا یا ح

پرسش

دختری هجـده سـاله هسـتم که دارای افت تحصـیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف دیگران سرزنش می شـوم . خلی دلـم گرتفـه است و دیگر نمی دان چه کنم !از طرفی بسایرعلاـقه منـد به جـامعه الزهرای حـوزه علمیه هستم . چه کنم که راهی به طرف جامعه الزهرا یا حوزه علمیه شیرازداشته باشم ؟

پاسخ

افت تحصیلی دلایل فراوانی می تواند داشته باشد; اول مشکلات آموزشی است ;دم مشکلات خود فرد است . سوم معضلات خانوادگی , چهارم گرفتاری های محیطی .(۱) هر یک از این چهارگروه به صورتی جداگانه یا با هم می توانند افت تحصیلی در سطح امکان ایجاد کنند. شما هم احتمالا درگیر یک یا چند نوع ازمشکلات هستید, ولی این بدان معنا نیست که هر کس مشکلات بالا را داشته باشد. باید افت تحصیلی پیداکند, بلکه در این میان , این اراده انسان است که نقش بسیار مهمی در پیشرفت کار دارد. در مورد مشکل درسی خود, در نامه ای جداگانه می تنانید مشکلات خود را مطرح کنید و جواب کاملی دریافت دارید. در عین حال به اختصار به گوشه هایی از راهکارهای موفقیت در امتحانات اشاره می کنیم .

۱ بزرگ ترین معضل یک دانش آموز, عدم برنامه رزیز صحیح برای تحصیل است . شما باید با توجه به ظرفیت فعلی تان برای آموختن , انتخاب واحد کنید و اصلاه به فکر این نباشید که چند سال با چند ترم بعدموفق به اخذ دیپلم خواهید شد. اگر مقررات هم اجازه چننی کاری را به شما نمی دهئد و مثلا کمتر از ۱۲واحددرسی

برای یک ترم را نمی پذیرد, شما ۱۲واحد انتخاب کنید, ولی فقط ۴یا ۶واحد را امتحان دهید و اصلا در۶واحد بعدی شکرت نکنید.

۲ ازهیچ درسی نترسید, مطمئن باشید کتاب درسی شما از آسمان نیامه است و از فهم بشر معمولی بیرون نیست . به ویژه درس عربی درس نیست که انسان آن را نفهمد, منتها احتمال دارد شمااز پایه در یک درس ضعیف باشید. به نظر ما, شما باید از کتاب های سال های پیش شروع کنید و حلقه های مفقوده اطلاعتان را به هم وصل کنید. برای این کار باید بدانید هر درس دارای د محور است : محور اصلی و فرعی . محور اصلی هردرس , حکم زیر بناو پایه یک ساختمان را دارد و محورهای فرعی حکم ساختمان و پیرآیههای آن را. مثلا ـ دردرس عربی شناخت فعل و اسم و حرف و کاربرد آنها محور اصلی را دارد, و دانستن معنای کلمات و جملات محور فرعی است .

۳ هر کس به نوع خاصی کی مطلب را می آموزد: یکی از راه شنیدن , یکی از راه یادداشت کردن , یکی از راه مباحثه . یا دیگر و برخی از همه راه ها یا تلفیق چند را با یکدیگر. شناخت این مسائله می تواند در یادگیری شمابسیار موثر واقع شود.

۴ در نهایت مرحله مهم و حساس در موفقیت , و . توماس آلوا ادیسون ,مخترع مشهور می گوید: این سخن گزافی نیست .ان شاء الله شا با تلاش روز افزون به موفقیت های مهمی خواهید رسد. و جبران عقب ماندگی های پیشین راخواهید کرد.اما درباره حضورتان به مدارس علمیه باید بگوییم هیچ فرقی

میان حوزه و دانشگاه و مراکز آموزش عالی دیگر, در آموختن علم موفق نباشید و درآن مشکل داشته باشید, بعید است در علوم حوزوی بتوانیدخوب بدرخشید و پیشرفت کنید. ضمن این که درس خواندن در حوزه نیازه پشتکار و تلاش بیشتری نسبت به دبیرستان و دانشگاه دارد. بدین معنا که شاید بتوان در دبیرستان یا دانشگاه درسی را نمره آورد و ار آن گذشت ,حتی اگر انسان خور درس را نفهمیده باشد, ولی دروس حوزوی از آن جا که نوعا علوم مقدمه ورود به علم دیگری هستند و بدون فهم این , فهم آن ممکن نیست , چننی چیزی اماکان ندارد. مثلاـ تا شما ادبیات عرب نفهمید, در فقه و اصول و سایر مباحث موفق نخواهید شد و... . بنابراین اگر قصد حضور در حوزه را دارید, به این بعد که بعد علمی حوزه است , خوب توجه داشته باشید, تا خدای ناکرده متضرر و مغبون نگردید. اما اگرفقط منظورتان از دورو ه به حوزه , در جو معنوی آن است , باید بگوییم که پیشرفت در معنویات در غیر حوزه نیزامکان پذیر است . به هر حال , این یکی هم نیاز به برنامه ریزی و دقت و مراقبه فراوان دارد. ضمن این که شمامیتوانید با استفاده از درس های اساتید اخلاق و ماطلعه کتاب های سودمند و ارتباط با اساتید حوزه این بعد راتقویت نمایید.

به هر ترتیب , ورود به حوزه علمیه نیز, ضوابط و شرایط خاصی دارد که می توانید با مراجعه به دفاتر حوزه خواهران در قم یا شیراز از آن آگاهی بیابید.

(پاورقی ۱ مشکلات آموزشی مانند فقدان وسایل آموزشی

و کمک آموزشی و فضای نامناسب و... ; مشکلات فردی مانند مشکلات فکری و سن بالا ـ و کم هوشی و کند ذهنی و مشکلات جنسی و... ; مشکلات خانوادگی مانند دعوا و مرافعه های دائمی و تعداد زیاد فرزندان و ناهمگونی خانواده و... ; مشکلات محیطی مانند حوادث طبیعی و غیر طبیعی و گرما و سرما و فقر اجتماعی و... .

علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟

پرسش

علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟

پاسخ

در خصوص تحصیل شما به حوزه باید گفت: یکی از شرایط موفقیت در همه علوم، به ویژه علوم حوزوی، علاقه و تحمّل زحمات طاقت فرسا است. علوم حوزوی، مراحلی دارد که یادگیری آن، شرایط و ویژگی های خاصی را دارد. علاقه شما به علوم حوزوی، میزان موفقیت شما را افزایش می دهد، ولی یکی از شرایط مهم دیگر نحوه حضور در شهر دیگر، غیر از شهرتان است. به نظر می رسد ادامه تحصیل در حوزه نیاز به همراهی محرم مانند شوهر و پدر دارد. اگر شما در مرحله اول ازدواج نموده و با اجازه شوهرتان در حوزه حضور پیدا کنید، بهتر است. همچنین اگر پدر یا سرپرست تان امکان حضور شما را در حوزه فراهم کند، تحصیل شما مشکل ندارد. جامعه الزهرا که متولی جذب خواهران در حوزه است، برخی از امکانات را مانند خابگاه برای خواهران در نظر گرفته است. البته نحوه گزینش و فراهم نمودن امکانات، شرایطی دارد که باید رعایت شود.

بیان این نکته ضروری است که معمولاً در شهرستان ها مرکز یا واحدی وجود دارد، با آن ها به مشورت بپردازید، در صورت موافقت، می توانید به حوزه قم آمده و به تحصیل علوم حوزوی بپردازید.

در خصوص نحوه گزینش و شرایط جذب، برگه ای که از سوی جامعه الزهرا تهیه شده است، ارسال می گردد. شما با خواندن این برگه می تانید تصمیم نهایی را بگیرید.

چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه های کشور را الزام می کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟

پرسش

چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه های کشور را الزام می کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟

پاسخ

مسلّماً نظم و برنامه ریزی در هر کاری صحیح و مطلوب است. شورای مدیریت که به نمایندگی از مراجع معظم تقلید، عهده دار حوزه های علمیه است، باید به نحو احسن و جامع و کامل، دروس حوزوی را به طلاب حوزه ها تعلیم دهد و با برنامه ریزی و بر اساس نیازهای زمان پیش برود و از ورود سلیقه های مختلف مانع شود. اگر در این مورد بین حوزه های علمیه هماهنگی باشد و همه از روال صحیح و منظمی تبعیت کنند، بهتر است. لذا شورای مدیریت بر این کار اقدام کرده است.

سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلّاب و ماندن طولانی در دوره سطح و اصلاح کتب درسی و حذف و جایگزینی برخی از دروس، می گذرد. چرا تا کنون اقدامی در خود توجه صورت نگرفته است؟

پرسش

سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلّاب و ماندن طولانی در دوره سطح و اصلاح کتب درسی و حذف و جایگزینی برخی از دروس، می گذرد. چرا تا کنون اقدامی در خود توجه صورت نگرفته است؟

پاسخ

اقداماتی در رسیدگی به وضع درسی حوزه ها شده و بعضی از کتب جایگزین بعضی دیگر شده است. بعضی از دروس جنبی جزء برنامه های حوزه شده و از آن ها امتحاناتی از طلاب گرفته می شود. در مجموع شورای مدیریت سعی بر اجرای دستورهای معظم له و سایر مراجع تقلید دارد واقدامات خوبی هم انجام گرفته است.

مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را تشخیص دهند و آن را دنبال کنند. آیا عمل به فرمایش های ایشان این قدر پیچ و خم دارد که این مهم این قدر معطل مانده است؟

پرسش

مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را تشخیص دهند و آن را دنبال کنند. آیا عمل به فرمایش های ایشان این قدر پیچ و خم دارد که این مهم این قدر معطل مانده است؟

پاسخ

البته استعداد طلبه متفاوت است. بعضی سریع تر از پنج سال این دوره را تمام می کنند و بعضی کندتر. البته با تنظیم درس ها و کتاب هایی که بایـد خوانده شود، اگر تعطیلی در حوزه کمتر شود، به همان پنج سال دوره سـطح تمام می شود. موانع دیگری غیر از تنظیم درس ها و کتاب ها بر سر راه طلاب وجود دارد که مانع پیشرفت سریع آنان می شود، از جمله مشکلات اقتصادی و ازدواج و مسکن است.

روال مدرک معادل در حوزه هنوز متداول است؟ آیا طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه وحوزویان مورد موافقت قرار گرفت؟

پرسش

روال مـدرک معـادل در حوزه هنوز متـداول است؟ آیـا طرح اختصـاص حقوق و مزایـا به حوزه وحوزویـان مورد موافقت قرار گرفت؟

پاسخ

روال مـدرک معادل در حوزه متـداول می باشـد و حـذف نشـده است، ولی طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه و حوزویان مورد موافقت قرار نگرفته است.

بنده درروســتای مرزبان از توابع شهرســتان ســنقرکلیایی در استان کرمانشاه زندگی می کنم . این روستاحدود ۳۵۰تا ۴۰۰نفر جمعیت دارد, ولی در ایام محرم و رمضان و اعیاد و وفیات از روحانی و مبلغ دینی محروم هستیم . لطفاً در این مورد اقدامی بنمایید.

پرسش

بنـده درروسـتای مرزبان از توابع شهرسـتان سـنقرکلیایی در اسـتان کرمانشاه زندگی می کنم . این روسـتاحدود ۳۵۰تا ۴۰۰نفر جمعیت دارد, ولی در ایـام محرم و رمضـان و اعیـاد و وفیات از روحانی و مبلغ دینی محروم هستیم . لطفاً در این مورد اقـدامی بنمایید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که نسبت به تبلیغ دین و رشد و آگاهی مردم علاقه مند هستید, بسیارخوشـحالیم و از شـما تشـکر می کنیم . شـما می توانیـد از شـورای روسـتا درخـواست نماییـد راجع به این مسـئله توجه بیش تری بنمایـد, به این صورت که نزدیک فرا رسـیدن ایام محرّم یا ماه رمضان , طیّ نامه ای از سوی شورای روسـتا, ازدفتر تبلیغات اسـلامی حوزهء علمیهء قم در

خواست روحانی و مبلّغ نمایند و یا این که به امام جمعهء یکی از شهرهای مجاورتان مراجعه کرده و از او درخواست نمایید برای منطقهء شما روحانی اعزام بنماید و یا توسط سازمان تبلیغات اسلامی مستقر در مرکز استان درخواست نمایید.

شما نیز مکان مناسبی برای اسکان موقت روحانی در نظر بگیرید و چه بهتر است در روستا یک خانهء کوچک بدین منظور ساخته شود تا این که زمینهء ماندن و اقامت همیشگی یک روحانی در آن جا میسّر شود. ما نیز عین نامه را به طرح هجرت فرستادیم .

دختری هستم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهم و با دیگران رفت و آمد ندارم وهمین سبب شده است برخی من را مقدس مآب بدانند. علاقه دارم درس حوزوی بخوانم . لطفا مرا راهنمایی نمایید.

پرسش

دختری هستم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهم و با دیگران رفت و آمد ندارم وهمین سبب شده است برخی من را مقدس مآب بدانند. علاقه دارم درس حوزوی بخوانم . لطفا مرا راهنمایی نمایید.

پاسخ

دینمداری و غیرت دینی شما قابل تقدیر است یکی از ویژگی های مومنان دینداری و حفظغیرت دینی است . متاسفانه برخی از افراد به دلیل عدم شناخت از تعلیمات دینی , دینمداری و حفظ حجاب رانوعی مقدس مآبی و تحجرگرایی می دانند. شما بدون توجه به نگرش این طیف افراد, دینمداری بوده و غیرت دینی خویش را حفظ کنید. البته دینداری و حفظ عفت , معنایش آن نیست که با بستگان رفت وآمد نداشته وروابط فردی و اجتماعی را قطع کنید, زیرا انزوا گرایی و گوشه گیری , آرامش روانی را از انسان سلب می کند.رفت و آمدها که بر اساس رعایت قانون شرع شکل گیرد, ضروری است ;از این رو سعی کنید با مردرم و درجامعه باشید.

در خصوص تحصیلات شما در حوزه های علمیه قم و اصفهان باید گفت : یادگیری همه علوم , به ویژه علوم حوزوی مشکل بوده و زحمات طاقت فرسایی را می طلبد. یکی از شرایط موفقیت در علوم حوزوی , عشق وعلاقه است که این عنصر در شما وجود دارد. شما با برنامه ریزی دقیق می توانید در حوزه های علمیه , به ویژه قم مشغول تحصیل شوید. جامعه الزهرا قم برای دختران , برخی از امکانات مانند خوابگاه و تسهیلات دیگر راپیش بینی کرده است که خدمات دهی آن با شرایط و معیارهای خود آن مرکز است . از این

رو شما می توانید باشماره تلفن ۹۲۵۱۱۱ تماس گرفته و اطلاعات بیشتری را کسب کنید. طبیعی است برای یک دختر جوان مثل شما, تحصیل در شهرستان های دیگر مشکل به نظر می رسد, که می توانید با ازدواج یا اجازه پدر و یا سر پرست خود به قم آمده و مشغول تحصیل شوید.

در خصوص شرایط ثبت نام و معیارهای گزینش خواهران در جامعه الزهرای قم , برگه ای که از سوی جامعهالزهرا تدوین شده است , ارسال می گیرد. در ضمن دیپلم داشتن شرط گزینش در جامعه الزهرا نیست .

آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این مراکز مورد تأیید بزرگان حوزه وروحانیت است ؟ آیا چاپ کتب و نشریات مذهبی با نظارت و مجوز روحانیت صورت می گیر

پرسش

آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این مراکز مورد تأیید بزرگان حوزه وروحانیت است ؟ آیا چاپ کتب و نشریات مذهبی با نظارت و مجوز روحانیت صورت می گیرد؟

پاسخ

برادر گرامی ! حوزهء علمیهء قم و روحانیت آمادهء پاسخگویی به سؤالات و شبهات مختلفی است که درزمینه های گوناگون مطرح می شود. در حوزهء علمیهء قم برخی از مراکز تخصصی در زمینهء خاص پاسخگوی سؤالات هستند, مثل مرکز تخصصی کلام و معارف قرآن که با توجه به رشته ءتخصّصی خود, به سؤالات پاسخ می دهند, امامرکز که در ابعاد مختلف وظیفهء پاسخگویی به سؤالات و شبهات مختلف عقیدتی و اجتماعی و فرهنگی و... رابرعهده دارد, واحد پاسخ به سؤالاتِ دفتر تبلیغات حوزهء علمیهء قم است . در این واحد, مجموعه ای از فضلا وکارشناسان دینی وظیفهء پاسخگویی را بر عهده دارند. مسئولیت این واحد با دانشمند بزرگوار و دارای تألیفات متعدد, حضرت حجت الاسلام والمسلمین شریعتی است که پاسخگویی به سؤالات , با نظارت علمی ایشان صورت می پذیرد.

اما در خصوص چاپ کتب و شنریات مذهبی , صدور مجوز توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می گیرد. نماینده روحانیت ممکن است در شورای نظارت حضور داشته باشد. به هر حال صدور مجزر برای چاپ کتب و نشریات مذهبی بر عهدهء روحانیت نیست .

تحصیلات حوزوی غیر حضوری چند سال طول می کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه اش چقدر است؟ آیا امتحانش حضوری است یا غیر حضوری؟ چند نوبت امتحان می گیرند؟ آیا در این سن بیش از ۵۰ سال می توانم در دروس حوزوی ادامه تحصیل بدهم؟

پرسش

تحصیلات حوزوی غیر حضوری چند سال طول می کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه اش چقدر است؟ آیا امتحانش حضوری است یا غیر حضوری؟ چند نوبت امتحان می گیرند؟ آیا در این سن بیش از ۵۰ سال می توانم در دروس حوزوی ادامه تحصیل بدهم؟

پاسخ

اولاً: درغیر حضوری شرایط سنی مطرح نیست. داوطلب در هر سنی می تواند از ادامه تحصیل حوزوی بهره مند گردد.

ثانیاً: غیر حضوری دو قسم است: رسمی و غیر رسمی.

در رسمی بعد از پایان دوره مقرر، مدرک تحصیلی رسمی داده می شود و در غیر رسمی از چنین مدرکی خبری نیست.

ثالثاً: هر کدام شرایطی دارد برای اطلاع بیشتر برگه جامعه الزهرا به پیوست ارسال می گردد لطفاً مطالعه فرمائید.

آیا برای تحصیل در حوزه های دینی داشتن شرایط خاصی لازم است ؟ آیا تحصیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر است ؟

پرسش

آیا برای تحصیل در حوزه های دینی داشتن شرایط خاصی لازم است ؟ آیا تحصیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر است ؟

پاسخ

تحصیل در حوزه علمیه به دو صورت است :

۱ تحت برنامه شورای مدیریت حوزه علمیه ;

۲ تحصیل به صورت آزاد.

برای تحصیل در حوزه علمیه با برنامه های شورای مدیریت حوزه , داشتن شرایط خاصی لازم است , مثلاً مدرک تحصیلی خاص و مشمول نبودن , اما برای تحصیل آزاد هر کس خود می تواند به تحصیل بپردازد و به مدارج بالای حوزوی نایل آید.

در خصوص خواهران , تحصیل غیر حضوری از طریق جامعه الزهرا امکان پذیراست , اما تحصیل برادران باعنوان تحصیل غیر حضوری تاکنون مشاهده نشده است , اما برادران داوطلب می توانند از طریق نوار درسی به تحصیل بپردازند, اما به هر حال این گونه تحصیل کردن نمی تواند پاسخگوی شبهات و مسایل ایجاد شده باشد.

شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟

پرسش

شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! شغل اگر به معنای مشغول بودن و کار کردن باشد روحانیان نیز مانند دیگران مشغول هستند، به این معنا که تا مدتی درس می خوانند و بعد به تربیت و تعلیم مردم همت می گمارند، همانند انبیای الهی که مردم را راهنمایی می کردند و به راه صلاح و خیر می کشاندند. پیامبر(ص) فرمود: "العلماء ورثه الانبیاء؛ عالمان وارثان انبیا هستند". آنان باعلمی که از انبیا به ارث برده اند، مردم را هدایت می کنند. در قرآن در وصف پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) فرمود: هو الذی بعث فی الأمیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین؛(۱) خدا از بین مردم پیامبری برانگیخت که آیات خدا را بر مردم بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را بر آنان بیآموزد، گرچه قبلًا در گمراهی آشکار بودند".

همان طورکه بشر نیاز به طبیب و فیزیکدان و شیمیدان و مهندس و... دارد، نیاز به طبیبان روح نیز دارد، بلکه نیاز بشر به طبیب روح بیشتر از طبیب جسم است. انبیا و اولیاء و علما و اوتاد، به منزله طبیبان روح بشرند، که به آنان تهذیب و تزکیه و تقوا و اخلاق می آموزند و مردم را با معارف الهی آشنا می سازند. فرق بین طبیب روحانی و جسمانی آن است که اطبای جسمانی پول می گیرند، ولی طبیب روح مزدی مطالبه نمی کند، مگر مردم خود بدهند.

قرآن درباره تشویق به این که عده ای به دنبال فقه و معارف اسلامی بروند می فرماید:

"فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقّهوا فی الـدین و لینـذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحـذرون؛(۱) چرا از هر فرقه ای، تعـدادی برای یـادگیری علوم اسـلامی و تفقه در دین به مراکز علمی نمی رونـد (تا درس دین بخواننـد و به مسائل دینی آشـنا شوند)تا به هنگام بازگشت قوم خود را (از نابکاری ها و عذاب) بترسانند شاید آنان از بدی ها و مفاسد حذر کنند".

از این آیه اسـتفاده می شود که لازم است از هر فرقه و محله و روسـتا و شـهر تعدادی برای فقیه شدن در دین به مراکز علمی و دینی سـفر کنند و درس بخوانند و با قرآن و تفسـیر آیات و کلمات پیامبر و ائمه آشنا شوند و به محلشان برگردند و مردم را به دین خدا آشنا سازند و آنان را از کارهای بد و از عذاب الهی بترسانند.

تا این جا روشن شـد که وظیفه علما چیست و نیز معلوم شد که بر تعدادی از افراد جامعه واجب است این وظیفه را انجام دهند. حال این سؤال پیش می آید که زندگی مادی اینان از کجا تأمین می شود و چه کسانی باید آنان را تامین کنند؟

جواب این است که اگر این افراد (علما و روحانیان) از وضعیت مادی خوبی برخوردار بودند، حال از طریق کمک پدر و مادر یا ارث و یا کمک افراد خیر، و یا برخی از آن ها که شـغلی دارنـد و در فرهنگ و مراکز دولتی کار می کننـد و امروز در تمام نهادهای انقلابی، به عنوان نماینده رهبری و یا امام جماعت و مسـئله گو حضور دارند در این صورت مشکلی نخواهد بود. اگر چنین نبود، بر جامعه اسلامی لازم

است که این افراد را به نحوی تأمین کننـد. در اسـلام بودجه ای برای این منظور در نظر گرفته شده است. مراجع تقلید از وجوه خمس که از مردم دریافت می کننـد، برای تأمین نسبی روحانیان، مبالغی را اختصاص می دهنـد. بنابراین رزق و روزی علما را مردم از طریق پرداخت خمس می پردازند. بعضـی هم منبر می روند ماننديک معلم و یا اسـتاد دانشگاه. اگر مراد شما از شغل، کار و کاسبی باشد، بله روحانیان و علمای دینی اکثراً کاسبی ندارند، گرچه مشـغول تعلیم و تربیت مردم هستند، ولی درآمد و کـار و کاسبی ندارنـد، چون تعلیم و تربیت دینیماننـد بقیه شـغل ها نیست که بتوان در ازای آن ها مزدی از مردم گرفت. این مردم هستند که بایـد به نحوی عالمـان دینی را کمک کننـد، چون روحانیان از ابتـدا که شـروع به درس خوانـدن می کننـد تا حدود پنجاه سالگی باید درس بخوانند و بعد اگر بخواهند به شغلی مشغول شوند که درآمدی داشته باشد، مثلًا بخواهند مغازه ای بزنند یا به شغل های دیگر که در جامعه مرسوم است، مشغول شوند، سرمایه مادی ندارند که دست به کاسبی بزنند یا مردم آنان را به کار وانمی دارنـد، چون کسـی که پنجاه سال از عمسـرش می گـذرد، نه او را به ادارات دولتی راه می دهند و نه در جاهای دیگر. ثالثاًتوان کارهای مرسوم را ندارنـد و رابعاً بعـد از پنجاه سالگی باز باید مشـغول باشـند و مطالعه کنند، چون اگر انسان درس ها را رها کند، فراموش می کند. بنابراین عملًا زمینه کار و کاسبی بعد از دوران تحصیل منتفی است.

در پایان با نقشی که روحانیت در برطرف کردن اختلافات خانوادگی و طایفه ای و اجتماعیدارند،

مربی اخلاق و تأمین کننده امنیت روحی و اجتماعی است و نقش کلیدی در ایجاد پیوندهای اجتماعی (ازدواج) و امور معنوی و گاهی حل اختلافات مالی و مشاجرات دارند و باید جامعه آنان را اداره کند. در عین حال هرگز روحانی مطالباتی از مردم نداشته است. برخلاف روحانیت تمام ادیان جهان که بودجه های کلانی دارند، روحانیت شیعه هیچ گونه بودجه ای جز مقداری از وجوهات شرعی که مردم به طیب نفس و برای خدا، بدون اعمال قدرت می دهند، نداشته است. بیشتر قشرها زندگی مرفهی دارند، اما روحانیون زندگی ساده دارند و غالباً گرفتار فقرند. اگر کتاب "خدمت و خیانت روشنفکران" را که مرحوم جلال آل احمد نوشته است، بخوانید، بسیاری از مسایل روشن خواهد شد.

پی نوشت ها:

۱ - جمعه (۶۲) آیه ۲.

۲ - توبه (۹) آیه ۱۲۲.

خانمی ۳۳ ساله ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته ام از طرفی مایلم در مدارس حوزه تحصیل کنم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

خانمی ۳۳ ساله ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته ام از طرفی مایلم در مدارس حوزه تحصیل کنم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

از مکاتبه شما متشکریم. بسیاری از بانوان در فقدان شوهرانشان تلاش کرده اند تا به تحصیل ادامه داده و بر معلومات خود بیفزایند و در ضمن بچه ها را هم به سامان برسانند. ایثار و فداکاری مادران همواره اعجاب آور و تحسین برانگیز است، حضرت عالی هم می توانید به طول شبانه به تحصیل ادامه دهید و در تهران هم به یکی از مکتب ها مراجعه کرده دروس حوزی را بخوانید.

البته بهتر این است که با مسئول واحد پاسخ به سؤالات تماس بگیرید تا ایشان شما را به یکی از مدارس معرفی کند. تلفن واحد پاسخ به سؤالات ۷۷۴۳۱۸۳ می باشد.

دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام کنم؟ در صورت امکان لطفاً تاریخ ثبت نام وش رایط آن و هم چنین آدرس حوزه علمیه خواهران را ذکر نمایید تا مکاتبه نمایم؟

پرسش

دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام کنم؟ در صورت امکان لطفاً تاریخ ثبت نام وش رایط آن و هم چنین آدرس حوزه علمیه خواهران را ذکر نمایید تا مکاتبه نمایم؟

پاسخ

خواهر گرامی! شرایط و مقرراتی برای طلبه شدن در جامعه الزهرای قم یا هر حوزه علمیه دیگر وجود دارد که اگر آن شرایط را داشته باشید می توانید ثبت نام کنید و هیچ مانعی برای تحصیل شما نخواهد بود. فرم شرایط و تاریخ ثبت نام حوزه علمیه خواهران (جامعه الزّهرا(ع)) قم برای شما ارسال می گردد که شما می توانید دراین خصوص برای دریافت اطلاعات بیشتر با آن جا مکاتبه فرمایید.

غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می توان اطمینان کرد؟

پرسش

غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می توان اطمینان کرد؟

پاسخ

همان طور که خودتان مرقوم فرمودید تمامی روحانیان بزرگواری که در این کسوت به سر می برند، قابل اعتماد و اطمینان می باشند، حالا چه روحانی معمولی و امام جماعت محلی باشد و چه مرجع تقلید باشد، منتها درجه فضل و کمال و دانش علما و روحانیان کم و زیاد دارد. ممکن است روحانی نماهایی باشند که ناشناخته باشند و سرشناس در میان اهل محل یا شهر نباشند. اگر انسان به چنین اشخاصی برخورد کند که حرکات و اعمال خلاف شئون و زی طلبگی دارند، باید در مورد آن ها تحقیق و تفحص کند و یا اگر واقعاً آن شخص روحانی نبود، ولی لباس روحانی به تن داشت و با اعمال خودش می خواست آبروی روحانیان را خدشه دار نماید، باید به مراکز مربوطه مثل دفتر امام جمعه اطلاع دهید تا این افراد در جامعه نفوذ نکنند و عزت و اقتدار روحانیت در میان مردم و برای تبلیغ دین الهی باقی بماند. موفق و سعادتمند گردید.

آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟

پرسش

آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟

پاسخ

همه روحانیون، طلبه هستند، زیرا طلبه به معنای دانشجویان علم می باشد که از روز اول تحصیلشان تا آخر عمر به عنوان طالب علم محسوب می شوند، منتهی وقتی طلبه از علم و متانت و درخور شأن شغل خود برخوردار می شوند، از القاب محترمانه ای همانند حجهالاسلام و حجهالاسلام و المسلمین بهره مند می شوند. اگر روحانی بزرگوار به درجه اجتهاد رسیده باشند، از لقب آیهالله و اگر به مقام مرجعیت رسیده باشد، از لقب آیهالله العظمی برخوردار می شوند. اعمال و رفتار و اخلاق آن ها بیانگر این القاب می باشد.

بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پرسش

بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

این امر حمایت از قلب پاک و نورانی شما دارد. باید برای این حالت معنوی ارزش قائل بشوید و آن را حفظ کنید.همان طور که گفته اید امروز در شرایط جدیدی قرار داریم. باید با شیوه های جدید فرهنگی، با تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمنان اسلام مقابله کرد. به زودی فرم پذیرش جدید حوزه در روزنامه های کثیرالانتشار در روزهای ۲۰ الی ۲۵ اردیبهشت ماه چاپ می شود. مراجعه نمایید.

ان شاءالله بتوانید با جدیت و کوشش و فداکاری، رشد علمی پیدا کرده تا بتوانید جوابگوی شبهات و مشکلات جهان بشریت که در دام جهالت ها و مشکلات دچار شده است باشید.

علاقه زیادی به طلبه شدن دارم , ولی دوبار به حوزهء قم مراجعه کردم نپذیرفتند, لطفاً راهنمایی فرمایید.

پرسش

علاقه زیادی به طلبه شدن دارم , ولی دوبار به حوزهء قم مراجعه کردم نپذیرفتند, لطفاً راهنمایی فرمایید.

پاسخ

این که شما علاقه و شوق زیاد به تحصیل علوم دینی دارید و طلبه شدن را دوست دارید روحیهء خوبی است برای شما که می تواند منشأ ترقی و تعالی علمی باشد, و داشتن چنین روحیه ای قابل تحسین است . شما از عدم پذیرش حوزهء علمیه قم مأیوس نشوید, چون تحصیل در حوزه علمیه قم شرایطی دارد که ممکن است فعلاً شامل حال شما نشود, ولی طلبه شدن منحصر به آمدن به قم نمی باشد, لذا شما به حوزهء علمیه شهرتان مراجعه کنید و با مدیرحوزه علمیه علاقه و مشکل خود را در میان بذگارید و راه حل بخواهید.

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

علاقه و اشتیاق وافر به تحصیل علم خصوصاً تحصیل علوم اسلامی توفیق بزرگی برای شما است , که داشتن این روحیه تحمل مشکلات را آسان نخوده و پیمودن پله های ترقی را فراهم می نماید. یکی از صفات پسندیدهء روحیهء داشتن علم است و فضیلت و برتری دانا بر نادان از آفتاب روشن تر است . دین مقدس اسلام بیش ازهمه نظامات اجتماعی و همهء ادیان و شرایع مردم را به فراگرفتن علم و دانش تشویق و ترغیب نموده است , اسلام برای پیریزی یک فرهنگ اساسی فضیل علم را بر هر زن و مرد لازم نموده است و برای علم ارزش بسیار والایی قائل شده است . امام علی ۷فرمود: . هم چنین حضرت در(پاورقی ۱.محمد ری شهری , میزان الحکمه ج ص ۲۰۶۳مادهء علم , شماره ۱۳۶۵۵و ۱۳۶۵۲

حدیث دیگر فرمود: .() اگر علم و دانش توأم با پاکی و تقوا و(پاورقی ۲.همان .

آگاهی باشد منشأ خیر و برکات فراوان شده و موجب آبادی دنیا و آخرت می گردد. امیدواریم شما در راه کسب علم و دانش , به ویژه علوم اسلامی موفق شد و مدارج عالی را طی نمایید.

با توجه به شرایطی که برای خود ذکر کرده اید بهتر است برای راهنمایی و رسیدن به یک راه عملی برای تحصیل علوم اسلامی به مدیر حوزهء علمیهء شهرستان کرج مراجعه فرمایید و از ایشان راهنمایی بخواهید.

آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی با مدرک حوزه هست ؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای در حوزه ادامهء تحصیل دهد, شهریه های گرفته شد, استرداد می شود؟ آیاکتب درسی را خود طلاب باید تهیه کنند؟ در حوزهء چه دروسی خوانده می شو

پرسش

آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی با مدرک حوزه هست ؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای در حوزه ادامهء تحصیل دهد, شهریه های گرفته شد, استرداد

می شود؟ آیاکتب درسی را خود طلاب باید تهیه کنند؟ در حوزهء چه دروسی خوانده می شود؟

پاسخ

در حوزه های علمیه که با امتحان ورودی و به صورت گزینشی با مصاحبه پـذیرفته می شوند و تعهدات و الزام هایی از ابتدای ورود از انسانی می گیرنـد که بایـد پای بنـد آنها بود. حـداقل باید به مدّت و پانزده سال دروس حوزوی به طور مداوم خوانده می شود تا انسان از نظر علوم دینی فی الجمله تبحّر پیدا کند. در این مدت به موازات رسیده بن مدارج بالاتر ماهانه شهریه ای دریافت می کند. اگر طلبه ای به جهت عذری نتوانست ادامهء تحصیل دهد,شهریه های گرفته شده , مطالبه و مسترد نمی شود.

کتب درسی را بایـد خود طلاب تهیه کنند و مدارکی به طلاب داده می شود که با آن می توان از ادارات دولتی مانندآموزش و پرورش و جاهای دیگر استخدام شـد (البته اگر پـذیرش باشـد). مـدارکی که می دهنـد دیپلم , فـوق دیپلم ,لیسـانس , فوق لیسانس و دکترا است . غیر از مشاغل معمولی می توانند در بعضـی مشاغل از قبیل آموزش پرورش و یاسازمان تبلیغات مشغول شوند, البته در همهء این موارد بستگی به وجود تقاضای کار و شغل دارد وگر نه باید با همان شهریه زندگی را سپری کند.

مـدارس علمیـه ای که در شهرسـتان هـا هسـتند, اگر زیر نظر مرکز مـدیریت حـوزهء علمیهء قم اداره شونـد, همه ازمزایـای آن برخوردار هستند و مدارک آنها اعتبار دارد.

دروسی که در حوزه خوانده می شود: ادبیات عرب (صرف و نحو) منطق , علم فصاحت و بلاغت , تفسیر, اصول ,فقه ,

فلسفه , کلام , عرفان ,, رجال (شخصیت شناسی), تاریخ اسلامی , مقداری جامعه شناسی و دروسی دیگر است .

اگر سرکار عالی از هوش و استعداد خوبی برخوردار هستید و قدرت بر سخن گفتن دارید و از ایمان قوی واعتقادات صحیح و سالمی بهره مند هستید, خوب است در حوزه شرکت کنید. اگر این شرایط را ندارید, مشغول به شغلی شوید خداوند مشکلات همه را برطرف فرماید.

تقاضای اشتغال در حوزهء علمیهء قم را دارم . راهنماییم فرمایید.

پرسش

تقاضای اشتغال در حوزهء علمیهء قم را دارم . راهنماییم فرمایید.

پاسخ

دومین نامهء شما حدود پنج سال بعد از اولین نامه تان در مورد عشق و علاقهء شما به حوزه های علمیه ومعارف اسلامی و خدمت به طلاب علوم دینی و شاگردان مکتب امام صادق ۷که پرچم حفظ و حراست از کیان اسلام ناب محمدی را همواره به دوش داشته و دارند, نشانگر حبّ باطنی شما نسبت به حامیان و حافظان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت : می باشد. این عشق و علاقه مایهء خوشبختی و سعادت است , زیرا رسول خدا۶فرمود:.()

(پاورقی ۳ً.محمدی ری شهری , میزان الحکمه, ج ۱ ص ۵۲۱ ماده المحبه, شماره ۳۲۲۶

در حدیث دیگر وارد شده که مردی خدمت رسول اللّه ۶آمد و عرض کرد: مردی نماز گزار را دوست دارد,ولی خودش فقط نماز واجبش را می خواند, و صدقه دهنده را دوست دارد, ولی خودش فقط صدهء واجبش (زکات)را می پردازد, و روزه داران را دوست دارد, ولی خودش فقط ماه رمضان را روزه می دارد.

حضرت فرمود: .() امیدواریم علاقهء شما به حوزه های علمیه و سربازان امام (پاورقی ۱.همان , شماره ۳۲۲۵

عصر۷همواره مستدام باشد.

در مورد درخواست شما مبنی بر اشتغال در حوزهء علمیهء قم با بخش پذیرش حوزه تماس گرفتیم . جواب دادند:لازم است فرد متقاضی حضوراً به بخش پذیرش حوزهء علمیه مراجعه نموده و در جریان قرار گیرد. ضمناً گفتند: باتوجه به شرایط فرد مورد نظر امکان پذیرش هست . لذا در صورت تمایل می توانید حضوراً به بخش پذیرش , واقع درمدرسهء دارالشفا, جنب مدرسهء مبارکهء فیضیّه مراجعه نمایید. البته هر ساله , معمولاً

در مرداد یا شهریور, آگهی پذیرش در حوزهء علمیه , در روزنامه ها چاپ و منتشر می شود. نیز می توانید اطلاعات مورد نیاز را تلفنی بپرسید. در بروجردنیز حوزهء علمیه وجود دارد. از آن جا نیز می توانید بپرسید.

علاقه مند به تحصیل دروس حوزهء علمیه هستم . آیا می توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده ازنوار به این هدف برسیم ؟

پرسش

علاقه مند به تحصیل دروس حوزهء علمیه هستم . آیا می توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده ازنوار به این هدف برسیم ؟

پاسخ

برادر عزیز! تصمیم شما قابل تحسین است . رسول گرامی اسلام ۶فرمود:

طلب علم بر هر مسلمانی واجب است >. اینک که در کشور اسلامی ایران به برکت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (س) باب علم گشوده شده و معلومات مردم افزایش یافته است , رشد معلومات مذهبی و علوم دینی محسوس است و قم , نگین جهاد و اجتهاد, شاخص ممتازی در بلاد اسلامی است که علوم اسلامی در آن گرد آمده است . اما اگر شما نمی توانید از نعمت حضور در محضر اساتید حوزه بهره مند شوید, لازم است با مراکزی چون دفترتبلیغات , واحد نوار شهرستان تماس بر قرار کرده , از نحوهء اشتراک مطلع شوید.

تلفن تماس : ۹۴ ۷۷۴۳۱۸۹

در حال اتمام دورهء سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می تواند برای این چنین اشخاصی دوره های آموزش بازی با اعداد و کلمات و کتاب ره توشه برای کودکان و نوجوان را فراهم آورد؟

پرسش

در حال اتمام دورهء سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می تواند برای این چنین اشخاصی دوره های آموزش بازی با اعداد و کلمات و کتاب ره توشه برای کودکان و نوجوان را فراهم آورد؟

پاسخ

قسمت اول سؤال شما مربوط به مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان است . این مرکز یکی ازواحدهای تابع دفتر تبلیغات اسلامی می باشد. می توانید با آن واحد تماس برقرار کرده و از کیفیت آموزش سؤال فرمایید.

قسمت دوم سؤال که از کتاب ره توشه جویا شده بودید, این کتاب نیز محضول تلاش فضلای حوزه است که درواحد طرح هجرت دفتر تبلیغات تهیه می شود برای تهیه این کتاب به کتاب فروشی دفتر مراجعه کنید یا تماس بگیرید.

دوست دارم به حوزه علمیه قم بیایم، ولی از شرایط آن برخوردار نیستم. لطفاً راهنمایی بفرمایید.

پرسش

دوست دارم به حوزه علمیه قم بیایم، ولی از شرایط آن برخوردار نیستم. لطفاً راهنمایی بفرمایید.

پاسخ

خواهر گرامی! واحد پاسخ به سؤالات برای پاسخ گویی به سؤالات مذهبی، اخلاقی، اجتماعی، فلسفی، کلامی و روان شناسی تأسیس شده است. به همین جهت نمی تواند رابط بین مراکز دیگر برای مثلاًپذیرش افراد باشد. مراکز علمی چون جامعهالزهراء برای پذیرش، قانون و شرایطی در نظر دارند که کم یا زیاد کردن آن به عهده ما نیست. اگر کسی به هر دلیل نتوانست از شرایط ورود برخوردار باشد، این واحد نمی تواند به شفاعت بپردازد، زیرا از حوزه مسئولیت ما خارج است. در عین حال روحیه بالای شما در فراگیری و علاقه مندی به تحصیل علوم دینی ستودنی است. می توانید با مراکز صوتی در تماس بوده و نوارهای درسی حوزه را گوش دهید و در امتحانات حوزه شرکت کنید. با دفتر تبلیغات، به شماره ۹۴ – ۷۷۴۳۱۸۹ واحد صوت و نوار شهرستان ها تماس بگیرید.

شهر قم اکنون شهر صد سال پیش نیست. که در آن زمان شهرهایی چون مشهد و تبریز و شیراز و اهواز و اصفهان نیز کوچک بوده اند قم اینک پایتخت جهان اسلام و مرکز اجتماع تمام ملیت های مشتاقی است که به تحصیل علم مشغولند. در عین حال اگر لازم می بینید برای صحبت با مسئول محترم واحد پاسخ به سؤالات، حضرت حجهالاسلام و المسلمین حاج آقای شریعتی سبزواری، با این شماره تماس بگیرید: ۰۲۵–۷۷۴۳۱۸۳

دانشجوی سال اوّل کاردانی الکترونیک هستم. علاقه وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفی و شیطانی گاهی منصرف می شوم. قصدم این است ان شاء الله بعد از اخذ فوق دیپلم وارد حوزه شوم. نظر شما چیست؟ شرایط و نحوه ثبت نام را بیان کنید.

پرسش

دانشجوی سال اوّل کاردانی الکترونیک هستم. علاقه وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفی و شیطانی گاهی منصرف می شوم. قصدم این است ان شاء الله بعد از اخذ فوق دیپلم وارد حوزه شوم. نظر شما چیست؟ شرایط و نحوه ثبت نام را بیان کنید.

پاسخ

از این که جوان متدیّنی هستید و برای کسب معارف دین میل دارید وارد حوزه شوید، خشنودیم. این عمل خوب است و جای قدردانی دارد. خداوند امثال شما جوانانر ادر این ددوره وانفشا از شرور وسوسه گران و خناسان حفظ فرماید.

بـه نظر مـا صـلاح در این است پس از فراغت از تحصـیل دوره دانشـگاهی و گرفتن فـوق دیپلم وارد حـوزه شویـد و از دروس حوزوی بهره مند گردید. در نتیجه از تلقینان منفی و شیطانی نجات پیدا می کنید.

دوره تحصـیل دانشگاهی محدودتر از دوره حوزوی است. از فرصت به دست آمده کمال استفاده را بنمایید که فردا دیر است . امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: " هر که از فرصت باز نشیند و آن را از دست بدهد، از دست رفتنش ناتوانش سازد".(۱)

به علاوه می توانید در کنار درس دانشگاهی در شهرستان خود از دروس حوزوی نیز استفاده کنید.

گفتنی است: اگر تصـمیم گرفتید وارد حوزه شوید باید پیه همه چیز را به خود بمالید. حوزه آمدن، بی پولی دارد، غربت دارد ، نداشتن خوابگاه دارد، حتّی گاهی فحش و ... دارد . امّا ثمرات و منفعت معنویش خیلی زیاد است.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "افضل الأعمال احمزها؛بهترنی و باارزش ترین کارها سخت ترین و مشکل ترین آن است".(۲)

برای آگاهی از شرایط و کیفیت ثبت نام فرم مخصوص به پیوست ارسال

می گردد امیدواریم مفید باشد.

۱.احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱۶، ص ۲۸۳، به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. بحار، ج ۶۷، ص ۱۹۱.

آیا درس های حوزه علمیه سخت است؟

پرسش

آیا درس های حوزه علمیه سخت است؟

پاسخ

از این که با ما مکاتبه کرده و پرسشهای خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گزاریم.

اگر منظور شما از سختی و دشواری درس های حوزه علمیه، فراگیری ، درک و فهم آن است و یا برای تعلیم آن کم خوابی یا بی خوابی لازم است یا امتحان و تجدید و قبولی و یا مردودی و سال های متمادی وقت لازم دارد و ... باید بگوییم چنین است. اگر سخت تر ا. دروس مقاطع مدارس و دانشگاه نباشد، کم تر از آن نخواهد بود.

به خصوص برای افرادی که می خواهند با سواد شوند و از احکام اسلامی دقیقا مطلع گردند و به حد اجتهاد نایل شوند.

چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟

پرسش

چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟

پاسخ

اختلاف و درگیری میان انسان ها یک امر قهری و فطری می باشد، چون به تعداد نفوس انسان ها سلیقه وجود دارد و تفاوت بین سلایق، یک مسئله واضح و روشنی است.

پس این که باید همه یک جور فکر کنند و یک منبا داشته باشند و هیچ گونه اختلافی باهم تداشته باشند، فکری است غلط و

متنافی با طبیعت آدمی.

به علاوه، اختلاف آرا اگر جنبه سیاسی و صیغه گروه گرایی و جناح بازی نداشته باشد و نشانه عناد و دشمنی نباشد، مایه بالندگی و رشد جامعه می باشد، زیرا در اثر تضارب آرای مثبت، استعدادها شکوفا شده و جامعه به تعالی می رسد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:" اختلاف اُمتی رحمةٌ؛ اختلاف و اصطکاک اندیشه های امت من رحمت است۱[۱]".

گفتنی است: امامان معصوم(ع) از جمله حضرت امام صادق در یکی از بیانات خود فرمود: مراد از اختلاف تردد و ایاب و ذهاب گروهی از مردم در حوزه علمیه برای کسب معارف اسلامی و انذار بین مردم است.

به هر حال اکثر اختلاف میان روحانیون ناشی از سلیقه است، نه ریشه ای.

متأسفانه گاهی اختلاف بین روحانیون رنگ سیاسی دارد و گاهی نیز غرض ورزی.

این نوع اختلاف خطرناک است و تنها دشمنان اسلام و نظام و روحانیت از آنان بهره مند می گردند و حتماً دشمنان اسلام به طور غیر مستقیم در آن نقش دارند، چون اتحاد و یک پارچگی ملت را موجب تقویت اسلام و نظام می دانند.

[۱] محمد تقی فلسفی،بحار،ج۱،کتاب علم،باب آداب طلب العلم و احکامه،ص۲۲۷،حدیث ۱۹.

بعضی ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و چای استناد می کنند و می گویند آخوندها اول می گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در چای غسل دهند بخورند پاک می شود ریشه این جور چیزها به کجا برمی گردد؟ و آیا این مطلب واقعیت دارد؟

پرسش

بعضی ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و چای استناد می کنند و می گویند آخوندها اول می گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در

چای غسل دهند بخورند پاک می شود ریشه این جور چیزها به کجا برمی گردد؟ و آیا این مطلب واقعیت دارد؟

پاسخ

چند نکته مهمی که پیش از بیان، مفهوم آن سخن و صحت و سقم آن لازم است مورد تنبه و توجه قرار گیرد این است. این مطلب شایعه ای بیش نیست. کدام روحانی گفته است قند نجس است.

هر عمامه به سری مورد تأیید نیست و نباید آن را روحانی نامید. روحانی کسی است که اساس و محور تلاش و همتش تزکیه و تعالی روح خویش و جامعه باشد و با سیر "لی الله" روحانی ربانی گردد و همه اموراتش به "رب" وصل و مرتبط شود. البته انبیا و ائمه، فرشتگان و اولیای الهی، مصداق کامل "روحانی ربانی" اند و سایرین به تناسب میزان نزدیکی و شباهتی که از لحاظ قول و عمل و اخلاق با آنان دارند، بهره ای از آن برده اند.

۲ - تحقیق در تاریخ پرفراز و نشیب زندگی اجتماعی انبیا و ائمه (ع) و شناخت و معرفت ابعاد زندگی سیاسی و فرهنگی و تبلیغی آنان این سؤال را در آغاز کار در محقق ایجاد می کند. چرا مصادیق اصیل الگوها و اسوه های کامل روحانیت، آن همه دشمن و مخالف داشتند؟ شیوه برخورد حذفی و حربه ها و حرف های دشمنان آنان چه بوده است؟

و بالاخره ریشه اصلی و علت مخالفت آنان چه بود؟

۳ - تاریخ را به خاطر شاخصه های متفاوتی به دوره ها تقسیم می کنند شما با مطالعه ادوار مختلف و قرون متفاوت تاریخ، کارکرد روحانیون ربانی و نحوه عملکرد و برخوردهای مخالفان آنان را با هم مقایسه کنید. ببینید چه قرابت و شباهتی میان عملکردها

در تاریخ مستمر و به هم پیوسته روحانیون و مخالفان آنان وجود داشته است؟

نتیجه گیری: پیامی که می توانید از مطالعه حلقه های به هم پیوسته تاریخ بگیرید این است که:

الف – روحانیون ربانی هر عصری همان گونه که وارث علوم و معارف و معنویت انبیا و ائمه (ع) هستند، وارث سختی ها و مصیبت های آنان و تهمت ها و توهین ها و تحقیرهای مخالفان و دشمنان زنجیره ای آنان نیز هستند.

ب – اگر چه طراحان اصلی آن اهانت ها دشمنان آگاهند اما بازگو کنندگان و باورمندان آن دوستان ساده لوح و ناآگاه می باشند.

ج – علت دشمنی دشمنان و هدف آن ها این است که دین و دین مداران را از صحنه سیاست و تصمیم گیری ها کنار بزنند تا راه برای ترک تازی شان باز باشد و هیچ سد و مانعی جلوی آن ها را نتواند بگیرد و برای رسیدن به این هدف از هر حربه و وسیله ای که بتواند آنان را به هدفشان برساند یا نزدیک کند، استفاده می کنند از تبلیغات دروغین و شایعه سازی و نسبت های ساحر، جادوگر، دیوانه، خرابکار، مرتجع کهنه پرست، کسانی که به علت جمود فکری، اساطیری می اندیشند تا ایجاد انواع خشونت ها و دست بردن به سلاح و جنگ. در قرون اخیر راه های دیگری به طرق گذشته اضافه شده تا از راه هایی مانند کاریکاتور، نوشتن کتاب ملا نصرالدین، و گفتن این که آخوندی گفته قند چون به دست کفار ساخته می شود نجس است، ولی اگر در استکان غسلش بدهی بعد در دهان بگذاری پاک می شود و از این حرف ها برادر مجدداً تأکید می کنیم و سخن خویش را از قول امام خمینی بیان می کنیم که فرمود: قضیه این

نیست که من بگویم هر که عمامه سرش است مورد تأیید است خیر. من از بسیاری از آن ها متنفرم. (۱) اما باید بیداری و هوشیاری خویش را در مقابل دسیسه ها و نقشه های شوم استعمار حفظ کنیم. امام خمینی (ره) در مقام تبیین حقایق و افشای توطئه ها می فرماید: یکی از نقشه های مهم این است که قشرهای ملت را از هم جدا کنند و مهم این است که روحانیت را از ملت جدا کنند این ها ضربه ای که از روحانیت خوردند از هیچ کس نخوردند. زمانی که روحانیت مبارزه سرسختش را در سال های ۴۱ و ۴۲ علیه شاه خائن شروع کرد. شاه روحانیت متعهد و مسئول را ارتجاع سیاه نامید. زیرا تنها خطر جدی برای او و سلطنتش روحانیون مبارزی بودند که ریشه در عمق جان مردم داشتند و در مقابل او و ستمکاریش ایستادند.(۲)

آن ها از روحانیون در طول تاریخ صدماتی دیده بودند و خصوصاً انگلستان در واقعه قضیه قرارداد تنباکو صدمه دیده بود. از این جهت یکی از نقشه ها این بود که این قدرت را از ملت بگیرند و این را سرکوب کنند و ملت را از آن ها و آن ها

را از ملت جدا کنند.(۳) و باز با کلام امام (ره) این مقال را به پایان می بریم. آن هایی که می خواهند روحانیت را بشکنند اصل هدف شان اسلام است. می خواهند اسلام را بشکنند.(۴)

پی نوشت ها:

۱ – بلاغ، سخنان موضوعی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۹، شماره ۳، ص ۳۷۹.

۲ – همان، ص ۳۸۱.

۳ – همان، ص ۳۹۶.

۴ – همان، ص ۳۷۴.

از همان ابتدا علاقه ای به تحصیل در علوم پزشکی نداشتم و آن را به خواسته اطرافیان و متأثر شدن از جوّ قبول کردم . در عین حال نسبت به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی علاقمند هستم. چگونه می توانم از دوس پزشکی جدا شده و به تحصیل در حوزه علمیه بپردازم؟

پرسش

از همان ابتدا علاقه ای به تحصیل در علوم پزشکی نداشتم و آن را به خواسته اطرافیان و متأثر شدن از جوّ

قبول کردم . در عین حال نسبت به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی علاقمند هستم. چگونه می توانم از دوس پزشکی جدا شده و به تحصیل در حوزه علمیه بپردازم؟

پاسخ

برای ورود به هر کاری و موفقیت در آن ابتدا به علاقه و سپس به پشتکار نیاز است . حتی یادگیری ابتدایی ترین حرفه و شغل بدون علاقه و جدیت غیر ممکن می نماید. علوم دینی شرط ویژه ای دارد:

۱ ـ وضع مالی مناسب خانواده که حداقل تا ده سال شما را اداره نمایند وحضرت عالی شب و روز به تحصیل علوم دینی بپردازید تا به حد مطلوب برسید.

۲ ـ معلوم نیست در رشته پزشکی موفق نباشید ، مضافا بر این که پس از پنج سال ترک رشته کردن بسیار مشکل است و حرف و حدیث خواهد داشت . جلب رضایت پدر و مادر و توجیه دوستان و بستگان نیز مشکل به نظر می رسد.

۳ ـ اکنون برای شما تصمیم گیری بر بازگشت کمی پر خرج و دیر است . شما اینک در وسط راه تحصیل آن هم در حرفه حساس پزشکی هستید و صرف علاقه شدیدی که برای تحصیل علوم دینی دارید، مجوزی برای ترک تحصیل نمی شود ، حتی اگر پزشکی را تمام کنید، سپس با شرایطی که گفته شد طلبه شوید ، به مراتب بهتر است .

البته در صورتی که رضایت پدر و مادر و تأمین مخارج تحصیلی را فراهم فرمایید، چرا که تحصیل در حوزه علوم دینی با شرایط خاصی روبرو است . پس بهتر است کمی فکر کرده و حداقل دوره پزشکی را به اتمام برسانید . تا با خیالی راحت و به

صورت مستقل و آزاد و بدون داشتن چشم داشتی ، تحصیل در مقاطع حوزوی را آغاز کنید.

علاقه ای که به تحصیل در علوم دینی دارید ، ستودنی و تحسین بر انگیز است و اگر واقعا نمی خواهید تحصیل فعلی را ادامه دهید ، باید خارج از شرایط و مزایای حوزه هدف خویش را پیش ببرید ، چون اکنون افرادی که وارد حوزه علمیه می شوند، باید از شرط سنی دیگر شرایط برخوردار بوه و مشکل سربازی نداشته باشند تا بتوانند تحت پوشش برنامه های حوزه علمیه قرار گیرند.

شماره تلفن مدیریت حوزه علمیه قم در اختیار شما قرار می گیرد که با تماس با آن مرکز بهتر و بیشتراز وضع پذیرش و برنامه های حوزه علمیه قم مطلع شوید. ۱ _ ۷۷۴۰۹۷۰ _ ۰۲۵۱ بخش پذیرش.

اگر طی کردن مسیر ترقی را تنها در رسیدن به حوزه می دانید ، ظرف را با مظروف اشتباه گرفته اید. در عصر حاضر عصری که در آن راه علم و تکامل مسدود نیست و نیز ارتباطات گسترده که انسان در هر گوشه از جهان می تواند بدان دست یابد، حوزه تنها مکان ترقی نیست. اگر هدف انسان پیمودن راه تعالی و تکامل است، پس فرقی نمیکند انسان هر کجا باشد ، طبق آیه "فأینما تولوا فثم وجه الله؛ پس به هرجای که رو کنید ، رو به خدا است".۱ به خدا می رسید . انسان خدا شناس و باایمان در هر کجا و هر شغلی که باشد ، چون نور می درخشد والگوی هدایت قرار می گیرد.

۱ بقره(۲) آیه ۱۱۵.

اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه های علمیه می باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه می توان تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی درآیم؟ به طور کلی بعد از سطح یک چه مشاغلی را یک روحانی می تواند عهده دار شود؟

پرسش

اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه های علمیه می باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه

می توان تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی درآیم؟ به طور کلی بعد از سطح یک چه مشاغلی را یک روحانی می تواند عهده دار شود؟

پاسخ

سطح یک حوزه علمیه قم معادل فوق دیپلم است. شرایط اشتغال در سازمان تبلیغات اسلامی و سایر نهادهایی که به روحانی احتیاج دارند، بستگی به زمان و مکان و عرضه و تقاضا دارد. نمی توان به طور حتم گفت که چند سال دیگر با مدرک سطح یک برای اشتغال پذیرش می شود، ولی با توجه به شرایط زمان و تعداد طلاب می توان حدس زد که با مدرک سطح یک شانس اشتغال در جای مناسب بسیار کم است.

البته کسی که مخلصانه برای خدا درس بخواند، با یاری خداوند ترقی کرده و به مقامات عالی دست می یابد. .

حوزه علميّه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد.

پرسش

حوزه علميّه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد.

پاسخ

در زمان قاجاریان چند مدرسه علمیه در قم ساخته شد، اما در سال ۱۳۴۰ ه ق مطابق با سال ۱۳۰۰ هجری شمسی حاج شیخ عبدالکریم حائری از اراک به قم هجرت کرد (۱) و با ورود او، علمای دیگر وارد قم شدندو حوزه علمیه قم، با هدف نشر و گسترش فقه جعفری و فرهنگ اسلامی شکل گرفت.

پی نوشت ها:

۱ - دایره المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۲۰۸۰.

علاقمند به تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی هستم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشته علوم انسانی تحصیلاتم را ادامه دهم. الآن به این نتیجه رسیده ام که دارم از استعداد خود دور می شوم. آیا در حوزه علمیه قم چنین وضعی وجود دارد که به آن جا

پرسش

علاقمند به تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی هستم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشته علوم انسانی تحصیلاتم را ادامه دهم. الآن به این نتیجه رسیده ام که دارم از استعداد خود دور می شوم. آیا در حوزه علمیه قم چنین وضعی وجود دارد که به آن جا بیایم؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! شکی نیست که امروزه قم مرکز علم و معارف اسلامی است و امام این که همه بتوانند در هر وضعی برای تحصیل علم، به قم بیایند، بحث دیگری است. اکنون شما تشنه معارف اسلامی هستید و استعداد خود را در این راه آزموده اید، اما این که بتوانید به قم بیایید شاید از شرایط لازم برخوردار نباشید. بهتر است توان خود را در رشته هایی که به نوعی با معارف اسلامی هم خوانی دارند، به کار برید، تا موفقیت کسب کنید. با نبود رشته مورد علاقه تان در شهرستان انتخاب رشته های موازی و همخوان اجتناب ناپذیر می شود.

اگر دارای شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه قم هستید، فرصت را غنیمت بشمرید. ضمناً برگه پیوست را مطالعه را بخوانید.

آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟

پرسش

آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟

پاسخ

خواهر گرامی! در چند ساله اول که دروس حوزه فشرده است و طلاب چند سالی را موظف اند در حوزه بمانند حوزه اجازه تحصیل در دانشگاه را نمی دهد، ولی پس از گذراندن آن مرحله می توانند در کنار تحصیل دروس حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز بپردازند. البته بایداذعان کرد که این امر بسیار مشکل است و شاید آسان ترین آن ادامه تحصیلات دانشگاهی در دانشگاه پیام نور است که حضور در کلاس ندارد. هر چند نیازی به آن هم نیست؛ زیرا بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، و طبق برنامه خاص، مدرک معادل مانند کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا داده می شود و در صورت استخدام در ارگان ها همان مزایا را دارد.

حوزه علمیه از نظر روایات و آیات چه جایگاهی دارد؟

پرسش

حوزه علمیه از نظر روایات و آیات چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

قرآن مجید تفقه در دین و فراگیری معارف و احکام اسلام را وظیفه شرعی و واجب کفایی می داند و می فرماید: "شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی جهاد کوچ کنند. چرا از هر گروهی طائفه ای از آنان کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن ها را انذار نمایند تا بترسند و خودداری کنند؟"۱۱

آیه فوق بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی دلالت دارد و حوزه علمیه به انجام این وظیفه مبادرت ورزیده است. امام صادق(ع) در تشویق پیروان خویش بر شناخت حلال و حرام می فرماید: "کاهش بر سر اصحابم تازیانه باشد تا حلال و حرام را دقیق بشناسند".۱۲

رسول گرامی اسلام(ص) علم سودمند را در سه چیز می داند: آیه محکم، فریضه عادله و سنّت پا برجا.۱۳

مرحوم فیض کاشانی در تفسیر این روایت می گوید: علم حقیقی آن است که دانستن آن برای معاد و قیامت مفید باشد. علم سودمند به سه قسم منحصر شده است: آیه محکمه که همان اصول عقاید است و فریضه عادله که اشاره به علم اخلاق است و سنت قائمه که اشاره به احکام شریعت است. در حوزه علمیه این سه رشته دیده می شود. بنابراین می توان گفت علم سودمند را باید در حوزه علمیه جستجو کرد. البته علوم دیگر نیز در جای خود برای بهبود و ضع مردم و رفع نیاز ها مفید است ولی در مقایسه با این سه در رتبه پایین تری قرار دارد.

۱۱ توبه ( ) آیه ۱۲۲.

۱۲ بحارالأنوار ج۱، ص ۲۱۳.

۱۳

اصول کافی، ج۱، ص ۳۷.

دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب ترین هستم. می خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در رشته های مهم دانشگاهی را داشته باشم و این دو برای من میسر نیست. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پرسش

دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب ترین هستم. می خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در رشته های مهم دانشگاهی را داشته باشم و این دو برای من میسر نیست. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

برادر گرامی! آرمان خواهی و کمال طلبی از ویژگی های دوران جوانی است و این مشخصه در شما به وضوح دیده می شود. البته تحصیل همه کمالات و خوبی ها و انتخاب بهترین ها یک خواسته و آرزوی تحقق ناپذیر است که تنها در عالَم رویا و تخیل پرورش می یابد، که متأسفانه به دلیل محدودیت ها

و موانع امکان ندارد ولی با واقع بینی و در نظر گرفتن شرایط می توان به بخش اعظمی از کمالات دست یافت.

در نامه از دو هدف بزرگ یعنی کسب مقامات معنوی و خدمت به نظام اسلامی یا کرده ایم که ترسیم این دو حاکی از روح متعالی و فکر بالنده شما است اما رسیدن به اهداف مذکور را به تحصیل در حوزه و رشته های خاص دانشگاهی موقوف دانسته اید، در حالی که به نظر می رسد در هر حال می توان به این دو منظور نائل شد. نه پیمودن مراتب سیر و سلوک منوط به تحصیلات حوزوی است و نه خدمت در خط مقدم تقویت نظام به تحصیلات دانشگاهی وابسته است. ما در طول تاریخ افراد بی نام و نشانی را می بینیم که حتی سواد خواندن و نوشتن نداشته اند ولی با سیر و سلوک و تهذیب نفس به مقامات معنوی دست یافته اند مانند مرحوم کربلائی کاظم، مرد بی سوادی که ناگهان حافظ قرآن کریم شد.(۱)

شهید رجایی بدون اخذ مدرک دکترا یا مهندسی در خط مقدم خدمت به نظام اسلامی قرار گرفت.

از طرفی آن چه به کار انسان اهمیت می دهد نیّت خالص و انگیزه پاک است. ما نباید ظاهر کار را ببینیم و یا رضایت و لذّت بردن خود را در نظر بگیریم. اگر مقصود کسی کسب رضایت الهی باشد، در حقیقت به موقعیت نهایی دست یافته است گر چه به حسب ظاهر جایگاه رفیعی را احراز نکرده باشد. اگر در اندیشه رسیدن به تعالی، اختیارات و شرایط و امکانات را در نظر نگیریم همواره در حسرت از دست دادن فرصت ها نگران خواهیم بود و آرامش روحی را از دست خواهیم داد.

با نگرشی که شما دارید حتی اگر به موفقیت های بزرگی دست یابید باز با مقایسه با مراحل دیگر احساس ناخرسندی خواهید کرد. البته همت بلند داشتن و به افق های دور نظر افکندن برای کسب موفقیت لازم است:

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

اما کسی که بیش از میزان توانایی و حد معقول اعتماد به خویشتن دارد و در این خصوص مبالغه و غلو می کند و راه افراط و گزافه در خوش بینی نسبت به خود می پیماید، چه بسا دچار خود برتربینی شود و به اشتباهاتی دست زند و یا به دلیل نرسیدن به اهداف خود، از زندگی لذّت نبرد و به دام افسردگی و پریشانی و اضطراب گرفتار آید. بنابر این به شما توصیه می کنیم با توجه به شرایط کنونی و امکانات موجود برنامه ریزی کنید و با تقلیل خواسته ها و در نظر گرفتن همه ابعاد و پرهیز از افراز و تفریط و احساس رضایت از زندگی، از ظرفیت موجود استفاده بیش تر ببرید و با جدّیت در

امر تهذیب و خدمت به جامعه در حدی که مقدورتان است اهتمام ورزید که خداوند بیش از توانایی از شما تکلیف نخواسته است.

پاورقی:

۱ – بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن، ج ۲، ص ۱۸۷۰.

آیا در حوزه علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟

پرسش

آیا در حوزه علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟

پاسخ

برادر گرامی! در حوزه علمیه چنین برنامه ای وجود ندارد و کلاس ها معمولاً حضوری انجام می شود، ولی اگربه دروس حوزه علاقه مند می باشید می توانید از نوارهای درسی حوزه استفاده کنید. کلیه دروس حوزه در نوار کاست در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم موجود است و با شرایطی به صورت امانی در اختیار شهرستانی ها قرار می دهد با شماره تلفن دفتر تبلیغات ۹۲ ۷۷۴۳۱۸۹ ۰۲۵۱ قسمت نوارخانه را بخواهید و جزئیات آن را جویا شوید. هم چنین معادل سازی دروسی مانند تاریخ اسلام عربی، اخلاق و غیره در حوزه صورت نمی گیرد.

دروس غیر حضوری حوزه در مؤسسه پژوهشی امام خمینی در قم به صورت رایگان و ارسال نوار مجانی در گرایش الهیات و معارف اسلامی دایر است. مدت دوره حدود ۴ سال است. برای اطلاع بیشتر می توانید با شماره تلفن ۲۹۳۲۳۲۸ تماس بگیرید.

در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرّم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیست ولی حقوق و اضافه کاریش را کامل می گیرد و با افراد شوخی می کنـد و گاهی دروغ می گوید! آیا می توانیم به ایشان اقتدا کنیم؟

پرسش

در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرّم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیست ولی حقوق و اضافه کاریش را کامل می گیرد و با افراد شوخی می کند و گاهی دروغ می گوید! آیا می توانیم به ایشان اقتدا کنیم؟

پاسخ

چون از نزدیک با روحانی مذکور آشنا نیستیم و اعمال و رفتار او را ندیده ایم نمی توانیم درباره او قضاوت کنیم. ولی روحانی باید در نظم وانضباط کاری و در اخلاق اسلامی و تواضع و فروتنی الگوی دیگران باشد. نیز در تقید به حلال و حرام و آداب اسلامی، سرآمد دیگران باشد. در روایت آورده است: "عالِمی که به علمش عمل نکند خداوند او را نابینا محشور می گرداند".

قرآن از کسانی که به گفتارشان عمل نمی کنند مذمت می کند."لم تقولون ما لا تفعلون".[۱] گرچه کلمه عالِم در روایت و این آیه شریفه مخصوص روحانی ها و کسانی که دروس دینی خوانده اند نیست و شامل همه درس خوانده ها می شود ولی روحانیون به این خطاب ها سزاوارتر هستند.

بدی و کوتاهی کردن در انجام وظایف و انجام خلاف قانون از آنان بسیار بد و مذموم است. البته روحانیون در ماه محرم و رمضان که ایام تبلیغی است وظیفه دارند به مناطقی که نیاز به روحانی دارد بروند اما باید این دو ماه را مرخصی بگیرند و بعداً جبران نمایند. در سایر ایام باید در انضباط کاری دقیق و قانون مند و منظم باشند.

در نماز جماعت باید امام جماعت عادل و با تقوا باشد و مأموم

عدالت امام جماعت را احراز کند. البته حُسن ظاهر و ندیدن گناه از او برای احراز عدالت کافی است. اگر شما شخصی را آدم ظاهر الصلاحی دیدید و گناهی از او ندیده باشید

می توانید به او اقتدا کنید، ولی اگر گناه از او دیده باشید نمی توانید به او اقتدا کنید.

[۱] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، عنوان ۲۸۹۵.

آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟

پرسش

آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟

پاسخ

در خصوص همآهنگی دروس حوزوی و دانشگاهی بیان نکات زیر ضروری است:

۱) علاقه و استعداد: ادامه تحصیل در دانشگاه و حوزه استعداد و قابلیت خاص خودش را می طلبد، زیرا دانشگاه ها زمان ها و کتاب های مخصوص خود را دارند. حوزه های علمیه نیز کتاب های خاصی داشته و زمان خاص خود را می طلبد؛ از این رو باید استعداد و علاقه وجود داشته باشد که بتوان از هر دو مرکز علمی بهره گرفت و علوم حوزوی و دانشگاهی را همآهنگ نمود و هر دو را در عرض هم پیشبرد و اگر نشد، در طول هم ادامه داد.

۲) همخوانی رشته ها: بی تردید برخی از رشته های دانشگاه ها و حوزه های علمیه همسویی ندارد، مانند رشته اصول فقه در حوزه با رشته برق و الکتروتکنیک. البته برخی از رشته های حوزوی با علوم و رشته های دانشگاهی همسویی دارد؛ مانند رشته ادبیات عرب با رشته ادبیات در حوزه علمیه یا فقه و حقوق با حقوق دانشگاهی. اگر رشته های حوزوی با دانشگاه تا اندازه ای همسویی داشته باشد، می توان ادامه تحصیل را همآهنگ نمود.

۳) شناخت شرایط و معیارهای حوزه: برای تحصیل درحوزه باید شرایط و امکانات و اهداف آن را شناخت. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص شرایط و تحصیل در حوزه باید با مرکز مدیریت حوزه مکاتبه نموده و معیارها و شرایط خویش را با آن مرکز همسو نمایید.

۴) نظریه نهایی: به نظر می رسد با توجه به گستردگی

علوم حوزوی و دانشگاهی و عدم موفقیت در تحصیل علوم مختلف، اگر تحصیل در رشته های خاص متمرکز گردد، بهتر است، زیرا چند کتاب از حوزه خواندن و چند کتاب از دانشگاه خواندن، نوعی پراکندگی در تحصیل است که با تحصیلات قانون مند همخوانی ندارد. البته دانشگاهیان با حوزویان می توانند تبادل اطلاعات داشته و از علوم همدیگر آگاهی یابند؛ زیرا در حوزه های علمیه برخی از رشته ها با علوم دانشگاهی همخوانی دارند. از سوی دیگر آشنایی دانشجویان با نظام آموزشی حوزه و آشنای حوزویان با نظام آموزشی دانشگاه بهترین راهکار جهت وحدت حوزه و دانشگاه خواهد بود.

مشتاق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزه علمیه هستم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسّر است؟

پرسش

مشتاق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزه علمیه هستم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسّر است؟

پاسخ

برادر گرامی! با آرزوی توفیق و سلامتی برای شما از این که مشتاق تحصیل و سکونت در شهر مقدس قم هستید به شما تبریک می گوییم. پاسخ تمام سؤال های شما در برگه پذیرش و نحوه ثبت نام در حوزه علمیه قم موجود است که برایتان ارسال می شود. اگر نیاز به پاسخ خاص و یا توضیح بیشتری داشتید، می توانید با شماره تلفن های موجود در برگه ارسالی، یا مرکز مدیریت حوزه تماس بگیرید. البته شرایطی که معمولاً هنگام پذیرش برای هر کاری وجود دارد، نسبت به افراد عادی، روی روال عادی می باشد، ولی در مورد شما مسئله فرق می کند و به کوشش و جدّیت زیادی نیاز دارد، گویا وارد شهری شده اید و باید از صفر شروع کنید و مسائلی چون مسکن، شغل، درآمد و غیره را در نظر بگیرید. در عین حال مقصد و هدفی مترقی و متعالی دارید. امید است با کمک و مدد الهی به آن چه می خواهید برسید. با توجه به این که شاغل هستید می تانید با حوزه علمیه شهرتان تماس بگیرید و دروس حوزه را با استفاده از استاد فرا گیرید.

علاقه به درس خواندن در حوزه علمیه را دارم اما به علت بالا بودن سن مورد پذیرش قرار نگرفتم در صورت امکان راهنمایی نمایید.

پرسش

علاقه به درس خواندن در حوزه علمیه را دارم اما به علت بالا بودن سن مورد پذیرش قرار نگرفتم در صورت امکان راهنمایی نمایید.

پاسخ

خواهر گرامی! حوزه علمیه مانند مراکز فرهنگی دیگر شرایط و ضوابط خاص خود را دارد و یکی از آن ها شرط سنی است. این قانون برای حوزه هایی که تحت برنامه و زیر نظر حوزه علمیه قم هستند، جاری است و حوزه علمیه شهرستان نمی تواند بر خلاف این مقررات عمل نماید. اگر به فراگیری دروس حوزوی

علاقه مندید، باید از اساتید و علمای شهرتان استفاده کنید، حتی از خواهرتان که درس می خواند، می توانید یاد بگیرید و یا استاد خصوصی بگیرد و یا از حوزه شهرتان بخواهید به طور غیر رسمی در کلاس درس شرکت کنید و در بخش غیر حضوری جامعه الزهرا شرکت نمایید. این مرکز در قم قرار دارد و با امتحان ورودی افراد را بر می گزیند و به صورت مکاتبه و ارسال کتب و جزوه و نوار، دروس حوزه را در اختیارشان قرار می دهد ولی مدرك معتبری ندارد، گرچه می تواند در اولویت استخدام قرار بگیرد. برای آشنایی شما با این مرکز اطلاعیه ای را ضمیمه نامه می کنیم.

در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقه خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوه ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید.

پرسش

در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقه خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوه ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید.

پاسخ

برادر گرامی! ثبت نام و حضور در حوزه مقدسه قم با محدودیت های خاص همراه است. داشتن سنّ و نمرات درسی مناسب و دیگر شرایط مربوطه، الزامی است. در هر حال تلاش و جدیّت و نیز علاقه ای که به فراگیری تحصیل در حوزه های دینی را دارید، قابل تحسین و تقدیر است.

شما اکنون مشغول تحصیل در دانشگاه می باشید و لازم است از فرصت پیش آمده حداکثر استفاده را بکنید و با توجه به این که دارای روحیه مذهبی و معنوی هستید از این موهبت بهره جسته و در خدمت جامعه اسلامی باشید. در عین حال چون مشتاق تحصیل در حوزه مقدسه اسلامی هستید، می توانید از طریق برگه ارسالی به وضعیت ثبت نام حوزه آشنا شوید و یا با شماره تلفن ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۹۷۱ پذیرش حوزه علمیه تماس بگیرید.

چرا مرکز مدیریت حوزه علمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟

پرسش

چرا مرکز مدیریت حوزه علمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟

پاسخ

با توجه به زیاد بودن متقاضـی تحصـیل در حوزه علمیه قم و نبودن امکانات کافی برای پذیرش همه، بهناچار باید برای پذیرش شرایطی باشـد تا از بین متقاضـیان، واجـدین شـرایط و صاحب امتیازهای بیشتر و بهتر برای تحصـیل گزینش شونـد، ماننـد همه مراکز علمی و دانشـگاهی. بنابراین نپذیرفتن همه داوطبان تحصیل در حوزه علمیه قم به لحاظ نبودن امکانات است، نه به خاطر طرد آنان و نبودن علاقه به تحصیل آنان.

شرایط تحصیل آزاد در حوزه علمیه قم چیست؟

پرسش

شرایط تحصیل آزاد در حوزه علمیه قم چیست؟

پاسخ

تحصیل آزاد هیچ گونه شرطی ندارد. فقط باید هزینه زندگی در قم را از قبیل اجاره خانه و مخارج روزانه، خود محصّل فراهم نمایـد. یادآوری می شود کسـی که مایل به رشـته علوم حوزوی می باشد، بهتر است مقدمات را در شـهر و دیار خود تحصـیل نماید و برای ادامه تحصیل به قم مشرف شود.

چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟

پرسش

چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟

پاسخ

شهر های دیگر که دارای مدرسه های علمیه اند، به ویژه مشـهد مقدس و اصفهان که نام برده اید، اکثراً زیر نظر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم می باشد و تحت برنامه این مدیریت اداره می شوند.

دختری هســـتم بیست و دو سال دارم. ترک تحصـــیلی سال اوّل دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیل دهم. علاقه دارم در جامعه الزهرا ادامه تحصیل دهم. لطفاً در مورد شرایط ثبت نام توضیحاتی بدهید.

پرسش

دختری هستم بیست و دو سال دارم. ترک تحصیلی سال اوّل دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیل دهم. علاقه دارم در جامعه الزهرا ادامه تحصیل دهم. لطفاً در مورد شرایط ثبت نام توضیحاتی بدهید.

پاسخ

شرکت در حوزه علمیه خواهران (جامعه الزهراء) شرایطی دارد. جهت آگاهی از شرایط و برنامه های جامعه اطلاعیه پذیرش به پیوست ارسال می گردد. در صورت ابهام با شماره تلفنی که داده شده، تماس بگیرید.

طلبه با مدرک سیکل با طلبه با مدرک دیپلم پایه شش حوزه را به اتمام می رسانند. آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می کنند؟ آیا هر دو را مدرک لیسانس می دهند یا تفاوت دارند؟

پرسش

طلبه با مدرک سیکل با طلبه با مدرک دیپلم پایه شش حوزه را به اتمام می رسانند. آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می کنند؟ آیا هر دو را مدرک لیسانس می دهند یا تفاوت دارند؟

پاسخ

طلبه هایی که پایه شش حوزه را اتمام می کنند، چه دیپلم و چه سیکل داشته باشند، از نظر مدرک حوزوی یکسان هستند. برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن ۴-۷۷۴۰۹۷۱ قسمت مدارج علمی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

آیا در قم به طلبه دختر شهریه می دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می دهند؟

پرسش

آیا در قم به طلبه دختر شهریه می دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می دهند؟

پاسخ

به طلاب دختر مقداری شهریه پرداخت می کنند. مقدار آن بستگی به سال تحصیلی و درجات علمی دارد.

به طلاب متأهل مسکن نمی دهند، گر چه فعلاً شهرکی در اطراف قم ساخته شده که با شرایطی به برخی از طلاب متأهل به طور موقت خانه هایی داده می شود. برای اطلاع بیشتر به شماره تلفن ۲۹۲۵۱۱۱ جامعه الزهرا تماس بگیرید.

جهت ارتباط مستمر با حوزه علمیه قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید.

پرسش

جهت ارتباط مستمر با حوزه علمیه قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید.

پاسخ

می توانید با مرکز مطالعات و پژوهش های مرکز مدیریت حوزه علمیه قم به نشانی قم ص . پ ۴۴۶۶ ۳۷۱۸۵ مکاتبه کنید. شماره تلفن دفاتر برخی از مراجع عظام تقلید به شرح زیر است:

۱ دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۷۷۴۶۶۶۶ ۷۴۷۴

۲ دفتر آیت الله فاضل لنکرانی ۷۷۲۰۵۰۰

۳ دفتر آیت الله مکارم شیرازی ۷۷۴۳۱۱۱

۴ دفتر آیت الله نوری همدانی ۷۷۴۱۸۵۰

۵ دفتر آیت الله بهجت ۷۷۰۲۲۲ ۷۷۴۰۲۲۰

لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟

پرسش

لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟

پاسخ

در حوزه تعلیماتی اسلام در خصوص چگونگی گزنیش لباس و انتخاب رنگ آن شرایط و آداب خاص پیش بینی شده است در برخی از روایات به پوشیدن برخی از لباس ها سفارش شده است بزرگان دینی نیز از آنها بهره می گرفتند تا به عنوان سنت

پـذیرفته گردنـد و مقبول جامعه شود. از جمله لباس هایی که در آموزه های دینی بدان سـفارش شده عمامه است پیامبر اسـلام (ص فرمود: "تفاوت میان ما و مشـرکان عمامه روی کلاه است . از جابر نقل شـده است که چون پیامبر (ص در فتح مکه وارد شهرشـد، عمامه سـیاه بسـر داشت همچنین از پیامبر (ص گزارش شـده است که در روی غدیر عمامه ای برسـر علی (ع بست و دور سر آن را بین دو کتف او رها نمود.

بزرگان دین و علمای اسلامی و حتی مردم عادی در طول تاریخ از عمامه استفاده می کردند، اگر چه رنگ پارچه و نحوه بهره گیری از آن به حسب شـرایط زمان و مکان تفاوت داشته است تاید بر اساس سفارش معصومان (ع ، بوده است که علمای دین از عمامه بهره گرفته اند.

امروزه روحانیت از عمامه اسـتفاده می کنند تا عملاً اثبات کنند که به پیامبر اسلام و معصومان دیگری اقتدا نموده اند. از سوی دیگر عمامه یکی از شاخصه هایی به حساب می آید که بوسـیله آن می توان کارشناسان و متخصصان دین را شناخت پوشیدن این لباس موجب می شود که روحانیت شناخته شده و مردم مسایل دینی و شرعی خویش را از آنان پرسیده و احکام

اسلامی را از آنان یادگیرند. از جهت دیگر به جهت شباهت رساندن به لباس پیامبر در جامعه از قداست بر خوردار است

پوشیدن عمامه اختصاص به روحانیت ندارد، بلکه افراد دیگر جامعه نیز از آن استفاده می کنند. امروزه در برخی از روستاهای ایران از عمامه استفاده می کنند، حتی در جوامع دیگر از عمامه استفاده می کردند اگر چه استفاده از آن رواج وگسترش نیافت

استفاده از عبا نیز پیشینه طولانی دارد. میان اعراب به خصوص اعراب بدوی بهره گیری از عبا رواج داشته و در کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی نیز رایج است حتی برخی از زنان عرب از آن استفاده می کنند. در ایران عبا از نشانه های علمای دین به حساب آمده و معمولاً آن ها از این لباس استفاده می کنند.

در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟

پرسش

در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟

پاسخ

حوزه علمیه خواهران مثل حوزه علمیه برادران سطح خاصی ندارد. هر طلبه ای با توجه به شرایط خودتا جایی که استعداد و ظرفیت دارد، می تواند درس را ادامه دهد. اما بعضی مراکز حوزوی مانند جامعه الزهراء دوره های خاصی را برای تحصیل خواهران در نظر گرفته اند، مثل دوره چهار ساله برای خواهرانیکه به طور حضوری به تحصیل می پردازند و دوره هفت ساله برای کسانی که به صورت غیر حضوری از طریق نوار و جزوه به تحصیل می پردازند. البته برای طلبه هایی که حضوری درس می خوانند، مسکن و شهریه در نظر گفته شده است

اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی "الهیات" مشغول انجام وظیفه هستم. آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق لیسانس یا دکترا بگریم! اگر می توانم در کجا و با چه شرایطی؟

پرسش

اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی "الهیات" مشغول انجام وظیفه هستم. آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق لیسانس یا دکترا بگریم! اگر می توانم در کجا و با چه شرایطی؟

پاسخ

خوانـدن دروس حوزوی برای همگـان آزاد است. می توانیـد همراه با کارتان درس های حوزوی را بخوانیـد. برای این کار در شهرتـان اگر حوزه علمیه هست یـا عـالِم و روحانی با سوادی هست، می توانیـد با هماهنگی او درس های حوزوی را بخوانیـد. اگر درس های حوزوی را خوب بخوانیـد، به راحتی و آسانی می توانید در امتحان کارشناسـی ارشد دانشـگاه شـرکت کرده و قبول شوید

و مدرک فوق لیسانس یا دکترا از دانشـگاه بگیرید.برای اطلاعات بیشتر در این زمینه با مرکز مدیریت حوزه علمیه قم به شماره ۷۷۴۰۹۶۶ و ۴ ۷۷۴۰۹۱۷ تماس بگیرید.

اگر بخواهیم دروس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور

پرسش

اگر بخواهیم دروس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور

پاسخ

تحصیل دروس حوزوی از دو طریق ممکن است: ۱ – طبق مقررات و شرایط مدیریت حوزه های علمیه که شرایط آن همه ساله در روزنامه ها اعلام می ود؛ نیز می توانید از حوزه علمیه محل سکونت خود سؤال بفرمایید.

۲ – آزاد. بدین صورت که به حوزه علمیه محل سـکونت خود مراجعه نموده و با هماهنگی یکی از اساتید روحانی تحصـیل را شروع کنید، یا مراکزی که به صورت غیر حضوری ثبت نام می کنند و امکانات را در اختیار شخص قرار می دهند.

چگونه می توانم از دروس حوزوی بهره مند شوم؟ آیا با وجود داشـتن لیسانس می توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه ای دروس حوزوی بخوانم؟

پرسش

چگونه می توانم از دروس حوزوی بهره مند شوم؟ آیا با وجود داشـتن لیسانس می توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه ای دروس حوزوی بخوانم؟

پاسخ

افرادی که لیسانس دانشـگاهی دارنـد، برای فراگیری دروس حوزوی بایـد از ابتدا شـروع کنند، یعنی حوزه لیسانس را به منزله

مقطع کارشناسی حوزه نمی شناسد تا به مقطع کارشناسی ارشد راه یابند. بنابراین افرادی که لیسانس دارند، با افرادی که دیپلم دارند، از نظر حوزه یکسان اندو طبق برنامه باید دروس منظور شده را پشت سر بگذارند. اگر به دروس حوزه علاقه مندید می توانید به صورت انفرادی عمل نمایید، به این شکل که با استادی از حوزه هماهنگ کنید و در درس ایشان حاضر شوید و یا به طور مستمع آزاد از دروس ایشان استفاده نمایید.

حوزه علمیه برادران برنامه مکاتبه ای برای داوطلبان ندارد و همه مراحل حضوری انجام می گیرد.

اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله ام و الحمدللّه از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می باشم، ولی به علّت سن زیاد، قادر به تحصیل در دوره روزانه نمی باشم. خواهشمندم در خصوص چگونگی تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه، بدون توجّه به مدرک و شهریه ا

پرسش

اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله ام و الحمدللّه از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می باشم، ولی به علّت سن زیاد، قادر به تحصیل در دوره روزانه نمی باشم. خواهشمندم در خصوص چگونگی تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه، بدون توجّه به مدرك و شهریه اینجانب را راهنمایی فرمایید.

پاسخ

برادر بزرگوار! ضمن تقدیر و تشکر از اعتماد و مکاتبه شما با این مرکز و آرزوی توفیق و موفقیت بیشتر برای شما از درگاه حضرت احدّیت.

با توجه به شوق و علاقه ای که در شما نسبت به تحصیل در حوزه علمیّه و استفاده معنوی و علمی از حوزه وجود دارد، پیشنهاد می کنیم در وهله اوّل به حوزه علمیه شهر یا مرکز استان خودتان مراجعه نموده و در این خصوص با علما و مسئولان محترم حوزه آنجا صحبت و مشورتی داشته باشید. اگر بخواهید از مباحث علمی و دینی حوزه علمیه قم استفاده بیشتری را ببرید، بعضی از مؤسسات و مراکز، همانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (که تحت نظر حضرت استاد آیه اللّه مصباح یزدی اداره می شود) وجود دارد که به صورت غیر حضوری و پاره وقت و از طریق آزمون و امتحان، اقدام به جذب افرادی همانند شما می نماید.

برای پی بردن بیشتر به جزئیات این مراکز می توانید با شماره مرکز مدیریّت حوزه علمیه قم ۷۷۴۰۹۷۱-۴ -۰۲۵۱ معاونت آموزش و یا پذیرش، تماس حاصل فرمایید.

در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه مند به گذراندن دروس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اوّلاً ورود به حوزه چه شرایطی دارد و چه مراحلی را باید گذراند، ثانیاً آیا با تحصیلات حوزوی، اشتغال به کار در رشته تحصیلاتم برایم مقدور است؟

پرسش

در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه مند به گذراندن دروس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اوّلاً ورود به حوزه چه شرایطی دارد و چه مراحلی را باید گذراند، ثانیاً آیا با تحصیلات حوزوی، اشتغال به کار در رشته تحصیلاتم برایم مقدور است؟

پاسخ

برادر گرامی! از ارتباط و اعتماد شما تشکر می کنیم.

پذیرش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم هر سال همزمان با ثبت نام از دانش آموزان و دانشجویان در سطوح مختلف، تعدادی از فارغ التحصیلان دانشگاه را که دارای مدرک کارشناسی هستند، پذیرش می کند.

می توانید به مرکز فوق مراجعه کنید واطلاعات و فرم ثبت نام را دریافت دارید، یا با شماره تلفن ۷۷۴۰۹۶۶ و ۷۷۴۰۹۷۱-۴ تماس بگیرید.

حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟

پرسش

حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟

پاسخ

حوزه علمیه نجف توسط شیخ الطایفه، محمد بن حسن طوسی، در سال ۴۴۷ یا ۴۴۹ هجری قمری تأسیس شد.

توضیح این که در سال ۴۴۷ طغرل بیک سرسلسله سلجوقیان به بغداد حمله کرد و بر دولت بویهیان (آل بویه) پیروز گردید. لشکر ترکان سلجوقی به محله های شیعه نشین بغداد، از جمله محله های "کرخ" یورش بردند. کتابخانه مهم شیخ الطایفه را که در این محله بود به آتش کشیدند که ضربه سهمگین بر فرهنگ اسلامی و شیعی به شمار می آید.

شیخ طوسی با ستم های فراوان ترکان سلجوقی نتوانست در آن جا بماند و به فعالیت های فرهنگی خویش بپردازد؛ ناچار به جوار مرقد امام علی(ع) نجف اشرف هجرت نموده بعد از هجرت ایشان به نجف و برقراری کرسی تدریس، طالبان علوم و معارف اسلامی از هر سو به نجف رو آوردند. از آن تاریخ تاکنون حدود هزار سال می گذرد، حوزه علمیه نجف یکی از مهم ترین حوزه های علمیه شیعه به شمار می آید.(۱)

پی نوشت ها:

۱ – غلام حسین مصاحب، دائرهالمعارف فارسی، ج ۳، ص ۳۰۱۱؛ عباس علی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص ۳۲ و ۳۳.

حوزه علمیه قم در چه تاریخی تأسیس شد؟

پاسخ: در مورد شهرستان قم اجمالاً به اطلاع می رسانیم: در قرن اول اسلامی قبیله اشعری که خاندان بزرگی از شیعیان یمن بودند و نسبت به خاندان پیامبر اسلام(ص) مهرورزی داشتند، به جهت ظلم حاکمان ستمگر به قم مهاجرت نمودند و یا تبعید شدند. از این پس قم به عنوان آشیانه آل محمد و یکی از مراکز علم و حدیث و معارف شیعی نمودار گشت و از همان قرن های اول عالمان بزرگی

همانند ابن بابویه، شیخ صدوق، ابن قولویه، علی بن ابراهیم قمی ذکریا ابن آدم از این شهر برخاستند و یا رحل اقامت افکندند.

از آن تاریخ تـاکنون، همواره و در هر عصـری شـهر قم از رجـال علمی و دینی بهره منـد بوده، اما با این همه خصوصـیات، در تاریخ دیده نشده است که قم در قبال حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف مستقلاً مرکز دانش به شمار آید.

تا این که در سال ۱۳۳۷ هجری قمری مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد بافقی از نجف اشرف به قم مهاجرت نمود و از عالمان بزرگ شـهر خواست که به تأسـیس حوزه علمیه قم مبادرت ورزنـد. آنان از این خواسـته امتناع نمودند و گفتند: ما در این کار پیش قدم نمی شویم، اما اگر فرد برجسته ای از نظر علم و تقوا از خارج قم به این شهر مهاجرت نماید و به تأسیس حوزه علمیه اقدام نماید، کمکش کرده و از حمایت او دریغ نمی ورزیم.

مرحوم بافقی پیشـنهاد نمود که از آیت الله شـیخ عبدالکریم حائری یزدی که در شهرسـتان اراک به تدریس علوم دینی مشغول بود، رسـماً دعوت به عمـل آیـد که به قم هجرت نمایـد و حوزه علمیه قم را تأسـیس کنـد. علمـای قم از این پیشـنهاد اسـتقبال کردند ایشان را. ایشان در سال ۱۳۴۰ هجری قمری برابر با ۱۳۰۱ هجری شمسی به قم هجرت نمود.(۱) درپی آن علمای دیگر نیز به قم آمدند و امر تعلیم و تربیت و فقه در حوزه علمیه قم رواج یافت.

تاکنون حوزه علمیه قم به عنوان یکی از حوزه های علمیه بزرگ شیعه در نورافشانی و هدایت جهان اسلام نقش بزرگی دارد.

نتیجه این که: حوزه

علمیه قم در سال ۱۳۴۰ هجری قمری تأسیس شده ومؤسس آن مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی است.

پی نوشت ها:

۱ - آثار الحجه، محمد رازی، ص ۱۳ - ۱۵.

تفاوت بین ثقهالاســلام، حجهالاسلام، آیت الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان پذیر است؟

پرسش

تفاوت بین ثقهالاسـلام، حجهالاسـلام، آیت الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسـیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان پذیر است؟

پاسخ

در طول تاریـخ همواره و هر زمان گروهی از مردم از خدا و دین از ارزش های دینی حمایت کرده و خود را وقف نشـر و تبلیغ و دفاع از دین نموده اند.

قرآن از این گونه افراد و کلیه کسـانی که حامی دین بوده انـد "ربی" و "ربّیون" تعبیر کرده: "و کاین من نبیّ قاتل معه ربیون کثیر فمـا وهنوا لمـا اصابهم فی سبیل الله؛(۱) چه بسـیار پیـامبرانی بودنـد که به کمک آنان انسان های فراوان شـتافتند، پس در مصـیبت هایی که به آنان وارد شـده است سـست نشده اند و اسـتقامت ورزدند. در جای دیگر می فرماید: "کسانی که رسالت های الهی را تبلیغ می کنند و از خدا می ترسند و به جز او از هیچ کس هراسی ندارند".(۲)

این گونه افراد همواره مورد احترام متدینان بوده اند و آنان را به نام ثقهالاسلام یا حجهالاسلام یا آیت الله احترام کرده اند. این تعبیرهـا از سوی مردم به عنوان احترام و تکریم بوده و همه این الفاظ حاکی از احترام است. در زمان ما برای عالمانی که کمتر علم دارند، تعبیر حجهالاسلام یا ثقهالاسلام می کنند.

برای افرادی که مجتهد و صاحب نظر در مسایل دینی شده باشـند، آیت الله و برای آنان که عالم تر و به درجه مرجعیت رسیده اند، آیت الله العظمی اختصاص می دهند. این عنوان ها بیانگر مقام و منصب خاصی نیست.

برای رسـیدن به مراتب علمی حوزوی باید سالیان دراز به درس و بحث و تدریس مشـغول بود و بدون شـرکت در کلاس های درس و بدون مباحثات علمی، رسیدن به این درجات علمی ممکن نیست.

پی نوشت ها:

آل عمران(۳) آیه ۱۴۶.

۲ – احزاب (۳۳) آیه ۳۹.

اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می توانم در حوزه های علمیه تحصیل کنم؟

پرسش

اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می توانم در حوزه های علمیه تحصیل کنم؟

پاسخ

اگر سنّ و سال شما زیاد نیست، می توانید در امتحان ورودی حوزه ها (تارخ آن رادر روزنامه ها اعلام می کنند) شرکت کنید. اگر قبول شدید بعد از مصاحبه ای ، شما را برای تحصیل در حوز? علمیه می پذیرند. البته باید دارای شرایط مندرج در اطلاعی? پذیرش باشید.

می توانید به طور آزاد با هماهنگی یکی از مدارس علمی? شهرتان یا با یک روحانی، درس های حوزوی را بخوانید، در ضمن به شغل و کار خود نیز مشغول باشید. جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۷۴۰۹۷۱ – ۷۷۴۰۹۶۶ شورای مدیریت حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دار... شخصی که طلبه می شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را

باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا نااگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می بایست در این راه قاطعانه تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نبایـد از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسـلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خـدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسـلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی توانـد مـورد قبـول باشـد. از مهم ترین آفـات این تفکر، جـدایی انـداختن بین دین و روحـانیت است واین فکر اشـتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

اشاره

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص

پرسش

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم.

پاسخ

از احادیث موجود در کتب روایی شـیعه و سنّی استفاده می شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت معصومان ع) است؛ از آن جمله:

۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم(ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکّه عمامه ای مشکی بر سر داشت.(۱)

علی(ع) فرمود: "رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، عمامه ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه فرمود: "خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمّم بودند".(۲)

۲- اصبغ بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین(ع) به شمار می رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی(ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت.(۳)

۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعه بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعه را به حضور علی(ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت.

ربیعه (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛ امیرالمؤمنین(ع) (با

بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعه) عبای خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید.(۴)

بنابراین از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت:

پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت پیامبر و امامان(ع) را تشکیل می دهد.

تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنّت پیامبر(ص) و امامان(ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی وانتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد.

پاسخ سومین سؤال فرعی:

در سؤال مطرح کرده اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان و تشریح یک روایت می پردازیم:

حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق(ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته اند که علی(ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می پوشیده و شما را می بینیم که لباسی نیکو پوشیده اید.

امام صادق(ع) در پاسخ این اعتراض فرمود: "علی بن أبی طالب علیه السّلام لباس با آن ویژ گی ها

را در زمانی می پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی آمد، امّا امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است".(۵)

این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آیـد، نفی کرده است. امّیا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین(ع) شباهت داشته و به لباس های سنّتی ایرانیان نیز شباهت بیشتری دارد.

پی نوشت ها:

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶.

۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴.

۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹.

۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟

پرسش

چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟

پاسخ

ثبت نام و حضور در حوزه مقدسه قم با محدودیت های خاص همراه است. داشـتن سنّ و نمرات درسی مناسب و دیگر شرایط مربـوطه، الزامی است. در هر حـال تلاـش و جـدیّت و نیز علاـقه ای که به فراگیری تحصـیل در حوزه هـای دینی داریـد، قـابل تحسین و تقدیر است.

اکنون مشغول تحصیل در دانشگاه می باشید و لازم است از فرصت پیش آمده حداکثر استفاده بکنید. با توجه به این که دارای روحیه مذهبی و معنوی هستید از این موهبت بهره جسـته و در خدمت جامعه اسـلامی باشید. در عین حال چون مشتاق تحصیل در حوزه هستید، می توانید با شماره ۷۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱

پذیرش حوزه علمیه تماس بگیرید.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا نااگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می بایست در این راه قاطعانه تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نبایـد از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسـلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خـدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسـلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی توانـد مـورد قبـول باشـد. از مهم ترین آفـات این تفکر، جـدایی انـداختن بین دین و روحـانیت است واین فکر اشـتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

منظور از دور? غیر حضوری پنج سال? کوتاه مدت حوز? علمیه چیست؟

پرسش

منظور از دور? غیر حضوری پنج سال? کوتاه مدت حوز? علمیه چیست؟

پاسخ

طرحی در حوز? علمیه قم به عنوان "سفیران هدایت" وجود دارد که گروهی از طلاب به مدت پنج سال تحت آموزش فشرده برای اعزام به منـاطق و شـهرها و روسـتاها اجرا می شود. این دوره حضوری است، نه غیر حضوری، امّـا آنچه به عنوان تحصـیل غیر حضوری بیان شده، تنها مربوط به تحصـیل سطح خاصی از حوزه است بر اساس سطح بندی صورت گرفته در حوزه که به صورت پایه درسی، تعریف شده، فقط از پای? ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ را می توان به صورت غیر حضوری شرکت کرد.

ولی از پای? ۱ تا ۷ باید حتماً در حوزه به صورت حضوری باشد.

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۷۴۰۹۷۱ داخلی ۲۴۹ بخش آموزش تماس حاصل نمایید.

جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می دهند

پرسش

جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می دهند

پاسخ

جامعه منهای روحانیت یعنی جامعه ای که

روحانیت در آن محدود و محصور و کنار گذاشته

شده باشد و دخالتی در حکومت و سیاست آن

جامعه نداشته باشد.

این شعار همه کسانی است که با ((حاکمیت

دینی)) در جامعه مخالف هستند.

نیروهای ضد دین و خدا ؤ نیروهای ملی

مذهبی که دین را برای اداره جامعه نمی دانند و تفکر

جدایی دین از سیاست دارند هم صدا با دشمنان

این شعار را کم و بیش داشته اند.

مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است ؟

پرسش

مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است ؟

پاسخ

سخنرانی فرد مذکور (آقای سروش) که درمجله کیان ش۲۴ چاپ گردیده از جهات مختلفی خدشه پذیر است. البته چیزی که مارا از نقد جامع آن بی نیاز می سازد فرومایگی عقلانی و علمی شدید آن است. به گونه ای که هرخواننده ای به روشنی می تواند اشکالاتی چند از آن را دریابد. در این جا تنها به پاسخ جملاتی چند که در نامه جناب عالی نقل گردیده بسنده می کنیم: «کاری را که پیامبران بی اجر و مزد انجام می دادند روحانیون وسیله امرار معاش قرارداده اند».

۱ در این سخن بین دو نکته تمایز نهاده نشده است: الف) چیزی را وسیله ارتزاق قراردادن ب) ارتزاق جبری ازاشتغال به چیزی.

توضیح: الف) وسیله قراردادن چیزی برای ارتزاق به این معناست که ابتدا انسان هدف را کسب منافع مادی (مثلاـ درآمد

اقتصادی) قرار دهد و برای نیل هر چه بهتر و بیشتر بدان راهی را برگزیند. مانند اینکه رشته پزشکی را انتخاب کند به دلیل آن که پول سازتر است. در این جا قداست این رشته و اهمیت آن در خدمت به جامعه مورد نظر نیست. بلکه از آغاز هدف درآمد مادی است و آن علم تنها وسیله و آلت برای رسیدن به پول است.

ب) ارتزاق جبری از اشتغال به این معناست که شخص به جهت اشتغال دائمی به چیزی نهایتا از همان طریق کسب معیشت کند هر چند هدفش ارتزاق نباشد. در همان مثال فوق می توان پزشکی را مثال زد که عمری برای خدمت به جامعه تلاش می کند و هدفی نیز جز خدمت ندارد. ولی در عین

حال وسیله کسب روزی و نیازهای مادی اش نیز از همین طریق است. در دو مثال فوق اصل ارتزاق از معیشت مشترک است. در عین حال شکل اول آن امری غیر اخلاقی و ناستوده است و شکل دوم آن اخلاقی و مورد ستایش. اکنون باید دید در مورد روحانیت کدامیک از دو مورد فوق صدق می کند:

الف) اگر ایشان مدعی باشند که حرکت روحانیت از قسم اول است بهترین دلیل بر رد آن شیوه و سلوک روحانیت در اعصار مختلف تاریخی است تا آنجا که ما اطلاع داریم حتی افرادی از روحانیت که تا حدودی از زی روحانی فاصله گرفته اند نیز به جهت در آمد مادی به سمت روحانیت نگرویده اند و بسیار کمیاب و نادرند عناصری که از پی دنیای مادی به سمت علوم دینی بگروند و با دین تجارت دنیا کنند

ب) اگر مقصود ایشان ارتزاق به نحو دوم باشد باید گفت چنین چیزی واقعیت دارد بالاخره روحانیت همان طور که چوب دین را خورده و برایش در طول تاریخ شکنجه ها دیده و زجرها و تبعیدها و زندانها و بر سر دار رفتن ها را تحمل کرده به ناچار لقمه نانی نیز در کنار آن خورده است اما این نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه ضرورتی گریز ناپذیراست و برای تغییر آن تاکنون هیچ طرحی معقول به دست نیامده است زیرا:

۱) یا باید امر تبلیغ دین را به موجوداتی ذاتا فاقد نیازهای مادی و معیشتی واگذار گردد یعنی ملایک آسمان این رسالت را به عهده گیرند و بار این تکلیف گران را از دوش عالمان دین برگیرند چنین چیزی محال است.

۲) عالمان دین و

روحانیون به تمام نیازهای مادی خویش پشت پا زننـد و در دنیا به روی خود بندنـد هر چند مرگ آنان در رسد و جان به جان آفرین تسلیم کنند چنین چیزی نیز خلاف عقل و دین است.

۳) بساط روحانیت و تحقیقات و پژوهشـها و تبلیغات دینی را برچید که این نیز خلاف نص آیه شریفه قرآن است آنجا که می فرماید : فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم ... (توبه۱۲۲)

۴) نیازهـای روحـانیون از طریق نهـاد یـا سازمـانی دولتی یـا مسـتقل تامین شود که این نیز سـرانجام همان ارتزاق از دیناست و مطلوب صاحب مقاله حریت و روحانیت نیست.

۵) طرحی که مطلوب آقای سـروش می باشـد آن است که عالمان و مبلغان دین از طرق دیگری به کسب روزی بپردازند مثلا به حرفه ای لزوما غیر دینی اشـتغال یابند و در کنار آن به تحقیق و فعالیتهای دینی نیز بپردازند امتیاز این روش به نظر ایشان آن است که پاک باختگان و عاشـقان به کسوت تبلیغ دین درخواهنـد آمـد و سوداگران از این جلگه رخت برخواهنـد بست لیکن مشـکل اساسـی آن است که گسترد گی و فراخنـای علوم اسـلامی چنان است که اکثر عالمان دین با آنکه تمام عمر خویش را قعرپیمـایی در ژرفنـای این اقیانوس بی کران نموده وتا آخرین لحظات حیات خود با زحمات شـبانه روزی به تحقیق و پژوهش می پردازنـد باز خود را در برابر فضای بی منتهایی می بیند که رسـیدن به بلندای آن عمری چند هزار ساله می طلبد و همه این تلاشها در برابر آن ناچیز و کم مقدار است بنابراین روش پیشنهادی فوق ثمری جز ناکام

گذاردن و رها کردن تحقیقات و فعالیتهای ژرف دینی و تنها به چند مساله سطحی و عامیانه پرداختن و ره سپردن به سوی پیشنهاد سوم چیز دیگری نیست. افزون بر مطالب بالا نقوض و ایرادات دیگری بر سخن ایشان وارد است از جمله:

۱) ایشان ارتزاق از دین را چنان که در پایان مقاله اشاره کرده اند تنها به درآمد اقتصادی نمی دانند بلکه موقعیت اجتماعی و سیاسی و ... را نیز جزء آن می شمرند در حالی که یافتن موقعیت برتر اجتماعی در پرتو علم دینی در جامعه دینی امری طبیعی است.

۲) خود ایشان نیز از طریق مباحث دینی که انجام داده و به چاپ رسانده اند علی القاعده درآمدهایی دارند البته این درآمدها مشروع است و مذموم نیست ولی در عین حال نقض نظریه خودشان است

۳) قیاس مساله انبیا با عالمان دین مع الفارق است زیرا آنان نیازمند کسب علوم دین از طریق آموزش و تعلم و صرف وقت نبوده اند برخلاف عالمان دین که تمام عمر خود را باید بر سر آن صرف نمایند.

۴) حتی انبیا نیز بعضا از طریق دین کسب معیشت نموده اند چنانکه در مقررات مالی اسلام برخی از حقوق مقرره مربوط به پیامبر(ص) و امامان(ع) بوده و بعضا در نیازهای شخصی آنان صرف می شده

۵) بسیاری از علوم و فنون دیگر در زمانهای گذشته راه ارتزاق نبوده ولی امروزه با گسترش نهادهای اجتماعی و تفکیک و تخصصی شدن فعالیتها و مهارت ها منشا ارتزاق گردیده است «روحانیون به خاطر ارتزاق خود مجبورند چنان سخن بگویند که عوام را ازخود نرنجانند» بهترین پاسخ به این سخن تاریخ زندگی علما مبلغین و دانشمندان اسلامی در

طی قرون و اعصار متمادی است همین افتخار برای روحانیت شیعه بس که همواره در جهت پاسداری از دین و بیان حقایق آن بیشترین سختیها و دشواریها را به جان خریده و بیشترین شهدا را در راه اعتلای کلمه الله تقدیم داشته است و هیچ چیز آنان را از حق گویی باز نداشته است.

برای آگاهی بیشتر ر ک به :

۱- شهدأ الفضیله علامه امینی

۲- یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی عقیقی بخشایشی

۳- دیدار با ابرار ج ۱۹۰ چاپ سازمان تبلیغات اسلامی

البته در میان روحانیون و مبلغین افرادی نیز بوده و هستند که می کوشند مطابق سلیقه توده ها سخن بر زبان رانند اما چنین روندی وجه غالب روحانیت انسان که گوینده آن مقاله پنداشته نیست.{J

در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟

پرسش

در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟

پاسخ

دروس فلسفه در حوزه علمیه قم پس از تکمیل دروس ادبیات عرب منطق صوری گذراندن مقداری از علم اصولفقه و کلام می باشد. در میان دروس ذکر شده منطق برای آشنایی بافلسفه ضرورت کامل دارد. هم چنین برای خواندنفلسفه اسلامی تسلط کافی به زبان عربی نیز لازم است. مقدار زمان لازم برای فراگیری فلسفه بستگی به میزانآگاهی هایی دارد که شخص در جست و جوی آن است. یعنی اگر کسی آشنایی نسبی با فلسفه اسلامی و امتیازات آننسبت به برخی از دیگر فلسفه ها داشته باشد سه الی چهار سال کافی است. لیکن کسی که در پی کسب تخصص واحاطه و تبحر در این فن است باید تلاشی پایان ناپذیر نماید و حداقل ده سال تلاش و تکاپوی جدی نیاز دارد. اما اینکه کیفیت تدریس فلسفه در حوزه بالاتر است یا دانشگاه؟ شاید بتوان گفت: فلسفه اسلامی در حوزه بهتر تدریسمی شود. البته تدریس فلسفه غرب در دانشگاه ها رواج بیشتری داشته است لیکن پس از انقلاب در مراکز تحقیقی حوزهنیز با همکاری اساتید حوزوی و دانشگاهی کوشش های گسترده ای در جهت تدریس تطبیقی فلسفه های مختلف بهعمل آمده است.{J

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست ؟

پرسش

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست ؟

پاسخ

در حوزه های علمیه قدیم چون دامنه علوم محدود بود معمولا علوم طبیعی و ریاضی نیز تدریس می شد و بسیاریاز علما و دانشمندان دینی هم زمان در علوم طبیعی یا ریاضی نیز متخصص و صاحب نظر بودند ولی امروز به جهتگسترش دامنه علوم تجربی و ریاضی امکان تدریس همه علوم در حوزه وجود ندارد؛ اما تدریس بعضی از رشته هایریاضی و بخصوص بسیاری از رشته های علوم انسانی در حوزه ضروری است که هم اکنون مراکزی هستند که هم زمانبا علوم و معارف دینی و حوزوی به بعضی از رشته های علوم انسانی پرداخته اند از جمله: پژوهشکده امام خمینی(ره)موسسه آموزش عالی باقر العلوم دانشگاه مفید و ... که در آنها رشته های حقوق روان شناسی جامعه شناسی فلسفهغرب اقتصاد علوم سیاسی و ... تدریس می گردد و امید است که در آینده جامع تر و فراگیرتر گردد.{J

حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟

پرسش

حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟

پاسخ

حوزه علمیه نهادی تعلیمی است و هدف اساسی آن تحقیق و پژوهش در معارف دینی و شناخت هر چه عمیق تردین در همه ابعاد آن و سپس ترویج و تبلیغ فرهنگ و احکام و معارف دینی و اجرای احکام عملی و اجتماعی اسلامدر سطح جامعه اسلامی است.{J

حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است ؟

پرسش

حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است ؟

پاسخ

حوزه علمیه هیچ گونه وابستگی به دولت ندارد.{J

اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و درچه خطوطی حرکت می کنند؟

پرسش

اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و درچه خطوطی حرکت می کنند؟

پاسخ

اندیشمندان حوزوی نیز ممکن است در این مسائل، دارای آرا و نظرات گوناگونی باشند و نمی توان همه را در خطواحدی قلمداد کرد.{J

آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟

پرسش

آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟

پاسخ

در حال حاضر نیز شخصیت هایی مانند آیت اللّه جوادی آملی، آیت اللّه مصباح یزدی، حجت الاسلام لاریجانی وافراد متعدد دیگری وجود دارند، لیکن حضور مستقیم آنها در دانشگاه ها به جهت اشتغال به نگارش و تدریس درحوزه ها و پرورش نیروهای فکری تا حدودی کمرنگ است. در عین حال نگاشته های آنان، درس ها و سخنرانی هایشانبرای پاسخگویی به مسائل فکری روز بسیار غنی و ارزشمند است. در ذیل برخی از کتب نامبردگان معرفیمی شود:

کتاب هایی از آیت اللّه جوادی آملی:

۱- تبیین براهین اثبات وجود خدا

۲- شریعت در آینه معرفت

۳- هدایت در قرآن

۴- زن در آیینه جمال و جلال و... .

۵- ولایت فقیه

۶- اخلاق کارگزاران

کتاب هایی از آیت اللّه مصباح یزدی:

۱- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن

۲- مقالات فلسفه سیاسی اسلام

۳- مقاله پیرامون پلورالیزم دینی

۴- آموزش فلسفه

۵- آموزش عقاید و... .

کتابهایی از حجت الاسلام لاریجانی:

۱- قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر

۲- معرفت دینی

۳- فلسفه اخلاق

راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست ؟

پرسش

راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست ؟

پاسخ

در رابطه با مشکل شما توجه به چند نکته لازم است:

۱ انجام خدمت نظام وظیفه، برای کسی که از تحصیلات دانشگاهی انصراف دهد و بخواهد به تحصیلات حوزوی‌بپردازد، جزو قوانین مصوب کشور است و حوزه علمیه، قانونا نمی تواند چنین افرادی را پیش از انجام خدمت نظاموظیفه پذیرش کند.

۲ چنان نیست که رشته ای مانند زمین شناسی یا دیگر رشته های دانشگاهی، به کلی پوچ و بی ارزش باشند؛ بلکه هریک از این علوم، زمینه نوعی خدمات اجتماعی است و اگر کسی با قصد قربت و با جدیت و تلاش، هر یک از آنها رادنبال کند، با عنایات الهی می تواند منشأ خدمات ارزنده ای برای جامعه اسلامی باشد.

۳ در صورتی که شما جدا خواستار تحصیل در حوزه علمیه اید، نباید از خدمت سربازی بیمناک باشید؛ زیرا حتیدر این دوران هم می توانید از فرصت، بهترین استفاده را بکنید، یعنی با استفاده از نوارهای درسی در اوقات بیکاری،می توانید تمام دروس سال های اول و دوم حوزه را بخوانید.

از طرف دیگر حتی بدون انصراف از تحصیلات دانشگاهی، می توانید مقداری از اوقات خود را به فراگیری علومحوزوی اختصاص دهید. افزون بر آن، اگر بتوانید خود را به تهران انتقال دهید یا در آنجا میهمان شوید، می توانید ازحوزه علمیه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها که به تازگی جهت استفاده دانشجویان علاقمند تأسیسگردیده است بهره مند شوید. بنابراین موفقیت شما، در گرو تلاش و پشتکار شما و هم چنین استمداد از عنایات الهیاست.

۴ حوزه علمیه قم نیز زیر نظر، ولی فقیه نیست و آزاد می باشد، از طرف دیگر تحصیل در حوزه نجف مشکلاتعدیده ای از جهت اقامت

در عراق و تنگناهای شدیـد رژیم بعثی به دنبال دارد و برای ایرانیان، در حال حاضـر حوزهعلمیه قم از هر جهت بهتر است و از نقاط مختلف جهان و حتی عراق، شیعیان برای تحصیل علوم دینی به قم مراجعهمی کنند.

۵ حـدیث اطلبوا العلم... اختصاص به علوم دینی نـدارد و هر علم نافعی را شامل است، لیکن علوم دینی ومعارف الهی مصـداق اکمل آن و مورد تأکید بسیار می باشند و بخشی از آن برای همه مسلمانان واجب می باشد.{J

علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم

پرسش

علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم

پاسخ

علم حـدیث، گـوشه ای از علوم حوزوی و وابسـته به آن است. اگر شـما تنهـا مایـل به کسب اطلاعـاتی در این زمینههستیـد به کتـاب هـای زیر مراجعه کنیـد؛ ولی اگر خواهـان تحقیـق و تعمـق در این رشـته هستیـد، می بـایستی پـایه هـای علومحوزوی را گذرانده و سپس به رشته حدیث بپردازید. این کار نیز بدون استاد امری دشوار است. شما می توانید در محلخود با مراجعه به حوزه های علمیه، از برنامه های آنان و یا از نوارهای درسی در این زمینه تحت نظر استاد استفادهکنید:

۱ علم الحدیث و درایه الحدیث شانه چی

۲ علم الحدیث کاظم عصار

۳ نقش ائمه در احیاء دین علامه عسکری

۴ سیر حدیث در اسلام میر خانی

۵ تحول علم حدیث اولیائی

۶ روایت و درایت امین {J

در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود

پرسش

در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود

پاسخ

دوره های دروس حوزه را می توان به طور کلی چنین تقسیم کرد:

الف) دوره ادبیات عرب (مقدمات)،

ب) سطح،

ج) سطح عالی،

د) خارج (اجتهاد و یا تخصص در یکی از رشته ها).

در مرحله ادبیات آشنایی با دستور زبان عربی در بعد صرف، نحو، معانی و بیان مطرح است. ضرورت این مرحلهبه خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است؛ چون قرآن و احادیث نبی اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) به زبان عربی است. دردوره سطح، آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه مطرح است، که برای هر یک کتاب های خاصی در نظرگرفته شده است. در سطح عالی نیز، مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده تر و عمیق تر مطرح می گردد. مرحله خارج، مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است و چنانچه طلبه ای با استعداد باشد و درکمال جدیت در حدود ۱۰ ۱۵ سال این دوره را طی کند، به درجه اجتهاد نائل می گردد. اخیراً به برکت انقلاب اسلامی، دانشگاه هایی در حوزه تأسیس شده است که دروس تخصصی دیگری نظیر فلسفه، کلام، تفسیر قرآن، تاریخ اسلام، اقتصاد، روان شناسی، مدیریت و... در آنها تدریس می شود.

آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم ؟

پرسش

آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم ؟

پاسخ

شما برای رسیدن به این مطلوب می توانید خود را برای موفقیت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاه قم آماده نمایید و با ورود در این دانشگاه در قم تحصیل نمایید تا ضمن تحصیل دروس دانشگاهی، از معارف و دروس حوزوی نیز در حد امکان استفاده نمایید.

ضمنا چنین رشته ای در سیستم تحصیلی حوزه به صورت کلاسیک وجود ندارد.

مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید

پرسش

مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید

پاسخ

برادرانی که می خواهند طلبه شوند، اول باید شرایط لازم ورود به حوزه های علمیه را داشته باشند. برای این که جواب سؤال را کامل داده باشیم، بعضی از شرایط پذیرش طلاب در حوزه علمیه قم را ذکر می کنیم، سپس به متون درسی آنها می پردازیم:

۱- حداقل مدرک تحصیلی برای ساکنان قم، سیکل و برای ساکنان شهرستان ها، دیپلم،

۲- حداکثر سن برای مدرک سیکل، ۱۷ سال و برای مدرک دیپلم، ۲۱ سال،

۳- قبولی در امتحان ورودی،

۴- قبولی در مصاحبه،

۵- دارا بودن معدل مورد نظر حوزه در آخرین مدرک تحصیلی،

۶- عدم مشمولیت قانون نظام وظیفه و... .

اگر کسی این مراحل را با موفقیت بگذراند، سه ماه به شکل آزمایشی، سپس به صورت رسمی در حوزه علمیه قم پذیرفته می گردد.

دوره درسی طلاب را می توان به سه دوره: ادبیات عرب، سطح و خارج تقسیم کرد.

در چهار سالِ اول عمده درس ها را ادبیات عرب، شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و منطق تشکیل می دهد.(کتاب های جامع المقدمات، صرف ساده، سیوطی، مغنی، مختصرالمعانی، حاشیه ملاعبداللّه در منطق و منطق مظفر). البته در این چهار سال کلاس هایی در زمینه های اعتقادات، تفسیر، احکام و... نیز برگزار می گردد. سپس در سال پنجم و ششم یک دوره فقه نیمه استدلالی (شرح لمعه شهید ثانی) و اصول فقه استاد مظفر خوانده می شود.

در این شـش سـال طلاب بایـد تحت نظر مـدارس علمیه ای که شورای مـدیریت آنها را معرفی نموده و طلاب در آن ثبت نام نموده اند، باشـند و در کلاس های همان مدرسه شـرکت کنند که مانند دبیرستان ها دارای امتحانات هفتگی، نیمه سال و پایان سال هستند و در طول سال از طلاب

حضور و غیاب به عمل می آید.

اگر شخصی امتحان های سال ششم را با موفقیت به پایان رسانید، در شروع سال هفتم می تواند از هر کلاسی که مایل باشد، در حوزه علمیه قم استفاده نماید و دیگر ملزم به شرکت در کلاس خاص یا مدرسه مشخص نمی باشد. فقط در پایان سال هفتم تا دهم باید در آزمون های سراسری حوزه شرکت کرده و کتاب های مربوط به هر سال تحصیلی راامتحان دهد. این کتب عبارتند از: مکاسب شیخ انصاری(ره) در فقه، معاملات (تمام استدلالی)، رسائل شیخ انصاری(ره) در اصول فقه (تمام استدلالی)، کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی در اصول فقه (تمام استدلالی)،هم چنین تفسیر، رجال و درایه، فلسفه در حد نهایه الحکمه، ملل و نحل، علوم قرآن، الهیات و... .

این ده سال را دوره سطح (شامل دوره ادبیات عرب و فقه و اصول غیر تخصصی) می نامند.

بعد از اتمام سال دهم و موفقیت در امتحان های مربوطه، طلبه وارد دوره جدید تخصصی می گردد. بعضی دررشته های تخصصی کلام و فلسفه، تاریخ، تفسیر، اقتصاد، تبلیغ، قضا و... شرکت می کنند و بعضی دیگر در رشته تخصصی فقه و اصول به تحقیق می پردازند. دلیل این که این دوره را درس خارج می گویند، این است که مختصّ کتاب خاصی نمی باشد و خارج از متن مشخصی است و یک دوره تحقیقاتی و اجتهادی است که از کتب و نظرات مختلف استفاده می گردد. اگر طلبه ای دوره سطح را به خوبی خوانده باشد و در دوره تخصص خارج فقه و اصول به تحقیقات ومطالعات گسترده ای دست زند و الطاف خداوند نیز شامل وی گردد، بعد از چند سال قدرت استنباط و اجتهاد احکام فرعیه فقهیه را از منابع اولیه دین

مانند قرآن و روایات پیدا می کند که به او مجتهد می گویند. شایان ذکر است حوزه دارای مجتهدانی در ادبیات عرب، کلام و اعتقادات، فلسفه و عرفان و... می باشد، ولی معمولاً به متخصصان در رشته فقه و اصول مجتهد گفته می شود. توجه به این نکته هم لازم است که طلاب مانند همه محصّلان و دانشجویان دیگر ازاستعدادهای مختلفی برخوردارند و همه در یک سطح نمی باشند. بر همین اساس علامه بحرالعلوم، قبل از بلوغ مجتهد شده و امام راحل، مرحوم آیت اللّه بهاءالدینی، مرحوم سید مصطفی خمینی و خیلی دیگر از بزرگان در سنین قبل از ۳۰ سالگی مجتهد شده اند.

در حال حاضر شرط ورود به حوزه علمیه قم در مقطع کارشناسی، داشتن معافیت و یا پایان خدمت است. هر ساله در دهه اول خرداد ماه، شرایط و نحوه پذیرش در روزنامه های کثیرالانتشار، اعلام می گردد.

هیچ زمانی برای تحصیل علم دیر نیست؛ ولی برای ورود به حوزه بایستی شرایط را ملاحظه کرد، از جمله آنها؛ علاقه جدی و خستگی ناپذیر برای ادامه تحصیل است، چرا که با توجه به گستردگی دروس حوزوی، حداقل هشت سال زمان لازم است که شخص دروس سطح را پشت سر بگذارد. هم چنین اگر بخواهد در یکی از رشته های تحقیقی وارد شود، باید چند سال دیگر نیز درس بخواند. بنابراین بدون عزم جدی و راسخ برای ادامه تحصیل، موانع زیادی فراروی شخص قرار دارد که ممکن است باعث توقف شخص گردد.

برای اطلاع بیشتر از شرایط پذیرش با تلفن ۴ – ۷۴۰۹۷۱ و ۷۱۳۰۰۰ شورای مدیریت، قسمت پذیرش تماس حاصل کنید.

چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟

پرسش

چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟

پاسخ

}به نظر می رسد مشکل اساسی در این زمینه اطلاع رسانی است وگرنه در حال حاضر صدها کتاب و مقاله در زمینهبررسی و ارائه پاسخ های منطقی و مستدل پیرامون شبهات رایج در جامعه به نگارش درآمده و آثار ارزشمندی را درادبیات دینی معاصر به ارمغان آورده است.{

حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟

پرسش

حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟

پاسخ

این که «حوزه ها در خودشان هستند»، دیدگاه درستی نیست و ناشی از ناآشنایی با حرکت ها و فعالیت های مختلف حوزه و نهادهای علمی و آموزشی تابعه آن در سطح کشور می باشد. البته بررسی همه ابعاد تأثیرگذاری حوزه ها - به ویژه حوزه علمیه قم - کار آسانی نیست؛ لیکن حداقل یکی از کارهای اساسی فرهنگی حوزه ها در حال حاضر، مبارزه عمیق، منطقی، علمی و فکری با انواع اندیشه های وارداتی و التقاطی است که در صورت پاسخ ندادنجدی به آنها، خطر انحراف بزرگی در تمام ارکان فکری و فرهنگی جامعه در پی دارد.{J

چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم * آیا سیســتم نوار با توجه به شرایط بنده * روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب با نوار و بعد مباحثه)

پرسش

چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم * آیا سیستم نوار با توجه به شرایط بنده * روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب با نوار و بعد مباحثه)

پاسخ

تردیدی نیست که تحصیل در یک رشته تخصصی منافاتی با مطالعات دیگر بخصوص در زمینه های مذهبی ندارد. آنچه قابل تامل است شرایط روحی و محیطی است که برای این کار فراهم می باشد. شما می توانید در ضمن تحصیلات دانشگاهی خود با مراجعه به حوزه علمیهمحل سکونت و مشاوره با اساتید به تحصیلات حوزوی نیز بپردازید و یا فعلا از نوارهای درسی استفاده نموده تا بعدا زمینه مناسب تری برای رشد داشته باشید. ولی همواره یک نکته را در نظر داشته باشید و آن اینکه همت خود را در یک جهت قرار دهید و از پراکنده کاری بپرهیزیدچنان چه تمایل اصلی شما به تحصیلات حوزه ای است پس از پایان تحصیلات دانشگاهی خود بطور جدی وارد حوزه شده و سریعا مراتب علمی آن را طی نمایید. حتما موفق بوده به نتیجه خواهید رسید. ضمنا گرچه در حوزه زمینه مساعدتری برای تهذیب اخلاق و کسب معنویتوجود دارد ولی اختصاص به آن جا ندارد. در هر موقعیت و شغلی می توان به تهذیب و تکمیل مراتب معنوی پرداخت .آنچه مهم است داشتن برنامه منظم و اصولی است.{J

برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟

پرسش

برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟

پاسخ

دوره های دروس حوزه را می توان به طور کلی چنین تقسیم کرد (مقدمات، سطح متوسط، سطح عالی، خارج).

الف) دوره مقدمات؛ این مرحله جهت تسلط بر ادبیات عرب و آشنایی با مبانی اجتهاد و علوم اسلامی و... می باشد. ضرورت این مرحله به خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است چون قرآن واحادیث به زبان عربی می باشد. در این دوره کتاب های زیر خواندهمی شود:

۱- جامع المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایه فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی)

۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال الدین سیوطی

۳- مختصرالمعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی

۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری

۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر)

۶- مغنی اللبیب در نحو، ابن هشام

۷- معالم الدین (در علم اصول)

۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی

۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی

۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی

۱۱- البدایه المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی

ب) مرحله سطح متوسط؛ هدف از این دوره آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه است. کتاب هایی که در دوره سطح متوسط خوانده می شوند عبارتند از:

۱- شرح اللمعه الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی

۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر

۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضی انصاری

۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید

۵- بدایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۶- جوامع الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی

۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله محمد هادی معرفت

۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی

۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی

ج) مرحله سطح عالی؛ در این مرحله مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده تر و عمیق تر

مطرح می گردد. کتاب هایی که در این دوره تدریس می شود:

۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری

۲- کفایه الاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی

۳- نهایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری

۵- جوامع الجامع (تفسیر) طبرسی

۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله معرفت

۷- کلیات علم الرجال، استاد جعفر سبحانی

۸- درایه الحدیث (حدیث شناسی) استاد جعفر سبحانی

۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی

ه) مرحله خارج؛ مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است. درس خارج حوزه، درس باز است به صورت تحقیقی و استنباطی است، مبناها در بین مدرسین خارج فرق می کند، بعضی ها متون عروه الوثقی را مبنا قرار می دهند و براساس آن بحث می کنند و بعضی ها،شرایع الاسلام را و بعضی ها تحریرالوسیله حضرت امام را و... منابعی که بیشتر در این مقطع تحصیلی به کار می آید عبارتند از:

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی

۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری

۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی

۴- عروه الوثقی و شروحی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی

۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی

۷- تذکره الفقها، علامه حلی

۸- اجود التقریرات، آیت الله خویی

۹- جامع المقاصد، محقق ثانی

۱۰- مبسوط، شیخ طوسی

۱۱- خلاف، شیخ طوسی

۱۲- تحریرالوسیله، امام خمینی و...

چنانچه طلبه ای با استعداد باشد و در کمال جدیت در حدود ۱۰ - ۱۵ سال این دوره را طی کند به درجه اجتهاد نائل می گردد.

در ضمن در کنار این دروس به صورت آزاد، افراد می توانند در فلسفه و عرفان و تفسیر شرکت کنند. منتها این ها به صورت کلاس و درس رسمی نیست. در این باره می توان کتاب: اسفار اربعه ملاصدرا و فتوحات مکیه (در عرفان)محی الدین ابن عربی را نامبرد.

علاوه بر اینها، مراکز تخصصی نیز در حوزه

در رشته های مختلف فعالیت می کنند.

۱- مرکز تخصصی علم کلام

۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن

۳- مرکز تخصصی قضا

۴- مرکز تخصصی تبلیغ

برخی مؤسسات نیز وجود دارند که در زمینه علوم انسانی و رشته های مربوط به آن مانند اقتصاد، روان شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و... براساس مقررات آموزش عالی، مشغول به پرورش محققین توانا از میان طلاب می باشند.

علاقمند به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسراست و شرایطش چیست ولطفا کتبی در زمینه های اعتقادی ,اخلاقی وسیره اهل بیت (ع) ذکر کنید

پرسش

علاقمند به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسراست و شرایطش چیست ولطفا کتبی در زمینه های اعتقادی ,اخلاقی وسیره اهل بیت (ع) ذکر کنید

پاسخ

پرداختن به تحصیل در حوزه های علمیه به دو صورت امکان پذیر است :

۱- شرکت در امتحان ورودی حوزه های علمیه (همانند حوزه علمیه قم) که هر سال برگزار می گردد وسپس اشتغال بهتحصیل به صورت تمام وقت.

۲- تحصیل به صورت پاره وقت. برای این منظور باید به یکی از مدارس علوم حوزوی در شهر خود مراجعه نمایید تاآنان هماهنگی لازم را جهت شرکت شما در کلاس درس انجام دهند. ضمنا کتب زیر جهت مطالعه در زمینه هایاعتقادی معرفی می شود :

۱- آفریدگار جهان، ناصر مکارم شیرازی

۲- اثبات وجود خدا اثر چهل تن از دانشمندان

۳- بهترین راه شناخت خدا محمدی ری شهری

۴- آموزش عقاید ۱و۲ مصباح یزدی

۵- سیره علوی محمد باقربهبودی

۶- سیره نبوی شهید مطهری

۷- عبقریه محمد (ص) عقاد

۸- سنن النبی، علامه طباطبایی ترجمه هادی فقیهی {J

اگر دانشـــجویی بخواهد تحصـــیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصـــیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راهی هست ؟

پرسش

اگر دانشـجویی بخواهد تحصـیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصـیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راهی هست ؟

پاسخ

می توانید از کتاب ها، واحدهای درسـی و سـرفصل های رشـته های علوم قرآنی که یکی از رشته های تحصیلی دانشکده های الهیـات و معـارف اسـلامی اسـت کمـک بگیریـد و بـه مطـالعه ی آن بپردازیـد. ولی لازم بـه ذکر است تفسـیر قرآن خوانـدن (تفسیرهای ساده و به تدریج تفسیرهای تخصصی) مقداری از این نیازتان را ارضاء و تأمین می نماید.

هر چند اگر می خواهید در این زمینه تخصـص پیدا کند و با یک رویکرد تخصصی وارد این حوزه شوید نیازمند تلاش زیاد و تمام وقت است. همان طور که در دیگر رشته ها وضعیت به همین شکل است.

در مورد دروس حوزوی ،سطوح و پایه ها و ... و کلا نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید.

پرسش

در مورد دروس حوزوی ،سطوح و پایه ها و ... و کلا نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید.

پاسخ

دانشجوی گرامی به طور کلی در حوزه چهار مقطع تحصیلی وجود دارد:

۱. مقطع اول یا دوره مقدمات:

این دوره سه سال است. در این دوره بیشتر دروس طلاب ادبیات عرب است. البته دروسی مانند منطق، احکام، تاریخ اسلام و معارف نیز آموزش داده می شود ولی تمرکز اصلی روی ادبیات است و علت آن هم این است که دروس حوزوی از سال دوم به بعد به زبان عربی است از این رو دانش پژوه علوم دینی باید عربی را خوب بیاموزد تا براحتی بتواند از متون علمی استفاده کند.

۲. مقطع دوم یا سطح یک :

بعد از فراغت از دوره مقدماتی و ادبیات سطح یک آغازمی شود این مقطع نیز حدودا سه سال است. در این دوره دروس اصلی عبارتند از فقه، اصول و معارف. این دو دوره در مدارس تحت پوشش شورای مدیریت حوزه انجام می گیرد یعنی هر فردی که می خواهد طلبه رسمی حوزه باشد باید با نظارت شورای مدیریت در یکی از مدارس تحت برنامه در قم یا در شهرستان ها به تحصیل مشغول شود در غیر این صورت محصل رسمی حوزه محسوب نمی شود.

۳. دوره سوم یا سطح دو:

این دوره نیز حدودا سه سال است که تمرکز اصلی روی دروس تکمیلی فقه و اصول، معارف و فلسفه است. منظور از معارف مجموعه ای از دروس است که رتبه بندی شده است مثل معارف ۱ ، ۲ ، ۳ و...

۴. دوره سطح عالی یا خارج فقه و اصول:

در این دوره دروس فقه و

اصـول و همچنین سـایر درس هـا به صورت تخصصـی و اجتهـادی ارائه می شود معمولاـ همه اساتیـد این دوره از مجتهـدین یا مراجع تقلیـد هسـتند. در دوره سوم و چهـارم طلاـب ملزم به بودن در مـدرسه خاصـی نیسـتند و به عبـارت دیگر اکـثر آنهـا از مـدارس تحت برنامه خارج می شوند و درس های خود به صورت آزاد و با اساتید مورد پسـند و علاقه خود می گذارنند یعنی درس هر اسـتادی که بهتر می پسـندند انتخاب می کنند و سـپس در آن درس شرکت می کنند. در همه این چهار دوره ای که ذکر شـد طلاـب بایـد در همه درس هـا امتحـان کتبی یـا هم کتبی و هم شـفاعی بدهنـد و ماننـد سایر مراکز آموزشـی کارنامه تحصیلی دارنـد و بایـد امتحانـات خود را طبق برنامه ای که مـدرسه یا شورای مـدیریت حوزه اعلان می کنـد بگذراننـد و حد نصاب نمره قبولی را بیاورند در غیر این صورت مشروط می شوند و طبق مقررات با آنها رفتار می شود.

در کنـار مراکز آموزشـی حـوزه، مراکز دیگری وجـود دارد که آنهـا نیز به نحوی تحت پوشـش حوزه هسـتند این مراکز به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. مراکز آموزشی دروس تخصصی حوزه مثل کلام، فقه و اصول، تاریخ، فلسفه، تفسیر و...

۲. مراکز آموزشـی مربوط به رشـته های علوم انسانی مانند جامعه شناسـی، اقتصاد، روان شناسـی، علوم تربیتی، حقوق، فلسـفه، دین شناسـی، علوم قرآنی و... کسانی که می خواهند وارد این مراکز شوند حداقل باید دو دوره ۱ و ۲ را حتما گذرانده باشند و نمره قبولی داشته باشند.

این مراکز نیز مانند سایر مراکز آموزش عالی امتحان کنکور برگزار

می کننـد، سـپس افرادی که قبـول شونـد وارد این مراکز آموزشـی می شونـد و در سه مقطع کارشناسـی، کارشناسـی ارشـد و دکتری مشـغول به تحصـیل می شوند. البته کسانی که در این مراکز مشغول به تحصیل می شوند ملزم هستند دوره ۳ و ۴ حوزه را نیز طی کنند. طبعا برنامه آموزشـی آنها سنگین تر می شود و در هر ترمی حداقل باید ۲۵ واحد درسی بگذارند که این کار نیز به تلاـش مضـاعف نیاز دارد. ناگفته نمانـد هم حوزه و هم این مراکز طبق قوانین و مقرراتی که دارنـد و بر اساس پایه هایی تحصـیلی، به طلاب و دانش پژوهان مدرک تحصیلی می دهند. حوزه مدارک خود را معادل سازی می کند که سطح یک آن معادل کارشناسـی، سطح دو معادل کارشناسی ارشد و سطح سه معادل دکتری و مراکز آموزشی که دروس تخصصی حوزه یا علوم انسانی را آموزش می دهند طبق مقررات رسمی وزارت آموزش عالی و فن آوری مدارک رسمی لیسانس، فوق لیسانس و دکتری می دهنـد. این مراکز در واقع شبیه مراکز آموزش غیر انتفـاعی هسـتند یعنی به نحوی اسـتقلال در برنامه های خودش دارند و تا حدودی نیز خودشان را هماهنگ با برنامه ها و قوانین آموزش عالی و حوزه علمیه می کند و از تسـهیلات هر دو نیز استفاده می کنند البته نه صد در صد.

در پایـان بیـان این نکته لاـزم است که پـذیرش در حـوزه به این صورت است که حـداقل تحصـیلات برای ورود به حوزه سوم راهنمایی است و کمتر از آن را پذیرش نمی کنند وقتی پذیرش انجام گرفت افرادی که سوم راهنمایی و تا

زیر دیپلم هستند در مدارس خاصی تحت برنامه آموزشی قرار می گیرند و دیپلمه ها در مدارس دیگری و افرادی که بالاتر از دیپلم هستند باز در کلاس های ویژه خودشان، بنابراین برنامه آموزشی حوزه به سه صورت است:

۱. زیر دیپلم، ۲. دیپلم و ۳. دیپلم به بالا.

شرایط سنی آنها نیز باید متناسب با میزا ن تحصیلات آنها باشد و از این نظر محدودیت هایی وجود دارد که هر کسی با هر سنی نمی تواند در برنامه های حوزه شرکت کند این بود اجمالی از برنامه های آموزشی و نحوه پذیرش در حوزه علمیه.

آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ توجه داشته باشید که بنده در خارج زندگی می کنم

پرسش

آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ توجه داشته باشید که بنده در خارج زندگی می کنم

پاسخ

پاسخ را با بیان قاعده ای که در مباحث فقهی مطرح است و در برخی موارد برای اثبات مطلبی به آن استناد می شود آغاز می کنیم. این قاعده می گوید: «ما لا ـ یدرك كله لا یترك كله» یعنی اگر نمی توانید به تمام آنچه که در صدد دستیابی به آن هستید، دسترسی پیدا کنید، همه آن را نیز رها نکنید و از آن مقدار که امکان دستیابی و درک آن هست، نباید دست کشید.

به عبارتی «اگر به تمام چیزی نمی رسی، تمام آن را نیز رها نکن» بنابراین اکنون که شما امکان استفاده از دروس حوزوی بطور حضوری و تحصیل در یکی از حوزه های علمیه برایتان فراهم نیست و از طرف دیگر علاقه مند هستید در این زمینه به تحصیل ادامه داده و به معلومات خود بیافزایید، سی دی های دروس حوزوی حداقل چیزی است که می تواند در این زمینه به شما کمک کند.

در اینجا چند نکته را یادآور می شویم:

۱. رشد علمی عمیق در این زمینه و در هر گرایش دیگری مستلزم حضور در کلاس درس است تا با ارتباط مستقیم و چهره به چهره پرسش ها، مسائل و شبهاتی که در هنگام مطالعه یا کلاس درس مطرح می شود بلافاصله حل شود و آن مسائل به فراموشی سپرده نشود و به شکل دقیق و صحیحی حل شود که آن در گرو

حضور در کلاس درس است. البته به آن معنا نیست که بدون آن هیچ چیز فراگرفته نمی شود.

۲. برای تعمیق فهم و درک علمی تان، هنگام گوش کردن به سی دی های درسی، مشکلات و پرسش های مطرح شده و آنچه به ذهنتان می رسد یادداشت کرده تا از اهل فن و استاد مربوطه مستقیما از طریق امکانات ارتباطی جدید که در دسترس است، بپرسید.

۳. در صورت امکان گاهی اوقات فهم و تشخیص خود را از آنچه یاد گرفته اید و از سی دی ها فرا می گیرید به یک استاد شناخته شده ارائه کنید تا در صورت صحت، آن را تأیید کنید و در صورت اشتباه بودن به تصحیح آن بپردازید. زیرا چه بسا گاهی اوقات مطلبی را به گمان اینکه درست فهمیده ایم، تلقی کرده و خشت های علم ها را روی آن بنا کرده و تا ثریا آن بنا به صورت کج به پیش خواهد رفت بنابراین لزوم حضور استاد به شکل گاه گاهی و ایجاد ارتباط با وی نیز مناسب بلکه لازم است.

گفتنی است جهت استفاده بهینه از فرصتها و ذخیره های علمی، قبل از هر چیز گستره انتظارات خود را از تحصیل علوم حوزوی مشخص کنید اگر در حدی است که می خواهید با قرآن و نهج البلاغه و احکام و معارف اصلی آشنا شوید با مشورت تنها مواد درسی را بگذاریم که زودتر شما را به این مقصود برساند به طور مثال نیازی نیست ادبیات عرب را چندین دوره طی کنید. بلکه یک دوره فشرده کافی است. و باید بیشتر تلاش را برای تفسیر قرآن و آشنایی با اصول

و فلسفه متمرکز کنید.

در پایان تمایل و علاقه تان به دروس حوزوی و داشتن روحیه علم دوستی و تقویت بنیه دینی تان را می ستائیم و شما را تحسین می کنیم امید است در این راه پر خیر و برکت موفق و پیروز باشید.

از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد?پیش نیازها را نام ببرید لطفا ...به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولا...

پرسش

از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد?پیش نیازها را نام ببرید لطفا ...به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولا...

پاسخ

دوره های دروس حوزه را می توان به طور کلی چنین تقسیم کرد (مقدمات، سطح متوسط، سطح عالی، خارج).

الف) دوره مقدمات؛ این مرحله جهت تسلط بر ادبیات عرب و آشنایی با مبانی اجتهاد و علوم اسلامی و... می باشد. ضرورت این مرحله به خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است چون قرآن واحادیث به زبان عربی می باشد. در این دوره کتاب های زیر خواندهمی شود:

۱- جامع المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایه فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی)

۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال الدین سیوطی

۳- مختصرالمعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی

۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری

۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر)

۶- مغنی اللبیب در نحو، ابن هشام

۷- معالم الدین (در علم اصول)

۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی

۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی

۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی

۱۱- البدایه المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی

ب) مرحله سطح متوسط؛ هدف از این دوره آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه است. کتاب هایی که در دوره سطح متوسط خوانده می شوند عبارتند از:

۱- شرح اللمعه الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی

۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر

۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضی انصاری

۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید

۵- بدایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۶- جوامع الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی

۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله محمد هادی معرفت

۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی

۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی

ج) مرحله سطح عالی؛ در این مرحله

مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده تر و عمیق تر مطرح می گردد. کتاب هایی که در این دوره تدریس می شود:

۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری

۲- کفایه الاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی

۳- نهایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری

۵- جوامع الجامع (تفسیر) طبرسی

۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله معرفت

۷- کلیات علم الرجال، استاد جعفر سبحانی

۸- درایه الحدیث (حدیث شناسی) استاد جعفر سبحانی

۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی

ه) مرحله خارج؛ مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است. درس خارج حوزه، درس باز است به صورت تحقیقی و استنباطی است، مبناها در بین مدرسین خارج فرق می کند، بعضی ها متون عروه الوثقی را مبنا قرار می دهند و براساس آن بحث می کنند و بعضی ها،شرایع الاسلام را و بعضی ها تحریرالوسیله حضرت امام را و... منابعی که بیشتر در این مقطع تحصیلی به کار می آید عبارتند از:

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی

۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری

۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی

۴- عروه الوثقی و شروحی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی

۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی

۷- تذکره الفقها، علامه حلی

۸- اجود التقریرات، آیت الله خویی

۹- جامع المقاصد، محقق ثانی

۱۰- مبسوط، شیخ طوسی

۱۱- خلاف، شیخ طوسی

۱۲- تحریرالوسیله، امام خمینی و...

چنانچه طلبه ای با استعداد باشد و در کمال جدیت در حدود ۱۰ - ۱۵ سال این دوره را طی کند به درجه اجتهاد نائل می گردد.

در ضمن در کنار این دروس به صورت آزاد، افراد می توانند در فلسفه و عرفان و تفسیر شرکت کنند. منتها این ها به صورت کلاس و درس رسمی نیست. در این باره می توان کتاب: اسفار اربعه ملاصدرا و فتوحات مکیه

(در عرفان)محی الدین ابن عربی را نامبرد.

علاوه بر اینها، مراکز تخصصی نیز در حوزه در رشته های مختلف فعالیت می کنند.

۱- مرکز تخصصی علم کلام

۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن

۳- مرکز تخصصی قضا

۴- مرکز تخصصی تبلیغ

برخی مؤسسات نیز وجود دارند که در زمینه علوم انسانی و رشته های مربوط به آن مانند اقتصاد، روان شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و... براساس مقررات آموزش عالی، مشغول به پرورش محققین توانا از میان طلاب می باشند.

یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است.در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد.هنگامی که صحبت از الگو بودن ائمه برای زندگی ما شیعیان می شود یکی از خصوصیات ظاهری آن بزرگواران ظاهر آراسته آنان است .در کتب معتبر شیعه در مورد ویژگیه

پرسش

یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است.در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد.هنگامی که صحبت از الگو بودن ائمه برای زندگی ما شیعیان می شود یکی از خصوصیات ظاهری آن بزرگواران ظاهر آراسته آنان است .در کتب معتبر شیعه در مورد ویژگیهای ظاهری حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آمده است که ایشان سیمایی نورانی ، موهایی بلند و آراسته دارند و ... در این حالت آیا الزاما یک سرباز امام زمان باید ظاهری مخالف با ظاهر مولای خود داشته باشد؟

پاسخ

شاید در گذشته کوتاه بودن موی سر طلاب علوم دینی شرط حضور آنها در این حوزه ها بوده ولی اگر فردی هم اکنون با این حوزه ها و به ویژه مدارس وابسته به آنها که محل تحصیل طلاب جوان است ارتباط داشته باشد می داند که اکنون در مورد این مسأله اجباری وجود ندارد و تنها به صورت مسأله ای اخلاقی مطرح است.

از نکاتی که در طول تاریخ علمای بزرگ دین که همه رفتار و کردار و شئون زندگی شان برگرفته از کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) و اولیای الهی است به آن توجه داشته اند و خود را ملزم به رعایت آن می دانسته اند، رعایت عرف و عادت ویژه

هر زمان هر مکان است که در حفظ جایگاه روحانیت و تثبت موقعیت آنها بهعنوان صنف و گروهی خاص، نقش مهمی دارد.
بسیای از آداب و سنت های که سابقا در اجتماع مسلمانان مطرح و رایج بوده و مسلمین بر طبق آن عمل و زندگی می کرده اند در گذر تاریخ کم رنگ گشته

و رونق گذشته خود را ازدست داده است. به عنوان مثال سرمه کشیدن از جمله سنت ها و برنام های متداولی در بین مردم و به ویژه مؤمنین بوده و در روایات فراوانی بر آن تأکید شده است. از حضرت رضا(ع) منقول است: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید سرمه بکشد. و یا از حضرت صادق(ع) نقل شده که: سرمه کشیدن دهان را شیرین و بینایی را زیاد می کند و باعث روییدن موی مژه می گردد و مانع آب آوردن چشم می گردد. (ر.ک: حلیه المتقین، مرحوم مجلسی، ص۴۸، انتشارات هجرت، چاپ یازدهم، تابستان ۷۸)

با این وجود الان در جامعه اسلامی به جز برخی مناطق روستایی سرمه کشیدن معمول نمی باشد و اگر فردی سرمه به چشمانش بکشد باعث می شود که در میان مردم انگشت نما گردد و مورد تمسخر آنها قرار گیرد و با وجود سنت بودن آن، به لحاظ آثار و عکس العمل هایی که در عرف جامعه و در میان مردم به دنبال دارد شاید ترک آن به صورت آشکار و در منظر مردم بهتر و مناسبتر باشد.

درباره داشتن موی بلند باید گفت، پیامبر اسلام(صلی الله علیه و اله) و امامان(علیهم السلام) بدون شک در پاره ای از عمر مبارکشان دارای موی بلند بوده اند ولی استمرار آن در همه طول مدت عمر مبارکشان، مسلم نمی باشد.

مرحوم علامه مجلسی در حلیه المتقین، ص ۱۷۵، می فرماید: یکی از دو چیز برای مردان سنت است: یا آن که موی سر را بتراشند و این بهتر است و یا آن که موی سر را بگذارند و به

آن رسیدگی کنند یعنی آن را بشویند و شانه کنند و چون در صدر اسلام، تراشیدن مو در نزد عرب جاهلی کار قبیح و زشتی بود، حضرت رسول(ص) موی سر را به اندازه چهار انگشت می گذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند.

در حدیث دیگری (با همان آدرس قبل) آمده که از حضرت صادق(ع) پرسیدند: آیا حضرت رسول(ص) موی سر را دو قسمت می کردند و میانش را می شکافتند (فرق باز می کردند؟)؟ حضرت فرمود: آن حضرت مو را به حدی بلند نمی گذاشت که احتیاج به این کار داشته باشد، بلکه آن قدر می گذاشتند که به نرمه گوش می رسید و هیچ یک از پیامبران موی سر نگاه نمی داشت.

در مورد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز شاید بلندی موی ایشان، امری دائمی و مستمر که از ویژگی های دایمی و علامت های مشخصه ایشان باشد، نباشد و ایشان در بعضی اوقات چنین وضع و هیئتی را دارند.

نکته مهمی که در اینجا مطرح است این است که اگر وضعیت ظاهری خاصی در عرف کنونی جامعه نمایانگر گروه خاصی از جامعه باشد، آن هم گروهی که به باورهای دینی و سنت های مذهبی و اسلامی یا پای بند نیستند و یا سعی و اصرار در مخالفت با مظاهر دینی و شرعی دارند هر چند این عمل زمانی جزء سنت ها و آداب معمول در بین ساعین و مؤمنین بوده، باز باید بر آن تأکید نمود و با آن گروه خاص و دین گریز هماهنگ و همگام بود؟ چرا علمای بزرگی که درکشان از دین و معارف آن عمیقتر و همه جانبه

تر است، نه تنها در زمان پیری و کهنسالی بلکه حتی در زمان جوانی که هنگامه توجه به زینت وجمال و زیبایی است، چنین برنامه و وضعیتی نداشته اند؟ و حتی برای اهل ایمان و متدینین آن را روا نمی دارند؟ آیا نباید در وضع ظاهری و در نحوه پوشش و زینت و نوع لباس تفاوتی میان متدینین و غیر آنها باشد و صف هر کدام در جامعه مشخص و ممتاز باشد و عملاً در این گونه مسائل و این جنبه ها نیز از یکدیگر متمایز و جدا باشند؟ اگر داشتن موی بلند و پوشیدن نوع خاصی از لباس علامت هیپی گری و لاابالی گری و دین گریزی و هنجار شکنی باشد و در عرف جامعه، هیپی ها و سنت شکن ها با این علامت شناخته شوند، آیا روا است فرد متدینی، مرز خود را از آنها در این ظواهر رعایت نکند به گونه ای که مردم نتوانند بین آنها تفاوتی قائل شوند و یکی را با دیگری اشتباه بگیرند؟

علاوه بر این آیا ما به همه آداب دین و سنت های اولیای دین از نظری اخلاقی و معنوی و ظاهری و باطنی پای بند هستیم و تنها مشکل ما عمل نکردن به سنت بلند نگه داشتن مو است؟ آیا ما از هر جهت رضایت خاطر و خشنودی ولی عصر (ارواحنا فداه) را با عمل به وظایف و انجام واجبات و ترک محرمات و انجام اموری که قلب حضرتش(ع) را شاد می گرداند، فراهم ساخته ایم و تنها نگران شبیه شدن به آن حضرت در داشتن موی بلند هستیم؟ به نظر شما این مسأله را اگر

بخواهیم رتبه بندی کنیم، در چه درجه و رتبه ای از اهمیت قرار می گیرد؟ درست است که شیعه خالص باید ظاهر و باطنش را با امام و مقتدا و رهبرش هماهنگ گرداند ولی عملا به ویژه در جهت باطنی در این کار چه مقدار موفق بوده ایم؟

گذشته از همه این ها، شما چند نفر از جوانان متدین و موفق را می یابید که موی خود را تنها به خاطر هماهنگی با ظاهر ولی عصر(علیه السلام) بلند می کنند و در این کار، هدفشان جلب رضایت آن امام انس و جان است؟ فرق است میان کاری که مطابق میل و خواست و اقتضای جوانی است ولی انسان برای آن به دنبال سند و مدرك و توجیهی می گردد و کاری که انگیزه انسان از آغاز آن کار، جلب رضای خداوند و اولیای پاك او است.

بسم الله الرحمن الرحیم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علا قمند هستم در زمینه دروس مذهبی و حوزوی مطالعات مدون و منظمی داشته باشم . اما نمی دانم از کجا شروع کنم . اگر چه منتخب اصول کافی را به عنوان یک متن درسی ا

پرسش

بسم الله الرحمن الرحیم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علا قمند هستم در زمینه دروس مذهبی و حوزوی مطالعات مدون و منظمی داشته باشم . اما نمی دانم از کجا شروع کنم . اگر چه منتخب اصول کافی را به عنوان یك متن درسی اصول اعتقادات برگزیدم وسعی در کار کردن روی آن در حضور استاد دارم . نظر کارشناس محترم در این باب چیست . و اساسا من برای آنکه در زمینه علوم معارف پیشرفت کنم از کجا باید آغاز کنم و برای اینکه در اصول اعتقادات بسیار مسلط شوم چه کتاب هایی را پیشنهاد می فرمایید . باسپاس فراوان

پاسخ

توصیه می شود در ابتدا کتاب های زیر را مطالعه کنید:

۱. معارف قرآن (۳ – ۱)، آیت الله مصباح یزدی

۲. راه و راهنماشناسی، آیت الله مصباح یزدی

۳. اخلاق در قرآن (ج ۱ و ۲)، آیت الله مصباح یزدی

در گام دوم ۶ جلد از سلسله دروس اندیشه های بنیادین اسلامی که توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تهیه و تدوین شده است مطالعه کرده و در صورت مشکل بودن محتوای آن درس بگیرید. آن ۶ جلد عبارتند از: معرفت شناسی، انسان شناسی، هستی شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست.

لازم به ذکر است در صورتی که کتاب های فوق از نظر محتوایی سخت و مشکل بود و یا استاد مناسب پیدا نکردید از ۶ جلد

کتاب های شـهید مطهری که تحت عنوان مقـدمه ای بر جهان بینی اسـلامی تـدوین شده است بهره بگیرید اسامی آنها عبارتند از: انسان و ایمان، جهان بینی توحیدی، وحی

و نبوت، انسان در قرآن، جامعه و تاریخ، زندگی جاوید یا حیات اخروی.

آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟

پرسش

آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟

پاسخ

با تبریک به جناب عالی و به امید موفقیت در هدفی که انتخاب کردید، به اطلاع می رسد حوزه علمیه قم به دو صورت بلند مدت و کوتاه مدت با برگزاری آزمون اختصاصی داوطلبان را پذیرش می کند.

الف شرایط اختصاصی دوره بلند مدت ۱. قبولی حداقل سوم راهنمایی با حداکثر سن ۱۷ سال

سنوات تحصیلی بالاتر از سوم راهنمایی و مدت خدمت سربازی به حداکثر سن اضافه می شود.

۲. تعهد تحصیل تمام وقت حداقل تا پایان سطح یک (معادل دیپلم

ب شرایط اختصاصی دوره کوتاه مدت (سفیران هدایت

۱. داشتن مدرک دیپلم با حداکثر سن ۲۱ سال

۲. تعهد تحصیل تمام وقت به مدت ۵ سال

۳. تعهد خدمت تبلیغی (به مدت سنوات تحصیلی در مناطق مورد نیاز;

آزمون کتبی در دو مقطع سوم راهنمایی و دیپلم با موضوعات قرآن احکام معارف اسلامی ادبیات فارسی عربی ریاضی معلومات عمومی هوش و استعداد برگزار می شود.

داوطلبان واجد شرایط می توانند با مراجعه به یکی از مدارس تحت پوشش حوزه علمیه قم در قم و شهرستان ها، نسبت به ثبت نام که معمولاً همه ساله در ماه های اسفند و فروردین انجام می گیرد، اقدام کنند.

همه پذیرفته شدگان موظفند در سال های اولیه ورود، دروس عمومی را (ادبیات عرب تاریخ اسلام منطق و...) بگذرانند. پس از آن با علاقه خود می توانند در یکی از گرایش های تخصص فقه و اصول فلسفه و کلام قضا و.. ادامه تحصیل دهند.

افزون بر

دوره های یاد شده نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها اقدام به تأسیس حوزه ای به نام "شهید بهشتی کرده است که دانشجویان می توانند در آن جا تحصیل کنند. لطفاً درباره چگونگی تحصیل حوزوی یا غیر حوزوی از نهاد مربوطه مستقر در دانشگاه خود استعلام نمایید.

همچنین سازمان تبلیغات اسلامی در سایت اینترنتی به آدرس www.tebyan.net اقدام به درج درس های حوزوی در همه سطوح کرده است از این سایت نیز می توانید استفاده کنید.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه می توانید با شماره تلفن ۷۷۴۰۰۱۹۰۲۵۱ پذیرش حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

پرسش

لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

پاسخ

با تبریک به شما به خاطر هدف مقدّسی که انتخاب کرده اید و به امید موفقیت شما، به عرض می رسد راه های متعدّدی برای ورود به حوزه علمیه برای خواهران وجود دارد که پس از ذکر مقدمه ای به آن ها اشاره می کنیم

شرط تحصیل در حوزه اخلاص است و هدف از آن باید کسب فضایل اخلاقی و دریافت معارف اسلامی و نشر آن ها در میان باشد. ورود به حوزه یا هر مکان علمی با این هدف اهمیت ویژه ای داشته و خداوند چنین عالمی را تمجید کرده است "خدا]رتبه کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد."(مجادله ۱)

روایات متعددی نیز به این فضیلت ها اشاره دارند. از جمله حضرت صادق می فرمایند: "عالمی که از علمش سود برده شود بهتر از هفتاد هزار عابد است "(الکافی کلینی (ره ، ج ۱، ص ۳۳، دارالکتب الاسلامیه)

بدیهی است که این فضایل از عالمان عامل است و عالمانی که به خاطر هوای نفس یا دلایل مادی قدم در راه تحصیل معارف بگذارند، به سختی بازخواست خواهند شد.

راه های ورود به حوزه علمیه

۱. شرکت در آزمون اختصاصی "جامعه الزهرأ قم این حوزه همه ساله از اواخر بهمن یا اوایل فروردین از خواهران داوطلب دانشجو می پذیرد، اطلاعیه پذیرش و چگونگی ثبت نام در این حوزه معمولاً در روزهای یاد شده در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر برای خواهران تمام وقت شهرستانی داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا و

حداکثر سن ۱۹ سال می باشد.

حوزه شبانه روزی و دارای خوابگاه بوده و طلاب از غذا و کمک هزینه تحصیلی بهره مند خواهند شد.

برای آگاهی بیشتر در این باره می توانید با شماره تلفن ۹۵۱۱۱۰۲۵۱ تماس بگیرید.

۲. شرکت در آزمون اختصاصی حوزه علمیه خواهران مرکز حوزه علمیه خواهران قم مدارسی را در بیشتر شهرستان ها تحت پوشش دارد که همه ساله معمولاً در ماه های اسفند و فروردین از خواهران داوطلب طلبه می پذیرد، اطلاعیه پذیرش این حوزه در روزهای یاد شده در روزنامه های جمهوری اسلامی کیهان و هفته نامه افق حوزه منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر داشتن دیپلم و حداکثر سن ۲۰ سال می باشد که در صورت تأهل حداکثر سن ۲۳ سال می باشد.

برای آشنایی با شرایط ورود به این مدارس می توانید با حوزه علمیه مرکز استان خودتان یا مرکز حوزه علمیه خواهران قم (۷۷۴۰۹۴۵۰۲۵۱) تماس بگیرید.

۳. ثبت نام در مدارس مستقل برخی از مدارس در شهرستان ها وجود دارند که مستقل بوده و از میان خواهران طلبه می پذیرد و شرایط ثبت نام در این مدارس متفاوت بوده و به تصویب هیئت امنا یا مدیر مدرسه بستگی دارد.

اما درباره استاد سیر و سلوک یا استاد اخلاق تذکّر چند مطلب ضروری به نظر می رسد که به آن ها اشاره می شود:

۱. نقش و فایده های داشتن استاد: شکّی نیست که انسان برای عبور از مسیرهای دشواری که هرگز عبور از آن را تجربه نکرده است داشتن راهنمایی که پیش تر آن راه ها را پیموده باشد، بسیار دارای اهمیّت است به خصوص برای سلوک درجاده معنوی و

پیمودن مراحل ومنازل روحانی که گام به گام آن را ابلیس و ایادی او ناامن کرده اند و سالک این وادی را بدون مبارزه و جهاد، اجازه عبور نمی دهند: "قَالَ فَبِمَآ أَغْوَيْتَنِي لأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَ طَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ (اعراف ۱۶و۱۷)]ابلیس گفت اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن ها کمین می کنم سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن ها، به سراغ شان می روم "

حضرت آیت اللّه جوادی آملی درباره نقش استاد اخلاق و مرشد، در تکامل انسان می فرمایند: "بعضی درس اخلاق می گویند، بعضی معلم اخلاق اند بعضی راهنما هستند. این راهنما یا استاد، گذشته از این که کلیات و تئوری را می داند، باید روان شناس خوبی هم باشد تا خصوصیات اشخاص مختلف را درک کند. بعضی از کارهاست که برای یک شخص خوب و برای دیگری بد است داروها همه اش برای همه افراد خوب نیست دارویی که برای یک نفر شفاست ممکن است برای دیگری سم باشد. خلاصه کسی باید استاد و راهنما باشد که خصوصیات روحی آدم را بداند، بگوید: فلان کار، برای تو این گونه خوب است و برای فلانی آن گونه "(توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها، آیه اللّه جوادی آملی ص ۳۰و۳۱، نشر: دفتر نشر معارف)

۲. وجود استاد و راهنما:

شکّی نیست که در میان انسان های مؤمن همواره کسانی هستند که در زمینه هدایت و دست گیری اشخاص به طور شخصی برای رسیدن به کمالات معنوی

مهارت دارند که برای نمونه می توان از مرحوم شاه آبادی نام برد که حضرت امام خمینی را در سنین جوانی راهنمایی می کردند، ولی در این هم شکّی نیست که شناختن این اساتید و دست رسی به آنان کار آسانی نیست به خصوص که ممکن است انسان با اندک غفلتی به جای دست رسی به این گونه استادان در دام شیّادانی که خود را این گونه جلوه داده اند، بیفتد; به ویژه برای خانم هایی که برای دست رسی به این گونه اساتید تلاش می کنند، این امر، بسیار حساس تر و مشکل تر است البته گمان نکنید که تنها شما از این قافله عقب مانده اید و در این آرزو به سر می برید; بلکه وقتی سخن از استاد و مرشد می شود، شخصی مانند حضرت آیت اللّه جوادی آملی نیز که خود خبره این مسائل هستند می فرمایند: "اگر استاد و مربی پیدا شود که نقش مهمّی دارد: "آن که یافت می نشود آنم آرزوست "...اگر واقعاً کسی باشد که این خصوصیات را داشته باشد و لحظه به لحظه انسان را راهنمایی کند، نعمت خوبی است امّا بسیار کم نصیب آدم می شود."(همان ص ۳۰و۳۱.)

۳. بدون استاد: اکنون که دست رسی به آن گونه اساتید که خصوصیات آن در بالا گذشت و گویا جز با توفیق الهی نصیب انسان نمی شود میسّر نشده است به معنای آن نیست که انسان از کمالات و کامل شدن محروم مانده است زیرا یک سری دستورالعمل های عمومی وجود دارند که با تمسّک به آن ها و جلب عنایات ویژه خداوند، انسان می تواند راه خود را به سوی کمال ادامه دهد که

از جمله آن دستورالعمل ها "ترک محرمات و انجام واجبات است دانستن این که چه چیزهایی برای انسان حرام و چه چیزهایی واجب هستند، کار دشواری نیست زیرا بیش تر آن ها را فقها و مراجع تقلید در رساله های توضیح المسائل خود آورده اند. نقطه شروع شما در ابتدای راه باید همین باشد; یعنی حرام در زندگی شما نباشد و واجبی از واجبات شماترک نشود، به گونه ای که هر گاه دیدید در زندگی خود، گناه و ترک واجب دارید، بدانید هنوز در ابتدای راه هستید، امّا خداوند متعال پس از پیمودن این مرحله تضمین فرموده است که شما را در ادامه راه کمک و راهنمایی فرماید و شما را بر سر دو راهی ها، تنهانگذارد: "وَ الَّذِینَ جَـٰهَدُواْ فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ ;(عنکبوت ۶۹) و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است "; "وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا ;(طلاق ۲) و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند."; "یَـٰٓأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ اللَّهَ یَجْعَل لَّکُمْ فُرْقَانًا;(انفال ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از]مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می دهد."

جامعه الزهرای قم چه مرکزی است ؟

پرسش

جامعه الزهرای قم چه مرکزی است ؟

پاسخ

جامعه الزهرا که حوزه علمیه خواهران است، دارای چهار بخش عمده می باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی،

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل،

۳- روزانه با مدرک دیپلم،

۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار)،

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره تخصصی می باشد. دوره عمومی را که حدودا پنج سال به طول می انجامد برای همه است و دوره تخصصی (تخصص تبلیغ، تاریخ، فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند.

شرایط ثبت نام را نیز امسال در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند.

جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم: بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن: ۲۹۲۵۱۱۱تماس حاصل نمایید.{J

آیا کلمه روحانیت –آن گونه که دکترشـریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده –ازتحریفات عصرصفویه بوده و از مسیحیت واردجامعه مسلمانان شده است ؟

پرسش

آیا کلمه روحانیت –آن گونه که دکترشـریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده –ازتحریفات عصرصفویه بوده و از مسیحیت واردجامعه مسلمانان شده است ؟

پاسخ

در مورد مطلبی که در سوئال آمـده نکاتی قابل بررسـی می باشـند که عبارتنـد از: اولا": در ابتـدا لازم است نگاهی به تعریف واژه روحانیت و ویژگیهای آن در اسلام بیندازیم و سپس فرق بین آن و روحانیت در دین مسیح را بیان نمائیم : واژه روحانیت به معنـای ((روح محـوری)) در برابر ((جسم محـوری)) است . گـاهی این اصـطلاح به جای واژه ((عـالم دین)) و یـا ((دین شناسـی)) و نظیر آن به کار می رود که چنـدان رسا نیست , چنانکه برخی از اصـطلاحات زمان های پیشـین چون ((آخونـد)) (پیشوای مـذهبی یا دانشـمند) و ((ملا)) (درس خوانـده) نیز چنـدان رسا نبود و علاوه بر نداشـتن دلالت لازم بر مراد, گاهی با تحقیر و توهین دشـمنان دین و روحانیت همراه بود. در فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع) در مورد دین شـناسان و ادامه دهنـدگان رسـالت انبیـای الهی واژه ((عـالم)) به کـار رفته و بـا القایی چون ((وارثان پیامبر)), ((جانشـینان پیامبر)), ((دژهای اسـلام)) و ((صاحبان فهم عمیق)), ((منـذران قوم)) و... به آنان اشاره شـده است . اما از نظر اصـطلاحی , روحانی یا عالم دینی به معنای ((دین شـناس و دین دار عصـر خویش الگوی عینی اجرای دین و هادی خود و جامعه و ناظر بر اجرای دین به منظور عروج در رسیدن انسان به کمال نهایی)). ویژگی های روحانیت عبارتند از: ۱- اسلام شناسی ۲- زمان شناسی

۳- شایستگی برای فهم دین و تبلیغ و تبیین آن , ۴- تبلور دین در ظاهر و باطن ۵- صلاحیت برای اجرای دین در عرصه اجتماع ۶- شایستگی برای هدایت و نظارت بر اجرای دین (ر.ک : محمدجواد حیدری کاشانی , مجموعه امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, ص ۱۶۶ - ۱۶۵) اما اگر شما روحانیت در دین مسیحیت را با ویژگیهایی که دارد مورد مطالعه قرار دهید در می یابید که بین ایندو اصطلاح (روحانیت در اسلام با روحانیت در مسیحیت) اختلافات ماهوی متعددی وجود دارد که به هیچ وجه قابل اقتباس از دیگری نمی باشد که ما به برخی از آنان اشاره می نمائیم : روحانیت در مسیحیت تنها مقام صاحب اعتبار در مسایل دینی و رابطه و واسطه خدا و انسان به شمار می آید که به نوعی از عصمت و قداست خاصی برخوردار بوده و کمتر به جنبه عملی و معرفتی اخلاقی و علمی او توجه می شود و به عنوان یک طبقه ممتاز از سایر طبقات شناخته می شود. به خلاف روحانیت شیعه که بر بعد معرفتی و علمی او توائم با بعد اخلاقی و عملی توجه می شود و... (ر.ک : مهندس جلال الدین آشتیانی , تحقیق در دین مسیح , ص ۴۰۹) ثانیا": مطالعه تاریخ صفویه به روشنی بیانگر این مطلب می باشد که علمائ شیعه در برابر مبلغان مسیحی موضع گیری های متعددی داشته اند و کتابهای بیشمار در جهت مقابله با ترویج عقاید و افکار مسیحیت نگاشته شده است بنابراین اثبات چنین مطلبی مشکل می نماید. (ر.ک : رسول جعفریان , دین و

سیاست در دوره صفوی , ص ۳۰۱) ثالثا": روحانیت در دید دکتر در دوره های مختلف و سالهای متمادی به شکلهای مختلفی جلوه کرده و دیدگاهش گاه عوض شده گاه به افراط کشیده شده است . بنابراین برای درک شناخت موضع دکتر درباره روحانیت لازم است کار زمان بندی شده ای روی آثار دکتر بشود. رابعا": برای ارائه نظر و انتقاد از عملکرد فرد یا افرادی حتما" باید شرایط, اوضاع و احوال آن زمان را در نظر گرفت نه با معیاری که امروز به دست آورده کما اینکه دکتر سعی می کند معیار تشیع سرخ را تا آخر تاریخ ببرد و هر دوره ای را با آن محک بزند. حضرت امام (ره) با اینکه به همه سلاطین بدبین بودند و فردی کاملا" انقلابی بودند اما در جای خود از علمای معاصر حکومت صفوی حمایت می کرد یعنی احساس می کرد که در آن مقطع زمانی , مرحوم مجلسی یا محقق کرکی و یا دیگران جز کاری که کردند, نمی توانستند کار دیگری انجام دهند. لذا رسما" از مرحوم مجلسی ستایش و دفاع کردند. خامسا": با این همه دکتر نهایت تمجید از تشیع علوی را دارد و به کرات از شیعیان مخلص مانند مرحوم سید شرف الدین یاد می کند. و از حضرت امام خمینی (ره) به دفعات تمجید و ستایش کرده و به روح خدا تعبیر می نماید, (دکتر شریعتی , مجموعه آثار, ج ۲۰, ص ۱۱۹). سادسا": اصل وجود تعزیه و عزاداری برای امام حسین (ع) و ائمه اطهار(ع) دارای پشتوانه محکمی از احادیث و روایات معتبر و سیره ائمه

اطهار(ع) می باشد که اصلا" قابل خدشه نیست . مراسم سوگواری عاشورا, (عزاداری , تعزیه خوانی , مراسم روضه خوانی و...) از پیش از صفویه در ایران به ویژه خراسان عصر تیموری رواج داشته و کتاب روضه الشهدائ از ملا حسین کاشفی (م ۹۱۰) برای محافل روضه خوانی خراسان تالیف شده بوده است آن هم در روزگاری که هنوز پای شاه اسماعیل به خراسان نرسیده و قزلباشان شیعه در آنجا حضور و نفوذی نداشتند. در عصر حضور ائمه معصومین (ع) و پیامبر اکرم (ص) نیز برگزاری تعزیه برای شهدائ و مرحومین امری رایج بوده است که می توان به : برگزاری مراسم عزاداری برای حمزه سیدالشهدائ توسط زنان مدینه , برگزاری مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) توسط کاروان اسرائ به مدت سه روز در شام و بعد از برگشتن از شام بر سر قبر مطهر امام حسین (ع) در کربلا, و سپس در مدینه اشاره نمود و حتی امامان معصوم (ع) نیز برای عزاداری جدشان هر ساله تشکیل مراسم عزاداری می دادند, (ر.ك : رسول جعفریان , صفویه از ظهور تا زوال , ص ۲۳۷) اما سبک عزاداری به فرهنگ هر قومی بر می گردد. به عبارت دیگر تعزیه از مقوله هنر است که ممکن است در آن از موارد مشابه حتی از کشورها و آئین های دیگر تقلید شود, و این تا جایی که با ارزشها و معارف اسلامی مغایرت نداشته باشد مشکلی ندارد. در عین حال برخی از منابع تاریخی برآنند که نخستین بار زنان بنی هاشم هنگام ورود به کربلاـ به رسم عزاداری به سینه

خود می زدند.

فهرستی از دروس حوزه را بیان نمائید؟

پرسش

فهرستی از دروس حوزه را بیان نمائید؟

پاسخ

۱- جامع المقـدمات که شامل (صـرف میر، شـرح تصـریف، عوامل ملامحسن در نحو، هـدایه فی النحو و کتاب صـمدیه شیخ بهایی)

۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال الدین سیوطی

۳- مختصرالمعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی

۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری

۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر)

۶- مغنی اللبیب در نحو، ابن هشام

۷- معالم الدین (در علم اصول)

۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی

۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی

۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی

۱۱- البدایه المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی

» قدس سرهما

۱- شرح اللمعه الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی

۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر

۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضی انصاری

۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید

۵- بدایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۶- جوامع الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی

۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله محمد هادی معرفت

۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی

۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی

»

۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری

۲- کفایه الاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی

۳- نهایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری

۵- جوامع الجامع (تفسیر) طبرسی

۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله معرفت

۷- کلیات علم الرجال، استاد جعفر سبحانی

۸- درایه الحدیث (حدیث شناسی) استاد جعفر سبحانی

۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی

» قدس سرهما

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی

۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری

۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی

۴- عروه الوثقی و شروحی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی

۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی

۷- تذکره الفقها، علامه حلی

۸- اجود التقریرات، آیت الله خویی

۹- جامع المقاصد، محقق ثانی

۱۰- مبسوط، شیخ طوسی

۱۱- خلاف، شیخ طوسی

۱۲- تحریرالوسیله،

امام خمینی و...

۱- مرکز تخصصی علم کلام

۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن

۳- مرکز تخصصی قضا

۴- مرکز تخصصی تبلیغ

سؤال۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

پرسش

سؤال۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

پاسخ

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم.

پاسخ: از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنّی استفاده می شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت معصومان ع) است؛ از آن جمله:

۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم(ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکّه عمامه ای مشکی بر سر داشت.(۱)

علی(ع) فرمود: "رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، عمامه ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه فرمود: "خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمّم بودند".(۲)

۲- اصبغ بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین(ع) به شمار می رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی(ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت.(۳)

۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعه بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعه را به حضور علی(ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند

که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت.

ربیعه (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛

امیرالمؤمنین(ع) (با بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعه) عبای خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید.(۴)

بنابراین از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت:

پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت پیامبر و امامان(ع) را تشکیل می دهد.

تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنّت پیامبر(ص) و امامان(ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی وانتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد.

پاسخ سومین سؤال فرعی:

در سؤال مطرح کرده اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان و تشریح یک روایت می پردازیم:

حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق(ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته اند که علی(ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می پوشیده و شما را می بینیم که لباسی نیکو پوشیده اید.

امام صادق(ع) در پاسخ این اعتراض فرمود: "علی بن أبی طالب علیه السّلام لباس با

آن ویژگی ها را در زمانی می پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی آمد، امّا امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است".(۵)

این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. امّیا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین(ع) شباهت داشته و به لباس های سنّتی ایرانیان نیر شباهت بیشتری دارد.

پی نوشت ها:

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶.

۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴.

۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹.

۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس هایی از همه بیش تر نیاز است؟

پرسش

من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس هایی از همه بیش تر نیاز است؟

پاسخ

اگر علوم حوزوی درست خوانده شود منشأ خیرات فراوانی می شود، ولی استقامت و توفیق الهی باید مددکار باشد تا انسان بتواند به علوم حوزوی دست یابد. مدت طلبگی در حوزه برای خواندن (مقدمات و سطح و خارج) حدود ۱۵ سال طول می کشد. اگر ۱۵ سال خوب درس خوانده شود، شخص می تواند مجتهد شود. و درباره ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته علوم سیاسی، درس های عمومی و معارف اسلامی، اطلاعات سیاسی، و تاریخ و جغرافیا از همه بیش تر نیاز است و کتاب اندیشه سیاسی اسلامی را مطالعه فرمایید.

۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی شود؟ چرا مانندبودایی ها که برای مسـئولیت و رهبری معبدی , از دوران کودکی شخص مورد نظررا کنترل می کنند, عمل نمی شود و مثلاً دانش آموزی را که در سوم راهنمایی متوقف شده , می پذیرند و بعد هم در آمد روحانیت آغشته به دین است ؟! چر

پرسش

۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی شود؟ چرا مانندبودایی ها که برای مسئولیت ...رهبری معبدی , از دوران کودکی شخص مورد نظررا کنترل می کنند, عمل نمی شود و مثلاً دانش آموزی را که در سوم راهنمایی متوقف شده , می پذیرند و بعد هم در آمد روحانیت آغشته به دین است ؟! چرادربارهء این مسئله فکر اساسی و اقدام قانونی نمی شود؟!

پاسخ

مطلبی را که دربارهء دقت در نحوهء تعیین رهبری معبد بوداییان بیان کردید در مورد ردهء بالای روحانیت است که این امر در روحانیت شیعه نیزبرای تعیین مرجع تقلید و روحانیونی که بخواهند عهده دار مسئولیت حساس شوند, رعایت می شود, اما چون حوزهء روحانیت در اسلام بسیار گسترده ودارای مراتب گوناگون است و به افراد بسیاری نیاز دارد, نمی شود همهء آنان را ازدوران کودکی تحت نظر گرفت و به شیوهء خاص تربیت کرد, بلکه بهترین راه همان است که پس از گذراندن حداقل دورهء راهنمایی و آشنا شدن با مسائل اجتماعی , کسانی که علاقه و ذوق ورود به حوزه را دارند, با آگاهی و اختیار و درصورت داشتن شرایط و قبولی در آزمون ورودی وارد حوزه شوند و ضمن خواندن دروس حوزوی و ارتقای علمی و تهذیب نفس و ابراز لیاقت وشا.......ə...های علمی و ع...řę و اخلاقی , بتوانند مسئولیت های در ...IȘتوان راپذیرا گردند. طبیعی است کسانی که از استعداد بالایی برخوردار هستند, برای مسئولیت های بالاتر و کسانی از لیاقت پایین تری بهره مندند, به کارهای متناسب با شأن و لیاقتشان گمارده خواهند شد. البته باید اعتراف کرد سازمان روحانیت هنوز به وضعیت مطلوب نرسیده است

و در کیفیت اداره نیاز به اصلاحات داردکه باید توسط مراجع مربوط و کارشناسان آگاه به زمان برنامه ریزی شود تا به اهداف عالی خود نایل آید.

شنیده ام که می شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاًراهنمایی کنید؟

پرسش

شنیده ام که می شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاًراهنمایی کنید؟

پاسخ

با مؤسسهء انتشارات در راه حق واقع در قم چهار راه شهدا مکاتبه کنید.

علاقه به دروس حوزوی دارم , ولی بندر انزلی نه جوّ خوبی دارد ونه حوزهء مناسبی . آیا می توانم در حوزهء علیمهء قم مشغول شوم , لطفاً از کم و کیف مسئله مرا مطلع فرمایید.

پرسش

علاقه به دروس حوزوی دارم , ولی بندر انزلی نه جوّ خوبی دارد ونه حوزهء مناسبی . آیا می توانم در حوزهء علیمهء قم مشغول شوم , لطفاً از کم و کیف مسئله مرا مطلع فرمایید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از لطف و مرحمت جناب عالی تشکر وقدردانی می کنیم .

دروس حوزوی , چون مقدمهء شناخت خدا و شناخت نفس است (معرفه اللّه ومعرفه النفس) از بهترین علوم محسوب می شود, اخلاص در این رشته , رمز موفقیت است . اگر اخلاص نباشد دچار خسران و زیان خواهیم شد. در هر صورت , علاقه ءشما ستودنی است . برای آگاهی از کم و کیف شرکت در حوزهء علمیهء قم , فرمی که توسط شورای مدیریت حوزهء علمیه قم تهیه شده برای شما ارسال می شود.امیدواریم بتوانید بدین سوی هجرت کنید و اگر زمینه فراهم نشد می توانید درحوزه های علمیهء شهر خودتان یا شهرهای نزدیک چند سالی را سپری کنید ومقدمات را بخوانید و سپس برای پیمودن ادامهء تحصیل به قم تشریف بیاورید.اغلب طلّاب شهرستانی , چند سالی را در شهر خود یا شهرهای اطراف مشغول می شوند و بعد از خواندن لمعه , طی امتحاناتی , مقدمات آمدن به قم فراهم می شود. امیدواریم به هدف های خالصانهء خود برسید.

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است , آیا تحصیل در حوزه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است ؟

اشاره

آیا حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا پوشیدن لباس روحانیت اجباری است ؟

پرسش

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است , آیا تحصیل در حوزه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است ؟

آیا حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا پوشیدن لباس روحانیت اجباری است ؟

پاسخ

دوست عزیز! ضمن تبریک جهت اقدام شما برای ورود به حوزه علمیه قم نکاتی تقدیم می گردد:

۱ جذب طلاب و دانش پژوهان حوزه علمیه قم شرایطی دارد که به پیوست برای شما ارسال می شود.

رشته هایی که در حوزه های علمیه تدریس می گردد عبارتند از: ۱ ادبیات عرب ; ۲ منطق ; ۳ اصول ; ۴فقه ; ۵ فلسفه و کلام ; ۶ عرفان و ادیان ; ۷ تاریخ ; ۸ تفسیر قرآن ; ۹ روان شناسی ; ۱۰ جامعه شناسی ; ۱۱مدیریت ; ۱۲ حقوق .

بنابراین , تحصیل در حوزه علمیه قم پس از طی دوره‌ء عمومی سطح , به صورت تخصّصی در رشته های مذکور امکان پذیر است , علاوه بر آن که برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه‌ء علمیه قم , مثل مؤسسه‌ء امام خمینی , دفتر تبلیغات اسلامی , دانشگاه مفید, مرکز تربیت مدرس و... بر اساس سر فصل های دانشگاهی ازطلبه ها ثبت نام کرده و پس از طی مراحل کنکور و گزینش و درس , مدرک معتبر علمی دانشگاهی اعطا می کنندکه با آن می توان استخدام شد, علاوه بر آن که درس های حوزه و پژوهش علمی حوزه پایان ناپذیر است و هرکس به هر میزان استعداد داشته باشد می تواند کار کند;

۲ حوزه علمیه , تعهد چندانی نسبت به اشتغال طلبه ها

نـدارد, اما اگر طلبه ای , خوب درس بخواند و مراتب علمی را طی کند, می تواند در دانشـگاه تدریس کند و در قوه قضاییه و مجریه , مشغول به کار شود; به علاوه درحوزه علمیه هم می تواند به تدریس و نگارش بپردازد;

۳ لباس در حوزه اجباری نیست , اما از شرایط حوزه و تعهدات اخلاقی محصّل این است که پس از استفاده از امکانات حوزه , از سلک روحانیت خارج نشود و ضمن افتخار به این لباس به خدمات دینی , فرهنگی بپردازد.

در آزمون سراسری سال ۷۹شرکت کرده ایم و دوست دارم در دانشـــگاه قم قبول شده و یا درحوزه مشغول شوم , چون در مورد درس عربی مشکل دارم , لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پرسش

در آزمون سراسـری سال ۷۹شرکت کرده ایم و دوست دارم در دانشـگاه قم قبـول شـده و یـا درحـوزه مشـغول شوم , چون در مورد درس عربی مشکل دارم , لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

خواهر گرامی ! ما هم آرزومنـدیم در آزمون سراسـری , به خصوص در رشـته های تحصـیلی دانشـگاه قم قبول شویـد, وظیفهء شما در این مقطع این است که درس ها را کاملاً بخوانید, دروس عمومی و دروس اختصاصی را مطالعه کنید و خصوصاً درس های عربی را با دقت بخوانید و هر چه بیش تر در این زمینه ها کارکنید بهتر است ; البته اگر در دانشگاه سراسری قبول نشدید, می توانیـد در جـامعه الزهرا یا مـدرسهء علمیهء حضـرت زینب ۳کـه مخصـوص خـواهران اسـت و دروس عربی و دینی را می خوانند شرکت کنید و انشاءالله قبول شده واز محیط قم و معنویت این شهر مذهبی , به خصوص زیارت حضرت معصومه ۳بهره مند می شوید.

جهت اطلاع بیش تر, برگه شرایط ثبت نام در جامعه الزهرا را به پیوست ارسال می داریم .

نگران نباشید, باتوکل بر خدا و با جدّیت , این مدت باقی مانده رامطالعه کنید. انشاءالله قبول می شوید و اگراحیاناً در شهرهای دیگر و دانشـگاه های دیگر قبول شدید با حفظ حجاب و ایمان کامل و پرهیز از گناهان می توانید معنویّت خود را حفظ کنید.
.

نحوه جذب محصـــلین در حوزه علمیه چیست ؟ آیا تحصـــیل در جزوه ها مختص رشـــته های علوم دینی و مذهبی است و حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا لباس روحانی اجباری است ؟

پرسش

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چیست ؟ آیا تحصیل در جزوه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است و حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا لباس روحانی اجباری است ؟

پاسخ

دوست عزیز! ضمن تبریک جهت اقدام شما برای ورود به حوزه علمیه قم به اطلاع شمامی رسانیم که جذب طلاب و دانش پژوهان حوزه علمیه قم شرایطی دارد که به پیوست تقدیم می گردد.

درس هایی که در حوزه های علمیه تدریس می گردد عبارت اند از: ۱ ادبیات عرب ; ۲ منطق ; ۳ اصول ; ۴فقه ; ۵ فلسفه و کلام ; ۶ عرفان و ادیان ; ۷ تاریخ ; ۸ تفسیر قرآن .

بنابراین , تحصیل در حوزهء علمیه قم پس از طی دورهء عمومی سطح , به صورت تخصّصی در رشته های فقه ,اصول , فلسفه و کلام , تفسیر و... امکان پذیر است , علاوه بر آن که برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه قم مثل مؤسسهء امام خمینی , دفتر تبلیغات اسلامی , دانشگاه مفید, مرکز تربیت مدرس و... برای اساس سرفصل های دانشگاهی از طلبه های ثبت نام می کنند و پس از طی مراحل کنکور و گزینش و طی دوره , مدرك معتبر علمی اعطا می کنند که با آن می توان استخدام شد, افزون بر آن که درس های حوزه و پژوهش علمی حوزه پایان ناپذیر است و هر کس به هر میزان استعداد داشته باشد می تواند کار کند.

حوزهء علمیه , تعهد چندانی نسبت به اشتغال طلبه ها ندارد, اما اگر طلبه ای , خوب درس

بخواند و مراتب علمی را طی کند, می تواند در دانشگاه تدریس کند و در قوّه قضاییه و ارگان های دیگر مشغول به کار شود, به علاوه در حوزه علمیه هم می تواند به تدریس و نگارش بپردازد, در ضمن پوشیدن لباس روحانیت در حوزه اجباری نیست , اما از شرایط حوزه و تعهدات اخلاقی محصّل این است که پس از استفاده از امکانات حوزه , ازسلك روحانیت خارج نشود و ضمن افتخار به این لباس , به خدمات دینی , فرهنگی بپردازد.

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

علاقه و اشتیاق وافر به تحصیل علم خصوصاً تحصیل علوم اسلامی توفیق بزرگی برای شما است , که داشتن این روحیه تحمل مشکلات را آسان نخوده و پیمودن پله های ترقی را فراهم می نماید. یکی از صفات پسندیدهء روحیهء داشتن علم است و فضیلت و برتری دانا بر نادان از آفتاب روشن تر است . دین مقدس اسلام بیش ازهمه نظامات اجتماعی و همهء ادیان و شرایع مردم را به فراگرفتن علم و دانش تشویق و ترغیب نموده است , اسلام برای پیریزی یک فرهنگ اساسی فضیل علم را بر هر زن و مرد لازم نموده است و برای علم ارزش بسیار والایی قائل شده است . امام علی ۷فرمود: . هم چنین حضرت در(پاورقی ۱.محمد ری شهری , میزان الحکمه ج ص ۲۰۶۳مادهء علم , شماره ۱۳۶۵۵و ۱۳۶۵۲

حدیث دیگر فرمود: .() اگر علم و دانش توأم با پاکی و تقوا و(پاورقی ۲.همان .

آگاهی باشد منشأ خیر و برکات فراوان شده و موجب آبادی دنیا و آخرت می گردد. امیدواریم شما در راه کسب علم و دانش , به ویژه علوم اسلامی موفق شد و مدارج عالی را طی نمایید.

با توجه به شرایطی که برای خود ذکر کرده اید بهتر است برای راهنمایی و رسیدن به یک راه عملی برای تحصیل علوم اسلامی به مدیر حوزهء علمیهء شهرستان کرج مراجعه فرمایید و از ایشان راهنمایی بخواهید.

چگونه می توانیم برگهء پرسش ها و شبهات را تهیه نماییم ؟

پرسش

چگونه می توانیم برگهء پرسش ها و شبهات را تهیه نماییم ؟

پاسخ

می توانیـد بـا مرکز فرهنـگ و معـارف قرآن , دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علیه قم مکاتبه کرده و از آن مرکز درخواست برگه کنید.

مایلم وقتی بزرگ شدم , در حوزهء علمیهء قم تحصیل کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم .

پرسش

مایلم وقتی بزرگ شدم , در حوزهء علمیهء قم تحصیل کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم .

پاسخ

از این که در سـنین کودکی در این فکر هستیـد که وقتی بزرگ شدید, وارد حوزهء علمیهء مقدسهء قم شوید و از مسائل دینی خود و جهان اسـلام آگاهی پیدا کنید, جای بسـی سـپاس و تشکر است . قدر این نعمت رابدانید و همیشه از خدا بخواهید شما را در این عقیده ثابت قدم نگه دارد.

ارتبـاط بـا افراد مؤمن و متـدیّن و رفتن به مجـالس دینی و گوش دادن به پنـدهای حکیمانه بعضـی از منبری ها واقامهء به موقع نمازهای پنجگانه و انس با قرآن و پیونـد با ائمه اطهار: از دیگر راه های موفقیت است . البته ورود به حوزه , مسـئولیتی خطیر و همراه با مشکلات و محرومیت های بسیاری است , که خود را برای آن بایدآماده کرده باشید.

یکی دیگر از رموز موفقیت شـما در آینـده این است که دروس مقاطع تحصـیلی (ابتدایی , راهنمایی ودبیرسـتان) به خصوص درس های ریاضی و عربی و منطق و فلسفه و ادبیات و دینی را خوب بخوانید و بفهمید.ضمناً فرم جامعهالزهرا به پیوست ارسال می گردد. ان شاءالله مطالعهء آن مفید باشد.

خانمی هستم متولد ۱۳۳۴و مجرد و شاغل در یکی از مراکز درمانی . در یک بحران شدیدروحی قرار گرفته ام و در سال آخر رشـتهء علوم تربیتی پیام نور درس می خوانم . لطفاً شرایط ورود به حوزهء علمیه ءرا بنویسید.

پرسش

خانمی هستم متولد ۱۳۳۴و مجرد و شاغل در یکی از مراکز درمانی . در یک بحران شدیـدروحی قرار گرفته ام و در سال آخر رشتهء علوم تربیتی پیام نور درس می خوانم . لطفاً شرایط ورود به حوزهء علمیه ءرا بنویسید.

پاسخ

از این که با ما مکاتبه کرده و مشکلات خود را مطرح کرده اید, متشکریم .

علت تجرّد شما را بعد از چهل سالگی متوجه نشدیم . شاید علت خستگی شدید و احساس ناتوانی وضعف روحی و افسردگی , ناشی از تجرد باشد. در نامهء بعدی علّت مجرّد بودنتان را توضیح دهید. با این حال چون مشغول کار و تحصیل هستید, بسیار خوب است , چون اگر مشغول شغلی نبودید, قطعاً بامشکلات بیشتری مواجه می شدید.

علاقهء به علوم اسلامی و الهیّات و دروس حوزوی بسیار مطلوب و پسندیده است , ولی شرکت در حوزه ءعلمیه و خواندن دروس حوزوی , شرایط مخصوصی دارد. در هر حال فرم شرکت در جامعهالزهراء۳را ارسال می کنیم . اگر شرایط را داشتید می توانید در امتحان ورودی شرکت کنید. بدون شرکت در حوزه هم می توانیددروس حوزوی را نزد استادی که در شهرتان هست یا حوزهء علمیه خواهران مراغه , بخوانید. شرکت در دروس حوزه علمیه رایگان است و از بابت تحصیل در حزوه علمیه از کسی شهریه دریافت نمی شود, بلکه حوزه هامقداری شهریه به دانش پژوهان خود می دهند.

ما امیدواریم که با کوشش و جدیت بهاین هدف نایل می شوید. ابتدا سعی کنید اگر مورد مناسبی پیدا شد وشخص خوبی از شما خواستگاری کرد ازدواج کنید در آن صورت طبعی است که با آرامش بیش تر

می توانید به فعالیت های خود ادامه دهید.

ما برای شما آرزوی موفقیت و سعادت داریم .

پســری هفده ساله هســتم و دوست دارم طلبه شوم , مدرک و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست ؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی است و مدت زمان برای ملبّس شدن چند سال است ؟

پرسش

پسری هفده ساله هستم و دوست دارم طلبه شوم , مدرك و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست ؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی است و مدت زمان برای ملبّس شدن چند سال است ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که بـا مـا مکاتبه کرده و علاقه منـد دروس حوزوی شـده ایـد, متشـکریم .دروس حوزوی حـداقل مـدت پانزده سال به طول می انجامد که با خواندن ادبیات عرب شـروع می شود و بامنطق و فلسـفه و اصول و فقه و فصاحت و بلاغت و تفسیر و اعتقادات و در مرحلهء آخر درس خارج فقه و اصول تمام می شود. اگر کسـی بخواهد به مراحل بالاتر یعنی اجتهاد و فقاهت دست یابـد, باید تحقیقات خود را ادامه دهد و در همهء مراحل از اخلاق و تهذیب نفس برخوردار باشد. طلبه وقتی مقداری از اصول و فقه را خواند وتوانایی پاسخگویی به مسائل دینی را داشت , ملبس می شود.

شرایط ورود و مدارک لازم و زمان امتحان ورودی حوزه علمیه در برگه ای به پیوست ارسال می شود.

لطفاً دربارهء تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید.

پرسش

لطفاً دربارهء تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید.

پاسخ

هر ساله حوزهء علمیهء قم و حوزه های شهرسـتان , اقدام به ثبت نام ازداوطلبان ورود به حوزه می کنند و زمان ثبت نام و دیگر شرایـط آن , از طریق مطبوعات اعلام می شود. پس از قبولی در امتحان , گزینش صورت می گیرد.داوطلبانی که از شهرسـتان هسـتند, بـایستی به مـدت چهـار سال در محلی غیر از قم تحصـیل کننـد و سـپس برای ادامهء تحصـیل می تواننـد به قم بیاینـد.

داوطلبان بایستی یک دوره‌ء ده ساله را که در ده پایه تنظیم شـده , بگذرانند و آخر هر سال امتحان دهندو قبول شوند تا بتوانند به دوره‌ء بعد راه یابند.

پس از دوره‌ء ده ساله می توانند یکی از رشـته های تخصصی فقه , اصول , تفسیر,کلام , فلسفه و یا تبلیغ ادامه تحصیل دهند و به تدریس , تألیف و یا تبلیغ بپردازند یادر اُرگان ها استخدام شوند. مراکز فرعی موجود در کنار حوزه , مانند دانشگاه رضوی , دانشـگاه مفیـد, دانشـکده‌ء بـاقر العلوم و مؤسـسه‌ء امـام خمینی (ره), قبـل از اتمام دوره‌ء ده ساله از میان طلب واجـد شـرایط گزینش می کنند. برای اطلاع بیش تر باروابط عمومی شورای مدیریت حوزه‌ء علمیه‌ء قم تماس بگیرید و یا مکاتبه فرمایید.

دوست دارم وارد حوزه شوم . راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم , بیان کنید.

پرسش

دوست دارم وارد حوزه شوم . راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم , بیان کنید.

پاسخ

عشق و علاقه‌ء شـما به دروس حوزوی , در خور تقدیر است و چون مشـغول تحصـیل در دانشـگاه هستید و رشـته‌ء درسی شما علوم تربیتی و مـدیریت وبرنامه ریزی آموزشـی است , و با درس های حوزه مناسـبت دارد, می توانیـد در کناردرسـتان دروس حوزوی را بخوانید. برای این کار, می توانید از نوارهای درسـی حوزه اسـتفاده کنید و یا با چند نفر از خواهران , نزد استادی , دروس را فرا بگیرید ومباحثه کنید. هدف از خواندن دروس حوزوی , تهذیب نفس و تربیت و هدایت دیگران است . شـما در هر رشـته ای که تحصـیل کنیـد, این کار را انجام دهیـد و بانصـیحت و تربیت دیگران , به این هدف عالی برسـید. دانشـگاه ها احتیاج به وجودامثال شما دارد.

بنده طلبه ای هستم که پدرم نابینا و زمین گیر شده و خانواده‌ء ما شش نفری است و مقدار زیادی مقروض هستیم . اگر مقدرتان است ما را کمک کنید.

پرسش

بنـده طلبه ای هسـتم که پـدرم نابینـا و زمین گیر شـده و خـانواده‌ء مـا شـش نفری است و مقـدار زیـادی مقروض هسـتیم . اگر مقدرتان است ما را کمک کنید.

پاسخ

این واحـد فقط پاسـخ گوی سؤال های علمی و مـذهبی می باشد و بودجه ای جهت برطرف کردن کمبودهای اقتصادی ندارد. از شـما معـذرت می خواهیم , ولی طیّ نـامه هـایی به کمیتهء امـداد و امـام جمعه محترم شـهرتان ,از آنان درخواست و نامه را ضمیمه نموده ایم . اگر مایل باشید, با پست بفرستید یا حضوراً ببرید.

دارای لیسانس معارف اسـلامی و مشتاق هستم در زمینهء تفسیر و معانی قرآن مجید ادامهء تحصیل بدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت غیر حضوری و مکاتبه ای بتوانم ادامهء تحصیل بدهم ؟

پرسش

دارای لیسانس معارف اسـلامی و مشتاق هسـتم در زمینهء تفسیر و معانی قرآن مجیـد ادامهء تحصـیل بـدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت غیر حضوری و مکاتبه ای بتوانم ادامهء تحصیل بدهم ؟

پاسخ

برگهء جامعه الزهرا۳را ارسال می کنیم . با آن جا تماس بگیرید و از چگونگی ادامهء تحصیل جویاشوید. اگر با ادبیات عرب , یعنی صـرف و نحو و فصـاحت و بلاـغت و لغت , آشـنایی داشته باشـید, بسـیاری از مشـکلات ادامهء تحصـیل حـلّ می شود. بنـابراین علم صـرف و نحو و فصـاحت و بلاغت را که در دانشگاه خوانـده ایـد, با دقت بیش تری مطالعه کنیـد, به طوری که بتوانیـد آن هـا را تـدریس کنیـد و کتاب جامع المقـدمات و سـیوطی و مغنی اللبیب راتهیّه و مطالعه کنیـد. ان شاءالله در زمینهء تفسیر و معارف اسلامی , آشنایی بیش تری کسب کنید.

با تلفن مستقیم مسئول واحد ۷۴۳۱۸۳برای راهنمایی تماس بگیرید.

علاقه زیادی به شـهر قم و اقامت در آن دارم , تنها راه رسـیدن به آن را حوزهء علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام , ولی ذخیره قبول شده ام اگر در حوزه علمیه قم قبول نشوم راه چاره ای برای مقصود من هست ؟

پرسش

علاـقه زیـادی به شـهر قم و اقامت در آن دارم , تنها راه رسـیدن به آن را حوزهء علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام , ولی ذخیره قبول شده ام اگر در حوزه علمیه قم قبول نشوم راه چاره ای برای مقصود من هست ؟

پاسخ

علاقه شـما به شهر مقدس قم قابل تحسین است و عشق شما را نسبت به خاندان عصمت و طهارت نشان می دهد, اما این علاقه

نباید انگیزه تحصیل در حوزه علمیه قم باشد, تحصیل در حوزه که به مدت طولانی انجام می شود تنها به انگیزه عاطفی تداوم نمی یابد, چون احساسات و عواطف کم و یا زیاد می شود و چه بسا پس از مدتی کم فروغ می گردد و اثر خود را از دست می دهد. تحصیل در حوزه نیاز به پشتوانه ای قوی تر دارد; یعنی با قصد قربت و احساس نیاز به فراگیری علوم دینی و با توجه به شرایط زمانی و مکانی و در نظر گرفتن استعداد و ذوق و سلیقه باید انتخاب رشته تحصیلی صورت گیرد.

بر این اساس , لازم است شناخت خود را نسبت به دروس حوزه و ویژگی های آن بیش تر کنید تا با بصیرت کامل وارد حوزه شوید در این صورت هرگز به شک و تردید نخواهید افتاد, اما در مورد ذخیره بودن باید عرض کنیم که طبق ضوابط قانونی برای ورود در حوزه علمیه قم حداقل معدل ۱۷لازم است . امیدواریم جزء پذیرفته شدگان حوزه باشید, ولی تنها به حوزه علمیه قم بسنده نکنید شهرهای هم جوار نیز برای تحصیل مناسب است و چه بسا برای

سال های اول شهرستان ها مفیـدتر باشد, در این صورت رفت و آمد به قم نیز میسر است . بنابراین , می توانید به حوزه علمیه شهرتان بروید و پس از طی مقدمات به قم تشریف بیاورید.

برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟

پرسش

برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟

پاسخ

منظور از تفقه , فراگیری معارف و احکام اسـلام , اعم از اصول و فروع است که قرآن مجید آن را برای گروهی از مسلمانان , واجب کفایی می دانـد: .(۱) بر این اساس لازم است در هر عصـری افرادی در تحصـیلِ رشـتهء فقه ممحض باشند, تا با اجتهاد بتواننـد مسائـل مورد ابتلای مردم را پاسـخ گوینـد. رسـیدن به این مقصود که در حقیقت رسـیدن به تخصـص و مهارت خاص است احتیـاج به تحصـیل در رشـته هـای مختلف , همچون ادبیـات عرب , منطق , فقه و اصول در سـال هـای متمادی دارد, که امروزه در حوزه های علمیه رائج است . مرتبهء نازل تر از آن که برای عموم لازم است , آشـنایی با احکام و معارف اسـلامی , یعنی تقلیـد از مجتهـد در احکـام شـرعی و فروع دین و تحقیـق و تفحص در اصـول دین می باشـد. از این رو فقهـافرموده انـد: عقیـدهء مسـلمان به اصول دین بایـد مجتهـد باشـد که بتوانـد احکام را از روی دلیل به دست آورد یا از مجتهدتقلیـد کند و به دستور او رفتار نماید.(۲) در جـای دیگر فرموده انـد: مسائلی را که انسان غالباً به آن ها احتیاج داردواجب است یاد بگیرد.(۳) راه تحقیق در اصول برای همگان باز است و هر کس به مقتضای دانش و تمکن خود

می تواند با مطالعهء کتب و نشریات , به تحقیق بپردازد.

خوشـبختانه معارف قرآن و تفسـیر آن و عقایـد اسـلامی , در سـطوح مختلف از طرف صاحب نظران تبیین شـده است . در این راستا, مطالعهء کتب شهید مطهری , آیت اللّه

سبحانی , آیت اللّه مکارم و علامه طباطبایی , از جمله تفسیرالمیزان و تفسیر نمونه توصیه می شود.

(پاورقی ۱.توبه (۹ آیهء ۱۲۲

,(پاورقی ۲.توضیح المسائل امام خمینی , مسئله ۱

(پاورقی ۳.همان , مسئله ۱۱

چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟

پرسش

چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟

پاسخ

پس از سلام از ابراز لطف و محبت شما نسبت به واحد پاسخ به سؤالات بسیار متشکریم . گریه شوق جناب عالی از قلب پاک و دین باوری و کثرت مجبت و علاقه شما به ترویج ارزش های الهی است .

امیدواریم بتوانیم وظیفهء خود را دراین راستا انجام دهیم . برای شما در همهء زمینه ها به ویژه تربیت جوانان ونوجوانان آرزوی موفقیت داریم .

برای اطلاع سرکار عالی باید بگوییم افرادی که در این واحد به پاسخ گویی مشغولند همگی از فضلای حوزه ءعلمیهء قم و روحانی هستند که بیش از بیست سال تحصیل علوم دینی و مطالعات مذهبی داشته و برخی علاوه بر آن از تحصیلات جدید برخوردار و به تدریس در دانشگاه های کشور نیز اشتغال دارند و برخی دارای تألیفات نیزهستند. بعضی افراد این واحد زندان های ستم شاهی را نیز گذرانیده و از کوله باری از تجربه و برخورد فکری وفرهنگی با گروه های مختلف نیز برخوردارند.

جامعه الزهرا که مرکز اصلی تحصیل علوم دینی خواهران است برنامه های تمام وقت , غیر حضوری , نیمه وقت وپاره وقت دارد.

می توانید از طریق شرکت در آزمون در یکی از این مقاطع طبق ضوابط شرکت کنید.

برای اطلاع بیشتر سرکار عالی فرم مخصوص را ضمیمه می کنیم . با مطالعه و تماس مستقیم با آن مرکز در جریان امر قرار خواهید گرفت .

دوست عزیز! نامهء شما رسید. در نامه خود به نکات فراوانی اشاره نموده بودید; گاه انتقاداتی پسندیده داشتید و گاه پیشنهاداتی مفید.

در عین حال نقدی که شـــما از وضعیت موجود جوانان , جامعه و روحانیت داشتید بیش از سایر موضوعات مطروحه به چشم می آمد, لذا ناچاریم اندکی

پرسش

دوست عزیز! نـامهء شـما رسـید. در نـامه خـود به نکـات فراوانی اشـاره نمـوده بودیـد; گـاه انتقـاداتی پسـندیده داشتیـد و گـاه پیشنهاداتی مفید. در عین حال نقدی که شما از وضعیت موجود جوانان , جامعه و روحانیت داشتید بیش از سایر

موضوعات مطروحه به چشم می آمد, لذا ناچاریم اندکی دربارهء مباحث مذکور به گفت گوبپردازیم .

در بخشی از نامهء شما چنین آمده است : .

بعد ادامه داده اید: آن گاه دین گریزی و نماز نخوانی مردم را به نسبت داده اید و گناه هر فسادی که جوانان انجام دهند را به گردن آن هایی که به اسم اسلام به دین خیانت می کنند انداخته اید؟

پاسخ

این گوشه و بخشی از نامه جناب عالی بود, البته آوردن این قطعات به خاطر این نبود که نامه شما ما را ناراحت کرده , بلکه اولاً به این دلیل بود که اگر احیانا نسخه ای از نامه خود را نگه نداشته اید یا به علت طول کشیدن جواب نامه , مقداری از آن را فراموش کرده اید یادآوری و ثانیاً معلوم شود که نامه این واحد به کدام قسمت های نامهء شماپاسخ می دهد.

برادر عزیز دربارهء اشتباهاتی که بعضی از آقایان ملبّس به لباس روحانیت در بعض شهرها و روستاها و... انجام می دهند یا انجام داده اند, ما نیز با شما موافقیم و اصولاً هیچ روحانی منصفی نیست که این واقعیت را قبول نداشته باشد, اما این که بگوییم همه چنین و چنانند کار ساده ای نیست این یک نوع کذب و افترا است نباید همهء روحانیت به یک چوب رانده شود.

علت این اشتباهات هم واضح است ; زیرا هیچ روحانی یا طلبه ای معصوم نیست و غیر معصوم جایز الخطا است (مثل پزشک ها, مهندس ها و سایر مردم دیگر) روحانی نیز مثل مردم دیگر است و هیچ فرقی با آن ها ندارد, این که شما فکر

کنید چون مردم , روحانی را نماینده پیامبر و خدا می دانند و هرگز نباید اشتباه کند, خود تفکر اشتباهی است .از سوی دیگر روحانیون هم باید بسیار مراقبت کنند تا اشتباهی مرتکب نشوند; زیرا اشتباه آنان به هر دلیل معقول یاغیر معقول , متأسفانه به اسلام ضربه می زند.

ما امیدواریم فرهنگ این کشور این قدر رشد کند که اشتباه یک روحانی به پای اسلام و جامعه مسلمانان نوشته نشود و خبط یک نفر یا یک گروه ظاهر الصلاح , سبب تخطئه یک شجره طیبه و یک تفکر ناب نگردد. به همین دلیل ,شما هم گمان نکنید که حالا ـ هر کس در حوزهء علمیه است به اسم اسلام دارد نان می خورد و یا این که دنبال هوا وهوس خودش است و کاری به مردم ندارد. اما در مورد این که هر طلبه ای یا به قول شما آخوندی ۴ ۵تا زند صیغه می کند. حکایت کرده اند که روزی جوانی در یکی از خیابان ها فریاد می کشید که ای مردم من زنا کرده ام ؟! از اوپرسیدند که چرا به خودت فعل زنا را نسبت می دهی ؟ گفت : زنی صیغه کردم ! مردم فهمیدند آبرویم را بردند, بگذاربگویم زنا کرده ام شاید دست از سرم بردارند!؟ حال سؤال ما این است که اگر یک آدم روحانی یا غیر روحانی , زنی را صیغه کند, گناه کرده یا کارخلافی مرتکب شده که از آن به این شکل گفت گو می شود؟ یا شاید فکر می کنید که باب صیغه , بابی است که تنها به روی روحانیت باز است و بر دیگران

بسته شده ؟ متأسفانه عده زیادی از مردم از ازدواج موقت پرهیز می کنند و تا می شنوند که کسی چنین کاری کرده چشمشان گشاد می شود! حال آن که در برابر انواع واقسام فسادها و اعمال حرام اگر ازدواج موقت به صورت شایسته ای انجام می گرفت چنین فساد و تباهی مخفی وآشکاری به وجود نمی آید و مشکل جنسی نسل جوان حل می شد.

امام علی ۷فرمودند: اگر عمر عقد موقت را حرام نکرده بود, هیچ کس زنا نمی کرد مگر این که شقی و ظالم باشد.

بدین ترتیب , می بینید که عقد موقت یکی از زیباترین و کارسازترین دستورات اجتماعی اسلام است . متأسفانه فرهنگِ بی فرهنگی در جامعه ما جوّی ایجاد کرده که کسی که عقد موقت می کند از کسی که خلاف می کند, بیش ترمورد سرزنش و تحقیر قرار می گیرد و بیش تر رسوا می شود. امیدواریم که روزی این فرهنگ غلط هم به فرهنگی اسلامی بدل گردد و ارزش ها مقام واقعی خود را به دست آورند.

بنابراین , برادر گرامی : اولاً ـ هر روحانی و طلبه ای دارای همسر موقت نیست و بر فرض هم که بعضی ها به صورت موقت همسر اختیار کرده باشند. گناه نکرده اند و شاید اگر چنین نمی کردند به گناه و فسادی می افتادند.

با این حال قبول داریم که این نوع ازدواج ها نباید به صورتی در بیاید که در مردم ایجاد حساسیت و تنش نماید واین گمان پیش بیاید که پای هوا و هوس در کار است ! از این بحث بگذریم .

نکته جالب دیگری را مطرح کرده بودید

که از طرفی هم درست است و هم غلط. این دوگانگی از آن جا حاصل می شود که از یک سخن , چندین برداشت درست یا غلط می تواند کرد. سخن کسانی که می گویند: . این کلام به واقع کلام صحیحی است ; زیرا منظور از تقویت ارزش های اسلامی فقط توصیه به نماز خواندن و روزه گرفتن نیست , بلکه سبک گرفتن مهریه برای دختران , اشکال تراشی های بیهوده , رایج شدن ازدواج موقت و روابط مشروع در جامعه , ازدواج در سنین پایین تر و چیزهایی از این قبیل , همگی در زمره فرهنگ و ارزش های اسلامی هستند که به واقع اگر تقویت شوند, بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه حل می گردد و تهاجم فرهنگی روندی قابل کنترل را طی خواهد کرد. البته فراهم ساختن زمینهء کار و فعالیت هم لازم است و شیوه های خاصی را باید در نظر گرفت و تنها به سخنرانی و موعظه اکتفا ننمود.

مطلب آخر هم این که , قصد ما از پاسخگویی به سؤالات شما عزیزان , فقط مجاب کردن شما به هر وسیلهء ممکن نیست . باید در نظر داشته باشید که ما از شما اطلاعاتی نداریم و با روحیات شما آشنا نیستیم , فقط نامهء شما در دست ما است که تا حدودی از صدر و ذیل آن باید پی به اصل مشکل یا سؤال شما ببریم و سعی کنیم جوابی در خورشان به آن بدهیم . توقع این را هم نداریم که هر چه ما می نویسیم مورد پسند و قبول واقع شود. به هر صورت , اگر سرکار عالی را

به ازدواج دعوت نموده ایم , جهت دلگرمی بیشتر شما به این امر بوده نه چیز دیگر و هم اکنون بر این باوریم وقتی شرایط ازدواج دایم فراهم نشد ازدواج موقت ضرورت پیدا می کند, ولی متأسفانه فرهنگ رفتاری جامعه به صورتی است که دولت هم نمی تواند اقدام عملی بکند. البته باید گفت این گونه نیست که به مجرد ارتباط دختر و پسر, آن ها رادستگیر و شکنجه نمایند. در این زمینه شاید تندروی وجود داشته , اما بنای دولت و نظام اسلامی جلوگیری از فسادو فحشا است و امیدواریم در این مسیر با همکاری مردم موفق شوند.

هم اکنون رئیس جمهور محترم که بحق درد جوانان را می داند و در صدد رفع آن ها است , ولی نمی تواند به آسانی برطرف نماید; زیرا مشکلات خیلی زیاد و امکانات بسیار کم است . اگر حضرت عالی برای حل مشکلا جوانان طرحی و پیشنهادی دارید ما می توانیم به مجلس و دفتر رئیس جمهور برسانیم حرف و انتقاد از این و آن , طرح معقولی نیست , ما سؤال می کنیم اگر جناب عالی رئیس جمهور بودید چه می کردید؟

لطفاً پاسخ ما را بنویسید؟ شما در رابطه با تهاجم فرهنگی چه طرحی دارید؟ در ارتباط با حل مشکلات اقتصادی چه برنامه ای دارید؟ منتظر مکاتبات بعدی شما هستیم . ما برای شما آرزوی بهروزی و سعادت داریم و هرکجا که هستید خداوند یار و پشتیبان شما باد.

آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزهء علمیهء قم وجود دارد؟ لطفاً از کمّ و کیف آن مرا مطلع کنید.

پرسش

آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزهء علمیهء قم وجود دارد؟ لطفاً از کمّ و کیف آن مرا مطلع کنید.

پاسخ

تحصیل غیر حضوری در حوزهء علمیه شاهد غیر ممکن باشد. بهتر است دروس حوزوی را نزدروحانی که در شهرتان است , بخوانید یا اگر حوزه ای در آن جا است , با مراجعه به آن جا از کم و کیف مسئله جویاشوید, چون فعلاً بیش تر حوزه های شهرستان ها با قم هماهنگ و زیر نظر شورای مدیریت حوزهء علمیهء قم هستند.

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۴۰۹۶۶ ۷۴۰۹۷۱شورای مدیریت حوزهء علمیهء قم تماس بگیرید.

در صورت امکان چگونگی راه یافتنب ه حوزهء علمیّه خواهران را برایم ارسال فرمایید؟

پرسش

در صورت امکان چگونگی راه یافتنب ه حوزهء علمیّه خواهران را برایم ارسال فرمایید؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از این که با ما مکاتبه کرده و مسائل خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گذاریم .

فرم شرایط پذیرش حوزهء علمیهء خواهران , به خدمت ارسال می گردد امیدواریم با مطالعهء آن مشکلتان رفع شود.

آیا فارغ التحصیلان جامعهالزهرا استخدام می شوند؟

پرسش

آیا فارغ التحصیلان جامعهالزهرا استخدام می شوند؟

پاسخ

فرم عضویت جامعه الزهرا, خدمت شما ارسال می شود می تانید با شمارهء تلفن جامعه الزهرا تماس گرفته و از جزئیات مسئله بیشتر مطلع شوید. شماره تلفن جامعه الزهرا ۹۲۵۱۱۱می باشد.

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پرسش

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پاسخ

برادر عزیز! امیدواریم به هدف مقدسی که به آن می اندیشید, برسید. قرآن می فرماید: .

(پاورقی ۱.نجم (۵۳ آیه ۳۹

انسان کوشا, کسی که در زندگی سعی و جدیت به کار می برد, هر چند هدفی دور و دراز و به خیال بعضی نا ممکن داشته باشد, اما به آن خواهد رسید.

البته افرادی متقاضی ثبت نام و ورود به حوزهء مقدّسهء دینی می شوند, باید دارای شرایط خاصی باشند. برگه ءشرایط ثبت نام حوزهء علمیه ارسال می شود. اگر نیاز دارید می توانید با شماره های ۷۴۰۹۷ ۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱قم مرکز مدیریت حوزهء علمیه

تماس گرفته و از نحوهء ثبت نام افراد متقاضی مستقیماً مطلع شوید. اما شخصی که واردحوزهء علمیهء می شود, خوب است در هدفش خداو خدمت به مردم و تبلیغ احکام دین را در نظر داشته باشد.

طلبه حوزهء علمیه با دو بال تقوا و علم الگوی راهنمایی و هدایت جامعه خواهد شد. زندگی طلبگی زندگی راحتی از نظر مادی نیست , اگرچه حق هر طلبه ای داشتن حداقل مزایای زندگی است , ولی دنیاطلبی و مال پرستی ومقام خواهی , از روح و شأن طلبه , به دور است . طلبه وارد حجرهء امام زمان ۷می شود, در حالی که بر سر سفره ءحضرت می نشیند. از آن پس باید به ریاضت های خاصی دست بزند و خود را متخلق به اخلاق حسنه و دینی کند تااگر مردم امروزش را با دیروزش مقایسه کردند, تأثیر تربیت اسلامی و دینی را در حرکات او مشاهده کنند و او راالگوی خود

قرار دهند. امیدواریم که خداوند شما را در زندگی موفق کند.والسلام

مساجد

از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟

پرسش

از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟

پاسخ

مطابق قرآن ساختن و آباد کردن مسجد کارِ کسی است که ایمان کامل داشته باشد؛ "إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَـٰجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَوٰةَ وَءَاتَى الزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰٓ أُوْلَـٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه ۱۸) مساجد الهی را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز بپا دارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد، امید است چنین گروهی از هدایت یافته گان باشند."

به حکم این آیه برای اینکه مسجد منسوب به خدا باشد و رنگ خدایی داشته باشد پنج شرط لازم است در غیر این صورت معلوم نیست خدا چنین مسجدی را قبول کند. و آن پنج شرط عبارتند از:

ایمان به خدا، ایمان به روز رستاخیز، برپا داشتن نماز، دادن زکات و تنها از خدا ترسیدن

درباره اهمیّت بنای مسجد احادیث فراوانی داریم

در روایتی از پیامبر۶ می خوانیم که آن حضرت فرمود: "کسی که مسجدی بنا کند هر چند به اندازه لانه مرغی بوده باشد، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا خواهد کرد.(وسائل الشیعه شیخ حر عاملی ج ۵، ص ۲۰۴، مؤسسه آل البیت / ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۱۳۳۱۹، دارالکتب الاسلامیه)

اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا کنند. آیا بانیان این مسجد از نظر قرآن در آخرت اجر و پاداش نیک دارند یا خیر؟

پرسش

اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا کنند. آیا بانیان این مسجد از نظر قرآن در آخرت اجر و پاداش نیک دارند یا خیر؟

پاسخ

اصل رقابت در امور خیر مورد سفارش و توصیه قرآن است خداوند می فرماید: "فَاسْتَبِقُواْ الْخَیْرَ ت (مائده ۴۸) در کارهای نیك از یکدیگر سبقت بگیرید" و هیچ منعی نیز وجود ندارد که اگر روستایی مسجدی وجود دارد دیگران همانجا مسجد جدیدی بسازند، ولکن باید ساختن مسجد در صورت نیاز باشد و هدف تقرب به خدا باشد تا صدق ِ کارِ خیر به آن بشود، نه این که مسجد را برای تفرقه و اختلاف بنا کنند، همانند مسجد ضرار. معیار سنجش اعمال در دستگاه عدل الهی نیت و اهداف انسان است و اگر بانی مسجد به هدف چشم و هم چشمی و یا سایر نیت های دنیوی آن را بسازد، علاوه بر اینکه از ثواب اولیه هنگام ساخت ِ آن محروم است بعداً نیز خدا کار او را رشد و پرورش نمی دهد و برای او باقیات الصالحات نخواهد شد، مثلاً مسجد وی محل جمع شدن دشمنان خدا و انجام توطئه و... خواهد شد، قضیه "مسجد ضرار" نمونه ای از این مورد است "لَا تَقُم فِیهِ ِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّس َعَلَی التَّقْوَی ِمِن أَوَّل ِیَوْم ٍ أَحَق ُّأَن تَقُوم (توبه ۱۰۷و۱۰۸)، خداوند به پیامبرش می فرماید که در این گونه مساجد اصولاً نرو نماز نخوان و مسجدی که از روز اوّل بر پایه پرهیزکاری بنا شده است سزاوار اینست که محل قیام و عبادت باشد.

آبادانی مساجد به چیست

پرسش

آبادانی مساجد به چیست

پاسخ

خداوند متعال در سوره توبه از آبادی مساجد و اشخاصی که شایستگی این کار را دارند، می فرماید: "مَا کَان َلِلْمُشْرِکِین َأَن یَعْمُرُواْ مَسَجِدَ اللَّه ِ شَهِدِین َعَلَی َّأَنفُسِهِم بِالْکُفْرِ أُوْلَئ کَ حَبِطَت أَعْمَلُهُم وَفِی النَّارِ هُم خَلِدُون إِنَّمَا یَعْمُرُ مَسَجِدَ اللَّه ِ مَن ءَامَن َبِاللَّه ِ وَالْیَوْم ِ الأَخِرِ وَأَقَام َالصَّلَوه َوَءَاتَی الزَّکَوه َوَلَم یَخْش َإِلاّ اللَّه (توبه ۱۷و۱۸) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند. آن ها اعمال شان نابود [و بی ارزش شده و در آتش جاودانه خواهند ماند. مساجد الهی را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را به پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد."

از جمله مسائلی که در صدر اسلام بعد از لغو پیمان مشرکان و حکم جهاد با آنان ممکن بود برای بعضی مطرح گردد، این بود که چرا ما این گروه عظیم یعنی مشرکان را از خود برانیم و اجازه ندهیم به مسجد الحرام برای مراسم حج قدم بگذارند، در حالی که شرکت آنان در این مراسم از هر نظر، مایه آبادی مسجد است هم آبادی ساختمان مسجد از راه کمک های مهمی که آن ها به این امر می کردند و هم آبادی معنوی از نظر افزایش جمعیّت در اطراف خانه خدا! به همین سبب آیات

فوق نازل شـد و به این گونه افکار واهی و بی اساس پاسـخ گفت در این که آیا آباد ساختن مساجد به معنای آبادی ساختمان آن است

یـا بـه معنـای اجتمـاع وشـرکت در آن بین مفسـران اختلاـف است و برخی آنـان تنهـا یکی از دو قسـمت را در تفسـیر "عمران مساجد" در آیه فوق انتخاب کرده اند، در حالی که مفهوم این کلمه یک مفهوم وسـیع است و شامل هر نوع آبادانی می شود. مشـرکان و بت پرستان نه حق شرکت در مساجد را دارند، و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن ها را، زیرا بر اساس آیات شریفه قرآن همه این امور بایـد به دست مسـلمانان انجام شود; حتّی از آیات فوق اسـتفاده می شود که مسـلمانان نباید هدایا و کمک های مشـرکان بلکه تمام فرق غیر اسـلامی را برای ساختمان مساجد خود بپذیرند، زیرا آیه نخست گرچه تنها سخن از مشرکان می گوید، ولی آیه دوم که با کلمه "انّما"]=فقط[شروع شده آبادی مساجد را در مسلمانان منحصر می سازد.

از این جا روشن می شود که متولیان و پاسـداران مساجـد نیز باید از میان پاک ترین افراد انتخاب شوند، نه این که افراد ناپاک و آلوده به خـاطر مـال و ثروت شـان و یـا به خـاطر مقـام و نفوذشـان بر این مراکز عبادت گمارده شونـد. امروز آن چه بیش تر اهمیّت دارد، آبـادی معنوی مساجـد است و به تعبیر دیگر، بیش از آن چه به سـاختن مساجـد اهمیّت می دهیم بایـد به سـاختن افرادی که اهـل مسـجد و پاسـداران مسجد و حافظان آن هسـتند، اهمیّت بـدهیم مسـجد بایـد کانونی برای هر گونه حرکت و جنبش سازنـده اسـلامی در همه زمینه ها باشد; مانند آگاهی و بیداری مردم پاک سازی محیط و آماده ساختن مسـلمانان برای دفاع

از میراث های اسلام و غیره (ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ص ۳۱۴۳۱۸، نشر دارالکتب الاسلامیه)

در محل گنبد سبزه اردستان حسینه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود, لذا احتیاج مبرم به قرآن و مفاتیح و مقداری کتاب های مفید برای جوانان و نوجوانان داریم لطفا مارا یاری کنید.

پرسش

در محل گنبد سبزه اردستان حسینه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود, لذا احتیاج مبرم به قرآن و مفاتیح و مقداری کتاب های مفید برای جوانان و نوجوانان داریم لطفا مارا یاری کنید.

پاسخ

هیئت امنای محترم حسینیه گنبد سز! نامه آن هیئت محترم واصل شد. از شما دست اندرکاران این حسینیه که دلسوز جوانان و نوجوانان هستید متشکریم .

متاسفانه واحد پاسخ به سؤالات توان مالی برای چنین کارهای خیری را ندارد, اما شما عزیزان را راهنمایی می کنیم که به نحو مطلوبی این کار صورت گیرد. انشاء الله در ماه محرم که مجلس عزای امام حسین ۷بر پامی شود از روحانی محترمتان درخواست کنید با سازمان تبلیغات اسلامی اردستان و یا امام جمعه محترم آن شهرستان در این باره مذاکره کند. و در ضمن نامه ای از هیئت امنا به ایشان داده شود تا با موسسه نشر الهادی درقم هماهنگی لازم برای دریافت قرآن به عمل آورد و نیز کمک های لازم را دریافت دارد. البته همراهی شماعزیزان در این باب کمک خوبی خواهد بود.

اولین مسجدی که درایران ساخته شد، چه نام دارد؟

پرسش

اولین مسجدی که درایران ساخته شد، چه نام دارد؟

پاسخ

با تحقیقاتی که انجام شد، به تاریخ اولین مسجدی که در ایران ساخته شد دست نیافتیم دست یابی به پیشینه اولین مسجد در ایران مستلزم آن است که تمام مساجدی که در ایران ساخته شده اند، شناخته شود. این کار مشکل و حتی غیر مقدور است؛ زیرا ممکن است برخی از مساجد که از اولین مساجد ایران محسوب می شوند ، از بین رفته و مورّخان و جغرافی دانان بدان ها دست نیافته باشند. شاید بر همین اساس،کسانی که در صدد جمع آوری اطلاعات درباره اولین مسجد در ایران بوده اند، بدان

اشاره نکرده اند.

برخی در هنگام بیان وضع مساجد درایران، از بعضی مساجد به عنوان قدیمی ترین مساجد یاد کرده اند که عبارتند از :

۱- مسجد خلیفه مهدی در ری، نزدیک تهران که پیشینه آن به پایان قرن دوم هجری بر می گردد از مسجد فقط پایه اش بر جای مانده است.

۲- مسجد تاری خانه در دامغان که قدمت آن به قرن سوم هجری بر می گردد.

۳- مسجد جامع نائین که مربوط به قرن چهارم هجری است.

۴- مسجد دماوند که تاریخ آن به قرن پنجم هجری قمری بر می گردد.(۱)

پی نوشت ها :

۱ - لغت نامه دهخدا، ج۴۴، ص ۳۸۵.

قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟

پرسش

قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟

پاسخ

۱. از آن جا که مساجد پایگاه های ترویج اسلام است دشمنان اسلام همواره از مسجد می ترسند و در صدد نابودی یا بستن درب مساجد هستند; می فرماید: "وَمَن اَظلَم ُمِمَّن مَنَع َمَسَجِدَ اللّه ِاَن یُذکَرَ فیهَا اسمُه ُوسَعی َفی خَرابِها... لَهُم فِی الدُّنیا خِزی ٌ ولَهُم فِی الأَخِرَه ِعَذاب ٌعَظیم (بقره ۱۱۴) کیست ستم کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟!... بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در آخرت عذاب عظیم (الهی ." صرف نظر از شأن نزول آیه و با توجه به مفهوم وسیع آن که محدود به زمان و مکان معینی نیست می توان گفت هر کس و یا هر گروهی به نوعی در تخریب مساجد الهی بکوشد و یا مانع از آن شود که نام خدا و عبادت او در آنجا انجام گیرد، مشمول همان رسوایی و عذاب عظیم الهی خواهد شد. توجه به این نکته نیز لازم است که جلوگیری از ذکر پرودگار و کوشش در تخریب مساجد، هر عملی است که نتیجه آن تخریب مساجد و از رونق افتادن آن باشد که قطع ارتباط با مسجد نیز یکی از مصادیق آن اعمال است که باعث غافل شدن از یاد خدا می گردد و ثمره ای جز سوق افراد به بی دینی نخواهد داشت و زیان این عمل از هر کاری بیشتر است و از همین رو خداوند چنان اشخاصی را ظالم ترین فرد می شمرد.(تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و

دیگران ج ۱، ص ۴۱۸، دارالکتب الاسلامیه)

۲. از آن جا که مساجد، محل ذکر خداست (حج ۴۰)، قطع ارتباط با آن به نوعی اعراض از ذکر خداست که خداوند نسبت به پیامد آن می فرماید: "وَمَن اَعرَض عَن ذِکری فَاِن لَه مَعیشَه ضَنکًا ونَحشُرُه یَوم القِیَمَه اَعمی (طه ۱۲۴) و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم "

۳. در روایات ائمه نیز از قطع ارتباط با مساجد، به خصوص همسایگان آن به شدّت مذّمت شده امام صادق دراین باره می فرمایند: "مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزوجل به آن ها وحی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و همسایه من در بهشت نشوند."(بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج ۸۳، ص ۳۴۸، ح ۱، مؤسسه الوفأ.) و در روایتی دیگر حضرتش یکی از سه چیزی را که در نزد خداوند شکایت می کند مسجدی خرابی بر شمردند که اهالی آن در آن جا نماز نخوانند."(رجوع کنید: میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۵، ح ۸۳۰۷، دارالحدیث / چهل حدیث مسجد، سیدحسین زینالی سازمان تبلیغات اسلامی)

۴. کناره گیری از مسجد، در واقع جدا شدن از مؤمنین را به دنبال دارد و به همین جهت در صدر اسلام عدم حضور در مساجد و جماعات مجازات هایی را در پی داشت که در تاریخ بیان شده

است مثلًا در حدیثی چنین می خوانیم "به امیرالمؤمنین خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی شوند؛ حضرت خطبه ای خوانده و چنین فرمودند: به درستی که گروهی برای نماز در مساجد ما حاضر نمی شوند، پس با ما نه غذا بخورند و نه آب بیاشامند، نه مشورت کنند و نه از ما (زن بگیرند و از غنایم ما چیزی نگیرند تا این که در نماز جماعت با ما حاضر شوند." و در روایتی رسول اکرم کسانی که صدای اذان مسجد را بشنوند ولی در مسجد جهت نماز حاضر نشوند، آنان را به عنوان یهودی امت خویش نام نهاده و دستور دادند که بر این افراد سلام نکنید.(امالی شیخ طوسی ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۷، انتشارات دارالثقافه / به نقل از گفتار علوی محمد باقر یزدانی ص ۸۸، انتشارات آوای نور.)

فواید ارتباط با مسجد چیست

پرسش

فواید ارتباط با مسجد چیست

پاسخ

۱. از آن جا که مسجد عبادتگاه عاشقان حق و تجلی گاه عشق و محبت اوست یکی از مهم ترین فواید ارتباط با این کانون معنوی "ذکر" و یاد خداست می فرماید: "فی بُیوت ٍ اَذِن َاللّه ُاَن تُرفَع َویُذکَرَ فیهَا اسمُه ُیُسَبِّح ُلَه ُفیها بِالغُدُوِّ والاصال (نور، ۳۶) (این چراغ پرفروغ الهی در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)، خانه هایی که نام خدا در آن ها برده می شود و صبح و شام در آن ها تسبیح او می گویند."

۲. خداوند می فرماید: "اِنَّما یَعمُرُ مَسَـجِدَ اللّه ِمَن ءامَن َبِاللّه ِوالیَوم ِالأَخِرِ واَقام َالصَّلوَه َوءاتَی الزَّکوَه َولَم یَخش َاِلاّ اللّه َ؛ (توبه ۱۸) مساجد الهی را تنها کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را بر پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد." با توجه به این که "آباد ساختن مساجد" تنها به معنی ساختمان و تأسیسات آن نیست بلکه مفهوم آن شامل اجتماع و شرکت و ارتباط با مسجد است روشن می شود که ارتباط با این کانون عبادی باعث تقویت ایمان به خدا و ایمان روز رستاخیز شده و باید افزون بر پیوند فرد با خدا به وسیله نماز، باعث پیوندش با خلق خدا به وسیله پرداخت زکات باشد و یکی دیگر از آثارش توحید در ترس از خداست یعنی جز از خدا نترسیدن رجوع کنید: تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۱۶، دارالکتب

الاسلامیه)

۳. یکی دیگر از فواید ارتباط با مسجد، "پاکیزگی روحی و روانی است می فرماید: "آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن (به عبادت بایستی در آن مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد." (توبه ۱۰۸)(رجوع کنید: دو ماهنامه مسجد، سال یازدهم شماره ۶۱، ص ۳۷.)

۴. دیگر از فواید ارتباط با مسجد، "اتّحاد بین مؤمنین است که از مذمّت خداوند متعال نسبت به مسجد ضرار استفاده می شود، می فرماید: "کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان و (تقویت کفر و تفرقه افکنی در میان مؤمنان]و تفریقاً بین المؤمنین ." (توبه ۱۰۷) پس مسجد باید کانون وحدت باشد نه عامل تفرقه

۵. در کلمات نورانی اهل بیت فواید بسیاری برای ارتباط با مسجد داشتن بیان شده در حدیثی از رسول اکرم می خوانیم ملازم مسجد دست کم با یکی از این سه به خانه اش بر می گردد: یا دعایی که به درگاه خدا می کند و خداوند با آن او را به بهشت می برد، یا دعایی می کند که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او بر می گرداند و یا برادری که در راه خدای عزّوجل ّ از وجودش بهره مند می شود."

و در حدیث دیگری از امام علی آمده است "هر که به مسجد رفت و آمد کند به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سودمند، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم و استوار، یا رحمتی منتظره یا سخنی که

او را از هلاـکت برهانـد، یـا شـنیدن جملـه ای که او را به راه راست هـدایت کنـد، یـا آن که گنـاهی را از ترس یـا شـرم ترک گوید."(میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۶، ح ۸۳۱۵ و ۸۳۱۷، دارالحدیث)

البته فضایل و ثواب فراوانی برای رفتن به سوی مسجد و یا نشستن در مسجد، در روایات بیان شده است

۶. هر چنـد بخشـی از عبـادات در اسـلام فردی است ولی روح اسـلام بر جمـاعت اسـتوار است به جا آوردن نمازهای یومیه به جماعت نماز جمعه و حج که بزرگ ترین کنگره جهان اسلام است همه در مسجد برپا می شود. همه پاداش های الهی و آثار معنوی و اجتمـاعی و اخلاـقی تربیتی این نوع عبـادات را می توان از پی آمـدهای مفیـد ارتباط با مسـجد شـمرد.(رجوع کنیـد: پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی ص ۲۰۷، ستاد اقامه نماز.)

"مسجد خانه خداست یعنی چه

پرسش

"مسجد خانه خداست یعنی چه

پاسخ

بی گمان زمین و آسـمان ها و آنچه در آنهاست برای خداست و تنها مالک اصلی اوست](بقره ۱۰۷/ ۱۱۶/ ۲۸۴)؛ (آل عمران ۱۲۹) و...[از طرفی خداونـد، هدف از خلقت را عبودیت بیان کرده و می فرماید: "من جن ّو انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند). (ذاریات ۵۶) از همین رو، محل عبادت خویش (مسجد) را خانه خود معرفی می نمایـد که حاکی از شـرافت و قـداست مساجـد است می فرمایـد: "واَن َّالمَسَـجِدَ لِلّه ِفَلا تَدعوا مَع َاللّه ِاَحَدا؛ (جن ، ۱۸) و این که مساجد از آن خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید." که منظور مکان هایی است که در آن جا برای خـدا سـجده می شود که مصداق اکمل آن مسـجد الحرام و مصداق دیگرش سایر مساجد می باشد.(رجوع کنید: تفسـیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۵، ص ۱۲۴، دارالکتب الاسلامیه)

در روایات اهل بیت به این معنا تصـریح شده و بر طبق حدیثی رسول اکرم ۹ فرموده اند: "در تورات نوشـته شده که خانه های من در روی زمین مسـجدهایند، پس خوشا بنـده ای که در خانه اش خود را پاکیزه کند و سـپس در خانه من به دیدارم بیاید." (میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۰، ح ۸۲۹۲، دارالحدیث)

مسجد چیست؟

پرسش

مسجد چیست؟

پاسخ

زمانی که رسول خـدا«صـلی الله علیه وآله» از مکّه به مدینه هجرت کرد و با اسـتقبال پرشـکوه اهل مدینه رو به رو شد، پیش از هر کار تصـمیم گرفت که برای مسـلمانان مرکزی عمومی به نام «مسـجد» بسازد تا برای انجام مراسم دینی و نماز و یاد خدا در آن جا گرد آیند. البته، مسـجد تنها مرکز پرستش خدا نبود، بلکه تمام معارف و احکام اسلامی در آن جا بیان می شد. تا آغاز قرن چهارم هجری معمولاً مساجـد جز پرستشـگاه خداونـد، جای آموختن نیز بودنـد. حتّی گاهی مسـجد مدینه به صورت یک مرکز ادبی در می آمد و سـخن سـرایان بزرگ عرب، که سـروده هایشان ارزشـهای اخلاقی و روش تربیتی اسلام سازگار بود، اشـعار خود را در مسـجد می خواندنـد. امور قضـایی و پرداختن به خصومـات و اجرای حـدود و به کیفر رسانیـدن بزهکاران و جنایتکاران نیز در مسجد انجام می گرفت و مسجد در آن روزها دادگاهی به تمام معنا بود.

همچنین، رسول خدا«صلی الله علیه وآله» خطابه های آتشین خود را برای گسیل مردم به جهاد مبارزه با کفر و شرک در آن جا ایراد می فرمود. از آن جا که پیشـرفت هر ملّت و گروهی وابسـته به اتّفاق و یگانگی آنان است، اسـلام دسـتور داد که ملمانان نمازهای پنج گانه را در مسـجد به جماعت بخوانند و فقیر و غنی و وضـیع و شـریف و سـیاه و سفید و... همه و همه دوشادوش هم گرد آینـد و در صـفی یگانه بایسـتند تا خودپسـندیها فرو ریزد و دلها به یکـدیگر راه یابنـد و میانشان یگانگی و صـمیمیّت پدید آید و فقیر از فقرش رنج نبرد و سیاه از

سیاهی اش آزرده نشود و همه از حال هم آگاه کردند و به درد دل یکدیگر برسند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می تواند حرام باشد؟

پرسش

منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می تواند حرام باشد؟

پاسخ

این که صفت حرام را برای مسجد به کار برده اند، ممکن است از این روی باشد که حرام از ماده حرمت و احترام است؛ یعنی مسجدی که دارای حرمت و احترام است و ممکن است از این رو باشد که انجام آنچه با احترام مسجد ناسازگار است، در آن مسجد حرام باست، یا کارهایی چون آزار دیگران در آن حرام است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد

پرسش

آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد

پاسخ

در فرهنگ اسلام از مسجد به عنوان «بیت الله یاد شده است (ر.ک وسائل الشیعه ج ۱، ص ۲۶۸) راز این نام گذاری آن است که مردم در این مکان به سوی معبود تقرب جویند و با عبارت خالصانه به سوی او ره بسپارند؛ همان گونه که انسان برای یافتن کسی او را در خانه اش می جوید، برای حضور یافتن در محضر خدا نیز باید به مسجد که خانه او است شتافت از همین رو قرآن کریم کعبه را خانه ای برای مردم به شمار آورده می فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذی ببکه همانا اولین خانه ای که برای مردم بناشد، در مکه است و در آیه دیگر می فرماید:«ان المساجد الله فلاتدعوا مع الله احدا؛ مساجد ازآن خداست پس در کنار خداوند دیگری را نخوانید».

مفسران درباره کلمه مساجد در آیه شریفه چهار معنا ذکر کرده اند. در یکی از معانی مراد از آن مکان عبادت و پرستشگاه

مسلمانان دانسته شده است در حدیثی از امام ششم ع آمده است که ایشان خطاب به یاران خود فرمود: «ملعون ملعون من لم یوقر المسجد؛ ملعون است ملعون است کسی که مسجد را بزرگ نشمارد».

خداوند حق مسجد را بزرگ داشته می فرماید: «مساجد از آن خدا است پس در آن کسی را جز خداوند عبادت نکنید».امام صادق ع می فرمایند: «مساجد نسبت به آن دسته از همسایگان خود که د رآن حاضر نمی شوند، به خدا شکایت کردند،خداوند فرمود: به عزت و جلالم قسم یک رکعت نماز را هم از آنان قبول نخواهم کرد و نیزدر میان

آنـان عـدالتی را از آنـان آشـکارنمی سازم رحمت من شامل آنان نمی شود و در بهشت همسایه من نیسـتند». بنابر این آیات و احـادیث در این زمینه فراوان است که وظیفه سـنگین مسـلمانان را در قبال مساجـد و پرستشـگاهشان گوشـزد می کنـد و از بی اعتنایی به مساجد شدیداً بر حذرمی دارد. (برای اطلاع بیشتر ر.ک سیمای مسجد).

مسجد ضرار به معنای چیست؟

پرسش

مسجد ضرار به معنای چیست؟

پاسخ

ضِرار به معنی زیان رسانیـدن تعمّدی است. و آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه اشاره به ماجرای مسـجد ضرار می کند، که خلاصه آن به شرح زیر است :

در سال نهم هجری گروهی از منافقان که به ظاهر مسـلمان بودنـد، نزد پیامبر? آمدند. و عرض کردند که به ما اجازه دهید که مسـجدی در میان قبیله بنی سالم (نزدیک مسـجدقبا) بسازیم. تا افراد ناتوان و بیمار و پیران از کار افتاده در آن عبادات خود را انجام دهند، و نیز در شبهای بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند، فریضه نماز را آنجا انجام دهند. و این زمانی بود که پیامبر(با گروهی از مسـلمانان عازم جنگ تبوک بودنـد. پیامبر(به آنها اجازه دادند. آنها از پیامبر(تقاضـا کردند که شـخصاً بیایند و در آن مسـجد نماز اقامه کنند. پیامبر(فرمودند : "من عازم سـفرم، هنگامی که بازگشتم، به خواست خدا چنین خواهم کرد. پس از بازگشت پیامبر از تبوک، آنها مجدداً نزد پیامبر (مآمده و تقاضای خود را مبنی بر اقامه نماز در مسـجد آنهـا توسـط پیامبر(تکرار کردنـد. و این هنگامی بود که هنوز پیامبر(وارد دروازه های مـدینه نشـده بود. دراین هنگام فرشته وحی نازل گشت، و آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه را بر پیامبر (وحی کرد، و پرده از اسـرار کار آنها برداشته شد. بدنبال این وحی آسمانی، پیامبر(دستور دادند که مسلمانان مسجد مزبور را آتش بزنند، و بقایای آن را نیز ویران کنند. (۱)

قرآن کریم در این باره می فرماید :

"والذین التخذوا مسجداً ضِراراً و

كفراً و تفريقاً بينَ المؤمنين و اِرصاداً لِمَن حارَبَ اللهَ و رسولَهُ

مِن قبل و لَتَحْلفُنَّ إن ارَدْنا إلا الحسنى و الله يشهدُ إنَّهم لَكاذبون" (۲)

یعنی "کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان(به مسلمانان) و تقویت کفر و تفرقه میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی و خدمت نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند."

"لاـ تَقُمْ فيه ابدا..." یعنی "هرگز در آن قیام (و عبادت) مکن... ." (۳) "لاـ يَزالُ بنيانُهُمُ الـذی بَنَوْا ريبةً فی قلوبهم إلا أن تقطَّع قُلُوبُهُم واللهُ عليم حكيم" (۴)

یعنی " این بنایی را که آنها کردند، همواره به صورت یک وسیله شک و تردید در دلهای آنها باقی می ماند؛ مگر اینکه دلهایشان پاره پاره شود، (و بمیرند، و گرنه از دل آنها بیرون نمی رود). و خداوند دانا و حکیم است."

اما این منافقان چه کسانی بودند؟ قبل از هجرت پیامبر(از مکه به مدینه، فردی بود به نام ابوعامر که از راهبان مسیحی و از عبّاد و زهّاد به شمار می رفت. و در میان قبیله خزرج از نفوذ وسیعی برخوردار بود. هنگامی که پیامبر(به مدینه هجرت کرد، و مسلمانان گرد او را گرفتند، و در جنگ بدر بر مشرکان پیروز شد، ابوعامر که خود روزی از بشارت دهندگان ظهور پیامبراسلام(بود، اطراف خود را خالی دید؛ از اینرو به مبارزه با اسلام برخاست. از مدینه به سوی مشرکان مکه رفت، و برای جنگ با پیامبر از آنهاکمک خواست؛ و حتی در غزوه احد علیه مسلمانان وارد عمل

شـد. پس از جنـگ احـد به سوی فرمانروای روم، هرقل رفت و از او برای مبارزه با پیامبر اسـلام کمک خواست. و از طرفی به هواداران خود در مـدینه نیز نـامه نوشت، که بزودی بـا لشکری از سوی هرقـل به سـمت مـدینه خواهـد آمـد، و لازم است که منافقان مـدینه کانونی را جهت فعالیتهای آتی او در مدینه برای او آماده کنند. هواداران او نیز چون نمی توانسـتند علناً خواسـته خود را تحقق بخشـند، به بهـانه سـاختن مسـجدی برای بیمـاران و پیران، نیّات شوم خود را عملی ساختنـد. اما وحی الهی نازل گشت، و خیانت آنها آشـکار گردید. شاید اینکه پیامبر(قبل از رفتن به تبوك با آنها مخالفت نکرد، بدان جهت بود که وضـع کار آنها روشن تر شود. و از طرفی شاید نمی خواست فضای آرام مدینه در آن اوضاع و احوال دچار تشنج شود.

با توجه به آیاتی که در این باره نازل گشـته، معلوم می گردد که منافقان با این عملشان، در واقع می خواستند مقدمات نابودی پیامبر اسـلام(و دین او را فراهم کنند، در میان صفوف مسلمانان ایجاد تفرقه کنند، و کانونی جهت فعالیتهای ضداسلامی خود فراهم کنند.

داسـتان مسـجد ضِـرار درسی است برای عموم مسلمانان در هر عصر و دورانی، که هرگز نباید ظاهربین و سطحی نگر باشند، و فریب افراد به ظاهر حق به جانب را بخورنـد. و چهره نفاق و منافق در هر رنگ و لباسـی ممکن است ظاهر شود، حتی در لباس طرفداری از قرآن و مسـجد؛ و مخالفین اسلام ممکن است در لباس دین بر ضد دین فعالیت کنند. موضوع اتحاد میان مسلمانان بقدری اهمیت دارد،

که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجدی دیگر موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان گردد، مسجد تفرقه اندار نامقدس است خانه خدا نیست، بلکه کانون شیطان است.

منابع و مآخذ :

۱. تفسیر نمونه، جلد ۸، ص ۱۳۴

۲. سوره مبارکه توبه آیه ۱۰۷

۳. سوره مبارکه توبه آیه ۱۰۸

۴. سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹